

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

۳

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد ۳

مشخصات کتاب

سرشناسه : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰

عنوان و نام پدیدآور : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : [۹۰۱۸] ص.: مصور.

یادداشت : عنوان روی جلد: زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....

یادداشت : کتابنامه: ص. [۹۰۱۸].

عنوان روی جلد : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....

موضوع : سرگذشتنامه -- مجموعه‌ها

رده بندی کنگره : CT۲۰۳ /ف۲۸ و۶۷ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۹۲۰/۰۲

الهیات و معارف اسلامی

ابراهیمی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی ابراهیمی در سال ۱۳۲۴ ، در قزوین به دنیا آمد. در سال ۱۳۴۵ وارد حوزه علمیه قزوین شد و نزد اساتید این حوزه کسب فیض کرد. پس از آن بر اثر فشار حکومت پهلوی به قم مهاجرت کرد و علوم دینی را در این خطه دنبال نمود. حاج سید موسی ابراهیمی در سال ۱۳۵۶ شروع به تدریس نهج البلاغه برای جوانان و نوجوانان و بانوان و طلاب علوم دینی کرد. و پس از آن در سال ۱۳۶۶ در حوزه علمیه صالحیه و شیخ الاسلام و امام صادق ، در سطوح مختلف برای طلاب جوان تدریس داشته است. حجه الاسلام ابراهیمی درکنار تدریس و سمت های متعدد اداری ، مجموعه بزرگی به نام احادیثی که از پیامبر بزرگوار اسلام ، از طریق محدثین و مورخین و علما شیعه نقل شده را مورد تحقیق قرار داده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب : سیدموسی ابراهیمی فرزند سید قدیر . در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید موسی ابراهیمی پس از دوران کودکی و اتمام دروس ابتدایی ، در سال ۱۳۴۵ وارد حوزه علمیه قزوین شد و نزد اساتید این حوزه تلمذ نمود. پس از آن بر اثر فشار حکومت پهلوی به قم مهاجرت نمود و علوم دینی را در این خطه دنبال نمود.

استادان و مربیان : سید موسی ابراهیمی دروس مقدماتی را از محضر علما اعلام شیخ ابراهیم امیری ، آیت الله سیدجلیل زرآبادی و

آیت الله شیخ حسن شالی فراگرفت. سپس دروس مکاسب و رسائل و کفایه را نزد آیت الله شیخ محمد مظفری ، آیت الله حاج شیخ هادی باریک بین و حاج شیخ محمد اویسی کسب فیض نمود. وی مقداری دروس خارج عروه را در قزوین از محضر آیت الله مظفری ، و دروس خارج خمس و ولایت فقیه را نزد آیت الله منتظری و بعضاً از روی نوارهای این استاد فراگرفت.

وقایع میانسالی : سید موسی ابراهیمی در جریان مبارزات سیاسی مردم ایران بر ضد حکومت پهلوی ، حضوری فعال داشته و به همین دلیل تحت تعقیب قرار گرفت و ناچار به شهر قم هجرت نمود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید موسی ابراهیمی از سل ۱۳۵۴ سرپرست مدرسه علمیه صالحیه و بعد سرپرستی مدرسه علمیه شیخ الاسلام را عهده دار بود. از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ در سپاه پاسداران قزوین به عنوان مسئول روابط عمومی و مسئول آموزش انجام وظیفه نموده است. پس از آن در سال ۱۳۶۸ مدیریت حوزه علمیه امام صادق , و سال ۱۳۶۹ مدیریت حوزه علمیه کوثر ویژه خواهران را نیز عهده دار گردید.

فعالیتهای آموزشی : سید موسی ابراهیمی در سال ۱۳۵۶ تدریس نهج البلاغه را برای جوانان و نوجوانان و بانوان و طلاب علوم دینی شروع نمود و در مقاطع مختلف به تدریس پرداخت. او همچنین در سال ۱۳۶۶ در حوزه علمیه صالحیه و شیخ الاسلام و امام صادق ، در سطوح مختلف برای طلاب جوان تدریس داشته است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید موسی ابراهیمی درکنار تدریس ، به نوشتن و تحقیق مجموعه بزرگی به نام احادیثی که از پیامبر بزرگوار اسلام ، از طریق محدثین و مورخین و علما شیعه نقل شده ، به شکل موضوع جمع آوری نموده است. وی همچنین در سطح شهر قزوین در مساجد مختلف ، اقامه نماز جماعت داشته اند. --
----

آثار :

۱ احادیثی که از پیامبر بزرگوار اسلام از طریق محدثین و مورخین و علما شیعه نقل شده

ویژگی اثر : این مجموعه تحقیقی تابه حال به ۹ جلد رسیده است

منابع زندگینامه :

فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم ، ص۱۳

احمدی میانجی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حضرت آیۀا... حاج شیخ علی احمدی میانجی در چهار محرم ۱۳۴۵ قمری (۱۳۰۴ شمسی) در روستای پورسخلو میانه به دینا آمد و در سال ۱۳۵۸ قمری برای تحصیل علوم اسلامی به میانه رفت و تا آخر شرح لمعه را نزد اساتید آن شهر آموخت سپس برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم منتقل و سطوح را نزد مرحوم آیۀا... حاج سید حسین قاضی و مرحوم آیۀا... علامه طباطبائی آموخت و سپس خارج فقه و اصول را از محاضر آیات عظام بروجردی و داماد گلپایگانی استفاضه نمود. ایشان هم اکنون از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم هستند. کتاب"الاسیر فی اسلام"تالیف علی احمدی میانجی ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب : علی احمدی میانجیدوران کودکی و نوجوانی را در چنین محیط خانوادگی، که سرشار از تلاش و کوشش، صفا و صمیمیت و عبودیت و معنویت بود، سپری کرد و در دامن مادری از سلاله رسول اکرم (ص) کاملاً تربیت اسلامی یافت.

خاطرات کودکی : علی احمدی میانجی، مرحوم حضرت آیت اللّه آقا میرزا ابومحمد حجتی، یکی از دوستان صمیمی و قدیمی پدر و از شاگردان حضرت آیت اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در قم به شمار می‌رفت که به تازگی از آن شهر به میانه بازگشته و به جای مرحوم پدرش آیت اللّه آقا میرزا محمد حجتی، رهبری مذهبی مردم میانه را بر عهده گرفته بود.(۳) او با مشورت و هدایت آیت اللّه حائری، تصمیم داشت، حوزه علمیه میانه را که از مدت‌ها پیش به تعطیلی گراییده بود، دوباره فعال کند. لذا ورود این طلبه جوان و پرشور، به عملی کردن تصمیم وی سرعت و عینیت بیشتر بخشید و آیت اللّه احمدی اولین شاگرد حوزه درسی ایشان شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی احمدی میانجی آموزش کتاب‌های «نصاب الصبیان»، «گلستان سعدی»، «منشأت امیر نظام»، «ابواب الجنان»، «تاریخ نادر» و مقدمات عربی را نزد پدر گذرانیده و با پشتکار خود توانست حدود دویست بیت از «نصاب» را حفظ کند و تا حدودی به زبان فارسی مسلط شود. سال ۱۳۵۸ ه . ق (بهار ۱۳۱۸) در سن دوازده سالگی، پدر او را به شهر میانه آورد و فرزندش را به دست عالمی فداکار و دلسوز سپرد تا به صورتی که خود مصلحت می‌داند، تعلیم و تربیت کند. آیت اللّه احمدی میانجی نخست آموزش نحو را به تنهایی پیش استاد آغاز کرد. بدین جهت او روزها و گاه شب‌ها در منزل استاد به سر می‌برد. بعدها نیز چند نفر دیگر به شاگردان استاد، اضافه شدند و بدین ترتیب عملاً قسمتی از منزل آیت اللّه حجتی برای تعلیم و تربیت طلاب اختصاص یافت.استاد با مشاهده تلاش و استعداد و علاقه و خلوص اولین شاگردش، حتی بیش از فرزندان خود زمینه‌های رشد و شکوفایی او را فراهم آورد. بنا به نوشته آیت اللّه احمدی، استاد هر روز مقداری تلاوت قرآن توصیه می‌کرد. بعد چند حدیث یاد می‌داد و سپس درس روز گذشته را می‌پرسید. اگر او خوب آموخته بود، آن گاه درس جدید را شروع می‌کرد.او علاوه بر کتب علم نحو، کتاب حاشیه در منطق، معالم در اصول، مطول در معانی و بیان و بخش‌های عمده شرح لمعه و قوانین الاصول را هم در خدمت آیت اللّه آقا میرزا ابومحمد حجتی فرا گرفت. سپس قسمت باقیمانده از کتاب شرح لمعه و قوانین را نیز در محضر حضرت آیت اللّه حاج شیخ لطفعلی زنوزی که به تازگی به میانه وارد شده بود و حجهٔ الاسلام و المسلمین حاج میرزا مهدی جدیدی آموخت. در مجموع، تحصیلات و توقف وی در این شهرستان، حدود پنج یا شش سال طول کشید. وی در تعلیم و تربیت طلاب و اداره حوزه میانه، با مسؤولین آن همکاری می‌کرد. آیت اللّه احمدی، درمدت کوتاهی که در حوزه تبریز بود، از محضر اساتید بزرگ از جمله آیت اللّه میرزا رضی زنوزی کسب فیض نمود؛ اما بنا به دلایلی در همان سال به میانه برگشت و از آنجا به سوی شهر مقدس قم روانه شد. آیت اللّه احمدی چون وارد شهر مقدس قم شد، نخست به زیارت کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (س) بار یافت. بعد در یکی از حجره‌های مدرسه دارالشفاء ساکن شد. او در این شهر، سطوح عالی را نزد مرحوم آیت اللّه سید حسین قاضی آموخت.(۶) و بخش دیگری از آن را هم در محضر حضرت علامه طباطبایی (صاحب تفسیر المیزان) که به تازگی از تبریز به قم مشرف شده بود، فرا گرفت.آیت اللّه احمدی پس از اتمام سطوح عالی فقه و اصول، درس خارج اصول را در خدمت مرحوم آیت اللّه آقا میرزا احمد کافی الملك یاد گرفت.(۷) همزمان با این درس، دروس خارج فقه را در ابواب مختلف، از محضر بزرگانی چون: بروجردی، گلپایگانی، محقق داماد(۸) و علامه طباطبایی (ره) بهره می‌جست و حتی در درس خصوصی مرحوم محقق داماد و علامه طباطبایی نیز شرکت می‌کرد. البته با مرحوم علامه طباطبایی انس بیشتری داشت و به طور خصوصی در زمینه فقه، اصول و اخلاق بهره‌ها برد.

خاطرات و وقایع تحصیل : علی احمدی میانجی در کنار تحصیل، با همکاری و همفکری تنی چند از دوستان فاضل خود، همچون

آیات: سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید مهدی روحانی و سید ابوالفضل میرمحمدی، اقدام به برگزاری بحث تفسیر هفتگی کردند و پس از ایشان نیز آیات دیگری مثل: آقا موسی زنجانی، احمد آذری قمی، احمد پایانی، موسوی زنجانی و... به جمع آنان پیوستند. این محفل علمی، به طور مرتب در هر هفته برگزار می‌شد. اعضای جلسه هر کدام به تفاسیر مختلف مراجعه می‌کردند و پیرامون آیات مباحث مفیدی را مطرح می‌نمودند که اغلب ظریف و دقیق و پربار بود. چنان که این اواخر آیت اللّه احمدی تأسف می‌خورد که چرا مذاکرات این جلسات از اول یادداشت و ضبط نشد و می‌فرمود:به خصوص آقای سید مهدی روحانی، پیرامون هر آیه‌ای از قران، یک برداشت و حرف جدیدی داشت.گاهی بحث و گفتگو در میان اعضا به قدری طولانی می‌شد و آقایان مبانی همدیگر را مورد مناقشه و نقض قرار می‌دادند که در نهایت جمع‌بندی بحث‌ها را مشکل می‌کرد. اگر چه برخی اعضای این محفل قرآنی با گذشت زمان و به علت مسافرت به مناطق مختلف یا مسئولیت‌های اجرایی در تمام جلسات حضور نمی‌یافتند و شخصیت‌های دیگری می‌آمدند، با این حال اعضای اصلی و بنیانگذار آن، از جمله آیت اللّه احمدی، همچنان با حضور قوی و فعال خود مانع از تعطیلی آن می‌شدند. این محفل تفسیری تا همین اواخر نیز ادامه یافت و نزدیک به نیم قرن به فعالیت خود ادامه داد. از آیت اللّه احمدی، یادداشت‌هایی از این جلسات به جای مانده است.

فعالیتهای ضمن تحصیل : علی احمدی میانجی در تعلیم و تربیت طلاب و اداره حوزه میانه، با مسؤولین آن همکاری می‌کرد

استادان و مربیان : از استادان علی احمدی میانجی می توان به اساتید زیر اشاره کرد: آیت الله حاج شیخ لطفعلی زنوزی هدایت آیت الله حائری مرحوم آیةا... حاج سید حسین قاضی نایینی ایروانی کاشف الغطا آیت الله میرزا رضی زنوزی حضرت علامه طباطبایی آیت الله آقا میرزا احمد کافی الملک بروجردی گلپایگانی محقق داماد

هم دوره ای ها و همکاران : علی احمدی میانجی و با آیات عظام: میلانی، خویی و مرعشی نجفی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید مهدی روحانی و سید ابوالفضل میرمحمدی، آقا موسی زنجانی، احمد آذری قمی، احمد پایانی، موسوی زنجانی نیز هم‌بحث و هم‌درس شد.

وقایع میانسالی : علی احمدی میانجی با توجه به شصت سال تجربه علمی و عملی در حوزه علمیه قم، به نقاط ضعف و قوت و جنبه‌های افراط و تفریط در بعد اخلاق و عرفان آشنایی کامل داشت. لذا توصیه‌هایی که در این رابطه به طلاب و فضلای جوان می‌کرد، نشأت گرفته از همین تجارب شصت ساله ایشان بود. از این رو، آیت اللّه احمدی هنگامی که می‌دید بعضی طلاب جوان و مقدمات خوان، خیلی زود و بدون فراهم ساختن زمینه لازم، وارد برخی مسائل عمیق اخلاقی و عرفانی می‌شوند و به قول معروف، می‌خواستند ره صد ساله را یک روزه طی کنند و در مدتی کوتاه همانند حضرت امام خمینی (ره) و آیت اللّه بهاء الدینی و یا آیت اللّه بهجت گردند، سخت نگران می‌شد و تأسف می‌خورد و با تذکرات و توصیه‌های کارشناسانه و دقیق خود، در صدد اصلاح چنین افرادی بر می‌آمد. لذا چنانچه این قبیل طلاب جوان به حضور ایشان می‌رسیدند و با یک دنیا توقع از ایشان می‌خواستند تا آنها را ارشاد و نصیحت بکند و ذکری و وردی بر ایشان بیاموزد، آیت اللّه احمدی همچون پدری مهربان و طبیبی حاذق اینان را به اشتباه و بیراهگی خود آگاه می‌ساخت و با توصیه‌هایی به ظاهر ساده، اما در واقع دقیق و ظریف به رعایت این امور سفارش می‌کرد:۱ - سعی کنید واجبات خود را خوب انجام دهید؛ ۲ - از محرّمات دوری کنید و خود را به گناه آلوده نسازید؛ ۳ - از خوراک خود کم نگذارید، به قدر لازم و کافی غذا بخورید؛ ۴ - خوابتان هم به قدر کافی باشد؛ ۵ - خوب درس بخوانید و بعد درس‌هایتان را خوب بحث کنید؛ ۶ - در مرحله آخر اگر وقت اضافی آوردید، می‌توانید به برخی از مستحبات هم بپردازید.

زمان و علت فوت : علی احمدی میانجی پس از هفتاد و سه سال زندگی توأم با تلاش، تحقیق و پژوهش، بامداد روز دوشنبه، بیست و یکم شهریور ۱۳۷۹ چشم از جهان فرو بست و روح بلندش به سوی معبود متعال پرواز کرد. پیکر این فقیه خستگی‌ناپذیر، با حضور مراجع معظّم تقلید، علمای اعلام، طلاب و فضلا و انبوهی از مردم قم، میانه، تهران و... از مسجد امامِ قم به حرم حضرت

معصومه (س) تشییع شد و با تجلیل فراوان، در جوار کریمه‌اهل‌بیت (ع) جنب مرقد علامه طباطبایی و شهید مرتضی مطهری به خاک سپرده شد.

فعالیتهای آموزشی : علی احمدی میانجی از همان دوران طلبگی ضمن تحصیل، به تدریس نیز اهتمام داشت و درس‌های پیشین را به طلاب و فضلای پایین‌تر از خود می‌آموخت. آیت اللّه احمدی در حوزه علمیه قم جزو اساتید شناخته شده در سطوح عالی به شمار می‌رفت. به فقه و بخصوص به کتاب ارزشمند مکاسب شیخ انصاری، عنایت و علاقه خاصی داشت و هر سال آن را برای عده‌ای تدریس می‌نمود. او در امر آموزش طلاب، با شهید آیت اللّه قدّوسی در مدرسه حقّانی همکاری داشت و از اساتید سرشناس این مرکز علمی و انقلابی محسوب می‌شد.علاوه، درس اخلاق ایشان نیز در سطح حوزه علاقمندان زیادی داشت. لذا از مدارس مختلف، مانند مدرسه شهیدین، مدرسه معصومیه و مدرسه کرمانی‌ها، دعوت می‌شد و برای طلاب و فضلا در سطح‌های گوناگون درس اخلاق، که با جذابیت ویژه‌ای توأم بود، ارائه می‌داد. او که یک عمر فقه را با اخلاق به هم آمیخته بود، تبلور عینی یک «فقیه اخلاقی» بود.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : عمده خدمات فرهنگی - اجتماعی مرحوم علی احمدی میانجی در دو شهر میانه و قم بوده است:الف) میانه:در اواسط دهه سی که نهضت «مدارس ملی» با ابتکار شخصیت‌های روحانی مانند آیت اللّه شهید دکتر بهشتی و امام موسی صدر در شهر قم آغاز شد، آن دو بزرگوار در این شهر اقدام به تأسیس مدارسی به نام‌های «مدرسه ملی صدر» و «دین و دانش» کردند. در شهر میانه نیز آیت اللّه احمدی، با پیروی از این دو شهید، اوایل دهه چهل، با همکاری چند تن از افراد نیکوکار «مدرسه رضوی» را راه اندازی کرد. این مرکز آموزشی، در تربیت دینی و مذهبی کودکان و نوجوانان میانه بسیار مؤثر بود.در سال ۱۳۴۸ آیت اللّه احمدی در یک اقدام دیگر، مرکز فرهنگی - مذهبی مهمی را تحت عنوان «انجمن دین و دانش» بنا نهاد که در آن مقطع در رشد و تعالی فکری، عقیدتی و اخلاقی جوانانِ دبیرستانی و دانشگاهی نقش اساسی و تاریخی داشت به طوری که اغلب تربیت یافتگان این مرکز، به نیروهای بالقوه انقلاب اسلامی تبدیل شدند و هنگامی که انقلاب در سال ۱۳۵۶ به مرحله بحرانی خود رسید، همه در خدمت آن قرار گرفتند و از جان خود برای پیشبرد نهضت اسلامی مایه گذاشتند.مؤسسه قالیبافی و صندوق قرض الحسنه مهدیه، دو خدمت دیگری بود که تقریباً همزمان با تأسیس انجمن دین و دانش، به همّت آیت اللّه احمدی و با همیاری تنی چند از معتمدین میانه انجام پذیرفت.مؤسسه قالیبافی اگر چه بعد از چند سالی به علت مشکلات و موانعی به تعطیلی گرایید، امّا صندوق قرض الحسنه هنوز هم فعال است و بیش از ۳۰ سال است که بخشی از نیازهای قشر محروم را آبرومندانه تأمین می کند.ب) قم:صندوق ذخیره علوی، مؤسسه خیریه الزهراء (س) و جامعه ناصحین قم از جمله مراکز مهم و مؤثر در قم به شمار می‌آیند که آیت اللّه احمدی جزء مؤسسین پرتلاش آن بود. اهمیت هر کدام در جهت رفع مشکل مادی و معنوی مردم و احیای امر به معروف و نهی از منکر در سطح شهرستان قم بر کسی پوشیده نیست.اشتیاق آیت اللّه احمدی برای خدمت به مردم، بدان حد بودکه محل اقامه نماز جماعت ایشان (مسجد عبداللهی واقع در سه راه بازار قم)، به عنوان محلی جهت رفع نیاز نیازمندان شناخته شده بود و در طول سال‌ها امامت ایشان در آن مسجد، گره از مشکل صدها انسان آبرومند و حاجتمند گشوده می‌شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی احمدی میانجی سال ۱۳۴۱، که قیام مراجع معظم تقلید به رهبری حضرت امام خمینی بر ضد لایحه «انجمن‌های ایالتی ولایتی» آغاز شد، آیت اللّه احمدی حضور متعهدانه خود را در این نهضت بزرگ اسلامی به خوبی نشان داد. او در هر رخداد مهمی، در صورت لزوم، نخست به خدمت حاج آقا روح اللّه خمینی و سایر مراجع معظم می‌رسید. بعد از کسب رهنمودهای لازم عازم میانه می‌شد و پیام آنان را به روحانیت و مردم آن سامان می‌رساند و با سازماندهی روحانیت و روشنگری مردم، در جهت آرمان‌های نهضت اسلامی گام‌های مؤثر و بلندی برداشت.آیت اللّه احمدی، روش خاص خود را داشت: سعی می کرد به دور از احساسات و افراط کاری‌ها، بیشتر با منطق و استدلال قوی، منشأ اختلاف میان روحانیت و رژیم شاه را برای

مردم بـاز گو کنـد و آنهـا را از مـاهیت ضـد اسـلامی رژیم آگـاه سازد. به همین علت جلسات سـخنرانی ایشان، در مراحل حساس و سرنوشت ساز آن دوران بسیار سودمنـد و پربار جلوه می‌نمود.عید نوروز و خرداد سال ۱۳۴۲، که به فرمان حضـرت امام خمینی، در سرتاسـر کشور عزای عموی اعلام شـد و روحانیت مأموریت یافت، مردم را در این ایام روشـنگری کرده به افشای جنایت‌های رژیم بپردازد، آیت اللّه احمـدی نیز به منظور اجرای امر مقتـدای خود، وارد شهرسـتان میانه شد و با ایجاد همانگی بین روحانیت آنجا، در مجالس و محافل متعدد به وجه مقتضی به ایفای نقش پرداخت. ین عالم فداکار پس از استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، بـا درک موقعیت حسـاس زمـانی، تمـام وقت خود را وقف انقلاب، اسـلام، رهبری و مردم کرد و با حضور خسـتگی‌ناپذیر خود در عرصه‌های مختلف، به دفاع از حریم نهضت برخاست.

همفکران فرد : با توجه به نگرش پویای علی احمدی میانجی در فقه و سایر مسائل اسـلامی، حضـرت آیت اللّه خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، طی حکمی ایشـان را همراه بـا حضـرات آیـات سید مهـدی روحـانی، شـیخ محمـد ابراهیم جنّاتی، سـید محمـود هاشـمی شاهرودی و... جهت بررسی موضوعات جدید و پاسخگویی به مسائل روز جهان اسلام منصوب کردند.

آرا و گرایشـهای خاص : نوع فعالیت‌های اجتماعی علی احمـدی میانجی به خوبی نشان می‌دهـد که وی در طول زندگی، همیشه به فکر قشـر محروم و مستضـعف جـامعه بود. کسـانی که از نزدیـک بـا وی ارتبـاط و همکاری داشـتند این اخلاق پیامبرگونه، برایشان ملموس و عیـان بود. بـا توجه به فضـای رایـج در حوزه، که اغلب فضـلا و محققان را به تحقیق پیرامون فقه و اصول سوق می‌دهـد و بیشتر محققین در این موضوعات تحقیق و تـدریس می‌کننـد؛ اما آیت اللّه احمدی از نادر شخصـیت‌هایی است که هرگز تحت تأثیر ایـن فضـا قرار نگرفـت و بر خلاـف آن، نیروی تحقیقی خـود را بـا ژرف‌نگری خاصـی در موضـوع اهم دیگر مثـل آثـار مکتـوب و نامه‌های پیامبر متمرکز ساخت؛ موضوع با ارزشی که در طول چهارده قرن گذشته به ورطه فراموشی سپرده شده و چندان عمیق بدان پرداخته نشده بود.کتاب ارزشـمند «مکاتیب الرسول» که بار نخست در سال ۱۳۳۹ شمسـی به چاپ رسید و تحقیق آن از سال ۱۳۲۸ آغاز شده بود که در آن ایام، مؤلف تلاشـگر حدود ۲۳ سـال سن داشت. تشـخیص و انتخاب موضوع در آن سن، با توجه به فضای آن روز حوزه، به خوبی حکایت گر اسـتعداد و ژرف اندیشـی آیت اللّه احمدی است.آیت اللّه احمدی وظیفه اصلی طلاب جوان را تحصـیل علوم اسـلامی به نحو احسن می‌دانست و همواره اظهار می‌داشت که طلاب باید خوب درس بخوانند و مبانی اسـلام و تشیّع را خوب بفهمند. تا بتوانند در برابر انواع و اقسام شبهات بااستدلال و برهان از حریم اسلام و تشیّع دفاع کنند.

جوائز و نشانهـا : کتـاب"الاسـیر فی اسـلام"تـالیف علی احمـدی میانجی ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثـار : او با این بینش و تفکر وارد میـدان تحقیق و پژوهش شـد و از آیات، احادیث و روایاتی که تا دیروز تنها در ابعـاد فردی استفاده می‌شـد، در ابعـاد حکومـتی از آنهـا بهره برداری کرد و کتـابی را تحت عنـوان «اطلاعـات و امنیت در حکومت اسـلامی» به رشـته تـألیف درآورد که از این نظر در نـوع خـود، کم نظیر و بـدیع می‌باشـد. بر اسـاس همین بینش، ایشـان به «احکـام حکومتی» که زیر نظر ولایت ولی‌فقیه جامع الشـرایط اداره شود، به جدّ اعتقاد داشت و از این رو، حتی مقررات و قوانین معمولی را هم لازم‌الـاجراء می‌دانست؛ به طوری که اظهـار می‌داشت: اگر کسـی در نیمه شب مقررات راهنمـایی و راننـدگی را رعایت نکرد و پلیس هم حضور نـداشت، واجب است خود، جریمه خلافش را به صـندوق حکومت واریز کند؛ در غیر این صورت ذمه‌اش مشـغول خواهـد شـد.ایشـان در باب اخـذ وجوه شـرعیه (خمس، زکات و...) نیز نظر خاصـی داشت که از همان نظریه حکومتی ایشان نشأت می‌گرفت. او اخذ وجوه شـرعی و مصـرف آن را، ابتدائاً یکی از شـئون اساسـی ولی فقیه می‌دانست. به همین سـبب با این که ایشان مجتهد مسلم بودند؛ اما در این باب خود را ملزم کرده بودند تا از مقام معظم رهبری اجازه بگیرند. ---------------------

----

آثار :

۱ احادیث اهل البیت عن طرق اهل السنهٔ

ویژگی اثر : این کتاب ارزشمند اثر مشترك آیت اللّه احمدی و مرحوم آیت اللّه حاج سید مهدی روحانی است. همان طوری که از نام آن پیداست، در این مجموعه، احادیث و روایات اهل‌بیت (ع) در موضوعات مختلف که از طریق اهل سنت نقل شده و در کتاب‌های روایی و تاریخی معتبر آنان موجود است، گردآوری شده است و در نوع خود یک تحقیق بدیع و ابتکاری به شمار می‌آید.این مجموعه نفیس در ابواب و موضوعات گوناگون مانند: تفسیر، عقاید، فضایل، تاریخ اهل بیت (ع) و تاریخ صحابه پیامبر و... به بحث پرداخته است و البته غالب مباحث آن در موضوعات فقهی و احکام عملی است. تعداد کتاب‌ها و منابعی که این احادیث و روایات از آنها جمع آوری شده، نزدیك به دویست عنوان واثر معتبر می‌باشد. جلد اول این اثر، بیست جلدی در سال ۱۳۷۹ ش، زیور طبع پوشید و به موضوع طهارت و جنائز می‌پردازد. مجلدات بعدی را نیز مؤسسه نشر اسلامی به تدریج چاپ و منتشر خواهد کرد.

۲ اصول مالکیت در سالام

ویژگی اثر : تالیف

۳ الاسیر فی الاسلام

ویژگی اثر : این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «الاسیر فی اسلام»: یکی از مسائلی که جامعه بشری گاه بدان دچار می‌شده و خواهد شد جنگ و یکی از مسائل اجتناب ناپذیر هر جنگ اسارت است، هر یك از ادیان الهی و یا مرام و مسلك بشری در این مورد قوانین و مقرارتی دارد، لیکن دین مقدس اسلام مانند سایر موضوعات، در این مورد نیز بهترین و جامعترین قوانین را آورده است. مؤلف محترم کتاب با تتبع ژرف و تحقیق عمیق این مساله را از نظر اسلام به طور دقیق بررسی نموده و احکام اسلام را در این باره بازگو نموده و برتری آن را به اثبات رسانده است. کتاب مقدمه‌ای نسبتاً طولانی و بسیار پربار درباره چگونگی جنگ و اسارتهایی که در طول جنگ‌های صلیبی، مغول، و تاتار، جنگ جهانی دوم و ... رخ داده و جنایتهایی که به اسیران روا داشته‌اند، دارد؛ متن کتاب سه بخش است ۱۰- علل بروز جنگ‌ها و نتایج و آثار آن، ۲- توضیح و تشریح اسیر گرفتن از کفار و شورشیان (بغات)، ۳- تبیین و ترسیم حقوق در اسلام. مولف محقق کتاب، موضوع اسارات را، هم از دیدگاه فقهی شیعه و سنی بررسی نموده و هم از نظر گاه تاریخی، و با تتبع گسترده، سیره رسول خدا(ص) و امیر المومنین (ع) با سایران را ترسیم نموده است. مقایسه قوانین اسارت و اسیر در اسلام با دیگر قوانین بشری دنیا، و اثبات جامعیت و برتری آن عصر فضا از دیگر ویژگیهای کتاب است

۴ التبرك

ویژگی اثر : در سال‌های پیش از انقلاب با توجه به شبهاتی که ایادی وهابیت در جامعه اسلامی و اذهان مسلمانان ایجاد می‌کردند و هر روز دامنه آن در سطح عمیقی گسترش می‌یافت، آیت اللّه احمدی با درك ضرورت موضوع به نگارش این اثر مفید پرداخت و بدین ترتیب به مقابله با این تهاجم فرهنگی برخاست. او دراین اثر گرانسنگ، اولاً در مقدمه کتاب، بیشتر اختلاف موجود در میان فرق اسلامی را غیر واقعی و نتیجه سوء تفاهم‌ها و دسیسه‌های دشمنان قلمداد می‌کند. سپس در فصل اول، موضوع تبرک را در موارد متعدد، از دیدگاه احادیث پیامبر و تاریخ و سیره صحابه مورد بررسی و موشکافی قرار می‌دهد. در فصل دوم نیز به همان شیوه، موضوع بوسیدن را بررسی می‌کند. استناد او به روایات و شواهد تاریخی به صورتی است که هیچ یک از فرق اسلامی قادر بر انکار و ایجاد شبهه در آن نیستند.این کتاب در سال ۱۳۵۶ ش به زیور چاپ مزین گردید و هم اکنون نیز از طریق حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت تنظیم و تدوین یافته به صورت مطلوبی چاپ شده و در دست علاقمندان قرار گرفته است.

۵ السجود علی الارض

ویژگی اثر : در این اثر نفیس که شامل بحث‌های قرآنی، حدیثی، فقهی، اصولی و تاریخی پیرامون موضوع «سجده» می‌باشد، مؤلف، قدرت اجتهادی و فقاهتی خویش را به روشنی به اثبات می‌رساند. وی در این کتاب ابتدا، سیر تاریخی سجده را به چهار دوره متفاوت تقسیم می کند. سپس هر کدام آنها را همراه با اقوال، آرا و اجتهادات صحابه، تابعین و تابعین آنان، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و در بخش آخر، بحث مبسوطی را درباره فضیلت سجده بر تربت امام حسین (ع) با استناد به احادیث مطرح می‌نماید.اولین چاپ این کتاب، پیش از انقلاب از سوی مؤسسه در راه حق در چند نوبت و در هر بار با تیراژ پنج هزار به چاپ رسید. بعد از آن نیز یک بار در بیروت چاپ شد. همچنین به طور متفرقه از طریق ناشران مختلف به چاپ رسید که نام و مشخصات ناشر در آن منعکس نشده است.

۶ حاشیه و تعلیقه بر کتاب «معادن الحکمه»

ویژگی اثر : حاشیه و تعلیقه بر کتاب‌های «معادن الحکمه» مرحوم فیض کاشانی و «شیعه در اسلام» مرحوم علامه طباطبایی، از دیگر آثار به چاپ رسیده آیت اللّه احمدی به شمار می‌آید که اثر اول را مؤسسه نشر اسلامی در سال ۱۳۶۵ به چاپ رساند و یک سال بعد نیز تجدید چاپ شد و اثر دوم هم تا کنون از طریق مراکز انتشارات مختلف در چند نوبت به چاپ رسیده است.اضافه بر آثار یاد شده، از این عالم فرزانه مقالات و دست نوشته‌های متنوعی هم در موضوعات مختلف به یادگار مانده است.

۷ حاشیه و تعلیقه بر کتاب شیعه در اسلام

ویژگی اثر : حاشیه و تعلیقه بر کتاب‌های «معادن الحکمه» مرحوم فیض کاشانی و «شیعه در اسلام» مرحوم علامه طباطبایی، از دیگر آثار به چاپ رسیده آیت اللّه احمدی به شمار می‌آید که اثر اول را مؤسسه نشر اسلامی در سال ۱۳۶۵ به چاپ رساند و یک سال بعد نیز تجدید چاپ شد و اثر دوم هم تا کنون از طریق مراکز انتشارات مختلف در چند نوبت به چاپ رسیده است.اضافه بر آثار یاد شده، از این عالم فرزانه مقالات و دست نوشته‌های متنوعی هم در موضوعات مختلف به یادگار مانده است.

۸ لزوم وزارت اطلاعات در حکومت اسلامی

ویژگی اثر : در این کتاب، مؤلف فرزانه نخست با استناد به ادله عقلی و نقلی به ضرورت وجود تشکیلات اطلاعاتی در حکومت اسلامی می‌پردازد و بحث مبسوطی در این زمینه ارائه می‌دهد. سپس مباحث متنوعی را نیز در موضوعات مختلف؛ از جمله: معنای نصیحت، بحث عریف و نقیب، معنای تجسس و سوء ظن و موارد جواز این دو و وجوب حسن ظن را از دیدگاه قرآن و احادیث مطرح می‌سازد.چاپ اول این کتاب را دفتر نشر برگزیده در قم، در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسانده است.

۹ مالکیت خصوصی

ویژگی اثر : در اوایل انقلاب، از سوی برخی گروهک‌ها شبهاتی در جامعه ترویج و القا می‌شد مبنی بر این که: در اسلام مالکیت خصوصی وجود ندارد و اگر هم باشد، بسیار محدود است؛ یا در اسلام سرمایه و ثروت جایگاهی ندارد و اجاره یک نوع استثمار و بهره کشی از ضعیفان است و... . آیت اللّه احمدی جهت پاسخ به این شبهات، سلسله مباحثی را پیراموی مالکیت خصوصی در رمضان سال ۱۳۵۹، در انجمن دین و دانش میانه آغاز می کند و با استفاده از آیات و روایات در صدد رفع شبهه برمی‌آید و نظر اسلام را در این خصوص روشن می‌سازد. یادداشت‌های این مباحث، با تصحیح و اضافاتی به صورت کتاب مذکور، در پاییز سال ۱۳۶۱ از سوی مؤسسه نشر اسلامی به چاپ رسید و تا کنون چندین نوبت تجدید چاپ شده است.

۱۰ مکاتیب الامام الرضا(ع)

ویژگی اثر : تالیف

۱۱ مکاتیب الرسول

ویژگی اثر : کتاب ارزشمند «مکاتیب الرسول» که بار نخست در سال ۱۳۳۹ شمسی به چاپ رسید و تحقیق آن از سال ۱۳۲۸ آغاز شده بود که در آن ایام، مؤلف تلاشگر حدود ۲۳ سال سن داشت. تشخیص و انتخاب موضوع در آن سن، با توجه به فضای آن روز حوزه، به خوبی حکایت گر استعداد و ژرف اندیشی آیت اللّه احمدی است.: این کتاب نفیس در پانزده فصل مهم، تنظیم و تدوین یافته است که در آن موضوعاتی از قبیل نامه‌های پیامبر به پادشاهان، کارگزاران و رهبران سایر ادیان، قراردادهای آن حضرت، نوشته‌های پیامبر در نزد امامان معصوم (ع) ، مکتوبات آن حضرت در موضوعات متفرق، مکتوبات منسوب به آن حضرت، کاتبان وحی، ویژگی‌های آنها از حیث فصاحت و بلاغت، غرائب موجود در آنها، چگونگی آغاز و انجام آنها و سایر موضوعات تحقیقی و علمی مفید که به مناسبت‌هایی در لابه‌لای فصول مطرح شده است.استفاده از منابع و مآخذ مهم اهل سنت از حیث کمی و کیفی از امتیازات بارز این اثر کم‌نظیر می‌باشد.این کتاب به جهت اهمیت ویژه‌ای که دارد، بی‌درنگ مورد استقبال کم نظیر اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی قرار گرفت و تا کنون چندین بار با مجلدات و اندازه‌های مختلف در بیروت، تهران و قم به چاپ رسیده است. اولین چاپ آن در سال ۱۳۳۹، با همکاری حجج الاسلام و المسلمین: محمد مهدی حجتی و میرزا قدرت اسکندری از طریق چاپخانه علمیه قم انجام پذیرفت و آخرین آن را که همراه با تصحیح، تنقیح و اضافات مؤلف بود، در سال ۱۳۷۷ ش، انتشارات دارالحدیث در چهار جلد با کیفیت مطلوب چاپ کرد و در اختیار علاقمندان قرار داد.

۱۲ مواقف الشیعه

ویژگی اثر : این کتاب، شامل نزدیک به یک هزار مناظره و احتجاج از صحابه پیامبر (ص) ، اصحاب امامان معصوم (ع) ، راویان، محدثان، عالمان و شخصیت‌های بزرگ شیعه در طول تاریخ می‌باشد و از منابع معتبر شیعه و اهل سنت جمع‌آوری شده و در سه مجلد، تدوین یافته است. مؤلف فرزانه در مقدمه این کتاب، ضمن توضیح درباره جدال و اقسام آن، انگیزه نگارش خود را به طور اجمال این چنین بیان می‌دارد:«هر کس در محتوای مناظرات این کتاب دقت و تأمل کند، به وضوح قدرت تفکر، رشد عقلی و دقت نظر علمای شیعه را مشاهده می‌کند و اهتمام آنان را به امور دینی به خوبی درمی‌یابد و برایش روشن می‌شود که دانشمندان شیعی در طول تاریخ، اهل منطق و برهان بوده و هرگز به نیرنگ پناه نبرده‌اند. علاوه بر مبانی خود، به کتب و عقاید مخالفان خویش آگاهی کامل داشتند و در بحث و مناظره جانب انصاف و متانت را کاملاً مراعات می‌کردند و همه این امتیازات را هم از اهل‌بیت (ع) گرفته‌اند. نیز می‌فهمد، به خلاف شیعه، آنهایی که با شیعه به مقابله و مخالفت برخاستند، هیچ یک این مزایا را نداشتند، بلکه حتی فاقد آن بودند و...»این کتاب اگر چه از ترتیب منطقی خاصی برخوردار نیست - به همین سبب بعضاً پراکندگی و تکرار در آن به چشم می‌خورد و امید است در چاپ‌های بعدی توسط ناشر برطرف گردد، اما از حیث محتوا در نوع خود کم‌نظیر و بدیع می‌باشد. برای اولین بار سال ۱۳۷۵ ش توسط مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به زیور چاپ مزین شده ویک سال بعد نیز به عنوان کتاب سال اعلام گردید.

ارباب قمی، میرزامحمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمد ارباب قمی در سال ۱۲۷۳ ق، در بیت علم و فضل - در عین حال کشاورز - در شهر قم چشم به جهان گشود.حاج میرزا محمد ارباب، به سامراء و سپس نجف مهاجرت کردو سالیان بسیار در درسهای آیات عظام، میرزا حبیب رشیتی وآخوند ملا محمدکاظم خراسانی حضور یافت، تا آنکه پس از تحصیل و تکمیل علوم دینی، به درجه رفیع اجتهاد نائل آمد.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب : پدر بزرگوارش، مرحوم محمد تقی بیک ارباب – معروف به جان بابا – از فاضلان و ادیبان و شاعران قم به شمار می رفت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مرحوم میرزا محمد ارباب قمی ، پس از پشت سر نهادن دوران نوجوانی به تحصیل ادبیات همت گمارد و پس از آن به تهران رفت و نزد اساتید هر فن از هنر علمی توشه‌ای و از هر خرمن خوشه‌ای برچید تا مشار بالبنان گردید. مرحوم حاج میرزا محمد ارباب، به همراه دوستان گرانقدرش مرحوم آیت‌اللّه حاج ملا آقا حسین قمی (م ۱۳۲۷ ق) و آیت‌اللّه مولی عبداللّه قمی به سامراء مهاجرت کردند و چندی در درسهای آیت‌اللّه العظمی میرزای شیرازی شرکت نمود. پس از آن به همراه ملا عبداللّه قمی به نجف کوچید.و سالیان بسیار در درسهای آیات عظام، میرزاحبیب‌اللّه رشتی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی حضور یافت، تا آنکه پس از تحصیل و تکمیل علوم دینی، به درجه رفیع اجتهاد نائل آمد و با اخذ اجازات متعدد روایی (از آیات عظام: محدث نوری و شریعت اصفهانی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی) و اجتهادی (از آخوند خراسانی و میرزا حبیب‌اللّه رشتی) به زادگاهش بازگشت.

استادان و مربیان : از استادان میرزا محمد ارباب قمی می توان به آیات عظام زیر اشاره کرد: میرزاحبیب‌اللّه رشتی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی آیت‌اللّه العظمی میرزای شیخ عبدالرحیم نهاوندی میرزا ابوالحسن جلوه آقا محمد رضا قمشه‌ای

هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای میرزا محمد ارباب قمی می توان به موارد زیر اشاره کرد: مرحوم آیت‌اللّه حاج ملا آقا حسین قمی (م ۱۳۲۷ ق) آیت‌اللّه مولی عبداللّه قمی

همسر و فرزندان : از آن فقیه بزرگ میرزا محمد ارباب قمی ، فرزندانی والامقام بر جای مانده که عبارتند از:مرحوم حجهٔ الاسلام میرزا محمد باقر ربانی و میرزا محسن اشراقی و در حال حاضر آقای حاج آقا سعید اشراقی از جمله فرزندان معظم‌له به شمارند. اما از همه معروفتر استاد سخن و خطیب شیرین شکّرشکن مرحوم حجهٔالاسلام و المسلمین حاج میرزا محمد تقی اشراقی است.

زمان و علت فوت : سرانجام آن فقیه بزرگ میرزا محمد ارباب قمی، پس از عمری تلاش و کوشش در ترویج دین و بزرگداشت شعایر الهی، در سال ۱۳۴۱ ق در ۶۸ سالگی چشم از جهان فرو بست و به موالیان طاهرینش پیوست. در وفات ایشان، مردم و حوزه علمیه قم یکپارچه عزادار شدند و به خصوص مرحوم آیت‌اللّه حایری، بسیار متأثر و نگران شده و در تسلیت مرحوم اشراقی و برادران او فرمود:«نه تنها شما یتیم شدید، بلکه برادری هم از دست من رفته است.»مردم حق شناس قم، پیکر پاکش را پس از یک تشییع باشکوه، در قبرستان شیخان – در جوار مرقد میرزای قمی – به خاک سپردند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرحوم میرزا محمد ارباب قمی ، پس از مراجعت به تدریس و تالیف و اقامه جماعت و موعظه و حلّ و فصل دعاوی و رفع مخاصمات اشتغال داشت. وی در این زمان ریاستی عام و شهرتی تام پیدا کرد و آوازه فقاهت و فضیلت او به همه جا رسید و مجلس درس و بحث او، یکی از پررونق‌ترین مجالس درسی حوزه بود. منبری داشت شیرین و متین و محضری بس نمکین، در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی و قدمی راسخ داشت و در حفظ حدود شرعیه دقیقه‌ای فرو نگذاشت... جماعت علما در محضر وی، خود را کوچک می‌شمردند و بزرگان دین و دنیا نام مبارکش را به حرمت تمام می‌بردند.

فعالیتهای آموزشی : میرزا محمد ارباب قمی، همه روز به تدریس فقه و حدیث اشتغال داشت و از مجلس درس وی گروهی بسیار به مدارج عالیه نائل آمدند.

شاگردان : آن فقیه بزرگ، همه روز به تدریس فقه و حدیث اشتغال داشت و از مجلس درس وی گروهی بسیار به مدارج عالیه نائل آمدند. برخی از آنان عبارتند از:۱ – آیت‌اللّه حاج شیخ عباس محدث قمی (۱۲۹۴ – ۱۳۵۹ ق) نویسنده «سفینهٔالبحار» و «الکنی

و الالقاب»۲ – آیت‌اللّه حاج میرزا محمد فیض قمی (۱۲۹۳ – ۱۳۷۰ ق) نویسنده «کتاب الفیض» و «ذخیرةالعباد»۳ – آیت‌اللّه حاج میرزا محمد کبیر قمی (۱۲۹۰ – ۱۳۶۹ ق) نویسنده «مطالع الشموس» در علم اصول۴ – آیت‌اللّه حاج شیخ حسن نویسی قمی (۱۲۹۱ – ۱۳۷۱ ق)۵ – مرحوم حاج شیخ علی محمد باغ پنبه‌ای قمی۶ – مرحوم حاج سید علی اکبر برقعی قمی (۱۳۱۷ – ۱۴۰۷ ق) نویسنده «راهنمای دانشوران» و «کانون احساسات»۷ – مرحوم حاج شیخ ابوالحسن فقیهی قمی۸ – مرحوم میرزا محمد تقی اشراقی (۱۳۱۳ – ۱۳۶۸ ق) نویسنده «تفسیر سوره یوسف» و «تفسیر سوره قلم»۹ – حاج سید محمد صادق طاهری۱۰ – حاج شیخ محمد صادق فقیهی قمی۱۱ – حاج شیخ احمد فقیهی قمی۱۲ – آقا میرزا محمد باقر ربانی – فرزند معظم له –۱۳ – مرحوم آقا سید ناصرالدین قمی

آرا و گرایشهای خاص : میرزا محمد ارباب قمی آن فقیه بزرگ دارای سجایا و صفاتی بود که از دیگران، متمایزش ساخته بود. از جمله ویژگیهایش دستگیری از مستمندان و کمک به مردم بود. جود و احسان شیوه او بود.

چگونگی عرضه آثار : در سبب تألیف الاربعین الحسینیه کتاب، آورده‌اند:از مرحوم محدث نوری می‌خواهند که بحارالانوار را برای چاپ، مقابله و تصحیح نماید و ایشان، این کار را به مرحوم میرزا محمد ارباب قمی حواله می‌دهد. معظم‌له نیز می‌پذیرد، اما در اثر انجام این کار سنگین و طاقت‌فرسا، نور چشم خود را از دست می‌دهد و کم دید می‌شود لذا نذر می کند که اگر خداوند او را شفا دهد کتاب اربعین را بنویسد. و خداوند متعال او را شفا داد و او هم این کتاب را در سال ۱۳۲۸ ق نگاشت و در سال ۱۳۳۰ به چاپ رسید.(۱۳)مؤلف محترم، در آغاز سلسله سند خویش را به ائمه اطهار (ع) از طریق محدث نوری، و در حدیث ۴۰، از طریق آیات عظام: حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی، سید محمد هندی نجفی، شیخ الشریعه اصفهانی و محدث نوری بازگو کرده است. ------

---

آثار :

۱ الاربعین الحسینیه

ویژگی اثر : .این کتاب، معروفترین نوشتار وی است. مؤلف، در این کتاب شریف چهل حدیث درباره امام حسین (ع) را شرح نموده و در آن از مطالب بسیار در فنون حدیث، تفسیر، تاریخ، کلام، شعر عربی و فارسی، لغت و فقه سخن گفته است.(۱۱)این کتاب، آکنده از فوائد گوناگون و مطالب خواندنی بوده و نوشته‌ای توسط نگارنده پیرامون آن به چاپ رسیده است.(۱۲) مؤلف بزرگوار، بسیاری از اشعار عربی و فارسی خود را در این کتاب – به تناسب مقام – ذکر نموده و چیره‌دستی خود را در فنّ قصیده‌سرایی نشان داده است.

۲ تصحیح و مقابله و چاپ کتاب اثبات الوصیهٔ مسعودی

۳ تصحیح و مقابله و چاپ کتاب غیبت نعمانی

۴ تصحیح و مقابله و چاپ کتاب کنزالعرفان فاضل مقداد و منهاج النجاهٔ فیض کاشانی

۵ تصحیح و مقابله و طبع کتاب شریف «بحارالانوار»

۶ حاشیه بر کتاب «جواهر الکلام»

۷ حاشیه بر کتابهای بسیار، مانند: اسفار

۸ دیوان اشعار

ویژگی اثر : (مجموعه‌ای از اشعار عربی و فارسی، که برخی از آنها بسیار معروف است و اگر گردآوری شود، دیوانی بزرگ خواهد شد.)

۹ رجوم الشیاطین، در ردّ بر فرقه ضاله بابی و بهایی

۱۰ شرح قصیده عینیه سید حمیری (لامّ عمرو باللوی مربع)

۱۱ شرح کتاب «بیان» شهید اول – دوره فقه

منابع زندگینامه :

سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

استاد ولی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین استاد ولی در سال ۱۳۳۱ ، در تهران متولد گردید. با به پایان بردن تحصیلات مقدماتی ، وارد دوره ی متوسطه دبیرستان شد ، و در سال ۱۳۴۸ هم زمان با تحصیل در دوره ی متوسطه ، شب ها پس از نماز مغرب و عشاء به مسجد مرحوم حاج ملا محمد جعفر معروف به حوزه ی علمیه ی حضرت آقای شیخ احمد مجتهدی تهرانی می رفت و به فراگیری علوم ادبی و دینی می پرداخت ، او تا سطح لمعه را در آنجا فراگرفت. استاد ولی فراگیری علوم دینی را هم چنان پس از این دوره ادامه داد و توانست در این مدت محضر درس اساتید بزرگی را درک نماید. استادولی کار ترجمه و تصحیح را از سال ۱۳۵۴ نزد استاد غفاری آغاز نمود و در این مدت آثار زیادی به چاپ رساند. تصحیح کتاب «الامالی» حسین استاد ولی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب : پدر حسین استاد ولی ، مرحوم عباسعلی ، معروف به آقای شیخ عباس از کسبه ی متدین و اهل تهران بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین استاد ولی با به پایان بردن تحصیلات مقدماتی ، وارد دوره ی متوسطه دبیرستان شد ، و در سال ۱۳۴۸ هم زمان با تحصیل در دوره ی متوسطه ، شب ها پس از نماز مغرب و عشاء به مسجد مرحوم حاج ملا محمد جعفر معروف به حوزه ی علمیه ی حضرت آقای شیخ احمد مجتهدی تهرانی می رفت و به فراگیری علوم ادبی و دینی می پرداخت ، او تا سطح لمعه را در آنجا فراگرفت. استاد ولی فراگیری علوم دینی را هم چنان پس از این دوره ادامه داد و توانست در این مدت محضر درس اساتید بزرگی را درک نماید.

استادان و مربیان : حسین استاد ولی از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۴ در محضر درس شیخ احمد مجتهدی تهرانی حاضر گردید. در سال ۱۳۵۴ در اثر علاقه ی وافر به علم حدیث (با توسل به ذیل عنایت شیخ صدوق) محضر درس میرزا علی اکبر غفاری را درک نمود. و در فاصله ی سال های ۴۸ تا ۵۷ همزمان با تحصیل در مدرسه ی آقا ، در محضر درس حاج سیدهاشم حسینی حاضر گردید. استاد ولی همچنین در سال ۱۳۶۲ به حوزه ی درس آیت الله حاج سیخ محمدتقی شریعتمداری راه یافت و شرح لمعه و بخشی از مکاسب شیخ و چندی نیز خارج المدارک آیت الله حاج سید احمد خوانساری را نزد این استاد فراگرفت.

هم دوره ای ها و همکاران : حسین استاد ولی در سال ۱۳۴۵ با دانشمند گرانمایه آقای میرزا علی اکبر غفاری آشنا شد که ثمرهٔ این آشنایی فراگیری روش تصحیح فنی متون اسلامی از آقای غفاری بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین استادولی کار ترجمه و تصحیح را از سال ۱۳۵۴ نزد استاد غفاری آغاز نمود و در این مدت آثار زیادی به چاپ رساند.

جوائز و نشانها : تصحیح کتاب «الامالی» حسین استاد ولی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال بر گزیده شد. ---

آثار :

۱ اعراب گذاری کتابهای توحید صدوق، ثواب الاعمال، غیبت نعمانی

۲ الامالی

ویژگی اثر : تصحیح کتاب - برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال-یکی از پایه های معارف اسلامی سخنان و سیره ائم ?اطهار علیهم السلام است، ثقل اصغری که پیامبر اکرم بارها و بارها در حیات خویش به تمسک و پیروی از آن فرمان داده بود. بدین سبب در طول دوران حیات ائم ?اطهار محدثین شیعه با دقت و وسواس بی نظیر خود به گردآوری و ضبط احادیث آن بزرگواران پرداختند و حاصل تلاش آنان مجموعه های روایی بود که به آیندگان به ارث رسید. علمای اسلامی که پس از عصر ائمه و دوران غیبت کبری به سر می بردند در استمرار این سنت حسنه به نقل روایات ائمه علیهم السلام پرداختند. علاوه بر تألیف کتابهای روایی، این بزرگواران با تشکیل مجالس هفتگی و یا ماهانه به نقل حدیث می نشستند و شاگردان ایشان با کتابت این احادیث مجموعه هایی را می پرداختند که در اصطلاح «امالی» نامیده می شود. یکی از علمان بزرگ شیعی که چنین مجالسی را برپا می داشت فخرالشیعه ابوعبدالله محمدبن النعمان العکبری الغدادی، معروف به شیخ مفید (متوفی به سال ۴۱۳ هـق) می باشد. شیخ مفید از دانشمندان بزرگی است که در فنون مختلف اسلامی تبحر فراوانی داشته و در دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام با قدرت بی نظیری به بحث و مناظره می پرداخته است. کتاب «الامالی» دربرگیرند ?۴۲ جلس ?نقل روایت است که اولین آن در ماه مبارک رمضان سال ۴۰۴ هجری و آخرین آن در روز شنبه ۲۷ ماه مبارک رمضان سال ۴۱۱ هجری برگزار شده است و در مجموع حاوی ۳۸۷ حدیث در مسائل مختلف می باشد. در تصحیح کتاب، مصحح محترم با مراجعه به نسخ مختلف و نیز افزودن تعالیق مفید، در مجموع کار ارزنده ای را به انجام رسانده که سبب احیای مجدد این کتاب شده است. فهارس تفصیلی اعلام، بیوتات قبایل و اماکن نیز به این کتاب ارزش افزونتری بخشیده است

۳ الامام علی بن ابی طالب (ع)

۴ الامام مهدی

ویژگی اثر : ترجمه

۵ امالی مفید

۶ بحرالمعارف

۷ ترجمه مستقلی از قرآن کریم

۸ دعاهای مفتاح الفلاح

۹ علم الیقین

۱۰ قصه های طاقدیس

۱۱ قصه های عارفان

منابع زندگینامه : ۱www.ketabesal.ir۲دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی ، به کوشش: بهاءالدین خرمشاهی ، تهران: انتشارات دوستان و ناهید، ص ۱۹۶

استرآبادی، مسیح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سال ۱۱۹۳ ق . قاضی سعید استر آبادی فرزند ملا آقا بابا صاحب فرزندی شد که وی را ((مسیح)) نام نهاد. مسیح نوباوه در خانه ای دیده به جهان گشود که نهر جوشان دانش و تقوا در آن جاری و سایه همت و تلاشی خستگی ناپذیر در پی گسترش اندیشه های اسلامی بر آن حاکم بود. وی تحت عنایت ویژه پدری فاضل و تربیت مادری مومن و پاک سرشت ، نشو و نما یافت و از اوان کودکی با نغمه توحید آشنا شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : از هفت سالگی تمرینهای دینی و آموزش حکمت برای این فرزند صالح در نظر گرفته و در همین دوران به خواندن نماز فرا خوانده شد تا این فریضه دینی بنیانهای عقیدتی را در روان وی سامان دهد. برنامه های تربیتی که به هنگام پرورش وی دنبال می شد موجب گردید که مسیح نوجوان اندیشمند خویش را در چشمه ارزشها شستشو دهد و از نور معنویت بهره مند شود. وی که از همان دوران کودکی بر اثر این شیوه تربیتی به مکارم و فضایل علاقه مند شده بود پس از آنکه از محضر پدر فاضل و وارسته خویش خوشه هایی از خرمن دانش برچید با ارشاد پدر به مدرسه علوم دینی زادگاهش استر آباد پا نهاد و مقدمات دروس حوزوی را با شوق زیاد و استعداد شگفت آموخت . پس از آن بار سفر بست و برای تکمیل آموخته هایش خانواده را به قصد قم ترک نمود و در جوار بارگاه مقدس حضرت فاطمه معصومه (س) رحل اقامت افکند.حوزه درسی فقیه نامدار و دانشور پرآوازه جهان تشیع ، میرزای قمی بسان چشمه ای جوشان این تشنه معرفت را به سوی خویش جذب کرد و میرزا مسیح در طول سالهای اقامت خویش در قم از این استوانه فقاهت در رشته های فقه ، اصول ، حدیث ، درایه و رجال بهره برد و در اندک مدتی جزو شاگردان برجسته میرزای قمی قلمداد گردید.

وقایع میانسالی : مردم مسلمان تهران با هدایت علمای شیعه و فتوای میرزا مسیح استرآبادی مجتهد در روز ششم شعبان ۱۲۴۴ ق . در مسجد جامع شهر اجتماع کردند و از این کانون توحید و تقوا به سوی لانه فساد گریبایدوف روانه شدند تا حکم اسلام و فتوای میرزا مسیح را مبنی بر آزاد نمودن زنان مومن از دست سفیر شقی و بدرفتار، به اجرا درآوردند. هدف میرزا مسیح در این ماجرای شکوهمند تنها موضوع چند زن گرجی و مشابه آن نبود بلکه مساله اصلی بقای اسلام بود و نفی هر گونه سلطه و تجاوز. هنگامی که گروهی از شیعیان در منزل خویش آسایش ندارند و کارگزاران قاجار هم ذلیلانه به چنین آشفتگی تن داده اند برای روحانی برجسته ای چون میرزا مسیح تکلیفی بالاتر از این قیام وجود ندارد.جمعیتی که به فرمان میرزا مسیح از مسجد جامع به سوی سفارت روس حرکت کرد در آغاز بیش از هزار نفر نبود ولی وقتی به در سفارت رسیدند رقم آنان به صد هزار نفر بالغ گردید. آنان با خشم و هیجان ، خواسته بر حق و منطقی خود را مبنی بر آزاد سازی زنان مطرح کردند اما گریبایدوف به جای بردباری در مقابل مسلمانان خروشان دستور داد تا به وسیله تیراندازی جواب آنها را بدهند. بر اثر این تیراندازی نوجوان ۱۴ ساله ای که بین جمعیت بود به شهادت رسید! مردم خشمگین جسد او را به مسجدی در آن حوالی برده ، بر سر نعشش به سوگواری پرداختند و برای گرفتن انتقام به سوی سفارت یورش بردند و با هجوم دسته جمعی در سفارت را باز کردند و با افراد سفارت درگیر شدند. بر اثر این نبرد خونین که در یک طرف گروهی مهاجم و مسلح و در سوی دیگر عده ای مسلمان معتقد بودند ۸۰ نفر از مردم در راه دفاع از حق و ایستادگی در مقابل تجاوز و اجرای حکم اسلامی و عملی ساختن فتوای مجتهدی مبارز به شهادت رسیدند و ۳۸ نفر از ساکنان سفارت کشته شدند که در بین آنان جنازه گریبایدوف دیده می شد. . البته از سوی تزار روس درخواست شده بود که رهبر قیام

(میرزا مسیح) دستگیر و تبعید شود که متاسفانه دربار تصمیم تبعید میرزا مسیح گرفت . وقتی خبر تبعید میرزا مسیح در تهران پیچید بار دیگر توفانی از خشم مردم برانگیخته شد.تظاهرات وسیعی صورت گرفت و موج انسانها از معابر و خیابانها به راه افتادند و مخالفت خود را با این برنامه اعلام کردند. مزدوران قاجاریه به جای عملی ساختن خواسته مردم ، به حملات وحشیانه ای علیه آنان پرداخته ، به ضرب و جرح مسلمانان اقدام کردند. سرانجام در هشتم صفر ۱۲۴۵ ق . میرزا مسیح را به مسجد شاه (مسجد امام خمینی کنونی) در تهران آوردند و وی را مجبور ساختند تا در انظار عمومی با مریدان و خانواده خود وداع کند، اما به دلیل خشم و اعتراض اهالی تهران در آن روز موفق نشدند میرزا مسیح را به تبعید بفرستند و این ماجرا چند روزی به تعویق افتاد و در روز بیستم صفر ۱۲۴۵ ق این مجتهد خیراندیش شهر تهران را به مقصد عتبات عالیات ترک کرد. وی در یکی از آثار خود به ماجراهای سخت و سراسر رنج دوران تبعید اشاره دارد.

زمان و علت فوت : بارقه معنوی بارگاه مقدس حضرت امام حسین علیه السلام و انوار ملکوتی مرقد مطهر حضرت علی علیه السلام در نجف چنان آرامش و اطمینان خاطری را برای میرزا مسیح استرآبادی فراهم ساخت که در پرتو آن توانست تحقیقات علمی خود را گسترش داده ، آثاری نیک را به انجام رساند. ولی ضعف بینایی و روی آوردن امراض و تشنجات و ناامنی حاکم بر عراق سبب شد که وی مدتی پس از این در بستر بیماری افتد و سرانجام در سال ۱۲۶۳ هجری دار فانی را وداع گوید و به سوی سرای باقی بشتابد.آری ! میرزا مسیح مظلومانه دور از یاران سالهای گذشته اش ، اما در کنار دیگر یاورانی آسمانی جان سپرد و فقیه بلند آوازه شیخ محمد حسن نجفی مولف کتاب جواهرالکلام و تنی چند از علمای مشهور نجف بر پیکرش نماز گزاردند و آن مرحوم را با شکوه خاصی در یکی از حجره های طرف بالا سر صحن حضرت امیرالمومنین علیه السلام دفن کردند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از افتخارات بزرگی که نصیب میرزا مسیح استرآبادی مجتهد شد، این بود که به رغم اختلافات و فشار ناشی از سلطنت سلسله قاجار و دخالت بیگانگان در امور کشور و نیز اوضاع پریشان و آشفته آن روز، با شخصیتها و دانشوران نامداری معاصر بود که هر یک پرتوافشان محافل علمی بوده اند. میرزا مسیح که انسانی وارسته ، زهد پیشه و ساده زیست بود در نخستین روزهای ورود به تهران تنها به اقامه نماز جماعت در مسجد جامع شهر اکتفا کرد و در ضمن آن به نشر احکام دین و پاسخگویی به مشکلات فقهی مردم پرداخت . وی اوضاع محرومان را مورد بررسی قرار می داد، در حل گرفتاریهای شیعیان از هیچ کوششی دریغ نداشت و در حد توان جامعه مسلمین را مراقبت و نظارت می کرد و اگر در جایی خلاف یا رفتار ناروایی می دید و یا متوجه می شد که احکام اسلامی نادیده انگاشته می شود چون تندر می غرید و با حرکتی مدیرانه به مقابله و اصلاح آن می پرداخت و از این طریق فرهنگ جامعه را تصحیح می نمود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا مسیح استرآبادی علاوه بر تسلط کامل بر اصول و قواعد کلی فقه و منابع دینی ، وضع موجود و حدود موضوعات و زمینه ها را می شناخت و مقتضیات زمان و مکان از نظرش دور نبود. چنین ویژگی افزون بر خوشخویی ، صیانت نفس و تواضع وی موجب گردید تا مومنان چون پروانه بر گردش جمع شده ، از محضرش استفاده کنند رفته رفته در پی اصرار گروهی از طالبان و شیفتگان علوم دینی حوزه درسی تشکیل داد و در اثر تقاضای فراوان مردم رساله علمیه خود را انتشار داد و بسیاری از مردم تهران و حتی ساکنان نقاط شمالی و غرب کشور ایشان را به عنوان مرجع تقلید خویش شناختند. پس از مدتی اعتبار علمی و اجتماعی ، نفوذ اخلاق و رفتارش در قلوب مردم چنان بود که به عنوان بارزترین و ارجمندترین مجتهد تهران شناخته شد .

شاگردان : میرزا مسیح استرآبادی در تهران علاوه بر آنکه در مقام مرجع تقلید و مجتهدی پرآوازه به امور شرعی و اجتماعی مردم مشغول بود از پرورش شاگردان غافل نبود و حوزه درسش پررونق بوده است . ۱- حاج میرزا نصرالله مشهدی (تربتی) (متوفی ۱۲۹۸ ق) ۲- حاج میرزا احمد ساوجی (متوفی ۱۳۰۵ ق) ۳- مولانا عبدالرحمن شیخ الاسلام (متوفی ۱۲۹۰ ق) ----------------

---

آثار :

۱ المصباح

ویژگی اثر : کتابی است به زبان عربی در خصوص مسائل فقهی که در سال ۱۲۶۲ ق در تهران چاپ سنگی شده است

۲ رساله علمیه

ویژگی اثر : ایشان رساله ای برای استفاده عموم مقلدان به رشت تحریر درآورد که از لحاظ استحکام مضامین ، کاوشهای علمی و استناد به منابع روایی و کتب فقها و محدثان گذشته در خور توجه صاحبان فضل است . البته گویا میرزا مسیح نخست رساله ای درباره احکام فقهی نوشته و سپس آن را تغییر داده و با مسائل جدیدتر تنظیم کرده است . المصباح لطریق الفلاح)): نسخه ای از این رساله با چاپ سنگی در کتابخانه چهل ستون مسجد جامع تهران نگهداری می شود.

۳ شرح قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام

ویژگی اثر : این شرح در بردارنده بخش طهارت و برخی از مباحث و موضوعات فقهی است . نسخه ای از این کتاب در نزد نواده او میرزا عبدالله مجتهد تهرانی بوده است.

۴ شرح کتاب المعاطاه

ویژگی اثر : که متضمن کتاب الصلح و الاجاره و الوکاله است .

۵ شرح مختصر النافع

ویژگی اثر : نسخه خطی این کتاب در ۱۱۰ صفحه به صورت عکسی در کتابخانه چهل ستون مسجد جامع تهران نگهداری می شود. مطالب آن از کتاب تجارت آغاز می گردد.۶. رساله فی احکام النیابه و جواب الاسئله الفقهیه : این کتاب رساله استدلالی گران سنگی است که در خصوص احکام فقهی بحث کرده و در جواب سئوالهایی نوشته شده که سئوال کنندگان آن مشخص نیستند.در بخشی از این کتاب میرزا مسیح به ایام سخت تبعید خود در عتبات عالیات اشاره کرده است و تاریخ بیستم شوال ۱۲۴۸ ق در پاسخ یکی از مسائل فقهی دیده می شود.

۶ قواعد الاصولیه

۷ کشف النقاب فی شرح لمعه الدمشقیه

ویژگی اثر : (تصویری از نسخه خطی آن در کتابخانه چهل ستون مسجد جامع تهران مضبوط است .)

منابع زندگینامه :

۱سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz – /www.hawzah.net

اصفهانی، فتح الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در زمستان سال ۱۲۲۸ ش . (۱۲ ربیع الاول ۱۲۶۶ ق)باز شدن غنچه ای در خانه محمد جواد نمازی اصفهانی ، بهار را نوید داد. آن غنچه خوشبو را فتح الله نامیدند. او ابتدا در حوزه علمیه اصفهان سپس به حوزه علمیه مشهد به تحصیل مشغول میشود. وی درسال ۱۲۹۵ه.ق راهی نجف اشرف شد و در محضر مراجع تقلیدآن زمان آیات بزرگوار شیخ محمد حسین کاظمی و میرزا حبیب الله

رشتی حاضـر شـد و خـود نیز مجلس درس مهمی تشـکیل داد کـه بسیاری از دانشـمندان حـوزه علمیـه نجـف در آن شـرکت می کردنـد.گروه : علوم انسانیرشـته : الهیـات و معارف اسـلامیوالدین و انساب : ملا فتـح الله اصـفهانی در دامان پر مهر مادری مومن که هیچ گاه او را بدون وضو شیر نمی داد و پدری دلسوز که نامش محمد جواد بود و لحظه ای از تربیت فرزندش غافل نمی شد، رشد کرد و پس از سپری کردن دوران بازیهای کودکانه راهی کلاس قرآن و دیگر کتابهای مذهبی شد.خاطرات کودکی : گویند روزی ملا فتح الله اصـفهانی بیمار شد و وقتی پزشک برای معالجه بر بالین او آمد شیخ الشـریعه در مورد بیماری اش از کتاب قانون بوعلی سینا مطلبی گفت . پزشک تصور کرد چون شیخ نوع بیماری خود را می دانسته تنها همان قسمت کتاب را به خاطر سپرده است ولی در گفتگوهای بعدی مشخص شد او بیشتر مطالب قانون را آماده در ذهن دارد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : ملا فتح الله اصفهانی ابتـدا در حوزه علمیه اصـفهان به تحصیل مشغول شـد. استعداد و پشـتکار فتـح الله موجب شد که بتواند با سـرعت ، مقدمات علوم اسلامی را فرا گرفته ، در درس فقه و اصول بزرگـان مـدارس علمیه زانوی ادب به زمین بزنـد. بـا این حـال حضور در درس بهترین اساتیـد حوزه علمیه اصـفهان نتوانست تشـنگی دانش انـدوزی او را فرو نشاند. از این رو راهی حوزه علمیه مشـهد مقدس شد.در آن شهر از محضر اساتید برجسته ای چون آیه الله حاج میرزا نصرالله مدرس ، آیه الله محمد ابراهیم بروجردی و سید مرتضی حائری بهره فراوان جست تـا در ردیف اساتیـد آن دیـار شـناخته شـد. سپس به سوی اصـفهان مراجعت کرد. تا آن زمان نظریات شـیخ مرتضـی انصاری در اصـفهان شـهرتی نداشت ولی شـیخ شـریعت به بیان مسلک شیخ مرتضی انصاری همت گماشت .استادان و مربیان : ملا فتح الله اصـفهانی در محضـر شـریعتمداران زیادی درس شریعت آموخت تا شیخ شریعت شد به پاس احترامشان نام آنان در ذیل می آید:۱. ملا حیـدر علی اصـفهانی۲. آیه الله نصـر الله مـدرس۳. شـیخ محمد صادق تنکابنی۴. ملا احمـد سبزواری۵. شیخ عبدالجواد خراسانی۶. آیه الله ملا محمد باقر اصـفهانی۷. شـیخ حسین علی تویسرکانی ملایری۸. آیه الله شـیخ محمد تقی هروی۹. آیه الله شیخ محمـد رحیم بروجردی۱۰. آیه الله شـیخ محمـد حسـین کاظمینی۱۱. آیـه الله میرزا حـبیب الله رشتیهمسـر و فرزنـدان : ملاـ فتـح الله اصـفهانی با یکی از نوادگان آیه الله شیخ محمد حسین اصفهانی مولف کتاب فصول ازدواج کرده بود و حاصل این ازدواج ۳ فرزند پسر بود:۱. شـیخ حسن : وی فرزند بزرگ شـیخ الشـریعه بود و در انقلاب نقش بسـزایی داشت .۲. شـیخ مهدی ، او تقریرات درس پدرش را به رشـته تحریر کشـید و کتاب ((اعلام الاعلام بمولد خیر الانام)) از اوست .۳. شیخ محمد شریعت (۱۲۸۳ – ۱۳۵۷ ق .): وی در نجف به تکمیـل علوم خود پرداخت . در سـال ۱۳۳۱ ش . آیه الله بروجردی او را به عنوان نماینـده خود راهی اصـفهان کرد. شیـخ محمد پس از رحلت آیه الله بروجردی امام امت (ره) را به عنوان مرجع اعلم معرفی کرد که عده ای از علمای پاکستان هم به پیروی از ایشان امام را مرجع تقلید اعلم به مردم معرفی کردندوقایع میانسالی : نیروهای انگلستان و همدستانش در جنگ جهانی اول با طرح این شـعار که هدف ما رهایی کامل ملتهاست توانستند عراق و دیگر کشورهای عربی را تصرف کنند اما پس از اشغال عراق نه تنها به آنها استقلال ندادند که سعی کردند با برگزاری رفراندم فرمایشی به اشغال خود حالت قانونی دهند و آنگاه که عده ای از آزادیخواهان درخواست اسـتقلال کردنـد آنها را تبعیـد و زنـدانی کردند و متعاقب این اوضاع شـیخ الشـریعه با ارسال تلگرافهایی به حاکمان انگلیسـی و فرماندهان ارشد نظامی آنان از این درخواست سـرباز زدند و سـعی کردند با سرکوب جلو انقلاب را بگیرند.در این هنگام آیه الله میرزا محمد تقی شـیرازی با صدور فتوایی به عراقیان اجازه داد که اگر انگلیسـیان از دادن حقوق آنها سـرباز زدند آنان دست به اسلحه برند و حق خود را باز پس گیرند. و این گونه بود که آتش انقلاب در عراق زبانه کشید.در هنگامی که تمامی شهرهـای عراق در آتش انقلاـب می سوخت ناگهـان آیه الله میرزا محمـد تقی شـیرازی که در این زمان رهبری انقلاب را به عهـده داشت به طور مرموزانه ای درگـذشت ولی در آن لحظـات حسـاس آیه الله شـریعت اصـفهانی علم بر زمین افتاده میرزای شـیرازی را برداشت و بـا صـدور بیـانیه ای از مردم عراق خواست به انقلاـب ادامه دهنـد و سـپس در اجتماعی که در صـحن حضـرت علی علیه السـلام برگزار شـده بود حاضـر شـد و در حـالی که به علت کهولت و ناتوانی نمی توانست به تنهایی راه برود با کمک چنـد نفر از

اطرافیان بر فراز منبر قرار گرفت و پس از تسلیت از دست دادن میرزا، مجاهدان را به استقامت فراخواند و آنگاه آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی را به عنوان نماینده خود انتخاب کرد و پرچم جهاد را به دست او سپرد.در همین ایام ویلسون ، نماینده انگلستان در عراق تصمیم گرفت با فرستادن پیام تسلیتی باب گفتگو با شیخ را باز کند، او را به پندار خود بفریبد اما نتوانست و انقلاب همچنان ادامه یافت .(۱۴۳۳)متعاقب این اوضاع نیروهای انگلیسی که در ایران و هند مستقر بودند به طرف عراق روانه شدند تا اینکه تعداد آنها به یکصد و پنجاه هزار نفر رسید که به انواع سلاحهای پیشرفته و هواپیماهای جنگی مجهز بودند. قدرت روز افزون نیروهای انگلستان ، تمام شدن منابع مالی مجاهدان و قرار گرفتن آنان در محاصره اقتصادی و نظامی ، نیز تغییر سیاست انگلستان و پیشنهاد تشکیل حکومت ملی در عراق از طرف دیگر موجب شد که بین رهبران جهاد اختلاف افتد و انقلاب متوقف شود. دولت انگلستان به طور رسمی تغیر سیاست خود را اعلام کرد و بدین سان استقلال خود را هر چند ناقص به دست آورد. اگر انقلاب به پیروزی نظامی می رسید علما می توانستند با تشکیل حکومت اسلامی عراقی آباد و آزاد بسازند عوامل فوق در کنار سستی که به مناسبت شروع فصل کشاورزی در مردم عراق پدید آورده بود باعث شد که نیروهای انگلستان بتوانند به طرف شهرهای مقدس پیشروی و کربلا، کوفه و آنگاه نجف را اشغال کنند.پس از اشغال نجف ۱۷ تن از علما و از جمله حسن فرزند شیخ الشریعه دستگیر و برای تبعید روانه بصره شدند.زمان و علت فوت : سرانجام روح پر فتوح ملا فتح الله اصفهانی پس از عمری تلاش در راه اسلام و قرآن در شب یکشنبه هشتم ربیع الثانی سال ۱۳۳۹ ق . قفس تن را دریده و آن نفس مطمئنه به سوی پروردگارش پر کشید و پیکر مطهرش در جوار قبر امیرمؤ منان علیه السلام به خاک سپرده شد.در سال ۱۳۶۶ ق . که آیه الله حاج آقا حسین قمی دار فانی را وداع کرد و می خواستند او را کنار شیخ الشریعه دفن کنند در هنگام حفر قبر مقداری از قبر شیخ شریعت خراب شد و حاضران با تعجب دیدند جسد آن فقیه فرزانه هنوز کاملا تازه است چنانکه گویا روز پیش به خاک سپرده شده است .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پس از وفات آیه الله میرزا حبیب الله رشتی و آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی شماری از مردم از شیخ الشریعه تقلید می کردند ولی پس از رحلت میرزا محمد تقی شیرازی ، شیخ الشریعه یگانه مرجع جهان تشیع شد. با این حال وی رهبری دینی را چون باری سنگین بر دوش خود احساس می کرد. او در خلوت دیده شده بود که اشک ریزان با خدای خود چنین مناجات می کرد:((خدایا، در آخرین روزها زندگیم در دنیا به ریاست مبتلا(!) شده ام و باید سنگینی این بار امانت را به دوش کشم ! بار الها، من طاقت تحمل این امر بزرگ را ندارم ... و حال آنکه تو فردای قیامت از من سوال خواهی کرد...)) شیخ شریعت در کنار دیگر علما در برابر هجوم اقتصادی دشمن دو اقدام مهم انجام داد.۱ - تشویق مردم به ایجاد شرکت های تعاونی۲. تحریم خرید و فروش اجناس و وسایل روسیه و انگلستان .البته در این جبهه نیز زمانی که می رفت این مبارزه منفی شکوفه دهد سفارت انگلیس با یک نامه فدایت شوم به وثوق الدوله نوشت که از علما بخواهد فتواهای خود را ملغی اعلام کنند و وثوق هم همین کار را کرد.عراق در جنگ جهانی اول به تصرف انگلستان درآمد و شیخ الشریعه ضمن صدور فتوای جهاد خود به جبهه شتافت و فرماندهی جبهه قرنه را به عهده گرفت . نیروهای مردمی به فرماندهی علما به مدت هیجده ماه در برابر نیروهای عظیم انگلستان مقاومت کردند و اگر پیروزی نهایی متفقین و ضعف شکست عثمانی و دیگر متحدانش نبود اشغالگران هیچ گاه موفق به اشغال عراق نمی شدند.فعالیتهای آموزشی : ملا فتح الله اصفهانی در سال ۱۲۹۵ ق . راهی نجف اشرف شد و در محضر مراجع تقلید آن زمان (آیات بزرگوار شیخ محمد حسین کاظمی و میرزا حبیب الله رشتی) حاضر شد و خود نیز مجلس درس مهمی تشکیل داد که بسیاری از دانشمندان حوزه علمیه نجف در آن شرکت می کردند.شیخ الشریعه در سال ۱۳۱۳ ق . به شوق معشوق رو به خانه معبود نهاد. او در مکه به مباحثه و گفتگو با علمای اهل سنت پرداخت به گونه ای که آنها از احاطه کامل وی به کتابهای اهل سنت در شگفت شدند.(۱۴۲۹)پس از بازگشت از حج پروانه های فضیلت پیرامون آن شمع شریعت گرد آمدند. در این زمان درس او از مهم ترین درسهای نجف به شمار می رفت که صدها نفر در آن شرکت می کردند.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : شیخ الشریعه در پی مبارزه با

تهاجم فرهنگی دشمن کتابخانه مهمی ایجاد کرد که دانش پژوهان از آن استفاده می کردند و از دیگر اقدامات ایشان صدور اعلامیه های فراوان بود که پرده از چره استعمار می زدود .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : در زمانی که عراق تحت سلطه انگلستان بود حکومت استعمارگر به مزدوران خود دستور داده بود هر جا کتاب نفیس و قدیمی یافتند آن را تصاحب کرده ، به کتابخانه لندن بفرستند!در این میان روحانیون آگاهی که نمی خواستند فرهنگ اسلامی به دست کفار غارت شود در مقابل آنان می ایستادند و استعمارگران با به زندان افکندن ایشان سعی می کردند به اهداف شوم خود جامه عمل بپوشانند. ولی شیخ شریعت به کمک طلاب آمده ، آنها را از بند نجات می داد. برای نمونه می توان به زندان افتادن آیه الله مرعشی نجفی برای خریدن یک کتاب و سپس آزادی او به همت شیخ الشریعه اشاره کرد.شاگردان : صدها نفر از طلاب علوم دینی در جلسات درس ملا فتح الله اصفهانی شرکت می کردند که بسیاری از آنان بعدها در زمره مراجع تقلید در آمدند و نامی ترین آنان عبارتند از:آیات عظام : ۱. شیخ عبدالکریم حائری۲. سید محمد حسین بروجردی۳. سید ضیاء الدین عراقی۴. سید ضیاء الدین عراقی۵. سید شهاب الدین مرعشی نجفی۶. سید عبدالهادی حسینی شیرازی۷. سید محسن طباطبایی حکیم۸. سید محمد کوه کمره ای (حجت)۹. سید محمد تقی خوانساری۱۰. محمد علی شاه آبادی .چگونگی عرضه آثار : از آنجا که شریعت در علوم گوناگون اسلامی مهارت داشت در بسیاری از رشته ها نوشته هایی پر بها از خود به یادگار گذاشت که هر یک در علوم مختلف حاکی از فزونی دانش اوست . از آن همه ، پاره ای رساله در موضوعات فقهی و اصولی است . در علم تفسیر، فلسفه ، کلام و ادبیات عرب نیز دارای آثاری نیکوست .

اصفیانی شندآبادی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم ربانی، آیت‌اللّه حاج سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی به سال ۱۳۲۸ هجری قمری در روستای «شندآباد» از توابع شهرستان «شبستر» استان آذربایجان شرقی در خانواده‌ای مؤمن و متدین دیده به جهان گشود. وی پس از طی دوره های مقدماتی عازم حوزه علمیه شبستر شد و در نزد مرحوم حضرت آیت الله حاج میرزا کاظم آقا شبستری به تکمیل علوم و فنون تا سطوح عالیه پرداخت. آنگاه وارد حوزه علمیه تبریز شد، از محضر درس مرحوم ایت الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی و از دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله حاج سیدمرتضی خسرو شاهی در حد وافر بهره برد. تا آنکه خود یکی از مدرسین ماهر و زبر دست حوزه علمیه تبریز قرار گرفت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : پدر سید اسماعیل اصفیانی شند آبادی «میرعبداللّه» از سادات محترم و معروف و در خوبی و صفا زبانزد عام و خاص بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی پس از آن که قرآن و ادبیات فارسی از قبیل ابواب‌الجنان، گلستان سعدی، تاریخ معجم، تنبیه‌الغافلین، و نصاب‌الصبیان که از اهم کتب مقدماتی در ادبیات فارسی و تدارک ورود به رشته ادبیات عرب بود، را در مکتب‌خانه‌های قدیمی شندآباد فراگرفت. سپس عازم حوزه علمیه شبستر شد و در نزد مرحوم حضرت آیت‌اللّه حاج میرزا کاظم آقا شبستری به تکمیل علوم و فنون تا سطوح عالیه پرداخت. آنگاه وارد حوزه علمیه تبریز شد، از محضر درس مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی و از دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه حاج سیدمرتضی خسروشاهی در حد وافر بهره برد. تا آنکه خود یکی از مدرسین ماهر و زبردست حوزه علمیه تبریز قرار گرفت.خاطرات و وقایع تحصیل : یکی از خویشاوندان سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی تعریف می‌کند که ایشان دایی خانواده ما بودند و بدین جهت نامحرمی در خانه ما برای او وجود نداشت. از این گذشته از کودکی لطف دیگری به ما داشت و خانه ما را مثل خانه خود می‌دانست و هر وقت از قم به «شندآباد» می‌آمد، اولی به خانه ما می‌آمد، بعد

سراغ دیگران می‌رفت.وقتی من از مسافرت برگشتم، نصف شب به خانه رسیدم، دیدم ایشان مثل همیشه به نماز شب ایستاده و گریه و زاری می‌کند و با خدای خود مناجات می‌نماید. سعی کردم طوری داخل شوم که ایشان متوجه من نشوند و مشغول عبادت باشند، ولی ایشان متوجه شدند و مرا مورد لطف و تفقد قرار دادند. نشستیم و کمی از اینجا و آنجا صحبت کردیم. بعد ایشان فرمود: شما از مسافرت آمده‌اید، بروید استراحت کنید. خودشان دوباره برخاستند و مشغول عبادت شدند. باز با آن گریه‌های جگرسوزشان به مناجات پرداختند. من هم طبق معمول رفتم و مقدمات خواب را فراهم کردم. دیدم همسرم سرزنش کنان به سراغم آمد و گفت:«ایشان هم ملّا هست تو هم ملّائی! بابا تو هم نماز شبی، مناجاتی، چیزی!!»که من خندیدم و گفتم:«تو از هیچ چیز خبر نداری! نمی‌دانی ایشان چقدر گناه کرده است! باید هم گریه کند! باید هم از خدا طلب عفو کند! امّا ما چی؟!»بالاخره با این حرفها از دست خانم خلاصی یافتم. امّا صبح که بیدار شدیم و سر صبحانه حاضر شدیم، مرحوم آقای شندآبادی لبخندی زد و گفت. «دیشب چه گفتی راستش را بگو!» گفتم: «ما که چیزی نگفتیم» دوباره گفتند: «تو راست گفتی، باز هم بگو!» دیدم یکباره منقلب شد و باز در حالی که آه می‌کشید، فرمود: «تو راست گفتی من خیلی گناهکارم!!»فعالیتهای ضمن تحصیل : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی پس از عمری تلاش و کوشش و فعالیتهای مذهبی و اجتماعی در تبریز و خدمت به مردم آن شهر، ترجیح داد اواخر عمرش را در کنار حرم کریمه اهل‌بیت (ع) بگذراند و با استفاده از انفاس قدسی عارفان آن تربت پاک تزکیه نفس خویش را به اکمال برساند. با این حال از تدریس، تألیف تفسیر نیز غافل نماند و از بدو ورود به قم، با عشقی سرشار به فقه آل محمد (ص) تلاش خود را در این زمینه‌ها دوچندان کرد و با بهره‌گیری از مباحثه و همنشینی بزرگان حوزه قم، خود به حدّی از مراتب کمال رسید که مورد علاقه خاص بزرگان و عارفان واقع شد.همسر و فرزندان : مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی اصفیائی شندآبادی چهارفرزند دختر و چهارفرزند پسر دارد؛ فرزندان پسر عبارتنداز:۱ – سیدعبداللّه فاطمی‌نیا وعظ شهیر و توانا و از روحانیان متعهد تهران۲ – سیدمحمد اصفیائی کارمند کتابخانه آیت‌اللّه مرعشی(ره)۳ – سیدعلی اصفیائی طلبه و کاردار سفارت ایران در عربستان۴ – سیدمحسن اصفیائی پیشه‌وروقایع میانسالی : مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی رقیق‌القلب و از «بکائون» زمان خود بود. وقتی به منبر می‌رفت در آغاز گفتارش آیه‌ای را ذکر می‌کرد و گریه می‌نمود و همه را به گریه می‌انداخت. مخصوصا آیاتی را که عتاب آمیز بود با همان لحن عتاب‌آمیز بلند قرائت می‌کرد و حال همه را منقلب می‌نمود. وقتی جهت اقامه نماز در مسجد حاضر می‌شد، مدتی قبل از شروع نماز به نوافل می‌ایستاد و گریه و زاریشان مسجد را پر می‌کرد.آقا سید محمد فرزند گرامی‌اش در این باره می‌گوید:«مرحوم پدرم دائم‌الذکر و اهل مراقبت بود و در عین حال هیچگونه دعوی نداشت بلکه رفتار او به گونه‌ای بود که کسی متوجه عوالم او نمی‌شد. او با ادعیه عالیه اهل بیت (ع) انس زیادی داشت و بسیاری از آنها را از حفظ داشت و قسمتهای مختلفی را گاهی در قنوت و سجده ذکر می‌نمود. به یاد دارم، روزی در منزل خلوتی از او در مورد دعای کمیل سئوال کردم و پرسیدم، آیا هرکس می‌تواند دعای کمیل را بخواند؟ ایشان جواب داد: اگر خداوند به کسی توفیق عنامت کند امر خطیری است، مگر نمی‌بینی می‌فرماید: «ویناديک بلسان اهل توحیدک و یتوسل الیک بربوبیتک» اینجا منقلب شد و مرا نیز منقلب کرد و من دیگر نتوانستم به سئوالات خودم ادامه دهم.»زمان و علت فوت : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی سرانجام پس از سالها تلاش و کوشش در جهت ترویج و تبلیغ دین و تزکیه و تهذیب نفس خویش در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۶۸، مطابق ۱۸ جمادی‌الاول ۱۴۱۰ هجری قمری قریب به نیمه شب با حالات عجیب روحی و اشتغال به مناجات الهی دار فانی را وداع گفت و در جوار اجداد طاهرین خود آرام گرفت. پیکر پاک و شریفش پس از تشییع با شکوهی با همت مردم و روحانیون در قم در مقبره علماء در باغ بهشت به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی در اوایل انقلاب بنا به احساس مسؤلیتی که در قبال انقلاب داشت، جهت ارشاد مردم و خدمت به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی امامت جمعه شهرستان مراغه را قبول کرد و رهسپار آن شهرستان شد، ولی مدت کمی در آنجا ماند و بنا به مصالحی دوباره به قم برگشت.فعالیتهای آموزشی : روح و ذهن مرحوم سیداسماعیل اصفیائی

شندآبادی از معارف قرآن کریم سیراب شده بود و در مقام تفسیر قرآن نکاتی را یادآوری می کرد که شاید بعضی از آنها در هیچ تفسیری وجود نداشت. مرحوم اصفیائی در بخش ادبی تفسیر قرآن نیز نظرهای (به اصطلاح علماء، شم تفسیری خاص) داشت.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مجموعه مسجد و مدرسه سیدحمزه، از آثار فرهنگی اسلامی اوائل سده هشتم هجری قمری است که همزمان با تأسیس مدرسه و شهر علمی رشیدالدین فضل‌اللّه بوسیله «سید حمزه» که از سادات محترم و متمول دوران «اولجاتیو» بوده تاسیس و موقوفات بسیار مفصل بدانجا اختصاص داده شده بود. ولی با گذشت زمان اگرچه این مکان از سرنوشت ربع رشیدی مستثنی مانده ولی از دست چپاول عمله مولّی به نام «متولی» در امان نمانده و حجره‌ها و مدرسهایی مدرسه تبدیل به گورستان شده بود و مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی با یک دهه تلاش پیگیر توانست مدرسه را از عمله مولی خارج نموده و پس از بازسازی حجره‌ها، در حدود سال ۱۳۳۸ شمسی اولین طلاب علوم دینی را در آنجا اسکان دهد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی در کنار درس و بحث برای ارشاد مردم امامت مسجد سید حمزه تبریز که به کلی مخروبه و غیرقابل استفاده گردیده بود، پذیرفت و پس از چند سال تعمیر و بازسازی تدریجی آن به وسیله احیای موقوفات مسجد به اقامه نماز جماعت، ایراد سخنرانی، وعظ و خطابه مشغول شد. او چنان از محبوبیت و استقبال گرمی برخوردار شد که بعد از سالهای سال هنوز کسبه اهل بازار و محله با حرمت از آن دوران یاد می کنند و می گویند ما در عمرمان و در تاریخ مسجد سید حمزه تنها کسی را که دیدیم در دل و جان ما نفوذ کند و محبت خدا را در دلهای ما رخنه دهد، آیت‌اللّه شندآبادی بود.آرا و گرایشهای خاص : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی دارای ملکات فاضله و سجایای جمیله بود. بسیار کریم‌النفس، منیع‌الطبع، سخی و صبور و شجاع بود و در قضاء حوائج مؤمنین و رسیدگی به مستمندان و مریضان همت عجیبی داشت.آثار : ۱ تحقیق و چاپ «محاسبةالنفس» سیدبن طاووس ۲ کشف‌الریبه ویژگی اثر : شهید ثانی که این مجموعه مکرر در ایران و لبنان به چاپ رسیده است۳ محاسبه‌النفس و پشتکار حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – www.hawzah.net/

اعلمی حائری، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین اعلمی حائری در سال ۱۳۲۰ ق. در خطّه کویری نائین در روستای مهرجان، که در حوزه جغرافیایی جندّق از توابع شهرستان نائین قرار دارد، دیده به جهان گشود.در حالی که بیست بهار از عمر محمدحسین اعلمی می گذشت، به سال ه.ق روانه حوزه نجف شد و درمدت اقامت خود دراین شهر، شب و روز درس می خواند، پژوهش و مطالعه می کرد و از محضر بزرگان ومجتهدان معروف کسب فیض می نموده تا این که پس از هفده سال تلاش به درجه اجتهاد نایل شد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : محمد حسین در خاندانی به دنیا آمد که فضای آن، به نور دانش دینی و ارزش‌های متعالی مذهبی، روشن بود. او در سایه پر مهر و محبت پدرش، دوران کودکی را پشت سر نهاد و کتاب‌های دینی، بویژه قرائت قرآن مجید، را از پدر دانشمند خود فراگرفت. پدر محمدحسین اعلمی، به شیخ سلیمان مهرجانی، شهرت دارد. با پژوهش و مطالعه در زندگی فرزندش، بر می‌آید که او یکی از عالمان آن دیار و از شأن و منزلت والایی برخوردار بوده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : هنگامی که محمدحسین اعلمی حائری ، به سن ده سالگی می‌رسد، درسال ۱۳۳۰ ق، همراه پدر، روانه مشهد مقدّس و حوزه پربار طوس گردید. از قرائن برمی آید در مدّتی که او در مشهد به تحصیل اشتغال داشته، پدرش نیز با او بوده است.محمدحسین در

جوار بارگاه حضرت رضا (ع) به فراگیری دانش‌های رسمی دینی پرداخت و مقدّمات دروس حوزه، همانند صرف و نحو و منطق و مقداری از اصول فقه، را نزد استادان حوزه مشهد، فراگرفت. در این که استادان او در مشهد چه کسانی بودند و چند بهار از عمر خویش را در این شهر سپری کرد و دقیقاً چه درس‌هایی را آموخت، چندان روشن نیست؛ ولی گویا چهار پنج سال در مشهد به ادامه تحصیل پرداخت. در نجف، تحصیل جدّی این طلبه جوان برای آموختن علوم دینی و مبانی اجتهاد آغاز می‌شود. در مدت اقامت خود در این شهر، شب و روز درس می‌خواند، پژوهش و مطالعه می‌کرد و از محضر بزرگان و مجتهدان معروف کسب فیض نموده تا این که پس از هفده سال تلاش به درجه اجتهاد نایل شد.او ضمن این که در درس بزرگان علوم فقه و اصول شرکت می‌جست، خود نیز کتاب‌های سطوح حوزه مانند مکاسب و رسائل و کفایه را تدریس می‌کرد و جمعی از طلاب و فضلا در حوزه درس او حاضر می‌شدند. این بزرگوار از دو تن از استادان برجسته نجف؛ مرحوم میرزا حسین نائینی و مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی، اجازه اجتهاد گرفت و نیز اجازه‌های روایتی فراوانی از بزرگان حدیث و رجال، دریافت کرد.محمدحسین اعلمی، وقتی که از مکّه به نجف برگشت، چندان در نجف باقی نماند؛ بلکه بلافاصله از آنجا به سوی کربلا حرکت نمود و در جوار قبر مقدس حضرت امام حسین (ع) اقامت گزید. او در حوزه کربلا نیز از تحصیل دانش باز نایستاد و از محضر فقیهانی چون: آیۀاللّه آقاحسین قمی، آیۀاللّه سیدمهدی شیرازی و آیۀاللّه شیخ هادی، بهره جست. وی در سال ۱۳۷۴ ق. کربلا را ترک گفت و برای سومین بار، جهت زیارت مرقد نورانی حضرت علی بن موسی (ع) رهسپار خراسان شد. او در مشهد علاوه بر زیارت، از تحقیق غافل نبود و برای تکمیل دائرۀالمعارف، که یکی از آرزوهای این مرد دانش‌پژوه بود، از کتابخانه پرمایه رضوی بهره‌های فراوانی برده، مطالعات دامنه‌داری را انجام داد و اندوخته‌های علمی خود را در فیش‌هایی یادداشت می‌کرد. مدت اقامت ایشان در مشهد، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد؛ ولی گویا بیشتر از سه چهار ماه در آنجا مقیم نبوده است.باری، وی بعد از تکمیل پژوهش، عازم تهران شد و از بیشتر کتابخانه‌های معروف آن زمانِ تهران نیز بهره گرفت؛ از جمله: کتابخانه مجلس شورای ملّی و مَلِک.خاطرات و وقایع تحصیل : محقّق بزرگوار محمدحسین اعلمی حائری ، در دورانی که در حوزه نجف اشتغال به درس و تدریس داشت، برای اوّلین بار روانه مکه شد. او ابتدا، به شهر مدینه رفت، بعد از زیارت تربت پاک رسول اکرم (ص) و امامان معصوم شیعی و شهدای مدفون در قبرستان اُحد، راهی مکه شد و ضمن انجام مناسک حج، با شخصیت‌های برجسته اسلامی ملاقات و درباره مسائل علمی، با آنان به مباحثه و مناظره پرداخت و از مکتب شیعه و اندیشه‌های تابناک عالمان شیعی، جانانه دفاع کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدحسین اعلمی حائری در مقطع نوجوانی دل و جانش همچنان تشنه کسب معارف دینی بود و گویا حوزه مشهد، عطش علمی او را فرو ننشانده، از این رو، مترصد فرصتی بود تا به حوزه پرآوازه شیعه، نجف‌اشرف، هجرت کند.در حدود سال ۱۳۳۵ ق. همراه پدرش از مشهد به زادگاهش مهرجان، برگشت و برهه‌ای از عمر خود را در آنجا سپری کرد. در این ایام که محمدحسین به سن بیست سالگی رسیده بود، برابر مقرّرات آن زمان، به خدمت سربازی فراخوانده شد. حدود هشت ماه از خدمت را گذرانده بود که بنابر عللی از ادامه خدمت معاف شد. از این پس، عزم خویش را جزم کرد و راهی کعبه دل‌ها، نجف‌اشرف، شد. در حالی که بیست بهار از عمر محمدحسین اعلمی می‌گذشت، به سال ۱۳۴۰ ق. روانه حوزه نجف شد. او راه طولانی نایین تا بارگاه ملکوتی حضرت علی (ع) را گاه پیاده و گاه سوار بر مرکب، طی می‌کرد. وی پس از ورود به عراق، ابتدا به زیارت قبر حضرت سیدالشهداء (ع) و سایر شهدای نینوا شتافت و سپس راهی شهری شد که از سال‌ها پیش، قلب او برای رسیدن به آن، می‌تپید. از آنجا که محمدحسین اعلمی شیفته فهم و حفظ احادیث امامان شیعه بود و زحمات فراوانی در این راه کشید، مفتخر به دریافت اجازه نقل روایت از مشایخ حدیث شد. آن زمان، که عصر مرجعیت آیۀاللّه بروجردی بود، حوزه علمیه قم به تازگی به وسیله حضرت آیۀاللّه حائری یزدی بنیان‌گذاری شده بود و از رونق خاصی برخوردار بود. مرحوم اعلمی برای غنا بخشیدن به مطالعات و پژوهش‌های خود، آهنگ قم کرد و بعد از ورود به این شهر، خانه‌ای برای سکونت خانواده‌اش خرید؛ ولی او که برای انجام تحقیقات و تکمیل دائرۀالمعارف خود، بیشتر اوقات در حجره‌ای در

مدرسه فیضیّه قم سکونت داشت تا هم بتواند بیشتر به حرم حضرت معصومه (س) مشرّف شود و هم از کتابخانه مدرسه فیضیّه بهره گیرد. زمان ورود او به حوزه علمیه قم اواخر سال ۱۳۷۴ ق. است. محمدحسین اعلمی با این که از آیهٔاللّه نائینی و بعضی دیگر از مراجع نجف، اجازه اجتهاد داشت، ولی باز وجود آیهٔاللّه بروجردی را غنیمت شمرد و چندی در حوزه تدریس آن بزرگوار در حرم مطهّر و مسجد اعظم قم حاضر می‌شد.به هر حال در مدرسه فیضیه و حوزه علمیه قم، زحمات چندین ساله او نتیجه داد و برخی از مُجلّدات دائرهٔالمعارف اعلمی را به مرحله چاپ رسانید.استادان و مربیان : از استادان محمد حسین اعلمی حائری می توان به موارد زیر اشاره کرد: میرزا حسین نائینی مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی در روزگاری که محمدحسین اعلمی در نجف درس می‌خواند، این حوزه در بهترین موقعیت علمی خود قرار داشت و استوانه‌های بزرگ علم در این حوزه زندگی می کردند. آقای اعلمی، نزد تعدادی از برجسته‌ترین آنان حاضر می‌شد و از دانش آنان، بهره می‌برد. در این جا به نام چند نفر آن‌ها بسنده می کنیم:.۱ مرجع بزرگ شیعه، آیهٔاللّه سیدابوالحسن اصفهانی؛.۲ مرجع عالی شیعه و بزرگ‌ترین اصولی عصر خود، آیهٔاللّه محمدحسین نائینی؛.۳ فقیه و اصولی نامور، آیهٔاللّه ضیاءالدین عراقی؛.۴ آیهٔاللّه محمدحسین اصفهانی؛.۵ زاهد و عارف مشهور، مرحوم شیخ علی قم؛.۶ سید محمد یزدی فرزند آیهٔاللّه سید محمدکاظم یزدی؛آقای اعلمی بعد از اقامت ۱۷ ساله در نجف، به قصد زیارت مرقد امام رضا (ع) به سوی مشهد مقدس حرکت کرد و بعد از زیارت قبر آن حضرت مجدداً به نجف بازگشت و سه سال دیگر در این شهر اقامت کرد. در همین زمان بود که مرجع بزرگ شیعه، آیهٔاللّه سیدابوالحسن اصفهانی دستور داد که جمعی از نخبگان دور هم گرد آیند و به تحقیق، تنظیم و ترتیب احادیث کتاب وسائل‌الشیعه بپردازند. از جمله اعضای این گروه، محمدحسین اعلمی و دیگری آیهٔاللّه سیدمحمدهادی میلانی بودند. این گروه روی چند نسخه از آن کتاب پژوهش و تحقیق می کردند. نوشته‌اند یکی از معتبرترین نسخه‌های وسائل‌الشیعه نزد محمدحسین اعلمی بوده است. از استادان کربلا می توان به موارد زیر اشاره کرد: آیهٔاللّه آقاحسین قمی آیهٔاللّه سیدمهدی شیرازی آیهٔاللّه شیخ هادیهمسر و فرزندان : مرحوم محمدحسین اعلمی حائری صاحب چند فرزند بود که اکثر آنان، از کسانی بودند که راه پدر بزرگوار خود را ادامه دادند و در نشر و گسترش آموزه‌های دینی و نشر کتاب‌های علمی و دینی، نقش برجسته‌ای داشتند. مناسب است شرح حال کوتاهی از آنان را بیاوریم:.۱ محمدحسن اعلمی؛ در نجف به دنیا آمد. او سالیان درازی در حوزه علمیه نجف به فراگیری علوم دینی مشغول بود و به موقعیّت بالای علمی دست یافت. آن گاه از عراق به ایران آمد و در تهران اقامت گزید و برای نشر کتاب‌های دینی «مؤسسه طبع و نشر اعلمی» را بنیان نهاد..۲ محمدحسین اعلمی؛ او نیز، که همنام پدرش بود، در نجف دیده به جهان گشود و نزد پدر خود به تحصیل علوم دینی رایج در حوزه نجف پرداخت. وی نیز علاقه و شوق فراوانی به امور فرهنگی نشر آثار دینی داشت.وی بعد از حاکمیّت حزب بعث عراق، تبعید شد و روانه سوریه و لبنان گردید. وی «بیروت» را بهترین شهر برای تحقّق بخشیدن به اهدافِ بلند خود برگزید و از این رو، در آنجا مؤسسه انتشارات اعلمی را بنیان نهاد. این مؤسسه که یکی از پر رونق‌ترین و پرتلاش‌ترین بنگاه‌های انتشاراتی بیروت است، از گذشته تاکنون کتاب‌های زیادی را چاپ و منتشر کرده است.ایشان بخصوص شیفته نشر آثار امامان شیعی و عالمان بزرگ شیعه بود و مسافرت‌های فراوانی انجام داد؛ به مصر، هندوستان و چند کشور دیگر عزیمت کرد و با عالمان معروف این ممالک ملاقات‌ها و مباحثاتی داشت؛ از جمله در قاهره با شیخ شلتوت، عالم برجسته و مفتی اعظم مصر، ملاقات و مذاکراتی انجام داد..۳ شیخ محسن اعلمی؛ که گویا در کربلا پا به عرصه وجود نهاد. وی بعد از این که چند سال از عمر خود را در کربلا سپری کرد، به ایران آمد و در قم اقامت گزید و در قم رحلت کرد..۴ علی محمداعلمی؛ او هم از عراق به ایران آمد و در مشهد مقدس ساکن شد.مرحوم محمدحسین اعلمی یک فرزند دختر هم داشت که شوهرش مرحوم سیدحسین شهرستانی بود.زمان و علت فوت : علامه بزرگوار محمدحسین اعلمی حائری بعد از عمری زندگی، زهد و تقوا و تحصیل و تحقیق، از این دنیا رخت بربست. او در سال ۱۳۹۳ ق(۱۳۵۱ ش) در جوار مرقد مطهر حضرت معصومه (س) چشم از جهان فرو بست. برای تشییع بدن پاک او، جمعیت زیادی حضور یافتند و از او به خوبی تجلیل شد.(۲۳)

سپس پیکر او را در جوار حضرت معصومه (س) در آستانه درب ورودی به صحن بزرگ، به خاک سپردند. نوشته لوح قبر او چنین است: «محمدحسین اعلمی حائری. عاش سعیداً و مات سعیداً».فعالیتهای آموزشی : مرحوم محمدحسین اعلمی حائری در حوزه کربلا هم، از تدریس غافل نبود. هر چند به طور مشخص معلوم نیست چه کتاب‌هایی را درس می‌داد، می‌توان حدس زد که او به تدریس کتاب‌هایی چون: مکاسب و کفایه اشتغال داشته است. گفته شده که او در مدرسه هندی، یک ساعت بعد از طلوع آفتاب تا یک ساعت به ظهر، چند کتاب را برای طلّاب کربلا درس می‌گفته است.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : تشکیل کتابخانه بزرگ و ارزشمند محمدحسین اعلمی حائری در کربلا بود؛ حتی پاره‌ای از محقّقان، برای استفاده از نسخه‌های نفیس و کمیاب، به این مرکز فرهنگی مراجعه می‌کردند. در همین شهر بود که بنیاد تألیف دائرةالمعارف بزرگ شیعی تأسیس و مطالب اساسی آن گردآوری شد.آرا و گرایشهای خاص : مرحوم محمدحسین اعلمی حائری ، دانشوری فرزانه بود که خود را به صفات ارزشمندی چون زهد، قناعت، پشتکار، عشق به عبادت و راز و نیاز به درگاه معبود زینت داده بود. در حالات او نوشته‌اند که همیشه ساعتی پیش از طلوع فجر، بیدار می‌شد و به عبادت می‌پرداخت. در مدت اقامت در نجف و کربلا و قم، نماز شب خود را در حرم امامان معصوم (ع) و حضرت فاطمه معصومه (س) به جا می‌آورد و سپس نماز صبح و مستحبّات و تعقیبات نماز را انجام می‌داد.ایشان فردی بسیار فروتن بود. به کوچک و بزرگ سلام می‌کرد و کمتر رخ می‌داد که کسی در سلام کردن، بر او پیشی گیرد.نمازهای واجب را غالباً با جماعت می‌خواند و تفاوت نداشت که خود، امامِ جماعت باشد یا در ردیف مأمومین قرار گیرد.او فردی بسیار قانع بود. از مال و منال دنیا به اندک بسنده می‌کرد و هرگز فریفته زرق و برق و ریاست‌های ظاهری دنیا نشد. او علاوه بر دوری از محرّمات، بیشتر مکروهات را نیز انجام نمی‌داد و بیشتر روزها، روزه می‌گرفت. او در زهد و پرواپیشگی به مقامی رسید که در میان عالمان حوزه علمیّه حتی مردم کوچه و بازار، به «ابوذر زمان» شهرت یافت.آثار : ۱ اعلام النساء ویژگی اثر : اثر دیگر ایشان کتاب تراجم «اعلام النساء» است که در کتابخانه آیةاللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.۲ مقتبس الاثر فیما دُثر من الخبر ویژگی اثر : کتاب عظیمی به نام مقتبس الاثر فیما دُثر من الخبر تألیف کرد که بعداً به «دائرةالمعارف اعلمی» اشتهار یافت.این اثر ارزشمند و جامع، حدود ۳۰ جلد است که تمامی آن‌ها به زیور طبع آراسته شده است و در دسترس پژوهشگران جهان اسلام، بلکه سایر ملل، قرار دارد. آغاز این کتاب ارزشمند با چند تقریظ از بزرگان حوزه نجف، آورده شده است که از مجموع این تقریظها، قدر و منزلت این کتاب بیشتر رُخ می‌نماید.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

الهیان، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی اکبر الهیان در سال ۱۳۰۵ هـ . ق ، در قزوین پا به عرصه ی هستی نهاد. وی مقدمات را نزد اساتید موطن خود فراگرفت. آنگاه جهت کسب تحصیلات عالیه رهسپار حوزه علمیه تهران شدو بعد از مدتی به زادگاهش بازگشت و به فراگیری « عرفان نظری و علوم غریبه » پرداخت. شیخ علی اکبر به تدریس و تربیت شاگردانی نیز همت گماشت ، و به تبعیت از استاد و مراد خویش سید موسی ، نهال نجابت علم و عرفان را در تدریس نو عالمان برافراشت. او سرانجام در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی دیده بر جان و جهان فروبست.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : شیخ علی اکبر الهیان فرزند آیت الله حاج شیخ محمد تنکابنی ، در سال ۱۳۰۵ هـ . ق در خانواده ای اهل علم و فضیلت در قزوین پا به عرصه ی هستی نهاد.خاندان الهیان از علما و

بزرگان می‌باشند و هم‌اکنون در منطقه رامسر به ارشاد و راهنمایی مردم اشتغال دارند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ علی‌اکبر الهیان تنکابنی قزوینی دروس مقدمات ادبیات عرب و فارسی را قزوین در نزد پدر بزرگوار و دانشمندش آموخت و در محضر درس دیگر اساتید آن حوزه حضور یافت. وی در سال ۱۳۲۳ قمری درست یک سال پس از رحلت پدر عازم تهران شد. او که مقدمات را در قزوین به خوبی به پایان برده بود در تهران نزد اساتید آن شهر سطوح عالی را فرا گرفت و سپس برای ادامه تحصیل به نجف اشرف عزیمت نمود.در ابتدای ورودش به معدن علم و فضیلت مدّت کوتاهی را در محضر پربار مرحوم آخوند خراسانی صاحب «کفایهٔالاصول» زانوی شاگردی بر زمین زد و از فضل و دانش ایشان بهره جست. در همان زمان و پس از آن با حضور در حلقه درس آیهٔاللّهالعظمی سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی و دیگر بزرگان آن عصر، شایستگی علمی‌اش را به ثبوت رسانید و به درجه اجتهاد نایل گردید.پس از مدتی به زادگاهش بازگشت و به فراگیری « عرفان نظری و علوم غریبه » پرداخت.استادان و مربیان : شیخ علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی در قزوین از کلاس درس سیدموسی زرآبادی کسب فیض نمود و دریچه های عرفان را به روی خویش گشود. وی « عرفان نظری و علوم غریبه » را از این استاد آموخت و دلباخته حالات عرفانی او شد.هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی می توان به شیخ مجتبی قزوینی اشاره کرد.همسر و فرزندان : شیخ علی‌اکبر الهیان تنکابنی قزوینی دارای دو فرزند یکی بنام محمد و دیگری بنام حسن، که هر دو دبیر آموزش و پرورش تهران می‌باشند البته حسن در سال ۱۴۰۲ هجری قمری در هنگام بازگشت از زیارت حضرت رضا (ع) در تصادفی دار فانی را وداع گفتوقایع میانسالی : علامه حاج شیخ عبدالحسین لاهیجی ساکن لاهیجان نقل می‌کند: از مرحوم الهیان شنیدم که فرمود: تمام هوی و هوسها را از خود دور کردم و هیچ آمالی در من وجود ندارد. و نیز نقل نمود: حدود سال ۱۳۷۰ قمری نامبرده یک شب تابستان با عده‌ای از ارادتمندان آن جناب در منزل ما بودند. آن شب در اتاق کک زیاد بود به حدّی که همه را ناراحت می‌کرد. یکی از دوستان ککی را با دست کشت. مرحوم الهیان متغیّر شد و فرمود: چرا این حیوان را می‌کشید؟ بگویید. برود - لحظاتی نگذشت که تمام ککها از اتاق خارج شدند، و مدتها در آن اتاق کک مشاهده نگردید.زمان و علت فوت : مرحوم علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی همان طور که گذشت همیشه در سفر بود و در سال اخیر بیشتر اوقات را در طالقان می‌گذرانید تا در اوایل زمستان ۱۳۳۹ خورشیدی بیمار شد و بیماری ایشان شدت یافت(۳) و در بیمارستان دکتر هشترودی تهران بستری گردید و در روز سه‌شنبه سیزدهم بهمن ماه ۱۳۳۹ خورشیدی سال ۱۳۸۰ قمری به‌درود حیات گفت جنازه‌اش به قم حمل شد و مرحوم آیهٔاللّهالعظمی بروجردی(ره) بر ایشان نماز گذارد (و گویا این آخرین نماز میّت ایشان بود که بجا آورد) و در قبرستان «وادی‌السلام خاکفرج» به خاک سپرده شد.شیخ محمدتقی نحوی که اکثر اوقات خدمت آن مرحوم می‌رسید از قول یکی از اخیار تهران که در لحظات آخر حیات آن مرحوم نزدش حاضر بوده است نقل می‌کند که چند لحظه قبل از وفات، ایشان به من فرمودند: زیر بغلم را بگیرید تا بنشینم. او را نشاندیم، متوجه شدیم آن مرحوم پاها را جمع کرده و مؤدب نشسته و به یک نقطه معینی نگاه می‌کنند و لبان را تکان می‌دهد، گویا با کسی صحبت می‌کند، سپس پا را دراز نموده و خوابید و به رحمت ایزدی پیوست، در همین حال بوی عطری بسیار عالی به مشام ما رسید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی چون استادش سیدموسی زرآبادی هیچگاه شانه از تکالیف سیاسی و اجتماعی خالی نمی‌کردند و همیشه در مبارزه با ظلم و ستم در دو میدان جهاد نفسانی و جهاد بیرونی پیش‌قدم بودند.فعالیتهای آموزشی : شیخ علی‌اکبر الهیان تنکابنی قزوینی پس از بهره‌گیری از حوزه نجف اشرف و علمای آن سامان و درک مقام اجتهاد در حدود سال ۱۳۳۵ قمری به قزوین مراجعت نمود و در آنجا به تدریس و تربیت طلاب علوم دینی پرداخت. ، و به تبعیت از استاد و مراد خویش سید موسی ، نهال نجابت علم و عرفان را در تدریس نو عالمان برافراشت. همیشه در حالت سفر بود، گاه به مشهد مقدس مشرف می‌گشت و بر خواهرزاده خود مرحوم شیخ مجتبی قزوینی وارد می‌شد و گاه در حجره‌ای در مدرسه نواب اقامت می‌گزید و به زیارت و عبادت مشغول می‌شد و همواره در شهرهای قزوین، رامسر، رشت، طالقان، تهران، آستانه و

مشهد در تردد بود. وی هر جا می‌رفت به تدریس و تربیت و تهذیب طلاب علوم دینی می‌پرداخت. در طول دوران زندگی هرگز دلبستگی به دنیا پیدا نکرد و هیچگاه خانه‌ای تهیه ننمود. با زندگی بسیار ساده و بی‌آلایش عمر را سپری می‌ساخت. با وجودی که هزاران تومان وجوهات به او داده می‌شد با این حال هرگز در آن وجوه تصرف نمی‌نمود و در دوران زعامت آیهٔ‌اللّه‌العظمی بروجردی(ره) هم وجوهات را به ایشان می‌داد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیخ علی اکبر الهیان در همین زمان با حضور در خدمت اعجوبه دوران، عالم ربانی و متأله قرآنی حضرت سیدموسی زرآبادی (متوفی سال ۱۳۵۳ قمری) به تهذیب و تزکیه نفس مشغول گردید. استاد که یکی از بنیانگذاران و استوانه‌های «مکتب تفکیک» بود، در پرورش ایشان و شیخ مجتبی قزوینی تلاش فراوان نمود. مکتب تربیتی سیّد که مکتب توأمان علم و عمل بود بر معرفت و شناخت بر اساس علوم قرآنی خالص و عمل بر طبق موازین دقیق شرعی تأکید داشت. درباره تأثیر اخلاق و کتب علمی و عملی او در پرورش و ساختن روحهای بزرگ، همین بس که شیخ علی‌اکبر الهیان و شیخ مجتبی قزوینی تنکابنی از تربیت‌یافتگان ایشان هستند. شیخ علی‌اکبر الهیان در سال ۱۳۴۵ قمری به رامسر مهاجرت و چندی در آنجا رحل اقامت انداخت. وی پس از مدتی درنگ در آن شهر به قزوین بازگشت و از آن پس همیشه در سفر بسر می‌برد.آثار : ۱ تقریرات درس فقه و اصول میرزای بزرگ شیرازی(ره) ۲ حاشیه بر «عین‌الاصول» ۳ حاشیه بر نجاهٔ‌العباد ۴ فوائدالعسکریه ۵ مصابیح

امامزاده، شرف الدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تاریخ تولد شرف الدین محمد امامزاده را به سال ۵۰۴ ق ذکر کرده‌اند.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : نسب سلطان محمد شریف امامزاده به عبداللّه باهر فرزند امام چهارم، زین العابدین (ع) می‌رسد. عبداللّه به دلیل زیبایی و جمالش، به باهر (بسیار درخشنده) ملقب شده بود. گویند در هیچ مجلسی نبود که او بنشیند مگر آن که حاضران از زیبایی او مبهوت و شگفت زده شوند. مادرش، ام عبداللّه، دختر امام حسن مجتبی (ع) بوده و با برادرش حضرت امام محمد باقر (ع) از یک مادر بودند. شیخ طوسی ایشان را از اصحاب امام سجاد (ع) می‌داند.از دیگر اجداد سلطان محمد شریف، حمزهٔ بن احمد، معروف به «قمی» است که از بازماندگان احمد الدخ می‌باشد. یکی از نوادگان حمزهٔ بن احمد، ابوالحسن علی الزکی فرزند محمد الشریف است و او نیز فرزند ابی القاسم علی، از نقیبان قم که پسر محمد بن حمزه مذکور می‌باشد.نسب شناس مشهور جمال الدین احمد بن علی بن الحسین بن علی بن مهنا، نیز در اثر معروف خود، الفصول الغریهٔ فی اصول البریهٔ، به همین صورتی که اشاره کردیم، به ذکر نیاکان سلطان محمد شریف پرداخته است. اگر به اجمال سلسله نسب این امامزاده باشرافت را بررسی کنیم، می‌بینیم که ایشان همه در زمره افراد جلیل القدر، با اشتهار، اهل فضل و غالباً از روایتگران حدیث بوده‌اند و تاریخ نگاران و دانشمندان نسب شناس آنان را به پایه‌های والای علمی و شرافت خانوادگی ستوده‌اند. نسب این شخصیت تا امام سجّاد (ع) به این شرح آمده است:علامه سلطان محمد شریف (در قم) فرزند علامه سید ابوالقاسم علی فرزند ابی جعفر محمد فرزند حمزه قمی فرزند احمد بن محمد فرزند اسماعیل فرزند محمد (ارقط) فرزند عبداللّه باهر فرزند امام زین العابدین (ع) عزالدین ابوالقاسم علی، - که مادرش از نوادگان دختری نظام الملک می‌باشد.- پدر شرف الدین است. همسر او نیز دختر الب ارسلان، و دختر عمه سلطان سنجر سلجوقی است، که مادرش شرف الدین می‌باشد؛ و این مسئله، سیادت، اقتدار و نفوذ سیاسی این خاندان را به خوبی نمایان می‌سازد. خاطرات کودکی : عزالدین ابوالقاسم علی، - که مادرش از نوادگان دختری نظام الملک می‌باشد.- پدر شرف الدین است. همسر او نیز دختر الب

ارسلان، و دختر عمه سلطان سنجر سلجوقی است، که مادرش شرف الدین می‌باشد؛ و این مسئله، سیادت، اقتدار و نفوذ سیاسی این خاندان را به خوبی نمایان می‌سازد.سادات علوی از پیوند با حاکمان می‌توانسته‌اند در دستگاه اداری و سیاسی زمامداران وقت، به نحو قابل ملاحظه‌ای، نفوذ خود را اعمال کنند. آنان با این نفوذ سیاسی به فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی پرداختند و در دفاع از حریم شیعه و خاندان عصمت می کوشیدند. همچون برخی از اصحاب ائمه که با رعایت استراتژی تقیه در دستگاه بنی‌عباس نفوذ، و از شیعیان صیانت می کردند.همسر و فرزندان : یکی از نوادگان سلطان محمد ، علی بن مطهر است. برای درك نفوذ اجتماعی این خاندان، کافی است بدانیم علي، فرزندزاده این مرد بزرگ، پیوند خویشاوندی خود را با دختر خواجه نظام الملك طوسی وزیر آلب ارسلان استوار ساخت؛ پیوندی بیانگر نفوذ اجتماعی و اقتدار این خاندان. فرزند سلطان محمد یعنی مطهر نیز با عایشه خاتون دختر آلب ارسلان ازدواج کرد، وی در راه حج، همسفر شیخ طوسی (ره) بود و از ایشان در این مسافرت حدیث اخذ می کرد.افرادی هم از این سید مطهر علوی روایت کرده‌اند از جمله: سید تقی نقیب رازی که او را در شمار افراد فاضل و پرهیزگار آورده‌اند، و سید نجیب الدین ابومحمدحسن بن محمد موسوی است، که منتجب الدین به وجود این شخصیت تصریح کرده است.سید ابوطاهر مطهر، فرزند علی علوی نیز که رئیس علویان ری بود، نقابت سادات را به عهده داشت.ذوق شعری ابوطاهر هم در خور توجه است و اشعاری از وی در کتب تذکره آمده استزمان و علت فوت : محمد شریف امامزاده صاحب فضیلت ابوفضل سلطان محمد شریف، مزارش در سمت دروازه قدیم قلعه قم و در محله‌ای که به نام خود او مزین است، در خیابان چهارمردان واقع شده است. این مرد دانشور که مرتبتی سترگ دارد و برایش کراماتی برشمرده‌اند، از نوادگان امام چهارم است... پس از وی فرزندان و فرزندزادگان او در شهر ری و قم به منصب‌های عالی دست یافتند.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مساجدی که در شهر ری در زمان سلطان ملك شاه و سلطان محمد سلجوقی ساخته شده و بیان این که این مساجد در آن زمان آباد و مورد استفاده شیعیان بوده است.منابع : ۱سایت حوزه علمیه قم/بخش زندگینامه علماhttp://www.hawzah.net

اولیایی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی اولیایی در سال ۱۳۱۶ ، در یکی از روستاهای ملایر به دنیا آمد. پس از آنکه تحصیلات خود را در مقطع ابتدایی و متوسطه به پایان برد ، در سال ۱۳۴۴ وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۹ موفق به اخذ لیسانس شد. پس از آن هم چنان به تحصیلات خود ادامه داد تا آنکه در سال ۱۳۵۵ ، موفق به اخذ درجه ی دکتری فرهنگ عربی و علوم قرآنی شد. او که در سال۱۳۲۶وارد شده بود، پس از اخذ درجه دکترا به دانشگاه تربیت معلم منتقل گردید و تا سال ۱۳۵۶ در دانشسرای عالی زاهدان که وابسته دانشگاه زاهدان بود به تدریس پرداخت. دکتر اولیایی سپس به دانشگاه اراك رفته و فعالیت های آموزشی خود را در این دانشگاه دنبال نمود. وی در طول خدمات آموزشی و تدریس در دانشگاه ، به کار پژوهش و تالیف نیز پرداخته است و آثاری چند به چاپ رسانده است.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : علوم قرآنی تحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی اولیایی پس از آنکه تحصیلات خود را در مقطع ابتدایی و متوسطه را به پایان برد ، در سال ۱۳۴۴ وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۹ موفق به اخذ لیسانس شد. پس از آن همچنان به تحصیلات خود ادامه داد تا آنکه در سال ۱۳۵۵ ، موفق به اخذ درجه ی دکتری فرهنگ عربی و علوم قرآنی شد.فعالیتهای آموزشی : مصطفی اولیایی پس از آنکه تحصیلات متوسطه را به پایان برد ، در سال ۱۳۲۶ وارد آموزش و پرورش شد. او پس از اخذ مدرك دکترا در سال ۱۳۵۳ از آموزش و پرورش به دانشگاه تربیت معلم

منتقل گردید و تا سال ۱۳۵۶ در دانشسرای عالی زاهدان که وابسته دانشگاه زاهدان بود به تدریس پرداخت. دکتر اولیایی سپس به دانشگاه اراك رفته و فعالیت های آموزشی خود را در این دانشگاه دنبال نمود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مصطفی اولیای در طول خدمات آموزشی و تدریس در دانشگاه ، از کار پژوهش و تالیف نیز غافل نبوده و آثاری چند به چاپ رسانده است.آثار : آشنایی با علوم قرآنی ویژگی اثر : این کتاب به بحث پیرامون علوم قرآنی از آغاز پیدایی آن در زمینه های علوم فی القرآن و للقرآن و آن دسته از علومی که قرآن موجب گسترش آنها شده در شانزده فصل مورد بررسی قرار گرفته است.

منابع زندگینامه :دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی ، به کوشش: بهاءالدین خرمشاهی ، تهران: انتشارات دوستان و ناهید، ص ۳۲۳

اویسی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسین اویسی فرزند غلامعلی اویسی قزوینی (۱۳۳۶ ـ ۱۴۱۱ ق) از علمای اعلام و مدرسان نامدار حکمت و فلسفه در قزوین بود. وی پس از آنکه تحصیلات خود را در حوزه علمیه ی قم به پایان رساند ، به زادگاه خود قزوین مراجعت کرد و به تدریس فقه و اصول و فلسفه پرداخت. او آثاری چند در حوزه علوم قرآنی به تالیف رسانده است.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : شیخ محمدحسین فرزند غلامعلی اویسی قزوینی (۱۳۳۶ ـ ۱۴۱۱ ق) از علمای اعلام و مدرسان نامدار حکمت و فلسفه در قزوین بوده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ محمدحسین اویسی مقدمات علوم و فنون ادب را در زادگاه خود فراگرفت. در حدود سال ۱۳۷۲ ق به قم هجرت هجرت نموده و در مجلس درس بزرگان حوزه حاضر گردید.استادان و مربیان : محمدحسین اویسی دروس طلبگی همچون صرف و نحو و... را در قزوین نزد سید احمد عمادحاج سیدجوادی و شیخ مهدی قاضی فراگرفت و سپس مشغول تحصیل در فقه و اصول گردید و فلسفه را از محضر فیلسوف شهیر ، شیخ ابوالحسن رفیعی قزوینی استفاده کرد. وی پس از آنکه به قم مهاجرت نمود ، خارج فقه را از محضر آیت الله بروجردی استفاده کرد و برای یادگیری اصول درس شیخ عباس شاهرودی و سیدمحمد داماد حاضر شد. اویسی سالیان متمادی از محضر درس علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان استفاده کرد.فعالیتهای آموزشی : محمدحسین اویسی پس از آنکه تحصیلات خود را در حوزه علمیه ی قم به پایان رساند ، به زادگاه خود قزوین مراجعت کرد و به تدریس فقه و اصول و فلسفه پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدحسین اویسی همراه با تدریس ، به تالیف و تفسیر قرآن نیز پرداخت. او تفسیر خود را مدت سی سال در چندین مجلد جمع و تالیف نموده است.آرا و گرایشهای خاص : شیوه و روش محمدحسین اویسی در تفسیر قرآن بدین گونه است که پس از ذکر آیه با بهره گیری از روایات ، به تفسیر آن می پردازد و در ضمنِ آن اقوال دیگر مفسران ، مانند فخر رازی را بیان کرده و مورد نقد عالمانه قرار می دهد و سپس برای روشن تر شدن بحث به اشعاری از شاعران قدیم تمسك می کند.آثار : تفسیر اویسی ویژگی اثر : این تفسیر به زبان فارسی و ثمره جلسات تفسیر قرآنی است که شبهای ماه رمضان برای مردم و طلاب در طول سی سال بیان داشته است و سپس آن را جمع آوری و به صورت کتاب مستقلی درآورده است.

منابع زندگینامه :قرآن پژوهان قزوین ، تالیف: سیدمحمدعلی ایازی ، تهران: موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران ، ص ۱۴۸

اهری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ احمد اهری در سال ۱۲۶۸ ه . ش (۱۳۰۵ ه . ق) در شهرستان سرسبز اهر دیده به جهان گشود. او در زادگاهش دوس مقدماتی را فرا گرفت. وی درسال ۱۳۲۷ه.ق سطح مقدماتی و دروس فقه و اصول را در حوزه علمیه تبریز شروع کرد. وی درسال ۱۳۳۸ه.ق بار سفر به سوی عتبات عالیات بست و مدت سی و دو سال از محضر بزرگان کسب علم و فضل کرد. او به طور رسمی به عنوان استاد حوزه پذیرفته شد. آیت الله اهری در مدت اقامتش در حوزه علمیه نجف به تالیف کتابهایی نیز پرداخت که به جهت تنگدستی موفق به چاپ اثارش نشد. آیت الله اهری در سال ۱۳۷۰ه.ق به جهت زیارت مرقد امام رضا(ع) و دیدار اقوام به ایران مسافرت کرد و درزمانی که در آذربایجان بود، به خلاـ حضور علماء بزرگ پی برد. به همین جهت وقتی بزرگانی از اهالی تبریز از محضرش درخواست اقامت در شهر را کردند، با نهایت رغبت پذیرفت و تا آخر عمر به خدمت اسلام و مومنان آن دیار مشغول شد و مرجعیت دینی یافت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : پدر شیخ احمد اهری آقا حسین از مؤمنین آن شهر بود و در محله قدیمی شهر زندگی ساده و بی آلایشی داشت.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : در آن زمان شهر اهر با وجود اینکه وسعت و آبادی امروزی را نداشت ؛ لکن شهری عالم خیز بود و مکتب‌های بزرگ درسی در آنجا دایر می‌شد. مکتب‌های «ملا جلیل» و «ملا فرج» که آوازه آنها در منطقه آذربایجان پیچیده بود، متعلّق به این دوره است. هر چند این مکتب‌ها در زمان تحصیل شیخ احمد اهری به مدارس دینی و علمی منظم تبدیل شده بود ؛ لکن تا اوائل قرن چهاردهم هجری، قمری همچنان با نام «مکتب خانه» پر رونق بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ احمد اهری در زادگاهش دروس مقدماتی را فرا گرفت و پس از تکمیل ادبیات، مدرسه دینی تازه تأسیس شده اهر را به مقصد تبریز ترک گفت. وی در سال ۱۳۲۷ ه . ق سطح مقدماتی و دروس فقه و اصول را در حوزه علمیه تبریز شروع کرد و در آن زمان بیش از ۲۲ سال نداشت.آقا شیخ احمد اهری یازده سال نیز در حوزه تبریز به تحصیل پرداخت. آقا میرزا علی اکبر اهری، عموی آقا احمد اهری بود و عنایت ویژه‌ای به وی داشت. کتاب «قوانین الاصول» را که در آن زمان بسیار مورد توجه حوزه‌ها بود، خود به برادر زاده‌اش آموخت و پایه علمی وی از همانجا بود که استحکام یافت. آقا شیخ احمد اهری در حوزه علمیه تبریز در درس‌های سطح حوزه تبحّر یافت و گاه به تدریس نیز پرداخت. در سال ۱۳۳۸ ه . ق آقا شیخ احمد اهری هجرتی دیگر پیش روی داشت. او از دیر زمان آوازه حوزه علمیه نجف را شنیده بود و آرزوی درک آن مرکز بزرگ علمی را داشت. در این سال وی بار سفر به سوی عتبات عالیات بست و فصل نوینی در زندگی‌اش آغاز شد و به این ترتیب آقا شیخ احمد اهری برای مدتی زیاد در آنجا سکونت گزید و از محضر بزرگان کسب علم و فضل کرد. آن مقطع، دوره‌ای بسیار پربار و پررونق برای حوزه علمیه نجف اشرف بود ؛ چرا که تنها در این زمان در شهر نجف استادان بسیار متبحّر در علوم مختلف، حضور داشتند و جلسات درس و بحث علمی خود را در سطح بسیار عالی دایر کرده بودند، وی حدود ۱۰ سال از عمرشان را صرف تحصیل و کسب دانش از محضر بزرگان انجام داده اند.استادان و مربیان : از اساتید معروف آن زمان چون: آقا شیخ عبد الرحیم کِلبری، آقا سید ابو الحسن انگجی و آقا میرزا علی اکبر اهری بهره برد. از اساتید نجف حضرات آیات چون: شیخ الشریعه اصفهانی، میرزا محمد حسن نائینی، میرزا علی شیرازی (فرزند شیرازی بزرگ) آقا ضیاء الدین عراقی، آقا شیخ محمد حسن غروی اصفهانی و آقا سیّد ابو الحسن اصفهانیهمسر و فرزندان : فرزندان شیخ احمد اهری عبارتند از آقایان:۱ – مرحوم حجهٔ الاسلام شیخ جواد اهری، استاد شیخ محمد کاشفی درباره ایشان می‌گوید:«آقا میرزا جواد اهری، آن موقع که با ایشان آشنا شدم، نابینا شده بود. بسیار خوش بیان بود. دارای لهجه جالب و شوخ طبع هم بود. از او درباره نجف اشرف و سایر مطالب متفرقه که می‌پرسیدیم، با زبانی شیوا و رسا مطالب را بیان می‌کرد. اهل قلم بود و یکی دو اثر هم از او هم چاپ شد. وی در حدود سال ۱۳۹۵ ه . ق در تبریز درگذشت و در قبرستان امامیه به خاک سپرده شد.»۲ – مرحوم آقا محمود. ۳ – مرحوم آقا حسین.زمان و علت

فوت : شیخ احمد اهری در اثر کهولت سن در روز پنجشنبه (۱۸/صفر/۱۳۸۸)ه . ق مطابق با اردیبهشت ۱۳۴۸ ه . ش در سن هشتاد و یک سالگی در تبریز به رحمت ایزدی پیوست. مراسم تشییع با شکوهی از سوی مردم و روحانیّت معظم آذربایجان به عمل آمد و پیکر پاک ایشان جهت مراسم خاکسپاری به شهر مذهبی قم حمل و در مقبره العلمای قبرستان ابوحسین به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شیخ احمد اهری در سال ۱۳۷۰ ه . ق به جهت زیارت مرقد امام رضا (ع) و دیدار اقوام به ایران مسافرت کرد و مدّتی فارغ از درس و بحث علمی روزهایش را سپری کرد. وی ابتدا به مشهد مقدس سفر کرد و به زیارت مرقد مطهر امام رضا (ع) شتافت. آنگاه به دیدار بزرگان حوزه علمیه مشهد از جمله زعیم بزرگ، آیت الله میلانی رفت و از آنجا به شهر مقدس قم آمد. در آن زمان حوزه علمیه قم نیز پویا بود و بزرگانی چون: آیت الله حجّت کوه کمره‌ای و آیت الله سید حسین بروجردی عهده دار اداره حوزه بزرگ آیت الله حائری بودند. آیت الله اهری مدّتی در قم ساکن شد. هنگام ورود نیز از جانب این بزرگان مورد استقبال قرار گرفت ؛ امّا به درخواست آنها که اقامت در حوزه علمیه قم بود، پاسخ مثبت نداد. آیت الله اهری از قم به تبریز رفت و مدّتی در زادگاهش با اقوام خود سپری کرد. در زمانی که در آذربایجان بود، به خلأ حضور علماء بزرگ پی برد. به همین جهت وقتی بزرگانی از اهالی تبریز از محضرش درخواست اقامت در شهر را کردند، با نهایت رغبت پذیرفت و تا آخر عمر به خدمت اسلام و مؤمنان آن دیار مشغول شد و مرجعیت دینی یافت. موقعیت و مقام علمی و اجتماعی آیت الله اهری که سرپرستی حوزه علمیه تبریز را نیز عهده دار بود، ارادت و عشق مردم به شخصیت والای ایشان و توجه علمای نجف اشرف و بزرگان حوزه علمیه قم، همه موجب شد که وی در اکثر حوادث اجتماعی و سیاسی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم شرکت کند و راهنمایی مردم در جریانات را بر عهده گیرد. موارد زیر نمونه هایی است از زندگی این بزرگوار، از نگاه مدارک: ۱ – در تلگراف‌ها، آیت الله حکیم و آیت الله خوئی (از نجف اشرف به تبریز) درباره فاجعه مدرسه فیضیه و اهانت رژیم شاه به مقدسات اسلامی در تاریخ ۴۲ / ۱ / ۱۴ شمسی، آیت الله اهری را یکی از مخاطبین قرار دادند و خواهان حمایت ایشان از قوانین الهی شدند. ۲ – آیت الله خوئی در تلگرافی دیگر، به تاریخ آذر / ۱۳۴۲ ش، درباره بازداشت جمعی از علماء و وعاظ آذربایجان، خواستار فعّالیت موثر مرحوم آیت الله اهری برای آزادی آنان شد. ۳– آیت الله اهری به همراه دیگر علمای برجسته تبریز در پی تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، از پیشگامان در مخالفت با این قانون بود. به همین خاطر همراه با سایر علمای تبریز خواستار لغو لوایح سه گانه شد.فعالیتهای آموزشی : شیخ احمد اهری بیش از بیست سال در کنار کسب علوم مختلف به تدریس پرداخت به گونه‌ای که در حوزه علمیه نجف که آن زمان افراد برجسته‌ای می‌توانستند در صحنه‌های علمی حاضر شوند، وی به طور رسمی به عنوان استاد حوزه پذیرفته شد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : با تأسیس صندوق قرض الحسنه و تشکیل هیئت رسیدگی به وضع مستمندان، وسیله خیر و سعادت برای برخی از مردم شهرهای آذربایجان شد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : زندگی شیخ احمد اهری پربار و همراه با خیر و برکت بود. خصوصاً وقتی مقیم تبریز شد و به طور رسمی مرجعیت و امامت جمعه و اداره امور مؤمنان را عهده دار شد،این خیر و برکت چندین برابر شد. وی که از لحاظ خانوادگی «اهری» محسوب می‌شد، در بین آقایان تجار و بازاری‌ها نفوذ فراوان داشت و از این موقعیت به نفع فقرا بهره می‌برد.شاگردان : تلاش‌های شیخ احمد اهری در حوزه علمیه نجف، نتیجه پرباری داد. در محضر این عالم وارسته، هزار دانشجوی علوم اسلامی تربیت شدند و در خدمت تبلیغ دین اسلام قرار گرفتند. دهها نفر نیز به مدارج عالی علمی، استادی و اجتهاد راه یافتند که بسیاری از آنها سهم ارزنده و تعیین کننده‌ای درحوادث و جریان‌های نیم قرن اخیر داشتند و بی گمان مهمترین آن، شکل گیری نظام اسلامی و جایگزین شدن ارزشهای دینی به جای ارزشهای غیر دینی در ایران است ؛ زیرا برخی از شاگردان آیت الله اهری حتی در رأس حرکت‌ها و رهبری جریان‌های مردمی به سوی واقعیتهای دینی بودند.اسامی برخی از شاگردان وی به این ترتیب است:(۱۶)۱ – مرحوم سید مصطفی مولانا (از مراجع و اساتید تبریز).۲ – مرحوم میرزا احمد سرایی.۳ – شیخ محمّد غروی قزوینی (ساکن قم).۴ – مرحوم میرزا کاظم تبریزی.۵ – سید علی میر غفّاری (آذر شهر).۶

– آقا شیخ عیسی اهری (ساکن تهران).۷ – آقا شیخ محمّد کاشفی (ساکن قم).۸ – شیخ عمران علیزاده تبریزی.۹ – مرحوم میرزا احمد زنجانی.۱۰ – مرحوم میرزا علی اکبر قاری تبریزی.۱۱ – آقا شیخ رضا توحیدی تبریزی.۱۲ – آقا میرزا محمود انصاری تبریزی.آثار : ۱ حاشیه بر رسائل ۲ حاشیه بر مکاسب ۳ رساله در اجتهاد و تقلید تقریرات فقه استاد نائینی ۴ رساله علمیّه ۵ رساله‌ای در قاعده لاضرر ولاضرار

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/بخش زندگینامه علماhttp://www.hawzah.net

ایزدی، میرزا اسحاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله حاج میرزا اسحاق ایزدی در سال ۱۲۵۱ (سوم صفر ۱۲۹۰هجری قمری) ، در قزوین متولد گردید. پس از دوران کودکی ، جهت کسب علوم دینی نزد اساتید و پدر خود مشغول به تحصیل شد. پس از آنکه سطوح را در قزوین آموخت ، در سال ۱۳۱۳ با برادرش آیت الله حاج میرزا باقر به اصفهان عزیمت کرد. او مدت سه سال به کسب فقه ، اصول ، حکمت ، رجال و هیات پرداخت و از اساتید آن سامان بسیار بهره برد. سپس در سال ۱۳۱۶ رهسپار نجف گردید و با کسب علوم عالیه اسلامی به درجه اجتهاد رسید. وی در سال ۱۳۲۶ هـق به قزوین بازگشت و در زادگاه خویش به تدریس علوم پرداخت. همچنین در ۲۴ خرداد ۱۳۱۰ از طرف دولت وقت محضرخانه ی شماره یک اسناد رسمی را به میرزا اسحاق واگذار گردید و تا پایان حیات آن مسئولیت به عهده داشت و چون مرد دقیقی بود و در انجام معاملات منتهای دقت را می کرد ، از آن جهت هیچ گاه دیده یا شنیده نشد که یک معامله فاسد در محضر وی انجام شده باشد. آیت الله حاج میرزا اسحاق ایزدی سرانجام در نوزدهم آبان ۱۳۲۲ شمسی دارفانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : حاج میرزا اسحاق فرزند خلف حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مولا عبدالله بن ملا محمدباقر بن ملا سلیمان ایزدی ، که همگی از سلسله خاندان روحانیت با نفوذ بودند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرزا اسحاق ایزدی پس از دوران کودکی ، جهت کسب علوم دینی نزد اساتید و پدر خود مشغول به تحصیل شد. پس از آنکه سطوح را در قزوین آموخت ، در سال ۱۳۱۳ با برادرش آیت الله حاج میرزا باقر به اصفهان عزیمت کرد. او مدت سه سال به کسب فقه ، اصول ، حکمت ، رجال و هیات پرداخت و از اساتید آن سامان بسیار بهره برد. سپس در سال ۱۳۱۶ رهسپار نجف گردید و با کسب علوم عالیه اسلامی به درجه اجتهاد رسید.استادان و مربیان : میرزا اسحاق ایزدی ابتدا نزد پدر خود تحصیلات مقدماتی و سطوح را فراگرفت. سپس به اصفهان رفته و نزد آیت الله حاج شیخ محمدتقی معروف به آقا نجفی و آیت الله سیدمحمد درچه ای که هردو از اساتید به نام و طراز اول آن روز بودند ، به کسب کمال فقه ، اصول ، حکمت ، رجال و هیات پرداخت. وی همچنین در نجف اشرف محضر درس آیت الله العظمی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آیت الله حاج سیدکاظم طباطبایی را درک نمود. او از سوی آیت الله حاج سیدکاظم طباطبایی اجازه اجتهاد دریافت نمود.زمان و علت فوت : میرزا اسحاق ایزدی در نوزدهم آبان ۱۳۲۲ شمسی دارفانی را وداع گفت و در شهر قم به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در ۲۴ خرداد ۱۳۱۰ از طرف دولت وقت محضرخانه ی شماره یک اسناد رسمی را به میرزا اسحاق واگذار گردید و تا پایان حیات آن مسئولیت به عهده داشت و چون مرد دقیقی بود و در انجام معاملات منتهای دقت را می کرد ، از آن جهت هیچ گاه دیده یا شنیده

نشد که یک معامله فاسد در محضر وی انجام شده باشد.فعالیتهای آموزشی : میرزا اسحاق ایزدی پس از آنکه تحصیلات خود را نجف اشرف به پایان رساند ، در سال ۱۳۲۶ هـق به قزوین بازگشت و در زادگاه خویش به تدریس علوم پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا اسحاق ایزدی در سال ۱۳۳۱ جهت زیارت خانه خدا به مکه مشرف شد و پس از مرگ عمویش ، حاج ملاـ علی اکبر معروف به سیادهنی که از اکابر معروف قزوین بود ، در اندک مدتی مرجعیت تامه یافت و به حل و فصل امور اجتماعی مسلمین پرداخت. او در این زمان دفتری مرتب نموده و کلیه معاملاتی که در محضر وی انجام می شد را ثبت می کرد و این موضوع باعث اعتماد مردم قزوین شده بود. علاوه بر فعالیت های ذکر شده ، وی به عنوان یک روحانی روشنفکر ، زمینه مطالعاتی و تحقیقاتی نیز داشته و آثاری از خود به یادگار نهاده است.آثار : رساله در استصحاب رساله در توبه رساله درمبحث قطع

آل اسحاق، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی آل اسحاق در ۲۵ تیر سال ۱۳۱۸ش. در خوئین، از توابع زنجان، خانواده مذهبی‌اش را با میلاد خود پر از شور و شادی کرد. پدرش نام علی را برای وی برگزید. علی از همان هشت سالگی که با پدر به قم آمد، شروع به تحصیل نمود و مقدمات را در محضر آیه الله سید حسن بدلا(رئیس ائمه جماعت) و استادان دیگر به پایان برد. وی در شانزده سالگی در سال ۱۳۳۴ش به نجف اشرف می رود و در مدرسه آیه الله بروجردی اقامت می گزیند و دروس حوزه را تا رسیدن به مرحله اجتهاد ادامه داد و به گفته خانواده ایشان ، از دو عالم بزرگ: آیه الله سید محسن حکیم و آقا بزرگ تهرانی، اجازه اجتهاد گرفت. او در شب جمعه ۲۴ خرداد سال ۱۳۸۰ش بر اثر سکته قلبی دار فانی را وداع می گوید.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب : پدر شیخ علی آل اسحاق، حاج شیخ عبدالکریم خوئینی، از عالمان بزرگ عصر خود به شمار می‌رود. وی از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی بود. روحیه مبارزاتی شدیدی داشت و با عمّال و وابستگان حکومت طاغوتی رضاخان، که با منافع مردم در تضاد بود، به شدت مقابله می‌کرد؛ به عنوان نمونه در مقابل دو خان، که می‌خواستند زمین‌های کشاورزی مردم را به تصرف خود درآورند، ایستادگی کرد و توانست آنان را از تصرف در اموال مردم باز دارد.مادر علی که از سلاله پاک پیامبر بود، زنی صبور در مقابل مشکلات و دوستدار علم و فضیلت بود.

خاطرات کودکی : برادر شیخ علی آل اسحاق می‌گوید: در نزدیکی‌های خانه ما تعدادی بوقلمون آورده بودند. من و بچه‌های دیگر، از جمله علی، به تماشای آن‌ها رفتیم و نزدیک غروب برای انجام فریضه مغرب به خانه برگشتیم. رسم خانه ما این بود که نمازها را در خانه به جماعت و با امامت پدر برگزار می‌کردیم و تمامی افراد خانواده، چه مردان و چه زنان، در نماز جماعت شرکت می‌کردند. هنگامی که پدر می‌خواست اقامه نماز کند، علی شروع به گریه کرد. وقتی پدر علت گریه‌اش را پرسید، گفت: «من هم بوقلمون می‌خواهم.» و به گریه خود ادامه می‌دهد. پدر بدون عصبانیت و با آرامش کامل رو به فرزند می‌کند و می‌گوید: نماز مغرب را با خلوص نیت بخوان و هر حاجتی که داری از خدا بخواه؛ خداوند است که حاجات را برآورده می‌کند. علی همین کار را انجام می‌دهد. پس از تمام شدن نماز، در خانه به صدا در می‌آید. هنگامی که من در را باز کردم، یکی از همشهریان را که یک بوقلمون در دست داشت، دیدم. او به خانه وارد شد و علی به خواسته خود رسید.از این خاطره به خوبی می‌توان فهمید که

محیط رشد علی چگونه بوده است؛ او در خانواده‌ای پرورش می‌یابد که اهل خانه مقید به نماز اول وقت بودند و تحت تربیت پدری بودنـد که نام و یاد خدا را گره‌گشای مشـکلات و برآوردن حاجات می‌دانست و روشن است که تنها از چنین خانواده‌هایی، مردانی شایسته و الگو چون آقاشیخ علی آل اسحاق، برخواهند خاست.

اوضاع اجتماعی و شـرایط زنـدگی : تربیت فرزندان یکی از وظایف مهم هر پدر و مادری است. مرحوم شـیخ علی آل اسـحاق نیز با جدیت فراوان می‌کوشید تابه این وظیفه خود عمل کند. از این رو، او هیچ گاه از سفارش به فرزندان خود دریغ نمی‌ورزید و واضح است که این سـفارش‌ها، راه‌گشای افکار تمامی جوانان خواهـد بود؛ چنان که گفته است...':«اسـلام رابه دقت بشناسـید و آن طوری که دسته‌بندی کرده‌ام، به دقت مطـالعه کنیـد. تاریـخ زنـدگی پیـامبر اسـلام و ائمه (ع) را هر چنـد سـال یـک بار بررسـی نماییـد. تا می‌توانیـد بـا هم دوست و بـا محبت باشـید و بر سر مسائـل جزئی بـا هم اختلاف نکنیـد. در این انقلاب، تا وقت درس است، درس بخوانیـد و سـپس خدمت کنید. به مادرتان که خیلی رنج کشـیده است، کمک کار باشـید، پس از ازدواج رابطه صـمیمی خود را با مادرتان قطع نکنید. والسلام. با چشم گریان و دستی لرزان. خداحافظ».

تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ علی آل اسحاق در سال ۱۳۲۶ ش. از زنجان به قم مهاجرت کرد تا در آن شهر به تدریس علوم اسـلامی و سـایر فعالیت‌هـا بپردازد؛ وی در آن سـال، هشت بهـار از عمرش گذشـته بود. وی از همان هشت سالگی که با پـدر به قم آمد، شـروع به تحصـیل نمود و مقدمات را در محضـر آیهٔاللّه سید حسین بُدَلّا(رئیس ائمه جماعات) و استادان دیگر به پایان برد.وی در شـانزده سالگی در سال ۱۳۳۴ ش. در حـالی که دو سـال از فوت پـدر مهربـانش می‌گـذشت، تصـمیم گرفت به عراق برود و در آن‌جا به تحصـیل ادامه دهد؛ اما تیرگی روابط دو کشور ایران و عراق، باعث شد که این سـفر انجام نشود. به همین سبب به حضرت معصومه (س) پناه برد و با توسل به آن حضـرت، توانست مجوز اقامت در عراق را دریافت کند و به عتبات عالیات سـفر نماید. او به نجف‌اشـرف می‌رود و در مـدرسه آیـهٔاللّه بروجردی اقـامت می‌گزینـد.آقـا شـیخ علی آل اسـحاق در نجف‌اشـرف در محضـر شـیخ صـدرای بـادکوبه‌ای «مکاسب» را فرا گرفت و کتاب «رسائل» را، به همراه ۳ نفر دیگر به طور خصوصـی در محضر آیهٔاللّه آقا جواد تبریزی، آموخت. وی جلـد اول «کفایه» را نزد آیهٔاللّه حسـین راستی کاشانی، آیهٔاللّه حسـین وحید خراسانی، آیهٔاللّه حاج شـیخ علی فلسـفی(که اکنون در مشـهد ساکن است) و جلـد دوم آن را با پیشـنهاد آیهٔاللّه محمدباقر حکیم نزد آیهٔاللّه شـهید محمدباقر صدر به اتمام رسانـد. وی که به مقام علمی شـهید صدر پی برده بود، در جلسات درس دیگر او، که کتاب‌های «فلسـفتنا»، «اقتصادنا» و برخی مباحث دیگر را تعلیم می‌داد، شـرکت می‌کند و همان دروس را در مسجد هندیِ نجف برای عموم محصّلین تدریس می‌نماید. شیخ علی، «شـرح تجرید» رادر محضـر آیهٔاللّه شـهید سیّداسداللّه مدنی و «فلسـفه» را در محضر آیهٔاللّه شیخ عباس قوچانی و همچنین علم طب را از مرحـوم سیدحسـین حکیم فرا گرفت. به علاوه، دو سـال در درس خـارج فقه آیـهٔاللّه سـیدابوالقاسم خـوئی و سـیدمحمود شاهرودی شـرکت جست و سـپس به مـدت ۱۲ سـال، دو دوره درس خـارج فقه آیـهٔاللّه میرزا محمـدباقر زنجانی را گذرانـد.پس از تشـریف فرمـایی امـام خمینی به نجف، در درس خارج فقه ایشان و نیز در درس «ولایت فقیه» امام شـرکت کرد و تا سال ۱۳۵۳ ش. که حکومت بعث عراق امام را دسـتگیر کرد، در محضـر ایشان بود. شیخ علی دروس حوزه را تا رسیدن به مرحله اجتهاد ادامه داد و به گفته خانواده ایشان، از دو عالم بزرگ: آیهٔاللّه سیدمحسن حکیم و آقابزرگ تهرانی، اجازه اجتهاد گرفت.

خاطرات و وقایع تحصـیل : پس از رحلت آیهٔاللّه حکیم وی نمایندگی امام راحل در همان منطقه را بر عهده گرفت. او در بخشی از خـاطراتش ارتبـاط نزدیک با امام را این چنین بیان می‌دارد:«آن روزها در حوزه علمیه نجف‌اشـرف من موقعیت خوبی داشـتم؛ داماد مرحوم آیـهٔاللّه العظمی آقامیرزاباقر زنجانی(ره) بودم و نمایندگی از طرف مرحوم آیهٔاللّه العظمی حکیم(ره) در شـهر سـنجار اسـتان موصل عراق را داشـتم. و امام راحل با مرحوم پدرم حضـرت آیهٔاللّه آقای شـیخ عبدالکریم خویینی آشـنایی کامل و علاقه داشتند و آن روز دل و جرأت می‌خواست که کسـی به امـام اظهـار محبت کرده، در کنارش قرار گیرد. من با تمام ناملایماتی که برایم فراهم

شده بود، شب و روز در کنار آن رادمرد الهی قرار گرفته، با تمام نیرو آنچه در توان داشتم، در خدمت ایشان بودم. در تمام جلسات عمومی و از اولین روز شروع درس فقه و نماز جماعت‌ها و گاه در جلسات خصوصـی شـرکت می کردم. مـدتی مسـئولیت پرداخت شهریه را بر عهـده گرفته و مـدتی در جلسه اسـتفتائات به دسـتور ایشان شـرکت می کردم و شـبانه‌روز حـداقل پنـج بار به خـدمتشان می‌رسـیدم. خلاصه اخبار رادیوهای عربی و خارجی را در مسیر راه بیان می کردم. لذت‌بخش‌ترین خاطره یک شب زمستانی بود که امام مرا جهت تجدید کتابت صورت نمایندگی نمایندگان خود در سـطح جهان خواسته بودند. آن شب تا اذان صبح مشغول نوشتن شده و از این که امام چنین اعتمادی را به من نموده و از میان دوسـتان مرا انتخاب فرموده، بیش از حد خوشحال و خرسند بودم».وی دربـاره حساسـیت امـام به بیت‌المال چنین می گویـد:«در نجف، روزی به منزل امام رفتم. برخلاف همیشه درب خانه امام بسـته بود و صدای فریاد امام به گوش می‌رسید. درب خانه را زدم، خادم درب را باز کرد و گفت: امام بسیار ناراحتند. وقتی وارد شدم، فهمیدم نـاراحتی امام به خاطر آن است که آقاسیدمصـطفی ۲۵۰ درهم(یـک چهـارم دینـار) به گوجه‌فرنگی نوبر داده است و امام می‌فرمود: چرا هنوز که گوجه ارزان نشـده، آن مقـدار پول را از سـهم امام به گوجه داده است؟ سـپس به او فرمود: همین الآن برو گوجه‌ها را پس بده».

اسـتادان و مربیان : ازاسـتادان شیخ علی آل اسحاق که دروس مختلف را در محضرشان آموخته بود می توان به افراد زیر اشاره کرد: شیخ صدرای بادکوبه ای آیه الله حسین راستی کاشانی آیه الله حسین وحید خراسانی آیه الله حاج شیخ علی فلسفی آیه الله محمدباقر حکیم آیه الله شـهید محمدباقر صدر آیه الله شـهید سید اسدالله مدنی آیه الله شیخ عباس قوچانی آیه الله سید ابوالقاسم خوئی مرحوم سید حسین حکیم سید محمود شاهرودی آیه الله میرزا محمدباقر زنجانی امام خمینی

همسـر و فرزندان : شـیخ علی آل اسحاق دارای ۵ فرزنـد بود: سه دختر و دو پسـر. یکی از پسـران او در جبهه‌های جنگ به شـهادت رسـید که نامش «محمـدجواد» بود. محمـدجواد جوانی فعال، پرشور، و خـداجوی بود و در مسـجد اباذر(واقع در محلّه زاویه قم) در عرصه‌های مختلف به فعالیت مشغول بود؛ همانند جمع‌آوری کمک‌ها به رزمندگان، جذب جوانان برای امور فرهنگی و مذهبی و... . اکنون نیز کتابخـانه آن مسـجد به نام همین جوان فعال مزیّن است. پسـر دیگر ایشان «رضا» نام دارد که هم اکنون در حال تحصـیل است. دامادهـای این عالم پرتلاش عبارتنـد از:۱ - مهنـدس ابوالحسن آل اسـحاق، که در جبهه جنـگ به فیض شـهادت نایل شـد. و برادر وی به نام حسـین پس از او به افتخار دامادی عموی خود یافت.۲ - دکتر سـاحلی است، که در محله نیروگاه قم، مطب دارد. و به درمان بیماران توفیق یافته است.۳ - آقای دهقان که کاردار وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در ژاپن می‌باشد.

وقایع میانسالی : این مرد مجاهـد و نسـتوه که تا آخرین نفس بر آرمان‌های خود پافشاری کرد و یک لحظه از خدمت به دین و نظام اسـلامی غفلت نورزیـد، در اواخر عمرش به خاطر مرض قنـد و ناراحتی قلبی، کمتر موفق به فعالیت‌های اجتماعی می‌شد؛ اما دغدغه تهـاجم آشـکار فرهنگی و گسـترش فسـاد در میـان جوانـان و... آراکش را از او ربوده بود؛ به طوری که شب جمعه ۲۴ خرداد سال ۱۳۸۰ ش. در تماس تلفنی با برادرش درباره اوضاع فرهنگی گفت و گو می کند.

زمان و علت فوت : شیخ علی آل اسحاق ساعت ۲ نیمه شب ۲۴ خرداد ۱۳۸۰ش نیز بر اثر سکته قلبی دار فانی را وداع می گوید.پیکر مرحوم شیخ علی (ره) روز شنبه ۲۶ خرداد با شـرکت گسترده مردم از مسجد امام حسن عسکری (ع) تا حرم مطهر حضرت معصومه (س) تشییع شـد و شـرکت کننـدگان در غم از دست دادن این یار دلسوز امام، اشک ماتم ریختنـد. پس از تشـییع، بدن مطهرش در گلزار علی بن جعفر (ع) ، در قطعه مخصوص پدر شهیدان به خاک سپرده شد.

مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : شـیخ علی آل اسـحاق نیز مانند بسـیاری از روحانیون دیگر که مردم را به انقلاب فرا می‌خواندند، همیشه در سـفرهای تبلیغی خود، ضـمن تبیین اهداف نظام اسـلامی، مردم را با انقلاب و امام آشـنا می کرد. در همین راسـتا وقتی در شهر خرّم‌آباد در مسـجد علوی سخنرانی نمود و مواضع انقلاب را بیان کرد، دستگیر شد.(۳) در اوایل سال ۱۳۵۶ ش. به مدت ۳ ماه

در، یافت‌آباد تهران به تبلیغ و فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی پرداخت. همچنین، صندوق قرض‌الحسنه‌ای تأسیس کرد تا سهمی در رفع مشکلات مادی مردم آن‌جا داشته باشد.همزمان با پیروزی انقلاب در شهر سنجان، واقع در استان مرکزی مشغول تبلیغ شد. پس از پیروزی انقلاب بر اساسِ احساسِ وظیفه و با تجربه‌ای که در مناطق سنّی‌نشین داشت، به استان سیستان و بلوچستان سفر کرد و با تشکیل بسیج مردمی و ایجاد وحدت میان شیعه و سنّی، توانست توطئه‌های ضدانقلاب را در آن سامان خنثی کند. نتیجه فعالیت‌های وی، تصرّف صدا و سیمای آن ناحیه به دست نیروهای انقلاب بود و از آن طریق خبر پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی با شور و شعف خاصی به گوش هموطنان رسید.پس از آرام شدن اوضاع، به استان مرکزی بازگشت و در سمت مسئول کمیته انقلاب اسلامی همان منطقه به فعالیت خود ادامه داد.آشوب‌های کردستان موجب شد که شیخ علی چندین بار برای ایجاد آرامش در آن منطقه، با نیروهای تحت فرمان خود به آن‌جا برود. پس از آن به تهران دعوت شد و مسئولیت بخش فرهنگی کلّ کمیته‌های انقلاب اسلامی را بر عهده گرفت.با پیروزی انقلاب اسلامی، عده زیادی به دنبال فرصت بودند تا این انقلاب نوپا را تضعیف کنند و آن گونه که می‌خواهند، انقلاب را تغییر دهند. آنان برای رسیدن به همین هدف، جوانان پاکدل و ساده را فریفته، با شعارها و افکار انحرافی، آنان را گمراه می‌ساختند.شیخ علی آل اسحاق که این خطر را به خوبی حس کرده بود، به مقابله با این جریان برخاست و با پاسخ به شبهات و جذب جوانان نقشه‌های آنان را خنثی می‌ساخت.وی بعدها نیز در ارگان‌های مختلف، از جمله: سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، اداره بهداری و بهزیستی در شهرهای مختلف کلاس‌هایی را تشکیل داد. گذشته از این‌ها، شیخ علی دو سفر تبلیغی نیز به خارج از کشور داشت؛ یک بار به آذربایجان سفر کرد و بار دیگر به لبنان رفت. همچنین مدت ۱۰ تا ۱۱ سال از طرف آیهٔاللّه گلپایگانی امام جماعت مسجد اباذر واقع در منطقه زاویه قم بود. او رابطه بسیار صمیمی با جوانان مخصوصاً طلاب جوان داشت؛ به طوری که حتی در اردوهای زیارتی نیز همراه آنان بود.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : وی در زمان مرجعیت آیهٔاللّه حکیم، نماینده ایشان در استان موصل عراق در شهرهای سنجار و طلّعفر بود و به مدت ۱۱ سال در فصل تابستان، دهه محرم، دهه صفر و ماه رمضان به آن‌جا می‌رفت. از آن‌جا که مردم آن مناطق کرد بودند، او قبل از اعزام در طی سه ماه زبان کردی را فرامی گیرد. شیخ علی، در ایّام تبلیغ، در جلسات مناظره و مباحثه با اهل سنّت آن ناحیه شرکت می‌جست. این تلاش‌ها، باعث گرایش و جذب عدّه زیادی به مذهب تشیع گردید؛ به طوری که توانست مسجد و مدرسه علمیه بسازد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از فعالیت‌های شیخ علی آل اسحاق به خوبی آشکار است که وی به امور فکری، فرهنگی و دینی مردم بسیار حساس بوده است. اگر چه وی در طول عمر خود فعالیت‌های فرهنگی، مبارزاتی داشت، اما بنا بر احساس وظیفه در برابر اقشار کم درآمد و طلاب، اقدام به فعالیت‌های اقتصادی کرد. یکی از آن فعالیت‌ها، گرفتن امتیاز صادرات و واردات از طریق مرز آذربایجان بود. وی درآمد حاصله را در امور فرهنگی و حمایت از طلاب و دیگر موارد لازم صرف نمود. همچنین به منظور خدمت به طلاب، یکی از مؤسّسین تعاونی طلاب نیز بود.او که برای پیشبرد اهداف اسلام از هیچ کاری دریغ نورزیده بود، وقتی جنگ نابرابر عراق بر ایران تحمیل شد، باز هم وظیفه خود را به خوبی انجام داد و بارها و بارها در جبهه‌های حق علیه باطل شرکت جست و دوشادوش رزمندگان اسلام اسلحه به دست گرفت و به ستیز با دشمنان دین خدا برخاست.وی در تشکیل بسیج عشایر و سازماندهی نیروهای مقاوم بومی در منطقه جنوب نیز نقش خود را به خوبی ایفا نمود

شاگردان : وی شیخ علی آل اسحاق مبارز ترکیه‌ای) یکی از آنان است. وی پس از انقلاب در دانشگاه‌های مختلف از جمله: دانشگاه شهید بهشتی تهران، دانشگاه تبریز و دانشکده امام حسین (ع) به فعالیت پرداخت و به عنوان استاد دانشگاه، معارف دین اسلام را برای دانشجویان مطرح می کرد. همچنین در مدارس علمیه از جمله: مدرسه امام خمینی (ره) ، مدرسه حجّتیه (برای طلاب خارجی)، مدرسه الهادی و مدرسه صدوقی(برای طلاب ایرانی) درس اخلاق و دروس دیگر می گفت.فقه و اصول را نیز در خانه‌اش

تدریس می‌نمود. همچنین برای پاسخ به شبهه‌های مطرح شده، کلاسی در مدرسه فیضیه تحت عنوان «احکام اجتماعی قرآن و تبیین مسائل روز» تشکیل داده بود.

آرا و گرایشهای خاص : زندگی شیخ علی آل اسحاق رنگ خدایی داشت و این، در اعمال و رفتارش هویدا بود. رابطه روحی و معنوی با ائمه اطهار داشت. زهد و پارسایی او زبانزد و کاملاً ـ به زخارف دنیا بی‌توجه بود. با وجود این که موقعیت رسیدن به پست‌ها و مقامات متعددی داشت، ترجیح می‌داد ساده زندگی کند. هرکس وارد منزلش می‌شد؛سادەزیستی را به خوبی در او و زندگی‌اش مشاهده می‌کرد. با اهل خانه بسیار مهربان بود. خانواده‌اش چنان با اخلاق خوش و رفتار اسلامی او انس داشتند که تحمل فقدان او، بر ایشان، بسیار دشوار بود.

چگونگی عرضه آثار : شیخ علی آل اسحاق آثار دیگری نیز دارد که به چاپ نرسیده است؛ از جمله :.۱ قرائت امام خمینی (ره) از ولایت مطلقه فقیه یا حکومت جهانی فرامین الهی؛.۲ تقریرات اصول فقه مرحوم آیةٔ اللّه العظمی محمد باقر زنجانی؛.۳ النکاح علی المذاهب الخمسه(عربی)؛.۴ الفقه الاسلامی(الحلقه الاولی، عربی)؛.۵ آخرین نظریات علمای اصول در محور کفایةالاصول از مرحوم آخوند تا امام؛.۶ مبانی فکری امام امت یا اصول سیاسی، اجتماعی اسلام؛.۷ بهترین راهنمای حج(مطابق با فتاوای امام خمینی)؛.۸ معالم دین یا تنظیم مضامین عالی دعای ندبه. ---

آثار :

۱ آشنایی با مکتب وحی

۲ اخلاق و رفتار یا اصول تزکیه و حکمت

۳ اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان

۴ اصول خود سازی یا اخلاق در مکتب وحی الهی

۵ جبهه یا دانشگاه خود سازی

۶ زمینه اسلام‌شناسی

۷ کنترل زبان

۸ مسئولیت امت از دیدگاه امام

۹ یاد خدا عامل انقلاب

آیتی بیرجندی، محمدابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم آیتی در سال ۱۳۳۳هجری قمری در قریه گازار از توابع بیرجند در خانواده‌ای روحانی و شیعه متولد شد و اهل خانه را از قدوم خویش شاد کرد این فرزند محمدابراهیم نام گرفت. وی از هفت سالگی برای فراگیری از قرآن مجید و خواندن کتابهای فارسی مذهبی و اخلاقی و از قبیل اینها وارد جلسات استادان آن زمان در شهر خود گردید. در سیزده سالگی به شهر بیرجند رفت و ادامه تحصیل خود را در کنار اساتید بیرجند گذراند. در هیجده سالگی در مدرسه باقریه شهر مشهد به قمستی از فصول و منطق تحت نظر استادان مجرب بودند. وی به درجه دکترا نایل گردید و در تمام طول تحصیل به تحصیلات حوزوی بسنده نشد. وی در

سن ۵۱ سالگی در اثر سانحه تصادف در سال ۱۳۸۴ قمری جان خویش را از دست دادند.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب : پدر محمد ابراهیم آیتی شیخ محمد قائنی پیشنماز روستای گازار بود که به امور شرعی مردم رسیدگی می‌کرد. او در سلک روحانیت و در امور دینی خود و مردم کوشا بود. وی که توفیق تربیت در دامن مادر متدین پیدا نموده بود رشد کرد و به سن تحصیل رسید.

خاطرات کودکی : محمد ابراهیم آیتی مقدمات عربی از پدرش شیخ محمد قائنی یاد گرفت تا اینکه به نه سالگی که رسیدند پدر در سوم ماه رمضان ۱۳۴۲ مرحوم شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : هفت ساله بودم که پدرم مرحوم شیخ محمد قائنی مرا برای فراگیری قرآن مجید و خواندن کتابهای فارسی مذهبی و اخلاقی از قبیل عین الحیات و جلاء العیون و حلیهٔ المتقین مرحوم مجلسی نزد « آخوند ملا عبداللّه گازاری» برد و به وی سپرد. مقدمات عربی را از مرحوم پدرم فرا گرفتم، نه ساله بودم که پدرم در سوم ماه رمضان سال ۱۳۴۲قمری مرحوم شد. پس از آن شرح « قطرالندی» و « القیه» ابن مالک « سیوطی» و « شرح جامی» را نزد همان ملا عبداللّه و « محمد ابراهیم بویکی» خواندم. سیزده ساله بودم که با اجازه مادرم برای ادامه تحصیل به شهر بیرجند رفتم و مدت پنج سال در مدرسه معصومیه کتابهای « حاشیه» ملاعبداللّه یزدی و « شرح شمسیه» در منطق، « شرح نظام» « مغنی البیب» در صرف و نحو و قسمتی از « مطوّل» در معانی و بیان و بدیع و « معالم» و قسمتی از « قوانین الاصول» میرزای قمی در اصول، « تبصرهٔ» علامه حلّی و « شرح لمعه» شهید ثانی در فقه و مختصری حساب و هیأت و مقداری از شرح « سبعهٔ معلّقه» را خواندم. در این مدت پنج سال در شهر بیرجند از محضر مرحوم حاج شیخ محمد باقر آیتی بیرجندی و آیهٔاللّه حاج شیخ محمد حسین آیتی و مرحوم شیخ غلامرضا فاضل و آقای حاج شیخ محمد علی ربّانی و مرحوم حاج ملا محمد دهکی استفاده بردم و شاگردی آنها را نمودم.هیجده ساله بودم که برای ادامه تحصیل به مشهد مقدس مشرّف و در مدرسه باقریه ساکن شدم و بقیه شرح لمعه و مطول و قسمتی از فصول و قسمت منطق شرح منظومه حاج ملا هادی سبزواری و آنگاه تمام سطح مکاسب، رسائل شیخ انصاری و کفایه آخوند خراسانی را در محضر استادان فرا گرفتم. ضمنا هیئت قدیم را نزد مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و آقا شیخ مجتبی قزوینی و آیهٔاللّه میرزا حسین فقیه سبزواری و آیهٔاللّه ادیب نیشابوری و مرحوم حاج شیخ حسن پایین خیابانی و برخی اساتید دیگر خواندم. در همان حال با درس خارج فقه و معارف مرحوم آقا میرزا مهدی اصفهانی آشنا شدم و با شوق فراوان در حدود دو سال به درس پر بهره ایشان می‌رفتم و در همین اوقات به درس شرح منظومه آقا میرزا مهدی فرزند مرحوم آقا بزرگ حکیم می‌رفتم و از این راه با فلسفه قدیم آشنا شدم. آشنایی من با متون عالی فلسفه قدیم از قبیل شرح اشارات، شفای بوعلی و اسفار مرحوم آخوند ملاصدرا در خارج از محیط طلبگی بود.» آیتی پس از فراگیری دروس حوزه‌های علوم دینی به دانشگاه راه یافت و او در همان دانشکده معقول و منقول تهران تحصیل کرده بود و موفق به اخذ درجه دکتری شده بود. ایشان علاوه بر علوم اسلامی و ادبیات عرب به زبان انگلیسی نیز احاطه کامل داشت و از این راه با اندیشه‌های غربی و متون و روش تحقیق آنان آشنا گردید.

خاطرات و وقایع تحصیل : حوزه‌های درس هرگاه محدود به چند نفر و کم جمعیت بود غالبا در اطاقهای مسکونی مدارس و درسهای سطوح عالی و خارج که جمعیت بیشتری در آن شرکت می‌داشت بیشتر در مدرس‌های نسبتا وسیع مدارس که فرش آن در تابستان و زمستان منحصر به حصیر بود و یا در شبستان‌های مساجد که نیز در تابستان و زمستان حصیر فرش و بسیار سرد بود و هرگز بخاری نمی‌دید، تشکیل می‌گردید.کسانی که اهل کار و تحصیل بودند تقریبا تمام وقتشان به درس خواندن و مطالعه کردن و مباحثه کردن همان درسها و (اگر خود از فضلای حوزه بودند) به درس گفتن برگزار می‌شد و فقط در هفته‌ای دو روز پنجشنبه و

جمعه تعطیل بود، که آن هم احیانا با درسهای تعطیلی از قبیل ریاضیات و هیئت و تفسیر و حدیث و جز اینها می گذشت.زندگی طلبگی بسیار ساده و در عین حال پرنشاط برگزار می‌شد. در آن تاریخ کمتر افکار اجتماعی به محیط طلبگی راه داشت و گیر و داری هم اگر پیش می‌آمد از حدود حجره‌های مدارس تجاوز نمی‌کرد. تا در بیرجند بودم با اینکه مدرسه معصومیه اوقاف زیادی داشت، به طلبه مدرسه چیزی نمی‌رسید و متصدّیان اوقاف تمام درآمد موقوفه را می‌خوردند و زندگانی ساده طلاب منحصرا از کمکهای پدران و مادرانشان می گذشت.اما در مشهد مقدس چون از طرفی موقوفات مدارس سرشارتر بود و از طرف دیگر متصدیان اوقاف آنجا مانند متصدیان اوقاف بیرجند نبودند مختصر حق السکوت و قوت لا یموتی به طلاب داده می‌شد و روزی که وارد مشهد شدم متصدی اوقاف مدرسه باقریه آقا شیخ جواد شیخ الاسلامی اصفهانی به دیدن من آمد و از همان روز مبلغ سی ریال (که شهریه کامل آن مدرسه بود) حقوق ماهیانه برای من قرار ساخت و این مبلغ در آن تاریخ برای زندگی طلبگی متوسط یک نفر به خوبی کفایت می کرد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : از امتیازات بسیار ارزنده حیات علمی محمد ابراهیم آیتی این است که او هرگز خود را در علوم متداول حوزه‌ها و مجامع علمی محدود نساخت. گو اینکه راز موفقیت هر اندیشه‌ورِ دلسوز و تلاشگر و کاوشگر پر توفیق این است که خودجوش و زیرکانه بیابد چه چیزی را باید بخواند و کدام راه را برود. بدینسان او در تاریخ دوره اسلامی و تاریخ پیامبر و اهل بیت نیز تلاش فراوان کرد و یکی از متخصصان این رشته در آمد و از تألیفات ایشان نیز این نکته آشکار خواهد شد.

استادان و مربیان : از استادان محمد ابراهیم آیتی در زمینه های مختلف درسی می توان به موارد زیر اشاره کرد: آخوند ملا عبدالله گازاری ابن مالک محمد ابراهیم بویکی میرزای قمی علامه حلی شهید ثانی باقر آیتی بیرجندی شیخ محمد حسین آیتی غلامرضا فاضل شیخ محمد علی ربانی حاج ملا محمد دهکی ملا هادی سبزواری شیخ انصاری آخوند خراسانی شیخ هاشم قزوینی مجتبی قزوینی حسین فقیه سبزواری ادیب نیشابوری حسن پایین خیابانی میرزا مهدی اصفهانی میرزا مهدی فرزند مرحوم آقا بزرگ حکیم آخوند ملاصدرا

هم دوره ای ها و همکاران : از دوستان محمد ابراهیم آیتی ، شهید مطهری، آیـﺔاللّه بهشتی و آیـﺔاللّه طالقانی بود و با هم مراوده علمی و مباحثه داشتند.

زمان و علت فوت : محمد ابراهیم آیتی در سوم جمادی الثانیه ۱۳۸۴ قمری مطابق با هفدهم ۱۳۴۳ شمسی بر اثر سانحه تصادف جان خویش را از دست دادند. پیکر ایشان در قبرستان ابوحسن قم دفن گردید.

فعالیتهای آموزشی : محمد ابراهیم آیتی پس از فراگیری دروس حوزه‌های علوم دینی به دانشگاه راه یافت و در کنار تدریس به تحصیل نیز پرداخت. در سال ۱۳۳۴شمسی در دانشکده علوم معقول و منقول مشغول به تدریس شد و درسهای تاریخ اسلام، تاریخ تمدن اسلام، فقه(دوره لیسانس) و فقه الحدیث(دوره دکتری) را درس می‌داد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از دوستان محمد ابراهیم آیتی، شهید مطهری، آیـﺔاللّه بهشتی و آیـﺔاللّه طالقانی بود و با هم مراوده علمی و مباحثه داشتند. در آن زمان نوای بیداری در بعضی از مجامع علمی و فرهنگی برخاسته بود و حرکت‌های خودجوش ارزشمندی برای شناخت درست اسلام ایجاد شده بود. کار مهم اندیشه وران آن روز تغذیه فکری این مجامع بود و استاد آیتی یکی از کسانی بود که در انجام این مهم کوشا بود. در انجمن اسلامی مهندسان، جلسات ماهانه دینی که شهید مطهری نیز سخنرانی داشت شرکت داشت و به سخنرانیهای ارزشمندی می‌پرداخت و این سخنرانیها بلافاصله تایپ و تکثیر می‌شد و با استقبال فراوانی نیز روبرو گشت.یکی از تلاش‌های تحسین برانگیز ایشان تلاش در راه انتشار کتابهای مذهبی بود که از آن جمله تلاش گروهی ایشان و همراهانش منشأ ایجاد « شرکت انتشار» گردید. باری او در راه اصلاح ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه خویش از هیچ خدمتی فروگذار نکرد و با قلم و زبان و دست خویش هر آنچه کرد برای احیای فکر دینی و اندیشه الهی بود.او همچنین در پرداختن به

برخی موضوعات اسلامی و پیراستن نقص‌ها و خرافه‌ها متون اصیل و استواری را عرضه کرد .

آرا و گرایشهای خاص : از خصوصیات محمد ابراهیم آیتی تحقیق‌های نو و بدیع است. او در تاریخ به بررسی و کنکاشی ارزنده پرداخت و نکات ابهام و نقاط کور را شناسایی کرد و به بحث و بررسی در آن پرداخت. . معظم له دارای ملکات نفسانیه و جامع علوم عقلیّه نقلیّه، مروج طریقه جعفریه بود. --

آثار :

۱ ۱۲افکار جاوید محمد

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه‌ای از متن انگلیسی

۲ آندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا

ویژگی اثر : به طوری که ایشان در مقدمه کتاب ذکر می‌کنند این اثر حاصل تحقیق و تدریس سال‌های ۱۳۳۷و ۱۳۳۸دوره لیسانس دانشکده معقول و منقول تهران است و ایشان در این کتاب تاریخ حوادث مهم هشت قرن حکومت مسلمین در اروپا را به تفصیل بیان کرده‌اند که شامل تاریخ حکومتها، دست نشاندگان حکام عباسی و غیر آن می‌باشد. این کتاب در سال ۱۳۴۰در ۳۵۷صفحه چاپ شده است.

۳ آیینه اسلام

ویژگی اثر : ترجمه‌ای است از متن عربی آن اثر نویسنده توانای مصری دکتر طه حسین که در تهران وسیله شرکت انتشار به چاپ رسیده است.

۴ بررسی تاریخ عاشورا

ویژگی اثر : این خصلت او در کتاب بررسی تاریخ عاشورا به خوبی ظهور کرده است یعنی او در این قضیه مطیع و دنباله‌رو هیچ کس نیست و آزادانه و زیبا بر اساس مبانی اصیل و اساسی قرآن و عترت و با عقل سلیم و ذهل جوال خویش به میدان آمده و به راستی به نقد احیاگری در جریان عاشورا دست زده است.خمیر مایه این کتاب را مجموعه هفده سخنرانی دکتر آیتی در رادیو ایران در سال‌های ۱۳۴۳ - ۱۳۴۲تشکیل می‌دهد. این اثر به همت استاد علی اکبر غفاری تنظیم و چاپ شده و تاکنون در حدود ۱۰نوبت تجدید چاپ شده است.

۵ تاریخ پیامبر اسلام

ویژگی اثر : این کتاب تحقیقی است مستند، گسترده و دقیق بر اساس متون کهن در پیرامون حیات اشرف مخلوقات هستی حضرت رسول اکرم (ص)که مؤلف در تنظیم آن زحمات فراوانی را متحمل شده‌اند. این کتاب با تعلیقات و اضافاتی از دکتر ابوالقاسم گرجی از طرف دانشگاه تهران چاپ شده و چندین بار تجدید چاپ گردیده است.

۶ ترجمه البلدان یعقوبی

ویژگی اثر : این کتاب نیز به وسیله بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۵۶در ۲۱۱صفحه چاپ شده است.

۷ ترجمه تاریخ یعقوبی

ویژگی اثر : این کتاب در دو جلد ضخیم چاپ شده است و از ترجمه‌های ارزشمند متون تاریخی به حساب می‌آید به طوری که در سال ۱۳۴۲این ترجمه به عنوان کتاب سال شناخته شد. متخصصان ترجمه نسبت به ترجمه‌های دقیق و اصولی مرحوم آیتی اعتماد خاصی دارند. این اثر نیز چندین بار تجدید چاپ شده است.

۸ تصحیح تفسیر شریف لاهیجی

ویژگی اثر : مرحوم استاد آیتی جلد ۳و ۴این تفسیر را به صورت زیبا و اصولی تصحیح نموده‌اند و در سال ۱۳۴۰از طرف اداره اوقاف تهران به چاپ رسیده است.

۹ خطبه‌های رسول اکرم(ص

ویژگی اثر : به زبان عربی نگارش یافته و تاکنون چاپ نشده است.

۱۰ راه و رسم تبلیغ

ویژگی اثر : مقاله‌ای است که در کتاب گفتار ماه جلد دوم، ص ۱۷۴ – ۱۴۹به چاپ رسیده است.

۱۱ سرمایه سخن

ویژگی اثر : این کتاب به انگیزه تقویت و غنی سازی سخنرانیهای اسلامی تهیه شده است و مجموعه ۸۰مقاله درباره مناسبت‌های مذهبی است که سی مجلس آن درباره ماه مبارک رمضان، بیست و پنج مجلس درباره ماه محرم و صفر و بیست و پنج مجلس دیگر در مناسبت‌های دیگر سال می‌باشد. این اثر به همت مرحوم آیتی و یکی از دوستانش به نام سید محمد باقر سبزواری تهیه و تنظیم شده و در سال ۱۳۳۹به چاپ رسیده است.

۱۲ سیمای امیرالمؤمنین از مسجدالحرام تا مسجد کوفه

ویژگی اثر : این کتاب سخنرانی استاد در جلسه ماهانه دینی است که ابتدا در کتاب گفتار ماه، ج ۳ص ۱۶۴ – ۱۲۹۶چاپ شده و سپس به صورت جداگانه به زیور طبع آراسته گردیده است.

۱۳ شهدای اسلام

ویژگی اثر : به عربی است و تاکنون چاپ نشده است.

۱۴ فهرست ابواب و فصول اسفار

ویژگی اثر : این مقاله در یادنامه ملاصدرا به چاپ رسیده است.

۱۵ کتاب و سنت

ویژگی اثر : در کتاب گفتار ماه جلد اول، ص ۲۲۵تا ۲۵۲به چاپ رسیده است.

۱۶ گفتار عاشورا

ویژگی اثر : با همکاری عده‌ای از اندیشه وران.

۱۷ مجموعه سخنرانیها در مورد شخصیت‌های برجسته عالم اسلام

ویژگی اثر : و مقالات و سخنرانیهای علمی و تحقیقی ارزشمندی که براستی شایسته است در یک مجموعه ارزشمند گرد آید.فرازهایی از اندیشه استاد آیتی

۱۸ مرجعیت و روحانیت

ویژگی اثر : این کتاب را نیز با همکاری عده‌ای از نویسندگان تألیف کرده است.

۱۹ مقولات عشر

ویژگی اثر : این کتاب رساله تز دکترای آن مرحوم می‌باشد و در روزنامه ۱۳۷۱ / ۶ /۵مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است.

۲۰ همه مسؤول یکدیگریم

ویژگی اثر : مقاله‌ای است در کتاب همه مسؤول یکدیگریم که بحث زیبایی درباره امر به معروف و نهی از منکر نموده است. کتاب توسط انتشارات تشیّع در سال ۱۳۵۶به چاپ رسیده و مقاله در کتاب گفتار ماه، ج ۱ص ۷۶ – ۴۵نیز چاپ شده است.

باریک بین، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله حاج شیخ هادی باریک بین در سال ۱۳۰۹ در خانواده ای مذهبی در شهرستان قزوین متولد شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی ، به فراگیری علوم دینی در حوزه علمیه قزوین مشغول شد. سپس برای ادامه تحصیل و تکمیل تحصیلات به قم عزیمت نمود و در حوزه علمیه این شهر وارد شد. شوق دانش اندوزی سرانجام او را به حوزه علمیه نجف کشانید و پس از سه سال کسب فیض نزد علمای این خطه به ایران بازگشت و در حوزه علمیه قم تحصیلات خود را ادامه داد. پس از شروع مبارزه روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) آیت الله باریک بین از قم به قزوین بازگشت و در صدد احیای مدارس قدیمی و متروکه از جمله مدرسه شیخ الاسلام برآمد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اقداماتی از جمله تشکیل کمیته انقلاب اسلامی ، تاسیس دانشگاه علوم پزشکی ، نمایندگی حضرت امام(ره) در جهاد سازندگی منطقه ، تشکیل بنیاد مستضعفان در شهر قزوین ، تاسیس مدارس و خوابگاه ها برای دانشجویان به انجام رساند. آیت الله باریک بین در سال ۱۳۶۰ از سوی امام (ره) به نمایندگی ایشان و امامت جمعه شهرستان قزوین منصوب شد. علاوه بر آن وی چند دوره متوالی نیز نمایندگی مردم را در مجلس خبرگان رهبری به عهده داشت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ هادی باریک بین بین پس از پایان تحصیلات ابتدایی ، به فراگیری علوم دینی در حوزه علمیه قزوین مشغول شد. سپس برای ادامه تحصیل و تکمیل تحصیلات به قم عزیمت کرد و در حوزه علمیه این شهر وارد شد. شوق دانش اندوزی سرانجام او را به حوزه علمیه نجف کشانید و پس از سه سال کسب فیض از محضر علمای آن خطه، به ایران بازگشت و در حوزه علمیه قم تحصیلات خود را ادامه داد.فعالیتهای ضمن تحصیل : شیخ هادی باریک بین همزمان با به تشکیل جلسات مختلف اجتماعی و سیاسی مبادرت می ورزید.استادان و مربیان : شیخ هادی باریک بین درحوزه علمیه قزوین ، دروس مقدمات را نزد آیت الله مفیدی و ابوالحسن رفیعی آموخت. وی پس از آنکه به حوزه علمیه قم وارد شد ، دوره سطح عالی را در محضر حضرات آیات مشکینی ، سلطانی ، نوری گذراند. پس از آن به حوزه درس خارج فقه آیت الله بروجردی و فقه و اصول امام خمینی(ره) حاضر شد و از محضر آنان بهره های فراوان برد. آیت الله باریک بین با طی نمودن این دوره به عراق مهاجرت کرده و در حوزه علمیه نجف از علمای بزرگی چون آیت الله محمد باقر زنجانی کسب فیض کرد.وقایع میانسالی : شیخ هادی باریک بین بین از جمله روحانیون قزوینی است که با شروع مبارزات مردم بر ضد رژیم پهلوی، در کنار امام خمینی (ره) قرار گرفت و با هدایت مردم قزوین نقش خود را ایفاء نمود، چنانکه تاسیس صندوق قرض الحسنه ولی عصر مهمترین اقدام او برای تقویت اعتصابات و تظاهرات مردمی به شمار می آید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شیخ هادی باریک بین در سال ۱۳۶۰ از سوی امام (ره) به نمایندگی و امامت جمعه شهرستان قزوین منصوب شد. علاوه بر آن وی چند دوره متوالی نیز نمایندگی مردم را در مجلس خبرگان رهبری به عهده داشت.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از جمله فعالیت های شیخ هادی باریک بین درطول مبارزات سیاسی تاسیس صندوق قرض الحسنه ولی عصر بو.د که این امر باعث بسیج مردم برای ادامه اجتماعات ، تظاهرات و اعتصابات بر ضد رژیم پهلوی شد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پس از شروع مبارزه روحانیت به رهبری امام خمینی (ره)، شیخ هادی باریک بین از قم به قزوین بازگشت و در صدد احیای مدارس قدیمی و متروکه از جمله مدرسه شیخ الاسلام برآمد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اقداماتی از جمله تشکیل کمیته انقلاب اسلامی ، تاسیس دانشگاه علوم پزشکی ، نمایندگی حضرت امام(ره) در جهاد سازندگی منطقه ، تشکیل بنیاد مستضعفان در شهر قزوین ، تاسیس مدارس و خوابگاه ها برای دانشجویان را به انجام رساند.

برغانی قزوینی، موسی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

موسی برغانی قزوینی در سال ۱۲۵۹ ، در قزوین به دنیا آمد. وی علوم اسلامی را نزد علمای زمان خود و همچنین بزرگان خانواده اش فراگرفت. روش تفسیری برغانی قزوینی ، کلامی و روایی است که با ذکر آیه به بیان روایات و احادیث وارد شده در پیرامون آن می پردازد و سپس نظرات و آراء مفسران پیشین و پدرش ملا صالح را متذکر شده به نقد و بررسی آنها می پردازد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : موسی برغانی قزوینی صالحی فرزند ملا صالح برغانی قزوینی (م۱۲۹۸ق) از علمای قرن سیزدهم هجری در دوران سلاطین قاجار بوده است.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شیخ موسی برغانی قزوینی از خانواده علم و دانشی است که هر کدام از آن خانواده به نوبه خود با تدریس ، تبلیغ و تالیف در زمینه های قرآنی و علوم اسلامی خدمتی در خور تحسین به جامعه علمی نموده و یادگارانی از خود برجای گذاشته است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ موسی برغانی قزوینی ، علوم اسلامی را نزد علمای زمان خود و همچنین بزرگان خانواده اش فراگرفت.آرا و گرایشهای خاص : روش تفسیری موسی برغانی قزوینی ، کلامی و روایی است که با ذکر آیه به بیان روایات و احادیث وارد شده در پیرامون آن می پردازد و سپس نظرات و آراء مفسران پیشین و پدرش ملا صالح را متذکر شده به نقد و بررسی آنها می پردازد.آثار : اسرارالتنزیل فی تفسیر القرآن ویژگی اثر : این کتاب تفسیری است به زبان عربی و در دو جلد تالیف شده است. نسخه اصلی این تفسیر نزد میرزا حسن صالحی در قزوین موجود است.

منابع زندگینامه :قرآن پژوهان قزوین ، مولف: سیدمحمدعلی ایازی ، تهران: موسسه نمایشگاههای فرهنگی ایران ، ۱۳۸۰ ، ص ۱۰۴

برقی، محمدبن خالد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دراواخر قرن دوم هجری و در قریه ای از توابع این شهر (برقرود) کودکی دیده به جهان گشود که بعدها پرچمدار ارزشهای علوی شد و مانند ستاره در حریم ولایت درخشید . او ابوعبدالله محمد، فرزند خالد برقی معروف بود.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : خاندانی که محمد بن خالد برقی در آن پررش یافت. پیشینه‌ای ممتاز در حمایت از ولایت و امامت داشتند، به گونه‌ای که جدش (محمد بن علی) در قیام حضرت زید بن علی بن الحسین علیه السلام در پی حمایت از آن انقلابی بزرگ به دست یوسف بن عمرو، والی کوفه، دستگیر و سرانجام پس از تحمل شکنجه‌های فراوان به شهادت رسید. در پی این حادثه عبدالرحمن، فرزند محمد بن علی، به همراه پسرش، خالد، که طفلی بیش نبود از کوفه به قم هجرت کرده و سالها بعد از آن محمد بن خالد برقی قدم به عرصه وجود نهاد.استادان و مربیان : برخی از علماء رجال محمد بن خالد برقی را از یاران سه تن از امامان به شما آورده‌اند. با توجه به این نکته می‌توان گفت بزرگترین اساتیدش خاندان امامت بودند.محمد بن خالد از محضر اساتید بزرگ دیگری نیز استفاده برد که آنها نیز به نوبه توفیق شاگردی در مکتب امامت را یافتند.از میان علماء علم رجال که به ذکر نام اساتید و مشایخ محمد بن خالد پرداخته‌اند می‌توان به مرحوم کشی ، محقق اردبیلی و مرحوم خوئی اشاره کرد. این بزرگان نام

کسانی را که محمد بن خالد از آنها نقل روایت کرده، به عنوان استاد و مشیخه وی ذکر کرده‌اند. این مشایخ و اساتید عبارتند از: ابن ابی عمیر، ابی طالب قمی، احمد بن نضر جعفی، محمد بن سنان، علی بن مهزیار و... که هر یک در عصر خود از نامداران فقهاء و راویان برجسته به شما می‌آمدند.هم دوره ای ها و همکاران : محمد بن خالد برقی به اعتراف بسیاری از دانشمندان اسلامی شیخ طوسی علامه حلی ابن شهر آشوب، و ابن ندیم از اصحاب سه امام معصوم (امام موسی الکاظم، امام رضا، حضرت جواد علیه السلام) بوده و توانست از مکتب خاندان هدایت نهایت فیض را برد.محمد بن خالد که با سه تن از معصومین معاصر و از اصحاب آنها بود، در حوادثی که رخ می‌داد از محضر معصوم زمان خویش کسب تکلیف می کرد.زمان و علت فوت : آن گاه که صدای رحیل دیدار معبود گوش جان محمد بن خالد را نواخت و با دستانی پر از علم و عمل در قرن سوم هجری به دیگر سراقی باقی شتافت.شاگردان : محمد بن خالدبرقی در حوزه درسی و تعلیمی خود به تربیت شاگردانی کار آمد همت گمارد و موفقیتهای فراوان نیز کسب کرد.شرح حال چند تن از شاگردان محمد بن خالد:۱ – احمد بن محمد بن خالد برقی ۲ – حسین بن سعید اهوازیچگونگی عرضه آثار : از تألیفات محمد بن خالد برقی تنها دو کتاب «المحاسن» و «الرجال» موجود است که آن دو هم به فرزندش (احمد بن محمد بن خالد) نسبت داده شده است از بقیه آثار وی هیچ اثری در دست نیست.کثرت موضوعاتی که در روایت وی مشاهده می‌شود، به حدی است که عملا بررسی یکایک آنها را دشوار می‌نماید، اما به طور کلی موضوعاتی را که وی در اخبار خود به آنشها اشاره کرده، می‌توان به پنج بخش تقسیم نمود:۱ – فقه ۲ – عقایدآثار : أصفیه ، اخض الأعمال ، الأحادیث ، الأحتجاج ، الأسباب ، الأشکال ، الأفانین ، الأوائل البزائر ، البقرة ، البلدان ، التاریخ ، التحذیر ، التخوف ، الترهیب ، الحبوة الصنوة ، الرجال ، الروایة ، الریاضه ، السماء ، العویص ، الفروق ، القرائن ، اللطائف ، المأثر ، المحاسن ، المحبوبات ، المصالح ، المکروهات ، تفسیر (تعبیر) الرؤیا ، ذکر الکعبه ، صوم الایام ، طبقات الرجال ، فضائل الأعمال ، معای الاحادیث و التحریف

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

بروجردی خیارجی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم بروجردی خیارجی (فقیهی قزوینی) در سال۱۲۱۲ (۱۲۵۰هجری قمری) ، در روستای خیارج قزوین دیده به جهان گشود. پس از طی دوران طفولیت نزد اساتید قزوین ، به آموختن مقدمات علوم اسلامی پرداخت. سپس به اصفهان عزیمت و از محضر اساتید آن دیار بهره ها جست. دوران زندگی آیت الله خیارجی با نهضت جنگل و انقلاب ملی ـ مذهبی میرزا کوچک خان جنگلی مصادف بود. او با عزمی جزم به نهضت جنگل پیوست و پس از دیدار با میرزا ، پیک و نامه رسان نهضت جنگل گردید. وی در طول حیات خود به کشورهای بسیاری از جمله هندوستان ، عربستان ، عراق که مهترین حوزه علمیه در آنجا قرار داشت سفر نمود. و سرانجام در سال ۱۳۱۰ هجری قمری ، پس از روزها کسالت بیماری چشم از جهان فروبست.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ ابوالقاسم بروجردی خیارجی پس از طی دوران طفولیت نزد اساتید قزوین ، به آموختن مقدمات علوم اسلامی پرداخت. سپس به اصفهان عزیمت و از محضر اساتید آن دیار بهره ها جست.هم دوره ای ها و همکاران : شیخ ابوالقاسم بروجردی خیارجی دردوران تحصیل با آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی شد و در زمان عزیمت به سوی اصفهان همراه وی بود.وقایع میانسالی : دوران زندگی شیخ ابوالقاسم بروجردی خیارجی با نهضت جنگل و انقلاب ملی ـ مذهبی میرزا کوچک خان جنگلی مصادف بود. وی با عزمی جزم به نهضت جنگل پیوست و پس از دیدار با میرزا ، پیک و

نـامه رسـان نهضت جنگـل گردیـد. او در این راه از هیـچ کوشـش و مبـارزه ای دریـغ نورزیـد.زمـان و علت فوت : شـیخ ابوالقاسـم بروجردی خیـارجی در سال ۱۳۱۰ هجری قمری ، پس از روزهـا کسـالت بیمـاری چشم از جهان فروبست.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیخ ابوالقاسم بروجردی خیارجی برای اولین بار در سال ۱۲۸۸ هجری قمری به زیارت خانه خدا مشرف شد و دو سال در جوار خانه خدا به کسب علم و دانش پرداخت. وی در طول حیات خود به کشورهای بسـیاری از جمله هندوستان ، عراق که مهترین حوزه علمیه در آنجا قرار داشت سفر نمود.

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم ، ص ۵۵

برهان قزوینی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید ابوالقاسم برهان قزوینی در سال ۱۳۰۶ ، در قریه « آغبلاق قاقازان » ، دیده به جهان گشود. او برای تکمیل تحصیلات دینی و فراگیری سـطوح بالاتر علوم ، به شهر قم مهاجرت نمود. و پس از شش سال تحصیل در این شهر ، به زادگاهش قزوین بازگشت و تحصـیلات دینی خود را تکمیـل کرد. سـید ابوالقـاسم پس از رسـیدن به مرتبه کمـال علمی ، در منبـر و محراب به کـار ترویـج دین کوشـید. او به اخبـار ، حکایـات و روایـات ، احـادیث ، و قصه هـای قرآنی آشـنایی و احاطه کامل دارد.گروه : علوم انسانی رشـته : الهیات و معارف اسـلامی والدین و انساب : حاج سید صالح ، پدرسید ابوالقاسم برهان قزوینی ، فرزند سید حسین نورینی ابهری ، و او پسـر میر مفید پسـر میرزا آقا ، پسـر حاج مرتضـی خندابی فرزند آقا حیدر خندابی می باشد. سرسلسـله این خاندان آقا میر خضـر ، مـدفون در قریه خنـداب ، از توابع ضـیاء آبـاد است که میر خضـر نسـبش به فرزنـدان امـام چهـارم ، حضـرت زین العابـدین (ع) می رسد.اوضاع اجتماعی و شـرایط زندگی : سـید ابوالقاسم برهان قزوینی فرزند سید صالح ، معروف به حاج سید آقا برهان ، در قریه « آغبلاق قاقازان » از مادری نیک نام و بزرگوار ، دیـده به جهان گشود.تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : سـید ابوالقاسم برهان قزوینی پس از فراگیری علوم جدید تا شـشم ابتدایی ، به مدت شش سال دوره مقدماتی علوم دینی را نزد اساتید و علمای نامدار و بزرگوار قزوین آموخت. پس از آن برای تکمیل تحصـیلات دینی و فراگیری سطوح بالاتر علوم ، به شهر قم مهاجرت نمود. وی پس از شش سال تحصـیل در قم ، به زادگاهش قزوین بازگشت و تحصـیلات دینی خود را تکمیل کرد.اسـتادان و مربیان : سـید ابوالقاسم برهان قزوینی در حوزه علمیه قم محضـر درس آیت الله العظمی مرعشـی نجفی را درک نمود. وی پس از بازگشت از قم ، در حوزه علمیه قزوین ، از محضـر آیت الله العظمی حـاج سـید ابوالحسن رفیعی به حـد کمال اسـتفاده علمی و عرفانی برد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سـید ابوالقاسم برهان قزوینی پس از رسـیدن به مرتبه کمال علمی ، در منبر و محراب به کار ترویج دین کوشید و علاوه بر اطراف قزوین ، در ابهر ، زنجـان و قم به تشـریح و تحکیم مواضع قرآنی و فرامین ربانی مشـغول شـد.آرا و گرایشـهای خاص : حاج سید ابوالقاسم برهان قزوینی به اخبار ، حکایات و روایات ، احادیث ، و قصه های قرآنی آشنایی و احاطه کامل دارد.

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم

بهبودی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر بهبودی درسال ۱۳۰۸ه.ش دیده به جهان گشود. از سال ۱۳۲۷ تحصیلات مذهبی رابطور تمام وقت شروع کرد. ادامه تحصیل خود را تا سال ۱۳۳۷ کشاند واز محضر اساتید آن دوره کسب فیض نمود. بعد از ترک تحصیل به تهران منتقل شد و به تصحیح و تحقیق کتب خطی پرداخت. وی اخراج چهل و پنج جلد بحار و مقابله، تحقیق و پاورقی و تخریج احادیث آن و مقابله با ماخذ، کاملا به دست ایشان به اتمام رسید. در اثر همین توفیق الهی بود که بیش از سایر همکارانش به نسخهٔ مولف دست یافت و ۳۶ جلد از این چهل و پنج جلد رابا نسخهٔ مولف مقابله کرد. در جلد ۱۱۰ که آخرین جلد بحارالانوار است، سخنی کوتاه دربارهٔ این کتاب و شیوهٔ مولف در جمع احادیث تحریر کرده اند که توجه علاقمندان را به آن جلب کرد. گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدباقر بهبودی در ادبیات از محضر استاد ادیب محمدتقی نیشابوری معروف به ادیب دوم، در قسمت سطح مختصری از محضر حجت الاسلام سید احمد یزدی معروف به نهنگ و بیشتر از محضر استاد حجت الاسلام حاج شیخ هاشم قزوینی بهره برد. علاوه بر مقداری سطح در یک رشته از دروس تفسیری محضر حجت الاسلام دامغانی را هم درک کرد که روزهای تعطیل به آن پرداختند. در سال ۱۳۳۳ شمسی به قم آمد و بعد از آنکه یک درس در محضر آیت الله خمینی حاضر شد، بدون توقف به نجف رفت. در نجف یک درس در محضر آیت الله خویی و یک درس در محضر آیت الله حکیم انتخاب کرد و تا دوسال به تحصیل و بیشتر مطالعه و تحقیق شخصی ادامه داد و درسال ۱۳۳۵ ترک تحصیل نمود.استادان و مربیان : استادان محمدباقر بهبودی استاد ادیب محمدتقی نیشابوری، حجت الاسلام سیداحمد یزدی، حجت الاسلام حاج سیدهاشم قزوینی، حجت الاسلام دامغانی، آیت الله خمینی، آیت الله خویی، آیت الله حکیم می توان نام برد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدباقر بهبودی از سال ۱۳۳۷که به تهران منتقل شد ، به تصحیح و تحقیق کتابهای خطی و چاپی پرداخت. اولین کاری که شروع کرد تصحیح تفسیر المیزان – جلد هفتم – بود که تا جلد بیستم آخرین جلد ادامه یافت. درآن هنگام، کارمن چندان مورد توجه و علاقه واعتماد مولف قرار گرفت که رخصت یافت به حک و اصلاح ادبی آن نیز بپردازد. به موازات تفسیر المیزان به تصحیح بحار الانوار پرداخت و از جلد هفدهم تا آخرین مجلد – غیر از دو جلد ۷۷ و ۷۸ همه مجلدات به تصحیح اینجانب واشراف و نظارت بر متن کتاب و احیانا حک و اصلاح تعلیقهٔ دیگران پایان گرفت.آثار : اسلوب جدید درشناسایی جدید ویژگی اثر : کتابی در تجوید به نام اسلوب جدید در شناسایی تجوید که مقدمهٔ آن در تاریخ علم قرائت و تجوید بسیار جالب تهیه شده است. به سال ۱۳۲۹.۲ تحقیق و تصحیح بحارالانوار ویژگی اثر : این کتاب اثر محمدباقر مجلسی است.۳ تحقیق و تصحیح کتاب کنزالعرفان ویژگی اثر : این کتاب اثر فاضل مقداد است که تحقیق نسخه و تخریج احادیث و تصحیح اوراق مطبعه به عهده محمدباقر بهبودی بوده است.۴ تحقیق و تصحیح کتاب مسالك الافهام فی آیات الاحکام ویژگی اثر : این اثر در دو جلد که قسمت تعلیقات فقهی آن به عهده مرحوم شریف زاده است.۵ تحقیق و تصحیح کتاب مناقب ابن المغازلی ، تحقیق و تصحیح و تعلیقات کتاب الصراط المستقیم ویژگی اثر : این اثر تالیف مرحوم بیاضی در دو جلد است که یک مقدمه از مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی و یک مقدمه از آیت الله سید شهاب امیری مرعشی در اول آن اضافه گردیده است.۷ تحقیق و تصحیح و تعلیقات کتاب مبسوط ویژگی اثر : کتاب مبسوط از جلد سوم تا جلد هشتم با تحقیق نسخه وتصحیح اوراق مطبعی و تعلیقات نسبتا ناچیز و فهرست کامل فروع در حدود ۲۰۰ صفحه.۸ تحقیق و تصحیح وقایع السنین و الاعوام ویژگی اثر : این اثر تالیف خاتون آبادی با تحقیق نسخه و تصحیح اوراق و مقابله با ماخذ می باشد.۹ تعلیقه و تحقیق و تصحیح کتاب زبده البیان ویژگی اثر : این اثر تالیف محقق اردبیلی است.۱۰ صحیح الکافی ، قاطع البرهان فی علم المیزان ویژگی اثر : این اثر اولین اثر چاپی او می باشد که درسال ۱۳۲۸ شمسی به چاپ رسیده است.۱۲ گزیدهٔ کافی، مجلدات ناسخ التواریخ ، معرفه الحدیث ، میثم تمار ویژگی اثر : این کتاب در سال ۱۳۳۳ به چاپ رسیده است.

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی، به کوشش سیدکمال حاج سیدجوادی، سیدمصطفی رخ صفت، روانشاد حسن منتظر قائم، سال سوم، شمارهٔ ۷، مهرماه ۱۳۶۵

بهشتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله دکتر احمد بهشتی در سال ۱۳۱۴ در میانده از روستاهای بخش شیبکوه شهرستان فسا در خانواده ای روحانی متولد شد.ایشان در دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی از سوی اهالی شهرستان فسا به نمایندگی مجلس انتخاب شد. از سال ۱۳۶۵ به طور رسمی به دانشگاه الهیات دانشگاه تهران رفت. در این چند سال، مراحل استادیاری و دانشیاری را پشت سر گذاشت و اکنون به عنوان « استاد » به کار تدریس دروس فلسفه دوره دکترا اشتغال دارند. ایشان به عنوان برگزیده سومین دوره مجلس خبرگان از طرف مردم شریف فارس انتخاب شدند و اکنون در مجلس خبرگان به عنوان رئیس کمسیون آئین نامه انجام وظیفه میکنند. گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیگرایش : فلسفهوالدین و انساب : پدر احمد بهشتی مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ عبدالمجید بهشتی در روستاهای بخش کردیان جهرم اقامه نماز جمعه و جماعت میکرد. او به قدری در معاشرت با مردم صفا و صمیمیت داشت که کمتر کسی بود که تحت تاثیر تذکرات، مواعظ و رهنمودهایش قرار نگیرد. دکتر بهشتی دروس مقدماتی را نزد ایشان خواند و صرف و نحو و همچنین برخی کتب فقهی رااز نزد ایشان بهره مند بردند.مادرشان نیز نمونه زهد، پارسایی، تقوا وتجهد بود.او تربیت اولاد بسیار موفق را برعهده داشت.فرزندانش یکی قاضی بازنشسته ،پزشک جراح ،مدرس حقوق و سردفتر انساب می باشد.خاطرات کودکی : احمد بهشتی از این دوران چنین یاد میکند": دوران کودکی بامختصری کشاورزی امرار معاش میکردیم .پدرمان معتقد بود که انسان نباید در زندگی متکی بر مردم باشد. ساده زیستی و قناعت در لباس و پوشاک و خوراک و مسکن روشی بود که پدر و مادر آن را توصیه می کردند.اگر غیر این بود در آن شرایط سخت تحصیل کردن از محالات بود .هنگامی که با برادر کوچکترم که اکنون از شغل قضاوت بازنشسته شده است ،با روزی ۲۰ ریال که پدر و مادر تامین می کردند امرار معاش می کردیم.مادرمان از طریق مختصری بافندگی به ما کمک می کرد".اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : ساده زیستی و تقوا وزهد و عبادت و تقلید به فرایض وگذشت و ایثار بر خانواده حاکم بود .مادر محترم احمد بهشتی با آنکه سواد نداشت ولی بر مسائل فقهی مسلط بود بطوری که به تنهایی پاسخگوی مشکلات زنان بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد بهشتی در سال ۱۳۲۸ شمسی به همراه پدر به شیراز آمد و در مدرسه آقابابا‌خان مشغول تحصیل علوم حوزوی شد.علاقه شدید به سخنوری و نویسندگی در ایشان سبب شد منبرهای پرمایه ایشان طرفداران زیادی داشته باشد ایشان در سال ۱۳۳۸ شمسی به قم وارد شد و در مدرسه دارالشفا به ادامه تحصیل پرداخت.ایشان با داشتن دیپلم متوسطه مشتاق بود که مدرک لیسانس بگیرد. او همانند مرحوم استاد مطهری، دکتر بهشتی، دکتر مفتح و دکتر باهنر برای اخذ مدرک در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی وارد دانشکده الهیات دانشگاه تهران شد.در سال ۱۳۴۲ به علت اینکه در دوره لیسانس شاگرد اول شده بود، بدون کنکور اجازه یافت که در دوره دکترا ادامه تحصیل دهد. که در سال ۱۳۴۵ فارغ التحصیل دکترای فلسفه شد و رساله دکترای خود را به راهنمایی استاد مطهری، بدون حضور ایشان دفاع کرد. خاطرات و وقایع تحصیل : احمد بهشتی از این دوران خاطرات زیادی را به یاد دارد که می توان به دریافت جایزه

از دست آیت الله بروجردی بخاطر قبولی در امتحانات عالی حوزه و شرکت در قرعه کشی نظام وظیفه در سال ۱۳۴۴ که منجبر به معافیت سربازی وی شد ، اشاره کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد بهشتی در کنار تحصیل -فقط در محرم و صفر و رمضان- به منبر میرفت و از این طریق امرار معاش میکرد.استادان و مربیان : احمد بهشتی در دوران تحصیل در شیراز از محضر اساتید و علمای بزرگی همانند حضرات آیات حاج سید حسین آیت اللهی، سید حسن آیت اللهی، شیخ محمد علی موحد، میرزا علی اکبر ارسنجانی، سید نورالدین حسینی، شیخ ابولحسن حدائق، شیخ بهاالدین محلاتی، شیخ محمود شریعت زرقانی، حضرت سید حسین جهبذ و ... بهره های بسیار برد. درس خارج فقه و اصول را در محضر امام راحل که در مسجد سلماسی برگزار میشد ادامه داد و درس مرحوم آیت الله بروجردی نیز شرکت جست. آبت الله بهشتی در محضر مرحوم آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی، استاد مرحوم آیت الله سلطانی طباطبایی و مرحوم آیت الله محقق داماد نیز تلمذ نمود. از اساتید دانشگاهی ایشان می توان به استاد مطهری ،استاد مشکات ،دکتر صدیقی ،دکتر حائری و استاد مصلح اشاره کرد.هم دوره ای ها و همکاران : همدوره ای های دانشگاه احمد بهشتی : دکتر شیخ،دکتر شکیبا و دکتر مشسائی همکاران در دانشگاه : دکتر حبیبی ،دکتر قراملکی ،دکتر کوچیان و دکتر مطهری همدوره ایهای وی در حوزه :استادان انصاری ،مصباح ،ادیب لاری ،رفسنجانی و دکتر احمدی همسر و فرزندان : احمد بهشتی متاهل و داری همسر بنام خانم عطیه هاشمی است. ماحصل این ازدواج فرزندانی است که اسامی آنها به شرح زیر می باشد: دکتر سعید بهشتی ،استاد دانشگاه علامه طباطبایی دکتر حمید بهشتی ،دانداپزشک دکتر محسن بهشتی (در سال ۷۸ در پایان دوره سربازی در ماموریت به سوی مناطق جنگی به عنوان پزشک وظیفه به درجه شهادت نائل آمد) مهدی بهشتی دانشجوی فلسفه محمد صادق بهشتی دانشجوی علوم سیاسی فاطمه بهشتی ،خانه دار طاهره بهشتی ،خانه دار و دانشجوی ارشد علوم قرآنی رضیه بهشتی دانشجوی دندان پزشکیوقایع میانسالی : از وقایع بوقوع پیوسته دوران میانسالی احمد بهشتی از دست دادن استادش ،مرحوم سیدنورالدین در سال ۱۳۳۵،فوت پدرشان در سال ۱۳۴۵ و همچنین درگذشت مادرشان (مادر دکتر در سال کشتار حجاج ایرانی در مکه حضور داشته که در آنجا دچار آسیب شدید میشود که بعد از بازگشت به ایران پس از سه روز دار فانی را وداع میگوید)می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد بهشتی تا سال۱۳۵۷ در حوزه علمیه قم به تدریس اشتغال داشت و همچنین به عنوان دبیر در دبیرستان ها قم به تعلیم تربیت نوجوانان می پرداخت. ایشان در دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی از سوی اهالی شهرستان فسا به نمایندگی مجلس انتخاب شد. از سال ۱۳۶۵ به طور رسمی به دانشگاه الهیات دانشگاه تهران رفت. در این چند سال، مراحل استادیاری و دانشیاری را پشت سر گذاشت و اکنون به عنوان « استاد » به کار تدریس دوره دکترا اشتغال دارند. و بمدت ۱۵ سال مدیر گروه فلسفه بودند.و هم اکنون مدیر گروه فلسفه دین هستند .ایشان به عنوان برگزیده سومین دوره مجلس خبرگان از طرف مردم شریف فارس انتخاب شدند و اکنون در مجلس خبرگان به عنوان رئیس کمسیون آئین نامه انجام وظیفه میکنند. ضمنا دکتر بهشتی برای چهارمین دوره مجلس خبرگان که از اسفند ۱۳۸۶ شروع و تا سال ۱۳۹۶ادامه می یابد، انتخاب شده است. فعالیتهای آموزشی : احمد بهشتی از سال ۱۳۶۵ تا کنون در دانشگاه تهران به تدریس مشغول است ایشان در تدریس های حوزوی تمام متون عالی درسی همانند کفایه، مکاسب، خارج فقه و اصول و ... تدریس می کنند.همچنین در دوره های دکترای دانشگاهها اعم از دانشگاه تهران، شهید بهشتی، دانشگاه آزاداسلامی ... اسفار، شفا، فقه، اصول، کلام و ... را تدریس می کنند.ایشان کار تدریس دروس فلسفه دوره دکترا رانیز بر عهده دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : احمد بهشتی در روستای محل زادگاهش دو مسجد،یک دارالقرآن ،یک مرکز تبلیغی بنام حسینه ،بیت رقیه ویژه بانوان و یک کتابخانه عمومی و همچنین یک دارالقرآن در روستای موسویه جهرم تاسیس کرده است.ایشان هم اکنون به دنبال تاسیس یک موسسه فرهنگی در قم می باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد بهشتی در کنار تالیف و تدریس به تبلیغ و سخنرانی نیز می پردازد.با اینکه فعالیت های تبلیغی اش بسیار کاهش یافته ولی کار تدریس و راهنمایی پایان نامه ها و تالیف کتب و مقالات هم اکنون ادامه

دارد.شاگردان : احمد بهشتی در طول ۴۶ سال خدمت خود توانسته است بیش از صدها شاگرد را تربیت کند .بطوری که عده زیادی از آنها در دانشگاهها و حوزه ها به امر تدریس مشغول هستند.و عده زیادی هم در پستها ومنصبهای حساس مشغول به خدمت هستند.همفکران فرد : بیشترین و عمده ترین گرایش فکری احمد بهشتی به سوی استاد مطهری و شهید بهشتی و دکتر مفتح و دکتر باهنر بوده است.و یا به زبان دیگر ایشان همواره این بزرگواران را الگوی خود قرار داده است.جوائز و نشانها : احمد بهشتی در سال ۱۳۴۲ به عنوان شاگرد اول دانشکده الهیات لوح تقدیر و جوایزی را دریافت کرد و توانست بدون کنکور وارد مقطع دکتری شود.ایشان همچنین جوایز و تقدیرنامه های متعددی را به خاطر ارائه مقالات و نشر کتب در زمینه های مختلف دینی و غیره از وزارت فرهنگ و ارشاد دریافت کرده است.چگونگی عرضه آثار : احمد بهشتی با ورودشان به جمع نویسندگان مکتب اسلام، کارها و فعالیتهای قلمی اش گسترش یافت و هم اکنون بیش از ۷۰ جلد کتاب تالیفی و ترجمه ای از ایشان در موضوعات فلسفه، حقوق اسلامی، اقتصاد، ایدئولوژی، تربیت اسلامی، کودک و تربیت، بازی در اسلام، ورزش، زنان، خانواده، قرآن، حکومت و ... که بالغ بر بیش از ۵۰ هزار صفحه تالیف می باشد چاپ و برخی به زبانهای خارجی ترجمه شده است. ضمنا صدها پایان نامه دکترا و کارشناسی ارشد حوزه و دانشگاه را راهنمایی کرده است. آثار : اسلام و بازی کودکان ، اسلام و تربیت کودکان (دو جلد) ، اسلام و حقوق کودک ، اندیشه تربیتی و سیاسی علوی ، اندیشه سیاسی نائینی ویژگی اثر : این کتاب تکمیل مقاله ای است که به ماسبت همایش نائینی در اصفهان نگاشته شده است.کتابی بر مبنای تنبیه الامه عقاید و نظرات سیاسی نائینی را تقریر کرده است.نشر بوستان قلم۶ انسان در قرآن ، پایخ به شبهاتی پیرامون تشیع (ترجمه) ، تاملات کلامی ، تجرید ویژگی اثر : نشر بوستان کتاب۱۰ تربیت از دیدگاه اسلام ، تربیت کودک در جهان امروز ، ترجمه و تفسیر مجمع البیان (۱۲جلد) ، حکومت در قرآن ، خانواده در قرآن ، خدا در قرآن ، راه تکامل (هفت جلد به همکاری ادیب لاری و محمد امامی) ، زنان نامدار (سه جلد) ، صنع ابداع ویژگی اثر : نشر بوستان کتاب۱۹ علی و قومیت عربی (ترجمه) ، عیسی پیام آور اسلام ، عیسی در قرآن ، غایات و مبادی ویژگی اثر : نشر دانشگاه تهران۲۳ فلسفه دین ویژگی اثر : نشر بوستان کتاب۲۴ قهرمان علقمه ، گامهایی در راه تبلیغ (ترجمه) ، گوهر و صدف دین ویژگی اثر : نشر بوستان کتاب۲۷ مادرپیامبر (ترجمه ، مبارزات ایدئولوژیک ، مبانی تربیت بدنی در اسلام ، مستضعف در قرآن ، منشور عفاف (تفسیر روایی عرفانی سوره نور) ، نسل نوخاسته ، هستی و علل آن ، وحیانیت و عقلانیت عرفان

بی نیاز، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اکبر بی نیاز در سال ۱۳۰۷ ، در قزوین متولد گردید. پس ازطی نمودن تحصیلات مقدماتی در قزوین ، برای فراگیری دروس بالاتر ، به تهران مهاجرت کرد و در حوزه علمیه این شهر ، تحصیلات خود را پی گرفت. وی پس از دو سال تحصیل در این حوزه ، در امتحان ورودی مدرسه عالی سپهسالار قبول شده و مدت شش سال در این مدرسه به تحصیل پرداخت. حجت الاسلام بی نیاز پس از ۶ سال دوری از وطن و فراگیری علوم دینی ، به قزوین باز گشت و به بیان احکام و تبلیغ دین مبین اسلام مشغول شد ، و در مساجد مختلف به امام جماعت پرداخت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : سید علی اکبر بی نیاز فرزند سید عبدالنقی (مشهور به اعتماد) می باشد. جد وی ، حاج سید ابراهیم زرآبادی . یکی از شخصیت های برجسته زرآباد و قزوین ، و درجه اجتهاد از مراجع عصر خود دریافت کرده بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید علی بی نیاز پس از تحصیل دوره ابتدایی و دریافت مدرک ششم ابتدایی ، وارد حوزه علمیه مولاوردیخان شد و نزد اساتید این حوزه صرف و نحو و

مقدمات را آموخت. سپس برای فراگیری دروس بالاتر به تهران مهاجرت کرد و در حوزه علمیه این شهر ، تحصیلات خود را پی گرفت. وی پس از دو سال تحصیل در این حوزه ، در امتحان ورودی مدرسه عالی سپهسالار قبول شده و مدت شش سال در این مدرسه به تحصیل پرداخت.استادان و مربیان : سید علی بی نیاز در حوزه علمیه تهران ، تحت نظر حاج شیخ محمدرضا تنکابنی ، والد آقای فلسفی (واعظ مشهور ایران) قرار گرفت. از اساتید دیگر او عبارتند از: آیت الله طالقانی ، آیت الله مازندرانی ، آقای حسین علی راشد ، سید حسین کاشانی ، بدیع الزمان فروزانفر ، سید حسین جمارانیفعالیتهای آموزشی : سید علی بی نیاز پس از ۶ سال دوری از وطن و فراگیری علوم دینی ، به قزوین باز گشت و به بیان احکام و تبلیغ دین مبین اسلام مشغول شد ، و در مساجد مختلف به امام جماعت پرداخت.

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم

بیابانکی، علاءالدوله

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علا الدوله بیابانکی سمنانی در سال ۶۵۹ در روستای بیابانک سمنان متولد شد. علاالدوله از کودکی مقدمات علوم نزد دایی خود رکن الدین صاین آموخت . و از پانزده سالگی وارد دربار ارغون خان ایلخان مغول شد و به کارهای دیوانی مشغول گشت ۵-۶۷۴ هق، و تا سال ۶۸۵ که اردوی او را ترک نمود، به اعمال دیوانی مشغول بود. اما در آن زمان تغییر حالی در علا الدوله رخ داد و ترک مناصب دیوانی کرده به تحصیل و تکمیل معلومات خود رفته و حدیث و سلوک پرداخت و به بغداد رفت وحلقه ارادت شیخ نورالدین اسفراینی برگردن آویخت در این حین چند بار به سفر حج و شامات رفت تا اینکه در سال ۶۸۹ خرقه و اجازه ارشاد خود را از مرادخود چند دریافت نمود. و در خانقاه سکاکیه در سمنان به تعلیم مشغول شد. و نیز خانقاهی بنام برج احرار را با خرج خود ساخت و در آن به تعلیم و تالیف پرداخت و تا زمان مرگ در ۷۳۶ به کار خود ادامه داد . خواجوی کرمانی حکمی از شاگردان وی بود. از علا الدوله در سمنان تالیفات بسیاری باقی است که از آن جمله اند: دیوان اشعار علا الدوله سمنانی، مقاصد المخلصین، و بیان الاحسان لاهل العرفان.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : عرفان اسلامی والدین و انساب : شیخ علا الدوله بیابانکی سمنانی در سال ۶۵۹ در روستای بیابانك سمنان متولد شد. پدر و اجداد وی از حاکمان محلی و مردمی مرفه و با فرهنگ بودند.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : علا الدوله بیابانکی سمنانی از یک خاندان ثروتمند سمنان بود چنانکه به قول خود وی «صد هزار از ملك پدری و میراث، صرف و وقف صوفیان کرد». اصل وی از سند بوده است اما در بیابانک سمنان اقامت گزیده بودند و متصدیان امور دیوانی به شمار می رفتند. «مقدمان» این خاندان با عنوان «ملک» مشهور بودند و به همین سبب برخی تذکره نویسان علا الدوله را از ملوک سمنان دانسته اند. پدرش ملك شرف الدین محمد و عمویش ملك جلال الدین از بزرگان دوره ایلخانی به شمار می رفتند و از متصدیان امور دولتی در آن عهد بوده اند.ملک شرف الدین محمود عنوان ملک بغداد (شحنه بغداد) در زمان ارغون را داشت و درزمان غازان خان منصب الغ بیتکچی یافت و در سال ۶۹۵ به زمان غازان خان همانند برادر خود اعلام گردید.تحصیلات رسمی و حرفه ای : علا الدوله بیابانکی سمنانی در سمنان فقه و حدیث را از دایی خود رکن الدین صاین (م. ۷۰۰ ه.ق)آموخت و به اردوی ارغون خان پیوست اما به سبب تغییر حال و بیداری ناگهانی اردوی وی را ترک رکد و تکمیل تحصیلات خود در فقه، حدیث و علم ادبی و نیز سلوک پرداخت و در سال ۶۸۷ ه.ق به بغداد رفت و حلقه مریدی شیخ نورالدین عبدالرحمن اسفراینی پرداخت. و خرقه خود را از او ، که با واسطه ای به شیخ نجم الدین کبری می رسید

پرداخت نمود. و اجازه ارشاد یافت ۶۸۹ ه .ق و مدتی هم به سفر در فلسطین و شام پرداخت.خاطرات و وقایع تحصیل : حمدالله مستوفی که معاصر علا الدوله بیابانکی سمنانی بود نوشته است که علا الدوله در زمان ارغون خان مغول در مشاغل دولتی روزگار می گذراند (در ۱۵ سالگی)فعالیتهای ضمن تحصیل : علا الدوله بیابانکی سمنانی در حین تحصیل علوم دینی و ادبی در دربار ارغون به کارهای دیوانی مشغول بود.وقایع میانسالی : چنانکه حمد الله مستفی نوشته است، علا الدوله بیابانکی سمنانی از ۱۵ سالگی در دربار اباقا و ارغون و به مشاغل دولتی مشغول بود اما در یکی از سفرهای ارغون بر علاـ الدوله تغییرحالی دست داد چنانکه از خدمت دیوانی منصرف شد ، شیخ خود در کتاب العروه این واقعه را در زمان جنگ ارغون و سلطان احمد تکودار درنزدیکی قزوین نسبت داده است (در حدود سال ۶۸۲) اما در سال ۶۸۵ از اردوی خان خارج شد و به سمنان رفت و به تکمیل تحصیلات و اطلاعات خود پرداخت و غلامان و کنیزان خود از اارد و اولاـ خود را صرف تعمیر و ساختن «خانقاهی سکاکیه» منسوب به شیخ حسن سکاك سمنانی (قرن ۵ ه.ق) کرد. و به مریدان شیخ نور الدین عبدالرحمن اسفراینی در بغداد پیوست و ۶۸۷ و اندکی بعد به حج رفت و چندبار این زیارت را تکرار نمود. اما کما بیش با دربار ایلخانان ارتباط داشت در برخی از آخرین ایلخانان را در دیوان خود مدح نموده است و حتی میان امیر چوپان و سلطان ابوسعید ایلخانان وساطت نمود. آخرین سفر حج وی به سال ۷۳۲ بوده است.زمان و علت فوت : وفات علاـ الدوله بیابانکی سمنانی رادر شب جمعه ۲۲ رجب سال ۷۳۶ هجری در ۷۷ سالگی نوشته اند. پیکرش در کنار مقبره عماد الدین عبدالوهاب دفن شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علا الدوله بیابانکی سمنانی در ۱۵ سالگی درحدود سال ۵-۶۷۳ به خدمت اباقاخان درآمد اشتغال به کارهای دوانی را تا سال ۶۸۵ ادامه داد. وی پس از ترک اردوی ارغون نیز کما بیش با دربار ایلخانان مرتبط بود.فعالیتهای آموزشی : علاـ الدوله بیابانکی سمنانی از سال ۷۲۰ درخانقاه سکاکیه در صوفی آباد سمنان به ارشاد دراویش پرداختمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : «جرج احراز» نام خانقاهی بود که علا الدوله بیابانکی سمنانی در آخرین سالهای عمر خود در صوفی آباد سمنان برپا کرد، بودسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : تفکر، تالیف و مناظره درباره موضوعات عرفانی، همواره علا الدوله بیابانکی سمنانی را به خود مشغول می داشته است.شاگردان : از میان ارادتمندان متعدد علاـ الدوله بیابانکی سمنانی خواجوی کرمانی شاعر معروف بود که مدتی از دوران سلوك را در خدمت وی در صوفیاباد گذرانده و در آنجا معتکف بوده و در وصف وی اشعاری سروده است. اخی علی مصری راحتی محمد دهقان و ابوالبرکات تقی الدین علی سمنانی و منهاج بن محمد السراین از دیگر شاگردان علا الدوله بودند.آرا و گرایشهای خاص : علاـ الدوله بیابانکی سمنانی ، سمنانی در تصوف معتقد به اعتدال اجرای احکام دین و انطباق آنها با اصول تصوف بود و در این راه سخت گیر بود و با معتقدان وحدت وجود (بویژه ابن عربی) مخالفت داشت و از این رو با شیخ کمال الدین عبدالرزاق کاشی که چنین اعتقادی داشته است، مکاتبات و مباحثاتی داشته است.آثار : العروه لاهل الخلوه ، بیان الاحسان لاهو العرفان ، دیوان علا الدوله سمنانی [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج۳(بخش ۲)، ص ۸۰۸] ویژگی اثر : امامت علا الدوله سمنانی در کتابهای مقاصدالمخلصین، مفضح عقاید المدعین، بیان الاحسان لاهل العرفان و فلاح، دلایلی بر اثبا امامت علی (ع) آورده است و برخی این دلایل را نشانه تشیع علاالدوله می دانند.۴ سلوه العاشقین ، فلاح ، مشاریخ ابواب القدس ، مطلع النقط و مجمع اللقط ، مفضح عقاید المدعین ، مقاصد المخلصین ، یسر البال فی اطوار سلوك اهل الحال

منابع زندگینامه :صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج۳، بخش ۲، ص ۸۰۱

بیضاوی، مسعود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود بن عبد الله بیضاوی معروف به بابا رکن الدین از بزرگان مشایخ عرفان و علمای قرن هشتم هجری است که درزمان سلطنت ابو سعید ایلخان مغول دراصفهان زندگی می کرد . بابا رکن الدین در طول زندگی با نهایت احترام می زیست و پیوسته معزز و محترم بود . گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : عرفان استادان و مربیان : بابا رکن الدین از شاگردان شیخ کمال الدین عبد الرزاق کاشی و همچنین شیخ داوود بن محمود قیصری بود.زمان و علت فوت : بابا رکن الدین درورز یکشنبه ۲۶ ربیع الاول سال ۷۶۹ هجری قمری وفات یافت . درساحل جنوبی زاینده رود مدفون گردید . درآن روزگار مزار بابا رکن الدین درکنار جاده شیراز واقع شده بود . ازآن زمان این محل به تدریج به گورستانی بزرگ تبدیل شد وبه نام قبرستان بابا رکن الدین نامیده شد .شاگردان : یکی از مریدان صدیق و پاک نهاد بابا رکن الدین ،شیخ بهاء الدین محمد عاملی ،معروف به شیخ بهایی دانشمند معاصر صفویه است . شیخ بهایی دایما به زیارت قبر او می رفت و از باطن وی مدد می جست . ملا محمد تقی مجلسی اول نیز از خواص شاگردان بابا رکن الدین بود . در عصر قاجار نیز بابا رکن الدین مریدان و معتقدان بسیاری داشت از جمله ملا حسن نایینی که از بزرگان و اقطاب زمان خود بود و درعرفان و تصوف سرآمد بود.آرا و گرایشهای خاص : بابا رکن الدین از عرفای بزرگی است که درتمام اوقات ،جمعی کثیر از معتقدان صمیمی و پاکدل درمحضر وی تلمذ می کردند و از ارشادات او کسب فیض می نمودند . این عارف نیکونهاد در عرفان و سیروسلوک ،همانند استاد و مرشدش ،کمال الدین عبد الرزاق کاشی باسلسله معروف سهروردیه پیوند داشت .آثار : رساله قلندریه ، شرح فصوص الحکم ویژگی اثر : این کتاب تالیف ابن العربی است و بابا رکن الدین شرحی بر این کتاب نوشته است . این شرح با نام فصوص الحکم فی شرح الفصوص معروف است.

منابع زندگینامه :سید مهدی سجادی نایینی ،بابا رکن الدین ، فصلنامه فرهنگ اصفهان ، شماره چهاردهم ، زمستان ۱۳۷۸ ، ص ۱۲۶

تربتی، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آخوند ملا عباس تربتی یکی از برجسته ترین و ممتاز ترین چهره های معنوی و مردمی درتاریخ اخیر ایران است .مرحوم حاج آخوند ملا عباس تربتی در سال ۱۲۸۸ قمری مصادف با ۱۲۵۰ یا ۱۲۵۱ شمسی و در پانزده کیلومتری شرقی تربت حیدریه ، ده « کاریزک ناگهانی‌ها» متولد گردید .او را باید درزمره متشرع ترین عارفان و عارف ترین متشرعات قرار داد. اواز مردمی ترین شخصیتهایی است که درهمان حال از عابدترین آنها بوده است.وی در سال ۱۳۲۲ شمسی هجری مطابق با ۱۷ شوال سال ۱۳۶۲ قمری هجری دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : حاج آخوند ملا عباس تربتی ، فرزند مردی به نام «ملا‌ـ حسینعلی» اهل «کاریزک » و زنی به نام «شیرین» (دختر لطفعلیٔ) از اهالی «قاین» بود. اطلاعات چندانی از والدین حاج آخوند در دست نیست ؛ اما نقل شده که حاج آخوند از از خوبی، دیانت، خانه داری، حلم و بردباری، کاردانی، تمیز کاری و دقت مادرش بسیار تعریف می‌کرد ونمی‌شد نام مادرش را ببرد و اشک در چشمانش نیاید. تحصیلات رسمی و حرفه ای : عباس تربتی در سن شش یا هفت سالگی، پدرش او را نخست به مکتب ده، سپس برای تحصیل به شهر تربت فرستاد و نزد مرحوم «حاج ملا عبدالحمید» مقدمات صرف و نحو عربی را به خوبی و با دقت تمام فرا گرفت . اغلب اوقات شب و روز ایشان به فراگرفتن درس و بحث و تکرار و عبادت و فراگرفتن مسائل دینی و خواندن کتب دینی در مواعظ و شرح حال انبیاء و اولیاء و عباد و زهاد می‌گذشت و همه اینها به حکم طبیعت خودش و بدون اجبار دیگری بود. پس از طی مقدمات، به تحصیل

سطح فقه و اصول پرداخت و پس از مدتی به مشهد رفته، روزها را کار کرده و شبها درس می‌خواند . وی پس از بازگشت به روستای محل زادگاهش و نیز پس از ازدواج و آسوده گردانیدن خیال پدر در کار زراعت، به منظور ادامه تحصیل ، هر پنج شنبه چند قرص نان خانگی تهیه کرده،و همراه کتابهایش بعد از خواندن نماز ظهر و عصر پیاده به طرف خانه عالمی که متن کتابهای فقه و اصول را درنزد او می‌خواند به راه می افتاد . شب جمعه و روز جمعه تا ظهر، از استاد به اندازه یک هفته از کتابهایی مانند « معالم» و « قوانین» در اصول و « شرح لمعه» و « شرایع » در فقه درس می گرفت، و ظهر جمعه پس از ادای نماز به سوی ده باز می گشت، و از فردا ضمن اشتعال به کار زراعت به حاضر کردن درسها می پرداخت تا پنج شنبه دیگر که دوباره به محضر استاد برسد . استادان و مربیان : یکی از استادان مهم حاج آخوند ملاـ عباس تربتی ، ملا محمد کاظم آخون خراسانی است .همسر و فرزندان : حاج آخوند ملا عباس تربتی پس از تحصیل در مشهد به ده خود بازگشته و به کمک پدر خود در کار زراعت مشغول شد و در هنگام فراغت به گفتن مسائل دینی و موعظه کردن مردم می پرداخت ، در این مدت نیز با همسری اهل روستای « مزدگرد» (در سه کیلومتری جنوب تربت) ازدواج کرد . وقایع میانسالی : حاج آخوند ملا عباس تربتی مرجع تظلم مردم و خانه اش ملجا دادگستری و پناهگاه آنان بود. چنانکه وقتی از دست حکام و خوانین به وی تظلم می کردند او با قدرت معنوی خودبه شکایت آنان رسیدگی می کرد . از دیگر وقایع این دوره می توان به موارد زیر اشاره کرد: – در سال ۱۲۸۷ شمسی، با کاروان ، پیاده به کربلا رفت و این سفر هفت ماه طول کشید. روزی که بازگشت، مرد و زن همگی جمع شدند، به طوری که در خانه جای نشستن نبود. – سفر دوم کربلا مرحوم راشد نقل می کند : در سال ۱۲۹۸ هجری شمسی، با کاروان به همراه حاج آخوند عازم کربلا شدیم که ۵ ماه و ۲۰ روز طول کشید. و گاهی پدرم یکی از پیاده ها را بر آن سوار می‌کرد. پدرم همان برنامه نمازهای پنجگانه را در اوقات سه گانه با همان دقت و طمأنینه و منبرهای بعد از نماز (البته به طور مختصر) داشت. از هر منزل که راه می افتادیم، آخرین نفر بود که به راه می افتاد تا مطمئن گردد که همه هستند، و با اینکه او قافله سالار نبود، تفقد حال همه را می‌کرد، چرا که این را وظیفه ی دینی و اخلاقی خود می دانست. بسا می شد کسانی از اهالی منزلهای میان راه، حالت نماز خواندن او را می‌دیدند و سخنان ساده و بی ریا و مؤثرش را می‌شنیدند و مجذوب او می‌شدند؛ و از این رو در بعضی از منازل بین راه کربلا نیز معتقدانی داشت – حاج آخوند در سال ۱۳۰۶ هجری شمسی عازم مکه معظمه شد؛ با اینکه احتمال داشت به ایشان گذرنامه داده نشود با این حال از اینکه به طور غیر قانونی برود امتناع ورزید و گفت: من چنین کاری نمی‌کنم. با آن که بی نهایت اشتیاق زیارت مکه را دارم ولی بر خلاف معمول و قانون حاضر نیستم. ایشان در سایر کارها نیز همین طور بود. سراسر زندگی پر بار ایشان مملو است از فداکاریها ، پایبندی به دستورات شرعی و رسیدگی به احوال مردم که بسیاری از آنها به ما نرسیده است . زمان و علت فوت : مرحوم راشد نقل می کند : پدرم در روز یکشنبه ۲۴ مهرماه سال ۱۳۲۲ شمسی هجری مطابق با ۱۷ شوال سال ۱۳۶۲ قمری هجری در حدود دو ساعت از آفتاب گذشته از دنیا رفت . نماز صبحش را همچنان که خوابیده بود خواند و حالت احتضار بر او دست داد و پایش را به سوی قبله کردند و تا آخرین لحظه هوشیار بود و آهسته کلماتی می گفت، مثل این که متوجه جان دادن خودش بود و آخرین پرتو روح با کلمه لا اله الا الله از لبانش برخاست. حدود دو سال قبل از فوت بیمار شدند و در این مدت گاهی در تربت و گاهی در مشهد بودند. حاج آخوند، در تربت حیدریه، در خانه شخصی خود، همان اتاق و محلی که نماز شبهای بسیاری خوانده و «العفو» گفته بود و گریسته بود از دنیا رفت. جنازه حاج آخوند، در مشهد مقدس در آخرین غرفه صحن نو حرم امام رضا علیه السلام (در آن زمان) در زاویه شمال غربی به خاک سپرده شد و چنانکه وصیت کرده بود این آیه قرآن بر سنگ قبرش که بر دیوار آن غرفه نصب شد نوشته شد: « و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید؛ و سگ آنها دستهای خود را بر دهانه غار گشوده بود» (آیه ۱۸ سوره کهف) و در زیر آن نوشته شده بود: «مرقد بنده صالح خدا عالم عامل مرحوم حاج شیخ عباس تربتی پسر مرحوم ملا حسینعلی کاریزکی که هفتاد و اند سال عمر خود را به درستی و پاکی و زهد و عبادت و ترویج دین و خدمت به نوع گذرانید...» و این شعر نیز نوشته شده بود: به تاریخش

رقم زد، کلک سالک به حق دست ارادت داد عباس بعداً سنگ قبر ایشان توسط حکومت وقت خراب شد و بعد از انقلاب آستان قدس رضوی سنگ قبر جدیدی بر مزار حاج آخوند ملا عباس تربتی نصب کرد. اما عبارات روی این سنگ، عیناً همان عبارات حک شده بر روی نخستین سنگِ مزار آن مرحوم نیست. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حاج آخوند ملا عباس تربتی پس از ازدواج و تکمیل معلومات حوزوی خود ،در تمام این ایام، عبادات ، نماز شب و روزه ها همچنان جریان خودش را داشت، در کاریزک و در روستاهای دیگر نیز به کارهای دینی ، مجالس و منابر مردم رسیدگی می کرد بی آنکه در برابر آنها چیزی قبول کند. زمانی که مرحوم «حاج شیخ علی اکبر تربتی» که از شاگردهای مجتهد حوزه درس مرحوم «آخوند ملا محمد کاظم خراسانی» بود از نجف به تربت حیدریه بازگشت ، مرحوم ملا محمد کاظم او را به عنوان «مجتهد جامع الشرایط» معرفی کرد. حاج آخوند در درس « کفایهٔ الصول» ایشان حاضر می شد ، مرحوم شیخ علی اکبر پس از آنکه با احوال حاج آخوند آشنا می شود ارادت زیادی درباره او پیدا می کند و اصرار می ورزد که زندگی خود را از ده به شهر تربت منتقل کند. اما حاج آخوند برای رعایت حال پدرش عذر می آورد. پس از آنکه پدرش فوت می‌کند مرحوم حاج شیخ علی اکبر مطلبی می‌گوید که در حاج آخوند خیلی مؤثر می‌شود : ترویج دین بر شما واجب است و این کار در شهر بیشتر میسر است. در این هنگام حاج آخوند تصمیم گرفت که به تربت منتقل شود و این در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی واقع شد. پس از انتقال به شهر، مرحوم شیخ علی اکبر به وی تکلیف کرد که به جای او در مسجد به نماز بایستد و امامت کند. حاج آخوند با دلیل علمی امتناع کرد، ولی شیخ علی اکبر با جواب علمی ایشان را قانع کرد که بر شما از لحاظ دینی واجب است که این کار را بکنید. خود مرحوم حاج شیخ هم گاهی در هنگامی که حاج آخوند مشغول نماز بود می آمد و به وی اقتدا می‌کرد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : چانکه از عباس تربتی یاد می کنند او فردی پرتلاش و درعین حال اهل ورزش و سوادکاری بود.شاگردان : از جمله شاگردان عباس تربتی می توان به، آیت الله محمد رضا زنجان خراسانی اشاره کرد.همفکران فرد : آیت الله جنتی، آیت الله خزعلی، محمود امجد و حاج آقا حسین قمی از جمله همفکران تربتی می باشند. حاج آقا حسین قمی نیز یکی دیگر ازهمفکران عباس تربتی بود . آیت‌الله خزعلی، رئیس بنیاد بین‌المللی غدیر، در این باره چنین اذعان دارد: آخوند ملاعباس راشد تربتی انسانی عالم و زاهد و در عین حال بیگانه‌ستیز و آزاده بود. وی افزود: او از مردانی بود که هرگز از خداوند غافل نشد و در هر کاری نخست خدا و رضایت او را مد نظر داشت. وی با بیان اینکه حیات او برای خدا بود گفت: ملاعباس راشد تربتی برای خدا به مردم خدمت کرد و تمام تلاشش این بود که مردم پیشرفت کرده و رو به جلو حرکت کنند. او ادامه داد: آخوند ملاعباس راشد تربتی با فضیلت‌های ارزشمند اخلاقی خود به قدری در میان مردم نفوذ و تأثیر یافت که تظلم‌خواهی و نیازها را پیش او می‌بردند. آرا و گرایشهای خاص : حاج آخوند ملا عباس تربتی نه فقط به عنوان یک شخص بلکه به عنوان یک شخصیت و به عنوان آدم و انسانی با مجموعه ای از فضیلت های کمیاب و نایاب است.

تقوی اشتهاردی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین تقوی اشتهاردی در اشتهارد، به سال ۱۳۰۴ ش، در یک خانواده روحانی، چشم به این جهان گشود. او درسال ۱۳۲۵ ش به قم سفر کرد و در مدرسه فیضیه در یکی از حجره ها سکونت نمود و مدت هفت سال در آن حجره بود و با ذوق و شوق به تحصیلات خود ادامه داد. یکی ازاشتغالات مهم آیت الله تقوی در حوزه علمیه قم، تدریس و تربیت شاگرد بود و دراین جهت مهارت و پشتکار از خود نشان داد. از همان آغاز که وارد حوزه شد، در ضمن تحصیل به تدریس دروس سطح حوزه نیز پرداخت.

او در ۱۴ مهر ماه ۱۳۷۹ ش دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدر بزرگوار حسین تقوی اشتهاردی ، حضرت آیت‌اللّه حاج شیخ یحیی تقوی (۱۲۶۷ – ۱۳۳۸ ه . ش) از علمای برجسته، مخلص و خدمتگذار شهر اشتهارد (واقع در ۵۲ کیلومتری جنوب غربی شهرستان کرج) بود. این عالم ربانی، در صفات و ارزش‌های اخلاقی، عرفانی و شاگردپروری، در سطح بالایی قرار داشت.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : «صبح‌ها مشغول خرید و فروش و تأمین معاش و رسیدگی به امور خانه بودم و تنها بعدازظهرها درس می‌خواندم. دیدم با این وضع به جایی نخواهم رسید، نزد پدر رفتم و عرض کردم: اجازه بفرما یا به قم برای ادامه تحصیل بروم و یابه کسب و کار مشغول شوم. ایشان که بسیار علاقه داشت تحصیلات حوزوی را ادامه دهم، اجازه فرمود به قم عزیمت کنم.از این رو در سال ۱۳۲۵ شمسی به قم سفر کردم. یک ماه بود که مرجع معروف، آیت‌اللّه العظمی سید ابوالحسن اصفهانی؛ در نجف اشرف رحلت کرده بود. مدتی نیز از آمدن حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی به قم می‌گذشت و روز به روز بر رونق حوزه علمیه قم تحت زعامت آن مرجع عالیقدر، افزوده می‌شد. در مدرسه فیضیه در یکی از حجره‌ها سکونت نمودم و مدت هفت سال در آن حجره بودم، شرایط حجره از نظر بهداشت و آب و هوا و غذا و ساختمان، بسیار بد بود، به گونه‌ای که بیماری رُماتیسم گرفتم، در چنین شرایطی با ذوق و شوق به تحصیلات خود ادامه دادم.»تحصیلات رسمی و حرفه ای : پدر و مادر حسین تقوی اشتهاردی از داشتن نخستین پسر خشنود شدند و نام این نوزاد فرخنده را حسین گذاشتند. حسین در کنار پدر و مادر مهربان خود پرورش یافت و در پنج یا شش سالگی نزد پدر، تحصیل را آغاز کرد. طبق رسم آن زمان، نخست به یاد گرفتن تلاوت آیات قرآن پرداخت. بر اثر استعداد سرشار، به زودی تلاوت همه آیات قرآن را فرا گرفت. پس از آن، به تحصیل درس فارسی، که کتاب «معراج السعاده»، تألیف مرحوم آیت‌اللّه ملا احمد نراقی؛ بود، پرداخت. قدری ریاضی نیز در محضر پدر آموخت. در این هنگام خواندن و نوشتن را به طور کامل فرا گرفته بود.در دوازده سالگی به خواندن «جامع المقدمات» که اولین کتاب درسی حوزه است، مشغول شد. چون هنوز مدرسه علمیه اشتهارد در آن وقت مخروبه بود، این کتاب را نیز همراه بعضی از دوستان در مسجد نزد پدرش می‌آموخت. تا این که سال ۱۳۱۵ شمسی فرا رسید. مرحوم حاج شیخ یحیی تقوی، مدرسه علمیه مخروبه را در آن سال تعمیر کرد و حوزه کوچکی در آن‌جا تشکیل داد. شیخ حسین تقوی، در آنجا همراه بعضی از دوستان، دروس سطح مانند: «لمعه» و «قوانین» را نزد پدر فرا گرفت و در کنار درس، برای تأمین زندگی به کار و کسب نیز اشتغال داشت.حدود شش سال در درس آیت‌اللّه العظمی بروجردی؛ حاضر شد و از علم وافر او بهره‌مند گردید و تقریرات درس فقه ایشان را در سه جلد به رشته تحریر درآورده که هم اکنون موجود می‌باشد و هنوز به چاپ نرسیده است.همچنین در دوره اصول درس خارج امام خمینی (ره) از آغاز تا پایان شرکت و آن را به طور کامل تقریر کرده است. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام این تقریرات را با عنوان «تنقیح الاصول» در چهار جلد، چاپ و منتشر نموده است. نیز تقریرات درس مکاسب امام راحل را از آغاز تا شرایط متعاقدین، نوشته‌اند که بنا است همین مؤسسه آن را به چاپ رساند.فعالیتهای ضمن تحصیل : حسین تقوی اشتهاردی با وجود برخورداری از حافظه و استعداد سرشار، می‌توانستند در سطح مراجع تقلید مطرح شوند؛ ولی بیماری طولانی مانع بروز آثار علمی از آن مرحوم گردید؛ چنان که خود می‌فرمود:«اوایل انقلاب اسلامی در ایران، چشمهایم آب آورد و بر اثر عمل جرّاحی و طولانی شدن مداوا، مبتلا به سر درد شدم و از توفیقاتم کاسته شد.»استادان و مربیان : اساتید دروس سطح حسین تقوی اشتهاردی در حوزه قم عبارتند از:۱ – مرحوم شهید آیت‌اللّه صدوقی یزدی؛ ۲ – مرحوم شهید علامه مرتضی مطهّری؛ ۳ – مرحوم آیت‌اللّه مجاهدی تبریزی؛ ۴ – مرحوم آیت‌اللّه حاج عبدالجواد اصفهانی؛ ۵ – مرحوم آیت‌اللّه آقا جواد خندق آبادی؛ ۶ – مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا علی اصغر علامه تهرانی؛ ۷ – مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا باقر سلطان.آیت‌اللّه تقوی در درس خارج فقه و اصول مراجع و علمای محقق وقت، شرکت می‌کرد که می‌توان به افراد ذیل اشاره داشت:۱ – آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین بروجردی؛.۲ – آیت‌اللّه العظمی حضرت امام خمینی (ره).۳ – آیت‌اللّه العظمی سید محمدرضا گلپایگانی؛.۴ – آیت‌اللّه العظمی سید محمد

حجت؛.و بعضی دیگر و مقداری از درس خارج فقه و فلسفه را در محضر علّامه طباطبایی فرا گرفت.البته در میان این بزرگواران بیشتر از درس آیت‌اللّه العظمی بروجردی؛ و امام خمینی (ره) استفاده کرده است.هم دوره ای ها و همکاران : از هم‌مباحثه‌های حسین تقوی اشتهاردی که بسیار با هم بودند، دانشمند و نویسنده محقق عبدالمجید رشیدپور است که خدمات فرهنگی بسیاری داشته است.او در ضمن تحصیل، کتاب‌های مقدماتی و سطح حوزه را نیز تدریس می‌کرد و طلاب از محضرش بهره‌مند می‌شدند.زمان و علت فوت : حسین تقوی اشتهاردی پس از مدت‌ها کسالت، در هفته آخر، حالشان روز به روز وخیم‌تر می‌شود.خود نیز فهمیده بود که در آستانه رحلت قرار گرفته است. پسرش می‌گفت:«ده روز قبل از مرگ، به من فرمود: ده روز دیگر می‌میرم و مصلحت است بروم. در این باره شک نکن. ماه مبارک رجب فرا رسید. روز هشتم حالش منقلب شد. شب آن روز، نماز مغرب و عشا را خوابیده خواند؛ اما هوش و حافظه‌اش هیچ خللی نداشت. حتی دنبال چیزی می‌گشتیم، فرمود: فلان جا است. رفتیم، دیدیم همان جا است. وقتی پزشک معالج آمده بود، از او تشکر کرد و به ذکر خدا مشغول شد. با آرامش خاصی نام خدا و شهادتین را به زبان آورد. و حدود ساعت ۱۰/۳۰ شب بود که به لقاء اللّه پیوست.»او چهارشنبه، ششم رجب سال ۱۴۲۱ ق. (برابر با ۱۴ مهر ۱۳۷۹ شمسی) دار دنیا را وداع گفت. پیکر مطهّرش در روز جمعه ۱۵ مهرماه از مسجد امام، با تشییع با شکوه، به طرف حرم حضرت معصومه (س) حرکت داده شد. پس از طواف ضریح، حضرت آیت‌اللّه آقای حاج شیخ علی پناه اشتهاردی (دامت برکاته) نماز بر آن گزارد. پیکر مطهرش را در قبرستان باغ بهشت (روبه روی گلزار شهدای قم)، در «مقبرهٔ العلماء»، به خاک سپردند. مجالس پر شکوهی به مناسبت رحلت آن عالم ربّانی با شرکت مراجع، علما و فضلا و سایر اقشار مردم در قم، تهران و اشتهارد برگزار گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین تقوی اشتهاردی با آن که از مجتهدین و مدرسین بود، اما از وظیفه تبلیغ دین و بیان حلال و حرام و وعظ و ارشاد غافل نمی‌شد. از این رو در ماه مبارک رمضان و محرم، بنا به دعوت اهالی اشتهارد، به آنجا رفته و ضمن اقامه جماعت، به تبلیغ دین می‌پرداخت و مدت‌ها قبل از انقلاب، نماز جمعه را نیز اقامه می‌فرمود.در اشتهارد دو مسجد را اداره می‌کردند و با تلاش‌های شبانه روزی خود تا مدت ۳۵ سال این کار را ادامه دادند. از آن جا که ایشان بر مسائل اسلامی و احکام، بسیار تسلّط داشت و مطالب را به گونه روان و همه فهم بیان می‌کرد، لذا توانست تحول خوبی در آن سامان به وجود آورد.در بیان احکام، جدّی و قاطع و دقیق بود. با پیش مطالعه عمیق، سخن می‌گفت. برای اوقات مردم ارزش فراوان قائل بود. بیاناتش اثر خاصی داشت و از این رو عده بسیاری تحت تأثیر قرار گرفته و بر ایمان و کمالات خود افزودند.او مکرر می‌گفت:«سه چیز باید از خوب‌هایش باشد و در انتخاب آنها دقّت کرد: ۱ - پزشک برای درمان بیماران؛ ۲ - عالِم دانا به مسائل برای پاسخگویی به مسائل مختلف؛ ۳ - هندوانه خوب.»این مثال هندوانه را می‌آورد تا روشن کند اگر دکتر و عالم، حاذق و ماهر نباشند، مانند هندوانه نارسیده، قابل استفاده نیستند.فعالیتهای آموزشی : یکی از اشتغالات مهم حسین تقوی اشتهاردی در حوزه علمیه قم، تدریس و تربیت شاگرد بود و در این جهت مهارت و پشتکار چشمگیری از خود نشان می‌داد. از همان آغاز که وارد حوزه شد، در ضمن تحصیل به تدریس دروس سطح حوزه نیز پرداخت. حدود پانزده سال در مدرسه حقّانی و مدرسه آیت‌اللّه گلپایگانی، کتاب‌های «شرح لمعه»، «مکاسب»، «رسائل» و «کفایه» را تدریس کرد. همچنین در حوزه علمیه خرّم آباد نیز یک ماه تدریس کرده است. علاقه وی به دانش و دانش اندوزی به حدّی بود که در سال‌های آخر عمر، که بر اثر کسالت، بیشتر در منزل بود، جلسات مباحثه و تدریس درمنزل وی انجام می‌گرفت.مرحوم تقوی، مدت‌ها در مدرسه علمیه حاج ملّا صادق قم تدریس می‌کرد و شب‌ها در همان جا نماز جماعت را اقامه می‌نمود و روزهای پنجشنبه برای خواهران طلبه تفسیر می‌گفت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین تقوی اشتهاردی ؛ در ضمن وعظ و ارشاد در اشتهارد، به نیازهای مادی و رفاهی مردم نیز توجه خاصی داشتند و در رفع آن نیازها به جدّیت می‌کوشیدند.یکی از خدمات مهمی که با پیشنهاد و جلوداری ایشان شروع و تکمیل گردید، ساخت و تبدیل حمام‌ها و رسانیدن آب آشامیدنی به اهالی بود.مشکل دیگری که در اشتهارد وجود داشت، نداشتن آب آشامیدنی بود. مردم از قنات

دوردستی که همـان قنـات، غسّالخانه نیز بود، آب شُـرب خود را تأمین می کردنـد. لـذا آیت‌اللّه تقوی با راهنمایی و زمینه سازی و با همت مردم، مزرعه‌ای را که دارای آب شیرین بود و در حدود یک فرسخی اشتهارد قرار داشت، خریداری و آب آن را به اشتهارد لوله کشـی می کرد. شـروع این کـار در سال ۱۳۴۸ بـود و هم اکنون بعـد از گـذشت سال‌هـا از این آب اسـتفاده می‌شود. البته بر اثر افزایش جمعیت، آب‌های دیگری را نیز بر آن افزوده‌اند.او بسـیار خرسـند بود که قدمی در راه خدمت به مردم برداشته و در این باره می‌فرمود:«وظیفه خود دانسـتم که اهالی را به یاری خداوند متعال، از این زحمت طاقت فرسا نجات دهم، و آب خوشـگوار و شیرین را در دسترس همگان بگذارم.»ارتباط حضـرت آیت‌اللّه تقوی؛ با حضرت امام خمینی (ره) در ابعاد گوناگون بسیار قوی بود. ارتباط مهم او با امام، ارتباط شاگرد و اسـتادی بود. ایشان حدود ده سال (از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۱ شمسی) در درس فقه و اصول امام شرکت کرد و علاوه بر فقـه و اصـول، از فیوضـات عرفـانی و اخلاـقی امـام نیز اسـتفاده فراوان برد.شـاگردان : شـاگردپروری حسـین تقـوی اشـتهاردی را می‌توان از امتیازات ایشان دانست؛ شاگردانی برجسته و کارآمد که اکنون بسیاری از آنها در نظام اسلامی و حوزه‌های علمیه، منشأ خـدمت هسـتند؛ ماننـد حجـج اسـلام: فلاحیان، رازینی، یونسـی (وزیر اطلاعات فعلی)، نیّری، عباسـی فرد و بسـیاری از رؤسـای دوایر قضـایی و شـیخ محمـد رضـا آدینه‌ونـد، صـدیقی (دو نفر از علمـای حوزه) و محمـدی عراقی (رئیس سازمان تبلیغات اسـلامی) و....آرا و گرایشـهای خاص : مرحوم حسـین تقوی اشتهاردی از نظر اخلاقی و معنوی، دارای ویژگی‌هایی بود که در اینجا نظر شـما را به چنـد نمونه جلب می کنیم:زهـد و وارسـتگی، عبـد خـدا و شـیفته ولاـیت،وقـار، ادب و متـانت، خوش رویی و اخلاـق نیـک،صبر، مقـاومت و شـکر،تواضع و فروتنی،نظم و انضـباط،یاد آخرت و آرامش پیش از سـفر،آثار : ، اصول المـذهب ، تقریرات درس فقه آیت‌اللّه العظمی بروجردی، تقریرات درس فقه مکاسب ، تنقیح الاصول ، فروع المذهب ، معاشرت از دیدگاه وحی منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/بخش زندگینامه علماwww.hawzah.net/-۱k

تقوی قزوینی، محمدتقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه حاج سیدمحمدتقی تقوی قزوینی به سال ۱۱۵۹ هـش (هـ.ق) ، در قزوین دیـده به جهان گشود. پس از آموختن مقدمات ، ادبیات عرب ، ریاضیـات ، فقه و اصول به فراگیری علوم کلام و حکمت نزد اسـتادان زمان خود پرداخت. آن گاه به زیارت بیت الله الحرام مشـرف شـد و برای تکمیـل علوم دینی به عتبـات عالیـات سـفر کرد و به کسب کمالاـت معنوی و طی مراحـل عرفـانی همت گمـاشت. سیـدمحمدتقی قزوینی علاـوه بر کسب علوم زمـان خود و مطالعـات بسـیار ، به تالیف آثار متعـددی نیز دست زد که آثار قلمی او به سـی و دو عنوان می رسـد. وی سـرانجام در سال ۱۲۷۰ هجری قمری دیـده از جهان فروبست.گروه : علوم انسانی رشـته : الهیات و معارف اسـلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای : علامه حاج سیدمحمد تقی قزوینی پس از آموختن مقدمات ، ادبیات عرب ، ریاضیات ، فقه و اصول به فراگیری علوم کلام و حکمت نزد استادان زمان خود پرداخت. آن گاه به زیارت بیت الله الحرام مشرف شد و برای تکمیل علوم دینی به عتبات عالیات سـفر کرد و به کسب کمالات معنوی و طی مراحل عرفانی همت گماشت.اسـتادان و مربیان : سـیدمحمد تقی تقوی قزوینی علوم کلام و حکمت را از محضر علامه مازندرانی معروف به «جدلی» فراگرفت. وی همچنین از محضـر سیدمحمد مجاهد که در اصفهان عهده دار تدریس فقه و اصول بود و نیز از محضر شیخ ابراهیم کرباسی بهره های فراوان برد. او پس از آنکه از اصـفهان به موطن خود بازگشت ، وارد مـدرسه صالحیه شـد و در محضـر درس بزرگانی چون شـهید ثالث و شیـخ محمد صالح برغانی حائری و نیز ملاآقا حکمی قزوینی حاضـر شد ، و بعد از آن عازم عتبات عالیات گردید. او ابتدا در کربلا

از حوزه درس شریف العلما مازندری حائری (م ۱۲۴۶ق) و سپس از محضر سیدباقر بن سیداحمد قزوینی و ملا اسماعیل عقدایی و سید سلیمان طباطبایی یزدی بهره مند گشت و در کاظمین به حوزه درس سیدعبدالله شبر و دیگران ملحق گردید و به مقام عالی علمی نائل گردید و از مشایخ خود و همچنین شیخ احمد احسایی اجازه دریافت کرد.زمان و علت فوت : وفات علامه حاج سید محمدتقی تقوی قزوینی در سال ۱۲۷۰ هجری قمری اتفاق افتاد. جسد وی را پس از تشیع با شکوهی به کربلا حمل نموده و در آنجا به خاك سپردند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدمحمدتقی تقوی قزوینی علاوه بر کسب علوم زمان خود و مطالعات بسیار ، به تالیف آثار متعددی نیز دست زد که آثار قلمی او به سی و دو عنوان می رسد. او همچنین به شعر و شاعری نیز نزدیک بود ، مجموعهٔ از سروده های فارسی او در جنگ نفیسی متعلق به کتابخانه امام صادق (ع) قزوین وجود دارد که در آنها با نام « رفیع » و گاه « موفق » تخلص کرده است.آرا و گرایشهای خاص : شیخ جابرکاظمی در کتاب خود سلوه الغریب در مورد سیدمحمدتقی تقوی چنین می گوید: « وی در حکمت و فقه و اصول و فنون اسلامی به سرحد کمال رسیده بود و مردم از اقصی بلاد جهت اخذ دعا به زیارت وی می شتافتند... » آثار : ارجوزه هایی در صرف و نحو ، فقه ، معانی و بیان ، کلام ، منطق و عرفان ، التجلیات ، انوار الاشراق ، برهان العصمه ، تذکرهٔ انبیای بنی اسرائیل مدفون در قزوین ، ترجمه نهج البلاغه ، خلاصه التفاسیر، ظرایف الحکمه ، نهایه التحریر فی شرح التجرید

منابع زندگینامه :دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی ، به کوشش بهاء الدین خرمشاهی ، ج ۱ ، تهران: دوستان و ناهید ، ۱۳۷۷ ، ص۸۰۲۲ستایش امیر المومنین (در سروده های سخنوران قزوین) ، پژوهش: محمدعلی حضرتی ، قزوین: بحرالعلوم

جزائری شوشتری، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمحمدعلی جزایری شوشتری در سال ۱۲۹۸ ، در لکهنو هند متولد گردید. مقدمات علوم را در لکهنو فراگرفت. در سال ۱۳۲۵ق رهسپار عتبات عراق شد و در نزد اساتید بزرگ آن سامان کسب فیض نمود. پس از شش سال تحصیل در نجف به زادگاهش بازگشت و در بنیاد علمی شعبه عربی کالج به تدریس پرداخت. سیدمحمدعلی جزایری شوشتری در شعر دست توانایی داشت و به سه زبان فارسی و عربی و اردو شعر می سرود ، از وی آثاری نیز به یادگار مانده است.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامیگرایش : زبان و ادبیات عربی والدین و انساب : سیدمحدعلی جزایری فرزند سیدمحمدعباس مفتی بن علی اکبر ، وی از نوادگان سیدنعمت الله جزایری بود. جدش محمدجعفر از شوشتر به هند مهاجرت کرد و در لکهنو سکنی گزید. سیدمحمدعلی نیز در آنجا به دنیا آمد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدمحمدعلی جزایری شوشتری مقدمات علوم را در لکهنو فراگرفت. در سال ۱۳۲۵ق رهسپار عتبات عراق شد و در نزد اساتید بزرگ آن سامان کسب فیض نمود.استادان و مربیان : سیدمحمدعلی جزایری شوشتری در نجف محضر درس استادانی چون آخوند خراسانی ، آقاسیدمحمدکاظم یزدی ، آقاضیاء الدین عراقی را درک نمود.فعالیتهای آموزشی : سیدمحمدعلی جزایری شوشتری پس از شش سال تحصیل در نجف به زادگاهش بازگشت و در بنیاد علمی شعبه عربی کالج به تدریس پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدمحمدعلی جزایری شوشتری در شعر دست توانایی داشت و به سه زبان فارسی و عربی و اردو شعر می سرود ، از وی آثاری نیز به یادگار مانده است.شاگردان : از شاگردانی که نزد سیدمحمدعلی جزایری شوشتری به کسب فیض پرداختند به افرادی چون سیدعلینقی نقوی ، میرزا یوسف حسین ، شیخ محمدبشیر انصاری و سیدثمر حسن می توان اشاره کرد.آثار : الافادات المحمدیه ، تخمیس قصیده علویه ویژگی اثر : این مجموعه

عربی و از سروده های پدرش بود.۳ دیوان شعر ویژگی اثر : به عربی۴ شرح دیوان امریء القیس ویژگی اثر : به اردو۵ شرح رنات الطرب فی قصائد العرب ویژگی اثر : به اردو۶ ضبط الغریب من لغه العرب ، مزاعم العرب فی الجاهلیه

منابع زندگینامه : اثرآفرینان ، زندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران ، زیرنظر: سیدکمال حاج سیدجوادی ، با همکاری: عبدالحسین نوایی ، ج۲ ، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص ۲۰۲

جمالی اردستانی، پیر فضل الله

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پیرفضل الله جمالی اردستانی مشهور به پیرجمالی از شاعران و مولفان و عارفان معروف قرن نهم و بنیانگذار طریقت صوفیانه پیرجمالیه می باشد که اوایل قرن نهم در اردستان متولد شد. و به تحصیل در علوم ادبی پرداخت و از آغاز به سرودن شعر و نگارش نثرهای ادبی علاقه مند شد. و به طریقت سهرورد بر روی آورد و نثر پیر مرتضی اردستانی سالها به سلوک مشغول شد و پس از سیاحت بسیار، طریقت پیرجمالیه را بنیان گذارد و کتب سیاسی را نگاشت که مهمترین آنها درباره تصرف مصباح الارواح و فتح الابواب و حقیقه الاداب و نیز دیوان اشعار وی می باشند. پیرجمالی در سال ۸۷۹ (یا بنا به قولی در۹۰۱)درگذشت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : عرفان اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای : پیرجمالی از کودکی اصول عرفان و علوم ادبی (شعر و نثر)را به خوبی آموخت. وی پس از سالها سلوک در طریقت سهروردیه طریقت پیرجمالیه را بنیان گذاشت. وی تا پیش از این نزد پیرمرتضی اردستانی به تحصیل و کسب مراتب معنوی مشغول بود و مدتی را نیز در ولایات مختلف به گردش پرداخته بود.فعالیتهای ضمن تحصیل : پیرجمالی از آغاز تحصیل به سرودن شعرهایی می پرداخت و بعدها تخلص جمالی را برای خود برگزیداستادان و مربیان : نسب تعلیم و استادان پیرجمالی به شیخ شهاب الدین سهروردی می رسید. اما استاد بلافصل وی پیرمرتضی اردستانی بوده است.وقایع میانسالی : پیرجمالی بیشتر دوران عمر را به سلوک گذراند و درعین حال به تالیف کتب عرفای و سرودن اشعار و نثرهایی ادبی پرداخت چنانکه سال۸۶۸ کتاب مصباح الارواح، در سال ۸۷۲ کتاب فتح الابواب را نگاشت. و مدتی را به سیاحت پرداختزمان و علت فوت : وفات پیرجمالی در سال ۸۷۹ اتفاق افتاد. اما برخی از جمله ادگار بلوشه ، اتحال معتقدند که وی در ۹۰۱ ه.ق درگذشته است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پیرجمالی پیش از تاسیس طریقت پیرجمالیه به درجه ی عرفانی «پیر» (مرشد کامل) دست یافته بود.فعالیتهای آموزشی : پیروان پیرجمالی در مرکز و شرق ایران (بویژه هرات) پراکنده بودند.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : جمال الدین فضل الله جمالی اردستانی موسس طریقت صوفیانه پیرجمالیه به شمار می رود.شاگردان : پیروان پیرجمالی طریقتی صوفیانه بنام «پیرجمالیه»را تشکیل می دادند. که در قرن نهم در خراسان و هرات رواج داشت.همفکران فرد : در زمینه شعر، غزل عارفانه پیرجمالی در حد اشعار بزرگانی چون قاسم انوار تبریزی، شاه داغی شیرازی و شمس مغربی بوده است.آرا و گرایشهای خاص : پیرجمالی با چند واسطه ، شاگرد شیخ شهاب الدین سهروردی بود و احتمالاً طریقتی که پدید آورد، تحت تاثیر طریقت سهروردیه می باشد.آثار : استقامت نامه ، بیان الحقایق فی امواد ، تنبیه الغافلین ،حقیقه الاداب[صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج۴، ص ۴۵۵] ، دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات ، رباعیات در شرح منظومه صفوت اهل اتحقیق اضل الدین کاشانی ، سیر المرسلین یا حقایق احوالی المصطفی ویژگی اثر : که مثنوی بزرگی است شامل هفت منظومه:۱- مصباح الارواح (تالیف ۸۶۸) ۲- احکام المجبین، ۳- نهایه الحکمه ۴- بدایه المحبه ۵- هدایه المعرفه ۶- فتح الابواب (تالیف ۸۷۳) ۷- شرح الواصلین (تالیف ۸۷۶).۸ فتح الابواب ، فرصت نامه ، قدرت نامه ، کشف الارواح یا یوسف و زلیخا (در تفسیر سوره

یوسف) ، کلیات ، کنزالدقایق و میزان الحقایق ، مدح الفقر ، مرآت الافراد ویژگی اثر : (مجموعه ۴۹ رساله)۱۶ مرآت الحبیب ، مشکوه المجین ، مصباح الارواح ،معلومات اسرار القلوب ، مفهومات انوار القلوب ، مکاتیب [نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج۱، صص۵-۲۴۴ وج ۲، ص ۷۷۵] ویژگی اثر : کلیات پیرجمالی شامل چند رساله مرکب از نظم و نثر، مثنویات، ترجیحات، غزلیات و رباعیات. اما مصباح الارواح و فتح الابواب درباره رموز عرفانی و اصول طریقت عرفانی پیرجمالیه است. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج۴، ص ۴۵۵] رضا قلی خان هدایت وی را از نظر کثرت اشعار صوفیانه پس از شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، پرکارترین شاعر صوفی دانسته است. و از کتابهای مشهور وی اشعاری را آورده است. [هدایت، تذکره ریاض العارفین، ص۷۲]۲۲ منظومه رو حالقدس ، منظومه شرحالکنوز و کشف الرموز (تالیف ۸۶۴) ، منظومه محبوب الصدیقین ، منظومه مهر افروز و آفتاب ظلمت سوز ، منظومه مهر قلوب ، ناظر و منظور ، نصره نامه ، نور علی نور

منابع زندگینامه :رضا قلی خان هدایت، تذکره ریاض العارفین، به تصحیح مهر علی گرگانی، تهران: کتابفروشی بوذر جمهری، بی تا، ص ۷۲۲صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج۴، ص ۴۴۵۳نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج۱، ص ۲۳۵

چهرگانی انزابی، مرتضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت اللّه مرتضی چهرگانی انزابی، در سال ۱۲۹۳ ق. در قریه چهرگان از منطقه انزاب آذربایجان شرقی متولد شد. وی در روزگار خود در عرصه های علمی واجتماعی از جمله نوادر محسوب میشد وپس ازگذراندن دوران کودکی در زادگاه خود و پس از طی مراحل تحصیلات ابتدایی پیش پدر روحانی اش، برای ادامه تحصیل به شهر خوی رهسپار شد و پس از ۵ سال اقامت در آن شهر، به شهر تبریز رفت و از محضر اساتید بزرگ آن زمان، مانند مرحوم آیت الله انگجی و میرزا حسن مجتهد استفاده برد و پس ازاتمام دروس سطح و برای تکمیل تحصیلات عالی حوزه به نجف اشرف مهاجرت کرت و حدود ۱۹ سال در نجف اقامت کرد ودر فقه و اصول به مراتب والایی رسید. وی در دوازدهم رجب سال ۱۳۸۱ ق به ملکوت اعلی پیوست.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : خانواده مرتضی چهرگانی انزابی از سه قرن گذشته تاکنون، مفتخر به کسوت مقدّس روحانیت و خدمت به دین و مردم بوده است. پدرش مرحوم میرزا علی چهرگانی معروف به «آقاعلی» از علمای نجف و مدرّس حوزه‌های علمیه مشهد مقدس و از علمای خدمتگزار منطقه ارونق و انزاب بود. او و پدرانش، طبق یادداشت‌هایی که به جای مانده تا دوازده نسل یعنی حدود سیصد سال، از عالمان نجف دیده و مفتخر به کسوت روحانی بودند و به خاطر علاقه به زادگاهشان، – که مهد علم و ادب بود – بازگشته، به ارشاد و هدایت مردم می‌پرداختند. جدّ اعلای این خاندان، که در سیصد سال پیش امام جمعه خامنه بود، مدرسه‌ای دایر می‌کند و به تربیت طلاب علوم دینی مبادرت می‌ورزد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : مرتضی چهرگانی انزابی پس از گذراندن دوران کودکی در زادگاه خود و پس از طیّ مراحل تحصیلات ابتدایی پیش پدر روحانی‌اش، برای ادامه تحصیل به شهر خوی رهسپار شد و پس از پنج سال اقامت در آن شهر، به شهر تبریز رفت و از محضر اساتید بزرگ آن زمان، مانند مرحوم آیت اللّه انگجی و میرزا حسن مجتهد، استفاده برد و پس از اتمام دروس سطح، برای تکمیل تحصیلات عالی حوزه به نجف‌اشرف مهاجرت کرد. حدود ۱۹ سال در نجف اقامت کرد و در فقه و اصول به مراتب والایی رسیدفعالیتهای ضمن تحصیل : تحصیلات

مرتضـی چهرگـانی انزابی صـاحب اجازه‌هـای اجتهـاد و نقـل حـدیث و اجـازه در امـور حسبیه از آیـات عظـام گرفتنـد ذیـل بود:.۱ آقاضیاءالدین عراقی؛.۲ فتح‌اللّه شـریعت اصفهانی؛.۳ سید محسـن طباطبـائی حکیم: در سـال ۱۲۶۴ در نجـف متولـد شـد و در ۲۷ ربیع‌الاول سال ۱۳۹۰ ق(۱۳۴۸ ش) در همـان شـهر رحلت کرد. قبر آن مرحوم در کنـار کتابخـانه‌اش است..۴ حاج سیدمحمدهادی میلانی.اسـتادان و مربیان : اساتید مرتضـی چهرگانی انزابی در تبریز.۱ آیت اللّه میرزاابـوالحسن انگجی، .۲ آیـت اللّه میرزا حسن آقا مجتهـد(مجتهـد بزرگ) اساتیـد در نجـف: .۱ آیـت اللّه سیـدکاظم یزدی(صـاحب عروهٔالـوثقی).۲ آیـت اللّـه میرزا فتـح‌اللّه شـریعت اصفهانی(معروف به شیخ الشریعه اصفهانی).۳ آیت اللّه محمدکاظم خراسانی(صاحب کفایه).۴ آیت اللّه آقاضیاءالدین عراقی(۱۲۸۹ – ۱۳۶۱ق.). همسر و فرزندان : مرتضی چهرگانی انزابی دوبار ازدواج کرد. دانشمند گرامی، حاج حسین آقا انزابی (نواده ایشان) در این زمینه می‌نویسد:«مرحوم مبرور در روزگارانی که مقیم نجف اشرف بود، با خانواده‌ای وصلت انتخاب نموده که ثمره آن ازدواج مبارک، فرزند بزرگ ایشان حضـرت آیت اللّه شیخ عبدالحسین غروی(۱۲۸۶ – ۱۳۷۳ ش. از علمای بزرگ تبریز و نماینـده مجلس خبرگـان رهبری در دوره اول، آرمیـده در وادی‌السّـلام قم) بوده است... به هنگـام مراجعت به آذربایجـان، به امر بزرگـان و علمـای تـبریز راضـی به اقـامت در شـهر تـبریز گشـته. پس از مانـدگاری بـا خـانواده‌ای از سـادات، یعنی سـادات حسینی کوه‌کمره‌ای – که شاخه‌ای از آنان مقیم روسـتای چهرگان بوده‌اند – حدود سال ۱۲۹۰ هجری قمری عقد ازدواج بسـته است که حاصل این سنّت الهی دو فرزند برومندش، یعنی مرحوم حجهٔ‌الاسـلام و المسـلمین حاج شـیخ محمدحسـین انزابی(روحانی مبارز و نستوه و یار دیرین رهبر کبیر انقلاب اسـلامی، حضـرت آیت اللّه العظمی امـام خمینی و نماینـده مردم شـریف تبریز در مجلس شورای اسـلامی در سه دوره متوالی و انیس مقـام معظم رهبری، حضـرت آیت اللّه خامنه‌ای، فوت به سال ۱۳۷۸ شمسـی و مدفون در وادی رحمت تبریز) و حاج غلامعلی انزابی(از مؤمنین و دینـداران بـازار تبریز و تهران، مقیم تهران) است.»مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : مرتضـی چهرگانی انزابی ، در مـدت اقامت نزدیک به پنجاه سال در محلّه شتربان(دوچی) تبریز، در سه وعـده صـبح و ظهر و شام به اقامه نماز جماعت اشتغال داشت و به موعظه و ارشاد مردم می‌پرداخت و مراقب عقد معاملات و ازدواج آنان بود و پیوسته با ذکر و تسبیح و حمد ذات اقـدس خداونـد ملازمت داشت.فعالیتهای آموزشـی : «مرتضـی چهرگانی انزابی بالاخره پس از تکمیل دروس خارج و اخذ مدارک اجتهـاد از اساتیـد مـبرز حوزه نجف، به تبریز مراجعت کرده و تـا آخر عمر در تبریز به تـدریس علوم دینی برای طلاب علوم دینیه و ارشـاد و مـوعظه، اشـتغال داشـته است و الحق زهـد و روحـانیت را تـا آخر عمر مراعـات می‌کرد.»چگـونگی عرضه آثـار : مرتضـی چهرگـانی انزابی دلی مالامـال از محبت به اهـل بیت عصـمت و طهـارت داشت. لـذا در سال‌هـای اقامت در عراق، از زیارت عتبات عالیات، به ویژه سامرّا، غافل نبود؛ به طوری که بعضـی تحریرات فقهی خود را در این سامان، در محضـر مرقد مطهّر عسـکریین و در پایگاه امامت و غیبت حضـرت امام عصـر (ع) نگاشت؛ چنان که به نوشته آقابزرگ تهرانی در الذریعه، نسخه‌ای از نگاشته‌های حاج شیخ مرتضـی در کتابخانه این شهر – که وابسته به حرم است – نگهداری می‌شد.حاج شیخ مرتضی چهرگانی انزابی از مقام علمی و فقهی قابـل اعتنایی برخوردار بود. او تقریرات درس‌های فقیه بارع، آیت اللّه مرحوم شـریعت اصـفهانی و دیگر بزرگانِ نجف که در محضـر درسـشان بود، در چنـد جلـد تحریر کرد که این تقریرات، ارزشـمندترین میراث فقهی و علمی ایشـان شـناخته می‌شود. آنچه اکنون در اختیار بازماندگانش هست، به سه بخشِ تحریر، تنسیخ و تألیف تقسیم می‌شود. از جمله آثار وی که در زمینه استنساخ می باشـد به شـرح ذیل می باشـد: .۱ اسـتنساخ دو رسـاله از مرحوم شـریعت اصـفهانی، به سال ۱۳۲۶ ق؛.۲ اسـتنساخ دو رسـاله فقهی از مرحوم شـریعت اصفهانی به سال ۱۳۲۸ ق.آثار : الرسالـهٔ العصـریهٔ ، تحریر رسالـهٔ فی الحق و الحکم ، تحریر کتاب الصوم الموسّـس العام و الفقیه المحقق شـیخ محمـدهادی طهرانی ، رسالـهٔ فی اصول الـدین ، رسالـهٔ فی الاستصـحاب ، رسالهٔ فی التعادل و التراجیح ، رسالـهٔ فی التکلیف ، رسالـهٔ فی الخلل الواقع فی الصـلوهٔ ،رسالهٔ فی الخیارات ، رسالهٔ فی الرّضاع ، رسالهٔ فی الرهن ، رسالهٔ فی الظّن ، رسالـهٔ فی المکاسب ، رسالـهٔ فی الوظائف المقرّرهٔ للجاهل ، رسالـهٔ فی صـلوهٔ المسافر ، رسالهٔ فی علم الاصول الفقه ، کتاب القضاء ،

کتاب الوصایا ، منجزات المریض

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱ – www.hawzah.net/

حجت، آقامیرزا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله آقامیرزا حجت ، در سال ۱۲۴۰ قمری در اصفهان متولد شد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : آقامیرزا حجت ، با شش واسطه به فیلسوف بزرگ اسلامی ملاصدرای شیرازی می رسد. پدرش آخوند حاج میرزا حسن ملقب به حجت بوده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : آقامیرزا حجت ، مقدمات علوم را نزد پدر فراگرفت. سپس مدتی از محضر درس علامه سیداسدالله اصفهانی بهره برد. سپس به حوزه ی درس میرزا شفیع چاپلقی که از علمای برجسته ی بروجرد بود وارد شد و طولی نکشید که از شاگردان ممتاز گردید. وی آنگاه پس از طی این مراحل ، برای تکمیل معلومات به نجف عزیمت نمود.استادان و مربیان : آقامیرزا حجت ، از محضر پدر ، علامه سیداسدالله اصفهانی و میرزا شفیع چاپلقی بهره های فراوان برد.همسر و فرزندان : آقا محمد ، آقا بهاءالدین ، آقا فضل الله و آقا ابوجعفر ، پسران آقامیرزا حجت می باشند.زمان و علت فوت : آقامیرزا حجت ، در سال ۱۳۲۲ قمری ، پس از اینکه برای بهبود حال وباگرفتگانِ شهر نهاوند ، نماز خاص برگزار کرده بود ، در اثر بیماری وبا دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت.فعالیتهای آموزشی : آقامیرزا حجت ، به نهاوند دعوت گردید و پس از اقامت ، در مدرسه ی مقام محمود به تدریس اشتغال ورزید.آثار : حاشیه بر کتاب المواقف قاضی عضدالدین ایجی ،حاشیه بر کتاب کنزالعرفان فاضل مقداد ، رساله ی عملیه ، شرح بر اسفار صدرالمتألهین

حجتی میانجی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دهم آبان سال ۱۲۹۷ش. فرا رسید و کودکی دیده به جهان گشود که با صدای ناله خود لبخند به صورت والدین خویش نشاند.نخست نام نیک احمد را برایش برگزیدند و او را با زمزمه‌های توحیدی آشنا کردند و در تربیت و پرورش این نونهال نهایت کوشش را به عمل آوردند. وی در زمره مجتهدان و فاضلانی است که عمر بابرکت خویش را در راه کسب دانش فقه و تدریس علوم دینی صرف کرد و همزمان با تلاش‌های فکری، ضمن دوری از جنجال‌های تبلیغاتی، به تهذیب نفس و اعراض از تعلقات دنیوی پرداخت و به موفقیت‌های معنوی و عرفانی رسید. در خانواده‌ای اهل علم و اجتهاد پرورش یافت و بر اثر مراقبت‌های خاص اخلاقی و تقیّد به مسایل شرعی، نور معرفت را به قلب خویش تابانید و از طریق موعظه و نصیحت و توصیه‌های عرفانی، علاقمندان و مشتاقان را به حقایق قرآنی و روایی متوجه ساخت. او تقرب به خداوند و رسیدن به ساحل رستگاری را در اجتناب از معاصی، ادای فرایض در اول وقت، پرهیز از مکروهات، روی آوردن به مستحبات و نوافل، تلاوت قرآن و مداومت به دعا و توسل می‌دانست و با الهام از حقایق مسلم قرآنی و نکات ژرف روایی عقیده داشت .حجتی تأکید می‌کرد زیارت اولیای الهی مستحب است، ولی اطاعت از فرامین پروردگار و رسولان و جانشینان آنان امر واجبی است و انسان باید نخست وظایف واجب خود را به شیوه‌ای

مطلوب به جای آورد و سپس به امورات دیگر مبادرت ورزید، تا از مقربین درگاه حق گردد و به طور معنوی و حقیقی با اولیای الهی انس یابد زیرا قرار گرفتن در «کاروان ابرار» از این طریق به دست خواهد آمد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : نام پدر شیخ احمد حجتی میانجی ، حاج میرزا محمد است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ احمد حجتی میانجی در دوران کودکی در کنار پدر و مادرش شروع به تحصیلات مقدماتی کرد ، وی از سن یازده سالگی تحت تکفل برادر بزرگتر خود آیت الله میرزا ابو محمد حجتی (.۱۳۶۸ – ۱۲۸۰ش) – مؤسس حوزه علمیه میانه – قرار گرفت، وی ضمن آن که بر تربیت و پرورش برادر خود نظارت داشت، به عنوان نخستین معلم و استاد او کوشید تا مقدمات علوم دینی را به احمد نوجوان بیاموزد. و به این ترتیب، نخستنی مربی آیت الله حجتی برادرش میرزا ابو محمد بود.آنگاه از محضر حجهٔ الاسلام والمسلمین حاج میرزا مهدی جدیدی استفاده کرد و سرانجام تصمیم گرفت به شهر مقدس قم برود، به دلیل کمی سن، گویا برادرش با این هجرت مخالفت کرد، وی با اصرار جدّ مادری مقداری پول از برادر گرفت و میانه را به قصد قم ترک کرد. در قم به مدرسه دارالشفا رفت و برخی دروس حوزوی را در خدمت میرزا سعید اشراقی آموخت. از محضر آیه الله حجت کوه کمره ای هم کسب فیض نمود. حجتی در حوزه علمیه قم از محضر حضرت امام خمینی و حضرت آیت الله مرعشی نجفی نیز استفاده کرد و موفق به کسب اجازه از استادان خود شد. پس از سیزده سال اقامت در قم به وطن بازگشت. او در مسجد مدرسه علمیه میانه اقامت جماعت کرد و به ارشاد اهالی همت گماشت. بعد از حدود ده سال اقامت در میانه، به موجب برخی مشکلات نتوانست به فعالیت‌های خود ادامه دهد و به ناچار این دیار را به قصد اقامت در تهران ترک کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع تحصیل شیخ احمد حجتی میانجی فوت پدرش در سن ۱۱سالگی بود که باعث ناراحتی بیش از حد او شد. ایشان در ایام طلبگی از آیت الله حجت کوه کمری اجازه اخذ سهم مبارک امام گرفت. خود می‌گوید: «سالی در اطراف شهرستان محل سکونت، به روستایی وارد شدم. پس از چند روز تبلیغ جماعتی حاضر شدند خمس اموال خود را بدهند. میزان خمس آنها بیش از صد رأس گاو و گوسفند بود. خواستیم آنها را به شهر ببریم و بفروشیم. در بین راه برف سنگین بارید. با زحمت به قریه‌ایم رسیدیم، ولی متوجه شدیم نمی‌توانیم از آنجا به شهر دیگری برویم، تصمیم به فروش آنها گرفتیم. مردم هم به اضطرار ما جهت فروش، پی بردند و گوسفندان و گاوها را خریدند. تعدادی هم که لاغر بودند، به شخصی تحویل دادم تا آنها را نگهداری کند. وجوه نقدی را خدمت آیت الله حجت آوردم و روی میز ایشان نهادم و ماجرا را شرح دادم، فرمود: پول را برای خودت بردار و خود به امام زمان (عج) جواب بده! با قلب پرملال پول را برداشتم و به خانه رفتم و شب از ناراحتی خواب به چشمانم نیامد. خدمت آیت الله صدر رسیدم و شرح ماوقع را برایشان توضیح دادم. فرمودند: آیا شما وقت تحویل حیوانات، شخص خبره تعیین کرده بودی یا صاحب حیوان قیمت را مشخص می‌کرد؟ عرض کردم: بلی! شخص خبره‌ای را معین کرده بودم، فرمود: مشکلی ندارد. شادمان به منزل برگشتم، اجازه نامه آیت الله حجت را برداشته و در صحن طلای حضرت فاطمه معصومه(س)به نماز ایستادم. بعد از پایان نماز مغرب و عشا آن را روی سجاده‌اش گذاشتم و عرض کردم: اجازه نامه‌ای که مرا به جهنم ببرد، چه کنم؟ وقتی می‌خواستم برگردم آن مرحوم چند مرتبه صدا زد: میرزا احمد! جواب نگفتم و رفتم. بعد از مدتی در زندگیم تنگناهای شدیدی به وجود آمد و با صوم و صلوهٔ برای مردم، روزگار می‌گذرانیدم. خدمتش رسیدم و درخواست اجازه را کردم؛ اما جواب منفی دادند و این ماجرا از دقت زاید الوصف آیت الله حجت کوه کمری در مسایل شرعی حکایت دارد.» فعالیتهای ضمن تحصیل : شیخ احمد حجتی میانجی به دلیل تنگناهای مالی و برخی مشکلات دیگر مدتی فراگیری دانش دینی را رها کرد و به خدمت سربازی رفت و پس از اتمام این دوره، در وطن به کار سنگ تراشی مشغول شد.استادان و مربیان : از استادان شیخ احمد حجتی میانجی می توان به موارد زیر اشاره کرد: میرزا احمد ابومحمد حجتی میانجی (برادر ایشان) میرزا سعید اشراقی میرزا مهدی جدیدی سیدمحمد حجت کوه کمره ای امام خمینی آیه الله مرعشی نجفی وقایع میانسالی : همسر شیخ احمد حجتی میانجی گفته است: «هوا گرم بود و حاجی به دلیل کسالت و گرمال شدید نمی‌توانست در قم

بماند. ظهر که ناهار خوردیم، ناگهان ایشان گفت: بلند شو برویم. پرسیدم: کجا؟ گفت: حالا برویم. لباس پوشیدم و با حاج آقا بیرون آمدم، بدون اینکه تاکسی را خبر کنیم، دیدم دم درب منزل راننده تاکسی در انتظار ما بود و چون سوار شدیم، حرکت کرد و از قم بیرون رفتیم و به یکی از روستاهای اطراف قم که هوای مساعدتری داشت، رسیدیم. وقتی به در خانه‌ای رسیدیم، بانویی بیرون آمد و گفت: بفرمائید، منتظرتان بودیم! بدون آشنایی قبلی وارد خانه شدیم و اهل آن منزل به مدت یک هفته از ما پذیرایی نمودند و سپس به قم مراجعت کردیم. موقعی هم که حاج آقا حجتی می‌خواست در مجلس مرحوم آقای فخر تهرانی شرکت کند، با این که فاصله خانه تا آن مکان بد مسیر بود، به طرز شگفت انگیزی وسیله‌ای ایشان را به مقصد رساند، بی آنکه از او خواسته باشند چنین کاری را انجام دهد.»(زمان و علت فوت : شیخ احمد حجتی میانجی در اواخر اسفند ماه سال ۱۳۷۶ه. ش به سرای باقی شتافت و اهل ملکوت پذیرای روح پاکش شدند. پیکرش پس از مراسم تغسیل و تکفین و نماز میت به توسط حضرت آیت الله بهجت، تشییعی باشکوه شد و آنگاه در قبرستان نو در قم – حوالی مرقد کربلایی کاظم – به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شیخ احمد حجتی میانجی به موازات تلاش علمی و فعالیت تبلیغی و پاسداری از برج و باروهای شریعت در صحنه سیاسی نیز حضوری فعال داشت. او از سال ۱۳۴۲ش. که قیام مردم ایران به رهبری حضرت امام خمینی(ره) در ستیز با استبداد و استکبار آغاز شد، به همراه آیت الله حاج شیخ هادی نیری و حجهٔ الاسلام و المسلمین حاجخ میراز فتاح اسبقی جهت اعتراض به دستگیری امام خمینی بـه تهران مهاجت کرد و تا آزادی معظم له در تهران حضور داشت. میرزا احمد در سخنرانی‌های خود به افشاگری علیه ستم می‌پرداخت و نفرت خود از رژیم پهلوی را بروز می‌داد. ادامه مبارزات وی در قالب وعظ و خطابه به ممنوع المنبر شدن او انجامید. بر اساس سندی که تصویر آن موجود است، اداره آگاهی شهرستان میانه گزارشی از اوضاع فعالیت‌های سیاسی روحانیون این خطّه برای ساواک آذربایجان تهیه کرد و طی آن، چهار نفر را به عنوان مخالفان رژیم شاه معرفی کرد که آیت الله شیخ احمد حجتی یکی از آنان بود.فعالیتهای آموزشی : شیخ احمد حجتی میانجی در مسجد آدینه تهران، واقع در خیابان دلگشا، به عنوان امام جماعت و روحانی محل مشغول خدمات علمی و فرهنگی شد و همزمان با آن در مدرسه مروی (جنب بازار تهران) به تدریس سطح عالی (درس مکاسب شیخ مرتضی انصاری) پرداخت. او شاگردانی را مجذوب خود کرد و موفق شد افرادی را با مبانی فقه واصول آشنا سازد. همچنین حدود یازده سال در درس خارج فقه آیت الله حاج شیخ محمد باقر آشتیانی (۱۴۰۴ – ۱۳۲۳ق) شرکت کرد و در بحث‌های خصوصی با این مجتهد ژرف اندیش ملازم شد تا اینکه از سوی آیت الله آشتیانی اجازه اجتهاد گرفت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیخ احمد حجتی میانجی روا نمی‌دانست همراه با کاروان‌ها در زمان رژیم پهلوی به سفر حج برود و این نامه را نوعی تأیید نظام استبدادی می‌دانست. از این جهت شخصاً به مصر، اردن و سوریه سفر کرد و از طریق دمشق راهی حجاز شد و اعمال عبادی – سیاسی حج را در ایام ذیحجه به جای آورد. وی با توصیه حضرت آیت الله میرزا محمد باقر آشتیانی همراه برخی از بازاریان تهران برای توزیع کمک‌های مسلمانان تهران و توابع در بین آوارگان لبنانی و فلسطینی به لبنان سفر کرد تا به تقسیم مبالغ مزبور نظارت کند. آرا و گرایشهای خاص : شیخ احمد حجتی میانجی بر اثر مجاهده با نفس، تزکیه درون، اعراض از مقاصد دنیوی و پیمودن مسیرهای روحانی به حالتی دست یافت که بر اثر آن چشم باطن او باز شد و توانست از حالات افراد خبر دهد و موجبات شگفتی اطرافیان را فراهم سازد.آثار : درمسیر زندگی با ازدواج ویژگی اثر : این اثر در قم به چاپ رسید.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

حجتی میانجی، میرزامحمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزامحمد حجتی میانجی به سال ۱۲۵۰ش. صاحب فرزندی شد که او را محمد نامید. وی که در راه انجام تکالیف و نشر شریعت محمدی هراسی به دل راه نمی‌داد، پایدار و استوار در مقابل خلافکاری‌ها و ستم‌های رژیم پهلوی، خوانین و حکّام محلی ایستادگی می‌کرد و در این راه، سختی‌ها و مشقات زیادی را به جان می‌خرید.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : آخوند ملا محمد علی النجارقی (پدر میرزامحمدحجتی میانجی) یکی از این نامداران نیکو روش است، وی از نوادگان حجهٔ الاسلام نیّر تبریزی بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرزامحمد حجتی میانجی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی، بخشی از مقدمات و سطح علوم دینی را نزد پدر فرا گرفت و از آن پس، رهسپار حوزه علمیه تبریز شد و در آن جا محضر اساتید معروفی را درک کرد و جهت تکمیل اندوخته‌های علمی و فکری به سوی عتبات عالیات راهی شد و در نجف اشرف، با استمداد از فضای ملکوتی بارگاه مقدس امیر مؤمنان(ع)تحصیلاتش را ادامه داد. او در این دوره، تحصیل علم را با تحمل سختی و تنگدستی طاقت فرسا می‌گرفت. از دروس خارج فقه و اصول مراجع بزرگ آن عصر همچون؛ آیت الله العظمی آقا شیخ هادی تهرانی (متوفّی به سال ۱۳۲۱ق.) استفاده کرد.استادان و مربیان : ازاستادان میرزامحمد حجتی میانجی می توان به آقا شیخ هادی تهرانی،آقا میرزا صادق تبریزی و آقا شیخ فیاض زنجانی اشاره کرد.همسر و فرزندان : فرزند محمدحجتی میانجی، آیت الله میرزا ابو محمد حجتی است.وقایع میانسالی : «در یکی از سال‌ها گرانی شگفتی منطقه را فرا گرفت و شدت این بلا- به قحطی به حدی بود که مردمانی گروه گروه بر اثر گرسنگی و عدم توانایی در تأمین ارزاق خود، از بین رفتند. مبالغی را از راه کسب حلال جمع آوری نموده بودم تا زمین بخرم، گویا شیطان در خانه دلم لانه کرده بود و وسوسه‌ام می‌نمود که می‌توانم با این پول تمامی روستا را بخرم؛ اما ندایی از درون به ملامتم برخاست که: این چه آرزویی است که در سر می‌پرورانی؟! مسلمین این آبادی دارند از شدت گرسنگی جان خود را از دست می‌دهند و خانواده هایی در تدارک مایحتاج خود وضع مشقت باری دارند و روا نیست در این وضع ناگوار املاک و مستغلات بخرید. عزم خود را جزم نمودم و همراه با فردی به روستای «گوندوغدی» از توابع میانه، رفتم و مقداری قابل توجه گندم خریده و به آبادی انتقال دادم تا اهالی را از آن وضع آشفته نجات دهم.» فرزند بزرگش؛ میرزا ابو محمد حجتی نقل می‌کند: «از این زمان، هر روز یک کاسه آش و یک قرص نان به تمام ساکنین روستا می‌داد. و جالب آن که همان نان و خورشتی که به دیگران اختصاص می‌داد، برای خانواده خود در نظر می‌گرفت و نهایت مساوات را در توزیع مواد غذایی رعایت می‌کرد.» روزی فرزند به پدر می‌گوید: مادرم گفت: از پدرت مقداری پول بگیر تا گوشت تهیه کنیم. آیت الله حجتی در پاسخ به درخواست وی گفت: در وضع کنونی پولی ندارم. فرزند می‌افزاید: دیروز دو نفر آمدند و مبلغی به من دادند که تحویلتان دادم. پدر با ناراحتی خاطرنشان ساخت: از آن پول نمی‌توانم معاش خانواده را تهیه کنم؛ زیرا جنبه شخصی ندارد و از وجوهات شرعی است. مدتی طول نکشید که دو نفر که قصد ازدواج داشتند و اهل محل بودند، آمدند و آیت الله حجتی برایشان صیغه نکاح جاری ساخت و مبلغی را از این بابت تقدیم کردند. پدر لباس پوشید که برای اقامه نماز ظهر به مسجد برود که قبل از آن، پول مزبور را به فرزندش داد تا با آن مختصری مواد غذایی تهیه کند. او برای آن که اهل خانه را از هر گونه شبههای برهاند، سر سفره غذا که می‌نشست، خطاب به حاضران می‌گفت: آن پولی که دیروز آوردند، از بابت خمس بود و سهم امام است که باید برای آیت الله شیخ عبدالکریم حائری بفرستم تا به طلبه‌ها بدهد؛ اما آن پولی که امروز دادند، به خودم تعلق دارد. زمان و علت فوت : میرزامحمد حجتی میانجی در سال ۱۳۰۸ه. ش طی مسافرتی که به قم مشرف شده بود، در همین شهر به سرای باقی شتافت و شاگردان و دوستان را سوگوار ساخت. پیکر آن فقیه ربّانی پس از مراسم تشییع، در قم و در قبرستان نو، به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : میرزامحمد

حجتی میانجی به موازات برنامه‌های تبلیغی، از مقاومت در مقابل خوانین – که متعرض مردم می‌شدند. – غافل نماند و آن زمانی که اشرار و فرستادگان خان‌ها هر از چند گاهی به آبادی‌ها یورش می‌بردند و به اموال و ناموس مردم دست تعرض می‌گشودند، این مجتهد شجاع تدبیری تازه به کار برد و خاطر مردم النجارق و توابع را برای همیشه از گزند متجاوزان آسوده ساخت و امنیت را برایشان به ارمغان آورد. او با خرید چند قبضه اسلحه و مسلح کردن روستائیان، تشکیلات نسبتاً منسجمی پدید آورد. به این ترتیب، مردان مسلح به نوبت در اطراف منطقه به صورت شبانه روزی به پاسداری مشغول شدند. او خود نیز در لباس رزم، فرماندهی آنان را عهده دار شد. ویژگی‌های علمی و روش‌های تبلیغی این روحانی مبارز، اهالی شهرستان میانه را مجذوب کرد و آنان که مایل بودند از چشمه ناب قرآن و عترت جرعه هایی بنوشند، از آیت الله حاج میرزا محمد حجتی – که آوازه تلاش‌های ارزنده‌اش در عرصه دیانت و سیاست زبانزد مردمان آن نواحی شده بود. – دعوت کردند تا بر این شهر بیاید. او بر اساس وظیفه شرعی و با این احساس که می‌تواند در حوزه وسیع‌تری به خدمات علمی و دینی مبادرت ورزد، به فراخوانی اهالی متدین میانه پاسخ مثبت داد و زادگاه خویش را به قصد اقامت دائمی در این شهر ترک کرد.فعالیتهای آموزشی : میرزامحمد حجتی میانجی در نجف اشرف با دانشورانی چون آیات عظام: آقا میرزا صادق تبریزی و آقا شیخ فیاض زنجانی هم بحث بود و پس از مدتی با دریافت درجه اجتهاد و تبحّر در علوم فقه، اصول و حدیث به زادگاه خویش بازگشت تا از توانایی‌های علمی و اندوخته‌های فکری خویش برای ارشاد و هدایت هموطنان استفاده کند. قبل از اقامت میرزا محمد حجتی، حوزه علمیه‌ای در شهر میانه وجود نداشت و یا با گذشت روزگار از بین رفته بود. این عالم مجاهد به احیای مرکز علوم دینی پرداختسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزامحمد حجتی میانجی به میانه، ابر رحمت بر فراز این شهر پدیدار شد و باران برکت زا، بر آن فرود آورد. او سرود توحید را بازخواند و با تبلیغات وسیع و برنامه‌های ارشادی توان فرسایی مسلمانان این سامان را به مساجد دعوت کرد. به این ترتیب پس از سال‌ها به اقامه نماز جماعت پرداخت، صوت طراوت بخش اذان را در فضای شهر طنین انداز کرد و جمعیتی را که مدت‌ها از مراکز عبادی فاصله گرفته بودند، در مساجد مجتمع ساخت و سرانجام آن جا را به گلستانی معطر تبدیل کرد.شاگردان : از شاگردان میرزا محمدحجتی میانجی می توان به موارد زیر اشاره کرد: – ۱آیت الله حاج میرزا حسن انصاری – ۲آیت الله حاج شیخ هادی نیّری – ۳آیت الله حاج شیخ نصرت الله بناروانی میانجی آرا و گرایشهای خاص : میرزا محمدحجتی میانجی زندگی بسیار ساده‌ای داشت و بر خلاف شهرت اجتماعی و علمی، اهل قناعت بود. در استفاده از وجوهات شرعی، دقت بسیاری می‌کرد و اجازه نمی‌داد خانواده‌اش از سهم مبارک امام زمان(ع)استفاده کند.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

خجندی اصفهانی، صاین الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صاین الدین خجندی اصفهانی مشهورترین شخص آل خجند بود . صاین الدین از عرفا و دانشمندان مشهور قرون ۸و۹هجری قمری به شمارمی آید . یو نواده صدرالدین ترکه خجندی است وتقریبا دردهه پنج ازسده ۸هجری قمری در شهر اصفهان می زیست .گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : صاین الدین خجندی از خاندان آل خجند بود. آل خجند درقرن پنجم هجری قمری درخاک ایران تعلیم معارف کردند تاریخ اصفهان گواه این است که چه قدر این خاندان درکارسیاست و دولتداری دور اندیش و باریک بین بودند ونیز ماهر درسیاست و حکمت وعرفان ،حامی فضل ودانش پاسدار زراعت و امارت

بودنـد . همچنین خصـلت های نجیب آل خجنـد باعث شـده است . که آنها دررونق حمایت میهن دوم خویش یعنی اصـفهان جد و جهـد تمام به خرج داده وبا اعمال فضـیلت دوستی و سیاست رعیت پروری نام نیک خودرا در تاریـخ ایران جاودانه کردنـد .اوضاع اجتماعی و شـرایط زندگی : صاین الدین خجندی و خانواده اش به «ترکه » نیز معروف بودند . صاین الدین دراین باره آورده اسـت «حـال آنست که قوم این فقیر درعراق به علم وتقوا ممتـاز بودنـد . وی به گوشه نشـینی و ملاح مخصوص چون امیر بزرگ .... سایه چتر تسـخیر بـدان دیار انـداخت . وجوه اعیان آن را فرمود کوچانیدن برادر انم درحیات بودند ،ایشان رابه تربیت مخصوص گردانید به واسـطه قـدمت نسبی که معلوم فرموده بودنـد که اجـداد بندگان از خجند بوده اند و لقب ترکه از آنجاست .تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : صاین الدین خجندی سالیان دراز نزد برادرش خواجه نصیر الدین محمد ترکه خجندی اصفهانی ،درس خوانده و دررشته های مختلفی همانند فقه ،علوم غریبه ،حروف ، تصوف ، فلسـفه و منطق مهارت خوبی پیدا کرده است .وقایع میانسالی : یکی ازوقایع مهم دوران میانسـالی صـاین الـدین خجنـدی، فتـح اصـفهانی توسط سپاهیان امیر تیمور گورکانی است . دراین بین صاین الـدین به همراه برادر انش به عنوان غنایم به شهر سمر قند آورده شده اند و زندگی تاز ه ای را از سرگرفتند .زمان و علت فوت : صاین الدین خجندی درسال ۸۳۵ هجری قمری درهرات فو ت کرد . هر چند ک سالهای ۸۳۰ و ۸۳۶ ازنیز درمورد وفات او آورده اندلیکن ۸۳۵ دقیقتر می نماید .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : صاین الدین خجندی درسال ۸۰۹ هجری قمری توسط شاهرخ گورکانی به عنوان قاضـی یزد برگزیـده شـد . صاین الـدین خجندی مدتی هم برمسـند قضای شهرنشـینی بور نشسـته است .فعالیتهای آموزشـی : صاین الدین خجندی درزمینه تصوف ، عرفان ، فقه ،کلام ،اخلاق ،منطق ،حروف ،شـعر و ادب تالیفات گرانبهایی به میراث گذاشته است . برخی از محققان که آثار فلسـفی صاین الـدین را معرفی و تا حدودی بررسـی کرده اند او را به عنوان « اسپینوزای ایران » گفته اند . در حقیقت افکار فلسـفی و عرفانی صاین الدین درمقایسه با همزمانان خود در سـطح بالایی قرار دارد و شایسـته سـتایش است .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شعر وشاعری از جمله فعالیتها وبرنامه ریزی های روزمره صاین الدین خجندی بود . غزل صاین الدین خجنـدی از اندیشه های بلند عرفانی برخوردار است و لطافت شـعرو موسـیقی آن هم کم نیست .همفکران فرد : قاضـی زاده رومی ، شرف الـدین علی یزدی ، سـید شـریف حسـین اخلاطی و علاء الـدین گیلانی از جمله همفکران صاین الـدین خجندی بودند .آرا و گرایشـهای خاص : صاین الـدین خجنـدی سبک و سـلوک نگارش بسـیار جـذابی داشت . صاین الدین درنوشـتن مطالب عرفانی و فلسفی موفق بوده و درگفتن شعر فارسی و عربی نیز هنر نمایی کرده است .آثار : ۱ نفثه المصدور اول ویژگی اثر : صاین الدین این کتاب را تقریبا ۸۲۹ هجری قمری ، خطاب به پادشاه گورکانی نوشته است .

منابع زندگینامه :بایمت اف ، لقمان ،درباره احوال و آثار صاین الدین خجندی ،کیهان فرهنگی ، سال هیجدهم ،شـهریورماه ۱۳۸۰ ، پیاپی ۱۷۹ ، صص۴۸-۴۹

خزاز قمی، علی بن محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از دانشوران فرزانه و محدّثان و فقیهان قم، علیّ بن محمد خزّاز قمی است. این دانشمند نامدار، در حدود نیمه دوّم سده چهارم و اوائل سـده پنجم هجری می‌زیست. به هنگام تولّـد، نامش را علی نهادند. تاریخ دقیق طلوع این سـتاره تابناک شـیعه، در هاله‌ای از ابهـام قرار دارد.امّا با نظر به دوران حیات استادان وی، هماننـد شـیخ صـدوق متوفای ۳۸۱ قمری، و ابن عیّاش جـوهری متوفی ۴۰۱ قمری و ابوالمفضّل شیبانی متوفای ۳۸۷ قمری، می‌توان گفت که این محـدّث فرزانه، تقریباً در نیمه دوم سده چهارم هجری قمری پا

بـه عرصه وجـود نهـاده است.گروه : علـوم انسـانی رشـته : الهیـات و معـارف اسـلامی اوضـاع اجتمـاعی و شـرایط زنـدگی : یکی از محکمـترین باورهـای شـیعه، در مبحث امـامت و رهـبری معصـومین، بعـد از رحلت رسول اکرم (ص) این انـدیشه ژرف است که از جانب رسول اکرم (ص)، حضـرت امیرالمؤمنین (ع) و یازده فرزنـد او، به عنوان رهبران و امامان امّت تعیین شدنـد. پیامبر اکرم (ص) در مکه و مدینه، به دسـتور خداوند متعال، بارها و بارها مسئله جانشـینی علی و فرزندان او را با امّت مطرح فرمود، به ویژه در حادثه شکوهمنـد غـدیرخم، که رسـماً در حضـور جمعیّت انبـوهی علی را به عنـوان خلیفه و امـام بعـد از خود به مردم معرفی کرد ؛ ولی با کمال تأسف این توصیه‌ها و دستورات رسول اکرم، نه تنها مقبول کوردلان ریاست طلب و تشنگان قدرت قرار نگرفت، بلکه آنها به خانـدان علی (ع) نیز پشت کردنـد و زمام خلافت را به نا اهلان سپردنـد. با گـذشت زمان آن دلائل روشـنی را که شـیعه بر حقانیت رهبری حضـرت علی (ع) مطرح می‌کرد، مورد بی مهری قرار دادند.یکی از گروه‌های اهل سنّت بنام معتزله ضـمن اینکه به ظاهر بر این بـاور است که: حضـرت علی (ع) از تمـام صـحابه پیـامبر (ص) بـا فضـیلت‌تر است، فضـل هیـچ یک از آنها به پایه شأن و منزلت حضـرت علی (ع) نمی‌رسـد ؛ اما دلائل و نصوصـی که از رسول‌اللّه (ص) بر خلافت علی (ع) نقل شـده بود را نیز پذیرفت و آنها را تفسیر و توجیه کرد که معنای این نصوص این نیست که خلافت و امامت جامعه اسلامی بعد از رسول‌اکرم (ص) مختص علی (ع) و حق مسلم اوست ؛ بلکه به این معنا است که علی بن ابی‌طالب از دیگران برای بر عهده گرفتن رهبری جامعه، شایسته‌تر است .اینان با طرح مسـئله «افضـل و مفضول» گفتنـد: آری ما هم قبول داریم علی (ع) افضل و بهتر از تمام صـحابی است؛ ولی برای مصـلحتی غیر افضـل - ابوبکر - رهبری را به دست گرفت.طرح این مسائـل از یـک سو و از سوی دیگر چون حکومت‌ها در دست مخالفین شـیعه بود، و آنان تبلیغات گسترده‌ای را علیه باورهای شیعه راه انداخته بودند. های و هوی تبلیغات آنها به حدّی شد که جمعی از معتقدان به امامت را که اطلاع درستی از تاریخ اسـلام نداشـتند، دچار لغزش کرد.در این موقعیّت خزّازقمی به عنوان یک عالم روشن ضمیر، متعهّد و پاسدار مرز عقاید شـیعه، دست به سلاح قلم زد و با تألیف کفایهٔ الاثر از باورهای شیعه به دفاع برخاست او در این کتاب به نقـل از جمع زیـادی از صـحابه رسول اللّه، حقـانیت حضـرت علی و امامـان بعـد از او را به زیبـایی اثبـات کرد، و راه را بر توجیه و تفسـیرهای خود خواهانه ارباب اعتزال فرو بست.او با این کتاب جلو انحرافات و شـبهات مخالفین را سدّ کرد.استادان و مربیان : علی بن محمّـد خرازقمی، توفیق زیسـتن در روزگـاری را داشت که در جـای جـای جهـان اسـلام، دانشوران برجسـته‌ای را در دامن خود پرورده بود، و پایه‌های دین به وجود آنان ثبات و اسـتقرار می‌یافت. عطش حکمت و دانش، دل و جان این بزرگوار را گداخته بود، و او برای این که جان خویش را از جام آن زلال معرفت سـیراب کنـد، در نزد اسـتادان برجسـته حدیث و فقه حاضـر شد و از خرمن انبوه دانش آنان توشه‌ها برگرفت. آن طور که از بررسـی اثر گرانسـنگ او به دست می‌آید، وی از استادان زیادی کسب فیض کرده است. در اینجا به شاخص‌ترین و برجسته‌ترین اساتید ایشان اشاره می‌کنیم.۱ - مشهورترین استادش، محمّد بن علی بن بابویه قمی، ۲ - محمّـد بن عبداللّه، معروف به ابوالمفضّل شیبانی،۳ - احمـد بن محمـد بن حسن جوهری، مشـهور به «ابن عیّاش» ،۴ - محمـد بن وهبان بصری،۵ - حسین بن محمد بن سعید خزاعی،۶ - علی بن حسین بن مندهزمان و علت فوت : علی بن محمّد خزّاز قمی بعد از تلاش مستمر، در راه استوار ساختن باورهای عمیق ولایتی خویش، و به جای نهادن میراث مکتوبی ارزشمند، در نهایت جان به پیک جان آفرین پاک تسلیم کرد و به دیار اولیاء دین بال در کشید.سال رحلت این شخصیّت سترگ، اطلاع دقیقی در دست نیست. شاید بتوان حـدس زد که این بزرگوار در نیمه اول سـده پنجم هجری قمری چشم از جهان فرو بسته باشـد،مبنای این سـخن این است که استاد او، ابن عیاش جوهری در سال ۴۰۱ قمری از دنیـا رفت. و نیز علامـه تهرانی در اثر ارزشـمند خویش، خزّاز قمی را از بزرگـان سـده پنجم قمری بشـمار آورده است، به لحـاظ اینکه وی بیشتر حیـات علمی خود را در این سـده سپری کرد. او در شـهر ری وفات یافت و شاید هم در همین شـهر سر بر بالین خاک نهاده باشد.شاگردان : با این که علی بن محمد خزاز قمی از نخبگان عالمان شیعه است، و طبعـاً بایـد گروه زیـادی از سرچشـمه دانش او بهره برده باشـند ؛ ولی در کتاب‌هـای تراجم تنهـا به نـام انـدکی از شاگردان

حدیثی وی اشاره شده است: ابوالبرکات علی بن حسین جوزی ؛ محمد بن حسین بن سعید قمی که در شهر بغداد می‌زیست؛ و محمد بن ابی الحسن بن عبدالصمد القمی.آثار : ۱ الاحکام الشرعیهٔ علی مذهب الامامیهٔ ویژگی اثر : در مسائل فقهی.گویا این کتاب نیز همانند الایضاح - همچون بسیاری از کتاب‌های دیگری که عالمان شیعه تألیف کردند - در کشاکش مبارزات سیاسی علیه مذهب اهل‌بیت (ع) از بین رفته است و اثری از آنها در دست نیست.۲ الایضاح فی اصول الدی ویژگی اثر : البته امروزه ما، از سرنوشت این کتاب اطلاعی در دست نداریم.در دانش استدلالی حکام۳ کفایهٔ الاثر فی النص علی ائمهٔ الاثنی عشر ویژگی اثر : کتاب کفایهٔ الاثر از او، کتابی است که مانند آن در زمینه امامت تألیف نشده، و این اثر بهترین نشانه برفضل و کمال و وثاقت و دیانت مؤلف اوست.این اثر از بهترین و مهمترین تألیفات خزاز قمی است، کتابی که به مدرك و مأخذ عمده دو کتاب معروف شیعه تبدیل شده است:بحارالانوار و وسائل الشیعه .(۲۹) پیش از این سخن علامه مجلسی را در این باره آوردیم که: «همانند این کتاب درزمینه امامت تا کنون تألیف نشده است.»(۳۰)وی در این کتاب تلاش می‌کند تا با دلائل روشن و غیر قابل انکار حقانیت امامت امامان شیعه از بعد از رحلت رسول اکرم (ص) را اثبات کند و البته در این هدف والای خویش نیز نردبان توفیق را تا اوج پیموده است. او در مطلع کتابش، راز و رمز این تلاش مقّدس را چنین می‌نگارد: آنچه انگیزه شد تا من در جهت نوشتن این کتاب گام بردارم، این بود که مشاهده کردم گروهی از عوامّ بلکه خواصّ شیعه، در مسئله نصّ و دلیل قطعی بر امامت امامان معصوم، دچار نوعی تحیّرند و شبهه افکنی‌های گروه معتزله از اهل سنّت، آنها را سر در گم کرده است و کار به جائی رسیده که بعضی از علاقه‌مندان به خاندان پیامبر اکرم (ص) می‌گویند از صحابه پیامبر، و حتی از خود امامان (ع) نیز دلیلی بر این باور شیعه نداریم. چون چنین انحراف و کتمان حقیقت را دیدیم، دامن همت به کمر بستم تا حقایق را روشن و شك و شبهه مخالفین را بر طرف کنم. این اقدام را فقط برای خشنودی پروردگار عالم و تقرّب به رسول‌اللّه (ص) و امامان (ع) انجام دادم.در مبحث مهم رهبری معصوم (ع) در جامعه دینی.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k - /www.hawzah.net

خوانساری، محمدهاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا محمدهاشم فرزند حاج میرزا زین العابدین (سبط میر کبیر و سید خوانساری) یکی از اساتید علما و مراجع بزرگ شیعیان در شهر اصفهان بود. معظم له اخوی صاحب روضات الجنات و داماد سید صدر الدین اصفهانی بود که در ردیف مراجع بزرگ اوایل قرن چهاردهم قرار گرفت.

میرزای مذکور با میرزای آشتیانی، میرزای شیرازی، میرزای رشتی، آخوند خراسانی و سیدالحکمای تبریزی معاصر بود. این بزرگواران پس از فوت استادشان شیخ انصاری رحمهٔ الله علیه به ترتیب در رأس حوزه های اصفهان، تهران، سامرا، نجف اشرف و آذربایجان در خدمت به اسلام و مسلمین و تدریس و تربیت علما مشغول بودند.

میرزا محمد هاشم در سال ۱۲۳۵ در شهر خوانسار متولد شد و به دوران کودکی به اتفاق خانواده عازم اصفهان گردید. در بدو امر از شاگردان برادر حاج میرزا محمد باقر و پدر بزرگوارش بود، سپس چند سال از محضر سید صدر الدین عاملی (پدر زنش) و مرحوم سید حسن مدرس بهره مند بود و خود در حوزه اصفهان قریب الاجتهاد بود که چند سالی نیز در نجف اشرف از کرسی

درس شیخ انصاری رحمهٔ الله علیه و دیگر اعلام بزرگ به درجه استادی و مقام اجتهاد نائل آمد و از اعلام بزرگ عتبات و اصفهان به اخذ اجازه روایت و نیل به درجه اجتهاد موفق گردید.

مرحوم حاج میرزا محمدهاشم بیشتر سنوات عمر او در اصفهان سپری شد. حدود پنجاه سال در اصفهان به تدریس خارج فقه و اصول (و علم حدیث و رجال و کلام و تفسیر) مبادرت می نمود. و آیات و اعلامی از قبیل: شیخ هادی تهرانی، سید محمد کاظم یزدی، آقا شریعت اصفهانی، سید ابو تراب خوانساری و... از کرسی درس او در اصفهان بهره مند گردیده به درجه علمی و استادی رسیدند.

حاج میرزا محمدهاشم به صاحب مبانی الاصول شهرت دارد. این کتاب در اصول فقه است. از آثار دیگر او: منظومه در فقه و اصول، مقالات لطیفیه، جواهر العلوم، اصول آل رسول، میزان انساب، چهل حدیث، رساله در فضیلت نماز اول وقت و رسائلی در صوم و صلوهٔ مناسک حج و حرمت ذبح اهل کتاب است. سید خوانساری مذکور کتاب دره سید بحرالعلوم و کتاب ریاض المسائل سید علی طباطبائی را شرح و حاشیه نمود که از این آثار او احاطه به دانش های او مشهود است. سرانجام در هفده رمضان سال ۱۳۱۸ وفات کرد و به کنار خیر الاوصیاء مدفون شد.

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com/

رافعی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : ادیان و عرفان اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : علی رافعی در خانواده ای معتقد و مسلمان دیده به جهان گشود .تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی رافعی از سنین نوجوانی کشش درونی عجیبی نسبت به عرفان داشت و همین امر باعث شد که دردبیرستان علوی ، تحت تعلیمات معنوی و عرفانی فرا گیرد . در این مسیر او از آموزش عالی بزرگان دیگری نیز بهره برده است . وی درسال ۱۳۵۷ شمسی به دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران وارد شد و تامرحله فوق لیسانس (کارشناسی ارشد)به تحصیل خود در این دانشکده ادامه داد.فعالیتهای ضمن تحصیل : فعالیتهای ضمن تحصیل علی رافعی را می توان فراگیری تعلیمات معنوی و عرفانی دانست . او همزمان با تحصیل درمدرسه ،از آموزش بزرگان دینی نیز بهره می برده است .استادان و مربیان : علی رافعی دردوران دبیرستان علوی ،از استاد علی مدرسی تعلیمات معنوی و عرفانی را آموخت . او همچنین از آموزش های همزمان علامه جعفری و استاد عبد الکریم روشن بهره برده است .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی رافعی ،مدرس دانشگاه است . او مشاغل و مسئولیت های گوناگونی از جمله تدریس در دانشگاه های تهران و همچنین مراکزو مومسسات دیگر دارد .وی همچنین به عنوان مولف نیز مشاغلی برای خود ایجاد کرده است .فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی علی رافعی را می توان در فعالیت وی دردانشگاه های گوناگون ،همانند دانشگاه آزاد اسلامی ، دانشگاه الزهرا و دانشگاه مذاهب اسلامی خلاصه کرد .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی رافعی معتقد است که راه عرفان ، راه تربیت است و این تربیت به یک معنا ،زیاد آموختنی نیست ،بلکه انسان باید مربی داشته باشد یعنی کسی که برای شاگرد الگو باشد . این ملازمت و توجه به مربی ، آنچنان تاثیری دارد که به تدریج افراد به آیینه افکار و اندیشه های استادشان تبدیل می شوند چنانکه صدرالدین قونوی آنقدر ملازم ابن عربی بود که دست آخر داماد او شد و درعین حال ،بهترین شارح نظریات این عربی هم اوست .آرا و گرایشهای خاص : علی رافعی درتبیین عشق وعرفان معتقد است که عشق الهی آموختنی نیست . او بر این باور است که عشق

الهی یک طرفش انتخاب خداونـد است . خداوند باید فردی را برای خودش ،برای بیان اسـرار و ورموز خودش انتخاب نماید . چون که قرن ها بایـد که تا صاحبـدلی پیـدا شود «بوسـعید انـدر خراسان یااویس قرن »آثار : ادیان ابتدایی ، ادیان هند، تکاپوی اندیشه ها ویژگی اثر : این کتاب دوجلد بوده و درباره علامه جعفری می باشد .۴ یهودو مسیحیت

منابع زندگینامه :مقام عشق و عرفان ،یادنامه جناب شـیخ رجبعلی خیاط نکوگویان درگفت و گو با استاد علی رافعی ،ماهنامه کیهان فرهنگی ،سال بیستم ،شهریور ۱۳۸۲ ، پیاپی ۲۰۳ ، ص۲۵

روشن، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبـد الکریم روشن ،مجتهد و فیلسوف و متفکر ایران بود . او شاگردان بسیاری را تربیت کرد. روشن از زمره افراد نادری بود ند که برای دریافت های ذوقی ،اسـتدلال فلسـفی قرآنی و روایی می کردند . او برفلسـفه مسـلط بود . بدان جهت بحث خودرا مستدل بیان می کرد .گروه : علوم انسانی رشـته : الهیات و معارف اسـلامی تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : عبـد الکریم روشن دوره ابتـدایی را درمـدرسه دانش درنزدیکی محله آب منگـل تهران سپری کرد و بعـد به تحصـیلات حـوزوی روی آورد و ادبیـات ، فقه و اصـول ، قواعـد الاحکـام ،علوم عقلی ، فلسـفه ،عرفـان را فرا گرفت . او در سن ۲۸ سـالگی به درجه اجتهاد نائل آمـد.اسـتادان و مربیان : عبد الکریم روشن ادبیات را در محضـر حاج شیخ محمد لواسانی فرا گرفت و درس قواعد الاحکام را نزد ذوالمجدین آموخت . درعلوم عقلی از شـاگردان آقـا میرزا مهـدی آشتیـانی وآقـا میرزا طـاهر تنکابنی بوده و در فلسـفه و عرفان ،شاگرد آنها میرزا ابراهیم امامزاده زیـدی وآقـا میرزا محمـد علی شـاه آبـادی و آقـا شـیخ محمـد تقی آملی بود. امـا درآن بین بـا قم میرزا طـاهر تنکابنی ارتباط باطنی بسیاری داشت . او درمحضر ایت الله شاه آبادی را نیز شاگردی نموده، و در سن ۲۸ سالگی با کسب فیض ازمحضر آیت الله مرعشی نجفی، به درجه اجتهـاد نایـل آمـد .زمان و علت فوت : عبـد الکریم روشن ، صـبح روز جمعه سوم مهر ماه ۱۳۷۱ شمسی دارفانی را وداع گفت .مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : کار اصـلی عبـد الکریم روشن،حسابـداری بود که دربازار و غیر بازار حسابداری می کرد .فعالیتهـای آموزشـی : عبـد الکریم روشن از سال ۱۳۶۰ شمسـی با دانشـکده الهیات ومعارف اسـلامی دانشگاه تهران همکاری داشت . وی درزمینه عرفان وفلسـفه تدریس می کرد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : بیشترین چیزی که عبد الکریم روشن بر آن تاکیـد داشـتند تفکر ،شب زنده داری ،عاشق بودن و تعلق به چیزی نداشـتن دراین عالم بود . او می فرمودند که درخت تقوی زمانی بار میده که ریشه درعشق الهی داشـته باشد و به همین دلیل به مساله عشق خیلی تاکید داشتند .شاگردان : یکی از شاگردان معروف عبـد الکریم روشن اسـتاد علی رافعی ، مـدرس دانشـگاه های تهران است .همفکران فرد : یکی از همفکران عبد الکریم روشن ،امام (ره) بود بر پـا کردنـد . همفکران دیگر روشن ، مهـدی حائری یزدی و علامه جعفری بودنـد که به او ارادت بسـیاری داشـتند .آرا و گرایشـهای خـاص : شـیوه و سـلوک آموزش عبـد الکریم روشن به صورت سـخنرانی بود . او معتقـد بود که قـدما اصول و اساس و حقـایق مطـالب عرفـانی را گفته انـد و شـرط اول شاگردی این است که آن اصول را خوب یاد بگیریم . ایشان دیوان حافظ را حفظ بودند وبعد از هر بحث عمیق قرآنی ، غزلی از حافظ را می خواندند .آنچه را که به عنوان ابداعات وویژگی های عبد الکریم روشن می توان عنوان کرد، تقوای توام با تفکر و انـدیشه درآیات قران وروایات معصومین بو د . او می گفت: «مطالبی را که من می گویم ،در هیـچ کتابی نمی یابیـد . اصل مطلب آن ارتباطی بودکه ایشان بین آیات وروایات برقرار می کردند و بعد ، آن حقایقی که ازدل

این آیات و احادیث بیرون می کشید ،این چیزی بودکه مختص جناب روشن بود .چگونگی عرضه آثار : عبد الکریم روشن به هیچ وجه اهل تالیف کتاب نبود ولی آثار وی صورت هزار کاست موجود است .

منابع زندگینامه :مقام عشق وعرفان ، یادنامه جناب شیخ رجبعلی نکوگویان درگفت و گو با استاد علی رافعی ،ماهنامه کیهان فرهنگی ، سال بیستم ، شهریور ۱۳۸۲ ، پیاپی ۲۰۳

زاهدی، ملامحمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا ملا محمود زاهدی از وعاظ برجسته و توانمند قم بود.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی همسر و فرزندان : محمود زاهدی (ره) پنج پسر داشت. سه نفر از آنها که اهل علم و روحانی بودند، عبارتند از:- ۱آقا حسین زاهدی؛ که دانشمندی خوش حافظه و قریب الاجتهاد بود و در جوانی دار دنیا را وداع گفت. مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری که از استادانش بود، در تشییع جنازه او گریه می‌کرد. سرانجام جنازه وی را در قبرستان شیخان، نزدیک مرقد مطهّر زکریا بن آدم و در ناحیه شرقی آن، به خاک سپردند.- ۲آقا مصطفی زاهدی(ره)؛ به زبان فرانسه تسلط کامل داشت.- ۳حضرت آیت الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی که شرح زندگی اش را در این مقاله می‌خوانیم. او وصیت کرد که پیکرش را در قبر برادرش آقا حسین دفن کنند و به این وصیت عمل شدوقایع میانسالی : محمود زاهدی در این باره خود می‌گوید: «در کتابخانه‌ام، بی خبر نشسته بودم که خبر آوردند، مردم شما را برای نمایندگی و وکالت مجلس شورا برگزیده‌اند.» او با اجازه مراجع تقلید آن عصر، روانه مجلس شد و در دفاع از حق، عدالت و حریم تشیّع علوی به خوبی از عهده این مسؤولیّت مهم برآمده؛ ولی به خاطر دفاع از حق، استعفا داد و مجلس را ترک کرد.زمان و علت فوت : محمود زاهدی سرانجام در ۸۷سالگی، در سال ۱۳۵۱ه. ق هنگامی که فرزندش آیت الله میرزا ابوالفضل زاهدی حدود ۴۱سال داشت، رخت از جهان بربست. مردم به صورتی کم نظیر، جنازه‌اش را به حرم مطهّر حضرت معصومه(س)آوردند و پس از طواف، در صحن عتیق، مقابل بقعه محمد شاه به خاک سپردند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسن سلوک و مقبولیّت عمومی ملامحمود موجب شد قمی‌ها او را به عنوان نماینده شان در مجلس شورای ملی در دوره دوم مشروطیّت، برگزیدند و جالب اینکه وی از این امر خبر نداشت و مردم به طور خودجوش، متوجّه او شدند و چنین تصمیم گرفتند که محمود زاهدی را که - بیان شیوا و رسا در دفاع از حق و عدالت داشت و درد آشنا و دلسوز مردم بود. - به مجلس بفرستند. وی در یک قسمت از مسجد امام، اقامه نماز جماعت می‌کرد و مرحوم آیت الله العظمی شیخ ابوالقاسم قمی(ره) در قسمت دیگر نماز می‌خواند. یک روز پس از نماز ظهر، دید مردم در نماز جماعت او بیشتر از مأمومین آیت الله شیخ ابوالقاسم قمی(ره) شرکت کرده‌اند، برخاست و به مردم گفت: «به من اقتدا نکنید، به آیت الله العظمی حاج شیخ ابوالقاسم قمی اقتدا کنید.» آنگاه صحنه را برای توجه بیشتر به مقام مرجعیت و تقوای آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم قمی، ترک کرد. به این ترتیب با نفس خود مبارزه کرد و تجلیل از عالم ربّانی زمان آیت الله العظمی شیخ ابوالقاسم قمی را آشکار ساخت.در زمان ناصرالدین شاه بین ظلّ السلطان، حاکم اصفهان و آیت الله آقا نجفی، مرجع تقلید آن عصر که در اصفهان می‌زیست، رابطه خوبی برقرار نبود. آیت الله حاج ملّا محمود، (پدر آیت الله العظمی حاج میرزا ابوالفضل زاهدی) به اصفهان رفت و با سخنرانی‌ها و ظرافت‌های خاصی، کار را به جایی رساند که در خانه ظلّ السلطان برای آیت الله آقا نجفی(ره) دعا کرد و همین امر برای واعظان دیگر نیز سنّت شد و موجبات افزایش قدرت و شوکت آیت الله آقای نجفی و تضعیف دستگاه ظلّ السلطان را فراهم ساخت.فعالیتهای آموزشی : محمود زاهدی ، مجتهد بود،

مجتهدی که منبر می‌رفت با وعظ و خطابه پرمحتوا و شیوا، عام و خاص را بهره‌مند می‌کرد. علمی صحبت می‌کرد. از ویژگی‌های او در منبر، «شجاعت خوانی» بود. او با این شیوه، شجاعت خاندان رسالت، از جمله امام حسین(ع)و حضرت عباس(ع)و امام سجّاد(ع)را بازگو می‌کرد و مردم سییل آسا به پای منبر او می‌آمدند تا شجاعت خاندان رسالت را از زبان او بشنوند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علت منبری شدن محمود زاهدی ، این بود که در آن عصر در مجلسی که علما و مراجع قم حاضر بودند، یک روز منبری نیامده بود؛ از ایشان می‌خواهند که به منبر برود. وقتی تسلّط ایشان را بر مباحث و مطالب دینی با استدلال و تمسّک به آیات و روایات مشاهده کردند، برای جلوگیری از رونق کار افراد ضعیف و کم اطلاع، ایشان را تشویق کردند تا در مکان‌های حساس و پر جمعیت به منبر برود، به این ترتیب او واعظ معروف شهر شد.آرا و گرایشهای خاص : محمود زاهدی ، از وعاظ و شخصیتهای برجسته و توانمند قم بود و همه مردم، خاص و عام، از گفتار متین و پرمحتوایش استفاده می‌کردند. او به ویژه از ذوقی سلیم و طبعی سرشار از استعداد و خلّاقیت برخوردار بود. و قصاید و اشعار پرمحتوا و روانی در مدح و سوگ خاندان رسالت می‌سرود. آیت الله حاج ملّا محمود، مردی غیور، ملّا و صاحب نفوذ بود. سخن درباره حافظه، استعداد، اطلاعات وسیع در علوم مختلف، توانمندی و کفایت در امور اجتماعی و سیاسی ایشان بسیار استچگونگی عرضه آثار : محمود زاهدی چهار جلد کتاب در مواعظ و مطالب سودمند بر جای ماند که با شیوه‌ای زیبا، متنی روان، سلیقه‌ای خوب و نتیجه‌گیری‌های ارزشمند، تدوین شده است. همچنین در اواخر عمر، کتابی در فضیلت صلوات تألیف کرد.آیت الله آقای حاج ملّا محمود(ره) ادیب زبردست بود و در سرودن شعرهای متین و پرمحتوا تسلّط فراوان داشت. وقتی به مکه رفت، وضع ایرانیان را در جدّه، نامناسب دید، ضعف و ناتوانی سفیر ایران در جده را مشاهده کرد. لذا به انتقاد از او پرداخت. زمانی که به ایران بازگشت، قصیده‌ای غرّا پیرامون سفرش به حج، نامناسب بودن وضع ایرانیان در جده و انتقاد از سفیر ایران، سرود. این قصیده بین مردم گسترش یافت و سرانجام به گوش ناصرالدین شاه رسید. شاه از انتقاد به سفیر خود ناراحت شد و از ایشان خواست تا اشعارش را منتشر نکند

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم./ بخش زندگینامه علماwww.hawzah.net

زنجانی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ابراهیم زنجانی (۱۳۴۷ـ ۱۲۷۳ه.ق/ ۱۳۰۷ – ۱۲۳۵ه.ش) از رجال صدر مشروطیت ایران در دوره های اول، سوم و چهارم مجلس شورای ملی نماینده مردم زنجان بود. شهرت وی علاوه بر مقام علمی او ، از آن جهت است که در دادگاه محاکمه شیخ فضل الله نوری، دادستان محاکمه بود. وی در عتبات عالیات، تحصیلات حوزوی نموده بود. و از بنیانگذاران مدرسه به روش جدیددر آن دربار بوده است. توضیح مرام دموکرات، رساله فارسی در اوضاع ایران، سیاحت بولهوم و ....از آثار اوست.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : فقه والدین و انساب : شیخ ابراهیم زنجانی فرزند مردی به نام آقا هادی سرخ دیزجی بود.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شیخ ابراهیم زنجانی در ۱۲۷۳ه.ق/ ۱۲۳۵ه.ش درقریه شرخه دیزج از توابع زنجان به دنیاآمد. خانواده وی در روستایی و کشاورز بودند. اما آذربایجان که امواج تجدد را از طریق عثمانی و ارمنستان (قفقاز) دریافت کرد، درزمینه علمی نهضتی و از نظر بینش جرقه هایی در خود احساس می کرد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ ابراهیم زنجانی پس از طی تحصیلات مقدماتی در دیزج و زنجان، عازم عتبات عالیات شدو در محضر مجتهدان برجسته، از جمله آخورز ملا کاظم خراسانی به تکمیل علوم پرداخت. وی به زبان ترکی استانبولی مسلط بود و ترجمه هایی در این زمینه دارد.خاطرات و وقایع تحصیل

: از وقایع مهم دوران تحصیل شیخ ابراهیم زنجانی ، سفر وی به عتبات عالیات و بهره گیری از محضر شیخ ملا کاظم خراسانی بود.فعالیتهای ضمن تحصیل : سفر به عتبات عالیات برای تکمیل علوم خود، و نیز سرودن شعر از فعالیتهای شیخ ابراهیم زنجانی در روزگار تحصیل وی بوده است.استادان و مربیان : آخوند ملا کاظم خراسانی و دیگر مجتهدان بزرگ عصر مشروطه از استادان شیخ ابراهیم زنجانی درعتبات عالیات بوده انـد.وقایع میانسالی : شیخ ابراهیم زنجانی پس از تکمیل تحصیلات خود در عتبات عالیات به زادگاه خود زنجان بازگشت و در صف مشروطه خواهان قرار گرفت و علاوه بر نمایندگی در مجلس شورای ملی، در دادگاه محاکمه شیخ فضل الله نوری دادستان بود.زمان و علت فوت : شیخ ابراهیم زنجانی در ۱۳۴۷ه.ق/۱۳۰۷ه.ش در گذشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شیخ ابراهیم زنجانی از رجال صدر مشروطیت ایران و دردوره های اول، سوم و چهارم نماینده مردم زنجان در مجلس شورای ملی بود. وی در دادگاه محاکمه شیخ فضل الله نوری دادستان محاکمه بوده است.فعالیتهای آموزشی : در منابع نامی از شاگردان شیخ ابراهیم زنجانی نیامده است اما می دانیم که آثار وی درباره سیاست واجتماعیات عصر مشروطه از منابع مورد رجوع مردم درگذشته و منابع تاریخی شایان توجه امروز جهت محققین تاریخ مشروطیت در ایران است.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : شیخ ابراهیم زنجانی از بنیانگذاران مدرسه به سبک جدید غربی در زنجان بوده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیخ ابراهیم زنجانی در کنار اشتغال به امور سیاسی، به سرودن شعر نیز می پرداخت و «شفائی» تخلص می نمود.آرا و گرایشهای خاص : شیخ ابراهیم زنجانی از روحانیون مشروطه خواه بود و تا پایان عمر به مشروطه وفادار ماند.آثار : ترجمه بینوایان ویکتور هوگو ویژگی اثر : بینوایان رمانی است از ویکتور هوگو نویسنده رمانتیک فرانسوی که در ترکیه به زبان ترکی ترجمه شد و شیخ ابراهیم زنجانی آن را از ترکی به فارسی ترجمه کرد.۲ ترجمه منیه المریه فی آداب المفید و المستفید ویژگی اثر : اصل کتاب منیه المریه به زبان عربی است ، که توسط شهید ثانی تالیف شده بودو شیخ ابراهیم زنجانی آن را به فارسی ترجمه کرده است.۳ تریاق السموم ویژگی اثر : این اثر کتابی است مربوط به سیاست و مسائل اجتماعی ایران در روزگار مشروطه که نظریات شیخ ابراهیم زنجانی را درباره زمانه خود نشان می دهد۴ رساله راه زندگی ، رساله فارسی اوضاع ایران، رویای صادقانه ، سیاحت بولهوم ویژگی اثر : این اثر به زبان فارسی و متضمن دادستانی است که از اوضاع پارلمان ایران گفتگو می کند.

منابع زندگینامه :دکتر ابوالفتح حکیمیان، فهرست مشاهیر ایران، ج ۲، تهران: دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۷، صص۴ـ ۷۳

سبزواری، پیرشمس الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پیر شمس الدین سبزواری درحدود ۵۷۰ هجری قمری درسبزوار متولد شد .پدرش از مبلغین اسماعیلی و گماشته امام قاسم شاه اسماعیل بود .بنابراین پیر شمس از کودکی تحت تعلیمات فلسفی و مذهبی اسماعیلیه قرار گرفت و در سفرهای پدر به بدخشان وتبت همراه وی بود . وی پس از وفات پدر ،از سوی امام اسماعیلی بعنوان «حجت» منصوب شدو برای تبلیغ به سند وهند اعزام گردید. آنجا فعالیت های تبلیغی بسیار وسیعی رادر ایالات وسیع هند و تبت و مناطق دیگر به راه انداخت و بسیاری از مردم را به مذهب اسماعیلی در آورد. اصلی ترین عامل موفقیت پیر شمس الدین گرایش های صوفیانه و اشعار هندی وی بود که مردم را به خود جذب می کرد. او در سال ۷۵۷ هجری قمری درگذشت و فرزندانش راه وی را ادامه دادند.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : صلاح الدین پیر شمس الدین سبزواری گماشته امام قاسم شاه (امام اسماعیلی در هند)بود .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : صلاح الدین پیر شمس الدین سبزواری گماشته امام قاسم شاه بود و با سلسله مغولان تاج مبارزه می

کرد. یکبـار هم پیر معین الـدین حسن سبزواری اجمیری در سبزوار و در سال ۵۶۰ هجری قمری دیداری باوی کرده بود. تحصـیلات رسمی و حرفه ای : پیر شمس الدین سبزواری از کودکی تعلیمات مذهبی و فلسفی مذهب شیعه اسماعیلی را از پدر خود آموخت و به سـرعت در این علوم به مهارت بسـیاری دست یافت. خاطرات و وقایع تحصیل : پیر شمس الدین سبزواری در ۱۹ سالگی به همراه پدر به بدخشان رفت .ومدتی را در تبت بود و دوباره به سبزوار بازگشت . همسـر و فرزندان : مهمترین باز مانده وی پسـر و جانشین پیر شمس الدین سبزواری ،«نصیر الدین » (۷۶۴-۶۲۵)بود که در پنجاب و اوچ به تبلیغ پرداخت .از نصـیر الدین هفت پسر بنام های پیر صدرالدین ،سید رکن الدین،سید بدرالدین ،سید شمس الدین دوم ،سید نورالدین ،سید غیاث الدین . سید نصیر الدین قلندر شاه باقی ماندنـد وتعلیمات وی را ادامه دادنـد. زمان و علت فوت : پیر شـمس الـدین سبزواری در ۷۵۷در گـذشت و در مولتان به خاک سپرده شـد.برخی مورخین مدت عمر وی را ۱۱۵ سال نوشـته اند. یکی از نوادگان پیر شمس ،که نامی از وی در منابع نیامده است ، مقبره ای را برای او بنا نمود . مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : پیر شـمس الـدین سبزواری پس از وفات پدرش از سوی امام قاسـم شاه بعنوان حجت منصوب شد. و برای تبلیغ از دیلم به سندو هند اعزا م گردید.وی مدتی به سفرهای تبلیغی درباره مذهب اسماعیلی در بـدخشان و تبت پرداخت و درغزنه از سوی شـاهزاده آنجا به بـدخشان به سـفارت رفت .وی درسال ۷۱۵ به کشـمیر رفت و قبایل چـاک و چانگـاد را اسـماعیلی مـذهب نمود ، در سال ۷۲۵ به مولتـان سـفر کردو بسـیاری از پیروان فرقه مومن شـاهی را به مـذ هب اسـماعیلی گرایش داد . پس از آن به تبت. گیلگیت و حـدود هیمالیـا رفت وبه غزنه بـازگشت ،در سال ۷۲۷ به اوچ شریف (مقصد سفارت خود) رسید. امراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : پیر شمس الدین سبزواری در سفرهای دورو دراز خود در هند در هر جا بویژه در پنجاب و کشـمیر مریدانی یافت و برای آنان خانقاهی برای عبادت بنام »خانه «تاسیس نمود. شاگردان : دو تن از مریــدان پیر شــمس الــدین ســبزواری کــه در ســفر وی از اوچ بــه راجســتان همراه وی بودنــد ،ویمراس (vimras)و سوربهان(surrbhan) نـام داشـتند . زنی عارفه بنام جی جی دوی(gigi devi) نیزاز مریـدان وی بود. آثـار : گینـان ویژگی اثر : شامل تعالیم مهمی از تصوف و مذهب اسماعیلی و نماد گرایی است . وی توصیف زیبایی از طبیعت را همراه با فلسفه دینی در آثار خود در آمیخته است . و خدمات بسیاری رانیز به رشد زبان اردو نموده است.۲ منظومه اشعار هندی تحت عنوان گبریس ویژگی اثر : اشـعاری است درباره مذهب اسماعیلی که پیر شمس الدین آن را در گجرات سرود و باخواندن آن با آواز خوش در معبد هندوان بسـیاری از آنان را اسماعیلی مذهب کرد.این منظومه به سبک شعر گجراتی سروده شده و بیانگر فرهنگ مردم گجرات در آن زمان نیز می باشد.

سحاب، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم سحاب در ۲۰ فروردین سال ۱۲۶۶ شمسـی در شهرستان تفرش دیده به جهان گشود. استاد ابوالقاسم سحاب در شهرستان تفرش دیـده به جهان گشود. وی تعلیمات مقـدماتی خود را در مکتبخانه آغاز نمود ، بیش از سه سالی نگـذشت که سـحاب ، علوم عقلی و نقلی را به خوبی آموخت و وارد مدرسه ی آلیانس فرانسه شد. سـپس جهت آموختن زبان های خارجه و ریاضـیات ، شـبانه به مدرسه ی اکابر ، واقع در گذر پاچنار می رفت. او مدتی را هم در مدرسه ی دارالفنون و در کلاس های شـبانه ی آن حاضر شد. سحـاب ، به جهت حسن شـهرت و تـدریس در مـدرسه ی آلیـانس و به سـفارش نصـیرالدوله ، وزیر معارف به مـدیریت مـدرسه ی نهاونـد مأمور شـد. پس از مدتی به پیشـنهاد علی اکبرخان سـروش ، رئیس دخانیات ثلاث (ملایر ، نهاوند و تویسـرکان) ، ریاسـت

معارف و اوقاف آن ایالت برای وی پیشنهاد گردید. سحاب بنا به وظیفه ی اداری در شغل منشی گری محاسبات وزارت معارف وارد گشت. همچنین از سوی آن وزارتخانه به عنوان مسئول تحریر تصدیق نامه های مدارس مأمور شده و در پی آن ، طی حکم دیگری از طرف آن مرکز ، به عضویت در اوقاف درآمد. اندکی بعد ، به موجب حکم دیگری در وزارت معارف داخل می گردد. وی معاونت کتابخانه ملی و مدیریت دفتر دانشسرای عالی تهران را نیز برعهده داشته است. سحاب در روز ۲۱ دی ۱۳۳۵ به سرای باقی شتافت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : محمدزمان و حوا نام پدر و مادر ابوالقاسم سحاب می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : ابوالقاسم سحاب، تعلیمات مقدماتی خود را در مکتبخانه آغاز نمود و علاوه بر آموختن عم جزء ، نصاب الصبیان ، جامع المقدمات و کتب دیگر از مکتب ملاحسین شاهمیری معروف به کربلایی حسین ، در گوشه و کنار با مطالعه ی کتاب های متفرقه ، مطالب آنها را به خاطر سپرده و بر معلومات خویش می افزود. در همین اثناء ، ابوالقاسم به صلاحدید خانواده ، مدتی را نزد مشهدی عبدالرحیم و در مکتب وی واقع در حیاط معین الملکی ، متولی باشی ارض اقدس (مشهد) در تفرش به شاگردی پرداخته و نزدیک به یک سال را در همراهی با استاد سپری کرد. آنگاه پس از فراگیری عربی و خط و یادگیری معالم ، برای آموختن فقه به مطالعه و مباحثه نزد امام جمعه پرداخته و « شرح لمعه » شهید ثانی را بدین شکل فراگرفت. از این رو ، بیش از سه سالی نگذشت که سحاب ، علوم عقلی و نقلی را به خوبی آموخت و در علوم اسلامی چنان مسلط شد که مورد مشورت اهل علم و دانش قرارگرفته و با توانایی هرچه تمام تر در مسائل فقهی و اصول بحث و فحص می کرد. سحاب پس از مدتی با راه یافتن به کتابخانه ی سناءالدوله ، ضمن بهره مندی از آنها با کتب و مدارک خارجی آشنا شد و در عین حال ، از تلاش های خویش در راه تکمیل یافته ها و تحصیلات خود ذره ای نمی کاست و لذا ، هم زمان با فراگیری زبان فرانسه ، به کامل کردن تحصیلات درس های ادبی و عربی خود مبادرت می ورزد. در این هنگام ، وی دریافت که دیگر محیط کوچک تفرش نمی تواند طبع بلندپرواز او را قانع ساخته و خواسته های او را تأمین نماید. از اینرو به تهران آمد و در محضر علمای طراز اول آن شهر ، من جمله شیخ علی نوری ، شیخ باقر معزالدوله و دانشمندان دیگر ، به تکمیل معلومات خود پرداخت. او که در این زمان ، به همت سناءالدوله جهت تحصیل به مدرسه ی آلمانی تهران راه یافته بود ، بنا به برخی ضوابط قانونی مدرسه از راه یافتن بدان جا محروم گشته و در نتیجه ، به اتفاق میرزاحسین خان و اسماعیل خان (پسران دبیرلشکر و سناءالدوله) وارد مدرسه ی آلیانس فرانسه ، واقع در خیابان پستخانه شد. آن مدرسه زیرنظر مسیو ویژور فرانسوی اداره می شد و سحاب نیز نزد وی به تکمیل آموخته های زبان فرانسه ی خود اقدام کرد. او پس از چندی درصدد برآمد که برای تحصیل کلام و اصول و فقه ، از محضر استاد حاجی سیدعبدالرحیم دماوندی بهره جوید. بنابراین مدتی را نزد استاد به فراگیری و مذاکره در باب شوارق و شرح لمعه پرداخته و سپس ، جهت آموختن زبان های خارجه و ریاضیات ، شبانه به مدرسه ی اکابر ، واقع در گذر پاچنار می رفت. او مدتی را هم در مدرسه ی دارالفنون و در کلاس های شبانه ی آن حاضر شده و از محفل استادانی چون : دکتر محمودخان ، دکتر مهدی خان و میرزا غلامحسین خان رهنما و دیگران بهره مند می شد. وی همچنین در کلاس های مزبور ، شیمی ، طبیعیات و فیزیک را فراگرفته و در محله ی عرب ها نیز به تحصیل فرانسه ، دفترداری و ... مشغول شد. پس از آن ، بعد از به پایان رساندن مباحثه شوارق در محضر استاد عبدالرحیم دماوندی ، تصمیم می گیرد در طبیعیات جواهر و اعراض وارد شده و یک دوره از این فن را به مباحثه و مطالعه بپردازد. بعد ، بر آن می گردد برای ورود به رشته ی فلسفه و حکمت ، از وجود عالمانه ی میرزا ابوالقاسم فاضل تفرشی که در آن موقع از برجسته ترین استادان فلسفه تهران بود ، بهره جوید. وی در خدمت استاد ، ضمن مطالعه ی کلمات مکنونه ی مرحوم فیض و منظومه و اسفار حاجی سبزواری ، به فراگیری شواهدالربوبیه ملاصدرا پرداخت. سحاب ، زبان انگلیسی را نیز زیرنظر مسیو جاسموس و مسیو ژان دوشن فرانسوی ، رئیس مدرسه ی آلیانس تهران فراگرفت.فعالیتهای ضمن تحصیل : ابوالقاسم سحاب، علاوه بر عشق فراوان به فراگیری ، بهره مندی از هنرهای زمانه از جمله ، خوشنویسی را پیشه ی راه خود ساخته بود. به همین جهت در سن

پانزده سالگی ، عزم خود را برای آموختن هنر مزبور راسخ ساخت و نزد معلمی به نام میرزا عباسقلی به تعلیم خط پرداخت و در اندک مدتی ، خود در هنر خطاطی و نوشتن خطوط مختلف نستعلیق ، نسخ ، ثلث و شکسته نستعلیق مسلط شد. پس از آن در ایام ۱۹ سالگی به تشویق میرزا اسدالله خان ، پیشکار فخیم الدوله حاکم کردستان به آموختن زبان عربی روی آورد و مساعی خود را در این راه به کار گرفت. از دیگر توانمندی های سحاب ، ذوق و قریحه ی سرشار وی در سرودن اشعار ژرف و علاقه ی فوق العاده به مطالعه و فراگیری سروده های شعرای مشهور بود. وی تحت تأثیر تشویق های میرزا اسماعیل خان دبیر در تفرش ، به نوشتن مصنفات و مؤلفات خود همت گماشت.استادان و مربیان : استادان و مربیان ابوالقاسم سحاب عبارت بودند از : ملاحسین شاهمیری ، مشهدی عبدالرحیم ، میرزا عباسقلی ، میرزا موسی خان سناءالدوله ، شیخ علی نوری ، شیخ باقر معزالدوله ، مسیو ویژور ، حاجی سیدعبدالرحیم دماوندی ، دکتر محمودخان ، دکتر مهدی خان ، میرزا غلامحسین خان رهنما ، میرزا ابوالقاسم فاضل تفرشی ، مسیو جاسموس ، مسیو ژان دوشن ، دکتر حسین حجازی و میرزا اسماعیل خان دبیر تفرشی.همسر و فرزندان : معصومه ، همسر ابوالقاسم سحاب و مرحوم عباس سحاب ، پدر کارتوگرافی ایران ، عذرا ، صغری و بهجت خانم ، فرزندان شادروان استاد ابوالقاسم سحاب می باشند.زمان و علت فوت : پس از نزدیک به ۶۰ سال فعالیت علمی و فرهنگی ، دست تقدیر بر حیات ابوالقاسم سحاب سایه افکند و در سپیده دم ۲۱ دی ۱۳۳۵ به دیار معبود و سرای باقی شتافت و در مقابل بارگاه حضرت معصومه (س) ، کنار حوض به خاک سپرده شد و آیت الله مرعشی نجفی بر جنازه ی او در صحن یادشده نماز خواند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابوالقاسم سحاب، به جهت حسن شهرت و تدریس در مدرسه ی آلیانس و به سفارش نصیرالدوله ، وزیر معارف به مدیریت مدرسه ی نهاوند مأمور و برای سروسامان دادن به اوضاع مدارس آن سامان ، به آنجا فرستاده شد. استاد در سمت جدید ، در نهایت جدیت امور محوله را انجام داد و خدماتش مورد توجه قرار گرفت. از اینرو ، به پیشنهاد علی اکبرخان سروش ، رئیس دخانیات ثلاث (ملایر ، نهاوند و تویسرکان) ، ریاست معارف و اوقاف آن ایالت برای وی پیشنهاد گردید که در تاریخ ۲۸ ثور ۱۳۳۸ قمری ، حکم مزبور از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه برای او صادر شد. سحاب در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۶ از سوی وزارت معارف و اوقاف به سمت عضویت در هیئت ممتحنه ی مدارس ابتدایی مرکز انتخاب و اندکی بعد ، به همان سمت در مدرسه ی دارالفنون منصوب گردیده و در پی آن ، امتحانات شاگردان مدارس ابتدایی آن را برگزار می کند. سپس در ۸ فروردین ۱۳۰۷ به وظیفه ی اداری در شغل منشی گری محاسبات وزارت معارف وارد گشته و به موجب اخطار رسمی کابینه ، این وزارتخانه در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۰۷ جهت تهیه ی سواد نظامنامه ی شورای عالی معارف دعوت می شود. اما به جهت کثرت کار اداری و موانع زیاد از حضور به آن شورا خودداری می کند. همچنین استاد در اول مهر ۱۳۰۷ از سوی آن وزارتخانه به عنوان مسئول تحریر تصدیق نامه های مدارس مأمور شده و در پی آن ، طی حکم دیگری از طرف آن مرکز ، به عضویت در اوقاف درمی آید. یک سال بعد ، در ۱۹ فروردین ۱۳۰۹ به موجب حکم رئیس محاسبات وزارت معارف و اوقاف ، از شغل منشی گری پاکنویس آن اداره به سمت مدیریت ارتقاء یافته و مدیریت آرشیو این وزارتخانه به وی واگذار می شود. اندکی بعد ، به موجب حکم دیگری در تاریخ ۴ مهر ۱۳۱۰ در وزارت معارف داخل می گردد. وی در سال ۱۳۱۷ ، معاونت کتابخانه ملی و در سال ۱۳۲۳ ، مدیریت دفتر دانشسرای عالی تهران را نیز برعهده داشته است.فعالیتهای آموزشی : ابوالقاسم سحاب، به هنگام حضور در مکتب نخستین استاد خویش ، ملاحسین شاهمیری ، به علت توانایی های فوق العاده علمی و درسی خود و نیز به پیشنهاد مشارالیه ، امر تدریس برخی از نوآموزان کلاس را برعهده گرفت. او اگرچه در ازای آموزش کودکان مکتب ، از دادن شهریه معاف بود ، اما پرداختن به این مهم ، در واقع نخستین دل مشغولی و شغل وی را نیز تشکیل می داد و بر این اساس بود که از همان زمان ، او لذت توأمان دانش آموزی و معلمی را چشید و تا آخرین روزهای زندگی نیز در تداوم آن تلاش می کرد. به علاوه ، پس از تسلط وی به علوم عقلی و نقلی و همچنین فقه ، اصول و کلام ، تفسیر و حکمت در مدتی کوتاه ، کار تدریس خصوصی بسیاری از فرزندان خانواده های تفرشی نیز به او

واگذار شد. در رمضان سال ۱۳۲۶ قمری ، به واسطه ی اقدامات محمدعلی شاه و دستگیری مشروطه طلبان و حاکم شدن استبداد صغیر ، پسرهای میرزا محمدخان دبیرلشکر (میرزا عیسی خان دبیرلشکر و میرزا موسی خان سناء الدوله) که از مشروطه طلبان تهران بودند ، به ناچار به تفرش برگشته و در این زمان ، سناءالدوله امر آموزش فرزندان خود و یکی از پسران دبیرلشکر را به سحاب که در این هنگام ۲۲ سال داشت ، واگذار می نماید. شخصیت فرهیخته دبیرلشکر و سناءالدوله از یک سو و توانمندی های فوق العاده ی سحاب از طرف دیگر ، سبب شد تا وی زیرنظر سناءالدوله به فراگیری زبان های اروپایی و به ویژه ، زبان فرانسه و نیز آموختن علوم جدید و حساب و جغرافیا و ... همت بگمارد و در مدتی کوتاه چنان پیشرفت کند که خود به معلمی توانا جهت متعلمین خود مبدل گردد. در این زمان ، پس از ورود به مدرسه ی آلیانس فرانسه ، هم زمان با تحصیل نزد مسیو ویژور ، به تدریس در آن نیز مشغول بود. هم زمان ، بر آن می گردد با تشکیل دبستانی در خیابان فرمانفرما ، شغل رسمی خود را معلمی قرار داده و از این راه نسبت به تأمین معاش خود اقدام نماید. اندکی بعد و هم زمان با به پایان رسیدن جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۷ شمسی (۱۹۱۸ م.) به جهت تصمیم دولت مبنی بر خریداری کردن مدارس ملی و تبدیل آنها به مدارس ابتدایی مجانی و متوسطه ی غیرمجانی ، به ناچار از تدریس در ساعات بعدازظهر مدرسه ی سیروس که در این زمان تحت ریاست میرزا محسن خان قریب اداره می شد ، صرف نظر کرده و بر میزان همکاری خود با مدرسه ی آلیانس افزود. طولی نکشید که به واسطه ی حسن اداره کردن کلاس ، مسیو ویژور تدریس در کلاس نهم را نیز از وی خواستار شد. در این هنگام بود که به جهت بازدید نصیرالدوله ، وزیر معارف از مدرسه ی مزبور ، باب مراوده و آشنایی با وی گشوده شد ؛ بعدها به آموزش در مدرسه ی تدین می پردازد و در پی آن به سفارش نصیرالدوله به مدیریت مدرسه ی نهاوند مأمور و برای سروسامان دادن به اوضاع مدارس آن سرزمین به آنجا فرستاده شد. پس از بازگشت از سفر نهاوند ، در مدارس آن روز تهران از جمله مدرسه ی شرف ، مدرسه ی ایران ، مدرسه ی سیروس و کمالیه به آموزش دانش آموزان مشغول شد. استاد در فروردین ۱۳۰۶ به جهت تعلیق عبدالله خان مرندی ، به جای ایشان به آموزش در مدرسه ی کمالیه می پردازد. [سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ابوالقاسم سحاب، ضمن ادامه ی تدریس در مدارس تهران ، به نگارش مقالات فراوانی برای بسیاری از نشریات آن روز همچون طوفان هفتگی ، تهران ، ستاره جهان ، شفق سرخ ، قانون ، تجدد ایران ، حبل المتین کلکته ، رستاخیز ، عصر گلشن ، تهران ، مجله ی تعلیم و تربیت و مطبوعات دیگر ادامه داد. وی از بهار سال ۱۳۰۵ به جهت عدم همراهی اولیای وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و اختلال در امور آن ، مبادرت به همکاری با مطبوعاتی نظیر : گلشن ، اقدام و شفق کرده و ضمن تهیه ی خبر و ترجمه ی مطالب آنها ، امور معیشتی و زندگی خویش را بدین شکل تأمین می کند. در همین رابطه ، علاوه بر نوشتن مقالات و ترجمه ی خبرهای روزنامه ی ترقی ، از مرداد همان سال با روزنامه های اطلاعات ، فرخی و طوفان نیز همکاری می کند. وی مدیریت داخلی مجله ی علم و تربیت را نیز برعهده داشت. در عین حال ، به همراهی شیخ عبدالعزیز جواهرالکلامی به جمع آوری و استنساخ مجموعه ای راجب به کتابخانه های ایران اقدام می ورزد. به علاوه ، در ادامه ی بی مساعدتی های وزارت معارف ، جهت گذراندن زندگی در امر کسب وارد می گردد.جوائز و نشانها : ابوالقاسم سحاب، نظر به مراتب لیاقت و کاردانی خود ، در ۲۶ آذر ۱۳۱۹ و ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۳ از سوی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ، به دریافت دو قطعه نشان علمی درجه ی یک و دو نائل گردید.آثار : استنساخ « نخبه التواریخ » میرزا اسماعیل خان دبیر تفرشی ، تاریخ خجسته ویژگی اثر : این مجموعه ، حاوی اطلاعات پرباری درباره ی شرایط اجتماعی و اقتصادی سال های اول سده ی ۱۴ هجری شمسی و به ویژه ، دهه های اول سلطنت خانواده ی پهلوی است.۳ درباره ی وزارت معارف ایران ویژگی اثر : در این مجموعه ، شرح حال و اقدامات و آثار ۴۳ نفر از وزرای معارف ایران تهیه و ضبط شده که می تواند به عنوان مرجع مناسبی مورد استفاده قرارگیرد.۴ زندگی حضرت امام حسن عسگری (ع) ، زندگی حضرت امام علی النقی (ع) ، زندگی حضرت سیدالشهدا (ع) ، فلسفه و اسرار حج ،مشارکت در تدوین و تنظیم « دیوان دبیر تفرشی »

منابع زندگینامه :روزنامه ی اطلاعات ، ۱۴ اسفند ۱۳۷۹ ، صص ۴-۲

سلیمانی الموتی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی سلیمانی الموتی قزوینی در سال ۱۳۰۰ ، در الموت قزوین به دنیا آمد. پس از مراحل مقدماتی تحصیل ، وارد حوزه علمیه ی قزوین گردید. وی بعد از آن به منظور تحصیل از قزوین خارج شد و پس از فراگیری معارف ، اعم از فقه و حکمت و فلسفه و کلام ، به قزوین بازگشت و بنا به درخواست استادش آیت الله علامه رفیعی به اقامه نماز جماعت در مسجد نوبنیاد مهدیه پرداخت. او همچنین از سال ۱۳۴۴ تا زمان فوت در حوزه علمیه التفاتیه ، حدود ۲۵ سال به تدریس علوم مختلف پرداخت. آیت الله حاج شیخ هادی سلیمانی الموتی قزوینی سرانجام در نوزدهم اردیبهشت ۱۳۷۸ ، در سن ۷۸ سالگی دیده بر جهان فروبست.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : اجداد هادی سلیمانی الموتی قزوینی غالباً روحانی و از رجال با نفوذ منطقه الموت بودند و مردم آن سامان از وجود این خاندان اهل علم و ایمان بهره مند می شدند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : هادی سلیمانی الموتی قزوینی پس از طی طفولیت و کسب مراحل مقدماتی معلومات ، وارد حوزه علمیه ی قزوین گردید. همین جا بود که پایه های اساسی فکری و اعتلای علمی اش پایه ریزی شد و پس از سال ها تحصیل مدارج و مراحل علوی حوزوی به بلوغ نبوغ و کمال معنوی رسید. و سپس به قم رفته و تحصیلات خود را در حوزه ی علمیه ی این شهر پی گرفت.استادان و مربیان : هادی سلیمانی الموتی قزوینی دروس سطوح عالی را نزد اساتید برجسته و معروف قزوین ، آیت الله رفیعی و آیت الله مفیدی و دیگر علمی وقت فراگرفت. وی پس از اقامت در نجف از محضر فقها و مراجع بزرگی چون آیت الله بروجردی ، آیت الله شاهرودی ، علامه سیدمحمدحسین طباطبایی ، امام خمینی (ره) را درک نمود و به فراگیری علوم فقهی و فلسفی و کلامی پرداخت. او از اکثر مراجع زمان همچون آیت الله مرعشی نجفی ، آیت الله سیدابوالقاسم خویی ، آیت الله شاهرودی ، آیت الله طباطبایی و... اجازه دریافت نمود.زمان و علت فوت : هادی سلیمانی الموتی قزوینی سرانجام در نوزدهم اردیبهشت ۱۳۷۸ ، در سن ۷۸ سالگی دیده بر جهان فروبست.فعالیتهای آموزشی : هادی سلیمانی الموتی قزوینی از سال ۱۳۴۴ تا زمان فوت در حوزه علمیه التفاتیه ، حدود ۲۵ سال به تدریس علوم مختلف پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : هادی سلیمانی الموتی قزوینی پس از فراگیری معارف ، اعم از فقه و حکمت و فلسفه و کلام و چند سال تحصیل پیاپی به قزوین بازگشت و بنا به درخواست استادش آیت الله علامه رفیعی به اقامه نماز جماعت در مسجد نوبنیاد مهدیه پرداخت.

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم ، ص ۱۶۰

شریف زاده نجفی، محمدجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در خصوص ولادت مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی نتوانستیم به نقطه‌نظر مطمئنی دست یابیم، اما بر اساس قرائن و شواهد، هنگام رحلت، بیش از هشتاد سال از عمر آن مرحوم می‌گذشت؛ لذا تاریخ تولد ایشان حدود سال ۱۲۷۸ هجری شمسی و در نجف

اشرف می‌باشد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدر – علی محمدشریف زاده نجفی – از روضه‌خوان‌های نجف اشرف بوده و سال‌ها قبل از یزد به نجف مهاجرت کرده است. بر این اساس، اگرچه حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی هیچ دوره از عمر خود را در یزد سپری نکرده، اما به نوعی ریشه در دل این دیار داشته و شاید این نکته در انتخاب شهر «ابرقو» از میان شهرهایی که از حضرت آیت‌اللّه بروجردی؛ درخواست روحانی داشته‌اند، بی‌تأثیر نبوده است.مادر ایشان – بانو سلطان بیگم – علویه باکرامتی بوده که با حضرت آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی؛ نسبت داشته و آن مرجع بزرگ به کرامت و بزرگواری‌اش اذعان داشته و آن بانو مشمول عنایات ایشان بوده است.خاطرات کودکی : مادر محمد جوادشریف زاده نجفی در ایامی که حاج شیخ محمد جواد، نوزاد و یا طفلی نوپا بوده است، خوابی می‌بیند. خواب را برای حضرت آیت‌اللّه محمد کاظم یزدی بازگو و ایشان هم رؤیای این بانو را چنین تعبیر می‌کند که فرزندش مجتهد می‌شود. سپس سجّاده‌ای به ایشان می‌دهد تا فرزندش بر آن نماز بگزارد. حاج شیخ محمد جواد سال‌ها این سجّاده را با خود داشت و حتّی پس از آمدن به ابرقو هم بر آن نماز می‌خواند. متأسفانه این سجّاده در یکی از مساجد مفقود گردید.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سنین عمر محمد جواد شریف زاده نجفی ، از دو مرحله عمده تشکیل می‌شود: روزگار تفقّه و عصر تبلیغ.اول: سال‌های حضور در نجف اشرف و کربلای معلّا، یعنی از تولد تا حدود سال‌های ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ هجری شمسی، صرف‌نظر از ایام کودکی، آنچه طی این سال‌ها وجهه همت ایشان را تشکیل داده، تلاش برای نیل به کمالات اخلاقی و علمی، و استفاده هر چه بیشتر از معادن معنوی و علمی این دو شهر مقدس می‌باشد. بدون شك تنفس در فضایی که معطّر به قبور ائمه طاهرین (ع) باشد، مستلزم توفیق بالایی است. آری، در چنین فضایی مس وجود، کیمیا گردد و پربها.علاوه بر این بهره معنوی، حضور در پای درس بزرگانی همچون آیات عظام: سید محمد کاظم یزدی و سید ابوالحسن اصفهانی و پس از ورود به کربلا استفاده از محضر حضرت آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی، همچنین اجازه اجتهاد و اخذ وجوهات از همین بزرگواران و بزرگانی دیگر همچون آیات عظام: سید عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم و سید حسین بروجردی، دستاورد این دوره از عمر مرحوم حاج شیخ محمد جواد است.فعالیتهای ضمن تحصیل : حضرت آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی، پس از رحلت حضرت آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی از مرحوم حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی خواستند که ایشان به سامرا برود و در مدرسه‌ای که متعلق به مرحوم حاج سید محمد کاظم یزدی بوده است، تدریس نماید. حاج شیخ محمد جواد این درخواست را پذیرفت و به سامرا رفت ولی پس از چهار الی پنج ماه مجدداً به نجف برگشت و بعد از اقامتی کوتاه، به کربلا مهاجرت نمود و تا زمان رحلت حضرت آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی، در این شهر ماند. پس از رحلت این مرجع بزرگ – که زمزمه مرجعیت حضرت آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی به گوش رسید. – ایشان به نجف برگشت ولی اقامتش چند ماهی بیشتر طول نکشید که آن مرحوم قصد مسافرت به مشهد نمود و در قم سرنوشت دیگری برای ایشان رقم خورد که بدان خواهیم پرداخت.وقایع میانسالی : چگونگی آمدن حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی از نجف به ابرقو، شرح مفصلی دارد که اجمال آن، بدین قرار است:مرحوم حاج شیخ محمد جواد در سال ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ جهت رفتن به زیارت ثامن الائمه – امام رضا (ع) – وارد شهر قم شد و مسافرخانه «قبله» را به عنوان اسکان موقت انتخاب کرد. بزرگواری ایشان توجه صاحب مسافرخانه را به خود جلب کرده، به طوری که از ایشان درخواست کرد اتاقی در منزل خود – که به افرادی معدود اختصاص می‌داده – در اختیار آن مرحوم و همراهان قرار بدهد.در یکی از این روزها، برخی طلبه‌ها که یا از شاگردان آن مرحوم بوده و یا از مراتب علمی و کمالات اخلاقی ایشان در نجف و کربلا اطلاع داشته‌اند، از آمدن ایشان به قم باخبر شده، مراتب را به اطلاع حضرت آیت‌اللّه بروجردی؛ می‌رسانند و ترتیب دیداری میان این دو بزرگوار در بیت حضرت آیت‌اللّه بروجردی داده می‌شود.در این ملاقات، از جمله سؤالات حضرت آیت‌اللّه بروجردی از مرحوم حاج شیخ محمد جواد، این بوده است که آیا شما توان تدریس مکاسب و کفایه را دارید؟ مرحوم حاج شیخ محمد جواد جواب می‌دهد: «بحول اللّه؛ (توان تدریس این دروس را دارم.)»سپس سؤالاتی تخصصی از ایشان پرسیده می‌شود و

چون آن مرجع بزرگوار به توانمندی مرحوم حاج شیخ محمد جواد در این زمینه، اطمینان پیدا می کند، درخواست مردم ابرقو را – مبنی بر یک روحانی مجتهد و پرهیزکار که توان تدریس مکاسب و کفایه را داشته باشد. – خدمت ایشان ارائه می‌دهند و مصرانه از آن مرحوم اجابت این درخواست را می‌طلبند. مرحوم حاج شیخ محمد جواد به رغم میل باطن و در جهت امتثال امر حضرت آیت‌اللّه بروجردی اعلام آمادگی کرده و ایشان نیز ظاهراً ذیل همان برگه، مرحوم حاج شیخ محمد جواد را به اهالی ابرقو معرفی می کنند.در پایان این دیدار قرار می‌شود که روز بعد، حضرت آیت‌اللّه بروجردی به دیدار ایشان بروند. مرحوم حاج شیخ محمد جواد صاحب منزل را در جریان می گذارد و صاحب منزل که این تشریف‌فرمایی را افتخاری بزرگ برای خود می‌دانسته، درصدد تدارک پذیرایی برمی‌آید و کوچه و منزل را آب و جارو می کند.روز بعد، آن مرجع بزرگوار با درشکه به محل سکونت ایشان رفته و در واقع دید و بازدید این دو مرد الهی تکمیل می گردد. مرحوم حاج شیخ محمد جواد سپس به مشهد رفته و پس از زیارت ثامن الحجج (ع) مجدداً به قم بر می گردد و بلافاصله عازم ابرقو می‌شود و در ابتدای راهی قرار می گیرد که مرحله دوم عمر ایشان را رقم می‌زنند.زمان و علت فوت : نوروز سال ۱۳۵۸ هجری شمسی، آخرین بهار را فراروی دیدگان محمد جواد شریف زاده نجفی قرار داد.علاقه به ثامن الائمه – امام علی بن موسی الرضا (ع) – آن مرحوم را به ارض اقدس طوس کشاند، تا برای آخرین بار ترجیع بند ارادت خود را ارزانی آن آستان کند.همراه ایشان در این سفر می گوید:با این که هنوز بنا بود در مشهد بمانیم، اما برخلاف انتظار، ایشان گفتند: باید برگردیم تهران! حاج شیخ محمد جواد در تهران به منزل فرزندش رفت و ما هم در شهر ری به خانه بستگانمان رفتیم.پس از یک روز، بیماری مختصری بر آن مرحوم عارض شد، پیغام داد: بلیطی که برای رفتن از تهران به ابرقو گرفته‌اید، خودتان استفاده کنید، مورد نیاز من قرار نمی گیرد. (نقل به مضمون) و فرمودکه این‌ها مورد استفاده‌ام قرار نمی گیرند. سپس ادامه داد: فردا اذان صبح به این جا بیاید.ما به شهر ری برگشتیم اما با کلی نگرانی. اصرار بر این که هر چه زودتر به تهران برویم، بیماری ایشان، عدم ضرورت استفاده از بلیط، این که فردا وقت اذان صبح ما را ببینند و... این افکار تا ساعت ۱۲ شب ما را به خود مشغول کرده بود. در این ساعت فرزند ایشان تلفن کرد که پدرمان به رحمت خدا رفتند. این‌ها نشانه‌ای بر آگاهی آن مرحوم از نزدیک شدن زمان رحلت خود بود.فرزند ایشان می گوید:حدوداً نیمه شب ملاحظه کردم که پدرم آهسته چیزی می‌خوانند. گوش خود را نزدیک دهان ایشان بردم، دیدم مشغول خواندن زیارت عاشورا هستند. پس از چند دقیقه، شهادتین را بر زبان آوردند و دیگر چیزی نگفتند. ما ابتدا فکر کردیم که ایشان خواب رفته‌اند، اما پس از چند دقیقه که سراغشان رفتیم، ملاحظه کردیم در حالی که رو به قبله خوابیده‌اند، از دنیا رحلت کرده‌اند. وقتی با ابرقو تماس تلفنی گرفتیم تا این خبر را به اطلاع مردم برسانیم، ملاحظه کردیم که برخی از دوستان و مأمومین از رحلت مرحوم پدرم اطلاع دارند!قضیه از این قرار است که سیدی از ارادتمندان ایشان در عالم رؤیا می‌بیند آجری از زیر گلدسته مسجد امامزاده فرو افتاد. آن سید خواب خود را به رحلت مرحوم پدرم تعبیر می کند و با عده‌ای نیز این مطلب را در میان می گذارد، لذا وقتی که با آنان تماس گرفتیم، این خبر برایشان غیر منتظره نبود. پدرم برای دفن خود ما را بین سه مکان مخیّر کرده بود که به ترتیب عبارت بودند از: حضرت عبدالعظیم (ع) ، قبرستان بقیع قم و بهشت زهرای تهران، که با توجه به جوانب قضیه، ایشان را در قبرستان بقیع قم در مسیر جمکران به خاک سپردیم. گویی عارف گمنام بر آستان مقدس صاحب الزمان (ع) چشم دوخته و انتظار دیدار با آخرین یادگار پیامبران را دارد.مردان الهی از دنیا نمی‌روند، بلکه از سرای فرش به عالم عرش نقل‌مکان می کنند. کوته نگری است اگر تربت کیمیا اثر آنان را در دل زمین بجوییم، باید به اندرون سینه مردان راه نقبی زد تا اشک دیده از مزار آنان متبرک سازیم.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرحله دوم از عمر مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی ، ۳۲ الی ۳۳ سال پایانی عمر ایشان را رقم می‌زند، یعنی از سال‌های ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ لغایت ۱۳۵۸ هجری شمسی و زمانی که از طرف حضرت آیت‌اللّه بروجردی به ابرقو عزیمت نمود و در این خطه به تبلیغ دین، اقامه جماعت و تشکیل مجالس روضه پرداخت؛ این دوره از عمر آن مرحوم، فرصت انجام رسالتی است که خداوند متعال بر دوش عالمان ربّانی نهاده و در روایات «زکات علم» قلمداد

شده است.این دو مرحله، مکمل یکدیگرند و مجموعه‌ای واحد را تشکیل می‌دهند، نه اندوختن کمالات علمی و معنوی بدون تبلیغ و انذار، ایفای تام و تمام رسالت عالمان دینی است، و نه تبلیغ دین بدون کسب علم و تهذیب نفس، دل و جانی را نشاط معنوی می‌بخشد. دو مرحله‌ای که عنوان گردید، در زندگی مرحوم حاج شیخ محمد جواد کاملاً ـ قابل تبیین است.فعالیتهای آموزشی : اهالی ابرقو، به محض اطلاع از تصمیم مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی ، برنامه استقبال از ایشان را تدارک دیدند، بدین منظور عده‌ای از ابرقو به شهرستان آباده - در ۷۲ کیلومتری ابرقو - عزیمت کرده و آن مرحوم را با سلام و صلوات به ابرقو آوردند.ایشان پس از ورود به ابرقو، در منزل یکی از اهالی در محله «دروازه میدان» موقتاً اسکان نمود و تا ۴ - ۵ روز رفت و آمدها ادامه داشت. پس از این چند روز، آن مرحوم با توجه به مفاد درخواست، سراغ جلسه درسی و بحث را گرفت و پس از آن که مشخص شد جلسه در یکی از مساجد شهر است، شخصاً با دو کتاب «مکاسب» و «کفایه» در محل درس حاضر گردید تا در اولین جلسه، سطح کلاس را ارزیابی و تدریس را آغاز کند. آنچه در همان اوایل به عنوان نتیجه‌ای نه چندان مطلوب و خوشایند عاید آن مرحوم شد، پایین بودن سطح علمی کلاس درس بود، به طوری که موجب گله ایشان گردید. متأسفانه در ادامه، از همان رونق اندک اولیه هم کاسته شد و چندی بعد این کلاس کلاً تعطیل گردید. از آن پس، اقدامات ایشان از تشکیل درس و بحث بیرون آمد و به شکلی ادامه یافت که بدان خواهیم پرداخت.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : تشکیل حوزه درسی در مدرسه «هندی» - در کربلای معلا - و تربیت شاگردان دیگر دستاورد ارزشمند مرحله اول یعنی روزگار تفقه عمر آن مرحوم می‌باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پس از آن که جلسه درس محمد جواد شریف زاده نجفی منحل گردید، آنچه بیشتر ذهن آن مرحوم را به خود مشغول کرد، این بود که فعالیت‌های خود را بر محور تبلیغ، روضه، اقامه جماعت، محاسبه وجوهات و مواردی این گونه قرار بدهد. ایشان در ابتدا برنامه نماز جماعت خود را در مسجد جامع ابرقو قرار داد، با بروز برخی موانع، این برنامه را به مسجد امامزاده و داخل امامزاده و برخی مساجد دیگر منتقل نمود. علت این تغییر مکان‌ها را باید در بروز بعضی موانع دانست، و این علاوه بر مشکلات جنبی بود که پیش می‌آمد، تا جایی که ایشان چشم انداز خوبی از موفقیت پیش روی خود ندید!مجموعه این عوامل، آن مرحوم را وادار نمود با مراجعه به حضرت آیت‌اللّه بروجردی؛ از معظم له بخواهد که ایشان را از ماندن و اقامت در ابرقو معذور بدارد!اما مرحوم آیت‌اللّه بروجردی کسی نبود که این‌ها را دلیلی موجه برای خالی کردن میدان بداند، وانگهی چه کسی بهتر از مرحوم حاج شیخ محمد جواد می‌توانست نیازهای متنوع دینی یک شهر را پاسخگو باشد؟بر همین اساس، درخواست آن مرحوم مقبول واقع نشد و چون بنا را براستخاره گذاشتند، مراجعت ایشان به ابرقو و ماندن در این شهر، بسیار خوب آمد.مرحوم حاج شیخ محمد جواد، دوباره به ابرقو برگشت، با این نیت که این بار به صورت جدی‌تر به مجالس وعظ و روضه، اقامه جماعت، حساب و کتاب وجوهات شرعیه و مواردی از این نمونه بپردازد. پس از بازگشت، حدود دو سال را در برخی از روستاهای ابرقو از جمله «مهر آباد» و «نصرت آباد» سپری نمود که دلیل آن را باید بروز همان مسائل و موانعی دانست که به کلیت آن، اشاره شد.مدتی بعد تنی چند از ارادتمندان، از آن مرحوم خواستند تا در مسجد امامزاده اقامه جماعت نماید و آنها تضمین کردند که مسأله‌ای خاص بروز نکند. خوشبختانه این قضیه مشکل را حل کرد و از آن پس، این مسجد به صورت ثابت محلّ اقامه جماعت ایشان گردید. قابل ذکر است که مرحوم حاج شیخ محمد جواد، در مدت سی و چند سال اقامت در ابرقو، سه، چهار بار به عراق جهت زیارت عزیمت نمود و هر بار در کربلا در مسجدی به نام مسجد «بازار داماد» اقامه جماعت داشت.آرا و گرایشهای خاص : چیزی که باور مردم را نسبت به محمد جواد شریف زاده نجفی روز به روز بیش‌تر و ارادت آنان را به آن مرحوم افزون‌تر می‌ساخت، ویژگی‌های شخصیتی ایشان بود.آنچه مردم در وجود این عالم پارسا می‌دیدند، پرهیزکاری بود و دوری از زر و زیور دنیا؛ عشق و محبت به ثقلین یعنی قرآن و عترت (ع) بود و بخشش و سخاوت؛ برخوردهای بزرگوارانه بود و آزادگی و وارستگی. همین ویژگی‌های ملکوتی، ارادتمندان آن مرحوم را واداشته که با گذشت بیش از بیست سال از رحلت ایشان، هنوز هم برای شادی روحش صلوات بفرستند. - ایشان به

رعایت آداب سفره مقید بود. در ابتدای هر لقمه غذا «بسم اللّه الرحمن الرحیم» و در پایان هر لقمه «الحمدللّه ربّ العالمین» می گفت.- غذا را با دست راست می‌خورد.- مقید بود که رو به قبله بخوابد.- هرگز با صدای بلند نمی‌خندید، خنده ایشان عموماً تبسّم بود.- به نماز اول وقت و رعایت پرهیزکاری توصیه فراوان می کرد.- هنگام منبر چنان غرق در آیات و روایات می‌شد که مکرر آستین‌های پیراهن را بالا می‌زد و وقت منبر از دستش خارج می گردید؛ به طوری که گاهی وقت‌ها مستمعین به ایشان تذکر می‌دادند که منبر طولانی شد. البته از آنجا که ایشان اصولاً آخرین کسی بود که در مجالس منبر می‌رفت، وقت دیگر روضه‌خوان‌ها به خاطر طولانی بودن منبر ایشان گرفته نمی‌شد.- ایشان برای شرکت در برخی مراسم از جمله عزاداری عاشورا و رفتن به اقامه نماز عید فطر، با پای برهنه اقدام می‌نمود.- نسبت به قرائت صحیح خطبه عقد ازدواج، فوق العاده حساس بود.- از آن جا که ممکن بود کسانی از تأیید با دستخط ایشان سوء استفاده کنند، آن مرحوم نسبت به این کار وسواس عجیبی داشت. یکی از ارادتمندان از ایشان پرسیده بود: «مگر شما قلم ندارید که کسی را تأیید و توصیه‌ای فرمایید؟» البته ایشان یک بار مطلبی را تأیید و امضا کرده بود و آن مربوط به «اصلاح ذات البین» بوده است.- ادعیه روزهای ماه مبارک رمضان را هر سه وعده با معنای فارسی برای مستمعین می‌خواند.- نسبت به کتاب «اقبال» مرحوم «سید بن طاووس» توجه خاصی داشت و می گفت:«هرکس اقبال سید را ندارد، اقبال ندارد!- یک لحظه دیده نشد که ایشان بدون ذکر باشد. منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/بخش زندگینامه علماwww.hawzeh.net

شهیدی صالحی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمود شهیدی صالحی در سال ۱۲۶۴ ، در قزوین بچشم به جهان گشود. وی پس از تحصیلات مقدماتی و حوزوی سرانجام مدرکی معادل عنوان لیسانس وعظ و خطابه ، از دانشکده معقول و منقول دریافت کرد. شهیدی از سال ۱۳۱۶ فقط به وعظ و خطابه قناعت کرد. او در این مدت به مطالعه کتاب های تاریخی و ادبی به خصوص شعرای بزرگی چون عارف ، فرخی یزدی ، عشقی ، نسیم شمال و نوشته های دهخدا و بیست مقاله علامه قزوینی پرداخت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : میرزا محمود شهیدی صالحی (فخرالاسلام) ، (۱۳۴۸ ـ ۱۲۶۴) یکی از چهر فرزند میرزا علی اصغر (فخر الاسلام) است ، که خود از نوادگان پسرس مجتهد بزرگ حاج ملا محمد صالح برغانی ، برادر کوچک تر شهید ثالث ، بانی مدارس صالحیه قزوین و کربلا معلی بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرزا محمود شهیدی صالحی در مدرسه مکتب خانه خانوادگی صالحیه مقدمات لازم را برای دست یابی به مراحل بالا فراگرفت. او در مدرسه التفاتیه و سردار جدید محضر علمای بزرگی را درک نمود. او پس از فوت والدین و برادر مدت ۱۰ سال به سیر آفاق و انفس پرداخت و در حوزه ی های علمیه ی بسیاری همچون اصفهان ، کرمان ، یزد ، شیراز ، مشهد ، گناباد ، بیرجند و دیگر شهرهای خراسان و حتی سیستان ، مازندران ، همدان ، تبریز و کردستان به تحصیل پرداخته و با شخصیت های فرهنگی مهمی آشنا گردید و با شنیدن نکته ها و گفته ها از افواه رجال به زادگاه خود بازگشت. وی سرانجام مدرکی معادل عنوان لیسانس وعظ و خطابه ، از دانشکده معقول و منقول دریافت کرد.استادان و مربیان : میرزا محمودشهیدی صالحی محضر استادانی چون عیسی بن الشهید ، ملاـ علی اکبر سادهنی ، ملا محمد طاهری ، حاج شیخ عیسی لهاردی و ملا ملک محمد را درک نمود.همسر و فرزندان : میرزا محمودشهیدی صالحی در سال ۱۳۱۶ با دختر عموی خود ، که او هم نتیجه ی شهید ثالث بود ، ازدواج نمود و در فرزند به یادگار گذاشت.وقایع میانسالی : میرزا محمودشهیدی صالحی با آنکه

وارث بلافصل موقافات کلان اجدادی بود ، به این کار دست نزد و در حاشیه به احقاق حق طلاب و احیای آثار و اصلاح و اجرای منویات ، واقف بود. او سال های بسیاری را در مبارزه با مسوولین اوقاف و معارف و عدلیه ، و دیگر ادارات مربوطه گذرانید، ولی آنچه که می خواست امکان داشت.زمان و علت فوت : میرزا محمد شهیدی صالحی در روز دهم بهمن ۱۳۴۷ ، در سن ۸۲ سالگی درا فانی را وداع گفت و در صحن جدید امامزاده حسین دفن گردید.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا محمود شهیدی صالحی از سال ۱۳۱۶ فقط به وعظ و خطابه قناعت کرد. او در این مدت به مطالعه کتاب های تاریخی و ادبی به خصوص شعرای بزرگی چون عارف ، فرخی یزدی ، عشقی ، نسیم شمال و نوشته های دهخدا و بیست مقاله علامه قزوینی پرداخت.

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم ، ص۱۹۵

شهیدی، میرزا ابوتراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا ابوتراب شهیدی در سال ۱۲۳۹ ،در قزوین متولد گردید. پس از تحصیلات مقدماتی علوم در محضر پدر و اساتید دیگر ، در مدرسه صالحیه قزوین مشغول تحصیل شد. آن گاه به به نجف اشرف مشرف گردید و نزد بزرگترین علما آن زمان کسب فیض نمود. پس از بازگشت به ایران و مدتی شرکت در درس و بحث و تبلیغ برای مردم قزوین ، در حرکتهای سیاسی زمان خود شرکت نمود ، اما به دلیل مخالفت با مشروطه خواهان اجباراً خانه نشین شد. پس از آن به تهران مهاجرت کرد و در مسجد همت آباد واقع در چهار راه حاج مهراب ، به تشکیل جلسات بحث و مطالب دینی و تفسیر قرآن کریم اختصاص داد. حجه الاسلام میرزا ابوتراب شهیدی سرانجام در ۳۰ ذی القعده ۱۳۷۵ هجری قمری دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : میرزا ابوتراب شهیدی فرزند آیت الله حاج میرزا ابوالقاسم شهیدی ، نواده حاج ملا محمد تقی برغانی معروف به شهید ثالث ،در قزوین متولد گردید.تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرزا ابوتراب شهیدی پس از تحصیلات مقدماتی علوم در محضر پدر و اساتید دیگر ، در مدرسه صالحیه قزوین مشغول تحصیل شد. آن گاه به به نجف اشرف مشرف گردید و نزد بزرگترین علما آن زمان کسب فیض نمود.استادان و مربیان : میرزا ابوتراب شهیدی ابتدا نزد پدر خود علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به نجف اشرف رفته و در آن دیار در مجلس درس استادانی چون: سیدمحمدکاظم یزدی (صاحب کتاب عروه الوثقی) و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (صاحب کفایه الاصول) استفاده کرد. او پس از گذشت دوازده سال به ایران مراجعت کرد و در درس شیخ فض الله نوری حاضر شد.وقایع میانسالی : مهمترین رویداد به وقوع پیوسته در دوران حیات حاج میرزا ابوتراب شهیدی وقوع انقلاب مشروطه و حوادث مربوط به آن بود. وی از جمله مخالفان جریان مشروطه خواهی بود و همین عامل مدتی برای او خانه نشینی و سپس مهاجرت به تهران را در پی داشت.زمان و علت فوت : میرزا ابوتراب شهیدی در ۳۰ ذی القعده ۱۳۷۵ هجری قمری دار فانی را وداع گفت.فعالیتهای آموزشی : میرزا ابوتراب شهیدی پس از اتمام تحصیلات خود در نجف اشرف ، در سال ۱۳۳۰ق به دیار خود قزوین بازگشت و مشغول تدریس گردید.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا ابوتراب شهیدی پس از مدتی شرکت در درس و بحث و تبلیغ برای مردم قزوین ، مدتی هم در حرکتهای سیاسی شرکت نمود ، اما به دلیل مخالفت با مشروطه خواهان اجباراً خانه نشین شد. پس از آن به تهران مهاجرت کرد و در مسجد همت آباد واقع در چهار راه حاج مهراب ، به تشکیل جلسات بحث و مطالب دینی و تفسیر قرآن کریم اختصاص داد.آرا و گرایشهای خاص : شیوه تفسیری حجه الاسلام میرزا ابوتراب شهیدی ، تفسیر آیه به آیه به روایت است و در بعضی موارد بحث هایی فلسفی نیز دارد ، چنانکه جامعیت آن را بین

حکمت ، فلسفه ، کلام ، روایات و تفسیری قرآن با قرآن را در آن مشاهده نمود.آثار : التوحید ،المبین و تبین فی شرح المواعظ البراهین ویژگی اثر : این کتاب تفسیر قرآن مجید به زبان فارسی است و در پنج جلد پایان یافته است. منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم ، ص ۱۹۳۲قرآن پژوهان قزوین ، مولف: سیدمحمدعلی ایازی ، تهران: موسسه نمایشگاههای فرهنگی ایران ، ۱۳۸۰ ، ص ۱۳۶-۱۳۷

شیرازی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمد حسین فرزند میرزا محمود فرزند میرزا اسماعیل شیرازی، یکی از بزرگترین مراجع و علمای مکتب اسلام در قرن چهاردهم هجری است. معظم له نائب امام، مجدد احکام، زنده کنندهٔ آثار اسلام، بهترین شاگرد مکتب خیر الانام، رئیس مکتب و مجدد مذهب، مرجع خاص و عام، آیت الله علی الاطلاق، حجت بر حق خدا، از بزرگترین آیات عظام، مشهور به میرزای قهرمان، پهلوان فقه و اصول، علامه تدریس علوم، بهترین مفسر قرآن رسول و یکی از شخصیتهای کم نظیر قرن اخیر بود. به وجودش قامت اسلام عزیز استوار، و مکتب ما به مدرس نیکش استقرار و با شاگردانش اسلام و بلاد تشیع را استحکام بخشیدند.

میرزای بزرگ در نیمه ماه جمادی الاولی در سال ۱۲۳۰ در شیراز به جهان دیده گشود و بعد از تحصیلات ابتدائی قبل از بلوغ وارد اصفهان شد و به ردیف شاگردان سید حسن مدرس و شیخ محمد تقی صاحب حاشیه نشست. همچنین مدتها از محضر حاجی کرباسی نیز بهره مند بود. سپس در سال ۱۲۵۹ عازم نجف اشرف گشت. میرزا ابتدا از حضور شیخ حسن کاشف الغطاء و هم مرحوم شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) چند سالی توشه ها اندوخت، هر چند بیشتر مراتب فقهی و درجات عالی اجتهادش از محضر استاد اجل و فقیه اکبر شیخ مرتضای انصاری علیه الرحمه نصیب او گردید.

میرزا شمع محفل شیخ بود، و با بودن امثال میرزا مباحثات علمی رونق بهتری به خود می گرفت، و شیخ استاد متوجه بود که فهم بحث های غامض در کش با امثال میرزا است و بدان محف امثال میرزا هم انگشت شمار بودند. میرزا خود در زمان شیخ فقیهی استاد، و علما را مدرسی با کمال بود و از سال ۱۲۸۱ که کاملترین انسان قرن سیزدهم از جهان چشم فرو بست، با اصرار فقها و مراجع میرزا به کرسی تدریس و زعامت شیعیان نشست، و قریب سی سال سرپرستی فضلا و علما و زعامت همه شیعیان به دست با کفایت او قرار گرفت. ابتدا ده سال در نجف اشرف مستقر بود و از سال ۱۲۹۱ تا سال ۱۳۱۲ کرسی درس خویش را در شهر عسکرین علیهما السلام انتقال داد، و سامرا یکی از بزرگترین پایگاه های علمی و مرکز روحانیت اسلام و تشیع بود و ابنیه های جدید، مساجد و مدارس متعدد بدان شهر بناشد که تا حال باقی است.

میرزای بزرگ به میرزای مجدد نیز مشهور است، چه آنکه پس از شیخ،مکتب تشیع را به علوم آل محمد صلی الله علیه و آله مجدد گشت، علمای حاضر به درس او زیاد بودند و اکثر علما و مراجع بزرگ شیعه که به ذکر آنها می رسیم از شاگردان آن مرحوم بوده اند. میرزا به قهرمان تنباکو نیز شهرت دارد، که با تحریم دخانیات دست سودجوئیهای استعمارگران غربی را از مملکت ما کوتاه نمود و از آن تاریخ اجانب متوجه نفوذ اسلام و روحانیت در بین مردم شدند.

میرزا دانشمندی متقی و عالمی پرهیزکار و با حقیقت بود. متواضعانه به مجلس مصیبت ائمه علیهم السلام می نشست و به هنگام عزا بلند می گریست و بی قرار می شد.

میرزا در تقسیم وجوهات نهایت عدالت را به خرج می داد. حافظه قوی و استعدادی عجیب داشت. اگر برای یکبار شخصی را

چندین سال پیش دیده بود، به مجرد برخورد او را با اسم و رسم می شناخت و از او دلجوئی نموده تفقد حالش می نمود. در منزل و امور داخلی خویش خیلی منضبط و مرتب بود. کارهای او از روی برنامه بود و از روی نظم صحیح انجام می شد. کسی جرأت دخالت بی مورد به کار او و زندگی او نداشت. با فرزندان و نزدیکان خود آنگونه رفتار می نمود که با غریبان. وقتی پسرانش میرزا محمد و میرزا محمد علی در حضور او وارد می شدند از او اجازه می خواستند و پس از اسلام و اجازه آنها را تجلیل و احترام نموده و پس از تفقداز کارشان، به هنگام خدا حافظی از آنان مشایعت می نمود. در خانه و جلسات خیلی با ابهت و وقار دو زانو می نشست، و گاه به تفکر فرو می رفت، اما در عین حال با همگان به مهربانی و عطوفت رفتار می فرمود و از مسلمانان و غربا تفقد و دلجوئی می نمود.

نوشته اند آن حضرت در اواخر عمر به مرض سل مبتلا شد و سرانجام در شب چهارشنبه ۲۴ شعبان ۱۳۱۲ در شهر آلوده به مردم مختلف سامرا کسالت سل او را از پا در آورد. جنازهٔ او با حضور علما و مردم انبوهی از سامرا به سوی نجف حدود چهل فرسنگ دوش به دوش در معیت مردم شهرهای مختلف وارد نجف اشرف گردید و پس از پایان مراسم در جنب باب طوسی در کنار خیر الاوصیاء روحی له الفداء مدفون شد.

یاد آوری: پس از مرحوم میرزای بزرگ زعامت شیعیان به علامه یزدی صاحب عروهٔ الوثقی منتهی شد، اما بدین بوستان در مسیرمان به گلهای خوشبوئی برخورد می نمائیم که ناگزیر به تأنی پیش رویم.

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com/

صالحی مازندرانی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیهٔ اللّه حاج شیخ اسماعیل صالحی مازندرانی در سال ۱۳۱۲ ش. در یکی از روستاهای قائم‌شهر در خانواده‌ای روحانی متولد شد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : اسماعیل صالحی مازندرانی فرهیختگان پرهیزکار بودند.پدر بزرگوارشان، مرحوم ملّا رحمت اللّه، یکی از روحانیون شریف و مورد احترام اهالی بود که برای امرار معاش به کشاورزی هم مشغول بود. او در سال ۱۳۵۸ ش. در سن ۷۲ سالگی دار فانی را وداع گفت و در زادگاهش «لَفُور» مدفون گردید.مادر مکرّمه وی، عمّه خانم کُجوری، زنی باتقوا و وارسته بود که در تاریخ ۱۳۷۷ / ۲ / ۶ ش. به رحمت ایزدی پیوست و در زادگاهش به خاک سپرده شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : اسماعیل صالحی مازندرانی در سن پنج سالگی، با هدایت پدرش با کتاب عزیز خدا «قرآن مجید» آشنا شد و قسمتی از قرآن را نزد وی آموخت و قسمت عمده آن را بدون معلّم فرا گرفت و حتی بخش‌هایی از کلام الهی را حفظ نمود.ایشان در این باره می‌گوید:«به خاطر دارم که در همان دوران کودکی، آیاتی از قرآن کریم را برای بعضی از روستاییان از حفظ می‌خواندم و مورد تشویق آن‌ها قرار می‌گرفتم.» پس از آموختن قرآن مجید و بعضی از کتب مذهبی و تاریخی و مقداری از جامع المقدّمات از محضر پدر بزرگوارشان، برای ادامه تحصیل علوم اسلامی با اشتیاقی وصف‌ناپذیر، عازم «بابل»، یکی از شهرهای مازندران، شد و صرف و نحو و منطق را از اساتید بزرگوار مدرسه «صدر» آموخت.آن گاه به تهران عزیمت کرد و حدود دو سال در تهران مشغول تحصیل بود. سپس عازم قم شد و حدود هفت ماه در مدرسه فیضیّه اقامت داشت. عشق به تحصیل چنان او را فراگرفته بود که فقر و سختی‌های طاقت‌فرسای آن روزها را به راحتی تحمّل می‌کرد.در این باره می‌گوید:«ایّامی بر ما گذشت که امکان به دست آوردن نان، حتّی به اندازه رفع گرسنگی هم، فراهم نبود؛ امّا تحمّل آن

برای کسانی که شیدای تحصیل علوم و معارف دینی بودند، چندان مشکل نبود.»تلاش و جدّیت در تحصیل و مطالعه مداوم، غالب اوقاتش را پر کرده بود؛ به گونه‌ای که زمان تحصیل و تدریس در شبانه روز به بیست ساعت می‌رسید.استعداد سرشار و روح کنجکاوش به حدّی بود که از محضر استادی به محضر استادی دیگر حاضر می‌شد تا مراحل کمال و معرفت را با اخلاص طی کند.دقّت نظر وی به گونه‌ای بود که یکی از مدرّسان بزرگ حوزه، فرموده است: «من در عمرم طلبه‌ای دقیق النّظر مانند ایشان ندیدم.» این زمانی بود که به تحصیل درس منطق مشغول بود و با سؤال‌های پی در پی استاد را به اعجاب وامی‌داشت.اوایل سال تحصیلی ۱۳۳۳ ش. عازم مشهد مقدّس شد و سطح عالی و مقداری از دروس خارج فقه و اصول را از محضر اساتید و بزرگان حوزه علمیه مشهد فرا گرفت؛ از جمله اساتید وی، استاد عالی‌قدر و صاحب فضائل، حضرت آیهٔ اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی (ره) بود. مرحوم آیهٔ اللّه قزوینی علاوه بر این که در فقه و اصول، استادی ماهر و خبیر بود، در تربیت و تزکیه شاگردان نیز نقش به سزایی داشت.پس از حدود شش سال تحصیل و اقامت در جوار بارگاه حضرت علی بن موسی الرّضا(علیه آلاف التحیّهٔ والثناء) در سال ۱۳۳۹ ش. برای ادامه تحصیل عازم قم شد و در حوزه مقدس آن جا در جوار مرقد مطهّر حضرت فاطمه معصومه (س) تحصیل و تدریس را پی گرفت.خاطرات و وقایع تحصیل : اسماعیل صالحی مازندرانی درباره اتفاقات دوران تحصیلیش این چنین فرموده است:«هنگامی که به سنّ ده سالگی رسیدم، در خود احساس عجیبی یافتم که هر طور شده به مناطق بزرگ‌تری رفته و به فراگیری علوم اسلامی بپردازم. و خود را در راهِ رسیدن به علم مشتعل یافتم و به همین مقصود به اصرار، از پدرم خواستم که مرا به بابل، شهری که در آن زمان در حدّ خودش دارای حوزه علمیه نسبتاً بزرگی بود، ببرد. پدرم وقتی دید که تمام وجودم از عشق به تحصیل شعله‌ور شده است و حتی یک لحظه تاب توقف ندارم، مرا به بابل برده و نزد مرحوم آیهٔ اللّه شیخ امان اللّه کریمی (ره) ، که عالمی زاهد و وارسته بودند، سپرد. مرحوم آیهٔ اللّه کریمی (ره) چون عالمی عامل بودند، در تربیت من نقش مهمّی ایفا کردند و بسیاری از احکام اسلامی و دینی که مورد نیازم بود، به من یاد دادند.» فعالیتهای ضمن تحصیل : اسماعیل صالحی مازندرانی (ره) ، به مناسبت‌های مختلف بارها اظهار می‌داشت که اگر علما و روحانیّون عذری ندارند، خود را با پوشیدن لباس مقدّس روحانیّت مزیّن کنند؛ زیرا این لباس و عمامه، خود به خود اثر دارد و دیگران را به مسیر حق هدایت می‌کند. از این رو، خود وی در سال ۱۳۳۲ ش. در حالی که کمتر از بیست سال داشت، لباس مقدّس روحانیت را پوشید و به کسوت عالمان دین در آمد.استاد آیهٔ اللّه صالحی مازندرانی طبق معمول حوزه علمیه قم، هر چهارشنبه، در پایان درس خارج فقه و اصول با بیان آیه‌ای از قرآن مجید یا روایتی از امامان معصوم (ع) ، نکات بسیار آموزنده اخلاقی را متذکّر می‌شد و راه تهذیب و تزکیه نفس را در کنار تحصیل دانش، به شاگردان می‌آموخت.استادان و مربیان : اسماعیل صالحی مازندرانی علاوه بر اساتیدی که در بابل و تهران و مشهد مقدس داشت، در حوزه علمیه قم نیز از محضر حضرات آیات و اساتید گرانقدر بهره‌مند شد که بعضی از آن بزرگان عبارتند از:.۱ حضرت آیهٔ اللّه العظمی بروجردی (ره) ؛.۲ مجاهد بزرگ، حضرت آیهٔ اللّه العظمی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران؛.۳ حضرت آیهٔ اللّه حاج میرزا هاشم آملی (ره) ؛.۴ حضرت آیهٔ اللّه العظمی گلپایگانی (ره) ؛.۵ علّامه بزرگوار حضرت آیهٔ اللّه حاج سید محمد حسین طباطبائی (ره) ؛.۶ حضرت آیهٔ اللّه محقّق داماد (ره).همسر و فرزندان : در سال ۱۳۳۸ ش. در حالی که کمتر از ۲۶ بهار از عمر شریف اسماعیل صالحی مازندرانی می‌گذشت، با خانواده‌ای نجیب، متدین و اهل علم از اقوام نزدیک خود وصلت کرد.همسرش زنی مؤمن، فداکار، متدین، صبور و عاشق اهل بیت (ع) است؛ به گونه‌ای که وی بارها می‌فرمود: «من به عشقی که او به اهل بیت عصمت و طهارت دارد، رشک می‌برم.»آنچه شایان ذکر است، همراهی دلسوزانه همسرش در مراحل مختلف زندگی با او است؛ چه در دوره ستم شاهی که ایشان گاهی در زندان و گاهی در تعقیب بود؛ چون علاوه بر وظیفه مهم خانه‌داری و دفاع از هجوم دژخیمان ساواک، نگهداری و تربیت فرزندان را در آن برهه حساس بر عهده داشت و در برابر مشکلات ایستادگی می‌کرد؛ و چه در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که همواره یار و مددکار همسر خود بود.حضرت آیهٔ اللّه صالحی مازندرانی پس از ازدواج،

بـا این که مـدّت زیـادی در منزل استیجاری زنـدگی می‌کرد و برای امرار معاش در مضـیقه بود، با جـدّیت بیشتری به ادامه تحصـیل پرداخت و هیـچ مشکلی او را از هـدف باز نـداشت.یکی از فرزنـدانشان می‌گویـد: به یاد دارم در یکی از سـفرهای ایشان به مناطق مختلف شـهری و روسـتایی، که با او همراه بودم، در یکی از مناطق هنگام نماز، ایشان از امام جماعت مسجد - که یک طلبه جوانی بود - با اصـرار خواست که امامت جماعت را بر عهـده بگیرد و او به همان طلبه اقتـدا کرد و با این عمل، موقعیّت آن روحانی را در آن محل بالا برد؛ و بدین وسـیله به دیگران فهماند که روحانی محلّ، عزیز و مورد احترام است.زمان و علت فوت : اسماعیل صالحی مازندرانی پس از عمری تلاش و کوشـش در راه تعلیم، تربیت، تهذیب و تزکیه نفس، احیای دین و قرآن و فقاهت، سـرانجام صـبح جمعه ۹ شهریور ۱۳۸۰ ش. در سن ۶۸ سالگی در زادگاهش دعوت حق را لبّیک گفت و به ملکوت اعلی پیوست. فقدان او شکافی در عالم اسـلام و روحانیّت پدیـد آورد که پر شـدن آن آسان نیست.پیکر مطهّر وی روز یک شـنبه، ۱۱ شهریور ۱۳۸۰ (۱۳ جمادی الثانی ۱۴۲۲ ق.) با حضور هزاران تن از مردم مسـلمان ساری تشییع شد.در قم نیز پیکر پاک آن عالم ربّانی و فقیه صمدانی در میان جمع زیادی از علما و فضـلا و طلّاب و مردم اندوهگین قم با عظمت و احترام زیادی از مسـجد امام حسن (ع) تا حرم مطهّر حضـرت معصومه (س) تشییع و در صـحن مطهّر با حضور انبوهی از علما و مردم به امامت آیـهٔ اللّه جوادی آملی بر پیکر پاکش نماز خوانده شد و در سـمت قبله مسـجد طباطبائی نزدیک در ورودی به خاک سپرده شد.مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : از آن جا که «دیانت عین سـیاست و سـیاست عین دیانت است»، اسـماعیل صالحی مازندرانی در کنار تحصیل و تدریس و تألیف، در فعالیت‌های سیاسی نیز حضور داشت؛ بلکه آن را وظیفه شرعی خود می‌دانست و از همان دوران جوانی، یعنی در سال‌های ۱۳۳۱ - ۱۳۳۲ ش. با رفت و آمـد به منزل مرحوم آیـهٔ اللّه کاشانی در تهران، با مسائل سیاسـی کشور آشـنا شـد.در بعضـی از جلسات مخفی، که شـهید بزرگوار نوّاب صـفوی (ره) سـخنرانی می‌کرد، حاضـر بود و نیز در متن مبـارزات مردمی علیه رژیم سـتم شـاهی پهلوی قرار گرفت. خاطرات خوبی از کودتای ننگین آمریکایی ۲۸ مرداد و خیانت ملّی‌گرایان را در ذهن داشت. با شـروع نهضت امام خمینی در سال ۱۳۴۲ در صف مبـارزان و روحانیـان وفـادار امـام خمینی قرار می‌گیرد و در این راه رنـج‌ها و تلخی‌هـای فراوانی را به جـان می‌خرد؛ امّا هرگز خسـتگی به خود راه نمی‌دهـد.بـا شـرکت فعّال در حرکت‌های سیاسـی و مبارزاتی و حضور در بعضـی از جلسات مخفی علمای آن زمان، بسیاری از اعلامیه‌هایی را که بر ضد رژیم ظالمانه پهلوی بود، امضا کرد.سال ۱۳۵۳ ش. هم زمان با دستگیری و تبعید عدّه‌ای از مـدرّسان عالی‌قدر، ایشان نیز دسـتگیر و راهی زندان شد. در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ ش. در زنـدان‌های مختلف، از جمله: زندان سـاواک و شـهربانی قـم، قزل قلعه(انفرادی و عمـومی)، اوین و قصـر، زنـدانی می‌شـود.آیـهٔ اللّه صـالحی مازنـدرانی، پس از پیروزی انقلاب اسـلامی در سـمت‌های مختلفی، چون: دو دوره نماینـدگی مجلس خبرگان رهبری از اسـتان مازندران و حضور در مسئولیت قضاوت در برهه‌ای از زمان، در خـدمت نظام جمهوری اسـلامی بودنـد. علاوه بر این، هیـچ گاه از تعلیم و تربیت و هدایت مردم در مسیر انقلاب غافـل نبـود و در مناسبت‌های مختلـف بـا صـدور اطلاـعیّه و یـا بـه حضـور پـذیرفتن اقشـار مختلـف مردم و بیانـات و رهنمودهـای سازنـده، نقش مهمّی در رشـد و تعـالی و هـدایت آن‌هـا در این راه ایفـا نمود.فعالیتهـای آموزشـی : اسـماعیل صـالحی مازندرانی حدود ۴۰ سال در حوزه علمیه قم به تـدریس فقه و اصول و دیگر علوم اسـلامی مشـغول بود.بعضـی از کتاب‌ها یا علومی که تدریس نمود، عبارتند از:.۱ کفایهٔ الاصول، از آخوند خراسانی (ره) ؛.۲ شرح تجرید الاعتقاد(کشف المراد علّامه حلی (ره))؛.۳ دو دوره کتاب حکمت شرح منظومه ملا هادی سبزواری (ره) ؛.۴ نهایهٔ الحکمهٔ، از علامه طباطبائی (ره) ؛.۵ برخی از مجلّدات اسفار ملّا صدرا (ره) ؛.۶ یـک دوره خـارج قضا، خمس، وکالت و کفایت، از کتاب «تحریرالوسیله» تألیف امام خمینی (ره) ؛.۷ و از سال ۱۳۵۸ ش. تـا آخر عمر شـریفشان به تـدریس «خـارج فقه و اصول» اشـتغال داشت و بعضـی از روزها را به تـدریس «تفسـیر قرآن» و «اخلاق» اختصاص داده بود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اسـماعیل صالحی مازندرانی با شروع مجدّد و اوج گیری نهضت امام خمینی (ره) در سـال ۱۳۵۶، ایشـان نیز بـا صـدور اطلاـعیه‌ای در همان ایّام به مناسـبت حمله ددمنشانه رژیم منحوس پهلوی به حوزه

علمیه قم، حمایت بی‌دریغ خود را از انقلاب بی‌نظیر امام خمینی و عشق سوزانی که به شخصیت والا و بی بدیل امام داشت، آشکار نمود.ایشان در طول بیش از بیست سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هر گز خود را از نظام مقدس جمهوری اسلامی جدا ندانست؛ بلکه بـا حمایت‌هـای خـود و پشتیبـانی از ولایـت فقیه، موجب تقویت نظـام بود.شـاگردان : اسـماعیل صـالحی مازنـدرانی در مـدت تـدریس، شـاگردان زیـادی پرورش داد که بیشـتر آن‌هـا در قیـد حیـات هسـتند و در مسـئولیت‌های مهمّ دینی و کشوری مشـغول به خدمتند.بعضی از شاگردان وی عبارتند از:.۱ حجهٔ الاسـلام و المسلمین محمّدی گلپایگانی، مسئول دفتر مقام معظّم رهبری؛.۲ حجهٔ الاسـلام و المسلمین محسن قرائتی؛.۳ حجهٔ الاسـلام و المسلمین مروی؛.۴ حجهٔ الاسـلام و المسـلمین ناطق نوری..۵ حجهٔ الاسـلام و المسـلمین سـید حمید روحانی، مؤلّف محترم کتاب «نهضت امام خمینی (ره).»آرا و گرایشـهای خاص : اسماعیل صالحی مازندرانی از همـان ابتـدا، همگـام بـا تحصـیل، در تهـذیب و تزکیه نفس نیز کوشا بود و از اساتیـد برجسـته اخلاق کسب معنویت می‌کرد و بر ملکات خوب نفسانی خود می‌افزود.وی به گونه‌ای خود را با ادب اسـلامی مزیّن نموده بود که هر کس با او همنشـین می‌شد، به یاد خدا می‌افتاد و رنگ الهی می‌گرفت.بعضـی از سیره عملی و اخلاقی وی از این قرار است:الف) توکّل به خدا و توسل به اولیای خدا :ایشان در تمام مراحل زندگی، بویژه در ایامی که در زندان‌های رژیم منحوس پهلوی بود، به خدا توکّل داشت. ب) برپایی مجالس مـذهبی: ایشان به سـبب باورهای دینی که در عمق جانش ریشه داشت و عشق وافرش به اهل بیت (ع) ، در ایّام شـهادت هر کدام از ائمه بویژه ایّام شـهادت حضـرت زهرا (س) در منزل خود مجلس عزا برپا می‌نمود و خطبا و مرثیه خوانان به سـخنرانی و مرثیه خوانی می‌پرداختنـد. ج) عطوفت و مهربانی‌ایشـان بـا همه مردم مهربان بود، امّا با کودکان عطوفت خاصـی داشت.احترام به همسایه:او برای همسایه‌هـا احترام ویژه‌ای قائل بود و همیشه با گرمی از آن‌ها اسـتقبال می‌کرد و در شادی و غم آن‌ها حتی‌الامکان شرکت می‌نمود. اگر مصـیبتی برای یکی از همسایگـان پیش می‌آمـد، برای عرض تسـلیت بـه منزلشـان می‌رفـت و در مجلس ختـم آن‌هـا شـرکت می‌نمود.احـترام به روحـانیّت: اسـتاد آیـهٔ اللّه صـالحی، برای همه مردم بویژه برای محصّـِلین علوم دینی و طلّاب احترام زیـادی قـائل بود.تواضع و وقار: آیهٔ اللّه صالحی در عین تواضع، بسیار با وقار بود؛ به طوری که نه در دام هزل و شوخی‌های ناروا گرفتار آمد، نه در ورطه خودپسندی و کبر سقوط کرد.اعتدال در غذا و استراحت:ایشان در خوردن و خوابیدن بسیار کم مؤونه بود؛ همیشه کم غذا می‌خورد؛ با این که هیـچ بیماری نـداشت. معتقد بود که بسیاری از بیماری‌ها از زیاده‌روی در خوردن پیدا می‌شود.وارسـتگی: تمام سعی و کوشـش ایشان این بود که به تمام احکام نورانی اسـلام، عمل کند و لذا همیشه بهداشت و نظافت فردی را به خوبی مراعات می‌کرد.آثار : احکام جوانان و نوجوانان ، استفتاءات ، رساله توضیح المسائل ، مفتاح البصیرهٔ فی فقه الشریعهٔ(شرح عروهٔ الوثقی ، مناسک حج

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz - /www.hawzah.net

صدرالاسلام، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

والدین و انساب : نسب حاجی میرزا سید محمد ملقب به صدر الاسلام متخلص به خاک به امام جعفر صادق (ع) و از جانب مادر به فتحعلیشاه قاجار می رسد . سلسله شجره نامه «صدرالاسلام» یک نسخه درکتابخانه امام رضا(ع) و نسخه ای دیگر درقم در کتابخانه حضرت معصومه (ع) موجود می باشد .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدرسید محمد صدرالاسلام ، حاجی میرزا عبدالحسین نایب صدرقزوین و پدربزرگش میرزا سید عبدالله صدر دیوان خانه تهران بود که درزمان سلطنت ناصر الدین شاه درسال ۱۲۷۸ ه.ق

دروزارت عـدلیه ضیاءالملک متصـدی شـغل صدارت دیوانخانه عدلیه تهران بود . صدر دیوانخانه ازمشاغل مهم دوره قاجاریه بود . کسـی که در منصب این شـغل قرار می گرفت درحقیقت رییس محکمه یـا دادگـاه وزارت عـدلیه محسوب می شود و رسـیدگی به امور ملکی و شرعیات را انجام می داد و اجداد صدر الاسلام پشت اندر پشت لقب صدارت وسمت خطابت و حضور درمجالس بزم و سـرور دربار قاجار را داشته اند .تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محمد صدرالاسلام پس از آنکه دربار قاجار راترک گفت در قزوین و مدرسه حاجیه آقاسـی درخیابان دولت خانه صـفویه مشغول تحصیل علوم رسمی مقدماتی شد . بعد از این مقطع به تحصیل فقه و اصول پرداخت و سـپس درصدد تحصیل علوم غریبه برآمد .او دراین سالها به تهران ، کرمانشاه ، همدان ، کربلا ، نجف، مکه سفر نموده و برتجربیات خود افزود . او همچنین مـدتی نیز به تحصـیل الهیات پرداخت .اسـتادان و مربیان : سـید محمد صدرالاسـلام درالهیات حاجی میرزا ابوالقاسم تفرشـی بود .همسر و فرزنـدان : سـید محمد صدرالاسـلام بانورسـته خانم دختر میرزا مسـعود شـیخ الاسـلام ازدواج نمود او ۷ پسر داشت ۵ تن از پسـران او هرگز دارای اولاد نشدنـد ویکی از آنها که احـد نام داشت ازدواج نکرد و بعـدها مفقود اثر شـد . فقط یکی از پسـران اوبه نام آمیر مهـدی دارای ۴ فرزنـد شـد که پس از فوت او فرزنـدانش تحت نکاست و سرپرستی صدرالاسـلام درآمدند.وقایع میانسالی : درجریان انقلاب مشـروطه سـید محمد صدرالاسلام از مخالفین سرسخت مشروطه به شـمار می رفت درهنگام مشـروطه عـده ای از رجال و اعیان قزوین طی تلگرافی به محمـد علی شاه خواسـتار برچیـده شدن بساط مشـروطیت شدند که امضای صدر الاسـلام نیز درزیر این تلگراف به چشم می خورد . در جنگ جهانی دوم که رس ها قزوین را به اشـغال خود درآورده بودنـد ، روزی به بـاغ صدرالاسـلام ریختنـد و کلیه جواهرات و عتیقه جات قـدیمی او را به تاراج بردنـد . این حـادثه تـاثیر ناگواری برروحیه او به جای گـذاشت و به همین نظر ۷ سـال پایانی عمر خودرا درپریشانی خیال گذرانـد.زمان و علت فوت : سـید محمد صدرالاسـلام درسال ۱۳۲۷ ه.ش درسن ۸۶ سـالگی درگـذشت و درخانقـاه خودبه خاک سپرده شـد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سـید محمد صدرالاسـلام درابتدای جوانی به تبعیت از شـغل اجدادی ، مدتی خطیب حضورمخصوص ناصر الـدین شاه جهت خوانـدن خطبه خاص ساعت تحویل سال نو بود . او این سـمت را بعدها ترک گفت و به تحصـیل کمالات معنوی همت گماشت . او اگر چه یکباره دیگر درزمان غیبت برادر بزرگش حاجی میرزا علی نایب صدر به دربار ناصر الدین شاه راه یافت . لیکن پس از قتـل این شـاه قاجـار به ناچـار ترک خـدمت نموده و به کشاورزی پرداخت .فعالیتهای آموزشـی : سـید محمـد صـدر الاسلام درخانقاه الهیه به تدریس فقه .اصول ،منطق و طب پرداخت .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید محمد صدر الاسـلام خانقاهی به نام الهیه را جهت فعالیت های آموزشـی و دستگیری از فقیران دایرکرد و او همچنین خانقاهی دیگردر خارج از شهرقزوین ایجادکرد و این خانقاه اگرچه امروز درداخل شـهرقرار دارد ولی آثاری از آن به جای نمانـده است .سایر فعالیتها و برنامه هـای روزمره : سـید محمـد صدرالاسـلام مـدتی عضو انجمن بلـدیه بود . این انجمن دردوره مشـروطه ازمیـان اصـناف و سرشـناسان شهرانتخـاب می شـد و وظیفه امور شـرعی رسـیدگی به خوابـار را عهـده دار بود . امـا فعـالیت این انجمن به دلیل فقـدان بودجه کار مـوثری را به انجـام نرسانـد .صدرالاسـلام به پرورش کـل نیز علاـقه بسـیار دشـاات و در وسـط بـاغ باصـفا و پرگـل و درخت خو د، اسـتخری قرار داده بود و دوسـتانش برای او از خـارج تخم گل می آوردنـد . آثار : دیوان صدرالاسـلام ، شـرح الصـدور فی حقایق الامور ،قانون الریاضه فی سبیل الهدایه ، منظومه زور عشق

منابع زندگینامه :مشاهیر قزوین ، پژوهش و تالیف : مهدی نورمحمدی ،قزوین : سایه گستر .سال ۱۳۸۱، ص ۱۸۷ـ۱۹۱

صدیقی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه الاسلام حاج علی صدیقی در سال ۱۳۰۴ ،در قزوین دیده به جهان گشود. پس از آنکه چند سالی دروس جدید را خواند ، سال ۱۳۲۲ شمسی جهت فراگیری علوم حوزه وارد مدرسه مولاوردیخان شد. سپس عازم حوزه ی علمیه قم گردید و از محضر علمای این حوزه کسب فیض نمود. صدیقی در حدود سال ۱۳۴۵ به تهران مهاجرت کرد و در این شهر ساکن شد. سال ها امام جماعت مسجد توفیق و مسجد امام صادق (ع) را به عهده داشت. وی چند سالی است که از مراجع عظام: آیت الله گلپایگانی ، امام خمینی ، آیت الله خویی ، آیت الله اراکی و مقام معظم رهبری اجازاتی در امور حسبیه دارد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی صدیقی پس از آنکه چند سالی دروس جدید را خواند ، سال ۱۳۲۲ شمسی جهت فراگیری علوم حوزه وارد مدرسه مولاوردیخان شد. سپس عازم حوزه ی علمیه قم گردید و از محضر علمای این حوزه کسب فیض نمود.استادان و مربیان : علی صدیقی پس از آنکه وارد مدرسه مولاوردیخان شد ، مقدمات را از محضر اساتیدی چون حجه الاسلام حاج شیخ هادی سلیمانی ، تالهی و اویسی فراگرفت. فقه و اصول را از محضر آیت الله شریعت مهدوی استفاده نمود. وی همچنین در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله سلطانی ، امام خمینی و آیت الله العظمی بروجردی کسب فیض نمود.همسر و فرزندان : علی صدیقی در سال ۱۳۳۳ با صبیه آیت الله سید هبه الله تلاتری قزوینی ازدواج نمود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی صدیقی در حدود سال ۱۳۴۵ به تهران مهاجرت کرد و در این شهر ساکن شد. سال ها امام جماعت مسجد توفیق و مسجد امام صادق (ع) را به عهده داشت. وی سال از مراجع عظام: آیت الله گلپایگانی ، امام خمینی ، آیت الله خویی ، آیت الله اراکی و مقام معظم رهبری اجازاتی در امور حسبیه دارد.

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم ، ص۲۲۳

صفائی حائری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌اللّه علی صفائی حائری در سال ۱۳۳۰ ه . ش (۱۳۷۰ ق) در بیت علم و تقوا و در مهد دانش، در شهر مقدس قم چشم به جهان گشود.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدرعلی صفائی حائری ، حضرت آیت‌اللّه آقای حاج شیخ عباس صفایی حائری (ره) از افاضل علمای زمان خود به شمار می‌رفت. پدر بزرگش مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج شیخ محمد علی صفایی حائری قمی (ره) ، از فحول علمای نجف بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی صفائی حائری پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، به فراگیری علوم اسلامی پرداخت.وی ادبیات و بخشی از سطح را نزد مرحوم حاج شیخ نصرت میانجی و آیت‌اللّه جلیلی آموخت. شرح لمعه را نزد شهید محراب، مرحوم آیت‌اللّه مدنی و آیت‌اللّه میرزا ابوالفضل موسوی تبریزی و آیت‌اللّه موسوی اردبیلی، کتاب رسائل را نزد حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید مهدی روحانی و مکاسب و کفایه را نزد آیت‌اللّه ستوده (ره) ، آیت‌اللّه میرزا حسین نوری و آیت‌اللّه فاضل لنکرانی فرا گرفت.مرحوم صفایی از استعدادی فوق العاده و هوشی سرشار برخوردار بود؛ به همین جهت در مدتی کوتاه توانست مدارج ترقی را پیموده، دروس سطح را با فراست و دقت پشت سر گذاشته و به درس خارج فقه و اصول راه پیدا کند. اساتید او در درس خارج فقه و اصول، حضرات آیات عظام آقایان: مرحوم محقق داماد؛ و حاج آقا مرتضی حائری؛ و مرحوم پدرش آیت‌اللّه حاج شیخ عباس صفایی حائری بودند. وی مراحل عالی فقه و اصول را با کنجکاوی و

ذکاوت خاص خود در محضر پدر طی نمود، تا آن جا که به حلقه مباحثات علمی ایشان راه پیدا کرد. شوق زاید الوصف او در فراگیری علوم و عشق و علاقه‌اش به راهی که انتخاب کرده بود، از عواملی بودند که لحظه‌ای او را آرام نگذاشتند و هیچ مانعی باعث نشد که او از فراگیری دانش و معرفت غافل شود. او لیاقت خود را در درک عمیق و صحیح مبانی فقه و اصول به همگان نشان داد و به عنوان یکی از اساتید صاحب نام و طراز اوّل حوزه علمیه، درخشید و در عنفوان جوانی به مقام شامخ اجتهاد نایل آمد.استادان و مربیان : از استادانی که علی صفایی حائری درمحضرشان کسب فیض نموده به شرح زیر است: حاج شیخ نصرت میانجی و آیت‌اللّه جلیلی، مرحوم آیت‌اللّه مدنی ، آیت‌اللّه میرزا ابوالفضل موسوی تبریزی ، آیت‌اللّه موسوی اردبیلی،حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید مهدی روحانی ، آیت‌اللّه ستوده (ره) ، آیت‌اللّه میرزا حسین نوری ، آیت‌اللّه فاضل لنکرانی ، مرحوم محقق داماد، حاج آقا مرتضی حائری و عمده‌ترین استاد او در این مقطع، مرحوم پدرش بود.زمان و علت فوت : علی صفائی حائری سرانجام این مشعل فروزان در سحرگاه روز سه شنبه بیست و دوم تیر ماه ۱۳۷۸ در حالی که طبق عادت همیشگی با تنی چند از دوستان و شاگردان خود عازم زیارت مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه (ع) بود، در سانحه تصادف جان به جان آفرین تسلیم کرد.پیکر آن فقید سعید به قم منتقل شد و روز پنجشنبه بیست و چهارم تیرماه پس از اقامه نماز توسط حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید مهدی روحانی، در میان موجی از غم و اندوه و بر روی دوش دوستان و شاگردانش با حضور جمعی از علما، فضلا، اساتید حوزه علمیه و اقشار مردم قم از حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) تا گلزار شهدای قم با شکوه تمام تشییع و در جوار قبر فرزند شهیدش محمد صفایی به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی صفایی حائری در حمایت از نظام مقدس اسلامی تا بدانجا پیش رفت که در این راه فرزندش نیز به شهادت رسید. آیت‌اللّه صفایی حائری در سال ۵۹ طرح حمایت ازنظام را مطرح می‌کردند و در مقابل دوستانی که اعتراض می‌کردند این چه حکومت اسلامی است که در یک سو بازرگانی است که ملی گراست و دیگران به صورت دیگر؟! ایشان می‌فرمودند: وقتی اهداف مقدس است، باید کمک کرد.» و این عبارت قصار معروف ایشان است که:«تضعیف خیانت است، توجیه حماقت است و تکمیل رسالت. با کمبودها باید ساخت. اگر نیرو نیست، تربیت کن؛ اصلاً خود تو نیروی خوبی باش...»شاگردان : علی صفائی حائری در انتقال معارف کسب کرده خود هیچ بخلی به خرج نمی‌داد و آنچه را که خود آموخته بود، در کمال اخلاص همواره به دیگران نیز می‌آموخت و از این رهگذر شاگردان زیادی را تربیت کرد. روش او در تربیت شاگردان، سنّت فراموش شده علمای سلف را زنده کرد، او با اقتدا به شیوه پر بار گذشته حوزه‌های علمیه، افرادی را تربیت کرد که از ابتدایی‌ترین مراحل تحصیلی تا دروس ادبیات و سطح را به آنها آموخت و همگام با آنان و در کنارشان تا آن جا این روش را ادامه داد که درس‌های خارج حوزه را با آنها به مباحثه نشست و نه تنها در کارهای علمی که در همه امور زندگی در کنار آنها بود و به حل مشکلاتشان پرداخت.آثار : آرامش (مجموعه شعر) از زلال ولایت (بررسی چهل حدیث از سخنان امام حسین (ع)) چاپ انتشارات مسجد جمکران قم. از معرفت دینی تا جامعه و حکومت دینی (در دست چاپ) استاد و درس و روش تدریس استاد و درس، ادبیات، هنر و نقد انسان در دو فصل (اشاره به دو دوران قبل از بلوغ و بعد از بلوغ) انفاق (نگاهی به بحث انفاق و اثرات سازنده آن) ای قامت بلند امامت (تحلیلی کوتاه از مسأله انتظار در زمان غیبت) بررسی (مباحث این کتاب عمدتاً به نقد مکتب مارکسیسم می‌پردازد و ضمن بیان مسائلی درباره تاریخ، طبیعت، آزادی، زن، حجاب و مالکیت اسلامی، پاسخ‌های لازم را در مورد این زمینه‌ها بیان می‌کند.) بشنوازنی (بحثی در مورد دعا، زیارت و شرحی بر دعای ابوحمزه ثمالی) پاسخ به پیام نهضت آزادی / انتشارات هجرت. پنج نامه بلند به فرزندانش قبل از بلوغ. پیروز (مجموعه شعر) تابوت (مجموعه شعر) تطهیر با جاری قرآن، جلد تفسیر سوره توحید تطهیر با جاری قرآن، جلد (۴) تفسیر سوره نصر تطهیر با جاری قرآن، جلد (۵) تفسیر سوره کافرون تطهیر با جاری قرآن، جلد (۶) تفسیر سوره کوثر تطهیر با جاری قرآن، جلد (۷) تفسیر سوره‌های همزه، فیل، قریش و ماعون تطهیر با جاری قرآن، جلد تفسیر سوره‌های فلق و ناس تطهیر با جاری قرآن، جلدتفسیر سوره تبت تفسیر سوره‌های بقره، انعام، آل عمران، لقمان،

مدثرو علق (دنباله مباحث تطهیر با جاری قرآن که آماده چاپ است.) تقریرات درس اصول تقریرات درس فقه دفتر اول: تعریف انقلاب اسلامی و آرمان انقلاب دفتر پنجم: میزان دفتر چهارم: مسئله انتظار دفتر دهم: موارد تقیّه و احکام تقیّه دفتر دوازدهم: قیام دفتر دوم: بینات دفتر سوم: بینش و آگاهی دفتر ششم: ولایت فقیه دفتر نهم: ضرورت تقیّه دفتر هشتم: مفهوم تقیّه دفتر هفتم: عمل در ارتباط با معرفت و محبت دفتر یازدهم: ائمه و تقیّه ذهنیّت و زاویه دید (این اثر به نقد ادبیات داستانی معاصر می‌پردازد و در آن مجموعاً ۱۱ اثر از نویسندگانی چون: حسن عابدینی، سیمین دانشور، محمود دولت‌آبادی، رضا براهنی، اسماعیل فصیح، شهرنوش پارسی‌پور، تقی مدرسی و گابریل گارسیامارکز مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است. این کتاب از طرف انتشارات کوبه در تهران با نام علی حائری در سال ۱۳۶۹ و در تیراژ ۵۵۰۰ نسخه انتشار یافته است.) ، رشد (دیداری با سوره والعصر) ، روش برداشت از قرآن ، روش نقد، جلد (۱) نقد هدف‌ها و مکتب‌ها ۴۱ روش نقد، جلد (۲) نقد مکتب‌ها، آرمان آزادی ، روش نقد، جلد (۳) نقد مکتب‌ها، آرمان آگاهی و عرفان، روش نقد، جلد (۴) نقد مکتب‌ها، آرمان تکامل، مارکسیسم ، روش نقد، جلد (۵) نقد مکتب‌ها، آرمان تکامل، اگزیستانسیالیزم ، شعرهای شهادت (مجموعه شعر) ، صراط (دیداری با سوره حمد) ، طرحی در زمینه روحانیت، مسائل حوزه و تبلیغ. ، طرحی در زمینه مسائل فقه. عاشورا (نگاهی به مسأله قیام امام حسین (ع) ، غدیر (بحثی فشرده در زمینه مسأله ولایت و رهبری) ، فریاد (شعری بلند در زمینه توحید و خداشناسی) ، فقر (مباحثی در زمینه اقتصاد اسلامی) ، مسئولیت و سازندگی ، نزدیک به ۳۰۰ نوارکاست و ویدیویی از سخنرانی‌های مختلف او درباره مباحث کلامی، اخلاقی، تاریخی، تفسیر و فقه ، نوشته‌ای در ۴۶ صفحه دست نویس که قبل از رفتن به جبهه در سال ۱۳۶۵ نوشته و طرح‌های کلی و آراء و عقاید خود را در آن بیان داشته است. ، وداع (مجموعه شعر) ، وصیت نامه او

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz - /www.hawzah.net

ضیائی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبداللّه ضیایی از چهره‌های برجسته‌ای بود که علاوه بر دروس حوزه، دروس عالیه دانشگاهی را آموخت و در حقیقت جامع علوم دینی و کلاسیک بود. معظم له در سال ۱۳۰۲ ش در روستای دریاکنار شهرستان لنگرود از شهرهای قدیمی استان گیلان، در بیت سیادت و فضیلت پای به عرصه وجود گذاشت. گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : سید حسین، پدر بزرگوار سید عبداللّه ضیایی مردی متدین و شب زنده‌دار بود و به همان شیوه نیاکان و اسلاف گرامی‌اش به کشاورزی (برنج کاری) و نوغان داری (پرورش کرم ابریشم) مشغول بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدعبدالله ضیایی در سن پنج سالگی برای آموختن قرآن به مکتب رفت و چند سالی را در آنجا نزد معلمان طالقانی - که از طالقان برای تعلیم و تربیت اطفال بدان نواحی می‌آمدند - قرآن و برخی از کتب متداول آن زمان، همانند «احسن المراسلات»، «سید الانشاء نوظهور»، «کلیله و دمنه» و «بوستان سعدی» و همچنین طرز نوشتن سندِ اجاره و فروش و انواع نامه نگاری، را فرا گرفت. او به دلیل نبوغ و استعداد ذاتی و سرشارش، در مراکز تجمع همانند مسجد، میدان کُشتی‌گیریِ گیل مردان حاضر می‌شد تا معلم مکتب خانه از حافظه و استعداد او در فراگیری قرآن و درس، برای جذب اطفال اهالی آن سامان در مکتب خانه استفاده نماید. آیت اللّه دکتر ضیایی پس از تحمل سختی‌های فراوان موفق به اخذ پایان نامه کلاس ششم ابتدایی از مدارس دولتی شد و آن گاه در سال ۱۳۲۳ ش عازم حوزه علمیه قم گردید. دکتر ضیایی هر قدر که برای فراگیری علم و دانش تلاش می‌کرد، به همان اندازه نیز متخلّق به آداب و اخلاق نبوی و

سیره عملی معصومین (ع) بود. او علم و تعهد و معنویت را با هم آمیخته بود.آیت اللّه دکتر ضیایی، پس از اقامت در قم، به درس خارج آیت اللّه بروجردی و نیز به درس فلسفه و حکمت حضرات: علامه طباطبایی و امام خمینی حاضر و تنها از این بزرگواران بهره‌مند شد.اقامت آیت اللّه ضیایی در قم، چندان دوامی نیافت و پس از چندی به ناچار به تهران رفته، در مدرسه علمیه مروی تهران به تحصیل خود ادامه داد و در درس خارج «کفایه»و «رسائل» و «مکاسِب» آیات عظام: حاج سید احمد خوانساری، حاج عمادالدین غروی رشتی، آقا باقر آشتیانی و آقا میرزا هاشم آملی۴ شرکت جست. وی در این باره می‌نویسد:«من نیز دروس آیات عظام: خوانساری، غروی رشتی - که شاید در علم اصول بی‌نظیر بود - ، آقا میرزا هاشم آملی و آقا باقر آشتیانی را فرا گرفته و در مدرسه شیخ عبدالحسین سمت مدرسی داشتم و نیز به دعوت آیت اللّه خوانساری در جلسه استفتای معظم له حضور می‌یافتم. تا این که پس از چند سالی به اتفاق عده زیادی از فضلای تهران و قم - که از آن جمله شهید مطهری بود - در امتحان تصدیق مدرسی، که برای اولین بار تشکیل شده بود، شرکت کردیم.»خاطرات و وقایع تحصیل : سید عبداللّه ضیایی درباره مسافرت خود به حوزه علمیه قم می‌نویسد:«من به همراه عدّه‌ای که عازم کربلا بودند، با مختصر اثاثیه زندگی مجرّدی و مبلغ ۳۵۰ تومان، که شاید ۷۰ تومان هم خودم داشتم، به طرف قم حرکت کردیم. اما از رشت تا قم دو شب و یک روز طول کشید تا وارد قم شدیم.در سال ۱۳۲۳ ه . ش بود. فردای آن روز، وارد یکی از حجرات مدرسه فیضیه، که سه نفر از طلاب گیلان سکونت داشتند، شدیم. با آنها در آن حجره بودیم و مشغول درس شدیم. تا یکی از روزها بعضی از بزرگان علما از من دیدن کردند و پس از چند سؤال از صرف میر و امثله از ما چند نفر، خطاب به حاضرین کرده و فرمودند: هر چه زودتر برایش لباس روحانیت تهیه کنید تا در نرود!». دکتر محمدضیایی در مورد تحصیل در آن دوران اینگونه می گوید که: «تمام افرادی که با من بودند، استخدام شدند و من جرأت دخول در جرگه ظلمه را نداشتم و شبهه رکون به ظالم و معاونت ظلمه در نزد من قوی بود و زندگی برای من بسیار سخت شده بود. روزی از آیت اللّه خوانساری پرسیدم که طلبه‌ای چنین و چنان است و می‌گوید اگر در دستگاه دولتی قرار بگیرم ممکن است داد مظلومی و یا جای یک بهایی یا کمونیست را بگیرم، آیا جایز است؟ فرمودند: «این همه، وسوسه‌های شیطانی است و شیطان قوی است.» و قصه‌ای نقل کردند که شیطان از طریق حمایت از دین مرجعی را گول زد و دیگر راه جبران نداشت که شرحش مفصل است. «و بعد فرمودند: «اگر روزگار خیلی سخت می‌گذرد، چرخ دستی بگیرید و سیب زمینی بفروشید.» بالاخره به مدت دو تابستان در روستای ما، دریاکنار لنگرود، مشغول پرورش کرم ابریشم شدم؛ اما چون نابلد بودم خیلی بر من سخت گذشت، به پای خداوند متعال محسوب داشتم.»دکتر ضیایی با همه سختی‌ها و گرفتاری‌های زندگی، لحظه‌ای از کسب علم و دانش غافل نماند. ایشان بعد از اخذ مدرک لیسانس، به تحصیلات دانشگاهی ادامه داد تا موفق به اخذ دکترا در رشته علوم تربیتی از دانشگاه تهران شد. وی در این باره خاطره‌ای نقل می‌کند:«در دوره دکترا مبصر کلاس بودم، آخر سال‌ها بود، یعنی در حدود سال ۱۳۳۵ ش، که مرحوم «آقای مشکاة» حُسن ظنّی به من داشت، در حضور جمعی از اساتید از من خواست که استخدام شوم؛ اما من این کار را حرام می‌دانستم، به تعلّل متوسل شدم. بالاخره استدلال آنها قوی بود و من جرأت نمی‌کردم که بگویم من حرام می‌دانم. تا آنجا که مستأصل شدم، گفتم استخاره می‌کنم. قرآن گرفتم و استخاره کردم. از باب اعجاز قرآن، این آیه در اول صفحه دست راست قرآن، بعد از گشودن، نوشته شده بود: (اهم یقسمون رحمهٔ ربّک نحن قسمنا بینهم معیشتهم.)وقتی این آیه را دیدند، کانّه علی رؤوسهم الطیر!! در مورد عدم قبول استخدام دولتی خیلی حرف‌ها خوردم؛ اما همه را به پای خدا محسوب داشتم که ان شاء اللّه همان طور که در دنیا پاداش مضاعف داده، در آخرت نیز عطا فرماید.»استادان و مربیان : از استادانی که سید عبداللّه ضیایی در محفلشان کسب فیض نمود می توان به : آیت الله بروجردی، طالقانی، حاج سیداحمد خراسانی، حاج عماد الدین غروی رشتی، آقا باقر اشتیانی، میرزا هاشم آملی، علامه طباطبایی و امام خمینی اشاره کرد.وقایع میانسالی : با توجه به سابقه طولانی و خدمات بی‌نظیر سید عبداللّه ضیایی، مردم منطقه به محض اطلاع از رحلت ایشان، جامه عزا به تن کردند و همه جا را سیاهپوش نمودند. مجالس مختلف و

متعـددی در همه شـهرها، بخش‌ها و روسـتاهای کوچک و بزرگ منعقد گردید. مجالس متعددی نیز از سوی بزرگان در تهران، قم و... منعقد شد.فرزندان آیت اللّه ضـیایی نقل کرده‌اند که: در شب وفات، حالت بیهوشی به آن مرحوم دست داد ؛ به طوری ما خیال کردیـم از دنیـا رفتـه است. لـذا شـروع بـه گریـه و زاری کردیـم؛ ولی پس از چنـدی، ایشـان بـه هـوش آمدنـد و فرمودنـد: چرا مرا برگرداندید؟ آن گاه فرمودند: من نماز نخوانده‌ام. سپس با همان حالت ضعف و ناراحتی تیمّم نمودند، نماز به جا آوردند و با خنده فرمودنـد: گلاـب بپاشـید، مگر نمی‌بینیـد؟! و چنـدین بار این جمله را تکرار کردنـد. ما نیز این کار را انجام دادیم. در این هنگام نیم قـامت برخاسـتند و در حـالی کـه می‌خندیدنـد و کلمـاتی زیر لـب زمزمـه می‌کردنـد، چشـم از جهـان فرو بسـتند و مـا بـه یـاد جمله امیرالمؤمنین (ع) افتادیم که فرمود:یا حار هَمْدانِ مَنْ یَمُتْ یَرَنی مِنْ مُؤْمِنٍ اَوْ مُنافِقٍ قُبلاًزمان و علت فوت : سـید عبداللّه ضیایی، که به امراض معـده و سـرطان مبتلاـ شـده بود و پس از معالجات ممتـد در ایران و خارج (اتریش و انگلیس) در شب شام غریبان حضـرت ابی‌عبـداللّه (ع) در بیست و سوم مرداد ۱۳۶۸ ش دار فانی را وداع گفت و به عالم بقا شـتافت.مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : سید عبـداللّه ضـیایی ، بعـد از اخـذ مـدرک دکترا و اخـذ اجـازات اجتهاد از آیات عظام، به امر مراجع تقلیـد، تهران را به قصـد توطن در گیلان ترک کرد و در آسـتانه اشرفیه رحل اقامت افکند. وی به مدت ۱۷ سال، یعنی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ ش، به امر آیات عظام، بویژه حضـرت امام خمینی (ره) ، مأمور به امامت جماعت مسـجد جامع و مـدیریت حوزه علمیه جلالیه آسـتانه اشـرفیه گردیـد.دکتر ضیایی مبارزه را از هنگام ورود به دانشـگاه آغاز کرد و با مباحث و مناظرات علمی با چهره‌های منحرف و وابسته به رژیم طاغوتی و اسـتخدام نشـدن در دوائر دولتی - که نشـانه مشروع ندانسـتن حکومت طـاغوت بود - ، در عرصه‌های مختلف به مصاف طاغوت و اندیشه‌های منحرف رفت. زمانی که به آستانه اشرفیه بازگشت، باز هم از مبارزه باز نایستاد و در منابر و سخنرانی‌ها، در مناسبت‌های مختلف، به شـدت از رژیم طاغوتی انتقاد می‌کرد؛ به طوری که یک سال قبل از انقلاب ممنوع المنبر شـد و چنـد ماه قبل از پیروزی انقلاـب اسـلامی، منزل او به دست عوامـل مزدور ساواک به آتش کشـیده شـد که بر اثر آن، بسـیاری از نوشـته‌ها، کتب و تقریرات درسـی مربوط به حوزه و دانشـگاهش از بین رفت. او بعـد از پیروزی انقلاـب اسـلامی به عنوان یکی از خبرگان از اسـتان گیلان به منظور تـدوین قانون اساسـی انتخاب گردیـد و سـپس به طور موقت به تهران رفته، پس از چندی هم در قم مقیم شد. ایشان علاوه بر تدریس در حوزه، در شورای مدیریت حوزه علمیه قم در سـمت دبیر شورا هم انجام وظیفه می‌کرد.فعالیتهای آموزشی : مرحوم سید عبـداللّه ضـیایی از جمله شخصـیت‌های برجسته و شاخصـی بـود که بـا تـوجه به تحصـیلات دانشـگاهی و تسـلط و احـاطه بر مبـانی مسـلک‌ها و شـناخت عناصـر منحرف و عقایـد آنـان، منزل خود را پایگـاه پاسـخ‌گویی به سؤالات علمی و شـبهات گوناگون اساتید دانشـگاه‌ها، فرهنگیـان، گروه‌هـای مختلف از قبیل توده‌ای‌ها، بهایی‌ها، کمونیست‌ها و جوانان مسـلمان دانشـجو و... قرار داده بود. او نقش به سـزایی در روشن شدن اذهان مردم در برابر این انحرافات داشت. او کانون توجه و مراجعه روشنفکران بود.وعظ و خطابه او باعث بیداری نسل جوان در برابر تهاجمات و خطرات فکری، فرهنگی، عقیدتی، علمی و... می‌شد ؛ در یک کلمه، گرچه او در شهر کوچـک آسـتانه اشـرفیه سـکونت داشـت، ولی در حقیقت مرکز هـدایت فکری و فرهنگی تمـام گیلاـن و غرب مازنـدران به شـمار می‌رفـت و در ایـن راسـتا بـا عـده‌ای از واعظـان و نویسـندگان منطقه، هماننـد مرحـوم آیت اللّه احسـان‌بخش، آیت اللّه قربـانی و...، همکـاری داشـت. بـه همـت ایشـان و جمعی از بزرگـان حـوزه علمیـه و مدرسـین عـالی مقـام، نخستین برنـامه جهـت سامانـدهی و قانون‌منـدی دروس و امور مربوط به طلاـب تـدوین شـد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شـمار می آیـد : سـید عبـداللّه ضـیایی جزو معـدود عالمـانی بود که توفیق یافت منشأ خـدمات اجتماعی و سیاسـی و آثار و برکات معنوی گردد؛ از جمله خـدمات وی است:.۱ بازسازی و احیای حوزه علمیه جلالیه آستانه اشـرفیه، با تجهیزات کامل..۲ تربیت و پرورش صـدها نفر طلبه که بسـیاری از آنـان در سمت امـامت جمعه و جماعت و مناصب دولتی و قضایی به نظام اسـلامی خـدمت می‌کننـد..۳ احیای مسـجد جامع آستانه اشرفیه با گنبدی بسیار زیبا..۴ احداث بیمارستان در آستانه اشرفیه..۵ احداث و مرمت مساجد و حسـینیه‌های فراوان در منطقه..۶ احداث پمپ

بنزین..۷ احداث ساختمان‌های فراوان وقفی از قبیل حمام و... .. ۸ اعزام مبلغ به روستاهای گیلان و مازندران، یکی از روش‌های پسندیده و موفق وی در این باب بود.از آنجا که ایشان با روحیه و آداب و رسوم مردم منطقه کاملاً آشنایی داشت، اول ماه محرم یا رمضان، مبلغان اعزامی از قم و مشهد وقتی وارد استان گیلان می‌شدند، ابتدا به منزل وی در آستانه می‌آمدند. ایشان در منزل از آنان امتحان منبر به عمل می‌آورد و بعد به تناسب نوع سخنرانی و لحن و معلومات طلبه، می‌فهمید که او را به کدام محل بفرستد تا هر دو راضی باشند. مردم منطقه از این روش همواره رضایت کامل داشتند و از او به نیکی یاد می‌کنند.چگونگی عرضه آثار : سید عبداللّه ضیایی از طبع شاعرانه هم بی‌بهره نبود و اشعاری از ایشان به یادگار مانده است. از باب نمونه، غزلی را که ایشان به سال ۱۳۵۴ ش در مدح حضرت بقیهٔ اللّه الاعظم – عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف – سروده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz – /www.hawzah.net

طاهر، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا طاهر در سال ۱۳۰۷ شمسی در قمشه (شهرضای کنونی)متولد شد. وی در رشته معقول و منقول دانشگاه تهران با مدرک لیسانس فارغ التحصیل شد. وی ضمن تدریس در مدارس شهرضا، به مطالعه و تحقیق و ترجمه متون از عربی به فارسی پرداخته. آثاری نیزبه طبع ونشر رساند در اندک مدتی به عنوان محققی دقیق در جامعه دانشگاهی مطرح شد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : تصحیح تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامرضا طاهر پس از تحصیلات مقدماتی . متوسطه . رشته معقول و منقول را به عنوان تحصیلات دانشگاهی برگزید و درسال ۱۳۳۷ موفق به اخذ مدرک لیسانس از دانشگا ه تهران شد .هم دوره ای ها و همکاران : غلامرضا طاهر توسط دکتر خانلری به کار در بنیاد فرهنگ ایران دعوت شد واوبه فعالیت دراین بنیاد مشغول گردید . استاد ایرج افشار یزدی نیز در تهیه اکثر نسخ خطی و تسهیل مراحل چاپ مصححات استاد طاهر ،کمک شایانی به وی نمود. وقایع میانسالی : غلامرضا طاهر در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۷۷ دچار عارضه سکته مغزی شد و این مساله باعث شد که زبانش از تکلم افتاده و دست راست و پای چپش نیز تحرک خودرا از دست دهد . در این ایام و در بستر بیماری استاد طاهر جز مطالعه قرآن کریم ،حوصله مطالعه کتاب و نشریات دیگر نداشت . مشاغل و سمتهای مورد تصدی : غلامرضا طاهر علاوه بر از تدریس در دبیرستان های شهر رضا ، از سال ۱۳۵۳ به دانشگاه اصفهان دعوت شد و تا سال ۱۳۵۷ با آن دانشگاه همکاری کرد. پس از تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی ایشان در دانشگاه های واحد دهاقان ،نجف آباد ،شهرضا و دانشگاه پیام نور شهرضا فعالیت علمی و آموزشی خود را ادامه داد. فعالیتهای آموزشی : غلامرضا طاهر پس از اخذ درجه لیسانس از دانشگاه تهران به مدت ۳۰سال دبیر دبیرستانهای شهرضا بود . سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نقدهای دقیق و مقالات علمی غلامرضا طاهر همواره درمجلاتی چون یغما و راهنمای کتاب و یاد نامه های بزرگان و پس از انقلاب اسلامی در مجلات آینده و پژوهشنامه آستان مقدس رضوی به چاپ می رسید . شهرت او باعث گشت تا دکتر خانلری شرایط انتقال وی را از آموزش و پرورش به بنیاد فرهنگ ایران فراهم آورد ولی او تنها دو روز در آن بنیاد به سر برد و چون روحیه خود را با حال و هوای تهران مساعد ندید آن جا را ترک کرد و به زادگاه خود برگشت . آثار : تالیف فرهنگ لغات طبی یونانی در کتاب های فارسی ویژگی اثر : این اثر در سال ۱۳۷۴ توسط مرکز نشر دانشگاهی به چاپ رسید .۲ ترجمه پنج داستان کوتاه ویژگی اثر : این اثر از زبان عربی ترجمه شده و در نشریه یغما از سال ۲۲تا

سال ۳۱ آن منتشر شده است .۳ ترجمه رمان اللقاد ویژگی اثر : اثر میخاییل نعیمه که به فارسی ترجمه شده است .۴ ترجمه رمان الیوم الاخیر ویژگی اثر : اثری از میخاییل نعیمه که به فارسی ترجمه شده است .۵ تصحیح قانون ادب لغت عربی به فارسی ویژگی اثر : این اثر تالیف حبیش تفلیسی از دانشمندان قرن ششم است و تصحیح انجام شده در سه جلد توسط بنیاد فرهنگ ایران در سالهای ۱۳۵۰و ۱۳۵۱ شمسی منتشر شد.۶ تصحیح لطایف الحقایق ویژگی اثر : تالیف خواجه رشید الدین فضل الله همدانی است که در سال ۱۳۵۵ توسط کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در دو جلد منتشر شد.۷ حدود چهل مقاله و نقد ویژگی اثر : این آثار عمدتا در نشریه های مختلف ادبی و یادنامه ها به چاپ رسیده است.

منابع زندگینامه :نگاهی به المختارا ت من المرسائل ،مسعود تاکی ،کتاب ماه ادبیات و فلسفه مهر ماه ۱۳۷۹ شماره ۳۶

طباطبایی، نورالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در یکی از روزهای سال ۱۳۱۹ ه . ش در خانواده روحانی و مبارز، حاج میرزا علی آقا طباطبایی، در این آبادی با صفا، کودکی دیده به جهان گشود که پدر نام سید نور اللّه را برایش برگزید. این غنچه نو رسته از همان آغازین روزهای حیات، تحت تربیت پدری متدین و فاضل و پرورش مادری پاکدامن، دانش دوست و علاقه‌مند به خاندان رسالت بالندگی یافت.چون فضای خانه‌ای که سید نور اللّه دوران طفولیت را در آن می‌گذارنید به علم و ایمان و پارسایی آراسته بود، از همان اوان شیرخوارگی، دانش‌طلبی در پرتو معنویت، با جان این نوباوه عجین گشت و تا آخر با او بود. او پویش علمی و عمل صالح را از پدری عالم و عامل و مادری فضیلت پرور، در کلاس تربیت خانوادگی آموخت و بی آن که پایش بلغزد، در طریق صلاح و فلاح گام نهاد و از پی تحصیل معرفت و مکارم به حریم مردان خدا، راه یافت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : نام پدر سید نورالله طباطبایی ، حاج میرزاآقا است. حاج میرزا علی طباطبایی در عمل، اخلاق و تقوا انسانی نمونه بود و در منطقه اردستان با فرقه ضالّه بهائیت به مبارزه برخاست، مردمان این سامان پس از سال‌ها که از غروب آن ستاره فروزان می‌گذرد، زحمات وافر و تلاش‌های ارزشمند آن مرد بزرگ را در راه نشر معارف اسلامی و قلع و قمع تبه کیشان تبه ساز و خدمت به مردمان محروم روستاها، از یاد نبرده‌اند و خود را رهین کوشش‌های او می‌دانند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید نوراللّه طباطبایی آموزش قرآن و مقدمات علوم دینی را نخست نزد پدر فاضل و خوش‌نامش آموخت.پس از تحصیلات ابتدایی برای افزایش دانسته‌ها و آشنایی هر چه بیشتر با معارف قرآن و عترت (ع) به توصیه پدر، ظفرقند (زفرقند) را به قصد اقامت در شهر مقدس قم ترک کرد و در سنین نوجوانی رهسپار این دیار شد. در آنجا نزد مدرسان خبره و استادان برجسته، با ادبیات عرب، فقه، اصول، حکمت، فلسفه و تفسیر قرآن آشنا شد. اخلاص این نوجوان به همراه صفای خانواده موجب آن گردید که خداوند لطفش را شامل حال او کند و از استعدادی سرشار و ذوقی عالی و همتی وافر، بهره‌مندش سازد؛ در نتیجه دوره مقدمات و سطح را در مدتی کوتاه و با سرعت فرا گرفت و از عهده کلیه امتحانات به خوبی برآمد.پس از پشت سر نهادن این دوره‌ها به دوره خارج فقه و اصول راه یافت و این لیاقت را به دست آورد تا به محضر پرفیض حضرت آیت اللّه العظمی گلپایگانی (ره) راه یابد. وی با کوششی پی‌گیر، عزمی استوار و اراده‌ای خستگی‌ناپذیر، مراحل علمی را در چنین محفلی طی کرد و به کمالات علمی دست یافت.در آن زمان، آیت اللّه گلپایگانی با تلاشی مجدّانه روح فقاهت را در کالبد شاگردانی چون سید نوراللّه می‌دمید و امثال او را به عنوان پیشتازان فکری و طلایه‌داران اندیشه‌های دینی پرورش می‌داد. وی در ضمن فراگیری علوم نزد آن فروغ فقاهت، موفق گردید بیش از گذشته بذر مکارم و

فضایل را در مزرعه وجود خویش بیفشاند و با احترام به آراء بزرگان بر کشتی نقد و پژوهش نشسته و اقیانوس معارف غنی تشیع را به غواصی پرداخته و صید گوهرهای ثمین و دُرهای گرانبها، به دست آورد.شهید سید نوراللّه طباطبایی نژاد به محفل نورانی عالم ربانی، متفکر شهید و فیلسوف عالیقدر، آیت اللّه مرتضی مطهری (ره) راه یافت. انس وی با این دانشمند به خون خفته، سرچشمه‌ای مهم در برنامه‌های درسی، پژوهشی و نیز تحولی شگرف در شیوه‌های تبلیغی، رفتاری و اخلاقی او به حساب می‌آید.به برکت این ارتباط علمی، شهید طباطبایی‌نژاد (ره) در حراست از مرزهای عقیدتی، حفاظت از حصن حصین اسلام، التقاط زدایی و زدودن خرافه‌ها از فرهنگ مردم، نقش ارزنده‌ای را ایفا کرد. آن شهید با مبانی فکری و آراء فلسفی شهید مطهری آشنا شد و در کنار فراگیری فقه و اصول، آموختن مضامین فلسفی و حکمی را پی گرفت و در این بوستان از خرمن دانش آیت اللّه مطهری (ره) خوشه‌ها چید.فعالیتهای ضمن تحصیل : سید نورالله طباطبایی (ره) به موازات بیست سال تحصیل و تدریس و در اثنای این تلاش‌ها از کاوش و تتبع در منابع قرآنی غافل نشد. چه شب‌های زیادی، که آنها را با بحث و تحقیق در آیات قرآنی احیا می‌کرد! ویژگی‌ها، ضرورت‌ها و تقاضاهای آن عصر، مسائلی را طرح می‌نمود که نشان می‌داد از پیدایش مسائل جدید و مفاهیم تازه در عرصه زندگی افراد، سرچشمه می‌گیرد. شهید طباطبایی نژاد (ره) از آن دسته روحانیانی بود که این مسائل و تحولات را درک کرد و با احساس وظیفه فهمید، نمی‌توان در برابر این دگرگونی‌ها خاموش و بی‌تفاوت نشست و با بدگویی از زمانه، فقط بر اوضاع تأسف خورد یا در انزوا فرصتی طلایی را انتظار کشید.استادان و مربیان : از استادان سید نورالله طباطبایی بعد از پدرش می توان به آیه الله العظمی گلپایگانی و آیه الله مرتضی مطهری اشاره کرد.همسر و فرزندان : از سید نورالله طباطبایی چهار فرزند باقی مانده که فرزند کوچکش در زمان شهادت وی چهار ساله بود.زمان و علت فوت : سیدنورالله طباطبایی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ه.ش به همراه سالار شهیدان انقلاب اسلامی در کربلای سرچشمه به شهادت رسید و پیکر پاکش را در شیخان قم دفن گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید نورالله طباطبایی (ره) از وقتی که به حوزه علمیه قم راه یافت با اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) آشنا گردید و در پرتو افکار تابناک آن روح قدسی، ستیز با استبداد و نفی هر گونه ستم را یکی از مهم‌ترین برنامه‌های خود قرار داد. وی از هیچ تهدید و خطری نهراسید و هر چه شب‌پرستان تاریک دل و خفاش صفت محیط فعالیت را برایش تنگ کرده و او را از سنگری محروم می‌نمودند، به عرصه دیگری می‌شتافت و چون آذرخش، کویر جهل انسانها را روشن کرده و آنها را از خواب غفلت بیدار می‌ساخت. خطابه‌های آموزنده این شهید برفراز منبر و نیز سخنان روشنگرش در جمع دوستان و جلسات خصوصی، ضمن بیان حقایقی از تعالیم اسلامی و ترسیم فضیلت‌ها، در اوج فصاحت و شیوایی بر دل‌ها می‌نشست. سخنرانی‌های وی این خصوصیت را داشت که با ارائه نمونه‌ها، اشاره به مصادیق و تطبیق اختناق رژیم پهلوی با دوران خفقان عباسیان و امویان، فساد و تباهی اعوان و انصار استبداد را برملا می‌کرد. هر کجا رژیم شاه حرکتی را بر ضد باورهای مذهبی مردم مرتکب می‌گردید، با افشای آن، استوار و فداکارانه خشم و نفرت خود را از تبهکاری‌های ستمکاران بروز می‌داد.آن شهید سعید همواره در ایام تبلیغی در نقاط مختلف کشور به هدایت و ارشاد مردم می‌پرداخت. ایشان در راه به ثمر رسانیدن انقلاب شکوهمند اسلامی بارها در قم و منطقه اردستان و زواره مورد ضرب و شتم دشمنان اسلام قرار گرفت. در آن دوران خفقان چندین مرتبه اتفاق افتاد که بعد از نماز مغرب و عشا، در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) در قم، وقتی سخنان و بیانات امام خمینی (ره) را برای مردم تشریح می‌کرد و برای آن مرد بزرگ، دست به دعا بر می‌داشت، به دست مأموران پهلوی مورد هتک و شتم قرار می‌گرفت؛ ولی این فشارها نه تنها هیچ گونه تأثیر منفی در اراده استوارش - که از قلبی لبریز از ایمان و تقوا نشأت می‌گرفت.- نمی‌نهاد؛ بلکه او را در راه هدف جدی‌تر هم می‌ساخت و برای وارد آوردن ضربات کوبنده‌تر به ریشه پوسیده استبداد بیش از پیش توان خویش را به کار می‌گرفت.در منطقه اردستان و زواره، اطلاعیه‌های حضرت امام (ره) را با شگرد خاص خود توزیع می‌کرد و در ضمن مبارزه شدید، تقیه را هم در نظر داشت، تا بتواند به کمک این سلاح سازنده، راه خویش را در جهت محو ستم ادامه دهد. او در واقع مأموران ساواک و عوامل

رژیم را که با مراقبت دائمی، می‌خواستند سر از کارش درآورند، غافل می‌ساخت. مثلاً ایشان، ماشین حامل اعلامیه امام (ره) را با فاصله‌ای نسبتاً طولانی، از مسجد یا محل دیگر که می‌خواست آنها را در آنجا توزیع کند، پارک می‌کرد؛ سپس از کوچه‌های فرعی به حالت کاملاً ـ عادی، طوری که شک مأموران را برنینگیزد، به آن مجلس وارد می‌شد و اطلاعیه‌ها را به افرادی می‌سپرد تا آنها خود، آن را پخش کنند. ایشان در شهر زواره، از دست طرفداران شاه به تنگ آمده بود؛ زیرا هر وقت او را می‌دیدند با بدگویی از مبارزان و مخالفان رژیم، بدترین نوع توهین‌ها را نسبت به حامیان امام (ره) و نهضت اسلامی، روا می‌داشتند؛ اما او با حفظ مصلحت‌های لازم ضمن تعریف از مبارزین، مراقب بود تا بهانه‌ای دست این افراد ندهد، برای این که مبادا برای آنان زحمتی ایجاد کنند؛ یا در فعالیت‌های سیاسی این نیروها اختلال به‌وجود آورند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدنورالله طباطبایی در سال ۱۳۴۹ ش، در آن بحبوحه که مجلس فرمایشی رژیم پهلوی، هر روز قوانینی جدید در مخالفت با اسلام و تشیع و معارضت با قرآن و عترت وضع می‌کرد، شهید طباطبایی‌نژاد (ره) با قاطعیت تمام در یکی از مجالس عمومی و بر فراز منبر، نمایندگان آن روز را نوکر اجانب خواند. به دنبال این افشاگری، در منطقه اردستان و توابع ممنوع المنبر گشت و با پرونده‌ای حجیم که مأموران امنیتی برایش تنظیم کرده بودند، به ساواک مرکزی اصفهان منتقل گردید. با این همه پس از آزادی، مجدّداً به تلاش‌های روشنگرانه خود ادامه داد و در جهت تنویر افکار عمومی و تغذیه فکری نسل جوان لحظه‌ای آرام نگرفت تا آن که در سال ۱۳۵۶ ش، به دست عوامل رژیم دستگیر و روانه زندان شد؛ اما در روز بیست و ششم دی ماه در سال ۱۳۵۷ که مقارن با فرار شاه مخلوع بود، از زندان رهایی یافت.در حدود سالهای ۱۳۵۱ یا ۱۳۵۲ ش بود که حضرت حجهٔ الاسلام و المسلمین کرباسی – روحانی اعزامی از قم – در مسجد پامنار زواره (واقع در شمال اردستان) به مناسبت سالروز ولادت با سعادت حضرت مهدی (عج) جشنی بر پا کرده بود. شهید طباطبایی‌نژاد در این مراسم سخنرانی کرد. حداقل در منطقه اردستان و زواره ایشان بود که برای نخستین بار از رهبر و قائد نهضت اسلامی ایران، به عنوان «امام خمینی» اسم برد.آرا و گرایشهای خاص : سید نورالله طباطبایی (ره) از همان اوان کودکی، در مکتب پدر و اساتید وارسته خود، با فضایل و مکارم آشنا گشت و خود نیز با تزکیه نفس، عبادت و ارتباط با خداوند در جهت کسب خوی عالی و نیل به خوبی‌ها کوشید و به صفات نیک و خصال پسندیده آراسته گردید، از مهم‌ترین خصوصیت‌های اخلاقی او، فروتنی بود که در لحظه‌های متفاوت زندگی او نشانه‌های آن را می‌توان دید. وقتی می‌خواست در مجلسی بنشیند، هر کجا را که جا بود، انتخاب می‌کرد؛ با هر کسی که روبرو می‌شد، در سلام کردن از او پیشی می‌گرفت؛ در گفتگوهایش، اهل جدال نبود؛ دوست نداشت او رابه تقوا و ایمان بستایند. اگر از کسی بدی می‌دید، تا آنجا که به خودش مربوط می‌شد، با عفو و نیکی، از آن چشم می‌پوشید؛ اما اگر آن عمل خلاف، به بهای هتک ارزشها تمام می‌شد؛ یا اگر با از بین بردن آبروی مؤمنی ملازم بود؛ به شدت بر افروخته می‌شد. در واقع خشم و عصبانیت این شهید سعادتمند، در احیای فضایل و میراندن رذائل تجلی می‌کرد. اگر کسی انتقادی نسبت به رفتار او یا برخی مسائل دینی داشت، او را به نحوی متقاعد می‌کرد که آن طرف مقابل، آن مسائل را نه به عنوان جواب انتقاد بلکه به عنوان حقایقی روشن در کام می‌کشید. آن شهید فروتنی در مقابل اهل کبر و غرور را روا نمی‌دید؛ مخصوصاً نسبت به افراد وابسته به طاغوت سعی می‌کرد با این گونه اشخاص، از موضع صلابت و قدرت رفتار کند. یکی از اعضای شورای شهر اردستان (در زمان رژیم گذشته) حاج آقا نوراللّه طباطبایی (ره) را کاملاً ـ می‌شناخت. طباطبایی‌نژاد (ره) به علت برخورداری از مواهب الهی، از خشونت روحی بیزار؛ و اهل صفا و صمیمیت بود. از آنجا که او خویش را از زندان «خود» و «نفس» رهانیده بود، بر اساس مهر و محبتی که داشت، به راحتی با دیگران پیوند قلبی بر قرار می‌کرد؛ اما این عاطفه و احساسات، هم با ایمان تلطیف شده و هم به کمک دیگر فضایل، از جمله تقوا، جهت دار و دارای مقاصد الهی گشته بود. همین ویژگی موجب جذب افراد به سوی او گردید و سبب می‌شد اظهارات و توصیه‌هایش ثمر بخش گردد. نگارنده که از دوران نوجوانی و جوانی، با شرکت در محافل عمومی و برخی جلسات خصوصی، افتخار آشنایی، با حالات اخلاقی آن شهید را داشته، ناظر صفا، صداقت و اخلاص آن شهید

بزرگوار بوده است. من به خوبی می‌دیدم که چگونه حرارت و نورانیت وی، حاضران را به تحرک و جوشش وا می‌داشت، آنان را برای گوش دادن به سخنان آموزنده‌اش مهیا می‌کرد.این سید بزرگوار، با آن که با استفاده از میراث خانوادگی، می‌توانست زندگی مادی مناسبی را برای خود فراهم کند؛ اما در نهایت ساده زیستی و اکتفا به تأمین حداقل مایحتاج خانواده، روزگار می‌گذرانید. طباطبایی‌نژاد ضمن آن که خود را به صداقت آراسته بود، عقیده داشت مسؤولان نظام اسلامی همه باید بر این اساس انتخاب شوند و بر این باور بود که جامعه بدون صداقت نمی‌تواند در خط سعادت پیش برود.چگونگی عرضه آثار : سیدنورالله طباطبایی با هوشیاری کامل این خلاء فکری و اجتماعی را دریافت و تصمیم گرفت آن را به شکلی صحیح پرکند و از چشمه‌ای حیات بخش و جاویدان، جرعه‌هایی جانبخش در کام نسل تشنه و عطشان جامعه بریزد؛ لذا با وجود گرفتاری‌ها و اشتغالات بسیار و نیز اختناق سیاه در رژیم شاهی ناگهان به عنوان روزنه امیدی، به فکر او و برخی از دوستان فاضلش رسید تا به همراه سایر پژوهشگران با اخلاص و آگاه، زیر نظر حضرت آیت اللّه مکارم شیرازی (مدّ ظلّه) نگارش و تفسیر نمونه را آغاز نمایند. تلاش شبانه روزی آنان در مدت کوتاهی به ثمر نشست و بسیار زودتر از آنچه تصور می‌گردید، جلد اولش به طبع رسید. این تفسیر به دلیل شیوایی نثر، محتوای مفید و پاسخگویی به نیازها و سؤالات نسل جوان و رفع برخی اشکالات و ایرادهایی که در خصوص اصول و فروع دین مطرح می‌گردید، با استقبال فوق العاده‌ای مواجه شد؛ و به زودی برای تدوین کنندگان فاضل این مجموعه، مشخص گشت که عطش جامعه به تفسیری که در عین سادگی عبارات مباحث فراگیر علمی، کلامی، اجتماعی و توأم با مسایل روز و طرح موضوعات مستحد باشد، تا چه اندازه شدید است؛ لذا کوشیدند تا تمام توان خود را به پای تکمیل آن مباحث بریزند. شهید سید نور اللّه طباطبائی‌نژاد (ره) تا جلد یازدهم با تلاش زیاد و همه جانبه برای نگارش این اثر ارزنده و آموزنده، همکاری داشت.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz - /www.hawzah.net

طباطبایی، نورالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در یکی از روزهای سال ۱۳۱۹ ه . ش در خانواده روحانی و مبارز، حاج میرزا علی آقا طباطبایی، در این آبادی با صفا، کودکی دیده به جهان گشود که پدر نام سید نور اللّه را برایش برگزید. این غنچه نو رسته از همان آغازین روزهای حیات، تحت تربیت پدری متدین و فاضل و پرورش مادری پاکدامن، دانش دوست و علاقه‌مند به خاندان رسالت بالندگی یافت.چون فضای خانه‌ای که سید نور اللّه دوران طفولیت را در آن می‌گذارنید به علم و ایمان و پارسایی آراسته بود، از همان اوان شیرخوارگی، دانش‌طلبی در پرتو معنویت، با جان این نوباوه عجین گشت و تا آخر با او بود. او پویش علمی و عمل صالح را از پدری عالم و عامل و مادری فضیلت پرور، در کلاس تربیت خانوادگی آموخت و بی آن که پایش بلغزد، در طریق صلاح و فلاح گام نهاد و از پی تحصیل معرفت و مکارم به حریم مردان خدا، راه یافت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : نام پدر سید نورالله طباطبایی ، حاج میرزاآقا است. حاج میرزا علی طباطبایی در عمل، اخلاق و تقوا انسانی نمونه بود و در منطقه اردستان با فرقه ضالّه بهائیت به مبارزه برخاست، مردمان این سامان پس از سال‌ها که از غروب آن ستاره فروزان می‌گذرد، زحمات وافر و تلاش‌های ارزشمند آن مرد بزرگ را در راه نشر معارف اسلامی و قلع و قمع تبه کیشان تبه ساز و خدمت به مردمان محروم روستاها، از یاد نبرده‌اند و خود را رهین کوشش‌های او می‌دانند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید نوراللّه طباطبایی آموزش قرآن و مقدمات علوم دینی را نخست نزد پدر فاضل و خوش‌نامش آموخت.پس از تحصیلات ابتدایی برای افزایش دانسته‌ها و آشنایی هر

چه بیشتر با معارف قرآن و عترت (ع) به توصیه پدر، ظفرقند (زفرقند) را به قصد اقامت در شهر مقدس قم ترک کرد و در سنین نوجوانی رهسپار این دیار شد. در آنجا نزد مدرسان خبره و استادان برجسته، با ادبیات عرب، فقه، اصول، حکمت، فلسفه و تفسیر قرآن آشنا شد. اخلاص این نوجوان به همراه صفای خانواده موجب آن گردید که خداوند لطفش را شامل حال او کند و از استعدادی سرشار و ذوقی عالی و همتی وافر، بهره‌مندش سازد؛ در نتیجه دوره مقدمات و سطح را در مدتی کوتاه و با سرعت فرا گرفت و از عهده کلیه امتحانات به خوبی برآمد.پس از پشت سر نهادن این دوره‌ها به دوره خارج فقه و اصول راه یافت و این لیاقت را به دست آورد تا به محضر پرفیض حضرت آیت اللّه العظمی گلپایگانی (ره) راه یابد. وی با کوششی پی گیر، عزمی استوار و اراده‌ای خستگی‌ناپذیر، مراحل علمی را در چنین محفلی طی کرد و به کمالات علمی دست یافت.در آن زمان، آیت اللّه گلپایگانی با تلاشی مجدّانه روح فقاهت را در کالبد شاگردانی چون سید نوراللّه می‌دمید و امثال او را به عنوان پیشتازان فکری و طلایه‌داران اندیشه‌های دینی پرورش می‌داد. وی در ضمن فراگیری علوم نزد آن فروغ فقاهت، موفق گردید بیش از گذشته بذر مکارم و فضایل را در مزرعه وجود خویش بیفشاند و با احترام به آراء بزرگان بر کشتی نقد و پژوهش نشسته و اقیانوس معارف غنی تشیع را به غواصی پرداخته و صید گوهرهای ثمین و دُرهای گرانبها، به دست آورد.شهید سید نوراللّه طباطبایی نژاد به محفل نورانی عالم ربانی، متفکر شهید و فیلسوف عالیقدر، آیت اللّه مرتضی مطهری (ره) راه یافت. انس وی با این دانشمند به خون خفته، سرچشمه‌ای مهم در برنامه‌های درسی، پژوهشی و نیز تحولی شگرف در شیوه‌های تبلیغی، رفتاری و اخلاقی او به حساب می‌آید.به برکت این ارتباط علمی، شهید طباطبایی‌نژاد (ره) در حراست از مرزهای عقیدتی، حفاظت از حصن حصین اسلام، التقاط زدایی و زدودن خرافه‌ها از فرهنگ مردم، نقش ارزنده‌ای را ایفا کرد. آن شهید با مبانی فکری و آراء فلسفی شهید مطهری آشنا شد و در کنار فراگیری فقه و اصول، آموختن مضامین فلسفی و حکمی را پی گرفت و در این بوستان از خرمن دانش آیت اللّه مطهری (ره) خوشه‌ها چید.فعالیتهای ضمن تحصیل : سید نورالله طباطبایی (ره) به موازات بیست سال تحصیل و تدریس و در اثنای این تلاش‌ها از کاوش و تتبع در منابع قرآنی غافل نشد. چه شب‌های زیادی، که آنها را با بحث و تحقیق در آیات قرآنی احیا می‌کرد! ویژگی‌ها، ضرورت‌ها و تقاضاهای آن عصر، مسائلی را طرح می‌نمود که نشان می‌داد از پیدایش مسائل جدید و مفاهیم تازه در عرصه زندگی افراد، سرچشمه می‌گیرد. شهید طباطبایی نژاد (ره) از آن دسته روحانیانی بود که این مسائل و تحولات را درک کرد و با احساس وظیفه فهمید، نمی‌توان در برابر این دگرگونی‌ها خاموش و بی‌تفاوت نشست و با بدگویی از زمانه، فقط بر اوضاع تأسف خورد یا در انزوا فرصتی طلایی را انتظار کشید.استادان و مربیان : از استادان سید نورالله طباطبایی بعد از پدرش می توان به آیه الله العظمی گلپایگانی و آیه الله مرتضی مطهری اشاره کرد.همسر و فرزندان : از سید نورالله طباطبایی چهار فرزند باقی مانده که فرزند کوچکش در زمان شهادت وی چهار ساله بود.زمان و علت فوت : سیدنورالله طباطبایی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ه.ش به همراه سالار شهیدان انقلاب اسلامی در کربلای سرچشمه به شهادت رسید و پیکر پاکش را در شیخان قم دفن گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید نورالله طباطبایی (ره) از وقتی که به حوزه علمیه قم راه یافت با اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) آشنا گردید و در پرتو افکار تابناک آن روح قدسی، ستیز با استبداد و نفی هر گونه ستم را یکی از مهم‌ترین برنامه‌های خود قرار داد. وی از هیچ تهدید و خطری نهراسید و هر چه شب‌پرستان تاریک دل و خفاش صفت محیط فعالیت را برایش تنگ کرده و او را از سنگری محروم می‌نمودند، به عرصه دیگری می‌شتافت و چون آذرخش، کویر جهل انسانها را روشن کرده و آنها را از خواب غفلت بیدار می‌ساخت. خطابه‌های آموزنده این شهید برفراز منبر و نیز سخنان روشنگرش در جمع دوستان و جلسات خصوصی، ضمن بیان حقایقی از تعالیم اسلامی و ترسیم فضیلت‌ها، در اوج فصاحت و شیوایی بر دل‌ها می‌نشست. سخنرانی‌های وی این خصوصیت را داشت که با ارائه نمونه‌ها، اشاره به مصادیق و تطبیق اختناق رژیم پهلوی با دوران خفقان عباسیان و امویان، فساد و تباهی اعوان و انصار استبداد را برملا می‌کرد. هر کجا رژیم شاه حرکتی را بر ضد باورهای مذهبی مردم مرتکب می‌گردید، با افشای آن، استوار و

فداکارانه خشم و نفرت خود را از تبهکاری‌های ستمکاران بروز می‌داد.آن شهید سعید همواره در ایام تبلیغی در نقاط مختلف کشور به هدایت و ارشاد مردم می‌پرداخت. ایشان در راه به ثمر رسانیدن انقلاب شکوهمند اسلامی بارها در قم و منطقه اردستان و زواره مورد ضرب و شتم دشمنان اسلام قرار گرفت. در آن دوران خفقان چندین مرتبه اتفاق افتاد که بعد از نماز مغرب و عشا، در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) در قم، وقتی سخنان و بیانات امام خمینی (ره) را برای مردم تشریح می کرد و برای آن مرد بزرگ، دست به دعا بر می‌داشت، به دست مأموران پهلوی مورد هتک و شتم قرار می گرفت؛ ولی این فشارها نه تنها هیچ گونه تأثیر منفی در اراده استوارش - که از قلبی لبریز از ایمان و تقوا نشأت می گرفت.- نمی‌نهاد؛ بلکه او را در راه هدف جدی‌تر هم می‌ساخت و برای وارد آوردن ضربات کوبنده‌تر به ریشه پوسیده استبداد بیش از پیش توان خویش را به کار می گرفت.در منطقه اردستان و زواره، اطلاعیه‌های حضرت امام (ره) را با شگرد خاص خود توزیع می کرد و در ضمن مبارزه شدید، تقیه را هم در نظر داشت، تا بتواند به کمک این سلاح سازنده، راه خویش را در جهت محو ستم ادامه دهد. او در واقع مأموران ساواک و عوامل رژیم را که با مراقبت دائمی، می‌خواستند سر از کارش درآورند، غافل می‌ساخت. مثلاً ایشان، ماشین حامل اعلامیه امام (ره) را با فاصله‌ای نسبتاً طولانی، از مسجد یا محل دیگر که می‌خواست آنها را در آنجا توزیع کند، پارک می کرد؛ سپس از کوچه‌های فرعی به حالت کاملاً ـ عادی، طوری که شک مأموران را برنینگیزد، به آن مجلس وارد می‌شد و اطلاعیه‌ها را به افرادی می‌سپرد تا آنها خود، آن را پخش کنند. ایشان در شهر زواره، از دست طرفداران شاه به تنگ آمده بود؛ زیرا هر وقت او را می‌دیدند با بدگویی از مبارزان و مخالفان رژیم، بدترین نوع توهین‌ها را نسبت به حامیان امام (ره) و نهضت اسلامی، روا می‌داشتند؛ اما او با حفظ مصلحت‌های لازم ضمن تعریف از مبارزین، مراقب بود تا بهانه‌ای دست این افراد ندهد، برای این که مبادا برای آنان زحمتی ایجاد کنند؛ یا در فعالیت‌های سیاسی این نیروها اختلال به‌وجود آورند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدنورالله طباطبایی در سال ۱۳۴۹ ش، در آن بحبوحه که مجلس فرمایشی رژیم پهلوی، هر روز قوانینی جدید در مخالفت با اسلام و تشیع و معارضت با قرآن و عترت وضع می کرد، شهید طباطبایی‌نژاد (ره) با قاطعیت تمام در یکی از مجالس عمومی و بر فراز منبر، نمایندگان آن روز را نوکر اجانب خواند. به دنبال این افشاگری، در منطقه اردستان و توابع ممنوع المنبر گشت و با پرونده‌ای حجیم که مأموران امنیتی برایش تنظیم کرده بودند، به ساواک مرکزی اصفهان منتقل گردید. با این همه پس از آزادی، مجدّداً به تلاش‌های روشنگرانه خود ادامه داد و در جهت تنویر افکار عمومی و تغذیه فکری نسل جوان لحظه‌ای آرام نگرفت تا آن که در سال ۱۳۵۶ ش، به دست عوامل رژیم دستگیر و روانه زندان شد؛ اما در روز بیست و ششم دی ماه در سال ۱۳۵۷ که مقارن با فرار شاه مخلوع بود، از زندان رهایی یافت.در حدود سالهای ۱۳۵۱ یا ۱۳۵۲ ش بود که حضرت حجهٔ الاسلام و المسلمین کرباسی - روحانی اعزامی از قم - در مسجد پامنار زواره (واقع در شمال اردستان) به مناسبت سالروز ولادت با سعادت حضرت مهدی (عج) جشنی بر پا کرده بود. شهید طباطبایی‌نژاد در این مراسم سخنرانی کرد. حداقل در منطقه اردستان و زواره ایشان بود که برای نخستین بار از رهبر و قائد نهضت اسلامی ایران، به عنوان «امام خمینی» اسم برد.آرا و گرایشهای خاص : سید نورالله طباطبایی (ره) از همان اوان کودکی، در مکتب پدر و اساتید وارسته خود، با فضایل و مکارم آشنا گشت و خود نیز با تزکیه نفس، عبادت و ارتباط با خداوند در جهت کسب خوی عالی و نیل به خوبی‌ها کوشید و به صفات نیک و خصال پسندیده آراسته گردید، از مهم‌ترین خصوصیت‌های اخلاقی او، فروتنی بود که در لحظه‌های متفاوت زندگی او نشانه‌های آن را می‌توان دید. وقتی می‌خواست در مجلسی بنشیند، هر کجا را که جا بود، انتخاب می کرد؛ با هر کسی که روبرو می‌شد، در سلام کردن از او پیشی می گرفت؛ در گفتگوهایش، اهل جدال نبود؛ دوست نداشت او رابه تقوا و ایمان بستایند. اگر از کسی بدی می‌دید، تا آنجا که به خودش مربوط می‌شد، با عفو و نیکی، از آن چشم می‌پوشید؛ اما اگر آن عمل خلاف، به بهای هتک ارزشها تمام می‌شد؛ یا اگر با از بین بردن آبروی مؤمنی ملازم بود؛ به شدت بر افروخته می‌شد. در واقع خشم و عصبانیت این شهید سعادتمند، در احیای فضایل و میراندن رذائل تجلی می کرد. اگر کسی انتقادی

نسبت به رفتار او یا برخی مسائل دینی داشت، او را به نحوی متقاعد می‌کرد که آن طرف مقابل، آن مسائل را نه به عنوان جواب انتقاد بلکه به عنوان حقایقی روشن در کام می‌کشید. آن شهید فروتنی در مقابل اهل کبر و غرور را روا نمی‌دید؛ مخصوصاً نسبت به افراد وابسته به طاغوت سعی می‌کرد با این گونه اشخاص، از موضع صلابت و قدرت رفتار کند. یکی از اعضای شورای شهر اردستان (در زمان رژیم گذشته) حاج آقا نوراللّه طباطبایی (ره) را کاملاً- می‌شناخت. طباطبایی‌نژاد (ره) به علت برخورداری از مواهب الهی، از خشونت روحی بیزار؛ و اهل صفا و صمیمیت بود. از آنجا که او خویش را از زندان «خود» و «نفس» رهانیده بود، بر اساس مهر و محبتی که داشت، به راحتی با دیگران پیوند قلبی بر قرار می‌کرد؛ اما این عاطفه و احساسات، هم با ایمان تلطیف شده و هم به کمک دیگر فضایل، از جمله تقوا، جهت دار و دارای مقاصد الهی گشته بود. همین ویژگی موجب جذب افراد به سوی او گردید و سبب می‌شد اظهارات و توصیه‌هایش ثمر بخش گردد. نگارنده که از دوران نوجوانی و جوانی، با شرکت در محافل عمومی و برخی جلسات خصوصی، افتخار آشنایی، با حالات اخلاقی آن شهید را داشته، ناظر صفا، صداقت و اخلاص آن شهید بزرگوار بوده است. من به خوبی می‌دیدم که چگونه حرارت و نورانیت وی، حاضران را به تحرک و جوشش وا می‌داشت، آنان را برای گوش دادن به سخنان آموزنده‌اش مهیا می‌کرد.این سید بزرگوار، با آن که با استفاده از میراث خانوادگی، می‌توانست زندگی مادی مناسبی را برای خود فراهم کند؛ اما در نهایت ساده زیستی و اکتفا به تأمین حداقل مایحتاج خانواده، روزگار می‌گذرانید. طباطبایی‌نژاد ضمن آن که خود را به صداقت آراسته بود، عقیده داشت مسؤولان نظام اسلامی همه باید بر این اساس انتخاب شوند و بر این باور بود که جامعه بدون صداقت نمی‌تواند در خط سعادت پیش برود.چگونگی عرضه آثار : سیدنورالله طباطبایی با هوشیاری کامل این خلاء فکری و اجتماعی را دریافت و تصمیم گرفت آن را به شکلی صحیح پرکند و از چشمه‌ای حیات بخش و جاویدان، جرعه‌هایی جانبخش در کام نسل تشنه و عطشان جامعه بریزد؛ لذا با وجود گرفتاری‌ها و اشتغالات بسیار و نیز اختناق سیاه در رژیم شاهی ناگهان به عنوان روزنه امیدی، به فکر او و برخی از دوستان فاضلش رسید تا به همراه سایر پژوهشگران با اخلاص و آگاه، زیر نظر حضرت آیت اللّه مکارم شیرازی (مدّ ظلّه) نگارش و تفسیر نمونه را آغاز نمایند. تلاش شبانه روزی آنان در مدت کوتاهی به ثمر نشست و بسیار زودتر از آنچه تصور می‌گردید، جلد اولش به طبع رسید. این تفسیر به دلیل شیوایی نثر، محتوای مفید و پاسخگویی به نیازها و سؤالات نسل جوان و رفع برخی اشکالات و ایرادهایی که در خصوص اصول و فروع دین مطرح می‌گردید، با استقبال فوق العاده‌ای مواجه شد؛ و به زودی برای تدوین کنندگان فاضل این مجموعه، مشخص گشت که عطش جامعه به تفسیری که در عین سادگی عبارات مباحث فراگیر علمی، کلامی، اجتماعی و توأم با مسایل روز و طرح موضوعات مستحد باشد، تا چه اندازه شدید است؛ لذا کوشیدند تا تمام توان خود را به پای تکمیل آن مباحث بریزند. شهید سید نور اللّه طباطبائی‌نژاد (ره) تا جلد یازدهم با تلاش زیاد و همه جانبه برای نگارش این اثر ارزنده و آموزنده، همکاری داشت.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz - /www.hawzah.net/

علوی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیـةاللّه سیدعلی علوی در روز دوم محرم‌الحرام سال هزارو سیصدو چهل‌و شش ه.ق در خانواده‌ای که به فضل و تقوی اشتهار داشتند، در محله «امّ‌النومی» کاظمین پا به عرصه وجود نهادگروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : نسب این شخصیت علمی(سیدعلی علوی) با ۳۷ واسطه به حضرت علی‌ابن ابی‌طالب (ع) می‌رسد و به همین دلیل به «علوی»

معروف شده است.از اوایل خلافت آل بویه که نقابت سادات ایجاد شد و کسانی به عنوان نقیب برای رسیدگی به امور علویان انتخاب شدند، اجداد آیةاللّه علوی نقابت گروهی از سادات را در شهرهای مختلف عهده‌دار شدند.پدرش حسین عمر خود را در همسایگی بارگاه حضرت امام موسی‌بن جعفر (ع) و امام جواد (ع) در کاظمین سپری کرد و مؤسس هیأت کاشانیان آن دیار بود که اکنون این هیأت به نام «موکب‌الامامین» مشهور است، وی در ششم شوال‌المکرم، سال ۱۳۹۱ هق و در هفتادو پنج سالگی وفات یافت و در آرامگاه ویژه در «وادی‌السلام نجف» آرمید.خاطرات کودکی : ولادت این کودک (سیدعلی علوی)برای والدین موجی از شعف و شادی پدید آورد، ولی بیماری سختی که وی را دچار شد، موجب نگرانی خانواده‌اش گردید. شدت کسالت او به اندازه‌ای بود که کودک را به مرگ نزدیک ساخت. سیدحسین در این ایام که همزمان با ماه محرم و صفر بود، به دلیل برنامه‌ریزی برای هیأت عزاداران و شرکت در مراسم سوگواری برای خامس آل عبا حتی شب‌ها هم کمتر به خانه می‌آمد، لذا عموی طفل به او خبر می‌دهد که کودک شما در آستانه مرگ است و سید حسین می‌گوید: شما او را نزد پزشکی ببرید. من ناگزیرم در هیأت باشم، اما دکترها درمانی برای این کودک نیافتند و تنها به برکت وجود مقدس حضرت امام حسین (ع) به طرز شگفتی سلامت خود را بازیافت.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سیدعلی علوی در خانواده‌ای رشد یافت که نور ولایت آن را منور ساخته بود و مرحوم والدش به دیانت و پرهیزگاری اشتهار داشت. او نیز در این مسیر موفقیت‌های زیادی به دست آورد و با توسل به اهل‌بیت (ع) مشکلات علمی و اقتصادی خویش را برطرف کرد. چنانچه وقتی از عراق به ایران آمد، و وضع اقتصادی بسیار نامناسبی داشت. شبی رو به آسمان کرد و به امام زمان(عج) توسل نمود. در عالم رؤیا امام تبسم کرد و نوید دادند که گشایشی در زندگی‌ات ایجاد خواهد شد و از آن شب موفقیت و رونقی در مسیر زندگی خویش یافت که به برکت آن توانست نه تنها مشکلات مادی خود را برطرف کند، بلکه به امور اقتصادی مردم هم رسیدگی می‌کرد و چندین مسجد، مدرسه، کتابخانه و هیأت‌های حسینی در عراق و ایران برپا کرد(۲۷) و او در خدمت به محرومین و درماندگان سرازپا نمی‌شناخت. با وجود آنکه مصائب طاقت‌فرسایی روان ایشان را آزرده می‌ساخت، بسیار بردبار بود. استقامتش چنان شگفتی در آشنایان پدید آورد که در این زمینه ضرب‌المثل شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : از همان آغاز کودکی اشتیاق به فراگیری دانش دینی در سیمایش هویدا بود. برای آموختن قرآن نزد «ملاخانمی» رفت و تا قبل از سن ده سالگی مقدمات را نزد وی یاد گرفت. سپس به صحن شریف کاظمین انتقال یافت و به خدمت شیخی از اهل شیراز که خواندن و نوشتن را یاد می‌داد، رسید. این فرد با ذوق با قلم‌نی و دوات و لوح فلزی مشق می‌داد .پس از مدتی به محضر «شیخ رمضان منجم» رسید و مقدمات پاره‌ای از دانش‌های دینی را نزد وی فراگرفت. در اوقات فراغت دفاتر و کتب شعری چون، کلیات جودی و خزائن‌الاشعار را می‌خواند و از این راه ذوق مطالعه خویش را بروز می‌داد. گاه اهل خانه را جمع می‌کرد و برایشان از کتب مرثیه اشعار می‌خواند و چنان سوز و گدازی در بین آنان ایجاد می‌کرد که شنوندگانش زار زار می‌گریستند. او به همراه پدر به مجالس ارشاد و روضه‌خوانی می‌رفت و هر کتابی که به دست می‌آورد، مطالعه می‌کرد تا آن که «شیخ حامد واعظی» وی را به شاگردی دعوت کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : سیدعلی علوی درس شیخ حامد واعظی را به وقت طلوع آفتاب و در صحن مقدس کاظمین در ایوان غرفه «آیةاللّه سیدمهدی خراسانی» قرار داده بود و سید در رشته‌های صرف، نحو، منطق، کلام، فقه، اصول، حساب، علوم قرآنی، تجوید، تفسیر و برخی علوم اجتماعی آگاهی‌هایی به دست آورد. سیدعلی ضمن تحصیل کار می‌کرد تا مخارج روزمره را به‌دست آورد و از سهم امام (ع) یا سادات استفاده نکند. او تا بعد از نیمه‌های شب به درس و بحث اشتغال داشت و آنقدر در این زمینه تلاش می‌کرد که برخی از نزدیکان به پدرش گفتند: فرزندت را نصیحت کن، زیرا زیاده‌روی در مطالعه او را از نعمت بینایی محروم خواهد ساخت، چرا که بعد از نیمه شب وقتی از زیر بالکن منزل استادش عبور می‌کنیم، متوجه مباحثه او با استادش می‌شویم. وقتی پدر این موضوع را به او انتقال داد، در جواب شنید: العالم خیر من‌الجاهل؛ نوم‌العالم خیر من عبادةالجاهل فعالیتهای ضمن تحصیل : سیدعلی علوی برای آشنایی با تاریخ و جغرافیای شهرها و موقعیت فرهنگی

کشورها از نقاط گوناگونی بازدید به عمل آورد و در این سفرها بر اندوخته‌های علمی و نگرش اجتماعی خویش افزود. او از تمامی شهرهای عراق دیدار کرد و با مردم و برخی مشاهیر در دفاع از مذهب تشیع گفتگو کرد. بنابه آنچه خود می گوید، از دوسوم جاهایی که بازدید کرده بود کتابهای زیادی به کتابخانه‌های عمومی، مدارس و مساجد یا مانند آن به نام «کتابخانه‌های عمومی الامام علی‌ابن‌الحسین (ع) در مسجد علوی قم و بغداد (حی‌طارق)» آثار خود را اهدا کرد. در سال ۱۳۸۷ هق به همراه آیهٔاللّه‌العظمی سیدمحسن حکیم به حج مشرف شد و نقاط مختلف حجاز را بازدید کرد. او سفری به سوریه کرد و در شام مرقد عمه‌اش؛ حضرت زینب (س) ، حجرین عدی و جایگاه اصحاب کهف را زیارت کرد و با بزرگان از علما و شعرا نیز دیداری داشت، و در شهر حلب مجالس سخنرانی و سؤال و جواب با حضور دانشمندان ترتیب داد، و برخی مؤسسات خیریه را از نزدیک ملاحظه کرد. در کشور لبنان نیز عده‌ای از اعلام و مساجد عظیم و مشهور را زیارت نمود و از شهرهای طرابلس، رقّه، حسکه و شهرهای بزرگ و کوچک سوریه و لبنان دیدار کرد. در این سفر با بعضی از اعاظم علمای سنی در خصوص رشد فکری جامعه و غنای فرهنگی جوامع اسلامی بحث‌هایی به میان آمد. آیت‌اللّه علوی در ضمن بازدید از مساجد، اماکن فرهنگی و کتابخانه‌های عمومی تعدادی از تالیفاتش را نیز به این مراکز اهدا کرد.استادان و مربیان : از استادان سید علی علوی می توان به موارد زیر اشاره کرد: ملاخانمی، شیخ رمضان منجم، شیخ حامد واعظی، سید محسن حکیم، سید اسماعیل صدر، احمد امین، سیدجعفر مرعشی، شیخ محی الدین ممقانی ،سید شهاب الدین مرعشی، سیدمحمدرضا گلپایگانی، آیت الله سیدمحمد هادی میلانی.همسر و فرزندان : سیدعلی علوی به سن پانزده سالگی رسید، پدرش از او خواست تا جهت اجرای سنت محمدی (ص) با دختر عمویش ازدواج کند. وی پذیرفت و ثمره این پیوند، سه فرزند به نام‌های؛ ضیاءالدین، عبدالصاحب و محسن بود که سومی سقط شد. و دو فرزند دیگر و مادرشان نیز بعد از آن وفات یافتند.این پیوند، بیش از هشت سال طول نکشید. سید بعد از آن با دختر مرحوم؛ سیدمحمد حسینی نجفی، که به تقوی و دیانت مشهور و در اداره جلسات و انجمن‌های مذهبی مهارت ویژه‌ای داشت، ازدواج کرد و از آن زمان بنا به اظهار خود آیهٔاللّه علوی در امور اجتماعی و فرهنگی بیش از گذشته توفیق به دست آورد؛ زیرا همسرش او را همراهی می‌کرد. نتیجه این پیوند مبارک، پنج فرزند پسر و چهار فرزند دختر بود. از فرزندان وی، محسن سقط شد. عزیز و عاصم در دوران کودکی فوت کردند. نام فرزندانش حاج سیدعادل علوی؛ سیدعارف علوی ؛ سید عامر علوی ؛وقایع میانسالی : سیدعلی علوی بسیاری از اوقات عمر گرانمایه را با قلم و دفتر در میان کتابخانه‌اش گذرانید و به نوشتن و مطالعه عشق ورزید و می گفت: آن چه بعد از انسان می‌ماند و باقیات صالحات او است، کتابش می‌باشد. بسیار قدرشناس بود و اظهار می‌داشت: «موفقیت‌هایی که به دست آورده‌ام، حداقل نیمی از آنها را مدیون مادر فرزندانم هستم، چرا که مرا به رسیدن به اهداف عالی همراهی کرد و مشوقی برای من و فرزندانم بود، در بحث‌های عقیدتی و دفاع از مرزهای فکری تشیع، تندیس ایمان به شمار می‌رفت.زمان و علت فوت : سیدعلی علوی سرانجام در بیست‌و هشتم شعبان ۱۴۰۲ هق (مطابق سی‌و یکم خرداد ۱۳۶۱) در پنجاه‌و پنج سالگی، در بیمارستان حاج‌آقا مصطفی خمینی تهران بر اثر عارضه قلبی دیده از جهان فروبست. پیکرش با شکوه تمام در تهران و سپس قم تشییع و پس از طواف بر مزار حضرت فاطمه معصومه (س) و نمازی که آیهٔاللّه‌العظمی مرعشی بر او خواند، در شب اول ماه مبارک رمضان در ضلع جنوبی صحن «مسجد علوی» دفن شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدعلی علوی به چهل سالگی رسیده بود و مرحوم آیهٔاللّه حکیم در سال ۱۳۸۷ هق وکالت و نمایندگی خود در بغداد - حی‌طارق را به آیهٔاللّه علوی سپرد. سید در آن دیار گذشته از نماز، تدریس، تربیت طلاب و تألیف، خدمات اجتماعی دینی مهمی انجام داد.برای نظم و اداره حوزه علمیه از روشی منسجم و برنامه‌ریزی شده استفاده کرد. او طرحی را در کتاب «الرافد» برای انتظام حوزه ارائه داد.فعالیتهای آموزشی : سیدعلی علوی در مساجد اعظم و امام حسن عسکری (ع) قم و برخی محافل دیگر به تدریس فقه، اصول و دیگر علوم اسلامی پرداخت و اداره جلسات تفسیر قرآن کریم را عهده‌دار شد. او کفایهٔ‌الاصول آخوند خراسانی را به شیوه‌ای جالب و مورد فهم طلاب تدریس می‌کرد و شرح مبسوطی بر کفایه نوشت. او در ضمن

تـدریس درس خارج آیـۀاللّه مرعشـی را نیز غنیمت شـمرد و چنان ارتباط بین آن دو برقرار شـد که آن فقیه فقیـد نسبت به آیت‌اللّه علوی عنایت ویژه‌ای داشت.علوی توسط سیداسماعیل صدر لباس روحانیت به تن کرد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : خـدمات اجتمـاعی و فرهنگی سـید علی علـوی، بـه شـرح ذیـل اسـت:الـف: در عراق (بغـداد) و کـاظمین۱ – تأسـیس هیئت «موکب‌العبیدی» در مسجد عبیدی.۲ – بنای مسجد «الجامع‌العلوی» در سال ۱۳۸۸ که بعدها حسینیه‌ای به آن ملحق کرد.۳ – کتابخانه «مکتبـۀالامام علی‌بن‌الحسـین (ع) العامـۀ» در الجـامع‌العلوی.۴ – تاسـیس موکب‌الکاشـانیین در کـاظمین.۵ – بنـای ساختمـان «مدرسۀالعلوی‌الدینیۀ» در سال ۱۳۷۶ ه.ق که جنب مسجد است.۶ – تأسیس موکب «حی طارق» در الجامع‌العلوی.ب: در شهر مقدس قم۱ – تأسـیس «هیأت علـوی» قـم در ذی حجه ۱۳۹۱ ه.ق.۲ – احـداث ساختمـان مسـجد علوی (بنـای آن در ۱۷ صـفر سال ۱۳۹۳ گذاشته شد.)۳ – تأسـیس کتابخانه عمومی «الامام علی‌بن‌الحسین» در مجاورت مسجد علوی.۴ – ایجـاد «مجمع‌الآثار» که عتیقه‌های اهدایی و نذورات اثری و باستانی مسجد در آن حفاظت می‌شود.۵ – تاسیس «هیأت مسجد علوی» در بیست‌و پنجم محرم‌الحرام سال ۱۳۹۴ هق.۶ – احداث «مسـجد بنی‌هاشم» قم در میدان امام خمینی در ۲۸ محرم‌الحرام ۱۳۹۸ ه.ق.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیـد علی علوی به زبـان عربی و فارسـی شـعر می‌سـرود و در ضـمن بـا اساتیـد این فن از جمله، حاج ملاعبدالحسین کاظمی و بقیه شاعران کاظمین، کربلا و نجف اشـرف و حتی شـهرهای دیگر ارتباط برقرار کرد. نوحه سـرایان برای دسـته‌جات اشعار زیادی که به زبان عربی محلی بود، از ایشان می‌گرفتنـد و در هیأت می‌خواندند. قصیـده‌ایی که در سال ۱۳۸۲ هق خواند، آنقدر برای رژیم وقت خطرناک بود که ایشان را تا مرز اعدام کشانید.آرا و گرایشهای خاص : «سیدعلی علوی دارای طبع روان و ذوق سرشاری می‌باشد و در این فن گوی سـبقت از اقران خود ربوده و اشـعار شـیوایی به عربی سـروده که در خواننده و شنونده ایجاد شور و طرب می کند و حقا اگر شـعر چنین وضـعی نداشـته باشد، شـعر نیست.»صـفاتی چون، صـبوری، شـکوری، مهربانی، مهمان‌نوازی به همراه استقامت، سازش‌ناپـذیری بـا سـتم، مجاهـدت و مبـارزه بـا آفـات اجتمـاعی در وجودش موج می‌زد. وقتی در میان مردم قرار می گرفت، بسیار گشاده رو و فروتن بود. با سـخنان شیرین که گاهی با اشعار دلنشین تزیین می‌شد، آنان را موعظه می‌کرد و به یاد قیامت می‌انداخت و جنبه بشارت و نـذیر بودن را حفظ می‌کرد. او در مسیر زنـدگی، به هیچ عنوان دیانت را از سیاست جدا ندانست و از آغاز جوانی در انـدیشه رهایی ملت‌های ستم دیـده مسلمان از بنـد زنجیر سـتم اسـتبداد و فشار اسـتکبار بود و با قلم و بیان جهاد را آغاز کرد با محرومـان صالـح زنـدگی کرد. قلبش بـا فقیران بـود. برای ارتقـای انـدیشه دینی و خـذلان مخالفـان و معانـدان لحظه‌ای اسـتراحت نکرد.چگونگی عرضه آثار : سیـدعلی علوی در نگارش آثار و تغذیه فکری جامعه به مقتضیات زمان و اوضاع روزگاری که در آن به سـر می‌برد، توجه داشت و می‌کوشیـد کتابهایی به رشته تألیف درآورد که پاسـخگوی نیازهای جامعه باشد و برخی معضـلات و نابسامانی‌ها را تذکر دهد. او با تسلطی که به منابع علوم اسلامی داشت، موفق شد آثاری درخور جامعه‌ای که در آن می‌زیست، اعم از عراق و ایران تالیف کند. چاپ چندین جلد کتاب در حوزه فرهنگ تشیع از دیگر آثار علامه علوی می باشد.آثار : اختر لنفسک ، الاثرالخالد فی‌الولد والوالد ، الاصول‌الثلاثه ، الامر بالمعروف والنهی عن‌المنکر ، الرافد ، العفاف علی مذبح‌التبرج ، العمل‌الجهادی ، الفارق ، الکلمۀالطیبۀ ، باء بسـمله ، پاسخ اندیشه ، پیک رحمت ، تربیت از نظر قرآن و سنت ، ترجمۀالمولف بقلمه ، دروس و حلول فی شـرح کفایـۀالاصول ، دیوان علوی ، راهنمـایی قرآن کریم ، رسـتگاران ، زکوۀالفطرۀ ، سوداگران ، کتابخانه ، لباب معالم‌الـدین ،محاضرات فی اصول‌الدین ، مخطوط کتاب‌الارث ، های جوانان ، یادآوری

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz – /www.hawzah.net

علی آذری، جمال الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ جمال الدین علی آذری (حمزه بن علی ملك هاشمی آذری طوسی بیهقی اسفراینی) مروزی از بزرگان و شعرای قرن هشتم و متخلص به آذری بود. وی پس از کسب علم در حکمت و حدیث عازم سفر حج و حلب در سوریه شد. سپس به حلقه مریدانشاه نعمت الله ولی پیوست و به همراه او تا هندوستان رفت و در بازگشت به ایران تا آخر عمر در اسفراین گوشه ای اختیار کرد و در ۸۶۶ه.ق در گذشت گروه : علوم انسانی ر شته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : عرفان اسلامیوالدین و انساب : پدر شیخ جمال الدین علی آذری، مردی به نام علی ملك هاشمی بود که با نامهای آذری، طوسی، بیهقی، اسفراینی و مروزی مشهور بود که نشان از مهاجرتهای پی در پی خاندان و اجداد او دارد.خاطرات و وقایع تحصیل : شیخ جمال الدین علی آذری مقدمات علوم را در شهرهای خراسان از جمله در طوس، بیهق، اسفراین و مرو آموخت سپس سفری به حج و شهر حلب در شام (سوریه) کرد و پس از بازگشت به ایران، در حلقه مریدان شاه نعمت الله ولی کرمانی در آمد.فعالیتهای ضمن تحصیل : سفر کردن در سرزمینهای گوناگون از امور مورد علاقه صوفیان و از جمله شیخ جمال الدین علی آذری بوده است.استادان و مربیان : مهمترین استاد شیخ جمال الدین علی آذری در زمینه عرفان اسلامی، شاه نعمت الله ولی کرمانی بنیان گذار طریقت صوفیانه نعمت اللهیه بوده است.هم دوره ای ها و همکاران : شاه خلیل الله جانشین و فرزند شاه نعمت الله ولی همانند شیخ جمال الدین علی آذری سلوك معنوی در طریقت نعمت اللهیه را نزد شاه نعمت الله ولی پیمود.وقایع میانسالی : شیخ جمال الدین علی آذری پس از بازگشت از حج و حلب، به حلقه مریدان شاه نعمت الله ولی کرمانی در آمد وبه همراه وی به هندوستان سفرکرد. و با دربار شاهان بهمنی فلات دکن آشنا شد و حتی کتبی از جمله معنوی بهمن نامه را به نام آنان تصنیف کرد و پس از بازگشت به ایران تا پایان عمر در اسفراین در عزلت زیست.زمان و علت فوت : شیخ جمال الدین علی آذری در سال ۸۸۶ه. ق/ ۱۴۶۱م در اسفراین به سبب کهولت سن در گذشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شیخ جمال الدین علی آذری چنانکه شیوه صوفیان است، علاقه ای به مناصب دولتی و فساد ناشی از آن نداشت، از این رو همانند سایر صوفیان بیشتر به سفر و سلوك می پرداخت.فعالیتهای آموزشی : درباره فعالیت های آموزشی شیخ جمال الدین علی آذری اطلاعاتی در منابع وجود ندارد اما می دانیم که آثار عرفانی وی در میان صوفیان نعمت اللهی پس از وی اهمیت خاصی داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیخ جمال الدین علی آذری در کنار زهد و عبادت بسیار، به مطالعه آثار صوفیانه، صوفیان پیش از خود به ویژه آثار مذهبی درزمینه حکمت و حدیث علاقمند بوده است.همفکران فرد : بسیار از خلفا و شاگردان شاه نعمت الله ولی کرمانی به ویژه فرزنداو شاه خلیل الله کرمانی، همانند شیخ جمال الدین علی آذری از مشایخ طریقت نعمت اللهیه بوده اند.آرا و گرایشهای خاص : شیخ جمال الدین علی آذری از جمله حکیمان و متشرعانی بود که به تصوف به ویژه تصوف شیعی علاقه خاصی داشت و تصوف را مستلزم گمراهی از دین نمی دانست.آثار : جواهر الاسرار ویژگی اثر : کتاب جواهر الاسرار اثر شیخ جمال الدین آذری درباره علم حروف است. علم حروف چنانکه میان صوفیان مرسوم بود و در قرون نهم هجری به نهضت حروفیه کشیده شد، دانشی از علوم غریبه بود که به خاصیت های نمادین و جادویی حروف رمز اعتقاد داشت و به آنها می پرداخت.۲ سفی الصفا ویژگی اثر : با توجه به اینکه آذری خو دصوفی بود وبه مناسك حج معنای نمادین ویك از اعمال آن آگاه بود و نیز با توجه به اینکه خو دسفری به حج کرده بوده است، این کتاب را در راهنمایی زایران کعبه نگاشته است.۳ طغرای همایون ، غرایب الدینا و عجایب الاعلا ـ، مثنوی امامیه ، مثنوی بهمن نامه ویژگی اثر : این مثنوی که در قاب حماسه است، شباهتهایی با شاهنامه فردوسی دارد و از این نظر از آن تقلید کرده است. محتوای این اثر تاریخ خاندان بهمنی، پادشاهان فلات دکن در هندوستان بوده است.۷ مفاتیح الاسرار

منابع زندگینامه :کتر ابوالفتح حکیمیان ، فهرست مشاهیر ایران، ج ۲، تهران : انتشارات دانشگاه ملی ایران ،۱۳۵۷،ص۸۵.

علی بن محمد باقر

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حضرت اباالحسن علی ابن امام محمد باقر (ع) در سال ۱۱۳ هجری قمری جهت امر تبلیغ دین مبین اسلام و پاسخگویی به احساسات مذهبی مومنان وارد کاشان شدند و به مدت ۳ سال در میان عاشقان و دلباختگان اهل البیت به ارشاد مردم ولایتمدار پرداختند از ویژگیهای بارز این امامزاده لازم التعظیم می توان به فرزند بلافصل بودن و هچنین نایب الامامین یعنی امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) اشاره نمود درخصوص مقام والای آنحضرت روایتهای متعددی نقل شده است که از جمله آن می توان به حدیث حضرت امام صادق (ع) اشاره نمود که می فرماید :هرکس برادرم حضرت علی ابن باقر (ع) را در اردهال زیارت کند مانند کسی است که قبر جدم حسین (ع) را در کربلا زیارت کرده باشد و هچنین حضرت امام رضا (ع) می فرماید نعم الموضع الاردهال فلزم و تمسک به ، چه خوب مکانی است اردهال پس به آن التزام و تمسک پیدا کنید حضرت علی ابن امام محمد باقر (ع) در سال ۱۱۶ هجری قمری با یاران و اعوانش به جنگ با کفر زمانه می پردازد و پس از رشادتهای فراوان سرانجام در ۲۷ جمادی الثانی در دره ازناوه با یاران باوفایش به شهادت رسید و سر مبارکش را از تن جدا نموده و برای حاکم جور وقت در شهر قزون ارسال نمودند و بدن مطهرش را در مشهد اردهال به خاک سپردند

عودی، ستار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر ستار عودی درسوم خرداد ۱۳۳۳ه.ش در بغداد متولدشد. تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در مدارس عراق گذراند. و در پانزدهم اسفند ۱۳۵۰ ه.ش به همراه خانواده، همانند بیش از پانصد هزار ایرانی دیگر توسط حکومت یعنی صدام حسین، از عراق اخراج شدند. وی بین سالهای ۱۳۵۴ـ ۱۳۵۲ ه.ش به انجام خدمت نظام وظیفه با درجه گروهبان درلشکر ۷۷خراسان پرداخت و بعد از انقلاب اسلامی به اشتغال در چند شرکت خصوصی و از سال ۱۳۶۴ه.ش در وزارت راه و ترابری مشغول به کار شد. در فروردین ۱۳۶۷تا کنون ۱۳۸۳ به عنوان مترجم، دبیر و سر دبیر خبر عربی مشغول به کار است. وی دارای مدرک دکترای تاریخ و تمدن اسلامی است.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : تاریخ تمدن اسلامی والدین و انساب : ستار عودی در سال ۱۳۳۳ در خانواده مردی ایرانی به نام غلام از زنی به نام سلیمه متولد شد.خاطرات کودکی : ستار عودی که کودکی و نوجوانی خود را در اطراف کاظمین سپری کرد و گرچه خاطرات زیادی از آن روزگار در ذهن ندارد، آنجا را به سبب رونق مراسم های مربوط به عاشورا در آن روزگار همواره به یاد می آورد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر ستار، شغل آزاد و نسبتا مرفه و جزو طبقه متوسط اجتماعی بود. ستار نیز در کنار یک خواهر و پنج برادر خود (به نامهای سهام، جلال، کمال، خالد، سالم و حافظ) تا سال ۱۳۵۰ از زندگی خوبی برخوردار بوده اند . تا اینکه در دیماه ۱۳۵۰ دولت عراق دار اینهای آنان را ضبط کرد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : ستار عودی دیپلم خود را در شهر ری دریافت کردو از سال ۱۳۶۴ دررشته زبان انگلیسی وارد دانشگاه تهران شد، در سال ۱۳۶۹ نیز لیسانس ادبیات فارسی را از دانشگاه پیام نور احراز کرد و در سال ۱۳۷۴ فوق لیسانس تاریخ و تمدن ملل

اسلامی و در سال ۱۳۸۰ مدرک دکتری خود را در همان رشته از دانشگاه تهران دریافت کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : ستار عودی در کنار تحصیل، به گذراندن یک دوره خبرنگاری و نیز یک دوره دیپلم عالی بازرگانی از لندن (از طریق نامه نگاری) نائل آمده است . در کنار اینها در جاده کرج مشغول به کار بوده است و گاه از فرط خستگی برسر کلاس به خواب می رفته است.فعالیتهای ضمن تحصیل : ستار عودی در حین تحصیل علاوه بر اشتغال و تحصیل در چندین مقطع و رشته، به چندین جلسه علمی در خارج کشور رفت و نیز برای بنیاد دایره المعارف اسلامی بزرگ مقالاتی تهیه می کرد. همچنین مدتی را به فراگیری زبان فرانسه و اسپانیول مشغول بود.استادان و مربیان : خانم دکتر برزگر و دیگر استادان، به ویژه استادان رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از استادان ستار عودی بوده اند. از آن جمله اند: استاد دکتر اسعدی، استاد دکتر حسین قره چانلو، دکتر نصیریان، دکتر هادی عالم زاده و دکتر نورالله کسائی.هم دوره ای ها و همکاران : ستار عودی نام همدوره ای ها و همکاران روزگار تحصیل خود را به سبب سپری شدن زمان و وقوع بسیار در زندگی او به خاطر نمی آورد.همسر و فرزندان : ستار عودی در ۱۹ شهریور ۱۳۶۰ه.ش با دختر خاله خود به نام بتول آهنگری ازدواج کرد و حاصل این ازدواج سه فرزند به نامهای علی متولد ۱۳۶۱، حیدر ۱۳۶۴، و محمد ۱۳۷۱ می باشند.وقایع میانسالی : روزگار میانسالی ستارعودی به تحصیل دررشته تاریخ تمدن و ملل اسلامی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران و نیز اشتغال در بخش عربی اخبار جمهوری اسلامی ایران، و نیز به عنوان مترجم و دبیر می گذرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ستار عودی مشاغل گوناگونی چون مدیر امور فروش، مدیریت امور انبارها، استادی زبان انگلیسی درنیروی هوایی، استاد زبان عربی در دانشکده وزارت امور خارجه، استاد در دانشگاه های تهران و دانشگاه امام صادق(ع) و سردبیر خبر بین المللی عربی در خبر گذاری جمهوری اسلامی ایران را تجربه نموده است.فعالیتهای آموزشی : ستار عودی سابقه درخشانی در تدریس داشته است که عبارت است از: استادیار رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشگاه امام صادق. استادیار رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشکده فرهنگ اسلامی و ارتباطات (شاخه تاریخ تشیع) . استاد مدعو در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از ۱۳۷۸ تا کنون ۱۳۸۳. استاد ناظر بر رساله های دانشجویان در دانشکده خبر عضو هیات علمی بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی . کارشناس امور خبری در بخش بین المللی خبر گذاری جمهوری اسلامی ایران. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ستار عودی در دانشگاههای مختلف در تهران به تدریس و نیز مطالعه و تحقیق مشغول است. و نیز سر دبیری خبر بین المللی بخش عربی را بر عهده دارد.شاگردان : ستار عودی چنانکه خود نوشته است شاگردان بسیاری را طی یک دهه آموزش تربیت کرده است که برخی از آنان مسئولیت های مهمی را عهده دار می باشند.آرا و گرایشهای خاص : تز دکتری ستار عودی تحت عنوان« تاریخ دولت اغلبیان در افریقیه (تونس) در قرن سوم هجری »پس از پنج سال تحقیق صورت گرفته است. وی با توجه به تسلط بر زبانها عربی و انگلیسی و فارسی و دانستن زبانهای فرانسه و اسپانیایی منابع گسترده ای در این باره را شناسایی و مطالعه کرده است.جوائز و نشانها : جایزه بهترین مقاله دایره المعارفی برای مقاله «تاریخ نگاری در شمال آفریقا» ۱۳۸۳/۱۱/۱۵چگونگی عرضه آثار : ستار عودی بیش از ۵۰مقاله علمی به بنیاد دایره المعارف اسلامی تقدیم کرده است که در جلد ششم دانشنامه جهان اسلام هفت مقاله از آن به چاپ رسیده است . از این گذشته وی تعدادی مقاله برای دایره المعارف بزرگ اسلامی نوشته است که در حال چاپ می باشند. و نیز پنج مقاله درباره شخصیتهای عرب قدیم از جمله بشار بن بردو مجله اول در فرهنگستان زبان وادب فارسی زیر چاپ است . دو مقاله در جمله ماهنامه دینی و یک مقاله در مجله ریحانه و یک مقاله در دایره المعارف زنان، حدود ۱۰۰مدخل برای دایره المعارف جدیدی بر سبک و سیاق دایره المعارف مصاحب دردست چاپ دارد.آثار : ایران یک شریک تجاری ویژگی اثر : این کتاب در رشته بازرگانی و ترجمه ای است از زبان انگلیسی به عربی که در اجلاس سران کشورهای اسلامی به نمایش گذاشته شد و دومین چاپ آن نیز منتشر شده است .۲ تاریخ آل مظفر ویژگی اثر : این کتاب خلاصه ای است به زبان ساده که از کتب پیچیده روزگار پس از ایلخانان استخراج شده و توسط موسسه اهل قلم ـ میراث مکتوب

در حال چاپ است.۳ تاریخ دولت اغلبیان در افریقیه (تونس) درقرن سوم هجری ویژ گی اثر : عنوان فوق،شامل تز دکتری ستار عودی بود که پس از پنج سال تحقیق و مطالعه بیش از ۷۰۰ منبع به پایان رسیده و در موسسه امیر کبیر در زیر چاپ است.۴ زندگینامه شاه عباس دوم ویژ گی اثر : این کتاب خلاصه ای است با نثری روان که برای مخاطبین جوان تهیه شده است این اثر خلاصه ای است از منابع مربوط به عصرصفوی که در موسسه اهل قلم ـ میراث مکتوب در حال چاپ می باشد.۵ سرگرمیهای ریاضی ویژ گی اثر : ترجمه کتابی سرگرم کننده در رشته ریاضی است که در موسسه علمی ـ فرهنگی وابسته به وزارت علوم زیر چاپ است.

منابع زندگینامه : اظهارات و نوشته های ستار عودی

غروی تبریزی، میرزا علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهید آیةالله العظمی میرزا علی غروی تبریزی سال ۱۳۰۵شمسی در خانواده ای متدین وتجارت پیشه در شهر پرآوازه تبریز چشم به جهان گشود دو ساله بود که غبار دردناك یتیمی برسرش فرو نشست وبدین ترتیب اولین جام بلا را درمیدان زندگی سرکشید.

در شش سالگی به فرا گیری علوم دینی روی آورد ومقدمات را در آنجاگذراند سپس رحل سفر را در قم افکند تا در اقیانوس بی کران علم ودانش گوهر کمیاب اجتهاد را صید کند ووجود فرشی اش را به عطر دلربای کلام معصوم عرشی نماید. چندی بعد باکوله باری از علوم اکتسابی از فقیهانی همچون حضرات آیات بروجردی حجت کوه کمره ای خوانساری وشاهرودی از قم به نجف کوچید تا بابهره گیری از حلقه های درس آیةالله العظمی خوئی وشیخ حسین حلی ومحمد باقر زنجانی روح کمال جویش را کمی آرام کند اما او که نیلوفر جان را به دور عمود ایستادگی بالا می برد آنگاه که ذرات درخشان خورشید راستی و حقیقت را در حریم امیرالمومنین ع در آغوش کشید دریافت که در وادی عشق راحتی نیست. لذا پس از درگذشت استادش آیةالله العظمی خوئی بر کرسی تدریس می نشیند وبا شوقی وصف ناپذیر ونظمی کم نظیر به تدریس وتالیف وتحقیق می پردازد تا اینکه طلاب بی شماری که از کوثر کلام گهر بارش سیراب شده بودند اوراچون نگینی ارزشمند در برمی گیرند. عالمی که در نظم وترتیب زبانزد همگان بود وهیچگاه مطالعه وعبادت واقامه نماز در حرم امیرالمومنین ع وپاسخ به استفتائات اوراز رسیدگی به امورمردم غافل نمی کرد. نجوای زیارت عاشورا بر لبهای حق گویش آن هم درهر صباح شعله های عشق رادر دلش روز به روز فروزان تر می کرد وبر افروختگی صورتش رازیباوزیباتر می کرد. او جان رابه زیارت مولا ومقتدایش آقا حسین بن علی ع پرواز داده ودل در کمند گنبد نورانی وحرمی پر حرمت وضریحی که مهبط پر نشاط ملائك است بسته بود. چه بسیار لیالی جمعه ای که در جستجوی پرنده زیبای شهادت رهسپار کعبه دلها می شد تادر قنوتی عارفانه شهادت را به میهمانی دستهایش فرا خواند. سرانجام در شامگاه جمعه ۲۹خرداد ۱۳۷۷ش ۲۴صفر ۱۴۱۹ق دررجوع از زیارت آن حرم باصفا گلوله ای آتشین فراق جانکاه را به وصال دلربا مبدل می کند وعطر وصال را به مشام جان بیدارش می رساند وهمراه با داماد وراننده اش باغروری بهت آور به استقبال شهادت می روند تازنده بودن را برای همیشه تفسیر کنند.

فاضل لنکرانی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران آیه الله عبدالله فاضل لنکرانی درسال ۱۳۱۴ه.ق در لنکران دیده به جهان گشود. وی تحصیلات خود را تا مرحله اجتهاد از استادان خود ادامه داد و به خاطر اینکه فرد فاضلی بود بعد از افتتاح مسجد اعظم امامت این مسجد به ایشان واگذار گردید. از وی آثار زیادی به جا مانده است. عبدالله فاضل لنکرانی در سال ۱۳۹۲ه.ق دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدر عبدالله فاضل لنکرانی، انسان مؤمن، خیّر و نیکوکاری به نام حاج بشیر بود و بسیار مورد احترام مردم آن منطقه بود. ایشان زمینهای زیادی داشت که مردم از آن‌ها به نحوی بهره‌مند می‌شدند. کمک‌های او به مستمندان، موجب شد که در آن منطقه، از اعتبار ویژه‌ای برخوردار شود. در اوج فعالیت‌های ضدّ دینی کمونیستها، او با پای پیاده و با مشقّت فراوان خود را به سرزمین حجاز رساند و اعمال حج را به جای آورد. یکی از خدمات بسیار ارزنده ایشان، ساختن مسجدی در آن منطقه بود. مادر وی از زنان مؤمن آن‌جا به شمار می‌رفت که همپای همسرش در کمك به مردم نقش به سزائی ایفا می‌کرد و به او علاقه بسیاری داشت.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : لنکران از شهرهای قدیمی جمهوری آذربایجان (شوروی سابق) است که قبلاً ـ جزء کشور ایران به شمار می‌آمد. این منطقه، از سه طرف به کوهستان و جنگل منتهی می‌شود و دارای آب و هوای بسیار لطیفی می‌باشد. یکی از مناطق حومه لنکران، «ارکوان» است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالله فاضل لنکرانی در حدود سال ۱۳۳۰ ه . ق .پس از رسیدن به سن بلوغ، از منطقه لنکران به شهر اردبیل آمدند و به مدت چهار سال در این شهر اقامت داشتند و در طی این مدّت، مقدّمات و ادبیّات عرب را نزد «شیخ قدرت الله (ره) » که وی مردی عالم و متدیّن بود، فرا گرفتند و بعد از اردبیل به زنجان هجرت نموده و مدّت ۳ سال از علمای آن دیار کمال استفاده را بردند.فاضل در حدود سال ۱۳۳۷ هجری قمری، به شهر مقدّس مشهد، مهاجرت نمودند. ایشان در طیّ چند سالی که در جوار مرقد مطهّر ثامن الحجج (ع) مسکن گزیده بودند، با عنایات خاصّ آن امام همام (ع) و سعی و تلاش خود، حدود ۵ سال از محضر اساتید بزرگی چون آیت الله آقازاده کفائی خراسانی (ره) ، آیهٔ الله حاج شیخ مرتضی آشتیانی (ره) و حضرت آیهٔ الله العظمی حاج آقا حسین قمی (ره) – ایشان جزو روحانیون و مجتهدین بزرگی بودند که از پیشگامان مبارزه با رژیم منحوس پهلوی، مخصوصاً مبارزه با طرح اصلاحات اراضی و بی بند و باری آن رژیم بودند. – نهایت استفاده و فیض را بردند.در سال ۱۳۴۲ ه . ق. با ورود لنکرانی به بلدهٔ طیّبه قم، مرحله جدیدی از زندگی ایشان شروع شد. در شهر مقدس قم به خاطر وجود علما و مراجع عظام شیعه و علاقه وی به کسب فیض از محضر علمای بزرگ، ترویج دین و گسترش احکام، معظم له همّت و تلاش بی وقفه خود را صرف تحصیل علم و تهذیب نفس می‌کردند. در قم – که مرکز عشّ آل محمد (ص) است – از اساتیدی همچون حضرت آیهٔ الله العظمی حائری یزدی (ره) ، مؤسس حوزه علمیه مقدسه قم، فقه و اصول را آموختند و نهایت فیض را از ایشان بردند. بعد از ورود حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره) به قم عبدالله فاضل لنکرانی به حلقه درس ایشان پیوستند.استادان و مربیان : از استادان عبدالله فاضل لنکرانی می توان به موارد زیر اشاره کرد: شیخ قدرت الله آیت الله آقازاده کفائی خراسانی آیت الله حاج شیخ مرتضی آشتیانی آیه الله حاج آقا حسین قمی آیه الله بروجردی آیه الله حائری یزدی هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای عبدالله فاضل لنکرانی می توان به آیات عظام بروجردی، کوه کمره ای و صدر اشاره کرد.همسر و فرزندان : همسر عبدالله فاضل لنکرانی، صبیه مرحوم آیهٔ الله حاج سید عبّاس فقیه مبرقعی رضوی، والد ماجد حاج سید مرتضی فقیه است که بانویی متدیّن و مؤمن به شمار می‌رود. حاصل این ازدواج ۴ پسر و ۵ دختر را در بر داشته است. از میان فرزندان فاضل لنکرانی که توانست با سخت کوشی و تلاش فراوان منشأ خدمات بسیار ارزنده‌ای برای اسلام و مسلمین شود، حضرت آیهٔ الله العظمی حاج شیخ محمّد فاضل لنکرانی(مدّظلّه) می‌باشد که از مراجع تقلید جهان تشیّع به حساب می‌آید. زمان و علت فوت : عبدالله فاضل لنکرانی ، مردی که لحظه لحظه عمر بابرکت خود را صرف اصلاح و ارشاد مردم و تبیین مسائل فقهی و اصولی نمود و خود را وقف اسلام و مسلمین کرد، در تاریخ چهاردهم صفر المظفر سال ۱۳۹۲ هجری قمری، بعد از

۷۸ سال عمر بابرکت، دار فانی را وداع گفت و به دیار باقی شتافت بدن مطهّرش پس از تشییع باشکوه، در جوار مرقد مطهر کریمه اهلبیت، فاطمه معصومه (س) ، در مقبره شیخان قم به خاک سپرده شد. فرزند معظّم ایشان جناب حضرت آیهٔ الله محمد فاضل لنکرانی (مدّظلّه) می‌فرمایند: «پس از نه سال در اوایل پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران جنازه جوانی را که در جریان مسائل افغانستان به شهادت رسیده بود، به قم انتقال و در پائین پای قبر مرحوم آیت الله لنکرانی، قبری برای وی حفر کردند؛ در این حال دیواره قبر ایشان فرو ریخت. ناگهان مشاهده کردند که جسد مرحوم آیت الله لنکرانی (ره) کاملاً سالم مانده و هیچ‌گونه تغییری نیافته است و بدون کفن در قبر وجود دارد. این واقعه موجب شگفتی تمامی افرادی که در تشییع شهید شرکت کرده بودند، گردید.» آیت الله فاضل می‌فرمایند: «چون پدرم از اصحاب خاصّ و نزدیک آیت الله العظمی بروجردی (ره) بودند و در قضاء حوائج طلّاب و رسیدگی به مشکلات آنان، سعی و کوشش بسیار می‌کردند، از این چنین مقام معنوی در پیشگاه خداوند متعال برخوردار هستند.»(فعالیتهای آموزشی : زمانی که مرحوم آیت الله بروجردی، مسجد اعظم را ساختند، به خاطر علاقه زیاد به عبدالله فاضل لنکرانی ایشان را به امامت جماعت مسجد اعظم منصوب کردند؛ این در حالی بود که عدّه‌ای با این امر مخالف بودند. لنکرانی ، در طی سالهایی که در قم سکونت داشتند با شور و اشتیاق وصف‌ناپذیر به تحصیل و تدریس روی آوردند، به نحوی که اندک زمانی بعد تدریس متون فقه و اصول را در کنار حرم مطهّر حضرت فاطمه معصومه (س) و مسجد عبد اللهی - که در جنب دفتر آیت الله فاضل قرار داد - شروع کردند. همچنین تدریس خارج فقهی که چند سال داشتند، طلّاب زیادی از این منبع کسب علم نمودند که می‌توان به مرحوم حاج شیخ مهدی هادوی (ره) و آقای واعظی اشاره کرد.فاضل، با زحمات و تلاشهای بی وقفه و علاقه وافر به تحصیل علم، توانستند به مقام علمی بالائی برسند. در زمان ایشان، علماء و مراجع بزرگی همچون حضرات آیات عظام: بروجردی (ره) ، کوه کمره‌ای (ره) ، صدر (ره) و... بودند و این مرد پر تلاش، توانست خود را به مرحله اجتهاد برساند .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از هنگام ورود عبدالله فاضل لنکرانی به قم، مجلس روضه‌ای صبح جمعه‌ها در منزل ایشان تشکیل می‌شد، در این مجلس، علمای بزرگی چون: حضرت امام خمینی (ره) ، آیت الله بروجردی (ره) ، آیت الله گلپایگانی (ره) ، آیت الله سلطانی (ره) ،آیت الله قاضی (ره) و... شرکت می‌کردند.شاگردان : از شاگردان عبدالله فاضل لنکرانی می توان به شیخ مهدی هادوی و آقای واعظی اشاره کرد.آرا و گرایشهای خاص : عبدالله فاضل لنکرانی از خصوصیات اخلاقی ویژه ای برخوردار بود: ۱- اخلاص ۲- شجاعت ۳- رسیدگی به طلاب ۴- ساده زیستی :در یک خانه محقر و کوچکی زندگی می‌کردند که این منزل برای مرحوم آیت الله فاضل (ره) ، با داشتن فرزندان زیاد بسیار کوچک بود، ولی ایشان با تمسّک به ساده زیستی ائمّه معصومین (ع) و علمای بزرگ، به این منزل محقّر اکتفا می‌کردند. ۵- زیرکی و کیاست:از دیگر ویژگی‌های اخلاقی، می‌توان به زیرکی و کیاست ایشان اشاره کرد. زمانی که عبدالله فاضل در لنکران بودند، کمونیستها فعّالیت‌های افراد مسلمان را به شدّت سرکوب می‌کردند. ایشان مجبور شدند که ۲ بار به ایران مهاجرت کرده و به لنکران باز گردند. وقتی که مادرشان به رحمت ایزدی پیوست، آقای فاضل (ره) در ایران بودند و سازمان ک.گ.ب (شوروی سابق) در تعقیب او بود و بارها تلاش کرده بود که ایشان را دستگیر کند ولی موفّق نشد تا وقتی که آیت الله فاضل به رحمت خدا رفتند و مردم عکس ایشان را روی مزار مادرشان قرار دادند؛ بعد از این جریان، سازمان جاسوسی شوروی سابق (ک.گ.ب) فهمید که مرحوم حضرت آیت الله فاضل، فرزند این زن مؤمن و متدین بوده است. و این نشانگر از کیاست و زیرکی مرحوم آیهٔ الله فاضل می‌باشد.آثار : ، الاحکام الواضحهٔ ،تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ أحکام التخلّی والوضوء ، تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ الاجتهاد والتقلید ، تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ کتاب الطهارهٔ فصل فی المیاه ، تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ، الاجارهٔ ، تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ، الطلاق والمواریث ، تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ، القضاء و الشهادات ، تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ، النجاسات و أحکامها ، تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ، کتاب الحدود ، تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ، کتاب الخمس ، تفصیل

الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ، کتاب الصلاهٔ ، تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ، کتاب القصاص ، تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ، کتاب المضاربهٔ ، تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ، کتاب النکاح ، تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ، کتاب الوقف ، تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ،کتاب الحج «الجزء الأول» تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ،کتاب الحج «الجزء الثالث» تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ،کتاب الحج «الجزء الثانی» تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ،کتاب الحج «الجزء الخامس» تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ،کتاب الحج «الجزء الرابع» تفصیل الشریعهٔ فی شرح تحریر الوسیلهٔ،کتاب غسل الجنابهٔ ,التیمم ,المطهرات ، نهایهٔ التقریر فی مباحث الصلاهٔ «المجلد الاول» ، نهایهٔ التقریر فی مباحث الصلاهٔ «المجلد الثالث» ، نهایهٔ التقریر فی مباحث الصلاهٔ «المجلد الثانی»

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما١kz – /www.hawzah.net

فرشته، محمدتقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد تقی فرشته (متوفی سال ۱۱۸۶هـق) از اعلام فلاسفه و اعاظم علمای امامیه بود. وی پس از درک محضر علمای بزرگ زمان خود و رسیدن به درجه عالی علمی ، توانست کرسی تدریس فلسفه و فقه و اصول را در قزوین به خود اختصاص دهد. شیخ محمد تقی فرشته آثاری چند به طبع و تالیف رسانده است.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : شیخ محمدتقی فرشته فرزند شیخ محمدجعفر بن شیخ محمدکاظم طالقانی قزوینی رمضان ، از اعلام فلاسفه و اعاظم علمای امامیه بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ محمدتقی فرشته پس از فراگیری مقدمات ، حکمت و فلسفه را نزد علمای زمان خود آموخت و در ردیف عالمان زمان خود قرار گرفت.استادان و مربیان : شیخ محمدتقی فرشته حکمت و فلسفه را از حوزهٔ درس پدرش شیخ محمدجعفر فرشته و میرزا حسن بن عبدالرزاق لاهیجی (متوفی سال ۱۱۲۱هـق) اخذ کرد.همسر و فرزندان : شیخ محمدتقی فرشته پدر ملانعیما طالقانی صاحی کتاب اصل الاصول و ملامحمد ملائکه متوفی سال ۱۲۰۰هـق می باشد.زمان و علت فوت : شیخ محمدتقی فرشته متوفی سال ۱۱۸۶هـق می باشد.فعالیتهای آموزشی : شیخ محمدتقی فرشته پس از درک محضر علمای بزرگ زمان خود و رسیدن به درجه عالی علمی ، توانست کرسی تدریس فلسفه و فقه و اصول را در قزوین به خود اختصاص دهد. او از ائمه فتوا و تقلید بود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیخ محمد تقی فرشته علاوه بر فعالیت های آموزشی ، آثاری چند به طبع و تالیف رسانده است.آثار : حواشی بر اسفار ملاصدرای شیرازی ، حواشی بر شرح قوشجی

منابع زندگینامه :نسیم قزوین ، بنیاد فرهنگی قزوین شناسی ، به کوشش محمدعلی حضرتی ، دفتر اول ، زمستان ۱۳۷۵ ، ص ۱۷۰

فقهی زاده، عبدالهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عبد الهادی فقهی زاده ،استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران است . او معاون پژوهشی دانشکده علوم و حدیث همان دانشگاه نیز می باشد . از او آثار متعددی درباره دین پژوهی به چاپ رسیده است که هرکدام به نوبه خود جایگاه

ویژه ای را دارا می باشند .گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : علوم قرآن و حدیث اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : عبد الهادی فقهی دوران کودکی و نوجوانی خود را در بهبهان و در خانواده ای روحانی سپری کرد .تحصیلات رسمی و حرفه ای : فقهی زاده درسال ۱۳۶۵ شمسی وارد دانشگاه تهران شده و تحصیل در رشته علوم قرآن و حدیث را پی گرفت . وی دوره کارشناسی ارشد خود را دراین رشته درسال ۱۳۶۹ در دانشگاه تربیت مدرس گذراند و دوره دکتری خودرا نیز در همان دانشگاه سپری کرد .استادان و مربیان : یکی از استادان عبد الهادی ،استاد عبد الکریم بی آزار شیرازی می باشد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فقهی زاده درسال ۱۳۷۰ شمسی تدریس دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد الهیات دردانشگاه تهران رابه عهده گرفت و درسال ۱۳۷۵ عضو هیات علمی گروه علوم و حدیث دانشگاه تهران شد . همچنین او عهده دار مسئولیت معاونت پژوهشی دانشکده علو م حدیث می باشد .همفکران فرد : استاد عبدالکریم بی آزار شیرازی ، یکی از همفکران فقهی زاده است .آرا و گرایشهای خاص : فقهی زاده معتقد است که مودت اهل بیت دردل همه وجود دارد . وی براین نظر است که هیچ مسلمانی نیستس که محبت اهل بیت را دردل نداشته باشد .آثار : پژوهشی درنظم قرآن ،درآمدی بر علم رجال، نقش و جایگاه زن درحقوق اسلامی ، وحدت اسلامی ازدیدگاه قرآن و سنت

منابع زندگینامه : مودت اهل بیت (ع) ،محوروحدت مسلمانان / گفتگو با دکتر بی آزار شیرازی ،کیهان فرهنگی ، سال هیجدهم ،بهمن ۱۳۸۰ ، پیاپی ۱۸۴و ص ۱۰

فکوری یزدی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد فرزند آقا حسین یزدی در سال ۱۳۲۴ه.ق، در احمد آباد اردکان و در خانواده‌ای مذهبی و مستضعف دیده به جهان گشود. پس از گذشت حدود بیست بهار از زندگیش، رهسپار حوزه علمیه قم شد و در مدرسه فیضیه اقامت گزید و با اشتیاق فراوان به تحصیل و تهذیب نفس پرداخت.وی بر اثر تفکّر زیاد در تحقیق مطالب و فهم مسائل، به لقب « فکور» معروف بودند. آن گونه که مشهور است، حضرت آیهٔاللّه حائری(ره) ایشان را به این لقب خواندند» .گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : نام پدر شیخ محمد ، آقا حسین بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ محمد کمتر از ۶سال داشت که جهت فراگرفتن قرآن مجید پای به مکتب گذاشت. به زودی کلام خدا را آموخت. چون درآمد مالی پدرش کفاف مخارج خانواده‌اش نمی‌کرد، نزد شخصی به نام حاج عبدالصمد وکیلی به شاگردی رفته و همزمان با کار، خواندن و نوشتن را نیز فراگرفت.بیشتر شبها با اجازه صاحب مغازه در همان مغازه می‌ماند تا با فراغت بیشتر به مطالعه ادامه دهد.استعداد سرشار و شوق آموختن سبب شد تا سرانجام به مدرسه علمیه اردکان راه بیابد و پس از طی تحصیلات مقدماتی، جهت ادامه تحصیل راهی یزد شود.با مستمری اندکی که حاج عبدالصمد در اختیارش قرار می‌داد، توانست در مدرسه عبدالرحیم خان یزد که رونق خاصی داشت، به تحصیل بپردازد. پس از گذشت حدود بیست بهار از زندگیش، رهسپار حوزه علمیه قم شد و در مدرسه فیضیه اقامت گزید و با اشتیاق فراوان به تحصیل و تهذیب نفس پرداخت.استادان و مربیان : طی سالهای متمادی که شیخ محمد فکوری یزدی در حوزه پربرکت قم مشغول تحصیل بود، از محضر استادان زیادی بهره‌مند گردید. بعضی از آن آیات عظام عبارتند از:-۱حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم-۲سید محمد حجت کوه کمری-۳سید محمدتقی خوانساری-۴سید صدرالدین صدر-۵امام خمینی(ره)-۶ محمد علی قمی-۷سید شهاب الدین مرعشی نجفی-۸سید محمدرضا گلپایگانی.-۹سید حسین بروجردی

طباطبایی.هم دوره ای ها و همکاران : شیخ محمد فکوری یزدی در دوران تحصیل بیشتر اوقات با شهید محراب آیهٔاللّه حاج شیخ محمد صدوقی مباحثه می کرد.(۵) تا اینکه از مدرسین عالی رتبه حوزه علمیه شد و در صحن بزرگ حضرت معصومه (س)شروع به تدریس کرد.همسر و فرزندان : از شیخ محمد فکوری یزدی تنها یک دختر داشت.زمان و علت فوت : شیخ محمد فکوری یزدی در روز جمعه هشتم ذیعقده سال ۱۳۹۴دیده از جهان فرو بست و در مقبره شیخان قم، در جوار زکریا بن آدم اشعری، سمت شرقی شیخان، بدن مطهرش به خاک سپرده شد.فعالیتهای آموزشی : شیخ محمد فکوری یزدی در حدود ۱۸سال از محضر آیهٔاللّه العظمی بروجردی بهره برد و به درجه اجتهاد نایل آمد. وی به امر تدریس خیلی اهمیت می‌داد. از این روی شاگردان زیادی در مکتبش تربیت شدند که اکثر آنان هنوز در قید حیات و مایه افتخار حوزه‌های علمیه‌اند. بعضی از شاگردان ایشان عبارتند از:آیهٔاللّه شهید حاج آقا مصطفی خمینی(ره) که بخشی از دروس فلسفه و حکمت را از وی فرا گرفت. حاج سید عباس خاتم یزدی، محمدتقی مصباح یزدی، شیخ حسین راستی، غلامرضا رضوانی خمینی و حاج سید جعفر کریمی و...سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیخ محمد با روش خاصی برای مراجعین استخاره می کرد. نوعا جوابهایش درست بود. بدین سبب نیز شهره آفاق گردید و از خارج و داخل برای همین امر به وی مراجعه می کردند.آرا و گرایشهای خاص : آیهٔاللّه فکور، نسبت به امام خمینی علاقه زیادی داشت. در ایامی که راه عتبات عالیات باز بود، آیهٔاللّه فکور سالی دو مرتبه به کربلا و نجف مشرف می‌شد، آنگاه هم که راه بسته شد، با زحمات زیادی از بیراهه‌ها با راهنمایی افراد خاصی خود را برای زیارت عتبات عالیات به نجف و کربلا می‌رساند و مدتی هم می‌ماند.وقتی به حرم اباعبداللّه (ع)مشرف می‌شد، ساعت‌ها از حرم بیرون نمی‌آمد، به گونه‌ای مجذوب حرم می‌شد که متوجه هیچ کس نمی‌شد.عشق و علاقه‌ای خاص به امام حسین (ع)داشت. گاه ساعت‌ها در صحنِ حرم می‌نشست و گنبد و بارگاه اباعبداللّه را می‌نگریست و نمی‌توانست از آن دل بکند و به خانه برگردد.خودش می گفت: « دوست روحانی متدینی داشتم که مدتی پیش از دنیا رفته بود، آرزو داشتم او را در خواب ببینم و از احوال عالم برزخ سؤال کنم و خبری بگیرم.این را هم می‌دانستم که بر اساس روایات: در روز قیامت پیامبر (ص)و ائمه معصومین (ع) و...شیعیان را شفاعت می کنند و از آن مهلکه‌ها نجات می‌بخشند.آنچه که خود آنها سفارش کردند، این است که برای عالم برزخ فکری بکنید. شفاعت مال روز قیامت است.به این جهت خیلی دلم می‌خواست بدانم که چه عملی در عالم برزخ به کار می‌آید و انسان را نجات می‌دهد؟ تا اینکه شبی او را در خواب دیدم؛ جلو رفتم، دستش را گرفتم و پرسیدم: در عالم برزخ چه عملی ارزش دارد و سبب نجات انسان می‌شود؟ ابتدا دستش را از من جدا کرد و عقب عقب رفت، دویدم گریبانش را گرفتم و گفتم تا جوابم را ندهی، رهایت نمی کنم. گفت: « برای عالم برزخ زیارت اباعبداللّه الحسین (ع)را فراموش نکن» .از دیگر خصوصیات بارز ایشان احترام بسیار به سادات بزرگوار و فرزندان اهل بیت (ع) خصوصا اهل علم آنها بود با تعظیم و تکریم زایدالوصفی با آنها روبرو می‌شد.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz - /www.hawzah.net

قاسمی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالوهاب قاسمی در اوایل پاییز ۱۳۱۲ در نوزدهم مهر ماه در شهر سوادکوه به دنیا آمد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامیو الدین و انساب : عزیز اللّه قاسمی از جمله ساکنین آبادی لیورک بود. وی با خطابه و وعظ به تبلیغ دین می‌پرداخت. او که با زنی پاکدامن به نام بانو «بی‌بی‌جانی»ازدواج کرده بود، از خداوند می‌خواست محصول این پیوند، نخست از لحاظ بدنی

سالم بوده و آنگاه راه او را ادامه دهد و در کسوت روحانیت به عنوان سرباز امام زمان(عج)، حقایق مسلم فرهنگ قرآن و عترت را برای مردم بازگوید. خداوند نیز دعایش را اجابت فرمود و در اوایل پاییز سال ۱۳۱۲ (نوزدهم مهر)، هنگامی که خزان می‌پژمرد، غنچه‌ای از بهار در این خانواده شکفت و پدر به شکرانه این شهد شیرین زندگی، نامِ عبدالوهاب را برایش برگزید.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : یکی از نواحی استان زرخیز و خوش آب و هوای مازندران، شهرستان سوادکوه می‌باشد. این شهر در دره‌ای واقع در البرز مرکزی، با وسعت ۲۴۴۱ کیلومتر مربع، واقع شده است. از شمال با قائم شهر، از جنوب با فیروزکوه، از مشرق با منطقه جنگلی دودانگه ساری و از مغرب با بخش بندپی از توابع بابل هم مرز می‌باشد. نقاط کوهستانی، عبور رودخانه تالاب از آن و نیز جنگل‌های سر سبز، بر صفای این دیار افزوده است؛ امّا آنچه بدان طراوت معنوی می‌بخشد، امامزادگان، مساجد و مراکز دینی و علمی است که جان انسان‌های تشنه معرفت و دیانت را، عطرآگین می‌سازد.روستای «لیورک» که از جمله آبادی‌های این منطقه است، از قدیم الایام با وجود کوچکی و کمی جمعیت، موطن و محیط نشو و نمای انسان‌هایی بوده است که در جهت نشر تعالیم دینی و تبلیغات مذهبی، فعالیت داشته و دارند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالوهاب قاسمی در پوتو تربیت پدری رئوف و متدین و نیز پرورش‌های عاطفی و اخلاقی مادری پاک طینت و مشفق، دوران نوباوگی را با طراوت معنوی پشت سر نهاد و از همان نخستین دوران زندگی با نغمه‌های آسمانی، قرآن و دعا انس یافت. وی با حضور در مجالس تجلیل از مقام اهل‌بیت (ع) روان خویش را با زمزم جوشان و مصفای این خاندان شستشو می‌داد و علاقه به ارزشها و باورهای دینی با وجودش عجین می گشت. او به اقتضای محیط خانوادگی در همان سنین کودکی خواندن، نوشتن و قرائت قرآن را فرا گرفت و پس از این مقدمات به تحصیلات دوران ابتدایی پرداخت. وی پس از اینکه این مقطع را با موفقیت سپری ساخت، بر حسب ذوق ذاتی، شوق فطری و تأکیدهای مداوم پدرش، به آموختن علوم دینی روی آورد.در سوادکوه، مرکزی که بتواند نیازهای علمی و فکری این نوجوان را برطرف کند، وجود نداشت؛ به همین جهت برای فراگیری علوم اسلامی، زادگاه خویش را ترک کرد و در شهرستان بابل اقامت گزید. وی به مدت مدت سه سال به فراگیری علوم دینی پرداخت. عبدالوهاب برای ادامه تحصیل به تهران مهاجرت کرد. او در مدارس خازن الملک و حاج ابوالحسن معمار باشی از محضر علما و اساتیدی عالی قدر بهره‌ها برد.قاسمی، حوزه درس آیت الله حاج سیدمحمدهادی میلانی را که در شبستان غربی مسجد جامع گوهرشاد تشکیل می‌شد، مغتنم شمرد و با استعداد درخشان و مجاهدت پیگیر خود، به برکت این حوزه غنی، تا مرز اجتهاد پیش رفت.استادان و مربیان : از استادانی که عبدالوهاب قاسمی در محضرشان کسب فیض نموده است می توان به: حاج شیخ کاظم دامغانی، مرحوم قزوینی، ایت الله حاج شیخ هاشم قزوینی، میرزا مهدی اصفهانی، سیدموسی زرآبادی، آیت الله نائینی، حاج آقا شیخ قمی اشاره کرد.همسر و فرزندان : قاسمی پنج فرزند پسر به نام‌های: محمد باقر ، صادق ، محمد ، رضا و عباس و نیز سه فرزند دختر به نام‌های: رباب ، صدیقه و اعظم به یادگار مانده است.وقایع میانسالی : قاسمی طبق وصیتی که از وی باقی است، داماد خویش، سید رسول میریان را وصی شرعی و قانونی خود قرار داد و از او خواست تا طبق حکم الهی و قانون متقن و محکم اسلامی، رفتار کند. در خصوص ازدواج دخترانش، در حد شأنشان همانند خواهر خود از کل اموال وی بدون آن که از سهمیه آنان چیزی کسر شود، مبالغی بردارند. او کتابهایش را از این برنامه جدا کرد و وصیت کرد تا آنها را به هر یک از فرزندانش که توفیق کسوت لباس مقدس روحانیت داشته‌اند، واگذارند.زمان و علت فوت : قاسمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عضویت شورای همبستگی در حج – که مرکب از اقشار مختلف مردم بود.– در آمد و پس از تشکیل کمیته انقلاب اسلامی، حدود یک سال نیز به عنوان معاونت در کمیته مرکزی شهرستان ساری مشغول خدمت بود. او برای تداوم انقلاب به ارشاد و سازندگی مردم می‌پرداخت و در سال ۱۳۵۹ ش. از سوی مردم حق شناس ساری به نمایندگی در مجلس شورای اسلامی انتخاب شد و در این سنگر با تمام جدیت، نظام جمهوری اسلامی را که تحت لوای ولایت فقیه است، یاری می‌داد و تمامی امکاناتش را به کار می گرفت و همه کوشش و آرزویش این بود تا هر چه زودتر، اصول قرآنی در جامعه استقرار یابد. ایشان پس

از یک سال خدمتگزاری به امت مسلمان در سمت مزبور، در تاریخ هفتم تیرماه ۱۳۶۰ ش. در کربلای سرچشمه، در کنار شهید مظلوم دکتر بهشتی (ره) و دیگر یارانش، به دست دشمنان خلق خدا (منافقان) به دیدار حق شتافت و در جوار رحمتش آسود. بدن مطهّرش بنا به وصیت وی در شهرستان قم و در قبرستان شیخان، به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : قاسمی درخط مقدم مبارزه با رژیم طاغوت در صفوف اولیه بود وی در همان آغاز راه اندازی شد ولی با همه شکنجه هایی که بر او وارد آمده بود و بعد از آزادی راه مبارزه ادامه داد. در سال ۱۳۵۶ ش. قاسمی به جرم مخالفت‌های صریح و علنی با رژیم شاه، به زندان افتاد؛ ولی این بار هم در سلول انفرادی طاغوت زیر شکنجه‌های موحش دم برنیاورد. لذا پس از آزادی، مأموران ساواک خواستند با توطئه قبلی ایشان را در سفر مکه ترور کنند؛ اما موفق نشدند و توطئه آنها با شکست مواجه شد. آخرین دستگیری آن شهید بعد از سخنرانی افشاگرانه وی، در تابستان سال ۱۳۵۷ ش. رخ داد که بسیاری از کتب ارزشمند و نوارهای سخنرانی او و دیگران، مورد دستبرد عوامل ساواک قرار گرفت و مفقود شد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : قاسمی در سال ۱۳۴۴ ش. به دعوت جمعی از مؤمنین و تصویب و تأکید علمای بزرگ وقت (رضوان اللّه علیهم) در شهر ساری رحل اقامت افکند و با صراحتی تمام و شجاعتی کم‌نظیر، خط نهضت اسلامی را در مرکز استان مازندران باز گشود و برای برانداختن حکومت جور و استقرار نظام عدل اسلامی آن گونه که مقتضی بود، آخرین توان خویش را به کار برد و در این راه چندین بار دستگیر و روانه زندان شد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : قاسمی در یک صد و سی و هفتمین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۶ اردیبهشت ۱۳۶۰، از جنایت گروهک‌های مزبور در ساری، قائم شهر و سوادکوه پرده برداشت و کشتار وحشیانه، هتاکی‌ها و ضرب و شتم اینان را نسبت به مردمان این سامان برملا کرد.آرا و گرایشهای خاص : قاسمی در دوران نسبتاً کوتاه زندگی‌اش، درس استقامت، ایمان و وارستگی را به خوبی آموخت و توانست آن را به دیگران هم تعلیم دهد. آن شهید از همان دوران جوانی و تحت تربیت خانوادگی و نیز محیط پاک حوزه علمیه، به این واقعیت دست یافت که برای غلبه بر کشش‌های درونی، که آدمی را به سوی خودخواهی سوق می‌دهد، باید نیرویی قوی را در کانون دل ایجاد کرد،تا با تکیه بر آن، امکان تعدیل این امیال فراهم آید؛ این نیروی عظیم باطنی هم چیزی جز تقوا و ایمان نیست. به همین دلیل ایشان با عبادت، راز و نیاز با خداوند و اعمال صالح، توانست چنین فروغی را در ژرفنای جان خویش روشن سازد و به برکت آن تار و پود وجودش را از گزند هوس‌های درونی و تحریکات شیطانی، حفظ کند.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz – /www.hawzah.net

قدیری، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن قدیری سال ۱۳۱۵ در اصفهان دیده به جهان گشود و پس ازگذراندن تحصیلات متوسطه و دروس مقدماتی حوزه در سال ۱۳۳۷ برای طی سطوح عالی حوزه به نجف اشرف عزیمت کرد و در آنجا از محضر بزرگانی چون آیت الله خویی بهره‌مند شد. آیت‌الله محمد حسن قدیری با آغاز نهضت امام خمینی (ره) و تبعید به عراق از همان ابتدا در زمره یاران و نزدیکان ایشان درآمد و ضمن تلمذ در محضر آن حضرت در برخی فعالیت‌های مبارزاتی علیه رژیم منحوس پهلوی فعالانه شرکت داشت. در سال ۱۳۵۰ به عضویت هیات استفتاءات حضرت امام خمینی(ره) درآمد و این مسئولیت را تا زمان ارتحال ایشان بر عهده داشت. امامت جمعه بخش رویدشت استان اصفهان، عضویت در هیات استفتاءات مرحوم آیت‌الله العظمی اراکی و دفتر مقام معظم رهبری، تدریس دروس خارج فقه اصول درحوزه علمیه قم و عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی از دیگر فعالیت ها و خدمات این

عـالم ربانی در طول ۷۲ سـال عمر پر برکت وی محسوب می‌شود. گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسن قدیری پس ازگذراندن تحصیلات متوسطه و دروس مقدماتی حوزه در سال ۱۳۳۷ برای طی سطوح عالی حوزه به نجف اشرف عزیمت کرد و در آنجا از محضر بزرگانی چون آیت الله خویی بهره‌مند شد. علت فوت : محمدحسن قدیری ۸۷/۷/۲۶ در سن ۷۲ سالگی درگذشت و پیکر ایشان صبح شنبه از مسجد امام حسن عسگری(ع) تا حرم مطهر حضرت معصومه(س) تشیع خواهد شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد حسن قدیری با آغاز نهضت امام خمینی (ره) و تبعید به عراق از همان ابتدا در زمره یاران و نزدیکان ایشان درآمد و ضمن تلمذ در محضر آن حضرت در برخی فعالیت‌های مبارزاتی علیه رژیم منحوس پهلوی فعالانه شرکت داشت. در سال ۱۳۵۰ به عضویت هیات استفتاءات حضرت امام خمینی(ره) درآمد و این مسئولیت را تا زمان ارتحال ایشان بر عهده داشت. امامت جمعه بخش رویدشت استان اصفهان، عضویت در هیات استفتاءات مرحوم آیت‌الله العظمی اراکی و دفتر مقام معظم رهبری، تدریس دروس خارج فقه اصول درحوزه علمیه قم و عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی از دیگر فعالیت ها و خدمات این عالم ربانی در طول ۷۲ سال عمر پر برکت وی محسوب می‌شود.آثار : البحث فی الرسلات عشر ، البیع تقریرات درس حضرت امام (ره) ، التیمم ، الحاشیه علی العروه الوثقی ، المباحث فی علم الاصول ، رساله فی الوضع والاستعمال

قره چانلو، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسین قره‌چانلو در سال ۱۳۱۹ در شهر تهران به دنیا آمد.وی دارای دکترا رشته الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران است.نامبرده، پس از فراغت از تحصیل، به کار تدریس از دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی پرداخت. ترجمه کتاب" الاعلاق النفیسه "حسین قره چانلو ، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین قره‌چانلو تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران به پایان رسانید. سپس وارد دانشگاه شد و موفق به گرفتن مدرک لیسانس و فوق لیسانس و دکترا در رشتهٔ الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین قره‌چانلو ، پس از فراغت از تحصیل به کار تدریس از دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی پرداخت. دکتر قره‌چانلو در تهیه و تنظیم قسمتهایی از دایرهٔ المعارف شیعه و دایره‌المعارف اسلام همکاری کرده، هم‌اکنون طرّاح مسائل تاریخی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است.جوائز و نشانها : ترجمه کتاب" الاعلاق النفیسه "حسین قره چانلو ، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : حسین قره‌چانلو بیش از چهارصد مقالهٔ تحقیقی و تاریخی نوشته است که تمامی آنها در مجله بررسیهای تاریخی ارتش و مجله بررسیهای دانشکده الهیات و معارف اسلامی و دایرهٔالمعارفهای مختلف فارسی به چاپ رسیده است.آثار : ترجمهٔ الاعلاق النفیسه ویژگی اثر : ابن رسته، ۱۳۶۵، امیرکبیر-این کتاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد-آشنایی با کتاب «الاعلاق النّفیسه» مقصود مؤلف از نوشتن این کتاب، فراهم آوردن اطلاعاتی از مجموعه علوم زمان تألیف کتاب بوده است. او علاوه بر توصیف بلاد اسلامی از سرزمینهای خارج از جهان اسلام نیز سخن به میان آورده است و به صورتی کامل و جامع از جغرافیای نجومی و ریاضی با استناد به آیات قرآنی و آثار نجومی و اقوال

دانشمندان سخن رانده است. مطالب کتاب در مورد سرزمین صنعا و امپراتوری بیزانس و هند شرقی و سقلابیان و اقوام اورال و آلتایی و اقوام اطراف دریای سیاه و نواحی اصفهان در خور توجه بوده و اطلاعات جمع‌آوری شده در باب مکه و مدینه و توصیف رودها و مناطق طبرستان از اهمیّت خاصی برخوردار است. با توجه به تنوع اطلاعاتی که در کتاب فراهم آمده، می‌توان آنرا دایرةالمعارفی کوچک از علوم، جغرافیا و تاریخ گذشتهٔ جهان دانست ۲ حرمین شریفین ویژگی اثر : ۱۳۶۲، امیرکبیر .

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قزوینی، فتح الله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ فتح الله قزوینی (متوفی سال ۱۰۵۰هـق) از علمای بزرگ قزوین بود. وی پس از آنکه در علوم عقلی و نقلی به نبوغ علمی دست یافت ، کرسی تدریس و رهبری را در حوزه قزوین به دست گرفت و طلاب علوم دینی از اطراف و اکناف به حلقهٔ درسی او پیوستند. او در خطابه و وعظ مهارت بسیار داشت و به همین خاطر به واعظ قزوینی مشهور گردید. شیخ فتح الله آثاری به تالیف رسانده که عموماً حوزه علوم دینی را در می گیرد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : تبار و ذریه شیخ فتح الله به دو شاخه تقسیم می شوند: خاندان شفائی و خاندان سامت. بقیه خاندان سامت را امروزه در قزوین با شیخ العلما میرزا عبدالرحیم سامت می شناسند. اصل این طابفه از قریه صفی آباد در نواحی قزوین بوده و نخستین شخصی که در عصر صفوی قزوین را مسکن خویش قرار داده و به تحصیل علوم دینی پرداخته است. علمای دیگری نیز از این خاندان برخواسته اند از جمله شیخ عبدالکریم صاحب کتاب نظم الغرر و شیخ محمد یحیی صاحب ترجمان اللغه و... تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ فتح الله قزوینی پس از تکمیل مقدمات متداوله ، به فراگیری فنون ادب و علوم عقلی و نقلی مشغول شد.استادان و مربیان : شیخ فتح الله محضر درس شیخ بهایی و فخرالدین سماکی قزوینی را در ک نموده است.همسر و فرزندان : شیخ فتح الله قزوینی سرسلسله خاندان واعظ قزوینی و پدر شیخ ملا رفیع الدین محمد قزوینی متخلص به واعظ و متوفی سال ۱۰۸۹ هق صاحب کتاب ابواب الجنان است. شیخ حر عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴هـق) نیز در امل الآمل شیخ فتح الله را پدر ملا رفیع الدین محمد دانسته است.زمان و علت فوت : شیخ فتح الله قزوینی متوفی سال ۱۰۵۰هـق می باشد.فعالیتهای آموزشی : شیخ فتح الله قزوینی پس از آنکه در علوم عقلی و نقلی به نبوغ علمی دست یافت ، کرسی تدریس و رهبری را در حوزه قزوین به دست گرفت و طلاب علوم دینی از اطراف و اکناف به حلقهٔ درسی او پیوستند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیخ فتح الله در خطابه و وعظ مهارت بسیار داشت و به همین خاطر به واعظ قزوینی مشهور گردید. او همچنین آثاری به تالیف رسانده که حوزه علوم دینی را در می گیرد.آرا و گرایشهای خاص : شیخ فتح الله از متکلمان شیعه و شیوخ مجتهدین عصر خویش در قزوین بود. همچنین او را ردیف عالمان علوم عقلی و نقلی قرار داده اند.آثار : رساله در امامت ،رساله در عرفان

منابع زندگینامه :نسیم قزوین ، بنیاد فرهنگی قزوین شناسی ، به کوشش محمدعلی حضرتی ، دفتر اول ، زمستان ۱۳۷۵ ، ص ۱۶۰

قمی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عباس قمی در سال ۱۲۹۴ هجری قمری در شهر مقدس قم چشم به جهان گشود . وی تحصیل علوم اسلامی را در زادگاه خود شروع کرد و در سال ۱۳۱۶ ه .ق راهی نجف اشرف شد و در آنجا به تحصیل و تکمیل علوم و معارف اسلامی پرداخت ؛ او اندوخته های علمی خود را در اختیار فضلا و طلاب دیگر نیز قرار داد و توانست شاگردان زیادی را تربیت نماید . محدث قمی سرانجام در سال ۱۳۵۹ ه. ق دار فانی را وداع گفت .گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ عباس قمی تحصیل علوم اسلامی را نزد علمای سرشناس قم آغاز کرد سپس در سال ۱۳۱۶ ه.ق راهی نجف اشرف شد و در جوار با عظمت و پرشکوه مولا ی متقیان امیرمومنان حضرت علی به تحصیل و تکمیل علوم و معارف اسلامی پرداخت.استادان و مربیان : شیخ عباس قمی به خاطر علاقه بسیار زیادی که با احادیث و اخبار اهل بیت داشت،همساز محدث نوری شد و رابطه این دو بزرگوار از استاد و شاگردی گذشت و به مرید و مرادی تبدیل شد و لذا این دوتن بسیاری از کتابهای محدث نوری را با هم استنساخ و مقابله و تصحیح می کر دند.وقایع میانسالی : شیخ عباس قمی در سال ۱۳۴۱ ق ، به درخواست جمعی از فضلا و طلاب شهر مشهد، در مدرسهٔ میرزا جعفر شروع به تدریس نمود . اما حوادث خونین مسجد گوهر شا د که توسط رضا خان پهلوی صورت گرفت ، او را وادار نمود مجددا به نجف مهاجرت نماید . محدث قمی انسانی زاهدو پارسا بو د ساده زیست لباس وی عبارت بود از یک قبای کرباس بسیار نظیف و تمیز و فرش خانه اش نیز گلیم و غذایش هم بسیار ساده .او از سهم امام استفاده نمی کرد ، مردی از بازرگانان خیر تهران تا آخر عمر تبرعا وجه مختصری به ایشان می داد و وی در کمال قناعت زندگی می کرد : « روزی در نجف اشرف دو زن محترم که در بمبئی سکونت داشتند و از بستگان آقا کوچک - از محترمان نجف بودند، به حضور آن مرحوم رسیدند و تقاضا کردند هرماه مبلغ ۷۵ روپیه برایشان تقدیم کنند ، تا از لحاظ زندگی در رفاه باشد حاج شیخ عباس از پذیرفتن آن خودداری می کند . میرزا محسن محدث زاده فرزند کوچک آن مرحوم اصرار نمود تا قبول نماید ، ولی ایشان نپذیرفت تا اینکه زنان محترم نا امیدشد ، او را ترک کردند . پس از رفتن آنها فرزند به پدر گرفت من هم دیگر از کسبه بازار برای مخارج روزانه قرض نمی کنم .حاج شیخ عباس میگوید ساکت باش این همین مقدار هم که الان خرج می کنم ،نمیدانم فردای قیامت چگونه جواب خدا وامام زمان (عج) را بدهم در جواب این مقدار معطل هستم . و نیز در اواخر عمرش شخصی همدانی به دیدن او درنجف می زود و از و ضع داخلی ایشان جویا میشود ،مرحوم محدث قمی هر چه اصرار کرد ایشا ن نپذیرفت پس از رفتن فرد مذکور فرزند بزرگش پرسید ،پدر چرا نپذیرفتند. جواب می دهد :نازک و بدنم ضعیف است طاقت جواب خدا را در قیامت ندارم و سپس داستان امیرالمومنین در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان را نقل می کرد . آنگاه می گرید و به موعظه اهل خانه می پرداخت . در یکی از سالها مرد نیکوکاری از محدث قمی خواهش می کند که در مجلس او سخنرانی و موعظه بنماید و او را متعهدکرد که مبلغ پنجاه دینار و عراقی به ایشان بدهد اما محدث قمی گفت : من برای امام حسین به منبر می روم نه برای دیگری و ومبلغ را نگرفت .زمان و علت فوت : شیخ عباس قمی در مدت اقامت در عراق همواره به کشورها ی خوش آب و هوا سفرمیکرد لیکن در سال ۱۳۵۹ ه.ق به خاطر تیرگی روابط عراق و سوریه نتوانست به سوریه و لبنان مسافرت کند و در نتیجه در همان هوای بسیار گرم نجف بسر برد ، لذا این امر موجب شدت بیماری و کسالت دائمی وی شد تا ینکه نهایتا در سن ۶۵ سالگی شب سه شنبه ۲۳ ذی الحجه الحرام سال ۱۳۵۹ ه.ق فوت کرد.فعالیتهای آموزشی : شیخ عباس قمی در سال ۱۳۴۱ ه.ق بنا به درخواست عده ای از فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد ، آموزش درس اخلاقی را درشبهای پنج شنبه وجمعه در مدرسهٔ میرزا جعفر شروع کرد .می گویند :قریب هزار نفر از طلاب و علمای در شهر مجالس درس وی حاضر می شد ند .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی ، از دوستان و همنشینان شیخ عباس قمی ، از وی چنین یا د می کند :محدث قمی پیوسته سرگرم کار بود

،عشقی شدید به نوشتن و تالیف و بحث و تحقیق داشت ،هیچ امری اور ا از این شوق و عشق منصرف نمی کرد ،و مانعی در این راه نمی شناخت . محدث قمی در زمان ا قامت درعراق تابستانها برای زیارت و تجدیدقوا به کشورهای خوش آب و هوای لبنان و سوریه سفرکرد.آثار : الدار النظیم فی لغات القرآن العظیم ویژگی اثر : کتاب در عین حالی که لغات قرآن را کاملا شرح داده و معانی آنها را روشن ساخته مختصر و موجز است لذا استفاده از آن بسیار آسان است در مورد همین ویژگی مولف چنین نگاشته است .هذا مختصر منیف و سفر لطیف ،عملیه فی توضیح لغات القرآن الشریف فی غایه الایجاز و الاختصار ،لیسهل علی الطا لبین تحصیله و لا۔ تفسیر علیهم مصاحبه و تحویله این کتاب مختصر است و لطیف و بسیار نیکو ،آن را در شرح و توضیح لغات قرآن شریف در نهایت ایجاز و اختصار نگاشتن با اینکه استفاده از آن برای خوانندگان آسان باشد وهمراه بردن و نقل و انتقالش مشکل نباشد ب:منابع و ماخذ کتاب آثار کهن و گران سنج و در نتیجه مورد اطمینان است لذا کتاب از اعتبار خاصی برخوردار است . ج:مولف صرفا بشرح لغات بسنده نکرده بلکه به مسائل صرف ونحو نیز پرداخته و میتوا ن گفت کتاب سرشار از بحثهای ادبی است . د:در لابلای مطالب به منا سبتهای گوناگون،روایات جالب وروشنگرمطلب وارد شده است .که این امراهگشای بسیاری ازمسا یل است.[کیهان فرهنگی ، شماره ۵ ، مرداد۱۳۶۶ ،ص ۳۷و ۳۸]

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی ، شماره ۵ ، مرداد۱۳۶۶ ،ص ۳۶

کاشانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سال ۱۳۴۹ هجری قمری برابر با ۱۳۰۹ هجری شمسی در محله گذر حاجی، یکی از محله‌های قدیمی دارالمؤمنین کاشان خانه محمد حسین و بتول آغا از ارادتمندان آیت الله آقا سید محمد حسین رضوی کاشانی، پسری به دنیا آمد که او را علی نام نهادند .اطلاعات وسیع از مسائل و موضوعات فقه، اصول و کلام و عرفان، طریقه نقد و بررسی آراء و نظریات فقیهان و اصولیان در مناظره‌های علمی و استدلالی او با مخالفان دارا بودن کمالات و فضایل معنوی، او را در شمار نوابغی قرار داد که در آغاز جوانی به رتبه عالی و قله رفیع اجتهاد در آورد .گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : نهادند بیش از شش روز از ولادت شیخ علی کاشانی نگذشته بود که مادر را از دست داد ، نام پدرش هم محمد حسین است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ علی کاشانی در نه سالگی پای به مکتب گذاشت و خواندن و نوشتن را فرا گرفت. در آستانه سیزدهمین بهار زندگی به توصیه پدر و تشویق آیت الله رضوی، برای کسب معارف دینی، عازم اصفهان گردید. در آنجا نیز اساتید گرانمایه دروس حوزوی را، تا مرحله سطح، گذراند. آنگاه برای بهره وریهای علمی بیشتر و کسب کمالات بیشتر راهی آستان قدس رضوی (ع) شد و در مدرسه علمیه نواب ساکن شد.مدت اقامتش در مشهد چهار سال بود که در این دوره از محضر اساتید بزرگی همچون؛ آیت الله آقا میرزا محمد هاشم قزوینی، آقا سید محمد یزدی و در کوهستان اطراف بهشهر نزد عالم مهذب حضرت آیت الله سید محمد کوهستانی استفاده‌ها برد. شیخ علی ضمن کسب در مدرسه میرزا جعفر که اسم اکنون بخشی از دانشگاه علوم رضوی تبدیل شده است، به تدریس و تعلیم طلاب و مشتاقان علم و در همان دوران جزو چهره‌های سر شناس علمی مردان با تقوای حوزه به شمار آمد.پس از اقامتی کوتاه در مشهد آهنگ هجرت به حوزه علمیه قم کرد. در قم امامت مسجد کیهان را به عهده داشت و در منزل جنب مسجد، با شهید هاشمی نژاد و... به سر برد بعد از آن در یکی از حجره‌های قست شرقی مدرسه حجتیه سکنی گزید. با جدیت

تمام در سالهای ۱۳۲۵ ش در درسهای خارج فقه و اصول آیت الله بروجردی و خارج اصول امام خمینی شرکت کرد و در کنار آن در مسجد کوچک گذر خان به تدریس دروس سطح عالی و درس خارج خصوصی برای شهید هاشمی نژاد پرداخت.خاطرات و وقایع تحصیل : نامادری شیخ علی می گوید: چند ماهی پس از در گذشت مادر شیخ من به عقد پدرش در آمدم در حد توان کارهای او را انجام می‌دادم ولی پدرش بیشتر مواظب او بود.آن موقع‌ها که برای تحصیل به مشهد و قم می‌رفت گاهی به کاشان می‌آمد و از زمان آشنایی شیخ با آقای هاشمی نژاد با هم به کاشان می‌آمدند و بیشتر ماه مبارك یا محرم مدتی می‌ماندند شیخ در خانه به مطالعه و عبادت مشغول بود و آقای هاشمی نژاد منبر و جلسه داشت.آقا شیخ علی به آیت الله رضوی علاقه بسیار داشت و به دیدن او می‌رفت.استادان و مربیان : شیخ علی کاشانی، نزد اساتید و بزرگان سه حوزه مهم، اصفهان، مشهد و قم، به تحصیل پرداخت. برخی از اساتید او عبارتند از :آیت الله آقا سید محمد حسین رضوی کاشانی؛ آیت الله سید محمد علوی بروجردی معروف به باغ ؛آیت الله آقا میرزا محمد هاشم قزوینی؛ آیت الله شیخ محمد کوهستانی؛ آیت الله حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی؛ امام خمینی؛زمان و علت فوت : شیخ علی کاشانی در مسافرتی که محرم سال ۱۳۷۴ به رودسر کرده بود در شب ۱۴ آن ماه پس از ادای فریضه مغرب و عشاء در منزل یکی از آشنایان دچار سکته قلبی گردید و ندای ارجعی را لبیک گفت. جنازه آن مرحوم را به قم آورده‌اند و پس از تشییع در قسمت جنوبی قبرستان نو به خاك سپردند.شاگردان : از شاگردان معروف فریدهٔ الاسلام کاشانی که بیشترین بهره‌های علمی و معنوی را در مکتب وی کسب کردند؛ شهید والا مقام حجت الاسلام و المسلمین سید عبد الکریم هاشمی نژاد (۱۳۱۱ - ۱۳۶۰ش) است. در بین دیگر شاگردان می‌توان از وی حجت الاسلام و المسلمین سید حسن ابطحی خراسانی، سید حبیب الله اهری گرگانی، حاج شیخ غلامرضا عرفانیان خراسانی، حاج شیخ علی اصغر مسلمی کاشانی، حاج شیخ حسن شریعتی نیاسری، حاج شیخ محمد امامی کاشانی، حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی و دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی نام برد.آرا و گرایشهای خاص : شیخ علی شانزده سال زندگی طلبگی را با پشتکار تمام در کسب علوم و فضائل و در نهایت سادگی و بی آلایشی سپری کرد. او نسبت به دنیا و امور دنیوی بی توجه بود، در ارتباط با خالق و اولیای الهی آنچنان عاشق بود که سر از پا نمی‌شناخت.او عاشق عبادت، تهجد و سجده‌های طولانی، ناله و زمزمه‌های شبانه بود لباسها ساده و وصله دار و حرراش معمولی بود برای خود خانه نخرید و زن اختیار نکرد. در مباحثات و مناظرات علمی با جرئت و درود یافت مطالب و سرعت انتقال قوی و پر استعداد بود.آثار : تعلیقه بر فرائد الاصول شیخ انصاری ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی۲ رساله و جزواتی در مبحث فقه و اصول ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی۳ رساله‌ای در لباس مشکوك ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی۴ مجمع الفرائد ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی۵ منظومه مجمع الفرائد ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی۶ منظومه‌ای در علم اصول ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی۷ منظومه‌ای در علم کلام ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz - /www.hawzah.net

کریمی، عمادالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در یکی از روزهای سال ۱۳۱۱ ش، فرزندی دیده به جهان گشود و پدرش او را عمادالدین نامید تا چون به سنین رشد و شکوفایی

رسـد، در حفظ و پابرجایی «عماد دین» و پاسـداری از معنویت بکوشـد. پدر چون این نوزاد را در آغوش گرفت، برایش دعا کرد و از پیشگاه پروردگـار متعـال خواست تـا وی را در پرورش این طفـل در سایه فضایل و مکارم یاری دهـد. عمادالـدین همچون دیگر کودکان آبادی کشککک از نظر جسـمی رشد می‌کرد، اما چون زلال خداباوری در خانواده‌اش جریان داشت، جان و دلش از چنین سرچشـمه‌ای تغـذیه می‌شـد. بـدین گونه دوران صـباوت او به محیطی آکنده از صـمیمیت سرشـته و در محبت خاندان عترت، پیوند می‌خورد. وی در حفـظ دسـتاوردهای انقلاب به عنوان یک روحانی مبارز در مقابل اسـتکبار مقاومت کرد و از امور سیاسـی جامعه غافـل نبود. او در سـال ۱۳۶۰ در کربلای سرچشـمه به درجه رفیع شـهادت نایـل آمـد.گروه : علوم انسانی رشـته : الهیات و معارف اسلامی تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : عمادالـدین کریمی همچون شـکوفه‌ای سبز و با طراوت در دامنی پاک و بی آلایش شـکل گرفت و فضیلت از همـان اوان کـودکی بر لـوح پـاک ایـن پسر نقش بسـت. ایـن ویژگی نه تنهـا عمادالـدین را از گزنـد آفات و هرزه‌روی‌هـا مصـون می‌داشت، بلکه وی را برای رسـیدن به مراتب فکری، فرهنگی و روحـانی مهیـا می‌کرد. او نخسـتین آموزه‌هـای دینی و قرآنی را از پـدر آموخت و نزد آن مربی خوش خو، نیـل به فضایـل اخلاقی و کرامت‌هـای انسـانی را تمرین می‌کرد و نهال وجـود خـویش را از جرعه‌هـای نـاب قرآن و حـدیث سـیراب می‌سـاخت. عمادالـدین کریمی دوران کـودکی و نوجـوانی را در فقر گذرانیـد. وی تحصـیلات دوره ابتـدایی را در شهرسـتان نوشـهر به اتمام رسانیـد و در تهران موفق به اخـذ دیپلم گردیـد. او به شوق بارگاه پاک و مطهر حضـرت علی بن موسـی‌الرضا (ع) ، به جوار آن حضرت شتافت و با استمداد از فضای ملکوتی مشهد مقدس به کمالا‌تی نایـل آمـد. شـهید کریمی دوران تحصـیلات حـوزوی خـود را در مـدارس علمیـه این شـهر آغـاز کرد و اسـتعداد و قریحه سرشارش سبب گردید تا بتواند در مدتی کوتاه ادبیات، لمعه، قوانین و مقداری از رسائل را در آنجا فرا گیرد. او مدت پنج سال در حجره‌هایی تنگ و تاریک در اوج فقر و تنگدستی به کسب معارف و علوم اهل‌بیت (ع) پرداخت و سـرانجام به پایگاه فقه و حدیث شیعه یعنی شـهر مقـدس قم روی آورد.مرجع عالی قدر جهان تشـیع، حضـرت آیت اللّه العظمی بروجردی (۱۲۹۲-۱۳۸۱ق) با بیانی رسا و دانشی گسترده درقلمرو فقه و اصول، حوزه درس پرکششی را در قم بنیان نهاده بود؛ به همین دلیل بسیاری از طلاب فاضل به محضـرش می‌شـتافتند و از خرمن دانش و انـدیشه وی بهره می‌گرفتنـد. شـهید کریمی هم فرصت به دست آمـده را غنیمت شـمرده، مشـتاقانه از انوار پرفیض این عـالم عامل و جامع معقول و منقول، بهره‌ها برد.کریمی بسان گوهرشناسـی ماهر به توانمنـدی اسـتادش، آیت اللّه میرزا هـاشم آملی، در تـدریس اصول پی برده بود و می‌دانست که حیف است این دُرهـای منثور منقـح نگردد.خـاطرات و وقایع تحصـیل : اقامت در شهر قم برای عمادالدین کریمی با مشکلاتی توأم بود؛ اما چون تحصیل معارف و مکارم را در نظر داشت و به جلوه‌هـای معنوی بارگـاه مطهر بی‌بی فـاطمه معصومه (س) توجه می‌کرد، به این سـختی‌ها وقعی نمی‌نهـاد و هر گونه عسـرت و ناملا‌یمت را، حکمـتی برای رسـیدن بـه موفقیت‌هـای بزرگ تلقی می‌کرد. اسـتادش، حضـرت آیت اللّه بروجردی، شـاگرد آخـوند خراسـانی بود که در همـان ایام اقامتش در نجف، بر کفایـهٔ الاصول آخونـد حاشـیه‌ای نگاشت و از این طریق بر شـهرت علمی خود افزود. کریمی می‌نگریسـت کـه چگـونه برخی طلاب در فراگیری ایـن کتـاب به مشـکل بر می‌خورنـد و متن عربی و دشـوار آن را نمی‌توانند بخوانند؛ لذا تصمیم گرفت این اثر را به زبان پارسی برگرداند تا برای علاقه‌مندان بیش از گذشته قابل فهم باشد و در این مسیر به توفیقاتی نیز دست یافت.استادان و مربیان : از استادان عمادالدین کریمی می توان به موارد زیر اشاره کرد: میرزا هاشم آملی آیت الله بروجردی همسر و فرزنـدان : عماد الـدین کریمی چهار فرزنـد به نام‌های محمـد (متولـد ۱۳۴۲)، محمدتقی (متولد۱۳۴۴)، محمود (متولد ۱۳۴۵)، مصطفی (متولد ۱۳۵۹) و دو فرزنـد دختر به نامهای فاطمه (متولـد ۱۳۵۱) و معصومه (متولـد ۱۳۵۶) بر جای مانده است.وقایع میانسالی : سـخنرانی‌های عماد الدین کریمی که با افشای طاغوتیان توأم بود، ۲۴ سال بیداری و آگاهی مردم را از پی داشت. در یکی از همین سال‌هـا، در تاریـخ شـشم بهمن (روز انقلاب سـفید!) مصادف با دوازدهم محرم، عوامل اسـتبداد از وی دعوت کردنـد تا برای دعا کردن به جان شاه ملعون در مجلسـی که به این منظور تـدارک دیـده شـده، حضور به هم رسانـد؛ اما وی

بهانه آورد که در آن زمان باید درقم باشد و نوشهر را ترک نمود. چون مأموران متوجه غیبت او در منطقه شدند، به ساواک گزارش کرده و آنان نیز دستور دادند تا این روحانی مورد تعقیب قرار گیرد و سرانجام موفق شدند او را دستگیر کنند. در این حال شدیدترین اهانت‌ها را متوجه او ساختند؛ شکنجه‌اش کردند و سخت تحت فشارش قرار دادند که چرا از خواسته آنان روی برتابانده است؛وی با بی‌توجهی به این وضع آشفته، مصمم‌تر از گذشته، برای محو آثار شرک و ظلم مسیر خود را ادامه داد و هر گونه تهدید و فشاری را به جان خرید.زمان و علت فوت : عمادالدین کریمی در روز هفتم تیر ماه سال ۱۳۶۰ درکربلای سرچشمه، به دست مزدوران استکبار به آرزوی دیرینه خود، یعنی شرف شهادت، دست یافت و در جوار عرشیان آرام گرفت و پیکر پاکش در قبرستان شیخان قم در کنار مزار عالمان و شهیدان این دیار، به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، عماد الدین کریمی در جهت حفظ دستاوردهای این عطیه الهی و هدیه غیبی به سازندگی پرداخت و چون مسئله انتخابات مجلس شورای اسلامی مطرح گردید، به اصرار اهالی نوشهر و چالوس و با آگاهی کامل به این مسؤولیت خطیر و وظایف سنگین یک نماینده در راه صیانت از ارزشها و دفاع از نظام اسلامی، نامزدی مجلس شورای اسلامی را پذیرفت. او برای پرهیز از تبلیغات کاذب برای کسب رأی بیشتر، به کسانی که برایش فعالیت تبلیغاتی می‌کردند، می‌گفت: «پس فردا نکنند بگویند باید خواسته هر کدام از ما باید برآورده شود، خدمت دراین سمت باید به تمامی افراد منطقه صورت گیرد و رسیدگی به امور گروهی خاص، با ارزشهای اسلامی و اهداف نظام اسلامی مغایرت دارد و با روح این جانب نیز سازگار نمی‌باشد.» سرانجام این روحانی آگاه و مبارز با رأی قاطبه‌مردم، به سنگر مجلس راه یافت و در موقعیت پیش آمده جدید، به فعالیت‌های خود ادامه داد و خدمات ارزنده‌ای را به مردم محروم منطقه تقدیم کرد. یک سال کوشش و تلاش صادقانه وی همت والای این روحانی وارسته را می‌نمایاند. البته او در کنار این برنامه‌ها از امور سیاسی نیز غافل نمی‌ماند و به افشای چهره نفاق و رسوا کردن ارتجاع منطقه می‌پرداخت. تلاش چندین ماهه او در دوران پس از پیروزی را می‌توان دراین محورها خلاصه کرد: دفاع از انقلاب اسلامی؛ مقابله با استکبار و اعوان و اذناب او؛ نفی جهالت و از بین بردن نارسایی‌های فرهنگی منطقه نوشهر و چالوس؛ خدمت به جامعه خصوصاً محرومان و ساکنین روستاها و مناطق عشایری. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عمادالدین کریمی اجرای اصل سازنده امر به معروف و نهی از منکر را نیز با مواعظ ارزنده‌در پیش گرفت؛ زیرا چنین روش موجب می‌شد تا مردم از بدی‌ها، نیکی‌ها، عواقب زیان بار گناهان و مزایای درخشان خوبی‌ها آگاهی یابند.آرا و گرایشهای خاص : عماد الدین کریمی بر اثر تربیت‌های خانوادگی و تأثیرپذیری از خلق و خوی استادان خود در حوزه و نیز مجاهدت با نفس اماره و ارتباط با خداوند، مجموعه‌ای از صفات نیک را در خود پرورده بود که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ - تواضع و فروتنی: او نسبت به مردم بسیار برخورد خودمانی داشت و در جلسات، رفتاری عادی و نازلتر از منزلت خود بروز می‌داد تا افراد را جذب نماید. ۲ - خوش خویی: شهید کریمی در برخورد با مردم بسیار نرم‌خو و ملایم بود. ۳ - استقامت و پایداری: صلابت آن شهید در عرصه‌های گوناگون کم نظیر بود. ۴ - سخاوت: شهید کریمی بر اساس تربیت خانوادگی خود، دست پرورده سخاوت بود و در میهمان نوازی و پذیرایی از افرادی که به خانه‌اش می‌آمدند، اهتمام وافری داشت. ۵ - مسؤولیت پذیری: از ویژگی‌های بارز آن شهید به خون خفته، همین احساس مسؤولیت بود. عمادالدین کریمی انقلاب اسلامی را بر سه اصل و یک محور متکی و استوار می‌دانست. از آن سه اصل، دو مورد آن منفی و یک مورد هم مثبت است: نخست شعار طرد الهه‌ها و خدایان مصنوعی و نفی ارتباطات و سلطه ابرقدرت‌های خارجی است -که از صدر اسلام هم شعار مسلمانان چنین بود: لا اله الا اللّه.- سوم اتکا به خدای یکتا و قادر متعال.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k - /www.hawzah.net

کسائی، نوراللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نورالله کسایی در سال ۱۳۱۸ خورشیدی ، در شهرستان شهرضا (قمشه) در استان اصفهان دیده به جهان گشود. نورالله کسایی تحصیلات ابتدایی و متوسطه (در رشته ادبیات) را در شهرضا و اصفهان پشت سرگذاشت. در آن روزگار ، دبیرستان ها از مقطع دوم متوسطه ، رشته های ریاضی ، طبیعی و ادبی داشتند. وی این دوره را در شهر اصفهان طی کرد. پس از آن وارد دانشگاه اصفهان شد و در رشته زبان و ادبیات عربی ، ادامه تحصیل داد و با رتبه اول فارغ التحصیل شد. کسایی از سال ۱۳۴۸ دوره کارشناسی ارشد و دکتری را در دانشکده الهیات و عارف اسلامی ادامه داد و در سال ۱۳۵۳ از رساله دکتری خود باعنوان « مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماع آن » دفاع کرد و با رتبه اول در رشته فرهنگ عربی و علوم قرآنی فارغ التحصیل شد. استاد نورالله کسایی در ضمن تحصیل ، در آموزش و پرورش شهرضا به خدمت فرهنگی (آموزگاری و مسئولیت در آموزش و پرورش) مشغول بود. او همچنین در مقطع تحصیلات تکمیلی با دانشکده الهیات و معارف اسلامی همکاری آموزش داشت و به صورت آزاد تدریس می کرد ، تا اینکه در سال ۱۳۵۴ به طور رسمی از آموزش و پرورش به دانشگاه تهران منتقل شد و به تدریس در رشته های زبان و ادبیات عرب در این دانشکده مشغول گردید. وی از سال ۱۳۶۴ از گروه علمی قرآن و حدیث به گروه تاریخ و تمدن اسلامی منتقل شد و مدتی نیز مدیریت این گروه را بر عهده داشت. استاد در زمینه تاریخ اسلام ، تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی ، تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام ، نهادهای علمی و آموزشی تدریس می کرد. استاد نورالله کسایی در ۲۸ آبان سال ۱۳۷۹ دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : نورالله کسایی تحصیلات ابتدایی و متوسطه (در رشته ادبیات) را در شهرضا و اصفهان پشت سرگذاشت. در آن روزگار ، دبیرستان ها از مقطع دوم متوسطه ، رشته های ریاضی ، طبیعی و ادبی داشتند. وی این دوره را در شهر اصفهان طی کرد. پس از آن وارد دانشگاه اصفهان شد و در رشته زبان و ادبیات عربی ، ادامه تحصیل داد و با رتبه اول فارغ التحصیل شد. کسایی از سال ۱۳۴۸ دوره کارشناسی ارشد و دکتری را در دانشکده الهیات و عارف اسلامی ادامه داد و در سال ۱۳۵۳ از رساله دکتری خود باعنوان « مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماع آن » دفاع کرد و با رتبه اول در رشته فرهنگ عربی و علوم قرآنی فارغ التحصیل شد.فعالیتهای ضمن تحصیل : نورالله کسایی ضمن تحصیل در دانشگاه از حوزه علمیه به صورت آزاد استفاده می کرد.استادان و مربیان : نورالله کسایی در مدت تحصیلات دانشگاهی دروس حوزوی را نیز فراگرفت که از جمله استادان وی می توان حاج آقا رحیم ارباب را نام برد.زمان و علت فوت : نورالله کسایی در ۲۸ آبان سال ۱۳۷۹ به سن شصت و یک سالگی بر اثر عارضه سکته مغزی دار فانی را وداع گفت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرحوم نورالله کسایی از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۵۳ در آموزش و پرورش شهر رضا و اصفهان به خدمت علمی و تدریس اشتغال داشت و از سال ۱۳۵۴ به دانشکده الهیات دانشگاه تهران منتقل شد و تا پایان حیات پر برکت خویش به تدریس اشتغال داشت و منشا فعالیتهای بسیار پژوهشی و علمی بودفعالیتهای آموزشی : نورالله کسایی در ضمن تحصیل ، در آموزش و پرورش شهرضا به خدمت فرهنگی (آموزگاری و مسئولیت در آموزش و پرورش) مشغول بود. او همچنین در مقطع تحصیلات تکمیلی با دانشکده الهیات و معارف اسلامی همکاری آموزش داشت و به صورت آزاد تدریس می کرد ، تا اینکه در سال ۱۳۵۴ به طور رسمی از آموزش و پرورش به دانشگاه تهران منتقل شد و به تدریس در رشته های زبان و ادبیات عرب در این دانشکده مشغول گردید. وی از سال ۱۳۶۴ از گروه علمی قرآن و حدیث به گروه تاریخ و تمدن اسلامی منتقل شد و مدتی نیز مدیریت این گروه را بر عهده داشت. استاد در زمینه تاریخ اسلام ، تاریخ تمدن

و فرهنگ اسلامی ، تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام ، نهادهای علمی و آموزشی تدریس می کرد. مرحوم کسایی در دانشگاههای معتبر کشور و مراکزی چون بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی ،کمیته ملی یونسکو در ایران و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)،همکاری آموزشی و تحقیقاتی داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رشته تخصصی نورالله کسایی در گروه تارخ و تمدن اسلامی ، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام بود و بیش از پنجاه مقاله در این زمینه نوشته است . وی همچنین طرح پژوهشی تحت عنوان « نهادهای علمی و آموزشی ایران از آغاز دوره اسلامی تا تاسیس دارالفنون » را در پنج مجلد در دست اجرا داشت که ناتمام ماندچگونگی عرضه آثار : دکتر نورالله کسایی در هر جهت علمی که گام بر می داشت سعی می نمود تا اثری ارزنده و تحقیقی مستند ارائه کند،نمونه کارهای علمی بسیاری وی شاهد بر این مدعاست چه ترجمه و یا تالیفات ایشان ،حتی اگر بر کتابی مقدمه می نوشت ،گاهی آن مقدمه بسیار جاذب تر و ارزشمند تر از آن کتاب بود مانند مقدمه ای که آن مرحوم بر کتاب" تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی "نوشته است.او به احیاء آثار اندیشه ها و تقویت مبانی علمی و فرهنگی و ارج نهادن به پیشینه با شکوه ایران تاکید داشت و در این راه گامهایی برداشت. توسط استاد سید نورالله کسایی بیش از یکصد مقاله و چندین کتاب ،تحقیق و ترجمه نگارش یافته است که مقالات ایشان در نشریات علمی و پژوهشی کشور و دایره المعارف بزرگ اسلامی در زمینه تاریخ اسلام ،فرهنگ و تمدن ایران و اسلام ،نهادهای علمی و آموزش جهان اسلام ،جغرافیای تاریخی سرزمین های اسلامی ،نقد ادبی و علوم بلاغی ،نقد و بررسی زندگی و آثار علمی دانشمندان و مسائل مربوط به تاریخ فرهنگ و آموزش و پرورش به چاپ رسیده است. بیانات استاد در همایش ها و کنفرانس های داخلی و خارجی به ویژه در باب ویژگی ها و ابعاد فرهنگ و تمدن اسلامی و ایران همواره از بهترین سخنرانی های این مجامع به حساب می آمد.آثار : تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی ویژگی اثر : این کتاب از عبدالرحیم غنمیه اهل کشور مغرب،مرحوم دکتر نورالله کسایی در برگردان و نیز فارسی کردن اثر زحماتی زیاد را متقبل شد.این کتاب بیش از ۴۵ صفحه و چهار فصل مفصل دارد.۲ ترجمه تاریخ الجامعات الاسلامیه الکبری ویژگی اثر : با مقدمه و تعلیقات مفصل.۳ ترجمه تاریخ بیمارستان ها در اسلام ویژگی اثر : این کتاب نوشته دکتر عیسی بک مصری می باشد.پدیدآورنده: احمد عیسی بک، نورالله کسائی (مترجم) ناشر: علمی و فرهنگی - ۰۴ دی، ۱۳۸۴.تاریخ بیمارستانها در دو بخش است بخش اول در باب پیدایش،ساختار،پزشکان و هزینه بیمارستانهای و بخش دوم به بیمارستانهای قلمرو اسلام می پردازد.۴ ترجمه ذکر اخبار اصفهان ویژگی اثر : نوشته حافظ نعیم اصفهانی در دو مجلد با مقدمه ای بیش از صد صفحه از مترجم .این کتاب اولین ترجمه کامل فارسی آن است.۵ فرهنگ نهادهای آموزشی ایران: از روزگار باستان تا تأسیس دولت صفوی ویژگی اثر : سال انتشار: ۱۳۸۳ تعداد صفحه: ۶۷۳ شماره انتشار: ۲۶۵۳ مولف/مترجم: نورالله کسائی .توضیحات: تاریخ آموزش و پرورش در ایران گزارشی است از سرگذشت گوناگون آموزش‌ها و نهادهای علمی و آموزشی که در روزگاران پیش از اسلام و پس از آن در ایران رواج یافته است. در آغاز اسناد مطالعاتی و منابع تحقیقی در تاریخ آموزش و پرورش و نهادهای آموزشی و علمی ایران و مقاطع تاریخی تحقیق, توضیح داده می‌شود. سپس کلیاتی درباره آموزش و پرورش ایران باستان، نهادهای آموزشی، آموزش و پرورش در ایران از آغاز خلافت عباسیان تا استقرار دولت صفاریان بیان می‌شود و آموزش و پرورش ایران از صفاریان تا سلجوقیان، از سلجوقیان تا انقراض خوارزمشاهیان، از دوره مغول و ایلخانیان تا صفوی به روشنی همراه با نهادهای آموزشی آن دوره ارائه شده است۶ مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماعی آن ویژگی اثر : این کتاب ارزشمند و تحقیق گرانسنگ در بیان وضعیت این مراکز بزرگ علمی نقش والایی دارد.کتاب مذکور یک پیشگفتار و هفت بخش دارد که عبارت است از :اوضاع سیاسی و اجتماعی و علمی بلاد اسلامی همزمان با مدارس نظامیه،خواجه نظام الملک طوس بنیانگذار مدارس نظامیه،نظامیه نیشابورهٔ نظامیه بغداد ،مدارس نظامیه مهم دیگر از جمله نظامیه اصفهان ،آمل طبرستان و ...۷ منتخب النصوص التاریخیه و الجغرافیه ویژگی اثر : پدیدآورنده: نورالله کسائی ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) -

۳۱ تیر، ۱۳۸۶۸ نقد و نظر در تاریخ آموزش و پرورش ایران از آغاز تا کنون
منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی سال بیستم مهر ۱۳۸۲ شماره ۲۰۴۳نشریه مدت ، ماهنامه دانشگاه تهران ، شماره ۲۲ ،آبان و آذر ۱۳۸۰ ، ص ۴۶

مجتهدقمی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد جواد مجتهد قمی در سال ۱۲۹۵ ه.ق در شهر نجف اشرف به دنیا آمدند، وی از هفت سالگی وارد شهر قم شدند و تحصیلات مقدمات را آغاز و در حضور اساتید آن زمان مشغول فرا گیری علم شدند. از وی آثار متعددی به جا مانده است . قمی در سال ۱۳۷۵ ه.ق در شهر قم دار فانی رو وداع گفتند .گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : محمد جواد مجتهد قمی فرزند ارشد ملا غلامرضا آخوند قمی می باشد .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : فرزند محمد جواد مجتهد قمی آقای حاج محمد حسن اعرابی - داماد امام خمینی ۱ می‌باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد جواد قمی که پس از تولد در نجف اشرف، در هفت سالگی به قم آمد و پس از تحصیل مقدمات، سطوح فقه و اصول را در محضر پدر بزرگوارش و آیت الله حاج آقا احمد قمی - برادر آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی - فرا گرفت و در ۲۰ سالگی به اشاره پدرش به تهران ره سپرد و نزد حضرات آیات: میرزا محمد حسن آشتیانی (فقه و اصول)، و حاج شیخ علی نوری، میرزا محمود حکمی و شیخ عبد الکریم سبزواری (حکمت و کلام) زانوی ادب به زمین زد و بهره‌های علمی بسیار برد و پس از سه سال توقف، به قم بازگشت و یک سال دیگر از پدرش بهره برد. در سال ۱۳۱۹ ق، به نجف رفت و در درس آیات عظام: محقق خراسانی و سید محمد کاظم یزدی حاضر شد و مبانی علمی خود را استوار ساختاستادان و مربیان : از اساتید حاج شیخ محمد جواد مجتهد قمی می توان به موارد زیر اشاره کرد: حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی آقای حجت سید محمد تقی خوانساری میرزا محمد حسن آشتیانی آیت الله بروجردی حاج شیخ علی نوری میرزا محمود حکمی شیخ عبدالکریم سبزواری محقق خراسانی سید محمدکاظم یزدی وقایع میانسالی : محمود جواد قمی مشغول نگارش کتاب «حادی عشر» - یازدهمین تألیفش - بود که ندای حق را لبیک گفت. کتابخانه ایشان - به همراه کتابخانه پدرش که به سفارش مرحوم حاج آخوند به وی واگذار شده بود. - پس از وفاتش، به آیت الله العظمی بروجردی واگذار و به دستور ایشان به کتابخانه مدرسه فیضیه تحویل داده شد.زمان و علت فوت : محمدجواد قمی در سال ۱۳۷۵ ق (۱۳۳۳ ش) درگذشت و پس از یک تشییع با شکوه و نماز آیت الله العظمی بروجردی بر پیکرش، در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه ۳ مدفون شد. و نخستین مجلس بزرگداشت او از سوی آیت الله بروجردی در مدرسه فیضیه برگزار شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شیخ محمد جواد مجتهد قمی پس از ۱۴ سال، چند ماه پس از وفات پدر بزرگوارش در ربیع الاول سال ۱۳۳۳ ق به درخواست عموم مردم قم - که از ایشان بازگشت به قم را خواسته بودند. - در میان ابراز احساسات عموم اهالی که به مناسبت ورود ایشان شهر را تعطیل عمومی کرده و تا چند کیلومتری به استقبال رفته بودند، به زادگاه پدرانش بازگشت و به تدریس، تألیف، وعظ و ارشاد پرداخت و به جای پدرش، تصدی امامت مسجد امام حسن عسکری (ع) را بر عهده گرفت.آثار : آیینه حق نما ویژگی اثر : در اثبات ولایت عامه و خاصه۲ تقریرات درس فقه آیت الله سید محمد کاظم یزدی. توحید قمی ویژگی اثر : در دو جلد به چاپ رسیده است۴ سعادت بشر ویژگی اثر : در اثبات نبوت عامه و خاصه.۵ صراط المستقیم ویژگی اثر : این کتاب چهار جلد می باشد: جلد اول - در اثبات صانع و توحید، جلد دوم - در فروع دین، جلد سوم - در معاملات، و جلد چهارم -

در عدم جواز تقلید میت.۶ کتاب کیمیاء ویژگی اثر : در اثبات معاد جسمانی،که در سال ۱۳۶۴ ق به چاپ رسیده است.۷ یاقوت ویژگی اثر : ردّبر مادّیین و دهریّون

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k - www.hawzah.net/

مجتهدی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ جعفر مجتهدی در بیست و هفتم جمادی الثانی سال ۱۳۴۳ ه.ق مطابق با اول بهمن ماه ۱۳۰۳ ه.ش در خانواده ای بسیار متدین و مرفه در شهر تبریز دیده به جهان گشودند.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدر شیخ جعفر مجتهدی جناب حاج میرزا یوسف از دلباختگان آستان ولایتمدار قبله العشاق و امام السعداء، حضرت سیدالشهداء ابا عبدا... الحسین (ع) بودند، تا جائی که مکرر قافله سالاری زائرین کربلای معلی را از تبریز به عهده می گرفته و خروج زوار تهی دست دل شکسته را خود عهده دار می شدند و در طول مسیر حراست این قافله با دو شیر تربیت شده بود که در ابتدا و انتهای آن حرکت می کردند و زوار امام حسین (ع) را سلامت به مقصد می رساندند. ایشان بعد از فقدان پدرشان جناب حاج میرزا یوسف، تحت کفالت و سرپرستی مادر بزرگوارشان، آن بانوی علویه قرار گرفتند. خاطرات کودکی : شیخ جعفر مجتهدی در اوائل سن پنج سالگی، در عالم رویا مشاهده می کند از جانب آسمان منبری از نور تا کنارش بر پا شده و وجود مقدس بی بی دو عالم حضرت صدیقه طاهره (ع) تشریف می آورند و او را مورد نوازش و تفقد و مهربانی قرار داده و با دست مبارکشان به سر و صورت او می کشند. از همان دوران نوجوانی روح بلند و ناآرام این مرد الهی به دنبال کشف حقایق و اسرار بر می خیزد، ایشان نقل می فرمودند؛من در همان آغاز نوجوانی شروع به تهذیب نفس و خودسازی و تقویت اراده نمودم چون بسیار دوست داشتم به بینوایان و مستمندان کمک کرده و زندگی آنها را از فقر و تنگدستی نجات بخشم، سعی وتلاش بسیاری می نمودم تا معمای لاینحل کیمیا به دست من حل گردد، لذا قسمتی از سرمایه پدری را در این راه صرف نمودم ولی به نتیجه ای نرسیدم، اما چون این کوشش من همراه با توسلات شدید بود، یک روز هنگامی که مشغول انجام ترکیبات شیمیایی بودم ناگهان سروشی آسمانی به من ندا در داد:جعفر؛ کیمیا، محبت ما اهل بیت است، اگر به دنبال آن هستی قدم بگذار و ثابت باش،آری؛ اراده ای آهنین و زهدی متین و توسلات پی در پی باعث می شود تا با آن ندای ملکوتی تلاشهای این مرد بزرگ جهت گیرد و مسیر سلوکی او برای همیشه روشن شود و قطره ای لایق در صدفی پر ارزش به مرواریدی درخشان تبدیل گردد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : بعد از گذشت حدود یک سال اقامت حاج شیخ جعفر مجتهدی در نجف روزی نامه ای از طرف برادرم که در تبریز بود توسط شخصی به دستم رسید که در آن نوشته شده بود از زمانی که شما به نجف رفته اید اموال شما (که عبارت بود از چندین باب مغازه در بهترین نقطه شهر تبریز و مستغلات دیگری که از پدرم به ارث رسیده بود) در دست مستأجران می باشد و آنها از پرداخت حق الاجاره خودداری می نمایند و می گویند: باید از طرف شخص مالک وکالت داشته باشید تا حق الاجاره را به شما تحویل دهیم. با توجه به اینکه شما دور از وطن می باشید و نیاز به پول دارید وکالتی برای من بفرستید تا مال الاجاره ها را جمع نموده و برایتان بفرستم. در این هنگام متوجه شدم که مورد امتحان بزرگی قرار گرفته ام؛ متحیر ماندم که چه کنم؟ آیا با این اندک نانی که از پینه دوزی به دست می آورم ارتزاق کنم یا مجدداً به زندگی مرفه خود که از ارث مرحوم پدرم بود و از نظر شرعی هم بلامانع و حلال بود برگردم. با خود

در جنگ و ستیز بودم و شیطان مرا وسوسه می کرد، تا اینکه تصمیم خود را گرفته و در پشت همان نامه برای برادرم نوشتم: عنایات حضرت امیرالمومنین (ع) در نجف شامل حالم بوده و از سفره پرفیض ایشان بهره مند می باشم و ایشان هزینه زندگیم را کفایت کرده اند. کسانی که در تبریز مستاجر من می باشند، اگر توان مالی داشتند در محل استیجاری به سر نمی بردند. لذا به موجب همین دست خط وکالت دارید تمام املاک متعلق به من را به نام مستاجران و در تملک ایشان درآوردید و خدای من هم بزرگ است. و بدین ترتیب در یک لحظه تمام ثروت و دارائی خود را بخشیدم. ایشان می گویند در زمان اقامت در نجف راهی مسجد سهله شده و مدت هشت سال به طور مداوم، در آنجا معتکف گردیدم و به جز تجدید وضو و تطهیر از مسجد خارج نمی شدم.و در این مدت از طرف حضرت امیر (ع) و آقا امام زمان (عج) عنایات زیادی به من شد. زمان و علت فوت : شیخ جعفر مجتهدی پس از حدود چهار سال اقامت در جوار حضرت ثامت الحج (ع) در تاریخ ششم ماه مبارک رمضان ۱۴۱۶ هـ ق مطابق با ۶/۱۱/۷۴ هنگام ظهر روز جمعه دار فانی را وداع و روح ملکوتیشان عروج می کند.

محقق داماد، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مصطفی محقق داماد، در سال ۱۳۲۴ هـ . ش در شهر قم در یکی از اصیلترین خانواده های روحانیت شیعه، چشم به جهان گشودند. پدر ایشان مرحوم آیت ا... محقق داماد و جد مادری ایشان علامه حائری یزدی موسس حوزهٔ علمیهٔ قم میباشد. پس از طی دوران تحصیلات مقدماتی وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شدند، تا آنکه در سال ۱۳۴۸ موفق شدند از علما و مراجع وقت، درجهٔ «مجتهد» کسب کنند. ایشان عمدهٔ دورهٔ علوم عقلی و حکمت اسلامی را نزد استاد مرتضی مطهری و فقه و اصول تحلیلی را نزد آیات عظام، آملی لاریجانی و مرتضی حائری یزدی طاب ثراهم آموختند و به تدریس در حوزهٔ قم پرداختند. پس از آنکه از دانشگاه تهران موفق به اخذ درجهٔ لیسانس و فوق لیسانس در حقوق و فلسفهٔ اسلامی شدند، در بخش حقوق بین الملل به دانشگاه فرانسوی زبان لوون بلژیک وارد شدند و در سال ۱۹۹۵ موفق به اخذ درجهٔ علمی Ph.d گردیدند. در سال ۱۳۶۰ ش، به ریاست سازمان بازرسی کل کشور منصوب شدند و در سال ۱۳۶۵ ش به عضویت هیأت علمی دانشکدهٔ حقوق درآمدند و در سال ۱۳۷۰ ش به عنوان عضو پیوستهٔ فرهنگستان علوم پذیرفته شدند. هم اکنون استاد دانشکده حقوق و رئیس مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم میباشند و عضویت هیأت امنا و مجامع علمی چندین دانشگاه و مرکز علمی را بر عهده دارند و تاکنون ۱۶ جلد کتاب و دهها مقاله در حقوق و فلسفهٔ دین به زبانهای انگلیسی، عربی و فارسی تألیف نموده اند.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : نوهٔ دختری مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی فرزند مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد محقق داماد خاطرات کودکی : سید مصطفی محقق داماد دوران کودکی را در قم در دبستان اسلامی و باقریه گذراندند و پس از فارغ شدن از دبستان به حوزه علمیه قم (مدرسه فیضیه) وارد شدند.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سید مصطفی محقق داماد با صبیه مرحوم آیت الله العظمی آملی ازدواج کردند. و از ایشان ۵ فرزند دارد سه اناث و دو ذکور.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید مصطفی محقق داماد پس از طی دوران تحصیلات مقدماتی، وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شدند و در آن حوزه مقدس موفق شدند در سال ۱۳۴۸، از علما و مراجع وقت، درجهٔ «مجتهد» کسب کنند. عمدهٔ دورهٔ علوم عقلی و حکمت اسلامی را نزد استاد مرتضی مطهری و فقه و اصول تحلیلی را نزد آیات عظام، آملی لاریجانی و مرتضی حائری یزدی طاب ثراهم آموختند. همزمان با تحصیلات حوزوی به تحصیلات دانشگاهی نیز اشتغال داشتند و از دانشگاه تهران موفق به اخذ درجهٔ لیسانس و فوق لیسانس در حقوق و فلسفهٔ اسلامی

شدند. سپس برای اخذ درجهٔ دکترا در سال ۱۹۸۸ م، در بخش حقوق بین الملل به دانشگاه فرانسوی زبان لوون بلژیک وارد شدند و در سال ۱۹۹۵ موفق به اخذ درجهٔ علمی Ph.d شدند.خاطرات و وقایع تحصیل : دوران تحصیل سید مصطفی محقق داماد مصادف شده است با نهضت امام خمینی و تبعید ایشان و حادثه مدرسه فیضیّه و ضرب و شتم طلاب توسط ایادی رژیم پهلویفعالیتهای ضمن تحصیل : دوران تحصیلی سید مصطفی محقق داماد مصادف است با دوران حرکت روشنفکری در حوزه علمیه قم. مرحوم استاد مطهّری را به قم دعوت کردم و در هفتهٔ دو روز در منزل من درس میگفتند. استادان و مربیان : آیت الله آملی (حاج میرزا هاشم) آیت الله گلپایگانی استاد مطهری هم دوره ای ها و همکاران : سید محمد خاتمی ربانی آملی طاهری خرم آبادی سید کاظم نورمفیدی همسر و فرزندان : همسر _خانم لاریجانی (خواهر آقایان لاریجانی) مریم السادات محقق (دکتری حقوق–وکیل دادگستری) صدیقه محقق (لیسانس ادبیات – فوق لیسانس زبان) زهرا محقق (دکتر مدیریت صنعتی از دانشگاه مری لند (آمریکا)) وقایع میانسالی : پدر – مادر– برادر کوچکتر (دو تا) فوت کرده اند پدر به علت سکته قلبی مادر به سرطان معده علت فوت کوچکترین برادر سقوط از بام علت فوت برادر بعدی سرطان معده مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید مصطفی محقق داماد در سال ۱۳۶۰ ش، با پایهٔ ۱۱ قضایی از سوی شورای عالی قضایی وقت به ریاست سازمان بازرسی کل کشور منصوب شدند و در سال ۱۳۷۰ ش، از این سمت استعفا دادند. در سال ۱۳۶۵ ش، با پایهٔ ۵ دانشیاری به عضویت هیأت علمی دانشکده حقوق درآمدند و در سال ۱۳۷۰ش، به اتفاق آراء مجمع عمومی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو پیوستهٔ فرهنگستان پذیرفته شدند. هم اکنون استاد پایهٔ ۱۰ دانشکده حقوق و رئیس مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم میباشند. به علاوه عضویت هیأت امناء و مجامع علمی چندین دانشگاه و مراکز علمی کشور را بر عهده دارند. خلاصه ای از مشاغل و سمتهای اداری به قرار زیر است: ۱– عضو دائم و رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم ۲– عضو هیأت عالی علمی دائره المعارف بزرگ اسلامی ۳– عضو مؤسّسه علمی آل البیت اردن ۴– عضو شورای عالی علمی مدرسه شهید مطهری ۵– استاد مدعو دانشگاه تهران ۶– عضو کمیته اخلاق پزشکی فرهنگستان علوم پزشکی ایران ۷– عضو کمیته اخلاق پزشکی دانشگاه تهران ۸– عضو شورای عالی بنیاد حکمت صدرا ۹– عضو شورای پژوهشی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران ۱۰– رئیس کمیسیون ارزیابی خبرگان بدون مدرک دانشگاهی ۱۱– قاضی پایه ۱۱ دادگستری ۱۲– رئیس سازمان بازرسی کل کشور فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی سید مصطفی محقق داماد به قرار زیر است: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی : – اصول فقه – قواعد فقه– فقه تحلیلی – حقوق بشر اسلامی –حقوق عمومی اسلامی دانشکده ادبیات: –رشته فلسفه – دانشگاه شهید بهشتی: فلسفه ملاصدرا مقطع دکتری مدرسه عالی شهید مطهری : – فقه تحلیلی – فلسفه اسلامی – حقوق مدنی – حقوق اسلامی تطبیقی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران : – فلسفه اسلامی– کلام دانشگاه تهران: حقوق مدنی ۶ فقه تحلیلی دانشگاه مفید: – فقه تحلیلی – حقوق مدنی آرا و گرایشهای خاص : زمینه تخصصی : – فقه – اصول فقه – قواعد فقه – فلسفه اسلامی – حقوق اسلامی چگونگی عرضه آثار : سید مصطفی محقق داماد دارای کتابها و مقالات متعددی به زبانهای فارسی، انگلیسی و عربی هستند که از میان آنها به نمونههایی اشاره میشود: کتابها = بررسی فقهی و حقوقی اخذ به شفعه – حقوق خانواده– مباحثی از اصول فقه – قواعد فقه – سؤال و جواب سید محمد کاظم یزدی– دین، فلسفه و قانون– نخبگان علم و عمل ایران– مبانی حقوق بین الملل از دیدگاه اسلام. مقالات = ضمانت در تعهدات– آیین دادرسی– ابن السبیل– اسلام و دعوت ادیان به رعایت حق کرامت انسانی– امامت و ولایت از دیدگاه صدرا– محرک نخستین از نظر ارسطو و ملاصدرا– وجود ذهنی از دیدگاه حکمای اسلامی. تعداد مقالات ترجمه شده :۹ مورد تعداد مقالات تالیفی به زبان انگلیسی و عربی:۷ مورد تعداد مقالات حقوقی تألیف شده انتشار یافته: ۲۲ مقاله آثار : ۱ A Discourse on Nature and environment From an Islamic Perspective ویژگی اثر : سازمان محیط زیست ایران، تألیف، ۲۰۰۰م، ۱۳۷۹ش ۲ Protection of Individuals in times of armed conflict under international and Islamic laws

ویژگی اثر : Global scholarty publicantions تألیف، ۱۳۸۴/۲۰۰۵ ۳ الاحتکار فی الفقه الاسلامی ویژگی اثر : دارالهادی-بیروت، تـألیف ۲۰۰۱م،۱۳۸۰ ش ۴ التعلیقــات ویژگی اثر : مرکزنشرالدراتالاســلامیه، التقــدیموالتحقیق، ۲۰۰۱م، ۱۳۸۰ ش ۵ الحقوقالانسانیهبین الاسـلام و المجتمع المدنی ویژگی اثر : دارالهادی-بیروت ، تالیف ۲۰۰۰م۱۳۸۰ش ۶ ایقاع اخذ به شفعه ویژگی اثر : مرکز نشـر علوم اسـلامی- تالیف ، تابستان ۱۳۸۴ ۷ بررسـی فقهی و حقوق وصیت ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، تألیف، آخرین تجدیـد چاپ تهران چاپ اول سال ۱۳۶۸ سال ۱۳۷۳ چاپ سوم ۸ تحلیل و بررسـی احتکار از نظر اسلام و فقه اسلام ویژگی اثر : مرکز نشـر علوم اسـلامی تهران- تألیفچاپ اول- ۱۳۶۲ ۹ حقوق بشردوسـتانه‌بین‌المللی «رهیافت اسلامی» ویژگی اثر : مرکز نشـر علوم اسلامی،تهران- تألیف ۱۳۸۰ ۱۰ حقوق خـانواده (نکاح و انحلال آن) ویژگی اثر : مرکز نشـر علوم اسـلامی تهران، تـألیف، آخرین تجدیـدچاپ سال ۱۳۷۲ چـاپ چهارم ۱۱ حقـوق قراردادهـا در فقـه امـامیه ویژگی اثر : سازمـان سـمت - تـالیف با همکاری ۱۳۸۰ ۱۲ دیـن، فلسـفه و قـانون ویژگی اثر : انتشـارات قلـم ، تـألیف ۱۳۷۹ ۱۳ روشـنگری دینی (جلـد اول) ویژگی اثر : انتشارات روزنامه اطلاعات ، تألیف ۱۳۸۵ ۱۴ روشنگری دینی (جلددوم) ویژگی اثر : انتشارات روزنامه اطلاعات ، تألیف ۱۳۸۷ ۱۵ سئوال و جواب سـید محمـد کاظم یزدی ویژگی اثر : مرکز نشـر علوم اسـلامی تهران، مقـدمه و تحقیق، ۱۳۷۶ ۱۶ سلوک بین الملل دولـت اسـلامی اسـلام محمـد حمیـدالله ویژگی اثر : ترجمـه ،محمـد حمیـدالله- مرکز نشـرعلوم اسـلامی‌تهران ۱۳۸۰- تهران ۱۳۷۲ Mohammad Hamidallah Muslim Conduct of State, sh; Mohammad Ashraf Lahore E.ed ۱۹۸۷ ۱۷ سـلوک‌بین‌المللی دولت اسلامی ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، ترجمه ۱۳۸۰ ۱۸ سیر فلسفه در جهان اسلام ویژگی اثر : ماجـد فخری: مرکز نشـر دانشـگاهی-تهران (ترجمه مشـترک) ۱۳۷۲ فقه الرهن ویژگی اثر : النشـر الاسـلامی التقـدیموالتحقیق، ۱۳۸۷ / ۲۰۰۸ ۲۰ فی آفاق الفلسـفه والدین ویژگی اثر : دارالهادی-بیروت، تألیف ۲۰۰۱م،۱۳۸۰ش ۲۱ قواعد فقه- جلد اول(مدنی) ویژگی اثر : مرکز نشــر علـوم اسـلامی تهران، تـألیف، آخریـن تجدیـد چـاپ سـال ۱۳۷۳ چـاپ پنجـم ۲۲ قواعـد فقه- جلـد چهارم (بخش‌جزائی) ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران ، تألیف، چاپ اول سال ۱۳۷۹ ۲۳ قواعد فقه- جلد دوم(مدنی) ویژگی اثر : سازمان مطالعات و تـدوین کتب(سـمت) تهران، تألیف چاپ اول سال ۱۳۷۴ ۲۴ قواعـد فقه- جلدسوم (بخش‌قضائی) ویژگی اثر : مرکز نشـر علوم اسلامی تهران ، تألیف، چاپ اول سال ۱۳۷۸ ۲۵ مباحثی از اصول فقه دفتر اول ویژگی اثر : مرکز نشـر علوم اسلامی تهران، تـألیف، آخرین تجدیـد چـاپ تهران چاپ اول سال ۱۳۶۲ ۲۶ مبـاحثی از اصـول فقه دفـتر دوم ویژگی اثر : مرکز نشـر علـوم اسلامی تهران، تألیف، سال ۱۳۷۳ چاپ پنجم ۲۷ مباحثی از اصول فقه دفتر سوم ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران ، تألیف، چـاپ اول سال ۱۳۷۹ ۲۸ مبـانی حقـوق بین الملـل ازدیـدگاه اسـلام ویژگی اثر : مرکز نشـر علـوم اسـلامی‌تهران، ترجمه ۱۳۸۰ ۲۹ مطالعـات‌تطبیقی‌در فلسـفه اسـلامی ویژگی اثر : ترجمه،سعیدشـیخ سـعید شـیخ: خـوارزمی تهران ۱۳۶۹، نخبگـان علـم و عمـل ایران ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، تألیف ۱۳۷۹

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط سید مصطفی محقق داماد بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی - تابستان ۱۳۸۶

مدرسی یزدی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مدرسی یزدی، متخلّص به « تجلی» و معروف به « حکیم الهی» ، فرزند حاج میرزا ابوالحسن تاجر اردکانی است که پدرش از اردکان به یزد مهاجرت نمود و او در حدود سال ۱۲۶۴ه ق در شهر یزد متولد گردید.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف

اسلامی والدین و انساب : علی اکبر مدرسی یزدی فرزند میرزا ابوالحسن تاجاردکانی میباشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر مدرسی یزدی تحصیلات مقدماتی، چون فارسی، صرف و نحو عربی و فقه را نزد استادان یزد فرا گرفت، سپس راهی شهر اصفهان شد در آن زمان اصفهان دارالعلم بود، و مدرس یزدی مدت چهل سال در آن شهر به تحصیل و تدریس پرداخت و در علوم مختلف چون فقه و اصول، فلسفه و عرفان، کلام و ریاضیات سرآمد عصر خویش گردید.پس از خاتمه دوران تحصیل در اصفهان، به تهران عزیمت نمود و در مدرسه شیخ عبدالحسین اقامت گزید.نظر به اینکه خواهرش ساکن قم بود و با وساطت وی از قم همسر اختیار نموده بود، در سال ۱۳۲۷ه ق به قم مهاجرت نمود و قبل از ورود حضرت آیهٔ اللّه حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به قم، در مدرسه خان « آیهٔ اللّه بروجردی» حوزه درس وسیعی را تشکیل داد.آن حکیم الهی در ایام تحصیل در اصفهان و تهران از محضر استادان بزرگواری که بسیاری از آنها به حق از اعاظم و حکما و اساطین عرفا بودند، کسب فیض نموده و قلب تشنه معارفش را، لبریز از آب حیات حکمت و معرفت نمود،خاطرات و وقایع تحصیل : رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی قدس سره در این باره چنین فرمودند:« ما که آمدیم قم، مرحوم آقا میرزا علی اکبر حکیم - خدا رحمتش کند - در قم بودند، وقتی که حوزه علمیه قم تأسیس شد علما می‌رفتند آنجا در محضر آقای میرزا علی اکبر حکیم درس می‌خواندند. مرحوم آقای خوانساری، مرحوم آقای اشراقی و مرحوم آیهٔ اللّه العظمی حاج سید احمد خوانساری می‌رفتند پیش آقای میرزا علی اکبر درس می‌خواندند» .استادان و مربیان : اسامی برخی از استادان علی اکبر مدرسی یزدی به این قرار است:-۱آقا محمد رضا حکیم قمشه‌ای -۲جهانگیر خان قشقایی -۳آیهٔ اللّه آقا علی زنوزی -۴آیهٔ اللّه آقا میرزا ابوالحسن جلوههمسر و فرزندان : فرزند ارشد علی اکبر مدرسی یزدی آقای محمود حکیمی یزدی در زمان وفات پدر طفل بود، سپس با کسب معلومات و دانش و آشنایی با زبانهای انگلیسی و فرانسه، و علاقه به علوم اسلامی، درصدد جمع آوری آثار پدر بزرگوارش بر آمد و سرانجام در تاریخ ۱۳۷۶ه ش وفات کرد و در مزار شیخان قم مدفون گردید.زمان و علت فوت : علی اکبر مدرسی یزدی سرانجام پس از ۸۰سال عمر با برکت و تربیت شاگردانی ارزشمند در اواخر سال ۱۳۴۴ه ق دار فانی را وداع گفت و در مزار شیخان قم در جوار زکریا بن آدم، مدفون گردید.شاگردان : علی اکبر مدرسی یزدی شاگردان زیادی تربیت نمود که بسیار از آنان استادان بزرگ درس حکمت در حوزه‌های علمیه بودند. نام بعضی از آنها بدین قرار است:-۱آیهٔ اللّه حاج میرزا ابوالحسن شعرانی.-۲آیهٔ اللّه سید ابوالحسن رفیعی قزوینی.-۳بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آیهٔ اللّه حاج آقا روح اللّه موسوی خمینی (ره) .-۴آیهٔ اللّه حسن فرید گلپایگانی .-۵آیهٔ اللّه میر سید علی برقعی .-۶آیهٔ اللّه آقا سید علی اکبر برقعی .-۷آقا سید کاظم عصّار تهرانی که ریاضیات قدیم را نزد وی فرا گرفته است.-۸آیهٔ اللّه حاج آقا حسین قمی طباطبایی.-۹آیهٔ اللّه آقا میرزا احمد آشتیانی.-۱۰آیهٔ اللّه شهاب الدین مرعشی نجفی (ره) .-۱۱آیهٔ اللّه آقا میرزا محمد علی شاه آبادی.-۱۲حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی، فرزند محمود واعظ،و جمعی دیگر از بزرگانی که نام بعضی از آنها در صفحات قبل آمده است، در محضر این حکیم الهی کسب فیض نمودند.چگونگی عرضه آثار : تألیفات علی اکبر مدرسی یزدی، بیشتر در زمینه فلسفه است.بعضی از شاگردان وی نیز تقریرات درس استاد خود را به رشته تحریر در آورده به چاپ رسانده‌اند که معروفترین آنها عبارت است از:-۱شرح« الدرهٔ الفاخرهٔ، تالیف ملاعبدالرحمان جامی» -۲عماد الحکمهٔ در شرح « المشاعر» ، تالیف مرحوم صدر المتألهین» .آثار : الخلافهٔ الکبری ، حاشیه بر اسفار صدر المتألهین ، حاشیه بر فصوص الحکم محی الدین بن عربی. حاشیه بر قوانین مرحوم میرزای قمی ، حاشیه تمهید القواعد ابن ترکه ، رسائل حکمیّه ویژگی اثر : در سال ۱۳۶۵ه ق توسط وزارت ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.۷ رساله عمادیه یا حکمت عمادیهٔ ویژگی اثر : وی بنا به خواهش شاهزاده بدیع الملک میرزا ملقب به عمادالدّوله حکمران یزد، رساله‌ای به فارسی مشتمل بر مسائل مهمّ حکمت الهی نوشت که به رساله عمادیهٔ یا حکمت عمادّیه موسوم است.نکته قابل ذکر اینکه، رساله مذکور شرحی ملخّص از حکمت اشراق است که با بیان ساده نگارش یافته، این موضوع نمایانگر این است که مرحوم حکیم یزدی در حکمت اشراق نیز تبحّر داشته است.دکتر موسوی

بهبهانی این کتاب را از تقریرات دروس آن حکیم شمرده که توسط بدیع الملک به رشته تحریر در آمده است.۸ رساله‌ای در وحدت وجود ، موضوع العلم

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

مدنی، علی خان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی خان کبیر در غروب جمعه ، پانزدهم جمادی الاول ۱۰۵۲ ق . در مدینه پای به عرصه گیتی نهاد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدر سیدعلی خان، سید نظام الدین احمد از دانشوران شیرازی تبار حجاز بود و در شمار نوادگان علی بن الحسین علیه السلام جای داشت .مادر گرانقدرش دخت شیخ محمد بن احمد منوفی ، مرجع وارسته شافعیان شمرده می شد.هنوز علی خردسال بود که پدرش دعوت قطب شاه هفتم ، فرمانروای حیدرآباد را اجابت کرد و برای راهنمایی مومنان شبه قاره رهسپار هند شد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : کودک شیرازی تبار حجاز زیر نظر مادر ارجمندش بالید. در این سالها دایی دانشورش ، شاعر گرانمایه حضرت قاضی عبدالجواد منوفی ، پیشوای مذهبی و امام جماعت شافعیان در مسجد الحرام از وی حمایت می کرد.و نهال نورسته مدینه را از عنایات خویش برخوردار می ساخت . سید علی در روزگار کودکی بزرگان بسیار دید و یاد و نام و سیمای علمی – اجتماعی آنها را به خاطر سپرد. شیخ عبدالله بن سعید باقشیر، سید نورالدین علی بن حسن حسینی شامی ، سبط الشیخ زین بن شیخ محمد شامی عاملی ، قاضی تاج الدین احمد بن ابراهیم مالکی مکی و مولا محمد باقر خراسانی جمعی از دانشورانی بودند که برای تدریس یا نماز به مسجد الحرام می آمدند.و خاطره سبزشان در اندیشه کوچک نوباوه هوشمند حجاز ثبت شد.سید علی در چنین قضایی رشد یافت و به حدود چهارده سالگی رسید. در این سن نامه پدر که وی را به هجرت فرا می خواند، به دستش رسید. پس بار سفر بست و در ششم شعبان ۱۰۶۶ ق . رهسپار شبه قاره شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سفر نوجوان حجاز بیست ماه به درازا کشید. سرانجام در روزهای پایانی ربیع الاول ۱۰۶۸ ق . به حیدر آباد رسید. و برای نخستین بار یعقوب هند را در آغوش گرفت . او شرح تلاشهای مادر فداکارش را برای پدر باز گفت و از حوادث حجاز پرده برداشت .نظام الدین احمد مقدم فرزند را گرامی داشت و در فرصتهای گوناگون داستان شیخ الاسلامی و پذیرش دامادی سلطان را برای پور سپید بخت مدینه النبی بیان کرد.و برنامه درسی و تربیتی ویژه ای برایش در نظر گرفت .ناگفته پیداست که نظام الدین برای تربیت علمی فرزند فرصت کافی نداشت . بنابراین جوان برومند حجاز را فرمان داد که تنها به محفل علمی پدر بسنده نکند و برای دستیابی به آرمان بلند خویش از محضر دانشمندان بزرگی که به شوق بهره گیری از فضای مناسب حیدرآباد به سمت شبه قاره می شتافتند، سود برد.سید علی پند پدر شنید و از پژوهشگران بزرگی چون محمد بن علی شامی عاملی و شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی کامیاب شد.ناگفته پیداست که آموخته های اختر فروزان حیدرآباد به آموزشهای مدون بزرگان یاد شده محدود نبود. او در نشستهای رسمی و غیر رسمی پدر شرکت می جست و از گنجینه اندوخته های دانشگرانی که به دیدار سید نظام الدین می شتافتند. برخوردار می شد. منابع موجود نشان می دهد که محفل پدر جایگاه ادیبان ، پزشکان و فقیهان بود. سرور جوانان حجاز در این نشستها با بزرگانی چون ادیب گرانمایه سید حسینعلی بن حسن شدقم حسینی و ادیب و پزشک نامور شیخ حسین بن شهاب الدین کرکی شامی آشنا شد و از تجربه های گرانبهایشان بهره برد و اندک اندک در شمار درختان پرثمر باغستان دانش حیدرآباد

جای گرفتخاطرات و وقایع تحصیل : سید وارستگان حجاز در دیباچه زرین ((سلافه العصر)) از آن سالها چنین یاد کرده است :((پس پیوسته ناکامیها بر من فرو می بارید و مرا از نگارش باز می داشت . حوادث ناگواری که طومار شکیبایی را در هم می پیچید، گردش روزگاری که پیامدهای تلخش خردسالان را کهنسال و سپید موی می ساخت . رنج دوری از وطن ، بستگان و آشنایان ، انواع دشواریها و نامرادیها در کنار دشمنی پیوسته دربار چنان آتشی در زندگی ام افکند که اگر بر زبان قلم جاری شود بی تردید آن را می سوزاند. هر چند آن سالها روزگار ناکامیها و نامرادیهای سید علی شمرده شده است ، هرگز تلخ ترین روزهای زندگی اش نبود. در سالهای پایانی این دهه غمبار مرد پولادین عرصه دانش و ادب روی در نقاب خاک کشید.و صدر الدین را در برابر یورشهای مکرر سلطان ابوالحسن تنها نهاد.اینک قطب شاه هشتم برای همیشه از دغدغه نفوذ سید نظام الدین رهایی یافته بود. پس بی هیچ نگرانی سید علی را در خانه ای کوچک زندانی کرد و هر گونه دیدار با او را ممنوع ساخت . بدین ترتیب ناگوارترین روزهای زندگی سرور دانشوران حجاز با مرگ سید نظام الدین آغاز شد و تا سالها ادامه یافت . روزهایی که خود درباره آن چنین نگاشته است :((... در این روزگار از همه آشنایان دورم و جز اندوه همنشینی ندارم ... ناگزیر باید در خانه ای تنگ تر از روزن سوزن زندگی کنم ، خانه ای که هنگام ورود بدان شاهرگ قلب انسان پاره می شود. در این سرای ، همنشینی جز کتاب و دفتر ندارم ...خداوند از حوادثی که در آینده پدید می آید آگاه تر است . تا کنون بر این بحران گشایشی آشکار نشده است ... این گزیده ای از حقایقی است که در این سرزمین بر من می گذرد، شرح روزهای زندگی ام که پیاپی می گذرند و من با حسرتی پایان ناپذیر به تماشایشان نشسته ام .استادان و مربیان : از استادان سیدعلی خان مدنی می توان به: سیدحسینعلی بن حسن شدقم حسینی، شیخ حسین بن شهاب الدین کرکی شامی، شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی و محمدبن علی شامی عاملی اشاره کرد.وقایع میانسالی : دانشور نستوه در این برهه نیز پژهش دست نکشید و در روزگاری که به سن شصت نزدیک می شد به نگارش رساله ای در شرح روایتهای پنجگانه ای که پدرانش سینه به سینه برایش بازگو کرده بودند، پرداخت و در ربیع الاول ۱۱۰۹ ق . آن را به پایان برد.سالها شتابان می گذشتند و ادیب فرزانه هند را به سمت کهنسالی پیش می بردند. سرور اندیشمندان سده یازدهم اینک آثار گذر عمر را بر پیکرش مشاهده می کرد. بنابراین در ۱۱۱۴ ق . نزد محیی الدین محمد اورنگ زیب شتافت و کناره گیری اش از پستهای دولتی را به آگاهی وی رسانده ، اجازه خواست که راه حجاز پیش گیرد و در پایان عمر به زیارت بیت الله الحرام ، آرامگاه مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بستگانش در آن سامان توفیق یابد.اندکی بعد بار سفر بست و بی توجه به اندرز آشنایان ، که او را به ماندن و بهره گیری از عنایتهای ملوکانه تشویق می کردند، در مسیر سپیدترین جاده جهان به حرکت درآمد و پس از ۴۶ سال زندگی پرفراز و فرود در شبه قاره ، سوی وطن روان شد.زمان و علت فوت : دانشوری که در روزهای سخت حیدر آباد و لاهور از پژوهش باز نایستاد در روزهای آسودگی شیراز نمی توانست از این کردار پسندیده دست بردارد. او همچنان تحقیق می کرد و می نوشت تا گرانبهاترین مجموعه لغت عرب را پدید آورد و البته در این کار نیز چون همه اقداماتش به موفقیتی سترگ دست یافت . کتاب پر ارج ((الطراز الاول فیما علیه من لغه العرب المعمول)) نشانه روش پیروزی بزرگ آفتاب بی غروب شیراز در روزگار کهنسالی و ناتوانی است . ادیب گرانمایه مدرسه منصوریه در این اثر گران پایه استادی و چیرگی خیره کننده اش را هویدا ساخته ، در ذیل هر لفظ همه مسائل مربوط به آن ، حتی ترانه ها و داستانها را نیز به زیور نگارش آراسته است .بی تردید پایان این اثر شگرف می توانست پایان گسترده ترین پژوهشهای انسان در موضوع لغت عرب به شمار آید ولی دریغ چرخ چنین نمی پسندید. بیماری بر پیکرش پنجه افکند و سرانجام دیدگان پرفروغش در یکی از غمبارترین روزهای سال ۱۱۲۰ ق . برای همیشه بسته شد.استادان ، دانشجویان و مومنان شهر پیکر گرانبهاترین گوهر دریای ادب و هنر را تا حرم حضرت احمد بن موسی علیه السلام شاهچراغ همراهی کردند و در آن حریم پاک کنار آرامگاه سید ماجد بحرانی به خاک سپردند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : تلاشهای سیدعلی خان بزرگ در تامین امنیت شهر و آسایش مردم ، محمد اورنگ زیب را بر آن داشت که

وی را به حکومت لاهور و مناطق مجاور منصوب کند. با این تدبیر سلطان نماینده ای شایسته یافت . لاهور فرمانداری دلسوز به دست آورد و ادیب بزرگ سده یازدهم پای در روزگاری سراسر تلاش نهاد.هر چند مسئولیت تازه سید دشوار و کمرشکن بود، هرگز او را از پژوهش و نگارش باز نداشت . آن بزرگمرد از فرصتهای اندک پدید آمده در نبردها و آماده باشها بهره برد و به تحقیق و نگارش پرداخت . دانشمندی چون صدر الدین سید علی همنشین با کتاب را از هر کاری زیباتر و دوست داشتنی تر می داشت ولی سیاستمداری چون اورنگ زیب هرگز نمی توانست شخصیت ارجمند دانشور وارسته روزگار خویش را نادیده گرفته ، از او در اداره امور جامعه بهره نبرد. بنابراین ضمن فرمانی وی را به ریاست دیوان ((برهانپور)) منصوب کرد. دانشور برجسته جهان اسلام که این مقام را برای خدمت و انجام دادن وظیفه الهی اش مناسب می دید، راه برهانپور پیش گرفت و در آن دیار به نجات ستمدیدگان و کوتاه کردن دست تبهکاران و متجاوزان پرداخت . آن دانشمند گرانمایه پس از چند سال داوری ، از کار در دیوان برهانپور کناره گرفت و دیگر بار به ارتش پیوست و سالیانی چند در سپاه محمد اورنگ زیب ، که تشنه حضور فقیهی پارسا بود، به خدمت پرداخت .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سرنوشت همچنان با دانشمند وارسته حیدر آباد نامهربان بود. توفان دیر پای شریعت ستیزی که با مرگ قطب شاه هفتم آغاز شده ، با عروج سید نظام الدین احمد اوج گرفته بود همچنان ادامه داشت و هستی گرانبهاترین گوهر دریای دانش و هنر را تهدید می کرد. نگاهبانانی که پیرامون خانه کوچک او می گشتند، جاسوسانی که به عنوان دانشجو و ادیب به دیدارش می شتافتند هر یک خبر از آینده ای دشوارتر و تاریک تر می داد.در چنین موقعیت ادیب برجسته حجازی تبار نقشه ای هوشمندانه طرح کرد، نقشه ای که در بهترین فرصت به اجرا درآمد. سید علی از زندان گریخت و مقامهای امنیتی قطب شاه هشتم را در شگفتی فرو برد. سلطان سواران بی شمار در پی اش روان ساخت . سوارانی که بسیار تلاش کردند ولی جز نومیدی و شکست بهره ای نبردند.دانشور گریخته از زندان قطب شاهیان ، خود را به برهانپور رساند و در نخستین فرصت به دیدار محمد اورنگ زیب ، پادشاه آن سامان شتافت . اورنگ زیب دشمن دیرپای حیدرآباد نشینان شمرده می شد و پیوسته در اندیشه جذب دانشمندان و سیاستمداران آن دیار بود. بنابراین مقدم سرور ادیبان جزیره العرب را گرامی داشته ، لقب خان به وی بخشید و هزار و سیصد سوار زیر فرمانش قرار داد.بدین ترتیب فرزند دانشمند سید نظام الدین به صدر الدین سید علی خان شهرت یافت . پیشنهادهای سازنده او در شیوه کشور داری و لشگر آرایی سلطان اورنگ را بسیار تحت تاثیر قرار داد، به گونه ای که وقتی رهسپار اورنگ آباد شد وی را نیز همراه خویش برد و چون از آنجا به سمت احمد نکر حرکت کرد او را فرمانده نگاهبانان اورنگ آباد ساخت .شاگردان : سیدعلی خان مدنی در سالهای تدریس شاگردان بسیار پرورید ولی بی دریغ که نام و یاد آن سپید بختان در گذر زمان به تاراج رخدادها رفته ، در آور فراموشی مدفون شده است . آنچه می توان در این فرصت باز گفت نام سه تن از کامروایانی است که اجازه بازگویی شنیده ها و نگاشته های سید ادیبان حجاز را دریافت داشته اند:۱. علامه گرانمایه حضرت شیخ محمد باقر مجلسی گردآورنده مجموعه نفیس بحارالانوار۲. دانشور ارجمند حضرت شیخ باقر بن موسی محمد حسین مکی ،۳. دانشمند وارسته حضرت سید محمد حسین خاتون آبادی اصفهانی .آثار : اسلافه العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر ، التذکره فی الفوائد النادره ، الحدائق الندیه فی شرح الصمدیه ، الزهره فی النحو ، الطراز الاول فیما علیه من لغه العرب المعمول ، الفرائد البهیه فی شرح الفوائد الصمدیه ، الکلم الطیب و الغیث الصیب ، المخلاه ، انوار الربیع فی انواع البدیع ویژگی اثر : در سال ۱۰۹۳ ق . با نام کتاب نفیس انوار الربیع فی انواع البدیع در اختیار ادب دوستان قرار گرفت۱۰ دیوان شعر ، رساله فی اغلاط الفیروز آبادی فی القاموس ، رساله فی المسلسله بالاباء ، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین علیه السلام ، سلوه الغریب و اسوه الادیب ، کتاب النفیس ویژگی اثر : را در جمادی الثانی ۱۰۷۹ ق . به جهان دانش و ادب عرضه کرد.آن بزرگمرد در سطور پایانی این اثر از دشواریهای زندگی اش پرده برداشته۱۶ محک القریض، ملحقاه السلافه ، موضح الرشاد فی شرح الارشاد ، نعمه الاغان فی عشره الاخوان ، نفثه المصدور منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz – /www.hawzah.net

مشائی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد رضا مشائی معروف به شهاب در سال ۱۳۱۰ درشهر یزد بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته فلسفه اسلامی از دانشکده الهیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵ است. وی در سال ۱۳۵۰ در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان مربی استخدام شد و پس از طی مراتب علمی به ترتیب استادیاری ،دانشیاری به درجه استادی این دانشکده نائل آمد.و در سال ۱۳۸۲ به درجه بازنشستگی نائل گشت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیگرایش : منطق و کلاموالدین و انساب : پدر دکتر مشائی مرحوم آقا شیخ مرتضی مشائی از دودمان صحابی معروف ،حبیب بن مظاهر (رضی الله عنه) و از خاندان روحانی متوفی در سال ۱۳۲۱ در سن ۴۰است. مادرش صبیه مرحوم آیه الله حاج میرزا و از طرف مادری از دودمان پیامبر گرامی اسلام(ص) می باشد.دایی دکتر مشائی مرحوم آیه الله پویا می باشد .او روحانی بزرگ و دارای تالیفات متعدد به زبان انگلیسی و غیره و ساکن هند و اخیرا در پاکستان بود.او صاحب روزنامه مسلم است.خاطرات کودکی : محمد رضا مشائی از کلاس پنجم و ششم ابتدایی ، داستانهای" موش و گربه عبید زاکانی "وداستان مربوط به"قاضی و مردی که دارای کیسه زر بود" را به یاد دارد او همچنین از بیمار شدن پدرش که پس از انتقال به اصفهان تحت معالجه قرار گرفت ولی معالجات کار ساز نبود و بالاخره در سن ۴۰ سالگی فوت کرد خاطره تلخی بیاد دارد.دکتر مشائی از دیگر خاطرات خود چنین می گوید": در حدود ۱۱ سالگی در یک جوی آبی که حدود ۲۵ متر عمق داشت سقوط کردم که پس از نجات و در جریان معالجه تا چند سال عوارض آن روی من باقی مانده بود".اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر محمد رضا مشائی روحانی بود و به تحصیل علوم دینی مشغول بود و ثروت زیادی هم را به ارث برده بود و از فروش آنها هزینه زندگی خود و خانواده و شش فرزند را تامین می کرد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات محمد رضا مشائی به قرار زیر است: - تحصیلات علوم دینی از سال ۱۳۲۴ : مقدمات (صرف ،نحو،منطق و معانی بیان)،معالم الاصول،نزد مدرسان خصوصی - تحصیلات کلاسیک متوسطه در سال ۱۳۲۹ بصورت متفرقه ،دیپلم پنجم علمی در سال ۱۳۳۱،ششم ادبی در اصفهان در سال ۱۳۳۲ - شرکت در کلاس درس ایه الله میلانی و اخذ مدرک کارشناسی علوم معقول در سال ۱۳۳۹ - شرکت در دوره دکتری در سال ۱۳۴۲ و اخذ دکتری رشته الهیات در سال ۱۳۴۵ - کارشناسی ارشد رشته فلسفه در سال ۱۳۵۰خاطرات و وقایع تحصیل : محمد رضا مشائی بخاطر اینکه زبان انگلیسی را در کلاس شهید دکتر بهشتی گذرانده بود بیشتر اساتید در دوره های کارشناسی و دکتری با ایشان در مورد مطالب درسی (بیشتر کتب بزبان انگلیسی بود) مشورت می کردند. دکتر مشائی در دوره های کارشناسی و دکتری بعنوان شاگرد و دانشجو ممتاز معرفی شد ولی بعلت مسائل سیاسی از معرفی او امتناع کردند.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد رضا مشائی در کنار تحصیل به یادگیری زبان انگلیسی و آموزش ماشین نویسی می پرداخت که در این راستا ۱۶ حرف را در یک دقیقه وارد می کرد و در نتیجه گواهی درجه یک را اخذ کرد.او همچنین به تدریس کتب دینی همچون صرف میر ،هدایه و سیوطی و غیره بصورت آزاد برای طلاب و تدریس خصوصی عربی برای داوطلبان کنکور و غیره می پرداخت.استادان و مربیان : از اساتید محمد رضا مشائی می توان از مرحوم آقای بروجریدی ،مرحوم حاج آقای مرتضی حایری،مرحوم علامه طباطبائی و مرحوم حاج آقای یزدی (حوزوی) و مرحوم دکتر مجتهدزاده ،آقای واعظ زاده ،دکتر صدیقی و دکتر سکوت و غیره (اساتید دانشگاهی) نام برد.هم دوره ای ها و همکاران : مرحوم دکتر شفایی،آقای عطایی(کارشناسی) دکتر شیخ ،مرحوم دکتر باهر (دکتری) ، دکتر احمدی ، ضیاء شهابی(کارشناسی ارشد)از همدوره ایهای محمد رضا مشائی بوده

اند.همسر و فرزندان : دکتر مشائی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم فرهنگ (دارای سیکل متوسطه و خانه دار) و سه فرزند دختر می باشد که به ترتیب دارای تحصیلات و سمتهای زیر می باشند: – عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد – جراح و پزشک متخصص زنان و ساکن کرمان – عضو هیئت علمی پژوهشی وزارت جهاد کشاورزیمشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اداری محمد رضا مشائی به قرار زیر است: – مدیر گروه کلام و فلسفه دانشگاه فردوسی مشهد بمدت ۳ سال – معاون دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد بمدت یک سال – معاون آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد بمدت ۶ سال – سرپرستی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد بمدت شش سال – عضو هیئت ممیزه دانشگاه فردوسی مشهد بمدت شش سال – عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه فردوسی مشهد – منشی دفتر اسناد رسمی از سال ۱۳۲۳–۱۳۲۸ – دبیر و عضو کمیته منتخب الهیات – عضو کمیته تخصصی علوم انسانی هیئت ممیزه بمدت ۱۲ سال – سرپرستی حوزه علوم دینی یزد(با موافقت دانشگاه بصورت رفت و برگشت) – سرپرستی مدرسه علمیه آیه الله صدوقی در مشهد – عضو کمیته برنامه ریزی دانشکده های الهیات کشور – عضو موسس دانشگاه علوم اسلامی رضوی – عضو هیئت امنای و نیز تدوین کننده برنامه ریزی درسی دانشگاه علوم اسلامی رضوی – عضو شورای علمی امور فرهنگی آستان قدس رضوی (ع) – عضو هیئت تحریریه مجله مشکوه بمدت چندین سالفعالیتهای آموزشی : محمد رضا مشائی از اسفند ۱۳۴۴ تا مهر ۱۳۵۰ در محلات دبیر بودند او در سال ۱۳۵۰ با عنوان مربی در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد استخدام شد و پس از طی مراتب و مدارج علمی به ترتیب از استادیاری ،دانشیاری به درجه استادی نائل آمد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر مشائی آموزشگاه عالی خیام را در مشهد تاسیس کرده است.جوائز و نشانها : محمد رضا مشائی بخاطر شاگرد اولی در دوره کارشناسی مدال اول فرهنگ را دریافت کرده است.چگونگی عرضه آثار : محمد رضا مشائی دارای هفت مقاله چاپ شده و ده کتاب که یکی چاپ شده و یکی در شرف چاپ و بقیه نیمه تمام است.او استاد راهنمای بیش از ۳۱ پایان نامه کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری می باشد.آثار : ترجمه کتاب کافبه این حاجب در دو جلد که یک جلد ان تمام شده است. تصحیح و تذییل و نشر نسخه منظومه اعرجی (در منطق) ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه هشت دانشگاه مک گیل کانادا–۳ تصحیح و ترجمه تذلیل کتاب جوهر النضید در منطق ویژگی اثر : تالیف خواجه طوسی و علامه حلی– دارای دوجاد که جلد اول آن در شرف اتمام می باشد۴ تصحیح و حواشی و ترجمه شرح باب حادی عشر ، جمع غلطهای مستعل در محاورات،نوشته ها و علوم انسانی ، حواشی بر منطق مظفر ، سرگذشت مذهب دری از قدیم تا کنون که قرار بود از طرف دانشکده الهیات بچاپ برسد ، شواهد النحوین ویژگی اثر : ترجمه و شرح کلیه مثالهای کتاب معروف به سیوطی۹ فرهنگ و اصطلاحات و ضرب المثلهای یزد ویژگی اثر : این کتاب در ضمن حدود سی سال بتدریج ضبط شده و حدود دو جلد می باشد۱۰ منطق به زبان عربی ویژگی اثر : برای دانشجویان دانشکده الهیات کشور و احتمال جوزه های علوم دینی که نیمی از آن تالیف شده است.

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر محمد رضا مشائی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی– زمستان ۱۳۸۶

مظفر، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در جنوب شرقی نجف اشرف و در مجله براق ، منزل آیهٔ الله شیخ محمد رضا مظفر واقع بود، پنج ماه پس از درگذشت شیخ ، در پنجم شعبان سال ۱۳۲۲ هجری آخرین یادگار آن مرد حق دیده به جهان گشود و ((محمد رضا)) نامیده شد.گروه : علوم انسانیرشته

: الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : مادر محمد رضا دختر علامه شیخ عبدالحسین طریحی (۱۲۳۵-۱۲۹۳ ق .) است و او در دامان آن زن با فضیلت و با سرپرستی برادر بزرگش شیخ عبدالنبی مظفر(۱۲۹۱-۱۳۳۷ ق .) رشد کرد. پس از درگذشت شیخ عبدالنبی برادر دیگرش شیخ محمد حسن (۱۳۰۱ - ۱۳۷۵ ق .) سرپرستی او را به عهده گرفت و راهنمایی زندگی اش گردید.محمد رضا از خاندان علمی و ادبی بنام و معروف شیعی موسوم به ((آل مظفر)) برخاسته است . این خاندان از نیمه سده دوازده قمری در حوزه نجف اشرف شناخته شد و چهره های نامدار و متکبر آن در عرصه های متعدد و رشته های متنوع علوم اسلامی درخشید و شعاع پرتو نورشان گسترده مراکز علمی - تحقیقی شیعه و غیر آن را در نور دیدتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد رضا پس از فراگیری خواندن و نوشتن ، در سیزده سالگی راهی مکتب علوم دینی شد و به آموختن مبانی و اصول ادبیات عرب پرداخت و در این مقطع از استاد شیخ محمد طه حویزی بسیار بهره برد.(۴۰۸)او سپس با عزمی راسخ دوره سطح فقه و اصول را سپری کرد و آنگاه در جلسات دروس عالی این دو علم و همچنین حکمت و فلسفه و عرفان که از سوی اساتید بنام تدریس می شد، حاضر گشت.سرانجام پس از تلاش پی گیر، حضور در محفل اساتید فن و امداد پروردگار، شیخ محمد رضا به مقام والای اجتهاد رسید و حضرات آیات شیخ محمد حسین اصفهانی ، شیخ محمد حسن مظفر و سید عبدالهادی شیرازی اجتهاد او را گواهی کردند.مظفر در سیر کسب دانش ، علاوه بر علوم دینی به فراگیری دانشهایی چون حساب ، هندسه ، جبر، هیئت و عروض روی آورد و در ۲۱ سالگی کتابی در علم عروض به رشته تحریر درآورد.خاطرات و وقایع تحصیل : استاد مظفر، خطابه و تبلیغ متداول در نجف را در شاءن آن حوزه کهن نمی دانست ، زیرا امروزه هیچ خطیبی بدون آگاهی از افکار زمان و مسائل و موضوعات علوم جدید از یک طرف و احاطه کامل به تعالیم و معارف اسلامی از فقه تفسیر و حدیث و تاریخ از سوی دیگر نمی تواند رسالت اسلامی خود را در سطح عالی و وسیع انجام دهد. او خطابه حسینی را یکی از مهم ترین وسائل تبلیغ می شناخت و وضع موجود حوزه را رسا نمی دانست و افتتاح مؤ سسه و مدرسه ای برای تربیت خطیب را یگانه راه نجات از آن نارسایی تلقی می کرد.گشودن دانشکده وعظ و ارشاد از آرزوهای شیخ بود. در سال ۱۳۶۳ ق . مجموعه ای به ریاست خطیب برجسته عراق ((شیخ محمد علی قسام)) و با نظارت آیهٔ الله مظفر تشکیل شد و کار آزمایشی خویشی را - قبل از افتتاح رسمی دانشکده - با برپایی یک کلاس آغاز کرد و درسهایی چون فقه ، علوم عربی ، اصول دین و اصول حدیث (علم درایه) در آن تدریس می شد. مدت کوتاه از عمر آن نگذشته بود که حملات پیاپی بر آن وارد آمد و اتهامات ناروایی بر آن زده شد، در حالی که این مؤ سسه با اهدافی عالی و انگیزه ای مخلصانه تاءسیس شده بود هدفی جز زدودن پیرایه ها نداشت .اما افسوس که مصلحان همیشه در معرض اتهام اند و ناآگاهان سدی در مقابل اندیشه های والای ایشانفعالیتهای ضمن تحصیل : شیخ محمد رضا مظفر در کنار تحصیل ، مطالعه و تحقیق ، به تدریس معارف حوزه علمیه اشتغال داشت و نخست به تدریس کتاب مکاسب (در فقه) و رسائل (در اصول) پرداخت و آنگاه به تدریس دوره خارج فقه و اصول اهتمام ورزید. او همچنین فلسفه اسلامی را به طالبان این فن آموخت و از آن جمله کتاب اسفار اثر ملاصدرا را در منزل خود تدریس می کرد.استادان و مربیان : ۱. شیخ محمد حسن مظفر، شیخ محمد رضا به همراه برادر دیگرش شیخ محمد حسین در درس بردار بزرگشان شرکت می کردند.۲. میرزا محمد حسین نایینی (متوفای ۱۳۵۵ ق .)۳. شیخ آقا ضیاء الدین عراقی (۱۲۷۸-۱۳۶۱ ق .)۴. میرزا عبدالهادی شیرازی (۱۳۰۵-۱۳۸۲ ق .)۵. سید علی قاضی طباطبایی (۱۳۸۵-۱۳۶۶ ق .)۶. شیخ محمد حسین اصفهانی (۱۲۹۶-۱۳۶۱ ق .)این شخصیت را می توان معماران بزرگ علمی شیخ محمد رضا دانست که در شکل دهی شخصیت او تاءثیر بسیاری داشت ، بدان حد که خط مشی اصولی ، فقهی و فلسفی او بیشتر متاءثر از دیدگاههای این استاد است . احترام و تجلیل فراوان مظفر از مقام شیخ محمد حسین گواه ارتباط تنگاتنگ و علاقه بی حد اوست .زمان و علت فوت : آیهٔ الله شیخ محمد رضامظفر در شانزدهم ماه مبارک رمضان سال ۱۳۸۳، در سن ۶۲ سالگی مرگ را در آغوش کشید و پرستوی آسمان گردید و به سوی حق پرواز کرد و پیکر مطهر او با حضور مراجع بزرگ ، علما و مردم تشیع شد و در مقبره خانوادگی واقع در جاده

کوفه ، در کنار مرقد برادرش شیخ محمد حسن مظفر به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : آیهٔ الله مظفر زندگی اش را تنها به فعالیتهای فرهنگی و علمی حوزه محدود نساخت ، بلکه اندیشه نافذش ، مسائل و موضوعات اجتماعی و سیاسی جامعه و امت اسلامی را درنوردید و هر پدیده مهم را به دقت دنبال می کرد. بحرانها و مشکلات تحمیل شده بر مسلمانان ، او را بیشتر تحت تاءثیر قرار می داد و استاد را به تلاش وامی داشت .فشارهای روزافزون فرانسویان بر مردم الجزیر و نامردمیهای صهیونیستها نسبت به مردم فلسطین ، حوادث ناگواری است که از دید نافذ او پنهان نبود و آن فقیه فرزانه را در رنج فرو می برد و گاهی در برخی از نشریات مقالات مفیدی می نگاشت . وی همچنین در جنگ بین مصر اسرائیل در سال ۱۹۵۶ م . تلگرافی خطاب به شیخ الازهر فرستاد و همدردی خود را با ملت مصر اعلام داشت .آن استاد صهیونیسم را خطر بزرگ برای جامعه اسلامی می دانست و اصولا انحراف سردمداران کشورهای اسلامی از حق و مسامحه ایشان با دیوسیرتان غرب را عامل بدبختی مسلمانان و ریشه رشد صهیونیستها می دانست .آیهٔ الله مظفر با همکاری گروهی از اندیشمندان مسؤ ولیت شناس ، برای مقابله با افکار الحادی ،((جماعهٔ العلماء)) را در نجف اشرف پی نهاد تا این نهاد برخاسته از حوزه مبارزه با بی دینی و تهاجم فرهنگی دشمنان را پی گیرد و جلوگیری از گسترش افکار کمونیسم را رهبری کند. بیانیه های منتشره این گروه ، گواه بینش و بلند نظری مؤ سسان آن است .در پی مخالفت امام خمینی (ره) و دیگر مراجع بزرگ ایران با فعالیت های ضد اسلامی شاه ایران ، علمای نجف همچون آیهٔ الله مظفر با ایشان همصدا شده ، از حرکت انقلابی روحانیون حوزه علمیه قم حمایت و پشتیبانی کردند و ضمن صدور چندین اطلاعیه ، مخالفت خود را با تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی اظهار داشته و انزجار خود را از اقدام ظالمانه رژیم پهلوی در فاجعه خونبار مدرسه فیضیه اعلام کردند.فعالیتهای آموزشی : شیخ محمد رضا خود در دانشکده به تدریس فلسفه اسلامی می پرداخت و مجلات کتاب ((اصول الفقه)) را آماده میکرد تا در دانشکده فقه تدریس شود او همچنین به سرپرستی دانشکده و نظارت بر کارهای تاءلیفی آن می پرداخت . وی زندگی خود را بطور کامل در اختیار این مرکز علمی گذارد و به شجره جان و روان آن را مستحکم و پایدار کرد و همه تواناییها و امکاناتش را در این دانشکده بذل نمود.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : برنامه ها و فعالیت های اصلاحی استاد نام او را در زمره یکی از احیاگران عصر حاضر، در تاریخ کهن حوزه علمیه نجف اشرف جاودان ساخت ، اقدامات اصلاحی آیهٔ الله مظفر به قرار ذیل است :الف - جمعیت منتدی النشراین نهاد - که در سال ۱۳۵۳ هجری مجوز تاءسیس را دریافت کرد - بهترین وسیله برای تحقق اهداف اصلاحی در پی نشر فرهنگ دینی و ایجاد روح اسلامی در مردم و استحکام اخلاق بود. ب - دانشکده منتدیآیهٔ الله مظفر در سال ۱۳۵۵ ق . به دنبال تحقق اهداف جمعیت منتدی النشر، یک مدرسه عالی علوم دینی و به عبارتی ((دانشکده اجتهاد)) را تاءسیس کرد و در دوره اول چهار ماده درسی همچون فقه استدلالی ، تفسیر، علم اصول و فلسفه به دانش پژوهان ارائه می شد. علامه شیخ محمد جواد بلاغیت شیخ عبدالحسین دشتی و شیخ عبدالحسین حلی از اساتید این دانشکده بودند. ج - مدارس منتدیتاسیس مدارس منتدی النشر گام بعدی استاد مظفر بود که با استقبال بزرگان حوزه نجف و خاندانهای مشهور این شهر مواجه شد و این اقبال عمومی در توسعه اش کارگشا بود. د- دانشکده فقهآیهٔ الله مظفر در سال ۱۳۷۶ ق . دانشکده فقه را در نجف اشرف تاسیس کرد و وزارت فرهنگ عراق در سال ۱۳۷۷ آن را به رسمیت شناخت . مواد درسی این دانشکده عبارت بودند از: فقه امامیه ، فقه تطبیقی ، اصول فقه ، تفسیر و اصول و مبانی تفسیر، حدیث و اصول حدیث (درایه)، علوم بیتی و روان شناسی ، ادبیات و تاریخ ادبیات ، جامعه شناسی ، تاریخ اسلام ، فلسفه اسلامی ، فلسفه جدید، منطق ، تاریخ جدید، اصول تدریس ، نحو، صرف و یک زبان بیگانه .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : در قرن اخیر جمعی از اندیشوران حوزه ، تغییر برخی متون درسی و کوتاه کردن طور مدت آموزش را به منظور دستیابی سریع به اهداف متعالی پیشنهاد کرده اند و برخی از مصلحان نیز تحدید بنای علمی و تدوین کتابهای روز آمد را - با توجه به حفظ عمق و اصالت مطالب آنها - وجهه نظر خود قرار داده اند که این تغییر و جایگزینی همواره با مقاومت برخی دیگر مواجه بوده است .آیهٔ الله مظفر در میان دو دوره سطح و

خارج ، دوره نخست را به دلیل نقص در موارد درسی و سبک تحصیل و تدریس - نیازمند اصلاح می دانست و از این رو در پی تاءسیس منتدی النشر و دانشکده فقه ، تنظیم وضعیت آموزشی و افزودن متون آموزشی جدید را هدف کار خویش قرار داد. تدوین کتابهای ((المنطق))، ((اصول الفقه)) و ((عقاید الامامیه)) یک نوسازی در نگارش کتابهای درسی به شمار می آید که هم اکنون دو کتاب نخست از متون درسی حوزه های علمیه بخصوص حوزه مقدس قم می باشد.استاد مظفر از جوانی به شعر روی آورد و جرقه های آغازین آن نزد شیخ محمد طه حویزی افروخته شد و در پرتو راهنماییهای استاد به سرودن شعر پرداخت و بخوبی از عهده ظرافتها و نکات دقیق آن برآمد. هرکس به سروده های او نظر بنماید در آن فنون شعر لطیف و ظریفی می یابد و به افقهای ادبی نوی برخورد می کند.شاگردان : استاد مظفر در دوره حیات علمی خود، دانش پژوهان بسیاری را در سایه تربیت و تدریس قرار داد و آنان را با معارف دین آشنا ساخت . اسامی برخی از شاگردان آن عزیز را - چه در داخل منتدی النشر و دانشکده فقه و چه بیرون از آن - مرور می کنیم :شیخ احمد قبیسی ، شیخ احمد وائلی ، سید جواد شبر، شیخ جواد قسام ،سید حسین خرسان ، شیخ صالح آل شیخ راضی ، سید عبدالکریم قزوینی ، شیخ عبدالهادی فضلی ، سید عبدالهادی محسن حکیم ، شیخ غلامرضا عرفانیان ، دکتر سید محمد بحرالعلوم ، سید محمد تقی طباطبایی تبریزی ، سید محمد جمال هاشمی ، شیخ محمد حسن طریحی ، سید محمد حسن قاضی ، سید محمد صدر، شیخ محمد علی ایروانی ، شیخ محمد علی تسخیری ، شیخ محمد مهدی آصفی ، دکتر محمود بستانی ، دکتر محمود مظفر، سید مرتضی حکمی ، سید هادی فیاض ، شیخ یونس مظفر و...چگونگی عرضه آثار : آیهٔ الله محمد رضا مظفر یکی از نویسندگان چیره دست و نامدار معاصر است که زیبایی تعبیر، رسایی متن ، حسن انسجام و بیان جذاب همراه با استحکام مطالب و دقت نظر در نوشته هایش هویداست . این امتیاز مرهون تلاشهای دوران جوانی او در آشنا شدن با متون ادبی و ادبیات معاصر و ممارست بر روز آمد کردن تالیفاتش می باشد بدان حد که آثار هم آمیخته دانش و ادبیات وی ، عقل را اشباع می سازد و عاطفه را آرامش می بخشد.ساده نویسی در مطالب علمی از هنرهای ادبی اوست و آن بر بال قلم نشسته ، شیفتگان علم را به آسمانهای فلسفه و منطق و اصول و کلام پرواز می داد و دانشهای دقیق را به شیوه ای روان به ایشان عرضه می کرد و بر خلاف دیگران که به شیوه سنتی انس داشتند، او مرحله جدید تدوین آثار اسلامی ، با بهره گیری از اسلوب نثر فنی جدید را به حوزه ارائه داد.استاد همچنین مقدمه هایی بر آثار مکتوب دیگران نوشته اند:از آیهٔ الله مظفر مقالات متعددی - با نام صریح یا مستعار - در مجله هایی چون ((العرفان)) در صیدا، ((الدلیل))، ((الهاتف)) و ((النجف)) در نجف ، ((الکحلاء)) در عماره ، ((المرشدالعربی)) در لاذقیه ، ((الفکر)) در بغداد و ((الرسالهٔ)) در مصر به چاپ رسید.آثار : احلام الیقظه ، اصول فقه ویژگی اثر : این اثر زیبا به حقیقت نوعی نوسازی در نگارش کتابهای درسی دوره سطح محسوب می شود و مؤ لف فرزانه ، آن را به منظور تدریس در دانشکده فقه نجف نوشته است . نوآوری علمی ، اتقان و عمق مطالب ، اصول فقه را اثری جاودان و ماندنی ساخته و استاد به منظور رفع خلاء موجود بین دو کتاب ((معالم)) و ((کفایه)) و با تاسی از ابتکار استاد خویش شیخ محمد حسین اصفهانی - در دسته بندی مباحث - آن را تنظیم کرده است .۳ الزعیم الموهوب السید ابوالحسن اصفهانی ، السقیفهٔ ، الفلسفهٔ الاسلامیهٔ ، المثل الافلاطونیهٔ عند ابن سینا ، المنطق ویژگی اثر : این اثر مجموعه درسهای ارائه شده ایشان از سال ۱۳۵۷ ق . در دانشکده منتدی النشر می باشد و به عنوان متن مهم درسی جایگاهی ویژه را به خود اختصاص داده است۸ النجف بعد نصف قرن ، تاریخ الاسلام ، تتمه احکام الیقظه ، حاشیه مکاسب ، حریهٔ الانسان و ارتباطها بقضاءالله ، دیوان شعر ، رسالهٔ عملیهٔ فی ضوء المنهج الحدیث ، شرح حال شیخ حسین اصفهانی ، شرح حال شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) ، شرح حال صدرالدین شیرازی (ملاصدرا) ، شرح حال مولا محمد مهدی نراقی، شیخ الطوسی مؤسس جامعهٔ النجف ، عقاید الامامیه ویژگی اثر : این کتاب ، مجموعه ای از عقاید اسلامی بر اساس روش اهل بیت علیه السلام می باشد که به صورتی فشرده و رسا تنظیم شده است ، اثری که از هرگونه پیچیدگی های رایج کتب کلامی عاری بده و برای همگان در خور فهم است . استاد پیشتر این مطالب را در سال ۱۳۶۳ ق . در دانشکده دینی

منتدی ارائه کرده بود و سپس آن را بـدنی نام و همچنین به نام ((عقایـد الشیعه)) به چاپ رسانـد و هـدف عالی او از نگارش آن تقریب بین مذاهب اسلامی بود.۲۱ علی هامش السقیفهٔ ، فلسفهٔ ابن سینا ، فلسفه الامام علی علیه السلام ، فلسفه الکندی ، مجموعه ای از رسائل در علم کلام ،مجموعه ای اشعار (در کتاب شعراء الغری) ، مذاکرات الشیخ

منابع زندگینامه : سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – www.hawzah.net/

مظفری قزوینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مظفری قزوینی در سال ۱۳۰۴ در شـهر قزوین متولد گردید. پس از دوران کودکی در سن بیست سالگی وارد حوزه ی علمیه قزوین شد و حدود شـش سال به تحصیل در این حوزه پرداخت. سپس جهت تحصیل به قم رفته و درحوزه علمیه این شهر وارد شد. پس از بهره بردن از محضر درس اساتید درس این حوزه به نجف اشرف رفته و محضر درس بزرگان آن سامان را درک نمود. آیت الله مظفری قزوینی پس از آنکه تحصـیلات خود را به پایـان برد به تـدریس و تـالیف و اقـامه ی نماز جماعت و بیان مسائل و احکام دین را به عهـده گرفت.گروه : علوم انسـانی رشـته : الهیـات و معارف اسـلامی والـدین و انساب : محمـد مظفری قزوینی فرزنـد ملا ابراهیم آقا بابایی ، در سال ۱۳۰۴ دیده به جهان گشود.تحصـیلات رسمی و حرفه ای : محمد مظفری قزوینی پس از دوران کودکی در سن بیست سالگی وارد حوزه ی علمیه قزوین شد و حدود شـش سال به تحصـیل در این حوزه پرداخت. سـپس جهت تحصیل به قم رفته و درحوزه علمیه این شـهر وارد شد. پس از بهره بردن از محضـر درس اساتید درس این حوزه به نجف اشرف رفته و محضر درس بزرگان آن سامان را درک نمود.خاطرات و وقایع تحصـیل : محمـد مظفری قزوینی هنگام تحصـیل در نجف اشـرف به سـبب بروز برخی مشـکلات، مجبور به بازگشت به ایران گردیـد.اسـتادان و مربیان : محمد مظفری قزوینی مقدمات را نزد آخوند ملا علی مطهری ، متوسطه را نزد شیخ مهدی قاضی و آنگاه سطوح عالیه را نزد آیت الله العظمی حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی فراگرفت. اسـتادان وی در حوزه علمیه ی قم آیت الله حاج سـید حسـین بروجردی و آیت الله سیدشـهاب الدین الحسـینی مرعشـی بود. مظفری همچنین در حوزه علمیه ی نجف نزد اساتیـدی چون: آیت الله حـاج سـید محسن حکیم ، آیت الله حاج سـیدمحمود شاهرودی ، امام خمینی (ره) ، آیت الله حـاج سـید ابوالقاسم خویی تلمـذ نمود.فعالیتهای آموزشـی : محمـد مظفری قزوینی پس از آنکه مقام علمی خود را به مرتبه ای رسانـد که توانست ، دانش خود را به دیگران منتقل نمایـد ، در حوزه علمیه قم به تدریس پرداخت. او سـپس به نجف رفته و علاوه بر تحصیل به تدریس نیز پرداخت ، سپس به زادگاه خود قزوین بازگشت و فعالیت های آموزشی خود را در این شهر دنبال نمود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمـد مظفری قزوینی پس از آنکه تحصـیلات خود را به پایان برد به تدریس و تـالیف و اقـامه ی نماز جماعت و بیان مسائل و احکام دین را به عهـده گرفت.آثار : اسـلام و فلسـفه احکام ویژگی اثر : دردو جلد۲ اسـلام و قانون بردگی ، اصـطلاحات منطقی ، البلغه فی بلوغ المراه ، الشیعه و السـنه ویژگی اثر : این کتاب به زبان عربی می باشد۶ الفوائـد الرجـالیه ، القطره فی فضائل علی علیه السـلام ، ایضاح الحجه فی شـرح العروه ویژگی اثر : در ۸ جلد۹ پرسـش ها و پاسخ ها ویژگی اثر : دردو جلد۱۰ حرمت بـازی شـطرنج ، خاتمیت آخرین پیامبر ، خلاصه البیان فی احوال شاه زمان ، دانسـتنیهایی از قرآن ویژگی اثر : این کتـاب به زبان عربی می باشـد۱۴ رسـاله در اثبـات صانع تعالی ، رساله در خلقت بهشت و جهنم ، شـهادت ثالثه در اذان و اقامه ، طیبات ، قربانی در منی

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین ، تحقیق و گردآوری: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم

معرفت، محمدهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدهادی معرفت در سال۱۳۰۹ هـش در شهر کربلاـ فرزندی دیده به جهان گشود که نام وی را «محمدهادی» گذاشتند.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : پدر محمدهادی شیخ علی،فرزند میرزا محمدعلی از نوادگان شیخ عبدالعالی میسی اصفهانی بود که به اتفاق والدین و دیگر اعضای خانواده در سال ۱۲۹۰ هـش از سده اصفهان به کربلای معلّی مهاجرت کرد. شیخ علی دانشمند وخطیبی توانا و مورد احترام مردم کربلا بود که پدرانش تا سه قرن همگی از سلسله جلیله روحانیت بودند.مادرِ استاد «سید زهرا» دختر سیدهاشم تاجر رشتی و متوطن در کربلا بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : «محمدهادی» از سن پنج سالگی برای کسب سواد به مکتب خانه شیخ باقر اصفهانی فرستاده شد. آنگاه مقدمات علوم اسلامی را نزد پدر فرزانه خود و تنی چند از اساتید معروف نظیر حاج شیخ اکبر نائینی، سید سعید تنکابنی، شیخ محمد حسین مازندرانی، سیدمرتضی قزوینی و سید محمد شیرازی فراگرفت.مبادی فلسفه و دورههای فقه و اصول تا سطوح عالیه را در کربلا و نزد پدر بزرگوار و برخی از اساتید بزرگ بهره گرفت و خوشهچین معارف الهیه شد.استاد معرفت در آغاز سال ۱۳۴۰ هـش و پس از فوت پدر بزرگوارشان ـرحمه اللّه علیهـ به منظور تکمیل تحصیلات و رفعت هر چه بیشتر بنای دانش خویش همراه با خانواده به نجف اشرف مهاجرت کردند.در این سالها نجف اشرف منزلگاه اساتید فرهیخته و آیات عظامی همچون سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلّی، سیدعلی فانی اصفهانی و اخیراً حضرت امام خمینی ـ قدسسره ـ هم بود؛ استاد فرصت بهرهگیری از این گلستان معرفت را قدر دانسته از هر گلی شهدی نوشید و مجمع فضائل خوبان شد.خاطرات و وقایع تحصیل : انگیزه حضرت استاد در روآوردن به پژوهشهای قرآنی را از قلم معظمله استفاده میکنیم:هنگام مراجعه و مطالعه برای آمادگی تدریس تفسیر به حقیقت تلخی برخورد کردم و آن، فقدان بحث زنده پیرامون مسائل قرآنی، در کتابخانه های فعلی تشیع بود.این برخورد تلخ از آنجا بود که برای تهیه مقاله ای پیرامون مسأله «ترجمه قرآن»، به کتابخانه تخصصی قرآن مراجعه میکردم و در این زمینه کتابهای زیادی که برخی در دو مجلد و نیز رساله ها و مقالات بسیاری از مصر و غیره در اختیار بود که دانشمندان معاصر آن دیار نوشته بودند، ولی در حوزه نجف جز یک برگ اعلامیه حضرت آیت اللّه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء چیز دیگری نیافتم.این امر بر من گران آمد و مرا بر آن داشت که در زمینه مسائل قرآنی به طور گسترده، دیدگاههای دانشمندان گذشته و حال مکتب را روشن و عرضه کنم، نتیجه آن تلاش پیگیر هفت مجلد «التمهید» و دو مجلد «التفسیر و المفسرون» گردید. در نوشته اخیر تکمیل«مافاتِ» نوشته«محمدحسین ذهبی» مصری را انجام دادم که به ناحق جایگاه تشیع را در حیطه قرآنی نادیده گرفته بودم.فعالیتهای ضمن تحصیل : سال ۱۳۵۱ ش حکمت الهی اقتضا کرد تا عدو سبب خیر شود و استاد از عراق به ایران مهاجرت نماید حکومت بعث عراق دستور بازگرداندن ایرانیان مهاجر را از عراق صادر کرد و استاد فرزانه حاج شیخ محمدهادی معرفت با کولهباری از فضل و دانش به اتفاق خانواده رهسپار ایران و ساکن قم شد.این فاضل جوان در بهار۴۲ سالگی، فرصت حضور در درس اصول میرزا هاشم آملیـ رحمه اللّه علیه ـ را که از شاگردان مبرز آغا ضیاء عراقی بود، غنیمت شمرد و از خرمن دانش آن پیر فرزانه خوشه های معرفت چید.و به این ترتیب شخصیت علمی محقق فرهیخته، استاد معرفت شکل گرفت و دوران طولانی بهره گیری علمی از اساتید برجسته و ممتاز حوزه های علمیه کربلاـ نجف اشرف و قم، از او مجتهدی مسلط بر مبانی فقهی، اصولی

ساخت که روح دانشاندوزی را با جدیت، تلاش، نوآوری، شجاعت در ابراز عقیده، توجه به آرای سلف در کنار نقد و بررسی آنها، نخبه گویی و حذف زوائد و تأمل در مسائل مهم، همراه کرد و با این سرمایه عظیم در سه حوزه تدریس، پژوهش و تألیف و به خصوص ورود به عرصه های نو و راه های طی نشده دست به کار شد. در عنفوان جوانی و همزمان با تحصیل دروس فقه و اصول، با همکاری جمعی از فضلای مشهور کربلا از جمله سیدمحمد شیرازی، سیدعبدالرضا شهرستانی، سیدمحمدعلی بحرانی، شیخ محمدباقر بهبودی و ...دست به تأسیس و نشر ماهنامهای با نام «اجوبه المسائل الدینیه» زدند.این گروه در اطلاعیهای آمادگی خود را برای پاسخگویی به سؤالهای دینی مردم اعلام کردند و در مدت سالیان متمادی با جدیت تمام به پاسخ سؤالهای رسیده، پرداختند. این ماهنامه با استقبال فراوان مردم از جمله دانشگاههای عراق و حتی خارج از کشور روبرو شد. و حاصل پاسخها که گاه در شکل مقالات علمی ـ تحقیقی تحریر میشد بعضاً صورت مستقل چاپ و منتشر گردید.استادان و مربیان : از استادان محمدهادی معرفت می توان به موارد زیراشاره کرد: شیخ محمد کلباسی شیخ محمد حسین مازندرانی شیخ محمد خطیب سید حسن آغامیر قزوینی حاج شیخ اکبر نائینی سید سعید تنکابنی شیخ محمد حسین مازندرانی سیدمرتضی قزوینی سید محمد شیرازی شیخ یوسف بی ارجمندی خراسانیهم دوره ای ها و همکاران : محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلّی، سیدعلی فانی اصفهانی و اخیراً حضرت امام خمینی (قدس سره) ازهمدوره ایهای شیخ محمدهادی معرفت بوده اند.زمان و علت فوت : شیخ محمدهادی معرفت در سال ۱۳۸۵ دار فانی را وداع گفتند.فعالیتهای آموزشی : حضرت آیت اللّه معرفت از آغازین سالهای تحصیل علوم اسلامی به امر تدریس و تحقیق پرداختند.علوم ادبی و علمی را متناسب با میزان رشد علمی تدریس کردند و در هفته یکبار برای جوانان کربلاـ جلسات پرشور علمی اسلامی برپا کردند.با هجرت استاد معرفت به قم فعالیتهای تدریسی، تحقیقی و تألیفی ایشان گسترش یافت. وی عمده وقت خود را به تدریس رسائل ، مکاسب، کفایه و سپس خارج فقه و اصول اختصاص داد و از جمله در مدرسه عالی حقانی و به دعوت شهید قدوسی مدیر محترم مدرسه، به تدریس مسائل قرآنی و به ویژه علوم قرآن پرداختند. محصول تلاش استاد در سنگر تدریس تربیت صدها شاگرد در موضوعات فقهی، اصولی و قرآنی است و سپس برای جمعی از طلاب جوان و با علاقه، مباحث علوم قرآنی را در مؤسسه آموزشی ـ تحقیقاتی معارف اسلامی امام رضا(ع) تدریس میکردند.این محقق برجسته به دنبال سکونت در قم، تحقیقات انجام شده در نجف اشرف را به طور گسترده مورد بازبینی و تعمیق و توسعه قرار دادمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از جمله کارهایی که شیخ معرفت انجام داده اند، تاسیس و نشر ماهنامه ای به نام اجوبه المسائل الدینیه بود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد معرفت در نجف اشرف بخش عمدهای از وقت خود را مصروف تدریس و تحقیق نمودند؛ صبحها علاوه بر تحصیل، به تدریس میپرداختند و عصرها را به امر تحقیق و تدوین اختصاص دادند.در این زمان بود که با گروهی از فضلای مشهور نجف اشرف از جمله «سیدجمال خوئیـ فرزند برومند آیت اللّه العظمی خوئی سید محمد نوری، سیدعبدالعزیز طباطبائی، شیخ محمد رضا جعفری اشکوری، دکتر محمد صادقی و در سالهای اخیر استاد عمید زنجانی جلسات هفتگی تشکیل و پیرامون مباحث و موضوعات مختلف به بحث و تحقیق همت گماردند.هر یک از این فضلا رشتهای از علوم اسلامی را موضوع تحقیق خود قرار دادند. در اینجا بود که حضرت استاد معرفت پژوهشهای خود را در رشته«علوم قرآنی» پایه گذاری کردند.چگونگی عرضه آثار : از جمله مقاله های استاد معرفت که به زبان عربی تألیف و برخی از آنها به فارسی ترجمه و منتشر شد، میتوان به این موارد اشاره کرد: «حقوق زن در اسلام»، «ترجمه قرآن، امکان، ضرورت»، «دو فرقه شیخیه، اسکویی، کریمخانی»، «اهمیت نماز و تاثیر آن در صیانت فردی و اجتماعی».آثار : آموزش علوم قرآنی ، احکام شرعی ، التفسیر الاثری الجامع ، التفسیر و المفسّرون فی ثوبه القشیب ، التمهید فی علوم القرآن ویژگی اثر : جزوات «التمهید» یکی پس از دیگری به زیور طبع آراسته شد و به دنبال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی چاپ «التمهید» که به سه جلد رسیده بود، به همت انتشارات جامعه مدرسین تجدید چاپ و مابقی مجلدات آن تا شش مجلد انتشار یافت.۶ تاریخ قرآن ، تفسیر و مفسّران ویژگی اثر :

جدید چاپ کتاب تفسیر و مفسّران در دو جلد و ترجمه آن به زبان فارسی، جلوهای دیگر از مراحل کمال تحقیق و پژوهش استاد میباشد.۸ تلخیص التمهید ، تمهید القواعد ، تناسخ الارواح (بازگشت روح) ، جامعه مدنی (مجموعه مقالات) ، حدیث لاتعاد، حدیث من زاد فی صلاته ، شبهات وردود حول القرآن ویژگی اثر : حضرت استاد در پاسخ شبهات وارده بر قرآن که بهطور عمده از سوی شرقشناسان و برخی روشنفکران دنیای عرب و ایران مطرح میشد دست به تألیف کتاب «شبهات وردود» زدند که در سال۱۳۸۲ به زیور طبع آراسته شد.این حدیثشناس، مفسر و فقیه مکتب اهلبیت(ع) که معتقد به ضرورت استفاده از تراث سلف و نگران کوتاهی در نقادی روایات تفسیری هستند، از سال۱۳۷۹ش محصول تجارب ارزنده خود را به خدمت تألیف تفسیری جامع از آثار گذشتگان درآورد و به جمعآوری و تنسیق روایات تفسیری فریقین پرداخت. ایشان در این کارِ گروهی که با مساعدت دو گروه ده نفره از شاگردان و نخبگان حوزوی و تربیت یافتگان مدرسه قرآنی صورت گرفته است، روایات تفسیری را که جملگی به صورت خام در کتابها عرضه شده، به محک نقد و بررسی گذاشته و برای جدا سازی سلیم و سقیم این روایات و قیمتگذاری و تعیین ارزش هر یک از آنها اهتمام نمودهاند.تاکنون یک مجلد از این اثر ارزنده با نام «التفسیر الاثری الجامع» به زیور طبع آراسته شده است.۱۴ صیانه القرآن من التحریف ویژگی اثر : ایشان با توجه به مهمترین سؤالها یا شبههای مخالف با کرامت قرآن و یا مذهب تشیع دست بهکار تألیف شدند، از جمله کتاب «صیانه القرآن من التحریف» را در دفاع از حریم قرآن و حراست از کرامت آن نوشتند. «احسان الهی ظهیر»، نویسنده متعصب پاکستانی، شیعیان را متهم ساخت که قائل به تحریف قرآن میباشند؛ استاد مجاهد و پاسدار ارزشهای اسلامی در مدت شش ماه کتاب «صیانه القرآن» ...را در جواب وی به رشته تحریر درآورد و در تاریخ۲/۸/۶۶ ش، به چاپ رساند.۱۵ علوم قرآنی ، مالکیه الارض ، ولایت فقیه ، ولایه الفقیه ابعادها و حدودها

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

ممجد لنگرودی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علیرضا ممجد لنگرودی به سال ۱۲۹۳ شمسی در خاندان تقوا و فضیلت و فقاهت در شهرستان لنگرود دیده به جهان گشودند.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : خاندان حضرت آیت اللّه ممجّد لنگرودی همگی در سلک روحانیت و فقاهت بودهاند. والد بزرگوارش مرحوم آیت اللّه حاج شیخ عبداللّه لنگرودی یکی از عالمان برجسته شهرستان لنگرود به شمار می‌رفتند. او که از شاگردان آخوند خراسانی، و شریعت اصفهانی، میرزای نائینی و... به شمار می‌رفت، بعد از اخذ حدود ۱۴ اجازه اجتهاد به قصد صله ارحام به لنگرود آمده و در این شهر مورد استقبال علما و مردم قرار گرفت و به اصرار مرحوم آیت اللّه حاج شیخ علی اکبر لنگرودی که اعلم علمای لنگرود به شمار می‌رفت، در لنگرود ماندگار شد و در این مدت علاوه بر تدریس، مشغول وعظ و خطابه و ارشاد و هدایت مردم گردید.آیت اللّه شیخ عبداللّه لنگرودی دارای دو فرزند عالم و دانشمند بوده است.خاطرات کودکی : شیخ عبدالله از دوران کودکی خود اینطور می گوید که: «من کمتر از ده سال داشتم که عمامه می گذاشتم، این در روزگاری بود که مأموران رضاخان عمامهها را برمی‌داشتند و من هم خیلی علاقه داشتم که عمامه داشته باشم. از این روی آن قدر نماز جعفرطیّار خواندم که خداوند عنایتی بفرماید و مأموران عمامه مرا برندارند که برنداشتند. در آن روزگار سخت با همه مشکلات آنچه بیش از همه مرا رنج می‌داد و در ابتدای تحصیل، خوب نفهمیدن درس‌ها بود. چندین درس می‌رفتم و هر چه زحمت می کشیدم و به خود فشار می‌آوردم آن گونه که باید درس‌ها را نمی‌فهمیدم تا این که روزی از شدت

ناراحتی به حرم حضرت معصومه (س) مشرف شدم و بسیار گریستم به گونه‌ای که چشم‌هایم می‌سوخت. برگشتم به حجره مدرسه خان و دراز کشیدم که یک مرتبه به قلبم الهام شد که این طوری نباید درس بخوانی، روزی دو درس، یکی صبح و یکی بعدازظهر کافی است و با هر جان کندنی باید آن را یاد بگیرم. احساس کردم سوزش چشمم خوب شده با نشاط بلند شدم و همین شیوه را به کار بستم. شش ماه درس خواندم، کار به جایی رسید که پس از شش ماه، تدریس هم می‌کردم و از همان زمان به بعد این شیوه را به کار بستم، هم درس می‌گفتم و هم درس می‌خواندم و در همه امتحانات رایج حوزه با نمره عالی قبول می‌شدم.»اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شهرستان لنگرود در ۶۰ کیلومتری رشت، در شرق استان گیلان واقع شده است. این شهرستان به علت مزایای فراوان (کوه و جلگه و دریا و جنگل و...) یکی از زیباترین و دلپذیرترین شهرهای شمال ایران است.از لحاظ جغرافیایی، منطقه آبادی است که امن و آرام و مطمئن بوده و روزیش به وفور از هر سو و مکانی فرا می‌رسد و از لحاظ فرهنگی، شخصیت‌های فراوانی را در دامن پُرمهر خود پرورش داده است که شرح بسیاری از آنان در کتب تراجم و رجال مفصل آمده است. مرحوم آیت اللّه ممجّد در این باره می‌فرمود: «لنگرود در اوائل حکومت رضاخان، سه مدرسه علمیه داشت؛ یکی در کنار مسجد جامع، یکی در کنار بقعه آقا سید حسین کیا و سومی در کنار مسجد گلشن.در دوران رضاخان هر سه مدرسه را خراب کردند و به خانه روستا تبدیل کردند و همه موقوفات مدرسه‌ها هم از بین رفت. لنگرود با این که شهر کوچکی بود امّا هفتاد، هشتاد عالم برجسته داشت که بیش‌تر آنان، مجتهد مسلم بودند. رضاخان بیش‌تر علمای بزرگ این شهر را به روستاها و اطراف تبعید کرد و بعضی هم به شهرهای بزرگ رفتند و بیش‌تر به لاهیجی و رشتی ملقّب شدند و به این لقب شهرت یافتند. زیرا رشت و لاهیجان در آن زمان و هم اکنون نیز از شهرهای بزرگ گیلان هستند و حتی بسیاری از علمای رودسر، اشکور، املش و حتی تنکابن و رامسر، فامیلی آنان پسوند لاهیجی و رشتی داشت.»تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ عبدالله از سال ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۵ برای ادامه تحصیل راهی مشهد شد و طی این سالها تحصیلات خود را ادامه داد. در سال ۱۳۲۵ شمسی آیت اللّه ممجّد دوباره راهی حوزه علمیه قم شد. در این دوران، تحول در حوزه قم نسبت به گذشته چشم‌گیرتر بود. وی پس از ورود به حوزه علمیه قم در امتحانات حوزه شرکت جسته و در نزد مرحوم آیت اللّه حاج شیخ مرتضی حائری امتحان داده و معظم‌له در ذیل ورقه امتحانی ایشان نوشته بود: «آقای ممجّد از عهده امتحان خوب برآمده و شایستگی تدریس دارد».خاطرات و وقایع تحصیل : به خاطر سخت‌گیری کارگزاران رضاخانی بر حوزه قم و آزار و اذیت‌ها، مرحوم والدش پیشنهاد کرد: اگر بخواهی، می‌توانی به حوزه مشهد بروی و در آن جا ادامه تحصیل بدهی.آیت اللّه ممجّد در این باره می‌گوید: «به یاد دارم پیش از عزیمت به مشهد مقدس، در لنگرود خدمت مرحوم والد بودم و عده‌ای دیگر هم حضور داشتند. به ایشان گفتم: آقا! من مشهد رفتم چقدر برایم شهریه خواهید فرستاد. مرحوم والد از این سخن من خیلی عصبانی شد و گفت: من خیال می‌کردم در این مدت که در قم تحصیل می‌کردی، چیزی یاد گرفتی. معلوم شد چیزی نفهمیدی؟ گفتم: آقا! من که چیز بدی نگفتم! گفت: چطور؟ تو داری می‌روی خدمت امام رضا (ع) ، امام واسطه فیض خداوند به مخلوقات است؛ آن وقت تو چشم طمع به من داری که برای تو چقدر شهریه خواهم فرستاد! من چه کاره‌ام همه چیز آن جاست. آری ایشان درست می‌گفت و من اشتباه کرده بودم».وقایع میانسالی : حجهٔ الاسلام عباسی – مدیر حوزه علمیه لنگرود به نگارنده فرمود: در سالی آقا در ماه رمضان در بیمارستان بستری بودند. یک شب به عیادت ایشان رفتم و ایشان تازه عمل جراحی نموده بودند. دیدم خیلی ناراحت است و اشک از دیدگانش جاری است؛ شروع کردم ایشان را دلداری دادن که ان شاءاللّه عمل مهمی نیست، به زودی خوب می‌شوید و دوباره مشغول تدریس خواهید شد، ناراحت نباشید؟ یک نگاهی به من کرد و فرمودند: ناراحتی من برای عمل جراحی نیست بلکه فردا شب، ۱۹ ماه رمضان شب احیاء و شب ضربت خوردن مولایمان علی (ع) است و من می‌بایست در آن مراسم شرکت می‌کردم، در حالی که نمی‌دانم چه خطایی از من سرزده است که دارم این گونه تنبیه می‌شوم. امسال از گریه کردن در عزای آن حضرت محروم شده‌ام! و این جملات را وقتی می‌فرمود، اشک در صورتش جاری بود.زمان و علت فوت : آیت اللّه

ممجّد لنگرودی در سال ۱۳۷۴ شمسی در حالی که مشغول تدریس بود، دچار سکته مغزی شد و بعد از قریب به سه سال از این بیماری در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۷۶ در شهرستان لنگرود دار فانی را وداع گفت و با شرکت انبوهی از مردم متدین لنگرود، علما ائمه جمعه و جماعات استان، تشیع و پیکر پاکش به قم انتقال یافت و بعد از نماز توسّط حضرت آیت اللّه آقای بهجت - دامت برکاته - در قبرستان آیت اللّه حائری (قبرستان نو) در جوار قبر پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : آیت الله لنگرودی اشتغالات دیگری همچون حضور مستمر در شورای روحانیت شهر، اعزام نیروهای رزمنده به جبهه، سخنرانی‌ها و شرکت در محافل گوناگون مذهبی در سطح شهر و یا شهرهای دیگر استان، لحظه‌ای از طلاب غافل نبود. او به طلاب درس‌خوان عشق می‌ورزید و همواره آنان را نصیحت می‌کرد و از ضعف و سستی و از به هدر دادن عمر و نشاط جوانی و غفلت از این موقعیت استثنایی و خدادادی، آنان را بیم می‌داد.فعالیتهای آموزشی : مرحوم آیت اللّه ممجّد لنگرودی از سال ۱۳۱۹ تا سال ۱۳۲۵ در این حوزه به تحصیل و تدریس اشتغال داشته است. خود وی در این باره می‌فرماید:«من حدود شش سال در حوزه مشهد ماندم؛ در این مدت، کار اصلی من، تدریس بود. عده‌ای از طلبه‌ها خدمت آقا شیخ مجتبی قزوینی رفته بودند که درس مکاسب برای آنان شروع کند. ایشان گفته بود: اگر آقای ممجّد هم در درس شرکت کند، من برای شما مکاسب می‌گویم. اینان پیش من آمدند و گفتند: آقا چنین گفته است. به این آقایان عرض کردم اگر آقا برای من شوارق بگوید در مکاسب ایشان شرکت می‌کنم. آقا پذیرفت که برای من شوارق بگوید و من هم در مکاسب ایشان شرکت کردم.»(۹)آیت اللّه ممجّد درس شوارق و قسمتی از مکاسب را در نزد آیت اللّه حاج شیخ مجتبی قزوینی، و مابقی مکاسب را در نزد آیت اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی و جلد اول کفایه را در نزد آیت اللّه حاج شیخ علی‌اکبر نوقانی تلمّذ کرده و خود نیز لمعه را برای عده‌ای تدریس می‌کردند. ورود معظم‌له به قم در سال ۱۳۲۵ شمسی بود که تا سال ۱۳۴۵ شمسی به مدت ۲۰ سال ادامه داشت. در این دوران باشهریه ماهی صد تومان تدریس می کرد. او در سال ۱۳۴۵ شمسی تا آخر عمر شریف‌شان در لنگرود ساکن و مشغول تدریس سطوح مختلف، تألیف، تربیت شاگرد، ارشاد و هدایت مردم و... بود.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ایت الله لنگرودی با کمک‌های متولیان مدرسه لنگرود حضرات آیات: فقیهی رشتی (ره) و سید محمدحسین لنگرودی (مدّظله العالی) مدرسه را بازسازی و حجرات زیادی احداث کردند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : آیت الله ممجد لنگرودی از اوّل بنای سکونت در آن شهر را نداشتند و به علت مسائل پیش آمده و تأکید فراوان بزرگانی همانند آیات عظام: گلپایگانی، نجفی مرعشی و فقیهی رشتی که معظم‌له تا آخر عمر در شهرستان لنگرود ماندند. او درباره هجرتش به لنگرود فرمود: «مرحوم آیت اللّه آقا شیخ یحیی ذکّی مدرسه‌ای را در لنگرود بنا کردند و بنده تابستان‌ها وقتی به لنگرود می‌رفتم در همین مدرسه برای طلاب درسی را شروع می‌کردم. یک سال دیدم طلبه‌ها خوب درس نمی‌خوانند و روش درستی در فراگیری ندارند تصمیم گرفتم چهار ماهی بمانم و اینان را وادارم که با روش درستی درس بخوانند؛ همین کار را کردم. شاگردان مدرسه را تا کتاب صمدیه رساندم خواستم به قم برگردم، رفتم با متولّی مدرسه خداحافظی کنم. یکی از متدیّنان در آن جا حضور داشت و ناراحت شد از این که من دارم مدرسه را با این وضع ترک می‌کنم و آن را به حال خود رها می‌سازم. رو به من کرد و گفت: «آقای ممجّد! من با هزینه خودم برای شما ماشین کرایه می‌کنم و شما را به قم می‌فرستم ولی شما جواب امام زمان(عج) را چه خواهی داد؟!» چنان این سخن از سر سوز و اخلاص بود که مرا به شدت منقلب کرد و هنوز هم هر وقت یادم می‌آید، گریه‌ام می‌گیرد. از این روی قول دادم یک سال دیگر هم بمانم تا وضع مدرسه سر و سامان بیابد.آرا و گرایشهای خاص : حضرت آیت اللّه ممجّد (ره) یکی از استوانه‌های علمی استان به شمار می‌رفت که به برخی از ویژگی‌های آن استاد فرزانه اشاره می‌کنم.۱ - روش تدریس ایشان در زمان تصدّی‌شان، زبانزد عام و خاص بوده است.۲ - شاگردان ایشان از جمله کسانی بوده‌اند که به ثمره و نتیجه خوبی رسیده‌اند. موفقیت‌هایی که اکنون خودم دارم، مرهون زحمات ایشان می‌دانم.۳ - ایشان هم مدرس بود و هم به منزله پدر و برادر طلبه. زیرا مسائل گوناگون یک طلبه را زیر نظر داشت؛ در واقع هم مدرّس، هم مربّی و

هم مشاور بود ایشان معتقد بود که برای به نتیجه رسیدن یک طلبه باید تا سطح به طور دقیق، روش خاصی را با استاد راهنما طی کرد.۴ – ایشان از نظر علمی مسلط بر تدریس بودند، گاهی کتابهایی چون مکاسب را بدون مطالعه قبلی تدریس می‌کردند... من مکاسب محرمه را در فصل تابستان که در سپاه لنگرود مشغول بودم، پیش ایشان خوانده‌ام و این نکته را در آن‌جا از ایشان دیدم.۵ – ایشان برای پذیرش طلبه یک دوران آموزشی داشتند که پس از آن دوران به او یا ولیّ او تذکر می‌دادند که ایشان استعداد این رشته تحصیلی را دارند یا نه؟ در صورت منفی بودن، رشته دیگری را که وی استعداد و زمینه آن را داشته به او متذکر می‌شد.۶ – ایشان تأکید داشتند هر طلبه‌ای که مثلاً مشغول پایه دوم هست پایه اول را به دیگران تدریس نماید.۷ – سفارش و تأکید فراوان به مباحثه کردن هر یک از دروس به صورت دو نفری یا سه نفری را داشتند.۸ – سعی می‌کرد شاگردان را ضمن آموزش قرآن و تجوید آن‌ها را با مباحث کلی مربوط به قرآن آشنا نمایند و هر روز اول صبح جلسه‌ای با همه طلاب در همه سطوح در زمینه قرآن داشتند؛ از آموخته‌های ادبی و نحوی طلاب در آن جلسه به صورت تجزیه و ترکیب امتحان عملی می‌گرفتند و آیاتی را در زمینه‌های گوناگون و مناسب و مورد نیاز روز طلاب، برای آنان توضیح و تفسیر می‌کردند.۹ – در ضمن تدریس دروس اصلی، درس اصلی‌تر از همه، یعنی اخلاق را نیز خود به عهده داشتند و آن را در ضمن دروس مختلف به مناسبت‌هایی که پیش می‌آمد، مطرح می‌کردند.۱۰ – یکی از روش‌های بسیار جالب ایشان که من در این حد از کسی سراغ ندارم، نظارت دقیق و مستمر بر دروس و اخلاق طلاب بود. گاهی از شب‌ها به مدرسه سرکشی می‌کرد که نکند طلاب مشکلاتی داشته باشند.۱۱ – نقش ایشان در جبهه و جنگ ارادت و عشق به خاندان پیامبر (ص) : یکی از صفات برجسته و بارز آیت اللّه ممجّد)، عشق و اخلاص آن مرد بزرگ به خاندان عصمت و طهارت بود.آثار :شرح بر رسائل ، شرح بر مکاسب ، شرحی بر قوانین ، شرحی بر کفایه ، شرحی بر لمعتین

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

میرابوالقاسمی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدتقی میرابوالقاسمی در سال ۱۳۰۹ ، در شهر رشت به دنیا آمد. پس از طی دوره ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و در رشته های معقول و امور تربیتی به ادامه تحصیل پرداخت و سرانجام در سال ۱۳۳۸ از دانشکده معقول و منقول فارغ التحصیل شد و با توجه به اینکه در همین سال جزء قبول شدگان دورهٔ دکتری معقول بود ، اما به علت اشتغال در آموزش و پرورش گیلان از ادامه تحصیل منصرف گردید. او در سال ۱۳۶۸ بازنشسته شد ، بعد از آن چون از سال ۱۳۶۲ در دانشگاه های گیلان ، آزاد اسلامی ، پیام نور و آموزش ضمن خدمت به عنوان استاد مدعو به تدریس اشتغال داشت لذا تا سال ۱۳۷۲ به تدریس ادامه داد و پس از آن به تحقیق و پژوهش روی آورد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : سیدمحمدتقی میرابوالقاسمی فرزند سید شرف الدین ،در شهر رشت به دنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محمدتقی میرابوالقاسمی تحصیلات خود را در حوزه مذهبی گیلان (رشت) و مروی تهران تا پایان دوره سطح ادامه داد. مدتی پس از طی دوره ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و در رشته های معقول و امور تربیتی به ادامه تحصیل پرداخت و سرانجام در سال ۱۳۳۸ از دانشکده معقول و منقول فارغ التحصیل شد و با توجه به اینکه در همین سال جزء قبول شدگان دورهٔ دکتری معقول بود ، اما به علت اشتغال در آموزش و پرورش گیلان از ادامه تحصیل در رشته دکترا منصرف گردید.همسر و فرزندان : سید محمدتقی میر ابوالقاسمی دارای پنج فرزند که سه پسر و دو دختر می باشند. پسر بزرگ فارغ التحصیل رشته پرستاری و در حال حاضر تکنسین اتاق عمل در بیمارستان دکتر

حشمت رشت شاغل می باشد. دو فرزند پسر دیگر در کارخانه های صنعتی استان مشغول به کار هستند. یک دخترشان ،معلم و دختر دیگر ایشان کاردان آزمایشگاه بیمارستان رازی رشت و دانشجوی رشته زبان انگلیسی می باشد.فعالیتهای آموزشی : فعالیت آموزشی سید محمدتقی میر ابوالقاسمی در آموزش و پورش استان گیلان آغاز گردید. او در سال ۱۳۶۸ بازنشسته شد ، امام چون از سال ۱۳۶۲ در دانشگاه های گیلان ، آزاد اسلامی ، پیام نور و آموزش ضمن خدمت به عنوان استاد مدعو به تدریس اشتغال داشت لذا تا سال ۱۳۷۲ به تدریس ادامه داد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید محمدتقی میر ابوالقاسمی از سال ۱۳۷۲ به بعد به دنبال فعالیت های فرهنگی و پژوهشی رفت که بسیار مورد علاقه وی بود و بدین جهت از تدریس کناره گرفت.آثار : آموزش دینی از آغاز تا عصر حاضر ، امید های نو در دنیای اسلام ، پژوهشی در زندگی مذهبی جوانان ، تاریخ و جغرافیای طالقان ، تربیت و تعلیم دینی ویژگی اثر : دو جلد۶ جنبش جنگل و میرزا کوچک خان ویژگی اثر : خاطرات میراحمد مدنی۷ سرزمین و مردم گیل و دیلم نهضت های روستایی در ایران ، گیلان از آغاز تا انقلاب مشروطیت ویژگی اثر : جلد ۱۹ گیلان از انقلاب مشروطیت تا زمان ما ویژگی اثر : جلد دو۱۰ نقش الگوها در تربیت ،نهضت جنگل و اوضاع اجتماعی و فرهنگی گیلان و قزوین ویژگی اثر : خاطرات صادق کوچکپور

منابع زندگینامه :آشنایی با مشاهیر فرهنگی گیلان ، تهیه و تدوین: علیرضا پارسی ، رشت: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، اداراه کل فرهنگ و ارشاد اسلامی ، ص ۳۱

نجم آبادی، میرزا ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه دانا و مجتهد توانا ومدرس فقه مکتب اهل البیت(ع) مرحوم آیت الله حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی در سال ۱۳۱۷ ق در یک خانواده مذهبی تولد یافت.وی پس از آموختن و انجام مقدمات علوم عربیه از صرف و نحو و غیره در مدرسه مرحوم حاج شیخ هادی ،شروع به خواندن سطح نموده ،منقول را خدمت والد و نیز مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی (از بزرگان مدرسین تهران و مدرسه مروی بود) آموخت. .وی در سال ۱۳۴۲ ق(۸۶سا"ل قبل) در سوگ پدر می نشیند و پس از آ ن سفری به بلاد عربی از جمله سوریه، لبنان و مصر نموده که در آن سفرها مجاورات علمی با اهل تسنن داشته است.ایشان پس از آموختن و انجام مقدمات علوم عربیه از صرف و نحو در مدرسه مرحوم حاج شیخ هادی شروع به خواندن سطح نموده و منقول ومعقول را خدمت مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی و مرحوم حاج فاضل عراقی فرا می گیرد و سپس در سال ۱۳۴۲ق از تهران خارج می شود و به سوی مکه معظمه و عتبات عالیات رهسپار می گردد و در نجف اشرف به ادامه تحصیل می پردازد .وی در آنجا ترجمه کتاب گران سنگ المراجعات مرحوم سید شریف الدین عاملی را شروع می کنند . وی در مدت اقامت شان در حوزه علمیه نجف اشرف و شرکت در دروس فقه و اصول اساتید بزرگواری چون آیت الله حاج میرزا حسن نائینی و ضیاء الدین عراقی بیش تر دروس های فقه و اصول آنان را از عبادات تا سیاسات به خانه تحریر در می اورد و مرحوم نائینی در اجازه مفصلی از وی اظهارات رضایت می نماید آن گاه با کسب اجتهاد در سال ۱۳۴۹ ق به تهران آمده و در محله سنگلج و حسن آباد در مدرسه مسجد جد بزرگوارش شیخ هادی نجم آبادی – رحمه الله علیه– به تدریس و رسیدگی به امور دینی مردم می پردازد.نامبرده در سن ۶۵ سالگی به علت ابتلابه سرطان در

شب جمعه ۲۴ ماه شعبان ۱۳۸۵ق به رحمت ایزدی پیوست و کالبد ایشان در مسجد بالاسر حضرت فاطمه معصومه (س) و در پایین پای آیت الله العظمی حاج شیخ کریم حائری در قم به خاک سپرده شد. گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیگرایش : فقه و اصولوالدین و انساب : مرحوم حاج میرزا ابوالفضل نجم آ بادی فرزند برومند مرحوم شیخ محمدتقی وجد بزرگوارش حاج شیخ هادی نجم آبادی از علمای مبارز این خاندان است. دکتر محمدعلی نجم آ بادی فرزند آیت الله نجم آبادی درباره شجره نامه وزندگینامه فقیه دانا چنین اشاراتی دارد: جد ما استاد باقر آهنگری در نجم آباد بود. به یمن همنامی او با باقر العلوم(ع) خدا به او دوپسر به نام های ابراهیم و مهدی باهوش وافر عطا می کند. پس از فوت پدر این دو به قزوین وسپس به اصفهان رفته و هر یک در زمان خود عالمی کامل و بالغ می شود. پس از اتمام تحصیلات برادر بزرگتر ملاابراهیم به قزوین برمی گردد و برادر کوچکتر حاج ملامهدی راهی مکه معظمه می شود. در سفری که فتحعلی شاه قاجار به قزوین می نموده و رسمش بر آن بود که جلساتی از علمای محل برای بحث تشکیل می داد.در این جلسه آخوند ملاابراهیم هم شرکت داشته است .شاه که او را از همه برتر شناخته بود از وزیرش راجع به این جوان سوال می کند و او در جواب می گوید: او از رعایای من است. شاه به تندی به او می گوید از امروز تو رعیت او هستی و برای او مدرسه و مسجدی در همان نجم آباد بنا نمود.میرزا عبدالکریم اطاعت امر نموده و حوزه علمیه نجم آباد برپا می شود و اخوند ملاـ ابراهیم مشغول تدریس و تربیت افراد منطقه می شود. در جنوب راه کرج به قزوین در ناحیه ساوجبلاغ روستایی به نام نجم آباد قرار دارد که در قرون اخیر نقش بسزایی در پروراندن شماری از فقیهان فاضل و عالمان عامل داشته است. از تبارنامه خاندان نجم آبادی برمی آید که دو برادر به نام آخوند ملاابراهیم و آ خوند ملامهدی نخستین حلقه های روحانی این خانواده بوده اند که این دو فرزندان استاد باقر نجم آبادی آهنگر بوده اند.سومین فرد از این خاندان شریف مرحوم حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی است.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : آیت الله حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی در سال ۱۳۱۷ ق در یک خانواده مذهبی چشم برجهان گشوده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی در خاطراتش آورده است ":پس از آموختن و انجام مقدمات علوم عربیه از صرف و نحو و غیره در مدرسه مرحوم حاج شیخ هادی (میرزا عیسی وزیر) ،بطوری که متاسفانه بیش از قسمت های تخریب شده است ،شروع به خواندن سطح نموده ،منقول را خدمت والد و نیز مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی (از بزرگان مدرسین تهران و مدرسه مروی بود) و معقول را خدمت مرحوم حاج فاظل عراقی در مدرسه سید نصرالدین و مرحوم حاج میرزا سید محمد فاطمی قمی می آموزد. بعد از فراغت به قدر معمول از سطوح شروع به خواندن خارج کرده و در محضر آسید محمد تنکابنی که مردی فاضل و متقی و از محققین و مدرسین علمای عصر بود تا سال ۱۳۴۲ ق ادامه داد."وی در سال ۱۳۴۲ ق(۸۶سال قبل) در سوگ پدر می نشیند و پس از آ ن سفری به بلاد عربی از جمله سوریه، لبنان و مصر نموده که در آن سفرها مجاورات علمی با اهل تسنن داشته است .آنچه از سفرنامه ایشان برمی آید مبین آن است که علاقه وافری به تقریب مذاهب داشته است.اما خیلی زود متوجه می شوند که اهل تسنن به قدری از شیعه و تفکرات شیعی دور نگه داشته شده اند که اصولا شیعه را غیر مسلمان می دانند.و به جرات می توان گفت دید آنها نسبت به شیعه چه در اصول و چه در فروع بدبینانه و گاهی مغرضانه است ،که هرگز نسبت به یهود و نصاری چنین نگاهی را نداند.ایشان پس از آموختن و انجام مقدمات علوم عربیه از صرف و نحو در مدرسه مرحوم حاج شیخ هادی شروع به خواندن سطح نموده و منقول ومعقول را خدمت مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی و مرحوم حاج فاضل عراقی فرا می گیرد و سپس در سال ۱۳۴۲ق از تهران خارج می شود و به سوی مکه معظمه و عتبات عالیات رهسپار می گردد و در نجف اشرف به ادامه تحصیل می پردازد .وی در آنجا ترجمه کتاب گران سنگ المراجعات مرحوم سید شریف الدین عاملی را شروع می کنند . وی در مدت اقامت شان در حوزه علمیه نجف اشرف و شرکت در دروس فقه و اصول اساتید بزرگواری چون آیت الله حاج میرزا حسن نائینی و ضیاء الدین عراقی بیش تر دروس های فقه و اصول آنان را از عبادات تا سیاسات به خانه تحریر در می اورد و مرحوم نائینی در اجازه مفصلی از وی اظهارات رضایت می نمایند آن گاه با کسب اجتهاد در

سال ۱۳۴۹ ق به تهران آمـده و در محله سـنگلج و حسن آباد در مدرسه مسـجد جد بزرگوارش شـیخ هادی نجم آبادی – رحمه الله علیه– به تـدریس و رسیدگی به امور دینی مردم می پردازد. فعالیتهای ضـمن تحصـیل : وی در طول اقامتش در نجف اشـرف ترجمه کتاب گران سـنگ المراجعات مرحوم سـید شـریف الدین عاملی را شـروع می کننداسـتادان و مربیان : مرحوم نجم آبادی ،منقول را خدمت والد و نیز مرحوم حاج شـیخ مسیح طالقانی و معقول را خدمت مرحوم حاج فاظل عراقی در مدرسه سید نصرالدین و مرحوم حـاج میرزا سـید محمـد فـاطمی قمی تلمـذ نمود. وی در مـدت اقامت شان در حوزه علمیه نجف اشـرف و شـرکت در دروس فقه و اصول اساتید بزرگواری چون آیت الله حاج میرزا حسن نائینی و ضـیاء الدین عراقی شـرکت می کرد.هم دوره ای ها و همکاران : از اساتید هم دوره ای ایشان می توان به اختصار از مرحومیت آقای راشد ،اسـتاد اعصار،آقای علامه وحیدی،میرزا حسن شـیرازی،آقای لواسانی،شـیخ محمد علی طالقانی،سید حسین کاشانی ،ابن الدین،سید محمود طالقانی و غیره نام برد.همسر و فرزندان : مرحوم حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی پس از بازگشت از عتبات عالیات در سن ۳۵ سالگی با دختر عمه شان که از طرف مادری نوه حاج شیخ هادی و از طرف پـدری نوه حاج شـیخ باقر (برادر حاج شـیخ هادی) بودند ازدواج می فرماید. حاصل این ازدواج پنج فرزند بود که سه پسر و دو دختر که فرزند دوم پسر در ۴۰ روزگی فوت نموده و بقیه در قیـد حیاتند.وقایع میانسالی : مرحوم نجم آبادی در مدت اقـامتش در نجف اشـرف از دو خواهر ش هم نگهـداری می کرد.مادرشـان در نجف فوت نموده و در وادی السـلام نجف به خاک سپرده شـده است.وی پس از کسب درجه اجتهاد و همین طور از مرحوم آیت الله آقا سـیدابوالحسن اصـفهانی به نوشـته خودشان در سال ۱۳۴۹ ق به حکم اجبار به ایران مراجعت می فرماید.حکم اجبار این بود که چون تا آن زمان مدرسه و مسجد مرحوم حاج شیخ هـادی در تهران توسـط عموی شـان مرحوم حجت الاسـلام آقـای حاج شـیخ مهـدی نجم آبادی (ره) اداره می شـد و ایشان به علت مشـغله های دیگر و نیز امامت مسـجد منشور السـلطان قادر به ادامه نبود،به همین خاطر به مرحوم نجم ابادی مرقوم می دارد حال که تحصـیل شـما پایان یافته ،بهتر است به ایران بازگشته و وظایف شرعی خود در این جا و به خصوص در مدرسه و مسجد پدری ادامه دهید.وی پس از بازگشت از عتبات عالیات مدتی در شهر قم سکنی گزیده و در درس و بحث مرحوم ایت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری حاضـر و با علمای زمان بیشتر آشـنا گردید در هیمن زمان بود که با حضرت امام دوست شده و این دوستی تا پایان عمر وی ادامه داشت.زمـان و علت فوت : آیت حاج میرزا ابوالفضل نجم آ بادی در سن ۶۵ سالگی به علت ابتلابه سـرطان در شب جمعه ۲۴ ماه شعبان ۱۳۸۵ق به رحمت ایزدی پیوست و کالبـد ایشان در مسـجد بالاسـر حضـرت فاطمه معصومه (س) و در پایین پای آیت الله العظمی حـاج شـیخ کریم حـائری در قم به خاك سپرده شـدمشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : آیت الله نـج آبادی در سال ۱۳۳۵ به مناسبت ولاـدت بـا سـعادت حضـرت علی(ع)، از طرف حضـرت العظمی بروجردی (ره) به دعوت شـیعیان پاکسـتان همراه هیئتی از جمله آیات شـهیدی،فرید گلپایگانی،سـید احمد شهرسـتانی،و خطیب شـهیر محمد تقی فلسفی (ره) عازم آن کشور شدند.فعالیتهای آموزشی : در سال ۱۳۲۷ (یعنی ۵۹ سال قبل) که مرسه عالی سـپهسالار پس از مدتی رکود به صورت اصلی خود در آمده و آغوش خـود را برای تربیت طلاـب بـاز کرده بـود ایشـان به مـوجب وقفنـامه آن مـدرسه و هم چنین به اشـارت حضـرت آیت الله بروجردی تـدریس فقـه و اصـول به ویژه مکـاسب و رسائـل شـیخ عظم انصـاری و شـرح منظـومه حکیم سـبزواری را در آن مـدرسه آغـاز می کنند.مراکزی که فرد از بانیان آن به شـمار می آید : کتابخانه مرحوم حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی به مدرسه مروی اهدا گردیده است.همفکران فرد : دکتر نـاظرزاده کرمـانی در باره مرحوم نجم آبادی چنین اظهار می دارد: مرحوم آیت الله حاج میرزا ابوالفضـل نجم آ بادی ، ابوذروارزیست، اما فیلسوفانه اندیشید ، زندگی او ساده وقناعت مندانه اما اندیشه اش سخت خرد ورزانه و پیچیده بود. اسـتاد محمد شـریفی شـعری را در رثای مجتهد توانا آیت الله نجم آبادی سروده اند که به ابیاتی از آن اشاره می شود؛ کای بزرگان جهان هر که علی را بشـناخت از زبان حق این مرد ولایت بشنود و آنکه بر عید غدیر از دل وجان ایمان داشت او به رضوان خداوند به راحت بغنود آرا و گرایشـهای خاص : همان گونه که در طالیعه سخن آمد ،آن مرحوم علاقه وافری به تقریب مذاهب داشتند. در

سال ۱۳۳۵ ش در معیت اجلاـ از علمـا من جمله خطیب توانا مرحوم فلسـفی–رحمه الله علیه– و به دسـتور آیت الله العظمی بروجردی سفری به پاکستان داشته و در کنفرانسی به مناسبت میلاد با سعادت حضرت علی (ع) شرکت می کنند. سخران جلسه از طرف هیئت ایرانی آقای فلسـفی بوده اند. در آن مجلس با شکوه قطعا فضایل مولا و اهداف عالیه اسلام و وحدت مسلمانان دنبال شده است. آن چه از مطالعه در متون تحریر آن مرحـوم به دست می آیـد تمایـل وافری از خـدمت به مردم در زنـدگی ایشـان به چشم می خورد. مرحوم نجم آبـادی دارای ملکات روحی الهی بودنـد و برای ایشان در اشاعه فرهنگ اسـلامی فرقی بین زن و مرد نبوده است. شاهد کلاـم نامه تاییـدیه ای است به کتاب خانم فاطمه بهرامی ،مهور به عالم تاج که درمجموعه مقالات فارسـی (ص ۴۶۱) موجود است. شمه ای از نصایـح اخلاقی ماج میرزا ابوالفضل نجم آبادی تقدیم حضور می شود: « بدان که اول شـرط برای مجاهده در این مقام و مقامات دیگر که می توان منشاء غلبه بر شـیطان و جنودش شود حفظ طایر خیال است.... گرچه این امر در اول قدری مشـکل به نظر می رسـد و شـیطان و جنودش آن را بزرگ جلوه می دهند ،ولی با قدری مراقبت و مواظبت ،(به اسـتعانت حق) امر سـهل (و آسان) می شود... پس ای عزیز!فکر کن و چاره ای بنما و راه نجاتی و وسـیله خلاص ازبرای خود پیـدا کن و به خـدای ارحم الراحمین پناه ببر و در شب های تاریک با تضـرع و زاری از آن ذات مقدس تمنا کن که تو را اعانت کند و در این جهاد با نفس تا انشاء الله شوی و مملکـت را رحمـانی گردانی و جنـود شـیطان را از آن بیرون کنی و خـانه را بـه دست صـاحبش دهی ..» به دیـدگاه آیت الله نجم آبادی ،بشر در فهم جهان پیرامونی ممکن است دچار چندگونه خطا شود. عواملی که ایشان به عنوان منشاء خطاهای اپیستمولوژیک می شـمارند ،ما را به یاد" بت های چهارگانه "فرانسـیس بیکن ،مهمترین فیلسوف دوران قرون وسطی می اندازد. این عوامل عبارت اند از : ۱–بسندگی به جهان محسوسات به جای رجوع به جهان معقولات ۲– توجه به ظواهر و آثار و غفلت از بواطن و اسباب پدید آمدن پدیده ها ۳– عـدم رجوع به عقل و اصول و مبانی عقلانی در تجزیه و تحلیل منطقی رویـدادها ۴– دخالت نفسانیات و عوامل فردی در ادراک امور و داوری درباره پدیـده ها بر مبنای دو عامل عشق و کینچگونگی عرضه آثار : آثاری که از وی برجای مانـده هشت جلد کتاب که شامل سه جلد در اصول و سه جلد در فقه و تقریرات و یک جلد مجموعه مقالات فارسی یا توحید نجم آبادی و جلـد هشـتم کتـاب کشـکول است. دو جلـد کتـاب المراجعـات که یکی از کتب مرجع می باشـد به تـازگی از زیرچاپ در آمـده وعلاـوه برچـاپ ده جلـد کتـاب، مقالاتی از وی نیز در مجله نور دانش به چاپ رسـیده است. آثار : الاصول ۱ ویژگی اثر : کبـاحث الالفاظ،قریر آیت الله آقاضـیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسـسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معـارف اهل البیت قم ،۱۴۲۳ ق۲ الاصول ۲ ویژگی اثر : مبـاحث العقلیـه ،قریر آیـت الله آقاضـیاالدین عراقی ،گردآوری : آیـت الله میرزا ابوالفضـل نجم آبـادی،موسـسه آیه الله العظمی الـبروجردی لنشـر معـارف اهـل الـبیت قم ،۱۴۲۳ ق۳ الاـصول ۳ ویژگی اثر : لاسـتحصاب ،قریر آیت الله آقاضـیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشـر معـارف اهـل البیت قم ،۱۴۲۳ ق۴ الرسائـل الفقهیـه ویژگی اثر : جلــد ۳،تقریر آیـات اعظـام آیت الله محمـد حسـین نـائینی و آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ، ۱۴۲۱ ق۵ المراجعـات ویژگی اثر : جلـد ۱،تـالیف آیت اللله علاـمه سید شـرف الـدین عاملی ،ترجمه آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبـادی ،موسـسه آیت العظمی البروجردی لنشـر معارف اهل البیت،قم ،۱۴۲۸ ق۶ المراجعـات ویژگی اثر : جلـد ۲،تالیف آیت اللله علاـمه سید شـرف الـدین عـاملی ،ترجمه آیت الله میرزا ابوالفضـل نجم آبادی ،موسـسه آیت العظمی البروجردی لنشـر معارف اهل البیت،قم ،۱۴۲۸ ق۷ حاشـیه المکاسب ویژگی اثر : جلد۱،تقریر آیت الله آقاضـیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضـل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ،۱۴۲۱ ق۸ کتاب القضاء ویژگی اثر : جلد۲،تقریر آیت الله آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ، ۱۴۲۱ ق۹ کشـکول ویژگی اثر : تـالیف آیت الله میرزا ابوالفضـل نجم آبـادی ،موسـسه آیه الله العظمی الـبروجردی لنشـرمعرف اهل

البیت،قم ۱۴۲۳ ق۱۰ مجموعه مقالات فارسی (تفسیری،اعتقادی،تاریخی،اخلاقی و اجتماعی) ویژگی اثر : تالیف آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی ،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشرمعرف اهل البیت،قم ۱۴۲۱ ق

منابع زندگینامه :زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی آِیه الله حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی،انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تهران ،فروردین ماه سال ۱۳۸۷

نکوگویان خیاط، رجبعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ رجبعلی نکوگویان خیاط (شیخ رجبعلی خیاط) در۱۳۶۲ ه.ق درخانواده ای فقیر تهران متولدشد . پدرش که کارگری ساده بود ،در۱۲ سالگی درگذشت و رجبعلی ازهمان زمان تا زمان وفات به خیاطی پرداخت تا امرار معاش نماید . شیخ رجبعلی خیاط به جز سواد خواندن ونوشتنکه برای مطالعهٔ دواوین شعرای عارفی چون حافظ شیرازی و ملا احمد نراقی ، تحصیلاتی رسمی نداشته است . یا حداقل از آن اطلاعی دردست نیست . بلکه عرفان را به طورعملی و تجربی آموخته است . چنانکه درسن ۲۲ سالگی درماجرایی ، با مقاومت دربرابر گناه و هوای نفس ،به مقامات و کراماتی نائل گردید که بعدها شاگردان بسیاری چون دکتر علی مدرسی ،دکتر حمید فرزام و علی رافعی رابه گردوی جمع کرد . وی در سال ۱۳۴۰ ه.ق درگذشت و در جوار مزار ابن بابویه درری مدفون گردید .گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیگرایش : عرفان عملیوالدین و انساب : پدر رجبعلی نکوگویان خیاط ، کارگر ساده ای بود که به هنگام دوازده سالگی دار فانی را وداع گفت .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر شیخ رجبعلی نکوگویان خیاط کارگر ساده ای بودکه دوازده سالگی رجبعلی را تنها گذاشت .تحصیلات رسمی و حرفه ای : رجبعلی نکوگویان خیاط هیچ گونه ، تحصیلات رسمی برخوردار نبود بلکه تنها به کمک سواد خواندن ونوشتن خود به مطالعه آثار شعرای عارف بو یژه حافظ شیرازی و نیزکتاب طاقدیس ملااحمد نراقی می پرداخت .خاطرات و وقایع تحصیل : رجبعلی نکوگویان خیاط درسن ۱۲ سالگی پدرخودرا از دست داد وبرای گذراندن شغل خیاطی را پیشه خود کرد و تا آخر عمر به این کار اشتغال داشت .استادان و مربیان : رجبعلی نکوگویان خیاط مربی خاصی درمسیر عرفان نداشت بلکه به تعبیر شاگردانش به اطاعت محض از رهنمود های اهل بیت لغایت می نمود و نیز درمسائل شرعی ازآیت الله حجت تقلید می کرد .هم دوره ای ها و همکاران : عبد الکریم روشن از شاگردان و همقدمان رجبعلی نکوگویان خیاط بوده است .همسر و فرزندان : حاج محمود آقا ،فرزند رجبعلی نکوگویان خیاط است که نقل می کند : شیخ گاهی به من می گفت : می روی مثلا ۳ریال پلوی حزی و ۲ ریال دیگرش را از جگرکی آب جگر می گیری و این غذای شیخ بود . شیخ بد لقمه حلال و بی شبهه بسیار اهمیت می داد .وقایع میانسالی : رجبعلی نکوگویان خیاط در حدود ۲۳ سالگی درماجرایی یوسف گونه ، با مقاومت دربرابر گناه و هوای نفس ، از سوی خداوند بصیرت وبینایی یافت و دیده برزخی اش روشن شد وبرخی اسرار برای او کشف شد .زمان و علت فوت : رجبعلی نکوگویان خیاط پس از عمری ۷۸ساله ، دربیست ودوم شهریور سال ۱۳۴۰ شمسی کالبد خالی را واگذاشت و به دیدار معشوق شتافت . مزار اودرابن بابویه است .فعالیتهای آموزشی : رجبعلی نکوگویان خیاط بیشتر دعاهای صحیفه را می خواند ند و تکرا ر می کردند . درطول هفته به مناسبت هایی دعا را تغییر می دادند . دعا ها را با یک حال می خواندند که همه از منقلب می کرد. بیشتردعای خمسه عشر را می خواندند . گاهی روی بعضی از فرازهاتکیه می کردند و آن جمهل ها را به تکرار می گفتند . جمله هایی مثل : الهی و ربی ، یامن اسمه دواو ذکره شفا . و از این قبیل بیشتر وقت ها این دعا را می خواندند : پروردگارا : مارابرای لقای خودت آماده کن و تعلیم بده

. می فرمودند :رفقا: اگرمن این دعاها را تکرار می کنم برای این است که قدر خودتان را بدانید تا هوای نفس شمارا از راه نبرد .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رجبعلی نکوگویان خیاط در زمانی که جوانتر بود صدای عجیب وگیرایی داشت که همه را منقلب می کرد . دعا ها ولحن شیخ کشش خاصی داشت . او به سوز و حالی دعا می کرد که حتی درودیوار نیز به لرزه در آمد . شیخ که حالات عرفانی خاصی داشت به اطرافیان سفارش می کرد که نماز را به عشق بهشت و از ترس جهنم نخوانند وبه که نماز را به عشق خود خدا بخوانید . او می گفت : گراز دوست ، چشمت بر احسان اوست ، تو دربند خویش نه دربند دوست ،شاگردان : یکی از معروفترین شاگرد رجبعلی نکوگویان خیاط ، دکترمرحوم فرزام ، استاد زبان و ادبیات فارسی دردانشگاه اصفهان و دانشگاه تهران است . دکتر ابوالحسن شیخ ، مدیر گروه شیمی دانشگاه تهران وپدر شیمی ایرن نیزاز جمهل شاگردان نکوگویان وبودند . صنوبری نیزاز شاگردان مهم شیخ هستند .شاگردان شیخ ،دکتر گویا . دکتر مدرسی، دکتر میرمطهری ، مهندس فروغی زاده و دکتر خوانساری هستند .همفکران فرد : جناب رنجی یکی از همفکران و دوستان نکوگویان بود . رنجی شاعر خوش صدایی بود و غزلیات عرفانی بسیار خوبی می گفت . وقتی رنجی مرثیه می خواند ، نکوگویان بغض کرد و گریه می کرد . یکی دیگراز همفکران خیاط .استاد عبد الکریم روشن بود . این دو نسبت به هم ارادت داشته و در جلسه درس یکدیگر حاضرمی شد ند . به طوری که شیخ رجبعلی از استاد روشن خواسته است که بعد از فوتشان ، جلساتی برای شاگردانشان داشته باشد که مقبول روشن نیز قرار گرفت .آرا و گرایشهای خاص : رجبعلی نکوگویان خیاط به حافظ ارادت فراوانی داشت و درمیان همه گویندگان و همه عرفانی زمان ، حافظ را سرآمد می دانست و به هر مناسبتی شعر زیبایی ازاو می خواندند و به تعبیرات عرفانی خودشان متوسل می شدند . شیخ احضار ارواح می دانست وطی الارض داشتند و شیخ با اینکه خود اهل کشف و شهود و کرامات متعدد می بود ، سیرو سلوکش ، تعبد محض از رهنمودهای اهل بیت بود و درمسائل شرعی از آیت الله حجت تقلید می کرد . وی بسیار مهربان ، متین ، بی اعتنا به دنیا و دارای کمالات معنوی بود .

منابع زندگینامه :مقام شیخ و عرفان ،یادنامه شیخ رجبعلی خیاط نکوگویان درگفت و گو با دکتر علی رافعی . ماهنامه کیهان فرهنگی . سال بیستم شهریور ۱۳۸۲ ، پیاپی ۲۰۳ ، ص ۶

واحدی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد در خانواده ای مشهور به فضل و تقوی در کرمانشاهان متولد شد. وی در مسائل سیاسی و اجتماعی یکی از مخالفان حزب سازی و مسلک تراشی بود. هم دوره با نواب صفوی و علاقمند به وی دوش به دوش هم، هدفشان دفاع از اسلام بود.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : سیّدمحمّد در خانواده‌ای مشهور به فضل و تقوی در کرمانشاه متولد شد. بیش از ۵ سال نداشت که پدر بزرگوارش، آیةاللّه حاج سیدمحمدرضا مجتهد قمی (واحدی)، را از دست داد و مادرش «خانم آل‌آقا» بار سنگین اداره زندگی و تربیت فرزندان را مردانه به دوش کشید و به قدری در انجام وظائف خطیر سرپرستی خانواده کوشا و دقیق بود که زبانزد همه گشت.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدمحمد واحدی ابتدا در «سُنقر کُلیائی» به تحصیل پرداخت و بعد به همراه خانواده‌اش به قم آمد. در دبیرستان «حکیم‌نظامی» قم ادامه تحصیل داد، همزمان با تحصیل وقتی در حال رشد و تشخیص یافت خود و برادرش، سیّدعبدالحسین، را برای مبارزه با ظلم و ستم و فساد، با اجازه مادر به تهران آمده و به دیگر برادران

خود به گرده فدائیان اسلام پیوستند.هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای سید محمد واحدی می توان به مظفر ذوالقدر، خلیل طهماسبی، سیدمجتبی نواب صفوی، اصغر عمری و علی بهاری اشاره کرد.وقایع میانسالی : سیدمحمد در اندک مدتی چنان لیاقتی از خود نشان داد که درباره‌اش می‌گفتند: او زمینه روحی و نبوغ ذاتی یک رهبر را دارد. سیدمحمد قامتی بلند و سیمین و چهره‌ای خوب داشت، در عین حال همیشه لبخندی نمکین، زینت سیمایش بود. صدایی مردانه و جذاب داشت و هنگام سخنرانی چون سیاستمداری سالمند و کارآزموده سخن می‌گفت.گاهی که برادرانش به شوخی آرزوی ازدواج او را می‌کردند، اشاره به لقاءاللّه کرده، ازدواج خود را به آن سمت صفحه زندگی، یعنی زندگی جاوید، حواله می‌داد. دارای خطی بسیار زیبا و مقالاتی بسیار شیوا بود و روزنامه منشور برادری را در سال ۱۳۳۱ تا حد زیادی او اداره می‌کرد. او لحظه‌ای از رهبر خود، نواب صفوی، دور نمی‌شد. عاشق نواب بود و او را نمونه جَد شهیدش امام حسین (ع) می‌دانست. سیّدمحمد در تمام دوره سخت و سنگین حمله به «علاء»، اختفاء، دستگیری و دادگاه در کنار رهبر محبوب خود ماند و در لحظه شهادت نیز دوش به دوش رهبر خود ایستاد. در محاکمه تقاضا کرد که «تمام برادرانش را آزاد کنند و او را بکشند».این شهامت و مردانگی از جوان هیجده ساله، به اندازه‌ای تکان‌دهنده بود که اشک از دیدگان همه جاری ساخت. در سال ۱۳۳۴ در جلسه‌ای که برای اعدام حسین علاء گرفته شد، در کنار شهید نواب صفوی، شهید سیدعبدالحسین واحدی و شهید خلیل طهماسبی بود و قاطعانه رأی خود را نسبت به آن اقدام اعلام کرد. او پس از تیراندازی به حسین علاء، همراه نواب، در منزل حمید ذوالقدر دستگیر شد و تا آخرین نفس برای دفاع از ارزشهای اسلامی ایستادگی کرد. در دادگاه ظلم، با شجاعت از مواضع انقلابی و اسلامی دفاع کرد به گونه‌ای که یکی از سران رژیم به او گفت: جوان: مگر چند سال داری که می‌خواهی شهید شوی؟واحدی با صلابت جواب داد:«شهادت تمام وجود مرا می‌سوزاند و من نمی‌توانم تحمل کنم، برادرانم شهید شوند و من آزاد باشم.»زمان و علت فوت : شهید سیّدمحمد واحدی در سپیده دهم بیست‌و هفتم دی‌ماه ۱۳۳۴ همراه رهبر فدائیان اسلام و سایر برادرانش در سن بیست‌و یک سالگی تکبیرگویان به شهادت رسید.اجساد پاک این شهدای راه اسلام را پیش از آنکه مردم تهران از خواب بیدار شوند، به گورستان مسگرآباد، در جنوب شرقی بیرون تهران، بردند و جدا از یک‌دیگر به خاک سپردند. ساعتی بعد از رادیو تهران این خبر را منتشر ساخت. مردم «دولاب» که از دیگران به گورستان مسگرآباد نزدیک‌تر بودند، به آنجا رفتند تا شاید بتوانند جنازه‌ها را بگیرند؛ اما معلوم می‌شود که کار به پایان رسیده است. آنها از روی خط خونی که از درب غسالخانه تا سر هر قبری کشیده شده بود، قبور را یافتند و بعدها با کمک مأمورین گورستان یک یک قبرها را شناسایی کرده، علامت کوچکی روی هر یک از قبرها گذاشتند. سالها بعد که شهرداری تهران گورستان مسگرآباد را متروکه اعلام کرد، بیم آن می‌رفت که این قبور شریف برای همیشه نابود شوند. لذا بعضی از برادران وفادار طی طرحی بسیار دقیق نیمه شب به قبرستان رفته، جنازه‌های «شهید نواب»، شهید «سیدمحمد واحدی» شهید «ذوالقدر» را از قبر بیرون آورده، به شهرستان مقدس قم منتقل و در قبرستان وادی‌السلام در قسمت ضلع شمالی، به خاک سپردند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدمحمد به خاطر عشق به اسلام و پیشرفت نهضت، لحظه‌ای آرام نمی‌نشست و در همان جوّ اختناق، اعلامیه‌های فدائیان اسلام را پخش می‌کرد و به همین دلیل از طرف پلیس طاغوت دستگیر و مضروب شد.پس از اعدام انقلابی «رزم آراء» نیز دستگیر شد. دفاعیاتش در هنگام محاکمه اوج عظمت روحی او را بر همگان آشکار ساخت، طوریکه همه مبهوت و متحیّر شدند. او در طول مبارزه‌اش یک‌بار به بندرعباس تبعید شد و آنگاه که شهید نواب صفوی از این موضوع مطلع شد، به شدّت متأثر گردید/

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz - /www.hawzah.net

وفایی شوشتری، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی وفایی شوشتری مولف عالم و بزرگواری بود . او پیشوای با فضیلت و دارای مکارم اخلاقی بود . نام وی محمد مهدی ، مشهور به شرف الدین فرزند شیخ محمد شرف الدین است . او مقدمات و علوم ادبی را از صرف و نحو ، منطق ، معانی بیان ، حساب و هندسه ، فقه و اصول ، علم کلام و تفسیر را آموخته بود.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : محمد مهدی وفایی شوشتری ازخاندانی علمی و روحانی به نا م خاندان شرف الدین می باشد . خاندانی که همواره یا درمیان آن افرادی ممتاز و برجسته به پا خاسته و رهبری مذهبی مردم را بعهده داشته اند .همین امر احترام و توجه قاطبه اهالی خوزستان به ویژه شوشتر را در پی آورده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد مهدی وفایی شوشتری مقدمات و علوم ادبی رااز صرف و نحو ، منطق ، معانی و بیان و سپس حساب هندسه ، هئیت ، فقه و اصول ، علم کلام وتفسیر را نزد فضلا و بزرگان مردم زادگاه خود شوشتر فرا گرفت پس از آن درسال ۱۳۰۴ شمسی برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مهاجرت نموده و از حوزه درس اساتید بزرگ آن سامان بهره مند شد.استادان و مربیان : مهمترین اساتید محمد مهدی وفایی شوشتری در دوران تحصیل درنجف و اماکن دیگر عبارتند از : آیت الله حاج میرزا حسین نایینی ، آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی ، آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی ، آیت الله سید میرزا ابراهیم خراسانی ، آقا سید هبه الدین شهرستانی ، آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی،آیت الله آقا میرزا محمد سامرایی ، آیت الله میرزا محمود شیرازی ،آقا سید امام شوشتری ، شیخ شعبان گیلانی ،آیت الله آقا سید هادی میلانی ، آقا شیخ محمد علی غروی اردوبادی ، مرحوم حاج شیخ عباس قمی ،سید مهدی کاظمی اصفهانی ، سید ابراهیم راوی شافعی ، سید خلیل راوی شافعی و سید محمد راوی شافعی .فعالیتهای آموزشی : محمد مهدی وفایی شوشتری درمیان مردم محبوبیتی به سزا داشت و با خوشرویی و محبتی خاص مراجعین رامی پذیرفت. آورده اند که مواعظ وی که مهمترین فعالیتش بود ، مانند مواعظ جد والا و تبارش علامه حاج ملا جعفر شرف الدین تاثیری بس شگرف و درقلوب مردم می نهاده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد مهدی وفایی شوشتری بطور کلی اوقات خود راصرف امور مذهبی وهدایت مردم از تدریس اقامه نماز جماعت ، تالیف و نگارش و موعظه و سخنرانی مذهبی می کرد.آرا و گرایشهای خاص : محمد وفایی وفایی شوشتری علاقه وافری به تحقیقات تاریخی و آثار باستانی داشت و در مطالب تاریخی صاحبنظر و بیان کننده نکات جالبی است و بر همین اصل و مدتی را صرف مطالعه آثار مشکوفه سومرو بابل درموزه بغداد نموده و از کتابخانه مشهور بغداد مطالعات ارزشمندی داشته است.آثار : تاریخ شوشتری ویژگی اثر : این کتاب چاپ نشده است ولی درباره احوال دانشمندان شوشتری می باشد .۲ ترجمه جلد اول تفسیر فخر رازی، ترجمه کتاب «فضائل»شاذان ۴ رساله شرفیات ویژگی اثر : این کتاب سوالاتی است که شوشتری از علامه آقا سید هبت الدین شهرستانی نموده و ایشان جواب داده اند.۵ عقاید اسلامیه ویژگی اثر : این کتاب ترجمه کتاب نکت الاعتقاد تالیف شیخ مفید است .۶ مطالعات و مشاهدات

منابع زندگینامه :شرف الدین شوشتری ، شرح حال علامه ادیب فقید وفایی شوشتری ، تهران : انتشارات کتابخانه صدر ، بی تا ، ص ۱

وکیلی، ابومحمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابومحمد وکیلی در سال ۱۳۰۸ در شهر قم به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات مقدماتی ، در بیست و چهارسالگی دوره ی سطح را به پایان رسانید. در سال ۱۳۳۲ یکباره به تحصیلات جدید روی آورد و دوره ی ابتدایی و متوسطه را کمتر از سه سال به طور داوطلب در زادگاه خود امتحان داد و پایان نامه ی دوره ی متوسطه را دریافت کرد. با به پایان بردن این دوره ، وارد دانشکده ی الهیات و معارف اسلامی شد. او علاوه بر اخذ لیسانس الهیات ، به اخذ دانشنامه علوم قضایی و تربیتی نیز نایل گردید و در سال ۱۳۴۱ دوره ی فوق لیسانس علوم اجتماعی را در دانشگاه تهران به انجام رسانید. او بعد از مدتی به سبب شرایط شغلی به مصر رفته و تحصیلات خود را در مقطع دکترای الهیات ادامه داد ، اما قبل از آنکه رساله ی دکتری خود را بگذراند ، در یال ۱۳۵۱ به ایران بازگشت. وکیلی پس از آنکه تحصیلات خود را در سال ۱۳۴۱ به پایان رسانید در موسسه ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران به تحقیق در زمینه ی جامعه شناسی مذهبی به کار اشتغال ورزید. او در سال ۱۳۴۵ به مصر ماموریت یافت و به عنوان نماینده و حافظ منافع ایران در آن کشور که دوران قطع رابطه ی سیاسی بین دو کشور بود ، مشغول به کار شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، در سال ۱۳۵۸ به وزارت ارشاد اسلامی انتقال یافت و پس از چندی بنا به درخواست خود بازنشسته گردید. وی در زمره ی مولفان و نویسندگان دائره المعارف بزررگ اسلامی به شمار می رود و به نگارش مقالاتی برای درج در این اثر بزرگ همکاری می کند.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : ابومحمد وکیلی پس از طی تحصیلات مقدماتی ، در بیست و چهارسالگی دوره ی سطح را به پایان رسانید. در سال ۱۳۳۲ یکباره به تحصیلات جدید روی آورد و دوره ی ابتدایی و متوسطه را کمتر از سه سال به طور داوطلب در زادگاه خود امتحان داد و پایان نامه ی دوره ی متوسطه را دریافت کرد. با به پایان بردن این دوره ، وارد دانشکده ی الهیات و معارف اسلامی شد. او علاوه بر اخذ لیسانس الهیات ، به اخذ دانشنامه علوم قضایی و تربیتی نیز نایل گردید و در سال ۱۳۴۱ دوره ی فوق لیسانس علوم اجتماعی را در دانشگاه تهران به انجام رسانید. او بعد از مدتی به سبب شرایط شغلی به مصر رفته و تحصیلات خود را در مقطع دکترای الهیات ادامه داد ، اما قبل از آنکه رساله ی دکتری خود را بگذراند ، در یال ۱۳۵۱ به ایران بازگشت.فعالیتهای ضمن تحصیل : ابومحمد وکیلی در خلال تحصیل به کسب و کار نیز اشتغال داشت.استادان و مربیان : ابومحمد وکیلی تحصیلات مقدماتی را نزد عمویش حاج شیخ عبدالحسین وکیلی ، متخلص به آهی فراگرفت. او بیشترین تحصیلش را در زمینه علوم قدیمه نزد حاج سیدمحمد آل طه گذراند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابومحمد وکیلی پس از آنکه تحصیلات خود را در سال ۱۳۴۱ به پایان رسانید در موسسه ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران به تحقیق در زمینه ی جامعه شناسی مذهبی به کار اشتغال ورزید. او در سال ۱۳۴۵ به مصر ماموریت یافت و به عنوان نماینده و حافظ منافع ایران در آن کشور که دوران قطع رابطه ی سیاسی بین دو کشور بود ، مشغول به کار شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، در سال ۱۳۵۸ به وزارت ارشاد اسلامی انتقال یافت و پس از چندی بنا به درخواست خود بازنشسته گردید.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ابومحمد وکیلی در زمره ی مولفان و نویسندگان دائره المعارف بزررگ اسلامی به شمار می رود و به نگارش مقالاتی برای درج در این اثر بزرگ همکاری می کند.آثار : ۱ ترجمه ی التمهید فی علوم القرآن ویژگی اثر : وکیلی این کتاب را به درخواست مدرسه ی عالی شهید مطهری در پنج جلد آغاز نمود ، که جلد اول ، دوم و سوم آن توسط سازمان تبلیغات اسلامی به چاپ رسیده است و مجلدات دیگر آن نیز در دست طبع است.

منابع زندگینامه :قرآن و قرآن پژوهی ، به کوشش: بهاء الدین خرمشاهی ، ج ۲ ، تهران: دوستان و ناهید ، ص۲۳۲۲

ولدآبادی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی ولد آبادی در سال ۱۲۸۴ ، در قزوین دیده به جهان گشود. دوران کودکی را نزد پدر خود به کسب علوم دینی پرداخت ، آنگاه وارد حوزه ی علمیه مدرسه سردار گردید. مقدمات سطح را نزد اساتید به نام زمان آموخت و مدارک آن را توسط اداره ی اوقاف آن زمان دریافت کرد. وی پس از چند سال تحصیل علوم دینی در مدرسه سردار ، به شهر قم رفته و در حوزه علمیه این شهر وارد شد. حاج سید علی که در درس و بحث علوم دینی علاقه خاصی داشت چند سالی هم به جهت آشنایی با حوزه علمیه ی نجف اشرف ، مسافرتی به آن سامان نمود. او برخلاف اجداد خود به شغل دعا نویسی علاقه ی چندانی نشان نمی داد ، به همین جهت برای امرار معاش ، به کسب و کار کشاورزی پرداخت. سرانجام حجه الاسلام و المسلمین حاج سید علی ولد آبادی ، در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی ، در سن ۸۹ سالگی چشم از جهان فروبست.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : سیدعلی ولدآبدی فرزند حاج سیدتقی ولدآبادی می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید علی ولدآبادی دوران کودکی را نزد پدر خود به کسب علوم دینی پرداخت ، آنگاه وارد حوزه ی علمیه مدرسه سردار گردید. مقدمات سطح را نزد اساتید به نام زمان آموخت و مدارک آن را توسط اداره ی اوقاف آن زمان دریافت کرد. وی پس از چند سال تحصیل علوم دینی در مدرسه سردار ، به شهر قم رفته و در حوزه علمیه این شهر وارد شد. حاج سید علی که مرد جستجو گری بود در درس و بحث علوم دینی علاقه خاصی داشت لذا چند سالی هم به جهت آشنایی با حوزه علمیه ی نجف اشرف ، مسافرتی به آن سامان داشت.استادان و مربیان : سیدعلی ولدآبادی ابتدا نزد پدر خود به فراگیری علوم پرداخت ، سپس وارد مدرسه سردار شد و به جهت دروس بالاتر مدت ۱۰ سال از محضر آیت الله حاج سید ابوالحسن رفیعی کسب فیض نمود. وی پس از آنکه به حوزه علمیه قم وارد گردید از محضر بزرگانی چون آیت الله بروجردی و آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری استفاده نمود.زمان و علت فوت : سید علی ولد آبادی ، در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی ، در سن ۸۹ سالگی چشم از جهان فروبست.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید علی ولدآبادی برخلاف اجداد خود به شغل دعا نویسی علاقه ی چندانی نداشت و به جهت امرار معاش ، به کسب و کار کشاورزی پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدعلی ولدآبادی چند سال آخر عمر خود را به انزوا گذراند ، اما در این مدت به مطالعه و تحقیق پرداخت.

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین ، تحقیق و گردآوری: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم ، ص ۳۴۹

ولی، شاه نعمت الله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید نورالدین نعمت الله کهستانی (یا کوه بنانی یا کرمانی) مشهور به شاه نعمت ا... ولی، در سال ۷۳۱ و قصبه کهسان یا کوهستان در نزدیکی هرات متولد شد. و با توجه به احترام و رفاهی که پدرش ، که از مردم با نفوذ روزگار بود، داشت، بهعلم روی آورده و در محضر شیخ رکن (شیرازی)، شمسی الدین حکی، سید جلال الدین خوارزمی و قاضی عضد الدین ایجی) ادبیات و کلام و حکمت و فقه آموخت سپس: به صوفیان قائدی پیوست. و سپس از آن سفرهای بسیاری به مصر، مغرب، مدینه، مکه، بلخ ماورالنهر کرد و به کوه بستان در کرمان رفت و در آنجا مسکن گزید و در ماهان خانقاهی ساخت. سپس در سفری به شیراز با اسکندرین

عمر شیخ نواده امیر تیمور گورکانی دیدار کرد. و سرانجام در ۸۳۴ یا ۸۲۷ درگذشت. وی بعنوان موسس سلسله نعمت اللهیه یکی از مشهورترین عارفان جهان اسلام به شمار می رفت که مریدانی در ایران و هند از جمله شاهزادگان هندی و تیموری داشت. کتابها و رسالات بسیار زیادی را تالیف کرد که مشهورترین آنها دیوان اشعار وی می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیگرایش : عرفان اسلامیوالدین و انساب : سلسله نسبت سید نورالدین نعمت الله کهستانی به ترتیب زیر به امام محمد باقر می رسید: نورالدین نعمت الله بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن موسی بن یحیی بن هاشم بن موسی بن جعفر بن صالح بن محمد الباقر بن علی بن حسین بن علی (ع). اجداد وی از شهر حلب به گیج و مکران آمده بودند. پدر شاه نعمت الله با ملوک شبانکاره فارسی نیز از طریق سببی خویشاوند گردیده بود.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر سید نورالدین نعمت الله کهستانی ولی از سادات حلب بود که در کوه بنان کرمان متوطن شده و نیز با ملوک شبانکاره روابط خویشاوندی سببی برقرار نموده بود. از این رو او و خانواده اش از رفاه و احترام خاصی در آن منطقه برخوردار بوده اند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید نورالدین نعمت الله کهستانی در سال ۷۳۱ آموختن علوم ظاهری را از رکن الدین شیرازی، شمس الدین مکی، سید جلال الدین خوارزمی و قاضی عضدالدین فرا گرفت و بدر بیست وچهارسالگی در مکه به خدمت شیخ عبدا... یافعی (صاحب کتاب روضه الریاحین و قطب الدین رازی) درآمد. و خرقه خود را از شیخ عبدا.. یافعی گرفت. گفته اند که وی مقدمات علوم، علم بلاغت، کلام، حکمت اللهی، اصول، فقه و اصول عرفان را در جوانی فرا گرفت و در همان هنگام فصوص الحکم ابن عربی را از برداشت. نعمت ا... چنان در عرفان به مقامات عالی دست یافت که در بسیاری منابع با عنوان «شاه» (که از القاب عالی رتبه تصوف است، یاد شده است. شاه نعمت ا... ولی پیش از این مدتی را در طریقت قادری به آموختن مشغول بود.خاطرات و وقایع تحصیل : سید نورالدین نعمت الله کهستانی هدایا و اموالی که مردم نزدش می آوردند را همگی می پذیرفت و در ظاهر چندان به حلال و حرام بودن آن توجهی نداشت. روزی سلطان شاهخ تیموری برای امتحان وی گوسفندی را که از کسی غصب گرفته شده بود را بریان نموده و نعمت ا.. را دعوت نمود. هنگامی که نعمت ا... به تناول گوشت گوسفند مشغول بود، سلطان شاهرخ به وی خبر داد که گوسفند غصبی بوده است. اما نعمت ا... گفت که وی هرگز نان حرام نمی خورد. شاهرخ برای اثبات سخن خود صاحب گوسفند را آورد تا به غصبی بودن آن شهادت دهد. اما صاحب گوسفند گفت که وی این گوسفند را برای شیخ نعمت ا... به عنوان نذری آورده است که مامورین سلطان شاهرخ آن را به زور از وی گرفتند. [سمرقندی، تذکره الشعرا، صص ۳-۲۵۲]فعالیتهای ضمن تحصیل : سید نورالدین نعمت الله کهستانی بیشتر اوقات زندگانی خود را در سفر می گذراند.سفرهای وی بیشتر جنبه عارفانه و تحصیلی داشته است.استادان و مربیان : سید نورالدین نعمت الله کهستانی، رکن الدین شیرازی، شمس الدین مکی، سید جلال الدین خوارزمی و قاضی عضدالدین و مهمترین آنها شیخ عبدا... یافعی بودند.سلسله استادان شاه نعمت ا... ولی به احمد غزالی، جنید بغدادی و شیخ حسن بصری می رسد.همسر و فرزندان : سید برهان الدین اولین فرزند سید نورالدین نعمت الله کهستانی بود که در طی سفر وی به کوهستان کرمان به دنیا آمد. امیر خلیل ا.. از دیگر فرزندان او بوده است. فرزندان ونوادگان وی در زمان امیر دولتشاه سمرقندی (عصر شاهرخ) در کرمان و هند و فارس از بزرگان به شمار می رفتند شاه نعیم الدین نعمه ا... ثانی نواده شاه نعمت ا... ولی و داماد شاه طهماسب بوده است. سید قطب الدین میرحاج گنابدی متخلص به انسی (معاصر سلطان حسین بایقرا) نیز از نوادگان شاه نعمت ا... بود.وقایع میانسالی : اکثر عمر سید نورالدین نعمت الله کهستانی به عبادت و سفر گذشت وی در مکه سالها به تحصیل نزد بزرگان صوفیه، بویژه شیخ عبدا... یافعی پرداخت. و با سلطان حسین افلاطی بصری، دیدار کرد. و مدتی در هرات و خراسان و سپس در کوهستان کرمان، تفت یزد، به دعوت اسکندربن عمر شیخ شیراز، سمرقند،کوه صاف (در نواحی بلخ) مقیم بوده است. شرح احوال و مقامات شاه نعمت ا... را عبدالرزاق بن عبدالکریم کرمانی در کتابی در سال ۹۱۱ هـق تالیف نموده است. و نیز کتابهایی توسط عبدالعزیز بن شیرملک بن محمد واعظی که برای علاءالدین احمد شاه دوم بهمنی (۸۳۸-۸۶۲ هـق) در هند نوشته

شده است. و نیز کتاب سویدالدین نصرا... بن برهان الدین خلیل ا... طاوسی ابرقوهی تالیف ۹۰۶ به دستور نعمت الله ثانی نواده شاه نعمت ا... ولی و کتاب سوانح الایام فی مشاهدات العوام (سلسله العارفین) اثر صنع ا... نعمت اللهی (تالیف ۱۰۶۶) و نیز شرح مفصلی درکتاب جامع مفیدی در تاریخ یزد اثر محمد مفیدی مستوفی یزدی.زمان و علت فوت : سید نورالدین نعمت الله کهستانی در سال ۸۲۷ هـق در هفتاد و پنج سالگی یا در سال ۸۳۴ در سن ۱۰۳ سالگی در زمان حکومت سلطان شاهرخ تیموری وفات یافت و در قریه ماهان در نزدیکی کرمان مدفون گشت و لنگرو خانقاه وی تا کنون زیارتگاه اهل دل است.مدتی پساز وفات وی به امر سلطان احمد بهمنی پادشاه رکن بقعه ای بر مزار وی بنا گردید (۸۴۰ هـق) و در زمان شاه عباس دوم ابنیه ای بر آن افزوده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید نورالدین نعمت ا... بن عبدا... کهستانی ولی با درجه صوفیانه‌ی «شاه» ریاست سلسله صوفیانه نعمت اللهیه را که خود بنیان گذاشته بود، بعهده داشته است.فعالیتهای آموزشی : سید قاسم انوار در سراب تبریز، مولانا شرف الدین علی یزدی و خواجه صائن الدین علی ترکه در اصفهانی در قفت یزد به خدمت شیخ نعمت ا.. درآمدند. و از سوی وی به مصر و شام اعزام شدند. در شیراز سیدابوالوفا سید محمود (شاه داعی الی الله)،حافظ شیرازی، پدر علامه جلال الدین دوانی، شیخ ابواسحاق بهرامی، علامیر شریف جرجانی شرف خدمت وی را یافتند اما بیش از هر کس شاه قاسم انوار شاه داعی الله شیرازی، شیخ آذری طوسی (که در خرقه وی را از دست نعمت ا... گرفت) و مولانا فضل ا... سید نظام الدین احمد شیرازی شاگردان بلافصل و رسمی شیخ نعمت ا... به شمار می روند.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید نورالدین نعمت ا... بن عبدا... کهستانی ولی، بنیانگذار سلسله صوفیانه نعمت اللهیه است. طرایق الحقایق حاج معصومعلی شاه- حبیب السیر، مراه الخیال، امیر علینسیر خان لودی، نتایج الافکار محمد قدات الله گوپا مدی، بهارستان سخن، ریحانه الاوب درباره نعمت ا... ولی مطلب دارند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید نورالدین نعمت ا... بن عبدا... کهستانی ولی اشعاری می سرود که در آنها به «سید» یا نعمت ا... تخلص می نمود.شاگردان : شاه قاسم انوار، شاه داعی الی الله شیرازی، شیخ آذری طوسی که خرقه خود را از دست سید نورالدین نعمت الله کهستانی گرفت و مولانا فضل الله سید نظام الدین احمد شیرازی از شاگردان مهم شیخ نعمت الله کوهستانی بشمار می روند. شاگردان وی بنام استاد خود شاه نعمت ا... به نام فرقه نعمت اللهیه مشهورند. پس از وفات شاه نعمت الله ولی، پسرش سید خلیل الله ارشاد مریدان را بعهده گرفت آوازه کرامات و مقامات شاه نعمت الله در ایران و هند چنان منتشر بود که در این دو سرزمین ارادتمندان و شاگردان بسیاری یافت که برخی از آنان امر او شاهزادگان و شاهان بودند. هر چه به دوران صفوی نزدیک تر شویم، نفوذ و قدرت این سسله افزایش می یابد.همفکران فرد : سید نورالدین نعمت الله کهستانی ولی همانند سید محمود نوربخش و نیز مانند صوفیان بزرگ صفوی شیعه مذهب و بنیان گذار فرقه صوفیانه‌ی شیعی می باشد.آرا و گرایشهای خاص : سید نورالدین نعمت الله کهستانی شیعه مذهب بوده است و در شرح و توضیح اصول و مبانی تصوف و عرفان بویژه با گرایش شیعی از مردان پرکار زمانه خود به شمار می رفت.چگونگی عرضه آثار : سید نورالدین نعمت الله کهستانی ولی برخی رسالات خود را به اسکندربن عمر شیخ نواده تیمور و حاکم فارس، احمد شاه بهمنی و دیگر شاهان بهمنی در اکن عرضه نموده است. شایان ذکر است که اینان از مریدان وی به شمار می رفتند.

آثار : ویژگی اثر : این رساله های نظم و نثر و درباره طریقه تصوف، سیرو سلوک، اخلاق، معارف و حکیم می باشد.[نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج۱، ص ۱۸۸]۲ آ ا... خلوت ، آفاق و انفس ، اسما کونی ، اصطلاحات صوفیه ، الرساله الشریفه النوریه ، الله هو الاول و الاخر بعربی ، الهامات ، برزخ حروب مقطعات قرآنی ، بیان خوش ، تحقیق الایمان ، تحقیق المرابت الهیه ، تحقیقات موسوم با لطایف النصوف ، تصیحت نامه دیگر ، تفسیر سوره‌ی اخلاص ، خلوت ، خلیفه ، ذوقیات، رساله موزات ، رساله احدیه ، رساله اشرف الاسماء ، رساله اصطلاحات ، رساله البیان ، رساله الحقایق ، رساله انظام ، رساله برازخ ، رساله بشارت

نـامه ، رسـاله بلوغـات ، رسـاله بیـان اقطـاب ، رسـاله بیـان حـروف ، رساله بیان کلمه طیبه ، رساله بیان مـذاهب در خلق افعال ، رساله تجلیـات ، رسـاله تحقیقـات ، رسـاله تفسـیر الله و السـموات ، رسـاله تفصـیل اوایل سور ، رساله توکل ، رساله جامع اللطایف ، رساله جنانیه ، رساله جواب سوال از اسم اعظم و غیره ، رساله حببیه ، رساله حروف اصلیه ، رساله حروف و روح ، رساله حورائیه ابو سعید ابوالخیر ، رسـاله در آن عـدد حروف ، رسـاله در بودن حقیقت انسان مظهر اللهی ، رساله در بیان اسـرار کلمه و صـلوه و حـج غیره ، رسـاله در بیـان تجلی به عربی ، رسـاله در بیـان حقیقت ، رسـاله در بیان حقیقت مثال و خیال مقیـده و کیفیت در اعتبار و یا درجات خلق در ادراک علوم و معانی ، رساله در بیان قلوب انسان[نفیسـی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسـی، ج ۱، صص ۹-۱۸۸، تا ۳۴۱ و نیز ج۲، ص ۷۴۲] ، رساله در بیان نفس ، رساله در توکل و بعضـی تحقیقات ، رساله در کلمه سبحان ا... در نکات عشر ، رساله در معنی هستی و نیستی ، رساله دیگر از ذوق ، رساله ذوق ، رساله سـند خرقه و سوال و جواب سـلطان اسـکندر، رساله سوال جـوال ، رسـاله سـوال و جـواب امـا علی حکیم ترمزی ، رسـاله عیـون ، رسـاله فی کـدام الحق للخلق و الفرق بین الوحی و الالهـام و الحدیث القدسی ، رساله قل هو الله احد ، رساله کشف الاسرار، رساله کمیلیه ، رساله مراتب ، رساله مراتب رندیه ، رساله مراتب فقر ، رسـاله معرفت ، رسـاله معرفت روح ، رساله معنی الفقر فخری و کاد الفقر ان یکون کفرا ، رساله مکاشـفه ، رساله منابت به عربی ، رساله منشآت ، رساله نسبت خرقه خود معنی اعیان ، رساله نصـیحت خلیفه و پادشاه عصـر، رساله نصـیحت سـید نور ا... (پسـر سـید خلیل ا...) ، رساله نفخ روح آدم ، رساله نکات ، رساله نکات ، رساله نور و مراتب آن ، رساله ها ، رساله واردات ، رساله‌ی اسـلامیه ، رسـاله‌ی اشـارات عجیب الحروف ، رسـاله‌ی بیـان علم توحیـد ، رساله‌ی حورائیه ، رساله‌ی حورائیه دیگر ، رساله‌ی روح ، رساله‌ی مراتب دیگر ، رساله‌ی نصیحت سید برهان الدین خلیل ا... (پسرخود) ، رساله‌ی نفس و نکات ، رساله‌ی نفیسه ، سراسماء غیر متناهی و حروف متناهی ، سلب اوصاف ، سلوک ، شـرح اسـما الله الحسـنی به عربی ، شـرح اصطلاحات محیط کمال المله و الدین بطریق ابجاد ، شـرح سوال کمیل از حقیقت ، شرح قصوص ، شرح گلشن راز ویژگی اثر : رساله ای خطاب به حکیمی ترمندی (از اصحاب شاه نعمت ا...)(تالیف ۸۳۶) غیر از دیوان اشعار وی که حاوی یازده هزار بیت است.۱۰۲ شرح لمعات ، عینیه رساله وجود فیوضات ، مجمع الاسرار ، مجمع اللطایف ، مجموع اللطایف ، محبت نامه ، مراتب ، مراتب وجود ، مفتاح الابواب ، مکاشفات تعریفات ، نسبت خرقه‌ی احمد شاه بهمنی، نصیحت نامه

منابع زنـدگینامه :نفیسـی تاریـخ نظم و نثر درایران و در زبان فارسـی، ج۱، ص ۱۸۸۲امیردولتشاه سـمرقندی، تذکره الشعرا، به همت محمد رمضانی، تهران: پدیده خاور، ۱۳۶۶،ص ۲۵۲۳ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج۴، چاپ دوم، تهران: فردوسی، ۱۳۶۶، ص ۲۲۹۴لطفعلی بیـک آذر بیگـدلی، آتشـکده‌ی آذر، بـه اهتمـام سـید جعفر شـهیدی، تهران: موسـسه نشـر کتـاب، ۱۳۳۷، ص ۱۲۳۵هدایت، تذکره ریاض العارفین، صص ۳-۲۳۲

یزدی، محمدکاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آن وجود سعادتمند در سال ۱۲۴۸ قمری . در روسـتای ((کسـنویه)) یزد پـا به عرصه گیـتی نهـاد. از همـان زمـان بزرگی در چهره کوچکش نمایان بود و با تولـدش ، رشـته های امیـد را در قلب پـدر و مادر خویش محکم ساخت . پـدرش به تبرک نام رسول خدا صلی الله علیـه و آلـه و بـا یـاد امـام هشـتم شـیعیان ، او را محمـد کـاظم نـام نهـاد.گروه : علـوم انسانیرشـته : الهیـات و معـارف اسلامیتحصـیلات رسمی و حرفه ای : سید محمد کاظم دوران کودکی و نوجوانی را پشت سر گذاشت و با تشویقهای پدر و مهم تر

از همه عنایت خاص خداوند ب علوم دینی رو آورد.و حوزه علمیه ((دومنار)) یزد یعنی بزرگترین حوزه آن شهر، پذیرای آن نوجوان مخلص از دودمان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله شد. سید محمد کاظم مدتها در درس ادبیات استاد ملا محمد ابراهیم اردکانی و زین العابدین عقدایی شرکت کرد و از آن دو بهره های فراوان برد.جدیت فراوانش در کسب علوم اهل بیت علیهم السلام او را مورد توجه اساتید مدرسه قرار داد. پس از اتمام ادبیات عرب ، در درس فقه و اصول آخوند ملاـ هادی یزدی که از علمای بزرگ آن زمان محسوب می شد دوره سطح را به پایان رسانید.دیری نپایید که مقام علمی اش او را در زمره نزدیکان خاص استاد جای داد. وی در مدت زمان کوتاهی ، علم هیئت و ریاضی را آموخت و طولی نکشید که در زمره اساتید این علوم در آمد.حوزه علمیه اصفهان نیز دورانی به وجود استادی گرانقدر چون یزدی مفتخر گردید. وی با ورودش به اصفهان در مدرسه صدر سکونت گزید.سید محمد کاظم ، ابتدا درس علامه شیخ محمد باقر نجفی فرزند شیخ محمد تقی نجفی ، نویسنده کتاب ((هدایه المسترشدین)) را بر درس سایر علما ترجیح داد.و از محضر اساتیدی چون آیه الله سید محمد باقر موسوی خوانساری و برادرش آیه الله حاج میرزا هاشم خوانساری و آیه الله محمد جعفر آباده ای استفاده های فراوانی برد.سید محمد کاظم در سال ۱۲۸۱ ق . با اجازه و معرفی استادش آیه الله شیخ محمد باقر نجفی ، به همراه چند تن از علما به نجف اشرف هجرت کرد و در آنجا از محضر بزرگانی همچون آیه الله شید محمد حسن شیرازی (میرزای بزرگ) فتوا دار تحرمی تنباکو، آیه الله شیخ راضی و آیه الله شیخ مهدی جعفری و آیه الله شیخ مهدی آل کاشف الغطاء استفاده های علمی و توشه معنوی فراوانی کسب نمود.فعالیتهای ضمن تحصیل : با توصیه استادخود ملا هادی یزدی، در ضمن فراگیری فقه و اصول ، به تدریس ادبیات پرداخت . کیفیت تدریس و شیوه بیان او، سرانجام کار را بدانجا رساند که بعد از اندک زمانی سید محمد کاظم یزدی به مثابه یکی از اساتید حوزه علمیه یزد شناخته شد.جوان یزدی پس از مشورت با دو استادش ، اردکانی و عقدایی ، به امید بهره مندی از وجود مقدس امام هشتم علیه السلام راهی مشهد مقدس شد تا با استعانت از آن امام همام ، به مقامات علمی و معنوی نایل آید. استاد یزدی تبار، هیچ گاه از تدریس غافل نبود. وی بعد از هجرت میرزای شیرازی به سامرا به طور رسمی حوزه درس خود را در نجف تشکیل داد و به تدریس دروس عالی فقه و اصول که مرحله نهایی تحصیلات حوزوی است ، پرداخت . دیری نپایید که شاگردان زیادی در درس ایشان حاضر شدند، به طوری که عدد آنان را تا دویست نفر ذکر کرده اند.استادان و مربیان : از استادانی که محمدکاظم یزدی در محضرشان کسب فیض نموده است به شرح زیر می باشد: علامه شیخ محمدباقر نجفی، آیه الله حاج میرزا هاشم خوانساری، آیه الله محمدجعفر آباده ای ، ملا محمدابراهیم اردکانی، زین العابدین عقدایی، ملا هادی یزدیهمسر و فرزندان : آیه الله سید محمد کاظم یزدی ، دارای شش فرزند پسر بود که همگی از علما و فضلا به شمار می آمدند. اسامی آنان بدین شرح است :۱. عالم مجاهد سید محمد یزدی که در میدان نبرد با استعمار، شربت شهادت نوشید.۲. سید احمد۳. سید محسن۴. سید محمود۵. آقا سید علی۶. سید اسدالله (۱۳۸۴)از دختران سید در تاریخ نامی به میان نیامده است .وقایع میانسالی : بعد از ابلاغ فتوای جهاد، جمع زیادی از علما به سوی جبهه های جنگ شتافتند. از جمله سید محمد یزدی فرزند ارشد آیه الله یزدی ، با حضور در جبهه رشادت خاصی از خود نشان داد و سرانجام نیز به درجه رفیع شهادت نایل گشت . آیه الله العظمی سید محمد کاظم یزدی با حضور روسا، بزرگان نجف و اولاد و بستگان خود چهار وصی معین کرد که عبارتند از:۱. آیه الله شیخ لاحمد کاشف الغطاء۲. علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء۳. آیه الله آقا میرزا محمود تبریزی۴. آیه الله آقا شیخ علی مازندرانیبر اساس وصیت سید این چهار تن موظف شدند که تمام موجودی وجوهات شرعی اعم از سهم امام علیه السلام ، سادات ، کفارات و مظالم را به مرجع تقلید بعدی تحویل دهند. گفتنی است در جلسه تعیین وصی یکی از نوادگان به سید محمد کاظم عرض کرد: برخی نوادگان شما یتیم هستند و تحت سرپرستی شما بوده اند، خوب است چیزی برای آنها هم تعیین کنید. سید با آن کسالت جسمی و با صدای ضعیف و رنجور که حکایت از عروجی نزدیک داشت ، فرمود: ((نوادگان من اگر متدین هستند، خدا روزی آنها را می رساند و اگر نه ، چگونه از مالی که از آن من نیست ، به آنان کمک کنم

.))زمان و علت فوت : هر چه از ماه رجب می گذشت حال سید رو به وخامت می گذاشت و رنگ رخسارش زردتر می شد. این وضع تا شب سه شنبه ۲۸ ماه رجب سال ۱۳۳۷ ق . ادامه داشت . سرانجام نزدیک طلوع فجر، خورشید فقاهت ، ایثار، زهد و مردانگی غروب کرد و به ملکوت اعلی پیوست . فرزندش حضرت آیه الله سید علی یزدی ، بر جنازه پدر نماز خواند و بدن مبارک را در صحن مطهر حضرت علی علیه السلام ، در ایوان کبیر (پشت جامع عمران ، جنب در طوسی ، پشت سر مبارک حضرت علی علیه السلام و در جوار پسر شهیدش) به خاک سپردند. او رفت اما اندیشه پاکش هرگز از یاد نمی رود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدکاظم یزدی بعد از رحلت آخوند خراسانی و آیه الله محمد طه نجف ، زعیم بزرگ جهان تشیع گردید و به مثابه بزرگترین قدرت مذهبی و یگانه پاسدار حریم تشیع ، حفظ کیان مسلمین را بر عهده گرفت . آن روز که دشمنان اسلام ، کمر به نابودی اسلام بسته بودند این مرد بزرگ چونان مجاهدی نستوه و سیاستمداری فرزانه به صحنه آمد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : آیه الله یزدی در طول عمر مبارک خود، آثار زیادی را به یادگار گذاشت و کمکهای بسیاری به سرپرستان و یتیمان مبذول داشت . وی در عمران شهرها و روستاها بویژه در ساخت مسجد، حمام و کاروانسرا، همتی والا و نسبت به رسیدگی به امور حوزه های علمیه و طلاب علوم دینی ، عنایت خاصی داشت و بناهای زیادی را بنیاد نهاد که مهمترین آنها، مدرسه علمیه و کتابخانه ایشان در نجف اشرف است . اولین مدرسه ، معروف به مدرسه سید در خیابانی بین خیابان رسول و بازار حویش قرار دارد و دومین مدرسه نیز در محله العماره واقع شده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : آیه الله یزدی ، بر مباحث فقهی تسلط کامل داشت . از این رو مسائل مشکل و پیچیده فقهی را با بیانی روان و ساده و با استدلالی قوی ، به طلاب عرضه می کرد، به گونه ای که شاگردان فراوانی جذب شیوه درس وی شدند. بعد از اعلان قانون اساسی در دولت عثمانی ، آیه الله سید محمد کاظم یزدی به مخالفت با آن برخاست و به سختگیری و آزار و اذیت مسلمانان از سوی آن دولت اعتراض نمود به طوری که حکومت عثمانی او را به تبعید خارج از عراق تهدید کرد.بعضی از مشروطه خواهان ایرانی ، فرصت را غنیمت شمرده ، از طریق ارسال تلگراف به استانبول ، تهمتهای ناروایی به او نسبت داده ، به این امید که از ناحیه حکومت عثمانی در حق وی سختگیری شود و مورد آزار و اذیت قرار گیرد.اهمیت موضع گیری سید در برابر خودیهای دگر اندیش وقتی آشکار می شود که بدانیم یکی از رهبران ترک تلاش نمود تا شاید بتواند با اقداماتش او را از نظرش منصرف سازد تا وی دست از مخالفت با قانون اساسی دولت عثمانی بر دارد. از همین رو در نجف اشرف به زیارت سید شتافت و از او خواست که با فتوایش قانون اساسی آنان را مورد تایید قرار دهد. سید پس از اندکی درنگ جواب داد: شعار شما شعار غربی و قانون شما، گرفته شده از بیگانه است . اینها که از آزادی و دموکراسی دم می زنند در پوشش مظاهر غربی ، جز نابودی اسلام چیزی در سر ندارند! در سال ۱۹۱۴ م (۱۳۳۲ ق .) همزمان با جنگ جهانی اول ، انگلستان علیه امپراتور عثمانی اعلان جنگ داد و دامنه جنگ به کشور اسلامی عراق کشیده شد. انگلیس برای تصرف بصره در شط العرب نیرو پیاده کرد. آیه الله سید محمد کاظم یزدی با فتوی خود مبنی بر وجوب جهاد، مسلمانان را به جهاد علیه کفار انگلیس ترغیب می کرد.آثار :السوال و الجواب ، الصحیفه الکاظمیه ، العروه الوثقی ویژگی اثر : العروه الوثقی مهمترین تالیف و ارزنده ترین کتاب فقهی آیه الله سید محمد کاظم یزدی به حساب می آید. این اثر فقهی به حدی معروف است که مولف آن نزد همگان ، بخصوص علما و فضلای حوزه های علمیه به ((صاحب عروه)) شناخته می شود. کتاب مزبور در بر گیرنده ابواب مختلف فقه است . و احکام و مسائل شرعی را بیان می کند. این اثر، در مجموع ، محتوی ۳۲۶۰ مساله در سه جلد تالیف شده است . مسائل کتاب به نحوی ترتیب یافته که دستیابی به آنها بسیار آسان و همواره مورد توجه مراجع تقلید بوده است و بسیاری از مراجع بزرگ بر آن حاشیه یا شرح نوشته اند.در مقدمه کتاب ((مستمسک العروه الوثقی)) تالیف آیه الله سید محسن طباطبایی حکیم که اولین شرح بر ((العروه الوثقی)) می باشد آمده است :((کتاب پرارزش عروه الوثقی از حیث دقت و تحقیق ، به گونه ای است که در حوزه های محور درسی بسیاری از فقها قرار می گیرد. با اینکه قبل از آن محور درسهای فقهی علما، کتاب ((شرایع الاسلام)) و

((تبصره المتعلمی)) بود اما با ظهور کتاب عروه الوثقی ، این کتاب ارزشمند محور درسی حوزه های علمیه گردیده و شروح و تعلیقات زیادی بر آن نگاشته شده است ...))۴ حاشیه بر مکاسب ، رساله اجتماع امر و نهی ، رساله فی التعادل و التراجیح

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz – /www.hawzah.net/

قضاوت، حقوق، علوم سیاسی

ابرقویی صدرالدین، اسماعیل

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۶۳ ق)، نویسنده و قاضی. وی از بزرگان و دانشمندان فارس بود و مؤلف «تعبیر سلطانی»، که به نام شاه شجاع مظفری، در ۷۶۳ ق، به پایان رسانیده است. از دیگر آثار وی «تاریخ ابرقوه» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۵۵)، کشف الظنون (۴۱۷)، هدیه العارفین (۲۱۴ / ۱).

ابن ابی‌مریم مروزی، ابوعصمهٔ نوح

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۷۳ ق)، فقیه و قاضی مرجئی. مشهور به جامع. وی چون عالمی ذوفنون بود به جامع شهرت یافت. پدرش زرتشتی بود. در مرو می‌زیست و عهده‌دار منصب قضای آن شهر بو. وی به ارجاء اعتقاد داشت. روایتهای او را سست و احادیث وی را عیبناک می‌دانند. او «فقه ابوحنیفه» را گرد آورد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸ /۹)، التاریخ الکبیر (۱۱۱ /۸)، تهذیب التهذیب (۴۳۵ -۴۳۳ /۱۰)، الجرح والتعدیل (ج ۴، ق ۴۸۵ /۱)، معجم المؤلفین (۱۱۹ /۱۳).

ابن عبدالباقی بخاری مکی، علاءالدین، ابوالمعالی محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۹۱ ق)، قاضی، خطیب و ادیب. معروف به خطیب مدینه. وی در ۹۹۱ ق در مدینه به ایراد خطبه می‌پرداخت. از آثار وی: «الطراز المنقوش فی فضائل الحبوش»، تألیف ۹۹۱ ق، موسوم به «نزههٔ الناظر و سلوهٔ الخاطر»؛ «عقد الفرائد فیما نظم من الفوائد»، در

ادب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۵ -۵۴ /۷)، ایضاح المکنون (۱۰۹ /۲)، کشف الظنون (۱۱۰۹)، معجم المؤلفین (۱۲۳ /۱۰)، هدیهٔ العارفین (۲۵۶ /۲).

ابن‌حَیُّویه نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۳۶۶ -۲۷۶ ق)، محدث و قاضی. در کودکی به مصر رفت و در همان جا ساکن شد. از عمویش، یحیی بن زکریای نیشابوری اعرج، از بکر بن سهل دمیاطی، و نسائی صاحب «سنن» و بسیاری دیگر حدیث شنید. عبدالغنی و علی بن محمد خراسانی و هارون بن یحیی طحّان و دیگران از وی روایت کرده‌اند. ابن‌ماکولا او را ثقه‌ای دانا و بزرگ توصیف کرده است. از آثار وی: رساله‌ای در «من وافقت کنیته کنیهٔ زوجه من الصحابهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۷ /۷)، سیر النبلاء (۱۶۰ /۱۶)، معجم المؤلفین (۲۱۵ /۱۰).

ابن‌شُمَیل مروزی، ابوالحسن نضر

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۰۴ /۲۰۳ -۱۲۲ ق)، قاضی، مورخ، محدث، ادیب و لغوی. اصل وی از بصره بود. در مرو متولد شد. در ۱۲۸ ق با پدرش به بصره رفت و نزد خلیل بن احمد عروضی تحصیل کرد. و مدتی برای درک فصحای عرب بادیه‌نشین شد. از هشام بن عروه و حمید طویل و اسماعیل بن ابوخالد و ابن‌جُریح و دیگران حدیث شنید. یحیی بن معین و ابن‌مداینی و یحیی بن یحیی نیشابوری و اسحاق بن راهویه و احمد دارمی و حسین بن حریث مروزی و دیگران از وی روایت کرده‌اند؛ و او را ثقه توصیف کرده‌اند. در «صحاح» ششگانه از وی نقل حدیث شده است. ابن‌شمیل پس از بازگشت به مرو، قاضی آن شهر شد. وی به مأمون خلیفه نزدیک شد و از مقربان او گشت. در مرو درگذشت. از آثار وی: «الصفات»، مشتمل بر چندین کتاب در چگونگی انسان و خانه‌ها و کوهها و شتر و گوسفند و پرنده و ستارگان و خورشید و ماه و شب و روز و رویدنیها؛ «کتاب السلاح»؛ «المعانی»؛ «الانواء»؛ «المصادر»؛ «غریب الحدیث».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۸ -۳۵۷ /۸)، تهذیب التهذیب (۳۹۱ -۳۹۰ /۱۰)، الجرح والتعدیل (ج ۴، ق ۴۷۸ -۴۷۷ /۱)، ریحانه (۵۶ /۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۹۱ -۹۰)، الکامل (۱۹۵ /۵)، معجم الادباء (۲۴۳ -۲۳۸ /۱۹)، وفیات الاعیان (۴۰۵ -۳۹۷ /۵).

ابن‌طبری مروزی، ابوحامد احمد

قرن:۴

جنسيت:مرد

مليت:ايران

(وف ۳۷۷ /۳۷۶ ق)، قاضـى، حافظ، محـدث و مورّخ حنفى. اصل پـدر وى از همـدان بود و خود از مردم طبرسـتان. در جوانى وارد بغـداد شـد و نزد ابوالحسن على كرخى فقه حنفى را فراگرفت. وى از احمـد بن خضـر مروزى، احمـد بن محمـد بن عمر منكـدرى، محمـد بن عبدالرحمان دغولى، احمد بن محمد بن حارث عبدالكريم و محمد بن رزام مروزى حديث شـنيد. ابوبكر برقانى و قاضـى ابوالعلاى واسطى و محمد بن حسين بن احمد بن بكير و محمد بن مؤمل انبارى و احمد بن محمد عتيقى از وى روايت كرده‌اند. وى مدتى عهده‌دار منصب قاضـى‌القضاتى خراسان بود. او سـرانجام در بخارا يا مرو درگذشت. از آثار وى: كتاب «التاريخ» كه با صفت بديع توصيف شده است.

برگرفته از كتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)

منابع زندگينامه :الاعلام (۱۱۲ -۱۱۱ /۱)، تاريخ بغداد (۱۰۸ -۱۰۷ /۴)، معجم المؤلفين (۲۰۷ /۱).

ابن‌قاصّ طبرى، ابوالعباس احمد

قرن:۴

جنسيت:مرد

مليت:ايران

(وف ۳۳۵ ق)، قاضى و فقيه شافعى. پدرش- قاص- قصه‌پردازى از مردم طبرستان بود كه با سپاهيان مسلمان به روم شرقى رفت تا با رجزهايش سپاهيان را به جنگ برانگيزد. ابن‌قاص در زادگاهش بزرگ شد، سپس به بغداد رفت و نزد ابن‌سريج فقه آموخت. پس از چنـدى به زادگـاهش بازگشت و به قضاوت و تـدريس پرداخت. ابن‌قاص از ابوخليفه جُمَحى و ديگران روايت كرد. او در عصـر خود پيشواى مذهبى طبرستان بود و اهل علم در حوزه‌ى وى فقه مى‌آموختند، در سفرى به طرسوس، در جنوب تركيه و شمال عراق و سوريه، مجلس وعظى برايش آراسـتند، كه در اثناى موعظه او را رقت و خشيت فراگرفت. بيهوش افتاد و از دنيا رفت. از آثار وى: «المفتاح»، در مذهب شافعى؛ «ادب القاضى»؛ «المواقيت»؛ «التلخيص»، در فروع فقه شافعى؛ «دلائل القبله»؛ «فتاوى».

برگرفته از كتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگينامه :الاعلام (۸۶ /۱)، دائرةالمعارف البستانى (۶۲۲ /۱)، ريحانه (۱۴۹ -۱۴۸ /۸)، سير النبلاء (۳۷۲ -۳۷۱ /۱۵)، كشف الظنون (۱۷۶۹، ۱۶۳۶، ۱۴۶۵، ۱۲۱۹، ۷۶۰، ۴۷۹، ۴۷)، الكنى والالقاب (۳۸۲ /۱)، لغت‌نامه (ذيل/ احمد)، معجم المؤلفين (۱۴۹ /۱)، الوافى بالوفيات (۲۲۷ /۶)، وفيات الاعيان (۶۹ -۶۸ /۱).

ابن‌كَبَن، جمال‌الدين محمد

قرن:۹

جنسيت:مرد

مليت:ايران

(۸۴۲ -۷۷۶ ق)، شاعر، نويسنده، فقيه و قاضى. نياكانش از مردم طبرستان بودند. وى در عدن متولد شد و در آنجا نشو و نما يافت و پس از اتمام تحصـيلات به تـدريس پرداخت، پس از آن مفتى شـده و عهـده‌دار قضاى عـدن گرديـد، و حـدود ۴۰ سـال به قضاوت

مشغول بود. با مردم به مدارا رفتار می‌کرد و به داشتن فروتنی، نرم‌خویی و مایل به اصلاح میان مردم مشهور بود. سرانجام در عدن درگذشت. از آثارش: «الدرالنظیم فی الکلام علی بسم اللّه الرحمن الرحیم» یا «شرح البسملهٔ»؛ «مفتاح الحاوی المبین عن النصوص والفحاوی»، شرح گونه‌ای بر «الحاوی المبین عن النصوص والفحاوی»، شرح گونه‌ای بر «الحاوی الصغیر» نجم‌الدین قزوینی؛ «الرقم الجمالی فی شرح الآلی» یا «شرح قصیده جعبریه»، در فرائض.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۵۲۳ /۲، ۴۵۴ /۱)، کشف الظنون (۱۰۳۵)، معجم المؤلفین (۳۳ /۱۰)، هدیهٔ العارفین (۱۹۱ /۲).

ابن‌مرزبان اصفهانی، ابواحمد عبدالرحیم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۹۶ ق)، پزشك، فقیه و قاضی. از مردم اصفهان بود و در روزگار آل‌بویه در بغداد به کار پزشکی می‌پرداخت. چندی نیز قاضی شوشتر و خوزستان بود. در شوشتر درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۱ -۱۲۰ /۴)، الکامل (۲۲۹ /۷).

ابوالحمد، عبدالحمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم سیاسی و حقوق عمومی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دریافت مدارك کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای حقوق و علوم سیاسی از دانشگاههای تهران و پاریس.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نظام سیاسی در کشورهای جهان سوم، تدریس دروس حقوق اداری ایران و مبانی سیاست و حقوق عمومی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر حدود ۴۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

حقوق اداری ایران، مبانی سیاست، فرهنگ اصطلاحات حقوق فارسی به فرانسه، کتاب‌شناسی تمدن ایرانی در زبان فرانسه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

حقوق، علوم سیاسی، معرفی و نقد کتابهای حقوقی و علوم سیاسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ابهری، ابوبکر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۷۵ -۲۸۹ /۲۸۷ ق)، قاضـی، قاری، محـدث و فقیه مالکی. در ابهر تولـد یافت و ساکن بغـداد شـد و در آنجا از ابوعمر محمـد بن یوسف قاضـی و فرزنـدش ابوالحسـین فقه آموخت. و از ابوبکر باغنـدی و ابوالقاسم بغوی و عبداللَّه بجلی و ابن تمّام بهرانی و محمد اشـنانی و دیگران در عراق و شام و جزیره حدیث شنید. دارقطنی از او حدیث نقل کرده و او را ستوده و گفته که او امام مالکیان در عصـر خود بود و از اندلس و مغرب و گوشه و کنار دنیا به سویش می‌شتافتند. از وی آثاری بر جای مانده است که به گفته‌ی قاضی عیـاض تصـانیف از در شـرح مـذهب مـالکی و ردّ مخـالفین است. از جمله آثـار وی : «الاصول»، در فقه؛ «الرد علی المزنی»؛ «شـرح کتاب ابن عبدالحکم الصغیر» و «شرح کتاب ابن عبدالحکم الکبیر»؛ «فضل المدینه علی مکهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۸ /۷)، تاریخ الاسلام (حوادث ۵۸۲ -۵۸۰ / ۳۸۰ -۳۵۱)، تاریخ بغداد (۴۶۳ -۴۶۲ /۵)، ریحانه (۷۲ /۱)، سیر النبلاء (۳۳۴ -۳۳۲ /۱۶)، الفهرست لابن النـدیم (۲۸۳)، مجمـل فصـیحی (ذیـل/ سال ۳۷۵)، معجم البلـدان (۱۰۶ /۱)، معجم المؤلفین (۲۴۱ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۰۸ /۳)، هدیهٔ العارفین (۵۰ /۲).

احمدی، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید احمدی در سال ۱۳۳۶ در مشهد بدنیا آمد.ایشان دارای مدرک دکتری علوم سیاسی از دانشگاه کارلتون (کانادا)۱۹۹۵-۱۳۷۴ است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشـکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیتحصـیلات رسـمی و حرفه ای : تحصـیلات رسـمی حمید احمدی به قرار زیر است: متوسـطه: دیپلم رشته ادبی در مشهد(دبیرسـتان حاج تقی اقا بزرگ) در ۱۳۵۶ کارشناسی (۱۳۶۳) و کارشناسی ارشد علوم‌سیاسی(۱۳۶۷) از دانشگاه تهران دکتری علوم سیاسـی از دانشـگاه کارلتون (کانادا)۱۹۹۵-۱۳۷۴ پایان‌نـامه دکتری: The Politics of Ethnic Nationalism in Iran, Ottawa,Carleton University, Canada, ۱۹۹۵. مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : - دانشـیار دانشـکده حقوق و علوم سیاسـی دانشـگاه تهران - مدیر گروه علوم سیاسی (از بهمن ۱۳۷۷ تا فروردین ۱۳۸۲) فعالیتهای آموزشـی : دروس ارائه شده توسط

حمید احمدی به قرار زیر است: کارشناسی: تاریخ روابط خارجی ایران از قاجار تا ۱۳۲۰ تاریخ روابط خارجی ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ مسائل استراتژی و نظامی معاصر جنبشهای اسلامی معاصر سیاست و حکومت در خاورمیانه خاورمیانه و سیاست بین الملل کارشناسی ارشد: سمینار جنبشهای اسلامی معاصر روابط ایران و جهان سوم سیر تحول حکومت در خاورمیانه جامعه شناسی سیاسی ایران تئوریهای مختلف در روابط بین الملل روابط متقابل کشورهای خاورمیانه فر هنگ، ملیت و قومیت در خاور میانه انقلاب اسلامی ایران و بازتاب آن نقد و ارزیابی نظریه های روابط بین الملل دکترا: سیاست خارجی ایران جامعه شناسی سیاسی ایران(جنبشهای اجتماعی) جامعه شناسی سیاسی ایران(جامعه مدنی و دموکراسی) جامعه شناسی سیاسی ایران(ناسیونالیسم، هویت ملی و قومیت) ایران و خاورمیانه عربی ایران و همسایگان نقد و ارزیابی نظریه های روابط بین الملل چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات تالیفی بزبان فارسی : بیش از ۴۱ مقاله - تعداد مقالات ترجمه بزبان فارسی :بیش از ۷ مورد - تعداد مقالات به سایر زبانها: عربی : ۳ مورد انگلیسی :۱۲ مورد - تعداد مقالات ارائه شده در کنفرانسهای داخلی: ۲۲ مورد - تعداد مقالات ارائه شده در کنفرانسهای خارجی : ۱۷ مورد - راهنمایی و مشاوره پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری : بیش از ۴۸ مورد آثار : ۱ اسرار سقوط شاه و گروگانگیری ویژگی اثر : نام اصلی: بخش هایی از کتاب The Power and Principle مترجم: دکتر حمید احمدی ۲ اسرار کودتا: اسناد محرمانه CIA در باره عملیات سرنگونی دکتر مصدق ویژگی اثر : نام اصلی:Clandestine Service History: Overthrow of Premier Mossadeq of Iran نویسنده: Donald N. Wilber مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: نشرنی، تهران سال نشر:۱۳۷۹، قیمت ۱۱۰۰ تومان این کتاب ترجمه اسناد تازه انتشار یافته سازمان اطلاعاتی امریکا است که در ژوئن ۲۰۰۰ از سوی وزارت خارجه امریکا منتشر شد. در این گزارش که مهمترین سند مر بوط به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است، چگونگی طراحی کودتا توسط سرویس اطلاعاتی انگلستان و سازمان سیا با جزئیات کامل به بحث گذاشته شده است. این کتاب برای نخستین بار ابعاد ناشناخته عملیاتی کودتا و نیز نیروها و افراد داخلی و خارجی درگیر در ان راافشا می کند. کتاب شامل تحلیل اصلی دونالد ویلبر مسئول بخش عملیات روانی کودتا و استاد مسائل ابران معاصر ، و نیز اسناد چهار گانه پیوست است. در این اسناد طرح اولیه کودتا و ابعاد نظامی کودتا و توافق نهایی برای حل مساله نفت ایران ارائه شده است. مارک گازیورسکی پژوهشگر امریکایی مسائل ایران و متخصص کودتای ۲۸ مرداد مقدمه ای بر کتاب نوشته است. حد اقل ۲ ترجمه دیگر از این اسناد صورت گرفته است اما این کامل ترین و صحیح ترین نسخه محسوب می شود چرا که مترجم از طریق مشورت با گازیورسکی و سایر منابع نام کامل و صحیح افراد ایرانی درگیر در کودتا را، که در نسخه سیا به دلایل به خطر افتادن احتمالی جان و مال انها حذف شده است، پیدا کرده و در زیر نویس های خود در باره انها توضیح داده است. سایر ترجمه با افزودن مقدمه های گونا گون و درج مطالب اضافی خارج از اسناد سال ۲۰۰۰، تلاش کرده اند ترجمه های خود را پر حجم ترو کامل تر نشان دهند و بدین شیوه قیمت کتاب را نیز بسیار افزایش دهند. در ترجمه دکتر حمید احمدی، جز مقدمه گازیورسکی و مترجم و متن کامل اسناد سیا، مطلب دیگری افزوده نشده است. ۳ اسلام در انقلاب: جنبشهای اسلامی معاصر در جهان عرب ویژگی اثر : نام اصلی: Islam in Revolution: Hundamentalism in the Arab Wold نویسنده: هرایر دکمجیان (R. Hrair Dekmejia) مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: انتشارات کیهان، تهران سال انتشار: چاپ نخست ۱۳۶۶، چاپ سوم ۱۳۷۷ این کتاب یکی از مهمترین اثار مربوط به بنیادگرایی اسلامی است. هرایر دکمجیان، استاد ارمنی دانشگاه کالیفرنیا با تسلط به زبانهای عربی، فارسی و ترکی استانبولی و زبانهای اروپایی توانسته است متون دست اول مربوط به اسلام سیاسی را بررسی کند. این کتاب یکی از متون درسی مربوط به جنبشهای اسلامی است. جنبشهای اسلامی اکثر کشورهای عربی در این کتاب تجزیه و تحلیل شده است. فهرست ۱۸۰ گروه اسلام گرا نیز در پایان کتاب امده است. دکمجیان با تکیه بر اندیشه های بر جسته ترین متفکران اجتماعی غرب و اثار مربوط به تحول تلریخی جوامع اسلامی یک چهارچوب نطری ویژه به نام نظریه ادواری برای تبیین ظهور و سقوط

جنبشهای اسلام گرا بدست داده است. ۴ ایران– هویت ،ملیت ،قومیت ویژگی اثر : به کوشش حمید احمدی۵ ایران: روایتی که ناگفته ماند ویژگی اثر : نام اصلی: Iran: the Untold Story نویسنده: محمد حسنین هیکل مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: انتشارات الهام، تهران سال نشر: چاپ اول ۱۳۶۲، جاپ ششم ۱۳۶۴ هیکل روزنامه نگار و نویسنده برجسته مصری پس از سفر به ایران و گفتگو با مقامات انقلاب این کتاب را به رشته تحریر دراورد. نسخه عربی کتاب به عنوان" مدافع ایت الله" (توپهای ایت الله) در بیروت انتشار یافت و نسخه انگلیسی ان با عنوان بالا در نیویورک. هیکل بران است تا با بررسی تحولات تاریخی ایران پیش از انقلاب در ملی شدن صنعت نفت زمینه های ظهور انقلاب اسلامی را تبیین کند. او به مسایل اولیه انقلاب نیز می پردازد و نکات جالبی پیرامون زندگی خصوصی ایت الله العظمی خمینی و مسایل پشت پرده گرو گانگیری در سفارت امریکا بیان می کند. این کتاب در سالهای ۱۳۶۲–۱۳۶۳ در زمره پر فروش ترین کتابهای ایران بشمار می رفت. ۶ بلشویک ها و نهضت جنگل ویژگی اثر : نام اصلی: ۱۹۲۱–۱۹۲۰ The Shameful Intervention: the Soviet Intervention in Iran نویسنده: مویسی پر سیتس (Moisie Persits) مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: شیرازه، تهران سال انتشار: ۱۳۷۹ مویسی پرسیتس پژوهشگر مرکز پژوهشهای استراتژیک و مطالعات بین المللی روسیه در مسکو با استفاده از اسناد محرمانه شوروی جنبه های نا شناخته مداخله شوروی در گیلان در ۱۹۲۰ را بررسی کرده است. این نخستین اثری است که با استفاده از اسناد محرمانه شوروی در باره تحولات ا یران معا صر انتشار یافته است. نوسنده اصلی این اثر را از روسی به انگلیسی ترجمه کرد و حمید احمدی انرا از انگلیسی به فارسی برگرداند ۷ پان ترکیسم: یک قرن در تکاپوی الحاق گری ویژگی اثر : نام اصلی: Pan Turkism: From Irredentism to Cooperation نویسنده: جیکوب لاندو Jacob Landau مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: نشر نی، تهران سال انتشار: ۱۳۸۲ ، قیمت ۲۸۰۰ تومان با وجود اهمیت ایدوئولوژی پان ترکیسم و اثار ان در تحولات خاورمیانه معاصر، و بویژه نقش ان در فروپاشی امپراطوری عثمانی، پژوهشهای چندانی در باره ان انجام نشده است. کتاب کنونی تنها منبع معتبر علمی در جها ن پیرامون این ایدئولوژی و جریان سیاسی است. اکثر کسانی که در باره پان ترکیسم مطلب و مقاله نوشته اند از این کتاب بهره برده اند. جیکوب لاندو استاد و رئیس پیشین بخش خاور میانه ای دانشگاه عبری بیت المقدس با برخورداری از دانش زبان ترکی، روسی و المانی و با دسترسی به ارشیو های عثمانی، روسیع و المان توانسته است این اثر بی همتا را بنویسد. نویسنده زمینه های ظهور پان ترکیسم، سیر تحول ان و نیز ابعاد گوناگون فعالیت ها، سازمانها و محافل پان ترکیست در عثمانی و سپس ترکیه نوین را در چندین فصل بررسی می کند. بخش مهم کتاب نیزبه ظهور دوباره پان ترکیسم در سالهای پس از فرو پاشی شوروی و استراتژی و تاکیک های ترکیه برای رسیدن به ارمانها و اهداف پان ترکی در منطقه مربوط است. مترجم متن تازه ترین بر نامه پان ترکی را که در مقاله مهمترین نظریه پرداز کنونی ان بازتاب یافته است در پیوست ترجمه خود از کتاب ارائه داده است. ۸ پیامبر و فرعون: جنبشهای نوین اسلامی در مصر ویژگی اثر : نام اصلی: The Prophet and Pharaoh: Muslim Extremism in Egypt نویسنده: ژیل کپل (Jilles Kepel) مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: انتشارات کیهان، تهران سال انتشار: چاپ نخست ۱۳۶۵، چاپ سوم ۱۳۸۲ ژیل کپل نویسنده و پژوهشگر برجسته فرانسوی مسائل اسلام سیاسی، برای نوشتن این اثر سه سال مطالعه میدانی در مصر داشته است. کتاب یکی از مهمترین اثار مربوط به اسلام گرایی در مصر معاصر است.کتاب بویژه در رابطه با زندگی و اندیشه های سید قطب و تاثیر این اندیشه ها بر سازمانهای اسلام گرای رادیکال جهان اسلام از اهمیت خاصی بر خوردار است. کتاب نخست به زبان فرانسه انتشار یافت و سپس به انگلیسی ترجمه شد. ژیل کپل با تسلط به زبان عربی توانسته است تحلیل واقع گرایانه ای از ماهیت جنبشهای بنیاد گرا ی مصری نظیر سازمان ازادیبخش اسلامی ، جماعه المسلمین و الجهاد و اقدامات انها بدست بدهد. ۹ تاریخ انقلاب فلسطین ویژگی اثر : نام اصلی: The Politics of Palestinian Nationalism نویسندگان: William Quandt, Fuad Jaber and Ann Mosely Lesch مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: انتشارات الهام، تهران سال نشر: ۱۳۶۱ این کتاب در

اواسط دهه ۱۹۷۰ انتشار یافت و یکی از مهمترین اثار مربوط به جنبش ملی فلسطین بشمار می رود. نویسندگان کتاب که از جمله برجسته ترین پژوهشگران مساله اعراب و اسرائیل هستند، ابعاد گوناگون مساله فلسطین را از جنبه های تاریخی، بین المللی، بین العربی و اقتصادی بر رسی کرده اند. کتاب اطلاعات دقیقی پیرامون جنبش مقاومت فلسطین، سازمانهای ان و اهداف و گرایشات انها بدست می دهد. رابطه پیچیده سازمان ازادی بخش فلسطین و سایر گروههای فلسطینی با کشورهای عربی از جالب ترین بحث های کتاب می باشد. ویلیام کوانت نویسنده اصلی کتاب دارای اثار مهم دیگری پیرامون مسائل خاورمیانه است و یکی از طراحان عمده طرح صلح کمپ دیوید بشمار می رود. ۱۰ تجدید حیات سیاسی اسلام: از سید جمال تا اخوان المسلمین نام اصلی: قصل سوم کتاب Politica ویژگی اثر : نام اصلی: قصل سوم کتاب Political Trends in the Arab World نویسنده: مجید خدوری مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: انتشارات الهام، تهران سال نشر: ۱۳۵۹ ، قیمت ۴۵ ریال. کتاب بخشی از اثر مهم مجید خدوری نویسنده برجسته مسیحی عراقی الاـ صل و استاد دانشگاه جان هاپکینز است. خدوری در این اثر، جریان احیا طلبی اسلامی و نو گرایی دینی را از اواخر قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم بر رسی می کند. این دومین ترجمه حمید احمدی است که در سومین سال دانشجویی اش در ۱۳۵۹ به پایان رسید. بعد ها دکتر عبد الرحمن عالم در اواسط دهه ۱۳۶۰ شمسی متن کامل کتاب را ترجمه کرد و به نام گرایشات سیاسی در جهان عرب توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی به چاپ رساند. ۱۱ تروریسم صهیونیستی در فلسطین اشغال شده ویژگی اثر : نام اصلی: Human Rights in the Occupied Territories نویسنده: غازی خورشید مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: امیر کبیر، تهران سال انتشار: ۱۳۶۳ این کتاب که شرح مستند نقض حقوق بشر فلسطینی ها توسط اسرائیل است، از سوی مرکز پژوهشهای فلسطینی انتشار یافت. نویسنده شیوه های پایمال سازی حقوق فلسطینی های کرانه باختری و نوار غزه را با تکیه بر اسناد و گزارشات مستند بر رسی می کند. حمید احمدی بخشهایی از این ترحمهرا نیز از منابع عربی بویژه کتاب ّ من هم ارهابیون ؟ّ (تروریست ها چه کسانی هستند؟) به فارسی برگردانده است. علاوه بر این، مترجم گزارش مستندی از قتل عام شاتیلا و صبرا در بیروت در ۱۹۸۲ را نیز همراه با عکسهای این فاجعه علیه بشریترا ترجمه و به کتاب افزوده است. ۱۲ جنگ مخفی در لائوس ویژگی اثر : نام اصلی: Voices From the Plain of Jars نویسنده: Fred Branfman مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: چاپ نخست انتشارات قلم ۱۳۵۹، چاپ دوم نشر نکته ۱۳۶۶ قیمت: چاپ نخست ۱۱۵ ریال، چاپ دوم ۴۲۰ ریال لائوس در جریان جنگ ویتنام موضع بی طرفی در پیش گرفت. اما در اواخر دهه ۱۹۶۰ امریکا برای مقابله با چریک های ویت کنگ ویتنام که به داخل لائوس رخنه می کردند، و به منظور شتاب دادن به پایان جنگ بی طرفی لائوس را نقض کرد و بدون درز این موضوع به مطبوعات به بمبارانهای گسترده بخشهایی از لائوس، به ویژه دشت جار دست زد. بعد ها فرد برانفمن جبر یگار سابق سازمان اطلاعاتی امریکا(سیا) با سفر به لائوس و دشت جار گزارشات نقض بی طرفی و بمبارانهای هوایی امریکا را فاش کرد و این کتاب را انتشار داد. کتاب شامل دو قسمت است: بخش اول تحلیل اوضاع لائوس و نقض بی طرفی ان و چگونگی بمبارانهای امریکا است، و بخش دوم در بر گیرنده خاطرات، نامه ها و نقاشی های اهالی دشت جار و از جمله کودکانی است که در جریان بمبارانها اموال و خویشاوندان نزدیک خود را از دست دادند. ۱۳ ریشه های بحران در خاور میانه ویژگی اثر : دکتر حمید احمدی ناشر: انتشارات کیهان، تهران سال نشر: چاپ نخست ۱۳۶۹، چاپ دوم ۱۳۷۷ کتاب به واقع پایان نامه کارشناسی ارشد حمید احمدی در دانشگاه تهران است که در دانشکده حقوق و علوم سیاسی در ۱۳۶۷ دفاع شد. نویسنده ریشه های ظهور گرایشات سیاسی متضادی را که به کشمکش فلسطین منجر شد بر رسی کرده و سیر تحول این کشمکش را تا جنگ نجست اعراب و اسرائیل تبیین کرده است. این کتاب برای نخستین بار در ایران گفتمان ناسیونالیستی یهودیان را در باره تعلق فلسطین به انها معرفی و نقد و بررسی کرد. ساز و کارهای فروپاشی امپراطوری عثمانی و اغاز کشمکش عربی- یهودی بر سر فلسطین، ناسیونالیسم فلسطین و مراحل گوناگون ان از دیگر بحث های کتاب است. امتیاز مهم کتاب ترجمه و ارئه مهمترین اسناد مربوط به این کشمکش تا سال

۱۹۴۸ به فارسی است که کمبود بزرگی برای پژوهشگران فارسی زبان نا اشنا به زبان انگلیسی اما نیازمند به ترجمه فارسی این اسناد بود. در مجموع ۴۱ سند مهم در این رابطه در کتاب بدست داده شده است. ۱۴ سیا و جعل اسناد: گوشه هایی از مداخلات سیا در ایران و امریکای لاتین ویژگی اثر : نام اصلی: White Paper, White Wash نویسنده: فیلیپ اگی (Philip Agee) مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: انتشارات کیهان، تهران سال نشر: چاپ اول ۱۳۶۵، چاپ دوم ۱۳۷۱ کتاب یکی از عمده ترین افشا گریها در باره فعالیت های سیا در جهان بویژه امریکای لاتین است. این کتاب در برگیرنده افشاگریهای فیلیپ اگی مامور برجسته سیا بعد از خروج وی ازاین سازمان است. کتاب در برگیرنده شیوه های جعل اسناد به منظور رسیدن به اهداف ویژه در امریکای لاتین است. بخشی از کتاب نیز شیوه های سند سازی سیا در ایران را نشان می دهد. فیلیپ اگی نشان داده است که رد پای این سند سازی جعلی در برخی اسناد افشا شده توسط دانشجویان ایرانی اشغال کننده سفارت امریکا در تهران دیده می شود. ۱۵ سیاست خارجی امریکا در خاور میانه ویژگی اثر : نام اصلی: بخشی از کتاب The Power and Principle نویسنده: زبیگنیو برژینسکی Zbegnieve Brezezinski مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: نشر سفیر، تهران سال نشر: ۱۳۶۹ این کتای به واقع تبیین سیاست خاور میانه ای امریکا در دوران جیمی کارتر در سالهای نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ است. برژینسکی در این اثر ضمن تشریح دقیق سیاست های دولت کارتر در باره خاور میانه بویژه کشمکش تاریخی اعراب و اسرائیل بر سر فلسطین، چگونگی تدوین استراتژی صلح از سوی امریکا برای اشتی مصر و اسرائیل را مورد بحث قرار می دهد. یکی دیگر از نکات مهم کتاب شرح جزئیات جگونگی دعوت از سادات و بگین رهبران مصر و اسرائیل به کمپ دیدید امریکا و راه دشوار گفتگوی میان انها و چگونگی تصویب توافق نامه کمپ دیوید در ۱۹۷۹ است. ۱۶ سیری در اندیشه حزب بعث در جهان عرب ویژگی اثر : ناشر: جهاد خارج از کشور دکتر حمید احمدی سال انتشار: ۱۳۵۹، تهران حمید احمدی در این اثر کم حجم سیر اندیشه های حرب بعث را از اغاز تا دهه ۱۹۸۰ مورد بررسی قرار می دهد. زمینه های اجتماعی-سیاسی و اقتصادی جهان عرب در استانه ظهور حزب، اصول ایدئولوژیک و بر نامه های حزب، اختلافات و انشعابات داخلی و بین العربی و ساختار تشکیلاتی حزب از جمله موضوعات بررسی شده این کتاب است. حمید احمدی این اثر را در سال سو م تحصیلی خود در دانشگاه تهران نوشت. ۱۷ شریعتی در جهان: نقش دکتر علی شریعتی در بیدارگری اسلامی از دید اندیشمندان خارجی ویژگی اثر : نویسندگان: مجموعه نویسندگان (براد هانسن، یان ریشار، مارسیا هرمانسن، یرواند ابراهامیان، حامد الگار، عبدالعزیز ساشه دینا، شاهرخ اخوی، دکتر عبیدی، و..) ...تدوین و ترجمه:دکتر حمید احمدی ناشر: شرکت سهامی انتشار، تهران سال انتشار: چاپ نخست ۱۳۶۶، چاپ پنجم ۱۳۸۰ کتاب ترجمه مهمترین مقالات نویسندگان خارجی در باره اندیشه های دکتر علی شریعتی به زبانهای انگلیسی، فرانسه و عربی است. این مقالات در فاصله سالهای ۱۹۸۶-۱۹۷۸ نوشته شده است. در این مقالات جنبه های گوناگون اندیشه شریعتی پیرامون تحولات اجتماعی، تشیع، زن و تاثیر و بازتاب اندیشه های وی در مناطق گوناگون جهان بررسی شده است. یکی از نویسندگان نیز نفوذ اجتماعی و فکری شریعتی را با جلال ال احمد و صمد بهرنگی مقایسه کرده است. مترجم در پیوست نیز فهرستی از ترجمه اثار شریعتی به زبانهای گوناگون جهان را گنجانده است. ۱۸ عقاب و شیر: تراژدی روابط ایران و امریکا ویژگی اثر : نام اصلی: The Eagle and the Lion: the Tragedey of Us-Iranian Rerlations مترجم: دکتر حمید احمدی نویسنده: جیمز بیل (James A. Bill) ناشر: قرداد با نشر سفیر ۱۳۶۹، اما چاپ نشد قرارداد ترجمه این کتاب با نشر سفیر بسته شد و مترجم (حمید احمدی) متن ترجمه را در سال ۱۳۶۹ به ناشر تحویل داد. متن ترجمه حروف چینی و صفحه بندی و اماده چاپ شد که مترجم برای ادامه تحصیل دوره دکتری خود عازم کانادا شد.متاسفانه نشر سفیر کتاب را به چاپ نرساند و به علت اختلاف درونی حتی متن حروف چینی اثر و فیلم و زینک ان نیز پس از ۵ سال به مترجم تحویل نشد. مترجم هیچ مبلغی نیز بابت ترجمه ان دریافت نکرد. بس از اصرار و پی گیری های مکرر مترجم، ناشر ازطریق یکی از شرکای پیشین نیمی از زینک را در اختیار مترجم قرار داد ولی از

وجود یقیه اظهار بی اصلاعی کرد. در هنگام تحصیل مترجم در خارج دو مترجم دیگر این اثر را ترجمه و چاپ کردند. طرح موضوع با یکی از مقامات بلند پایه وزارت ارشاد نیز به نتیجه نرسید. ترجمه فارسی اثر حدود ۹ ماه به طول انجامید و حدود ۸۰۰ صفحه می شد. ۱۹ فرهنگ علوم سیاسی اکسفورد ویژگی اثر : نام اصلی: Oxford Dictionary of Politics نویسنده: سر ویراستار Ian Maclin و مجموعه نویسندگان مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: نشر میزان، تهران ۹۵۰ صفحه سال انتشار: ۱۳۸۲، قیمت ۷۰۰۰ تومان فرهنگ علوم سیاسی اکسفورد درمیان سایر فرهنگ های علوم سیاسی جهان نظیر فرهنگ وبستر، از بیشترین اغتبار بر خوردار است. این فرهنگ نه تنها اصطلاحات علوم سیاسی به مفهوم خاص ان، بلکه اصطلاحات گسترده تر عمده حقوق، جامعه شاسی و اقتصاد را نیز در بر می گیرد. فرهنگ علوم سیاسی اکسفورد تنها به ارائه معنی اصطلاحات بسنده نمی کند، بلکه با توضیحات گسترده انها به یک دانشنامه (دایره المعارف) علوم سیاسی تبدیل شده است. بر جسته ترین اساتید علوم سیاسی انگلستان و بر خی دانشگاههای دیگر جهان در نوشتن واژه های تخصصی این فرهنگ مشارکت کرده اند. از انجا که متن انگلیسی این فرهنگ نیز در ایران انتشار یافته است، ترجمه فارسی ان می تواند راهنمای خوبی برای فرا گیری زبان تخصصی و ترجمه متون برای دانشجویان علوم اجتماعی محسوب شود. ۲۰ قومیت و قوم گرایی در ایران: افسانه و واقعیت ویژگی اثر : نام اصلی: The Politics of Ethnic Nationalism in Iran دکتر حمید احمدی ناشر: نشر نی، تهران سال انتشار: چاپ نخست ۱۳۷۸، چاپ سوم ۱۳۸۲ کتاب در واقع پایان نامه دکتری علوم سیاسی حمید احمدی است که در ۱۹۹۵ در دانشگاه کارلتون در کانادا دفاع شد. نویسنده با افزودن مطالب تازه و روز امد کردن ان بر گردان فارسی انرا به خوانندگان ایرانی ارائه داد. این نخستین اثر جامع در باره سیاسی شدن مسایل زبانی و مذهبی در ایران معاصر است. نویسنده ضمن بحث نظری پیرامون مفاهیمی جون ملت، ناسیونالیسم، گروه قومی، ناسیونالیسم قومی و بسیج قومی، ره یافت های غیر بومی بر امده از بستر های تاریخی غربی را نقد کرده و چهارچوب نظری ویژه خود را برای تبیین سیاسی کردن مسایل قومی در ایران ارائه داده است. این چهارچوب نظری در رابطه با تحولات کردستان، اذربایجان و بلوچستان ایران به کار گرفته شده است. کتاب از ابعاد گوناگون از سوی خوانندگان و پژوهشگران ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است. ۲۱ مها جمان سرحد: رویارویی نظامی انگلستان با سرداران بلوچ ایرانی ویژگی اثر : نام اصلی: The Raiders of Sarhad نویسنده: ژنرال رجینالد دایر Regionald Edward Harry Dyer مترجم: دکتر حمید احمدی ناشر: نشر نی، تهران سال انتشار: چاپ اول ۱۳۷۸، چاپ دوم ۱۳۸۳ این کتاب یکی از کم نظیر ترین اثار اوایل قرن بیستم در باره بلوچستا ن ایران است. ژنرال دایر در سال ۱۹۱۶ از سوی دولت هند بریتانیا ما موریت یافت به بلوچستان ایران رفته و با نیروهای خود و نبروهای محلی ، سردارن بلوچ طرفدار ا لمان را به طرفداری از خط مشی انگلستان تشو یق کند و بدین شیوه جلوی رخنه نیروهای ا لمانی به افغانستان و هند را بگیرد. دایر در سال ۱۹۲۱ خاطرات خود از این ماموریت را در لندن به چاپ رساند. اکثر نویسندگان و خوانندگان ایرانی و خارجی از وجود چنین کتابی اگاهی نداشته اند. دایر در این کتای چگونگی ورود به ایران، برخوردهای اولیه و سپس رویارویی نظامی با سردارن بلوچ ایرانی را بیان می کند. یکی از بحث های جالب و نا شناخته کتاب چگونگی نبرد بر سر شهر خاش و نابودی قلعه کهن ان توسط نیروهای انگلیسی است. خاطرات دایر داده های جالب و سودمندی در باره اوضاع بلوچستان ایران در دسترس خوانندگان ایرانی می گذارد. ۲۲ ناسیونالیسم، سوسیالیسم و کمونیسم در جهان عرب ویژگی اثر : نام اصلی: بخشی از کتاب Political Trends in the Arab world نویسنده: مجید خدوری مترجم: دکتر حمید احمدی ناشر: انتشارات الهام، تهران سال انتشار: ۱۳۶۰ این کتاب ترجمه بخش مر بوط به اندیشه های ناسیونالیستی، سو سیالیستی و کمونیستی جهان عرب در کتاب جریانهای سیاسی در جهان عرب نوشته مجید خدوری استاد دانشگاه جان هاپکینز است. خدوری ریشه های جریانهای گوناگون ناسیونالیستی عرب را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. گذشته از این، کتاب یکی از مهمترین منابع مربوط به تبیین ریشه های اندیشه ها و گرایشات سازمانی سوسیاایستی و کمونیستی در کشورهای عربی است. اند یشه های برجسته ترین

اندیشمندان ناسونالیسم عرب از جمله ناصریسم، بعثیسم و ناسیونالیسم منطقه ای (مصری و سوری) در این کتاب تشریح شده است. همین بحث در رابطه با اندیشمندان سو سیالیست و مارکسیست-لنینیست عرب نیز دنبال شده است. این سومین ترجمه حمید احمدی است که در سومین سال دانشجویی اش در ۱۳۵۹ به پایان رسید.

احمدیان، عبدالرسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول احمدیان

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۷/۱

اخلاقی، بهروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهروز اخلاقی در سال ۱۳۱۶ در شهر بندر ترکمن بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکترای رشته حقوق خصوصی از دانشکده حقوق و علوم اقتصادی اکس مارسی (Aix- Marseills) فرانسه است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی/گروه حقوق عمومی دانشگاه تهران می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

والدین و انساب : پدر بهروز اخلاقی با توجه به اینکه در سازمان تازه تأسیس راه آهن استخدام شده بود او مأموریت یافته بود به شهر بندر ترکمن نقل مکان کند و در آنجا مشغول به کار شود. بهروز اولین پسر و فرزند خانواده از هفت فرزند خانواده است. چهار برادر دیگر او در کشورهای دیگر رحل اقامت افکنده اند. اما اولین برادر ارشد نتوانسته خود را راضی به مهاجرت از کشور کند.نادر اخلاقی ششمین فرزند خانواده و برادر بهروز فارغ التحصیل دانشگاه سوئد و مهندس ارشد شرکت نوکیا است و در پروژه نسل سوم تلفن همراه آن شرکت در کپنهاگ کار می کند و حسن اخلاقی فرزند آخر خانواده، باز فارغ التحصیل سوئد است و مشغول به کار در شرکت اریکسون و نماینده و مدیر اجرایی پروژه های اریکسون در هند، چین، تایوان، هنگ کنگ و ایران می باشد.

خاطرات کودکی : بهروز اخلاقی به یاد می آورد که در دوره دبستان در رشته ورزشی پینگ پنگ فعال بوده و در زمینه زیبایی اندام هم کار می کرده و البته به یاد دارد که هر یک از پایه های ? گانه دوره ابتدایی را در یکی از شهرهای شمال کشور طی نموده است. به علت ابتلای او به بیماری تب مالت، پدرش مجبور می شود به تهران بیاید و درواقع خانواده آنها تن به مهاجرت

دیگر می دهند و بهروز دوره متوسطه را در دبیرستان بوعلی سینای تهران سپری می کند. دبیرستانی که دانش آموزان آن را دانشگاه بوعلی سینا نامیده اند؛ به خاطر آزادی رفت و آمد به کلاسهای درس.دکتر اخلاقی یاد مدیر مدرسه – آقای چمنی – را بعد از چند دهه گرامی می دارد. می گوید: «به من می گفت با این علاقه ای که تو به ادبیات و علوم انسانی داری روزی شاید رجلی خواهی شد»

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی بهروز اخلاقی به ترتیب زیر است: – اخذ مدرك دیپلم از دبیرستان بوعلی سینای تهران. – اخذ مدرك كارشناسی قضایی از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، – اتمام دوره دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه تهران،– اخذ مدرك دکترای حقوق خصوصی از دانشکده حقوق و علوم اقتصادی اکس مارسی (Aix- Marseills) فرانسه – طی دوره حقوق تجارت و تجارت بین الملل در دانشکده حقوق دانشگاه آکسفورد oxford University

خاطرات و وقایع تحصیل : از خاطرات بهروز اخلاقی می توان به چند مورد زیر اشاره می شود: «خوشبختانه وقتی وارد پاریس شدم یکی از همکلاسی های سابقم که دو سه سال قبل از من رفته بود پیدایش کردم. من غریب را دریافت. دید من هاج و واجم. مرا برد و بعضی خیابان های معروف پاریس را نشانم داد و گفت نترس آنجور درسها هم سنگین نیست. مدتی در پاریس بودم و بعد با قطار به جنوب فرانسه رفتم.»

فعالیتهای ضمن تحصیل : بهروز اخلاقی تحصیل در رشته های حقوق و همچنین زبان و ادبیات فرانسه را به موازات هم در دو دانشکده حقوق و ادبیات دانشگاه تهران شروع می کند ولی در سال سوم به ناچار مجبور می شود به دلیل ممنوع بودن تحصیل در دو رشته، رشته زبان فرانسه را ناتمام بگذارد و تحصیل در رشته حقوق را ادامه دهد. تحصیل در مقطع دکترای حقوق خصوصی را آغاز می کند. در آزمون بورسیه اعزام به خارج موفقیت حاصل می کند. بورسیه ای که توسط انجمن فرهنگی ایران و فرانسه ترتیب داده شده بود و یکی از شروط آن آشنایی به زبان فرانسه بود.

استادان و مربیان : آیت الله سنگلجی از اساتید بهروز اخلاقی بود که ایشان در باره او چنین می گوید: «مرحوم سنگلجی روحانی تمام عیاری بود و بی نیاز از مناصب دولتی. عشق می ورزید به دانش فقه، دانشکده و دانشجویان و بسیار شوخ بود و همه ما را تحت تأثیر قرار داد. علاوه بر محیط دانشکده، منزلی داشت که اسمش رواق بود و بچه ها می رفتند روزهای تعطیل در رواق و گفت وگو و مباحثه داشتند. او بزرگترین تأثیر را بر من و بر همه ما گذاشت.» از دکتر سید حسن امامی هم به نیکی یاد می کند. «دکتر امامی استاد مسلم حقوق مدنی بود و امام جمعه تهران. واقعاً نمونه تقوا و فضیلت و دانش بود. زمانی نماینده مجلس بود و بعداً خودش را از سیاست کنار کشید و آمد صرفاً در دانشکده حقوق با بچه ها سرو کله می زد.» نام استاد راهنمای فرانسوی اش را به یاد می آورد: دو.لا‌پرادل (Dela Pradelle)؛ استاد حقوق هوایی و حقوق و حقوق بین الملل عمومی که متخصص مسائل هواپیمایی بوده و اخلاقی هم به همین دلیل او را به عنوان استاد راهنمای خود برمی گزیند. «یکی از خصوصیاتش این بود که همیشه می گفت من عاشق ایرانم و وقتی دوره دکترا در دانشکده حقوق تأسیس شد از ایشان دعوت کردند برای افتتاح دوره دکترای حقوق بین الملل عمومی را در اولین دوره درس بدهد.» استاد شاخص دیگر او در فرانسه پروفسور ادینه (Audinet) بوده؛ استاد حقوق بین الملل خصوصی. «دو سه سال پیش که به اتفاق همسر و بچه هایم رفتیم، توفیق ملاقاتش را پیدا کردم. پدرش هم در دانشگاه اکس مارسی سابقه تدریس داشت.»

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر عراقی، دکتر آشوری، دکتر درودیان، دکتر محمدی، دکتر کاتوزیان، دکتر صفایی و دکتر الماسی برخی از استادان شاخص کنونی دانشکده حقوق دانشگاه تهران هستند که با بهروز اخلاقی همدوره بوده اند.

همسر و فرزندان : بهروز اخلاقی متاهل است.یکی از پسران بهروز اخلاقی در رشته حقوق از دانشگاهی در آمریکا فارغ التحصیل شده و قرار است در یك مؤسسه حقوقی در واشنگتن در زمینه وکالت اختراعات کارآموزی کند و بعد از یك سال به ایران بیاید.

ایشان می فرمایند:«قرار بر این بوده که در آنجا کارآموزی کند و با سیستم دعاوی عملی آشنا شود و بعد از بازگشت به ایران، من و همسرم این دفتر حقوقی را به ایشان بدهیم و از ایشان تقاضای بازنشستگی کنیم.»

وقایع میانسالی : بهروز اخلاقی بدون دفاع از تز دکترایش در دانشگاه تهران، با هواپیما به فرانسه می رود تا در دانشگاه اکس – مارسی در جنوب آن کشور دکترای حقوق خصوصی بخواند و موفق هم می شود معتبرترین نوع دکترا درفرانسه یعنی دکترای دولتی که عمدتاً به اتباع آن کشور اعطا می شود دریافت کند و به ایران مراجعت کند، در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران عضو هیأت علمی شود و تا اکنون یعنی به مدت سال صرفاً در این دانشکده به تدریس حقوق هوایی و تجارت و تجارت بین الملل بپردازد و آنچنان مهارتی در این حوزه ها پیدا کند که دانشکده حقوق تهران به اسم کمبود نیروی انسانی مجرب به تقاضای بازنشستگی او جواب رد بدهد. ایشان دراین باره چنین می گوید: «سی و چهار سال است که من در خدمت دانشکده حقوق دانشگاه تهران هستم. افتخار دارم که دین خودم را به این دانشکده ادا می کنم. چند سالی است که پی در پی تقاضای بازنشستگی کرده ام ولی چون می گویند استاد دوره دکترا و فوق لیسانس به اندازه کافی نیست با تقاضای من مخالفت می شود. امیدوارم که امسال موافقت کنند.» او در فرانسه از تزش با عنوان «سازمان هواپیمایی کشور و آمایش سرزمین» دفاع می کند. درزمانی که اخلاقی از تزش دفاع می کند چند فرودگاه تهران، آبادان، مشهد و اصفهان در ایران دایر بوده اند و این دانشجوی ایرانی به این نتیجه می رسد که برای توسعه اقتصادی و ارتباطات کشور باید دست کم چندین فرودگاه در کشورمان تأسیس شود. می گوید احداث راه آهن سراسری ایران باعث شد شهرهای متروک و یا حتی کوچکی مثل ساری رونق و شکوفایی پیدا کند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اداری مورد تصدی بهروز اخلاقی به قرار زیر است: معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، رئیس کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران، . مدیر گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران . دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران . عضو انجمن بین المللی وکلای دادگستری (IBA) عضو کانون وکلای دادگستری آمریکا (ABA) عضو انجمن حقوقی آسیا و اقیانوسیه (Law Asia). عضو مرکز مطالعات حقوق بین المللی (CILS) عضو کنسرسیوم حقوق تجارت بین الملل (IBLC) مؤسس و مدیر انجمن حقوق خصوصی ایران

فعالیتهای آموزشی : عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط بهروز اخلاقی به قرار زیر است: کارشناسی ارشد • حقوق تجارت• حقوق تجارت بین الملل ومالکیت • حقوقتجارت دکتری • حقوق تجارت بین المللی • حقوق تجارت تطبیقی ------------- --

آثار :

۱ European Union Law

ویژگی اثر : Nutshells – By Mike Cuthbert, London- Sweet and Maxwell

۲ اصول قراردادهای تجاری بینالمللی

ویژگی اثر : ترجمه- از انتشارات موسسه بینالمللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی پونیدروآ (رم) با همکاری آقای فرهاد امام

۳ حقوق اتحادیه اروپا

ویژگی اثر : ترجمه- با همکاری دکتر وحید اشتیاق و دکتر پرویز پرویزیان

۴ حقوق تجارت — تحلیل پاره‌ای از مباحث: نظریه عمومی حاکم بر اسناد تجاری و قراردادهای تجاری، دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی

ویژگی اثر : از انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی

۵ حقوق تجارت

ویژگی اثر : اسناد تجاری، دوره کارشناسی – جزوه درسی از انتشارات دانشکده حقوق ۶ حقوق تجارت بین الملل

ویژگی اثر : دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی تا کنون

۷ حقوق تجارت بین الملل

ویژگی اثر : دوره دکتری رشته حقوق خصوصی ۸ حقوق تجارت بینالملل

ویژگی اثر : ترجمه- تألیف پروفسور اشمیتوف با همکاری تعدادی از دانشجویان دوره کارشناسی ارشد

۹ حقوق تجارت پیشرفته

۱۰ حقوق تجارت تطبیقی

۱۱ حقوق هوایی

ویژگی اثر : دوره کارشناسی – جزوه درسی از انتشارات دانشکده حقوق

اخوان زنجانی، داریوش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

داریوش اخوان زنجانی در سال ۱۳۲۷ ، در تهران متولد گردید. وی در سن ۱۰ سالگی به انگلستان عزیمت کرد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در این کشور گذراند. سپس دوره کارشناسی را در رشته اقتصاد در دانشگاه لندن و دوره کارشناسی ارشد را در رشته حقوق بین الملل عمومی در دانشگاه دیژون فرانسه پشت سر گذاشت و در سال ۱۳۶۶ موفق به اخذ درجه دکتری در رشته علوم سیاسی از دانشگاه سوربن فرانسه شد. دکتر اخوان زنجانی پس از اتمام تحصیلات و زندگی طولانی در خارج ، در سال ۱۳۶۷ به ایران بازگشت و از سال ۱۳۶۸ ، در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شروع به فعالیت نمود. او همچنین به عنوان مشاور و کارشناس روابط بین الملل با سازمان ها و وزارتخانه ها از جمله: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه ،گروه علوم سیاسی مرکز گفتگوی تمدنها و مجمع تشخیص مصلحت نظام ، همکاری نزدیکی داشت. دکتر اخوان زنجانی ، در چهارم تیرماه سال ۱۳۸۰ دارفانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانی رشته : علوم سیاسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : داریوش اخوان زنجانی در سن ۱۰ سالگی به انگلستان عزیمت کرد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در این کشور گذراند. وی دوره کارشناسی را در رشته اقتصاد در دانشگاه لندن و دوره کارشناسی ارشد را در رشته حقوق بین الملل عمومی در دانشگاه دیژون فرانسه پشت سر گذاشت و در سال ۱۳۶۶ موفق به اخذ درجه دکتری در رشته علوم سیاسی از دانشگاه سوربن فرانسه شد.زمان و علت فوت : داریوش اخوان زنجانی ، در چهارم تیرماه سال ۱۳۸۰ دارفانی را وداع گفت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : داریوش اخوان زنجانی به عنوان مشاور و کارشناس روابط بین الملل با سازمان ها و وزارتخانه ها از جمله: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه ، گروه علوم سیاسی مرکز گفتگوی تمدنها و مجمع تشخیص مصلحت نظام ، همکاری نزدیکی داشت.فعالیتهای آموزشی : داریوش اخوان زنجانی پس از اتمام تحصیلات و زندگی طولانی در خارج ، در سال ۱۳۶۷ به ایران بازگشت و از سال ۱۳۶۸ به عنوان یکی از اعضای هیات علمی ،در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران مشغول فعالیت بود.آثار : nbsp۱ Dialog among Civilizations and Cultures آینده و عراق ، بحران در سیستم ها ، تاملی در مورد روابط ایران و آمریکا ، جامعه مدنی و جامعه مدنی جهانی ، جهان گرایی ، ساختار بین المللی خلیج فارس ، ساختار جامعه بین الملل، ساختار جامعه بین الملل و امنیت

ملی ، ساختار جامعه بین المللی ویژگی اثر : مقاله۱۱ گفتگوی تمدنها ، منطقه گرایی ، نظام بین الملل و نظام سرمایه داری و لیبرالیسم

اردبیلی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جرم‌شناسی و علوم جزا، دانشکده: حقوق، دانشگاه: شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته علوم جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه بروکسل بلژیک در سال ۱۹۷۳، کارشناسی ارشد در رشته علوم جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه لیل فرانسه، دکترای علوم جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه لیل فرانسه در سال ۱۹۷۹، ارائه پایان‌نامه با عنوان بزهکاری نوجوانان در ایران در سال ۱۹۷۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

گردآوری قوانین آیین دادرسی کیفری، اطلاع رسانی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

حقوق کیفری، سیاست جنایی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

کیفرشناسی، حقوق جزای عمومی، حقوق جزای اختصاصی، روش تحقیق جرم‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اردکانی، باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم دینی و قاضی. از علما و قضات روزگار قاجار بود که در شهر یزد عهده‌دار منصب مرجعیت دینی و حل و

فصل امور شرعی بود. فرزندش آخوند ملا حسین اردکانی است. فرزند زادگانش آیت اللّه شیخ احمد علومی و آقا شیخ محمد باقر علومی از علما و بزرگان یزد بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۷۳۰ -۷۲۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۱ - ۴۴۰ /۷).

ارسطا، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد ارسطا

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد جواد ارسطا سال ۱۳۴۴در کرمانشاه به دنیا آمدم تا پایان دیپلم در کرمانشاه بودم. سال ۱۳۶۲دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم. معمولاـ هم در سالهای راهنمایی و دبیرستان نفر اول و یا بعضاً نفر دوم کلاس بودم و الحمدلله معدل دیپلم من هم معدل خوبی بود.

سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و ادبیات را در آنجا خواندم، قسمتی از مطول را هم در آنجا خواندم، دنباله مطول را در قم خواندم تا سال ۱۳۶۸ فقه و اصول و کفایه را تمام کردم و همزمان با اتمام کفایه در درس خارج آیهٔ الله مکارم شیرازی شرکت کردم. در دروس خارج سعی کردم از محضر اساتیدی همچون آیهٔ الله فاضل، آیهٔ الله وحید، آیهٔ الله تبریزی، آیهٔ الله هاشمی شاهرودی و آیهٔ الله حائری (حفظهم الله) استفاده کنم ولی بیشترین استفاده را از درس آیهٔ الله مکارم شیرازی داشتم.

در سال ۱۳۶۵ همزمان با دروس حوزه وارد دانشگاه شدم در رشته حقوق مجتمع آموزش عالی قم در سال ۱۳۶۹ لیسانس گرفتم، بعد بلافاصله در رشته حقوق عمومی دانشگاه تهران برای فوق لیسانس قبول شدم و سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ فوق لیسانس شدم. چند سالی بین فوق لیسانس و دکترای ما فاصله افتاد. سال ۱۳۷۷ مقطع دکتری رشته حقوق خصوصی قبول شدم و سال ۱۳۸۳ از پایان نامه خود در همین مقطع دفاع کردم و الحمدلله در طی دروس دانشگاهی هم نفر اول یا دوم بودم.

در کنار فعالیتهای حوزوی و دانشگاهی سعی داشته ام که تدریس هم داشته باشم چه در حوزه و چه در دانشگاه، در مرکز جهانی علوم اسلامی برای طلاب غیر ایرانی درسهای فقه و اصول و بعضاً فلسفه را دارم و در دانشگاه هم از سال ۱۳۷۱ درسهای حقوقی و علوم سیاسی را مشغول هستم.

ازغندی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم سیاسی، دانشکده: اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی اقتصاد صنعتی از مدرسه عالی اقتصاد آلمان غربی در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه بن (آلمان غربی) در سال ۱۳۵۳ و دکترای علوم سیاسی از دانشگاه بن (آلمان غربی) در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاههای علامه طباطبائی و شهید بهشتی در سال ۱۳۵۸، دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تجزیه و تحلیل سیاست خارجی آمریکا، مقایسه جهات سیاسی و اجتماعی دو انقلاب مشروطیت و اسلامی، بررسی عوامل انقلاب اسلامی، قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی، نقش آمریکا در منطقه خلیج‌فارس و سیاست خارجی ایران، تدریس دروس تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، روابط خارجی ایران، تاریخ روابط بین‌الملل و ارتش و سیاست، استاد راهنمای ۷ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

علل و زمینه‌های داخلی و بین‌الملل اشغال نظامی ایران در شهریور سال ۱۳۲۰، رابطه عقب‌ماندگی اقتصادی جهان سوم با نظامیگری، رابطه محافل سیاسی- علمی و اداری با صنایع تسلیحاتی، بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی در الجزایر، رابطه عقب ماندگی‌های اقتصادی و سیاسی جهان سوم با مسابقه تسلیحاتی و جامعه‌شناسی جنگ و ارتش.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ارتش و سیاست در کشورهای جهان سوم، جامعه‌شناسی نظامی، نظام بین‌المللی و سیر تکوینی آن، روابط نظامی ایران و آلمان (۱۲۹۹، ۱۳۲۰)، پروسترویکا

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

استادی مقدم، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن استادی مقدم

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۵۵ بعد از گذراندن دوره دبستان و راهنمایی وارد دروس حوزوی (مدرسه رسالت) شدم. از سال ۵۵ تا ۷۵ جسته و گریخته درس خوانده و خارج را به پایان رسانده و در نظام حوزه تمامی پایه‌ها را امتحان داده و قبول شدم.

در ضمن سالیانی که در مناسب مختلف اجتماعی و نظامی اشتغال داشته موفق به ادامه دروس جدید شدم. پس از گرفتن دیپلم، در دانشگاه آزاد قبول و تا لیسانس الهیات (گرایش فقه و مبانی حقوق) تحصیل نمودم. در سال ۶۹ تا ۷۳ در مؤسسه در راه حق مشغول بوده که با تألیف و تحقیق آشنا شدم و کار نشر را شروع نمودم.

در سال ۷۴ تا ۷۸ در دانشگاه امام حسین (ع) مشغول تدریس و تحقیق بودم. در این دوره سردبیر مجله دانش نظامی و موفق به چاپ ۴ فصل شدم. در سال ۷۸ از مناسب اجتماعی و نظامی و دانشگاهی فارغ التحصیل شده و شروع به تحقیق نمودم که در این سالها موفق به تدوین و تنظیم و ویراستاری و چاپ و نشر حدود ۴۰ کتاب و جزوه برای وزارت کار شدم.

در این مدت پروژه‌ای از سازمان تبلیغات گرفته که عنوان پروژه آسیب‌شناسی فرهنگ امام حسین (ع) بود. دارای ۶ فصل: ۱- تاریخ عزاداری ۲- عزاداری (مبانی فقهی) ۳- فتاوی علماء ۴- واژه شناسی ۵- روایات ۶- عزاداری نمونه، که حدوداً هزار صفحه در ۴ عنوان اولیه و حدوداً صد صفحه در عنوان پنجم آماده نمودند که برای کارشناسان سازمان تبلیغات کاربری داشته و چاپ شده است.

در سالهای جدید هم تحقیقاتی داشته ام که هنوز فیش برداری آنها در دست اقدام است و در آینده آماده چاپ خواهد شد.

در ضمن کار نشر هم شاید بالغ بر صد کتاب که آماده چاپ نموده‌ام ویراستاری و در بسیاری اضافات و تدوین کتابها را انجام داده‌ام ولی به اسم خود مؤلفین چاپ شده است.

استرآبادی، حسین، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۹ ق)، قاضی و شاعر شیعی، متخلص به حزنی/ حزینی. وی در هرات می‌زیسته و قاضی این شهر بوده است. در سال ۹۳۹ ق که عبیداللّه‌خان ازبک به خراسان لشکر کشید او را به بهانه‌ی تشیع و هواخواهی از صفویه به قتل آورد. امیر علیشیر نوایی، وی را به داشتن طبع خوب می‌ستاید. از او «دیوان» شعری باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۷۹ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۶۷۴)، تحفه‌ی سامی (۵۳ -۵۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۹۹)، الذریعه (۲۳۵ /۹)، فرهنگ سخنوران (۲۵۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حزینی استرآبادی)، مجالس النفائس (۷۸).

اسکندری، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین اسکندری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر محمد حسین اسکندری حسب الامر، جریان تحصیل، تدریس و تحقیق خود را در چند بند بطور خلاصه در این صفحات می نویسم: در آغاز باید از سال ۴۲- ۴۱ سال آغاز انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، که برای تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم به عنوان نقطه عطفی در جریان زندگی خودم نام ببرم. البته حقیر قبل از این تاریخ نیز ــ چون پدرم روحانی و از شاگردان مراجع بزرگواری چون آیت الله بروجردی و آیت الله حاج شیخ محمد علی اراکی و آیت الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی و ...بودند ـ در قم بودم و دوران ابتدائی را در مدرسه خدیوی و دوره دبیرستان را در دبیرستان صدوق مشغول تحصیل بودم که به توصیه پدرم آن را نیمه تمام گذاشته و برای ورود به حوزه و اشتغال به تحصیلات دینی و حوزوی، دبیرستان را ترک کردم.

در سال تحصیلی ۴۲- ۴۱ سال شروع انقلاب وارد حوزه علمیه قم و در مدارس حضرت آیت الله گلپایگانی که برنامه تحصیلی خاص خود را داشت، مشغول تحصیل شدم با این تفاوت که هر سه سال از این برنامه ها را حقیر در دو سال گذراندم و کتابهای سیوطی، مغنی، شرح نظام، مختصر، حاشیه ملا عبدالله، شمسیّه، معالم و قوانین و جلدین شرح لمعه را همراه با برنامه های جنبی در این مدارس خواندم. در این مدارس نوشتن جزوه درسها و ارزیابی آنها توسط اساتید در فواصل مختلف و نیز شرکت در امتحانات فصلی اجباری بود.

رسائل را در درس خصوصی آیت الله شاه آبادی، کفایتین را در درس عمومی آیت الله سلطانی، مکاسب را در درس عمومی آیت الله ستوده، منظومه را در درس خصوصی آیت الله محمد مؤمن و درس عمومی آیت الله انصاری شیرازی و بخشهائی از اسفار را در درس آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده (و بعد که وارد موسسه در راه حق شدم) منطق، شفا، نهایه، فلسفتنا و روش رئالیسم را در درس آیت الله مصباح یزدی و کتاب" ژیلسون "را که آن هم یک کتاب فلسفه غربی بود در درس استاد ارجمند آقای دکتر احمدی و یک دوره فلسفه علم و نیز یک دوره کوتاه تاریخ فلسفه غرب را در درس دو نفر از اساتید محترم دانشگاه که در فن خود قوی بودند شرکت کردم. ضمناً در همین سالها روزهای تعطیلی همراه تعدادی از دوستان که سعی می کردند از همه فرصتها استفاده شود، بخشهائی از عقائد و معارف قرآن و روایات را نزد آیت الله جوادی آملی، آیت الله ابطحی اصفهانی و آیت الله مرحوم ابوترابی قزوینی شرکت کردم.

از اواخر دهه پنجاه به بعد در درسهای خارج فقه و اصول آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، آیت الله وحید خراسانی و در مقاطعی آیت الله اراکی و آیت الله سید کاظم حائری و ...شرکت کردم. در همین حال، یک دوره امر به معروف و نهی از منکر را همراه یکی از دوستان ارجمند در درس آیت الله صدیقیان اصفهانی خصوصی در روزهای تعطیلی و یک دوره فقه اقتصادی را در درس آیت الله مظاهری اصفهانی به پایان رساندم.

در سال ۱۳۵۱ در ضمن درسهای خارج حوزه وارد برنامه آموزشی تحقیقی موسسه در راه حق شدم و در گروه" الف "این موسسه ثبت نام کرده و پذیرفته شدم که در مجموع ترکیبی بود از :

۱. فلسفه اسلامی و غیر اسلامی

۲. معارف قرآن

۳. دو زبان خارجی (عربی جدید و انگلیسی)

۴. علم و فلسفه اخلاق

۵. اقتصاد اسلامی

۶. دوره های عمومی و کوتاهی در زمینه جامعه شناسی عمومی، روانشناسی عمومی، حقوق و علوم سیاسی، روش تحقیق و نویسندگی و علوم ریاضی و...

زمان این برنامه ها ۸ سال بود که در آن، حقیر درسها را بصورت جزوه می نوشتم و شرکت در امتحانات فصلی الزامی بود.

آموزش و تدریس:

از همان سالهای نخست طلبگی از نیمه دهه پنجاه در مدارس آیت الله گلپایگانی و سپس مدارس کرمانیها و رسالت به موازات تحصیل، درسهائی را که خوانده بودم تدریس می کردم. سپس در سالهای بعد چندین سال در موسسه در راه حق به تدریس فلسفه، فلسفه حقوق، عقائد و اخلاق در قرآن و در مدرسه شهیدین فلسفه، در جامعهٔ الزهراء فلسفه و اصول، در مدرسه حقانی عقائد و معارف قرآن و در دانشکده شهید محلاتی فلسفه اخلاق و قبل از جامعهٔ الزهرا در مکاتب خواهران نیز تدریس داشته ام و خلاصه آنکه از ادبیات گرفته تا مکاسب شیخ را بطور عمومی یا خصوصی در حوزه قم تدریس کردم و علاوه بر درسهای رائج حوزه مواد درسی فوق را در مراکز آموزشی مختلف چه آنها که نام بردم و غیر آنها تدریس نمودم.

پس از پیروزی انقلاب، در سالهای آغازین پیروزی انقلاب، به توصیه علماء و بزرگان حوزه بمنظور انجام کارهای فرهنگی تبلیغی و پاسخ به سؤالات و شبهات و یا برای تدریس در اردوهائی که بمنظور آموزش ضمن خدمت برای اساتید و دبیران و معلمان از سوی تربیت معلم و اداره آموزش ضمن خدمت تشکیل می شد به استانها و شهرهای مختلف آبادان و خرمشهر و رشت و بندر انزلی و حومه (از جمله دانشگاه گیلان و دانشگاه لاکان) و کرمانشاه و یزد و چندین نوبت در تهران (دانشگاه امام صادق (ع)، تربیت معلم، دانشگاه تهران و) ...سفر کرده، به تدریس عقائد و معارف و ایدئولوژی و اقتصاد اسلامی پرداختم که در هر یک از آنها از ۸- ۷ ماه گرفته تا دو ماه و یا حتی بیست روز سفر و برنامه ما طول می کشید و کار ما بصورت تشکیل کلاس یا پاسخ به سؤالات در دانشگاهها و دبیرستانها و یا بصورت مصاحبه و پاسخ و پرسش در مراکز تلویزیونی رشت و کرمانشاه و آبادان و گاهی سخنرانی انجام می گرفت که تا آنجا که بیاد دارم در رشت در کل یک ماه رمضان یک شب در میان و همچنین در کرمانشاه در مدت مشابه این مصاحبه منتشر می شد و موضوع و محور مصاحبه مسائل اقتصادی اسلام بود.

از سال اول بازگشائی دانشگاهها پس از انقلاب ظاهراً سال ۶۲- ۶۱ بنا به دعوت بعضی از مسئولان و معاونین دانشگاه شهید بهشتی و با توجه به وضع بحرانی دانشگاه ها در آن زمان که جولانگاه گروهکها بود، در این دانشگاه به تدریس دروس مختلف پرداختم که بطور عمده عبارت بود از: عقائد و معارف و اخلاق و نیز در مقاطعی نظام سیاسی و دولت در اسلام را در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی و حقوق بین الملل اسلام را نیز در همین دانشکده و بخشهائی از فقه را در دانشکده حقوق و تاکنون نیز که بیش از بیست سال از آن تاریخ می گذرد تدریس و همکاری حقیر با این دانشگاه ادامه دارد. همچنین، بنا به دعوت آیت الله میر محمدی که در آن تاریخ رئیس دانشکده الهیات دانشگاه تهران بودند و به توصیه آیت الله مصباح یزدی از سال ۶۴ در دانشکده الهیات بطور متناوب به تدریس فلسفه و کلام و فقه و اصول و فقه الحدیث و تفسیر و درایه پرداختم که تا بعد از دهه هفتاد ادامه یافت و

سپس هم با یکی دو سال فاصله در مجتمع آموزش عالی قم وابسته به دانشگاه تهران به تدریس دروس فقه و ادوار فقه و فقه تطبیقی مشغول شدم که تقریباً تا حدود سال ۱۳۸۰ ادامه داشت. علاوه بر این چند سالی هم در دانشگاه تربیت مدرس تهران به تدریس فلسفه (روش رئالیسم) و فقه (مکاسب) و اصول (مظفر) اشتغال داشته، در دانشگاه آزاد قم نیز فقه و اصول و ...را در چند سال و در دانشگاه آزاد شهر ری از چند سال پیش تاکنون به تدریس فقه، اصول، آیات الاحکام، قواعد فقهیه، حقوق جزای خصوصی و حقوق بین الملل اسلامی اشتغال دارم.

البته اشتغال حقیر به تدریس در دانشگاهها بنا به نیاز جامعه پس از انقلاب بوده که حتی در سالهای اوّلیه و جو بحرانی جامعه بویژه دانشگاهها که محل تاخت و تاز گروهکها بود خطر جانی هم برای ما داشت؛ ولی حقیر با اشتیاق تمام این کار را ادامه دادم و علیرغم آنکه درحدود ده سال قبل وزارت علوم با گرفتن دو امتحان مفصل و نوشتن پایان نامه ای در موضوع قاعده" مقابله به مثل در حقوق بین الملل از دید اسلام مدرك دکتری (استاد یاری) در فقه و مبانی حقوق به اینجانب داده است. حقیر تاکنون به همان شکل ساده و بدون رسمیت به کار تدریس خود در دانشگاه ادامه داده ام و بین راه قم و تهران در رفت و آمد بوده ام.

پژوهش و تحقیق:

اوّلین کار تحقیق، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب و در دورانی که تبلیغات دو ابر قدرت بویژه، تبلیغات گروهکهای کمونیستی بالا گرفته بود، مطالعاتی بود که همراه یکی دیگر از برادران عزیز (حجةالاسلام والمسلمین شیخ حسین ایرانی) در مورد وضعیت نظامهای سوسیالیستی و کمونیستی بویژه شوروی شروع کردیم و یادداشتهائی برداشتیم که بصورت دو کتابچه با نامهای: ۱- "برادری برابری حکومت کارگری "

۲"- بهشت سوسیالیسم "در آن تاریخ به چاپ رسید و در مراکز حساس فرهنگی و دانشگاهی در دسترس مردم بویژه قشر فرهنگی و دانشجویان قرار داده شد و در آن روزها نیاز زیادی به آن احساس می شد.

ولی، کار عمده تحقیقی اینجانب با تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که امروز بنام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه نامیده می شود و پس از پیروزی انقلاب در حول و حوش سال ۱۳۶۰ تأسیس گردید شروع شد. حقیر به عنوان محقق و مسئول گروه حقوق و علوم سیاسی در این موسسه پژوهشی که بمنظور تحقیق در رشته های مهم علوم انسانی اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی، جامعه شناسی، روانشناسی، علوم تربیتی و ...به وجود آمده بود تا کتابهای مادر و مبنائی مربوط به رشته های نامبرده در دانشگاهها را با توجه به اصول و مبانی اسلامی در این گونه رشته ها تهیه و تدوین کند، مشغول به کار شدم که هر چند از آن تاریخ تاکنون نوسانات و شدت و ضعفهائی داشته است، ولی بیش و کم تاکنون این کار ادامه پیدا کرده است و ثمرات این کار کتابها و مقالاتی است که در سطور بعد بعضی از آنها را نام خواهم برد .

علاوه بر این، اینجانب در کار تحقیق و پژوهش با موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) نیز همکاری داشته ام و کار عمده تحقیقی که در رابطه با این موسسه انجام داده ام پژوهش، تحقیق و تدوین کتاب اخلاق در قرآن بوده است که اصل آن سخنرانیها و درسهای آیت الله مصباح یزدی بود و مسئولیت پژوهش و تحقیق و تدوین آن به عهده اینجانب قرار داده شد و الحمدلله امروز در سه جلد و در بیش از هزار صفحه به چاپ رسیده و بعضی از مجلدات آن قریب ده بار به چاپ رسیده است. علاوه بر این از ۸- ۷ سال قبل تاکنون با پژوهشگاه علوم انسانی در خیابان کردستان تهران در ارتباط با گروه علوم سیاسی و نقد کتابهای سیاسی و آموزشی دانشگاهها همکاری داشته ام که بصورت مقالات انتقادی نوشته می شود و چند سالی است که مجله (فصلنامه) به نام" نامه علوم انسانی "بمنظور نشر اینگونه آثار و مقالات بطور عمده انتقادی گروه های مختلف، تأسیس شده که حقیر نیز جزء هیئت تحریریه آن هستم .

اصطخری، ابوسعید حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۲۸ -۲۲۴ ق)، فقیه عراق و قاضی. دوست و همردیف ابن‌سریج بود. مدتی قاضی قم و زمانی سرپرست امور حسبیه بغداد بود. مقتدر عباسی او را عهده‌دار منصب قضاوت سیستان کرد. سعدان بن صنر و حفص ربالی و احمد رمادی و عباس دوری از مشایخ او؛ و دارقطنی و ابن‌شاهین و محمد بن مظفر و ابن‌جندی از شاگردان وی بودند. ابواسحاق مروزی گوید که چون به بغداد رسیدم جز ابن‌سریج و ابوسعید اصطخری کسی را شایسته استادی خود ندیدم. او در بغداد درگذشت و در مقابرالدیر (مقبره معروف کرخی) دفن شد. اصطخری کتابی در قضا تألیف کرده که حاکی از سعه‌ی اندیشه و شناخت اوست و به گفته‌ی خطیب بغدادی هیچ کس تا آن زمان همانند این کتاب تألیف نکرده است. برخی از آثار وی عبارت‌اند از: «ادب القضاء» یا «ادب القاضی»، بر اساس مذهب شافعی؛ کتاب «الاقضیه»؛ «الفرائض الکبیر»؛ کتاب «الشروط و الوثاق و المحاضر و السجلات»؛ شرح «المستعمل»، در فروع فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۲ /۲)، تاریخ بغداد (۲۷۰ -۲۶۸ /۷)، ریحانه (۱۴۲ /۱)، سیر النبلاء (۲۵۲ -۲۵۰ /۱۵)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۹۲)، الفهرست لابن‌الندیم (۳۰۰)، کشف الظنون (۱۶۷۴، ۱۳۹۵، ۴۷)، الکنی و الالقاب (۳۷ -۳۶ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ اصطخری و حسن استخری)، معجم المؤلفین (۲۰۴ /۳)، نامه‌ی دانشوران (۲۵۹ -۲۵۸ /۸)، وفیات الاعیان (۷۵ -۷۴ /۲)، هدیه العارفین (۲۶۹ /۱).

اصغری، شکرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۴.

درگذشت: ۱۳۶۳.

صاحب کتابی در دو مبحث فقهی حقوق جزا و قصاص، سیستم کیفری اسلام و پاسخ به شبهات (با پیشگفتاری از محمد اصغری؛ تهران، ۱۳۶۶).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اصفهانی، معزالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید امیر معزالدین محمد بن تقی‌الدین محمد اصفهانی، عالم فاضل محقق کامل. قاضی اصفهان، و از صدور عهد شاه عباس اول

می‌باشد. مدت هشت سال منصب صدارت داشته است.

وی از شاگردان محقق کرکی و شیخ ابراهیم قطیفی، و مجاز از ایشان بوده، تاریخ اجازه ۹۲۸ می‌باشد، و مجلسی اول از او اجازه داشته.

کتب و رسائلی نوشته که از آن جمله است: ۱ - رساله فی عدم انفعال القلیل ۲ - تحفهٔ الرضویهٔ ۳ - تحفهٔ الفاطمیهٔ ۴ - تحفه النبویهٔ؛ و غیره.

در فوائد الرضویهٔ فرماید: در ظهر کتاب «تحفهٔ الرضویهٔ» اسامی تألیفات او که بالغ بر پنجاه مجلد می‌شود ثبت گردیده. و در آنجا وی را: معزالدین محمدبن ابی‌الحسن موسوی معرفی نموده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، معزالدین حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به قاضی معز. فاضل کامل عامل محقق مدقق، از علمای عصر شاه عباس اول بوده، و در قضاوت، حد اعلای تدین و دقت را به کار می‌برده و قضایای معروفی دارد. در سال ۱۰۲۰ به اتفاق سلطان حسین ندوشنی یزدی و قاضی خان سیفی به سفارت روم رفته. در برخی از اجازات، نامش معزالدین محمد نوشته شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، نظام‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب شاعر فاضل نویسنده، قاضی القضاهٔ عراق بوده، و با خواجه نصیرالدین طوسی ملاقات نموده، و در مدح جوینیان قصائدی پرداخته، و کتاب «شرف ایوان البیان» در شرافت خاندان صاحب دیوان را جهت خواجه عطاملك جوینی تألیف نموده، و به فارسی و عربی شعر گفته، و از دوستان و مادحین خاندان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم بوده است.

صاحب مجالس المؤمنین فرماید: قاضی نظام‌الدین محمد بن قاضی القضاهٔ اسحاق بن مطهر اصفهانی، متوفی به سال ۶۷۸ هجری.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

افتخار جهرمی، گودرز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق، دانشکده: حقوق، دانشگاه: شهید بهشتی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

افتخاری، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق قضایی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی زنجان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته حقوق قضایی و سیاسی از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

دانشیار حقوق قضائی و سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی زنجان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ولگردی از نظر حقوق جزای تطبیقی، علل تکوینی کیفر تبهکاران، حقوق مدنی، حقوق تجارت، تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران و زنجان به مدت ۵ سال.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

حقوق جزای اختصاصی، ولگردی از نظر حقوق جزای تطبیقی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

حقوق جزای اختصاصی توأم با حقوق سیاسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

افتخاری، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روابط بین‌الملل، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه دیترویت آمریکا، کارشناسی ارشد کتابداری از دانشگاه کاتولیک آمریکا در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه کاتولیک آمریکا، دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه کاتولیک آمریکا در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس روش تحقیق در علوم سیاسی، استراتژی، اندیشه سیاسی نظریه‌های جدید علوم سیاست و سیاست خارجی، مطالعه پژوهش در زمینه علوم سیاسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر بیش از ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

تکنولوژی نظامی و اثر آن در سیاست قدرتهای متوسط، جامعه اقتصادی اروپا، ایران و بازار مشترک اروپا، وابستگی و بهم‌بستگی، الگوی فرادستی و فرودستی، آزادی مطبوعات از دیدگاه لنین.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اکرمی ابرقویی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد اکرمی ابرقویی

محل تولد : ابرکوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۷/۱

زندگینامه علمی

ورود به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۴؛ اتمام دوره‌ی سطح در سال ۱۳۷۲؛ آغاز درس خارج از سال ۱۳۷۳ تاکنون. ورود به دانشگاه تهران (مجتمع آموزش عالی قم) در دوره‌ی کارشناسی (رشته حقوق) سال ۱۳۷۱، اخذ مدرک لیسانس در سال ۱۳۷۵. قبولی در دوره‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران (مجتمع آموزش عالی قم) در رشته حقوق جزا و جرم شناسی در سال ۱۳۷۵ و اخذ مدرک کارشناسی ارشد با دفاع از پایان نامه (با موضوع: مطالعه تطبیقی مسئولین پرداخت دیه در فقه شیعه و اهل سنت و حقوق موضوعی با نمره‌ی عالی (۱۹) در سال ۱۳۷۸. همکاری با واحد اصطلاح نامه دفتر تبلیغات (نام کنونی: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی) از

سال ۷۸ تاکنون با تدوین اصطلاح نامه بزرگ فقه (اتمام) و اصطلاح نامه حقوق (در حال انجام) همکاری علمی با مرکز تحقیقات قوه قضائیه – همکاری علمی با مرکز تحقیقات زنان – همکاری علمی با مرکز تحقیقات شورای نگهبان – همکاری علمی با مرکز تحقیقات اداره تعزیرات حکومتی و...

هم چنین همکاری با مراکزی همچون مجمع تقریب مذاهب اسلامی، صدا و سیمای قم، مؤسسه باقرالعلوم(ع)، مجتمع آموزش عالی قم، مرکز احیاء و نشر آثار حضرت امام، دفتر تبلیغات اسلامی قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و... در ویرایش مجلات علمی آنها.

العلی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی العلی

محل تولد : کویت

شهرت

تابعیت : کویت

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

الفت، نعمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نعمت الله الفت

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۲/۱۸

زندگینامه علمی

اینجانب نعمت الله الفت در تاریخ ۱۸/۲/۱۳۴۲ در شهر کاشان به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه آیت الله یثربی، تحصیلات راهنمایی را در مدرسه عارف و تحصیلات متوسطه خود را در رشته ریاضی فیزیک دبیرستان امام خمینی کاشان گذرانده‌ام.

بعد از فراغت از تحصیل در سال ۵۹ توسط برخی از دوستانم با علوم اسلامی آشنا شدم و به طور غیررسمی برخی از دروس ابتدایی ادبیات عرب را نزد برخی از دوستان طلبه‌ام فراگرفتم. تقریباً از سال ۱۳۶۰ به طور رسمی دروس طلبگی را آغاز کردم. نخست مدت کوتاهی در قم مشغول شدم و بعد به کاشان رفته چند ماهی هم در آنجا مشغول بودم که توسط یکی از دوستان، به اصفهان مدرسه

شهید صدر هدایت شدم، چون آن دوست در شهرکرد مدرسه امامیه را سرپرستی می کرد.
به آنجا رفته و دروس مقدماتی را نزد اساتیدی چون حجج اسلام سیدرضا تقوی دامغانی (امام جمعه)، شجاعی (حاکم شرع)، و فجری سرپرست مدرسه ایام خواندم. بعد از دو سال و اندی به کاشان مراجعت نموده و رسماً در مدرسه علمیه حضرت آیت الله یثربی (ره) مشغول به تحصیل شدم و در دروس مغنی، معالم و حاشیه ملاعبدالله و لمعتین شهیدین، دو جلد اصول فقه مظفر و باب قطع و ظن رسائل و مکاسب محرمه را در محضر اساتید کاشان همچون حضرت آیت الله یثربی (امام جمعه)، آیت الله خرازی، آیت الله شیخ احمد اسلامی و شجاعی گذراندم. در سال ۱۳۶۵ رسماً به حوزه علمیه قم وارد شدم و در دروس مختلفی شرکت کردم حتی دروسی که قبلاً خوانده بودم دوباره شرکت کردم و از اساتیدی چون آقای طالقانی و معالم آقای خسروشاهی استفاده کردم.
مکاسب را نزد آقای ستوده، هاشمی شاهروی و شیخ حسن قدیری تلمذ کردم. رسائل را نزد آقای اعتمادی خواندم کفایه را نزد آیت الله ستوده و آیت الله طاهری خرم‌آبادی و آیت الله اعتمادی فراگرفتم. در دروس خارج بسیاری از اساتید بزرگ قم شرکت کردم. برخی از درس‌ها را چند ماه و برخی را یکی دو سال، سرانجام دروس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی را مطلوب خویش یافتم که مرتب به درس ایشان حاضر شده‌ام.
از سال ۱۳۶۸ وارد دانشگاه شدم. در رشته حقوق که با سابقه حوزوی من سنخیت داشت مشغول تحقیق و تحصیل شدم. در همان سال‌های اولیه تحصیل در دانشگاه خداوند توفیق داد تا قلم به دست گیرم و برخی مطالب را بنویسم. کتاب «حقوقی جزای اسلامی» که با همکاری چند تن از دوستان دانشگاهی حوزوی‌ام به رشته تحریر درآمد. ترجمه کتاب «التشریع الجزایی الاسلامی» است که از جمله کتب مرجع و معتبر در این زمینه است اولین اثر مکتوب این جانب است.
در سال ۷۴ در مقطع کارشناسی رشته حقوق از دانشگاه مفید فارغ التحصیل شدم و در همان سال در کنکور کارشناسی ارشد حقوق خصوصی شرکت نموده و به عنوان اولین دوره این مقطع در دانشگاه قم پذیرفته شدم. با دفاع از پایان‌نامه‌ام با موضوع «بررسی تئوری تابعیت در اسلام و نظامهای حقوقی معاصر» به راهنمایی استاد دکتر نجاد علی اسلامی و مشاوره دکتر امرالله امامی با نمره ۱۹ و رتبه عالی در سال ۱۳۷۷ فارغ التحصیل شدم. از سال ۷۵ در دانشگاه مفید مشغول به کار شدم و عضو هیأت علمی گروه حقوق درآمدم و دروس مختلفی را تاکنون تدریس کرده‌ام که شرح آن در جدول مربوط آمده است.
در سال ۸۲ در کنکور دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران شرکت کردم و پذیرفته شده‌ام که در حال حاضر مراحل آموزشی را سپری کردم و در حال گذراندن رساله می‌باشم. موضوع رساله دکتری «پیش‌بینی نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و فقه و حقوق ایران» است.

الماسی، نجادعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق خصوصی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

الهی، همایون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم سیاسی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته علوم سیاسی از ایران، دکترای علوم سیاسی از کشور آلمان غربی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مدرس دروس سیاسی و اقتصادی، مسائل سیاسی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه و علل عقب‌ماندگی و ابزارهای اعمال سلطه بر این کشورها، مطالعه امپریالیسم فرهنگی، طرح تحقیقی آثار سیاسی کمکهای دوجانبه خارجی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۲ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

علوم سیاسی و مسائل مربوط به آن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

علوم سیاسی، مسائل اقتصادی و سیاسی کشورهای در حال توسعه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

امامی پور، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد امامی پور

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد امامی پور فرزند محمد علی متولد ۱۳۴۲ مقطع دبستان و راهنمایی را در مشهد گذراندم و پس از پایان دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه مشهد شدم و تا مقطع دیپلم به طور آزاد ادامه تحصیل دادم.

سال های ۶۴ تا ۶۹ در دانشگاه علوم اسلامی رضوی به فراگیری زبان انگلیسی و دروس حوزوی تا سطح عالی مشغول بودم و پس از اعزام ۳ ماهه به زامبیا جهت تبلیغ و مراجعت به کشور، راهی قم شدم و تحصیلات حوزوی و دانشگاهی را تا مقطع لیسانس از سال ۱۳۷۰ در آنجا ادامه دادم. در سال ۷۴ با احراز رتبه هشتم وارد دانشگاه تهران شدم و کارشناسی ارشد حقوق خصوصی را در سال ۷۶ به پایان رساندم و ازنیمه ۷۷ به عضویت هیئت علمی دانشگاه مفید در آمدم. سال ۸۲ وارد مقطع دکتری شدم و اکنون با پایان یافتن واحدهای آموزشی و امتحان جامع در مرحله پایان نامه هستم. چندین طرح پژوهشی مانند بررسی قانون بیمه شخص ثالث و درآمدی به متون اسلامی و... را نیز به سامان رسانده ام.

امامی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۸۳.

درگذشت: مرداد ۱۳۵۸، اروپا.

سید حسن امامی، فرزند ابوالقاسم تحصیلات خود را در سوییس به پایان رسانید و به درجه‌ی دکتری حقوق نایل گردید. پس از مراجعت به ایران وارد وزارت دادگستری شد و به ریاست دادگاه‌ها منصوب گردید و در ضمن در دانشکده‌ی حقوق به سمت استاد تاریخ عمومی و ثبت اسناد اشتغال داشت. بعد از وفات عموی خود که امام جمعه‌ی تهران بود، به جای وی به این سمت تعیین شد و به اقامه‌ی نماز جماعت و وظایف این شغل اشتغال داشت. بعدا به ریاست مجلس شورای ملی نایل آمد و پس از چندی بالاجبار از شغل نمایندگی مستعفی و به اروپا مسافرت نمود.

از آثار اوست: حقوق مدنی ایران (در شش مجلد)؛ شرح قانون ثبت اسناد و املاک (۱۳۲۰).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

انتظاری، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا انتظاری

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علیرضا انتظاری در سال ۱۳۴۰ در نجف آباد اصفهان متولد شده و پس از گذراندن دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان در سال ۱۳۵۹ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی فیزیک شدم. در دوران دبیرستان در فعالیت های انقلابی در جلسات و تظاهرات شرکت می نمودم و در سال ۵۷-۵۶ در حادثه زلزله طبس به این شهر رفته و همراه با دانشجویان به کمک مردم زلزله زده شتافتم و در همین دوران عشق به تحصیل در حوزه و علوم حوزوی در من شکل گرفت.

لذا پس از گرفتن دیپلم به حوزه علمیه نجف آباد وارد شدم ولی به علت شرایط آن زمان و شروع جنگ تحمیلی قادر به تحصیل کامل نبودم حتی ضرورتاً در صدا و سیمای زاهدان در بخش تولید برای کشورهای همجوار مدتی مشغول بودم. به هر حال در سال ۱۳۶۵ به دانشگاه تهران رشته الهیات وارد شدم. ولی پس از آن تغییر رشته داده و رشته حقوق را دنبال کردم و در سال ۶۶ همکاری با سپاه را شروع کرده که مدت بیش از بیست سال به این نهاد خدمت نمودم ولی در ضمن خدمت تحصیل در حوزه و دانشگاه را کم و بیش دنبال می کردم. البته قبل از آن بصورت نیروی بسیجی خدمت می کردم.

در مدت تحصیل در حوزه از اساتید بزرگواری همچون آیت الله اشتهاردی، وجدانی فخر، مکارم شیرازی، و.... دیگران استفاده نمودم و در دانشگاه هم از اساتیدی همچون دکتر گرجی، دکتر شهیدی، محقق داماد و..... بهره بردم در این دوران مقالات مختلفی را نیز به رشته تحریر در آوردم که بعضی از آنها منتشر شده است.

انصاری، عبدالحسین مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلف.

تولد: ۱۲۵۷.

درگذشت: ۹ بهمن ۱۳۶۲.

عبدالحسین‌خان مسعود انصاری ملقب به «مدیرالدوله»، فرزند علیقلی مشاورالممالک، در مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران (۱۳۳۹ ق.) و دانشگاه مسکو به تحصیل علوم سیاسی و حقوق پرداخت و درس عملی سیاست و رفتار دیپلماتیک را تا حدودی از پدرش که در وزارت امور خارجه سابقه‌ی خدمت داشت، فراگرفت. نزدیک پنجاه سال در وزارت امور خارجه بود. در سوئد، هلند، افغانستان، اتحاد جماهیر شوروی (دو بار)، پاکستان و هندوستان وزیر مختار بود. در هندوستان، افغانستان و شوروی (برای تاجیکستان و قفقاز) رایزن فرهنگی بود. وی در سال ۱۳۴۱ بازنشسته شد. مدتی نیز در گیلان، اصفهان و فارس منصب استانداری داشت.

«مدیرالدوله» انصاری صاحب دو کتاب زیر است: زندگانی من (شش جلد)؛ نگاهی به تاریخ معاصر ایران و جهان (تهران، ۱۳۵۴ - ۱۳۴۹).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

انصاری، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید انصاری

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

مجید انصاری در سال ۱۳۳۳ در روستای خانوک از توابع زرند کرمان به دنیا آمد. او تصحیلات ابتدایی خود را در دبستان زادگاهش به پایان رساند. مقدمات دینی را در حوزه علمیه حضرت معصومه کرمان فرا گرفت و سپس برای تکمیل تحصیلات دینی عازم قم شد و تحصیلات دینی خود را در این شهر ادامه داد.

فرا گرفتن علوم دینی و حوزه مبارزات سیاسی انصاری از همین هنگام آغاز شد و با نهضت امام اوج گرفت. او که در طی تظاهرات ۱۹ دی شهر قم مجروح شده بود، بعد از بهبودی مبارزات خود را ادامه داد و ابعاد آن را در سال های نزدیک انقلاب به تمام شهرستان های استان کرمان توسعه داد. او در سالهای پس از انقلاب در کنار برخی دیگر از همرزمان خود به تشکیل و سازماندهی کمیته های انقلاب اسلامی پرداخت.

وی در سال ۱۳۵۹ و در اولین دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از مردم زرند وارد مجلس شورای اسلامی شد. تجربه نمایندگی مجلس انصاری در ادوار بعدی هم ادامه یافت و او در مجلس دوم نیز به نمایندگی از مردم زرند و در مجلس پنجم و ششم به نمایندگی از مردم تهران در مجلس شورای اسلامی حاضر بود و به جز دوره اول که عضو کمیسیون اقتصادی و معاون بود در تمام ادوار بعدی به عضویت کمیسیون های آیین نامه داخلی و برنامه و بودجه پیوست و با توجه به توانایی های خود نقش ویژه در تحرکات مجلس ایفا کرد.

او در کنار مسئوولیت های تقنینی معاون پارلمانی وزارت کشور، معاونت برنامه ریزی سازمان بازرسی کل کشور را عهده دار بود. انصاری عنوان معاون حقوقی و پارلمانی خاتمی را در دو سال آخر ریاست جمهوری همراهی کرد. او همچنین عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو کمیسیون های زیر بنایی، اقتصاددانان و کمیسیون خاص تدوین چشم انداز ۲ ساله این مجمع بوده و ریاست پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی و همچنین معاونت برنامه ریزی را بر عهده دارد. انصاری، عضو مجمع روحانیون مبارز و کمیسیون سیاسی این تشکل سیاسی روحانی بود و از زمان حضرت امام تاکنون افتخار عضویت در مجلس خبرگان رهبری را داراست.

وی، با توجه به توانایی های متنوع خود یکی از برجسته ترین و شاخص ترین سیاستمداران مورد اعتماد جناح های سیاسی مختلف بوده که با توجه به تخصص خود در برنامه ریزی اقتصادی همواره نقشی ویژه در تدوین و سامان دادن به حرکت اقتصادی کشور ایفا کرد و در شرایط فعلی نیز می تواند همین نقش را در تنظیم سیاست های کلان کشور بر اساس متدهای علمی و تخصصی بر عهده گیرد. مجید انصاری سابقه مسئولیت های دولتی خود را از سن ۲۶ سالگی با نمایندگی در دوره اول مجلس شورای اسلامی آغاز کرد.

اويس اردبيلى، اويس

قرن:۱۰

جنسيت:مرد

مليت:ايران

(س نهم و دهم ق)، طبيب، شاعر و قاضى. وى طبيب و قاضى اردبيلى بود، پنجاه سال در آن شهر به قضاوت روزگار گذراند. تدريس در آن ديار هم به عهده‌ى وى بود. اويس شاعرى ماهر با طبعى روان بود.

برگرفته از كتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)

منابع زندگينامه :تذكره‌ى شعراى آذربايجان (۲۳ -۲۲ /۱)، دانشمندان آذربايجان (۵۷ -۵۶)، الذريعه (۱۱۲/۹)، سخنوران آذربايجان (۸ -۷)، فرهنگ سخنوران (۱۱۰)، مجالس النفائس (۳۹۶).

ايجى، عبدالرحمن

قرن:۸

جنسيت:مرد

مليت:ايران

قاضى عضد الدين ايجى از علماى فقه و اصول و علوم ادبى بشمارمى آيد. او كه در سال ۷۱۰ در ايج (استهبانات امروز) در فارس متولد شد و تحصيلات خود را در شيراز به پايان برد . وى به چنان شهرتى دست يافت كه دردربارهاى سلطان ابوسعيد ايلخان شيخ ابو اسحاق اينجو ،امير مبارز محمود شاه شجاع آل مظفر اقرام بسيار داشت و در زمان سلطان ابوسعيد قاضى القضاه كل ايران بود و واسطه صلح ميان نبردهاى آل اينجو و آل مظفر بوده است . با اين وجود در سال ۷۵۶ در ماجراى محاصره شيراز بدست امير مبارز الدين محمد به شبانكاره گريخت و درهمان سال در زندان امراى شب انكاره در گذشت ،مشهورترين آثار باقى مانده از وى عبارتند از : كتاب مواقف در علم كلام ، فوائد غياثيه در معانى و بيان و شرح مختصر ابن حاجب در اصول .

گروه : علوم انسانى

رشته : حقوق

گرايش : قضاوت

والدين و انساب : قاضى عضد الدين ايجى كه در سال ۷۱۰ در ايج (استهبانات امروز) در فارس متولد شد نام پدرش احمد بن عبد الغفار فارسى بوده است .

تحصيلات رسمى و حرفه اى : قاضى عضد الدين ايجى از كودكى به تحصيل علوم گوناگون در شيراز پرداخت و استاد وى ازشاگردان قاضى بيضاوى بوده است . وى درعلم بويژه علوم دينى به چنان پايه اى دست يافت كه درزمان سلطان ابوسعيد ايلخان به قاضى القضاتى كل ايران منصوب شد .

استادان و مربيان : قاضى عضد الدين ايجى نزديكى از شاگردان قاضى بيضاوى به تحصيل مشغول شد.

هم دوره اى ها و همكاران : خواجه شمس الدين حافظ شيرازى از معاصران قاضى عضد الدين ايجى بوده و وى را به دانش ستوده است .

وقایع میانسالی : قاضی عضد الدین ایجی درزمان سلطان ابو سعید ، آخرین ایلخان ،و وزیر وی خواجه غیاث الدین به مقام قاضی القضاتی دست یافت و مقیم سلطانیه شد. او در نظر همه سلاطین آن دوره احترام بسیاری یافت چنانکه شیخ ابواسحاق اینجو در کارهای مملکت از وی مشورت می خواست و درسال ۷۵۴ که میان او و مبارز الدین محمد آل مظفر جنگ واقع شد، قاضی عضد الدین از طریق شیخ ابواسحاق واسطه صلح شد و چون امیر مبارز الدین را ملاقات کرد ، امیر مبارز الدین محمد پنجاه هزار دینار به خود او و ده هزار دینار به اتباع و همراهان وی بخشید و مقدم وی را گرامی شمرد و پسرش شاه شجاع را به خواندن کتاب مختصر«از تالیفات وی بود ، مامور ساخت . قاضی عضد در موقع محاصره شیراز به دست امیر مبارز الدین به شبانکار گریخت و به دست یکی از امرای شبانکار محبوس شد و در سال ۷۵۶ وفات یافت .

زمان و علت فوت : قاضی عضد الدین ایجی درسال ۷۵۶ درزمان محاصره شیراز توسط امیر مبارز الدین محمد آل مظفر به شبانکار گریخت و درزندان ملوک شبانکار وفات یافت .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : قاضی عضد الدین ایجی درزمان سلطان ابوسعید ایلخان، قاضی القضاه کل ایران و نیز ندیم شاه شیخ ابواسحاق اینجو بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه و تالیف و شرح بر کتب دیگر دانشمندان از عادات و علایق قاضی عضد الدین بود. علاوه برچنین تعلقات علمی، وی اشعاری به عربی نیز سروده است .

شاگردان : یکی از شاگردان قاضی عضد الدین ایجی ، شاه شجاع آل مظفر پسر امیر مبارز الدین محمد مظفری بود که از سوی پدر ماموریت خواندن کتاب شرح مختصر ابن حاجب به اثر قاضی عضد الدین را یافت .

چگونگی عرضه آثار : قاضی عضد الدین ایجی کتاب شرح مختصر ابن حاجب را به خواجه عیاث الدین محمد وزیر سلطان ابوسعید ایلخان تقدیم کرده است . --

آثار :

۱ شرح مختصرابن حاجب

ویژگی اثر : در علم اصول است که به شرح عضدی نیز معروف است .

۲ فواید غیاثیه

ویژگی اثر : کتابی است درباره علم معانی و بیان

۳ کتاب مواقف

ویژگی اثر : این کتاب در علم کلام است که میر سید شریف جرجانی بر آن نوشته و در میان کتب کلام بسیار مشهور است .

آخوندزاده‌ی هروی، محمد صدیق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۶ ق)، قاضی، شاعر و تذکره‌نویس. قاضی ملامحمد صدیق بیشتر عمر خود را در کابل گذراند. سپس به زادگاه خویش هرات بازگشت و به امور قضایی پرداخت. وی همچنین ریاست انجمن ادبی هرات را بر عهده داشت. از او به عنوان قاضی صاحب نیز یاد شده است، چه، علاوه بر ریاست انجمن ادبی، قضاوت شرعیه‌ی هرات نیز بر عهده‌ی وی بود. آخوندزاده‌ی هروی در گفتن

ماده تاریخ نیز مهارت داشت. اثر وی «تذکره النساء»، تألیف ۱۳۲۷ ق، که در شرح حال ۱۴۰ نفر از زنان شاعره مسلمان عرب و عجم است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۹۵ –۱/ ۳۹۴).

آخوندی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود آخوندی درسال۱۳۱۲ دربیست وسوم اسفند ماه درشهرستان اهردیده به جهان گشود .

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق قضایی

والدین و انساب : محمود آخوندی دربیست و سوم اسفند ماه سال ۱۳۱۲ درشهرستان اهر دیده به جهان گشود . وی هنوز پنج ساله نشده بود که پدرش دار فانی را وداع گفت و مادرش که یک زن تحصیل کرده درزمینه علوم دینی بود عهده دار تربیت وی شد . مادرش هم در سال ۱۳۴۹ زمانی که محمود ۳۷ سال داشت فوت کرد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : بعد از مرگ پدر محمود مادر او که زنی فداکار ومهربان بود ووضع مالی خوبی داشت عهده دار تربیت وی گردید . درآن روزگار ، اکثرمردم بویژه زنان از نعمت سواد ودانش بی بهره بود اما مادرش تحصیل کرده بود ،یعنی آن زمان ، علوم دینی رااز پدر محمود که از عالمان بنام آن عصر بود آموخته بود مادرش قرآن را با صدایی دلنشین می خواند همین تاثیر بسزایی روی محمود آخوندی داشت به طوری که قرائت قرآن را بر هرموسیقی دیگری ترجیح می داد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود آخوندی تحصیلات ابتدایی خودرا درشهرستان اهر آغاز کرد وبرای آموزش دوره متوسطه ۶ساله به تبریز رفت . بعد دررشته حقوق قضایی وارد دانشگاه تهران شد . پس از اخذ درجه لیسانس قضایی راهی کشور سوئیس شهر نوشاتل شد . آخوندی دررشته حقوق جزا پایان نامه دکتری خودرابا مرحوم فرانسواکلر گذراندکه پایان نامه اش درباره حقوق جزای اسلامی و تاثیر آن در حقوق جزای ایران درسال ۱۳۴۰ بود .

خاطرات و وقایع تحصیل : محمود آخوندی به دلیل علاقه واستعدادی که دردرس ریاضی داشت همیشه دوست داشت دراین رشته ادامه تحصیل دهد ولی به علت عظمتی که آن موقع قاضی بودن داشت و اصرار خانواده ام دراین رشته ادامه تحصیل دادم . آن زمان که او فارغ التحصیل شد ظاهرا ۲۳یا ۲۴ ساله بود برای قضاوت ، داشتن ۲۵ سال ضروری بود و او نمی توانست قاضی شود لذا باید ادامه تحصیل می داد و چون کشور سوئیس از لحاظ قضاوت دررتبه بالایی بود مثلا سالی چند بار بیشتر تشکیل جلسه نمی داد و هر وقت جرمی اتفاق می افتاد قاضی را دعوت می کردند که پرونده ای تشکیل شده برای رسیدگی تشریف بیاورید برای او جالب بود و به همین دلیل این کشور را برای ادامه تحصیل انتخاب کرد .

استادان و مربیان : ازاستادان محمود آخوندی مرحوم دکتر سید حسن امامی که حقوق مدنی ، مرحوم دکتر عبد الحسین علی آبادی حقوق جزا ، مرحوم دکتر ستوده حقوق تجارت ،مرحوم دکتر صفدری حقوق بین الملل ،مرحوم دکتر قاسم زاده حقوق اساسی و مرحوم دکتر متین دفتری آئین دادرسی می توان یاد کرد .

هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای محمود آخوندی مرحوم دکتر مصدق درنوشاتل ، مرحوم دکتر احمدمتین دفتری در لوزان ، مرحوم سید حسن امامی در سوئیس بودند .

همسر و فرزندان : همسر محمود آخوندی ازدانشجویان خودش در کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی بود و فوق لیسانس حقوق است همچنین فوق لیسانس آماررا ازدانشگاه آمریکا دارد . اودوپسر دارد که پسر بزرگش پزشک است درایران درس خوانده و در آمریکا تخصص می بیند و پسر کوچکش مهندس الکترونیک است و در صداو سیما مشغول فعالیت می باشد .

وقایع میانسالی : بعد از پیروزی انقلاب اولین اداره ای که منحل شد، اداره حقوقی دادگستری بود . محمود آخوندی به رئیس جمهور وقت گفت : آقای بنی صدر شماکه می دانید ما اینجا چه کار می کنیم . حال که اداره حقوقی را منحل می کنید چه مرجعی باید لوایح را کنترل کند ؟ این لوایح کنترل نشده به شورای انقلاب و مجلس می رود ؟ می دانید .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمت محمود آخوندی باتوجه به مدارک علمی و کارتحقیقی بسیار بعنوان اولین پرفسور حقوقی ایران و به عضویت هیئت علمی دانشگاه هاوایی در ایران ومنطقه شناخته شده است .

فعالیتهای آموزشی : محمود آخوندی پس از شرکت در کنکور دادگستری و گذراندن دوره کار آموزی در اهر بعنوان اولین دادرس دادگاه شهرستان و بعد رئیس دادگاه بخش مشغول فعالیت شدند . شش ماه دادرس علی البدل بود بعد بازپرس دادسرای تبریز شد وماموریت پیداکرد در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) حقوق جزا تدریس کند . ابتدا او را به کرج منتقل کردند ودادیار کرج شد . سپس به عنوان دادیار دادسرای تهران منصوب شد وپس از آن به اداره حقوقی دادگستری انتقال پیدا کرد و مامورخدمت در دانشگاه ملی و معاون آموزشی دانشکده حقوق آن دانشگاه گردید. درسال ۱۳۵۲ به آمریکا رفت و پس از برگشت از آمریکا دردفتر تحقیقات و مطالعات دادگستری مشغول کار شد و بعد مسئولیت پارلمانی دادگستری را عهده دار شد در واقع طرح های دادگستری را وی تهیه می کرد . زمانی هم آخوندی نماینده دادگستری در کمیسیون عرائض مجلس شورا بود . مدتی هم نماینده دادگستری در مجلس سنا بود بعد بعد به تناوب ، عضو دادگاه تجدید نظر اداری ، رئیس دادگاه جنحه ، رئیس دادگاه استان تهران و بعد هم رئیس دادگاه جنائی بود.

آرا و گرایشهای خاص : محمود آخوندی معتقد است که در فقه اسلامی بحث مستقلی با عنوان آئین دادرسی کیفری نیامده است . اما با جستجو در ابواب قضاء ، حدود ، قصاص ، تعزیرات و دیات می توانیم مجموعه مقرراتی برای دادرسی تدوین کنیم . اما در شرایط فعل تمام عملکردهای قضاوت با مبنی بر «قرار » هاست و قرارها نیز از حقوق غربی گرفته شده است . ایشان می فرماید که قوانین باید همیشه را ه تکامل را باز کنند . اما متاسفانه برخی قوانین ما طوری نشاء الله شده اندکه مانع تکامل می شوند . می توان بین سیستم دادرسی کیفری مبتنی بر موازین فقهی و مفاهیم حقوق بشر تلفیقی ایجاد کرد . ---

آثار :

۱ دوره آیین دادرسی کیفری

ویژگی اثر : که این کتاب در ده جلد است و سه جلد آن منتشر شده است و جلد چهارم آن راههای اثبات دعوای جزایی بحث وبررسی نشده است و چهار بخش دارد

۲ رساله حقوق جرای اسلامی و تاثیر آن در حقوق جزای ایران

ویژگی اثر : اصل این رساله به زبان فرانسه درسال ۱۳۴۰ نوشته بود که در چاپخانه دانشگاه تهران چاپ ومنتشر گردید .

آزاد، افراسیاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۳۳ ق)، وکیل دعاوی، نمایشنامه نویس و روزنامه‌نگار. وی از نویسندگان پرکار اواخر دوره‌ی مشروطیت و یکی از آغازگران مکتب نمایشی اخلاقی در ایران بود. او که به کار وکالت عدلیه مشغول بود تعداد بسیاری نمایشنامه نوشته است که بیشتر آنها به معرض نمایش هم گذاشته شده‌اند. آزاد در دوره‌ی ۱۲۹۵ تا ۱۳۲۰ ش نیز نمایشنامه‌های زیادی نوشته است. او همچنین روزنامه‌ای به نام «نامه‌ی آزاد» منتشر کرد که در این زمینه با موفقیتی روبرو نشد. یکی از نمایشنامه‌های وی «احساسات جوانان ایرانی» است که در تیاتر ملی در سل ۱۳۳۳ ق به معرض تماشا گذارده شد. آزاد در حدود سی الی چهل نمایشنامه نوشته است که بیشتر آنها درباره‌ی ماسئل اخلاقی، از قبیل: مضرات الکل، تریاک، قماربازی و غیره است. از جمله آثار نمایشی وی: «تا به کی خود را نشناسیم»؛ «مالیخولیای قماربازی»؛ «گدای معقول»؛ قضا و قدر»؛ «دسته گل»؛ «گل و بلبل». تنها اثر به چاپ رسیده‌ی او «نامه‌ی آذریان یا سربازی وطن افتخار است» که در سال ۱۲۹۲ ش منتشر شده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نمایشی (۲۳۱ –۲۲۵ /۲)، تاریخ جراید (۲۵۹ /۴).

آزمایش، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق خصوصی اسلامی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق و کارشناسی ارشد علوم جزائی و جرم‌شناسی از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دکترای جامعه‌شناسی و دکترای دولتی حقوق خصوصی با تخصص علوم جزائی و جرم‌شناسی از دانشگاه مونپلیه فرانسه.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۴ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

حقوق ایران در رابطه با حقوق کودک، حقوق ایران در رابطه با منع استعمال سلاحهای شیمیایی و باکترویولوژیک، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:–

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

به صورت ۷ جزوه درسی در زمینه‌های حقوق جزائی بین‌الملل، حقوق بین‌الملل جزائی، حقوق جزائی اداری، حقوق جزائی نظامی، حقوق جزائی عمومی، رویه قضائی جزائی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

حقوق کودک، تحولات حقوق کیفری، حقوق کیفری بازرگانی، حقوق اساسی، جرائم جنگ و حقوق جزائی بین‌المللی، حقوق بشر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آشتیانی، فضل‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۲ -۱۲۹۸ ق)، حکیم و قاضی. مشهور به آشتیانی. پس از تحصیل مقدمات علوم اسلامی به محضر درس میرزا محمدحسن آشتیانی راه یافت و در زمینه معقول حوزه درس میرزای جلوه و میرزاحسن کرمانشاهی را دریافت. پس از فراغ از تحصیل به خدمت قضایی درآمد و مستشار دیوان عالی کشور شد. اما هیچ‌گاه رابطه‌ی او با علم و حکمت قطع نشد. هرگاه که میرزا مهدی آشتیانی به سفر می‌رفت یا بر اثر بیماری توان درس گفتن نداشت به اصرار به جای وی در مدرسه‌ی سپهسالار قدیم درس می‌گفت. در تهران درگذشت و در جوار حضرت عبدالعظیم دفن شد. از آثارش: رساله‌ای مختصر در «حدوث عالم جسمانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گلزار معانی (۱۵ -۷).

آشوری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم جزائی و جرم‌شناسی دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق قضائی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد علوم جزائی و جرم‌شناسی از دانشگاه اکس مارسی فرانسه در سال ۱۳۴۷، دکترای دولتی علوم جزائی و جرم‌شناسی از دانشگاه پاریس ۲ فرانسه در سال ۱۳۵۰، مدال درجه اول در زمینه حقوق از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مهاجرت‌های روستایی و رابطه آن با جرم، خودکشی در تهران، ارزش قضائی روشها و ابزار نوین، شناخت جرم و شهادت، بررسی عوامل جرم در منطقه خوزستان، موقعیت دادسرا در لایحه آئین دادرسی کیفری، تدریس دروس آئین دادرسی تطبیقی، قرارهای بازداشت موقت، آئین دادرسی کیفری ۱ و ۲، جرم‌شناسی، تاریخ تحولات حقوق کیفری جامعه‌شناسی کیفری و نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر در دانشکده حقوق تهران و مجتمع آموزش عالی قم.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

آئین دادرسی کیفری، نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر و دفاع اجتماعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

لزوم جبران خسارت زندانیان بی گناه، توقیف احتیاطی، عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی، حقوق جزایی نوین آلمان در بوته آزمایش.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آلاشتی سوادکوهی، عبدالباقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۳۱۱ ق)، فقیه، قاضی و عالم دینی. از بزرگان سوادکوه بود و از جمله عالمان پرهیزکار آن سامان به حساب می‌آمد. در محضر ملا محمد اشرفی شاگردی کرد. وی عهده‌دار منصب قضا در دیار خود و مرجع دینی مردم سوادکوه بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :التدوین فی احوال جبال شروین (۲۸۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۲۱ /۱۴).

بابایی، اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اصغر بابایی ساخمرسی

محل تولد : ساخمرس ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اصغر بابایی ساخمرسی ساکن استان مازندران، شهرستان نکاء، روستای مرس کوچک، تحصیلات دوران ابتدایی را در روستای مرس کوچک یا محل تولد پشت سرگذاشته ام. و تحصیلات دوران راهنمایی و دوران متوسطه را در شهرستان نکاء به پایان رسانده ام و در رشته ی فرهنگ و ادب موفق به اخذ دیپلم شده‌ام.در سال تحصیلی ۱۳۶۴-۱۳۶۳ وارد حوزه شده‌ام و در حوزه‌ی امام صادق(ع) شهرستان نکاء مشغول تحصیل علوم دینی شده‌ام.در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه امام خمینی(ره) گرگان شدم و تا سال ۱۳۷۱ در آن حوزه مشغول تحصیل بوده‌ام و از آن تاریخ به بعد وارد حوزه علمیه قم مقدس شده‌ام و تاکنون مشغول تحصیل علوم حوزوی بوده‌ام.

در ضمن در سال ۱۳۷۳ از طریق کنکور وارد دانشگاه شده‌ام و در رشته‌ی حقوق، در دانشگاه مفید قم موفق به اخذ مدرک لیسانس شده‌ام و پس از آن در رشته مهارتهای تبلیغ نیز زیر نظر دفتر تبلیغات، رشته‌ی تخصصی تبلیغ و شیوه‌های کلاس داری و علوم تربیتی را در ۵۶ واحد درس پشت سر گذاشته‌ام. در راستای علوم حوزوی نیز تا پایه‌ی دهم امتحانات کتبی و شفاهی را به پایان برده و با نوشتن پایان نامه‌ی سطح ۳ حوزه و دفاع از آن، حدود هشت سال شرکت در درس خارج و هفت نوبت مصاحبه‌ی درس خارج، اصول و فقه.

باریکلو، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا باریکلو

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۶/۴

بازانه‌ای، قاضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاضی که در بازانه اراک مشغول امر قضاوت شرعی و فصل خصومات و در عداد علماء بزرگ اراک محسوب بود وی نیز تحصیلات خود را در اصفهان و بعد در نجف به پایان رسانیده و بعد به وطن برگشته و بین مردم قضاوت می‌نمود و احکام صادره از ایشان بر طبق کتاب خدا و روایات ائمه علیهم‌السلام بود.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

باقرپور، یوسف علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یوسفعلی باقر پور

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

مشغول دبیرستان شده بودم که تصمیم به ورود به حوزه علمیه گرفتم. (۱۳۵۵) پس از ورود و گذشت چند سال در مقطع دبیرستان را به صورت متفرقه و در عرض سه سال گذراندم. (۶۱-۱۳۵۹) . در سال ۶۱ در دانشگاه تهران رشته الهیات پذیرفته شدم که چون مغشول تحصیل در سطح حوزه بودم و آن دو را منافی هم می دیدم از دانشگاه انصراف دادم تا اینکه به درس خارج وارد شدم و یکسال از آن گذشت. در دانشگاه شرکت کردم و در پردیس قم دانشگاه تهران در رشته حقوق قضائی پذیرفته شدم(۱۳۶۴). پس از آن و در سال ۱۳۶۸ در تربیت مدرس الهیات و معارف اسلامی دارالشفاء (دانشگاه قم) شرکت کردم و تا سال ۱۳۷۱ دوره ارشد را طی کردم. ضمناً در سال ۱۳۷۶ در ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه مفید پذیرفته و در سال ۱۳۷۹ فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۴ در رشته دکتری حقوق جزا و جرم شناسی واحد علوم و تحقیقات تهران پذیرفته و هم اکنون مشغول تحصیل در دکتری می باشم.

از سال ۱۳۷۱ مشغول تدریس در دانشگاه می باشم. از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ دروس معارف اسلامی و اخلاق و دروس الهیات و معارف اسلامی را تدریس می کردم و از سال ۱۳۷۹ به بعد عموماً به تدریس دروس حقوق جزای عمومی ، اختصاصی، جرم شناسی، کیفر شناسی و ... مشغول می باشم.در حوزه علمیه ابتدا در حوزه علمیه رستمکلد تا کتاب معالم را خواندم ضمن اینکه دروس مقدمات را تردیس می کردم از سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و کتب لمعتین، رسائل ، مکاسب، و کفایه، اصول فقه، قوانین و نیز کتب بدایه، نهیاه، اشارات و مصباح الانس را از اساتید معظم و بزرگواری چون آیت الهل اشتهاردی، آیت الله ستوده، استاد اعتمادی، آیت الله جوادی آملی، نآیت الهل حسن زاده آملی و آیت الله گرامی و ... استفاده کردم.در دروس خارج که از سال ۱۳۶۳ شروع کردم از دروس آیت الله وحید خراسانی و آیت الهل مکارم شیرازی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله فاضل لنکرانی و ... بهره بردم و می برم. ضمناً دروس حوزه را به صورت خصوصی از ابتدا تا شرح لمعتین تدریس نموده ام و ...

باقرزاده، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا باقرزاده

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۵۸ وارد حوزه شد و پس از پنج سال که در ورامین و کاشان مشغول تحصیل بود وارد قم گردید. دروس سطح را از اساتید معظم: اسلامی، محامی، بنی فضل، اعتمادی استفاده کرد. در درس خارج از محضر حضرات آیات: وحید خراسانی، تبریزی، مکارم شیرازی و ... استفاده کرد. در کنار دروس حوزه فوق لیسانس حقوق بین الملل و دکترای علوم سیاسی را در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) گذرانده است. وی عضو هیات علمی موسسه فوق، مدیر گروه حقوق و سیاست مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه و مدیر گروه حلقه نقد فقه و حقوق و سیاست در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی بوده است. از وی مقالات متعددی در حوزه های حقوق و سیاست در مجلات و روزنامه های کثیر الانتشار به چاپ رسیده است. همچنین کتاب" ضمانت اجراهای صلح و امنیت بین المللی در ارتباط با کشورهای در حال توسعه "جزوات تدریس قانون اساسی، حقوق بشر در اسلام و مبانی حقوق از آثار وی می باشد. وی مشغول تدریس در حقوق و سیاست در حوزه و دانشگاه است.

باقری، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم باقری

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۱ هجری شمسی وارد حوزه علمیه شدم ابتدا در مدرسه علمیه داراب،سپس گویم و پس از آنان آشتیان و در سال ۱۳۶۷ توفیق حضور در حوزه علمیه قم را یافتم و رسائل و مکاسب را در محضر حضرات آیات پایانی و اعتمادی به پایان رساندم و پس از اتمام کفایه نیز که از محضر حضرت استاد اعتمادی کسب فیض نمودم در سال ۷۱ وارد درس خارج فقه و اصول گشتم ، در یک سال درس خارج اصول در محضر آیت الله مکارم شیرازی و یک سال خارج فقه در محضر آیت الله مشکینی و در سال ۷۲ به حوزه درسی استاد معظم ضمن اینکه چند سال نیز از درس خارج فقه حضرت آیت الله گرامی بهره مند شده ام.در کارهای تحقیقاتی به طور رسمی با کمیته تدوین متون قوه قضائیه همکاری نمودم، با مرکز پژوهشهای حوزه علمیه و مرکز نشرآثار امام خمینی(ره) نیز

همکاری داشته ام و کارهای پژوهشی عمدتا در رابطه با حوزه تحقیقاتی فقه و حقوق انجام داده ام هر چند پیش از این نیز به طور پراکنده مقالاتی را برای برخی روزنامه ها نوشته ام ، برخی کارهای تحقیقاتی را خود به انجام رساندم که کار شخصی محسوب می شود.با یک توضیح سخن را به پایان می برم: در حوزه های علمیه در زمینه منطق، ادبیات عرب و اصول فقه تدریسی داشته ام در رابطه با همکاری با مراکز تحقیقاتی نیز یاد آور شوم: در همکاری با کمیته تدوین متون در رابطه با مسائل حقوقی مسائل مباحثی نظر احوال شخصیه، کلیات حقوق، معاملات واقعیات و.. در حقوق ایران و کشورهای اسلام نظیر مصر، سوریه، عراق، لبنان، اردن، امارات، را مورد تحقیق قرار داده و نوشته هایی را در این زمین ارائه نمودم.

در همکاری با مراکز تحقیقاتی فقهی بیشتر در مباحث جزایی و کیفری به پژوهش پرداخته ام، در آیین دادرسی کیفری مسائل مربوط به سوگند و شهادت و در قانون مجازات اسلامی مسائلی چون مباحث دیات اعم از دیه نفسی، عضو، دیه میت و مباحثی چون تشریح، پیوند اعضاء و ... را به تحقیق نشستم.ونیز در تهیه گنجینه آرا، فقهی قضایی و تبویب و ارزیابی آن در حدود ۲۰۰۰۰ بیست هزار استفتاء از مراجع عظام تقلید اشاره ای می شود که با تبویب ونمایه زنی آن کاری برای محققان آسان گشته است، با دوستان دیگر همکاری داشته ام البته در بخش مربوط به مباحث حقوقی آن.در مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم نیز در بخش مطبوعات همکاری داشتم بدین معنی برخی از مقالات مربوط به حوزه فقه و حقوق و بعضاً سیاست، ارتباط وثیقی با فقه یا حقوق دارد، را نقد می نمایم و گاهی هم مقالات اینترنتی را درهمین زمینه.

باقری، ولی الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ولی الله باقری

محل تولد : سر بند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ولی الله باقری در سال ۱۳۴۴ در خانواده ای مذهبی در بخش سر بنداران متولد شدم و ابتدا در مکتب خانه شروع به تحصیلات قرآنی و سپس در سال ۱۳۵۴ درسهای کلاسیک را در مدارس جدید آغاز نمودم سالهایی که در مقطع ابتدایی تحصیل می کردم در همان روستای آب بخشان از توابع سربند و سپس دوران راهنمایی و دبیرستان را در شهرستان بروجرد اشتغال داشتم در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه ولی عصر(عج) بروجرد شدم و در سال ۱۳۶۴ راهی شهر مقدّس قم شدم. ابتدا در مدرسه علمیه مهدی موعود(عج)تحت اشراق و ارشاد(حضرت الله العظمی نوری همدانی ادبیّات عرب را به پایان رساندم سپس وارد درسهای سطح حوزه گردیدم و از محضر اساتید بزرگواری چون آیه الله وجدانی فخر، آیت الله اعتمادی، آیهٔ الله اشتهاردی و آیهٔ الله نکونام گلپایگانی و نیز آیهٔ الله سید احمد خاتمی بهره مند شدم.

درهمان سالهای اشتغال به تحصیل در دوران سطح سه تبلیغ علوم آل محمّد و معارف اسلامی نیزپرادختم. حدود سال ۷۳-۷۲ وارد

مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) زیر نظر حضرت آیهٔ الله مصباح یزدی دام ظله العالی شدم و درسهای معارف و روز را با توجه به ضرورتهای زمانه پشت سر گذاشتم و موفق به اخذ درجه فوق لیسانس در رشته الهیات و معارف اسلامی آن مؤسسه مبارك شدم. پس از اتمام تحصیلات در آن مؤسسه و هم زمان با اشتغال به درس خارج فقه و اصول که به ترتیب از محضر اساتید بزرگوار حوزه مبارك علمیه قم حضرت آیهٔ الله العظمی مکارم شیرازی و حضرت آیت الله جعفر سبحانی دام ظلّهما استفاده نمودم. پس از فارغ التحصیل شدن از مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) وارد مرکز تخصّصی قضاء حوزه علمیه شدم و با مسائل حقوق جدید و نیز مباحث عمیق تر قضاء و حقوق اسلامی آشنا شدم و پس از چهار سال تحصیل از آن مرکز مبارك فارغ التحصیل گردیدم.

نتیجه تحصیلات علاوه بر انجام وظیفه تبلیغی و مطالعات سریع ، اثر به طبع آراسته اینجانب تحت عنوان«مستضعفان از دیگاه اسلام» که توسط صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران واحد پژوهشگاه اسلامی صدا و سیمای قم به چاپ رسیده است. نیز پایان نامه فوق لیسانس بنده نیز مراحل چاپ نشر خود را در آن مرکز محترم سیر می کند. مجّوز تدریس معارف از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (دام ظله العالی و روحی فداه) جهت تدریس در مراکز آموزشی عالی را دریافت نموده ام و هم اکنون در دانشگاه علمی کاربردی شهر مقدّس اشتغال به تدریس معارف اسلامی دارم. همچنین پایان نامه مقطع فوق لیسانس مؤسسه هم اکنون تحت عنوان مبانی کنترل قدرت سیاسی از دیدگاه نهج البلاغه می باشد که احتمالا در آینده به چاپ برسد. در حال حاضر ضمن مطالعات معارف و اشتغال به تدریس در دادسرای عمومی انقلاب نیزاشتغال به شغل شریف قضاء دارم، و در پس مقدّمات تدوین پایان نامه سطح چهار حوزه هستم.

بحاثی زوزنی، ابوجعفر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۳ ق)، ادیب، قاضی و شاعر. یکی از بزرگان و شاعران صاحب تصنیف است که در هجویه‌سرایی توانا بود. بحائی در مدرسه «سیوری» غزنه ساکن بود و در آنجا به کتابت مشغول بود. در مخزنه درگذشت. از آثار وی: «بحر القلوب»؛ «نحو القلوب»؛ «دیوان» شعر؛ شرح «دیوان بحتری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۶۹۲/۲، ۱۶۵/۱)، معجم الادباء (۲۹ -۱۸ /۱۸)، معجم المؤلفین (۴۱/۹)، الوافی بالوفیات (۱۹۹ - ۱۹۷ /۲).

بخاری، ظهیرالدین، ابوبکر محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۱۹ ق)، فقیه و قاضی حنفی. در بخارا قاضی و محتسب بود و از بزرگان مذهب حنفی. از آثارش: «الفتاوی الظهیریهٔ»؛ «فوائد

علی الجامع الصغیر الحسامی»، در فقه، که به نام «الفوائد الظهیریهٔ» مشهور است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۵ -۲۱۴ /۶)، ریحانه (۷۷/۴)، کشف الظنون (۱۲۹۸، ۱۲۲۶)، معجم المؤلفین (۳۰۳/۸).

برارپور، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم برارپور

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی خویش را در مدرسه نوشیروانی بابل با رتبه ممتاز در کلاسهای اول، سوم ، چهارم و پنجم گذراندم. تحصیلات راهنمایی را در مدرسه شهید هاشمی نژاد و دبیرستان را در مدرسه طالقانی. در سال ۷۵ در رشته مهندسی کشاورزی دانشگاه آزاد قائم شهر قبول شده و بعد از گذراندن یک ترم تحصیلی با توجه به علاقه وافر به دروس حوزوی و زندگی در فضای معنوی، وارد حوزه علمیه خاتم الانبیای بابل شدم. و سالهای بعد در مدرسه روحیه بابل دروس خویش را تا پایه ۶ به اتمام رساندم و در سال ۸۰ به قم مراجعت کرده و در مدرسه علمیه معصومیه پایه های ۷ و ۸ و در مدرسه علمیه قدیری پایه های ۹ و ۱۰ را به پایان رساندم و الان مشغول به درس خارج هستم. از آنجا که به مطالعه در زمینه های فرهنگی و سیاسی و در خصوص دفاع مقدس علاقه وافر داشته ام عمده تحقیقات خویش را در این زمینه ها مستقر کرده ام و در زمینه سیاسی عضو مجمع تحلیل و بررسی سیاسی سپاه منطقه قم هستم و دوره دو ساله آن را با موفقیت به پایان رساندم و در زمینه دفاع مقدس با ستاد کنگره شهدای روحانی تیپ ۸۳ امام صادق (ع) همکاری داشتم و در زمینه فرهنگی با موسسه ولاء و تشکل جمعی از طلاب و بسیجیان شهرستان بابل در راستای اشاعه فرهنگ شهادت و ایثار فعالیت نمودم و اکنون نیز فعال هستم و تاکنون چندین مقاله و کتاب نوشته ام و پروژه های سیاسی در راستای پژوهشهای علمی انجام داده ام

برجی، یعقوب علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یعقوب علی برجی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۵۳-۵۲ وارد حوزه علمیه" فضل ابن شاذان "نیشابور شدم. ادبیات عرب، معانی بیان، منطق، لمعتین و اصول فقه را در آن حوزه فرا گرفتم. در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه مشهد هجرت نموده و کتابهای«الرسائل» شیخ اعظم انصاری و کتاب «المکاسب» و نیز«کفایتین» را از محضر اساتید معروف آن دیار فرا گرفتم. و در سال ۱۳۶۱ به منظور ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم اقامت نموده و در جوار حرم حضرت معصومه(س)سکنی گزیدم. پایه های درسی حوزه علمیه قم را امتحان داده و با عنوان«عالی قابل تشویق است» قبول شدم. و پس از یک سال(سال ۶۲) آخرین پایه درسی حوزه علمیه یعنی پایه ۹ را امتحان داده قبول شدم و به درس های خارج حوزه علمیه راه یافتم و از میان حوزه های مختلف درسی، خارج فقه حضرت آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی و خارج اصول حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی را انتخاب نموده و تا سال ۱۳۷۵ به مدت ۱۳ سال از محضر درس خارج این دو بزرگوار بهره بردم، در کنار فقه اصول به معقول و فلسفه و کلام نیز پرداختم.«نهایهٔ الحکمه» را از محضر استاد مصباح یزدی، «منظومه» مرحوم ملا هادی سبزواری را از محضر استاد انصاری شیرازی و«الاشارات و التنبیهات» را از محضر استاد علامه حسن زاده آملی و «کشف المراد» را از محضر استاد دکتر بهشتی استفاده نمودم. و در سال تحصیلی ۷۰- ۶۹ در کنکور تربیت مدرس قم(دار الشفاء)شرکت نموده و قبول شدم و سال ۷۲ موفق به اخذ کارشناسی ارشد(فوق لیسانس) با معدل ۵۱/۱۸ شده و در تاریخ ۲۰/۷/۷۲ پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان: «بدعت و دیدگاهای مختلف درباره آن» را در محضر دکتر محمد باقر حجتی(استاد راهنما)،حضرت آیت الله معرفت(ره)(استاد مشاور)، جناب دکتر بهشتی(ناظر)و جمعی دیگر از اساتید دفاع نموده و با نمره نوزده(۱۹)از ۲۰ و درجه عالی از آن مرکز فارغ التحصیل گردیدم و در سال تحصیلی ۷۳-۷۲ در کنکور دکترای گرایش فقه و اصول دانشگاه امام صادق(ع) شرکت کرده و قبول شدم و در این دانشگاه از محضر اساتید نام آوری همچون حضرت آیت الله مهدوی کنی، آیت الله باقری کنی، حضرت حجج اسلام سید حسن مصطفوی و سید حسین مصطفوی و ... بهره ها برده و در تاریخ ۲/۴/۸۰ رساله دکتری را با عنوان«سیر تاریخی نظریه ولایت فقیه» در محضر آیت الله باقری کنی(استاد راهنما)، آیت الله مهدوی کنی(استاد مشاور)،مصباحی، مرعشی(اساتید داور)و جمعی دیگر از اساتید و بعضی از مسؤولان دانشگاه و تعداد زیادی از دانشجویان دانشگاه دفاع کرده و با نمره ۹۶ و درجه عالی موفق به اخذ دکتری در رشته فقه و اصول گردیدم.

برزگر، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم برزگر سال۱۳۴۳ در شهر آباده شیراز به دنیا آمد. بعدز از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در شیراز در دانشگاه امام صادق (ع) در رشته علوم سیاسی شروع به تحصیل کرد و دکترای این رشته را از دانشگاه تربیت مدرس سال ۱۳۷۹ اخذ کرد وی هم اکنون در دانشگاه علامه طباطبائی بادرجه دانشیاری مشغول به خدمت استگروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیگرایش : اندیشه در اسلام و ایران و غربوالدین و انساب : پدر ابراهیم برزگر حاجی برزگر و مادر محترمشان نرگس برزگر میباشد.اوضاع اجتماعی و

شرایط زنـدگی : ابراهیم برزگر در خانواده‌ای با زنـدگی متوسط رو به پایین که از فضای دینی و افراد متـدین با انگیزه رشـد بالا در تحصیل بر خوردار بود پرورش یافتتحصیلات رسمی و حرفه ای : ابراهیم برزگر لیسانس و فوق لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق (ع) و دکترای این رشته از دانشگاه تربیت مدرس را در سال ۱۳۷۹ اخذ کردفعالیتهای ضمن تحصیل : ابراهیم برزگر به انجام کارهای فرهنگی و پژوهشی مشغول بوده است.همسر و فرزندان : همسر ابراهیم برزگر محبوبه نازک کار حقیقی است که دارای دو فرزند به نامهای سـعیده و علی میباشند.وقایع میانسالی : حضور در جبه های جنگ دفاع مقدس و منجر به صدمه دیدگی از ناحیه سر و گوش راست و آسیب دیدگی پرده گوش ابراهیم برزگر شده است..مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : مسـئول گروه علوم سیاسی (غیر رسـمی) در موسسه تنظیم و نشـر آثـار امـام خمینی ۷۰-۱۳۶۸ دیر گروه علوم سیاسـی سازمـان سـمت ۱۳۷۱(سازمان مطالعه و تدوین کتب درسـی دانشـگاهها) مدیر گروه علوم سیاسی سازمان سـمت سـردبیر مجله سـخن سازمان سمت ۱۳۷۷ معاون پژوهشی سازمان سمت به مدت ۲ سال و هفت ماه معاون آموزشـی و تحصیلات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه ۱۳۸۲ معاون پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی از سال ۱۳۸۴ تا کنون سردبیر مجله پژوهش حقوق و سیاست_ بخش سیاست و روابط بین الملل - سال ۱۳۸۵فعالیتهـای آموزشـی : ابراهیم برزگر تـدریس در دانشـگاههای امام خمینی (قـدرس ره) و دانشـگاه کار و دانشـگاه علامه طباطبـائی را در کارنـامه دارد.سـایر فعالیتهـا و برنـامه هـای روزمره : فعالیت کار و زنـدگی ۲۴ ساعته ماننـد یک فرد دانشـگاهیآرا و گرایشـهای خـاص : ابراهیم برزگر گرایشـی مسـتقل دارد و تـاکونو به حزبی نپیوسـته است ولی مخالف تحزب نیست و آن را کاری مفیـد میدانـد و میگویـد " : به شـرط رعایت تعاریف دقیق آن در عمل و جوشـش آن از پایین نه تاسـیس آن از بالا توسط صاحبان قدرت"جوائز و نشانها : مدیر نمونه سازمان سـمت در سال ۱۳۷۸ پژوهشگر نمونه دانشکده در سال ۱۳۸۵ آثار : تاریخ تحول دولت در اسـلام و ایران ویژگی اثر : سازمان سمت ۱۳۸۳، ۷۰۰ سال تحول دولت در ایران بعـد از اسـلام رابا نگاهی تئوریک تحلیلی و با دسـتمایه ای از نظریه پردازی مورد تجزیه و تحلیـل جـامعه شـناختی قرار داده است. نشـان میدهـد که چگونه هویت امروز ماایرانیان توسـط لایههایی در پی انباشتی شـکل گرفته است.۲ روان شناسـی سیاسـی ویژگی اثر : سازمان سـمت در دست چاپ ۱۳۸۵، کتاب درسـی که میکوشد در فرمت کتاب درسـی، محتوای روان شناسـی سیاسـی را برای دانشـجویان توضیح دهد.۳ مبانی تصـمیم گیری سیاسی حضرت امام خمینی (قدس ره) ویژگی اثر : سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۷۴

برهانیان، عبدالحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبد الحسین برهانیان

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۱ دوره ابتـدائی رادر سـعدی شـیراز دوره راهنمای در مـدرسه ابوذر غفاری و دوره دبیرسـتان در دبیرسـتان ابوذر(شاهپور سابق) تحصیل سال ۱۳۶۲ در مدرسه عالی شهید مطهری پذیرفته شدم و در سال ۱۳۶۵ درجه کارشناسی(معارف اسلامی) و در سال

۱۳۶۹ درجه کارشناسی ارشد(فقه و حقوق) را گذراندم.کارهای پژوهشی خود را از نوشتن رسالهٔ کارشناسی ارشد با عنوان«زمان و مکان در اجتهاد» شروع کردم که در آن موقع تنها عنوان مصوب دراین زمینه بود و حدود یکسال و نیم کار تحقیق آن به طول انجامید.مهمترین پژوهش انیجانب کار ابتکاری آموزش ترجمه قرآن است که در واقع یک شیوهٔ جدیدی برای تعلیم ترجمه قرآن به روشی اصولی و با استفاده از آمار کلمات قرآن است که در نوع خود یک گام به جلو محسوب می شود که البته بعد از شروع این کار چند نفر نیز در ضمن انجام آن از کار اینجانب نوعی تقلید نودند آموزشی ترجمه قرآن بارها تجدید چاپ گردید اما چون کار اداری محسوب می گردید متاسفانه در بیرون نمود چندانی پیدا نکرد چند سال بعد با کمک یکی از دوستان بنام کلید های آموزشی ترجمه قرآن(همراه با اضافات و تغییرات عمده بیشتر گردید.و بعد از آن دوره آموزشی غیر حضوری آن نیز تدوین گردید عناوینی که موفق به کار تحقیق و تالیفی گردیده عبارتند از:

کتابها

۱- آموزش ترجمه قرآن، ۲ جلد، چاپ شده

۲- آموزش غیر حضوری ترجمه قرآن، ۱۲ دفتر، چاپ شده

۳- کلید های آموزش ترجمهٔ قرآن، ۱ جلد، چاپ شده

۴- دشمن شناسی در قرآن، ۱ جلد، چاپ شده

۵- بررسی سیاسی بیمه در اسلام(قسمت مبانی و فرهنگی و..)، چاپ شده

۶- احکام اقتصادی خانواده، چاپ شده

۷- تاریخ اسلام و ایران، چاپ شده

مقالات:

۱- عبرت گیری تاریخی از دیدگاه قرآن،چاپ شده

۲- تاثیر قرآن در دوحیه رزمندگان،چاپ شده

بزدوی، صدر الاسلام، ابوالیسر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۹۳ -۴۲۱ ق)، قاضی و فقیه حنفی. مشهور به قاضی صدر. وی بعد از برادرش، فخرالاسلام، شیخ حنفیان ماوراءالنهر به حساب می‌آمد و پیشوای آنان بود و از دیگر نقاط نیز برای امور شرعی به نزد او می‌آمدند. صدر الاسلام مدتی املاء حدیث می‌کرد و عهده‌دار منصب قضای سمرقند بود. عثمان بن علی بیکندی و احمد بن نصر بخاری و محمد بن ابی‌بکر سنجی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. در بخارا درگذشت. او در اصول و فروع فقه دارای تصانیفی بود، از جمله آنها: «المبسوط»، در فروع فقه، در چند مجلد؛ «واقعات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۷/۷)، سیر النبلاء (۴۹/۱)، کشف الظنون (۱۵۸۱)، معجم المؤلفین (۲۱۰/۱۱)، هدیهٔ العارفین (۷۷/۲).

بطحایی، هاشم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هاشم بطحائی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۳۵ شمسی از گلپایگان وارد حوزه علمیه قم شده و مشغول تحصیل گردیدم و ضمن تحصیل حوزوی با توجه به جو اختناق فرهنگی به ذهنم خطور کرد که باید تحصیلات کلاسیک را نیز ادامه دهم لذا در کلاس های شبانه شرکت کردم و پس از دریافت دیپلم وارد دانشگاه تهران شدم و در سال ۴۷ به درجه لیسانس در رشته فلسفه با نمره ممتاز که مورد تشویق نیز واقع شدم نایل گردیده و در ۱۶ / ۱ / ۴۸ الزاما به خدمت نظام وظیفه اعزام شدم و در کسوت افسری با حفظ سیمای طلبگی در مناطق مختلف خدمت سربازی را سپری نموده و در سال ۵۰ به قم برگشتم و دروس حوزوی را ادامه دادم .

در کنار آن در فوق لیسانس دانشگاه تهران شرکت کرده و پذیرفته شدم و در سال ۵۲ فوق لیسانس(با معدل بالا)را گرفتم ضمنا با آرمانی که از تحصیل دروس کلاسیک در نظر داشتم در سال ۱۳۵۰ وارد آموزش و پرورش قم شدم و در سمت دبیری در دبیرستان های قم تدریس می کردم و به فضل الهی و تاییدات او از دروس حوزه کم و کاستی نداشتم تا در سال ۱۳۶۵ از آموزش و پروش به آموزش عالی دانشگاه تهران محل خدمت مجتمع آموزش عالی قم منتقل شده و عضو هیئت علمی آن دانشگاه گردیدم و در تمام این سنوات تنها دو سال از حوزه بدلیل خدمت نظام وظیفه فاصله گرفتم والا تمام سنوات گذشته را اشتغال داشتم .

در سال ۴۵ پس از سپری کردن دروس سطح که محضر حضرات علماء تلمذ نموده وارد درس خارج حضرات آیات گلپایگانی و امام و حاج شیخ هاشم آملی شدم .سطوح و لمعتین را از محضر مرحوم آقای ستوده و رسائل را از محضر آقای نوری همدانی و قوانین را از محضر آقای اعتمادی و مکاسب را از محضر آقای منتظری و کفایتین را از محضر مرحوم آقای سلطانی استفاده نمودم و در سال ۱۳۸۰ دکترای رشته فقه و مبانی حقوق را از دانشگاه تهران گرفتم و اینک ضمن اشتغال در دانشگاه تهران – مجتمع آموزش عالی – در حوزه در مقطع درس خارج تدریس می نمایم .

بکاء، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید حسین بحرانی نجفی. اصل او از بحرین است، اسلافش به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر ساکن بوده‌اند.

مشارالیه از علمای اجلاء، و اهل فضل و صلاح بوده، و در جسر کوفه ساکن، و وکیل حاج میرزا حسین خلیلی بوده، و در ۱۳۲۷ وفات یافته، جنازه سردست به نجف منتقل گردیده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بنی‌آدم، حسنعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۹ ش)، شاعر و قاضی. ملقب به شریف‌السلطنه. در کاشان متولد شد. وی علوم جدید را در مدارس علمیه و آلیانس فرانسه به پایان رسانید، آنگاه به تحصیل در رشته‌ی علوم سیاسی و حقوق ادامه داد و به اخذ لیسانس توفیق یافت؛ همچنین علوم قدیمی را از اساتید عصر خود فراگرفت. حسنعلی خان به شغل قضاوت پرداخت و در وزارت عدلیه مشغول خدمت شد و تا مستشاری عالی دیوان کشور پیش رفت. از وی اشعاری بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۵۶۷ -۵۶۴ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴۲).

بوستان، مجدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ -۱۳۱۷ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در خراسان متولد شد و در مشهد نزد آخوند ملا احمد کدکنی و ادیب نیشابوری درس خواند و فرانسه را نزد میرزا حسین تهرانی حبیب فراگرفت. در تهران نیز از محضر آقامیرزا مهدی آشتیانی و ضیاءالدین درّی اصفهانی استفاده کرد. سپس به خدمات دولتی روی آورد و مدتی نیز تدریس کرد خدمات ادبی و اجتماعی وی با نگارش مقالات در روزنامه‌ها و مجلات مهم مانند «مهر»، «منیر»، «سعادت بشر»، «بهار»، «چمن»، «فکر آزاد» و «خورشید» در خراسان شروع شد، که به انتشار روزنامه «بوستان» در خراسان و عضویت در انجمن فرهنگستان ایران در تهران و همکاری در نشر مجله‌ی «ارمغان» انجامید. برخی از تألیفات وی عبارت‌اند از: «طریقه‌ی ترجمه»؛ «رساله‌ی خرافات»؛ «پندنامه منظوم»؛ «تذکره‌ی منتهیان».[۱]

محقق، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۷ ذیقعده ۱۳۱۷ ق.

درگذشت: ۲ اسفند ۱۳۶۴.

مجدالعلی بوستان، فرزند شیخ حسن، فارسی و مقدمات عربی را نزد آخوند ملا احمد کدکنی فراگرفت. در سال ۱۳۳۳ ق. (مطابق با ۱۲۹۳ و ۱۲۹۴) در مشهد نزد میرزا حسین تهران طبیب (ساکن سر قبر میر در محله نوغان) به آموختن زبان فرانسوی پرداخت. از سال ۱۳۰۳ که به تهران آمد از درس آقا میرزا مهدی آشتیانی و شیخ ضیاءالدین دری اصفهانی استفاده نمود.

بوستان به کار معلمی در مدارس جدید خراسان اشتغال داشت. از سال ۱۳۰۶ در تشکیلات جدید عدلیه مشغول به کار شد و سرانجام در شهریور ۱۳۴۷ از کار بازنشسته شد. ابتدا مدعی‌العموم شهرستان ملایر بود و در پایان مستشار دیوان عالی کشور.

وی مقاله‌هایی را در موضوعات مختلف اجتماعی و ادبی برای روزنامه‌های «مهر منیر»، «سعادت بشر»، «بهار»، «چمن»، «فکر آزاد» و «خورشید» که در خراسان منتشر می‌شد می‌نوشت. وی سپس به انتشار روزنامه‌ی «بوستان» در خراسان اقدام کرد. از سال ۱۳۰۷ به

بعد در انجمن ادبی ایران و انجمن فرهنگستان ایران و انجمن ادبی حکیم نظامی حضور می‌یافت. وی همچنین در تصحیح دیوان بابا طاهر عریان با اتفاق محمـد حسین وحید دستگردی و عبرت مصاحبی نایینی و محمود عرفان همکاری داشت. تألیفات وی عبارت است از: رساله خرافات، دستور شرق (کتاب دستور فارسی که برای مدارس ابتدایی خراسان نوشته شد و چندین بار به چاپ رسید)، پندنامه منظوم (نصحیت مادر به دختر، چاپ سنگی در تهران ۱۳۰۶)، تذکره‌ی منتهیان (جلد دوم طریقه ترجمه). آثاری نیز از وی به چاپ نرسید: اوهام خواس «غلطهای مشهور»؛ ترجمه احوال بزرگان؛ شرح حال شیخ علاءالدوله سمنانی؛ سید حسن مشکانی طبسی (شرح حال)؛ یادداشت‌های قضایی و مقالات ادبی.

بوستان از زمانی که به تهران آمد با وحید دستگردی مدیر مجله «ارمغان» آشنا شد. این آشنایی منتهی به همکاری بوستان در نشر مجله‌ی «ارمغان» شد. وی گاه نوشته‌های خود را با امضاهای «پونه»، «بیابانی»، «عمیدجلال»، «بنده خدا» و «عبد خدا» منتشر می‌ساخت.

مجدالعلی بوستان به هنگام اقامت در خراسان از هواداران کلنل محمدتقی‌خان پسیان بود. وقتی که برای مدت سه سال رییس دادگستری سمنان بود به سبب تماس با تبعید شدگان زمان رضاشاه، تحت تعقیب قرار گرفت و برای مدتی به حالت بازداشت تحت نظر بود. در زمان نخست وزیری دکتر مصدق به سبب وضع خاص و حساس شهر محلات به هنگام انتخابات، از سوی ایشان مأمور نظارت در انتخابات محلات شد که چون طرفداران شهاب خسروانی وجود او را مخل دخالت‌های خود در صندوق‌ها تشخیص دادند، به دادگستری که محل اقامت او نیز بود، حمله بردند و قصد جان او را کردند. ناچار بنا به توصیه فرمانده ژاندارمری و شهربانی ضمن مراقبت ویژه او را از محلات بیرون آورده و راهی تهران کردند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۲۶ -۲۴ /۲)، الذریعه (۱۷۰/۱۵)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۵ -۸۴ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۱۸۷- ۱۸۸).

بهشتی مقدم، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا بهشتی مقدم

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۷۲ همزمان با ورود به دانشگاه اصفهان در رشته فیزیک کاربردی به حوزه علمیه اصفهان وارد شده با جدیت مشغول تحصیل دروس مقدمات گشتم، بعد از انصراف از تحصیل در دانشگاه، با جدیت بیشتری دروس را ادامه داده، بطوری که در سال دوم، تدریس دروس ادبیات مربوط به سال اول را مشغول شدم و به پایان رساندم. همزمان با لمعه، دروس مکاسب را و همزمان با رسائل شیخ کفایه را و با اتمام لمعه و رسائل، در ادامه مکاسب و کفایه را با دروس خارج حضرت استاد آیت الله العظمی آقا شیخ

حسین مظاهری ادامه دادم و این در حالی بود که سال چهارم حوزه بودم. دروس خارج را با لغت عرب می‌نگاشتم و جدیتم در دروس و ارائه مطالب نو (و یا در قالبی نو) چشمگیر بود.

نهایتاً سال ۷۶ به علت مشکلاتی که از طرفی بعضی از اقران و هم صنفی‌ها (روحانیت) بر اینجانب وارد شده بود به حوزه قم منتقل شده و تا سال ۷۹ امتحانات دروس سطح را به پایان بردم (به طوری که هر دو سال را در یک سال آزمون داده‌ام). سال ۷۹ موضوع پایان‌نامه‌ام را «مباحث الفنیهٔ فی فقه الاملیهٔ» قرار دادم که متن طرح پایان نامه خدمت مرحوم استاد راهنمایم حضرت آیت الله محمد هادی معرفت(قدس سره) وقتی ارائه نمودم بسیار بسیار تحسین و ترغیب نمودند، لیکن از طرف دیگر مرحوم آیت الله العظمی آقا میرزا جواد تبریزی بنده را به ادامه دادن دروس خارج بدون توجه به برنامه شورای مدیریت سفارش نموده و مرا از ارائه پایان‌نامه که قسمت عمده کارهای آن صورت گرفته بود، بازداشتند. فی الحال اخذ مجوز تدریس دروس معارف اسلامی (مبانی نظری) از نهاد نمایندگی نموده و مشغول به تدریس در دانشگاهها می‌باشم. نیز مایل به تدریس در حوزه مقدس به صورت متمرکز و از تدریس مهم‌تر تحقیق در مباحث تفسیری و فقهی و اصولی و دیگر مباحث جهت خدمت به حوزه مقدسه و انقلاب می‌باشم.

بهشتی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم بهشتی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در حدود سال ۱۳۴۹ به مدرسه علمیّه حاج فتحعلی بیک دامغان وارد شده و بعد از دو سال به حوزه علمیّه قم آمدم و در مدرسه علمیّه آیت الله گلپایگانی به تحصیل خود ادامه دادم و پس از پایان سطح و چند سالی درس خارج فقه و اصول به شهر دماوند رفتم و مدّت چهار سال در آن شهر در مدرسه علمیّه امام صادق علیه السلام مشغول تدریس بودم و سپس به قم آمدم و در قم هم مشغول تحصیل و هم تحقیق بودم.

بهشتی، محمدحسینی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۰۷، اصفهان.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

آیت‌الله سید محمدحسین بهشتی در محله‌ی لومبان اصفهان چشم به جهان گشود. پدربزرگ وی، آیت‌الله میر محمدصادق مدرس خاتون‌آبادی، از مراجع عصر خود بود. آیت‌الله بهشتی تحصیلات خود را تا سال دوم دبیرستان در اصفهان گذراند و سپس در سال ۱۳۲۵ به قم رفت. حدود شش ماه در قم بقیه سطح مکاسب و کفایه را تکمیل نمود و از اوایل سال ۱۳۲۶ به درس خارج فقه و اصول در محضر آیت‌الله محقق داماد وارد شد. از اساتید دیگر وی آیات عظام بروجردی، خوانساری، کوه‌کمره‌ای و امام خمینی (ره) بودند.

برای پیگیری تحصیلات دانشگاهی، در سال ۱۳۲۷ با گرفتن دیپلم وارد دانشگاه معقول و منقول شد و تا سطح دکتری ادامه تحصیل داد. در فسلفه نیز پنج سال مستمر (۱۳۳۵ – ۱۳۳۰) در درس علامه‌ی طباطبائی حضور یافت و علاوه بر بحث‌های اصول فسلفه و روش رئالیسم، اسفار و شفا را نیز فراگرفت.

در همان سالها به سبب آشنایی با زبان انگلیسی به عنوان دبیر به تعلیم این زبان در دبیرستان‌ها پرداخت.

در سال‌های ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ وارد عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی شد. تأسیس مدرسه‌ی منتظریه‌ی با همت آیت‌الله قدوسی و با نظارت ایشان از فعالیت‌های دیگری بود که از سال ۱۳۳۹ آغاز شد. از سال ۱۳۴۱ نیز در جریان‌های سیاسی حضور داشت. از جمله اقدامات وی همکاری در ایجاد «کانون دانش‌آموزان قم» بود که بعدها آیت‌الله دکتر محمد مفتح مسئولیت آن را پذیرفت. در زمستان سال ۱۳۴۲ او را مجبور کردند که از قم خارج شده و به تهران برود.

با ورود به تهران با جمعیت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی رابطه سازمان یافته‌ای داشت. در همین جمعیت‌ها بود که به پیشنهاد شورای مرکزی، امام خمینی (ره) یک گروه چهار نفری را به عنوان شورای سیاسی و فقهی تعیین نمود که یکی از آنها آیت‌الله بهشتی بود. بعدها برنامه تغییر کتاب‌های تعلیمات دینی مدارس در رأس فعالیت‌های آنها قرار گرفت.

با دستگیری اغلب رهبران سیاسی نظامی جمعیت‌های مؤتلفه، آیت‌الله بهشتی در اوایل سال ۱۳۴۴ برای راهنمایی مسلمانان آلمان، از ایران به آن کشور رفت و در هامبورگ مستقر شد. در آنجا زبان آلمانی را یاد گرفت. اما فعالیت وی فقط منحصر به آلمان نبود و کشورهای آلمانی زبان (به ویژه اتریش) را نیز در برگرفت. آیت‌الله در این مدت در تشکیل اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و نشریه «اسلام مکتب مبارز» همکاری کرد و از ایشان در این دوره، سخنرانیها و جزوات چندی به زبان‌های فارسی، انگلیسی، عربی و آلمانی باقی مانده است. یک دوره تفسیر قرآن از آغاز تا سوره نساء نیز حاصل همین ایام است.

در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت و با همکاری آیت‌الله مهدوی کنی، آیت‌الله موسوی اردبیلی و آیت‌الله محمد مفتح به تشکیل جامعه روحانیت مبارز نمود. در سال ۱۳۵۵ هسته‌هایی برای امور تشکیلاتی به وجود آمد و در سال ۱۳۵۶ روحانیت مبارز شکل گرفت.

در کنار فعالیت‌های دیگرش، از همان سال بازگشت به ایران (۱۳۴۹) کار تحقیقاتی و علمی را آغاز کرد که تا سالهای انقلاب با همکاری آیت‌الله موسوی اردبیلی و دکتر محمد مفتح ادامه یافت و اهمیت این کار تحقیقاتی به حدی بود که حتی در سال ۱۳۵۳ در برگه یادداشت کارهای جاری، پنجاه درصد از وقت خویش را فقط به آن اختصاص داده‌اند و بقیه را به بیش از پانزده کار فرهنگی، تحقیقی و اجرائی دیگر. در سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ نیز، جلسه‌ای در روزهای دوشنبه در منزل ایشان برقرار بود که در آن با حضور چند تن از محققان و فارغ‌التحصیلان رشته‌ی اقتصاد، کتاب کاپیتال (سرمایه) کارل مارکس مورد بررسی قرار گرفت.

با عزیمت امام خمینی (ره) به پاریس، آیت‌الله دکتر بهشتی به حضور ایشان رفت و هسته‌ی شورای انقلاب تشکیل شد که وی یکی از اعضای آن بود.

علاوه بر مقاله‌ها و سخنرانی‌ها، تألیفات وی به شرح زیر است: بانکداری و قوانین مالی اسلام؛ عادت (ترجمه از انگلیسی)؛ قانون علیت در جامعه ما؛ نقش ایمان در زندگی انسان؛ کدام مسلک ؟؛ صدای اسلام در اروپا (به پنج زبان)؛ روحانیت در اسلام و در

قرآن؛ یک قشر جدید در جامعه ما؛ حکومت در اسلام (حکومت از نظر اسلام) (۱۳۶۷)؛ نماز چیست؟ (۱۳۶۶)؛ اسلام و مکتب‌های معاصر؛ مباحث شناخت در اسلام (۱۳۶۹)؛ شناخت از دیدگاه قرآن؛ امر به معروف و نهی از منکر، آزادی از دیدگاه اسلام؛ مالکیت از نظر اسلام؛ تکامل از نظر اسلام؛ تخریب در اندیشه اسلامی؛ حقیقت و عرفان؛ اسلام دین واقع‌بین؛ قضای اسلامی؛ اقتصاد اسلامی (فارسی و عربی، ۱۳۶۲)؛ توحید در قرآن؛ حج در قرآن (۱۳۶۵)؛ نقش قیامتی انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات؛ با همکاری محمدجواد باهنر).

از آثار دیگر ایشان که چاپ نشده‌اند: ترجمه کامل تاریخ قرآن نولد؛ ترجمه بخشی از کتاب دانش منطق اثر هگل؛ تحقیق گسترده‌ای پیرامون وحی؛ تفسیر قرآن (نوار).

ضمنا تعداد معدودی نوار از جلسات درس دکتر بهشتی با عنوان (فلسفه‌ی هگل) که از سال ۱۳۵۵ برای طلاب آغاز کرد و نیز یادداشتهای آن به جا مانده است.

آیت‌الله دکتر بهشتی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکرش در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

استاد دکتر سید محمد حسینی بهشتی اصفهانی از افاضل دانشمندان و اکابر مدرسین و اساتید معاصر و مستخرجین با کمال حوزه علمیه قم است آقای دکتر بهشتی در حدود ۱۳۴۵ قمری در شهر اصفهان به دنیا آمده و پس از خواندن اولیات و قسمتی از سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه فراگرفته و آنگاه به دروس خارج فقه واصول آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام خمینی و آیت‌اللّه العظمی آقای شریعتمداری حاضر و از دراسات آنان استفاده کامل نموده و معقول را هم از محضر علامه آیت‌اللّه طباطبائی آموخته و در رشته‌های مختلف علمی عقلی و نقلی یکی از ستارگان درخشنده حوزه علمیه گردیده و چند سالی از طرف مراجع بزرگ برای ارشاد و وظائف روحی و دینی به آلمان مهاجرت و در آنجا رهبری- مسلمین شیعی را نموده و خدمات چشمگیری انجام داده تا در این چند ساله اخیر که مراجعت به ایران و در تهران به تدریس و خدمات دینی پرداخته و هم برای تدریس و سخنرانی در دارالتبلیغ اسلامی قم به دعوت موسس بزرگوار آن حضرت آیت‌العظمی آقای شریعتمداری به قم آمده و ایفاء وظیفه نموده است.

معظم‌له نیز از مجاهدین به نام و مبارزین عیه امپریالیسم و رژیم منفور طاغوتی است که با تمام سخنرانیهایش مظالم و جرائم دولت را بیان و از اعمال ضد خلقی و مردمی و توحیدی آنان انتقاد نموده است.

استاد بهشتی در انقلاب ایران و پیروزی آن سهم ویژه‌ای دارند و هم اکنون یکی از علماء دولت موقت جمهوری اسلام و از نزدیکان و همکاران جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر می‌باشد سخنرانیها و اعلامیه‌های ایشان جالب و مجموع آن خود کتابی خواهد بود.

آثار و تالیفات عدیده علمی دارند که بعضی از آن مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است از تالیفات مطبوع ایشان کتب زیر است.

۱- خدا از دیدگاه قرآن که در ۲۷ شهریور ۱۳۵۲ برابر ۲۵ شعبان ۱۳۹۳ ق به طبع رسیده است.

۲- نماز چیست.

۳- شناخت اسلام که به اتفاق دو نفر از افاضل آقای علی آقای گلزار غفوری- محمدجواد باهنر نوشته‌اند کتابهای دیگری که متاسفانه نام آنها را یاد ندارم.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهمن بیگی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـد بهمن‌بیگی، بنیانگذار آموزش عشایر در ایران، در سال ۱۲۹۹ در ایل قشـقایی در شهرستان لارستان به دنیا آمد. پس از پایان دوره‌ی کارشناسـی حقـوق در دانشـگاه تهران، کوشـش خـود را برای بر پـایی مـدرسه‌های سـیار برای بچه‌هـای ایـل آغـاز کرد و با پی گیری‌هـا و فـداکاری‌ها خـود تـوانست برنـامه‌ی سوادآمـوزی عشـایر را به تصویب برسانـد. او توانست دخـتران عشـایری را نیز به مـدرسه‌های سـیار جلـب کنـد و نخسـتین مرکز تربیـت معلـم عشـایری را بنیـان نهـاد. بهمـن‌بیگی برای کوشـش پی گیر خـود در راه سوادآمـوزی به هزاران نفر کـودک ترک، لر، کرد، بلوچ، عرب و ترکمن، برنـده‌ی جـایزه‌ی سوادآموزی سازمـان یونسـکو شـد. او تجربه‌های آموزشی خود را در چند کتاب در قالب داستان نوشته است.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

والـدین و انساب : پـدر محمـد بهمن‌بیگی که یکی از بزرگان تیره بهمن بیگی از ایل قشـقایی بود در زمان حکومت رضاخان، وارد فعالیت های سیاسی شده و در منازعات ایلی با دولت اختلاف پیدا کرد که دولت وقت وی را مقصر شناخته و به تبعید محکوم کرد.

خاطرات کودکی" : من در یک چادر سیاه به دنیا آمدم. زندگانی را در چادر با تیر، تفنگ و شیهه اسب آغاز کردم... تا ده سالگی حتی یـک شب هم در شـهر و خـانه شـهری به سـر نبردم... زمـانی که پـدر و مـادرم را به تهران تبعیـد کردنـد تنهـا فرد خـانواده که خوشـحال و شادمان بود، من بودم... نمی‌دانسـتم فشنگ مشقی و تفنگم را می گیرند و قلم به دستم می‌دهند... پدرم مرد مهمی نبود. اشـتباهاً تبعیـد شـد و دوران تبعیـدمان بسـیار سـخت گـذشت. چیزی نمانـده بود که در کوچه ها راه بیفتیم و گـدایی کنیم. مأموران شهربـانی - رضاخـان - مراقب بودنـد که گـدایی هم نکنیم. از مال و منال خبری نمی رسـید. خرج بیـخ گلوی مان را گرفته بود. در آغاز کار کلفت و نوکر داشتیم ولی هر دوی آنان همین که هوا را پس دیدنـد گریختنـد و ما را به خدا سپردند.. به کتاب و مدرسـه دلبسـتگی داشـتم. دو کلاس یکی می کردم شاگرد اول می‌شـدم. تبعیـدی‌ها، مأموران شـهربانی و آشـنایان کوچه و خیابان به پـدرم تبریک می گفتند و از آینده درخشانم برایش خیال‌ها می‌بافتند".

اوضـاع اجتماعی و شـرایط زنـدگی : محمـد بهمن بیگی فرزنـد ایل، در سال ???? هجری شمسـی در منطقه چاه کاظم در نزدیکی شهرسـتان لارسـتان در چادر عشایری به هنگام کوچ زاده شد.در زمان اسـتبداد رضاخانی سـرکوبی ایلات عشایر جنوب از مهمترین سیاسـتهای حکومت بود، چون روح جامعه عشایری آزاده تر ازآن بود که دربند آن همه بی عدالتی ونابرابری گرفتار آید. حکومت وقت در راسـتای سـرکوبی ایلات، تبعیـد سـران عشـایر به تهران را بهـترین راه می دانست. ایـل قشـقایی به عنوان یکی از بزرگترین ایلات جنوب از این قضـیه مسـتثنی نبود. این ایل در آن زمان ایلخانی مقتـدری به نام صولت الـدوله قشـقایی داشت. ترس حکومت مرکزی از ایشان به حـدی بود که نه تنها خود او بلکه همسـر و فرزنـدان وچند خانواده ایلی را نیزبه تهران تبعید کردند. اسـتاد بهمن بیگی درآن روزها کودکی حدودا ?? ساله بود که به همراه مادرش ، یکی از خانواده های تبعید شده به تهران بودند.

تحصـیلات رسمی و حرفه ای : اگرچه تبعید ازایل به تهران برای استاد که آن ایام کودک ناتوانی بیش نبود، بسیار سخت و دردآور بود ولی همینکه سـبب شـد تا مـدرسه برود و با جدیت درس بخواند، ازدرد و رنجها می کاست. پیشـرفت او با وجود تمام کمبودها چشـمگیر بود.اولین کودک قشـقایی بود که در کلاسـهای ابتـدایی شاگرد اول می شـد. هوش و نبوغ او آنقدر بود که از کمند همه کمی هـا و کاستی ها بگریزد و با اخـذ دانشـنامه ای رنگین،به رسم آن روزها، به جهت پیشـرفت عازم آنسوی دنیا شود. جـذبه های زنـدگی درآنسوی آبهـا نتوانست که مانع از برگشت او به ایل شود و با اولین درخواست کسان و آشـنایان با اشتیاق تمام به دامن پر

مهر مهر و صفای ایل برگشت. وی از آن دوران چنین بیاد دارد":دو کلاس یکی می کردم شاگرد اول می‌شدم. تبعیدی‌ها، مأموران شهربانی و آشنایان کوچه و خیابان به پدرم تبریک می گفتند و از آینده درخشانم برایش خیال‌ها می‌بافتند. سرانجام تصدیق گرفتم. تصدیق لیسانس گرفتم .یکی از آن تصدیق‌های پررنگ و رونق روز ".محمد قبل از تبعید پدر، در سن ?? سالگی توسط معلمی که پدرش برای آموزش وی در زمان کوچ و ییلاق و قشلاق استخدام کرده بود به مدت دو سال، خواندن و نوشتن اولیه را فراگرفت و مادر وی شش روز پس از تبعید همسرش به جرم تهیه آذوقه برای عشایر مخالف دولت، مقصر شناخته شده و به تبعیدگاه همسرش (تهران) فرستاده شد و محمد نیز با مادر رهسپار تبعیدگاه شد و در همان جا به تحصیل ادامه داد و در سال ???? مقطع کارشناسی رشته حقوق قضایی را در دانشگاه تهران به پایان رساند. استاد بهمن بیگی از نحوه یادگیری زبان فرانسه چنین می گوید ": زبان فرانسه را در مدارس متوسطه و دانشکده حقوق تهران و بعد به علت سیر و سیاحت دو- سه ساله با چند فرانسه دان اروپایی آن را بهبود بخشیدم.قشقایی بودم و در جنگ بین المللی دون با آلمان ها همکاری داشتم. از جمله چند چتر باز به ایل ما آمده بودند و من تنها مترجم آنها بودم. به بعضی از آنها فارسی یاد دادم و از آنها آلمانی یادگرفتم. پس از یادگیری این دو زبان آموزش انگلیسی آسان بود. هم به صورت خصوصی و هم به صورت سفرهایی به خارج ،انگلیسی را هم آموختم"

خاطرات و وقایع تحصیل : محمد بهمن بیگی از اخذ مدرک کارشناسی خود و نحوه عکس العمل خانواده چنین اذعان می کند: "تصدیق لیسانس گرفتم. پدرم لیسانسم را قاب گرفت و بر دیوار گچ فرو ریخته اتاق مان آویخت و همه را به تماشا آورد. تصدیق قشنگی به شکل مربع مستطیل بود.مزایای قانونی تصدیق و نام و نشان مرا به خطی زیبا بر آن نگاشته بودند.تصویر رتوش شده ام با چشم های خندان ،کراوات عاریتی ،موهای سیاه،در گوشه تصدیق می درخشید و قلب پدرم را از شادی و شعف لبریز می کرد.آشنایی در کوچه و محله نماند که تصدیق مرا نبیند و آفرین نگوید.تبعیدی‌ها، مأموران شهربانی، کاسب‌های کوچه، دوره‌گردها، پیازفروش‌ها، ذرت بلالی‌ها و کهنه‌خرها همه به دیدار تصدیقم آمدند. من شرم می‌کردم و خجالت می‌کشیدم... من پس از خواندن نسخه فرانسوی یکی از تبعیدی ها و در مراجعت به خانه دیگر راه نمی‌رفت، پرواز می‌کرد... ملامتم می‌کردند که با این تصدیق گرانقدر، چرا در ایل مانده‌ای و چرا عمر را به بطالت می‌گذرانی؟ تو تصدیق داری و باید مانند مرغکی در قفس در زوایای تاریک یکی از ادارات بمانی و بپوسی و به مقامات عالیه برسی"

همسر و فرزندان : استاد محمد بهمن بیگی متاهل است و نام همسر ایشان سرکار خانم سکینه کیانی می باشد.

وقایع میانسالی : محمد بهمن بیگی از خاطرات پس از اخذ مدرک لیسانس حقوق اش چنین بازگو می کند": در پایتخت به تکاپو افتادم و با دانشنامه حقوق قضایی به سراغ دادگستری رفتم تا قاضی شوم و درخت بیداد را از بیخ و بن براندازم. دلم گرفت و از ترقّی عدلیّه چشم پوشیدم. در ایل چادر داشتم، در شهر خانه نداشتم. در ایل اسب سواری داشتم، در شهر ماشین نداشتم. در ایل حرمت و آسایش و کس و کار داشتم، در شهر آرام و قرار و غمخوار و اندوه‌گسار نداشتم. نامه‌ای از برادرم رسید. بوی جوی مولیان مدهوشم کرد. ترقّی را رها کردم. تهران را پشت سر گذاشتم و به سوی بخارا بال و پر گشودم. بخارای من ایل من بود ....به ایل رسیدم. ایل همانی بود که می خواستم و می پنداشتم .چادر پدرم ،بالای همان چشمه زلال و در میان همان دو کوه سبز و سفید افراشته بود و" ...

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد بهمن بیگی در سال ???? مقطع کارشناسی رشته حقوق قضایی را در دانشگاه تهران به پایان رساند. محمد حدود دو سال به عنوان کارشناس واحد حقوقی بانک ملی در تهران مشغول به کار شد تا اینکه با اتمام دوران یازده ساله حبس و تبعید پدر همراه با خانواده به استان فارس و دامان ایل بازگشت و به زراعت و چوپانی مشغول شد. او با مشاهده بیسوادی و مشکلات ناشی از آن در اطراف خود به فکر آموزش دختران و پسران عشایر با همکاری افرادی از عشایر که تا حدودی از مهارت سواد برخوردار بودند افتاد و در سال ???? اولین مدرسه سیار عشایری را در محل زندگی خود راه اندازی کرد. با

مشاهده اشتیاق پسران، دختران، زنان و مردان عشایر به سوادآموزی، بهمن بیگی با هدف گسترش فعالیت های آموزشی به وزارت آموزش و پرورش مراجعه کرده و خواستار حمایت دولت از این طرح شد. بابت حمایت های مردمی و همچنین کمکهای دولتی، مؤسسه دانشسرای عشایری در شیراز به عنوان مدرسه مرکزی آموزش عشایر تشکیل و آغاز به کار کرد. تاکنون هزاران نفر از افراد جامعه عشایری از این مؤسسه آموزشی فارغ التحصیل شده و مهارتهای آموزشی را فراگرفته اند.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : استاد محمد بهمن‌بیگی خوب می دانست فایده ای ندارد که به تاریکی لعنت بفرستد بلکه باید شمعی روشن کرد.اینگونه بود که با تاسیس نخستین دبستان سیار ایلی در سال ???? شمع کوچکی در دنیای تاریک آن روزهای جامعه عشایر روشن کرد. دبستانهایی که نه به کمک دستگاه آموزش وپرورش وقت بلکه فقط به همت استاد و مساعدت مردم شریف عشایر در چادرهای سفید دایر می گشتند. چادران سفید درمیان سیه چادران ایلی چون نگین می درخشیدنند تا نویدی بر پایان روزهای تیره و تار چادرنشینی باشد. دیری نپایید که سیلی از مشکلات گریبانگیر این چادر های دبستان شد. اکثر طوایف عشایر از پرداخت هزینه های ناچیز دبستان سیار ایلی عاجز بودند. آموزگاران ایلی تصدیق مورد نیاز برای تدریس را نداشتند وبه تبع آن نمی توانستند کارنامه معتبر برای دانش آموزان صادر کنند. تحرک دائمی ایل برای بقا وبعد مسافت بین قشلاق و ییلاق ومشکلاتی از این قبیل، مزید بر علت شده بودند تا پیمودن این مسیر پردردسر، سخت تر و پرماجراتر گردد. استاد که نمی خواست نهال نوپای آمورش کودکان ایل به این زودی پژمرده گردد، به هر دری می زد تا شاید چاره ای یابد. به زحمت مقامات وقت آموزش و پرورش را مجاب کرد تا تعدادی دانش آموخته های دیپلمه دانشسرای شیراز را در اختیار دستگاه آموزشی اش بگذارند. این حربه نیز کارساز نشد چون این آموزگاران از بطن ایل برنخواسته بودند که بتوانند با مشکلات آموزشی فرزندان ایل و زندگی ایلی کنار بیایند. دیگر بار این اسطوره خستگی ناپذیر عشایر دست به کار شد و چاره در پرورش آموزگارانی دید که از درون ایل برخواسته باشند تا با آشنایی کامل ازمصائب و مشکلات نوباوه گان عشایر، به آموزش آنها اهتمام ورزند.تاسیس دانشسرای عشایری برای تربیت آموزگاران ایلی وبه تبع آن راه اندازی اداره کل آموزش عشایر کشور کار آسانی نبود ولی به همت والای این مرد سختکوش ممکن شد. اینگونه بود که با تربیت عده کثیری از فرهیختگان عشایر چهره ایلات دگرگون شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : تسلّط استاد محمد بهمن بیگی به سه زبان انگلیسی، فرانسه و آلمانی که اغلب آثار نویسندگان خارجی را به زبان اصلی مطالعه می‌کرد و غور و تفحّص در متون ادبی، این اجازه را به وی می‌داد که با نثر دلنشین و جذّاب دست به تألیف زند. از آثار استاد بهمن‌بیگی بوی طبیعت و انسانیّت به مشام جان خواننده می‌رسد و نغمه دوستی و از خودگذشتگی می‌تراود. بخارای من ایل من؛ به اجاقت قسم؛ عرف و عادات در عشایر فارس؛ اگر قره‌قاج نبود... استاد با آثارِ خود انسان را آرام آرام با زیبایی‌ها، انسان‌دوستی‌ها و فداکاری‌های ایلیاتی آشنا می‌سازد و در زیر روشنایی ستارگان و در دامان زیبای طبیعت، از خودگذشتگی‌های مردانی که عمر خود را برای آموزش کودکان معصوم عشایری سپری ساخته‌اند، به تصویر می‌کشد. و گرم و صمیمی انسان را به قلّه‌های رفیع و مناظر بدیع طبیعت هدایت می‌کند و با خلق و خوی مردم عشایر آشنا می‌سازد و از آداب و رسوم ایلات سخن به میان می‌کشد و چنان دلنشین می‌نویسد، که انسان هرگز از مطالعه آثار وی خسته نمی‌شود. و چون به حوزه موسیقی عشایری وارد می‌شود شور و شوق خود را با اشکی که بر گونه‌هایش می‌نشیند، نشان می‌دهد. او می‌گوید موسیقی در میان ایلات و عشایر قشقایی همانند سایر اقوامِ دیگر از احترام بسیار برخوردار است. استاد وقتی از موسیقی ایلیاتی سخن می‌گوید گویی نغمه می‌سراید و عاشقانه وصف موسیقی ایلی می‌کند و در این میان هشدار می‌دهد که «موسیقی ایل از چنگ اوباش هرزه‌سرا و عربده‌کش به دور است، موسیقی ایل با عیّاشی‌های رذیلانه آمیزشی ندارد. موسیقی ایل از پستان نجیب و سخاوتمند طبیعت شیر می‌نوشد و جان می‌گیرد». آری دامن طبیعت از دید استاد بهمن‌بیگی آشیانه هزاردستان است که در دامن خود ماه‌پرویزها، منصورخان‌ها، صمصام‌السّلطان‌ها و داوود نکیساها را پرورش داده است. اینک استاد بر فراز قلّه‌ها است و اگر امروز استاد بهمن‌بیگی

ــ که عمرش دراز باد ــ این نغمه ایلیاتی را زمزمه می‌کند که: ای کوه‌های بلند، بر ایل ما چه گذشت ای قلّه‌های مه‌گرفته، بر ایل ما چه گذشت ای کوه‌های بلند و ای قلّه‌های مه‌گرفته بر آن ایل که در دامن شما خیمه می‌سازد چه گذشت ولی استاد به خوبی می‌داند که بر ایل و تبارش چه گذشت و چگونه در سایه تلاش وی مردانی فرهیخته، و استادانی گرانقدر و جوانانی برومند تربیت شدند و اینک هر کدام در گوشه‌ای از این کهن‌سرزمین ایران در اداره این مرز و بوم سهیم هستند و این برای استاد بزرگ‌ترین هدیه الهی است که به بار نشستن تلاش‌های بی‌وقفه و شبانه‌روزی خود را مشاهده می‌کند

آرا و گرایشهای خاص : این دانشی‌مردِ فرهیخته سرد و گرم روزگار چشیده به تجربه دریافته بود که تنها راه نجات عشایر در بالا بردن سطح سواد جمعیّت عظیم عشایری است. مردمی که با هرگونه ناملایمات زندگی می‌ساختند، شجاع و بخشنده بودند، با قناعت و صبوری زندگی می‌کردند، حلیم و صادق بودند، امّا روح لطیف خود را با مفاسد اجتماعی آلوده نمی‌کردند، غیور و ظلم‌ستیز بودند و تشنه معرفت و جویای دانش. چه کسی می‌بایست به این قشر محرومِ رنج‌کشیده توجّه می‌کرد. استاد بهمن‌بیگی که خود پرورده درد و رنج بود به خوبی می‌دانست که کسی آستین بالا نخواهد زد و دولتمردان را نیز در سر، سودای تعلیم و تربیت و پروراندن استعدادهای افراد ایلیاتی نیست؛ از این‌رو دست به کار شد. تصمیم گرفت به جای چوب شبانی، قلم در دست کودکان عشایری نهد و خواندن و نوشتن را به طریق خاصّ خود به میان عشایر بَرَد تا جهل و بی‌سوادی را ریشه‌کن کند. شاید خود نیز در آن زمان بر این باور نبود که قدمی که برداشته است چگونه به بار خواهد نشست امّا مصمّم بود و با تمام توان در این عرصه قدم گذاشت. کوره‌راه‌های ایلی را به خیابان‌های پر زرق و برق شهری برگزید و اسبان رهوار را به خودروهای گران‌قیمت ترجیح داد و گویی با خود این ترانه ایلی را زمزمه می‌کرد که: من این باغ خرّم را با اشک چشم سیراب کردم چرا گلش برای دیگران چرا خارَش برای من آری! استاد مصمّم بود که در بهار طبیعت و صفای کوهستان چراغ علم و معرفت را روشن کند و گلشنی از سوسن و سنبل بسازد که خار چشم دشمنان گردد. اگر استاد بهمن‌بیگی زمزمه‌گر این ترانه بود که: داغ اگر یکی و درد اگر یکی بود می‌شد چاره‌ای یافت با صد داغ و صد درد چه می‌توان کرد؟ ولی با همّت و اراده‌ای که داشت نشان داد که می‌توان صد داغ و درد را نیز چاره کرد، دست به کار شگرفی زد، با تشکیل کلاس‌های عشایری و تربیت معلّمان مؤمن و متعهّد برای تدریس، ایجاد کتابخانه‌های سیّار، دانش را به میان عشایر بُرد و از کودکان محروم، آینده‌سازانی بصیر و مطّلع ساخت. استاد، چون بنده عاشقی، شب و روز را به هم می‌دوخت تا بر تعداد مدارس عشایری افزوده شود، معلّم تربیت کند، از کمک‌های مالی دولتی و غیردولتی بهره‌مند شود تا کودکان مستعد امّا ستم‌کشیده، از حقّ مسلّم خود که تحصیل و تربیت بود، محروم نشوند. استاد بهمن‌بیگی در حالی که به راحتی می‌توانست به پست‌های مهم دولتی دست یابد پشت به همه چیز کرد، احساس درد و وظیفه در قبال هموطنان و هم‌عشیره‌های خود، او را به دامان طبیعت کشاند، زندگیِ شهری را به شهرنشینان واگذاشت، با غم و شادی و با رنج و محنتِ مردانِ خانه‌بدوشی که مدام در حرکت بودند، ساخت؛ و بیست و شش سال از عمر خود را صرف تعلیم و تربیت بچّه‌های عشایری نمود. استاد به خوبی دریافته بود که «کلید مشکلات عشایر در لابه‌لای الفبا است»، از این‌رو معتقد بود که باید قیام کرد؛ قیام همگانی، و از این جهت، مردم را به یک قیام مقدّس دعوت کرد: قیام برای باسواد کردن مردم ایلات. خدمات استاد بهمن‌بیگی به زودی نتیجه داد. بچّه‌های محروم ایلیاتی، مراحل دبستانی و دبیرستانی را پشت سر گذاشتند و راهیِ دانشگاه شدند. به آماری از این حرکت علمی و فرهنگی (که در فصل‌نامه عشایری ذخایر انقلاب، زمستان ۱۳۶۷ درج شده است) توجّه کنیم: از تعداد ۳۶ نفر قبولی دیپلم در خردادماه سال تحصیلیِ ۵۲-۱۳۵۱، ۳۴ نفر وارد دانشگاه شدند و در سال ۵۵-۱۳۵۴ تمامی ۸۸ نفر قبول‌شدگان در مقطع دیپلم وارد دانشگاه‌های کشور شدند و در سال ۵۶-۱۳۵۵ نیز از تعداد ۸۵ نفر دانش‌آموز دیپلم تعداد ۸۴ نفر در رشته‌های مختلف دانشگاهی مشغول تحصیل شدند. بی‌شک این موفقیّت‌ها و آماده کردن کودکان برای فراگیری علوم و فنون و پرورش استعدادهای کودکان عشایری مدیون تحمّل رنج‌ها و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر استاد بهمن‌بیگی است. امّا در این میان، استاد را غم دیگری نیز

بود. استاد همواره از ستم مضاعفی که بر دختران معصوم عشایری می‌رفت، رنج می‌برد و بر آن بود که دختران را نیز زیر پوشش تعلیم و تربیت قرار دهد؛ و به همین‌منظور تصمیم گرفت که با گسترش دانش در میان دختران، آنان را به حقوق خود آشنا سازد. اگرچه این امر در حال و هوای آن روزگار کار سخت و دشواری بود و تعصّب‌های ایلی و عشیره‌ای کار را بر استاد دشوار کرده بود، امّا استاد مصمّم بود و چاره‌ای جز این نداشت که در هر اجتماعی حاضر شود، از فواید دانش و سواد سخن گوید و با هرگونه تعصّب و خامی با صبوریِ تمام مبارزه کند. در اثر تلاش و کوشش، استاد سرانجام توانست در این مبارزه نیز موفق شود و دختران را نیز به دبستان بکشاند و به تربیت آنان همّت گمارد. اینک استاد هشتاد و پنجمین سال زندگی خود را سپری می کند و بدون تردید خود نیز از این همه تلاش و کوشش که ثمره آن، کشف استعدادها و بارور کردن آنان است خرسند است. استاد، حاصل تلاش خود را در وجود کودکانی که اینک بزرگ‌مردانی در عرصه علم و سیاست و مدیریت شده‌اند، می‌بیند و همین برای استاد کافی است. تلاش‌های استاد در همان سال‌ها مورد توجّه دانشمندان، اندیشمندان و دانشگاهیان داخل و خارج از کشور قرار گرفت

جوائز و نشانها : محمد بهمن بیگی در سال ۱۹۷۳ موفق به دریافت جایزه بین‌المللی یونسکو شد . مراسم گرامیداشت محمد بهمن بیگی، بنیانگذار آموزش و پرورش عشایر کشور با حضور جمع کثیری از اعضای انجمن فارغ التحصیلان عشایر منطقه جنوب کشور و راهنمایان تعلیمات عشایری در شیراز برگزار شد. در این مراسم بیش از ??? نفر از عشایر ایلات قشقایی، باصری، عرب، لر، بویراحمدو بختیاری که دوران تحصیل خود را در مؤسسه دانشسرای عشایر به مرکزیت شیراز گذرانده بود و در حال حاضر در مشاغل و مناصب مختلف سراسر کشور مشغول می باشند در کنار محمدبهمن بیگی حضور داشتند. در این نشست صمیمانه علاوه بر بررسی روند گذشته آموزش و پرورش عشایری، راهکارهایی در جهت بهبود کمی و کیفی و همچنین ترسیم افق روشن آموزش وپرورش عشایر ارائه شد. همچنین مراسم بزرگداشت استاد محمّد بهمن بیگی در ۳۰ آبان ماه سال ۱۳۸۴ از طرف انجمن آثار و مفاخر فرهنگی جهت تکریم وی برگزار شده است.

چگونگی عرضه آثار : تأمل و دقت استاد بهمن بیگی برای چاپ کتاب، علی‌رغم آن همه جوشش احساسات، تراکم خاطرات و تسلط عجیبی که او بر کلمه و کلام دارد، به راستی شگفت‌انگیز است. نخستین اثر او «عرف و عادت درعشایر فارس» درست ۶۰ سال پیش منتشرشد و سه اثر دیگرش: «بخارای من ایل من»، «اگر قره قاج نبود» و «به اجاقت قسم» به ترتیب با فاصله‌های ۴۴، ۶۵ سال پیش از یکدیگر به چاپ سپرده شده‌اند. به راستی اگر بهمن‌بیگی تنها «عرف و عادت درعشایر فارس» را نوشته بود، به عنوان پژوهشگری جست‌وجوگر، شایسته احترام و تقدیر بود. اگر او فقط مجموعه داستان‌های کوتاه و جذاب «بخارای من ایل من» را درسال ۶۸ و با فاصله‌ای طولانی از اولین اثر خود روانه بازار نشر کرده‌بود، لایق هرگونه بزرگداشت و تشویق بود. این اثر، همانند یک قطعه موسیقی با یک سمفونی زیبا، به دل می‌نشیند و خواننده را در جذبه نثری دلاویز و پرتصویر پرواز می‌دهد و با خود به سرزمین زیبای عشایر می‌برد وبا مسائل مردم این خطه از کشورمان آشنا می‌کند. انتشار «بخارای من ایل من» به راستی در سپهر ادب فارسی، یک حادثه بزرگ بود، آنچنان که همه نگاه‌ها را به سوی خود کشاند. بهمن‌بیگی در اثر سوم خود «اگر قره‌قاج نبود» گوشه‌هایی از خاطرات و خطرات خویش را با نثری آهنگین و توصیفی به زیبایی به تصویر کشیده ودر واپسین اثرش «به اجاقت قسم» خاطرات آموزشی خود را در راه پرفراز ونشیبی که برای سوادآموزی عشایر این مرز وبوم پیموده، بیان کرده‌است. وی در حال حاضر به نگارش خاطرات متأخر خود مشغول است و امید می‌رود که در آینده‌ای نزدیک، شاهد اثر برجسته دیگری از بنیانگذار آموزش عشایر و به تعبیری «پدر آموزش عشایری» کشورمان باشیم. آنچه درپی می‌آید، تنها گزارش کوتاهی از چهار اثر منتشر شده استاد بهمن بیگی است. ---

----

آثار :

۱ اگر قره قاچ نبود

ویژگی اثر : محمد بهمن بیگی، چاپ دوم، تهران، انتشارات باغ آینه، ۱۳۷۷(چاپ اول/ ۱۳۷۴)، ۲۰۶ص، رقعی. هفده خاطره و حکایتی که در این مجموعه فراهم آمده‌است، همچون اثر دیگر نویسنده: «بخارای من ایل من» هریک حاوی مطالبی جذاب است که قلم سحار نویسنده، رنگی از خیال و خاطره بر آن پاشیده‌است. نام کتاب از دهمین خاطره این مجموعه گرفته شده‌است. قره‌قاج رودخانه پربرکت و زیبایی درخطه فارس است که از ارتفاعات «بن رود» سرچشمه می گیرد و تا سواحل خلیج‌فارس گسترده‌است. بهمن بیگی در داستانواره اگر قره‌قاج نبود، ابتدا از ملال خود از ماندن در ایل و سپس از قصد خود برای سفر به سرزمین‌های دور خبر می‌دهد و به دنبال آن، به شرح جاندار و زیبایی از حکایت روزی می‌پردازد که سوار بر اسب محبوبش «سمند» دچار توفان می‌شود، به آب رودخانه «قره‌قاج» می‌زند و با دشواری به کمک سمند به ساحل سلامت می‌رسد، به شهر می‌آید، به اروپا و آمریکا می‌رود. زیبایی‌های طبیعی غرب را می‌بیند، اما هیچ‌گاه زیبایی قره‌قاج را از یاد نمی‌برد. نامه‌هایی که از خویشانش برایش ارسال می‌شود، بی‌تابی اورا برای بازگشت به وطن و به ایل صدچندان می کند و سرانجام به اندیشه حرکت از غرب و فرار به سوی ایل می‌افتد و درآخرین نامه‌اش از آمریکا خطاب به خانواده‌اش می‌نویسد: «... تاب و طاقت دوری شما را ندارم. تاب و طاقت دوری ایلم و وطنم را ندارم. با اولین بلیط هوایی که به دستم می‌آید حرکت می کنم. پیام مرا به گوش امواج قره‌قاج برسانید. قره‌قاج، تو می‌خواستی غرقم کنی ولی من دست از دامنت برنمی‌دارم. من ترا بیش از همه رودهای روی زمین دوست می‌دارم. من یک موج کوچک ترا به صدها الب، هودسن و پوتوماک عوض نمی کنم. قره‌قاج، می‌آیم ولی این بار می کوشم که بی گدار به آب نزنم و با کمک خداوند نهال‌های تازه‌ای در کنارت بنشانم و پل‌های استوار برایت دست و پا کنم.» پارچه سلیکا، هدیه گرگین خان/ آهنگ گرایلی/ داستان ما و «فریدون/ حساب حافظ از دیگران جداست/ پدر و پسر/ و «بستان کردستان» عناوین برخی از خاطره‌های داستانی این مجموعه است.

۲ ایل من بخارای من

ویژگی اثر : محمد بهمن بیگی، چاپ سوم، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۹ (چاپ اول ۱۳۶۸)، ۳۴۸ ص، رقعی. بهمن‌بیگی در این اثر، غرض اصلی از نگارش کتاب را بازنمودن احوال ایلات فارس بویژه ایل قشقایی ذکر کرده‌است. بخارای من ایل من، از ۹ دستانواره کوتاه، جذاب و دلنشین تشکیل شده‌است. آغازین اثر این مجموعه «بوی جوی مولیان» است. موضوع این داستان مستند، سرگذشت مولف از دوران کودکی و تبعید پدر و مادر وی به تهران تا هنگام بازگشت او به ایل است. در یکی از روزهای گرم تابستان شهر که فکر یار و دیار و هوای خوش ییلاق ایل در ذهن نویسنده خلجان داشته، نامه‌ای پر مهر از برادر، او را دگرگون می کند و به تعبیر نویسنده، نامه برادر، با او همان می کند که شعر و چنگ رودکی با امیرسامانی کرد. چنین بود که بهمن بیگی به همه زرق و برق‌ها و جاذبه‌های شهر پشت پا می‌زند و به «بخارای خود» به «ایل» می‌پیوندد. موءلف دراین اثر، با نثری شیوا که به شعر پهلو می‌زند، طی دستانواره‌هایی پرکشش، ضمن توصیف طبیعت زیبای سرزمین عشایر قشقایی، خواننده را با آداب و رسوم، معتقدات و مسائل و مشکلات مردم و بویژه زنان ایل و مصایب آنها آشنا می کند. آل/ ترلان/ ایمور/ وطن/ شکار ایلخانی و شیرزاد/ ملا بهرام/ گاو زرد و «آب بید» برخی از داستان‌های کوتاه این مجموعه جذاب است.

۳ به اجاقت قسم

ویژگی اثر : محمد بهمن‌بیگی، چاپ سوم. شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۸۲ (چاپ اول ۱۳۷۹)، ۲۷۱ ص، مصور، وزیری. «به اجاقت قسم» دربرگیرنده خاطرات آموزشی استاد بهمن بیگی بنیانگذار آموزش عشایر ایران است. این اثر از ۲۱خاطره آموزشی تشکیل شده و عنوان آن، از سیزدهمین خاطره این مجموعه انتخاب شده‌است. نویسنده در مقدمه این اثر تحت عنوان «چگونه به شرح چگونگی آموزش از آهنگ خویش به فرزندان عشایر و بیان تجربه‌هایش پرداخته و درحقیقت کلیدهای کامیابی خود را در راه

دشوار تعلیم و تربیت عشایر به دست داده و می‌نویسد:«... یاران و دوستان من دست بردار نیستند و پیوسته می‌پرسند چگونه؟! من دراین کتاب سعی کرده‌ام که با گزارش پراکنده قسمتی از خاطرات آموزشی خودم، فراز و نشیب‌های راه رفته‌ام را به پرسندگان و دوستداران تعلیم و تربیت نشان دهم و به آنان بگویم چگونه!» بهمن بیگی در نخستین اثر خود«عرف و عادت در عشایر فارس» درباره اعتقاد افراد ایل به «اجاق» می‌نویسد:«در آتش‌پرستی ملل باستانی گیتی نیز آثاری درمیان ایلات وجود دارد. افراد ایلات به اجاق خانه و خانواده عقیده کاملی دارند و آن را گاهی منبع آثار و صاحب قدرت می‌پندارند و عده‌ای از خانواده‌ها را صاحب اجاق پرفروغ‌تر و قوی‌تری می‌دانند و نسبت به چنین خانواده‌هایی بویژه خیانت را خطرناک می‌شمارند... قسم به اجاق و به هر کانونی که در آن آتشی افروخته باشد معمول است و این قسم‌ها به اقتضای ایمانی که بدان دارند، می‌تواند مدعی یا منکر را قانع نماید. اجاق مردی را که فرزند نداشته‌باشد «کور» یعنی خاموش می‌دانند و به حال او تأسف فراوان می‌خورند...» معلم بی‌تصدیق/ آموزگار ایلی/ مقررات دست‌وپاگیر/ آموزش عشایر و زنان/ آموزش عشایر و سازمان برنامه/ خدمت و تهمت/ و «چگونه شیراز مرکز آموزش عشایر کشور شد» عناوین بخش‌هایی از خاطرات این مجموعه‌اند.

۴ عرف و عادت در عشایر فارس

ویژگی اثر : محمد بهمن بیگی، چاپ دوم، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۸۱ (چاپ اول، تهران ۱۳۲۴)، ۱۳۵ ص. رقعی. استاد بهمن‌بیگی اثر حاضر را درست ۶۰ سال پیش، زمانی که حدود جوانی ۲۰ ساله بود، نوشته‌است. کتاب از چنان اهمیتی برخوردار بوده که در همان سال انتشار، مورد توجه نویسندگان بزرگ و نشریات معتبر ادبی - علمی قرار گرفت. چاپ دوم اثر، در فاصله‌ای ۵۷ ساله و درسال۱۳۸۱ منتشر شد. بهمن بیگی در مقدمه این چاپ به علل تأخیر چاپ دوم کتاب اشاره کرد و مشکلات را بر شمرده‌است. نویسنده دراین کتاب، با نگاهی از درون، خواننده را با آداب و عادات و اخلاق و رسوم و همچنین دیگر جنبه‌های متنوع زندگی ایل بزرگ قشقایی در دوره تألیف کتاب آشنا می‌کند. از آنجا که موءلف، آگاه به مسائل حقوقی بوده، در مبحث اول کتاب، موضوع عرف و عادات را از نظر حقوق مدنی، کیفری، آیین دادرسی، حقوق اداری و سیاسی اجتماعی در بین ایلات و عشایر فارس مورد بحث قرار داده و در مبحث دوم که اندکی مختصرتر است، به ذکر عقاید وافکار عشایر فارس پرداخته و در برخی موارد، آداب و رسوم عشایر فارس را با قوانین و رسوم ملل قدیم مقایسه و تطبیق کرده‌است. استاد بهمن بیگی در این اثر، ضمن بیان بی‌سروسامانی عشایر جنوب در آن سال‌ها، درمان دردهای بزرگ عشایر را تنها در سایه مهر و محبت و تعلیم و تربیت دانسته و اعلام داشته: «برای جلوگیری از این همه سرگردانی و گمراهی، راهی جز ایجاد مدارس سیار و فراوان وجود ندارد.» .

بیات، اروج بیک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اروج بیک پسر سلطان علی بیک بیات بود ، سلطان علی بیک ازسرداران شاه محمد خدابنده بود که درنبرد عثمانی کشته شد(۹۹۳ه.ق)گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیوالدین و انساب : اروج بیک پسر سلطان علی بیک بیات یکی از درباریان شاه عباسی اول صفوی بود که به همراه هیات سفارتی مرکب از سر آنتونی شرلی و حسینعلی بیک بیات به اروپا رفت. وی در اسپانیا پس از پناهندگی و گرویدن به مسیحیت دون ژوان نامیده شد. (۱۰۱۳ه.ق)و کتابی به نام دون ژوان ایرنی را درباره حکومت صفوی و شرح سفر خود به اسپانیا نوشت و مدتی بعد به دست یک اسپانیایی کشته شد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سلطان بیک بیات پدر اروج بیک بیات ازسرداران مقتول شاه محمد خدابنده در نبرد با عثمانی بود (۹۹۳ه.ق) بنابراین به نظر می رسد که از

شرایط زندگی و تحصیل مناسبی برخوردار بوده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : اروج بیک بیات علوم رایج زمانه از جمله تاریخ و علم انشاء را به خوبی فرا گرفته بود.وقایع میانسالی : اروج بیک بیات در ۱۰۰۷ه.ق/ ۱۵۹۹م به همراه هیئت اعزامی شاه عباسی به ریاست حسینعلی بیک بیات و سرآنتونی شرلی به اروپا رفت تا اروپائیان را به اتحاد علیه عثمانی تشویق نماید. وی از مسیر دریای خزر ولگاه، مسکو آرخنگل، اقیانوس منجمد شمالی، آلمان، چک اسلواکی (بوهم)، ایتالیا، رم و جنوب فرانسه به اسپانیا را انتخاب کرد و با شاهان بسیاری از این مناطق دیدار نمود. ولی با حسینعلی بیک به ایران بازگشت و از آنجا که برای مطالبه خونبهای ملای هیات از لیسبون به ولادولید نزد فیلپ سوم رفت و در همان جا پناهنده و با نام دن خوان(دون ژوان) مسیحی شد. او اندکی پس از انتشار کتاب خود تحت عنوان دون ژوان ایرانی، توسط یک اسپانیایی کشته شد.زمان و علت فوت : اروج بیک بیات پس از انتشار کتاب خود در ۱۵می ۱۶۰۵میلادی / ۴محرم ۱۰۱۳ه.ق به دست مردی اسپانیای کشته شد و برای اینکه مرگش فاش نشود، او را در قایقی نهاده و به دریا انداختند. و چند روز بعد درساحل طعمه سگان شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اروج بیک بیات به عنوان منشی هیات سفیران شاه عباسی به رهبری ریاست حسینعلی بیات و سرآنتولی شرلی به اروپارفت (۱۰۰۷ه.ق/۱۵۹۹میلادی).آرا و گرایشهای خاص : اروج بیک بیات دراسپاینا به دین مسیح گروید. شاید یکی از دلایل این کار مشاهده پیشرفتهای تکنیکی اروپا و قایل شدن به ارتباط میان این دو (مسیحیت و پیشرفت تکنیکی) بوده است.جوائز و نشانها : اروج بیک بیات پس از گرویدن به دین مسیح لقب اشرافی دن «دونdon»را از شاه اسپانیا فیلیپ سوم دریافت کرد.آثار : دون ژوان ویژگی اثر : کتابی دون ژوان ایرنی درسه فصل به بررسی مختصر ولایات ایرنی و حکومت داری صفویان ، جنگهای آنان با عثمانی ، و شرح سفارت می پردازد. وی این کتاب را به کمک آلفونسو رمون به زبان اسپانیانی ترجمه و چاپ کرد. این کتاب را ۱۹۲۶ توسط گی لسترنج شرق شناسی انگلیسی به انگلیسی ترجمه شد.

بیضاوی، ابوعبدالله محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۴ ق)، فقیه، محدث، مدرس و قاضی. قاضی بیضاوی ساکن بغداد بود. و در آنجا تدریس فقه می‌کرد و مطابق مذهب شافعی فتوا می‌داد مدتی نیز عهده‌دار منصب قضاوت بود. قاضی بیضاوی از ابوبکر بن مالك قطیعی و حین بن محمد عسكری نقل روایت کرده است. خطیب بغدادی از شاگردان او است و از وی استماع حدیث کرده و مورد اعتماد بودن و راستگویی وی را ستوده است. بیضاوی به مرگ ناگهانی در بغداد از دنیا رفت و در مقبره‌ی باب حرب دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۴۷۶/۵)، ریحانه (۳۰۷-۳۰۶ /۱)، الکنی و الالقاب (۱۱۳/۲).

بیکندی بخاری، ابوجعفر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۸۲-۳۹۴ ق)، عالم معتزلی و قاضی حنفی. معروف به قاضی حلب. اهل بخارا بود. وی به مصر رفت و با جماعتی از جمله، ابونصر

هبهٔ الله که سر کرده‌ی اسماعیلیان بود مناظره کرد. او از سلیمانی و منصور کاغدی و عدنان هروی نقل حدیث کرده و ابوالمظفر، جد سمعانی، و مکی بن عبدالسلام و ابونصر شیرازی و علی بن زهمویه و جماعتی از وی حدیث روایت کرده‌اند. چون مردم را به مذهب اعتزال می‌خواند، ابومنصور عبدالملک بن محمد از ورودش به بغداد جلوگیری کرد و چون ابومنصور درگذشت، به بغداد درآمد و تا پایان عمر در آنجا سکنی گزید. در حدود نود سالگی در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب حرب دفن شد. از آثار وی: «الهدی و الارشاد»، در رد ابونصر هبهٔ الله؛ «الرسالهٔ المسعودیهٔ»؛ «تحقیق الرسالهٔ بأوضح الدلالهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۸/۶)، سیر النبلاء (۵۸۷ -۵۸۶ /۱۸)، لسان المیزان (۶۸۷ -۶۸۶ /۵)، معجم المؤلفین (۲۴۹/۸).

پاشا صالح، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۵ بهمن ۱۲۸۰، کاشان.

درگذشت: ۲ بهمن ۱۳۶۹، تهران.

علی پاشا صالح، فرزند میرزا حسن‌خان مبصرالممالک کاشانی، پس از گذرانیدن دوره‌ی مکتب و مدرسه‌ی ابتدایی در کاشان، تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی آمریکایی تهران ادامه داد. سپس در مدرسه‌های تجارت و نظام به تدریس پرداخت. چندی هم رییس دارالترجمه وزارت مالیه و پس از آن به دعوت علی‌اصغر حکمت سرپرست اداره‌ی کل انطباعات وزارت معارف بود.

از زمانی که دانشگاه تهران تأسیس شد، در دانشکده‌ی حقوق به تدریس متون حقوقی به زبان انگلیسی پرداخت. از کارهای با ارزش او در این دوره ترجمه‌ی متن قانون اساسی ایران به زبان انگلیسی بود. ضمنا در مؤسسه وعظ و خطابه‌ی دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی تدریس آیین سخنوری و فن خطابه را بر عهده داشت.

آثار زیر از اوست: اصول تربیت جسمانی و حفظ الصحه (ترجمه، ۱۳۰۶)؛ آثار ایران (ویرایش مجلدی که سید محمدتقی مصطفوی ترجمه کرد، ۱۳۱۶)؛ آداب مناظره (۱۳۱۷)؛ آثار ایران (دفتر سوم، ۱۳۱۸)؛ کتاب انگلیسی دبیرستانی با همکاری عبدالله فریار (شش جلد، ۱۳۱۹)؛ تاریخ ادبی ایران (تألیف ادوارد براون، جلد اول، ۱۳۲۳، جلد دوم ۱۳۵۸)؛ سرگذشت قانون (مباحثی از تاریخ حقوق، ۱۳۳۵)؛ آداب سخن، اصول فن خطابه (۱۳۳۷)؛ قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضاییه- نظری به تاریخ حقوق ایران (۱۳۴۳). در سال‌های پایانی عمر به نگارش فرهنگ حقوقی پرداخت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پویایی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم پویایی (پویا) در سال ۱۳۳۴ در کرمانشاه متولد شد ، دوران ابتدایی و دبیرستان را در همین شهر به پایان رسانید سپس عازم

خدمت مقدس سربازی شد، پس از خدمت انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) کشور چهره تازه ای بخود گرفته بود . ابراهیم پویا برای کمک به مسائل فرهنگی جذب جهاد سازندگی شد و در واحد فرهنگی مشغول فعالیت شد ، چون عمر این واحد کوتاه بود از آنجا خود را به واحد عمران منتقل کرد و در بدترین شرایط ،که گروهکهای کومله و دمکرات به برادران جهاد شبیخون می زدند به روستاهای مرزبانی برای مدرسه سازی رفت و این گروه منحله هر روز به شهدای جهاد می افزود و برادران را به اسارت می گرفت در سال ۱۳۶۰ بزرگان دین و علم از پویا تقاضا کردند که به صدا و سیمای کرمانشاه خود را منتقل کند ، پویا کلیه برنامه های رادیو را می نوشت و بدون بررسی بروی آنتن می رفت ، پویا بالاخره استخدام صدا وسیما شد ودر واحد روابط عمومی مشغول فعالیت شد و وبا توجه به این که کتاب های فراوانی در این رشته مطالعه کرده بود این واحد را از حالت پوستر چسباندن بیرون آورد و چهره ای تازه به روابط عمومی بخشید.گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : ابراهیم پویایی به دلیل مرگ مادر ومشکلات فراوان دیگر در رشتهٔ ادبیات پیام نور بود که آن را نیمه تمام رها کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : ابراهیم پویایی از خاطرات دوران تحصیل خود چنین می گوید: خاطرات دوران تحصیل بسیاراست که هر کدام وقت وفرصت دیگری طلب میکند اما تا آنجا که به یاد دارم دوستان را تشویق به کتابخوانی ودنبال دین ودانش رفتن میکردم.در دبیرستان رازی کرمانشاه درسال ششم طبیعی مشغول تحصیل بودم که در بدترین شرایط تحصیلی آمدند وگفتند چون دوبار از تبصره انگلیسی استفاده کرده ای باید بروی کلاس پنجم، متاسفانه این ضربه روحی چنان تلخ بود که هرگز خاطرهٔ آنرا فراموش نمیکنم، هرچقدر دبیران انساندوست تلاش کردندتا ثابت کنند اشتباه از طرف دبیرستان بوده چه ربطی به دانش آموز دارد قبول نکردند ناچار یکسال شبانه درس خواندم وسال آینده وارد کلاس ششم طبیعی شدم.هم دوره ای ها و همکاران : همکاران صدا وسیما که بسیار است چون به دلیل شغل پل بین مردم ومحل کارش بوجود آورده است، دکتر سعیدی رئیس دانشگاه قلب کرمانشاه از همکلاسیهای ابراهیم پویایی بشمار میرود.همسر و فرزندان : آناهیتا برزویی تهیه کننده رادیو همسر ابراهیم پویایی است. دو فرزند پسر دارد که امیرحسین سال اول دانشگاه ،اهورا اول دبیرستان وابسته به دانشگاه است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ابراهیم پویایی در حال حاضر سه مجموعه شعر آماده چاپ دارد . رایحهٔ دوست، پیوند خاک وخون، پیچک نیلوفر ، دیگر دست نوشته هایی است که طی سالها جمع آوری شده است. یکی از مهمترین کارهایی که هنوز به اتمام نرسیده ((سیری در سبک هندی)) است که از دیدگاه نو اندیشه شاعران اصفهانی گو (سبک هندی) را شامل میشود.شاگردان : ابراهیم پویایی می گویند بنده اگر شاگردی داشته ام در عرصه داستان نویسی بوده است که در طول سی سال شاگردان بسیاری که امروز شاعران خوبی هستند به جامعه ادبی کرمانشاه تحویل داده ام.جوائز و نشانها : ابراهیم پویایی در کلیه شب های شعر، کنگره های شعر شرکت داشته وجوایزی نقدی ولوح تقدیر دریافت کرده وهنوز هم این حرکت ادامه دارد.چگونگی عرضه آثار : ابراهیم پویایی از سال ۱۳۵۳ با مطبوعات همکاری واین همکاری در مسیر شعر، داستان، نقد تأتر وفیلم، نقد مسائل اجتماعی،، و هنوز هم با مطبوعات همکاری دارد ومسئول صفحهٔ شعر چشم انداز در نشریه محلی باختر می باشد سعی می کند در صفحه چشم انداز تازه های ادبیات را عرضه کند اگر چه حق الزحمه ناچیزی دریافت می کند اما هدف، بالاتر از مسائل مادی است.: تاکنون هشتاد سرود فارسی ومحلی برای رادیوکرمانشاه ساخته است ودر روزنامه نگاری، فیلمنامه نویسی، نقد، داستان نویسی تاکنون لوح تقدیروجایزه نقدی دریافت کرده است .یک جفت پوتین فیلمی بودکه درزمان جنگ برای بچه هابا دیدگاهی نو ساخته شد که برنده سکه بهار آزادی شد.

پیرنیا، داوود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ش)، موسیقیدان و حقوقدان. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در منزل و نزد استادان و معلمان وقت فراگرفت و پس از آن برای ادامه‌ی تحصیل به سویس رفت و در رشته‌ی حقوق فارغ‌التحصیل شد. او در ضمن تحصیلات عالی به زبانهای آلمانی، فرانسه، انگلیسی تسلط کامل پیدا کرد و با موسیقی کلاسیک نیز آشنا شد و نواختن پیانو را فراگرفت. پیرنیا کانون وکلا را در وزارت دادگستری، و اداره‌ی احصائیه (آمار) را در وزارت دارایی، تاسیس کرد. پیرنیا در وزارت دادگستری و وزارت دارایی، یک چند خدمت کرد و به ریاست بازرسی کل کشور و معاونت نخست‌وزیری نیز منصوب شد. او پس از سالها خدمت در مشاغل سیاسی و قضایی و اداری، از همه‌ی آنها کناره گرفت و به کارهای فرهنگی روی آورد. پیرنیا، مبدع و مبتکر روشی بود که قبل از او کسی به آن توجهی نداشت و آن روش تلفیق شعر و موسیقی و کمک گرفتن از یکی برای تفهیم و تاثیر ارزش دیگری بود. از آثار وی: آهنگهای «گلهای جاویدان» (در سال ۱۳۳۵ ش)، «ارکستر گلها» برنامه «گلهای رنگارنگ»؛ «برگ سبز»؛ «گلهای صحرایی»؛ «شاخه گل»؛ تنظیم «برنامه‌ی کودک».[۱]

فرزند ارشد حسن پیرنیا (مشیرالدوله)، متولد ۱۲۸۰، تحصیلات عالی خود را در رشته‌ی حقوق در سوئیس دنبال کرد و پس از مراجعت به ایران، به خدمت دادگستری و دارائی درآمد و چند شغل اداری از جمله ریاست اداره‌ی آمار و اداره‌ی کانون وکلاء را متصدی شد. در ۱۳۲۵ قوام‌السلطنه او را به مدیرکلی بازرسی نخست‌وزیری و سپس به معاونت اداری خویش برگزید. بعد از سقوط دولت، به کارهای آزاد پرداخت و زندگی مرفه او از طریق ارث قابل ملاحظه‌ای که از پدرش باقی مانده بود، اداره می‌شد. از ۱۳۳۵ با اداره‌ی رادیو همکاری خود را آغاز کرد و یک سلسله آهنگهای اصیل ایرانی را با همکاری نوازندگان و خوانندگان کشور به سبک جالبی عرضه کرد. وقتی این برنامه‌ها از رادیو پخش می‌شد و نام او را به عنوان تهیه‌کننده و تنظیم‌کننده ذکر می‌کردند، مادرش که دختر علاءالدوله بود و در آن تاریخ حیات داشت، عصبانی می‌شد و می‌گفت: «بالاخره پسر مشیرالدوله مطرب از آب درآمد». او از این کار فرزند خود سخت ناراحت بود و بعضی از نزدیکانش معتقدند که از غصه‌ی همین کار دق کرد.

داود پیرنیا به اعتبار پدر و عموی خود مؤتمن‌الملک، در محافل مختلف راه داشت. با علی دشتی در اواخر عمر زیاد حشر و نشر داشت. در ۷۳ سالگی در اثر بیماری در تهران درگذشت. تا حدی از نیکنامی و سلامت نفس برخوردار بود، ولی هوش و پرکاری پدرش را نداشت.

داود پیرنیا، بنیانگذار برنامه‌ی «گلها» در تهران، خیابان ایران در یک خانواده‌ی بزرگ و قدیمی چشم به جهان گشود. دوران طفولیت را در تحت توجهات پدر بزرگوارش حسن پیرنیا (مشیرالدوله) که از رجال خوشنام و روشنفکر آن زمان بود گذراند.

تحصیلات ابتدایی را طبق سنن و آداب آن زمان در منزل و نزد استادان و معلمین وقت فراگرفت، سپس برای ادامه‌ی تحصیلات و فراگیری دروس زبان و غیره به مدرسه ی سن‌لوئی که زیر نظر معلمین و استادان فرانسوی اداره می‌شد قدم نهاد. پس از گذراندن تحصیلات متوسطه بنا به تمایل پدرش مشیرالدوله جهت فراگیری تحصیلات عالیه به کشور سوئیس سفر نمود. پس از گذرانیدن تحصیلات عالیه در رشته حقوق به وطن مراجعت نمود و به خدمت در وزارت دادگستری مشغول گردید.

داود پیرنیا بنیانگذار و مؤسس کانون وکلا بود. در وزارت دادگستری تا رتبه‌ی یازده قضائی مدارج را طی کرد و سپس به وزارت دارائی منتقل شد و در این وزارتخانه اقدام به تأسیس اداره‌ی احصائیه (آمار) نمود که برای اولین‌بار در ایران چنین اداره‌ای به وجود آمد.

داود پیرنیا در حین فراگیری تحصیلات عالیه با موسیقی کلاسیک آشنایی کامل پیدا کرد و نواختن پیانو را به خوبی فراگرفت و ادبیات و موسیقی ایران را نیز از خاطر نبرد. به زبانهای فرانسه، آلمانی، انگلیسی تسلط کامل داشت و در زبان فرانسه تا حد ادبیات عالیه این زبان پیشرفت کرده بود بعد از چندی در نخست‌وزیری به سمت رئیس بازرسی کل در سطح کشور و سپس عهده‌دار پست

معاونت نخست‌وزیری گردید.

پیرنیا همواره در فکر احیای موسیقی سنتی و اصیل ایرانی و زنده نمودن فرهنگ و ادبیات ایران بود و همین فکر باعث شد که به فکر ایجاد برنامه‌های «گلهای جاویدان» و سپس «گلهای رنگارنگ» و دیگر برنامه‌های ارزنده بیافتند و همواره در این راه با استادان بنامی چون: کلنل‌وزیری، روح‌اللّه خالقی، ابوالحسن صبا، مرتضی محجوبی، حسین‌یاحقی، احمد عبادی، مهدی خالدی، علی تجویدی، جواد معروفی و غیره تبادل‌نظر و همفکری داشت. و این علاقه شدید باعث شد که مشاغل دولتی را کنار گذارده و با جدیت، هدف والای خود را دنبال کند و برنامه‌هایی ارزنده که امروزه همچون گنجینه‌ای گرانبها به یادگار مانده است از خود باقی گذارد و موسیقی اصیل ایرانی و ادبیات و فرهنگ غنی این کشور را نه تنها به مردم ایران بلکه به مردم سایر ملل نیز معرفی نماید و به این امر مهم که تا قبل از ایجاد برنامه‌های «گلها» نه تنها توجهی نمی‌شد بلکه در بوته فراموشی سپرده شده بود بپردازد.

داود پیرنیا یکی از خدمتگزاران بزرگ موسیقی و ادب ایران در دوره‌ی معاصر است و ارزش والای خدمات او بخصوص از آن جهت است که او مبدع و مبتکر روشی بود که قبل از او کسی به آن توجهی نداشت و آن روش تلفیق شعر و موسیقی و کمک گرفتن از یکی برای تفهیم و تأثیر ارزش دیگری بود.

پیرنیا بعد از سالها اشتغال در مشاغل سیاسی و قضائی و اداری از همه‌ی آنها کناره گرفته بود و وقت خود را مصروف به مطالعه، بخصوص بررسی اشعار فارسی می‌کرد.

وقتی یکی از فرزندان او در دبیرستان جم قلهک سرگرم تحصیل بود، دکتر معین افشار که یکی از دبیران آن دبیرستان بود و به موسیقی آشنایی و علاقه خاص داشت، ارکستر کوچکی از دانش‌آموزان هنرمند تشکیل داده بود و در یکی از جشنهای دبیرستان، این ارکستر قطعاتی اجرا می‌کرد. پیرنیا که در آن هنگام رئیس انجمن خانه و مدرسه بود کار آنان را بسیار پسندید و یک روز آنها را به اداره‌ی کل هنرهای زیبا برد و نواری از آهنگهای آنان ضبط کرد و یک روز عصر این نوار از رادیو پخش شد.

کسی نمی‌داند که پیرنیا چگونه به رادیو راه یافت، ولی بعضی از شبها مردم برنامه‌ای از رادیو می‌شنیدند که «گلهای جاویدان» نام داشت و همراه با موسیقی که مثنوی همایون بود آغاز می‌شد و ضمن آن اشعاری بر روی سازی تنها به وسیله گوینده‌ای خوش‌صدا به لحنی که در شنونده تأثیری عمیق می‌بخشید قرائت می‌شد و یکی از خوانندگان نیز اشعار دیگری را به آواز می‌خواند. در بعضی از برنامه‌ها، شرح احوال شاعر و اظهارنظر درباره‌ی اشعار و افکار او نیز قسمت دیگری از برنامه بود. برنامه با جمله «این هم گلی بود جاویدان از گلزار بی‌همتای ادب ایران- همیشه شاد و همیشه خوش باشید» پایان می‌یافت.

«گلهای جاویدان» در سال ۱۳۳۵ شروع شد و همزمان با آن پیرنیا برنامه‌ای برای کودکان نیز تنظیم کرد که صبحها با صدای فرزندش «بیژن» پخش می‌شد و هر دو برنامه به شدت مورد استقبال مردم بود.

به تدریج این اندیشه به ذهن پیرنیا راه یافت که «موسیقی ضربی» ایران نیز می‌باید در برنامه‌ی «گلها» جایی داشته باشد، به خصوص که ترانه‌ها و تصنیفهایی که در رادیو ساخته و پخش می‌شد غالباً تحت تأثیر و نفوذ موسیقی بیگانه و فاقد اصالت کافی بود. تشکیل ارکستری از هنرمندان صاحب نام که بتوانند نظر او را اجرا کنند نیاز به تأمین بودجه‌ای داشت که از توانایی «اداره‌ی کل انتشارات و رادیو»ی آن زمان خارج بود. پیرنیا با کوشش و زحمات طاقت‌فرسا موفق شد نظر مقامات «سازمان برنامه و بودجه» را به اهمیت موضوع جلب و اعتباری برای این منظور تحصیل کند و به این ترتیب ارکستر «گلها» تشکیل گردید و برنامه‌ی «گلهای رنگارنگ» حاصل کار بود. برنامه با موسیقی ضربی و ارکستره که آهنگ بی‌کلام یک ترانه‌ی اصیل و سنگین بود آغاز می‌شد. خانم «روشنک» گوینده‌ی خوش‌صدای برنامه‌ی «گلها» بر روی این آهنگ چند شعر زیبا، دل‌انگیز با معنی و مضمونی دلکش و عمیق قرائت می‌کرد. پس از آن اشعار دیگری بر روی سازهای تنها قرائت می‌شد، یا خواننده چند بیت شعر که غالباً قسمتی از یک غزل بود به آواز می‌خواند و در پایان آهنگ با کلام به وسیله خواننده همراه با ارکستر اجرا می‌شد.

مدت دو سال از آغاز برنامه‌ی «گلها» گذشته بود که پیرنیا برنامه کودک را به «دکتر معین افشار» همان دبیر دبیرستان پسرش محول کرد و با فراغت بیشتر تمام هم خود را صرف برنامه‌ی «گلها» کرد.

در این زمان، وضع مالی کشور بهتر شده بود و ارکستر «گلها» بزرگ و بزرگتر شد و از حالت «یک صدایی» بیرون آمد. هنرمند ارجمند «جواد معروفی» آهنگ را به تدریج و تا حدی که گوش شنونده‌ی ایرانی آمادگی قبول داشت به صورت چند صدایی می‌نوشت و به رهبری روح‌اللّه خالقی اجرا می‌شد، «برگ سبز» و «شاخه گل» و «گلهای صحرایی» برنامه‌های دیگری بودند که به بخش «گلها» تنوع و جاذبه می‌بخشیدند.

«برگ سبز» از سلو و اشعاری عرفانی با صدای خواننده که «سید جواد ذبیحی» یکی از آنان بود در شبهای جمعه اجرا می‌شد. در آغاز برنامه این دو بیت قرائت می‌شد:

«چشم بگشا که جلوه‌ی دلدار

به تجلی است از در و دیوار»

این تماشا چو بنگری گویی

لیس فی‌الدار، غیره دیار»

و پیرنیا که یکی از ارادتمندان مولاـ علی (ع) بود در پایان برنامه این جمله را منظور کرده بود: «این هم برگ سبزی بود، هدیه‌ی درویش، علی نگهدارتان».

«شاخه گل» یک برنامه ربع ساعته بود که به معرفی کوتاه یک شاعر و ذکر چند بیت از اشعار او و اجرای یکی از ترانه‌های «گلهای رنگارنگ» که خواستار فراوان داشت می‌پرداخت و «گلهای صحرایی» خاص معرفی آهنگهای محلی ایران بود.

این سؤال همواره برای مردم مطرح بود که در برنامه‌های «گلها» چه رمز و رازیست که تا این حد در اعماق قلب و روح مردم نفوذ می‌کند، در حالی که از همان هنرمندان و همان شاعران و همان ترانه‌سرایان، برنامه‌های دیگری نیز در رادیو به وجود می‌آید، ولی نه تأثیر برنامه‌های «گلها» را داشت و نه به آن حد مورد استقبال عامه‌ی شنوندگان و تمامی طبقات مردم بود. علت واقعی این امر در حقیقت یکی شناخت کامل و دقیقی بود که پیرنیا از شعر و ادب و موسیقی ایران داشت و دیگر دقت و وسواس عجیبی بود که او در انتخاب قطعات موسیقی و اشعار به خرج می‌داد. به کرات یک قطعه موسیقی را می‌شنید و قسمتهایی از آن را انتخاب و قسمتهایی را حذف می‌کرد، سپس برای شعری که روی آن قطعه باید قرائت شود دیوانهای اشعار و تذکره‌های متعدد را مطالعه می‌کرد. در سالهای آخر، مرحوم «رهی معیری» را به کمک گرفت و پس انتخاب اشعار آنها را با موسیقی تلفیق و نوار ضبط شده را به دفعات می‌شنید و حتی برای کسانی که به دیدنش می‌آمدند پخش می‌کرد و تأثیر آن را بر روی آنان بخصوص افراد صاحب نظر امتحان می‌کرد و نظر آنان را جویا می‌شد و شاید به این ترتیب یک برنامه را بیش از سی‌بار می‌شنید. به همین دلائل کار کردن با پیرنیا مشکل بود و فقط افراد پرحوصله می‌توانستند خواسته‌های او را به مرحله اجرا و عمل درآورند.

برنامه‌ی «گلها» فقط یک نوازندگی و ساز سلوی تنها نبود، بلکه مسأله فرهنگ و ادبیات مملکت بود، مسأله‌ی موسیقی غنی و پربار گذشته‌ی کشور بود، مسأله‌ی لباس فاخر پوشیدن به موسیقی ملی، اصیل و سنتی مملکت بود و به دلیل همین توجهات شادروان پیرنیا بود که برنامه‌ی «گلها» طوری شده بود که موسیقیدان آرام‌آرام، ارج و احترام واقعی خودش را در جامعه به دست آورده بود، این نبود جز ارائه‌ی برنامه‌های خوب و ارزشمند، برنامه‌های والاـ و لباس فاخر و در خور شأن آن پوشیدن، یعنی نه یک چیز مصنوعی، یعنی آن چیزی که واقعاً قدر این کار را داشت، سزاوار بود که این موسیقی به این صورت عرضه بشود.

وقتی «سکته‌ی قلبی» به سراغ پیرنیا آمد و خانه‌نشین شد. دیگران بسی کوشش کردند که راه او را ادامه دهند، ولی «گلهای» آنان رنگ و بوی «گلهای» پیرنیا را نداشت و هرگز جای برنامه‌هایی را که او می‌ساخت نگرفت.

در یکی از دفعاتی که پیرنیا دچار «سکته‌ی قلبی» و در بیمارستان بستری شده بود، دکتر معین افشار دوست صمیمی و باوفای او که تا پایان مدت خدمت او در رادیو با او همکاری داشت سبدی گل برای او برد و بر روی کارت همراه آن این رباعی را نوشته بود:

تا مهر درخشنده و مه تابان باد

عمر تو چو «گلهای» تو جاویدان باد

چون آن همه شاخه‌های گل کز نو شکفت

«پیوسته دلت شاد و لبت خندان باد»

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] مردان موسیقی (۵۱۵ -۵۰۹ /۱)، تاریخی موسیقی (۶۷۳/۲).

پیمانی، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق و علوم سیاسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۵، دکترای حقوق از دانشکده حقوق و علوم اقتصادی دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

استادیار در سال ۱۳۴۹، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

حقوق و علوم سیاسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

مسائل تاریخ حقوق کیفری، مسائل قواعد حقوق کیفری عمومی و جرائم و مجازاتها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

حقوق کیفری عمومی و اختصاصی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

پیوندی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا پیوندی

محل تولد : لاسجرد – سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱۴

زندگینامه علمی

دوران ابتدایی و راهنمایی خود را در روستای محل تولدم (روستای لاسجرد سمنان) گذراندم و برای ادامه تحصیل به شهر سمنان عزیمت کردم و دوره دبیرستان را در سمنان بودم که در سال دوم دبیرستان وارد حوزه علمیه صاحب الزمان مهدیشهر سمنان شدم و به مدت سه سال مقدمات را در آن شهر با موفقیت سپری کردم و در سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصیل به قم عزیمت نمودم و از پایه چهارم حوزه در شهر مقدس قم در درس اساتید بزرگوار حوزه علمیه قم حاضر شدم و دوره سطح را با موفقیت به اتمام رساندم و به مدت ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول بزرگان حوزه علمیه قم تلمذ نمودم لازم به ذکر است در مدت ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم دوره دبیرستان خود را به صورت متفرقه ادامه و در سال۱۳۶۹ دیپلم خود را گرفتم و برای ادامه تحصیل در دانشگاه وارد عرصه و رشته حقوق شدم و در سال ۱۳۷۵ دوره کارشناسی خود را با معدل ۴۸/۱۸ در دانشگاه مفید به پایان بردم و در کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی پذیرفته شدم و در پایان دوره یعنی سال ۱۳۷۸ به عنوان نفر اول دوره و با معدل ۶۸/۱۸ و دفاع از پایان نامه خود با نمره عالی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم

لازم به ذکر است موفقیت در علم و دانش و فراگیری آن مرهون زحمات و بزرگواری استادان و علمای بزرگ حوزه علمیه و دانشگاه بوده است که به برخی از اساتید حوزوی و درس هایی که در خدمت ایشان بودم اشاره می کنم

الف شرکت در درس تفسیر ترتیبی قران به مدت ۱۰ سال حضرت آیت الله جوادی املی (حفظه الله)

ب شرکت در درس خارج فقه (خمس و صوم) به مدت سه سال حضرت آیت الله جوادی املی (حفظه الله)

ج شرکت در درس خارج فقه (دیات) به مدت ۲ سال حضرت آیه الله مکارم شیرازی (حفظه الله)

د شدکت در درس خارج فقه (نکاح) به مدت ۲ سال حضرت آیه الله مکارم شیرازی (حفظه الله)

ه شدکت در درس خارج اصول به مدت ۵ سال حضرت آیه الله سبحانی (حفظه الله)

همچنین لازم است که از اسابید بزرگوار دوران سطح حوزه نیز از جمله ، استاد اعتمادی ، تهرانی ، محمدی خراسانی ، علیدوست و ... نیز یادی کنم و بهره های علمی خود را مرهون زحمات آنان هستم

تبریزی اصفهانی، نعمت‌اللَّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم دینی، قاضی و خطاط. اهل تبریز و از فرزندزادگان میر عبدالوهاب تبریزی بود. او مدتی در دستگاه سلاطین آق‌قوینلو معزز می‌زیست و پس از فتنه‌ی تبریز و تسلط عثمانیان در ۹۵۵ ق، به کاشان رفت و چندی شیخ‌الاسلام آنجا گردید. سپس عازم اصفهان شد و منصب قاضی‌القضاتی یافت. صاحب «گلستان هنر» آورده: میر نعمت‌اللّه... خطوط ثلث و نسخ را خوب می‌نویسد، اما شکسته تعلیق میر نیز بسیار بامزه است... در «دانشمندان آذربایجان»، صاحب عنوان تحت نام میر نعمت‌اللّه بن محمد بواب ذکر گردیده، که ظاهرا با نعمت‌اللّه بن محمد بواب خلط شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۵ -۹۴۴/ ۳)، تاریخ اصفهان (۲۰۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۸۶)، گلستان هنر (۳۸ - ۳۷).

تبریزی، عبدالقاهر

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۴۰ -۶۴۸ ق)، قاضی و شاعر. اصل وی از تبریز بود. در حران به دنیا آمد و در دشمق نشوونما یافت. او به قضاوت صفد شامات گمارده شد، ولی بزودی عزل شد. پس از چندی قاضی دمیاط شد و تا پایان عمر به این کار اشتغال ورزید. وی شعر را نیکو می‌سرود. از آثارش «مجموعه خطب» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۴ / ۴).

تدینی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس تدینی در رشته حقوق به تحصیل پرداخت و دکترای خود را از دانشگاه سوربن فرانسه اخذ کرد. او پس از کسب مدارج عالی تحصیلی، به امر تدریس در دانشگاه شیراز مشغول شد و ضمن آن معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده حقوق را به عهده گرفت. علاوه بر آن وی آثاری نیز به رشته تحریر درآورده که برخی به صورت ترجمه می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عباس تدینی در رشته حقوق به تحصیل پرداخت و پس از طی نمودن مقاطع مختلف تحصیلی، سرانجام دکترای خود را در سال ۱۹۹۱م، از دانشگاه سوربن فرانسه اخذ کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عباس تدینی معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده حقوق را به عهده دارد.

فعالیتهای آموزشی : عباس تدینی به عنوان کادر آموزشی و عضو هیئت علمی در دانشکده حقوق دانشگاه شیراز اشتغال دارد. او دروسی چون حقوق بین الملل عمومی ۱و۲ – حقوق بین الملل خصوصی ۱و۲ – حقوق سازمانهای بین المللی – حقوق حل اختلاف بین الملل – داوری بین الملل – حقوق دریاها – حقوق مخاصمات مسلحانه بین المللی – حقوق منابع طبیعی – نظامهای سیاسی – بررسی تفصیلی برخی از مسائل حقوق بین الملل – حقوق بین الملل معاهدات – مسئولیت بین المللی دولتها – حقوق دیپلماتیک و کنسولی تدریس می نماید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عباس تدینی ضمن تحریر مقالات و آثاری به زبان فارسی، با توجه به تسلط به دو زبان فرانسه و انگلیسی، ، آثاری نیز توسط او ترجمه شده است. ---

آثار :

۱ بررسی مشکلات استخراج نفت در دریاها(مجله دیدگاههای حقوقی دانشکده علوم قضائی تهران)۲. اعمال صلاحیت ملی در دریاها۳. دلایل ادامه بمباران عراق توسط ایالات متحده (مجله سیاست خارجی) .

۲ حقوق بین الملل ۱و۲ – حقوق استخراج نفت از دریاها – شیوه حقوقی حل وفصل اختلافات بین المللی و بین الدولی .

ترابیان، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن ترابیان

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۷۲ جهت ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم و طی سه سال دوره مقدمات حوزه را طی نمودم و در سال ۷۵ در امتحان ورودی موسسه امام خمینی (ره) پذیرفته شدم و در کنار دروس موسسه دروس سطح را در محضر اساتید حوزه استادان علیدوست ، محمدی ، حسینی ، عالی ادامه داده در سال ۷۹ دوره سطح سوم را به پایان رسانده در سال ۸۰ در درس خارج آیت الله العظمی مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی شرکت نمودم ولیکن به علت های مختلف در سال ۸۳ به دادگستری رفته به شغل خطیر قضاوت پرداختم و در ضمن در سال ۸۱ با دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) و اخذ نمره عالی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم .

ترکه، افضل الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معاصر شاه طهماسب صفوی، و قاضی اصفهان بوده، در سال ۹۹۱ در ری وفات یافته است. قاضی نورالدین اصفهانی وعلامی چلبی نزد او تحصیل کرده اند.

در کتاب کشکول شیخ بهائی(۶۱:۱) این رباعی را از او نقل می کند:

در دوزخ هجران لب کس کی خندد

یا خاطر او به خرمی پیوندند

گر آن دوزخ، چو دوزخ هجران است

حاشا که خدا به کافوری بپسندد

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

تفرشی، محمدعیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمدعیسی تفرشی در سال ۱۳۳۰، در تفرش به دنیا آمد. وی پس از اتمام تحصیلات مقطع کارشناسی وکارشناسی ارشد حقوق خصوصی در دانشگاه تهران، وارد دانشگاه تربیت مدرس شد و در سال ۱۳۷۵ به اخذ درجه دکترا نائل آمد. او در همین دانشگاه به امر تدریس مشغول شد و ضمن آن در شورای آموزشی دانشگاه تربیت مدرس، کمیته اساسنامه های شورای گسترش آموزش عالی،کمیته علوم انسانی شورای گسترش آموزش عالی و کانون وکلای دادگستری مرکز عضویت یافت. علاوه بر آن نشر مقالات و آثار تخصصی نیز مبادرت ورزید.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدعیسی تفرشی پس از اتمام تحصیلات متوسطه، وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۵۳ لیسانس حقوق و در سال ۱۳۵۶ فوق لیسانس حقوق خصوصی را از این دانشگاه دریافت نمود. پس از آن وارد دانشگاه تربیت مدرس شد و در سال ۱۳۷۵، به دریافت درجه دکترا نائل آمد.

هم دوره ای ها و همکاران : محمدعیسی تفرشی در سالهای خدمت در دانشگاه با افرادی چون دکتر بهروز اخلاقی (گروه حقوق دانشگاه تهران)، دکتر سید مصطفی محقق داماد (گروه حقوق دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر سید حسین صفایی (گروه حقوق دانشگاه تهران) همکار بوده است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدعیسی تفرشی ضمن تدریش در دانشگاه مسولیتهای زیر را به عهده داشته است: ۱- عضویت در شورای آموزشی دانشگاه تربیت مدرس ۲- عضویت در کمیته اساسنامه های شورای گسترش آموزش عالی ۳- عضویت در کمیته علوم انسانی شورای گسترش آموزش عالی ۴- ارزشیابی ۲ کتاب ۵- مدیر گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس از ۵/۹/۱۳۷۹ تا بحال

فعالیتهای آموزشی : محمدعیسی تفرشی در سال ۱۳۷۰ به عنوان مربی فعالیت خود را در دانشگاه تربیت مدرس تهران آغاز کرد و

پس از طی مدارج عالی علمی هم اکنون با رتبه استادی در این دانشگاه فعالیت دارد. او در این مدت تدریس دروسی چون حقوق تجارت، حقوق کار (مقطع کارشناسی)، حقوق تجارت، حقوق مدنی (۱)و(۲) (مقطع کارشناسی ارشد)، حقوق تجارت پیشرفته - حقوق مدنی پیشرفته (۱)و (۲) (مقطع دکتری) را به عهده داشته است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدعیسی تفرشی علاوه بر عضویت در کانون وکلای دادگستری ، با نشریات تخصصصی نیز همکاری نموده و داوری حداقل ۵ مجله علمی را به عهده داشته است.

آرا و گرایشهای خاص : زمینه مورد علاقه محمدعیسی تفرشی در تحقیق و تدریس، همواره حقوق تجارت و حقوق مدنی بوده است. ---

آثار :

۱ مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری (جلد اول)، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.

۲ محمد عیسی تفرشی (اثر حکم ورشکستگی نسبت به معاملات تاجر ورشکسته با توجه به اصول و مبانی حقوق مدنی)، فصلنامه علمی ـپژوهشی مدرس (دانشگاه تربیت مدرس)، ش ۵، زمستان ۱۳۷۶، ص ۷۴- ۵۴

۳ محمد عیسی تفرشی (قانون حاکم بر قراردادهای بین المللی، (ترجمه) ، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۱۵ و ۱۶، سال ۱۳۷۵، ص ۱۳۸- ۱۲۳.

۴ محمد عیسی تفرشی (مفهوم و قلمرو و ماده ۲۲۰ قانون تجارت ۱۳۱۱)، فصلنامه علمی - پژوهشی مدرس (دانشگاه تربیت مدرس)، ش ۱۴، ۱۳۷۹، ص ۶۱- ۴۰.

۵ محمد عیسی تفرشی و بهزاد پورسید (اجبار به انجام دادن عین تعهد)، فصلنامه دانشور (دانشگاه شاهد)، ش ۲۸، ۱۳۷۹، ص ۱۱۱- ۱۰۳.

۶ محمد عیسی تفرشی و جلیل قنواتی خلف آبادی (ارکان عقد مضاربه در حقوق اسلام و حقوق مدنی ایران)، دانشگاه تربیت مدرس، فصلنامه علمی -پژوهشی مدرس (دانشگاه تربیت مدرس)، ش ۹، زمستان ۱۳۷۷، ص ۱۳۳- ۱۱۵.

تقی خانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی تقی خانی

محل تولد : دماوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب علی تقی خانی در سال ۱۳۵۷ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه دماوند شدم بعد از اتمام دوره مقدمات از سال هفتم وارد حوزه علمیه قم شدم در سال ۸۳ شروع به درس خارج در محضر اساتید معظم جوادی آملی، ابوالقاسم علیدوست، آیت الله وحید خراسانی، استاد مددی کردم.

در سال ۸۰ با رتبه ۲۱ در تخصصی قضاء شروع به تحصیل در رشته حقوق کردم و در سال ۸۴ با رتبه ۱۳ در کنکور کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق در دانشگاه پردیس قم – تهران پذیرفته شده و در سال ۸۶ پایان نامه خود را با درجه عالی ۱۹ دفاع کردم. از ابتدای مهر ۸۶ در دانشگاه آزاد اراک مشغول تدریس هستم.

تهامی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدغلامرضا تهامی، فرزند آیت‌الله تهامی در سال ۱۳۱۰ در شهر بیرجند دیده به جهان گشود.وی در سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا ادامه داد. دکتر سیدغلامرضا تهامی در اوایل دهه ۱۳۳۰ همکاری خود را با «مجله ایران ما» آغاز کرد.دکتر تهامی، پس از بازنشستگی از مشاغل رسمی، در سال ۱۳۶۵، دوباره به ترجمه، تحقیق و ویراستاری –که از علایق اوست– روی آورد. وی بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب را ویراستاری کرده که ۳۰ عنوان آن از کتاب‌های «مرکز نشر میراث مکتوب» را شامل می‌شود. کتاب"فرهنگ اعلام تاریخ اسلام "تالیف سید غلامرضا تهامی، در سال ۱۳۸۶به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید غلامرضا تهامی در سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا ادامه داد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید غلامرضا تهامی تا اوایل دهه ۴۰، ویرایش بیش از ۲۰ عنوان از کتابهای «بنگاه ترجمه و نشر کتاب» را برعهده داشت. از جمله برخی ترجمه‌های بدیع‌الزمان فروزانفر. «فرهنگ اعلام تاریخ اسلام» دکتر تهامی در دو مجلد با ۲۸ هزار مدخل و بیش از شش هزار صفحه از سوی شرکت سهامی انتشار، در اسفند ۱۳۸۵ منتشر شده است. دکتر تهامی، پس از بازنشستگی از مشاغل رسمی، در سال ۱۳۶۵، دوباره به ترجمه، تحقیق و ویراستاری –که از علایق اوست– روی آورد. وی بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب را ویراستاری کرده که ۳۰ عنوان آن از کتاب‌های «مرکز نشر میراث مکتوب» را شامل می‌شود.

جوائز و نشانها : کتاب"فرهنگ اعلام تاریخ اسلام "تالیف سید غلامرضا تهامی، در سال ۱۳۸۶به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد. ---

آثار :

۱ باروی قفقاز، دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز

ویژگی اثر : ترجمه

۲ بحران فرهنگ اسلامی

ویژگی اثر : ترجمه

۳ چین و هنرهای اسلامی

ویژگی اثر : ترجمه

۴ سیاست و دیانت در اسراییل

ویژگی اثر : ترجمه

۵ فرهنگ اعلام تاریخ اسلام

ویژگی اثر : تالیف.این کتاب در سال ۱۳۸۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.دکتر سید غلامرضا تهامی درباره این کتاب چنین می گوید: اعلام در لغت به معنی علم‌هاست و در زبان عربی به معنی اسلامی خاص است، در فارسی ما اسامی خاص داریم مثل اسم کوه‌ها، شهرها و... در زبان عربی و در اصطلاح نویسندگی آنچه درباره اشخاص و اماکن خاص استرا علم می گویند. در پایان بسیاری از کتاب‌های غالبا مذهبی، اعلام اشخاص یا اعلام اماکن آمده است. در این کتاب هم موضوع همین است. البته فرهنگ به معنای شخصیت‌هاست مثل «فرهنگ مصاحب»، کلمه قاموس را هم به جای فرهنگ به کار می‌برند یا کلمه معجم. اما در زبان فارسی به آن «فرهنگ» گفته می‌شود و فرهنگ اعلام یعنی کتابی که اسامی خاص یک دوره یا کشور یا یک گروه که معمولا بر حسب حروف الفبا مرتب شده در آن تنظیم می‌شود.

۶ مسایل هنر و زیبایی‌شناسی

ویژگی اثر : ترجمه

۷ نگارگری اسلامی

ویژگی اثر : ترجمه

جابری عربلو، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مبانی حقوق اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جدیدیان، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید جدیدیان

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در اول فروردین ماه سال ۵۳ در خانواده‌ای مذهبی متولد شدم و دوران کودکی خود را در کنار خانواده و جو موجود آن

زمان سپری نموده و در مدارس دولتی تحصیلات خود را شروع کردم که دوره ابتدایی و راهنمایی دورانی شیرین و در عین حال پرخاطره بود و سپری شد اما دوره دبیرستان برایم زندگی دیگری آغاز شد و در مدرسه‌ای درس خواندم که حال و هوایش حوزوی و دانشگاهی بود و به شدت مرا تحت تأثیر جو حاکم در این مدرسه قرار داد به نحوی که شیوه زندگی‌ام در آن دوران تغییرات قابل توجهی نمود و مرا به سمت و سوی حوزه متمایل کرد و هدفم را چند برابر متمرکز در حوزه نمود مدرسه‌ای که درس خواندم مدرسه علوم و معارف اسلامی شهید مطهری بود که تحت حمایت مدرسه عالی شهید مطهری تهران اداره می گردید که در این مدرسه با آموزش‌های کلاسیک و چند سالی نیز آموزش‌های حوزوی که کتاب‌های حوزوی همراه کتاب‌های دبیرستانی را فرامی گرفتیم. که در این سال‌ها بنده هم درس می‌خواندم و هم تدریس می کردم تا اینکه دیپلم گرفته و... ناگفته نماند که در دوران تحصیل دبیرستان با دروس حوزوی مأنوس بودم و به شدت علاقه به این دروس سیر زندگیم را به سوی هدف متعالی تغییر می‌داد.

بعد از دیپلم بدون معطلی در امتحانات حوزه علمیه قم شرکت نمودم و قبول شدم و رسماً از سال تحصیلی ۷۳ ـ ۷۲ وارد حوزه مقدس قم شده درس خود را آغاز نمودم و تحت نظر اساتید بزرگواری تعلیم دیدم که در این دوران علاوه بر تحصیل در مدرسه شریفه اباصالح عجل الله تعالی فرجه الشریف به تدریس دروس حوزه تا حدی که در توانم بود پرداختم و بعد از گذشت ۸ ـ ۷ سال تحصیلی وارد مرکز تخصصی حوزه علمیه در رشته حقوق و قضای اسلامی شدم و در آنجا سطح دو را خواندم و فارغ التحصیل شدم و الان در آن مرکز مشغول به تحصیل سطح سه در رشته جزا می‌باشم که در این مدت نیز از تدریس بی‌بهره نبودم در عین حال تحصیلات خود را به پایان رساندم و چند سالی است که مشغول به درس خارج بوده‌ام که در این مدت چند سال که از آمدنم به قم می گذرد همواره به تحصیل و تدریس در دانشگاه و مراکز حوزوی مشغول هستم تا چه خواهد...

جزایری، شمس‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، مؤلف.

تولد: ۱۲۹۲، تهران.

درگذشت: اواخر مهر ۱۳۶۹.

سید شمس‌الدین جزایری، فرزند سید حسن شوشتری، تحصیلات ابتدایی خود را در تهران به پایان رساند و سپس وارد مدرسه‌ی دارالفنون گردید. پس از فراغت از تحصیل از دارالفنون به اروپا رفت و در رشته‌ی حقوق بین‌الملل تحصیل و به درجه‌ی دکتری نایل گشت. رساله‌ی وی در مقطع دکتری بحران اقتصادی و تأثیرات آن بر ایران نام داشت که در پاریس در سال ۱۹۳۸ به چاپ رسید.

دکتر شمس‌الدین جزایری پس از مراجعت به ایران به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. وی در سال ۱۳۲۹ به عنوان وزیر فرهنگ دولت رزم‌آرا معرفی شد (که از ۶ تیر الی ۱۷ بهمن همان سال وزیر فرهنگ بود). وی همچنین در دوره‌ی هیجدهم قانونگذاری نیز به مجلس شورای ملی راه یافت.

دکتر شمس‌الدین جزایری بیشتر اوقات زندگی خود را به تدریس دروس مالیه، اقتصاد سیاسی، حقوق کار و بیمه‌های اجتماعی در

دانشـکده‌ی حقوق دانشگاه تهران گذرانید و تألیفاتی نیز دارد که عبارتند از اقتصاد اجتماعی (تهران، ۱۳۳۵، نشریه‌ی ۳۵۶ دانشگاه) حقوق کـار و بیمه‌هـای اجتمـاعی، قوانین مـالیه و محاسـبات عمومی و مطالعه بودجه از ابتـدای مشـروطیت تا به حال (تهران، ۱۳۳۵، نشریه ۳۲۳ دانشگاه).

دانشـگاهی، وزیر، نماینده‌ی مجلس، اسـتاندار، امیرالحاج، مؤلف. فرزند حاج سید حسن شوشتری، متولد ۱۲۸۳. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون تهران و تحصـیلات عالی را در مدرسه‌ی حقوق پایان برد و به خدمت فرهنگ درآمد. چندی در تهران و رشت دبیر بود، بعـد به نظامت و مدیریت دبیرسـتان رسـید. در ۱۳۱۲ از طرف دولت برای ادامه‌ی تحصـیل عـازم اروپـا شـد. در پاریس در علم اقتصـاد درجه‌ی دکترا گرفت. در ۱۳۱۷ به تهران آمد و در دانشـکده‌ی حقوق دانشـیار شد. همزمان با تدریس در دانشـگاه، ریاست دبیرسـتان شـرف را عهـده‌دار گردیـد. پس از آن ریـاست فرهنـگ تهران به عهـده‌اش قرار گرفت. مـدتی در وزارت دارائی صاحب مقاماتی شد، از جمله ریاست کارخانجات مؤسـسه‌ی دخانیات و اداره کل باربری. پس از تأسیس سازمان برنامه، به عضویت شورای عالی برگزیده شد.

در ۱۳۲۹ سـپهبد رزم‌آرا نخسـت‌وزیر، او را بـه سـمت وزیر فرهنـگ معرفی کرد، ولی پس از چنـد مـاه بـه دنبـال غوغـای نفـت که غلامحسـین فروهر وزیر دارائی، در مجلس اظهـاراتی کرد که مـورد تصـویب هیئت وزیران قرار نگرفت، به نطق وزیر دارائی شدیـداً اعتراض کرد و کار آن دو به مشاجره کشـید. جزایری در مجلس به اظهارات فروهر پاسـخ گفت. در مطبوعات نیز وزیر دارائی را به خودسـری متهم کرد و از عضویت دولت کناره گرفت. در انتخابات دوره‌ی هیجـدهم از تهران به وکالت رسـید، بعـد به اسـتانداری خراسان اعزام شد. جزایری در جوانی در کسوت روحانیت بود. هنگام سفر به اروپا تغییر لباس داد. در سال ۱۳۴۱ با عنوان امیرالحاج به مکه معظمه سـفر کرد. همیشه چند شـغل را یدک می‌کشـید. در رشته‌های اقتصاد و مالیه تألیفاتی دارد. متجاوز از سی سال استاد دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران بود. در ۱۳۶۹ در اروپا درگذشت.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

جعفری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین جعفری فرانی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصـیلات مقطع ابتدائی را در زادگاهم (روسـتای فرانی از توابع شهرسـتان اردسـتان واقع در اسـتان اصـفهان گذراندم و برای ادامه تحصـیل در مقطع راهنمائی و دبیرسـتان راهی شـهر اصفهان شدم در سال ۱۳۵۸ در رشـته علوم تجربی در دبیرستان صارمیه اصفهان موفق به دریافت دیپلم شدم در سال ۱۳۶۱ پس از سپری کردن دوران نظام وظیفه برای تحصـیل در حوزه به شهر مقدس قم عزیمت نمودم و از این سـال تحصـیلات حوزوی را در مقطع ادبیـات آغاز کردم . در سال ۱۳۶۹ دوره سـطح را تمام کردم و در حلقه درس

خارج آیات عظام شرکت نمودم که در حال حاضر نیز به صورت مختصر ادامه دارد در کنار دروس فقه واصول در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی نیز مدتی شرکت نمودم.

در سال ۱۳۷۰ همزمان با تحصیلات حوزوی تحصیل در دانشگاه را آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک دانشگاهی در رشته حقوق از داشنگاه مفید شدم و در سال ۱۳۷۶ نیز با شرکت در آزمون سراسری کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران (پردیس قم) پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۸ با دفاع از پایان نامه با عنوان (فلسفه مجازات از دیدگاه اسلام و نظام غرب) فارغ التحصیل شدم در همین ایام به فعالیتهای اجرائی و فعالیت های کم و بیش علمی اشتغال داشته ام .

جعفری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی جعفری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۵۹قم دوره ابتدایی: دبستان فیض و شاهد نور علم قم دوره راهنمایی: مدرسه تیزهوشان (مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان)

دوره دبیرستان (رشته ریاضی فیزیک): مدرسه تیزهوشان (مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان) ورود به حوزه علمیه قم: ۱۳۷۴ (پس از اشتغال به دروس حوزوی، ادامه دبیرستان را به صورت داوطلب آزاد امتحان دادم و در سال ۱۳۷۷ دیپلم ریاضی گرفتم)

اتمام کتبی و شفاهی پایه ۱۰حوزه علمیه درسال ۱۳۸۱

اساتید سطح حوزه: استاد حسینی عاملی و حسینی خراسانی(ادبیات عرب)- استاد ناصری، استاد مدنی و استاد مسعودی(شرح لمعه)- استاد سلیمانی و استاد محمدی پور(اصول)- مرحوم آیت الله احمدی میانجی(مکاسب محرمه)- آیت الله استادی (رسائل)- آیت الله موسوی تهرانی (کفایه)- استاد علیدوست (مکاسب) از سال ۱۳۸۱ حضور در درس خارج آیت الله وحید خراسانی

دریافت لیسانس حقوق با احراز رتبه اول گروه از موسسه امام خمینی(ره) در سال ۱۳۸۳

اتمام دوره عالی زبان انگلیسی دانشگاه باقرالعلوم(ع) در سال ۱۳۸۳ دریافت فوق لیسانس حقوق خصوصی با احراز رتبه اول گروه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۵ و انتخاب پایان نامه به عنوان پایان نامه برتر دانشکده

شروع به تدریس در دانشگاهها از سال ۱۳۸۵ اتمام خدمت سربازی در اردیبهشت ۱۳۸۷ اشتغال به تحصیل در دوره دکتری تخصصی (Ph.D) حقوق خصوصی در دانشگاه قم از مهر ۱۳۸۷

مدیریت گروه فقه و حقوق پژوهشکده باقرالعلوم(ع) از خرداد ۱۳۸۷

جلالی، فتح‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۲۸۵، تفرش.

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۶۹.

فتح‌الله جلالی، فرزند شمس‌الدین فطن‌الملک تفرشی، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه آلمانی‌ها گذراند و دوره متوسطه را در مدرسه‌ی آمریکایی‌ها تا کلاس دهم تمام کرد و در سال ۱۳۰۳ برای تکمیل تحصیلات به اروپا سفر نمود. در آلمان پس از اتمام دبیرستان موفق به اخذ دیپلم متوسطه شد و مدت هشت سال در دانشگاه‌های ماربورگ، هامبورگ، مونیخ و برلین مشغول تحصیل در علوم اقتصاد و حقوق بود. در سال ۱۳۱۲ به اخذ مدرک رسمی لیسانس حقوق نایل گردید و سپس شروع به نوشتن رساله‌ی دکترای خود درباره‌ی حقوق اساسی نمود. در سال ۱۳۱۳ پس از دادن امتحانات و دفاع از رساله خود موفق به اخذ دکتری در علم حقوق شد. وی بعدا مدت یک سال در دانشگاه سیاسی برلین به ادامه تحصیل پرداخت.

در سال ۱۳۱۵ به ایران مراجعت کرد و پس از خاتمه‌ی دوره‌ی نظام وظیفه در وزارت امور خارجه وارد خدمت شد. مدت بیست و سه سال در خدمت دولت بود و مشاغل عمده‌ی وی به شرح زیر هستند: عضو اداره‌ی عهود و عقود جامعه‌ی ملل در وزارت امور خارجه؛ رییس اداره‌ی سیاسی وزارت کشور؛ معاون مدیر کل امور شهرداری‌ها در وزارت کشور؛ فرماندار خرمشهر و آبادان؛ مستشار حقوقی وزارت دارایی؛ مدیر کل وزارت دارایی؛ مدیر کل وزارت خوار و بار؛ خزانه‌دار کل وزارت دارایی؛ مدیر کل وزارت کار؛ عضو هیئت نظارت سازمان برنامه از طرف مجلس شورای ملی و مجلس سنا؛ وزیر کشور؛ رییس هیئت مدیره سازمان اتحادیه شهرداری‌های ایران؛ استاد دانشگاه ملی؛ دانشکده‌ی بانکداری و علوم مالی و اقتصادی رشته‌های حکومت و تاریخ عقاید اقتصادی.

وی مدت نوزده سال در اروپا بود و دو مرتبه به انگلستان و یک بار به آمریکا و ژاپن و هند و پاکستان سفر کرد. وی همچنین صاحب نشان صلیب درجه‌ی یک از دولت فدرال آلمان و صلیب طلا درجه‌ی یک (شوالیه) از رییس جمهوری ایتالیا و نشان علمی از وزارت فرهنگ است.

وی مقالاتی در مجله‌ی حقوقی وزارت دادگستری نوشت و دو کتاب درباره‌ی تاریخ زندگی فردریک کبیر و تاریخ روابط ایران و شوروی ترجمه کرد و یک کتاب درباره‌ی عقاید اقتصادی تهیه نمود که به چاپ نرسید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جلیلی، محمدهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدهادی بن شیخ عبدالرحیم- حاج شیخ محمدهادی جلیلی کرمانشاهی در سال ۱۲۸۸ قمری در کرمانشاه دیده به جهان گشوده تحصیلات مقدماتی و سطوح را طبق معمول آن زمان در زادگاه خود فراگرفت و در سال ۱۳۰۸ ق برای تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف عزیمت نمود و در نجف اشرف به حلقه درس غالب بزرگان عصر چون میرزا حبیب‌اللّه رشتی و حاج شیخ هادی

تهرانی و سید محمد بحرالعلوم صاحب بلغهٔالفقیه راه یافت و سرانجام در ملازم درس مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا ـ محمد کاظم خراسانی گردید مرحوم حاج شیخ محمدهادی پس از نیل به مقام منیع مرجعیت و دریافت اجازات متعدد از اساتید خود به زادگاه اصلی خویش کرمانشاه مراجعت نموده و تا قبل از تشکیل دادگستری به قضاوت شرعی و حل و فصل امور مردم اشتغال داشت مرحوم آیت‌اللّه جلیلی بر حسب تقاضای مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی حوزه علمیه کرمانشاه را تأسیس نمود و به تربیت طلاب علوم دینیه همت گماشت تدریس بحث خارج و اداره امور طلاب را بعهده گرفت تا اواخر عمر شریف خود به تدریس و تألیف کتب فقهی و اصولی اشتغال داشت تألیفات مغفور له بالغ بر بیست مجلد کتاب و رساله است که مهمترین آنها عبارتند از تتمیم کشف‌الاسرار: در این کتاب مرحوم والد ماجدشان دره بحرالعلوم را شرح نموده و قبل از اتمام فوت نموده مرحوم حاج شیخ محمدهادی از مصرع (و سن فیها لحد موسع) تا آخر منظومه را شرح نموده و فصولی در احکام نماز جماعت بر آن افزود.

دیگر از تألیفات ایشان کتاب الطهاره- کتاب القضاء- رساله در مزارعه و مساقات- کتاب الطلاق- رساله در مشتق- رساله در برائت- رساله در حجیت ظن- رساله در میراث زوجه- رساله در اجتماع امر و نهی- رساله در تعادل و تراجیح رساله در مسئله ضد- کتاب القضاء- می‌باشد مرحوم شیخ محمدهادی رئیس مطاع و دارای محبوبیتی خاص در بین اهالی کرمانشاه و اطراف آن بود، نه تنها مورد اعتماد و احترام مسلمانان بودند بلکه اقلیت‌های مذهبی هم به ایشان ارادت می‌ورزیدند مرحوم آیت‌اللّه جلیلی در سال ۱۳۷۵ قمری در ماه مبارک رمضان در حال اداء فریضه ظهر در نجف اشرف به رحمت ایزدی پیوستند و در وادی‌السلام دفن شدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

جوان آراسته، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین جوان آراسته

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۴۱ در مشهد مقدس در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۵۶ پس از اتمام مقطع راهنمایی توفیق ورود به حوزه علمیه را پیدا نمود و بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۸ از زادگاه خود، به قم مهاجرت کرده. ابتدا در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و سپس با بازگشایی مدرسه حقانی در آن جا به تحصیلات حوزوی ادامه داد. دروس سطح عالی حوزه را در محضر اساتیدی همچون حضرات آقایان راستی کاشانی و اعتمادی (رسائل) بنی فضل و کاشانی (مکاسب) و ستوده (کفایه) فرا گرفت. از سال ۱۳۶۷ در درس خارج اصول فقه از محضر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و در درس خارج فقه از حضرات آیات فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و حاج شیخ جواد تبریزی استفاده کرد. در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ با شرکت در مباحث تفسیر قرآن استاد فرزانه حضرت آیت الله جوادی آملی بیش از پیش با قرآن مأنوس و از این محفل معنوی بهره برد. در کنار دروس حوزوی از سال ۱۳۷۰ تصمیم به ادامه تحصیلات جدید گرفته، دروس دبیرستان را در سال ۱۳۷۴ به پایان

رسانده و در همان سال موفق به ورود به دانشگاه تهران (پردیس قم) در رشته حقوق گردید. پس از اتمام سه ساله دوره کارشناسی حقوق، در سال ۱۳۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد حقوق عمومی همان دانشگاه پذیرفته و در اردیبهشت سال ۱۳۸۰ فارغ التحصیل گردید.

جوان، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۷ -۱۲۷۵ ش)، حقوقدان و نویسنده. در تبریز به دنیا آمد. وی تحصیلات عالی خود را در تهران به پایان رسانید و موفق به دریافت درجه‌ی دکترا در علوم قضایی از دانشکده حقوق پاریس شد. علاوه بر آن در محضر میرزامهدی آشتیانی حکمت آموخت و به زبانهای روسی، انگلیسی، فرانسه و عربی آشنایی پیدا کرد. جوان در دوره‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم نماینده مجلس بود. از آثار او: «افسانه‌های دینی در مصر قدیم»؛ «تاریخ اجتماعی ایران باستان»؛ «رد کتاب تصوف و رد حکمت‌الاشراق»؛ «مبانی حقوق».[۱]

فرزند شیخ علی مجتهد تبریزی، متولد ۱۲۷۵ در تبریز. تحصیلات قدیم و جدید را فراگرفت و از مدرسه‌ی حقوق تهران درجه‌ی لیسانس دریافت کرد. در ۱۳۰۴ به اروپا رفت، در پاریس به تحصیل حقوق پرداخت و درجه‌ی دکترا گرفت. پس از مراجعت به تهران، مشغول خدمات قضائی شد. بعد به وزارت کشور رفت و به شهرداری شهر مشهد انتخاب گردید. پس از چندی، از مشاغل دولتی صرفنظر نمود و حرفه‌ی وکالت دادگستری را انتخاب کرد و در تهران ابتدا به عضویت انجمن بلدیه انتخاب شد و به مقام نایب‌رئیسی انجمن ارتقاء مقام یافت. در همین سمت موجبات معروفیت خود را کاملاً فراهم نمود. در دوره‌ی دهم از شهر ری به وکالت مجلس انتخاب شد. در دوره‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم هم وکیل مجلس بود. در دوره‌ی سیزدهم به علت مخالفت با پیمان سه‌گانه که فروغی و سهیلی آن را به تصویب رسانیدند، استعفا داد. در همان دوره طرحی تهیه و به مجلس تقدیم نمود که به موجب آن بایستی به وضع دارائی و ثروت کارمندان دولت در بیست سال گذشته رسیدگی می‌شد. این طرح در مجلس رد شد.

از او تألیفاتی باقی مانده که مهمتر از همه مجلدات مبانی حقوق در پنج مجلد است. کتاب دیگری به نام تاریخ اجتماعی ایران باستان نوشت که مورد انتقاد شدید سعید نفیسی قرار گرفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۸/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۴ -۳۳۳ /۶).

حاج سید جوادی، احمد صدر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمدصدر حاج سید جوادی در سال ۱۲۹۶ شمسی، در شهر قزوین به دنیا آمد .وی دارای مدرک کارشناسی حقوق می باشد.سیدجوادی از اواخر سال ۱۳۶۰ در کار شروع و تدوین و تنظیم کتاب دایرةالمعارف تشیع با اعتبار از سرمای ?مرحوم

سیدابوالفضل تولیت اقدام کرد و درسال ۱۳۶۱ با سمت سرپرست دایرةالمعارف به کار تهیه و تنظیم آن اشتغال ورزید.این کتاب ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

والدین و انساب : احمدصدر حاج سید جوادی فرزند سیدعلی می باشد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد صدر حاج سید جوادی مقدمات علوم جدیده را در مدارس ابتدایی و دور ?اول متوسط آن شهر آموخت و نیز علوم ابتدایی ادبیات عرب را در حوزه علمی مدرس ?التفاتیه فراگرفت و برای تکمیل تحصیلات جدید در دور? متوسطه به تهران عزیمت کرد. وی پس از اخذ دیپلم وارد دانشکده حقوق شد و به دریافت لیسانس در رشته های سیاسی و قضایی نایل آمد.

هم دوره ای ها و همکاران : آقایان کامران فانی، بهاءالدین خرمشاهی و حجةالاسلام آقای یوسفی اشکوری از همکاران احمد صدر حاج سید جوادی می باشند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد صدر حاج سید جوادی پس از انجام خدمت وظیفه چند سال در سمتهای دادیاری و بازپرسی و دادستانی در وزارت دادگستری به خدمت اشتغال داشت. در ابتدای انقلاب اسلامی (بهمن ۵۷) طبق فرمان امام خمینی (ره) به وزارت کشور و در تیرماه ۱۳۵۸ شمسی به وزارت دادگستری منصوب شد و در سال ۱۳۵۹ به نمایندگی از طرف مردم شهرستان قزوین در مجلس شورای اسلامی انتخاب گردید. آقای حاج سیدجوادی از اواخر سال ۱۳۶۰ در کار شروع و تدوین و تنظیم کتاب دایرةالمعارف تشیع با اعتبار از سرمای ?مرحوم سیدابوالفضل تولیت اقدام کرد و درسال ۱۳۶۱ با سمت سرپرست دایرةالمعارف به کار تهیه و تنظیم آن اشتغال ورزید و تاکنون با کمک آقایان کامران فانی، بهاءالدین خرمشاهی و اخیراً حجةالاسلام آقای یوسفی اشکوری موفق به چاپ و نشر پنج جلد از این دایرةالمعارف شده است.

جوائز و نشانها : کتاب"دایرةالمعارف تشیع "احمد صدر حاج سید جوادی(همکاری در تدوین و تنظیم کتاب)، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. -------------
----

آثار :

۱ دایرةالمعارف تشیع

ویژگی اثر : همکاری در تدوین و تنظیم،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.

حاجی ده آبادی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد حاجی ده آبادی

محل تولد : میبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شده و در کنار آن در دبیرستان شبانه دین و دانش مشغول به تحصیل شدم. در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه مفید در رشته حقوق پذیرفته شدم. در سال ۱۳۷۵ در همین دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی به تحصیل پرداختم. در تابستان سال ۱۳۷۸ از پایان نامه خود با عنوان " سیاست تقنینی جزائی مطلوب بر اساس نظام قضائی اسلام" دفاع کردم. در بهمن ماه ۱۳۷۸ در مقطع دکتری حقوق جزا و جرم شناسی در دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شدم و در مهر ماه ۱۳۸۵ از رساله دکترین خود با عنوان" مطالعه تطبیقی جبران خسارت بزهدیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی "با نمره ۱۹ و درجه عالی و تقدیر هیات ژوری دفاع نمودم. از سال ۱۳۸۰ تا کنون عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی هستم.

حاجی ده آبادی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی حاجی ده آبادی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ و پس از اخذ دیپلم علوم تجربی وارد حوزه شدم. مقدمات را در مدرسه علمیه کرمانی ها گذراندم. سپس به دروس سطح حوزه مشغول شدم و همزمان در برنامه دوره آموزش موسسه در راه حق شرکت کردم، پنج سال دوره آموزشی موسسه را طی کردم و سپس با تشکیل گروه علوم تربیتی در پژوهشکده حوزه و دانشگاه در برنامه آموزشی علوم تربیتی با گرایش فلسفه و تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی شرکت کردم، دروس حوزه نیز استمرار یافت. البته ضروری دیدم تا با حضور در دانشگاه و طی کردن دروس دانشگاهی در فضای دانشگاهی از وضعیت دانشگاه آشنایی داشته باشم و از قضا لیسانس حقوق را برگزیدم.

و پس از گذراندن لیسانس حقوق و فوق لیسانس حقوق جزا در امتحانات دکترای حقوق جزای دانشگاه تهران شرکت کردم و پذیرفته شدم به دلیل اهمیت علوم میان رشته ای و به لحاظ معلوماتی که در کارشناسی ارشد فلسفه و تعلیم و تربیت پیدا کردم حوزه مطالعاتی جرم شناسی را بسیار مفید دیدم و تاکنون در این حوزه و نیز جامعه شناسی جنایی مطالعه، تدریس و تحقیق داشته ام. محصول و ثمره فعالیت علمی من در این حوزه ها در قالب مقالات، پژوهش و کتاب هایی که مشخصات آن خواهد آمد. ضمنا به تدریس این درس در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و سطح ۳ حوزه مشغول بوده ام. هم اکنون بحث بسیار مهم جایگاه اصلاح و درمان مجرمان در سیاست جنایی اسلام را پی گیری می کنم. از اساتید معزز و محترم حوزوی می توانم به آیت الله تبریزی آیت الله سبحانی حجت الاسلام اعرافی، حجت الاسلام محمدی اشاره کنم و در دانشگاه نیز از محضر اساتیدی همچون دکتر گرجی، دکتر آشوری، دکتر نجفی ارند آبادی، دکتر سید محمد حسینی وآیت الله معرفت ... بهره برده ام.

حاجی یوسفی، امیرمحمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر امیر محمد حاجی یوسفی ،دیپلم علوم تجربی، خود را ازدبیرستان اسلامی زرگران، جامعه تعلیمات اسلامی یزد (در سال ۱۳۶۱ با رتبه رتبه ممتاز) کسب کرد. وی تحصیلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی در دانشگاه امام صادق در رشته کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و علوم سیاسی آغاز و در سال ۱۳۶۸ به پایان رساند.وی برای ادامه تحصیلات دانشگاهی عازم کانادا شد و در مقطع دکتری علوم سیاسی و روابط بین الملل در دانشگاه کارلتون (کانادا) به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک فوق شد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه علوم سیاسی, دانشکده علوم اقتصاد و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : علوم سیاسی گرایش : علوم سیاسی و روابط بین المللتحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی امیر محمد حاجی یوسفی: دیپلم علوم تجربی، دبیرستان اسلامی زرگران، جامعه تعلیمات اسلامی یزد، ۱۳۶۱ (رتبه ممتاز) کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۶۸ (رتبه اول) کارشناسی ارشد روابط بین الملل از دانشگاه مک گیل (کانادا) ۱۳۷۰ دکتری علوم سیاسی و روابط بین الملل از دانشگاه کارلتون (کانادا) ۱۳۷۴)با distinction) مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و اجرایی و مدیریتی امیر محمد حاجی یوسفی به قرار زیر است: عضو هیات علمی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۷۵ تاکنون استادیار علوم سیاسی و روابط بین الملل از ۱۳۸۳-۱۳۷۵ دانشیار علوم سیاسی و روابط بین الملل از ۱۳۸۳ تاکنون مسئولیت فرهنگی انجمن دانشجویان ایرانی شهر اتاوا ۱۳۷۴-۱۳۷۰ راه اندازی و مسئولیت مجتمع راه امام (ره) (تدریس فارسی و دیگر دروس به دانش آموزان ایرانی مقیم و غیر مقیم) در اتاوا ۱۳۷۴-۱۳۷۰ کارشناس سیاسی-اقتصادی در سفارت ایران در کانادا (استخدام محلی) ۱۳۷۴-۱۳۷۱ مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)۱۳۸۱-۱۳۷۶ مدیر گروه روابط بین الملل دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۸۳-۱۳۸۱ مدیر گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۵-۱۳۸۲ مدیر قطب علمی مطالعات خاورمیانه و جهانی شدن، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، از مرداد ۱۳۸۵ تا شهریور ۱۳۸۶ استاد میهمان در دانشگاه کارلتون، اتاوا، کانادا از مهر ۱۳۸۶ تاکنون (فرصت مطالعاتی) عضویت در مراکز علمی و پژوهشی عضویت در هیات تحریریه مجلات علمی معتبر فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، دانشگاه شهید بهشتی، سردبیر از ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۵ فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، دانشگاه شهید بهشتی، عضو هیات تحریریه، از ۱۳۷۸ تاکنون فصلنامه سیاست خارجی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، عضو هیات تحریریه از ۱۳۸۳ تاکنون فصلنامه مطالعات منطقه ای، مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، عضو هیات تحریریه از ۱۳۸۴ تاکنون فصلنامه مطالعات فلسطین، موسسه مطالعات و تحقیقات سیاسی ندا، عضو هیات تحریریه از ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ فصلنامه دانش سیاسی، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، عضو هیات تحریریه از ۱۳۸۴ تاکنون فصلنامه سیاست و حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، عضو هیات تحریریه از ۱۳۸۵ فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی، انجمن علوم سیاسی ایران، سردبیر فصلنامه Iranian Journal of International Affairs ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، عضو هیات تحریریه از ۱۳۸۳ تاکنون فصلنامه امنیت عمومی، عضو هیات تحریریه فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی امیر محمد حاجی یوسفی به ترتیب زیر است: عضویت در هیات علمی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی از بهمن

ماه سال ۱۳۷۵ تاکنون و تدریس دروس زیر: جامعه شناسی سیاسی (کارشناس(تئوری های انقلاب (کارشناسی(نظام های سیاسی تطبیقی (کارشناسی(اصول روابط بین الملل (کارشناسی(ایران و همسایگانش (کارشناسی) جامعه شناسی سیاسی ایران (کارشناسی) روش و نظریه های علوم سیاسی (کارشناسی) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (کارشناسی و کارشناسی ارشد) مطالعات منطقه ای (کارشناسی ارشد) سیر تحولات حکومت در خاورمیانه (کارشناسی ارشد) روش شناسی علوم سیاسی (دکتری) روش شناخت در روابط بین الملل (دکتری) ابزارهای نوین تجزیه و تحلیل سیاسی (دکتری) اقتصاد سیاسی بین الملل (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) روش و پژوهش در روابط بین الملل (کارشناسی ارشد) مطالعه تطبیقی نظام های سیاسی بین الملل (کارشناسی ارشد) نظام امنیت بین الملل و منطقه ای (کارشناسی ارشد) جامعه شناسی توسعه (دکتری) مسایل سیاسی و اقتصادی جهان سوم (کارشناسی و کارشناسی ارشد) نظریه های مختلف روابط بین الملل (کارشناسی ارشد) سیاست بین الملل (کارشناسی ارشد) نظام بین الملل و امنیت در خاورمیانه (کارشناسی ارشد) سیاست خارجی ایران در کشورهای همجوار (دکتری) تدریس درس The Politics of Third World Development در دانشکده علوم سیاسی دانشگاه کارلتون: ترم زمستان ۱۳۸۶ (۲۰۰۸) مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : راه اندازی و مسئولیت مجتمع راه امام (ره) (تدریس فارسی و دیگر دروس به دانش آموزان ایرانی مقیم و غیر مقیم) در اتاوا ۱۳۷۴-۱۳۷۰آرا و گرایشهای خاص : زمینه تخصصی امیر محمد حاجی یوسفی به قرار زیر است: چالش های فراروی اوپک در هزاره سوم میلادی، موسسه مطالعات انرژی، ۱۳۷۹ ایران و رژیم صهیونیستی: از منازعه تا همکاری، معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۱ پیامدهای امنیتی دگرگونی های منطقه ای برای جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزلرت امور خارجه، ۱۳۸۲ پیامدهای امنیتی طرح خاورمیانه بزرگ برای جمهوری اسلامی ایران، مرکز بررسی های ریاست جمهوری، ۱۳۸۴-۱۳۸۳ فرصت ها و تهدیدهای بین المللی جمهوری اسلامی ایران در یک دهه آینده (رویکرد منطقه ای)، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵-۱۳۸۴ چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی امیر محمد حاجی یوسفی : تعداد ترجمه مقالات : ۱۵ مورد تعداد مقالات (تالیف در مجلات خارجی):۲ مورد تعداد مقالات تالیفی : بیش از ۷۰ مورد پروژه های تحقیقاتی در حال اجرا: اقتصاد سیاسی ماجراجویی آمریکا در منطقه خاورمیانه: دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۸۶) شیوه های نوین آموزش و پژوهش علوم سیاسی در کانادا: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۶) آثار : اقتصاد سیاسی بین الملل ویژگی اثر : در دست نگارش و چاپ،تالیف (تهران: سمت، در حال نگارش)۲ ایران و خاورمیانه: گفتارهایی در سیاست خارجی ایران، ویژگی اثر : تالیف، (تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۳(۳ ایران و رژیم صهیونیستی: از همکاری تا منازعه ویژگی اثر : تالیف، (تهران: دانشگاه امام صادق ع، ۱۳۸۲(۴ جهانی شدن و دولت در خاورمیانه (مجموعه مقالات تالیفی) ویژگی اثر : در دست نگارش و چاپ،گردآوری (تهران: قطب علمی مطالعات خاورمیانه و جهانی شدن دانشگاه شهید بهشتی، در حال نگارش) ۵ چشم اندازهای منطقه ای و بین المللی عراق جدید (مجموعه مقالات ترجمه شده) ویژگی اثر : در دست نگارش و چاپ، گردآوری همراه با آقای دکتر سلطانی نژاد (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، ۱۳۸۶) ۶ دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران ویژگی اثر : تالیف،(تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸(۷ زوال کنترل :امنیت جهانی در قرن بیست و یکم ویژگی اثر : ترجمه ،پال راجزترجمه حاجی یوسفی و جبلی (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴(۸ سامان سیاسی در عراق جدید (مجموعه مقالات ترجمه شده) ویژگی اثر : در دست نگارش و چاپ،گردآوری همراه با آقای دکتر سلطانی نژاد (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، ۱۳۸۶) ۹ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه ای ویژگی اثر : تالیف، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۴(۱۰ فهم سیاست جهان سوم، ویژگی اثر : ترجمه ،برایان کلایو اسمیت، ترجمه حاجی یوسفی و قائنی نجفی (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۰(۱۱ نظریه و روش در علوم سیاسی ویژگی اثر : ترجمه ،دیوید مارش و

جری استوکر، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبری، ۱۳۷۸)

حاکم حسکانی، ابوالقاسم، عبیداللّه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۷۰ ق)، متکلم، فقیه، محدث و قاضی. مشهور به ابن حداد یا ابن حذاء. او از نوادگان عبداللّه بن عامر، فاتح خراسان، بود. برخی وی را حنفی پنداشته‌اند، اما بیشتر رجال‌نویسان شیعی بر تشیع وی حکم کرده‌اند. او معاصر صدوق دوریستی بود و از جد خود و از ابوالحسن علوی و ابوعبداللّه حاکم و ابوطاهر بن محمش و ابن فنجویه دینوری و همطبقه‌ی آنان روایت می‌کرد. وی از ملازمان ابوبکر بن حارث اصفهانی نحوی بود و از احمد بن علی بن منجویه نیز بهره گرفت، اما فقه را از قاضی ابوالعلاء صاعد بن محمد آموخت. ابن شهرآشوب در «معالم العلماء» به شرح حال او پرداخته است. از آثار وی: «تصحیح خبر ردالشمس لعلی (ع)»؛ «خصایص علی بن ابی‌طالب (ع) فی القرآن» و «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل»؛ «دعاء الهداة الی اداء حق الموالات»، ذکر حدیث غدیر خم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۷ -۱۳۶ /۸)، الذریعه (۲۴۳ -۲۴۲ /۱۴ ،۱۹۶/۸ ،۱۶۶/۷، ۱۹۵ -۱۹۴ /۴)، ریاض العلماء (۲۵۷ -۲۵۶ /۳)، سیر النبلاء (۲۶۹ -۲۶۸ /۱۸)، الغدیر (۱۴۶/۱)، معجم رجال الحدیث (۷۵ -۷۴ /۱۱)، هدیة الاحباب (۱۱۶).

حبیب زاده، محمد جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمدجعفر حبیب زاده در سال ۱۳۳۶، در تویسرکان چشم به جهان گشود. او تحصیلات خود را در رشته حقوق دنبال کرد و پس از اخذ مدرک لیسانس از دانشگاه شهید بهشتی، سرانجام تحصیلات خود با اخذ دکترای حقوق با گرایش جزا و جرم شناسی، در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۲ به پایان برد. وی از سال ۱۳۶۸ به عنوان مدرس فعالیت خود را در دانشگاه تربیت مدرس آغاز کرده و هم اکنون این همکاری به عنوان دانشیار پایه۲۳ این دانشگاه ادامه دارد. دکتر حبیب زاده علاوه بر عضویت در انجمن ایرانی جرم شناسی ، انجمن ایرانی حقوق جزا، کمیته علمی کمیسیون حقوق بشراسلامی، آثاری نیز به رشته تحریر درآورده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق جزا و جرم شناسی

والدین و انساب : پدر محمدجعفر حبیب زاده مرحوم فتح الله حبیب زاده است .وی آموزگار و کارمند آموزش و پرورش بود که در مهر ماه سال ۱۳۵۱ بعلت سانحه تصادف فوت کردند.مادر محترمشان متولد ۱۳۱۳ و خانه دار است .وی نیز ۴ خواهر دارد.دکتر حبیب زاده درباره مادر خود چنین میگوید": مادر من فداکار و از جان گذشته است.من هر چه دارم از او و جان فشانی های او است .از خود گذشتگی او باعث شد بنده بتوانم ادامه تحصیل بدهم " .

خاطرات کودکی : بیشتر اوقات زندگی دکتر حبیب زاده جنبه درسی و مطالعه داشته است .وی اغلب مواقع شاگرد اول کلاس بود.محمدجعفر حبیب زاده از دست دادن پدرش را در مهر ماه ۱۳۵۱ را بعنوان تلخ ترین خاطره کودکی عنوان میکند.با فقدان ایشان مسئولیت و سرپرستی خانواده بر دوش ایشان بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمدجعفر حبیب زاده در خانواده ای فرهنگی ، مذهبی و از لحاظ اقتصادی، متوسط بدنیا آمد. پدرش کارمند اداره آموزش و پرورش بود.و هم اکنون ۴ خواهر وی در بخش های مختلف آموزش و پرورش در حال خدمت هستند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدجعفر حبیب زاده مقطع ابتدایی را در مدرسه محمدیه_ شهرمحل زادگاهش- که محل تحصیل نخبگان آن شهر بود ،گذراند.متوسطه را در دبیرستان امیر کبیر در رشته ریاضی طی کرد.با اخذ دیپلم ریاضی در سال ۱۳۵۵ در همان سال در رشته حقوق دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) قبول شد.او پس از ورود به دانشگاه، در سال ۱۳۶۳ کارشناسی حقوق را از دانشگاه شهید بهشتی و در سال ۱۳۶۸ با گرایش حقوق جزا و جرمشناسی مدرک کارشناسی ارشد را از دانشگاه تربیت مدرس اخذ نمود. و سرانجام در سال ۱۳۷۲ درجه دکترای حقوق با گرایش جزا و جرمشناسی از دانشگاه تربیت مدرس را دریافت کرد.

خاطرات و وقایع تحصیل : محمدجعفر حبیب زاده از این دوران چنین می گوید": انچه از آن دوران به یاد دارم ،به مقطع کارشناسی ام مربوط می شود.که پس از وقوع انقلاب فرهنگی به عنوان مسوول جهاد دانشگاهی در دانشگاه شهید بهشتی ، پیشنهاد تغییر نام دانشگاه ملی به دانشگاه شهید بهشتی را ارائه کردم که با مخالفت مسوولان وقت مواجه شد بطوری که بنده را از دانشگاه اخراج کردند و به ژاندارمری معرفی کردند تا به خدمت سربازی بروم.ولی مقاومت اینجانب مانع تحقق خواسته آنان شد".

فعالیتهای ضمن تحصیل : فعالیتهای محمدجعفر حبیب زاده در کنار تحصیل به شرح زیر است: - موسس انجمن اسلامی در دانشگاه شهید بهشتی و فعالیت های سیاسی در این قلمرو - موسس جهاد دانشگاهی واحد دانشگاه شهید بهشتی - کار آموز تحقیقاتی دادگستری جمهوری اسلامی - دادیار دادسرای انقلاب اسلامی پس از انقلاب

استادان و مربیان : محمدجعفر حبیب زاده از اساتید برجسته و عالی قدر خود افراد زیر را به یاد دارد و یاد آنها را به گرامی می شمارد. دکتر عبدالحسین علی آبادی - دکتر مهدی شهیدی- دکتر شفیع شفیعی- دکتر صابر صفایی - دکتر مهدی کنی نیا - دکتر محقق داماد- دکتر کاشانی - دکتر رضا نور بها - دکتر علی آزمایش و دکتر عبدالله شمس.

هم دوره ای ها و همکاران : محمدجعفر حبیب زاده با استادانی چون دکتر سید مصطفی محقق داماد، استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، دکترعلی حسین نجفی ابرند آبادی، دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی ، دکتر ایرج گلدوزیان،استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران ، دکتر هادی صادقی عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز ،دکتر موذن زادهان عضو هیئت علمی دانشگاه طبا طبائی و دکتر اسلامی عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی همکار است.

همسر و فرزندان : محمدجعفر حبیب زاده در شهریور ماه ۱۳۶۱ ازدواج کرد.همسرش دارای مدرک کارشناسی و خانه دار است. ایشان نیز سه فرزند دارد ،فرزند پسر بنام علی حبیب زاده دانشجوی رشته کامپیوتر و دو فرزند دختر به نامهای فاطمه دانشجوی رشته فیزیوتراپی و زینب محصل مقطع راهنمایی است.

وقایع میانسالی : محمد جعفر حبیب زاده از وقایع رخداده در این دوران به مرگ پدرش در سال ۱۳۵۱ ، اخراج از دانشگاه به دلیل پیشنهاد تغییر نام دانشگاه ملی به شهید بهشتی در سال ۱۳۶۲ ،قبولی در مقطع دکتری بسال ۱۳۶۸ و چاپ اولین کتاب در سال ۱۳۷۰ اشاره می کند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق شغلی محمدجعفر حبیب زاده : ۱- قاضی دادگستری جمهوری اسلامی (۱۳۵۹-۱۳۶۴) ۲-

مشاورحقوقی رییس دانشگاه تربیت مدرس(۱۳۶۴-۱۳۷۳) ۳- معاون اموزشی دانشگاه شاهد(۱۳۷۲-۱۳۷۴) ۴- مدیرگروه حقوق دانشگاه شاهد(۱۳۷۴-۱۳۷۹) ۵- عضوودبیرکمیته پزوهشی حقوق سازمان سمت(۱۳۶۷-۱۳۷۷). ۶- معاون پزوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس(۱۳۷۷-۱۳۷۸). ۷- عضو هیات تحریریه فصلنامه علمی پژوهشی دانشور(۱۳۷۴-۱۳۸۲). ۸- عضوهیات تحریریه فصلنامه علمی پژوهشی مدرس علوم انسانی, دانشگاه تربیت مدرس(۱۳۷۸تاکنون). ۹- سردبیرفصلنامۀ مدرس علوم انسانی ,دانشگاه تربیت مدرس(۱۳۷۸تا۹/۲/۸۵) . ۱۰-عضـو هیـات تحریریه مجله (Iranian Journal of Legal studies)مجتمع عالی قضایی قم وابسته به دانشگاه تهران. ۱۱- عضو کمیته تخصصی علوم انسانی هیات ممیزه دانشگاه تربیت مدرس(۱۳۷۹-۱۳۸۳). ۱۲- عضوشورای پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس(۱۳۷۷تاکنون) . ۱۳- عضو کمیته تخصصی علوم انسانی جشنواره بین المللی خوارزمی(دوازدهمین تا هفدهمین). ۱۴- مدیرکل حقوقی وزارت کشور(اردیبهشت۱۳۸۱تامهر۱۳۸۴). ۱۵- عضوشورای پژوهشی وزارت کشور(اردیبهشت۱۳۸۱تامهر۱۳۸۴). عضویت در مجامع علمی : ۱- عضوانجمن ایرانی جرم شناسی. ۲- عضوانجمن ایرانی حقوق جزا. ۳- عضوکمیته علمی کمیسیون حقوق بشراسلامی. داوری مجلات علمی : ۱- فصلنامه مدرس،علوم انسانی- دانشگاه تربیت مدرس. ۲- فصلنامه علوم انسانی دانشور- دانشگاه شاهد. ۳- فصلنامه علوم اجتماعی وانسانی شیراز. ۴- فصلنامه قضایی وحقوقی دادگستری. ۵- ماهنامه دادرسی سازمان قضایی نیروهای مسلح. ۶- پژوهشنامه علوم انسانی واجتماعی دانشگاه مازندران.

فعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه تربیت مدرس از سال ۱۳۶۸ تا کنون. عنوان دروس ارائه شده توسط محمدجعفر حبیب زاده : ۱. حقوق جزای عمومی(۱) ،کارشناسی ۲. حقوق جزای اختصاصی(۲) ،کارشناسی ۳.حقوق جزای اختصاصی(۳)، کارشناسی ۴. متون تخصصی به زبان انگلیسی (۱)، کارشناسی ۵. حقوق جزای عمومی، کارشناسی ارشد ۶. حقوق جزای اختصاصی ،کارشناسی ارشد ۷. تاریخ تحولات حقوق کیفری، کارشناسی ارشد ۸. سمینار ،کارشناسی ارشد ۹. حقوق جزای عمومی، دکتری ۱۰.حقوق جزای اختصاصی، دکتری ۱۱.روش تحقیق ،دکتری ۱۲-حقوق بشر کیفری، دکتری

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : - انجمن اسلامی دانشگاه شهید بهشتی - جهاد دانشگاهی واحد دانشگاه شهید بهشتی - گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس - گروه حقوق دانشگاه شاهد

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عمده فعالیت محمدجعفر حبیب زاده بیشتر صرف مطالعه و تحقیق می شود وی اخیرا پروانه وکالت دادگستری را اخذ کرده است.

شاگردان : محمدجعفر حبیب زاده علاوه تدریس در دانشگاه، راهنمایی و مشاوره برخی از شاگردان خود را به عهده داشته است که می توان به موارد زیر اشاره کرد: پایان نامه ها و اسامی دانشجویان تحت راهنمایی الف) کارشناسی ارشد: ۱-مصونیت قضایی قضات ووکلای دادگستری.نام دانشجو:فرشته اسدی ۳- جایگاه هیات منصفه درفرایندادادرسی.نام دانشجو:سیدرسول میرلوحی ب)دکتری ۱-قاعده منع محاکمه ومجازات مجدد درحقوق کیفری بین المللی وحقوق ایران- مجتبی جانی پوراسکلکی (۱۳۸۱) ۲- تروریسم درحقوق کیفری ایران واسناد بین المللی-سعیدحکیمیها(۱۳۸۲) فهرست رساله های تحت نظر مقطع کارشناسی ارشد: محمد افشاری،علل شیوع سرقت در اطفال و نوجوانان بزهکار احمد سام کن،بررسی جرم رشوه در قانون ایران هادی احتشامی،عفو در نظام کیفری ایران محمدرضا افخمی عقدا،بررسی جرم افتراء اسماعیل رحیمی نژاد،مطالعه تطبیقی اصل قانون بودن جرم و مجازات منصور پورمحمدی،حبس و توقیف غیر قانونی محمد نجاتی آجی پیشه،تاخیر و تعلیق اجرای حکم محمد علی بابائی،اشتباه در شخص مجنی علیه قتل حسین آقائی جنت مکان،حقوق متهم در قانون دادگاههای عمومی و انقلاب علیرضا تقی پور،جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنائی ایران بهروز ساکی ،بررسی تطبیقی سیاست جنائی ایران و سازمان ملل متحد در مقابل اطفال بزهکار عابدین صفر کاکرودی اصل تساوی مجازاتها در حقوق اسلام و ایران حسین ایارگر،تعقیب کیفری و مصونیت سیاسی عبدالرسول رسولی توانی،جرائم علیه هواپیما و امنیت هوایی حسین بابائی،بررسی مبانی فقهی و حقوقی ماده ۶۳۰ ق.م.ا.

حسین آقابابائی،بررسی تحولات جرم سرقت در حقوق ایران عبدا.. پورچای بیجار،ضمانت اجرای مرگ در اسناد سازمان ملل فتح اللهی سیامک،جایگاه مشارکت مردم در سیاست جنائی سازمان ملل رامین میهمنی،اشتباه قاضی در امور کیفری و آثار آن فیاض شجاعی،تصرف غیر مجاز در اموال دولتی و عمومی عبدا.. پاك طینت،مقایسه کلاهبرداری در حقوق ایران، مصر و سوریه رشید عنایت تبار،اهانت به مقدسات مذهبی در حقوق ایران محمد میرزائی فدافنی،تمرد در حقوق کیفری ایران محسن عینی،مبنا و ماهیت تعزیر ابوالفتح خالقی،تخریب در حقوق ایران یزدانبخش مرادی ،نقش شخصیت بزهکار در تعیین مجازات سعید قوی البنیه،ماهیت مجازاتهای بازدارند علی اصغر اعظمی،احتکار و احکام آن در حقوق ایران و اسلام علیرضا تقی پور،جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنایی ایران عبدالرسول حقیقی،جعل و تزویر در حقوق کیفر ایران مقدم کورانی،مجازات فعل حرام در حقوق ایران آقای روشن،جرم نشر اکاذیب در حقوق کیفری ایران فرهادی رودباری،خسارت معنوی ناشی از جرم پروین انصاری ارده،ربایش غیر واجد غنوان سرقت اسدالله مسعودی مقدم،مطالعه تطبیقی حقوق متهم در اعلامیه حقوق بشر و ق.ا.د.ك. محمد علی نادری،جایگاه وزارت کشور در پیشگیری از بزهکاری مجتبی جعفری،جایگاه جنسیت در حقوق کیفری شهاب بازوند،تحولات نظام کیفری ایران درپرتو یافته های جرمشناسی حسین موسی زاده عباسی،گردشگری وبزهکاری هادوی جودوی،جرایم در حکم محاربه درحقوق ایران حسن عالی پور ،مفهوم نسبی بودن جرم شهرام براتی،صلاحیت شورای امنیت درارتباط بادیوان کیفری بین المللی سیددرید موسوی مجاب،مصو نیت پارلما نی در حقوق کیفری سید رسول میرلوحی، حایگاه هیات منضفه درفرایند دادرسی فرشته اسدی،مصونیت قضایی قضات ووکلای دادگستری فهرست رساله های تحت نظر مقطع دکتری جلیل امیدی نبی کندی،اصول تفسیر در قوانین کیفری عرفی و اسلام محسن عینی نجف آبادی،قلمرو اجرای قوانین کیفری در زمان حسین فرهودی نیا،شروع به جرم در حقوق ایران و مصر و فرانسه مهدی نقوی،امارات در حقوق کیفری و مطالعه تطبیقی محسن غیاثی ،مبانی مسوولیت کیفری محمد توحیدی فر،مفهوم و نحوه اعمال ضمانت اجرای کیفری در نظام بین الملل حسینعلی غلامی،تکرار جرم در حقوق جزا و جرم شناسی عباس شیخ الاسلامی،سیاست جنائی جمهوری اسلامی در قلمرو جرائم مطبوعاتی میرحسینی،سقوط قصاص در نظام حقوق اسلام و ایران فاطمه سوهانیان،حمایت کیفری از جنین در حقوق ایران حسین پوربافرانی،صلاحیت قوانین کیفری در خارج از قلمرو حاکمیت عباس منصورآبادی،اختلاس در حقوق ایران، مصر و آمریکا کریم بخنوه،تجدید نظر در آرای کیفری(مطالعه تطبیقی) حسن رضایی،ثابت و متغیر در نظام جزایی اسلام محمد ابراهیم شمس،سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سازمان یافته کیومرث کلانتری،بحران در حقوق کیفری ایران عادل ساریخانی،مطالعه تطبیقی مرور زمان در حقوق کیفری اسلام،ایران،فرانسه، مصر محمد علی طاهری،خشونت در جرم شناسی و بازتاب آن در حقوق کیفری ابوالفتح خالقی،مبانی نظری وجایگاه عملی محرومیت ازحقوق اجتماعی وخدمات عمومی درحقوق کیفری ایران محمد علی بابایی،بررسی جرم شناختی حقوقی حالت خطرناك باتاکید برنظریات نوین جرم شناسی مجتبی جا نی پور اسکلکی،قاعده منع محاکمه ومجازات مجدد درحقوق کیفری بین المللی وحقوق ایران حسین فخربناب،الحاق ایران به اساسنامه رم برای تاسیس دیوان کیفری بین المللی جلال الدین قیاسی،سیاست جنایی تشریعی اسلام سعید حکیمیها،تروریسم درحقوق کیفری ایران واسناد بین المللی

همفکران فرد : از همفکران محمدجعفر حبیب زاده می توان به آقایان دکتر تفرشی دانشیار دانشگاه تربیت مدرس ،دکتر نجفی استاد دانشگاه شهید بهشتی ،دکتر شاملو استادیار دانشگاه شهید بهشتی و دکتر امیری دانشیار دانشگاه تهران اشاره کرد.

آرا و گرایشهای خاص : محمدجعفر حبیب زاده در حوزه مطالعاتی خود به مسائل حقوق جزا (خصوصی و عمومی)، جرم شناسی و فقه جزائی گرایش بیشتری از خود نشان داده است. از زمینه های مورد علاقه تحقیقاتی دکتر حبیب زاده می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- حقوق کیفری عمومی . ۲- حقوق کیفری اختصاصی. ۳- حقوق بشر کیفری. ۴- فقه جزائی.

جوائز و نشانها : ۱- استاد نمونه دانشگاه تربیت مدرس، در سال تحصیلی ۷۷-۷۶ . ۲- پژوهشگر نمونه دانشگاه تربیت مدرس، درسال تحصیلی ۸۰-۷۹ . ۳- پژوهشگر برگزیده وزارتخانه ها در سال۱۳۸۲. ۴- دریافت لوح تقدیر ازشورای نشان های دانشگاه تربیت مدرس واخذیک پایه ترفیع درسال۱۳۸۲ ۵- دریافت لوح تقدیر ازشورای نشان های دانشگاه تربیت مدرس واخذیک پایه ترفیع درسال۱۳۸۴

چگونگی عرضه آثار : مقالات چاپ شده در مجلات علمی وپژوهشی = ۲۸ مقاله مقالات چاپ شده درمجلات ترویجی = ۲۰ مقاله مقالات ارائه شده در مجامع علمی = ۷ مقاله پایان نامه های راهنمایی شده دوره دکتری : ۸ پایان نامه پایان نامه های راهنمایی شده دوره کارشناسی ارشد: ۴۵ پایان نامه --

----

آثار :

۱ حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه اموال)

ویژگی اثر : انتشارات سازمان سمت؛ جاپ اول ۱۳۷۳ ؛ چاپ دوم ۱۳۷۴؛چاپ سوم ۱۳۸۰؛ چاپ چهارم۱۳۸۲.چاپ پنجم۱۳۸۵،(تا لیف).

۲ خیا نت درامانت درحقوق کیفری ایران

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه تربیت مدرس،۱۳۸۱؛(تا لیف).

۳ سرقت درحقوق کیفری ایران(ومطالعه تطبیقی)

ویژگی اثر : ،انتشارات دادگستر،۱۳۸۵،(تالیف).

۴ کلاهبرداری در حقوق ایران

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه شاهد، ۱۳۷۴(تا لیف).

۵ کلاهبرداری وجرایم مشابه درحقوق ایران

ویژگی اثر : انتشارات سنجش تکمیلی مدرس؛ چاپ اول۱۳۸۱؛چاپ دوم،۱۳۸۲ (تا لیف).

۶ محاربه در حقوق کیفری ایران (مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی و عناوین مشابه در حقوق کامن لا)

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه تربیت مدرس،۱۳۷۹(تا لیف).

۷ محاربه و افساد فی الارض،

ویژگی اثر : انتشارات کیهان، ۱۳۷۰(تا لیف).

۸ مصونیت پارلمانی درحقوق کیفری

ویژگی اثر : انتشارات علمی وفرهنگی,۱۳۸۴,(تالیف).

حبیبی تبار، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد حبیبی تبار

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱۰/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۶ همزمان با تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم. دروس مقدمات را نزد علامه فقید مدرس افغانی (ره) تلمذ کردم، سپس لمعه و معالم و شرح باب حادی عشر را از محضر پر فیض آیت الله اشتهاردی (دام عزه) استفاده کردم. رسائل را نزد آیت الله اعتمادی (دام عزه) و مکاسب را نزد مرحوم آیهٔ الله ستوده (ره) خواندم. بخشی از کفایه را نزد آیهٔ الله دوزدوزانی و بخشی دیگر را نزد حضرت آیهٔ الله فاضل لنکرانی استفاده کردم. اسفار را نزد آیهٔ الله انصاری شیرازی (دام عزه) بهرمند بودم و در درس اخلاق معظم له نیز حضور داشتم مدتی عرفان را نزد آیهٔ الله شاه آبادی مستفیض بودم. تفسیر را از محضر آیهٔ الله جوادی آملی و مدتی فلسفه را نزد استاد دکتر محقق داماد (دام عزهما) بهره بردم، و از محضر آیات علوی کاظمینی، وحیدی شبستری و خوانساری در خارج فقه و اصول بهرمند بوده ام و هم اینک از محضر آیات وحید خراسانی و فاضل لنکرانی (دامت برکاتهما) استفاده می کنم. تحقیقات خود پیرامون مسائل و موضوعات حقوق به ویژه حقوق اسلامی را از سال ۱۳۶۴ آغاز نمودم و از محضر اساتید بزرگواری چون دکتر کی نیا، دکتر محقق داماد، دکتر آخوندی ، دکتر سپهوند ، دکتر گودرزی ، دکتر یاوری ، دکتر جهانگیر ثانی ، جناب آقای شهری ، و جمع دیگری از اساتید استفاده برده ام. فن خطابه را نزد مرحوم حجت الاسلام و المسلمین فلسفی و روانشناسی خانواده را نزد حجت الاسلام و المسلمین آل اسحاق و دکتر نبی صادقی خواندم.

از اینجانب یک جلد کتاب دراصول فقه ، یک جلد در تفسیر ، یک جلد در مدیریت ، یک جلد در حقوق خانواده ، یک جلد در امور حسبی ، یک جلد در آیین دادرسی کیفری و دو جلد در موضوعات دیگر به چاپ رسیده است. ۸ جلد در حقوق مدنی ، ۴ جلد در متون فقه ، ۴ جلد در موضوعات حقوق به صورت رساله علمی به صورت دست نویس وجود دارد. اینجانب سالهاست که در مراکز حوزوی و دانشگاهی ذیل تدریس و یا فعالیت علمی دارم : ۱. اداره کل آموزش قضات قوه قضائیه، که در قم و مراکز استان ها تا کنون حدود یک هزار نفر از قضات شاغل کشور در کلاس های درس اینجانب حاضر بوده اند.۲. دانشگاه تهران ـ پردیس قم ـ صدها نفر از قضات و وکلای داگستری و مشاورین حقوق کشور که از این مرکز علمی، در رشته های حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی فارغ التحصیل شده اند در کلاس های درس اینجانب حضور داشته اند. ۳. دانشگاه قم درس های رویه قضایی و آئین دادرسی مدنی در این دانشگاه برای دانشجویان محترم تدریس شده است. ۴. مرکز تخصصی حقوق و قضاء اسلامی حوزه مقدسه قم، تقریبا از بدو تاسیس این مرکز تخصصی با تدریس حقوق مدنی و آیین دادرسی کیفری در خدمت صدها دانش پژوه آن بوده و هستم. ۵. مرکز جهانی علوم اسلامی، دراین مرکز برای طلاب محترم خارجی که رشته حقوق تحصیل می نمایند تدریس داشته ام از جمله برای هشتاد نفر از قضات بالقوه افغانستان.۶. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، در این مرکز در کمیسیون آسیب شناسی قوانین مدنی کشور عضویت و با دوستانی چون آقایان دکتر وحدتی شبیری، دکتر عبدی پور، دکتر ارسطا و دکتر قشقایی به کارشناسی در رابطه با قوانین مدنی و آسیب های آن پرداخته ام. ۷. کمیسیون تدوین پیش نویس قانون احوال شخصیه شیعیان بحرین، در این کمیسیون پیش نویس قانونی در زمینه احوال شخصیه به معنی اعم آن شامل مقررات راجع به ولادت، نسب، نکاح، طلاق، ارث، وصیت، وقف مورد بررسی و تصویب علمی قرار گرفت. ۸. صدا و سیما ، سالهاست که به عنوان کارشناس حقوق اسلامی در رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی فعالیت داشته و ارائه برنامه داشته و دارم. علاوه بر موارد مذکور در حوزه های علمیه بندرعباس، نهاوند و قم به تدریس متون ادبی و نیز کتب لمعه، معالم، اصول فقه، باب حادی عشر، رسائل و مکاسب اشتغال داشته ام.

حبیبی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن حبیبی در سال ۱۳۱۶ در یکی از محله های قدیمی تهران به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی خود را به صورت فشرده آغاز کرد و در کنار آموزش دروس مدرسه به درسهای حوزه علمیه هم گرایش پیدا کرد. وی عضو و سخنگوی شورای انقلاب بود و به عنوان های مختلف مثل معاون اول رییس جمهوری در دورهٔ جناب آقای هاشمی رفسنجانی در کشور فعالیت داشته است. حسن حبیبی رئیس و موسس بنیاد ایران شناسی می باشد و به عنوان عضو پیوسته فرهنگستان زبان وادب فارسی هم فعالیت دارند. ایشان در طول خدمت و تحصیل خود به ترجمه و تالیف اثر های مختلفی در زمینه های حقوق ، جامعه شناسی، فلسطین ، جنگ و . . . را انجام داده است. در دومین جشنواره برگزیدگان فارابی که در هفتم دی ماه ۱۳۸۷ برگزار شد، از حسن حبیبی تقدیر به عمل آمد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن حبیبی پیش از آن که به سن مدرسه برود، خواندن و نوشتن را آموخته و خواندن قرآن را شروع کرده بود و از اشعار فردوسی، سعدی و حافظ ابیاتی را در حفظ داشت. کلاس اول و دوم را در یکسال خواند و در سالهای بعد در کنار درس مدرسه، درسهای دیگر را که در حوزه های علمیه معمول بود ، بخصوص در تابستان نزد پدرش و یکی دو تن از مدرسان حوزهای فرا گرفت.

فعالیتهای ضمن تحصیل : حسن حبیبی نوجوان بود که پدرش ضمن تشویق به درس خواندن ، از او خواست تا حرفهای نیز بیاموزد تا در صورت لزوم برای گذراندن زندگی خود کاری بلد باشد. از این رو قرار شد که جوراب بافی یاد بگیرد و تابستانها به آن مشغول شود. از آنجا که مادر و پدرش جوراب بافی میدانستند، یادگیری کار آسان بود، محل کار نیز خانه بود و برای تهیه نخ و رنگ کردن آنها و باز کردن کلافها ، بافتن جورابها و به بازار بردن آنها و... کارهایی را باید میآموخت و اطلاعاتی باید بدست میآورد. این تجربه باعث گردید که از آغاز نوجوانی با محیط کار و برخی از انواع آن ، روابط و برخی از دشواریها آشنا شود. وی در نخستین سال درس در دانشگاه هم به دانشکده حقوق و هم به دانشکده ادبیات می رفت، دو کتاب کوچک و متوسط را برای تمرین زبان عربی ترجمه کرد و یک جستجوی مختصر را درباره ادبیات کودکان به پایان رسانید.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از مسئولیتهای اجرائی حسن حبیبی می توان به از حوزه مطالعات علمی وی اشاره کرد: عضو و سخنگوی شورای انقلاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی نماینده تهران در دوره اول مجلس شورای اسلامی وزیر دادگستری عضو شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و عضو هیات رئیسه آن (۱۳۶۸) عضو حقوقدانان شورای نگهبان (۱۳۸۰-۱۳۶۸) معاون اول رئیس جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۰-۱۳۶۸) نخستین رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی رئیس کمیسیون فرهنگ تعلیمات و تحقیقات مجلس شورای اسلامی (دو سال اول و دوره اول) عضو شورای عالی آموزش و پرورش (در سمت وزیر فرهنگ و آموزش عالی) استاد دانشگاه عضو ستاد انقلاب فرهنگی رئیس کمیسیون لوایح و رئیس کمیسیون فرهنگی هیات دولت رئیس هیات امناء فرهنگستانهای جمهوری اسلامی ایران عضو هیات نمایندگی ایران در کنفرانس عمومی یونسکو (۱۹۸۷) عضو کمیته دهه جهانی توسعه فرهنگی یونسکو (۱۹۸۹-۱۹۸۷) موسس و رئیس بنیاد ایران شناسی عضو پیوسته فرهنگستان زبان و

ادب فارسی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام عضو شورایعالی انقلاب فرهنگی عضو هیات امنای فرهنگستان های جمهوری اسلامی ایران عضو هیات امنای کتابخانه مجلس شورای اسلامی عضو کمیسیون ملی یونسکو (ایران) عضو دیوان دائمی داوری (لاهه)

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : حسن حبیبی موسس و رئیس بنیاد ایران شناسی است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسن حبیبی فعالیت اجتماعی خود را از آذر ماه سال ۱۳۲۹ آغاز کرد.

جوائز و نشانها : از نشانها و جوایزی که به حسن حبیبی اهدا شده است می توان به موارد زیر اشاره کرد: دکتری افتخاری جامعه شناسی دانشگاه تهران نشان عالی استقلال استادی افتخاری دانشگاه دولتی ترکمن (ترکمنستان استادی افتخاری دانشگاه علوم انسانی بیشکک (قرقیزستان) مدال دانشگاه دولتی تفلیس (گرجستان) دکتری افتخاری آکادمی علوم ارمنستان دکتری فخری (افتخاری) دانشگاه دولتی تاجیکستان تقدیر از حسن حبیبی در دومین جشنواره برگزیدگان فارابی ویژه تحقیقات علوم انسانی و اسلامی

چگونگی عرضه آثار : حسن حبیبی مقالات زیادی در زمینه هایی مانند سینمای کودک و نوجوان ، گفتار درباره پیاژه و یا زبان حقوقی تحریر نموده است که در دانشگاهها و آکادمی های کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز مطرح و برخی در مجلس ها عنوان و به چاپ رسیده است ولی هنوز در یک جا جمع آوری نشده است. --

آثار :

۱ اسلام و بحران عصر ما

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه چند فصل کتاب کشف اسلام از روژه پاسکیه در سال ۱۳۶۳ است.

۲ امامت در حقوق شیعه

ویژگی اثر : در رشته حقوق عمومی تحقیق و رساله خود همین اثر بود که به مبانی نظری حقوق یا فقه اسلامی در زمینه حکومت اسلامی و ولایت امام معصوم و سپس فقها.

۳ ترجمه تقسیم کار اجتماعی

ویژگی اثر : این کتاب رساله دکترای دورکیم است . در این کتاب بخصوص دو وجه جامعه شناسی اخلاقی و جامعه شناسی حقوقی را می تان ملاحظه کرد.

۴ ترجمه کتاب آداب المتعلمین

ویژگی اثر : اولین ترجمه حسن حبیبی کتاب آداب المتعلمین بود که منسوب به خواجه نصیر الدین طوسی و از جمله جزوه های جامع المقدمات می باشد .

۵ ترجمه کتاب اخلاق نظری و علم آداب

ویژگی اثر : این اثر به بررسی امکان و شرایط وجودی این دو و خصوصا اخلاق نظری می پردازد.

۶ ترجمه کتاب استعمار صهیونیستی در فلسطین

۷ ترجمه کتاب استعمار صهیونیستی در فلسطین

۸ ترجمه کتاب اسلام و مسلمانان در روسیه

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه کتاب امپراتوری متلاشی است که در اواسط مهرماه ۱۳۵۷ به چاپ رسید، حسن حبیبی با اضافه کردن مقدمه ای به نامه تفکیک مصنوعی دین از سیاست به اول کتاب آن را به چاپ رسانید. این اثر درآذر ماه ۱۳۵۷ چند هفته پیش از

پیروزی انقلاب اسلامی در اروپا منتشر شد و سپس در سالهای بعد از انقلاب در تهران انتشار یافت.

۹ ترجمه کتاب المنقذ من الضلال

ویژگی اثر : این کتاب نوشته غزالی است.

۱۰ ترجمه کتاب دو سرچشمه اخلاق و دین

ویژگی اثر : چاپ اول ترجمه کتاب در سال ۱۳۵۸ منتشر شد.

۱۱ ترجمه کتاب دیالک تیک و جامعه شناسی

۱۲ ترجمه کتاب سون تزو

ویژگی اثر : در نیمه دوم سال ۵۹ ترجمه این کتاب را آغاز کرد و در بهمن ماه ۵۹ چاپ اول آن منتشر شد.

۱۳ ترجمه کتاب عهدین، قران و علم

ویژگی اثر : این کتاب نوشته یک پزشک فرانسوی است که در اواخر سال ۱۹۷۶ منتشر شد . حسن حبیبی در مردادماه سال ۱۳۵۷ در تهران آن را به چاپ و منتشر کرد. این اثر دو بحث عمده را پی گیری می کند یک اصالت این کتاب از لحاظ ارتباط با وحی و دیگری مطابقت نمونه هایی از محتوای آنها با هم.

۱۴ ترجمه کتاب منیه المرید فی آداب المفید و المستفید

ویژگی اثر : این کتاب نوشته شهید ثانی است دریک مقدمه و چهار باب و یک خاتمه و یک تتمه می باشد. این کتاب جهات گوناگونی در تعلیم وتربیت دارد. درمقدمه درباره اهمیت و ارزش علم و در باب اول دربارهٔ آداب و وظایف معلم و شاگرد، در باب دوم و سوم و چهارم به ترتیب درباره آداب فتوا و وظایف فتوا دهنده و استفتاء کننده - مناظره و شروط و آداب آن- آداب نگارش و مسائل مربوط به کتاب سخن می گوید و در خاتمه به بیان مطالبی دربارهٔ علوم و اقسام و ترتیب آنها و در تتمه سفارش به دانشجویان را نشان می دهد.

۱۵ ترجمه مبانی جامعه شناسی حقوقی گورویچ

ویژگی اثر : این اثر در رابطه به مباحث نظری جامعه شناسی حقوقی می پردازد.

۱۶ جامعه ایران بر اساس و از منظر رویه قضائی

ویژگی اثر : این اثر موضوع رساله دکترای جامعه شناسی حسن حبیبی بود. رویه قضایی در بحث های حقوقی و کلاسهای درس حقوق به معنی اخص و عام به کار می رود.

۱۷ جامعه شناسی حقوقی

ویژگی اثر : با تاکید بر بررسی و توصیف و تحلیل جامعه شناسی و مردم شناختی و آماری اسناد ازدواج و طلاق محضر خندق آبادی ها در تهران در سالهای ۱۳۲۴-۱۳۱۳ ق به قلم ایشان به چاپ رسیده است.

۱۸ جامعه، فرهنگ ، سیاست

ویژگی اثر : اولین مجموعه مقالات حسن حبیبی است که در سال ۶۳ چاپ شده و در برگیرنده مقالات مربوط به زمان اقامت او در اروپا بوده است.

۱۹ کتاب حسبحال یا دو کوه

ویژگی اثر : این کتاب به فرهنگ و تمدن غربی می پردازد نوشته ای آهنگین دارد .

۲۰ مجموعه کرامه

۲۱ مجموعه مقالات در آئینه حقوق

ویژگی اثر : در سال ۶۷ منتشر شده در زمینه حقوق . این مجموعه بخش عمده مقالاتی است که نوشته و یا ترجمه شده و به مدت سه سال و در دوازده شماره فصل نامه حق به چاپ رسیده است. حاوی سه بخش است در زمینه های حقوق بین الملل، حقوق تطبیقی، جامعه شناسی حقوقی.

۲۲ مقاله انقطاع فرهنگی

۲۳ مقاله فرهنگ استعماری و روابط بین المللی

۲۴ مقاله نظام اسلامی بر مبنای فقاهت یا التقاط

ویژگی اثر : این اثر متن سخنرانی وی در دو سمینار اتریش و آلمان به سالهای ۴۹ و ۵۰ بوده است.

۲۵ مقاله یادداشتهایی درباره هنر

۲۶ منطق حقوقی و انفورماتیک

ویژگی اثر : آخرین کتابی است که در سال ۷۳ چاپ و منتشر شده و مجموعه ای از مقالات ترجمه شده است.

۲۷ مولوی انسان متعهد

حسنلو، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا حسنلو

محل تولد : ورامین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۹ دیپلم ریاضی گرفتم در سال ۱۳۵۳ در رشته الهیات (فقه و مبانی حقوق اسلامی) در دانشگاه فردوسی مشهد قبول شد و در سال ۱۳۵۷ مدرک کارشناسی خود را دریافت نمودم.در حوزه علمیه مشهد از دروس ادبیات استاد هاشمی درس تفسیر آیت الله میرزاجوادآقا تهرانی و درس نهج البلاغه رهبر معظم انقلاب استفاده کردم. از سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شد و ضمن اشتغال در آموزش و پرورش و تدریس کتب دینی از دروس حوزه استفاده نمودم. بالاترین سعادت اینجانب شرکت در جلسات درس اساتید معظم حسن‌زاده آملی و جوادی آملی به مدت چهار سال بوده است.

حسین خواه، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد حسین خواه

محل تولد : مشهد

شهرت : حسینی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۴ پس از اتمام تحصیلات در دورهٔ دبیرستان در رشته ریاضی فیزیک وارد حوزه علمیه قم شدم. دوران شش ساله مقدمات را در مدرسهٔ امام المهدی(عج) در طی ۴ سال به اتمام رسانیدم و در طول این دوره به عنوان یکی از طلبه های ممتاز مدرسه بودم. پس از اتمام دوره مقدمات، دوره سطح را آغاز کردم و در این مدّت در کنار تحصیل دروس حوزوی تحصیلات دانشگاهی را نیز شروع کردم و در دانشگاه مفید در رشته حقوق مشغول تحصیل شدم و با درجهٔ عالی مدرک کارشناسی رشته حقوق را دریافت کردم و در دانشگاه مفید در رشته حقوق مشغول تحصیل شدم و با درجهٔ عالی مدرک کارشناسی رشته حقوق را دریافت کردم و پس از اتمام این دوره به عنوان پژوهشگر برتر دانشگاه و بدون کنکور در مقطع فوق لیسانس(کارشناسی ارشد) در همان دانشگاه پذیرش شدم و هم اکنون در حال گذراندن دوره ارشد حقوق بشر می باشم و مشغول تدوین پایان نامه هستم. در کنار این تحصیلات علاوه بر تدریس دروس مقدمات حوزه در مدارس علمیه مشغول تحصیل در دروس خارج حوزه علیمه قم و در کنار آن تحقیق و تألیف مقالات و کتب نیز می باشم.

حسینی ایمنی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حسینی ایمنی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه فیضیه مازندران در شهرستان بابل شدم در سال ۱۳۷۴ به حوزه علمیه قم آمدم ، تاپایه دهم حوزه را در کتبی و شفاهی در سال ۱۳۷۹ امتحان دادم و قبول شدم و از آن سال تاکنون مشغول گذراندن درس خارج هستم . سال ۱۳۷۷در دانشگاه مفید قم پذیرفته شدم و سال ۱۳۸۱ در رشته حقوق در مقطع کارشناسی از آنجا فارغ التحصیل شدم و از همان سال با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما ، در بخش ماهنامه ادبی اشارات ، به عنوان سر دبیر این ماهنامه همکاری می کنم . در نشریات دیگر این مرکز هم مقاله داده ام که به چاپ رسیده است و اشعار و نوشته های ادبی ام نیز به صورت پرا کنده ، در نشریات مختلف کشور به چاپ می رسد .

حسینی مجدالدین، عباد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، عالم دینی و قاضی. از فرزندزادگان شرف شاه گلستانه بود. وی عهده‌دار قضای اصفهان در زمان سلطان الجایتو محمد بن ارغون (۷۱۶ - ۷۰۳ ق) و معاصر با علامه حلی بود. از آثارش: «توضیح الوصول»، در شرح «تهذیب الاصول»، که آن را به خواهش شاگردش، محمود بن علی بن یوسف طبری نوشت؛ «کاشف المعانی»، در شرح «حرز الامانی و وجه التهانی»، معروف به «الشاطبیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۴۰ -۲۳۹/ ۱۷ ،۴۹۹/ ۴)، ریاض العلماء (۵۷/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۷ -۱۰۶/ ۸).

حسینی هاشمی شاهرودی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود حسینی هاشمی شاهرودی

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی در شهر نجف و در خانواده‌ای مذهبی و از سادات منسوب به امام حسین(ع) چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم آیت‌الله سید علی حسینی شاهرودی، از استادان و بزرگان حوزه علمیه نجف بود و خدمات فراوانی را به عالم اسلام ارزانی داشت. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه علویه نجف به پایان رسانید و سپس به تحصیلات حوزوی روی آورد. او با توجه به موقعیت علمی خانوادگی و نیز با توجه به هوش و استعداد سرشار و کوشش فراوان خود، در مدتی اندک توانست دروس دورهٔ سطح را به پایان رساند. پس از آن به حلقه درس آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر پیوست و سالها در خدمت استاد خود، مبانی اجتهاد در اصول و فقه را به خوبی آموخت و در درس دیگر مراجع آن روز نجف - از جمله امام خمینی(ره) - نیز با جدیت شرکت جست و بهره‌های فراوان برد. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در طول سالهای تحصیل، در دروس اخلاق خصوصی و عمومی استادان خود شرکت می‌کرد و از محضر آنان بهره‌های فراوان می‌برد. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در سالهای تحصیل خود از محضر استادان بسیاری بهره برد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین استاد او در درس خارج آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر بود. آن شهید سعید که از افتخارات شیعه و مرجعیت به شمار می‌آید، شاگردان بسیاری را به عالم اسلام، تقدیم داشته است. او که از حافظه و استعدادی سرشار

برخوردار بود، توانست با نوآوریهای فراوان در فقه و اصول و دیگر علوم اسلامی و به روز ساختن مباحث علوم و نیز نگاشتن کتب درسی در زمینه‌های یاد شده، گام مهمی برای تعالی اسلام و تشیع بردارد و از این رهگذر، شاگردان او، همچون آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی، این خدمات و اندیشه‌ها را پی گرفتند. از دیگر استادان آیت‌الله هاشمی شاهرودی، حضرت امام خمینی(ره) و حضرت آیت‌الله العظمی خویی(ره) را می‌توان نام برد. معظم له سالها در محضر ایشان به تحکیم مبانی اجتهادی خود می‌پرداخت، ضمن اینکه از محضر آنان، در زمینه‌های اخلاقی نیز بسیار بهره می‌برد. آیت‌الله هاشمی شاهرودی در طول دوران تحصیل خود، با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت و پس از آن نیز با علمای بسیاری روابط صمیمانه و علمی برقرار نمود که از جمله آنها می‌توان از آیت‌الله مؤمن و مقام معظم رهبری نام برد آیت‌الله هاشمی شاهرودی تاکنون فعالیتهای بسیاری را در زمینه‌های علمی و فرهنگی به انجام رسانده است. در یکی از دیدارهای اعضای مجلس اعلای عراق، امام خمینی(ره) با توجه به شناخت خود از ایشان می‌خواهد که تدریس در حوزه علمیه قم را بر هر کاری ترجیح دهد و به تربیت طلاب مستعد در زمینه‌های علمی و اخلاقی بپردازد. معظم له نیز با ورود به ایران ـ در فروردین ۱۳۵۸ ـ به تدریس درس خارج فقه و اصول می‌پردازد که این تدریس تا هم اکنون نیز ادامه دارد و طلاب بسیاری از محضر ایشان بهره‌مند شده‌اند. ویژگی درس ایشان دقت فراوان، تسلط بر مباحث و نوآوری در برخی زمینه‌هاست. آیت‌الله هاشمی شاهرودی ریاست دو کنگرهٔ مهم نقش زمان و مکان در اندیشه امام خمینی(ره) و نخستین کنگره دایرهٔ المعارف فقه اسلامی را بر عهده داشت که هر دو کنگره با استقبال بزرگان و فضلای حوزه و دانشگاه و اندیشمندان خارجی و داخلی مواجه شد. از خدمات دیگر ایشان، ریاست مؤسسه دایرهٔالمعارف فقه اسلامی با حکم مقام معظم رهبری است. مقام معظم رهبری در حکم خود، خطاب به ایشان می‌فرماید: «جناب عالی را که چهرهٔ درخشانی در علم و عمل بوده و بحمدالله از مقام والایی در فقه و علوم مرتبط با آن برخوردارید، برای انجام این اقدام بزرگ، شایسته دانسته و مسؤولیت ایجاد و ادارهٔ مؤسسه‌ای برای تهیه این دایرهٔ المعارف را به جناب عالی محول می‌کنم». آیت‌الله هاشمی شاهرودی در سالهای تحصیل و تدریس، فعالیتهای سیاسی بسیاری را پدید آورده است. در پی یورش مزدوران رژیم صدام به علما و اندیشمندان در سال ۱۹۷۴ میلادی، آیت‌الله هاشمی شاهرودی به زندان افتاد و شکنجه‌های فراوان بدنی و روحی را به جان خرید. او در پی تظاهرات مردم عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام(ره)، بویژه در نجف، و در گرامیداشت این پیروزی، تحت پیگرد رژیم بعث قرار گرفت و به سفارش شهید صدر(ره) به وطن خود بازگشت تا وکالت عام شهید صدر و نمایندگی او را نزد امام خمینی (ره) بر عهده گیرد. او با ورود به ایران به خدمت امام خمینی(ره) مشرف شد و با موافقت ایشان، رابط امام(ره) و شهید صدر شد و پیامهای علمای نجف را به سمع امام(ره) می‌رساند. او با دستور آیت‌الله خامنه‌ای که در آن زمان با حکم امام(ره) مسؤولیت نهضت‌های اسلامی را بر عهده داشت، تشکیلاتِ جامعهٔ روحانیت مبارز و مجلس اعلای عراق را به راه انداخت و آن را مدیریت و سازماندهی کرد. او که به دستور امام(ره) تدریس و بررسی مسائل فقهی، بویژه احیای فقه حکومتی استوار بر ادلهٔ استنباط جواهری را بر عهده داشت، در طول سالیان انقلاب از هیچ کوششی در جهت اعتلای انقلاب، دریغ نورزید. آیت‌الله هاشمی شاهرودی سالها از اعضای فقهای شورای نگهبان بود ودر این نهاد مقدس به خدمت اشتغال داشت تا اینکه با حکم مقام معظم رهبری به ریاست قوه قضائیه منصوب شد. او در طول مسؤولیت خود در قوه قضائیه، تاکنون خدمات بسیاری را انجام داد که توسعهٔ قضایی، تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها و ایجاد ارتباط مردمی از جمله آنهاست.

حسینی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم حسینی

محل تولد : دماوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

با لطف خدای متعال پس از اتمام دوران ابتدایی در دماوند، برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمایی به تهران آمدم و با مشکلات و محدودیتهای نسبتاً زیاد ، در نهایت در سال ۱۳۶۲ موفق به اخذ دیپلم شدم و بارها در دوران ابتدایی و راهنمایی شاگرد ممتاز و در دوران دبیرستان موفق بوده ام.درسال ۱۳۶۲ با عنایت امام عصر (عج) علیرغم اینکه برای رشته پزشکی دانشگاه تهران در امتحان کنکور شرکت کرده بودم و در مرحله اول قبول شده بودم ولی بدون انتظار برای نتیجه مرحله دوم به حوزه علمیه قم آمده و تحصیلاتم را در مدرسه امام صادق (ع) (واقع در نیروگاه) شروع و به لحاظ آمادگی ذهنی و روحی و شرایط خوب مدرسه توانستیم از تابستان نیز استفاده و در سال ۱۳۶۴ لمعتین را شروع کنیم.البته در سال ۱۳۶۳ ازدواج نموده از اقامت در مدرسه امام صادق بیرون آمدم.در سال ۱۳۶۵ رسائل و مکاسب و پس از آن کفایه را شروع کردم.

مدت دو سال و نیم مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی لارستان را پذیرفتم ولیکن در همان دوران نیز علاوه بر تدریس کم و بیش تحصیل را ادامه می دادم. نهایتا پس از برگشت از لارستان در سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ دروس سطح را نیز به اتمام رساندم و با نمره ۲۰ از کفایه و نمرات بالا در سایر دروس این مقطع را زیر نظر اساتید محترم آقایان: شیخ علی پناه اشتهاردی، سید احمد خاتمی، پایانی، اعتمادی، محقق (آقا سید علی)، قدیری به پایان رسانده و آماده ورود به مقطع جدید شدم.درس خارج فقه و اصول را از سال ۱۳۶۹ شروع کردم. شروع درس خارج فقه در محضر آیت الله فاضل لنکرانی و درس خارج اصول در محضر آیت الله سبحانی بوده و فیض بردم مدت پنج سال در درس فقه آیت الله فاضل لنکرانی و مدت ۲ سال در درس خارج آیت الله سبحانی شرکت نمودم. سپس در درس خارج فقه و اصول: حضرات آیات وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی، شبیری زنجانی و آیت الله هاشمی شاهرودی حاضر شده و بهره مند شدم.همزمان با شروع درس خارج فقه و اصول، در سال ۱۳۶۹ وارد موسسه در راه حق شده و دوره عمومی معارف اسلامی، فلسفه اسلامی و تفسیر موضوعی و علوم جدیده مورد نیاز مانند روان شناسی و جامعه شناسی و زبان انگلیسی به مدت پنج سال گذراندم و در سه نوبت دانش پژوه ممتاز در گروه بودم.

در سال ۱۳۷۴ در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول تحصیلات تکمیلی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته حقوق اسلامی و حقوق بین الملل شده و با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان اصل منع توسط به زور در اسلام و حقوق بین الملل دفاع نموده و با بالاترین نمره گروه (نمره ۱۹) با امتیاز عالی قبول شدم. (۱۳۷۹)از آن به بعد به عنوان محقق و پژوهشگر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و دبیر گروه حقوق فعالیت هایم وارد مرحله جدید شد و در سال ۱۳۸۱ به عنوان عضو هیات علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی کارهای تحقیقی و پژوهشی خود را بیشتر در زمینه فلسفه حقوق و حقوق زن شروع کردم.در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ مسئولت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه سمنان را پذیرفتم ولیکن ارتباط علمی خود را با موسسه حفظ نموده ام. در طول سالیان ۱۳۷۸ تا کنون در دانشگاه مختلف از جمله: دانشگاه امام حسین (ع)، دانشگاه صنعت آب و برق (تهران)، دانشگاه سمنان، دانشگاه های آزاد اسلامی ساوه، آشتیان و نیز حوزه علمیه خواهران (دفتر تبلیغات)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره ، مؤسسه باقر العلوم علیه السلام و مدرسه جهانی فقه و اصول و نیز دوره های مختلف

طرح ولایت و طرح کوثر (برای دانشجویان سراسر کشور) به تدریس عمدتا در دروس حقوقی و نیز معارف اسلامی اشتغال داشته و دارم.بعد از انتقال از سمنان به قم در مرکز فرهنگی نهاد نمایندگی با تقبل مسئولیت گروه حقوق و فلسفه احکام بیشترین تمرکز پژوهشی را در زمینه حقوق زن و حقوق بشر داشته با انتشار مقالات مختلف و پاسخ به سوالات دانشجویان چه از طریق نامه یا ایمیل و فعلا نیز در صدد آمادگی برای امتحان در مقطع دکترای حقوق بین الملل یا فلسفه حقوق هستم.

حسینی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر حسینی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده بعد از اتمام دوره تحصیلی مقطع راهنمایی در سال ۶۳ وارد حوزه علمیه روحیه واقع در شهرستان بابل شده و بعد از چند سال و اتمام رسائل و مکاسب در سال ۶۶ وارد حوزه علمیه قم شدم در سال ۶۷ وارد مباحث فقه و اصول در مقطع خارج گردیده که در همین زمان هم زمان دوره دبیرستان را گذرانده و با شرکت در آزمون کنکور سراسری در رشته حقوق لیسانس حقوق را اخذ نموده به علاوه اینکه اینجانب در مقطع فوق لیسانس حقوق نیز از طریق کنکور سراسری قبول گردیده ،حتی نفر اول ورودی دانشگاه مفید شدم ولی با توجّه به گرایشات خاص موجود در دانشگاه مفید از حضور در آن دانشگاه انصراف دادم.

در سال ۷۲ همزمان با اشتغال به دروس حوزوی وارد تحقیقات مؤسسه دائرهٔ المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهلبیت علیهم السلام شدم که اینجانب مدیریت جلد نهم از دائرهٔ المعارف را عهده دار گردیدم.

حکمت نیا، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود حکمت نیا

محل تولد : ابرکوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۱هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدت هفت سال دوه مقدماتی و سطح را طی کردم. سال ۱۳۶۹ همزمان با شروع درس خارج رشته حقوق را در مجتمع آموزش عالی قم (دانشگاه تهران) آغاز کرده که با اتمام دوره کارشناسی در سال ۱۳۷۳ وارد مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس و پس از فارغ التحصیلی در سال ۱۳۷۸ در دوره دکتری همان دانشگاه مشغول به تحصیل شدم در سال ۱۳۸۳ از رساله دکتری خود با عنوان « مبانی نظری مالکیت فکری با تأکید بر فقه اسلامی» دفاع کردم. زبان انگلیسی را به مدت دو سال در مرکز زبانهای تخصصی دفتر تبلیغات پی گرفته و در سال ۱۳۷۸ از آن مرکز فارغ التحصیل شدم.همکاری علمی خود را با واحد اصطلاح نامه مرکز مطالعات و تحقیقات در سال ۱۳۷۳ آغاز کردم که حاصل سه سال همکاری تدوین اصطلاح نامه علوم قرآنی و اصول فقه به صورت جمعی است. سال ۱۳۷۶ شروع همکاری اینجانب با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به عنوان مدیر گروه فقه و حقوق بوده است که همچنان ادامه دارد.دراین مدت علاوه بر فعالیت در گروه فقه و حقوق، مدیریت بخش حقوقی دانشنامه امام علی (علیه السلام) را عهده دار بوده ام. همکاری با مجلات کتاب نقد ، مجله قبسات ، همکاری با پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات و راه اندازی سردبیری سه شماره اول مجله فقه و حقوق و قائم مقام مدیر مسئول مجله ، بخشهای دیگر مدیریت علمی بوده است فعالیت تدریس در دروس حقوق مدنی ۱، ۳، ۴، ۶ و ۸ ، مقدمه علم حقوق، حقوق تطبیقی، حقوق بین الملل خصوصی، متون حقوقی و زبان تخصصی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، در دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه تهران(پردیس قم)، دانشگاه قم، دانشگاه مفید، مرکز تخصصی قضا، مدرسه امام خمینی، مدرسه عالی فقه و اصول از سال ۱۳۷۶ تا کنون ادامه دارد

حکمت، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۲۸۹، شیراز.

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۷۲، پاریس.

محمدعلی حکمت، فرزند احمدعلی حشمت‌الممالک، در شیراز در مدارس جدید و سپس در تهران در دارالفنون تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌ی خود را پشت سر گذاشته بود و سپس در فرانسه در دانشگاه تولوز و پاریس به تحصیل حقوق پرداخته بود. وی همچنین دیپلم مدرسه‌ی عالی مطالعات حقوق بین‌المللی پاریس را داشت. رساله‌ی دکترای وی درباره‌ی روابط عثمانی و ایران بود. از سال ۱۳۳۳ دانشیار دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۴۹ بازنشسته گردید. در سال ۱۳۵۰ برای معالجه به پاریس رفت. از سال ۱۳۶۱ الی ۱۳۷۲ با دفتر خدمات حقوقی پاریس همکاری می‌کرد. از آثار اوست: حقوق عام ملل (۱۳۳۱)؛ ترجمه‌ی تاریخ دیپلماسی (تألیف زیر نظر استاد روسی و لادیمیرپوتمکین، ۱۳۳۲)؛ ترجمه‌ی حقوق بین ملل عمومی (تألیف شارل روس، دو جلد، ۱۳۴۷)؛ ترجمه بنیادهای بین مللی (اثر فرانسوای کلود آلبر کلیبار، ۱۳۴۵، چاپ نشده)؛ تقریرات درس در دوره‌ی دکترای دانشکده‌ی حقوق: لیسانس رشد و تکامل دیپلماسی، مقاله‌هایی از وی در «نشریه‌ی وزارت امور خارجه» و «مجله‌ی حقوقی» منتشر شده است. از آثار دیگر اوست: تحقیق و تألیف «شرایط اجازه‌یی اجرای احکام در فرانسه» و ترجمه‌ی و

تلخیص «حقوق بین ملل رشد و توسعه» و ترجمه‌ی «رویه‌ی قضایی و عقیده‌ی علمی (دکترین)»؛ تدوین رساله‌ای در باب قطع روابط دیپلماتیک و حفظ منافع اتباع خارجی، و سرانجام تحقیقی در تعارض قوانین.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حکیمیان، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد حکیمیان

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۲

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی ، راهنمایی و دبیرستان را به ترتیب در مدارس قوامی ، آقا و رازی شهرستان یزد با موفقیت گذراندم و در سال ۱۳۵۷ شمسی در رشته صنایع غذایی دانشگاه شیراز پذیرفته شدم . پس از انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ در کمیته فرهنگی جهاد سازندگی یزد مشغول به خدمت به جامعه روستایی و انقلابی ایران اسلامی شدم . در سال ۱۳۶۰ با پذیرش در مدرسه حقانی قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی گردیدم . پس از بازگشایی دانشگاهها از تحصیل انصراف دادم و تا سال ۱۳۶۳ را در مدرسه حقانی تحت برنامه مدرسه ، علوم حوزوی از قبیل ادبیات ، اصول ، منطق و معانی و بیان را گذراندم . با آغاز درس شرح لمعه در سال ۱۳۶۳ ازدواج کردم و برای مدت ۱۰ سال به دلیل مشکلات، در حوزه علمیه یزد – مدرسه خان – شرح لمعه ، رسائل ، کفایه ، مکاسب و حدود ۳ سال خارج زکات و خمس را گذراندم و در سال ۱۳۷۳ بار دیگر به قم مراجعت نمودم که بحمد الله تا کنون توفیق شرکت در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام و مراجع تقلید آقایان حاج شیخ جواد تبریزی (درس فقه) ، حاج شیخ وحید خراسانی (اصول) ، حاج شیخ فاضل لنکرانی (حج) ، حاج سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی (اصول) را پیدا کردم . شایان ذکر است که در طول تحصیل بخشهایی از کتابهای اصول فقه مرحوم مظفر در اصول ، کتاب شرح لمعه در فقه ، کتاب مکاسب شیخ در فقه المعاملات را نیز تدریس کرده ام .

لازم به ذکر است که در سال ۱۳۷۳ همزمان با رجعت به قم از طریق کنکور سراسری در رشته حقوق دانشگاه مفید مشغول شدم که مدرک لیسانس را با معدل ۴۹/۱۸ در طول مدت ۳ سال و مدرک فوق لیسانس را نیز بلا فاصله با معدل ۳۹/۱۸ گذراندم و در سال ۱۳۷۹ از عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان (دین موجل و آثار و احکام آن در حقوق ایران) دفاع نمودم . این پایان نامه به عنوان سطح ۳ حوزه علمیه قم نیز پذیرفته شد و هم اکنون مشغول به نوشتن رساله سطح ۴ دروس حوزه علمیه قم تحت عنوان (ضمان قهری در فقه امامیه) می باشم و تحصیلات دانشگاهی را نیز در دانشگاه تهران و پردیس قم در رشته حقوق خصوصی ادامه داده و با گذراندن موفقیت آمیز امتحان جامع دکتری مشغول مطالعه موضوع رساله دکتری حقوق خصوصی می باشم . متذکر می گردد که اینجانب در چندین سال اخیر در دانشگاههای (پیام نور قم ، مفید قم ، مرکز جامعةالاسلامیه قم) مشغول به تدریس دروس دانشگاهی رشته حقوق در موضوعات حقوق مدنی ، حقوق تجارت ، متون فقه ، آیات الاحکام و اصول

بوده و هستم و هم اکنون مسئولیت گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه را نیز عهده دار می باشم.

خان صنمی، شعبانعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شعبانعلی خان صنمی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

تقریبا هفده ساله بودم که با ترک دبیرستان وارد حوزه علمیه قم شدم دروس مقدماتی را ابتدا در مدرسه آیه الله گلپایگانی و سپس در مدرسه حقانی و بالاخره در مدرسه رسالت تا پایان لمعتین فرا گرفتم رسایل را نزد آقای اعتمادی و کفایه و مکاسب را نزد آقای ستوده و مقداری نیز آقای دوز دوزانی به پایان بردم.حلقات اصول الفقه، شهید صدر، به اضافه بخشهایی از شرح نهج البلاغه (جلد اول ۱۳و ۱۴) و بحار الانوار(کتاب العشره) را به عنوان متون عربی نزد شاگرد آن مرحوم، استاد سید مهدی نبوی- دام ظله- آموختم.از دروس خارج، قسمتهایی از فقه و اصول را در محضر حضرات آیات، فاضل، وحید و روحانی، میرزا جواد آقا تبریزی...حاضر شدم اما بیشترین استفاده را که سالها به طول انجامید از درس فقه و اصول آیه الله کوکبی داشته ام، شاید یک دوره کامل از درس اصول ایشان را درک کرده باشم.

آثار علمی :

کتاب علمی مشاهدات امیر مؤمنان (ع) در ۲ جلد توسط نشر الهادی در سال ۷۳ به چاپ رسید، کتاب علمی خاطرات امیر مؤمنان(ع) در واقع همان کتاب قبلی است که با اضافات و تغییراتی در یک مجلد توسط دفتر تبلیغات (بوستان کتاب) چاپ شد که امسال پنجمین چاپ آن منتشر شد.

کتاب علمی خاطرات امام صادق(ع) که در آستانه چاپ است.کتاب دیگر که در واقع رساله دکترا با عنوان، پدیدهٔ حصر مذاهب اربعه ی زیر نظر دانشگاه فردوسی مشهد، واحد فقه و حقوق در حال تکمیل و آماده دفاع می باشد.در سال ۷۸ به فعالیت در بخش های آموزشی پژوهشی دانشگاه دعوت شدم اما به دلیل این که ملبّس نبودم نتوانستم از مدارک رسمی حوزه که منوط به پوشیدن لباس بود، استفاده کنم. از این رو برای تهیه مدارک لازم از طریق خبرگان بدون مدرک وزارت علوم، ابتدا در سطح مربی شرکت کرده پذیرفته شدم و با این مدرک عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی قم شدم. و پس از گذشت ۳ سال مجددا در امتحانات تخصصی خبرگان، در مرتبه استاد یاری قبول شدم. و در حال حاضر بیش از یکسال است که در حال نوشتن پایان نامه فوق الذکر هستم.

خراسانی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلف.

تولد: ۱۲۸۷، مشهد.

درگذشت: ۲۹ خرداد ۱۳۶۴.

هادی خراسانی، فرزند محمد حاج میرزا حبیب‌الله خراسانی، پس از انجام تحصیلات مقدماتی در مشهد در چهارده سالگی عازم بیروت گردید و در کالج آمریکایی آنجا مدت پنج سال به ادامه‌ی تحصیل پرداخت و در نوزده سالگی به فرانسه مسافرت نمود. وارد دانشگاه پاریس گردید و دوره‌ی لیسانس و سپس دوره‌ی دکترای حقوق و اقتصاد و علوم سیاسی را طی نمود. در سال ۱۳۱۶ به ایران مراجعت و پس از انجام خدمت نظام وظیفه در سال ۱۳۱۸ در وزارت دارایی مشغول به کار شد. در سال ۱۳۲۷ به سازمان برنامه منتقل و بعدها به سمت رییس اقتصادی بانک اعتبارات صنعتی سازمان برنامه انجام وظیفه نمود.
آثار وی به این شرح است: پرسش و پاسخ از کتاب دانش (ترجمه از انگلیسی با همکاری احمد بیرشک، تهران، ۱۳۳۵)؛ پیدایش و تحول دمکراسی در آمریکا (تهران، ۱۳۲۷ با مقدمه‌ی دکتر قاسم‌زاده)؛ من خیانت را انتخاب کردم (تهران، ۱۳۲۸).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خلج اسعدی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۰ خرداد ۱۳۳۱، تهران.

درگذشت: ۱۲ مهر ۱۳۷۵، تهران.

مرتضی خلج اسعدی، فرزند حسین، پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در تهران به سال ۱۳۴۹ در رشته‌ی ریاضی موفق به اخذ دیپلم شد. در مهر همان سال در رشته‌ی اقتصاد بین‌الملل مدرسه‌ی عالی بزرگانی تهران پذیرفته شد. پس از اخذ کارشناسی در رشته‌ی روابط بین‌الملل مرکز عالی مطالعات بین‌الملل دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران نیز موفق به اخذ کارشناسی ارشد شد. رساله‌ی فارغ‌التحصیلی وی تحت عنوان «بررسی روابط بازرگانی ایران با کشورهای عرب خاورمیانه در دهه ۱۳۴۴ الی ۱۳۵۴» بعدها به صورت کتاب به چاپ رسید.
وی در سال‌های تحصیل دوره‌ی کارشناسی ارشد خود با گروه سیاست و حکومت در خاورمیانه همکاری داشت، کتاب مجموعه‌ها (۱۳۵۵) نخستین کتابی بود که از وی منتشر شد. فعالیت‌های وی در زمینه‌ی تحقیق و ترجمه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی نیز ادامه داشت. از سال ۱۳۵۹ همکاری خود را با کمیته‌ی تألیف و ترجمه‌ی ستاد انقلاب فرهنگی (که بعدها به مرکز نشر دانشگاهی تبدیل شد) برای تألیف و تدوین دائرةالمعارفی در معرفی کشورهای مسلمان آغاز کرد. این همکاری از سال ۱۳۶۲ به صورت

مختلف دائرهٔالمعارف جهان اسلام در بسیاری از زمینه‌های دیگر، همچون مقاله نویسی و ویرایش در «نشر دانش» نیز فعالیت داشت. علاوه بر «نشر دانش»، ایشان مقاله‌هایی در «کیهان فرهنگی»، «نامه‌ی فرهنگ»، «حکمت»، «جانب غربی»، «معارف اسلامی»، «نگاه نو» و «کلک» نیز داشته است. وی از همان ابتدای تأسیس دائرهٔالمعارف تشیع و دانشنامه‌ی جهان اسلام از نزدیک و فعالانه به تألیف و ترجمه بسیاری برای این دو دائرهٔالمعارف اشتغال داشت.

در سال ۱۳۷۰ یک سال به صورت حضوری با سمت ویراستار نشریه‌ی دانشنامه‌ی جهان اسلام تحت عنوان «تحقیقات اسلامی» همکاری کرد. پس از پذیرفته شدن در دوره‌ی دکتری در رشته‌ی تاریخ و تمدن ملل مسلمان دانشکده‌ی الهیات و معارف دانشگاه تهران از مهر ۱۳۶۸ تدریس در دانشگاه تهران را نیز آغاز کرد. در سال ۱۳۹۶ موفق به عضویت در هیئت علمی دانشگاه تهران شد و دو سال بعد در سال ۱۳۷۱ دکترای خود را در رشته‌ی تاریخ تمدن ملل اسلامی از این دانشگاه دریافت کرد. از آثار اوست: گذر به سوسیالیسم (پل سوئیزی و شارل بتلهایم، تهران)؛ رودزیا (مارتین لونی، ۱۳۵۶)؛ دولت حاکم، آی. تی. تی. (آنتونی سمپسون، ۱۳۵۸)؛ سوسیالیسم در شیلی (رژی دبره، ۱۳۵۸)؛ انقلاب اسلامی در ایران (حامد الگار، با همکاری حسن چیذری، ۱۳۶۰)؛ تروریسم مقدس اسرائیل (لیویا روکاچ، ۱۳۵۶)؛ دایرهٔالمعارف جهان اسلام (جلد اول، ۱۳۶۶، جلد دوم، ۱۳۶۹)؛ بیت المقدس (۱۳۶۷)؛ افغانستان (ماری کلیفورد، ۱۳۶۸)؛ آرمان‌ها و واقعیت‌ها (عبدالسلام، با همکاری دکتر نفری، ۱۳۶۹)؛ فلسفه‌ی سیاسی (آنتونی کوئینتن، ۱۳۷۱)؛ ایران شناسی در اروپا و ژاپن (رودکی متی، نیکی کدی، ۱۳۷۱)؛ جوان مسلمان و دنیای متجدد (دکتر سید حسین نصر، ۱۳۷۴)؛ ایران، اسلام، تجدد (مجموعه مقالات تحقیقی)؛ جنگ‌های صلیبی و آغاز مطالعات اسلام شناسی (رساله‌ی دکتری)؛ اتم‌ها و مولکول‌ها (ترجمه) پیروزی بر سرطان (اثر گرک اندرسن). دایرهٔالمعارف جهان اسلام یک بار در سال ۱۳۷۰ و بار دیگر در سال ۱۳۷۳ به ترتیب به عنوان کتاب سال دانشگاهی و کتاب برگزیده‌ی سیاسی از سوی شورای عالی انتشارات دانشگاه تهران در بخش ترجمه، تحت عنوان کتاب ممتاز برگزیده شد. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی نیز در مرداد ۱۳۷۵ مراسمی به پاس قدردانی از فعالیت‌های فرهنگی وی برگزار کرده است.

دکتر مرتضی خلج اسعدی پس از تحمل بیش از یک سال بیماری سرطان معده در بیمارستان سجاد درگذشت. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خلخالی، باقر، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۶ ق)، عالم، قاضی و شاعر. در خلخال متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. از شاگردان ملاعلی زنجانی صاحب «معدن‌الاسرار» فارسی بود و مدتی در خلخال قضاوت نمود. طبع شعری روانی داشت و به دو زبان فارسی و ترکی شعر نغز می‌سرود. از آثارش: «کتاب الثعلبیه» به زبان ترکی که بارها در تبریز و استانبول چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۷/۵)، ریحانه (۱۵۶، ۱۵۵ /۲).

خلفی، مسلم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسلم خلفی

محل تولد : الیگودرز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۷/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در زادگاه خود (روستای خمر سفلی از توابع الیگودرز) به پایان رسانده و برای ادامه تحصیل در مقطع متوسطه به شهرستان ازنا رفت. در سال ۱۳۶۲ به حوزه علمیه امام صادق (ع) شهرستان ازنا وارد و همزمان چهارسال دوره متوسطه را به صورت متفرقه و غیر حضوری در رشته ادبیات گذرانده و در سال ۱۳۶۸ موفق به اخذ دیپلم گردیده. در این مدت دروس مقدماتی حوزه علمیه مانند جامع المقدمات، سیوطی، معالم، مغنی، مختصر، حاشیه، منطق، مظفر، و نیز لمعه جلد اول را در محضر استاد مرحوم حجهٔ الاسلام والمسلمین وحیدی میان آبادی (ره) به اتمام رساند و پس از آن برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم عزیمت نمودم.

همزمان با عزیمت به قم در دانشگاه علامه طباطبایی در رشته ادبیات عرب پذیرفته شده ولی از تحصیل در آن دانشگاه انصراف دادم. طی سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۷۰ باقی کتب دوره سطح را به اتمام رسانده و در سال ۱۳۷۰ شروع به درس خارج فقه و اصول نمودم. همزمان در درس تفسیر قرآن آیهٔالله جوادی آملی شرکت می نمودم. در درس خارج از محضر اساتیدی چون موسوی اردبیلی (۲سال)، فاضل لنکرانی (۵سال)، جوادی آملی (۶ سال)، یوسف صانعی (یک سال)، بهجت (یک سال)، وحید خراسانی (یک سال)، ابواب متعددی از فقه و اصول را به اتمام رسانده و پس از حضور مستمر حدود ۱۵ سال در درس خارج فقه و اصول به تحقیقات فردی پرداخته که این پژوهش همچنان ادامه دارد.

همزمان با ادامه تحصیل در درس خارج فقه و اصول حوزه در سال ۱۳۷۱ از طریق کنکور سراسری سازمان سنجش و آموزش کل کشور در رشته حقوق پذیرفته و وارد دانشگاه مفید شدم. ازسال ۱۳۸۲ به عنوان معاون پژوهشی دفتر تحقیقاتی یاسین فعالیت نمود که حاصل آن تولید نرم افزارهایی چون: ضحی، نبأ، دایرۀالمعارف احکام (طوبی)، صبا (آموزش قرآن برای کودکان)، طاها (زندگی چهارده معصوم علیهم السلام)، کریمه (زندگی حضرت معصومه سلام الله علیها) دبستان قرآن و ....بود. در سال ۱۳۸۲ با دانشگاه مفید به عنوان پزوهشگر حقوق همکاری نمودم که حاصل آن طرح (شبیه سازی انسان در پرتو فقه وحقوق) بود. در حال حاضر در رشته حقوق بین الملل در مقطع دکتری به تحصیل خود ادامه می دهد.

خواجه بمی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین خواجه بمی

محل تولد : بم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد حسین خواجه بمی در سال ۱۳۴۷هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بم دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه بم گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. از سوی دیگر به شوق زیارت، هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و ادمه تحصیل در قم رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۰ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله فاضل، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه و حقوق در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۱از دانشگاه آزاد جیرفت فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"احکام مربوط به گناه "دفاع کرد.

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون به تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه علوم پزشکی کرمان مشغول می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل" چگونگی ظهور الهی "و "ایمان عملی " را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

خواجه نوری، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۹ ش)، روزنامه‌نگار و حقوقدان. تحصیلات مقدماتی خویش را در تهران و مدرسه‌ی سن‌لویی فراگرفت. در فرانسه و بلژیک در رشته‌های پست و تلگراف و اقتصاد و حقوق اداری تحصیل کرد و به ایران بازگشت و عهده‌دار مشاغل مختلف دولتی شد. وی مدیر روزنامه‌ی «جوانان» بود که بیش از یک ماه انتشار نیافت. او همچنین مدیریت روزنامه‌ی «ندای عدالت» را نیز بر عهده داشت. خواجه نوری از نخستین کسانی است که برای شناساندن روانشناسی جدید و روانکاوی به فارسی زبانان کوشید. آثار وی: «روانکاوی یا طریقه سهل برای شناختن احساسات مخفی خود و دیگران»، که نخستین اثر در این زمینه است؛ «سیمای شجاعان»؛ «اهمیت و ضرورت رهبر و مدیر برای آینده‌ی ایران»، فارسی و انگلیسی؛ «بازیگران عصر طلایی»؛ «چهره‌های درخشان تاریخ»؛ «محمد علی فروغی مشهودات گفتنی»؛ «عقاید لله آقا یا مکاتیب هفتگی».[۱]

نویسنده و روانشناس، روزنامه‌نگار و رجل سیاسی، در ۱۲۷۵ در تهران متولد شد. پدرش حبیب‌اللّه لشکرنویس و برادرش میرزا

ابوتراب خان نظم‌الدوله بود. پس از انجام تحصیلات ابتدائی وارد مدرسه‌ی سن‌لوئی شد و دوره‌ی مدرسه‌ی مزبور را پایان داد و زبان فرانسه را یاد گرفت و به استخدام در وزارت پست و تلگراف درآمد. ضمناً با مطبوعات همکاری نزدیک داشت. در ۱۳۰۱ امتیاز نشریه‌ی نامه‌ی جوانان را گرفت و یک شماره آن را انتشار داد ولی انتشار همان شماره سر و صدای زیادی بلند کرد و مردم از وی به دادگستری شکایت بردند زیرا در آن روزنامه از کشف حجاب و آزادی زنان مطالب و اشعاری مندرج شده بود. دادگستری، خواجه نوری را به شش ماه حبس محکوم نمود و از ادامه‌ی انتشار روزنامه جلوگیری کرد. در ۱۳۰۲ از طرف وزارت پست و تلگراف برای تحصیل به اروپا اعزام شد و چند سالی در رشته‌ی تلگراف تحصیل نمود. پس از بازگشت به ایران، مدیر دایره‌ی کارآموزی و نشریات وزارت پست و تلگراف شد و چندی در آن سمت باقی ماند. مجدداً برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و در دانشگاه بروکسل جامعه‌شناسی و حقوق خواند. پس از بازگشت، حرفه‌ی وکالت دادگستری پیشه گرفت و ضمناً به عضویت انجمن شهر تهران برگزیده شد و مرتباً در مطبوعات تهران مقالاتی در زمینه‌های اجتماعی می‌نوشت.

پس از شهریور ۱۳۲۰ امتیاز روزنامه‌ی عدالت را گرفت و چندی آن را انتشار می‌داد تا اینکه با کمک عده‌ای از دوستان، مبادرت به تشکیل حزب عدالت نمودند. علی دشتی، جمال امامی و خواجه نوری از مؤسسین حزب مزبور بودند. خواجه نوری روزنامه‌ی عدالت را تبدیل به ندای عدالت نمود و روزنامه‌ی مزبور ارگان حزب ملی‌گرای عدالت شد و سردبیران آن دکتر جعفر جهان و دکتر احمد هومن بودند.

حزب عدالت در صحنه‌ی سیاسی آن روز به علت عضویت عده‌ی زیادی از نمایندگان مجلس، قدرت فوق‌العاده‌ای پیدا کرد و مرتباً پشت سر هم چند کابینه را سر کار آورد. در تبلیغات منصوب شد، سپس معاونت نخست‌وزیری هم ضمیمه‌ی کار او گردید. در کابینه‌های ساعد، بیات، و صدر نیز همان سمت را داشت. در ۱۳۲۵ مجدداً در کابینه‌ی احمد قوام، به معاونت نخست‌وزیری و ریاست اداره کل تبلیغات منصوب شد. در ۱۳۲۷ برای بار سوم در نخست‌وزیری ساعد، آن سمت را احراز نمود. در انتخابات مجلس سنا که در سال ۱۳۲۸ در ایران برای اولین بار انجام گرفت کاندیدای سناتوری شد. در انتخابات دور اول جزء ۷۵ نفر بود و در دوره‌ی دوم در زمره‌ی ۱۵ سناتور انتخابی تهران قرار گرفت و پس از افتتاح مجلس از سناتورهای پرکار و پرنطق بود و تقریباً جزء چند سناتوری بود که مجلس را می‌گرداندند.

در دوران نخست‌وزیری مصدق، از مخالفین بود. پس از وقایع ۳۰ تیر نیز به دولت رأی نداد و در مسئله‌ی نفت و راه‌حل آن در مجلس سنا نطق‌های مفصلی ایراد نمود. پس از انحلال مجلس سنا، از طرف مصدق به اروپا رفت و پس از بازگشت با سرلشکر زاهدی فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد تا اینکه در نیمه‌ی دوم ۱۳۳۲ در دوره‌ی دوم مجلس سنا مجدداً به سناتوری رسید. و در مجلس پیرامون تمام لوایح دولت به بحث و انتقاد می‌پرداخت و از ابراز عقیده خودداری نمی‌نمود. در حکومت اقبال، به هنگام طرح لایحه‌ی ساواک، محکم ایستاد و چندین جلسه در مضار این سازمان سخن گفت و دولت را از تشکیل چنین سازمانی برحذر داشت ولی همین نطق باعث شد او را کنار بگذارند و دیگر کاری به او واگذار نشود.

خواجه نوری نویسنده‌ای توانا و محققی پرتوان بود. در کنار مشاغل سیاسی خود، دست از تألیفات و ترجمه برنداشت. بیشتر شهرت و معروفیت او بر اساس انتشار جزوات بازیگران عصر طلائی شد. او مدعی گردیده بود کلیه‌ی کسانی که در دوران رضاشاه مصدر شغلی بوده‌اند، شرح حالشان انتشار خواهد یافت. او توانست چند نفری را که عبارت بودند از آیرم، تیمورتاش، امیر خسروی، طهماسبی، دبیراعظم بهرامی، مدرس، داور، سپهبد امیراحمدی، علی سهیلی، علی دشتی، علی وکیلی را انتشار دهد و بقیه متوقف شد. ولی مهمتر از همه شرح حال سربازیگر عصر طلائی بود که در آن تاریخ همه تشنه‌ی خواندن آن سرگذشت بودند. آگهی‌های مکرر در این زمینه انتشار می‌یافت ولی هیچ موقع به چاپ نرسید. یکی از نزدیکان خواجه نوری که به قول او اعتماد کامل دارم، برای نگارنده حکایت کرد که روزی محمدرضا شاه، خواجه نوری را احضار می‌کند و می‌گوید چون نوشته‌های شما بسیار جالب

است، قبل از انتشار سربازیگر عصر طلائی نوشته‌ی خودتان را بدهید من بخوانم. خواجه نوری هم امتثال امر می‌کند و نوشته را به شاه می‌دهد. پس از مدتی برای او پیغام می‌فرستد فعلاً موقع انتشار این مطالب نیست. این نوشته نزد من امانت خواهد بود تا در موقع لازم برای چاپ در اختیار بگذارم.

غیر از جزوات بازیگران عصر طلائی که هنوز تجدید چاپ می‌شود، آثار دیگری دارد مانند محبوس باغ فردوس، مشهودات گفتنی در دو جلد، اولین برخورد، روانکاوی و کتاب سیمای شجاعان نوشته‌ی کندی رئیس‌جمهور پیشین آمریکا از ترجمه‌های اوست. در کار نمایشنامه‌نویسی هم دستی داشت. نمایشنامه‌ی عظمت ایران و نمایشنامه‌ی یک ایرانی در مقابل زن به زبان فرانسه از کارهای خواجه نوری می‌باشد. هزار سؤال بجا و هزار سؤال بیجا و یادداشت‌های لله‌آقا از دیگر آثار اوست. گاهی بر حسب تفنن شعر هم می‌سرود. وی در روانشناسی و روانکاوی هم دستی داشت. در ۱۳۷۰ درگذشت.

محقق.

تولد: اسفند ۱۲۷۹، شیراز.

درگذشت: فروردین ۱۳۷۰.

ابراهیم خواجه‌نوری چون پدرش را در یک سالگی از دست داد زیر نظر برادر بزرگش ابوتراب نظم‌الدوله تربیت شد. تحصیلات مقدماتی را در تهران آموخت. در روزگار جوانی روزنامه‌ی «نامه جوان» را منتشر کرد ولی پس از چاپ اولین شماره به زندان افتاد و چهار ماه زندانی بود و اتفاقا همان وقت بود که میرزاده‌ی عشقی هم محبوس بود.

پس از آن به اروپا رفت ومدت هشت سال در بروکسل درس خواند و در حقوق و علوم اداری دیپلم گرفت و پس از بازگشت به ایران ابتدا مدیر مدرسه‌ی عالی پست و تلگراف شد و سپس به وکالت دعاوی مشغول گردید.

پس از شهریور ۱۳۲۰ وارد سیاست شد. یکی از تأسیس کنندگان حزب عدالت بود. روزنامه‌ی این حزب نامش «ندای عدالت» بود و خواجه نوری صاحب امتیاز و یکی از نویسندگان آن بود. این روزنامه به مدت یک سال و نیم منتشر شد. (۴۰۸ شماره در تهران، پنج بار در هفته، ۱۳۲۴ -۱۳۲۳). در همین دوران نگارش بازیگران عصر طلایی را شروع کرد. جزوه‌هایی بود در شرح حال معروف‌ترین رجال سیاسی دوره احمدشاه قاجار و رضاخان. وی چندی معاون نخست وزیر (در چهار دولت) بود و سپس سناتور شد. ظاهرا چون با لایحه‌ی تشکیل سازمان امنیت مخالفت کرده بود، پس از دوره‌ی اول دیگر انتخاب نشد. به رشته‌ی روان شناسی و مباحث اجتماعی مخصوصا روانکاری دل بستگی داشت. وی چندین کمیته و شورا عضویت داشت.

از تألیفات اوست: اولین برخورد (۱۳۳۹)؛ بازیگران طلایی (۱۳۲۲)؛ چرا انگلستان خفته بود (ترجمه از کتاب جان اف. کندی، ۱۳۴۵)؛ رموز روانی مدیریت (۱۳۴۷)، روانکاوی (۱۳۳۶)؛ سیمای شجاعان (ترجمه از جان اف. کندی، ۱۳۴۰)؛ شگفتی‌های جهان درون (۱۳۴۶)؛ عقاید لله‌آقا؛ مردان خود ساخته؛ مکتوب (۱۳۳۴)؛ زندانی باغ فردوس.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین ایران (۳۱۷)، شخصیتهای نامی (۱۸۵ -۱۸۴)، مولفین کتب چاپی (۵۶ -۵۴ /۱).

خویی، ابوعبداللّه، شهاب‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۹۳ -۶۲۶ ق)، فقیه شافعی و قاضی. وی در دمشق به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت. وی متولی قضاوت در قدس، سپس در

حلب و مصر بود. از جمله آثار وی: «اقالیم التعالیم»؛ «الجبرو المقابله»؛ «البیان»؛ «العروض».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۹/۶)، روضات الجنات (۷۸ -۷۷ /۸)، لغت نامه (ذیل/ ابن‌خویی)، معجم المولفین (۲۵۸/۸).

خویی، شمس‌الدین، ابوالعباس احمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۳۹/۶۳۷ -۵۸۳ ق)، قاضی و فقیه شافعی. معروف به قاضی‌القضاه خویی. از مشاهیر حکما و فقهای شافعی مذهب بود که در آذربایجان تولد یافت. علوم عقلی را نزد فخرالدین رازی فراگرفت و دیگر استادانش علی طوسی، ابن الزبیدی و ابن الصلاح بودند. در زمان الملک معظم عیسی به شام سفر کرد و در دمشق اقامت گزید و به منصب قاضی‌القضاتی آنجا رسید. وی در علوم شرعی و حکمی دست داشت و به اصول طب و علوم دیگر نیز آشنا بود و در مدرسه‌ی عادلیه، مجلس درس فقه داشت. در دمشق درگذشت. از آثار وی: تکمیل تفسیر کبیر «مفاتیح الغیب» استادش فخر رازی که موفق نشده بود آنرا به پایان رساند؛ «ینابیع العلوم»؛ شرح «الارشاد» محمد عمیدی، در علم خلاف و جدل؛ مختصر «النفائس» محمد عمیدی، در جدول به نام «عرائس النفائس»؛ کتابی در «نحو»؛ کتابی در «عروض». خویی منظوماتی نیز داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۵۸۸/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۳۶/۳)، ریحانه (۱۹۵/۲)، سیرالنبلاء (۶۵ -۶۴ /۲۳)، کشف الظنون (۲۰۵۱، ۱۹۶۶، ۱۱۱۳، ۹۱۸، ۶۹)، الکنی و الالقاب (۲۲۲ -۲۲۱ /۲)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم المولفین (۲۱۶/۱)، الوافی بالوفیات (۳۷۶ -۳۷۵ /۶)، هدیه الاحباب (۱۳۳)، هدیه العارفین (۹۳ -۹۲ /۱).

دادبان، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق خصوصی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دادمرزی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی دادمرزی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۴ در رشته ریاضی فیزیک از دبیرستان خوارزمی (شهید مفتح) تهران دیپلم گرفتم . همان سال به طوررسمی وارد حوزه علمیه مجتهدی شدم . همزمان در همان سال در رشته علوم انسانی در کنکور سراسری شرکت کردم و در مقطع کارشناسی رشته حقوق دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شدم . در سال ۱۳۶۸ فارغ التحصیل شدم و در همان سال در رشته حقوق خصوصی دانشگاه تهران در مقطع ارشد قبول شدم ؛ در سال ۷۰ با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان حکمیت در دعاوی خانوادگی مدرک ارشد خود را اخذ نمودم . در همان سال در کنکور اعزام به خارج برای مقطع دکتری قبول شدم . در سال ۶۹ جهت تکمیل دروس حوزوی به قم مهاجرت کردم و در حوزه مشغول اتمام دوره سطح شدم و عمدتا این مقطع را در محضر دروس مرحوم آیت الله شمس شاگردی نمودم .

از سال ۱۳۷۲ وارد درس خارج فقه و اصول شدم که به لطف حق همچنان در این مقطع به تحصیل اشتغال دارم . همکاری خود را با دانشگاه قم از سال ۷۰ - ۶۹ شروع نمودم و در هر حال حاضر عضو هیات علمی رسمی قطعی آن دانشگاه و مامور به تحصیل در مقطع دکتری رششته حقوق خصوصی هستم. پیش از این نیز مدیر گروه حقوق خصوصی دانشگاه قم بوده ام. در طول اقامت در قم با جامعهٔ الزهراء (س) ، دفتر تبلیغات واحد خواهران ، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان ، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) ، مرکز جهانی علوم اسلامی ، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه ، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و دانشگاه آزاد نراق همکاری و عمدتا تدریس داشته ام . در حال حاضر تنها در دانشگاه قم تدریس می نمایم و با واحد خواهران حوزه علمیه قم جهت نگارش چند جلد کتاب و نیز با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه برای نگارش کتاب همکاری دارم. درسال ۱۳۷۲ نیز دوره کار آموزی وکالت دادگستری خود را در تهران به هدف آشنایی با دانش حقوق در عرصه محاکم به پایان رساندم و لذا با پایان یافتن دوره کار آموزی و علی رغم این که محل دفتر وکالت اینجانب از سوی کانون وکلای مرکز، شهر تهران معین شده بود عملاـ به جهت تحصیلات حوزوی از اشتغال به این حرفه منصرف شدم .

حوزه پژوهش های اینجانب فقه ، اصول ، حقوق قراردادها و حقوق خانواده می باشد . به زبان های عربی و انگلیسی نیز تسلط و آشنایی دارم . موضوع رساله سطح چهار این جانب شروط خلاف کتاب و سنت درعقد نکاح دائم است .عنوان رساله دکتری من نیز نظریه ریاست بر خانواده در روابط زوجین می باشد.

دارا بکلایی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل دارابکلائی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۱برای شروع تحصیل علوم حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم تا ۱۳۵۰ مقدمات، سطوح متوسط و سطوح عالی را با موفقیت به اتمام رساندم از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۲ در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام: مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری(ره) و مرحوم حاج میرزا هاشم اصلی(ره) و آیت الله العظمی وحید خراسانی دامت برکاته شرکت داشتم. به موازات ادامه تحصیل هر کتابی را که به اتمام می رساندم به تدریس آن به صورت خصوصی و عمومی در حوزه علمیه می پرداختم. در سال ۱۳۵۲ همزمان با ادامه دروس خارج فقه و اصول در نخستین برنامه هفت ساله آموزشی- پژوهشی موسسه در راه حق- که اینک به موسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی تغییر نام یافت- زیر نظر آیات: مصباح یزدی، مظاهری، خرازی، استادی و دکتر احمدی دامت برکاتهم، شرکت کردم از سال ۱۳۶۱ همزمان با بازگشایی دانشگاههای کشور برای تدریس دروس معارف، توسط آیت الله مصباح و دکتر احمدی به دانشگاهها معرفی شدم و در نخستین ترم در دانشگاه اصفهان و از آن به بعد در دانشگاه شهید بهشتی به تدریس دروس اشتغال داشتم که هنوز هم ادامه دارد از سال ۱۳۶۵ با دعوت آیت الله میرمحمدی، ریاست وقت دانشکده الهیات- به دانشکده الهیات راه یافتم و تا سال ۱۳۷۸ دروس مختلف: فقه، اصول، کلام، تفسیر، منطق، فقه الحدیث، احادیث فقهی، تاریخ حدیث، درایه، حقوق خانواده، مبادی فقه و اصول، متون فقهی، تفسیری و ... تدریس کردم. در تابستان سالهای ۷۵ الی۸۳ برای تدریس دروس فلسفه حقوق، فلسفه سیاست و ... از سوی استاد مصباح به " طرح ولایت "دعوت شدم و دروس یاد شده و غیر آنها را تدریس کردم. چند ترم نیز در موسسه در راه حق و موسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی و دانشکده سپاه قم- به تدریس فلسفه حقوق، مبانی حقوقی، فلسفه سیاست، حقوق و سیاست در قرآن و ... اشتغال داشتم. از سال ۱۳۷۸ تا کنون در دانشگاه شاهد نیز به تدریس دروس معارف، متون، تفسیر، منطق و ... اشتغال دارم. از سال ۱۳۶۱ همزمان با تدریس در دانشگاه در دفترهمکاری حوزه و دانشگاه- که اخیرا به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تغییر نام یافت- به مدت ۲۰ سال به کارهای تحقیقاتی اشتغال داشتم، حاصل آن تالیف تعدادی کتاب و تعدادی مقالات و جزوات سمیناری و تحقیقاتی می باشد که در بخش سوابق پژوهشی آمده است. در سال ۱۳۷۵ با گذراندن امتحانات عمومی و تخصصی و مصاحبه علمی و دفاع از رساله به اخذ مدرک دکتری در حد استادیاری از وزارت علوم واحد خبرگان بدون مدرک موفق شدم و از سال ۱۳۷۷ عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه شهید بهشتی شدم. اوائل انقلاب، اوج فعالیتهای منافقین در لاهیجان و سیاهکل با دعوت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای قربانی- امام جمعه وقت لاهیجان- به لاهیجان رفتم و حدود ۶ ماه در مدارس مختلف منطقه برای پاسخگوئی به سوالات: اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و ... حضور داشتم در این برنامه بسیاری از گروهکها و منافقین شرکت می کردند که با موفقیت خوبی به پایان رسید. در سال ۶۱-۶۰ در آموزش ضمن خدمت به تدریس عقائد، ولایت فقیه، اقتصاد و... اشتغال داشتم. بطور کلی حقیر در حدود نیم قرن به تحصیل، تدریس، تحقیق، تالیف و پژوهشی، تبلیغ و ارشاد اشتغال داشتم. آخرین عنوان علمی حقیر عبارت است از : اجتهاد حوزوی و دکترای دانشگاهی در فقه و اصول و مبانی حقوق.

دارا، جلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلیل دارا

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای جلیل دارا در سال ۱۳۵۷هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملاـ آگاه به مسائل مذهبی در یزد دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۷۶ وارد دانشگاه امام صادق(ع) تهران گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. از نخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت واز محضر درس اساتیدی همچون آیت الله مصباحی مقدم، آیت الله زنجانی، آیت الله علیدوست و دیگر اساتید آن دانشگاه بهره ها برد.
وی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق علیه السلام و در مقطع دکترا رشته علوم سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس فارغ التحصیل شد، با موفقیت از پایان نامه خویش دفاع کرد و سالهای متمادی است که در دانشگاه آزاد واحد مرکزی تهران، دانشگاه شهید بهشتی و وزارت کشور به تدریس مشغول می باشد.وی درطول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و مقالاتی از قبیل" دمکراسی جدید "و "مشارکت سیاسی در اسلام " را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

داراب پور، مهراب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مهراب داراب پور در سال ۱۳۳۸ در دستجه استان فارس متولد شد. دکتر مهراب داراب پور دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی است.او مدرک دکترای رشته حقوق تجارت بین الملل را از دانشگاه ردینگ انگلستان اخذ کرده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق تجارت بین الملل

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهراب داراب پور دوره دبستان را در دبستان محمدی (ره) گذراند. دوران دبیرستان را در مدرسه فردوسی و حکمت و سپس ذوالقدر با اخذ دیپلم تجربی (طبیعی) طی کرد. در سال ۱۳۵۶، با انتخاب رشته حقوق برای ادامه تحصیل به تهران آمد. دروس دانشگاهی و حوزوی را همزمان خواند. در کلاس درس حقوق حق و ناحق بر استادان ایراد می‌گرفت. هیچ چیز را قطعی و مسلم نمی‌دانست و برای هر مشکلی راه فراری می‌دید. استادان بزرگ معمولاًـ بالاترین نمره را به شجاعت در اظهارنظرهای غلط و مخالف او می‌دادند و همین اقدام استادان، وی را در اظهار نظر و عرض اندام جسور کرده بود. در دو سال آخر تحصیل حقوق هیچ نمره ای کمتر از عالی (الف) نداشت. پس از پایان تحصیل دوره کارشناسی، به تحصیلات حوزوی خود ادامه داد و در عین حال در دادگستری نیز به عنوان قاضی مشغول به کار گردید و پس از چندین سال دریافت که

جای وی، آنجا نیست. علیرغم پذیرش برای تحصیل کارشناسی ارشد در دو دانشگاه معتبر تهران به صلاحدید حضرت آیت الله العظمی صانعی و مساعدت استادان خیراندیش و بزرگ خود جهت ادامه تحصیل عازم خارج از کشور شد. او برای کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه منچستر در انگلستان را انتخاب کرد.رساله فوق لیسانس خود را در مورد «حقوق حقیقی فروشنده بدون مراجعه به دادگاه» در ۳۰۰ صفحه به رشته تحریر درآورد که مورد تحسین استادان قرار گرفت. سپس به دوران دکترای خود به راهنمایی پرفسور تونی انتونی دونز بدواً در دورهام (Durham) و سپس در ردینگ (Reading) انگلستان ادامه داد و تحقیقات دامنه داری در مورد حقوق تجارت بین الملل و قراردادها و بیع بین الملل انجام داد و یک سال زودتر از حد معمول از رساله خود در مقابل استادان بزرگ حقوق انگلستان نظیر پروفسور Guest دفاع کرد. نوشته ها، دفاعیات، سرعت در تحقیق، ثمربخش بودن مطالعات و نحوه موفقیت وی در تحصیل، موجب پیشنهاد تدریس و همکاری در امور وکالتی در انگلستان با مزایای فراوان به وی شد که از نظر مادی چشمگیر بود. با وجود این، او با رد این پیشنهادات، با شتاب به ایران آمد. ریاست محترم دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی مجدداً جهت تکمیل زبان فرانسه وی را به شهرهای ویشی و تور فرانسه فرستاد که مدتی در آنجا تحصیل نمود. خلاصه ای ازتحصیلات زبان های خارجی ایشان به قرار زیر است: ۱- زبان عربی از سال ۱۳۵۷ در ایران ۲- زبان انگلیسی از سال ۱۳۵۹ در ایران – انگلستان ۳- زبان فرانسه از سال ۱۳۶۸ در انگلستان – فرانسه

خاطرات و وقایع تحصیل : هفته ای نبود که در دبستان به خاطر دسته گلهای آب داده شده به پای میز مواخذه اش نکشانند ولی کمتر تن به مجازات در می‌داد و راه فراری را می‌جست. محبوبیت او در میان دوستانی که به جای وی مجازات می‌شدند هنوز به قوت خود باقی است و بر آن افزوده می‌شود.

وقایع میانسالی : مهراب داراب پور پس از بازگشت به ایران به عنوان استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی مشغول تدریس شد. ایشان به موازات تدریس، ارائه مشاوره حقوقی به صورت محدود به نهادهای دولتی را نیز در سوابق خود دارد. در دعاوی بین المللی به عنوان وکیل به تهیه لوایح و دفاع از حقوق ایران پرداخت که در همه موارد ارجاعی، با لطف حق، موفقیت کامل کسب نمود. عضویت وی در کانون وکلای دادگستری مرکز باعث شد تا در امور وکالتی نیز فعالیت کند و وکالتهای معاضدتی و تسخیری، بدون ارجاع، قابل توجهی را نیز انجام داده ومی دهد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عضویت در مجامع علمی و مؤسسات مهراب داراب پور به ترتیب زیر است: ۱۳۵۹ – ۱۳۶۴ قاضی دادگستری جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۴ تا کنون : مشاور حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی ریاست جمهوری ۱۳۷۲ تا کنون : عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۲- ۱۳۷۵ : مشاور حقوقی بنیاد مستضعفان ۱۳۷۲- ۱۳۷۵ : وکیل پرونده های خارجی بنیاد مستضعفان ۱۳۷۲ تا کنون : عضویت در انجمن داوری ایران – عضو مؤسس ۱۳۷۳- ۱۳۷۶ : مشاور حقوقی وزارت دفاع ۱۳۷۴ : شروع عضویت در کانون وکلای دادگستری ۱۳۷۴ : وکیل پرونده های وزارت دفاع در هلیوپولیس و کیوبیک و موفقیت در هر دو پرونده و کسب جایزه به علت موفقیت ۱۳۷۴ : بنیانگذاری کانون بین المللی حقوقدانان مسلمان ۱۳۷۴ : مشاور حقوقی شرکت های وابسته به وزارت نیرو ۱۳۷۵ : عضویت در انجمن دفاع از حقوق بشر ۱۳۷۶ – ۱۳۷۹ : مشاور حقوقی صدا و سیما

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : هرچند دکتر داراب پور شاعر نمی‌باشد ولی علاقه او به شعر و ادبیات را نباید نادیده گرفت. دیوان شعر او «سرمه بر مژگان زیبایی» با مقدمه دکتر جعفر حمیدی، استاد بزرگ ادبیات ایران، مزین شده است. کند بی خرد چون خردمند کار پس از آنکه رسوایی آرد به بار

آرا و گرایشهای خاص : دکتر مهراب داراب پور معتقد است که اگر دادگستری سالم باشد و تابع سیاست مقامات فوق و هوای نفس قضات غیر عادل نباشد، هیچ قدرتی مردم را تهدید نمی کند. ممکن است ظلم و اجحاف وجود داشته باشد ولی قابل رفع و دفع است. اگر آرائ قضات در مجلات علمی کشور تجزیه و تحلیل شود، کمتر قاضی بی‌محابا رای خواهد داد. قاضی که احتمال

می‌دهد رأی او به مجلات علمی کشیده شود بی تامل در حق مردم انشاء رأی نمی‌کند و برای حفظ آبروی خویش هم که باشد مجبور به اجرای عدالت خواهد شد. ایشان معتقد است وضعیت دادگستری در حال حاضر مطابق با شأن مردم ایران نیست. در برخی موارد بجای عدالت هوای نفس و حفظ عزت و شأن قضات حاکم است و از هیچ اقدام ناروایی نیز خودداری نمی‌شود. وضع قانون باید بر اساس نیاز و ایجاد عدالت و امنیت بین مردم باشد نه بر اساس کشف قواعد و مقررات اصولی ولی عرف شکن و مردم آزار. قانون برای حفظ منافع مردم است نه مردم برای حفظ قواعد و مقررات اصولی. دکتر داراب پور معتقد است با فقه می‌توان پیشرفت کرد ولی با با طرز تفکر فقهای فعلی هیچ امیدی به عدالت و انصاف و حفظ جامعه و حقوق مردم وجود ندارد، زیرا اولاً آنها در جامعه نیستند و درد مردم را نمی‌دانند، ثانیاً اگر درد مردم را هم بدانند به آن کاری ندارند و آنها با اصول و مقررات قاعده ای را کشف می‌کنند که همه مردم باید از آن تبعیت کنند، اعم از اینکه به عدل و داد منتهی شود یا خیر. قانونگذاری در حال حاضر مثل قدیم نیست، باید آثار و عواقب آن بر جامعه و به ویژه بر اقتصاد مردم سنجیده شود. ترجمه کتابهای فقهی یا مواد قانونی کتاب‌های غربی دردی را ضرورتاً از جامعه ایرانی حل نخواهد کرد بلکه خود گاهی درد مضاعف ایجاد می‌کنند. باید اصول اولیه مورد پذیرش، عادلانه باشد تا نظم ناشی از آن نیز عادلانه جلوه کند و مقبول طبع مردم قرار گیرد. آثار و عواقب اقتصادی و هزینه‌های اجرای قانون، با زور یا با رغبت، یکی از ملاک‌های عمده عادلانه بودن یا نبودن یک اصل یا قاعده است. این قاعده اصولی یا در واقع هدفی که قانون باید به آن برسد ملاک وضع قانون و تفسیر آن است. برای مثال، آرامش، آسایش، امنیت و آرایش جامعه و رفع ظلم و زندگی راحت تر و بی دغدغه تر برای همه اقشار جامعه که یک مسأله انسانی است باید یک قاعده حقوقی نیز باشد. از دعوی بر سر اینکه ماهیت حقوق فلان مسأله چیست باید دست برداشت بلکه باید دید چه چیز منجر به آرامش و رفع نگرانی مردم و آسایش دنیوی و اخروی آنها می‌شود. باید این را ملاک قرارداد و سپس مسأله‌های حقوقی را بر اساس آن تجزیه و تحلیل نمود. مثلاً وضعیت کسی که در نتیجه یک واقعه حقوقی صدمه دیده باید با رعایت سیاست‌های قضائی تا حد امکان به جایی برگردانده شود که گویا کسی به وی ضرری وارد نکرده است پس دیه را، بر این اساس صرف نظر از ماهیت حقوقی و کیفری آن، می‌توان پایه و حداقل خسارت بدون احراز و اثبات ضرر به حساب آورد تا به اصل جبران خسارت عرفی و منطقی و قابل پیش‌بینی برسیم و چنانچه مازاد بر دیه هم خسارتی وارد شده باشد باید آن مقدار را نیز، پس از احراز، برای زیاندیده قائل شویم. هر کس در جامعه باید با ضررهایی که احتمال دارد به وی وارد شود مقابله کند، پس اگر مقابله با خسارت ممکن باشد ولی انجام نشود حتی دیه هم تعلق نخواهد گرفت تا چه رسد که وی را در وضعیتی قرار دهند که دیگری به وی صدمه نزده باشد. اگر آرامش مردم و آسایش آنها در این است که پس از مرور یک دوره زمانی، دعاوی کهنه و پوسیده و تخریبگر جامعه پذیرفته نشود تا حق مردم بر اموال و دارایی در ید آنها استقرار پیدا کند باید بلادرنگ، بدون اینکه منتظر کشف قوانین موهوم باشیم، آن‌ها را بپذیریم. اگر برابری دیه زن و مرد و مسلمان و غیر مسلمان و برابری انسان‌ها به عنوان یک اصل حقوقی پذیرفته شود دیگر نباید پس از اوج قتل و کشتار و زندان و شکنجه مردم و احیاناً تغییر نظام حقوقی، انتظار تغییر قوانین موجود را داشت. در هر حال، نباید به سبک بی خردان عمل کرد.

چگونگی عرضه آثار : مهراب داراب پور دارای آثار علمی متعدد چه به صورت ترجمه و چه به صورت تألیف می‌باشد که مهمترین آنها سه جلد کتاب «بیع بین الملل» و «قاعده مقابله با خسارت» است ----------------------------------
----

آثار :

۱ بیع بین الملل

ویژگی اثر : تالیف

۲ سرمه بر مژگان زیبایی دیوان شعر

ویژگی اثر : تالیف: مهراب داراب پوراین کتاب با مقدمه دکتر جعفر حمیدی، استاد بزرگ ادبیات ایران، مزین شده است.

۳ قاعده مقابله با خسارت

ویژگی اثر : تالیف

۴ مسئولیت های خارج از قرارداد: پرداخت خسارت، استرداد عین و امتیازات

ویژگی اثر : تالیف: مهراب داراب پور ناشر: مجد - ۰۸ خرداد، ۱۳۸۷

داستانی بیرکی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی داستانی بیرکی

محل تولد : قوچان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای علی داستانی بیرکی در سال ۱۳۴۶هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا آگاه به مسائل مذهبی در قوچان دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۷۶ با موفقیت در آزمون ورودی دانشگاه امام صادق(ع) تهران وارد این دانشگاه گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. ازنخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت واز محضر درس اساتیدی همچون آیت الله علم الهدی، استاد غفاری، استاد فاکر و دیگر اساتید آن دانشگاه بهره ها برد. وی در مقطع کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق علیه السلام و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "سیر تشکل و توقف فعالیت های حزب جمهوری "دفاع کرد و سالهای متمادی است که در دانشگاه آزاد تهران، دانشگاه علوم پزشکی، دانشگاه شهید رجائی و... به تدریس مشغول می باشد. وی درطول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و در موسسه نشر و تنظیم آثار امام به پژوهش مشغول می باشد وآثاری از جمله" امام خمینی از نگاه نخبگان جهان "،" سیری در اندیشه ای امام در وصیت نامه سیاسی- الهی "، " رنج فراق شوق وصال "، "هکذا قالوا الامام الخمینی "، "تشکیلات و نهادهای سیاسی و توسعه "، "توسعه چرا و چگونه "و... را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

دامغانی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۸ -۳۹۸ ق)، فقیه و قاضی حنفی. وی در دامغان به دنیا آمد. در دامغان و نیشابور و بغداد فقه آموخت. و از ابوحسین قدوری بهره گرفت. وی از قاضی ابوعبداللّه صیمری و محمد بن علی صوری حدیث شنید. عبدالوهاب انماطی و علی بن طراد زینبی و حسین مقدسی از وی روایت کرده‌اند. اصحاب وی که در شهرها پراکنده شدند، عبارت‌اند از: ابوسعد ابن بابشاذ مصری و نور الهدی حسین زینبی و ابوطاهر الیاس دیلمی و ابن‌سمنانی. وی مدت سی سال پس از ابن‌ماکولا عهده‌دار امر قضاوت بغداد بود، و مانند قاضی ابویوسف حشمت و جاه و آقایی داشت. دامغانی در بغداد درگذشت. و در جنب ابوحنیفه دفن شد. از جمله آثار وی: «مختصر الحاکم»، در فروع فقه؛ «مسائل الحیطان و الطریق»؛ «الزوائد و النضائر فی غریب القرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۳/۷)، تاریخ بغداد (۱۰۹/۳)، سیر النبلاء (۴۸۶ -۴۸۵ /۱۸)، الکامل (۱۲۹/۸)، معجم البلدان (۲۷/۴)، معجم المولفین (۴۹ -۴۸ /۱۱)، الوافی بالوفیات (۱۳۹/۴)، هدیه العارفین (۷۴/۲).

دانش پژوه، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی دانش پژوه

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۵در شاهرود و در خانواده ای روحانی به دنیا آمدم. پدرم مرحوم آیت الله حاج شیخ علی اصغر دانش پژوه از شاگردان برجسته مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی از علمای بزرگ ساکن شاهرود بودند. در سال ۱۳۴۱ در دبستان ملی و اسلامی جعفری شروع به تحصیل کردم. دوران دبیرستان را در دو دبیرستان شاهپور(شریعتی فعلی) و فردوسی گذراندم و در سال ۱۳۵۳ موفق به اخذ دیپلم شدم. پس از گرفتن دیپلم بر اساس احساس وظیفه شرعی و به رغم مخالفت تقریبا همه معلمان و همکلاسیها، به جای شرکت در کنکور و حضور در دانشگاه ، راهی حوزه علمیه قم شدم. اکثر دروس مقدمات و سطح را بیشتر به صورت خصوصی درس گرفتم. با پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم شاهنشاهی و بیشتر با انگیزه حضور تبلیغی در دانشگاه و کار فکری با دانشجویان، در اولین کنکور انقلاب(۱۳۵۸) شرکت کردم و در رشته حقوق دانشگاه تهران(مجتمع آموزشی عالی قم) نیز، در کنار تحصیلات حوزوی، مشغول به تحصیل شدم.

در خلال انقلاب فرهنگی(۵۸-۶۲) برحسب وظیفه سه سال در شاهرود، مسئولیت عقیدتی سیاسی ارتش را پذیرفته و در کنار آن به تدریس در دبیرستان ها و همکاری با سپاه و جهاد و کلاسهای عقیدتی و امثال آن مشغول گردیدم. در سال۶۲ مجددا جهت ادامه تحصیلات حوزوی و دانشگاهی به قم باز گشتم. در سال تحصیلی ۶۳-۶۲ باقیمانده سطح را به پایان رساندم و در مهر ماه ۶۳ به درس خارج اشتغال یافتم و در کنار آن در سال ۶۵ موفق به اخذ لیسانس شدم، و چون زمینه هدف اصلی(تبلیغ و کار با دانشجویان)

در دوره های کارشناسی چندان مهیا نمی دیدم، انگیزه ای برای ادامه تحصیل دانشگاهی نداشتم. اما در عین حال از مطالعات و پژوهشهای حقوقی هم غافل نبودم.

از سال ۱۳۷۰ با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که آن موقع با نام دفتر همکاری حوزه و دانشگاه شناخته می شد، همکاری علمی ام آغاز شد و با گرایش حقوق بین الملل اسلامی مطالعات و تحقیقاتم را ادامه دادم و در کنار آن مدتی هم مسئولیت واحد آموزشی این پژوهشگاه را عهده دار شدم. کتاب «اسلام وحقوق بین الملل خصوصی» که از طرف چهارمین کنگره دین پژوهان و پنجمین سمینار کتاب سال حوزه برگزیده شد، نتیجه همین دوره است. کتاب « فلسفه حقوق» که به سفارش موسسه امام خمینی(ره) نوشته شد نتیجه دیگری از پژوهشهای حقوقی این حقیر است. پایان نامه سطح ۴ حوزه- که هم اکنون آماده چاپ است- باعنوان" الجنسیه فی الفقه الاسلامی " اثر دیگر این جانب است. حقوق شناسی عمومی در دو جلد نیز در مرحله ویرایش و آماده چاپ است مقالات و جزوه های درسی دیگری نیز از حقیر چاپ و منتشر شده است. به انگیزه همان کار تبلیغی، از سال ۷۰، در کنار ادامه تحصیلات حوزوی و پژوهشهای حقوقی، به تدریس در دانشگاه نیز پرداختم که هم اکنون نیز ادامه دارد. و نیز در موسسه امام خمینی(ره)، مرکز تخصصی قضا و مرکز جهانی علوم اسلامی (مدرسه فقه و اصول).

دانش، تاج‌الزمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای حقوق جزا و تخصص روش تربیت مجرمین از سوئیس در سال ۱۳۴۵ و جرم‌شناسی از فرانسه.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس بزهکاری اطفال در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و دانشگاه پلیس، تهیه اولین طرح علمی آئین‌نامه زندانها در سال ۱۳۴۷، دریافت لوح تقدیر برای تألیف کتاب حقوق زندانیان و علم زندانها، تحقیق ۷۰۰ پرونده در مورد علل طلاق، استاد راهنمای تعداد زیادی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جرم‌شناسی، علم زندانها، بزهکاری اطفال و جوانان، کیفرشناسی، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

بزهکاری اطفال و جوانان و طرز دادرسی و انواع روشهایی که در مورد آنان اجرا می‌شود، طرز اجرای مجازاتها و اقدامات تأمینی، انواع کیفرها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دانش، ملا علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۰ ق)، قاضی و شاعر، متخلص به دانش و جاوید. مشهور به حبش. به جهت انتساب به جلال حبشی موذن پیامبر (ص). از ولایت ساری بود و در اوایل جوانی به مشهد رفت و به تحصیل در آن سامان پرداخت. مدتی منصب قضاوت در نواحی مازندران داشت. ملا علی که ابتدای امر دانش تخلص می‌کرد، ولی در آخر جاوید تخلص داشت. دانش در اصفهان درگذشت و در مزار بابا رکن‌الدین به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۷۰ -۸۶۹ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۵ -۳۷۴)، الذریعه (۱۹۱ -۱۹۰ /۹)، ریحانه (۲۱۱/۲)، فرهنگ سخنوران (۲۰۷).

داور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر، از رجال دوره رضاشاه پهلوی (ف. ۱۳۱۵ ه.ش.). وی به وکالت مجلس شورای ملی، وزارت عدلیه و وزارت مالیه رسید و در بهمن ۱۳۱۵ ه.ش.خودکشی کرد. از آثار او «حقوق جزائی» است که توسط آقای ساسان نماینده سابق مجلس شورای و وکیل دادگستری تدوین شده و به چاپ رسیده است.

نماینده متنفذ مجلس شورای ملی، رهبر حزب سیاسی، روزنامه‌نگار، وزیر فوائد عامه، وزیر دادگستری، وزیر دارائی.

علی‌اکبر داور فرزند کلبعلی خازن‌خلوت در ۱۲۶۴ ش (۱۸۸۵ م) در تهران تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی با سعی و کوشش پدرش وارد مدرسه دارالفنون شد و به تحصیل در حرفه‌ی پزشکی پرداخت ولی پس از مدتی از رشته‌ی مزبور انصراف حاصل نموده ادبیات و فلسفه و تاریخ و سایر رشته‌های علوم انسانی را تحصیل نموده و در ۱۲۸۸ ش (۱۹۰۹ م) فارغ‌التحصیل شد و فعالیت سیاسی خود را در حزب دموکرات که حزبی تندرو و انقلابی بود آغاز کرد و در همان سال با کمک حزب دموکرات وارد وزارت دادگستری شد و اولین شغلی که به او ارجاع شد عضویت شعبه چهارم دادگاه شهرستان بود. داور در این سمت جدیت زیادی به کار برد و خود را کارمندی لایق و جدی و پرکار معرفی کرد و در نتیجه وزیر دادگستری او را به ریاست اجرا که از دشوارترین و پرمسئولیت‌ترین مقامات آن زمان بود، با ماهیانه ۷۵ تومان حقوق تعیین کرد. داور در این سمت احکام دادگستری را

علیه زورمند و توانگر و اشراف و مالکین اجرا کرد و همین مسئله سر و صدای زیادی بلند نمود و وزیر دادگستری ناچار شد تا شغل او را تغییر دهد و سرانجام داور دادستان تهران شد در حالیکه ۲۵ سال بیشتر نداشت. او اکتفا به کار دادستانی نکرد و برای اینکه از پشتوانه‌ای هم برخوردار باشد عضو هیئت تحریریه روزنامه تندروی شرق که مدیر آن سیدضیاءالدین طباطبائی بود گردید.

داور قریب یک سال دادستان تهران بود که از شغل خود استعفا داد و در ازاء سرپرستی فرزندان حاج ابراهیم پناهی بازرگان روشنفکر تبریز عازم سویس شد تا تحصیلات خود را تکمیل نماید. مدت توقف داور در اروپا یازده سال طول کشید و در این مدت علاوه بر دوره‌ی متوسطه، در رشته‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی به اخذ درجه‌ی لیسانس نائل گردید و دوره‌ی دکترای حقوق را نیز پایان داد ولی قبل از تصویب رساله‌ی دکترا به ایران بازگشت. داور در اروپا علاوه بر تحصیل به یک سلسله فعالیتهای سیاسی به نفع کشور خویش دست زد و حزبی به نام حزب ملی ایرانی تاسیس نمود و هنگام انعقاد قرارداد اوت ۱۹۱۹ بین ایران و انگلیس که منظور نظارت دولت انگلستان بر امور مالی و نظایم ایران بود، در مقام مبارزه با قرارداد برآمد و با نشر سلسله مقالات و مصاحبه با روزنامه‌های سویس، مخالفت شدید خود را با قرارداد ابراز می‌کرد.

پس از کودتای ۱۲۹۹ (ژانویه ۱۹۲۱) داور به علت آشنائی و همکاری سابق با سیدضیاءالدین عامل سیاسی کودتا، عازم ایران شد تا سهمی از تغییرات و تحولات نیز نصیب او شود. ولی وقتی وارد ایران شد سیدضیاءالدین برکنار و از ایران تبعید شده بود. ناچار برای پیشرفت کار خود برنامه‌ریزی کرد و به وکالت دادگستری پرداخت. در آبانماه ۱۳۰۰ ش (نوامبر ۱۹۲۱) داور وارد وزارت فرهنگ شد و اولین سمت وی ریاست تعلیمات عمومی بود و بعد رئیس کل معارف شد. در همین هنگام خود را کاندیدای نمایندگی مجلس نمود و سرانجام در تیرماه ۱۳۰۱ ش (ژوئیه ۱۹۲۲) از ورامین تهران به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید و در همان ایام امتیاز روزنامه‌ای به نام مرد آزاد را از وزارت فرهنگ اخذ نمود و به انتشار آن مبادرت کرد و تنی چند از جوانان تحصیل‌کرده و اروپادیده را به یاری طلبید. روزنامه‌ی «مرد آزاد» در آن روز از بهترین روزنامه‌های تهران بود. علاوه بر سر مقاله‌های تند و آتشین که توسط داور نوشته می‌شد، غیر از اخبار کامل داخلی و خارجی و مذاکرات مجلس، چند رمان شیرین هم پاورقی روزنامه قرار داشت و این روزنامه در مدت کمی اسم و شهرت خوبی پیدا کرد به طوری که تمام متجددین آن زمان، روزنامه را می‌خواندند. تقریبا تمام نویسندگان عبارات ساده و کوتاه و روشن یادداشتهای روزنامه‌ی داور را تقلید می‌کردند.

داور پس از رسیدن به مقام نمایندگی مجلس و دائر نمودن روزنامه معتبر، برای پیشبرد مقاصد خود به اقدام دیگری دست زد و آن را تشکیل یک حزب سیاسی تندرو بود. داور برای تشکیل حزب خود متجاوز از پانصد نفر از جوانان پرشور و تحصیلکرده را به دور خود جمع کرد. مرامنامه و اساسنامه حزب را نوشت و نام رادیکال بر آن نهاد و منظور از این کلمه، اصلاح کلیه امور و شئون کشور از بن و ریشه بود. حزب رادیکال مدیر روزنامه هم بود مورد توجه قرار گرفت. داور در مجلس غیر از همکاری با گروه اصلاح‌طلبان با عده‌ای از دوستان خود هسته‌ی مستقلی برای کمک و مساعدت به رضاخان سردار سپه وزیر جنگ تشکیل داد و در حقیقت باید گفت تخم ترقی سریع را در مغز سردار سپه، داور کاشت.

داور در انتخابات دوره‌ی پنجم مجلس شورای ملی از دو منطقه کاندیدا شد. یکی ورامین و دیگری شهرستان لار بود. سرانجام وکالت لار را پذیرفت در حالیکه پنج نفر هم از اعضاء حزب رادیکال به نمایندگی مجلس انتخاب شده بودند. در این مجلس داور با عبدالحسین تیمورتاش (سردار معظم خراسانی) و فیروز فیروز (نصرت‌الدوله) نزدیک شد و این نزدیکی به قدری زیاد بود که آن سه نفر نام مثلث سیاسی گرفتند.

در نخستین روزهای مجلس پنجم، قبل از آنکه اعتبارنامه‌ها به تصویب برسد، یکمرتبه در سرتاسر ایران طوفانی بلند شد. سیل تلگراف و نامه به سوی مجلس سرازیر گردید و همه‌ی مردم خواستار رژیم جمهوری شدند. چند روزی طرفداران رژیم جمهوری در تهران و شهرها تظاهرات کردند ولی یکمرتبه تظاهرات تغییر جهت داد. سید حسن مدرس و روحانیت در مقام مخالفت با

جمهوری برآمدند و در نتیجه سردار سپه از آن فکر عدول نمود. داور در آغاز سال ۱۳۰۳ (مارس ۱۹۲۴) جزو آن عده‌ای بود که با جمهوری موافقت نکردند و در سفر جنگی سردار سپه به خوزستان نیز از مخالفین بود و در مجلس نطقی که پایه‌ی آن مخالفت بود ایراد کرد و از جمله گفت سردار سپه باید کلیه عملیات خود را از صلح و جنگ در خوزستان به تصویب مجلس برساند. نطق داور به اندازه‌ای تند و علیه سردار سپه بود که سرتیپ مرتضی یزدان‌پناه حاکم نظامی تهران طی مخابره تلگراف رمز تقاضا کرد اجازه‌ی اعدام داور و دوستان او داده شود.

وقتی سردار سپه موفقانه از سفر خوزستان بازگشت، داور به تلاش افتاد تا موجبات رضایت خاطر او را فراهم آورد و در نتیجه به فکر افزایش قدرت او افتاد. سرانجام طرح فرماندهی کل قوا را تهیه و زمینه را برای تصویب آن فراهم ساخت و در بهمن‌ماه ۱۳۰۳ ش (فوریه ۱۹۲۵) فرماندهی کل قوا از سلطان احمدشاه منتزع و به سردار سپه رضاخان نخست‌وزیر داده شد. داور یکی از طراحان خلع سلطان احمدشاه و پادشاهی رضاشاه پهلوی بود. او طرحی به عنوان ماده واحده تهیه کرد و به امضاء اکثر نمایندگان مجلس رسانید. طرح مزبور خلع سلطان احمدشاه و واگذاری حکومت موقت به رضاخان پهلوی و تشکیل مجلس موسسان برای تصمیم‌گیری نهائی درباره‌ی سلطنت دائمی بود. طرح مزبور در ۹ آبان ۱۳۰۴ ش (اول نوامبر ۱۹۲۵) در جلسه‌ی علنی مجلس مطرح گردید. مدرس لیدر اقلیت در مقام مخالفت برآمد و داور پاسخ او را داد به طوری که مدرس از جلسه خارج شد. مخالفین طرح هر کدام که صحبت کردند یکی از نمایندگان پاسخ می‌داد تا نوبت به دکتر محمدمصدق رسید. وی نطقی مفصل و مستدل ایراد کرد و با پادشاهی رضاخان پهلوی مخالفت نمود. داور به نطق مفصل مصدق پاسخ داد و ایرادات او را پاسخ گفت و سرانجام طرح انقراض قاجاریه به تصویب رسید. پس از تصویب طرح، داور مسئول تشکیل مجلس موسسان شد تا مجلس مزبور چند اصل از اصول قانون متمم اساسی را تغییر دهد و سلطنت ایران را به رضاشاه و اعقاب او تفویض نماید. مجلس موسسان در آذرماه ۱۳۰۴ (دسامبر ۱۹۲۵) تشکیل شد و داور مخبر کمیسیون رسیدگی به موضوع اصلاح قانون اساسی شد و این وظیفه‌ی دشوار را انجام داد و این مسئله بر نفوذ و شهرت او افزود.

وقتی رضاشاه به سلطنت رسید، محمدعلی فروغی را نخست‌وزیر کرد و علی‌اکبر داور در آن کابینه وزیر فوائد عامه و تجارت شد و در همان روزهای نخست، مقدمات راه‌آهن را در ایران فراهم کرد و مدرسه‌ای به نام مدرسه‌ی تجارت تاسیس نمود.

در انتخابات دوره‌ی ششم مجلس، داور مجددا از لار به وکالت تعیین شد و همزمان با افتتاح مجلس، محمدعلی فروغی از نخست‌وزیری کنار رفت و حسن مستوفی جای او را گرفت و وزارت داور هم منتفی شد. داور چند ماهی در مجلس باقی ماند تا اینکه در بهمن‌ماه ۱۳۰۵ ش (فوریه ۱۹۲۷) حسن مستوفی نخست‌وزیر، کابینه‌ی خود را ترمیم کرد و در ترمیم، علی‌اکبر داور به سمت وزیر دادگستری تعیین شد.

داور وزیر جدید عدلیه، روز بیستم بهمن‌ماه ۱۳۰۵ ش کلیه تشکیلات قضائی را در تهران منحل کرد و یک هفته بعد نیز تشکیلات قضائی را در شهرها تعطیل نمود. روز ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۰۵ ش (۱۸ فوریه ۱۹۲۷) لایحه امتیازات خود را طی یک ماده واحده و یک تبصره به قید دوفوریت به مجلس شورای ملی تقدیم نمود و پس از یک بحث طولانی در همان جلسه تصویب شد. اختیارات حاصله شامل قانونگزاری، اصول تشکیلات و استخدام بود. روز پنجم اردیبهشت ۱۳۰۶، دادگستری جدید در کاخ برلیان در حضور رضاشاه افتتاح شد. شاه طی نطق کوتاهی اهمیت دادگستری را بیان کرد و فرامین عده‌ای از قضات جدید را توزیع نمود. آنگاه فرمانی خطاب به حسن مستوفی نخست‌وزیر صادر نمود و فرمان مزبور حاکی از الغاء کاپیتولاسیون برای حفظ شئون و اخلاق مملکت بود.

داور وزیر جدید دادگستری برای گردش کارهای قضائی به سه ابزار کار احتیاج داشت. اصول تشکیلات قضائی بود، بعد به قضات مطلع و پاکدامن و تحصیلکرده نیاز داشت، دیگر آنکه بایستی به سرعت قوانینی تهیه و به مرحله‌ی اجرا بگذارد.

داور کمیسیون‌هائی برای تدوین قوانین جدید از افراد مطلع و برجسته که تحصیلات عالی داشتند تشکیل داد و به سرعت قوانین مورد لزوم را تهیه و به موجب اختیارات داور به تصویب کمیسیون دادگستری مجلس رسانید و مورد عمل قرار می‌دادند. داور مجموعا در دادگستری ۱۲۰ قانون به تصویب رسانید. اولین اقدام وی قبل از افتتاح دادگستری نوین، تهیه و تصویب قانون استخدام قضات و صاحب‌منصبان پارکه (دادسراها) و مباشرین ثبت اسناد بود که در اسفند ۱۳۰۶ ش (مارس ۱۹۲۸) در ۵ ماده آماده و تصویب شد و به موجب همین قانون به استخدام قضات و دادسراها و ثبت اسناد پرداخت.

داور، قضات را به چند طریق انتخاب نمود: ۱- عده‌ای از قضات سابق دادگستری را که صلاحیت برای خدمت داشتند با رتبه‌های جدید به خدمت دعوت نمود. ۲- عده‌ی زیادی از کارمندان تحصیلکرده دولت را که تحصیلات عالی داخلی و خارجی داشتند به وزارت دادگستری انتقال داد و در این انتقال سهم وزارت امور خارجه و سپس وزارت دارائی بیش از سایر وزارتخانه‌ها بود. ۳- عده‌ای از نمایندگان ادوار مختلف مجلس را به خدمت دعوت کرد. ۴- از میان روحانیون و مدرسین حوزه‌ی علمیه، جمعی را به خدمت پذیرفت مشروط بر اینکه از لباس روحانیت خارج شوند و بعد برای تربیت قاضی و مامور ثبت اسناد کلاسهائی تشکیل داد که حقوق مختلف در آن تدریس می‌شد.

داور در نخستین روزهای افتتاح دادگستری، ویژگیهای دادگستری نوین را چنین توجیه کرد:

۱- تشکیلات جدید دادگستری روی اصلی بنا شد که حتی‌الامکان تمام کارکنان آن از اشخاص پاکدامن و آشنا به علوم جدید باشند ولی ممکن است بعضی از آنها صددرصد کمال مطلوب نباشد بنابراین ممیزی در آن منتفی نیست.

۲- انحصار قوه قضائیه و حکومت به دست دولت و تمرکز آن در تشکیلات مملکت است تا تامین حقوق مختلفه عمومی بلامانع امکان‌پذیر شود. برای اجرای این منظور حق حکومت از محاضر شرع خارج از دادگستری سلب شده و به جای آن محاکم رسمی شرعی مرکب از حکام شرعی که مستخدم دولت و موظف به رعایت نظامات دولتی هستند تشکیل گردیده است.

۳- در قوانین جدید وسائل جلوگیری از ایجاد دعاوی و نیز تهیه موجبات تسهیل کار محاکم که بتوانند به موجب اسناد صحیح حق را از باطل تمیز دهند پیش‌بینی شده و به موجب قانون ثبت املاک اجباری است. با این ترتیب از طرفی معاملات غیرمنقول در نتیجه ثبت اسناد، چنان اعتباری خواهد یافت که تاکنون در ایران سابقه نداشته است. همینکه سندی به ثبت رسید هیچ ادعائی از هیچکس نسبت به آن سند پذیرفته نیست. از طرفی به واسطه‌ی ایجاد دفاتر (ثبت اسناد رسمی) استیفای حقوق انواع قراردادها و معاملات ثبت شده در این دفترها بدون مراجعه به دادگاه به عمل می‌آید.

۴- برای اعتبار دعاوی مدت و زمان قائل شده و قانون مرور زمان که از اهم قوانین قضائی است مورد اجرا واقع خواهد شد.

۵- چون تامین آسایش افراد منوط به مجازات مجرمین است، این منظور مهم نیز به وسیله دادگاههای جزا و دیوانهای جنائی دادگستری عمل می‌شود.

۶- عدلیه قوانین جامع و مفیدی تهیه کرده که هر قاضی موظف است بر مبنای آن حکم صادر کند. قضات نمی‌توانند عقاید فقهی را ملاک صدور حکم قرار دهند.

داور هنگامی که به وزارت دادگستری تعیین شد، اختیاراتی از مجلس برای مدت چهارماه گرفت ولی در مدت مزبور نتوانست محاکم دادگستری را در سطح کشور دائر کند، لذا در خرداد ماه ۱۳۰۶ از مجلس تقاضای تمدید اختیارات نمود و برای مدت چهار ماه دیگر اختیارات او تمدید شد.

از قوانین مهمی که داور به تصویب رسانید، جلد اول قانون مدنی بود که در ۹۵۵ ماده تهیه و پس از تصویب مورد اجرا واقع شد. از دیگر قوانین، قانون اصول تشکیلات، قانون محاکمات نظامی، قانون محاکمه وزراء، قانون تشکیل دیوان کیفر، قانون تشکیل دادگاه انتظامی قضات، قانون تشکیل دفاتر اسناد رسمی، قانون ثبت اسناد و املاک، قانون مجازات عمومی، قانون تجارت و قانون محاکم

شرع را باید نام برد. مهمترین اقدام داور در دادگستری، لغو کاپیتولاسیون بود که در روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷(۱۱ مه ۱۹۲۸) ملاک عمل قرار گرفت.

داور مجموعا در کابینه‌های حسن مستوفی و مهدیقلی هدایت نزدیک به هفت سال وزیر دادگستری بود و غیر از تاسیس دادگاه‌ها و دادسراها در سطح کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک را به وجود آورد؛ دفاتر رسمی ازدواج و طلاق و دفاتر اسناد رسمی تشکیل داد؛ مدرسه عالی حقوق و کلاس قضائی تاسیس نمود ؛ وکالت دادگستری را در چهارچوب قانون تعیین نمود و مبادرت به این شغل موکول به اخذ پروانه از وزارت دادگستری گردید ؛ برای قضات لباس متحدالشکل و نشان تعیین کرد ؛ هیئت بازرسی برای رسیدگی به کار وزارتخانه‌ها و شهرداریها تعیین نمود ؛ عده‌ی زیادی از قضات را برای تکمیل تحصیلات به اروپا فرستاد؛ تمام کسانی که جزو محصلین دولتی به اروپا اعزام شده و علم حقوق تحصیل نموده بودند به خدمات قضائی منصوب نمود.

داور در بهمن‌ماه ۱۳۱۱ در راس یک هیئت عازم اروپا شد تا به شکایت دولت انگلستان به جامعه ملل پاسخ دهد. توضیح آنکه دولت ایران قرارداد خود را با شرکت نفت ایران و انگلیس به طور یکطرفه لغو نمود و دولت انگلستان از این اقدام ایران به جامعه ملل شکایت برد. داور در جامعه ملل در مقابل سر جان سیمون وزیر امور خارجه انگلیس قرار گرفت و ضمن نطق مفصلی حقانیت ایران را در لغو قرارداد توجیه کرد و سرانجام جامعه ملل بدون رسیدگی از لحاظ ماهوی قراری صادر نمود که طرفین قرارداد موضوع را دوستانه و خارج از جامعه ملل حل و فصل نمایند. داور در این ماموریت قدرت بیان و استدلال خود را ثابت کرد و سرانجام پس از مذاکرات مکرر و متوالی بین شرکت نفت ایران و انگلیس و نمایندگان ایران، قرارداد ۱۹۳۳ برای مدت شصت سال جانشین قرارداد دارسی شد. داور در این مذاکرات نقشی برجسته داشت.

کابینه‌ی مهدی‌قلی هدایت در شهریور ۱۳۱۲ ش (۱۲ سپتامبر ۱۹۳۳) سقوط کرد و محمدعلی فروغی به ریاست دولت تعیین گردید. در کابینه‌ی جدید شغل داور تغییر کرد و از وزارت دادگستری به وزارت دارائی تعیین و معرفی گردید. نخستین اقدام داور در وزارت دارائی، انتقال عده‌ای از قضات دادگستری به وزارت دارائی و انتصاب آنها به مشاغل حساس و کلیدی بود و از این طریق شریان وزارت دارائی را به دست گرفت و مشغول مطالعه در سازمان و رویه دارائی کشور شد. داور پس از مطالعه به این نتیجه رسید که برای متعادل کردن بودجه و درآمد بیشتر رویه بازرگانی دولتی را اعمال نماید و انحصارات را توسعه دهد. لذا شروع به ایجاد سازمانهائی به سبک شرکتهای سهامی کرد و یک قسمت از فعالیت اقتصادی کشور را که معمولا بایستی بخش خصوصی انجام دهد توسط همین شرکتها به دست گرفت. وقتی این شرکتها قوام گرفت، به فکر معاملات پایاپای افتاد و برای این منظور دو کشور را انتخاب کرد و آن دو کشور عبارت بودند از شوروی و آلمان. در نتیجه با آن دو کشور قراردادهای تهاتری منعقد نمود و قرار شد شوروی به ایران قند و شکر، قماش، آهن‌آلات، سیمان و ماشینهای کشاورزی بدهد و متقابلا ایران به آن کشور پنبه، پشم، پوست، برنج، کتیرا و خشکبار صادر نماید. در مورد معاملات با آلمان به علت استقرار حکومت هیتلر، مشکلاتی به وجود آمد که بعدها حل شد.

داور برای انجام صحیح معاملات پایاپای، یک شرکت مرکزی تاسیس کرد تا صادرات ایران را استاندارد نموده و واردات را نیز به نحو صحیح توزیع نماید.

داور در سال دوم وزارت دارائی خود، به خدمت مستشاران بلژیکی در گمرک ایران خاتمه داد و امور آن را به دست ایرانیان سپرد.

داور در دوران وزارت دارائی دست به یک سلسله اقدامات اصلاحی زد مانند افزایش سرمایه بانک ملی ایران، ایجاد سیلو در تهران و شهرستانها، توسعه‌ی صادرات تریاک، تشکیل شرکت بیمه و بالاخره امضای امتیاز نفت خاور و شمال خاوری ایران به یک شرکت آمریکائی بود.

در آذرماه سال ۱۳۱۴ ش (دسامبر ۱۹۳۵) حوادثی در مشهد به وقوع پیوست که ناشی از تغییر کلاه بود و در نتیجه اسدی نایب‌التولیه

آستان قدس رضوی مسبب حوادث شناخته شد و به اعدام محکوم گردید و محمدعلی فروغی نخست‌وزیر هم به علت قرابت و وساطت از اسدی، مغضوب و خانه‌نشین شد. در این هنگام داور تنها بازمانده بازیگران خلع قاجاریه و سلطنت رضاشاه پهلوی که ارشد وزیران کابینه بود، علی‌القاعده با توجه به سوابقی که داشت می‌بایستی از طرف شاه به نخست‌وزیری منصوب شود ولی شاه محمود جم را به داور ترجیح داده و مقام نخست‌وزیری را به او تفویض نمود و داور کماکان در کابینه‌ی جدید متصدی وزارت دارائی شد. این موضوع در روحیه‌ی داور اثر نامطلوبی گذاشت و احساس کرد شاه با او میانه‌ای ندارد و قریبا به سرنوشت دوستان سابق خود مانند تیمورتاش، فیروز فیروز و جعفر قلی اسعد دچار خواهد شد. این فکر از یک طرف و فشار شاه برای برنامه‌های تازه اقتصادی که داور مبتکر آن بود، او را از پای درآورد و سرانجام تصمیم به خودکشی گرفت و فکر خود را در شب ۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۱۵(۱۰ فوریه ۱۹۳۷) به مرحله‌ی اجرا درآورد و با خوردن مقداری تریاك به زندگی خود خاتمه داد.

(ح ۱۳۱۵ -۱۲۶۷ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تهران متولد شد. در مدرسه‌ی دارالفنون به تحصیل پرداخت و پس از گرفتن دیپلم به خدمت عدلیه درآمد و به جهت اینکه در شغل خود به مقاطع بالاتری دست یابد برای ادامه‌ی تحصیل (به همت حاج ابراهیم پناهی) به سویس رفت و در رشته‌ی حقوق، موفق به دریافت دکتری شد. وی حدود ده سال در اروپا تحصیل کرد و در ضمن آن به فعالیتهای سیاسی نیز مشغول بود. وی با رضا شاه پهلوی معاصر بود. داور در اروپا اعلامیه‌هایی را که به نام حزب ملی ایرانی در مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ م منتشر می‌شد با تیتر عین- لام- بر امضاء می‌کرد. او در ۱۳۰۰ ش به ایران بازگشت و به سمت رییس وزارت عدلیه و مالیه منصوب شد و پس از آن حزب رادیکال را پایه‌گذاری کرد و با انتشار روزنامه‌ی «مرد آزاد» به طور جدی وارد معرکه‌ی سیاست شد. او در دوره‌های چهارم تا ششم نماینده‌ی مجلس شد. در مجلس پنجم یکی از تهیه کنندگان ماده‌ی واحده‌ی خلع قاجاریه از سلطنت بود و از جمله کسانی بود که تلاش بسیاری برای به سلطنت رساندن سردار سپه کرد. داور با خوردن مقدار زیادی تریاک خودکشی کرد، در حالی که روزنامه‌ها علت مرگ او را سکته اعلام کردند. وی دو روز قبل از خودکشی مورد عتاب و تهدید رضاشاه واقع شده بود. جنازه‌ی وی را در صفاییه‌ی تهران دفن کردند. آثار وی: «اصول محاکمات اصلاح شده به موجب ماده‌ی واحده»؛ «حقوق جزایی»؛ «قانون جزا».[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ بیست ساله‌ی ایران (۳۳۴ -۳۱۴/ ۶)، تاریخ جراید (۲۰۲ -۲۰۱/ ۴)، دایرةالمعارف فارسی (۹۵۵/ ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۹۶ -۱۸۲/ ۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۵۱ -۳۵۰/ ۱)، شخصیتهای نامی (۱۹۴ -۱۹۲)، شرح حال رجال (۴۲۹ -۴۲۷/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۸ -۵۰۷/ ۴).

دبوسی، ابوزید عبداللّه، عبیداللّه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۴۳۰ -۳۶۷)، فقیه، اصولی و قاضی حنفی. اصل وی از دبوسیه، بین بخارا و سمرقند، است. وی از مشایخ و بزرگان فقه حنفی است که در فقاهت ضرب‌المثل بود. او پایه‌گذار علم خلاف است. دبوسی قاضی سمرقند بود و در بخارا درگذشت. در «معجم البلدان» سال مرگ وی ۴۳۲ ق ذکر شده است. از آثار وی: «الاسرار»، در اصول و فروع حنفیه؛ «الامد الاقصی»؛ «تاسیس النظر»، در جدل و اختلاف بین ابوحنیفه و دو پیشوای دیگر: مالك و شافعي؛ «تقویم الادله»، در اصول؛ «الانوار»، در اصول فقه؛ «خزانه الهدی»، در فتاوی؛ «شرح جامع الکبیر» شیبانی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۸/۴)، ریحانه (۲۱۳/۲)، سیر النبلاء (۵۲۱/۱۷)، کشف الظنون (۷۰۳، ۵۶۸، ۴۶۷، ۳۵۲، ۳۳۴، ۱۹۶، ۱۶۸، ۸۴)، الکنی و الالقاب (۲۲۸/۲) لغت نامه (ذیل/ عبداللّه)، معجم المؤلفین (۹۶/۶)، معجم البلدان (۴۹۹/۲)، وفیات الاعیان (۴۸/۳)، هدیه العارفین (۶۴۸/۱).

دلیر، بهرام

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهرام دلیر

محل تولد : نقده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال در ۱۳۶۰ در جبهه های حق علیه باطل که بطور خدا خواهی با یک روحانی رزمنده هم سنگر شدیم و او در سال ۱۳۶۱ اولین انگیزه را برایم ایجاد نمود که وارد حوزه علمیه شوم سال تحصیلی ۱۳۶۱-۶۲ بود که وارد حوزه علمیه ارومیه شدم در آنجا شاید سه ماه بودم که عازم مدرسه ولیعصرعج تبریز شدم سال تحصیلی ۶۲ را به پایان بردم در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم و درسها را دوباره از اول شروع کردم در ادبیات و قسمتی از معالم الاصول را نزد مرحوم مغفور استاد و ادیب مدرس افغانی خواندم در این ایام تابستان زمستان تحصیلی و تعطیلی اشتغال به درس داشتم مگر در فرصتی که عازم جبهه می شدم . لمعتین را با آیه الله اشتهاردی و آیت الله وجدانی فخر و آیت الله استادی به پایان بردم اصول فقه را با محمدی خراسانی. اما رسایل را با آیت الله اعتمادی و مکاسب را با اساتید متعدد ازجمله آیت الله ستوده موسوی تبریزی، کفایه الاصول را با آیت الله اعتماد و آیت الله محفوظی خواندم .

در کنار تحصیلات ادبیات و بعضی از درسها ی دیگر را تدریس می کردم تا اینکه در سال ۱۳۶۷ در درس خارج اصول آیت الله مفتی الشیعه و در فقه درس خمس آیت الله مکارم شیرازی شرکت نمودم و در سال ۱۳۶۸ در درس خارج فقه و اصول المقارن آیت الله خبارن که بمدت شاید ۱۲ سال زحمت ما را کشید و ذره پروری نمود در درس آیت الله فاضل لنکرانی و موسوی اردبیلی کم و بیش شرکت می کردم. تمام امتحانات شورای مدیریت را دادم و مصاحبه ۶ سال درس خارج فقه و نیز اصول را هم به پایان رساندم .

درسال ۱۳۷۲-۱۳۷۳ درحوزه علمیه امام خمینی سنقر کلیانی تدریس کردم و در سال ۱۳۷۳ در حوزه علمیه قم تدریس جدی سطح را آ غازکردم که هنوزهم ادامه دارد. درسهایی که طی این مدت تدریس شد درموضوعات مختلف بوده است. لازم بذکر است که در کنارتدریس ، درس خارج را با آیت الله جناتی ادامه دادم و بطوری تفصیلی و تحقیقی شروع به تحصیل معقول نمودم با اساتیدی همچون آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی و قبلا- با آیت الله گرامی و بطور مستمرو پی گیر با حکیم دست پرورده علامه طباطبایی یعنی آیت الله عسگری گیلانی که تا سال ۱۳۸۲ ادامه داشت که دراین مدت کل اسفارملاصدرا بجز (ج ۵و۴) و

کل اسفار الهیات و تمام اشارات بوعلی و در عرفان کتاب تمهیدالقواعد، فصوص الحکم ومصباح الانس را به پایان بردم .
اما چگونگی تحصیل این دروس بخصوص با استاد عسگری بدین صورت بود که یک درس در ایام تحصیل بود و یکی هم شبهای تعطیلی به طور مثال ج ۱ اسفار در ایام تحصیلی خوانده می‌شد و ج ۸ در ایام و شبهای تعطیل در پایان سال هر دو جلد به پایان می‌رسید و جدیتی که بود و زحمات طاقت فرسایی که استادم می‌کشید باعث شد که یک دوره معقول را به خوبی به پایان برسانم.
در سال شاید ۱۳۷۳ بود که پایان نامه سطح چهار را نوشتم و برای دفاع رفتم اما اتفاق تلخی که در آن جلسه رخ داد، بنده را به طور عجیبی دگرگون نمود که طوری شد که بعد از جلسه تصمیم به ادامه درسهای کلاسیک را گرفتم و به طور متفرقه دیپلم را گرفتم و سپس در کنکور سراسری شرکت کردم و با رتبه‌ای خوب در رشته فلسفه غرب دانشگاه تهران قبول شدم وبه مجتمع آموزش عالی قم آمدم و مشغول به تحصیل شدم مدتی خواندم با اینکه در این زمان به طور سخت بحثهای حوزوی خود اعم از تحصیل و تدریس را داشتم ولی بعد دیدم که چیزی از آن رشته عایدم نمی‌شود لذا تغییر رشته داده و در علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع) ادامه داده تا اینکه در کارشناسی ارشد علوم سیاسی هم قبول شدم و به پایان رساندم با معدل نزدیک به ۱۹ تمام شد.
و در مدت تحصیل دانشگاه چند واحدی هم در طی پنج سال در همان دانشگاه تدریس می‌کردم و در این مدت با هر مشکلی درافتادم و خداوندهم سرافراز از آن مشکل بیرونم می‌آورد. درسهای که تدریس کردم در مدرسه فیضیه بیشتر بوده عبارتند از: رسائل، مکاسب، کفایهٔ الاصول، بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، شرح منظومه، اشارات بوعلی سینا و در منزل حکمت عملی مدینه فاضله فارابی، نهج البلاغه، تفسیر و در ایام تعطیل در مدرسه فیضیه، رجال، درایه، کلام و غیره و به صورت آزاد با بعضی از فرهنگیان گلشن راز شیخ محمود شبستری و منازل السائرین که هنوز هم ادامه دارد.

دوانی، جلال‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۳۰- ح ۹۱۸/۹۰۸ ق)، حیکم، فیلسوف، فقیه، متکلم، مفسر، قاضی و شاعر، متخلص به جلال و دوانی نیز فانی. معروف به علامه دوانی و مشهور به محقق دوانی. نسبش به محمد بن ابی‌بکر می‌رسد. در دوان از قرای کازرون فارس متولد شد. ابدا نزد پدر دانش آموخت و سپس برای تکمیل معلومات خود به شیراز رفت و در خدمت ملا محی‌الدین انصاری (از اولاد سعد بن عباده صحابی) درآمد. دوانی مسافرتهایی به گیلان، کاشان، تبریز، عراق، مدینه و مکه داشت. در شیراز اقامت گزید و سالها در مدرسه‌ی بیگم به تدریس مشغول بود.بین او و امیر صدرالدین دشتکی شیرازی مناظرات و مباحثات حضوری و غیابی بسیار، در زمینه‌ی حکمت و کلام، جریان داشت و شاگردان وی بیشتر از شاگردان امیر صدرالدین دشتکی بودند. در دوران آق قویونلوها منصب قاضی القضاتی فارس را بر عهده داشت. علامه‌ی دوانی در همه‌ی علوم زمان خود تبحر داشت و شعر فارسی را نیز به خوبی می‌سرود. وی ابتدا شافعی مذهب بود و بعد مذهب شیعه را برگزید، و سپس رساله‌ای به نام «نور الهدایه» نگاشت که بر تشیع او تصریح دارد، و نیز حاشیه‌ی او بر «تجرید»، در جواب میر صدرالدین شیرازی در تفضیل ابوبکر بر علی (ع)، موید تشیع اوست. او در این رباطه اشعاری نیز سروده است. دوانی صاحب بیش از صد تالیف به زبان عربی و فارسی در علوم مختلف بود که برخی از آنها عبارت‌اند از: «انموذج العلوم»، محتوی مسایلی از هر علم؛ «اثبات الواجب القدیم»؛ «اثبات الواجب الجدید»؛ رساله در «افعال العباد»؛ شرح بر متن «تهذیب المنطق» تفتازانی؛ شرح بر «العقائد العضدیه»؛ حاشیه‌ی قدیمه و جدیده و اجد بر «شرح التجرید» فاضل قوشچی یا «طبقات

الجلالیه»؛ «لوامع الاشراق فی مکارم الاخلاق» یا «اخلاق جلالی»؛ «التوحید»؛ تعلیقه بر «الانوار لعمل الابرار» اردبیلی، در فقه شافعی؛ «الجبر و الاختیار» یا «خلق الاعمال»؛ «التصوف و العرفان»؛ «تحفه‌ی روحانی»؛ تفسیر چندین آیه و سوره‌ی قرآن از جمله سوره‌ی «اخلاق» و «کافرون».[۱]

(منسوب به دوان) جلال‌الدین محمد بن سعد (یا سعدالدین) اسعد کازرونی، دانشمند و قاضی معروف. (و. دوان ۸۳۰ ف. ۹۰۸ ه.ق.). پدرش قاضی کازرون بود و دوانی بخش اول عمر خود را در آن شهر گذرانید و در مدرسه دارالایتام به تعلیم پرداخت. وی حکیمی متکلم و محقق است. از آثار اوست: اخلاق جلالی (علم اخلاق) اثبات الواجب الجدید، اثبات الواجب القدیم، افعال اللّه تعالی انموذج علوم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۲۵ -۳۰۹)، احقاق الحق (۱۲۴ -۱۲۲ /۳)، الاعلام (۲۵۷/۶)، اعیان الشعیه (۱۲/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۰ -۹۹ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۷ -۲۶۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۷۵ -۱۶۷)، الذریعه (۵۷/۲۵، ۱۴۷/۱۵، ۱۹۹/۹، ۸۲/۵، ۲۰۶/۲)، روضات الجنات (۵۴۸ -۵۴۱ /۲)، ریحانه (۲۳۶ -۲۳۲ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۲ -۲۲۰ /۱۰)، کشف الظنون (۲۰۴۸، ۱۸۹۳، ۱۵۶۷، ۱۱۴۴، ۱۰۹۶، ۸۶۳، ۸۴۷، ۸۴۲، ۵۱۶، ۴۵۷، ۴۴۹، ۳۴۹، ۱۹۵، ۱۸۴)، لغت نامه (ذیل/ دوانی)، مجالس المومنین (۲۲۹ -۲۲۱ /۲)، معجم المؤلفین (۴۷/۹)، هدیه الاحباب (۱۳۶).

دهاقانی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از مجتهدین گمنامی است که در دستگاه آقایان مسجد شاهی بوده، و نزد: حاج ملا حسین علی تویسرکانی، و آقا سید محمد شهشهانی، و حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی تحصیل نموده، و پس از وصول به مقام اجتهاد در خدمت حاج شیخ محمد باقر، و سپس در نزد آقا نجفی وارد بوده، و به فصل دعاوی و خصومات می‌پرداخته، و در حدود سال ۱۳۲۰ در اصفهان وفات یافته است.

مرحوم نورالله نور شرق در حدود سال ۱۳۰۰ متولد، و تحصیلات قدیمه‌ی خویش را از صرف و نحو و فقه و اصول و حکمت نزد اساتید این شهر همچون: آقا شیخ هادی فرزانه قمیشه‌ای، و آقا شیخ محمد رضا نجفی، و آقا نجفی، و حاج آقا نورالله، و حاج میرزا عبدالحسین نجفی و دیگران به پایان رسانیده، و در زمره‌ی آزادی خواهان و روشن فکران وارد شده، و از سال ۱۳۴۴ به مدت دو سال روزنامه‌ی «نور شرق» را به مساعدت مادی حاج آقا نورالله در اصفهان منتشر نموده، و پس از فوت مشارالیه انتشار روزنامه نیز متوقف گردید.

وی مردی دیب و دانشمند و خلیق و مهربان و متقی و پرهیزکار و وارسته بود، با فساد و بی‌دینی مبارزه می‌کرد، و در عقاید خود ثابت و پایدار بود.

در خدمت فرهنگ وارد شده، و از دبیران طراز اول ادبیات به شمار می‌رفت. مورد احترام عموم فرهنگیان و به خصوص دانش آموزان بود.

در روزنامه‌های اصفهان مقالاتی مختلفه می‌نوشت.

سرانجام در شب دوشنبه ۲۴ ذی‌حجه‌ی سال ۱۳۷۱ وفات یافته، در تخت فولاد [تکیه‌ی جهانگیرخان قشقایی] مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش را ادیب فرزانه و دانشمند محترم جناب آقای آقا سید علی خان نوربخش متخلص به «آزاد» فرماید:

نور شرق آن به نام نورالله

ناگهان شد ز دور دوران حیف

حیف از آن فکر پاک و رأی رزین

هم از آن پرتو فروزان حیف

گفت آزاد بهر تاریخش

که (شده نور شرق پنهان حیف)

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دهقان چاچکامی، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید دهقان چاچکامی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۲ (پس از طی مقطع ابتدایی) وارد حوزه علمیه شهرستان ساری شدم و در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر اساتیدی همچون مدرس افغانی، مرحوم اسحاقی، مرحوم عبایی خراسانی تا پایه ششم را تلمّذ کردم. رسائل را در خدمت آیهٔ الله اعتمادی و مکاسب را از محضر مرحوم آقای ستوده و کفایتین را در حضور آیهٔ الله صالحی مازندرانی کسب فیض کردم. خارج اصول را در محضر آیهٔ الله فاضل لنکرانی و ادامه آن را پس از تعطیلی درس اصول آیهٔ الله فاضل از محضر آیهٔ الله مکارم و صالحی و مازندرانی بهره گرفتم. در تفسیر قرآن از محضر آیهٔ الله مشکینی، آیهٔ الله جوادی آملی، آیهٔ الله معرفت (علوم قرآنی) و آیهٔ الله خزعلی(علوم قرآنی) بهره مند شدم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی دروس کلاسیک را به صورت آزاد ادامه دادم و در سال ۱۳۶۶پس از اخذ دیپلم در کنکور سراسری در رشته حقوق پذیرفته شدم. لیسانس و فوق لیسانس را در دانشگاه تهران گرفتم و اکنون در رشته حقوق کیفری و جرم شناسی در مقطع دکتری در حال تهیه رساله در دانشگاه تربیت مدرس هستم.از سال ۱۳۷۲ در رشته تخصصی حقوق و فقه جزایی و قواعد فقهیه در دانشگاه های مختلف تهران، بین المللی امام خمینی(ره) و آزاد قم تدریس داشته ام. و در دروس معارف هم به تدریس رشته های انقلاب اسلامی و تاریخ اسلام و اخلاق اسلامی پرداخته ام.

از سال ۱۳۷۰ وارد عرصه نویسندگی شدم. ابتدا با مرکز تحقیقات شهید محلاتی همکاری داشتم که حاصل آن چاپ دو جلد کتاب درسی با عنوان دانش اجتماعی که در سپاه تدریس می‌شود. دو جلد کتاب هم با موضوع انقلاب اسلامی تدوین و تالیف نمودم که با استقبال گسترده روبرو شده و در دانشگاه تدریس می شود.

از سال ۱۳۷۶ با پژوهشکده حوزه و دانشگاه در زمینه حقوق کیفری همکاری داشتم که حاصل آن چاپ جلد اول کتاب بررسی

تطبیق حقوق جزای عملی اسلام و حقوق معوقه است که به عنوان کتاب سال دانشگاهیان در سال ۸۱ و کتاب سال حوزویان در سال ۸۴ انتخاب شده است.پس از طرح گفتمان عدالت و عدالت خواهی در سال های آخر کتابی تحت عنوان تحلیل مفهوم عدالت و شاخه در عدالت اجتماعی تألیف نمودم که طی کمتر از شش ماه چاپ اول آن تمام شد و برای چاپ بعدی به دلیل مسائل مالی اقدامی صورت نگرفته است.در حال حاضر نیز چندین پروژه و طرح تحقیقاتی دردست تکمیل دارم از قبیل بررسی مبانی فقهی و حقوقی آزادی بیان و مطبوعات و قلمرو آن، عدالت جنسیتی در نظام کشوری اسلام، و در آمدی بر مدیریت فرهنگی رسول خدا(ص) و منشأ خانواده در اسلام و غرب.

دهقانی، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد دهقانی

محل تولد : اشکذر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۳۴ متولد شده و بعد از گذراندن دوران ابتدایی در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه یزد شدم و بعد از چند سال تحصیل در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۵۹سطح را به پایان رسانده و رتبه سوم را امتحان داده و در ضمن به تحصیل دانشگاهی نیز مشغول و در همان سال از مدرسه عالی تربیتی قضایی قم موفق به گرفتن لیسانس امور تربیتی و قضایی شدم و به مدت ۱۲ سال در درس خارج فقه و اصول شرکت نموده و از سال ۱۳۶۷ هفته ای یک روز یا بیشتر در مراکز تربیت معلم و دانشگاههای مختلف و علوم قضایی مشغول تدریس بوده ام.

دینوری، ابوالقاسم یوسف

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۵ ق)، فقیه و قاضی شافعی. معروف به ابن کج. وی از شاگردان ابوالحسین بن قطان بود، و در مجلس درس دارکی حاضر می‌شد. عده‌ای او را بر شیخ ابوحامد اسفراینی مقدم می‌دانند بطوری که یکی از شاگردانش روزی به وی گفت: ای استاد، گرچه ابوحامد صاحب نام است، اما علم نزد توست. دینوری مردی محتشم بود و مردم از اطراف به سویش می‌آمدند. وی در ماه رمضان به دست حرامیان کشته شد. دینروی داری تصانیف بسیاری است از که از آن جمله کتاب «التجرید» را می‌توان نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۱۸۴ -۱۸۳/ ۱۷)، معجم المؤلفین (۲۷۳/۱۳).

دینوری، ابوبکر احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۳ ق)، قاضی، محدث و فقیه مالکی. ابتدا عهده‌دار منصب قضای قلزم و سپس چندین سال در اسوان مصر اقامت گزید و مدتی مقام قضاوت آنجا را بر عهده گرفت. از کسانی مثل ابوبکر بن ابی الدنیا و ابوقلابه الرقاشی و ابن‌قتیبه دینوری و محمد بن یونس کدیمی و عباس بن محمد دوری و محمد بن عبدالعزیز دینوری روایت کرده است و از راویان کتب ابن قتیبه به شمار می‌آید. قاضی ابوبکر ابهری و ابوبکر ابن‌شاذان و ابوبکر ابن‌مهندس و ابراهیم بن علی تمار مصری و حسن بن اسماعیل ضراب از وی روایت کرده‌اند دارقطنی او را از محدثان مورد اعتماد نمی‌داند و در «غرائب مالک» او را به وضع حدیث متهم کرده است. دینوری در مذهب مالک صاحب نظر بود. کتابی در «مناقب مالک» و کتابی در «رد شافعی» تالیف کرده است. وی همچنین صاحب کتاب «المجالسه» است که بوصیری از آن روایت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۱/۱)، سیر النبلاء (۴۲۸ -۴۲۷/ ۱۵)، کشف الظنون (۱۸۴۱، ۱۵۹۱)، لسان المیزان (۴۶۹ -۴۶۸/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۱۷۵ -۱۷۴/ ۲).

رازی رومی، عبداللطیف

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۴۶ ق)، عالم، محدث و قاضی حنفی. وی مدتی منصب قضاوت را در شهر استانبول بر عهده داشت. از آثارش: «الدر المکنون فی فلک المشحون»، در حکایات ترکی و نوادر که آن را به نام وزیر ابراهیم پاشا مقتول تالیف کرد؛ «اصل الخبر من کلام سید البشر»، در حدیث.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۴۸، ۹۱/ ۱)، معجم المؤلفین (۱۲/۶)، هدیه العارفین (۶۱۸/۱).

رازی، ابوالحسن محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۸ ق)، فقیه، شافعی، حافظ، محدث و قاضی. معروف به ابن‌حیکویه. پدرش، حیکویه، محدثی مورد اعتماد بود که از

شاگردان یحیی بن عبدک به شمار می‌آمد. قاضی ابوالحسن رازی از سهل بن سعد و علی بن ابی‌طاهر و ابوشعیب حرانی و محمد بن یحیی مروزی و ابوخلیفه و ابویعلی فقه و حدیث آموخت. او تا پایان عمر ملازم ابن‌سریج بود. چهار سال در قزوین و همچنین مدتی در همدان عهده‌دار امور قضاوت بود. به گفته‌ی ذهبی او سنی متعصبی بود. وی دارای تصانیفی در اصول و فروع فقه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۳۷۹/۱۵)، معجم المؤلفین (۱۰۲/۱۲).

رازی، مجدالدین اسماعیل

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۵۰ ق)، ففیه و قاضی. وی از فقهای عصر خویش بود که سمت قضاوت را نیز برعهده داشت. از آثار وی: «القرائن الرکنیه»، در فروع فقه شافعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ری باستان (۲۸۸/۲)، کشف الظنون (۱۳۲۴)، معجم المؤلفین (۲۶۲/۲).

راستگو علی آبادی، نادر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نادر راستگو علی آبادی

محل تولد : جیرفت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ به علت علاقه به دروس حوزوی وارد حوزه علمیه یزد شدم بعد از دو سال تحصیل آمدنم به قم المقدسه فراهم شده و تحصیلات خویش را در حوزه مقدسه قم ادامه دادم.همراه با دروس حوزوی در سال ۶۸ در رشته اقتصاد بازرگانی دانشگاه مازندران (بابلسر) قبول شدم، دو ترم خواندم که متأسفانه با بحران اقتصادی مواجه شده و ترک تحصیل کردم.تا اینکه بار دیگر در سال ۷۳ در رشته علوم سیاسی شرکت کرده و در دانشگاه باقرالعلوم(ع) قم قبول شدم. سال ۷۶ لیسانس گرفتم، (که متأسفانه به علت مشکلات اقتصادی توفیق ادامه تحصیلات دانشگاه را تاکنون پیدا نکردم) و در دفتر تحقیقاتی یاسین مشغول به کار شدم تا اینکه در سال ۱۳۷۸ برای تدریس در مدرسه عالی امام خمینی(ره) دعوت شدم و از همان سال تاکنون مشغول به تدریس شدم.همچنین همراه با مدرسه امام(ره) در مراکز حوزوی (تخصصی قضاء و تربیت راهنما و همچنین هوا ـ فضا تهران) مشغول به تدریس هستم.در ضمن در دروس: زبان انگلیسی، اندیشه‌های سیاسی امام(ره) انقلاب اسلامی، دانش سیاسی و اخلاق توفیق تدریس دارم. ناگفته

نماند اولین سال ورودم به مدرسه الهادی رفتم و در این مدرسه واقع در خاکفرج به دروس حوزوی خویش ادامه دادم.

راسخ، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد راسخ ،دارای دکتری حقوق عمومی و فلسفه حقوق است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه حقوق عمومی و بین الملل, دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی : دکتری حقوق عمومی و فلسفه حقوق

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد راسخ عضو هیئت علمی و دانشیار گروه حقوق عمومی و بین الملل, دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی است.

فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و اموزشی محمد راسخ در دانشگاه شهید بهشتی به قرار زیر است: – فلسفه حقوق – حقوق اساسی – حقوق مالی – نظام های انتخاباتب – حقوق اساسی تطبیقی – حقوق بشر – مکاتب کلامی و فلسفی در حقوق عمومی – فلسفه حق

آرا و گرایشهای خاص : زمینه های پژوهشی دکتر محمد راسخ به قرار زیر است: – مطالعه نظام قانونگذاری ایران – تاریخ تئوری حقوقی اسلامی – نظام نظارت و کنترل: مطالعه نظری و تطبیقی – حقوق بیوتکنولوژی و اخلاق زیستی – «علم» در «دادرسی» – منطق حقوق – مبانی قواعد فقه – اصول و فلسفه حقوق اساسی – نظریه مشروطه خواهی – مبانی و فلسفه حقوق عمومی – حقوق اساسی تطبیقی – حقوق تطبیقی بودجه و مالیات – حقوق تطبیقی منابع طبیعی

چگونگی عرضه آثار : مقاله ها: – تئوری حق و حقوق بشر بین الملل– مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی – جدال حیات: بررسی اجمالی نظریه های سقط جنین–مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی – بیوتکنولوژی و انسان – مجلس و پژوهش – مفهوم عدالت – مجلس و پژوهش (۲۰۰۳) Philosophy of the Iranian constifution The problem of Abortion: Juris prudential or philosophical? (۲۰۰۵) ________________________

____

آثار :

۱ بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری

ویژگی اثر : مرکز پژوهشهای مجلس

۲ تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب

ویژگی اثر : طرح نو

۳ حق و مصلحت

ویژگی اثر : طرح نو

۴ قانون، آزادی و اخلاق

ویژگی اثر : طرح نو

رامهرمزی، ابومحمد حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۶۰ ق)، حافظ، محدث، قاضی، ادیب و شاعر. معروف به ابن‌خلاد رامهرمزی. وی سبک جاحظ را دنبال می‌کرد. از پدرش محمد حضرمی و محمد مازنی و حسن عنبری و جعفر فریانی و عبدان اهوازی و ابوالقاسم بغوی حدیث شنید. و به آورده‌ی «تاریخ فارس» از جماعتی از بزرگان شیراز استفاده کرد و جزوه‌ها نگاشت. ابوالحسین صیداوی و حسن شیرازی و محمد بن موسی بن مردویه و قاضی احمد نهاوندی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او را از پیشگامان علم اصول الحدیث می‌دانند، که در این زمینه در کتاب معروف خود «الحمدث الفاصل بین الراوی و الواعی» ابواب بسیاری را مطرح کرد. شریف ابومحمد حسن محمدی که از مشایخ طوسی و نجاشی است از شاگردان وی به حساب می‌آید. سالیانی در شهرهای خوزستان عهده‌دار منصب قضاوت بود. او تا سال ۳۶۰ ق در رامهرمز باقی ماند و در همان جا درگذشت. از آثارش: کتاب «الریحانتین الحسن والحسین (ع)»؛ «امام التنزیل فی علم القرآن»؛ «النوادر و الشوادر»؛ «ادب الناطق»؛ «رساله السفر»؛ «الرثاء یا المراثی و التعازی»؛ «الفلک فی مختار الاخبار و الاشعار»؛ «ربیع المتیم فی اخبار العشاق»؛ «کتاب امثال النبی (ص)»؛ «المناهل و الاعطان والحنین الی الاوطان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۳ -۱۲۹ /۵)، ایضاح المکنون (۵۶۵، ۴۴۲، ۳۴۷، ۳۱۵، ۳۰۷، ۲۹۷ /۲ ،۵۶۴، ۵۴۸، ۱۲۵، ۱۲۴)، سیر النبلاء (۷۵ -۷۳ /۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸/۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۵۵)، کشف الظنون (۱۶۱۲ ،۱۱۲۲)، معجم الادباء (۱۷ -۵ /۹)، معجم المؤلفین (۲۳۵/۳)، مقدمه ابن‌الصلاح (۴)، الوافی بالوفیات (۶۵ -۶۴ /۱۲)، هدیه العارفین (۲۷۱ -۲۷۰ /۱).

رامیار، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نویسنده، استاد.

تولد: ۱۳۰۱، مشهد.

درگذشت: ۲۰ شهریور ۱۳۶۳، انگلستان.

محمود رامیار تحصیلات خود را تا پایان دوره‌ی متوسطه در مشهد به پایان رسانید و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به تهران عزیمت کرد و در مدرسه‌ی سهپسالار قدیم تحصیلات خود را در فقه و اصول ادامه داد. در مدت اقامت در تهران موفق به اخذ دکترای حقوق از دانشگاه تهران شد. وی مدتی نیز در فرانسه به تحقیق و تحصیل مشغول بود. آخرین مرحله از تحقیقات ایشان نزد پروفسور مونتگمری وات در دانشگاه ادینبورگ بود که این دوره را نیز با درجه‌ی دکتری به پایان رسانید. پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۳۴۹ به مشهد بازگشت و به عنوان استاد و رییس دانشکده‌ی الهیات دانشگاه مشهد به تحصیل و تحقق پرداخت. از جمله خدمات وی تأسیس چاپخانه‌ی دانشگاه مشهد بود. وی در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد.

آثار دکتر محمود رامیار عبارتند از: تاریخ قرآن، کشف الآیات قرآن مجید، در آستانه سالزاد پیامبر (ص)؛ ترجمه‌ی کتاب در آستانه‌ی قرآن (ترجمه از کتاب بالشر فرانسوی، ۱۳۵۸)؛ آخرین اثر استاد تفسیری از قرآن بود که به انجام نرسید.

کتاب تاریخ قرآن وی در دومین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

رامین، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رامین، متولد ۱۳۲۱ تهران، بعد از پایان تحصیلات دبیرستانی، در دانشگاه تهران، در رشته علوم سیاسی و اقتصاد تحصیل کرد. این رشته ها در آن زمان، راهگشای جوانان مستعد به سوی احراز پست های هم سازمانی و گرفتن کرسی های مدیریت در نظام گذشته بود اما دغدغه های علی رامین، از همان اول، در حوزه فرهنگ بود و نه چیز دیگر. مدرك فوق لیسانس او در رشته مدیریت از دانشگاه مشهور هاروارد و مدرك دکترای او از دانشگاه لنکستر انگلستان در رشته اقتصاد بین الملل، برای آن اهداف، راهگشاتر بود. اما علی رامین، دانشگاه را برگزیده بود. پایان نامه او در دانشگاه لنکستر، به «تحقیق در اقتصاد کشورهای در حال توسعه» اختصاص داشت. شهرت دکتر علی رامین از چند سال پیش، با ترجمه کتاب های قطور و معتبر «تاریخ هنر» اثر ارنست گامبریچ و «هنر مدرن» نوشته نوربرت لینتون از حد دانشگاهی گذشت و به سطحی فراگیر رسید. دکتر علی رامین، محقق و مؤلف و مترجمی است که در سطوح مختلف جامعه دانشگاهی و اهل کتاب با صدها نفر از مشتاقان رشته های جامعه شناسی هنر و فلسفه تحلیلی هنر سروکار دارد. کتاب های او به چاپ های متعدد رسیده اند او هم اکنون نیز در مقطع فوق لیسانس و دکترا، رشته های جامعه شناسی هنر وفلسفه هنر را تدریس می کند.گروه : علوم انسانی رشته : علوم سیاسی گرایش : علوم سیاسی و اقتصاد

راوندی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی راوندی در سال ۱۲۹۲ ، در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ایمان و دوره دبیرستان را در دارالفنون به پایان برد ، سپس وارد دانشکده افسری شد و در همانجا دوره سربازی را انجام داد. آنگاه جهت ادامه تحصیل وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و در رشته قضایی با درجه لیسانس فارغ التحصیل شد. استاد راوندی پس از تحصیلات عالی ، مشاغل مختلفی را عهده دار شد ، وی ابتدا در راه آهن تهران به کار پرداخت ، سپس از سال ۱۳۱۸ ش . وارد دادگستری شد و به خدمت قضایی اشتغال ورزید. راوندی همچنین سمت هایی همچون ریاست ثبت کل کشور و دادیاری دیوان عالی کشور را نیز پذیرفت ، تا آنکه در سال ۱۳۴۴ ش ، بازنشسته شد. وی پس از بازنشستگی به پژوهش درباره تاریخ ایران و نقش سیاسی و اجتماعی مردم پرداخت و آثار نیز به چاپ رساند. استاد مرتضی راوندی سرانجام در روز چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۷۸ در پی عارضه مغزی دیده از جهان فروبست.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مرتضی راوندی تحصیلات دوره ی ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند. در سال ۱۳۲۲ به اخذ لیسانس در رشته ی ادبیات فارسی از دانشسرای عالی توفیق پیداکرد و به سال ۱۳۲۴ برای فراگرفتن علوم دینی و معارف اسلامی رهسپار شهر مذهبی قم گردید. در سال ۱۳۲۹ برای تکمیل تحصیلات به تهران بازگشت و در سال ۱۳۳۵ به اخذ درجه ی دکترا در رشته ی زبان و ادبیات فارسی نائل آمد. وی برای تز دکترای خود و به راهنمایی استادش شیخ محمد سرابی ، « تفسیر مجمع البیان » را که تفسیری جامع در علوم قرآنی است برگزید.

خاطرات و وقایع تحصیل : مرتضی راوندی از سختگیری های نابجا و نظام آموزشی غلط دوران تحصیل خود چنین یاد می کند: « محیط اجتماعی ایران طوری بود که خانواده ها و دولت وقت ، توجهی به حیات جسمی و روحی کودکان نداشتند . تحرک ، بازی ، دویدن و جست و خیز اگر امروز نوعی تربیت و آموزش حساب می شود ، در قدیم نه تنها مورد تایید خانواده و مسئولین فرهنگی نبود ، بلکه نوعی شیطنت و بازی گوشی بی ادبانه تلقی می شد. هیچ فراموش نمی کنم موقعی که در مدرسه مبارکه ایمان دوره ابتدایی را می گذراندم ، مدیر مدرسه مرحوم « میرزا ابوالقاسم خان تفرشی » نه تنها در دویدن و بازی کردن را تایید نمی کرد ، بلکه در طبقه سوم ساختمان مدرسه و در ایوان می نشست و دست هایش را مقابل چشم ها می گذاشت و چنین وانمود می کرد که نمی بیند. اگر کودکی به حکم غریزه کودکی جست و خیز می کرد و با دیگر اطفال به بازی مشغول می شد ، آقای میرزا با ترکه حاضر می شد و به یکی از فراش ها می گفت: « بیارش. » و بعد بساط ترکه و فلک و تنبیه بود.

وقایع میانسالی : روی کار آمدن محمدرضا شاه پهلوی و باز شدن فضای سیاسی از سال ۱۳۲۰ ، روشنفکران و سیاستمداران را یکبار دیگر وارد عرصه سیاست نمود ، مرتضی راوندی نیز از جمله این افراد بود که در مسیر جریانات سیاسی کشور قرار گرفت و مدتی را نیز در زندان شاه به سر برد.

زمان و علت فوت : مرتضی راوندی در روز چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۷۸ در پی عارضه مغزی دیده از جهان فروبست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرتضی روواندی پس از تحصیلات عالی ، مشاغل مختلفی را عهده دار شد ، وی ابتدا در راه آهن تهران به کار پرداخت ، سپس از سال ۱۳۱۸ ش . وارد دادگستری شد و به خدمت قضایی اشتغال ورزید. راوندی همچنین سمت هایی همچون ریاست ثبت کل کشور و دادیاری دیوان عالی کشور را نیز پذیرفت ، تا آنکه در سال ۱۳۴۴ ش ، بازنشسته شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مرتضی راوندی پس از بازنشستگی به پژوهش درباره تاریخ ایران و نقش سیاسی و اجتماعی مردم پرداخت. علاوه بر آن سفر به فرانسه و دیدن کتاب هایی درباره زندگی روزمره توده مردم پاریس در سده های گذشته ، ایشان را مصمم به پژوهش درباره زندگانی مردم و آداب و رسوم عادی و سایر طبقات مختلف کشور از لابه لای تواریخ کهن نمود.

رجایی پور، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی رجائی پور

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای مصطفی رجائی پور در سال ۱۳۴۶هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا آگاه به مسائل مذهبی در شهرمشهد مقدس دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۸ و درست یک سال پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه مشهد مقدس، مدرسه مرحوم آیت الله میلانی گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله مرتضوی،آیت الله رضا زاده آیت الله صالحی، مرحوم فقیه سبزواری وحجت الاسلام و المسلمین حجت هاشمی بهره ها برد.استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه و مبانی حقوق در مقطع دکترا در سال ۱۳۸۵از دانشگاه علوم تحقیقات تهران فارغ التحصیل گردید .ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد مشهد، دانشگاه فردوسی،و....ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های" پیام آور حجت "و" مجموعه قوانین مربوط به ازدواج و طلاق "و... از جمله آثار ایشان است.

رزاق پور، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر رزاق پور

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد جعفر رزاق پور در سال ۱۳۶۳ نائل به دیپلم رشته علوم انسانی از دبیرستان آیت الله غفاری بابل شدم. در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه فیضیه مازندران که در شهرستان بابل مستقر است شدم. مدیریت این حوزه را حضرت آیت الله محمد فاضل بعهده داشت بنده از سال ۶۴ تا سال ۶۹ تمام دروس مرسوم حوزوی از مقدمات تا مکاسب محرمه را نزد این استاد بزرگ و دیگر اساتیدی که در این مدرسه تدریس می نمودند بهره بردم. از سال ۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مرکز مدیریت حوزه علمیه قم با شماره پرونده ۲۰۸۹۹ ادامه تحصیل دادم.

مکاسب محرمه، رسائل و کفایه را به ترتیب نزد استاد حجهٔ الاسلام محمدی ، حجهٔ الاسلام تهرانی، و آیت الله استادی تلمذ نمودم. کلاسهای اخلاق را از آیت الله حسین مظاهری و آیت الله علی مشکینی (ره) بهره می جستم. در کلاس تفسیر حضرت آیت الله

جوادی آملی شرکت می کردم و دروس خارج فقه و اصول را به ترتیب از آیات عظام محمد فاضل لنکرانی (ره) و حاج شیخ جعفر سبحانی بهره می گرفتم. حضرت آیت الله مکارم نیز استاد خارج فقه بنده است. در سال ۱۳۷۴ در کنار دروس حوزوی در کنکور سراسری سازمان سنجش و آموزش کل کشور شرکت نمودم و در دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم در رشته علوم سیاسی مقطع کارشناسی قبول شدم پس از اتمام این دوره ناچار شدم طبق آیین نامه دانشگاه پایان نامه بنویسم و در جلسه دفاعیه از آن دفاع کنم طی مراحل اجرای پایان نامه از سوی بعضی از شخصیتهای علمی حوزه و دانشگاه مورد تشویق قرار گرفتم و این تشویقها مرا به جدیت بیشتر و دقت روز افزون واداشت و سرانجام توانستم پایان نامه ام را با نمره ۱۹/۶۶ و امتیاز عالی دفاع نمایم.

پس از اتمام مقطع کارشناسی بار دیگر در کنکور سراسری شرکت نمودم و در همان دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد علوم سیاسی پذیرفته شدم و به تحصیل ادامه دادم. فعلا تمام واحدهای این مقطع را پاس نمودم و پایان نامه کارشناسی ارشد را نیز نوشتم و تا مدتی دیگر دفاع خواهم نمود. اکثر تحقیقات بنده در مورد احزاب و گروههای سیاسی ایران از ۱۳۲۴ تا ۱۳۵۷ می باشد. گروههای فدائیان اسلام، نهضت آزادی، حزب ملل اسلامی، و هیئتهای مؤتلفه اسلامی را بطور کامل کار کردم و هر یک از این احزاب را از جهت تاریخچه تأسیس معرفی عناصر اصلی ، اندیشه های سیاسی، مواضع و عملکردها مورد بررسی قرار دادم.

رستار، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر رستار

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات جدیدم را در شهرستان قائمشهر (شاهی سابق) شروع و تا ششم ابتدائی واول متوسطه نظام قدیم را در آن شهرستان و تا سوم متوسطه را در امیرکلا ودوره دبیرستان را تا اخذ دیپلم در شهرستان بابل گذرانده ودر سال تحصیلی ۴۹-۵۰ موفق به اخذ دیپلم در رشته طبیعی گردیدم .در همان سال با ارشادات و راهنمائی های مرحوم آیت الله روحانی نماینده حضرت امام (ره) وامام جمعه شهرستان بابل و یکی از

اساتید محترم جناب حجه الاسلام و المسلمین شیخ محمد قائمی جهت تحصیل علوم دینی وفقهی وارد حوزه علمیه قم شده و تحصیلات مقدماتی و ادبیات عرب را نزد اساتید مختلف از جمله حجج اسلام شیخ جعفر ابدی و شیخ سلمان طهماسبی وشهید شیخ حجت توحیدی و مرحوم شیخ سعدی حیدری از فضلاء مازندرانی مقیم حوزه علمیه قم و مقداری را نیز در مدرسه مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) فرا گرفتم و در سطوح بالاتر کتاب مطول در معانی و بیان را نزد استاد فشارکی ولمعتین را نزداستاد باکوئی وحاشیه د رمنطق را نزد استاد طالقانی ورسائل ومکاسب و کفایتین را نزد مرحوم استاد ستوده ومرحوم استاد ذهنی تهرانی و اساتید دیگر حوزه خوانده و سطوح عالیه فقه و اصول ومقداری از فلسفه را نیز از اساتید و مراجع بزرگوار حوزه

علمیه قم استفاده نموده و از درس خارج حضرات آیات فاضل ، مکارم ، بهجت ،لنگرودی و سید جعفر کریمی بهره برده وبیشترین استفاده فقهی و اصولی را از جلسات درس حضرت آیت الله العظمی شیخ حسین مظاهری اصفهانی داشته و ازشاگردان نزدیک و مورد عنایت آن بزرگوار و بیش از ده سال از خارج فقه واصول وی بهره وافر برده و درتدوین رساله عملیه آن استاد گرانمایه نقش موثر و مستقیم داشته ام . در زمینه تدریس نیز توفیق تدریس کلیه کتب حوزوی در سطوح مقدماتی و متوسطه داشته ام . مقدمات ، سیوطی ، مغنی ، معالم ، حاشیه و لمعه تا کفایه را به طور خصوصی و مدتی نیز در مدارس علمیه حقانی و شهید صدوقی تدریس کرده ام .

تخصص نسبی اینجانب که بیشترین تدریس مرا شامل می شود ادبیات عرب و تجزیه و ترکیب می باشد. درزمینه تدوین با توجه به کثرت کتب موجوده در زمینه ها وموضوعات مختلف ضرورتی به اقدام در این کار ندیدم لیکن ذر موسسه دائره المعارف فقه اهل بیت علیه السلام همکاری داشته مقالات متعددی به صورت گروهی یا شخصی تدوین نموده که علاوه بر آنچه که قبلا گفته شده و در پرونده آن مرکز موجود است مقالات ارتفاق ، اراقه ، ارتماس ، ارتزاق ، اراده و مایکره فی حال الاحرام می باشد که بعضی ازآنها در بازنگری و بازنویسی و تمام آنها در موسسه دائره المعارف فقه اهل بیت علیهم السلام بوده است . مدرک کارشناسی حوزه را دریافت نموده ام وبرای اخذ مدرک کارشناسی ارشد حوزه ، موضوع ((ذبح ماشینی)) را انتخاب نموده ام که باید بنویسم واز جهت مدرک دانشگاهی در کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران- مرکز قبول شده لیکن به خاطر مشکلات رفت و آمد در واحد قم تحصیل نموده و هم اکنون در حال تدوین پایان نامه با عنوان ((شرط ضماندر عقود امانی)) می باشم.

رستمی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی رستمی

محل تولد : اسد آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

ـ تاریخ تولد:۲۰ دی ماه ۱۳۵۱ (در شناسنامه ۸ شهریور ۱۳۵۱) روستای پیر شمس‌الدین اسدآباد

ـ ورود به دبستان :مهر ۱۳۵۷

ـ ورود به حوزه علمیه قم:مهر ۱۳۶۵ مدرسه امام صادق(ع) نیروگاه (خلخالی سابق) استفاده در دروس مقدماتی از آن اساتید، حجج اسلام حیدرعلی ایوبی، امین دین، مظلومی، موحدی کاشانی، یزدی، و لمعه نزد آقایان آل‌غفور و یزدی و اصول معالم و اصول فقه نزد استاد ایوبی.

ـ عزیمت به مدرسه امام محمد باقر(ع): مهر ۱۳۶۹ و ادامه دروس مقدمات و سطح نزد آقایان آل غفور، مهدوی راد، رسائل و مکاسب نزد آقایان حسینی بوشهری، موسوی تهرانی، بیگدلی، عندلیب‌زاده همدانی، کفایه نزد آقایان دوزدوزانی و موسوی تهرانی.

آغاز تحصیلات خارج: ۱۳۷۵ در محضر آقایان حضرات آیات سبحانی اصول و شیخ جواد تبریزی فقه و نوری همدانی و فاضل (ارمقاطعی)

ـ همکاری با پژوهشگاه دفتر مطالعات و تحقیقات مهم اسلامی دفتر تبلیغات در واحد نمایه‌سازی سپس اصطلاح‌نامه علوم اسلامی در بخش کنترل و نظارت و سپس آموزش و نظارت گروه‌های اصلاح‌نامه اخلاق اسلامی ـ علوم حدیث ـ کلام اسلامی مهر ۱۳۷۵

ـ همکاری با واحد پرسش و پاسخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری از سال ۱۳۸۰ (مرکز مشاوره و پاسخ دانشجویی ـ معاونت آموزشی و تبلیغ نهاد قم)

ـ آغاز تحصیل رشته حقوق در دانشگاه مفید: ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷

ـ آغاز تحصیل کارشناسی حقوق بین‌الملل مفید: ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰

ـ تدریس در دانشگاه‌ها در دروس معارف ۱۳۸۱ به بعد در دانشگاه‌های آزاد اسلامی اراک ـ دانشگاه اراک ـ بوعلی سینا همدان ـ علوم پزشکی همدان.

ـ تدریس حقوق (حقوق بین‌الملل عموم ـ خصوصی ـ سازمان‌های بین‌المللی و حقوق فقه) در دانشگاه‌های آزاد اسلامی اراک، پیام نور همدان، امام حسین(ع)

ـ اشتغال به خارج اصول نزد استاد عندلیب‌زاده در همدان حوزه علمیه مرحوم آخوند ۱۳۸۵.

رشیدی، علیقلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی قلی رشیدی

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۲/۲۳

زندگینامه علمی

در روستای بادامک تابع شهرستان پلدختر متولد شدم . در شش سالگی در روستای چم قلعه به دبستان رفتم و پس از گذشت مقطع ابتدایی وارد مقطع راهنمایی در شهرستان پلدختر شدم. دبیرستان راهم در همان شهر همراه با انقلاب در رشته علوم تجربی گذراندم. در دوران دبیرستان که مصادف با انقلاب بود به همراه یکی از سادات جلیل القدر مظلوم و محلی به نام سید علی نقی موسوی (ره) تمام اعلامیه های امام را دست نویس کرده و در بین مردم پخش کردم از سال ۵۶ وارد حوزه شدم و تا سال ۱۳۷۱ دوره سطوح عالیه را تمام کردم و همراه با دروس حوزه دروس دانشگاهی لیسانس در رشته فلسفه و کلام و فوق لیسانس در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی را تا سال ۱۳۷۶ به اتمام رساندم در دوران جنگ تحمیلی چندین بار به جبهه رفتم و دو بار مجروح شدم و در سال ۱۷/۶/۱۳۶۵ به درجه جانبازی شیمیایی نایل گردیدم و الان هم مشغول به تدریس در دانشگاههای لرستان و حوزه علمیه پلدختر هستم.

رضا نیا معلم، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا رضانیا معلم

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا رضانیا معلم فرزند جمشید در روستای معلم کلا از توابع شهرستان بابل متولد شدم. دوره ابتدایی را در آن روستا و دوره راهنمایی را در شهرستان بابل گذراندم. دایی ام به نام حسین علی نژاد معلم به جهت شاغل بودن در آموزش و پرورش ایلام در دهه ۶۰ و آشنایی با آقای شیخ محسن تفویضی از فضلای متقی حوزه علمیه قم و مسئول سازمان تبلیغات وقت استان ایلام، مشوق اینجانب جهت حضور در حوزه علمیه شده است.

من بعد با ارتباط بسیار تنگاتنگ با حاج آقا تفویضی به سال ۱۳۶۲ در حوزه علمیه آشتیان مستقر و از سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. سال ۶۷ ازدواج نمودم. از همان سال به دلایل علمی ، اجتماعی و ... در کنار دروس حوزه ، تابستان ها دوره دبیرستان و دیپلم را اخذ و سال ۷۱ با رتبه ۱۸ وارد رشته حقوق قضایی دانشگاه تهران شدم.

تا پایان تحصیلات تکمیلی «ارشد حقوق خصوصی» دروس سطح حوره علمیه قم را (به رغم حضور متناوب درمناطق جنگی و شرکت در عملیات های جبهه و مجروحیت چند باره) نزد اساتیدی مانند آیت الله اعتمادی، آیت الله دوزدوزانی، آیت الله پایانی به پایان بردم. سپس دروس خارج را نزد اساتیدی مانند آیت الله مکارم «دو سال فقه واصول»، آیت الله سبحانی «سه سال اصول» و آیت الله وحید خراسانی «چهار سال فقه» گذراندم.

رضایی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس رضایی استخروییه

محل تولد : استخروئیه کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اوایل انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت آیت الله العظمی امام خمینی(ره)، وارد حوزه علمیه کرمان شدم. در ابتدا شروع به فراگیری جامع المقدمات و کلاس‌های جنبی کلاسیک آن زمان که کتاب‌های مقطع دبیرستان بود کردم و با توجه به کمبود استاد و نبودن نظم و تربیت صحیح در حوزه کرمان دوره تحصیل مقدمات طول کشید تا اینکه ظرف چهار سال جامع المقدمات، سیوطی و مغنی باب اول و چهارم را طی کردیم و در کنار آن نیز منطق کبری و منطق مظفر و رساله علمیه با حواشی علمای اعلام و تبصره علامه حلی و بخشهایی از شرایع مرحوم محقق حلی به پایان رسید. بعد از طی مقدمات یک سال به قم مهاجرت کردم و در مدرسه کرمانیها حوالی بازار قم مشغول به تحصیل شدم. در آنجا شرح لمعه را در خدمت استاد محترم جناب آقای مسروی و مرحوم آقای سلطانی می‌خواندیم و نیز اصول مظفر را در خدمت مرحوم شهید حجت الاسلام حسین حقانی به پایان بردم. سال بعد به دلیل نیاز حوزه علمیه کرمان و مشکلات فردی خودم به حوزه علمیه کرمان برگشتم و در آنجا علاوه بر مدیریت داخلی حوزه به تدریس صرف و نحو و تحصیل رسائل و مکاسب مرحوم شیخ انصاری زیر نظر اساتید محترم مرحوم آیت الله شیخ محمد روحانی و حضرت آیت الله حاج شیخ عباس حقیقی به تحصیل پرداختم.

در سال ۶۶ که حدود دو سال از تشکیل خانواده و زندگی مشترک بنده نیز می‌گذشت در دانشگاه فردوسی مشهد دانشکده الهیات قبول شده و در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی به مدت چهار سال به تحصیل پرداختم تا اینکه درسال ۷۱-۷۰ مدرک کارشناسی را از آن دانشکده گرفتم. پس از آن وارد حوزه علمیه قم شدم و به ادامه دروس حوزه که مکاسب مرحوم شیخ و کفایه آخوند بود، پرداختم و در سال ۷۲-۷۱ همزمان با تحصیل در حوزه در رشته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه قم مشغول به تحصیل شدم. همزمان با پایان یافتن دروس دانشگاه و فارغ التحصیلی، دروس سطح حوزه نیز تمام شده بود و من مشغول درس خارج فقه و اصول شدم. از آن تاریخ تا الان نیز در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل در مقطع درس خارج فقه و اصول می‌باشم و در این مدت نیز در امتحانات مدرسی دانشگاه‌های نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه شرکت کردم و قبول شدم و مدرک تدریس متون عربی از آنجا دریافت کردم و حدود یکی دو سال البته با ساعاتی کم که در حوزه کلاس نداشتم مثل روزهای پنجشنبه یا دوشنبه‌ها به تدریس ادبیات عربی (متون) در دانشگاه تربیت معلم پرداختم.بنده اثر علمی نوشته شده چاپ شده، یا به چاپ نرسیده‌ای به جز همان رساله پایان‌نامه فارغ التحصیلی کارشناسی ارشد دانشگاه قم ندارم و آن هم به تعداد معدود تایپ شد و ماشین گردید و در اختیار استاد راهنما و مشاور و کتابخانه دانشگاه و یک عدد نیز نزد اینجانب می‌باشد.

رمضانی پور، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رمضانی پور

محل تولد : رفسنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسین رمضانی‌پور در سال ۱۳۴۹ دررفسنجان در خانواده ای مذهبی، متدین ودوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به دنیا آمد پس از آنکه دوران تحصیلات ابتدائی را با موفقیت به انجام رسانید به خاطر عشق فراوان به تحصیلات علوم دینی از یک سو و تشویق خانواده از سوی دیگر در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم گردید. وی در سفرهای نخستین خود به قم ضمن انس با بارگاه ملکوتی کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها سلام با تلاش فراوان به تحصیلات دینی خود ادامه داد و پس از اتمام دروس سطح در سال ۱۳۷۲ به حلقه دروس خارج پیوست. نامبرده در مدت تحصیل از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی بهره ها برد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در سال ۱۳۸۱ در مقطع کارشناسی ارشد ازدانشگاه آزاد تهران واحد مرکز رشته علوم سیاسی فارغ شد. و با موفقیت از پایان نامه خویش دفاع کرد.

ایشان هیچ وقت ازامر تدریس غافل نبود و در دانشگاههایی چون دانشگاه تهران و شهید بهشتی به امر تدریس مشغول می‌باشد. در کنار تدریس از امر پژوهش هم غافل نبوده و آثاری را به قلم و زیور طبع آراسته است که آثار «بررسی وضعیت زنان در افغانستان» و «بررسی اقوام اهل تسنن منطقه بلوچستان ایران و پاکستان» از جمله آثار ایشان است.

رمضانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد رمضانی

محل تولد : بجنورد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ در حالی که کلاس دوم راهنمای به پایان برده بودم، به همراه گروهی از دوستان با راهنمایی حضرت حجهٔ الاسلام والمسلمین ایوبی وارد حوزه علمیه قم شدم. با استفاده از تعطیلات تابستان حوزه به صورت داوطلب آزاد توانستم مدرک سیکل و سپس دوران دبیرستان را با مدرک دیپلم فرهنگ و ادب به پایان ببرم. در سال ۱۳۶۲ بنا به دلایلی در مشهد مقدس به ادامه تحصیل دروس حوزوی در مدرسه موسی بن جعفر(ع) و مدرسه امام حسن عسکری(ع) پرداختم. در سال ۶۲ و عوامل فی النجو برای طلاب جدید الورود تدوین نمودم. پس از یک سال مجدداً به حوزه علیمه قم برگشتم و در مدرسه علمیه خاتم الانبیاء و مدرسه مهدی موعود(عج) به ادامه تحصیل دروس حوزوی پرداختم. در سال ۶۴ دروس مقدماتی حوزه (ادبیات عرب- منطق) را به پایان بردم و در این دوره از محضر اساتیدی به نام هاشمی، بزمی، غلامی، آئینه وند،ایوبی ... بهره مند شدم.

در سال‌های ۶۴ تا ۷۹ دروس سطح حوزه نظیر شرح لمعه، اصول فقه، رسائل، مکاسب و کفایه را در محضر اساتیدی نظیر وجدانی فخر، صالحی افغانی، دوزدوزانی، پایانی، موسوی تهرانی، گنجی، استادی، صلواتی، هادوی تهرانی، بهره‌مند شدم. در سال ۱۳۷۰ شروع به درس خارج فقه و اصول نمودم و این دوره نیز به صورت پیوسته و مداوم تا سال ۱۳۷۹ ادامه داشت و از محضر حضرات آیات عظام ۱- فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، جعفر سبحانی، یوسف صانعی و... مستفیض

شدم. در سال ۷۲ تصمیم گرفتم تا در کنار دروس حوزوی در یکی از رشته‌های دانشگاهی که ارتباط نزدیکی به دروس حوزوی داشته باشد مشغول به تحصیل شدم لذا پس از شرکت در کنکور سراسر وارد دانشگاه مفید شدم. در سال ۷۵ موفق به اخذ مدرک کارشناسی حقوق شدم و در همین سال در کنکور کارشناسی ارشد همین دانشگاه پذیرفته شدم و در تابستان سال ۱۳۷۸ در گرایش حقوق جزا و جرم شناسی فارغ التحصیل شدم.

در سال ۱۳۷۶ با مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضائیه شروع به همکاری نمودم و تا سال ۱۳۷۸ ادامه داشت و پس از آن توفیق همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی حاصل شد و این همکاری به صورت هیأت علمی تا سال ۱۳۸۰ ادامه داشت. در سال ۱۳۷۹ به عضو هیأت علمی دانشگاه علم و فرهنگ درآمدم.

رواسانی، شاپور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاپور رواسانی متولد ۱۳۱۰ه.ش در رشت دارای دکتری علوم سیاسی از دانشگاه الدنبورگ آلمان در ۱۳۵۱، استاد علوم سیاسی دانشگاه اوزنابروک ۱۳۵۲، استاد دانشگاه الدنبورگ در رشته اقتصاد اجتماعی ۱۳۵۴ تا ۱۳۷۸، مشاور دانشگاه گیلان در زمینهٔ گیلان شناسی از سال ۱۳۸۲تا کنون و مدیر بنیاد پژوهشی میرزا کوچک خان جنگلی از سال ۱۳۸۱ تا کنون می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیگرایش : اقتصاد اجتماعیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شاپور رواسانی در سالهای اولیه زندگی با فوت پدر مواجه شد و مادر خود را نیز چند سال بودو پس از مدتها بیماری از دست داد. بنابراین تحت تکفل برادر بزرگتر خود پرورش یافت.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شاپور رواسانی دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود رشت گذراند. از سال ۱۳۲۸در رشته علوم طبیعی وارد دانشگاه تهران شد. و در ۱۳۲۲ لیسانس گرفت وی درسال ۱۳۴۰به آلمان رفت و پس از اخذ لیسانس علوم سیاسی در سال۱۳۴۵ از دانشگاه آزاد برلن غربی در دوره فوق لیسانس و دکتری این رشته را در دانشگاه هانور آلمان غربی به پایان برد. ۱۳۴۹خاطرات و وقایع تحصیل : شاپور رواسانی در آذر ماه ۱۳۲۴ اولین سخنرانی عمر خود را در مراسمی در مدرسه درباره زندگانی پیامبر اسلام انجام داد. و سید حسن موسوی غروی، دبیر انجمن مدرسه کتاب « زندگانی میرزا تقی خان امیرکبیر» را به عنوان جایزه به وی تقدیم کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : شاپور رواسانی در دوره تحصیل دررشته عضو حزب ایران بود و در زمان تحصیل در دانشگاه تهران و تدریس در مدارس آبادان در مبارزات ملی شدن صنعت نفت شرکت داشت.استادان و مربیان : شاپور رواسانی تحصیلات دکتری علوم سیاسی خود در دانشگاه هانوور را در سال ۱۳۴۹ با درجه ممتاز زیرنظر پروفسور ارتزن به پایان برد.وقایع میانسالی : شاپور رواسانی پس از مسافرت به آلمان درسال ۱۳۴۰، مدتی در مقطع دکتری رشته ژنتیک در دانشگاه برلن غربی زیر نظر پروفسور لورس تحصیل کرد. اما به سبب علاقه وی به تحصیل در رشته علوم سیاسی از دوره سیاسی تا دریافت دکتری پرداخت وی در این مدت با انجام انواع مشاغل روزگار می گذراند پس از اخذ و دکتری علوم سیاسی درسال۱۳۴۹، به عنوان استاد در دانشگاههای اوزنابروک و الدنبورک آلمان به تدریس مشغول و درسال ۱۳۷۸بازنشسته شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عضو هئیت علمی دانشگاه الدنبورگ آلمان۱۳۵۱ استاد علوم سیاسی دانشگاه اوزنابروگ آلمان از ۱۳۵۲استاد اقتصاد اجتماعی دانشگاه الدنبورگ ۱۳۷۸-۱۳۵۴ مشاور دانشگاه گیلان در زمینه گیلان شناسی از سال۱۳۸۲ تا کنون مدیر بنیاد پژوهشی میرزا کوچک خان جنگلی ازسال۱۳۸۱ تا کنون.فعالیتهای آموزشی : شاپور رواسانی درسال۱۳۳۳ به استخدام وزارت فرهنگ

درآمد و تاسال ۱۳۳۵ در آبادان دبیر مدرسه و مشغول به تدریس بود. علوم سیاسی دانشگاه اوزنابروك از سال۱۳۵۲، و استاد رشته اقتصاد اجتماعی دانشگاه الدنبورگ از سال۱۳۵۴ تا ۱۳۷۸ به تدریس دروس مربوطه مشغول بوده است.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : شاپور رواسانی به تناسب تزدکتری ایشان تحت عنوان« اولین جمهوری شورایی در گیلان» از سال۱۳۸۱ تا کنون به عنوان بنیانگذار و رئیس بنیاد پژوهشی میرزا کوچک خان جنگلی مشغول به فعالیت پژوهشی است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شاپور رواسانی در کنار رسیدگی به مسئولیت های خود، به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون نهضت جنگل، اقتصاد اجتماعی و علوم سیاسی می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : شاپور رواسانی از جمله دانشمندان علوم سیاسی و اقتصاد اجتماعی ضد استعمار است بنابه نظر او تحولات کشورهای اروپایی یا آمریکای شمالی دارای تاریخ اجتماعی خاصی است در این کشورها، قدرت خارجی بر آنجا تاثیر نداشته و نیروهای داخلی آن کشورها در توسعه شان سهیم بوده اند. اما در سرنوشت اقتصادی و سیاسی کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین و آسیا از ۲۰۰سال گذشته عامل خارجی همواره نقش و تاثیر داشته است و ما نمی توانیم در بررسی تحولات این نوع کشورها تاثیر عامل خارجی را در نظر بگیریم.جوائز و نشانها : شاپور رواسانی دارای درجهٔ ممتاز در دفاع از تز دکتری خود تحت عنوان اولین جمهوری شورایی در گیلان است. در سال ۱۳۶۲در نشریه who is whoنامش در کنار نام مشاهیر و معاریف چاپ شد. و درسال ۱۳۶۴ نام او را در تقویم دانشمندان در میان نامها دانشمندان آلمان به چاپ رسید.آثار : آیا دوره جدیدی در تاریخ شروع شد (به زبان آلمان) ، اسلامیت و ایرانیت ، ایران در راه جمهوری اسلامی شدن (به زبان آلمان) ، جامعه بزرگ شرق ، چپاول ، چه شیوه تولیدی در مستعمرات مسلط است(به زبان آلمان) ، فرضیه های تکامل ، نادرستی فرضیه های نژادی ، نظریه دو دنیا ، نهضت جنگل

روحانی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا روحانی

محل تولد : غزنین

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شده و در مرکز جهانی علوم اسلامی از پایه ششم به فراگیری دروس حوزوی مشغول شدم و در سال ۱۳۷۴ با اتمام پایه دهم دروس سطح را به پایان رساندم.در سال ۷۵ – ۷۴ در مرکز آموزش زبانهای خارجی دانشگاه باقرالعلوم به فراگیری زبان عربی پرداخته تا دوره عالی ترجمه و مکالمه زبان عربی آن را ادامه دادم. از سال ۱۳۷۵ دروس حوزوی را در مقطع درس خارج با شرکت در درسهای آقای فاضل گلپایگانی شروع نموده و در طول این مدت از محضر آیات و اساتید بزرگوار مرحوم آقای صالحی مازندرانی، جعفر سبحانی، مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره برده ام.در کنار دروس حوزوی در سال ۱۳۷۹ در آزمون موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شرکت نموده و در مقطع کارشناسی رشته معارف اسلامی و حقوق قبول شده و مشغول به تحصیل شدم. در سال ۸۱ –۸۰ همزمان با فارغ التحصیلی از موسسه امام خمینی با شرکت در کنکور سراسری در دانشگاه

مفید در رشته حقوق بشر قبول شدم.اینک (تا یک هفته دیگر) از این دانشگاه نیز فارغ التحصیل می شوم (تاریخ دفاع پایان نامه ۶ /۲ / ۸۶) در چند سال اخیر ضمن تحصیل حوزوی و دانشگاهی علاوه بر نگارش پایان نامه ای با عنوان " نقش نهادهای ملی در ارتقاء و حمایت از حقوق بشر "با چند فصلنامه و ماهنامه افغانستانی همکاری قلمی دارم.این همکاری با نگارش مقالات با موضوعات حقوقی، سیاسی و مذهبی در مجلات حقوق بشر، توسعه، گفتمان نو، مطالعات حقوقی و فصلنامه کلکین ادامه دارد ضمن آنکه عضو هیات تحریریه فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات حقوقی و فصلنامه کلکین نیز می باشم.از سال ۱۳۸۴ دبیر بخش حقوقی مجله پامیر(نشریه دانشجویان افغانستانی در ایران) را به عهده داشته و علاوه برآن سردبیر فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات حقوقی ازشماره دوم نیز می باشم.

روزبه، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن روزبه

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۲

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال ۷۱ همزمان تحصیلات کلاسیک را از مقطع سوم راهنمایی شروع نموده تا سال ۱۳۸۰ کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی از دانشگاه علامه طباطبایی اخذ نمودم. اکنون دانشجوی دکترای مدرس معارف اسلامی گرایش انقلاب دانشگاه باقرالعلوم هستم. از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴ مدت شش سال درس خارج شرکت کردم از سال ۱۳۸۰ تاکنون مشغول مطالعه و تحقیق در موضوعات مختلف سیاسی مذهبی می باشم که خاصل آن تألیف چند مقاله و کتاب بوده است.

رویانی طبری، فخرالاسلام، ابوالمحاسن عبدالواحد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۱۵- شهادت ۵۰۲ ق)، قاضی و فقیه. اصل وی از رویان مازندران است. از عبدالغافر بن محمد فارسی حدیث شنید و از محمد بن بیان کازرونی فقه آموخت. زاهر بن طاهر شحامی یکی از شاگردان او بود رویانی یکی از مشایخ سید ضیاءالدین فضل‌اللّٰه راوندی و قطب راوندی است. وی از نظر اخلاقی و مذهبی از بزرگان عصر خود به شمار می‌رفت، موجه بود و حرمت بسیار داشت و نظام‌الملک وزیر او را به خاطر فضلش بسیار احترام می‌کرد. او سفری به بخارا داشت و در این سفر از غزنه و نیشابور نیز دیدار کرد

و با فضلا ملاقات نمود و در مجلس درس ناصر مروزی حاضر گشت. او در آمل مدرسه‌ای ساخت و در آنجا حدیث گفت، سپس به ری آمده و به تدریس پرداخت. سفری نیز به اصفهان داشت و در جامع اصفهان حدیث گفت. سرانجام در روز جمعه یازدهم محرم در جامع آمل پس از املاء حدیث، چون به الحاد اسماعیلیه (باطنیه) فتوا داده بود به دست آنها به شهادت رسید. از آثار وی: «بحر المذهب»، در فروع که از کتب مفصل شافعی‌ها است؛ «مناصیص الامام الشافعی» یا «نصوص الشافعی»؛ «الکافی»، در فروع؛ «حلیه المومن»؛ «التهذیب فی غریب الحدیث»؛ «الفروق»؛ «التحبیر»؛ «العوالی»، در حدیث؛ «المبتدا»؛ «حقیقه القولین»؛ «الجعفریات»؛ «تکمله السعادات فی تکمله العبادات المسنونات»، به فارسی؛ «جمع الجوامع»؛ «التخلیص». وی در اصول و خلاف نیز تصنیفاتی دارد. در «ریاض العلماء» وی را شیعه مذهب دانسته که به تقیه روزگار می‌گذرانیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۴/۴)، ایضاح المکنون (۱۳۰/۲)، خاتمه مستدرک الوسائل (۱۰۹/۳، ۱۷۷ -۱۷۵ /۱)، ریاض العلماء (۲۷۹ -۲۷۶ /۳)، ریحانه (۳۴۵ -۳۴۴ /۲)، شهیدان راه فضیلت (۷۷ -۷۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۸/۶)، کشف الظنون (۱۹۵۷، ۱۵۷۹، ۱۴۵۶، ۱۳۷۹ -۱۳۷۸، ۱۱۷۸، ۶۹۱، ۶۷۴، ۵۱۸، ۳۵۵، ۲۲۶)، الکنی و الالقاب (۱۵۲/۱)، لغت نامه (ذیل/ عبدالواحد)، وفیات الاعیان (۱۹۹ -۱۹۸ /۳)، معجم البلدان (۱۱۸/۳)، معجم المؤلفین (۲۰۷ -۲۰۶ /۶)، هدیه العارفین (۶۳۴/۱).

رویانی، ابونصر شریح

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۰۵ ق)، قاضی، فقیه و اصولی شافعی. وی سمت قضای آمل را بر عهده داشت. از آثارش «روضه الحکام و زینه الاحکام» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۵۹۲/۱)، کشف الظنون (۹۲۳)، معجم المؤلفین (۲۹۸/۴)، هدیه العارفین (۴۱۶/۱).

رئیس زاده، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد حسین رئیس زاده

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن مدرسه ابتدائی در سال ۱۳۵۳ وارد نظام طلبگی شده و ابتدا در شهرضا با شروع کتاب شرح امثله و صرف

میر ادبیات را آغاز نمودم پس از یک سال گذرانـدن دروس طلبگی در این شـهر وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سـطح وحدود چهارده سال دروس خارج فقه و اصول را شـرکت نمودم. هم زمان با دروس خارج دروس سـنگرهای ایـدئولوژیک در رابطه با نقد مکتب مارکسیسم که توسـط آیـهٔ الله مصـباح یزدی ارائه شـده بود گذرانـدم و با قبولی در این دوره و امتحانات شـفاهی وارد دوره آموزشـی با هدایت و نظارت استاد مصـباح یزدی شدم و موفق به گذراندن دوره عمومی معارف اسـلامی مشتمل بر معارف قرآن- فلسفه اسلامی-و آشنائی با علوم انسانی" اقتصاد– حقوق – سیاست و "...شدم و سپس وارد رشته تخصصی اقتصاد شده و یک سال این رشـته را گذراندم بعلت اشـتغال به کارهای اجرائی در تهران یک سال وقفه در تحصـیل افتاد و پس از بازگشت رشته تخصصی علوم سیاسـی را تا مقطع کارشناسی ارشد گذراندم ودر سال ۱۳۷۵ با ارائه پایان نامه با عنوان نقش مردم در مشـروعیت نظام سیاسی در اسلام و گذراندن امتحانات مربوطه موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس در این رشته شدم.

هم زمـان بـا تحصـیل در دروس فقه و اصول و رشـته هـای معـارف اسـلامی و علوم سیاسـی در مـدارس مختلف مرکز جهـانی علوم اسلامی و جامعهٔ الزهراء"س "به تدریس فقه – اصول – علوم سیاسی پرداختم که تدریس در امور مذکور تاکنون ادامه دارد.

زال پور، خسرو

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خسرو زال پور

محل تولد : کازرون

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۵/۹

زندگینامه علمی

آقای خسـرو زال پور در نهم مرداد سال ۱۳۴۵هجری شمسـی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوسـتدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان کازرون دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خـانواده و علاـقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و از سوی دیگر شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضـرت معصومه سـلام الله علیه او را راهی حوزه علمیه قم گردانیـد. در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم گردید و در مـدرسه رضـویه مشـغول تحصـیل گردیـد. از نخسـتین روزهـای ورود بـا تلاـش و کوشـش فراوان بـه تحصـیل پرداخـت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصـیل حورزوی در قم از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله محمدی خراسانی، آیت الله راستی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته روابط بین الملل در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۱از دانشـگاه شـهید بهشتی تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "نظام بین الملل و امنیت جمهوری اسلامی ایران "دفاع کرد.

استاد در ایام تحصیل در قم به امر تدریس در دانشگاهها پرداخت و در مراکزی چون دانشگاه رازی کرمانشاه و دانشگاه آزاد اراک

و... به تدریس پرداخت، که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراونی می باشد. وی از امر تحقیق و نگارش و تألیف غافل نماند و آثاری از قبیل" پیرامون انقلاب و امام خمینی "و"پیرامون سازمان ملل و ساختار آن "مقالاتی را به رشته تحریر در آورده است.وی هم اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه می باشد.

زرندی، شمس‌الدین، جمال‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۹۳- ح ۷۵۰ ق)، حافظ، محدث، قاضی و فقیه حنفی. وی در مدینه نبوی به دنیا آمد. پس از پدرش منصب تدریس در آن شهر را بر عهده داشت و محدث آنجا بود. بعد از ۷۴۲ ق به شیراز رفت و به نشر حدیث و تدریس پرداخت. زرندی منصب قضاوت را در آن شهر تا پایان عمر عهده‌دار بود. او در شیراز از دنیا رفت. از آثارش: «درر السمطین فی مناقب السبطین (ع)» یا «درر السمطین فی فضائل المصطفی و البتول و السبطین (ع)» یا «فی فضائل المصطفی و المرتضی و السبطین»؛ «بغیه المرتاح»، شامل «چهل حدیث» با شروح و اسانید؛ «مولد النبی (ص)»؛ «معارج الوصول الی معرفه آل الرسول (ع)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷ -۲۶ /۸)، ریحانه (۳۷۵/۲)، کشف الظنون (۷۴۷ ،۲۵۰)، الکنی و الالقاب (۲۹۷/۲)، معجم المؤلفین (۱۲۵ -۱۲۴ /۱۲)، هدیه العارفین (۱۵۷/۲).

زمانی قمی، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا زمانی قمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در شهر مقدس قم به دنیا آمده و تحصیلات کلاسیك را تا دیپلم ادامه دادم. سپس در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه مبارکه علمیه قم گشته و هم اکنون در سطح خارج به تحصیلات حوزوی مشغول می‌باشم. در سال ۱۳۶۷ در کنار دروس حوزه تحصیلات دانشگاهی را شروع نموده و مقطع کارشناسی خود را در دانشگاه قم در رشته الهیات به پایان رسانده و سپس مقطع کارشناسی ارشد را در تهران در شاخه فقه و مبانی حقوق اسلامی تمام نمودم. از سال ۱۳۷۶ تاکنون چند ساعتی درس اخلاق و معارف در دانشکده پسرانه قم تدریس دارم.

زمانی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدرضا زمانی ده یعقوبی

محل تولد : قم

شهرت : زمانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از گذراندن دوره های ابتدائی ، راهنمایی و دبیرستان در مدارس شهرستان قم و حضور بیش از دو سال در جبهه های جنگ تحمیلی در سال تحصیلی ۶۱ – ۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم سال اول تحصیل را در مدرسه امام صادق گذراندم و در سال دوم به مدرسه کرمانیها رفتم و تا پایان سال سوم معالم و مغنی در آن مدرسه به درس مشغول بودم و طبق روال معمول مدارس از سال چهارم و شروع دروس اصول فقه و لمعه به خارج از مدرسه انتقال یافته و به صورت آزاد از دروس ارائه شده توسط اساتید بهره بردم که اساتید مربوط در قسمت های دیگر این فرم ذکر شده است به طور مرتب هرسال یک پایه از دروس حوزه را خواندم و امتحانات کتبی و شفاهی آن را نیز شرکت نموده و قبول شدم و از سال ۱۳۷۰ که دروس سطح تمام شد برای دروس خارج بررسی هایی انجام دادم و سرانجام درس آیت الله مکارم را انتخاب نموده و خارج فقه و اصول ایشان را شرکت نمودم البته در سال ۱۳۷۲ بطور خصوصی با چند نفر از طلاب خارج فقه آیت الله خاتم یزدی را نیز شرکت می کردم که به کسالت ایشان برخورد کرد و درس تعطیل شد

لازم به ذکر است که در تمام سالهای تحصیل حضور در درسهای اخلاق را به عنوان یک امر لازم برای خودم تلقی نموده و شرکت نمودم . با توجه به احساس نیاز جامعه پس از انقلاب اسلامی به آگاهی های فراتر از فقه و اصول مرسوم حوزه ها در سال تحصیلی ۶۵ – ۶۶ در امتحان ورودی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره که آزمان دارای دو بخش عمومی و تخصصی بود که بخش آموزش عمومی در موسسه در راه حق و دروس تخصصی آن در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم برگزار شد شرکت نمودم و پذیرفته شدم تا سال ۶۹ دوره عمومی الهیات و معارف اسلامی به اتمام رسید که برای دوره تخصصی شرکت نمودم و در رشته جامعه شناسی پذیرفته و به تحصیل مشغول شدم که در سال ۷۷ با دفاع از پایان نامه ام تحت عنوان رابطه باورهای دینی با تحولات اجتماعی با تکیه به انقلاب اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم.

از آنجا که دانشگاهها اعلام نیاز نسبت به تدریس دروس معارف اسلامی می نمودند و تکلیفی از این جهت به دوش همه کسانی بود که توانایی لازم برای این مهم دارند بدین منظور برای امر تدریس در سال ۱۳۷۵ اعلام آمادگی نمودم و پس از انجام امتحانات لازم و کلاسهای ویژه مجوز تدریس را از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها اخذ نمودم. در سال تحصیلی ۷۵ – ۷۶ ترم اول به دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد اصفهان رفتم و در دو روز به تدریس دروس ریشه های انقلاب اسلامی ، اخلاق اسلامی و تاریخ اسلام پرداختم و در همان سال ترم دوم به دانشگاه آزاد اسلامی اراک رفتم و به تدریس دروس یاد شده پرداختم

،با توجه به قبول مسوولیت اجرائی در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در تهران امکان حضور در اراک را نداشتم و به همین دلیل و به خاطر جدانشدن از امر آموزش از سال ۱۳۷۶ در دانشگاه تربیت معلم تهران چند واحد درس گرفتم و در سالهای بعد در دانشگاه پزشکی تهران نیز تدریس می نمودم تا اینکه در سال ۱۳۸۱ به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم پذیرفته شدم و به صورت متمرکز درس انقلاب اسلامی را در آن دانشگاه تدریس می نمایم. با توجه به اینکه رشته تخصصی ام جامعه شناسی بود از سال ۱۳۸۰ به صورت پاره وقت در دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام به تدریس دروس : جامعه شناسی خانواده ، جامعه شناسی آموزش و پرورش ، جامعه شناسی سازمانها ، جامعه شناسی کار و مشاغل و جامعه شناسی صنعتی پرداختم که هرکدام از این دروس را چندین بار تدریس نموده ام ،در سالهای ۷۹ – ۸۱ در مرکز محقق و نویسنده حوزه علمیه قم دروس مبانی جامعه شناسی ، آسیب های اجتماعی و مدیریت فرهنگی تبلیغی را تدریس نمودم.

از سالهای ۸۲ به بعد در مرکز حقوقی و قضائی حوزه علمیه قم و از سال ۸۴ در مرکز جهانی علوم اسلامی به تدریس درس مبانی جامعه شناسی در بعضی از ترمهای سال پرداخته ام . در ارتباط با راهنمائی ، مشاوره و داوری پایان نامه از سال ۸۰ تا ۸۵ در دانشگاه باقرالعلوم (ع)،۲ مورد استاد راهنما ، ۷ مورد مشاوره و بیش از ۱۲ مورد داوری پایان نامه های با موضوع اجتماعی را به عهده داشته ام، علاوه بر آن ۴ مورد مشاوره پایان نامه های کارشناسی مرکز جهانی علوم اسلامی با عهده دار بوده ام.

زنجانی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۲ ق)، عالم و قاضی. وی مدت زیادی را در نجف برای تحصیل علم گذرانید، و در هما جا درگذشت. از آثار وی حاشیه بر «ریاض المسائل» سید علی طباطبائی است.[۱]

اسماعیل زنجانی متوفی ۱۳۳۲ ق از فضلاء حوزه نجف بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۹۹/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۸/۱۴)، معجم المؤلفین (۲۷۰ –۲۶۹ /۲).

زنجانی، شمس‌الدین، ابوعبدالله محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۳ –۱۲۶۲ ق)، فقیه، منطقی، عروضی و قاضی. مقدمات را در زنجان فراگرفت. در ۱۲۸۰ ق برای ادامه تحصیل به قزوین رفت. سپس به مشهد مشرف شد و در سبزوار چندی در خدمت حاج ملاهادی سبزواری درس خواند. در حدود ۱۲۸۵ ق به نجف رفت و نزد علامه سید حسین کوه‌کمری و شیخ راضی نجفی و میرزای شیرازی تلمذ کرد، و در آنجا با دختر سید محمدطاهر بن اسماعیل موسوی شوشتری، داماد علامه انصاری، ازدواج کرد. پس از تکمیل تحصیلات در ۱۲۹۴ ق به زنجان بازگشت و مرجعیت امور شرعی و تدریس را در آن شهر بر عهده گرفت. از آثارش: «مطالع الشموس»، در شرح «الدروس»؛ «فن القطع» ئر «حجیت»؛

«الانصاف»، در حسن و قبح عقلی؛ «مصابیح الدجی»، در مواعظ؛ «نور المنابر»، در مقتل، به فارسی؛ «الایقاظات»؛ «المناطق»؛ «اجزاء العلوم»؛ «تقسیم العلم»، به اقسام اولیه و ثانویه؛ «رشحات الملکوت»؛ «الایماضات»، در حکمت اشراقی؛ «نفحات اللاهوت»؛ «المیزان»، در عروض؛ رساله‌ای در «قوافی»؛ رساله‌ای در شرح «بعض صفات النبی (ص)»؛ «رساله فی الامانات»؛ «الیواقیت»، در حساب؛ کتابی در «نحو».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۷۸/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱ -۵۰ /۱۴)، معجم المؤلفین (۱۴۸ ،۱۱ ،۱۰۴ /۶)، مکارم الآثار (۱۶۶۱/۵).

زهری اصفهانی، ابومحمد عبدالله

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۵۲ -۱۸۷ ق)، محدث و قاضی. وی اهل اصفهان بود. منصب قضاوت کرج، ناحیه‌ای بین همدان و اصفهان، را عهده‌دار بود که در همان شهر نیز از دنیا رفت. وی دارای تصانیفی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۷/۴).

ساداتی نژاد، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمهدی ساداتی نژاد

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدمهدی ساداتی‌نژاد در سال ۱۳۴۸ در خانواده ای مذهبی در سفیدشهر از شهرهای اطراف کاشان متولد شده و تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را در زادگاه خود به پایان رسانیدم. در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه کاشان شدم و دروس مقدمات و سطح را در حوزه علمیه امام خمینی(ره) و سپس مدرسه مرحوم آیت الله یثربی به پایان برده و در سال ۱۳۶۷ در کنکور سراسری در رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران پذیرفته شدم.در سالهای تحصیل در حوزه علمیه به صورت داوطلب دروس دبیرستان را به عنوان مقدمه ورود به دانشگاه ادامه دادم. در سال ۶۷ همزمان با ورود به تهران جهت ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم(ع)شهری و مدرسه برهان شدم و دروس سطح و خارج را در این دو حوزه ادامه دادم. در سال ۱۳۷۱ در مقطع

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۱ در آزمون دکترای علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پذیرفته و مشغول تحصیل شدم. همزمان به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در گروه معارف اسلامی از سال ۱۳۷۴ مشغول تدریس دروس معارف اسلامی بوده ام و تا کنون افتخار همکاری و تدریس در دانشگاه های مختلف را داشته ام.

ساریخانی، عادل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عادل ساریخانی

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آغاز کودکی علاقه وافری به آموختن در خود احساس می کردم به همین دلیل خانواده ام به دلیل نبود امکانات آموزشی در روستا به شهر تهران هجرت کردند و دوران ابتدایی و راهنمایی را غالبا با رتبه اول پشت سر نهادم. در سال سوم راهنمایی در تمام مناطق سیزده گانه تهران آن زمان به عنوان دانش آموز نفر اول انتخاب شدم تلاش دولت آن زمان این بود که مرا به عنوان استعداد درخشان به یکی از کشورهای اروپایی اعزام کند که این امر با مخالفت خانواده ام مواجه شد از سال اول دبیرستان در کنار دروس دوره دبیرستان تحصیلات حوزوی را در همان تهران در مدرسه مروی آغاز کردم سالهای سوم و چهارم دبیرستان اینجانب با اوج گیری انقلاب و پیروزی آن مقارن بود که به دلیل انجام وظایف انقلابی مقداری کمتر به کارهای علمی می رسیدم ولی پس از اخذ دیپلم در رشته تجربی بلافاصله به حوزه علمیه مقدسه قم عزیمت کردم و به شکل شبانه روزی به تحصیلات حوزوی مشغول و دوران مقدمات و سطح را در حدود شش سال به پایان رساندم و به دلیل احساس نیاز به آموزش زبان انگلیسی دو سال تمام را تحت نظارت مرکز زبان خارجی دانشگاه تهران و دانشکده زبانهای نیروی هوایی در مرکز زبان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه به آموزش زبان انگلیسی اشتغال داشته و دوره عالی زبان را با موفقیت به پایان رساندم پس از آن به درس خارج فقه و اصول و آموزش فلسفه اشتغال یافتم و جمعاً حدود ده سال دروس خارج فقه و اصول اعاظم حوزه شرکت می کردم.از همان زمان به تدریس دوره های ادبیات ، فقه و اصول همت گماشته و در حال حاضر چندین سال است که فقه را در سطح عالی و با مرکز قرار دادن متن جواهر احکام در حوزه تدریس می نمایم . و در دانشگاههای مختلف نیز فقه و متون انگلیسی را قریب به ۱۵ سال تدریس می کنم . به دلیل احساس نیاز به آموزش علوم جدید در کنار فعالیت های علمی حوزه در سال ۱۳۶۷ وارد دانشگاه شدم و در سال ۱۳۷۱ لیسانس حقوق دریافت و در همان سال در دوره کارشناسی ارشد دانشگاههای تهران ، شهید بهشتی و تربیت مدرس با رتبه بالا قبول شدم ولی به عللی دانشگاه تربیت مدرس را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم و در سال ۱۳۷۵ به عنوان نفر اول دوره خودم از پایان نامه فوق لیسانس دفاع کردم و پایان نامه ام با درجه عالی و نمره ۵/۱۹ مورد تصویب قرار گرفت . در همان سال بلافاصله

در دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تربیت مدرس و به عنوان نفر اول قبول شدم و پس از حدود شش سال تلاش همه جانبه در سال ۱۳۸۱ توانستم از تز دکتری خود دفاع نمایم. از آن سال به بعد به تدریس فقه جزایی در حوزه و دانشگاه اشتغال دارم و در این زمینه حدود ۱۰ مقاله به زبانهای انگلیسی و فارسی و پنج کتاب به چاپ رسانده ام برای آشنایی علمی و عینی باسیستم قضایی و مشکلات آن پروانه وکالت پایه یک اخذ و مدتی در کنار فعالیتهای علمی به کار عملی نیز اشتغال داشتم. در حال حاضر نیز به تدریس در دانشگاه و حوزه علمیه قم اشتغال دارم و به پژوهش نیز همت می گمارم . در سال ۱۳۸۴ به دعوت مرکز پژوهشهای فلسفه و ارزشهای دانشگاه کاتولیک امریکا به آن کشور سفر کردم و در طی اقامت سه ماهه در آن جا علاوه بر ادامه مقاله به تحقیق و پژوهش اشتغال داشتم و از مراکز علمی متعدد بازدید کردم.

ساسانی، حبیب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب ساسانی

محل تولد : تنکابن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حبیب ساسانی در سال ۱۳۵۳هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا ـ آگاه به مسائل مذهبی در تنکابن دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۷۳ وارد دانشگاه امام صادق(ع) تهران گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. از نخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر درس اساتیدی همچون آیت الله مهدوی کنی، آیت الله زنجانی و دیگر اساتید آن دانشگاه بهره ها برد.

وی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق علیه السلام در رشته علوم سیاسی در سال ۱۳۸۱ فارغ التحصیل شد و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "مقایسه تطبیقی سیاست های قوام السلطنه و مصدق در قبال حزب توده"دفاع کرد.

استاد سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، و مرکز آموزش عالی فنی شهید شمسی پور تهران مشغول است.

وی درطول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل" راهبردهای جهانی انقلاب اسلامی ایران " و "دست آوردهای بین المللی انقلاب اسلامی ایران " را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

سخاوتی لادانی، نصرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرالله سخاوتی لادانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب نصرالله سخاوتی لادانی فرزند قاسمعلی متولد ۱۳۴۰ در اصفهان در خانواده‌ای متدین و مذهبی در منطقه ای ازاصفهان دیده به جهان گشودم. مختصری از آنچه به یاد می‌آورم بـدین شـرح است: دوران ابتدایی را با موفقیت فوق‌العاده‌ای که ایزد منان عنایت فرموده بود، در محله مجاور به پایان رساندم. چنانکه می‌توان گفت در کلیه کلاسـهای ابتدایی، شاگرد اول کلاس و در کل مدرسه شاگرد نمونه بودم. چه لذت بخش و سـرور آفرین بود روزی که معلم کلاس اول ما به بنده مباهات می‌کرد و در یک شـرط‌بندی با معلم کلاس چهـارم مرا به آن کلاس برد تـا هرچه آنها می‌گوینـد بنویسم! دوران راهنمایی را در همان محل تولـد (یعنی لادن که زادگاه آیت الله جنتی و مرحوم پـدرش نیز می‌باشد) سپری نمودم. امّا از آنجا که علی رغم سن پایینم که هنوز به بلوغ نرسـیده بودم شدیداً سیاسـی شده بودم! و به رادیوهای مخالف با رژیم در آن زمان گوش می‌دادم و اطلاعاتی که به دسـتم می‌رسید می‌خواندم و نیز به نوارهای حضرت امام(ره) گوش می‌دادم لذا به دلایل فوق الذکر تا حدودی از پرداختن به کیفیت درس هایم عقب ماندم.

با اخـذ مـدرک سیکل وارد حوزه علمیه اصـفهان شـدم و پس از یکسال به قم آمـدم و در مـدرسه رسالت به دروس حوزوی تداوم بخشیدم. در عین حال از گرفتن مدرک دیپلم در کنار دروس حوزوی غافل نماندم و با تغییر رشته از ریاضی به اقتصاد به اخذ دیپلم نیز نائل شـدم. البته تا سال ۵۶ که به قم آمـدم اجازه نـدادم کسـی با خبر شود که اینجانب به چه کاری اشـتغال دارم چون جو زمانه اصـلاً به نفع و در راسـتای تشویـق مـا نبـود. بنـابراین برای خود من هم تعجب آور است که چگونه چنین شـد. زیرا در آن زمـان ما شدیداً سیاسـی شده و تحت القائات جزوات سیاسـی مجاهدین (منافقین) و... قرار داشتیم و ممکن به نظر نمی‌رسـید که یک دفعه از حوزه سردرآوریم، اما به لحاظ لقمه پاکی که از رنج پدر و دعای مادر ناشی می‌شد خداوند بر ما منت نهاد. به لحاظ شناخت برخی دوسـتان از اینجانب، پس از انقلاب هرچه تلاش کردم که به درس‌هایم ادامه دهم موفق نشدم و لذا در سپاه پاسداران بودم و تا سال ۶۰ که اینجانب را به فرماندهی سـپاه پاسداران انقلاب اسـلامی بروجن منصوب نمودند و بعد از آنکه خواستم برای ادامه تحصیل به قم بیایم، باز به فرمانـدهی عملیات سـپاه اصـفهان منصوب شدم و تا سال ۶۳ که موفق شـدم به قم بیایم عضو شورای فرماندهی سـپاه اصفهان بودم، و در سال ۶۵ نیز جهت ادامه تحصیل موفق به استعفا از سپاه گردیدم.

البته بعضـاً در این دوران در جبهه‌هـا مسـئولیت گردان در لشـکر امام حسـین(ع) را نیز داشـتم. همزمان با دروس حوزوی، این بار به تحصـیل در موسـسه در راه حق نیز پرداختم و دوره عمومی معارف و الهیات را به پایان رسانـدم. حـدوداً سال ۷۱ که جهت تبلیغ به کردسـتان رفته بودم بـا اصـرار دوسـتان، مسـئولیت مرکز بزرگ اسـلامی غرب کشور که کلیه علما، طلاب و روحانیون کردسـتانات (آذربایجان غربی و کردسـتان) را تحت پوشش دارد پذیرفتم و تا سال ۷۳ در آنجا بودم پس از بازگشت از کردستان در رشته علوم سیاسـی (کارشناسـی ارشد) موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) شرکت کردم. سال ۷۵ از پایان‌نامه‌ام با عنوان همگرایی در خاورمیانه به مشاورت آقای دکتر سریع القلم و راهنمایی آقای دکتر قوام، با درجه عالی و نمره ۱۸ دفاع نمودم.

پوشـیده نماند که در همین دوران سفر به کردستان و پیش از آن؛ در دانشگاههای نراق، کردستان، آشتیان، علامه طباطبایی (ادبیات

و حسابداری) در قم و تهران به تدریس معارف و الهیات اشتغال ورزیدم و هم اینک در موسسه امام خمینی به دروس تخصصی علوم سیاسی (تاریخ روابط بین‌الملل) و همچنین در دانشگاه آزاد اسلامی قم نیز به دروس تخصصی رشته علوم سیاسی مشغول هستم و این علاوه بر اشتغالات ویژه روزانه‌ام در رابطه با تدریس سیوطی و... در خود حوزه (مدرسه معصومیه) می‌باشد. به مدت دو سال نیز پس از آمدن از کردستان به عنوان معاونت پژوهشی حضرت آیت الله مصباح یزدی الشریف در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)خدمت می کردم که بعد به بهانه تعقیب دکتری رها نمودم. از نظر تحقیق و تألیف باید بگویم که علاقه فراوان دارم لکن زمانه پرشور ما که انقلاب و جنگ و امثال آن بود توفیق کافی از این نظر را از ما سلب نمود در عین حال در سال ۱۳۵۸ فقط یکی از کتابهای داستانم تحت عنوان قصه حامد و حمید توسط انتشارات آزادی چاپ گردید.

همچنین مقاله‌ای از اینجانب تحت عنوان خطر صهیونیزم در سه شماره از مجله پاسدار اسلام از منشورات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سالهای ۶۴ به چاپ رسید. با روی کار آمدن طالبان در افغانستان به سال ۷۳ یعنی همان زمانی که خیلی‌ها حسن نیت نشان می‌دادند، این حقیر به گوشزد نمودن خطرات فراوان آنها در یک مقاله که آخرین شماره روزنامه کیهان ۱۳۷۳ تحت عنوان اگر طالبان نباشد آن را به چاپ رسانید، پیشنهاد نموده بودم که با تلاش فراوان و پیگیری، چگونه می‌تواند فعالیت‌های طلاب و روحانیون شیعه و سنی در افغانستان یک کاسه شود. فعالیتهای علمی حقیر علاوه بر مقاله فوق و مطالب بالا عبارتند از: مقاله دیگری در کیهان به مناسبت ۲۶ آذر ۱۳۷۹، سه مقاله نیمه مفصل در شماره‌های ۲۲ و ۴۳ و ۵۵ مجله علمی تخصصی معرفت، سه مقاله در روزنامه رسالت، بیشتر از ده مقاله در هفته نامه پرتو، یک مقاله در مجله تبیان (به اضافه مدتی سردبیری این مجله)، نوشتن بخش میانی کتاب غرب‌شناسی چاپ مؤسسه امام خمینی تحت عنوان رنسانس، نوشتن دروس سیاسی که در انتهای کتاب مبانی اندیشه‌های اسلامی به قلم جمعی از نویسندگان در موسسه امام خمینی (سال ۱۳۸۱) به چاپ رسید. کتاب اسلام و دموکراسی نشر مرکز مطالعات حوزه علمیه در سال ۱۳۸۳ نیز به قلم اینجانب بود.

سرخسی، شمس الائمه، ابوبکر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۳ ق)، فقیه اصولی، متکلم جدلی، قاضی و عالم حنفی. در سرخس به دنیا آمد و در آن جا نشو و نما یافت. از مشاهیر علمای حنفیه است. به سبب گفتن کلمه‌ای در پن خاقان در اورجند زندانی گشت و «المبسوط» را در همان زندان در حالی که هیچ کتابی حاضرش نبود نگاشت. بعد از آزادی از زندان به شهر فرغانه رفت به نشر علوم و معارف همت گماشت و تا پایان عمر در همان جا ماند. از آثار وی: «المبسوط»، در فقه حنفی و تشریع، در سی جزء؛ شرح «الجامع الکبیر» امام محمد شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ شرح «السیر الکبیر» امام محمد سیبانی، در چهار مجلد؛ «الاصول»، در اصول فقه؛ شرح «مختصر الطحاوی»؛ «ادب القاضی علی مذهب ابی‌حنیفه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۸/۶)، ریحانه (۱۲/۳)، الکنی و الالقاب (۳۱۳/۲)، کشف الظنون (۱۶۲۸ ، ۱۶۲۰ ، ۱۵۸۰، ۱۴۵۲، ۱۴۱۴ ، ۱۰۷۹، ۱۰۱۴، ۹۶۳، ۵۶۸، ۵۶۱، ۱۱۲، ۴۶)، لغت نامه (ذیل/ سرخسی) معجم المؤلفین (۲۶۸ -۲۶۷، ۲۳۹/ ۸).

سرداری نیا، صمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر صمد سرداری‌نیا، مورخ و محقق تاریخ معاصر آذربایجان متولد ۱۳۱۹ در شهر تبریز بود.وی پس از اتمام تحصیلات دوران ابتدایی تا دبیرستان ،در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه تبریز شده و در سال ۱۳۵۰در مقطع کارشناسی تاریخ، فارغ التحصیل شد. ایشان پس از استخدام در صدا و سیما این بار در رشته حقوق قضائی دانشگاه ملی تهران به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۷ فارغ التحصیل شد.از ایشان آثازیادی در باره تاریخ آذربایجان و مشاهیر آن بیاد گار مانده است.صمد سرداری‌نیا پنجشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۷بر اثر عارضه سکته قلبی در تبریز دار فانی را وداع گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : نویسندگی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : صمد سرداری‌نیا، مورخ و محقق تاریخ معاصر آذربایجان متولد ۱۳۱۹ در شهر تبریز بود.سرداری نیا، در ۲۱در محله« امیره خیزی» تبریز دیده به جهان گشود .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : صمدسرداری نیا پس از اتمام تحصیلات دوران ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه تبریز شد. وی در سال ۱۳۵۰در مقطع کارشناسی تاریخ از این دانشگاه فارغ التحصیل شد و پس از استخدام در صدا و سیما بار دیگر به دانشگاه رفت ولی این بار در رشته حقوق قضائی به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۷ فارغ التحصیل شد. او سپس وکیل دادگستری شد.

زمان و علت فوت : صمد سرداری‌نیا پنجشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۷بر اثر عارضه سکته قلبی در تبریز دار فانی را وداع گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : صمد سرداری نیا پس از استخدام در صدا و سیما این بار در رشته حقوق قضائی دانشگاه ملی تهران به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۷ فارغ التحصیل شد.از ایشان آثازیادی در باره تاریخ آذربایجان و مشاهیر آن بیاد گار مانده است.او به حقوق بازنشستگی اش از صدا و سیما قناعت کرد و هرگز طبع لطیفش را به زر و تزویر نیالود.

آرا و گرایشهای خاص : صمد سردارینیا ،این محقق بزرگ آذربایجان بی‌هیچ حب و غرضی، گوهر حب وطن در صدف وجود خویش تربیت کرد و سال ها پشت میز تحریر کوچکش قلم بر دست، بر لوح تاریخ، برگ هایی زرین از گذشته و حال مردمان دیارش رقم زد. برگ برگ تاریخ را ورق زد تا نشانی مستند بر پایه واقعیت و نه گزافه و اغراق از لیاقت، کفایت و درایت ایران و ایرانیان و شجاعت و مردانگی آذربایجان و آذربایجانیان بیابد. در سطر سطر نوشته‌های شیوایش می‌توان روح متعالی یک ایرانی وطن‌دوست و یک آذربایجانی جلیل‌القدر را ملاحظه کرد. بی‌اغراق می‌توان گفت که اگر اکنون هر آذربایجانی و هر شهروند تبریزی، به آسانی و در عین افتخار و با قدرت از تبریز، به عنوان شهر اولین‌ها یاد می‌کند، حاصل سال ها تلاش این پیر فرزانه است. نویسنده‌ای که سال ها در میان اوراق تاریخ گشت تا گلستانی از افتخارات مستند و واقعی آذربایجان گردآورد تا مردمانش سرافرازانه به داشتن آن قله‌های بزرگ فخر فروشند و مباهات ورزند. از قابلیت‌های آب و خاک و جان آذربایجان گفت تا جهان و جهانیان بدانند که اینجا آذربایجان است. کانون عشق‌ورزی، محور ایثار و مردانگی، دیوار بلند مقاومت، با مردمانی مهربان و هنرورز، با ادبیاتی آمیخته به شور شبنم و شوق خدمت.

جوائز و نشانها : صمد سرداری نیا مفتخر به دریافت دو عنوان «دکترای افتخاری» از دو کشور خارجی گردیده است. ---------

---

آثار :

۱ آذربایجان پیشگام جامعه مدنی

۲ ایروان یک ایالت مسلمان نشین بود

۳ باقرخان سالار ملی

ویژگی اثر : ناشر: ایرانیان -۱۳۶۹

۴ باکو شهر نفت و موسیقی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: مناف سلیمانوف، صمد سرداری نیا (مترجم)، ناشر: اختر - ۲۲ اسفند، ۱۳۸۵

۵ تاریخ روزنامه‌ها و مجلات آذربایجان

۶ تبریز شهر اولین‌ها

ویژگی اثر : ناشر: کانون فرهنگ و هنر آذربایجان - ۱۳۸۱

۷ تبریز مهد صنعت چاپ در ایران

ویژگی اثر : ناشر: سرداری‌نیا، صمد - ۱۰ بهمن، ۱۳۸۴

۸ جنگ قره باغ

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ضیاء الدین سلطانوف، صمد سرداری نیا (مترجم)؛ ناشر: هاشمی سودمند - ۱۰ اسفند، ۱۳۸۴

۹ دارالفنون تبریز، دومین مرکز آموزش عالی ایران

ویژگی اثر : ناشر: ندای شمس - ۱۳۸۲

۱۰ سیری در تاریخ آذربایجان

ویژگی اثر : ناشر: اختر - ۰۴ دی، ۱۳۸۶

۱۱ قتل عام مسلمانان در دو سوی ارس

۱۲ قره باغ

۱۳ قره باغ در گذرگاه تاریخ

ویژگی اثر : ناشر: ندای شمس - ۱۰ اسفند، ۱۳۸۴

۱۴ مشاهیر آذربایجان،

ویژگی اثر : انتشارات شایسته تبریز - ۱۳۷۹

۱۵ ملانصرالدین در تبریز

ویژگی اثر : ناشر: اختر تبریز

سلطان محمدی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل سلطان محمدی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالفضل سلطان محمدی پس از گذراندن تحصیلات دوره ابتدایی درمقطع راهنمایی وارد حوزه علمیه قم شدم و با فرا گرفتن دروس مقدماتی ، دروس سطح را در نزد استادان معظم آقایان : وجدانی فخر ، اعتمادی ، قدیری ، بنی فضل ، صالحی مازندرانی و استادی به پایان بردم و در سال ۱۳۶۹ به دروس خارج فقه و اصول راه یافتم و اکنون بیش از پانزده سال است که در درس خارج فقه حضرت آیت الله میرزا جواد تبریزی و خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی شرکت نموده و از محضر علمی ایشان استفاده می نمایم هم چنین در سال ۱۳۶۸ در موسسه آموزش عالی باقر العلوم (ع) در دوره کارشناسی علوم سیاسی پذیرفته شدم . پس از گذراندن این دوره در سال ۱۳۷۳ با مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی دفتر تبلیغات ، در حوزه تحقیق و پژوهش ابتدا در واحد اطلاع رسانی (نمایه سازی مجلات کتب و روزنامه ها) و سپس در پژوهشکده اندیشه سیاسی وابسته به این مرکز در گروه فقه سیاسی با گرایش فقه سیاسی ، تاریخ اندیشه عالمان شیعی ، احادیث و روایات اهل بیت (ع) به همکاری و فعالیت های تحقیقی و پژوهشی پرداختم که این همکاری در قالب پروژه های تحقیقی تا کنون ادامه یافته است .

محصول دوازده سال تلاش علمی اینجانب چهار کتاب و تعدادی مقاله بوده که در موضوعات گوناگون به نگارش درآمده و غالب آنها به چاپ رسیده است و برخی در دست تحقیق است .

سلطانی نژاد، هدایت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هدایت الله سلطانی نژاد

محل تولد : بافت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب با آمادگی قبلی و اطلاعات اولیه رسما از اول مهر ماه ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم . دوره سطح تا پایان کفایه و مکاسب را در محضر اساتیدی چون آیت الله پایانی و ستوده در سال ۱۳۶۶ به پایان بردم از آن به بعد تا تاریخ ۱۳۷۸ به مدت بیش از ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول اساتید معظم آیات عظام چون آیت الله میرزا جواد تبریزی ، آیت الله ناصر مکارم شیرازی ، آیت الله وحید خراسانی ، آیت الله فاضل لنکرانی و در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی شرکت و بهره جسته ام . دربخش خارج مکاسب شیخ انصاری چند سال از درس آیت الله منتظری بهره مند شدم . از آثار این دوره تهیه تقریرات درس اساتید و تعقلیات بر

کتب فقهی و اصولی می باشد . به موازات دروس حوزوی اینجانب سال ها در مراکز آموزشی تدریس و تحصیل داشته و از سال ۱۳۷۲ تا کنون به طور مستمر در دانشگاه های مختلف کشور از جمله دانشگاه قم به تدریس دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد حقوق خصوصی و راهنمایی پایان نامه های دانشجویی و فعالیت های پژوهشی اشتغال داشته ام . ۳ دوره کارشناسی حقوق را در دانشگاه تهران ، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی را در دانشگاه شهید بهشتی و دوره دکترای تخصصی حقوق خصوصی را در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تحقیقات عالی تهران در سال ۱۳۷۸ به پایان بردم . دارای مقالات و کتب علمی چون خسارت معنوی ، بیع کالی به کالی ، مسئولیت مدنی قاضی ، ماهیت حقوقی طلاق خلع ، شرط لزوم عقود جایز ، روش تحقیق در حقوق ، تعدیل قرارداد ، شش قاعده حقوقی از کتاب عوائد الایام مرحوم نراقی و دهها پایان نامه دانشجویی کارشناسی ارشد به راهنمایی اینجانب می باشد . در کتاب فعالیت های آموزشی و پژوهشی سابقه مدیریت در معاونت پژوهشی ، مدیریت کل امور فرهنگی وزارت آموزش و پروش ، عضو هیات امناء موسسه تربیت ، معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه قم ، مدیریت گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی و... دارم .

سلمانی کیاسری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سلمانی کیاسری

محل تولد : کیاسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از سیکل وارد حوزه شدم. در تهران حوزه حاج ابوالفتح و مروی تحصیل نمودم تا پایان سطح در تهران و خارج نیز تهران مشغول شدم. سپس به قم آمدم سال ۱۳۷۵ وارد قم شدم و در درس خارج حضرات آقایان فاضل و مکارم شرکت کردم. بیشتر تحقیقات در زمینه نهج البلاغه خصوصاً مسایل سیاسی و حکومتی و کتابم نیز در این زمینه چاپ شده. حکومت و رهبری در نهج البلاغه سال ۸۴ – مجموعاً ۴ اثر چاپ شده – ده ها مقاله در روزنامه و نشریات و کنگره ها ارایه شده. جوایزی نظیر سکه و لوح دریافت داشتم. ودر زمینه حکومت و مسائل سیاسی آشنایی در حد تخصص دارم. پاسخگوی سئوالات و محافل علمی خواهم بود. ۸ سال مسئول بررسی جراید مدیریت حوزه علمیه قم می باشم. در حال حاضر یک کتاب در حال تحقیق دارم. توجه به تحقیق بسیار ضعیف است. اگر حمایتی صورت گیرد رشد خواهد کرد.

سلیمان پور خاکستر، قربانعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قربانعلی سلیمان پور خاکستر

محل تولد : دره گز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای قربانعلی سلیمان پور خاکستر در سال ۱۳۴۶هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در شهرستان دره گز دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه فراوان خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۵ وارد دانشگاه امام صادق(ع) گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. ازنخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر درس اساتیدی همچون آیت الله علم الهدی، آیت الله سید حسن مصطفوی، آیت الله مهدوی کنی و دیگر اساتید برجسته دانشگاه بهره ها برد.استاد در سال ۱۳۷۲ در مقطع کارشناسی ارشد از پایان نامه خویش با عنوان"فاشیسم در تئوری وعمل "دفاع کرد وفارغ التحصیل گردید.ایشان ضمن تبلیغ سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه بیرجند، دانشگاه پیام نور بیرجند، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند ودانشگاه فردوسی مشهد مشغول است. نامبرده در زندگی سراسر علمی خود جز به تدریس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که برخی از آثار آن را با عنوان"اهداف و ابزار در سیاست خارجی "و" ریشه های تاریخی فاشیسم در آلمان و ایتالیا "نام برد..

سلیمانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین سلیمانی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۴/۱

زندگینامه علمی

حسین سلیمانی در تابستان سال ۱۳۴۹ در شهرستان اردستان به دنیا آمد . در ۱۵ سالگی ، پس از تحصیل در دوره ابتدایی و راهنمایی ، برای تحصیل علوم دینی به قم هجرت کرد و به طور همزمان تحصیلات جدید را نیز ادامه داد . در سال ۱۳۷۱ در رشته حقوق در مجتمع آموزش عالی قم به تحصیل مشغول شد و پس از اتمام دوره کارشناسی ، در رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی (ره) ، مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شد . اکنون نیز در مقطع دکتری در همین دانشگاه به تحصیل مشغول

است .

وی از سال ۱۳۷۵ در کنار تحصیلات حوزوی و دانشگاهی در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب به مطالعه و پژوهش در حوزه ادیان به ویژه ادیان ابراهیمی مشغول شده که حاصل آن چندین اثر چاپ شده یا در آستانه چاپ است . وی اکنون عضو هیئت علمی مرکز فوق الذکر است و در کنار پژوهش در حوزه ادیان ابراهیمی ، سمت سرویراستارمرکز ادیان را نیز داراست .

دلمشغولی فعلی وی مطالعات تطبیقی در زمینه حقوق کیفری در قوانین ایران، شریعت اسلامی و مقایسه با حقوق یهودی است .

سلیمی، عبدالحکیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحکیم سلیمی

محل تولد : نی قلعه قره باغ

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عبدالحکیم سلیمی فرزند علی حسن در سال ۱۳۴۰ در یک خانواده مذهبی در ده بخشی نی قلعه قره باغ از توابع ولایت (استان) غزنی شهر حکیم سنائی غزنوی دیده به جهانی گشودم . آغاز حیات علمی ام در مکتب خانه روستا نزد روحانی محل و مدرسه ابتدایی نی قلعه بوده است . دوره متوسطه را تا صنف دوازدهم (دیپلم) در لیسه (دبیرستان) سنائی غزنی به پایان رساندم .

پس از روی کار آمدن حکومت دست نشانده شوروی سابق در سال ۱۳۵۷ و تجاوز آشکار ارتش سرخ شوروی در سال ۱۳۵۸ به افغانستان ، من همانند بسیاری از هموطنانم به ناچار راهی دیار غربت شدم . هجرتم به ایران (در سال ۱۳۶۰) نقطه عطفی در زندگی ام به شمار می رود . در سال ۱۳۶۲ تحصیلات علوم اسلامی را در مدرسه میانچال کاشان شروع کردم . مدت دو سال و اندی که در کاشان بودم سرنوشت سازترین برهه ای از عمرم به حساب می آید . در این مدت تحصیلات کلاسیک من جهت پیدا کرد ، لطف و عنایت الهی را کاملا در لحظه لحظه زندگی ام احساس می کردم . استادان شایسته ، دوستان صادق ، فضای معنوی مدرسه ، کتب و منابع دینی و درس های اخلاقی مدرسه ، جلوه هایی از لطف پروردگار بود که شامل حالم گردیده بود .

در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم ؛ در سال ۱۳۶۹ در برنامه های آموزشی موسسه در راه حق شرکت کردم که اکنون با نام «موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)» فعالیت دارد . در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک علمی کارشناسی «الهیات و معارف اسلامی» گردیدم . در سال ۱۳۷۹ مدرک کارشناسی ارشد «حقوق بین الملل» را از همان مرکز علمی دریافت کردم .

از لحاظ دروس حوزوی در سطح چهار هستم . شش نوبت در مصاحبه شرکت کرده ام . از سال ۱۳۷۶ در کنار آموزش ، فعالیت تحقیقاتی را به طور جدی شروع کردم . ثمره آن یک کتاب با عنوان «نقش اسلام در توسعه حقوق بین الملل» و مقالات متعددی است که در نشریات معتبر ایرانی و افغانی به چاپ رسیده است و آثاری آماده چاپ می باشد .

هم اکنون بیشتر اوقاتم صرف تحقیق و تدریس می شود . در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) و مرکز جهانی علوم

اسلامی تدریس دارم . فصلنامه های «امت» و «در اندیشه فردا» با مدیر مسئولی بنده فعال است . با بعضی از مراکز علمی همکاری دارم .

سماواتی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس سماواتی

محل تولد : رفسنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از پایان تحصیلات دوره راهنمائی در سال ۱۳۵۶ وارد یکی از مدارس اسلامی (تعلیمات اسلامی) شهر یزد شدم و در خرداد ۱۳۶۰ تحصیلات دبیرستانی خود را در رشته ریاضی فیزیك با معدل ۲۰/۱۸ به لطف خدای متعال به پایان رساندم. پس از مقداری تحصیل دروس علمی به طور متفرقه در یزد در سال ۱۳۶۲ با وجود قبولی در دانشگاه صنعتی شریف تهران در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل شدم. و در سال ۱۳۷۱ امتحانات سطوح عالی حوزه علمیه قم را با معدل کل ۰۲/۱۷ به پایان رسانده و پس از آن سالها از دروس خارج اساتید معظم حوزه به ویژه درس فقه وتفسیر قرآن حضرت آیهًالله جوادی آملی، درس خارج اصول آیهًالله سیدکاظم حائری و آیهًالله سیدمحسن خرازی بهره بردم. آخرین استاد درس خارج فقه اینجانب حضرت آیهًالله بهجت می باشد.

در سال ۱۳۸۱ از رساله علمی سطح ۳ حوزه علمیه تحت عنوان «اخذ الاجرهٔ علی الواجبات و الینابهٔ فی الفبادات» که به زبان عربی به نگارش در آمده بود دفاع نموده که این رساله نمره عالی ۹۰ به دست آورد.

از سال ۱۳۶۸ تاکنون در برخی مراکز علمی حوزوی دانشگاهی مشغول تدریس بوده و هم اکنون مشغول نوشتن رساله دکتری در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی می باشم در طول این مدت جزوات فقهی و مقالاتی نیز به نگارش در آوردم که یکی از آنها مقاله اخلاق گرانمایه و برجسته اجتماعی شهید والامقام آیهًالله سیدمحمد باقر صدر می باشد این مقاله را برای کنگره بین المللی شهید صدر به تحریر در آوردم و به لطف خدای سبحان جزء مقالات منتخب و ویژه قرار گرفته و در روز اول کنگره خلاصه ای از آن توسط اینجانب قرائت شد.

سمرقندی عبدالرزاق، کمال الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۸۷ -۸۱۶ ق)، مورخ و شاعر. از رجال بزرگ عهد تیموری و از مورخان بنام آن عهد است. در هرات به دنیا آمد. پدرش اهل

سمرقند بود و در اردوی شاهرخ تیموری منصب قضا داشت. وی در نزد پدر با علوم ادبی و دینی آشنایی کامل پیدا کر و در اثنای تحصیلات، شرحی بر «رساله‌ی» قاضی عضدالدین ایجی درباره‌ی تحقیق معانی حروف و اسم اشاره و غیره آن ترتیب داد و به نام شاهرخ مزین کرد و به همین سبب به دربار راه پیدا کرد. وی پیوسته از حمایت و تربیت شاهرخ برخوردار بود و از جانب همین شاه به عنوان سفیر دربار سلطان بیجانگر به هندوستان سفر کرد و پس از مراجعت به گیلان رفت. عبدالرزاق بعد از مرگ شاهرخ به دیگر شاهزادگان تیموری نیز خدمت نمود و در نهایت به خدمت سلطان ابوسعید درآمد. عاقبت به سمت شیخی خانقاه شاهرخی منسوب شد و در هرات درگذشت اثر معروف و جایدان وی «مطلع سعدین و مجمع بحرین»، در دو جلد، در تاریخ تیموریان ایران از عهد ابوسعید بهادرخان (م ۷۳۶ ق) تا جلوس سلطان حسین بایقرا (م ۸۷۵ ق) است. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر. در «الذریعه» از او با عنوان عبدالرزاق هروی نام برده شده است.[۱]

سمرقندی کاشانی، کمال‌الدین بن جلال‌الدین اسحاق، دانشمند و مورخ (و. هرات ۸۱۶- ف. ۸۸۷ ه.ق.) چون سمرقند موطن پدر وی بود و همچنین پدرش در آنجا در سپاه شاهرخ منصب قاضی عسگری داشته به «سمرقندی» معروف گردیده. در بیست و پنج سالگی (سال ۸۴۱ ه.ق.) پس از مرگ پدر رساله‌ای در صرف و نحو تألیف کرد و به نام شاهرخ مزین ساخت و مورد توجه وی واقع شد. در سال ۸۴۵ به عنوان سفارت عازم دربار سلطان بیجانگر (هندوستان) شد و سه سال آنجا بود، و از آن سفر شرح مفصلی در تاریخ نگاشته. سپس در سال ۸۵۰ وی را به رسالت به گیلان فرستادند و بعد از آنکه شاهرخ در همین سال وفات یافت، وی متوالیا به خدمت امیرزادگان مانند میرزا عبداللطیف و میرزا ابوالقاسم بابر و عاقبت به خدمت سلطان ابوسعید پیوست. بعد از آن عزلت و انزوا در پیش گرفت (۸۶۷ ه.ق.) کتاب ذیقیمت مطلع السعدین و مجمع‌البحرین از اوست که در دو جلد و از سوانح زمان سلطنت ابوسعید آخرین ایلخان مغول آغاز و به خاتمت پادشاهی سلطان ابوسعید تیموری ختم می‌شود. (لغ.).

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] از سعدی تا جامی (۶۱۹ -۶۱۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۴ -۵۱۰ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۹، ۲۵۰)، حبیب السیر (۳۳۵ / ۴)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۶۸ / ۲)،الذریعه (۱۵۴ / ۲۱ ،۶۸۷ / ۹)، ریحانه (۸۶ / ۵)، سبک‌شناسی (۲۰۷ -۲۰۶، ۱۸۴ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۶۱۶)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالرزاق)، مجالس النفائس (۲۰۴ -۲۰۳ ، ۳۰)، معجم المؤلفین (۲۱۶ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۷ -۸۳۶ / ۳)، هدیه العارفین (۵۶۷ / ۱).

سمنانی، ابوجعفر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۴۴ -۳۶۱ ق)، قاضی و فقیه حنفی. اصل وی از سمنان بود که در بغداد نشو و نما یافت. از نصر بن احمد مرجی موصلی و ابوالحسن دارقطنی حدیث شنید. وی ملازم ابوبکر باقلانی و از اصحاب برجسته‌ی او به شمار می‌رفت. خطیب بغدادی گوید که از وی حدیث نوشتم زیرا که مردی دانشمند و راستگو بود. او از پیشگامان اشعریه در زمان خود بود. وی عهده‌دار منصب قضای موصل شد و تا پایان عمر در آن سمت باقی ماند. او دارای تصانیفی در «فقه» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۶/۶)، تاریخ بغداد (۳۵۵/۱)، سیر النبلاء (۶۵۲ -۶۵۱ /۱۷)، الکامل (۶۴/۸)، الوافی بالوفیات (۶۵/۲).

سوار عسکری، ابی الحسن

قرن:۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از بصریین و غیرهم روایت می‌کند، چندین سال سمت قضاوت داشته و در ماه شعبان سال ۹۴ در این شهر وفات یافته است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سیدیان، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی سیدیان

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱۰/۲

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۸ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم و به مدت ۵ سال تا پایان پایه ششم حوزه در مدرسه علمیه معصومیه به تحصیل علوم و مقدمات معارف اسلامی و حوزوی پرداختم .همزمان با ادامه تحصیل در مقطع سطح حوزه در سال ۱۳۷۳وارد نظام آموزشی موسسه امام خمینی شدم و در مدت ۵ سال دوره عمومی الهیات و معارف اسلامی را به پایان رساندم در سال ۱۳۷۸ پس از موفقیت در آزمون دوره تخصصی موسسه مشغول به تحصیل در رشته علوم سیاسی شدم و به تدوین پایان نامه خود با عنوان< جهانی شدن و حکومت جهانی اسلام > اقدام نمودم . تاکنون چندین مقاله علمی تخصصی در حوزه فلسفه سیاسی تألیف نموده ام و به دلیل آشنایی با زبان انگلیسی و اصول ترجمه مقالات متعدد خبری . تحلیلی .دائره المعارفی و فلسفی . سیاسی ترجمه و منتشر شده است . هم اکنون به عنوان دبیر پژوهشی گروه علوم سیاسی موسسه امام خمینی و عضو همکاری علمی در موسسه به فعالیت علمی و پژوهشی خود ادامه می دهم و امیدوارم خداوند متعال به برکت دعاهای خاصه حضرت حجه ابن الحسن العسکری ، زمینه توفیق روز افزون ما را در پاسداری از کیان اسلامی و نشر و ترویج معارف اسلامی عنایت فرماید.

سیف‌زاده،حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم سیاسی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای علوم سیاسی از دانشگاه سانتاباربارا کالیفرنیا، فوق دکترای علوم سیاسی از دانشگاه هاروارد.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح خلیج‌فارس، روابط بین‌الملل، حکومت تطبیقی، اندیشه سیاسی، مدیریت اداری، جامعه‌شناسی سیاسی، فرهنگ سیاسی، توسعه سیاسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

علوم سیاسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

مباحث نظری در علوم سیاسی (توسعه و ایران)، مباحث نظری در روابط بین‌الملل (بین‌المللی و منطقه‌ای).

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سیمایی صراف، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین سیمایی صراف

محل تولد : مشهد

شهرت : سیمایی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین سیمایی صراف در سال ۱۳۴۷ در مشهد مقدس متولد شدم و در سال ۱۳۶۲ با علاقه ای وافر به تحصیلات حوزوی روی آوردم و سپس به دلایلی که اکنون جای طرح آن نیست به تحصیل در دانشگاه نیز پرداختم. اهم تحصیلات حوزوی و دانشگاهی و سوابق آموزشی و پژوهشی اینجانب به شرح زیر است.

الف) تحصیلات حوزوی:

۱. ورود به حوزه علمیه مشهد در سال ۱۳۶۲.

۲. ادامه تحصیل در سطح عالی از سال ۱۳۶۶ در حوزه قم.

۳. شرکت در مقطع تحصیلی خارج فقه و اصول از سال ۱۳۷۰ در محضر بزرگان از جمله حضرت آیت الله تبریزی و حضرت آیت الله وحید خراسانی.

۴. فراگیری کلام در محضر استادانی چون حضرت آیت الله فلسفی و نیز فلسفه اسلامی. ب) تحصیلات دانشگاهی:

۱. لیسانس حقوق از دانشگاه تهران.

۲. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی از دانشگاه تربیت مدرس

۳. دکتری حقوق خصوصی از دانشگاه شهید بهشتی (هم اکنون ادامه دارد) ج) سوابق آموزشی:

از همان سال های آغازین تحصیل در حوزه، مقاطع و دروس ماقبل را تدریس می نمودم. ادبیات عرب منطق، فقه و اصول از جمله مواد تدریسی اینجانب می باشد. همچنین از سال ۱۳۷۲ در دانشگاه های مختلف قم و تهران به تدریس پرداختم و لیکن بطور رسمی از سال ۱۳۷۶ عضو هیأت علمی گروه حقوق خصوصی دانشگاه قم شدم و لذا رسما در این دانشگاه و نیز در دانشگاه شهید بهشتی (تهران) و گروه حقوق مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی و برخی مراکز دیگر مشغول به تدریس مواد درسی رشته حقوق می باشم. د) سوابق پژوهشی:

با مراکز مختلف پژوهشی از جمله پژوهشکده فقه و حقوق مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و کمیته های علمی برخی کنگره های علمی همکاری نزدیك داشته و برخی پروژه ها و طرح های تحقیقاتی دخالت داشته ام. علاوه بر این تالیفات و تحقیقاتی نیز شخصا به انجام رسانده ام که برخی به چاپ رسیده و برخی در حال چاپ می باشند.

سیمبر، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا سیمبر

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۲

زندگینامه علمی

آقای رضا سیمبر در سال ۱۳۴۳هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا آگاه به مسائل مذهبی در رشت دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۱ وارد دانشگاه امام صادق(ع) تهران گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. از نخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت واز محضر درس

اساتیدی همچون آیت الله مهدوی کنی، آیت الله مصطفوی، آیت الله باقری و دیگر اساتید آن دانشگاه بهره ها برد.

وی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق علیه السلام در رشته علوم سیاسی در سال ۱۳۶۷ فارغ التحصیل شد و با موفقیت از پایان نامه خویش دفاع کرد.

ایشان سالهای متمادی است که علاوه بر ریاست دانشگاه آزاد واحد رشت به تدریس در این دانشگاه و دانشگاه گیلان مشغول می باشد.

وی درطول حیات علمی خویش علاوه بر سفرهای علمی به کشورهای استرالیا، ژاپن و انگلستان داشته از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و مقالاتی از قبیل" ژورنالها:ژئوپولتیک مذهب "و "ایران و نظام بین الملل " را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

شاه بیک، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین شاه بیک

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

همزمان با دروس کلاسیک دوره دبیرستان ، دروس حوزوی را در مدرسه علمیّه اشتهارد آغاز نمودم و با ورود به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۰ در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و تحت برنامه های درسی آن مدرسه قرار گرفتم . همزمان از دروس آزاد حوزه نیز بهره می جستم و از محضر حضرات : مدرس افغانی ، طالقانی ، حسین بوشهری ، نظری ، وجدانی فخر، اشتهاردی ، اعتمادی ، صالحی مازندرانی و ستوده دروس سطح حوزه را تلمذ نمودم .

از سال ۱۳۶۷ درس خارج فقه را نزد حضرت آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی آغاز و سپس از دروس فقه آیات عظام تبریزی و جوادی آملی بهره مند گردیدم . یک دوره خارج اصول حضرت آیت الله تبریزی را طی ۱۱ سال به اتمام رسانده و از سال۱۳۷۵ مجددا دور دوم خارج اصول را در محضر حضرت آیت الله وحید خراسانی تا کنون تلمذ می نمایم . در کنار اشتغال به دروس اصلی حوزه ، به مدت ۱۰ سال در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت کردم و در بخش فلسفه ، منظومه مرحوم سبزواری را نزد حضرت آیت الله انصاری شیرازی و اسفار را نزد حضرت آیت الله حسن زاده آملی و مباحث عرفان علمی را نزد حضرت آیت الله ممدوحی سپری نمودم .

اما در بعد تعلیم علوم اسلامی ، علاوه بر تدریس دروس سطح در حوزه علمیّه قم ، از طرف مدیّریت حوزه علمیّه قم به مدّت دو

سالی دروس سطح را در مدرسه علمیّه امیرالمؤمنین تدریس نموده و همچنین مباحث فلسفه (بدایه) ، مبانی حقوق بشر اسلامی و مباحث کلامی را نیز در مرکز آموزش مبلغان خارج کشور با فضلاء غیر ایرانی داشته ام .

امّا در بعد تحصیلات کلاسیک پس از پایان دوره کارشناسی حقوق قضایی از دانشگاه تهران ، دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی را نیز در این دانشگاه به اتمام رسانده و رساله ای تحت عنوان مقایسه تطبیقی آزادی عقیده از حقوق اسلام و ایران با اسناد بین المللی حقوق بشر ، تالیف و تحقیق نمودم . در کنار تألیف برخی از موضوعات علوم اسلامی که هنوز موفق به چاپ آنها نشده ام ، در تألیف ۷۰ عنوان جزوه های آموزشی برای مبلغان اعزامی به خارج از کشور مشارکت داشته و در قالب گروه علمی بخش پژوهش های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در تحقیق و تألیف موضوعات مختلف شرکت داشتم و همزمان به عنوان استاد راهنما و یا مشاور در تحقیق بیش از ۳۰ پایان نامه فارغ التحصیلان مرکز آموزش تخصصی مبلغان خارج از کشور مشارکت نمودم . در ضمن ، دوره های مختلف زبان عمومی انگلیسی و دوره عالی زبان انگلیسی را نیز در مرکز مربوطه گذرانده ام .

شاهمرادیان، روح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روح الله شاهمرادیان

محل تولد : ایلام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در استان شهید پرور ایلام متولد شدم تحصیلات متوسطه را در دبیرستان دکتر حسابی و سپس در هنرستان امام خمینی(ره) در رشته برق به پایان رسانیده و در اثناء این مدت در ترم پنجم وارد حوزه علمیه ایلام شدم و در حین تحصیلات حوزوی دیپلم گرفته و پس از آن پیش دانشگاهی را در رشته علوم انسانی به پایان رسانیدم. حوزه را تا پایه ششم در ایلام خواندم و در این مدت به تدریس همزمان سیوطی، نحومقدماتی،صرف پرداخته و توفیق نصیبم شد به دوره طرح ولایت (آشنائی با مبانی اندیشه اسلامی) بروم وطی دو سال در دو دوره فشرده ۴۰روزه یعنی ۸۰روزه در تهران و مشهد موفق به گذراندن ۲۲واحد معرفت شناسی از جمله(معرفت شناسی)از جمله (معرفت دینی هستی شناسی خداشناسی نظام سیاسی و اسلام فلسفه حقوق فلسفه سیاست منطق انسان شناسی را با معدل ۱۹و ۱۸به پایان برسانم انصافا"از اساتید استفاده های کامل و جامع بردیم پس از آن برای تکمیل تحصیلات حوزوی وارد شهر مقدس قم شدم و طی چهار سال موفق به اتمام دروس سطح (به استثناءشفاهی)شده و دروس خارج را با اساتید بزرگوار حضرات آیات مکارم و سبحانی حفظهما شروع نمودم در طول دوره سطح در آزمون مرکز تخصصی حقوق و قضاء اسلام شرکت کرده و در آن مرکز پذیرش شدم و در مقطع سطح ۲ (کارشناسی حقوق و قضاءاسلامی)همزمان با دروس سطح مشغول به تحصیل شده که در کنار درس کارهایی تحقیقی مرتبط با حقوق و غیر آن را نیز به صورت پژوهش شروع نمودم. الان نیز حدود دو سال است سطح را به پایان رسانده و ترم آخر سطح۲ کارشناسی حقوق می باشم و انشاءالله از ترم بعد یا ترم اول سال آینده دانش

پژوه(دوره سطح ۳)یا کارشناسی ارشد حقوق می باشم و دروس خارج را نزد آیات عظام مکارم و سبحانی و بعضا"آقای فقیهی می گذارنم به امید موفقیت در مراحل علمی معنوی و به کلامی رسیدن البته مطالعات فلسفی را بیشتر از حقوق دوست دارم و در این اوقات نیز با نوشتن (داستانهای کوتاه خود را مشغول می نمایم).

شاهی شیرازی، کمال‌الدین، فتح‌اللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۸ ق)، عالم، قاضی و منشی. وی از طایفه‌ی سادات شاهی شیراز بود. او را از شاگردان حاج حسین یزدی، شارح «خلاصه» بهایی دانسته‌اند. قاضی محمدسعید قمی از شاگردان و راویان وی می‌باشد. از دیگر شاگردان وی ملا عبداللطیف بن اسماعیل جزایری عباسی است. او در شهر لار سالیانی عهده‌دار منصب قضاوت بود. سپس شاه سلیمان صفوی او را به اصفهان خواند و عهده‌دار منصب قضاوت آنجا کرد و وی کتاب «بدیع» را به نام شاه سلیمان نوشت. از آثار وی: «البدیع»؛ «التاریخ» یا «تاریخ شاه فتح‌اللّه»؛ «کتاب الامامه»؛ «ریاض الابرار فی مناقب الکرار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۹۳/۸)، الذریعه (۳۱۶/۱۱، ۲۵۹، ۷۲ -۷۱ /۳، ۳۳۱/۲)، روضات الجنات (۳۳۰ -۳۲۹ /۵)، ریاض العلماء (۳۱۸ -۳۱۷ /۴)، ریحانه (۱۷۳/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۳۰ -۴۲۹ /۱۱)، فوائد الرضویه (۳۴۷ -۳۴۶)، معجم المؤلفین (۸/ ۵۳- ۵۴).

شایان، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۲، آمل.

درگذشت: ۲۶ مهر ۱۳۶۸.

رضا شایان (مازندرانی‌الاصل، فرزند عباس شایان که از آزادی‌خواهان و از اعضای حزب سوسیال دموکرات سلیمان میرزا اسکندری و آخرین سمت‌شان در دستگاه دولت معاونت اداره کل آمار و ثبت احوال کشور بود) لیسانسیه‌ی حقوق بود. در وزارت کار تا مدیریت کل اداره کل استان مازندران پیش رفت. از هواداران دکتر مصدق و جبهه ملی بود و وارد مبارزات ملی شدن نفت شد. به نیروی سوم گروید و از یاران خلیل ملکی و پیروان او بود. پیش از انقلاب در فعالیت‌های سیاسی مخفی دست داشت و عضو کمیته‌ی مرکزی جامعه‌ی سوسیالیست‌های ایران (وابسته به نهضت ملی) گردید و همراه با خلیل مکلی دستگیر و محاکمه و زندانی شد. با حسین سرشار و جمعی دیگر، از اعضای شورای جبهه ملی بود. اهل ذوق و ادب و شعر و به خصوص موسیقی ایرانی بود. سال‌ها برای تدوین فرهنگ مازندرانی صرف وقت کرد (هنوز به چاپ نرسیده است). پس از استخلاص از زندان تا هنگام فوت به وکالت دادگستری اشتغال داشت. وی بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شایگان، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۲۸۱ ش)، استاد دانشگاه، حقوقدان و مترجم. در شیراز متولد شد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس شریعت و شعاعیه زادگاهش به تهران آمد، وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و بعد از اتمام دوره‌ی آن مدرسه، برای تکمیل تحصیلات در رشته‌ی حقوق به فرانسه رفت و دکترا گرفت. پس از بازگشت به کشور در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و سالیان دراز معاون دانشکده بود و پس از آن به معاونت وزارت فرهنگ و نمایندگی مجلس شورای ملی رسید. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ ش مدتی زندانی شد و پس از آزادی به امریکا رفت و در آنجا به تدریس اشتغال یافت. دکتر شایگان شعر هم می‌گفت ولی به ندرت. از آثار وی: «مقدمه‌ی حقوق مدنی ایران»؛ «امیدهای نو» برتراندراسل، ترجمه.[۱]

فرزند سیدهاشم مولی رهی شیراز، متولد ۱۲۸۰ است. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در موطن خود انجام داد و به شغل فرهنگی پرداخت. ضمن اشتغال به کار معلمی ، یک دوره‌ی کامل فقه و اصول و حکمت را نزد اساتید روز تلمذ نمود. حوالی سال ۱۳۰۳ به تهران آمد و دوره‌ی مدرسه‌ی عالی حقوق را گذراند. در سال ۱۳۰۷ جزء اولین دسته محصلین دولتی اعزامی به خارج شرکت کرد و به اروپا رفت و درجه‌ی دکترای حقوق از دانشگاه پاریس دریافت نمود. چندی هم در انگلستان به تحصیل حقوق و فلسفه پرداخت. در ۱۳۱۳ به ایران آمد و دانشکده‌ی حقوق که تازه بنیاد گرفته بود، او را به سمت دانشیاری برای تدریس حقوق مدنی استخدام کرد. پس از چندی از طرف علامه علی‌اکبر دهخدا رئیس دانشکده، به معاونت مشارالیه انتخاب گردید. در سال ۱۳۱۷ ولیعهد وقت از دانشکده‌ی حقوق بازدید کرد و شایگان معاون دانشکده نطقی ایراد نمود که سراپا تملق و مداهنه بود. در همان سال به عضویت سازمان پرورش افکار برگزیده شد. شایگان در کنار شغل استادی، به کار وکالت دادگستری هم پرداخت و در چند وزارتخانه از جمله وزارت دارائی مشاوری حقوق داشت. در ۱۳۲۴ که قوام‌السلطنه روی کار آمد و ملک‌الشعرای بهار را به وزارت فرهنگ معرفی کرد، شایگان معاون وزیر فرهنگ شد و در ترمیم کابینه که دکتر فریدون کشاورز وزارت گرفت، او کماکان معاون بود. در ترمیم سوم کابینه‌ی قوام، به وزارت فرهنگ منصوب گردید و کمتر از یک سال در آن سمت استوار شد ولی کار عمده‌ای نتوانست انجام دهد. چون سایر وزیران از تمام امکانات استفاده کرد. بعد از کنار رفتن از کابینه با دکتر مصدق پیوند دوستی زد و عضو جبهه ملی شد و در جبهه هم مقام دبیری یافت. در انتخابات دوره‌ی شانزدهم به اتفاق مصدق و چند نفر دیگر از اعضاء جبهه ملی، از تهران وارد مجلس شد. در تمام مدت نقش اقلیت داشت. نطقها و ایرادات وی در مجلس منطقی و مستند و محتوای بیشتری از سایر نمایندگان اقلیت داشت. در دوره‌ی هفدهم هم از تهران به مجلس رفت. داعیه‌ی ریاست مجلس و مقامات دیگر او را پرجوش و خروش کرد. بعد از کنار گذاردن آیت‌الله کاشانی از ریاست مجلس، بین او دکتر عبدالله معظمی کشمکش شروع شد. رای مخفی گرفتند. معظمی ۳۹ رای و شایگان ۳۵ رای آورد، درنتیجه با چندین رای اضافی، معظمی بر کرسی ریاست تکیه زد.

شایگان در روز ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ از رادیو تهران نطق جالبی ایراد نمود یعنی همان روزی که شاه از رامسر به بغداد و رم رفته بود و گفت آن متاعی که بایستی به تهران بیاید، به بغداد رفت و خیلی مطالب تند دیگر و زمینه را کاملا- برای ریاست جمهوری خود فراهم می‌نمود که کودتای ۲۸ مرداد به تمام تخثیلات و آرزوهای او خاتمه داد. یک روز در اختفاء به سر برد. روز دوم در معیت دکتر مصدق و دکتر صدیقی به باشگاه افسران رفتند یا بردند و خود را در اختیار دولت گذاشت. چندی در باشگاه افسران بازداشت

بود، بعدا به لشکر ۲ زرهی منتقل شـد و محاکمه‌ای برای او ترتیب دادند و همزمان با دکتر مصدق، او را هم به دادگاه کشـیدند. در محکمـه‌ی فوق‌العاده بـه رهـبر جبهـه ملی احـترام گـذاشت و طـوری عمـل کرد کـه همه او را تحسـین می‌کردنـد و سـرانجام حکم محکومیت او برای مـدت ده سال صادر شـد. دو سال در زنـدان به سـر برد که مورد عفو واقع شـد. پس از آزادی، چنـدی در تهران می‌زیست تا اجازه‌ی خروج از کشور گرفت و آمریکا را برای ادامه‌ی زنـدگی انتخاب کرد. در آنجا ساکت نمانـد و فعالیت خود را علیه رژیم پهلوی ادامه داد و وجود او پایگاهی برای دانشجویان مقیم آمریکا بود. وفات او در سن ۸۰ سالگی در آمریکا اتفاق افتاد. شایگان مردی دانشـمند، حقوقـدان، ادیب و در عین حال خودخواه، لجوج، عوام فریب و پرتوقع بود. غالبا در اعلامیه‌های انتخاباتی، خود را «سقراط ایران» معرفی می‌کرد. هنگام تدریس فوق‌العاده قدرت استادی را نشان می‌داد و کلاسش محل اجتماع شیفتگان علم و دانش بود. مطالب حقوقی را با امثله سیاسـی و اجتماعی شـیرین‌تر می‌کرد. وی طبع شعر هم داشت و شعر نیکو و محکم می‌سرود. معروفترین شـعرش «وطن چیست» می‌باشـد که حتی در کتب درسـی هم ثبت شده است. وی در جوانی با خانواده‌ی شـیبانی وصـلت کرده بود. دختر ذکاءالسلطنه شیبانی همسر او بود. شایگان در بین دوستان و دانشگاهیان، به «شراب شور» شهرت گرفته بود.

شاعر، حقوقدان، محقق.

تولد: ۱۲۸۱، شیراز.

درگذشت: ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۰، آمریکا.

سید علی شایگان، فرزند حاج سـید هاشم، پس از انجام تحصـیلات ابتدایی و متوسـطه در مدرسه‌های شریعت و شعاعیه شیراز، و نیز فراگیری ادبیات فارسـی و زبان عربی در مـدارس قـدیمه، در مدرسه‌ی علوم سیاسـی تهران به تحصـیل پرداخت و لیسانس حقوق را گرفت. سـپس در سال ۱۳۰۶ بـا دانشـجویان دوره‌ی اول به پـاریس رفت و تحصـیلات خود را در رشـته‌ی حقوق در آنجـا به پایـان رسانیـد و در سـال ۱۳۱۲ موفـق به دریـافت دکـترای حقوق شـد. پس از بـازگشت به ایران در دانشـکده‌ی حقوق دانشـگاه تهران به تدریس مشغـول شد. سال‌ها معاون دانشـکده‌ی حقوق بود. بعدها وی کرسـی استادی حقوق مدنی را در دانشگاه تهران احراز نمود. سپس به معـاونت وزارت فرهنـگ رسـید و مـدتی در کـابینه‌ی قوام‌السـلطنه به عنوان وزیر فرهنـگ بود، همچنین در دوره‌ی هفـدهم مجلس شورای ملی نماینـده‌ی تهران شـد. وی از بنیان‌گذاران جبهه‌ی ملی به شـمار می‌آمد. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به زندان افتاد و سرانجام پس از آزادی از زنـدان به آمریکا رفت و همان جا ساکن شد در ضـمن در دانشـگاه‌های آنجا نیز تدریس می‌کرد. در سال ۱۳۵۸ برای مدتی کوتاه به ایران آمد سپس به آمریکا مراجعت کرد.

در جوانی مـدتی به معلمی پرداخت و زمـانی که در شـیراز بود در انجمن سالار شـرکت می جست. گاهی شـعر می‌گفت. اشـعارش حاوی مضامین وطن دوستی و تشویق به تحصیل دانش و به مبارزه با جهل و بی‌سوادی است.

فهرست آثار شایگان به شرح زیر است. حقوق مدنی ایران (چند بار تجدید چاپ شده است)؛ ترجمه‌ی کتاب امیدهای نو در جهانی که در حال تغییر است (تألیف رتراند راسل، از انگلیسـی به فارسی، تهران، ۱۳۳۶.) کتاب خاطرات او تا هنگام فوتش به طبع نرسیده بود.

سید علی شایگان سرانجام به سال ۱۳۶۰ در آمریکا درگذشت و پیکرش را برای دفن به ایران منتقل نمودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۷، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۹۳۸)، دانشـمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۳۷ -۲۳۴ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۵ -۲۷۴ /۴).

شریعتمداری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی شریعتمداری

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۲/۱۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از طی دوره ابتدایی وارد دانشسرای مقدماتی شیراز شدم. از سال ۱۳۲۱ در شهرستانهای مختلف استان فارس آموزگار بودم و بعد از آن وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شدم. حدود سال ۱۳۳۰ لیسانس رشته قضایی گرفتم و در همان زمان وارد دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران شده و در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل پرداختم. در سال ۱۳۳۲ شاگرد اول این رشته شدم. سال ۱۳۳۵ به همراه دیگر دانشجویان رتبه اول دانشگاهها ، عازم آمریکا شده ، به ایالت میشیگان رفتم ، در دانشگاه این ایالت حدود ۴ ماه زبان خواندم و بعد از آن در دوره آموزش متوسطه دانشگاه میشیگان شرکت کردم و ظرف مدت یکسال دوره کارشناسی ارشد را گذرانده و مدرك آن را کسب نمودم.

سپس در دانشگاه تنسی ، دوره دکتری را تمام کردم و چون قبل از اینکه به خارج اعزام شوم ، چند بار به زندان رفته بودم ، فکر می کردم که اگر به ایران بازگردم ، به من اجازه نخواهند داد ، در دانشگاههای کشور به تدریس مشغول شوم به همین خاطر در آمریکا با کمك و معرفی یکی از اساتید برجسته آمریکا ، به ۱۲ دانشگاه ، برای تدریس دوره لیسانس معرفی شدم و کار خود را در آمریکا ادامه دادم. اما نتوانستم خودم را قانع کنم و در آمریکا بمانم ، بنابراین در سال ۱۳۳۷ به ایران بازگشتم. در آن زمان می خواستند، در دانشگاه شیراز دبیر علوم تربیتی، تربیت کنند ، بنابراین احتیاج مبرمی به استاد تعلیم و تربیت داشتند. از این رو بنده به عنوان دانشیار علوم تربیتی در دانشگاه شیراز مشغول به کار شدم. تقریباً ۳ سال در شیراز مشغول به کار بودم و در آنجا به علّت فعالیتهای سیاسی مدت ۴ ماه را در زندان سپری کردم. پس از آنکه آزاد شدم، به عنوان شرط اشتغال به تدریس می خواستند از من تعهد بگیرند که فعالیت سیاسی نکنم، البته من قبول نکردم و به همین خاطر مدتی بیکار شدم. سرانجام در سال ۱۳۴۱ وارد دانشگاه اصفهان شده و تا سال ۱۳۵۷ به کار خود ادامه دادم. در آن سال برای استقبال امام همراه شهید بهشتی و مقام معظم رهبری، به تهران آمدم و بعد به اصفهان بازگشتم، پس از آن از طرف دولت موقت و شورای انقلاب، پیشنهاد تصدی وزارت علوم و فرهنگ و ارشاد به بنده داده شد. این دو وزارتخانه آن زمان با هم یکی بودند. سپس در سال ۱۳۵۹ که امام خمینی (ره) تصمیم به تشکیل ستاد عالی انقلاب فرهنگی گرفتند، به فرمایش ایشان من عضو این شورا شدم و عضویتم در این ستاد همچنان ادامه دارد. مدتها مسئول گروه علوم انسانی در شورای عالی برنامه ریزی و همچنین مسئول گروه علوم انسانی در شورای عالی پژوهش کشور بودم. مدتی هم ریاست فرهنگستان علوم را برعهده داشتم.

در سالهای ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ در شیراز، انجمن پیروان اسلام را تشکیل دادم و در دانشسرای مقدماتی، مراقب شبانه بودم که معمولاً شاگردانم در فعالیتهای دینی ما شرکت می کردند ، من در فسا، جهرم ، استهبان و دیگر شهرهای استان فارس فعالیت سیاسی و فرهنگی داشتم و سخنرانی هم می کردم. سال ۱۳۲۸ در شهرستان فسا، چند ماهی پس از واقعه ترور شاه، در دفتر روزنامه پارس شیراز، به اتهام شرکت در سوءقصد علیه شاه، دادگاه نظامی مرا احضار کرد. بعد به فسا رفته و خود را معرفی نمودم. آن زمان

پادگان به جهرم منتقل شـده بود؛ به آنجا رفتم که اعلام کردنـد ، حکومت نظامی لغو شده و سـرانجام مخفیانه به شیراز آمدم. نکته جالب توجه این که در واقع سخنرانی های من هیچ ارتباطی با ترور شاه نداشت. این اتهام، صرفاً نوعی بهانه بود که مانع فعالیتهای بنده شود. بعد از این وقایع به تهران آمدم. در آن زمان آیت ا... کاشانی را به اتهام دست داشتن در ترور شاه به لبنان تبعید کرده بودند و من در جلسات طرفداران ایشان شرکت می کردم. در یکی از این جلسات فردی به نام محمد نخشب که آن زمان مسئول یک نهضت آزادی خواه بود و جوانان دیندار را به همکاری دعوت می کرد، مرا به همکاری برای تشکیل ائتلاف دعوت کرد ، من هم قبول کردم ، ائتلاف کردیم و به صورت حزب مردم ایران فعالیت می کردیم ، سرانجام حوالی آبان ماه سال ۱۳۳۲ پس از جلسه ای که در منزل آیت ا... زنجانی به منظور تنظیم برنامه اعتصاب سراسری داشتیم، دستگیر و زندانی شدم و به این ترتیب در فعالیتهای سیاسی و جریانهای مختلف قبل از انقلاب حضور فعالی داشتیم.

شریعتی، روح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روح الله شریعتی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب روح الله شریعتی در سال ۱۳۴۷ شمسی در خانواده ای مذهبی در یکی از روستاهای شهرستان اردستان (روستای فران) دیده به جهان گشودم پدرم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد باقر شریعتی از روحانیون با سابقه و از شاگردان حضرت امام خمینی ره می باشند که در ابتدای طفولیت بنده، با دعوت مردم اردستان از ایشان برای سکونت، به مقتضای انجام وظیفه، تحصیل و تدریس در قم را ترک و برای سکونت به شهر اردستان عزیمت نموده اند. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و یک سال متوسطه را در همان شهر گذراندم ولی شوق تحصیل در حوزه مرا از ادامه تحصیلات کلاسیک بازداشت و به دنبال آن در مهر ۱۳۶۲ برای تحصیل علوم دینی راهی قم شدم یک سال به صورت آزاد و سپس در مدرسه علمیه امام محمد باقر علیه السلام واقع در ابتدای نیروگاه به تحصیل مشغول شدم در این بین هر از گاهی در ظل عنایات حضرت حق توفیقی حاصل می شد و در جبهه های نبرد نیز حضور می یافتم تحصیلات بنده تا اتمام سطح تا سال ۱۳۷۱ به طول انجامید سپس در درس خارج آیت الله فاضل لنکرانی و اصول آیت الله مکارم حاضر می شدم. پس از دو سال به درس خارج فقه آیت الله تبریزی رفته و در این درس تا ۶ سال به طور مرتب شرکت می جستم. سپس به طور متفرقه در دروس دیگر مراجع حاضر می شدم. بحمد الله در سال ۱۳۷۳ ازدواج کرده و صاحب دو فرزند می باشم.در کنار دروس حوزه از سال ۱۳۶۹ الی ۱۳۷۱ سه سال باقیمانده تحصیلات متوسطه را به طور متفرقه به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۱ با شرکت در کنکور سراسری در دو رشته حقوق و مدیریت دولتی پذیرفته شدم، رشته حقوق را انتخاب کرده و همزمان با حضور در درس خارج دوره کارشناسی حقوق را عصرها در دانشگاه مفید قم گذراندم. پس از آن نیز در سال ۱۳۷۷ با شرکت در کنکور دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل را پشت سر گذاشته و در تابستان ۱۳۸۰ از پایان نامه کارشناسی

ارشد دفاع کردم.تحقیق و پژوهش را پس از اتمام دوره کارشناسی یعنی در سال ۱۳۷۵ به تشویق یکی از دوستان محقق شروع نمودم و در همین راستا اولین تحقیقات علمی خویش را در پژوهشکده اندیشه سیاسی اسلام که جزئی از پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی به شمار می رفت به انجام رساندم تا به حال کتب و مقالات ناچیزی را برای آن مرکز یا مراکز دیگر به نگارش در آورده ام گفتنی است که پس از فراغت از تحصیل گاه در دانشگاه نیز به تدریس دروس حقوق پرداخته ام که همه را مرهون توجهات و الطاف حضرت حق، تشویق ها و دعاهای والد ارجمندم و مساعدت و بردباری خانواده ام می دانم.

شریعتی، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید شریعتی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهم اردستان گذراندم و در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. با اقامت در مدرسه علمیه امام محمد باقر(ع) ، مشغول به تحصیل مقدمات و سطوح شدم و سپس در درس خارج اساتیدی چون آیت الله شبیری زنجانی و شیخ جواد تبریزی و شیخ ابوالقاسم علیدوست(خارج اصول) شرکت نمودم. همزمان با تحصیل در حوزه، به صورت متفرقه دروس دبیرستان را امتحان داده و نهایتاً در سال ۱۳۷۱ موفق به اخذ دیپلم رشته علوم انسانی شدم، در همین سال در رشته حقوق دانشگاه مفید پذیرفته شده و مشغول به تحصیل شدم در سال ۱۳۷۵ فارغ التحصیل شده و در همین دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد ادامه تحصیل دادم و در سال ۱۳۷۸ با معدل ۴۹/۱۸ و کسب رتبه اول در میان فارغ التحصیلان، فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۴ در مقطع دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران- پردیس قم مشغول به تحصیل شدم که هم اکنون هم در حال تحصیل هستم.

شفتی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

السید محمدباقر مشهور (به حجةالاسلام شفتی) صاحب (مسجد سید) اصفهان بن سید محمدتقی بن سید محمد زکی بن محمدتقی بن شاه قاسم بن امیر اشرف بن شاه قاسم بن شاه هدایت بن امیر هاشم ابن سلطان سید علی قاضی بن سید علی بن محمد بن علی بن محمد بن موسی بن جعفر بن اسماعیل بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن ابی‌القاسم بن حمزة بن الامام موسی الکاظم (ع) از فحول علماء امامیه در قرن دوازدهم هجری بوده است.

تولد آن بزرگوار در سال ۱۱۷۵ قمری در نواحی طارم علیاء زنجان در قریه‌ای که به آن (چرزه) می گویند در ده فرسخی شفت واقع شده و در سن هفت سالگی منتقل به شفت شده.

و پس از ده سال در سن ۱۷ سالگی و سال ۱۱۹۲ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و در کربلا به درس وحید علی‌الاطلاق و استاد اکبر علامه محمدباقر بهبهانی و پس از آن علامه سید علی صاحب ریاض استفاده کرده.

و بعد به نجف مشرف و از محضر علامه بزرگ سید مهدی بحرالعلوم و علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطاء بهره‌مند شده و مسافرتی به کاظمین نموده و از حضرت علامه سید محسن اعرجی مستفیض گردیده و پس از هشت سال توقف در عراق در سال ۱۲۰۰ ه به ایران برگشته و در قم از محضر مدقق بزرگوار میرزا ابوالقاسم قمی صاحب (قوانین‌الاصول) استفاده نموده.

و از آنجا به کاشان عزیمت و از محضر و دروس اخلاقی ملا مهدی نراقی صاحب (جامع‌السعادات) کامیاب شده و در سال ۱۲۰۶ ه به اصفهان وارد و رحل اقامت افکنده و افاضل طلاب و علماء در گردش جمع و از درس و بحثش استفاده نموده و شهرت عالمی پیدا و به ریاست عامه و مرجعیت تامه رسیده و بسط یدش تا اجراء حدود الهی رسیده و شمشیری که با آن ده‌ها حد الهی را جاری کرده است.

اکنون در بیت آن بزرگوار در دست حفیدش حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاج سید رضا شفتی باقی و موجود است و تاریخ روحانیت شیعه یاد ندارد که این موقعیت برای احدی از علماء و مراجع شیعه غیر آنجناب پیدا شده باشد و این نبود مگر حسن باطن و سلامت نفسش (اللّه اعلم حیث یجعل رسالته).

از خصایص آن بزرگوار سخاوت وجودش بود که هیچ صاحب حاجتی به ایشان مراجعه نمی‌کرد مگر اینکه فوراً حاجتش را روا می‌ساخت و هیچ مستحقی نزد او نمی‌رفت مگر اینکه او را مستغنی و مستطیع و توانگر می‌کرد حکایاتی از کرم و عطاء او شنیده‌ام که اینجا مجال ذکر آن نیست.

از اقران و اصدقاء خالص او عالم ربانی و آیت سبحانی علامه بزرگ حاج ملا محمدابراهیم کلباسی بود که با آن همه عظمت سید را بر خود مقدم می‌داشت و حتی حکم او را بدون وضو نمی‌گرفت.

آن بزرگوار در یکشنبه دوم ربیع‌الثانی ۱۲۶۰ هجری از دنیا رفت و در مقبره خودش در زاویه مسجدش (مسجد سید اصفهان) در محله بیدآباد مدفون گردید.

آثار خالده سید

۱- مسجد عظیم و زیبای او در در محله بیدآباد خیابان مذکور که از مساجد مهمه و معروفه اصفهان و بلکه ایرانست.

۲- کتاب (مطالع‌الانوار) در شرح شرایع که پنج جلد آن بیرون آمده

۳- جوابات المسائل در دو مجلد.

۴- تحفهٔ‌الابرار رساله عملیه فارسی

۵- قضاء و شهادات.

۶- زهرهٔ‌الباهره در اصول فقه و ده‌ها رساله و تعلیقات دیگر.

دارای ۶ فرزند بزرگوار بودند که تمامی از علماء بزرگ عصر خود بوده‌اند.

۱- حجهٔ‌الاسلام ثانی علامه جلیل‌القدر آیت‌اللّه العظمی حاج سید اسداللّه.

۲- آیت‌اللّه آسید ابوالقاسم شفتی

۳- آیت‌اللّه آسید محمدعلی

۴- آیت‌اللّه میرزا زین‌العابدین

۵- آیت‌اللَّه آسید جعفر

۶- آیت‌اللَّه آسید مؤمن.

در حال حاضر دو نفر از احفاد آن بزرگوار در قید حیاتند و در مسجد او (مسجد سید) بجای نیاکان خود اقامه جماعت می‌نمایند.

(۱۲۶۰ -۱۱۷۵ ق)، علامه امامی، فقیه اصولی، ادیب نحوی و رجالی. معروف به حجهٔالاسلام. در قریه‌ای از قرای رشت از نواحی طارم علیا به دنیا آمد و در هفت سالگی به شفت منتقل شد. وی در اصفهان سکنی کرد. از شاگردان بهبهانی، بحرالعلوم، صاحب «ریاض»، کاشف الغطاء، ملا مهدی نراقی و میرزای قمی است. شفتی از بزرگان علمای امامیه بود که در فقه، اصول، ادبیات، رجال، حدیث، درایه، ریاضی و هیئت تبحر داشت و در اخلاقیات از نوادر بود. پس از سفر علمی طولانی به شهرهای مختلف در اصفهان مقیم شد و اهل علم و دانش‌پژوهان گردش جمع شدند و ریاست و زعامت به طور کامل به وی منتقل شد. حاج محمد ابراهیم اصفهانی قزوینی و میرزا محمد رضوی و ملا محمدعلی محلاتی و سید فضل‌اللَّه استرآبادی و شیخ علی نخجوانی و سید محمدتقی زنجانی و ملا محمد رفیع گیلانی و حاج عبدالباقی کاشانی و سید محمدعلی ابرقویی از شاگردان و راویان وی بودند. وی در اصفهان درگذشت و در مسجدی که خودش در کوی بیدآباد اصفهان بنا نهاده و به مسجد سید مشهور است، و دارای مدارس و حجره‌هایی برای طلاب می‌باشد، دفن شد. از آثارش: کتاب «السوال و الجواب»؛ «مطالع الانوار»، در فقه که شرح «شرایع» محقق است؛ «تحفه الابرار»، به فارسی، در احکام شرعیه؛ رساله‌ای در «مناسک حج»؛ رسائلی در «فقه» و «رجال» که بطور تحقیقی نگاشته شده است؛ «الزهره البارقه فی احوال المجاز و الحقیقه»؛ «قضاء و شهادات استدلالی»؛ «وجوب اقامه‌ی حدود در زمان غیبت بر فقها و مجتهدین»؛ «اصحاب الاجماع»؛ «تمییز مشترکات الرجال»؛ «الاجازات»؛ «آداب الصلاه اللیل و فضلها».[۱]

شفتی، سید محمدباقر بن تقی موسوی شفتی از بزرگان علمای امامیه (ف. اصفهان ۱۲۶۰ ه.ق.). وی فقیه اصولی، ادیب نحوی، رجالی و ریاضی و شاگرد بهبهانی و بحرالعلوم سید مهدی و کاشف الغطاء شیخ جعفر و ملا مهدی نراقی و میرزای قمی و غیره بود. آثار عمده او عبارتند از: آداب صلوهٔ الیل و فضلها، الاجازات، الاستقبال فی شرح مبحث القبلهٔ من التحفهٔ، اصحاب الاجماع، اصحاب العدهٔ للکینی، تحفهٔ الابرار در احکام شرعی (فارسی)، تمییز مشترکات الرجال و رساله‌های بسیار در تحقیق حال رجال حدیث امامی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۸۸/ ۹)، الذریعه (۱۴۹/ ۱۱ ،۱۲/ ۲ ،۸۱/ ۱)، روضات الجنات (۱۰۲ -۹۶/ ۲)، ریحانه (۲۶/ ۲)، شرح حال رجال (۳۰۵ -۳۰۴/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۶ -۱۹۲/ ۱۳)، الکنی و الالقاب (۱۷۴ -۱۷۳/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ حجهٔالاسلام)، معجم المؤلفین (۹۶/ ۹)، مکارم الآثار (۱۶۱۴/ ۵).

شفقت، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی شفقت

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۵/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد علی شفقت در اول مرداد سال ۱۳۴۶هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان شیراز دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شیراز گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. از سوی دیگر به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیه رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۶ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مومن، آیت الله زبرجد، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه و مبانی حقوق در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۳از دانشگاه آزاد جیرفت فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"تطبیق و مقارنه فقهی ازدواج موقت در مذاهب خمسه "دفاع کرد استاد هم اکنون به امر تدریس در دانشگاه آزاد بندر عباس و دانشگاه هرمزگان اشتغال دارد. وی درطول حیات علمی خود به امرنگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل" تطبیق مقارن فقهی ازدواج موقت "و"درختواره تاریخ فقه"را به رشته تحریر در آورده است.

شفیعی سروستانی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم شفیعی سروستانی

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

ابراهیم شفیعی سروستانی در سال ۱۳۴۳هجری شمسی در شیراز به دنیا آمد. با پایان تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۶۲، دروس حوزه را در همان شهر آغاز کرد و در سال ۱۳۶۵ پس از گذراندن دروس مرحله اول سطح، برای ادمه تحصیل به شهر مقدس قم مهاجرت نمود. همزمان با گذراندن دوره اول خارج فقه و اصول و اخذ مدرک سطح چهار حوزه علمیه قم(معادل دکترا) تحصیلات دانشگاهی را نیز تا مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی به پایان رساند.حوزه تخصصی مطالعه و پژوهش نامبرده،فقه جزایی اسلام، مباحث زنان و موضوع مهدویت است و در این زمینه ها تا کنون آثار متعددی به صورت کتاب و مقاله

توسط ایشان تدوین و منتشر شده که چهار مورد از آنها به عنوان پژوهش برگزیده، تشویقی و برتر سال انتخاب شده است.

شفیعی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود شفیعی

محل تولد : گرماب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود شفیعی فرزند علی حسن متولد ۱۳۴۸ در گرماب (مرکز بخش) از شهرستان خدابنده ، بعد از اتمام دوره ابتدائی و راهنمایی در همان جا تا سال ۱۳۶۲ جهت ادامه تحصیل (در علوم دینی) به حوزه علمیه دامغانی در همدان وارد شدم و به مدت ۲ سال ادبیات عرب را تحصیل نمودم. بعد از این در سال ۱۳۶۴ به مدرسه مهدی موعود (عج) در قم آمدم و تا سال ۱۳۷۲ دوره سطح را در آن مدرسه (یک سال)، شهابیه (حدود ۵ سال)، خان (حدود ۵ سال) و مدارس دیگر به پایان رساندم. از سال ۱۳۶۷ به صورت متفرقه دوره دبیرستان را در رشته فرهنگ و ادب بعد از آنکه در آن سال از جبهه جنگ (۴ ماه) برگشتم شروع کردم و در ۱۳۷۰ به پایان رساندم. در این سال بعد از شرکت یکساله در آموزش زبان انگلیسی در دانشگها باقرالعلوم (ع) دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم (مؤسسه باقرالعلوم (ع) آن روز) از سال ۱۳۷۱ رسماً تحصیل در رشته علوم سیاسی را شروع کردم و در سال ۱۳۷۵ در سطح کارشناسی فارغ التحصیل شدم. بعد از یک سال وقفه بخاطر عدم موفقیت در مصاحبه جهت ادامه تحصیلات تکمیلی در همان دانشگاه پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۸ بعد از دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد و قبول در کنکور دوره دکترا جهت ادامه تحصیل وارد دانشگاه امام صادق (ع) تهران شدم و در اردیبهشت ۱۳۸۵ موفق شدم از دوره دکتری دفاع نموده و فارغ التحصیل گردم. از ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۲ خارج درس فقه و اصول را (یک دوره کامل خارج اصول اب آیت الهل سبحانی) تحصیل کرده ام.

از سال ۱۳۷۹ تدریس در دانشگاه باقر العلوم (ع) را شروع کردم و همزمان به مدت دو سال مدیر پژوهش آن دانشگاه بودم. در سال ۱۳۸۱ به عضویت هیأت علمی دانشگاه مفید در آمدم و تاکنون مشغول تدریس در آن دانشگاه می باشم. از ابتدای سال تحصیلی ۸۷-۸۶ مدیریت گروه علوم سیاسی نیز به عهده این جانب می باشد. تاکنون علاوه بر تدریس ، تعدادی مقاله (تقریباً ۲۰ تا) و دو جلد کتاب منتشر کرده ام. همچنین تعدادی سخنرانی علمی در دانشگاهها و مراکز علمی معتبر داخلی انجام داده ام. در این مدت چندین کتاب (تقریباً ۵ مورد) نیز مورد نقد قرار داده ام. هم اکنون تعداد دو کتاب و چهار مقاله در دست انتشار دارم. در کنار تدریس در دانشگاه هفته ای یک جلسه فقه سیاسی را در یک جمع تقریباً ده نفری مورد مباحثه قرار می دهیم. لازم به ذکر است اکثر مقالات در مجله های علوم سیاسی، فرهنگ و اندیشه، پگاه ، و دانش سیاسی چاپ شده است با تشکر مدیر گروه علوم سیاسی.

شکوهی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود شکوهی

محل تولد : هریس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در نهم اردیبهشت سال ۱۳۵۰ در شهرستان هریس، استان آذربایجان شرقی به دنیا آمدم. پدرم در آن ایام مشغول تحصیل در حوزه علمیه قم بود و در سال ۱۳۵۳ خانواده را هم به قم منتقل کرد و دوران کودکی، نوجوانی و جوانی را در این شهر گذراندم. شاید مهم‌ترین مربی دوران کودکی‌ام پدرم باشد که با حوصله و صبر خاصی همیشه آماده پاسخ‌گویی به سوالان کودک پرسشگری چون من بود و هم او بود که بذر علاقه به علم و کتاب را در دل من کاشت علاقه، ارتباط و انس من با کتاب از همان نخستین سال‌های کودکی، اطلاعات کتاب شناختی فراوانی برایم به وجود آورد. در سال ۱۳۶۵ به عضویت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان قم درآمدم، کانون قم در آن سال‌ها با مدیریت فعال و رونق خاصی که داشت، نقش بسیار مهمی در حیات فرهنگی من داشته است در آنجا با بسیاری از مسائل و مباحث فرهنگی، ادبی و هنری آشنا شدم، دقت در نکات ادبی و آشنایی با شیوه‌های سامان جمله در آن ایام، به تدریج مرا به صورت تجربی به دنیای ویراستاری لفظی و محتوایی عبارات فارسی وارد کرد که البته بعدها به صورت علمی نیز دوره‌هایی را گذراندم و ویرایش یکی از زمینه‌های فعالیت بنده شد.

در سال ۱۳۶۹ پس از اخذ دیپلم متوسطه در رشته علوم تجربی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه مبارکه رضویه تحصیلات حوزوی را آغاز کردم تا شهریور ۷۱ در این مدرسه بودم و درس‌های پایه اول و دوم شامل: تعدادی از کتاب‌های جامع المقدمات، صرف ساده، سیوطی، حاشیه، قسمت‌هایی از المنطق و ... خواندم. در مهر ماه سال ۱۳۷۱ وارد حریم قدس رضوی شدم و با آغاز سال تحصیلی ۷۲ ـ ۷۱ بنده تحصیلاتم را همزمان در دانشگاه آزاد مشهد در رشته الهیات با گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی و نیز در حوزه علمیه خراسان ادامه دادم. همجواری با امام ثامن برکات فراوانی برایم داشت در طول این مدت، تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته مذکور گذراندم و مقداری نیز از دروس سطح حوزه را خواندم همچنین با برخی از مراکز تحقیقاتی مشهد مانند «موسسه پژوهش و مطالعات عاشورا» «خانه کودک» «دُرسا» و... همکاری داشتم، حاصل این تحقیقات فیش‌های فراوان تحقیقاتی در رشته‌های مختلف علوم اسلامی است که در مراکز مذکور موجود است و برخی از آنها به صورت کتابهایی چون: «نقد قصه‌های پیشوایان معصوم در کتب درسی» «احکام ما و کودکان» و... منتشر شده است. با آغاز سال ۷۸ مجدداً به قم بازگشتم و پس از تنظیم برنامه‌های حوزه، یک دوره فشرده احیای نسخ خطی را خدمت استاد مختاری گذراندم، البته من قبلاً ـ به صورت تجربی سراغ این کار رفته بودم و زمینه اصلی تز من در دوره کارشناسی ارشد نیز به این مهارت مربوط می‌شد، با اندوخته‌های جدید دوباره سراغ «الاثنا عشریات الخمس» شیخ بهایی رفتم و حدود یک سال به تکمیل آن پرداختم.

در این ایام به عنوان ویراستار با برخی از مراکز نشر همکاری داشم همچنین سلسله مقالاتی نیز در مجله «گلستان قرآن» به چاپ رساندم. در نیم سال دوم ۸۰ ـ ۷۹ در دانشگاه پیام‌نور مرند «متون اسلامی» و «قواعد فقه مدنی»، در نیم‌سال اول ۸۱ ـ ۸۰ در دانشگاه آزاد قم «تاریخ اسلام» و «معارف اسلامی ۱»، و در نیم‌سال دوم سال ۸۱ ـ ۸۰ در آزاد آشتیان «تاریخ اسلام» در نیم‌سال اول و دوم

۸۲ ـ ۸۱ در دانشگاه آزاد قم آشتیان و نراق «تاریخ اسلام» و «اخلاق اسلامی» و در نیم‌سال اول و دوم ۸۳ ـ ۸۲ در دانشگاه آزاد قم آشتیان و نراق «تاریخ اسلام» و «متون اسلامی» و «معارف اسلامی ۱ و ۲»، در تابستان ۸۳ در آزاد نراق «متون فقه ۴» تدریس کرده‌ام. کتاب‌هایی را از زبان عربی به فارسی ترجمه کرده‌ام که از میان آنها کتاب «مظلومیت برترین بانو» چاپ شده است و بقیه نیز در مراحل پایانی هستند همچنین تصحیح و تعلیق «الاثنا عشریات الخمس» شیخ بهایی از بنده چاپ شده است و تصحیح و تعلیق «الکلم الطیب» نوشته سید علیخان مدنی را زیر چاپ دارم.

شمس ناتری، محمدابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم شمس ناتری

محل تولد : چالوس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دکتر محمد ابراهیم شمس ناتری در سال ۱۳۵۸ در رشته ریاضی فیزیک در شهر چالوس فارغ التحصیل گردید. در سال ۱۳۵۹ جهت تحصیل علوم حوزوی به قم مهاجرت کرد و در طول مدت ۷ سال دروس مقدمات و سطح حوزه علمیه قم را نزد اساتیدی از قبیل حضرات آیات و حجج اسلام آل غفور ، اعتمادی، سید علی آقا محقق داماد و محفوظی با موفقیت به پایان برده و از سال ۱۳۶۶ به دروس خارج حوزه مشغول شدند. دروس خارج فقه و اصول را در محضر اساتید بزرگواری همچون حضرات آیات عظام منتظری، وحید خراسانی، سبحانی و مکارم شیرازی و شیخ جواد تبریزی گذراندند.ایشان در سال ۱۳۶۷ با شرکت در کنکور سراسری دوره کارشناسی در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شده و دروس دانشگاه را در جنب دروس حوزوی گذراند و در سال ۱۳۷۱ با کسب رتبه اول کنکور سراسری کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی را در دانشگاه تربیت مدرس تهران به تحصیل مشغول گردید. در سال ۱۳۷۵ و با دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد در امتحانات ورودی دوره دکتری همین دانشگاه پذیرفته شد و در سال ۱۳۸۱ با دفاع از رساله دکتری تحت عنوان « سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان یافته با رویکرد به حقوق جزای بین المللی » در رشته حقوق جزا و جرم شناسی فارغ التحصیل شده و با عنوان استادیاری به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران ـ پردیس قم ـ نائل گردید و هم اینکه عضو هیئت علمی دانشکده حقوق پردیس قم دانشگاه تهران می باشد. دکتر شمس علاوه بر تدریس دروس حقوقی در دانشگاههای مختلف دارای آثار و تألیفات متعددی نیز بوده و در کنفرانسهای بین المللی متعددی نیز حضور فعّال داشته است.

شمشیری، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین شمشیری

محل تولد : سنقر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهم (قشلاق – سنقر) به اتمام رساندم و تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۶۲ با شرکت در دروس حوزه علمیه شهرستان سنقر شروع کردم. بعد از ۲ سال به حوزه علمیه کرمانشاه رفته و در نهایت به حوزه علمیه قم آمدم . دروس سطح را در قم به اتمام رسانده و ۳ سال در درس خارج فقه و اصول شرکت کردم . همزمان با دروس حوزه ،دوره عمومی موسسه آموزشی امام خمینی (ره) را به مدت ۵ سال گذراندم و پس از آن دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی آن موسسه را به پایان رساندم. از سال ۱۳۷۰ تاکنون همکار مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی بوده و در تولید محتوای تعدادی از نرم افزارهای اسلامی این مرکز از جمله نورالانوار (در زمینه قرآن کریم و تفسیر) و نورالجنان (در زمینه دعا ، زیارت و اخلاق) در کارهای گروهی شرکت داشته ام .

شهیدی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق، دانشکده: حقوق، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

گواهی اجتهاد در مورد علوم فلسفه، ادبیات، فقه و اصول، کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته حقوق با رتبه ممتازی از دانشکده حقوق تهران، دوره D.E.S حقوق خصوصی (دیپلم مطالعات عالی دولتی) از فرانسه، دوره D.E.S علوم کیفری (دیپلم مطالعات عالی دولتی) از فرانسه، دکترای دولتی حقوق خصوصی از فرانسه، تدریس در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی و دانشکده اقتصاد و علوم بانکی و خدمات اجتماعی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

لوایح قانونی قانون مجازات، طرح قانون اساسی، اصلاح قانون تجارت، مسائل معضل حقوقی استعلام شده از طرف کانون وکلای

دادگستری، دعاوی مطروح بین سازمانهای دولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی، مسائل استعلام شده از سوی بانک مرکزی و دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی در کمیته‌های تخصصی و شورای حقوقی وزارت راه و ترابری، استاد راهنمای ۵۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

ابداع:

در زمینه پول و انتشار تئوری تحلیلی پول در تعهدات حقوقی، تئوری تلقیح مصنوعی انسان و احکام آن.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

نام کتاب سقوط تعهدات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۷، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مسائل متنوع حقوقی، حقوق مدنی بازرگانی و ادله اثبات دعوی، مسائل حقوقی مربوط به موضوعات مستحدث حاوی بحثها و تحلیلهای حقوقی برای اولین بار نظیر تلقیح مصنوعی انسان، وضعیت حقوقی کودک آزمایشگاهی و مسائل کیفری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شیبانی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب.

تولد: ۱۲۷۰ (صفر ۱۳۰۹، ق.)؛ تهران.

درگذشت: ۲ شهریور ۱۳۶۷.

موسی شیبانی ملقب به ذکاءالسلطنه در ده سالگی عازم بلژیک شد و در شهر نامور به تحصیل پرداخت. سپس به فرانسه رفت و در مدرسه‌ی هانری چهارم به ادامه‌ی تحصیل پرداخت. در سال ۱۲۸۹ تحصیلات متوسطه‌ی خود را به اتمام رساند. پس از آن وارد دانشکده‌ی حقوق دانشگاه پاریس شد و با گذراندن دوره‌ی این دانشکده به دریافت لیسانس نایل آمد. سپس در مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی پاریس شروع به گذراندن دوره‌ی دکتری کرد ولی شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۳ باعث شد تحصیل را رها کرده و به ایران مراجعت نماید.

پس از بازگشت به کشور وارد خدمت وزارت دارایی شد. در ضمن آن که به تدریس اصول محاکمات، قوانین مالیه و بودجه در مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی وابست به وزارت امور خارجه اشتغال داشت. پس از انحلال مدرسه‌ی عالی سیاسی و تأسیس دانشگاه تهران به مدت نه سال (از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۴) در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران تدریس کرد.

ذکاءالسلطنه در اوایل ورود به ایران همراه با تنی چند از تحصیل کردگان آن زمان نظیر دکتر محمد مصدق و نظام‌السلطنه مافی و

امیر سهام‌الدین غفاری و یحیی دولت‌آبادی و نصرت‌الدوله فیروز، انجمن علمی را تشکیل داد و مجله‌ی وابسته به این انجمن را به نام «مجله علمی» را در سال ۱۲۹۳ منتشر کردند. مدیریت این انجن با موسی شیبانی بود.

موسی شیبانی در سال ۱۳۲۸ بازنشسته شد و در دوم شهریور ۱۳۶۷ درگذشت.

ملقب به ذکاءالسلطنه، در ۱۲۷۰ در شهر تهران متولد شد. در ده سالگی به بلژیک اعزام شد و به تحصیل مشغول شد و پس از اخذ دیپلم در شهر نامور بلژیک به فرانسه رفت و در لیسه هانری چهارم تحصیلات خود را ادامه داد و وارد دانشکده حقوق پاریس شد. دوره‌ی دانشکده حقوق پاریس و دوره مدرسه عالی علوم سیاسی را گذرانید و دوره‌ی دکترای حقوق را آغاز نموده بود که به علت جنگ جهانی اول ناگزیر به ایران بازگشت و به تدریس در مدرسه علوم سیاسی پرداخت و تدریس اصول محاکمات و قوانین مالیه و بودجه را بر عهده گرفت. پس از تاسیس دانشگاه تهران، خدمات فرهنگی خود را در دانشکده حقوق و علوم سیاسی ادامه دارد و تا سال ۱۳۲۴ استاد دانشکده‌ی مزبور بود.

شیبانی پس از مراجعت از اروپا به ایران، عده‌ای از تحصیلکرده‌های حقوق اروپا را مانند دکتر محمد مصدق، دکتر محمود افشار، نصرت‌الدوله فیروز، ذکاءالدوله غفاری، نظام‌السلطنه مافی و حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی را جمع نموده، انجمن علمی تشکیل داد و آن انجمن مجله‌ی علمی را انتشار می‌داد که حاوی مسائل مهم حقوقی و سیاسی بود. مدیریت مجله با ذکاءالسلطنه بود.

موسی شیبانی پس از ورود به ایران به استخدام وزارت مالیه درآمد و سالها در آن وزارتخانه مدیر کل بود ولی سودای مشاغل سیاسی و وزارت و وکالت نداشت. در عمر طولانی خود کار علمی موثری انجام نداد. اوراق پراکنده‌ای که در حقیقت تقریرات در کلاس بود از او باقی ماند. سرانجام در ۱۳۶۷ در سن ۹۷ سالگی در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

شیخ الاسلامی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن شیخ الاسلامی متولد ۱۳۳۲ تهران دارای کارشناسی کارشناسی ارشد ازدانشگاه تهران ودکتری حقوق بین الملل ازدانشگاه نانت فرانسه درسال ۱۳۷۴ است . وی عضو هیئت علمی گرونه حقوق عمومی وبین الملل دانشگاه شیراز است. وسمت دانشیار دارد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق بین الملل و عمومی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محسنشیخ الاسلامی دارای کارشناسی وکارشناسی ارشد حقوق ازدانشگاه تهران ودکتری حقوق عمومی وبین الملل ازدانشگاه نانت درکشور فرانسه می باسد.

خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ کارشناسی حقوق ازدانشگاه تهران موجب ارائه تحصیل ویقین مسیر جهت تحقیقت سید محسن شیخ الاسلامی درهمین رشته شده است.

فعالیتهای ضمن تحصیل : سید محسن شیخ الاسلامی درتحینتحصیل دررشته حقوق به مطالعه ، تحقیق وتالیف آثاری دراین زمینه می پرداخته است.

وقایع میانسالی : سید محسن شیخ الاسلامی پس ازبازگشت ازفرانسه عضو هیئت علمی دانشگاه شیرازشد. وازآن پس به تحقیق ، تالیف ومطالعه آثاری دراین زمینه مشغول است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید محسن شیخ الاسلامی عضوهیئت علمی گروه حقوق عمومی دانشگاه شیراز وبین سالهای ۱۳۷۹- ۱۳۷۷ معاونت فرهنگی دانشکده حقوق وعلوم سیاسی دانشگاه شیراز بوده است.

فعالیتهای آموزشی : سید محسن شیخ الاسلامی پس از بازگشت ازفرانسه درسال ۱۳۷۴، عضو هیئت علیم دانشکده حقوق دانشگاه شیرازاست.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید محسن شیخ الاسلامی درکنار تدریس ورسیدگی به امور مربوطبه مسئولیت های حقوق ، به مطالعه، تحقیق وتالیف آثاری درباره حقوق بین الملل مشغول است.

آرا و گرایشهای خاص : سید محسن شیخ الاسلامی ازجمله حقوق دان هانی است که به حقوق بین الملل توجه تخصصی دارد.

چگونگی عرضه آثار : سید محسن شیخ الاسلامی بسیاری ازمقالات خود را درفصلنامه های حکومت اسلامی ، کنگره امام علی ونامه مفید به چاپ رسانیده است. ---

آثار :

۱ تقلب نسبت به قانون در حقوق بین الملل خصوصی، فصلنامه علمی پژوهشی نامه مفید.دانشگاه مفید قم شماره ۴۰، ۱۳۸۰

۲ حدود اختیارات ولایت فقیه، تألیف، نشر اندیشه، ۱۳۸۰

۳ حدود اختیارات ولی فقیه از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه حکومت اسلامی، تابستان ۱۳۷۸.

۴ حقوق اساسی تطبیقی، تألیف، نشر کوشامهر، ۱۳۸۰

۵ حقوق عمومی-ترجمه -نشر کوشا مهر-شیراز- ۱۳۸۰ .

۶ دولت اسلامی از دیدگاه امام علی(ع)، فصلنامهٔ کنگره بزرگ امام علی(ع)، تهران، ۱۳۸۰

۷ مبانی اجرای قانون خارجی در حقوق بین الملل خصوصی، فصلنامه علمی پژوهشی نامه مفید.دانشگاه مفید قم شماره ۳۷، ۱۳۸۰ .

۸ نهادهای جمهوری فرانسه، ترجمه، نشر دادگستر، ۱۳۸۰حقوق عمومی، ترجمه، نشر کوشامهر، ۱۳۸۰

شیخ‌الاسلامی، اسعد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: فقه و مبانی حقوق، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای فقه و مبانی حقوقی.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فقه و اصول، تاریخ و کلام اسلامی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تحقیقی در مسائل کلامی از نظر متکلمان اشعری و معتزلی، احوال شخصیه اهل سنت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

حقوق اسلامی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شیخ‌الاسلامی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۰ مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم سیاسی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم اقتصاد و سیاسی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۳۵، دکترای علوم سیاسی از دانشگاه هایدلبرگ آلمان غربی در سال ۱۳۴۴.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ روابط بین‌الملل، تاریخ روابط خارجی ایران، روابط ایران و شوروی، سیاست و حکومت در خاورمیانه، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سیمای احمدشاه قاجار، اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا (درباره قرارداد ۱۹۱۹)، خاطرات سرآرتورهاردینگ (وزیرمختار بریتانیا در ایران) در زمینه تاریخ سیاسی ایران، تاریخ اندیشه سیاسی (افکار سیاسی افلاطون و ارسطو).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

جلد اول مجموعه مقالات تحت عنوان" قتل اتابک."

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شیرازی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین شیرازی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد حسین شیرازی در سال ۱۳۳۶هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان نیشابور دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۰ که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود ایشان بدون هیچگونه ترس و واهمه ای وارد حوزه علمیه گلشن نیشابور گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیارحاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۵ به حلقه دروس خارج راه یافت و از محضر ستارگان آن دیار همچون آیت الله رضا زاده،آیت الله شاهرودی، آیت الله زنجانی، آیت الله فلسفی، آیت الله خلخالی و... کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته حقوق و الهیات در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۵از دانشگاه فردوسی فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"اجاره در فقه اسلامی و حقوق مدنی "دفاع کرد.ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب "حدیث انقلاب نور "از جمله آثار ایشان است.

نامبرده ضمن تبلیغ سالهای متمادی است که به امر تدریس در دانشگاه آزاد نیشابور، و ... مشغول می باشد.

شیرخانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی شیرخانی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی شیرخانی پس از اخذ مدرک سوم راهنمایی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قزوین شده و در مدراس صالحیه سردارین و شیخ الاسلام آن شهر جامع المقدمات ، سیوطی و حاشیه ملا عبدالله را گذراندم و از سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم گردیدم و ادامه دورس حوزوی را در این حوزه مقدس طی نمودم . همزمان با دروس حوزه ، دبیرستان را متفرقه خوانده و در سال ۱۳۷۰ دیپلم فرهنگ و ادب اخذ نمودم . اساتید بنده در قزوین آیت الله محمد تاکندی ، حجت الاسلام فیروزی و حجت الاسلام مرتضوی بوده‌اند و بخشی از جامع المقدمات را نیز نزد آقای کاظم عباسی مولایی گذراندم . در قم نیز نزد اساتیدی چون آقایان : یعقوبعلی برجی ، علیدوست ، آل غفور جزایری ، حسین خراسانی ، محمدی خراسانی ، فیاضی ، اسحاقی ، فتوحی ، صالحی افغانی و مهری دروس سطح و منطق و فلسفه را خوانده‌ام . پس از طی دروس سطح وارد درس خارج شده و نزد آقایان : مکارم شیرازی ، صالحی مازندرانی ، جوادی آملی ، سبحانی ، صادق لاریجانی ، معرفت و مومن این دروس را تلمذ نموده‌ام . از سال ۱۳۷۰ وارد موسسه آموزشی عالی باقر العلوم شدم و در سال ۱۳۷۹ مدرک فوق لیسانس را از آنجا دریافت نمودم . سال ۱۳۸۰ نیز در آزمون دکتری قبول شده و در این مقطع تحصیل کردم و از همان سال نیز عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اسلامی واحد قم شدم . از سال ۱۳۷۰ مقاله نویسی را با نشریه هفتگی ولایت قزوین که هم اکنون به روزنامه تبدیل شده است ، آغاز کردم و از نیمه دوم دهه هفتاد ، مقالات و کتب مختلفی به چاپ رسیده است. البته لازم است یادی نیز از اساتید معروف دانشگاه داشته باشیم .

آقایان دکتر : سیف زاده ، دکترسریع (تعلم) ، دکتر بشریه ، دکتر نقیب زاده ، دکترسید محمد هاشمی ، دکتر میرعباسی ، دکتر حمید احمدی ، دکتر ازغندی ، دکتر کاظمی ، دکتر قوام ، دکتر ملکوتیان ، دکتر صدرا ، دکتر ابوالحسنی ، دکتر ساعی ، دکتر طاهری ، دکتر فیرحی ، دکتر قادری (حاتم) دکتر منوچهری و ... .از سال ۱۳۸۱ (اواخر ۸۱) مسوولیت مرکز اسناد انقلاب اسلامی قم را بر عهده دارم و البته با مراکز مختلف پژوهشی نیز همکاری دارم .

صادقی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود صادقی در سال ۱۳۴۱، در قم به دنیا آمد. وی ضمن تحصیلات حوزوی، تحصیلات خود را در رشته حقوق ادامه داد و با اخذ درجه دکترای حقوق خصوصی، از دانشگاه تربیت مدرس فارغ التحصیل شد. پس از آن از مهر ۱۳۷۹ به عضویت هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس درآمد و هم اکنون نیز به عنوان استادیار این همکاری ادامه دارد. دکتر صادقی مقالاتی حقوقی متعددی را با گرایش به مباحثی چونحقوق مالکیت فکری (Intellectual Property Law)، مطالعه تطبیقی اخلاق زیستی

(Bioethics)، حقوق فناوری اطلاعات (IT Law) به رشته تحریر در آورده و در نشریات تخصصی به چاپ رسانده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود صادقی پس از اتمام تحصیلات دبیرستان، وارد دانشگاه تهران(مجتمع آموزش عالی قم) شد و در سال ۱۳۶۹ لیسانس حقوق قضائی را از این دانشگاه دریافت نمود. پس از آن تحصیلات خود را با گرایش رشته حقوق خصوصی در دانشگاه تربیت مدرس پی گرفت و پس از اخذ کارشناسی ارشد (سال ۱۳۷۲)، به اخذ درجه دکترا (سال ۱۳۷۹) نائل آمد. دکتر صادقی ضمن تحصیلات آکادمیک، تحصیلات حوزوی را نیز تا مقطع خارج فقه و اصول سپری نموده است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمود صادقی علاوه بر تدریس، از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ به عنوان مسئول دفتر حقوقی دانشگاه تربیت مدرس و از سال ۱۳۷۹تا ۱۳۸۰ با سمت مدیرکل فرهنگی دانشگاه تربیت مدرس اشتغال داشته است. او همچنین عضو شورای فرهنگی دانشگاه تربیت مدرس، عضو حقوقدان کمیته نظارت بر نشریات دانشگاهی، عضو کمیته اخلاق پزشکی پژوهشکده ابن سینا و عضو کمیته اخلاق پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه تربیت مدرس می باشد.

فعالیتهای آموزشی : محمود صادقی از مهر ۱۳۷۹ به عنوان عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس فعالیت خود را آغاز کرد و هم اکنون نیز به عنوان استادیار این همکاری ادامه دارد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمود صادقی مقالاتی حقوقی متعددی را به رشته تحریر در آورده و در نشریات تخصصی به چاپ رسانده است. او همچنین راهنمایی پایان نامه های بسیاری از دانشجویان خود را به عهده داشته که برخی از به شرح زیر می باشد: - حق اختراع با لحاظ موافقتنامه راجع به جنبه های تجاری مالکیت های فکری (TRIPs) . - حقوق علائم تجاری با لحاظ موافقتنامه راجع به جنبه های تجاری مالکیت های فکری (TRIPs). - حمایت از حقوق پدیدآورندگان طرح های صنعتی. - حمایت از حقوق پدیدآورندگان پایگاههای داده. - تأثیر تحولات اجتماعی ، اقتصادی بر حقوق زن با تأکید بر طلاق ، حضانت و اشتغال.

آرا و گرایشهای خاص : تحقیقات و مطالعات محمود صادقی اغلب با گرایش به مسائلی چون حقوق مالکیت فکری (Intellectual Property Law)، مطالعه تطبیقی اخلاق زیستی (Bioethics)، حقوق فناوری اطلاعات (IT Law) بوده است. ---

آثار :

۱ ابعاد حقوقی فناوری اطلاعات (طرح پژوهشی اجراشده برای ، دفتر فناوری اطلاعات ریاست جمهوری، ۱۳۸۱)

۲ حقوق قراردادها در نظام های حقوقی پیش از اسلام (پروژه تحقیقاتی در سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی - در حال اجرا)

۳ قانون حاکم بر اموال منقول در حقوق بین الملل خصوصی ایران.

۴ کتاب تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق فرانسه ، انگلیس، ایران و فقه امامیه (در دست انتشار توسط انتشارات امیرکبیر)

۵ مبانی و آثار حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق فرانسه ، انگلیس و ایران.

۶ مبانی و آثار حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در فقه امامیه (مقاله منتشر شده در مجله علمی پژوهشی مدرس علوم انسانی، دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۷۹)

۷ مسئولیت های ورثه نسبت به تعهدات، دیون ، محکومیت ها و دعاوی علیه مورث (مقاله منتشر شده در مجله علمی پژوهشی مدرس علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس ، دوره ۷، شماره ۱، بهار ۸۲)

۸ مطالعه تطبیقی جنبه های اخلاقی اختراعات بیوتکنولوژیکی (طرح پژوهشی در حال اتمام در دانشگاه تربیت مدرس)
۹ مطالعه تطبیقی موجبات طلاق در حقوق ایران و سایر کشورهای اسلامی (پروژه تحقیقاتی اجراشده در مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران - ۱۳۸۰)
۱۰ همانند سازی انسان از نظر ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی (مقاله ارائه شده به اولین کنگره بین المللی کشورهای اسلامی تیر ۸۳)

صاعدی نیشابوری، ابوالعلاء صاعد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۰۶ ق)، خطیب، فقیه، قاضی و محدث. خطیب نیشابور و قاضی خوارزم بود. از برجستگان خاندان صاعدی است. وی از پدر و جد و سایر نزدیکانش حدیث شنید. او گرچه بسیار حدیث شنیده، اما احادیث کمی را روایت کرده است. او و اعظی شیرین‌بیان بود. نام وی در «هدیه العارفین» تحت عنوان نیشابوری کرمانی آمده است. گفته‌اند که کتابی در مناقب ابوحنیفه و احادیث وی نوشته است. از دیگر آثارش «الاجناس»، در فروع است که دستجردی، در بغداد، پاره‌ای از آن را روایت کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۱)، النجوم الزاهره (۲۰۱ / ۵). هدیه العارفین (۴۲۱ / ۱).

صاعدی نیشابوری، ابوسعید محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۲۷ -۴۴۴ ق)، فقیه، قاضی و محدث. قاضی نیشابور و رهبر مذهبی آنجا بود و شهرت شیخ‌الاسلام داشت. او از پدرش، قاضی ابونصر صاعدی، و عمویش، یحیی صاعدی،و عمر بن مسرور و ابوعثمان صابونی و عبدالغافر بن محمد حدیث آموخت و گروه بسیاری از وی حدیث آموختند. در بغداد حدیث گفت و ابن‌ناصر و ابن‌سمعانی و دیگران از وی روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۵۹۱ / ۱۹)، شذرات الذهب (۸۲ / ۴)، العبر (۴۳۱ / ۲)، النجوم الزاهره (۲۴۵ / ۵).

صاعدی نیشابوری، ابونصر احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۸۲ -۴۱۰ ق)، قاضی و محدث. او را قاضی القضات و رییس نیشابور می خواندند و به شیخ الاسلام مشهور و به ابونصر استوایی معروف بود. از کودکی در دامان جدش، قاضی صاعد، پرورش یافت. حدیث را از جدش، قاضی صاعد، و پدرش، قاضی ابوسعید،

و عمویش، قاضی ابوالحسن صاعدی، و قاضی ابوبکر حیری و ابوسعید صیرفی و ابوزکریا مزکی و ابوالحسن بن عبدان فرا گرفت. او مجالس املای حدیث داشت و زاهر شحامی و وجیه شحامی و عبدالله بن فراوی خوارزمی و عبدالخالق بن زاهر از شاگردان وی بودند. وی در زمان سلجوقیان به صورت بزرگترین رهبر دینی شهر خویش درآمد. ابونصر صاعدی پس از یک بیماری سخت و کوتاه درگذشت و در نیشابور به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۸ -۷ / ۱۹)، شذرات الذهب (۳۶۶ / ۳)، العبر (۳۴۴ / ۲)، الکامل (۱۵۲/ ۸)، النجوم الزاهره (۱۲۷ / ۵).

صالح آبادی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین صالح آبادی

محل تولد : حکم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب متولد سال ۱۳۴۷هستم .دوران دبستان رادر روستای محل تولد وراهنمائی رادر شهرستان سبزوار گذراندم و از سال تحصیلی ۶۳-۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و پایه ۱-۶را در مدارس المهدی ومهدی موعود گذراندم و درسال ۱۳۷۵امتحانات کتبی وشفاهی دوره سطح را تمام نمودم .پس از این اتمام سطح در درس خارج حضرات آیات مکارم و سبحانی و جوادی آملی شرکت کردم . همچنین درسال ۱۳۷۶دوره کارشناسی حقوق را در دانشگاه پردیس قم (مجتمع عالی سابق قم) به اتمام رساندم .از سال ۱۳۷۵د رمراکزعلمی پژوهشی همچون مجله فقه اهل بیت ودفتر تحقیقاتی یاسین همکاری کردم و از سال ۱۳۷۶ تا کنون با موسسه فرهنگی دارالحدیث بخش موسوعه نگاری همکاری می نمایم .بخش عمده کارهای علمی انجام شده در این مرکز به صورت گروهی است و به مرور در قالب موسوعه میزان الحکمه جدید و موسوعه امام حسین (ع) وموسوعه امام مهدی (ع)چاپ خواهد شد

.

صالح، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن صالح

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳در شهر قم به دنیا آمدم سال ۱۳۵۷به تهران رفته تحصیلات ابتدایی را در مدرسه فلق شهرستان شمیرانات و دوران راهنمایی را در مدرسه مهدی و دوران متوسطه را در هنرستان فنی فیضیه در رشته راه و ساختمان به پایان رساندم.پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه ملا محمد جعفر معروف به مدرسه علمیّه آیت الله مجتهدی شده و مدّت دو سال در آنجا دروس مقدماتی را فرا گرفتم.

همزمان با ورود به حوزه در سال ۷۲ وارد دانشگاه شده دررشته الهیات ادامه تحصیل دادم. با ورود به دانشگاه نشریه معراج قلم را در بسیج دانشجویی منتشر کرده به صورت سراسری در سطح دانشگاه های کشور توزیع شد. سال ۷۳ به حوزه علمیّه قم وارد شده دروس مقدماتی را ادامه دادم. در سال ۱۳۷۴اولین مقاله خودم را قلمی نمودم . آن زمان در حالی که مشغول به تحصیل کتاب مغنی بودم با مرحوم دکتر محمّد حسین روحانی مناظره مطبوعاتی انجام داده پیرامون آیاتی از قرآن کریم مباحثه مکتوب انجام دادیم.

حاصل این نقد و پاسخهای آن در فصلنامه بینات به چاپ رسید. چاپ این نوشتار سر آغازی میمون و مبارک در امر نویسندگی و پژوهش بود و از آن زمان تا به امروز مقالات و کتب متعددی را به زیور طبع آراسته ام. پس از پایان دروس مقدّمات بخشی از رسائل و مکاسب را از محضر آیت الله رسولی تهرانی وبخشی را نزد آیت الله موسوی خوئی فرا گرفتم. کفایه را از درس حضرت حجّت الاسلام و المسلمین سیّد احمد خاتمی و شرح اشارات را از محضرحجّت الاسلام و المسلمین فیاضی و نیز شرح اسفاررا از محضر ایشان استفاده نمودم. پس از اتمام دوره سطح دردرس فقه حضرت آیت الله جوادی آملی و حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی و درس اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم.

ازهمان سالهای نخست طلبگی به واسطه شدت علاقه ای که به حضرت آیت الله جوادی آملی داشتم به صورت مداوم در درس تفسیر ایشان شرکت کرده بیش از هزار نوار درس ایشان را پیاده و تایپ کردم. هم اینک نیز به عنوان کارشناس مسائل سیاسی و تاریخی در جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم مشغول به فعّالیّت بوده در کنار آن نیز مشغول دروس خارج فقه و اصول می باشم.

صالحی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صالحی

محل تولد : قم

شهرت : صالحی مازندرانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صالحی مشهور به صالحی مازندرانی، در سال ۱۳۴۳ در یکی از روستاهای شهرستان سوادکوه و در خانواده ای مذهبی به دنیا آمدم. قبل از رفتن به مدرسه کلام خداوند کریم (قرآن مجید) را بصورت کامل نزد مادرم فرا گرفتم و همین امر سبب گردید تا در دوران تحصیل به عنوان شاگرد ممتاز باشم به گونه ای که در سال چهارم ابتدایی توسط وزیر آموزش وقت لوح تقدیر دریافت داشتم. در سال ۱۳۶۱ در رشته ریاضی فیزیک موفق به اخذ دیپلم شدم و سپس در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شده و با جدیت تمام دروس حوزوی را دنبال نمودم. در سال ۱۳۶ بعد از گذشت چند سال از انقلاب فرهنگی و نیاز قوه قضائیه به کادر قضائی، آزمونی سراسری در رشته حقوق برگزار گردیده که این جانب در آن آزمون شرکت جسته و موفق به قبولی شده و لیکن با مشورت یکی از بزرگان حوزه از ادامه تحصیل منصرف گردیدم. شوق زائدالوصف اینجانب به دروس حوزوی از یک طرف و استعداد اعطایی خداوندی از طرف دیگر موجب گردید که دروس حوزوی را به آسانی گذراندم به گونه ای که حدود ۵ سال نگذشته بود که توانستم سطح عالی را به اتمام رسانده و تمامی امتحانات را با موفقیت پشت سر گذرانده و وارد درس خارج فقه و اصول شدم و لذا در سال دوم شروع درس خارج، یعنی سال ۱۳۶۸، برای بار دوم تصمیم گرفتم در کنار دروس حوزوی به دانشگاه راه یابم و لذا در آزمون سراسری سال ۱۳۶۸ شرکت جسته و موفق به قبولی در رشته حقوق دانشگاه تهران(مجتمع آموزش عالی قم) شده و پس از اتمام این دوره در سال ۱۳۷۳ در آزمون کارشناسی ارشد شرکت جسته و در رشته حقوق خصوصی دانشگاه تهران پذیرفته شدم که در سال ۱۳۷۶ با دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان" اصل صحت در قانون مدنی "با راهنمایی استاد دکتر کاتوزیان فارغ التحصیل شدم و در سال ۱۳۷۷ در آزمون دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران شرکت جسته و موفق به پذیرش گردیده که پس از گذشت چند سال و با دفاع از رساله دکتری با عنوان"مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات و خدمات قضائی با مطالعه تطبیقی در مذاهب اسلامی "با راهنمایی استاد دکتر مصلحی در بهمن ماه ۱۳۸۳ توانستم با موفقیت این دوره را نیز پشت سر گذرانم. لازم به یادآوری است که اینجانب در تمامی دوره های تحصیلی به طور مستمر به دروس فقه و اصول درس خارج نزد اساتید بزرگ حوزه من جمله: مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی، آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، آیت الله العظمی وحید خراسانی شرکت نموده و توانستم از دریای مواج علمی این بزرگان به قدر تشنگی حظی ببرم. علاوه بر امر تحصیل، همزمان به تدریس دروس مختلف حقوقی در مراکز علمی دانشگاهی و حوزوی نیز اشتغال داشته و از طرفی همکاری علمی و پژوهشی با برخی مراکز پژوهشی قم از جمله مرکز تحقیقات دارالحدیث، مرکز تحقیقات قوه قضائیه، مرکز پژوهشهای صدا و سیما از جمله فعالیتهای این جانب در طول سالهای طولانی بوده و هست.

صانعی مهری، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فقه و مبانی اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صبری حلوایی، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید صبری حلوایی

محل تولد : آذرشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۷/۸

زندگینامه علمی

سال ۱۳۳۵ هفتم مهر در آذرشهر متولد شدم. هفت سالگی وارد دبستان بیژن آذر شهر شدم. سال۱۳۴۷ وارد دبیرستان آذرشهر شدم.سال ۱۳۵۱ وارد دبیرستان توحید شیراز شدم. ۱۳۵۶ در رشته طبیعی دیپلم گرفتم. سال ۱۳۸۳ در جشنواره مبتکران ـ مخترعان ـ نو آوران و ممتازین دانشجوی بسیجی به عنوان ممتاز علمی شناخته شدم در همان سال و همان جشنوار با کسب مقام اول پروژه کارشناسی ارشد ممتاز پروژه نیز معرفی شدم سال ۱۳۸۴ برگزیده مؤلف نمونه در همایش اهل قلم سازمان صدا و سیما تجلیل شدم. در پاییز سال ۱۳۸۴ به عنوان برگزیده کنگره بین‌المللی روابط عمومی و در بهار همان سال برگزیده کنگره بین‌المللی جنبش نرم‌افزاری که در سالن اجلاس سران سال ۸۴ برگزار شد معرفی شدم.

در جشنواره‌های گوناگون تحقیقاتی سازمان صدا و سیما رتبه‌های پژوهش برتر را اخذ نمودم از جمله:

الف: جشنواره هفتم شیراز اردیبهشت ۷۶ با پژوهش بیوگرافی شهید آیت الله قاضی.

ب: در جشنواره ۱۲ یزد با پژوهش نهضت خدمات رسانی.

ت: در جنشواره ۱۳ تبریز با پژوهش نهضت پاسخگویی به مطالبات مردم.

ج: در جشنواره ۱۴ که در اصفهان برگزار شد ۳ عنوان پژوهش تا مرحله عالی داوری راه یافت با عناوین.

۱. معراج. ۲. مشارکت عمومی. ۳. کندوان بهشت گمشده

ث: در جشنواره ۱۵ با پتروشیمی تحت عنوان و ماه بشکافت شق القمر معجزه پیامبر اعظم(ص)

فعلاً مدیر مسئول و صاحب امتیاز هفته نامه تبریز می‌باشم.

صبری، خلیل‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۷ ش)، شاعر، حقوق‌دان و روزنامه‌نگار. در سنندج به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به انجام رسانید و همزمان با آن به تصحیل علوم قدیمه نیز می‌پرداخت. پس از اتمام دروه‌ی متوسطه، موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشته‌ی معقول و منقول گردید سپس به مشاغل زیر پرداخت: ریاست دادگاه، ریاست هیأت بازرسی، سرپرستی برنامه‌ی عشایر کرد و عضویت در شورای عالی عشایر. وی همچنین مؤسس روزنامه «صاعقه» بود.از آثارش: «روش دادرسی»؛ «طبقات الایات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۲۴۶ -۲۲۴۴ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۵۰ ،۱۷۸۰ / ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۱ -۳۰ / ۳).

صدراللهی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن صدرالهی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

ایجانب حسن صدراللهی در سن ۸سالگی به مدرسه ابتدای رفتم و در روستای صالح آباد و وکلاء محمد آباد دوران ابتدائ را سپری کردم وچند سالی در محیط روستا (حاجی آباد)مشغول کارهای روستای شدم در همان ایام اشعاری را سرودم .اشتیاق زیادی به طلبه شدن داشتم و بارها مطرح می کردم ولی موافقت نمی کردند تا اینکه روزی اشعاری در رابطه با حضرت امام حسین (ع)و حضرت مسلم سرودم شب امام را در خواب دیدم به من فرمود:اگر می خواهی موفق به طلبگی شوی برو در اخر مفاتیح دعای حاجت را عمل کن ،صبح که بیدار شدم نمی دانستم مفاتیح چه کتابی است از روحانی محل به نام آقای راسخی سئوال کردم فرمودند:همین کتاب دعا است .مفاتیح تهیه کردم درآخر آن دعائی است که هر کس حاجتی دارد بنویسد ودر رقعه ای از گل بگذارد ودر آب جاری بیاندازد خداوند حاجت اورا روا می کند .

آنچه در مفاتیح دستور داده شده عمل کردم ،پس از مدتی پدرم بر اساس اصرار بنده رفت خدمت یکی از علماءشهر ،به نام خدائی استخاره کرد آن عالم فرمود آیه علم آمده سریع اقدام کن ،پدرم دست مرا گرفت ودردست آن عالم فاضل گذاشت .مدت چهار سال در دامغان مدرسه حاج فتحعلی بیک مشغول تحصیل شدم آن عالم خیلی به بنده احترام می گذاشت .پس از دوسال روانه قم شدم ودرمدرسه حجّتیه در پارک ۸اطاق ۷۳با آقای رفیعی که از طلاب فاضل ومتدین بود هم حجره شدم .در واقع او مربی خوبی برای من بود شخصیت طلبگی من درآن زمان شکل گرفت .خاطرات خوشی از آن دوران دارم خداوند جزای خیر به آقای رفیعی دهد.

زمانیکه در قم بودم دوران پرفرازو نشیبی داشتم گاه مریضی وگاه بی پولی ،تا جائی که برای امرار معاش در تهران بعضی از تعطیلات کارگری می کردم .وایام هفته درقم درس می خواندم .روزگار سختی بود.در دوران قبل از انقلاب شور خاصی در رابطه با نشر احکام اسلامی داشتم لذا در قم وشهرستانها کلاسهای قرآن . عقائد سیاسی برگزار می کردم همین امر باعث شد که ساواک مرا تعقیب کند در کرمانشاه، دزفول، دامغان مورد تعقیب قرار گرفتم تا اینکه در یزد خدمت شهید محراب صدوقی رفتم مشکل را بیان داشتم که امنیت ندارم ایشان پرونده ای ترتیب داد که طلبه یزد هستم این کار در واقع راه گم کردن برای ساواک بود وهمین کار باعث شد که ساواک نتواند مرا دستگیر کند در این دوران خاطرات تلخ و شیرینی دارم که مجال نوشتن نیست .پس از پیروزی انقلاب احساس می شد که وضعیت تغییر کرده .دیدگاههای انحرافی به وجود آمده وروزبه روز رشد می کند .لذا به فکر افتادم مطالعه عمیقی راجع به کمونیسم واصطلاحات سیاسی داشته باشم .این کار انجام گرفت .دفترهای مخصوصی در این زمینه ها نوشتم

درسالهای اول انقلاب ،موسسه در راه حق یک گروه هفتاد نفره به نام گروه (دال)گزینش کردند که دوران بسیار خوبی بود. تا حدودی با ادبیات فارسی ،تحلیل مسائل سیاسی ،اقتصاد،جامعه شناسی ،حقوق،فلسفه غرب اشنا شدم .با دیدن این دوره وتکمیل ان با مطالعه ، وارد عرصه تحلیل مسائل سیاسی ،اقتصاد،جامعه شناسی ،حقوق وغیره شدم .وهمین مطالعات باعث شد به دانشگاه راه پیدا کنم .

مدّت ۱۳سال در دانشگاه حقوق ،فقه ،اصول ،ادبیّات عرب تدریس کردم تا این که در سال ۷۸همسرم دچار عارضه قلبی شد لذا نتوانستم به دانشگاه ادامه دهم .د رحوزه مشغول تحقیق شدم وبعضی از نقدهای اینجانب به دیدگاها در حوزه نشر شد.تا اینکه دفتر حضرت آیت الله فاضل لنکرانی (محمد جواد فاضل)از بنده دعوت کرد که بخشی درمرکز فقهی راه اندازی کنم تحت عنوان شبهات فقه واصول .

این کار ابتکاری را شروع کردم شبهات ابواب فقه بر اساس کتاب شرایع جمع اوری شد به اضافه شبهات جدید .شبهات در اختیار دانش پژوهان قرار میگیرد .پس از بررسی خلاصه جواب به نام محقق ثبت می شود وهم اکنون عضو گروهی هستم که در زمینه های علمی فعّالیّت دارند ودر کنار جامعه مدرسین هستم .

صدرالمعالی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۲) (سید) حسین حایری بن (سید) رضا حسینی (مجتهد) شیرازی دانشمند آزادیخواه ایرانی (ف. تربت حیدریه ۱۲۹۶ ه.ق.) وی به سبب مسافرت پدرش به کربلا و اقامت در آنجا، تحصیلات ابتدایی را در آن شهر انجام داد و سپس به هندوستان مسافرت کرد و زبانهای انگلیسی و اردو و علوم جدید را در آن کشور آموخت و بعد به کربلا بازگشت و پس از چندی به ایران آمد و در زمان صدارت میرزا علی اصغرخان اتابک به وسیله اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات به ناصرالدین شاه معرفی شد و پس از اندکی به لقب صدرالمعالی مفتخر و به مقام سرتیپ اول در وزارت خارجه نایل آمد. در سال ۱۳۰۷ ه.ق. که ناصرالدین شاه به فرنگ سفر کرد، به امر آن پادشاه هر یک از مترجمان انطباعات کتابی را ترجمه و تألیف کردند تا پس از مراجعت شاه تقدیم وی نمایند. حایری که اصل داستان «بوسه عذرا» را در دست داشت و آن با افکار آزادیخواهانه‌اش کاملا وفق می‌داد با تصرفاتی در اصل، ترجمه کرد و «بوسه عذرا و کشف الاسرار» نامید. در زمان محمدعلی میرزا کتاب مزبور به چاپ رسید ولی از انتشار آن جلوگیری کردند و حایری نیز زندانی گردید و افراد خانوداه وی از ترس جان ناگزیر شدند که آثار قلمی او را- که از جمله آنها تاریخ مفصل افغانستان بود که وی در دست ترجمه و تألیف داشت- در چاه آب ریزند و از بین برند. پس از برقراری مجدد مشروطیت حایری از زندان آزاد شد. وی به ریاست عدلی قاینات منصوب گردید ولی بعدها از ای کار استعفا کرد و چندی نیز از طرف وزارتخانه‌های عدلیه، معارف و و اوقاف و فواید عامه سمت نمایندگی در بعضی شهرها (از جمله تربت حیدریه) داشت، و در همین شهر درگذشت و بدانجا مدفون شد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صدرزاده افشار، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق خصوصی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق (قضائی) از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴ و دکترای دولتی حقوق از دانشگاه پاریس.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۰ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، ادله اثبات دعوی و کلیات حقوق و سایر مسائل حقوقی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادله اثبات دعوی (حقوقی).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مصونیت قضائی قضات و وکلای دادگستری، سلب مالکیت به سبب منافع عمومی، وظائف دادسرا در امور مدنی در فرانسه، قاضی تحقیق و نقش او در دادرسی مدنی فرانسه و وضع حقوقی اطفالی که خارج از نکاح تولد یافته‌اند.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صدیق جهانبان، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی صدیق جانبهان

محل تولد : بستان آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۲

زندگینامه علمی

آقای مصطفی صدیق جانبهان مشهور به صدیق در سال ۱۳۳۱ در شهرستان بستان آباد در خانواده ای آگاه به مسائل مذهبی،

دوستدار خاندان نبوت و امامت دیده به جهان گشود پس از سپری کردن تحصیلات ابتدائی به خاطر عشق وافر، تشویق پدر در سال ۱۳۵۵، سالی که نهایت ظلم از طرف حکومت خاندان پهلوی بر مردم و روحانیت روا می‌شد و شدیدا حوزه علمیه را تحت نظر و کنترل داشتند و از سویی دیگر جو اختناق و ترس را حاکم کرده بودند وارد حوزه علمیه گردید . از محضر بزرگان حوزه علمیه چون آیت الله پایانی ، موسوی تبریزی، بنی فضل بهره های علمی ، اخلاقی برد، در کنار تحصیل به تدریس در دانشگاههای مختلف کشور پرداخت و در کنار تدریس هیچ وقت از تبلیغ معارف ناب الهی ، اسلامی و شیعی غافل نبود و در این زمینه تلاشهای فراوانی به انجام رساند.

صدیقی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم صدیقی

محل تولد : کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۷ پس از اخذ دیپلم در رشته ریاضی فیزیک وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی تحت اشراف آیت الله قدوسی و آیت الله بهشتی مشغول به تحصیل شدم .

همزمان با پایان دوره سطح و ورود به درس خارج فقه و اصول در دوره تربیت مدرس شرکت کردم و در سال ۱۳۷۲ از پایان خود آن تحت عنوان « عیسی مسیح از دیدگاه قرآن و انجیل » به راهنمایی دکتر احمد بهشتی با نمره ۱۹ و درجه عالی دفاع کردم در سال ۱۳۷۴ وارد دانشگاه آزاد اسلامی شدم و در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دوره تخصصی دکتری (ph.d) را شروع کردم و در سال ۱۳۸۰ از پایان نامه خویش تحت عنوان « مقایسه و بررسی آراء اصولی شیخ طوسی و علامه حلی» به راهنمایی دکتر ابوالقاسم گرجی با درجه عالی و نمره ۱۹ دفاع کردم و به عنوان عضو هیات علمی در سال ۷۴ در دانشگاه آزاد اسلامی مشغول خدمت هستم.

صرامی، سیف الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیف الله صرامی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی با دیپلم ریاضی فیزیک وارد حوزه علمیه اصفهان مدرسه ذوالفقار شدم. تا حدود شش ماهی که در آنجا بودم مقدمات را از سیوطی و المنطق که در فاصله دو سال آخر دوره دبیرستان به آن رسیده بودم تا مغنی و اصول استنباط رساندم. اواخر سال ۶۰ توفیق حضور در حوزه علمیه قم ، مدرسه امام صادق(ع) را یافتم. در آنجا حدود یک سال بقیه مغنی، مختصر المعانی و تا اواسط شرح لمعه و اصول فقه را تمام کردم.

تا اواخر سال ۶۶ دروس مقدمات و سطح را تقریبا به اتمام رساندم و توفیق متناوب و البته جسته و گریخته ای در تدریس همان دروس تا سطح شرح لمعه را داشتم. از اواسط سال ۶۸ شاگرد درس خارج فقه و اصول بودم، در حالی که در خلال دروس مقدمات و سطح چند دور درس فلسفه را هم تجربه کرده بودم بدایه الحکمه، نهایهٔ الحکمه و شرح منظومه اسفار را هم در حد ج ۱ و ۶ در سال های ۶۷ تا ۶۹ خواندم.سال ۶۹ دوره فوق لیسانس تربیت مدرس دانشگاه قم را در الهیات و معارف اسلامی آغاز کردم که در سال ۷۳ به پایان رسانیدم.از سال ۶۹ با شرکت در تهیه برخی فیش های بحار الانوار برای تدوین نرم افزار های مربوط در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی همکاری خود را با مرکز تحقیقاتی، با پیش زمینه ای در برخی از کارهای تحقیقاتی شخصی آغاز کردم. پس از مدت کوتاهی با تشکیل معاونت اندیشه اسلامی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری محترم به آن پیوستم. حاصل کار با آن معاونت تا سال ۶۷ غیر از مدیریت گروه فقه دو کتاب احکام حکومتی و مصلحت و احکام مرتد از دیدگاه اسلام و حقوق بشر بود.

از سال ۷۵ همکاری با پژوهشکده فقه و حقوق مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (ابتدا با عضویت در شورای علمی آن و از سال ۷۶ تاکنون به عنوان مدیر گروه مسائل فقهی حقوق آن) را آغاز کردم .

از اساتید حوزوی بیش از همه از محضر حضرت آیت الله استاد شیخ جواد تبریزی (مد ظله العالی) و پس از ایشان حضرت آیت الله استاد سید کاظم حائری (مد ظله العالی) بهره برده ام. از محضر اساتید گرانقدر حضرت آیت الله مددی و حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای شیخ مهدی گنجعلی نیز در درس هایی با روش مباحثه و گفتگو بهره های فراوان برده ام. توفیق تدریس دروس سطح را نیز به تناوب و البته به شکل خصوصی داشته ام.

صفای شیرازی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۵۱- ز ۱۳۱۳ ق)، قاضی و شاعر، متخلص به صفا. معروف به شیخ‌الاسلام. در شیراز به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات، در محضر پدر و حاج شیخ مهدی کجوری و آخوند ملا محمد علی محلاتی فقه و اصول و تفسیر و حدیث را فراگرفت. به حج و اماکن مشرفه عراق رفت و به شیراز بازگشت. سالها منصب شیخ‌الاسلامی در خانواده‌ی ایشان بود و نسل به نسل این سمت را داشتند و صفا نیز مدتی عهده‌دار این منصب بود. بعد از وفات پدرش به قضاوت مشغول شد و پسرش حاج شیخ محمد باقر متخلص

به وفا نیز در علوم شرعی کامل بود و گاه به جای پدر بر مسند قضاوت می‌نشست. صفا در تفسیر و فقه کرسی تدریس داشت و اشعار عارفانه نیز می‌سرود. وی «دیوان» شعر مرتبی داشته و فرصت شیرازی در «آثار عجم» (تالیف شده ۱۳۱۳ ق) ابیاتی را به نام او ضبط کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۱۱ -۵۱۰)، حدیقه الشعراء (۱۰۲۰ -۱۰۱۵ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۵۴ / ۳)، الذریعه (۶۰۹ / ۹)، ریحانه (۴۴۸ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۲۳ / ۲)، مرآت الفصاحه (۳۵۸ -۳۵۶)، مکارم الآثار (۱۴۰۲ / ۴).

صفائی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: حقوق مدنی و تطبیقی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صلاحی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم سیاسی، دانشگاه: اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای علوم سیاسی و تحصیلات در زمینه اقتصاد.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فلسفه و اندیشه‌های سیاسی در غرب، مسائل اقتصاد سیاسی بویژه در کشورهای در حال توسعه، حدود ۱۶ سال تدریس در سیاست و اقتصاد، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۴ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سیاست به مثابه علم.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

اروپای ۱۹۹۳، پروستریکا.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صیمری، ابوعبدالله حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۳۶ -۳۵۱ ق)، محدث، قاضی و فقیه حنفی. اصلش از صیمر خوزستان و شیخ حنفیه در بغداد بود. مدتی قضاوت مدائن و در پایان قضاوت کرخ را بر عهده داشت. از ابن‌شاهین و هلال بن محمد و ابوبکر مفید جرجرائی و ابوالفضل زهری و ابوبکر بن شاذان و ابوحفص کتانی و ابوعبیدالله مرزبانی و عیسی بن علی بن عیسی وزیر حدیث روایت کرده است. خطیب بغدادی و عبدالعزیز کتانی و قاضی ابوعبدالله دامغانی و بسیاری دیگر از وی روایات کرده‌اند. صیمری در بغداد درگذشت و در منزلش در درب زرادین به خاک سپرده شد. از آثارش: «اخبار ابی‌حنیفه و اصحابه»،که کتابی حجیم است؛ شرح «مختصر الطحاوی»، در فروع حنفیه، در چندین مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۷ / ۲)، انساب سمعانی (۵۷۶ / ۳)، تاریخ بغداد (۷ -۷۸ / ۸)، سیر النبلاء (۶۱۶ -۶۱۵ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۵۶ / ۳)، العبر (۲۷۲ / ۲)، الکامل (۴۱/ ۸)، کشف الظنون (۱۸۳۷، ۱۶۱۸)، معجم البلدان (۴۹۹ / ۳)، معجم المؤلفین (۳۵ / ۴)، النجوم الزاهره (۴۰ / ۵)، هدیه العارفین (۳۰۹ / ۱).

ضابط پور، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا ضابط پور کاری

محل تولد : بابلسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۷۶ پس ازاتمام دوم دبیرستان وارد حوزه علمیه قم شدم .درمدرسه حقانی به مدت سه سال ادبیات را گذراندیم و وارد مدرسه امام امام باقر (ع) شدیم .سال ۱۳۷۱ همزمان با دروس فقه واصول دوره دبیرستان را ادامه دادم و سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ دیپلم شدم . سپس درکنکور سراسری شرکت کردم و دردانشگاه باقر العلوم (ع) دررشته علوم سیاسی پذیرفته شدم همزمان دروس

دانشگاهی و حوزوی را ادامه دادم و پس از اخذ لیسانس علوم سیاسی دروس سطح حوزه را نیز به پایان بردم و در سال ۱۳۷۷ درارشد شرکت کردم و پذیرفته شدم که همزمان با دروس ارشد درس خارج فقه واصول را نیز ادامه دادم سال ۱۳۸۰موفق به اخذ فوق لیسانس شدم وپس از ۴ سال وقفه درمقطع دکتری شرکت کرده و درسال ۱۳۸۴ مقطع دکتری در دانشگاه باقر العلوم در رشته علوم سیاسی پذیرفته شدم وهم اینک مشغول تحصیل می باشم .

ضحاک شیبانی، ابوبکر احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۸۷ -۲۰۶ ق)، حافظ، محدث، فقیه و قاضی. معروف به ابن ابی‌عاصم. ظاهری مذهب بود و قیاس به کار نمی‌برد. وی از مشاهیر محدثین بود که به دنبال حدیث در کوفه و بصره و بغداد و دمشق و مصر حجاز از محدثین بسیاری چون جد مادری‌اش، موسی بن اسماعیل، و ابوولید طیالسی و ابوعمر حوضی و شیبان بن فرخ و ابراهیم بن محمد شافعی و دیگران حدیث شنید. دخترش ام‌ضحاک عاتکه و قاضی ابواحمد عسال و عبدالرحمان بن محمد بن سیاه و احمد بن محمد بن عاصم و احمد بن بندار و ابوعبدالله محمد کسائی از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن ابی‌عاصم پس از وفات صالح بن احمد بن حنبل به مدت شانزده سال، از ۲۸۲ -۲۶۹ ق، در اصفهان قضاوت می کرد. حدود سیصد تصنیف او، در فتنه‌ی صاحب الزنج، در بصره به یغما رفت و او از حفظ، پنجاه هزار حدیث را بازنوشت. آثار به جا مانده از او: «الدیات»، که در قاهره چاپ شده؛ «المسند الکبیر»، شامل پنجاه هزار حدیث؛ «الآحاد و المثانی»، شامل بیست هزار حدیث؛ «السنه»؛ «الاوائل».[۱]

(ع. بخش ۱) ابوبکر احمد بن محمد بن عمر شیبانی (ف. ۲۸۷ ه.ق.). وی ۱۶ سال منصب قضای اصفهان داشت و کتب او در فتنه زنج به بصره از میان رفت، ولی مقدار ۵۰۰۰۰ حدیث از حافظه خود نوشت. ضحاک مذهب ظاهری داشت و قیاس را منکر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۸۲ -۱۸ / ۱)، انساب سمعانی (۴۸۶ / ۳)، تذکره القبوره (۳۹۲ -۳۹۱)، الجرح و التعدیل (ج ۱ ق ۶۷ / ۱)، ریحانه (۷ / ۴)، سیر النبلاء (۴۳۹ -۴۳۰/ ۱۳)، شذرات الذهب (۱۹۶ -۱۹۵ / ۲)، العبر (۴۱۴ -۴۱۳ / ۱)، الکنی و الالقاب (۴۳۵ / ۲)،لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۳۶ / ۲)، النجوم الزاهره (۱۳۷ / ۳)، الوافی بالوفیات (۲۷۰ -۲۶۹ / ۷).

ضیایی بیگدلی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق، دانشکده: علوم اقتصادی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی الهیات از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، دکترای تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی از دانشگاه مونپلیه فرانسه در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

حقوق سیاسی فرد در اسلام، تدریس دروس حقوق بین‌الملل عمومی، اسلام و حقوق بین‌الملل، حقوق اساسی، کلیات حقوق در دانشگاههای شهید بهشتی، علوم قضایی، امام صادق و علامه طباطبایی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مقررات حقوقی شورای، حقوق بین‌الملل عمومی و دیدگاه اسلام نسبت به حقوق بین‌الملل.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تحول حقوق کیفری شوروی، بحثی در حقوق فضا، نگرشی اجمالی به حقوق جنگ، حقوق جنگ و رفتار با اسیران جنگی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

طاهریان، جلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلیل طاهریان

محل تولد : سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی اینجانب جلیل طاهریان در سال ۱۳۴۰ در خانواده ای مذهبی در جنوب شهر دیه به جهان گشودم. پدر بزرگوارم جهت کسب روزی حلال به کفش دوزی و والده مکرمه‌ام به پخته نان در منازل مشغول بودند. که هر دو از دنیا رفته و روحشان شاد باد. بعد از دوران ابتدائی پدرم مرا به حوزه علمیه صادقیه سمنان هدایت نمود. که دوره مقدمات و سطح یک و دو را گذراندم. آنگاه جهت درس خارج نزد استاد حضرت آیةالله عالمی که به درجه اجتهاد نائل شده بودند، رفته و همزمان درس کلاسیک را در شبانه و دانشگاه ادامه دادم. تا سال ۱۳۷۱ از دانشگاه آزاد اسلامی موفق به کارشناسی ارشد در رشته فقه و مبانی حقوق در آمده و در سال ۱۳۷۲ عضو هیئت علمی ساعتی در دانشگاه آزاد اسلامی فعالیت علمی و پشتکار باعث گردید. که در سال ۱۳۸۰ امام جماعت نمونه کشور در سال ۱۳۸۱ پژوهشگر برتر در حوزه فرهنگ و دین و در سال ۱۳۸۲ نیروی فرهنگی ممتاز از سوی نهاد

نمایندگی ولی فقیه و همچنین در سال ۱۳۸۴ مبلغ برتر از سوی صدا و سیما حوزه علمیه دفتر تبلیغات و سازمان تبلیغات اسلامی شده و همچنین در سال ۱۳۸۵ پژوهشگر برتر از دانشگاه آزاد اسلامی انتخاب شده، و در حال حاضر مدیریت حوزه علمیه و تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی را دارم. اولین مقاله‌ای که نوشتم درباره نقش ورزشکاران در احیاء نماز بود که مورد پذیرش قرار گرفت و این خود عاملی بود که دست به قلم زده و کتاب رازها و رمزها نماز را که با رهنمود استادم که درس خارج فقه را بر عهده داشتند. تحریر نموده و بحمدالله مورد پذیرش قرار گرفتند کار مطالعاتی و تحقیقاتی را استمرار داده. که آخرین تحقیقات حقیر پیرامون تهی کردن دین از بصیرت ترویج خرافه پرستی. و ترویج ابتذال تحت عنوان آزادی و مدعیان دروغین در ارتباط با حضرت ولی عصر بوده اخیراً گوشه‌آی از فعالیت‌های علمی را که من جمله درباره حضرت معصومه(س) با عنوان بانوی مهر و همچنین مقالات چاپ شده در ارتباط با اتحاد ملی و انسجام اسلامی و موعود باوری عاملی در ایجاد اتحاد ملی و انسجام اسلامی بود در حوزه علمیه صادقیه که در زمان بازدید استاندار سمنان صورت گرفت به نمایش گذاشتند که موجب تعجب علماء و طلاب گردیده بود. انجام امور پژوهشی و تحقیقاتی و چاپ مقالات متعدد باعث گردید که اجرای برنامه‌های زنده در صداوسیما را به عهده حقیر گذاشتند و بحمدالله با ارائه بحث‌های جدید علمی من جمله ازدواج- آفات زندگی – سنگ صبور بحث حوزه و دانشگاه جایگاه علمی خوبی را پیدا نموده و عضو پژوهشگران کشوری شدم و در نمایشگاه پژوهشگران راه یافتم. همچنین با شناختی که مسئولین پیدا نموده برگزاری همایش‌های بزرگ از قبیل عفاف و حجاب، مدیریت و رهبری، تولید علم و نهضتف، نرم‌افزاری و برگزاری نمایشگاه نغمه دل که ویژه نماز بود به حقیر محول نموده که آقای قداستی بصورت مکتوب این جمله را نوشتند که اولین کار علمی در کشور به صورت نمایشگاه مجازی به ثمر رسید و قدردانی نمودند.

طبری، ابوطیب طاهر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۰ -۳۴۸ ق)، قاضی، محدث، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر شافعی. در آمل به دنیا آمد. چهارده ساله بود که فقه آموخت. در آمل از ابوعلی زجاجی و در گرگان از ابواحمد بن غطریف و در نیشابور از ابوالحسن ماسرجسی و در بغداد از دارقطنی و علی سکری و شیخ ابوحامد اسفراینی حدیث شنید. ساکن بغداد شد و در آنجا به تدریس و افتاء و قضاوت مشغول گردید. ابواسحاق شیرازی که از شاگردان اوست گوید که در تحقیق و اجتهاد و فکر و نظر بالاتر از ابوطیب ندیده است و خطیب بغدادی گوید که استاد ما ابوطیب شخصی پرهیزگار، عارف به اصول و فروع، محقق و خوش‌برخورد بود. گویند که او و برادرش فقط یکدست لباس داشتند و هرگاه یکی از آن دو از منزل خارج می‌شد دیگری مجبور می‌شد در منزل بماند. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب حرب دفن شد. اغلب اشعارش به طریقه‌ی فقه و مسائل فقهی می‌باشد. وی در اصول و مذهب و علم خلاف و جدل کتابهای بسیاری تألیف کرد.از آثارش: شرح «مختصر» المزنی، در یازده جزء، در فقه شافعی؛ شرح «فروع» ابن‌حداد مصری؛ کتابی‌در «طبقات الشافعیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۱ / ۳)، انساب سمعانی (۴۷ / ۴)، تاریخ بغداد (۳۶۰ -۳۵۸ / ۹)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۵ / ۲)، روضات الجنات (۱۴۶ -۱۴۵ / ۴)، ریحانه (۴۶ -۴۵ / ۴)، سیر النبلاء (۶۷۱ -۶۶۸ / ۱۷)، العبر (۲۹۶ / ۲)، الکامل (۸۷ / ۸)، کشف

الظنون (۱۶۳۸، ۱۶۳۵، ۱۲۵۷، ۱۱۰۰، ۴۲۴) ، لغت‌نامه (ذیل/ طاهر)، معجم المؤلفین (۳۷ / ۵)، النجوم الزاهره (۶۵ / ۵)، الوافی بالوفیات (۴۰۴ –۴۰۱ / ۱۶)،وفیات الاعیان (۵۱۵ –۵۱۲ / ۲)، هدیه العارفین (۴۲۹ / ۱).

طهماسبی نیک، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اشرف طهماسبی نیک

محل تولد : کوهدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی خود را از سال ۱۳۴۵ در شهرستان کوهدشت لرستان آغاز نمودم و تا سال دوم دبیرستان را در همین شهرستان مشغول تحصیل بودم آنگاه دوره تربیت معلم را در دانشسرای مقدماتی شهرستان بروجرد در سال ۱۳۵۴ آغاز و درسال ۱۳۵۶ موفق به اتمام دوره با رتبه اول در استان محل تحصیل شدم و سال بعد کار تدریس در مقطع ابتدایی را به صورت پیمانی آغاز نمودم ، ولی بخاطر درگیری با حراست و ساواک در زمان رژیم پهلوی از محل کار تبعید شدم . ابتدای سال ۱۳۵۷ محل را مخفیانه ترک و عازم قم شدم چرا که اولین جرقه و بارقه انقلاب اسلامی در شرف آغاز بود و از آنجا که مرحوم امام راحل (ره) دستور داده بودند که سربازها پادگان ها را ترک کنند بنده که دفترچه آماده به خدمت وظیفه دریافت نموده بودم از رفتن به خدمت سربازی رژیم سابق امتناع نمودم و در قم به جرگه نیروهای انقلاب پیوستم و تا پیروزی انقلاب در قم ماندم و دروس حوزوی را هم جسته و گریخته آغاز نمودم.

پس از پیروزی انقلاب به محل تولد خود بازگشتم و مدتی را با بسیج و سپاه همکاری نمودم و در کنار آن کار تدریس در مقطع متوسطه را در دروس بینش دینی و فلسفه و منطق و تاریخ اسلام آغاز نمودم تا سال ۱۳۶۳ که به همراه خانواده به قم مهاجرت نمودم و همزمان با تحصیل در دانشگاه (مجتمع آموزش عالی قم) در رشته حقوق کار تحصیل دروس حوزوی را نیز رسما آغاز نمودم و پنج پایه اول سطح حوزه را یکجا در سال ۱۳۶۵ امتحان دادم و قبول شدم و از آن پس بیشتر وقت را صرف تحصیلات حوزوی نمودم . در سال ۱۳۶۸ در مقطع لیسانس حقوق از دانشگاه تهران (مجتمع آموزش عالی قم) فارغ التحصیل شدم و در دروس حوزوی متمرکز شدم تا اتمام دروس سطح از حدود سال ۱۳۷۴ تحصیلات حوزوی را در مقطع خارج با شرکت در دروس اعلامی همچون آیات عظام مومن، تبریزی، و شبیری زنجانی آغاز نمودم ضمن اینکه در تمام این مدت با استاد محبوب خود یعنی مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفائی حائری مرتبط بودم و از مجلس درس و بحث و وعظ و مباحث تربیتی و عقیدتی ایشان بهره مند می شدم.

در سال ۱۳۷۴ همزمان ، کار تحصیل دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی در دانشگاه قم را آغاز و در اسفند ۱۳۷۶ در همین مقطع با رتبه اول فارغ التحصیل گشتم و سپس از آن کار تحقیق و فیش برداری و نوشتن را آغاز نمودم .

ظروفی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فنی از آلمان غربی، کارشناسی در رشته زبان و ادبیات آلمانی از دانشگاه تهران، دکترای زبان آلمانی از دانشگاه مونیخ آلمان.

مرتبه علمی:

استادیار تمام وقت دانشگاه تهران رد سال ۱۳۴۸، دانشیار در سال ۱۳۵۳ و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات آلمانی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ فرهنگ آلمان، فرهنگ اصطلاحات زبان آلمانی، حروف ربط و حروف اضافه در زبان آلمانی، ترکیبات فعلی در زبان آلمانی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

بررسی حروف اضافه در زبان آلمانی، ادبیات انقلابی در آلمان، صومعه‌نشینی و گسترش آن در اروپا، ترجمه اشعاری از گوته، واژه‌سازی در زبان آلمانی، پیدایش هومانیسم، سخنی درباره رمان سنتی و رمان نوین، خاطرات ایرلند، نگاهی کوتاه به داستان کوتاه آلمانی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عادل، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مرتضی عادل در سال ۱۳۳۸ در تهران بدنیا آمد.ایشان پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد حقوق خصوصی از دانشگاه شهید بهشتی ، در آزمون اعزام دانشجو به خارج شرکت کرده و قبول شد .او در سال ۱۳۷۲ به انگلستان ،دانشگاه منچستر برای تکمیل معلومات دانشگاهی عزیمت کرد و در سال ۱۳۷۷ دکترای رشته حقوق بین الملل خصوصی را اخذ نمود.وی از همان سال تا کنون در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به خدمت است.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق بین الملل خصوصی

والدین و انساب : پدر مرتضی عادل،حسین نام داشت او از کارخانه داران و صنعت گران قدیم تهران بود که به دلایلی سرمایه خود را از دست داده و به کارگری (صنعتی) مشغول شد.مادرش هم خانه دار و فردی مذهبی بود.بطوری که مرتضی از همان کودکی در دامان ایشان با مفاهیم و مجالس مذهبی آشنا شد.

خاطرات کودکی " : دوران کودکی من همراه با سختی هایی بود که عمدتا معیشتی بودند.ناچار بودم در تعطیلات تابستان به کاری مشغول شوم تا هزینه سال بعد را فراهم نمایم.ایام خوشی نیز داشتم که عمدتا مربوط به رفت و آمدهای خانوادگی و مراوده با دوستان و هم محلی های خوب و صمیمی است".

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مرتضی عادل در خانواده ای با شرایط مادی متوسطی بدنیا آمد ".تعداد چهار برادر و دو خواهر از خودم دارم که همیشه پشتیبان و حامی من بوده و با حمایت های و محبت هایشان من را در راه کسب علم و تحصیل تشویق نموده اند. در دوران کودکی جایزه های آنان برای موفقیت های تحصیلی من بسیار در روحیه و پشتکار من موثر بود"

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مرتضی عادل مقطع ابتدایی را در مدرسه خصوصی عراقی و متوسطه را در دبیرستان ذوقی یک به پایان رساند. در سال ۱۳۶۱ در دانشکده علوم قضایی در رشته حقوق پذیرفته و در سال ۱۳۶۵ با رتبه اول فارغ التحصیل گردید.در سال ۱۳۶۸ نیز از دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) در رشته حقوق خصوصی-مقطع کارشناسی ارشد-فارغ التحصیل شد.ایشان در همان سال در آزمون اعزام به خارج شرکت کرده و در رشته حقوق بین الملل خصوصی رتبه اول را کسب کرد.در سال ۱۳۷۲ جهت ادامه تحصیل در مقطع دکتری به انگلستان-دانشگاه منچستر - عزیمت کرد و در سال ۱۳۷۷ مدرک فوق را اخذ نمود.

خاطرات و وقایع تحصیل : مرتضی عادل، از تشویق ها و جوایزی که در دوران تحصیل در مدرسه از والدین و خواهر و برادران دریافت می کرد خاطرات خوبی بیاد دارد.وی در ادامه خاطرات خود می گوید ":رقابتی که در سال آخر دبستان با همکلاسی خود برای نفر اول شدن داشتم نیز جالب بود و در نهایت توانستم نفر اول شوم و ایشان نفر دوم کلاس شد".

فعالیتهای ضمن تحصیل : مرتضی عادل در ضمن تحصیل به فراگیری خوشنویسی و دروس اسلامی و حوزوی می پرداخت.او در تابستانها در فراغت از تحصیل به کار اشتغال می یافت و به کسب درآمد روی می آورد.او در دروس اسلامی تا پایان مقطع سطح تحصیل کرده است.

استادان و مربیان : مرتضی عادل از دوران تحصیل در دوره های ابتدایی و متوسطه ،مرحوم آقای نوش آبادی(مدیر دبستان عراقی)،آقای قاسمی(دبیر فیزیک) و آقای مولوی(دبیر فارسی) را بیاد دارد و یاد آنها را گرامی می شمارد.

همسر و فرزندان : مرتضی عادل در سال ۱۳۶۲ ازدواج کرد که ماحصل این ازدواج دو فرزند می باشد.فرزند بزرگترش،دختر و دیگری پسر می باشد.همسرش دارای مدرک کارشناسی هنرهای زیبا از انگلستان و دو فرزندش هم در حال حاضر مشغول تحصیل می باشند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : -عضو هیئت علمی و استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران - عضو گروه حقوق

خصوصی اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران - رئیس موسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران

فعالیتهای آموزشی : مرتضی عادل در حوزه حقوق قراردادها،قراردادهای تجاری بین المللی،حقوق بین الملل خصوصی،حقوق مصرف کننده،متون حقوقی به زبان انگلیسی ،حقوق تطبیقی به امر تدریس می پردازد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مرتضی عادل یکی از بانیان انجمن حمایت از حقوق مصرف کننده(در شرف تشکیل) و انجمن حقوقدانان تطبیقی(در دست تاسیس) می باشد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مرتضی عادل در کنار تدریس ،تحقیق و پژوهشی به ارائه خدمات مشاوره ای حقوق به کسانی که نیاز به مشاوره دارند ،می پردازد. او همچنین از برنامه های ورزشی و تفریحی غافل نمی شود.

جوائز و نشانها : دکتر عادل برنده رتبه اول گروه حقوق اولین دوره جشنواره بین المللی فارابی به دلیل تالیف کتاب "حقوق بیم بین المللی:با مطالعه تطبیقی "باتفاق چندین همکاران می باشد. --

آثار :

۱ حقوق بیم بین المللی:با مطالعه تطبیقی

ویژگی اثر : تالیف،باتفاق چند تن از همکاران

۲ فرهنگ لغات فارسی -انگلیسی و انگلیسی-فارسی

ویژگی اثر : تالیف

عارف کشفی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر عارف کشفی

محل تولد : استهبان فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۳/۱۵

زندگینامه علمی

آقای سید جعفر عارف کشفی در سال ۱۳۳۴هجری شمسی در خانواده ای پاک، باصفا، متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان استهبان استان فارس دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۶ که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود وارد حوزه علمیه شیراز گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۴ به حلقه دروس خارج راه یافت و از محضر درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، آیت الله صالحی ، آیت الله حسن آیت اللهی و... بهره ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی در مقطع

کارشناسی ارشد در سال ۱۳۶۹از دانشگاه فردسی مشهد تهران فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان" مقایسه آراء شیخ طوسی و ابن ادریس در احکام قضاۀ " دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ تدریس در دانشگاه فردوسی، دانشگاه امام صادق تهران ، دانشگاه پیام نور تهران ، دانشگاه آزاد قسمت جنوب ، دانشگاه علامه طباطبائی تهران ، دانشگاه آزاد مشهد ، دانشگاه پیام نور مشهد ، دانشگاه شیراز و.... را در کارنامه خود دارد.

ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های " پیرامون سیره رسول خدا و اهل کتاب " ، " اولیاء بنی اسرائیل " ،" آثار اهل کتاب در آثار اسلامی " و... از جمله آثار ایشان است.

عاقلی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

باقر عاقلی متولد ۱۳۰۸ قزوین و دارای مدرک دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران و دکترای تاریخ از دانشگاه میشیگان امریکا است. وی دارای تألیف ده ها مقاله و تألیف ۲۵ جلد کتاب در حوزه های تاریخی و سیاسی است.گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیوالدین و انساب : پدر باقر عاقلی حاج شیخ محمد فقیه - روحانی مجتهد بوده است که اداره مدرسه علمیه التفاتیه را به عهده داشته .تحصیلات رسمی و حرفه ای : باقر عاقلی تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش شروع کرده و به پایان می رساند و بعد از اخذ مدرک ابتدایی به منظور ادامه تحصیل به تهران می آید و در مدرسه دارالفنون مشغول به تحصیل می شود. وی در سال ۱۳۲۷ دیپلم ادبی می گیرد و در رشته های «حقوق و علوم سیاسی» و «ادبیات» دانشگاه تهران پذیرفته می شود. - اخذ مدرک دیپلم ادبی در سال ۱۳۲۷ از مدرسه دارالفنون. - اخذ مدرک لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۰. - اخذ مدرک لیسانس حقوق قضایی از دانشگاه تهران، ۱۳۳۱. - اخذ مدرک فوق لیسانس علوم اداری از مدرسه علوم اداری، ۱۳۳۷. - اخذ مدرک دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران، ۱۳۳۸. چند سال پیش هم می کوشد مدرک دکترایی دیگر و از دانشگاه میشیگان دریافت کند. او با ترجمه ۵ کتاب خودش به انگلیسی و ارائه آنها به دانشگاه مذکور، در واقع به عنوان رساله دکترا پذیرفته شده و مسؤولان دانشگاه میشیگان، وی را به عنوان مورخ ارزیابی کرده اند. - اخذ مدرک دکترای تاریخ از دانشگاه میشیگان در سال ۱۳۸۰.خاطرات و وقایع تحصیل : باقر عاقلی پدرش - حاج شیخ محمد فقیه - روحانی مجتهد بوده که کتابخانه ای داشته و فرزند کتابخوان خانواده هم عمدتاً کتاب های مذهبی و تاریخی متعددی همچون «دره نادری» و آثار ابن سینا را مطالعه کرده است. قبل از خرید روزنامه توسط برادرانش، او هم به مطالعه روزنامه های آن روزگار می پردازد. نوشته های ابراهیم خواجه نوری با عنوان بازیگران عصر طلایی که در اوایل دهه ۱۳۲۰ به چاپ می رسیده از نظر او دلچسب و جذاب بوده است. خواجه نوری در آثار و نوشته هایش زندگینامه و بیوگرافی ۱۱ تن از نخبگان آن دوران همچون داور، تیمورتاش و دشتی را به چاپ می رساند و باقر عاقلی هم بعد از مدتی می کوشد که از نزدیک با خواجه نوری آشنا شود و این آشنایی باعث می شود که به زعم عاقلی «دست راست» خواجه نوری شده و گاه طرف مشورت او باشد. مطالبی هم در زمینه های سیاسی و اجتماعی می نویسد و آنها را برای روزنامه هایی چون «جوانمردان»، «شعله ور» و «مهر ایران» فرستاده و به چاپ می رسد. علاقه به مطالعه کتاب او را به وادی ای می کشاند که به شدت به خرید کتاب روی می آورد. به یاد می آورد که نطق های دکتر محمد مصدق لیدر اقلیت مجلس شورای ملی را هم مطالعه کرده

و از مضـمون آنهـا بـاخبر گشـته است. از جمله خـاطرات تلـخ و نـاگوار عاقلی در دوران دانشـگاه ، ترور دکتر زنگنه توسط یکی از دانشجویان بوده است. زمانی که عاقلی مشغول مطالعه کتاب بوده است، آن دانشجو، رئیس دانشکده را جلوی ساختمان دانشکده به قتـل می رسانـد.اسـتادان و مربیان : از جمله معلمان سرشـناس باقر عاقلی در دارالفنون آقای تربتی بوده که مـدیر روزنامه «پر» بوده و امیر پرویز هم که تحصـیلکرده فرانسه بوده تاریـخ تدریس می کرده. وی نزد پدرش که اداره مدرسه علمیه التفاتیه را به عهده داشـته درس شـرایع و صـرف و نحو را گذرانده است. از جمله استادانش در دوره لیسانس دکتر عمید، آیت الله سنگلجی، آیت الله شهابی، دکتر نصـیری بوده انـد و همچنین دکتر متین دفتری که عـاقلی بعـدها کتـابی در مورد او هم می نویسـد.در زمـان تحصـیل در رشـته قضایی، در محضـر آیت الله باریک بین هم حضور پیـدا می کنـد و مسائل حقوقی را از ایشان می پرسـیده. تاریـخ از دید باقر عاقلی امری دوست داشتنی است و یکی از کسانی که حس تاریخ نگاری را در او تشویق کرده، خواجه نوری بوده است.هم دوره ای ها و همکاران : از جمله همشاگردی های باقر عاقلی در مـدرسه دارالفنون آقای کاتوزیان بوده که هم اینک از حقوقدانان برجسـته ایران است.مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : از سال ۱۳۳۳ تـا سال ۱۳۳۷ به عنـوان کارمنـد اداره حقوقی بانـک ملی در دوره آموزشـی مدرسه علوم اداری شرکت می کند. در سال ۱۳۴۰ مأمور به خدمت در بانک جدید التأسیس رفاه کارگران می شود و متصدی امور اداری می شود و بانک رفاه را در اصفهان هم تشکیل می دهد و همزمان مدتی هم مدیریت کارخانه ریسندگی و بافندگی ریسباف را به عهـده می گیرد. در اواسط دهه ۱۳۴۰ به بعـد عضو هیأت مدیره شـرکت واحد می شود و در سال ۱۳۴۹ هم مدیرعامل آن می شود. از جمله اقدامات رفاهی که در دوره مدیریت او در این شرکت راه اندازی شده تأسیس ده ها گرمابه در تعمیرگاه های شرکت واحـد بوده است و دست انـدرکاران حمل و نقل این شـرکت از جمله راننـده ها می توانسـته انـد در مواقع ضـروری اسـتحمام کننـد. فعالیتهای آموزشـی : تدریس در مدرسه عالی بازرگانی (۵۸-۱۳۴۰) و دانشـگاه تربیت معلم از فعالیتهای آموزشی باقر عاقلی بوده و از جملـه دروسـی کـه در دانشـگاه تربیت معلم و مـدرسه عـالی بازرگـانی ارائه نمـوده «حقـوق اداری» و «تبلیغـات بازرگـانی» بـوده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : باقر عاقلی مدتی هم سـردبیری برخی نشـریات همچون «صدای مردم» را عهده دار می شود و مؤسسه خبرگزاری هم راه اندازی کرده و تهیه خبر یکی از فعالیت های این مؤسسه بوده است. وی در چهار سال قبل هم در زمان تأسیس کتابخانه وزارت خارجه از تجربه و تخصص او در زمینه شناسایی کتاب های معتبر و مهم بهره می گیرند و وقتی بدانیم که حدود ۵۰۰ هزار جلد کتاب معتبر شـناسایی شده می توان قدر مشاوره عاقلی و دیگر اسـتادان دست اندرکار را دانست. باقر عاقلی را به جرأت می توان گفت که در زمینه شـناسایی عکس رجال، نخبگان و افراد سرشـناس و مشهور معاصر ایران نسبت به اقران خود از تخصـص بسـیار بیشـتری برخوردار است و بی دلیـل نیست که او به مـدت ۲۰ سـال به عنوان مشاوره امور عکس شناسـی به مؤسسـه مطالعـات معاصـر ایران یـاری رسانـده است. به بیـان دیگر می تـوان گفت که بـاقر عـاقلی این توانمنـدی را به دست آورده که اسـم هزاران نخبه، فرد سرشـناس و معروف معاصـر را با دیدن عکس آنها به سـرعت نام ببرد و کمتر کسی از افراد معروف و شناخته شده از دوره قاجاریه به بعد است که باقر عاقلی نتواند نامش را تشخیص بدهد.چگونگی عرضه آثار : تألیف ده ها مقاله و تألیف ۲۵ جلد کتـاب در حوزه هـای تاریخی و سیاسـی از آثار باقر عاقلی است.آثار : از رؤیای پادشاهی تا زنـدان رضاشاهی ، تبلیغات بازرگانی ، تیمورتاش در صحنه سیاست ایران ، حقوق اداری ، خاطرات حاج عزالممالک اردلان ، خاطرات دکتر متین دفتری ، خاطرات مسعود انصاری ، خاندان های حکومتگر ایران (جلد) ، داور و عدلیه ، ذکاءالملک فروغی ، رضاشاه و قشون متحدالشکل ، روزشمار تاریخ معاصر ایران ویژگی اثر : شاخص ترین فعالیت های تحقیقی و تألیفی او، تألیف و انتشار روزشمار تاریخ معاصر در دو جلد است که از نظر دقت، گستردگی، مستند بودن و مشـتمل بودن بر ده ها عکس تاریخی از رجال و مشاهیر ایران معاصـر، بسیار باارزش و کم نظیر اسـت. گردآوری عکس هـای این اثر بسـیار دشـوار بـوده و در کنـار هم قرار گرفتن عکس هـای تـاریخی و مطـالب تـاریخی، یـادگیری و تـداعی موضوعـات تـاریخی را در ذهن محققـان و کتابخوانان تسـهیل می کنـد.۱۳ زنـدگینامه ساعـد ، شـرح حال قوام

السلطنه ، مشاهیر و رجال ، نخست وزیران ایران

منابع زندگینامه :بنیاد ایرانشناسی

عالمی، خلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلیل عالمی

محل تولد : اهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم شده ام و دو سال در مدرسه امام مهدی موعود(عج) واقع در میدان توحید، سه سال در مدرسه امام محمد باقر(ع) و سه سال در مدرسه حسینه گذراندم. دروس سطح را در سال ۱۳۸۰ در مدت ۸ سال به پایان رساندم همزمان در سال ۱۳۷۷ (ع) وارد مؤسسه امام خمینی(ره) شدم و در رشته حقوق کارشناسی گرفتم و در ادامه در سال ۱۳۸۳ وارد تحصیلات تکمیلی در رشته حقوق عمومی ادامه تحصیل می دهم. الان در حال گذراندن ترم آخر کارشناسی ارشد این رشته هستم از سال ۱۳۸۰ در دروس خارج فقه مرحوم آیت الله تبریزی و اصول فقه حاج شیخ صادق لاریجانی شرکت نمودم. و از همان سال در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت نموده ام که همه اینها جز درس آیت الله تبریزی ادامه دارد.
تقریباً از سال ۱۳۷۹ در واحد حقوق و سیاست مرکز مطالعات و پژوهش فرهنگی حوزه همکاری مستمر داشته ام و در پاسخ به سئوالات محاله به این واحد شرکت کرده دستورات دیگری را پاسخ داده ام. و این همکاری هنوز هم ادامه دارد.که تاکنون سه مقاله از اینجانب به چاپ رسیده است.

عالیخانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم سیاسی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی زنجان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته علوم سیاسی.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاههای مختلف ایران، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی زنجان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

دیپلماسی خاورمیانه، سیاست، حقوق بین‌الملل، استاد راهنمای یک پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

علمی، سیاسی، حقوقی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

سیاسی، حقوقی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عبادی هروی، ابوعاصم محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۸ -۳۷۵ ق)، محدث، فقیه و قاضـی شافعی. در هرات به دنیا آمد. وی از احمد بن محمد بن سـهل قراب و دیگران حدیث شنید. از قاضی ابومنصور محمد بن محمد ازدی در هرات و از ابوعمر بسطامی در نیشابور فقه آموخت، تا این که در فقه پیشگامی صاحب نظر شـد. سـپس در شـهرهای بسیاری گشت و خلق کثیری از اساتیـد و مشایـخ را ملاقـات کرد و از هر یـک بهره‌ای گرفت. قاضـی ابوسـعد هروی از وی فقه آموخت و اسـماعیل بن ابی‌صالـح مؤذن از وی حـدیث شـنید. پسـرش ابوالحسن عبادی نیز در مکتب پـدر پرورش یافت. از آثارش: «ادب القضاء» یا «ادب القاضی»؛ «المبسوط»، در فروع فقه شافعی، در حدود سی مجلد؛ «الهادی الی مذهب العلمـاء»؛ «طبقـات الشـافعیین» یـا «طبقـات الفقهـاء»؛ کتاب «المیاه»؛ کتاب «الاطعمه»؛ کتاب «الزیادات»، در فروع؛ «زیادات الزیادات»؛ «الزیادات علی زیادت الزیادات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۶ / ۶)، انساب سمعانی (۱۲۳ / ۴)، ایضاح المکنون (۲۶۹ / ۲)، سیر النبلاء (۱۸۱ -۱۸۰ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۰۶ / ۳)، العبر (۳۰۹ -۳۰۸ / ۲)، کشف الظنون (۲۰۲۶، ۱۵۸۲ -۱۵۸۱، ۱۱۰۰، ۹۶۴، ۴۷)، معجم المؤلفین (۱۰ / ۹)، الوافی بالوفیات (۸۳ -۸۲ / ۲)، وفیات الاعیان (۲۱۴ / ۴)، هدیه العارفین (۷۲ -۷۱ / ۲).

عباسی، مراد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مراد عباسی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ورود به حوزه سال ۱۳۶۰ ه- ش، اتمام سطح در سال ۱۳۶۸ و از سال ۱۳۶۹ در دروس خارج حوزه شرکت نمودم در سال ۱۳۷۱ در رشته حقوق وارد دانشگاه قم شدم و بعد از اتمام دوره کارشناسی به لحاظ علاقه به رشته تفسیر به مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی وارد و بعد از چهار سال در مقطع سطح چهار از آن مرکز فارغ التحصیل شدم.همچنین جهت ادامه تحصیل در رشته حقوق در سال ۱۳۸۴ در دانشگاه مازندران در رشته حقوق خصوصی پذیرفته شدم و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان نامه در رشته مورد نظر می‌باشم.

عبدالحسینی پور فرد، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود عبدالحسینی پورفرد

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۳/۲۱

زندگینامه علمی

دوره ابتدایی ، راهنمایی و متوسطه را در شهرستان آبادان و اخذ دیپلم ریاضی و فیزیک . در سال ۱۳۵۷ همزمان با انقلاب اسلامی در بخش فرهنگی ارگان های انقلابی مانند جهاد سازندگی و کمیته عشایر خوزستان و ... همکاری نمودم . در سال ۶۲ وارد مدرسه رضویه شدم و سرانجام دروس خارج را نزد آیت الله صالحی مازندرانی (ره) ، استاد هادوی و آیت الله وحید خراسانی فرا گرفتم .تحصیلات کلاسیک را در رشته علوم سیاسی در موسسه آموزش عالی باقر العلوم (ع) شروع کردم و از سال ۱۳۸۳ به عنوان دانشجوی دکترای علوم سیاسی در دانشگاه تربیت مدرس تهران مشغول به تحصیل شدم و اکنون پژوهشگر و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی می باشم .

عبدی پور، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم عبدی پور

محل تولد : کوهدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر محل تولد خود گذراندم و در سال ۶۰ در رشته علوم تجربی به عنوان شاگرد اول شهرستان خود فارغ التحصیل شدم بعلت تعطیلی دانشگاهها ابتدا وارد مراکز تربیت معلم شدم و در کنار آن مطالعات خود را در زمینه علوم اسلامی آغاز کردم در سال ۶۵ در رشته حقوق قضایی وارد دانشگاه شدم و لیسانس خود را در سال ۶۹ از مجتمع آموزش عالی قم (وابسته به دانشگاه تهران) اخذ نمودم و همزمان با آن بقیه دروس ادبیات و سطح حوزه را از محضر اساتید حوزه علمیه قم استفاده نمودم در سال ۶۹ تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته حقوق خصوصی ادامه دادم و همزمان با آن در مباحث درس خارج فقه و اصول اساتید معظم حوزه شرکت نموده و به تحقیقات خود در فقه و حقوق اسلامی ادامه دادم در سال ۷۹ رساله دکتری خود را با عنوان مبانی حقوقی التزام به عقد با درجه عالی دفاع نموده و موفق به اخذ دکتری تخصصی حقوق خصوصی از دانشگاه تهران شدم از سال ۷۲ تا کنون در مراکز آموزش عالی به تدریس دروس حقوقی مشغول هستم.

عبدی قزوینی تبریزی، محیی‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۶ ق)، دانشمند. نخست در قزوین سکونت داشت و سپس به تبریز رفت. وی در حیات پدر به عثمانی رفته به راهنمایی ابن‌المؤید از دانشمندان عثمانی که او نیز از آذربایجان مهاجرت کره بود به دربار سلطان بایزید راه یافت. قزوینی در طول اقامت خود در عثمانی دارای مناصب و مشاغل متعدد بود، از آن جمله: منصب قضای دمشق و حلب، تولیت مدرسه مصطفی پاشای وزیر و مدرسه مغنیسا. وی در ادبیات عرب و علوم دینی و مخصوصا در انشای عربی و فارسی و ترکی دست داشت ولی بیتشر اهتمام او در آوردن محسنات لفظی بود و همه‌ی خطوط را بسیار خوب می‌نوشت. از آثارش: «راسله فی قطع الید»؛ حاشیه بر «فرایض» سجاوندی؛ حواشی بر «امور عامه مواقف» عضدالدین ایجی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۹۱).

عبدی، صادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صادق عبدی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۹/۱

زندگینامه علمی

زندگینامه علمی بنده بازگشت به سه دوره دارد

الف) دوران تحصیلی قبل از ورود به حوزه: اینجانب که در سال ۱۳۴۲ در روستایی پایین کلا- از توابع شهرستان بابل استان مازندران متولد شده ام، دروان ابتدایی را از سال ۵۴ ـ ۱۳۴۹ در محل تولد به پایان رساندم پس دوران راهنمایی را در یکی از روستاهای همجوار به نام پایین کتاب به فاصله ۷ کیلومتر از سال ۱۳۵۷ ـ ۱۳۵۴ به اتمام رسانده ام بعد از آن برای ادامه تحصیل در دروه دبیرستان عازم شهرستان بابل شده و در دبیرستان های این شهر از سال ۱۳۶۱ ـ ۱۳۵۷ مشغول به تحصیل شده ام که در سال ۱۳۶۱ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی فیزیک شده ام.

ب) دوران تحصیلی دروس حوزوی:

بعد از اخذ دیپلم همانند بسیاری از جوانان دیگر به دلیل وجود انقلاب عظیم اسلامی و زنده شدن روح معارف خواهی و انگیزه، یاد گیری دانش و علوم اسلامی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیّه مشهد مقدس شده و در مدرسه سلیمانیه به تحصیل مشغول شدم. بخشی از دروس مقدماتی و ادبیات عرب را (جامع المقدمات سیوطی، مطول، مغنی) در آن مدرسه به اتمام رسانده ام.

اساتید این مدرسه از میان طلبه های ورودی بنده و دو نفر دیگر را به دلیل آنکه فکر می کرده اند ما می توانیم پیشرفت بیشتری داشته باشیم، از جمع سایر طلاب جدا کرده و بطور خصوصی تدریس می کرده اند که از جمله سال های با برکت از جهت پیشرفت تحصیلی برای بنده بوده است. در کنار اساتید مدرسه از درس های استاد معروف ادبیات عرب آقای حجت هاشمی به طور همزمان بهره می بردم. پس از آن در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شده ام و تا سال ۱۳۷۰ دوران سطح را به اتمام رسانده ام در طی این دروان در نزد اساتیدی چون محمد خراسانی، استاد پایانی، استاد عراقی و استاد اعتمادی زانوی تلمذ زده ام. و از سال ۱۳۷۰ به بعد تا سال ۱۳۷۶ در دروس خارج فقه و اصول شرکت می نمودم و محضر اساتیدی چون حضرت آیت الله جوادی آملی، حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله وحیدی خراسانی، و حضرت آیت الله شاهرودی را درک کرده ام.

ج) دوران تحصیل در دانشگاه:

در سال ۱۳۷۰ همزمان با تحصیلات حوزوی در دانشگاه سراسری در رشته علوم انسانی شرکت نموده و با رتبه عالی در رشته حقوق در دانشگاه تهران مجتمع آموزش عالی قم قبول شده ام و در سال ۱۳۷۴ موفّق به ا خذ کارشناسی شده ام. در همین سال بطور همزمان در دوره کارشناسی ارشد و وکالت شرکت نمودم و در هر دو مقطع قبول شدم.

دوره کارشناسی ارشد را در دانشگاه قم در سال ۱۳۷۷ با دفاع از پایان نامه ام تحت عنوان مبانی فقهی، حقوقی شرط عدم مسئولیت قرار دادی سپری نموده ام و در همین سال بعنوان دانشجوی نمونه انتخاب گردیده ام. در سال ۱۳۷۴ همزمان با ادامه تحصیل در دوره کارشناسی ارشد با معاونت پژوهشی مجتمع آموزش عالی قم مشغول به همکاری شده ام و این همکاری تا سال ۱۳۷۸ یعنی

سال ورود به حرفه وکالت ادامه داشته است که حاصل این دوره تالیف کتاب نکات مهم حقوق قرار دادها، و نوشتن مقالات و سایر کارهـای تحقیقی بوده است، در همین دوره بوده است که بـا وزارت فرهنـگ و آموزش عالی بخش پژوهشـگاه علوم انسانی بعنوان یکی از ارزیابان کتب علوم انسانی در رشته حقوق همکاری داشته ام

عبری فرغانی، برهان‌الدین عبدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۳ ق)، متکلم، حکیم، فقیه و قاضـی شافعی. در تبریز به دنیا آمد. وی قاضی تبریز بود. چند بار به بغداد سفر کرد و در همان شهر نیز درگذشت. از آثارش شـرح اکثر آثار و مصنفات بیضاوی از جمله: «المنهاج الوصول الی علم الاصول» و «الغایه القصوی فی درایه الفتوی» و «المصـباح الارواح» و «طوالع الانوار» است. از دیگر آثار وی: «الایضاح»، در کلام؛ «معتمـد الخلائق فی علم الوثائق»؛ «شرح «المصباح» مطرزی، در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۱ / ۴)، ایضاح المکنون (۵۰۸ / ۲)، کشف الظنون (۱۸۷۹، ۱۷۳۲، ۱۷۰۹، ۱۷۰۴، ۱۱۹۲، ۱۱۱۶، ۲۱۳)، معجم المؤلفین (۱۳۶ / ۶).

عتکی نیشابوری، ابویحیی سهل

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۶۷ ق)، قاضـی، محـدث و فقیه حنفی. شـیخ اهل رأی در خراسان و قاضـی هرات بود، و مدتی نیز قاضـی طرسوس. در طلب حـدیث سـفرها نمود و از یزیـد بن‌هارون و شـبابه بن سوار و جعفر بن عون و عبـدالرحمان بن قیس و واقـدی و عبیدالله بن موسـی و عده‌ای دیگر بن محمد بن سفیان فقیه و محمد بن سلیمان بن فارس و احمد بن شعیب فقیه و محمد بن علی بن عمر مذکر و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.حاکم نیشابوری گوید که عدالت او برای عده‌ای زیر سوال بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۳۳-۳۲ / ۱۳)، لسان المیزان (۴۴۱-۴۴۰ / ۳).

عدل، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به منصورالسلطنه، در ۱۲۶۱ در تبریز تولد یافت. پدرش حاج ابراهیم خلیل از معاریف و بزرگان تبریز بود و به شغل قضاوت اشـتغال داشت. مدتی ریاست دیوانخانه خراسان با او بود. عدل تحصـیلات ابتدائی و مقدماتی را در تبریز انام داد و سپس عازم مصر

شـد و دوره‌ی متوسـطه را در آنجا گذرانیـد. بعـد در پاریس در رشـته‌ی حقوق ثبت‌نام نمود و درجه‌ی لیسانس گرفت. در ۱۲۸۲ به ایران بازگشت و در وزارت امور خارجه استخدام شد و اولین ماموریت او نایب سومی سفارت ایران در مصر بود. بعد با سمت نایب دوم مامور تفلیس گردیـد و چنـدی در آنجا انجام وظیفه کرد تا سـرانجام به تهران احضار و معاونت دارالترجمه وزارت امور خارجه را به او سپردند. در ۱۲۸۶ به وزارت عدلیه انتقال یافت و سمت قضائی گرفت و کتابی تحت عنوان حقوق اساسی نوشت، به استادی مـدرسه‌ی علوم سیاسـی برگزیـده شـد. عـدل در وزارت عـدلیه مراحل ترقی را پیمود و به معاونت آن وزارتخانه رسـید. در کودتای ۱۲۹۹ در کـابینه‌ی صـد روزه‌ی سـید ضـیاءالدین طباطبـائی به کفالت وزارت عـدلیه منصوب شـد. در این سـمت قوانین مهمی مانند قانون ثبت اسـناد و قانون مرور زمان را تهیه و به تصویب رسانیـده، مورد اجرا قرارداد ولی پس از سـقوط کابینه‌ی سـید ضـیاءالدین، مـدتی بیکار مانـد، به تـدریس در مـدرسه‌ی عالی حقوق پرداخت. در تشـکیلات نوین عـدلیه که در سال ۱۳۰۶ علی‌اکبر داور بنیـاد نهاد، عـدل به خدمات قضائی دعوت شد و با رتبه‌ی ۹ قضائی مـدیرکل تهیه قوانین و احصائیه شد و در تهیه و تصویب قوانین مهمی که در آن تاریخ ضرورت کامل داشت، تلاش بسیار نمود و قریب ۸ سال در این سمت باقی و برقرار بود.

در ۱۳۱۴ از وزارت عدلیه به وزارت امور خارجه انتقال یافت و سمت وزیرمختاری ایران در ژنو و نمایندگی دائمی در جامعه‌ی ملل به او تفویض شـد و در همین سـمت ریاست صـدمین دوره‌ی اجلاسـیه شورای جامعه‌ی ملل را عهـده‌دار گردیـد. در ۱۳۱۶ به ایران بازگشت و به سمت معاونت وزارت امور خارجه منصوب و چندی نیز عهده‌دار کفایت آن وزارتخانه شد. در ۱۳۱۷ به وزیرمختاری ایران در ایتالیا تعیین گردیـد و تا مهرماه ۱۳۲۰ ش (۱۹۴۱ م) در آن سـمت انجام وظیفه می‌کرد. پس از اشـغال ایران از طرف قوای متفقین و قطع رابطه‌ی سیاسـی ایران و ایتالیا به تهران احضار شد و از طرف دکتر عیسـی صدیق وزیر فرهنگ وقت، به جای علی‌اکبر دهخـدا به ریاست دانشـکده‌ی حقوق و علوم سیاسـی و اقتصاد برقرار گردید. وی دکتر عبدالله معظمی را به معاونت خویش به جای دکتر علی شایگان برگزید.

در اسفند ۱۳۲۰ در آخرین ترمیم کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی به وزارت فرهنگ معرفی شـد ولی با اسـتعفای فروغی، کابینه سـقوط نمود. جانشین فروغی، علی سهیلی بود که در کابینه‌ی خود، عدل را در وزارت فرهنگ تثبیت کرد.

در نخست‌وزیری دوم علی سهیلی در ۱۳۲۲، عدل وزیر مشاور کابینه شد. در سال بعد همان سمت را در کابینه‌ی محمد ساعد مراغه عهـده‌دار گردید. در آذر ۱۳۲۳ در کابینه‌ی مرتضـی قلی بیات (سهام‌السـلطان) به سـمت وزیر دادگستری تعیین و به مجلس شورای ملی معرفی شد.

در کـابینه‌ی اول ابراهیم حکیمی و کابینه‌ی محسن صـدر، وزیر مشاور گردیـد. در ۱۳۲۴ با سـمت ریاست هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس سانفرانسیسـکو شـرکت نمـوده ، نطق مفصـل و بلیغی به زبـان فرانسه در مورد تخلیه‌ی ایران و پرداخت خسـارات ناشـی از جنـگ ایراد نمود و بعـد در مجمع عمومی سازمـان ملـل متحـد در نیویورک حضور به هم رسانیـده، درباره‌ی حقانیت ایران و حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور تلاش بسیار نمود.

در سـال ۱۳۲۶ در کـابینه‌ی احمـد قوام، ابتـدا وزیر دادگستری و بعـد وزیر مشـاور شـد. در سـال ۱۳۲۷(۱۹۴۸ م) در نخست‌وزیری عبدالحسین هژیر و محمد ساعد مراغه‌ای، سمت وزارت مشاور داشت.

در سال ۱۳۲۸ پس از تاسیس مجلس سنا در ایران از طرف شاه به سناتوری آذربایجان انتخاب شد. تا اینکه در سال ۱۳۲۹ به بیماری سرطان درگذشت. او دوبار وزیر فرهنگ، دو نوبت وزیر دادگستری و ۷ بار وزیر مشاور در کابینه‌های ایران بوده است.

مصـطفی عـدل علاوه بر اسـتادی و ریاست دانشـکده‌ی حقوق یکی از علما و حقوقدانان ایران بود و در تمام کمیسـیونهائی که برای تهیه‌ی قوانین تشـکیل می‌شـد عضویت داشت. پس از تصویب قـانون مـدنی ایران وی شـرحی از قـانون مزبور تهیه و انتشـار داد. این کتـاب علاـوه بر تـدریس در دانشـگاه مورد اسـتفاده قضات دادگستری نیز واقع می‌شـد و قریب نیم قرن کتاب مزبور از بهترین منابع

حقوق مـدنی ایران بود و به دفعات تجدیـد چاپ شـد. عـدل در جوانی به مصاهرت میرزا رضاقلی‌خان هـدایت (نیرالملک) درآمـد. نیرالملـک نیز از بزرگـان علم و ادب بود و علاوه بر وزارت معـارف چنـدی ریاست دیوان عالی تمیز را داشت. از عـدل حین‌الفوت یک پسر و چهار دختر باقی ماند. ناصر ذوالفقاری، دکتر محسن مظاهر، دکتر طاهر ضیائی دامادهای او بودند.

(بخش ۱) (سید) مصطفی بن (حاج) میرزا ابراهیم خلیل رکن‌العدالهٔ طباطبائی تبریزی ملقب به منصورالسلطنه (و. ۱۲۵۸ ه.ش.– ف. بیست و دوم تیرمـاه ۱۳۲۹ ه. ش.) حقوقـدان ایرانی و از رجـال دوره رضـا شاه پهلوی. وی سـمتهای دولتی مختلفی یافت از جمله در سال ۱۲۸۳ ه.ش. نایب دوم سـفارت ایران در مصـر گردید و در سال ۱۲۸۸ ه.ش. مـدعی العموم استیناف مرکز شد و در سال ۱۲۸۹ ه.ش. به معاونت وزارت عـدلیه برگزیـده شد. در ۱۲۹۰ ه.ش. مـدیریت کل معارف را بر عهـده گرفت و در سال ۱۲۹۹ ه.ش. کفیل وزارت عـدلیه گردید. در سال ۱۳۱۶ ه.ش. نماینـده ایران در مجمع انفاق ملل بود که به ریاست یک صدمین دوره اجلاسـیه شورای جامعه انتخاب شد. چندی هم وزیر کشاورزی بود. در سال ۱۳۲۰ ه.ش. به مقام استادی دانشکده حقوق نایل آمد. از آثار او «حقوق مدنی» است که در تهران به چاپ شده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عراقی، عزت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عزت‌الله عراقی در سـال ۱۳۱۹ ش در شـهر کرمان به دنیا آمد.ایشان دارای مدرک دکترای رشـته حقوق از کشور فرانسه اسـت .وی از سـال ۱۳۴۹ ش در دانشـکدهٔ حقوق و علوم سیاسـی دانشـگاه تهران مشـغول خدمات فرهنگی و علمی هسـتند. کتاب" حقوق بین‌المللی کـار "عزت الله عراقی ، در دوره هفتم کتـاب سـال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : عزت‌الله عراقی تحصـیلات ابتـدایی و متوسـطه را در زادگاه خویش به پایان رسانـد و پس از آن در سال ۱۳۴۲ ش. موفق به اخـذ درجـهٔ لیسانس در رشـتهٔ حقوق از دانشـگاه تهران شد و با دریافت بورسـیه از همان دانشـگاه به کشور فرانسه عزیمت کرد و در رشتهٔ حقوق به اخذ درجهٔ دکترا نایل گردید

اسـتادان و مربیان : عزت‌الله عراقی ضمناً از محضر بزرگانی چون: مرحوم آموزگار، مرحوم آیهٔ‌الله سیدالعراقین (والد ایشان) و مرحوم آیهٔ‌الله فقیه استفاده کرده‌اند.

مشاغـل و سـمتهای مـورد تصـدی : عزت الله عراقی از سـال ۱۳۴۹ ش در دانشـکدهٔ حقـوق و علوم سیاسـی دانشـگاه تهران مشـغول خدمات فرهنگی و علمی هستند.

جوائز و نشانها : کتاب" حقوق بین‌المللی کار "عزت الله عراقی ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ---
----

آثار :

۱ حقوق بین‌المللی کار

ویژگی اثر : این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «حقوق بین‌المللی کار»: این کتاب که موضوع آن برای نخستین بار در ایران مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته، در چهاربخش سامان یافته است. مؤلف ابتدا چگونگی پیدایش سازمان بین‌المللی کار و نقش آن را در ایجاد حقوق بین‌المللی کار بررسی نموده، آن گاه مبانی و هدفهای حقوق بین‌المللی کار و نیز موضوع این حقوق، یعنی قواعد و معیارهای بین‌المللی کار را تجزیه و تحلیل می‌کند و در آخر، کیفیت اجرای این قواعد و نظارتی را که بر اعمال آنها صورت می‌گیرد، مورد مطالعه قرار داده است.

۲ نظام‌های بزرگ حقوق معاصر

ویژگی اثر : (با همکاری دو نفر از اساتید)

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عراقی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا عراقی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای غلامرضا عراقی در سال ۱۳۴۷هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان آمل دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها از سوی دیگر وی را رهسپار قم و درسال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت(ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۵ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم، آیت الله جوادی آملی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم سیاسی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۷از دانشگاه آزاد تهران مرکزی فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"مکتب سیاسی فارابی" دفاع کرد . وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون علاوه بر مدیریت گروه معارف دانشگاه چالوس، در این دانشگاه به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول

می باشد. وی درطول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل" انقلاب اسلامی ایران "و" نقش طبقه متوسط در انقلاب اسلامی ایران " را به رشته تحریر در آورده و به زیور طبع آراسته است.

عزیزاللهی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا عزیزالهی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. عشق به تحصیل بر تمامی مشکلات زندگی غالب گردید و از ابتدا به تحصیل جدی علوم دینی پرداختم. در سال ۱۳۶۸ در کنار تحصیل و تدریس دروس حوزوی به تحصیل علم حقوق در مجتمع آموزش عالی قم وابسته به دانشگاه تهران پرداختم. در سال ۱۳۷۲ لیسانس گرفتم و در سال ۱۳۷۴ در همانجا به فوق لیسانس مشغول شدم و در سال ۱۳۷۶ فوق لیسانس در رشته حقوق خصوصی گرفتم. در کنار آن پس از اولین سالی که وارد حوزه شدم از سال دوم تدریس در حوزه به تدریس جامع المقدمات شروع کردم و سپس سیوطی و حاشیه و معالم در مسجد فاطمیه به صورت عمومی داشتم و حتی به خاطر دارم که مسجد از طلاب پر می شد. سپس تدریس رسائل و مکاسب و اکنون مشغول تدریس خارج بیع میباشم. در ضمن تالیف یک دوره فقه برای کتب درسی نیز در برنامه کاری می باشد. در سال ۱۳۷۹ در رشته دکتری فقه و حقوق خصوصی در مدرسه عالی شهید مطهری پذیرفته شدم در سال ۱۳۸۴ با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان «بیع متقابل از دیدگاه فقه و حقوق» فارغ التحصیل شدم.

عسال اصفهانی، ابواحمد محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴۹ -۲۶۹ ق)، قاضی، حافظ، محدث، قاری، مفسر، فقیه و مورخ. از شیوخ خود: پدرش و ابومسلم کجی و محمد بن ایوب بن ضریس رازی و ابوبکر بن ابی‌عاصم و محمد بن اسد مدینی و حسن سری و ابراهیم حلوانی و بکر بن سهل دمیاطی و همچنین از شیوخ شهرهای اصفهان و همدان و بغداد و کوفه و بصره و حرمین و واسط و ری و خوزستان حدیث شنید. قرآن را بر استاد ابوعبدالله محمد بن علی اصفهانی تلاوت کرد. پسرش ابوعامر عبدالوهاب که از بزرگان اصفهان بود بر پدر خود ابواحمد عسال

تلاوت نمود. عسال سفری به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. فرزندان محدثش به نامهای: ابوجعفر احمد و ابواسحاق ابراهیم و ابوالحسین عامر و ابوبکر عبدالله از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن‌عدی و ابن‌مردویه و ابن‌منده و ابن‌مقری نیز از راویان او هستند. او را یکی از پیشگامان حدیث توصیف کرده‌اند. خودش گفته که در قراآت قرآن پنجاه هزار حدیث در حفظ داشته است. گفته‌اند که او «تفسیر» بزرگی را از حفظ املاـ کرد، و همچنین در اردستان چهل هزار حدیث را از حفظ املا کرد و چون به شهر خویش بازگشت و مقابله کرد املای خویش را صحیح یافت. ابن‌منده گوید که دوبار دور دنیا را گشته اما مانند عسال ندیده است. او مدتی عهده‌دار منصب قضای اصفهان بود. از آثارش: «تفسیر القرآن»؛ «التاریخ»؛ «المعرفه فی السنه»؛ «الامثال»؛ «مسند الابواب»؛ «الابواب»، در «غریب الحدیث»؛ «احادیث مالک»؛ «الرقائق»؛ «کرامات الاولیاء»؛«معجم الشیوخ»؛ «غسل الجمعه»؛ «القراآت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۱ / ۶)، انساب سمعانی (۱۹۰ –۱۸۹ / ۴)، تاریخ بغداد (۲۷۰ / ۱)، سیر النبلاء (۱۵ –۶ / ۱۶)، شذرات الذهب (۳۸۱ –۳۸۰ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۶۳ –۳۶۲)، العبر (۸۲ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۲۶ / ۸)، الوافی بالوفیات (۴۱ / ۲)، هدیه العارفین (۴۳ / ۲).

عضدالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بازوی کیش و آیین) ایجی، (مولانا) عبدالرحمن بن احمد، دانشمند ایرانی قر. ۸ ه. (و. ۷۰۱– ف. ۷۵۶ ه.ق./ ۱۳۵۵.م.). وی در قصبه ایج (فارس) پایتخت قدیم ولایت شبانکاره متولد شد. او به یک واسطه شاگرد ناصرالدین محسوب می‌شد. پس از پایان تحصیلات در فارس مسند قضاوت یافت و او از فقهای مشهور شافعی است و به قول خواجه حافظ از پنج تنی است که فارس در عهد شاه شیخ بواسحاق اینجو به وجود آنان مزین بود. عضدالدین دارای مشرب تصوف بود و در حکمت و کلام و مذهب و اخلاق مهارت داشت. مهمترین تألیف او «مواقف» است. او در دستگاه سلطان ابوسعید و خواجه غیاث‌الدین محمد رشیدی و شاه شیخ ابواسحاق و ملوک فارش و شبانکاره بسیار محترم بود و در عهد ابوسیعد منصب قاضی القضاتی کل ایران را داشت و در سلطانیه مقیم بود. شاه شیخ ابواسحاق اینجو او را سخت احترام می‌کرد و در کارهای ملکی از او مشورت می‌نمود چنانکه وی در سال ۷۵۳ ه.ق. از جانب شاه شیخ به رسالت نزد امیر مبارزالدین محمد مظفری رفت تا او را از حمله به شیراز منصرف سازد، امیر قانع نشد ولی از وی پذیرایی کرد و سه روز در مولد عضدالدین– قصبه ایج– به افتخار وی ضیافتی ترتیب داد و سپس او را مأمور کرد که کتاب المفصل زمخشری را– که در نحو است به فرزندش شاه شجاع بیاموزد، سپس عضدالدین را با احترام به شیراز برگرداند. قاضی در ضمن محاصره شیراز از طرف امیر مبارزالدین از آنجا خارج شد و به شبانکاره رفت، ولی در آنجا امیر شبانکاره با قاضی نساخت و او را در قلاع شبانکاره محبوس کرد و دانشمند مزبور تا سال ۷۵۶– که سال فوت اوست– محبوس بود اوراست: مواقف در علم کلام که متن آن را به نام خواجه غیاث‌الدین محمد تألیف کرده، فوائد غیاثیه، شرح مختصر ابن حاجب (هر دو به نام خواجه غیاث‌الدین محمد) منظور از کتاب اخیر کتابی است در اصول که ابن حاجب از کتاب دیگر خود که منتهی الوصول نام دارد مختصر کرده و این مختصر را گروهی شرح کرده‌اند که از آن جمله است عضدالدین ایجی (تاریخ مغول. اقبال. چا. ۱۱ –۵۱۰ :۲).

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عفتی، قدرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قدرت الله عفتی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۴/۹

زندگینامه علمی

۹ تیر ۱۳۴۵ در خانواده ای مذهبی، متدین و کشاورز در روستای سرسبز مریج محله از توابع آمل استان مازندران، دیده به جهان گشودم.

در همان روستا دوره ابتدائی را به پایان بردم، برای ادامه تحصیل باید به شهر می رفتیم و به دور از خانواده زندگی می کردیم تا درس بخوانیم، به همین منظور به فریدونکنار رفتم، راهنمایی و دبیرستان را در آنجا گذراندم و در سال ۱۳۶۴ موفق به اخذ دیپلم شدم.

مهر ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه آمل «مسجد هاشمی» شدم یک سال از محضر اساتید ارزشمند آقایان مرحوم موسوی و ابراهیمی بهرمند گردیدم.

مهر ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم، دروس مقدمات را به مدت سه سال از محضر اساتید برجسته ای همچون آقایان: درویش، درخشان پور، مرحوم مهدی زاده و ... بهرمند گردیدم.

دروس سطوح عالی را نزد اساتید بزرگ حوزه آقایان محمدی، علی دوست، طالقانی، اعتمادی، نکونام، دریاباری ، خاتمی، مرحوم وجدانی فخر، مرحوم شیخ علی پناه اشتهاردی و ... کسب فیض نمودم.

مهر ۱۳۷۲ (معمولاً درس های حوزه علمیه قم، هر ساله از اواسط شهریور شروع می شد) در پی استادی برای درس خارج بودم که بتوانم مطالب ایشان را به خوبی درک کنم، برای همین منظور کلاس های مجتهدین بزرگ و برجسته را می رفتم تا اینکه در فروردین ۱۳۷۳ در کلاس خارج فقه وخارج اصول فقه مرحوم آیت الله العظمی صالحی مازندرانی (قدس الله سره الشریف) وارد شدم و تا سال ۱۳۷۹ از محضرشان فیض می بردم در این سال روح بلندشان به ملکوت اعلی پرواز کرد و ما از فیض وجودش بی بهره شدیم.

از سال ۱۳۷۴ در کلاس خارج فقه حکیم متاله آیت الله جوادی آملی بهرمند شدم و تاکنون (۱۳۸۸) از وجود پر برکتش بهرمند هستم.

مهر ۱۳۷۷ در کنار دروس حوزوی وارد دانشگاه شدم و در سال ۱۳۸۰ موفق به کسب مدرک کارشناسی گردیدم. همراه با وظایف طلبگی، از فروردین ۱۳۸۱ تاکنون (۱۳۸۸) از محققان دانشنامه امام خمینی در موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) هستم.

علومی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـد علی علومی نویسـنده و محقق معاصـر است . او اهـل کرمـان بوده و در مورد مسائل فرهنگی به تحقیق و تفحص می پردازد . وی صاحب آثار چنـدی است که به چاپ رسـیده انـد . علومی ابتدا معلم بوده و سـپس به فعالیت درمطبوعات پرداخت . وی بعد از آن دراداره ارشاد کرمان مشـغول شده است .گروه : علوم انسانی رشته : علوم سیاسی خاطرات کودکی : محمد علی علومی در محله ای نزدیك به ارگ بم دوران کودکی راطی نمود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد علی علومی پس ازطی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۵۸وارد دانشگاه تهران شدو دررشته علوم سیاسی به تحصیل پرداخت.وقایع میانسالی : تحصیل دردانشگاه تهران، زمینه مهـاجرت محمـد علی علومی را به سوی تهران فراهم نمود. شـرایط سـخت زنـدگی ابتـدا او را وارد عرصه کـار و تلاش نمود، چنانکه برای تامین معاش به کارهای مختلف روی آورد و درروستاهای جیرفت ، مدتی به کار خدماتی دراداره سیم کشی ساختمان ، معلمی و سـرانجام فعـالیت مطبوعـاتی مشـغول شـد.مشاغـل و سـمتهای مـورد تصـدی : محمـد علی علومی مـدتی به کـار معلمی و مطبوعــات اشــتغال داشـت. پس ازآن وارد اداره فرهنــگ و ارشــاد اســلامی کرمــان شــد و بـه امــور فرهنگی ایـن اداره اشــتغال ورزیـد.فعالیتهـای آموزشـی : مهمترین فعالیت آموزشـی محمـد علی علومی کارمعلمی بود که دیری نپاییـد به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی منتقل شد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد علی علومی یك فیلم نامه کودك براساس پیوند زندگی واقعی مردم ، با افسانه ها ، مجموعه ای از داسـتان های کوتاه (مندرج درماهنامه های ادبی) ، نوشـته های خود او وهمچنین بعضـی نوشتهها که او شبیه به شـعر می نامد ،چاپ کرده است . ازاو مقالات متعددی نیز درمعرفی ادبیات کهن و داسـتانهای شاهنامه و معرفی نحوه نگاه و طرز داستان نویسی کهن چاپ گردیده است.آرا و گرایشهای خاص : محمد علی علومی ،آزادی درمعنای عالی آن را باعث تغییر و تبـدیل انـدیشه می داند. او آزادی به معنای معمول راباعث بصـیرت فرد می دانسـته و معتقد است که آزادی مانع می شود که انسان بنـده انسان دیگر باشـد . وی براین باوراست که وقتی هنر با سـرشت و گوهر عرفان بیامیزد، می توانـد در جهت سیر وسلوك برای کشف حقیقت باشد . این مسیر نیست مگر آنگاه که از ذهنیات خو د، بت نسازیم و ابراهیم تبرداری راهنمایان باشد. آثار : آذرستان ، آوردگاه آفتاب ویژگی اثر : دراین کتاب شـرح اساطیری بخشـی از تاریـخ ایران آمـده است.۳ شاهنشـاه درکوچه دلگشا ، فرهنگ عوام دارالامان ویژگی اثر : این اثر مجموعه ای از داستانهای کوتاه طنز است .۵ هفت حکایت

علوی قزوینی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی علوی قزوینی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حجه الاسلام سیّد علی علوی قزوینی فرزند مرحوم آیت الله حاج سیّد جواد علوی قزوینی ره در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در شهرستان قزوین در یک خانواده اصیل و ریشه دار علمی متولد شد پدر و اجداد نامبرده همگی از علماء و دانشمندان عصر خود بشمار می رفتند، جد پدری وی مرحوم علامه سید علی موسوی قزوینی (متوفی ۱۲۹۸ ه.ق) از فقها و اصولیین نامدار قرن سیزدهم هجری، و صاحب تالیفات فراوان در فقه و اصول می باشد از جمله حاشیه معروف وی بر قوانین الاصول میرزای قمی است. او خواهر زاده مرحوم سید ابراهیم موسوی قزوینی صاحب ضوابط الاصول می باشد. حجه الاسلام علوی پس از اتمام تحصیلات مقطع ابتدایی و راهنمایی، همزمان با تحصیل در دوره متوسطه دروس مقدماتی علوم دینی را در نزد والد بزرگوار خود فرا گرفت و پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیّه قزوین شد و در نزد اساتید آن حوزه به تحصیل علوم اسلامی (فقه، اصول، فلسفه) پرداخت.

اهم اساتید وی درحوزه علمیّه قزوین در زمینه های فقه و اصول عبارتند از مرحوم آیت الله میرزا عبدالرحیم سامت قزوینی، آیت الله مرحوم شیخ محمد مظفری، مرحوم آیت الله شیخ محمود شریعت مهدوی و در فلسفه (منظومه سبزواری) نیز از محضر حکیم متاله آیت الله شیخ محمد حسین اویسی قزوینی بهرمند گردید. وی در سال ۱۳۶۳ برای تکمیل تحصیلات خود رهسپار حوزه علمیه قم شد و از محضر آیات و اساتید این حوزه بهره های فراوان برد و بالاخص در درس خارج اصول حضرات آیات سیّد محمّد روحانی (ره)، سیّد محمود هاشمی شاهرودی، وحید خراسانی، و نیز از درس خارج فقه حضرات آیات منتظری، شبیری زنجانی، تبریزی و فاضل لنکرانی بهره مند گردید، همچنین دروس عالی فلسفه و عرفان (اشارات، اسفار، مصباح الانس) را در محضر حضرات آیات: انصاری شیرازی، حسن زاده آملی و حاج آقا محمد شاه آبادی تلمذ نمود.

ایشان از برخی اساتید خود از جمله حضرات آیات شبیری زنجانی، فاضل لنکرانی، و نیز آیت الله سیستانی مفتخر به اخذ اجازه روایت و امور حسبیه است او همچنین به مدت ۸ سال توفیق مراوده و درک محضر عرفانی و اخلاقی عارف کامل مرحوم آیت الله علامه سیّد محمّد حسینی تهرانی را یافت. ایشان همزمان با تحصیلات علوم اسلامی به تحصیلات دانشگاهی نیز همت گمارد و در سال ۱۳۶۲ در مقطع کارشناسی رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته و در سال ۱۳۶۶ با احراز رتبه ممتاز و اخذ لوح تقدیر فارغ التحصیل شد و در همان سال در مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته و در اسفند ماه سال ۱۳۶۹ از این دانشگاه فارغ التحصیل گردید، و در سال ۱۳۸۲ دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران ارتقاء یافت نامبرده در سال ۱۳۷۰ به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران (گروه حقوق ـ پردیس قم) در آمد و تاکنون در این دانشکده و نیز دانشگاه مفید قم در رشته های حقوق مدنی، فقه به امر تدریس اشتغال دارند ایشان با برخی مراکز تحقیقاتی از جمله مرکز فقهی تحقیقات قوه قضائیه، پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات حوزه علمیّه قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، بنیاد دایره المعارف جهان اسلام، دانشگاه مفید و ... همکاری علمی داشته است و نیز مسئولیت مشاوره پایان نامه های تعدادی از دانشجویان کارشناسی ارشد رشته حقوق را نیز بر عهده داشته است. وی با برخی از زبان های خارجی، عربی، انگلیسی، فرانسه نیز آشنایی دارد. مقالات و تحقیقات متعددی نیز از ایشان به چاپ رسیده است.

علوی، موسی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی علوی

محل تولد : دایکندی

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید موسی علوی فرزند سید کاظم در سال ۵۱ در کشور افغانستان استان دایکندی مرکز نیلی در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. پس از فراگرفتن سواد خواندن و نوشتن فارسی و قسمت از ادبیات عرب در زادگاهی خودم در سال ۷۰ برای ادامه تحصیلات وارد حوزه علمیه مقدسه قم و مشول درسهای مستداول حوزه شدم و تا سال ۷۹ موفق به اتمام سطوح عالی حوزه شدم و از سال ۸۰ تا حالا مشغول درسهای خارج فقه و اصول می باشم البته با انجام ۵ سال مصاحبه درس خارج از نظر مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی فارغ التحصیل هستم.

از محضر اساتید مرحوم وجدانی فخر، حسینی میانجی، علی محمدی، حسینی بوشهری، نظری میانجی و حضرات آیات مکارم شیرازی و حید خراسانی ، جعفر سیبحانی و جوادی املی دامت برکاتهم استفاده کردم.

در ضمن درسهای معمولی حوزه در رشته فلسفه و کلام در سطح کارشناسی ارشد در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام صادق (ع) تحصل نموده ام در این رشته از استاد علی ربانی گلپایگانی در کلام قدیم و جدید و از استاد خسرو پناه در معرفت شناسی و فلسفه غرب استفاده نمودم.

علوی، نادر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نادر علوی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱۰/۱

زندگینامه علمی

درسال ۵۷دیپلم در رشته ریاضی گرفتم در همان سال در مدرسه عالی ترجمه تهران قبول شدم امّا بعد از انقلاب انصراف دادم وعازم خدمت سربازی شدم درسال۶۳وارد حوزه علمیّه قم شدم ودر طول پنج سال سطح را به پایان رساندم ودرسال۶۸ازدرسهای مرحوم میرزا جواد تبریزی ووحید خراسانی بهره مند شدم تا حال .در طول در س از خارج از درس اساتیدی چون جوادی آملی سیّد محمد روحانی ،شبیری زنجانی، فاضل وسبحانی نیز استفاده کردم همزمان با درس خارج دوره زبانهای خارجه دفتر ،

کامپیوترICDL، در وههای کلام جدید (مباحث استاد سروش)را طی کردم ودر سال ۷۰شروع به تحقیقات علمی راجع به تاریخ وتاریخ معاصر ایران نمودم به مدّت ۸سال ودر سال۷۸موفق به اخذ کارشناسی ارشد از علوم سیاسی علامه طباطبایی شد.در مراکز علمی – پژوهشی مختلف کارهای تحقیقاتی انجام دادم ازجمله معاونت پژوهشی مرکز اسناد انقلاب اسلامی قم ، مرکز تحقیقات مرکز تبلیغات ، مرکز پژوهشهای مجلس ع معاونت فرهنگی ارشاد تهران ، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها ومرکز علمیّه حوزهای خواهران و....

علویان، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی علویان

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۴/۱

]زندگینامه علمی

اینجانب مرتضی علویان در سال ۱۳۶۴ دیپلم خود را در رشته اقتصاد با معدل کتبی ۰۶/۱۶ در یکی از دبیرستانهای اخذ نمدم که در سال ۱۳۶۵ علیرغم پذیرفته شدن در دانشگاه مازندران رشته اقتصاد ، دانشگاه رضوی مشهد وهمچنین مراکز دیگر راهی حوزه علمیه قم شدم و درس حوزه را آغاز نمودم که تا سال ۱۳۷۱ دروس سطح را با میانگین بالایی از نمره طی نمودم .

از سال ۱۳۷۳ همزمان با شرکت در درس خارج تحصیلات دانشگاهی در رشته علوم سیاسی را نیز آغاز کرده و با گذراندن کارشناسی و همچنین کارشناسی ارشد علوم سیاسی را از دانشگاه باقرالعلوم ع اخذ نمودم. در کنار فعالیتهای علمی از سال ۷۷-۱۳۷۶ مشغول تدریس در دانشگاههای تهران، بین المللی امام خمینی ، علامه و مازندران شدم که البته از مهر ۱۳۸۱ به عنوان هیات علمی دانشگاه مازندران مشغول بکار شدم. در کنار مطالعات حوزوی و دانشگاهی دارای تالیفات و مقالاتی در موضوعات مختلف می باشم

علی حسینی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی علی حسینی

محل تولد : رفسنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه شدم دروس حوزوی را تا پایان سطح تا سال ۱۳۷۴ به پایان رسانیدم و امتحانات جتبی و شفاهی را به طور کامل پشت سرگذاشته وازآن سال دردرس خارج شرکت کرده ام.ازسال ۱۳۷۰تا ۱۳۷۱ به مدت دو سال زبان انگلیسی را به صورت تخصصی کار کردم و در سال ۱۳۷۳ دوره ایر فروك که اموزش زبان انگلیسی سیستم نیروی هوایی است را پشت سر گذاشتم.در سال ۱۳۷۵ دوره کارشناس علوم سیاسی را آغاز و در سال ۱۳۷۹ به پایان رساندم. همان سال در کنکور کارشناسی ارشد شرکت کرده و موفق به ورود به دوره فوق لیسانس شده و در سال ۱۳۸۲ از پایان نامه خود با نمره عالی ۶۰/۱۹ دفاع کردم. در سال ۸۳ در کنکور دوره دکتری دانشگاه تهران شرکت کردم و موفق به ورود به این دوره شدم و دوره اموزشی دکتری به پایان رسیده و اکنود در مرحله پژوهشی آن یعنی پایان نامه دکتری هستماز سال ۸۲ تا کنون در رشته علوم سیاسی در دانشگاه مفید و برخی مراکز خارج از این دانشگاه مشعول به تدریس دروس علوم سیاسی هستم . علاوه بر آن به عنوان پژوهشگر و کارشناس تخقیقات سیاسی در معاونت پژوهشی دانشگاه مفید مشغول به همکاری و فعلیت هستم.برخی مقالات تا کنون به رشته تحریر در آورده ام و در برخی از مجلات به چاپ رسیده . رخی نیز در حال انتشار است و برخی دیگر در دست تالیف

در برخی از همایش های علمی شرکت داشته ام و به ارایه مقاله پرداخته ام.

دو دوره دبیر کمیته علمی علوم سیاسی همایش های دانشجویی بوده ام و در سال ۸۵ به عنوان دبیر همایش اخلاق به فعالیت پرداخته ام.

علیزاده، عبدالرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرضا علیزاده

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سال آغازین تحصیل من در هنرستان صنعتی شهر رشت مقارن شد با اعتراض های انقلابی ملت و پس از پیروزی انقلاب و اتمام دوره هنرستان در رشته اتومکانیک با همه علاقه ای که به مباحث مکانیک داشتم و کارنامه های آن دوره گواه آن است ، به فلسفه وتحصیل در علوم حوزوی علاقه مند شدم و در حوزه علمیه رشت که رونق چندانی نداشت به تحصیل پرداختم و به همراه برادر شهیدم (مسعود علیزاده) که از من هم جدی تر و بهتر درس می خواند آغاز کردیم و یک ساله درس های یک سال و نیم حوزه علمیه قم را خواندیم زیرا ما بی وقفه و تعطیلی کار می کردیم ولی وقتی در سال ۱۳۶۲ به حوزه علمیه قم آمدیم دیدیم که ما

سیوطی را نباید می خواندیم . ما در رشت جامع المقدمات ، منطق کبری و منطق شهید مطهری ، سیوطی تا باب ابتدا ، کتاب صرف ساده و قسمتی از شرح النظام را در ظرف یک سال خواندیم و آن طور خواندیم که در آنجا جامع المقدمات را تدریس می کردیم . به قم آمدم و چون از جنگ و چند گرفتاری دیگری نمی توانستیم شانه خالی کنیم تا سال ۱۳۶۹ به پایان سطح رسیدم و درس خارج را شروع کردم اما همراه با آغاز تحصیل در دانشگاه دوباره به دروس سطح بازگشتم و قسمتی از مکاسب و کفایه را تکمیل کردم و تعداد درس های حوزوی خود را نیز کم کردم . سال ۱۳۷۱ (حدودا) به درس خارج مشغول شدم (البته غیر از درس هایی که نزد برخی از آقایان به صورت کوتاه مدت گذراندم مانند خارج نکاح نزد آیت الله مشکینی ، خارج قسمت کوتاهی ازاصول نزد استاد آیت الله سبحانی، حدود ۲ سال و اندی در خارج فقه آیت الله سید محمود شاهرودی و ۳ سال درس خارج آیت الله وحید خراسانی و نیز بیش از ۲ سال درس خارج اصول ایشان را شرکت کردم .

از سال ۱۳۶۹ دروس دانشگاهی خود را در رشته حقوق در مجتمع آموزش عالی قم (دانشگاه تهران) شروع کردم و در سال ۱۳۷۳ فارغ التحصیل شدم و سپس در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به تحصیل فوق لیسانس حقوق خصوصی پرداختم آنگاه وقتی در سال ۱۳۷۶ فارغ التحصیل شدم بلافاصله در دوره دکترای حقوق خصوصی همان دانشگاه پذیرفته شدم و سرانجام رساله دکترای حقوق خصوصی خود را درخصوص حقوق شناسی اجتماعی گذراندم . در سال ۱۳۸۳ فارغ التحصیل شدم و در پردیس قم دانشگاه تهران (همان مجتمع آموزش عالی قم سابق) به عنوان استاد یار حقوق خصوصی استخدام شدم .از سال ۱۳۷۲ در کنار تحصیل حقوق و علوم حوزوی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه سابق) به تحصیل جامعه شناسی درسطح فوق لیسانس پرداختم و سال ۱۳۷۶ فارغ التحصیل شدم و در آنجا به تحصیل در موضوعات جامعه شناختی پرداختم و حاصل آن شرکت درترجمه کتاب وبر و اسلام (Weber and Islam) و نگارش کتاب جامعه شناسی معرفت بود . کتاب وبردر اسلام در هشتمین دوره کتاب سال دانشجویی رتبه دوم ترجمه را کسب کرد و کتاب جامعه شناسی معرفت تا کنون رتبه تشویقی دبیرخانه دین پژوهان کشور برگزیده کتاب سال دانشجویی (یازدهمین دوره) و نیز برگزیده کتاب سال حوزه به خود اختصاص داده است .

اکنون در گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق پردیس قم دانشگاه تهران رسما به عنوان استادیار حقوق به تدریس دروس اصول فقه (در سطح کارشناس و کارشناسی ارشد) ، مقدمه علم حقوق ، مبانی جامعه شناسی ، جامعه شناسی حقوق ، حقوق کار ، داوری های بین المللی و متون حقوقی به زبان انگلیسی اشتغال دارم .همچنین در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گروه علوم اجتماعی همکاری دارم و عضو شورای علمی گروه علوم اجتماعی آن پژوهشگاه هستم .در سال های گذشته در مراکزی چون دانشگاه قم ، جامعه الزهراء ، مرکز تخصصی قضا و دانشگاه پیام نور تدریس کرده ام .

علیزاده، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن علیزاده

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محسن علیزاده متولد ۱۳۵۲ در شهر اصفهان از دوران دبیرستان در جلسات هفتگی علمی مذهبی شرکت نمودم و کم کم از طریق این جلسات و آشنایی با طلاب حوزه های علمیه اصفهان و قم علاقه به حوزه و طلبگی پیدا کردم – سال ۷۲ وارد حوزه علمیه قم شده و پس از اتمام پایه ۶ حوزوی وارد موسسه امام خمینی شدم و در سال ۸۱ برای مرکز مطالعات و پژوهش های حوزه علمیه قم تا به اکنون پاسخ به سوالات سیاسی و حقوقی داده ام و نیز در طول این سالها مقالاتی را در بازتاب اندیشه به چاپ رسانده ام افزون بر این در سال ۸۱ مدتی به عنوان ویراستار پس از گذراندن دوره های آن در موسسه مشغول شدم و سه سال در کارورزی فقه سیاسی و به مدت حدود شش ماه هم کارورزی معرفی و شناخت اسلام را گذراندم که این دوره ها در تقویت نویسندگی علمی و پژوهشی اینجانب بسیار سودمند بود نیز در سال ۸۵ وارد مقطع کارشناسی ارشد فقه و جزا در موسسه امام خمینی گردیدم و هم اکنون در زمینه پژوهش های مربوط به فقه سیاسی – حقوق زنان و حکومت اسلامی و حقوق جزا مطالعه و تحقیق می نمایم.

عمادزاده، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق عمومی، دانشکده: علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق قضایی از دانشگاه ملی ایران در سال ۱۳۵۳، کارشناسی ارشد حقوق قضائی از کشور فرانسه در سال ۱۳۵۵، دکترای حقوق عمومی از دانشگاه مونپلیه کشور فرانسه در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۸ و ارتقاء به درجه دانشیاری در سال ۱۳۷۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

حقوق قضایی و حقوق عمومی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

حقوق بین‌الملل عمومی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تفاوت شرکت با اشاعه و شرکت مدنی با شرکت بازرگانی، مفهوم جنگ در حقوق بین‌الملل عمومی، استفاده از حقوق شرط در معاهدات بین‌المللی، مشروعیت توسل به زور از طرق مسلحانه در حقوق بین‌الملل.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عمومی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد عمومی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

تولد:۱۳۴۳ دیپلم:۱۳۶۱ ورود به دانشگاه:۱۳۶۲ و ۲ سال تحصیل رشته ریاضی کاربردی دانشگاه صنعتی اصفهان تحصیل دروس حوزوی به صورت متفرقه از سال ۱۳۶۱ اشتغال رسمی به دروس حوزه از سال ۱۳۶۴ اشتغال به خارج فقه و اصول از سال ۱۳۷۱ در اصفهان هجرت به قم در سال ۱۳۷۴ تحصیل در رشته تخصصی فقه و اصول در موسسه بقیه الله از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ بیش از ۱۸ سال سابقه تدریس در حوزه همکاری علمی پژوهشی با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه از سال ۱۳۸۰همکاری علمی با پژوهشکده باقرالعلوم(ع) تدریس در برخی از موسسات آموزش عالی و بیش از ۱۳ سال حضور تبلیغی در دانشگاهها موفقیت در آزمون علمی شورای نگهبان برای انتخابات خبرگان و در سال ۱۳۸۵ همکاری علمی و هنری با صدا و سیما در تهیه برنامه های قرآنی را دارم

عمید زنجانی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا عباسعلی عمید زنجانی سبط فیلسوف بزرگ و فقیه جامع آیت‌اللّه میرزا مجید زنجانی از علماء و نویسندگان معاصر تهران است و در مسجد لرزاده به اقامه جماعت و تدریس و ترویجات دینی اشتغال دارد. وی در سال ۱۳۱۶ شمسی در شهرستان زنجان متولد شده و تحصیلات جدید کلاسیک را با مقدمات علوم دینی در آنجا خوانده و در سال ۱۳۷۰ ق مهاجرت به قم نموده و سطوح متوسط و عالی را بطرز خصوصی از محضر اساتید با فضل و کمال حوزه فراگرفته و سپس در حوزه درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و ضمنا علوم هیئت و کلام و فلسفه را از اساتید معروف آموخته و در سال ۱۳۴۰

شمسی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آن سامان از محضـر دو نابغه علمی آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله و آیت‌اللَّه آقا میرزا باقر زنجانی سلمه‌اللَّه بهره‌ها برده و دراسات آن دو استاد بزرگ را برشته تحریر و تقریر درآورده و در مراجعت از نجف اشرف در سال ۱۳۴۷ شمسی افتخار مصاهرت با حضرت آیت‌اللَّه العظمی آقای مرعشی نجفی مد ظله را پیدا و بار دیگر در قم برای ادامه تحقیق و تدریس توقف و شرکت در درس فقه آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نموده تا سال ۱۳۹۱ ق که بدرخواست جمعی از مومنین تهران برای امامت مسجد لرزاده که یکی از مساجد حساس و بنام مرکز و از آثار مرحوم مبرور آیت‌اللَّه عالم ربانی حاج شیخ علی‌اکبر برهان است منتقل به تهران شده و تا حال حاضر بانجام وظائف دینی و ارشاد و امامت و تدریس و خدمات اجتماعی اشتغال دارند.

دارای تألیفات ارزنده و آثار آموزنده‌ای می‌باشند که بقسمتی از آنها اشاره میشود:

۱- تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف مطبوع از دارالکتب الاسلامیه

۲- اسلام و همزیستی مسالمت‌آمیز مطبوع از دارالکتب الاسلامیه

۳- اسلام و حقوق ملل مطبوع از دارالکتب الاسلامیه

۴- حقوق اقلیتها مطبوع از انتشارات صدر

۵- بنیادهای اصیل مطبوع از کتابخانه بزرگ اسلامی.

۶- اسلام و سیستم بیطرفی.

۷- مبانی تفسیر.

۸- رساله‌ای در نکاح کتابیه.

۹- رساله‌ای در ترتب.

۱۰- المنهاج فی شرح وسیله النجاه.

۱۳ -۱۲ -۱۱- سع جلد در قم برشته تحریر آورده که با همکاری چند تن از فضلاء تألیف و نشر گردیده است.

۱۴- مقالاتی در نشریات ماهیانه حوزه انتشار داده است.

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات حوزوی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کامپیوتری کردن علوم اسلامی، کامپیوتری کردن قوانین و مقررات، تکنولوژی جدید انفورماتیک، فقه و علوم حدیث، تفسیر و علوم قرآنی، فلسفه و عرفان اخلاق، ادیان و کلام اسلامی، تاریخ اسلام و سیره، حقوق و قوانین، استاد راهنمای ۳۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

حقوق اسلامی، تفسیر و مبانی آن، فقه، فقه سیاسی، اقتصاد اسلامی، تاریخ تصوف و عرفان، حقوق اقلیتها و مبانی انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مباحث مختلف حقوقی، مباحث فقه سیاسی، مسئولیت بین‌المللی ناشی از جریان سلمان رشدی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عنایت، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد، محقق.

تولد: ۱۳۱۱.

درگذشت: ۳ مرداد ۱۳۶۱.

حمید عنایت فارغ‌التحصیل دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران و دارای درجه‌ی کارشناسی ارشد و دکتری از دانشکده‌ی اقتصاد و علوم سیاسی لندن است. بعد، یک سال در خارطوم به تدریس پرداخت تا این که به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران سمت دانشیاری یافت و سپس به مقام استادی رسید. از سال ۱۳۵۹ که دانشگاه آکسفورد مقام استادی در رشته‌ی عقاید سیاسی را به وی پیشهاد کرد، مقیم آنجا شد.

خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۳۳ آغاز کرد و با مجلات ادبی و علمی همکاری داشت. به مناسبت انتشار کتاب سیاسیت ارسطو (۱۳۳۷) به دریافت جایزه‌ی بهترین کتاب سال نایل آمد. از جمله کتاب‌های دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: فلسفه‌ی هگل (از ت. ستیس، تهران، ۱۳۴۸)؛ عقل در تاریخ (هگل)؛ تاریخ طبیعی دین (دیوید هیوم، ۱۳۴۸)؛ لووی استروس (ادموند لیچ، تهران، ۱۳۵۰)؛ اسلام و سوسیالیسم در مصر (تهران، ۱۳۵۰)؛ سیری در اندیشه‌های سیاسی عرب؛ قیصر و مسیح (از دوره‌ی تاریخ تمدن ویل دورانت، تهران، ۱۳۴۱)؛ بنیاد فلسفه سیاسی در غرب؛ از هراکلیت تاهابز (تهران، ۱۳۴۹)؛ جهان از خود بیگانه (تهران، ۱۳۴۹)؛ اندیشه‌ی سیاسی در اسلام معاصر (ترجمه‌ی بهاءالدین خرمشاهی)؛ سه آهنگساز: موازر، برلیوز، واگنر (رومن رولان، ترجمه، تهران، ۱۳۳۴)؛ انتقام معجزه‌آسا (سه داستان از جرج برناد شاو، گی دوموپاسان، جک لندن، ترجمه، تهران، ۱۳۳۳).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

عیسی نیا، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا عیسی نیا

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

رضا عیس نیا،فرزند در مهر ۱۳۴۳ از شهرستان رودسر استان گیلان،در روستای قاسم آباد سفلی واقع در چند کیلومتری دریای خزر و جنگل های گیلان،در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشودم و در دامن پدر و مادری زحمت کش و پرتلاش و کشاورز و مسلمان مسئول،تربیت یافتم؛دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی خود را در روستای قاسم آباد سفلی شروع کرده و مدرک ابتدایی را با معدل ۵۲/۱۵ و راهنمایی را با ۱۷ در خردادماه به پایان رسانیده و پس از اتمام تحصیلات دوره راهنمایی برای ادامه تحصیل به خاطر فقر اقتصادی خانواده و تبلیغات زیاد مرکز آموزش کشاورزی در اذهان کشاورزان به رشته کشاورزی پرداختم. دبیرستان را که از سال های ۵۷ تا ۶۱-۶۰ که دوران انقلاب و جنگ بود،را با معدل ۸۸/۱۷ به پایان رساندم و با حضور در جبهه های جنگ بمدت ۱۴ ماه و آشنایی با طلبه های جوان با دعوت آنها مسافرتی به قم کردم که در این سفر بود(سال ۶۲)که تشویق به علم آموزی در حوزه های علمیه شدم مصادف با این پیشنهاد در سطح کشور اعلام شد که حوزه علمیه قم از میان فارغ التحصیلان در مقطع دیپلم طلبه جهت تربیت کادر قضایی می پذیرد بنابر این در امتحان ورودی حوزه علمیه قم جهت گذراندن دوره قضاوت که ۶ سال پیش بینی شده بود شرکت کردیم و از میان داوطبان ۳۰۰ نفر برگزیده شدیم اما متاسفانه پس از چند ماه تحصیل در مدرسه رضویه مسئولین حوزه علمیه اعلام کردند که به خاطر مشکلاتی قادر به ادامه کار خود جهت پرورش قضات نیستند بنابراین پذیرفته شدگان در صورت تمایل می توانند دروس حوزوی را ادامه دهند لذا کسانی که مایل نبودند انصراف دادند،اما بنده دروس مقدمات تا لمعه را در مدرسه رضویه و المهدی به پایان رسانده و در کنار دروس حوزوی وارد دانشگاه باقر العلوم(ع) قم شده و در کنار دروس حوزوی به تحصیل در رشته علوم سیاسی در مقطع کارشناسی پرداخته و این دوره را با معدل ۸/۱۶ به پایان رسانده و سپس کارشناسی ارشد را هم با معدل ۲۶/۱۶ و با ارائه پایان نامه«دو دوره تجربه نواندیشی و نوسازس سیاسی در ایران» با نمره الف، به پایان رساندم پس از فارغ التحصیل شدن در مقطع کارشناسی ارشد با مدرک ۵ سال حضور در درس خارج فقه و کارشناسی ارشد علوم سیاسی و پذیرش در گزینش اساتید قم،برای تدریس دروس عمومی (انقلاب اسلامی)وارد دانشگاه شدم. در کنار تدریس در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی مشغول کارهای تحقیقاتی می باشم.

غبرایی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی غبرایی در سال ۱۳۲۶ در شهر لنگرود به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر گذراند و در رشته کارشناسی علوم سیاسی فارغ التحصیل شد. در دوران نوجوانی بسیار کتاب می خواند. دهه ۴۰ مهدی غبرایی به صورت جدی مطالعه را شروع کرد. اغلب کتاب هایی را که می خواند، از لنگرود تهیه می کرد و گاهی هم به رشت می آمد و تفریحی جز

مطالعه کردن نداشت. در دوره دانشجویی بسیار تحت تأثیر آثار «ساعدی»، «رادی» و «بیضایی» بود و آنها در شکل گیری عقاید و افکار او بسیار مؤثر بودند. مدتی در یک وزارتخانه کار کرد و بعد از چند سال عذر او را خواستند و از سال ۶۰ مشغول ترجمه شد. برادرانش فرهاد و هادی مدت ها بود که ترجمه می کردند. «فرهاد» ترجمه ادبی انجام می داد و هادی غیرادبی و ویرایش. نخستین اثرش، بخشی از مجموعه داستان های نویسنده ای روسی به نام «آوای رنج کهنه سرباز» بود که به چاپ رسید. بعدها با برادرش همکار شد و در زمینه ترجمه از راهنمایی های او استفاده کرد. البته به دلیل تحصیل در رشته علوم سیاسی، گهگاه مقاله سیاسی هم ترجمه می کرد مهدی غبرایی، از آن دسته مترجمانی است که آگاهانه ترجمه می کند، زبان مبدأ را می شناسد و به زبان مقصد مسلط است. در واقع او امانتداری است که آثار را مانند فرزندان خود دوست دارد و برای آنها ارزش قائل است. عشق به ادبیات و سینما در او باعث شده با فضای رمان و داستان مأنوس باشد و وقتی اثری را ترجمه می کند گویی آن را خود نویسنده ترجمه کرده است. گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : ـ گذراندن دوران ابتدایی و دبیرستان در لنگرود ـ دریافت مدرک کارشناسی در رشته علوم سیاسی آرا و گرایشهای خاص : مهدی غبرایی معتقد است: «ترجمه دریچه ای است به جهان. به راستی دریچه ای است که می توانیم جهان پیرامون خود را ببینیم. در مورد این که ترجمه هنر است یا فن، باید بگویم؛ در جایی به هنر پهلو می زند. به ویژه زمانی که سر و کار مترجم با ترجمه ادبی است. ترجمه ادبی باید از لحاظ لحن، کلام و زمان با زبان مبدأ مطابقت داشته باشد، به طوری که اگر نویسنده قرار بود به زبان مقصد بنویسد همان گونه می نوشت که ترجمه شده است. رعایت اصل امانت داری نیز بسیار حائز اهمیت است. در واقع، ترجمه یک کار مکانیکی است و اصل را باید تحت اللفظی یعنی همانطور که نویسنده نوشته به زبان خود ارائه کرد.، تا مخاطب متوجه حضور مترجم در متن نشود. مترجم باید دانشش را به روز کند و همیشه در این امر پیشتاز باشد. باید بسیار مطالعه کند، مطالعه ای روزافزون در رشته ای که کار می کند. مترجم در ترجمه اثر، نقش بسیار مهمی دارد. مترجم در انتقال گنجینه ادبی نویسنده سهیم است و اگر او تسلط لازم را به دو زبان داشته باشد این مهم را بخوبی انجام می دهد. وقتی از او در باب توصیه به جوانان سؤال کردیم او گفت: «من هیچ وقت توصیه نمی کنم و اگر بشود تجربه ام را به نسل جوان منتقل می کنم. یک مترجم باید غنای واژگانی اش را حفظ کند و یکی از کتاب هایی که در ابتدای کار به یک مترجم کمک بسیاری می کند «مبانی یا اصول ترجمه» از خانم طاهره صفارزاده است.» دانستن زبان فارسی و استفاده به موقع از آن نیز در جهت بهبود زبان مترجم مؤثر است. متون ادبی هر کدام دنیای منحصر به فردی هستند که علاوه بر انتقال داستان، فرهنگ آن سرزمین را به خواننده می شناسند، پس مترجمان می توانند سفیر فرهنگی بین ملل محسوب شوند و وظیفه خطیری را در این میان به عهده دارند.» چگونگی عرضه آثار : مهدی غبرایی، از آن دسته مترجمانی است که ویژگی های گفته شده را دارد. او آگاهانه ترجمه می کند، زبان مبدأ را می شناسد و به زبان مقصد مسلط است. در واقع او امانتداری است که آثار را مانند فرزندان خود دوست دارد و برای آنها ارزش قائل است. عشق به ادبیات و سینما در او باعث شده با فضای رمان و داستان مأنوس باشد و وقتی اثری را ترجمه می کند گویی آن را خود نویسنده ترجمه کرده است. مهدی غبرایی، مترجمی منظم است که به نظم و دقت عادت دارد. صبح از ساعت هشت تا دوازده و بعدازظهرها اصولاً از پنج عصر تا نه شب سرگرم کار است. آثار : انتخاب الویرا ویژگی اثر : «انتخابات الویرا» با ترجمه مهدی غبرایی از آثار شاخص اوست که در نوع خود بی همتاست. «الویرا» نام منطقه ای است که از نام دختر یکی از مالکان گرفته شده است. مترجم در ترجمه این اثر سعی کرده با توجه به رعایت اصل امانتداری همان گونه که نویسنده «نایپل» معتقد است و در بیشتر کتاب هایش این موضوع را هم مورد توجه قرار می دهد (حفظ لهجه های اسپانیولی) اثر را به اصلش نزدیک کند.۲ ترجمه بادبادک اثر خالد حسینی ویژگی اثر : «بادبادک باز» عنوان رمانی پر کشش است از نویسنده افغانی مقیم آمریکا، خالد حسینی، که به تازگی با ترجمه مهدی غبرایی به بازار آمده است. در آغاز این رمان که با ترجمه بسیار قوی و به زبان فارسی برگردانده شده، آمده است: خالد حسینی را نه در ایران و نه در آمریکا که مقیم آنجاست، نمی شناسند. او چهل و چند

سال پیش در کابل به دنیا آمـد. پسر یک دیپلمات است که خانواده اش به آمریکا پناهنده شدند. او بادبادك باز را نوشت، در واقع نخستین رمان اوست... به هر حال، رمان «بادبادك باز» بر خلاف نظر بسیاری کسان که می گوینـد در هنـد و افغانسـتان و چین همه اش صـحبت از فقر و فلاکت و بـدبختی است و در ایران مخاطب وسـیعی نخواهد یافت، مرا به سـهم خود شـیفته خود کرده است. ۳ ترجمه پیـترپن اثر جیم ج.بری ۴ ترجمه خـانه ای برای آقـای بیسواس اثر و.س. نایپـل ویژگی اثر : این رمان درواقع احتضار طولانی آدمی را به تصـویر می کشـد که از همـان آغـاز، حس تعلیق و حـادثه سـازی را در ذهن مخـاطب به وجود می آورد. موضوع فقر و تنگ نظری مردم و مسائل مردم جهان سوم است که متن انگلیسـی و در قطع وزیری به فارسـی چاپ شـده است. این رمان که مدت ها به دلیل شـرایط نامطلوب نشـر، بدون ناشـر بود، با آمدن نایپل به ایران و اضافه شدن چند داستان دیگر، سال ها بعد به نام «خیابان میگل» ترجمه شد. «مشتمالچی عارف» نیز از دیگر آثار نایپل است که مهدی غبرایی ترجمه کرده است. بدعت نایپل در نویسندگی، استفاده از فضـای بومی است که بـا بیـانی سـاده، زیبایی خاصـی به اثر بخشـیده است. مهـدی غبرایی در مورد شـیفتگی اش به آثار «نایپـل» می گویـد: فضاسازی داسـتانی نایپل شبیه فضای دوران کودکی من در لنگرود است، یعنی عناصـر مشترك (دریا، کشتزار)، مردمـان دل زنـده و شـاد که بـا تنـگ نظری و تعصـبات محلی، خرافات، دعواها، شادی ها و محبت ها ... به ویژه در «خیابان میگل» برای من جذاب بود. از نظر شخصـیتی او را انسانی همچون برادرم می دیدم. افتاده و سـیاه چرده که با کلاه شاپویش این احساس را در من به وجود می آورد و مورد دیگر که نقطه اشتراك مـابود مرگ برادرش «شـیوا نایپـل» بود. من هم برادرم «فرهاد» را از دسـت داده بودم. من آنقـدر بـا فضـای داسـتان هـای او اخت شـده بودم که وقتی ترجمه ام را تمـام کردم ده روز در خانه را بسـتم و جایی نرفتم. طنز تلـخ موجـود در متن را به خوبی حس کرده بودم. این رمـان یـادآور دوران تلـخ کودکی ام بود. ۵ ترجمه دفترهای مالده لاـئوریس بریگه اثر راینر ماریـاریلکه ویژگی اثر : «دفترهـای مالـده لائوریس بریگه» اثر «ماریا ریلکه» یکی از آثار برجسـته نیمه اول قرن بیسـتم ترجمه دیگری از مهـدی غبرایی است که ترجمه آن سال به طول انجامیـده است و چنان که غبرایی می گوید: « سال نثر آن را با دست و جان صـیقل داده است.» این متن به سـبب دشواری انـدیشه های مطرح شـده و ژرفای اندیشه و نگرش اش، یکی از کتـاب هـای مطرح در ادبیـات محسوب می شود. مهـدی غبرایی دفتر هـای مالـده اثر ماریاریلکه، کوری از ساراماگو، خانه ای برای آقـای بیسواس از و.س.نایپـل و چنـداثر دیگر را از ترجمه هـایی می دانـد که دوسـتشان دارد و عاشـقانه ترجمه اشـان کرده است. ۶ ترجمـه راهنمـا اثر ر.ك.نارایـان ویژگی اثر : «راهنمـا» اثر ر. ك نارایـان ـ یکی از قـدیمی تریـن نویسندگان اقلیمی هنـد ـ بـه زبـان انگلیسـی نوشته شده است. آثار این نویسنده به گونه ای مانند آثار «فالکنر» است. او در آثارش سرزمینی را خلق کرده است که همه اتفاق های آثارش در آن سـرزمین رخ می دهد.شخصـیت اصـلی رمان، راهنمای گردشـگران و جهانگردان است و در طول یکی از سفرهـا، عـاشق یک زن می شود که در رقص آیینی و دینی کاتاکالی تبحر دارد. در طول داسـتان اتفاقات جالبی برای این فرد پیش می آیـد. گفتنی است که براسـاس این رمـان فیلم هـایی نیز سـاخته شـده است، البته به رمان اشاره ای نکردنـد.۷ ترجمه سـاعت ها، مایکـل کانینگهـام ، ترجمه سیاهاب اثر جویس کرول اوتس ویژگی اثر : رمـان «سـیاهاب» از «جویس کرل اوتس» که نویسـنده آن یـک زن آمریکایی است از دیگر ترجمه های مهـدی غبرایی است. این زن آمریکایی در حـدود شـصت و هشت سالگی بیش از اثر نوشـته که رمـان در این میان به چشم می خورد۹ ترجمه عشق و مرگ در کشوری گرمسیری، شـیوا نایپـل ، ترجمه کوری اثر ژوزه ساراماگو ویژگی اثر : رمان «کوری» از «روژه ساراماگو» با ترجمه مهدی غبرایی یکی از برجسته ترین و پخته ترین آثار او محسوب می شود. این رمان تاکنون به چاپ دهم رسیده است و دو مترجم توانای دیگر، نیز آن را ترجمه کرده اند.۱۱ ترجمه گرما و غبار اثر روت پریور جابوالاـ، ترجمه لیری ال اثر رومن گاری ، ترجمه موج ها اثر ویرجینیا وولف ، ترجمه هرگز ترکم نکن اثر ایشـی گورو ، ترجمه وقتشه که بـا من زنـدگی کنی اثر جویس کرول اوتس ویژگی اثر : رمان «وقتشه که با من زنـدگی کنی» از «کارول اوتس» نیز از دیگر ترجمه هـای مهـدی غبرایی است. از ترجمه هـای دیگر مهـدی غبرایی می توان «سـاعت ها» اثر مایکل کاینینگهام را نام

برد. ساعت ها، هم بزرگداشت ویرجینیا وولف است و هم مخلوق او، این اثر که تاکنون جوایز بسیاری مانند جایزه پن/ فاکنر ، جایزه پولیتزر ، دو جایزه گولدن گلوب و جایزه اسکار را از آن خود کرده است. در این اثر جاودان نویسنده به قهرمان ادبی خود زندگی بخشیده و درکنار آن، سرگذشت ویرجینیا وولف را به زندگی دو زن معاصر پیوند می زند. وولف یک روز صبح از خواب بیدار می شود، او خوابی دیده که بزودی به رمان خانم دالوی تبدیل خواهد شد. این رمان سه راوی زن دارد. راوی اول ویرجینیا وولف است که داستان از خودکشی او شروع می شود. راوی دوم در واقع بازشناختی از «خانم دالوی» اثر ویرجینیا وولف است. در لس آنجلس در سال ، لورا براون، زنی حامله، تمام تلاشش را می کند تا جشن تولد شوهرش را بگیرد، اما نمی تواند از خواندن کتاب ویرجینیا وولف دست بکشد. زندگی این سه زن با رمان خانم دالوی به هم پیوند خورده است. راوی سوم «لورا براون» تصویر دیگری از خانم دالوی است. او مادر ریچارد است، شاعری که عاشق خانم دالوی می شود و در داستان دوم، سرنوشتش به رشته تحریر درآمده است. مهارت و تجربه مهدی غبرایی در آثارش کاملاً مشهود است. غبرایی با انعکاس توصیف ها و صحنه ها به طور دقیق توانسته آن فضا را در ترجمه هایش به تصویر بکشد. ۱۶ کتاب ریتمها ویژگی اثر : «کتاب ریتم ها» با ترجمه مهدی غبرایی کتابی مصور از «لنگستون هیوز» شاعر آمریکایی است که درباره جست وجوی ریتم در شعر و موسیقی و جلوه های دیگر طبیعت است که برای گروه سنی نوجوانان نوشته شده.

غفاری، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود غفاری در سال ۱۳۳۳، در تهران به دنیا آمد. او پس از اخذ لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه شهید بهشتی، به انگلستان عزیمت کرد و مقطع کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه لیدز انگلستان و درجه دکتری علوم سیاسی را در سال ۱۳۷۶ از دانشگاه برادرفورد انگلستان اخذ نمود. دکتر غفاری پس از اتمام تحصیلات خود، از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳ به عنوان استادیار دانشگاه تربیت مدرس به امرتدریس اشتغال ورزید. او علاوه بر حضور در مجامع مختلف علمی و تحقیقاتی، همکاری نزدیکی با مجلات و نشریات تخصصی داشته است.گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : مسعود غفاری پس از اتمام تحصیلات متوسطه وارد دانشگاه شهید بهشتی شد و دوره لیسانس علوم سیاسی را در سال ۱۳۶۵ در این دانشگاه به اتمام رساند. پس از آن تحصیلات تکمیلی را در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه لیدز انگلستان و درجه دکتری را در سال ۱۳۷۶ از دانشگاه برادرفورد انگلستان اخذ نمود.هم دوره ای ها و همکاران : از همکاران مسعود غفاری به افرادی چون: دکتر رضا رئیس طوسی عضوگروه روابط بینالملل دانشگاه تهران ، دکتر حاتم قادری عضو گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیتمدرس، دکتر عباس منوچهری عضو گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیتمدرس و... می توان اشاره کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسعود غفاری علاوه بر تدریس در دانشگاه، سمت هایی چون: ریاست دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیتمدرس را در سال۱۳۸۳ ، عضویت در شورای تخصصی گروه علومسیاسی دانشگاه تربیتمدرس از سال ۱۳۷۷ تا کنون، عضویت در کمیته برنامهریزی علومسیاسی، دفتر گسترش آموزش عالی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مدیر گروه علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیتمدرس ۸۲–۱۳۷۸و... داشته است.فعالیتهای آموزشی : مسعود غفاری پس از اتمام تحصیلات خود، از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳ به عنوان استادیار دانشگاه تربیت مدرس به امرتدریس اشتغال ورزید. وی در این مدت دروسی چون تحولات سیاست خارجی ایران از قاجار تا ۱۳۲۰ دوره کارشناسی ارشد، مسائل سیاسی و اقتصادی نفت در کشورهای خاورمیانه دوره کارشناسی ارشد، سمینار مسائل سیاسی و اقتصادی

در کشورهای جهان سوم دوره کارشناسی ارشد، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۵۷-۱۳۲۴ دوره کارشناسی ارشد، سمینار انقلاب اسلامی ایران دوره کارشناسی ارشد، مسائل توسعه ایران دوره دکتری، سمینار انقلاب اسلامی و ... دوره دکتری و روابط شمال و جنوب دوره دکتری را تدریس نموده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مسعود غفاری در مجامع مختلف علمی نظیر کمیته علمی همایش بزرگداشت پرفسور ادوارد سعید (۸۳-۱۳۸۲)، کمیته علمی بزرگداشت یکصدمین سالگرد مشروطیت، دانشگاه تهران (۸۳-۱۳۸۲) ، کمیته علمی همایش هویت ملی و جهانی شدن(۱۳۸۲) انجمن علوم سیاسی ایران و انجمن جامعهشناسی ایران عضویت داشته است. او ضمن داوری مجلات و مقالاتی چون فصلنامه علمی- پژوهشی مدرس دانشگاه تربیت مدرس ، فصلنامه علمی دانشگاه امام صادق، مجله بینالمللی علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، جشنواره خوارزمی فعالیت زیر را نیز به انجام رسانده است: - اقتصاد سیاسی نفت در ایران پس از انقلاب، مسعود غفاری، مجله بینالمللی علوم انسانی شماره ۳، جلد ۷، تابستان ۲۰۰۰ م. - نقش نفت در برنامهریزی ایران (۷۹-۱۹۴۵)، مسعود غفاری، مجله بینالمللی علوم انسانی شماره ۱، جلد ۱۰، تابستان ۲۰۰۳ م - The Impact of Massmedia ICTS and Interpersonal Relationships on the Political Awareness of the Students, The Journal of Humanities, No. and ۴, Vol.۱۰, ۲۰۰۴. نویسندگان: سردارآبادی، محسنیانراد، سینایی و غفاری فهرست مقالات ارائهشده در مجامع علمی از سوی دکتر غفاری به شرح ذیل می باشد: ۱) بررسی تأثیر نفت بر اقتصاد سیاسی ایران، مسعود غفاری، اولین کنگره سراسری نفت و توسعه پایدار، دانشگاه نفت، آبادان، ۱۳۷۷. ۲) چگونگی شکلگیری دولت- ملت در ایران ۴۱-۱۹۲۱، مسعود غفاری، همایش بررسی زمینه های تاریخی و ریشه های انقلاب اسلامی در ایران، انگلستان (لندن)، ۱۹۹۹. ۳) پارادوکس در شناخت از مسئله فلسطین، مسعود غفاری، همایش بین المللی فلسطین و نگاه ایرانی، تهران، دانشگاه تربیتمدرس، ۱۳۸۰. ۴) علل راهبردی حمله آمریکا به عراق، مسعود غفاری، مرکز تحقیقات و توسعه علومانسانی تهران، ۱۳۸۲. ۵) بررسی نسبت سازمان و آزادی در انقلاب مشروطیت، مسعود غفاری، پیش همایش بزرگداشت یکصدمین سالگرد مشروطیت، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲. ۶) دموکراسی و جهانی شدن در ایران، مسعود غفاری، همایش هویت ملی و جهانی شدن، مرکز تحقیقات و توسعه علوم انسانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ آرا و گرایشهای خاص : تحقیقات و مطالعات مسعود غفاری عموماً با گرایش بر مطالعات اقتصاد سیاسی (ایران و بین الملل) ، اقتصاد سیاسی نفت، تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران بوده است.

غفوری، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر غفوری

محل تولد : بناد کوک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای اکبر غفوری در اول خرداد سال ۱۳۴۱هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بناد کوک دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه یزد گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد. وی در ایام تحصیل علوم حورزوی در یزد از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله علومی، آیت الله صمدی، آیت الله مفیدی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه یزد کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم سیاسی در مقطع دکترا در سال ۱۳۸۳از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "مقایسه تطبیقی در خصوص بسیج توده ای در رابطه مشروطیت و نهضت نفت و انقلاب اسلامی "دفاع کرد. استاد در ایام تحصیل از امر تدریس در زادگاه خویش غافل نماند و در مراکزی چون دانشگاه یزد و... به تدریس پرداخت، که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراونی می باشد. وی در زندگی سراسر علمی خود از امر تحقیق و نگارش و تألیف غافل نماند و آثاری از قبیل" انقلاب اسلامی"و ....را به رشته تحریر در آورده است.

فاطمی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن فاطمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۵در شهر قم متولّد شدم. سال ۱۳۶۰پس از اتمام کلاس اول دبیرستان در رشته علوم تجربی، با ثبت نام در مدرسه آیت الله گلپایگانی (امام مهدی فعلی) وارد حوزه علمیّه شدم. تحصیلات را در این مدرسه تا ابتدای شرح لمعه فرا گرفتم و از آن پس به صورت آزاد تحصیلات را ادامه دادم. از حدود سال ۱۳۷۰ در درس خارج حاضر شدم و به مدّت ۵ سال ادامه دادم و از آن پس به فعالیتهای تحقیقی با تدوین مقاله و کتاب روی آوردم. ضمن تحصیلات حوزوی دروس دبیرستان را در رشته فرهنگ و ادب ادامه دادم. سال۱۳۶۹ با معادل لیسانس از حوزه در مقطع فوق لیسانس در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق در دانشگاه آزاد اسلامی اراک پذیرفته شدم. به دلیل رسمیت نداشتن مدرک حوزوی، مقطع لیسانس را نیز در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث فرا گرفتم. نظر به اینکه با موافقت ریاست کل دانشگاه آزاد واحدهای بیشتر از معمول را می توانستم انتخاب کنم در سال ۱۳۷۲ هر دو مقطع را به پایان رساندم. تا کنون ۴ کتاب وحدود ۱۵۰ مقاله اعم از بی امضاء یا با امضای خودم یا با نام مستعار از اینجانب چاپ شده است.

فتحی، حجت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت الله فتحی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۵ بعد از اخذ دیپلم همزمان در حوزه و دانشگاه قبول شدم و با انتخاب حوزه، در مدرسه امام صادق (ع) حوزه علمیّه قم دروس طلبگی را آغاز کرده و در سال ۱۳۷۲ سطح را به اتمام رساندم. در همین سال با شروع درس خارج فقه و اصول با قبولی در رشته حقوق دانشگاه مفید دروس دانشگاهی را آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۶ کارشناسی حقوق را به اتمام رسانده و در همان سال کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی را در دانشگاه مفید آغاز کرده و در سال ۱۳۷۹ این دوره را به پایان رساندم. در طول این سالها در کنار حضور در دانشگاه دروس خارج فقه و اصول را با جدیت پی گرفته و اکنون مشغول تدوین رساله سطح ۴ می باشم. از پاییز ۱۳۷۹ تحقیقات و پژوهشهای فقهی حقوقی را به صورت جدی آغاز نمودم که تا این زمان ادامه دارد. حاصل این سالها دهها مقاله و اثر می باشد که مهمترین اثر این دوران آسیب شناسی فقهی قوانین کیفری است که در ۲جلد به چاپ رسیده است. جلد اوّل این کتاب و بخش عمده ای از جلد دوم این کتاب از آثار حقیر است. همچنین پروژه تحقیقاتی تدوین مواد عمده حدود را در این دوران به اتمام رساندم که آماده چاپ می باشد. در حال حاضر مدیریت گروه حدود مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه را بر عهده داشته و در دانشگاه آزاد قم مشغول تدریس می باشم.

فخر زارع، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین فخر زارع

محل تولد : ورزنه اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۶/۸

زندگینامه علمی

اینجانب پس از تکمیل مرحله ابتدایی و اول راهنمایی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. پس از یک سال تحصیلی راهی قم شدم و در درسهای ادبیات مرحوم استاد مدرس افغانی بطور جدی شرکت کردم. سال ۱۳۶۵به جبهه اعزام و تا سال ۱۳۶۷ بطور متناوب بمدت ۵/۱۰ ماه در جبهه ها و چند عملیات حضور داشتم که در عملیات کربلای ۵ از ناحیه کتف مجروح و دچار آسیب جدی شدم. پس از جنگ در اصفهان ماندگار شده و در دروس سطح حضرات آقایان آیهٔ الله سید احمد امامی، آیهٔ الله سید حسن امامی، آیهٔ الله شیخ علی اکبر فقیه، آیهٔ الله کلباسی و ... شرکت کردم. سال ۱۳۷۱ همزمان با تشکیل خانواده به قم مشرف شدم. و تا سال ۱۳۷۳در دروس سطح حضرات آقایان: پایانی، استادی، دوزدوزانی، عندلیب، محمدی و... حضور یافتم. از سال ۱۳۷۵ در دروس خارج فقه واصول آیات عظام تبریزی، وحید، جوادی آملی شرکت کردم. از سال ۱۳۷۹ همزمان با دروس حوزه از دانشگاه رشته علوم اجتماعی را ادامه دادم و سال ۱۳۸۳ در رشته جامعه شناسی دانشگاه با رتبه خیلی خوب پذیرفته و تحصیلات را تا سال ۸۵ (فارغ التحصیلی) ادامه دادم. عمده مطالعات اینجانب در مورد اسلام و جامعه شناسی اندیشه های بنیادی اجتماعی، جامعه شناسی سیاسی و نیز جامعه شناسی ادبیات می باشد.

فرزانه پور، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین فرزانه پور

محل تولد : گناباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۷/۳

زندگینامه علمی

آقای حسین فرزانه پور در سال ۱۳۴۴هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در شهرستان گناباد دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه فراوان خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۲ وارد دانشگاه امام صادق(ع) تهران گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. از نخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر درس اساتیدی همچون آیت الله علم الهدی، آیت الله سید حسن مصطفوی، آیت الله عمید زنجانی و حجت الاسلام عابدی بهره ها برد. استاد پس از فارغ التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق علیه السلام در سال

۱۳۸۳ در مقطع دکترای علوم سیاسی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی فارغ التحصیل گردید و از رساله دکترای خویش با عنوان" تساهل و مدارا در اندیشه سیاسی اسلام "دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه آزاد بیرجند، دانشگاه پیام نور بیرجند، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند مشغول است و هم اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند می باشد. نامبرده در زندگی سراسر علمی خود جز به تدریس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است.

فرقانی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا فرقانی

محل تولد : رضوانشهر ، اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱۴

زندگینامه علمی

اینجانب تا مقطع دیپلم را در اصفهان سپری نمودم و در سال ۶۰- ۶۱ به حوزه علمیه قم مشرف شدم، دوره ۳ سال اول را در مدرسه مبارکه رضویه گذراندم و طی ۶ سال بعد دوره سطح را نزد اساتید گرانقدری مانند استاد نکونام، حسینی بوشهری، مرحوم استاد پایانی و اعتمادی گذراندم. سپس درس خارج را طی هشت سال نزد اساتید گرانقدر آیهٔ الله وحید خراسانی، آیهٔ الله فاضل، آیهٔ الله اعتمادی و آیهٔ الله شاهرودی کسب فیض نمودم. همزمان رشته تخصصی قضاء شرکت نمودم و از سال ۱۳۷۶ لغایت ۱۳۸۱ موفق به گذراندن رشته تخصصی قضاء گردیدم. همچنین همزمان تحصیلات حوزوی از سال ۱۳۷۳ لغایت ۱۳۷۶ در رشته حقوق دانشگاه تهران (مجتمع آموزش عالی قم) قبول و دوره کارشناسی را در آن دانشگاه گذراندم. ضمناً از سال ۱۳۶۵ تاکنون در دانشگاههای متعددی به تربیت دانشگاه آزاد ، دانشگاه ابوریحان پاکدشت و دانشگاه تهران به دروسی از قبیل معارف اسلامی، متون اسلامی، اخلاق اسلامی، ادبیات عرب، فقه، اصول فقه، قواعد فقه، مدنی ۵ (حقوق ....)، مهمات ارث، آیین دادرسی مدنی و غیره توفیق تدریس داشته ام. در سال ۱۳۸۱ ابلاغ قضایی دریافت کردم که پس از طی دوره قاضی تحقیق، دادرسی، ابلاغ ریاست شعبه حقوقی دریافت نموده و آرزوی توفیق خدمت به مردم خوب ترین را دارم.

فروهر، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۵۷ ش)، نویسنده و حقوقدان. پس از اتمام تحصیلات در مدرسه‌ی سیاسی تهران به اروپا عزیمت نمود و از دانشکده‌ی حقوق ژنو فارغ‌التحصیل شد. سپس به ایران بازگشت. در ۱۲۸۸ ش وارد خدمات دولتی شد و تا ۱۳۳۳ ش عهده‌دار مشاغل مختلف سیاسی بود. اثر وی: «قانون مجازات عمومی».[۱]

فرزند میرزا محمودخان قوام‌الدوله، متولد ۱۲۶۵. تحصیلات او در تهران در مدرسه‌ی سیاسی انجام گرفت سپس در دانشگاه ژنو رشته‌ی حقوق را ادامه داد و فارغ‌التحصیل گردید. خدمات اداری فروهر از ۱۲۹۲ ش در وزارت امور خارجه آغاز شد. پس از ده سال خدمت در وزارت امور خارجه به عدلیه انتقال یافت و رئیس محکمه‌ی تجارت گردید. در ۱۳۰۶ در تشکیلات جدید دادگستری مستشار دیوان عالی کشور و مدتی نیز مدیرکل سجل احوال و رئیس انجمن شهر تهران بود. در ۱۳۱۳ به معاونت وزارت مالیه برگزیده شد و پس از یک سال وزیر مختار ایران در پاریس گردید.

در آن تاریخ بعضی از مطبوعات فرانسه علیه ایران مطالبی می‌نوشتند که منجر به برکناری و احضار فروهر از پاریس شد و مدتی بیکار ماند تا در کابینه‌ی جم به ترتیب به کفالت وزارت کشور، وزارت پیشه و هنر و وزارت کشور برگزیده شد. در انتخابات دوره‌ی دوازدهم وکیل مجلس بود و در دوره‌ی بعد نیز همان دست را داشت. پس از پایان دوره‌ی سیزدهم به ریاست سازمان اقتصادی محسوب شد و بعد در کابینه‌ی ساعد مدتی وزارت پست و تلگراف و مدتی هم وزارت دارائی را تصدی می‌کرد. دو نوبت نیز سفیرکبیر ایران در سوئیس بوده است. ابوالقاسم فروهر در ۱۳۳۷ به سمت سناتور انتصابی برگزیده شد و در ۱۳۳۹ درگذشت. وی مردی تحصیل‌کرده، مطلع و نجیب و مردمدار بود. هرگز نسبتی به او داده نشده است. حین‌الفوت نیز از مال دنیا چیز قابل توجهی نداشت. یکی از فرزندان او مهندس فیروز فروهر، چند دوره نماینده‌ی مجلس بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۹ / ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۲۰ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۲ - ۲۷۱ / ۱).

فریابی، ابوبکر جعفر

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۰۱ -۲۰۷ ق)، قاضی و محدث. اهل فریاب بلخ و ساکن بغداد بود. برای کسب حدیث سفرهای زیادی کرد و در خراسان و ماوراءالنهر و عراق و حجاز و مصر و شام و جزیره بزرگان و محدثین را ملاقات کرد و از آنان حدیث شنید. چون به بغداد رسید، مورد استقبال قرار گرفت. وی در بغداد سکنی گزید و مجلس درس آراست. در مجلس او گاه در حدود سی هزار نفر شرکت می‌کردند. که در میان آنها سیصد و شانزده نویسنده‌ی حدیث بودند. او در آن جا از هدبه بن خالد و علی بن مدینی و محمد بن بندار و هیثم بن ایوب طالقانی و ابوقدامه‌ی سرخسی و قتیبه بن سعید بلخی و اسحاق بن راهویه و محمد بن حمید رازی و احمد بن فرات رازی و یونس بن حبیب اصفهانی و عبدالرحیم بن حبیب فریانی و محمد ابن زنجویه و فرزندان ابراهیم دورقی و بسیاری دیگر حدیث روایت کرد. محمد بن مخلد دوری و ابوالحسین بن منادی و ابوبکر شافعی و ابوالقاسم طبرانی و ابواحمد بن عدی و ابوبکر اسماعیلی و ابوبکر جعابی و ابوبکر آجری و ابوالحسین محمد رازی و حسن بن عبدالرحمان رامهرمزی و خلق بسیاری از وی حدیث

روایت کرده‌اند. وی در مصر و بغداد روایت حدیث کرد. خطیب بغدادی او را ثقه‌ای مورد اعتماد توصیف کرده است. فریابی مدتی قاضی دینور بود. او را یکی از بزرگان معرفت و فهم و علم خوانده‌اند. وی در بغداد درگذشت و در مقابر باب الانبار دفن شد. از آثار باقی‌مانده از وی: رساله‌ی «صفه النفاق و ذم المنافقین»؛ رساله‌ی «دلائل النبوه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۳ / ۲)، انساب سمعانی (۳۷۶ / ۴)، تاریخ بغداد (۲۰۲ –۱۹۹ / ۷)، سیر النبلاء (۱۱۱ –۹۶ / ۱۴)، شذرات الذهب (۲۳۵ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۰۵)، الکامل (۱۴۷ / ۶)، معجم البلدان (۲۹۴ / ۴).

فریدونی، براتعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

براتعلی فریدونی

محل تولد : آزاد شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب دارای تحصیلات حوزوی خارج در حوزه علمیه قم و تحصیلات دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی از دانشگاه تهران می باشم. و در حال حاضر دانشجوی علوم سیاسی در مقطع دکتری دانشگاه تهران می باشم. تحصیلات حوزوی خود را تا سطح اول در مدرسه علمیه امام خمینی کاشان گذرانده و در سال ۱۳۶۶ در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل و ادامه آن گردیده و ادامه دروس سطح و خارج فقه و اصول را در این شهر مقدس گذراندم. در کنار تحصیلات حوزوی در رشته علوم سیاسی ادامه تحصیل داده و فارغ التحصیل علوم سیاسی از دانشگاه تهران می باشم. فعالیتهای پژوهشی اینجانب در گرایش اندیشه سیاسی می باشد که حاصل آن انتشار کتابهای اندیشه سیاسی اخوان الصفا و اندیشه سیاسی ابوالحسن عامری است کتاب اول از طرف پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات به عنوان پژوهش برتر اعلام گردیده و کتاب دوم نیز به عنوان کتاب برگزیده ششمین دوره کتاب سال حوزه معرفی گردید همچنین کتابی با عنوان کتابشناسی اندیشه سیاسی حاصل همکاری مشترك است. پژوهشهای دیگری مانند اندیشه سیاسی ابن خلدون و ابوحیان توحیدی انجام داده ام که هنوز به چاپ نرسیده است. ترجمه ها و مقالاتی نیز با گرایش سیاسی دارم که در مجلات و نشریات به چاپ رسیده است همچنین در سال ۱۳۸۳ به عنوان پژوهشگر نمونه استان قم از سوی فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی گردیده ام. در کنار فعالیتهای پژوهشی و علمی در دانشگاههای مختلف به تدریس اشتغال داشته و هم اکنون نیز در دانشگاه کاشان مشغول تدریس می باشم.

فشید یزجی نسفی بخاری، ابوعلی حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۸ / ۴۲۵ / ۴۲۴ ق)، قاضی و فقیه حنفی. نسبت وی به شهر فشیدیزه یا فشیدیزج بخارا می‌رسد. وی قاضی بخارا و پیشوای اهل ری بود. به بغداد رفت و فقه آموخت. از ابن‌شبویه و جعفر بن فناکی نیز بهره گرفت. شریف سید مرتضی با او مناظره‌ای داشت. او از ابوالفضل زهری در بغداد حدیث شنید. وی همچنین در بخارا از ابی‌عمرو محمد بن محمد بن صابر حدیث شیند. شاگردانش در هر سو پراکنده شدند. آخرین کسی که از وی حدیث روایت کرده، دخترزاده‌اش علی بن محمد بخاری است. از آثارش: «الفوائد»، در فروع؛ «فتاوی القاضی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۱۵۷ / ۲)، سیر النبلاء (۴۲۶ –۴۲۴ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۲۷ / ۳)،کشف الظنون (۱۲۹۴)، معجم المؤلفین (۲۲۲ / ۳)، الوافی بالوفیات (۳۶۱ / ۱۲)، هدیه العارفین (۳۰۹ / ۱).

فضائلی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی فضائلی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهرستان گلپایگان دوران مدرسه را گذراندم و در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۵۹ با رتبه ممتاز فارغ التحصیل شدم، این سالها با تعطیلی دانشگاهها مصادف بود پائیز همان سال به خدمت سربازی رفتم در سال ۱۳۶۱ با پایان خدمت حضور داوطبانه خود را در جبهه‌های نبرد علیه تجاوز رژیم بعث عراق به میهن عزیز اسلامی ادامه دادم، سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را در مدرسه امام خمینی و رضویه گذراندم، همان سال در آزمون ارشد حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی با رتبه ۲ پذیرفته شدم. و در سال ۱۳۷۲ با درجه عالی فارغ التحصیل شدم. در آزمون اعزام دانشجو به خارج در مقطع دکتری در مجموعه حقوق رتبه اول را کسب کردم، اما به دلایلی موفق به اعزام نشدم. دروس سطح حوزه را درسال ۱۳۷۰ به پایان رساندم و ازآن سال در درس خارج فقه آیت الله وحید خراسانی شرکت می‌کردم. این دوره تا ۱۳۷۷ ادامه داشت درکنار آن از سال ۱۳۷۱ با مرکز مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی) و ساختار منطقی اندیشه سیاسی ترجمه چند کتاب از جمله: تحولات حقوقی جهان اسلام، تاریخ شیعه در هند، و ساختار منطقی اندیشه سیاسی اسلام بوده که به چاپ رسیده است. در سال ۱۳۷۷ در آزمون پذیرش دانشجویی دکتری در دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۴ با درجه عالی فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۱ به عنوان دانشجوی نمونه کشوری شناخته شده و از دست وزیر علوم، تحقیقات و فناوری لوح تقدیر و جایزه دریافت کردم. از آغاز سال تحصیلی ۷۶– ۱۳۷۵ به عضویت هیئت علمی دانشگاه قم در آمدم. مقالاتی چند نیز ترجمه و تالیف کرده‌ام که در مجلات مختلف

حقوقی مانند حکومت اسلامی، نقد و نظر، پژوهشهای علوم اسلامی، مجله حقوقی (دفتر حقوق اسلامی) به چاپ رسیده است. همچنین در همایش حقوق زن و دانشگاه مازندران (۱۳۸۲ اسفند) مقاله و سخنرانی ارائه کردم که تقدیر نامه و جایزه دریافت نمودم، در همایش بررسی فقهی حقوقی شهادت طلبی (۱۳۸۲ تابستان) سخنرانی داشته‌ام که از شبکه چهار سیما طی دو قسمت پخش شده است. تا کنون دو سفر علمی خارج از کشور(هلند و آلمان در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴ داشته‌ام) که هر کدام حدود دو ماه بوده است. در حال حاضر کتاب داد رسی عادلانه از اینجانب در دست انتشار است. طرحهایی در زمینه داد رسی عادلانه در اسلام و حقوق بین الملل، و «اصل حکومت قانون در دولت اسلامی» در دست مطالعه دارم.

فلاح رزومی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی فلاح رزومی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای علی فلاح رزومی در سال ۱۳۴۳ در خانواده‌ای دوستدار اهل بیت (ع) دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی، راهنمایی و متوسطه را در ساری گذرانده و در سن ۲۰ سالگی برای تحصیل علوم دینی به مشهد مهاجرت کردند نامبرده در کنار دروس حوزوی به تحصیل دروس دانشگاهی نیز پرداخت و در سال ۱۳۷۸ در مقطع ارشد رشته فلسفه و کلام از دانشگاه فردوسی مشهد فارغ التحصیل گشته و هم اکنون نیز در مقطع دکترا در حال تحصیل می‌باشند. ایشان همزمان با تحصیل، حوزه درسی را دایر کردند و به تربیت طلاب و دانشجویان پرداختند. ایشان ادبیات عرب را نزد حجت الاسلام و المسلمین رازینی و شرح لمعه را نزد آیت الله صالحی آموختند سپس مکاسب را نزد آیت الله واعظی و کفایه را نزد آیت الله رضازاده تلمذ کردند، پس از آن مدت مدیدی در درس خارج فقه و اصول آیت الله فلسفی شرکت کردند و نامبرده سفرهای متعدد تبلیغی نیز به خارج از کشور داشته‌اند که برخی از آنها را می توان چون عربستان و نامبیا نام برد.

فلاح، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فلاح سلوکلائی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۴

زندگینامه علمی

مشخصات فردی: محمد فلاح سلوکلایی ـ تاریخ تولد ۴/۱/۱۳۴۹ ـ شهرستان ساری

سابقه تحصیلات:

از دبستان تا پایان دبیرستان را در شهرستان ساری گذراندم.

سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه معصومیه سلام‌الله‌علیها مشغول تحصیل شدم.

در سال ۱۳۷۱ ملبس به لباس روحانیت شدم.

در سال ۱۳۷۲ برای انجام خدمت سربازی به خدمت رفتم و به عنوان مربی عقیدتی ـ سیاسی در پادگان ولی‌عصرعجل‌الله‌فرجه شهرستان ساری مشغول بودم و در سال ۱۳۷۴ مجدداً به قم بازگشتم.

در سال ۱۳۷۹ دروس سطح را تمام کرده و وارد دروس خارج فقه و اصول شدم.

بعضی از اساتیدی که از محضرشان بهره‌مند شدم: حجج اسلام موحدی، علیدوست، رضوانی و آیات عظام: وحید خراسانی، مکارم شیرازی و صالحی مازندرانی.

در سال ۱۳۷۸ وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس‌سره شده و در رشته حقوق مشغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۳ مقطع کارشناسی را به پایان رساندم.

در همان سال در مقطع کارشناسی ارشد حقوق عمومی در مؤسسه پذیرفته شده و در سال ۱۳۸۸با معدل کل ۲۱/۱۸ فارغ‌التحصیل شدم. موضوع پایان‌نامه «سازوکارهای نظارت بر حکومت در اسلام و لیبرال‌دموکراسی» بود که با نمره ۲۰ دفاع نمودم و به عنوان دانش‌پژوه ممتاز معرفی شدم.

بعضی از اساتیدی که از محضرشان بهره‌مند شدم: آیت‌الله کعبی، آیت‌الله عمید زنجانی، دکتر کدخدایی، دکتر مکرمی، دکتر راعی.

سابقه کار و فعالیت:

در سال ۱۳۶۶ به جبهه اعزام شدم و نزدیک به شش ماه در جبهه حضور داشتم.

از همان سال‌های آغازین طلبگی برای تبلیغ به شهرستان‌های مختلف و نیز به چند دانشگاه اعزام شدم.

در سال ۱۳۸۶ به مدت دو ماه معاون آموزش مرکز تخصصی حقوق و قضای اسلامی بودم. از ۱/۲/۸۷ تا۱/۲/۸۸ نیز به عنوان مدیر آموزش نیمه‌حضوری مؤسسه اشتغال داشتم.

چند سالی هم به عنوان کارشناس در واحد مشاوره معاونت فرهنگی نهاد رهبری در دانشگاه و نیز در مرکز مطالعات فرهنگی حوزه مشغول بوده و به سؤالات مختلف در حوزه حقوق زن، فلسفه احکام، حکومت اسلامی و حقوق و سیاست، پاسخ می‌دادم.

چند ترم هم به تدریس «اخلاق اسلامی» در دانشگاه و نیز «درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام» در طرح ولایت دبیران و دانشجویی مشغول بودم.

مقالات چاپ شده:

حکمت‌های تفاوت قصاص مرد و زن در اسلام. این مقاله در مجله معرفت شماره ۸۵ چاپ شد؛ این مقاله در همایش حقوق زن در دانشگاه مازندران نیز ارائه شد؛

سیمای کارگزاران دولت اسلامی از منظر امام علی علیه‌السلام. این مقاله در مجله معرفت شماره ۹۳ به چاپ رسید؛

تهاجم فرهنگی و راه‌های مبارزه با آن از منظر قرآن و نهج‌البلاغه. این مقاله در شش شماره در هفته نامه پرتوسخن چاپ شد. (شماره‌های ۱۲۵ به بعد).

فلسفی شیرازی، هدایت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل ادیب، و نویسنده‌ی توانا، از قضات دادگستری بوده، در شیراز متولد شده، و هم در آن شهر تحصیل علوم دینی و ادبی، از فقه و اصول و ادبیات عربی و فارسی نموده، در سال ۱۳۰۴ خورشیدی روزنامه‌ی «شوش» را در محمره (خرم شهر فعلی) منتشر نموده، سپس به خدمت وزارت عدلیه وارد گردیده، سالها در دادگستری به شغل قضاوت اشتغال داشته، و از قضات پاکدامن و درستکار به شمار می‌رفته.

سرانجام در سال ۱۳۳۸ خورشیدی در ضمن مأموریت اصفهان وفات یافته، در این شهر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فلسفی شیرازی، هدایت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۸ ش)، روزنامه‌نگار و قاضی. در شیراز به دنیا آمد و در همان جا علوم دینی، ادبی و عربی را فراگرفت. وی در ۱۳۰۴ ش به خوزستان رفت و روزنامه «شوش» را در خرمشهر تأسیس و منتشر کرد. پس از مدتی به تهران آمد و در وزارت دادگستری مشغول شد. وی در ضمن مأموریت به اصفهان وفات یافت و در آن شهر به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۸۶/ ۳)، تذکرۀالقبور (۵۳۹ -۵۳۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۵۴ -۱۵۳/ ۴).

فهیمی، عزیزالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیزالله فهیمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب عزیز الله فهیمی در سال ۱۳۴۰ در بخش خلجستان قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در قم و تهران سپری نمودم و تحصیلات دوره راهنمایی و دبیرستان را در تهران گذراندم. بعد از اخذ دیپلم و خدمت سربازی در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه امام صادق (ع) مقدمات را گذراندم و سطح ۲ و ۳ و ۴ را از دروس آزاد حوزه استفاده کردم که نام اساتید محترم حوزه را در جدول آتی ذکر کرده ام. از سال ۱۳۷۰ مشغول درس خارج شدم و پس از ده سال درس خارج رساله سطح ۴ خود را با عنوان مبانی و قلمرو اصل حجت در حوزه علمیه قم تدوین نمودم که این رساله در بهار سال ۱۳۸۵ دفاع گردیده است. همزمان با دروس حوزه از زمان اشتغال به سطح ۳ حوزه وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته حقوق قضایی در سال ۱۳۷۱ لیسانس گرفتم و در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه شهید بهشتی در همین رشته فوق لیسانس گرفته و رساله علمی خود در زمینه ارث اقلیتهای دینی ایران در مقایسه با قوانین اسلام را تدوین نمودم که بعدها به صورت کتاب مستقل چاپ شد. در سال ۱۳۷۷ بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه شهید بهشتی به عنوان عضو هیات علمی در دانشگاه قم مشغول تدریس شدم که منافاتی با تحصیل حوزوی هم نداشت. در سال ۱۳۸۱ برای تکمیل تخصص دانشگاهی وارد دانشگاه امام صادق (ع) تهران شدم و در رشته دکترای حقوق خصوصی مشغول تحصیل شدم که تا کنون ادامه دارد. تا کنون دهها پایان نامه علمی حوزوی و دانشگاهی زیر نظر اینجانب تدوین شده است و دهها مقاله علمی و نشریات معتبر علمی چاپ گردیده است و پایان نامه علمی سطح ۴ اینجانب نیز با عنوان مبانی و قلمرو اصل حجت در معاملات در دست چاپ می باشد. در دانشگاه در رشته حقوق قضایی در سطوح لیسانس و فوق لیسانس در دروس مختلف تدریس داشته ام. در حوزه نیز دروس مختلف فقهی و اصولی مثل لمعه و اصول و مکاسب را تدریس نموده ام.

فیروزآبادی، مجدالدین، ابوطاهر محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۱۷ / ۸۱۶ -۷۲۹ ق)، عالم لغوی، ادیب، مفسر، قاضی و فقیه شافعی. نسبش به شیخ ابواسحاق شیرازی و به روایتی به ابوبکر صدیق می‌رسید و لذا او خود را صدیقی معرفی می کرد. اصل وی از فیروزآباد شیراز است، که در کازرون به دنیا آمد و در آن جا در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. در هشت سالگی به شیراز رفت و از محضر علمای آنجا استفاده نمود، سپس به بغداد، مصر، شام، روم، حجاز، یمن و اغلب سرزمینهای شرقی مانند هند مسافرت کرد. فقه و تفسیر و حدیث و علوم مختلف را از اساتید مکانهای مختلف فراگرفت. در دمشق در محضر درس ابن‌قیم و تقی‌الدین سبکی و فرضی و شیخ خلیل مالکی حضور یافت. وی مورد عنایت شاه شجاع مظفری، حکمران آذربایجان، و امیر تیمور گورکانی و سلطان بایزیدخان عثمانی بود، بیشتر از همه در دربار ملك اشرف اسماعیل حکمران یمن تقرب یافت و داماد وی شد. مدت بیست سال قاضی شهر زبید یمن بود، تا به مقام قاضی‌القضاتی یمن و درجه‌ی شیخ‌الاسلامی رسید. و وی در زبید یمن درگذشت و در تربت شیخ اسماعیل جبروتی دفن شد. شیخ رمضان عطیفی کتابی در شرح حال فیروزآبادی نگاشته است. از فیروزآبادی حدود چهل تصنیف ذکر کرده‌اند. از آثارش: «قاموس المحیط و القابوس

الوسیط الجامع لماذهب من کلاما لعرب شماطیط»، که به «قاموس اللغه» نیز معروف است، در چهار جزء، که مهمترین اثر وی می‌باشد؛ «اللامع المعلم العجاب الجامع بین المحکم و العباب»، در شصت مجلد که پس از آن آنها را در دو مجلد خلاصه کرد؛ «بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز»، در دو مجلد؛ «الجلیس الانیس فی اسماء الخندریس»؛ «المرقاه الوفیه فی طبقات الحنفیه»؛ «البلغه فی تراجم ائمه النحو و اللغه» یا «البلغه فی تاریخ ائمه اللغه»؛ «سفر السعاده»، در حدیث و سیره نبوی؛ «نغبه الرشاف من خطبه الکشاف»؛«نزهه الاذهان فی تاریخ اصفهان»؛ «تحبیر الموشین فی مایقال بالسین و الشین»؛«الاسعاد بالاصعاد الی درجه الاجتهاد»؛ «الدرر الغالی/ الدرر الغوالی فی الاحادیث العوالی»؛ «الدرر النظیم المرشد الی مقاصد القرآن العظیم»، در تفسیر؛ «النفحه العنبریه فی مولد خیر البریه (ص)»؛ «زاد المعاد فی وزن بانت سعاد»؛ شرح «صحیح» بخاری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹ / ۸)، ایضاح المکنون (۱۰۶، ۸۵، ۸۰ / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۶۱ / ۲)، روضات الجنات (۹۷ - ۹۲ / ۸)، ریحانه (۳۶۸ -۳۶۵ / ۴)، کشف الظنون (۲۰۴۸، ۱۹۳۹، ۱۶۵۷، ۱۴۸۰، ۲۵۳ -۲۵۲، ۱۴۹، ۹۰، ۸۷، ۸۵)، الکنی و الالقاب (۳۹ -۳۷ / ۳)، قاموس المحیط (مقدمه/ ۴۸ -۴۷)، لغت‌نامه (ذیل/ فیروزآبادی)، معجم المؤلفین (۱۱۹ -۱۱۸ / ۱۲)، هدیه الاحباب (۲۱۳)، هدیه العارفین (۱۸۱ -۱۸۰ / ۲).

فیض، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فیض، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا فیض

محل تولد : مشکین شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی رضا فیض پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در ملایر و تهران در سال ۱۳۵۵ در رشته مهندسی صنایع دانشگاه

صنعتی شریف مشغول به تحصیل شدم و تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۷۰ واحد از این دوره را پشت سر گذاشتم. با پیروزی انقلاب و لزوم فعّالیّت در مؤسسات و نهادهای انقلاب اسلامی در نهاد مقدّس جهاد سازندگی مشغول به کار شدم و تا سال ۱۳۶۱ در این نهاد و نیز ستاد مردمی هیئت های هفت نفره واگذاری و احیاء اراضی کشاورزی فعّالیّت نمودم. تلاش برای به تصویب رساندن قانون و آیین نامه واگذاری و احیاء در اراضی از جمله فعّالیّتهای من در این دو نهاد است. در این زمان به علت علاقه مندی به علوم اسلامی وارد حوزه علمیّه قم شده و تا سال ۱۳۷۲ به سطح و پنج سال خارج و یک سال تخصصی تفسیر و علوم قرآنی مشغول بودم. در این سال از طرف سازمان تبلیغات اسلامی (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی) تا سال ۱۳۷۵ به بلغارستان اعزام و به عنوان نماینده فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مشغول تبلیغ و تدریس بودم. پس از بازگشت به عنوان مدیر مدرسه الهادی (ع) مشغول کار شدم و تا سال ۱۳۷۹ در این مدرسه و نیز برنامه ریزی تحصیلی و نیز ارزیابی تحصیلی مرکز مدیریّت حوزه علمیّه قم مشغول به کار شدم. در این مدت دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی (سطح ۴) را نیز پشت سر گذاشتم. در سال ۱۳۷۹ پس از طی دوره یک ساله کارآموزی قضایی وارد قوه قضائیه شدم و اکنون به عنوان دادیار در دادسرای عمومی و انقلاب قم مشغول فعالیت می باشم. از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۹ روزانه یک یا دو درس ادبیات و فقه و اصول و اخلاق نیز تدریس نموده ام.

فیضی طالب، عزیز

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیز فیضی طالب

محل تولد : الشتر لرستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عزیز فیضی طالب در خانواده ای روستایی با آداب و سنن مذهبی سنتی در اسفند ماه ۱۳۴۴ شمسی چشم به جهان گشودم. دوران ابتدایی را همزمان با اعزام سپاه دانش به مناطق روستایی و عشایری کشور در سال ۱۳۵۱ شمسی آغاز نموده و در سال ۱۳۵۵ شمسی تحصیلات ابتدایی را با موفقیت سپری کردم. دوره راهنمایی را با تشویق برادرم آغاز کرده و برای صعود از نردبان ترقی علمی از روستای زادگاه خود مهاجرت نموده و به شهر خرم آباد (مرکز استان لرستان) هجرت نمودم و تا پایان دوران متوسطه در آن دیار به تحصیل مشغول بودم که به علت اوج جنگ تحمیلی به مدت دو سال و چهار ماه در مناطق جنوب مشغول سپری کردن دوران خدمت وظیفه بودم، همین ایام در امتحان ورودی دانشگاه علوم اسلامی رضوی شرکت نموده و در آن آزمون رتبه قبولی کسب نمودم و عملاـ در آبان ماه ۱۳۶۷ تحصیل دورس حوزوی را با شیوه جدید در دانشگاه علوم اسلامی رضوی (مشهد مقدس) آغاز کردم و علاوه بر دروس پایه به مکالمه زبان انگلیسی و عربی تسلط نسبی پیدا نمودم. در سال ۱۳۷۲ همزمان با مهاجرت از شهر مشهد مقدس به قم در کنکور سراسری شرکت و در رشته حقوق دانشگاه مفید پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۶ موفق به دریافت دانشنامه کارشناسی گردیدم. پس از یک سال وقفه در سال ۱۳۷۸ در آزمون ورودی کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی

پـذیرفته شده و در سال ۱۳۸۲ از پایان نامه کارشناسـی ارشـد که بررسـی فقهی ـ حقوقی مبانی ریاست شوهر نام داشت، دفاع کردم. در فاصله ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۲ پایه و اساس تحصیلات، دروس حوزوی بود و فعالیتهای دانشگاهی در وضعیت جانبی قرار داشت. در سال ۱۳۷۹ در آزمون ورودی کانون وکلای مرکز شرکت کردم که پس از موفقیت در آزمون ورودی دوره کارآموزی را سپری کرده و در اختبـار کتبی و شـفاهی نیز رتبه قبولی دریـافت کردم و در ۲۰/۹/۱۳۸۲ پروانه پـایه وکالت دادگستری را اخـذ نمودم که اکنون با محور قرار دادن دروس حوزوی از پروانه وکالت به عنوان ابزاری برای ارتباط با عالم نظر و عمل بهره می گیرم.

قابل، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی قابل

محل تولد : تربت جام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۴/۵

زندگینامه علمی

مختصـر از زندگی علمی و سیاسـی آقای هادی قابل (جامی) در پنچم تیرماه ۱۳۳۴ شمسـی در خانواده مذهبی و روحانی متولد شد. پـدر ایشان از علمای مشـهد مقدس و امام جمعه شهرسـتان فریمان بود. در سال ۱۳۴۹ پس از اخذ مدرک شـشم ابتدایی وارد حوزه علمیـه مشـهد شـد. دروس مقـدماتی تـا شـرح لمعه را در مـدرسه مرحـوم آیت الله العظمی میلانـی گذرانـد. سـپس بـا هجرت به قم تحصـیلات خود را در حوزه علمیه قم ادامه داد تـا به درجه اجتهاد رسـید. اساتیـد ایشان در ادبیات، حضـرات آیات و حجـج اسـلام حجت هاشـمی، رضوانی، ذاکری، اسـلامی (در مشـهد مقدس) و منطق، شـرح نظام و منظومه، واعظی، آقا شیخ یحیی انصاری، نعیم آبادی و در اصول، شـهید حاج شـیخ عباس شـیرازی، احمد بهشتی، دوزدوزانی، سـتوده، موسوی تهرانی، سید علی محقق و در فقه، فاضـل هرنـدی، علوی گرگـانی، سـتوده، دوزدوزانی، طـاهری خرم آبـادی و در خـارج فقه و اصول حضـرات آیات عظام: منتظری، وحیـد خراسانی، فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، موسوی اردبیلی و یوسف صانعی بوده انـد. همچنین از محضـر اساتید بزرگوار، مشـکینی، جوادی آملی، شـهید حقانی و... دروس تفسیر قرآن، اخلاق و فلسفه را فرا گرفت. از آغاز طلبگی با مبارزات روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) آشـنا شـد. از سال ۱۳۵۳ که منبر و تبلیغ را آغـاز کرد به بیـان انـدیشه هـای امام و مبارزانی همچون مرحوم طاقانی، آیت الله منتظری، بازرگان و شریعتی پرداخت. در خرداد سال ۱۳۵۴ در مدرسه فیضیه پس از مضروب شدن، توسط مأموران گارد دسـتگیر و روانه زندان اوین شد. سـپس به سـربازی اعزام گردید که تا سال ۱۳۶۵ ادامه یافت. پس از مراجعه مجـدد به حوزه علمیه و ادامه تحصـیل، مبارزات خود را با جدیت بیشتری پیگیری کرد. در زمان اوج گیری مبارزات ملت ایران در سالهای ۵۶ و ۵۷ در شهرهای قم، نایین، تربت جام، فریمان و مشهد، هم پای ملت بزرگ ایران در تمامی صحنه ها حاضر بود.

قاسم زاده، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۶۷ ش)، حقوقدان، استاد دانشگاه و نویسنده. در بادکوبه به دنیا آمد.وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آن شهر گذراند و تحصیلات حقوق را در دانشکده‌ی حقوق پتروگراد به پایان رساند. سپس به پاریس عزیمت نمود و در رشته‌ی حقوق دکترا گرفت. در ۱۳۰۹ ش به تهران آمد و در دانشکده‌ی حقوق به تدریس پرداخت. یو چند سال ریاست دانشکده‌ی حقوق را به عهده داشت و پس از مدتی به عنوان مشاور حقوقی در وزارت خارجه به خدمت مشغول شد. سرانجام در تهران وفات یافت و در باغ طوطی‌شاه عبدالعظیم دفن شد. آثار وی: «حقوق اساسی»؛«حقوق اساسی فرانسه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۱۸۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۰ -۸۹۹ / ۴).

قاسمی طوسی، محمداسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اسماعیل قاسمی طوسی

محل تولد : نکاء

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۳/۳

زندگینامه علمی

آقای محمد اسماعیل قاسمی طوسی در دوم خرداد سال ۱۳۴۳هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان نکا دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه شهرستان بهشهر گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه بهشهر به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام الله علیها رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۸ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم، مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله صالحی مازندرانی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم سیاسی در مقطع

کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۸از دانشگاه باقر العلوم (ع) فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان جایگاه و نقش مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام دفاع کرد. وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون در دانشگاه مازندران و ساری به امر تدریس اشتغال دارد. وی درطول حیات علمی خود به امر نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل انسان معاصر، باید ها و نبایدها را به رشته تحریر در آورده است.

قاضی الحرمین نیشابوری، ابوحسین

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۵۱ ق)، فقیه و قاضی حنفی. نزد ابوالحسن کرخی و ابوطاهر بن دباس فقه آموخت و در فقه سرآمد شد. ابواسحاق در «طبقات الفقهاء» گوید: که علمای نیشابور از وی و ابوسهل زجاجی فقه آموختند. ابوبکر ابهری که خود شیخ الفقهاء بود گوید: که فقیه‌تر از ابوحسین نیشابوری در خراسان وجود ندارد. او شیخ حنفیان در زما خود بود. بیش از ده سال متولی قضاوت حرمین بود. سپس به نیشابور رفت و به قضاوت در آن شهر پرداخت. او از ابوخلیفه جمحی و حسن بن سفیان و گروه دیگری حدیث شنید. مدتی نیز متولی قضای موصل و رمله بود. حاکم نیشابوری از وی حدیث روایت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نیشابور (۱۵۱)، سیر النبلاء (۲۶ -۲۵ / ۱۶)، شذرات الذهب (۸ -۷ / ۳)، العبر (۸۷ / ۲).

قاضی القضاه همدانی اسدآبادی، ابوالحسن، ابوالحسین عبدالجبار

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۵ / ۴۱۴ ق)، عالم امامی، قاضی، متکلم، مفسر، فقیه شافعی و اصولی معتزلی. وی شیخ معتزلیان در روزگار خود بود و آنان وی را به لقب قاضی القضات ملقب ساخته بودند. از علی بن ابراهیم بن سلمه قطان قزوینی و از عبدالله بن جعفر بن فارس اصفهانی در اصفهان استماع حدیث کرد و همچنین از زیبر بن عبدالواحد اسدآبادی حفاظ و عبدالرحمن بن حمدان حدیث شنید. در بازگشت از حج به بغداد رفت و در آن جا حدیث گفت. ابوالقاسم تنوخی و حسن بن علی صیمری فقیه و ابویوسف عبدالسلام قزوینی مفسر و جماعتی دیگر از وی حدیث شنیدند. او از استادان سیدرضی و با یک واسطه از مشایخ روایت خطیب بغدادی است. مناظره‌ی شیخ مفید با او در موضوع حدیث غدیر و اصحاب جمل مشهور است که در پایان مفید را به جای خود بر مسند نشاند و گفت حقا که تو مفیدی. او به دعوت صاحب بن عباد و وزیر از بغداد به ری آمد و به تدریس مشغول شد و همچنین عهده‌دار مقام قضاوت ری و تمام توابع آن بود و در همان جا نیز درگذشت. مصنفات بسیاری در مذهب اعتزال بدو منسوب است و گویند که هزاران ورق بوده است. از آثار وی: «تنزیه القرآن عن المطاعن»؛ «علم الکیمیا»؛ «العمده فی اصول الفقه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «دلائل النبوه»؛ «امال» یا «الامالی»، در حدیث؛«طبقات المعتزله»؛ «المجتبی فی القراآت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۷ / ۴)، انساب سمعانی (۱۳۷ -۱۳۶ / ۱)، ایضاح المکنون (۴۳۰ / ۲ ،۴۷۸، ۳۲۹ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۹، ۲۷۹ / ۱)، تاریخ بغداد (۱۱۵ -۱۱۳ / ۱۱)،روضات الجنات (۱۸ -۱۶ / ۵)، ریحانه (۴۱۶ -۴۱۵ / ۴)، سیر النبلاء (۲۴۵ - ۲۴۴ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۰۳ -۲۰۲ / ۳)، العبر (۲۲۹ / ۲)، الکامل (۳۱۵ / ۷)، کشف الظنون (۱۱۰۷)، الکنی و الالقاب (۵۳ / ۳)، لسان المیزان (۲۱۳ -۲۱۱ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالجبار)، معجم المؤلفین (۷۹ -۷۸ / ۵)، الوافی بالوفیات (۳۴ -۳۱/ ۱۸)، هدیه العارفین (۴۹۹ -۴۹۸ / ۱).

قاضی جرجانی، ابونعیم فضل

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۹۳ ق)، حافظ، محدث و قاضی. از قتیبه بن سعید و همطبقه‌ی آنان در خراسان،و عیسی بن حماد و ابوطاهر بن سرح در مصر، و محمد بن مصفی و هشام بن خالد در شام حدیث شنید. ابوجعفر عقیلی و زبیر بن عبدالواحد و ابواحمد بن عدی و ابوبکر اسماعیلی و دیگران از وی حدیث شنیدند. حمزه سهمی در کتاب «تاریخ جرجان» وی را جزء علمای گرگان شمرده و شرح حالش را آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۵۷۴ -۵۷۳ / ۱۳).

قاضی رئیس نسوی، ابوعمرو، ابوعمر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۸ -۳۷۸ ق)، قاضی، فقیه، محدث، مفسر، مدرس، مفتی، ادیب و شاعر. در نسای خراسان به دنیا آمد و در آنجا نشوونما یافت، و از قاضی حسن دامانی نسوی فقه آموخت. سپس به عراق و مصر و شام و مکه مسافرت کرد و تحصیل علم نمود و از ابو بکر حیری و ابواسحاق اسفراینی در نیشابور و ابوذر هروی در مکه و ابن‌نظیف در مصر و ابوالحسن علی بن موسی سمسار در دمشق و ابومعمر اسماعیلی در گرکان حدیث شنید.او مجالس املای حدیث برپا کرد و درباره‌ی احادیث سخن گفت.ابوعبدالله فراوی و عبدالمنعم قشیری و دیگران از وی روایت کردند. وی مورد اعتماد سلجوقیان بود و در رسالت‌های مهم از وی استفاده می‌کردند. امیر طغرل بیگ او را به دارالخلافه‌ی بغداد فرستاد و وی از جانب ملکشاه سلجوقی مأموریت یافت تا دختر خلیفه را خواستگاری کند. القائم بامرالله او را عهده‌دار امر قضاوت خوارزم کرد و به وی لقب أقضی القضات بخشید. اهل خوارزم از وی حدیث روایت کرده‌اند. او دارای آثاری در زمینه‌ی «فقه» و «تفسیر» بود. وی در ادبیات نیز مهارت داشت و شعر می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۴ / ۷)، سیر النبلاء (۴۷۸ -۴۷۷ / ۱۸)، طبقات المفسرین الداوودی (۱۸۱ -۱۷۸ / ۲).

قاضی سعید، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۰۳ -۱۰۴۹ ق)، حکیم، ادیب، عارف، مفسر، محدث، محقق، قاضی و عالم امامی. معروف به قاضی سعید و ملا سعید قمی و ملقب به حکیم کوچک. از دانشمندان بزرگ شیعه و از مفاخر حدیث و حکمت و عرفان و ادبیات بود. وی از شاگردان ملا محسن فیض کاشانی و ملاـ عبدالرزاق لاـهیجی و ملاـ رجبعلی تبریزی بود. او بسیار مورد توجه و تجلیل شاه‌عباس دوم و درباریانش بود. مدتی عهده‌دار منصب قضاوت قم بود و این خود حاکی از تبحر وی در شرعیات می‌باشد. در قم درگذشت. از آثار وی: شرحی بر کتاب «توحید» صدوق، در چند مجلد؛ «اسرار الصنایع»، در صناعات خمسه‌ی قیاسیه منطقیه: شعر، خطابه، برهان، جدل و مغالطه که از «صناعیه» میرفندرسکی الهام گرفته است؛ «شرح حدیث بساط»، که در ۱۰۹۹ ق، در اصفهان، از تألیف آن فراغت یافت؛ رساله‌ی «کلید بهشت» در اشتراک لفظی اسماءالله، به فارسی؛ حاشیه بر «اثولوجیا»ی ارسطو؛ حاشیه «شرح اشارات خواجه»؛ «الاربعون حدیثا»، شرح چهل حدیث در معارف که سراسر تحقیقات علمی است؛ رساله‌ی «الاربعونیات لکشف الأنوار القدسیات»، چهل رساله، در چهل باب از معارف که هر یک از آنها را به اسمی خاص نامیده است، رساله اول «روح الصلاه»، که آن را به استادش ملا محسن فیض کاشانی اهداء نموده و دیگری «حقیقه الصلاه» و دیگری «فوائد رضویه» و دیگری «الحدیقه الوردیه و السوانح المعراجیه» و...

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۴۴ / ۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۰ -۳۳۶ / ۵)، الذریعه (۱۳۲ / ۱۸ ،۳۴۱ -۳۴۰ / ۱۶ ،۱۵۴ -۱۵۳ / ۱۳ ،۴۹ / ۷ ،۳۹۱ ،۱۱۱ ،۱۲ / ۶ ،۴۷۹ / ۴ ،۵۱ / ۲ ،۴۳۷- ۴۳۶ ،۴۱۸- ۴۱۷ / ۱)، روضات الجنات (۱۲ -۱۰ / ۴)، ریاض العلماء (۲۸۵ -۲۸۴ / ۲)، ریحانه (۴۱۳ -۴۱۲ / ۴ ،۵۹ / ۲)، الکنی و الالقاب (۵۲ / ۳)، معجم المؤلفین (۳۸ / ۱۰).

قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: حقوق عمومی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق از دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد و دکترای حقوق از دانشگاه ژنو سوئیس، دوره عالی در مدرسه ملی اداری پاریس E.N.A با بورس سازمان ملل متحد، دوره حقوق بشر و توسعه اقتصادی در چند کشور اروپائی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس: مبانی و کلیات حقوق اساسی، حقوق اساسی تطبیقی، نظامهای انتخابات، مبانی حقوق عمومی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

حقوق اساسی، حقوق عمومی، جامعه‌شناسی سیاسی، مبانی علم سیاست، جامعه‌شناسی حقوق، تاریخ و ادبیات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

حقوق و علوم سیاسی.

فرزند سیدهادی، در ۱۳۱۰ در سمنان متولد شد. بعد از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران شد و درجه‌ی لیسانس در حقوق قضائی گرفت و برای ادامه‌ی تحصیل به سوئیس رفت و دکترای علوم سیاسی از دانشگاه ژنو گرفت. پس از بازگشت به ایران، وارد سازمان برنامه شد و اولین شغل وی کارشناسی ارشد بود، بعد به معاونت دفتر نیروی انسانی سازمان منصوب گردید. در ۱۳۴۸ به وزارت کشور انتقال یافت و مدیرکل بودجه و تشکیلات آن وزارتخانه شد. در ۱۳۴۵ به عنوان دانشیار در دانشکده‌ی حقوق تهران اشتغال ورزید و چندی هم معاونت دانشکده‌ی حقوق را عهده‌دار بود. از دیگر مشاغل وی باید معاونت آموزشی دانشگاه ملی (شهید بهشتی) و معاونت اجتماعی وزارت کشور را نام برد.

دکتر قاضی در اواخر مهرماه ۱۳۵۷ از طرف شریف‌امامی به کابینه دعوت شد و به وزارت علوم و آموزش عالی منصوب گردید. وی این سمت را مشروط بر عدم مداخله‌ی فرمانداری نظامی در دانشگاه پذیرفت، ولی متاسفانه نظامیان در روز ۱۳ آبان به دانشگاه تهران هجوم بردند و دانشجویان را مجروح و مقتول ساختند و فیلم آن نیز از تلویزیون پخش شد. دکتر قاضی به عنوان اعتراض به عمل دولت، از کابینه کناره‌گیری کرد.

صاحب ترجمه، تالیفات و ترجمه‌های زیادی دارد که از تالیفات او حقوق اساسی، نهادهای سیاسی و قانون اساسی بهتر را می‌توان نام برد. از ترجمه‌های او جامعه‌شناسی، اصول علم سیاست، جامعه‌شناسی حقوق و شهروند و دولت مورد استفاده دانش‌پژوهان می‌باشد. دکتر قاضی شریعتمداری در سال ۱۳۷۶ در تهران به بیماری سرطان درگذشت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قاضی صاعد استوایی نیشابوری، ابوالعلاء صاعد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۳۲ / ۴۳۱ -۳۴۳ ق)، قاضی، فقیه حنفی، محدث و شاعر. ملقب به عمادالاسلام. در استوا، یکی از روستاهای نیشابور، به دنیا آمد. شیخ حنفیان و رئیس آنان و قاضی نیشابور بود و ریاست اصحاب رأی خراسان به وی منتهی می‌شد. چون چهره‌ای زیبا داشت به ماه نیشابور ملقب شد. علوم ادبی را در نزد پدر آموخت، سپس از محضر ابوبکر خوارزمی استفاده نمود. فقه و حدیث را از ابوعمرو اسماعیل بن نجید نیشابوری و بشر بن احمد اسفراینی و عبدالله بن محمد بن علی زیاد نیشابوری شنید. در جوانی حج گزارد و به عراق رفت و در کوفه از علی بن عبدالرحمان بکائی حدیث شنید. خطیب بغدادی و قاضی صاعد بن سیار و ابوالحسن علی بن

محمد شعری از وی حدیث شنیدند. قاضی صاعد مقام فقاهتی و قضایی والایی داشت و در حوزه‌ی درس او اغلب علمای عصر شرکت می‌کردند. او افزون بر فقه و حدیث در شعر و ادب نیز تبحر داشت و در این رشته جانشین ابوبکر محمد عباسی خوارزمی بود. به آورده‌ی بیهقی وی استاد مسعود و محمد غزنونی است و بعدها پس از به حکومت رسیدن مسعود بسیار مورد توجه او قرار گرفت. در نیشابور درگذشت. از آثار وی کتاب «الاعتقاد» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (۷۰۶ -۷۰۵)، الاعلام (۲۷۲ / ۳)، انساب سمعانی (۱۳۵ -۱۳۴ / ۱)، تاریخ بغداد (۳۴۵ - ۳۴۴ / ۹)، سیر النبلاء (۵۰۸ -۵۰۷ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۴۸ / ۳)، العبر (۲۶۴ / ۲)، کشف الظنون (۱۳۹۳)، معجم المؤلفین (۳۱۹- ۳۱۸ / ۴)، هدیه العارفین (۴۲۱ / ۱).

قاضی طباطبایی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ -۱۲۹۰ ش)، استاد دانشگاه، مورخ و مصحح. قاضی از ۱۳۳۴ ش متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات تبریز شد. تسلط وی به تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام زبانزد اکثر دانشگاهیان بود. از آثار وی: تصحیح و تحشیه «تجربه الاحرار و تسلیه الابرار»، عبدالرزاق بیگ دنبلی؛ حواشی و تعلیقات بر «تجارب السلف». از وی مقالات بسیاری در نشریه‌های کتابخانه‌ی ملی تبریز و دانشکده‌ی ادبیات تبریز به چاپ رسیده که از آن جمله: «به یاد مرحوم سید هادی سینا»؛ «کتاب و اهمیت آن در جامعه‌ی امروزی»؛ «محضر و محضرهای تاریخی»؛ «داستان یک مناظره‌ی ادبی»؛ «اشتباهات تاریخی تجارب السف»؛ «خاطراتی چند از استاد عبدالرسول خیامپور»؛ «حکم استیناف ضیاءالعلماء» را می‌توان نام برد.[۱]

ادیب، مدرس.

تولد: ۱۲۹۵.

درگذشت: ۱۸ اسفند ۱۳۶۴، تهران.

سید حسن قاضی طباطبایی از سال ۱۳۳۴ متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز شد. وی بیش از چهل سال به تدریس در دبیرستان‌ها و دانشگاه تبریز مشغول بود و مقالات تحقیقی و انتقادی وی در نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات تبریز» و «کتابخانه‌ی ملی تبریز» چاپ می‌شد. از جمله آثار اوست: تعلیقات و حواشی تجارب السلف (۱۳۵۱) و تجربهٔ الاحرار و تسلیهٔ الابرار (اثر عبدالرزاق بیک دنبلی در دو جلد، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] نشر دانش (س ۶، ش ۳، ص ۸۸).

قاضی لاغر سیستانی، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۸ ق)، قاضی و شاعر. وی از شاعران مشهور زمان خود و اهل سیستان بود که در آن جا منصب قضاوت داشت. چون در سیستان قاضی دیگری بود که فربه بود قاضی احمد به قاضی لاغر مشهور شد و گفته‌اند که وی ب علت نحیف بودن بدنش به لاغر تخلص می کرده است. گویا از حاکم سیستان رنجیده خاطر می‌شود و به قندهار مسافرت می کند. میرزا سنگلاخ نسخه‌ای از «دیوان» وی را به خط مختاربیگ قزوینی و نسخه‌ای دیگر را به خط ابوتراب اصفهانی دیده است. از اوست:

خوبان گل گلشن حیات‌اند همه

شکرلب و شیرین حرکاتند همه

از آدمیان غرض همین ایشانند

بگذار که باقی حشراتند همه

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۲۲ / ۱)، تحفه سامی (۱۱۵ –۱۱۴)، تذکره الخطاطین (۲۷۳ ،۷ / ۲)،الذریعه (۹۳۸ ،۸۷۱ / ۹)، ریحانه (۱۱۹ / ۵)، صبح گلشن (۳۵۱)، فرهنگ سخنوران (۷۳۵)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی لاغر، لاغر)، هفت اقلیم (۳۰۰ –۲۹۹ / ۱).

قاضی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد قاضی در سال ۱۲۹۲ در شهر مهاباد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود و تحصیلات متوسطه و دانشگاهی را در تهران در رشته حقوق در سال ۱۳۱۸ به پایان رسانید. در طول سا لهایی که به مشاغل مختلف مشغول بود به شعر گفتن و ترجمه می پرداخت. از سال ۱۳۵۲ با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همکاری و به ترجمه کتابهایی در این زمینه پرداخت.نخستین ترجمه قاضی , کلود ولگرد اثر ویکتور هوگو در سال ۱۳۱۷ منتشر شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : ترجمه

والدین و انساب : پدر قاضی ملا و پیشنماز بود و به گفته خودش مادری سخت متعصب و مقید به سنن آباء و اجدادی داشت. نام پدرش , میرزا عبد ا لخالق قاضی , فرزند حاجی شیخ جلال , امام جمعه شهر مهاباد بود و مادرش آمنه دختر عموی پدرش بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : قاضی درپنج سا لگی پدر خود را از دست داد و مادرش نیز پس از مرگ همسر , او و تنها خواهرش را ترک کردو با یکی از خوانین منطقه به نام فیض الله بیگی , ازدواج کرد. محمد دوران کودکی را ت حت سرپرستی مادر بزرگش در روستای چاغرلو گذراند ولی از هفت سالگی به مهاباد رفت وتحت سرپرستی قاضی علی , پدر زنده یاد قاضی محمد –قهرمان قرار گرفت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد قاضی در دبستان سعادت مهاباد به تحصیل پرداخت. او در سال ۱۳۰۷ , دبستان را به پایان رساند وشاگرد اول شد, اما چون در آن زمان مهاباد دارای دبیرستان نبود , برای مدتی از تحصیل باز ماند. در سال ۱۳۰۸ به نزد عمویش دکتر جواد قاضی آمد و در دبیرستان دارالفنون به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۱۵ دیپلم خود را در رشته ادبی دریافت کرد و در همان سال وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد. قاضی در سال ۱۳۱۸ در همین رشته فارغ التحصیل شد.

خاطرات و وقایع تحصیل : قاضی علا قمند بود که برای تحصیل به دانشکده ادبیات رفته و در آنجا نام نویسی کند , لیکن این امر به دلیـل مخالفت عمویش تحقق نیافت و وی ناچار وارد دانشـکده حقوق شـد. از جمله خاطرات خوش قاضـی در دوران دانشـجویی و افسری ارادت و آشنایی گرمی بود که با شاعره ارجمند خانم پروین اعتصامی داشت.

فعالیتهای ضـمن تحصـیل : قاضـی در مهاباد شاگردعبد الرحمن گیو که از کردسـتان عراق به مهاباد آمده بود شد تا نزد او به کاری مشغول شود. به گفته خود قاضی , پایه های فن ترجمه زبان فرانسه و عشق به ترجمه در کنار گیو , در نهادش جان گرفت.

همسـر و فرزندان : در فروردین سال ۱۳۴۲ قاضـی بـا دختری گیلانـی به نام فاطمه ازدواج کرد ولی او همیشه وی را ایران صـدا می کرد.

وقایع میانسالی : قاضـی در روز چهارم تیر ماه سال ۱۳۴۲ برای معالجه قلب همسـرش عازم لندن شد و این عمل با موفقیت انجام شد ولی پزشـکان از انجام عمل دیگری بر قلب همسـرش در آینده خبردادند که حداقل می بایست با یک فاصله چند سا له از عمل اول انجام می گرفت , در سال ۱۳۴۷ برای انجام عمل دوم آماده اعزام به لندن بود که همسرش بدرود حیات گفت. در تابستان ۱۳۴۵ به اتفاق برادران مادریش سـفری به اروپا کرد که در این سـفر به یاد ماندنی او با نویسنده مشهور آن زمان , بزرگ علوی که در برلین زندگی می کرد , ملاقات نمود. و در سفر به آلمان در سال۱۳۵۴ برای معالجه سرطان حنجره‌اش وقتی پروفسور بیمارستان خطاب به او می‌گوید: سه ماه دیر آمده‌ای و سه ماه زود. قاضـی می‌پرسد چطور ممکن است، هم زود آمده باشم و هم دیر. پاسخ می‌شنود که سرطان حنجره شما بسیار پیشرفته است، زود آمدی. اگر سه ماه دیگر دیر می‌کردی، ممکن بود غده سرطانی راه تنفس را می‌گرفت و خفه می‌کرد و دیر آمدی؛ اگر سه ماه زودتر می‌آمدی، ممکن بود سرطان به تارهای صوتی نمی‌رسید و شما قدرت حرف زدن را از دسـت نمی‌دادیـد. حالا ـ اگر راضـی به عمـل جراحی هستیـد، بایـد بدانیـد که پس از عمـل قـادر به تکلم نخواهیـد بـود و قاضـی می‌گویـد: «هیـچ مهـم نیسـت کـه مـن بعـداً خـواهم تـوانست حرف بزنـم یـا نه، مهم این است که من زنـده بمـانم». پروفسـور که از خونسردی بیمارش در مقابل از دست دادن توان حرف زدن تعجب کرده بود، می‌پرسد چطور محروم شدن از نیروی تکلم برای شما مهم نیست؟ قاضی می‌گوید: «در نظام شاهنشاهی کشور من، حرف‌زدن قدغن است.»

زمان و علت فوت : محمـد قاضـی در سال ۱۳۷۶ در ۸۴ سالگی درگـذشت و در گورسـتان مهاباد که در تپه‌ای باصـفا و مشـرف به منظره شهر واقع شده، به خاک سپرده شد.

مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : قاضی همزمان با تحصیل در دانشگاه تهران , در اداره بایگانی وزارت امور خارجه به صورت پاره وقت مشـغول به کـار گردیـد و پس از به پایان رسانـدن خـدمت سـربازی همزمان با ورود متفقین به ایران و فرار رضا شاه , در اداره بودجه اقتصادی وزارت دارایی به کار پرداخت. در اداره تصـفیه املاک واگذاری به سمت رییس دفتد دکتر رضا کاویانی مدیر کل کارگزینی وزارت دارایی منصوب گردید و بعد از آن مامور اداره جیره بندی قند و شـکر و چای تهران شد. همچنین چند ماهی نزد دوسـتش محمـد علی مفرح در بانـک صادرات کار کرد و پس از آن به عنوان مترجم در شـرکت کامپاکس نزد آقای انوشیروان به فعالیت پرداخت.

فعالیتهـای آموزشـی : در اواسـط سال ۱۳۵۲ به پیشـنهاد سیروس طاهبـاز مـدیر انتشـارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همکاری با این کانون را شروع کرد و به ترجمه کتابهایی در این زمینه پرداخت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : قاضـی علاوه بر کارهای اداری به شعر گفتن و ترجمه نیز می پرداخت ولی خود اومعتقد بود که ؛؛ من پیش از پرداختن به کار ترجمه , شـعر هم می سرودم, اما صادقانه این احساس به من دست داده بود که من هر چه شعر بگویم , هیـچ وقت یک شاعر طراز اول نخواهم شـد , این امیـد را داشـتم که اگر بهترین مترجم نیز نشوم روزی در صف مترجمان خوب و عامه پسند قرار خواهم گرفت و من مترجم خوب و بنام بودن را بر شار بد و یا حتی متئسط بودن ترجیح می دادم.

جوائز و نشانها : به ابتکار دکتر خانلری مدیر مجله ادبی سخن , هر ساله مسابقه ای برای تعیین بهترین تالیف و ترجمه ترتیب می یافت و قاضی با ترجمه کتاب ؛؛ جزیره پنگوئن ها ؛؛ که تازه از زیر چاپ در آمده بود در آن شرکت کرد و مقام دوم را بعد از ترجمه شجاع ا لدین شفاء کسب کرد . کتاب ؛؛ دن کیشوت ؛؛ توانست جائزه نخست را در سال ۱۳۳۶ کسب کند.
چگونگی عرضه آثار : محمد قاضی مترجم نامدار که قریب ۷۰ کتاب ارزشمند ترجمه و در فرهنگ جامعه به یادگار گذاشته است، یک انسان بزرگوار و دوست‌داشتنی بود که صبر و تحمل او در برابر سختی‌ها و ناکامی‌ها حیرت‌انگیز و شگفتی‌آور است. کتاب «خاطرات یک مترجم» مملو از تلاش بی‌وقفه یک انسان در برابر ناملایمات زندگی است که با همت والای خود و با گذر از فراز و نشیب‌های زمان به موفقیت‌های بزرگی نائل می‌شود. --

آثار :

۱ آ.ولکوف

۲ آنا ماریا ماتوته

۳ آناتول فرانس

۴ آنتوان دوسنت اگزوپری

۵ا.ج.دمیب نیک

۶ ابراحیم احمد از عراق

۷ امین مالوف از لبنان

۸ ایلیا ارنبورگ

۹ اینیا تسیو سیلونه

۱۰ ایوان اولبراخت از چکوسلواکی

۱۱ بلز ساندرا

۱۲ پیرل باک

۱۳ تارله

۱۴ جان اشتاین بک

۱۵ جرزی کوزینسکی از لهستان

۱۶ جزیره پنگوئنها

۱۷ جک لندن

۱۸ چالز دیکنز و چارلی چاپلین

۱۹ داستایوفسکی

۲۰ در آغوش خانواده یا با خانمان اثر هکتور ما لو

۲۱ دن کیشوت

ویژگی اثر : در مجله راهنمای کتاب , جمال زاده شرحی بر دن کیشوت نوشته بودند به این شرح؛؛...اگر سروانتس فارسی زبان بود و می خواست شاهکار خود , دن کیشوت را به فارسی بنویسد زیباتر از این نمی شد که مترجم دن کیشوت آورده است... ؛؛

۲۲ دی براون

۲۳ رومن رولان

۲۴ ژاك سرون

۲۵ ژلو بوفسکا یا

۲۶ ژول رومن

۲۷ ساده دل اثر ولتر

۲۸ شازده کوچولو اثر آنتوان دوسنت اگزوپری

۲۹ شاهزاده و گدا اثر مارك تواین

۳۰ فرانتز و رفل از اتریش

۳۱ فنلن واتبن کابه

۳۲ کایل آنستوت

۳۳ کری ولف

۳۴ کلود ولگرد اثر ویکتور هوگو

۳۵ گی دو مو پاسان

۳۶ لئون برتن

۳۷ مارسل پانیول

۳۸ مارسل نیدر گانگ از آلمان

۳۹ ماریان دوبوزی

۴۰ ماکسیم گورگی

۴۱ مالاپارته و بوکاچیو

۴۲ میگل دو سروانتس سا وهدرا

۴۳ نیکلای هایتوف و ایولن وازوف

۴۴ نیکوس کازانتراکیس و گوستاس تاکتیس

۴۵ هاروهی واسرمن

۴۶ هانس کریستین اندرسون از دانمارك

۴۷ هراند پارسور ماجیان از ارمنستان

۴۸ واتر گوستاو فلوبر

۴۹ واسیلی نیکیتین

۵۰ ویژگیهای ترجمه

ویژگی اثر : ویژگی مهم ترجمه های قاضی این است کهخواننده به هیچ عنوان گمان نمی برد که دست واسطه ای در کار بوده است و فراموش می کند که متنی را که مطالعه می کند از زبان دیگری برگردانده شده است. نثر ترجمه های او چنان شیوا و رسا است که آثار او را به واقع سرمشقی برای دیگر مترجمان ساخته است.

۵۱ ویکتور هوگو

۵۲ ویلادیمیر پوزنز

قاضی‌زاده‌ی خوارزمی، شمس‌الدین احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۸ -۹۱۸ ق)، قاضی، فقیه، ادیب، محقق، مدرس، حکیم، متکلم و ریاضیدان. در قسطنطنیه به دنیا آمد. وی شاگرد جوی‌زاده و سعدی جلبی و ملازم ملا قادری بود.در ۹۶۳ ق به قضاوت حلب، در ۹۷۱ ق به قضاوت استانبول و در ۹۷۴ ق به قضاوت عسکر روم ایلی منصوب شد. سپس به ادرنه رفت و در دارالحدیث آنجا به تدریس پرداخت. پس از درگذشت پسرش به استانبول رفت، و در اوایل سلطنت سلطان مرادخان سوم به مقام شیخ‌الاسلامی رسید. در ۹۸۳ ق به صدارت روم ایلی نامزد شد، و در ۹۸۵ ق مفتی رسمی گردید. در قسطنطنیه درگذشت و در نزدیکی جامع سلطان‌محمد فاتح دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «الهیات شرح تجرید الکلام» قوشچی؛ حاشیه بر «مفتاح العلوم» سکاکی؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ «نتایج الافکار فی کشف الرموز و الاسرار»، در تکمله‌ی «فتح القدیر» ابن‌همام، در فروع فقه؛ حاشیه بر «التلویح»، شرح «تنقیح الاصول» تفتازانی؛ شرح «هدایه الحکمه» شیخ اثیرالدین ابهری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۷۲۱، ۶۲۰ / ۲)، روضات الجنات (۳۷۸ -۳۷۵ / ۱)، ریحانه (۴۰۹ -۴۰۸ / ۴)، شذرات الذهب (۴۱۵ -۴۱۴ / ۸)، کشف الظنون (۲۰۳۴، ۲۰۳۰، ۲۰۲۲، ۱۷۶۶، ۴۹۸، ۳۴۸)، الکنی و الالقاب (۴۹ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی‌زاده‌ی افندی)، معجم المؤلفین (۱۷۱ / ۲)، هدیه الاحباب (۲۱۵).

قافی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین قافی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۴ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیّه قم شدم و از سال ۶۵ به همراه خانواده به شهر یزد عزیمت نموده و تحصیلات خود را تا سال ۷۲ در حوزه علمیّه آن شهر ادامه دادم و اکثر دروس صرف و نحو و معانی و بیان و دوره مقدّماتی فقه و اصول را نزد اساتید مبرز حوزه یزد گذراندم در کنار تحصیلات حوزوی از سال ۶۸ به صورت متفرقه در امتحانات دوره متوسطه شرکت کرده و در سال ۷۲ موفّق به اخذ دیپلم علوم انسانی گردیدم. در همان سال در کنکور سراسری دانشگاه شرکت نموده و در همان سال در رشته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی تهران و نیز رشته های حقوق و فلسفه دانشگاه مفید قم (به صورت نیمه متمرکز) پذیرفته شدم. در نتیجه

از بهمن ماه ۷۲ به قم مراجعت نموده و همزمان با تحصیلات حوزوی در رشته حقوق دانشگاه مفید مشغول به تحصیل شدم و دوره لیسانس را ظرف سه سال و نیم به پایان رساندم. قابل ذکر است که کلاسهای دانشگاه نوعا عصرها برگزار می گردید و صبح ها به دروس حوزوی اشتغال داشتم. در سال ۷۶ پس از اخذ مدرک لیسانس در کنکور کارشناسی ارشد شرکت نموده و در رشته حقوق خصوصی دانشگاه مفید پذیرفته شدم و در سال ۷۹ موفّق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد گردیم. از سال ۷۴ تا کنون در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام تبریزی، وحید، شبیری، سبحانی و قافی یزدی (ابوی محترم) دامت برکاتهم شرکت داشته ام. از الطاف بزرگ خداوند نسبت به اینجانب، این بوده که در تمام مراحل تحصیلی جزء ممتازین بوده ام به گونه ای که موفّق به احراز رتبه اول پایه دهم حوزه و نیز رتبه اول فارغ التحصیلان رشته حقوق دانشگاه مفید (سال ۷۶) گردیدم. در حال حاضر چندین سال است که به پژوهش و تحقیق در زمینه مسائل حقوق، فقهی و اصولی و نیز تدریس در این زمینه ها اشتغال دارم و با مراکز پژوهشی و آموزشی همچون پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بنیاد دائره المعارف اسلامی، دانشگاه یزد و دانشگاه قم همکاری دارم.

قربان نیا، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر قربان نیا

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

۱. ورود به حوزه علمیه قم پس از اخذ دیپلم علوم تجربی در سال ۶۲

۲. تحصیل در رشته فلسفه دانشگاه تهران در سال ۶۸

۳. تحصیل در رشته حقوق دانشگاه مفید در سال ۷۰

۴. قبولی در کارشناس ارشد حقوق بین الملل با رتبه دوم کشوری

۵. فارغ از تحصیل در سال ۷۶ با دفاع از رساله کارشناسی ارشد با نمره ۲۰

۶. ورود به مقطع دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۰

۷. دفاع از رساله دکتری در شهریور ۸۵ با درجه عالی

۸. کسب رتبه اول در پایه ششم حوزه علمیه قم با معدل عالی، رتبه دوم در پایه هفتم، رتبه اول در پایه هشتم و نهم در امتحان همزمان

۹. انتخاب کتاب اخلاق و حقوق بین الملل به عنوان رتبه اول در جشنواره کتاب سال ۷۹

۱۰. تالیف بیش از پنجاه مقاله و چاپ آن در مجلات معتبر علمی به زبان های فارسی عربی و انگلیسی

۱۱. کسب عنوان پژوهشگر برتر کشوری، استانی و دانشگاهی در سال های متوالی ۸۱، ۸۲ ، ۸۳

۱۲. تدریس در دانشگاه های قم و بعضا تهران

۱۳. عضو هیئت علمی گروه حقوق و معاون پژوهشی دانشگاه

۱۴. شرکت در بیش از صد رساله کارشناسی ارشد دانشگاه به عنوان استاد راهنما، مشاور و یا داور.

۱۵. همکاری با مراکز علمی پژوهشی حوزوی و دانشگاهی

۱۶. ارائه سخنرانی های علمی در همایش های مراکز دانشگاهی داخلی و خارجی

۱۷. انتخاب کتاب «عدالت حقوقی» به عنوان رتبه دوم در جشنواره کتاب سال ۸۲

قرشی، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجتبی قرشی

محل تولد : شهرضا قمشه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱۲/۵

زندگینامه علمی

در پنجم اسفند ماه سال ۱۳۳۹ در شهرضای اصفهان متولد شده ام با گذراندن تحصیلات ابتدائی و اول راهنمائی به دلیل علاقه مندی به دروس حوزوی و جو مذهبی خانواده در سال ۱۳۵۴ در مدرسه علمیه صاحب الزمان شهرضا به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم حدود یک سال ادبیات و احکام قرآن خواندم و پس از آن به قم سفر کرده و در مدرسه آیه الله گلپایگانی به ادامه تحصیل پرداختم و بخشی از ادبیات (سیوطی، مغنی، مبانی بیان، منطق، عقائد، عروق الوثقی، لمعتین، بخشی از مکاسب شیخ انصاری و رسائل) را در آن مدرسه خواندم. در ایام تحصیلات تابستان در شهرضا به فعالیتهای فرهنگی و تبلیغی و تدریس احکام و روش قرائت قرآن مشغول بودم با آغاز مبارزات در حد توان به صورت مخفی و گاهی عملی در حد توان در مبارزه با رژیم شاه شرکت و فعالیت داشتم ودر سالهای اولیه پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۶۴ مکاسب و رسائل (که بخشی از آن را خوانده بودم) مجددا از ابتدا نزد اساتید بزرگ حوزه آقایان ستوده و اعتمادی و کفایتین را نزد استاد ستوده خواندم و به لحاظ شرایط خاص کشور و جنگ تحمیلی عراق و دستور امام اعلام نیاز قوه قضائیه به کمک طلاب حوزه از طریق دفتر تبلیغات اسلامی پس از قبولی در آزمون ورودی و معرفی به قوه قضائیه و گذراندن دوره آموزشی علمی و عملی از اواخر سال ۱۳۶۰ همکاری خود را با قوه قضائیه و در دادگاههای انقلاب آغاز نمودم. اما این همکاری تا حدود ده سال اکثرا به صورت چند ساعت در روز همزمان اشتغال به تحصیل ادامه یافت و در این اثناء با پایان دروس سطح و اشتغال به درس خارج فقه و اصول نزد اساتید حوزه آیات فاضل لنکرانی، موسوی اردبیلی، منتظری، مکارم شیرازی، سبحانی و تبریزی مشغول بودم از سال ۱۳۶۹تا ۱۳۷۳ از طرف قوه قضائیه به استانهای کردستان و خوزستان اعزام شده و پس از پایان و انجام وظایف محوله که به فعالیتهای تبلیغی و فرهنگی و تدریس نهج البلاغه و احکام و باز خوانی دروس حوزه (کفایتین) پرداختم از سال ۱۳۷۳ تا۱۳۷۹ مستمراً در درس خارج فقه و اصول آیه الله سبحانی

شرکت کرده و در سال ۱۳۷۵ بخشی از تقریرات درس ایشان را به نام (رساله فی الجبر و الاختیار) به زبان عربی نگاشته و با تقریظ استاد به چاپ رساندیم و همزمان کتاب دیگری را به نام صلاحیتهای قانونی دادگاههای انقلاب تدریس نموده و چاپ و منتشر نمودم. با ثبت نام در قسمت مدارج علمی حوزه مقطع سطح چهار وتصویب موضوع پایان نامه به نام « رساله فی علم القاضی » چندین ماه به تحقیق و نگارش آن مشغول شده و پس از اتمام آن و دفاع از رساله در حضور آیه الله معرفت و سایر اساتید موفق به اخذ مدرک سطح چهار شدم و یکی از اساتید حوزه آیت الله لاجوردی نیز با ملاحظه آن رساله و مطالعه آن اجازه روائی و اجتهاد نویسنده را گواهی فرمود در سال ۱۳۸۱ در آزمون سراسری دانشگاه آزاد در مقطع کارشناسی ارشد شرکت نموده و در رشته مذکور در دانشگاه قم دائر شده لذا آن را گذرانده و موفق به اخذ مدرك کارشناسی ارشد در آن رشته شدم. موضوع پایان نامه به پیشنهاد اساتید تکمیل تحقیقات در زمینه اعتبار علم قاضی و جایگاه آن در فقه و قوانین جزائی ایران بود که با نگارش و دفاع از آن به عنوان پایان نامه برتر و به قول اساتید درحد پایان نامه مقطع دکترا انجام شده و پایان پذیرفت در سال ۱۳۸۲ با شرکت در آزمونی دیگر در رشته علوم قرآن و حدیث در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه دولتی قم قبول شده و در آن رشته مشغول تحصیل شدم و تمامی تحقیقات و مقالات مربوطه به علوم قرآن و حدیث که نام آنها در صفحات قبل ذکر شده در ظرف زمانی سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۴ نگارش یافته و بعضا پس از تکمیل به صورت کتاب قابل ارائه و انتشار است این دوره نیز با انتخاب موضوع در بررسی تحلیل علوم قرآنی در تفسیر نمونه به عنوان پایان نامه و دفاع از آن پایان پذیرفت سال ۱۳۸۵ موفق به اخذ مدرك کارشناسی ارشد در آن رشته نیز شدم از سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ علاوه بر اشتغالات قضائی و درسی با مرکز مشاوره حوزه علمیه قم در زمینه مشاوره حقوقی و با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه واحد تدوین متون همکاری و در تدوین برخی از کتب نظیر قتل عمد و محاربه و افساد فی الارض و برخی موضوعات دیگر نظارت و دخالت داشتم و از آن پس تاکنون نیز به تکمیل برخی از تحقیقات گذشته مشغول می باشم و ما توفیق الا با الله العزیزالحکیم و الحمدلله رب العالمین.

قزوینی قوام الدین، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۵۰ / ۱۱۴۹ / ۱۱۴۰ ق)، عالم امامی، فقیه، قاضی، ادیب و شاعر. مشهور به میرزا قوام‌الدین. وی از شاگردان و خواص شیخ جعفر کمره‌ای اصفهانی قاضی و در ۱۱۰۷ ق از علامه مجلسی به دریافت اجازه نایل شد. او مهارت بسیاری در سرودن شعر داشت و کتابهای چندی را به نظم کشید و قصائد و مقطعات در درود بر پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) و اشعار زیادی در مراثی از خود به یادگار گذاشت. او به هنگام بازگشت از مکه درگذشت. از آثار وی: نظم «اللمعه الدمشقیه»، به نام «التحفه القومیه فی فقه الامامیه»؛ «ارجوزه فی الحساب» به نام «نظم الحساب»، نظم «خلاصه الحساب» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی الاسطرلاب»، نظم «صحیفه الاسطرلاب» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی اصول الفقه»، نظم «زبده‌ی» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی الطب»، به نام «مفرح القوام»؛ «منظومه البیان»، ارجوزه‌ای در علم بیان؛ «ارجوزه فی التجوید»، که نظم «الشاطبیه» است؛ «ارجوزه فی النحو»، به نام «الصافیه»، که نظم «الکافیه» ابن‌حاجب است؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۷۴ / ۱۰ ،۴۱۲ / ۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۱ / ۵)، تذکره‌ی روز روشن (۶۶۶)، تذکره المعاصرین

(۱۲۱ -۱۱۹، ۴۶)، الذریعه (۲۱۰ -۲۰۹ / ۲۴، ۴۸۷ / ۹، ۲۲۵ / ۷، ۴۶۲ / ۳، ۵۰۴، ۴۹۰، ۴۸۵- ۴۸۴، ۴۸۲، ۴۷۲- ۴۷۱، ۴۶۴، ۴۶۱، ۴۵۵، ۴۵۲ / ۱)، ریحانه (۴۹۳ -۴۹۲ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۷۵۰)، فوائد الرضویه (۶۲۲-۶۲۱)، الکنی و الالقاب (۹۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قوام‌الدین)، معجم المؤلفین (۳۰۴ / ۱۱)، هدیه الاحباب (۲۲۱).

قزوینی، تاج‌الدین، ابوالحسن علی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۵ ق)، قاضی، محدث، فقیه شافعی، مدرس، ادیب و لغوی. اصل وی از قزوین و در بغداد ساکن بود و در مدرسه‌ی نظامیه بغداد تا پایان عمر تدریس می‌نمود. از آثارش: شرح «مصابیح السنه» بغوی؛ «المحیط بفتاوی اقطار البسیط»؛ «الرغاب»، در تصریف؛ «العجاب»، در نحو، و شرح آن؛ «اللطائف»؛ شرح «المقامات الحریری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۷ / ۵)، معجم المؤلفین (۱۸۱ / ۷)، هدیه العارفین (۷۱۹ / ۱).

قزوینی، عمادالدین، ابوعبدالله زکریا

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۸۳ / ۶۸۲ -۶۰۵ / ۶۰۰ ق)، عالم، ادیب، قاضی، فقیه، محدث، مورخ، جغرافیدان و خطاط. معروف به عماد قزوینی. نسبش به مالک بن انس انصاری خادم پیامبر (ص) می‌رسد. در قزوین به دنیا آمد. در جوانی به شام رفت و پس از تحصیلات به عراق مسافرت کرد. او شاگرد اثیرالدین ابهری حکیم بزرگ ایرانی بود. ابن‌طاووس، سید غیاث‌الدین عبدالکریم بن احمد بن طاووس، مجلس او را درک نموده است. وی در ۶۵۰ ق قاضی حله و در ۶۵۲ ق قاضی واسط شد و تا آخر عمر عهده‌دار آن منصب بود.در واسط درگذشت و پیکرش به بغداد نقل و در مقبره‌ی شونیزیه دفن شد. از آثار وی: «آثار البلاد و اخابر العباد»، در جغرافی، که ظاهرا در «کشف الظنون» به نام «عجائب البلدان» نیز آمده است؛ «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات»، به عربی، در وصف کائنات، در دو مقاله: مقاله نخست در علویات و مقاله دوم در سفلیات به نام سلطان معزالدین شاپور. این دو کتاب گرچه هر کدام کتابی مستقل است اما در حقیقت حکم دائره‌المعارف واحدی درباره عالم و موجودات و مخلوقات و بلاد و آثار آن دارد و این کتاب به فارسی و آلمانی و ترکی ترجمه شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۸۰ / ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۱ -۲۷۹ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۶)، الذریعه (۲۱۹ / ۱۵، ۷ / ۱)، روضات الجنات (۳۷۳ / ۳)، ریحانه (۴۵۳ / ۴)، کشف الظنون (۱۱۲۸ -۱۱۲۷، ۱۱۲۶، ۹)، الکنی و الالقاب (۶۲ -۶۱ / ۳)، معجم المؤلفین (۱۸۳ / ۴)، مینودر (۸۳۷،۵ -۳ / ۲)، هدیه الاحباب (۲۱۶)، هدیه العارفین (۳۷۳ / ۱).

قمی، سعید

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه خونساری در باب سین ص ۳۰۱ روضات الجنات گوید، القاضی سعید بن محمد مفید القمی اوست مولا و فاضل حکیم بارع عارف متشرع ادیب کامل محقق صمدانی که در بعضی از نوشته‌هایش از خود تعبیر به بنده ملتجی به درب صاحبان توحید محمد معروف به سعید نموده است.

دست بازی در مراتب ولایت و عرفان و روش عالی بر طریقه اهل معرفت و وجدان دارد. وی از بزرگان فضلاء حکمت و ادب و حدیث و تأویل و مؤید به روح‌القدس در استنباط نکات و دقایق خفیه و اطلاع بر اسرار و ضمایر و مکاشفات بوده است.

در عصر شاه صفی صفوی ریاست روحانیت و علمیت شهرستان قم با وی بوده و در بین مردم قضاوت و داوری می‌نموده و در شرعیات نهایت تسلط را داشته است.

بیشتر و عمده تلمذ و شاگردیش در محضر محدث بزرگوار مولانا محمد محسن فیض کاشانی بوده شباهت تامی در مشرب و روش به خواهرزاده‌اش شیخ نورالدین که به منزله پیراهن تن او و زبان وی در ظاهر و باطن بوده داشته است.

تألیفات و آثار ارزنده بسیاری دارد در حدیث و اخلاق که بعضی از آن را اشاره می‌نمایم:

۱- شرح کبیری بر کتاب توحید صدوق در چندین مجلد، ۲- کتاب اربعینیات که در او چهل رساله جمع کرده که از هر کدام چهل باب از بابهای معارف و تحقیقات باز می‌شود و آن از بهترین تصنیفات شیعه است.

قبر شریف این بزرگوار در نزدیک قبر جناب شیخ ابوالحسن علی بن بابویه در کنار خیابان ارم مقابل پارک فعلی شهرداری شهرستان قم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قوام، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عبدالعلی قوام ،پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه تحصیلات دانشگاه خود را در مقطع رشته کارشناسی علوم سیاسی در دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) اغاز و در سال ۱۳۴۷ بپایان رسانید.نامبرده برای تکمیل معلومات دانشگاهی ابتدا به آمریکا و بعد انگلستان عزیمت کرد و موفق به اخذ مدرک دکترای علوم سیاسی- دانشگاه ابردین، انگلستان، ۱۹۸۰م شد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه علوم سیاسی, دانشکده علوم اقتصاد و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : علوم سیاسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی و دانشگاهی عبدالعلی قوام به ترتیب زیر است: کارشناسی « علوم سیاسی »- دانشگاه ملی ایران ۱۳۴۷. کارشناسی ارشد « اداره امور دولتی »- دانشگاه ایلی‌نوی (شمپین- اوربانا)، آمریکا، ۱۹۷۳. کارشناسی ارشد « تئوری اجتماعی و سیاست عمومی »- دانشگاه ابردین، انگلستان ۱۹۷۵ دکترای علوم سیاسی- دانشگاه ابردین، انگلستان، ۱۹۸۰. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و اجرایی عبدالعلی قوام به قرار زیر اس: از ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹رئیس مرکز آموزش و پژوهش سازمانهای محلی وشهرداریهای کشور از ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۲مدیر گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی دکتر عبدالعلی قوام به ترتیب زیر است: ۱۳۵۷- ۱۳۶۷استادیار علوم

سیاسی و روابط بین‌الملل ۱۳۶۷– ۱۳۷۷دانشیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از ۱۳۷۷ استاد تمام، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مطالعاتی عبدالعلی قوام : توسعه سیاسی، تجزیه و تحلیل سیاست خارجی، نقد و ارزیابی نظریه‌های روابط بین‌الملل، سیاستهای مقایسه‌ای، جهانی شدن، روابط بین‌المللی فرهنگی، رسانه‌های جمعی و روابط بین‌الملل، سیاست خارجی قدرتهای بزرگ، مسائل شرق اروپا، آسیای مرکزی و روسیه. چگونگی عرضه آثار : تعداد مقالات علمی منتشر شده در مجلات علمی : ۳۱ مورد آثار : « اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل » ویژگی اثر : انتشارات « سمت » ۱۳۷۱، انتخاب کتاب برگزیدهٔ سال ۱۳۷۱– چاپ یازدهم ۱۳۸۴. ۲ « توسعه سیاسی و تحول اداری » ویژگی اثر : انتشارات قومس، ۱۳۷۳. ۳ « سیاستهای مقایسه‌ای » ویژگی اثر : انتشارات « سمت » ۱۳۷۶. ۴ « نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی » ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۴. ۵ تألیف کتاب « اهمیت و مسائل حوزه اقیانوس آرام » ویژگی اثر : با همکاری مریم دفتری، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰. ۶ ترجمه و تحقیق « مبانی دیپلماسی: چگونگی مطالعه روابط میان دولتها » ویژگی اثر : انتشارات قومس ۱۳۶۷. ۷ ترجمه و تحقیق کتاب « تحولات سیاسی و اجتماعی اروپای شرقی تا ۱۳۴۵ » ویژگی اثر : انتشارات قومس ۱۳۶۹. ۸ جهانی شدن و جهان سوم ویژگی اثر : انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲. ۹ چالش‌های توسعه سیاسی ویژگی اثر : انتشارات قومس، ۱۳۸۱۱۰ روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها ویژگی اثر : انتشارات سمت، ۱۳۸۴.

قوام،عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم سیاسی، دانشکده: اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم سیاسی از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد اداره امور دولتی از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۵۲، کارشناسی ارشد تئوری اجتماعی و سیاست عمومی از دانشگاه ابردین انگلستان در سال ۱۳۵۴، دکترای علوم سیاسی از دانشگاه ابردین انگلستان در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۱، استادیار دانشگاه اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۵، دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۵.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

توسعه نیافتگی اقتصادی و سیاسی در ایران، سیاست عدم تعهد، پایگاه اجتماعی– سیاسی روشنفکران در فرآیند سیاسی جامعه ایران، مشارکت سیاسی ملت ایران از مشروطه تا سال ۱۳۵۷، تحولات حقوق بشر در صحنه سیاست بین‌الملل، مبانی گرایش در رفتار سیاسی، مطالعه مقایسه‌ای سیستم‌های حزبی، نقش استعمار در تشدید اختلافات در خاورمیانه، بررسی برنامه‌های فارسی صدای آمریکا و آلمان و بی‌بی‌سی، ابزارهای استیلای آمریکا بر جهان سوم، تدریس دروس اصول روابط بین‌الملل، نوسازی و توسعه

سیاسی، سیاست خارجی قدرتهای بزرگ، مسائل اقتصادی و سیاسی شوروی و اروپای شرقی، تئوریهای روابط بین‌الملل در دانشگاههای شهید بهشتی، الزهرا، امام صادق (ع)، علامه طباطبایی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۲ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اهمیت و مسائل اقیانوس آرام، اصول سیاست بین‌الملل، تحولات سیاسی و اجتماعی اروپای شرقی، فرهنگ سیاسی و مبانی دیپلماسی در زمینه روابط بین‌الملل.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

فرآیند مردمی کردن نظام اداری، بوروکراسی در دموکراسی در زمینه علوم سیاسی و اداری، آثار بی‌طرفی در روابط بین‌الملل، زوایای سیاسی برنامه‌ریزی در نظام‌های کثرت‌گرا، آثار استراتژی عدم تعهد در روابط بین‌الملل، موقعیت اقتصادی و استراتژیکی اقیانوس آرام، آثار موازنه قدرت در روابط بین‌الملل، انقلاب ورفورم، معمای تئوری‌سازی در باب توسعه سیاسی در رشته سیاست‌های تطبیقی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قهستانی، ابوسلیمان زافر

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوم ق)، محدث، مدرس و قاضی. معروف به ابوسلیمان ایادی. وی از طبقه‌ی اتباع‌التابعین و از دومین گروه راویان و ناقلان احادیث نبوی (ص) است. در کوفه به دنیا آمد.در کوفه، بغداد، سیستان، ری، قهستان، گرگان و دیگر شهرها به تحصیل و تدریس حدیث پرداخت. مدتی قاضی سیستان شد. سپس به ری مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد. وی در سفرهای بین ایران و عراق مایحتاج عمومی را از قهستان به عراق انتقال می‌داد و به امر تجارت مشغول بود. وی از شعبه بن حجاج و مالک بن انس و اسرائیل و سفیان ثوری و عبدالملک بن جریح و عبدالعزیز بن ابی رواد و رقاه ء بن عمر و عبیدالله و صاف و ابوسنان شیبانی و ابوبکر هذلی و جعفر احمر حدیث شنید و از آنها اجازه‌ی روایت گرفت. یعلی بن عبدالله/ عبید و حسین بن علی جعفی و ابونضر هاشم بن قاسم و حسن بن عرفه و یحیی بن معین و محمد بن بکار بن ریان و خلف بن تمیم و محمد بن مقاتل مروزی و محمد بن سعید اصفهانی و عبیدالله بن موسی نیز از وی حدیث روایت کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۵۶۵ / ۴)، بزرگان قائن (۱۹۹ -۱۹۶)، تاریخ بغداد (۴۹۵ -۴۹۴ / ۸)،تاریخ الکبیر (ج ۲، ق ۴۵۱ / ۱)، تاریخ نیشابور (۷۶)، تهذیب التهذیب (۲۷۱ -۲۷۰ / ۳)، الجرح و التعدیل (ج ۱، ق ۶۲۵ -۶۲۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ زافر).

قیاسی، جلال الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال الدین قیاسی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

با گرفتن دیپلم ریاضی در سال ۱۳۵۵ وارد دانشگاه شده و در رشته مهندسی آبیاری به تحصیل خود ادامه دادم. پس از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها از ادامه تحصیلات دانشگاهی منصرف و درسال ۱۳۶۰ جهت فراگیری علوم اسلامی به حوزه علمیه قم آمدم. دروس مقدمات و سطح را طی ۸ سال نزد اساتیدی همچون آیت الله اشتهاردی، اعتمادی ستوده، وجدانی فخر و کریمی جهرمی گذراندم و از سال ۱۳۶۸ در درس خارج اساتیدی همچون آیت الله سبحانی، وحید، تبریزی و مکارم شیرازی شرکت نمودم. در سال ۱۳۶۸ مجددا به تحصیلات دانشگاهی پرداختم و در سال ۱۳۷۲ از دانشگاه تهران (پردیس قم) لیسانس حقوق و در سال ۱۳۷۵ از دانشگاه شهید بهشتی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی و در سال ۱۳۸۳ از دانشگاه تربیت مدرس تهران دکترای حقوق خود را در رشته حقوق جزا و جرم شناسی دریافت کردم. از سال ۱۳۷۳ به تدریس و تالیف و تحقیق در مراکز آموزشی و تحقیقاتی پرداخته ام.

کاتوزیان، امیر ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر امیر ناصر کاتوزیان سال ۱۳۱۰ شمسی در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان اقبال و دوره متوسطه را در دبیرستان علمیه گذراند و دوره‌های عالی و تکمیلی را تا اخذ مدرک دکتری رشته حقوق خصوص و اسلامی در دانشگاه تهران سپری کرد. وی از سال ۱۳۴۳ با درجه استادیاری به تدریس در دانشگاه تهران پرداخت نامبرده در سال ۱۳۵۱ به درجه استادی تمام وقت گروه حقوق خصوصی و اسلامی با پایه یک استادی نائل آمد. تألیف ۴۲ جلد کتاب در زمینه‌های حقوق مدنی، فلسفه حقوق و آیین دادرسی و ارائه حدود ۴۰۰ مقاله علمی در زمینه قضایی از جمله فعالیت‌های علمی دکتر کاتوزیان است.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق خصوصی و اسلامی

والدین و انساب : پدر امیر ناصر کاتوزیان وکیل موفق و مشهوری بود و مادر محترمشان هم خانه دار است.ایشان نیز چهار برادر

ناتنی بنامهای مرحومان رضا و اصغر که به رحمت ایزدی پیوسته اند و محمد و عباس در قید حیاتند،دارد.

خاطرات کودکی : دکتر ناصر کاتوزیان از دوران کودکی خود چنین می گوید: در دوم اردیبهشت ماه ???? در تهران به دنیا آمدم. محله زندگی ما خیابان ری، کوچه دردار بود. در خانه ای متولد شدم که، متاسفانه، آن را خراب کرده اند.کودکی من نیز تقریبا مثل کودکی دیگران گذشت برای تحصیل به دبستان اقبال میرفتم انتهای خیابان آبشار در محله دروازه دولاب (این دبستان هنوز هم بر جای خودش باقی است). اگر بخواهم خاطره ای از آن ایام ذکر کنم باید بگویم که در محله ما جوان ها دوست داشتند هرچه بیشتر ابراز قدرت نمایند و حریف بطلبند و غالبا با همدیگر دعوا میکردند و قهرا من هم از کتک خوردنها بی نصیب نمی ماندم! جو و فضای غالب این محیط موجب شد که من در یکی از تابستانها با سماجت تمام به ورزش بپردازم. این روحیه ورزشکاری، هنوز هم در من باقی مانده است. به مرور این فکر به ذهنم چیره شد که اگر بخواهم سالم زندگی کنم باید "قوی" باشم. استادم، مرحوم سنگلجی، میگفت: برای انسان یک سانتی متر شاخ بهتر از سه متر دم است! و من در طول زندگی این گفته طنز مرحوم سنگلجی را کاملا احساس کردم و به این نتیجه رسیدم که آدمیزاد در هر محیطی که زندگی میکند باید قوی باشد، حالا اگر در محیط دانشمندان قرار گرفت باید سلطه خودش را از نظر عقلی و علمی ثابت نماید و اگر در محیط اشخاصی که اهل دعوا و نزاع هستند قرار بگیرد باید بتواند خود را در آن جمع حفظ کند. غریزه صیانت نفس چیزی استکه هرگز نمیتوان آن را انکار کرد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر کاتوزیان دوران ابتدایی اش را در دبستان اقبال در خیابان «شهباز» به اتمام رسانده و دوران دبیرستان را در دبیرستان علمیه طی می کند و پس از نقل مکان به خیابان «آب منگل» در خیابان ری در همان دبیرستان می ماند تا اتمام این دوران. دکتر کاتوزیان با کلاس پنجم نظام قدیم رشته علمی را دنبال می کند و در کلاس ششم آن زمان رشته ادبی را انتخاب می کند، در همان رشته ادبی در ایران شاگرد اول می شود و موفق به دریافت مدال درجه? علمی برای اولین بار در ایران می شود. همین دریافت مدال مشوق او می شود برای ادامه تحصیل. او با انتخاب رشته حقوق تحصیلات خود را در دانشگاه ادامه می دهد و در این رشته موفق به کسب مدال درجه یک علمی این رشته می شود. با فوت پدر در سال دوم دانشگاه ضربه بزرگی به دکتر کاتوزیان وارد می شود و این ضربه باعث می شود تا او از رفتن به وزارت امورخارجه پشیمان شود و رشته قضا را انتخاب کند. او در این رشته در مقاطع مختلف تا دکترا همواره با عنوان شاگرد اولی فارغ التحصیل می شود و رساله اش را در سال???? باعنوان «وصیت» به پایان می رساند.

خاطرات و وقایع تحصیل : امیر ناصر کاتوزیان از خاطرات دوران تحصیل چنین به یاد دارد": من لازم میدانم از معلم عارف خودم مرحوم میرافضلی که به مثنوی بسیار علاقه داشت و درس عربی را به صورت تجزیه و ترکیب نهج البلاغه برای ما میگفت، یاد کنم. ایشان وقتی وارد کلاس میشد دو بیت از مثنوی را با صدای شکسته و لرزان میخواند و بچه ها بی نهایت برای این پیرمرد احترام قائل بودند و مطلقا در کلاسش لودگی و شیطنت نمیکردند. بی گمان اولین جرقه های عرفان و فلسفه توسط ایشان در ذهن و ضمیر من روشن شد. مرحوم میرافضلی قطعه ای از نهج البلاغه را سر کلاس مینوشت و بعد آن را معنی و تجزیه و ترکیب میکرد و صرف و نحو را به این طریق به ما می اموخت ".پدرم اصرار داشت که من وارد دانشکده حقوق شوم و رشته علوم سیاسی بخوانم و در وزارت خارجه مشغول به کارشوم. من هم بر اثر همین تمایل او وارد دانشکده حقوق شدم، اما دانشجوی سال دوم بودم که، متاسفانه، پدرم فوت کرد. آن روزها در وزارت خارجه کسانی را که آشنا یا قوم و خویشی در آنجا داشتند می پذیرفتند و غالبا ورود افراد متفرقه ـ حالا هر چه قدر هم که لیاقت و شایستگی داشته باشند ـ دشوار بود. از همینرو، تصمیم گرفتم که به رشته قضایی بروم. در رشته قضایی چون مغزم به ریاضیات و استدلال بیشتر توجه داشت تا به مسائلی که میباید "حفظ میشد"، توفیق بیشتری پیداکردم و در دانشکده حقوق دوباره صاحب رتبه اول شدم. در همین زمان قرار شد که محصلین برتر ایرانی را برای ادامه تحصیل به خارج بفرستند). ???? (در آن دوران، مرحوم دکترمصدق به عنوان نخست وزیری بسیار محبوب که در دل غالب مردم و عمدتا

جوان ها جای خاصی داشت، بر سر کار بود و شاه هم با مصدق سر ستیز داشت. روزی که قرار بود شاه به من مدال درجه یک علمی بدهد، به عنوان اعتراض به رفتار شاه نسبت به مصدق، در آن جلسه اهدای مدال حاضر نشدم، و همین باعث شد که بورس تحصیلی را حذف نمایند و من از تحصیل در خارج محروم شوم. در دوره لیسانس، کشش فوق العاده ای به فرهنگ اسلامی پیدا کردم، به طوری که ورقه امتحانی اصول مرا که مرحوم استاد محمود شهابی ملاحظه کرد، از این که دانشجویی از تمام کتب فقها و اصولیین شاهد و مثال می اورد و ادله و براهین برای اثبات موضوع ذکر میکند، بسیار متعجب شد. پس از آن، ورقه مرا مهر و موم کردند و گفتند که آن را به قم می فرستیم تا آقایان مراجع و طلاب ببینند که ما در دانشکده حقوق چه جور دانشجویانی داریم.

فعالیتهای ضمن تحصیل : فعالیت های ضمن تحصیل دکتر کاتوزیان بزبان خودش ":در دوران تحصیل در دبیرستان هم رئیس انجمن ورزش بودم و هم رئیس انجمن موسیقی. آن سال در رشته ادبی نیز شاگرد اول شدم و مدال درجه دوم علمی را به همین مناسبت به من دادند). ???? (البته باید بگویم که در موسیقی، من ساز به خصوصی نمیزدم، اما به ردیف های ایرانی تسلط داشتم و آنها را میشناختم. اما برخی از همکلاسی های من هم اکنون در موسیقی اشخاص سرشناسی هستند: مثلا مهندس همایون خرم عضو انجمنی بود که من سرپرست آن بودم و ایرج در آنجا خواننده، و ناصر ملکمطیعی کاراکتر، و دکتر بهمن نیاکان نوازنده ویلن هم عضو این انجمن بود. در مجموع در دبیرستان علمیه فعالیتهای خارج از برنامه باعث جلب توجه معلمین و مدیر مدرسه میشد. از همین رو اصرار کردند که من در همان دبیرستان بمانم و رشته ادبی بخوانم".

استادان و مربیان : اساتید امیر ناصر کاتوزیان به قرار زیر است که وی از آنها چنین یاد می کند: استاد محمد سنگلجی " ایشان به نوعی هم ذوق فقهی را در من بیدار نمودند و هم ذوق عرفانی را. من هم در درسهای مثنوی و هم در دیگر درسهای ایشان در خارج از کلاس حاضر میشدم و استفاده میکردم. به ویژه منش عرفانی و بی پیرایه ای که ایشان داشت در من ذوقی اخلاقی ایجاد کرد،"مرحوم دکتر سیدحسن امامی"دیگر استادی بود که بسیار بر من تاثیر گذاشت. بلند نظری و دیده باز ایشان از جمله صفات پسندیده ای بود که بسیار به چشم می امد و جلب نظرمیکرد. دکتر امامی قانون مدنی را از روی کتاب منصور السلطنه عدل میخواند و برای ما توضیح میداد و مطالبی را نیزخودش بر مواد آن کتاب اضافه میکرد و به ما درس میگفت،"استاد عمید و مرحوم استاد شهابی " ایشان به واقع "مجسمه تقوا و علم" برای من بود.

هم دوره ای ها و همکاران : مهندس همایون ، ناصر ملکمطیعی کاراکتر و دکتر بهمن نیاکان از همدوره ایهای امیر ناصر کاتوزیان بوده اند.

همسر و فرزندان : امیر ناصر کاتوزیان در سال ???? در سن ?? سالگی ازدواج می کند که حاصل آن دو فرزند پسر است که یکی از آنها دکترای روانشناسی بالینی دارد و در حال حاضر مقیم آمریکا است و دیگری مهندس الکترونیک است و در همان دیار زندگی می کند.

وقایع میانسالی : امیر ناصر کاتوزیان بعد از انقلاب فرهنگی و در جریان پاکسازی دانشگاهها به انفصال ابد از خدمات دولتی محکوم شد. مدت یازده سال او به تحقیق مشغول بود تا این که در سال ۱۳۷۰ رأی پاکسازی شکسته شد و به این ترتیب استاد را به دانشکده حقوق برگرداندند. دکتر کاتوزیان از جمله نویسندگان نخستین پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی است .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : خدمات علمی و اجرایی امیر ناصر کاتوزیان •: ۱۳۴۵ –۱۳۷۹ ,رئیس دادگاه بخش و شهرستان و مشاور دادگاه استان و معاون اداره حقوقی,کانون وکلای دادگستری • ۱۳۳۱ –۱۳۴۳ ,رئیس دادگاه بخش و شهرستان و مشاور دادگاه استان و معاون اداره حقوقی,دادگستری • ۱۳۵۴ مدیر گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشگاه تهران • ۱۳۳۴ ریاست دادگاه بخش اراک • ۱۳۴۳ استادیار حقوق مدنی در دانشگاه تهران • ۱۳۵۱ استاد گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشگاه تهران

فعالیتهای آموزشی : عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط دکتر کاتوزیان: کارشناسی • فلسفه حقوق کارشناسی ارشد • حقوق

مدنی ۱ • مسئولیت مدنی دکتری • حقوق مدنی پیشرفته ۱ • حقوق مدنی پیشرفته ۲ • مسئولیت مدنی تطبیقی

آرا و گرایشهای خاص : امیر ناصر کاتوزیان معتقد است ":انسان اندیشمند در برابر این پرسش که از کجا آمده و به کجا میرود و قانون حرکت او چیست، درمانده. در جستجوی وطن مالوف به هر تلاش دست میزند و کمتر به معلوم میرسد. جهان مادی را مسخر کرده است و بر بام آسمان نشسته، ولی راز آفرینش را دور از دسترس خود میبیند و هر زمان که پا از دایره محسوس بیرون مینهد، عقل را ناتوان و پای استدلال را چوبین میابد. فلسفه تاریخ نیز با همه گیرایی راه به جایی نبرد، و جز مشتی فرض و ظن و قرینه ارمغانی نیاورد. خردگرایان گره ای نگشودند و آخرین دیالکتیک این شد که هستی همچنان که از مطلق آغاز شده به مطلق نیز میرسد، و در دایره ای سر به مهر در حرکت است. نومیدی از علم، انسان را به عرفان کشاند، به این سودا که در آینه صافی دل حقیقت را ببیند"

جوائز و نشانها : مدالها و نشانهای علمی دکتر امیر ناصر کاتوزیان به قرار زیر است: - نشان درجه دو فرهنگ ،بمناسبت احراز رتبه نخست در امتحانات نهایی رشته ادبی سال ششم دبیرستان -۱۳۲۸ - نشان درجه یک فرهنگ بمناسبت شاگرد اولی در رشته قضایی دانشکده حقوق دانشگاه تهران-۱۳۳۲ -دریافت لوح تقدیر از کانون وکلای دادگستر مرکز -۱۳۸۳ - دریافت لوح تقدیر به مناسبت تالیف جلد چهارم عقود معین ،کتاب سال جمهوری اسلامی از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی -دریافت لوح تقدیر به مناسبت تالیف حقوق مدنی (عقود معین ج۳) ،به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره چهارم انتخاب کتاب سال - دریافت لوح تقدیر به مناسبت تالیف کتاب"حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات، "به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال -دریافت لوح تقدیر به مناسبت تالیف کتاب" نظریه عمومی تعهدات "به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران -۱۳۸۲ -دریافت لوح تقدیر وزارت ارشاد اسلامی به مناسبت تالیف سه جلد فلسفه حقوق - دریافت نشان درجه یک دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲ - استاد برگزیده نماد آموزشی عالی کشور در سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲ - استاد برگزیده دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۱ - نشان درجه یک دانش بمناسبت مجموع تحقیقات و خدمات علمی در سال۱۳۸۲ -دریافت لوح تقدیر از انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در سال ۱۳۸۳ - دریافت لوح سپاس و تقدیر دانشکده حقوق و علوم دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۳ - دریافت لوح تقدیر ازدادگستری بیرجند با عنوان سرباز عدالت در سال ۱۳۸۴ - دریافت لوح تقدیر از دانشگاه آزاد اسلامی دامغان در سال ۱۳۷۸ - دریافت لوح تقدیر ازدانشگاه آزاد اسلامی مشهد و دانشگاه و دانشگاه فردوسی مشهد -دریافت لوح تقدیر از شعبه مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی تهران - دریافت لوح تقدیر از دانشجویان دانشکده حقوق شهید بهشتی - دریافت لوح تقدیر از دانشگاه مفید در سال ۱۳۷۰ - دریافت لوح تقدیر انجمن دانش آموختگان نابینایان کشور در سال ۱۳۸۳ - تقدیر مشترک رئیس دانشگاه تهران و رئیس پردیس قم ۱۳۸۲ - دریافت لوح تقدیر از دانشجویان دوره دکتری دانشکده حقوق در سالدریافت ۱۳۸۴ - لوح تقدیر ازرئیس دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۸۲ - دریافت لوح تقدیراز دانشگاه علامه طباطبائی ۱۳۸۴

چگونگی عرضه آثار : از دکتر کاتوزیان مقالات متعددی در دو جلد کتاب تحت عنوان «گامی به سوی عدالت» به چاپ رسیده است. تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی : ۱۳ مقاله تعداد مقالات ارائه شده در همایشها : ۴ مقاله ----------------
----

آثار :

۱ ... گویاتر از گفتارها، مجموعه مقدمه ها، پیش گفتارها و سرآغازها

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیاناشر: دانشگاه تهران - ۱۳۸۳

۲ اثبات و دلیل اثبات: شهادت، اماره، سوگند و اصول علمی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: میزان - ۳۰ اردیبهشت، ۱۳۸۵

۳ اثبات و دلیل اثبات: قواعد عمومی اثبات - اقرار و سند

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: میزان - ۳۰ اردیبهشت، ۱۳۸۵

۴ از کجا آمده ام، آمدنم بهر چه بود؟: زندگی من

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار - ۱۶ تیر، ۱۳۸۶

۵ اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: میزان - ۱۳۸۳

۶ تحولات حقوق خصوصی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: دانشگاه تهران - ۱۳۸۱

۷ توجیه و نقد رویه قضایی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: میزان - ۲۱خرداد، ۱۳۸۶

۸ حقوق مدنی (عقود معین: ج ۳)

ویژگی اثر : دکتر ناصر کاتوزیان . (استاد سابق دانشکده حقوق دانشگاه تهران) تهران: بهنشر، ۱۳۶۴، وزیری، ۶۴۷ ص-این کتاب در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است-ویژگی عقود معین آن است که از ارتباط و نظم خاصی برخوردار بوده و باید کوشید این نظم و اصول را دریافت و استخراج کرد و برای کمک به تفسیر هماهنگ و درست قانون، عقودی را که جوهر مشترک دارد در کنار هم و ذیل اصول حاکم بر آنها قرار دارد. تلاش نویسند ?کتاب در این راستا بوده و برای نیل بدین مهم، عقودی را که در کتاب آمده است در دو دفتر جداگانه مطرح می کند: ۱- دفتر نخست به عاریه، ودیعه و وکالت اختصاص یافته است که این عقود چهر «?اذنی، نیابتی، امانی» را به عنوان وصف بارز و خصیص ?مشترک دارا هستند. ۲- دفتر دوم، شامل عقودی است که به طور معمول در کتاب «دیون» می آید و ضمان، حواله، کفالت و رهن را شامل می شود.

۹ حقوق مدنی خانواده: اولاد، روابط پدر و مادر و فرزندان، نسب، همبستگی خانوادگی و حمایت از کودکان، فرزندخواندگی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار - ۲۰ آبان، ۱۳۸۵

۱۰ حقوق مدنی خانواده: نکاح و طلاق، روابط زن و شوهر

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان (گردآورنده)ناشر: شرکت سهامی انتشار - ۱۹ فروردین، ۱۳۸۵

۱۱ حقوق مدنی: الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری)

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۰۳ مرداد، ۱۳۸۵

۱۲ حقوق مدنی: الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری): مسوولیت مدنی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: دانشگاه تهران - ۲۵ شهریور، ۱۳۸۶

۱۳ حقوق مدنی: ایقاع: نظریه عمومی - ایقاع معین

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: میزان - ۲۵خرداد، ۱۳۸۴

۱۴ حقوق مدنی: عقود اذنی - وثیقه های دینی: ودیعه، عاریه، وکالت، ضمان، حواله، کفالت، رهن

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار - ۱۵ شهریور، ۱۳۸۵

۱۵ حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها: اجرای عقد و عهدشکنی مسوولیت قراردادی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار - ۱۴ اردیبهشت، ۱۳۸۴

۱۶ حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها: انحلال قرارداد - خیارات

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان (گردآورنده)ناشر: شرکت سهامی انتشار - ۰۳ اردیبهشت، ۱۳۸۴

۱۷ حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها: انعقاد و اعتبار قرارداد، ضمانت اجرای شرایط اساسی معامله، ...

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: بهمن برنا - ۱۹ مهر، ۱۳۸۵

۱۸ حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها: مفهوم عقد - انعقاد و اعتبار قرارداد" تراضی"

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان (گردآورنده)ناشر: بهمن برنا - ۲۱ بهمن، ۱۳۸۵

۱۹ حقوق مدنی: مشارکتها - صلح - شرکت - مضاربه - مزارعه و مساقات - جعاله - گروبندی مشروع - صلح

ویژگی اثر : یدآورنده: ناصر کاتوزیان (گردآورنده)ناشر: گنج دانش - ۱۳ شهریور، ۱۳۸۶

۲۰ حقوق مدنی: معاملات معوض - عقود تکمیلی - بیع - معاوضه - اجاره - قرض

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار - ۱۶ مهر، ۱۳۸۴

۲۱ حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب «حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات» حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات/ ناصر کاتوزیان.- تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۹ . ۶۴۷. ص. کتابنامه: ص. [۶۴۵]-[۶۴۷]؛ همچنین به صورت زیرنویس. نظری ?تعهدات بر تمام روابط حقوقی انسانها حکومت می کند. علاوه بر مباحث حقوق مدنی، این نظریه مبنای بسیاری از مسائل مربوط به حقوق تجارت و سایر رشته های حقوق خصوصی نیز قرار می گیرد. نگاهی به مباحث حقوق عمومی، به ویژه حقوق اداری، نشان می دهد که قواعد عمومی تعهدات در زمین ?قراردادها و مسئولیت مدنی تا چه اندازه در ساختمان منطقی این رشته ها نیز اثر دارد. استخراج «نظری ?عمومی تعهد» فکری بیگانه است که به تازگی در حقوق ما نفوذ پیدا کرده است: در حقوق اسلام، عقد یا معامله و ضمان قهری عنوانهای اصلی مطالعه در باب روابط اشخاص است و از احکام تعهد (به معنی دین نه پیمان) به طور پراکنده و فرعی گفتگو می شود. قانون مدنی نیز کم و بیش همین شیوه را ادامه می دهد، با این تفاوت که، براثر تقلید از روش قانون مدنی فرانسه، اصطلاح تعهد و عقد را با هم مخلوط می کند و ارزش متعارف در این زمینه به دور می افتد. مبحث تعهدات، به عنوان آثار حاصل از عقود و پاره ای از ایقاعات، در حقوق ایران، تا قبل از اثر حاضر، موضوع تحقیق مستقلی قرار نگرفته بود. این کتاب با دیدگاهی جدید و بدیع، بحث تعهدات را مطرح می نماید و همانند سایر آثار مؤلف محترم، برآورند ?یکی از نیازهای اساسی اساتید و دانشجویان حقوق و قضات و اهل تحقیق در زمین ?حقوق مدنی است. مؤلف محترم به سبب استمرار در مطالعه و تحقیق و نیز به جهت تسلط به زبانهای انگلیسی و فرانسوی و عربی و اشراف به حقوق اروپا و آمریکا و ممالک اسلامی، از مصادر فقهی و منابع معتبر دست اول استفاده کرده است. تازگی بسیاری از مباحث این کتاب در حقوق ایران، وسعت و جامعیت طرح مطالب، به ویژه شیو ?بیان تطبیقی و مقارن آنها، شیوایی و رسایی و سبک ممتاز نویسنده و نیز وضع بحثهای تحقیقی به عنوان قرائت و تمرین به منظور افزایش دقت مخاطب از دیگر امتیازات اثر حاضر است.

۲۲ حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، آثار قرارداد در رابطه دوطرف و نسبت به اشخاص ثالث

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: بهمن برنا - ۱۳۸۳

۲۳ حقوق مدنی، مشارکتها - صلح

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: گنج دانش - ۱۳۸۳

۲۴ دوره مقدماتی حقوق مدنی: ارث

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان (تدوین)ناشر: میزان - ۰۵ شهریور، ۱۳۸۴

۲۵ دوره مقدماتی حقوق مدنی: اعمال حقوقی: قرارداد - ایقاع

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار - ۲۳ مرداد، ۱۳۸۵

۲۶ دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت

ویژگی اثر : تالیف-ناشر: میزان

۲۷ دوره مقدماتی حقوق مدنی: خانواده

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: میزان - ۱۸آذر، ۱۳۸۵

۲۸ دوره مقدماتی حقوق مدنی: درسهایی از عقود معین برای دانشجویان دوره کارشناسی: بیع. اجاره. قرض. جعالعه. شرکت. صلح

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیانن اشر: گنج دانش - ۱۳ شهریور، ۱۳۸۶

۲۹ دوره مقدماتی حقوق مدنی: درسهایی از عقود معین برای دانشجویان دوره کارشناسی: ودیعه، عاریه، وکالت، ضمان، حواله، کفالت، رهن

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: گنج دانش - ۱۳ شهریور، ۱۳۸۶

۳۰ دوره مقدماتی حقوق مدنی: وقایع حقوقی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار - ۱۱ مهر، ۱۳۸۵

۳۱ دوره مقدماتی حقوق مدنی، درسهایی از: شفعه - وصیت - ارث

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: میزان - ۰۹ آبان، ۱۳۸۶

۳۲ طرح تقویت ظرفیتهای آموزش و پژوهش حقوق بشر: حکومت قانون و جامعه مدنی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی - ۰۱ اسفند، ۱۳۸۵

۳۳ عدالت قضایی، گزیده آراء

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: میزان - ۱۳۸۳

۳۴ فلسفه حقوق: تعریف و ماهیت حقوق

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار - ۱۰ خرداد، ۱۳۸۵

۳۵ فلسفه حقوق: منابع حقوق

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار - ۲۳ مرداد، ۱۳۸۵

۳۶ فلسفه حقوق: منطق حقوق

ویژگی اثر : یدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار - ۱۸ مرداد، ۱۳۸۵

۳۷ قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی

ویژگی اثر : تالیف-ناشر: میزان

۳۸ کلیات حقوق: نظریه عمومی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار - ۱۲ بهمن، ۱۳۸۴

۳۹ مبانی حقوق عمومی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: میزان - ۱۳۸۳

۴۰ مسوولیت ناشی از عیب تولید: مطالعه انتقادی و تطبیقی در تعادل حقوق تولیدکننده و مصرف کننده

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۱۵ آذر، ۱۳۸۴

۴۱ مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار - ۰۷ آبان، ۱۳۸۶

کاشف شیرازی، محمد شریف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۰۱-بعد از ۱۰۶۳ ق)، عالم دینی، قاضی و شاعر، متخلص به کاشف. اصلش از شیراز بود. در کربلا- به دنیا آمد. وی برادر کوچک منصف تهرانی بود. در ۱۰۰۶ ق با پدر خود به اصفهان رفت. از آنجا در ۱۰۱۰ ق به همراه پدر به مشهد مسافرت کرد و در ۱۰۲۹ ق به اصفهان بازگشت. او ادبیات، منطق و کلام را نزد پدر خویش فراگرفت و در آنجا مدت بیست سال سرگرم تحصیل و ادب‌آموزی بود. وی مدت پانزده سال منصب قضاوت طرشت، از قراء ری، را به عهده داشت. به آورده‌ی «اعیان الشیعه» کاشف خود گوید که در پانزده سالگی برای قضای اصفهان برگزیده شده است. از آثار منظوم وی: «لیلی و مجنون»؛ «عباس نامه»، به شیوه‌ی «شاهنامه»؛ «هفت پیکر»؛ «دیوان» شعر. از آثار منثور وی: «السراج الخیر» یا السراج المنیر»، به فارسی، در اخلاق؛ «الدرة المکنونة» یا « در مکنون»؛ «حواس الباطن»؛ «خزان و بهار»، در اخلاق؛ «الفرج بعد الشدة»، در چهارده قسمت: صبر، رحم،... و هدیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶۴/ ۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۶۵ -۱۷۶۲/ ۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۵۲ -۲۵۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۳۱-۲۲۹ / ۴)، الذریعه (۲۳۳/ ۲۵ ،۳۰/ ۲۳ ،۱۳۹/ ۲۲ ،۳۳۹، ۲۷۹، ۲۴۴/ ۱۹ ،۳۹۶/ ۱۸ ،۲۱۰/ ۱۵ ،۱۶۲ -۱۶۱/ ۱۲ ،۸۹۸/ ۹ ،۱۰۸/ ۸ ،۱۵۲ -۱۵۱ ،۹۵/ ۷)، ریحانه (۱۶/ ۶)، صبح گلشن (۳۳۶)، فرهنگ سخنوران (۷۵۵)، لغت نامه (ذیل/ کاشف)، معجم المؤلفین (۶۷/ ۱۰)، منظومه‌های فارسی (۴۹).

کاظم‌زاده‌ی ایرانشهر تبریزی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۰ -۱۲۶۲ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش، در مکتب ملا نصیر و حاج ملا علی واعظ، فراگرفت و سپس به مدرسه‌ی کمال رفت. در آنجا دو زبان عربی و فرانسه را به خوبی آموخت و در ضمن تحصیل، مجلات و روزنامه‌های داخلی و خارجی را نیز مطالعه می‌کرد. او مدتی به قفقاز رفت و سپس برای ادامه تحصیل راهی استانبول شد و در این شهر به آزادیخواهان ایرانی مقیم استانبول پیوست و با آنان اقدام به تأسیس انجمن برادران ایرانی نمود. ایرانشهر در زمان اقامت در استانبول به دانشکده‌ی حقوق رفت و مدتی بعد از طرف کنسول گری ایران در آنجا به مکه رفت. پس از بازگشت رهسپار اروپا شد و موفق به اخذ لیسانس در رشته علوم اجتماعی و سیاسی، از دانشگاه شهر لوون بلژیک گشت. پس از آن مدتی در پاریس به تحصیل پرداخت و ضمنا در مدرسه‌ی عالی اجتماعی فن روزنامه‌نگاری را فراگرفت. او توانست در این شهر سفرنامه‌ی مکه خود را بنویسد و به چاپ برساند. همچنین در پاریس به همراهی علامه محمد قزوینی و استاد پور داوود انجمنی به

نـام انجمن مصاحبات ادبی و علمی ایرانیان پاریس تأسـیس کرد. در ۱۲۹۲ ش به دعوت ادوارد براون به دانشـگاه کمبریج انگلستان رفت و به تـدریس زبان و ادبیات فارسـی پرداخت. کاظم‌زاده در جنگ جهانی اول بنا به دعوت سـید حسن تقی زاده، برای شـرکت در کمیتـه‌ی ملی ایران، بـه برلیـن رفت و از آنجـا به ایران بـازگشت و به صـف آزادیخواهـان پیوست. وی پس از مـدتی دوبـاره به استانبول و از آنجا به برلین رفت و با تقی‌زاده در انتشار روزنامه «کاوه» همکاری کرد. در ۱۳۰۱ ش مجله‌ی «ایرانشهر» را در آن شهر تأسـیس و به مـدت چهـار سـال منتشـر کرد. او همچنین در آنجا از، طرف وزارت فرهنگ، مـدتی سـرپرست دانشـجویان ایرانی بود. کـاظم‌زاده پس از نوزده سـال اقـامت در آلمان به سوئیس مهاجرت کرد و در آنجا یک مکتب عرفان باطنی تأیسـی نمود که پیروان زیادی داشت. وی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، آلمانی و عربی تسلط داشت. او همچنین اشعار زیادی نیز سروده است. وی سرانجام در سوئیس درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «رهبرنژاد نو» یا «در جسـتجوی خوشبختی»؛ «راه نو»، در تعلیم و تربیـت؛ «تـداوی روحی برای افراد و جـامعه»؛ «معـارف در عثمـانی»؛ «تجلیـات روح ایرانی»، در ادوار تـاریخی؛ «آثـار عـتیقه‌ی ایران باسـتان»؛ «تفسـیر معنوی بر دیباچه‌ی مثنوی»؛ «اصول اساسـی روان‌شناسـی انسان و ماهیت تکامل او»؛ «راز و نیاز»؛ «رستم و سهراب»؛ «محمد (ص) و تعلیمات عالیه‌ی اسلامی»؛ «راه راست برای صلح بین ملتها»، ترجمه؛ «سفرنامه‌ی مکه»، به فرانسه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :آثار و احوال کاظم‌زاده‌ی ایرانشـهر، ادبیات نوین (۵۳)، از صبا تا نیما (۲۳۴ –۲۳۳/ ۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۳۲۲)، تاریخ جراید (۳۴۱ –۳۳۷/ ۱)، الذریعه (۱۹۲/ ۲۱ ،۳۱۱ ،۲۳۱/ ۱۱ ،۶۵/ ۱۰ ،۳۵۹/ ۳)، زدگینـامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۸ –۲۳۶/ ۵)، شخصیت‌های نامی (۸۵ –۸۴)، شرح حال رجال (۸۰/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۱۱۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۹۹ ،۳۰۴۲، ۲۹۴۸، ۲۵۷۱، ۲۱۱۴، ۲۰۱۶، ۱۸۰۴، ۱۷۳۰ –۱۷۲۹، ۱۶۶۲، ۱۶۲۸ –۱۶۲۷/ ۲ ،۱۳۷۹، ۱۳۰۹، ۹۳۴، ۸۲۱، ۷۸۷، ۷۰۲، ۴۵۵، ۴۲۸، ۲۶۶، ۲۴۹، ۲۴۷/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۸۷)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۵ –۸۴۲/ ۲).

کاظمی، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اصـغر کاظمی در یک خانواده مذهبی در محله قدیمی سرآسیاب دولاب تهران متولد شد. قبل از آغاز سن دبستان ابتدایی در مکتب خوانـدن قرآن را فرا گرفت. دوره ابتدایی را در دبسـتان صابر در همان محله و دوره متوسط را تا کلاس نهم در دبیرسـتان ابوریحـان در خیابـان دلگشـا (دروازه دولاب) طی کرد. سـپس در سال ۱۳۳۵ وارد دبیرسـتان نظـام تهران شـد و در سال ۱۳۳۸دیپلم ریاضـی را اخـذ نمود. در همان سال از طریق کنکور نیروی دریائی با اخذ رتبه اول برای طی دوره آکادمی دریائی به کشور فرانسـه اعزام شد. در سال ۱۳۴۲ با درجه افسری وارد خدمت نیروی دریائی شد و تا سال ۱۳۷۰ در سمت های مختلف انجام وظیفه کرد. در طول خـدمت در نیروی دریـائی فرصت یـافت مـدارج مختلف علمی و آکادمیک را در رشـته های مـدیریت و حقوق بین الملل در کشورامریکـا طی کنـد. پس از بازنشسـتگی به عنـوان هیـات علمی مـدارج دانشـگاهی را تـا مرتبه اسـتادی طی نمـود. هم اکنون نیز مشغول تدریس در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسـلامی می باشد. گروه : علوم انسانیرشـته : علوم سیاسیگرایش : حقوق و روابط بین المللوالدین و انساب : پدر سیدعلی اصغر کاظمی حاج سید کاظم کاظمی دولابی فرزند حاج سید باقر از سادات اصیل ، متدین و خیر سـر آسیاب دولاب بود که املاک و مسـتغلات معتنابهی را وقف اهل بیت برای صـرف مساجد و تکایا نمود.خاطرات کودکی : سیدعلی اصغر کاظمی از دوران کودکی خود اینطور یاد می کند که : «من فرزند دوم خانواده هستم یک برادر بزرگتر،دو

خواهر و سه برادر کوچکتر دارم.دوران کودکی ما در تهران قدیم مانند دیگران بسیار ساده بود. وجود باغها و مزارع سر سبز اطراف محله ما نوعی انس با طبیعت و ذوق هنری را در من پرورش داد. در اولین سالهای آشنائی با قلم مبادرت به سرودن شعر کردم که شدیداً مورد تمجید اطرافیان بویژه مادر بزرگم که زنی اهل فضل بود قرار گرفت. از همان کودکی به نقاشی،خطاطی و موسیقی علاقمند بودم. بسیاری از اشعار حافظ را که معانی آن را به خوبی فهم نمی کردم از بر داشتم وبا کودکان دیگر مشاعره می کردم. علاقه به مطالعه و نگارش از همان اوان کودکی در من ایجاد شد. در مدرسه همواره شاگرد ممتاز بودم و مورد تشویق قرار می گرفتم. دروس مدرسه هیچگاه کنجکاوی مرا اغناء نمی کرد و در هر فرصتی مطالعه می کردم. البته طبیعی است که این مطالعات چندان جهت دار و هدفمند نبود. بعدها هنگامی که به کشور فرانسه رفتم سعی کردم در جوار موضوعات تخصصی به مطالعات خود جهت بدهم. هنوز هم در عصر انقلاب اطلاعات با بهره گیری از ابزارهای نوین از هر فرصتی برای افزایش دانش عمومی استفاده می کنم. » اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر و مادر سیدعلی اصغر کاظمی به دلیل اعتقادات مذهبی هیچگاه با رفتن وی به خارج از کشور برای تحصیل و خدمت در نظام موافق نبودند. در اصل هدف او از پیوستن به نیروی دریائی تحصیل در خارج از کشور بود. اما حرفه تخصصی او مانع از ادامه تحصیل در سایر رشته های دانشگاهی نشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : مدارج تحصیلی سید علی اصغر کاظمی به شرح زیر می باشد: -فارغ التحصیل آکادمی علوم دریائی کشور فرانسه (مدرسه کمیسریای دریائی) ۱۳۴۲ – ۱۳۳۸ -درجه کارشناسی ارشد(M.S.) در مدیریت از مدرسه تحصیلات تکمیلی نیروی دریائی امریکا ۱۹۷۰ - درجه کارشناسی ارشد(M.A.) در علوم سیاسی (رشته امنیت بین الملل) از مدرسه حقوق و دیپلماسی فلچر وابسته به دانشگاه تافتس و هاروارد امریکا(۱۹۷۷) -درجه کارشناسی ارشد(M.A.L.D.) در حقوق و دیپلماسی از مدرسه حقوق و دیپلماسی فلچر(۱۹۷۸) -درجه دکترای فلسفه(PhD.) در حقوق بین الملل (تخصص حقوق دریائی)از مدرسه فلچر(۱۹۷۹) فعالیتهای ضمن تحصیل : بیشتر فعالیت سید علی اصغر کاظمی در تخصص حرفه ای نیروی دریائی بوده که در جوار آن به تحصیل و پژوهش نیز پرداخته است.استادان و مربیان : از میان استادان سید علی اصغر کاظمی که وی به خوبی از آنها یاد می کند به شرح زیر است که همه دارای تالیفات متعدد هستند: دریا دار دکتر ژاك فریه Jacques Ferrier رئیس دانشکده کمیسریای دریائی فرانسه پرفسور رابرت فالزگراف Robert L.Pfaltgraff استاد راهنمای رساله دکتری و رئیس مرکز مطالعات سیاست خارجی- کمبر یج ماساچوست پرفسور دانیل نایهارت Daniel Nyhart از دانشگاه MiT استاد مشاور رساله دکتری پرفسور جفری کمپ Geoffrey Kemp استاد راهنمای رساله کارشناسی ارشد،فعلا رئیس بنیاد نیکسون امریکا پرفسور لوئیز سون Luis Sohn از دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد پرفسور لئو گروس Leo Gross استاد حقوق بین الملل پرفسور آلفرد روبین Alfred Rubin استاد حقوق بین الملل هم دوره ای ها و همکاران : سیدعلی اصغر کاظمی از دوستان و هم دوره ایهایش به خوبی یاد می کند می گوید که یکی از آنها بعدها رئیس جمهور ماداگاسکار ، و یك از همکلاسی هندی اش معاون دبیر کل سازمان ملل و یکی دیگر فرمانده ناوگان دریائی ایالت متحده امریکا در جنگ دوم خلیج فارس بود.همسر و فرزندان : سیدعلی اصغر کاظمی در سال ۱۳۴۹ هنگامی که در ایالات متحده امریکا تحصیل می کرد به صورت غیابی ازدواج کرد. همسرش خانم طیبه محرر که از بستگان آنهاست فارغ التحصیل رشته حقوق قضائی از دانشگاه تهران است. حاصل ازدواج شان دو فرزند پسر است که هر دو پزشك هستند. فرزند بزرگتر کامیار فارغ التحصیل دانشگاه تهران و متخصص جراحی چشم از دانشگاه شیراز است. فرزند کوچکتر فرزاد دندانپزشك دانش آموخته دانشگاه شهید بهشتی است. کامیار متاهل و دارای دو فرزند دختر و پسر است. همسرش نیز پزشك متخصص جراحی زنان می باشد. فرزاد مجرد است و عاشق موسیقی است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدعلی اصغر کاظمی علاوه بر تصدی مشاغل رسمی طی ۳۲ سال (۷۰-۱۳۳۸) خدمت در نیروی دریائی و ستاد مشترك ارتش فعالیتهائی به شرح زیر داشته است: عضو و مشاور حقوقی هیات نمایندگی ایران در اجلاس های مختلف کنفراس سازمان ملل درباره حقوق دریاها عضو و

حقوقدان کمیته برآورد خسارات جنگ تحمیلی ،دفتر حقوقی وزارت امور خارجه عضو و مشاور حقوقی هیات نمایندگی جمهوری اسلامی برای اجرای قطع نامه ۵۹۸ و استقرار آتش بس عضو و مشاور حقوقی هیات اعزامی برای مذاکرات صلح ایران و عراق زیر نظر دبیر کل سازمان ملل متحد عضو کمیته آتش بس و اجرای قطعنامه ۵۹۸ عضو پیوسته کمیته تخصصی شورای عالی برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی (گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل) فعالیتهای آموزشی : سید علی اصغر کاظمی در زمینه آموزشی فعالیتهایی را داشته است که به شرح زیر می باشد: استاد دانشگاه دفاع ملی ارتش جمهوری اسلامی تدریس به صورت پاره وقت در دانشگاه های مختلف کشور استاد تمام وقت دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید علی اصغر کاظمی از بانیان مراکز زیر می باشد: - مرکز مطالعات خلیج فارس در نیروی دریایی که بعد به وزارت خارجه منتقل شد - مرکز مطالعات استراتژیک در ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی - دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از جمله کارهای روزمره سید علی اصغر کاظمی نقاشی و موسیقی کلاسیک ایرانی (ردیف های سنتی) با سازهای ویلن ، تار و سه تار می باشد.آرا و گرایشهای خاص : از نظرات سید علی اصغر کاظمی می توان به : « همواره به فرزندان و شاگردانم می گویم که نسل ما در تاریخ ایران منحصر به فرد است، چرا که ما هم «چراغ نفتی » را تجربه کرده ایم وهم ماهواره و اینترنت را . قطعاً در هیچ دوره ای چنین تحولی شگرف در زندگی گذشتگان رخ نداده و در آینده هم بعید است اتفاق بیفتد. ما سهمی در این تحول نداشته ایم ولی امیدوارم آیندگان دین خود را به ملت و کشور ایران آنطور که شایسته است ادا کنند. کسانی که با آثار متنوع این قلم آشنا هستند معتقدند که تقریباً همه آنها با درون مایه اخلاقی و انتقادی نوشته شده اند. تا آنجا که به خود من مربوط است هیچ عمدی در این کار نبوده است و شاید این ویژگی ناشی از ساختار بینشی و ذهنی من باشد که در محیط اولیه خانواده شکل گرفته است. نگاه انتقادی من به برخی مسائل تخصصی نظامی و انعکاس آن به رده های بالاتر گاهی موجب دردسرهای جدی شده است .»جوائز و نشانها : دریافت نشان دانش به خاطر فعالیتهای علمی در سال ۱۳۵۳ (قبل از انقلاب) برنده دوازدهمین دوره جایزه کتاب سال ۱۳۷۴ جمهوری اسلامی برنده پنجمین دوره جایزه اول کتاب دفاع مقدس چگونگی عرضه آثار : سید علی اصغر کاظمی مقالات حقوقی ، سیاسی و بین المللی متعددی را در مجلات و نشریات مختلف داخل و خارج کشور به چاپ رسانده است که لیست گزیده برخی از مقالات در سایت علمی معرفی شده موجود است.آثار : ۱ - ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس (دفتر مطالعات بین المللی وزارت خارجه ۱۳۶۸) - ابعاد حقوقی دورنمای صلح بین ایران و عراق(تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۷) برنده پنجمین دوره جایزه سال دفاع مقدس - اخلاق و سیاست : نظریه سیاسی در عمل (تهران : نشر قومس، ۱۳۷۶) - بحران جامعه مدرن (تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۷) - بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر(تهران : نشر قومس، ۱۳۷۶) - پایان سیاست و واپسین اسطوره (تهران : نشر قومس، ۱۳۸۱) - جهانی شدن فرهنگ و سیاست (تهران : نشر قومس، ۱۳۸۰) - دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی در روابط بین الملل (تهران : دفتر مطالعات وزارت خارجه ۱۳۶۵) - روابط بین الملل در تئوری و عمل (تهران : نشر قومس، ۱۳۷۴) برنده دوازدهمین دوره جایزه کتاب سال - روش و بینش در سیاست (تهران : موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ۱۳۷۴) - زنجیره تنازعی در سیاست وروابط بین الملل. نشر قومس ۱۳۷۰ - سیاست سنجی (تهران : موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ۱۳۷۴) - مدیریت بحرانهای بین المللی (تهران : دفتر مطالعات بین المللی وزارت خارجه ۱۳۶۶) - مدیریت سیاسی و خط مشی دولتی (تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۹) - نظریه همگرایی در روابط بین الملل (تهران : نشر قومس، ۱۳۷۰) زنجیره تنازعی در سیاست و روابط بین الملل (تهران : نشر قومس، ۱۳۷۱) - نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل (تهران : نشر قومس، ۱۳۶۹) - هفت ستون سیاست(تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۹)

کاغذی اصفهانی، ابوالفضائل عبدالرحیم

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۹۴ -۵۰۱ ق)، محدث، قاضـی و خطیب. از ابوعلی حداد و محمد بن عبدالواحد دقاق و اسماعیل اخشید و فاطمه جوزدانیه حدیث شنید. یوسف بن خلیل از وی حدیث روایت کرد و احمد بن سلامهٔ از وی اجازه حدیث داشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعلام بوفیات الاعلام (۴۰۰/ ۲)، سیر النبلاء (۲۴۶/ ۲۱)، شذرات الذهب (۳۱۷/ ۴)، العبر (۱۰۹/ ۳).

کردری، تاجالدین، ابوالمفاخر عبدالغفار

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۶۲ ق)، فقیه حنفی و قاضـی. اصلش از کردر، از قرای خوارزم بود. وی عهده‌دار منصب قضاوت در حلب بود و در همان جا درگـذشت. از آثار وی: «اصول فقه»؛ «المفیـد و المزیـد»، در شـرح «التجریـد» کرمانی، در فروع فقه حنفی؛ شـرح «الجامع الصـغیر» و شرح «الجامع الکبیر» شیبانی، در فروع؛ «حیرهٔ الفقهاء»، که در آن مسائلی را که فقها در حلش حیران بودند جمع کرد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۸/ ۴)، ایضاح المکنون (۴۲۵/ ۱)، کشف الظنون (۵۶۲، ۳۴۶ -۳۴۵، ۱۱۴)، معجم المؤلفین (۲۷۰ -۲۶۹/ ۵)، هدیهٔ العارفین (۵۸۷/ ۱).

کشاورز صدر، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ -۱۲۸۱ ش)، حقوقدان، ادیب و نویسنده. در محلات به دنیا آمد پس از اتمام تحصلات وارد دادگستری و شغل قضاوت شد. وی در دوره‌های پانزدهم و شانزدهم نماینده‌ی خرم‌آباد در مجلس شورای ملی بود و از اواخر ۱۳۲۹ ش به همکاری با دکتر مصدق پرداخت و از زمره‌ی یازده نماینـده‌ای بود که طرح ماده‌ی واحـده‌ی ملی کردن نفت را به مجلس پیشـنهاد کردنـد. او همچنین مدتی استانداری تهران و گیلان و اصـفهان را به عهـده داشت. سـرانجام در تهران بر اثر حمله‌ی قلبی درگـذشت. از آثـارش: «از رابعه تا پروین»؛ «مکتب سـعدی»؛ «عقـاب کمـازان یـا کریم خـان زنـد»، از مرگ نـادر... تا شـکست علیمردان خان؛ «آیین و رویه دادرسـی مدنی»؛ «آیین و رویه دادرسی کیفری»؛ «وزیران محبوس و مقتول».[۱]

در ۱۲۸۱ ش متولد شد. پدرش آقا سـید محمد کوچک در دسـتگاه امیر مفخم بختیاری، سـمت پیشـکاری داشت. سـید محمد علی تحصـیلات خود را در حد مدرسـی انجام داد و از مدرسه عالی حقوق لیسانس گرفت و به خدمت قضاوت مشغول شد. تمام مراحل قضائی را طی کرد. مدتت‌ها دادسـتان و رئیس دادگستری در شهرسـتان‌ها بود. در ۱۳۲۵ مدیر کل بازرسـی وزارت دادگستری شد.

در دوره‌ی پانزدهم از خرم‌آباد به وکالت مجلس رسید و در دوره‌ی شانزدهم این سمت را حفظ کرد. در دوره‌ی اخیر ابتدا از حکومت رزم‌آرا طرفداری می‌نمود، بعد به دکتر مصدق نزدیک شد و عضویت جبهه ملی را پذیرفت ولی با تمام این احوال، در دوره‌ی هفدهم به مجلس راه پیدا نکرد و در عوض، دکتر مصدق او را به کار اجرائی گمارد. ابتدا استانداری گیلان را به او دادند، سپس استانداری اصفهان به او واگذار شد. در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در اصفهان بود، مورد تعرض عده‌ای قرار گرفت. چون جانش در خطر بود در منزل دکتر حکمی چند روز به حالت اختفا می‌زیست، سرانجام دستگیر شد. مدتی در زندان بود تا آزادش کردند. تدریجا به شغل وکالت دادگستری اشتغال ورزید و در جبهه ملی هم فعالیت می‌کرد. در کار وکالت با هدایت‌الله متین دفتری نوه‌ی دختری مصدق همکاری داشت و چون هم فکر سیاسی هم بودند، دست به اقداماتی زدند که مورد تعقیب قرار گرفته و مدتی در بازداشت بسر برد. وفات او در ۱۳۵۵ اتفاق افتاد. کتابی از وی به نام از رابعه تا پروین که شرح حال زنان شاعره است، و کتاب عقاب کامازون و چند تألیف دیگر باقی مانده است. چند ماهی نیز در فترت مجلس پانزدهم و شانزدهم از طرف ساعد نخست‌وزیر وقت، رئیس اداره کل انتشارات و تبلیغات شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۳۲۱/ ۲، ۵۳۴، ۱۷۱، ۸۸/ ۱)، کیان (س ۶، ش ۳، ص ۵۶ -۵۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷/ ۵).

کعبی طبری بخاری، ابوسعید محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۰۴ ق)، قاضی و فقیه حنفی. از فقهایی بود که سالها عهده‌دار منصب قضاوت بود. او در بخارا درگذشت. از آثار وی: الملخص فی الفتاوی»، در فروع؛ «المصباح»، در فروع.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۲۲۹ -۲۲۸/ ۸)، هدیهٔ العارفین (۱۰۷/ ۲).

کعبی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس کعبی

محل تولد : اهواز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام و المسلمین کعبی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در منطقه «لشکرآباد اهواز» و در میان خانواده‌ای متدین و معتقد به مبانی مستحکم اسلام به دنیا آمد. عشق به اهل بیت (ع) و روحانیت شیعه از وی انسانی متدین و مجاهد ساخته و در همان دوران نوجوانی او را به خدمت در راه تعالی اسلام و تشیع علاقه‌مند ساخته بود. حجةالاسلام و المسلمین کعبی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در مدارس اهواز سپری نمود. شرکت وی در مجالس و محافل مذهبی و حضور علمایی همچون: «حاج شیخ صالح طرفی» و «مرحوم حاج سید عبدالمطلب جزایری» در مسجد جامع لشکرآباد سبب شد تا در سن سیزده سالگی و بنا به توصیه پدر، همزمان با تحصیل در مقطع دبیرستان به مدرسه علمیه «آیةالله کرمی» رفته، دروس حوزوی را فرا گیرد.

وی در سال ۱۳۵۵ به حوزه علمیه اهواز رفته به صورت رسمی تحصیلات حوزوی خود را پی می‌گیرد. با اوج‌گیری انقلاب و حضور جدی در مبارزات پیش از انقلاب و نیز فعالیتهای پس از انقلاب و شروع جنگ تحمیلی وقفه‌ای چند ساله در سیر درسی ایشان ایجاد می‌شود اما در سال ۱۳۶۰ مجدداً تحصیلات حوزوی را پی گرفته برای استحکام بنیهٔ علمی خود، دروس مقدمات را در مدرسه علمیه امام خمینی اهواز بازآموزی می‌کند. در سال ۱۳۶۴ به قم مهاجرت کرده و پس از اتمام دوره سطح در درس خارج حضرات آیات: «میرزا جواد تبریزی»، «وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «صافی گلپایگانی»، «جعفر سبحانی»، «سید کاظم حائری» و «سید محمود هاشمی شاهرودی» شرکت کرد.

حجةالاسلام و المسلمین کعبی با اهتمام ویژه‌ای که به مباحث تفسیری و معارف اسلامی داشت از محضر حضرات آیات: «مشکینی»، «جوادی آملی»، «مصباح یزدی» و «مظاهری» کسب فیض نمود. وی در طول سالهای تحصیل خود در درسهای اخلاق شرکت می‌جست و به تهذیب نفس (به عنوان مهمترین دغدغه درسی خود) اهمیت بسیار می‌داد. حجةالاسلام و المسلمین کعبی همزمان به تحصیل در دانشگاه نیز پرداخته مقطع کارشناسی رشته حقوق از مجتمع آموزش عالی قم و مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه تهران را به پایان رساند.

حجةالاسلام و المسلمین کعبی فعالیتهای بسیاری را در زمینه تدریس و تألیف به انجام رسانده است. او تدریس علوم دینی را از آغازین سالهای طلبگی شروع کرده و تاکنون به تدریس دروس بسیاری از جمله تدریس کتابهای: (لمعه، رسائل، مکاسب، حلقات اصول شهید صدر و نیز شش سال خارج فقه و اصول) توفیق یافته است. همچنین مباحثی نظیر: (علوم حدیث، درایه، نهج البلاغه، تاریخ اسلام، ولایت فقیه، فلسفه و فقه روابط بین‌الملل) را بارها تدریس فرموده‌اند. استاد کعبی در دانشگاه نیز دروسی همچون: (فلسفه حقوق، فلسفه سیاست، نظام حقوقی در اسلام، دولت و نظام سیاسی در اسلام، حقوق کار و ...) را بارها تدریس کرده است. وی همچنین بیش از پنجاه دوره حقوق اساسی را تدریس کرده است.

او در زمینه مباحث فقهی و حقوقی دارای تألیفات بسیاری است که از آن جمله می‌توان به کتاب: «الحصیله فی حکم الجهاد الابتدائی فی عصر الغیبهٔ»، «احکام المیت»، «النظام القانونی فی الاسلام مقارناً بالنظم الوضعیهٔ المعاصرهٔ»، «فلسفه سیاست» و ... اشاره کرد. بسیاری از جزوات و دست نوشته‌های ایشان به عنوان کتب درسی در مراکز حوزوی و دانشگاهی در حال تدریس است. جزواتی نظیر: «علوم الحدیث و الدرایهٔ»، «مصادر الحدیث»، «مجموعه درسهایی از نهج البلاغه»، «ضمانت اجرائی قانون اساسی»، «تبیین ولایت فقیه از منظر فقهی، حقوقی و سیاسی». ارائه مقالات علمی در همایشها، ضمن طرح راهکارهای مناسب در حل برخی معضلات و پرسشهای فقهی و حقوقی از ویژگیهای بارز استاد کعبی است. بیشترین این مقالات در زمینه‌های فقهی و حقوقی بوده که از جمله آنها می‌توان به «نوآوریهای فقهی آیةالله نائینی و آیةالله شیخ فضل الله نوری»، «کنکاشی در اختیارات رهبری»، «شیوه مجازات اسلامی و اجرای علنی حدود» و «دبیر علمی همایش مردم سالاری دینی» که مجموعه مقالات آن در دو مجلد منتشر گردید، اشاره کرد.

او در کارنامه خود، سفرها و مصاحبه‌های علمی بسیاری را به ثبت رسانده که «حضور در کنفرانس دین و توسعه دانشگاه بیروت» و

«انجام مصاحبه و مناظره با آقای تیموتی ویلیام واترز استاد دانشگاه هاروارد در کنفرانس حقوق بشر» از آن جمله‌اند. فعالیتهای علمی و فرهنگی، استاد کعبی را از فعالیتهای گوناگون در عرصه سیاست باز نداشته است. او که همواره پایبندی خود را به امام (ره)، نظام و ارزشهای انقلاب اعلام داشته از سنین نوجوانی در فعالیتهای مبارزاتی پیش از انقلاب حضوری جدی داشته است. پس از پیروزی انقلاب در جهاد سازندگی در زمینه محرومیت زدایی و توزیع زمین برای خانه سازی محرومان و نیز مبارزه با گرانفروشی حضوری جدی داشت.

با شروع جنگ تحمیلی وارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و فعالیت‌های فرهنگی و نظامی خود را در بخش عربی سپاه آغاز کرد. در سال ۱۳۶۰ به لبنان رفت و همراه با شهید سید عباس موسوی دبیرکل سابق حزب الله لبنان و سیدحسن نصرا... به سازماندهی تشکیلات حزب الله پرداخت. او مدت ۴۶ ماه از عمر خود را در جبهه‌های دفاع مقدس گذرانده و دو بار نیز در مناطق عملیاتی مجروح شده است. از جمله فعالیتهای حجةالاسلام و المسلمین کعبی در این عرصه، عضویت در مجلس خبرگان رهبری، مخبری کمیسیون سیاسی ـ اجتماعی، نائب رئیسی کمیسیون حراست و پاسداری از ولایت فقیه و نیز عضویت در کمیسیون تحقیق است. استاد کعبی هم اکنون عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و از حقوقدانان شورای نگهبان است.

کفری کرمانشاهی تهرانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۶ -۱۲۴۵ ق)، پزشک، مترجم و نویسنده. مشهور به کفری. در کرمانشاه به دنیا آمد. وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در موطن خود و علوم دینی در نجف اشرف، برای ادامه تحصیل وارد دارالفنون شد و طب قدیم را نزد حاج میرزا عبدالباقی اعتضاد الاطباء و طب جدید را نزد دکتر تولوزان فرانسوی آموخت. بعدها، به تشویق دکتر تولوزان، برای تکمیل رشته طب در ۱۲۸۷ ق به پاریس عزیمت نمود و مدت زیادی در بیمارستانها و مدارس آن شهر مشغول کار و آموختن علم بود. در ۱۲۹۶ ق پس از گذراندن پایان‌نامه‌ی خود موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در طب از دانشکده‌ی پزشکی آنجا شد. بعد از مراجعت به ایران، به توسط علیقلی خان مخبر الدوله، به دربار ناصرالدین شاه معرفی گشت و مدتی طبیب تلگرافخانه، معلم طب فرنگی دارالفنون، پزشک دربار قاجار و رئیس بیمارستان دولتی ابن‌سینای کنونی شد. ولی بعدها کم کم از تمام این مشاغل عزل گردید و در ۱۳۰۵ ق به عنوان طبیب مخصوص حسنعلی خان گروسی، امیر نظام پیشکار آذربایجان، به تبریز رفت و مدتی با او بود. پس از بازگشت خانه‌نشین شد و در خانه به طبابت و تدریس پرداخت و علاوه بر آن به ترجمه‌ی کتب علمی به خصوص طب، جراحی و هیتولوژی نیز می‌پرداخت. علت شهرت وی به کفری مخالفت تند و صریح او با خرافات و موهومات بود. وی در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه دفن شد. از آثارش: «امراض الاطفال»، ترجمه؛ «ضیاء الناظرین»، تشریح چشم، ترجمه؛ «کوفت»، رساله‌ای در امراض مقاربتی؛ «ژیل بلاس»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۹۱/ ۴)، دایرة المعارف فارسی (۲۲۳۶/ ۲)، الذریعه (۱۸۴/ ۱۸، ۱۳۱/ ۱۵، ۳۴۸/ ۲)، شرح حال رجال (۲۷۸ -۲۷۵/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۹۸، ۲۲۴۳، ۱۸۸۹، ۱۸۸۸- ۲/ ۳۳۳، ۱)، المآثر و الآثار (۲۲۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۸ -۶۹۵/ ۵).

کمالی‌نیا، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۳۲۳، قوچان.

درگذشت: ۱ تیر ۱۳۶۰ تهران.

محمدتقی کمالی‌نیا فرزند غلامحسین تا سطح مقدمات به تحصیل حوزوری پرداخت. وی دارای مدرک فوق لیسانس فقه و مبانی حقوق اسلام از دانشکده‌ی ادبیات بود. ابتدا در دبیرستان‌ها تدریس می‌کرد. مدتی در راه‌آهن کارشناس امور اداری بود. سپس به وکالت در دادگستری پرداخت. بعد از انقلاب بازپرس دادسرای انقلاب اسلامی شد. در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی نیز نماینده‌ی مردم قوچان شد.

از آثار اوست: اساسی‌ترین نیاز عصر ما؛ ترجمه‌ی ریشه‌های ضعف و عقب‌ماندگی مسلمین؛ ترجمه‌ی خدیجه‌ی کبری؛ مقالاتی هم در «مکتب اسلام» و روزنامه‌های منتشر شده پس از انقلاب اسلامی داشت.

کمالی‌نیا بر اثر سقوط آوار درگذشت و پیکر وی در بهشت زهرا تهران به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کمانگر، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۶ ش)، حقوقدان و نویسنده. در سنندج به دنیا آمد. در ۱۳۱۱ ش وارد رشته‌ی قضایی شد و وکیل پایه یک دادگستری گشت و در موطن خود به خدمت اشتغال پیدا کرد. آخرین شغل او معاونت کارگزینی شهربانی کل می‌باشد. از آثار وی: «فهرست قوانین و آئین‌نامه‌ها»؛ «مجموعه‌ی اصول محاکمات حقوقی»؛ «مجموعه قوانین جزایی تا تیر ماه ۱۳۱۹ ش»؛ «اصول قضایی حقوقی، احکام دیوان عالی کشور».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۸۶/ ۱۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۹۲۸، ۲۹۱۳، ۲۵۶۵، ۲۵۱۶، ۲۴۸۰/ ۲، ۲۶۷/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۸- ۴۴۷/ ۱).

کنانی هروی، جمال الاسلام، ابوالعلاء صاعد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۹۵ / ۴۹۴ ق)، فقیه، مفتی، محدث و قاضی. قاضی القضاۀ هرات بود. از ابوسعید محمد بن موسی صیرفی و علی بن محمد طرازی و نیز از جدش، قاضی ابونصر یحیی بن محمد، و قاضی ابوالعلاء صاعد بن محمد حنفی و ابوبشر حسن بن احمد مزکی و سعید بن عباس قرشی و دیگران حدیث شنید. محمد بن طاهر و نصر بن سیار بن صاعد، نوه‌اش، از وی حدیث نقل کرده‌اند. از راویان او می‌توان از نوه‌اش، شهاب بن سیار، و علی بن سهل شاشی، و عبدالواسع بن عطاء، و محمد بن فضل دهان و مسرور بن عبداللّٰه حنفی نیز نام برد. در «شذرات الذهب»، نام کنانی تحت عنوان کتانی آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۱۸۳ -۱۸۲/ ۱۹)، شذرات الذهب (۴۰۲/ ۳)، العبر (۳۷۱/ ۲)، النجوم الزاهرۀ (۱۶۷/ ۵).

کیانی، مسیب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسیب کیانی

محل تولد : نهاوند- گیان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۳۰

زندگینامه علمی

اینجانب اواخر سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه نهاوند گردیدم و بعد از حدود هشت ماه به قم منتقل و در مدرسه علمیه مهدی موعود (عج الله) زیر نظر حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی مشغول به تحصیل شدم و دروس مقدماتی را در آن مدرسه و سطح را در مدارس حوزه علمیه قم به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۵ در درس خارج فقه و اصول شرکت نمودم. در سال ۱۳۷۴ وارد پژوهشکده باقرالعلوم (ع) وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی شده و به پژوهش و تحقیق در این موسسه مشغول و به فعالیت در زمینه علوم اسلامی و کار نمایه سازی و اطلاع رسانی در این مجموعه مشغول بودم.

در سال ۱۳۷۷ وارد دانشگاه مفید در قم گردیدم. در سال ۱۳۸۰ فارغ التحصیل رشته «علوم سیاسی» در مقطع کارشناسی شدم. در طول حضور در پژوهشکده در برنامه (نمایه سازی، کتاب شناسی، کتابخانه و همچنین اطلاع رسانی) جهت تدوین پایان نامه ها، رساله، مقالات و راهنمائی «افراد، محققین، طلاب و دانشجویان» مشغول بوده ام.

کیایی نژاد، زین الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زین الـدین کیـایی نژاد در سال ۱۲۹۶ ، در طالقان متولـد گردیـد. با به پایان بردن تحصـیلات مقـدماتی و متوسـطه ، وارد دانشـکده معقول و منقول و پس از آن دانشـکده حقوق دانشـگاه تهران شد. با اخذ مدرک لیسانس ، در رشـته علوم تربیتی ادامه تحصیل داد. زین الـدین کیایی نژاد در سال ۱۳۲۰ با سـمت کارمند ، در اداره کل رسـیدگی و تمرکز حساب های وزارت دارایی مشـغول به کار گردیـد. طـولی نکشـید بـه سـمت رییس شـعبه و همچنین رییس دایره رسیدگی به حسـاب وزارتخـانه هـا و ادارات مسـتقل مرکزی منصوب شـد. در سال ۱۳۳۰ کیایی نژاد به سـمت مشاور حقوقی و بعـد به ریاست اداره حقوقی انتخاب شـد ودر همین مسـیر تا مقام مـدیریت کل حقوقی وزارت دارایی ارتقاء پیـدا کرد. از اردیبهشت سال ۱۳۴۲ به عضویت هیات عالی انتظامی مالیاتی در آمـد ، اما پس از گذشت یک سال ، مجدداً در پست مدیرکل حقوقی وزارت دارایی قرار گرفت. کیایی نژاد علاوه بر تحصیلات دانشگاهی ، توانست به دو زبان فرانسه و عربی نیز مسلط گردد و آثاری را نیز ترجمه و چاپ نماید.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

والدین و انساب : نام پدر زین الدین کیایی نژاد ، آقا شـیخ علی جزء علمای دانشور طالقان به شمار می آمد و مادرش صدیقه علوی طالقانی بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : زین الدین کیایی نژاد با به پایان بردن تحصیلات مقدماتی و متوسطه ، وارد دانشکده معقول و منقول و پس از آن دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد. با اخذ مدرک لیسانس ، در رشته علوم تربیتی ادامه تحصیل داد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : زین الدین کیایی نژاد علاوه بر تحصیلات دانشگاهی ، توانست به دو زبان فرانسه و عربی نیز مسلط گردد.

همسـر و فرزندان : زین الدین کیایی نژاد در مهر ماه سال ۱۳۱۵ با خانم بهجت ثریا ازدواج نمود. حاصل این پیونـد پنج فرزند با نام های سرور ، فرح ، پروانه ، ژاله و علی می باشد.

وقایع میانسالی : مهمترین حادثه زندگی زین الدین کیایی نژاد ، از دست دادن فرزندش بود که ضربه روحی سختی بر او وارد کرد.

مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : زین الـدین کیایی نژاد در سال ۱۳۲۰ با سـمت کارمنـد ، در اداره کل رسـیدگی و تمرکز حساب های وزارت دارایی مشغول به کار گردید. طولی نکشید به سمت رییس شعبه و همچنین رییس دایره رسیدگی به حساب وزارتخانه ها و ادارات مسـتقل مرکزی منصوب شـد. در سال ۱۳۳۰ کیایی نژاد به سـمت مشاور حقوقی و بعـد به ریاست اداره حقوقی انتخاب شـد ودر همین مسـیر تا مقام مـدیریت کل حقوقی وزارت دارایی ارتقاء پیـدا کرد. از اردیبهشت سال ۱۳۴۲ به عضویت هیات عالی انتظامی مالیاتی در آمـد ، اما پس از گذشت یک سال ، مجدداً در پست مدیرکل حقوقی وزارت دارایی قرار گرفت. ----------
----

آثار :

۱ اعترافات غزالی

ویژگی اثر : ترجمه کتاب المنقد من الضلال حجه الاسلام غزالی.

۲ رساله « بقاء روح پس از مرگ »

ویژگی اثر : ترجمه

کی‌نیا، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد.

تولد: ۱۲۹۷، بابل.

درگذشت: تیر ۱۳۷۴.

مهدی کی‌نیا، فرزند سید تقی اخوان نیاکی، تحصیلات ابتدایی را در دبستان نصرت پهلوی (آمل) و متوسطه را در دبیرستان شاهپور (بابل) گذراند. در سال ۱۳۱۹ از دانشسرای عالی لیسانس ریاضی گرفت اما از تحصیل باز نایستاد و در ۱۳۲۸ از دانشکده‌ی حقوق لیسانس قضایی گرفت، بعد برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت و پس از اخذ دکتری در حقوق قضایی در سال ۱۳۳۴ به ایران بازگشت.

زندگی شغلی مهدی کی‌نیا از دبیری دبیرستان‌ها آغاز شد. وی در مشاغل دیگری نظیر ریاست دبیرستان، نمایندگی فرهنگ، معاونت و ریاست اداره‌ی کارگزینی نیز فعالیت نمود. وی سرانجام به تدریس در دانشگاه پرداخت. مدتی نیز ریاست کتابخانه‌ی دانشکده‌ی داروسازی را به عهده داشت. وی استاد دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی بود و همچنین مدتی عضو حزب ملیون و نیز عضو کانون مدیریت و جمعیت اتفاق ملی بود.

دکتر کی‌نیا صاحب تألیفات متعدد در رشته‌های مختلف حقوق به ویژه جرم‌شناسی است. او همچنین چندین کتاب حقوقی و جرم‌شناسی از زبان فرانسوی به فارسی ترجمه کرده است. دکتر کی‌نیا چندین سال در سمت مشاور حقوقی با مرکز نشر دانشگاهی همکاری داشت. از جمله آثار او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: علوم جنایی (دو جلد، ۱۳۴۵)؛ جامعه‌شناسی جنایی (۱۳۴۶)؛ مقررات استخدامی و مالی دانشگاه (۱۳۳۵، نشریه‌ی شماره ۳۲۹ دانشگاه)؛ جرایم کارکنان دولت (فرانسه)؛ تفریحات علمی؛ مقدمه‌ی حقوق بین‌الملل عمومی؛ حقوق معماری؛ تئوری کیفرها؛ پلیس جنایی.

دکتر کی‌نیا همچنین مقالاتی در ماهنامه‌های «مکتب مام» و«جوانان» در خصوص جوانان داشته است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

گزی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالکریم گزی سال ۱۲۶۰ هـ.ق در قریه ی گز و برخوار متولد شد. عبدالکریم بعد از طی مراحل مقدماتی و فراگیری برخی علوم و دانش های رایج در منطقه ی برخوار و گز راهی حوزه علمیه اصفهان شد که در آن زمان رونق ویژه ای داشت. آخوند ملا عبدالکریم گزی از محضر اساتید مبرزی مانند میرزا محمد حسن نجفی(شاگرد صاحب جواهر که ازطرف میرزای شیرازی به قضاوت و رفع اختلافات می پرداخت و نیز جزو مراجع تقلید به حساب می آمد) ، میر محمد صادق کتاب فروش (از شاگردان سید حجت الاسلام و صاحب جواهر) ، آیت الله میرزا ابوالمعالی کلباسی و آیت الله حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی سود جست.پس از آن برای ادامه ی تحصیل و وصول درجات عالی علمی و معنوی راهی عتبات شد و در حوزه علمیه نجف مستقر شد و در آنجا از محضر استادان بزرگی مانند مرحوم حاج سید حسن ترک (کوه کمری) ، آیت الله حاج میرزا حسین خلیلی و آقا میرزا حبیب الله رشتی که همه از علمای بزرگ بودند استفاده کرد و سرانجام در سال ۱۲۹۸ هـ. ق در سن سی و هشت سالگی به اخذ درجه اجتهاد نائل آمد و در همان سال به اصفهان بازگشت و در یکی از حجره های مدرسه نیم آورد ساکن شد و مجالس درس

وی در همان نهاد آموزشی (نیم آورد) دایر گردید . زندگی آخوند گزی در اصفهان بدون هرگونه تجمل و عاری از هر نوع تکلف بود، مجالس درس او جالب، دلنشین و پر محتوا بود و طلاب زیادی از محضر او سود می جستند.

آخوند گزی از نظر اخلاقی بسیار برجسته بود و از حسن اخلاق و مباشرت نیکویش با مردم بسیار یاد شده است. وی بیشتر با اقشار محروم جامعه نشست و برخاست می کرد . کلاس درس وی نیز خالی از لطف نبود و گاهاً حکایت هایی شیرین نیز نقل می کرد. بسیاری از افراد معاصر و مخاطب او حکایات و شوخی های ظریف و لطیف از وی نقل می کنند.

ایشان علاوه بر تدریس، مسؤولیت قضاوت و حل و فصل دعاوی مردم را بر عهده داشت. آخوند گزی شبها در مدرسه نیم آورد اقامه نماز داشت و بعد از مرگ شیخ محمد علی نجفی بنابر تقاضای اهل محل در مسجد ذوالفقار به اقامه نماز جماعت پرداخت و شب های پنج شنبه به گز می رفت و پنج شنبه و جمعه را در آنجا به سر می برد و به امور آن منطقه رسیدگی می کرد.

تألیفات آخوند گزی متعدد و در موضوعات گوناگون بوده است. از جمله می توان :

۱- رساله ای در اصول دین ۲- دیوان اشعار و مثنویات ۳- رساله ی حاشیه به طهارت شیخ مرتضی انصاری یا رساله علمیه

سرانجام آخوند ملاعبدالکریم گزی در سن ۷۹ سالگی در شب پنج شنبه سیزدهم ذی حجه ۱۳۳۹ برابر با ۲۶ خرداد ۱۳۰۰ شمسی دار فانی را وداع گفت و دربقعه تکیه ی کازرونی به خاک سپرده شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۴۲۰ -۴۱۸)، الذریعه (۴۴ /۴)، سرآمدان فرهنگ (۵ /۱)، شرح حال رجال (۱۴۷ /۵)، مصفی المقال (۲۳۳)، همایی‌نامه (۲۰ -۱۹).

گلدوزیان، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق جزائی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق قضائی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، دکترای تخصصی علوم کیفری از دانشگاه حقوق پاریس در سال ۱۳۵۲، دیپم تحصیلات عالی حقوق خصوصی از دانشگاه حقوق پاریس در سال ۱۳۵۳، دکترای دولتی حقوق از دانشگاه حقوق پاریس در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۸ و دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۸ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

حالت خطرناك، ارزش قضائی روشها و ابزار نوین شناخت جرم و شهادت، هتك ناموس به عنف در ده سال گذشته در استان مازندران، سرقت و عوامل ارتکاب آن در حقوق جزایی ایران، دفاع مشروع با توجه به مقررات جزائی فقه اسلامی، بررسی قرارهای تأمین در حوزه قضائی ورامین، تدریس حقوق تطبیق و حقوق جزا، حقوق تجارت و کیفری بازرگانی و حقوق جزایی عمومی و

اختصاصی در دانشگاههای مختلف، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

قیمومیت جزایی، حقوق جزای عمومی ایران، حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه اشخاص، اموال و امنیت و آسایش) و قیمومیت جزایی و اولین نتایج آن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

قیمومیت جزایی به عنوان یک اقدام تأمینی، کیفیت تحصیل دلیل در حقوق جزای فرانسه، نقش دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی، حق دفاع توسط وکیل و یا شخص متهم، آثار و نتایج استراق سمع به عنوان دلیل جزایی، حمایت حقوق اجتماعی و پیشگیری از حوادث ناشی از کار، دفاع مشروع و قواعد استثنایی حاکم بر دلیل.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

گنابادی نیشابوری، ابوعلی حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۱۵ ق)، محدث. قاضی و زاهد. به دنبال حدیث مسافرت کرد و احادیث بسیاری از علی بن حسن هلالی و محمد بن عبدالوهاب و ابوحاتم رازی و ابوقلابه رقاشی شنید. حافظ ابوعلی حسین بن علی نیشابوری از وی حدیث روایت کرده است. او تا پایان عمر عهده‌دار منصب قضای نیشابور بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۸۹/ ۲)، تاریخ نیشابور (۱۳۵).

لاری، فتح‌الله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید کمال‌الدین شاه فتح‌الله به هبهٔ‌الله بن عطاءالله حسنی حسینی جعفری شیرازی.

از طایفه‌ی سادات شاهی شیراز، عالم فاضل، و ادیب منشی کامل، به دعوت شاه سلیمان از اردکان به اصفهان آمده، و سال‌ها قاضی اصفهان و شیراز و لار بوده. در سال ۱۰۹۸ در اصفهان وفات یافته [در حوالی مدفن آقا حسین خوانساری مدفون شد].

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- الامامهٔ، آن را در موقع تشرف خود به مکه تألیف نموده، و مناظرات خود را با ملا عبدالرحیم مدرس مدینه‌ی طیبه بتمامه نقل نموده است. ۲- بدیع در علم بدیع، در اصفهان تألیف نموده ۳- تاریخ شاه فتح الله ۴- ریاض الابرار و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لسانی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷ -۱۲۷۶ ش)، قاضی، نویسنده و روزنامه‌نگار. در نور مازندران به دنیا آمد. مقدمات علوم قدیمه را در آمل فراگرفت. سپس به تهران آمد و به معلمی پرداخت. وی در ۱۳۰۶ ش به خدمت دادگستری دعوت شد و چندی در دادگستری اصفهان و یزد و نقاط دیگر در سمتهای مختلف قضایی مشغول کار بود. او مدتی جزو هیئت تحریریه روزنامه‌ی «وطن» بود و سپس مدیر داخلی روزنامه گردید. بعد از کودتای ۱۲۹۹ ش، که منجر به تعطیلی جراید گردید، لسانی در روزنامه‌ی افراطی «حقیقت» سرمقاله‌های تندی نوشت که منجر به توقیف روزنامه گردید. پس از آن چندی امور داخلی روزنامه‌ی «کار» را تأسیس و منتشر نمود. از دیگر آثارش: «صحنه‌ی زندگی» یا «سرنوشت مادر گناهکار»؛ «طلای سیاه یا بلای ایران»؛ «متن دفاع لسانی».[۱]

در ۱۲۸۰ متولد شد. تحصیلات قدیم و جدید را توأمان انجام داد و از مدرسه عالی حقوق دانشنامه گرفت. در زمان داور به دادگستری رفت. بعضی از مشاغل قضائی را در تهران و شهرستانها احراز نمود. ولی به این کار زیاد مداومت نداد، حرفه وکالت دادگستری را پیشه خود ساخت. در کار وکالت سریع پیشرفت نمود. از وکلای مبرز و سرشناس تهران شد. و وکالت‌های بزرگی به او واگذار می‌شد. چندی به دنبال وکالت مجلس رفت موفق نشد. در ۱۳۲۸ که مجلس سنا تشکیل یافت لسانی برای ورود به آن مجلس به تکاپو افتاد و چون یک نفر هم بایستی از جامعه وکلای دادگستری در مجلس اعیان عضو باشد قرعه به نام او اصابت کرد و سناتور شد. ولی در مجلس سنا بر خلاف سایرین به تلاش افتاد لوایح دولت را نقد می‌کرد. در تنقیح قوانین سعی بلیغ به کار می‌برد. وقتی مسئله ملی شدن صنعت نفت پیش آمد در مجلس نطق‌های خوبی ایراد کرد و بیاناتش مستدل بود که بعدها به صورت کتاب منتشر گردید. در دوره دوم سنا هم این مقام را گرفت و هنگام مذاکرات نفت در سنا داد سخن داد. همیشه مورد احترام بود. وفاتش در ۵۷ سالگی در تهران به مرض سکته اتفاق افتاد. کتاب طلای سیاه یا بلای ایران در مورد نفت نوشته اوست.

مرگ زودرس او بدین صورت بوده است.

در ۱۳۳۷ تلفن مغرضانه‌ای به او می‌شود و در این مکالمات تلفنی مرگ یکی از فرزندان را به او خبر می‌دهد. لسانی در اثر شنیدن این خبر واهی که آنرا واقعی تلقی می‌کند دچار هیجان روحی شده و سکته قلبی طومار زندگانی او را برمی‌چیند.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۱۶ -۱۱۵/ ۴ ،۲۲۵/ ۱)، الذریعه (۱۴/ ۱۵)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۹۱ -۸۸/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۶۶ ،۲۲۰۸ -۲۲۰۷/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۴ -۲۱۳/ ۱).

لطف بخارایی، لطف‌اللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، قاضی و شاعر، متخلص به لطف. از اهالی بخارا بود. طالب علم بود و در شعر به لطیفه گویی می‌پرداخت. او عهده‌دار منصب قضا و شغل تدریس در مدرسه عبدالعزیز خان بود. لطف، معاصر نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) است. وی دارای «دیوان» شعر بود. از اوست:

عید است چرا کشته‌ی جانان نشود کس

حیف است که عید آید و قربان نشود کس

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۹)، الذریعه (۹۴۴، ۸۶۸/ ۹)، صبح گلشن (۳۵۴)، فرهنگ سخنوران (۷۸۸)، لغت‌نامه (ذیل/ لطف‌اللّه).

لطفی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن لطفی تبریزی در سال ۱۲۹۸ شمسی در شهر تبریز متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند. او در سال ۱۳۱۷ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و سپس برای تحصیل در دوره ی دکترا به دانشگاه «گوتینگن» آلمان رفت و پس از ارائه ی پایان نامه اش با عنوان «نمونه ی انسان بزهکار از نظر مقررات جزایی مربوط به نوجوانان» موفق به اخذ این درجه در رشته ی حقوق جزایی شد. لطفی مدت سه سال در آلمان به عنوان دستیار استاد زبان فارسی مشغول بود. سپس به ایران بازگشت و در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت به فعالیت های سیاسی پرداخت ؛ اما با وقوع کودتای ۲۸ مرداد و دستگیری و محاکمه ی دکتر محمد مصدق از کار سیاسی دلسرد شد و به فعالیت های فرهنگی روی آورد. وی با استفاده از تسلطش به زبان های آلمانی ، انگلیسی و فرانسه و نیز فهم دقیق متون فلسفی ، آثار شاخص فلسفه یونان و غرب را ترجمه نمود. دکتر محمدحسن لطفی در سال ۱۳۷۸ دارفانی را وداع گفت. کتابهای " پایدیا " و" مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس ،"ترجمه ،محمدحسن لطفی تبریزی به ترتیب در دوره های شانزدهم و هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ، به عنوان کتاب بر گزیده ی سال بر گزیده شدند.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق جزا

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسن لطفی تبریزی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش تبریز به پایان رساند. در آن ایام دروس دبیرستان به دو دوره سیکل اول و دوم تقسیم می شد. برای دوره دوم دبیرستان در تمام تبریز - بلکه در سرتاسر آذربایجان- یک مدرسه بیشتر نبود و آن مدرسه فردوسی بود. دوره دوم دبیرستان به دو بخش علمی و ادبی تقسیم می شد که لطفی از محصلان بخش ادبی بود. در دوره ادبی گذشته از تاریخ و جغرافی، مختصری معانی بیان و عروض و قافیه و منطق و مقدمات فلسفه و تاریخ آن تدریس می شد. در دوره دبیرستان وی با نهج البلاغه و مقالات عروهٔ الوثقی و نامه های عربی سید جمال الدین اسد آبادی نیز آشنا شد. او در سال ۱۳۱۷ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران و در سال ۱۳۲۰ فارغ التحصیل شد. در

سال ۱۳۲۲ با استفاده از بورس تحصیلی به استانبول رفت . پس از سه ماه اقامت در استانبول بطور غیر منتظره موفق به دریافت بورس از موسسه اوقاف هومبولدت آلمان شد و در اسل ۱۹۴۳ میلادی عازم آلمان شد و در دانشگاه گوتینگن تحصیل در دوره دکترا را شروع و پس از ارائه پایان نامه اش با عنوان «نمونه انسان بزهکار از نظر مقررات جزایی مربوط به نوجوانان» موفق به اخذ درجه دکترا در رشته حقوق جزایی شد.

خاطرات و وقایع تحصیل : محمدحسن لطفی تبریزی نه تنها دو سال آخر جنگ جهانی دوم، بلکه سه سال پس از آن را نیز در آلمان در عسرت و سختی گذرانید. و از آن ایام حکایت می کرد که در سالهای کمبود و ویرانی بعد از جنگ، روزی مرحوم دکتر شهید نورایی استاد فقید دانشگاه اورا در آلمان دید و از وضعیتی که داشت متاثر شد. چون پول کافی نداشت، ساعت طلایش را بز کرد و به لطفی داد و او توانست با فروش آن شش ماه زندگی خود را بچرخاند.

فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدحسن لطفی تبریزی در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت به فعالیت های سیاسی روی آورد، اما با وقوع کودتای ۲۸ مرداد و دستگیری و محاکمه ی دکتر محمد مصدق از کار سیاسی دلسرد شد و به فعالیت های فرهنگی روی آورد. وی همزمان با محاکمه ی دکترمصدق در دادگاه نظامی تهران ، به ترجمه ی رساله ی «آپولوژی » افلاطون اقدام نمود و آن را با عنوان « محاکمه سقراط» که در واقع اعتراضی به جریان دکتر مصدق بود، منتشر کرد.

استادان و مربیان : در دبیرستان فردوسی و در بخش ادبی، معلم ادبیات فارسی سید هدایت ا... شهاب فردوسی از شاگردان ادیب نیشابوری (ادیب اول) بود. معلم صرف و نحو عربی، آقا شیخ علی اکبر قاری از افاضل تبریز بود و معلم فرانسه « موسیو نبارش»و معلم شیمی موسیو میناسیان بود که به زبان فرانسه تدریس می کرد. هچنین معلمان دانشمندی چون مرحوم جلال همایی که ادبیات فارسی را عمیقاً به او آموخت، دیگری معلم یهودی گمنامی که لطفی همیشه از او به نیکی و سپاس یاد می کرد و می فت فرانسه را چنان خوب به من یاد که تا امروز هر چه از آن زمان می دانم و به یاری آن حتما کتابهای فلسفی فرانسه را می خوانم از او دارم، سومی شخصی به نام سید هادی سینا معلم عربی و فلسفه که بعدها مانند مرحوم همایی استاد دانشگاه شد و بدیع الزمان فروزانفر از تسلط او به لغت عرب اعجاب می کرد.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر محمد علی موحد با سابقه دوستی بیش از شصت سال از دوستان دوره دبیرستان محمدحسن لطفی تبریزی بود. دوستی با دکتر رضا کاویانی نیز در زندگی لطفی تاثیری ماندگار گذاشت. کاویانی تحصیل کرده آلمان و از موسسین جبهه ملی بود و درستی او با لطفی به ایامی که او در دانشکده حقوق تهران در سمی خواند بر می گشت لطفی در زمان تحصیل، در وزارت دارایی هم کار می کرد و کاویانی از صاحب منصبان نامدار آن وزارتخانه بود. کاویانی فقدان برنامه و تشکیلات سیاسی را بزرگترین عامل درماندیگ های ایران می دانست و در سال ۱۳۳۰ یعنی همان سال اول زمامداری دکتر مصدق، رساله ای زیر عنوان « مملکت بی نقشه و هدف» نوشت و سرخوردگی خود را ازجبهه ملی فاش ساخت . کاویانی درصدد ایجاد تشکلی به نام « جمعیت مبارز» بر آمد اما در این کار موفق نبود و به زودی جمعیت به محفلی برای « مطالعه و تحقیق»تعلیل یافت که شمار اعضای آن از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی نمود و او این محفل را «مکتب فلسفی جمعیت مبارز»نام نهاد، دکتر موحد و لطفی در نشست های هفتگی آن محفل شرکت می کردند. در این محفل بود که لطفی ترجمه آپولوژی و رساله های کوچک افلاطون را بر عهده گرفت. ترجمه این آثار توسط کاویانی با اصل آلمانی تطبیق داده می شد و در جایی بخارایی که مردی ادیب و فاضل بود عبارات را اصلاح و پیرایه می نمود. بر این آثار مقدمه ای توسط کاویانی نوشته می شد. همکاری لطفی با کاویانی در کار ترجمه تا سال ۱۳۴۷ که کاویانی زنده بود ادامه داشت . آشنایی با افلاطون دولتی بود که برای لطفی به لطف کاویانی حاصل شد اما او صحبت افلاطون را مغتنم شمرد و دامن او را تا پایان عمر از دست نگذاشت.

همسر و فرزندان : محمدحسن لطفی تبریزی درزندگی مدیون همسر کم حرف و پروقار خود خانم زیگرید بود.این دوست همدل و

مشفق ایام دانشجویی که روزها مدیر دفتر وکالت او بود و شبها برایش کتاب می خواند و نظم و ترتیب و دقت و ضابطه خاص آلمانی را بر زندگی او حاکم کرد. دکتر لطفی پرورش یافته دوفرهنگ سختگیر و انعطاف ناپذیر بود(فرهنگ آذری و آلمانی) . چون در اواخر جنگ جهانی دوم در آلمان ازدواج کرده بود، با همسر آلمانی اش به توافق رسیده بودند که اگر سرنوشت بشریت آن چیزی است که آنها شخصاً شاهد آن بوده اهد، پس همان بهتر که به نوبه خودشان، موجود دیگری به جمعیت جهان نیفزایند و نیفزودند.

وقایع میانسالی : محمدحسن لطفی تبریزی در ترجمه آثار فلسفی ، منظوری فرعی نیز برای خود تامل است که آن را چنین باز گو می کند: نخستین تماس بنده با فلسفه در مدرسه متوسطه روی داد. در برنامه کلاسهای پنجم و ششم متوسطه فلسفه مشرق قرار داشت و فلسفه را از روی کتابی با عنوان «فلسفه شرق» تالیف مرحوم « ضیا الدین دری» می خواندیم و من در همان موقع سخت مجذوب فلسفه شدم و علت این امر استعداد خود من نبود بلکه آموزگاری بسیار دانشمند و دلسوز و مهربان داشتیم که همه کوشش او بر این بود که آنچه را خود می داند به شاگردان منتقل کند. ولی من در آن موقع با این که از مباحث فلسفی خوشم می آمد دچار حیرت بودم که چرا برای فهمیدن هر جمله کتاب فلسفی باید ریاضت کشید و چرا از صحت فهمیدن یک جمله فلسفی کمتر از زحمت حل یک مساله ریاضی نیست. بعد ها که با نوشته های فلسفی بیشتر آشنا شدم و ضمناً به کتابهای فلسفی اروپایی هم دسترسی یافتم متوجه شدم که در کشور ما برای فلسفه زبان خاصی ابداع شده است و مثل این است که نویسندگان این گونه نوشته ها کتابهای خود را فقط برای عده خاصی می نویسند نه برای همه درس خواندگان و حتی امروز هم گاهی به زبان عربی می نویسند. در حالی که فلسفه مهمترین دانشهاست در زبان فلسفی کشور ما بطور کلی انحرافی از راه اعتدال روی داده است. و مخصوصاً به اصطلاحات بفرنج آن قدر اهمین داده شده است که خود مطلب در زیر کوه اصطلاحات مدفون مانده است و از یک سو انبوه اصطلاحات و از سوی دیگر زبان نعلق نثر فلسفی سبب هراس و حتی انزجار جوانان و دانشجویان از فلسفه شده است. وقتی که خودم به ترجمه کتابهای فلسفی روی آوردم با توجه به این ملاحظات تصمیم گرفتم راهی دیگر در پیش گیرم و ترجمه را به زبان هر چه ساده تر و سلیس تر آوردم و ببینم نتیجه چه می شود. »

زمان و علت فوت : محمدحسن لطفی تبریزی در سال ۱۳۷۸ دارفانی را وداع گفت. دکتر عزت ا... فولادوند تواضع، ادب و راستی و دوستی مرحوم لطفی را در خاطره ای چنین نقل می کند که در دیداری از خانه مرحوم لطفی و به پیشنهاد همسر آن مرحوم به اتاق کار ایشان رفتم، روی میز انبوهی از کتاب دیده می شد و در آن میان چند مجلدی که دوستان دکتر لطفی به وی هدیه داده بودند. در این میان مجموعه شعری از آقای دکتر شفیعی کدکنی بود که به رسم یادگاری نوشته بودند «به مظهر اعتدال، خرد ایرانی در عصر ما به حکیم راستین دکتر محمد حسن لطفی – فرویدن ۷۷» دکتر لطفی بی آن که حتی به همسر خود بگوید، یک برچسب کوک روی کلمات « حکیم راستین » چسبانده بود تا خوانده نشود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدحسن لطفی تبریزی پساز بازگشت از آلمان به ایران که مقارن با خاتمه جنگ جهانی دوم بود کار وکالت را آغاز نمودولی رونقی نداشت و آن را رها نمود و به دانشگاه تبریز رفت و تاریخ تدریس نمود. دکر لطفی از سال ۱۳۲۹ تا سال ۱۳۵۷ مجدداً در تهران به کار وکالت پرداخت و یکی از موفق ترین شاغلان این حرفه به شمار می رفت اما رونق کسب و کار و در آمد مطلور او را ارضا نمی کرد و او در کنار فعالیت های وکالتی اشتغال ذهنی خود را با افلاطون و ترجمه آثار او ادامه می داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی دفتر وکالت را بست و همه نیرو و حوصله خود را وقف کار ترجمه کرد و گذشته از ترجمه متون تازه به بازخوانی و اصلاح ترجمه های سابق خود نیز همت گماشت.

فعالیتهای آموزشی : محمدحسن لطفی تبریزی مدت سه سال در آلمان به عنوان دستیار استاد زبان فارسی مشغول بود و مدتی نیز در دانشگاه تبریز به تدریس تاریخ اروپا پرداخت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : برنامه کتابخوانی دکتر لطفی و همسرش با نظم و انظباط خاصی انجام می شد. هر روز ، پس از پایان کار روزانه نوشتن و صرف شامی زود هنگام، حوالی شش بعد از ظهر، از ساعت هشت تا ده شب، همسرش برای او کتاب می خواند. این کتاب خوانی عموماً شامل ادبیات جهان می شد و به این ترتیب بود که آنها طی چهل سال ادامه منظم و بی وقفه این کار، موفق شده بودند تمام ادبیات جهان را بخوانند، ادبیات روس، انگلیس، فرانسه، آمریکا و آلمان و غیره. صبح روزی که شب آن بیمار شد و روز بعد به جهان باقی شتافت در برنامه پیاده روی خود به کتابفروشی زمینه سرزده مانند همیشه سرحال و قبراق به نظر می رسید. پس از تورق چند کتاب از وی در مورد ساعاتی که در روز به کار اختصاص داده است پرسیده شد و دکتر لطفی پاسخ داد: روزی چهار ساعت، دو ساعت صبح، دو ساعت بعد از ظهر، بیشتر هم نمی توانم . جالب است درست لحظه ای که احساس می کنم نمی توانم به کار ادامه بدهم، به ساعتم نگاه می کنم، می بینم راس دو ساعت است. بالاخره در هشتاد سالگی بیشتر از این نمی توان از ذهنی فرسوده کار کشید. اما خوشحالم از این که با تمام کردن کتاب تاریخح اومانیسم در اروپا که مشغول ترجمه اش هستم، عملاًموفق شده ام تاریخ تحولات فرهنگ غرب را از زمان یونانیان تا رنسانس ترجمه کنم .

آرا و گرایشهای خاص : محمدحسن لطفی تبریزی فکر مستقل داشت و به بعضی عقاید پای بند بود و اعتقاداتش ره به صراحت و با شهامت بیان می کرد، اما همواره با ادب و ملایمت و بارعایت کامل حق طرف به پاسخگویی و مخالفت. معتقد بود این ملت برای جبران عقب ماندگیها و پیمودن راه ترقی و تعالی، چاره ای جز بهره مندی از دانش و دل سپردن به کار و کوشش ندارد. معتقد بود ما غرب را درست نمی شناسیم، برای این که نیرومند شویم و بتوانیم از هویتمان دفاع کنیم، باید به تمدن و فرهنگ غربی، شناخت واقعی پیدا کنیم و برای شناختن غرب باید به ریشه های فکری آن برسیم. باید ببینیم این تمدن چیره گر چگونه و از کی آغاز شد،چه اندیشه هایی آن را بهحرکت در آورد و هنور هم جنبش و پویایی آن را حفظ می کند. او عقیده داشت که ریشه اینها همه به فکر یونانی و خصوصاً به افلاطون می رسد. عشق به افلاطون ممکن است کسی را عارف کند اما ضرورتاً فیلسوف نمی کند. دکتر لطفی به کمند عشق یا به تعبیر دیگر به افسون افلاطون گرفتا ر آمده بود. این عین کلمات اوست در گفت و گویی که چهار سال پیش از مرگش به زبان آورد «من هیچ وقت قصد این که همه نوشته های افلاطون را ترجمه کنم نداشتم، افلاطون خودش مرا به دنبال خود می کشانید، به طوری که ساعاتی که مشغول ترجمه نوشته های افلاطون بودم، لذت بخش ترین ساعات زندگی من بود. نوشته افلاطون خاصیت عجیبی دارد. نزدیک شدن به افلاطون آسان است از افلاطون جدا شدن و دور شدن مشکل است. کسی که یک دفعه دربند افلاطون افتاد،به این زودی نمی تواند خودش را خلاص کند. به این ترتیب افسون افلاطون واقعاً طوری بود که رها نمی کرد. ترجمه آثار ارسطو را به دو منظور انجام داد، اولاً هر سه کتاب را از مهمترین امهات کتاب های فلسفی می دانست و مخصوصاً «تابعه الطبیعه»و همچنین« سماع طبیعی»و هر دو کتاب پایه و مایه هر گونه فلسفه می دانست. و علاوه بر این کتابها را نخستین کتابهای درسی فلسفی می دانست که در دست است. ارسطو از یک وارث گنجینه ای پایان ناپذیر از اندیشه های فلسفی و علوم و معارفی است که تا زمان او پدید آمده بودند و از سوی دیگر رشته هایی را که تا زمان او دست کم به آن نظم و انسجام وجود نداشتند خودش پدید آورده است مانند منطق و جنین شناسی و جانور شناسی و غیره. در محور همه نوشته های ارسطو هنوز این سوال وجود دارد که آیا این کتابها نوشته های درسی است که ارسو برای تدریس خود آماده کرده بود یا یادداشتهایی که شاگردان حاضر در جلسات درس نوشته اند. ولی احتمال بیشتر بر این است که این نوشته ها، هم از طرحهای مقدماتی ارطو برای استفاده در مجلس درس و هم از یادداشتها و شنوندگان بوجود آمده باشد. این نیز ممکن است که بعضی را خود استاد با تکمیل طرح مقدماتی خود منضبط کرده و بعضی دیگر را پس از در گذشت او دیگران مرتب کرده باشند. وجود یک یا دو ترجمه از این نوع کتابها به هیچ وجه کافی نسیست بلکه باید ترجمه های متعدد بوجود آید و چه بهتر که مترجمان بدون اطلاع از کم و کیف کار یکدیگر ترجمه را با سلیقه های مختلف خودشان انجام دهند و این نکته لازم به ذکر است که ترجمه های فارسی موجود به

هیچ وجه حرف آخر در ترجمه آثار ارسطو نیست بلکه باید امیدوار بود که در آینده دیگران نیز بدین کار بپردازند و ترجمه های بیشتری پدید آید تا جویندگان دانش با مقایسه این ترجمه ها که حتماً باید با تحقیق و مراجعه به تفسیرها همراه باشد، محتوای فلسفی کتابها را چنانکه براستی هست بشناسند. علت این که ترجمه های انجام پس از ده، دوازده سال منتشر گردید از آنجا که به کار ترجمه اعتماد کامل نبود و با توجه به دشواری های محتوای کتاب، ترجمه ها دوباره خوانی می شد زیر نویس ها اضافه می شد و در فرصتهای مناسب بخشهای مختلف کتاب را با ترجمه های اروپایی مقایسه و تطبیق داده می شد و در این مورد از نظر دوستان و سایر بستگان نیز استفاده می نمود. لطفی در مقدمه مابعد الطبیعه اثر خود را فقط «کوششی» برای ترجمه آن دانسته است. در محیط فرهنگی ما هر نویسنده و هر مترجمی خودش یگانه قاضی آثار خویش است و جز حیثیت انسانی خودش، بسته به این که تا چه اندازه مقید به این حیثیت باشد، هیچ ناظری بر اعمال او وجود ندارد، و یکی از علل نازل بودن سطح فرهنگ ما همین است.» دکتر لطفی درباره آثار افلاطون معتقد است درباره چگونگی زندگی و اندیشه ها و شیوه فکر یک قوم، و حاصل اندیشه و شیوه فکر که فرهنگ قوم را تشکیل می دهد، از تاریخ چیز زیادی نمی آموزیم. بلکه به اشعار شاعران و آثار نثرنویسان و افسانه ها و داستانها و رومانها و فردشنامه های آن قوم- اگر رومان و نمایشنامه داشته باشد- رجوع کنیم. در میان آثار فلسفی که از فیلسوفان و متفکران ۲۵۰۰ تا ۲۶۰۰ سال پیش وجود دارد تنها یک نفر هست که در عین حال که بزرگترین فیلسوف دوران باستان و بزرگترین فیلسوف جهان به شمار می آید، نوشته های فلسفیش هم شعر است و هم افسانه و داستان و هم نمایشنامه و همه اینها چهارچوبی را تشکیل می دهد که هسته فلسفی نوشته را در بر می گیرد و این مزیت خارق العاده خاص افلاطون است.

جوائز و نشانها : کتابهای " پایدیا " و" مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس ،"ترجمه ،محمدحسن لطفی تبریزی به ترتیب در دوره های شانزدهم و هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ، به عنوان کتاب برگزیده ی سال برگزیده شدند.

چگونگی عرضه آثار : دکتر لطفی در طی مدت نزدیک به چهل سال، عمده ترین مشغل ?خود را ترجم ?آثار کلاسیک و متون اصلی فلسفه قرار داده و با ترجم ?بیش از ده هزار صفحه، خدمت ارزشمندی به جامعه علمی ایران در دهه های گذشته انجام داده است. فهرست آثار ترجمه شده دکتر لطفی نشان می دهد که بیشترین حیط ?کاری ایشان فلسفه افلاطون بوده و به تعبیر خودش متون تاریخی دیگر را عمدتاً برای روشنگری اندیشه های افلاطون ترجمه کرده است. ------------------------------

----

آثار :

۱ آغاز و انجام تاریخ

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یا سپرس است که انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۳ آن را منتشر کرد.

۲ آگوستین

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یاسپرس می باشد که انتشارت خوارزمی در سال ۱۳۶۳ منتشر کرد.

۳ اسپینوزا

ویژگی اثر : ترجمه ای از اثر کارل یا سپرس که طرح نو آن را در سال ۱۳۷۹ منتشر کرد.

۴ افلاطون

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل بورمان است که طرح نو در سال ۱۳۷۵ منتشر شد.

۵ افلاطون

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یاسپرس. این کتاب توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۵۶ منتشر شد.

۶ ترجمه ی پایدیا

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.«پایدیا» نام کتاب بزرگ « ورنریگر» است. درصدد کتاب این جمله یونانی با ترجمه فارسی آن (ظاهراًبه خط مترجم) قرار گرفته است « پایدیا، برای آدیمان فانی پناهگاه طبیعی است» دکتر لطفی در یادداشت خود بر ترجمه کتاب نوشته است: غرض اینجانب از ترجمه آن گذاشتن راهنمایی چنین گرانبها در دسترس فارسی زبانانی بوده است که مشتاق آشنایی با فلاسفه یونانی خاصه افلاطونند. در ترجمه متفکران یونانی نوشته تئودورگمپرتس نیز غرض جز این در میان نبود. آشنایی با کتاب: «پایدیا»: پایدیا/ورنر یگر؛ ترجم ?محمد حسن لطفی –. تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۶.- ۳ ج. پایدیا، کتابی است دربار ?شکلی بخشی به سیرت انسان یونانی به عنوان پالوده ای برای بررسی تمام تاریخ یونان باستان که در مجلدات سه گان ?آن، شالوده و رشد بحران فرهنگ یونانی دوران باستان و کلاسیک تا زمان فروپاشی امپراتوری آتن و تولد دوبار ?روح و فکر یونانی در عصر افلاطون و نبرد آن برای بازسازی دولت و تربیت و تحول فرهنگ یونانی تشریح شده است. به عقید ?صاحبنظران تا کنون کتابی به اهمیت پایدیا دربار ?تحول دولت و جامعه و ادبیات و دین و فلسفه یونان و فرآیند تاریخی که به سیرت یونانیان شکل بخشیده است و فرآیند فرهنگیی که یونانیان از طریق آن آرمان خود را از شخصیت انسانی پدید آورده اند، نوشته نشده است. مترجم توانا و سختکوش کتاب، جناب آقای دکتر محمد حسن لطفی که سالهاست به ترجم ?آثار ارزشمند فلسفی به ویژه فلسف? یویان اشتغال دارند، با ترجم ?ممتاز و تحسین برانگیز این کتاب مهم و ارزشمند به زبان فارسی خدمتی شایان و درخور تقدیر را به دوستداران حکمت و به ویژه پژوهندگان فرهنگ و تاریخ یونان به انجام رسانده اند.

۷ جنگ پلوپونزی

ویژگی اثر : ترجمه اثر توکوریدیس که توسط انتشارت خوارزمی در سال ۱۳۷۷ منتشر شد.

۸ خاطرات سقراطی

ویژگی اثر : نوشته کسنوفون است که ترجمه آن را انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۷۴ منتشر کرد.

۹ دور ?آثار افلاطون

ویژگی اثر : (۴ جلد) تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷.

۱۰ دور ?آثار فلوطین

ویژگی اثر : (تاسوعات) ۲ جلد، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۶

۱۱ رساله های منسوب به افلاطون

ویژگی اثر : ترجمه این آثار توسط انتشارت خوارزمی در سال ۱۳۶۵ منتشر شد.

۱۲ زندگی افلاطون و آثار او

ویژگی اثر : نوشته ویلا موتیس مولندروف، بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه ۱۳۵۵

۱۳ زندگی و آثار افلاطون

ویژگی اثر : (جلد اول: دوره جوانی) تألیف مولندورف، تهران، انتشارات صفی علیشاه،۱۳۳۲.

۱۴ سقراط

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یا سپرس که توسط انتشارت خوارزمی در سال ۱۳۵۷ منتشر شد.

۱۵ سیرا و مانیسم در اروپا

ویژگی اثر : اثر ترجمه نیمه تمامی است که به پیدایش اندیشه اومانیسم و تاریخ تحول آن از زمان رومیان قدیم تا قرن بیستم می

پردازد. نویسنده کتاب آگوست بوک (۱۹۱۱–۱۹۹۸) استاد ادبیات دانشگاه ماربورگ آلمان با استناد به مدارک بر زمینه تاریخی اثر بخشی فرهنگ دورانی که اروپائیان آن را به دوران باستان (یونان و روم قدیم) می نامند، خواننده را با کوشش متفکران اروپایی برای تربیت انسان باختر زمینی از طریق ترویج گفت و گوی انتقادی با آثار فیلسوفان و نویسندگان و هنرمندان و شاعران «دوران باستان» آشنا می سازد و بدین سان تاریخ مفصل « فرهنگ غرب»را به خواننده عرض می کند.

۱۶ فرهنگ رنسانس در ایتالیا

ویژگی اثر : ترجمه اثر یاکوب بورکهارت است که طرح نو آن را در سال ۱۳۷۶ منتشر کرد.

۱۷ فلوطین

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یاسپرس که توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۳ منتشر شد.

۱۸ فن سخنوری گرگیاس

۱۹ کتب سه گانه ی اخلاق نیکوماخوس ، سماع طبیعی و مابعد الطبیعه

ویژگی اثر : از آثار ارسطو که توسط طرح نو در سال ۱۳۷۷ منتشر شد.

۲۰ گفتارهای نیکولوماکیاولی

ویژگی اثر : چاپ اول ۱۳۷۷ انتشارات خوارزمی گفتارها شامل اصول اندیش های ماکیاولی بوده و بعد از نزدیک به چهار قرن به همت استاد لطفی وارد ادبیات فارسی گردیده است. ترجمه کتاب گفتار ها بر پایه ترجمه آلمانی به قلم Verly Radolf Zorn, Aifred Kroener در سال ۱۹۷۷ انجام گرفته است.

۲۱ متفکران یونانی

ویژگی اثر : این کتاب اثر گمپرتس در سه مجلد ترجمه و توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۷۶ منتشر شد.

۲۲ مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «مجموعه آثار ارسطو:] مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس» [مجموعه آثار ارسطو:] مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکوماخوس/ ترجم ?محمدحسن لطفی تبریزی . ـ تهران : طرح نو، ۱۳۷۸ . ـ ۳ ج. اگر آثار کلاسیک را از حیث اهمیت، طبقه بندی و به ضرورت ترجم ?اهمّ آنها عطف توجه کنیم، بی شک آثار ارسطو در شمار چند اثر معدودی خواهد بود که از ضرورت و اهمیت بیشتری برخوردار است. ارسطو در مدرس ?خود در آتن برای هر یک از رشته ها مجالس درس ترتیب داد و همین درسها خاستگاه نوشته های تعلیمی او از قبیل فصلهای مختلف مابعدالطبیعه، سماع طبیعی و اخلاق نیکو ماخوس گردید. استفاد ?مترجم محترم از ترجمه های مختلف و دقیق به سه زبان مهم آلمانی، انگلیسی و فرانسوی تا حدود زیادی این اعتماد را در خواننده ایجاد می کند که هر چند این آثار از زبان یونانی ترجمه نشده ولی تا درحد قابل توجهی به متن اصلی نزدیک است و فاصل ?چندانی با اصل ندارد. به ویژه اینکه مترجم برای توضیح متن و رفع دشواریها و ابهامها با افزودن تعلیقه های مفید و روشنگر که غالباً برگرفته از حواشی راس (مترجم معتبر انگلیسی آثار ارسطو)، تریکو(مترجم اصلی آثار ارسطو به زبان فرانسوی) و هرمان بونیتس(مترجم اصلی آلمانی آثار ارسطو) و یا افزود? خود مترجم است، بر فاید ?ترجمه بسیار افزوده است.

۲۳ مجموعه آثار افلاطون

ویژگی اثر : این ترجمه در چهار جلد توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۵۶ منتشر شد.

۲۴ مجموعه آثار فلوطین

ویژگی اثر : این ترجمه در دو جلد توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۶ منتشر شد.

۲۵ محاکمه سقراط

ویژگی اثر : این ترجمه سرآغاز ترجمه ی آثار فلسفی دکتر لطفی بود.

۲۶ مرگ سقراط

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه اثری از رمانو گرواردینی است و به تفسیر چهار رساله افلاطون می پردازد که توسط انتشارات طرح نو در اسل ۱۳۷۶ منتشر شد.

بر گرفته از کتاب :بنیاد ایران شناسی

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۳۶، ۳۱۹۶، ۲۹۴۰، ۲۴۶۸، ۲۰۰۶/ ۲ ، ۱۴۸۹، ۱۴۸۸، ۱۴۷۷، ۱۳۷۱، ۱۳۴۴، ۹۴۱ ، ۸۴۷/ ۱)، کلک (س ۵، ش ۶۰، ص ۲۴۳ -۱۹۴)، کیهان فرهنگی (س ۱۶، ش ۱۵۹، ص ۷۳ -۷۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۵ -۸۵۴/ ۲).

لک زایی، نجف

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نجف لک زایی

محل تولد : سیستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

نجف لک زایی در سال ۱۳۴۸ در سیستان متولد شد. وی هم زمان با تحصیل در حوزه علمیه، از سال ۱۳۶۰ تاکنون، موفق شده است تا تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته علوم سیاسی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری ادامه دهد. ایشان هم اکنون عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام و سر دبیر فصلنامه علوم سیاسی است.

ماندگار، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی ماندگار

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۸۷/۴/۲

زندگینامه علمی

تولد بنده در ۲ تیر ماه ۱۳۴۳ در خانواده ای مذهبی در مشهد مقدس، پدر روحانی مادر خانه دار، تحصیلات دبستان از سال ۱۳۴۸ لغایت ۱۳۵۴ در دبستان هروی مشهد مقدس. تحصیلات دوره راهنمایی ۱۳۵۴ لغایت ۱۳۵۷ در مدرسه راهنمایی مجلسی مشهد مقدس. تحصیلات دوره متوسطه ۱۳۵۷ لغایت ۱۳۶۱ در دبیرستان دکتر علی شریعتی مشهد مقدس. تحصیلات حوزوی غیر رسمی از سالهای ۱۳۵۶ لغایت ۱۳۶۲ در مشهد مقدس با استاد خصوصی. تحصیلات رسمی حوزوی از سال ۱۳۶۲ در حوزه علمیه قم: دوره ادبیات و مقدماتی در مدرسه رضویه، دوره سطح محضر اساتیدی همچون خاتمی، وجدانی، استادی، هادوی تهرانی، اعتمادی، پایانی، دوره درس خارج محضر اساتید همچون وحید خراسانی، تبریزی، جوادی آملی، سید کاظم حائری، هادوی تهرانی. ازدواج سال ۱۳۶۳ تحصیلات دانشگاهی از سال ۱۳۷۲ لغایت ۱۳۷۹ در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی در موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام قم، پایان نامه ارشد «خطی مشی های سیاسی در نهج البلاغه» حضور در جبهه ها به توفیق الهی از ابتدا تا پایان مجموعا حدود ۲۲ ماه به صورت متناوب (رزمی ـ رزمی تبلیغی) امامت جمعه موقت طبس از ۱۳۷۰ لغایت ۱۳۷۴ مسئولیتهای آموزشی و مدیریتی در دفتر تبلیغات از ۱۳۷۰ لغایت ۱۳۸۲ در مرکز آموزش خواهران، مرکز تحقیقات، مرکز آموزش مبلغین مسئولیت نهاد رهبری دانشگاه علم و صنعت از سال ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۸۲ راه اندازی گروه تفحص سیره شهدا که کار تربیت مبلغ و راوی عرصه فرهنگ ایثار و شهادت را بعهده دارد از سال ۱۳۷۹ و مسئولیت این گروه از سال ۱۳۸۲ تاکنون می باشم.

متفکر، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین متفکر

محل تولد : مرند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حسین متفکر متولد ۱۳۴۱، در روستای کشکسرای مرند آی در یک خانواده کاملا مذهبی به دنیا آمد. دوران ابتدایی را در دبستان رازی و مقطع راهنمایی را در مدرسه راهنمایی شیخ هلال روستای کشکسرای با رتبه اول به پایان رساند. در کنار تحصیل به دامداری و کشاورزی نیز مشغول بود. در سال ۵۷-۵۶ وارد دبیرستان شد، سال اول را با رتبه اول به پایان رساند. علاوه بر شرکت در

تمامی راهپیماییها، اولین راهپیمایی کشکسرای را سازماندهی کرده و اقدام به سخنرانی علیه شاه نمود که با این فعالیتها تحت تعقیب ساواک قرار گرفت. در این دوران به آموزش نیروهـای جوان و انقلابی پرداخته و حـدود هزار نفر از افراد کشکسـرای و حومه را تحت آموزش قرار داد. در اوایل سال ۵۸ به عضویت رسـمی سپاه درآمد. در این زمان و بعد از پیروزی انقلاب در مبارزه با منافقین و حزب توده، چریکهای فدایی خلق، روشـنفکرمأبان، متحجرین و مقدس مأبان، شـرکت نمود. با شروع مبارزات حزب خلق مسلمان علیه انقلاب متفکر که در تبریز برای مقابله با آنها در اکثر صـحنه ها از جمله باز پس گیری صدا و سـیما، بخشهایی از دانشگاه تبریز و تصـرف مقر حزب خلق مسلمان و برخوردهای خیابانی حضور فعال داشت. در سال ۶۱ عازم جبهه شد و به عنوان مسئول آموزش پیرانشهر مشغول فعالیت شد و به صورت غیر متوالی حدود ۴۵ ماه در جبهه ها حاضر شد.

متقی زاده، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد متقی زاده

محل تولد : سربند اراک

شهرت : متقی زاده

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

احمد متقی زاده

متولد۱۳۴۲ دیپلم تجربی، تحصیلات حوزوی را تا سطح اول در حوزهٔ علمیه بروجرد نزد آیت الله صاحب زمانی و آیت الله جواهری نوه هفتم صاحب جواهر گذراندم و سـطح دو و سه را درحوزهٔ علمیه قم نزد اساتید حوزهٔ علمیه قم حضرت آیت الله سید علی محقق داماد، آیت الله اعتمادی، آیت الله سـبحانی و ... تلمذ نموده ام، درس خارج فقه و اصول به مدت ۵ سال در محضر آیت الله سبحانی ، مرحـوم آیت الله میرزا جواد آقـاتبریزی، آیت الله مکـارم، آیت الله جوادی آملی و آیت الله محمـد کریم مروجی شـرکت و کسـب فیض نموده ام و تحصـیلات دانشـگاهی کار شناسـی در رشته علوم سیاسی و کارشناسی ارشد را نیز در رشته علوم سیاسی و در حال ادامه تحصـیل دکتری و عضو هیئت علمی دانشـگاه پیام نور در حال حاضـر هسـتم . بیش از ۱۵ سال سابقه تدریس در دانشـگاههای تهران مثل علامه طباطبایی و شـهید رجایی و امام علی دانشگاههای ازاد اسلامی واحد تهران شمال و تهران مرکزی و علوم تحقیقات و پیام نور و علوم اقتصادی و.... هستم.

مسئولیتها در نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها : ۱-مسئول اداره نظارت و ارزیابی ۲-مسئول اداره جذب و گزینش نهاد ۳-مدیر ارتباطات و اطلاع رسانی مسئول و راه انـداز دانشـگاه پیام نور واحد چهاردانگه فعالیتهای پژوهشـی: تالیف بیش از ۱۰ جلد کتب و بیش از ۲۰ مقالات علمی پژوهشـی تالیفات: ۱-کتـاب انقلاب اسـلامی ایران و عوامل وقوع ان ۲-تجزیـه و ترکیب قرآن کریم ۳-تاریـخ تحول دولت در اسـلام ۴-آشـنایی با قانون اساسـی جمهوری اسلامی ۵-یکصـد و چهـل حـدیث اخلاقی از رسول اعظم ۶-آشنایی با اندیشه سیاسی امام خمینی ره و...

متین دفتری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ -۱۲۷۵ ق)، حقوقدان، نویسنده و مترجم. نام پدرش در بعضی مآخذ محمودخان و در بعضی محمدحسین ذکر شده است، در حالی که محمدحسین نام جد وی می‌باشد. متین در تهران به دنیا آمد. در شش سالگی به لقب سابق پدرش، اعتضاد لشکر، و به گفته خویش اعتضاد خاقان، ملقب شد و شغل پدر را که همان لشکرنویسی بود اختیار نمود. او بعدها ملقب به متین‌الدوله گردید. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی آلمانی تهران به پایان برد و زبان‌های فرانسه و انگلیسی و آلمانی را آموخت. سپس به استخدام وزارت امور خارجه درآمد. متین دفتری، در ۱۳۰۵ ش، به وزارت دادگستری وارد شد و پس از چندی به اروپا رفت و موفق به دریافت درجه‌ی دکترای حقوق گردید. وی در ۱۳۱۸ ش نخست وزیر شد. او چند دوره سناتور و در دوره‌ی پانزدهم مجلس شورا نماینده‌ی مردم مشکین‌شهر بود. از آثارش: «آیین دادرسی مدنی و بازرگانی»، در سه مجلد؛ «روابط بین‌المللی از قدیم‌الایام تا سازمان ملل متحد»؛ «تاریخ مختصر حقوق بین‌الملل»، ترجمه؛ «سیاست جزایی»، فارسی و فرانسه؛ «احکام تفصیلی هیئتهای عمومی دیوان کشور»؛ «انجمن آثار ملی ایران»، ترجمه؛ «دخالت مستقیم دولت در اقتصاد کشور»؛ «رویه‌ی قضایی»، در چهار بخش؛ «کلید استقلال اقتصادی ایران».[۱]

استاد ممتاز دانشگاه، حقوقدان و محقق بین‌المللی، سیاستمدار، فرزند محمود دفتری (عین‌الممالک) فرزند میرزا حسین وزیر دفتر فرزند میرزا هدایت‌الله وزیر دفتر فرزند میرزا حسین آشتیانی فرزند میرزا کاظم مستوفی‌الممالک فرزند میرزا محسن آشتیانی است. میرزا محسن از رجال و معاریف اوایل زندیه می‌باشد اولاد و احفاد وی در یکصد و پنجاه سال اخیر از حکومتگران ایران بوده‌اند. خانواده‌های وثوق الدوله، قوام‌السلطنه، معتمدالسلطنه، مصدق‌السلطنه، متین دفتری، دفتری، معاون، فرهاد معتمد، شکوه، دادور و میکده همگی از نسل همین میرزا محسن آشتیانی هستند.

متین دفتری در ۱۳۱۴ ه.ق در تهران تولد یافت. هنوز به شش سالگی نرسیده بود که توارثا منصب لشکرنویسی فوجهای دماوند و فیروزکوه و پیاده سیستان و مظفر تبریز به او رسید. این شغل قبلا شغل پدرش بوده و پس از آنکه مرحوم به مقام مستوفی ارتقاء یافت به فرمان مظفرالدین شاه با عنوان جناب و لقب اعتضاد لشکر و بعد متین‌الدوله به او واگذار گردید. او از همان اوقات تحصیلات خود را در مکتب خانه جدش وزیر دفتر شروع کرد. پس از یاد گرفتن مقدمات به آموزش زبان عربی و ادبیات فارسی و جغرافیا و حسن خط پرداخت و علوم آن روز را به حد کامل آموخت. سپس وارد مدرسه ایران و آلمان که به خرج دولت آلمان و ایران تأسیس شده بود گردید و مدت هشت سال در آنجا به تحصیل پرداخت و زبانهای فرانسه، انگلیسی و آلمانی را به حد کامل یاد گرفت و زبان عربی و معارف اسلامی را نزد شیخ محمد عبده تکمیل نمود؛ ضمنا در آموزش بعضی از دروس مدرسه حقوق جدیت تام به خرج داد. در اوایل جنگ بین‌الملل اول وارد وزارت امور خارجه گردید و در اداره تحریرات روس مشغول کار گردید؛ همزمان همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد و در روزنامه عصر جدید اخبار روزنامه رویتر را ترجمه می‌کرد و ضمنا مقالات مستقل هم می‌نوشت. متین دفتری هنگامی که در وزارت خارجه اشتغال داشت تحصیلات خود را ادامه داد و یک دوره کامل فقه و اصول و ادبیات عرب را نزد آقا سید اسدالله خارقانی که ملای روشنفکری بود تحصیل نمود. پس از جنگ بین‌الملل اول با مشارکت مصدق‌السلطنه و نصرت‌الدوله و نظام‌السلطنه و ذکاءالدوله غفاری مجله‌ای به نام مجله علمی دائر کردند که چند

سالی انتشار آن دوام داشت. پس از تعطیل مجله علمی به روزنامه ستاره ایران و زبان آزاد پیوست و در حزب دموکرات عضو فعال گردید. از ۱۲۹۸ نیز دوره مدرسه عالی حقوق را گذراند. به هنگام نخست‌وزیری وثوق‌الدوله با کمک عبدالرحمن بیک قنسول عثمانی در تهران که نزد متین دفتری زبان آلمانی فرا می‌گرفت طرح سجل احوال را در ایران تهیه و تسلیم رئیس دولت کرد. برمبنای همان طرح از آن تاریخ شناسنامه در ایران بوجود آمد و بعدها جنبه‌ی قانونی پیدا کرد.

در ۱۳۰۱ ش با حفظ سمت در وزارت امور خارجه نماینده مصدق‌السلطنه والی آذربایجان در تهران شد. در آن هنگام هریک از ولاه یک نماینده در تهران تعیین می‌نمودند که کارهای ایالت را در دوایر دولتی مرکز تعقیب کند.

چندی هم مستشار ایرانی و مترجم سفارت آلمان بود. آخرین سمتی که در وزارت امور خارجه بدست آورد ریاست اداره عهود و جامعه ملل بود که در سازمان جدید وزارت خارجه از ادغام چند اداره تشکیل یافته بود. کتابهای کلید اقتصادی ایران و کاپیتولاسیون از تحقیقات و مطالعات دوران وزارت خارجه اوست که همان موقع چاپ و انتشار یافت.

در ۱۳۰۶ ش داور اختیارات اصلاح دادگستری را گرفت و در همان سال عدلیه با سازمان و افراد جدید فعالیت خود را آغاز کرد. متین دفتری و پدرش عین‌الممالک هر دو از افرادی بودند که به دعوت داور به خدمت قضا اشتغال ورزیدند و با رتبه قضائی اولی به دادیاری و بعد به مستشاری استیناف و دومی به مستشاری دیوان جزای عمال دولت برگزیده شدند.

متین دفتری قریب دو سال در امر قضا با داور همکاری نزدیک داشت و او را در برنامه‌های سنگینی که عهده‌دار شده بود یاری می‌نمود. در ۱۳۰۸ ش داور را برای مطالعه در سازمان قضائی فرانسه و ادامه تحصیل به اروپا فرستاد و او ضمن کارآموزی در دادگاههای پاریس و ژنو و برلن دوره دکترای حقوق را در سویس پایان برد. پس از مراجعت از اروپا مدتی مدیر کل و معاون اداری بود تا سرانجام در ۱۳۱۰ به معاونت کل وزارت دادگستری منصوب گردید و در تهیه و تدوین قوانین مهمی چون قانون مدنی، قانون تجارت، آئین دادرسی حقوقی و بازرگانی و اصول محاکمات جزا نقش اساسی داشت. در ۱۳۱۱ مدتی در غیاب داور که به اروپا سفر کرده بود عهده‌دار کفالت وزارت دادگستری شد. در همین سمت پرونده تیمورتاش بدست او آماده طرح در دادگاه گردید. در ۱۳۱۲ داور به وزارت دارائی انتقال یافت و قرار بود متین دفتری به وزارت دادگستری منصوب شود ولی رضاشاه ترجیح داد یکی از قضات قدیمی عهده‌دار این سمت گردد و لاجرم صدرالاشراف دادستان کل به وزارت دادگستری منصوب شد ولی عملا کارهای مهم وزارتخانه از قبیل تهیه لوایح و دفاع از آن در کمیسیونهای دادگستری با معاون کل بود.

متین دفتری در ۱۳۱۳ هنگام تأسیس دانشگاه تهران برای احدی تصدی استادی کرسی حقوق جزای خصوصی به دانشکده حقوق دعوت شد و قریب چهل سال بدون وقفه در آن دانشکده تدریس می‌نمود. در همان سال بدنبال تشکیل جمعیت طرفداران سازمان ملل به دبیر کلی آن جمعیت برگزیده شد.

داور برای تعقیب اصلاحات دادگستری و تکمیل خدمات خود تلاش می‌نمود تا متین دفتری که دست پرورده او بود به مقام وزارت برسد. سرانجام در ۱۳۱۵ صدرالاشراف از وزارت معزول و متین دفتری جای او را گرفت.

دکتر متین دفتری در خاطرات خود درباره انتصاب به وزارت دادگستری چنین می‌نویسد: «در تابستان ۱۳۱۵ به مناسبت این که مدتی بود جمعیت طرفدار جامعه ملل را هم من در دانشکده حقوق ضمن تدریس در آنجا به موازات کارهای معاون وزیر دادگستری اداره می‌کردم به دعوت مسیو آونول دبیر کل جامعه ملل به اتفاق همسرم از راه زمینی بغداد و بیروت عازم ژنو شدم و صبح روزی که کشتی مرکوب، پس از یک هفته مسافرت بسیار مطبوع در آبهای مدیترانه وارد بندر تریست می‌شد به من در رستوران کشتی خبر رسید که رئیس شهربانی بندر برای ملاقات من به سالن کشتی آمده است و در چند ثانیه با خیالات مشوش از پلکان رستوران به طرف سالن بالا می‌رفتم افسری با انیفورم پرزرق و برق دیدم که با بلند کردن دست و سلام فاشیستی استقبالم کرد و پاکتی به دست من داد. آن را گشودم تلگرافی بود به امضای آقای محمد ساعد مراغه وزیر مختار ایران در رم در یک جمله کوتاه با این

عبارت تکان‌دهنده «حسب‌الامر فورا به تهران مراجعت فرمائید.» بدون هیچ توضیحی که همین ابهام انسان را همیشه دچار توهمات و حدسیات بدی می‌کند مراجعت با کشتی که زودتر از یک هفته حرکت نمی‌کرد عملی نبود ناچار با راه‌آهن حرکت کردم که پس از عبور از سویس و آلمان از راه روسیه به ایران برگردم به ژنو که رسیدم نصرالله انتظام در هتل بدیدنم آمد و از منصورالسلطنه نماینده ایران در جامعه ملل پیغام آورد به موجب تلگرافی که از وزارت خارجه رسیده است من مجاز نیستم در ژنو با دبیر کل جامعه ملل تماس بگیرم و به اصطلاح در آنجا آفتابی شوم و اضافه می‌کرد منصورالسلطنه از وصول این تلگراف برای من نگران شده است اما من با اعتماد به نفس به سفر بازگشت ادامه دادم و روزهای طولانی این مسافرت را در آن اوان که هنوز هواپیمای کشوری و تجارتی بین‌المللی دائر نشده بود در راه‌آهن بطئ‌السیر روسیه طی می‌کردم و روزی که کشتی ما وارد بندر پهلوی شد و نمی‌دانستم چه سرنوشتی در انتظار من است دیدم اتومبیل وزارت دادگستری جلوی بندر حاضر است و در آنجا مطلع شدم شاه از محاکمه جزائی عده‌ای که در زمان تصدی آقای علی منصور در وزارت راه مشاغلی به عهده داشتند و متهم شده بودند ناراضی است و وزیر دادگستری از خدمت معاف شده است.»

متین دفتری مدت سه سال وزیر دادگستری بود و با همان شدت و حدت که در داور وجود داشت وضع قوانین جدید را ادامه داد. در ۱۳۱۷ به عضویت فرهنگستان برگزیده شد و در همان سال در رأس سازمان جدیدی به نام سازمان پرورش افکار قرار گرفت. سرانجام در آبان ماه ۱۳۱۸ به هنگام افتتاح مجلس دوازدهم از طرف رضاشاه نخست‌وزیر شد.

او درباره نخست‌وزیر شدن خود در خاطراتش چنین می‌نویسد: «یک شب در هیئت وزیران که من هنوز وزیر دادگستری بودم و تازه جنگ جهانی دوم شروع شده بود شاه یک مسئله مهم بین‌المللی را برای یک اقدامی که در نظر داشت مطرح کرد و عاقبت به همه امر فرمود مقاله‌ای بنویسند و بوسیله رئیس دفتر مخصوص هرچه زودتر به عرض برسانند، عینا مثل یک امتحان کتبی که معلم به شاگردان خود می‌دهد. روزی که من مقاله خود را تسلیم کردم مرحوم شکوه اظهار داشت شاه فرموده‌اند برای بهترین مقاله جایزه درنظر گرفته‌اند. از جایزه خبری نشد و شاه هم راجع به آن موضوع دیگر چیزی نفرمودند ولی چندی نگذشت که روز افتتاح مجلس (دوره دوازدهم قانونگزاری) که علی‌الرسم دولت مستعفی و کابینه جدید معرفی می‌شود شاه من را مأمور تشکیل کابینه فرمودند. من چون خودم هیچ اقدامی برای احزار این مقام نکرده بودم و اصلا در آن زمان این گونه تشبث‌ها مجاز و معمول نبود حدس زدم که مقاله من در این تصمیم شاهانه شاید بی‌تأثیر نبود یا لااقل یکی از عوامل آن بوده است».

نخست‌وزیری متین دفتری زیادی طولانی نشد. در تیرماه هزار و سیصد و نوزده یعنی پس از ۸ ماه زمامداری مغضوب و از کار برکنار و مدتی در بازداشت و تا شهریور بیست در منزل خود تحت‌نظر بود. در ۱۳۲۲ از طرف متفقین به جرم ژرمانوفیلی بازداشت شد. مدتی در اراک و مدتی در رشت در اسارت انگلیس و روس بسر برد تا سرانجام از این مخمصه جان سالم به در برد. در بهمن ۱۳۲۴ که وضع کشور در اثر وقایع آذربایجان رو به وخامت می‌رفت و تدابیر حکیمی بی‌ثمر ماند، مجلس چهاردهم در روزهای آخر عمر خود قوام‌السلطنه را با اکثریت بسیار ضعیفی به نخست‌وزیری انتخاب کرد. قوام برای استحکام کابینه خود دو تن از نخست‌وزیران سابق را به عضویت کابینه دعوت کرد؛ سهام‌السلطان بیات را برای وزارت دارائی و دکتر متین دفتری را برای وزارت مشاور. بعد با تعیین سایر وزیران قوام هیئت دولت را به شاه معرفی کرد ولی هنگام معرفی وزیران به مجلس از معرفی متین دفتری خودداری نمود. متین دفتری در این زمینه در یادداشت‌های خود چنین متذکر شده است. «در اواخر دوره چهاردهم مجلس شورای ملی در ایامی که اختلافات ایران و شوروی در آذربایجان برپا شده بود آقای قوام به نخست‌وزیری منصوب شد. ایشان قبل از تشکیل کابینه به این فکر افتادند که هیئت بزرگ و برجسته‌ای مرکب از بعضی رجال به مسکو اعزام دارند و آن موقع تصمیم نداشت شخصا به این مسافرت برود لذا به اینجانب مراجعه و اظهار کرد میل دارم شما که در امور بین‌المللی وارد می‌باشید و تخصص در چنین مسائل دارید ریاست این هیئت را قبول و به اتحاد جماهیر شوروی مسافرت کنید و بعد برای اینکه این هیئت به

دولت انتساب نزدیکتری داشته باشد تکلیف قبول وزارت مشاور را نمود و اینجانب هم نظر به اوضاع باریک آنروز که در منتهای وخامت و تیرگی بود با این نظر موافقت و مشغول مطالعه سوابق کارهای مربوط به مأموریت مسکو گردیدم. روز ۲۵ بهمن ۱۳۲۴ من و سایر اعضاء کابینه به اعلیحضرت همایونی معرفی شدیم و فرمانی دائر بر وزارت مشاور من صادر گردید. مظفر فیروز و بعضی اشخاص دیگر که نقشه‌هائی داشتند از شرکت من در کابینه نگران شده و یقین داشتند با بودن دکتر متین دفتری در کابینه عرصه بر آنها تنگ خواهد شد و نخواهند توانست قوام را هرطور بخواهند بگردانند. بدین جهت به قوام اینطور تلقین کردند که اگر دکتر متین دفتری چندی در دولت بماند کارها را قبضه خواهد کرد و جای شما را خواهد گرفت. اما حقیقت این بود که عمال نفت جنوب میل داشتند کسانی به مسکو بروند که مورد اعتماد خودشان باشند و با دکتر متین دفتری مخالف بودند، برای این که از او در زمان نخست‌وزیری‌اش صدمه خورده و برای انتقام هنگام اشتغال ایران به زندان متفقینش انداخته بودند و این نکته روزی به ثبوت رسید که در حبس متفقین از من استنطاق کرده بودند چرا در زمان نخست‌وزیری به کمپانی فشار می‌آوردی و می‌خواستی امتیاز ۱۹۳۳ را ملغی کنی. دست‌نشاندگان مصطفی فاتح به قوام فشار آوردند که دکتر متین دفتری را به مجلس معرفی نکند. قوام که از هر طرف گرفتار عمال اجنبی شده بود بودن ذره‌ای استقامت از آقای سید محمد صادق طباطبائی رئیس مجلس شورای ملی خواهش کرد که دکتر متین دفتری را ملاقات و به ایشان اطلاع دهند که فراکسیون حزب توده در مجلس مخالف شرکت ایشان در کابینه است و در موقع معرفی به مجلس جنجال برپا خواهند کرد چه خوب است از وزارت استعفا دهید.»

متین دفتری با وجودی که عده‌ای چون طباطبائی و سهام‌السلطان و مظفر فیروز به او تکلیف استعفا کردند نپذیرفت و قوام نیز او را به مجلس معرفی نکرد.

در انتخابات دوره پانزدهم که کلا به دست حزب دموکرات قوام‌السلطنه انجام گرفت متین دفتری یکی از نه کاندیدای دکتر مصدق برای مجلس بود. برای جلوگیری از رویه حزب و بی‌طرفی در انتخابات متین دفتری به اتفاق عده‌ای از رجال در دربار متحصن شدند ولی این تحصن نتیجه‌ای نداد و انتخابات تهران مطابق میل قوام‌السلطنه انجام گرفت. متین دفتری با وجودی که قوام‌السلطنه و حزب دموکرات از یکطرف و رزم‌آراء رئیس ستاد ارتش از طرف دیگر مخالف انتخاب وی به نمایندگی مجلس بودند در همان دوره از صندوق مشگین شهر سر درآورده و در زمره وکلای دوره پانزدهم قرار گرفت. هنگام طرح اعتبارنامه او عباس نراقی وکیل کاشان و عضو فراکسیون دموکارت ایران که یکی از پنجاه و سه نفر محکومین توده‌ای دوره وزارت دادگستری متین دفتری بود به مخالفت پرداخت و یکی از وکلای آذربایجان از او دفاع کرد. سرانجام اعتبار نامه او به تصویب رسید. متین دفتری برای ساقط کردن کابینه قوام‌السلطنه دست به اقدامات دامنه‌داری زد، نطق مفصلی راجع به جریان انتخابات تهران نمود. باید او را یکی از عوامل سقوط قوام به حساب آورد.

در ۱۳۲۸ شاه تصمیم به تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر در قانون اساسی به نفع خود نمود. برای اینکه کار خود را موجه قلمداد کند عده زیادی از رجال صدر مشروطیت که در آن تاریخ حیات داشتند و همچنین تنی چند از رجال حقوقدان را به کاخ خود دعوت کرد و منظور و مقصود خود را برای تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر مواد قانون اساسی مطرح کرد و سران قوم همه نظر شاه را تأیید کردند. تنها متین دفتری در آن جلسه به مخالفت پرداخت و شاه را از شبیخون زدن به قانون اساسی برحذر داشت و سرنوشت شاه را با عاقبت محمد علی شاه مقایسه نموده بود. سخنان متین دفتری در آن جلسه به اندازه‌ای تند و شدید بود که سرانجام شاه به او گفته بود «خفه شود فضولی نکن».

اولین انتخابات مجلس سنا که توسط طبقه باسواد و به طریق دو درجه‌ای انجام گرفت متین دفتری سناتور دوم تهران شد. در اوایل ۱۳۲۹ که شایعه نخست‌وزیری سپهبد رزم‌آرا در اذهان قوت گرفت او به مخالفت برخاست و روزی که شاه فرمان نخست‌وزیری او را توشیح کرد به ملاقات شاه رفت و از سوء تدبیر شاه در انتخاب رزم آرا و ظهور دیکتاتور جدید، شاه را مذمت و لعن و نفرین

کرد. او به شاه گفته بود با این عمل جسد پدر خود را آتش زدی. در مجلس سنا در صف اول مخالفین رزم‌آرا قرار گرفت، با وجودی که دو برادرش از همکاران نزدیک رزم‌آرا بودند- سرتیپ دفتری ریاست شهربانی و دکتر عبدالله دفتری وزیر اقتصاد را برعهده داشتند، متین دفتری با برنامه دولت به شدت مخالفت کرد و طی سخنان طولانی از سناتورها تقاضا نموده که به او رأی اعتماد ندهند و رزم‌آرا با تلاش فراوان و برخورداری کامل از حمایت شاه رأی اعتماد ضعیفی در مجلس سنا بدست آورد.

در ۱۳۳۰ متین دفتری از طرف مجلس سنا به اتفاق دو سناتور دیگر مأمور نظارت در اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از شرکت غاصب انگلیسی شد. احاطه وی به مسائل بین‌المللی موجب شد قانون مزبور بدون درد سر به مرحله اجرا درآید. او در معیت دکتر مصدق به سازمان ملل رفت و نفوذ وی در بین نمایندگان سازمان ملل تأثیر شگرفی بر جای گذاشت. در ۱۳۳۱ وقتی لایحه مصادره اموال قوام‌السلطنه دشمن دیرین او را پس از تصویب مجلس شورای ملی به مجلس سنا بردند در کمیسیون دادگستری که ریاست آن با متین دفتری بود به سختی ایستادگی نمود و آن را مخالف قانون اساسی دانست. همان استقامت او موجب انحلال مجلس سنا در دوره مصدق گردید.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد که حکومت کشور به دست سپهبد زاهدی به راه دیکتاتوری کشیده شد، متین دفتری در مقام مقابله با دولت برآمد و از انتخابات دوره هیجدهم مجلس شورای ملی و دوم سنا انتقاد کرد و نامه سرگشاده‌ای به انجمن نظار انتخابات دوره دوم مجلس سنا نوشت و سرانجام طی نامه‌ای که به جراید فرستاد انتخابات را تحریم نمود ولی پس از انجام انتخابات متین دفتری این بار به عنوان سناتور انتصابی به سنا رفت و از این تاریخ تا به هنگام مرگ دیگر آن شور و هیجان سابق را نداشتند، فقط در تنقیح لوایح دولت می‌کوشید، گاهی نیز در مخالفت با دولت‌ها برمی‌آمد. در حکومت منصور در ۱۳۴۳ که منجر به افزایش بهای نفت و بنزین شد او مردانه ایستاد ولی پس از آن سکوت اختیار کرد؛ به همین سبب تا آخر عمر شغل سناتور انتصابی را برای خود حفظ نمود. در اواخر عمر برای حفظ خویش، از مدیحه سرائی و تجلیل از مقام سلطنت خودداری نمی‌کرد و بیشتر دلخوش به ریاست کمیسیون دادگستری مجلس سنا و ریاست کمیسیون بین‌المجالس و ریاست جمعیت طرفداران سازمان ملل در ایران و مسافرتهای متعدد مجانی بود.

دکتر احمد متین دفتری در تیرماه ۱۳۵۰ در تهران درگذشت و در باغچه علیجان حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. متین دفتری مردی به تمام معنی دانشمند و محقق بود، در مسائل حقوقی خاصه امور بین‌المللی تبحر داشت، به طوری که دانش او در این زمینه مورد تأیید خارجیان بود. با غالب رجال بزرگ هم عصر خود در دنیادوستی و مراوده داشت، دقیقه‌ای از مطالعه غافل نبود، به تدریس در دانشگاه عشق می‌ورزید، حتی در دوران نخست‌وزیری خود هم در کلاس درس حضور می‌یافت. سه مجلد آئین دادرسی مدنی و بازرگانی نشانگر تبحر و احاطه او به درس دانشگاهیش می‌باشد. وقتی در ۱۳۴۹ او را بازنشسته و استاد ممتاز نمودند به اندازه‌ای متأثر و غمگین شد که مرتبا می‌گفت استاد ممتاز یعنی تشییع جنازه در زمان حیات.

متین دفتری از تمکن مالی برخوردار بود، ولی فوق‌العاده خسیس و صرفه‌جو بود و از این رو همه ساله به ثروت او اضافه می‌شد وقتی بین او و حائری‌زاده اختلاف نظر حاصل شد و از تریبون مجلس شورای ملی و از میز خطابه مجلس سنا به لجن مال کردن یکدیگر پرداختند حائری‌زاده به او نسبت سوء استفاده داد و حتی او را متهم کرد یکی از ساختمانهای او در خیابان لاله‌زار نو دستخوشی است که از کمپانی اشکودار برای ساختن کاخ دادگستری گرفته است. ولی چنین چیزی صحت ندارد، او ذاتا مردی ممسک بود و از طریق توارث نیز مال زیادی برده بود ولی از جوانی به علت سخت بودن در معامله به ثروت خود افزود. خوب به خاطر دارم او کتابهای دانشگاهی خود را برای اینکه پورسانتی به کتاب فروش ندهد شخصا در دانشکده به دانشجویان عرضه می‌نمود و در پشت کتاب نیز امضاء می‌نمود اگر دانشجوئی کتاب بدون امضای او را در دست داشت مواخذه می‌شد.

متین دفتری از زمره رجالی است که دشمنان پروپا قرصی داشت و تا آخر عمر از این دشمنیها بی‌بهره نبود، گرچه تولد و شکوفائی

او در دوره دیکتاتوری رضاشاه بود ولی همیشه با دیکتاتوری و قانون‌شکنی مبارزه می‌کرد یا حداقل تظاهر به این موضوع می‌نمود. پس از شهریور ۲۰ که تب حمله انتقاد به رضاشاه بالا گرفت. متین دفتری هم که مدتی وزیر و نخست‌وزیر آن عصر بود از تهمت و افترا مصون نماند. مخصوصا حزب توده برای انتقام‌گیری از بازداشت ۵۳ نفر که در دوره وزارت دادگستری او انجام یافته بود چه نسبتها که به او نداد. سازمان پرورش افکار و یا به قول متین دفتری افسانه دستنبد زدن به قاضی زنجان را آنچنان بزرگ و مهیب نمودند که هیچ کانون وکلائی قادر به دفاع از آن نبود.

رویهمرفته دکتر احمد متین دفتری مردی باسواد و حقوقدان، باهوش، با پشتکار، و در عین حال جاه طلب، پول دوست، به اقتضای زمان مطیع، متظاهر و خودپسند بود. او تصور می‌کرد همه به او دین دارند و دامنه توقعات او از مردم بسیار زیاد بود. او به سه زبان دنیا یعنی فرانسه و انگلیسی و آلمانی تسلط داشت. زبان فارسی و عربی را بخوبی آموخته بود، بسیار شیرین و دلنشین چیز می‌نوشت، به همان میزان که در نوشتن مسلط بود در نطق و بیان عاجز و قاصر بود. او در جوانی با یکی از دختران مصدق‌السلطنه عموی پدر خود عقد نکاح بست و صاحب دو پسر و یک دختر گردید. یکی از پسرانش علم حقوق خواند، دیگری زیست‌شناسی را تعقیب کرد، یگانه دخترش هم نقاش قابلی بود.

تألیفات متعددی دارد از جمله کلید استقلال اقتصادی ایران، کاپیتولاسیون، محاکمات فوری، دخالت مستقیم دولت در اقتصاد، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی سه جلد، حقوق جزای خصوصی، روابط بین‌المللی از قدیم‌ترین ایام. ضمنا همه ساله قمستی از خاطرات خود را نوشته با نثر خوب به عنوان پیام نوروزی تهیه و به دوستان هدیه می‌نمود. حین‌الفوت ۷۳ سال داشت. دکتر متین دفتری سالها پروانه وکالت دادگستری داشت به همین دلیل پس از فوت مرحوم آسید هاشم وکیل، وکلای دادگستری او را به ریاست کانون انتخاب کردند، لیکن پرتو وزیر وقت دادگستری با او از در مخالفت درآمد و نگذاشت او در رأس کانون باقی بماند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ بیست ساله‌ی ایران (۴۳۸ -۴۳۷/ ۶)، خاطرات یک نخست وزیر، الذریعه (۱۳۱/ ۱۸، ۲۷۱/ ۱۲ ،۳۰۸/ ۱۱ ، ۵۰ / ۸)، روزشمار تاریخ (۲۵۳ / ۲، ۲۱۲، ۳۸۴، ۳۲۱، ۳۲۰، ۳۱۶، ۳۱۵- ۳۱۱، ۳۰۴، ۲۷۶، ۲۶۹، ۲۶۲، ۲۱۵، ۱۷۸ / ۱)، شرح حال رجال (۳۳ -۳۲/ ۶)، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (۸۶/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۷۰، ۲۰۶۰، ۲۰۵۰، ۱۷۹۶، ۱۷۵۲/ ۲ ،۱۳۵۸، ۷۴۸، ۳۵۰، ۱۲۰، ۸۰/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۲۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۶ -۴۵۴/ ۱)، نخبگان سیاسی ایران (۵۴۸/ ۴، ۱۷۸ -۱۷۷/ ۳)، نخست‌وزیران (۲۲۹، ۵۸، ۵۵/ ۱).

مجد دزفولی، مجدالدیین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۱۱۶۵ ق)، عالم دینی، قاضی، ادیب و شاعر. چون دزفول، از توابع شوشتر است او را مجد شوشتری نیز نامیده‌اند. در دزفول نشو و نما یافت و مطالب علمی را نزد علمای حویزه و شوشتر فراگرفت. وی فقه و حدیث را از محضر سید نعمت‌اللّه جزایری فراگرفت تا به مرتبه کمال رسید. قاضی مجدالدین، قاضی دزفول بود. او بارها به اصفهان سفر کرده و حزین لاهیجی با او ملاقات داشته است. وی چند سال قبل از تألیف «ذکرة المعاصرین» حزین لاهیجی (تألیف شده در ۱۱۶۵ ق) از دنیا رفت. از او اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۵ / ۹)، تذکرهٔ المعاصرین (۲۶۱ ،۱۳۸ –۱۳۷)، الذریعه (۹۶۰ / ۹)، صبح گلشن (۳۶۲)، فرهنگ سخنوران (۷۹۹).

محقق احمدآبادی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فقه و مبانی حقوق اسلام، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای فلسفه اسلامی و حقوق از دانشگاه تهران و در رشته فقه از حوزه علمیه قم در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

استاد حوزه علمیه قم از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ و دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۷ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

امکان در فلسفه اسلامی، مرجعیت و رهبری، نظریات فلسفی خواجه طوسی و مقایسه با فلاسفه غرب، تدریس دروس فلسفه ملاصدرا، حقوق مدنی در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و حوزه علمیه قم.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

احتکار از نظرگاه فقه اسلامی، دینامیسم اصالت انسان، اصول فقه، قواعد فقه، حقوق خانواده، وصیت در حقوق مدنی ایران، تکامل جانداران و مطالعات تطبیقی در فلسفه اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تأثیر غزلالی بر متفکرین مغرب زمین، عوامل مؤثر در پیشرفت ژاپن، ضمانت در تعهدات حقوق طبیعی، بازرسی در تاریخ ایران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

محقق داماد، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مصطفی محقق داماد، در سال ۱۳۲۴ هـ. ش در شهر قم در یکی از اصیلترین خانواده های روحانیت شیعه، چشم به جهان

گشودند. پدر ایشان مرحوم آیت ا... محقق داماد و جد مادری ایشان علامه حائری یزدی موسس حوزهٔ علمیهٔ قم میباشد. پس از طی دوران تحصیلات مقدماتی وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شدند، تا آنکه در سال ۱۳۴۸ موفق شدند از علما و مراجع وقت، درجهٔ «مجتهد» کسب کنند. ایشان عمدهٔ دورهٔ علوم عقلی و حکمت اسلامی را نزد استاد مرتضی مطهری و فقه و اصول تحلیلی را نزد آیات عظام، آملی لاریجانی و مرتضی حائری یزدی طاب ثراهم آموختند و به تدریس در حوزهٔ قم پرداختند. پس از آنکه از دانشگاه تهران موفق به اخذ درجهٔ لیسانس و فوق لیسانس در حقوق و فلسفهٔ اسلامی شدند، در بخش حقوق بین الملل به دانشگاه فرانسوی زبان لوون بلژیک وارد شدند و در سال ۱۹۹۵ موفق به اخذ درجهٔ علمی Ph.d گردیدند. در سال ۱۳۶۰ ش، به ریاست سازمان بازرسی کل کشور منصوب شدند و در سال ۱۳۶۵ ش به عضویت هیأت علمی دانشکدهٔ حقوق درآمدند و در سال ۱۳۷۰ ش به عنوان عضو پیوستهٔ فرهنگستان علوم پذیرفته شدند. هم اکنون استاد دانشکده حقوق و رئیس مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم میباشند و عضویت هیأت امنا و مجامع علمی چندین دانشگاه و مرکز علمی را بر عهده دارند و تاکنون ۱۶ جلد کتاب و دهها مقاله در حقوق و فلسفهٔ دین به زبانهای انگلیسی، عربی و فارسی تألیف نموده اند.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : نوهٔ دختری مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی فرزند مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد محقق داماد خاطرات کودکی : سید مصطفی محقق داماد دوران کودکی را در قم در دبستان اسلامی و باقریه گذراندند و پس از فارغ شدن از دبستان به حوزه علمیه قم (مدرسه فیضیه) وارد شدند.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سید مصطفی محقق داماد با صبیه مرحوم آیت الله العظمی آملی ازدواج کردند. و از ایشان ۵ فرزند دارد سه اناث و دو ذکور.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید مصطفی محقق داماد پس از طی دوران تحصیلات مقدماتی، وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شدند و در آن حوزه مقدس موفق شدند در سال ۱۳۴۸، از علما و مراجع وقت، درجهٔ «مجتهد» کسب کنند. عمدهٔ دورهٔ علوم عقلی و حکمت اسلامی را نزد استاد مرتضی مطهری و فقه و اصول تحلیلی را نزد آیات عظام، آملی لاریجانی و مرتضی حائری یزدی طاب ثراهم آموختند. همزمان با تحصیلات حوزوی به تحصیلات دانشگاهی نیز اشتغال داشتند و از دانشگاه تهران موفق به اخذ درجهٔ لیسانس و فوق لیسانس در حقوق و فلسفهٔ اسلامی شدند. سپس برای اخذ درجهٔ دکترا در سال ۱۹۸۸ م، در بخش حقوق بین الملل به دانشگاه فرانسوی زبان لوون بلژیک وارد شدند و در سال ۱۹۹۵ موفق به اخذ درجهٔ علمی Ph.d شدند.خاطرات و وقایع تحصیل : دوران تحصیل سید مصطفی محقق داماد مصادف شده است با نهضت امام خمینی و تبعید ایشان و حادثه مدرسه فیضیّه و ضرب و شتم طلاب توسط ایادی رژیم پهلویفعالیتهای ضمن تحصیل : دوران تحصیلی سید مصطفی محقق داماد مصادف است با دوران حرکت روشنفکری در حوزه علمیه قم. مرحوم استاد مطهّری را به قم دعوت کردم و در هفتهٔ دو روز در منزل من درس میگفتند. استادان و مربیان : آیت الله آملی (حاج میرزا هاشم) آیت الله گلپایگانی استاد مطهری هم دوره ای ها و همکاران : سید محمد خاتمی ربانی آملی طاهری خرم آبادی سید کاظم نورمفیدی همسر و فرزندان : همسر _خانم لاریجانی (خواهر آقایان لاریجانی) مریم السادات محقق (دکتری حقوق–وکیل دادگستری) صدیقه محقق (لیسانس ادبیات – فوق لیسانس زبان) زهرا محقق (دکتر مدیریت صنعتی از دانشگاه مری لند (آمریکا)) وقایع میانسالی : پدر – مادر- برادر کوچکتر (دو تا) فوت کرده اند پدر به علت سکته قلبی مادر به سرطان معده علت فوت کوچکترین برادر سقوط از بام علت فوت برادر بعدی سرطان معده مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید مصطفی محقق داماد در سال ۱۳۶۰ ش، با پایهٔ ۱۱ قضایی از سوی شورای عالی قضایی وقت به ریاست سازمان بازرسی کل کشور منصوب شدند و در سال ۱۳۷۰ ش، از این سمت استعفا دادند. در سال ۱۳۶۵ ش، با پایهٔ ۵ دانشیاری به عضویت هیأت علمی دانشکده حقوق درآمدند و در سال ۱۳۷۰ش، به اتفاق آراء مجمع عمومی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو پیوستهٔ فرهنگستان پذیرفته شدند. هم اکنون استاد پایهٔ ۱۰ دانشکده حقوق و رئیس مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم میباشند. به علاوه عضویت هیأت امناء و مجامع علمی چندین دانشگاه و مراکز علمی کشور را بر عهده دارند. خلاصه ای از مشاغل و سمتهای اداری به قرار زیر است: ۱–

عضو دائم و رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم ۲- عضو هیأت عالی علمی دائره المعارف بزرگ اسلامی ۳- عضو مؤسّسه علمی آل البیت اردن ۴- عضو شورای عالی علمی مدرسه شهید مطهری ۵- استاد مدعو دانشگاه تهران ۶- عضو کمیته اخلاق پزشکی فرهنگستان علوم پزشکی ایران ۷- عضو کمیته اخلاق پزشکی دانشگاه تهران ۸- عضو شورای عالی بنیاد حکمت صدرا ۹- عضو شورای پژوهشی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران ۱۰- رئیس کمیسیون ارزیابی خبرگان بدون مدرک دانشگاهی ۱۱- قاضی پایه ۱۱ دادگستری ۱۲- رئیس سازمان بازرسی کل کشور فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی سید مصطفی محقق داماد به قرار زیر است: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی : - اصول فقه – قواعد فقه- فقه تحلیلی – حقوق بشر اسلامی –حقوق عمومی اسلامی دانشکده ادبیات: -رشته فلسفه – دانشگاه شهید بهشتی: فلسفه ملاصدرا مقطع دکتری مدرسه عالی شهید مطهری : - فقه تحلیلی – فلسفه اسلامی – حقوق مدنی – حقوق اسلامی تطبیقی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران : - فلسفه اسلامی– کلام دانشگاه تهران: حقوق مدنی ۶ فقه تحلیلی دانشگاه مفید: - فقه تحلیلی – حقوق مدنی آرا و گرایشهای خاص : زمینه تخصصی : - فقه - اصول فقه - قواعد فقه - فلسفه اسلامی - حقوق اسلامی چگونگی عرضه آثار : سید مصطفی محقق داماد دارای کتابها و مقالات متعددی به زبانهای فارسی، انگلیسی و عربی هستند که از میان آنها به نمونههایی اشاره میشود: کتابها = بررسی فقهی و حقوقی اخذ به شفعه – حقوق خانواده- مباحثی از اصول فقه – قواعد فقه – سؤال و جواب سید محمد کاظم یزدی- دین، فلسفه و قانون- نخبگان علم و عمل ایران- مبانی حقوق بین الملل از دیدگاه اسلام. مقالات = ضمانت در تعهدات– آیین دادرسی- ابن السبیل- اسلام و دعوت ادیان به رعایت حق کرامت انسانی- امامت و ولایت از دیدگاه صدرا- محرک نخستین از نظر ارسطو و ملاصدرا- وجود ذهنی از دیدگاه حکمای اسلامی. تعداد مقالات ترجمه شده :۹ مورد تعداد مقالات تالیفی به زبان انگلیسی و عربی:۷ مورد تعداد مقالات حقوقی تألیف شده انتشار یافته: ۲۲ مقاله آثار : ۱ A Discourse on Nature and environment From an Islamic Perspective ویژگی اثر : سازمان محیط زیست ایران، تألیف، ۲۰۰۰م، ۱۳۷۹ش ۲ Protection of Individuals in times of armed conflict under international and Islamic laws ویژگی اثر : Global scholarty publicantions تألیف، ۱۳۸۴/۲۰۰۵ ۳ الاحتکار فی الفقه الاسلامی ویژگی اثر : دارالهادی- بیروت، تألیف ۲۰۰۱م، ۱۳۸۰ ش ۴ التعلیقات ویژگی اثر : مرکزنشرالدراتالاسلامیه، التقدیموالتحقیق، ۲۰۰۱م، ۱۳۸۰ ش ۵ الحقوقالانسانیهبین الاسلام و المجتمع المدنی ویژگی اثر : دارالهادی-بیروت ، تالیف ۲۰۰۰م۱۳۸۰ش ۶ ایقاع اخذ به شفعه ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی- تالیف ، تابستان ۱۳۸۴ ۷ بررسی فقهی و حقوق وصیت ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، تألیف، آخرین تجدید چاپ تهران چاپ اول سال ۱۳۶۸ سال ۱۳۷۳ چاپ سوم ۸ تحلیل و بررسی احتکار از نظر اسلام و فقه اسلام ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران- تألیفچاپ اول- ۱۳۶۲ ۹ حقوق بشردوستانهبین‌المللی «رهیافت اسلامی» ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی،تهران- تألیف ۱۳۸۰ ۱۰ حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن) ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، تألیف، آخرین تجدیدچاپ سال ۱۳۷۲ چاپ چهارم ۱۱ حقوق قراردادها در فقه امامیه ویژگی اثر : سازمان سمت - تالیف با همکاری ۱۳۸۰ ۱۲ دین، فلسفه و قانون ویژگی اثر : انتشارات قلم ، تألیف ۱۳۷۹ ۱۳ روشنگری دینی (جلد اول) ویژگی اثر : انتشارات روزنامه اطلاعات ، تألیف ۱۳۸۵ ۱۴ روشنگری دینی (جلددوم) ویژگی اثر : انتشارات روزنامه اطلاعات ، تألیف ۱۳۸۷ ۱۵ سئوال و جواب سید محمد کاظم یزدی ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، مقدمه و تحقیق، ۱۳۷۶ ۱۶ سلوک بین الملل دولت اسلامی اسلام محمد حمیدالله ویژگی اثر : ترجمه ،محمد حمیدالله- مرکز نشرعلوم اسلامیتهران ۱۳۸۰- تهران ۱۳۷۲ Mohammad Hamidallah Muslim Conduct of State, sh; Mohammad Ashraf Lahore E.ed ۱۹۸۷ ۱۷ سلوکبین‌المللی دولت اسلامی ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، ترجمه ۱۳۸۰ ۱۸ سیر فلسفه در جهان اسلام ویژگی اثر : ماجد فخری: مرکز نشر دانشگاهی–تهران (ترجمه مشترک) ۱۳۷۲ فقه الرهن ویژگی اثر : النشر الاسلامی التقدیموالتحقیق،

۱۳۸۷ / ۲۰۰۸ ۲۰ فی آفاق الفلسفه والدین ویژگی اثر : دارالهادی-بیروت، تألیف ۲۰۰۱م، ۱۳۸۰ش ۲۱ قواعد فقه- جلد اول(مدنی) ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، تألیف، آخرین تجدید چاپ سال ۱۳۷۳ چاپ پنجم ۲۲ قواعد فقه- جلد چهارم (بخش جزائی) ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران ، تألیف، چاپ اول سال ۱۳۷۹ ۲۳ قواعد فقه- جلد دوم(مدنی) ویژگی اثر : سازمان مطالعات و تدوین کتب(سمت) تهران، تألیف چاپ اول سال ۱۳۷۴ ۲۴ قواعد فقه- جلدسوم (بخش‌قضائی) ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران ، تألیف، چاپ اول سال ۱۳۷۸ ۲۵ مباحثی از اصول فقه دفتر اول ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، تألیف، آخرین تجدید چاپ تهران چاپ اول سال ۱۳۶۲ ۲۶ مباحثی از اصول فقه دفتر دوم ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، تألیف، سال ۱۳۷۳ چاپ پنجم ۲۷ مباحثی از اصول فقه دفتر سوم ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران ، تألیف، چاپ اول سال ۱۳۷۹ ۲۸ مبانی حقوق بین الملل ازدیدگاه اسلام ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی‌تهران، ترجمه ۱۳۸۰ ۲۹ مطالعات‌تطبیقی‌در فلسفه اسلامی ویژگی اثر : ترجمه،سعیدشیخ سعید شیخ: خوارزمی تهران ۱۳۶۹، نخبگان علم و عمل ایران ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، تألیف ۱۳۷۹

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط سید مصطفی محقق داماد بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی - تابستان ۱۳۸۶

محقق کرکی، زین‌الدین، نورالدین ابوالحسن علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۴۰/ ۹۳۸/ ۹۳۷ -۸۶۸ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، مجتهد و محقق. معروف به محقق کرکی و محقق ثانی و موصوف به شیخ علائی و مروج المذهب و مولای مروج و عالم ربانی. عده‌ای او را به جدش عبدالعالی منسوب کرده و علی بن عبدالعالی خوانده‌اند. وی از علمای بزرگ عهد شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ -۹۳۰ ق) بود، که او را مجدد مذهب شیعه نامیده‌اند. در جبل عامل شامات به دنیا آمد. سپس به مصر رفت و از علمای آنجا اخذ علم نمود. سفری هم به عراق نمود و بعدها در ایران مستقر گردید و نزد شاه تقرب یافت به حدی که شاه سلطنت را بدو تفویض کرد و خود را یکی از عمال شیخ خواند و محقق طی احکامی که به اطراف و ولایات نوشت، کیفیت سلوک عمال با رعایا را به آنان گوشزد کرد. محقق از شاگردان علی بن هلال جزایری (از شاگردان و راویان احمد بن فهد حلی) و محمد بن خاتون عاملی و دیگر بزرگان بود و از آنها روایت می‌نمود. او از علی بن هلال جزایری و ابن المؤذن دارای اجازه بود. علی بن عبدالعالی میسی (و از او شهید ثانی) و پسرش، ظهیرالدین ابراهیم میسی، و شیخ زین‌الدین فقعانی و شیخ احمد ابن ابی‌جامع و شیخ عبدالنبی جزایری از وی روایت کرده‌اند. شیخ علی منشار و شیخ کمال‌الدین درویش و سید امیر محمد استرآبادی و سید شریف‌الدین علی استرآبادی از شاگردان محقق کرکی بودند. در نجف درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. پدر شیخ بهائی فرموده که محقق کرکی را به زهر شهید کردند. در «شهیدان راه فضیلت» تاریخ شهادت وی ۹۴۵ ق ذکر شده است. از آثارش: «اثبات الرجعهٔ»؛ «احکام الارضین» یا «اقسام الارضین»؛ «جامع المقاصد»، در شرح «القواعد» علامه حلی، در شش مجلد؛ حاشیه بر «ارشاد الاذهان» علامه حلی؛ حاشیه بر «الفیه» شهید اول؛ حاشیه بر «الدروس» و «الذکری» شهید اول؛ حاشیه بر «شرایع الاسلام»؛ «صیغ العقود و الایقاعات»؛ «قاطعهٔ اللجاج فی تحقیق حل الخراج»؛ «النجمیهٔ»، در کلام؛ «نفحات اللاهوت» یا «اسرار اللاهوت»؛ رساله‌ی «الجعفریهٔ»؛ رساله‌ی «العدالهٔ»؛ رساله‌ی «الغیبهٔ»؛ رساله‌ی «الرضاع»؛ ترجمه‌ی «الجزیرهٔ الخضراء» فضل بن یحیی طیبی، که در هند به چاپ رسیده است.[۱]

شیخ زین‌الدین ابوالحسن علی بن حسین معروف به محقق کرکی (ف. نجف.۹۴۰ ه.ق) از علماء معروف، معاصر شاه طهماسب

صفوی، سمت شیخ‌الاسلامی داشت و قاضی‌القضاهٔ ایران بود. تألیفات بسیار دارد، از جمله‌ی آثارش جامع‌المقاصد فی شرح‌القواعد، حاشیه‌ی شرایع‌الاسلام، شرح الفیه‌ی شهید اول. حاشیه‌ی تحریر علامه است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۹۱/ ۵)، اعیان الشیعه (۲۱۳ –۲۰۸/ ۸)، حبیب السیر (۶۱۰ –۶۰۹/ ۴)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۷۸ ،۱۶۵، ،۱۶۰/ ۲)، الذریعه (۲۵۱ –۲۵۰، ۷۲/ ۲۴، ۷/ ۱۷، ۱۱۰/ ۱۵، ۱۰۷، ۲۴، ۱۶– ۱۵/ ۶، ۷۳– ۷۲/ ۵، ۲۷۱، ۵۵/ ۲، ۲۹۳، ۹۳/ ۱)، روضات الجنات (۳۵۹ –۳۴۶/ ۴)، ریاض العلماء (۴۶۰ –۴۴۱/ ۳)، ریحانه (۲۴۹ –۲۴۴/ ۵)، شهیدان راه فضیلت (۲۱۷ –۱۹۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۱ –۱۶۰/ ۱۰)، عالم آرای عباسی (۴۵۸، ۱۵۴، ۱۴۶، ۱۴۴/ ۱)، فقهای نامدار شیعه (۱۸۴ –۱۷۶)، فوائد الرضویه (۳۰۶ –۳۰۳)، قصص العلماء (۳۴۸ –۳۴۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۸۷ –۱۸۶)، الکنی و الالقاب (۱۶۲ –۱۶۱/ ۳)، معجم المؤلفین (۷۴/ ۷)، وقایع السنین و الاعوام (۴۶۲)، هدیهٔ الاحباب (۲۳۶)، هدیهٔ العارفین (۷۴۴/ ۱).

محقق، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـدباقر محقق در سال ۱۲۹۸ ، در رشت به دنیا آمـد.وی پس از گذرانـدن دوره ابتـدایی ، علوم قـدیمه را در حوزه علمیه زادگاه خود گذراند و در پانزده سالگی در حوزه علمیه قم دنبال نمود و از محضـر اساتید آنجا استفاده برد. وی پس از اخذ دیپلم متوسطه ، تحصیلات خود را در دانشکده الهیات (معقول و منقول) ادامه داد و با کسب رتبه اول موفق به اخذ درجه لیسانس گردید . پس از آن دوره دکترا با رساله « حقوق مدنی زوجین ، در زمان زنا شویی دائم از نظر قرآن » با موفقیت طی نمود. استادمحمدباقر محقق در کسوت قرآن پژوه،مفسر، فیلسوف، مورخ و مترجم شناخته شده است و آثاری به طبع رسانده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

والدین و انساب : محمد باقر محقق ، فرزند شیخ علی در رشت به دنیا آمد.

تحصیلات رسـمی و حرفه ای : محمدباقر محقق پس از به پایان بردن دوران ابتدایی ، علوم قدیمه را در حوزه علمیه رشت گذراند. در پانزده سالگی به حوزه علمیه قم رفت و از محضـر اساتیـد آنجا اسـتفاده برد. بعـد ازشـش سال تحصـیل در حوزه علمیه ، رهسـپار تهران شـد. و پس از اخـذ دیپلم متوسـطه ، تحصـیلات خـود را در دانشـکده الهیـات (معقول و منقول) ادامه داد. در سـال ۱۳۳۴ با کسب رتبه اول موفق به اخـذ درجه لیسانس گردید و جهت ادامه تحصـیل بار دیگر عازم قم شد. پس از این دوره او برای گذراندن دوره دکترا در سال ۱۳۴۴ به تهران بـازگشت و با طی نمودن این دوره ، رساله دکترای خود را در « حقوق مـدنی زوجین ، در زمان زنا شویی دائم از نظر قرآن » نوشت.

استادان و مربیان : محمدباقر محقق علوم قدیمه را ابتدا نزد شـیخ مهدی سبط در حوزه علمیه رشت فراگرفت ، سپس به حوزه علمیه قم رفته و نزد امام خمینی (ره) ، آیت الله مرعشـی نجفی ، آیت الله سیدمحسن حکیم کسب فیض نمود.استادان وی در دانشگاه آیت الله محمود شـهابی ، آیت الله سـیدمحمد مشـکاه ، استاد بدیع الزمان فروزانفر ، آیت الله ذو المجدین و آیت الله مهدی الهی قمشه ای بودند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدباقر محقق پس از انقلاب در مشاغل مختلف علمی خدمت کرد که اهم آن عبارت است از :

معاونت آموزشی دانشگاه علامه طباطبایی ، عضویت در ستاد انقلاب فرهنگی و ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی .

فعالیتهای آموزشی : محمدباقر محقق با اخذ مدرک لیسانس و کسب علوم حوزوی مدتی به تدریس در ادبیات و علوم دینی در رشت اشتغال ورزید. او پس از انقلاب مدتی در مشاغل مختلف انجام وظیفه نمود ، سپس از مسوولیت های اداری کناره گیری کرد و به تدریس اشتغال ورزید. تفسیر المحقق در دو مجلد به زبان فارسی و به شیوه ادبی و استدلالی شامل بخشی از قرآن کریم است. مؤلف در مقدمه اثر درباره خصوصیات قرآن، و نامهای قرآن، معنای سوره و آیه، و استعاذه، و تعداد سوره و آیات قرآن بحث کرده است. سپس به تفسیر سوره حمد می پردازد. مجلد دوم شامل تفسیر سوره های علق، مدثر, فلق، ناس است. مؤلف پس از ذکر آیه به بحثهای تحلیلی از نظر لغت و صرف و نحو و معانی و بیان مبادرت می کند سپس اخبار و روایات طریقین عامه و خاصه را بیان می کند و به طور مفصل به تفسیر آیه می پردازد. این تفسیر در تهران به طبع رسیده است. مؤلف همچنین اثر قرآن پژوهی دیگری به نام دایرهٔ الفرایـد در فرهنگ قرآن دارد. ---

آثار :

۱ تفسیر المحقق

۲ جداول ارث

ویژگی اثر : ترجمه- شیخ حر عاملی

۳ دایره الفرائد

ویژگی اثر : در فرهنگ قرآن؟، بیست و پنج مجلد

۴ رساله ای در تاریخ فقه و فقها

۵ رساله علم منطق و متدولوژی

۶ رساله فلسفه اسلامی

۷ رساله مبانی فلسفه

۸ قرآن و امام حسین(ع)

۹ کنز العرفان فی فقه القرآن

ویژگی اثر : ترجمه- فاضل مقداد

۱۰ گنجینه احکام قرآنی

۱۱ ناسخ و منسوخ

ویژگی اثر : ترجمه- ابن متوج بحرانی

۱۲ نمونه بینات در شان نزول قرآن

محققان گورتانی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا محققیان گورتانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۴/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب شیخ رضا محققیان گورتانی فرزند حاج اسماعیل در تاریخ ۱۰/۴/۱۳۴۸ در اصفهان متولد شده و پس از سپری کردن دوران دبستان و راهنمایی به سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه اصفهان شده و دروس مقدمات و مقداری از سطح را در حوزه علمیه اصفهان در مدرسه ذوالفقار فرا گرفته و در اصفهان در دروس حضرات آیات مرحوم سید احمد امامی و حاج سید حسن امامی و حاج آقا حجت ابطحی و شیخ علی اکبر فقیه و... شرکت نمودم.

در سال ۱۳۶۸ به حوزه علمیه قم هجرت نمودم و دروس خارج را در محضر آیات عظام آیت الله میرزا جوادآقای تبریزی و آیت الله وحید خراسانی و... فرا گرفتم و در این مدت رشته تخصصی تفسیر سطح چهار را سپری نموده و موفق به حفظ کامل قرآن کریم شدم و قریب به ۱۰ سال است که به تدریس علوم حوزوی و تدریس مکاسب و رسائل و... اشتغال دارم.

هم اکنون در مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه مشغول به باز نویسی و باز نگری قانون مجازات اسلامی قصاص و دیات می باشم.

محمدی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات قدیمه و کارشناسی در حقوق از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱، دکترای حقوق از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

حقوق مدنی فقه و اصول، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصول فقه، قواعد فقه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

حقوق، فقه و اصول، قواعد فقه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

محمدی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمدی جورکویه

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی محمدی جورکویه در سال ۱۳۴۳در روستای جورکویه از بخش خشکبیجار از توابع شهرستان رشت در خانواده ای مذهبی متولد شدم. تحصیلات ابتدائی را در روستای جورکویه و دوره راهنمائی را در بخش خشکبیجار گذراندم و تحصیلات دبیرستان را تا سال سوم دبیرستان در بخش خمام خواندم و آنگاه وارد حوزه علمیه بندر انزلی شدم. از سال ۱۳۶۱ دروس حوزوی را در مدرسه قائمیه بندر انزلی آغاز کردم. در سال۱۳۶۳ به حوزه علمیه قم آمدم و در مدرسه علمیه امام باقر(ع) دروس حوزوی را پی گرفتم.

همزمان با تحصیل در حوزه علمیه قم، دوره دبیرستان را به اتمام رساندم و دیپلم گرفتم. از سال ۱۳۶۷ در مرکز آموزش عالی دفتر تبلیغات دوره معارف اسلامی گذراندم و در سال ۱۳۷۰ از آن مرکز مدرک معادل لیسانس گرفتم. درسال ۱۳۷۲ در کنکور سراسری در رشته حقوق پذیرفته شدم و در کنار دروس حوزه، به تحصیل در دانشگاه پرداختم. سال ۱۳۷۶ از دانشگاه مفید لیسانس حقوق گرفتم و همان سال در دوره فوق لیسانس دانشگاه تهران در رشته حقوق جزا پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ درجه فوق لیسانس گردیدم. از سال ۱۳۶۹ فعالیت تحقیقاتی خود را در مرکز تحقیقات سپاه شروع کردم و آنگاه فعالیت خود را در پژوهشکده باقرالعلوم سازمان تبلیغات دنبال کردم.

از سال ۱۳۷۸ همکاری خود را با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه آغاز نمودم و مدتی در سمت معاون پژوهشی مرکز مذکور بوده ام. در کنار فعالیت در مرکز تحقیقات قوه قضائیه، به همکاری با دفتر پژوهشهای اسلامی سازمان زندانها پرداختم و مدتی به عنوان مدیر پژوهش این دفتر انجام وظیفه نمودم. از سال ۱۳۸۳ به عنوان عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی پذیرفته شدم که تا کنون ادامه دارد و به عنوان مدیر امور پژوهشی پژوهشگاه(دفتر قم) و عضو هیئت علمی آن به فعالیت مدیریتی و پژوهشی اشتغال دارم. در کنار فعالیتهای مدیریتی و پژوهشی، فعالیت آموزشی نیز در برخی دانشگاهها در رشته حقوق داشته ام.

پس از سالها حضور در دروس خارج فقه و اصول اساتید بزرگ حوزه همچون آیات عظام اردبیلی، مکارم شیرازی و سبحانی اکنون به نوشتن رساله سطح چهار حوزه اشتغال دارم.

محمدی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا محمدی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اواخر سال ۱۳۶۹ تحصیل علوم حوزوی و معارف اسلامی را در مدرسه علمیه سلیمانیه مشهد مقدس آغاز نمودم و پس از اتمام دروس مقدماتی در سال ۱۳۷۲به حوزه علمیه قم وارد شده و دروس سطح را در محضر اساتید بزرگوار اقایان حسینی بوشهری، محمدی خراسانی، حسینی خراسانی، سید احمد خاتمی اشتهاردی، ربانی گلپایگانی گذراندم و از سال ۱۳۷۶تاکنون در دروس خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی و خارج اصول ایت الله سبحانی بهره مند شده ام. به موازات دروس حوزه در سال ۱۳۷۵ وارد دانشگاه مفید قم شده و در رشته علوم سیاسی مقطع کارشناسی به تحصیل مشغول بودم و درسال ۱۳۷۱در کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران پذیرفته و این مقطع را گذراندم .علاوه بر تحصیل در حوزه و دانشگاه از سال ۱۳۸۰تاکنون در مرکز مشاوره معاونت تبلیغ و آموزش نهاد رهبری در دانشگاهها، در حوزه های مختلف اندیشه سیاسی اسلام وغرب، فقه سیاسی، مسائل روز و تاریخ تحولات ایران و جهان، معضلات سیاسی اجتماعی و فرهنگی جامعه و موضوعات متعدد دیگر، به تحقیق و پژوهش مشغول می باشم.

محمدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محمدی

محل تولد : رودسر

شهرت : محمدی گیلانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آیـۀالله محمـد محمدی دعوی‌سـرایی مشـهور به گیلانی در سال ۱۳۰۷ در روسـتای دعوی سـرا از توابع شهرسـتان رودسـر در استان گیلان در میان خانواده‌ای متدین و دوسـتدار خاندان پاک پیامبر به دنیا آمد. پدر او محمدجعفر نام داشت و در همان روستا زندگی می‌کرد و از راه کشـاورزی روزگـار می‌گذرانیـد. آیـۀالله محمـدی گیلاـنی در شـش سـالگی به مکتب خـانه رفت و قرآن مجیـد و کتابهای معمول در ادبیات فارسـی را فرا گرفت. سپس با تأسیس نخستین دبستان دولتی در نزدیکی روستای دعویسرا در سال ۱۳۱۵ به دبسـتان رفت و در کلاس سوم دبستان پذیرفته شد. با به پایان بردن دورۀ دبستان و شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۰ مجبور به ترک مـدرسه شـده، به خـدمت پـدر رفت و چنـد سال به کشاورزی مشـغول شـد. در سال ۱۳۲۳ همزمـان با تأسـیس حوزه علمیه رودسـر توسط مرحوم حجه الاسـلام والمسـلمین آقای حاج سید محمد هادی روحانی به حوزه علمیه رودسر رفت و جامع المقدمات را فرا گرفت. آنگاه در سال ۱۳۲۵ به حوزه علمیه قم مشـرف شد و به تکمیل دروس ادبیات و فراگیری دروس دوره سطح پرداخت. با پایان یافتن دوره سـطح، به درس خارج آیـۀالله العظمی بروجردی(ره) راه یافت و در مدت دوازده سال کتاب صلوۀ را در محضـر ایشـان به اتمام رسانـد. به موازات آن در درس اصول فقه امام خمینی(ره) نیز حضور پیـدا کرد و از آن بهره‌های بسـیار برد. در طول این مـدت در درس اسـفار و شـفای علاـمه سـید محمدحسـین طباطبـایی نیز به مـدت هفت سـال شـرکت نموده است. او در سالهای تحصـیل خود با اسـتادان و فضـلای بسـیاری رابطۀ دوستی داشته که برخی از اعضای جامعه مدرسین از آن جمله‌اند. آیۀالله محمدی گیلانی در سالهای عمر خود تا به امروز خدمات فرهنگی بسـیاری را به انجام رسانده است. او بسـیاری از کتب دورۀ سطح در فقه و اصول و حکمت و تفسـیر را بارهـا تـدریس کرده است و هم اکنون نیز در تهران به تـدریس خارج فقه و اصول اشـتغال دارد. از این رهگذر شاگردان بسـیاری تربیت و به عالم اسـلام تقدیم شده‌اند. آیۀالله محمدی گیلانی از فعالان سیاسی در پیش از انقلاب و پس از آن بوده است. او با حضور در جلسات جامعه مدرسین و امضای اعلامیه‌ها و نامه‌های آن و نیز سخنرانیها و افشاگریها سهم بسزایی در پیروزی انقلاب داشـته است. پس از انقلاب نیز به دسـتور امام تشـکیل دادگاه انقلاب را بر عهده گرفت و پس از تشکیل شورای عالی قضایی به عضویت این شورای در آمد.

محمدی، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر منوچهر محمدی در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در کرمان متولد شده است. وی مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه شهید بهشتی و دکترای خود را در رشته روابط بین‌الملل از آمریکا اخذ نموده است. دکتر محمدی مدیریت گروه روابط بین‌الملل دانشـگاه تهران و عضویت هیئت علمی دانشـکده حقوق و علوم سیاسـی را دارا می‌باشد. گروه : علوم انسانی رشته : علوم سیاسـی گرایش : مطالعات بین الملل والـدین و انساب : نام پدر منوچهر محمدی، حسـین محمدی و کارمند جزء ثبت اسـناد و دارای ۱۱ فرزنـد بـود.خـاطرات کـودکی : منـوچهر محمـدی قبـل از رفتن به دبسـتان ۳۰ جزء قرآن را نزد ملاـی مکتـبی بـه اتمـام رسانید.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : منوچهر محمدی در خانواده ای مسلمان و متدین و نسبتاً فقیر بدنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : منوچهر محمدی پیش از ورود به دبسـتان در مکتب خانه خواندن قران را فرا گرفت. دوره ابتدایی را در دبستان اسلامی

وابسته به جامعه تعلیمات اسلامی به پایان رسانید و سه سال دوره اول متوسطه را در دبیرستان امام خمینی (پهلوی سابق) کرمان گذراند و به علت فقر مالی به دانشسرای مقدماتی رفت و پس از اخذ دیپلم در رفسنجان مشغول تدریس شد. وی در سال ۱۳۴۵ تحصیلاتش را در دانشکده حقوق دانشگاه تهران ادامه داد. مدارک دانشگاهی ایشان به ترتیب زیر است: - کارشناسی حقوق سیاسی از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹ – کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۵۲ – کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه ویسکانسین مدیسون آمریکا در سال ۱۳۵۵ – دکتری مطالعات بین المللی از دانشگاه کارولینای جنوبی در شهر کلمبیا – آمریکا در سال ۱۳۵۸فعالیتهای ضمن تحصیل : منوچهر محمدی پس از اخذ دیپلم در رفسنجان به تدریس مشغول شدند.همسر و فرزندان : منوچهر محمدی متاهل و دارای همسر و چهار فرزند می باشد.وقایع میانسالی : منوچهر محمدی با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی از وزارت آموزش و پرورش استعفا داد و به استخدام شرکت ملی نفت در جنوب در آمد و مدت شش ماه در مناطق نفت خیز خوزستان در امور اداری مشغول خدمت شد. در سال ۱۳۵۴ با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی و علاقه به ادامه تحصیل از شرکت نفت استعفا داد و عازم آمریکا گردید و مدت یکسال در دانشگاه ویسکانسین به تحصیل پرداخت و موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی گردید. وی همچنین توانست دکتری خود را در رشته مطالعات بین الملل کسب کند و با توجه به نیاز انقلاب به کشور ایران بازگشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : خدمات علمی و اجرایی: - ۱۳۶۹ -۱۳۷۰، معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح - وزارت دفاع - ۱۳۶۸ -۱۳۶۹، مشاور حقوقی وزیر دفاع - وزارت دفاع - ۱۳۶۴ -۱۳۶۸، مشاور حقوقی مدیرعامل صنایع دفاع - ۱۳۶۳، وزارت فرهنگ و آموزش عالی - ۱۳۶۰ -۱۳۶۲، معاون نخست وزیر و سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین المللی - ۱۳۵۹ -۱۳۶۰، استانداری سیستان و بلوچستان - ۱۳۵۸ -۱۳۵۹، فرمانداری خرمشهر - از ۱۳۶۳ تا کنون، عضو هیئت علمی در دانشکده روابط بین الملل دانشگاه تهران - ۱۳۶۰-۱۳۶۲ معاون دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی - ۱۳۷۷-۱۳۸۰ مشاور حقوق بین المللی مدیر عامل شرکت بیمه ایران - ۱۳۸۴ معاونت امور بین الملل موسسه پژوهشی، فرهنگی انقلاب اسلامی - ۱۳۷۸ رئیس کمیته حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی - مدیر گروه علوم سیاسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)فعالیتهای آموزشی : عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط منوچهر محمدی: کارشناسی ارشد: - انقلاب اسلامی و روابط بین الملل - سمینار روابط خارجی ایران - سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دکتری: - ایران و کشورهای همسایه - سیاست خارجی ایران در تئوری و عملی آثار :استراتژی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر آمریکا رویاروی اسلام ویژگی اثر : انتشارات سروش -۱۳۸۲۲ انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلابهای فرانسه و روسیه ویژگی اثر : تالیف ۱۳۷۴۳ انقلاب اسلامی در میان انقلابهای بزرگ جهان ویژگی اثر : مقاله۴ انقلاب اسلامی و نظام جهانی ویژگی اثر : مقاله۵ انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها ویژگی اثر : دفتر نشر معارف ۱۳۸۰۶ بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ویژگی اثر : در دست چاپ۷ بیداری جهان اسلام ویژگی اثر : مقاله۸ پیشنهادات ضروری برای مسئولین جمهوری اسلامی در برخورد با تحولات جدید ویژگی اثر : مقاله۹ تحلیلی بر انقلاب اسلامی ویژگی اثر : چاپ امیر کبیر - چاپ یازدهم ۱۳۸۳۱۰ تحلیلی بر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ویژگی اثر : مقاله۱۱ تحول اداری تغییر در شیوه یا اصول ویژگی اثر : مقاله۱۲ تقابل دین و آزادی ویژگی اثر : مقاله۱۳ دکترین تعامل سازنده خارجی جمهوری اسلامی ایران ویژگی اثر : تالیف۱۴ رابطه امام خمینی و مردم در انقلاب اسلامی ویژگی اثر : مقاله۱۵ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ویژگی اثر : نشر دادگستر - ۱۳۸۰۱۶ ضربه‌پذیری منافع امنیتی ایالات متحده آمریکا ویژگی اثر : مقاله۱۷ مافیای قدرت ویژگی اثر : مقاله۱۸ مروری بر سیاست خارجی دوران پهلوی ویژگی اثر : تالیف، دادگستر، ۱۳۷۷

محمودی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین محمودی

محل تولد : نهبندان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۴

زندگینامه علمی

در مورخه ۴/۱/۱۳۴۶ در شهرستان نهبندان در جنوب خراسان بدنیا آمد. دوره ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود گذراند و سپس جهت تحصیل علوم حوزوی به زاهدان رفت پس از یکسال و اندی به شهر رضوی و در نهایت در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه گردید . دروس سطح را تا سال ۱۳۷۰ به پایان رسانید و از سال ۱۳۷۰ از محضر بزرگان حوزه حضرات آیات منتظری و مکارم شیرازی، سبحانی و وحید خراسانی بهره مند گردید . همزمان با دروس حوزه علمیه ، دیپلم را بصورت متفرقه اخذ و وارد دانشگاه باقر العلو م گردید . پس از پایان دوره کارشناسی کارشناسی ارشد روابط بین الملل را به اتمام رسانید. از سال ۱۳۷۸ اقدام به تأسیس موسسه فرهنگی و هنری دانشوران معاصر نمود.

مدرس، موسی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی مدرس

محل تولد : اندیمشک

شهرت : میر مدرس

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۰وارد حوزه علمیه قم شدم و ادبیات عرب و مقدمات را از محضر مرحوم مدرس افغانی و آقایان طالقانی و خسرو شاهی فرا گرفتم. و سطوح میانی و عالی را از محضر حضرات آیات راستی کاشانی، اعتمادی و اساتید مرحوم وجدانی فخر و محامی خراسانی تلمذ نمودم و در سال ۱۳۶۵ به عنوان شاگرد ممتاز شناخته شده، از طرف حضرت امام خمینی(ره)قائم مقام رهبری وقت و

آیهٔ الله گلپایگانی(ره) جایزه دریافت کردم. در همین دوران، نویسندگی و پژوهش را نیز تجربه کردم و در سال ۱۳۸۶ همزمان در رشته تخصصی قضا، در حوزه علمیه قم و کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی با گرایش فلسفه و کلام در دانشگاه قم پذیرفته شدم و تحصیل در این دو رشته را آغاز نمودم. حدود ۱۵ سال در درس خارج فقه و اصول اساتید برجسته حوزه علمیه قم شرکت نموده‌ام (۱۵ سال از درس خارج اصول آیه الله وحید خراسانی،حدود ۱۳ سال از درس خارج فقه آیهٔ الله شیخ جواد تبریزی (ره) و حدود ۵/۱ سال از درس خارج فقه (کتاب حج) آیهٔ الله فاضل لنکرانی استفاده کرده‌ام). و تاکنون بیش از چهار کتاب و ده‌ها مقاله در زمینه‌های تاریخی-تفسیری،تاریخ سیاسی ایران و اسلام،فقهی-حقوقی،حقوق اساسی و اندیشه‌سیاسی، و فرهنگی-هنری به چاپ رسانده‌ام.

مرتضوی ثانی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید غلامرضا مرتضوی ثانی

محل تولد : فردوس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب غلامرضا مرتضوی ثانی در سال ۱۳۴۷ به دنیا آمدم از سال ۵۵ وارد دبستان شدم و سپس مقطع راهنمای را پشت سر گذاشتم و بعد از آن در حوزه شهرستان مشغول به تحصیل شدم و همگام با تحصیل حوزه مشغول تحصیل دبیرستان هم بودم به صورت متفرقه و داوطلب آزاد سپس دیپلم خودم را گرفتم و بعد از آن به مشهد عزیمت نمودم و دروس حوزه را ادامه داده تا اینکه در سال ۷۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس علمی حوزه را پشت سر گذاشتم و همگام در دانشگاه باقرالعوم در رشته علوم سیاسی اشتغال به تحصیل داشتم و با نوشتن مقالات و پایان نامه دروس دانشگاه را به پایان برده و سپس در مرکز مدیریت حوزه در سمت کتابدار و متصدی امور آموزشی مدت حدوداً دو سال خدمت کردم و سپس در دروس حقوق وارد شدم و اکنون به صورت تخصصی رشته حقوق را مشغولم.

مروزی، ابوبکر احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۹۲ ق)، حافظ، محدث و قاضی. نسایی او را در حدیث ثقه می‌داند. اصلش از مرو و قاضی حمص و دمشق بود. از علی بن

جعد و ابونصر تمار و کامل بن طلحه و ابراهیم بن حجاج سامی و یحیی بن معین و احمد بن حنبل و صالح بن مالك خوارزمی و زهیر بن حرب و ابوربیع زهرانی و حکم بن موسی و عبیداللّه قواریری و منصور بن ابی‌مزاحم و سوید بن سعید حدیث روایت کرد. ابوعبدالرحمان نسایی و ابوالقاسم طبرانی و ابوعبداللّه بن مروان و ابواحمد بن ناصح و ابوعلی ابن معروف و محمد بن احمد عسکری و احمد بن عبید حمصی و ابوعوانه و ابوجوصا از او روایت کردند. در دمشق درگذشت. از وی تصانیف سودمند و مسانید برجا ماند. از آثارش: کتاب «العلم»؛ کتاب «الجمعة»؛ «مسند عائشة»؛ «مسند ابی‌بکر الصدیق»؛ «مسند عثمان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۴/ ۱)، تاریخ بغداد (۳۰۵ -۳۰۴/ ۴)، تذکرة الحفاظ (۶۶۴ -۶۶۳/ ۲)، تهذیب التهذیب (۵۷ -۵۶/ ۱)، سیر النبلاء (۵۲۸ -۵۲۷/ ۱۳)، طبقات الحفاظ (۳۱۱)، معجم المؤلفین (۸/ ۲).

مروزی، ابوسهل عبداللّه

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۱۵ -۱۶ ق)، حافظ، محدث و قاضی. شیخ و قاضی مرو بود. از پدرش و عمران بن حصین و عبداللّه بن مغفل مزنی و ابوموسی اشعری و عایشه و ام‌سلیمه و سمرة بن جندب و مغیرة بن شعبه و عبداللّه بن عباس و عبداللّه بن مسعود و بشیر بن کعب و حمید بن عبدالرحمان حمیری و ابوالاسود دؤلی و حنظلة بن علی اسلمی و انس بن مالك و سعید بن مسیب و عبداللّه بن عمر و ابوهریره روایت کرد. فرزندانش، سهل و صخر، و بشیر بن مهاجر و ثواب بن عتبه و حجیر بن عبداللّه و حسین بن ذکوان معلم و حسین بن واقد مروزی و داوود بن ابی‌فرات و سعید جریری و عبداللّه بن مسلم مروزی و عطاء خراسانی و عبیداللّه بن عبداللّه عتکی و عثمان بن غیاث و کهمس بن حسن و مطر وراق و ابوربیعه ایادی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. در جاورسه در سه فرسنگی مرو درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :التاریخ الکبیر (۵۱/ ۵)، تذکرة الحفاظ (۱۰۷ -۱۰۲/ ۱)، تهذیب التهذیب (۱۴۱ -۱۴۰/ ۵)، تهذیب الکمال (۳۸ -۳۶/ ۱۰)، الجرح و التعدیل (ج ۲، ق ۱۳/ ۲)، سیر النبلاء (۵۲ -۵۰/ ۵)، شذرات الذهب (۱۵۱/ ۱)، طبقات الحفاظ (۹۱)، العبر (۱۱۰/ ۱)، معجم البلدان (۱۱۲/ ۲).

مزارعی شیرازی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، قاضی و شاعر. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رسانید. سپس به تهران آمد و از دانشکده‌ی حقوق و ادبیات موفق به اخذ لیسانس گردید. در ۱۳۲۱ ش وارد خدمات دادگستری شد. از آثارش «دیوان» شعری است مشتمل بر پنج هزار بیت که در میان آنها اشعار اجتماعی و انتقادی نیز وجود دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۷۳ -۲۶۸/ ۱).

مسعود رازی، مسعود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، قاضی و شاعر. وی از احفاد قاضی سیف‌الدین بود. پدرش از قزوین به ری رفت و در آنجا به قضاوت پرداخت. بعد از پدر، در اوائل عهد صفویان، خود وی مسند قاضی ری را عهده‌دار گردید. قاضی مسعود در شعر و معما و انواع فضائل در زمان خود شهرت داشت. صاحب «هفت اقلیم» کتابی به نام «دستور قاضی» به وی نسبت داده و «تحفه سامی» نام پدر وی را قاضی سید عبداللّه ذکر کرده است. از اوست:

نه مرا شهره‌ی شهر این دل حیران کرده

فاش اسرار مرا دیده‌ی گریان کرده

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۶۳)، الذریعه (۸۷۲/ ۹)، ری باستان (۳۹۰/ ۲)، صبح گلشن (۴۰۶)، فرهنگ سخنوران (۸۳۹)، هفت اقلیم (۵۹ -۵۸/ ۳).

مسعودزاده، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا مسعودزاده

محل تولد : باب انار - جهرم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۶/۵ زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا مسعود زاده متولد ۱۳۳۸ در قریه باب انار از توابع شهرستان جهرم (استان فارس) تحصیلات خود را بعد از اخذ دیپلم فنی رشته برق در سال ۱۳۵۵ کاردانی رشته مزبور الکتروتکنیک از انستیتو شیراز در سال ۱۳۵۸ پس از مدت کوتاهی در سپاه پاسداران (۶ماه) در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس حوزوی را شروع کردم در سال ۱۳۶۷ پس از اتمام سطح وارد دروس خارج گردیدم در سال ۱۳۷۴ وارد دروس تخصصی رشته تفسیر و علوم قرآنی گردیدم و هم اکنون مشغول تدوین پایان نامه آن می باشم.

مسعودیان، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد مسعودیان

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه امام خمینی(ره) مشغول تحصیل جامع المقدمات شدم و تا پایان پایه سوم در آن مدرسه حضور داشتم. پس از پایان پایه سوم درس لمعه و اصول فقه را در درسهای استاد محمدی شرکت کردم و سپس رسائل را خدمت همان استاد و مقداری را خدمت استاد اعتمادی تمام نمودم. مکاسب را در درسهای استاد پایانی، استادی، محقق داماد و عراقی‌همدانی و نکونام شرکت کردم.همچنین درسهای لعمه را خدمت اساتید معظم طالقانی، سعیدی، خاتمی، درس کفایه را خدمت استاد موسوی تهرانی و اعتمادی تلمذ نمودم. سپس در سال ۷۱ یا ۷۲ در درس خارج آیت الله مکارم شیرازی (فقه و اصول) شرکت کردم. همچنین در درس اساتید محترمی همچون آیت الله وحید خراسانی و سبحانی نیز شرکت داشته ام. از سال ۱۳۷۶ کار خود را در واحد پاسخ به سوالات (نهاد رهبری دردانشگاه) آغاز نمودم و از سال ۱۳۷۹ (سال تاسیس) واحد پاسخ به سوالات ستاد اقامه نماز را تحت اشراف حاج آقای کلباسی راه اندازی نموده و تاکنون(۲۴/۱۰/۸۵) مشغول خدمت می باشیم.

مشایخی، قدرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قدرت الله مشایخی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قدرت الله مشایخی در سال ۱۳۴۲ بعد از تحصیلات ابتدایی وارد مدرسه علمیه خوانسار شدم و کتاب جامع المقدمات را نزد مرحوم آیت الله حاج آقا حسن علوی فرا گرفتم و در سال ۱۳۴۴ وارد حوزه علمیه اراک و سیوطی و حاشیه را نزد آقای رفیعی در مدرسه آقا ضیاء الدین گذرانده و در سال ۱۳۴۵ وارد حوزه علمیه قم و کتاب مغنی را نزد حاج سید حسن درچه ای و آقای فشارکی و معالم الاصول را نزد آقای اشکوری و مطول را نزد آقای دوزدوزانی و شرح لمعه را نزد آقای ستوده و سید ابوالفضل موسوی و قوانین را نزد آقای اعتمادی مکاسب را نزد آیت الله سلطانی و آیت الله فاضل لنکرانی و رسائل را نزد آیت الله سبحانی

گذرانـده و کفـایه را نیز نزد آیت الله سـلطانی و آیت الله مشـکینی . سـپس درس خارج حوزه را مـدتی در خـدمت مرحوم آیت الله دامـاد و آیت الله حـاج آقا مرتضـی حائری گذرانـده و مـدتی نیز درس اصول آیت الله حاج شـیخ هاشم آملی و آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی و خـارج فقه را سـال هـای متمـادی نزد حضـرت آیت الله العظمی گلپایگانی فرا گرفتم . در درس فلسـفه مـدت ۸ سال خـدمت آقای حسن زاده آملی اسـفار شـرکت کردم . مـدت کوتاهی در یک تابسـتان مسائل مسـتحدثه را نزد حضـرت امام خمینی رحمه الله علیه آموختم .

در خلال این سـنوات همیشه در ماه های تبلیغ محرم و صـفر و رمضان را مشـغول منبر و تبلیغ در شهرهای مختلف کشور و در حدود چند سالی اداره کلاسـهای فن خطابه دفتر تبلیغات اسلامی را به عهده داشتم . بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و بازگشایی دانشگاه ها از سال ۱۳۶۲ بنا به دعوت شورای انقلاب فرهنگی وارد دانشـگاه الزهراء شـدم چنـد سالی را به تـدریس دروس معارف اسـلامی مشـغول بودم و بنـا به تقاضـای دانشـگاه از سال ۱۳۷۰ از طریـق شـرکت درخبرگـان بی مـدرك جزء هیئت علمی دانشـگاه الزهراء ، دانشـکده الهیات در گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی قرار گرفتم و اکنون هم جزء هیئت علمی این دانشکده در دانشگاه الزهراء می بـاشم و تقریبـا اوقـات درسـی نیمی ازهفتـه را در آنجـا و نیمی ازهفتـه را نیز در حـوزه علمیه قم اشـتغال دارم . در دوران تحصـیل درحوزه گذشـته از اداره کردن کلاـس هـای فن خطـابه درس هـای اعتقـادی مـدرسه حقانی و همچنین درس لمعه و عروه الوثقی را در مدرسه آیت الله گلپایگانی تدریس داشتم و در مدرسه فاطمیه درس هائی ازنهج البلاغه را تدریس می کردم که جزوه هـای آن را هر هفته بین طلاـب تقسـیم می کردنـد و در این بحث هـا نامه امام به مالك اشتر و وصـیتنامه آن حضـرت به امام حسـن مجتبی علیه السلام مورد بحث و تدریس قرار می گرفت .

در حال حاضـر در دانشـگاه قواعد فقه ، احادیث فقهی ، مبادی فقه ، مبادی اصول و فقه تطبیقی که عبارت از فقه مذاهب خمسه می باشد را تدریس می کنم و در بسیاری از این درس ها مثل تاریخ اسلام ، معارف اسلامی و سوره های متعددی از تفسیر قرآن جزو ه هایش موجود است . روزهایی را که در حوزه هسـتم در درس فقه آیت الله حاج شـیخ میرزا جواد تبریزی شرکت می کنم و مشغول تکمیل جزوه های گذشته و بحث هائی در نهج البلاغه هستم .

مشکی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مشکی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه شدم و در حقیقت کارهیا علمی نوشتاری از سال ۱۳۷۲ شروع شد کتب و مقالات و تحقیقات زیادی دارم که بعضـی چاپ و بعضـی در دست اقدام می باشد. همراه با تحصیلات حوزوی موفق به اخذ دکتری در رشته حقوق خصوصی شدم و تحصیلات حوزوی هم اجتهاد می باشد. و فعلا به عنوان عضو هیئت علمی رسمی دانشگاه آزاد مشغول به تدریس هستم.

مصباح‌زاده اوزی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه و حقوقدان. در تهران به دنیا آمد. دوره‌ی ابتدایی را در شیراز و دوره‌ی متوسطه را در تهران به پایان برد. در دانشگاه بیروت به تحصیل ادامه داد. سپس درجه‌ی دکترای خود را در رشته‌ی حقوق و علوم اقتصادی از دانشگاه سوربن فرانسه گرفت. پس از بازگشت به ایران با سمت بازپرسی وارد خدمت دادگستری شد و بعدها مستشار دادگاههای استیناف تهران گردید. وی مدیریت کل اداره‌ی تبلیغات و استادی دانشکده‌ی حقوق را نیز به عهده داشت. در ۱۳۲۱ ش روزنامه‌ی «کیهان» را در تهران تأسیس و منتشر کرد، که ابتدا در سمت سردبیری و سپس با سمت مدیر مسؤل و صاحب امتیاز مشغول به فعالیت شد.[۱]

روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه و سیاستمدار، در ۱۲۸۸ ش در شیراز تولد یافت. پدرش عبدالرحمن مصباح دیوان اوزی سالها حکومت عباسی و بندرلنگه را داشت، بعد وارد دستگاه قوام‌الملك شیرازی شد و از محترمین فارس بود.

مصطفی مصباح زاده بعد از انجام تحصیلات مقدماتی دوره مدرسه عالی حقوق را در تهران تمام کرد و از طرف دولت برای ادامه تحصیل عازم اروپا شد و در رشته حقوق درجه دکترا دریافت نمود. بعد از مراجعت به ایران به دانشیاری و استادی دانشکده حقوق برگزیده شد. مدتی کوتاه قضاوت و وکالت دادگستری پیشه نمود ولی میله به احراز مقامات بالا داشت. بعد از شهریور ۱۳۲۰ مدتی ریاست انتشارات و تبلیغات با او بود ولی این کار را مطابق میل و سلیقه خود نیافت و آن را رها نمود و به کار روزنامه‌نگاری پرداخت.

در ۱۳۲۰ عبدالرحمن فرامرزی از دولت امتیاز روزنامه‌ای به نام کیهان را گرفت و سردبیری این نشریه را به دکتر مصباح‌زاده سپرد. روزنامه کیهان گرچه یومیه بود ولی در نخستین روزهای تولد در هفته دو یا سه شماره انتشار می‌یافت، ولی مندرجات روزنامه از سایر مطبوعات روز بهتر بود، مخصوصا مقالات فرامرزی و تندرویهای او در انتقاد از هیئت حاکمه خیلی زود روزنامه کیهان را به جامعه معرفی کرد. در آذر ماه ۱۳۲۱ ش که قوام‌السلطنه حکومت داشت در تهران و شهرستانها به علت کمبود و قحطی نان و مواد غذائی و فقر عمومی و بیماریهای گوناگون بلوای بزرگی به راه افتاد. سازمانهای دولتی و مجلس شورای ملی و مغازه‌ها مورد غارت قرار گرفته حتی مردم خانه قوام‌السلطنه را به آتش کشیدند و دولت هم برای رفع بحران دست به اقداماتی زد، از جمله امتیاز تمام روزنامه‌ها را لغو نمود، مدیران و سردبیران را به زندان افکند و فقط یک نشریه به نام اخبار روز به مدیریت حسینقلی مستعان از طرف دولت انتشار می‌یافت.

بعد از سقوط قوام مدیران جراید دست به اقدام زدند و دولت مجددا امتیاز روزنامه‌ها را به صاحبان آن برگردانید. این بار امتیاز و مسؤولیت انتشار روزنامه کیهان به عهده دکتر مصباح‌زاده قرار گرفت و مدیریت و سردبیری را عبدالرحمن فرامرزی عهده‌دار شد. مصباح‌زاده با فعالیت زیاد سازمان وسیعی برای کیهان پی‌ریزی کرد و آن را به صورت یومیه انتشار می‌داد و مقالات فرامرزی هم هر روز بر رونق و نفوذ او می‌افزود. کیهان در مقابل صدها روزنامه موسمی که می‌آمدند و می‌رفتند باقی ماند و به سرعت و خیلی

زود خود را به پـایه روزنامه اطلاعات رسانیـد و بعـد به سـرعت زیاد از او جلو افتاد و روزنامه اول ایران شـد. از لحاظ فنی و چاپ و وسائـل لازم، آخرین پدیـده‌های دنیا در چاپخانه کیهان دیـده می‌شـد. در جنب روزنامه کیهان چنـد نشـریه دیگر به زبانهای فرانسـه انگلیسـی و فارسـی انتشـار می‌یـافت که آنها نیز از کیفیت عالی برخوردار بودنـد. مصـباح‌زاده در انتشار روزنامه نقش تأمین سـرمایه داشت و مطالب آن را عـده زیادی از نویسـندگان تنظیم می‌نمودنـد و گاهی اتفاق می‌افتاد که مـدیر و مؤسـس کیهان مانند سایرین کیهان بدست او می‌رسید.

مصـباح‌زاده برای اجرای نیت پـدر خود که سالها در تلاش بود تا از بنـدرعباس وکیل شود در دوره پانزدهم از بندرعباس به وکالت مجلس رسـید و فرامرزی سـردبیر روزنامه کیهان هم وکالت یافت. بدیهی است در روزنامه اطلاعات هم چنین وضعی وجود داشت: مدیر و سـردبیر آن عباس و محمد علی مسعودی که هر دو وکیل بودند در ادوار شانزدهم و هفدهم همچنان وکالت مجلس را برای خود حفظ نموده بودند. در دوره هفدهم مصـباح‌زاده از پیروان مصدق بود و در اسـتعفای دسـتجمعی وکلاء طرفدار مصدق شرکت کرد و همین امر او را سالها از مجلس دور ساخت. در دوره بیست و یکم از شـیراز وکیل گردیـد و میل به ریاست مجلس در او زیاد بـود ولی عشـق و علاـقه‌اش به مؤسـسه «کیهـان» او را از تعقب کـار منصـرف نمود. در دوره پنجم در ۱۳۴۶ سـناتور شـد و سه دوره کرسی سنا را زیرپا داشت. مصباح‌زاده مردی زرنگ، بذال، شریف، دانشمند، ملایم و نیک نفس بود و آنچه بدست می‌آورد در راه مؤسسه «کیهان» خرج می‌کرد. یکی از اقدامات جالب توجه او تربیت کادر نویسنده و روزنامه‌نگار است. او دانشگاهی برای این کار پی‌ریزی کرد که بنام مدرسه عالی ارتباطات موسوم شد که چندین رشته داشت و بهترین استادان در آنجا تدریس می کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۳۰۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۵۰ -۴۴۸/ ۴)، روز شمار تاریخ (۳۲۱/ ۱).

مصطفوی کاشانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: حقوق، دانشکده: حقوق، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق قضائی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، دکترای حقوق قضائی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ایجاب و قبول در عقـد غائبین، مطابقت کالا در قرارداد بین‌المللی، تـدریس دروس حقوق مدنی، دادرسـی بین‌المللی، فقه اسـلامی، حقوق مدنی تطبیقی در دانشگاههای شهید بهشتی، تربیت مدرس و امام صادق.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

نظریه تقلب نسبت به قانون، عقد بیع، قیام ملت و مسلمان ایران در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و نظرات حقوقی در مجموعه آراء دیوان داوری ایران و آمریکا.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۱، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تعلیقی بر طرح قانون مجازات عمومی ایران، روابط مالک و مستأجر کل و جزء در عقد اجاره، مقاله‌ای بمناسبت اولین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، گزارش کار سمینار حقوق بشر در اسلام و کمیته تنظیم اعلامیه حقوق بشر اسلامی، سلسله مقالاتی تحت عناوین روابط بین‌الملل، در چه مرحله‌ای از انقلاب فرهنگی قرار گرفته‌ایم، نقدی بر طرح تعیین حدود اختیارات و وظایف ریاست جمهوری مصوب مجلس شورای اسلامی، نگاهی به قطعنامه شماره ۵۹۸ شورای امنیت در زمینه جنگ تحمیلی، انقلاب اسلامی ایران و حکومت قانون.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مصطفوی، سلیمان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سلیمان مصطفوی

محل تولد : مشکین شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای سید سلیمان مصطفوی مشهور به موسوی در سال ۱۳۴۳ درخانواده ای مذهبی در شهرستان مشکین شهر دیده به جهان گشود. وی در دورس ابتدائی، راهنمائی و متوسطه را با موفقیت هرچه تمامتر سپری کرد. در پی تشویق خانواده و شوق فراوان خویش به تحصیلات علوم دینی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه گردید و از محضر بزرگانی همچون آیت عظام وحید خراسانی، جوادی آملی و مرحوم شیخ جواد تبریزی بهره های علمی اخلاقی فراوان برد.

ایشان در کنار تحصیلات حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در سال ۷۶ در رشته مبانی حقوق در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید نامبرده هم اکنون مسئول نهاد رهبری در دانشگاه خواجه نصیر طوسی تهران می‌باشد که در کنار اینامر به تدریس در این دانشگاه و دانشگاه امام صادق علیه السلام هم مشغول می‌باشد.

مصفا، نسرین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

نسرین مصفا در سال ۱۳۳۳ متولد گردید . وی دارای مدرک دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران ، و عضو هئیت علمی دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران می باشد . نسرین مصفا در روزنامه نگاری و مقاله نویسی و تالیف کتاب مهارت داشته ، و چند گاهی سردبیری ویژه نامه ی زنان در فصل نامه سیاست خارجی را داشته است . گروه : علوم انسانی رشته : علوم سیاسی اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : تولد نسرین مصفا معاصر با اواسط سلطنت محمد رضا شاه پهلوی و اندکی پس از نهضت ملی شدن نفت و بحرانهای سیاسی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اتفاق افتاد .تحصیلات رسمی و حرفه ای : نسرین مصفا ،دارای دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران می باشد .وقایع میانسالی : نسرین مصفا پس از اخذ مدرک دکتری خود ، بعد عضویت درهیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگا ه تهران در آمد .فعالیتهای آموزشی : نسرین مصفا عضو هیئت علمی دانشکده ی حقوق و علو م سیاسی دانشگاه تهران می باشد .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : در روزنامه نگاری و مقاله نویسی و نوشتن کتابهایی در زمینه حقوق زن ،صلح و دیگر مسایل سیاسی ، ذوق خود را در این زمینه ها نیز نشان داد ه است . چندگاهی سردبیری ویژه نامه زنان در فصل نامه سیاست خارجی را داشته است.آرا و گرایشهای خاص : آثار متاخرنسرین مصفا نشان می دهد که به سمت موضوع جنگ و حکومت بین المللی مربوط به آن گرایش یافته بوده است . آثار : تجاوز عراق به ایران ، مفهوم تجاوز در حقوق بین الملل ، موضع گیری سازمان بین ملل متحد و مشارکت سیاسی زنان در ایران

مطهری مازندرانی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۴۵۸ – ۳۶۰ ق)، فقیه و محدث، قاضی و زاهد. شیخ شافعیان در زمان خود بود. نسبتش به مطهر از قرای ساری مازندران می‌رسد. در ساری به دنیا آمد. در شهر خود نزد ابومحمد بن ابی‌یحیی فقه آموخت. در حدود سی سالگی به بغداد رفت و از ابوحامد اسفراینی فقه و از ابوالحسن لبان فرائض آموخت. وی همچنین از ابوحفص کتانی و ابوطاهر مخلص در بغداد و از ابوالعباس نسوی در مکه و از ابونصر محمد بن ابی‌بکر اسماعیلی در جرجان حدیث شنید. آنگاه به ساری بازگشت و منصب تدریس و افتاء را عهده‌دار شد. او همچنین مدت هفده سال تا پایان عمر قضاوت آنجا را بر عهده گرفت. برای او تصانیف بسیاری در «اصول» و «فروع» و «خلاف» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۳۲۸/ ۵)، سیر النبلاء (۱۴۸ –۱۴۷/ ۱۸)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۲۶۳/ ۴)، معجم البلدان (۱۷۶/ ۵)، الوافی بالوفیات (۱۲۲/ ۶).

معتمدنژاد، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم سیاسی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۶، دکترای حقوق از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹، دکترای دولتی علوم سیاسی از دانشکده حقوق دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۳، دکترای روزنامه‌نگاری از انستیتوی مطبوعات خبری پاریس در سال ۱۳۴۳.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۴۶، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۴۹، استاد دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۹، استاد دانشگاه علامه طباطبائی از سال ۱۳۶۴ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ارتباطات، روزنامه‌نگاری، حقوق ارتباط و تدریس دروس حقوق و علوم سیاسی، روزنامه‌نگاری و ارتباطات در دانشگاههای تهران و پاریس.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

روزنامه‌نگاری، وسایل ارتباط جمعی، روش تحقیق در محتوای مطبوعات، حقوق ارتباطات جمعی، ارتباطات بین‌المللی، کتاب‌شناسی ارتباطات در جهان سوم، ارتباطات و سلطه فرهنگی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی: متعدد

زمینه علمی مقالات:

حقوق، ارتباطات و روزنامه‌نگاری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

معصومی لاری، محمدمسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمحمد مسعود معصومی لاری

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده اگرچه در شناسنامه به خاطر مدرسه سال ۱۳۳۸ نوشته اند ولی سال ۱۳۳۹ در کرمانشاه و در یک خانواده ای که سابقا در سلسله جلیله روحانیت بوده اند به دنیا آمده ام جد ما مرحوم آقای سید حسین معصومی لاری در همان منطقه کنگاور و کرمانشاه بوده اند البته از آن جهت به ما لاری میگویند که بخشی از خاندان ما در لار و گراش هستند ما از نوادگان مرحوم سید عباس معصومی لاری هستیم سلسله ما عموما سلسله ای بوده اند که همه روحانی بوده اند عموهای بنده مرحوم حاج آقا حسن و حاج آقا جعفر معصومی لاری روحانی بوده اند ابوی بنده سید محمد صادق معصومی لاری در کرمانشاه از معتمدین و مسئول بازرگانی است و فعالیت های اجتماعی زیادی دارند در هر صورت در یک خانواده کاملا مذهبی بزرگ شدیم و تا دیپلم خودمان را در کرمانشاه گذراندیم

دیپلم من مصادف شد با انقلاب اسلامی و از آن به بعد به مطالعات دروس حوزوی پرداختم اوایل انقلاب مدتی در مدرسه عالی شهید مطهری تحصیل کردم آن زمان آقای امامی کاشانی برنامه را در دست گرفته بودند اول کار بود در سال ۱۳۵۸ به هر حال تصمیم گرفتم برای تحصیل بروم خارج از کشور لذا ویزای تحصیل گرفتم و رفتم فرانسه مدت شش ماه آنجا زبان خواندم و زبان را خیلی سریع یاد گرفتم آنجا از جهت فراگیری زبان محیط خیلی خوبی بود ، فارسی زبان کم بود در کاستل نوداقی (جنوب فرانسه) یکی از آن کاخهایی که در زمان انقلاب فرانسه مصادره شده بود تبدیلش کرده بودند به یک مرکز یا پانسیونی برای خارجیها که هم زبان یاد بگیرند و هم آماده باشند برای ورود به دانشگاهها به همین جهت من زبان را در آنجا خیلی سریع یاد گرفتم خوب بعد از آن آمدم پاریس دانشگاه سوربن در رشته ادیان شناسی مشغول به تحصیل شدم و تا حدود دو سال آنجا درس خواندم در این میان به ایران هم سفر میکردم بورسیه نبودم و پدرم از ایران پول میفرستاد خوب پس از یک سال و اندی به ایران بازگشتم در جهاد سازندگی مرکز و بلافاصله بعد از آن در وزارت امور خارجه مشغول به کار شدم

اواخر سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم البته در فرانسه هم منطق ، تفسیر ، قرآن ، فلسفه و روش رئالیسم میگفتم به درسهای علوم دینی زیاد علاقه داشتم و مطالعه میکردم بخصوص کتابهای مرحوم مطهری و علامه طباطبایی زیاد میخواندم

قبل از رفتن به فرانسه (اصول فلسفه و روش رئالیسم) را از آقای امجد درس گرفتم . آقای امجد ، حاج آقا ممدوحی و حاج آقا نجومی اینها همه شاگردان مرحوم حاج آقا حسین لاری یعنی جد ما هستند اینها همه بخشی از اساتید من در مدرسه شهید مطهری بودند . آقای امامی کاشانی تفسیر میفرمودند خدا رحمت کند مرحوم علامه محمد تقی جعفری را ، شرح تفسیر نهج البلاغه را اول آنجا ارائه میکردند و قبل از آنکه بنویسند می آمدند آنجا میگفتند و بحث و گفتگو میکردند بزرگوار دیگری بود که اسمشان را فراموش کردم ایشان به ما منطق میگفتند وقتی به قم آمدم در مدرسه علمیه کرمانیها مشغول شدم خدمت آقای موحدی تبریزی ادبیات (جامع المقدمات) را شروع کردیم (مغنی) را خدمت آقای آدینه وند بودیم و یک کمی هم از آقای مدرس افغانی استفاده کردیم در مدرسه کرمانیها منطق را آقای پرنده غیبی و احکام را آقای شیخ محمد سروش درس میدادند (اصول الفقه) را از آقای میرباقری و یکی دیگر از آقایان که اسمش را یادم نیست درس گرفتیم آقای هادوی یک درس منطق (نمیگویم خارج منطق ولی چیزی شبیه آن) میگفتند لذا ما یک کار خیلی جدی را با همراهی ایشان روی منطق انجام دادیم فلسفه را از محضر استاد فیاضی استفاده کردیم به اضافه این که قبلا- هم از آقای امجد درس گرفته بودم ، رسائل را ابتدا از خدمت آقای راستی کاشانی استفاده کردیم ولی متاسفانه تا مقداری که جلو رفتیم ایشان بیماری پیدا کردند و نتوانستند بیایند دنبال آن از آقای موسوی تهرانی که بسیار بسیار در رسائل قوی هستند استفاده کردم مکاسب را خدمت آقای پایانی و لمعه را ادر محضر آقای اشتهاردی خواندم . آقای اعتمادی خیلی قوی بود ولی آقای قدیری واقعا ملاپرور بود مثل درس آقای راستی ایشان هم درسش همه پسند نبود سخت میگرفت

و از طلبه کار میکشید

درس خارج را با آقای شیخ جواد تبریزی شروع کردم و در بخشی از خارج فقه آقای وحید شرکت داشته ام تفسیر را از محضر آقای جوادی استفاده کرده ام.

معلی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی معلی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۶/۲۰

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ در خانواده ای روحانی در شهر قم متولد شدم پدرم علاوه برتحصیلات حوزوی در رشته علوم سیاسی تحصیل می کرد و نویسنده روزنانه کیهان بود و پس ازچند سال به علت پذیرفتن سر دبیری کیهان ازسوی ایشان به تهران نقل مکان کردیم لذا در محطیی رشد یافتم که مرابه نوشتن علاقه مند کردند. تحصیلات ابتدائی،راهنمائی ودوسال دبیرستان رادرتهران گذراندم وباتشویقهای پدروعلاقه ای که به فضای حوزه داشتم دبیرستان را ناتمام رها نمودم و به قم هجرت کردم و تحصیلات حوزوی خود را درمدرسه مبارکه شهیدین شروع نمودم . واحد تحقیقات آن مدرسه طلاب را به تحقیق وادار می کرد تا استعدادهای نهفته شکوفا شود .همچنین مطالعات جنبی بویژه کتب شهیدمطهری وزبان عربی وانگلیسی جزءبرنامه های مدرسه بود .

پس ازطی دروس مقدمات حوزه درسال۱۳۸۲در راه اندازی خبر گزاری رسا که منبع اخبارحوزه وروحانیت در رسانه هاست ،همکاری وسرویس بین الملل آن را فعال نمودم.مقالات و ترجمه های حاصل از کار در خبر گزاری رسا در روزنامه های مختلف به چاپ می رسد .همچنین درسال ۸۳-۸۴ در راه اندازی سایت دانشگاه مجازی مرکز جهانی علوم اسلامی به عنوان تحقیق فعالیت داشتم .

در پاییز سال ۸۵ با همفکری برادرم سایت مرکزکتاب شیعه را راه اندازی کردیم ،زیرا احساس کردیم علاقه مندان به کتاب و سی دی های اسلامی و علمی در شهرستانها و سایر کشورها هیچ راهی برای دسترسی آسان به آ نها ندارند و با وجود ابزار اینترنت متولیان علم و فرهنگ قدمی در این راه بر نداشته اند.

مفتی، خالد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مفتی اهل سنت.

تولد: ۱۲۹۰.

درگذشت: ۱۳۵۹، کرمانشاه.

ملا خالد مفتی، فرزند ملا عبدالله دشی مفتی کردستان، دروس پایه و ابتدایی را در سنین کودکی در محضر پدر و برادران خود تمام کرد. وی همچنان به تحصیلات خود ادامه داد تا بالاخره در سلیمانیه عراق به اخذ اجازه افتاء و تدریس موفق شد. پس از فوت پدر مدتی در سنندج تحت نظر برادر ارشد خود ملا محمود مفتی و به دستیاری او به تدریس مشغول بود. اما بعدها در جوانی به منظور تکمیل معلومات خود به سلیمانیه و حلبچه‌ی عراق رفت. و چون مادرش از خانواده‌ی سراج‌الدین بود مورد توجه شیخ علی حسام‌الدین قرار گرفت و مدتی در قریه باغه‌کون مدرس بود؛ بعدها رسما از طرف دولت عراق در خانقاه و مسجد قصبه‌ی خورمال امام و مدرس شد. سپس به سنندج بازگشت و در مسجد وزیر به امامت و تدریس مشغول گردید و نیز قضاوت ارتش رابر عهده گرفت و همچنین برای سربازان و افسران وعظ می‌نمود. پس از فوت برادرش ملاـ محمود مفتی در ۱۳۳۸ از طرف دولت وقت تصدی افتاء کردستان به او واگذار گردید و مفتی کردستان شد. و نیز به جای برادر مدرس جامع دارالاحسان و قاضی شرع وزارت دادگستری گردید.

ملاـ مفتی خالد در فقه و حدیث و تفسیر مخصوصا علوم ریاضی قدیم از قبیل هیئت و اصطرلاب و علم ربع دایره و علم فرائض مهارت داشت. استاد زبان فارسی و عربی و انواع لهجه‌های کردی به ویژه اورامی بود و به زبان اورامی شعر می‌سرود، چنانکه قصیده‌ی «برده» را به شعر اورامی درآورد.

ملا مفتی خالد در سال ۱۳۵۹ در هفتاد سالگی در کرمانشاه درگذشت. پیکر وی در جوار مرقد اویس‌القرنی نزدیک ماهی دشت به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مقتدایی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی مقتدایی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آیه‌الله مرتضی مقتدایی در سیزدهم رجب ـ روز ولادیت امام علی(ع) ـ سال ۱۳۱۴ هجری شمسی در محله مسجدحکیم اصفهان چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم آیه‌الله حاج میرزا محمود مقتدایی از بزرگان و دانشمندان مشهور اصفهان بود که از مرحوم

آقاسید محمد نجف آبادی اجازه اجتهاد داشت و مدت کوتاهی از محضر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری ـ مؤسس حوزه علمیه قم ـ بهره برده بود و با امام(ره) و مرحوم آیهٔالله محقق داماد و مرحوم آیهٔالله سید احمد زنجانی جلسات مشترکی برپا نموده بود. جدش مرحوم ملامحمد باقر از زاهدان و عالمان عصر خود بود که در امامزاده اسحاق ـ برادر امام رضا(ع) ـ در پنج کیلومتری اصفهان مدفون است. هنگامی که برای تعمیر حرم امامزاده، قبر او خراب شد، جنازهٔ او در حالی که کاملاً سالم و تازه بود، نمایان شد! مادر آیهٔالله مقتدایی نیز زنی پاکدامن و مؤمن و صبیّه مرحوم آیهٔالله العظمی حاج میرزا جمال الدین کلباسی بود. خانوادهٔ آیهٔالله مقتدایی، زندگی ساده و بی آلایشی داشتند و از ویژگیهای پدرش این بود که هیچ گاه از وجوهات شرعی برای امرار معاش استفاده نمی‌کرد، با اینکه هر ماه مبالغ بسیاری از وجوهات را از مردم دریافت می‌کرد. کودکی آیهٔالله مقتدایی، با استبداد رضاخان و مسأله کشف حجاب و ممنوعیت پوشیدن لباس روحانی، همزمان بود. البته پدر او جزو کسانی بود که در امتحانات رسمی آن دوره، شرکت کرده بود و اجازه تدریس و بر سر نهادن عمامه داشت؛ اما به دلیل ممنوع بودن حجاب برای زنان، با خانوادهٔ خود به روستای «خوراسگان محله پزوه» رفت تا ضمن آزادی بیشتر، به رتق و فتق امور مردم نیز بپردازد. آیهٔالله مقتدایی در همان جا تحصیلات ابتدایی را آغاز کرد و پس از به پایان رساندن دوره ابتدایی، نزد پدر، شرح نصاب، جامع المقدمات، سیوطی، منطق کبری و بخشی از شرح نظام را خواند. در سال ۱۳۳۱ وارد حوزه علمیه اصفهان شد و ادامهٔ دروس مقدمات و دوره سطح را نزد بزرگان آن دیار فرا گرفت. دو سال هم در درس خارج شرکت کرد و در سال ۱۳۳۸ به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. سبب عزیمت او به قم این بود که در تابستان، چند تن از طلاب فاضل حوزه علمیه قم به اصفهان آمده بودند و در حجرهٔ آیهٔالله مقتدایی در مدرسه صدر سکونت داشتند. آنها پس از آگاهی از وضعیت درس و بحث طلبه جوان، او را به حضور در قم تشویق کردند و ویژگیهای درس امام(ره) را برای او برشمردند و بیان داشتند که دوره دوم خارج اصول و خارج مکاسب امام(ره) به تازگی آغاز شده است. این مژده، شور و شوق او را برای حضور در قم دو چندان ساخت. در قم نیز در درس خارج امام(ره) و دیگر بزرگان شرکت نمود و در این میان، از تحصیل علوم عقلی نیز باز نماند. در سال ۱۳۴۰ نیز به کلاسهایی که شهید دکتر بهشتی برای آشنایی فضلای قم با علوم جدید، ازجمله فیزیک، شیمی، زبان انگلیسی بود، راه یافت. این کلاسها در شبهای پنج شنبه و جمعه و عصرهای جمعه برگزار می‌شد. آیهٔالله مقتدایی در طی این سالها از شرکت در دروس اخلاق و تهذیب نفس غافل نمی‌ماند و همواره پندهای عالمان و استادان خود را به گوش جان می‌سپرد. آیهٔالله مرتضی مقتدایی در سالیان علم آموزی، با استادان بسیاری انس داشت. او که بخشی از مقدمات را نزد پدر خود آموخته بود، باقیماندهٔ آن و بخشی از دروس سطح را نزد مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی، از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی و نیز مرحوم آقای فیاض و شهید شمس آبادی فرا گرفت. او منظومه را نزد مرحوم حاج میرزا رضا کلباسی و تفسیر، نهج البلاغه و اخلاق را نزد مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی و خلاصهٔ الحساب و تشریح الافلاک را نزد مجدالعلما فرزند مرحوم حاج شیخ محمدرضا نجفی مسجد شاهی فرا گرفت. همچنین مکاسب را نزد مرحوم آیهٔالله خادمی آموخت و دو سال نیز در درس خارج آن مرحوم شرکت نمود. با ورود به حوزه علمیه قم، به درس خارج امام خمینی(ره) شرفیاب شد و همزمان در درس آیهٔاللهالعظمی بروجردی نیز شرکت می‌کرد. همچنین از درسهای خارج مرحوم محقق داماد و مرحوم گلپایگانی و مرحوم اراکی نیز بهره می‌برد. در بخش فلسفه نیز به درس اسفار مرحوم علامه طباطبایی می‌رفت. آیهٔالله مقتدایی در سالهای تحصیل خود با بسیاری از فضلا دوست بود و به مباحثه علمی در زمینه‌های گوناگون می‌پرداخت که از جمله آن در اصفهان می‌توان آقایان حسن امامی، شیخ صفرعلی شریعت فلاورجانی، عبودیت، کمال فقیه ایمانی و در قم آقایان فاضل هرندی، مؤمن، طاهری خرم‌آبادی، مصلحی و الهی قمی را نام برد. آیهٔالله مرتضی مقتدایی، تاکنون فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او از سالهای آغازین اشتغال به تحصیل در حوزه علمیه اصفهان، به تدریس دروس آموخته، می‌پرداخت و کتب دورهٔ سطح و نیز سطوح عالی را بارها تدریس نموده است وی چند سال به تدریس خارج فقه در مدرسه مروی

تهران و پس از آن در حوزه علمیه قم اشتغال داشته که این تدریس تاکنون ادامه دارد و از این رهگذر، طلاب و فضلای بسیاری تربیت شده‌اند که وجودشان، تداوم بخش راه اجتهاد در حوزه‌های علمی و عملی خواهد بود. همچنین وی تقریرات درسهای آیات عظام بروجردی، امام خمینی، محقق داماد و گلپایگانی را نگاشته است که تاکنون به چاپ نرسیده است. آیهٔالله مقتدایی، پس از فوت پدر، هنگامی که با اصرار و استقبال اهالی «خوراسگان» مبنی بر حضور دائم در آن مکان مواجه شد، با صلاحدید امام(ره) در ایام تعطیلی به آنجا می‌رفت و به حل مشکلات دینی و دنیوی مردم می‌پرداخت. تأسیس صندوق قرض‌الحسنه حجهٔابن الحسن العسکری(عج) با همت برخی دیگر، تأسیس مدرسه علمیه امام صادق(ع) و حوزه علمیه خواهران و ایجاد انجمن حمایت از ایتام از جمله خدمات وی در آنجا بود. آیهٔالله مقتدایی در سنگرهای سیاسی گوناگونی در سالهای پیش از انقلاب و نیز پس از آن شرکت فعال داشته است. او آشنایی و انسش با امام در زمان تحصیل آغاز شد، هر صبح و عصر در درس آن مرد بزرگ حاضر می‌شد و نماز مغرب و عشاء را به امامت او می‌خواند. عشق و علاقهٔ زائدالوصف او به امام(ره) و راه او باعث شد همواره اطاعت از او را بر خود واجب بشمارد و هیچ گاه از مسیر او که همانا مسیر واقعی اسلام است منحرف نشود. آیهٔالله مقتدایی در موقعیتهای گوناگون به نشر اعلامیه‌ها و رسالهٔ عملیه امام(ره) و قدردانی و تجلیل از او در سخنرانیها می‌پرداخت و در داستان رفراندوم شاه که علما، از جمله امام(ره) آن را تحریم نمودند، پیام امام(ره) را به علمای اصفهان، از جمله آیهٔالله خادمی اصفهانی و آقای ارباب رسانید که در پی آن، بازار اصفهان تعطیل شد. از دیگر فعالیتهای مهم وی در پیش از انقلاب اسلامی، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و شرکت در جلسات آن بود که حضور وی در آن زمان در این عرصه، شجاعت و اعتقاد راستینی را گواه است. امضای وی در زیر بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مهم آن مرکز، به چشم می‌خورد. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷، حضور آیهٔالله مقتدایی در صحنه‌های سیاسی، کم رنگ نشد و وی با صلابت و شجاعت در عرصه‌های گوناگون، بویژه در قوه محترم قضائیه، به فعالیت پرداخت. در اسفند همان سال، یعنی کمتر از یک ماه پس از پیروزی انقلاب، با ابلاغ قضایی که برخی از اعضای جامعه مدرسین آن را صادر کرده بودند، معظم له بر قضاوت در دادگاههای انقلاب منصوب شد. در فروردین ۱۳۵۸ امام(ره) او را برای امر قضا به خرمشهر، آبادان و نیز ملایر و زنجان اعزام کرد. او همچنین در دادگاههای تهران و قم، به طور موقت، مشغول به کار شد. در کنار تمام این مسئولیتها، ایشان به تدریس دروس سطح و خارج نیز می‌پرداختند بگونه‌ای که اشتغال در مسئولیتهای اجرائی هیچگاه وی را از تدریس باز نداشته است.

مقتدر، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: حقوق بین‌الملل، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹، کارشناسی ارشد حقوق از کالج سلطنتی لندن در سال ۱۳۴۲ و دکترای علوم سیاسی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۴۸، استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۲، دانشیار دانشگاه تهران از

سال ۱۳۵۲ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق و بررسی در زمینه نیروهای ناظر و پاسدار صلح، تدریس دروس روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل، سازمانهای بین‌المللی، حقوق اساسی تطبیقی و تدریس متون حقوق در دانشگاههای شیراز، تهران و شهید بهشتی، راهنمائی و مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و چندین پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فاری: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تحولات سازمان ملل متحد، سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، امپریالیسم و بسوی ایران پیشرفته: مطالعه درباره علوم سیاسی و جامعه‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

روابط بین‌الملل.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مقیمی، غلامحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسن مقیمی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۷/۹

زندگینامه علمی

اینجانب غلام حسن مقیمی دوره ابتدایی را در یک از روستاهای شهرستان بهشهر بنام زبدوان اتمام سپس مقطع راهنمایی را در شهرستان بهشتر به پایان رسانده و دبیرستان را در رشته برق از سال ۵۸ شهرستان بابل خوانده ام. سال ۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را در سال ۷۵ به اتمام رساندم. از سال ۶۸ همزمان با دروس حوزوی دروس دانشگاهی را شروع نموده ام که از سال ۷۸ مقطع ارشد در رشته علوم سیاسی اتمام رساندم. در سال ۷۱ کار پژوهش و تالیف را شروع نمودم. اولین مقاله را در سال ۷۱ تحت عنوان ضرورت مباحث و مطالعات سیاسی در حوزه های علمیه را نگاشتم. تا کنون بیش از ۱۵ مقاله را منتشر نموده ام که ضمیمه می باشد. آخرین تالیف بنده اندیشه سیاسی ابوریحان بیرونی است که به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه سیاسی به

بنده شده بزودی منتشر خواهد شد. همچنین آخرین مقاله بنده بنام رمزگشایی از یک مفهوم پر ابهام است که در شماره جدید فصلنامه علوم سیاسی چاپ خواهد شد.

کتاب نقش مردم در حکومت دینی در سال ۸۰ به عنوان رشد برگزیده فرهنگی سال شناخته شد و از جناب رئیس جمهور محترم لوح تقدیر دریافت نمودم. هم اکنون مدرس مدرسه عالی امام خمینی و عضو هیات تحریریه فصلنامه علوم سیاسی و نیز عضو هیات تحریریه فصلنامه طلوع می باشم.آخرین اثر در دست تالیف از بنده اندیشه سیاسی امام خمینی است.

ملک افضلی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن ملک افضلی اردکانی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه یزد شدم و پس از ۶ سال و گذراندن دروس سطح یک نزد اساتید مدرسه امام خمینی(ره) یزد در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر اساتید معظم بهره برده و در سال ۷۲ دوره سطح ۳ را به پایان رساندم و از آن پس در دروس خارج حوزه شرکت نمودم. همزمان با تحصیلات حوزوی از سال ۶۹ مشغول به دروس دوره دبیرستان شده و در سال ۷۳ دیپلم متوسطه را اخذ نموده و همان سال در رشته حقوق دانشگاه تهران (پردیس قم) پذیرفته شده و در سال ۷۶ فارغ التحصیل گردیدم . و در سال ۱۳۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی همان دانشگاه پذیرفته شده و در سال ۱۳۸۰ از این مقطع نیز فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۶ در مقطع دکتری رشته فقه و مبانی دانشگاه فردوس مشهد مقدس پذیرفته شده و هم اکنون علاوه بر تدریس در مراکز حوزوی و دانشگاهی به تحصیل و تحقیق نیز اشتغال دارم .

ملک پور، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر ملک پور

محل تولد : آذر شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ پس از اخذ دیپلم متوسطه در رشته تجربی از دبیرستان آذر شهر (تبریز) جهت ادامه تحصیل در مجتمع آموزشی عالی قم در رشته مدیریت به قم مقدس رفته و در دروس ادبیات عربی حوزه در مدرسه خان قم به موازات تحصیلات دانشگاهی را ادامه دادم و همزمان ضمن آشنایی با هیئت تحریریه تنها مجله اسلامی آن زمان (مکتب اسلام) از آموزشهای مختلف آنها استفاده کرده و در تنظیم و اجرای چاپ آن مجله همکاری داشتم.

در سال ۱۳۵۸ با فراغت از تحصیل دانشگاهی به جهت انقلاب اسلامی در ایران پس از گذراندن یک دوره کوتاه ۲ ماهه بعنوان موسس و سرپرست دائره عقیدتی و سیاسی پایگاه دریایی جزیره خارک مشغول تدریس و امور فرهنگی و اجرائی در منطقه شده و پس از سال ۱۳۶۱ به قم عزیمت نموده ضمن پیگیری ادامه تحصیلات حوزوی در محیطهای علمی حضور پیدا کرده از آن جمله از سال ۶۳ بهمراه تعداد محدودی از طلاب در جلسه تفسیر قرآن استاد جوادی آملی در مسجد محمدیه سه راه موزه شرکت نموده و هنوز هم ادامه دارد.

در سال ۷۱ در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران قبول شده و در سال ۷۳موفق به اتمام کارشناسی ارشد در رشته مذکور شدم و به موازات ادامه تحصیل در حوزه در دانشگاههای پیام نور و آزاد اسلامی قم و دانشگاه قم به تدریس پرداختم که هنوز هم ادامه دارد .

درسال ۸۲ به درخواست سازمان مدارس حوزه های علمیه خارج از کشور قم به کشور آذربایجان شوروی بعنوان مدیر و مدرس اعزام شدم که بجهت مشکلات سیاسی آنجا و تعطیلی فعالیت های علمی و آموزشی ایران در آنجا محل ماموریت به کشور گرجستان (تفلیس) عوض شد که پس از دو سال مدیریت و تدریس در مدارس علمیه گرجستان[۱] مرکز مطالعات اسلام و مسیحیت را در تفلیس تشکیل داده و به ایران مراجعت نمودم . در شرکت امتحان متون نهاد رهبری مقام معظم رهبری در دانشگاهها مجوز تدریس متون را علاوه بر دروس فقه و حقوق دریافت نمودم که واحدهایی از معارف و متون نیز در دانشگاهها تدریس نمودم که ادامه دارد . به مدت ۲ سال از سال ۸۰ تا ۸۲ با واحد برنامه و ساختار نویسی مرکز جهانی علوم اسلامی در زمان مدیریت حاج آقا مهدویان شرکت نموده و در تدوین اساسنامه مراکز مختلف مرکز جهانی فعالیت موثری داشتم.

ملک زاده، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ملک زاده

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۲/۴

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۶ پس از خاتمه پایه اول دبیرستان، رشته «علوم تجربی»، وارد حوزه علمیه قم شدم. در خلال تحصیل علوم دینی به صورت متفرقه، پایه های دوم تا چهارم دبیرستان را به اتمام رسانده و دیپلم علوم تجربی را دریافت نمودم. دروس مقدّماتی و سطح حوزه را تا سال ۱۳۷۶ به اتمام رسانده و در کنار گذراندن دروس اصلی و جنبی حوزه، برخی دوره ها و مهارت های تخصصی حوزه نظیر: «تربیت مربی کودکان و نوجوانان» را نیز سپری نمودم.

در سال ۱۳۷۶ پس از خاتمه دروس سطح حوزه، وارد دانشگاه مفید شده و در رشته «علوم سیاسی» سطح کارشناسی به تحصیل مشغول شدم. سپس در سال ۱۳۸۰ با اتمام دوره کارشناسی در سطح کارشناسی ارشد «علوم سیاسی» با گرایش «اندیشه» وارد دانشگاه باقرالعلوم (ع) شدم و در سال ۱۳۸۳ با دفاع از پایان نامه خود با عنوان: «سیره سیاسی معصومان در عصر حاکمیت» این دوره را به اتمام رساندم.

از سال ۱۳۸۰ تاکنون به فعالیتهای تحقیقی و مطالعاتی خود افزودم به طوری که علاوه بر ذکر برخی موارد در صفحات گذشته، قریب به ۲۰۰ مقاله چاپ شده با عناوین و موضوعات گوناگون در مطبوعات و سایتهای اینترنتی منتشر نموده ام. در کنار این امور البته هرگز از دروس حوزوی نیز غفلت ننموده و با شرکت در جلسات درس خارج فقه و اصول اساتید برجسته حوزه، از چند سال گذشته مطالعات خود را در این زمینه گسترش داده ام.

ملکوتیان، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مصطفی ملکوتیان در سال ۱۳۳۵ در شهر آران و بیدگل بدنیا آمد.ایشان دارای مدرک دکتری علوم سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۵است .نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیگرایش : جامعه شناسی سیاسیوالدین و انساب : مصطفی ملکوتیان فرزند رمضانعلی دستفروش آرانی و سرکار خانم اقدس احسن است.خاطرات کودکی : مصطفی ملکوتیان از دوران کودکی خود چنین به یاد دارد: دوران کودکی خود را از زمان ۲/۵ (دو و نیم) سالگی به یاد دارم که در آران نزدیک شهرستان کاشان در اتاق و زیر زمین قدیمی زندگی نموده و پدر و مادرم به بافتن قالی که شغل عموم مردم این خطه در آن زمان بود اشتغال داشتند و بنده هم هر گاه فرصتی پدید می آمد مثلا زمانی که مدرسه تعطیل می شد به بافتن قالی مشغول می شدم.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مصطفی ملکوتیان در خانواده ای مذهبی و از طبقه پایین جامعه بدنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی ملکوتیان دیپلم متوسطه را در سال ۱۳۵۳ از دبیرستان صدر اوحدی قم دریافت کرد. سپس کارشناسی رشته علوم سیاسی را در سال ۱۳۵۸ از دانشگاه شهید بهشتی و بعد از آن بتر تیب در سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۷۵ کارشناسی ارشد و دکتری علوم سیاسی را از دانشگاه تربیت مدرس اخذ نمود. عنوان پایان نامه دکتری : بررسی مقایسه ای چرائی وچگونگی وقوع انقلاب های فرانسه روسیه وایران عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد :سیاست وحکومت در فلسطین اشغالیخاطرات و وقایع تحصیل : از خاطرات مصطفی ملکوتیان در ضمن تحصیل

وقوع انقلاب اسلامی ،انقلاب فرهنگی و وقوع جنگ تحمیلی بود.فعالیتهای ضمن تحصیل : مصطفی ملکوتیان در حین تحصیل در دوره دکتری به تدریس دروس کارشناسی علوم سیاسی در دانشگاه تهران اشتغال داشت.استادان و مربیان : دکتر علی اکبر و آیه الله عباسعلی عمید زنجانی ،دکتر قاسم افتخاری ،دکتر منوچهر محمدی و دکتر محمد باقر حشمت زاده از اساتید مصطفی ملکوتیان بوده انـد.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر علیرضا صدرا،دکتر حاتم قادری ،دکتر الهه کولایی ،دکتر سید رحیم ابوالحسنی ،دکتر سید داوود آقایی ،دکتر محمود جعفر جوادی ارجمند ،دکتر سید احمد موثقی و دکتر موثقی از همدوره ایها و همچنین از همکاران مصطفی ملکوتیان می باشند.همسر و فرزندان : مصطفی ملکوتیان متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم کبری وزیر حرمی است. ایشان دارای سه فرزند بنامهای محمد علی ،زینب و سارا ملکوتیان می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مصطفی ملکوتیان عضو هیئت علمی(دانشیار)دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۷ تا کنون می باشد.فعالیتهای آموزشی : عنوان دروسی که مصطفی ملکوتیان تدریس می کند به قرار زیر است: تئوریهای انقلاب اسلامی ،انقلاب های جهان ،انقلاب اسلامی ایران و جغرافیای سیاسی و دروس انقلاب اسلامی در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری علوم سیاسیسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مصطفی ملکوتیان در کنار تدریس به تحقیق و پژوهش می پردازد.همفکران فرد : مصطفی ملکوتیان از همفکری نزدیکی با دکتر سید داوود آقایی و دکتر علیرضا صدرا برخوردار است.جوائز و نشانها : مصطفی ملکوتیان در سال ۱۳۶۸ به عنوان استاد نمونه در دانشکده عقیدتی سیاسی شهید محلاتی سپاه در قم انتخاب شده است.چگونگی عرضه آثار : – تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی :۱۳ مقاله – تعداد مقالات ارائه شده در همایشها : یک مورد – تعداد مقالات چاپ شده در همایشها : دو مقاله – تعداد پایان نامه های کارشناسی ارشد تحت راهنمایی : ۱۸ پایان نامه آثار : انقلاب اسلامی ایران ویژگی اثر : تالیف,نشرمعارف ,۱۳۸۴ ۲ انقلاب اسلامی وچرایی وچگونگی رخداد ان ویژگی اثر : تالیف,نشر معارف ,۱۳۷۷ –این کتاب بعد ها به انقلاب اسلامی تغییر نام یافت.۳ انقلابهای متعارض معاصر ویژگی اثر : تالیف,دانشکده حقوق و علوم سیاسی ,۱۳۸۱۴ بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه پردازی ها ویژگی اثر : تهران ،پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۸۷۵ جغرافیا وسیاست ویژگی اثر : تالیف,حق یاوران ,۱۳۸۳ ۶ سیری در نظریه های انقلاب ویژگی اثر : تالیف,۱۷۱,نشر قومس ,۱۳۷۶ –معرفی و نقد و ارزیابی نظریه های مربوط به زمینه ها و علل وقوع پدیده انقلاب۷ یورشهای تبلیغاتی آمریکا در جنگ ویتنام ویژگی اثر : ترجمه,جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران ,۱۳۷۲ – این کتاب به معرفی و ارزیابی روشهای تبلیغاتی آمریکا در زمان جنگ ویتنام پرداخته است.

ملکی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ملکی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس ازتحصیلات ابتدایی و متوسطه در حوزه علمیه زنجان مشغول به تحصیل شدم و همزمان شبانه دروس دبیرستان را هم

تحصیل و در سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ دیپلم گردیدم. در سال ۷۴ به علت شرایط و موقعیت خاصی که داشتم؛ به خدمت سربازی اعزام شدم. دو سال در آموزش و پرورش در سمت سرباز معلمی مشغول خدمت شدم تا اینکه درسال ۷۶ عازم شهر مقدس قم شدم تـا در جوار کریمه اهل بیت، درس حوزه را ادامه دهم و سپس همزمان با تحصیل در حوزه به کارهای علمی و پژوهشی هم همت گماشتم وعلاوه بر آن، ۴ سال به طور مداوم به تبلیغ اعزام شدم.

ممتاز، جمشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: حقوق عمومی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دولتی حقوق بین‌المللی عمومی از دانشگاه پاریس، متخصص در زمینه مسائل مربوط به آب‌راههای بین‌المللی و حقوق دریاها.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جنگ ایران و عراق، مسئولیت دولتها، ختم مخاصمه، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

حقوق دریاها، حقوق جنگ، حقوق بین‌المللی محیط زیست.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۵

زمینه علمی مقالات:

حقوق دریاها، حقوق جنگ، حقوق محیط زیست و حقوق رودخانه‌های بین‌المللی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منصوری لاریجانی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل منصوری لاریجانی درسال ۱۳۳۷ درروستای رینه لاریجان متولد شد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی درزادگاه خود ،به تهران رفت و متوسطه را دردبیرستان نظام مافی دررشتهٔ علوم طبیعی گذراند ، وی پس از دریافت لیسانس علوم بیمارستانی در ۱۳۶۰ درسال۱۳۶۲ به دانشکده الهیات تهران راه یافت و سپس بعنوان بورسیه دانشگاه امام حسین در۱۳۷۱ موفق به دریافت درجه دکترای روابط بین الملل گردید . وی سه سال بعد دکترای عرفان را نیز ازدانشگاه آزاد اسلامی دریافت کرد . و نیز تحصیلاتی درحوزه درفلسفه و عرفان و فقه واصول نمود . وی ۲۱ عنوان کتاب منتشر کرده است که ازآن میان کتاب تاریخ دفاع مقدس برنده جشنواره کتاب دفاع مقدس شده است . وی هم اکنون استاد دانشگاه امام حسین می باشد .گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیگرایش : روابط بین المللاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : اسماعیل منصوری لاریجانی در۱۳۳۷ درروستای رینه لاریجان درخانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود .تحصیلات رسمی و حرفه ای : اسماعیل منصوری لاریجانی دوره ابتدایی را در زادگاه خود درروستای رینه لاریجان به دبستان رفت و سپس برای ادامه تحصیل به تهران آمد و دردبیرستان نظام مافی دررشته علوم طبیعی به تحصیل ادامه داد وی در ۱۳۵۶ وارد مجتمع علوم بیمارستانی شد و دررشته علوم آزمایشگاهی به تحصیل پرداخت . وی در ۱۳۶۲ به دانشکده الهیات دانشگاه تهران راه یافت وبه تحصیل دررشته الهیات مشغول شد و سپس بعنوان بورسیه دانشگاه امام حسین (ع) درسال۱۳۷۱ موفق به اخذ درجه دکترای دررشته روابط بین الملل از آن دانشگاه شد . وی سه سال بعد به دلیل گرایش به زمینه های ادبی ـ عرفانی از دانشگاه آزاد اسلامی دکترای عرفان گرفت . از این گذشته وی درحوزه فقه واصول رانزد دکتر ابوالقاسم گرجی عرفان را نزد علامه آیت الله حسن زاده آملی و حجت الاسلام دکتر شیخ الاسلامی وفلسفه رانزد دکتر غلامحسین دینانی فراگرفت و درمحضر درس خارج فقه آیت الله خامنه ای حضور یافت .استادان و مربیان : دکتر ابوالقاسم گرجی ،آیت الله حسن زاده آملی ، حجت الاسلام دکتر شیخ الاسلامی ، دکتر ابوالقاسم گرجی ،دکترغلامحسین دینانی ، آیت الله خامنه ای از استادان دکتر منصوری لاریجانی بوده اند.وقایع میانسالی : اسماعیل منصوری لاریجانی سالهای بسیاری از عمر خودرا صرف آموختن و تحصیل دررشته های روابط بین الملل، عرفان .علوم حوزوی طی کرد . سپس به تدریس دردانشگاههای مختلف از جمله امام حسین و مسئولیت های گوناگونی چون مسئولیت مرکز دایره المعارف دفاع مقدس ، ونیز تالیف کتب پژوهشی و ادبی و اجتماعی گوناگون پرداخته است .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اسماعیل منصوری لاریجانی مدیر مسئول ماهنامهٔ فرهنگ پایداری ،استاد دردانشگاه مختلف (از جمله دانشگاه امام حسین) مسئول مرکز دایره المعارف دفاع مقدس می باشد .فعالیتهای آموزشی : اسماعیل منصوری لاریجانی عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین است اما دردانشگاههای دیگرنیز تدریس می نماید .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اسماعیل منصوری لاریجانی درکنار تدریس و مسئولیت های اداری به تحقیق درباره ۸سال دفاع مقدس می پردازد .شاگردان : بسیاری از فارغ التحصیلان رشته روابط بین الملل از دانشگاه امام حسین ، شاگردان اسماعیل منصوری لاریجانی بوده اند .آرا و گرایشهای خاص : اسماعیل منصوری لاریجانی درروابط بین الملل به بحث جنگ ایران و عراق توجه ویژه ای دارد .جوائز و نشانها : جایزه بهترین پژوهش (کتاب) جشنواره کتاب دفاع مقدس به کتاب تاریخ دفاع مقدس اثر اسماعیل منصوری لاریجانی تعلق گرفته است . (۱۳۸۲ه.ش)چگونگی عرضه آثار : اسماعیل منصوری لاریجانی ۲۱ کتاب درزمینه های متنوع ادبی اجتماعی دینی وعرفانی منتشرکرده است .آثار : تاریخ دفاع مقدس ویژگی اثر : این کتاب درسال۱۳۸۲ بعنوان بهترین کتاب دفاع مقدس ازسوی جشنواره آثار دفاع مقدس برگزیده شد .۲ دوجلد کتاب دربره عرفان و شرح مفاهیم عرفانی ویژگی اثر : این دوجلد درشرح نیایش های عرفانی شهید دکترمصطفی عرفانی می باشد .

منفرد، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر منفرد

محل تولد : نی ریز فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۵۳ شهر «مشکان» از توابع «نی ریز استان فارس». مراحل تحصیل تا سیکل همانجا و یک سال دبیرستان در نی ریز سپس وارد حوزه علمیه اصفهان زیر نظر «حضرت آیت الله مقتدایی» تا پایه ششم. سپس حوزه علمیه قم تا الان که ۸ سال خارج و سطح ۳ مرکز تخصصی قضا از اساتید بزرگوار بهره مند شده و دارای مجوز تدریس دانشگاه در گروه معارف از معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه و عضو روحانیون اعزامی به دانشگاهها در بخش اعزام مبلغ همین نهاد و همچنین مجوز پروانه وکالت و مشاوره حقوقی از مرکز امور مشاورین حقوقی و وکلاء قوه قضائیه.

موحد، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی موحد درسال۱۳۰۳ در شهر تبریز به دنیا بوده است .دوره دکترای حقوق خصوصی را در دانشگاه تهران به پایان برده و آنگاه برای آشنایی بیشتر با مباحث حقوق بین الملل به انگلستان رفته و مطالعات خودرا به عنوان Research student زیر نظر پرفسور جنینگز درکمبریج و پرفسور شوارتزنبر گه درلندن ادامه داده است .وی مقارن با ملی شدن صنعت نفت به خدمت این صنعت در آمد و خدمات خود در شرکت ملی نفت ایران را تا هنگام بازنشستگی در سمت مشاور عالی حقوقی ادامه داد و در همان حال به تدریس در دانشکده حقوق و دانشکده حسابداری و علوم مالی، اشتغال ورزید. تصحیح کتاب" مقالات شمس تبریزی "وی ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

والدین و انساب : محمد علی موحد درسال۱۳۰۳ درتبریز به دنیا آمد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد علی موحد مقدمات علوم اسلامی را در زادگاه خود فرا گرفت و پس از طی دوره ابتدایی و متوسطه، وارد دانشگاه شد و دوره دکترای حقوق خصوصی را در دانشگاه تهران به پایان برده و آنگاه برای آشنایی بیشتر با مباحث حقوق بین الملل به انگلستان رفته زیر نظر پرفسور جنینگز درکمبریج و پرفسور شوارتزنبر گه مطالعات خودرا به عنوان

Research student درلندن ادامه داده است .

استادان و مربیان : پرفسور جنینگیز و پرفسور شوارتزنبر گه از اساتید محمد علي موحد در انگلستان بودند.

وقایع میانسالی : محمد علي موحد ،مقارن با ملی شدن صنعت نفت به خدمت این صنعت در آمد و خدمات خود در شرکت ملی نفت ایران را تا هنگام بازنشستگی در سمت مشاور عالی حقوقی ادامه داد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد علي موحد وکیل پایه دادگستری می باشد . او از آغاز تاسیس شرکت ملی نفت ایران درکادر حقوقی شرکت وارد شده و تابالاترین درجات انجام وظیفه کرده و پس از بازنشستگی نیز به همکاری با شرکت درزمینه دعاوی بین المللی ادامه داده است . در ابتدای تاسیس اوپک به مدت شش ماه معاونت اداره اجرایی آن سازمان درژنو را عهده دار بوده است .

فعالیتهای آموزشی : درکنار مشاغل رسمی محمد علي موحد به تدریس حقوق مدنی و حقوق نفت در دانشکده حقوق دانشگاه تهران ، دانشکده علوم مالی و حسابداری پرداخته است .

آرا و گرایشهای خاص : برخوردهای مختلف ، نظر های مختلف و راه های گوناگونی که بشر فکر کرده که از آنها برود ، همیشه برای محمد علي موحد جالب بوده اند ،بدان علت آثار موحد در آن موارد می باشند .

جوائز و نشانها : محمد علي موحد از رئیس جمهوربه کتاب هوای حق و عدالت جایزه ای به نام جایزه اندیشه کسب نمود . همچنین درسال ۱۳۸۲ موسسه فرهنگی جمهور دومین جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را برای کتاب "فلسفه و علوم سیاسی " به دکتر موحد اهدا کرد . همچنین تصحیح کتاب" مقالات شمس تبریزی (" در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی) و کتاب"خواب آشفته نفت("در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال) برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی شدند.

چگونگی عرضه آثار : آثار محمد علي موحد تالیفی از علائق فرهنگی و ایرانی او ،مسبوق به سابقه فعالیت ها و مطالعات شغلی او نیز هست . بخشی ایرانی از این تالیفات مربوط به مسائل نفت ایران است . این فعالیت ها حاصل اشراف و تسلط دکتر موحد ازدوران فعالیت شغلی خود درداiره حقوقی شرکت ملی نفت ایران می باشد . --

آثار :

۱ بهگودت گیتا

ویژگی اثر : بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، انتشارات خوارزمی

۲ ترجمه عدالت و انرژی

ویژگی اثر : این اثر تالیف ایوان ایلیچ است

۳ تصحیح حدیقه الحقیقه شیخ احمد جام (ژنده پیل)

۴ چهارمقاله درباره آزادی

ویژگی اثر : این اثر تالیف آیزایابرلین بوده و درآن سیر اندیشه ها دنبال شده است و توسط انتشارات خوارزمی به چاپ رسیده است

۵ خزران ازارتوکستلر

ویژگی اثر : ترجمه ،انتشارات خوارزمی

۶ خواب آشفت ?نفت: دکتر مصدق و نهضت ملی ایران

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب :«خواب آشفت ?نفت: دکتر مصدق و نهضت ملی ایران»

خواب آشفت ?نفت: دکتر مصدق و نهضت ملی ایران/ محمدعلی موحد.- تهران: نشر کارنامه، ۱۳۷۸.- ۲ج. کتابنامه. نهضت ملی ایران، ملی شدن صنعت نفت و نقش دکتر مصدق یکی از سه محور عمد ?تحولات تاریخی ایران در فاصل ?انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی ایران تلقی می شود که به نوب ?خود تأثیرات مهمی در فرایند تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران برجای گذارده است. با اینکه دربار ?این موضوع تألیفات و آثار متعدد و متنوعی صورت گرفته، معهذا بسیاری از مسائل آن به طور دقیق تحلیل نشده است. این تألیف کوششی است در زمین ?تبیین و بازنمایی این رخداد حساس تاریخی ایران. استناد به کتابها، مقالات، اسناد ، مکاتبات و گزارشهای سیاسی و نیز یادداشتهای خصوصی و مشاهدات عینی نویسنده، تبویب و تفصیل دقیق مطالب، بیان سلیس و شیوای مؤلف، پی نوشتها، شناسنام ?رجال مذکور در کتاب، روزشمار ملی شدن صنعت نفت و فهرست نامها و فهرست راهنمای کتاب را می توان از مزایای آن برشمرد.

۷ خواب آشفته نفت

ویژگی اثر : نشر کارنامه آنرا منتشر ساخته است . این کتاب که دو جلدی است مربوط به دکتر مصدق و نهضت ملی ایران است

۸ درسهایی از داوریهای نفتی

ویژگی اثر : دفتر حاکم ، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین المللی

۹ درهوای حق و عدالت

ویژگی اثر : نشر کارنامه ، برنده جایزه اندیشه

۱۰ دکتر مصدق و نهضت ملی ایران

۱۱ سفرنامه ابن بطوطه

ویژگی اثر : بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، نشر آگه

۱۲ سفرنامه ابن بطوطه

ویژگی اثر : ترجمه،طرح نو

۱۳ سلوك الملوك از فضل الله روزبهان خنجی

ویژگی اثر : انتشارات خوارزمی

۱۴ شمس تبریزی

ویژگی اثر : انتشارات طرح نو

۱۵ گزیده ای از فیه ما فیه مولانا

ویژگی اثر : اصطرلاب حق

۱۶ گزیده مقالات شمس (خمی از شراب ربانی)

۱۷ گفته ها و ناگفته ها

۱۸ مالیات سرانه و تاثیر ان درگرایش به اسلام از دانیل دنت

ویژگی اثر : ترجمه،انتشارات خوارزمی

۱۹ مبالغه مستعار

ویژگی اثر : بررسی اسناد وزارت خارجه بریتانیا درباره مالکیت جزایر تنب و ابوموسی ، دفتر خدمات حقوقی بین المللی ، نشر کارنامه

۲۰ مختصر حقوق مدنی

۲۱ مقالات شمس تبریزی

ویژگی اثر : تصحیح،انتشارات خوارزمی،این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنائی با کتاب: «مقالات شمس تبریزی»: این کتاب جزء متون بر جسته عرفان و ادب ماست و متن آن تألیف کسی است که مولوی را پرورده و ساخته است. تعلیقات مصحح کما «وکیفا» خوب و بیانگر این است که مصحح متن را به خوبی فهمیده و تنها کاری مکانیکی نکرده است. همچنین مطالب سودمند و مناسب از متون مهم ادب و عرفان، مثل مثنوی، حدیقه، عوارف المعارف، فتوحات مکیه و ... در توضیح و تبیین متن انتخاب کرده و در تعلیقات آورده است. استفاده از نسخ معتبر، دقت، بکارگیری روش علمی در تصحیح، تهیه فهرستهای لازم و زیبایی چاپ آن از ویژگی‌های کتاب محسوب می‌شود

۲۲ مقدمه حقوق مدنی

۲۳ نفت ما و مسائل حقوقی آن

ویژگی اثر : انتشارات خوارزمی

موسوی بجنوردی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله دکترسید محمد موسوی بجنوردی در سال ۱۳۲۲ در نجف اشرف متولد شد ولی در شناسنامه وی ۱۳۲۴ به عنوان سال تولد رقم خورده است. ایشان تحصیلات علوم حوزوی و دینی خود را در ایران و نجف اشرف به انجام رساندند. وی به مدت ۳۰ سال در محضر استادان درجه اول فقه واصول و فلسفه از جمله مرحومان امام خمینی(س), پدر معظم ایشان آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی ـ صاحب کتاب القواعد الفقهیه و مرجع تقلید وقت ـ آیت الله خویی و آیت الله حکیم در حوزهٔ نجف اشرف به فراگیری علوم دینی پرداخت. موسوی بجنوردی که دروس جدید و حوزوی را با هم می‌خواند در ۱۸ سالگی کفایتین (سطح ۳) را به پایان رساند. همزمان با حضور در درس خارج امام, موسوی بجنوردی به مدت ۱۲ سال در کلاسهای آیت الله العظمی خویی نیز حاضر می‌شدند.موسوی بجنوردی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمدند و در دفتر استفتائات حضرت امام مشغول به کار شدند. در سال ۱۳۵۹ به دستور امام راحل, دادگاه عالی قضات را راه اندازی کرد. ایشان از سال ۱۳۶۰ به مدت دو دوره تا سال ۱۳۶۸ به عضویت شورای عالی قضایی درآمدند که تا ارتحال حضرت امام و تغییر در قانون اساسی (که منجر به حذف شورای عالی قضایی شد) ادامه داشت.همزمان با این فعالیتهای اجتماعی و امور اجرایی کار تدریس و تحقیق در دانشکده های حقوق دانشگاه های شهید بهشتی, تربیت مدرس و نیز دانشکدهٔ الهیات دانشگاه تهران را دنبال کردند. در سال ۱۳۶۸ به رتبهٔ دانشیاری و در فروردین سال ۱۳۸۲ به رتبه استادی رسیدند .دکتر سید محمد موسوی بجنوردی از سال ۱۳۷۱ عضو هیأت علمی و ریاست گروه الهیات دانشگاه تربیت معلم(خوارزمی) بودند و درحال حاضر رئیس گروه الهیات و رشتهٔ حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه می باشند.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : فقه و اصول

والدین و انساب : پدر معظم سید محمد موسوی بجنوردی مرحوم آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی ، صاحب کتاب

القواعد الفقهیه و مرجع تقلید وقت بود

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محمد موسوی بجنوردی دارای اجتهاد در رشته فقه و اصول از نجف اشرف از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ است.

فعالیتهای ضمن تحصیل : سید محمد موسوی بجنوردی در حین شاگردی در کلاس درس امام و آیت الله العظمی خویی در مسجد جامع نجف اشرف (هندی) رسائل, مکاسب و کفایتین را به زبان عربی برای شیعیان کشورهای عرب زبان همچون عراق, لبنان, سوریه و مصر تدریس می کردند.

استادان و مربیان : از استادانسید محمد موسوی بجنوردی می توان به امام خمینی(ره), پدر معظم ایشان آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی ،آیت الله خویی و آیت الله حکیم در حوزهٔ نجف اشرف اشاره کرد.

وقایع میانسالی : سید محمد موسوی بجنوردی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمدند و در دفتر استفتائات حضرت امام مشغول به کار شدند. در سال ۱۳۵۹ به دستور امام راحل, دادگاه عالی قضات را راه اندازی کرد. ایشان از سال ۱۳۶۰ به مدت دو دوره تا سال ۱۳۶۸ به عضویت شورای عالی قضایی درآمدند که تا ارتحال حضرت امام و تغییر در قانون اساسی (که منجر به حذف شورای عالی قضایی شد) ادامه داشت. در این شورا بخش مهمی از تدوین قوانین و اصلاحیه های مربوط به قانون مدنی, آیین دادرسی کیفری, قانون مجازات اسلامی و نظارت مستقیم براحکام همهٔ دادگاهها بر عهدهٔ ایشان بود. همزمان با این فعالیتهای اجتماعی و امور اجرایی کار تدریس و تحقیق در دانشکده های حقوق دانشگاه های شهید بهشتی, تربیت مدرس و نیز دانشکدهٔ الهیات دانشگاه تهران را دنبال کردند. در سال ۱۳۶۸ به رتبهٔ دانشیاری و در فروردین سال ۱۳۸۲ به رتبه استادی رسیدند

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق شغلی (آموزشی ـ اجرایی) سید محمد موسوی بجنوردی به شرح زیر است: اجرایی : – عضویت در شورای عالی قضایی (دو دوره بمدت ده سال) – رئیس دادگاه عالی انقلاب اسلامی – رئیس شعبه دیوان عالی کشور – عضو هیات عفو حضرت امام خمینی (ره) – عضو کمیته کشوری اخلاق پزشکی – عضوهیئت علمی موسسه عالی بانکداری – ریاست کمیسیون حقوق بشر اسلامی – عضویت در شورای عالی علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی – عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) – رئیس گروه حقوق و علوم سیاسی تربیت معلم – رئیس گروه دین و فلسفه – مدیر گروه فقه و حقوق پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی – عضو هیات امنای مرکز بین الملل گفتگوی فرهنگها و تمدنها – عضو کمیته کشوری اخلاق پزشکی – عضو کمیته علمی شورای پول و اعتبار – عضو هیئت امنای مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها – عضو کمیتهٔ کشوری اخلاق پزشکی – عضو شورای دانشگاه تربیت معلم – عضو هیئت ممیزه دانشگاه تربیت معلم – مدیر گروههای حقوق و علوم سیاسی و فلسفه و دین وفقه و حقوق پژوهشکده امام خمینی(ره) – مدیر گروه دین و فلسفه دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) – مدیر گروه حقوق و علوم سیاسی (تربیت معلم) – عضو هیئت تحریریه مجله علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم – عضو هیئت تحریریه متین پژوهشکده امام خمینی (ره) – عضو هیئت تحریریه مجله نامه الهیات دانشگاه آزاد اسلامی – عضو هیئت تحریریه مجله حقوق و علوم سیاسی آموزشی ـ آموزش از سال ۶۰ تا کنون: – دانشگاه شهید بهشتی – دانشگاه تربیت مدرس – دانشگاه تهران – دانشگاه آزاد اسلامی – مدرسه عالی شهید مطهری – موسسه عالی بانکداری ایران – دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) – دانشگاه قم

فعالیتهای آموزشی : سید محمد موسوی بجنوردی تدریس در دانشگاههای خارج از کشور را از سال ???? با تدریس در دانشگاه بریتیش کلمبیا کانادا آغاز کردند. ایشان در آن سال به دعوت دانشکده حقوق آن دانشگاه بمدت یک ترم حقوق اسلامی تدریس کردند و در پایان نیز یک رساله دکترا در موضوع «حقوق کودک در اسلام» را راهنمایی کرد. ایشان در همان سال از کانادا به آمریکا رفته در دانشگاه کالیفرنیا جلساتی را بمدت دو ماه برگزار کردکه مقارنه بین حقوق اسلام و حقوق غرب بود. این جلسات

نهایتاً ترجمه و در آن دانشگاه به چاپ رسید. به دنبال همین جلسه مسؤولان دانشگاه از ایشان خواستند که بمدت چهار سال استادی آن دانشگاه را عهده دار شود که وی به علت ارجحیت دادن حضور در ایران این پیشنهاد را نپذیرفت. یکسال بعد مسؤولان دانشگاه جرج تاون واشنگتن دی سی به واسطه دکتر سید حسین نصر پیشنهاد تصدی گری مسؤولیت بخش علوم اسلامی آن دانشگاه را به ایشان دادند ولی موسوی بجنوردی این پیشنهاد را نیز نپذیرفت. در سال ???? نیز آیت الله موسوی بجنوردی بمدت یک ترم در دانشکده حقوق دانشگاه آکسفورد تدریس داشتند که در انتها راهنمایی رساله دو دانشجو در موضوعات «سیستم حکومت در اسلام» و «بررسی حقوق خصوصی در بعد مسائل مالکیت خصوصی» را عهده دار شد. آیت الله موسوی بجنوردی از اواسط دهه هفتاد ارتباطات علمی مستمری با دانشکده حقوق دانشگاه محمد الخامس مراکش داشته است. ایشان رفت وآمد و تدریس در مراکش را بسیار مفید دانسته و از این بابت بسیار اظهار خرسندی داشته اند. سال گذشته آیت الله موسوی بجنوردی به دانشگاه سن ژوزف (القدیس یوسف) لبنان دعوت شدند و جلسات علمی را در آن دانشگاه که شاخه ای از دانشگاه سوربن می باشد برگزار کردند. به دنبال آن جلسات دعوتنامه ای از دانشگاه سوربن برای تدریس در ترم پاییز به ایشان ارسال شد. در اردیبهشت???? آیت الله موسوی بجنوردی به دعوت طنطاوی شیخ الازهر به مصر رفت و ضمن ارائه جلساتی درخصوص «نقش عقل در شریعت» ارتباطات علمی را با دانشگاه الازهر و عین الشمس برقرار کردند. یکی از جلسات جالب علمی آیت الله موسوی بجنوردی در دانشگاه بریتیش کلمبیا تدریس خصوصی به موریس کاپیتورن کمیسر عالی حقوق بشر می باشد. پروفسور کاپیتورن که استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا است در آن سال که هنوز نماینده سازمان حقوق بشر در ایران نبوده است جلساتی درباره «حقوق جزا در اسلام» را به صورت خصوصی نزد آیت الله موسوی بجنوردی گذراند. موسوی بجنوردی درحال حاضر اشتیاق چندانی برای تدریس در دانشگاههای خارج از کشور ندارد. چراکه به اعتقاد او داخل کشور بیشتر از خارج نیازمند اسلام راستین است. ایشان هم اکنون در داخل کشور در دانشگاههای : تهران ،تربیت مدرس، شهید بهشتی، تربیت معلم (خوارزمی)، دانشگاه آزاد (واحد علوم و تحقیقات، الهیات قلهک)، موسسه عالی بانکداری و پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تدریس میکنند.

شاگردان : سیدعباس موسوی و شیخ راغب حرب از شهدای برجسته حزب الله لبنان از شاگردانسید محمد موسوی بجنوردی در آن دوران از تحصیل وی در نجف اشرف بودند.

آرا و گرایشهای خاص : زمینه‌های تحقیقاتی مورد علاقه سید محمد موسوی بجنوردی به قرار زیر است: فقه – حقوق – اصول – فلسفه – عرفان – کلام

چگونگی عرضه آثار : از سید محمد موسوی بجنوردی در داخل کشور بیش از ۵۰ مقاله درمجلات علمی و ۱۵جلد کتاب با عناوین زیر منتشر شده است که بعضاً عنوان کتب درسی رشتهٔ حقوق در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری مورد توجه استادان و دانشجویان قرار گرفته است. – عقد ضمان – علم اصول – فقه تطبیقی – فقه تطبیقی, بخش جزایی(جلد دوم) – قواعد فقهیه جلد ۱, ۲ – مجموعه مقالات فقهی, حقوقی, فلسفی و اجتماعی۱،۲،۳،۴،۵،۶ – مصادر التشریع عندالامامیهٔ و السنهٔ (به زبان عربی)؛ – مقالات اصولی. تعداد مقالات علمی چاپ شده در مجلات علمی وپژوهشی = ۴۸ مقاله تعداد مقاله‌های ارائه شده در نشست‌های علمی = ۲۳ مقاله تعداد پایان نامه‌های تحت راهنمایی دکتر موسوی بجنوردی: الف) کارشناسی ارشد: در حدود ۲۲۰ پایان نامه کارشناسی ارشد ب) دکتری: در حدود ۶۰ پایان نامه دکتری پایان نامه‌های تحت مشاوره دکتر موسوی بجنوردی : الف) کارشناسی ارشد: در حدود ۲۲۰ پایان نامه مشاوره و به همین تعداد استاد ناظر ب) دکتری: در حدود ۶۰ پایان نامه مشاوره و به همین تعداد استاد ناظر –

آثار :

۱ اندیشه‌های حقوقی حقوق خانواده

ویژگی اثر : انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد و در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است و در زمینه فقه، حقوق می باشد.

۲ عقد ضمان

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است. این کتاب در زمینه حقوق است.

۳ علم اصول

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی در سال ۱۳۸۰چاپ شده است.این کتاب در زمینه اصول فقه می باشد.

۴ فقه تطبیقی

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است و در زمینه حقوق می باشد

۵ قواعد فقهیه (در دو جلد)

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۳ چاپ شده است.این کتاب در زمینه فقه و حقوق است.

۶ مجموعه مقالات فقهی ، حقوقی ، اجتماعی فلسفی در ۶ جلد

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سالهای ۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵ منتشر شده است. این کتاب در زمینه فقه حقوق فلسفه بحث می کند.

۷ مصادر التشریع عند الامامیه و السنه (ج ۱)

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید.این کتاب در زمینه مدخل در علم فقه و اصول نگاشته شده است

۸ مقالات اصولی

ویژگی اثر : انتشارات امیر کبیر و در سال ۱۳۷۶ به چاپ رسیده است.و در زمینه اصول است.

موسوی برزکی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی برزکی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ در مدرسه رسالت قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی و دینی شدم. پس از اتمام مقدمات در فیضیه و مسجد اعظم و ... تحصیلات خود را ادامه دادم. کتاب شرح لمعه را در محضر «آیت الله استادی» و «وجدانی‌فخر» و رسائل و کفایه را در محضر «آیت الله اعتمادی» و مکاسب را در محضر «آیت الله پایانی» بوده‌ام.

دروس خارج فقه و اصول را از خرمن علم آیات عظام: «وحید خراسانی»، «فاضل لنکرانی» و «شیخ جواد تبریزی» خوشه‌چینی نمودم

و تفسیر و فلسفه را از محضر «آیت الله جوادی آملی» پس از ده سال حضور در دروس خارج و احساس با نیازی از حضور در سر کلاس آیات عظام به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا کفایه مشغول شدم.

همچنین در دانشگاه آزاد تدریس دروس عمومی را مثل معارف اخلاق وصیت نامه امام (ره) تفسیر به عهده گرفتم. همچنین در کنار تدریس، پژوهش و تحقیق در موضوعات مختلف را آغاز نمودم و هم‌اکنون امامت جمعه شهرستان اردستان را داشته و در کنار آن تدریس کفایهٔ الاصول (حوزه) و دروس عمومی دانشگاه، تالیف مقالات، کتاب و اداره مدرسه علمیه زینبه را به عهده دارم.

موسوی رکنی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اصغر موسوی رکنی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

خاطره پیشنهاد پدر بزرگوارم مبنی بر انتخاب تحصیلات حوزوی را هیچگاه از یاد نمی برم به ویژه آنکه پیشنهاد ایشان توام با روشنگری خاصی بود. بر اساس این پیشنهاد در سال ۱۳۵۴ برای شرکت در مدارس شبانه روزی و حوزه علمیه ای به سبک کلاسیک که در آن زمان در کشور لبنان دایر شده بود، به این کشور سفر کردم و مدرسه علمیه امام مهدی (عج) در لبنان با پذیرفتن طلاب جوان و آموزش زبان های عربی، فرانسوی، انگلیسی و نیز دروس جنبی جدیدی نظیر آشنایی با ادیان الهی (مسحیت و آیین یهود) سعی بر آن داشت تا طلبه های فارغ التحصیل آن مرکز با تکیه بر اندوخته ها و آموخته های همگام با زمان، به عرضه آیین پر بار اسلام بپردازند و به تمام معنا روحانیون اندیشمند، آگاه به شرایط عصر و نیز مجتهد در رشته های علوم حوزوی به جامعه عرضه کنند.

با گذشت یکسال از تحصیل در آن مدرسه و برداشتن گام های اولیه در علوم حوزوی، به خاطر شدت یافتن جنگ داخلی لبنان و عدم امکان ادامه تحصیل به کشورم ایران بازگشتم. طبیعی بود که در آن شرایط تحصیلات خود را در حوزه علمیه قم ادامه دهم. به خاطر علاقه وافری که به ویژه در سال های قبل از انقلاب به علوم حوزوی وجود داشت؛ سعی کردم که هنگام تابستان و تعطیلی حوزه علمیه قم نیز وقت را غنیمت بشمرم و از حوزه علمیه اصفهان که به صورت چهار فصل در ایام تابستان نیز دایر بود، استفاده کنم. مدرسه علمیه «ذوالفقار» اصفهان پایگاه اصلی حضور در کلاسهای درس بود.

با شروع حوادث تاریخ ساز انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۶ و سپس پیروزی آن در سال ۱۳۵۷ درس های حوزه های علمیه نیز تحت تاثیر این حادثه بزرگ قرار گرفت. حوزه های علمیه پس از وقفه ای کوتاه مجدداً با حال و هوای تازه به کار خود ادامه داد. بنده نیز همگام با شرایط آن ایام به تحصیل ادامه دادم و به تفصیل و اجمال از محضر اساتید بزرگوار خارج درس های حوزه علمیه

قم بهره بردم. حضرات آیات «شیخ مرتضی حائری یزدی»، «سید محمد رضا گلپایگانی»، «وحید خراسانی»، «میرزا هاشم آملی»، «شبیری زنجانی» و «سید محمد روحانی» اساتید عمده فقه و اصول بنده بوده اند که افتخار اجازه اجتهاد را نیز از برخی از آنان دارم. در کنار درس های پر بار حوزه علمیه قم، با توفیق الهی مدارك درس های کلاسیک مدارس را نیز به دست آوردم و با گرفتن مدرك دیپلم اقتصاد به دروس دانشگاهی روی آوردم که با طی مدارج کارشناسی و کارشناسی ارشد موفق به اخذ مدرك دکتری در رشته «فقه و مبانی حقوق اسلامی» شدم. در طی این سال ها یکی از افتخار آمیزترین عنوانی را که با خود همراه داشتم، شغل شریف معلمی بوده است که علاوه بر دروس حوزوی، از سال ۱۳۶۷ نیز به صورت حق التدریسی در دانشگاه تربیت مدرس تهران مشغول به کار شدم تا اینکه بالاخره در سال ۱۳۷۳ به صورت رسمی به عضویت هیئت علمی گروه «فقه و مبانی حقوق اسلامی» دانشگاه قم در آمدم. از آن سال تاکنون همواره دل گرمی اینجانب اظهار لطف و علاقه دانشجویان و بدست آوردن نمرات خوب از ارزیابی های دانشجویی بوده است (بر اساس صورت جلسه ارزیابی ها در کارگزینی دانشگاه قم) تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. انشاء الله

موسویان، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالفضل موسویان

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد ابوالفضل موسویان فرزند حسن در سال ۱۳۳۴ در شهر مقدّس مشهد دیده به جهان گشودم. پس از دوران ابتدائی، وارد حوزه شده و مقدّمات را از برخی از فضلای مشهد و عمدتا از مرحوم ابوی آموختم. مختصر المعانی را از استاد «حجت هاشمی»، معالم را از استاد «بنی هاشمی» و لمعتین را در محضر والد به پایان رساندم. سپس راهی قم شدم و رسائل را از محضر اساتید: «اعتمادی» و «دوزدوزانی»، مکاسب را از مرحوم استاد «ستوده» و کفایه را از استاد «سبحانی» استفاده کردم.

از اوائل سال ۱۳۵۲ درس خارج اصول و فقه را شروع کردم و از آیات عظام: «وحید خراسانی»، «شیخ جواد تبریزی»، و عمدتاً از «آیهٔ الله منتظری» بهره بردم. در کنار فقه و اصول، به فراگیری فلسفه نیز مشغول شدم و از اساتید بزرگوار «انصاری» و «جوادی آملی» استفاده کردم. منظومه و برخی از جلدهای اسفار را خواندم. سپس التمهید قیصری و فصوص الحکم را با استفاده از آیهٔ الله معرفت، اخلاق را از آیهٔ الله حسن زاده آملی فرا گرفتم.

اینجانب بعد از چند سال تحصیل، همانند دیگر حوزویان، درسهای پائین تر را به دیگران می آموختم. لذا از حوزه علمیّه مشهد تاکنون به تدریس اشتغال داشته ام. و دروس عمومی را در دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه مفید تدریس کرده و می کنم. و اکنون عضو هیئت عملی دانشگاه مفید هستم. در کنار تدریس و تبلیغ، مکتوباتی نیز داشته ام ومقالاتی را در مجلات و روزنامه ها به

چاپ رسانده ام.

موسویان، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد رضا موسویان

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد رضا موسویان تحصیلات ابتدایی و راهنمایی خود را در شهرستان گرمسار آغاز نموده و در سال سوم راهنمایی با پیشنهاد پدر مبنی بر تحصیل علوم حوزوی و اقبال بسیار زیاد خودم، در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه علمیه رسالت به تحصیل پرداختم و پس از یکی دو سال به تناوب، دروس دبیرستان را به طور شبانه ادامه داده و در ۱۳۶۴ دیپلم خود را در رشته علوم تجربی دریافت نمودم. البته مسائل تبلیغی و حضور در جبهه هم در این سال ها بر قرار بود.

از سال ۱۳۶۷ وارد مباحث و دروس علوم سیاسی در دفتر تبلیغات و موسسه آموزشی عالی باقرالعلوم (ع) شدم. دروس علوم سیاسی در مقطع لیسانس را به پایان رسانده و در سال ۷۳ لیسانس را اخذ نموده و سال ۱۳۷۵ هم در مقطع کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی با گرایش اندیشه سیاسی به تحصیل پرداخته و در سال ۷۹ با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان: «حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی شهید ثانی» آن را به پایان رساندم. البته یکی دو نوبت در تافل دکتری در دانشگاه ها امتحان داده و قبول شدم اما در امتحان تخصصی آن موفقیتی کسب ننمودم.

از سال ۱۳۷۳ وارد بخش پژوهشی دفتر تبلیغات گردیده و در واحد معجم احادیث بحار الانوار به پژوهش پرداختم که در سال ۷۴ به پایان رسید. از سال ۱۳۷۵ وارد واحد تدوین اندیشه سیاسی اسلام که هم اکنون با عنوان پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی فعالیت می کند در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به تحقیق پرداختم. رشته مطالعاتی مورد علاقه بنده فقه سیاسی شیعه بود و با توجه به سیاست پژوهشکده به مباحث «تاریخ اندیشه سیاسی فقهای شیعه» پرداختم که تاکنون به پژوهش در اندیشه سیاسی فقهایی چون شهید ثانی، شیخ طوسی، فخرالمحققین، شهید اول و فاضل مقداد پرداخته که برخی از آنها در قالب کتاب منتشر یا در حال نشر می باشد و برخی دیگر به صورت مجموعه مقالات قرار است منتشر شود.

در سال های اخیر مدتی با موسسه انتظار نور (وابسته به پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی) همکاری نموده که ضمن کارهای مختلف، یک مقاله در زمینه «امنیت سیاسی اجتماعی حکومت جهانی امام زمان (عج)» نوشتم که در گفتمان هفتم مهدویت مورد توجه قرار گرفت و دو پروژه تحقیقاتی دیگر با عناوین «ویژگی‌های نخبگان و کارگزاران سیاسی حکومت امام مهدی (عج)» و «ساختار نظام سیاسی حکومت جهانی امام عصر (عج)» در دست انجام دارم. با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی نیز در یک پروژه همکاری نمودم که حاصل آن یک مقاله بود. با موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) نیز یک مقاله دانشنامه ای در

دست انجام دارم. ضمن این کارهای تحقیقاتی، با فصلنامه های علوم سیاسی و حکومت اسلامی (وابسته به موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) و دبیرخانه خبرگان رهبری) همکاری نموده و مقالاتی را برای چاپ و انتشار در برخی شماره های آنها ارائه دادم.
از سال ۱۳۷۸ در دانشگاه آزاد اسلامی اراک به تدریس انقلاب اسلامی و وصایای امام پرداخته که تاکنون نیز ادامه داشته و یک مقاله نیز به مجله دین و سیاست آنجا ارائه کرده که منتشر شده است. از سال ۱۳۸۰ در دانشگاه شهید چمران اهواز در شهر اهواز و دو ترم در شاخه شمالی دانشگاه شهید چمران واقع در دزفول ـ اندیمشک، به تدریس دروس انقلاب اسلامی و تاریخ اسلام و سایر دروس گروه معارف تاکنون اشتغال دارم. در همایش کتاب سال حوزه شرکت کرده و کتاب «اندیشه شیخ طوسی» کتاب برگزیده انتخاب گردید.

مهاجرنیا، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن مهاجرنیا

محل تولد : اندیمشک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر در سال ۱۳۵۹ دروس حوزوی را شروع کردم و با مدرک اول دبیرستان وارد حوزه علمیه شدم در سال ۱۳۶۸ دوره مقدمات و سطح عالی حوزه را به پایان رساندم و در ضمن آن دیپلم را هم اخذ کردم.در کنار دروس حوزوی در سال ۱۳۶۷ دروس دانشگاهی را هم شروع کردم در سال ۱۳۷۴ کارشناسی را به پایان رساندم وبا شرکت در کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹پایان نامه خود را با عنوان دولت در اندیشه سیاسی فارابی دفاع کردم و در سال ۱۳۸۱ در مقطع دکتری در رشته علوم سیاسی پذیرفته شدم و هم اکنون در حال گذراندن پایان نامه هستم. تاکنون ۵ جلد کتاب تالیفی و بیش از ۶۰ مقاله تخصصی از حقیر چاپ شده است عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است با برخی از مراکز پژوهشی قم همکاری دارم (ویرایش ۱۳۸۶ .) ت

مهدوی، اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

او فرزند حسین امین الضرب مهدوی بود. امین الضرب از بازرگانان متنفذ و از مروجین اصول مشروطیت بود. پدر امین الضربموسوم به حاج محمد حسن و ملقب به امین دارالضرب در دو سوم از عصر ناصرالدین شاه تاجری معتبر و خیّری به نام و

یکی از رجال‌مهم مردم‌شناس در شمار بود. او مدتها مسؤول امور ضرابخانه و از یاران نزدیک اتابک امین السلطان بود.
دکتر اصغر مهدوی پس از گذراندن دوران تحصیل در خانه و در دبستان وارد به دبیرستان دارالفنون شد و پس از آن تحصیلات خود رادر دانشسرای عالی آغاز کرد. تا اینکه برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به فرانسه رفت و در رشته اقتصاد درجه دکتری گرفت. موضوع‌رساله دکتریش دیوان محاسبات ایران بود. ایامی که در فرانسه درس می‌خواند مصادف با دوران جنگ جهانی دوم بود. ناچار چندی بعداز آن در فرانسه ماند تا راهها باز شد و توانست به ایران باز گردد (حدود سال ۱۳۲۷). جمعاً در روزگار جنگ سختی بسیار دیده بود.
پس از مدّتی اقامت در وطن ناگزیر از سفر دیگری به فرانسه شد که منجر به سالی ماندن در آن کشور شد. در بازگشت چون دانشکده‌حقوق و علوم سیاسی و اقتصاد در جستجوی دانشیاران جدید برآمد او یکی از برگزیدگان برای برای رشته اقتصاد بود. پس به عضویت‌در هیأت علمی آنجا در آمد و چون شعبه اقتصاد به دانشکده اقتصاد تبدیل وضع پیدا کرد اصغر مهدوی در دانشکده جدید سمت استادی‌یافت و چندی گروه اقتصاد سیاسی آنجا را تصدی می‌کرد. البته به مؤسسه تحقیقات اقتصادی - که وابسته به آن دانشکده بود - هم‌پیوستگی علمی داشت. مهدوی هیچ گاه در پی دست یافتن به مقام و منصب سیاسی و دولتی نبود. او به مناسبت آنکه شخصیت متین وموقری داشت خود به‌خود ترتیب و آدابی را پیش گرفته بود که اصحاب منصب و قدرت نمی‌توانستند تصدی مقامی را به او پیشنهادکنند. در دانشکده اقتصاد هم قبول تصدی گروه اقتصاد سیاسی، برای آن نبود که از «حق ریاست» بهره‌ور شود. او در طول مدت خدمت‌حقوق دانشگاهی خود را از زمان عضویت در دانشگاه به پیروی از برادر نامدارش (دکتر یحیی مهدوی) صرف چاپ مجموعه کتابهایی‌کرد از قبیل ترجمه قدیم فارسی از النهایه شیخ طوسی (شماره سوم در سه مجلد) به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و رجال برقی به‌کوشش جلال الدین محدث و تحقیق عباس اقبال در سرگذشت میرزا تقی خان امیرکبیر و «مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده دربارهٔ‌سیدجمال مشهور به افغانی» (شماره ۲) که او و من با هم گردآوری کردیم.
به هر اندازه که از ورود در کارهای اداری و رسمی دوری می‌جست در مواردی که مربوط به‌قلمرو نشر کتابهای جدّی و خرید نسخه‌های خطی بود و او می‌توانست همکاری داشته باشد ازقبول خدمت خودداری نداشت. سالهای دراز عضو شورای کتابخانه مجلس بود و جز آن در گروه‌تشخیص و تقویم نسخه‌های خطی آن کتابخانه شرکت مؤثر داشت. همزمان، کتابخانه‌های‌مجلس سنا و مرکزی دانشگاه تهران در همین زمینه از اطلاعات بسیط و دانش تخصصی او بهره‌یاب می‌بودند. کتابخانه‌های ملی و ملک هم در موارد خاص نظر او را خواستار می‌شدند. او بهای نسخه را باعنایت و نگرش علمی و رعایت جوانب دیگر مشخص می‌کرد. گاهی که صورت مجلس برای‌امضا حاضر شده بود می‌گفت حق این است که فلان قدر بر مبلغی که نوشته شده است افزوده‌شود. مبادا صاحب کتاب آن را نفروشد و کتاب از دست برود. یا اینکه ناراضی باشد و به اضطرارمجبور بشود که به تقویم ما تن بدهد. ضمناً باید بگویم که هیچ گاه از بابت ساعاتی که مصروف‌این خدمت می‌کرد دیناری نپذیرفت، یعنی به رایگانی خدمتگزار بود.
در رشته شناخت نسخه‌های خطی از تیزبینان و نادره‌شناسان بود. خودش از دوره بازگشت به‌ایران به خریداری نسخه‌های خطی علاقه‌مندی پیدا کرده بود. چون درین زمینه ذوقی پخته‌داشت بسیار کارآمد در کهنه‌جویی عاشقانه در پی یافتن خطوط خوشنویسان بود و به تدریج برزیر و بم نسخه‌شناسی و ضوابط و قواعد خاص و پیچیده آن وقوف پیدا کرد و در همنشینی بانسخه‌شناسانی چون جعفر سلطان‌القرایی و دکتر مهدی بیانی توانست در آن رشته به خبرویّت‌مسلّم برسد. نسخه را که باز می‌کرد به یک نگاه حکمی کارشناسانه درباره آن می‌کرد. اغلب‌درست و قاطع بود. در تقویم کردن نسخه‌ها مآل اندیش و دلسوز بود. قدر نسخه خطی رامی‌شناخت و همیشه نیّتش بر آن بود که نسخه خریداری شود تا در کتابخانه‌های کشور بماند.ضمناً می‌گفت فروشنده نسخه خطی حتماً باید به حق خودش برسد زیرا خودش یا اسلافش آنرا نگاه داری کرده‌اند و می‌گفت شک نداشته باشید اگر امروز فروشنده

شده است اغلب به‌مناسبت آن است که نیازمند شده است.

فهرست نسخه‌های خطی از مجموعه گرانبهای او تا سال ۱۳۴۰ به کوشش دوست فقیدمان‌محمدتقی دانش پژوه تهیه و در نشریه نسخه‌های خطی (دفتر دوم – ۱۳۴۱) چاپ شد. پس ازآن مهدوی باز نسخه‌هایی چند خریداری کرد و تعداد آنها از هزار در گذشت. درین چند سال اخیربا همکاری فاضل گرامی اشک شیرین به فهرست‌نویسی تازه‌ای از مجموعه خود پرداخته بود که‌به تدریج آماده چاپ می‌شد.

برای نشان دادن میزان علاقه‌مندی او به نسخه خطی می‌توانم یاد کنم از روزهای بسیاری راکه شخصاً صرف وصّالی اوراق پریشیده قرآن کهنه اوراق شده‌ای کرد. می‌گفت اگر به دست‌وصال بدهم با این دقت و دلسوزی نمی‌تواند نسخه را چنانکه شایسته است آماده تجلید کند.چون آماده شد آن را به دوستمان مهندس محمدحسین اسلام پناه مقیم کرمان سپرد تا جلدی‌مناسب برای آن فراهم سازد.

بُخل وضنّتی نداشت که از نسخه‌های پر ارزش او عکس‌برداری بشود. به همین ملاحظه‌اجازه داده بود تا عکاس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از نسخه‌هایی که کتابخانه علاقه‌مند به‌آنها می‌بود عکس تهیه کند. اخیراً هم دیدیم که دو مجموعه کهنه از کتابخانه او به نامهای «جنگ‌مهدوی» (مورخ ۷۵۳) و دیگری به نام «مجموعه فلسفی مراغه» (مورخ ۵۹۶) توسط مرکز نشردانشگاهی به همّت دکتر نصرالله پورجوادی و فهرست‌نگاری مهدی قمی‌نژاد به چاپ عکسی‌رسید و فایدت مندرجات آنها عام شد. این دو مجموعه در برگیرنده رساله‌های فلسفی و حکمی‌و عرفانی و از شمار نوادر مخطوطات است. اگر مهدوی به مانند اکثر مجموعه‌داران طمعکار یابخیل کردار، جسم نسخه را از آن خود می‌دانست هرگز رضایت نمی‌داد که چاپ نسخه برگردان ازآنها به دسترس دانشی مردان برسد، به تصور موهوم آنکه ممکن است از بهای پولی آن کاسته‌شود.

او خود را نگاهبان نسخه می‌دانست ولی بمانند کتابداری رفتار می‌کرد که مسؤولیتش به‌اصطلاح امروز اطلاع‌رسانی و دست‌یاب کردن مراجع و منابع پژوهشی است. او عاشقانه ولی بااین خصیصه به نسخه نگاه می‌کرد. البته به حق در حفاظت و ماندگاری آنها پای‌بندی داشت.

مهدوی از دوستان نزدیک مجتبی مینوی بود و مینوی او را یکی از چهار عضو هیئت امنای‌کتابخانه اهدایی خود بر بنیاد شاهنامه فردوسی قرار داده بود.

درین سی سال که از درگذشت مینوی گذشته است همباره با شور و شوق در جلسات هیأت‌امنا شرکت می‌کرد و چون کلید صندوق نسخه‌های خطی و اسناد و مدارک نوشته‌ای و عکسی‌آن کتابخانه به تقاضای دیگر اعضا به مهدوی سپرده شده بود ایشان، به دلخواهی و بی‌کراهتی این زحمت را پذیرفته بود که هر بار برای آنها که می‌خواستند نسخه خطی ببینند از خانه دورافتاده خود به دلپذیری به کتابخانه می‌رفت و نسخه را برای دیدن مراجعه کننده در اختیار کتابدارمی‌گذارد. ایشان آقای دکتر مصطفی محقق داماد را به جای خود برگزیده است.

ایشان در شورای تولیت موقوفات دکتر محمود اشار هم عضویت داشت و قضیه چنین بودکه چون استاد دانشمند آقای دکتر منوچهر مرتضوی (جانشین منصوص از جانب دکتر یحیی‌مهدوی) خود را از اجرای وظیفه تولیت معاف داشتند شورا دکتر اصغر مهدوی را برگزید تاهمسانی مرتبت که مورد نظر واقف بود رعایت شده و از نکته‌بینی و دقت نظر و امانت‌داری دکتراصغر برخوردار باشد. باید دانست که ایشان دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی را به جانشینی‌منصوص خود انتخاب کرد. امانتداری و کردار دلسوزانه‌ای که ایشان در کارها بر خود واجب‌می‌دانست موجب شد که حسینعلی سودآور بنیادگذار مؤسسه فرهنگی غیرانتفاعی «دانش گستر»هم دکتر اصغر مهدوی را یکی از اعضای شورای امور خود قرار داده بود.

برای آنکه از علاقه‌ورزی مهدوی به گسترش کتابخانه مجتبی مینوی آگاهی بیشتری به دست‌افتد ناچارم قضیه‌ای را که در اولین

سال درگذشت دکتر یحیی مهدوی پیش آمد بنویسم. دکتراصغر و همسر بزرگوارشان شهین خانم مقدمات برگزاری مراسم سال را فراهم کرده و در صددبودند که به دعوت دوستان بپردازند و در محلی شایسته و به شیوه مرسوم مجلسی آراسته را به‌یاد دکتر یحیی مهدوی ترتیب بدهند. من در سفر کوهستانها بودم. روزی که بازگشتم فرزند فقیدم‌بابک گفت غروبی اصغر آقا و سرکار خانم و مژده و جناب دکتر حسین صدیقی برای صحبت‌درباره نحوه برگزاری آن مجلس پیش ما خواهند آمد. تشریف آوردند و صحبت به آنجا کشید که‌سخنانی هم باید درباره دکتر یحیی خان گفته شود. نظر دکتر مهدوی و شهین خانم آن بود که من‌سخنگو باشم. طبعاً برای من وظیفه دوستی و افتخاری بایسته می‌بود ولی در یک لحظه به یادم‌آمد که دکتر یحیی خان مطلقاً به این گونه تشریفات پای بندی نداشت و کلیه درآمدهایی که ازحق التألیف کتابهایش عاید می‌شد همه را صرف خرید کتاب برای اهدا کردن به کتابخانه مجتبی‌مینوی می‌کرد. بی‌ملاحظه‌ای گفتم تصور نمی‌کنم دکتر یحیی خان راضی باشد که به جای اجرای‌کاری فرهنگی مراسمی از آن گونه ترتیب یابد که پیش‌بینی شده است. پیشنهادم این است که‌مخارج برگزاری آن مجلس برای خریدن کتاب در اختیار هیأت امنای کتابخانه گذاشته شود. اصغرآقا فوراً و بی‌چون و چرا پذیرفت و گفت همین کار اصلح و موجب شادمانی برادرم خواهد بود.پس معادل دو میلیون تومان چک نوشت و با نامه‌ای به پژوهشگاه علوم انسانی فرستاد که‌کتابخانه مینوی بدان جا وابسته است. اگر اصغر مهدوی کتابدوست و دلبسته به کتابخانه مینوی‌نبود آن پیشنهاد را نمی‌پذیرفت و تن به مجلس آرایی و پذیرایی دو سه ساعته می‌داد.

دکتر اصغر مهدوی به مراکز فرهنگی دیگر هم کمک می‌کرد. از جمله کمک مالی برای‌ساختن مدرسه در محله‌ای از اصفهان کرد که نیایش ایام جوانی خود در آنجا زیسته بود. یا اهداکردن قالی قدیمی به موزه فرش و دستگاههای عکاسی عصر ناصری به «عکاسخانه شهر»وابسته به شهرداری.

بازگردیم به نسخه‌های خطی و علاقه‌های مهدوی بدین رشته. موقعی که در بهار ۱۳۵۷پیش‌بینی شده بود که نمایشگاهی از هنر جلدسازی و صحافی سنتی در کتابخانه مرکزی و مرکزاسناد دانشگاه تهران در مهر ماه ترتیب داده شود دکتر اصغر مهدوی با شور و حال خاصی به‌انتخاب جلدها و بازشناسی آنها یاری مؤثر کرد. در جلسه‌های مشورتی که از متخصصان مانندجعفر سلطان القرایی، محمدتقی دانش پژوه یحیی ذکاء و دیگران تشکیل می‌شد شرکت می‌کرد.همان طور که در این چهار سال اخیر از ارشاد و حمایت و دلسوزی در مورد «نامه بهارستان»(مجله مطالعات و تحقیقات نسخه‌های خطی) از انتشارات کتابخانه مجلس کوتاهی نداشت ویکی از مشاوران علمی آن نشریه بود و می‌دانم که آقای نادر مطلبی کاشانی (سردبیر مجله) گاه به‌گاه برای شور با ایشان به خدمتشان می‌رفت و مهدوی با حوصله و از سر دلسوزی آنچه باید گفت می‌گفت.

به شرکت در کنگره‌های تخصصی نسخه‌شناسی علاقه داشت. من سعادت داشتم که با هم به‌مجمع علمی مربوط به ضوابط و قواعد نسخه‌شناسی یک بار به بولونیا (ایتالیا) و بار دیگر به استانبول (برگزار شده توسط مرکز باستانشناسی آلمان در ترکیه و لبنان) رفتیم و او در هر دومجمع فیض‌رسان بود و متخصصان از و استفاده می‌کردند و از نفایس مجموعه‌اش پرسان‌می‌شدند. نیز دعوت شده بود که در مجمع علمی مربوط به «سفینه تبریز» که در اواسط ماه خردادامسال در لیدن (هلند) تشکیل می‌شود شرکت نماید ولی فرا رسیدن مرگ، شرکت کنندگان را ازدریافت آگاهیهایی که او می‌توانست در آن مجمع ابراز کند محروم ساخت.

در زمینه معرفی نسخه‌های خطی، یکی از کارهای ارجمند او فهرست‌نگاری مندرجات‌جنگ اسکندر میرزای تیموری است که نسخه‌اش در کتابخانه بریتانیا نگاه داری می‌شود. این‌معرفی نامه در جلد بیست و ششم فرهنگ ایران زمین (۱۳۶۵) چاپ شده است. دیگر تنظیم‌جدول تطبیقی است از اختلاف ضبط در نسخه‌های خطی مهم دیوان حافظ (هجده نسخه) که درناموارہ دکتر محمود افشار جلد نهم (۱۳۷۵) چاپ شده است. جدولهایی که برای نمایاندن‌تفاوتها ترتیب داده است حکایت می‌کند ازین که با چه دقت و حوصله‌ای هر کلمه‌ای را در هجده‌نسخه دیده بود و یکی را با دیگری به مقایسه کشانیده است.

بخشی از دوران زندگی پژوهشی مهدوی به بازبینی و ترتیب اسناد و مدارک تجاری و مالی گذشت که از دستگاه حاج محمدحسن امین دارالضرب و حاج حسین آقا امین الضرب بر جای‌مانده است و صندوقهای مخزون بدانها سالهای دراز در زیرزمینهای خانه پدری گرد و خاک‌می‌خورد. دکتر اصغر پس از اینکه از اروپا بازگشت و متوطن در خانه پدری شد یک یک‌صندوقها (یخدان) را باز می‌کرد و اسناد اوراق گذشته را به دقت از یکدیگر جدا می‌ساخت و نوع‌به نوع در پاکتها و جزوه‌دانها قرار می‌داد و برای آنها فهرست و راهنما تهیه می‌کرد. درین کارمدتی دکتر حسین محبوبی اردکانی و مهدی قمی نژاد او را یاری می‌دادند. مخصوصاً قمی‌نژاد بامداومت این کار را به علاقه‌مندی پیش می‌برد.

همین جا به یادم افتاد که باید از همکاری مفید دکتر مهدوی با دکتر حسین محبوبی اردکانی‌در کار دیگری یاد کنم و آن تهیه فهرست و شناساندن اشخاص در عکسهای قدیمی بود که‌کتابخانه مرکزی توانسته بود اصل آنها را ازین گوشه و آن گوشه خریداری کند. آن قدر که یاد دارم‌مدت دو سالی این کار دوام داشت و هفته‌ای یک روز آن دو دانشمند تهیه آن فهرست را دنبال‌می‌کردند.

مجموعه آرشیوی پدری مهدوی اهمیت بیش بهایی دارد، ازین روی که دستگاه تجاری‌امین‌الضربها به مدّت بیش از هفتاد سال بر جای بود و طرف مراجعه مملکتی بودند و اغلب‌رجال کشور مانند والیان، حاکمان با آن دستگاه خصوصی مطالبات و مراودات و معاملات ومکاتبات داشته‌اند. مهدوی مقاله‌ای مهم و اساسی در معرفی این مجموعه به دو زبان فارسی وفرانسه نوشته و از روی متن فرانسه ترجمه به انگلیسی شده و انتشار یافته است.

جمعی از دوستان و همکاران گرامی مهدوی مانند دکتر هوشنگ ساعدلو، دکتر منوچهر آگاه،دکتر ناصر پاکدامن، پرویز خزیمه علم در سالهای دهه پنجاه در صدد آن برآمدند تا مقداری از این‌اسناد را که برای روشن شدن تاریخ تجاری، مالی و وضع پولی و اقتصادی مملکت تا عصرپهلوی مفید است به صورت کتابهایی سندی منتشر کنند. از جمله مکتوب‌های مربوط به‌تجارت در سال قحطی ۱۲۸۸ مورد نظرشان قرار گرفت. ولی با پیش آمدن حوادث سال ۱۳۵۷آن نیّت بلند متوقف ماند. ولی بعدها دکتر اصغر مهدوی همّت کرد و اجازت فرمود که آن‌مجموعه به نام «اسناد تجارت ایران در سال ۱۲۸۸» به چاپ برسد و رسید.

یکی دیگر از کارهای برجسته و نمونه که براساس اسناد موجود نزد خود انجام داد استخراج‌و جداسازی نامه‌های مربوط به تجارت یزد و ملک داری حاج محمدحسن در این شهر بود.مهدوی نخست گزارشی از این اسناد را به صورت مقاله نوشت و افتخار نشرش را به نامواره دکترمحمود افشار داد. سپس به استدعای من به استخراج مواد مهم مندرج در نامه‌ها پرداخت و چون‌آن کار پایان گرفت توانستیم مطالب را موضوع‌بندی کنیم. حاصل آن همکاری کتابی است که بانام «یزد در اسناد امین الضرب» نشر شده است و قطعاً یکی از اهم منابع برای آشنا شدن باخصائص تجارت یزد و منضمّات بدان است. تردید نیست که نمونه خوبی است از آنچه می‌توان‌درباره شهرهای دیگر، از جمله کرمان، مشهد، اصفهان و تبریز براساس آن مجموعه بیش بها انجام داد. مرحوم اصغر آقا درین سه چهار سال اخیر گاه به گاه به خواندن نامه‌های کرمانیان‌می‌پرداخت و یادداشت برداری از آنها را با کمک خانم نرگس نفر - با مجموعه اسناد آشنایی پیداکرده است - آغاز کرده بود.

آن قدر که به یاد دارم در یکی از دوره‌های کنگره تحقیقات ایرانی هم توصیف شایسته‌ای ازاین مجموعه بی‌نظیر ارائه کرد. مهدوی به شرکت در این کنگره دلبستگی داشت و در اغلب‌مجامع آن حضور می‌یافت مگر آن مواقعی که در ایران نمی‌بود. ایرانشناسی از علاقه‌های دلپسنداو بود و می‌کوشید که از دریافت اطلاعات مربوط بدان دور نماند.

یک بار هم که به کنفرانس اوضاع اقتصادی ایران در عصر قاجار برگزار شده در مؤسسه‌خاورمیانه دانشگاه آکسفورد رفته بودیم، به خواهش شرکت کنندگان درباره این مجموعه گزارش‌موشکافانه دیگری ارائه کرد.

دیگر از کنگره‌هایی که حضور او ارزشمند افتاد در مجمعی بود که مؤسسه «ایلکس» وابسته‌به دانشگاه هاروارد در همان دانشگاه

برقرار کرد و من می‌دیدم فضلای شرکت کننده با او چه گونه‌مباحثاتی و مفاوضائی را دنبال می کنند. از آنجا خود را به لوس آنجلس کشیدیم و به خواستاری‌او سر زدیم به موزه هنرهای آن شهر که نمایشگاهی راجع به آثار هنری عصر تیمور به نمایش گذاشته شده بود و موزه داران جوان از اطلاعات مهدوی نسبت به نسخه‌های خطی کسب نظرمی کردند. ایشان در کنگره کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی (مشهد) هم شرکت کرد و چون روزی‌گذشت گفت وقت آن است که سری به کلات و سرخس بزنیم تا در کرانگی خاوران، شهرهای‌تاریخی را دیده باشیم.

سخن از مجموعه اسناد در میان بود. پس باید بنویسم که صندوقهایی حاوی کتابها و اسناد ومدارک سید جمال‌الدین اسدآبادی مشهور به افغانی در خانه امین دارالضرب بر جای مانده بود(در سال ۱۳۰۸ قمری که سید را از ایران باز گردانیدند.)

مهدوی چون دریافت که کتابها و اسناد از آن سیدجمال بوده است قاصد بر آن شد که آنها رابه یکی از کتابخانه‌های مملکت بدهد و جزو کتابخانه خود نگاه‌داری نکند. امّا پیش از این که‌چنان نیتی را عملی سازد به من پیشنهاد کرد که مشترکاً فهرستی از اسناد تهیه کنیم. این کاروقت‌گیر در مدّت دو سالی انجام شد و به صورت کتابی از محل حقوق دانشیاری او در سلسله‌انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲ به چاپ رسید با نام «مجموعه اسناد و مدارک چاپ‌نشده درباره سیدجمال‌الدین مشهور به افغانی.»

مهدوی تاریخ قاجاری را - مخصوصاً در عصر ناصری و مظفری به بعد - از حیث اجتماعی‌و رجالی و اقتصادی - خوب می‌شناخت. قسمتی از این آگاهی را از مطاوی اوراق و اسنادتجاری خاندان خود حاصل کرده بود. قسمتی هم دانستنی‌هایی بود که از پدرش و اقران او - چه‌در ایران و چه اروپا - شنیده بود. مقاله «روزگار یک اهل قلم در دوره قاجار» مندرج در راهنمای‌کتاب (۱۳۵۴) ۱۸ راجع به بدایع نگار طهرانی که با همکاری دکتر هما ناطق به رشته نگارش درآمده و نیز «چند نامه مربوط به ایران» که در کتاب «هفتاد مقاله» جشن نامه دکتر غلامحسین‌صدیقی نشر شده (۱۳۷۱) یادگاری است از دلبستگی او به شناساندن منابع آن دوره و سرگذشت‌ایرانیان. تاریخ آن دوران در ذهن اصغر مهدوی مجسم و بی‌سایه بود. به خوبی می‌دانست که‌دوام و قوام جامعه در آن روزگاران متکی به چه نوع عوامل اقتصادی و مالی بوده و طبقات‌مختلف چگونه و با چه مؤونه‌ای روز خود را به شام می‌رسانیده‌اند. نیک می‌دانست که میزان فقرو مسکنت و بی‌درآمدی ناشی از چه بوده است. این نکته امتیازی است برای دانای علم اقتصادسیاسی و همیشه بر من روشن بود که اقتصاد خوانها و اقتصاددانهای دیگر ایران از آن گونه‌سرچشمه بهره وافی نداشته‌اند.

حال که سخن از اقتصاد در میان است ضرورت دارد که نام سه تألیف او را بیاورم. نام یکی«تشکیل و تقویم محصول ملی» است (تهران، ۱۳۳۹). پیش آن کتابی به نام «قیمت» نوشت که‌در سلسله انتشارات اهدایی خود او به چاپ رسید (تهران، ۱۳۳۷) و تجدید چاپ هم شد.سومین کتابش «اقتصاد - کلیات» نام داشت (تهران، ۱۳۴۱).

یکی از پژوهشهای برجسته مهدوی تصحیح و چاپ انتقادی و نمونه‌وار ترجمه فارسی

سیرت رسول اللّه از عصر سعدی است. او آن را از روی پنج نسخه اساسی‌تر و سه نسخه دیگر باروش علمی و دقت اعجاب‌انگیز به انجام رسانیده است. سیره تنها کتاب جامع و مدوّنی است ازقرن دوم اثر محمدبن اسحق که به دست رفیع‌الدین اسحق بن محمد همدانی قاضی ابرقوه ازروی روایت عبدالملک ابن هشام در نیمه دوم قرن هفتم به فارسی نقل شده است. مهدوی‌مقدمه‌ای متقن و محققانه در دویست و بیست صفحه دارد و آنچه را که در معرفی متن و نسخه‌هاو سوابق مربوط به سیره در بایست بوده به قلم استوار و گیرا منضم کرده است. پس از اینکه متن‌را در دو مجلد در سلسله انتشارات بنیاد فرهنگ ایران منتشر کرد (۱۳۶۰) تصحیح و انتشار«خلاصه سیرت رسول الله» را که تلخیص و انشای شرف‌الدین محمدبن عبدالله بن عمر ازعلمای قرن هفتم هجری است با همکاری مهدی قمی‌نژاد به سرانجام رسانید (۱۳۶۸). بر این‌متن هم مقدمه‌ای گویا و مبسوط در یکصد و بیست و هفت نوشت.

مهدوی دارای صفات ممتاز انسانی بود. نیکوکار بود و نسبت به کسانی که حسّ می کردنیازمند به نوعی توجهند کمک و مساعدت می کرد و به گونه‌ای که پنهان و پوشیده می‌ماند.

مهدوی ضنّت و بخل نداشت از این که دیگران از منابع و مدارکی که او به دشواری گردآوری کرده است بهره‌وری یابند. هر دانش‌پژوهی را به خوش‌رویی پذیرا می‌شد و آنچه را که مطلوب‌شخص بود بر می‌آورد.

مهدوی زندگی در باغ و خانه پدری را بر هر جای دیگر برتر می‌دانست و از آنجا دل برنمی‌کند. در نگاهبانی آن میراث که برای او جنبه‌ای معنوی و تاریخی داشت کوشا بود. تصرفاتی‌که در آن ساختمان شد، از قبیل تبدیل کردن انبارها و آشپزخانه گنبدی شکل قدیم به سالن‌پذیرایی، بر زیبایی مجموعه بسیار افزود. مهندس پرویز کیهان - پسر دایی مهدوی - که مجری‌طرح بود نه تنها صدمه‌ای به آن بنای یادگار نزده است بلکه مهارتهایی را به کار برده است که هربیننده‌ای را به اعجاب و تحسین وامی‌دارد. مهدوی ازین حال و شور لذت می‌برد و بیشتر مصرّبر ماندن در آن خانه محله قدیمی می‌شد.

مهدوی نسبت به برادر بزرگتر خود - دکتر یحیی مهدوی - حسّ احترام زائد الوصف داشت‌و یحیی نیز نسبت به او. هر دو در همین باغ مورد سخن زندگی می‌کردند.

مهدوی نکته سنج و بدیعه‌پرداز ولی آرام و خوش برخورد بود. در مباحثات و مجادلات ازکوره در نمی‌رفت. به تندی گرایش نداشت. در جمع بیشتر نیوشنده بود تا گوینده. سخنان‌مخالف را می‌شنید و اگر با گفته‌ای هماوازی نداشت و خوشایندش نبود و نمی‌خواست که به‌صورت لفظ ابراز خلاف گویی کند دو کف دستش را با حرکتی ملایم به دو سو می‌کشانید تابدین تمهید اظهار ابهام و اشکال نسبت به گفته معارض کرده باشد. یا این که می‌گفت چیزی دراین مورد نمی‌دانم.

مهدوی سفر دوست بود. از سال ۱۳۴۰ به این سو چند ده هزار کیلومتر با هم در اکناف خاک‌وطن گردش و از گوشه و کنارهای پرت و خرده پا دیدار کردیم. نخستین سفرمان به یزد بود.غروبی از تهران حرکت کردیم و نیمه شب مجبور شدیم در بیابانی نزدیک به ارجنان (عقدا) اتراق‌کنیم. راه خاکی و پر شن بود و من خسته از رانندگی. بهرام و کوشیار که کوچک بودند همراهان‌بودند. جل و پلاسی را که به همراه داشتم بر صحرا گستردم و به خواب خوشی رفتیم. مهدوی دربیابان قفر بی‌رفت و آمد و سکوت محض ناآرامی نشان نداد. می‌گفت به یاد ایامی افتاده است که‌با پدرش در سفر خراسان چنین شبی را گذرانیده بوده است. مرادم آن است که از رنج سفرنمی‌هراسید. پس از آن بارها در سفرها دشواریها می‌دید ولی خم به ابرو نمی‌آورد. در سفر به‌همه چیز می‌نگریست و درباره دیده‌ها می‌اندیشید و نکته‌ای را اگر فرایاد می‌آورد می‌گفت.خرابه‌ها، قناتها، کشت‌کاریها هر یک به نحوی و مناسبتی جلب نظرش را می‌کرد. چون به‌غریبه‌ای می‌رسیدیم می‌گفت از این مرد پرسشی بکنیم و از وضع و حال محل اطلاعی به دست‌بیاوریم. مردمان قدیمی و بومی برایش معنی خاص داشتند و برایش محترم بودند. گویی ازگفتار با آنها به روزگاری نزدیک می‌شد که جدّش در آن عصر می‌زیست. به روزگارهایی‌برمی‌گشت که هر روز ازین گونه مردم به خانه نیا یا پدرش سر می‌زدند و حوائج خود را رفع‌می‌کردند. گفتنی در این باره زیاد دارم. افسوس می‌خورم که خود هیچ گاه رو به آن نکرد که‌خاطرات و مشاهداتش را ازین سفرها بر صفحه کاغذ بنگارد.

منابع زندگینامه :http://www.yadeyar.ir/

مهدی نژاد، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضا مهدی نژاد

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و راهنمایی در سال ۶۸ وارد حوزه علمیه دامغان شده و در سال ۷۳ به مدت ۵ سال ادبیات عرب، فقه و اصول را طی نمودم. همزمان تحصیلات کلاسیک را ادامه داده و در سال ۷۳ موفق به اخذ دیپلم انسانی شده و در سال ۷۴ وارد حوزه علمیه و دروس سطح حوزه را نزد اساتیدی مثل: «موسوی تهرانی»، «محمدی تهرانی» و «نکونام» تلمذ نموده و سپس از درس خارج آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «شیرازی» و «نوری همدانی» بهره بردم.

در سال ۷۴ در رشته «علوم سیاسی» مقطع کارشناسی در موسسه باقرالعلوم (ع) مشغول به تحصیل و در سال ۷۸ در کارشناسی ارشد «علوم سیاسی» شهید بهشتی تهران ادامه تحصیل و در سال ۸۱ فارغ التحصیل شدم. در دوران تحصیل به امور پژوهشی اشتغال داشته و چند مقاله در همایشهای دانشگاه ارائه نمودم. پس از فارغ التحصیلی، به عنوان «پژوهشگر» با پژوهشکده اندیشه اسلامی همکاری و پروژه «اندیشه سیاسی میرزای قمی» را به پایان رساندم.

در سال ۸۲ به عنوان کارشناس مطالعات کشورها در مرکز جهانی علوم اسلامی، معاونت پژوهش مشغول به کار شدم. در سال ۸۵ به عنوان مدیر کل دفتر مطالعات و کارشناسی کشورها دراین مرکز مشغول به خدمت شدم. در طول دوره خدمت در مرکز جهانی علوم اسلامی، چند اثر پژوهشی در عرصه مطالعات کشورها تدوین نموده ام.

مهرپرور، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسین مهرپور محمد آبادی در سال ۱۳۲۲ در روستای محمد آباد یزد بدنیا آمد.وی دارای دکتری رشته حقوق خصوصی از دانشگاه تهران است.درسال ۱۳۵۱ وارد دادگستری شده و مراحل قضائی را از دادیاری و دادرس علی البدل تا عضویت دیوان عالی کشور و معاونت قضائی قوه قضائیه را طی کرد.ایشان از سال ۱۳۶۹ از دادگستری به دانشگاه شهید بهشتی منتقل شد و هم اکنون به عنوان استاد دانشکده حقوق آن دانشگاه به امر تدریس مشغول است.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق خصوصی و اسلامی

والدین و انساب : پدر حسین مهرپور محمد آبادی مرحوم غلامرضا مهرپور محمد آبادی نام داشت که سوادی در حد خواندن و نوشتن و خواندن قرآن کریم داشت.وی فردی بسیار روشن بین و علاقه وافری برای درس خواندن دکتر مهرپور محمد آبادی داشت.ایشان در سال ۱۳۴۳ در اثر بیماری به رحمت ایزدی پیوست.و نام مادر مرحومش خانم ربابه صمیمی محمد آبادی بود که

سالها سرپرستی فرزندان را بر عهده داشت تا اینکه در سالهای اخر عمر داغ شهادت آخرین فرزند را بر دل داشت در سال ۱۳۸۳ بدرود حیات گفت. دکتر مهرپور محمد آبادی جمعا سه برادر (برادر کوچکتر شهید محمد علی مهرپور محمد آبادی نام داشت که در اواخر سال ۱۳۶۰ در جبهه گیلان غرب به درجه شهادت نائل آمد.)و سه خواهر هستند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین مهرپور محمدآبادی تحصیلات ابتدایی را در همان منطقه شروع کرده و به اتمام رسانید. سپس در یزد، مشهد و قم به تحصیل در حوزه علمیه پرداخت و تا گذراندن دوره ای از دروس خارج فقه و اصول پیش رفت. در حوزه از محضر درس اساتید بزرگواری چون آیات عظام: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و وحید خراسانی بهره برد. با این حال او با اخذ دیپلم ادبی در یزد موفق می شود در رشته حقوق قضایی دانشگاه تهران پذیرفته شود و در همین دانشگاه هم مقاطع فوق لیسانس و دکترا را در رشته حقوق خصوصی ادامه دهد. – اخذ دیپلم ادبی – اخذ مدرک لیسانس حقوق قضایی، دانشگاه تهران، – اخذ مدرک فوق لیسانس حقوق خصوصی – اخذ مدرک دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه تهران

استادان و مربیان : حسین مهرپور محمد آبادی در حوزه پس از مقدمات از محضر درس اساتیدی چون حضرات آیات : مکارم شیرازی ،نوری همدانی ،فاظل لنکرانی، منتظری و وحیدی خراسانی بهره برده است. و در دانشگاه از محضر استادانی چون مرحوم دکتر سید حسن امامی ،استاد محمود شهابی ،دکتر صفری ،دکتر کاتوزیان و دکتر صفایی و غیره استفاده کرده است.ولی یکی از استادان بزرگ دکتر مهرپور محمد آبادی که از ایشان خاطرات علمی،اخلاقی و تربیتی به یاد دارد مرحوم شهید مظلوم دکتر بهشتی می باشد که در سال ۱۳۵۰ در یک برنامه منظم درسی که با مدیریت و برنامه ریزی ایشان انجام می گرفت در کلاس درس ایشان حضور بهم می رساند و از محضر پر برکت ایشان بهره مند می شد.

هم دوره ای ها و همکاران : شهید بهشتی وقتی که سمت رئیسی دیوان عالی کشور را بر عهده داشت ، حسین مهرپور محمد آبادی مسئول دفتر دیوان عالی کشور بود و با وی ارتباط کاری داشت بطوری که دکتر مهرپور محمد آبادی در این باره چنین می گوید: خاطره ماندگاری از وسعت نظر سعه صدر ،تحمل ،بزرگواری و جوانمردی ،تواضع در عین صلابت و شخصیت از آن بزرگ وار به یاد دارم.

همسر و فرزندان : حسین مهرپور محمد آبادی در سال ۱۳۵۰ با سرکار خانم صدیقه فقیه خراسانی (نوه مرحوم آیت الله حاج شیخ غلامرضا فقیه خراسانی است)ازدواج کرد که ماحصل این ازدواج ۵فرزند،۴ پسر و یک دختر است که جملگی آنها به رشته پزشکی روی آورده اند.پسر ارشد ،متخصص مغز و اعصاب ،دومی ،رزیدنت ارتوپدی ،دخترم سال آخر پزشکی عمومی را می گذراند.دو پسر دیگر سال اول پزشکی را تحصیل می کنند.

وقایع میانسالی : حسین مهرپور محمد آبادی پس از دریافت دکتر رشته حقوق خصوصی ،در سال ۱۳۵۱ وارد دادگستری شد و مراحل دادیاری،دادرسی علی البدل و معاونت قضائی قوه قضائیه را طی کرد.وی از آذر سال ۱۳۷۶ تا مرداد ۱۳۸۴ در دو دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی به عنوان مشاور رئیس جمهور و رئیس هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی انجام وظیفه می کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و مسئولیت های حسین مهر پور محمد آبادی به شرح زیر است: قاضی دادگستری در مراحل مختلف آن تا سطح دیوان علی کشور ،معاون قضائی قوه قضائیه ،عضو حقوقدان شورای نگهبان و قائم مقام دبیر آن شورا ،معاون حقوقی و بررسیهای فقهی مرکز تحقیقات استراتژیک ،مشاور وزیر امور خارجه ،مشاور رئیس جمهور و رئیس هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی ،عضو هیئت نظارت بر مطبوعات و عضو شورای عالی هلال احمر

فعالیتهای آموزشی : حسین مهر پور محمد آبادی در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی در رشته های حقوق خصوصی ،حقوق بشر و حقوق عمومی دروس حقوق مدنی ،متون فقه ،حقوق اسلامی و حقوق بشر را تدریس میکند.وی همچنین در دانشگاهها و

مراکز دیگر ماننـد دانشـکده علوم قضـائی ،دانشـگاه امـام صـادق (ع) ،مـدرسه عالی شـهید مطهری ،دانشـگاه الزهرا و دانشـگاه آزاد اسلامی نیز سابقه تدریس داشته و دارد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسـین مهرپور محمـد آبادی در مقاطعی هم به عنوان عضو یا مسؤول هیأت نماینـدگی ایران در مجـامع و سازمان های بین المللی حضور یافته است و دیـدگاه ایران را در خصوص گزارش مربوط به میثاق حقوق مـدنی و سیاسـی در چندین جلسه در کمیته حقوق بشـر توضیح داده است. درسالهای ???? و ???? و به مناسبت پنجاهمین سالگرد تصویب اعلامیه جهـانی حقوق بشـر، سـمینارهایی بـا همکاری کمیساریای عالی حقوق بشـر و سازمان کنفرانس اسـلامی در مقر سازمان ملل در ژنو تشـکیل شـده بود و مهرپور نیز با مقاله ای تحت عنوان «آزادی عقیـده و بیان از دیدگاه اسـلام» در این سـمینارها شـرکت می کند و دیدگاه دین اسلام در مورد حقوقی که هر انسان دارد را تشریح می نماید.

آرا و گرایشـهای خاص : دکتر مهرپور برای اینکه کشور ما در محافل بین المللی وجهه در خور شأن پیـدا کنـد، می گویـد: «توصـیه های خیرخواهانه ای به مسؤولان ارائه دادم و امیدوار بودم و هستم با دید مثبت به قضایا نگاه شود البته به برخی از این توصیه ها هم عمل شد.» دومین دغدغه مهم مهرپور اجرای صـحیح قانون و قانونمند شدن جامعه است. از دید او قانون جزو لوازم لاینفک زندگی اجتماعی است. اما چگونه است که جامعه ما علیرغم اینکه حـدود یک سـده است که با نحوه تهیه و تنظیم قانون آشـنا شده و دارای قانون اساسی هم هست چنانکه باید و شاید به رعایت قانون توجه نمی شود؟ در این زمینه اعتقاد دارد که باید قانون به درستی تبیین شود و به گونه ای در سـطح عمومی تمهیـداتی به کـار گرفته شود تـا فرهنـگ قانونگرایی و توجه واقعی به قانون نهادینه گردد. می گویـد متولیـان قانون هم بایـد بیشتر به قانون اساسـی و سایر قوانین توجه کننـد و راههای گریز از قانون را کنار بگذارنـد و پایبنـدی مسؤولاـن برای مردم بایـد ملموس شود. به زعم مهرپور اگر چنین اقـداماتی صورت بگیرد عمـل قـانون به صورت فرهنگ درخواهد آمـد ولی بر این امر نیز تأکید دارد که در وضع قانون تا حد امکان باید همه جانبه نگری شده و مصـلحت جامعه در نظر گرفته شود. وضعیت مناسب از دیدگاه این حقوقدان این است که افراد گریختن از قانون را مطلوب ندانند.

جوائز و نشانها : حسـین مهر پور محمـد آبادی نشان درجه دو دانش را در سال ۱۳۸۴ از سوی ریاست جمهوری وقت دریافت کرده است.

چگونگی عرضه آثار : حسین مهر پور محمد آبادی به عنوان عضو هیئت ،سخنران و یا نماینده و مسئول در اجلاسهای متعدد داخلی و بین المللی بویژه نهاد های سازمان ملل شـرکت کرده است که پیامد علمی آن تالیف کتابها و مقالات مختلف در زمینه حقوق بشر است.ایشـان در اجلاسـهای مختلف مجمع عمومی سازمان ملل ،کمیسـیون حقوق بشـر ،کمیته حقوق بشـر ،کمیته رفع تبعیض نژادی ،سازمان بین المللی کار ،یونسکو ،کمیته معاهدات و توصیه ها و اجلاسها و همایشهای منطقه ای و بین المللی از سال ۱۳۶۸ تا کنون شرکت داشته است. دکتر مهر پور محمد آبادی در سه اجلاس کمیته بشر سازمان ملل ،بعنوان مسئول هیئت ایرانی در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ ،در دوهمایش مربوط به دیـدگاه اسـلام درمورد اعلامیه جهانی حقوق بشـر در مقر سازمان ملل در ژنو به عنوان کارشـناس حقوق بشر و اسلام در سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۸۰ ، اجلاس جهانی زن در پکن در سال ۱۳۷۴ و در سه اجلاس کمیته معاهدات و توصیه های یونسکو در سالهای ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ به عنوان نماینده ایران شـرکت داشته است که در اکثر مواقع با ایراد سخنرانی و ارائه مقالات متعدد در مورد حقوق بشـر همراه بوده است. ---

آثار :

۱ بررسی میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران

ویژگی اثر : تالیف - چاپ اول ۱۳۶۸

۲ حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران

ویژگی اثر : تالیف – ۱۳۷۴

۳ حقوق بشر و راهکارهای اجرائی آن

ویژگی اثر : تالیف –۱۳۷۸

۴ دیدگاههای جدید در مسائل حقوقی

ویژگی اثر : تالیف – چاپ اول ۱۳۷۲

۵ رئیس جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی در ۲ جلد

ویژگی اثر : تدوین و گرد آوری –۱۳۸۰

۶ مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی ،مبانی فقهی و موازین بین المللی

ویژگی اثر : تالیف – چاپ اول ۱۳۷۹

۷ مجموعه نظریات شورای نگهبان در سه جلد

ویژگی اثر : تدوین و گرد آوری – ۱۳۷۱

۸ منتخبات من المباحث الفقهیه

ویژگی اثر : تدوین و گرد آوری – ۱۳۷۶

۹ نظام بین المللی حقوق بشر

ویژگی اثر : تالیف – چاپ اول ۱۳۷۷

۱۰ وظیفه دشوار نظارت بر اجرای قانون اساسی

ویژگی اثر : تدوین و گرد آوری – ۱۳۸۴ – مجموعه مکاتبات و نظریات حقوقی هیئت پیگیری و نظارت برای اجرای قانون اساسی

میر داماد نجف آبادی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی میر داماد نجف آبادی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید علی میرداماد نجف آبادی در سال ۱۳۴۹ متولد شدم. دوره ابتدائی تا سوم ابتدائی را در اهواز گذراندم و سال چهارم و پنجم ابتدائی در مشهد. دوره راهنمائی و دبیرستان در قم. سال ۱۳۶۸ وارد حوزه شدم (همزمان دیپلم گرفتم سال ۱۳۶۸). شش

سال در مدرسه «معصومیه» دوره مقدمات را گذراندم. اساتیدم در دوره مقدمات: آقایان نائینی، مسعودی کاشانی، ترابی، اسلامی، حیاتی.

دوره سطح را در مدرسه آیت الله گلپایگانی گذراندم. اساتید این دوره: موسوی تهرانی، اعتمادی، هادوی تهرانی. سه سال درس خارج فقه و اصول آیت الله هادوی تهرانی. یک سال درس خارج فقه «آیت الله جوادی آملی». از سال ۱۳۷۱ تدریس در مرکز جهانی علوم اسلامی را آغاز کردم و تاکنون ادامه دارد. مدت ۵ الی ۶ سال هم در مدارس مرکز مدیریت حوزه تدریس داشتم.

میراحمدی، منصور

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منصور میراحمدی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب منصور میر احمدی فرزند امیر در بیست و پنجم دی ماه ۱۳۴۷ در روستای «چناروئیه» از توابع شهرستان کرمان به دنیا آمدم. دوران تحصیلی ابتدایی را در روستای مذکور و راهنمایی را در روستاهای مجاور به پایان رساندم. سپس در سال ۱۳۶۳ جهت ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم گردیده تحصیلات حوزوی را آغاز کردم. در کنار گذراندن دروس مذکور به دلیل علاقه وافر به علوم جدید و اعتقاد به ضرورت کسب این علوم در دوران کنونی، دوران تحصیلی متوسطه را به صورت داوطلب آزاد در سال ۱۳۷۸ پشت سر گذراندم. علاقه مذکور، تلاش و کوشش جهت حضور در دانشگاه و تحصیل در یکی از رشته های علوم انسانی را به دنبال داشت. در سال ۱۳۷۰ در رشته «علوم سیاسی» موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (علیه السلام) پذیرفته شده و دکتری «علوم سیاسی» خود را در دانشگاه تهران اخذ نموده و از آن پس در دو زمینه علوم حوزوی و دانشگاهی مشغول به تحصیل و تحقیق و تدریس هستم.

میرخلیلی، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدجواد میرخلیلی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱۰/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید جواد میرخلیلی، فرزند سید محمد علی میرخلیلی، متولد دوم دی ماه ۱۳۵۶ در روستای زردین از توابع استان یزد هستم. دوره ابتدایی خود را در مدرسه شهید مطهری زردین به پایان برده و بعد از آن وارد مدرسه شهید حسن زارع زردینی شدم و دو سال دوره راهنمایی خود را در آنجا سپری کردم. بعد از آن برای ادامه تحصیل در کلاس سوم راهنمایی وارد شهر یزد و مدرسه راهنمایی انبیاء شدم. بعد از اتمام دوره راهنمایی، برای ادامه تحصیل به همراه خانواده به تهران آمدیم و مدرسه دولتی علمیه، محل تحصیلم در چهار سال تحصیل در آن جا بود.

بعد از پایان دبیرستان و اتمام دوره نظام قدیم رشته علوم تجربی، وارد حوزه علمیه امام حسین (ع) تهران شدم و سطح یک خود را در محضر اساتید بزرگواری چون: «مرحوم آیت الله حقی، مرحوم آیت الله سید عباس ابوترابی، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر ابوترابی، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید بهاءالدین موسوی زاده، حجج اسلام: موسوی، عالمی، شریفی، یوسفی، سید محمد حسن ابوترابی، علمداری، معراجی، وحیدی، گنجی، افضل نژاد، رضا بابا اکبری ، خوش نما» و سایر اساتید گذراندم.

آن گاه در سال ۱۳۸۱ برای ادامه تحصیل در مقطع سطح دو حوزه وارد مدرسه قدیری قم شدم و از محضر اساتیدی چون حجج اسلام: «جلالی، ظهیری، قوامی، هاشمی، سرافراز، و ...» بهره بردم. بعد از اتمام سطح دو، مقطع کارشناسی علوم سیاسی را با معدل ۴۵/۱۷ در دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم به پایان رساندم. سپس در کنار ادامه تحصیل در سطح سه حوزه و بعد از کسب مدرک علمی سطح دو حوزه، رشته ادیان شرق را در دانشگاه ادیان و مذاهب قم ادامه داده و پایان نامه کارشناسی ارشدم را با موضوع: «رابطه دین و سیاست در ژاپن معاصر» تدوین کردم.

همچنین در سالیان اخیر به دلیل علاقه وافر به رسانه و ارتباطات و با توجه به این که سردبیری برخی از مجلات مختلف علمی را در سطح قم بر عهده داشته ام و حتی با فصلنامه ظهور وابسته به بسیج دانشجویی دانشگاه باقرالعلوم (ع) توانستم مقام دوم سردبیری و نشریات برتر استان را کسب کنم، به تحصیل در رشته ارتباطات دانشکده صدا و سیمای قم در کنار پژوهش در مراکز مختلف علمی پرداختم و این دوره را نیز با موفقیت به پایان رساندم.

هم اکنون در کنار تحصیل در درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم، به نویسندگی در نشریات و مجلات علمی مشغول هستم. ضمن این که سال ها تجربه و مطالعه، سیر مطالعاتیم را به سمت حوزه های اختصاصی پیش برده است؛ به گونه ای که هم اکنون تنها در حوزه اندیشه سیاسی در اسلام و شرق باستان می نویسم و ارتباطات و رسانه نیز دل مشغولی دیگرم است.

میرداداشی کاری، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی میر داداشی کاری

محل تولد : بابلسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید مهدی میر داداشی در سال ۱۳۶۱وارد حوزه علمیه «جعفریه رستم کلای بهشهر» شدم. بعد از یک سال واندی وارد حوزه علمیه قم شده وتحصیلاتم را پی گرفتم. در کنار دروس حوزوی، دیپلم متوسطه را در دبیرستان ایثارگران گرفتم و در سال ۱۳۷۳ با رتبه ۲۵ وارد دانشگاه شدم. و در عرض ۳ سال دوره کارشناسی را با اخذ رتبه دوم و با معدل ۷۶/۱۷ به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز پذیرفته شدم. در سال ۱۳۷۷ با شرکت در آزمون ورودی روحانیون حج، حائز رتبه ممتاز شدم و بیش از ده سال در دروس عالیه حوزه شرکت می نمایم.

میرزایی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد میرزایی

محل تولد : میاندوآب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۵/۱۰

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره متوسطه در رشته ریاضی فیزیک و قبولی در کنکور سراسری ۱۳۷۴ در رشته مهندسی برق (گرایش الکترونیک) با مشورت و راهنمایی و صلاحدید پدرم وارد حوزه علمیه شده و رشته مهندسی را ادامه ندادم (سال ورود به حوزه ۱۳۷۴). در مدت ۵ سال در حوزه علمیه «حضرت ولی عصر بناب» مقدمات را به اتمام رسانده و درسال ۱۳۷۹ عازم قم شدم. همزمان با تحصیل در مقطع سطح، وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام (ره) در رشته «معارف اسلامی و جامعه شناسی» شدم. در سال ۱۳۸۳ دوره لیسانس را همزمان با اتمام پایه ۱۰ به پایان رساندم و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته «الهیات» ادامه داده و فارغ التحصیل شدم. سابقه ۳ سال درس خارج دارم و همچنان مشغولم. انشاء الله.

میرمحمدی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالفضل میر محمدی

محل تولد : ساوه

شهرت : میر محمدی زرندی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔالله سید ابوالفضل میرمحمدی زرندی در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی در بخش «زاویه زرند» از توابع شهرستان ساوه در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش به پایان رسانید. در سال ۱۳۲۰ ایامی که کیان حوزه‌های علمیه در خطر بود و کمتر کسی رغبت به تحصیل علوم حوزوی داشت، روحیه و علاقهٔ وافرش به تحصیل علوم دینی او را به حوزه مقدس علمیهٔ قم رهنمون ساخت.

وی پس از فراگیری علوم اولیه صرف، نحو، معانی بیان و منطق در سال ۱۳۲۵ جهت زیارت عتبات عالیات و ادامهٔ تحصیل عازم عراق شده و توسط دایی مرحوم والدش «آیهٔالله آقای حاج میرزا یحیی زرندی (ره)» که از مجتهدین مقیم آن دیار بود؛ در شهر کربلا حجره‌ای اختیار کرد ولی با اصرار پدر بازگشت، بواسطهٔ وابستگی عاطفی که به ایشان داشت، به ناچار امر ادامهٔ تحصیل را در قم پیگیری نمود.

از همان ابتدای تحصیل به حداقل امکانات معیشتی فراهم شده توسط پدرش که به امر کشاورزی و کسب اشتغال داشت؛ بسنده کرده و از دریافت شهریه و وجوه شرعی امتناع نمود و تا به حال نیز بدین امر مقید بوده است. ایشان داماد فقیه وارسته «آیهٔالله العظمی مرحوم آقای حاج سید احمد زنجانی (ره)» می‌باشند که همواره این وصلت را از جمله توفیقات خود می‌دانند.

پس از گذراندن دروس مقدماتی در سطوح عالیهٔ حوزه، رسائل را از محضر مرحوم «آیهٔالله حاج شیخ موسی زنجانی (ره)»، مکاسب را از محضر مرحوم «آیهٔالله سید حسین قاضی (ره)»، کفایه را از محضر حضرات آیات: «سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی» و «علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)» و شرح تجرید را از محضر مرحوم «آیهٔالله حاج میرزا اسحاق آستارایی (ره)» تلمذ نمود.

حدود سال ۱۳۲۸ از درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: «حجت کوه کمره‌ای» و «بروجردی (رضوان الله علیهما)» حدود دو سال بهره برد. سپس حضرت «آیهٔالله العظمی آقای حاج سید محمد محقق داماد (ره)» را به عنوان استاد درس خارج به نحو مستمر اختیار نموده و طی ۱۵ سال یک دورهٔ کامل اصول و چندین کتاب فقهی را از محضرشان استفاده نمود.

ایشان در مقاطع مختلف تحصیل حوزوی، تدریس مقطع پایین‌تر را به عهده گرفته و بیش از ۲۰ سال به تدریس دروس سطح عالیه حوزه از قبیل رسائل، مکاسب و کفایتین پرداخته است. بیش از ۱۰ سال نیز در دانشگاه اقدام به تدریس فقه و علوم قرآنی در مقطع دکتری و کارشناسی ارشد نموده و پیوسته نیز استاد راهنمای رساله‌های مختلف دوره دکتری در دانشگاه و حوزه بوده است. شایان ذکر است رتبهٔ دانشگاهی ایشان در بدو ورود به فعالیت‌های دانشگاهی دانشیار اعلام شده و سپس به جهت تألیف، تدریس، مدیریت و سایر خدمات دانشگاهی رتبهٔ استادی که بالاترین رتبهٔ علمی دانشگاهی است به وی اعطا شده است.

مباحثه تفسیر قرآن را از حدود سال ۱۳۲۶ در روزهای پنجشنبه و جمعه هر هفته با دوستان صمیمی و هم دوره‌ای خود همچون حضرات آیات: (مرحوم آقای حاج سید مهدی روحانی، مرحوم آقای حاج شیخ علی احمدی میانجی، مرحوم حاج شیخ احمد آذری قمی، حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، حاج سید اسماعیل موسوی زنجانی، مرحوم حاج شیخ محمد حقی، حاج شیخ احمد پایانی، مرحوم حاج میرزا محمد امین رضوی و ...) آغاز نمود که به مرور مورد توجه واقع شده و بر اعضای آن افزوده

گردید. این جلسهٔ وزین که بیش از پنجاه سال سابقه دارد با نوساناتی در ترکیب اعضا کماکان به قوت خود باقی است.

ایشان از همان ایام حضور در درس خارج فقه و اصول در جلسه بحث فقهی که حضرات آیات: «آقای حاج سید موسی شبیری زنجانی، مرحوم آقای حاج سید مهدی روحانی، مرحوم آقای حاج شیخ علی احمدی میانجی، مرحوم حاج شیخ احمد آذری قمی، آقای حاج سید جلال‌الدین طاهری اصفهانی، آقای حاج شیخ عبدالرحیم جودی» داشتند، حضور پیدا می‌کرد. این جلسه نیز اکنون با تغییر برخی اعضای آن ادامه دارد.

آقای میر محمدی به همراه سایر فضلا و روحانیون از مدافعین نهضت اسلامی بوده و در امضاء برخی از اعلامیه‌ها علیه رژیم ستم شاهی و حمایت از حضرت امام نقش داشته است که از جمله آن می‌توان به ارسال نامه‌ای سرگشاده با عنوان «نامه جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم به هویدا نخست وزیر وقت در خصوص اعتراض به اقدامات خلاف قوانین اسلام و قانون اساسی، جو خفقان و سانسور، دستگیری حضرت امام خمینی و ...» اشاره نمود.

در سال ۱۳۶۴ با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران که پس از شهادت آیهٔالله دکتر مفتح توسط سرپرست اداره می‌شد، منصوب گشت. وی در مدت یازده سال مسؤولیت ضمن تلاش مؤثر جهت راه‌اندازی مجدد دوره دکتری و کارشناسی ارشد و نیز افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان مقاطع مذکور، از آنجایی که اهتمام جدی به وحدت حوزه و دانشگاه داشته و خود نیز با ورود به فعالیت‌های مستمر دانشگاهی از قبیل: (مدیریت، تدریس و تألیف) از مصادیق این وحدت به شمار می‌رفت از فضلاء شاخص حوزه با هدف ارتقاء کیفی سطح تحصیلات دانشجویان جهت تدریس دعوت می‌نمود.

شایان ذکر است این توسعه دانشکده که به همت ایشان و با عنایت بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب حضرت آیهٔالله خامنه‌ای و مساعدت رئیس جمهور وقت جناب حجهٔالاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی و ... در مساحتی حدود ۷۰۰۰ متر صورت گرفت، دانشکده را از تنگنای شدید فضای آموزشی و رفاهی خارج ساخت.

میرمحمدی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مصطفی میر محمودی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۲ به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی تا دبیرستان را در شهرستان بابل گذراندم. پس از اخذ دیپلم به سال ۱۳۶۰ مدّتی به

جهاد سازندگی رفتم. در همین سال به تشویق پدر که در سلک روحانیت بود؛ جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیّه قم شدم. تا سال ۱۳۶۹ به دروس سطح حوزه علمیه مشغول بودم. سال های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ بـا سازمان تبلیغات قم در بخش فرهنگی همکاری داشتم.

همزمـان با ادامه تحصیلات در حوزه به سال ۱۳۷۰ وارد دانشگاه شدم و در سال ۱۳۷۴ دوره کارشناسی رشته «حقوق» را به پایان رسانـدم. در همین سال موفق به ادامه تحصیل در رشته «حقوق بین الملل» شـدم. سال ۱۳۷۷ کارشناسی ارشـد این دوره را به پایان رساندم. از سال ۱۳۷۴ تـدریس در دانشگاه های آزاد و مفیـد قم در دروس مختلف معارف، فقه، اصول، و حقوق را آغاز نمودم و همزمان به فعالیت های علمی و پژوهشی نیز پرداختم. نزدیک شصت سفر تبلیغی، فرهنگی و علمی به مناسبت های گوناگون اعم از ماه محرم، صفر، ماه مبارک رمضان، هفته وحدت، دهه فجر و ایام رحلت امام (ره) به داخل و خارج کشور سفر نموده ام.

میرموسوی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی میر موسوی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات دوران ابتـدایی، راهنمـایی و دبیرسـتان را در شـهر اصـفهان انجام دادم و پس از اتمام سال دوم دبیرسـتان در رشـته علوم تجربی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه اصـفهان مدرسه «ذوالفقار» شدم. کتابهای ادبیات حوزه را از مقدمات، سیوطی و مغنی را در یکسال خواندم و همچنین منطق، معانی و بیان و در همان سال سطح را آغاز کردم و بخش هایی از لمعتین و معالم را نیز در اصفهان خواندم.

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و ابتدا در مدرسه بعثت که از مدارس آیهٔ الله منتظری بود؛ ثبت نام و سپس به مدرسه فیضیه نقـل مکـان کردم. در آن هنگـام، همزمان تحصیلات علوم اسـلامی و دبیرسـتان را دادم و در جبهه نیز حضور می یافتم. در سال ۶۸ همزمان سطح را به پایان رسانیدم و وارد دانشگاه تهران در رشته «علوم سیاسی» شدم. از سال ۶۹ درس خارج را آغاز کردم و بیشتر در درس خارج فقه «حضرت آیهٔالله العظمی منتظری» و «آیهٔالله تبریزی» شرکت کردم.

در سال ۷۲ تحصیلاتم در مقطع کارشناسی به پایان و مقطع کارشناسی ارشد را در رشته «روابط بین الملل» در همان دانشگاه ادامه دادم و پایان نامه ام را با عنوان: «عوامل موثر چالشـهای حقوق بشر در ایران» نوشته و دفاع کردم. در سال ۷۴ در مقطع دکتری «علوم سیاسـی» دانشـگاه تهران پذیرفته شدم و در سال ۸۱ از پایـان نامه ام با عنوان: «اسـلام، سـنت و دولت مـدرن» با راهنمایی آقای دکتر بشریه و مشاوره دکتر فیرحی و آقای حمید زنجانی دفاع کردم.

تاکنون آثارعلمی زیادی اعم از مقاله و کتاب نگاشته ام که در بخش مربوطه ذکر شده. از سال ۷۹ به عنوان هیئت علمی در دانشگاه مفید حضور داشته ام و از سال ۷۵ تاکنون درسهای رشته علوم سیاسی را در این دانشگاه و در دانشگاه باقرالعلوم (ع) تدریس کرده ام. از فاصله سال ۸۰ تا ۸۴ مدیریت گروه علوم سیاسی دانشگاه مفید را نیز عهده دار بوده ام.

ناصحی نیشابوری، ابوبکر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۵ / ۴۸۴ ق)، فقیه حنفی، محدث، متکلم و قاضی. وی قاضی‌القضاۀ ری بود و به اعتزال گرایش داشت. از قاشی ابوبکر حیری و ابوسعید صیرفی و ابوابراهیم اسماعیل نصرآبادی و جماعتی دیگر حدیث شنید. در بغداد و خراسان حدیث گفت. محمد بن عبدالواحد دقاق و عبدالوهاب انماطی و ابوالقاسم سمرقندی و ابوبکر بن زاغولی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. عبدالغافر در «تاریخ» خود گوید که وی فرزند امام الاسلام ابومحمد ناصحی بود. او برترین حنفی زمان خود و سرآمد در مناظره و همچنین در طب، ادب و شعر متبحر بود. وی در زمان پدرش در مدرسه‌ی سلطان تدریس می‌کرد و در عهد آلب ارسلان سلجوقی عهده‌دار قضاوت نیشابور شد و مدت ده سال در آنجا باقی ماند. پیرامون مسائلی با امام‌الحرمین گفتگو کرد و مورد ستایش وی قرار گرفت. ناصحی مدتی عهده‌دار منصب قضاوت وی شد. او در بازگشت از حج، در نزدیکی اصفهان، درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰۳/ ۷)، ری باستان (۳۷۱ –۳۷۰/ ۲)، سیرالنبلاء (۲۰ –۱۹/ ۱۹)، شذرات الذهب (۳۷۲/ ۳)، العبر (۳۴۸/ ۲)، الکامل (۱۶۰/ ۸)، المنتظم (۶۳۹/ ۹)، الوافی بالوفیات (۳۳۸/ ۳).

ناصری مقدم، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ناصری مقدم

محل تولد : کاشمر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر حسین ناصری مقدم در سال ۱۳۴۱ در شهرستان کاشمر دیده به جهان گشود. وی پس از طی موفقیت‌آمیز دروس ابتدائی، راهنمایی و دبیرستان در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه مشهد شد و پس از اتمام سطح در درس خارج فقه و اصول حاضر گشت و از محضر بزرگان خطه علم خیز مشهد کسب فیض کرد.

ایشان به موازات دروسی حوزوی به تحصیل دانشگاهی پرداخت و در رشته «فقه و مبانی حقوق اسلامی» در سال ۱۳۸۰ در مقطع دکترا از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گشت. وی هم اکنون عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد با رتبه استادیاری می‌باشد.

ناطقی رستمی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر ناطقی رستمی

محل تولد : --------

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۳۳ وارد حوزه علمیّه مرحوم آیت الله کوهستانی شدم و بعد از سه سال به مشهد مقدّس مشرف شدم و حدود ۵ ـ ۶ سال در آنجا مشرف بودم. از اواخر سال ۴۳، بعد از فوت مرحوم آیت الله بروجردی مشرف شدم به نجف اشرف و ۵ ـ ۹ سال در آنجا مشرف بودم و اصول مرحوم «آقا میرزا باقر زنجانی» و مدت چهار سال خارج مکاسب مرحوم امام (خمس) و مدّت شش سال خارج فقه مرحوم «شهید سید محمد باقر صدر» را تلمذ کردم تا اینکه سال ۱۳۵۱ حزب بعث ما را بیرون کردند.

مدّت دو سال درس مدرسه عالی قضایی را خواندم. با اینکه توان قضایی داشتم برای احتیاط دو سال هم دوره دیدم و مدرک لیسانس به حقیر دادند و یکسال دانشگاه شهید چمران اهواز تدریس معارف و یکسال و خرده ای هم دانشگاه آزاد اراک مشغول بودم (با مدرک فوق لیسانس حوزوی). تمام ابواب وسایل مستدرک الوسائل و فروع کافی را معجم (فهرست الفبایی) کردم. طب گیاهی را نزد آقای آل اسحاق خواندم و تمام ۷ جلد ترجمه قانون ابن سینا را فهرست الفبایی کردم. فعلاً مطابق طب سنتی یا گیاهی مریض می بینم. البته بعد از پایان دوره قضایی دو سال هم قاضی در تهران و دادگستری قم بودم تا مریض شدم و بدین علت از قضاوت استعفا دادم.

نجفی فیروزجائی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس نجفی فیروزجائی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس نجفی فیروزجائی در سال ۱۳۶۲ در رشته علوم تجربی از دبیرستان امام صادق (ع) قم دیپلم گرفتم. همزمان با دبیرستان مطالعات مختلف غیر درسی و تحصیلات حوزوی غیر رسمی (مقدمات و بخشی از سطح) را نزد پدر فراگرفتم و سپس در رشته «پیراپزشکی» وارد دانشگاه علوم پزشکی ایران شدم، اما علاقه‌مندی شدید به مسائل و مطالعات دینی، همواره سبب می‌شد تا در کنار آن، مطالعات علوم حوزوی را به طور غیر رسمی ادامه دهم. در سال ۶۵ پس از اخذ لیسانس «پیراپزشکی»، به طور رسمی وارد حوزه علمیه بابل شدم و پس از سه سال تحصیل مستمر و شبانه روزی و اتمام لمعتین و نیمی از رسائل و مکاسب، به قم آمدم و از آن تاریخ (۱۳۶۸) تاکنون تحصیلات حوزوی را ادامه می‌دهم.

در سال ۱۳۶۸ در دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم در رشته «علوم سیاسی» در کنار تحصیلات حوزوی، تحصیل کردم و پس از فراغت از دوره لیسانس این رشته، فوق لیسانس «علوم سیاسی» را از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی گرفتم. در همین سال‌ها در برخی دوره‌های آموزش عقیدتی، سیاسی سپاه در بابل و ساری تدریس کردم و در «دانشگاه آزاد اسلامی بروجرد»، «دانشگاه هنر تهران» و دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب» تدریش داشته‌ام (به طور متناوب).

برخی از دروس حوزوی را در بابل تدریس کردم و از آنجا که گرایش ذاتی این‌جانب به مطالعه و تحقیق است از مشاغل اجرایی اجتناب کرده و عمدتاً به نوشتن کتاب و مقالات مختلف علاقمندم. حوزه‌های تخصصی مطالعاتی و علائق اینجانب عمدتاً «شامل معارف اسلامی»: (فقه، اصول، تفسیر و کلام) و نیز حوزه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و سیاست بین‌الملل خصوصاً مسائل جهان اسلام و خاورمیانه می‌باشد و در این زمینه مقالات متعددی را به رشته تحریر درآورده‌ام.

نجفی، زین العابدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زین العابدین نجفی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب زین العابـدین نجفی دوران ابتـدایی را در زادگاهم «کرسام» گذرانـدم و پس از آن در حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه ساری شـدم. دروس مقدمات را تا پایان «حاشـیه ملاعبدالله» در ساری در مدرسه «حاج مصـطفی خان» خواندم و در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم که تا سال ۱۳۶۲ سطح را تمام کردم و همزمان دروس کلاسیک را به صورت شبانه یا متفرقه خواندم و در سال ۱۳۶۲ در رشته «اقتصاد» دیپلم گرفتم. ضمناً تحصیلاتم را در قم مجدداً از کتاب «حاشیه ملاعبدالله» شروع کردم.

از سال ۱۳۶۲ تا حدود سال ۱۳۷۰ در درس خارج فقه و اصول حوزه شـرکت کردم و یک دوره خارج اصول به مدت شش سال را خـدمت «آیةالله مکارم» طی کردم و نیز خارج فقه را در محضـر «آیةالله فاضل» و «آیةالله وحید خراسانی» خواندم. بنده تدریس را به صورت رسـمی در حوزه علمیه قم از سال ۱۳۶۰ آغاز کردم. در همان سال بود که در مدرسه «آیةالله گلپایگانی» در خیابان صـفائیه به تدریس ادبیات پرداختم. سپس چندین سال در مدرسه های آیةالله حقانی و الهادی کتابهای: (مختصر، معالم، شرح لعمه و اصول فقه) را تدریس کردم.

از سال ۱۳۷۴ تدریس سـطح عالی را در مدرسه آیةالله گلپایگانی واقع در اول چهار مردان شـروع کردم و اکنون چند سال است که اشـتغال به تدریس کفایة الاصول در همین مدرسه دارم. تدریس در دانشگاه را از سال ۱۳۶۲ شروع کردم و در موضوعات: (ادبیات عرب، فقه اسـتدلالی، مبـاحث اصـول، آیـات الاحکـام، فقه الحـدیث و تاریـخ حـدیث تـدریس نمـودم، و اکنون عضو هیـأت علمی دانشـگاه با رتبه اسـتاد یاری هسـتم. لازم به ذکر است که پس از اخـذ مـدرک سـطح چهارم حوزه، با توجه به سابقه تدریس که در دانشـگاه داشـتم و مقالاـتی که در مجله های علمی پژوهشـی تـدوین کردم و نیز با توجه به مـدرک سـطح چهارم حوزه، در وزارت علوم، امتحان و مصاحبه دادم و حکم استادیاری برایم صادر شده است.

نخبه، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا نخبه

محل تولد : تنکهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجـانب در سال ۶۰ تا ۶۱ پس از اخـذ دیپلم در حوزه علمیه مـدرسه «امام صادق» (علیه السـلام) مشـغول به تحصـیل شدم و پس از پایان سطوح عالی سال ۱۳۶۸ به درس خارج مشـغول شدم و در درس اساتیدی چون: «آیة الله وحید خراسانی»، «آشیخ جواد تبریزی (ره)»، «آیـة الله زنجانی»، «آیة الله منتظری» و «آیة الله مدرس» شـرکت نمودم البته بخاطر برخی اشـتغالات متاسـفانه به صورت مداوم موفق به شـرکت نشدم. و در ضمن در طی سالهای ۶۳ تا ۷۳ از دانشـگاه مفید به «کارشناسی حقوق» مشغول بودم. از سال ۸۱ تا ۷۳ نیز در موسـسه «تنظیم و نشر آثار امام»، روی کتابهای امام (ره) تحقیق کرده ام. از سال ۸۱ تا کنون نیز در معاونت آموزشی موسسه،

در قسمت آموزش اندیشه های امام، اشتغال دارم.

ندری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ندری

محل تولد : جوزان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

بنـده تا پایان سال سوم راهنمایی را در روسـتای محل تولد تحصـیل نموده‌ام. پس از آن مدتی به ترک تحصـیل و دوری از کتاب و درس گـذشت. در آن ایـام علی‌رغم اسـتعداد خوبی که داشـتم؛ مشـغول کمـک به پـدرم در کارهای کشاورزی بودم. تا اینکه وارد حوزه علمیه شهرسـتان ملایر شدم. بحمدالله پیشرفتم در درس‌های حوزوی خوب بود. پس با پیشنهاد بعضی از رفقا به صورت متفرقه برای دبیرسـتان ثبت نام نمودم و برای دروس دبیرسـتان، همان یک هفته به امتحانات خرداد مانده، وقت صرف می‌نمودم وآن هم با موفقیت سپری شد.

برای دانشـگاه شـرکت نمودم. در سـال اول شـرکت در کنکور در رشـته «الهیـات» قبول شـدم. پس از گذرانـدن بیش از صـد واحد درسـی، برای شـرکت در فوق لیسانس شـرکت نمودم؛ قبول شدم. دروس واحد مدرک در دانشـگاه قم به پایان رسـید. لازم به ذکر است که در این مـدت که دروس دانشـگاهی خوانـده شـد؛ محور اصـلی برنامه زندگی بنده دروس حوزوی بود و به توصـیه اساتید دانشـگاهی؛ بنده از شـرکت در کلاس‌های درسـی دانشـگاه معاف بودم و صـرفاً برای امتحان یا بعضی از دروس به دانشگاه مراجعه می‌کردم و این به خاطر آن بود که ما وقتی از دروس بسـیار غنی و پربار حوزه سـراغ چنـد واحـد درس دانشـگاه می‌رفتیم؛ مانند این بود که یـک رزمنـده آموزش دیـده در کوه و کمر و منـاطق صـعب العبور را ببرنـد در یـک پـارک که روی چمن قـدم بزنـد، تمام موفقیت‌های بنده حقیر از برکت حوزه مبارکه علمیه و وجود مقدس ولی عصر ارواحنا الفداء بوده.

دروس حوزوی را تـا پایـان پایه شـشم در حوزه علمیه شهرسـتان ملایر گذرانـده‌ام و ادامه آن را در حوزه علمیه قم. در حوزه علمیه، علاوه بر ادبیات عرب از منطق، فلسـفه، تفسـیر و کلام نیز بهره‌منـد شده‌ام از جمله: بدایهٔ الحکمه را با جناب آقای «سـید علی حسـین آملی»، نهایـهٔ الحکمه را بـا جنـاب آقـای «عباسـعلی زارعی»، تلخیص الهیـات را بـا «آقـای ربانی» (حفظهم الله)، مکاسب محرمه را با «آیت الله سـید محمد هاشمی»، بیع و ضیا را با استاد «نکونام»، رسائل را با آقای «حسینی و خویی» و کفایه نیز با آقایان محترم «میری و نکونـام» (دامت برکـاتهم) بوده. دروس خارج بیش از چهار سال است فقه با مرجع عالیقـدر حضـرت «آیت الله مکارم شـیرازی» و اصول با اسـتاد فرزانه جناب «آیت الله سبحانی» و اخیراً که یک دوره اصول حضرت «آیت الله سبحانی» به اتمام رسید. بنده در درس حضرت «آیت الله العظمی وحید خراسانی» شرکت نمودم. امیدوارم خداوند منان توفیق ادامه تحصیل را عنایت فرماید. انشاء الله.

نراقی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، حقوقدان و وکیل دادگستری، از نواده‌های مرحوم حاج ملا احمد نراقی در ۱۲۷۳ در شهر کاشان تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی، فقه، اصول، حکمت و علم کلام را در نزد بزرگان کاشان فرا گرفت، مخصوصا در حقوق اسلامی از سرآمد اقران شد و به تحقیق و تتبع پرداخت. از تألیفات ایشان تنظیم شجره‌ی خاندان غفاری و تاریخ اجتماعی کاشان و چند اثر دیگر است. شغل نراقی وکالت دادگستری بود. در ۱۳۶۸ در ۹۵ سالگی درگذشت.

محقق.

تولد: ۲۴ دی ۱۲۷۳، کاشان.

درگذشت: ۲۴ دی ۱۳۶۸، تهران.

حسن نراقی پس از تحصیل در مدرسه‌ی علمیه‌ی کاشان به تهران آمد و امور فرهنگی و آموزشی را پیشه کرد. تألیفات او عبارتند از: تاریخ اجتماعی کاشان (۱۳۴۵)؛ آثار تاریخی شهرستان کاشان و نطنز (۱۳۴۸)؛ خاندان غفاری کاشان (۱۳۵۳)؛ کاشان در جنبش مشروطه ایران (۱۳۵۵)؛ ادبیات مشروطیت (حاوی زندگی‌نامه‌ی خاوری کاشانی، ۱۳۵۶)؛ تصحیح نخبهٔ البیان (تألیفات محمدمهدی نراقی، ۱۳۵۷)؛ تصحیح و طبع طاقدیس (مثنوی سروده‌ی احمد نراقی، ۱۳۶۲)؛ تصحیح و طبع مشکلات العلوم (تألیف محمدمهدی نراقی، ۱۳۶۷)؛ از وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌ی «هنر و مردم» به طبع رسیده است.

حسن نراقی از پایه‌گذاران انجمن آثار ملی کاشان و از بنیادگذاران موزه‌ی آن انجمن در باغ شاه فین بود.

حسن نراقی در تهران درگذشت و در مسجد آقا بزرگ کاشان که مدرسه ملا احمد نراقی بود به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

نسائی، ابوعبدالرحمان احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۰۳ -۲۱۵/ ۲۱۴ ق)، رجالی، حافظ، محدث، فقیه و قاضی. ملقب به شیخ‌الاسلام و معروف به حافظ نسائی. در نسای خراسان به دنیا آمد. در «وفیات الاعیان» نام پدر وی علی و نام جدش شعیب ذکر شده است. در طلب علم به خراسان، حجاز، عراق، جزیره، شام و مصر سفر کرد و سرانجام در مصر ساکن گردید. وی نزد یونس بن عبدالاعلی، دوست و مصاحب شافعی، تلمذ نمود. او قرائت را از احمد بن نصر نیشابوری مقری و ابوشعیب صالح بن زیاد سوسی فراگرفت. از قتیبهٔ بن سعید و اسحاق بن راهویه و هشام بن عمار و سوید بن نصر و احمد بن منیع و بشر بن معاذ عقدی و حسین بن منصور سلمی نیشابوری و بشر صواف و زیاد بن ایوب و سوار بن عبداللّه عنبری و عباس بن عبدالعظیم عنبری و عبدالجبار عطار و عتبه مروزی و عمران بن موسی قزاز و عمرو بن زراره کلابی و عیسی بن محمد رملی و محمد بن ابان بلخی و محمد بن بشار و محمد بن نصر مروزی و محمد مخرمی و محمد بن عبید محارمی و محمد بن هاشم بعلبکی و محمود بن غیلان و هیثم بن ایوب طالقانی و یوسف بن عیسی زهری و یوسف بن واضح

مودّب و جماعتی دیگر حدیث شنید. فرزندش، عبدالکریم نسائی، و حسن بن رشیق عسکری و ابوبشر دولابی و ابوجعفر طحاوی و ابوعلی نیشابوری و حمزه‌ی کنانی و ابوجعفر احمد نحوی و ابوبکر شافعی و محمد بن قاسم اندلسی و ابوالقاسم طبرانی و محمد بن عبداللّه نیشابوری و محمد بن موسی مأمونی و ابن السنی و ابیض بن محمد بن ابیض و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. در رمله‌ی فلسطین درگذشت و پیکرش به مکه منتقل و ما بین صفا و مروه به خاک سپرده شد و به روایتی در مکه درگذشت. از آثارش: «السنن الکبیر»، در حدیث، «المجتبی» یا «السنن الصغیر»؛ «الضعفاء والمتروکین»، در رجال حدیث؛ «الخصائص» یا «خصائص امیرالمؤمنین (ع)»، در فضیلت حضرت علی (ع)؛ «مسند علی (ع)»؛ «مسند مالک»؛ «اغراب شعبهٔ علی سفیان و سفیان علی شعبهٔ»؛ «مناسک النسائی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۴/ ۱)، اعیان‌الشیعه (۶۰۳ -۶۰۱/ ۲)، انساب سمعانی (۴۸۴/ ۵)، تاریخ نیشابور (۱۱۰)، تذکرهٔ الحفاظ (۷۰۱ -۶۹۸/ ۲)، تهذیب‌التهذیب (۱۷۰، ۱۶۳/ ۱) روضات‌الجنات (۲۲۰ -۲۱۹/ ۱)، ریحانه (۱۶۸ -۱۶۷/ ۶)، سیرالنبلاء (۱۳۵ -۱۲۵/ ۱۴)، شذرات الذهب (۲۴۱ -۲۳۹/ ۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۳۵ -۳۴/ ۴)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (۸۸/ ۱)، طبقات الشافعیه اسنوی (۲۶۹ -۲۶۸/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۱۶ -۱۴/ ۳)، العبر (۴۴۴/ ۱)، الکامل (۱۵۲/ ۶)، کشف‌الظنون (۱۸۳۳ ، ۱۶۸۵، ۱۶۸۴، ۱۰۸۷، ۱۰۰۶، ۷۰۶ ، ۱۳۰)، الکنی والالقاب (۲۴۹ -۲۴۷/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۲۴۵ -۲۴۴/ ۱)، المنتظم (۴۵۰/ ۷)، النجوم الزاهرهٔ (۲۱۰ -۲۰۹/ ۳)، الوافی بالوفیات (۴۱۷ -۴۱۶/ ۶)، وفیات الاعیان (۷۸ -۷۷/ ۱)، هدیهٔ‌العارفین (۵۶/ ۱).

نسفی بخاری، ابومحمد عبدالعزیز

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۳/ ۵۳۲ ق)، فقیه حنفی و قاضی. معروف به نسفی و قاضی نسفی. اهل کوفه بود. در بخارا فقه آموخت و عهده‌دار قضاوت خراسان گردید. وی پیشوای حنفیان بخارا و از معاصرین زمخشری بود. از آثارش: «تعلیق الخلاف» یا «التعلیقهٔ فی الخلاف»، در چهار مجلد؛ «فصول الفتاوی» یا «الفصول»، در فتاوا، «کفایهٔ الفحول»، در علم اصول؛ «المنقذ من الزلل فی مسائل الجدل»؛ «روضهٔ الناصحین»، در شرح «خطب الاربعین»؛ «السلم لدار السلام فی بیان احکام ارکان الاسلام»؛ «مدارج الافهام والافواج»، در تفسیر «آیهٔ ثمانیهٔ ازواج»، به فارسی؛ «مدارج البطون عن ازالهٔ الشکوک والظنون»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۴۷ -۱۴۶/ ۴)، ایضاح‌المکنون (۴۵۳، ۲۴/ ۲)، ریحانه (۱۷۱ -۱۷۰/ ۶)، کشف‌الظنون (۱۸۶۹، ۱۴۹۷، ۹۳۳، ۴۲۴،)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالعزیز) معجم‌المؤلفین (۲۵۲/ ۵)، هدیهٔ‌العارفین (۵۷۹ -۵۷۸/ ۱).

نسوی، مجد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، قاضی و شاعر. از فضلای نامدار نسا و قاضی آنجا بود. طبع خوبی داشت و شعر خوب می گفت. وقتی که قاضی

شمس‌الدین قاضی نسا شد، مجدالدین در تهنیت او این رباعی را سرود:

خواهی که میان خلق قاضی باشی

باقی باشی گهی که ماضی باشی

با خلق خدا حکم چنان کن که اگر

آن با تو کند کسی، تو راضی باشی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۷۲/ ۲)، الذریعه (۹۶۳/ ۹)، صبح گلشن (۳۶۳)، فرهنگ سخنوران (۸۰۰ -۷۹۹)، لباب الالباب (۲۴۵ -۲۴۴/ ۱)، هفت اقلیم (۳۴ -۳۳/ ۲).

نسیم اردکانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۹ / ۱۲۸۶ / ۱۲۸۵ ش)، حقوقدان و شاعر، متخلص به نسیم. در اردکان یزد به دنیا آمد. بعد از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش و اصفهان جهت ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و از دانشکده‌ی حقوق موفق به اخذ لیسانس و سپس دکترای حقوق شد. وی در ۱۳۱۶ ش وارد وزارت دادگستری شد و چندی ریاست دادگستری استان کرمانشاهان را به عهده داشت. از آثارش «دیوان» شعر می‌باشد که قسمتی از آن با نام «ترانه‌های نسیم» منتشر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۷۶۹ -۷۶۶)، الذریعه (۱۱۸۵ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۳۸ -۳۶۳۳ / ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۳ -۲۹۲/ ۴).

نصر، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حقوق‌دان.

تولد: ۱۲۸۵، تهران.

درگذشت: آبان ۱۳۶۴، نیویورک.

پس از پایان بردن دوره‌ی مدرسه‌ی دارالفنون جزو دانشجویان اعزامی به فرانسه رفت و در رشته‌ی حقوق به اخذ درجه‌ی دکتری نایل شد و رساله‌ی دکتریش را درباره‌ی «حقوق در عصر ساسانی» نوشت. ضمنا در فلسفه و علوم اجتماعی دارای درجه‌ی لیسانس شد. پس از بازگشت به ایران به استادی دانشکده‌ی حقوق پرداخت و بعد سفرهای متعدد به مأموریت اقتصادی و مالی و نمایندگی سازمان ملل متحد به آمریکا رفت و حدود بیست سال دوره خدمت عمر اداری او در خارج از ایران گذشت. در دولت رزم‌آرا وزیر دارایی بود. مشاغل دیگر او عبارتند از: رییس اداره‌ی اقتصاد، مدیر عامل بانک کشاورزی، مشاور هیئت بازرگانی و اقتصادی در

آمریکا، رییس اتاق بازرگانی ایران و آمریکا، متصدی بانک بین‌المللی آمریکا، نماینده‌ی اداره‌ی همکاری‌های فنی سازمان ملل در مصر، رییس سازمان برنامه.

در سال‌های آخر زندگی، به نگارش کتاب ابدیت ایران پرداخت که در دو جلد منتشر شد. آخرین جلد این کتاب را با نام ایران در برخورد با استعارگران منتشر ساخت. از آثار دیگر اوست: دوره‌ی مفصل علم اقتصاد (جلد اول).

از فضلا و دانشمندان ایران، پس از انجام تحصیلات متوسطه و عالی به اروپا رفت و از دانشکده حقوق پاریس درجه دکترا در حقوق و اقتصاد و از سوربن دو دیپلم عالی در علوم اجتماعی و اخلاق و از دانشکده علوم سیاسی درجه لیسانس گرفت. بعد از مراجعت به ایران سالها در دانشکده حقوق به تدریس اشتغال داشت و در وزارت دارایی نیز منشأ خدماتی گردید. اهم مشاغل وی عبارتست از: ریاست بانک کشاورزی ایران، مدیر عامل سازمان برنامه، وزیر اقتصاد ملی در کابینه ساعد و در ۱۳۲۹ در کابینه رزم‌آرا به سمت وزیر دارائی معرفی شد، ولی عملا وزارت را رها ساخت. دکتر نصر غالب عمر خود را در خارج از ایران گذرانید. مدتها نماینده وزارت دارایی در دول متحده آمریکا و عضو هیئت مدیره بانک بین‌المللی و سالها از کارمندان عالیرتبه سازمان ملل متحد و در چند سال اخیر مشاور عالی آن سازمان در امور اقتصاد صنعتی بوده است. وی دارای تألیفات متعددی است که از جمله باید دوره مفصل علم اقتصاد به فارسی و تاریخ حقوق ایران از ابتدا تا هجوم عرب را نام برد. دیگر از نوشته‌های او کتاب ابدیت ایران می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نصرتی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر نصرتی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۳۹ در روستای «حسین‌آباد پشت بسطام» از توابع شاهرود و در خانواده‌ای مذهبی، کشاورز و دامدار. قبل از آغاز تحصیلات کلاسیک در ۵ سالگی به مکتب‌خانه رفتم و قرآن را فرا گرفتم و با خواندن آشنا شدم. تحصیلات ابتدایی را تا پنجم در روستا با موفقیت و شاگرد اولی در کلاس‌ها گذراندم. از کودکی علاقه وافری به روحانیت و مباحث دینی داشتم. دوره تحصیلی راهنمایی را در «علی‌آباد کتول» گذراندم و هر ساله در رده دانش‌آموزان ممتاز مدرسه قرار داشتم.

در جلسات مذهبی شرکت می‌نمودم با اندیشه‌های حضرت امام، جزوه ولایت فقیه و آثار دکتر شریعتی آشنا شدم. در این زمان به مطالعه کتاب به ویژه کتاب‌های مذهبی پرداختم. جهت ادامه تحصیل به شهر شاهرود عزیمت نمودم و در رشته ریاضی فیزیک در دبیرستان ادامه تحصیل دادم. در کنار دروس دبیرستان، فعالیت مذهبی با جمع‌های دانش‌آموزی را آغاز کردم و با اندیشه‌های انقلابی و آشنا، همراه گردیدم. به کمک دوستان روزنامه‌های دیواری با رویکرد مذهبی انقلابی تنظیم می‌کردیم و در سالهای ۵۶ و

۵۷ در پخش اعلامیه و شب‌نامه شرکت می‌کردم و با جریان‌های هوادار انقلاب همراهی و همگامی داشتم.
در سال ۵۷ در کنکور علوم انسانی شرکت نمودم و در رشته «علوم سیاسی» دانشگاه تهران قبول شدم. ولی در عمل تا پیروزی انقلاب درس‌ها تعطیل گردید، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب با آغاز به کار دانشگاه‌ها به دانشگاه وارد شدم و در جمع‌های مذهبی، همگام با انقلاب اسلامی علیه جریان‌های نفاق، چپ و لیبرال قرار گرفتم. در ایام انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه در آموزش و پرورش «بسطام» به عنوان معلم دوره راهنمایی به تدریس در روستا پرداختم. (به مدت دو سال)
در سال ۱۳۶۱ به قم عزیمت کردم و دروس علوم اسلامی را به صورت آزاد آغاز کردم. پس از بازگشایی دانشگاه با مشورت حضرت «آیت الله راستی» همزمان دانشگاه و حوزه را ادامه دادم و در سال ۱۳۶۳ به حوزه درس مرحوم «سید منیر الدین حسینی شیرازی» پیوستم. دروس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات: «راستی کاشانی»، «جوادی آملی»، «فاضل لنکرانی» و «میرزا جواد آقای تبریزی» به مدت ۱۲ سال گذراندم و در سال ۱۳۸۳ در جهت تحقق فرمایش مقام معظم رهبری؛ مبنی بر لزوم ایجاد نهضت نرم‌افزاری، در مجموعه دفتر تبلیغات اسلامی اقدام به تأسیس دفتر جنبش نرم‌افزاری نمودم و مدیریت آن را برعهده گرفتم که به نوبه خود در ایجاد فضای باز فکری و گسترش آزاداندیشی و روحیه نقد و نظریه‌پردازی تأثیر قابل ذکری گذاشته است.

نصیری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد نصیری در سال ۱۲۸۵ ، در اصفهان به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به پایان برد و به موازات آن از تعلیمات دینی و فقه و اصول و ادبیات عرب نیز نزد بستگان و استادان بهره جست. سپس به تهران رفته و از مدرسه حقوق فارغ التحصیل گردید. در سال ۱۳۰۹ جزء نخستین دانشجویان برگزیده و اعزامی دولت به کشور فرانسه رفت. ابتدا در دانشکده حقوق اکس (Aix) دوره لیسانس که با رتبه عالی (لورا در حقوق) به اتمام رسانید و در دو رشته حقوق بین الملل خصوصی و اقتصاد از دانشگاه پاریس به سال ۱۳۱۶ موفق به اخذ درجه دکتری گردید و به ایران بازگشت. دکتر نصیری پس از فارغ التحصیل شدن به مشاغلی چون منصب قضا در دادگستری ، رئیس اداره کل تصفیه املاک، مدیر کل وزارت دارایی و رئیس هیات مدیره بیمه ایران مدیریت کل بانک ملی ایران در زمان دکتر مصدق،مدیریت گروه توسعه اقتصادی ایران ، عضویت در هیات داوران دیوان دائمی بین المللی و ریاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دست یافت. دکتر محمد نصیری سرانجام در هشتم دی ماه ۱۳۷۵ دار فانی را وداع گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق بین الملل

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد نصیری همزمان با آغاز انقلاب مشروطیت در شهر اصفهان دیده به جهان گشود.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد نصیری تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر اصفهان به پایان برد؛ موازی با آن از تعلیمات دینی و فقه و اصول و ادبیات عرب نیز نزد بستگان و استادان بهره برد. سپس به تهران رفته و از مدرسه حقوق (که قبل از تشخیص دانشکده حقوق علوم سیاسی و اقتصادی در دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ وجود داشت) فارغ التحصیل گردید. در سال ۱۳۰۹ جزء

نخستین دانشجویان برگزیده و اعزامی دولت به کشور فرانسه رفت. ابتدا در دانشکده حقوق اکس (Aix) دوره لیسانس که با رتبه عالی (لورا در حقوق) به اتمام رسانید و در دورشته حقوق بین الملل خصوصی و اقتصاد از دانشگاه پاریس به سال ۱۳۱۶ موفق به اخذ درجه دکتری گردید و به ایران بازگشت.

زمان و علت فوت : محمد نصیری در هشتم دی ماه ۱۳۷۵ دار فانی را وداع گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد نصیری پس از فارغ التحصیل شدن به مشاغل زیر دست یافت: - از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۲ منصب قضا در دادگستری ـ از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۵ رئیس اداره کل تصفیه املاک - در سال ۱۳۲۵ مدیر کل وزارت دارایی و رئیس هیات مدیره بیمه ایران - مدیریت کل بانک ملی ایران در زمان دکتر مصدق - مدیریت گروه توسعه اقتصادی ایران - عضویت در هیات داوران دیوان دائمی بین المللی - ریاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی

فعالیتهای آموزشی : محمد نصیری از سال ۱۳۳۳ وارد دانشگاه تهران شد و استاد کرسی حقوق بین المللی خصوصی دانشکده حقوق گردید. --

آثار :

۱ تارخچه سی ساله بانک ملی ایران

۲ تحقیق در زمینه تابعیت شرکت ها

۳ تحقیق در زمینه قانون حاکم بر اموال شخصیه

۴ تحقیق در زمینه قانون حاکم بر قراردادها

۵ تفسیر قرار دادها

۶ حقوق بین المللی خصوصی (کلیات) و (تعارض قوانین)

۷ دروس دوره دکتری حقوق

۸ هبه در حقوق ایران

ویژگی اثر : (به زبان فرانسه)

نظام قزوینی، نظام الدین، ابوالفضائل عثمان

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، قاضی و شاعر. او در زمان ارغون‌خان (۶۹۰ -۶۸۳ ق) و کیخاتون (۶۹۴-۶۹۰ ق) می‌زیست و گفته‌اند که زمان الجاتیو (۷۱۶ -۷۰۳ ق) را نیز درک کرده است.وی قاضی شهر قزوین بود. او در ساختن و پرداختن اشعار توانا و مداح خواجه فخرالدین احمد مستوفی، پسر عموی حمدالله مستوفی، بود. بنا به ذکر صاحب «تاریخ گزیده» او کتابی دارد به نام «رضی‌نامه» که در هجو پسر عموی خود، قاضی رضی‌الدین، نوشته و در حدود پنج هزار بیت است. وی مرثیه‌ای در سوگ خواجه سعدالدین محمد آوجی دارد. این مطلع از اوست:

صبحدمی که از رخت برفکنی کلاله را

چشم و رخت خجل کند نرگس مست و لاله را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ گزیده (۷۴۲ -۷۴۱)، حبیب السیر (۱۳۹ / ۳)، الذریعه (۱۲۰۵ / ۹)، صبح گلشن (۵۲۸)، فرهنگ سخنوران (۹۴۱)، مینودر (۵۸۶ -۵۸۵ / ۲)، هفت اقلیم (۱۶۰ / ۳).

نظام هروی، نظام‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۰ ق)، فقیه، مدرس، قاضی و شاعر. پدرش ملا شرف‌الدین، از اعاظم فقهای زمان میرزا ابوالقاسم بابر بود. وی معصار با امیر علیشر نوایی بود و لـذا در «مجالس النفایس» شـرح حال وی آمـده است. مدتی در مدرسه‌ی غیاثیه و مدرسه‌ی اخلاصـیه به تدریس پرداخت. سپس از جانب سلطان حسین بایقرا به قضاوت هرات منصوب شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :حبیب السیر (۳۴۰ -۳۳۹ / ۴)، الذریعه (۱۲۰۶ / ۹)، ریحانه (۲۰۷ / ۶، ۳۵۰ / ۵)، صـبح گلشن (۵۳۰)، فرهنگ سخنوران (۹۴۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی نظام‌الدین)، مجالس النفائس (۱۴۱).

نظرزاده، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله نظرزاده

محل تولد : شیروان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۹/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۳ در شهرسـتان شیروان از توابع استان خراسان جنوبی به دنیا آمدم. در هفت سالگی با خانواده به مشهد منتقل و تحصیلات ابتدایی با دبیرستان را در مشهد گذراندم. سال ۱۳۶۱ موفق به اخذ دیپلم ریاضی فیزیک شدم و پس از دیپلم با چند تن از دوستان به حوزه علمیه قم وارد شدیم. دوران جنگ در مجموع حدود ۲ سال در جبهه ها توفیق حضور داشتم. مدرسه «رضویه» اوّلین ورود در درس و بحث بود. حجره ۳۶ خاطرات زیبایی را در ذهنم زنده می کند.

اساتیـد ادبیـات، حضـرات آقایان حجـج اسـلام و المسـلمین: «طالقانی، عرفان، علوی، موسوی گرگانی، مـدرس افغانی و ...». اساتید منطق و فلسـفه، حضـرات آقایان حجج اسـلام و المسلمین: «مهدی هادوی تهرانی، خسروشاهی و آیت الله جوادی آملی». اساتید فقه سطوح عالی، حضـرات آیات: «وجدانی فخر، پایانی، استادی و راستی کاشانی». اساتید اصول سطوح عالی، حضرات آقایان: «هادوی تهرانی، اعتمـادی، طاهری خرم آبادی و سـتوده». اساتیـد خارج اصول، حضـرات آیات: «جوادی آملی، شـیخ جواد تبریزی، هادوی

تهرانی و وحید خراسانی». اساتید خارج فقه، حضرات آیات: «شیخ جواد تبریزی، جوادی آملی و وحید خراسانی».
از سال ۱۳۶۸ پس از دوران جنگ تحمیلی با پیام های حضرت امام (ره) به حوزه، وارد عرصه مطالعات سیاسی در دوره های آموزشی دفتر تبلیغات اسلامی شدم. در سال ۱۳۷۳ به دنبال رسمیت یافتن این دوره ها در آموزش عالی، موفق به اخذ مدرک کارشناسی «علوم سیاسی» شدم. سال ۱۳۷۶ در ورودی کارشناسی ارشد موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) پذیرفته و در سال ۱۳۷۹ از پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان: «فرهنگ اصطلاحات سیاسی قرآن کریم» دفاع کردم. سال ۱۳۸۱ در اولین دوره دکتری علوم سیاسی مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم پذیرفته شدم که پس از گذراندن دروس نظری در حال تدوین رساله دکتری می باشم.
سال ۱۳۷۳ پس از تحولات دفتر تبلیغات اسلامی و انتصاب هیات مدیره و ریاست دفتر، از سوی مقام معظم رهبری (مد ظله)، مسئولیت تاسیس پژوهشکده اندیشه سیاسی در مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی را عهده دار شدم و تا سال ۱۳۷۷ به شورای برنامه ریزی دفتر تبلیغات اسلامی در بخش مطالعات توسعه و نیز برنامه ریزی استراتژیک منتقل شدم. در این دوران، طراحی بند ج ماده ۱۵۹ قانون برنامه توسعه را به انجام رسانیده که حاصل آن؛ مصوبه جلسه شماره ۵۰۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی و تشکیل ستاد پاسخگویی به مسایل مستحدثه دینی بود. از سال ۱۳۸۰ به درخواست معاونت محترم ارتباطات حوزه های دفتر مقام معظم رهبری به آن دفتر مامور به خدمت شدم که حدود چهار سال در بخش نظارت و ارزیابی فعالیت داشته و دارم. هم اکنون مدیریت دفتر برنامه ریزی و توسعه فناوری اطلاعات دفتر تبلیغات اسلامی را به عهده دارم.

نظری، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر نظری

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام متوسطه در سال ۵۸ در حوزه علمیه «کمالیه خرم آباد» مشغول به تحصیل علوم دینی شده ام و در سال ۵۹ تا ۶۱ در حوزه علمیه قم به تحصیل اشتغال داشته و پس از مراجعت به خرم آباد در سال ۶۱ مجدداً در حوزه علمیه خرم آباد اقدام به تحصیلات دینی، در ضمن مشغول به کار اداری و تبلیغ و تدریس شده ام. در ضمن آنها فعالیتهای سیاسی اجتماعی در سطح گسترده ای داشته ام.
در سال ۸۷ پس از دو بار قبولی در کنکور دانشگاه و انصراف، با کسب رتبه اول کنکور ارشد دانشگاه اراک به تحصیل در سطح ارشد و رشته: «فقه و مبانی حقوق اسلامی» به موازات کار مدیریتی و تدریس پرداخته ام و در سال ۸۰ فارغ التحصیل شده و با

موفقیت در امتحانات سطح سوم حوزه (کتبی و شفاهی)، به علت عدم ارائه پایان نامه، مدرک سطح ۲ را از مدارج حوزه علمیه قم دریافت داشته ام.

نعیمیان، ذبیح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ذبیح الله نعیمیان

محل تولد : خمین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

ذبیح الله نعیمیان متولد ۱۳۵۱، دیپلم ریاضی فیزیک، در سال ۱۳۶۹، ورود به حوزهٔ علمیه ۱۳۶۹، تحصیل در مدرسه معصومیه ۵ سال از ۱۳۶۹ – ۱۳۷۵. ورود به مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۷۵. اتمام کارشناسی ارشد «الهیات و معارف اسلامی» مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۰. عنوان پایان نامه: «مبادی کلامی اخلاق» (راهنما: عبدالجبار الرفاعی، مشاور: حجهٔالاسلام هادی صادقی، داور: حجهٔالاسلام علی شیروانی.

اتمام کارشناسی ارشد «علوم سیاسی» مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، عنوان پایان نامه: «روش شناسی تحلیل اندیشه های رجال دینی و سیاسی معاصر ایران» (راهنما: دکتر موسوی نجفی، مشاور: دکتر محمد علی فتح اللهی، داور: دکتر محمد جواد نوروزی). پذیرش در دکترای «علوم سیاسی» (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) پائیز ۱۳۸۵، اشتغال به تدوین رسالهٔ سطح ۴: با عنوان: «مبانی به کارگیری مصلحت برای تصمیم گیری در نظام سیاسی اسلام» (راهنما: حجهٔالاسلام و المسلمین صادق لاریجانی، مشاور: حجهٔالاسلام و المسلمین احمد واعظی).

نکونام، وحید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وحید نکونام

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۶/۳۰

زندگینامه علمی

اینجانب وحید نکونام فرزند محمد ابراهیم در سال ۱۳۶۰ در گلپایگان دیده به جهان گشودم. به علت اینکه پدرم به شغل قضاوت اشتغال داشت، سالهای ابتدائی زندگی را در شهرهای مختلف از جمله: (سنندج، گلپایگان، کرمان و ...) گذراندم، تا اینکه در سال ۱۳۷۲ به قم آمده و یک سال را در این شهر سپری کردم و در اینجا بود که در کنار درس، در مدرسه راهنمائی با ادبیات عرب آشنا شدم. به علت آنکه پدر در کسوت روحانیت قرار داشت؛ طبیعتاً گرایش به علوم دینی در من بیشتر شد. امّا اشتغال به درس های راهنمائی و دبیرستان، مجال مطالعه در این حیطه را کمتر به بنده می داد. با این وجود گاه گاهی به مطالعه زندگی ائمه اطهار (ع) می پرداختم و در سال دوم دبیرستان بود که مقاله ای در باب حضرت ولی عصر (عج) نوشتم که در مسابقه ای که بین دبیرستانهای تهران برگزار شد؛ جزء آثار برتر شناخته شد. البته فراموش کردم که بگویم مدّت اقامت من در قم بیش از یکسال طول نکشید و همین امر مرا از دروس حوزه جدا کرد.

با ورود به دوره پیش دانشگاهی، مطالعات برای پذیرفته شدن در کنکور را افزایش دادم و در این آزمون با رتبه (۸۱۸)، جزء نفرات برتر شدم و بالطبع با توجه به گرایش حوزوی در رشته حقوق پردیس قم، دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در بدو ورود در کنار مباحث علمی و فرهنگی دانشگاه، به دروس حوزه نیز پرداختم و مدّتی کوتاه در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی مشغول تحصیل شدم، اما اشتغال به دو تحصیل همزمان، سبب شد نتوانم به دروس حوزوی ادامه دهم و تمرکز خویش را معطوف به دروس دانشگاهی و همچنین فعالیتهای سیاسی و فرهنگی کردم.

در سال دوم تحصیل به دلیل احساس نیازی که کردم در انتخابات انجمن اسلامی دانشگاه شرکت جستم و موفق شدم به عضویت شورای مرکزی آن درآیم و خوشبختانه در این سال، اکثریت انجمن با دانشجویان مذهبی بود و به همین سبب فعالیتهای سیاسی، مذهبی این انجمن گسترش یافت. در کنار این امر از فعالیت در بسیج نیز کناره گیری نکردم و چندین سال در شورای پایگاه امام علی النقی (ع) دانشگاه، با مسئولیت فرهنگی و فوق برنامه حضور داشتم. با رسیدن به سال چهارم دانشگاه، ازدواج نمودم و در همان سال مطالعات خود را برای شرکت در آزمون کارشناسی ارشد افزایش دادم و توانستم در همین دانشگاه پذیرفته شوم.

لازم به ذکر است که در دوران تحصیل در دوره کارشناسی، همواره با وجود اشتغال به فعالیتهای فرهنگی و سیاسی جز نفرات برتر علمی دوره تحصیلی بودم و با معدل ۵۶/۱۸ دوره کارشناسی را به اتمام رساندم. همچنین در دو دوره برگزاری همایش طلاب و بسیجیان نمونه استانی، شرکت داشته و دیپلم افتخار کسب کردم. در دوره کارشناسی ارشد به دلیل ارتباط ذاتی که بین حقوق کیفری و فقه جزائی وجود دارد؛ مطالعات فقهی خود را در زمینه مسائل حقوقی گسترش دادم و پس از مدتی به عنوان محقق در مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه مشغول به فعالیت شدم و هم اکنون نیز مدیریت بخش تعزیرات این مرکز را بر عهده دارم.

نوربها، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم جزا، دانشکده: حقوق، دانشگاه: شهید بهشتی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نوربها، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق، دانشکده: حقوق، دانشگاه: شهید بهشتی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نورمحمدی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا نورمحمدی نجف آبادی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱۸

زندگینامه علمی

در هیجدهم فروردین سال ۱۳۳۳ در شهرستان «نجف آباد» در یک خانواده مذهبی متولد شدم. پس از طی دوره دبستان وارد حوزه علمیه «الحجه نجف آباد» شدم و همراه با ادامه تحصیل دوره دبیرستان به صورت شبانه، چهار سال ادبیات عرب و مقدمات فقه و اصول را در آن شهر گذراندم و در سال ۱۳۴۸ جهت ادامه تحصیل به حوزه مقدسه علمیه قم راه یافتم و دوره سطح و دروس: (تفسیر، فلسفه، هیئت، رجال و حدود شش سال خارج فقه و اصول) را نزد اساتید بزرگوار و فرزانه و آیات عظام: «مشکینی»، «خزعلی»، «انصاری شیرازی»، «ممدوحی»، «ستوده»، «دوزدوزانی»، «صانعی»، «عندلیب»، «ربانی املشی»، «شب زنده دار»، «حقی»، «جوادی آملی»، «حسن زاده آملی»، «نوری همدانی»، «سبحانی»، «مکارم شیرازی» و «فاضل لنکرانی» سپری نمودم و در سال ۱۳۷۲ موفق به دریافت مدرک سطح چهار معادل دکتری و دفاع از آن تحت نظر استاد راهنما «حضرت آیت الله سبحانی» با درجه خوب مفتخر گردیدم.

تاکنون بیش از پانزده جلد تالیف و تحقیق در قالب رساله علمی، کتاب، مقاله و طرح درس در موضوعات:

۱– خلفاء اثنی عشر در منابع اهل سنت.

۲– علل مخالفت کفار قریش با پیامبر (ص) در مکه و عوامل نفوذ اسلام در یثرب.

۳– آداب سلوک و شیوه علم ورزی.

۴– نقاط برجسته اخلاق دانشجوی پزشکی.

۵– منزلت اهل بیت در قرآن و سنت به بیان برجستگان اهل سنت.

۶- عدالت در قرآن و روایات.

۷- جایگاه عترت در قرآن و روایات.

۸- توکل در قرآن و روایات.

۹- تنها راه وحدت عملی مسلمین.

۱۰- علل ممنوعیت مقاربت با زنان در زمان قاعدگی از نظر اسلام و علم پزشکی.

۱۱- ولادت امام علی (ع) در کعبه بر اساس مدارک شیعه و اهل سنت.

۱۲- بررسی نظام دفاعی اسلام در قرآن.

۱۳- هدایت در قرآن.

۱۴- موضوع بندی ۱۸ جلد از تفسیر نمونه تحت نظر استاد بزرگوار حضرت آیت الله مکارم شیرازی.

۱۵- هفت جلد طرح درس در موضوعات معارف اسلامی، اخلاق اسلامی، اخلاق پزشکی، تاریخ اسلام، متون اسلامی و ریشه های انقلاب اسلامی.

۱۶- قائده امکانات در فقه. را به رشته تحریر در آوردم.

در زمینه علمی و پژوهشی به موفقیت هایی همچون:

۱- دریافت مجوز تدریس در گرایشهای شانزده گانه از معاونت محترم اساتید و دروس معارف اسلامی دانشگاه های کشور دست یافتم.

۲- تاسیس هسته پژوهشی با بیش از هشت هزار نسخه پژوهش که تحت نظر اینجانب توسط دانشجویان انجام گرفته و این هسته در نوع خود به عنوان طرح ابتکاری و نمونه در دانشگاههای کشور قلمداد گردیده.

۳- احراز مدرس نمونه در دو دوره در دانشگاه علوم پزشکی کردستان.

۴- احراز محقق نمونه در دو دوره در بین دوازده دانشگاه از دانشگاه های دولتی منطقه ۲ کشور مفتخر گردیدم.

اما سوابق مسئولیتی: قبل از انقلاب در فواصل تعطیلی حوزه علمیه به تبلیغ و نشر معارف اسلامی و بیان دستورالعملهای حضرت امام خمینی (ره) و اطلاع رسانی به مردم که در این راستا چندین بار توسط ساواک دستگیر و مورد ضرب و شتم مأموران شهربانی قرار گرفتم و توسط مامورین ساواک راهی زندان شهربانی شدم. اما سوابق مسئولیتی اینجانب در طول سالهای پس از رخداد انقلاب شکوهمند اسلامی پرشمار بوده که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- مسئولیت حوزه علمیه شهرستان نجف آباد.

۲- حاکم شرع امور صنفی شهرستان نجف آباد.

۳- حاکم شرع مبارزه با مفاسد اجتماعی و بزهکاری در پلاژهای سد زاینده رود و چادگان و مهاباد.

۴- نماینده حضرت امام در منطقه عربستان.

۵- حدود هیجده سال قائم مقام نماینده حضرت امام و مقام معظم رهبری در منطقه کردستان.

۶- مسئولیت گزینش دانشگاه علوم پزشکی کردستان.

۷- مدیر گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی کردستان.

۸- مدیر شورای گروه های معارف اسلامی دانشگاه های منطقه دو کشور.

۹- عضو انجمن معارف اسلامی کشور.

۱۰- عضو انجمن مدرسان دانشگاه های کشور.

۱۱- مدرس حوزه های علمیه سنندج و اکنون به عنوان استاد دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد و استاد حوزه علمیه امامیه شهرکرد و امام جمعه شهر «کیان» از توابع استان چهارمحال بختیاری مشغول انجام وظیفه می باشم. (ربنا تقبل منا انک انت السمیع العلیم و تب علینا انک انت التواب الرحیم و السلام)

نوروزی فرانی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد نوروزی فرانی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در روستای فران از توابع شهرستان اردستان استان اصفهان در سال ۱۳۴۲ متولد شدم. تا پایان تحصیلات سیکل ۱۳۵۸ - ۱۳۵۷ در همان محل سکونت داشتم. سپس به اتفاق خانواده به قم هجرت نموده؛ در سال ۱۳۵۹ آموزش حوزوی را آغاز نمودم در مدرسه حقانی و سپس در موسسه در راه حق شرکت کردم. از سال ۱۳۶۲ تحصیلات دبیرستان و سپس دانشگاه را ادامه داده؛ موفق به اخذ کارشناسی و سپس در مقطع کارشناسی ارشد «رشته علوم سیاسی» قبول شدم.

در حوزه نیز علاوه بر تحصیلات رایج حوزه که تا چهار سال درس خارج ادامه داشت؛ آموزش رشته های مبانی را در موسسه امام خمینی (ره) پیگیری نموده و در سال ۱۳۷۵ موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و در سال ۱۳۸۱ در دانشگاه امام صادق (ع) مشغول ادامه تحصیل در سطوح دکتری علوم سیاسی شدم. از سال ۱۳۷۰ تدریس را در مجامع علمی دانشگاهی تاکنون ادامه داده و مباحث گوناگون: «دانش سیاسی»، «فلسفه سیاسی»، «جامعه شناسی سیاسی» و «اندیشه سیاسی اسلام» را تدریس نموده ام.

نیاکی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: حقوق، دانشکده: حقوق، دانشگاه: شهید بهشتی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نیشابوری، ابوسعید حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۸ ق)، محدث، فقیه حنفی، اصولی و قاضی. اصل وی از نیشابور بود، در طلب حدیث به مصر و حلب و ری و کوفه مسافرت کرد و در مصر از نسائی و طحاوی حدیث شنید. او چهل سال منصب قضاوت معرةالنعمان را عهده‌دار بود. از آثارش: «الرد علی الشافعی فیما یخالف فیه القرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف‌الظنون (۱۴۲۰)، معجم‌المؤلفین (۲۰۶ -۲۰۵/ ۳)، هدیةالعارفین (۲۶۹/ ۱).

نیک فر، مختار

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مختار نیک فر

محل تولد : نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مختار نیکفر در سال ۱۳۳۷ در روستای «خاجک» از توابع نوشهر به دنیا آمدم و دوران ابتدایی را در همانجا به اتمام رساندم و پس از آن، یک سال به عنوان کمک معلم در روستا مشغول تدریس شدم. علیرغم علاقه شدید به ادامه تحصیل، به خاطر عدم وجود امکانات در روستا، به ناچار مدت چهار سال ترک تحصیل داشتم و سرانجام پس از چهار سال ترک تحصیل و اشتغال به کار در شهر، به کلاس شبانه راه یافتم ولی درس کلاسیک برای من ارضاء کننده نبود گویا که در نهانم عشق به علوم حوزوی نهفته بود و منتظر فرصت بودم تا اینکه در ماه مبارک رمضان ۱۳۵۷ واعظی که به ده ما آمده بود؛ مرا برای ورود به حوزه راهنمایی نمودند.

در سال ۱۳۵۹ با شرکت در امتحان ورودی مدرسه حقانی قم (شهیدین فعلی) موفق به شروع تحصیلات حوزوی شدم و در کنار درس حوزه، درس کلاسیک را به طور متفرقه تا اخذ دیپلم ادامه دادم. در سال ۱۳۶۴ از برنامه مدرسه شهیدین خارج شده و در کنار درس حوزه، دوره عمومی مکالمه عربی را در دفتر تبلیغات به پایان رساندم و در سال ۶۵ دوره آموزش عالی مکالمه عربی را نیز به اتمام رساندم. در سال ۱۳۶۶ وارد مؤسسه در راه حق (مؤسسه آموزش پژوهشی امام خمینی (ره) فعلی) شدم و در کنار درسهای حوزه، دروس مفیدی را قرار گرفته و در سال ۱۳۷۱ دوره پنج ساله آنجا را به اتمام رساندم و امتحانات دروس حوزوی را نیز دادم.

در سال تحصیلی ۷۰ ـ ۶۹ درس خارج اصول و فقه را شروع کردم و مدت چهار سال در درس اصول استاد «سبحانی» و یک سال

درس فقه استاد «موسوی اردبیلی» و پنج سال در درس فقه استاد «مکارم شیرازی» شرکت کردم. از سال ۱۳۷۲ لغایت سال ۱۳۷۷ در گروه مدیریت پژوهشکده حوزه و دانشگاه مشغول فعالیت آموزشی، پژوهشی بودم و در کنار دروس حوزوی، دوره مدیریت را در حد کارشناسی ارشد گذراندم. پس از پذیرفته شدن در گزینش قضات، در سال تحصیلی ۷۹ ـ ۷۸ دوره یک ساله آموزش قضائی را در قم گذراندم و هم زمان با آن، از پایان‌نامه کارشناسی ارشد موسسه امام خمینی (ره) دفاع کردم و از اواخر سال ۱۳۷۹ کار قضایی را شروع کردم و از بدو شروع به کار تاکنون در شهرستان لنگرود مشغول به کار هستم.

واحدی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد واحدی در سال ۱۳۰۲ در تهران دیده به جهان گشود. وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی وارد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۲۷ ، برای ادامه تحصیل به کشور سویس عزیمت کرد و در دانشکده حقوق ژنو در مقطع دکتری مشغول تحصیل شد. استاد واحدی ، رساله دکتری خود را با عنوان « آثار حقوقی حساب جاری » به زبان فرانسه تالیف کرد. دکتر واحدی پس از اخذ دکتری ، در سال ۱۳۳۳ به ایران بازگشت و در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. در سال ۱۳۳۴ موفق به دریافت پروانه وکالت پایه یک دادگستری شد و تا پایان حیات خویش ضمن تدریس در دانشکده حقوق و علوم سیاسی به وکالت نیز اشتغال داشت. او در برخی دعاوی بین المللی نیز به عنوان داور و وکیل شرکت داشت که می توان حضور او در دادگاه لاهه را اشاره کرد.واحدی از سال ۱۳۳۹ با عنوان استاد تمام وقت دانشکده حقوق و علوم سیاسی به تدریس در گروه حقوق خصوصی و اسلامی اشتغال داشت. دکتر جواد واحدی پس از چهل سال تدریس ، تحقیق و پژوهش ، سرانجام در دوم مرداد ماه سال ۱۳۸۰ چشم از جهان فروبست و به دیار باقی شتافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : جواد واحدی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی وارد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۲۷ ، برای ادامه تحصیل به کشور سویس عزیمت کرد و در دانشکده حقوق حقوق ژنو در مقطع دکتری مشغول تحصیل شد. استاد واحدی ، رساله دکتری خود را با عنوان « آثار حقوقی حساب جاری » به زبان فرانسه تالیف کرد.

زمان و علت فوت : جواد واحدی پس از چهل سال تدریس ، تحقیق و پژوهش ، سرانجام در دوم مرداد ماه سال ۱۳۸۰ چشم از جهان فروبست و به دیار باقی شتافت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جواد واحدی در سال ۱۳۳۴ موفق به دریافت پروانه وکالت پایه یک دادگستری شد و تا پایان حیات خویش ضمن تدریس در دانشکده حقوق و علوم سیاسی به وکالت نیز اشتغال داشت. او در برخی دعاوی بین المللی نیز به عنوان داور و وکیل شرکت داشت که می توان حضور او در دادگاه لاهه را اشاره کرد.

فعالیتهای آموزشی : جواد واحدی پس از اخذ دکتری ، در سال ۱۳۳۳ به ایران بازگشت و در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. وی از سال ۱۳۳۹ با عنوان استاد تمام وقت دانشکده حقوق و علوم سیاسی به تدریس در گروه حقوق خصوصی و اسلامی اشتغال داشت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : جواد واحدی آثار علمی و مقالات متعددی از خود به جای گذاشته است. او در کنار مشاغل اصلی خود با نشریاتی همچون مجله دادگستری ، مجله کانون وکلا ، مجله وکالت و... همکاری داشت. ------------------ --

آثار :

۱ اعاده دادرسی در امور مدنی

ویژگی اثر : مجله کانون وکلا – ۱۳۶۹

۲ اعتراض به حکم غیابی

ویژگی اثر : آیین دادرسی دکتر شریعت پناهی -۱۳۵۶ .

۳ تجدید نظرخواهی از آرا برای بار دوم

ویژگی اثر : مجله کانون وکلا ـ ۱۳۷۴ .

۴ ترجمه تاریخ فلسفه حقوق و فلسفه حقوق

ویژگی اثر : اثر ژرژدل و کیو .

۵ دادرسی ها را آشفته تر نکنید

ویژگی اثر : مجله وکالت – ۱۳۸۰.

۶ قاضی/ وکیل و احترام متقابل

ویژگی اثر : مجله وکالت ـ ۱۳۸۰ .

۷ نقدی بر ماده ۲۶۹ آیین دادرسی مدنی

ویژگی اثر : مجله دادگستری – ۱۳۷۰

۸ نقدی بر مواد ۲۲۵ و ۲۲۸ آ.د. م

ویژگی اثر : مجله دادگستری ـ ۱۳۷۱ . --- ----------------

منابع :

۱نشریه مدت ، ماهنامه دانشگاه تهران ، شماره ۲۱ ، شهریور و مهر ۱۳۸۰ ، ص ۴۲

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وحدتی شبیری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن وحدتی شبیری

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

سید حسن وحدتی شبیری، پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه، در سال ۱۳۴۴ ه.ش در خانواده‌ای مذهبی در مشهد به دنیا آمد. در کنار تحصیلات ابتدایی و متوسطه، ادبیات و صرف و نحو را نزد پدرش حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمد شبیری از خطباء و وعاظ بنام در مشهد مقدس فرا گرفت. پس از اتمام دورهٔ راهنمایی تحصیلی در سال ۵۸ وارد حوزهٔ علمیهٔ مشهد شد و در کنار تحصیلات حوزوی دورهٔ دبیرستان را در رشتهٔ علوم تجربی در سال ۱۳۶۳ به پایان برد. بعد از گذراندن دورهٔ سطح به حوزهٔ علمیهٔ قم مهاجرت و همزمان با تحصیل در دورهٔ خارج حوزهٔ علمیه، دورهٔ کارشناسی حقوق را در مجتمع آموزش عالی، وابسته به دانشگاه تهران (سالهای ۶۷ تا ۷۱)، دورهٔ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی را در دانشگاه شهید بهشتی (سالهای ۷۱ تا ۷۴) و دورهٔ دکتری PH.D حقوق خصوصی را در دانشگاه تربیت مدرس تهران (سالهای ۷۶ تا ۸۱) به پایان رسانید.
علاوه بر گذراندن ۱۵ سال تحصیل در دورهٔ خارج حوزهٔ علمیه دورهٔ عالی زبان انگلیسی را نیز در دانشگاه باقرالعلوم (ع) به اتمام رسانیده است. از جمله اساتید حوزوی او در مشهد مقدس «آیت‌الله حاج مهدی مروارید»، «آیت‌الله مرتضوی» و «آیت‌الله فلسفی» و از جمله اساتید حوزوی در قم: «آیت‌الله ستوده اراکی»، «آیت الله میرزا جواد تبریزی» و حجت‌الاسلام و المسلمین «حاج شیخ محمد تقی شیهدی» می‌باشند. از جمله اساتید وی در دانشگاه نیز می‌توان از «دکتر مهدی شهیدی»، «دکتر ناصر کاتوزیان»، «دکتر سید حسین صفائی» و «دکتر مصطفی محقق داماد» نام برد.

وفای شریعتی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، حقوقدان. در سمنان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی ادب سمنان و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند. سپس به دانشسرای عالی راه یافت. و فارغ‌التحصیل شد و آنگاه در دانشکده حقوق تهران به ادامه تحصیل پرداخت و در ۱۳۱۵ ش موفق به دریافت لیسانس حقوق شد و بعد از آن وارد خدمات قضایی در وزارت دادگستری گردید. وی از ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۷ ش عهده‌دار مشاغل متعددی در دادگستری از جمله: دادیاری دادسرای تهران، بازپرسی تهران، بازرسی قضایی و ریاست دادگاه بود. وفا برای مطالعه درباره امور حقوقی به کشورهای فرانسه، سوئیس و انگلستان سفر نمود. وی به زبان فرانسه و عربی تسلط داشت. از جمله اقدامات نیکوکارانه وی حفر چاه و تعمیر قنوات نوکلاته سمنان است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ قومس (۴۵۰).

ولیدی، محمد صالح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد صالح ولیدی در سال ۱۳۱۵ در شهر سنندج بدنیا آمد.وی پس از گذراندن دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ مدرک دکترای تخصصی(Ph.D) رشته جزا و جرم شناسی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد.نامبرده پس از وقوع انقلاب اسلامی و پس از شرکت در برنامه های حوزه و دانشگاه از سال ۱۳۶۱ به عضویت هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شیراز و سپس دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی و از سال ۱۳۶۹ به عضویت تمام وقت هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی با رتبه علمی دانشیاری در آمد که تا کنون ادامه دارد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : جزا و جرم شناسی

والدین و انساب : پدر محمد صالح ولیدی،معروف به شیخ محمد صادق فرزند شیخ محمد امین(برابر شجره نامه آیت الله مردوخی در کتاب تاریخ مردوخی،چاپ دوم ناشر غریقی سال ۱۳۵۱) از سادات شیخ شهاب الدین کاکر زکریا و از نواده های حضرت امام مجتبی(ع) است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد صالح ولیدی تحصیلات ابتدایی و متوسطه ودوره مقدماتی حوزه را در سنندج گذراند و سپس وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد.وی پس از گذراندن دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ مدرک دکترای تخصصی(Ph.D) رشته جزا و جرم شناسی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد. دکتر ولیدی در حال حاضر سرگرم تکمیل تحصیلات حوزه خودش است که با شرکت در درس خارج فقه حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی آن را دنبال می کند.

استادان و مربیان : مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقایان سنگلجی،مشکات و شهابی و آقای دکتر ابراهیم پاد از اساتید محمد صالح ولیدی بوده اند.

همسر و فرزندان : محمد صالح ولیدی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم تاج نصرت خاتمی ،بازنشسته آموزش و پرورش می باشد.دکتر ولیدی دارای سه فرزند دختر و یک فرزند پسر می باشد. هاندا ولیدی،خانه دار- هلن ولیدی،خانه دار - غلامرضا ولیدی ،شغل آزادو دارای مدرک کارشناسی زبان انگلیسی- ناریا ولیدی ،دارای مدرک دکترای داروسازی

وقایع میانسالی : محمد صالح ولیدی پس از اخذ دکترای رشته جزا و جرم شناسی از دانشگاه تهران و پس از وقوع انقلاب اسلامی و پس از شرکت در برنامه های حوزه و دانشگاه از سال ۱۳۶۱ به عضویت هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شیراز و سپس دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی و از سال ۱۳۶۹ به عضویت تمام وقت هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی با رتبه علمی دانشیاری در آمد که تا کنون ادامه دارد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای مدیریتی و اجرایی محمد صالح ولیدی به قرار زیر است: - مدیر گروه حقوق دوره کارشناسی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی - رئیس دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - مدیر گروه جزا و جرم شناسی کارشناسی ارشد گرایش حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه ازاد اسلامی نراق - معاون دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر محمد صالح ولیدی دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق و جرم شناسی را در دانشگاه آزاد اسلامی نراق را راه اندازی کرده است. وی همچنین شعبه جرم شناسی(NGO) را در استان کرمانشاه در سال ۱۳۸۵ را

با مسئولیت خودش را تاسیس کرده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد صالح ولیدی در کنار تدریس در مرکز تحصیلات تکمیلی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی ،به راهنمایی پایان نامه های دوره های کارشناسی ارشد و دکترای جزا و جرم شناسی می پردازد. ایشان در کنگره های داخلی و خارجی با ارائه مقاله شرکت می کند.

جوائز و نشانها : محمد صالح ولیدی تقدیرنامه های متعددی را در زمینه های پژوهشی و همچنین بمناسبتهایی از قبیل استاد نمونه بدفعات در سالهای متعددی و همچنین لوح های تقدیر و جوایز را بمناسبت ارائه مقاله در همایشهای داخلی و خارجی دریافت کرده است. ---

آثار :

۱ حقوق جزای اختصاصی جلد هشتم،جرایم علیه عفت داخل عموم

ویژگی اثر : امیر کبیر سال ۱۳۸۲،۱۳۸۴

۲ حقوق جزا اختصاصی

ویژگی اثر : جلد اول،جرایم علیه اموال،انتشارات امیر کبیر سال ۱۳۶۶-۱۳۶۹-۱۳۷۲-۱۳۷۶ و ۱۳۸۲

۳ حقوق جزا عمومی

ویژگی اثر : جلد اول ،انتشارات سمت سال ۱۳۷۱ چاپ دوازدهم سال ۱۳۸۵

۴ حقوق جزا و جرم شناسی ،مجموعه پرسشهای چهارگزینه ای و پاسخ آنها

ویژگی اثر : انتشارات خورشید سال ۱۳۸۱

۵ حقوق جزا(مسئولیت کیفری)

ویژگی اثر : انتشارات امیر کبیر سال ۱۳۶۱-۱۳۶۶-۱۳۷۱

۶ حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی

ویژگی اثر : زبان: فارسی نویسنده: محمد صالح ولیدی چاپ اول: ۱۳۸۰ نوبت چاپ: چاپ دوم۱۳۸۳ تعداد صفحات: ۴۱۲ نام انتشارات: امیرکبیر شابک : X-۰۷۵۱-۰۰-۹۶۴ بهای کتاب:۲۷۰۰۰ریال اثر درباره بررسی قوانین جرایم اجتماعی در زمینه اخلاق عمومی است . نویسنده که استاد و مدرس دانشگاه درباره حقوق اختصاصی و عمومی است در این کتاب با استناد به قوانین عمومی موضوعی کشور و شرح مقدس اسلام و جرایم رویداده به نقد و بررسی و تشریح موضوع پرداخته است .

۷ حقوق جزای اختصاصی جلد پنجم،تخریب اموال ؟ عمدی استاد

ویژگی اثر : نشر داد سال ۱۳۷۶ تجدید چاپ ۱۳۷۹

۸ حقوق جزای اختصاصی جلد چهارم ،جرایم مالی علیه آسایش عمومی

ویژگی اثر : انتشارات خیام سال ۱۳۷۷

۹ حقوق جزای اختصاصی جلد دوم

ویژگی اثر : جرایم علیه اشخاص،انتشارات امیر کبیر سال ۱۳۶۷ چاپ هشتم ۱۳۸۵

۱۰ حقوق جزای اختصاصی جلد سوم

ویژگی اثر : جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی،نشر داد سال ۱۳۷۱ چاپ چهارم ۱۳۷۶

۱۱ حقوق جزای اختصاصی جلد هفتم،مسائل مربوط به جرایم علیه اشخاص اموال و امنیت و آسایش عمومی

ویژگی اثر : نشر داد سال ۱۳۷۵

۱۲ حقوق جزای اختصاصی چک پرداخت نشدنی

ویژگی اثر : نشر داد سال ۱۳۷۲ چاپ جدید ۱۳۷۵

۱۳ حقوق جزای عمومی ،جلد چهارم،واکنش جامعه علیه جرم

ویژگی اثر : نشر داد سال ۱۳۷۵ تجدید چاپ سال ۱۳۷۸

۱۴ حقوق جزای عمومی جلد سوم

ویژگی اثر : مسئولیت جزایی و مشارکت در جرم سال ۱۳۷۴

۱۵ حقوق کیفری اقتصادی

ویژگی اثر : نشرمیزان سال ۱۳۸۶

۱۶ رساله علمی و عملی در اصول مبانی جرم شناسی

ویژگی اثر : سال ۱۳۶۰

هادوی تهرانی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی هادوی تهرانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد مهدی هادوی در سال ۱۳۴۰ در تهران زاده شد. وی پس از طیّ دوره دبستان و راهنمایی، به عنوان شاگرد ممتاز از دبیرستان خوارزمی که از دبیرستانهای بسیار معتبر روزگار خود بود، در رشته ریاضی و فیزیک دیپلم گرفت و به عنوان یکی از پذیرفته شدگان ممتاز کنکور، در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف مشغول به تحصیل شد. وی پس از مدتی تحصیل غیر رسمی، تحصیلات رسمی حوزوی خود را از سال ۱۳۵۹ در قم آغاز کرد و در ادامه تحصیل، ادبیات و منطق را نزد آیت الله خوش‌وقت در تهران، فراگرفت. سپس بار دیگر به قم بازگشت و دوره سطح را در مدت پنج سال به پایان رساند و در امتحانات حوزه بارها به عنوان فرد ممتاز معرفی شد. پس از آن به تحصیل خارج فقه و اصول پرداخت و از اساتید بزرگی همچون آیات عظام شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، بهجت فومنی، مکارم شیرازی، میرزا هاشم آملی و شیخ جعفر سبحانی استفاده کرد و بیش از همه در محضر درس آیت الله سید کاظم حائری به تحصیل پرداخت. استاد هادوی در فلسفه از محضر بزرگانی همچون آیت الله انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، و مصباح یزدی بهره جسته و سالها به خوشه‌چینی از خرمن حکمت حکیم متأله آیت الله جوادی آملی مشغول بوده است. افزون بر این، وی از ابتدای حضور خود در قم، با سالک واصل حضرت آیت الله بهاءالدینی، مراوده و ارتباط مستمر و وثیق داشت و این ارتباط تا هنگام رحلت آن عارف فقیه برقرار بود. وی در نزد آن بزرگوار علاوه بر اخلاق و عرفان به تحصیل فقه و تفسیر قرآن و حدیث پرداخت. استاد هادوی این توفیق را داشته است که تقریباً تمام دروس

مقدمات و سطح حوزه علمیه را تدریس نماید و از سال ۱۳۶۹ به تدریس خارج فقه و اصول)عالیترین دوره آموزشی حوزه علمیه(اشتغال پیدا کند. در درس فقه روش ابتکاری وی که بر مقایسه بحث های فقهی اسلامی با حقوق جدید بر اساس متون اصلی، استوار است، نظر محققین را به خود جلب کرده است. افزون بر این، استاد به تدریس مباحث منطقی، فلسفی و کلامی اشتغال داشته و دارند و برخی آثار قلمی وی حاصل همین تحقیقات است. استاد هادوی علاوه بر تدریس در حوزه علمیه، با دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور همکاری علمی دارد. وی عضو شورای بررسی متون علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و رئیس گروه فقه و حقوق این شورا و عضو شورای علمی کارشناسی ارشد فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف است. استاد هادوی همچنین در برخی از علوم جدید مانند اقتصاد، کلام جدید، فلسفه علم و فلسفه هنر، مطالعات و تحقیقات گسترده ای دارد که بعضی از آنها در قالب کتب و مقالات عرضه شده است. وی به دو زبان انگلیسی و عربی تسلّط کامل دارد و تا حدّ زیادی با زبان فرانسه و آلمانی نیز آشناست. مهارت در زبان انگلیسی و کاربرد کامپیوتر، این امکان را برای وی فراهم کرد که اولین پاسخگوی مسائل اسلامی در ایران روی شبکه جهانی کامپیوتری)اینترنت(باشد. استاد هادوی ضمن ارتباط و حضور در مراکز دینی و علمی کشورهای مختلف اروپایی، آسیایی و آفریقایی در تأسیس مراکز فرهنگی اسلامی از جمله انجمن اهل بیت‌علیهم السلام در سوئیس، انجمن محمدیه در تایلند، مرکز اسلامی هلند و شورای جهانی رهبران دینی (World Council of Religious Leaders WCRL) مشارکت داشته است.

هاشمی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سیدمحمد هاشمی در سال ۱۳۲۰ در شهر دلیجان متولد شد.ایشان دارای مدرک دکتری رشته حقوق از دانشگاه پاریس فرانسه در سال ۱۳۵۴ می باشد.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد رشت ?حقوق دانشگاه شهید بهشتی است. کتاب" حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران"تالیف،سید محمد هاشمی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محمد هاشمی در سال ۱۳۴۷ در مقطع لیسانس رشت ?حقوق از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. فوق لیسانس حقوق عمومی را از انستیتوی بین المللی مدیریت دولتی فرانسه گرفت و در سال ۱۳۵۴ از دانشگاه پاریس یک موفق به اخذ درجه دکترا شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید محمد هاشمی از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۸ در وزارت آموزش و پرورش و از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۵ در وزارت کار و امور اجتماعی مشغول به کار بود و از سال ۱۳۵۵ تاکنون در وزارت فرهنگ و آموزش عالی به کار اشتغال دارد. سمت فعلی ایشان استاد رشت ?حقوق دانشگاه شهید بهشتی است.نامبرده رئیس گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی نیز می باشد.

فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی سید محمد هاشمی به قرار زیر است: - حقوق اساسی(کلیات(- حقوق اساسی

جمهوری اسلامی ایران – حقوق کار (کارشناسی ارشد(–حقوق بشر و آزادیهای اساسی (دوره های کارشناسی ارشد و دکتری(– حقوق اساسی تطبیقی (کارشناسی ارشد(– مبانی حقوق عمومی (کارشناسی ارشد(– اصول و مبانی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران (دکتری(۸– نظارت برای اعمال دولت (دکتری(۹– مبانی فلسفی و کلامی حقوق عمومی (دکتری(

آرا و گرایشهای خاص : سید محمد هاشمی معتقد است: انسانهای در کنار یکدیگر مبتنی بر طبع ذاتی اجتماعی خود زندگی می کنند. انسان صاحب اراده است تا سرنوشت خود را تعیین کند. از این بابت انسانها هم اختیار فردی دارند و هم ابتکار عمل مشترک متصور است. ابتکار جمعی از خانواده تا قبیله تا شهر و جمعیت ملی می تواند از گذر تعیین سرنوشت مشترک تامین شود. فلذا امری طبیعی است و آیه فوق را گواهی قرار دادم که مردم با تعلیمات می توانند زندگی خود را متفکرانه و معقولانه اداره کنند. البته کمال مطلوب این است که عادلانه عمل کنند. ملاحظه اولیه ما در اندیشه جمعی از حیث ادبیات تخصصی امروزی مقوله قرار داد اجتماعی است. قرارداد اجتماعی به تدریج به دمکراسی راهبری شده یعنی تعیین سرنوشت جمعی. در امر جمعی همه مردم نمی توانند مستقیما امور را اداره کنند اینجا است که نمایندگی مطرح می شود و انتخابات ابزار تجلی اراده مردم است. منتهی انتخابات یک خاصیتی دارد وآن این که بین حقیقت و واقعیت سیر می کنیم. حقیقت، این است که مردم به خوبی تعیین سرنوشت کنند ولی واقعیت، این است که قدرت طلبی ها بعضا باعث می شود که اراده مردم مخدوش می شود و زندگی فردی و جمعی را تحت الشعاع قرار می دهد اینجاست که عقلا به دنبال بحثی می گردند که واقعیت مزبور بروز نیابد . این امر در جهان امروز انتخابات آزاد و منصفانه نامیده می شود.

جوائز و نشانها : کتاب" حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران"تالیف،سید محمد هاشمی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : از آثار منتشر شد ?دکتر هاشمی علاوه بر ۱۸مقاله، کتاب «نگرش بر قانون جدیدکار (۱۳۷۰)» را می توان نام برد. --

آثار :

۱ تاریخچه و سیر تحول حقوق کار با آخرین اصلاحات

ویژگی اثر : پدیدآورنده: سیدمحمد هاشمی ناشر: موسسه کار و تامین اجتماعی – ۱۹ شهریور، ۱۳۸۵

۲ حقوق اساسی تطبیقی

ویژگی اثر : دستنویس

۳ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»: حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد اول)، سیدمحمد هاشمی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی با همکاری مؤسس ?نشر یلدا، ۱۳۷۴. مطالب اصلی حقوق اساسی، اصولاً شامل دو مقول «?ساختار حکومت» و «حقوق مردم» است. نظام حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و همچنین اعتقادات مذهبی از جمله موضوعات اساسی به شمار می رود که در برخی از کشورها ذکر آن در قانون اساسی ضروری شناخته شده است. کتاب حاضر مجموع ?مفصلی از این مقوله هاست که عمدتاً محور اصلی بررسی و تحلیل فصول اول، دوم، چهارم، دهم و چهاردهم قانون اساسی است. در بررسی این مقولات، صرفاً به تجزیه و تحلیل حقوقی اکتفا نشده بلکه در آن نگرشهای اجتماعی و سیاسی و به ویژه اسلامی (با استفاده از قرآن و سنت و پاره ای از منابع فقهی) به زبان ساده و قابل فهمی مورد توجه قرار گرفته است

۴ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

ویژگی اثر : جلد دوم: حاکمیت و نهادهای سیاسی-پدیدآورنده: سیدمحمد هاشمی ناشر: میزان – ۲۳ مرداد، ۱۳۸۷

۵ حقوق اساسی و نهادهای سیاسی

ویژگی اثر : (مفاهیم کلی) (آمادهٔ چاپ)

۶ حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت

ویژگی اثر : پدیدآورنده: عبدالمجید یزدی، محمد آشوری (مترجم)، حسین بشیریه (مترجم)، سیدمحمد هاشمی (مترجم) ناشر: گرایش – ۱۳۸۳

۷ نگرش بر قانون جدیدکار ۱۳۷۰

۸ نگرش بر قانون کار جمهوری اسلامی ایران (حقوق کار)

هدایت نیا، فرج الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرج الله هدایت نیا

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۳/۱

زندگینامه علمی

اینجانب فرج الله هدایت نیا گنجی در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در روستای «گنج افروز» از توابع شهرستان بابل متولد شده ام. پس از طی دوران کودکی وارد مدرسه شدم و تا سال سوم راهنمایی را در مدارس زادگاه خویش گذراندم. دانش آموز سال پنجم ابتدایی بودم که انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید و دوران نوجوانی من با حال هوای انقلاب آغاز شد.

تحت تأثیر شرایط پس از انقلاب در خودم علاقه به فراگیری علوم دینی احساس کردم و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه «خاتم الانبیاء (ص)» بابل شدم. به مدت سه سال در حوزه علمیه «امام القائم» تهران تحصیل کردم و از سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم، لمعتین و دو جلد اصول فقه را از محضر اساتید حوزه به ویژه استاد «علی محمدی (زید عزه)» فرا گرفتم. و از آن پس دروس خارج فقه و اصول را آغاز کردم. در این مرحله از اساتید بزرگواری نظیر آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «جوادی آملی»، «مکارم شیرازی» و «محفوظی» بهره بردم.

در سال ۱۳۶۸ به فکر تکمیل تحصیلات خودم در علوم جدید و دانشگاهی افتادم. ابتداء به صورت غیر حضوری به مدت چهار سال دیپلم گرفتم و در کنکور سراسری سال ۱۳۷۳ شرکت کردم و در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شدم. پس از اتمام دوره کارشناسی برای ادامه تحصیل وارد دانشگاه مفید قم شدم و در گرایش «حقوق خصوصی» در مقطع کارشناسی ارشد این دانشگاه فارغ التحصیل شدم و البته در طول این سالها، تحصیلات حوزوی را نیز ادامه دادم.

با توجه به شرایط جنگ، مثل سایر جوانان این مملکت در جبهه ها حاضر شدم و مدت دو سال به طور متناوب به صورت رزمی یا

تبلیغی در جبهه ها بودم و از جانبازان جنگ تحمیلی می باشم. علاقه وافر اینجانب به فعالیتهای پژوهشی موجب شد که جذب مؤسسات پژوهشی شوم. مطالعات من تا کنون در گرایش «فقه»، «حقوق خصوصی» و «حقوق عمومی» بوده است. محصول مطالعات من کتابها و مقالاتی بوده است که بسیاری از آنها چاپ شده است. در حال حاضر اینجانب عضو «هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» هستم و در گروه فقه و حقوق این مرکز فعالیت می کنم.

در کنار تحقیق، تدریس را از نظر دور نداشتم. از سال ۱۳۸۱ به تدریس حقوق در مراکز آموزش عالی روی آوردم و هم اکنون نیز در یکی از دانشگاههای تهران؛ «دانشگاه آزاد اسلامی» و مدرسه تخصصی فقه و اصول قم؛ «ویژه طلاب خارجی» به تدریس مشغول هستم. در حال حاضر در شهر مقدس قم ساکن هستم و به تحصیل تحقیق و تدریس مشغول می باشم. امیدوارم بتوانم از اندوخته های خود در جهت نشر علوم دینی و فرهنگ اسلامی بهره ببرم و دَین خود را به مردم مسلمان ادا نمایم.

هدایتی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۲۹۳.

درگذشت: آذر ۱۳۶۵، ژنو.

محمدعلی هدایتی، فرزند حاج سید احمد هدایتی، تحصیلات خود را در رشته‌ی حقوق به پایان برد. پس از مراجعت به ایران سال‌ها به تدریس حقوق مدنی در دانشکده‌ی حقوق اشتغال داشت. مدتی هم ریاست آن دانشکده‌ی را بر عهده گرفت. چندی هم نماینده مجلس شورای ملی و وزیر دادگستری بود.

از تألیفات چاپ شده‌ی او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: آستانه‌ی ری، آیین دادرسی کیفری (۱۳۴۲) و چند تألیف حقوقی دیگر.

ضمنا خاندان هدایتی سال‌ها پیش از عصر صفوی و بنا به قرائنی از زمان سلاجقه امر تولیت حرم حضرت عبدالعظیم را متکفل بوده‌اند و او خود آخرین فرد از این خاندان بود که این سمت را عهده‌دار گشت و پس از چندی از این کار کناره گرفت.

محمدعلی هدایتی به سبب سکته‌ی مغزی در سن هفتاد و دو سالگی در شهر ژنو درگذشت.

حقوقدان و سیاستمدار، متولد ۱۲۸۹ ش در شهر ری و فرزند حاج سید احمد هدایتی قاضی عالیرتبه دادگستری و نایب لتولیه حضرت عبدالعظیم است. وی پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد دانشکده حقوق شد و درجه لیسانس در علم حقوق گرفت و به وکالت دادگستری پرداخت. چند سالی در شغل وکالت بود که سودای ادامه تحصیل در سرش به وجود آمد و به اروپا رفت و از دانشگاه ژنو درجه دکترا در حقوق جزا دریافت کرد. سپس به ایران بازگشت و به استادی دانشکده حقوق و علوم سیاسی و بعدا به معاونت دانشکده مزبور انتخاب گردید. در دوره شانزدهم قانونگزاری، مردم شهر ری او را به وکالت خود برگزیدند و وکیل مجلس شورای ملی شد. در دوره بیستم نیز وکیل مردم شهر ری در مجلس بود. در ۱۳۳۶ ش دکتر منوچهر اقبال نخست‌وزیر هدایتی را به سمت وزیر دادگستری تعیین نمود و تا شهریور ۱۳۳۹ که دولت تغییر کرد وزارت دادگستری با او بود. در دولت بعدی که ریاست دولت با شریف امامی بود هدایتی مجددا به وزارت دادگستری معرفی شد و تا اواخر سال در آن سمت انجام وظیفه

می کرد. هـدایتی در دوران وزارت خود اقدامات مؤثری در جهت قضات دادگستری و قوانین به عمل آورد که قابل توجه است. بعد از وزارت دادگستری بـه ریاست دانشـکده حقوق انتخـاب شـد و یـک دوره سـه سـاله ریـاست داشت. هـدایتی غیر از تحصـیلات دانشـگاهی در تهران و اروپا، یک دوره کامل فقه و اصول نیز نزد فقهاء و علماء تحصـیل نموده و حقوقدانی بود که به حقوق جدید و اسلامی هر دو مسلط بود. سالها وکالت دادگستری را ضمیمه کارهای دیگر خود نموده و از وکلای مبرز دادگستری بود، به همین دلیل وزارت امور خارجه از وجود مشارالیه به عنوان مشاور استفاده می کرد. نیابت تولیت حضرت عبدالعظیم توارثا با او بود. کتب و آثار مهمی در علم حقوق انتشار داده است.

محمـد علی هدایتی در سال ۱۳۶۵ در اروپـا درگـذشت و جنـازه‌ی او را به تهران انتقال دادنـد و در مقبره‌ی خانوادگی در حضـرت عبدالعظیم مدفون شد.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

هروی، ابوسعد محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۱۸ ق)، فقیه شـافعی و قاضـی. وی از فقهای شافعی در سـده‌های پنجم و اوایل شـشم قمری بود. در نزد ابوعاصم عبادی تلمذ کرد و کتاب «ادب القضاء» او را شـرح نمود و «الاشراف علی غوامض الحکومات» نامید. در «هدیۀالعارفین» به نقل از ابن‌عساکر و به تبع آن در «معجم‌المؤلفین» این کتاب به ابوسـعید عبدالمجید بن اسماعیل هروی (م ۵۳۷ ق) نیز نسبت داده شده است. وی عهده‌دار منصب قضاوت همدان بود. در مسجد جامع همدان به همراه پدرش به قتل رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منـابع زنـدگینامه :طبقات الشافعیه‌ی اسـنوی (۲۹۲ / ۲)، طبقـات الشافعیه‌ی سـبکی (۳۷۱ –۳۶۵/ ۵ ،۱۰۴ / ۴)، کشف‌الظنـون (۱۰۳)، معجم‌المؤلفین (۳۰/ ۹ ،۱۶۸ –۱۶۷/ ۶ ،۲۱۰/ ۴)، هدیۀالعارفین (۸۴/ ۲ ،۶۱۹/ ۱).

هروی، شمس‌الدین ابوعبداللّٰه، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۲۹ –۷۶۷ ق)، فقیه شـافعی و قاضـی. اصـل وی از ری و گفته‌انـد از فرزنـدزادگان فخر رازی بود. در هرات به دنیا آمـد. در ابتـدا حنفی مـذهب بود و بعدها به فقه شافعی روی آورد و در آن سـرآمد شد. وی از شاگردان علامه سـعدالدین تفتازانی بود. وی مدتی در ملازمت تیمور گورکانی به سـر برد. سـپس به فلسـطین سفر کرد و در ۸۱۵ ق عهده‌دار منصب تدریس در مدرسه صـلاحیه شهر بیت‌المقـدس گشت. آنگـاه چنـدی در مصـر به قضاوت پرداخت و مشاغل دیوانی متعـددی را پـذیرا گشت. نهایتاً در قـدس سـکنی گزیـد و در آنجا بنای مـدرسه‌ای را آغاز کرد که نتوانست آن را به آخر برساند. او سـرانجام در بیت‌المقدس درگذشت. از آثارش: «تقریب الاحکام»، در فروع شافعی؛ «التنویر»، در تلخیص «الجامع الکبیر» شیبانی؛ «التمحیص»، در شرح «تلخیص جامع الکبیر»، در فقه حنفی؛ شرح «مصابیح السنۀ» بغوی؛ «المنعم» یا «فضل المنعم»، در شرح «الصحیح» مسلم؛ شرح «مشارق‌الانوار» صغانی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۱۵۱ -۱۵۰/ ۷)، ایضاح‌المکنون (۴۹۰ ،۱۹۹/ ۲)، شذرات‌الذهب (۱۹۰ -۱۸۹/ ۷)، الضوء اللامع (۱۵۵ - ۱۵۱/ ۸)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (۱۰۵ -۱۰۴/ ۴)، کشف‌الظنون (۴۷۳)، معجم‌المؤلفین (۲۹۴ -۲۹۳/ ۱۰)، هدیهٔ‌العارفین (۱۸۶ -۱۸۵/ ۲).

یحیایی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی یحیایی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای علی یحیائی در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهر رشت دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه رشت گردیـد و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد.

از سوی دیگر به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه (سلام الله علیها) رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۴ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون: «آیت الله خاتمی»، مرحوم «آیت الله فاضل»، «آیت الله مومن» و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته (حقوق خصوصی) در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه مفید فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان «بررسی معاملات در حقوق ایران و مصر» دفاع کرد. و پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت. وی هم اکنون علاوه بر «مدیریت گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی انزلی»، عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان می باشد و در این دانشگاه به امر تدریس اشتغال دارد. وی در طول حیات علمی خود به امر نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل: «فلسفه اخلاق» و «حق یا حاکم بودن اختیار رجوع در طلاق رجعی» را به رشته تحریر در آورده است.

یزدانی بارفروش، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید یزدانی بارفروش

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حمید یزدانی بارفروش در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ساری دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه بابل گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه بابل به شوق ادامه تحصیل، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت؛ (حضرت معصومه سلام الله علیها) رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون: «آیت الله وحید»، مرحوم «آیت الله شیخ جواد تبریزی»، «آیت الله هاشمی شاهرودی» و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته «حقوق» در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه مفید قم فارغ التحصیل گردید. وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون در دانشگاه مازندران و سپاه پاسداران مازندران به امر تدریس اشتغال دارد. وی در طول حیات علمی خود به امر نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل: «معجم احادیث بحارالانوار» و «فرهنگ فقه فارسی» را به رشته تحریر در آورده است.

یزدانی مقدم، احمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد رضا یزدانی مقدم

محل تولد : بندر انزلی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۹ تاکنون توفیق حضور مستمر برای درس و بحث در حوزه علمیه قم را دارم. از سال ۱۳۶۷ به درس خارج حاضر می شوم. اساتید دوره سطح این کمترین از جمله این آقایان بودند: حضرات آیات: «آل غفور جزائری»، «اعتمادی»، «فیض سرابی»، «موسوی تبریزی»، «موسوی تهرانی»، «فقیهی مازندرانی»، «صالحی افغانی»، «وجدانی» و «محقق داماد». و از جمله اساتید این کمترین در دوره خارج این آقایان می باشند: حضرات آیات: «منتظری»، «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «جوادی آملی»، «صانعی»، «خرازی»، «علوی گرگانی» و «موسوی اردبیلی»؛ و از جمله موضوعات فقهی در دوره خارج که توفیق استفاده داشتم و دارم عبارتند از: ولایت فقیه، بیع، مکاسب محرمه، زکات، صوم، خمس، نکاح، طلاق، تحدید نسل، پیوند اعضاء، تغییر جنسیت، تجسس و اطلاعات در اسلام، سرقفلی، ربا و بانکداری، رشوه، غنا و مالکیت معنوی.

دارای کارشناسی حقوق می باشم و در زمینه (فقه و حقوق) مقالات متعددی نوشته ام از جمله: رشد و بلوغ، شفعه، ولایت پدر و جد، ارث و قسامه، قاعده لاضرر در حقوق تجارت؛ و نیز مقاله ای درباره «جامعه شناسی تعلیم و تربیت در حوزه علمیه».

گرایش کارشناسی ارشد این ناچیز (اندیشه سیاسی) بوده و موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد: «ادراکات اعتباری و اندیشه اجتماعی سیاسی علامه طباطبایی» است که در دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)، پایان نامه برتر شناخته شد. در دوران تحصیل کارشناسی ارشد، مقالات متعددی در زمینه (مباحث علوم سیاسی) نوشته ام از جمله: «بررسی موضوعاتی در اندیشه سیاسی افلاطون»، «ارسطو»، «هابز»، «لاک»، «روسو»، «همپتن»، «فارابی»، «خواجه نصیر»، «نائینی»، «علامه طباطبائی» و «امام راحل». و نیز مقالاتی در (روش شناسی علوم سیاسی و مطالعه مقایسه ای موضوعات مبحث قدرت در اندیشه متفکرانی چون «فارابی»، «خواجه نصیر»، «ابن خلدون»، «وبر»، «گالبرایت»، «آرون»، «آرنت»، «لوکس»، «هابرماس» و «فوکو».)

در دوران تحصیل دکتری نیز مقالاتی نوشته ام از جمله: «طراحی الگو برای تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، «به کارگیری روش انتخاب عقلائی برای تحلیل جنبش دانشجویی در ایران» و «تحلیل سیاستگذاری عمومی در ایران با نگاه به اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی» بوده است.

از سال ۱۳۶۹ تاکنون توفیق حضور تبلیغی در دانشگاه های کشور، از جمله: (علوم پزشکی گیلان، علوم پزشکی یزد، دانشگاه گیلان، کرمان، تربیت معلم، فردوسی، شهید بهشتی، خواجه نصیر، علم و صنعت، علوم پزشکی شهید بهشتی، اصفهان، دانشگاه صنعتی اصفهان، صنعتی شاهرود) را از طرف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها داشته ام و در همایش های مختلفی نیز سخنرانی و برنامه داشتم.

پایان نامه ارشد این کمترین با عنون: «ادراکات اعتباری و اندیشه اجتماعی سیاسی علامه طباطبایی» تا کنون:

[۱] از سوی دانشگاه باقرالعلوم(علیه السلام)پایان نامه برتر شناخته شد.

[۲] از سوی دبیرخانه دین پژوهان، عنوان پژوهش برتر در حوزه دین پژوهی را گرفت.

[۳] از سوی جشنواره مهر، یادواره علامه طباطبایی، نیز برگزیده شد.

[۴] از سوی وزارت ارشاد اسلامی به عنوان پژوهش تشویقی معرفی گردید.

[۵] در همایش دو سالانه پژوهش برتر حکومت اسلامی دوره اول سال ۱۳۸۴ – ۱۳۸۵، از جمله چند پژوهش برتر شناخته شد و تندیس یاد بود و لوح و دیگر جوایز دریافت کرد.

علاوه بر تدریس متعارف دروس حوزوی مانند: (ادبیات، اصول فقه، شرح لعمه، مکاسب، اصول استنباط، بدایه و جوامع الجامع)، در مرکز جهانی علوم اسلامی و دانشگاه آزاد اسلامی نیز تدریس داشته ام. این کمترین بارها توفیق حضور تبلیغی در جبهه نبرد حق علیه باطل را داشتم که مجموعاً پنج ماه و نیم می شود. همچنین افتخار دارم که از خانواده شهدا و برادر شهید لطف الله یزدانی مقدم

می باشم.

در سال ۱۳۷۶ دبیر گروه فقه و حقوق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در سال ۱۳۷۷ دبیر نشریه تازه های اندیشه در مؤسسه طه، در سال های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ دبیر گروه علمی فقه و حقوق در دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (دفتر فرهنگی)، و در سال های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ عضو گروه سیاست و اجتماع در دفتر تنظیم و نشر آثار امام راحل بوده، و در حال حاضر (سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵) مدیر گروه پژوهشی حکومت اسلامی در مرکز تحقیقات حکومت اسلامی و عضو شورای عالی پژوهش و شورای همایش کتاب حکومت اسلامی در این مرکز می باشم. همچنین عضو انجمن مطالعات سیاسی بوده و از سال ۱۳۷۷ تا کنون جلسات مستمر با گروهی از دوستان انجمن مطالعات اسلامی، در زمینه های جامعه شناسی سیاسی، هرمنوتیک، سکولاریزاسیون و فلسفه سیاسی داشته ایم.

یوسفی راد، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی یوسفی راد

محل تولد : ورامین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۶۳ - ۶۴ به حوزه علمیه قم آمده و دروس حوزوی را از ابتدای مقدمات شروع نموده و تا کنون، سطوح مختلف آن را طی کرده و اکنون ۸ سال است که درس خارج را از اساتیدی همچون: «آیت الله وحید خراسانی»، «حاج شیخ جواد تبریزی» و «آیت الله بهجت» فرا گرفته ام. در کنار دروس حوزوی به جهت ضرورت فراگیری دروس دانشگاهی و ارتباط با دانشگاه و اساتید آن، از سال ۶۷ - ۶۸ به تحصیل دروس علوم سیاسی در موسسه آموزش عالی باقرالعلوم در مقطع کارشناسی بر آمدم و در سال ۱۳۷۳ فارغ التحصیل شدم و در ادامه در همان موسسه در مقطع کارشناسی ارشد وارد شدم و در سال ۱۳۷۹ فارغ التحصیل این رشته در این مقطع شدم.

در طی دوران آموزش و تحصیل خود، از سال ۱۳۷۴ وارد حوزه تحقیقات در علوم اسلامی در زمینه بررسی نظریات، آراء و اندیشه های سیاسی فیلسوفان مسلمان و موضوعات سیاسی شدم. در کنار تحصیل علوم حوزوی، دانشگاهی و تحقیقات در زمینه علوم اسلامی، حدود پنج سال نیز در فاصله سالهای ۷۷ تا ۸۱ به تدریس در دانشگاههای «آزاد اسلامی اراک»، «شهید چمران اهواز» و «علوم پزشکی اهواز» در درس (ریشه های انقلاب اسلامی) مشغول بودم.

در حال حاضر در زمینه تحقیق و پژوهش در پژوهشکده (علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و زیر نظر آموزش عالی متمرکز هستم و مدت سه سال است که مدیر گروه فلسفه سیاسی و هیئت علمی این پژوهشگاه می باشم.

روانشناسی، علوم تربیتی

ابراهیمی، رحمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحمت الله ابراهیمی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر متولد ۱۳۴۹ در شهر آمل استان مازندران در روستای شاه کتی در خانواده ای کشاورز به دنیا آمدم. دوران راهنمایی و سال اول دبیرستان را در شهر آمل گذراندم. پس از آن وارد حوزه علمیه آمل شدم که در سال ۱۳۶۷ بوده است.

این حقیر مقدمات و سیوطی را در شهر آمل طی دو سال گذراندم و پس از آن یکسال را در شهر ساری ادامه تحصیل دادم. پس از آن در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در محضر اساتیدی چون حضرت آیت الله اشتهاردی (دامت برکاته) و حضرت آیت الله وجدانی فخر(رحمت الله علیه) و حضرت آیت الله سبحانی و حضرت آیت الله دریاباری افاضه نمودم، که دروس سطح را به اتمام رساندم و فی الحال در درس خارج آیت الله دریاباری و دروس فلسفه و منظومه آقای دریاباری و خارج اصول آقای سبحانی مشغول تحصیل می باشم.

این حقیر تالیفات خود را از سال ۱۳۷۶ آغاز کردم که تاکنون ۵ اثر حقیر به چاپ رسیده و بعضی از آثار چاپ مجدد شده است که امید است خداوند قبول فرماید.

ابوترابی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ابوترابی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱۰/۳

احدی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی و روانشناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد روانشناسی از دانشگاه فرانسه در سال ۱۳۴۷، دکترای روانشناسی از دانشگاه فرانسه در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روانشناسی نوجوانی، جوانی، آزادگان، جانبازان و بیشتر روی نوجوانی، نظارت بر ۳ پایان‌نامه دکترا و راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی کودک، روانشناسی نوجوان، علم‌النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی، پویائی گروهی، بهداشت روانی و عقب‌ماندگی ذهنی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

روانشناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

احدی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی احدی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. ادبیات را در حد تدریس فرا گرفتم، بطوری که پس از گذشت چهار سال، شرح بر هدایه بنام کتاب" الزبده "را نوشته و استاد مدرس افغانی تقریظ بسیار ارزشمندی را بر این کتاب نوشتند. دو نکته را در آنجا اشاره فرمودند:

۱- بنده را بعنوان مجتهد در نحو و صرف تلقی دادند.

۲- دیگران را در اخذ مسائل متقن نحوی، بر کتاب حقیر ارجاع داده اند. این دو نکته مایه تشویق بنده شد، بطوری که تدریس را در کنار تحصیل شروع نمودم. همواره از اساتید بسیار مجرب در اصول پایه نظیر استاد مصطفی اعتمادی استفاده نمودم، که تعلیقه فرائد الاصول را پس از اتمام رسائل شروع نمودم. پس از آن مکاسب را محضر استاد ستوده و حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، و کفایهٔ الاصول را نزد فاضل لنکرانی تلمذ نمودم.

خارج اصول را نزد استاد وحید خراسانی به اتمام رساندم. خارج فقه را نزد آیهٔ الله مرحوم حاج میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی استفاده نمودم. اشتیاق وافر به فلسفه و عرفان و تفسیر باعث شد که شرح منظومه را از محضر انصاری شیرازی و اسفار را از محضر جوادی آملی و حسن زاده آملی و نیز عرفان را از این دو بزرگوار فیض ببرم و هنوز ادامه دارد و اکنون مشغول تدریس اسفار و تمهید و کفایه و خارج اصول می باشم.

مباحث روانشناسی را مدت هفت سال با تحقیق و پژوهش ادامه دادم و به مقطع صاحب نظری رسیدم و اکنون در حد کارشناسی، استفاده می گردد. و این دانش باعث شد که در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی وارد شوم و از اطلاعات به روز استفاده کامل نمایم.

منابع زندگینامه :مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

احمدی علون‌آبادی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مشاوره و راهنمایی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی و کارشناسی ارشد روانشناسی از دانشگاه تهران، دکترای مشاوره و راهنمائی از دانشگاه سیداکیوس آمرکیا.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس و مشاوره در شورای عالی برنامه‌ریزی، تجدید نظر در برنامه‌های کارشناسی مشاوره و تدوین کارشناسی ارشد مشاوره،

تدریس دروس دکترای مشاوره.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصول و روشهای تربیت در اسلام، مقدمه‌ای بر مشاوره روان درمانی، روانشناسی جوانان و نوجوانان، رفتار درمانی بالینی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بررسی افسردگی در دانشجویان دانشگاه اصفهان، پیشنهاد یک تئوری ترکیبی برای مشاوره ایران، بررسی ارزشها در دانشجویان دانشگاه اصفهان، بررسی افت تحصیلی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

احمدی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید احمد احمدی تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته کارشناسی روانشناسی در دانشگاه اصفهان آغاز و پس از اتمام آن دوره در مقطع کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۵۲ آن را ب پایان برد. وی برای تکمیل معلومات دانشگاهی به آمریکا عزیمت کرد و در مقطع دکترا رشته راهنمایی و مشاوره در دانشگاه سیراکیوس آمریکا به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۵۹ موفق به اخذ مدرک فوق شد. دکتر احمدی دارای تحصیلات حوزوی نیز است.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه اصفهان می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : راهنمایی و مشاورهتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی و دانشگاهی سید احمد احمدی به قرار زیر است: کارشناسی : روانشناسی –۱۳۴۸- دانشگاه اصفهان(رتبه اول) کارشناسی ارشد : روانشناسی تربیتی - ۱۳۵۲ - دانشگاه تهران(رتبه اول) دکترا : راهنمایی و مشاوره – ۱۳۵۹ – دانشگاه سیراکیوس آمریکا تحصیلات حوزوی : تاسطح حوزه علمیه اصفهان فعالیتهای آموزشی : دکتر سید احمد احمدی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه اصفهان می باشد.وی در مقاطع کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری به تئریس و امر آموزش می پردازد. ایشان در چندین دوره به ریاست «انجمن مشاورهٔ ایران» و همچنین جزو اعضاء هیئت مدیریه آن آن انتخاب شده است. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید احمد احمدی از موسسین انجمن مشاورهٔ ایران در سال ۱۳۷۵ است.چگونگی عرضه آثار : دکتر سید احمد احمدی مقالات زیادی را در مجلات معتبر علمی به چاپ رسانیده است. که بالغ بر ۳۱ مورد است.از او نیز ۱۲ مقاله در کنفراسهای علمی ارائه و منتشر شده است.آثار : اصول و روشهای تربیت در اسلام ویژگی اثر : تالیف–اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان. چاپ چهارم۱۳۸۱۲ رفتار درمانی بالینی ویژگی اثر : گلدفریدو دیویسن. (۱۳۷۱). ترجمه: سیداحمداحمدی.تهران نشر دانشگاهی۳ روانشناسی نوجوانان و جوانان ویژگی اثر : تالیف–اصفهان: انتشارات مشعل. چاپ یازدهم ۱۳۸۳۴ صرف ونحو عربی ویژگی اثر : تالیف–اصفهان: انتشارات مشعل. چاپ چهارم۱۳۸۳۵ مبانی

مشاوره و راهنمایی ویژگی اثر : گیبسون و میشل. (۱۳۷۴).ترجمه(فصل چهارم): سیداحمداحمدی. تهران انتشارات بعثت ۶ مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره ویژگی اثر : تالیف-تهران: انتشارات سمت. چاپ سوم ۱۳۸۳۷ مقدمه‌ای بر مشاوره و روان‌درمانی ویژگی اثر : تالیف- اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان. ویرایش سوم، چاپ سوم. ۱۳۸۳

احمدی، نعمت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته:-، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ارشاد، فرهنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: اقتصاد، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۲ طرح تحقیقاتی در زمینه مسائل عشایری خوزستان، تدریس دروس روش تحقیق در علوم اجتماعی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی عشایر ایران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مهاجرت روستائیان به شهرها بخصوص در ایران و کشورهای موسوم به جهان سوم.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

مهاجرت روستایی به شهر در ایران و خاورمیانه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ازکیا، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اسراری، علی‌نقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۳۲۵، تهران.

درگذشت: ۲۶ آبان ۱۳۷۱.

علی‌نقی اسراری پس از اتمام تحصیلات متوسطه، به منظور ادامه‌ی تحصیل عازم کشور آمریکا شد و بعد از طی مدارج علمی در سال ۱۳۵۲ موفق به اخذ دکتری در رشته‌ی تعلیم و تربیت گردید و سپس به ایران بازگشت و با رتبه‌ی استادیاری در دانشگاه تربیت معلم مشغول به خدمت شد و در سال ۱۳۵۷ به مرتبه دانشیاری ارتقا یافت.

دکتر علی‌نقی اسراری در سال ۱۳۷۰ مسئولیت معاونت دانشکده‌ی علوم تربیتی را پذیرفت. از وی دو کتاب به نام‌های مبانی اقتصاد آموزش و پرورش و مبانی برنامه‌ریزی درسی چاپ شده است. وی همچنین مقاله‌هایی را برای طبع در مجله‌های علمی داخل کشور به رشته‌ی تحریر درآورد.

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش و پرورش، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش و پرورش، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

زندگینامه

دکتر شادروان علی‌نقی سراسری در سال ۱۳۲۵ در میان خانواده مذهبی و اهل علم در شهر تهران دیده به جهان گشود. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه، به منظور ادامه‌ی تحصیل عازم کشور آمریکا شد. پس از گذراندن مدارج علمی در سال ۱۳۵۲ موفق به اخذ مدرک دکتری در رشته تعلیم و تربیت گردید و بلافاصله به میهن بازگشت و با رتبه استادیاری در دانشگاه تربیت معلم مشغول به خدمت شد و در سال ۱۳۵۷ به مرتبه دانشیاری ارتقاء یافت.

مرحوم دکتر اسراری در تمام دوران خدمت خود در دانشگاه، با جدیت و تلاش تمام به تدریس و تحقیق پرداخت و شاگردان زیادی را تربیت کرد. در سال ۱۳۷۰ مسئولیت معاونت دانشکده علوم تربیتی را پذیرفت و در اداره امور اجرائی دانشکده نقشی مؤثر ایفا نمود.

ایشان در سال ۱۳۵۴ ازدواج نمود که حاصل این ازدواج دو فرزند می‌باشد.

از مرحوم دکتر اسراری دو کتاب بنامهای «مبانی اقتصاد آموزش و پرورش» و «مبانی برنامه‌ریزی درسی» انتشار یافته و نیز چندین مقاله در مجلات معتبر علمی داخل کشور به چاپ رسیده است.

دکتر اسراری در شامگاه ۲۶ آبان ماه ۱۳۷۱ جان به جان آفرین تسلیم کرد و روحش به ملکوت اعلی پیوست.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اعلایی بنابی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اعلایی بنابی

محل تولد : بناب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱۰/۱

زندگینامه علمی

از همان دوران تحصیل ابتدایی نزد مرحوم والد که خود اهل علم بودند کتابهای ابتدایی طلبگی را از جمله نصاب الصبیان، جامع المقدمات و ... را خواندم. البته معمولاً فقط تابستان ها مشغول این درسها بودم.

در سال ۱۳۷۵ پدرم از دنیا رفتند و بنده در همان سال رسماً طلبه حوزه حضرت ولی عصر (عج) بناب شدم و طی سه سال دوره مقدمات تا پایه هفتم را گذراندم و در ضمن تحصیل برخی دروس پایه های پایین را نیز تدریس می کردم، همچون صرف ساده، عوامل، صمدیه، منطق مظفر، مغنی، اصول فقه مظفر و... . از اساتیدی که در آن مدرسه از وجود آنها بسیار بهره بردم می توان جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای شیخ عبدالمجید باقری بنابی، جناب حاج علی آتش زر، جناب آقای سیدی جناب آقای اسدپور و ... را نام برد.

در سال ۱۳۷۸ به قم مقدسه آمدم و در جوار کریمه اهل بیت (س)، در فیضیه مبارکه حجره گرفتم. با چهار پنج نفر از طلبه های با استعداد گروهی تشکیل دادیم و از محضر حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای رحیقی و حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای زمانی قمشه ای مدت شش هفت سال برخی کتاب های فلسفی همچون نهایهٔ الحکمه، شرح منظومه، قسمتی از اسفار، تمهید القواعد ابن ترکه، شرح فصوص قیصری و بخشی از مصباح الانس ابن فناری را در همان حجره گذراندیم. در ضمن تحصیل علوم عقلی، از محضر حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای مقیمی نیز در مبانی رجال و سند شناسی و از محضر آیات عظام مرحوم آقا شیخ جواد تبریزی (ره) و حاج آقای وحید خراسانی (دام ظله) در خارج فقه و اصول بهره ها بردیم.

بنده در ضمن تحصیل به تدریس کتابهای بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه و قسمت هایی از کتاب رسائل، مکاسب، کفایه و اسفار نیز مشغول بودم.

هم اکنون نیز از درس حضرت آیت الله حاج آقای بهبهانی در خارج اصول بهره می برم و به تدریس نهایهٔ الحکمه، مکاسب محرمه و رجال و سند شناسی مشغولم.

افجه، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رهبری و رفتار انسانی، دانشکده: حسابداری و مدیریت، دانشگاه: علامه طباطبائی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

افروز، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: کودکان استثنائی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی روانشناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱، کارشناسی ارشد کودکان استثنائی از دانشگاه میشیگان آمریکا در سال ۱۳۵۵ و دکترای کودکان استثنائی از دانشگاه میشیگان آمریکا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

هوش آزمایی انفرادی، تدریس دروس کودکان استثنائی، اختلالات روانی- حرکتی، کودکان عقب مانده و بهداشت روانی کودکان استثنایی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی کودکان استثنائی، روانشناسی کوداکن عقب مانده ذهنی، روانشناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، روشهای پرورش احساس مذهبی، کودک و لکنت زبان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

روانشناسی و تعلیم و تربیت هدفها و روشها در تعلیم و تربیت اسلامی، تعلیم و تربیت استثنائی، عقب ماندگی ذهنی و نیازهای زیستی- روانی کودکان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

افشار نادری، نادر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، محقق.

درگذشت: ۹ تیر ۱۳۵۸.

نادر افشار نادری مدیر بخش عشایرشناسی مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی و مدتی رییس آن مؤسسه بود. وی همچنین چندی عهده‌دار ریاست دانشکده‌ی علوم اجتماعی و بالاخره مؤسس و مدیر مؤسسه‌ی روستاشناسی بود و در دانشکده‌ی علوم اجتماعی نیز تدریس می‌کرد.

نادر افشار نادری مدت‌ها به تحقیقات در زمینه‌ی عشایر جنوب ایران مشغول بود. از جمله آثار وی تهیه گزارش «مسائل و نیازهای کودکان و نوجوانان» برای سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۰) بوده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اکرمی، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید کاظم اکرمی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب به لطف و عنایت الهی از دوره دبیرستان به مطالعه در زمینه علوم اسلامی و تربیتی و اجتماعی علاقمند بودم . استاد مشوقم در دوره دبیرستان جناب میر خلیل سید نقوی بودند که خداوند عمرشان را دراز کند و موفق تر شنان بگرداند . در دوره کارشناسی که رشته روانشناسی را برگزیده و در دانشسرای عالی تحصیل می کردم (سال های ۳۹ ـ ۴۲) از دانشمندانی چون مجاهد نستوه آیت الله طالقانی ، استاد علامه محمد تقی جعفری ، استاد شهید مرتضی مطهری در حد استعداد خویش بهره برده ام . پس از شروع به کار معلمی در مدرسه آیت الله العظمی آخوند ملا علی همدانی به تحصل ادبیات عرب روی آورده و از استادانی مانند مرحوم حاج شیخ صمد سلیمیان و آقای سید عزت الله مرتضوی استفاده بردم . منطق و فلسفه را با خواندن منظومه مرحوم سبزواری خدمت آقای محقق واعظ معروف همدانی آموختم . در دوره کارشناسی ارشد که تحصیل خود را دررشته مشاوره و راهنمایی به پایان رساندم مدتی از درس منظومه آیت الله سید رضا صدر بهره بردم .

در سال های ۴۷ تا ۴۸ با مرحوم شهید حجت الاسلام سید محمد رضا سعیدی آشنا شدم و آن بزرگ مرد مرا به خواندن علم اصول تشویق کرد و دو سه درس از اصول الفقه مرحوم مظفر را خدمت وی خواندم . بعد از برگشت از همدان ، تمام اصول الفقه را از درس حجت السلام و المسلمین حاج آقا رضا فاضلیان امام جمعه محترم ملایر بهره مند شدم . مقداری هم از کتاب رسائل الجدیده آیت الله مشکینی را خدمت آقای فاضلیان خوانده ام . در فقه ، تبصره علامه حلی را در زندان از آقای محمد علی گرامی فرا گرفتم . بعد از اتمام دوره وزارت آموزش و پرورش به دانشگاه تربیت معلم منتقل شدم و بحمد الله موفق به اخذ درجه دکترا در رشته برنامه درسی که یکی از رشته های علوم تربیتی است گردیدم و اکنون حدود هفده سال است که در این دانشگاه تدریس می کنم . درسهایی که دراین دانشگاه ارائه کرده و می کنم غیر از برنامه درسی، تعلیم و تربیت در قرآن کریم ، تعلیم و تربیت در نهج البلاغه ، تعلیم و تربیت اسلامی و تعلیم و تربیت در روایات است .

الماسی، علی‌محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

الهی بهاروند، سکندرامان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی جامعه‌شناسی از دانشگاه مورکان آمریکا در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد انسان‌شناسی از دانشگاه مریلند آمریکا در سال ۱۳۵۰، دکترا در رشته انسان‌شناسی از دانشگاه رایس آمریکا در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

تدریس و پژوهش در دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۳ تاکنون، استاد مدعو در دانشگاههای هاروارد، برگن نروژ در طی سالهای متمادی، پژوهشگر مدعو دانشگاه آرهوس دانمارک و دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مهاجرت از روستا به شهر، توسعه، فولکلور و زبان، روستاشناسی، تغییرات فرهنگی، عشایر، قوم‌شناسی، تاریخ جامعه‌شناسی روستائی، جامعه‌شناسی عشایری، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی تألیفات:

انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی تاریخی، جغرافیائی، فولکلور و زبان، فرهنگ‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

قوم‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخی، بوم‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

امیرخلیلی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: اقتصاد کشاورزی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

امیرکیانی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی امیر کیانی از سال ۱۳۳۸ نویسندگی را در روزنامه کیهان آغاز کرد. وی دوره روزنامه نگاری را در دانشگاه تهران به پایان برد. او رشته روانشناسی را نیز در مدرسه عالی پاریس سپری کرده است. وی در نشریات گوناگونی همچون امید ایران ، تهران مصور ، سپید و سیاه ، صبح امروز و... فعالیت داشته است. امیرکیانی در کنار حرفه روزنامه نگاری به نوشتن داستان کوتاه و رمان روی آورد. او کارهای خود را ابتدا از سال ۱۳۴۲ و به صورت پاورقی در مجله امروز به چاپ رساند.گروه : علوم انسانیرشته : روان شناسیوالدین و انساب : مصطفی امیر کیانی نویسنده و روزنامه نگار و سردبیر مجله « مصاحبه » ، از سال ۱۳۳۸ نویسندگی را در روزنامه کیهان آغاز کرد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی امیر کیانی دوره روزنامه نگاری را در دانشگاه تهران به پایان برد. او رشته روانشناسی را نیز در مدرسه عالی پاریس سپری کرده است.فعالیتهای آموزشی : مصطفی امیر کیانی از سال ۱۳۳۸ نویسندگی را در روزنامه کیهان شروع کرد. وی در نشریات گوناگونی همچون امید ایران ، تهران مصور ، سپید و سیاه ، صبح امروز و... فعالیت داشته است. امیرکیانی در کنار حرفه روزنامه نگاری به نوشتن داستان کوتاه و رمان روی آورد. او کارهای خود را ابتدا از سال ۱۳۴۲ و به صورت پاورقی در مجله امروز به چاپ رساند.آرا و گرایشهای خاص : مصطفی امیر کیانی در رمان نویسی توجه ویژه ای به مسائل روز دارد. وی مسائل مبتلاـ به جامعه را با گرایش روانشناختی مورد بررسی قرار داده ، و حوادث جامعه را به صورت رمان های اجتماعی تالیف می نماید. آثار وی جنبه قوی رئالیستی دارد و بخش عمده آن برگرفته از حوادث دهه های ۴۰ و ۵۰ می باشد. امیر کیانی در حوزه رمان نویسی بیشتر سبک جریان سیال ذهن را به دلیل داشتن زمینه روانشناسی می

پسندد. او در چگونگی خلق آثار خود بیان می کند که « من صحنه را ایجاد می کنم و بعد شخصیت هاداستان را پیش می برند. »آثار : بازپرس شعبه دوم ، درخت ها ایستاده می میرند ، ستاره های کاغذی ویژگی اثر : در این اثر علاوه بر رویدادهای اجتماعی ، به فرهنگ لمپنیسم نیز اشاره شده است.۴ قلعه درماندگان ویژگی اثر : این اثر یک داستان تحقیقی و پژوهشی است ، درباره کسانی که در زمان گذشته در قلعه زندگی می کردند. نویسنده فقر فساد و فحشا را به خوبی در این اثر نشان داده است.۵ گذر لوطی صالح ویژگی اثر : این اثر در سال ۱۳۶۰ انتشار یافت و اولین کتاب مصطفی امیر کیانی می باشد. در این کتاب زندگی لوطی ها مورد توجه قرار گرفته وبه گفتگوها و شخصیت های آنها اشاراه شده است. نقطه قوت این کتاب آن است که نویسنده در متن حوادث که در محله شترخان در جنوب تهران به وقوع پیوست ، حضور داشته است.

انصاری، هرمز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۳۱۱، انزلی.

درگذشت: ۶ خرداد ۱۳۶۵، اصفهان.

هرمز انصاری، فرزند سهام انصاری، پس از طی مدارس ابتدایی و متوسطه در اصفهان، از سال ۱۳۳۰ به ترتیب در دانشگاه‌های هامبورگ و کلن و برلین و فریبورگ به تحصیل حقوق و علوم سیاسی پرداخت. وی در سال ۱۳۳۶ از مدرسه عالی سیاسی برلین فارغ‌التحصیل شد. دو سال بعد در دانشگاه فریبورگ درباره‌ی «سازمان وزارت خارجه‌ی آمریکا» به تحقیق پرداخت. در سال ۱۳۳۹ به ایران بازگشت و مدتی کار مترجمی را در شرکت‌های خارجی به عهده گرفت تا اینکه در مهر ۱۳۴۰ به آمریکا رفت و علوم مدیریت بازرگانی را آموخت. در بازگشت از آمریکا در مونیخ اقامت گزید و در آن شهر به موازات فعالیت‌های بازرگانی و روزنامه‌نگاری مخصوصا با ماهنامه‌ی «کاوه» (بین سال‌های ۱۳۴۲ الی ۱۳۴۶) مطالعات تازه‌ای را در مؤسسه‌ی تحقیقات سیاسی دانشگاه مونیخ آغاز کرد. در سال ۱۳۴۳ پژوهشی پیرامون «منابع قانون اساسی آمریکا» انجام داد و در همان سال کتاب اصطلاحات آلمانی- فارسی را به چاپ رسانید. پس از تدوین رساله‌ی دکترای خود به نام «روابط ایران و آلمان بعد از جنگ بین‌الملل» به زبان آلمانی و انتشار آن از دانشگاه مونیخ به دریافت دکترای علوم سیاسی نایل آمد. این کتاب در آلمان هم به چاپ رسید. در بازگشت به ایران به شهرداری ناحیه‌ی اصفهان منصوب شد (۱۳۴۷). در شهریور ۱۳۴۹ به عنوان مشاور برنامه‌ریزی به خدمت دانشگاه اصفهان درآمد و از مهر ۱۳۵۰ با سمت استادیاری به تدریس مسائل اقتصاد سیاسی پرداخت. در اسفند ۱۳۵۰ پژوهشی درباره‌ی «مشکلات ترافیک اصفهان و راه سامان بخشیدن به آن» را به پیش برد. در تابستان ۱۳۵۱ کتاب دیپلمات و روابط دیپلماتیک را منتشر ساخت. در همان سال در دانشگاه اصفهان به سمت مدیریت گروه علوم اجتماعی برگزیده شده و دو اثر تحقیقی دیگر از طرف دانشگاه به نام قانون شهرداری ایران و مطالعاتی درباره‌ی انقلاب اداری ایران براساس و الگوی اصفهان انتشار داد.

آخرین اثر هرمز انصاری، جامعه‌شناسی شهر اصفهان است که در زمان حیات توفیق انتشارش نصیب او نشد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

آزاد فلاح، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پرویز آزاد فلاح در سال ۱۳۴۲، در تهران دیده به جهان گشود. پس از اتمام دوره دبیرستان، مدرک لیسانس روان شناسی بالینی را در سال ۱۳۶۵ از دانشگاه تهران، فوق لیسانس روانشناسی عمومی را در سال ۱۳۷۳ و دکتری روانشناسی سلامت را در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه تربیت مدرس اخذ کرد. پس از آن به عنوان عضو هیئت علمی گروه روان شناسی دانشگاه تربیت مدرس مشغول تدریس شد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : پرویز آزاد فلاح پس از اتمام دوره دبیرستان، مدرک لیسانس روان شناسی بالینی را در سال ۱۳۶۵ از دانشگاه تهران، فوق لیسانس روانشناسی عمومی را در سال ۱۳۷۳ و دکتری روانشناسی سلامت را در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه تربیت مدرس اخذ کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پرویز آزاد فلاح ضمن تدریس، مشاغل ذیل را به عهده گرفت: رئیس مرکز مشاوره و خدمات تخصصی روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس از سال ۱۳۷۸ مدیر گروه روانشناسی از سال ۱۳۸۰ عضو هیئت مدیرهٔ انجمن متخصصین روانشناسی عضو انجمن روانشناسی ایران فعالیتهای آموزشی : پرویز آزاد فلاح از سال ۱۳۷۸ به عنوان عضو هیات علمی گروه روان شناسی دانشگاه تربیت مدرس مشغول تدریس شد. او در طول سالهای فعالیت خود دروسی چون: نوروپسیکولوژی و نور و فیزیولوژی، انگیزش و هیجان، روانشناسی عمومی پیشرفته، متدولوژی ، روانشناسی شخصیت، روانشناسی کودکان استثنایی، روانشناسی مشاوره و راهنمایی را تدریس نمود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پرویز آزاد فلاح ضمن داوری مجلات علمی – پژوهشی (روانشناسی، دانشور، مجله بین المللی علوم انسانی)، به ارائه مقالات و پژوهشهای زیر نیز مبادرت ورزیده است: ارائه راهکارهای علمی و اجرایی برای حل فاصله بین بلوغ و ازدواج، (از سال ۱۳۷۹– در دست اجرا)، طرح ویژه توسعه کشور بررسی ارتباط هیجان خواهی و رفتارهای بزهکارانه (۱۳۷۷)، دانشگاه آزاد اسلامی، همکار اصلی بررسی پیمایشی نگرشهای مردم نسبت به موسیقی (۱۳۷۱)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فرآیند توسل به شناخت_ ۱۳۷۵)، ارائه مقاله در همایش تحول شناخت، دانشگاه تربیت مدرس استرس و تغییرات ایمنی شناختی در سطح sIgA، ۱۳۷۸)) ارائه مقاله در چهارمین کنگره سراسری استرس، دانشگاه علوم پزشکی ایران آثار : اثر موفقیت و شکست روی تغییرات فشار خون بر حسب میزان هیجان در افراد تیپ A (۱۳۷۳)، مجله پژوهش در پزشکی، شماره دی و اسفند ، بررسی تغییرات فشار خون بر اساس سرسختی در موقعیت شکست (۱۳۸۰)، مجله روانشناسی، شمارهٔ ۱۹ ، بنیاد های زیستی – روانی زمینه ساز اعتیاد (۱۳۷۹)، مجله روانشناسی، شمارهٔ ۱۵ ، سیر تحول روانشناسی (۱۳۷۸)، تهران: انتشارات جامعه پژوهشگران ، سیستم های مغزی / رفتاری: ساختارهای زیستی شخصیت (۱۳۷۹) مجله مدرس علوم انسانی، شمارهٔ ۱۴ ، فعالیت سیستم های مغزی/ رفتاری، رویدادهای زندگی و تغییرات ایمونوگلوبولین A (۱۳۷۸) مجله روانشناسی، شمارهٔ ۹

آزاد، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین آزاد، متولد۱۳۱۶ نیریز استان فارس، درخانواده‌ای سرشناس زاده شده و رشد یافته است. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش با موفقیت طی می کند و بعدها در دانشسرای کشاورزی شیراز تحصیلاتش را تداوم می بخشد و به استخدام آموزش و پرورش درآمده و در منطقه «لار» به تدریس و مدیریت مدرسه مشغول می‌شود. تا اخذ مدرک لیسانس در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل

در رشته روانشناسی بودند. مدرک کارشناسی ارشد و مدرک دکترای روانشناسی بالینی کودک را از دانشگاه USIU آمریکا کسب نمودند. بعد از بازگشت به ایران، او که بورسیه دانشکده مستقل تربیت بدنی بوده و نهایت با تشکیل دانشگاه علامه طباطبایی موفق می‌شود در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی مشغول به کار شد. وی، هم اکنون استاد پایه ۲۷ دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی است و دروس روانشناسی رشد، روان شناسی مرضی کودک، آسیب شناسی و متون انگلیسی درسی را ارائه می‌دهد. از وی آثار متعددی در زمینه روان‌شناسی به زبان انگلیسی و فارسی در دسترس می‌باشد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی بالینی کودک اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسین آزاد متولد ۱۳۱۶ نیریز استان فارس در خانواده ای سرشناس زاده شده و رشد یافته است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : - اخذ مدرک دیپلم کشاورزی در مهرماه ۱۳۳۵ از دانشسرای کشاورزی شیراز. - اخذ مدرک دیپلم (آزاد) علمی در سال ۱۳۳۵. - اخذ مدرک لیسانس روانشناسی از دانشگاه تهران، ۱۳۴۸. - اخذ مدرک فوق لیسانس روانشناسی از دانشگاه USIU آمریکا. - اخذ مدرک دکترای روانشناسی بالینی کودک از دانشگاه USIU آمریکا. خاطرات و وقایع تحصیل : در ایام تحصیل در شیراز به گردشهای علمی و تفریحی متعددی رفته و از جمله سفر و بازدید از تخت جمشید (پرسپولیس) و نقش رستم را به یاد دارد. یکی از کتابهایی که در آن مقطع تحصیلی مطالعه کرده، کتابی در زمینه روانشناسی از دکتر علی‌اکبر سیاسی بوده است و از اینکه از این طریق انسان می تواند شناختی از خودش و دیگران کسب کند و رفتارش را بر این اساس تغییر دهد، چنان شوق و رغبتی در او به وجود می آید که به تحصیل روانشناسی روی می آورد رفتن به آمریکا و اخذ مدرک دکتری روانشناسی از دانشگاه USIU از وقایع دوران تحصیل دکتر آزاد نیز می توان شمرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : بعد از فراغت از تحصیل، دروس روانشناسی، روانشناسی یادگیری و روانشناسی عمومی را (با عنوان استادپروازی) دو روز در هفته در دانشگاه جندی شاپور اهواز (چمران فعلی) ارائه می دهد و در مؤسسه تحقیقات روانشناسی دانشگاه تربیت معلم به عنوان محقق به کار مشغول می شود. یکی از تحقیقاتی که در آن مؤسسه انجام داده، درباره دلایل و تفاوتهای دانشجویان مشروطی و غیرمشروطی بوده است و نتیجه می گیرد که متأهلین که در دوره های شبانه مشغول به تحصیل بوده و در ساعات روزانه مشغول کار بوده اند کارآمدی تحصیلی نداشته اند. تحصیل در مقطع دکترای روانشناسی بالینی کودک را در دانشگاه «USIU» آمریکا سپری می کند. تز او در مورد ویژگی ها و خصوصیات چپ دست ها بوده است. به این نتیجه می رسد که چپ دستها بیشتر از راست دست ها به کارهای هنری و ابداعی از جمله موسیقی رغبت نشان می دهند.استادان و مربیان : حسین آزاد از استادانش، دکتر سیاسی، دکتر سعید شاملو، دکتر غلامحسین صدیقی، دکتر یحیی مهدوی، دکتر مهدی جلالی، محمود منصور و دکتر آراسته را به یاد می آورد و درباره دکتر صدیقی معتقد است که به تمام معنا به لحاظ علمی، رفتاری و فکری استاد بوده است». در تهران، درس روانشناسی شخصیت را با دکتر سیاسی می گذراند؛ «دکتر سیاسی، در رفتار، حرف و صحبت، تمام و کمال انسان بود.» درباره دکتر صناعی هم می گوید: «وقتی به کلاس می آمد، به تمام معنا جذب او می شدیم.»مشاغل و سمتهای مورد تصدی : بعد از بازگشت به ایران، او که بورسیه دانشکده مستقل تربیت بدنی بوده، با تغییر و تحول و ادغام متعدد دانشکده مواجه می‌شود و در نهایت با تشکیل دانشگاه علامه طباطبایی موفق می شود در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی مشغول به کار شود و مدتی هم مدیر گروه روانشناسی باشد، مدتی معاون دانشکده هم شده و عضو کمیته برنامه ریزی روانشناسی شورای انقلاب فرهنگی نیز بوده است، در سازمان سنجش نیز مسئولیت روان سنجی سؤالات آزمون را به عهده داشته است.فعالیتهای آموزشی : حسین آزاد، هم اکنون استاد پایه ۲۷ دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی است و دروس روانشناسی رشد، روانشناسی مرضی کودک، آسیب شناسی و متون انگلیسی درسی را ارائه می دهد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین آزاد علاوه بر مطالعه در شاخه های مختلف روانشناسی و انجام تحقیق های خاص در همین زمینه به مشاوره مشکلات روانی افراد نیز می‌پردازد. با اینکه اقتضائات زندگی، او را روانه پایتخت ساخته ولی دست کم یک بار در سال عازم شیراز می‌شود و بعد از ملاقات

خویشاوندان، نخستین کاری که می‌کند این است که از حافظیه، مزار سعدی و اماکنی همچون تخت جمشید بازدید می‌کند. آرا و گرایشهای خاص : او معتقد است که روانشناسی و استفاده از مشاوره می تواند بسیاری از مشکلات را رفع کند. مشکلاتی که افراد در ذهن خودشان از «کاه»، «کوه» می‌سازند و در مشاوره و صحبت با روانشناس می توان بر این مشکلات فائق آمد. به نظر حسین آزاد، بسیاری ازمشکلات روانی قابل رفع هستند، مگر اینکه فرد دچار اسکیزوفرنی باشد. از دید او بسیاری از مشاجرات و نارضایتی ها به دلیل این است که گفتگو انجام نمی شود. در حالی که یک راه کاستن از اضطراب و فشار این است که افراد با یکدیگر گفتگو کنند. «باورم این است؛ هیچ مشکلی نیست که قابل حل نباشد. ما چون با همدیگر گفتگو نمی کنیم، تصور می کنیم که هر چه ما می گوییم صحیح است و دیگران اشتباه می کنند. به همین سبب است که در روانشناسی گفتگو یک اصل اساسی و بسیار ضروری است.» او که مدتی در یک کلینیک، به امر مشاوره اشتغال داشته می گوید: عمده مراجعات در مورد مشکلات زناشویی، مشکلات جوانان و اضطراب و استرس بوده است. با این حال او معالجه بیماری های روانی را با یک بار مراجعه دشوار می داند و اینکه تصور شود، فرد می تواند با یک بار مراجعه بهبود پیدا کند تصور صحیحی نیست. حسین آزاد همچون بسیاری از نخبگان ایرانی، آرمان های بزرگی نیز در ذهن می پروراند و می گوید: «من به عنوان یک عضو کوچک از جامعه، دلم می‌خواهد از آنچه دارم برای کشورم، مردم و دوستانم استفاده کنم و از هیچ خدمتی دریغ نکنم.» حسین آزاد در زمان انجام تحقیق با چه مشکلاتی روبرو بوده است؟ خودش می گوید که در ایران، به سختی به پرسشنامه پاسخ می‌دهند ولی در ممالک دیگر می‌توان به سهولت ارتباط برقرار کرد و سؤالات تحقیق را پرسید. به یاد دارد که در دوران تحصیل و در کلاس درس دوتن از روانشناسان معروف و مشهور وقت به نامهای «راجر» و «فرانکل» که به ترتیب به رویکرد انسان گرایی و اصالت وجود معتقد بوده اند، با هم بحث کرده اند و هر یک از آنها از تئوری خود دفاع کرده است و در عین حال، بحث و تبادل نظر آنها هیچ خدشه ای به دوستی و همکاری شان وارد نمی آورده و حسین آزاد با ابراز تأسف از آنچه که در بین بسیاری استادان ایرانی می‌گذرد معتقد است که بین استادان، آن نوع دوستی و همکاری شکل نمی‌گیرد تا دانشجویان با نقاط ضعف و قوت دیدگاه ها و رویکردهای مختلف آشنا شوند. از میان تئوری های روانشناسی به تئوری های انسان گرایی علاقه و اعتقاد وافر دارد. در این نوع تئوری ها بر احترام گذاشتن و توجه کردن به دیگران و همنوعان و پذیرش و احترام بی چون و چرای مراجعه‌کنندگان تأکید خاصی می‌شود. در ضمن تأکید می کند که این علاقه موجب این نیست که سایر تئوری ها را مردود بشمارد. برای مثال به یافته های روانکاوی زیگموند فروید پدر روانکاوی اشاره کرده، می گوید: کسی نمی تواند منکر خدمات فروید شود و بگوید تئوری های فروید کاربردی ندارند. چرا که تئوری های فروید، جایگاه والایی در روانشناسی و تشخیص مشکلات و معضلات روانی داشته و دارد. به باور او، زیبایی های زندگی بیش از زشتی های آن است و از این نظر خودش نیمه پر لیوان را می بیند. معتقد است که پیشرفت و موفقیت ، بدون زحمت و دردسر فراهم نمی شود و به همین دلیل باید تلاش کرد و کارها را نیمه کاره رها نکرد. چگونگی عرضه آثار : او در آثار و تألیفات خود نشان می دهد که بیماریهای روانی چه تأثیری در بیماریهای دیگر از جمله سرطان و سکته مغزی دارد. او در یکی از مقالاتش نیز می‌کوشد که این موضوع را توضیح دهد اگر افراد بخواهند می توانند از طریق آرامش عضلانی (Relaxation)، اضطراب خود را برطرف کنند. آثار : آسیب شناسی (۲جلد) ، روانشناسی بالینی (انگلیسی) ، روانشناسی عمومی (انگلیسی) ، روانشناسی مرضی کودک ، واژه نامه روانشناسی و علوم تربیتی

منابع زندگینامه :بنیاد ایرانشناسی

آشفته تهرانی، امیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و قشرشناسی از ایران و فرانسه.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح تعاونیهای روستائی، تدریس دروس جامعه‌شناسی عمومی، جمعیت‌شناسی، مردم‌شناسی و قشرشناسی به مدت ۲۵ سال، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

برنامه‌ریزی فرهنگی و توسعه اقتصادی، جامعه‌شناسی، مدیریت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

جامعه‌شناسی جمعیت، اقتصاد جمعیت، جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی کشورهای جهان سوم.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آل احمد، شمس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شمس آل احمد از دانشمندان معاصر ایران است . او دررشته فلسفه و علوم تربیتی تحصیل کرده و مدت ها به عنوان دبیر آموزش وپرورش خدمت کرده است . وی در دانشکده نیز رشته کتابداری را تدریس کرد . سپس با تاسیس موسسه انتشاراتی رواق به کار نشر پرداخت.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

والدین و انساب : شجره خانوادگی شمس آل احمد ، پس از ۳۵ نسب به حضرت امام سجاد (ع) می رسد .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شمس آل احمد درمحله پاچنار و در یک خانواده مذهبی تهران رشد و نمو کرد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : شمس آل احمد ،فوق لیسانس فلسفه و علوم تربیتی را از دانشسرای عالی تهران اخذ کرد .

فعالیتهای ضمن تحصیل : شمس آل احمد ضمن مقدمات آکادمیک به عکاسی نیز علاقمندشد و با این زمینه دوره عکاسی سینما را درآلمان گذراند.

فعالیتهای آموزشی : شمس آل احمد فلسفه شمس را مدتی دردانشکده رشته کتابداری تدریس کرد و پس از آن درمدرسه بهیاری ادبیات را به دانشجویان آموزش داد. او در مورد فعالیتهای آموزشی براین عقیده است که هرکس که درهرزمانی خوب بنویسد و حاشیه نگر نباشد ،حتما مطالبی را از او درحافظه تاریخی مردم خواهد ماند واین یکی از خصوصیات همیشگی ادبیات و فرهنگ درجهان است .

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : شمس آل احمد پس از آنکه دوره عکاسی وسینما را در آلمان سپری کرد، موسسه انتشاراتی رواق را تاسیس و به کار نشر پرداخت.

همفکران فرد : یکی ازهمفکران اصلی شمس آل احمد ، برادرش جلال بود که همانند دو دوست باهم رفتار می کردند. این مناسبات دوستانه چنان بود که گاه باهم به سفرو سیر و سیاحت و نیز کوه پیمایی می رفتند. همفکران دیگر او ، عبدالکریم روشن ، جلال الدین فارسی و ربانی املشی هستند .

آرا و گرایشهای خاص : شمس آل احمد براین عقیده است که «یک اتفاق مبارک و بزرگ درادبیات داستانی مادر حال رخ دادن است . این نوع از ادبیات کم کم دارد از صورت مکالمه ای به محاوره ای نزدیک می شود . یعنی از کاغذ فاصله می گیرد وبه زبان و لحن می رسد، که خیلی دلنشین است . زیرا مخاطب این نوع آثاراحساس نمی کند کسی برایش برروی کاغذ تعیین تکلیف کرده است . او حس می کند که نویسنده به طور رو دررو با او درحال گفتمان است» . --

آثار :

۱ از چشم برادر

ویژگی اثر : شمس آل احمد این اثررا تنظیم و ویرایش کرده است .

۲ حدیث انقلاب

ویژگی اثر : شمس این اثر را تنظیم و ویرایش کرده است .

۳ خاطرات سفر کوبا

ویژگی اثر : شمس این اثر را تنظیم و ویرایش کرده است

۴ طوطی نامه

ویژگی اثر : شمس آل احمد این اثر را تنظیم و ویرایش کرده است

براهنی، محمدنقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد نقی براهنی درسال ۱۳۱۱ درتبریز چشم به جهان گشود .دوران ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش سپری کرد .وی در سال ۱۳۲۴ در رشته آموزش زبان کارشناسی خود را از دانشگاه تبریز اخذ نمود.با توجه به شایستگی در دوران تحصیل در سال

۱۳۳۵ با دریافت بورس تحصیلی به انگلستان رفت و در سال ۱۳۳۶ دیپلم اکادمیک روانشناسی پرورشی را از دانشگاه لندن دریافت کرد.دکتر براهنی تحصیلات خود را در رشته روانشناسی ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۴۷ مدرک دکتری رشته روانشناسی را از دانشگاه کلمبیا آمریکا اخذ کرد.وی پس از مراجعت به ایران در دانشکده علوم تربیتی به تدریس و پژوهش پرداخت و در سال ۱۳۶۲ با درجه دانشیاری ،زود هنگام بازنشسته گردید.سرانجام دکتر براهنی پس از طی یکسال بیماری های پیاپی در سال ۱۳۸۱ دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد نقی براهنی دبستان ودبیرستان خود را درزادگاهش به پایان رساند ، بعد وارد دانشگاه تبریز شد و درسال ۱۳۳۴ با درجه عالی مدرک لیسانس خودرا درآموزش زبان دریافت کرد . درسال ۱۳۳۵ بادریافت بورسیه تحصیلی به کشور انگلستان اعزام شد و درسال ۱۳۳۶ توانست ازدانشگاه دیپلم آکادمیک روانشناسی پرورشی را دریافت نماید . بعد از دریافت این مدرک به ادامه تحصیل پرداخت . در سال ۱۳۳۸ موفق به اخذ درجه فوق لیسانس روانشناسی پرورشی از دانشگاه لندن گردید .سپس برای ادامه تحصیل به آمریکا اعزام و در سال ۱۳۴۵ از دانشگاه کلمبیا درجه فوق لیسانس روانشناسی دریافت کرد . به دنبال این موفقیت، تحصیل دوره دکتری را شروع کرده همزمان با آن به عنوان متخصص آزمون سازی در موسسه هارگوت پرس واقع در نیویورگ آمریکا شروع به کار کرد و تا سال ۱۳۴۶ به این کار ادامه داد.دکتر محمد نقی براهنی در سال ۱۳۴۷ درجه دکتری روانشناسی را از دانشگاه یاد شده دریافت کرد. همسر و فرزندان : ثمره ازدواج محمد نقی براهنی با خانمی آموزگار دو فرزند می باشد که یکی از آنان متخصص زنان و زایمان و دیگری در حال گذراندن تخصص در رشته طب اطفال است که همواره گرمی بخش زندگانی سراسر کوشش و تلاش او بوده اند – هم او که هرگز گرد منصب و مقام نگشت و هم او که از سر فروتنی، گمنام ماندن را برگزیده بود چنانکه در پاسخ درخواست های مکرر دوستان و همکاران برای برگزاری مجلس بزرگداشتی برای او به یکی از دوستان شریفش گفته بود " شما می خواهید برای مورچه عروسی راه بیاندازید ". وقایع میانسالی : محمد نفی براهنی در اواسط سال ۱۳۴۰ به تبریز عزیمت کرد و تا سال ۱۳۴۳ به عنوان عضو هیات علمی گروه روانشناسی دانشگاه تبریز به تدریس و پژوهش پرداختزمان و علت فوت : شادروان دکتر محمد نقی براهنی در آخرین سه شنبه مردادماه هزار و سیصد و هشتاد و یک در پایان یک سال طولانی پر از روزهای دشوار بیماری های پیاپی (اگرچه در حلقه محبتهای خانواده مهربان و دوستان شفیق) در آرامش ابدی قرار گرفتند و در قطعه هنرمندان گلزار وادی رحمت شهر تبریز به خاک سپرده شدند. روانش شاد و یادش گرامی باد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : همزمان با تحصیل محمد نقی براهنی دردوره لیسانس درشهرستان مرند ،به عنوان آموزگار مشغول به کارشد و پس از دریافت مدرک لیسانس به مدت دو سال دردبیرستانهای ارومیه به تحصیل پرداخت .در اواسط ۱۳۴۰ به تبریز عزیمت کرد و تاسال ۱۳۴۳ به عنوان هیات علمی گروه روانشناسی دانشگاه تبریز به تدریس پرداخت . همزمان با تحصیل در دوره دکتری به عنوان متخصص آزمون سازی در موسسه هارگوت پرس واقع در نیویورگ آمریکا شروع به کارکرده و تاسال ۱۳۴۶ به این کار ادامه داد . دکتر براهنی برای ادامه کار به ایران بازگشت و در گروه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران ، به سمت استاد یاری و سپس دانشیاری به تدریس و پژوهش پرداخت . درسال ۱۳۶۲ به همان درجه دانشیاری از دانشگاه تهران بازنشسته شد .فعالیتهای آموزشی : محمد نقی براهنی در دوران حضور در دانشگاه تهران با توجه به فقدان کتابهای درسی شایسته در زمینه های اصلی روانشناسی علمی روز به ترجمه متون زیربنایی دانشگاههای پیشتاز و پراعتبار جهان همت گماشت . کتابهای مبانی نظری آزمون های روانی ، انگیزش و هیجان ، روان آزمایی ، روانشناسی یادگیری محصول این رویکرد استاد است . باپای این تلاشها ، نخستین گامها را در راه فعالیتهای آزمایشی و تجربی یا به بیان دقیق تر عملی شدن مفهوم پژوهش و تحقیق در این شاخه از دانش بشری برداشت. نخستین اقدام برای تهیه هنجاریابی آزمون ها ، بویژه آزمونهای شناختی در این مسیر قرار داشت . ضرورت وجود این قبیل آزمونها در وزارت علوم و نیز آموزش و پرورش و همچنین برای بسیاری از برنامه ریزی های آموزشی کلان کشوری از دیر زمان احساس می شد . استاد در کنار

این تلاش های چند جانبه طرح بزرگ " بررسی رابطه نمرات دانشگاهی با نمرات آزمون ورودی دانشگاهها و نمرات دبیرستانی " را به اجرا در آورد و نتایج آن را در کنفرانس های داخلی و خارجی منتشر ساخت . در عین حال که دقت علمی تا سرحد وسواس، مهمترین خط مشی استاد بود با این همه رفتار بسیار دوستانه و فروتنانه او خصوصا با دانشجویان همواره به چشم می آمد و گاه مایع شگفتی بود. علاوه بر همه این فعالیت های چشمگیر، کار بزرگ دیگری نیز در کارنامه خدمات ملی دکتر براهنی قرار دارد و آن ساختن مجموعه آزمونی تحت عنوان " مجموعه آزمون تشخیص استعداد " است؛ گزارش سال ها رنج و مرارت او در زمینه این کار خارق العاده در اختیار مسئولین آموزش و پرورش قرار دارد و امید می رود هر چه زودتر انتشار یافته و زمینه کاربرد آن فراهم گردد . سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد نقی براهنی در طول تعطیلی دانشگاهها و بخصوص بعد از بازنشستگی ، تهیه چند کتاب بنیادی دیگر از جمله کتاب نظریه های یادگیری و همچنین تهیه هنجار ایرانی برای رایجترین آزمون شناختی دنیا (وکسلر) در دستور کار استاد قرار گرفت و در همین دوران بود که با دعوت انسانی بسیار شریف در انستیتو روانپزشکی تهران به تدریس روی آورد و به آموزش دانشجویان و راهنمایی پایان نامه های دوره های کارشناسی ارشد ، دکتری و دوره های تخصصی همت گماشت . گردهم آمدن صاحبنظران و مدرسین دانشگاهها برای تالیف کتاب کلیدی " واژه نامه روانشناسی و زمینه های وابسته " و ترجمه کتاب " زمینه روانشناسی " از زمره تدابیر علمی فرهنگی بزرگی است که در دوران تعطیلی دانشگاهها شروع گردید. کتاب بزرگ دائرة المعارف روانشناسی را نیز در دست تهیه داشت که متاسفانه مهلت به ثمر رساندن آن را نیافت شاگردان : دکتر عشایری از جمله چهره های برجسته و نام آشنای رشته روانشناسی کشور، خاطرات فراوانی از سالهای دوستی، مراودت و همکاری با زنده یاد دکتر براهنی دارد. وی گوشه ای از خاطرات این سالها را اینگونه عنوان می کند: «من هیچوقت از آن مرحوم نشنیدم که بگوید من خسته ام و ندیدم که به ساعت نگاه کند. یکبار پس از کلاسهای متعدد با دانشجویان در دانشگاه تبریز گفتم: دوستان، من خسته ام. ولی دکتر براهنی خیلی خونسرد گفتند: بهترین ساعتهای زندگی من همین ساعتهاست. در واقع به نظر ایشان، تعامل ، تفکر، سؤال و پرسش و پاسخ تقوای فکر بوده و هست». دکتر زمانی، آنچه از بودن در کنار استاد را به یاد می آورد، فعالیت استاد و کار و توجه به مصلحت اندیشی دیگران و باز هم کار: «دکتر براهنی فردی بود که با آن مرتبه وتوان علمی و با آن نوشته های درخشان، ساعتهای متمادی بدون اظهار ناراحتی از صرف وقت، فعالیت می کردند. هیچ وقت ندیدم که بگوید بهتر بود وقتم طور دیگری صرف شود. همیشه آخرین نفری بود که جلسات را ترک می کرد. تا هر وقت لازم بود، می ماند و این نموداری از آن ایمان با ارزش به کار علمی است. او همیشه به فکر مصلحت عام بود و نه منفعت شخصی. حتی بارها شاهد بودم، زمانی که مقام یا پستی به وی پیشنهاد می شد اکثراً آن را به دیگران پیشنهاد می کرد، باوجود آن که ایشان در بسیاری از موارد برای این سمت ها ارجح تراز بقیه بود.» دکتر بوالهری ،دکتر گلزاری ،دکتر سعید شاملو (استاد و مدیرگروه روانشناسی بالینی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی) از شاگردان زنده یاد محمد نقی براهنی می باشند.آرا و گرایشهای خاص : ایشان فارغ از سود و زیان مادی و تنها با رویکرد دانشمندی عاشق و بی خبر از خود و بی اعتنا به خور و خواب مشغول خدمت بود . تلاش های پیگیر این دانشمند فرزانه در استقرار موازین پژوهشهای علمی در این زمینه در چشم انداز بنیانگذاری انجمن روانشاسی ایران نیز قابل وصف استچگونگی عرضه آثار : محمد نقی براهنی به ترجمه متون زیربنایی دانشگاههای پیشتاز و پر اعتبار جهان همت گماشت . کتابهای مبانی نظری آزمون های روانی ، انگیزش و هیجان روان آزمایی، روانشناسی یادگیری محصول این رویکرد است . در طول تعطیلات دانشگاه برای تالیف «واژه نامه روانشناسی و زمینه های وابسته »و ترجمه کتاب «زمینه روانشناسی » از زمره تدابیر فرهنگی وی می باشد . بعد از بازنشستگی هم به تالیف کتابهای بنیادی از جمله «نظریه های یادگیری»و همچنین «تهیه هنجار ایرانی » ستون کار او قرار گرفت . وی دارای بیش از سی مقاله به زبان فارسی و در مجلات علمی کشور و چندین مقاله بین المللی، به علاوه چندین پژوهش علمی - ملی می باشد.آثار : ، انگیزش و هیجان ، تعبیر رؤیا ، روان آزمایی ، روانشناسی خرافات ، زمینه روانشناسی ، مبانی نظری آزمونهای

روانی ، نظریه های یادگیری و مدیریت عوامل روانی ـ اجتماعی محیط کار ، واقعیت و خیال در روانشناسی

بنی جمالی، شکوه السادات

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر شکوه السادات بنی جمالی تحصیلات دانشگاهی را در رشته روانشناسی آغاز کرد .پس از اخذ مدرک کارشناسی روانشناسی و کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی به صورت مدعو در مدرسه عالی شمیران (دانشگاه علامه طباطبایی) ، مدرسه عالی پرستاری زینب و دانشگاه الزهرا تدریس نموده و سپس به عنوان عضو هیات علمی به تدریس و تحقیق پرداخت. که تاکنون ادامه دارد. در سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ درجه دکترا در رشته روانشناسی از ایران شد. وی هم اکنون به جز تدریس ، در شورای پژوهشی ، شورای انتشارات و به عنوان مدیر مسئول مجله مطالعات روانشناختی (علمی ـ پژوهشی) دانشگاه الزهرا فعالیت می‌نماید. گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : شکوه السادات بنی‌جمالی لیسانس روانشناسی را در سال ۱۳۵۳ و فوق لیسانس مشاوره و راهنمایی را در سال ۱۳۵۷ از ایران دریافت نمود.در سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ درجه دکترا در رشته روانشناسی از ایران شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شکوه السادات بنی جمالی عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا می باشد.وی هم اکنون به جز تدریس ، در شورای پژوهشی ، شورای انتشارات و به عنوان مدیر مسئول مجله مطالعات روانشناختی (علمی ـ پژوهشی) دانشگاه الزهرا فعالیت می‌نماید.فعالیتهای آموزشی : شکوه السادات بنی جمالی پس از اخذ درجه فوق لیسانس ابتدا به صورت مدعو در مدرسه عالی شمیران (دانشگاه علامه طباطبایی) ، مدرسه عالی پرستاری زینب و دانشگاه الزهرا تدریس نموده و سپس به عنوان عضو هیات علمی به تدریس و تحقیق پرداخت. که تاکنون ادامه دارد.چگونگی عرضه آثار : سوابق پژوهشی شکوه السادات بنی جمالی به قرار زیر است: ـ مجری دو طرح پژوهشی تحت عنوان « ریشه‌یابی علل از هم پاشیدگی خانواده‌ها در رابطه با ویژگی‌های روانی ـ اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج و هنجاریابی آزمون جسمی ، خلقی و عاطفی P.T.A و همکاراصلی در : ۱ـ بررسی کتب دروس دوره راهنمایی از دیدگاه روانشناختی ۲ـ بررسی عوامل موثر در اختلالات رفتاری نوجوانان و دانش‌آموزان در سطح کشور ۳ـ بررسی جایگاه روانشناختی در ایران ۴ـ بررسی رشد جسمی ، شناختی و عاطفی (از ۳ تا ۷ سالگی) ۵ـ استاندارد کردن تست هوشی ۶ EDLـ بررسی علل عقب ماندگی در ایران از ایشان چندین مقاله در مجله های علمی به چاپ رسیده است.که می توان به چند مورد از عنوان مقالات دکتر بنی جمالی اشاره کرد: مقالات ۱ـ مکتب ساخت گرایی ـ مجله پژوهش در مسائل روانی ـ اجتماعی (علمی ـ پژوهشی) ۱۳۶۹ ـ سال سوم ۲ـ سرشت و شخصیت انسان ـ مجله دانشنامه ـ (علمی ـ پژوهشی) ۱۳۶۹ ـ سال اول شماره ۲ ۳ـ فرهنگ و رشد شناختی ـ مجله دانشنامه (علمی ـ پژوهشی) ۱۳۷۵ـ سال دوم شماره ۴ ۴ـ پرخاشگری انسان ـ مجله دانشنامه (علمی ـ پژوهشی) ۱۳۷۵ ـ شماره ۲۰ و ۲۱ ۵ـ بررسی علل بروز اختلالات روانی نزدرزمندگان در جنگ عراق علیه ایران (علمی ـ پژوهشی) ۱۳۷۶ ـ شماره ۲۴ و ۲۶ آثار : بهداشت روانی و عقب‌ماندگی ذهنی ویژگی اثر : چاپ سوم ۱۳۷۵۲ تغییر و اصلاح رفتار کودک(راهنمایی برای معلمان ، پرستاران و والدین) ویژگی اثر : تالیف لوک– اس. واتسن– ترجمه شکوه السادات بنی جمالی– چاپ اول ۱۳۸۱ ۳ دینامیسم گروهی ویژگی اثر : ۱۳۷۳۴ علم‌النفس از دیدگاه دانشمندان و مقایسه آن با روانشناسی جدید ویژگی اثر : چاپ هشتم ۱۳۷۷ ۵ مفاهیم بنیادی در روانشناسی ویژگی اثر : رشد چاپ یازدهم ۱۳۷۸

به پژوه، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر احمد به پژوه در سال ۱۳۲۷ در شهر تهران دیده به جهان گشود.در سال ۱۳۵۳ دانشنامهٔ لیسانس در رشتهٔ خدمات اجتماعی را دریافت کرد. آنگاه برای ادامه تحصیل راهی شیراز شد و در سال ۱۳۵۹ به دریافت دانشنامهٔ فوق لیسانس در رشتهٔ علوم تربیتی از دانشگاه شیراز نایل گردید و از همان سال به عنوان عضو هیأت علمی در دانشگاه شیراز مشغول به کار شد.در سال ۱۳۶۵ برای ادامهٔ تحصیل به انگلستان عزیمت کرد و در سال ۱۳۶۹ موفق به دکتری روان شناسی (کودکان استثنایی) از دانشگاه کیل شد .نامبرده هم اکنون عضو و هیئت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : روان شناسیگرایش : کودکان استثناییتحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد به پژوه در سال ۱۳۵۳ دانشنامهٔ لیسانس در رشتهٔ خدمات اجتماعی را دریافت کرد. آنگاه برای ادامه تحصیل راهی شیراز شد و در سال ۱۳۵۹ به دریافت دانشنامهٔ فوق لیسانس در رشتهٔ علوم تربیتی از دانشگاه شیراز نایل گردید و از همان سال به عنوان عضو هیأت علمی در دانشگاه شیراز مشغول به کار شد. در سال ۱۳۶۵ برای ادامهٔ تحصیل به انگلستان عزیمت کرد و در سال ۱۳۶۹ موفق به دکتری روان شناسی (کودکان استثنایی) از دانشگاه کیل شد .وقایع میانسالی : احمد به پژوه پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی در سال ۱۳۵۹ از دانشگاه شیراز،در همان سال به عنوان عضو هیأت علمی در دانشگاه شیراز مشغول به کار شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد به پژوه در سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ در ستاد انقلاب فرهنگی سابق (شورای عالی انقلاب فرهنگی کنونی) فعالانه در کمیتهٔ برنامه ریزی علوم تربیتی اشتغال داشت و در سال ۱۳۶۱ به دانشکدهٔ روان شناشی و علوم تربیتی دانشگاه تهران پیوست. از دیگر خدمات علمی و اجرایی دکتر احمد به پژوه می توان به موراد زیر اشاره کرد • : ۱۳۸۲,معاونت تحصیلات تکمیلی,دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی • ۱۳۷۳,۱۳۷۳,مشاور معاون آموزشی دانشگاه و مدیر کل امور آموزشی ,دانشگاه تهران • ۱۳۷۲,۱۳۷۳,مشاور معاون آموزشی دانشگاه و مدیر کل امور آموزشی و سرپرستی اداره کل تحصیلات تکمیلی دانشگاه ,دانشگاه تهران • ۱۳۷۱,۱۳۷۴,مدیر گروه آموزشی مبانی روانی آموزش و پرورش ,دانشگاه تهران - دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی • ۱۳۷۰,استادیار,دانشگاه تهران دانشکده روان شناسی وعلوم تربیتی • ۱۳۶۹,۱۳۷۰,مربی • ۱۳۶۰,۱۳۶۲,عضو کمیته برنامه ریزی علوم تربیتی,ستاد انقلاب فرهنگی• ۱۳۵۸,مربی,دانشگاه شیراز (مامور در ستاد انقلاب فرهنگی سابق •) مسئولیت اداره کل امور آموزشی وتحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران ,اداره کل امور آموزشی وتحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران • کارشناس برنامه های خانواده سازمان صدا وسیما,صدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران • همکاری با وزارت آموزش وپرورش - وزارت فرهنگ وآموزش عالی ,وزارت آموزش وپرورش وزارت فرهنگ وآموزش عالی • عضویت در شورای طرح جامع آموزش خانوادهٔ انجمن اولیا و مربیان • همکاری با وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و آموزش عالی • دبیر علمی نخستین همایش بین المللی کودکان با ناتوانی هوشی فعالیتهای آموزشی : دکتر احمد به پژوه در سال ۱۳۶۹ موفق به دکتری روان شناسی (کودکان استثنایی) از دانشگاه کیل شد و از همان سال به ایران بازگشت و به خدمات آموزشی و پژوهشی خود ادامه داد. دکتر به پژوه هم اینک دانشیار دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران است. عنوان دروس ارائه شده توسط ایشان : کارشناسی • : آزمونهای تشخیص عقب ماندگیها • آموزش پرورش کودکان استثنائی • آموزش عقب ماندگان ذهنی ۱ • آموزش عقب ماندگان ذهنی ۲ • اصول مددکاری اجتماعی • راهنمائی ومشاوره شغلی ونظریه • روانشناسی تربیتی • روانشناسی شخصیت • روانشناسی عقب ماندگیهای ذهنی • روش تهیه وتنظیم موادوبرنامه • روشهای مشاوره ومصاحبه • متون تخصصی • مددکاری اجتماعی • مددکاری اجتماعی • ناتواناییهای یادگیری کارشناسی ارشد • : بازپروری حرکتی • روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی • روانشناسی کودکان استثنایی • روش تهیه

وتنظیم موادوبرنامه • زبان تخصصی استثنائی • سمیناردرمسائل کودکان عقب مانده دکتری • : اختلال های عاطفی – رفتاری• خانواده و کودک استثنایی • روانشناسی و توان بخشی افراد نابینا • خانواده و کودک استثنایی مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر به پژوه راه اندازی و اجرای کارگاههای آموزشی مهارت تدریس در دانشگاههای کشور را بر عهده داشته است.جوائز و نشانها : ۱۳۸۶,جایزه کتاب خانوادهچگونگی عرضه آثار : از تألیفات دکتر احمد به پژوه می توان به کودکان چگونه رفتار می کنند؟ جوان و تشکیل خانواده، خانواده و فرزندان در دورهٔ ابتدایی، چه کسی، با چه نوع شخصیتی، کدام شغل را انتخاب می کند؟ چهار نوشتار دربارهٔ مددکاری اجتماعی، اصول برقراری رابطهٔ انسانی با کودک و نوجوان، کمک به رشد گفتار و زبان کودکان عقب مانده ذهنی، راهنمای زندگی نامه و نظریه های روان شناسان بزرگ و فرهنگ کودکان استثنایی اشاره کرد.آثار : اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان ویژگی اثر : پدیدآورنده: احمد به پژوه ناشر: نهضت پویا – ۲۶ اسفند، ۱۳۸۶ ۲ اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان ویژگی اثر : پدیدآورنده: احمد به پژوه ناشر: نهضت پویا – ۲۱ فروردین، ۱۳۸۴ پدیدآورنده: احمد به پژوه ناشر: نهضت پویا – ۲۱ فروردین، ۱۳۸۴ ۳ انتظارهای کودکان از مادران و پدران چیست؟ ویژگی اثر : پدیدآورنده: احمد به پژوه ناشر: پرنیان – ۱۳۸۳ ۴ بهبودبخشی مهارتهای اجتماعی کودکان: ارزیابی و آموزش ویژگی اثر : پدیدآورنده: جانی ماتسن، تامس اولندیک، احمد به پژوه (مترجم) ناشر: اطلاعات – ۰۴ تیر، ۱۳۸۴ ۵ بهداشت روانی خانواده ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمدرضا افضل نیا، احمد به پژوه (ویراستار) ناشر: نسل نو اندیش – ۲۵ فروردین، ۱۳۸۶ ۶ چالش مشق شب: راهنمای مدیران، معلمان، مادران و پدران ویژگی اثر : پدیدآورنده: هریس کوپر، احمد به پژوه (مترجم)، فریده نوری (مترجم) ناشر: انجمن اولیاء و مربیان – ۱۰ تیر، ۱۳۸۶ ۷ چه کسی، با چه نوع شخصیتی، کدام شغل را انتخاب می کند؟ ویژگی اثر : پدیدآورنده: احمد به پژوه، رجبعلی مظلومی (زیرنظر) ناشر: انجمن اولیاء و مربیان – ۲۵ خرداد، ۱۳۸۷ ۸ خانواده و فرزندان: در دوره ی ابتدایی ویژگی اثر : پدیدآورنده: استادان طرح جامع آموزش خانواده، محمد پوریان (ویراستار)، جعفر جوانبخت اول (ویراستار)، احمد به پژوه (ویراستار) ناشر: انجمن اولیاء و مربیان – ۱۷ مهر، ۱۳۸۵ ۹ دانش آموزان با مشکلات عاطفی و رفتاری ویژگی اثر : پدیدآورنده: روی هووارت، پام فیشر، احمد به پژوه (مترجم)، هادی هاشمی رزینی (مترجم) ناشر: انجمن اولیاء و مربیان – ۱۷ فروردین، ۱۳۸۷ ۱۰ دانش خانواده سالم: جمعیت و تنظیم خانواده ویژگی اثر : پدیدآورنده: احمد احمدی، محمد جهانفر، احمد به پژوه (ویراستار)، حسن سرایی (ویراستار)، شایسته جهان فر (ویراستار) ناشر: جهان فرهنگی – ۲۰ خرداد، ۱۳۸۶ ۱۱ راهنمای زندگی نامه و نظریه های روان شناسان بزرگ ویژگی اثر : پدیدآورنده: ورنون نوردبی، کالوین هال، احمد به پژوه (مترجم)، نجف علی دولتی (مترجم) ناشر: منادی تربیت – ۰۴ شهریور، ۱۳۸۶ ۱۲ روش های مقابله با افسردگی نوجوانان: راهنمای والدین ویژگی اثر : پدیدآورنده: جان شری، کارول فیتزپاتریک، احمد به پژوه (مترجم)، فریده نوری (مترجم)، حمیرا ربیعی (ویراستار) ناشر: انجمن اولیاء و مربیان – ۲۹ مهر، ۱۳۸۷ ۱۳ فرهنگ توصیفی کودکان استثنایی: آموزش و پرورش، روان شناسی، توانبخشی و علوم وابسته (انگلیسی – فارسی، فارسی – انگلیسی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: فیلیپ ویلیامز، احمد به پژوه (مترجم)، حمید علیزاده (مترجم)، فریبا یادگاری (مترجم)، مجید یوسفی لویه (مترجم) ناشر: بعثت – ۰۱ آبان، ۱۳۸۶ ۱۴ کمک به رشد گفتار و زبان کودکان کم توان ذهنی ویژگی اثر : پدیدآورنده: دیوید ریان، تامار شیلو، مایکل لوئیس گوردون، احمد به پژوه (مترجم)، غلامرضا خجسته مهر (مترجم)، بهرام روستایی (مترجم) ناشر: دانژه – ۱۶ شهریور، ۱۳۸۷ ۱۵ گام های نخستین به سوی خواندن ویژگی اثر : پدیدآورنده: جودیت شیکدانز، احمد به پژوه (مترجم)، محمدجعفر کندی (مترجم) ناشر: انجمن اولیاء و مربیان – ۲۷ آذر، ۱۳۸۴

بهرامی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فلسفه و علوم تربیتی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۱، دکترا در رشته روانشناسی و علوم تربیتی از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه ابوریحان در گروه روانشناسی، دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

رشد و پرورش سنتی کودکان روستائی ایران، استاندارد کردن آزمون هوش کودکان برای جامعه ایران، استاندارد کردن آزمون تصاویر در هم حافظه آندره‌ری برای جامعه ایران، پایه‌گذاری روانشناسی بالینی و لابراتوار روانشناسی در دانشگاه علوم پزشکی ایران در سال ۱۳۶۲، نظارت بر ۱۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی کودک، روانشناسی نوجوان، هیپنوز و آزمونهای روانی (فرافکنی).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تأثیر وراثت و محیط در رشد کودکان، مسائل دوران بلوغ و نوجوانی، تأثیر خانواده بر روی رشد کودکان، سلسله مراتب کودکان در خانواده و تأثیر آن بر روی شخصیت آنان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بهرنگی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بهرنگی سال ۱۳۲۳ در شهر کرمانشاه در خانوادهای متوسط متولد شد. . دیپلم ریاضی اش را که گرفت . در آغاز معلمی را برگزید و به صورت خصوصی در دبیرستانی به تدریس پرداخت. در همین حین وارد بانک صادرات شد. پس از چهار ماه و نیم همکاری با آنها به بانک ملی رفت. کم کم در جریان شناخت استعداد های خود پی به این موضوع برد که بانک به درد

او نمی خورد. . با آن که به دلیل کفالت، معاف از خدمت سربازی بود ناگهان تصمیم گرفت به سربازی برود. پس از بازگشت از خدمت، دوباره به بانک برگشت اما پس از چندی تصمیم گرفت به تهران بیاید و به دانشگاه برود. در امتحانات ورودی دانشگاه های علوم ارتباطات و تربیت معلم (که آن زمان دانشسرا بود) قبول شد و موفق به قبولی در پنج رشته دانشگاه تهران در مقطع فوق لیسانس می شود و از میان آنها، علوم تربیتی را برمی گزیند. پنج بورسیه هم دریافت می کند. از این موارد او به دانشگاه تربیت معلم روی خوش نشان می دهد و زمانی که برای اخذ دکتری به دانشگاه کالیفرنیای جنوبی می رود، نخستین فردی است که در تاریخ هشتاد ساله آن دانشگاه، موفق می شود در کوتاه ترین زمان دکتری کسب کند. در نخستین دوره سازمان جهانی آموزش علوم و تکنولوژی (۱۹۹۸ میلادی) به عنوان یکی از اعضای هیأت مدیره پذیرفته شد و این عضویت در سال های آتی یعنی ۲۰۰۰ ، ۲۰۰۲ ، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶ نیز ادامه داشت که ضمن آن، مسئولیت کشورهای آسیای جنوب غربی به وی واگذار شد. اگرچه نمی توان کوشش و تلاش های شبانه روزی و سرسختانه بهرنگی را برای صعود به قله های موفقیت و نام آوری برای ایران در عرصه علم و دانش در سطح جهان نادیده انگاشت، اما خود، همه این پیشامدها را مرهون توجه و لطف الهی می داند و هر موفقیت تازه ای را دلیل دیگری برای شکرگزاری پروردگار می یابد. گروه : علوم انسانیرشته : علوم تربیتیتحصیلات رسمی و حرفه ای : - دکترای علوم تربیتی با گرایش مدیریت آموزشی، دانشگاه کالیفرنیای جنوبی (۱۳۵۸) - فوق لیسانس علوم تربیتی با گرایش مدیریت آموزشی از دانشگاه تهران - فوق لیسانس اقتصاد (دانشگاه تهران) - فوق لیسانس آموزش عالی از دانشگاه کالیفرنیا (لس آنجلس) - لیسانش مشاوره و راهنمایی (دانشگاه تربیت معلم ۱۳۵۰) - لیسانس مترجمی دانشکده علوم ارتباطات (دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۵۰) خاطرات و وقایع تحصیل : محمدرضا بهرنگی معتقد است اگر از حوادثی که در جریان زندگی برایش پیش آمده به سلامت گذر کرده، لطف الهی شامل حال او شده است. به عنوان نمونه از ماجرای سال ۵۲ یاد می کند که همراه با گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران به شمال کشور رفته بودند و بر اثر یک سهل انگاری، نزدیک بوده جان خود را در دریا از دست بدهد. وقایع میانسالی : در حدود ۹ سال پیش زمانی که محمدرضا بهرنگی همراه با خانواده و جمعی از بستگان به مشهد رفته بود، گروهی مرکب از آقای حسینی (مدیر منطقه ۳ مشهد)، آقای گنجی و دیگران به سراغ او می آیند و از او دعوت می کنند حالا که در مشهد هستند، کارگاهی آموزشی برای یادگیری و یاددهی برپا کنند: «گفتم ما فردا عازم تهران هستیم. گفتند بلیت هایتان را کنسل می کنیم و دوباره برایتان بلیت می گیریم. فقط شما یک هفته اینجا بمانید. اواخر شهریور بود و چون تا آغاز مهر فرصت داشتم، پذیرفتیم و آموزش را شروع کردیم. ۸۰ نفر معلم را به یک سالن آورده بودند. روزهای اول کمی بی حوصله و بی اشتیاق بودند، ولی به تدریج شوق گرفتند و روز چهارم نمایشگاه کارهای عملی معلم های ابتدایی و راهنمایی برپا شد و جالب بود که روز آخر که جمعه بود و معمولاً روزهای آخر کسی نمی آید، همه حضور داشتند و با تعهد بالایی هم آمده بودند و من فهمیدم چه معلم های باغیرتی داریم، اگر کسی بتواند با این ها کار کند.» هنگامی که بهرنگی به تهران بر می گردد، آقای حیدری (رئیس وقت آموزش و پرورش استان خراسان که بعدها به ریاست آموزش و پرورش آستان قدس رضوی رسید) نامه ای به آقای نجفی (وزیر آموزش و پرورش) نوشته و در آن توضیح می دهد که شخصی به نام بهرنگی در ناحیه ۳ مشهد کارگاهی آموزشی برپا کرده که معلمان با استقبال پرشوری در آن شرکت کرده اند و با دیدن این وضع به وزیر آموزش وپرورش اعلام می کند به هر نحو ممکن از او برای آموزش در کل کشور استفاده شود. این نامه را برای بهرنگی فرستادند و ضمن تشکر از او دعوت کردند و برایش برنامه گذاشتند؛ برنامه ای که تمام معلمان کشور از هر استان ۲ نفر و در هر درس و هر یک از سطوح ابتدایی و راهنمایی، شرکت داشتند و این آموزش برای حدود ۵۰ـ۴۰ نفر حدود یک ماه و نیم به طول انجامید. این رفت و آمدهای طولانی درفصل گرما و کار مستمر، تأثیری مخرب در خشکاندن سوی چشم های دکتر بهرنگی داشت. به نحوی که بینایی اش را به سرعت از دست داد. او می گوید: «رفتم نزد مرحوم دکتر شرجردی که از متخصصان برجسته چشم بود. ایشان گفت اگر شده فرش منزلت را هم بفروشی برای درمان

برو خارج از کشور. من با دانشگاه UCLA و بیمارستان آنجا که مرکز تحقیقات چشم بود آشنایی داشتم ولی امکانات برایم فراهم نبود. فکر کردم از طریق سخنرانی در یکی از کنفرانس های خارجی مقداری از هزینه های سفر به خارج را تأمین کنم. به هر حال به دلایلی نشد، تا این که مطلع شدم دکتر سیدمحمدرضا هاشمی، جراح حاذق چشم دستگاه مخصوص لیزر را به ایران آورده. یکی از شاگردانم مرا به ایشان معرفی کرد و رفتیم به کلینیک فوق تخصصی اش و ایشان ترتیب جراحی چشم من را در ایران داد. پس از جراحی بهترین لحظه زندگی ام همان لحظه بود که چشمم باز شد و دوباره دنیا را با نگاه و شکل جدید دیدم.» مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق اجرایی و خدماتی محمدرضا بهرنگی چنان فهرست عظیم و طویلی را شامل می شود که در این شرح حال مختصر نمی گنجد. برخی از مهم ترین آنها عبارتند از فعالیت در ستاد انقلاب فرهنگی بعد از انقلاب. و به مدت دو سال ۱۳۶۰ تا ۶۲ وارد یونسکو میشود و نمایندگی بسته شده در ایران را دوباره فعال میکند و آنجا را سر و سامان میدهد. و نیز – عضو کمیته تخصصی گروه بنیادهای آموزش وپرورش از بدو تأسیس تاکنون – عضو هیأت مدیره سازمان جهانی آموزش علوم و تکنولوژی IOSTE و نماینده کشورهای آسیای جنوبی و کشورهای عربی (از سال ۱۹۹۹ تاکنون) – عضو شورای عالی آموزش وپرورش (۱۳۸۰ تاکنون) – عضو هیأت امنای مراکز تربیت معلم ایران – عضو هیأت تحریریه فصلنامه تعلیم و تربیت و مجلات نوآوری های آموزشی، کارآفرینی و... بوده است. فعالیتهای آموزشی : محمدرضا بهرنگی استاد پایه ۳۱ دانشگاه تربیت معلم است و همچنین از سال ۵۸ تاکنون عضو هیأت علمی گروه مدیریت آموزشی بوده استمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمدرضا بهرنگی در راه اندازی، مدیریت و اجرای بیش از ۳۰۰ کارگاه آموزشی برای نخستین بار در ایران نقش داشته که معمولاً با شرکت بیش از یکصد نفر متقاضی آموزش الگوهای تدریس برای استادان دانشگاه، مربیان، دبیران و معلمان کشور در استان های مختلف و شهر تهران همراه بوده است. همچنین وی مؤسس نخستین دوره دکترای مدیریت آموزشی در ایران بوده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد رضا بهرنگی پس از انقلاب به قصد بازگشایی دانشگاه هایی که تعطیل شده بودند وارد ستاد انقلاب فرهنگی می شود و یکی از مهمترین کارهایی که آنجا صورت می دهد، تطبیق برنامه های درسی علوم انسانی است. کمیته های بسیاری توسط استادان متخصص تشکیل می دهد و جالب آن که از هر شخصی درخواست همکاری می کند، بدون مضایقه و چشم داشت مادی به کمک می آید و همگی برنامه ریزی های لازم را انجام می دهند. بهرنگی از آن زمان به عنوان دوران طلایی یاد می کند و می گوید: دیگر مثل آن دوره را ندیده که این قدر آدم ها و اساتید بی توقع می آمدند و خدمت می کردند. در سال ۱۳۶۰ تا ۶۲ وارد یونسکو می شود و همه چیز را در آنجا سر و سامان می دهد. نمایندگی یونسکوی بسته شده در ایران را دوباره فعال می کند، برایش قوانین و مقررات جدید می نویسد، طبقه بندی شغلی تهیه می کند و با نوشتن شرح شغلی، هر کس را موظف به کار مشخصی می کند. در این مدت دو ساله سازمان روی چرخش مناسبی افتاد و به تندی به کارایی نهایی رسید. حتی صدها هزار دلار از طرف یونسکو به نام خود بهرنگی برای چاپ مجلات و کارهای مشابه فرستاده شد که او با وجود تمام تلاش هایی که کرده بود، همه پول ها را به حساب یونسکو گذاشت. خودش می گوید: «یک حسابداری شسته رفته که یک قران در آن خطا و خلاف پیدا نمی شد، تحویل وزیر علوم، آقای نجفی دادم که ایشان یک مجلس تودیع برقرار کردند. آقای طائب، معاون ایشان پس از بازدید از یونسکو به آقای نجفی گفت: «مرغ از قفس پرید». چون من قرارداد دو سال همکاری با آنها داشتم و پس از این مدت، به درخواست خود از مجموعه خارج شدم.» آرا و گرایشهای خاص : محمدرضا بهرنگی زیربنای تمام رشته های تربیتی و آموزشی را روانشناسی عنوان می کند و اذعان می دارد «روانشناسی یادگیری بخصوص در علوم تربیتی از اهمیت بالایی برخوردار است و در گرایش های علوم تربیتی، روانشناسی زمینه اصلی را به وجود می آورد.» در راستای یادگیری، او مجموعه ای از کتاب های «الگوهای تدریس» را ترجمه و منتشر کرده است که آخرین نمونه از این اثر «الگوهای تدریس ۲۰۰۴» است که با ویرایش جدید عرضه شده. این سری از کتاب ها از تألیفات بروس جویس، مارشال ویل و امیلی کالهون هستند که از سال ۱۹۸۶ و به ترتیب سال

های ۹۲ ، ۹۶ ، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ توسط بهرنگی به فارسی برگردانده شده اند. بهرنگی معتقد است با آموزش می توان جامعه ای متحول، نوگرا و اصیل ساخت. الگوهایی که او معمولاً برای آموزش پیشنهاد می کند، ناشی از تحقیق و پژوهش های بسیار، ترجمه و ابداعاتی است که خود پدیدآورنده آنها بوده است. او می گوید: «ما در آموزش و پرورشمان توجهی به ویژگی ها و تنوع استعدادهای بچه ها نداریم و زیر بال و پر آنها را نمی گیریم تا به سمت شکوفایی استعدادهای ذاتی و فطری خودشان حرکت کنند و رابطه ای را که قبل از مدرسه بین فرد و خودش و استعدادها و شکوفایی استعدادهای خودش هست، قطع و او را مطیع رسمی انتظارات معلم می کنیم. امروزه بیان می کنند هر کس حق دارد طرح ذهنی خود را داشته باشد و معلم حق ندارد چارچوب فکری خودش را به شاگرد انتقال بدهد، البته حضور استاد الزامی است. او معتقد است مسیری که در آن گام برداشته، مسیر موفقی بوده و این موفقیت را مرهون خانواده اش بوده است. او می گوید:« بر این عقیده ام که همه باید در خدمت انسان برای افزایش شناخت شان کارکنند و برهمین اساس است که فرزندان من انگیزه ای قوی پیدا کردند و موفقیت شان هم تابع همین فلسفه بوده است. بنابراین چه الگویی بهتر از این که من توانستم در خانواده چنین فلسفه ای را پیاده کنم تا همه موفق شوند و به بالاترین مقام های علمی برسند؟ من این را برای همه جامعه می خواهم. برای فرزندان همه خانواده ها. من نشان دادم که این راه موفق می شود.» چگونگی عرضه آثار : محمدرضا بهرنگی مؤلف ۴ عنوان کتاب به زبان انگلیسی، ۴ عنوان کتاب به زبان عربی و ۸ عنوان به زبان فارسی از جمله : Comperehensive Thinking، الفکر الاجتماعی نموزج للا داره، ره آورد های نظری و تجربی، انتظار از دانشگاه، مدیریت آموزشی و آموزشگاهی و... - ترجمه بیش از ۱۰ عنوان کتاب مانند: الگوهای تدریس ،۲۰۰۴ ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی، سیستم ها و فنون اطلاعات مدیریت استراتژیک و ... بیش از ۵۰ عنوان مقالات علمی پژوهشی به زبان های انگلیسی، عربی و فارسی نگاشته است که غالب آنها در مجلات معتبر علمی به چاپ رسیده اند یا در همایش ها و کنفرانس های داخلی و خارجی ارائه شده اند. از آن جمله اند شناخت بهره وری تحقیقات و فرهنگ سازمانی حاکم بر آن (با همکاری احمدرضا سنجری)، خم نظام های اندیشه علمی در عهد عتیق، مدیریت آموزشی اولویتی پنهان، نارسایی های آموزشی ایران و...

بیرجندی، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات خارجی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بیرشک، بهروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهروز بیرشک در سال ۱۳۲۷ در تهران متولد شد.وی پس از پایان دوره تحصیلات دبیرستانی در دانشگاه ملی به تحصیل پرداخت . در سال ۱۳۵۴ برای ادامه تحصیل در رشته روانشناسی مشاوره در دانشگاه ایلینوی به آمریکا رفت. پس از اخذ مدرک فوق‌لیسانس

و دکتری در سال ۱۳۵۹ به ایران بازگشت. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : بهروز بیرشک پس از پایان دوره تحصیلات دبیرستانی در دانشگاه ملی به تحصیل پرداخت . در سال ۱۳۵۴ برای ادامه تحصیل در رشته روانشناسی مشاوره در دانشگاه ایلینوی به آمریکا رفت. پس از اخذ مدرک فوق‌لیسانس و دکتری در سال ۱۳۵۹ به ایران بازگشت.وقایع میانسالی : بهروز بیر شک پس از مراجعت به ایران به استخدام وزارت بهداری و بیمارستان روانی رازی در آمد و برای راه‌اندازی دو بیمارستان روانی وابسته به مرکز روانپزشکی رازی از طرف بیمارستان به فعالیت پرداخت. پس از جایگزینی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی به جای وزارت بهداری در زمره نخستین افرادی بود که به عزیمت هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران در آمد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : بهروز بیرشک بدو ورود به ایران به استخدام وزارت بهداری و بیمارستان روانی رازی در آمد .با آغاز دوره تحصیلات کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی و انیستیتو روانپزشکی وی همکاری در این دوره را آغاز نمود و مسوولیت آموزشی انیستیتو به وی محول گردید. سپس عنوان معاونت آموزشی انیستیتو و مدیریت گروه روانشناسی بالینی به وی داده شد. در حال حاضر نیز به عنوان دانشیار ، مسوولیت‌های فوق بر عهده ایشان می‌باشد. مسوولیتهای مورد تصدی و عضویت در انجمن های علمی بهروز بیر شک به قرار زیر است : ۱ـ عضو هیات موسس انجمن روانشناسان ۲ـ عضو هیات موسس انجمن مشاوره ایران ۳ـ عضو هیات موسس انجمن روانشناسی ایران از بدو تاسیس و عنوان رئیس هیات مدیره از دی ماه ۱۳۷۸ به مدت دو سال ۴ـ عضو هیات موسس بورد تخصصی وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ۵ـ عضو هیات موسس کمیته‌های فنی ـ تخصصی مشاوره در زمینه ایدز (کمیته ملی مبارزه با ایدز) ۶ـ عضو هیات موسس هیات تحریریه در نشریه اندیشه و رفتار ۷ـ عضویت در انجمن روانشناسی آمریکا از سال ۱۹۷۶ (گروه تخصصی رواندرمانی و مشاوره روانی) ۸ـ عضو پیوسته ـ فرهنگستان علوم پزشکی مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : بهروز بیرشک در راه‌اندازی دو بیمارستان روانی وابسته به مرکز روانپزشکی رازی از طرف بیمارستان نقش بسزایی داشته استچگونگی عرضه آثار : تعدادی از مقالات بهروز بیرشک به قرار زیر است: ـ عقایدی درباره خصوصیات شخصیتی مشاوران و روان‌درمانگران ، نشریه روانشناسی مرکز روانپزشکی رازی ، ۱۳۶۲ ـ مغز مرد ، مغز زن ، تفاوت‌های پنهان ، نشریه روانشناسی مرکز روانپزشکی رازی ، ۱۳۶۴ ـ بررسی اثر آموزش مادران در کاهش اختلال‌های رفتاری کودکان ، فصلنامه اندیشه و رفتار ، ۱۳۷۶ ـ بررسی عوامل روانی ـ اجتماعی در بیماران مبتلا به زخم اثنی‌عشر ، فصلنامه اندیشه و رفتار ، ۱۳۷۸ ـ پیشرفت در روانپزشکی ، گزیده‌ای از تازه‌های پزشکی ، فرهنگستان علوم پزشکی

پاک سرشت، محمدجعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش و پرورش، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی روان‌شناسی از دانشسرای عالی تهران، کارشناسی ارشد روان‌شناسی از دانشگاه آمریکائی بیروت و دکترای روان‌شناسی و تعلیم و تربیت از دانشگاه ایلینویز آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه علل خودکشی در استان خوزستان و مطالعات روانی- اجتماعی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مبانی و نظریه‌های تعلیم و تربیت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مبانی تعلیم و تربیت، نظریه‌های تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی درسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

پانوسی، استفان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

پژویان، جمشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد، دانشکده: علوم اقتصادی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای اقتصاد و متخصص در اقتصاد بخش عمومی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آغاز مباحث جدید اقتصاد بخش عمومی در مباحث مالیاتی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر (توزیع درآمد، خط فقر، سوبسید)،

مالیاتها، تقاضا و قیمت گذاری اتومبیل، انجام چند کار تحقیقی در زمینه سیستم‌های جهانی و مسئله توزیع درآمد، مدرس اقتصاد خرد در سطح کارشناسی ارشد و دکترا، راهنمائی مشاوره و نظارت بر ۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اقتصاد بخش عمومی، اقتصاد خرد.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

اقتصاد بخش عمومی، توزیع درآمد.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

پناهی، علی احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی احمد پناهی

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی احمد پناهی فرزند شمس الله تحصیلات ابتدایی و راهنمایی خود را در فراهان اراک گذرانده و بعد از اتمام تحصیلات راهنمایی ،در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم گردیدم.دروس مقدماتی وسطح را در مدرسه علمیه امام علی (ع)و مدرسه معصومیه به پایان بردم و دروس سطح عالی و خارج را در مدرسه آقای گلپایگانی و مسجد اعظم،ادامه دادم.و الآن حدود ۹سال است که در درس خارج شرکت می کنم.هم زمان با تحصیلات حوزوی ،دروس جدید را از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)پی گیریی کردم.و دوره کارشناسی ارشد معارف را در این مؤسسه به پایان بردم و سپس در اداره کارشناسی ارشد روانشناسی شرکت کرده و آن را در سال ۸۲به پایان بردم و الآن به عنوان محقق در مؤسسه امام خمینی مشغول هستم.ضمنا حدود ۱۵ سال است که از مراکز روستایی،سپاه،و بیشتر در مراکز دانشگاهی هم(در ایام رمضان،محرم،و غیره)به تبلیغ می پردازم.

پورافکاری، نصرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی جامعه‌شناسی از دانشسرای عالی دانشگاه تبریز، دکترای جامعه‌شناسی در رشته پژوهشگری.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پروژه تحقیقی برای فولاد مبارکه، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

جامعه‌شناسی شهری و روستایی، خانواده.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

پهلوانیان، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد پهلوانیان

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد پهلوانیان در سال ۱۳۷۲ بعد از اخذ دیپلم در رشته ریاضی به حوزه علمیه قم مشرف و مشغول به تحصیل شدم ، در

مدت ۵ سال سطح مقدماتی و عالی را پشت سر گذاشته و بعد از آن به درس خارج اشتغال پیدا کرده و در کنار آن در رشته های ارتباطات و پس از آن فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه های صداو سیما و باقر العلوم در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کردم .
از جمله دوره های آموزشی غیر رسمی که گذراندم می توان به دوره تربیت مربی کودک و نوجوان ، فیلم نامه نویسی ، نقد فیلم ... اشاره کرد . تاکنون کتب و مقالات متعددی در زمینه ها ی ادبیات ، داستان ، روانشناسی و ارتباطات و فلسفه ، نگارش در آورده ام و در رشته های ادبیات عرب (حوزه) ارتباطات (مبانی جامه شناسی) و فیلم نامه نویسی در دوره های متعددی تدریس کرده ام .

تجار، راضیه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

راضیه تجار در ۵ آذر ۱۳۲۶ در تهران متولد شد.وی دارای مدرک کارشناسی روانشناسی است.. ایشان از فعالان عرصه نویسندگی هستند و همچنین تاکنون مسئولیتهای ادبی ـ هنری زیادی را بر عهده داشته‌اند.از آن جمله اند :دبیر انجمن قلم ایران ، عضو شورای سردبیری فصلنامه ادبیات داستانی به مدت ۶ سال ، مدرس داستان نویسی در دانشکده صدا و سیما ، عضو شورای سیاستگذاری واحد ادبیات حوزه هنری ، عضو شورای ادبی بنیاد حفظ آثار و نشر دفاع مقدس، مسئول صفحه شهرزاد روزنامه جام جم .گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : داستان نویستحصیلات رسمی و حرفه ای : تجار دارای مدرک کارشناسی روانشناسی استمشاغل و سمتهای مورد تصدی : راضیه تجار از فعالان عرصه نویسندگی هستند و همچنین تاکنون مسئولیتهای ادبی ـ هنری زیادی را بر عهده داشته‌اند. حضور در شورای بررسی داستان و کارگاه قصه و رمان حوزه هنری، ارشاد، بنیاد شهید، بنیاد جانبازان، مدرس داستان‌نویسی (دانشگاه صدا و سیما)، مسئولیت جلسات نقد و بررسی داستان (سه‌شنبه‌ها در حوزه هنری) به مدت ۱۶ سال، همکاری با روزنامه جام‌جم، مجله زن روز، مجله سروش، عضو شورای هنر، تدریس در خانه داستان فرهنگسرای انقلاب، هلال احمر و سردبیری ادبیات داستانی و دبیری انجمن قلم ایران از بدو تأسیس از جمله فعالیتهای ایشان در عرصه فرهنگی ـ هنری است.جوائز و نشانها : رمانهای «کوچه اقاقیا»، «نرگسها» و «هفت بند» از این نویسنده به‌عنوان رمان برتر یک دهه در آموزش و پرورش انتخاب شدند.همچنین راضیه تجار به‌عنوان نویسنده زن برگزیده ادبیات هشت سال دفاع مقدس از سوی حوزه هنری برگزیده شدندآثار : آرام شب بخیر! (مجموعه داستان) ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: سوره مهر – ۰۵ اردیبهشت، ۱۳۸۴ ۲ آواز پرواز ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: نشر شاهد – ۰۱ مرداد، ۱۳۸۷ ۳ بانوی آبی ها: زندگینامه ی داستانی خلبان شهلا ده بزرگی ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: نهاد ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده – ۳۰ مرداد، ۱۳۸۷ ۴ بانوی رنگین کمان: زندگینامه ی داستانی اشرف قندهاری (بهادرزاده) ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: نهاد ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده – ۳۰ مرداد، ۱۳۸۷ ۵ جای خالی آفتابگردان ها ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: خورشید باران – ۰۴ اردیبهشت، ۱۳۸۴ ۶ سه شنبه های عزیز، داستانهای کوتاه کوتاه ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: پنجره ای به روشنایی – ۱۳۸۱ ۷ شهید شیرودی ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: مدرسه – ۲۸ آبان، ۱۳۸۶ ۸ فانوسی بیفروز (مجموعه داستان) ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: سوره مهر – ۰۴ اردیبهشت، ۱۳۸۵ ۹ کوچه اقاقیا، رمان ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: سوره مهر – ۱۳۸۳ ۱۰ گمان مبر که شعله بمیرد، براساس زندگینامه شهید محمد سلیمانی ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: نسل کوثر – ۱۳۸۱ ۱۱ هم سیب، هم ستاره ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه

تجار، ریحانه مولوی () ناشر: توسعه کتاب ایران - ۰۶ مرداد، ۱۳۸۷

تقی‌پور ظهیر، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تعلیم و تربیت، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

توتونچیان، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد، دانشکده: علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه: الزهرا (س)

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، کارشناسی ارشد اقتصاد از آمریکا، دکترای اقتصاد با درجه ممتازی از آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهرا.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کاربرد توابع مطلوبیت بهم پیوسته در سیستم اقتصاد اسلامی و مقایسه با سیستم سرمایه‌داری، مالیات، ارز، پول و بانکداری در اقتصاد اسلامی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۶ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تئوری رفتار مصرفی مسلمانان، پول و بانکداری در اقتصاد اسلامی، اقتصاد خرد.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

پول و بانکداری در اقتصاد اسلامی، اقتصاد بخش عمومی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

توسلی، غلامعباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ثنائی‌ذاکر، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مشاوره و راهنمایی، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی از دانشگاه تهران و دکترای مشاوره از دانشگاه کلورادو آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح عوامل مؤثر در افت تحصیلی، رفتار بیماران و مراجعین در جلسات درمان، تأسیس سالنامه نمایه‌ها و چکیده‌های علوم تربیتی و روانشناسی ایران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مشاوره و روان درمانی خانواده، مشاوره و روان درمانی گروهی، فنون مشاوره، مبانی مشاوره و راهنمایی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مسائل مختلف روان‌شناسی و روان درمانی، مشاوره و روان درمانی خانواده، درمان آسیب‌های روانی جنگ، درمان اعتیاد، نظریه‌های روان‌شناسی و درمانی مشاوره گروهی با کودکان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جزایری، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علرضا جزایری در سال ۱۳۳۳ در تهران بدنیا آمد. ایشان مدرک دکتری روانشناسی بالینی را از دانشگاه سندیاگو-کالیفرنیا در سال ۱۳۶۴ اخذ کرده است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی - گروه روانشناسی بالینی می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی بالینی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی علیرضا جزایری : دکتری در روانشناسی بالینی از دانشگاه سندیاگو ـ کالیفرنیا ۱۹۸۵ ، فوق لیسانس در مشاوره و خانواده درمانی از دانشگاه سندیاگو ـ کالیفرنیا ۱۹۸۰ ، لیسانس در روانشناسی بالینی از کالج پاریس تهران ۱۹۷۷ آموزش تخصصی در دوره‌های پیشرفته PSYCHO-DIAENOSES سندیاگو ۱۹۸۳ ، دوره پیشرفته تست رورشاخ EXNER سندیاگو ۱۹۸۴ ، برنامه‌ریزی‌های تحقیقات کشوری در زمینه آسیب‌های اجتماعی (خصوصاً اعتیاد) سندیاگو ۱۹۹۹ ـ همسر و فرزندان : علیرضا جزایری متاهل و دارای دو فرزند ۳ و ۱۵ ساله است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علیرضا جزایری استادیار گروه روانشناسی بالینی ازسال ۱۳۷۳ تا کنون می باشد. شایان ذکر است ، در حال حاضرایشان عضو اولین شورای مرکزی سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشورمی‌باشند. فعالیتهای آموزشی : فعالیت آموزشی علیرضا جزایری بدین قرار است: استادیار گروه روانشناسی بالینی ازسال ۱۳۷۳و مدرس دروس بالینی در مقطع دکترا از سال ۱۳۷۶ در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی ، مدرس دروس روانشناسی بالینی ازسال ۱۳۶۸تا۱۳۷۴ ومدرس دروس بالینی‌درمقطع دکترا ازسال۱۳۷۶درانستیتو روانپزشکی تهران ، مدرس دروس روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی تهران در مقطع کارشناسی از سال ۱۳۶۸تا ۳۷۴ ، مدرس دوره‌های آموزش آزادـ آموزش کوتاه مدت دفتر آموزش ضمن خدمت دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی از ۱۳۷۴ تا زمان حاضر مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مراکزی که علیرضا جزایری از بانیان آن است به ترتیب زیر می باشد: بنیان گذار پنج مرکز، مداخله در بحران‌های فردی ، زوجی و خانوادگی در سندیاگوکالیفرنیا ۱۹۸۰ ، ارائه سرویس و ایجاد مراکز HOT-LINE (خط بحران) درمرکزدرمانی-TURNING POINT ۱۹۸۰ ، کار با کودکان مورد سوءاستفاده قرارگرفته وخانواده‌هایشان ، مرکزHALCYON سندیاگو ۱۹۸۱، درمان بیماران با اختلال شخصیت مرزی۱۹۸۲ UCLAچگونگی عرضه آثار : سوابق تحقیقاتی علیرضا جزایری بدین قرار است: مجری طرح‌هایانطباق وهنجاریابی وکسلر کودکان ۱۳۷۶ WISC III تا ۱۳۷۹، نگرش دانش آموزان دبیرستانی شهرتهران نسبت به پدیده‌های اعتیاد ـ معتاد و مواد مخدر ۱۳۸۰ تا۱۳۸۱، تعیین شاخص‌های ازمان در بیماران مزمن ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳، تعیین عوامل خطرآفرین وحفاظت کننده‌درسو مصرف مواد برای دانش آموزان دبیرستان کشور برای U.N.D.C.P از ۱۳۸۰ ، تعیین شاخص‌های بررسی کننده دانش آموزان در معرض خطر ابتلاـ به اعتیاد، تدوین ماتریس‌های تحقیقاتی پیگیری و آگاه سازی در سوء مصرف مواد ، همکار اصلی تحقیقاتی در تحقیق بررسی نیمرخ روانی اجتماعی بیماران با کمردرد بدون ضایعه عضوی ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ ، و پژوهش نیمرخ روانی اجتماعی دختران فراری در شهر تهران ۱۳۷۹ تا۱۳۸۱و هم چنین مشاوردر امور آسیب‌های اجتماعی موسسه بنیاد نیکوکاری مهر تهران۱۳۸۰ ، فعالیت درسازمان غیرانتفاعی غیردولتی NGO از سال ۱۳۷۵ آثار : راهنمای عملی کمک به بیماران اسکیزوفرنیک ویژگی اثر : جزایری وپورشهباز۱۳۷۹۲ کتاب زندگی فروید ویژگی اثر : ۱۳۸۳ زیر چاپ۳ کتاب وکسلر و هوش ویژگی اثر : جزایری و پور شهباز ۱۳۷۸۴ کتاب۶۱راه مبارزه باSTRESS ویژگی اثر : به همراه دکترمهریارودکترمجتبی‌جزایری ۱۳۷۷،۵ واژه‌نامه روان‌شناسی همراه با جمعی از نویسندگان ویژگی اثر : ۱۳۸۱ زیر چاپ

جعفری صمیمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد جعفری صـمیمی در سال ۱۳۳۱ در مشـهد بـدنیا آمد.وی پس از اخذ دیپلم از دبیرسـتان بامداد مشـهد ،وارد دانشـکده اقتصاد دانشـگاه تهران شـد و در سال ۱۳۵۰ فارغ التحصـیل شد. ایشان برای تکمیل معلومات دانشـگاهی به امریکا سـفر کرد و در دانشـگاه واشـنگتن به تحصیل پرداخت و موفق به اخذ دکتری رشـته اقتصاد در سال ۱۳۶۲ شـد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و اسـتاد دانشـگاه مازنـدران می باشـد.گروه : علوم انسانیرشـته : اقتصـادگرایش : اقتصاد ونظریوالـدین و انساب : حاج غلامرضا جعفری پـدر احمـد ، در سال ۱۳۶۵ دارفـانی را وداع گفـت ".وی در طـول ۶۴ سـال عمر خـود فردی پرتلاش و زحمت کش و شـغل اصـلی او رانندگی بود. مادر اینجانب خانم معصومه سـفیدک تهرانی متولد ۱۳۰۸ و درقیـد حیات می باشد. .من نیز دو برادر بنامهای عباس و محمـدرضا و یـک خواهر نیز دارم .برادر بزرگـترم کارمندبازنشسـته دیوان محاسـبات خراسـان و کوچکـتر نیز دارای شـغل آزاد می باشـد".خاطرات کودکی" : یکی از بهترین خاطرات اینجانب مربوط به دوره کودکی است.اینجانب در کلاس اول ابتـدایی دبسـتان دولتی شاگرد اول نشدم آما به توصـیه پسرخاله ام که یکی از روحانیون معروف بود با موافقت مرحوم پدرم به دبستان مذهبی نقویه منتقـل شـده و به دلیل اینکه مـدرک دبسـتان دولتی مورد قبول آنها نبود مجـددا به کلاس اول رفتم که برایم سـخت بود زیرا دانش آموزان ضـعیف تر از من در دبسـتان دولتی به کلاس دوم رفته بودند و من که شاگرد اول آنها بودم در دبسـتان نقویه مجدد کلاس اول را شـروع کردم.از انجایی که سطح ای مدرسه پائین بود در سال چهارم ابتدایی دبستان نقویه را ترک گفته و با کمک مادرم به دور از چشم پدر به اداره فرهنگ رفته و نحوه ورود به دبیرستان را جویا شدیم.من کلاسهای چهارم و پنجم را نخوانده بودم ولی در امتحان کلاس شـشم شـرکت کرده و قبول شـدم که این مهمترین موفقیت من در طول تحصـیل تلقی می شود"تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : مـدارک تحصـیلی : - تحصـیلات ابتـدایی در مـدرسه نقویه (یک مدرسه دینی بود) - تحصـیلات متوسط ه در دبیرسـتان بامداد مشهد در رشته ریاضی بسال ۱۳۵۰ با مدل ۱۹/۵ - کارشناسی اقتصاد – دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران , ۱۳۵۴ با معدل ۱۹/۵ از ۲۰ (فارغ‌التحصـیل رتبه اول). - کارشناسـی ارشـد علوم اقتصـادی , دانشـگاه امریکـایی واشـنگتن , ۱۳۵۷ با معـدل ۳/۹۴ از ۴ (فارغ‌التحصـیل رتبه اول). - دکتری علوم اقتصادی , , دانشـگاه امریکایی واشـنگتن , ۱۳۶۲ با معدل ۳/۸۶ از ۴ (فارغ‌التحصیل رتبه اول). فرصت‌هـای علمی مطالعـاتی خـارج از کشور : ۱- کشور انگلسـتان – دانشـگاه ردینگ ۱۳۷۲-۱۳۷۳ . ۲- کشور استرالیـا– دانشگاه نیوکاسل ۱۳۷۹ . خاطرات و وقایع تحصـیل" : مهمترین خاطره من کسب رتبه اول در هر سه مقطع کارشناسـی ،کارشناسـی ارشـد و دکـتری بوده است.این موضوع مخصوصـا در دوره کارشناسـی ارشـد و دکـتری که در امریکـا اتفـاق افتـاد بسـیار جـالب و پرخـاطره بود. همچنین یکی از داوران رسـاله دکـتری من پروفسور پـل سـاموئلسون برنـده جـایزه نوبـل اقتصـاد و یکی از معروفترین اقتصاددانهای جهان بود که این موضوع یکی از خاطرات شـیرین دوره دکتری اینجانب بوده است".فعالیتهای ضـمن تحصـیل : دکتر جعفری صـمیمی در حین تحصـیل به عنـوان کمـک اسـتاد و سـپس به عنـوان عضو هیئت علمی در دانشـگاه واشـنگتن تـدریس می کرد.استادان و مربیان : استاد دکتر تمدن جهرمی ،استاد مهندس علی مدنی از اساتید دانشگاه تهران،از مربیان و اساتید احمد جعفری صمیمی بوده انـد.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر علی آهنی (معاون وزارت امور خارجه) از همـدوره ایهای دکتر احمـد جعفری صمیمی می باشـند.همسر و فرزندان : احمد جعفری صمیمی در سال ۱۳۶۳ یعنی پس از وردش به ایران با همسـر خود سرکار خانم مهناز قادری ازدواج کرد.ایشان دارای مدرک کارشناسـی ارشد می باشـند که به صورت پاره وقت در دانشـگاه مازندران و پیام نور بابل به امر تدریس مشغول می باشند.ماحصل این ازدواج دو فرزند بنام های ندا ،دانشجوی سال آخر رشته مهندسی عمران دانشگاه صنعتی نوشـیروانی بابل و محمد حسـین ،دانشـجوی سال اول رشته IT دانشـگاه آزاد اسـلامی واحد قائم شهر است.وقایع میانسالی :

دکتر احمد جعفری صمیمی مهمترین وقایع میانسالی خود را ازدواجش در سال ۱۳۶۳ می داند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسئولیت های اجرایی: ۱- استادیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران ۱۳۶۲-۱۳۶۹ . ۲- دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران ۱۳۷۰-۱۳۷۳ . ۳- استاد گروه اقتصاد دانشگاه مازندران ۱۳۷۴- تاکنون. ۴- عضو جامعه بین‌الملل کاربرد آمار در اقتصاد. ۵- مدیر گروه اقتصاد نظری سالهای ۱۳۷۰-۱۳۷۳،۱۳۷۱-۱۳۷۹و ۱۳۸۱ تا کنون . ۶- رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه مازندران ۱۳۶۲-۱۳۶۳ . ۷- مدیر تحصیلات تکمیلی دانشگاه مازندران ۱۳۷۷-۱۳۷۹ و۱۳۸۳ - ۱۳۸۵ ۸- سردبیر مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران ۱۳۷۸- تاکنون. ۹- عضو هیات تحریریه مجله دانش و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۸۰- تاکنون. ۱۰- عضو هیات تحریریه فصلنامه تحقیقات مالی، دانشگاه تهران-۱۳۸۱. ۱۱- عضو هیات ممیزه دانشگاه مازندران ۱۳۷۸- تاکنون. ۱۲- عضو کمیته تخصصی علوم انسانی هیات ممیزه دانشگاه مازندران ۱۳۷۸- تاکنون. ۱۳- عضو کار گروه آمایش، جمعیت و محیط زیست استان مازندران ۱۳۸۰- تاکنون. ۱۴- مشاور حقیقی، اقتصاد مدیریت و سیستم، سازمان مدیریت و برنامه ریزی اسفند ۱۳۸۰-تاکنون. ۱۵- عضو ستاد درآمد و تجهیز صنایع استان مازندران اردیبهشت ۱۳۸۱- تاکنون. ۱۶- مشاور اقتصادی استاندار مازندران- ۱۳۸۲. ۱۷- معاون پژوهشی دننشگاه مازندران- خرداد ۱۳۸۵ تا کنون فعالیتهای آموزشی : فعالیت آموزشی احمدجعفری صمیمی به ترتیب زیر است: ۱- اقتصاد کلان در مقطع کارشناسی - کارشناسی ارشد و دکتری علوم اقتصادی . ۲- اقتصاد ریاضی در مقطع کارشناسی و دکتری علوم اقتصادی. ۳- اقتصاد سنجی کاربردی در مقطع کارشناسی _ کارشناسی ارشد. ۴- اقتصاد مهندسی در مقطع کارشناسی_ کارشناسی ارشد. ۵- زبان تخصصی در مقطع کارشناسی_ کارشناسی ارشد و دکترا . ۶-اقتصاد بخش عمومی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد. ۷- تدریس درس اقتصاد کلان و اصول علم اقتصاد در دانشگاه امریکایی واشنگتن در سالهای ۱۳۶۰-۱۳۶۲ . ۸-موضوعات انتخابی در اقتصاد – نظریه‌های پولی پیشرفته – سیاستهای پولی- اقتصاد کلان پیشرفته – زبان تخصصی. و سیراندیشه های اقتصادی در مقطع دکترا. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : احمد جعفری صمیمی یکی از بانیان موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی و غیر دولتی راه داش در بابل است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر جعفری صمیمی در کنار فعالیت های آموزشی به تحقیقات و پژوهش در پیرامون رشته تخصصی خود می پردازد.جوائز و نشانها : جوایز علمی ۱- فارغ‌التحصیل رتبه اول دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران ۱۳۵۴ (معدل ۵/ ۱۹ از ۲۰). ۲- دریافت بورس تحصیلی برای ادامه تحصیل در دوره دکتری . ۳- جایزه بهترین دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه امریکایی واشنگتن در سال ۱۹۸۱ ۴- جایزه بهترین پایان نامه دکتری علوم اقتصادی دانشگاه امریکایی واشنگتن. ۵- استاد نمونه دانشگاههای کل کشور برای سال تحصیلی ۷۳-۷۴ . ۶- پژوهشگر نمونه استان مازندران در سال ۱۳۸۲ . ۷- پژوهشگر نمونه استان مازندران در سال ۱۳۸۴ ۸- پژوهشگر برگزیده کل کشور در سال ۱۳۸۵چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات فارسی و لاتین : ۱۲۰مورد - تعداد طرح های پژوهشی اجرا شده :بیش از ۱۶ مورد -راهنمای پایان نامه: ۱- استاد راهنمای ۱۴۰پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه مازندران و علوم و فنون مازندران. ۲-استاد راهنمای ۷ پایان‌نامه دکتری در دانشگاه مازندران- دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی (رشته مدیریت مالی).و دانشگاه آزاد اسلامی. آثار : آدام اسمیت به مسکو می‌رود ویژگی اثر : ترجمه،نویسندگان والتر آدمس و جیمز بروک _انتشارات موسسه فرهنگی انتشاراتی وثقی _ چاپ اول _ ۱۳۷۵۲ ارزیابی نقش اصناف در طرح ضربتی اشتغال استان مازندران ویژگی اثر : مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی– تهران-۱۳۸۳۳ اقتصاد بخش عمومی (۱) ویژگی اثر : انتشارات ((سمت)) وزارت فرهنگ و آموزش عالی _ چاپ هفتم -۱۳۸۴۴ اقتصاد ریاضی ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه مازندران-۱۳۸۵۵ اقتصاد ریاضی ویژگی اثر : کاربرد ریاضیات در اقتصاد و بازرگانی به زبان ساده انتشارات دانشگاه مازندران_ چاپ دوم ۱۳۶۸۶ اقتصاد سنجی به زبان ساده ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه مازندران _ ۱۳۷۸۷ جهانی شدن – شاخصها و جایگاه اقتصاد ایران ویژگی اثر : مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی– تهران-۱۳۸۵۸ ریاضیات و کاربرد آن در اقتصاد, مدیریت و

علوم اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه،نویسنده ادوارد دولینگ ترجمه اینجانب با همکاری دکتر اسماعیل ابونوری ــ انتشارات اردیبهشت ــ چاپ اول ۱۳۷۳ . ۹ سیاستهای قیمت گذاری در کشور های در حال توسعه، ویژگی اثر : ترجمه،نویسنده فلیکس پاکرت ــانتشارات دانشگاه مازندران ــ چاپ اول ۱۳۷۱۱۰ قتصاد خرد و کلان (مجموعه مقالات) ویژگی اثر : ترجمه،ترجمه اینجانب با همکاری دکتر غلامعلی فرجادی ــ انتشارات دانشگاه مازندران چاپ اول ۱۳۷۸۱۱ مبانی اقتصاد مهندسی ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه علوم و فنون مازندران ــ چاپ اول ۱۳۷۶۱۲ مبانی اقتصادسنجی ویژگی اثر : انتشارات دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی تهران ــ چاپ اول ۱۳۶۷۱۳ نظریه و مسائل اقتصاد کلان ویژگی اثر : ترجمه،نویسنده : اوجین آ. دیولیو ــ ترجمه اینجانب انتشارات دانشگاه مازندران ــ چاپ هفتم - ۱۳۸۵۱۴ نظریه و مسائل پول و بانکداری ویژگی اثر : ترجمه،نویسنده: اوجین آ . دیولیو ــ ترجمه اینجانب با همکاری آقای سید فضل ریاضی انتشارات آذر چاپ اول ۱۳۷۱ ۱۵ هزار مسئله اقتصادی با پاسخ ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه مازندران ــ چاپ دوم ــ ۱۳۶۸۱۶ واژه‌نامه اقتصادی و برنامه‌ریزی ویژگی اثر : با همکاری دکتر غلامعلی فرجادی انتشارات دانشگاه مازندران ــ چاپ سوم-

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر احمد جعفری صمیمی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی ،زمستان ۱۳۸۷

جوان هوشیار، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر جوان هوشیار

محل تولد : لیلان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب بعد ازاخذ مدرك دیپلم در رشته ریاضی و فیزیك وارد حوزه علمیه ولی عصر(عج)شهرستان بناب شدم و شش پایه حوزه را درعرض پنج سال تمام کرده وارد حوزۀ علمیۀ قم شدم و همزمان با دروس حوزوی در مؤسسه امام خمینی در رشتۀ روانشناسی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۴از مؤسسۀ امام خمینی(ع) با مدرك کارشناسی فارغ التحصیل شدم والآن مشغول تحصیل دروس حوزوی خارج فقه و اصول هستم.

جهانشاهی قاجار، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ویراستار.

تولد: ۱۳۰۵، تهران.

درگذشت: ۲۹ تیر ۱۳۷۰، تهران.

ایرج جهانشاهی قاجار تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرهای ملایر و اهواز انجام داد. سپس به دریافت لیسانس جغرافیا و تعلیم و تربیت از دانشکده‌ی ادبیات دانشسرای عالی نایل آمد. در سال ۱۳۳۸ از مؤسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران درجه فوق لیسانس گرفت و دوره‌ی یک ساله را در رشته‌ی آموزش بزرگسالان در دانشگاه منچستر انگلستان گذراند. همچنین در دوره‌های کوتاه مدتی در کشورهای آمریکا، پاکستان و تایلند درباره‌ی ادبیات کودکان به مطالعه پرداخت. و از سال ۱۳۲۴ به عنوان معلم در آموزش وپرورش مشغول به کار شد. سپس مدتی نیز به دبیری و ریاست دبیرستانی رسید.

از جمله فعالیت‌های وی، تأسیس مرکز تهیه خواندنی‌های نوسوادان بود که بعدها به مرکز انتشارات آموزشی تغییر نام داد. نشر مجله‌های «پیک کودک»، «پیک معلم و خانواده»، «پیک نوآموز»، «پیک دانش‌آموز»، «پیک نوجوانان»، «پیک جوانان» از ابتکارات او بود. چندی هم مدیریت مجله‌ی «آموزش و پرورش» را بر عهده داشت. از سال ۱۳۵۷ سرپرستی شورای ویراستاری فرهنگنامه کودکان و نوجوانان را در شورای کتاب کودک به عهده گرفت. در سال ۱۳۶۱ همکای خود را به عنوان مشاور گزینش و تألیف و ترجمه و ویرایش کتاب‌های ادبیات کودکان و نوجوانان با انتشارات فاطمی و واژه آغاز کرد و تا آخرین لحظات زندگی نسبت به تهیه‌ی آثاری برای کودکان و نوجوانان فعال بود. کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم هم یادگار اوست. تألیف او عبارتند از: گل‌های وحشی (۱۳۲۵)، شاخ‌های ملوس (۱۳۴۵)، ازوپ در کلاس درس (۱۳۶۱) قلم موی جادو(۱۳۶۲)، چشم چشم دو ابرو (۱۳۶۳)، بازی‌های ورزشی (۱۳۶۳)، قصه‌های من و بابام (کتاب برگزیده شورای کتاب کودک در (۱۳۶۲).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حائری مجد، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی حائری مجد

محل تولد : قم

شهرت : حائری

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۴/۲۸

زندگینامه علمی

سال ۱۳۷۴اخذ دیپلم و ورود به دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی .سال ۱۳۷۷و ۱۳۷۸انتشار هفته نامه (نورٌعلی نور)در موضوع فرهنگ قرآنی در بیست شماره. سال ۱۳۷۸پایان تحصیلات کارشناسی . فروردین ۱۳۷۹ورود به مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما با انجام پژوهش معراج در محراب ویژه آیت الله اشرفی اصفهانی وشمیم تربیت اسلامی در خانواده. اسفند ۱۳۸۱پس ازبه دست گیری پروژه ای ناتمام روز شمار در این زمان اولین مجله از پروژه روز شمار با نام روز شمار قمری ویژه رجال و وقایع اسلامی منتشر شد. آبان ۱۳۸۲در ادامه کار روز شمار در این تاریخ روز شمار شمسی با محوریت تاریخ ایران از اواخر قاجار تا سال ۱۳۸۲ در بحث آزاد و رویدادهای گوناگون به چاپ رسید.

آذر ۱۳۸۴سومین مجله روز شمار تاریخ تحت عنوان روز شمار میلادی به سرانجام رسید لازم به ذکر است هر چند این سه جلد کاری گروهی بود ولی کلیه مراحل نظارت و ارزیابی بازنویسی و تطبیق مجدد تاریخ ها و درستی محتوای آنها را شخصا"انجام دادم جمع سه کار در حدود ۱۳۳۰صفحه چاپی و نزدیک به ۴۰۰۰صفحه تایپی بود؛ این سه کار همزمان در همان سال به صورت نرم افزار تاریخ ایران،جهان و اسلام برنامه ریزی و تولید گردید که کار رابرای بهره برداران آسان کرده است.در حال حاضر از یک سال قبل با کمک چند محقق همکار به تصحیح و اضافه روز شمار قمری که دارای نقص های محتوایی و تاریخی است مشغول هستیم. از دی ماه ۱۳۸۰تا اردیبهشت ۱۳۸۴به همکاری با ماهنامه گنجینه که در زمینه برگزیده متون کهن فارسی اخلاق عرفان قرآن تاریخ و معرفی شخصیت های فرهنگی و فعالیت می کرد پرداختم و در ابتدا ۱۵شماره مقالات قرآنی تاریخی و رجال را هر شماره در حدود ۴۰الی ۵۰صفحه تهیه و گردآوری می کردم از ابتدای سال ۱۳۸۲تا اردیبهشت ۱۳۸۴بخش قرآن و تفسیر هر شماره ۲۰الی ۳۰صفحه موضوعات مربوطه را ارائه می دادم که چاپ و نشر یافت.

حائری، عبدالهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: مطالعات اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

زندگینامه

دکتر شادروان عبدالهادی حائری استاد برجسته‌ی تاریخ معاصر ایران در سال ۱۳۱۲ هجر شمسی به دنیا آمد. وی که نوه‌ی حضرت آیت‌اللّه حائری یزدی بود سالها در خارج از کشور و در دانشگاههای کانادا و آمریکا مشغول تدریس و تحقیق بود و در سال ۱۳۵۷ به ایران مراجعت نمود و در دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان استاد و رئیس گروه تاریخ مشغول به تدریس و تحقیق شد.

ایشان در زمینه‌های تاریخی، بخصوص تاریخ معاصر ایران دارای آثار ارزشمند و مهمی است که در محافل علمی و دانشگاههای داخل و خارج از کشور معروف می‌باشد.

تألیفات گوناگون وی در زمینه مسائل تاریخی به زبانهای انگلیسی و فارسی به بیش از ۴۰ مورد می‌رسد.

مرحوم دکتر حائری یکی از مردان نامی دانشگاههای کشور بوده و مهمترین آثار فارسی او «تشیع و مشروطیت در ایران»، «رویاروئی اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب»، «تاریخ جنبش و تکاپوهای فراماسیونری در کشورهای اسلامی»، «ایران و جهان اسلام»، «آنچه گذشت»، «نقشی از نیم‌قرن تکاپو» (خاطرات خود استاد) و... نام برد. از وی بیش از ۳۶ مورد ملاقات ارزشمند تاریخی به زبان انگلیسی در نشریات داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.

دکتر حائری سرانجام بعد از یک دوره بیماری طولانی ۲ ساله در سن ۶۰ سالگی در تاریخ بیست و چهارم مرداد ۱۳۷۲ چشم به جهان فروبست.

مدرس، مورخ.

تولد: ۱۳۱۴، قم.

درگذشت: ۲۳ تیر ۱۳۷۲، مشهد.

عبدالهادی حایری، فرزند میرزا احمد حائری (و نوه‌ی دختری آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی قم) پس از

گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، لیسانس خود را در رشته‌ی الهیات از دانشگاه تهران گرفت. پس از آن چند سال در اداره‌ی بهداشت مشهد مشغول به کار بود. در همان دوران بود که وی کتابی تحت عنوان ابن مقفع که به قلم حنا الفاخوری عرب نوشته شده بود و از زبان عربی به فارس ترجمه و توسط انتشارات زوار چاپ کرد. در سال ۱۳۴۳ با کسب یک بورس دانشگاهی به کانادا رفت.

عبدالهادی حائری در دانشگاه مگیل کانادا مقاطع فوق لیسانس و دکتری را در رشته‌ی اسلام و خاورشناسی گذراند و علاوه بر دو سال تدریس در این دانشگاه مدت چهار سال در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی به تدریس و تحقیق مشغول شد و در کنفرانس‌ها و کنگره‌های بین‌المللی از جمله در بلژیک، کانادا، آمریکا، مکزیک و آلمان نتایج تحقیقات خود را در قالب مقاله‌های مختلف ارائه داد.

دکتر حائری در سال ۱۳۵۷ به ایران آمد و با عنوان دانشیار در گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس تاریخ دو سده‌ی اخیر ایران، خاورمیانه و دیگر سرزمین‌های اسلامی پرداخت.

تخصص اصلی دکتر حائری در زمینه‌ی انقلاب مشروطیت و نقش علمای شیعه در آن بود که نتیجه تحقیقاتش در این زمینه در قالب کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق به دو زبان انگلیسی و فارسی منتشر شد.

از آثار دیگر دکتر حائری می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی در کشورهای اسلامی؛ ایران و جهان اسلام؛ پژوهش‌هایی تاریخی پیرامون چهره‌ها؛ اندیشه‌ها و جنبش‌ها؛ نقشی از نیم قرن تکاپو (خاطرات ایشان). مقاله‌های وی به زبان‌های فارسی و انگلیسی در مجله‌های گوناگون و از جمله در فصلنامه‌ی «مطالعات تاریخی» به چاپ رسیده است.

کتاب نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی غرب در هفتمین دوره‌ی کتاب سال کشور برنده‌ی جایزه شد.

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاورشناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حسن زاده، رمضان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر رمضان حسن زاده تحصیلات عالیه خود را با قبولی در دوره کارشناسی رشته روان شناسی بالینی از دانشگاه علامه طباطبایی تهران آغاز کرد و کارشناسی ارشد در رشته روان شناسی تربیتی از دانشگاه تربیت معلم تهران و دکترای تخصصی(PhD) رشته روان شناسی ازدانشگاه آزاد اسلامی به پایان رسانید. حسن زاده در سمت های مختلف فعالیت خود را با دانشگاه آزاد اسلامی ساری آغاز کرد و از ایشان بارها به عنوان پژوهشگربرگزیده و برتر دانشگاه آزاد اسلامی ساری تقدیر به عمل آمد. با تدریس در دانشگاه های داخلی و عضویت در کمیته علمی همایش ها و کنفرانس ،شرکت در سخنرانی های علمی و تخصصی و ارائه مقالات متعدد به این همایشها از فعالیتهای وی می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : ۱- کارشناسی(لیسانس) رشته روان شناسی بالینی از دانشگاه علامه طباطبایی تهران، سال ۱۳۶۹. ۲- کارشناسی ارشد(فوق لیسانس) رشته روان شناسی تربیتی ،گرایش آمار وروش تحقیق، از دانشگاه تربیت معلم تهران، سال ۱۳۷۳. ۳- دکترای تخصصی(PhD)

رشته روان شناسی ازدانشگاه آزاد اسلامی،واحد علوم و تحقیقات، سال ۱۳۷۸. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ۱-قائم مقام حوزه معاونت پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی ساری،۱۳۷۶ تا۱۳۷۸. ۲- معاون پژوهشی ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری،۱۳۷۸تا ۱۳۸۲. ۳- مدیر گروه مدیریت آموزشی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۷۹تا ۱۳۸۱. ۴- مدیر گروه مدیریت آموزشی کارشناسی ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۸۳تا ۱۳۸۵. ۵- مدیر گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۸۵تا۱۳۸۶. ۶-عضو شوای پژوهشی ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۷۶ادامه دارد. ۷- عضو شوای تحصیلات تکمیلی ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۷۶ادامه دارد. ۸-عضو شورای جذب و بورس ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۸۱تا۱۳۸۴. ۹-عضو مرکز مشاوره ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۷۵ادامه دارد. ۱۰-دبیر هم اندیشی استادان ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۴. ۱۱- مدیریت پژوهش و نگارش معاونت فرهنگی ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر استان مازندران. ۱۲- عضو شوای پژوهشی منطقه سه ، دانشگاه آزاد اسلامی ، ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲. ۱۳-بازرس ویژه در امتحانات کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۷۹. ۱۴-عضو سازمان نظام روان شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ ادامه دارد. ۱۵-عضو هیات علمی پاره وقت مرکز تحقیقات روان پزشکی و علوم رفتاری دانشگاه مازندران، ۱۳۸۵ ادامه دارد. ۱۶-نماینده تام الاختیار، دانشگاه آزاد اسلامی ساری جهت شرکت در جلسات کار گروه بانوان و جوانان استان مازندران،۱۳۸۲ادامه دارد. ۱۷-عضو کار گروه اجتماعی استان مازندران،۱۳۸۴ادامه دارد. ۱۸-رئیس مرکز مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۷۸. ۱۹-عضو گروه علمی تخصصی رشته روان شناسی منطقه سه دانشگاه آزاد اسلامی،۱۳۸۳ ادامه دارد. ۲۰- عضو کار گروه فرهنگ وهنر و تربیت بدنی استان مازندران،۱۳۸۴ادامه دارد. ۲۱- عضو شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان مازندران،۱۳۷۳ تا ۱۳۸۵. ۲۲- عضو کمیته تخصصی تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان مازندران،۱۳۷۳ تا ۱۳۸۵. ۲۳- عضو کمیته تحقیقات،آموزش و ترویج اداره کل تعاون استان مازندران.۱۳۸۰. ۲۴- عضو کمیته منتخب گروه غیر پزشکی منطقه سه دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۵ ادامه دارد. ۲۵- عضو شوای انتشارات ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۷۸ادامه دارد. ۲۶- عضو هیات ممیزه سازمان آموزش و پرورش استان مازندران، ۱۳۸۲ تا۱۳۸۴. ۲۷- عضو کار گروه پژوهش ، آمار و فناوری اطلاعات استان مازندران، گروه تخصصی آموزش و پرورش،۱۳۸۳. ۲۸- عضو کار گروه پژوهش ، آمار و فناوری اطلاعات استان مازندران، گروه تخصصی محیط زیست،۱۳۸۳. ۲۹- عضو شوای فرهنگی ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۸۱ادامه دارد. ۳۰- رئیس شوای انتشارات ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۸۲. ۳۱-عضو گروه فرهنگ و علوم انسانی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران،۱۳۸۳. ۳۲- عضو خدمات مشاوره پژوهشی ، سازمان آموزش و پرورش استان مازندران، ۱۳۸۳ . ۳۳- عضو روان شناسی بالینی ایران،۱۳۸۵ ادامه دارد. ۳۴-عضو کمیسیون آسیب های اجتماعی استانداری مازندران ، ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳. داوری و نظارت طرح های پژوهشی: داوری و نظارت طرح های پژوهشی،در دانشگاه ها و مراکز آموزشی و پژوهشی، حدود ۵۰ مورد. عضو کمیته علمی و دبیر همایش ها و کنفرانس های ایران: عضو کمیته علمی همایش ها و کنفرانس های ایران، حدود ۱۵مورد . فعالیتهای آموزشی : ۱-دانشگاه پیام نور گنبد کاوس(از ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴) . ۲- دانشگاه پیام نور بهشهر(از ۱۳۷۳تا ۱۳۷۴). ۳- دانشگاه آزاد اسلامی گرگان (از ۱۳۷۳تا ۱۳۷۴). ۴- دانشگاه آزاد اسلامی ساری (از ۱۳۷۴ ادامه دارد). ۵- مرکز آموزش عالی فرهنگیان ساری (از ۱۳۷۴تا ۱۳۷۸). ۶- مرکز آموزش مدیریت دولتی مازندران (از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶) . ۷- دانشگاه پیام نور ساری (از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۷۹). ۸- مرکز آموزش عالی شهید فروزنده مازندران (از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱). ۹- دانشگاه آزاد اسلامی نکا (از سال ۱۳۸۵ ادامه دارد). ۱۰- دانشگاه آزاد اسلامی بندر گز (از سال ۱۳۸۵ ادامه دارد). ۱۱- دانشگاه امام حسین(ع) مازندران (از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶) . ۱۲- دانشگاه امام حسین(ع)گلستان (از سال ۱۳۸۶ ادامه دارد). سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رمضان حسن زاده بعنوان مربی گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی ساری (از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸)، استاد یار گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی ساری(از

سال۱۳۷۸تا۱۳۸۴)، دانشیار گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی ساری(از سال ۱۳۸۴تا) فعالیت داشته است. از دیگر فعالیتهای رمضان حسن زاده می توان به برگزاری کارگاههای آموزشی و شرکت در این کارگاه ها را اشاره کرد.جوائز و نشانها : ۱-احراز مقام برتر در بین پژوهشگران منطقه (۳) دانشگاه های آزاد اسلامی(و تشرف به خانه خدا و حج تمتع)،سال ۱۳۸۲ . ۲-پژوهشگربرگزیده و برتراولین همایش علمی – کاربردی پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر استان گیلان،سال ۱۳۸۳ . ۳-پژوهشگربرگزیده و برتراولین جشنواره بزرگ قلم استاد،مشهد مقدس،سال۱۳۸۴ . ۴- پژوهشگر برگزیده و برتر دانشگاه آزاد اسلامی ساری،سال ۱۳۸۳ . ۵- پژوهشگربرگزیده و برتر دانشگاه آزاد اسلامی ساری،سال ۱۳۸۴ . ۶- پژوهشگربرگزیده و برتر دانشگاه آزاد اسلامی ساری،سال ۱۳۸۵ . ۷- پژوهشگربرگزیده و برتر دانشگاه آزاد اسلامی در همایش بین المللی نهضت تولید علم، جنبش نرم افزاری و آزاد اندیشی ،سال ۱۳۸۴. ۸- پژوهشگر نمونه دانشگاه های استان مازندران،سال ۱۳۸۱. چگونگی عرضه آثار : از جمله آثار رمضان حسن زاده می توان به ۲۷ مقاله چاپ شده در مجلات داخلی، ۴۵ مقاله ارائه شده در سمینارها و همایش های علمی ، ۱۴ مقاله خارجی ارائه شده در سمینارها و کنفرانسهای جهانی، ۵ مقاله چاپ شده در مجلات خارجی، ۲ مقاله چاپ شده در ISI و شرکت در ۱۶ طرح تحقیقاتی می باشد. و همچنین نظارت بر طرح های تحقیق ، حدود ۱۰ مورد، راهنمایی یا مشاوره پایان نامه های کارشناسی، حدود ۲۰۰مورد، راهنمایی یا مشاوره پایان نامه های کارشناسی ارشد ، ۱۳۲ مورد، راهنمایی یا مشاوره پایان نامه های دکترای تخصصی، ۲ مورد. آثار : تالیف اقدام پژوهی: راهبردی برای بهبود آموزش و تدریس ویژگی اثر : با همکاری گروه نویسندگان، انتشارات پژوهشکدۀ تعلیم و تربیت، تهران، ۱۳۸۳.۲ تالیف بررسی موانع و عوامل کاربست یافته های پژوهشی در دستگاههای اجرایی، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ویژگی اثر : تهران، ۱۳۸۳.۳ تالیف روانشناسی اجتماعی در تعلیم و تربیت ویژگی اثر : با همکاری آقای دکتر حمزه گنجی، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۸.۴ تالیف روش های آماری در علوم رفتاری ویژگی اثر : با همکاری آقای محمد تقی مداح، انتشارات ویرایشف تهران ،۱۳۸۵.۵ تالیف روشهای تحقیق در علوم رفتاری (راهنمای عملی تحقیق) ویژگی اثر : انتشارات ساوالان، تهران، ۱۳۸۲.۶ ترجمه انگیزش برای یادگیری ویژگی اثر : با همکاری خانم نرجس عموئی، انتشارات دنیای پژوهش، مشهد، ۱۳۸۰. (تألیف دیبورا، جی استیپک).۷ ترجمه رفتار سازمانی ویژگی اثر : با همکاری آقایان دکتر مجتبی طبری و منوچهر نوری، و خانم ترانه عنایتی، انتشارات ساوالان، تهران، ۱۳۸۱. (تألیف رابرت بی، لاوسُن و زنگ شن).

منابع زندگینامه : تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط آقای دکتر رمضان حسن زاده بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی پاییز ۱۳۸۶

حسینی سروری، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: تعلیمات متوسطه، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیل مقدمات و بخشی از سطح در محضر استادان بزرگ در دو مدرسه حجتیه و فیضیه قم، کارشناسی فرهنگ اسلامی از دانشکده الهیات دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی از دانشگاه ایندیانا آمریکا، دکترای تعلیمات متوسطه از دانشگاه ایندیانا آمریکا.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس و تحقیق در دانشگاه شیراز، طرح ارزیابی عملکرد فارغ‌التحصیلان، طرح مشکلات تحصیلی دانشجویان، استاد راهنمای ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

مباحث قرآنی، مبانی و فلسفه تعلیم و تربیت، تعلیم و تربیت اسلامی، تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی، آموزش برنامه‌ای، انتخاب دانشجو.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۳

زمینه علمی مقالات:

مسائل دانشجوئی، کنکور و انتخاب دانشجو، نقد روان‌شناسی و علوم اجتماعی معاصر، حقوق فطری کودکان و نوجوانان از دیدگاه اسلام، جبر و اختیار و برخی از مسائل اسلامی در این باب، نقد کتاب، کیفیت آموزش، مسائل مربوط به تدریس، تربیت معلم.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حسینی نسب، داوود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم تربیتی، دانشکده: علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی روانشناسی دانشگاه مشهد، کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی، دکترای روانشناسی تربیتی از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تبریز در سال ۱۳۶۱، دانشیار دانشگاه تبریز در سال ۱۳۷۲ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کارآیی رشته تحصیلی آموزش و پرورش با نیاز جامعه، رضایت شغلی کارکنان صنعت، رشد اجتماعی کودکان، روانشناسی تربیتی، روش‌های تحقیق، سنجش و اندازه‌گیری، روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، رابطه ورزش‌های هوازی با میزان کلسترول و تری گلیسرید خون، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

گسترش کاربرد کامپیوتر در آموزش و پرورش، روانشناسی تربیتی، روشهای تحقیق.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸ تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

کامپیوتر و کودکان استثنایی، معرفی شاخص‌های آموزش عالی، تکنولوژی اطلاعات، روانشناسی تربیتی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حسینی، داوود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

داوود حسینی

محل تولد : دستجرد آشتیان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱۰/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۶۰وارد حوزه علمیه آیت الله مجتهدی تهرانی شدم و دروس صرف و نحو را در تهران گذراندم. از درس اخلاق آیت الله مجتهدی بهره بردم و در درس اخلاق آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی شرکت می کردم.

درس فقه لمعتین را از اساتید بزرگوار آیت الله ضیاء آبادی و رئوفی بهره بردم. در سال۱۳۶۷وارد حوزه علمیه قم شدم و در درس رسائل آیت الله اعتمادی و مکاسب آیت الله پایانی و دوزدوزانی بهره مند شدم. همزمان در دوره های آموزشی موسسه در راه حق که زیر نظر آیت الله مصباح یزدی برقرارمی شد شرکت می کردم.دو جلد کفائتین را از آیت الله تهرانی وحجۀ اسلام والمسلمین گنجی استفاده کردم.

با پایان دوره پنج ساله آموزشی موسسه در راه حق و تبدیل این موسسه به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) درکنار دروس خارج آیات عظام آیۀ الله مکارم شیرازی و جعفر سبحانی وجوادی آملی دوره کارشناسی ارشد روانشناسی را در موسسه امام خمینی(ره) به پایان رساندم ودر سال ۸۲ فارغ التحصیل شدم.

حسینیان، سیمین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سیمین حسینیان سال ۱۳۳۱ در تهران متولد شد وی پس از پایان دوره دبیرستان بی درنگ در کنکور سراسری رشته علوم تربیتی دانشگاه تهران پذیرفته شد و پس از گرفتن مدرک کارشناسی با پذیرش از سوی بهترین دانشگاه های کالیفرنیا و لس آنجلس (UCLA) راهی آمریکا و موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد و دکترا در رشته مشاوره شد. با ورود به وطن، در گروه روانشناسی دانشگاه الزهرا (س) مستقر شد و در طول خدمت افزون بر تدریس و پژوهش به کارهای اجرایی مختلفی پرداخت و هم اکنون در مقام معاون پژوهشی دانشگاه مشغول به خدمت است.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی مشاوره اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر سیمین حسینیان یک حسابدار خبره و مسلط به زبان عربی وانگلیسی بود و مادرش علاقه مند به کتاب و مطالعه. پدر و مادر هر دو از اصلی ترین مشوقان فرزندان در تحصیل علم و دانش بودندتحصیلات رسمی و حرفه ای : – دکترای مشاوره از دانشگاه UCLA (کالیفرنیا- لس آنجلس) آمریکا – کارشناسی ارشد مشاوره از دانشگاه UCLA – کارشناسی مشاوره از دانشگاه تهران مشاغل و سمتهای مورد تصدی : – معاون پژوهشی دانشگاه الزهرا (س) درحال حاضر – مدیر گروه مشاوره دانشگاه الزهرا (س) از سال ۱۳۸۲ تاکنون – مدیرتحصیلات تکمیلی دانشگاه الزهرا (س) در سال های ۷۶ و ۱۳۷۷ – معاون آموزشی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، ۷۶- ۱۳۷۵ – عضو مؤسس و عضو هیأت مدیره انجمن مشاوره ایران – عضو سازمان نظام روانشناسی و مشاوره – عضو کمیسیون های تخصصی و نظامنامه اخلاقی شورای عالی سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور – عضو شورای بررسی متون درسی و منابع روانشناسی کشور – عضو کمیته تخصصی طرح هدایت استعدادها در سازمان سنجش و آموزش کشور – عضو انجمن روانشناسی ایران – عضو انجمن ایرانی تعلیم و تربیت – عضو شورای قلم اندیشی امور بانوان شهرداری تهران – عضو هیأت مدیره کلینیک روانشناسی و مشاوره دانشگاه الزهرا(س) و همکاری با مرکز مشاوره دانشجویی – عضو کمیته علمی چندین سمینار و همایش سراسری و بین المللی – عضو هیأت تحریریه مجلات علمی – پژوهشی «اندیشه های نوین»، «تازه ها و پژوهش های مشاوره»، «پژوهش های تربیتی و روانشناختی» فعالیتهای آموزشی : تدریس در سطوح مختلف آموزشی در دانشگاه الزهرا بعد از احراز مدرک دکتری و دانشگاه های مختلف و راهنمایی بیش از ۷۰ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا از فعالیت های سیمین حسینیان بوده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : – همکاری با وزارت آموزش و پرورش برای تهیه و نمره گذاری نخستین آزمون رغبت سنجی تحصیلی، شغلی که از سال ۷۵ تاکنون مورداستفاده دانش آموزان کل کشور قرارگرفته – همکاری با شورای عالی برنامه ریزی (شاخه مشاوره) سیمین حسینیان علاوه بر فعالیت و تحقیقات گسترده اش در مسائل خانواده و کار در کلینیک، در رابطه با «فرسودگی شغلی» پژوهش های بسیاری داشته است. یکی دیگر از فعالیت های علمی وی تحقیق روی نظریه «هالند» [روانشناس و نظریه پرداز معاصر شغلی و حرفه ای] است که علاوه بر تأیید در دیگر کشورهای جهان، در ایران نیز مورد تأیید قرار گرفته است. حسینیان حدود ۱۵ سال است روی این موضوع کار تحقیقاتی انجام داده که کماکان ادامه دارد. برخی از این تحقیقات در آموزش و پرورش، دانشگاه ها و بازار کار انجام شده است. آرا و گرایشهای خاص : سیمین حسینیان در مقدمه مقاله ای با عنوان «کاربرد پذیری نظریه تصمیم گیری شغلی هالند در مدارس، دانشگاه ها و بازار کار ایران، بررسی موانع و ارائه راهکارها» آورده است: «تصمیم گیری درباره انتخاب شغل و حرفه یکی از مهمترین و سرنوشت سازترین موضوع ها در زندگی هر فرد به حساب می آید. امروزه پیچیدگی و دگرگونی دنیای کار، سرعت فزاینده رشد تکنولوژی، تقاضاهای روزافزون برای ورود به برخی مشاغل و نیاز به کسب دانش و مهارت ها با توجه به تفاوت های فردی، موجب بر هم خوردن تعادل آموزش و بازارکار شده و مشکلاتی را در چگونگی هدایت استعدادها، راهنمایی شغلی و تصمیم

گیری حرفه ای به وجودآورده است.» او در مورد علم روانشناسی امروز و جایگاه آن نزد مردم ایران زمین می گوید : «امروزه مردم ما واقعاً به مشاور و روانشناس نیازمندند و تقریباً نسبت به سال هایی که آنها را نمی شناختند و از مراجعه به آنها واهمه داشتند، مشاوران و روانشناسان را بیشتر می شناسند. تبلیغات خوبی روی این مسأله شده. منتهی لازم است مسأله اخلاق در مشاوره و روانشناسی و ضوابط و استانداردهای آن کمی روشن تر بیان و در واقع رعایت شود. یعنی فردی که می آید روانشناس و مشاوره می شود، صلاحیت این کار را داشته باشد، دوره های کارآموزی و به روز کردن معلوماتش را گذرانده باشد و علمی – تخصصی کار کند و اگر به مطلبی آگاهی ندارد فرد را ارجاع دهد به منابع آگاه. خودش را ملزم نداند که حتماً باید راجع به هر چیزی نظر بدهد یا هر کسی را درمان کند.» جوائز و نشانها : – استاد نمونه کشوری در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ از طرف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری – پژوهشگر نمونه و برتر دانشگاه الزهرا (س)، چندین سال متوالیچگونگی عرضه آثار : – ارائه ۸۰ مقاله پژوهشی – تحلیلی در مجلات علمی و سمینارهای داخلی و خارجی – نقد و بررسی بیش از ۱۲ کتاب در موضوع های گوناگون روانشناسی و مشاوره اجرای ۱۰ طرح تحقیقاتی ازجمله: هنجاریابی آزمون شغلی – شخصیتی، بررسی سلامت روان فرزندان و مادران باتوجه به موضوع حضانت، بررسی عملکرد خانواده و سلامت روانی نوجوانان فراری از خانه و نوجوانان عادی، روش های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و... – ترجمه و تألیف ۷ عنوان کتاب . اخرین اثر دکتر حسینیان کتاب" اخلاق در مشاوره و روانشناسی "است که یک نظامنامه روانشناسی محسوب میشود. وی در این کتاب، منشور اخلاقی روانشناسان و مشاوران را که به نوعی سوگند نامه سازمان نظام روانشناسی و مشاوره محسوب می شود در ۷ بند ارائه کرده است. آثار : ۱ اخلاق در مشاوره و روانشناسی ویژگی اثر : آخرین اثر تألیفی دکتر سیمین حسینیان، در زمستان، ??به دنبال تأسیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره (به ریاست دکتر غلامعلی افروز)، دکتر حسینیان فعالیت های گسترده ای را روی طرح نظامنامه اخلاقی مشاوران و روانشناسان ایران آغاز کرد و این نخستین نظامنامه اخلاقی است که برای روانشناسان و مشاوران نوشته می شود. در حدود ? سال پیش در مجلس شورای اسلامی لایحه ای تصویب شد مبنی بر آن که روانشناسان و مشاوران می توانند نظامنامه و چارچوب استاندارد و مهر داشته باشند. حسینیان به همراه گروهی از همکاران خود در این عرصه شروع به تنظیم استانداردهای لازم و نگارش نظامنامه اخلاقی کردند که این موارد در کتاب مورد نظر به چاپ رسیده است. به عقیده مؤلف کتاب، «از ویژگی های یک حرفه آن است که دارای اصول و قوانینی است که متخصصان می پذیرند به عنوان شرط عضویت از آن پیروی کنند. این اصول در واقع ارزش های شغلی یک حرفه را نشان می دهند. قوانین حرفه ای برای این ایجاد می شوند که رفتاری بی طرفانه، شایسته و همراه با مسئولیت پذیری و تعهد در انسان ایجاد شود و افراد در هنگام تصمیم گیری های اخلاقی، چارچوبی برای تصمیم گیری مناسب داشته باشند. اتخاذ تصمیمات اخلاقی در شرایطی که میان تعهدات و مسئولیت ها تعارض وجود دارد، کار آسانی نیست.» حسینیان که با شور و علاقه عجیب و فراوانی درباره دستاورد تلاش ها و تحقیقاتش در این رابطه سخن می گوید، با اشاره به این کتاب، می گوید: «ممکن است در حال حاضر بسیاری از روانشناسان و مشاوران ما در ایران، مشاور و روانشناس واقعی نباشند. شخصی جغرافیا خوانده ولی به خودش اجازه می دهد کار مشاور یا روانشناس را انجام دهد! در این کتاب یکسری ملاک ها مشخص شده که به طور مثال ، در این حرفه باید چه مدرکی داشته باشند یا باید چه دوره هایی را– حتماً– برای کارآموزی گذرانده باشند، زیرا آموزش مشاور باید طبق برنامه ریزی خاصی باشد، هر آموزشی نمی تواند آموزش مشاور باشد، مشاور باید به مسائل روز و تفاوت های فردی توجه کند. از طرفی در کشور ما هیچ نظارتی بر کار مشاور نیست. اما در خارج از کشور، کار مشاور یا روانشناس زیر نظر قرار می گیرد. نبود نظارت یکی از ضعف های مهم و عمده ماست و از این روست که می گویم اخلاق در مشاوره در ایران کار جدیدی است و برای نخستین بار مطرح شده. ما می گوییم مشاور و روانشناسمان باید صلاحیت داشته و بر کارش نظارت باشد، باید آموزش متناسب دیده باشد. یعنی کسی که آموزش دیده چطور الآن هم اجازه مشاوره دارد؟ آموزش باید به روز باشد.» حسینیان در کتاب اخلاق در مشاوره و

روانشناسی، منشور اخلاقی روانشناسان و مشاوران را که به نوعی سوگند نامه سازمان نظام روانشناسی و مشاوره محسوب می شود در ? بند ارائه کرده است. ۲ حرفه مناسب شما چیست ویژگی اثر : حسینیان با همکاری دکتر سیده منور یزدی در کتاب «حرفه مناسب شما چیست» نوشته «جان. ال. هالند» را به فارسی برگردانده که این اثر در زمینه تصمیم گیری شغلی نوشته شده است و پنجمین و آخرین تجدیدنظر هالند را در مورد نظریه حرفه و شخصیت توضیح می دهد. از منظر هالند، شخصیت فرد می تواند نقش مهمی در انتخاب شغل و به طور کلی در زندگی او داشته باشد. او ? تیپ شخصیتی و مدل محیطی را در نظریه خود به کار گرفته و افراد و محیط ها را با توجه به این الگوها طبقه بندی می کند. به اعتقاد مترجمان، این کتاب برای اشخاصی مناسب است که قصد دارند شغل مناسب شان را انتخاب کنند یا افرادی که از حرفه خود ناراضی اند و تصمیم به تغییر شغل گرفته اند. هم اکنون در مدارس و برخی سازمان ها از پرسشنامه شغلی این کتاب استفاده می شود که آموزش و پرورش کشور برای انتخاب رشته تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی از این پرسشنامه بهره می برد. زیرا، متأسفانه امروزه بسیاری از نوجوانان و جوانان کشور ما سرگردانند و بر سر چند راهی قرار گرفته اند، نه به توانایی های واقعی خود واقفند، نه اطلاعات کافی درباره مشاغل جامعه دارند و نه قادر به پیش بینی مشاغل مورد نیاز جامعه در زمان آینده هستند. ۳ ناسازگاری و مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان ، واقعیت مجازی در روان درمانی

حقانی، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن حقانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات کلاسیک را تا سوم دبیرستان در دبیرستان جعفری اسلامی تهران ادامه دادم. اکثر اوقات فراغت خود را در آن دوران بویژه تابستان در کتابخانه مرحوم آیت الله حسن سعید واقع در مسجد جامع بازار تهران می‌گذراندم. همچنین عصرهای پنجشنبه از محفل درس اعتقادات آیت الله سبحانی در همان کتابخانه استفاده می کردم.در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شده و پس از موفقیت در آزمون ورودی در مدرسه منتظریه(حقانی)تحت اشراف شهید قدوسی به تحصیل علوم دینی پرداختم و از محضر آیت الله قدوسی، آیت الله بهشتی، آیت الله جنتی،آیت الله خزعلی، آیت الله مقتدایی، آیت الله حائری شیرازی، آیت الله معرفت و .... استفاده نمودم.همچنین از اساتید خارج از مدرسه تا سطوح عالیه چون استاد ستوده،استاد اعتمادی، استاد خرازی و استاد پایانی استفاده نمودم و یک دوره اصول و بخشی از فقه چون صلاهٔ، حج و ... را در محضر حضرت آیت الله مظاهری فرا گرفتم. در سال ۱۳۵۹ وارد مؤسسه در راه حق شده و از برنامه‌های درسی آنجا تحت اشراف حضرت آیت الله مصباح یزدی استفاده نمودم و علاوه بر گذراندن دروس عمومی دانشگاهی در رشته تخصصی روان شناسی تا حد کارشناسی ارشد تحصیل نمودم و از محضر اساتید حوزوی و دانشگاهی ا ستفاده نمودم که به دلیل آنکه آن زمان مدرکی داده نمی‌شد فقط به گذراندن دوره اکتفا شد.در این دوره

از محضر استاد معظم آیت الله مصباح در زمینه‌های فلسفه، علوم قرآنی و اخلاق بهره‌ها بردم.
در سال ۱۳۷۰ از دانشگاه مک گیل واقع در شهر مونترآل از کشور کانادا پذیرش گرفته و کارشناسی ارشد را در رشته عرفان دریافت نمودم.در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه لنکستر انگلستان در مقطع دکتری پذیرش گرفتم که به عللی ترک تحصیل نموده و به ایران اسلامی بازگشتم.در مدرسه شهیدین، جامعهٔ الزهراء، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)،دانشگاه تهران تدریس دارم.تألیفاتی نیز داشته که برخی از آنها چاپ گردیده است. برخی از آنها نیز با همکاری دیگر برادران نوشته شده است. آخرین اثرصلح در اسلام به دو زبان فارسی و انگلیسی نگاشته شده است.

خداپناهی، محمدکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمدکریم خداپناهی، در سال ۱۳۲۳ ش. در قزوین به دنیا آمد.وی پس از اتمام دورهٔ دبیرستان در سال ۱۳۴۳ جهت تحصیل به کشور آلمان مسافرت کرد.تا مقطع کارشناسی ارشد رشته روانشناسی به تحصیل پرداخت .دوره دکترا را با اوج گیری مبارزات مردم مسلمان ایران در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ رها کرد و به کشور بازگشت . او از تحصیل باز پس ننشست و در اولین دورهٔ امتحان دکترای روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۶۹ شرکت کرد و پس از قبولی و گذراندن دورهٔ دکترای روان‌شناسی در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک دکترا شد.ایشان هم اکنون در دانشگاه شهید بهشتی مشغول تدریس مس باشد. کتاب" روان‌شناسی فیزیولوژیک " تالیف محمد کریم خدا پناهی، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : روان شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد کریم خدا پناهی پس از اتمام دورهٔ دبیرستان در سال ۱۳۴۳ جهت تحصیل به کشور آلمان مسافرت کرد. در آلمان پس از فراگیری زبان آلمانی و طی دورهٔ کالج دانشگاهی مونیخ و پس از موفقیت در امتحانات نهایی کالج وارد دانشگاه شهر کنستانس آلمان شد و در رشتهٔ روان‌شناسی فیزیولوژیک، به عنوان رشتهٔ اصلی و رشتهٔ بیولوژی به عنوان رشتهٔ فرعی، مشغول به تحصیل شد. در سال ۱۳۵۴ موفق به اخذ درجهٔ فوق‌لیسانس روان‌شناسی فیزیولوژیک شد و در دورهٔ دکترای همین رشته به تحصیل ادامه داد. با اوج گیری مبارزات مردم مسلمان ایران در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به کشور بازگشت و تحصیل در دورهٔ دکترا را ناتمام گذاشت. ایشان در اولین دورهٔ امتحان دکترای روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۶۹ شرکت کرد و پس از قبولی و گذراندن دورهٔ دکترای روان‌شناسی در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک دکترا شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد کریم خدا پناهی پس از انقلاب در سازمان صدا و سیما، وزارت امورخارجه و نخست‌وزیری مشغول به کار شد و از سال ۱۳۶۳ به دانشگاه انتقال یافت و به عنوان عضو هیأت علمی در دانشکدهٔ علوم تربیتی و روان‌شناسی استخدام شد. خلاصه ای از سوابق کاری و اجرایی دکتر محمد کریم خدا پناهی به قرار یزر است: معاون صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۸-۱۳۵۹ معاون و سرپرست وزارت امور خارجه ۱۳۵۹-۱۳۶۰ مشاور نخست وزیری ۱۳۶۰-۱۳۶۳ عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۶۳ ریاست دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی ۱۳۶۳-۱۳۷۱ معاون آموزشی دانشگاه ۱۳۶۷-۱۳۶۸ ریاست مرکز خدمات مشاوره ای دانشگاه ۱۳۷۳-۱۳۷۷ عضویت در مراکز علمی و پژوهشی : گروه روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی، گروه تخصصی روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس، شورای پژوهشی مرکز علوم رفتاری بقیه ا...، کمیته تحصیلات تکمیلی حوزه و دانشگاه، انجمن ایرانی روانشناسی، شورای علمی مجله روانشناسی، شورای علمی فصلنامه روانشناسان ایرانی، شورای علمی مجله معرفت فعالیتهای آموزشی : محمد کریم خدا پناهی مدت هیجده سال

است که در دانشگاه شهید بهشتی به انجام وظایف آموزشی و پژوهشی اشتغال دارند.آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی : روان شناسی فیزیولوژیک ، نورو سایکولژی، انگیزش و هیجان زمینه تخصصی : - مجری طرح تحقیق روانشناسی اجتماعی با نگرشی به منابع اسلامی ۱۳۷۷ حوزهدانشگاه - مجری طرح تحقیق روانشناسی اجتماعی با نگرشی بهمنابع اسلامی ۱۳۷۸حوزه دانشگاه - مجری طرح بررسی نقش راهبردهای شناختی و انگیزشی درپیشرفت تحصیلی و کاهش مشکلات روان شناختی دانشجویان رشته های علوم انسانی دانشگاهشهید بهشتی ۱۳۷۹ جوائز و نشانها : کتاب" روانشناسی فیزیولوژیک " تالیف محمد کریم خدا پناهی، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : تعداد مقاله های چاپ شدهٔ دکتر خداپناهی در مجلات مختلف : بیش از ۲۳ مورد برخی از مقالات نشر یافته: ۱. «روی آوری به روش های تحقیق در نور و سایکولوژی» پژوهشنامهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شمارهٔ ۱۹، سال ۱۳۷۵. ۲. «بررسی نقش تهییج طلبی در تحکیم روابط زناشویی» پژوهشنامهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شمارهٔ ۲۳، سال ۱۳۷۷. ۳. «روی آورد زیست شیمیایی تخدیرطلبی» مجلهٔ روان شناسی، شمارهٔ ۶، سال ۱۳۷۷. ۴. «بررسی رابطهٔ تهییج طلبی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی با فعالیت ورزشی، سرعت رانندگی و شرکت در مراسم مذهبی» مجلهٔ روان شناسی، شمارهٔ ۹، سال ۱۳۷۸. ۵. «بررسی رابطهٔ تحقق شرح وظایف مدیران مدارس بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان» مجلهٔ روان‌شناسی شمارهٔ ۱۱، سال ۱۳۷۸. ۶. «بررسی نقش ساخت شخصیت در جهت¬گیری مذهبی دانشجویان» مجلهٔ روان شناسی، شمارهٔ ۱۴، سال ۱۳۷۹. ۷. «بررسی نقش راهبردهای شناختی و انگیزشی در پیشرفت تحصیلی و کاهش مشکلات روان‌شناختی دانشجویان» مجلهٔ روان‌شناسی، شمارهٔ ۱۶، سال ۱۳۷۹. آثار : ۱ روان شناسی احساس و ادراک ویژگی اثر : چاپ ششم، سازمان سمت، ۱۳۸۰.۲ روان‌شناسی انگیزش و هیجان ویژگی اثر : چاپ سوم، سازمان سمت، ۱۳۸۱.۳ روان‌شناسی فیزیولوژیک ویژگی اثر : تالیف،چاپ اول، سازمان سمت، ۱۳۸۰.این کتاب ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «روان‌شناسی فیزیولوژیک» روان‌شناسی فیزیولوژیک/ محمدکریم خداپناهی؛ ویراستهٔ بتول اخوی راد. ـ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) ، ۱۳۸۰.دوازده، ۳۹۸ص.:مصور(بخش رنگی)، جدول، نمودار.واژه‌نامه.کتابنامه: ص. ۳۹۳ـ۳۹۸. روان‌شناسی فیزیولوژیک به عنوان علم میان‌رشته‌ای به بررسی رابطه بین مغز و رفتار می‌پردازد و در آن، رشته¬های مختلف علوم از قبیل زیست‌شناسی، داروشناسی، فیزیولوژی اعصاب، روان شناسی اعصاب، کالبد شناسی اعصاب و شیمی اعصاب مشارکت دارند.با توجه به اهمیت موضوع و قلّت منابع در این¬باره به زبان فارسی، این اثر از جمله کوشش‌های ارجمندی است که برای یکی از دروس پایهٔ روان‌شناسی صورت پذیرفته است.کتاب حاضر در چهار بخش و چهارده فصل سامان یافته است. در ابتدا، مبانی روان‌شناسی فیزیولوژیک، شامل تعریف و روش‌های تحقیق آن، ساختار و کنش سلول‌های دستگاه عصبی، سیناپس‌ها و ناقل‌های عصبی و ساخت و وظایف دستگاه عصبی ارائه شده و سپس، چگونگی سازوکار نظام‌های ادراک حسی و دستگاه حرکتی در ابعاد فیزیولوژیک و روان‌شناختی بر اساس یافته‌های پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش سوم، در بیان رفتارهای انگیزشی، روان‌شناسی بیداری و انواع هشیاری، چرخه‌های زیستی، سازوکار خواب و رؤیا، مفاهیم اساسی انگیزش، رفتار جنسی، انگیزه‌های اکتسابی و تخدیرطلبی و پسیکوفیزیولوژی هیجان بحث شده و در خاتمه مبحث یادگیری و حافظه و فرایند شناختی (تفکر) مطرح شده است.گستردگی و جامعیت مباحث و همبستگی مطالب، استناد به منابع و مآخذ معتبر و دست اوّل، تحلیل عمیق موضوعات، استفاده از تصاویر مناسب و به ویژه تصاویر رنگی برای توضیح مطالب، با توجه به ضرورت تدوین کتاب درسی جامعی دراین باره، از امتیازات اثر حاضر است ۴ فیزیولوژی عمومی (اعصاب و غدد داخلی) ویژگی اثر : چاپ اول، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.

خدایاری فرد، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد خدایاری فرد در سال ۱۳۲۹ در شهر همدان به دنیا آمده است.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی والدین و انساب : نام پدر محمد خدایاری فرد علی پاشا و نام مادر سکینه می باشد. خاطرات کودکی : محمد خدایاری فرد از دوران کودکی خود چنین یاد می کند: دوران کودکی خود را در شهر همدان سپری نمودهام. بیشترین خاطرات بر میگردد به عباس آباد و گنج نامه و کوه الوند و میدان میشان. چون آخرین فرزند خانواده بودهام به اندازه کافی مورد محبت و توجه پدر و مادر و سایرین قرار داشتم.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر محمد خدایاری فرد کارمند اداره دارائی و شرایط خانوادگی از نظر اقتصادی در حد متوسطی بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد خدایاری فرد تحصیلات ابتدایی خود را از کلاس اول تا پایان دوران دبیرستان در شهر همدان بود و دیپلم خود را از دبیرستان رضا شاه (سابق) اخذ نمود. تحصیلات تکمیلی خود را در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد از دانشگاه علامه طباطبایی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۶ آغاز و در سال ۱۳۶۰ به پایان رسانید. مدرک دکترای خود را در رشته رواشناسی از کشور استرالیا از دانشگاه ولنگنگ به پایان رسانید.خاطرات و وقایع تحصیل : بیشترین خاطرات محمد خدیاری فرد در دوران دبیرستان بود که هم فعالیتهای مذهبی و هم فعالیتهای سیاسی داشته است.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد خدایاری فرد در دوران دبیرستان علاوه بر فعالیتهای مذهبی و سیاسی در تابستانهای هر سال برای کسب درآمد مشغول به کار میشد در دوران ابتدایی در تابستانها مشغول نجاری بود و ضمنا "در دندان سازی شوهر خواهرش نیز کار می کرد.استادان و مربیان : محمد خدایاری فرد در دوران دبیرستان در کلاسهای آقای دکتر اکرمی (وزیر اسبق آموزش و پرورش) و در جلسات خصوصی شهید مدنی شرکت می کرد.هم دوره ای ها و همکاران : آقای علی آقا محمدی عضو شورای تشخیص مصلحت نظام، آقای مصطفی رحماندوست شاعر و از چهرههای ماندگار ، آقای مجتبی رحماندوست مشاور رئیس جمهور در امور جانبازان از همدورهایهای جلسات مذهبی محمد خدایاری فرد در دوران دبیرستان هستند. همسر و فرزندان : همسر محمد خدایاری فرد اکرم علوی نیز روانشناس است که در مدرسه عالی پارس هر دو دانشجو بود و ازدواج کرد و ایشان نیز از فعالان مذهبی و سیاسی در آن دوران بودند. دو تا دختر بنام صبا و سارا دارد که اولی کارشناس ارشد روانشناسی بالینی و دومی کارشناس ارشد رشته کامپیوتر است. وقایع میانسالی : محمد خدایاری فرد از وقایعی که برایش اتفاق افتاده است اینطور یاد می کند: در سال ۱۳۵۰ به اتهام اقدام علیه امنیت کشور توسط ساواک دستگیر شدم و در زندان اوین به مدت ۴ ماه زندانی بودم که دو ماه آن انفرادی بود و در سال ۱۳۵۱ آزاد شدم. به مدت یکسال نیز در جنگ تحمیلی همراه با شهید چمران بودم که عدهای از دوستان نزدیک دوران کودکیم شهید شدند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد خدایاری فرد پست های اجرایی خود را از مدیریت گروه روانشناسی تربیتی و مشاوره و عضو هیأت علمی و معاون آموزشی دانشکده روانشناسی وعلوم تربیتی دانشگاه تهران آغاز نمود. و به عنوان عضو هیأت مدیره و معاون اداری و آموزشی در کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران و شرکت ملی نفتکش ایران ادامه داد. از دیگر فعالیتهای وی به شرح زیر می باشد: عضو انجمن بینالمللی روانشناسی بالینی (ISCP) عضو انجمن روانشناسان استرالیا (APS) عضو انجمن علوم شناختی ایران عضو انجمن روانشناسی ایران عضو سازمان نظام روانشناسی و مشاوره ایران عضو کمیتهٔ تخصصی مبانی روانی آموزش و پرورش عضو شورای برنامهریزی و سیاستگذاری عضو هیأت داوران و دبیر گروه علوم تربیتی و روانشناسی نهمین و دهمین دورهٔ انتخاب و معرفی پژوهش فرهنگی سال عضو کمیسیون علمی ـ پژوهشی «انسان و سلامت» همایش کشوری «گفتگوی علم و دین: مفهوم حیات، انسان و مباحث کاربردی» عضو هیأت داوران پژوهشهای روانشناسی و علوم تربیتی پنجمین، ششمین و

هشتمین دورهٔ انتخاب و معرفی پژوهش فرهنگی سال عضو هیأت داوران بررسی کتابهای روانشناسی عضو هیأت داوران پژوهشهای علوم انسانی، چهاردهمین جشنواره بین المللی خوارزمی عضو گروه پژوهشی مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه تهران عضو هیات تحریریه مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی عضو هیات علمی مجله علوم روان‌شناختی عضو هیات داوران مجلهٔ علوم اجتماعی و انسانی عضو هیات داوران مجله مطالعات روانشناختی عضو هیات داوران مجلهٔ پژوهشهای روان‌شناختی عضو هیات داوران مجلهٔ روانشناسی و علوم تربیتی فعالیتهای آموزشی : محمد خدایاری فرد فعالیت آموزشی خود را در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد از دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی, دانشگاه تهران در رشته روانشناسی در گرایش های مختلف آغاز کرد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمد خدایاری فرد در تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، همراه با دکتر ابراهیم یزدی، بهزاد نبوی، ابوشریف، محسن رفیق دوست و سایرین نقش داشته و هسته های نظامی را تشکیل داد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : بیشترین فعالیتهای روزمرهٔ آموزش و پژوهش در دانشگاه تهران و انجام فعالیتهای روان درمانی در مطب خصوصی است. محمد خدایاری فرد به عنوان مشاوره و کارشناس روانشناسی بالینی و روان درمانگری بالینی در مراکز مشاوره خصوصی و مرکز مشاوره دانشگاه تهران آغاز نمود. وی شرکت در دورههای مختلف (آموزشی، پژوهشی و اجرایی) را به عهده داشته است. او بعنوان مجری اصلی و همکاری پژوهشی در پروژه‌های تحقیقاتی تصویب شده شرکت داشته است و همچنین در پایاننامه های سرپرستی شده یا مشاوره شده به عنوان استاد راهنما شرکت داشته است.شاگردان : محمد خدایاری فرد در این باره چنین می گوید: دانشجویان زیادی را آموزش داده ام که عده‌ای از آنها اکنون خود، محقق و عضو هیات علمی دانشگاه می باشند.همفکران فرد : از همفکران محمد خدایاری فرد می توان به موارد زیر نام برد: ۱ – دکتر غلامعلی افروز ۲ – دکتر خسرو باقری نوعپرست ۳ – دکتر مجتبی رحماندوست ۴ – دکتر محسن شکوهی یکتا ۵ – دکتر جعفر بوالهری ۶ – دکتر باقر غباری بناب آرا و گرایشهای خاص : محمد خدایاری فرد آرا و گرایشهای خاص بیشتر در زمینه روان درمانگری و بخصوص خانواده درمانی شناختی – رفتاری است و همچنین در زمینه روانشناسی دین از جمله ساخت مقیاسهای دینی است.جوائز و نشانها : محمد خدایاری فرد موفق به جوائز : یازدهمین دوره انتخاب پژوهش فصل فرهنگی سال ۱۳۸۵ توسط وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و اولین همایش بین المللی نقش دین در بهداشت روان سال ۱۳۸۰ توسط ریاست محترم مجلس شورای اسلامی و چهارمین دورهٔ انتخاب و معرفی پژوهش فرهنگی سال ۱۳۷۸ توسط وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی شده است. چگونگی عرضه آثار : محمد خدایاری فرد ۴۴ مقاله درزمینه های مختلف روان شناسی و همچنین ۳۹ مقالات در همایش، کنفرانس و غیره ارائه داده است.آثار : ۱ Student's and their parents, attribution style, trait anxiety, and socio- demographic factors as teachers, perceptions of academic performance in late childhood. ویژگی اثر : پایان نامه دوره دکترای در سال ۱۹۹۲ ارزیابی و شناخت ـ رفتار درمانی نوجوانان ویژگی اثر : ۱۳۸۳ تهران / ایران انتشارات رشد ترجمه: خدایاریفرد، محمد۳ استرس و روشهای مقابله با آن استرس، علائم و تأثیرات آن ویژگی اثر : ۱۳۸۶(زیرچاپ) تهران / ایران انتشارات دانشگاه تهران تالیف۴ تشخیص و درمان اختلالات روانشناختی کودك و نوجوان ویژگی اثر : ۱۳۸۵ تهران / ایران انتشارات یسطرون تدوین۵ چگونه آرام باشیم و فشار روانی را کاهش دهیم؟ ویژگی اثر : ۱۳۷۸ تهران / ایران دفتر مرکزی مشاورهٔ دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مرکز مشاورهٔ دانشجویی دانشگاه تهران تالیف۶ خانواده درمانی اختلالات کودکان و نوجوانان: با تأکید بر فنون شناختی ـ رفتاری ویژگی اثر : ۱۳۸۶(زیرچاپ) تهران / ایران انتشارات دانشگاه تهران تالیف۷ روان درمانی چیست؟ ویژه دوره نوجوانی و جوانی ویژگی اثر : ۱۳۸۲ تهران / ایران انتشارات انجمن اولیاء و مربیان ترجمه:خدایاریفرد، محمد (چاپ دوم)۸ روان‌شناسی بالینی کودك و نوجوان ویژگی اثر : ۱۳۸۶(زیر چاپ) تهران / ایران انتشارات دانشگاه تهران تالیف۹ روانشناسی مرضی کودك و نوجوان ویژگی اثر : ۱۳۸۵ تهران / ایران انتشارات دانشگاه تهران تالیف۱۰ طبقه‌بندی و تشخیص اختلالات

روانشـناختی ویژگی اثر : ۱۳۸۶(زیرچـاپ) تهران / ایران انتشـارات دانشـگاه تهران ترجمه۱۱ فنون ارزیـابی روانی- تربیتی (کـاربرد آزمون‌های تشخیصی و شخصیت) ویژگی اثر : ۱۳۸۶(زیرچاپ) تهران / ایران انتشارات دانشگاه تهران تالیف۱۲ مبارزه با افسردگی ویژگی اثر : ۱۳۷۸ تهران / ایران دفتر مرکزی مشاورهٔ دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مرکز مشاورهٔ دانشجویی دانشگاه تهران تالیف۱۳ مسائـل دوران کـودکی و نوجوانی ویژگی اثر : ۱۳۸۲ تهران / ایران انتشارات یسـطرون تالیف۱۴ مسائل نوجوانان و جوانان ویژگی اثر : ۱۳۸۵ تهران / ایران انتشارات انجمن اولیاء و مربیان تالیف(چاپ دهم با تجدیدنظر)۱۵ مشاوره شناختی ـ رفتاری ویژگی اثر : ۱۳۸۵ تهران / ایران انتشارات دانشـگاه تهران ترجمه: خـدایاریفرد، محمد۱۶ مشاوره: مبانی روان شـناختی ویژگی اثر : ۱۳۸۱ تهران / ایران انتشارات یسـطرون تالیف۱۷ مشـکلات سـلامتی نوجوانان و جوانان ویژگی اثر : ۱۳۸۶(زیرچاپ) تهران / ایران انتشارات دانشـگاه تهران تالیف۱۸ مصـاحبه هـای بـالینی با کودکان و نوجوانان ویژگی اثر : ۱۳۸۲ تهران / ایران انتشارات دانشـگاه تهران ترجمه: خدایاریفرد، محمد(چاپ دوم)۱۹ مقایسه ارزشـهای مذهبی, سیاسی, اجتماعی, اقتصادی, زیبایی و نظری دانشآموزان سال چهارم دبیرستانها در مناطق چهارگانه تهران ویژگی اثر : پایان نامه دوره کارشناسی ارشد درسال ۱۳۶۰

خدیوی زند، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی روان‌شناسـی علوم تربیتی و فلسـفه از دانشسـرای عالی تهران در سال ۱۳۳۸، کارشناسـی ارشد فلسـفه اسلامی از دانشگاه تهران در سالهـای ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۸، دکـترای روان‌شناسـی اجتمـاعی- تربیتی از دانشـگاه بردو فرانسه در سـال ۱۳۵۰، دکترای دتـا در روان‌شناسـی بالینی از دانشگاه پاریس از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۸، دوره فوق تخصصـی روانکاوی تعلیمی برای روانکاو شـدن، ۱۰ دوره تخصصی در شیوه‌های روان درمانی فردی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آسیب‌شناسـی روانی، انحرافات و اختلالات جنسـی، بزهکاریها، رؤیاها، روان نژنـدیها و روان‌پریشـی‌ها، ناهنجاریها، شـیوه‌های روان درمانی انفرادی و گروهی، جنگ، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

آموزش و پرورش، روان‌شناسی تربیتی و کودک، روان درمانی، روان‌شناسی بالینی، روان‌سنجی، روانکاوی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

آموزش و پرورش، فلسفه، روان‌شناسی، روان درمانی و روانکاوی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خلعتبری، الهیار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فلسفه اسلامی معقول از دانشکده الهیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد تاریخ فلسفه اسلامی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۵۱ و دکترای تاریخ اسلامی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه و پژوهش در زمینه تاریخ ایران بعد از اسلام و تاریخ ایلخانان مغول.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بررسی تاریخ سربداران، بررسی کتاب جوامع‌الحکایات (نقد)، اوضاع اقتصادی و اجتماعی غزنویان و سلجوقیان، اسماعیلیان قهستان، تاریخ اسماعیلیان نزاری در ایران و بررسی و نقد کتاب حسن صباح چهره شگفت‌انگیز تاریخ.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خلیلی، عبدالامیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: اقتصاد کشاورزی، دانشکده: اقتصاد، دانشگاه: شهید بهشتی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خواجویان، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مطالعات اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد مدرس.

تولد: ۱۳۱۷، مشهد.

درگذشت: ۱۳ آبان ۱۳۷۲، مشهد.

محمدکاظم خواجویان پس از گذراندن دوره‌های ابتدایی و متوسطه تحصیل، به دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد راه یافت و در سال ۱۳۴۱ به دریافت دانشنامه‌ی لیسانس تاریخ از آن دانشکده نایل آمد. پس از آن، با سمت دبیری به کار در وزارت آموزش و پرورش پرداخت و مدتی در آباده‌ی فارس تدریس کرد و چندی بعد برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت و طی سال‌های ۱۳۵۶ - ۱۳۵۴ دوره‌های فوق لیسانس و دکترای رشته‌ی مطالعات اسلامی را به پایان برد.

دکتر خواجویان از سال تحصیلی ۱۳۵۷ -۱۳۵۶ به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد پرداخت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شد و چندی پس از آن ریاست دانشکده‌ی ادبیات این دانشگاه را پذیرفت. دکتر خواجویان نزدیک به نه سال در این سمت باقی بود و پس از آن نیز تا درگذشت، در سمت معاون دانشجویی دانشگاه مشهد انجام وظیفه کرد. همزمان با آن، عضویت هیئت امنای دانشگاه‌های شمال شرق کشور را داشت و به ویژه سرپرستی شورای برنامه ریزی گروه تاریخ وزارت فرهنگ و آموزش عالی را نیز عهده‌دار بود. این شورا اقداماتی برای بهبود کیفیت وضع مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری انجام داد.

دکتر محمدکاظم خواجویان درس‌های تاریخ صدر اسلام، تاریخ تشیع و تاریخ ائمه را در بخش تاریخ دانشکده‌ی مشهد تدریس می‌کرد و ضمنا به امور اجرایی- اداری دانشگاه فرودسی نیز می‌رسید. وی همچنین از نخستین سال‌های فعالیت کانون نشر حقایق اسالم در مشهد زیر نظر استاد محمدتقی شریعتی به فعالیت‌های مذهبی در این کانون پرداخت. عضویت در هیئت مدیریه «انصار الحجه» (مؤسسه‌ی خیریه‌ای که برای رسیدگی به وضع یتیمان فالیت داشت)؛ فعالیت در انجمن حمایت از زندانیان مشهد؛ عضویت در هیئت امنای اداره‌ی اوقاف مشهد از دیگر فعالیت‌های اجتماعی دکتر خواجویان بود.

دکتر خواجویان در زمان ریاست خویش در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، کوشش بسیار کرد تا فضای علمی- پژوهشی دانشکده را سرزنده نگاه دارد. بسیاری از پژوهشگران به تشویق و یاری وی به کارهای پژوهشی پرداختند. وی همچنین نشریه‌ای تخصصی در زمینه‌ی پژوهش‌های تاریخی بنیاد گذارد که از سال ۱۳۶۸ با نام «فصلنامه‌ی مطالعات تاریخی» منتشر شد. مقالات پژوهشی وی در این فصلنامه و نیز مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی» مشهد به چاپ رسیده است.

دکتر خواجویان درباره‌ی تشیع پژوهشی انجام داد که بنا بود در سلسله انتشارات سازمان «سمت» (سازمان مطالعه و تدوین کتاب علوم انسانی دانشگاه‌ها) چاپ گردد.

دکتر محمدکاظم خواجویان در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۷۲ در مشهد به علت سکته‌ی قلبی درگذشت.

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاورشناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دادستان، پریرخ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پریرخ دادستان در ۱۳۱۲ درتهران بدنیا آمد. وی پس از اخذ دیپلم ادبی در سال ۱۳۳۰ برای ادامه تحصیل به سوئیس اعزام شد.ایشان دکتری رشته روانشناسی را زیر نظر پروفسور ژان پیاژه در سال ۱۳۳۹(۱۹۶۰م) از دانشگاه ژنو دریافت کرد. پریرخ دادستان از سال ۱۳۵۴عضو هیئت علمی دانشگاه تهران شد و تا مقام استادی(۱۳۶۵) ارتقا یافت نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه شهید بهشتی می باشد. وی عضو بسیاری انجمن های مربوطه به رشتهٔ خود است و در سال ۱۳۸۱ به عنوان چهره های ماندگار در رشته روانشناسی معرفی شد. کتاب"روانشناسی مرضی تحوّل از کودکی تا نوجوانی" تالیف وی ، در دوره دهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : روان شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی پریرخ دادستان به قرار زیر است : - تحصیلات ابتدایی در دبستان «خورشید» تهران و اخذ دو دیپلم علمی و ادبی به ترتیب از دبیرستان های «ناموس» و «شاهدخت» - دریافت دیپلم متوسطه از دبیرستان ناموس ۱۳۲۸ ـ قبولی در کنکور سراسری و دریافت بورس از وزارت فرهنگ و آموزش عالی و اعزام به کشور سوئیس (به عنوان تنها زن پذیرفته شده) ۱۳۳۰ ـ دریافت گواهینامه علوم تربیتی در رشته روانشناسی از دانشگاه ژنو ۱۳۳۱ ـ دریافت دانشنامه تخصصی روانشناسی بالینی کودک ، ژنو۱۳۳۲ ـ دریافت دانشنامه عمومی روانشناسی کاربردی ، ژنو ۱۳۳۲ ـ دریافت دانشنامه لیسانس روانشناسی ،ژنو ۱۳۳۳ ـ دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد روانشناسی ، ژنو۱۳۳۵ ـ دریافت دکتری روانشناسی ، ژنو۱۳۳۹خاطرات و وقایع تحصیل : بیشتر دوران تحصیل پریرخ دادستان به تحصیل در رشته روانشناسی در کشور سوئیس (دانشگاه ژنو) گذشته که در زندگی علمی وی مرحلهٔ مهمی به شمار می رود.فعالیتهای ضمن تحصیل : پریرخ دادستان در کنار رشته و گرایش تخصصی خود همواره به گرایشهای دیگر یا رشته های دیگر نیز توجه داشت چنانکه در ۱۳۲۹علاوه بر دیپلم علمی، دیپلم ادبی و نیزدر ۱۹۵۳، علاوه بر دانشنامه تخصصی روانشناسی بالینی، دانشنامهٔ عمومی روانشناسی کاربردی را دریافت کرد.استادان و مربیان : مهمترین استاد، پریرخ دادستان به ویژه در هنگام تحصیل در مرحله دکتری، استاد ژان پیاژه ، استاد روانشناسی دانشگاه ژنو در پاریس بوده است.وقایع میانسالی : پریرخ دادستان پس از بازگشت از سوئیس در سال ۱۳۲۹، مدتی به عنوان کارشناس فرهنگی تربیتی اداره کال تربیت معلم وزارت آموزش و پرورش فعال بود. وی از سال ۱۳۵۴عضو هیئت علمی دانشگاه تهران شد و تا مرحله استادی نیز ارتقا یافت. وی در بسیاری از مراکز مهم علمی در زمینه روانشناسی عضویت یا مسئولیت دارد. وی درسال ۱۳۸۱ به عنوان چهره ماندگار در عرصهٔ روانشناسی معرفی شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : برخی مسئولیت های پریرخ دادستان عبارت بوده اند از : - کارشناس فرهنگی تربیتی اداره کل تربیت معلم وزارت آموزش و پرورش - عضو هیئت علمی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۴ - مدیر دفتر مطالعات وتحقیقات روانشناسی و تحقیقات و علوم انسانی - عضویت شورای راهبری سند ملی آموزش و پرورش ۱۳۸۳ تا کنون ـ مدیر مسئول و سردبیر فصلنامه روانشناسان ایرانی ۱۳۸۲ تا کنون ـ استاد گروه روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۱ تاکنون ـ مدیر گروه روانشناسی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) ۱۳۷۵ تاکنون ـ مدیر دفتر مطالعات و تحقیقات علوم انسانی معاونت پژوهشی و برنامه ریزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب ۱۳۷۲ تا کنون ـ استاد ۱۳۷۹- ۱۳۶۵ گروه روانشناسی دانشگاه تهران -دانشیار ۱۳۶۵- ۱۳۵۹ گروه روانشناسی دانشگاه تهران - مدیر گروه ۱۳۶۲- ۱۳۵۴ - استادیار

۱۳۵۹– ۱۳۴۴ گروه روانشناسی دانشگاه تهران – استاد گروه روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی ــ ۱۳۸۱ تاکنون – صاحب امتیاز و مدیرمسؤول مجتمع آموزشی رؤیا (وزارت آموزش و پرورش) طی سال های ۱۳۴۴ تا ۵۴ – ریاست مرکز تحقیقات روانشناسی پلی تکنیک تهران (وزارت آموزش و پرورش) از ۱۳۴۱ تا ۴۴ – مدیر گروه روانشناسی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت ــ) ۱۳۷۵ تاکنون – مدیر دفتر مطالعات و تحقیقات علوم انسانی معاونت پژوهشی و برنامه ریزی دانشگاه آزاد اسلامی ــ واحد تهران جنوب ــ ۱۳۷۲ تاکنون –عضویت در گروه علمی ــ تخصصی رشته روانشناسی منطقه هشت دانشگاه آزاد اسلامی ــ ۱۳۸۴ –عضویت در شورای مرکزی انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی ــ ۱۳۸۴ فعالیتهای آموزشی : پریرخ دادستان از سال ۱۳۵۴ عضو هئیت علمی دانشگاه تهران شد. وی در سال ۱۳۵۹ به مرتبه دانشیاری و مدتی بعد به مرحلهٔ استادی نایل آمد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پریرخ دادستان علاوه بر تدریس و مسئولیت های اجرایی و به تحقیق مطالعه و تالیف آثار دررشتهٔ روانشناسی مشغول بوده و هست.آرا و گرایشهای خاص : پریرخ دادستان عمدتا به روانشناسی بالینی و درمانگری توجه دارد. آثار وی نیز عمدتاً دراین حیطه نگاشته شده است.جوائز و نشانها : منتخب در همایش چهره های ماندگار به عنوان اولین روانشناس در این همایش – ۱۳۸۱ منتخب اولین دوره معرفی پژوهشگران قابل تقدیر دانشگاه تهران ــ ۱۳۸۳ برنده جایزه بخش تحقیقات بنیادی علوم انسانی در پانزدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی ــ ۱۳۸۰ برنده لوح تقدیر سازمان «سمت» به عنوان مدیر گروه پژوهشی روانشناسی برنده لوح تقدیر ریاست تشخیص مصلحت نظام به عنوان مدیر گروه پژوهشی روانشناسی سمت برنده لوح تقدیر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان مدیر گروه پژوهشی روانشناسی سمت پژوهشگر برگزیده جامعه اسلامی پژوهشگران ــ ۱۳۸۰ برنده لوح تقدیر همایش علل و عوامل تقدم مسائل جمعی بر منافع فردی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب کتاب" روانشناسی مرضی تحوّل از کودکی تا نوجوانی " تالیف پریرخ دادستان به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوه دهم کتاب سال از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چگونگی عرضه آثار : سوابق پژوهشی و آموزشی پریرخ دادستان به قرا زیر است: سوابق پژوهشی : مجری ۱۶ مورد طرح پژوهشی و هنجار گزینی تست‌های متفاوت در دانشگاه تهران ، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب و سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش که در این میان برخی از طرح‌های ایشان برنده جوایز ارزنده‌ای نیز شده‌اند . از آن جمله روش‌های تشویق و تنبیه در مدارس راهنمایی از دیدگاه معلمان و دانش آموزان (برنده طرح برگزیده سال ۱۳۷۷) ، بررسی توان ذهنی دانش آموزان دوره ابتدایی به منظورتعیین استانداردهای آموزشی (برنده پانزدهمین جشنواره بین‌اللملی خوارزمی) ۱۳۷۶ ،بررسی توانایی‌های کودکان غیر فارسی زبان در زبان فارسی در بدو ورود به نظام آموزشی (برنده طرح برگزیده ۱۳۷۹) و میزان اضطراب دانش آموزان در جلسات امتحانی و راه‌های کاهش آن (برنده طرح برگزیده سال ۱۳۷۵) سوابق فعالیت‌های آموزشی : ۱۷ مورد پایان‌نامه دکترا و ۱۰۱ مورد پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مختلف استان تهران. و ارائه ۲۹ مقاله (۱۳۸۳ـ۱۳۵۵) که در مجلات مختلف روانشناسی .

آثار : ۱ اختلال های زبان و روش های تشخیص و بازپروری (روانشناسی مرضی تحولی ۳ ــ کتاب برگزیده دانشگاه تهران ۱۳۸۰ – کتاب تشویقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۹) ۲ اختلالهای زبان ۳ ارزشیابی شخصیت کودکان براساس آزمون های ترسیمی ۴ بیماری جدید تمدن ۵ بیماریهای روانی ویژگی اثر : ۱۳۶۸۶ تربیت به کجاره می سپرد ویژگی اثر : ۱۳۶۹۷ تنیدگی با استرس ۸ دیدگاه پیاژه در گستره تحول روانی ۹ روانشناسی بالینی ویژگی اثر : ۱۳۷۱۱۰ روانشناسی ژنتیک ۲ ویژگی اثر : ۱۳۷۲۱۱ روانشناسی مرضی تحولی از کودکی تا نوجوانی ویژگی اثر : ۱۳۷۱–(برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۱ از طرف در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).آشنایی با کتاب:« روانشناسی مرضی تحول »: روانشناسی مرضی تحوُل / تألیف پریرخ دادستان –. تهران : ژرف، ۱۳۷۰.– ۴۸۱ص . در این اثر، چرخهٔ اختلالات روانی دوران تحوّل یعنی دوره های شیر خوارگی،

کودکی و نوجوانی در حدّ پیشرفته ترین مرزهای دانش روانشناسی مرضی تحوّل ترسیم شده است، و برای آماده سازی علمی همهٔ دانشجویان علوم انسانی و مخصوصاً دانشجویان رشته های روانشناسی بالینی تحوّلی و رشتهٔ روانپزشکی کودک ، ابزاری مفید و ضروری است. این کتاب ، نخستین اثری است که به صورت روانشناسی مرضی تحولی به زبان فارسی انتشار یافته و گستردگی ، ظرافت و دقت و صحت مطالب آن بی سابقه است ۱۲ روانشناسی مرضی تحولی، از کودک تا بزرگسال ویژگی اثر : (جلد دوم کتاب تشویقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۹ - جلد اول کتاب برگزیده دانشگاه آزاد اسلامی ۱۳۷۶)۱۳ روشهای تشخیصی و بازپروری ۱۴ گفت وگوهای آزاد با ژان پیاژه ویژگی اثر : (با همکاری دکتر محمود منصور)۱۵ لغت نامه روانشناسی ویژگی اثر : ۱۳۶۵-(مشترک با دکتر منصور و دکتر میناراد)۱۶ نقاشی کودکان ، کاربرد تست ترسیم خانواده در کلینک ویژگی اثر : ۱۳۷۱۱۷ کار کودکان، کاربُرد تست ترسیم خانواده در کلینیک برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دانش، عصمت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر عصمت دانش ، پس از اخذ دیپلم متوسطه ،تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته لیسانس روانشناسی بالینی در دانشگاه علامه طباطبایی آغاز و به پایان رسانید.وی مدرک کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی را از دانشگاه علوم پزشکی ایران- انستیتو روانپزشکی تهران و دکترای روانشناسی را از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۶ اخذ کرده است.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه روانشناسی, دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی عصمت دانش به ترتیب زیر است: · دیپلم تجربی بامعدل ۲/۱۹. · لیسانس روانشناسی بالینی از دانشگاه علامه طباطبایی با معدل ۹۹/۱۹ سال ۱۳۶۵ تهران- ایران. پایان نامه کارشناسی: بررسی میزان افسردگی در بیماران مبتلا به نوروز وسواس. · فوق لیسانس روانشناسی بالینی از دانشگاه علوم پزشکی ایران- انستیتو روانپزشکی تهران با معدل۸/۱۸ سال ۱۳۶۸ تهران- ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد:مقایسه تاثیرمیزان محرک های نامربوط و دشواری مسئله در تفکر بیماران مبتلاـ به اسکیزوفرنی پارانوییـد، مانیک- دیپرسیو و افراد عادی. · دکترای روانشناسی از دانشگاه تربیت مدرس بامعدل ۱/۱۸ سال ۱۳۷۶ تهران- ایران. رساله دکتری: بررسی علل وپیامدهای اضطراب سخنرانی در دانشجویان دانشگاه وتاثیر روش خودآموزش دهی(S.I.T) بر کاهش آن. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و اجرایی عصمت دانش به قرار زیر است: · دبیر ریاضی دبیرستان مکتب الاحرار. · روانشناس بالینی و رواندرمانگر هسته مشاوره ناحیه ۱۰ آموزش و پرورش. · روانشناس بالینی و رواندرمانگر مرکز خدمات روانشناسی بنیاد شهید کرج. · روانشناس بالینی و رواندرمانگر مرکز خدمات مشاوره دانشگاه آزاد واحد شمال. · رئیس هیات رئیسه گروه تخصصی روانشناسی بالینی انجمن روانشناسی ایران. فعالیت های کنونی دکتر دانش : · دانشیار گروه روانشناسی, دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی · استادیار گروه روانشناسی و عضو کمیته تخصصی روانشناسی بالینی دانشگاه شهید بهشتی. · روانشناس بالینی و رواندرمانگرمرکز خدمات مشاوره دانشگاه شهید بهشتی. · استادیار گروه مستقل روانشناسی دانشگاه آزاد کرج. · روانشناس بالینی و رواندرمانگر مرکز خدمات مشاوره دانشگاه آزاد واحد کرج. · روانشناس بالینی و رواندرمانگرمرکز خدمات مشاوره صدا وسیما. · عضو هیات امناء ستاد ازدواج مرکز خدمات مشاوره صدا وسیما. · کارشناس برنامه های روانشناسی شبکه های مختلف صدا وسیما. · مدرس کلاس های آموزش خانواده مدارس شاهد

کرج. ٠ استاد راهنمای مشاوران مدارس شاهد کرج. ٠ مدرس کلاس های آموزش خانواده مدارس تهران. ٠ مؤسس، رئیس،روانشناس بالینی و رواندرمانگر مرکز خدمات مشاورهٔ پرتو دانش. ٠ مسئول انتشارات گلشن اندیشه. عضویت در مراکز علمی و پژوهشی : ٠عضو پیوسته انجمن ایرانی روانشناسی. ٠عضو پیوسته انجمن مشاورهٔ ایران. ٠عضو پیوسته و عضو هیات رئیسه گروه تخصصی روانشناسی ایران. ٠عضو نظام روانشناسی و مشاورهٔ ایران. ٠عضو هیات داوران فصلنامه علمی – پژوهشی تازه ها و پژوهش های مشاوره انجمن روانشناسی ایران. ٠عضو هیات داوران فصلنامه علمی – پژوهشی دانشور رفتار، دانشگاه شاهد. ٠عضو هیات داوران طرح های پژوهشی وزارت علوم تحقیقات و فناوری. ٠ مسئول و عضو گروه تخصصی روانشناسی بالینی اولین همایش کشوری بازنگری تخصصی دروس روانشناسی وعلوم تربیتی شورای برنامه ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی. فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی عصمت دانش به قرار زیر است: ٠کاربرد مقدماتی روش های تشخیص، کاربرد مقدماتی روش های درمان، مقدمات نوروپسیکولوژی، آسیب شناسی روانی، کاربرد آزمون های روانی(هوش، شخصیت، و..)، روانشناسی کودکان ناسازگار، روشهای تغییر واصلاح رفتار، روانشناسی یادگیری، روانشناسی کودکان اشتثنایی، اختلالات یادگیری، سمینار در روانشناسی بالینی، کاربرد آزمون های تشخیصی در کودکان ونوجوانان، بررسی تفصیلی نظریه ها و مکاتب شخصیت، و... ٠استاد راهنما و یا استاد مشاور ده ها پایان نامهٔ دانشجویان کارشناسی، کارشناسی ارشد. ٠استاد داور پایان نامه های مقطع کارشناسی ارشد و رساله های مقطع دکتری. چگونگی عرضه آثار : – تعداد مجری و همکار طرح تحقیقاتی و پژوهشی : ۶ مورد – تعداد مقالات علمی منتشر شده: ۲۵ مورد – تعداد سخنرانی های علمی در کنفرانسها و همایشهای علمی : ۱۵ مورد

درایتی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی درایتی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله مصطفی درایتی در سال ۱۳۳۴ در خانواده‌ای مذهبی و متدین از شهرستان مشهد به دنیا آمد، دوران تحصیل خویش را با موفقیت پشت سرگذاشت و در سال ۱۳۴۹ به تحصیل علوم دینی پرداخت. دروس مقدماتی را از محضر آیت الله ادیب خراسانی بهره جست. وی پس از مدتی تحصیل در مشهد برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم هجرت کرد و از محضر اساتید بزرگی همچون آیت الله العظمی وحید خراسانی، آیت الله اعتمادی، آیت الله سلطانی، آیت الله منتظری کسب فیض کرد پس ازآن به زادگاه خویش بازگشت و در خدمت به طلاب علوم دینی و مردم دیار خویش از هیچ کوششی دریغ نفرمود.

دهقانی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محسن دهقانی در سال ۱۳۴۷ در شهرستان اراک بدنیا امد.ایشان دارای مدرک دکترای تخصصی رشتهٔ روان‌شناسی بالینی از استرالیا می باشد.ایشان استادیار بالینی و عضو اصلی پژوهشگده خانواده وابسته به دانشگاه شهید بهشتی می باشد. کتاب"روانشناسی درد؛ رویکردهای کنترل و درمان "ترجمه محسن دهقانی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : روان شناسیگرایش : روان‌شناسی بالینیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محسن دهقانی دورهٔ متوسطه را در اراک گذراند. لیسانس خود را در رشتهٔ روان‌شناسی بالینی از دانشگاه اهواز دریافت کرد. سپس دورهٔ کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه اصفهان سپری کرد و پس از آن موفق به اخذ بورس تحصیلی از دولت استرالیا جهت گذراندن دورهٔ دکترای تخصصی در رشتهٔ روان‌شناسی بالینی شد. موضوع رسالهٔ دکترای وی، بررسی مدل‌های روان‌شناختی در بروز و استمرار دردهای مزمن مفصلی و عضلانی است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محسن دهقان استادیار بالینی و عضو اصلی پژوهشگده خانواده وابسته به دانشگاه شهید بهشتی می باشد.جوائز و نشانها : کتاب"روانشناسی درد؛ رویکردهای کنترل و درمان "ترجمه محسن دهقانی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : دکتر دهقانی مقالاتی در نشریات داخلی و بین‌المللی دارد و شش کتاب دیگر نیز ترجمه کرده است.آثار : روانشناسی درد؛ رویکردهای کنترل و درمان ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «روانشناسی درد؛ رویکردهای کنترل و درمان رابرت ج. گچل،دنیس سی. ترک؛ ترجمهٔ محمّد علی اصغری مقدم، بهمن نجاریان، محسن محمّدی، محسن دهقانی،تهران: رشد، ۱۳۸۱. درد، شاید عمومی‌ترین فشار روانی باشد که با آن مواجه می‌شویم، هیچ یک از علایم جسمانی دیگر به فراگیری درد نیستند. از ابتدای مدون بشر، تلاش برای کنترل درد از اهداف اصلی آدمی بوده است. در پاپیروس‌های مصری مربوط به ۴۰۰۰ سال ق.م اشاراتی در مورد درمان درد یافت شده است. اما علی‌رغم تاریخ طولانی و پیشرفت بشر، رهایی از درد همچنان برای بسیاری از بیماران، امری دور از دسترس باقی‌مانده است. تاکنون کتاب‌های بسیاری در مورد درد انتشار یافته است، اما در تعداد اندکی از آن‌ها به مباحث روان‌شناختی و جنبه‌های عملی کنترل روان‌شناختی درد پرداخته شده و مطالب ارائه شده در آن کتاب‌های اندک هم قدیمی است؛ اما امروزه پژوهش‌های بسیاری در این زمینه انجام گرفته است. کمبود منابع مربوط به درد و فقدان کتابی که شامل اطلاعات لازم دقیق و فراگیر در مورد درمان‌های مخصوص باشد، بسیار محسوس است. در راستای پاسخ به چنین نیازی و به منظور فراهم‌سازی روزآمدترین مطالب دربارهٔ بسیاری از راهبردهای درمانی رایج، کتاب حاضر نگاشته و ترجمه شده است.

ذوالنور، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته اقتصاد از دانشگاه منچستر انگلستان، دکترا از دانشگاه پرینستون آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پول و بانکداری، اقتصاد خرد، اقتصاد ریاضی، اقتصاد سنجی، برنامه‌ریزی اقتصادی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اقتصاد ریاضی، برنامه‌ریزی اقتصادی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

اقتصاد سنجی، اقتصاد ریاضی، برنامه‌ریزی اقتصادی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

راستگو، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن راستگو

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد حسن راستگو در سال ۱۳۳۲ هجری شمسی در شهر مشهد به دنیا آمد ، او در سال دوم دبیرستان به حوزه علمیه مشهد وارد و سطح را در مشهد و تتمه سطح و دروس خارج حوزه را در قم گذراند او مبتکر برنامه ویژه تعلیم و تربیت کودکان ونوجوانان به صورت کلاس ، اردو ، دروس کلاسیک برای مربیان پرورشی ، مراکز تربیت معلم ،حوزه های علمیه و صدا وسیمای جمهوری اسلامی است (برنامه های بازی با کلمات ، راز دایره ها و عیره) تحقیقات او در زمینه های عقاید ، تعلیم و تربیت ، روانشناسی ، اخلاق ، احکام ، تاریخ ، قصص قرآن، قصص کودکان ونوجوانان ، مشاوره و راهنمایی ، تفسیر قرآن ، مسائل اجتماعی ، ادبیات

عرب ، ادبیات فارسی، شعر و برنامه ریزی درسی است.

در زمینه شعر هم آثاری از ایشان می توان دید، ۲ جلد کوچک آی بچه ها آی بچه ها ، گرد آوری کتاب شعر و سرود (سردودهای اسلامی) با همکاری آقای سالاری از آن جمله می باشد. در زمینه قصه هم آثار متعددی را میتوان از ایشان یافت از آن جمله می توان : الیاس پیغمبر خدا ، مهاجرت به حبشه ، با شهامت می پرم و . . .را نام برد. از دیگر فعالیت های ایشان • :همکاری چند ساله با مجله کودک مسلمان در اواخر انقلاب و چاپ دهها شعر و قصه و غیره • مدیریت مرکز تربیت مربی که در این مرکز فعالیت های ذیل قابل توجه است • :تدریس ۲۵ دوره تربیت مربی مقدماتی کلاسداری ، امور اردو داری ، قصه گویی ، روش های برخورد با کودکان ونوجوانان ، مسابقات ، دروس عمومی مبانی تعلیم و تربیت ، مهارتهای تدریس برای طلاب حوزه علمیه قم و ۱۰ دوره در شعبه دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان و ۱۳ دوره در دفتر تبلیغات اسلامی مشهد ، که بیش از ۴۰۰۰ نفر از این اردوها فارغ التحصیل و دهها شاعر کودک ، نویسنده کودک ، برنامه ریز کودک ، طراح برنامه های تلوزیونی ، کارشناس و محقق تحویل جامعه اسلامی ایران داده شده است .

•کتابهای ره توسه راهیان نور در مقطع ابتدایی و راهنمایی کتاب های مختلف وجزوات گوناگون و صدها مقاله و شعر و قصه و تحلیل در نشریات کودک و نوجوان و غیرآنها ثمره این مدیریت بوده است.

•ارتباط با ۱۵۰ سایت کودکان و نوجوانان و بهره گیری از تجارب دیگران مرتبط با سایت های اسلامی دراینترنت • سفرهای تبلیغی و تحقیقی به عربستان سعودی ، ۱۷ سفر حج و عمره و عتبات ، سوریه ، لبنان ، ترکیه ، پاکستان ، قطر ، امارت متحده عربی ، مراکش ، اسپانیا ، عراق و ....

•همکاری بااکثر نهادهای انقلاب اسلامی و شرکت در برنامه ریزی بسیاری از تشکیلات فرهنگی و غیره • ... تدریس موارد زیر در دانشگاههای آزاد اسلامی قم ، دانشکده اصول دینی ، دانشکده ارشاد در قم:

•قصه گویی و نمایش خلاق • مشاوره و راهنمایی امور عمومی کودکان ونوجوانان • بررسی تحلیلی قصه های قرآن و تنزیه الانبیا

•نقش ریتم و سرود در تربیت

•نقش مسابقات در پیشبرد مسائل تربیتی • بررسی سیستم ها • سخنرانیها فراوان در نماز جمعه های کشور (قبل از خطبه ها)، دانشگاه ها، مراکز تربیت معلم، سمینارهای کشوری و غیره • جلسات فراوان پرسش و پاسخ تربیتی ، آموزشی ، اجتماعی و غیره را می توان نام برد

ربانی، حبیب‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: آزاد اسلامی رودهن

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان‌های خارجی و ادبیات از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵، کارشناسی روان‌شناسی و علوم تربیتی از دانشسرای عالی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴، کارشناسی ارشد روان‌شناسی و علوم تربیتی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۴۲

-۴۳، کارشناسی ارشد روان‌پزشکی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۴۳ -۴۴، دکترای روانشناسی بالینی و بهداشت روانی از دانشگاه ایلینویز آمریکا.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاههای مختلف ایران، تدریس در دانشگاههای کشورهای اروپائی و کانادا به صورت استاد مدعو، دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روانشناسی، بهداشت روانی، علوم تربیتی، روانپزشکی، علل شکست تحصیلی دانش‌آموزان، نیازهای سالمندان، مسائل روانی و اجتماعی مربوط به بازنشستگی زودرس، اختلالات شخصیتی در بزرگسالان و سالمندان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی، بهداشت روانی، علوم تربیتی، روان‌پزشکی، پسیکوژریاتری، بررسی تطبیقی مراکز تربیت معلم و دانشسراها در کشورهای جهان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۰

زمینه علمی مقالات:

روان‌شناسی، بهداشت روانی، علوم تربیتی، روان‌پزشکی، روان‌شناسی پزشکی، روان‌شناسی کودک، روان‌شناسی و روان‌پزشکی سالمندان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رجبی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس رجبی

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس رجبی در سال ۱۳۵۳ تحصیلات ابتدایی خود را در شهر نیمور از توابع شهرستان محلات آغاز کردم و تا پایان دوره

راهنمایی در همانجا گذراندم. در سال ۱۳۶۱ به خاطر حضور در جبهه ترک تحصیل کردم و در سال ۱۳۶۲ در حوزه علمیه القائم محلات دروس حوزوی را آغاز نمودم و پس از گذشت یک سال به قم مهاجرت کردم و در مدرسه امام باقر(ع) (جنب پل نیروگاه) مشغول به درس شدم. با اتمام لمعتین معمم شدم و به سال ۶۷ به مدرسه فیضیه آمدم و تا سال ۱۳۶۹ حجره داشتم. سال ۷۱ در موسسه در راه حق که بعداً به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تغییر نام داد مشغول به تحصیل علوم قرآنی و فلسفه شدم و همزمان در دروس حوزوی شرکت می‌کردم. سال ۷۲ سطح را با انجام آخرین آزمون آن به پایان رساندم در حالی که از دو سال قبل آن در دروس خارج فقه و اصول شرکت می‌کردم. اساتیدی که در درس خارج از آنها بهره بردم عبارتند از: استاد جوادی آملی و در فقه و تفسیر، استاد جعفر سبحانی در اصول، استاد فاضل لنکرانی در فقه، مرحوم استاد تبریزی در فقه و استاد کعبی در فقه، در سال ۷۳ با یک سال مرخصی از موسسه راهی سفر تبلیغ به کرند غرب در استان کرمانشاه شدم و مدیر و استاد حوزه علمیه خواهران آنجا شدم. در سال ۷۶ با پایان رساندن دوره دروس معارف موسسه، در دوره تخصصی روانشناسی شرکت کردم و تا سال ۸۱ به تحصیل ادامه دادم. سال ۱۳۸۲ با نوشتن پایان‌نامه و دفاع از آن با اخذ نمره ۱۹ موفق به کسب مدرک کارشناسی ارشد روان‌شناسی شدم. در سال ۸۰ در بخش مشاوره تربیتی مرکز نهاد رهبری در دانشگاهها مشغول به فعالیت شدم که تاکنون ادامه دارد. در طول تحصیل مقالات زیادی برای مراکز مختلف و مجله‌های علمی نوشتم که عبارتند از: مجله معرفت از موسسه آموزش امام خمینی، مجله پرسمان از نهاد رهبری در دانشگاه و موسسه انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات، مجله شمیم یاس از حوزه علمیه خواهران و مجله صبح از صدا و سیما. همچنین در برخی همایش‌های علمی و تربیتی در سطح دانشگاهها شرکت کردم و به ارائه مقاله و سخنرانی پرداختم. در سال ۸۴ به عضویت مشاوران مرکز مشاوره و راهنمایی بلاغ و وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی درآمدم که از آن زمان تاکنون در دو مدرسه عالی فقه و معارف و مدرسه تخصصی فقه و اصول به سمت مشاوره مشغول به خدمت هستم.در سال ۸۵ به اداره ارشاد قم بخش بررسی کتاب برای نقد و بررسی کتاب دعوت شدم که تاکنون ادامه دارد.فعالیتهای تبلیغی بنده از سال ۶۵ برای اولین بار به عنوان مبلغ در جبهه‌های نبرد با استکبار حاضر شدم و در سال ۶۶ رسماً معمم شدم و در ایام تبلیغی به شهرها و روستاها مهاجرت کردم. در سال ۷۴ به عنوان روحانی کاروان‌های حج و عمره و عتبات پذیرفته شدم که از آن زمان تاکنون ۱۵ سفر تبلیغی همراه با کاروان‌ها داشته‌ام که به ترتیب سه مرتبه حج تمتع ۹ مرتبه عمره، دو مرتبه کربلا و یک مرتبه سوریه.

رخشان، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فریدون رخشان در سال ۱۳۲۵ شمسی در شهر مراغه متولد گردید.او در حین اشتغال در آموزش و پرورش موفق به دریافت درجه لیسانس و متعاقب آن فوق لیسانس علوم تربیتی در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۳ از دانشگاه ابوریحان بیرونی و دانشگاه تربیت معلم گردید. نامبرده از سال ۱۳۵۷ تاکنون در دانشگاه علامه طباطبایی (ابوریحان بیرونی سابق) با سمت مربی به تدریس و تحقیق اشتغال دارد. ترجمه و نگارش کتاب" ناتوانی های یادگیری "وی ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : علوم تربیتیتحصیلات رسمی و حرفه ای : فریدون رخشان تحصیلات دورهٔ ابتدایی و دبیرستان خود را در آن شهر به پایان رساند و سپس وارد خدمت مقدس سربازی شده و پس از اتمام آن در سال ۱۳۴۵ به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد. لیکن به مدد اشتیاقی که به کسب علم داشت وارد دانشگاه

شد و موفق به دریافت درجه لیسانس و متعاقب آن فوق لیسانس علوم تربیتی در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۳ از دانشگاه ابوریحان بیرونی و دانشگاه تربیت معلم گردیدمشاغل و سمتهای مورد تصدی : فریدون رخشان از سال ۱۳۵۷ تاکنون در دانشگاه علامه طباطبایی (ابوریحان بیرونی سابق) با سمت مربی به تدریس و تحقیق اشتغال دارد.جوائز و نشانها : ترجمه و نگارش کتاب" ناتوانی های یادگیری "فریدون رخشان ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : جزوه روانشناسی آموزش خواندن ویژگی اثر : تالیف۲ جزوه روانشناسی بازی ویژگی اثر : تالیف۳ طراحی و تحلیل نظام های آموزشی ویژگی اثر : ترجمه و نگارش -آماده چاپ۴ فصل هفتم کتاب فنون راهنمایی ویژگی اثر : ترجمه-اثر نورث و تراکسلر ۱۳۵۳۵ کتاب زبان آموزی برای عشایر آذربایجان ویژگی اثر : تالیف-۱۳۶۰۶ کتابهای نهضت سوادآموزی ویژگی اثر : مشارکت در تألیف۷ مقال ?جنبه های بیوشیمیک یادگیری و حافظه ویژگی اثر : ترجمه مقاله-اثر پروفسور هولگار هایدن۸ ناتوانی های یادگیری ویژگی اثر : ترجمه و نگارش -با همکاری اکبر فریار ۱۳۶۴-این کتاب در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است-آشنایی با کتاب ناتوانی های یادگیری: در این کتاب به شرح تئوریها، تشخیص و درمان مشکلات و ناتوانی های یادگیری کودکان عادی و نه استثنایی پرداخته شده و مطالب کتاب بصورتی تنظیم یافته که در حد یک کتاب دانشگاهی و نیز به عنوان کتاب راهنما برای سوادآموزان، معلمان، دبیران و خصوصاً مربیان علوم تربیتی قابل استفاده می باشد. ۹ واقعیت درمانی ویژگی اثر : ترجمه-اثر پروفسور ویلیام گلاسر ۱۳۵۳

رضاالهی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم تربیتی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی رودهن

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته فلسفه.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فلسفه، علوم تربیتی، هنر، استاد راهنمای یک پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فلسفه، علوم تربیتی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

فلسفه، علوم تربیتی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رضویه، اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم تربیتی، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فلسفه و علوم تربیتی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹، کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی از دانشگاه ایندیانای آمریکا در سال ۱۳۴۳، دکترای روانشناسی تربیتی از دانشگاه ایندیانای آمریکا در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه ایندیانا از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۴۷، استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۵۱، دانشیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۱ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ترجمه و هنجاریابی آزمون ITPA جهت کودکان شیرازی، هنجاریابی آزمون هوشی اوتیس ویژه دوره ابتدایی و راهنمایی در استان فارس، تعداد منابع حافظه در ارتباط با تکلم دو زبان، تاثیر روش ارائه و تکرار بر روی حافظه کوتاه‌مدت و درازمدت، اثر یادداشت‌برداری بر یادگیری و رابطه آن با توانائی کلامی، اثر هدف‌های آموزشی بر یادگیری و یادآوری و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی، تأثیر آموزش اخلاق بر تقلب و رابطه آن با اهمیت امتحان، تأثیر در شیوه کشف و توضیح در تدریس گرامر انگلیسی و تعامل آن با پیشرفت تحصیلی، بررسی میزان شیوع منابع و علائم استرس در میان معلمان ایرانی، بررسی تأثیر رفتار معلم در پیشرفت دانش‌آموزان در مقطع ابتدائی، تأثیر آموزش پیش‌دبستانی بر مشکلات رفتاری دانش‌آموزان، هنجاریابی آزمون بندر- گشتالت برای کودکان ۶ تا ۱۱ ساله در مدارس ابتدائی شیراز، مقایسه بین دو روش انتخاب دانشجو: معدل کتبی ششم متوسطه و امتحانات ورودی دانشگاهها، تأثیر کار کردن مادران شاغل در خارج از منزل در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان کلاس پنجم ابتدائی مدارس دولتی شیراز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

اصول تحقیق در علوم تربیتی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

تحقیق در مسابقات ورودی دانشگاه و رابطه آن با امتحانات ششم متوسطه و موفقیت دانشگاهی، سنجش هوش گروهی از دانش‌آموزان دبیرستان‌های شیراز با استفاده از آزمون هوشی اوتیس، روش‌های مختلف ارزشیابی و مشخصات هر یک از قواعد و اصول سنجش و اندازه‌گیری روانی- تربیتی و بررسی چگونگی اعمال آن در ایران، پژوهشهای علمی مقایسه‌ای و کاربرد آن در علوم رفتاری، انطباق و هنجاریابی مقیاس هوشی برای دوره پیش‌دبستانی شیراز.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رفیع پور، فرامرز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم اجتماعی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

گذراندن دوره کامل زبان انگلیسی در انجمن ایران و آمریکا در سال ۱۳۴۰، گذراندن دوره زبان آلمانی در مؤسسه گوته شهر مونیخ آلمان در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد کشاورزی از دانشگاه هوهن‌هایم آلمان در سال ۱۳۴۲، دکترای علوم اجتماعی از دانشگاه هوهن‌هایم آلمان در سال ۱۳۵۲، دوره Postdoctorate در روش تدریس از دانشگاه کاسل آلمان در سال ۱۳۵۲، دریافت درجه پروفسوری از دانشگاه هوهن‌هایم آلمان در سال ۱۳۶۵.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تغییرات اجتماعی روستایی، نیازسنجی، سنجش گرایش، پیدایش و آینده انقلاب، تأثیر تلویزیون و انتقال ارزشها، ویدئو و تغییر ارزشها، استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

روش تحقیق، جامعه‌شناسی روستایی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

روش تحقیق، نیازسنجی.

وقایع میانسالی : دکتر فرامرز رفیع پور در سال ۱۳۵۳ به ایران بازگشت و به عضویت هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی (ملّی سابق)

در آمد. وی جهت طی دوره تحقیقاتی علمی بار دیگر به کشور آلمان سفر کرد و در نتیجه تلاش روزافزون در سال ۱۳۶۵ به درجهٔ پروفسوری از دانشگاه هوهن هایم مفتخر شـد. از دیگر وقایع رخداده برای دکتر رفیع پور می توان به موارد زیر اشاره کرد: - ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) تحقیق درباره سنجش نیازهای روستائیان یزدی - ۶۳ ـ ۱۳۶۱ (۸۴ ـ ۱۹۸۲) دعوت به دانشگاه هوهن هـایم به هزینه مرکز تحقیقـات آلمان ۱۹۸۶) ۱۳۶۵ - DFG) اخـذ Habilitation (رسـاله پروفســوری) و venia legendi (اجـازه تـدریس در دانشـگاههای آلمـان به عنوان پروفسور از دانشـگـاه هوهن هـایـم ـ اشـتوتگـارت بـر اسـاس رساله ارائه شـده درباره" پویائی نیاز در برنـامه ریزی رشـد. - " ۱۳۶۸ (۱۹۸۹) چـاپ رساله Habilitation در آلمـان. مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : - ۱۳۵۳(۱۹۷۴) اسـتادیار گروه جامعه شناسـی در دانشـگاه ملی ایران (دانشگاه شهید بهشتی) - رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی - رئیس گروه جـامعه شناسـی دانشـگاه شـهید بهشتی - ۶۸ ـ ۱۳۶۷(۸۹ ـ ۱۹۸۸) اسـتاد مدعو دانشـگاه ویسکانزین ـ مدیسون عضویت ها • اسـتاد دانشـگاه هوهن هایم ـ اشتوتگارت، آلمان تا سال ۲۰۰۵ • عضو پیوسـته فرهنگستان علوم ایران • عضو شورای پژوهشـی فرهنگسـتان علوم ایران • عضو شورای پژوهشـی فرهنگسـتان علوم پزشـکی ایران • عضو شورای دانشـگاه شهید بهشتی تا ۱۳۸۴ • عضو هیات ممیزه دانشگاه شهید بهشتی تا ۱۳۸۲ • عضو هیات ممیزه مرکزی علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری •عضو هیـات امنـاء پژوهشـگاه علوم انسـانی و مطالعـات فرهنگی • سـرپرست کمیته علوم اجتمـاعی شورایعالی برنامه ریزی تا سال ۱۳۸۶ • عضو کمیسـیون علوم انسـانی شورای پژوهش های کشور تا ۱۳۷۹ • رئیس دانشـکده ادبیات و علوم انسانی دانشـگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲ تا خرداد ۱۳۸۵ سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رفیع پور در کنار مسـئولیت های آموزشی و پژوهشی در ایران، در دانشـگاه هوهن هایم به عنوان پروفسوری به کار تحقیق و تدریس اشـتغال دارد.جوائز و نشانها : - استاد برتر کشور در سال ۱۳۷۵ - برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۵ به خاطر تالیف کتاب «جامعه روستایی و نیازهای آن» -استاد نمونه دانشگاه شهیـد بهشتی در سـال ۱۳۷۱ - دانشجوی بورسیه DAAD در طی سالهـای ۱۹۶۵-۶۸ چگونگی عرضه آثـار : «جـامعه روسـتایی و نیازهـای آن» عنـوان پژوهشـی است که فرامرز رفیع پور در ۳۲ روسـتای اسـتان یزد انجـام داده است و آن را به صورت کتـاب روانه بازار نشـر کرده است. مطالعه حاضـر که می توانـد به عنوان سرمشـقی برای مطالعات روسـتایی بعدی تلقی شود، برای یافتن نیازهای عینی و ذهنی روسـتاییان استان یزد، یافتن ترتیب ارجحیت این نیازها، طبقه بندی روستاها به ترتیب عقب افتادگی و نیاز آنها طراحی گردیـده است و نه تنها کتاب برگزیـده سال ۱۳۶۵ شـناخته شده، بلکه روشـهای ساخته و پرداخته این پژوهش مورد اسـتقبال محافل علمی آلمـان نیز قرار گرفته است. کتـاب مـذکور از مهمترین کتابهـای پژوهشـی است که در دوره معاصـر در عرصه جامعه شناسـی روسـتایی نوشـته شـده است و از محبوب ترین کتابهای رفیع پور در سالیان اخیر محسوب می شود. فعالیت های پژوهشـی دکتر رفیع پـور به قرار زیر است: - تعـداد مقالاـت :۱۲ مورد - تعـداد گزارش هـای علمی :۳ مورد - تعـداد سـخنرانی هـا: المان : ۴ مورد ،در آکـادمی علوم اتریش:یـک مورد،در امریکـا :دو مورد ،در ایران:۱۳ مورد - راهنمـایی پایـان نـامه های دکتری: ۲ مورد - راهنمـایی پایـان نـامه هـای کارشناسـی ارشـد : ۲۸ مـورد آثـار : ۱ Rafipoor, Faramarz ۱۹۷۴: Das “ Extension and Development Corps “ im Iran. Eine empirische Untersuchung zur Feststellung effizienzrelevanter Faktoren und Beziehungen. Saarbruecken: SSIP,۱۹۷۴ ۲ Rafipoor, ۲ ـ Faramarz ۱۹۸۹ Beduerfnisse und Beduerfnisdynamik in der Entwicklungsplanung : Eine empirische Analyse zur Erarbeitung praxisrelevanter Ermittlungsmethoden in der Provinz Yasd/Iran. Frankfurt a.M: Campus, ۱۹۸۹ آناتومی جامعه ویژگی اثر : تالیف-مقدمه ای بر جامعه شناسـی کاربردی. تهران: شـرکت سهامـی انتشار. ۱۳۷۸ چاپ چهارم ۱۳۸۵.۴ آنومی یا آشـفتگی های اجتماعی ویژگی اثر : پژوهشـی درباره پتانسـیل آنومی در تهران. شـرکـت سروش ۱۳۷۸.۵ تکنیـک های خاص در علوم اجتماعی ویژگی اثر : تهران: شـرکـت سـهامی انتشار ۱۳۸۲

چاپ چهارم ۱۳۸۵۶ توسعه و تضاد ویژگی اثر : رفیع پور، در کتاب توسعه و تضاد خود که حاصل سالها تحقیق و زحمت مداوم وی است در جایگاه نقاد سیاست های توسعه، آن را موجب به هم زدن تعادل اجتماعی، افزایش نابرابری، تغییر ارزشها و پیدایش انواع مسائل و معضلات اجتماعی می داند. به عقیده وی این نابرابری باعث تغییر سریع ارزشهای معنوی به سوی ارزشهای مادی و بسط سودجویی و فردگرایی شده و نهایتاً رضایت اجتماعی و وحدت ملی را مورد تهدید جدی قرار داده است-: کوششی در جهت تحلیل علل پیدایش انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران. دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶. چاپ ششم شرکت سهامی انتشار ۱۳۸۴.۷ جامعه روستایی و نیازهای آن ۱۳۶۴ ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره چهارم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب جامعه روستایی و نیازهای آن در این کتاب اهمیّت بررسی نیازها در رابطه با اهداف و انگیزه های گوناگون و سپس چارچوب تئوریکی پیدایش و پرورش نیازها در جوامع مختلف مطرح گردیده و آنگاه پس از ارائه اطلاعاتی کوتاه درباره منطقه مورد بررسی (استان یزد) و تشریح مراحل مقدماتی پژوهش، روش های گوناگونی که جهت بررسی نیازها می توانند به کارآیند، مورد بحث قرار گرفته و در پی آن روش های بکارگرفته شده در این پژوهش تشریح شده اند. با ارائه نتایج این پژوهش یکایک عوامل و متغیّرها، اهمیّت، کیفیّت و کمیت آنها توصیف و روابط بین آن عوامل با هم و با سایر متغیرهای بررسی شده تحلیل شده است. در خاتمه پس از ارائه خلاصه ای کوتاه از مسئله، اهداف و اصول جامعه در رابطه با موضوع مورد بررسی و شرایط لازم برای دستیابی به آنها – چگونگی تشخیص نیازهای واقعی از یکسو و نحوه برانگیختن مردم به مشارکت از سوی دیگر بیان گردیده و به طور انتقادی یکایک اقدامات مورد بررسی قرار گرفته است. -. تهران : شرکت سهامی انتشار چاپ سوم ۱۳۷۰، (۱۳۶۴).۸ جامعه، احساس، موسیقی ویژگی اثر : تالیف۹ سرطان اجتماعی فساد ویژگی اثر : تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶ برگزیده جشنواره فارابی به عنوان کتاب سال ۱۳۸۶۱۰ سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی و عوامل موثر بر آن ویژگی اثر : پژوهشی در سه استان: اصفهان، فارس و خراسان. تهران : مرکز تحقیقات روستائی، وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۲۱۱ علوم انسانی در ایران نگاهی از بیرون و درون ویژگی اثر : ناشر دانشگاه شهید بهشتی انتشار ۱۳۸۳۱۲ کارائی بیمارستانها ویژگی اثر : مقایسه ای در سه بیمارستان دولتی، خصوصی و آموزشی. تهران : بشیر ۱۳۷۸.۱۳ کندوکاوها و پنداشته ها ویژگی اثر : «کندوکاوها و پنداشته ها»، مقدمه ای بر روشهای شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی کتاب دیگری است رفیع پور نوشته است و از ویژگی های بارز این کتاب تجدید چاپ های پی در پی آن است. این کتاب نیز در قطع وزیری به چاپ رسیده است که از پرطرفدارترین کتابهای رفیع پور در میان دانشجویان و نخبگان جامعه شناسی محسوب می شود. آنچه که رفیع پور در این کتاب مطرح می سازد همان «روشهای قابل اطمینان» دستیابی به شناخت به عنوان عنصر اساسی «دانش» می باشد که می بایست در مورد جامعه شناسی پیاده شود. -تهران: شرکت سهامی انتشار چاپ شانزدهم ۱۳۸۶، (۱۳۶۰).۱۴ موانع رشد علمی در ایران ویژگی اثر : تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱ چاپ دوم ۱۳۸۳.۱۵ وسائل ارتباط جمعی و تغییر ارزشهای اجتماعی ویژگی اثر : پژوهشی درباره تاثیر فیلمهای سینمائی، سریالها تلویزیونی، ویدئو، روزنامه و تبلیغات. چاپ اول تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد ۱۳۷۵ و چاپ دوم تهران: نشرفر ۱۳۷۸.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رفیعی، بهروز

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهروز رفیعی

محل تولد : فریدن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۷/۱

زندگینامه علمی

پیش از پیروزی انقلاب چند ماهی در حوزه علمیه تهران طلبگی کردم . پس از پیروزی انقلاب کارهای اجرایی را واگذاشتم و در سال ۶۳ به اتفاق همسر و فرزندم به قم مهاجرت کردم و مشغول تحصیل شدم .

سال ۷۲ در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شدم پس از گذراندن حدود ۱۰۰ واحد درسی به دلایلی کار تحصیل در دانشگاه را رها کردم و به تحقیق و تالیف و ترجمه روی آوردم .به سال ۷۸ اولین اثر بنده با عنوان کتاب شناسی توصیفی و موضوعی اخلاق ، عرفان و تصوف اسلامی از سوی انتشارات الهدی به چاپ رسید .فعالیت تحقیقی و تالیفی بنده بیشتر بر تربیت اسلامی ، اخلاق اسلامی ، و منبع شناسی و ترجمه از عربی (روز) به فارسی متمرکز شده است . اندکی نیز با فلسفه و علوم قرآنی و ادبیات فارسی سر و کار داشته ام .کتابی با عنوان آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (جلد ۳ – امام محمد غزالی) در سال ۸۱ از بنده به چاپ رسیده و در سال ۸۲ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی برگزیده شد .

کتاب دیگر با عنوان کتاب شناسی توصیفی ـ تحلیلی تعلیم و تربیت در اسلام گزیده منابع عربی ـ در سال ۸۱ از بنده به چاپ رسیده که در سال ۸۲ عنوان سوم کتاب سال حوزه را کسب کرد .بنده از سال ۷۱ تا کنون با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه همکاری دارم.

روح الامینی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود روح الامینی در ۵ مهر ماه ۱۳۰۷ در کوهبنان از توابع کرمان چشم به جهان گشود .وی در همین روستا تحصیلات ابتدایی خود را آغاز کرد و برای ادامه تحصیل خود به مدرسه دارالفنون تهران آمد . او لیسانس ادبیات فارسی را در سال ۱۳۳۴ از دانشکده ادبیات تهران گرفت .روح الامینی برای اخذ مدرك فوق لیسانس به موسسه تازه تاسیس علوم اجتماعی آمد وبعد از آن جهت دریافت مدرك دکتری در رشته علوم اجتماعی به فرانسه عازم شد .از وی آثار زیادی همچون نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیا ت فارسی و آیین ها و جشن های کهن درایران امروز به جا مانده است .گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : مردم شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود روح الامینی دوران دبستان را در کوهبنان و متوسطه را در کرمان گذرانید. سپس راهی تهران شد و در دارالفنون ثبت نام کرد. پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۳۱ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. استاد در سال ۱۳۳۸ در رشته فوق لیسانس علوم اجتماعی ، در موسسه تحقیقات اجتماعی ثبت نام نمود. پس از آن جهت ادامه تحصیل عازم فرانسه شد و با نگرش خاصی که به مسائل اجتماعی داشت ، به سوی مطالعات مردم شناسی کشیده شد و با گذراندن رساله دکتری خود تحت عنوان « تمدن سنتی گوسفند در میان عشایر فارس» با اشراف آندره لوروا گوران به درجه دکتری نائل آمد.استادان و مربیان : محمود روح الامینی در دانشکده ادبیات از محضر استادانی چون ابراهیم پورداود ، پرویز ناتل خانلری ، احسان یارشاطر ، عبدالعظیم قریب ، لطفعلی صورتگر ، محمد معین و دیگران کسب فیض نمود. وی پس از آنکه عازم

فرانسه شد نزد افراد صاحب نامی چون ژرژ گوروویچ ، کلود لوی استروس ، آندره لوروا گوران و دیگران بهره برد.فعالیتهای آموزشی : محمود روح الامینی پس از پایان تحصیلات چندی به تدریس در موزه مردم شناسی فرانسه مشغول شد. پس از آن به ایران بازگشت و از سال ۱۳۴۸ در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و بعد از سالها فعالیت آموزشی در سال ۱۳۷۹ بازنشسته شد.آثار : آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز ، به شاخ نباتت قسم ، زمینه فرهنگ شناسی ، گرد شهر به چراغ ،نمودهای اجتماعی و فرهنگی در ادبیات فارسی

رهین، عظیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۷.

درگذشت: ۲۷ آبان ۱۳۷۴، تهران.

استاد دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه علامه‌ی طباطبایی و پژوهشگر علوم اجتماعی بود. دکترای جامعه‌شناسی خود را از دانشگاه اسکس (انگلستان) دریافت کرد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

زمانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا زمانی متولد سال ۱۳۱۷ شهر تهران است. وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و دبیرستان در سال ۱۳۳۶ در رشته حقوق با تمرکز بر رشته قضایی به تحصیلات پرداخت و سپس با علاقه ای که از ابتدا به رشته روانشناسی در او بود با شرکت در دوره های کارشناسی ارشد دانشگاه تهران به آمریکا عزیمت نمود و دکترای روانشناسی بالینی را در سال ۱۳۵۴ از دانشگاه مینه سوتای آمریکا اخذ کرد. بعد از بازگشت به ایران وی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران دانشکده ادبیات و علوم انسانی گردید.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی بالینی خاطرات کودکی : رضا زمانی همچون پدرش ذوق ادبی خوبی دارد و از این رو در دوره کودکی و نوجوانی کتاب های ادبیات و تاریخ و شعر بسیار می خواند. به سعدی، حافظ و فردوسی علاقه داشت و رمان های زیادی را مطالعه می کرد. از جمله «بینوایان» اثر ویکتور هوگو که او در سنین نوجوانی، تابستانی را با آن به سر کرده بود: «یادم می آید دبستان که می رفتم در خیابان ژاله زندگی می کردیم. آنجا پیرمرد کتابفروشی بود که همیشه مرا به یاد پیرمرد خنزر پنزری صادق هدایت می انداخت با شالی دور گردن و همان تصویرها. او کتاب کرایه می داد و من از او خیلی کتاب کرایه می کردم و می خواندم. متأسفانه این رسم دیگر برچیده شده است.» اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : رضا زمانی از شرایط خانوادگی خود، میگوید: «درس خواندن و دانشگاه رفتن در خانواده من، مسأله ای که کاملاً طبیعی و معمولی بود، یعنی چیزی نبود که من سنتی بر آن گذاشته باشم. عمویم طبیب و استاد دانشگاه بود، دایی هایم همه تحصیلات دانشگاهی داشتند. پدربزرگ مادرم، اگرچه روحانی نبود، اما تحصیلاتی در نجف داشت، خواهر و برادرانم همه تحصیلات رده بالای آکادمیک دارند. بنابراین تحصیل کردن در محیط

زندگی من امری کاملاً مستعد و مساعد بود. البته پدرم هم خیلی تشویقم می کرد.»تحصیلات رسمی و حرفه ای : دیپلم متوسطه از دبیرستان علمیه تهران سال ۱۳۳۶ ـ لیسانس حقوق از دانشکده حقوق، علوم سیاسی و اقتصاد دانشگاه تهران با تمرکز بر رشته قضایی (۱۳۴۰) ـ فوق لیسانس روانشناسی از دانشگاه تهران (۱۳۴۵) ـ دکترای روانشناسی بالینی از دانشگاه مینه سوتا (آمریکا) در سال ۱۳۵۳ و اخذ مدرک فوق دکتری از همان دانشگاه ـ گذراندن دوره کارورزی (انترنی) به مدت یک سال، تمام وقت در بیمارستان دانشگاه کانزاس (آمریکا) خاطرات و وقایع تحصیل : رضا زمانی عزیمت به آمریکا و تحصیل در آنجا را از وقایع آن دوران خود میداند :«دانشگاه مینه سوتا یکی از دانشگاه های نخبه رشته روانشناسی در دنیاست و به قول خودشان از دانشگاه های TOP TEN یعنی ده تای اول از میان حدود ۲۰۰۰ مؤسسه معتبر است ومن نمی دانم چطور مرا از این سر دنیا پذیرفتند! استادان خیلی برجسته و نخبه ای هم داشت که من خیلی از کلاس های درسشان استفاده کردم. حتی بیش از آنچه لازم بود واحدهای درسی برمی داشتم که آنها می گفتند به اندازه کافی واحد گرفته ای و دیگر بس است. ولی می دانستم که این فرصت ها دوباره به دست نمی آیند. بنابراین با استادان آنجا خیلی درس می گرفتم و پای صحبتشان نمی نشستم. همان جا هم مرا برای دوره فوق دکتری پذیرفتند اما دانشگاه تهران عضویت در هیأت علمی را به من پیشنهاد کرد و من فکر کردم موقعیت خوبی است و بهتر است از دست نرود.»استادان و مربیان : رضا زمانی می گوید: «در طی مسیر علمی و کسب موفقیت هایش بیش از همه از دکتر ذبیح الله صفا – که پسر دایی پدرش بوده – تأثیر می پذیرفته و باتأکید بر شخصیت ارزنده او، از دکتر صفا به نیکی یاد می کند: «ذبیح الله صفا آدم بسیار سلیم النفس، خوب، مؤدب و انسانی والا بود. زمانی که ایشان استاد دانشگاه بودند در همه مملکت ۱۵۰ تا ۲۰۰ استاد وجود داشت. دانشگاه ها تازه داشتند شکل می گرفتند و کم بودند و استاد دانشگاه در آن زمان وجهه خاصی داشت. به یاد می آورم در سن ۱۲ – ۱۰ سالگی وقتی گاهی از این استاد بزرگوار سؤالی می پرسیدم، می نشست کنارم و گویی دوست چندین و چند ساله من است، با حوصله و آرامش به سؤالاتم پاسخ می داد. اگر چه از دوران ابتدایی رسیدن به چنین جایگاهی را برای خودم به عنوان یک هدف تعیین کرده بودم ولی شاید حضور دکتر صفا هم این پشتکار و علاقه به ادامه مسیر را در من تشدید می کرد.»مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ـ روانشناس بالینی در بیمارستان عمومی شهر «مینیا پولیس» و بیمارستان ایالتی «هیستینگز» در ایالت مینه سوتا در سال های اقامت در آمریکا ـ رئیس هیأت مدیره انجمن روانشناسی ایران از پائیز ۸۵ ـ عضو هیأت مدیره انجمن روانشناسی ایران از ۱۳۵۵ تا ۵۷ و نایب رئیس این انجمن از سال ۷۳ تا ۷۷ ـ عضو هیأت مؤسس انجمن روانشناسی ایران (۱۳۷۴) ـ عضو گروه واژه گزینی تخصصی روانشناسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۸۱) ـ رئیس مؤسسه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران از سال ۵۸ تا ۶۳ ـ رئیس دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی از ۱۳۸۲ تا تابستان ۸۵ ـ نماینده دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی در هیأت ممیزه دانشگاه تهران (۲ دوره) از ۸۰ تا ۸۴ ـ دوبار معاون پژوهشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران ۷۶ و ۸۱ ـ بنیانگذار، صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر نشریه «پژوهش های روانشناختی» از ۱۳۷۰ تاکنون ـ عضو هیأت تحریریه دو فصلنامه روانشناسی معاصر، علوم شناختی، نشریات انجمن روانشناسی ایران و دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، پژوهش در سلامت روانی و ... ـ عضو سابق هیأت علمی دانشگاه تهران ـ عضو کمیته علوم انسانی قطب های علمی وزارت علومفعالیتهای آموزشی : در زمینه تدریس رضا زمانی سعی می کرد خیلی پراکنده و متفرقه تدریس نکند و عمده فعالیت هایش در این بخش در دانشگاه تهران بود و به صورت استثنا گاهی در دانشگاه روانپزشکی و دانشگاه بهزیستی و توانبخشی به آموزش می پرداخت. دروسی که عمدتاً تدریس می کرد شامل تاریخچه و مکاتب روانشناسی، روانشناسی یادگیری، آسیب شناسی روانی، روانشناسی بالینی، نظریه های روان درمانی و مواردی از این دست در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری می شد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : رضا زمانی بنیانگذار، صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر نشریه «پژوهش های روانشناختی» از ۱۳۷۰ تاکنون است سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از دیگر فعالیتهای رضا زمانی پروژه های تحقیقاتی بسیاری را به سرانجام رسانده

که برای نمونه می توان از بررسی پدیده همنوایی با گروه در فرهنگ ایرانی، تفاوت ادراک بینایی میان زن و مرد، بررسی پژوهشی برنامه تغذیه رایگان در مدارس، بررسی شیوع اختلالات روانی در کارگران صنایع، آماده سازی و تطبیق فرم فارسی مقیاس اضطراب تعامل اجتماعی و مقیاس هراس اجتماعی و هنجاریابی مقیاس درجه بندی اختلال کمبود توجه (بیش فعالی) و ترجمه و تطبیق فرم فارسی MMPI-۲ را نام برد.آرا و گرایشهای خاص : اما درباره جایگاه علم روانشناسی در ایران و مقایسه با سایر کشورهای جهان و نواقص و کاستی های این علم در کشور ما، رضا زمانی دل پری از وضع عمومی این علم دارد: «امروز روانشناسی کم و بیش مانند علوم دیگر است. تمام علوم جدیدی که وارد مملکت ما شده اند هنوز نوپا هستند. در ذهن عامه مردم و حتی دانشجویان ما، روانشناسی یک فرم خاصی دارد که از یک روزنه کوچک به آن نگاه می کنند. یعنی به روانشناسی بیشتر به عنوان یک رشته خدماتی مثل مشاوره و روان درمانی اشاره می شود. در حالی که روانشناسی رشته های بسیار متعددی دارد و حوزه ای بسیار بسیار وسیع است. متأسفانه فقط بخش هایی از آن وارد مملکت ما شده و دانشجویانمان نسبت به آنها علاقه نشان می دهند. شاید تا حدودی به این علت است که امکانات آن رشته ها و شاخه های دیگر در دسترس نیست و آنچه ساده تر است و ابزار و وسایل چندانی نمی خواهد، همین رشته هایی است که عمدتاً در کشور وارد شده اند. از جمله بخش های عمده ای که نیاز به ابزار و هزینه بالا دارد. مثلاً روانشناسی فیزیولوژیک که برای تحقیق و کار، نیازمند ابزارهای بسیار گرانقیمت است، آزمایشگاه های مفصل می خواهد و کاری نیست که با دو کتاب و وسیله ساده و تست راه بیفتد. این موارد عملاً هنوز وارد مملکت مان نشده. یا روانشناسی مهندسی رفتار یا روانشناسی اجتماعی که بعضی از کشورهای جهان سوم به آن پرداخته اند و به ابزارآلات آنچنانی هم نیازی ندارد، هنوز آنگونه که باید با اقبال و توجه و همتی که شایسته است مواجه نشده.» دکتر زمانی درباره چگونگی دسترسی به علوم جدید معتقد است: «نخستین ، ساده ترین و ضروری ترین وسیله دستیابی به علم، کتاب و منبع است. اگر من ندانم آخرین تحقیقات صورت گرفته در دنیا چیست، ممکن است کاری که ارائه می کنم قدیمی یا تکراری باشد یا چیزی به علم روز اضافه نکند. با وجود کوشش هایی که شده و دسترسی نسبت به سال های اولیه انقلاب بیشتر است، هنوز مشکلات اساسی و کمبودهایی داریم. مثلاً نمایشگاه سالانه بین المللی کتاب برپا می شود ولی نمایشگاه در سطحی است که آنجا کتاب های خیلی معمولی و ساده در حد لیسانس ارائه می کنند و خبری از کتاب های روز و فوق العاده تخصصی نیست. ما هنوز برای تهیه و خرید آن کتاب ها دردسر داریم؛ کتاب هایی که مثلاً صد هزار تومان قیمت دارند یا اینترنت و سایت های قابل استفاده هست ولی آنها نیز به شکل مناسب و دلخواه ما نیست. یعنی بیشتر ظاهری است تا واقعی. من همیشه می گویم هیچ ابن سینایی، بی مقدمه ابن سینا بروز نمی کند. یک زمینه کافی و وافی می خواهد و این زمینه تاکنون موجود نبوده. اگرچه کم کم می رود که ایجاد شود ولی کماکان مشکلات عمده وجوددارند.» و پیشنهاد دکتر رضا زمانی به عنوان فردی که بیش از ۳۰سال در رشته روانشناسی مشغول تحقیق و پژوهش بوده برای رفع نواقص و کاستی ها چنین است: «احساس می کنم تحصیلات تکمیلی اصولاً باید به زبان علمی جلو بروند. چون نمی شود از منابع دست دوم و سوم استفاده کرد. هنوز کتاب های استادان خودم که سال ها پیش ترجمه شده اند گاه گداری تجدید چاپ می شوند. در صورتی که علم امروز نمی تواند اینگونه باشد. کتاب های مرجع و درسی رشته های مختلف را که می بینم، هر پنج - شش سال یا حداکثر ده سال مرور می شوند و بخش عمده ای از آن تغییر می کند و مطالب تازه جایش را می گیرد. هر چه جلوتر می رویم این علم سریع تر پیش می رود. ۵۰ سال پیش به این شدت نبود، هم اکنون اینطور است و شاید در ۵۰ سال آینده، مطالب دو سال پیش نیز کهنه باشد. بنابراین در فرهنگی که هنوز کتاب ترجمه شده ۲۰ سال پیش - که آن خود متعلق به ۱۰ سال پیشتر بوده - تدریس می شود، نمی توان پیشرو و پیشگام بود. پیشرو بودن مقدمات می خواهد و اگرچه تحولات عظیمی حاصل شده اما این مقدمات هنوز حاصل نشده است. من شاهدم دانشجویان دوره فوق لیسانس و حتی دکترای ما از زبان استفاده می کنند ولی احساس می کنم برداشتی که از متن دارند به آن وقتی که لازم است داشته باشند، نیست و این به دلیل ضعف موجود

در زبان است.» چگونگی عرضه آثار : رضا زمانی تا امروز سخنرانی های بسیاری در عرصه های داخلی و بین المللی داشته که از آن جمله می توان به سخنرانی اش در دانشکده روانشناسی دانشگاه کارلتن کانادا درباره تاریخچه روانشناسی در ایران اشاره کرد. علاوه بر مقالات متعددی که برای مجلات علمی مختلف نگاشته است در حوزه نشر کتاب دو اثر به زبان انگلیسی تحریر کرده است که از آن دو می توان به کتاب The Persian MMPI in international adaptations of MMPI اشاره کرد. آخرین مقاله او که به تازگی در مجله پژوهش های روانشناختی به چاپ رسیده، «رابطه سبک های مقابله و اسناد با افسردگی» نام دارد. و نگارش و ارائه مقالات علمی ـ پژوهشی بسیاری همچون: اثر آرامش عضلانی وفشار روانی بر فشار خون طبیعی، رابطه ناسازگاری اجتماعی فرزندان با غیبت مادر از خانه به علت اشتغال، بررسی پژوهشی تغذیه رایگان، جنبه های روان شناختی ناباروری، مطالعه مقایسه ای پایه های فردی ـ شناختی و انگیزشی پیش داوری نسبت به مهاجران افغان و .... آثار : اصول شرطی سازی و یادگیری ویژگی اثر : ترجمه۲ پرسش و پاسخ در باب آزادی، دموکراسی و جامعه مدنی ویژگی اثر : ترجمه۳ زمینه روانشناسی هیلگارد ویژگی اثر : ترجمه۴ واژه نامه تطبیقی روانشناسی، روانپزشکی، علوم تربیتی ویژگی اثر : ترجمه

زنجانی‌زاده، هما

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

زندی حقیقی، منوچهر، سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: اقتصاد، دانشکده: اقتصاد، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

زهر کاشانی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر زهر کاشانی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ با دریافت دیپلم ریاضی فیزیک با معدل کل ۵/۱۸ تحصیلات دوره متوسطه ام پایان یافت. در سال ۱۳۶۰ بنابر علائق شخصی ومذهبی برای تحصیلات علوم دینی وحوزوی وارد مدرسه حاج ملا محمد جعفر(حاج آقامجتهدی) در تهران شدم، پس از حدود پنج سال و اتمام لمعتین برای ادامه تحصیلات حوزوی به قم مشرف شدم. در همین سال افتخار ملبس شدن به لباس مقدس روحانیت نصیب حقیر شد. همزمان با تحصیلات در حوزه مقدسه علمیه قم از سال ۱۳۶۶ در مؤسسه در راه حق سابق(مؤسسه

آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) فعلی) به تحصیل دروس الهیات و معارف اسلامی مشغول شدم و نیز از اواخر سال ۱۳۶۸ برای تکمیل تحصیلات و فراهم شدن زمینه های مطالعات علوم انسانی از دیدگاه اسلام به تحصیل در رشته علوم تربیتی با گرایش تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت حوزه و دانشگاه (دفتر همکاری حوزه دانشگاه، سابق) پرداختم. این تحصیلات تا سال ۱۳۷۳ ادامه یافت پس از تحصیلات در پژوهشگاه، در گروه علوم تربیتی وارد تحقیق و مطالعه در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی شدم و هم اکنون در آنجا اشتغال دارم.

ساروخانی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۰، کارشناسی ارشد علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، کارشناسی جامعه‌شناسی از دانشگاه پاریس (سوربن) در سال ۱۳۴۵، دکترای دولتی جامعه‌شناسی با درجه بسیار عالی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

استاد تمام وقت در دانشکده علوم اجتماعی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح ایرانیان بازگشته از عراق، جرم و مهاجرت، جوانان، خواسته‌ها، انتظارات و مسائل آنان، تکدی و مسائل آن در ایران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۸ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی جوانان، جامعه‌شناسی ارتباطات، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، فرهنگ‌ها و دایره‌المعارف علوم اجتماعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی ارتباطات، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی جوانان، فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف علوم اجتماعی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ساعتچی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ساعدلو، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سالاری فر، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا سالاری فر

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در شهر قزوین متولد شدم. پس از چند ماه همراه خانواده به مشهد مقدس منتقل شدیم. پس از سه سال به اصفهان رفتیم. تا سال ۱۳۶۵ در اصفهان سکونت داشتم و از آن سال تا کنون (۱۳۸۴) در قم زندگی می کنم.در سال ۱۳۶۰ در اصفهان مدرک دیپلم ریاضی فیزیک را اخذ نمودم. از دبیرستان در کنار دروس دیگر به تحصیلات حوزوی مشغول بودم. پس از سال ۱۳۶۳ به طور تمام وقت به دروس حوزه مشغول شدم. درسال ۱۳۶۵ با امتحان لمعتین، به درس درحوزه علمیه قم مشغول شدم. از سال ۱۳۷۰ به درس خارج اشتغال داشتم. یک دوره اصول نزد آیت الله سید علی محقق گذراندم. درس خارج نیز نزد ایشان و برخی اساتید دیگر حوزه تلمذ نمودم. از سال ۱۳۷۰ به دروس روان شناسی در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد اشتغال داشتم. پایان نامه ام مربوط به مقایسه دیدگاه اسلام با برخی دیدگاههای روان شناسی در بحث خانواده است.اکنون به تحقیق در حوزه روان

شناسی و اسلام و ساعاتی تدریس روان شناسی اشتغال دارم. عمده تحقیقات من به حوزه های روان شناسی اجتماعی، خانواده درمانی و بهداشت روانی با توجه به منابع اسلامی مربوط می شود.

سرایی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسن سرایی در سال ۱۳۲۱ خورشیدی در شهر همدان به دنیا آمد.ایشان دارای دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه شیکاگو آمریکا (۱۹۷۵) است.وی هم اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی می باشد. کتاب" رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری "ترجمه حسن سرایی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن سرایی دورهٔ تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی را در زادگاه خود به پایان برد و وارد دانشگاه گردید. او پس از طی دورهٔ لیسانس از دانشگاه ابوریحان راهی آمریکا شد و در ادامهٔ تحصیلات عالیهٔ دانشگاهی به دریافت درجات فوق لیسانس از دانشگاه ایلینوی جنوبی و دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه شیکاگو (۱۹۷۵) نایل آمدفعالیتهای ضمن تحصیل : حسن سرایی همزمان با تحصیل در دانشگاه شیکاگو، به مدت چهار سال در مرکز مطالعات خانواده و اجتماع مشغول تدریس و تحقیق بوده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسن سرایی پس از فراغت از تحصیل به ایران بازگشت و به کار تحقیق و تدریس در دانشگاه علامه طباطبایی پرداخت. او اکنون عضو هیأت علمی دانشکدهٔ علوم اجتماعی در آن دانشگاه است.جوائز و نشانها : کتاب" رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری "ترجمه حسن سرایی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری ویژگی اثر : ترجمه–این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سرمد تهرانی، زهره

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: روانشناسی تربیتی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از کالج ویلسون آمریکا در سال ۱۳۳۶، کارشناسی ارشد آمار و اندازه‌گیریهای تربیتی از دانشگاه هاروارد آمریکا در سال ۱۳۳۹ و دکترای روانشناسی تربیتی از دانشگاه استنفورد آمریکا در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

استاد پایه ۱۶ دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تعلیم و تربیت دو زبانی، تدریس دروس: آمار، روش تحقیق و روانشناسی تربیتی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی تربیتی، آمار، روش تحقیق، سنجش و اندازه‌گیری در تعلیم و تربیت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

تدریس و یادگیری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سلطان القرائی، خلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلیل سلطان القرائی به سال ۱۳۲۹ در شهر تبریز در یک خانواده متدین و عالم به دنیا آمد. دوران تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی را در زادگاهش گذراند و در کنار آن به کسب علوم قرانی نزد علمای دینی نیز می پرداخت. در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه تبریز شد و در رشته فلسفه تا مقطع کارشناسی ارشد به تحصیل پرداخت. وی دکترای رشته فلسفه تعلیم و تربیت را پس از عزیمت به فرانسه از دانشگاه میرای فرانسه شهر تولوز در سال ۱۳۵۹ کسب کرد. وی از سال ۱۳۶۱ به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز در گروه علوم تربیتی مشغول به کار شد. گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : فلسفه تعلیم تربیتوالدین و انساب : والد خلیل سلطان القرائی، علی سلطان قرائی پسر سوم شیخ شیخ ابوالقاسم که خانواده اش از دودمان علم و سلک روحانیت بود که جد بزرگوارش در بین بزرگان علما و مشایخ عرفا آن زمان صاحب تعالی و مراتب بوده است. نسبت مادرشان از دودمان مرحوم حاج میرزا علمیان سرکارات است، پدر ایشان علی سلطان القرائی رفیفه دختر سوم حاج میرزا علمیان سرکارات را که از رجال عصر خود بود به نکاح خود در آورد.خاطرات کودکی : خلیل سلطان القرائی از خاطرات آن دوران می‌گوید: « از آنجائکه پدرم با عموهایم در یک خانواده زندگی میکردیم همیشه با عموزاده‌هایم بودیم غیر از بازس دسته جمعی بیشتر اوقات با مشاعره و مسابقه خوشنویسی می گذراندیم و به سیاحت و گردش همراه عموزاده ها در اطراف تبریز باغات آن مشغول بودیم که این علاقه به طبیعت تا به امروز هم ادامه دارد.»اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : خلیل سلطان القرائی در این باره می‌گوید: « خانواده ما از نظر اقتصادی یک خانواده متوسط بود و از نظر فرهنگی و اجتماعی یک دودمان شناخته شده در عرصه علم و فرهنگ میباشد. پدر و جد بزرگ پدر همه در کسوت روحانیت و معروف عام و خاص بودند. آیت ا... العظمی حاج میرزا جواد سلطان القرائی از مجتهدان بنام و از علمای طراز اول کشور بود. حاج میرزا جعفر سلطان القرائی از مورخان هنرمندان و هنرشناسان معروف این

مملکت بودندو پدر اینجانب در محضر ایت بزرگان علم آموزی کرده و تربیت یافته بود.»تحصیلات رسمی و حرفه ای : دیپلم متوسطه از دبیرستان لقمان سال ۱۳۴۶ کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته فلسفه از دانشگاه تبریز سال ۱۳۵۵ مدرک دکترای رشته فلسفه تعلیم و تربیت از دانشگاه تولوز فرانسه سال ۱۳۵۹خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع آن دوران خلیل سلطان القرائی فوت پدر بزرگوارشان عنوان میکنند و به خاطر این حادثه نتوانستند رشته مورد علاقه ای که در فرانسه زیر نظر استادشان آقا سیمون انتخاب کرده بودند ادامه دهند و تمام برنامه هایشان بهم خورد.فعالیتهای ضمن تحصیل : فعالیت های دوران تحصیل خلیل سلطان القرائی با توجه به علاقه وی به ورزش در دانشگاه و دبیرستان به رشته های فوتبال ،والیبال و کوهنوردی مواردت میورزیدند و اکثر قله های معروف کشور و بعضی از قلل خارج از کشور هم صعود کرده اند.استادان و مربیان : از استادان خلیل سلطان القرائی میتوان به : مرحوم علمی اکبر محقق، مرحوم حسن قاضی طباطبائی، دکتر رحیمی موقر، دکتر حسن خانلو، دکتر مهرگان،مرحوم رتضوی برازجانی، دکتر رجایی خراسانی،دکتر عیوضی، دکتر تسلیمی، دکتر محمود نوایی، اشاره کرد.هم دوره ای ها و همکاران : خلیل سلطان القرائی از همکارانش به دکتر محمد نوالی، دکتر علی اصغر کوشافر، دکتر داوود حسینی نسب، دکتر پرویزی سرندی، دکتر اسکندر رفتحی آذر نام میبرد.همسر و فرزندان : بعد از مراجعت از فرانسه خلیل سلطان القرائی با سرکار خانم صدیقه حسین پور سخا از یک خانواده اصیل تبریزی که دارای تحصیلات پزشکی و متخصص کودکان است ازواج کردند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : خلیل سلطان القرائی مدیریت گروه علوم تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی حدود ۲۰ سال و نیز معاونت آموزش دانشکده علوم تربتی را بر عهده داشته است. و اکنون در تمام شوراهای دانشکده حضور دارند و از هیئت تحریریه فصنامه روانشناسی دانشگاه تبریز هستند و نیز سرپرست گروه کوهنوردی استادان و کارکنان دانشگاه تبریز می باشند. فعالیتهای آموزشی : خلیل سلطان القرائی از سال ۱۳۶۱ فعالیتهای آموزشی خود را با درس" تاثیر عرفان در اخلاق اسلامی "که با دعوت مدیر گروه فلسفه اقای دکتر نوالی صورت گرفته بود آغاز شد و اکنون به تدریس دروس مختلف رشته فلسفه رسیده است که بیشتر در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری میباشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : خلیل سلطان القرائی از سال ۱۳۶۳ عضو هیئت مدیره کتابخانه ملی و فعلا هم عضو هیئت امنای کتابخانه مرکزی تبریز (ملی) میباشد.شاگردان : از شاگردان خلیل سلطان القرائی که ادامه تحصیل دادند و در دانشگاههای مختلف مشغول هستند میتوان به دکتر فرید دکتر محرم آقا زاده دکتر جواد حاتمی دکتر علیرضا حسینی پور دکتر مرعشی دکتر یوسف ادیب و ... اشاره کرد.چگونگی عرضه آثار : آثاری که خلیل سلطان القرائی به چاپ رسیده به صورت مقاله در مجلات دانشکده ادبیان دانشگاه تبریز و دانشگاه مشهد و پژوهشکده قم میباشد و نیز ارائه مقالات زیادی در سمینارها و همایشهای مختلف.آثار : فلسفه تعلیم و تربیت و آرای تربیتی

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر سلطان القرائی بنا به در خواست بنیاد ایرانشناسی - زمستان ۱۳۸۵

سنجابی، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۳ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. وی در رشته حقوق و علوم سیاسی مدرک لیسانس و از دانشگاه پاریس دکتری گرفت. استاد حقوق اداری و اقتصاد در دانشکده‌ی حقوق بود. از آثار وی: «جزوه اقتصاد سال اول دانشکده‌ی حقوق»؛ «حقوق اداری».[۱]

استاد، محقق.

تولد: ۱۲۵۸، کرمانشاه.

درگذشت: تیر ۱۳۷۴، آمریکا.

کریم سنجابی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در زادگاهش، در دارالفنون ادامه‌ی تحصیل داد و سپس از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل گردید. آنگاه برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت و در رشته‌ی حقوق اقتصاد دکتری (رساله‌ی او به زبان فرانسوی درباره‌ی اصطلاحات ارضی بود که در سال ۱۳۱۳ نوشته شده است) گرفت. پس از بازگشت به ایران (پس از اخذ مدرک دکتری) در دانشکده‌ی حقوق به تدریس پرداخت و سال‌ها استاد رشته‌ی حقوق اداری بود.

دکتر کریم سنجابی در دوره‌ی ۲۶ مجلس شورای ملی از طرف مردم کرمانشاه به نمایندگی مجلس انتخاب شد. دکتر محمد مصدق در روز ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۳۰ هیئت دولت خود را تشکیل داد و به مجلس شورای ملی معرفی نمود. دکتر کریم سنجابی در این کابینه به وزارت فرهنگ منصوب شد. این هیئت دولت مدت نه ماه بر سر کار بود. دکتر مصدق در ۵ دی ماه همان سال به ترمیم هیئت دولت اقدام و دکتر محمود حسابی به جای دکتر سنجابی وارد هیئت دولت شد. دکتر کریم سنجابی از اعضای جبهه‌ی ملی بود. در خلع ید از شرکت نفت سابق و ملی شدن صنعت نفت فعالیت داشت. پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ همراه با دیگران دستگیر و بازداشت شد. علاوه بر این دستگیری، وی چند بار دیگر نیز به زندان افتاد. وی در ابتدای دوره‌ی دوم فعالیت خود حزب میهن را تأسیس کرد و بعد به همراهی چند تن دیگر حزب ایران را به وجود آورد.

از جمله آثار او کتابی است به نام امیدها و ناامیدی‌ها (لندن، ۱۳۶۹) که حاوی خاطرات اوست. از آثار دیگر او است: جزوه‌ی اقتصاد سال اول دانشکده‌ی حقوق (۱۳۲۱)؛ حقوق اداری (۱۳۳۴).

در اوج تظاهرات مردم در انقلاب اسلامی به دکتر کریم سنجابی پیشنهاد تشکیل هیئت دولت و عضویت در هیئت دولت و ریاست شورای سلطنت داده شد که از پذیرش آنها خودداری کرد. در همان زمان کریم سنجابی دستگیر و به زندان افتاد که در آذر سال ۱۳۵۷ از زندان آزاد شد و به تجدید حیات جبهه‌ی ملی اقدام کرد. پس از انقلاب اسلامی، دکتر کریم سنجابی در دولت موقت مهندس مهدی بازرگان مدتی عهده‌دار وزارت امور خارجه بود.

وزیر، وکیل مجلس، استاد دانشگاه عضو و رئیس جبهه ملی، مخالف محمدرضا پهلوی. در ۱۲۸۳ در کرمانشاه تولد یافت. پدرش قاسم‌خان سردار ناصر رئیس ایل سنجابی بود که مدتها در دوران سلطنت رضاشاه در زندان و تبعید به سر می‌برد. سنجابی پس از اتمام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد مدرسه‌ی حقوق تهران شد و از مدرسه‌ی مزبور لیسانس اداری گرفت و جزء اولین دسته محصلین دولتی به اروپا اعزام شد و در پاریس ادامه‌ی تحصیل داد و دکترای حقوق دریافت نمود. پس از ورود به ایران، در ۱۳۱۳ به دانشیاری دانشکده جدیدالتاسیس حقوق و علوم سیاسی انتخاب شد. پس از ۵ سال به مقام استادی و تدریس در دانشگاه رسید و بعد با حفظ سمت، به خدمت در وزارت معارف درآمد و مشاغلی در آن وزارتخانه پست سرگذاشت. چندی کفیل دبیرستان دارائی، مدتی کفیل ریاست آموزش متوسطه و زمانی ریاست اداره‌ی آموزش عالی را داشت. در ۱۳۲۱ به معاونت دانشکده‌ی حقوق و در ۱۳۲۵ به ریاست دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی با رای استادان انتخاب گردید.

از ۱۳۲۸ که موضوع ملی شدن صنعت نفت مورد توجه قرار گرفته و نطفه‌ی جبهه ملی بسته شد، سنجابی عضویت جبهه را پذیرفت و از اعضای فعالی جبهه گردید. در ۱۳۳۰ که مصدق ماموریت اداره‌ی امور کشور را بر عهده گرفت، او را به سمت وزیر فرهنگ معرفی کرد. سنجابی یک سال مقام وزارت داشت، نه تنها قدمی برای فرهنگ کشور برنداشت، بلکه اوضاع آشفته‌ی آن وزارتخانه را آشفته‌تر کرد و سرانجام آنجا را ترک نمود. در ۱۳۳۱ به هنگام طرح مسئله‌ی ملی شدن صنعت نفت در دادگاه لاهه، در معیت مصدق به آنجا رفت و قاضی اختصاصی ایران بود.

در انتخابات دوره‌ی هفدهم، از کرمانشاه به وکالت مجلس انتخاب شد و عضویت فراکسیون جبهه ملی را داشت. پس از سقوط مصدق، وی تحت تعقیب قرار گرفت، مدتها به حالت اختفاء می‌زیست، سرانجام به شفاعت حشمت‌الدوله والاتبار که نفوذی

فوق‌العاده بر شاه داشت، خود را معرفی نمود و همان روز آزاد شد و کرسی استادی دانشکده‌ی حقوق را مجددا به او دادند. سنجابی تا سال ۱۳۴۲ فعالیتی نداشت و اساسا با سایر اعضای جبهه ملی حشر و نشر نمی‌نمود، ولی از آن سال به بعد وارد مبارزات سیاسی شد. گاهی پنهان و زمانی آشکار به مبارزه ادامه می‌داد و در جلسات جبهه ملی شرکت می‌نمود. چند بار مورد تعرض واقع شد، چندی در زندان به سر برد و مدتی تحت‌نظر بود تا اینکه در ۱۳۵۷ رهبر جبهه ملی ایران شد و مبارزه‌ی جبهه ملی علیه شاه و رژیم را او علنی ساخت. در آن سال فعالیتی چشمگیر داشت و معتقد بود شاه باید سلطنت کند نه حکومت. چندی سفر به خارج نمود. در آبان‌ماه چند روزی طبق ماده‌ی پنج حکومت نظامی بازداشت شد. چند جلسه طولانی ملاقات با سپهبد مقدم رئیس ساواک داشت، سرانجام روزی به اتفاق او به دیدار شاه رفتند، بنا به نوشته‌ی شاه، او دست شاه را بوسیده و از اعمال گذشته‌ی خویش اظهار ندامت کرده و شاه تکلیف نخست‌وزیری به او می‌کند که موکول به مطالعه و پاسخ می‌شود ولی جو زمان اجازه‌ی قبول چنین سمتی را که صمیمانه خواستار آن بود، نداد.

سنجابی مردی کم‌استعداد و استادی کم‌سواد بود. هیچگونه تحقیق علمی در کار خود نکرد. چهل سال تدریس حقوق اداری با او بود، هرگز نخواست کتابی در این زمینه با پیشرفتهای روز تهیه کند. چند صفحه جزوه‌ی ناقص را به صورت فتوکپی بین دانشجویان تقسیم می‌کرد. وی در اواخر عمر خاطرات خود را به رشته تحریر درآورد و آن را انتشار داد. در ۱۳۷۵ در اروپا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] مؤلفین کتب چاپی (۶۶ -۶۵ /۵).

سیاسی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۷۴/۱۲۷۳ ش)، روانشناس، مولف و استاد دانشگاه. وی در تهران متولد شد و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس خرد و سلطانی، برای ادامه‌ی تحصیلات به فرانسه رفت و از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی پاریس به اخذ درجه‌ی دکترا با قید درجه‌ی بسیار عالی نایل گردید و به ایران بازگشت و فعالیتهای فرهنگی خود را از استادی دارالفنون و دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و دانشکده‌ی ادبیات آغاز نمود. وی چندین بار رییس دانشگاه تهران شد. از جمله خدمت موثر او می‌توان از تهیه‌ی لایحه‌ی قانون تربیت معلم، تعلیمات عمومی اجباری و مجانی، جدا کردن دانشگاه از وزارت فرهنگ، تاسیس مجدد دانشکده‌ی معقول و منقول، ایجاد چاپخانه‌ی دانشگاه و تاسیس کوی دانشگاه نام برد. او به کشورهای انگلستان و فرانسه و ایتالیا و آمریکا و کانادا سفر کرد. وی در تهران وفات یافت. از دکتر سیاسی تالیفات متعددی به جا مانده است از جمله: «علم النفس یا روانشناسی»؛ «علم النفس ابن‌سینا و تطبیق آن با روانشناسی جدید»؛ «علم اخلاق»؛ «مبانی فلسفه»؛ «منطق و فلسفه»؛ «هوش و خرد»؛ «روانشناسی شخصیت»؛ «ایران در تماس با مغرب زمین» به زبان فرانسوی و برنده‌ی جایزه از آکادمی فرانسه؛ «طریقه تست» و «مقالات» متعددی که در جراید و مجلات به چاپ رسیده است.[۱]

محقق، مؤلف، رییس دانشگاه تهران.

تولد: ۱۲۷۳(۱۳۱۳ ق.)؛ تهران.

درگذشت: ۴ خرداد ۱۳۶۹، بیمارستان جم تهران.

علی‌اکبر سیاسی، فرزند محمدحسن، پس از اتمام تحصیلات در مدارس خرد و سلطانی و دانشکده‌ی علوم سیاسی تهران، در

روزگار احمد شاه قاجار در امتحانات اعزام دانشجو شرکت کرد، شاگرد اول شد و برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و در فرانسه به اخذ درجه‌ی دکترای ادبیات از دانشگاه سربن نایل شد (موضوع پایان‌نامه‌ی وی «ایران در برخورد با غرب» بود.) طی تحصیل در فرانسه، رساله‌ی دکترای وی مورد توجه فرهنگستان علوم فرانسه قرار گرفت و یکی از جوایز آن فرهنگستان در سال ۱۲۹۳ م. به وی اعطاء شد.

علی‌اکبر سیاسی تحت تأثیر جریان‌های فکری و اجتماعی ناشی از زندگی در اروپا با چند تن از دوستانش که در فرنگ تحصیل کرده بودند حزب ایران جوان را تأسیس کرد. دکتر سیاسی یکی از اعضای هیئت عامله‌ی حزب و از نویسندگان روزنامه‌ی هفتگی «ایران جوان» بود. وی پس از بازگشت از سفر اول اروپا به تدریس در سه مدرسه‌ی دارالفنون، نظام و علوم سیاسی پرداخت. در همین دوران مترجمی سفارت فرانسه در تهران را هم به عهده داشت. در آن مدرسه‌ها، در آغاز کار، زبان فرانسوی و سپس روان‌شناسی تدریس می‌کرد. در همان هنگام با مجله‌ی «آینده» نیز همکاری داشت.

علی‌اکبر سیاسی پس از تأسیس دانشگاه تهران به استادی این رشته نایل آمد. بعدها که انجمن روان شناسان ایران تأسیس شد به ریاست آن انجمن برگزیده شد و نیز رییس مؤسسه‌ی روان‌شناسی دانشگاه تهران بود. دکتر سیاسی مدت دوازده سال ریاست انتخابی دانشگاه تهران را به عهده داشت. انتشارات دانشگاه تهران در دوره‌ی ریاست و در سال‌های آغازین کار او تأسیس شد و دکتر پرویز ناتل خانلری طراح و مجری امور آن شد. او همچنین ریاست انجمن ایرانی و فلسفه و علوم انسانی وابسته به کمیسیون ملی یونسکو را بر عهده گرفت و در مقام رییس کانون ایران جوان نیز کوشید تا مجموعه سخنرانی‌های فرهنگی و پژوهشی ایراد شده در آن دو مؤسسه به چاپ برساند.

دکتر سیاسی ریاست دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و نیز دانشسرای عالی تا پیش از جدا شدن آن- که بیش از بیست سال طول کشید- بر عهده داشت. تأسیس مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی» نیز از فعالیت‌های او بود. وی وزیر فرهنگ احمد قوام و علی سهیلی، وزیر مشاور در هیئت دولت مرتضی قلی بیات (سهام‌الدین)، وزیر فرهنگ در هیئت دولت ابراهیم حکیمی و وزیر امور خارجه در هیئت دولت ساعد بود. در هیئتی که برای امضای منشور سازمان ملل متحد به سانفرانسیسکو اعزام شد عضو بود. در پایه‌گذاری امور یونسکو همکاری داشت و یکی دو بار به نمایندگی ایران در اجلاسیه‌های آن مؤسسه‌ی جهانی شرکت کرد. عضو شورای تبلیغات و عضو فرهنگستان ایران و شورای عالی فرهنگ و جز اینها بود. دکتر سیاسی، ده سال پایانی عمر را در اروپا و امریکا زندگی می‌کرد.

علاوه بر مقالات وی در نشریات داخل و خارج، از آثار وی است: اصول روان شناسی (۱۳۱۷)؛ روان‌شناسی پرورشی (۱۳۲۰، این کتاب به کرات بین بیست تا سی بار به چاپ رسیده است)؛ علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روان‌شناسی جدید (۱۳۳۳)؛ نمایشنامه‌های عشق و وطن؛ ماهیار یک قربانی دیکر؛ عشق و تجدد؛ ایران در تماس بامغرب زمین (به زبان فرانسوی)؛ دو ماه در پاریس یا از یونسکو تا برلین (۱۳۲۹)؛ روان‌شناسی جدید (۱۳۳۳)؛ علم اخلاق (نظری و عملی) (۱۳۳۶)؛ منطق و روش‌شناسی (۱۳۳۶، چند بار چاپ شده است)؛ مبانی فلسفه (۱۳۳۶)؛ علم النفس یا روان‌شناسی از لحاظ تربیت (۱۳۳۷، چند بار چاپ شده است)؛ منطق و فلسفه (۱۳۳۷، چند بار چاپ شده است)؛ هوش و خرد (۱۳۴۱، چاپ‌های مکرر دارد)؛ روان‌شناسی جنایی (۱۳۴۲)؛ گزارش یک زندگی (جلد اول، لندن ۱۳۳۶).

در ۱۲۷۴ ش در تهران متولد شد و پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد مدرسه عالی سیاسی مشیرالدوله شد و دانشنامه گرفت. در ۱۲۹۰ دولت ایران قریب بیست نفر از جوانان کشور را تحت سرپرستی ریشارد برای ادامه تحصیل به اروپا فرستاد، از جمله علی‌اکبر سیاسی در زمره‌ی آن بیست نفر بود. در این سفر برای هر کدام از محصلین نام خانوادگی انتخاب شد و چون علی‌اکبر رشته‌ی سیاسی خوانده بود نام خانوادگی سیاسی را برای خویش انتخاب کرد. پس از ورود به پاریس وارد دانشسرای روان

شد و به تحصیل در رشته‌ی علوم تربیتی و روانشناسی پرداخت و مدت تحصیل وی مجموعا پنج سال به طول انجامید و در ۱۲۹۶ به ایران بازگشت و به استادی مدرسه‌ی دارالفنون مشغول شد. در ۱۲۹۸ علاوه بر تدریس به سمت مستشار و مترجم سفارت فرانسه در تهران برگزیده شد و قریب دو سال در آن سمت انجام وظیفه نمود. سیاسی پس از بازگشت از اروپا در فکر تغییراتی در شئون تغییراتی در شئون مختلف کشور افتاد و با مشارکت عده‌ای از دوستان خود جمعیتی به نام ایران‌جوان تاسیس کرد. هسته‌ی اصلی این جمعیت غیر از سیاسی عبارت بودند از، حسن مشرف نفیسی، اسمعیل مرآت، محمدوحید تنکابنی، محسن رئیس، جواد عامری. اساسنامه‌ای که خیلی مترقی و تند بود تهیه کردند از جمله در مرامنامه آنها آمده بود: تجزیه امور مدنی از مسائل روحانی، الغاء کاپیتولاسیون، الغاء محاکم خصوصی و ارجاع کلیه امور به محاکم عمومی، تجدیدنظر در قراردادهای گمرکی، ایجاد راه‌آهن، ایجاد مدرس عمومی و اجباری برای پسران و دختران و چند مورد دیگر.

جمعیت ایران‌جوان پس از مدتی روزنامه‌ای به نام جمعیت که به طور هفتگی منتشر می‌شد دائر کردند که شماره اول آن دوازده صفحه بود و مطالب متنوعی در آن نوشته شده و چندین کاریکاتور هم در آن شماره به چشم می‌خورد. وقتی سردار سپه قدرت گرفت، اعضاء موسس ایران‌جوان را پذیرفته و مرامنامه آنها را مطالعه و مورد تصویب و اجرا قرار داد.

علی‌اکبر سیاسی در ۱۳۰۸ مجددا برای ادامه تحصیل به اروپا رفت و در رشته‌ی روانشناسی دکترا گرفت و رساله‌ی وی با درجه‌ی ممتاز مورد تصویب استادان قرار گرفت و جایزه‌ای نیز از طرف دانشگاه به او داده شد. سیاسی در ۱۹۳۱ به ایران بازگشت و در وزارت فرهنگ ریاست تعلیمات عالیه به او واگذار شد و در دارالمعلمین عالی نیز به تدریس روانشناسی و فلسفه پرداخت.

در ۱۳۱۳ پس از تاسیس دانشگاه تهران وی به استادی روانشناسی در دانشکده ادبیات منصوب شد و در سال بعد عضو پیوسته فرهنگستان جدیدالتاسیس ایران شد. در ۱۳۲۱ به ریاست دانشکده ادبیات برگزیده شد و در مرداد همان سال در کابینه‌ی احمد قوام وزارت فرهنگ را عهده‌دار شد. سیاسی در این سمت قانون تعلمیات اجباری را از مجلس سیزدهم گذرانید و برای دانشگاه تهران که ضمیمه وزارت فرهنگ بود استقلال گرفت و از طرف روساء دانشکده‌ها به ریاست دانشگاه مستقل تعیین شد.

پس از بلوای ۱۷ آذر ۱۳۲۱ قوام‌السلطنه تمام روزنامه‌ها و مجلات کشور را تعطیل کرد و مدیران آن را به زندان افکند و دکتر سیاسی وزیر فرهنگ وقت لایحه‌ی جدیدی به قید دوفوریت به مجلس داد و ضمن لغو تمام امتیازات برای صاحب امتیازی مطبوعات، اصول جدیدی را در نظر گرفت که یکی داشتن دیپلم متوسطه و دیگری بضاعت مالی بود.

پس از سقوط کابینه‌ی احمد قوام، علی سهیلی به نخست‌وزیری منصوب شد و پست وزارت فرهنگ مجددا به دکتر علی‌اکبر سیاسی تفویض گردید. در ۱۳۲۳ در کابینه‌ی مرتضی قلی بیات (سهام‌السلطان) به وزارت مشاور برگزیده شد. در ۱۳۲۶ در کابینه‌ی ابراهیم حکیمی برای بار سوم وزیر فرهنگ شد و بالاخره در کابینه‌ی ساعد به وزارت امور خارجه معرفی گردید. و در ۱۳۲۵ عضویت هیئت نمایندگی ایران را در سازمان ملل عهده‌دار گردید.

دکتر علی‌اکبر سیاسی مجموعا مدت ۱۲ سال ریاست دانشگاه تهران را عهده‌دار بود. در سال ۱۳۳۳ به موجب طرحی که از طرف یکی از نمایندگان به مجلس داده شد، انتخاب ریاست دانشگاه از روسای دانشکده‌ها سلب و قرار شد وزیر فرهنگ سه نفر از اساتید دانشگاه را که رتبه‌ی آنها از ۹ کمتر نباشد به شاه پیشنهاد کند و شاه یکی از آنها را انتخاب کند. لذا جعفری وزیر فرهنگ وقت، سه نفر را پیشنهاد نمود. نفر اول دکتر منوچهر اقبال بود که به ریاست دانشگاه انتخاب گردید. دکتر اقبال برای تقدیر از خدمات دکتر سیاسی به وی مقام ریاست افتخاری دانشگاه تهران را داد.

دکتر علی اکبر سیاسی پس از کنار رفتن از ریاست دانشگاه، تلاشی برای کارهای دولتی به عمل نیاورد و همچنان با استادی و تدریس در دانشکده ادبیات امرار وقت می‌کرد و سرانجام بازنشسته شد و به مقام استادی ممتاز رسید.

دکتر سیاسی دارای تالیفات متعددی در رشته‌ی تخصصی خود می‌باشد، از جمله می‌توان کتابهای مبانی فلسفه علی‌النفس یا اصول

روانشناسی، نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی و چندین کتاب درسی و چند ترجمه را نام برد. او اصول روانشناسی جدید را در ایران بنیاد نهاد، از اینرو به نام بنیانگذار و پدر روانشناسی جدید در ایران معروف می‌باشد. وی در جوانی با دختر صمصام‌الملک بیات ازدواج کرد و صاحب چند فرزند شد که ارشد آنها دکتر هدایت سیاسی هم‌اکنون استاد دانشکده بهداشت است.

سیاسی در اواخر عمر در خارج از ایران می‌زیست و کتابی به زبان فارسی تحت عنوان گزارش یک زندگی نوشته و انتشار داد که در حقیقت شرح حال و زندگینامه‌ی او بود. در اواخر ۱۳۶۸ به ایران بازگشت و در ششم خرداد ۱۳۶۹ درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] چهره‌های آشنا (۳۱۱ –۳۱۰)، کلک (س ۱۳۶۹، ش ۳، ص ۳۲ –۲۹)، کیهان فرهنگی (س ۷، ش ۳، ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۱ –۵۱۸ /۴)، نشر دانش (س ۱۰، ش ۴، ص ۱۰۴).

سید عباس‌زاده، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مدیریت آموزشی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: ارومیه

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد در رشته تعلیم و تربیت از دانشگاه اکلاهماسیتی آمریکا، دکترای مدیریت آموزشی از دانشگاه میسوری کلمبیای آمریکا در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روش‌های کنترل کلاس معلمان مدارس در مقاطع مختلف و خصوصیات مدارس اثربخش.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مدیریت آموزشی، تعلیم و تربیت کودکان تیزهوش، هنر در مدرسه و واژه‌نامه مدیریت آموزشی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

روش‌های کنترل کلاس معلمان، رضایت شغلی معلمان، وجدان کار، مدیریت مؤسسات تحقیقاتی، مشکلات رفتاری و آموزشی دانش‌آموزان شاهد.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سید میرزائی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جمعیت‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه استراسبورگ فرانسه در سال ۱۳۵۱ و دکترای جمعیت‌شناسی از دانشگاه استراسبورگ فرانسه در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاه شهید بهشتی، مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی معاون آموزشی و پژوهشی دانشگاه الزهراء و دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی بزهکاری در کرمان، بررسی اوقات فراغت رزمندگان و دانش‌آموزان، تدریس دروس مبانی جمعیت‌شناسی، روشهای تحلیل جمعیت، جمعیت‌شناسی اقتصادی- اجتماعی و مسائل جامعه‌شناسی شهری.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مبانی و روشهای تحلیل جمعیت و جمعیت‌شناسی آماری.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۳، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مفهوم حد مطلوب قدرت در کشورهای جهان سوم، شکوفائی فرهنگی در جهان سوم، سیاست تنظیم خانواده و توسعه اقتصادی، انقلاب بشر و نیازهای فدائی و توسعه افق جدید.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سیف نراقی، مریم

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته مشاوره و راهنمائی با رتبه اول از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد و دکترای مشاوره و راهنمائی با درجات ممتاز از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی در سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی روند رشد تکلم و زبان فارسی کودکان از بدو تولد تا ۸ سالگی، بررسی و مقایسه وضعیت مراکز شبانه‌روزی کمیته امداد امام خمینی (ره) و ویژگیهای دانش‌آموزان تحت پوشش آنها، بررسی اختلالات رفتاری فرزندان شاهد، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر بیش از ۵۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

دانش‌آموزان استثنائی، روش تحقیق، اختلالات یادگیری، اختلالات یادگیری، اختلالات رفتاری کودکان، سنجش و اندازه‌گیری، راهنمای عملی فراهم‌سازی، آمار استنباطی، احساس و ادراک در روانشناسی، آموزش و پرورش کودکان استثنائی و بررسی روند رشد تکلم و زبان‌شناسی کودکان از بدو تولد تا ۸ سالگی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

چگونگی رشد ذهنی و روانی، تکلم و زبان کودکان، اختلالات رفتاری، تأثیر فشارهای روانی، نقش تحقیق، چگونگی نمونه‌گیری و آشنائی با برخی از آزمونها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سیف، سوسن

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر سوسن سیف در سال ۱۳۲۱ در تهران بدنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه ،تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه الزهرا در رشته روانشناسی آغاز کرد. وی پس از اخذ مدرک کارشناسی روانشناسی و کارشناسی ارشد رشته مشاوره و راهنمایی خانواده از دانشگاه علامه طباطبائی ، در سال ۱۳۶۱ موفق به دریافت دکتری رشته مطالعه خانواده و کودک از دانشگاه سراکیوز آمریکا شد.وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه الزهرا و عضو هیئت علمی مدرسه عالی شمیران ۰دانشگاه علامه طباطبائی) می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوسن سیف تحصیلات ابتدایی

خود را در دبستان «همایون» و دوره دبیرستان را در دو مدرسه «آزرم» و «ناموس» سپری کرده است. لیسانس روانشناسی اش را از مدرسه عالی دختران [دانشگاه الزهرا(س)] و فوق لیسانس خود را از مدرسه شمیران [با نام فعلی دانشگاه علامه طباطبایی] اخذ می کند. پس از این برای ادامه تحصیل و کسب مدرک دکترا با بورسی که به او تعلق می گیرد به دانشگاه «سیراکیوز» آمریکا می رود و همانگونه که در کشور خود موفق می شود رتبه اول را در دانشگاه به دست آورد، آنجا نیز با همین رتبه فارغ التحصیل می شود. خلاصه سابقه تحصیلی سوسن سیف به قرار زیر است: ۱ـ لیسانس روانشناسی ـ مدرسه عالی دختران (دانشگاه الزهرا) ۵۴ ـ ۵۰ ۲ـ فوق‌لیسانس مشاوره و راهنمایی خانواده ـ مدرسه عالی شمیران (دانشگاه علامه طباطبایی) ۵۶ ـ ۵۴ ۳ـ دکترای مطالعه خانواده و کودک ـ دانشگاه سراکیوز آمریکا ۵۷ ـ ۶۱ استادان و مربیان : سوسن سیف تمایلاتی نیز به علوم دیگر دارد. به زیباشناسی، هنر و از همه مهمتر به فلسفه علاقه مند است و در این رابطه به یکی از اساتیدش که تا حد زیادی تحت تأثیر او قرار گرفته بوداشاره می کند: «در دوره لیسانس، ما استادی داشتیم به نام خانم دکتر «مهتاب مستعان» - که حالا بازنشسته شده اند- ایشان به قدری شیرین، فلسفه را درس می دادند که گاهی اوقات من وسوسه می شدم رشته ام را عوض کنم و بروم فلسفه بخوانم. در مراحل دیگر پیشرفت های علمی ام، اساتید خوبی مثل آقای دکتر کیانوش هاشمیان داشتم یا آقای دکتر عباس طباطبایی یزدی که استاد آمار من بودند. جالب اینجاست که این افراد هم اکنون از بهترین همکاران من محسوب می شوند.» وقایع میانسالی : سوسن سیف پس از بازگشت به وطن، به سرعت دستاوردهای آموزشی اش را به کار می گیرد و اندک زمانی بعد صاحب مرتبه و مقام ارزنده ای در علم روانشناسی کشور می شود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سابقه اشتغال به خدمت سوسن سیف : ـ عضو هیات علمی مدرسه عالی شمیران (دانشگاه علامه طباطبایی) ـ عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا (دانشیار) ـ عضو هیات علمی دانشگاه اما م صادق (واحد خواهران) ـ عضو هیات علمی مرکز مطالعات و تحقیقات مسائل زنان ـ عضویت در شاخه کودکان استثنایی و برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی ـ مدیریت گروه علوم تربیتی دانشگاه الزهرا – عضو کمیته مشورتی انستیتو روانپزشکی ـ مدیر تحصیلات تکمیلی (کارشناس ارشد و دکترا دانشکده الهیات ، ادبیات و علوم انسانی دانشگاه الزهرا ـ عضویت در کمیته علمی سمینار روانشناسی در اسلام و دبیر سمینار دانشگاه الزهرا ـ عضو کمیته برنامه‌ریزی آموزش کودکان استثنایی و عضویت در چهارشاخه اختلالات عاطفی ، ناتوانی یادگیری ، عقی‌ماندگی ذهنی و چند معلولیتی ـ ریاست دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا ـ عضو شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استثنایی فعالیتهای آموزشی : سوسن سیف با وجود آن که سابقه تدریس در دیگر دانشگاه ها را نیز دارد ولی به زعم خویش، تمام زندگی و وجودش در دانشگاه الزهرا(س)، خلاصه می شود و بیشترین حجم فعالیت هایش را در این مرکز آموزشی متمرکز کرده است.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سوسن سیف تاکنون راه اندازی و تأسیس دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی و کتابخانه آن در سال ،۷۴ مرکز کلینیک مشاوره و روانشناسی دانشگاه الزهرا(س) [واقع در خیابان ۱۶آذر به همت و پشتیبانی ریاست دانشگاه دکتر زهرا رهنورد و به مدیریت دکتر طیبه زندی پور]، برنامه مشاوره پیشگیری از تالاسمی [در وزارت بهداشت و درمان] و درس کارگاهی آن، طرح و اجرای دروس کارگاهی «مصاحبه مشاوره ای»، «آموزش خانواده»، «دانش افزایی همسران» و «سلامت بلوغ در دختران» را در کارنامه خود ثبت کرده است. آرا و گرایشهای خاص : سوسن سیف معتقد است: «علاقه من به مسائل خانواده در تمام فعالیت های تحقیقاتی و پژوهشی ام نمود عینی داردو در داخل یا خارج از کشور مدام روی مشاوره خانواده و کودک کار می کنم. در تعاریف کلی و از نقطه نظر اجتماعی خانواده را این گونه تشریح می کنند که واحد بسیار کوچکی است. اما به نظر من اساس و پایه شکل گیری جامعه و یادگیری فرزندان، ارتباط همسران و... همه در خانواده است. من همه چیز را به خانواده ربط می دهم و معتقدم خانواده در تشکیل و گسترش روح ملی و در نهایت حفظ حدود و ثغور فرد برای خود، نقش بزرگی ایفا می کند. اگر کشورها مبانی خانوادگی سالم نداشته باشند و رابطه افراد در خانواده خیلی به هم نزدیک نباشند، همبستگی و تعاون بین آن ها دیده نشود، همه چیز بی پایه و سست می

شود. بنابراین همیشه باید خانواده را یک اصل قرار دهیم که دارای جایگاه پر مهر و محبتی است، حس همدلی و دوستی و فداکاری و... در آن هست و تمام این ها ریشه در خانواده دارد. من در همه کارهای تحقیقی ام تاکنون این چرخه خانواده را در نظر گرفتم. چرخه خانواده کاملاً مشخص است، ابتدا جوانان ازدواج می کنند، بعد فرزنددار می شوند و بچه هایشان به مدرسه رفته، فارغ التحصیل می شوند و باز آنان هم ازدواج می کنند و چرخه ادامه می یابد.» از دید سوسن سیف، روانشناسی در واقع نوعی انسان شناسی است: «شناخت ابعاد انسان به دلیل پیچیدگی به سادگی امکان پذیر نیست. گروهی سعی دارند از دیدگاه وراثت درباره انسان ها صحبت کنند، بعضی دیگر از منظر محیط، برخی می گویند ارزش ها اهمیت دارند و تعدادی هم تفکر و گروهی نیز ادراک و احساس را پراهمیت می دانند.» سوسن سیف در عالم مشاوره بیش از هر کس به «ویرجینیا ستیر» گرایش دارد و او را یکی از برترین مشاورهای جهان می پندارد و برای اثبات نظریات خویش در خصوص ارتباط و همدلی با دیگران به گفته ای از او استناد می کند: «ستیر جمله قشنگی دارد با این مضمون؛ مرا باور این است بهترین هدیه ای که می توانم بخواهم و آرزو کنم همانا دیده شدن، شنیده شدن، فهمیده شدن و حس شدن از سوی دیگران است و والاترین هدیه ای که من می توانم به دیگران بدهم دیدن، شنیدن و درک و پذیرش روح آنهاست. آنچه ستیر می گوید خواسته های من نیز هست. به اعتقاد من زندگی را باید مجموعه ارتباطات در ابعاد زیستی، روانی و اجتماعی دانست. بنابر رویکرد ارتباطی ستیر، افرادی که در نحوه برقراری ارتباط دارای الگوی سالمی هستند، بانشاط، سرزنده و بامحبتند و قدرت ریسک کردن دارند، با حقوق خود و دیگران آشنایند، حضور قلب و چهره های آرام دارند و صحبت های آن ها با آهنگی پرمایه و گرم همراه است، مهربانند و گشاده رو و اگر ساکتند، حتی سکوتشان، آرامبخش است. در عوض افرادی که نمی توانند به خوبی از عهده برقراری ارتباط برآیند، بداخلاقند و چشم هایشان تنگ است، گوش هایشان نمی شنود، صداهای خشنی دارند و شوخی هایشان زننده است!» جوائز و نشانها : سوسن سیف تاکنون چندین مرتبه به عنوان پژوهشگر نمونه در دانشگاه الزهرا(س) انتخاب شده و مورد تقدیر قرار گرفته است. در سال های ۸۳-۸۲ استاد نمونه کشور بوده و برای اغلب سخنرانی هایش موفق به دریافت جوایز و تقدیرنامه هایی شده است.چگونگی عرضه آثار : ارائه و تدوین چندین طرح ملی نیز در کارنامه علمی پربار سوسن سیف به چشم می آیند. «طرح جامع تشکیل کارنامه فراگیری خاص برای کودکان عقب مانده ذهنی» [۱۳۸۰]، «آزمون دوره آمادگی قبل از دبستان»، «استانداردسازی و هنجاریابی مقیاس سنجش خانواده» [تیرماه ۱۳۸۰]، «پودمان مدیریت زن»، و «بررسی علل و عوامل مدرسه گریزی دانش آموزان دختر دبیرستان های تهران» [سال تحصیلی ۸۲-۸۱] برخی از آنهاست. مقالاتی که سوسن سیف درکنفرانس ها و سمینارهای داخلی و خارجی نیز مطرح کرده است، موضوعاتی همچون «فرضیه زبان و تفکر ویگوتسکی»، «مقایسه مشکلات دختران نوجوان ایرانی با مشکلات دختران نوجوان ایرانی مقیم آمریکا»، «فقدان پدر و تأثیر آن در روند رشد کودکان»، «جوان و عزت نفس»، «پیاژه و اسکینر»، «بهداشت روانی و عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان دانشگاه الزهرا(س)» و مواردی از این دست را شامل می شوند که شرح فهرست آنها در این حجم کوتاه نمی گنجد. این مقالات گاه در مجله های علوم انسانی وزارت آموزش عالی، فصلنامه وزارت آموزش و پرورش و مجله علوم انسانی دانشگاه الزهرا(س)، به چاپ رسیده اند یا می رسند. برخی از آن ها نیز در همایش ها و کنگره های علمی ارائه شده اند. علاوه بر آن چه از فعالیت های پژوهشی - تحقیقی سوسن سیف آورده شد، او در مجلات مرتبط با حوزه کاری اش نیز از اعضای هیأت تحریریه است. مجلات «خانواده پژوهی دانشگاه شهید بهشتی»، «فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی» و «روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران» سه مورد از آن هاست. همچنین سردبیری فصلنامه های «مطالعات روانشناختی» و «اندیشه های نوین تربیتی» از دیگر مسؤولیت های اوست. دکتر سوسن سیف با همه این فعالیت هاست که امروزه از جمله نام آشنایان عرصه علم روانشناسی است و نمی توان به سادگی و بی تفاوت از کنار او گذشت. او سعی کرده زندگی اش را وقف ارائه بهترین و ارزشمندترین خدمت های بشردوستانه کند، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.» آثار :آموزش و

پرورش دوران نخستین کودکی ویژگی اثر : ترجمه۲ ارزیابی ناتوانی یادگیری ، اصلاح رفتار کودکان استثنایی ویژگی اثر : تالیف و ترجمه۴ افزایش خود پنداره دانش آموزان در مدارس ویژگی اثر : ترجمه۵ تئوری رشد خانواده ویژگی اثر : تالیف و ترجمه ۶ جابه جا کردن کودک خردسال فلج مغزی در خانه ویژگی اثر : تالیف و ترجمه۷ جابه جا کردن کودک خردسال فلج مغزی در خانه ویژگی اثر : تالیف و ترجمه۸ خانواده درمانی ، رشد کودکان تهرانی از یک سالگی تا پنج سالگی ویژگی اثر : بررسی و تحقیق و تالیف ۱۰ روانشناسی رشد کودکان و نوجوانان ویژگی اثر : تالیف مولی و راسل اسمارت: ترجمه۱۱ ریشه‌های فلسفی و تاریخی تئوری‌های نوجوانی ویژگی اثر : تالیف و ترجمه ۱۲ مباحثی در اختلالات دوران نوجوانی ویژگی اثر : تالیف۱۳ مشاوره خانواده ویژگی اثر : تالیف۱۴ ناتوانی‌های یادگیری ، تشخیص و درمان ویژگی اثر : تالیف۱۵ یاور ماهر ویژگی اثر : ترجمه

سیف، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته آموزش و پرورش گرایش روانشناسی با احراز رتبه اول از دانشگاه ابوریحان سابق در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته روانشناسی تربیتی از دانشگاه ایلینویز جنوبی آمریکا در سالهای ۱۳۵۰ و ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی دانشگاه ابوریحان سابق و دانشگاه علامه طباطبائی از سال ۱۳۵۲ تاکنون، دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام طرحی تحقیقی در زمینه علوم تربیتی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی و علوم تربیتی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

روانشناسی و علوم تربیتی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سیف‌اللهی، سیف‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: علامه طباطبائی

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شاملو فرهمند، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: روانشناسی درمانی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی روانشناسی از دانشگاه Dubugue آمریکا در سال ۱۳۳۴، کارشناسی ارشد و روانشناسی بالینی از دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا در سال ۱۳۳۶، دکترای روانشناسی بالینی از دانشگاه واشنگتن آمریکا در سال ۱۳۳۹ و فوق تخصص روان درمانی از دانشگاه شیکاگو در سال ۱۳۴۰.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۴۲، استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۴۶، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۵۲ و استاد دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲ تاکنون

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

عوارض روانی جنگ در رزمندگان ایران، بررسی بالینی شخصیت قبل از بیماری بیماران روانی، استفاده از رفتار درمانی و شناخت درمانی در بیماران جنگی در ایران و تدریس دروس روان‌درمانی، آسیب‌شناسی روانی، بهداشت روانی، روان‌شناسی بالینی در دانشگاه علوم پزشکی تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

بیماری‌های روانی، پیش گیری بیماریهای روانی، روشهای تشخیص و درمان، درمان بیماریهای روانی به وسیله روان درمانی، دیدگاههای قدیم و جدید در روانشناسی شخصیت، بررسی مفاهیم و پژوهشها و نظریه‌ها در شخصیت، تکنیک‌های جدید در روانکاوی، تاریخ تکامل روانشناسی در صد سال اخیر و جدیدترین روشهای تشخیص با مصاحبه بالینی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰۰، تعداد مقالات به زبان خارجی:–

زمینه علمی مقالات:

مسائل گوناگون روانشناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شاملی، عباسعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباسعلی شاملی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۳

زندگینامه علمی

اینجانب دکتر عباسعلی شاملی در تاریخ ۳/۷/۱۳۳۹ و در دیار دانش، حکمت و عرفان، در شهرضای اصفهان پا به این کره ی خاکی نهادم و دارای سه فرزند هستم. من هم اکنون از اعضای هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سرّه الشریف) در گروه علوم تربیتی و جانشین مدیر این گروه می باشم. در سال تحصیلی ۵۶-۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه شهرضا (مدرسه علمیه صاحب الزمان ‹عج›) و سپس (پس از حدود یک سال) وارد حوزه علمیه قم (مدرسه منتظریه یا حقانی و مدرسه رسالت) شدم. تا سال ۱۳۷۱ در حوزه علمیه قم به تحصیل اشتغال داشتم. طی این مدت موفق شدم مقدمات، سطح مقدماتی، سطح عالی و هفت سال از درس خارج فقه و اصول حوزه را در این مهد دانش و اجتهاد پشت سر گذارم.

مقدمات و سطح مقدماتی را طی پنج سال در مدرسه علمیه رسالت که در آن هنگام همگام و هم برنامه مدرسه علمیه حقانی بود و توسط حضرت حجهٔ الإسلام و المسلمین جناب آقای دشتی و کمک و مشاوره مرحوم شهید قدوسی (ره) مدیریت می شد، پشت سر گذاشتم. سطح عالی را به طور آزاد در حوزه علمیه قم گذرانده و در آن زمان از محضر اساتید گرانقدر حضرات آیات عظام اعتمادی (کتاب رسائل در اصول)، ستوده (کتاب مکاسب محرّمه و بیع)، پایانی (مکاسب بیع و خیارات)، اشتهاردی (لمعه و مکاسب محرمه)، مسعودی (لمعتین)، فاضل لنکرانی (دو جلد کفایه در اصول)، استادی (علم الحدیث و درایه، حلقات اول و دوم اصول الفقه شهید صدر (ره))، سید علی حائری (حلقات سوم اصول الفقه) بهره بردم.

در طول درس های خارج فقه و اصول از محضر اساتید و آیات عظام سید محمود هاشمی شاهرودی، سید کاظم حائری، مکارم شیرازی، میرزا جواد تبریزی، سبحانی و مظاهری اصفهانی و وحید خراسانی بهره جستم. همزمان با دروس حوزه از سال ۱۳۵۸ در برنامه ویژه آموزشی مؤسسه در راه حق که با نظارت اساتید و آیات عظام مصباح یزدی، خرازی و مظاهری اصفهانی به هدف تربیت طلاب و فضلای حوزه علمیه قم در راستای پاسخگویی به نیازهای نوین انقلاب و دنیای اسلام راه اندازی شده بود، به تحصیل اشتغال داشتم. طی این دوران که تا سال ۱۳۷۰ به طول انجامید، دو معادل لیسانس فقه و حقوق اسلامی و مطالعات اسلامی را به ترتیب در سال های ۱۳۶۲ و ۱۳۷۰ از مؤسسه در راه حق و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم اخذ کردم.

در راستای تکمیل تحصیلات نوین حوزوی در سال ۱۳۶۲ به بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) که دوره تکمیلی و تخصصی مؤسسه در راه حق بود، منتقل شده و در گروه روان شناسی به تکمیل تحصیلات پرداختم. پس از چهار سال (در سال ۱۳۶۵–۶۶) موفق به اخذ معادل فوق لیسانس روان شناسی با گرایش رشد شخصیت شدم (این مدرک بر اساس انجام پژوهش و نه پایان نامه، پس از گذراندن تمامی واحد های مورد نیاز در روان شناسی اخذ شد). پس از تکمیل این دوره در سال ۱۳۶۸ به همکاری در گروه روان شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه دعوت شدم که حاصل دو سال همکاریم مشارکت در تألیف دو جلد روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی (و چندین مقاله روان شناختی بود) که توسط سازمان سمت چاپ و منتشر شده است. کتاب نظریه های رشد شخصیت که حاصل دیگر این همکاری همراه با دوست دانشمندم آقای دکتر ساجدی بود، هنوز به چاپ نرسیده است.

از سال ۱۳۷۱ مقارن با سال ۱۹۹۱ میلادی به صلاح دید و بر اساس هدایت و نظارت استاد بزرگوار حضرت آیه الله مصباح یزدی (و پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی وقت) و توصیه ی مقام معظم رهبری و حمایت و همکاری صمیمانه رئیس جمهور محترم وقت آیه الله هاشمی رفسنجانی برای ادامه و تکمیل تحصیلات به دانشگاه مک گیل در کشور کانادا اعزام شدم. ورود به این دانشگاه در سال ۱۹۹۲ میلادی بود که پس از دو و نیم سال و در سال ۱۹۹۵ فوق لیسانس دیگری در رشته روان شناسی فلسفی اسلامی از موسسه مطالعات اسلامی گرفتم. پایان نامه این فوق لیسانس به بررسی مقایسه ای رابطه نفس و بدن در علم النفس فلسفی صدر المتألهین و ابن سینا (رهما) اختصاص یافت.

از این پس به دانشکده ی علوم تربیتی (Faculty of Education) در همین دانشگاه منتقل شده و پس از چهار سال (در سال ۱۹۹۹) در رشته فلسفه تعلیم و تربیت و با گرایش آموزش و پرورش فرهنگ و ارزش ها (Culture & Values in Education) با برجسته سازی دیدگاه علامه شهید آیه الله سید محمد باقر صدر (ره) در زمینه ی «شاخص های فرهنگ اسلامی توسعه و توسعه فرهنگی در یک جامعه اسلامی» موفق به اخذ درجه دکتری شدم. این پایان نامه به اتفاق نظر هیئت داوران کمیته دفاع ممتاز شناخته شد و درجه (Dean's honor list) را گرفت.

شایسته است گوشزد کنم که اعطای این امتیاز زمانی است که یک پایان نامه هم توسط استادان داور بیرونی (از دانشگاه های دیگر) و هم در قضاوت کمیته داخلی داوران ممتاز و برجسته تشخیص داده شود.

لازم به یاد آوری است که چون نظام تحصیل در بیشتر دانشگاه های آمریکا و کانادا آمیزه ای از ارائه پایان نامه و گذراندن کورس ها و ترم های درسی است، هر دانشجو پس از فوق لیسانس و دکتری دست کم بیست مقاله پژوهشی خواهد داشت. من نیز بنا به اقتضای روند تحصیلی خود در دانشگاه مک گیل، در دو دوره فوق لیسانس و دکتری خود موفق به نوشتن ۲۵ مقاله پژوهشی به زبان انگلیسی شدم. پس از بازگشت به ایران ضمن همکاری با مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در دو بخش آموزش و پژوهش تاکنون موفق به ارائه چندین مقاله علمی ـ پژوهشی شده ام که شماری از آنها در شماره های گوناگون مجله علمی تخصصی معرفت به چاپ رسیده است.

شاه‌رکنی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد، دانشکده: علوم اقتصادی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای علوم اقتصادی از ایران.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تجارت بین‌الملل، مارکتینگ بین‌المللی و اقتصاد خرد، سیاست‌های حمایتی از تولیدات داخلی و صادرات، تحلیل نظریه‌ها و مقایسه مدل‌های مربوط به سیاست‌های حمایتی از صنایع داخلی و ویژگیها و پی‌آمدهای اقتصادی و هزینه‌های اجتماعی اینگونه سیاست‌ها، محاسبه نرخ حمایت مؤثر و مقایسه آن با نرخ حمایت اسمی از صنایع داخلی خصوصاً در صنعت اتومبیل ایران، برآورده بازده اقتصادی سرمایه‌گذاری آموزشی به منظور تخصیص بهینه منابع و اعتبارات در نظام آموزشی کشور، استاد راهنمای ۱۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

اقتصاد خرد مقدماتی، اقتصاد خرد میانه، اقتصاد و تجارت بین‌الملل، تئوری‌ها و کاربرد آنها در اتخاذ سیاست‌های حمایتی از تولیدات ملی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

سیاست‌های حمایتی از تولیدات داخلی، ارزیابی پروژه‌های تولید نیروی برق آبی کوچک، ارزیابی سرمایه‌گذاری آموزشی و بازده آنها در مقاطع تحصیلی ابتدائی تا دکترا.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شجاعی پور، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی شجاعی پور

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۵/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب علی شجاعی پور در تاریخ ۱۰/۵/۱۳۲۳ هجری شمسی در شهر اراک پای به عرصه وجود گذاشتم پس از سپری نمودن دوران کودکی در دبستان امیرکبیر به تحصیل علوم ابتدایی پرداختم و دوران تحصیل متوسطه را در دبیرستان صمصام الملک بیات تا سال چهارم دبیرستان گذراندم و به علت فوت پدر و وضع اقتصادی نامطلوب خانواده مجبور به ترک تحصیل شدم که جهت تامین مخارج خانواده به کارگری بپردازم پس از مدتی به صورت معلم روز مزد در اداره فرهنگ اراک به خدمت روستا در آمدم و چون در بعضی از روستاها تنها معلم روستا بودم کلاسهای شش پایه یعنی از کلاس اول تا ششم که در یک اتاق بودند را اداره مینمودم و مدت ده سال در روستاها به خدمت شریف معلمی اشتغال داشتم و چون شغل معلمی نیازمند مطالعه و کسب معلومات لازم بود به ادامه تحصیل مشغول شدم و دیپلم دانشسرای مقدماتی را در کوتاهترین مدت اخذ نمودم و چون با این پایان نامه نمی توانستم به دانشگاه راه یابم لذا در اواخر رژیم ستمشاهی و اوائل رژیم مقدس و انقلاب اسلامی موفق به اخذ دیپلم کامل گردیدم در این ایام هنگام با همکاران فرهنگی انجمن اسلامی معلمان را تشکیل ویکی از اعضای فعال انجمن بودم که با همکاری دو تن از همکاران دیگر از سهمیه یک روز نفت استانها و از سهم آموزش و پرورش مشغول ساختن مدارس در روستاهای محروم شدیم و تعداد ۲۵ مدرسه با فضاهای مختلف و مناسب روستا در سختترین شرائط و شروع اشغال عراق و نبود مصالح ساختمانی ساخته شد و چون افراد فامیل این جانب اکثرا در قم ساکن بودند و تمایل اینجانب به زندگی در قم و شروع تحصیلات حوزوی به قم منتقل گردیدم و از مهرماه ۱۳۶۰ تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم ضمن تحصیل در حوزه در آزمون سراسری دانشگاهی شرکت و در رشته روانشناسی و مشاوره در دانشگاه شهید بهشتی رحمت الله علیه پذیرفته شدم و با زحمات فراوان ایاب و ذهاب و مشکلات خانواده و وضع مشکل اقتصادی موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشته مذبور گردیدم و ناگفته نماند که در ایام جنگ تحمیلی بنا به ضرورت تابستانی در جبهه های دفاع مقدس شرکت مینمودم که مجموعا یک سال را در جبهه ها حضور داشتم و به وظایف رزمی تبلیغی مشغول بودم وپس از پایان دوره کارشناسی در دبیرستان امام صادق علیه السلام به وظیفه مشاوره و تدریس مشغول گردیدم از سال ۱۳۷۵ به دعوت معاونت پیشگیری سازمان بهزیستی در صدای مشاور به خدمت شهروندان محترم قم در آمدم و به دلیل نیاز خانواده ها و جوانان به آموزش و اطلاع رسانی مسائل خانوادگی و مسائل جنسی پرداختم و چون با مشکلات تربیتی کودکان توسط خانواده ها آشنا گردیدم مبادرت به تالیف جزوات لازم به منظور آشنایی و آگاهی دادن به خانواده ها نمودم و در همایش های مربوط به مشاوره از دیدگاه اسلام در استان یزد و قم و همایش انجمن مشاوران ایران در تهران که یکی از اعضای این انجمن میباشم شرکت نمودم و بنا بر ضرورت و احساس وظیفه و مسئولیت دوره های زیادی در رای گیری ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس به عنوان ریاست حوزه های انتخابیه فعالیت داشتم و در دوره پنجم نمایندگان مجلس کاندید نمایندگی در شهرستان شدم که به علت مشکل اقتصادی موفق به تبلیغ و معرفی خود نگردیدم و در طول مدت خدمت در مسئولیت مشاوره به خدمت شهروندان محترم به کمک نوجوانان و جوانان و خانواده ها مشغول گردیدم و تحصیلات حوزوی را هم تا دو سال شرکت در دروس خارج ادامه دادم که ان شاالله و با توفیق پروردگار تصمیم دارم که تحصیلات حوزوی و دانشگاهی را تا پایان درس خارج و دکترای رشته تخصصی ادامه دهم

شریعتمداری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی شریعتمداری

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۲/۱۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از طی دوره ابتدایی وارد دانشسرای مقدماتی شیراز شدم. از سال ۱۳۲۱ در شهرستانهای مختلف استان فارس آموزگار بودم و بعد از آن وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شدم. حدود سال ۱۳۳۰ لیسانس رشته قضایی گرفتم و در همان زمان وارد دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران شده و در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل پرداختم. در سال ۱۳۳۲ شاگرد اول این رشته شدم. سال ۱۳۳۵ به همراه دیگر دانشجویان رتبه اول دانشگاهها ، عازم آمریکا شده ، به ایالت میشیگان رفتم ، در دانشگاه این ایالت حدود ۴ ماه زبان خواندم و بعد از آن در دوره آموزش متوسطه دانشگاه میشیگان شرکت کردم و ظرف مدت یکسال دوره کارشناسی ارشد را گذرانده و مدرک آن را کسب نمودم.

سپس در دانشگاه تنسی ، دوره دکتری را تمام کردم و چون قبل از اینکه به خارج اعزام شوم ، چند بار به زندان رفته بودم ، فکر می کردم که اگر به ایران بازگردم ، به من اجازه نخواهند داد ، در دانشگاههای کشور به تدریس مشغول شوم به همین خاطر در آمریکا با کمک و معرفی یکی از اساتید برجسته آمریکا ، به ۱۲ دانشگاه ، برای تدریس دوره لیسانس معرفی شدم و کار خود را در آمریکا ادامه دادم. اما نتوانستم خودم را قانع کنم و در آمریکا بمانم ، بنابراین در سال ۱۳۳۷ به ایران بازگشتم. در آن زمان می خواستند، در دانشگاه شیراز دبیر علوم تربیتی، تربیت کنند ، بنابراین احتیاج مبرمی به استاد تعلیم و تربیت داشتند. از این رو بنده به عنوان دانشیار علوم تربیتی در دانشگاه شیراز مشغول به کار شدم. تقریباً ۳ سال در شیراز مشغول به کار بودم و در آنجا به علّت فعالیتهای سیاسی مدت ۴ ماه را در زندان سپری کردم. پس از آنکه آزاد شدم، به عنوان شرط اشتغال به تدریس می خواستند از من تعهد بگیرند که فعالیت سیاسی نکنم، البته من قبول نکردم و به همین خاطر مدتی بیکار شدم. سرانجام در سال ۱۳۴۱ وارد دانشگاه اصفهان شده و تا سال ۱۳۵۷ به کار خود ادامه دادم. در آن سال برای استقبال امام همراه شهید بهشتی و مقام معظم رهبری، به تهران آمدم و بعد به اصفهان بازگشتم، پس از آن از طرف دولت موقت و شورای انقلاب، پیشنهاد تصدی وزارت علوم و فرهنگ و ارشاد به بنده داده شد. این دو وزارتخانه آن زمان با هم یکی بودند. سپس در سال ۱۳۵۹ که امام خمینی (ره) تصمیم به تشکیل ستاد عالی انقلاب فرهنگی گرفتند، به فرمایش ایشان من عضو این شورا شدم و عضویتم در این ستاد همچنان ادامه دارد. مدتها مسئول گروه علوم انسانی در شورای عالی برنامه ریزی و همچنین مسئول گروه علوم انسانی در شورای عالی پژوهش کشور بودم. مدتی هم ریاست فرهنگستان علوم را برعهده داشتم.

در سالهای ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ در شیراز، انجمن پیروان اسلام را تشکیل دادم و در دانشسرای مقدماتی، مراقب شبانه بودم که معمولاً شاگردانم در فعالیتهای دینی ما شرکت می کردند ، من در فسا، جهرم ، استهبان و دیگر شهرهای استان فارس فعالیت سیاسی و فرهنگی داشتم و سخنرانی هم می کردم. سال ۱۳۲۸ در شهرستان فسا، چند ماهی پس از واقعه ترور شاه، در دفتر روزنامه پارس شیراز، به اتهام شرکت در سوءقصد علیه شاه، دادگاه نظامی مرا احضار کرد. بعد به فسا رفته و خود را معرفی نمودم. آن زمان پادگان به جهرم منتقل شده بود؛ به آنجا رفتم که اعلام کردند ، حکومت نظامی لغو شده و سرانجام مخفیانه به شیراز آمدم. نکته جالب توجه این که در واقع سخنرانی های من هیچ ارتباطی با ترور شاه نداشت. این اتهام، صرفاً نوعی بهانه بود که مانع فعالیتهای

بنده شود. بعد از این وقایع به تهران آمدم. در آن زمان آیت ا... کاشانی را به اتهام دست داشتن در ترور شاه به لبنان تبعید کرده بودند و من در جلسات طرفداران ایشان شرکت می کردم. در یکی از این جلسات فردی به نام محمد نخشب که آن زمان مسئول یک نهضت آزادی خواه بود و جوانان دیندار را به همکاری دعوت می کرد، مرا به همکاری برای تشکیل ائتلاف دعوت کرد ، من هم قبول کردم ، ائتلاف کردیم و به صورت حزب مردم ایران فعالیت می کردیم ، سرانجام حوالی آبان ماه سال ۱۳۳۲ پس از جلسه ای که در منزل آیت ا... زنجانی به منظور تنظیم برنامه اعتصاب سراسری داشتیم، دستگیر و زندانی شدم و به این ترتیب در فعالیتهای سیاسی و جریانهای مختلف قبل از انقلاب حضور فعالی داشتیم.

شریعتی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر شریعتی در تاریخ (مقاله‌ی حاضر مفصلترین سالشمار زندگی دکتر شریعتی و اجمالی از تحقیق نویسنده درباره‌ی زندگی اوست که در سال ۱۳۶۵ نوشته و سپس تکمیل شد. در نگارش این مقاله، علاوه بر رجوع به همه‌ی منابع زندگینامه‌ی شریعتی، از اطلاعات شخصی دوستان نزدیک شریعتی، از اطلاعات شخصی دوستان نزدیک شریعتی استفاده شده است. از این رو پاره‌ای از اطلاعات مندرج در این مقاله در هیچیک از منابع نیامده و جدید است. گفتنی است منابع زندگینامه‌ی شریعتی خالی از کاستی و نادرستی نیست و گاه اطلاعات ارائه شده در آنها متناقض است.این گونه اطلاعات در مقاله‌ی حاضر نیامده و یا صورت درست آن آمده است. آخرین نکته اینکه در مقاله‌ی حاضر به انتشار کتابها و ایراد سخنرانیهای شریعتی اشاره نشده است.).

زندگی من، مجموعا، عبارت است از چندین برنامه‌ی پنج ساله. همیشه کاری شروع می‌کرده‌ام و به اوج می‌رسانده‌ام و آخر پنج سال درهم می‌ریخته، هر بار از سر. از اول نوجوانی تا ۲۸ مرداد ۳۲ و سقوط دکتر مصدق و آغاز دیکتاتوری، پنج سال.

از این دوره تا تشکیل نهضت مقاومت ملی مخفی، که از ۱۳۳۷ به هم خورد و دستگیر شدیم، پنج سال.

از ۳۸ تا ۴۳؛ در اروپا پنج سال.

از ۴۳ تا ۴۸؛ دوره‌ی خاص آوارگی و زندان و مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی دانشکده، پنج سال.

دوره‌ی کنفرانسهای دانشگاهها و ارشاد، پنج سال، تا ۵۱.

پس از آن زندان و خانه‌نشینی و خفقان پنج سال.

با مخاطبهای آشنا، ص ۲۶۲.

۱۳۱۲

پنجشنبه دوم آذر ماه، در روستای کاهک، از توابع سبزوار، و در حاشیه‌ی کویر، زاده شد. زادگاه او را مزینان نیز گفته‌اند، از آن رو که در مزینان بالید و نام‌خانوادگی او، در اصل، «مزینانی» است.

مادرش زهرا امینی و پدرش محمدتقی نام داشت. پدر و اجداد پدری او در شمار عالمان و مدرسان دینی بودند.

۱۳۱۹

ورود به دبستان ابن یمین در مشهد.

۱۳۲۵

ورود به دبیرستان فردوسی در مشهد.

۱۳۲۷

به عضویت در کانون نشر حقایق اسلامی، که پدرش پایه‌گذار آن بود، در آمد و از طریق آن با حقایق اسلامی آشنا شد.

۱۳۲۹

سیکل اول دبیرستان (کلاس نهم نظام قدیم) را به پایان رساند و به دانشسرای مقدماتی (تربیت معلم) وارد شد.

۱۳۳۱

دوره‌ی دانشسرا را به پایان رساند و با دریافت دیپلم آن، به عنوان معلم در مدرسه کاتب‌پور، در منطقه‌ی احمدآباد مشهد، به تدریس پرداخت.

۱۳۳۱

انجمن اسلامی دانش‌آموزان و دانشجویان را پایه‌گذاری کرد و به مدت هشت سال، تا هنگام خروج از کشور برای ادامه‌ی تحصیل، مسؤولیت جلسات هفتگی آن را، که سخنرانی و بحث و تحقیق درباره‌ی مسائل عقیدتی و مکتبهای فلسفی و اجتماعی بود، برعهده داشت.

۱۳۳۱

در حمایت از نهضت ملی شدن صنعت نفت و دولت دکتر محمد مصدق و اعتراض به روی کار آمدن دولت قوام السلطنه، در یکی از روزهای دهه‌ی آخر تیر ماه دستگیر و سپس آزاد شد.

۱۳۳۲

عضویت و فعالیت در نهضت مقاومت ملی.

۱۳۳۲

ثبت‌نام و شرکت در کلاس ششم دبیرستان در رشته‌ی ادبی

۱۳۳۳

پایان تحصیلات دبیرستانی و دریافت دیپلم ادبی.

۱۳۳۴

هر هفته دوبار در رادیو مشهد به سخنرانی پرداخت، عصر روز سه‌شنبه و جمعه.

۱۳۳۴ یا ۱۳۳۵

ورود به دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد و تحصیل در رشته‌ی ادبیات فارسی.

۱۳۳۵

پایه‌گذاری انجمن ادبی و تصدی مسؤولیت آن. در این انجمن بود که شعر نو برای نخستین بار در محیط راکد و بسته‌ی خراسان قامت برافراشت.

۱۳۳۵

ازدواج با بی‌بی فاطمه (پوران) شریعت رضوی، خواهر شهید علی‌اصغر شریعت رضوی (در مقابله با ارتش روس در سال ۱۳۲۰) و شهید مهدی (آذر) شریعت رضوی (در اعتراض به سفر نیکسون به ایران، در ۱۶ آذر ۱۳۳۲).

۱۳۳۶

در پی حمایت نهضت مقاومت ملی از دکتر مصدق و اعتراض به معاملات نفتی تنی چند از اعضای نهضت در تهران و مشهد، از مجمله شریعتی و پدرش، دستگیر شدند. شریعتی به مدت دو ماه در زندان قزل قلعه‌ی تهران حبس شد.

۱۳۳۷

تدریس در دبیرستان دخترانه‌ی مهستی در مشهد.

۱۳۳۷

با کسب مقام اول از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی موفق به دریافت لیسانس شد. پایان‌نامه‌ی تحصیلی او ترجمه‌ی کتاب در نقد و ادب، تألیف محمد مندور، بود.

۱۳۳۸

سفر به فرانسه برای ادامه‌ی تحصیل.

۱۳۳۸

به جوانان نهضت ملی ایران پیوست و با کمک دوستانش در این گروه کوچک، اعلامیه‌های افشاگرانه‌ای علیه رژیم شاه منتشر ساخت.

۱۳۳۸

به سازمان آزادیبخش الجزایر پیوست و برای رهایی الجزایر از استعمار فرانسه به مجاهدت پرداخت. در نتیجه روزی پلیس فرانسه به وی حمله و مضروبش کرد و بدین علت سه هفته در بیمارستان بستری شد.

۱۳۳۸

تولد نخستین فرزندش، احسان.

۱۳۳۹-۱۳۴۱

همکاری با استادش لوئی ماسینیون، در گردآوری و ترجمه‌ی متون فارسی درباره‌ی حضرت فاطمه.

۱۳۳۹

به ایران بازگشت و همسر و فرزندش را به پاریس برد.

۱۳۴۰

در پی کشته شدن پاتریس لومومبا، رهبر آزادیخواهان کنگو، تظاهراتی از سوی سیاهپوستان در مقابل سفارت بلژیک در پاریس برگزار شد. شریعتی در این تظاهرات شرکت کرد و با حمله‌ی پلیس فرانسه دستگیر و به زندان سیته افکنده شد. در آغاز دولت فرانسه قصد اخراج او را از آن کشور داشت، اما با حمایت قاضی دادگاه، اجرای حکم اخراج او را به حال تعلیق گذاشت.

۱۳۴۰

شرکت در کنگره‌ی کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور در پاریس.

۱۳۴۱

در پی مرگ مادرش، زهرا، برای شرکت در مجلس ترحیم او به ایران بازگشت و پس از چند روز دوباره به پاریس رفت.

۱۳۴۱

با انتشار مقاله‌ای به افشاگری علیه انقلاب سفید شاه پرداخت.

۱۳۴۱

با کمک دوستانش جبهه‌ی ملی ایران (جبهه‌ی ملی دوم) را در خارج از کشور پایه‌گذاری کرد. سپس مسؤولیت انتشار مجله‌ی جبهه‌ی ملی به او واگذار شد و او مدتی مسؤول مجله‌ی ایران آزاد بود. شریعتی مقالات خود را در این مجله با نام مستعار شمع، که از سه حرف اول نام‌خانوادگی و نامش تشکیل شده بود، (شریعتی مزینانی، علی) امضا می‌کرد.

۱۳۴۱

با کمک دوستانش نهضت آزادی ایران در خارج از کشور پایه‌گذاری کرد.

۱۳۴۱

شرکت و فعالیت در دومین کنگره‌ی کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج از کشور (کنگره‌ی وحدت)، در شهر لوزان سویس.

۱۳۴۱

تولد دومین فرزندش، سوسن.

۱۳۴۲

پایان تحصیلات دانشگاهی و گذراندن کلاسهای جامعه‌شناسی در مدرسه‌ی تتبعات عالی و دریافت مدرک دکترا در تاریخ. برخی از استادان او عبارت بودند از: لوئی ماسینیون، ژرژ گورویچ، ژاک برک و هانری لوفور. پایان‌نامه‌ی دکترای او تصحیح کتاب فضائل بلخ بود.

۱۳۴۲

تولد سومین فرزندش، سارا.

۱۳۴۳

به ایران بازگشت و در مرز بازرگان دستگیر شد. خانواده‌ی او را در سر مرز به حال خود رها کردند و او را به اداره‌ی ساواک ماکو و سپس به زندان خوی و بعد از آن به زندان رضائیه بردند. سرانجام او را به تهران روانه کردند و مدت شش ماه در زندان قزل قلعه حبس شد.

۱۳۴۳

تقاضایش برای تردیس در دانشگاه رد شد. سرانجام با رتبه‌ی آموزگاری به تدریس در هنرستان کشاورزی (در روستای طرق مشهد)، دبیرستان پسرانه‌ی ملکی و دبیرستان دخترانه‌ی ایراندخت پرداخت.

۱۳۴۴

به عنوان کارشناس وزارت آموزش و پرورش استخدام و به تهران منتقل شد و با دکتر بهشتی، دکتر باهنر و سید رضا برقعی، که از مسؤولین بررسی کتب دینی بودند، همکاری کرد.

۱۳۴۴

سرانجام تقاضایش برای تدریس در دانشگاه پذیرفته شد و پس از موفقیت در امتحان استادیاری به سمت استادیار رشته‌ی تاریخ دانشکده‌ی ادبیات مشهد منصوب شد.

۱۳۴۵

آغاز تدریس در دانشگاه مشهد و استقبال بی‌نظیر دانشجویان از درس‌های او، این در حالی بود که شریعتی در کلاس حضور و غیاب نمی‌کرد. مهمترین درس او در دانشگاه، تاریخ تمدن و اسلام‌شناسی بود. کسی پیش از او از اصطلاح اسلام‌شناسی استفاده نکرده بود.

۱۳۴۷

سفر به روستای کاهه و احداث پارکی در آن منطقه با همکاری مردم و کمک به روستاییان برای خرید وسایل کشاورزی.

۱۳۴۷

به کمک زلزله زدگان جنوب خراسان شتافت و تا یک هفته بدین کار مهم، اهتمام کرد.

۱۳۴۷

ممانعت ساواک از مسافرت شریعتی به عراق با دانشجویان.

۱۳۵۱-۱۳۴۷

به ایراد سخنرانی در دانشگاه‌های مختلف کشور دعوت و با استقبال بی‌مانند دانشجویان روبرو شد.

۱۳۵۱-۱۳۴۷

به تدریس و سخنرانی در مؤسسه‌ی حسینیه‌ی ارشاد دعوت و با استقبال فوق‌العاده‌ی مردم، بویژه جوانان و دانشجویان، مواجه شد. در درس‌ها و سخنرانی‌های شریعتی حدود چهار هزار نفر شرکت می‌کردند که این تعداد جمعیت بی‌سابقه بود. بر پایه‌ی برنامه‌ریزی شریعتی، حسینیه‌ی ارشاد دارای سه بخش (تحقیق، آموزش و تبلیغ) و نه واحد سازمانی و هر بخش شامل چند گروه بود.

۱۳۴۸

نخستین سفر به حج و زیارت بیت‌الله الحرام با کاروان حسینیه‌ی ارشاد. در این سفر دانشجویان خارج از کشور با شریعتی ملاقات و درباره‌ی فلسطین و نهضتهای آزادی‌بخش با او مشورت کردند. سرانجام تصمیم گرفته شد برای کمک به فلسطین پول جمع‌آوری شود.

۱۳۴۹

دعوت از شریعتی برای شرکت در کنگره‌ی بین‌المللی مذهب و صلح در ژاپن و عدم موافقت رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد.

۱۳۴۹

با همکاری و تشویق دکتر شریعتی نمایش ابوذر در تالار رازی دانشگاه فردوسی مشهد اجرا و با استقبال فراوان مردم روبرو شد. متن این نمایش اقتباس از کتاب ابوذر غفاری خداپرست سوسیالیست، ترجمه و تألیف دکتر شریعتی، بود و به قلم رضا دانشور و با همکاری ایرج صغیری فراهم شده بود. کارگردان این نمایش داریوش ارجمند وبازیگر اصلی آن (در نقش ابوذر)، ایرج صغیری بود. نمایش ابوذر نخستین مذهبی در ایران بود.

۱۳۴۹

دومین سفر به حج و زیارت بیت‌الله الحرام با کاروان حسینیه‌ی ارشاد.

۱۳۵۰

به دستور ساواک درسهای شریعتی در دانشگاه در آستانه‌ی برگزاری جشنهای دو هزار و پانصد ساله‌ی شاهنشاهی تعطیل شد. پس از برگزاری‌ها جشن‌ها نیز از تدریس شریعتی در دانشگاه جلوگیری و او به بخش تحقیقات وزارت علوم و آموزش عالی منتقل شد. سپس حضور او در وزارت علوم نیز خطرناک دانسته شد و از او خواستند دیگر به محل کار نیاید و در خانه به تحقیق بپردازد.

۱۳۵۰

برای چندمین بار به ساواک احضار و از او خواسته شد شرح حالش را بنویسد.

۱۳۵۰

سفر به مصر برای دیدن اهرام سه‌گانه. (کتاب آری این چنین بود برادر رهاورد این سفر است.)

۱۳۵۰

تولد چهارمین فرزندش، مونا.

۱۳۵۰

سومین وآخرین سفر به حج و زیارت بیت‌الله الحرام با کاروان حسینیه‌ی ارشاد. شریعتی در این سفر به ایراد سخنرانی در کنگره‌ی اسلامی مکه دعوت شد، ولی سرانجام به اتهام شیعه‌ی غالی بودن از ایراد سخنرانی او ممانعت گردید.

۱۳۵۰

در پی اعدام چند تن از جوانان انقلابی، از جمله مسعود احمدزاده و مجید احمدزاده و امیرپرویز پویان، که شریعتی آنها را از نزدیک می‌شناخت، دو سخنرانی با عنوان شهادت و پس از شهادت، در حسینیه‌ی ارشاد و مسجد جامع نارمک ایراد کرد. در سخنرانی پس از شهادت اشاراتی به در خون تپیدن مبارزان و دعوت مردم به قیام شده است. پس از این سخنرانی تظاهراتی در اطراف مسجد صورت گفت و پلیس عده‌ای را دستگیر کرد و شریعتی هم متواری شد.

۱۳۵۱

نمایش ابوذر، با عنوان یک بار دیگر ابوذر، در حسینیه‌ی ارشاد اجرا و مانند قبل با استقبال فراوان مردم روبرو شد. چند دقیقه پیش از اجرای این نمایش فردی ناشناس به حسینیه‌ی ارشاد تلفن زد و گفت زیر سن نمایش بمب گذاشته شده است. آنگاه دکتر شریعتی پیش از اجرای نمایش به ایراد سخنرانی پرداخت و سخنان خود را چندان طول داد که اگر بمبی در زیر سن کار گذاشته شده باشد تنها او را از پا در آورد و به دیگران صدمه‌ای نرساند. پس از اجرای این نمایش مردم به خیابان ریختند و شعار الله‌اکبر و با حسین و دیگر شعارهای مذهبی دادند. این نمایش را دهها هزار نفر دیدند و حتی عده‌ای از رادیو و تلویزیون برای ضبط آن به حسینیه‌ی ارشاد آمدند. اما دکتر شریعتی با آن مخالفت کرد و گفت ابوذر متعلق به ایمان ماست، راهی به تلویزیون شاهنشانی نباید داشته باشد.

۱۳۵۱

نمایش سربداران، به اهتمام گروه هنری حسینیه‌ی ارشاد، در یک شب در حسینیه‌ی ارشاد اجرا شد و ساواک از تکرار آن جلوگیری کرد.

۱۳۵۲-۱۳۵۱

مخالفت شخصیتهای واپسگرا با افکار و آثار شریعتی، چه از طریق نگارش کتاب و چه در سخنرانی‌های عمومی، بیش از پیش شدت یافت. واپسگراها چنین می‌نمودند که شریعتی فردی منحرف، اهل بدعت، منکر امامت و ولایت است و در حسینیه‌ی ارشاد دست بسته نماز می‌خوانند و شهادت به ولایت علی -ع- را از اذان و اقامه حذف کرده‌اند.

۱۳۵۱

سرانجام رژیم شاه تصمیم گرفت حسینیه‌ی ارشاد را تعطیل کند، بویژه این‌که از چندی پیش به مناسبت ماه رمضان در پاره‌ای از مساجد تهران تبلیغات وسیعی علیه شریعتی آغاز شده و زمینه‌ی مناسبی فراهم بود. بدین ترتیب پلیس به محاصره‌ی حسینیه‌ی ارشاد پرداخت و پس از درگیری با شاگردان و دانشجویان، عده‌ای را دستیگر و حسینیه‌ی ارشاد را تعطیل کرد.

۱۳۵۱

به اهتمام پاره‌ای از روشنفکران بازار و با حضور برخی از شخصیت‌های برجسته‌ی اسلامی مجلس جشنی در روز عید فطر برای بزرگداشت دکتر شریعتی تشکیل شد. در این مجلس یک جلد کتاب فاطمه، فاطمه است و سند و کلید یک دستگاه اتومبیل پیکان به او هدیه شد.

۱۳۵۲-۱۳۵۱

در پی تعطیلی حسینیه‌ی ارشاد، شریعتی از تور ساواک گریخت و از آبان ۱۳۵۱ تا تیر ۱۳۵۲ در خانه‌ی یکی از بستگانش در سر آسیاب دولاب در تهران مخفی شد.

۱۳۵۲

ساواک در یک روز به منزل شریعتی و پدرش در مشهد و منزل برادر همسرش در تهران، حمله کرد. در حمله به منزل شریعتی مقداری از کتابهای او را به یغما بردند و در حمله به منزل پدر و برادر همسر شریعتی آن دو را دستگیر کردند تا محل اختفای شریعتی را از طریق آن‌ها بیابند و یا آنها را گروگان بگیرند تا شریعتی خود را معرفی کند.

۱۳۵۲

اقامت خانواده‌اش در تهران.

۱۳۵۲

سرانجام دکتر شریعتی تنها چاره را در این دید که خود را معرفی کند. بدین ترتیب در مهر ماه خود را به مرکز ساواک تهران معرفی کرد و مدت هجده ماه در زندان بسر برد که پانزده ماه آن را در سلول انفرادی بود و سه ماه دیگر آن با کسی همسلول بود که رژیم او را برای کسب اطلاعات از شریعتی در سلول گماشته بود (بدین ترتیب دکتر شریعتی، روی هم رفته، پنج بار و به مدت دو سال و دو ماه بازداشت و زندانی شد. بازداشتگاه او در مشهد و ماکور، و زندان او در تهران و پاریس و خوی و رضائیه بود. همچنین وی، چنانکه گفته خواهد شد،همین مدت از عمر خود را، یعنی دوسال و دو ماه، از آغاز سال ۱۳۵۴ تا اردیبهشت ۱۳۵۶، تحت مراقبت و نظر ساواک بود. بیفزاییم که وی به مدت نه ماه، از آبان ۱۳۵۱ تا تیر ۱۳۵۲، مخفیانه زندگی می‌کرد. بنابراین شریعتی، به روی هم، پنج سال و یک ماه از عمر کوتاه خویش را در بازداشتگاه و مخفیانه و زندان و تحت مراقبت گذراند.).

۱۳۵۲

چند ماه پس از زندانی شدن، از دانشگاه بازنشسته شد. سابقه‌ی خدمت او بیست و یک سال بود.

۱۳۵۶-۱۳۵۳

کتابهای شریعتی از سوی رژیم شاه گمراه کننده و ممنوع دانسته شد و در پی آن از کتابخانه‌ها جمع‌آوری گردید. بعد از این (تا اواسط سال ۱۳۵۶)، به کتابهای او اجازه‌ی چاپ داده نمی‌شد و با نامهای مستعار علی علوی، علی سبزواری، علی سربداری، علی شریفی، علی مزینانی، علی زمانی، علی سبزواری‌زاده، شیخ علی اسلام‌دوست، محمدعلی آشنا، محمدعلی اثنی‌عشری، محمد عبدالخطیب مصری، م. رفیع‌الدین، شمع، احسان خراسانی، رضا پایدار، کمال‌الدین مصباح و...چاپ می‌شد.

۱۳۵۳

سرانجام استاد محمدتقی شریعتی، پس از تحمل یک سال زندان، تنها به جرم پدر دکتر شریعتی بودن! از زندان آزاد شد.

۱۳۵۳

در آخرین روزهای این سال از زندان آزاد شد. آزادی او به علت فعالیتهای دفاعی دوستان و شاگردانش در محافل بین‌المللی و تقاضای ژاک برک از شاه بود. ژاک برک، استاد دانشگاه سوربن، که شریعتی در پاریس شاگردش بود، با شاه در سویس، که برای گذراندن تعطیلات زمستانی رفته بود، ملاقات کرد و از او خواست که شریعتی از زندان آزاد شود.

۱۳۵۴

رژیم که از دستگیری و حبس شریعتی طرفی نبسته و نتیجه‌ای نگرفته بود، بر آن شد تا با او به طرز «علمی»! برخورد کند. بدین منظور کمیته‌ای به نام «شریعتی شناسی» درست کرد که در آن افرادی چون رضا عطارپور، معروف به حسین‌زاده، از مهره‌های برجسته و فعال ساواک، و تنی چند از محققان رژیم و زندانیان سیاسی بریده، عضو بودند. کار این کمیته مطالعه‌ی آثار شریعتی و شنیدن نوار سخنرانی‌های او برای جعل کتاب و نوار به نام شریعتی بود.

۱۳۵۴

رژیم شاه برای وانمود کردن همکاری شریعتی با رژیم و برای تحقق هدف کمیته‌ی شریعتی شناسی، که مخدوش کردن چهره‌ی او به طرز علمی! بود، یک سلسله از درسهای شریعتی را که پیشتر با عنوان انسان، اسلام و مکتبهای مغرب زمین منتشر شده بود، با عنوان مجعول «مارکسیسم، ضد اسلام» در روزنامه‌ی کیهان به چاپ رساند. در پی این توطئه، شریعتی از طریق دکتر احمد صدر حاج سید جوادی به مسؤولان روزنامه‌ی کیهان اعتراض کرد و آنها عذر آوردند که تقصیری ندارند و ساواک این مقاله را فرستاده است. سرانجام با اعتراض انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا و افشاگری دوستان و شاگردان شریعتی این توطئه‌ی رژیم افشا و خنثی شد.

۱۳۵۶-۱۳۵۴

تحت مراقبت و نظر ساواک قرار داشت و امکان فعالیت و سخن گفتن و منتشر کردن کتابهایش از وی سلب شد. خود می‌گفت: نوع زندانم تغییر کرده و از زندانی دولتی به زندان خانه منتقل شده‌ام. در این مدت چند بار به ساواک احضار شد و یا مقامات بلند مرتبه‌ی ساواک به صورت سرزده به خانه‌اش می‌رفتند.

۱۳۵۵

پسرش را، که از نظر امنیتی به علت ارتباط با جوانان مبارز به مخاطره افتاده بود و ممکن بود در پرونده‌ی او هم تأثیر بگذارد، برای ادامه‌ی تحصیل به خارج از کشور فرستاد.

۱۳۵۶

به علت هجرتی که در پیش داشت از عضویت در هیئت مدیره‌ی صندوق خیره‌ی فاطمه‌ی زهرا در روستای کاهه استعفا خواست. همچنین دو قطعه زمین را، که در آن روستا داشت، از طریق آن صندوق، به مردم آنجا واگذار کرد.

۱۳۵۶

بر آن شد، به هر گونه که شده است، از ایران هجرت کند. از این رو چون دانست که از کشور ممنوع الخروج است، سه راه را برای هجرت پیش‌بینی کرد: گرفتن دعوتنامه‌ای رسمی از مقامات دانشگاهی الجزایر برای تدریس در آنجا، خروج مخفیانه از مرز؛ گرفتن گذرنامه با نامی دیگر. هر سه راه به سعی دوستان شریعتی بررسی و، سرانجام، مشخص شد که همه‌ی پرونده‌های شریعتی به نام علی شریعتی یا علی شریعتی مزینانی است و نه علی مزینانی. حال آن که نام خانوادگی او، در اصل، و چنان که در شناسنامه‌اش بود، مزینانی است و نه شریعتی یا شریعتی مزینانی. بدین ترتیب شریعتی از راه سوم وارد عمل شد و با تدبیر ویژه‌ای به نام علی مزینانی گذرنامه گرفت.

۱۳۵۶

در ۲۶ اردیبهشت ماه به مقصد بلژیک هجرت خود را آغاز کرد. به هنگام توقف هواپیما در آتن، بدون هیچ برنامه‌ی قبلی و باحتمال قوی برای رعایت تدابیر امنیتی، از هواپیما پیاده شد و پس از یک روز با یک شبانه‌روز توقف در آتن با هواپیمای دیگری به بلژیک رفت. سپس دو یا سه روز در بروکسل توقف کرد و از آنجا به انگستان رفت تا از همسر و فرزندانش، که قصد پیوستن به او را داشتند، استقابل کند. در این مدت چند روز به فرانسه رفت و سپس در شب ۲۶ خرداد به انگلستان برگشت و منتظر خانواده‌اش ماند که قرار بود ۲۸ خرداد از تهران به مقصد انگلستان هجرت کنند.

۱۳۵۶

سه روز پس از هجرت شریعتی از کشور ساواک از غیبت او مطلع شد و سخت به تکاپو و تلاش افتاد تا شاید او را بیابد. سرانجام ساواک در اواسط خرداد ماه کشف کرد که شریعتی با گذرنامه‌ی علی مزینانی از کشور خارج شده است. از این رو ساواک برای وادار کردن شریعتی به بازگشت و یا امتیاز گرفتن از او، از خروج همسرش جلوگیری کرد.

در روز ۲۸ خرداد همسر و فرزندان شریعتی به قصد خروج از کشور روانه‌ی فرودگاه شدند. در آنجا اعلام شد که خانم شریعت رضوی (همسر شریعتی)، ممنوع الخروج است. بدین ترتیب وی با فرزند خردسالش (مونا)، در ایران ماندند و دو فرزند نوجوانش (سوسن و سارا)، به مقصد انگلستان و پیوستن به شریعتی از ایران خارج شدند.

۱۳۵۶

در ۲۸ خرداد دو فرزند شریعتی به لندن رسیدند و شریعتی در فرودگاه به استقبال آنها شتافت و از آنجا به محل اقامتشان رفتند. ساعت هشت صبح یکشنبه ۲۹ خرداد پیکر دکتر شریعتی را در آستانه‌ی در ورودی اتاق، که پنجره‌اش باز شده بود، به پشت افتاده و در حالی که بینی‌اش سیاه شده و باد کرده بود افتاده و بی‌جان یافتند.

۱۳۵۶

سرانجام روزنامه‌های اطلاعات و کیهان پس از چند روز سکوت درباره‌ی درگذشت دکتر شریعتی، در سال ۳۱ خرداد ماه اعلام کردند: مرحوم دکتر علی شریعتی که برای درمان ناراحتی چشم و کسالت قلبی خود به انگلستان رفته بود در آن جا بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت. همچنین در روزنامه‌ی کیهان دوم تیر ماه آمده بود: دکتر شریعتی از مدتی قبل از بیماری قلبی در رنج بود و سرانجام در ۵۶/۳/۲۹ بر اثر آخرین حمله‌ی قلبی بدرود حیات گفت. حال آنکه شریعتی در سراسر عمر خود حتی یک بار هم به پزشک قلب رجوع نکرده بود. او نه برای «کسالت قلبی» خود به انگلستان رفته بود و نه از «مدتی قبل» بیماری قلبی داشت. شریعتی پس از آزادی از آخرین زندان، به اصرار برخی از دوستانش، که از سیگار کشیدن او نگران بودند، نواری از ضربان قلب او توسط دکتر محمود فرهودی، که اینک گواه هستند، برداشته شد. نتیجه‌ی کاردیوگرافی رفع هر گونه نگرانی کرد و نشان داد که شریعتی از ناحیه‌ی قلب کاملا سالم است.

۱۳۵۶

گروهی از اعضای ساواک، به سرپرستی یک افسر امنیتی، برای تصاحب پیکر شریعتی و انتقال آن به ایران، وارد لندن شدند. نقشه‌ی رژیم شاه این بود که پیکر شریعتی را در برنامه‌ای «دولتی» و با حضور مقامات رسمی کشور به ایران حمل کنند و با برگزاری مجلس بزرگداشت او و احترام صوری، خود را بی‌گناه نشان دهند. سرانجام به همت خانواده و دوستان شریعتی و دانشجویان خارج از کشور و اعضای نهضت آزادی ایران در خارج از کشور، کلیه‌ی نقشه‌های رژیم نقش بر آب شد و وکیل احسان شریعتی از دولت انگلیس خواست پیکر پدرش به مأموران ایران تحویل داده نشود.

۱۳۵۶

پیکر شریعتی در بعدازظهر جمعه سوم تیر ماه، با مشارکت صادق قطب‌زاده، عبالکریم سروش و کمال خرازی، غسل داده و کفن شد. آنگاه امام جماعت مسجد هامبورگ، حجت‌الاسلام محمد مجتهد شبستری، و تنی چند از دوستان شریعتی، بر پیکر او نماز گزاردند.

۱۳۵۶

خانواده و دوستان شریعتی، پس از گفتگوهای فراوان، بر آن شدند پیکر شریعتی را در زینبیه دفن کنند. بدین ترتیب در روز یکشنبه، پنجم تیر، پیکر شریعتی از لندن به دمشق منتقل شد. در آنجا امام موسی صدر، دوستان شریعتی و بزرگان سوری و لبنانی و فلسطینی بر پیکر او بار دیگر نماز گزادند و پس از طواف در حرم حضرت زینب – س – در کنار آن حضرت به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

شریفی نیا، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین شریفی نیا

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدحسین شریفی‌نیا در اول شهریور ۱۳۴۳ در شهرستان سبزوار درخانواده‌ای روحانی دیده به جهان گشودم. تمامی سالهای دوره ابتدایی را با رتبه ممتاز (شاگرد اول مدرسه و بعضاً شهرستان) در دبستان اسرار سبزوار در سال ۱۳۵۴ به پایان رساندم. پس از اتمام دوره ابتدایی به علت فقر خانواده و نیاز به کار من و برادران و خواهرانم، دوره راهنمایی را بطور شبانه در مدرسه راهنمایی بزرگمهر همان شهر گذراندم و بلافاصله پس از پایان مقطع راهنمایی برای تحصیل علوم حوزوی در سال ۱۳۵۷ به قم مهاجرت نمودم. در قم در مدرسه حقانی که آن روزگار جزء بهترین مدارس حوزه علمیه قم به شمار می‌آمد و زیر نظر شهید دکتر بهشتی و شهید آیت الله قدوسی اداره می‌شد، پذیرفته شده و شروع به آموختن علوم دینی نمودم.

در این سالها که مصادف با انقلاب شکوهمند ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) بود، من هم با وجود سن کم چونان قطره‌ای از اقیانوس مواج و طوفانی ملّت سعی داشتم به اندازه توان خویش در صحنه‌های مختلف انقلاب از قبیل شرکت در راهپیمائی ها و درگیریها، پخش اعلامیه‌های حضرت امام (ره) و سران نهضت، و بعضاً سخنرانی در محافل و مجالس و روستاها نقش کوچکی ایفا نمایم. پس از پیروزی انقلاب به دستور شهید قدوسی دو سال در دادستانی انقلاب مرکز در کنار شهید لاجوردی به کار پرداختم که این سالها جزء سالهای پر التهاب، دشوار و در عین حال آموزنده زندگیم است. بعد از شهادت شهید قدوسی در شهریور ۱۳۶۰ به حوزه علمیه قم برگشته و همراه با تحصیلات حوزوی، درس‌های دبیرستان را ادامه داده تا در سال ۱۳۶۳ دیپلم خود را در رشته اقتصاد و علوم انسانی اخذ نمودم.

در طول سالهای دفاع مقدس مهمترین وظیفه خویش را دفاع از کیان انقلاب و تمامیت ارضی کشور دانسته و همراه با خیل عظیم بسیجیان سلحشور بطور مداوم در جبهه‌های عشق و شهادت حضور یافته و در عملیاتهای متعدد رزمندگان اسلام به عنوان روحانی گردان و تیپ و یا مسئولیت‌های عملیاتی دیگری همچون فرماندهی گردان و مسئولیت اطلاعات روحانیون کرد عراقی شرکت داشتم که از این رهگذر بارها مجروح شدم و هر چند از فیض عظمای شهادت محروم ماندم، اما توفیق جانبازی در راه حق را یافتم و اینک دارای ۵۰٪ جانبازی می‌باشم. حضور در جبهه مانع از ادامه تحصیل در حوزه و دانشگاه نبود. به همین جهت با وجود اشتغال به دروس سطح عالی حوزه با شرکت در کنکور سراسری سال ۱۳۶۴ با رتبه ۵۱ در رشته روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی پذیرفته شدم. به خاطر حضور متوالی در جبهه‌ها و مجروحیت‌های پیاپی و مسؤولیت‌های اجرایی همچون مسئول واحد اطلاعات سیاسی ـ اجتماعی سازمان تبلیغات اسلامی، ریاست بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی قم ... دوره کارشناسی تا سال ۱۳۷۰ بطول انجامید. در سال ۱۳۷۲ در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۴ به عنوان رتبه اول دانشجوی ایثارگر کشور از دست رئیس جمهور وقت حضرت حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی جایزه و لوح تقدیر دریافت نمودم.

در سال ۱۳۷۶ به خاطر موفقیتهای علمی اینجانب و نیاز مبرم حوزه‌های علمیه به متخصصین روان‌شناسی اعزام من به خارج از کشور

برای تحصیل در مقطع دکتری مورد تصویب هیأت رئیسه مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) که بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تنها مرجع قانونی اعزام روحانیون به خارج برای ادامه تحصیلات دانشگاهی بوده، قرار گرفت. بر این اساس در زمستان همان سال از سوی دفتر مقام معظم رهبری به نیوزیلند اعزام شدم. در این سفر تز دکتری خود را تحت عنوان «عشق درمانی روشی نو برای درمان اختلالات خلقی، اضطرابی و شخصیتی بر اساس رویکردی عرفانی مولانا» که بر اساس کاربرد دیدگاه عارف بزرگ اسلام و ایران مولانا جلال الدین محمد رومی در درمان اختلالات روانی استوار است را به تعدادی از اساتید دانشگاههای آن کشور ارائه دادم که از آن میان پروفسور گراهام وون استاد و رئیس دپارتمان روان‌شناسی دانشگاه آکلند ، پروفسور سیمون کمپ استاد دپارتمان روان‌شناسی دانشگاه کنتربری و پروفسور رابرت نایت استاد دپارتمان روان‌شناسی دانشگاه اوتاگو آن را تأیید و آمادگی خود را برای پذیرش راهنمایی آن اعلام نمودند. اما طوفان سهمگین فضای سیاسی سال ۱۳۷۶ کشور و تنگ نظری‌های جناحی امان نداد و با قطع حمایت مالی از اینجانب تحصیل خود را نیمه تمام رها کرده و به ایران بازگشتم. از سال ۱۳۷۰ همزمان با ادامه تحصیل، فعالیت خود را در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه سابق) آغاز نمودم که از سال ۱۳۸۰ به عنوان عضو هیأت علمی این همکاری همچنان ادامه دارد.

در کنار آن از سال ۱۳۷۳ به تدریس دروس حوزوی و روان‌شناسی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی حوزه نیز اشتغال دارم با توجه به شیوع فراوان پریشانی‌های روانی و ناهنجاری‌های رفتاری و نیاز مبرم جامعه مخصوصاً جوانان به راهنمایی، مشاوره و روان‌درمانی و حل مشکلات عاطفی، خانوادگی و عقیدتی، در سال ۱۳۷۸ اولین مرکز خدمات مشاوره‌ای استان قم را تأسیس نمودم که مورد توجه و استقبال خوب مردم قرار گرفت و اینک جزء موفق‌ترین مراکز خدمات مشاوره‌ای کشور می‌باشد.در سال ۱۳۷۹ سردبیری فصلنامه علمی ـ تخصصی حوزه و دانشگاه را به عهده گرفتم و همزمان با پذیرفته شدن در دانشگاه تربیت مدرس، دوره دکتری روان شناسی را مجدداً شروع کردم که اینک در آستانه اتمام آن می‌باشم. در سال ۱۳۸۳ به عنوان نفر اول دانشجویان نمونه کشوری و در سال ۱۳۸۴ به عنوان برگزیده جشنواره مبتکرین و مخترعین بسیجی و ایثارگر کشور معرفی گردیدم. در حال حاضر ضمن اجرای طرحی عظیم در زندان‌های کشور برای اصلاح رفتار و بازسازی شخصیت مجرمین و بازگشت سعادتمندانه آنان به جامعه، در راستای تحقق آرمان بلند مقام معظم رهبری در باب نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و نظریه پردازی در علوم انسانی، مشغول تدوین نظریه جامع یکپارچگی توحیدی می‌باشم. لازم به ذکر است که این نظریه برای اولین‌بار در جهان مطرح شده و در صورت تکمیل، تحول بزرگی در دانش روان شناسی معاصر ایجاد خواهد نمود.

شرین ییلاق، منیجه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روان‌شناسی، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای روان‌شناسی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم تربیتی از دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

میزان‌سازی رفتار سازشی ویژه مدارس ابتدائی، تدریس در دانشگاه شهید چمران اهواز به مدت ۱۲ سال و راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روان‌شناسی و علوم تربیتی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

روان‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شعاری نژاد، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد علی اکبر شعاری نژاد درسال ۱۳۰۴ در شهر تبریز متولد شد. وی در سال ۱۳۳۴ فارغ التحصیل رشته فلسفه و علوم تربیتی از دانشسرای مقدماتی شد و تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه تهران سپری کرد و در سال ۱۳۴۷ فارغ التحصیل شد. شعاری نژاد سابقه مدیریت گروه روانشناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی و تدریس در دانشگاه های تهران را در کارنامه علمی خود دارد و از تحصیلات حوزوی نیز برخوردار است. همچنین وی تاکنون ۴۳ کتاب با موضوعات روان شناسی رشد، روان شناسی یادگیری، اصول ادبیات کودکان و فلسفه آموزش وپرورش به چاپ رسانده است و ۳ کتاب دیگر در دست چاپ دارد.استاد ممتاز دانشگاه تربیت معلم، استاد و پژوهشگر نمونه دانشگاه علامه طباطبایی و عضو شاخص هیئت علمی دانشکده پزشکی دانشگاه شهید بهشتی از دیگر سوابق علمی این استاد ۸۳ ساله است. گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی والدین و انساب : خانواده علی اکبر شعاری نژاد شش نفری بود والدین و دو خواهرانش، بی‌سواد و برادرش هم کم سواد (حدود سوم ابتدایی) بودند. وی در این باره می گوید ":من این بخت را داشتم که بیشتر با والدینم باشم. پدرم بیشتر به محافل درس قرآن می‌رفت و با اینکه نام خودش را به زحمت می‌نوشت، ولی غالبا با قرآن کریم مانوس بود و حتی ترجمه و تفسیر هم می کرد. گاهی نیز در برخی محافل به وعظ و خطابه می‌پرداخت؛ به طوری که برای اشخاص ناآشنا شخصی باسواد و مفسر قرآن جلوه می کرد. شاید همین ویژگی آن مرحوم، و همراهی مداوم من با ایشان در مجالس وعظ و خطابه و روضه، از مهمترین عوامل تعیین کننده رفتار امروزم تلقی شوند ".خاطرات کودکی : استاد علی اکبر شعاری نژاد از دوران کودکی و قبل از شروع تحصیلات رسمی خود چنین بیاد دارد":موقعیت روزهای کودکی من سبب شد که پیش از رفتن به مدرسه، مکتب خانه را تجربه کنم و قرآن یاد بگیرم. حتی بعد از آغاز تحصیلات رسمی

نیز بـه یـادگیری قرآن و زبـان عربی و درس‌هـای (بـه اصـطلاح) حـوزوی ادامه دادم. برای مثـال، بـا یـادگیری صـرف میر، صـمدیه، سیوطی، و چنـدین کتـاب عربی، به آموختن زبـان عربی و دسـتور عربی ادامه دادم و کتاب‌های فقهی و حـدیثی متعـدد و متنوعی را البته به زبان عربی، خواندم. همیشه در دوران تحصـیل سـعی می‌کردم خودم بفهمم و خودگردان باشم ".تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : علی اکبر شعاری نژاد دوره تحصیلات ابتدایی شش ساله را در دبستان< بدر >تبریز گذراند.وی سپس به یادگیری زبان عربی و درسـهای حوزوی و درسـهای کلاسـهای هفتم و هشـتم و نهم مشـغول می‌شد، به طوری که این سه پایه را در مدت چهار ماه و ده روز گذرانـدو در امتحان رسـمی آموزش و پرورش شـرکت کرده و پـذیرفته شد ". چون شـغل معلمی را دوست داشـتم و هنوز هم دوست دارم، دو شاگرد خصوصـی داشـتم که به آنها خوانـدن و نوشـتن یاد می‌دادم. چون برادرم با درس خوانـدن من مخالف بود، هرگز اجازه نمی‌داد من کتاب بخرم و ناچار بودم کتاب را از دیگران امانت بگیرم و رونویسـی کنم یا اینکه پولهای توجیبی هفتگی را جمع کنـم و کتـاب بخرم کـه برخی از آنهـا را هنـوز هـم دارم ".علی اکبر شـعاری نژاد بعـد از فراغـت از تحصـیل در دوره اول دبیرسـتان، ابتـدا در امتحان دفترياری و سـردفتری وزارت دادگستری شـرکت کرده و پذیرفته شد.حدود دو سال و اندی به دفتریاری درجه یـک چنـد دفترخـانه در تـبریز منصوب گردیـد. بعـد در دبیرسـتان ملی شـمس تبریز به عنوان آموزگـار کلاـس پنجم ابتـدایی اسـتخدام شد. در همین زمان، به مطالعه درسـهای دانشسرای مقدماتی پرداخته و بعد از دو سال تحصیل، از دانشسرای مقدماتی تبریز فارغ‌التحصـیل شد و سـپس به اسـتخدام آموزش و پرورش درآمد". در دبسـتان حکمت، واقع در کوچه مجتهدها در تبریز، به عنوان آموزگار کلاس پنجم ابتـدایی به تـدریس پرداختم. حـدود ده سال هم در دانشسـرای مقدماتی و کالج تربیت معلم که از ابتکارهای مرحوم علی دهقان، مدیرکل شایسته آموزش و پرورش بود، مفتخر شدم ". وی در خردادماه ۱۳۳۴ در رشته فلسفه و علوم تربیتی، با رتبه اول فارغ‌التحصـیل و به اخـذ دیپلم خـاص و مـدال فرهنگی آن زمان از شورای عالی آموزش کشور مفتخر نائل آمـد.در مهرماه همان سال، تدریس روان‌شناسی در دانشسرای مقدماتی را به عهده گرفت". در آن زمان شرایطی وجود داشت که زمینه‌های فعالیت فراهم بود و برای همین هم من توانسـتم مجله< معلم امروز >را راه‌انـدازی کنم. آقـای دهقـان، مـدیر کـل وقت آموزش و پرورش اسـتان آذربایجـان شـرقی و آقای خانلو، رئیس دانشسـرا، به طور کامل از من حمایت می‌کردنـد. آقای دهقان منشاء خـدمات زیادی برای آمـوزش و پرورش بود و طی ۹ سال، ۸۰ مدرسه ساخت. سال ۱۳۸۱ هم، در تبریز مراسم تجلیلی برای وی برگزار شد ".اسـتاد شعاری نژاد تحصیلات عالی خود را در دانشگاه تهران، در رشته روان‌شناسی آغاز کرد و در سال ۱۳۴۷ به پایان رساند. وی در کنار تحصـیلات رسـمی و حرفه ای به تحصـیلات حـوزوی هم پرداخته است.او دروس حوزوی را در تـبریز و تهران و تـا حـدودی در قم خوانـده است". یـک اتفـاق جـالب این بود که به واسـطه خواهرم بـا یـک خـانواده روحـانی فامیل شـدیم. وقتی وی فوت کرد تمام کتابهـایش را به من دادنـد که خود تشویقی شـد که دروس حوزوی را بخوانم. در اداره کـل مطالعـات که همـان دفتر تـالیف کتب درسـی فعلی است، با شـهید باهنر همکار بودیم. من کارشناس تربیت معلم بودم و ایشان کارشناس تعلیمات دینی. یک روز به شهید باهنر گفتم که آیا می‌خواهیـد بچه‌ها واقعا مسـلمان بشونـد؟گفت: یعنی چه؟ معلوم است. گفتم: یک راه بیشتر ندارد: تعلیمات دینی را از برنامه درسـی حـذف کنیـد. با تعجب گفت: چطوری؟ و توضیـح دادم که آموزشـهای دینی بایـد جزء تمامی دروس باشد و نه فقط یک درس مشـخص ".خاطرات و وقایع تحصـیل : علی اکبر شعاری نژاد از دوران تحصیل خود در دواه ابتدایی چنین خاطره ای را بیاد دارد": در دوران تحصیل در مقطع ابتدایی من جایزه‌ای که اداره آموزش و پرورش به جهت کسب رتبه اول به من اهدا کرد، چهـار مقاله عروضـی بود. این کتاب اکنون در دوره‌های کارشناسـی ارشـد و دکتری زبان و ادبیات فارسـی استفاده می‌شود. در پی حمله روس، انگلیس و امریکـا به ایران، مـدرسه‌ها تعطیل شدنـد و به همین سـبب، چنـد سالی میان کلاس‌های پنجم و شـشم فاصـله افتاد. البته، من هم مثل سایر کودکان، از این جریان لذتی کودکانه می‌بردم، به خصوص از این لحاظ که معلم کلاس پنجم ما بسـیار سخت‌گیر بود و روزی ندیـدم که بـدون چوب تعلیم در کلاس حاضـر شود! می‌زد و خیلی هم خوب می‌زد ".اسـتاد شـعاری نژاد از

دوران تعطیلی خود چنین می گوید": دو ماه به مکتب خانه‌ای در مسجد جامع تبریز رفتم که مدیر یا صاحب آن یک روحانی بود و شخصی به نام آقای میرزاعلی اصغر (مغازه‌دار) را معلم ما کرده بود. خودش فقط عصرها هنگام مرخصی می‌آمد، با یک چوب تر و تمیز. به مسائل انضباطی مکتب خردسالان رسیدگی می‌کرد. روزی را به یاد ندارم که چوب نخورده به خانه آمده باشم! همین محبت وجود به ز مهر پدر استاد سبب شد که از مکتب خانه فرار کنم! برای اینکه اخلاقم خراب نشود، به شاگردی یک مغازه زرگری در بازار امیر تبریز مامور شدم، آنجا نتوانستم دوام بیاورم؛ زیرا حتی عطسه کردنم برای صاحب مغازه مساله بود! پدرم در بازار راسته تبریز، مغازه فاستونی فروشی داشت. مرا مامور کرد که میرزای ایشان باشم، و ناچار مدتی را هم به میرزایی پدرم مشغول شدم. پیش از آغاز تحصیل در کلاس ششم ابتدایی، مدتی هم به دستفروشی پرداختم و تجربه‌های رنگارنگی به دست آوردم! به لطف الهی، وضع اقتصادی پدرم خوب شد و کارگاهی پارچه‌بافی با چهارده دستگاه به راه انداخت که مدیریت آن برعهده برادرم بود. مرحوم برادرم بیست سال از من بزرگتر بود و با ادامه تحصیلم مخالفت می‌کرد. حتی با جلب موافقت اجباری پدرم مرا واداشت مثل سایر کارگران در همان کارگاه کار کنم و از تحصیل محروم شوم! حتی حق نداشتم کمتر از یک کارگر با سن بیشتر، کار تحویل بدهم. ای کاش می‌توانستم آن صحنه‌ها را شبیه‌سازی کنم و نشان دهم که در هر صورت، می‌توان یاد گرفت و پیش رفت. تنبلی هم مهارتی است آموختنی "!از دیگر خاطرات علی اکبر شعاری نژاد اشتغال در آموزش و پرورش و تالیف کتاب بود" . در سال ۱۳۳۶ دوره تخصصی تربیت معلم در ایران و در شهر تبریز با نام< کالج تربیت معلم >برای دیپلمه‌ها تاسیس شد و تدریس درسهای روانشناسی رشد، روان‌شناسی یادگیری و ادبیات کودکان، به اضافه روشهای تدریس، به عهده این جانب واگذار شد که در ایران چندان سابقه نداشت. هم‌چنین، این توفیق الهی، نصیب من شد که یادداشت‌های خود را در درسهای مورد اشاره گردآوری کنم و به صورت کتاب درآورم. شاید این جانب اولین نفر باشم که کتابهای< روان‌شناسی رشد<، >روان‌شناسی یادگیری >و <اصول ادبیات کودکان >را در ایران تالیف کرده است. این کتابها با گذشت زمان، پیوسته تجدیدنظر شده‌اند و هنوز هم این کار ادامه دارد. خوشبختانه در حال حاضر بر شمار این گونه کتابها افزوده شده است. در سال ۱۳۴۴ به درخواست اداره کل مطالعات و برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش در تهران، به عنوان< کارشناس تربیت معلم >به اداره کل منتقل شدم؛ البته با کلی مشکلات خانوادگی، ناآشنایی با شهر تهران، نداشتن مسکن و بی‌تجربگی نسبت به کارهای اداری که به شخصیت و فرهنگ خاصی نیاز دارد و معلم با آنها بیگانه است و زمان لازم است تا یاد بگیرد و بسازد"!فعالیتهای ضمن تحصیل : علی اکبر نوجوان در ایام تدریس، به کار خاص دیگری هم اشتغال داشتند که از زبان ایشان چنین می توان گفت: با همکاری صمیمانه و صادقانه مرحوم دکتر حسن محمد خانلو، رئیس دانشسرای مقدماتی پسران، توفیق انجام دو امر مهم تربیتی را یافتم: ۱) تشکیل انجمن دبیران فلسفه و علوم تربیتی تبریز؛۲) انتشار مجله معلم امروز. این مجله تا سال انتقال من به تهران (یعنی مهرماه ۱۳۴۴) چاپ و منتشر شد و مختص معلمان بود.من صاحب امتیاز و سردبیر و مدیر مسئول آن بودم؛ انتشار مجله معلم امروز مهرماه سال ۱۳۳۴ شروع شد و تا ۱۳۴۴ ادامه پیدا کرد. تیراژ مجله چهار هزار نسخه بود و به صورت صحافی شده عرضه می‌شد و کسانی مانند بهرنگی و ساعدی در آن مقاله داشتند. این دوره ده ساله را بهترین ایام زندگی خود می‌پندارم. این مجله هیچ‌گونه درآمد اضافی جز به میزان هزینه نداشت و هر شماره با بهای پنج ریال منتشر می‌شد. محصلان دانشسرای مقدماتی پسران، از بهترین یاران صادق و صمیمی من بودند و در همه مراحل انتشار مجله، مرا کمک می‌کردند. هم دوره ای ها و همکاران : دکتر حسن محمد خانلو، رئیس دانشسرای مقدماتی پسران و دکتر محمدعلی طوسی و دکتر شهید باهنر از همکاران علی اکبر شعاری نژاد بوده اند. علی اکبر شعاری نژاد درباره دکتر طوسی چنین یاد می کند": دکتر محمدعلی طوسی که شهریور سال گذشته مرحوم شد، انسانی بود که برای فرهنگ این کشور بسیار زحمت کشید. وی بسیاری از کتاب‌های مدیریتی را در ایران ترجمه کرده است. اما وقتی از دنیا رفت، کمتر کسی از وی یاد کرد. طوسی مدیرکل مطالعات برنامه بود، من هم در دانشسرا دبیر بودم. به دانشسرا رفت و آمد داشت و برای مجله ما مقاله می‌نوشت.

ایشان مرا به عنوان کارشناس تربیت معلم به تهران آورد و من تقاضای انتقال به کسی ندادم. چهار سال با وی همکار بودم. سفرم به ژاپن به دعوت یونسکو به واسطه دکتر طوسی صورت گرفت ". مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر شعاری نژاد در سال ۱۳۴۷ پس از فارغ التحصیل از دانشگاه تهران ، از مهرماه همان سال برای تدریس در دانشسرای عالی تهران (دانشگاه تربیت معلم امروز) و دانشگاه سپاهیان انقلاب، به صورت پاره‌وقت دعوت شد. در سال ۱۳۵۲ به عنوان استادیار به دانشگاه سپاهیان انقلاب منتقل گردید.وی در نخستین سالهای تاسیس آموزش عالی مکاتبه‌ای (آموزش از راه دور) به مدیریت گروه آموزش ابتدایی انتخاب و در سال ۱۳۵۶ به ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی همین دانشگاه منصوب شد و تا پایان سال تحصیلی ۱۳۵۷ در این سمت باقی ماند.در دانشگاه سپاهیان انقلاب، ضمن مدیریت گروه، به انتشار مجله< جهان اندیشه >موفق شد که چهار شماره از آن انتشار یافت. علی اکبر شعاری نژاد پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تاسیس موفق نظام جمهوری اسلامی و آغاز فعالیت‌های آموزش عالی، در دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی که جانشین چند دانشگاه ادغام شده بود، به تدریس پرداخت. در همین دانشکده، به مدیریت گروه روان‌شناسی تربیتی انتخاب شد.او در سال ۱۳۷۵ به سبب مسافرت به خارج از کشور، به صورت غیابی، بازنشسته شد. پس از مراجعت به کشور، به صورت پاره وقت تدریس خود را در همان دانشکده ادامه داد. ایشان در این خصوص چنین یاد می کند: از خداوند متعال سپاسگزارم که توفیق داده است تا به امروز خواندن، نوشتن، آموزش و معلمی را ادامه دهم و از سه نعمت پرارزش رشد شغلی، پیشرفت علمی و عشق حرفه‌ای بهره‌مند باشم. زندگی سالم و موفق از آن کسانی است که از تغذیه سالم، تحرک سالم و تفریح سالم برخوردار باشند وبپذیرند و باور کنند که کار و تفریح، دو فرایند ضروری و نشاط‌انگیز زندگی سالم هستند و تنبلی و فرار از قبول مسئولیت، شخص را به شکل مجسمه‌ای بی‌روح در می‌آورد که بدون تردید سربار جامعه خواهد شد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ۱) تشکیل انجمن دبیران فلسفه و علوم تربیتی تبریز ۲) انتشار مجله معلم امروزسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی اکبر شعاری نژاد در کنار فعالیت های آموزشی ،در حال حاضر به فعالیتهای تالیفی نیز می پردازد که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: تجدیدنظر و تکمیل کتاب< فرهنگ علوم رفتاری >شامل افزودن بیش از هزار اصطلاح روان‌شناسی و آموزشی و پرورشی که تازه توسط ایشان گردآوری شده است ،تجدیدنظر اساسی در کتاب< فلسفه آموزش و پرورش >.و غیره شاگردان : دکتر توفیق ه.سبحانی مدیر انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که یکی شاگردان استاد علی اکبر شعاری نژاد بودند از وی چنین یاد می کند او همچنین در بیاناتش خاطراتی را هم متذکر می شوند: احتمال می‌دهم اگر بسامد کلمه< معلم >را در نود و دو زندگی نامه پیشین استخراج کنیم، بدون آنکه کوچکترین تردیدی به دل راه دهیم که اکثر نود و دو انسان برجسته و بزرگی که انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به ادله گوناگون و از جمله به دلیل معلم بودن و موثر بودن آنان در فرهنگ و کوشش آن گرامیان در تعالی امور فرهنگی در مرز و بوم ایران برای آنان بزرگداشت گرفته است، شاید به اندازه این زندگینامه به کلمه معلم برنخوریم. در میان هجده مقاله مندرج در زندگی‌نامه آقای دکتر علی اکبر شعاری‌نژاد، قریب ده مقاله درباره معلم، آموزش و پرورش، تکنولوژی معلمی و عنوانهایی از این قبیل است و مقالات دیگر هم بی‌ارتباط با عناوین دهگانه نیست. این حسن تصادف از امتیازات استاد گرامی جناب آقای علی‌اکبر شعاری‌نژاد است. اگر در تعریف حرفه معلمی بگوییم که< معلمی عشق است >یا< معلمی انتقال معلوماتی از ذهن (یا مغز) معلم به ذهن (یا مغز) متربی و متعلم است، >...یا< معلمی استعداد خدادادی است، >و یا< معلمی شغل انبیاست، >یا هر تعریف دیگری را پیدا و علاوه کنیم، من که خود قریب چهل سال در کسوت معلمی بودم، هرگاه به کلمه معلم و مصداق آن و شغل معلمی اندیشیده‌ام، سیمای استاد شعاری‌نژاد را در ضمیر خود یافته‌ام. شکر خدا را باید به جای آورم که در طول حیات خود معلمان برجسته‌ای داشته‌ام. معلمی دیگر که همیشه در مخیله من مدلول کلمه معلم را تجسم بخشیده، زنده یاد استاد دکتر علی محمد کاردان بوده، دیگری استاد دکتر محرم آقازاده. در سال ۱۳۳۸ – یا سالی بالاتر و پایین‌تر – در گرمای تابستان در دانشسرای مقدماتی تبریز کلاس‌هایی

برای تربیت معلم تشکیل داده بودند، شخصا در آن کلاس‌ها شرکت کرده‌ام و در کلاس درس استاد شعاری‌نژاد حاضر شده‌ام. باور کنیـد هرگز در سـر کلاـس ایشـان در هرم تابسـتان، گـذشت زمـان را احسـاس نمی‌کردم. صـداقت و ایمـان به گفته‌ها از بیان آقای شعاری‌نژاد واقعا می‌تراوید. آن زمان در بعضـی کارها نوعی افراط و در بعضی کارها هم تفریط بود. همکلاسی‌های مستعد و خوبی داشتیم. در جریان شعـر و نثر معاصـر بودیم و می‌کوشـیدیم از قافله خیلی عقب نمانیم. صمد بهرنگی همشهری و همدوره ما بود. در کتابفروشـی‌ها و باشگاه معلمان که چسبیده به دبیرستان فردوسی در تبریز بود - ظاهرا هنوز هم هست - گاهی در باغ‌های پیکریه در جانب غربی دانشگاه تبریز او را می‌دیـدم. هنوز به مرگ نابه‌هنگام او بیش از ده سال باقی بود. تردیدی نیست که او در< کندوکاو در مسائل تربیتی ایران >درباره تعلیم و تربیت و معلم، کودک، زبان قابل فهم برای کودک و مسائلی از آن قبیل به نکته‌هایی دست گذاشـته بود که پیش از وی یا کسـی توجهی به آن مسائل نداشت، یا اگر داشت خیلی بی‌صدا و آمیخته با سکوت و ولرم بود. یادم می‌آیـد که در آن زمان بازرسان اداره فرهنگ معمولا کیفی به دست و احیانا کلاه شاپویی بر سـر داشـتند، دانش‌آموزان نام آنان را نمی‌دانسـتند و هر وقت مردی کیف به دست و کلاـه شـاپو بر سـر وارد مـدرسه می‌شـد، به جـای< بـازرس<، >اریک قیزاردان> می‌گفتند. در قاموس بچه‌ها این کلمه به حشره‌ای گفته می‌شد که به باور آنان در نیمه‌های تابستان روی درخت زردآلو می‌نشست و بـا جیرجیر خود سـبب سـرخ شـدن نیمه‌ای از چهره زردآلو می‌شـد. بـازرس بـا بچه‌ها درست آن کار جیرجیرک را می‌کرد. سئوال دشوار از بچه‌ها می‌پرسـید، نمی‌توانستند جوابش را بدهند، از شرم قرمز می‌شدند. بهرنگی در آن کتاب در بخش< بازرس فرهنگی و انواع و اقسـام آن >به دقت تمـام آن بازرسـان را که مـا و بچه‌ها دیـده بودیم، به تصویر کشـیده است. اما انصاف را - وبال دیگر همکلاسـها را به گردن نگیریم - من در کلاسـهای اسـتاد شـعاری‌نژاد حرفهای بسیار جدیـد، علمی، قابـل پـذیرفتن و قابل آزمودن می‌شـنیدم که از دیگران نشنیده بودم. یکی دو بار به صمد بهرنگی که در بعضی جاها اشاراتی به آقای شعاری‌نژاد داشت، گفتم که به نظر من فلاـن‌کس و بهمـان‌کس را نبایـد بـا آقـای شـعاری‌نژاد در یـک ترازو نهـاد و یکسـان به بـاد انتقـاد گرفت. بهرنگی خـود می‌دانسـت که آقـای شـعاری‌نژاد بـا چه مجاهـداتی مـدارج تحصـیلی را طی کرده است. در منزل پـدری ایشـان، هماننـد بسـیاری از خانواده‌ها، درس خوانـدن چنـدان مرسوم و پسـندیده نبود. خانواده‌های ضـد تحصـیل در مـدارس جدید کم نبودند. صـمد همه این ماجراهـا را می‌دانسـت. الاـن کـه من این سـطرها را می‌نـویسم، نیم‌قرن از آن سالهـا گذشـته است، اکنـون در ذهن من این مضـمون ته‌نشـین مانـده است که بهرنگی هم برای آقـای شـعاری‌نژاد جایگـاهی دیگر قائـل بود و او را با بسیاری از معلمان که واقعا یکی از تعـاریف معلمی دربـاره آنـان صـادق بـود کـه< معلمی هـم حرفـه‌ای اسـت ماننـد حرفه‌هـای دیگر >نمی‌آمیخت. مـن از کـودکی می‌خواسـتم معلم شوم و - چنـان‌که عرض کردم - قریب چهـل سال آن کسوت را به تن داشـتم، به احتمال قوی اگر در کلاس‌های تابسـتانی شرکت نمی‌کردم و آقای شعاری‌نژاد را نمی‌دیدم، شاید در میانه راه شغل دیگری پیدا می‌کردم و معلم نمی‌شدم. مرا آقای شعاری‌نژاد به این راه کشانیـد. اگر بخواهم براساس ارادت قلم بزنم، مثنوی هفتصـد من کاغـذ خواهـد شد. فقط از انبوه خاطرات دو خـاطره کوچـک نقـل می‌کنم و نوشـتن را به پایـان می‌برم: آن زمان در تبریز اداره فرهنگ آذربایجان شـرقی مـدیرکلی به نام آقای دهقان داشت که مردی بلندبالا و خوش سـیما بود، سـیرت بسیار نیکویی هم داشت. در مدت کوتاه در استان هشتاد مدرسه ساخت. همان آقای دهقان که دوران خـدمتش در آذربایجان به پایان رسـیده بود، همه فرهنگ دوسـتان سوگوار شـده بودنـد، او ترفیع پیـدا کرده بود و مقرر بود که استاندار گیلاـن شود. مرحوم شـهریار در واقع در رثـای تغییر ماموریت دهقان چکامه‌ای به مطلع زیر دارد: جان آذربایجان دنبال دهقان می‌رود دارد از فرهنگ آذربایجان جان می‌رود این مرد خیر و نیکنام که نمی‌دانم در حیاتنـد یا نه، اگر در حیاتنـد که خداوند موید و سـلامت‌شان دارد و اگر به دیار حق رفته‌اند، خداوند روحش را شاد گرداند، کتابخانه‌ای هم در تبریز ساخته بود به نام کتابخانه ملی تبریز واقع در ضـلع شـرقی ارک تاج‌الدین علی‌شاه - وزیر اولجایتو و ابوسعید بهادرخان - یا باغ ملی. بنای رفیع و سـنگی داشت، از نظر من که ساختمان بلنـدتری ندیده بودم، بسیار مجلل بود. آن زمان مرحوم حاج عباسـقلی چرندابی

روحـانی دانشـمند و مـورخ نـامی و بزرگ کتاب‌هـای خطی خـود را به آن کتابخـانه داده بـود. کتاب‌هـای مرحـوم حـاج محمـدآقا نخجوانی و حـاج حسـین آقا نخجوانی به آن کتابخانه اهـدا شـده بود. مرحوم میرودود یونسـی فهرست آنها را تهیه می‌کرد و مرحوم عبدالعلی کارنگ به آنجا رفت و آمد داشت. آن بنا با کمک‌های مردمی سر برآورده بود. من شاید شخصا از پول یومیه خود قریب دو تومان به صـندوق کمک‌های کتابخانه ریخته بودم و خود را در بنای آن سـهیم می‌دانستم. آن بنا را ویران کردند. روزی به استاد شعاری‌نژاد برخوردم. ایشان همیشه حرف‌های شـنیدنی و ناب داشـتند و هنوز هم دارند. صـحبت بر سـر تخریب کتابخانه ملی رسید. گفتنـد<: وقتی آوار را دیـدم، بر سـر خاک پدرم رفتم و سـر مزار پدرم بر کتابخانه ملی اشک ریختم و عقده دلم را خالی کردم>. روزی می‌گفتنـد<: فردی برای مشـورت پیش مـن آمـد و گفـت: آقـای شـعاری‌نژاد! چـون شـما به خیلی از مسائـل وقـوف داریـد، می‌خواهم بـا شـما مشورت کنم. گفتم: اگر راه خطـا و صـواب را تشـخیص دهم، از ابراز آن دریغ نخواهم کرد. گفت: می‌دانیـد من منزل کـوچکی دارم، می‌خـواهم آن را بفروشم و بروم دکـتری بگیرم. نظر شـما در این مـورد راهگشـای من خواهـد بود. من تـاملی کردم و گفتم‌من در این مورد به صـراحت نظری ندارم، اما دیده‌ام و می‌بینم افرادی که رفته‌اند یا می‌روند دکتری بگیرند، برآنند که برگردند و مثل شـما منزلی کوچک برای خود دست و پاکنند. شما حی و حاضر منزل کوچک خود را می‌خواهید بفروشید، دکتری بگیرید که چه بکنید >؟صـمد بهرنگی یکی دیگر از دانشـجویان استادشـعاری نژاد بودند وی از صمد بهرنگی چنین خاطره ای بیاد دارد": من وقتـی در سـال ۱۳۳۴ وارد دانشسـرا شـدم صـمد بهرنگی سـال دومی بود و قبل از من مرحوم صـبا روان‌شناسـی تـدریس می‌کرد. اولین کـار من تبـدیل کتابهـای دیویی به کتاب‌های درسـی بود که فکر می‌کنم در تغییرات فکری بهرنگی هم موثر بودنـد. بهرنگی یـک سـال شـاگرد من بود و در مجله هم همکاری می‌کرد. در کتاب< کنـدوکاوی در تربیت >اسـمی از من برده است و گفته که: کتاب‌ها را خوانـده و کتاب نوشـته است؛ در حالی که توجه نـداشت که علم به یکباره خلق نمی‌شود و اسـتفاده از تجارب دیگران هم لازم است ". آرا و گرایشـهای خاص : به نوشـته شخص جناب شعاری‌نژاد<: فرایند< تعریف (<معرفی کردن) به ویژه <تعریـف جـامع و مـانع >تقریبـا در همـه علـوم و معـارف، بسیار دشـوار و حـتی گـاهی غیرممکـن است. به همین سبب برخی از دانشـمندان برایـن باورنـد کـه خـود را بـه< تعریـف >مقیـد نکننـد؛ و در علـوم به اصـطلاح انسـانی< تعریـف >را به عهـده خـود خواننـدگان بگذارنـد >...علی اکبر شـعاری نژاد در مورد ضـعف معلمـان در نوشـتن و بیـان تجربیات‌شـان را چنین بیـان می کنـد: "تلاش می کنـم آنچه را می‌فهمم، بنـویسم. من بر روی واژه< برداشت >تاکیـد دارم و به همه نویسنـدگان یـا ویراسـتاران توصـیه می‌کنم که مطلب را طوری تنظیم کننـد که خواننـده هم به راحتی بفهمـد. من ممکن است از نظر خودم مطالب خوبی بنویسم؛ ولی نوشتن من ضمانت اجرایی ندارد و خوانند باید بفهمد که منظور نویسنده چه بوده است. الان هم در کلاسها و به‌خصوص امتحانات، یکی از بزرگ‌ترین مشـکلات من این است که به نوشـته دانشجو نمره می‌دهم؛ اما او می‌آید و به کم بودن نمره‌ای اعتراض می‌کند. می‌گویـد من منظورم این بود، جواب می‌دهم که من منظور شـما را از کجا بـدانم؟ من به نوشـته و برداشتی که از آن می کنم، نمره می‌دهم. به تـازگی به این نتیجه رسیده‌ام که معلمان ما هم در سه مورد ضـعف دارنـد: اول: روش کار (متـدلوژی). مـدتی پیش در یکی از مناطق تهران برای دبیران فیزیک و ریاضی کارگاه آموزشی اجرا می‌کردم. از حجم کتابها و زمان کم برای تدریس شکایت داشـتند؛ اینکه نمی‌رسـند کتاب را تمام کننـد. گفتم شـما روش تـدریس علم را با روش تـدریس کتاب اشـتباه نگیرید. اگر با روش تـدریس کتـاب آشـنا باشـید، نه تنهـا حجم کتـاب زیـاد نیست، بلکه کم است، اما نه اینکه همه آنچه را در کتاب است، دوباره بیان کننـد. دوم: تحلیل موضوع. معلمها در حلاجی و تحلیل موضوع مطالب درسـی مشـکل دارنـد. به عنوان مثال معلم ادبیات می‌خواهد شعر را به فارسـی روان ترجمه کند، اما مشـکل بچه‌ها را چند برابر می‌کند! چرا؟ چون نمی‌تواند شعر را تحلیل کند. سوم: تبیین. چرا این موضوع چنین است؟ هدف آن چیست؟ چه چیز را می‌خواهد بیان کند؟ هدف نهایی هر معلم تغییر رفتار دانش‌آموز است، چون معلم در سه نکته یـاد شـده مشکل دارد و نمی‌توانـد بنویسـد ".علی اکبر شـعاری نژاد در باره نحوه انتخاب موضوع کتابهایش چنین

بیان می کند": می‌دانید که من ماشین ندارم و اهل اتوبوس هستم. اعتقاد هم دارم که هرکس گفت من کتاب خواندم و روانشناسی یاد گرفتم، چیزی یاد گرفته است؛ ولی روانشناسی نیست! به عنوان مثال می‌گویند تئوری فراشناخت؛ در حالی که فراشناخت تئوری نیست. این موضوع از قبل هم بوده؛ ولی الان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. یا در حال حاضر از < هوش هیجانی >صحبت می‌شود. آنهایی که کتابی فکر می‌کنند، از دانیای واقعی فاصله دارند. من به دانشجویانم توصیه می‌کنم که هرچه در روانشناسی به شما می‌گویم اول به خودتان مراجعه کنید، ببینید آیا موضوع در مورد شما صادق است یا نه؟ اگر صادق نبود، یا من غلط گفته‌ام یا این موضوع نبوده است. منشاء علم خود انسان است. روانشناسان هم رفتار انسانها را مطالعه کرده و بعد قوانین رفتار را کشف می‌کنند و اینها را می‌نویسند. هوش هیجانی هم موضوع تازه‌ای نیست؛ ولی حالا بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. به این ترتیب، آنچه که در زندگی مردم جریان دارد، مهم است و من هم موضوعهای کتابهایم را از زندگی مردم پیدا می‌کنم". جوائز و نشانها : به مناسبت گذشت بیش از هشتاد سال از عمر پربار و برکت استاد گرانمایه و مدیر مدبر و محقق توانمند جناب آقای دکتر علی اکبر شعاری نژاد، و به پاس بیش از شصت سال تدریس و تحقیق و ارشاد فرزندان این کشور، مجلس بزرگداشتی در روز یکشنبه، دهم شهریور ماه ۱۳۸۷ در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار گردید و از خدمات شایان و صفات برجسته ایشان تقدیر به عمل آمد.ایشان همچنین در کارنامه افتخارات خود استاد ممتازی دانشگاه تربیت معلم و استاد و پژوهشگر نمونه دانشگاه علامه طباطبایی را دارد.چگونگی عرضه آثار : علی اکبر شعاری نژاد تاکنون ۴۳ کتاب با موضوعات روان شناسی رشد، روان شناسی یادگیری، اصول ادبیات کودکان و فلسفه آموزش وپرورش به چاپ رسانده است و ۳ کتاب دیگر در دست چاپ دارد.آثار : ادبیات کودکان ویژگی اثر : (چاپ بیست و ششم، انتشارات اطلاعات)۲ بهداشت روانی خانواده، با همکاری مرحوم دانش دوست ویژگی اثر : انتشارات فرانکلین سابق۳ درآمدی به روان شناسی انسان ویژگی اثر : انتشارات آزاده۴ روان شناسی اجتماعی ویژگی اثر : آماده برای چاپ۵ روان شناسی پرورش کودک ویژگی اثر : ضمیمه مجله معلم امروز۶ روان شناسی درسی ویژگی اثر : دانشگاه ابوریحان بیرونی سابق۷ روان شناسی رشد ویژگی اثر : (چاپ هفدهم) .۱۳۸۵ ۸ روان شناسی رشد ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش۹ روان شناسی رشد بزرگسالان ویژگی اثر : انتشارات آزاد/مشهد۱۰ روان شناسی رشد و یادگیری ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش۱۱ روان شناسی رشد/۱ ویژگی اثر : دانشگاه پیام نور۱۲ روان شناسی رشد/۲ ویژگی اثر : دانشگاه پیام نور۱۳ روان شناسی عمومی ویژگی اثر : دانشگاه سپاهیان انقلاب سابق۱۴ روان شناسی کودک ویژگی اثر : آماده برای چاپ۱۵ روان شناسی نوجوان ویژگی اثر : انتشارات فاخر۱۶ روان شناسی نوجوانی ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش۱۷ روان شناسی یادگیری و تربیتی ۱ و ۲ ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش۱۸ روان شناسی یادگیری و کاربرد آن در آموزش ویژگی اثر : (انتشارات توس)۱۹ روانش شناسی عمومی ویژگی اثر : انتشارات توس۲۰ روانش شناسی عمومی ۱ و ۲ ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش۲۱ فرهنگ اصطلاحات روان شناسی و جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش/ توصیفی ویژگی اثر : انتشارات حقیقت تبریز۲۲ فرهنگ علوم رفتاری ویژگی اثر : (چاپ دوم ۱۳۷۵، انتشارات امیرکبیر، در حال تجدید نظر)۲۳ فرهنگ و آموزش و پرورش ویژگی اثر : وزارت ارشاد/در دست انتشار۲۴ فلسفه آموزش و پرورش ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش۲۵ فلسفه آموزش و پرورش ویژگی اثر : چاپ هشتم، انتشارات امیرکبیر۲۶ فلسفه پراگماتیسم ویژگی اثر : ضمیمه مجله معلم امروز۲۷ گزارش پیشرفت دانش آموزان ویژگی اثر : [ترجمه] (دانشسرای عالی سابق)۲۸ مباحثی از روان شناسی و آموزش و پرورش ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش۲۹ مبانی روان شناختی تربیت ویژگی اثر : چاپ سوم، ۱۳۷۵، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۳۰ نظریه‌های انگیزش در آموزش و پرورش ویژگی اثر : نشرنی۳۱ نظریه‌های رشد و تکامل انسان ویژگی اثر : آستان قدس رضوی۳۲ نقش آموزش و پرورش در فرهنگ عمومی، نقش فعالیتهای فوق برنامه در تربیت نوجوانان ویژگی اثر : (چاپ یازدهم، ۱۳۸۵، انتشارات اطلاعات)۳۴ نگاه نو به روان شناسی آموختن، ۲ جلدی ویژگی اثر : انتشارات چاپخش۳۵ نگاه نو به روان شناسی

انسان سالم یا سیری کوتاه در شخصیت انسان ویژگی اثر : اطلاعات، ۱۳۸۵

شفیع آبادی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: مشاوره و راهنمایی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای مشاوره و راهنمائی از دانشگاه ایلینویز شمالی آمریکا در سال ۱۳۵۴.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

راهنمائی و مشاوره، تدریس در کلاسهای آموزش ضمن خدمت معلمان و مدیران و جلسات آموزشی خانواده در کلینیک‌های مشاوره و روان درمانی دانشگاه علامه طباطبائی و استان تهران، استاد راهنما و مشاور ۳۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

راهنمائی و مشاوره، روانشناسی، علوم تربیتی و فنون تربیت کودک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

راهنمائی و مشاوره، روانشناسی و علوم تربیتی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شکرکن، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان انگلیسی از دانشسرای عالی در سال ۱۳۴۲، کارشناسی روان‌شناسی از دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۳۴۷، دکترای روان‌شناسی صنعتی و سازمانی از دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

استادیار و دانشیار در دانشگاه شهید چمران اهواز از سال ۱۳۵۲ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اثرات عزت نفس بر عملکرد دانش‌آموزان، سیری در تاریخچه روابط انسانی در مدیریت، بررسی نگرش دانش‌آموزان نسبت به غرب، رابطه تعارض و ابهام نقش با خشنودی و عملکرد شغلی، میزان‌سازی آزمونهای پیشرونده ریون، بررسی علل خودکشی در خوزستان، تدریس دروس روان‌شناسی، روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، روان‌شناسی اجتماعی در دانشگاههای کالیفرنیای آمریکا و شهید چمران اهواز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

نگرش‌ها (مبانی، سنجش، تکوین، تغییر و نظریه‌ها)، مکاتب روان‌شناسی، وراثت و محیط، خاستگاههای پویایی گروهی، روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، مردم در سازمان‌ها و فهم رفتار آنها، نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

ابعاد کیفیت محیط، احساس نابرابری و اثرات آن در دنیای کار، نظریه سود و زیان درباره کشش و جاذبه بین مردم، رابطه میان نگرش و رفتار، اعتبار درونی و اعتبار نتیجه‌گیری آماری پژوهشهای آزمایشی و شبه آزمایشی، اعتبار بیرونی و اعتبار سازه پژوهش‌های آزمایشی و شبه آزمایشی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شکوهی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین شکوهی در سال ۱۳۰۵ در شهر خوسف بیرجند متولد شد. وی درسال ۱۳۱۱ به مدرسه ای در شهر خوسف رفت. و در سال ۱۳۲۳ با رتبه ممتاز از دانشسرای مقدماتی فارغ التحصیل شد و به روستای خود برای آموزش بچه های روستا بازگشت. و در سال ۱۳۲۷ دیپلم کامل ادبی را اخذ کرد و بعد از گذراندن دوره سربازی در سال ۱۳۲۲ وارد دانشسرای عالی در تهران شد و در سال ۱۳۳۵ در رشته ادبیات فارسی با رتبه اول فارغ التحصیل شد و با بورس تحصیلی و بعد از ازدواج عازم سوئیس شد و در سال ۱۳۴۰ بود که غلامحسین شکوهی در رشته علوم تربیتی مقطع دکتری از دانشگاه ژنو سوئیس فارغ التحصیل شد. وی در سال ۱۳۴۱ به عنوان کارشناسی اداره کل مطالعات و برنامه و سپس ریاست اداره تحقیق و ارزشیابی در سال ۱۳۴۵ به فعالیت پرداخت او

همچنین نخستین وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران است. گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : تعلیم و تربیت خاطرات کودکی : غلامحسین شکوهی در کودکی در دامان مادر پرورش یافت . مادر بزرگوارش اجازه خروج وی از خانه و بازی با کودکان را به وی نمی داد . در عوض هر روز عصر وی را از کوچه باغهای با صفایی به سوی مقبره مولانا محمد حسام قهستانی (شاعر اهل بیت علیهم السلام) (۷۸۱- ۸۷۳ ه.ق) که نزد مردم محلی به پای تخت مشهور بود ، می برد . استاد شکوهی همچون سایر مردم محل که به این آرامگاه حرمت بسیار می نهادند به آنجا علاقمند شد. در آنجا درویشی پیر معتلف بود که مردم وی را «یاهو » می نامیدند . و استاد شکوهی بدلیل سکونت وی در آن آرامگاه به وی علاقه بسیار یافت . چنین زمینه ای موجب شد که استاد شکوهی بعدها پایان نامه دوره کارشناسی خود را درباره ابن حسام بنگارد . دکتر شکوهی از خاطرات دوران کودکی و مدرسه، تصاویر واضحی را به یاد می آورد: «بعد از اینکه از کلاس چهارم دبستان فارغ التحصیل شدم، مرتباً می رفتم به مدرسه و در همان فضا می گشتم یا در کلاس ها می نشستم، چون مثل بقیه بچه ها بازی نمی کردم، اصلاً بازی بلد نبودم. ۲ سال باقی مانده آموزش ابتدایی را در دبستانهای تدین و مدرسه ضمیمه دانشسرای مقدماتی گذراندم. در این مدرسه سطوح ابتدایی و متوسطه مثل دیگر مدارس وجود داشت و از پایان کلاس سوم دبیرستان یعنی پس از ۹ سال تحصیل، ۶ سال ابتدایی و ۳ سال متوسطه، دانش آموز می توانست در دانشسرای مقدماتی تحصیلات خود را انجام دهد تا برای آموزگاری در مدارس ابتدایی شهر و روستا آماده شود.» شکوهی درباره کودکی ها و امیدهای زندگی اش خاطرات زیبایی را به یاد می آورد. او می گوید: «هیچ وقت فکر نمی کردم من که از جنوبی ترین نقطه استان خراسان برخاسته بودم، بتوانم مدارج ترقی را اینگونه طی کنم. پدرم علی اکبر، خیاط زبردستی بود. با نانی که او از راه خیاطی بر سر سفره می گذاشت، بزرگ شدم. در منطقه محرومی که بزرگ شدم و در آنجا درس هم دادم، همیشه استعدادهای درخشانی وجود داشته است. دانش آموزی داشتم که هر مسأله ای را می دادم حل می کرد، از ۱۲ کیلومتری خوسف می آمد و برمی گشت. یک روز به مدیر مدرسه گفتم: یکی از اتاق های کوچک مدرسه را به این بچه بدهید که این قدر مجبور نباشد عصر برود و دوباره صبح روز بعد برگردد تا بالاخره اتفاقی افتاد. یک روز خواستم این دانش آموز را امتحان کنم و مسأله ای داده باشم که نتواند حل کند، آن روز پنجشنبه دو مسأله دادم و برای مسأله سوم گفتم: طول درخت سنجدی که در وسط حیاط مدرسه است را محاسبه کنید. صبح روز شنبه که به مدرسه رفتم، جواب حاضر این دانش آموز را روی میز دیدم. او روز جمعه این ۱۲ کیلومتر را طی کرده بود و به مدرسه آمده بود و یک چوب دو متری را هم با خود آورده بود و طول سایه آن (چوب) را اندازه گرفته و طول سایه درخت سنجد را هم اندازه گیری کرده بود و با یک تناسب که دو متر ارتفاع این قدر سایه دارد، این قدر سایه چه مقدار ارتفاع دارد؟ طول درخت را محاسبه کرده بود. اسم این پسر غلامحسین حقداد بود. البته از سال ۱۳۲۸ از او خبری نداشتم تا این که در سال ۱۳۷۲ که در دانشگاه بیرجند تدریس می کردم، با دانشجویی به نام زهرا حقداد روبرو شدم که معلوم شد دختر همان دانش آموز خلاق است که خدا را شکر با داشتن پنج فرزند که همگی فارغ التحصیل رشته های مختلف هستند و متوجه شدم یکی از آنها استاد دانشگاه کالیفرنیا شده است.» اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : غلامحسین شکوهی در سال ۱۳۰۵ در قصبه خوسف از توابع بیرجند متولد شد . در این قریه مقبره یکی از شعرای شیعه قرن نهم هجری بنام ابن حسام قرار داشت . اعتقادات محلی و علاقه شخصی استاد از دوران کودکی به این محل در شکل گیری فکر وی موثر بود .خانواده استاد شکوهی خانواده ای متوسط الحال بودند . پدر استاد به کار قنادی ، خیاطی و حتی صاحب املاکی بودمشغول بود اما به سختی توان تامین نیازهای مالی خانواده را داشت .تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامحسین شکوهی در سال ۱۳۱۱ وارد دبستان چهار علامه قریه خوسف شد . بعدها نام این دبستان بنام خیام و سپس بنام ابن حسام نامگذاری شد. وی در ۱۳۱۵ تحصیلات ابتدایی را بپایان برد اما بدلیل مشکلات مالی و تحصیل در شهر (بیرجند) به مدت یک سال و سه ماه از تحصیل فاصله گرفت . اما از سال ۱۳۱۶ برای تحصیل در دانشسرای بیرجند به آن شهر رفت و پس از هفت سال در خرداد ۱۳۲۳ مدرک دیپلم را از دانشسرای

مقدماتی دریافت نمود . پس از مدتی تدریس و نیز پس از شاگرد اولی و بورس دانشجویان ممتاز در سال ۱۳۳۶ به ژنو اعزام شد. و تا سال ۱۳۴۱ که به ایران بـازگشت مـدرکهای دیپلم مقـدماتی ، دیپلم علوم تربیتی ، لیسانس و نیز دیپلم راهنمایی شـغلی را دریافت نمود . مدتی بعد نیز از انستیتوی ژان ژاک روسو به دریافت دکترای تعلیم و تربیت نائل آمد .خاطرات و وقایع تحصـیل : غلامحسین شکوهی در سال ۱۳۱۶ پس از پایان تحصـیلات ابتدایی عازم شـهر بیرجند شد، همراه با پدر سوار بر الاغی به سوی شهر رفتند و در نیمه راه که شب فرا رسـید ، اسـتاد شـکوهی که در روسـتای کوچک خوسف رشد نموده بود ، برای اولین بار چراغ برق و روشنایی حاصل از آن را دید . روز بعد وی با پدرش به شهر بیرجند رسیدند و پدرش به دلیل علاقه بسیاری که به تحصیل وی داشت ، اتاقی برای وی اجاره نمود . بنابراین استاد شکوهی از ۱۲ سالگی زندگی مستقل خود را آغاز نمود .فعالیتهای ضمن تحصیل : غلامحسین شکوهی پس از پایـان تحصـیلات ابتـدایی مـدتی را به همکاری با مـدیر دبسـتان سابق خود بنام سـید رضا هاشـمی پرداخت و حتی گـاهی از سوی وی به تـدریس مشـغول می شـد .اسـتادان و مربیـان : از اسـتادان وی میتوان به اسـتادانی چون «پیـاژه» و «دوتران» در دانشگاه ژنو اشاره کرد. ژان پیاژه استاد بسیاری از چهره های نامی معاصر ایران در حوزه های علوم اجتماعی بوده است.هم دوره ای هـا و همکاران : انـدکی پیش از غلامحسـین شـکوهی کسانی چون کاردان ، دکتر منصور ، دکتر و خانم دکتر دادسـتان از انستیتوی ژان ژاک روسو مدرک دکترای تعلیم و تربیت را اخذ نمودندهمسـر و فرزندان : خانم صفرا سره همسر غلامحسین شکوهی ، که در کنار وی در سوئیس تحصـیلات عالیه را گذرانده بود کتاب « روش فعال کودکسـتان » را نیز از ایشان به یادگار مانده است . همسـر وی یکی از همکلاسـی های دکتر شـکوهی بوده است.وقایع میانسالی : غلامحسـین شـکوهی پس از مـدتی تـدریس در روسـتاهای خوسف و گل در سال ۱۳۲۸ به خدمت نظام وظیفه اعزام شد . پس از بازگشت با اسـتفاده از سـهمیه معلمان شهرستانی دارای دیپلم کامل به دانشسـرای عالی وارد شد. در سال ۱۳۸۰ همکلاس دیرین و همسـر او بر اثر سـکته قلبی از دنیا رفت .مرگ همسـر، موجب شـد که او از تـدریس و کارهای پژوهشـی دست بکشـد. دو سال و نیم پس از مرگ همسـر، شـکوهی سـکته خفیف مغزی کرد در نتیجه طرف راست بـدن او و نیز تکلم اش مختل شـد که با توکل به خـدا و فیزیوتراپی و سـعی خودش، دوباره قادر به حرف زدن و مطـالعه شـده است.مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : در سال ۱۳۴۵غلامحسـین شـکوهی با عنوان اسـتادیار به دانشکده علوم تربیتی دانشـگاه تهران منتقل شـد جایی که علاوه بر ۲۷ سـال تـدریس موفق و سازنـده، سال هایی را به کارهای اجرایی از جمله مـدیریت گروه و ریـاست دانشـکده علوم تربیـتی پرداخت. شـکوهی همچنین نخسـتین وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسـلامی ایران است. پس از اسـتعفا در کنـار تـدریس دانشـگاهی ریـاست شورای عـالی آموزش و پرورش را برای مـدت یـک دوره چهارساله بر عهـده داشت. در سال ۱۳۶۵ شـکوهی به مـدت یـک سال برای اسـتفاده از فرصت مطالعاتی به ژنو اعزام شـد و در دفتر بین المللی تعلیم و تربیت وابسته به سازمان یونسکو به تحقیق و مطالعه پرداخت. وی معاونت رئیس دانشکده علوم تربیتی تا سال ۱۳۷۲ بر عهده داشت. فعالیتهای آموزشـی : غلامحسـین شـکوهی از یازده سالگی بطور غیر رسـمی به عنوان همکاری با مـدیر دبسـتان ابن حسام گاهی به تـدریس می پرداخت . وی در ۱۳۲۳ از دانشسـرای مقـدماتی بیرجنـد دیپلم گرفت و در خوسف به تدریس پرداخت . مدتی بعد در روسـتای گل (در نزدیکی خوسف) به تـدریس پرداخت . اسـتاد شـکوهی پس از اخـذ مـدرک دکتری از ژنو ، به ایران برگشت . مـدتی را بطور رایگان در تهران به تـدریس « روشـها» ، « راهنمایی شـغلی » پرداخت . مـدتی نیز بـدلیل بیماری به بیرجند رفت و در دانشگاه بیرجند تدریس نمود .سال ۱۳۴۱ پس از بازگشت از ژنو، شکوهی در وزارت فرهنگ آن زمان در دفتر مطالعات تربیتی که بعد به اداره کل مطالعات و برنامه ها تغییر نام یافت مشـغول به کار شد و به تدریج در دانشـکده علوم تربیتی دانشـگاه تهران، تربیت معلم مامـازن ورامین و دانشـگاه فردوسـی مشـهد تـدریس در حوزه های آموخته اش را آغاز کرد. در سال ۱۳۴۵ شکوهی با عنوان اسـتادیار و بعد دانشـیار و اسـتاد به دانشـکده علوم تربیتی دانشگاه تهران منتقل شد و به تدریس ادامه داد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : غلامحسـین شـکوهی در حین تدریس در خوسف و روسـتای گل ، زبان عربی را آموخت و دیپلم ۱۱ ساله خود را تکمیل

نمود .آرا و گرایشهای خاص : غلامحسین شکوهی به تدریس عملی در ریاضیات و بیشتر رشته های درسی اعتقاد دارد .بی شک زحمات غلامحسین شکوهی در تاریخ آموزش و پرورش کشور ما فراموش نخواهد شد. شکوهی کودک را در نظام تعلیم، کانون توجه قرار می دهد و شرط لازم معلمی را پذیرش کودک به عنوان انسانی مستقل و دارای ویژگی هایی می داند که باید آنها را شناخت و سپس به پرورش و آموزش او پرداخت. او تفاوت های فردی در کودکان را اصلی انکارناپذیر می داند و در این باور است که هرگاه به این تفاوت ها در نظر و عمل تن ندهیم، در مسیر کار خود توفیقی نخواهیم داشت. شکوهی اضافه می کند: «درد بزرگ ما در عرصه تعلیم و تربیت این است که معلمین و دانش آموزان خیلی زحمت می کشند، ولی آن فایده ای که باید به دست نمی آورند و آن هم ناشی از روش تدریس اشتباه است، ما چون عجله داریم زود برسیم، هرگز نمی رسیم. گاهی اتفاق می افتد که بچه ها بگویند اسفند ماه دروس را دوره می کنیم. برای چه اسفند ماه دوره می کنند؟ برای این که عجله دارند. عیب بزرگ این است که سؤال و جواب را خودمان به دانش آموزان می دهیم و حال این که باید بگذاریم آنها مجال فکر کردن داشته باشند. پیاژه می گفت: هر وقت بچه ها از من سؤالی می کردند، می گفتم: خودت چه فکر می کنی؟ بچه جواب نمی داد و پس از مدتی دوباره همان سؤال را می پرسید، اما این مرتبه با اطلاعات بیشتری سؤال را می پرسید و این باعث تفکر می شد.» جوائز و نشانها : – چهره ماندگار در همایش چهره های ماندگار در سال ۱۳۸۵ آثار : تالیف تعلیم و تربیت و مراحل ان ، ۱۳۶۲ ، تالیف روانشناسی سال سوم آموزش متوسطه عمومی– اقتصاد و فرهنگ و ادب، ۱۳۶۰ ، تالیف مبانی و اصول آموزش و پرورش، ۱۳۷۲ ، ترجمه در سال ۱۳۵۵، مربیان بزرک ، تعلیم وتربیت ، روش آموختن ریاضیات ویژگی اثر : کتابی است که روشهای جدید ابداعی دکتر شکوهی را در آموزش ریاضی معرفی می نمود .۷ مقاله استفاده از روانشناسی در راهنمایی تحصیلی و شغلی ، مقاله اسلام و روانشناسی یا روانشناسی اسلامی ، مقاله امکان تربیت آدمی

شهرآرایی، مهرناز

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

مهرناز شهر آرایی متولد ۱۳۲۴ است. ایشان دارای مدرک دکتری رشته تعلیم و تربیت و روان‌شناسی رشد، از دانشگاه کالیفرنیا، لوس‌آنجلس در سال ۱۳۵۶ است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی گروه روانشناسی دانشگاه تربیت معلم تهران می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : روان شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی مهرناز شهر آرایی به قرار زیر است: کارشناسی روان شناسی، دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس ۱۳۵۱ کارشناسی ارشد روان شناسی ، دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در لوس آنجلس ۱۳۵۳ دکتری تعلیم و تربیت و روان‌شناسی رشد، دانشگاه کالیفرنیا، لوس‌آنجلس ۱۳۵۶، تحصیلات تکمیلی پاسیفیکا (Pacifica Graduate Institute در کالیفرنیا) همسر و فرزندان : مهرناز شهر آرایی متاهل و دارای همسر بنام رضامدنی‌پور(دکترای مدیریت بازرگانی و اداری، مشاور مدیریت و سازمان) و دو فرزند بنامهای: شهرزاد، دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی؛شهریار، دانشجوی مهندسی الکترونیک و کامپیوتر دانشگاه ایرواین، کالیفرنیا است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهرناز شهر آرایی عضو هیات علمی گروه روان شناسی دانشگاه تربیت معلم (تهران) است. از دیگر مشاغل وی می توان به مدیریت گروه روان‌شناسی دانشگاه تربیت معلم و مشاور روانشناسی اشاره کرد.فعالیتهای آموزشی : مهرناز شهر آرایی از سال ۱۳۵۷ تا کنون در دانشگاههای دانشگاه شیراز، دانشگاه شهید بهشتی ، دانشگاه‌تربیت مدرس و تربیت معلم به امر تدریس(دورهای کارشناسی ، کارشناسی ارشد، دکتری) مشغول می باشد. چگونگی عرضه آثار : تعدادی از آخرین مقالات مهرناز

شهر آرایی به قرار زیر است: ۱. «ترغیب وآموزش خلاقیت درسازمانهای پویا» دانش مدیریت.دانشگاه تهران.شماره۳۷و۳۸ تابستان و پاییز ۱۳۷۶.(با همکاری دکتر رضا مدنی پور) ۲. « فشار روانی در سازمان » مجله علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت. تابستان و پاییز ۱۳۷۷. شماره ۳۷و۳۸.(باهمکاری دکتر رضا مدنی پور) . ۳. « رابطه بین تکلم خصوصی وخلاقیت کودکان پیش دبستانی » با همکاری نوشاد قاسمی، پژوهشهای روان شناختی. زمستان۱۳۷۷دوره ۵،شماره ۱و۲. ۴. « آموزش و پرورش مطلوب در آستانه سده بیست و یکم » پژوهشهای تربیتی. فصلنامه علمی ، پژوهشی موسسه تحقیقات تربیتی دانشگاه تربیت معلم .جلد چهارم .شماره ۳و۴ ، پاییز و زمستان ۱۳۷۵(تاریخ انتشار ۱۳۷۸) ۵. « ارتباط مکان کنترل مادر و فرزند با پیشرفت تحصیلی فرزند» مجله روان ـ شناسی وعلوم تربیتی، دانشگاه تهران سال چهارم . شماره۲ ، تابستان ۱۳۷۸ (با همکاری خانم گلرخ‌شلویری) پژوهش شایسته سال ۱۳۷۸ وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی . ۶. «رویکردهای چند وجهی: راه حلی برای مشکلات پژوهش در خلاقیت » فصلنامه علمی. پژوهشی موسسه تحقیقات تربیتی دانشگاه تربیت معلم. شماره ۳و۴ سال ۱۳۷۹ آثار : اصول و مبانی رشد ویژگی اثر : انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان . چاپ اول ، ۱۳۶۰، چاپ دوم ، ۱۳۶۳۲ ترجمه فصل رشد ویژگی اثر : محمد نقی براهنی. تهران ، انتشارات رشد۳ چشم اندازهایی در روانشناسی ویژگی اثر : ویدلی، الیسون، برچ، ان و مالیم، تونی. انتشارات مرواریدt۴ راهنمای انتخاب اسباب بازی ویژگی اثر : انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۵ رشد در دوران قبل از تولد ویژگی اثر : انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. چاپ اول ،۱۳۶۱، چاپ دوم ، ۱۳۶۳۶ رشد کودک از تولد تا دوازده سالگی ویژگی اثر : انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ، چاپ اول ، ۱۳۶۶۷ رشدجنسیت ویژگی اثر : گلمبروک، اس. و فیوش، آر. انتشارات ققنوس. ترجمه سال ۱۳۷۸۸ روان شناسی یادگیری کودک و نوجوان ویژگی اثر : انتشارات رشد ، چاپ اول، ۱۳۶۹؛ چاپ دوم، ۱۳۷۲.زمینه روانشناسی ، اتکینسون ، ریتا و همکاران . (۱۳۷۸) . جلد اول ، ویراستاردکتر براهنی

شهیدی، شهریار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر شهریار شهیدی به سال ۱۳۴۳ شمسی در تهران ، به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۵۷ برای ادامه تحصیل به کشور انگلستان عزیمت نمود. ایشان پس از کسب مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته روانشناسی ، دکترای روانشناسی بالینی و بهداشت را از University college لندن دریافت کرد.دکتر شهیدی پس از مراجعت به ایران در دانشگاه شهید بهشتی با سمت استادیار و روانشناس مرکز خدمات مشاوره‌ای به فعالیت پرداخته است . گروه : علوم انسانیرشته : روان شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : شهریار شهیدی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۵۷ برای ادامه تحصیل به کشور انگلستان عزیمت نمود. مدرک لیسانس روانشناسی را در پلی‌تکنیک لندن ، فوق لیسانس را با گرایش روانشناسی بالینی در دانشگاه گیلفورد ، و دکترای روانشناسی بالینی و بهداشت را در University college لندن دریافت کرد مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شهریار شهیدی در سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ در بیمارستان سلطنتی رویال فری (Royal Free) لندن با سمت مربی و از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱ در بیمارستان لندن با سمت استادیاری مشغول فعالیت بوده است. پس از مراجعت به ایران در دانشگاه شهید بهشتی با سمت استادیار و روانشناس مرکز خدمات مشاوره‌ای به فعالیت پرداخته است . دکتر شهیدی هم اکنون مدیر مسئول مجله «روانشناسی معاصر» انجمن روانشناسی ایران نیز می‌باشد. چگونگی عرضه آثار : شهریار شهیدی دارای تالیفات و ترجمه کتب

و مقالاتی در زمینه روانشناسی بالینی و ... است.از ایشان ۹ مقاله در مجلات معتبر علمی به چاپ رسیده است.آثار : بهداشت روانی با همکاری دکتر حمدیه ویژگی اثر : تالیف۲ دشت سترون ویژگی اثر : ترجمه

صادقی اردستانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد صادقی اردستانی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۷/۱

صالحی نجف آبادی، نادعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نادعلی صالحی نجف آبادی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب ناد علی صالحی فرزند حیدر علی به شماره شناسنامه ۹۱۰متولد ۱۳۳۷در نجف آباد به دنیا آمدم. تا ششم ابتدائی قدیم را خواندم.از سال ۱۳۵۰وارد حوزه علمیه شدم و در مدرسه الحجه نجف آباد به تحصیل علوم دینی پرداختم در آن حوزه ادبیات و صرف و نحو را در محضر آیهٔ الله ایزدی رحمهٔ الله علیه فرا گرفتم و پس از شرکت در امتحان عمومی حوزه علمیه قم و قبولی در رتبه یک درسال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و شرح لمعه را در محضر حجهٔ السلام مروی و رسایل را در محضر آیهٔ الله صالحی نجف آبادی در مدت چهار سال به اتمام رساندم و هم چنین کفایهٔ را نزد آیهٔ الله ستوده و استاد بزرگوار جناب آقای باقری حاجی آبادی به اتمام رساندم. از سال ۱۳۵۷، سال پیروزی انقلاب تا ۱۳۵۹باز به تحصیل بعضی از بخش های مانده از درسهای قبل پرداختم و ضمنا به درس آیهٔ الله نوری همدانی از قبل از ۱۳۵۷ به بررسی مسایل اقتصادی مربوط می شد نیز حاضر می شدم وسال ۱۳۶۰به عنوان مدیر مدرسه الحجهٔ نجف آباد به تحصیل و تدریس و مدیریت مدرسه اشتغال داشتم از ۱۳۶۱به بعد تا ۱۳۷۲به ترتیب به درس خارج مشغول بودم و از محضر اساتیدی هم چون:

۱-آّیهٔ الله منتظری ۲-آیهٔ الله فاضل لنکرانی ۳-آیهٔ الله صانعی ۴-آیهٔ الله صالحی نجف آّبادی استفاده کردم ضمنا در درس تفسیر

آقای جوادی آملی نیز حاضر می شدم. از سال ۱۳۶۹تاکنون به کار تحقیقی روی آورده ام نتیجه آن تاکنون هفت جلد کتاب بوده و حدود شصت مقاله در زمینه های مختلف و نیز ارائه مشاوره در مجله معارف اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم که در حدود ۲۰شماره چاپ شده است. هم اکنون نیز به دنبال تدوین کتابهای دیگر مانند خانواده بهتر زندگی بهتر، گنجینه حکمت ج ۲ ، بازکاوی اعتقادات شیعه در منابع عامه و غیره هستم. در سال ۱۳۷۱مدارج علمی خارج یک را گرفته ام در رتبه ۲ شهریه می گیرم و بیشتر از راه فروش کتاب ارتزاق می کنم.

صالحی، عبدالکریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالکریم صالحی

محل تولد : خشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب الکریم صالحی در سال ۱۳۴۵ در شهر خشت در خانواده مذهبی دیده به جهان گشودم از آنجائی که علاقه بسیاری به دروس حوزه و مکتب محمد وآل محمد داشتم در سال ۱۳۶۱وارد حوزه علمیه امام صادق (ع) شیراز شدم و در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه مبارکه رضویه تا سال۱۳۶۵ سکونت داشتم و از محضر اساتید حوزه علمیه قم استفاده وافر بردم.

از سال ۱۳۶۵ با مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات همکاری خود را در زمینه آموزش دیدن، تحقیق، اعزام آغاز کردم و تاکنون در زمینه تدریس دوره آموزشی و برگزاری اردوهای دانش آموزی، تدریس روش ادواری ادامه دارد از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷ با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما به مدت ۲ سال در سمت مدیر گروه پژوهشی کودک و نوجوان فعالیت هایی در قالب پژوهش، شرکت در شورای کودک شبکه ۲،شورای محتوایی کودک سازمان صدا و سیما و تنظیم بیش از ۲۰ مقاله و جزوه برای برنامه سازان کودک و نوجوان سازمان و شبکه ها داشتم.

حدود ۸ سال در درس خارج اصول وفقه حضرات عظام سبحانی و مکارم زید عزهما شرکت داشتم و اکنون درس خارج حج آیت اله مکارم را ادامه می دهم. حدود ۵ سال عضو شورای معارف کودک شبکه ۲ بودم اکنون عضو شواری معارف مرکز فرهنگی صبا(تنها مرکز تولید انیمیشن صدا و سیما) هستم- حدود ۳ سال است در دفتر فناوری اطلاعات حوزه علمیه خواهران به عنوان مدیر تولید و فرآوری جهت تبدیل دروس حوزوی و فرهنگی به فرمت های صوتی و تصویری انجام وظیفه می نمایم.تا کنون چندین جلد کتاب در موضوع آموزش معارف به کودک و نوجوان تالیف داشته‌ام. یک مقاله برای همایش نماز در گرگان نوشتم و حائز رتبه شد. و دوره های آموزشی مرکز واردوداری و مدیریت اسلامی را بیش از ۱۲ بار تدریس کرده ام.

صباغیان، زهرا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش و پرورش، دانشکده: علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت (مشاوره و راهنمایی)، دکترا در دو رشته آموزش بزرگسالان و مدیریت آموزش عالی، فوق دکترا در رشته مدیریت و برنامه‌ریزی طرحهای سوادآموزی.

مرتبه علمی:

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۸، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آموزش بزرگسالان، تعلیم و تربیت، مدیریت آموزشی، تدریس دروس مربوطه در رشته‌های مدیریت آموزشی، علوم تربیتی و آموزش بزرگسالان، استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

آموزش بزرگسالان، مدیریت آموزش، تعلیم و تربیت، روشهای سوادآموزی بزرگسالان، شناخت بزرگسال و روشهای سوادآموزی، مسائل و مشکلات سوادآموزی در ایران و مدیریت مؤثر کلاس.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

آموزش بزرگسالان و مدیریت آموزشی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صدر، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد کشاورزی، دانشکده: اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای اقتصاد کشاورزی از آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اقتصاد منابع در مورد عرضه و تقاضای زمین، اقتصاد اسلامی در مورد بانکداری اسلامی در بانک کشاورزی، استاد راهنمای ۷ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد، سابقه تدریس در دانشگاههای شیراز و الزهرا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اقتصاد اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

اقتصاد اسلامی، اقتصاد منابع طبیعی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صدرنبوی، رامپور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر رامپور صدر نبوی در سال ۱۳۱۶ در شهر کاشمر بدنیا آمد.ایشان دارای مدرک دکتری رشته اقتصاد از دانشگاه هایدلبرگ آلمان در سال ۱۳۴۷ می باشد. وی پس از بازگشت به ایران در دانشکده جامعه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد مشغول به کار گردید و پس از طی مراتب و مدارج علمی از استادیاری به دانشیاری و استادی و در سال ۱۳۸۵ به افتخار بازنشستگی نائل آمد.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی گرایش : اقتصاد والدین و انساب : پدر رامپور صدر نبوی حاج سید مهدی فخر العلما است که به سبب ملاحضاتی نام خود را به توصیه و ابلاغ مرحوم احمد قوام السلطنه به صدر العلما تغییر دادند.ایشان بشغل کشاورزی و تجارت شتغال داشتند که بعلت گرایش شدید فلسفی و عرفانی تاجر خوبی نشدند.ایشان از اولاد سید امیر استحق هستندکه شجره آنها به سادلات قائن جمله احمدی ها ،مصطفوی ها ، مجتهدی ها ،مرحوم دکتر مجتهد زاده (استادمعارف اسلامی) می رسد و طبق اظهار خود آن مرحوم نسل سی و ششم تا امام زین العابدین(ع) می باشد. مادر رامپور صدر نبوی دختر حاج رستم قره باغی از تجار بزرگ مشهدبا گرایشهای مشروطه خواهی بوده اند. مادر دکتر صدری نبوی بهمراه برادران و پسر عموهایش به شهرت باقرف در قفقاز بخصوص در قره باغ به فعالیت اقتصادی و سیاسی مشغول بوده ند. پدربزرگ دکتر صدر نبوی ،حاج رستم باقرف به سبب وقایع ۱۹۱۷ روسیه به ایران پناهنده شد و با تابعیت ایران در مشهد زندگی کرد.خاطرات کودکی : رامپور صدر نبوی از خاطرت دوران کودکی خود چنین می گوید": مادر بزرگ پدرم نا بینا شده بود و ما در سایه وجود ایشان در یک خانواده شش نفره زندگی می کردیم.پدرم و مادرم احترام ایشان را به نهایت داشتند.روزی قرار بود برادرم رضا که-هم اکنون استاد روان

پزشکی دانشگاه فردوسی مشهد می باشد- دست مادر بزرگم را گرفته و ایشان را به خانه عمو جانم که دیوار به دیوار منزل ما بود ببرد.منزل عمو جان و پدرم بزرگ بودو درخت فراوان داشت. برادرم که بچه بازیگوش و سربه هوایی بودایشان را در میان درختان رها کرده و خود بدنبال بچه گنجشکی که از آشیانه زود پریده بودرفته بود. پدرم در همین احوال سر رسیده و مادر بزرگم را سرگشته در میان درختان دیده بود. یادم هست دست مادر بزرگ در دست پدرم بود در حالیکه از شدن غضب و عصبانیت فریاد میزد " این رضای پدر سوخته کجاست "وقتی برادرم را پیدا کردند او را به فلک کشده و تنبیه مفصلی شد از آنجایی که برادرم فریاد مکشید مادربزرگم با داد و فریاد و گریه متوقف شدن تنبیه را از پدرم خواست با این کار مادربزرگم یک سکوت عمیقی بر محیط خانواده حاکم شد".اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر و مادر رامپور صدر نبوی هر دو دارای گرایش های سنتی ،اخلاقی و مذهبی نسبتا محکمی داشتند. پدرش به کشاورزی اشتغال داشت و گاه و بیگاه به تجارت نیز می پرداخت . ولی بعلت عقاید و باورهای مذهبی و مطالعات فلسفی توفیق چندانی در این حرفه بدست نیاورد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : رامپور صدر نبوی تحصیلات ابتدایی و سیکل اول متوسطه را در کاشمر گذرانید. او برای ادامه تحصیل در سیک دوم متوسطه به مشهد رفت و سال چهارم و پنجم متوسطه را در مشهد گذراندو دیپلم را در دبیرستان بامداد تهران اخذ کرد.ایشان پس از اخذ دیپلم به المان رفت و در رشته اقتصاد و جامعه شناسی به تحصیل پرداخت و پس از ده سال و اندی با مدرک دکتری اقتصاد از دانشگاه هایدلبرگ آلمان در سال ۱۳۴۷ به ایران بازگشتند.خاطرات و وقایع تحصیل : یکی از خاطرات مهم دوران تحصیل رامپور صدر نبوی محاوره ای بود که در کنگره جامعه شناسان که در شهر هادلبرگ بین پوپرو هربرت مارکوزه درباره دیالیک اتفاق افتاد.فعالیتهای ضمن تحصیل : رامپور صدر نبوی در کنار تحصیل به تدریس و تحقیق و مدیریت گروه جامعه شناسی می پرداخت.استادان و مربیان : پرفسور رولف.واگن فور،پروفسور هانس هالر ،پروفسور هانس هلر ،پروفسور ویلکه و غیره از اساتید رامپور صدر نبوی می باشند.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر جواد شیخ الاسلامی،هلموت کل ،دکتر علی شریعتی ،دکتر حاتری ،دکتر غلامحسین یوسفی ،دکتر سیروس سهامی ،دکتر برادران رفیعی ،دکتر منوچهربیات مختاری ،دکتر منوچهر آشیانی غیره از همدوره ایها و همکاران رامپور صدر نبوی می باشند.همسر و فرزندان : رامپور صدر نبوی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم فرشته رفعت متولی است ایشان دارای دو فرزند دختر بنامهای نازنین (متخصص داخلی) ،فاطمه (دانشجوی دکتری جامعه شناسی) و یک فرزند پسر بنام محمد (دکتری داروسازی) می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : رامپور صدر نبوی عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه فردوسی مشهد بودند.وی همچنین عضو هیئت تحریریه مجله دانش و توسعه دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد می باشد.رامپور صدر نبوی عضو هیئت رئیسه کمیته ویژه توسعه سومین جشنواره ملی طلای سرخ قاینات میباشد.فعالیتهای آموزشی : رامپور صدر نبوی سابقه بیش از سی سال تدریس در دانشگاههای ایران و آلمان را دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : رامپور صدر نبوی از پایه گذاران رشته جامعه شناسی و رشته مدیریت در خراسان و عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد می باشد.چگونگی عرضه آثار : - تعدا مقالات منتشر شده در مجلات داخلی : ۳۰ مقاله - تعداد پایان نامه کارشناسی راهنمایی شده : ۱۱۱ رساله - تعداد پایان نامه کارشناسی ارشد راهنمایی شده : ۳۱رساله آثار : انسان شناسی فلسفی ویژگی اثر : ترجمه- ۱۳۵۰۲ بزرگان جامعه شناسی ویژگی اثر : تالیف- ۱۳۵۴۳ تاریخ جامعه شناسی ویژگی اثر : ترجمه- ۱۳۵۲۴ جامعه شناسی حق طبیعی ویژگی اثر : تالیف-۱۳۵۴۵ جامعه شناسی کار و مشاغل ویژگی اثر : تالیف-۱۳۷۱۶ جامعه و تمدن ویژگی اثر : ترجمه و نگارش- ۱۳۵۱۷ فرد و جامعه ویژگی اثر : ترجمه و تالیف-۱۳۷۰۸ کار و مشاغل با تکیه بر اشتغال زنان ، گفتارهایی در علوم اجتماعی ویژگی اثر : کتاب حاضر به سبب تفاوت و گستردگی مطالب «گفتارهایی در علوم اجتماعی» نام دارد، از پنج فصل تشکیل شده است. فصل اول آن را مقالات و تحقیقاتی مربوط به جامعه شناسی کار، شغل و جامعه شناسی صنعتی، خانواده و اهمیت آن برای جریان تولید، انسانی شدن کار و موارد مشابه تشکیل می دهد. در فصل دوم، نظریه نقش اجتماعی با تکیه بر

نظریات نام آوران این رشته در نظریه های جامعه شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم، به انواع جوامع بشری و نظریه های جامعه شناسی اختصاص یافته که بخشی از آن ترجمه قسمتی از کتاب دانشمند صاحب نام آلمانی «لئوپلدفن ویزه» تحت عنوان «دانش روابط انسانی» است. فصل چهارم هم به بررسی اهمیت حسد به عنوان یکی از عوامل مهم اجتماعی پرداخته که در واقع نوعی جامعه شناسی و روانشناسی حسد است. در فصل پنجم کتاب، مسأله حق طبیعی از نظر مکاتب مختلف اروپایی مانند کاتولیسیسم، مارکسیسم و ناسیونال سوسیالیسم مطرح شده است. این کتاب توسط انتشارات ۵۹ به چاپ رسیده است-۱۳۸۵

صدیقی، اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اصغر صدیقی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اصغر صدیقی در سال ۱۳۳۴ در شهرزیبا و با صفای اصفهان دیده به جهان گشود و در خانواده ای متوسط رشد کرد . سالهای ابتدایی ، راهنمایی و دبیرستان را با موفقیت پشت سر گذاشت . پس ازاتمام سربازی در جلسات و هیئت های مذهبی شهر اصفهان چه به صورت پنهان و چه به صورت آشکار شرکت می جست که اینگونه جلسات خمیرمایه متدین شدن او را فراهم ساخت ، وی در روند شکل گیری انقلاب اسلامی حضور چشمگیری داشت .پس از پیروزی انقلاب به مدت یکسال و نیم در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اصفهان و سیستان و بلوچستان خدمت کرد و در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه مبارکه قم شد و دروس حوزوی را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت ، در خلال این مدت از توفیق شرکت در جبهه های حق علیه باطل بی نصیب نماند در مجموع بیش از یکسال و نیم (۱۹ ماه) از عمر خود را در کنار رزمندگان عزیز اسلام گذراند ، وی در سال ۱۳۶۴ در یکی از دوره های مرکز تربیت مربی شرکت جست و با علاقه بسیاری مراحل ابتدایی و عالی این رشته را طی نموده و به عنوان یکی از شاگردان نمونه آن مرکز شناخته شد ، دوره های مهارتهای تدریس ، روان شناسی عمومی ، ادبیات کودک ، روانشناسی کودک ، سیره عملی پیامبر(ص) و ائمه ، تاریخ اسلام ، بحث داستان و داستانگویی و ... از جمله دوره هایی بود که در این مدت گذراند ، ضمن ادامه تحصیلات حوزوی و شرکت در دروس مراجع عظام و اساتید حفظهم الله در زمینه های تخصصی تربیت مربیان کودک و نوجوان مهارتهایی کسب کرد و در استانهای هرمزگان ، مازندران ، قم ، فارس ، تهران و سیستان و بلوچستان به آموزش و تربیت مربیان کودک و نوجوان پرداخت ، نامبرده ضمن تداوم دروس حوزوی ، مربی گری خویش و همکاری صمیمی با مرکز تربیت مربی دفتر تبلیغات ، از سال ۱۳۷۶ تا کنون با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (قسمت اینترنت) همکاری می نماید ، انشاء الله تاکنون مورد رضایت خداوند تبارك و تعالی بوده باشد

صدیقی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، جامعه شناسی، محقق.

تولد: آذر ۱۲۸۴، تهران.

درگذشت: ۹ اردیبهشت ۱۳۷۰.

غلامحسین صدیقی، فرزند حسین اعتضاد دفتر، تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در تهران در مدارس علمیه، آلیانس و دارالفنون گذراند و سپس در سال ۱۳۰۹ برای ادامه‌ی تحصیل جزو دومین گروه دانشجویان اعزامی به اروپا به فرانسه رفت. در آنجا پس از گذراندن دوره‌ی دانشسرای سن‌کلو و دانشگاه پاریس به اخذ لیسانس و دکترای ادبیات در رشته‌ی فلسفه و جامعه‌شناسی نایل آمد. رساله‌ی دکترای او با عنوان جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری در سال ۱۹۳۸(۱۳۱۷) به زبان فرانسوی در پاریس به چاپ رسید (این کتاب در سال ۱۳۷۲ در تهران به چاپ رسیده است). در سال ۱۳۱۶ به ایران بازگشت و با درجه‌ی دانشیاری در دانشگاه تهران به تدریس تاریخ فلسفه‌ی قدیم و جامعه‌شناسی پرداخت، مدتی بعد هم به مقام استادی دانشکده‌های ادبیات معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) نایل آمد. چندی نیز مدیر کل دانشگاه و چند دوره نماینده‌ی دانشکده‌ی ادبیات در شورای دانشگاه بود. او همچنین در تأسیس انجمن آثار ملی مؤثر بود، و بعدها به ریاست انجمن رسید. او عضو کمیسیون ملی یونسکو و کنگره هزاره ابن سینا بود، و از ۱۳۲۶ الی ۱۳۲۹ در تنظیم مدخل‌های حروف «پ» و «ث» لغت نامه دهخدا فعالیت کرد، در واقع او یکی از پنج نفری بود که همراه خان بابا بیانی، ذبیح‌الله صفا، محمد معین و عبدالحمید اعظمی زنگنه پس از تصویب ماده واحده مربوط به چاپ لغت نامه در چاپخانه مجلس شورای ملی در اواخر ۱۳۲۴ به همکای با دهخدا انتخاب شد.

وی در سال ۱۳۳۰ در هیئت دولت دکتر محمد مصدق به عنوان وزیر پست و تلگراف منصوب شد و پس از مدتی تا سال ۱۳۳۲ وزیر کشور این هیئت دولت بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دستگیر گردید و مدت پانزده ماه در زندان به سر برد. اما پس از آزادی چهار بار دیگر هم به زندان افتاد.

از جمله فعالیت‌های وی در زمینه‌ی فرهنگی تأسیس مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سال ۱۳۳۷ است. این مؤسسه در سال ۱۳۵۱ به دانشکده‌ی علوم اجتماعی تبدیل شد.

دکتر غلامحسین صدیقی همچنان در طول سال‌های عمر خود چندین بار نماینده ایران در کنفرانس‌های بین‌المللی تعلیم و تربیت و یونسکو انتخاب شد. تألیفات وی از این جمله است: از طائیس تا سقراط، گزارش سفر هند (۱۳۲۶)؛ چاپ متن عربی رساله‌ی سرگذشت ابن سینا و چند رساله‌ی دیگر منسوب به ابن‌سینا. وی همچنین مقدمه‌ای بر کتاب اصول حکومت آتن (تألیف ارسطو و با ترجمه و تحشیه‌ی باستانی پاریزی) نوشته است.

دکتر غلامحسین صدیقی پس از تحمل یک دوره بیماری در نهم اردیبهشت ۱۳۷۰ درگذشت.

از فلاسفه و دانشمندان و استادان مسلم دانشگاه است. در ۱۲۸۴ ش تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی و فقه و اصول و ادبیات در تهران به اخذ دیپلم نائل آمد و از طرف دولت برای ادامه‌ی تحصیلی به فرانسه اعزام شد و در رشته‌ی فلسفه لیسانس و دکترا اخذ کرد. پس از مراجعت به ایران به دانشیاری و سپس استادی دانشکده‌ی ادبیات برگزیده شد و سالیان دراز در آن دانشکده تدریس می‌نمود. در ۱۳۳۰ در کابینه‌ی دکتر محمد مصدق،ابتدا وزیر پست و تلگراف و بعد وزیر کشور بود و تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در آن سمت باقی ماند. پس از سقوط مصدق، دو روزی به حال اختفاء می‌زیست تا اینکه به اتفاق مصدق و شایگان، خود را به حکومت جدید معرفی کرد، چند روزی در باشگاه افسران، سپس در زندان لشکر ۲ زرهی زندانی بود. همزمان با محاکمه‌ی

مصدق در دادگاه نظامی او هم محاکمه شد و چندی در زندان بود و او را از کار دانشگاهی اخراج کردند ولی مجددا به کار خود بازگشت و شغل استادی را تا سنین بازنشستگی ادامه داد. ریاست گروه فلسفه و روانشناسی با او بود.

دکتر غلامحسین صدیقی مردی به تمام معنی صدیق و متقی و دانشمند و در عین حال سختگیر و بدون گذشت بود. در وطن‌خواهی و علاقه‌ی او به کشور هیچ‌کس تردید ندارد. او عضویت جبهه ملی را پذیرفت و تا پایان عمر بدان عقیده باقی ماند. در اواخر دوران حکومت شاه هر موقع سخن از نخست‌وزیر ملی می‌شد، نام صدیقی مترادف آن بود. شاه در روزهای سقوط به او متوسل شد تا سکان شکسته‌ی کشتی حکومت را به دست او بسپارد ولی روی شرایط پیشنهادی توافق نشد. شاه در خاطرات خود اشاره می‌کند که شرایط او مورد قبول واقع نشد لیکن واقعیت مطلب این است که صدیقی از زیر بار مسئولیت فرار کرد. زیرا اوضاع و احوال روز خواستار عدم قبولی او بود. وی صاحب تالیفاتی در رشته‌ی تخصصی خود می‌باشد. در سال ۱۳۷۱ در تهران درگذشت و از طرف مردم تشییع جنازه‌ی باشکوهی به عمل آمد.

(۱۳۷۰ -۱۲۸۴ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه، رییس انجمن آثار ملی. در تهران به دنیا آمد. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در مدرسه‌های آلیانس و دارالفنون در ۱۳۰۸ ش به فرانسه اعزام شد. او پس از اخذ دیپلم ادبیات از دانشسرای عالی سن کلود، تحصیلات دوره‌ی دکترا را در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه سوربن آغاز کرد و با تقدیم رساله‌ی خویش تحت عنوان «جنبش‌های دینی ایرانیان در قرن‌های دوم و سوم هجری» دوره‌ی دکترای خویش را به پایان برد. به ایران بازگشت و به خدمت دانشگاه درآمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی شد: معلم جامعه‌شناسی و تاریخ فلسفه، نماینده‌ی دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی در شورای دانشگاه، عضو هیأت نمایندگی ایران در کنفرانس بین‌المللی تلعیم و تربیت در ژنو و بعد با همین سمت در لندن، عضو هیأت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در هندوستان، ریاست نمایندگی در سومین کنفرانس سازمان تربیتی و علمی یونسکو به جهت شایستگی علمی و فرهنگی مدتها عضو هیئت تحقیقی انجمن آثار ملی را بر عهده گرفت. از آثار وی: «از طالس تا سقراط»؛ «گزارش سفر هند». دکتر صدیقی برای مدتی هم با علی ابکر دهخدا همکاری علمی و فرهنگی نمود و تألیف و تنقیح دو جزء «لغت‌نامه» را بر عهده گرفت به پایان رساند. او همچنین در تصحیح تألیفات فارسی منسوب به ابن‌سینا شرکتی فعال داشت.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۱۷، ش ۴ -۱، ص ۱۷۳ -۱۶۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۰ -۶۷۹ / ۴).

ضیاء حسینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش و پرورش، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در رشته آموزش و پرورش.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پژوهش و پی بردن بـه فرضـیه تعـدیلی زبان‌شناسـی مقـابله‌ای بـه نـام Contrastive Analysis Hypothesis The Moderate Version Of، دسـتور تطبیقی انگلیسـی- فارسـی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه دکترا و کارشناسـی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

زبان‌شناسی مقابله‌ای، زبان‌شناسی همگانی و روش تدریس.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی مقابله‌ای، روش تدریس، تهیه مطالب درسی و کاربرد زبان‌شناسی در تفسیر ادبی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ضیایی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین ضیایی نجف آبادی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در اسـتان خوزستان، شهرستان آبادان در یک خانواده کارگری متولد شدم، در سال ۱۳۳۵ (پدر ۵ کلاس سواد ـ مادر ۲ کلاس قرآنی) دوران دبسـتان، راهنمایی و دبیرسـتان (در رشـته ریاضی) را با تلاش و کوشش بسیار و با موفقیت پشت سر گذاردم در سال ۱۳۵۶ به خدمت نظام رفتم و یک سال بعد به فرمان بنیان‌گذار جمهوری اسـلامی ایران حضـرت امام خمینی پادگان را ترک کردیم و پس از پیروزی انقلاب شـکوه‌مند اسـلامی به فرمـان امـام دوباره به پادگانها برگشتیم و به پاس این لبیک‌گویی به فرمان امام(ره) یک سال تشویقی گرفته و از خـدمت نظام بیرون آمـدم. و چنـدی بعـد به فرمان امام(ره) وارد «جهاد سازندگی» شدم ۲۷/۳/۵۸ و با عشق و علاقه خـدمت به روسـتائیان در این نهاد انقلابی به خدمت مشـغول شدم در سال ۱۳۶۱ پس از شکسـته شدن حصر آبادان به اصفهان هجرت نمودم و در کنار کار به تحصیل در مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان (دروس حوزوی) مشغول به تحصیل شدم و پس از تمـام کردن جـامع المقـدمات بـه مـدرسه علمیـه صـدر بـازار رفته و «سـیوطی» را فراگرفتم و در سـال سـوم به مـدرسه علمیه امـام

صادق(ع) رفته و «مُغنی» (باب اول و باب رابع) را فراگرفتم. در سال ۱۳۶۴ تصمیم گرفتم وارد دانشگاه شوم در رشته علوم انسانی ثبت نام نموده و با تلاش و کوشش بسیار موفق شدم در دانشگاه علامه طباطبایی تهران قبول شوم و از مهرماه سال ۱۳۶۵ مشغول به تحصیل در رشته علوم تربیتی با گرایش تکنولوژی آموزشی شدم. در سال ۱۳۶۹ (بهمن ماه) مقطع کارشناسی را با معدل ۷۵/۱۶ به پایان رساندم و تصمیم گرفتم به حول و قوه الهی در مقطع کارشناسی ارشد نیز شرکت کنم، سرانجام پس از دوبار شرکت در کنکور سراسری موفق به قبولی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی در رشته برنامه‌ریزی آموزشی شدم. از مهرماه سال ۱۳۷۲ مشغول به تحصیل شدم و در تاریخ ۷۵.۳.۲۵ این مقطع تحصیلی را نیز با معدل ۱۷.۷۷ به لطف خدا پشت سر گذاشتم. (شایان ذکر است در زمان تحصیل، همکاری فعال با انجمن اسلامی دانشگاه، بسیج دانشجویی و جهاد دانشگاهی داشتم). با توکل بر خدا تصمیم گرفتم آخرین قدم را نیز بردارم و در مقطع دکترا وارد شوم که متأسفانه رشته تحصیلی مرا در داخل نداشتند و باید در خارج از کشور ادامه می‌دادم که به دلیل شرایط زندگی (با داشتن سه فرزند) عملاً نتوانستم وارد این مقطع شوم. تصمیم گرفتم با تقویت زبان انگلیسی، در آزمون وزارت علوم جهت عضویت در هیأت علمی دانشگاهها شرکت کنم که با لطف و عنایت خدا و تلاش شبانه‌روزی موفق شدم در سال ۱۳۷۷ در امتحان مربوط به عضویت در هیأت علمی دانشگاهها، موفق شدم و از آن سال به عضویت هیأت علمی موسسه آموزشی عالی علمی ـ کاربردی وزارت جهاد کشاورزی درآمدم. در این سالیان علاوه بر تدریس دروس عمومی و تخصصی به انجام طرح‌های تحقیقاتی، مقاله‌نویسی و تألیف کتاب نیز پرداخته‌ام و در کنار آن مسئولیتهای اجرایی نیز داشته‌ام که به حول و قوه الهی توانسته‌ام به تکالیف و وظایف محوله به خوبی عمل کنم. همواره عشق به یادگیری مطالب بیشتر در زمینه تخصصم و علوم دیگر در وجودم زبانه می‌کشد و از خداوند سبحان می‌خواهم این عشق و علاقه را همواره در وجودم مستدام بدارد و بتوانم در وهله اول برای خود ، خانواده و فرزندانم و در وهله بعد جامعه‌ام (محیط کاری و دانشجویان دختر و پسری که با آنها سر و کار دارم) مفید و مثمر ثمر باشم.

طاهریان، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد طاهریان

محل تولد : کاشمر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۳

زندگینامه علمی

آقای محمد طاهریان در سال ۱۳۳۷هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان کاشمر دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۴۸ که سالهای خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه کاشمر گردید و در مدرسه

حاج آقا سلطان مشغول تحصیل گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگـان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضـرت معصومه سـلام الله علیها او را راهی حوزه علمیه قم گردانیـد و به مدرسه علمیه حجتیه رفت. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه قم ضـمن انس بـا آسـتان ملکوتی کریمه اهـل البیت حضـرت معصومه سـلام الله علیها با تلاش و کوشـش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضـر شـد و پس از گذراندن سـطوح عالی در سال ۱۳۵۸ به حلقه دروس خـارج راه یـافت. وی در ایام تحصـیل حورزوی از محضر بزرگانی چون آیت الله مشکینی، آیت الله سعیدی، استاد شریعت، استاد فرقانی، استاد مدرس و... کسب فیض کرد.

اسـتاد در کنار تحصـیل دروس حوزوی از تحصـیلات دانشـگاهی غافل نمانـد و در رشـته علوم تربیتی در مقطع کارشناسـی در سال ۱۳۶۰ از مدرسه عالی تربیتی قم فارغ التحصیل گردید. پس از مدتی تحصـیل در قم دوباره به مشـهد بر گشت و بر کرسـی اسـتادی تکیه زد و در دانشـگاههای فردوسی، علوم پزشکی و... به امر تدریس پرداخت که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراونی می باشد. وی در زندگی سراسر علمی خود از امر تحقیق و نگارش و تألیف غافل نماند و ضمن پژوهش در بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی کتب" معاد در افق نهج البلاغه "، "رسـتاخیز از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه "و" درسهایی از نهج البلاغه " را به رشته تحریر در آورده است.

طباطبایی اردکانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب، محقق.

تولد: ۱۲۸۱(۱۳۱۵ ق.)، اردکان (قریه گزلازقرا، سفلای اردستان).

درگذشت: ۱۳ مهر ۱۳۷۲، تهران.

سیـد محود طباطبـایی اردکـانی دارای درجه‌ی کارشناسـی در رشـته‌ی فرهنگ اسـلامی از دانشـگاه تهران در سال ۱۳۴۳ است. وی سپس به تحصیلات خود ادامه داد و در رشته‌ی فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۴۷ موفق به اخذ دکتری شد.

وی از سال ۱۳۵۳ عضو هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی شد. در دانشگاه علامه طباطبایی (در رشته‌ی ادبیات) و دانشگاه تهران نیز تـدریس می‌کرد. سـرپرستی گروه زبـان و ادبیات فارسـی دانشـکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی دانشـگاه علامه طباطبایی نیز به عهده وی بود.

از آثار ایشان است: فرهنگ جامع اردکان؛ بررسـی گویه و ویژگی‌های فرهنگی زبان اردکانی؛ تاریخ تحلیلی اسـلام؛ گزیده و شرح تاریخ بلعمی.

دکتر طباطبایی اردکانی هنگام تدریس در کلاس درس دار فانی را وداع گفت.

سال تولـد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشـته: فرهنـگ اسـلامی، دانشـکده: ادبیـات فارسـی و زبانهـای خـارجی، دانشـگاه: علامـه طباطبائی

زندگینامه

دکتر شادروان سیـد محمود طباطبائی اردکانی در سال ۱۳۱۵ دیده به جهان گشود. بعد از اتمام تحصـیلات متوسـطه، در سال ۱۳۴۳

موفق به اخذ کارشناسی در رشته فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران شد. سپس به ادامه‌ی تحصیلات عالی پرداخت. و سرانجام در سال ۱۳۴۷ در رشته فرهنگ اسلامی موفق به اخذ مدرک دکترا گردید. وی در سال ۱۳۵۳ به عضویت هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی نائل آمد و سرانجام به مرتبه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی ارتقاء یافت.

آقای دکتر طباطبائی اردکانی در تمام دوران دانشگاهی خود به پژوهش در فرهنگ و ادب عامیانه و گویش اردکانی پرداخت. از ایشان ۵ جلد کتاب در زمینه‌های ادبیات فارسی و تاریخ اسلام به جای مانده است. از وی حدود ۷ مقاله درباره‌ی ادبیات و علوم انسانی و تاریخ اسلام در مجلات معتبر داخلی به چاپ رسیده است.

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ اسلامی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

عضویت در هیات علمی دانشگاه ابوریحان سابق در سال ۱۳۵۳، پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پژوهش در فرهنگ و ادب عامیانه و گویش اردکان، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات فارسی و تاریخ اسلام.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبیات و علوم انسانی، تاریخ اسلام.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طبیبی، حشمت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم معقول و منقول از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹، کارشناسی ارشد و علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱، دیپلم سیکل سوم در اقتصاد اجتماعی از دانشگاه پاریس فرانسه در سال ۱۳۴۸، دکترا در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه سوربن پاریس.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مردم‌شناسی فرهنگی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، مبادی و اصول جامعه‌شناسی، تاریخ و جغرافیای کردستان موسوم به تحفه ناصری، مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

طبیبیان، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد، دانشکده: صنایع، دانشگاه: صنعتی اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای علوم اقتصادی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده صنایع دانشگاه صنعتی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

حمل و نقل، انرژی، برنامه‌ریزی سیستم‌ها، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اقتصاد کلان، اقتصاد خرد پیشرفته.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مشکلات نظام بودجه‌ریزی ایران و پیشنهادهای اصلاحی، ملاحظات اقتصادی- اجتماعی انتقال تکنولوژی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

طوسی، اسدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدالله طوسی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر آموزش قرآن کریم را نزد پدر بزرگوارم آموختم آنگاه برای تحصیل وارد مدرسه ابتدایی واقع در محل تولدم در یکی از روستاهای ییلاقی در مناطق جنگلی و خوش آب و هوای مازندران , بخش هزار جریب ساری شدم تا پایه سوم ابتدایی را گذراندم سپس توسط برادر بزرگوارم جناب حجت الاسلام شیخ محمد علی طوسی به شهر مقدس قم آمدم از پایه چهارم ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در این شهر مشغول به تحصیل بودم خرداد سال ۱۳۶۲ موفق به اخذ دیپلم شدم و سال بعد یعنی ۱۳۶۳ به حوزه علمیّه قم وارد شدم . شروع به تحصیلات حوزوی از برکات زندگی حقیر بود . آشنایی با مراکز علمی حوزوی و اساتید و کارشناسان حوزوی و افتادن در وادی علم و تحصیل و تحقیق برای بنده بسیار مغتنم بود .

سال ۱۳۶۷ یعنی وقتی مشغول به گذراندن سطح ۴ حوزه بودم وارد بخش آموزش مؤسسه در راه حق شدم که بعدها به بنیاد باقر العلوم (ع) و سپس به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تغییر نام یافت . پس از اتمام دوره عمومی در سال ۱۳۷۱ دوره تخصصی در رشته تربیتی را آغاز کردم . پس از اتمام دوره تخصصی در سال ۱۳۷۶ از پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم تربیتی با عنوان روش های تربیتی انذار و تبشیر در قرآن با نمره عالی ۵/۱۸ دفاع کردم . فراغت از تحصیلات دوره های مؤسسه همزمان بود با درخواست های برخی دوستان و نیز اساتید برای فعّالیّت در بخش های مختلف آموزشی و پژوهشی که حقیر با فعالیت در مراکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیّه قم موافقت کردم و بعنوان مسئول گروه تربیت و مشاوره ادامه داشت

. همزمان به اتفاق یکی از دوستان دست به ترجمه مجموعه مقالات تخصصی علوم تربیتی از یکی از منابع خارجی شدیم به صورت کتاب با عنوان گامی به سوی نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی چاپ و منتشر گردید .

با افتتاح واحد تربیت مربی اخلاق در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به سرپرستی و هدایت حضرت استاد حاج آقای دکتر تهرانی ، حقیر جذب آنجا شدم و از اولین گروه آموزشی آن واحد بودم سال بعد از آن خود نیز بنا به درخواست و لطف و عنایت استاد وارد فعّالیّت های واحد شده و سپس به عنوان مسئول واحد تربیت مربی اخلاق تا کنون مشغول به انجام وظیفه هستم .

همزمان با فعال بودن در واحد تربیت مربی اخلاق فعالیت هایی نیز در حوزه آموزش و پرورش داشتم.

عابدین درکوسن، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد، دانشکده: اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته اقتصاد از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۵۲، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته اقتصاد از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی آمریکا در سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اقتصاد شهری از قبیل مسکن، حمل و نقل، اقتصاد منطقه‌ای، استاد راهنمای ۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اقتصاد شهری.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

اقتصاد شهری (مسکن و مهاجرت) و اقتصاد منطقه‌ای.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عابدین، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علیرضا عابدین ، تحصیلات دانشگاهی خود را در مقطع کاردانی علوم سیاسی، در لورکلمبیا کالج، لانگ ویو، واشنگتن آغاز و در سال ۱۳۶۰به پایان برد.ایشان تحصیلات خود را در دانشگاه ایسترن واشنگتن، چینی، واشنگتن تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی بالینی ادامه داد و در سال ۱۳۶۵ موفق به اخذ مدرک فوق گردید.نامبرده همچنین مدرک دکترای روانشناسی بالینی، را از دانشگاه روانشناسی حرفهای کالیفرنیا، برکلی، کالیفرنیا، در سال ۱۳۷۴دریافت کرده است.وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه روانشناسی, دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی بالینی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی دکتر علیرضا عابدین به ترتیب زیر است: دکترای روانشناسی بالینی، دانشگاه روانشناسی حرفهای کالیفرنیا، برکلی، کالیفرنیا، ۱۳۷۴. متخصص مشاوره بیماران معتاد، کالج اسپکن فالز، اسپکن، واشنگتن، ۱۳۶۶. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه ایسترن واشنگتن، چینی، واشنگتن، ۱۳۶۵. کارشناسی جامعه شناسی و علوم سیاسی، دانشگاه ایسترن واشنگتن، چینی، واشنگتن، ۱۳۶۳. کارشناسی روانشناسی، دانشگاه ایسترن واشنگتن، چینی، واشنگتن، ۱۳۶۲. کاردانی علوم سیاسی، لورکلمبیا کالج، لانگ ویو، واشنگتن، ۱۳۶۰. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریتی علیرضا عابدین به قرار زیر است: . سرپرستی کلینیک تخصصی خانواده و کودک دانشگاه شهید بهشتی تاریخ: ۱۳۸۴ – تاکنون معرف: دکتر مظاهری وظایف: نظارت فعالیتهای روانشناسی کلینیک شامل روان درمانی و آزمونهای روانشناختی؛ تدریس کلاسهای روانشناسی و بین رشتهای ۲. مدیرعامل افقهای نوین تحول تاریخ: ۱۳۸۳ – تاکنون معرف: هیأت امناء موسسه وظایف: مشاوره، تحقیق و توسعه و اجرای برنامههای آموزشی و تجربی در راستای مدیریت سازمانها با تاکید بر بعد انسانی ۳. سرپرست روانشناسی درمانگاه شماره ۱، انستیتو روانپزشکی تهران تاریخ: ۱۳۸۱ - ۱۳۸۴ معرف: دکتر مجد وظایف: نظارت فعالیتهای روانشناسان و انترنها شامل تستهای روانشناسی و خدمات درمانی، آموزش تعداد کلاسهایی مانند آسیبشناسی، روانشناسی رشد، خانواده و گروه درمانی و مصاحبه تشخیصی ۴. رئیس کامیونیتی ساپورت نت ورک، سانتارزا، کالیفرنیا تاریخ: ۱۳۷۲ – ۱۳۷۹ معرف: هیأت امناء سی اس ان وظایف: پیشبرد برامههای بالینی، طرح و اجراء بودجه، جذب، رشد و همکاری با هیأت امناء، مدیریت پرسنل ۵. درمانگر سرپایی پتلوما هلت سنتر، بیمارستان راس، پتلوما، کالیفرنیا تاریخ ۱۳۷۳ – ۱۳۷۵ معرف: دکتر استیو هیوبرت وظایف: آموزش و پیشگیری از سوء استفاده مواد مخدر، مداخله و درمان از طریق تشخیص و مصاحبه (خانواده، گروه، فردی) و مشاوره سوء استفاده مواد مخدر ۶. مشاوره سرپایی فمیلی سرویس ایجنسی سان متیو کانتی، برلین گیم، کالیفرنیا تاریخ: ۱۳۷۰ – ۱۳۷۱ معرف: دیوید فیشر وظایف: مشاوره ازدواج، خانواده، کودک، فردی و گروهی ۷. درمانگر سرپایی مرکز سلامت روان بخش سان متیو، گروه تشخیصهای همبودی، کالیفرنیا تاریخ: ۱۳۶۹ – ۱۳۷۱ معرف: دکتر گیفین و دکتر ولکاو وظایف: مدیریت موردهای بالینی، آزمونهای روانشناختی، خدمات آسیب شناسی انفرادی و گروهی برای بیماران بزرگسال و کودکان بزهکار ۸.درمانگر سرپایی نیوپرسپکتیوز مرین، لارکسپر، کالیفرنیا تاریخ: ۱۳۶۸ – ۱۳۶۹ معرف: دکتر پاول گود وظایف: آموزش پیشگیری از مواد مخدر، مداخله و درمان نوجوانان ۹.معاونت درمان و پیشگیری از سوءاستفاده مواد مخدر، نیوهرایزن کرسنتر، اسپکن، واشنگتن تاریخ: ۱۳۶۴ – ۱۳۶۸ معرف: هال لتزنهیسر وظایف: اشغال ۹۰٪ ماتریکس تختهای درمان، ناظر کادر درمان، همکاری و مشارکت با دیگر سازمانها، طرح و اجرا بودجه ۱۰. درمانگر کامیونیتی منتال هلت سنتر (مرکز سلامت روان)، استیت منتال هلت (مرکز ایالتی سلامت روان)، واشنگتن تاریخ: ۱۳۶۴ – ۱۳۶۵ معرف: دکتر سالتراپ و گیل برگهارد وظایف: مداخله در بحران و درمان بالینی ۱۱. دستیار بخش روانشناسی، دانشگاه ایسترن واشنگتن، چینی تاریخ: ۱۳۶۴ – ۱۳۶۶ معرف: دکتر

فیل انست و دکتر گیل هیکس وظایف: حمایت و هدایت دانشجویآن سال اول کارشناسی ارشد، همکاری در تدریس کلاس‌هایی مانند آمار پیشرفته، فیزیولوژی، آسیبشناسی دارای گواهینامه های تخصصی: کارشناس حرفهای سلامت روانی کارشناس مشاوره الکل و مواد مخدر کارشناس توانبخشی اجتماعی سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شرکت در فعالیتهای پیوسته حرفه ای : انجمن روانشناسی آمریکا کمیته تعلیمات اینلند ایمپایر سازمان مبارزه با اعتیاد به الکل عضو سای کای سازمان توانبخشی اجتماعی کالیفرنیا سازمان بین المللی توانبخشی روانشناسی نظام روانشناسی و مشاوره ایران

عالمی، محمدضامن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ضامن عالمی

محل تولد : سراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱۲/۱۴

زندگینامه علمی

اینجانب محمد ضامن عالمی متولد ۱۴/۱۲/۴۸ در یک خانواده متدین و مذهبی متولد شدم به خاطر علاقه وافر پدرم و توجیه ایشان به روحانیت به درس حوزوی توجه خاص پیدا کردم که در سال ۶۳ با ورود به حوزه علمیه امام هادی (ع) درس حوزوی رسماً آغاز و بنده به عنوان طلبه مشغول فراگیری دروس حوزوی شدم.

بعد از مدتی به خاطر ادامه تحصیلی راهی جمهوری اسلامی ایران شدم و در ابتدا ورود به حوزه علمیه صادقیه سمنان رفتم که با راهنمای دلسوزانه و پدرانه جناب استاد نصیری در پذیرش سال ۶۸ که از طرف مرکز جهانی علوم اسلامی برگذار شد شرکت کردم و در مرحله اول قبول شدم و بعد از این سال درسهایم جدی تر شروع شد و با علاقه شدید که داشتم در مدتی بسیار کوتاهی دروس سطح تمام شد و یک سال درس خارج خوانده بودم که از طرف مرکز جهانی سازمان مدارس خارج از کشور و مجمع روحانیون غزنی به عنوان مدرس عازم افغانستان شدم و از سال ۷۳ تا اواخر ۷۵ مشغول تدریس و نظارت بر مدرسه و حل دعاوی مردم بودم و در سال ۷۶ دوباره به حوزه مقدسه قم برگشتم و درسها کمافی السابق با جدیت شروع شد و سال دوم خارج را با درسهای فقه آیهٔ الله العظمی تبریزی قدس سره الشریف و اصول آیهٔ الله وحید خراسانی آغاز گردید.

و همزمان با درسهای که می رفتم کارهای تحقیقاتی در موسسه دارالصدیقهٔالشهیدهٔ که زیر نظر آیهٔ الله العظمی تبریزی اداره می شد شروع کردم. و در سال ۱۳۸۴ با معرفی مرکز جهانی به موسسه عالی علوم انسانی فعلاً مشغول تحصیل آخرین ترم از روانشناسی می باشم. این بود اجمالی از گذشت روزهای که در آن مشغول به تحصیل بوده ام که بطور فشرده و خلاصه خدمت تقدیم شد شاید بتوان گفت زندگی علمی.

این شعار هر مسلمانی است که به عزت اسلامی می اندیشد. خدایا این یگانه آرزوی ما است تا انقلاب مهدی از نهضت خمینی محافظت بفرما خامنه ای رهبر به لطف خود نگهدار. آمین یا رب العالمین.

عباسپور، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد عباسپور

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحت تأثیر اقامت پیشین حضرت امام (ره) در فرانسه در سال ۵۸ برای ادامه تحصیل به فرانسه رفتم ولی به دلیل عدم تناسب فرهنگی پس از حدود دو ماه به کشور بازگشتم و مدتی در جهاد سازندگی به امور فرهنگی مشغول شدم پس از آن به حوزه علمیه قم آمـدم و به تحصـیلات حوزوی مشـغول شدم، در کنار دروس رسـمی حوزه به مدت ۴ سـال در مؤسـسه در راه حق دوره معارف اسلامی را گذراندم سپس در سال ۷۰ به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه وارد شده و پس از طی دروس آموزشی در رشته روانشناسی از مقطع کارشناسی تـا کارشناسـی ارشـد و اخـذ مـدرک کارشناسـی ارشـد در سـال ۷۹ از آن مرکز و نیز در همیـن زمـان مـدرک کارشناسی علوم تربیتی را از دانشگاه پیام نور ساوه دریافت کردم.سپس از همان زمان به امر پژوهش در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه مشـغول شـدم و کتبی را به صورت گروهی به اتمام رسانیـدیم، و اکنون نیز پژوهشـی در زمینه اضـطراب با نگاه دینی در دست اجرا دارم. ضــمناً در خلاـل انجـام کارهـای پژوهشــی از کلاســهای آموزشــی نظیر دوره هـای متعـدد کـامپیوتر و زبـان انگلیســی و نیز کارگاههـای متنوع آموزشـی و شـرکت در سـمینارها بهره برده‌ام. اینجـانب عضو سازمـان نظام روانشناسـی جمهوری اسـلامی ایران می‌باشم، و مـدتی با مرکز مشاوره مرکز جهانی علوم اسـلامی همکاری داشـته‌ام، و در این مرکز و جامعـهٔ الزهراء و دانشـگاه مفید و دفتر تبلیغات اسـلامی حوزه علمیـهٔ قم به تدریس دروس مختلف روانشناسـی پرداخته‌ام و در مقاطعی هم در سـپاه پاسداران تهران به تدریس در کلاسهای محوله مشغول بوده‌ام.

عبداللهی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد عبداللهی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد عبداللهی متولد سال ۱۳۵۵هجری شمسی متولد یکی از روستاهای شهرستان شاهرود بنام حسین آباد کالپوشاز توابع خش میامی هستم. تحصیلات اینجانب درمقطع راهنمائی ومحل مذکور و سپس به دبیرستان و از آنجا راهی حوزه قم شدم وهم اکنون در درس خارج استاد آیه الله سبحانی شرکت نموده و از تفسیر حضرت آیه الله جوادی بهره جسته همچنین از محضر آیه الله استادی، استاد علیدوست، استاد حسینی قزوینی..... نیزاستفاده نموده ام. ضمن اینکه در مقطع کارشناسی رشته علوم تربیتی موسسه امام خمینی(ره) نیز مشغول می باشم.

در بخش کودک و نوجوان نیز اینجانب مربی این بخش می باشم و دراین زمینه کتابهایی به صورت شعر کودک تالیف نموده ام که به عللی هنوز به چاپ نرسانده ام .اینجانب درموسسه قرآن و نهج البلاغه در بخش آموزش و برنامه ریزی و تحقیقات مشغول و به حفظ قران کریم و نهج البلاغه خدمت می کنم کتابهای به چاپ رسیده در بخش تحقیقات این موسسه راه روشن ج ۱/۲است که توسط گروه تحقیقی این موسسه در بخش حکمتهای نهج البلاغه به چاپ رسیده است.

عبدی، حمزه

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمزه عبدی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمییه قم شدم، در آن سال ۱۸ سال داشتم یعنی متولد ۱۳۵۰. در مدرسه کرمانیها دروس حوزوی خود را آغاز کردم، سال چهارم حوزه را در مدرسه امام صادق نیروگاه ادامه دادم. پایه ششم را در مدرسه رضویه ادامه دادم، سالهای پایانی درس تا پایه ۱۰ را خارج از مدرسه خواندم.اکثر اساتیدم که بیشترین بهره را بردم، آقایان حجج اسلام پرنده غیبی، موسوی گرگانی، حسینی خراسانی، موسی تبریزی.درس سطح را نیز در محضر آقایان حسنی خراسانی، سید احمد خاتمی، هادوی تهرانی، علی دوست.درس خارج : آیت الله شیخ جواد تبریزی و آیت الله سید احمد مددی.در سال ۱۳۷۶ وارد موسسه امام خمینی شدم. در سال ۱۳۸۰ در رشته روان شناسی مدرک کارشناسی اخذ کردم.در سال ۱۳۸۲ کارشناسی ارشد رشته روان شناسی قبول شدم و هم اکنون مشغول پایان نامه هستم.از سال ۱۳۷۵ تاکنون با موسسه دارالحدیث همکاری داشتم و الآن همکار بخش (روان شناسی و حدیث) پژوهشکده دارالحدیث هستم.محصول این همکاری چند مقاله و طرح تحقیقی بوده است که ۲ مورد از آن در گزارش

مقاله ها آمده است.

عرفانی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی عرفانی

محل تولد : حومه بویین زهرا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۱ مقابل مدرسه مرحوم آیت الله نجفی مرعشی پس از تظاهرات دستگیر شدم و به شهربانی (خیابان باجک) انتقال یافتم و چندین ماه در زندان بودم. بعد از دو ماه تعداد دیگری از طلاب و دانشجویان را دستگیر کردند و به زندان آوردند، سپس به شیراز و شهر کازرون منتقل کردند، بعد از چهار ماه به آباده شیراز آوردند. مدت یک سال و هشت ماه در ضد اطلاعات و گردان آباده شیراز تحت نظر بودم. در قزوین دستگیر شدم، به سازمان امنیت بردند، لکن آزاد شدم. اسلام‌شهر تهران، جلسات هفتگی دعوت داشتم، به علت سخنرانیهای سیاسی و انقلابی تحت تعقیب بودم و فراری. سال ۵۶ و ۵۷ سخنرانی در راهپیمایی‌ها (روی ماشینها و پشت بام‌ها وتحت تعقیب و فراری). مستقر نمودن کمیته‌های بعد از پیروزی و جهاد سازندگی و خدمات فرهنگی. شرکت در خطوط مقدم جبهه (چهار حمله) رزمی و تبلیغی. تدریس در دانشگاه‌های اصفهان، تهران، استان فارس (آباده)، قزوین، تفرش و... تألیف کتب متعدد و جزوات درسی جهت تدریس در دانشگاه‌ها. آموزش اسلحه‌شناسی به اعضای کانون ارشاد. تأسیس کانون ارشاد و پرورش فکری جوانان...

عسکری پاشایی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عسکری پاشایی سال ۱۳۱۸ در شهر ساری به دنیا آمده است. دوران ابتدایی و دبیرستان را در زادگاهش - ساری - گذراند، در سال ۱۳۳۸ وارد دانشسرای عالی تهران شد و در آنجا مشغول به تحصیل در رشته فلسفه و علوم تربیتی شد. در سال ۱۳۴۱ فارغ التحصیل شد. گفتن و نوشتن از آثار و ترجمه های ع. پاشایی کاری بس سخت است. ترجمه های متنوع و بسیار خوانده اش خوانندگان را برآن می دارد که دیگر اثرهایش را با دقت بیشتری بخوانند. حضور او به عنوان مترجمی توانا در تاریخ ادبیات ایران به ثبت خواهد رسید. باشد که از او در سالهای بعد ترجمه های دیگری ببینیم.گروه : علوم انسانیرشته : علوم تربیتیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : عسکری پاشایی در دامان مادری غمخوار و پدری مهربان. او آخرین فرزند خانواده بود و در کنار دو برادر و یک

خواهر با آرامش یک خانواده حقیقی ایرانی رشد کرد و همین آرامش را می توان در آثارش نیز دید و به وضوح دریافت کرد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : عسکری پاشایی دوران ابتدایی و دبیرستان را در زادگاهش – ساری – گذراند، در سال ۱۳۳۸ وارد دانشسرای عالی تهران شد و در آنجا مشغول به تحصیل در رشته فلسفه و علوم تربیتی شد. در سال ۱۳۴۱ فارغ التحصیل شدخاطرات و وقایع تحصیل : در آن دوره برای مقطع کارشناسی پایان نامه ای در نظر نمی گرفتند اما باید مقاله ای تهیه می کردند، عسکری پاشایی نیز به پیشنهاد دکتر هومن مقاله ای درباره آیین بودا – که بسیار مورد علاقه اش بود و در طی سه سال دانشسرا مشغول به خواندن آن بود – نوشت و بعدها در حدود ۱۰ کتاب در همین زمینه از پاشایی به صورت تألیف و ترجمه به جامعه ادبی و هنر دوست عرضه شده که این کتاب ها در نوع خود کتاب های کامل و خوبی هستند و برای کسانی که به این آیین علاقه مندند یا تحقیق و پژوهشی در این زمینه دارند بسیار ارزشمند است.استادان و مربیان : پاشایی در دانشسرای عالی دکتر هومن را تنها استاد خود می داند.فعالیتهای آموزشی : عسکری پاشایی بعد از آن به مدت یازده سال در شهر ساری مشغول به تدریس در دبیرستان های ساری بود اما بعد از مشکلاتی که ساواک برایش به وجود آورد دیگر ممنوع التدریس و از نظر اداری به تهران تبعید شد و همین امر سبب شد که بعد از آن تمام وقت خود را صرف نویسندگی، ترجمه و ویراستاری بکندچگونگی عرضه آثار : در زمینه کتاب شناسی پاشایی باید آثار عسکری پاشایی را به سه سمت ویرایش، ترجمه و تألیف تقسیم کرد؛ ابتدا ترجمه های او که خود چند زمینه دارد: ۱– درزمینه آیین بودا ۲ – ذن، از آیین بودا ۳– هند ۴ – چین ۵ – ژاپن ۶ – سرخ پوستان ۷– شعر هند و جهان. در زمینه آیین بودا آثار پاشایی مانند فرهنگی است که برای ورود به دنیای بودا هر یک از آن تألیفات و ترجمه ها می تواند گامی مؤثر محسوب شوند دراین زمینه می توان به کتاب های زیر اشاره کرد: «بودا»، «هینه یانه – از تاریخ آیین بودا» و ... و در بخش دیگر آثار ترجمه پاشایی در زمینه ذن از آیین بودا نیز می توان به : «ذن چیست؟»، «روش ذن»، «ذن در هنر کمان گیری» و ... اشاره کرد در زمینه ژاپن نیز می توان به کتاب هایی؛ «هایکو شعر ژاپنی»، «صد هایکوی مشهور»، «لاک پوک زنجره»، «تاریخ فرهنگ ژاپن»، «جان ژاپنی» و «ژاپن: روح گریزان» اشاره کرد. . یکی از جنبه های تحقیقی پاشایی بررسی آثار شاملو است. در زمینه شعر شاملو کتاب های «از زخم قلب...»، «انگشت و ماه» و «نام همه شعرهای تو» (دوجلد) حاصل پژوهش های ع. پاشایی است. آثار :«چیق مقدس ویژگی اثر : ترجمه، درزمینه سرخ پوستان۲ آشوکا و تمدن هند ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه هند۳ آیین بودا ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه آیین بودا۴ از زخم قلب ویژگی اثر : : «از زخم قلب...» گزینه ای از شعرها و خوانش شعر احمد شاملو – شاعر معاصر – است که شامل شعر و زبان، خوانش شعر، پدیده شناسی و نمونه هایی از خوانش شعرهای از زخم قلب آمال جان، از زخم قلب ...، مرگ نازلی، تقابل گفتن و خاموشی، ماهی، ماهی یقین میلاد، باغ خیال های اسطوره ای و دردآگاهی، هنوز در فکر آن کلاغم، بررسی لحن در هنوز در فکر آن کلاغم، خاطره، زنجیر مسخ آوازهای درد و نمونه اشعار. در پیشگفتار این کتاب می خوانیم: «هر خواننده آغازگر شعر بی گمان و به ناگزیر در راه خواندن شعر پرسش هایی دارد که راه را با آنها آغاز می کند، پرسش هایی از این گونه: چرا شعر می گویند؟ چرا زبان شعر این همه با زبان آشنای معمولی فرق دارد؟ و... برای پاسخ دادن به این پرسش ها است که این کتاب نوشته شده است. هم در دو گفتار شعر و زبان و خوانش شعر. در سراسر کتاب می کوشیم به این پرسش ها پاسخ دهیم، آن هم در عمل، نه به طور نظری. خوانش شعر در این کتاب به معنی درک روح و فرم شعر است و برای رسیدن به این مقصود راه پرسش از خود و سعی در پاسخ به آن پرسش ها را در پیش گرفته ایم و در این راه یک شیوه ثابت را در نظر نداشته ایم. ۵ انگشت و ماه ویژگی اثر : : کتاب «انگشت و ماه» از دیگر آثار تألیفی ع. پاشایی محسوب می شود که در راستای تحقیقات او پیرامون خوانش اشعار شاملو صورت گرفته است. این کتاب خوانش نه شعر را در برمی گیرد که نخست در سوئد با عنوان فرعی نظاره هشت شعر شاملو – چاپ شده بود اما پاشایی تصمیم به بازخوانی مجدد می کند و با دستکاری در برخی فصل ها و رعایت شیوه جدید تر کتابت و نکات تازه به خوانش نه شعر مرگ ناصری، هنوز در فکر آن کلاغم، ترانه آبی، باران، صبح،

رستاخیز سلاخی می گریست، شبانه اقدام کرده است. این اثر در واقع نظاره ای در نه شعر شاملو است همراه با یکی دو مقاله، پس نمی تواند شناخت شاملوی شاعر باشد و درواقع می تواند شرایطی را فراهم آورد که خواننده علاقه مند شود تا دیگر آثار شاملو را مورد مطالعه قرار دهد.۶ بودا ویژگی اثر : «بودا» از جمله آثار ترجمه در زمینه بودا است که راه گشای ورود به اندیشه بودا است. این کتاب متن هایی است که از کتاب بسیار کهن بودایی از مجموعه معروف به سه سبد یا به اصطلاح بوداشناسان اروپایی، کانون پالی، درباره بودا، آیین او و انجمن کهن رهروان بودایی فراهم آورده و از زبان انگلیسی به فارسی برگردانده شده است. این کتاب درواقع گزارش تاریخی آیین بودا نیست. در این کتاب که به دو بخش تقسیم شده در بخش اول دفتر اول: آیین، دفتر دوم: زندگی بودا و دفتر سوم انجمن رهروان آشنا می شویم و در بخش دوم؛ متن های بودایی، نمونه هایی از کانون پالی، انجمن رهروان در کانون پالی را مشاهده می کنیم. ۷ بی دلی در ذن ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ذن، از آیین بودا۸ بیداری ایمان در ماهایانه ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه آیین بودا۹ تاریخ فرهنگ ژاپن ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ژاپن۱۰ تاریخ فلسفه چین ویژگی اثر : تاریخ فلسفه چین باستان، چوجای و وینبرگ جای نیز یکی دیگر از آثار ترجمه پاشایی در زمینه چین است. این کتاب راهنمای ساده و خواندنی در حوزه مجذوب کننده ولی پیچیده است، برای آنانی که با فلسفه آشنا نیستند. در این کتاب ابتدا گزارش کوتاه زندگی هر فیلسوف آورده شده است دوم بحثی درباره تعلیم های او با تأکید مهمترین ویژگی آن. سوم بررسی تأثیرهای اجتماعی و سیاسی مؤثر در او و جهان نگری او در آخر مقایسه او با فیلسوفان بزرگ دیگر - تا ببینیم که فرزانگان گوناگون که با آنها رقیب بوده اند چگونه در همان حال مکمل یکدیگر نیز بوده اند و چگونه اندیشه ها و نوشته های گذشتگان و یکدیگر را به کار می برند و در پایان برآورد تأثیر فیلسوف مورد بحث در شکفته شدن اندیشه چینی. مترجم کتاب اظهار می دارد: فلسفه چینی آمیزه ای از (مفهوم های) ایده آلیستی و واقع بینانه، اخلاقی ولی متافیزیکی است این تا حدی از تماس میان دو دستگاه بزرگ اندیشه چینی، دبستان دائو، دبستان کنفوسیوسی، پیدا شده است اگر برآن باشید که فلسفه چینی را بفهمید باید این روح ترکیب را در اندیشه داشته باشید. ۱۱ جان ژاپنی ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ژاپن۱۲ دائو رابطه ها ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه چین۱۳ دائو؛ راهی برای تفکر ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه چین۱۴ دعوت به تمرین ذن ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ذن، از آیین بودا۱۵ ذن چیست ویژگی اثر : «ذن چیست؟» کتابی است که راهگشای ورود به دنیای ذن است. در پیشگفتار این کتاب می خوانیم: «با جناب احمد شاملو کتابی درباره هایکو - که قسمتی شعر کوتاه ژاپنی است - آماده می کنیم از آنجا که هایکو سرشار از اندیشه ها و جهان نگری بودایی ذن است، خواننده برای فهمیدن این شعرهای کوتاه - و نیز به طور کلی فهم هنرهای ژاپنی و چینی - لازم است که به طور کلی با ذن آشنا شود. از این رو این کتاب فراهم آمد تا روزنی باشد گشوده به بخش بنیادی جهان نگری چینیان و ژاپنیان ذن که به چینی چن خوانده می شود - در طی قرن ها به آرامی در راه و رسم زندگانی چینی و ژاپنی چنان عمیق ریشه دوانده است که اکنون بی آشنایی به آن آگاهی به فرهنگ این دو ملت کاری ناممکن است.» پاشایی در بیان «ذن چیست» زبانی ساده وقابل فهم را انتخاب کرده است و کوشیده که از بیان فنی ذن دور شود تا طیف وسیع تری بتوانند از این کتاب استفاده کنند. در این کتاب با مطالبی چون از هند به چین - ذن منطق گریز - ذن چیست؟ - ساتوری یا ندانستگی - شناسایی شهوری - یگانگی با طبیعت - کو - آن - ذندو و راه و رسم رهروی نظر کلی به فرهنگ هنری ژاپن - مراحل کمال معنی ده تصویر گاو و گاوچران و در پایان فهرست نام ها و مفهوم ها روبرو می شویم. ۱۶ ذن در هنر کمان گیری ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ذن، از آیین بودا۱۷ ذن در هنر گل آرایی ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ذن، از آیین بودا۱۸ ذن و فرهنگ ژاپنی ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ذن، از آیین بودا۱۹ راه آیین ویژگی اثر : «راه آیین» نیز از سری کتاب های نگاه معاصر درباره بودا است که با همت پاشایی ترجمه و تألیف شده است. این کتابها از متن بسیار معروف بودایی است.۲۰ راه بودا ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه آیین بودا۲۱ روش ذن ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ذن، از آیین بودا۲۲ ژاپن: روح گریزان ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ژاپن۲۳ سخن بودا ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه آیین

بودا۲۴ صدهایکوی مشهور ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ژاپن۲۵ فراسوی فرزانگی ویژگی اثر : «فراسوی فرزانگی» نیز از سری کتابهای آیین بودایی است که درواقع عرفان بودا را به تصویر کشیده است. این کتاب پژوهشی است در کهن ترین سوتره ها یا سوره های عرفانی بودایی هند که به سوره های پرکیا پارمیتا که به کمال فراشناخت معروف است این سوره ها هسته و نوراندیشه های بنیادی مهایانه را در خود دارند و مادر مکاتبی چون ذن به شمار می آیند.۲۶ کلیدهای ذن ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ذن، از آیین بودا۲۷ گوزن سیاه سخن می گوید ویژگی اثر : ترجمه، درزمینه سرخ پوستان۲۸ لاک پوک زنجره ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ژاپن۲۹ ماه نو و مرغان آواره ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه هند۳۰ نام همه شعرهای تو ویژگی اثر : در زمینه احمد شاملو ۳۱ نگارگری و معماری بودایی ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه آیین بودا۳۲ نیلوفر عشق ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه هند۳۳ هایکو، شعر ژاپنی با همکاری احمد شاملو ویژگی اثر : هایکو، شعر ژاپنی، از آغاز تا امروز» نیز عنوان دیگری از تألیفات ع. پاشایی است که با همکاری احمد شاملو انجام شده است. در این کتاب سعی برآن آمده مخاطب بیش از هر چیز با فرهنگ ژاپنی و حساسیت های شعری مردم ژاپن آشنا شود. در مقدمه مؤلف می خوانیم: هایکو به دو معنی است. مثلاً وقتی می گوییم هایکو دارای چنین و چنان صفات است منظور ما همان شعرهای هفده هجایی است که امروزه گاهی کمتر از هفده هجاهم دارد. معنای دوم آن اشاره است به گرایش یا حالت شاعرانه جان شاعران هایکو سرا که این خود راه زندگی آنهاست، طریقت آنها است. ذن، از نظر پیوندش با شعر، با مفهوم آغازین مانای پلی نزیایی همانند است.۳۴ هستی بی کوشش ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه هند۳۵ هند و همسایگانش ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه هند۳۶ هندوئیسم ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه هند۳۷ هینه یا نه ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه آیین بودا

عسگری خانقاه، اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر اصغر عسگری خانقاه در سال ۱۳۱۷ در خلخال متولد شد.پس از اتمام دوره های ابتدایی و متوسطه ،در لنگرود و رشت ،و بعد از پایان دوره پارازینولوژی و مالاریا لوژی از دانشکده بهداشت دانشگاه تهران، به عنوان میکروسکپیست در آزمایشگاههای وزارت بهداری در شهرستانهای رشت، هشتپر، لاهیجان، رودسر، رامسر و چالوس شروع به کار کرد. سالها بعد برای ادامه تحصیل در رشته داروسازی به کشور بلژیک رفت و سپس به عنوان نماینده شرکتهای بزرگ دارویی همچون رون پولنگ (اسپسیا) و ساندوز، در ایران مشغول کار شد و در ضمن کار به تحصیل در رشته روزنامه نگاری و مطبوعات پرداخت و در سال ۱۳۵۰ از دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی فارغ التحصیل شد و بعد دوره دو ساله مدیریت و برنامه ریزی اجتماعی را در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران به اتمام رساند. ایشان در سال ۱۳۵۲ به کشور فرانسه رفت و از دانشگاه پاریس موفق به اخذ دکترا در انسان شناسی زیستی شد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه تهران می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : انسان شناسی گرایش : انسان شناسی زیستیوالدین و انساب : نام پدر: اوسط تحصیلات رسمی و حرفه ای : اصغر عسگری خانقاه دوره تحصیلات ابتدایی را در شهرستان انزلی در دبستان سعدی گذراند. دو سال اول دبیرستان را در دبیرستان داریوش لنگرود و سالهای بعد را در دبیرستان شاهپور رشت به اتمام رساند. بعد از پایان دوره پارازینولوژی و مالاریا لوژی از دانشکده بهداشت دانشگاه تهران، به عنوان میکروسکپیست در آزمایشگاههای وزارت بهداری در شهرستانهای رشت، هشتپر، لاهیجان، رودسر، رامسر و چالوس شروع به کار کرد. سالها بعد برای ادامه تحصیل در رشته داروسازی به کشور بلژیک رفت و سپس به عنوان نماینده شرکتهای بزرگ دارویی

همچون رون پولنگ (اسپسیا) و ساندوز، در ایران مشغول کار شد و در ضـمن کار به تحصیل در رشته روزنامه نگاری و مطبوعات پرداخـت و در سـال ۱۳۵۰ از دانشـکده علوم ارتباطـات اجتمـاعی فـارغ التحصـیل شـد و بعـد دوره دو ساله مـدیریت و برنامه ریزی اجتمـاعی را در مؤسـسه مطالعـات و تحقیقـات اجتمـاعی دانشـگاه تهران به اتمام رسانـد. در سال ۱۳۵۲ بـه کشـور فرانسه رفت و از دانشگاه پاریس موفق به اخذ دکترا در انسان شناسی زیستی شد. فعالیتهای ضمن تحصیل : اصغر عسگری خانقاه ،ضمن تحصیل، در اداره فرهنگ عامه (وزارت فرهنگ و هنر) شـروع به کار کرد.فعالیتهای آموزشـی : اصغر عسگری خانقاه بعد از بازگشت به ایران از سال ۱۳۵۸ در دانشـگاه تهران، دانشـکده علوم اجتماعی به تـدریس و تحقیق اشـتغال شـد. در خلال این سال ها عسـگری خانقاه در دوره کارشناسـی، انسـان شناسـی زیستی، تاریـخ انـدیشه هـای مردم شناسـی، زیست شناسـی عمومی، محیـط شناسـی انسانی و مردم نگاری تدریس کرده و در دوره کارشناسـی ارشد و دکترا نیز روش تحقیق و سنجش و زیست شناسی درس داده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اصـغر عسـگری خانقاه در عین آنکه مردم شـناس و پژوهنـده شاخص علوم اجتماعی است تاریـخ نگاری این علم در ایران را نیز بـا جـدیت دنبـال می کنـد. جوائز و نشانهـا : همـایش فرهنگ ومحیط زیست به پاس یک عمر تلاش های علمی دکتر اصغر عسکری خانقاه ، در روز دوشنبه ۶ خرداد ۱۳۸۷ در تالار ابن خلدون دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شده است..این همـایش که به همت هسـته علمی انسـان شناسـی این دانشـکده برگزار شـده است.چگونگی عرضه آثار : اصـغر عسـگری خانقاه در طی این سالها در کنار تدریس مدام، کار پژوهش را نیز با جدیت دنبال کرده و شماری از مهمترین تحقیقاتش را در دوره مسؤولیت خود بر نشـریه نامه، در آن به چاپ رسانـده است. او از سال ۱۳۷۴ به سـردبیری مجله «نامه علوم اجتماعی» منصوب شد و مقالاتی چون فرهنگ مردم شناسـی بیشه نشـینان آفریقا و مشـکلات تغـذیه، سـهم آل احمد در شـکل گیری پژوهشـهای فرهنگی و اجتمـاعی گروههـای انسـانی در ایران، ریشه هـای تـاریخی و سـنتهای فرهنگی و اجتمـاعی مسـلمانان آفریقـا و... ر ا در آن به چاپ رسانـد. از دیگر فعـالیت هـای وی ،نگـارش مقالـات متعـدد در حوزه مردم شناسـی و تـار یـخ از آن جمله است: زبـان در معبر زبان شناسـی و مردم شناسـی ، ریشه هـای تـاریخی و سـنتهای فرهنگی و اجتمـاعی مسـلمانان آفریقـا ، انسـان شناسـی خطـوط پوسـتی در جمعیتهای ایرانی، چهارشـنبه سوری در روسـتای جوپشت، بوم شناسـی روسـتایی ایران، مردم شناسـی و فرهنگ سـکونت و... آثار : «ایرانیـان ترکمن،پژوهشـی در مردم شناسـی وجمعیت شناسـی » ویژگی اثر : انتشـارات اساطیر، ۲ انسـان شناسـی زیستی ویژگی اثر : (جلد)۳ انسـان شناسـی عمومی شـرق شناسـی (شـرقی که آفریـده غرب است) ویژگی اثر : ترجمه۵ فرهنـگ مردم شناسـی (فرانسه ، انگلیسـی ، فارسی) ویژگی اثر : اثر میشل پانوف) ، ? نشر ویس، ۶ مردم شناسـی ویژگی اثر : (روش ، بینش ، تجربه) نشرشب تاب، ۷ مردم شناسی روستای قاسم آباد گیلان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عسگریان، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم تربیتی، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای علوم تربیتی.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده علوم تربیتی داشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

علوم تربیتی با تأکید بر مدیریت آموزش، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و منابع انسانی، برنامه‌ریزی و سازماندهی نیروی انسانی، ارزشیابی مشاغل، بکارگیری نظریه‌های ایجاد انگیزش در نیروی انسانی، برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، مدیریت نیروی انسانی، ایام فراغت جوانان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۷ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مدیریت نیروی انسانی، مدیریت آموزشی، مدیریت بازاریابی، مدیریت اسلامی و علوم تربیتی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

تربیتی، مدیریت، آموزش.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

علاقه‌بند، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش و پرورش، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم تربیتی از دانشگاه ابوریحان بیرونی در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی از دانشگاه ایلینویز جنوبی آمریکا در سال ۱۳۵۰ و دکترای آموزش و پرورش از دانشگاه ایلینویز جنوبی آمریکا در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبایی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فلسفه آموزش و پرورش، مدیریت آموزشی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و ارزشیابی آموزش، استاد راهنمای ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مقدمات مدیریت آموزشی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، اصول مدیریت آموزشی و مدیریت رفتار سازمانی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مبانی رفتاری مدیریت آموزشی، ضرورت و اهمیت مدیریت آموزشی، تمرکز و عدم تمرکز سازمانی در آموزش و پرورش.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

علوی فرد، یحیی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی علوی فرد

محل تولد : بجنورد

شهرت : عموعلوی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۹/۲۱

زندگینامه علمی

یحیی علوی فرد

یحیی علوی فرد در سال ۱۳۵۲ در روستای باغچق از توابع شهرستان بجنورد به دنیا آمد . سال های ابتدائی مدرسه را در روستای محل زندگی گذراند و در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه بجنورد شد . او بعد ها به مشهد رفت و در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه علمیه قم شد . علوی فرد از همین زمان به صورت جدی وارد عرصه شعر کودک و نوجوان شد . او در جلسات هفتگی شعر مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان با مدیریت آقای تقی متقی شرکت کرد . علوی در سال ۱۳۷۷شروع به درس خواندن در رشته روان شناسی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) کرد . همچنین در همین سال همکاری خود را با مطبوعات کودک و نوجوان آغاز کرد . نتیجه کار او تا کنون چاپ صد ها قطعه شعر ، نقد ادبی و نثر در مجلات کودک و نوجوان است . علوی برخلاف بیشتر شاعران کودک و نوجوان سعی می کند به قالب چهارپاره بسنده نکند و در قالب های غزل و شعر نیمایی نیز فعالیت دارد . او همچنین به صورت پراکنده شعر بزرگسال نیز می گوید که در نشریات مختلف به چاپ رسیده است . عناوین و افتخارات علوی در سال ۱۳۸۰ در پنجمین جشنواره دو سالانه مطبوعات کودک و نوجوان در رشته شعر رتبه اول را به دست آورد . همچنین در سال ۱۳۸۱ در جشنواره شعر دانشجویان شاهد رتبه دوم شعر بزرگسال را کسب کرد . او در سال ۱۳۸۲ لیسانس روان شناسی گرفت . همچنین در این سال یکی از شش نامزد دریافت جایزه در ششمین جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان بود . در سال ۱۳۸۳ از سوی سازمان صدا و سیما، نویسنده برگزیده گروه کودک و نوجوان معرفی شد . در سال ۱۳۸۷ در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه قم قبول شد و در این سال در جشنواره هنر آسمانی (طلاب سراسر کشور) در بخش کودک

و نوجوان مقام اول را به دست آورد. از شاعران برگزیده شعر فجر در استان قم بود . همچنین کتاب نوآوری این است برگزیده ششمین جشنواره کتاب فصل در سال ۱۳۸۷شد. فعالیت ها علوی در کنار سرودن شعر ، نقد ادبی را جدی ترین فعالیت خود می شمارد . او در این زمینه با مجلاتی مثل کتاب ماه کودک و نوجوان و ماهنامه سلام بچه ها همکاری جدی تری دارد که بعضی از این نقد ها با اسم مستعار (ی. باغچقی) به چاپ می رسد . او مقالات آموزشی در زمینه شعر و نثر ادبی را در مجلات انتظار نوجوان و ماهنامه ملیکا با اسم مستعار (عموعلوی) ارائه می کند . کتاب های چاپ شده از او عبارتند از : فصل ها زیبایند۱۳۸۵

بهار ماندنی ۱۳۸۷ (تقدیر شده اولین جشنواره آخرین منجی)

نوآوری این است ۱۳۸۷(برگزیده ششمین دوره کتاب فصل)

محمد دوباره می آید (زیر چاپ)

و...

یکی از جدی ترین فعالیت های علوی در کنار سرودن شعر و نقد ادبی ، تدریس زیبا نویسی ، مخاطب شناسی در ادبیات کودک و نوجوان، سرود دانش آموزی، و اداره جلسات نقد کارگاهی ادبیات کودک و نوجوان در قم می باشد . سابقه تدریس او در مراکز زیر صورت گرفته است : تدریس و نقد شعر در انجمن ادبی شاهد استان قم از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲

تدریس و نقد شعر در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره در سال ۱۳۸۲

تدریس سرود دانش آموزی در دانشگاه قم در سال تحصیلی ۱۳۸۲-۱۳۸۳

تدریس و نقد شعر کودک و نوجوان در مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶

تدریس و نقد شعر کودک و نوجوان در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی قم در سال ۱۳۸۵

و...

او هم اکنون در مقطع فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی مشغول به تحصیل است . عضو تحریریه ماهنامه سلام بچه هاست از سال ۱۳۸۴ دبیر بخش ماهنامه انتظار نوجوان است و به مدت ۵ سال سردبیر ماهنامه قاصدک بود . (ماهنامه قاصدک در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما برای برنامه سازان کودک و نوجوان به چاپ می رسد .)

علوی، حمیدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید حمیدرضا علوی در سال ۱۳۴۰ در سیرجان به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی خود را در سیرجان آغاز کرد و با قبولی در دانشگاه شهید باهنر کرمان برای ادامه تحصیل به آنجا رفت. با شروع جنگ و تعطیلی دانشگاهها به مدت سه سال در همان فوق دیپلم رشته شیمی ماند و با بازگشایی دانشگاه تغییر رشته به دبیری زیست شناسی ادامه تحصیل داد. کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه اصفهان با رشته برنامه ریزی آموزشی ادامه تحصیل داد. با قبولی در دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس عازم تهران شد و تا پایان تحصیل آنجا ماند. وی تدریس در دانشگاههای داخلی کشورمان را آغاز کرد و معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه آزاد سیرجان را بر عهده دارد. از وی مقالات و کتابهای زیادی در زمینه های مختلف به جا مانده است. با توجه به آثار قوی ایشان بارها بعنوان کتاب و مقاله برگزیده در استان کرمان از ایشان تجلیل به عمل آمده است. گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش :

تعلیم و تربیت اسلامی والدین و انساب : پدر سید حمیدرضا علوی، جناب آقای حاج سید عبدالرضا علوی می باشند که آثاری از ایشان از جمله فرهنگ عربی به فارسی به چاپ رسیده است و از طبع شعری نیز برخوردار می باشند که برخی اشعارشان نیز چاپ شده است.مادر او نیز سرکارحاج خانم طاهره مجد رضوی هستند که از جمله کارهای ایشان تدوین مجموعه گلچینی از ضرب المثل های رایج در استان کرمان می باشد.انساب اینجانب غالباً از روحانیون بزرگ استان کرمان بوده اند که آرامگاه برخی از آنان به صورت مجموعه هایی زیارتی در آمده است و مورد استقبال معنوی مردم قرار گرفته اند.خاطرات کودکی : سیدحمیدرضا علوی از خاطرات کودکی خود اینچنین یاد می کند: به یاد دارم که پدرم می فرمودند که در خواب دیدند که بال در آورده اند و در آسمان پرواز می کنند. روحانی محل، خواب ایشان را اینگونه تعبیر نمودند که به زودی مکه مشرف خواهند شد. تقریباً همزمان با تولدم (یکماهه بودم که)ایشان بهمراه مرحوم مادر محترمشان به مکه مشرف گردیدند. پدرم این موضوع را به فال نیک گرفتند و از همان دوران کودکی به من می فرمودند که قدم تو برای ما خیر بوده است. آنگونه که پدر و مادر بزرگوارم تعریف می کنند عشق و علاقه معنوی و دینی اینجانب از همان دوران کودکی بسیار زیاد بوده است که غالباً چنین عشقی در غالب رفتارهای خاص دینی نظیر نماز و قرآن خواندن و یا اذان گفتن و مواردی از این قبیل جلوه گر می شده است. همچنین به یاد دارم در مقطع ابتدایی، صبحگاهان که از خواب برمی خاستیم پروانه وار گرد شمع وجود پدر می نشستیم و ایشان قرآن را با صوت خوش و بلند می خواندند ما هم قرآن را با ایشان تلاوت می نمودیم و مهر قرآن از آن زمان بر قلبم نشست، ایشان محبوبیت داشتند و قرآن می خواندند و لذا قرآن در نزد ما محبوب شد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سیدحمیدرضا علوی دررابطه با شرایط زندگی خود اینطور می گوید: خانواده ما از لحاظ معنوی در سطح بسیار بالا و از لحاظ مادی در سطح متوسط بودند براستی فضای حاکم بر خانواده به گونه ای بود که مشوق من به سوی معنویت و دیانت بود. احساس می کردم زمانی از مقبولیت، پذیرش و محبوبیت بیشتری در پیشگاه والدینم برخوردارم که بهترم و به مسائل معنوی و دینی توجه افزونتری از خودشان می دادم. روابط اعضای خانواده با یکدیگر خوب و حسنه بود. پدر و مادرم هر یک برای من به عنوان یک الگو محسوب می شدند. این امر نه تنها در مورد من بلکه در مورد دو خواهر و یک برادرم نیز صادق بود. برادرم از من چهار سال بزرگتر بود و دو خواهرم هر کدام چهار و هشت سال از من کم سن تر بودند.برادرم شاعر و نویسنده می باشند که بعضی از اشعار ایشان به چاپ رسیده است و مجموعه ای را نیز در زمینه شادی و غم در دست تألیف دارند. همچنین ایشان از هنر خوشنویسی در سطح بالایی برخوردارند که مجموعه آثار و تابلوهایی هنری را خلق نموده اند. همچنین یکی از دو خواهرم نیز از طبع شعری بسیار بالایی برخوردارند که تا کنون اشعار مختلفی را سروده اند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدحمیدرضا علوی تحصیلات رسمی خود را در مقاطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان در سیرجان گذراندم.در سال ۱۳۵۸در کنکور شرکت نمود و در رشته شیمی دانشگاه شهید باهنر کرمان پذیرفته شد .در سال ۱۳۵۹ به علت برخورد به انقلاب فرهنگی به مدت حدود ۳ سال دانشگاههای کشور تعطیل گردید. بعد از بازگشایی دانشگاهها در سال ۱۳۶۲ تعدادی واحد درسی (تقریباً در حد فوق دیپلم) در رشته شیمی گذراند. سپس به رشته دبیری زیست شناسی تغییر رشته داد. در سال ۱۳۶۵ در رشته دبیری زیست شناسی از دانشگاه شهید باهنر کرمان دانش آموخته یا فارغ التحصیل گردید. در همان سال در کنکور کارشناسی ارشد شرکت نمود و در رشته برنامه ریزی آموزشی دانشگاه اصفهان پذیرفته شد. در سال ۱۳۶۹ در رشته مذکور از دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل شد. در همان سال ۱۳۶۹ در کنکور دکتری دانشگاههای تهران، تربیت مدرس، و اعزام دانشجو به خارج از کشور در رشته فلسفه تعلیم و تربیت شرکت کرد و در هر سه مورد قبول شد.دانشگاه تربیت مدرس را انتخاب نمود. در سال ۱۳۷۰ تحصیلات خود را در مقطع دکتری آغاز کرد و در سال ۱۳۷۴ در رشته فلسفه تعلیم و تربیت با گرایش تعلیم تربیت اسلامی از پایان نامه دکتری خود دفاع نمود و بدین ترتیب در رشته مذکور از دانشگاه تربیت مدرس فارغ التحصیل گردید. خاطرات و وقایع تحصیل : خاطرات تحصیل سید حمیدرضا علوی به شرح زیر است: از بهترین خاطرات دوران تحصیل، خاطره

خوش معلمین و اساتیدی است که بـا کلام و رفتار شایسته خویش - خصوصاً در مقطع نوجوانی- ما را به سوی حقیقت و معنویت رهنمون می ساختند. نیک به یاد دارم استادی که در مقطع دکتری درس تربیت در نهج البلاغه را به ما می آموخت عبارتی از امیرالمؤمنین علی (ع) را به گونه ای ترجمه نمودند که به نظر من اندکی مغایر با ترجمه صحیح آن عبارت بود. آن استاد بزرگوار چندان نظر من را تأیید ننمودند و خواستار تفحص بیشتر در این مورد گردیدند. اما در جلسه بعد آنگاه که وارد کلاس درس گردیدند با قاطعیت و صراحت اظهار داشتند آنچه دانشجویم در جلسه قبل گفت صحیح بود و آنچه من ترجمه نمودم غلط، و مجدداً زمانی که جمع دانشجویان کلاس درس کامل تر گردید همین عبارت را تکرار نمودند. آن استاد محترم روش تلقین به نفس و تحمیل به نفس را از دیدگاه علی (ع) به ما تعلیم می دادند. طاقت نیاوردم تا زمانی که فارغ التحصیل می گردم این جمله را به استاد نگویم که اگر شما یکصدسال فقط با لفظ و حرف، چنین روشهایی را به ما آموزش می دادید به اندازه آن رفتار زیبا و شایسته شما در کلاس درس بر من تأثیر نمی گذارد. یادم هست چند سال بعد از آن، روزی در منزل تنها نشسته بودم و پایم به سمت تلویزیون دراز بود. ناگهان ایشان را دیدم که بر صفحه تلویزیون ظاهر گردیدند. براستی نتوانستم پایم به سمت تلویزیونی دراز باشد که فردی چون ایشان در آن مشغول حرف زدن بودن و لذا بی اختیار پایم را به ادای احترام جمع نمودم.استادان و مربیان : استادان و مربیان دانشگاهی سیدحمیدرضا علوی- خصوصاً در مقطع دکتری - از چهره های شاخص کشوری بوده اند نظیر جناب آقای دکتر علی شریعتمداری، جناب آقای دکتر سید محمد باقر حجتی، جناب آقای دکتر علی قائمی امیری، جناب آقای دکتر محمود مهر محمدی، جناب آقای دکتر محمد علی طوسی، جناب آقای دکتر عزت ا... نادری، جناب آقای دکتر علیمحمد کاردان و...هم دوره ای ها و همکاران : سیدحمیدرضا علوی در دانشگاه اصفهان و علوم پزشکی اصفهان نیز افتخار همکاری با اساتیدی نظیر حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان، استاد مبلغ، جناب آقای دکتر منصور کوشا، سرکار خانم هلن اولیائی و... را داشت. همچنین غالب همدوره ای های اینجانب در مقطع کارشناسی ارشد موفق به اخذ مدرک دکتری نیز شدند که هم اکنون در یکی از دانشگاههای کشور به تدریس اشتغال دارند. و بعضی همدوره ای های وی نیز در مقطع دکتری هم اکنون در یکی از دانشگاههای مطرح کشور نظیر دانشگاههای تهران، تربیت مدرس و... به تدریس اشتغال دارند. از جمله همدوره ای های مقطع دکتری می توان از جناب آقای دکتر محمد رضا شرفی، جناب آقای دکتر محسن ایمانی، جناب آقای دکتر هاشم مناف زاده و... نام برد. همسر و فرزندان : همسر سیدحمیدرضا علوی، سرکار خانم مریم کلانتری هستند. نامبرده اهل رفسنجان بوده و مزین به عالیترین صفات و خصوصیات انسانی، اخلاقی، شخصیتی و علمی می باشند. ایشان هم اکنون دانشجوی دکترای رشته شیمی آلی دانشگاه شهید باهنر کرمان بوده و همزمان در دانشگاه مذکور و همچنین دانشگاه پیام نور کرمان مشغول تدریس هستند.دارای دو فرزند به نامهای عرفان و علی هست.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدحمیدرضا علوی در سال ۷۰ — ۱۳۶۹ معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان را عهده دار بود.فعالیتهای آموزشی : سیدحمیدرضا علوی به مدت ۲۱ سال است که در دانشگاههای اصفهان، علوم پزشکی اصفهان، تربیت مدرس تهران، علامه طباطبائی، آزاد اسلامی خوراسگان و تهران مرکزی و کرمان، شهید باهنر کرمان و... در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به تدریس اشتغال داشت، یعنی از آغاز سال ۱۳۶۵ ، که از سال ۱۳۷۴ آن به صورت رسمی تر در دانشگاه شهید باهنر کرمان بوده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید حمیدرضا علوی در مطالعه و تحقیق، خصوصاً در قالب نوشتن مقالات و کتب علمی، ارائه سخنرانیهای علمی و فرهنگی، و همکاری با برنامه های علمی، فرهنگی و دینی صدا و سیمای جمهوری اسلامی و عضویت در شوراهای گوناگون.آرا و گرایشهای خاص : بالاترین گرایش زندگی سید حمیدرضا علوی به سوی معنویت بوده است که عالیترین مرتبه تجلی آن دانایی و دیانت می باشد.جوائز و نشانها : ۱. تقدیرنامه و لوح یادبود،۱۳۸۴، انتخاب کتاب روش تدریس سخنرانی و پرسش وپاسخ به عنوان کتاب برگزیده علوم تربیتی استان کرمان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان ۲. تقدیر نامه و لوح تقدیر، ۱۳۸۴ ،انتخاب طرح عوامل موثر بر

اعتیاد ومفاسد اجتماعی به عنوان طرح برگزیده استان کرمان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان ۳. تقدیر نامه و لوح تقدیر،۱۳۸۳، انتخاب مقاله مرگ و شهادت از دیدگاه امیرالمومنین(ع) به عنوان مقاله دینی برگزیده استان کرمان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان ۴. تقدیر نامه و لوح تقدیر، ۱۳۸۲، انتخاب به عنوان پژوهشگر نمونه دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان،دانشگاه شهید باهنر کرمان ۵. تقدیر نامه و لوح تقدیر،۱۳۸۱، انتخاب کتاب شهید باهنر در قلمرواندیشه و رفتار بعنوان کتاب قابل تقدیر استان کرمان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان ۶. تقدیر نامه و لوح تقدیر، ۱۳۸۰، انتخاب طرح بررسی رفتارو عملکرددینی دانش آموزان به عنوان طرح برگزیده استان کرمان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان ۷. تقدیر نامه و لوح تقدیر، ۱۳۷۶،نوشتن ده مجموعه مستقل در مورد سرداران شهید استان کرمان، کنگره بزرگداشت سرداران و هشت هزار شهید استان های کرمان و سیستان و بلوچستان ۸. تقدیر نامه و لوح تقدیر، ۱۳۷۴،احراز رتبه اول مقطع دکترای رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه تربیت مدرس تهران ۹. سپاس نامه و لوح تقدیر، ۱۳۸۴ به پاس ده سال همکاری با صدا وسیمای مرکز کرمان، اداره کل صدا و سیمای مرکز کرمان ۱۰. تقدیرنامه و لوح تقدیر، ۱۳۷۶، نوشتن ده مجموعه مستقل در مورد سرداران شهید استان کرمان، دانشگاه شهید باهنر کرمان ۱۱. دیپلم افتخارو لوح تقدیر، ۱۳۸۵، احراز عنوان بهترین کارشناس در جشنواره تولیدات رادیویی و تلویزیونی مراکز استان ها در سراسر کشور، سازمان صدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران- معاونت مجلس ۱۲. لوح سپاس ۱۳۸۵، کسب عنوان بهترین کارشناس در جشنواره تولیدات رادیویی و تلویزیونی مراکز استان ها در سراسر کشور، نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه کرمان ۱۳. مدالیوم و لوح تقدیر، ۱۳۸۵، پژوهشگر برگزیده، وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری ۱۴. هدیه و نشان تقدیر، ۱۳۸۵، سخنرانی در همایش منطقه ای ستادهای نماز جمعه استان، امام جمعه و فرماندار سیرجان ۱۵. هدیه و لوح تقدیر، ۱۳۸۵، انتخاب به عنوان پژوهشگر برتر دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشگاه شهید باهنر کرمان چگونگی عرضه آثار : از آثار در حال چاپ و یا چاپ شده سید حمیدرضا علوی به شرح زیر می باشد: ۶مقاله چاپ شده و یا دارای پذیرش چاپ در نشریات ISI ۱۳ مقاله چاپ شده و یا دارای پذیرش چاپ در نشریات بین المللی (علمی- پژوهشی) ۱۰ مقاله چاپ شده و یا دارای پذیرش چاپ در نشریات داخلی علمی- پژوهشی ۳ مقاله چاپ شده و یا دارای پذیرش چاپ در نشریات علمی-ترویجی ۱۸مقاله چاپ شده و یا دارای پذیرش چاپ در نشریات علمی-ادواری ۲ مقاله پذیرفته شده در همایش های علمی خارجی ۱ مقاله علمی کامل چاپ شده در گزارش همایش علمی معتبر ۲خلاصه مقاله علمی کامل چاپ شده در گزارش همایش علمی معتبر ۱ترجمه کتاب ۱۵ گزارشهای علمی طرحهای پژوهشی آثار : ۱ Shared Religious Foundations of Education: Islam & Christianity ویژگی اثر : ۱۳۸۵ (انتشارات بین المللی انصاریان – قم)۲ بررسی تطبیقی آراء و نظریات تربیتی ژان ژاک روسو و اسلام ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان (در حال بررسی)۳ بررسی تطبیقی ترجمه های انگلیسی قرآن کریم ویژگی اثر : در این کتاب، پنج عدد از ترجمه های انگلیسی قرآن کریم که توسط پروفسور آربری، پیکتال، شاکر، اروینگ، و خانم طاهره صفارزاده انجام شده است از لحاظ اصول و قواعد مرتبط با ترجمه متون عربی به انگلیسی با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفته اند.۴ تجلی تعلیم و تربیت در ادب فارسی ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان (پذیرش چاپ)۵ دایره المعارف علوم تربیتی، جلد ۱ ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان (در حال بررسی)۶ روش تدریس سخنرانی و پرسش و پاسخ ویژگی اثر : در این کتاب، روش تدریس سخنرانی و پرسش و پاسخ در قالب تشریح نکات مختلف مرتبط با هر کدام توضیح داده شده اند.۷ شهیدباهنر در قلمرو اندیشه و رفتار (بررسی سیرهٔ نظری و عملی دانشمند شهید دکتر محمد جواد باهنر در زمینه تربیت و اخلاق) ویژگی اثر : ۱۳۸۱ (دفتر نشر فرهنگ اسلامی – تهران)۸ فرهنگ موضوعی مفاهیم تربیتی و اخلاقی گلستان سعدی ویژگی اثر : در این کتاب، حدود دویست عنوان تربیتی و اخلاقی از گلستان سعدی انتخاب شده اند و آنگاه موضوعات متعدد مرتبط با هر کدام از

گلستان استخراج شده اند و در ذیل آن عناوین ذکر گردیده اند و در مواردی گلستان تصحیح محمد علی فروغی با گلستان تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی تطبیق داده شده است و آیات و روایات مبین هر دو مفهوم ذکر شده است.۹ نحوه ترجمه قرآن و متون عربی به زبان انگلیسی ویژگی اثر : در این کتاب، با تشریح موضوعات مرتبط با ادبیات عرب، نحوه ترجمه قرآن و متون عربی مستقیماً به زبان انگلیسی توضیح داده شده است.۱۰ نکات اساسی در فلسفه تعلیم و تربیت و مکاتب فلسفی - تربیتی ویژگی اثر : در این کتاب مهمترین نکته ها در خصوص فلسفه، تعلیم و تربیت، و فلسفه تعلیم و تربیت، و همچنین شاخه های هستی شناسی (و انسان شناسی)، شناخت شناسی، و ارزش شناسی، و تأثیرات تربیتی هر کدام در مکاتب ایدالیسم، رئالیسم، پراگماتیسم، اگزیستانسیالیسم، ناتورالیسم، و اسلام تشریح شده اند و سپس موارد مذکور به صورت مختصر با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفته اند.۱۱ نگارش علمی

علینی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علینی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علینی در سال ۱۳۴۳ در تهران به دنیا آمدم. تحصیلات کلاسیک خود را تا مقطع دیپلم در شهر قم ادامه دادم. با وجود قبولی در دانشگاه تهران و مرکز تربیت معلم لویزان در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح خود را نزد اساتیدی همچون ایوبی، نکونام، عراقچی، علیدوست، و مرحوم پایانی گذراندم. پس از اتمام سطح در درس خارج اصول مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی و خارج فقه آیت الله جوادی آملی شرکت نمودم.از سال ۱۳۷۰ به جهت علاقه به کار با کودک و نوجوان که به نظرم زیر بنای کار فرهنگی در جامعه محسوب میشود وارد مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم به ریاست حاج آقا راستگو شدم.

بعد از گذراندن دوره عمومی و تخصصی مرکز وارد گروه تحقیقاتی معارف زیر نظر حاج آقا کبیر شدم و بر روی آثار شهید مطهری کار نمودم. در ضمن وارد گروه تحقیقاتی روان شناسی زیر نظر استاد مهاجرانی شدم و روان شناسی رشد و شخصیت را فرا گرفتم و به تدوین جزوه همراه با سایر دوستان مرکز پرداختم. علاوه بر تحقیق و پژوهش در زمینه های معارف ، روان شناسی ، تعلیم و تربیت، احکام، مسائل اجتماعی و ... به تدریس در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در ایام تابستان در قم و شهرستان ها در مراکز فرهنگی مشغول می باشم.

همچنین در تدوین کتاب های ره توشه راهیان نور در مقطع ابتدایی و راهنمایی با سایر دوستان محقق و نویسنده از سال ۱۳۷۶ همکاری نزدیک دارم و مسئول هیات تحریریه در مرکز تربیت مربی می باشم. در سال ۱۳۷۹ در کنار دروس حوزوی و تحقیق و پژوهش به تحصیل در رشته علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری در دانشگاه باقر العلوم علیه السلام پرداختم. علاوه بر تحقیق و

پژوهش و نویسندگی در زمینه کودکان و نوجوانان و حضور در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی به پژوهش و نویسندگی در زمینه مسائل جامعه شناسی اشتغال دارم که امیدوارم با عنایت ویژه خداوند و اهل بیت عصمت و طهارت بتوانم در خدمت اسلام و جامعه اسلامی باشم. لازم به ذکر است از سال ۱۳۸۴ در مقطع کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام اشتغال به تحصیل دارم. همچنین از ابتدای سال۱۳۸۵ در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با عنوان پژوهشگری در دفتر مطالعات و تحقیقات فرهنگی و اجتماعی مشغول می باشم.

فارسی مهر، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی فارسی مهر

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۷ دیپلم ریاضی در تهران گرفته در همان سال در دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی بابلسر در رشته اقتصاد قبول شدم . بعد از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها به سپاه پاسدارن پیوستم . در سال ۱۳۶۱ در تهران طلبه شدم و در سال ۱۳۶۳ به قم آمدم، مقدمات و سطح را به پایان رسانده و خارج فقه و اصول را از دروس آقای مکارم شیرازی استفاده کردم و چند سال نیز از درس خارج فقه آقای جوادی آملی و آقای سید محمود هاشمی بهره بردم . در حال حاضر قدرت استنباط از دلائل شرعی را دارم . در سال ۱۳۶۲ کتاب جامع المقدمات را اصلاح و نو نویسی و زیبا کاری کردیم که چاپ شد و تا چاپ ششم هم رفت . و سپس کتاب تجارب و نکات تبلیغی را نوشتم که حاوی تجربیات تبلیغی خود و مبلغین دیگر بود، چون هیچ کس نبود که اشتباه کاریها و قدرتهای تبلیغی آقایان مبلغین را به دیگران منتقل کند . سپس تجارب مبلغان هنرمند را نوشتم و بعد روش مدیریت و تبلیغ در مناطق تسنن را نوشتم زیرا مناطق تسنن، نیازها و مشکلات و ساز و کارهای دیگری را میطلبد . در زمینه معالجات پزشکی از راه طبیعت تجربیات خوبی دارم، در زمینه روان شناسی به اذن خدا کارآمدی بالا‌یی دارم، در زمینه عرفان عملی هم می توانم نیازمندیها را اشباع کنم . کتابهایی که در حال حاضر نیمه تمام دارم در زمینه نماز و عرفان عملی و تجربیات پزشکی و تجربیات روان شناسی و ... می باشد.

فتحی آذر، اسکندر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر اسکندرفتحی آذر در سال ۱۳۲۸ در اردبیل، بـدنیا آمـد. در سال ۱۳۶۰ مدرک دکتری در رشـته آموزش علوم را از دانشـگاه ایلینوی – امریکـا با موفقیت اخـذ کرد. وی از سال ۱۳۵۵به عنوان عضو هیـات علمی در گروه علوم تربیـتی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسـی دانشگاه تبریز مشـغول خدمت شد. نامبرده هم اکنون با رتبه علمی اسـتادی در دانشـگاه مذکور مشغول به فعالیت است. گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : آموزش علوم تحصیلات رسمی و حرفه ای : اسکندر فتحی آذر تحصیلات ابتدایی را در دبسـتان آزادی به پایان رسانـده و دیپلم خود را در سال ۱۳۴۸ از دبیرسـتان شاه عباس اخذ کرده اند ایشان مدرک کارشناسی در رشـته دبیری زیست شناسـی را از دانشگاه تبریز و کارشناسـی ارشد آموزش علوم را در سال ۱۳۵۸ از دانشـگاه ایلینوی – امریکا دریافت نموده اند و در سال ۱۳۶۰ مدرک دکتری در رشـته آموزش علوم را از دانشگاه ایلینوی – امریکا با موفقیت اخذ کرده اند . عنوان پایاننـامه : الف – کارشناسـی ارشـد : Students attitudes toward science in secondar schools ب – دکتری : Analysis of science textbooks used in Iranian upper secondary schools وقایع میانسالی : اسکندر فتحی آذر در سال ۱۳۶۰ مدرک دکتری در رشـته آموزش علوم را از دانشگاه ایلینوی – امریکا با موفقیت اخذ کرد. وی از سال ۱۳۵۵به عنـوان عضو هیـات علمی در گروه علوم تربیـتی دانشـکده علوم تربیـتی و روانشناسـی مشـغول خـدمت شـد. مشاغـل و سمتهای مورد تصـدی : سـمتهای اجرایی و مـدیریتی دکتر اسـکندر فتحی آذر : قبلی : مـدیر گروه ، رئیس دانشـکده ، مشاور معاون آموزشـی فعلی: مـدیر امور پژوهش و فنـاوری دانشـگاه تبریز،عضو هیئت علمی و اسـتاد گروه آموزشـی علوم تربیتی، دانشـگاه تبریز فعالیتهای آموزشـی : فعالیتهای آموزشـی اسـکندر فتحی آذر به قرار زیر است: الف: تدریس ۱–دوره کارشناسـی : آموزش مبتنی بر سیسـتمها، روشـها و فنـون تـدریس، برنـامه ریزی درسـی ، سـمینار در برنـامه ریزی درسـی ، تمریـن دبیری ۲– تحصـیلات تکمیلی: روشـهای تدریس پیشـرفته ، روشـهای تحقیق ، طرحهای آزمایشـی ، آموزش به روش سیستمی ب – برگزاری کارگاه ها : برگزاری کارگاههای روش تدریس برای اسـتادان دانشـگاههای مختلف کشور چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشـی دکتر فتحی آذر به ترتیب زیر است : تعداد مقاله های منتشرشده : ۱۸ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها : ۱۲ مورد تعداد کتابهای تالیف شده : ۱ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : ۳۲ مورد تعداد پایاننامه های دکتری : ۱ مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب : ۶ مورد

فتحی، کورش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر کورش فتحی واجارگاه ،تحصـیلات دانشـگاهی خود را در رشـته علوم تربیتی و روانشناسـی در دانشـگاه اصـفهان آغاز کرد و پس از اتمام این دوره در مقطع کارشناسـی ارشـد رشـته علوم تربیتی (برنامه ریزی درسـی) ـ دانشگاه تربیت معلم تهران به تحصـیل پرداخت. وی به تحصـیل تا این مقطع اکتفا نکرد و برای تکمیل معلومات دانشـگاهی مدرک دکتری رشته علوم تربیتی (برنامه ریزی آموزشـی و درسـی) را از دانشـگاه تربیت مـدرس و دوره تخصصـی پس از دکتری در خصوص مـدیریت پژوهشـی و برنـامه ریزی آموزش عـالی را از دانشـگاه کاسـل ـ آلمان اخـذ کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشـیار گروه علوم تربیتی, دانشـکده علوم تربیتی و روانشناسـی دانشـگاه شـهید بهشتی می باشـد. گروه : علوم انسانی رشـته : علوم تربیتی گرایش : مـدیریت پژوهشـی و برنـامه ریزی آموزش عـالی تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : سوابق تحصـیلی کورش فتحی واجارگـاه به ترتیب زیر است: ـ لیسـانس علوم تربیتی (مدیریت وبرنامه ریزی آموزشـی). دانشـگاه اصفهان ـ فوق لیسانس علوم تربیتی (برنامه ریزی درسی) ـ دانشگاه تربیت

معلم تهران ـ دکتری تخصصی (Ph.D) در علوم تربیتی (برنامه ریزی آموزشی و درسی) دانشگاه تربیت مدرس ـ دوره تخصصی پس از دکتری در خصوص مدیریت پژوهشی و برنامه ریزی آموزش عالی ـ دانشگاه کاسل ـ آلمان – فرصت مطالعاتی در دانشگاه های ساترن کراس و کوئینزلند استرالیا در زمینه مطالعه برنامه درسی در آموزش مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و اجرایی و مدیریتی کورش فتحی واجارگاه به قرار زیر است: ۱ـ مشاور اداره کل بهبود مدیریت ، وزارت آموزش وپرورش ۲ـ مشاور اداره کل آموزش های ضمن خدمت وزارت آموزش و پرورش ۳ـ مشاور اداره کل تربیت معلم و آموزش نیروی انسانی وزارت آموزش وپرورش ۴ـ مشاور اداره کل ضمن خدمت کمیته امداد ۵ـ مشاور اداره کل برنامه ریزی و تالیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش ۶ـ مشاور اداره کل روابط عمومی معاونت محرومان بنیاد مستضعفان و جانبازان ۷ـ مدیر کل پژوهشی پژوهشکده فرهنگ و معارف ۸ـ معاون پژوهشکده فرهنگ و معارف ۹ـ دبیر کمیته نظارتی طرح های توسعه فرهنگی سازمان مدیریت وبرنامه ریزی کشور ۱۰ـ مشاور اداره کل امور اداری بنیاد شهید انقلاب اسلامی ۱۱ـ عضو شورای پژوهشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش وپرورش ۱۲ـ عضو شورای پژوهش اداره کل برنامه ریزی و تالیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش ۱۳ـ مدیر مرکز چاپ وانتشارات دانشگاه شهید بهشتی ۱۴ـ عضو شورای پژوهشی اداره کل آموزش های فنی حرفه ای وزارت آموزش وپرورش ۱۵– مشاور آموزشی سازمان فنی و حرفه ای کشور ۱۶– معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی ۱۷– مسئول کمیسیون روابط بین الملل انجمن مطالعات برنامه درسی ایران ۱۸ – عضو شورای انتشارات. موسسه پژوهش برنامه ریزی آموزش عالی ۱۹–عضو شورای توسعه علوم انسانی. پژوهشکده مطالعلت فرهنگی–اجتماعی. وزارت علوم تحقیقات و فناوری عضویت در قطب های علمی کشور: عضو قطب پزوهش های خانواده. دانشگاه شهید بهشتی تهران عضو قطب مطالعات برنامه درسی. دانشگاه تربیت معلم تهران عضویت در انجمن های علمی ـ تخصصی انجمن مطالعات برنامه درسی ایران (ICSA) انجمن مطالعات برنامه درسی استرالیا (ACSA) انجمن ایرانی تعلیم و تربیت (IAE) انجمن آموزش عالی ایران (IAHE) انجمن اروپایی تحقیقات آموزشی (EERA) انجمن تحقیق و توسعه آموزش عالی استرالیا (HERDSA) انجمن تحقیقات آموزشی بریتانیا (BERA) عضویت در هیأت تحریریه مجلات علمی ـ پژوهشی سردبیر فصلنامه مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی، دانشگاه شهید بهشتی سردبیر میهمان فصلنامه نوآوری های آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی عضو هیأت تحریریه فصلنامه دانشور ـ دانشگاه شاهد عضو هیأت تحریریه فصلنامه مطالعات برنامه درسی، انجمن مطالعات برنامه درسی ایران عضو هیأت تحریریه فصلنامه نوآوری های آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی همکاری با مجلات علمی ـ پژوهشی: فصلنامه تعلیم و تربیت فصلنامه پژوهش در مسائل تربیتی فصلنامه علوم انسانی دانشگاه اصفهان فصلنامه علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی فصلنامه علوم انسانی، دانشگاه الزهراء (س) فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی آموزش عالی فصلنامه دانش ـ دانشگاه آزاد اسلامی فصلنامه علوم انسانی ـ دانشگاه شیراز فصلنامه مروری بر پژوهش های تطبیقی (CER) دانشگاه شیکاگو ـ آمریکا فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی کورش فتحی واجارگاه به قرار زیر است: ۱ـ دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران (درحال حاضر) ۲– دانشیار وابسته مؤسسه مطالعه آموزش عالی (GHIE) دانشگاه گریفیث ـ کوئینزلند ـ استرالیا ۲ـ دارای سوابق تدریس در دانشگاهها در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا – دانشگاه کاشان – دانشگاه پیام نور – دانشگاه الزهراء (س) – دانشگاه آزاد اسلامی – دانشگاه شهید بهشتی – دانشکده مدیریت و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش – دانشگاه اصفهان ۳ـ دارای سوابق تدریس وبرگزاری کارگاههای آموزشی در سازمان ها (برای کارشناسان ، مدیران کل و معاونین آنها : – وزارت آموزش وپرورش – وزارت نیرو – بنیاد شهید – بنیاد مستضعفان – وزارت نفت مرکز آموزش مدیریت دولتی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی دانشگاه شاهد (دوره آموزشی اعضای هیات علمی ، مدیران گروه و روسای دانشکده ها) کمیته امداد سازمان تبلیغات اسلامی سازمان نهضت سواد آموزی گمرک

وزارت صنایع شرکت فولاد شیلات پتروشیمی بیمه ایران تدریس در مقاطع مختلف در دروس : ۱ـ برنامه ریزی درسی ۲ـ اقتصاد آموزش و پرورش ۳ـ روشها و فنون تدریس ۴ـ آموزش ضمن خدمات کارکنان ۵ـ آموزش عالی ۶ـ راهنمائی و مشاوره رساله در تحصیلات تکمیلی ب – تدریس در دوره ها ی کوتاه مدت تحصصی : ۱ـ نیاز سنجی (تکنیک ها و روشها) ۲ـ برنامه ریزی درسی (ابتدائی ، متوسطه ، عالی) : الگوها و روش ها ۳ـ توسعه منابع انسانی (آموزش ضمن خدمت) ۴ـ آموزش از راه دور و طراحی متون خود آموز ۵- ارزشیابی ۶ـ روش تدریس جوائز و نشانها : جوایز علمی و لوح های دریافتی کورش فتحی واجارگاه به ترتیب زیر است•: دریافت بورس تحصیلی پس از دکتری، مؤسسه مطالعه آموزش عالی و کار ـ دانشگاه کاسل آلمان• عضو هیأت علمی وابسته (Adjunct Associate Professor) دانشگاه گریفیث کوئینزلند ـ استرالیا ۲۰۰۸-۲۰۰۶• دریافت جایزه مقاله برتر سال رشته علوم تربیتی، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۳• دریافت پایه تشویقی بواسطه انجام پژوهش های متعدد ـ دانشگاه شهید بهشتی ـ ۱۳۸۴• رتبه اول قطب علوم انسانی. وزارت علوم تحقیقات و فناوری.۱۳۸۶ ـ رتبه اول فارغ التحصیلان لیسانس مدیریت وبرنامه ریزی آموزشی دانشگاه اصفهان ـ رتبه اول آزمون ورودی کارشناسی ارشد دانشگاه های کشور ـ رتبه اول فارغ التحصیلان مقطع کارشناسی ارشد ـ رتبه اول آزمون ورودی دکتری داخل و اعزام به خارج ـ رتبه اول فارغ التحصیلان مقطع دکترای تخصصی چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات ارائه شده در کنفرانسهای علمی : ۲۳ مورد - تعداد طرحهای تحقیقاتی و پژوهشی :۱۲ موردآثار : ۱ آشنایی با آموزش ضمن خدمت کارکنا ن وزارت آموزش و پرورش ویژگی اثر : ۱۳۷۳ تالیف۲ آموزش مهارت های زندگی در مدارس ویژگی اثر : انتشارات فاخر جلد اول ، ۱۳۸۴۳ آموزش مهارت های شهروندی، ویژگی اثر : انتشارات فاخر ـ جلد دوم. ۱۳۸۴ ۴ ارزشیابی اثربخشی دوره های آموزشی، ویژگی اثر : انتشارات آییژ، ۱۳۸۵۵ اصول برنامه ریزی درسی ویژگی اثر : انتشارات ایران زمین ۱۳۷۷ تالیف۶ برنامه درسی به سوی هویت های جدید (جلد دوم) ویژگی اثر : کتب در حال اتمام برای چاپ-۷ برنامه درسی چیست؟ (مفاهیم، و حدود و ثغور برنامه درسی به عنوان یک رشته تخصصی) ویژگی اثر : کتب در حال اتمام برای چاپ-تالیف۸ برنامه درسی، به سوی هویت‌های جدید، ویژگی اثر : انتشارات مؤسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی ونوآوری های آموزشی، زیر چاپ ۹ برنامه ریزی آموزش ضمن خدمت کارکنان ویژگی اثر : انتشارات سمت. ۱۳۸۴۱۰ برنامه ریزی درسی و طراحی درس در آموزش عالی، ویژگی اثر : نوشته رابرت دایموند، ترجمه. مؤسسه کورش چاپ، ۱۳۸۵۱۱ تجربیات و روند آموزش کارکنان در پانزده کشور آسیا و اروپا ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش . تالیف۱۲ تدریس بر علیه جهانی شدن ویژگی اثر : کتب در حال اتمام برای چاپ-نوشته پیترمک لارن. ترجمه۱۳ تدوین برنامه درسی در آموزش عالی ویژگی اثر : کتب در حال اتمام برای چاپ-نوشته استارک ولاتوکا ۱۴ جامعهٔ مدنی و تربیت شهروندی ویژگی اثر : انتشارات فاخر . ۱۳۸۱ . تالیف۱۵ در آمدی بر برنامه ریزی آموزش ضمن خدمت ویژگی اثر : انتشارات سرآمد کاوش ۱۳۷۶ . تالیف۱۶ در آمدی بر برنامه ریزی درسی دانشگاهی ۱۷ راهنمای آموزش شهروندی در مدارس، ویژگی اثر : انتشارات کتابیران (زیر چاپ) ۱۸ راهنمای تدریس موثر ویژگی اثر : انتشارات تربیت . ۱۳۷۹ ترجمه۱۹ راهنمای علمی مدیریت آموزشی ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش ۱۳۷۸ تالیف۲۰ راهنمای نظارت بر معلمان تازه کار، ویژگی اثر : انتشارات تربیت . ۱۳۷۸ ترجمه۲۱ روش های پژوهش در برنامه درسی ویژگی اثر : (ترجمه یک فصل از کتاب) زیر چاپ ۲۲ روش های مطالعه و تحصیل (نحوه موفقیت در تحصیل) ویژگی اثر : انتشارات فاخر ۱۳۷۹ ترجمه۲۳ رویکردها و چشم‌اندازها در برنامه درسی، ویژگی اثر : (بصورت همکاری درتدوین بخش‌هایی از کتاب) تالیف و ترجمه.۱۳۸۱۲۴ طراحی و تدوین نظام جامع آموزش کارکنان ویژگی اثر : بنیاد شهید انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۱ تألیف ۲۵ فهم برنامه درسی در بستر آموزش عالی ویژگی اثر : کتب در حال اتمام برای چاپ-تالیف۲۶ مباحث تخصصی در برنامه ریزی درسی ویژگی اثر : انتشارات کتابیران . ۱۳۸۲تألیف و ترجمه۲۷ مبانی برنامه ریزی آموزشی (تحلیل هزینه – فایده) ویژگی اثر : انتشارات نخستین. ۱۳۷۵ . ترجمه۲۸ مبانی مدیریت و برنامه ریزی اردو ویژگی اثر : انتشارات فاخر ۱۳۷۹ تالیف۲۹

مدرسه استاندارد ویژگی اثر : انتشارات فاخر. ۱۳۷۹ تالیف ۳۰ نظام آموزشی در کشورهای مختلف جهان ویژگی اثر : سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ، تالیف ۳۱ نقش زنان در حفظ محیط زیست و توسعه پایدار ویژگی اثر : دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۸۲۳۲ نیاز سنجی آموزشی (الگوها و روش ها) ویژگی اثر : انتشارات کتابیران . ۱۳۸۱ ، تالیف۳۳ نیازسنجی آموزشی پیشرفته ویژگی اثر : کتب در حال اتمام برای چاپ–تالیف۳۴ نیازسنجی برنامه ریزی درسی مدرسه ـ محور (SBCNA). ویژگی اثر : انتشارات مؤسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نوآوری های آموزشی، زیر چاپ ۳۵ نیازسنجی پژوهشی (الگوها و فنون) ویژگی اثر : انتشارات کتابیران، ۱۳۸۵ ۳۶ نیازسنجی در برنامه ریزی آموزشی و درسی ویژگی اثر : اداره کل تربیت معلم و آموزش نیروی انسانی. ۱۳۷۳. تالیف

فرانکل، ویکتور

قرن:۲۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ویکتور امیل فرانکل (به آلمانی: ۱۹۹۷ – ۱۹۰۵) (Viktor Frankl) روان‌شناس اتریشی، پدیدآورندهٔ لوگوتراپی یا معنادرمانی

زندگی:

ویکتور فرانکل در ۱۹۰۵ در وین به‌دنیا آمد. او در ۱۹۴۹ از دو دانشگاه وین و آدیتشنالی موفق به گرفتن درجهٔ دکترای اعصاب و روان شد. در ضمن او از ۱۲۰ دانشگاه در سراسر جهان دکترای افتخاری گرفت.

فرانکل به علت یهودی بودن در سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ به وسیله نازی‌ها ابتدا در آشویتس و سپس در داخائو زندانی شد. تجارب او در این اردوگاه‌ها موجب شد مکتب جدیدی را در روانشناسی بنیان‌گذاری کند که معنا درمانی یا لوگوتراپی نامیده می‌شود.

او پس از پایان جنگ دوم جهانی ریاست بخش اعصاب بیمارستانی در وین را به عهده گرفت و به مقام استادی دانشگاه در رشتهٔ عصب‌شناسی و روان‌پزشکی نایل آمد. در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ استاد داشنگاه بین‌اللملی سن دیه‌گو بود و نظریه معنا درمانی‌اش در میان روان‌شناسان و روان‌پزشکان پیروان زیادی دارد.

فرانکل در سپتامبر ۱۹۹۷ در سن ۹۲ سالگی در وین درگذشت.

فرانکل در جنگ جهانی دوم زمانی که یهودی‌ها و کمونیست‌ها و همجنس‌گرایان توسط حکومت نازی در آلمان که اتریش نیز به آن الحاق شده بود روانهٔ اردوگاه‌های کار اجباری می‌شدند در سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ در آشویتس و داخائو زندانی بود نامزدش هرگز پیدا نشد و ظاهراً جزو قربانیان این اردوگاه‌ها بود. ویکتور در کتاب خاطرات خود و در کتاب انسان در جستجوی معنا بارها تاکید می‌کند که بازنویسی کتاب لوگوتراپی انگیزه زنده ماندن او بود. این کتاب را که در مورد نظریه اش درباره معناجویی و معنا درمانی بود در دستگیری وی در اردوگاه به همراه همه لباس هایش از او گرفتند. او با این نظریه توانست خود را در بدترین شرایط اردوگاه حفظ کند و نجات یابد. در واقع نظریه خود را خود تجربه کرد و می‌توان گفت که این نظریه از بوته آزمایش به توسط خود او گذشته است. هر چند خود او در کتاب انسان در جست‌وجوی معنا می‌نویسد: «ما که از بخت خوب یا حسن اتفاق یا معجزه – یا هر آنچه که شما نامش می‌نهید– از این اردوگاهها بازگشته‌ایم، خوب می‌دانیم که بهترین‌های ما برنگشتند.» [۱]

فرانکل اگزیستانسیالیست (پیروان اصالت وجود، هستی‌گرا) بود. او واژه" هستی نژندی["۲] را در مورد اختلال عاطفی ابداع کرد و اختلال عاطفی را حاصل عدم توانایی فرد در یافتن معنا برای زندگی می‌دانست. به نظر فرانکل آزادی به معنای رهایی از سه چیز است: ۱ـ غریزه‌ها ۲ـ خوی‌ها و عادت‌ها ۳ـ محیط[۳] در زمینهٔ نظریه شخصیت فرانکل معتقد است، در آدمی انگیزه‌یی بنیادی وجود

دارد و آن «اراده معطوف به معنا»[۴] است. [۵] مکتب روان‌شناسی لوگوتراپی یا معنا درمانی که ویکتور فرانکل بنا نهاد امروز یکی از مکاتب مطرح روان‌شناسی در جهان است.

اختلاف دیدگاه فرانکل با دیگران:

اختلاف با فروید:

فروید روان نژندی را حاصل سرکوبی کشش‌های عریزی می‌داند که توسط ناخودآگاه به «من» تحمیل شده است. در حالی که فرانکل این را کافی نمی‌داند و تعارضات روانی را تنها دلیل روان‌نژندی نمی‌شمارد.

اختلاف با آدلر

آدلر روان‌نژندی را نتیجه محدودیت «من» در باربر حس مسئولیت بیان می‌کند. روان‌شناسی فردی آدلر از انگیزه «تلاش برای برتری» سخن می‌گوید. اما فرانکل انسان بودن را «آگاه بودن» و «مسئول بودن» و در جست‌وجوی معنایی برای زنده‌گی بودن می‌داند و درواقع دو مکتب فرویدی و آدلری را مکمل هم می‌شمارد.

اختلاف با رفتار درمان‌گران:

فرانکل اعتقاد دارد چون رفتار درمان‌گران آدمی را مانند حیوانان و به صورت ماشین فیزیولوژیک تحلیل می‌کنند آزادی اراده و انتخاب را در انسان نادیده می‌گیرند اما در لوگوتراپی به بعد معنوی انسان اهمیت داده می‌شود. آثار:

•۱۹۵۵، پزشک و روح به انگلیسی ترجمه و منتشر شد. در سال ۱۳۷۷ انتشارات درسا ترجمه از این کتاب که توسط فرخ سیف بهزاد صورت گرفته بود منتشر کرد.

•۱۹۷۵، انسان در جست‌وجوی معنا، معنا درمانی چیست؟، «کتاب انسان در جستجوی معنی ویکتور فرانکل را اکبر معارفی در سال ۱۳۵۴ ترجمه نموده و انتشارات دانشگاه تهران منتشر کرده است.تا سال ۱۳۷۵ این کتاب در ۵ نوبت تجدید چاپ شده است.» ترجمه دیگری از این کتاب به فارسی توسط دکتر نهضت صالحیان، مهین میلانی صورت گرفته است و بارها توسط ناشرین مختلف منتشر شده است.

•۱۹۷۷، فریاد ناشنیده برای معنا، ترجمه مصطفی تبریزی و علی علوی‌نیا از این کتاب به فارسی در سال ۱۳۷۱ توسط نشر یادآوران منتشر شد.

فرجاد، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش علوم انسانی، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فلسفه و علوم تربیتی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد مطالعات تحقیقات اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، دکترای جامعه‌شناسی و آسیب‌شناسی اجتماعی از دانشگاه اسلامی علیگره هند در سال ۱۳۵۲، فوق تخصص آموزش علوم انسانی از دانشگاه دولتی کالیفرنیای آمریکا در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علامه و مدرسه عالی بازرگانی از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۲، دانشیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۵۲ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی علل اعتیاد در ایران، بررسی عوارض اعتیاد در ایران، بررسی علل و عوارض طلاق در ایران، بررسی علل و عوارض روان اجتماعی اعتیاد، بررسی رابطه افسردگی و طلاق، بررسی علل بازگشت مجدد به اعتیاد، بررسی رفتارها و گرایش‌های بیمارگونه معتادان، تدریس دروس علوم اجتماعی، آسیب‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی اجتماعی و روش تحقیق در دانشگاههای علامه طباطبائی، تربیت معلم، برنده جایزه بهترین مقاله انجمن جامعه‌شناسان آمریکا در سال ۱۳۵۴.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی و سیر تحول جامعه، جامعه‌شناسی پرورشی، جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل اجتماعی، جامعه‌شناسی رشد اقتصادی، آسیب‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی جنائی، اعتیاد (علل، عوارض و درمان) مددکاری اجتماعی، مروری بر پرستاری روانی، روان پرستاری در جامعه و بیمارستان، جامعه‌شناسی سیاسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

علوم اجتماعی، روان‌شناسی و علوم تربیتی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فردانش، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر هاشم فردانش در سال ۱۳۳۰ در شهر تهران بدنیا آمد ایشان دارای دکتری رشته روانشناسی و تکنولوژی آموزشی از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی، لوس آنجلس آمریکا می باشد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تربیت مدرس می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی و تکنولوژی آموزشی تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات دکتر فردانش به ترتیب زیر است: - لیسانس اقتصاد، دانشگاه شیراز، شیراز ایران - فوق لیسانس تکنولوژی آموزشی، دانشگاه سیراکیوس، سیراکیوس، نیویورک آمریکا - دکترا روانشناسی و تکنولوژی آموزشی، دانشگاه کالیفرنیای جنوبی، لوس آنجلس آمریکا مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری دکتر فردانش به قرار زیر است: دانشیار (۱۳۷۸ - تا کنون) دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران ایران. استادیار (۱۳۷۱ - ۱۳۷۸) دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. استادیار (۱۳۷۸ - ۱۳۶۵) سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ایران. مدیر کل دفتر تکنولوژی آموزشی (۱۳۷۰ - ۱۳۶۹) سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش، تهران ایران. عضو انجمن ایرانی تعلیم و تربیت از سال ۱۳۸۱ تا کنون عضو (European Association for Research on Learning and Instruction (EARLI

از سال ۱۳۸۳ تا کنون عضو هیئت تحریریه نوآوری های آموزشی، علمی پژوهشی عضو هیئت تحریریه دانش و پژوهش علمی ترویجی عضو هیئت تحریریه مطالعات تربیتی و روانشناسی، علمی پژوهشی آرا و گرایشهای خاص : علایق دکتر فردانش به شرح زیر است: نظریه های آموزشی، طراحی آموزشی، برنامه ریزی و توسعه آموزشی ، روشهای تدریس ، رویکردهای آموزشی، نظریه های یادگیری ، و تمام عنوان هایی که با تدریس و آموزش مربوط استجوائز و نشانها : دکتر فردانش لوح تقدیر پژوهشگر برتر سال، ۱۳۷۹ را از معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس دریافت کردند. چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات معتبر علمی : ۱۵ مقاله - تعداد مقالات ارائه شده در سمنیارها و کنفرانسها: ۷ مقاله - تعداد رساله های راهنمایی شده دکتری : ۹رساله - تعداد رساله های تحت مشاوره دکتری : ۸ رساله - تعداد رساله های راهنمایی شده کارشناسی ارشد : ۱۱ رساله - تعداد رساله های تحت مشاوره کارشناسی ارشد : ۱۰ رساله آثار : راهبردها و فنون طراحی آموزشی (چاپ سوم) ویژگی اثر : ترجمه - ۱۳۷۴، تهران ۲ طراحی نظام های آموزشی ویژگی اثر : ترجمه - ۱۳۷۹، تهران ۳ مبانی نظری تکنولوژی آموزشی (چاپ هفتم) ویژگی اثر : ۱۳۸۲، تهران -تجدید چاپ همراه با تجدید نظر ۴ مبانی نظری تکنولوژی آموزشی ویژگی اثر : تالیف-۱۳۷۲ ، تهران۵ یک فصل از کتاب "علوم تربیتی ماهیت و قلمرو آن" ویژگی اثر : تالیف- ۱۳۸۰، تهران

فرزانگان، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: ۱۳۷۳.

دکتر صادق فرزانگان استادیار دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیت دانشگاه تهران بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فروغی، نعمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نعمت الله فروغی

محل تولد : مبارکه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات کلاسیک را در شهرستان مبارکه یکی از شهرستانهای استان اصفهان آغاز نمودم و مقارن با انقلاب اسلامی در آن شهرستان موفق به دریافت گواهی نامه دیپلم شدم با مدرک دیپلم وارد حوزه علمیه اصفهان شدم یکی دو سالی در آنجا مقدمات را گذراندم و بعد از آن به شهر مقدس قم هجرت نمودم و در این شهر ادبیات عرب، منطق، فلسفه، فقه و اصول و به

تعبیرات حوزوی سطح را در طی چند سال گذراندم و البته همزمان در دانشگاه اصفهان هم تحصیل نمودم و موفق به لیسانس در رشته ادبیات فارسی شدم. حدود ۱۰ سالی است که در دروس خارج آیات عظام شرکت دارم و سال ۸۱ موفق به نوشتن پایان نامه سطح سه در موضوع و نقش تربیتی مساجد در جوامع اسلامی شدم و همچنین یک دوره علمیه قرآن را گذراندم ده سالی است علاوه بر تحصیل، مقالات و آگاهی هم نوشته ام و در بخش آثار آنها را ذکر کرده ام همچنین در مدارس حوزه قم درس آیین نگارش هم تدریس می نمایم.

فرهادیان، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا فرهادیان

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۶/۱

زندگینامه علمی

به نقل از کتاب والدین مسئول و کتاب یار مهربان یادمان نخستین جشنواره انتخاب کتاب معلم: مولف در سال ۱۳۲۷ در جوار آرامگاه حکیم و فیلسوف بزرگ شرق شیخ الرئیس ابو علی سینا و شاعر شوریده بابا طاهر در شهر همدان پا به عرصه هستی گذاشت. تحصیلات را در زادگاهش آغاز کرد و پس از اخذ مدرک دیپلم در دانشگاه علم و صنعت تهران در رشته مهندسی مکانیک و دانشگاه تربیت معلم (دانشسرای عالی تهران) در رشته مشاوره و راهنمائی تحصیلی (علمی) قبول گردید به دلیل علاقه مندی به تعلیم و تربیت و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت معلم را انتخاب نموده و با طی دوره دانشگاه زمینه برای ورود به آموزش و پرورش و درآمدن به کسوت شریف معلمی فراهم شد و در سال ۱۳۵۲ با استخدام در آموزش و پرورش سالهای پر شور و به یاد ماندنی تدریس و مشاوره تعلیم و تعلم در زندگی فرهنگی او آغاز شد. با ارتباطی که با مرحوم شهید دکتر بهشتی (ره) داشت جهت فعالیتهای فرهنگی قبل از انقلاب در سال ۱۳۵۳ به سمت مدیر عامل موسسه آیت فیلم انتخاب گردید. و در اسفند ماه سال ۱۳۵۷ با تایید و پیشنهاد شهید مرحوم آیت الله مدنی(ره) به سمت مدیر صدا و سیمای استان همدان منسوب گردید و در اسفند سال ۱۳۵۸ به سمت مدیر صدا و سیمای استان کردستان منسوب گردید و در سال ۱۳۶۰ به سبب احساس نیاز و علاقمندی به علوم اسلامی وارد حوزه علمیه قم شد و با علاقه فراوان به فراگیری دروس حوزه پرداخت. وی در طول سالهای خدمت در آموزش و پرورش به مطالعه، مشاوره و تحصیل دروس حوزوی اشتغال داشته و ساعاتی به عنوان مشاور و راهنمای دانش آموزان و اولیای آنها نقش موثری در پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت داشته و مسئولیت مرکز مشاوره خانواده در آموزش و پرورش استان قم از دیگر مسئولیتهای وی در آموزش و پرورش بوده است در سال ۱۳۶۷ طی حکمی عضو ستاد تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش گردید و در تدوین فلسفه تعلیم و تربیت و پیش نویس طرح بنیادی تغییر نظام آموزش و پرورش با وزارت آموزش و پرورش مشارکت نمود. در طی این دوران همچنان به دروس حوزه اشتغال داشته و به فراگیری درس خارج از اساتیدی چون آیت الله جوادی آملی، فاضل

لنکرانی (ره)، مکـارم شـیرازی، وحیـد خراسانی بهره برده است و دوره تخصصـی فلسـفه اسـلامی از منطق منظومه تا فلسـفه و عرفان اسلامی را گذرانـده است. وی در طول دوره های تحصـیل حوزه و خـدمت در آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۹ با تاسیس موسسه فرهنگی تربیتی توحیـد در جهت پیشبرد اهـداف تعلیم و تربیت اسـلامی تلاـش نموده و حاصـل سالها فعالیت و مطالعه و تجربه مفید آموزشـی و تربیتی، تـالیف بیست جلـد کتـاب و مقالاـت مختلف در مجله پیونـد و تربیت و سـایر روزنامه ها و ویژه نامه های تربیتی وابسته به آموزش و پرورش اقدام نموده است که برخی از این کتابها بارها به چاپ رسیده است و تجدید چاپ مکرر گردیده است و در حال حاضـر کماکان مـدیر موسـسه فرهنگی تربیتی و مجتمع آموزشـی دخترانه و پسـرانه توحید می باشـند و با طرح ارزشـیابی توصـیفی، حرکتی نو در جـامعه آموزشـی ایران ایجـاد نموده و اخیرا بـا وزارت آموزش و پرورش در جهت تـالیف کتاب مهارتهای زندگی همکاری مستمر داشته اند. (مهر ۱۳۸۵)

فرید مهاجر، یداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: جغرافیای انسانی، دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی تاریـخ و جغرافیـا و علوم تربیـتی بـا رتبه اول از دانشـکده ادبیـات و علوم انسـانی دانشـگاه تبریز در سـال ۱۳۲۹، دکترای جغرافیای انسانی با درجه عالی از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۴۰.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نگرش جوانـان آذربایجـان شـرقی در مورد برنـامه تنظیم خـانواده، هیـدرولوژی حوضه هراز، راهنمـائی و نظـارت بر یـک پایان‌نـامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جغرافیای انسانی بویژه مسائل شـهری، کاربرد جغرافیا در روش تحقیق شهر و روستا، سیر اندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی، بریتانیا و بازار مشترک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

جغرافیای انسانی بویژه مسائل شهری، جمعیتی و تغذیه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فلاح شیروانی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا فلاح شیروانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر دوره های دبستان و راهنمایی را در شهرک خزانه تهران در مدارس دینی مناسبی گذراندم و دوره دبیرستان را در مدرسه نمونهٔ دولتی رشد (ظاهراً اولین مدرسه نمونه دولتی آن زمان- تأسیس ۱۳۶۴) گذراندم (ورودی دوره اول آن بودم) این مدرسه هم محصول خوبی داشت. و همین تأثیرات چشمگیری روی چند منطقه جنوب شهر گذاشت. پس از دیپلم در سال ۶۸ در رشته مخابرات دانشگاه صنعتی شریف مشغول تحصیل شدم. منتها اندیشه ای که یکبار سال چهارم دبیرستان سر کوبش نموده بودم دوباره سراغم آمد و این بار جدی تر و تحلیلی تر گریبانم را گرفت. به طور جدی به این می اندیشیدم که آیا باید ادامه تحصیل در رشته مهندسی بدهم یا به حوزه بروم. مخالفتها متنوع و همه جانبه بود و موافقین برخی عاطفی برخورد می کردند و برخی تحلیلهایشان ضعیف بود. پس از چند ماه تحقیق و حتی سکونت چند ماهه در قم جهت تحقیقی در این باب بالاخره تصمیم خود را قاطعانه گرفتم و در سال ۷۱ پس از انصراف از دانشگاه وارد حوزه شدم. در عرض سه سال تا چهار سال پایه ده ۱۰ حوزه را گذراندم (سال ۷۴ تخصصی های پایه ده و درسال ۷۵ عمومیها را امتحان دادم. از سال ۷۴ به درسهای خارج سرزدم. از همان سال اول به دروس معقول علاقه ای ویژه داشتم لذا در کنار ادبیات عرب و حلقات شهید صدر المنطق را هم (پس از مطالعه دقیق آموزش منطق غرویان و مباحثه مفصل آن) تمام کردم و کتاب «آشنایی با فلسفهٔ» شهید مطهری و «علم چیست، فلسفه چیست» را نیز خواندم. تابستان همان سال اول (۷۲) با کتاب در آمدی بر آموزش فلسفه آقای غرویان و در محضر آقای معلمی رسماً دوره فلسفه را شروع کردیم و پس از آن در سال دوم آموزش فلسفه را با ایشان ادامه دادیم و تا انتهای همان سال (۷۲) هر دو جلد را تمام کردیم پس از آن به مطالعاتی در باب فلسفه غرب رو آوردیم که به صورت کامل پیگیری نشد و در سال بعد نهایه را با نظارت جناب استاد فیاضی و برگزاری جلسات مرتب رفع اشکال توسط ایشان گذراندم. پس از آن به جهت فشار دروس اصول و فقه و اصرار بر اتمام سطح ۲ سیر فلسفی مدتی متوقف شد. در سال ۷۶ در کنار دروس فقه و اصول دوره اشارات(حکمت) را با نوارهای آیت الله حسن زاده حفظه الله شروع کردم و پس از آن «اسفار اربعه» را با نوارهای آیت الله جوادی حفظه الله مطالعه کردم. از سال ۷۷ دروس عرفان نظری با کتاب «تمهید القواعد» توسط استاد یزدان پناه حفظه الله شروع شد که توفیق شرکت مستمر در آن و پس از آن «شرح فصوص الحکم» مرحوم قیصری و در کنار آن دروس حکمهٔ الاشراق و جلسات فلسفهٔ بود. دروس فقه و اصول پس از پایهٔ ۱۰ با حضور در کلاسهای آیت الله تبریزی و بهجت حفظهم الله حجهٔ الاسلام و المسلمین مددی و تحریری و همچنین حجهٔ

الاسلام شیخ صادق لاریجانی ادامه پیدا کرد؛ تا سال ۸۲ که با پذیرفتن مسؤولیت بخش شهید بهشتی (فارغ التحصیلان دانشگاهی که به حوزه آمده بودند) در مدرسه معصومیه، کلاً برنامه های علمی بنده متوقف شد. پس از استعفا از مسؤولیت آن بخش در سال ۸۴ دوباره برنامه دروس عرفانی و فلسفی و تحقیقات تربیتی پی گرفته شد. همزمان با استعفا از دو گروه پژوهشی اخلاق و تربیت در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مشغول شدم. سال تحصیلی ۸۶ ـ ۸۷ معاونت پژوهشی مدرسهٔ معصومیه را پذیرفتم و در زمستان همان سال (۸۶) گروه پژوهشی «اخلاق و عرفان» را به کمک تعدادی از دوستان در پژوهشکدهٔ علمی ـ کاربردی باقرالعلوم ع وابسته به سازمان تبلیغات طراحی و تأسیس کردیم. دغدغهٔ ما در این گروه پژوهشی فعال کردن تحقیقات کاربردی در حوزهٔ اخلاق و عرفان توسط پژوهشگران توانمند این عرصه بود.

فیوضات، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۳.

درگذشت: ۱۳۷۱.

از آثار اوست: مبانی برنامه‌ریزی آموزشی (تهران، چاپ‌های مکرر در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۷۴، ۱۳۷۳).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قاضی، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم تربیتی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فلسفه و علوم تربیتی با رتبه اول از دانشگاه تهراندر سلا ۱۳۳۶، دکترای فلسفه و گواهینامه روانشناسی در سال ۱۳۳۶، دکترای آموزش و پرورش پیش‌دبستانی و کسب دیپلم تخصصی روان‌شناسی مشاوره از آمریکا در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روان‌شناسی مشاوره، تعلیم و تربیت کودک و نوجوان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۴ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روان‌شناسی و علوم تربیتی (مشاوره، تربیت کودک، بازی، آموزش پیش‌دبستانی و دبستانی).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

روان‌شناسی مشاوره و تعلیم و تربیت.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قاضی، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر قاسم قاضی در سال ۱۳۱۲ درشمیران متولد شد. وی در سال ۱۳۳۳ وارد رشتهٔ فلسفه و علوم تربیتی دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۳۶ ، با رتبهٔ شاگرد اولی و اخذ مدال درجه یک علمی فارغ التحصیل گردید. در همان سال در رشته دکتری فلسفه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پذیرفته شد و به اخذ روشها و تنامه در روان شناسی و طبقه شناسی نایل آمد.ایشان همچنین در سال ۱۳۴۰ برا ی ادامه تحصیل به کشور انگلستان اعزام شد. پس از دریافت دو مدرک دیپلم آموزش و کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت به ایران مراجعه کرد و به دانشگاه تهران انتقال یافت. پس از ۳ سال خدمت در دانشکدهٔ روان شناسی و علوم تربیتی برای دریافت درجهٔ دکتری عازم کشور آمریکا شد. پس از ۳ سال تحصیل در دانشگاه ایالتی بال ، در رشتهٔ تعلیم و تربیت و تخصص در رشتهٔ روان شناسی مشاوره در سال ۱۳۵۰ به ایران بازگشت. از آن تاریخ به بعد به ترتیب مدارج استادیاری، دانشیاری و استادی را طی کرد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : آموزش و پرورش پیش دبستانی تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر قاسم قاضی تحصیلات دبستان و دبیرستان خود تا پنجم دبیرستان را در دبیرستان شاهپور تجریش که آن زمان هر دو دوره را دربر می گرفت، گذرانید. ششم دبیرستان را در دبیرستان علمیه و در رشته ادبی به پایان رسانید و در سال ۱۳۳۳ وارد رشتهٔ فلسفه و علوم تربیتی دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۳۶ ، با رتبهٔ شاگرد اولی و اخذ مدال درجه یک علمی فارغ التحصیل گردید. در همان سال در رشته دکتری فلسفه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پذیرفته شد و به اخذ روشها و تنامه در روان شناسی و طبقه شناسی نایل آمد. در سال ۱۳۴۰ برا ی ادامه تحصیل به کشور انگلستان اعزام شد. پس از دریافت دو مدرک دیپلم آموزش و کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت به ایران مراجعه کرد و به دانشگاه تهران انتقال یافت. پس از ۳ سال خدمت در دانشکدهٔ روان شناسی و علوم تربیتی برای دریافت درجهٔ دکتری عازم کشور آمریکا شد. پس از ۳ سال تحصیل در دانشگاه ایالتی بال ، در رشتهٔ تعلیم و تربیت و تخصص در رشتهٔ روان شناسی مشاوره در سال ۱۳۵۰ به ایران بازگشت.همسر و فرزندان : دکتر قاضی متأهل،و دارای دو فرزند است.وقایع میانسالی : دکتر قاضی پس از کسب دکتری در رشته آموزش و پرورش کودکان به عضویت هیئت علمی دانشکده روانشاسی و علوم تربیتی دانشگاه در آمد وی هم اکنون با رتبه علمی استادی مشغول به تدریس است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر قاضی عضو هیئت علمی و استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران است. تجارب مدیریتی از آذرماه ۱۳۵۸ تا اردیبهشت ۱۳۵۹ سرپرست دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. از آبان‌ماه ۱۳۵۲ تا مهرماه ۱۳۵۶،

سرپرست گروه آموزشی روش‌ها و برنامه‌های درسی دانشگاه تهران. مدیر گروه آموزشی کارشناسی ارشد روان‌شناسی مشاوره در دانشگاه آزاد اسلامی (واحد رودهن) ۱۳۷۱ تاکنون. سرپرست مرکز مشاوره و خدمات روانشناسی در دانشگاه آزاد اسلامی (واحد رودهن) ۱۳۷۱ تاکنون کارآموزی معلمی در مدارس مدرن انگلستان به مدت یک ترم- ۱۳۶۳ میلادی. سرپرست گروه مشاوران راهنمایی مدارس گروه فرهنگی هدف— ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۳. سرپرست گروه مشاوران راهنمایی و دبیرستان نظام تهران- ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷. عضو کمیته عالی برنامه‌ریزی برنامه خانواده در سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران ۱۳۵۲. عضو هیئت داوران هفتمین و هشتمین فستیوال فیلم‌های کودکان و نوجوانان (تهران) ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲. عضو آموزشی کلینیک خواندن و مرکز مواد خواندنی- دانشگاه ایالتی بال- امریکا ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۲. عضو هیئت تحریریه مجله روانشناسی و علوم تربیتی- دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، از ۱۳۵۱ تاکنون. ویراستار بین‌المللی مجله انجمن بین‌المللی روان‌شناسی آموزشگاهی. مدیر دفتر مشاوره و راهنمایی کودک و خانواده (دفتر خصوصی) از ۱۳۵۲ تاکنون. عضو انجمن روان‌شناسی ایران (قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران) عضو انجمن بین‌المللی روان‌شناسی آموزشگاهی (ISPA) از ۱۹۷۲ میلادی تاکنون عضو انجمن ایرانی تعلیم و تربیت عضو انجمن بین‌آلمللی میزگرد برای پیشبرد مشاوره(irfac) عضو (سابق) انجمن روان‌شناسی امریکا (APA) عضو شورای دانشجویان خارجی دانشگاه ایالتی بال در سال تحصیلی ۷۲-۱۹۷۱ میلادی. عضو هیآت امنا کتابخانه و موزه ملک، تهران ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰. عضویت افتخاری انجمن ملی حمایت از کودکان در ایران ۱۳۷۵. رئیس کمیته تخصصی روان‌شناسی مشاوره ـ بخش روان‌شناسی مشاوره انجمن روان‌شناسی ایران، از ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷. تقدیرنامه از طرف قائم مقام وزیر آموزش و پرورش برای بنیان‌گذاری نظام جدید آموزش متوسطه (دبیرستانهای نظام جدید)، شماره ۴۴۰۰/۴۰۰ تا تاریخ ۸/۵/۱۳۷۴. عضو هیئت مدیره انجمن روان‌شناسی ایران، ۱۳۷۹، به مدت ۲ سال فعالیتهای آموزشی : قاسم قاضی پس اخذ مدرک کارشناسی، از خدمت دبیری وزارت آموزش و پرورش درآمد و در سال ۱۳۴۰ برا ی ادامه تحصیل به کشور انگلستان اعزام شد. پس از دریافت دو مدرک دیپلم آموزش و کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت به ایران مراجعه کرد و به دانشگاه تهران انتقال یافت. پس از ۳ سال خدمت در دانشکدهٔ روان شناسی و علوم تربیتی برای دریافت درجهٔ دکتری عازم کشور آمریکا شد. پس از ۳ سال تحصیل در دانشگاه ایالتی بال ، در رشتهٔ تعلیم و تربیت و تخصص در رشتهٔ روان شناسی مشاوره در سال ۱۳۵۰ به ایران بازگشت. از آن تاریخ به بعد به ترتیب مدارج استادیاری، دانشیاری و استادی را طی کرد. دکتر قاسم قاضی پس از اخذ تخصص در رشتهٔ روان شناسی مشاوره ، به موازات تدریس در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی و علوم بهزیستی و توانبخشی به کار مشاوره و روان درمانی با افراد و خانواده ها مشغول بوده است که حاصل تجربه های خود را در کتاب های مختلف و به طور اختصاصی در کتاب آورده است. عنوان دروس ارائه شده توسط ایشان به قرار زیر است: دروس :روشهای مشاوره و مصاحبه – روانشناسی مشاوره و راهنمایی – نظریه های مشاوره و روان درمانی- آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران دروس : اصول و فنون مشاوره و راهنمایی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. دروس : نظریه های پیشرفته مشاوره و روان درمانی دانشگاه اسلامی رودهن دروس : تمرین و کارورزی مشاوره در دانشگاه آزاد اسلامی و دانشکده روانشناسی رود هن. جوائز و نشانها : – فارغ‌التحصیل رتبه اول دوره کارشناسی رشته فلسفه و علوم تربیتی دانشگاه تهران. دریافت مدال درجه ۱ علمی. مهرماه ۱۳۳۶. – دریافت بورس تحصیلی و مأموریت علمی از طرف وزارت آموزش و پرورش از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴. – دریافت بورس تحصیلی و مآموریت علمی از طرف دانشگاه تهران از آبان‌ماه ۱۳۴۸تا فروردین‌ماه ۱۳۵۱. –دریافت بورس تحصیلی از دانشگاه ایالتی بال از نوامبر ۱۹۶۹تا مارس ۱۹۷۲. چگونگی عرضه آثار : دکتر قاضی استاد راهنمای بیش از ۱۰ پایان نامه کارشناسی ارشد بوده است. وی همچنین دارای ۲۰ مقاله به زبان فارسی و ۳ تالیف و ۴ ترجمه است. قابل ذکر است که دکتر قاسم قاضی در تألیف و ترجمهٔ آثار زیر شرکت داشته است : ۱ ـ آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی، نوشته بازرسان سلطنتی انگلستان، چاپ جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۷۳ ۲ ـ

نظریه ها و روشهای مشاوره و روان درمانی، چاپ چهارم، جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۷۸. ۳ ـ سه گفتار و یک آزمون ، چاپ انتشارات سپهر، ۱۳۶۸. ۴ ـ بازی تفکر کودک است ، نوشتهٔ اولین شارپ، انتشارات سپهر، چاپ چهارم، ۱۳۶۹. ۵ ـ روان شناسی انسان سلطه جو، نوشتهٔ اورت شوستر و م، انتشارات سپهر، چاپ چهارم، ۱۳۶۹.آثار : آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی ویژگی اثر : ترجمه جهاد دانشگاهی – دانشگاه تهران فارسی ۱۳۷۵۲ بازی تفکر کودک است ویژگی اثر : نوشتهٔ اولین شارپ، انتشارات سپهر، چاپ چهارم، ۱۳۶۹۳ در آمدی بر انسان شده ویژگی اثر : ترجمه– دانشگاه آزاد اسلامی– فارسی ۱۳۶۹۴ روانشناسی انسان سلطه جو ویژگی اثر : ترجمه– انتشارات سپهر– فارسی ۱۳۷۲۵ روشها و تکنیکهای مشاوره و روان درمانی ویژگی اثر : تالیف – جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران – فارسی ۱۳۷۰۶ زمینه مشاوره و راهنمایی ویژگی اثر : تالیف– موسسه انتشارات دانشگاه تهران– فارسی ۱۳۷۳۷ سه گفتار و یک آزمون ویژگی اثر : تالیف– انتشارات سپهر – فارسی ۱۳۶۹۸ مورد پژوهی در مشاهده روان درمانی ۹ نظریه ها و روشهای مشاهده و روان درمانی ویژگی اثر : چاپ چهارم، جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۷۸

قائمی مقدم، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا قائمی مقدم

محل تولد : اسفراین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا قائمی مقدم فرزند محمد در بهمن ماه ۱۳۴۴ در روستای روئین از توابع شهرستان اسفراین در خراسان شمالی در خانواده ای روحانی متولد شدم. پدرم را در سه سالگی از دست دادم و تحت حمایت مادرم و پدر بزرگم که روحانی و منبری محل بود بزرگ شدم. تحصیلات ابتدائی و نیز آشنایی با قرآن و عربی را در روستا گذراندم و تحصیلات راهنمایی را در شهر اسفراین به پایان رساندم و در سال ۱۳۶۰ برای تحصیلات حوزوی وارد قم شده و در مدرسه حقانی (شهیدین) پذیرفته شدم تا سال ۱۳۷۰ کلیه دروس سطح و نیز چند سالی از درس خارج را زیر نظر مدرسه شهیدین گذراندم و سپس به صورت آزاد در دروس خارج حوزه شرکت می کردم و از محضر اساتیدی چون آیات عظام استادی، خرازی، سید کاظم حائری، سبحانی، مرحوم آیهٔ الله تبریزی و...غیره بهره می بردم. دیپلم را نیز همزمان در طول تحصیل گرفتم در سال ۱۳۷۰ همزمان با دروس حوزه برای گذراندن تحصیلات دانشگاهی وارد برنامه های پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه سابق) شدم که همزمان با تحصیل به کار تحقیق نیز مشغول شدم و در نهایت در سال ۱۳۷۹ از مقطع کارشناسی ارشد با گرایش تاریخ و فلسفه آموزشی و پژوهشی فارغ التحصیل شدم و هم اکنون نیز به تحقیق و بررسی در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی به ویژه در خصوص روشهای تربیت در قرآن کریم مشغول هستم. و همزمان مسؤلیت واحد تحقیقات و پایان نامه های جامعهٔ الزهرا(س) را بعهده دارم. دوره های تربیت مربی دفتر تبلیغات، روش تحقیق دکتر فرامرز فرا ملکی و آشنایی با دوره های کامپیوتر IcdL را نیز گذرانده ام. بیشترین تدریس بنده در جامعهٔ الزهرا (س) بوده است که شامل دروس ادبیات عرب، اخلاق اسلامی، درایه رجال، روانشناسی عمومی،

اصول (طبقهٔ اولی) الموجزئی علم الاـصول و... می شود. راهنمـایی چنـدین پایـان نامه را نیز در مرکز جهانی و جامعه الزهرا بعهـده داشته و دارم.

قدیری اصلی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: اقتصاد، دانشکده: اقتصاد، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی حقوق از فرانسه، دیپلم سیاسـی از انستیتوی مطالعات قضائی نیس فرانسه، دیپلم عالی اقتصاد سیاسـی از دانشگاه پاریس، دیپلم عالی علوم اقتصادی و دکترای دولتی اقتصاد از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۰، اخذ نشان فرهنگ و استاد ممتاز دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۱.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، طی مراحل دانشیاری و استادی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اقتصـاد، رابطه تورم بـا سیاسـتهای پولی و مالی ایران در دهه ۱۳۶۰، راهنمـائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسـی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

اقتصادی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

اقتصادی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قورچیان، نادرقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نادرقلی قورچیان در سال ۱۳۳۰ به دنیا آمـد. وی در کل زمینه های تحصـیلی با رتبه های عالی توانست به درجه ممتازی برسد و هم اکنون دکتری تخصصـی برنـامه ریزی و رهبری آموزشـی را دارا هسـتند.فعـالیت خود را بـا تعلیم شـاگردانی در تربیت معلم آغـاز و بعدها به درجه معاونت نائل آمد . عضو هیات امنای دانشگاهها و موسسات پژوهشی و ریاست شورای تصویب طرح های پژوهشی و ریاست کمیته انتشارات موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی به عهده ایشان می باشد. از وی مقالات و ترجمه های متعددی به جـا مانـده است.گروه : علوم انسـانی رشـته : روان شناسـی تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : دکتر نادر قلی قورچیان دارای لیسانس روانشناسی دانشگاه اصفهان با (رتبه اول) در سال ۱۳۵۳می باشد. وی فوق لیسانس علوم تربیتی را در دانشگاه تهران با درجه ممتاز در سال ۱۳۵۶گرفت. و دکتری تخصصـی برنامه ریزی و رهبری آموزشی را از دانشگاه پیتزبرگ پنسیلوانیا آمریکا رتبه اول با معدل A+ بورسـیه وزارت علوم ،تحقیقـات و فناوری سال ۱۳۶۷ می باشد. مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : مسـئولیتهای نادرقلی قورچیان در زمینه های مختلف به صورت زیر اشاره شده است: پژوهشیار و کارشناس مسئول گروه تحقیقات و برنامه های سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشـی وزارت آموزش و پرورش سال ۱۳۶۴ پژوهشـیار و کارشناس مسئول سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی از سال ۱۳۶۷لغایت ۱۳۷۱ عضو شاخه برنامه ریزی آموزشـی و درسـی شورای عالی برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی از سال ۱۳۷۱ لغایت ۱۳۸۱ سـردبیر فصـلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ،وزارت فرهنگ و آموزش عالی از سال ۱۳۷۲لغایت ۱۳۷۴ مدیر گروه تطبیقی و نوآوری آموزش عالی ،موسـسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی از سال ۱۳۷۲ لغایت ۱۳۷۴ ریاست شورای تصویب طرح هـای پژوهشـی ،موسسه پژوهش و برنـامه ریزی آموزش عالی از ۱۳۷۲ لغایت ۱۳۷۴ ریـاست کمیته انتشارات موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی از سال ۱۳۷۲ لغایت ۱۳۷۴ معاون موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی از سال ۱۳۷۲ لغایت عضو هیأت امنای دانشـگاهها و موسـسات پژوهشی به مدت ۴ سال از سال ۱۳۷۴ لغایت ۱۳۷۸ با حکم ریاست جمهور ورئیس شورای انقلاب فرهنگی مشاور معاونت پژوهشـی وزارت بهداشت (۱۳۷۵)،مشاور برنامه ریزی وزیر فرهنگ و آموزش عالی (مهر ماه ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹)،مشاور و سـرپرست مرکز اطلاعات ،مشاور دبیر کل سـتاد مبارزه با موارد مخـدر مدیر کل دفتر آموزش و پرورش از سال ۱۳۷۵ لغایت ۱۳۷۶ ریاست بنیاد دانشـنامه بزرگ فارسی وابسته به وزارت علوم تحقیقات و فناوری از ۱۳۷۷ تا کنون رئیس مرکز آموزشـهای عـالی بیـن المللی دانشـگاه آزاد اسـلامی و... فعالیتهـای آموزشـی : نـادر قلی قورچیـان مـدرس تربیت معلم ،معاون و مدیر آموزشی صنایع پنها از سال ۱۳۵۶ لغایت ۱۳۶۳ بوده است. وی مدرس دوره های لیسانس ،فوق لیسانس و دکتری در دانشـگاههای تهران ،دانشـگاه آزاد اسـلامی ،تربیت مـدرس و تربیت معلم ،دانشگاه علوم پزشـکی تهران ،علامه طباطبائی ،دانشـگاه شاهد از سال ۱۳۷۶ تا کنون بوده است.چگونگی عرضه آثار : دکتر نادر قلی قورچیان استاد راهنمای ۲۱ پایان نامه دوره دکتری می باشد. دارای ۲۲ ترجمه و تألیف دارای ۴۷ مقاله چاپ شده دارای ۲۷ طرح تحقیقاتی استاد راهنمای ۲۱ پایان نامه دوره دکتری آثار : دارای ۲۲ ترجمه و تألیف ، دارای ۲۷ طرح تحقیقاتی ، دارای ۴۷ مقاله چاپ شده

کاردان، علی‌محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علی محمـد کـاردان در سال ۱۳۰۶ در شـهر یزد به دنیـا آمـد. پس از طی دوره مقـدماتی و متوسـطه درزادگاه خود برای ادامه تحصیل به دانشسرای عالی تهران اعزام شد و به تحصیل مشغول شد. با اتمام این دوره در سال ۱۳۲۸ این دانشگاه به دلیل آنکه فارغ

التحصیل رتبه اول دوره خود بود بر طبق قانون برای ادامه تحصیل در دوره دکتری به دانشگاه ژنو اعزام و در دانشکده ادبیات و موسسه علوم تربیتی آن ، معروف به موسسه ژان ژاک روسو مشغول تحصیل شد. وی پس از اخذ دکترای علوم تربیتی ، در سال ۱۳۳۶ به ایران بازگشت و به امر تدریس در دانشگاه تهران روی آورد . وی به موازات تدریس و تحقیق ، از همان آغاز کار در مدیریت امور دانشگاه نیز شرکت فعال داشت. از جمله تا سال ۱۳۴۱ مدیریت دروس موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ ریاست اداره کل آموزش دانشگاه تهران و از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶ ریاست دانشکده علوم تربیتی دانشگاه را عهده دار بود. پس از انقلاب نیز افزون بر تدریس در دوره های مختلف کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۶ سرپرستی موسسه روانشناسی دانشگاه تهران را به عهده داشت.دکتر کاردان در سال ۱۳۶۹ از سوی شورای انقلاب فرهنگی به عضویت پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی برگزیده شد و سرانجام در مهر ماه ۱۳۷۹ به افتخار بازنشستگی نائل گردید.ایشان برگزیده همایش طرح سپاس درسال ۸۵ در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : فلسفه علوم تربیتی اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر علیمحمد کاردان به کار ابریشم بافی اشتغال داشت و در ضمن او را با ادبیات و عرفان الفتی بود و نامش در تذکره شعرای معاصر یزد آمده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی محمد کاردان دوره ابتدایی را در دبیرستان سعدی و دوره متوسطه را در دبیرستان ایرانشهر و دانشسرای مقدماتی زادگاه خود گذراند و چون با رتبه اول فارغ التحصیل شد ، بنا بر مقررات آن زمان برای ادامه تحصیل به دانشسرای عالی تهران اعزام شد و پس از گذراندن « کلاس مخصوص » در دوره لیسانس دبیری فلسفه و علوم تربیتی دانشسرای عالی تهران به تحصیل مشغول شد. بدین ترتیب در سال ۱۳۲۸ به دلیل کسب رتبه اول فارغ التحصیلی ، خود بود بر طبق قانون برای ادامه تحصیل در دوره دکتری به دانشگاه ژنو اعزام و در دانشکده ادبیات و موسسه علوم تربیتی این دانشگاه ، معروف به موسسه ژان ژاک روسو مشغول تحصیل شد.سرانجام در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجه دکتری فلسفه علوم تربیتی از دانشکده ادبیات دانشگاه ژنو نایل شد.استادان و مربیان : علیمحمد کاردان وی در طول تحصیل در دانشسرای عالی، زبان فارسی را نزد بزرگانی چون دکتر معین، دکتر پرویز ناتل خانلری و بدیع‌الزمان فروزانفر، زبان عربی را در محضر آیت‌الله مهدی الهی قمشه‌ای، فلسفه قدیم را نزد آیت‌الله محمد حسین فاضل تونی، فلسفه جدید را در محضر دکتر یحیی مهدوی، دکتر رضازاده شفق و دکتر غلامحسین صدیقی گذراند. در روان‌شناسی از محضر دکتر علی‌اکبر سیاسی و در جامعه‌شناسی از محضر دکتر غلامحسین صدیقی فیض برد. درسهای علوم تربیتی را نزد دکتر محمدباقر هوشیار، دکتر عیسی صدیقی و دکتر اسدالله بیژن و فیزیولوژی اعصاب را نزد دکتر عبدالله شیبانی تلمّذ کرد. وی فلسفه را نزد استادانی چون شارل ورنر(Ch. Werner) (مؤلف تاریخ فلسفه یونان)، روان‌شناسی را نزد روان‌شناس و معرفت‌شناس مشهور ژان پیاژه (Jean Piaget) و تعلیم و تربیت را نیز نزد استادانی مانند روبر دوترانس (Robert Dottrens) آموخت.زمان و علت فوت : علی محمد کاردان استاد ممتاز دانشگاه تهران پنجشنبه شب در سن ۸۰ سالگی درگذشت. به گزارش ایسنا، دکتر کاردان از چهره های ماندگار رشته تعلیم و تربیت بود که بر اثر بیماری سرطان دار فانی را وداع گفت. مراسم تشییع پیکر دکتر «علی محمد کاردان» صبح روز سهشنبه ۱۱ دی ماه از مقابل مسجد دانشگاه تهران برگزار می شود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علیمحمد کاردان به موازات فعالیت آموزشی و پژوهشی ، از همان آغاز کار در مدیریت امور دانشگاه نیز شرکت فعال داشت. از جمله تا سال ۱۳۴۱ مدیریت دروس موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ ریاست اداره کل آموزش دانشگاه تهران و از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶ ریاست دانشکده علوم تربیتی دانشگاه را عهده دار بود. پس از انقلاب نیز افزون بر تدریس در دوره های مختلف کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۶ سرپرستی موسسه روانشناسی دانشگاه تهران را به عهده داشت. دکتر کاردان در سال ۱۳۶۹ از سوی شورای انقلاب فرهنگی به عضویت پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی برگزیده شد و سرانجام در مهر ماه ۱۳۷۹ به افتخار بازنشستگی نائل گردید.فعالیتهای آموزشی : دکتر کاردان پس از اخذ درجه دکتری به رغم

اینکه از سوی پروفسور پیاژه برای دستیاری در «مرکز معرفت‌شناسی تکوینی» به کار دعوت شد، به سائقه وظیفه‌شناسی، بی‌درنگ به وطن بازگشت. پس از شرکت در آزمونی از سوی دانشگاه تهران برای انتخاب به عنوان دانشیار کرسی اصول آموزش و پرورش و جانشینی استاد فقید دکتر هوشیار- که در تابستان ۱۳۳۶ از دنیا رفته بود - و پذیرفته شدن در آن آزمون به خدمت در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مشغول شد .و تدریس درسهایی مانند اصول آموزش و پرورش و تاریخ آموزش و پرورش را به عهده گرفت.با تأسیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در دانشگاه تهران (۱۳۳۷ ـ ۱۳۳۸) و ایجاد دوره لیسانس و فوق‌لیسانس علوم اجتماعی از وی برای تحقیق و تدریس در این مؤسسه نیز دعوت شد. لذا تا سال ۱۳۴۵ به تدریس روان‌شناسی اجتماعی و روش تحقیق در علوم اجتماعی پرداخت؛ همچنین به ترجمه کتابهای مهمی در روان‌شناسی اجتماعی و مردم‌شناسی و روش تحقیق در زمینه‌های فوق توفیق یافت. دکتر کاردان علاوه بر تدریس در دوره‌های مختلف کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاههای تهران و تربیت مدرس، از ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۶ سرپرستی مؤسسه روان‌شناسی دانشگاه تهران را عهده دار بود. دکتر کاردان سالها در شورای دانشگاه تهران و هیئت ممیزه علمی آن و نیز هیئت ممیزه مرکزی عضویت داشته و فعالیت کرده است. وی همچنین از نخستین صاحبنظرانی است که در سازماندهی متمرکز و جدید آزمون ورودی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور از سال ۱۳۴۲ نقش ویژه‌ای داشته استمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : گسترش رشته های مختلف علوم تربیتی در سطح کارشناسی ارشد و تاسیس نخستین دوره دکتری علوم تربیتی در سال ۱۳۵۳ از جمله اقدامات ماندگار دکتر کاردان به شمار می آید . و بنیانگذار رشته روانشناسی و علوم تربیتی در دانشگاه تهران بود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علیمحمد کاردان از نخستین استادانی است که از سال ۱۳۴۲ مسابقه ورودی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور را به صورت متمرکز و با روش جدید سازمان داده و اجرا نمود. دکتر کاردان از سال ۱۳۶۱ تاکنون مدیریت گروه علوم تربیتی سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی (سمت) وابسته به وزارت علوم ، تحقیقات و فن آوری را به عهده داشته است. وی سال ها در شورای دانشگاه تهران و هیات علمی ممیزه ، ونیز هیات ممیزه مرکزی عضویت داشته و فعالیت کرده است. هم اکنون نیز عضو شورای دوره دکتری دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و کمیته ارتقا این دانشکده است. دکتر کاردان در دوره چهل و پنج ساله خدمت خود علاوه بر تدریس و تحقیق به نوشتن مقالات و تالیف و ترجمه کتاب های مهمی در زمینه علوم تربیتی ، روانشناسی ، جامعه شناسی و علوم انسانی پرداخته است. وی افزون بر حدود صد مقاله و ده ها سخنرانی ، و موفق به انتشار ۲۶ اثر (۴ تالیف و ۲۲ ترجمه) شده است. دکتر کاردان در حال حاضر در انجمن جامعه شناسی ایران ، انجمن ایرانی تعلیم و تربیت ، انجمن بین اللملی تعلیم و تربیت ، انجمن بین اللملی جامعه شناسان فرانسوی زبان و انجمن پژوهش آموزشی عضویت دارد. همچنین در هیات تحریریه مجله دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشکده تهران ، مجله دانشکده علوم اجتماعی و علوم تربیتی دانشگاه تهران فصل نامه تعلیم و تربیت ، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز عضویت فعال داشته و ضمناً سمت سردبیری مجله پژوهش در تعلیم و تربیت را عهده دار می باشد.جوائز و نشانها : - نشان (مدال) فرهنگ (۱۳۲۹) به دلیل احراز رتبه اول در دوره لیسانس فلسفه و علوم تربیتی از سوی وزارت فرهنگ وقت. - نشان (مدال) سپاس (۱۳۵۳) به مناسبت داشتن خدمات شایان در مقام ریاست دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران از سوی شوارى عالی فرهنگ (آموزش و پرورش). - تجلیل از ایشان به عنوان استاد ممتاز دانشگاه تهران. - نکوداشت شخصیت علمی و آثار ایشان از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. - از میان تالیفات ایشان تاریخ روانشناسی در سال ۱۳۶۸ به عنوان کتاب سال برگزیده شد و ترجمه کتاب جامعه شناسی و تربیت در سال ۱۳۸۰ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شایسته دریافت لوح تقدیر گردید. - پژوهشگر نمونه فرهنگستان علوم در سال ۱۳۸۱. - نام ایشان در سومین همایش چهره های ماندگار در سال ۱۳۸۲ به عنوان یکی از چهره های ماندگار کشور در رشته روانشناسی و علوم تربیتی به ثبت رسیده است. - لوح تقدیر از سازمان «سمت» به امضای رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام آقای

هاشمی رفسنجانی به مناسبت برگزیده شدن به عنوان مدیر نمونه گروه پژوهشی علوم تربیتی. آثار : ۱ L'Organisation Scolaire en Iran, Histoire et Perspective; Thèse de Doctorat, Faculté des Lettres, Université de Genéve, Imprimerie Reggioni et Jaccoud, ۱۹۵۷ ویژگی اثر : تالیف۲ آراء و نظریه‌ها در علوم انسانی ویژگی اثر : ترجمه،ژولین فروند، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۲، چاپ دوم، ۱۳۷۲. ۳ اصول راهنمایی در آموزش و پرورش ویژگی اثر : ترجمه، نوشته رژه‌گال، انتشارات وزارت فرهنگ، ۱۳۳۹.۴ اصول راهنمایی در آموزش و پرورش همراه با طرح ویژگی اثر : ترجمه، لانژون ـ والون، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۱. ۵ اصول روش آزمایشی بخشی از «مقدمه بر مطالعه طب آزمایشی» ویژگی اثر : ترجمه، کلود برنار، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷. ۶ تاریخ روان‌شناسی ویژگی اثر : ترجمه،مولر، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷ـ ۱۳۶۸.۷ تالیف کتاب تاریخ روانشناسی ویژگی اثر : درسال ۱۳۶۸ به عنوان کتاب برگزیده سال۸ ترجمه کتاب جامعه شناسی و تربیت ویژگی اثر : در سال ۱۳۸۰ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شایسته دریافت لوح تقدیر۹ درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی ویژگی اثر : دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و چاپ سلمان فارسی، ۱۳۶۳؛ (بخش «طبیعت آدمی»، ص ۲۹۱–۳۰۷).۱۰ روان‌شناسی اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه، ژان مزون نوو، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۳۱۱ روان‌شناسی اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه، اتوکلاین برگ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۳. ۱۲ روان‌شناسی اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه، ژان استوتزل، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۱. ۱۳ روان‌شناسی و دانش آموزش و پرورش ویژگی اثر : ترجمه،ژان پیاژه، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۱.۱۴ روش مردم‌شناسی ویژگی اثر : ترجمه، پیربس؛ انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۴. ۱۵ سیر آراء تربیتی در غرب ویژگی اثر : سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۰۱۶ سیطره کمیت و علایم آخر زمان ویژگی اثر : ترجمه،رنه گنون، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۲. ۱۷ طرح اصلاح فرهنگ فرانسه ویژگی اثر : ترجمه، پل لانژون و هانری والون، انتشارات وزارت فرهنگ، ۱۳۳۷۱۸ طرح روان‌شناسی طبقات اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه، هالبواکس، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۰، برگزیده سال ۱۳۴۰ (انجمن کتاب)، چاپ سوم، ۱۳۷۱.۱۹ علوم تربیتی، ماهیت و قلمرو آن ویژگی اثر : تالیف–سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۳؛ (مقدمه و فصل دوم؛ این کتاب زیر نظر استاد دکتر کاردان و با همکاری گروهی از استادان علوم تربیتی تألیف و منتشر شده است.۲۰ فلسفه تعلیم و تربیت (جلد اول) ویژگی اثر : تالیف–دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۲؛ تاریخچه تعلیم و تربیت، بخش اول، ص ۶۰–۱۱۰؛ تعلیم و تربیت از دیدگاه افلاطون، بخش دوم، فصل اول، ص ۱۶۷–۱۷۳؛ تعلیم و تربیت از دیدگاه ارسطو، بخش دوم، فصل اول، ص ۱۷۳–۱۷۸؛ تعلیم و تربیت از دیدگاه ژان ژاك روسو، بخش دوم، فصل اول، ص ۲۰۹–۲۱۵؛ تعلیم و تربیت از دیدگاه امیل دورکیم، بخش دوم، فصل اول، ص ۲۲۳–۲۲۶؛ طبیعت از دیدگاه علوم روانی، بخش سوم، فصل اول، ص ۳۸۱–۳۸۸؛ طبیعت از دیدگاه علوم اجتماعی، بخش سوم، فصل اول، ص ۳۸۸–۳۹۷.۲۱ قواعد روش جامعه‌شناسی ویژگی اثر : ترجمه، امیل دورکیم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم،۱۳۶۲. ۲۲ مراحل تربیت ویژگی اثر : ترجمه، موریس دبس، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم، ۱۳۷۰.۲۳ مسائل روان‌شناسی جمعی و روان‌شناسی اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه، ژرژ گورویچ و دیگران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۷۱. ۲۴ معنی و حدود علوم تربیتی ویژگی اثر : ترجمه،میالاره، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵.۲۵ وضع و شرایط روح علمی ویژگی اثر : ترجمه، ژان فوراسیته، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۱

کاویانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاویانی ارانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۱ هستم، در سال ۱۳۶۰ با دیپلم تجربی وارد حوزه علمیه قم شدم، طی شش سال دروس سطح را تحصیل و بعضاً تدریس کردم. از سال ۱۳۶۷ به صورت رسمی در دروس خارج فقه، اصول فقه، تفسیر و فلسفه شرکت کردم. ضمن دروس رسمی حوزه علمیه، در دروس معارف اسلامی موسسه در راه حق (موسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی) شرکت کردم و فوق لیسانس دریافت کردم.

دوره آموزش زبان انگلیسی را طی یکسال به طور فشرده در دفتر تبلیغات اسلامی قم گذراندم. در کنار دروس حوزه و پس از اتمام درس های موسسه در راه حق، به گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه پیوستم، پس از اتمام دروس فوق لیسانس، در رشتهٔ «روانشناسی بالینی»، برای ادامهٔ تحصیل در دکترای روانشناسی، به دانشگاه اصفهان وارد شدم. هم اکنون در حال نوشتن پایان نامه دکترای روانشناسی هستم.

در ضمن تحصیلات مختلفی که داشتم تدریس های متعدد نیز به صورت دائم در حوزه و دانشگاه و مجموعه های جانبی حوزه علمیه قم داشته ام و دارم. اکنون عضو هیئت علمی «گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» هستم. تألیفات و ترجمه ها از نوع کتاب و مقاله و پژوهش داشته ام که اطلاعات مفصل آن در پرونده ضمیمه درج شده است. اکنون روحانی کاروان حج نیز هستم و ۸ سفر مشرف شده ام.

کتابی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم اجتماعی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۵ و دکترای علوم سیاسی از دانشگاه هایدبرگ

آلمان در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۵، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۵ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

علوم سیاست، مسائل جامعه‌شناسی و اجتماعی، تدریس دروس مبانی سیاسی، سیاست بین‌المللی، مبانی علم اداره، سازمانهای بین‌المللی، سیاست و حکومت در خاورمیانه، جامعه‌شناسی توسعه و جامعه‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناسی کشورهای اسلامی در دانشگاههای شیراز و اصفهان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

علم سیاست، ایدئولوژیهای سیاسی معاصر و تقویم سیاسی خاورمیانه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

صلح از دیدگاه یک مصری، تشنج‌زدایی گذشته و آینده آن، گفتگوی دو روشنفکر مصری و اسرائیلی، خاورمیانه، علل و زمینه‌های اجتماعی بحران خاورمیانه، نقش تعاون در توسعه روستا.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کتبی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی کتبی در سال ۱۳۱۱ در شهر تهران دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۳۱ دیپلم علوم طبیعی را با معدل بالا کسب کرد و در آزمون های در سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و توانست در سال ۱۳۳۵ در رشته زبان خارجی فرانسه و انگلیس فارغ التحصیل شود. او پس از استخدام در آموزش و پرورش به آمل رفت و در آنجا مشغول تدریس شد در همان سال به فرانسه اعزام شد و چون دبیر آموزش و پرورش بود دانشجوی رشته روان شناسی شد . وی توانست مدرک لیسانس روان شناسی اش را با موفقیت از دانشکده سوربن فرانسه بگیرد و همزمان با اخذ لیسانس، دکترای زبان و ادبیات فرانسه را نیز از همان دانشکده دریافت کند. او در سال ۱۳۴۱ به ایران بازگشت و به استخدام دانشگاه تهران درآمد سپس بعد از هشت سال برای فرصت مطالعات از ایران خارج شد و برای دومین بار در رشته روان شناسی اجتماعی دکترای دولتی را از دانشکده «رنه دکارت» سوربن فرانسه در سال ۱۳۵۳ دریافت کرد. او در سال ۱۳۸۲ نیز از دانشگاه تهران برای دومین بار بازنشسته شد گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی اجتماعی اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مرتضی کتبی پدرش یکی از تجار آن زمان محسوب می شد و اصالتاً تهرانی بود. دوران کودکی را در خانواده ای فرهنگ دوست گذراند. دبستان را در مدرسه بدر و دبیرستان را در

مدرسه دارالفنون با موفقیت سپری کرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : - اخذ دیپلم طبیعی ۱۳۳۱ دارالفنون تهران - اخذ لیسانس زبانهای خارجی فرانسه و انگلیس ۱۳۳۵ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران - اخذ لیسانس دوم در رشته روان شناسی ۱۳۴۱ سوربن - اخذ دکترای دانشگاهی در رشته ادبیات فرانسه ۱۳۴۱ سوربن - اخذ دکترای دولتی در رشته روان شناسی اجتماعی ۱۳۵۳ رنه دکارت سوربنفعالیتهای ضمن تحصیل : مرتضی کتبی در سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و توانست در سال ۱۳۳۵ در رشته زبان خارجی فرانسه و انگلیس فارغ التحصیل شود. او پس از استخدام در آموزش و پرورش به آمل رفت و در آنجا مشغول تدریس شد و در همان ایام در آزمون اعزام به خارج شرکت کرد و از میان شش هزار شرکت کننده توانست جزو صد نفر قبولی این آزمون باشد. و به فرانسه اعزام شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در سال ۱۳۵۷ به مدت یک سال برای مرتضی کتبی فرصت مطالعاتی ایجاد شد و به فرانسه رفت و در آن ایام در خبرگزاری فرانسه مشغول به کار شد و اخبار انقلاب را منعکس می کرد. وی هم اکنون مدیریت گروه زبان و ادبیات فرانسه انتشارات «سمت» را عهده دار است.فعالیتهای آموزشی : مرتضی کتبی در سال ۱۳۴۱ بعد از اخذ دکترا زبان و ادبیات فرانسه به ایران بازگشت و به استخدام دانشگاه تهران درآمد و بعد از هشت سال در یک فرصت مطالعاتی مجدد به فرانسه اعزام گردید و برای دومین بار در رشته روان شناسی اجتماعی دکترای دولتی را از دانشکده «رنه دکارت» سوربن فرانسه در سال ۱۳۵۳ دریافت کرد. در سال ۱۳۵۷ به مدت یک سال برایش فرصت مطالعاتی ایجاد شد و به فرانسه رفت و در آن ایام در خبرگزاری فرانسه مشغول به کار شد و اخبار انقلاب را منعکس می کرد. مرتضی کتبی در سال ۱۳۶۸ وقتی به ایران بازگشت در دانشگاه تهران به تدریس دروس مقدمات روان شناسی، روان شناسی اجتماعی (عمومی، کاربردی)، بهداشت روانی، پویایی گروهی، بررسی افکار عمومی، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، جامعه شناسی ادبیات پرداخت و همزمان تدریس دروس تاریخ و تمدن ایران معاصر و جامعه شناسی ایران معاصر در دانشگاه های خارجی (سوربن و مدرسه عالی لسنه شرق پاریس) را به عهده گرفت. او در سال ۱۳۸۲ نیز از دانشگاه تهران برای دومین بار بازنشسته شد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مرتضی کتبی مؤسس انجمن فارغ التحصیلان علوم اجتماعی در ایران است و انجمن روان شناسی اجتماعی ایران را با کمک همکارانش تأسیس کرده و در حال حاضر نیز مدیریت گروه زبان و ادبیات فرانسه انتشارات «سمت» را عهده دار است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مرتضی کتبی همچنین طرح های تحقیقاتی مهمی را انجام داده است که بسیار ثمر بخش بوده اند و در میان آنها می توان به شرایط روانی اجتماعی کار صنعتی در ایران، «بررسی افکار عمومی (سنجش) افکار تماشاگران تلویزیونی»، جایگاه دروغ و الگوهای رفتاری آن در روابط اجتماعی ما و ... اشاره کرد.چگونگی عرضه آثار : یکی از مهمترین ویژگی های مرتضی کتبی در ترجمه های نثر شیوا و شاعرانه اوست. وی در حالی که یک اثر کاملاً علمی را ترجمه می کند با استفاده از واژگان معادل زیبا و مناسب، متن سنگین علمی را به متنی دلنشین و خواندنی تبدیل می کند. او که شیفته ادبیات است و با رمز و راز آن آشنا ست در روح بخشیدن به ترجمه هایش از هیچ تلاشی فروگذاری نکرده است. از دیگر ویژگی های فعالیت علمی کتبی، تنوع و تعدد فعالیت های اوست. ترجمه کتاب های متعدد در زمینه های روان شناسی اجتماعی و ... ترجمه و تألیف مقاله های علمی در زمینه های مختلف این علم، اجرای طرح های تحقیقاتی، معرفی و نقد حدود صد کتاب و مقاله در زمینه علوم اجتماعی در ایران در سالنامه فرانسوی «چکیده های ایران شناسی»، تألیف آثار پژوهشی از سال ۱۳۴۶، تدریس در دانشگاه های داخل و خارج کشور و شرکت در همایش های مختلف علمی او را به عنوان مترجم، پژوهشگر و استادی کوشا و تأثیر گذار معرفی کرده است. کتبی علاوه بر ترجمه آثار مهم علمی در زمینه روان شناسی اجتماعی گرایش ویژه ای به ادبیات داشته و دارد. وی در سال ۱۳۷۰ رمانی را با نام «درجست وجوی هویت گمشده» منتشر کرده است. از زمینه های دیگر فعالیت علمی مرتضی کتبی باید به نوشتن و ترجمه مقاله اشاره کرد. از جمله مقاله های مهم او می توان به «بررسی مسائل تلویزیون در ایران»، «مسائل انسانی تحقیق در علوم اجتماعی در ایران»، «نقش شرق شناسی در استعمار غربی»، نگرش های مزاحم و مناسب تحقیقات اجتماعی»، «دروغ: پدیده ای

روانی- اجتماعی کلان و کهن» و ... اشاره کرد. آثار :
- گرایش و مسائل دانشجویان داوطلب ورود به دانشگاه ها در کشور های در حال رشد پاریس ویژگی اثر : رساله دکتری، رنه دکارت پاریس افکار عمومی ویژگی اثر : «افکار عمومی» هم یکی دیگر از کتاب های مهمی است که مرتضی کتبی آن را ترجمه کرده است. این کتاب سه بار تجدید چاپ شده است. در این کتاب مفهوم افکار عمومی برای خواننده بررسی شده است و با آوردن بخش هایی چون «افکار عمومی، نیروی سیاسی کم شناخته» ، «ریشه مفهوم افکار عمومی»، «مجاری تشکیل دهنده افکار عمومی»، «ارتباط میان فردی و افکار عمومی»، «ارتباط جمعی و افکار عمومی» و «مشاهده افکار عمومی» سعی شده است که خاستگاه افکار عمومی و چگونگی تأثیر آن در روند شکل گیری جریانات اجتماعی بررسی شود۳ افکار عمومی و گستره علوم انسانی ، ایران نخستین جمهوری به زبان فرانسه ، بورژوازی قبل از جنگ در «خانواده تیبوی» ویژگی اثر : رساله دکتری، رژه مارتن دوگار، پاریس، سوربن جامعه شناسی ادبیات ، جامعه شناسی ادبیات ویژگی اثر : : این کتاب ترجمه؛ نوشته روبراسکارپیت است. کتبی در مقدمه این کتاب می نویسد: «جامعه شناسی ادبیات در خانواده بزرگ علوم اجتماعی از جوان ترین آن هاست. این شاخه علمی نوپا که نطفه آن در تاریخ فرهنگ ها بسته بود و قرن ها در بطن جامعه ها به صورت جنین زندگی می کرد، بالاخره زاییده شد و با همان کندی ای که دوران جنینی خود را پشت سر گذاشت، بعد از تولد به تندی رشد کرد و به جامعه شناسی به طور اعم و جامعه شناسی هنر به معنای اخص جان تازه بخشید...» وی با ترجمه این اثر که تاکنون سه بار به چاپ رسیده است راهی نو در شناخت جامعه شناسی ادبیات برای علاقه مندان گشوده است. ۸ جامعه شناسی و بیماری و پزشکی ویژگی اثر : : این کتاب که نوشته دکتر لورانس و ترجمه دنیا کتبی، دختر استاد، است با همکاری او ترجمه و چاپ شده است. مرتضی کتبی در مقدمه این کتاب با عنوان «حرف خودی» چنین نوشته است: «از زمانی که انسان خود راشناخت، درد را شناخته است و به سلامتی توجه نشان داده است. با وجود این که هیچ گاه اهمیت سلامتی از اهمیت نیازهای دیگر انسان مانند خوراک، پوشاک و کار و مسکن کمتر نبوده، هرگز مانند امروز به یک موضوع اجتماعی همه گیر تبدیل نشده است. از این روست که پزشکی زمان مادیگر از حالت زیستی و حتی فنی و علمی ساده بیرون شده و به صورت مسأله اجتماعی - سیاسی تمام عیار در آمده است...» بخش های مختلف و متنوع این کتاب خواننده را با بیماری های همه گیر در طول تاریخ، پیدایش پزشکی نوین، سلامتی، بیماری و تفسیر های فرهنگی و اجتماعی آن و مسائل مهم دیگری در این زمینه آشنا می کند.۹ جامعه شناسی و بیماری و پزشکی ، در جست وجوی هویت گمشده (رمان اجتماعی) ، درآمدی بر روان شناسی اجتماعی ویژگی اثر : عنوان ترجمه دیگری از مرتضی کتبی است. این کتاب مجموعه ضرورت های جامعه شناسی روانی را به راهنمایی کلودتاپیا با مقاله هایی از دانیل آلافیلیپ، کار مل کامی یری آندره دومایی و ... در بر گرفته است. این کتاب با رویکردی کاملاً ـ علمی در پنج فصل مهم تهیه شده است که عبارت است از : «روان شناسی اجتماعی عمومی و آزمایشی»، «روان شناسی بین فرهنگی»، «جامعه شناسی روانی کار و ارگونومی»، «جامعه شناسی روانی سازمان ها» و «جامعه شناسی روانی کهن سالی» از ویژگی های مهم این کتاب که با ترجمه شیوا و منحصر به فرد استاد کتبی به دوستداران روان شناسی اجتماعی تقدیم شده است می توان به بخش های مختلف هر فصل که در بردارنده تعریف و بیان مفهوم هر فصل در آغاز و نتیجه گیری و ذکر منابع در پایان هر فصل است اشاره کرد. چنین ویژگی مهمی این کتاب را به عنوان مرجع معتبر در زمینه روان شناسی اجتماعی تبدیل کرده است.۱۲ درآمدی بر روان شناسی اجتماعی ، درجست وجوی هویت گمشده ویژگی اثر : این رمان که با رویکردی جامعه شناختی به نگارش درآمده برگرفته از زندگی واقعی کودک سر راهی است که پدر و مادر خود را جست وجو می کند. در میان شرح زندگی شخصیت اصلی رمان از نابسامانی های اجتماعی به گونه ای تأثیر گذار پرده برداشته می شود و فراز و فرود حوادث داستان خواننده را به شدت تحت تأثیر خود قرار می دهد. ۱۴ کاوش در جامعه شناسی روانی ، نظریه ها در روان شناسی اجتماعی ، نظریه ها در روان شناسی اجتماعی ویژگی اثر : یکی از مهمترین کتاب هایی است که

مرتضی کتبی آن را به دانشجویان و پژوهشگران معرفی کرده است. این کتاب که نوشته مورتون دوچ و روبرت م. کراوس است در هفت فصل به معرفی و بررسی نظریه های مختلف روان شناسی اجتماعی می پردازد و در پایان گرایش های امروز روان شناسی اجتماعی را شرح می دهد. کتبی در مقدمه این کتاب در باره لزوم رشته روان شناسی اجتماعی در جامعه علمی ما می نویسد: «جامعه پویا و دائماً در حال تغییر امروز ما قابل بررسی و شناخت علمی نیست مگر آن که قبلاً به مطالعه حیات سنتی دیروز در این سرزمین دست زده باشیم. نیک می دانیم که چه مطالعه جامعه سنتی و چه بررسی جامعه در حال تحول ما، هر دو به نحوی به کمک علوم اجتماعی انجام می پذیرد. نگاهی عمیق بر شخصیت اجتماعی و روان شناسی فرهنگی، مذهبی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی و خانوادگی ما – که می توانند زمینه های اساسی علمی کار را در شناخت جامعه سنتی فراهم آورند – به تحقیقات اساسی در علوم اجتماعی نیازمند است و بررسی پدیده های ارتباطی جدید، شهر نشینی، اداره و مدیریت، رفتار های سیاسی، جامعه پذیری، نو آوری، بهداشت روانی و نیز پدیده های خانوادگی، انگیزه ها و رفتارهای جمعیتی، روابط بین المللی و تبادلات فرهنگی به پژوهش های کاربردی...»

کریم زاده، صمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر صمد کریم زاده در سال ۱۳۱۸ در روستای علی بیک کندی از توابع ارسباران بدنیا آمد. ایشان دارای دکتری رشته برنامه ریزی آموزشی از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه آنکارا–ترکیه در سال ۱۳۶۱ می باشد. وی پس از اخذ دکتری به عضویت هیئت علمی دانشگاه تبریز در آمدایشان در ۲۵ اسفند ماه سال ۱۳۸۰ پس از چند دهه فعالیت در عرصه های علمی و پژوهشی به افتخار بازنشستگی نائل آمد.وی هم اکنون به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن مشغول به خدمت است. گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : برنامه ریزی آموزشی والدین و انساب : پدر صمد کریم زاده مصیب فرزند مرحوم حاج فولاد فرزند حاج کریم بود.که در موقع صدور شناسنامه برای اولین بار در کشور مامور ثبت نام خانوادگی آنها را به همین مناسبت "کریم زاده " انتخاب نموده است. نام مادر محترمشان مرحومه خانم ثریا فرج زاده فرزند حاج اسدالله می باشد.دکتر کریم زاده تک فرزند خانواده است.خاطرات کودکی : صمد کریم زاده از دوران کودکی خود چنین به یاد دارد": من در سال ۱۳۱۸ در خانواده ای مذهبی منطقه ارسباران که در شمالی ترین نقطه ایران است بدنیا آمدم.این منطقه به علت دوری از مرکز استان و نزدیک بودن به مرز همسایه شمالی امنیت اجتماعی و رفاهی مناسبی برخوردار نبود و بویژه اتفاقاتی مثل بحران اقتصادی سال ۱۳۲۰ که موجب قحطی شدید در منطقه شده بود و مرد از نواحی مرزی گروه گروه به سوی شهر تبریز کوچ می کردند و با پای پیاده و همراه با زن و بچه به راه افتاده بودند و در طول سفر با مشکلات عدیده ای روبرو می شدند که زبان از گفتن آنها عاجز است. پدر بزرگم دستور داد محلی مثل تکیه های امروزی تشکیل دهند و مایحتاج انها را از قبیل نان ،گندم و پوشاک و محلی برای بیتوته آنان که اغلب مساجد روستا ها بود فراهم سازد بطوری که صحنه های زشت و زیبای آن وقایع هنوز هم از جلوی چشمان من دور نمی رود ".از دیگر خاطرات دوران کودکی کریم زاده رفتن او به مدرسه همزمان با غائله فرقه دموکرات آذربایجان در سال ۱۳۲۴ بود که تا ۲۱ آذر سال ۱۳۲۵ به طول آنجامید.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : صمد کریم زاده در خانواده ای مذهبی و کشاورز بدنیا آمد .پدر ایشان دارای مدرک دیپلم بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : صمد کریم زاده تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر تبریز به پایان رسانید و در سال ۱۳۴۰ موفق به اخذ دیپلم رشته طبیعی گردید. او در سال ۱۳۴۱ در دانشکده ادبیات دانشگاه

تبریزدر رشته فلسفه و علوم تربیتی پذیرفته شد و در سال ۱۳۴۴ دوره کارشناسی را به پایان رسانید.در سال ۱۳۵۸ مدرک کارشناسی ارشد و در سال ۱۳۶۱ درجه دکتری رشته برنامه ریزی آموزشی را از دانشگاه آنکارا اخذ کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : صمد کریم زاده از دوران تحصیل خود وقایع زیادی را شاهد بوده و از آنها خاطراتی به یاد دارد که می توان به چند مورد زیر اشاره کرد: - تقارن شروع تحصیل ایشان با غائله آذربایجان در سال ۱۳۲۴-۱۳۲۵ - وقایع مبارزات مصدق و شاه درسال ۱۳۳۲ - اعتصابهای دانشجویی در سال ۱۳۴۲ - ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۶ در تبریز - انقلاب اسلامی و جنبش های دانشجویی در سال ۱۳۵۷فعالیتهای ضمن تحصیل : صمد کریم زاده در طول تحصیل در تمام مقاطع به تحصیل می پرداختند ودر تابستانها هم در امر کشاورزی به پدر خود کمک می کرد.استادان و مربیان : آقای حسین رحیمی اصل(نخستین معلم دکتر کریم زاده)،دکتر مرتضی الستی ،استاد محقق ،دکتر محمد نقی براهنی(از استادان ایرانی در مقطع کارشناسی)، پروفسور فاطمه وارش ،پروفسور الحان آکونو پروفسور حفظی دوغان (از استادان ترکیه ای در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری) از استادان و مربیان صمد کریم زاده بوده اند.هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایها و همکاران صمد کریم زاده می توان به چند موارد زیر اشاره کرد: همدوره ایها : هوشنگ ناظر ،دکتر اسکندر طالبی،دکتر مختار امامی فر ،دکتر کاظم روحی لاله ،سید تقی میر طباطبایی ،مهندس سید یعقوب خاتمبان اسکویی همکاران : دکتر خلیل سلطان القرائی ،دکتر پرویز سرندی ،دکتر اسکندر فتحی آذر ،دکتر محمد نیروی وند ،دکتر غلامعلی سرمدی و دکتر احمدی زندی و دکتر سیف الله بهاریهمسر و فرزندان : صمد کریم زاده متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم اکرم دستی باهر(دارای مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی و دبیر دبیرستان های تبریز) و سه فرزند بنامهای مهناز (دبیر فیزیک دبیرستانهای تهران) ،فرح ناز (دکتری زمین شناسی) و سحر دانشجوی رشته میکروبیولوژی می باشد.وقایع میانسالی : از خاطرات تلخ صمد کریم زاده فوت پدر و مادرش می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای صمد کریم زده به شرح زیر است: - دبیر دبیرستانهای ملایر از سال ۱۳۴۴ - دبیر دبیرستانهای تبریز از سال ۱۳۴۷-۱۳۵۲ و از سال ۱۳۶۱-۱۳۶۲ - مدرس مراکز تربیت معلم تبریز از سال ۱۳۵۲-۱۳۵۶ - تدریس در دانشگاه تبریز از سال ۱۳۶۲-۱۳۸۰ - تدریس در دانشگاه ازاد اسلامی واحد تبریز از سال ۱۳۶۷ تا کنون - تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن - سمت مدیریت امور آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تبریز از سالهای ۱۳۶۴ - مدیر کل خدمات اموزشی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۶۷ بمدت شش ماه - معاونت آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۶۸ بمدت سه سال - مدیر کل خدمات آموزشی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۷۰ بمدت هفت سال - سمت مدیر یت دفتر گروه نظارت و ارزیابی وزارت علوم و تحقیقات از سال ۱۳۷۹تا پایان سال ۱۳۸۰ - نماینده تام الاختیار دانشگاه جهت همکاری با سازمان سنجش آموزش کشور در اجرای آزمونهای سراسری بمدت ۸ سال - عضو یت در کمیته ها وبرنامه ریزی آموزشی و پرورش استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۷۴ بمدت دو سال - نماینده دانشکده در کمیته علوم تربیتی ستاد انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۴ بمدت دو سال - عضویت در کمیته امور اجتماعی مجمع مشورتی برنامه ریزی و توسعه استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۷۴بمدت دو سال - عضو کمیسیون آموزشی دانشگاه بمدت ۱۲ سال - نماینده منتخب کمسیون آموزشی در شورای دانشگاه تبریزدر سال ۱۳۷۰ و مجدد در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۶ (جمعا ۷ سال) - عضو ستاد امور ایثارگران دانشگاه تبریز در سال ۱۳۷۱ - عضو کمیسیون موارد خاص دانشگاه تبریز در سال ۱۳۷۲ و مجدد در سال ۱۳۷۵(جمعا بمدت ۶ سال) - نماینده دانشکده در شورای کامپیوتر دانشگاه از سال ۱۳۶۷-۷۴ - نماینده دانشکده در کمیته کتابخانه در سال ۱۳۷۴ بمدت دو سال - عضو کمیته تحصیلات تکمیلی دانشکده از سال ۱۳۷۴ بمدت ۴ سال - نماینده اعضاء هیئت علمی دانشکده در کمیته ارتقاء در سال ۱۳۶۹ بمدت دو سال - انتصاب به سمت مدیر داخلی فصلنامه علوم تربیتی و رشته های وابسته دانشگاه ازاداسلامی واحد رودهن از سال ۱۳۸۴ فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی صمد کریم زاده به شرح زیر است: - تدریس در دبیرستانهای ملایر،تبریز - تدریس در مراکز تربیت معلم تبریز - تدریس در دوره های کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز -

تدریس در دوره های کارشناسی ارشد مراکز مدیریت دولتی استان آذربایجان شرقی طی سالهای متمادی - تریس در دوره های کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رود هن و تهران مرکزیجوائز و نشانها : صمد کریم زاده لوح و تقدیر نامه های از سوی ریاست محترم دانشگاه تبریز،معاونت آموزشی دانشگاه تبریز،استاندار استان آذربایجان شرقی،معاونت هماهنگ کننده سپاه پاسداران ناحیه آذربایجان شرقی ،بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی آذربایجان شرقی ، مدیریت دفتر امور ایثارگران و شاهد دانشگاه تبریز ،ریاست دانشکده روانشناسی و علوم اتماعی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی(انتخاب به عنوان استاد مشاور و داور نمونه پایان نامه های دانشجویی در سال ۱۳۸۰)و ریاست دانشگاه آزاد (بخاطر دریافت درجه علمی - پژوهشی فصلنامه) دریافت کرده است.چگونگی عرضه آثار : - تعداد پایان نامه کارشناسی ارشد راهنمای شده توسط صمد کریم زاده : ۶ پایان نامه - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات معتبر علمی : ۵ مقاله - تعداد مقلات ارائه شده در همایشها و کنفرانسهای علمی : ۷ مورد - تعداد جزوات درسی : ۵ جزوه (برنامه ریزی آموزشی و درسی،اقتصاد آموزش و پرورش،جامعه شناسی اموزش و پرورش ،آموزش برنامه ای ،کاربرد نگرش سیستمی در برنامه ریزی و مدیریت آموزشی) - تعداد کتابهای تالیفی: دو تالیف آثار : راهنمای علمی روشهای تحقیق در علوم رفتاری ویژگی اثر : تالیف- انتشارات فرهنگ سبز - ۱۳۸۵۲ مباحث اساسی اقتصاد اموزش و پرورش ویژگی اثر : تالیف- دانشگاه آزاد واحد اسلامی واحد تهران مرکزی-۱۳۸۳

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر صمد کریم زاده بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی - پاییز ۱۳۸۶

کریمی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی آموزش و پرورش ابتدایی از دانشگاه ابوریحان بیرونی در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی از دانشگاه ایالتی بال USB آمریکا در سال ۱۳۵۳ و دکترای تخصصی روان‌شناسی تربیتی از دانشگاه ایالتی فلوریدا FSU در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه ابوریحان بیرونی از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۵۹، استادیار دانشگاه علامه طباطبایی از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۹ و دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی از سال ۱۳۶۹ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی کتابهای ریاضی دبستانی، بررسی افسردگی در آزادگان، رابطه حمایت اجتماعی با مشکلات رفتاری نوجوانان، تدریس دروس روان‌شناسی یادگیری، روان‌شناسی اجتماعی، تربیتی و روان‌شناسی تغییر رفتار در دانشگاههای علامه طباطبایی و آزاد اسلامی و استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روان‌شناسی تربیتی، تغییر دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان، روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی شخصیت، واژه‌نامه روان‌شناسی، روان‌شناسی و تفاوتهای فردی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

هوش و شیوه‌های نو در اندازه‌گیری فرد آدمی، قطعیت با تقارن تداعی، اطاعت و فرمانبرداری، طراحی و ارزشیابی یک برنامه مبتنی بر هدف رفتاری در طراحی داخلی، رشد اخلاقی در کودکان و تحقیقات آزمایشی در یادگیری پنهان در هوش، روان‌شناسی و تعلیم و تربیت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کسائی، نوراللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نورالله کسایی در سال ۱۳۱۸ خورشیدی ، در شهرستان شهرضا (قمشه) در استان اصفهان دیده به جهان گشود. نورالله کسایی تحصیلات ابتدایی و متوسطه (در رشته ادبیات) را در شهرضا و اصفهان پشت سرگذاشت. در آن روزگار ، دبیرستان ها از مقطع دوم متوسطه ، رشته های ریاضی ، طبیعی و ادبی داشتند. وی این دوره را در شهر اصفهان طی کرد. پس از آن وارد دانشگاه اصفهان شد و در رشته زبان و ادبیات عربی ، ادامه تحصیل داد و با رتبه اول فارغ التحصیل شد. کسایی از سال ۱۳۴۸ دوره کارشناسی ارشد و دکتری را در دانشکده الهیات و عارف اسلامی ادامه داد و در سال ۱۳۵۳ از رساله دکتری خود باعنوان « مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماع آن » دفاع کرد و با رتبه اول در رشته فرهنگ عربی و علوم قرآنی فارغ التحصیل شد. استاد نورالله کسایی در ضمن تحصیل ، در آموزش و پرورش شهرضا به خدمت فرهنگی (آموزگاری و مسئولیت در آموزش و پرورش) مشغول بود. او همچنین در مقطع تحصیلات تکمیلی با دانشکده الهیات و معارف اسلامی همکاری آموزش داشت و به صورت آزاد تدریس می کرد ، تا اینکه در سال ۱۳۵۴ به طور رسمی از آموزش و پرورش به دانشگاه تهران منتقل شد و به تدریس در رشته های زبان و ادبیات عرب در این دانشکده مشغول گردید. وی از سال ۱۳۶۴ از گروه علمی قرآن و حدیث به گروه تاریخ و تمدن اسلامی منتقل شد و مدتی نیز مدیریت این گروه را بر عهده داشت. استاد در زمینه تاریخ اسلام ، تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی ، تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام ، نهادهای علمی و آموزشی تدریس می کرد. استاد نورالله کسایی در ۲۸ آبان سال ۱۳۷۹ دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : نورالله کسایی تحصیلات ابتدایی و متوسطه (در رشته ادبیات) را در شهرضا و اصفهان پشت سرگذاشت. در آن روزگار ، دبیرستان ها از مقطع دوم متوسطه ، رشته های ریاضی ، طبیعی و ادبی داشتند. وی این دوره را در شهر اصفهان طی کرد. پس از آن وارد دانشگاه اصفهان شد و در رشته زبان و ادبیات عربی ، ادامه تحصیل داد و با رتبه اول فارغ التحصیل شد. کسایی از سال ۱۳۴۸ دوره کارشناسی ارشد و دکتری را در دانشکده الهیات و عارف اسلامی ادامه داد و در سال ۱۳۵۳ از رساله دکتری خود باعنوان « مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماع آن » دفاع کرد و با رتبه اول در رشته فرهنگ عربی

و علوم قرآنی فارغ التحصیل شد.فعالیتهای ضمن تحصیل : نورالله کسایی ضمن تحصیل در دانشگاه از حوزه علمیه به صورت آزاد استفاده می کرد.استادان و مربیان : نورالله کسایی در مدت تحصیلات دانشگاهی دروس حوزوی را نیز فراگرفت که از جمله استادان وی می توان حاج آقا رحیم ارباب را نام برد.زمان و علت فوت : نورالله کسایی در ۲۸ آبان سال ۱۳۷۹ به سن شصت و یک سالگی بر اثر عارضه سکته مغزی دار فانی را وداع گفت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرحوم نورالله کسایی از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۵۳ در آموزش و پرورش شهر رضا و اصفهان به خدمت علمی و تدریس اشتغال داشت و از سال ۱۳۵۴ به دانشکده الهیات دانشگاه تهران منتقل شد و تا پایان حیات پر برکت خویش به تدریس اشتغال داشت و منشا فعالیتهای بسیار پژوهشی و علمی بودفعالیتهای آموزشی : نورالله کسایی در ضمن تحصیل ، در آموزش و پرورش شهرضا به خدمت فرهنگی (آموزگاری و مسئولیت در آموزش و پرورش) مشغول بود. او همچنین در مقطع تحصیلات تکمیلی با دانشکده الهیات و معارف اسلامی همکاری آموزش داشت و به صورت آزاد تدریس می کرد ، تا اینکه در سال ۱۳۵۴ به طور رسمی از آموزش و پرورش به دانشگاه تهران منتقل شد و به تدریس در رشته های زبان و ادبیات عرب در این دانشکده مشغول گردید. وی از سال ۱۳۶۴ از گروه علمی قرآن و حدیث به گروه تاریخ و تمدن اسلامی منتقل شد و مدتی نیز مدیریت این گروه را بر عهده داشت. استاد در زمینه تاریخ اسلام ، تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی ، تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام ، نهادهای علمی و آموزشی تدریس می کرد. مرحوم کسایی در دانشگاههای معتبر کشور و مراکزی چون بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی ،کمیته ملی یونسکو در ایران و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)،همکاری آموزشی و تحقیقاتی داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رشته تخصصی نورالله کسایی در گروه تارخ و تمدن اسلامی ، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام بود و بیش از پنجاه مقاله در این زمینه نوشته است . وی همچنین طرح پژوهشی تحت عنوان « نهادهای علمی و آموزشی ایران از آغاز دوره اسلامی تا تاسیس دارالفنون » را در پنج مجلد در دست اجرا داشت که ناتمام ماندچگونگی عرضه آثار : دکتر نورالله کسایی در هر جهت علمی که گام بر می داشت سعی می نمود تا اثری ارزنده و تحقیقی مستند ارائه کند،نمونه کارهای علمی بسیاری وی شاهد بر این مدعاست چه ترجمه و یا تالیفات ایشان ،حتی اگر بر کتابی مقدمه می نوشت ،گاهی آن مقدمه بسیار جاذب تر و ارزشمند تر از آن کتاب بود مانند مقدمه ای که آن مرحوم بر کتاب" تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی "نوشته است.او به احیاء آثار اندیشه ها و تقویت مبانی علمی و فرهنگی و ارج نهادن به پیشینه با شکوه ایران تاکید داشت و در این راه گامهایی برداشت. توسط استاد سید نورالله کسایی بیش از یکصد مقاله و چندین کتاب ،تحقیق و ترجمه نگارش یافته است که مقالات ایشان در نشریات علمی و پژوهشی کشور و دایره المعارف بزرگ اسلامی در زمینه تاریخ اسلام ،فرهنگ و تمدن ایران و اسلام ،نهادهای علمی و آموزش جهان اسلام ،جغرافیای تاریخی سرزمین های اسلامی ،نقد ادبی و علوم بلاغی ،نقد و بررسی زندگی و آثار علمی دانشمندان و مسائل مربوط به تاریخ فرهنگ و آموزش و پرورش به چاپ رسیده است. بیانات استاد در همایش ها و کنفرانس های داخلی و خارجی به ویژه در باب ویژگی ها و ابعاد فرهنگ و تمدن اسلامی و ایران همواره از بهترین سخنرانی های این مجامع به حساب می آمد.آثار : تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی ویژگی اثر : این کتاب از عبدالرحیم غنمیه اهل کشور مغرب،مرحوم دکتر نورالله کسایی در برگردان و نیز فارسی کردن اثر زحماتی زیاد را متقبل شد.این کتاب بیش از ۴۵ صفحه و چهار فصل مفصل دارد.۲ ترجمه تاریخ الجامعات الاسلامیه الکبری ویژگی اثر : با مقدمه و تعلیقات مفصل.۳ ترجمه تاریخ بیمارستان ها در اسلام ویژگی اثر : این کتاب نوشته دکتر عیسی بک مصری می باشد.پدیدآورنده: احمد عیسی بک، نورالله کسائی (مترجم) ناشر: علمی و فرهنگی - ۰۴ دی، ۱۳۸۴.تاریخ بیمارستانها در دو بخش است بخش اول در باب پیدایش،ساختار،پزشکان و هزینه بیمارستانهای و بخش دوم به بیمارستانهای قلمرو اسلام می پردازد.۴ ترجمه ذکر اخبار اصفهان ویژگی اثر : نوشته حافظ نعیم اصفهانی در دو مجلد با مقدمه ای بیش از صد صفحه از مترجم .این کتاب اولین ترجمه کامل فارسی آن است.۵ فرهنگ نهادهای آموزشی ایران: از روزگار باستان تا تأسیس دولت

صفوی ویژگی اثر : سال انتشار: ۱۳۸۳ تعداد صفحه: ۶۷۳ شماره انتشار: ۲۶۵۳ مولف/مترجم: نورالله کسائی .توضیحات: تاریخ آموزش و پرورش در ایران گزارشی است از سرگذشت گوناگون آموزش‌ها و نهادهای علمی و آموزشی که در روزگاران پیش از اسلام و پس از آن در ایران رواج یافته است. در آغاز اسناد مطالعاتی و منابع تحقیقی در تاریخ آموزش و پرورش و نهادهای آموزشی و علمی ایران و مقاطع تاریخی تحقیق, توضیح داده می‌شود. سپس کلیاتی درباره آموزش و پرورش ایران باستان، نهادهای آموزشی، آموزش و پرورش در ایران از آغاز خلافت عباسیان تا استقرار دولت صفاریان بیان می‌شود و آموزش و پرورش ایران از صفاریان تا سلجوقیان، از سلجوقیان تا انقراض خوارزمشاهیان، از دوره مغول و ایلخانیان تا صفوی به روشنی همراه با نهادهای آموزشی آن دوره ارائه شده است۶ مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماعی آن ویژگی اثر : این کتاب ارزشمند و تحقیق گرانسنگ در بیان وضعیت این مراکز بزرگ علمی نقش والایی دارد.کتاب مذکور یک پیشگفتار و هفت بخش دارد که عبارت است از :اوضاع سیاسی و اجتماعی و علمی بلاد اسلامی همزمان با مدارس نظامیه،خواجه نظام الملك طوس بنیانگذار مدارس نظامیه،نظامیه نیشابورۀ نظامیه بغداد ،مدارس نظامیه مهم دیگر از جمله نظامیه اصفهان ،آمل طبرستان و ...۷ منتخب النصوص التاریخیه و الجغرافیه ویژگی اثر : پدیدآورنده: نورالله کسائی ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) – ۳۱ تیر، ۱۳۸۶۸ نقد و نظر در تاریخ آموزش و پرورش ایران از آغاز تا کنون

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی سال بیستم مهر ۱۳۸۲ شماره ۲۰۴۳نشریه مدت ، ماهنامه دانشگاه تهران ، شماره ۲۲ ،آبان و آذر ۱۳۸۰ ، ص ۴۶

کلباسی، روح الامین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روح الامین مجتبی کلباسی اشتری

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و تحصیلات مقدماتی را در مدرسه علمیه «ذوالفقار» طی کرده و در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و در درس حضرات: «اعتمادی»، «دوزدوزانی»، «خزعلی»، «مظاهری» و «سبحانی» شرکت و در درس خارج هم از اساتید عظیم همچون: «آیت الله تبریزی»، «فاضل»، «سبحانی» و «منتظری» استفاده نمودم و از سال ۱۳۶۲ در کارهای پژوهشی ابتداء در مرکز تازه تأسیس (پژوهشگاه دفتر تبلیغات) شرکت کردم. در پژوهشگاه «سیره معجم بحار الانوار و ... » بالاخره در کار «تفسیر راهنما» در مرکز فرهنگ و معارف قرآن توفیق یافتم. لازم به ذکر است در تأسیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن و پایه ریزی کارهای پژوهشی در آن مرکز، نقش اساسی داشتم. در همان سال ها موفق به مدیریت تولید نرم افزار تبیان ۳

شدم که اولین فرهنگ موضوعی قرآن به صورت نرم افزار رایانه ای بود.
چندی بعد (سال ۷۵) واحد پاسخ به سوالات نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها را راه اندازی کردم که در طی چندین سال به هزاران سوال پاسخ داده شد و نرم افزار «پرسمان» حاصل بخشی از آن فعالیت ها است. از سال ۷۹ به بعد «ستاد تفسیر قرآن کریم» زیر نظر حجت الاسلام و المسلمین قرائتی تشکیل و حقیر تاکنون دبیر آن ستاد بوده و توفیق خدمتگذاری داشته ام که شرح فعالیت ها مجالی وسیع می طلبد. همچنین از سال ۸۲ مدیریت «مرکز تخصصی مهدویت» را پذیرفتم که تاکنون این توفیق سلب نشده است. در طول این سال ها صدها ساعت برنامه رادیویی در عرصه پاسخگویی به سوالات تفسیر و برخی موضوعات دیگر داشته ام. همچنین ساعتها بحث و پاسخگویی از طریق سیما داشته ام که البته از تاثیر و یا نقش آن بی خبرم.

کوهستانی، حسینعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رهبری و رفتار انسانی، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته فلسفه و حکمت اسلامی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد در رشته مدیریت از ایالت اکلاهما آمریکا در سال ۱۳۵۵، دکترا در رشته مدیریت از ایالت کالیفرنیای آمریکا در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

برنامه‌ریزی، آموزشی (تعلیم و تربیت)، مدیریت، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مدیریت آموزشی و پرورشی، روانشناسی مدیریت، بهداشت درمانی در مدیریت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کیامنش، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا کیامنش در سال ۱۳۲۳ در شهر اندیمشک متولد شد . دوره ابتدایی را در زادگاهش گذراند. دوره دبیرستان را در ۳ شهر اندیمشک، دزفول و اهواز گذراند اما دیپلمش را از دزفول گرفت. پس از آن به عنوان معلم روزمزد وارد آموزش و پرورش شد و در همان مدرسه ای که خود روزگاری دوره دبستان را در آن خوانده بود. مدتی به سربازی رفت و ۱۸ ماه در سپاه دانش فعالیت کرد. سال ۱۳۴۸ از دانشگاه تربیت معلم لیسانس آموزش ابتدایی گرفت و یک سال در کرمانشاه دبیر سپاه دانش آموزش های معلمی شد. در سال ۱۳۴۹ برای تحصیل در رشته مشاوره و راهنمایی در مقطع فوق لیسانس قبول شد و به دانشگاه تربیت معلم بازگشت وسال ۵۱ موفق به گرفتن مدرک خود شد. اسفندماه ۱۳۵۴ با استفاده از بورس راهی آمریکا شد. زمانی که تنها دفاع از پایان نامه اش باقی مانده بود، بنا به دلایلی مجبور شد به ایران بازگردد. در سال ۱۳۶۰ مجدد به آمریکا برگشت و موفق به اخذ مدرک دکتری رشته روش های تحقیق و ارزشیابی از دانشگاه UCLA آمریکا شد . وی هم اکنون استاد دانشگاه تربیت معلم تهران است. ترجمه جلد دوم کتاب" استدلال آماری در علوم رفتاری "علیرضا کیا منش ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : روشهای تحقیق و ارزشیابی خاطرات کودکی : پدر علیرضا کیامنش کارمند راه آهن بود و از این رو، دوره دبستان را در ایستگاه راه آهن میان اندیمشک و دورود سپری کرده است، چرا که روستای آن ها کنار خط آهن واقع بود و بخشی از کلاس های درس را برای کودکان در اتاق های خالی ایستگاه قطار برپا کرده بودند، تا کلاس ششم را بی دردسر گذراند و پس از آن به دلیل نبودن امکانات آموزشی کافی در روستا، بچه ها باید به شهر می رفتند و این برای آن ها مسأله ساز می شد. با این همه، مادرش برای ادامه تحصیل به او فشار می آورد و کیامنش به راه روشن خویش ادامه داد و همین امر انگیزه ای در پنج ـ شش خواهر و برادر دیگر او ایجاد کرد که آن ها نیز به هر قیمت درسشان را ادامه دهند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : ـ فوق دیپلم راهنمایی تعلیماتی مدارس از دانشگاه سپاهیان انقلاب (مامازن) ـ کارشناسی رشته آموزش ابتدایی (دانشگاه تربیت معلم) سال ۱۳۴۸ ـ کارشناسی ارشد رشته مشاوره و راهنمایی (دانشگاه تربیت معلم) سال ۱۳۵۱ ـ فوق لیسانس رشته روش های تحقیق و ارزشیابی از دانشگاه UCLA آمریکا ـ دکترای رشته روش های تحقیق و ارزشیابی از UCLA آمریکا سال ۱۳۶۰ ـ دیپلم تخصصی تحقیق و ارزشیابی برنامه های درسی آموزش جمعیت از دانشگاه ویلز، کاردیف، (انگلستان) خاطرات و وقایع تحصیل : از خاطراتی که علیرضا کیامنش از آن دوران به آن اشاره میکند واقعه طبس در سال ۱۳۵۴ است که منجر به طولانی شدن تحصیلات دکتری دکتر کیامنش شد به طوریکه برای دفاعیه پایان نامه اش نتوانست به آمریکا سفر کند و این کار تا سال ۱۳۶۰ به طول انجامید. یکی از دلایل مهمی که سبب شد دکتر کیامنش از رشته مشاوره به رشته تحقیقات آموزشی روی بیاورد، نقش مؤثر و تعیین کننده ای بود که یکی از استادانش در خارج از کشور به نام دکتر شیبرسون در تغییر سرنوشت او ایفا کرد: «من را به عنوان کمک استاد انتخاب کرده بودند و باید در تاریخ معینی خودم را به استادی معرفی و کارم را آغاز می کردم و برای آن ماهانه ۷۰۰ دلار حقوق می گرفتم. این در زمانی بود که کل بورس من ۴۵۰ دلار بود و ۷۰۰ دلار اضافه گرفتن یعنی دوبرابرشدن حقوق! فکر می کردم من یک دانشجوی خارجی و با مشکلات فراوان زبان، آیا واقعاً می توانم کمک استاد باشم؟ آن هم با دانشجوهای رشته دکتری و فوق لیسانس. چون آنجا اصلاً لیسانس نداشتیم. دانشجویان دکتری سؤالاتشان را از من می پرسیدند و اگر من قادر به حل آن ها نبودم، از استاد می پرسیدم و می گفتم. این موضوع از نظر شغلی برایم افتخار بود و از نظر مالی ارزشمند. ولی هر طور حساب می کردم، می دیدم توانش را ندارم. رفتم پیش دکتر شیبرسون و گفتم چرا مرا انتخاب کردید؟ گفت لابد حس کردم توانایی هایی داری که می توانی این کار را انجام بدهی و بعد از برخی درس هایم و نمره هایم سؤال کرد و گفت هر کس این در س ها را گرفته باشد از نظر دانشگاه آدمی است

که توانایی انجام این کار را دارد و شما هم به این دلیل انتخاب شده ای و یکی از کسانی هم که تو را انتخاب کرد خودم بودم. گفتم من نمی توانم این کار را بکنم. دکتر شیبرسون گفت: «از نظر ما کسی که این درس ها را بگیرد و قبول شود، باید این توانایی ها را داشته باشد. اگر تو می گویی من این درس ها را گرفتم ولی این توانایی ها را ندارم فقط می توانم بگویم ما در نمره دادن به تو اشتباه کرده ایم! لذا شما باید از این دانشگاه تشریف ببرید.» گفتم خب شاید من نتوانم. گفت شما احتمالاً اعتماد به نفس نداری. یا می روی اعتماد به نفست را پیدا می کنی یا از فردا جایت در این دانشگاه نیست. من چند روزی نگران بودم تا این که دکتر شیبرسون گفت چرا معطل می کنی و جواب نمی دهی؟ و دستم را گرفت و برد پیش همان استادی که قرار بود من کمکش باشم و گفت: «ایشان کمک شماست و از همین امروز کارش را شروع می کند. او اعتماد به نفس ندارد. اولین روزی که حس کردی نمی تواند خبرم کن.» پس از آن دیدم واقعاً هیچ وقت مشکلی نداشتم و خیلی خوب از عهده کار برآمدم. ۳ـ۲ سال پیش دکتر شیبرسون را در برلین دیدم. به من گفت ظاهراً دیگر مشکل اعتماد به نفس نداری، من هنوز یادم است که آمدی و گفتی من نمی توانم. اما حالاـ احساس می کنم خیلی کارها می توانی انجام بدهی. هر چند که همان زمان هم خیلی کارها می توانستی انجام بدهی! فعالیتهای ضمن تحصیل : علیرضا کیامنش بعد گرفتن دیپلم متوسطه مدتی بعد به سربازی رفت و ۱۸ ماه در سپاه دانش در روستاهای دزفول و کهگیلویه و بویراحمد فعالیت کرد. با اتمام خدمت سربازی، جذب آموزش و پرورش شد و در دزفول برای دبیری استخدام شد و در شوش به تدریس پرداخت. در بهمن ۱۳۴۳ به دانشگاه تربیت معلم رفت و یک دوره دوساله راهنمای تعلیماتی را گذراند. پس از آن، دوباره به دزفول بازگشت و مدت یک سال در روستاهای دزفول، شوش، هفت تپه، اندیمشک و ... در مقام مسئول راهنمای تعلیماتی روستاها به انجام وظیفه پرداخت و با دوچرخه و موتور از این روستا به آن روستا و از این معلم به آن معلم سرکشی کرد. سال ۱۳۴۸ از دانشگاه تربیت معلم لیسانس آموزش ابتدایی گرفت و یک سال در کرمانشاه دبیر سپاه دانش آموزش های معلمی شد. با اتمام این دوره توسط آموزش و پرورش به اصفهان فرستاده شد. آن زمان کارخانه ذوب آهن به تازگی در حال شکل گیری بود و آهسته آهسته اصفهان به شهری صنعتی تبدیل می شد. آنجا یک طرح سوادآموزی تابعه یونسکو برپا بود که کیامنش نیز برای آموزش کارگران بی سواد تلاش می کرد. در مردادماه ،۱۳۴۹ به سوسنگرد منتقل شد و یک ماه مسئولیت مدارس روستایی این محل را به دوش کشید اما همان سال برای تحصیل در رشته مشاوره و راهنمایی در مقطع فوق لیسانس قبول شد و به دانشگاه تربیت معلم بازگشت وسال ۵۱ موفق به گرفتن مدرک خود شد و با همین مدرک به دزفول رفت و در هیبت مشاور و راهنمای مدارس دوره راهنمایی دزفول شروع به کار کرد. ضمن این که مرکز مشاوره ای هم راه اندازی و خود را به عنوان سرپرست مرکز معرفی کرد. ۳ سال در دزفول به فعالیت پرداخت. مدت کوتاهی نیز در دانشسرای مقدماتی به صورت پاره وقت با آموزش و پرورش دزفول همکاری کرد. در چنین شرایطی در حالی که دریافت بورس تحصیلی و ادامه تحصیل میان جوان های آن روزگار به نوعی مد شده بود و از طرفی دانشگاه تربیت معلم در تلاش برای تربیت نیرو بود، دکتر کیامنش در چند بورس تحصیلی پذیرفته شد از جمله بورس دانشگاه زاهدان و دانشگاه تربیت معلم. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ـ رئیس دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم تهران ـ عضو انجمن روانشناسی ایران ـ عضو انجمن ارزشیابی آموزشی ایران ـ مؤسس و عضو انجمن ایرانی تعلیم و تربیت ـ عضو سابق انجمن تحقیقات تربیتی آمریکا به مدت ۱۰ سال ـ عضو سابق انجمن بین المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به مدت ۹ سال ـ مؤسس و عضو انجمن تحقیقات آموزشی ـ مدیر گروه مشاوره دانشگاه تربیت معلم تهران ـ عضو کمیته ملی تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در ایران ـ مشاور تحقیقاتی وزارت آموزش وپرورش در یک دوره ـ عضو کمیسیون روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق، علوم سیاسی و اجتماعی (شورای پژوهش های علمی کشور) ـ سرپرست مرکز تحقیقات آموزشی و دبیر شورای تحقیقات وزارت آموزش و پرورش ـ عضو شورای تغییر نظام آموزش و پرورش با تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیتهای آموزشی : علیرضا کیامنش تاکنون با دانشگاه های بسیاری در سطح تهران و

ایران همکـاری های علمی ـ آموزشـی داشـته و در دانشـگاه های تربیت مـدرس، الزهرا (س)، شـهید بهشتی، دانشـگاه تهران، علامه طباطبایی و اغلب دانشگاه هایی که به نحوی دانشـکده های علوم تربیتی و روانشناسی دارند، تدریس کرده است و این همکاری ها همچنان ادامه دارد. وی هم اکنون استـاد دانشگاه تربیت معلم تهران است.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ـ مؤسس و عضو انجمن ایرانی تعلیم و تربیت ـ مؤسـس و عضو انجمن تحقیقات آموزشـی سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : در مورد علیرضـا کیامنش بایـد گفت او همیشه مسئولیتی را برعهده داشـته و حتی گاهی چند پست را با هم انجام می داده و در همه موفق و شایسـته عمل کرده است. محض نمونه مدتی مدیر گروه تکنولوژی دانشگاه تربیت معلم بوده است، همچنین مسئول مؤسسه تحقیقات تربیتی دانشـگاه در نخستین سال های دهه ۷۰، برای یـک فرصت مطالعـاتی یـک ساله به دانشـگاه سانتاباربارا در آمریکا می رود و پس از اقامتی هشت ماهه در حالی که هنوز باید برای اتمام کارش چند ماه دیگر بماند، از او درخواست می شود به ایران بیاید و مسئولیت هـایی را بپـذیرد و او با میل و علاقه به ایران برگشـته، همکاری های نزدیکی را با آموزش و پرورش آغاز می کنـد. مرکز تحقیقات آموزش و پرورش را اداره می کنـد. وی در کسوت دبیر شورای تحقیقـات این سازمان قرار می گیرد و طرح های تحقیقاتی مختلفی را با سازمان اجرا می کند. از مهم ترین آن ها می توان به حضور در شورای تغییر نظام آموزشـی اشاره کرد که ارزشـیاب این برنامه هم بوده است و در سـال هـای اول تـا سوم، ارزشـیابی جـامعی از نظـام جدیـد آموزشـی متوسـطه را انجام می دهـد. در سال ۱۳۷۵، هماهنگی سومین طرح «مطالعه بین المللی ریاضی و علوم» (TIMSS۹۹) را به عهده می گیرد. اگرچه پیشتر مسئولیت نخستین دوره آن در سال ۹۵میلادی و دومین دوره اش نیز بر عهده کیامنش بوده است. در سال ۷۲، از مرتبه استادیاری به دانشیاری تغییر وضعیت می دهـد و تا سال ۷۹ ارتبـاط خود را جسـته گریخته با آموزش و پرورش حفظ می کنـد ازجمله در زمان وزارت دکتر نجفی. اما از این سـال به بعـد ارتبـاط رسـمی او بـا سازمـان کم و کمتر شـد و اگر هم ارتبـاطی بود در زمینه کارهـای پژوهشـی بوده است. دیگر فعالیتهـا : ـ مـدیر طرح سـنجش صـلاحیت های پایه: ارزشـیابی درون داده ها و برون داده های آموزشـی در ایران پایه پنجم ابتـدایی (ABC)، صـندوق کودکان ملل متحـد (UNICEF) و پژوهشـکده تعلیم و تربیت ـ مـدیر طرح ارزشـیابی از طرح آمـوزش دخـتران روستایی شاغل (UNICEF) ـ عضو هیأت تحریریه نشـریات علمی ـ پژوهشـی انـدیشه های نوین تربیتی (دانشـگاه الزهرا)، فصـلنامه تعلیم و تربیت (دانشـگاه علامـه طباطبایی)، مجله علوم تربیتی و روانشناسـی (دانشگاه شـهید چمران اهواز)، دو فصـلنامه روانشناسـی معاصـر و .... ـ مدیر مسـئول نشـریه «پژوهش نامه آموزشـی» و سردبیر نشریه فصلنامه تعلیم و تربیت آرا و گرایشهای خاص : علیرضا کیامنش بارها با ارائه تحقیقات و پژوهش ها و اجرای پروژه های تربیتی ـ آموزشی، علاقه مندی و توانایی هایش را در این عرصه به منصه ظهور گذارده است، اگرچه درخصوص عدم بهره گیری از این برنامه ها و مشکلات موجود بر سر راه، بر شیوه عملکرد حوزه علوم تربیتی انتقادهـایی دارد و کـاستی هایی را بیان می دارد: «ما در هر حوزه ای از جمله علوم تربیتی مشـکل داریم. شایـد یکی از دلایل مشکلاتمان این است که جامعه ما جامعه ای علمی نیست. وقتی جامعه علمی نباشد، بالطبع نمی توانیم با مسائل علمی برخورد کنیم. بنابراین، راه حل علمی نمی یابیم و مسائل روی هم انباشـته می شوند. ما دنیایی داریم به نام جامعه که قوانین خاص خودش را دارد و در این جامعه بزرگ بخشی به نام آموزش و پرورش داریم که ۱۸ـ۱۷ میلیون نفر را دربردارد. یک جامعه کوچکتر هم داریم کـه جـامعه دانشـگاهی مـاست و در دل آن زیرمجمـوعه ای بـه نـام علـوم تربیـتی و روانشناسـی است که انتظـار می رود این بخش، مقداری راهگشا و هدایت کننده آن جامعه بزرگ یعنی آموزش و پرورش باشد و همچنین جامعه بزرگ تری به عنوان کشور که از نظر مسائـل رفتاری و روحی و روانی موجود در جامعه دچار اشـکال است. در مجموع، چه از نظر تعـداد، چه از نظر حجم کار و چه از نظر توانمنـدی ها، واقعاً توانایی انجام کار را نـداریم و جالب است که نتوانیم با هم ارتباط نیز برقرار کنیم. مثلاً آموزش و پرورش در زمینه هایی از ما خیلی جلوتر است، اما در بخش هایی هم ما احساس می کنیم چیزهایی داریم که آنها ندارند ولی نه فرصت می شود از تجارب آنها اسـتفاده کنیم و نه فرصتی که ما برویم در آزمایشگاه های آنها و نظریه هایمان را تبدیل به عمل کنیم.» جوائز و

نشانها : ترجمه جلد دوم کتاب" استدلال آماری در علوم رفتاری "علیرضا کیا منش ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : علیرضا کیامنش مؤلف ۸ عنوان کتاب و مترجم بیش از ۱۰ جلد کتاب با عناوینی چون: استدلال آماری در علوم رفتاری، ارزشیابی آموزشی و ... آثار : ارزشیابی آموزشی ویژگی اثر : مقام بهترین کتاب تحقیقی سال را به دست آورد-تألیف ریچارد ام ولف۲ استدلال آماری در علوم رفتاری ویژگی اثر : ترجمه ۱۳۶۷،جلد دوم این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب:«استدلال آماری در علوم رفتاری»: متن اصلی کتاب (۱۹۸۱) به زبان انگلیسی در شش بخش تنظیم شده است. ویژگیهای اثر حاضر با توجه به کمبود منابع در زمینهٔ روشهای استنباط آماری به فارسی این است که با کاربرد اصول آموزش و یادگیری جهت تهیهٔ مطالب و با ارائهٔ مثالها، نمودارها و دستورالعملهای متعدد، درک مطالب پیچیدهٔ آماری را برای خواننده آسان می‌سازد. مترجم در این مجلد، سه بخش از اثر اصلی را ترجمه کرده و جهت رفع برخی محدودیتهای کتاب در زمینهٔ روش تحلیل داده‌ها در نمونه‌های با حجم نامساوی و نیز تحلیل واریانس یک متغیری در طرحهای بلوکی تصادفی و نیز طرحهای کاملاً تصادفی، با استفاده از منابع مختلف به تدوین سه بخش دیگر با عنوان ضمیمه اقدام کرده است ۳ سنجش و اندازه گیری ویژگی اثر : مجموعه کتاب ها، ۱۳۸۴، این مجموعه کتاب ها از جانب آموزش و پرورش به عنوان کتاب های برتر کمک آموزشی برگزیده شد.

کیهان، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۲.

درگذشت: ۲۲ مرداد ۱۳۷۲، تهران.

محمود کیهان استاد رشته‌ی اقتصاد دانشگاه تهران در سن نود سالگی در تهران درگذشت. او تحصیلات دانشگاهی را در فرانسه انجام داده بود و پس از بازگشت به استادی دانشگاه تهران نایل شد و سال‌های دراز تدریس می‌کرد و ضمن آن که خدمات دیگر دولتی را نیز عهده‌دار بود. وی مقالاتی برای مجله‌ی «عصر اقتصاد» و مجلات دیگر نوشته بود.

فرزند میرزا احمدخان محتشم دیوان، در ۱۲۸۴ در تهران متولد شد. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون باتمام رسانید و سپس جزء اولین دسته دانشجویان اعزامی به خارج در ۱۳۰۷ ش عازم پاریس گردید. دکترای حقوق و اقتصاد از دانشگاه پاریس دریافت کرد و مدتی نیز در انستیتوی علوم سیاسی پاریس تحصیل نمود. در ۱۳۱۷ به ایران بازگشت و به دانشیاری دانشکده حقوق منصوب شد و بعد مقام استادی گرفت. وی از موسسین و پایه‌گذاران صندوق پس‌انداز ملی می‌باشد و آن سازمان را در ۱۳۱۸ در بانک ملی بنیاد نهاد و خود ریاست آنرا برعهده گرفت. دکتر کیهان مدتی هم عضو هیئت عالی برنامه و مدیر کل بررسیهای اقتصادی وزارت دارائی بود. دکتر کیهان چند سالی معاونت دانشکده حقوق را عهده‌دار بود و مدتی هم صاحب امتیاز و سر دبیری مجله‌ی عصر اقتصاد را برعهده داشت.

تألیفات متعددی در رشته‌ی تخصصی خود دارد مانند علم اقتصاد، سازمان‌های بین‌المللی و قسمتی از حقوق بین‌الملل.

محمود کیهان، استادی کناره‌گیر و کم تحرک بود و کلاسهای او به هیچ وجه قابل استفاده نبود و در تمام مدت استادی، نتوانست دانشجویان را جلب کند.

(۱۳۷۲ -۱۲۸۴ ش)، استاد دانشگاه و نویسنده. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در دبسات اقدسیه و دارالفنون، به فرانسه رفت و موفق به دریافت لیسانس حقوق از دانشگاه تولوز و دکترای حقوق و اقتصاد از دانشکده‌ی حقوق پاریس و دیپلم علوم سیاسی از انستیتو مطالعات عالی بین‌المللی پاریس گردید. او مدتی مدیر روزنامه و مجله‌ی «عصر اقتصاد» بود و مقالات متعددی در مسایل اقتصادی و اجتماعی در آن روزنامه و مجله منتشر کرد. از جمله ابتکارات وی ترتیب دادن قرعه‌کشی صندوق پس‌انداز ملی در سال ۱۳۱۸ ش بود که برای اولین بار در ایران، برای تشویق مردم به پس‌انداز، صورت گرفت. وی در تهران درگذشت. از آثارش: «اصول علم اقتصاد»؛ «علم اقتصاد»، کتاب درسی.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۱۹، ش ۹ -۷، ص ۸۴۲)، چهره‌های آشنا (۴۹۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۳۳۴/ ۲ ،۲۶۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰ -۷۹/ ۶).

گروسی فرشی، میرتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر میر تقی گروسی فرشی استاد گروه روان شناسی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۲۵ در تبریز بدنیا آمد.ایشان در سال ۱۳۷۷ مدرک دکتری در رشته روانشناسی عمومی را از دانشگاه تربیت مدرس با موفقیت اخذ کرد. وی از سال ۱۳۶۵به عنوان عضو هیات علمی در گروه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی مشغول خدمت شد. این هم کاری تا کنون ادامه دارد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی عمومی تحصیلات رسمی و حرفه ای : میر تقی گروسی فرشی تحصیلات ابتدایی را در دبستان منوچهری به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۴۶ از دبیرستان فردوسی اخذ کرده اند ایشان مدرک کارشناسی در رشته مشاوره را از دانشگاه تربیت معلم و کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی را در سال ۱۳۵۶ از دانشگاه تهران دریافت نموده اند و در سال ۱۳۷۷ مدرک دکتری در رشته روانشناسی عمومی را از دانشگاه تربیت مدرس با موفقیت اخذ کرده اند . عنوان پایاننامه : الف – کارشناسی ارشد : ترادف رشد مفاهیم بقا ذهنی و رشد قضاوت اخلاقی در کودکان پرورشگاهی ب – دکتری : هنجاریابی آزمون جدید شخصیتی تئو و بررسی تحلیلی ویژگیها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاههای ایران وقایع میانسالی : دکتر گروسی فرشی در سال ۱۳۷۷ مدرک دکتری در رشته روانشناسی عمومی را از دانشگاه تربیت مدرس با موفقیت اخذ کرد. وی از سال ۱۳۶۵به عنوان عضو هیات علمی در گروه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی مشغول خدمت شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتها اداری و مدیریتی میر تقی گروسی فرشی به ترتیب زیر است: ۱- عضو هیأت علمی گروه روان شناسی دانشگاه تبریز از سال ۱۳۶۵ تا کنون. ۲- مدیر گروه روان شناسی دانشگاه تبریز، ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۱ و ۱۳۷۷ الی ۱۳۸۰. ۳- معاونت دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه تبریز، اردیبهشت ۱۳۸۲ الی شهریور۱۳۸۲. ۴- ریاست دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه تبریز، از شهریور ۱۳۸۲ الی تا کنون. ۵- ریاست سازمان نظام روانشناسی و مشاوره منطقه ۵ شمالغرب کشور ۶- عضو انجمن روانشناسی آمریکا، شاخه روانشناسی کاربردی ۷- عضو اساتید راهنمای دانشجویان دوره دکتری دانشگاه استکهلم سوئد، رشته طب اجتماعی ۸- عضو پیوسته انجمن روان شناسی ایران. ۹- مدیر مسئول و عضو هیأت تحریریه مجله روانشناسی دانشگاه تبریز ۱۰- ناظر پروژه های برنامه ملی تحقیقات کشور در علوم انسانی ۱۱- عضو کمیسیون تخصصی روانشناسی کودکان استثنایی سازمان نظام روانشناسی ۱۲- عضو شورای عالی برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۱۳- مشاور

طرحهای تحقیقاتی نیروی انتظامی استان آذربایجان شرقی ۱۴- عضو کمیته تخصصی و هیأت ممیزه دانشگاه تبریز. ۱۵- عضو کمیته تخصصی بهداشت مدارس و جوانان استان فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی دگر گروسی فرشی به قرار زیر است: الف: تدریس ۱-دوره کارشناسی : دروس روانشناسی مشاوره و راهنمایی ، کاربردآزمونهای روانی ، روانشناسی شخصیت ، روان درمانی ۲- تحصیلات تکمیلی: دروس روانشناسی شخصیت ، روانشناسی عمومی ، رشد پیشرفته ب - برگزاری کارگاه ها : کارگاه آموزشی وابسته های شخصیتی بیماریهای قلبی - عروقی ۱۳۸۰ ، ۱۳۸۲ سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : کارگاههای آموزشی میر تقی گروسی : ۱- کارگاه آموزشی وابسته های شخصیتی بیماریهای قلبی ـ عروقی در سال ۱۳۸۰. ۲- کارگاه آموزشی وابسته های شخصیتی بیماریهای قلبی ـ عروقی. ۸-۴ بهمن ماه سال ۱۳۸۲. ۳- کارگاه آموزشی مهارتهای زندگی. مهرماه و آبان ماه ۱۳۸۳، دانشگاه علوم پزشکی تبریز چگونگی عرضه آثار : - تعداد طرحهای تحقیقاتی:۱۹ مورد - تعداد مقالات منتشر شده در نشریات معتبر داخلی :۱۷ مورد - تعداد مقالات منتشر شده در نشریات معتبر خارجی :۳ مورد - راهنمای پایان نامه های دوره دکتری:۴ مورد -راهنمایی پایان نامه های دوره کارشناسی ارشد:۹ مورد - تعداد مقالات ارائه شده در کنفرانسهای داخلی و خارجی:۱۰ مورد آثار : ثبات و تغییر شخصیت در بزرگسالی ویژگی اثر : (۱۳۸۱)(مترجم) انتشارات جامعه پژوه. ۲ روانشناسی فیزیولوژیک ویژگی اثر : (۱۳۸۳)(همکار مؤلف) انتشارات سنجش تکمیلی.۳ رویکرد فردگرا در مشاوره سوء مصرف مواد ویژگی اثر : (۱۳۸۴)(مترجم)، انتشار معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی تبریز۴ رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت ویژگی اثر : (۱۳۸۰)(مؤلف) انتشارات جامعه پژوه۵ کودک مبتلا به سندرم داون ویژگی اثر : (۱۳۶۷)(مترجم) انتشارات دانشگاه تبریز.

گنجی گرگری، حمزه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمزه گنجی در سال ۱۳۲۰ در هادیشهر از بخشهای شهر مرند بدنیا آمد. وی دوران ابتدایی را در زادگاهش گذراند و پس از گذراندن دوره متوسطه و قبولی در امتحانات دانشسرای مقدماتی تبریز دوره دبیرستان را طی میکند و دیپلم طبیعی را در سال ۱۳۴۱ پس از یک بار مردودی در سال قبل، اخذ میکند و بعد دو سال تدریس در دبیرستانهای جلفا در رشته زبان فرانسه در دانشگاه تبریز ثبت نام میکند و در ادامه بعد از کسب مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته علوم تبیتی در سال ۱۳۵۱با بورسیه راهی فرانسه میشود و در رشته دکترای روانشناسی از دانشگاه پل والری شهر مون پلیه فارغ التحصیل میشود. وی هم اکنون استاد دانشگاه آزاد رودهن است. گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی خاطرات کودکی : حمزه گنجی به حکم شناسنامه متولد سال ۱۳۲۱ است اما از آنجا که پدرش ـ بی آن که در حوزه روانشناسی درس خوانده باشد ـ روانشناس بود! سن فرزندانش را همیشه یک سال کوچکتر می گرفت تا وقتی به مدرسه می روند بزرگتر از بچه های دیگر باشند و در نتیجه بهتر درس بخوانند و یا زمانی که به خدمت سربازی می روند کاملتر باشند و دوری خانواده را بهتر تحمل کنند. با این حساب تاریخ تولید حقیقی دکتر گنجی، سال ۱۳۲۰ است. چون به دلیل بیماری نتوانسته بود کلاس اول را در یک سال تمام کند دو سال را در اول ابتدایی گذراند. تا سوم ابتدایی وضع درسی درخشانی نداشت ولی از کلاس چهارم ناگهان پیشرفت چشمگیری از خود بروز داد، تنها به این دلیل که معلم کلاس چهارم را ـ که سراسر وقار و بسیار شیک پوش بود! ـ خیلی دوست می داشت. تا کلاس سوم دوره اول دبیرستان را با شاگرد اولی سپری می کند و در این زمان در یادگیری ریاضیات استعداد عجیبی از خود نشان می دهد. اما هیچ گاه در دروس املا و انشا نمره ای بالاتر از ۱۷ نگرفت. تحصیلات رسمی و حرفه ای : - گذراندن دوره دبیرستان در دانشسرای مقدماتی تبریز و سپس گرفتن دیپلم

طبیعی (علوم تجربی) بـا قبولی در امتحانـات و کسب رتبه ممتـاز در سال ۱۳۴۱ - کارشناسـی در رشـته زبان فرانسه از دانشگاه تبریز سال ۱۳۴۸ - کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی از دانشگاه تهران سال ۱۳۵۱ - دکترای روانشناسی عمومی از دانشگاه پُل والری در شهر مون پلیه (فرانسه) خاطرات و وقایع تحصیل : حمزه گنجی از دوران دبیرستان خاطرات جالبی دارد: «کتاب های دیپلم ریاضی را همراه برده بودم تا برای گرفتن دیپلم ریاضـی به صورت متفرقه آماده بشوم. نخستین تصـمیمم این بود که وقتی دیپلم می گیرم حتماً شاگرد اول بشوم. اما بعد از یک ماه مطالعه پی بردم یادگیری ریاضی بدون معلم ساده نیست. کتاب های ریاضی را پس دادم و این بار کتاب های علوم تجربی را گرفتم. پس از چنـد ماه مطالعه به معدل ۱۵ رضایت دادم، هنگام امتحان انتظارم را حتی در حد معدل ۱۰ پائین آوردم اما یکضـرب مردود شـدم. در نوبت بعد یعنی بهمن ماه ۱۳۴۱ با معادل ۱۲/۱۹ موفق به اخذ مدرک دیپلم در رشـته علوم تجربی شـدم. در همین امتحانات معلم کلاس چهارم ابتدایی ام را دیدم که او هم مانند من دیپلم نداشت و می خواست به طور متفرقه دیپلم بگیرد».فعالیتهای ضـمن تحصـیل : حمزه گنجی پس از فارغ التحصـیلی از دانشسرای مقدماتی، با داشتن مدرک کلاس یـازده در تاریـخ چهارم مهرماه ۱۳۴۰ به عنـوان آموزگـار اسـتخدام و به روسـتای زال از توابـع مرنـد رفت و دو کلاـس اول و پنجم ابتـدایی را تدریس میکرد. و پس از گرفتن مدرک دیپلم متوسـطه در سا ل۱۳۴۱ با گـذشت دو سال، در سال ۴۲ از روستای زال به دبیرستان جلفا در ۱۵ کیلومتری زادگاهش منتقل می شود و آنجا تدریس دروس ریاضی وعربی را به عهده می گیرد. این کار سبب شد با قواعد و مباحث عربی آشـنا شود و همین مسأله در ورودش به دوره کارشناسـی بسیار مؤثر واقع شد. دو سال بعد همراه با عده ای از همکـارانش در کنکور دانشـگاه ها ثبت نام می کنـد و بعـد از کسب مـدرک کارشناسـی . در مهرماه ۴۸ بـا تقاضای انتقال به تهران او موافقت می شود و اوبه پایتخت مهاجرت می کند. در ابتدای امر در دبیرسـتان فرخی واقع درمیدان مولوی مشـغول تدریس می شود.اسـتادان و مربیـان : از اسـتادان حمزه گنجی میتوان به دکـتر غلامحسـین شـکوهی در دانشگاه تهران اشـاره کرد.مشاغـل و سمتهای مورد تصدی : - رئیس دانشـکده علوم تربیتی ابوریحان بیرونی (به مدت یک سال) - مدیر گروه روانشناسـی دانشگاه آزاد رودهن (۲ سال) - رئیس آزمایشـگاه روانشناسی در دانشگاه علامه طباطبایی (به مدت ۲۰ سال) - عضویت در هیأت تحریریه مجله پژوهش هـای روانشـناختی - سـردبیر مجله نوآوری هـای آموزشـی در آموزش و پرورش (یـک سـال به صورت قراردادی) - مـدیر انتشـارات «ساوالان» از ۱۳۷۹ بـا هـدف چـاپ کتـاب هـای روانشناسـی حمزه گنجی، مـدتی را در مرکز مشـاوره آموزش و پرورش (خیابان طالقانی فعلی) به عنوان روانشـناس و مشاور مزکر فعالیت کرد که این موضوع به سال ۱۳۴۰ برمی گردد. فعالیتهای آموزشی : حمزه گنجی در مقطعی نیز به شـکل حق التدریسـی با دانشـگاه های سپاهیان انقلاب و ابوریحان همکاری داشته است. تا ۱۳۶۰ را در مامازن ورامین به خـدمت می گذراند و پس از آن به تهران منتقل می شود. مدتی را نیز در دانشـگاه پیام نور امروزی به تدریس سر می کنـد و سـرانجام تـا سال ۷۳ و زمـان بازنشسـتگی اش در سـن ۵۲سالگی در مقام اسـتاد دانشـگاه علامه طباطبایی به تـدریس مشـغول می شود و امروز از اعضـای هیـأت علمی دانشـگاه آزاد رودهن است.سـایر فعالیتها و برنامه های روزمره : . حمزه گنجی در حال حاضـر علاوه بر حضور درجمع اساتید دانشـگاه آزاد رودهن، در سمت مدیر نشر ساوالان به همراه فرزندش «مهدی گنجی » به چاپ کتاب های روانشناسـی سـرگرم است، بدین صورت که پسرش کتاب ها را از زبان انگلیسی و فرانسه به فارسی ترجمه و حمزه گنجی آنها را به لحاظ ادبی ویرایش و منتشـر می کند.آرا و گرایشـهای خاص : حمزه گنجی کاملاً موقعیت امروزی این علم نوپا را مساعـد و مناسب ارزیابی می کند و حتی آن را با روانشناسـی جهان به مقایسه می گذارد: «جایگاه فعلی روانشناسـی را خیلی خوب می بینم و به گمانم این روانشناسـی که اینجا تدریس می شود و دانشـجویان ما می خوانند دقیقاً همانی است که در کانادا و آمریکا هم تدریس می شود و هیچ کم و کسری ندارد! من در سفرهایی که به طور مرتب به کانادا دارم از دانشگاه های آنجا می پرسم چه کتاب هایی تدریس می کنند. مثلاً می گویند کتاب «وَندِن زَندِن». آن را می گیرم و می آورم اینجا ترجمه می کنم که تا هم اکنون ۱۰ بار تجدیـد چاپ شده و ویرایش جدیدش هم درآمده است. من کتاب هایی انتخاب می کنم که آنجا تدریس می شود. بنابراین

روانشناسی ایران خیلی خوب و قوی است و با روانشناسی دنیا و بسیاری از کشورها مطابقت دارد. دانشجویان ما بیش از دانشجویان خارجی، مطالب را می خوانند و کار می کنند و حتی معتقدم دانشجوی امروز، نسبت به زمانی که ما دانشجو بودیم، هم فعال تر است، هم باهوش تر و هم مؤدب تر. قدر استاد را می داند و به او احترام می گذارد. هم اکنون منابع هم به اندازه کافی موجود است و دانشجویان انواع و اقسام کتب روانشناسی را در اختیار دارند».چگونگی عرضه آثار : حمزه گنجی مترجم و مؤلف در حدود ۲۴ جلد کتاب و ارائه ۲۶ مقاله تألیفی و ترجمه در همایش ها و انتشار در مجلات معتبر علمی که برخی از آنهایند: اثر آگاهی از نتایج بر عملکرد (فصلنامه تعلیم و تربیت)، پیر شدن (مجله بهداشت جهان)، ماجرای نمره منفی (با همکاری دکتر یوسف کریمی - انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی)، اثر توارث و محیط از دیدگاه سعدی، مجموعه مقالاتی درباره عشق (ویژه نامه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن)، چگونه سؤالات امتحانی را طرح کنیم؟ و... از آثار دکتر گنجی میباشد.آثار : (روانشناسی اجتماعی، مبانی روانشناسی عمومی، روانشناسی رشد (اثر وَندِن زَندِن) ارزشیابی شخصیت، روانشناسی کار ، بهداشت روانی ، روانشناسی ارزشیابی تحصیلی ، روانشناسی بزرگسالان یا پیری (اثر بریان اِل میشارا و روبرت جی رایدل با همکاری خانم ها الما داودیان و و فرنگیس ، روش تحقیق در روانشناسی (اثر فرانسوا برتیوم و آندره لامورو)

لطف آبادی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسین لطف آبادی فرزند نیشابور است. وی در سال ۱۳۴۵ وارد دانشگاه تهران شد. دورهٔ لیسانس را در رشتهٔ روان شناسی و دورهٔ فوق لیسانس را در رشتهٔ روان شناسی تربیتی در این دانشگاه گذراند.ایشان سپس در سال ۱۳۵۳ برای دریافت آموزش دکترا به سوئد رفت و ده سال در آن کشور ماندگار شد. از آن ده سال، پس از دریافت درجهٔ دکترای تخصصی در رشتهٔ روان شناسی تربیتی (سنجش و ارزشیابی آموزشی)، از سال ۱۳۵۸ به مدت پنج سال ابتدا در دانشگاه لین شوپینگ و سپس در دانشگاه تربیت معلم کالمر در سوئد به عنوان استادیار روان شناسی تربیتی به تدریس پرداخت.وی همزمان با بازگشایی دانشگاهها در ایران، به سبب عشق دیرین و پایان نایافتنی به میهن، از سال ۱۳۶۳ و در سالهای سخت جنگ تحمیلی به ایران بازگشت و در دانشگاه فردوسی مشهد مشغول به کار شد و تا سال ۱۳۸۰ به عنوان استاد روان شناسی تربیتی در آن دانشگاه به تدریس و تحقیق پرداخت.نامبرده هم اکنون در دانشگاه شهید بهشتی مشغول فعالیت های اموزشی و پژوهشی می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : روان شناسیگرایش : روان شناسی تربیتی (سنجش و ارزشیابی آموزشی)اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دکتر لطف آبادی فرزند نیشابور و خراسانِ بزرگِ ایرانِ کهن است که در خانواده ای دانش دوست و دهقان و باغدار پرورش یافته است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین لطف آبادی در چهل و چهار سال گذشته (از سال ۱۳۴۲ تا کنون)، زندگی خود را به کار تعلیم و تربیت و روان شناسی آراسته است. ایشان پس از دانش آموزی در دورهٔ دیپلم علوم تجربی در دبیرستان کمال الملك و کار آموزگاری سپاه دانش در محیط آباد نیشابور و آموزگاری دبستان در روستای عباس آباد موقوفه در شهر ری، در سال ۱۳۴۵ وارد دانشگاه تهران شد. دورهٔ لیسانس را در رشتهٔ روان شناسی و دورهٔ فوق لیسانس را در رشتهٔ روان شناسی تربیتی در این دانشگاه گذراند.ایشان سپس در سال ۱۳۵۳ برای دریافت آموزش دکترا به سوئد رفت و ده سال در آن کشور ماندگار شد. از آن ده سال، پس از دریافت درجهٔ دکترای تخصصی در رشتهٔ روان شناسی تربیتی (سنجش و ارزشیابی آموزشی)، از سال ۱۳۵۸ به مدت پنج سال ابتدا در دانشگاه لین شوپینگ و سپس در دانشگاه تربیت معلم کالمر در سوئد به عنوان استادیار روان شناسی تربیتی به تدریس پرداخت.

رساله ی دکترا: ارزشیابی آموزشی و سنجش پیشرفت آموزشی و پژوهشی دانشجویان دکترای روانشناسی تربیتی در دانشگاههای سوئد. انتشارات دانشگاه لین شوپینگ، سوئد. ۱۳۵۹ — به زبان انگلیسی رساله ی فوق لیسانس: بررسی تعمیم پذیری آزمونهای ادراک خواندن و خزانه ی لغات دانش آموزان کلاسهای اول و سوم و ششم ابتدایی مدارس تهران. دانشکده ی علوم تربیتی دانشگاه تهران. ۱۳۵۳ وقایع میانسالی : حسین لطف آبادی در سال ۱۳۵۳ برای دریافت آموزش دکترا به سوئد رفت و ده سال در آن کشور ماندگار شد. از آن ده سال، پس از دریافت درجهٔ دکترای تخصصی در رشتهٔ روان شناسی تربیتی (سنجش و ارزشیابی آموزشی)، از سال ۱۳۵۸ به مدت پنج سال ابتدا در دانشگاه لین شوپینگ و سپس در دانشگاه تربیت معلم کالمر در سوئد به عنوان استادیار روان شناسی تربیتی به تدریس پرداخت .دکتر لطف آبادی، همزمان با بازگشایی دانشگاهها در ایران، به سبب عشق دیرین و پایان نایافتنی به میهن، از سال ۱۳۶۳ و در سالهای سخت جنگ تحمیلی به ایران بازگشت و در دانشگاه فردوسی مشهد مشغول به کار شد و تا سال ۱۳۸۰ به عنوان استاد روان¬شناسی تربیتی در آن دانشگاه به تدریس و تحقیق پرداختمشاغل و سمتهای مورد تصدی : خلاصه ای از مشاغل و سمتهای اداری دکتر لطف آبادی : استاد روانشناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۸۰ تا کنون پروفسور(عضو همکار) دپارتمان روان شناسی کاربردی دانشگاه تورانتو کانادا از سال ۱۳۷۶ تا کنون استاد روانشناسی تربیتی دانشگاه فردوسی از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ پروفسور مهمان دپارتمان روان شناسی کاربردی دانشگاه تورانتو کانادا از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۷۵ دانشیار روان شناسی تربیتی دانشگاه فردوسی از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶ استاد مهمان دپارتمان سنجش روانی-تربیتی دانشگاه تورانتو کانادا از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۷۳ استادیار روانشناسی تربیتی دانشگاه فردوسی از سال ۱۳۶۳تا سال ۱۳۷۱ استادیار روانشناسی تربیتی دانشگاه کالمار سوئد از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۳ مربی روان شناسی تربیتیدانشگاه لین شوپینگ سوئداز سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۰ دبیر دبیرستان در مدارس آموزش و پرورش تهران از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۳ آموزگار دبستاندر مدارس نیشابور و شهر ری از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۴۷ سردبیر فصلنامهٔ علمی- پژوهشی نوآوریهای آموزشی وزارت آموزش و پرورش عضو شورای علمی انجمن پژوهشهای آموزشی عضو شورای پژوهشی مؤسسهٔ پژوهشی برنامهریزی درسی و نوآوریهای آموزشی عضو گروه روانشناسی تربیتی پژوهشکدهٔ تعلیم و تربیت عضو وابستهٔ کمیتهٔ علمی دپارتمان روانشناسی رشد کاربردی دانشگاه تورانتو - کانادا عضو انجمن روانشناسی آنتِریو کانادا عضو انجمن ایرانی تعلیم و تربیت عضو کمیتهٔ ارزشیابی و برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم عضو هیأت تحریریهٔ مجلهٔ برنامه ریزی و پژوهش در آموزش عالی مدیر گروه علوم تربیتی دانشکدهٔ علوم تربیتی دانشگاه فردوسی عضو شورای پژوهشی دانشگاه فردوسی رئیس کلینیک روانی-تربیتی دانشکده ی علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی و اداره ی کل آموزش و پرورش عضو انجمن روان شناسی تربیتی سوئد فعالیتهای آموزشی : حسین لطف آبادی ، همزمان با بازگشایی دانشگاهها در ایران، به سبب عشق دیرین و پایان نایافتنی به میهن، از سال ۱۳۶۳ و در سالهای سخت جنگ تحمیلی به ایران بازگشت و در دانشگاه فردوسی مشهد مشغول به کار شد و تا سال ۱۳۸۰ به عنوان استاد روان شناسی تربیتی در آن دانشگاه به تدریس و تحقیق پرداخت. در این مدت، چهار سال را نیز به عنوان پروفسور مهمان و مدعو در دانشگاه تورونتو در کانادا در انستیتوی مطالعات تربیتی آنته ریو به تدریس و پژوهش اشتغال داشت.پروفسور لطف آبادی، از سال ۱۳۸۰ به دانشگاه شهید بهشتی در تهران (که قبلاً "دانشگاه ملی ایران" نامیده می شد) انتقال یافت و به عنوان استاد روان شناسی تربیتی به تدریس و پژوهش پرداخت. هم اکنون نیز ایشان استاد همین دانشگاه است و با برخی دانشگاههای کانادا نیز همکاری دارد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین لطف آبادی در کنار تدریس دروس روان شناسی تربیتی و پژوهش در مسائل این رشته، ایشان با آموزش و پرورش ایران نیز همیاری علمی و تحقیقاتی دارد و سردبیر فصلنامهٔ علمی- پژوهشی نوآوریهای آموزشی و مجلهٔ تازه تأسیس نیز هستآرا و گرایشهای خاص : نظریهٔ بنیادی دکتر لطف آبادی در پژوهشهای روان شناسی و علوم تربیتی با نام خردگرایی مینوی و علمی" ارائه شده که فلسفهٔ زیربنایی همهٔ دیدگاههای او است. او معتقد است و در آثار خود نشان داده است که با اتکاء به

خردمندی و اندیشهٔ درست می توان دانش عینی در روان شناسی و علوم تربیتی را با هستی مینوی و متعالی در پیوند با یکدیگر قرار داد و از این راه، افقهای روشن و مطمئن و رهایی بخش برای زندگی رسا و شادمانه را پیش روی خود گشود. این دیدگاه بنیادی و کاربردهای آن را می توان در آثار دکتر لطف آبادی (از جمله در آخرین مقالاتی که متن کامل آنها در این سایت ارائه شده) مطالعه کردچگونگی عرضه آثار : حوزه های مطالعات و تجربه: ۱-روانشناسی تربیتی ۲- روانشناسی رشد - کودکی و نوجوانی و جوانی ۳-روشهای تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی ۴-سنجش روانی ـ تربیتی ۵-روانشناسی زبان و آموزش خواندن آثار : کتاب کودک: اعداد ویژگی اثر : پدیدآورنده: وحیده نوروزقلعه، حسین لطف آبادی (زیرنظر) ناشر: مهاجر - ۱۵ مهر، ۱۳۸۷ ۲ ۱۵ کتاب کودک: اعداد نقطه به نقطه ویژگی اثر : پدیدآورنده: وحیده نوروزی، حسین لطف آبادی (زیرنظر) ناشر: مهاجر - ۱۶ مرداد، ۱۳۸۶ ۳ ۱۵ کتاب کودک: اعداد: نقطه به نقطه ویژگی اثر : پدیدآورنده: وحیده نوروزقلعه، حسین لطف آبادی (زیرنظر) ناشر: مهاجر - ۰۵ شهریور، ۱۳۸۷ ۴ ۱۵ کتاب کودک: اعداد، تصاویر مخفی ویژگی اثر : پدیدآورنده: وحیده نوروزقلعه، حسین لطف آبادی (زیرنظر) ناشر: مهاجر - ۰۷ مهر، ۱۳۸۷ ۵ ۱۵ کتاب کودک: حیوانات: رنگ بزن، پر رنگ کن، و یاد بگیر ویژگی اثر : پدیدآورنده: وحیده نوروزقلعه، حسین لطف آبادی (زیرنظر) ناشر: مهاجر - ۱۸ شهریور، ۱۳۸۷ ۶ ۱۵ کتاب کودک: رنگ ها: بر اساس روش آموزش مداخله ای ویژگی اثر : پدیدآورنده: وحیده نوروزقلعه، حسین لطف آبادی (زیرنظر) ناشر: مهاجر - ۰۵ شهریور، ۱۳۸۷ ۷ ۱۵ کتاب کودک: شکل ها: بر اساس روش آموزش مداخله ای ویژگی اثر : پدیدآورنده: وحیده نوروزقلعه، حسین لطف آبادی (زیرنظر) ناشر: مهاجر - ۱۸ شهریور، ۱۳۸۷ ۸ ۱۵ کتاب کودک: شکل های مخفی ویژگی اثر : پدیدآورنده: وحیده نوروزقلعه، حسین لطف آبادی (زیرنظر) ناشر: مهاجر - ۲۶ آبان، ۱۳۸۶ ۹ ۱۵ کتاب کودک: مارپیچ ویژگی اثر : پدیدآورنده: وحیده نوروزقلعه، حسین لطف آبادی (زیرنظر) ناشر: مهاجر - ۲۶ آبان، ۱۳۸۶ ۱۰ ۱۵ کتاب کودک: مخالف ها: رنگ بزن، پر رنگ کن، و یاد بگیر: بر اساس روش آموزش مداخله ای ویژگی اثر : پدیدآورنده: وحیده نوروزقلعه، حسین لطف آبادی (زیرنظر) ناشر: مهاجر - ۰۵ شهریور، ۱۳۸۷ ۱۱ آزمونهای روانی - شناختی کودکان (CAT & BENDER) برای مشاوره کودک ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین لطف آبادی ناشر: به نشر - ۱۵ آذر، ۱۳۸۵ ۱۲ آزمونهای روانی - شناختی کودکان، CAT & Bender، برای مشاوره کودک ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین لطف آبادی ناشر: به نشر - ۱۳۸۲ ۱۳ آموزش رفتار خلاق و استعدادهای درخشان در دانش آموزان ویژگی اثر : پدیدآورنده: دوریس شل کراس، حسین لطف آبادی (مترجم)، علی سالیانی (مترجم)، مجتبی جوادیان (مترجم) ناشر: به نشر - ۱۳۸۲ ۱۴ آموزش کودکان تیزهوش ویژگی اثر : پدیدآورنده: جیمزجان گالاگر، حسین لطف آبادی (مترجم)، حسن عطایی (مترجم)، مجید مهدی زاده (مترجم)، احمد رضوانی (مترجم) ناشر: به نشر - ۱۳۸۱ ۱۵ آموزش کودکان تیزهوش ویژگی اثر : پدیدآورنده: جیمزجان گالاـگر، مجید مهدی زاده (مترجم)، احمد رضوانی (مترجم)، حسین لطف آبادی ()، حسن عطایی () ناشر: به نشر، کتابهای پروانه - ۲۶ مرداد، ۱۳۸۷ ۱۶ آموزش و پرورش کودکان عقب مانده ذهنی ویژگی اثر : پدیدآورنده: ساموئل الکساندر کرک، جورج اوریل جانسون، حسین لطف آبادی (مترجم)، محمدرضا شجاع رضوی (مترجم)، مجید مهدی زاده (مترجم)، حسنعلی قهرمان (مترجم) ناشر: به نشر - ۱۳۸۲ ۱۷ اختلالهای رفتاری کودکان ویژگی اثر : پدیدآورنده: آلن ایزرائیل، ریتا ویکس-نلسون، حسین لطف آبادی (مترجم)، جواد کامیابی (مترجم)، محمدتقی منشی طوسی (مترجم)، مجید مهدی زاده (مترجم) ناشر: به نشر - ۱۳۸۱ ۱۸ روان شناسی تربیتی ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین لطف آبادی ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۰۵ خرداد، ۱۳۸۷ ۱۹ روانشناسی رشد (۱) ویژگی اثر : پدیدآورنده: پروین کدیور، حسین لطف آبادی، سوسن سیف، رضا کرمی نوری ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۲۴ آبان، ۱۳۸۵ ۲۰ روانشناسی رشد (۲): نوجوانی، جوانی و بزرگسالی ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین لطف آبادی ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۰۵ مهر، ۱۳۸۵

لهسائی‌زاده، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی جامعه‌شناسی از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۵۴، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه دیترویت آمریکا در سال ۱۳۵۷، دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه ایالتی میشیگان آمریکا در سال ۱۳۶۳، تخصص در جامعه‌شناسی روستائی، فوق تخصص جامعه‌شناسی کشاورزی از دانشگاه اونتاریو غربی در کانادا.

مرتبه علمی:

استادیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۳، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه شیراز در سال ۱۳۷۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مهاجرت از روستا به شهر، تک‌نگاری روستائی، جامعه‌شناسی در ایران، جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی مهاجرت، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

جامعه‌شناسی روستائی، جامعه‌شناسی کشاورزی، جامعه‌شناسی مهاجرت، نظریه‌های جامعه‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

جامعه‌شناسی روستائی، جامعه‌شناسی توسعه، جامعه‌شناسی جنگ.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

لیاقت، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه: الزهرا (س)

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مجتهد، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد، دانشکده: علوم اقتصادی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی اقتصاد از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد اقتصاد از دانشگاه ایالتی آیوا آمریکا در سال ۱۳۵۳، دکترای اقتصاد کشاورزی از دانشگاه ایالتی آیوا آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیمه‌های صادراتی و نقش آن در توسعه صادرات، تدریس دروس پول و بانکداری، توسعه اقتصادی، اقتصاد ایران، نظریه‌های اقتصادی، مسائل پولی و مالی در دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

ضرورت توجه به صادرات نفتی، بدهی خارجی آمریکا و تجزیه و تحلیل عوامل بوجود آورنده آن، بحران صادرات در کشورهای جهان سوم، سیاستهای کشاورزی ایران پس از انقلاب، قدرت جذب کشورهای اوپک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

محسنی اراکی، نیکچهره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۷۵ سال پیش در شهر اراک به دنیا آمد. نام کاملش نیز بر همین اساس، «نیکچهره محسنی اراکی» است. او تا سال چهارم ابتدایی را در زادگاه خویش به تحصیل گذراند. . پس از گرفتن لیسانس زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۳۳ به فرانسه رفت و در دانشگاه سوربن پاریس روانشناسی خواند و آن را تا سطح دکترا ادامه داد. زمانی به ایران بازگشت که دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران درحال شکل گیری بود. بنابراین در کنکور استادیاری شرکت کرد و پس از قبولی در مقام استادیار در دانشگاه

تهران مشغول به تدریس شد. محسنی سلسله مراتب استادیاری تا دانشیاری دانشگاه تهران را در ۵ سال طی کرد. سپس به فرانسه رفت و ۳ سال آنجا ماند. در این مدت، یک ترم در دانشگاه نروژ و مدتی هم در پرتغال به تدریس پرداخت. وی از شاگردان ژان پیاژه بود و رساله دکترایش را نیز با او گذراند. در نروژ، مسئولیت تحقیق یک کار میان فرهنگی را به عهده گرفت و برای انجام آن به ایران آمد. ۳ ماه روی مقایسه رشته شناختی میان بچه های شهری تهران با بچه های روستایی ایرانی و بچه های اروپایی تحقیق کرد و انجام طرح های پژوهشی و تالیف ترجمه کتاب هایی در باره روانشناسی رشد را پی ریزی کرد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روان شناسی رشد اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : تولد نیک چهره محسنی ارکی معاصر بود با اواسط سلطنت رضا خان و روزگار سلطه ی روس و انگلیس برشمال و جنوب ایران بود . پدرش وکیل دادگستری و از خانواده های سرشناس اراکی بودند. مادرش زنی خانه دار، اما بسیار باسواد و تحصیلکرده بود و تقریباً تمام دیوان حافظ را از بر داشت. نیکچهره و خواهرش تنها فرزندان والدینشان بودند. لحاظ طرز نگاه و تفکر نسبت به زندگی شاید بتوان گفت دکتر محسنی خصایصی را از مادربزرگ خویش به ارث برده است. وابستگی شدید او در دوران کودکی به مادربزرگش، شخصیتی بشردوست را در او پدید آورده است. آن چنان که ابراز می دارد، مادر بزرگش انسانی متواضع و فروتن بود که بسیار دیگران را دوست می داشت. او بی اندازه سخاوتمند بود و به افراد رده پایین توجه خاصی داشت. این رفتار برای نیکچهره کوچک قابل تقدیر و الگو بود. محسنی دراین باره می گوید: «انسان بودن و احترام به انسانیت را از مادر بزرگم آموختم. احترام به انسان ها، صرف نظر از رنگ پوستشان، مقام و اعتقاد و مذهبشان. آنها هرچه باشند انسان اند.» تحصیلات رسمی و حرفه ای : نیک چهره محسنی ارکی – لیسانس زبان و ادبیات فرانسه از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران – دارای مدارک لیسانس، فوق لیسانس و دکترای روانشناسی از دانشگاه سوربن پاریس (۴۶-۱۳۳۳) خاطرات و وقایع تحصیل : پدر نیک چهره محسنی ارکی علاقه مند بود دخترش به تحصیل در رشته پزشکی بپردازد، ولی عذاب وجدان و ترسی همیشگی از این که او باعث مرگ کسی شود، فکر پزشکی را از سرش می راند: «می گفتم اگر من نسخه ای برای بیماری بنویسم، در خانه اش را رها نمی کنم تا خوب شود. چون اگر این مریض بمیرد، زندگی من تمام است. می گفتم نمی روم پزشکی بخوانم تا مبادا آدم بکشم، بدون این که خود بخواهم. خیلی فکر بچگانه ای بود! البته ادبیات فرانسه هم عشقم نبود. وقتی به فرانسه رفتم، چون آدم ها را دوست داشتم، روانشناسی را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم. هنوز هم آدم ها را دوست دارم. با وجود این که خیلی عوض شده اند. ولی آنچه من به دنبالش می گشتم، در روانشناسی پیدا نکردم.»استادان و مربیان : نیک چهره محسنی ارکی از شاگردان ژان پیاژه بود و رساله دکترایش را نیز با او گذراندمشاغل و سمتهای مورد تصدی : – سردبیر مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشکده علوم تربیتی به مدت ۳ سال – عضو هیأت تحریریه دو فصلنامه روانشناسی معاصر، مجله های روانشناسی دانشگاه الزهرا (س) و دانشگاه چمران – عضو انجمن روانشناسی ایران فعالیتهای آموزشی : نیکچهره محسنی اراکی از سال ۱۳۴۵به کار تدریس در دانشگاه ، انجام طرحهای پژوهشی و تالیف و ترجمه کتابهایی درباره روانشناسی رشد روی آورد. – شروع به تدریس در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۶ – سابقه تدریس در دانشگاه نروژ و مؤسسه روانشناسی «ژان پیاژه» در پرتغال زمانی به ایران بازگشت که دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران درحال شکل گیری بود. بنابراین در کنکور استادیاری شرکت کرد و پس از قبولی در مقام استادیار در دانشگاه تهران مشغول به تدریس شد. اگرچه همزمان با این همکاری، توسط دانشگاه شیراز و مدرسه عالی دختران تهران دعوت به کار شده بود، اما از آنجا که خود دانشگاه تهران را به سایر اماکن آموزشی ترجیح می داد، همانجا ماندگار شد. پیش از این، او دو ترم در مدرسه عالی دختران تدریس کرده بود. محسنی سلسله مراتب استادیاری تا دانشیاری دانشگاه تهران را در ۵ سال طی کرد. سپس به فرانسه رفت و ۳ سال آنجا ماند. در این مدت، یک ترم در دانشگاه نروژ و مدتی هم در پرتغال به تدریس پرداخت. همچنین وی سابقه همکاری با بسیاری از دانشگاههای داخلی از جمله دانشگاه گیلان ، شیراز(تدریس مقطع دکترا) دانشگاه الزهرا(س)، علامه، ازاد را در کارنامه

خود دارد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : نیکچره محسنی ارکی مؤسس «آزمایشگاه روانشناسی کودک» در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران است.شاگردان : نیکچهره محسنی ارکی از شاگردان خود میگوید: «یکی از جنبه های مثبت زندگی من، رابطه دوستانه ام با دانشجویانم بوده و آن دوستی ای که باقی مانده. خیلی از دانشجوهایم در حال حاضر خودشان مشغول تدریس و کارند، مثل دکتر سید امیر امین یزدی که در دانشگاه مشهد استادیار است و درس های فوق لیسانس و رساله اش را با من گذرانده یا خیلی از بچه هایی که در دانشگاه شیراز یا اراک کار می کنند. از دیگر دانشجویانم که می توانم نام ببرم، دکتر علی نقی پور ظهیر، دکتر قورچیان، دکتر نسرین اکبرزاده، پروین کدیور و خانم دکتر بنی جمالی هستند... مهمترین کارم همیشه تدریس بوده و اهمیتی به نوع ارتباطی که با دانشجویم برقرار می کردم، می دادم و تأثیری که از این لحاظ می توانستم داشته باشم. آرا و گرایشهای خاص : نیکچهره محسنی ارکی در مورد کاربرد روانشناسی در جامعه می گوید: «نمی دانم آنچه یاد می گیریم و یاد می دهیم، تا چه اندازه می تواند ثمر بخش باشد. نسبت به آن تردید دارم. همچنان که در مورد خودم نیز آنچه یاد گرفتم خیلی به دردم نخورد. آدم ها پیچیده تر از آن هستند که در قالب و قانون بگنجند.» او تاکنون هیچ گاه به کار مشاوره و درمان نپرداخته است. تنها یک بار در سال های پیش از انقلاب، در قالب یک برنامه رادیویی – که برحسب اتفاق بسیار پرطرفدار بود و با استقبال کم نظیری مواجه شد – از دیدگاه روانشناسی به ارائه مشاوره در خصوص مشکلات و مسائل خانوادگی، شخصی و از این قبیل پرداخت. با این همه، پیشامدهایی سبب ناراحتی در روحیه لطیف و حساس دکتر محسنی می شد: «عده ای با یک امیدی پیش من می آمدند و اصرار داشتند با من حرف بزنند و من در حقیقت غیر از صحبت، کاری از دستم بر نمی آمد که برایشان بکنم. این موضوع ناراحت کننده بود. همین شد که مشاوره را کنار گذاشتم. هدفم در آن برنامه، دادن آگاهی به دیگران بود. در حالی که فردی که به من مراجعه می کرد، مسأله ای داشت و این برایم ناخوشایند بود. ازکسی فقط برای آن استفاده کنم که بخواهم به دیگران یک مفهومی یا آموزشی را برسانم! من حتی برای رفع این معضل، پیشنهادهایی به رادیو دادم که گویا جزو برنامه هایشان نبود و قبول نکردند. به نظر من، نمی توان به آدم ها حقه زد. باید به آنها احترام گذاشت. انسان ها محترم اند و اگر کسی نمی تواند کاری برایشان بکند، نباید به آنها بگوید و این وعده را بدهد.» جوائز و نشانها : – دریافت تقدیرنامه از دانشگاه جورجیا (اتنز) برای تحقیق بر روی کودکان آمریکاییچگونگی عرضه آثار : نیک چهره محسنی ارکی مقالات خودرا در مجله دانشگاه تربیت معلم به چاپ رسانیده است . وی با ارایه مقاله در کنفرانسهایی خارجی شرکت موثر داشته است . از محسنی اراکی مقالاتی در مجله دانشگاه تربیت معلم به چاپ رسیده است. عمده مقالات دکتر نیکچهره محسنی شامل موضوعاتی چون رشد و شناخت اجتماعی و شناخت منطقی می شود و برخی از مقالات تحقیقاتی او در مجلات فرانسوی زبان به چاپ رسیده اند. چندین سخنرانی نیز در فهرست فعالیت های وی وجود دارد، از جمله سخنرانی تحقیقی اش در زمنیه self (خود) در نروژ که تحقیقش در ایران انجام شده بود. در پژوهشکده تعلیم و تربیت نیز درباره ژان پیاژه سخنرانی کرده است و همچنین در انجمن روانشناسی ایران. و نگارش در حدود ۱۷ مقاله علمی – پژوهشی به زبان های فارسی و فرانسه و ارائه برخی از آن ها در سمینارها و کنفرانس هایی در آمریکا، دانمارک، فرانسه و... و حالا دکتر محسنی پس از سال ها تحقیق و تفحص در علم بی پایان روانشناسی، امروز در میان دهه هفتم عمر خویش چه می خواهد؟ «همیشه دلم می خواسته کتاب بنویسم. نه در حوزه روانشناسی، بلکه با محوریت ادبیات داستانی. گرچه هنوز کتابی ننوشته ام، ولی هر گاه کتابی بنویسم آن هنگام حس می کنم از زندگی ام راضی هستم. دوست دارم زندگی زن ایرانی را بنویسم. اگر ما به سال های پشت سرمان نگاه کنیم، می بینیم زن ایرانی پستی و بلندی های زیادی را گذرانده است. او حتی یک بار هم در سال های دور، پیش از سفر به فرانسه نوشتن کتابی را شروع کرده بود، اما آن داستان نیمه کاره ماند و او به فرانسه رفت. در آن نوشته نیز نشانه هایی از علاقه و میل شدید محسنی به انسان ها به چشم می خورد. موضوع داستان درباره بچه یک خانواده فقیر روستایی بود که به محض تولدش، مادرش را از دست می دهد و با مسئولیت همسایه ای که مثل آنها مشکل فقر

دارنـد، بزرگ می شود. این بچه تصور خاص و غریبی از «ارباب» دارد، اما وقتی ارباب را می بینـد و این تفکر در ذهنش شـکل می گیرد که ارباب مثل آنها انسان است و فرقی با یکـدیگر ندارنـد، دنیای ذهنی و زنـدگی اش تغییر می کند و... آثار : ادراك خود از کودکی تا بزرگسالی ، پنج گفتار در روانشناسی (ترجمه) ویژگی اثر : با همکاری دکتر حسن احدی۳ روانشناسی رشد،۱۳۷۱

محسنی عراقی، نیک‌چهره

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش و پرورش، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

محمدی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن محمدی

محل تولد : احمد آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجـانب بعـد از اتمـام مقطع دبسـتان وارد مـدرسه علمیه اردکان شـدم، بعـد از دو سال به قم آمـدم و در مـدرسه حضـرت آیت الله گلپایگـانی به تحصـیل در دروس حـوزوی ادامه دادم و همزمـان بـا دروس حوزه مقطع راهنمـایی و دبیرسـتان را به صورت متفرقه و شبانه به پایان رساندم. سـپس در موسـسه در راه حق به تحصیلات ادامه دادم و بعد از اتمام دوره موسسه همزمان با پذیرفته شدن در رشـته کلام وفلسفه دانشکده الهیات دانشگاه تهران از طریق کنکور سراسری از طرف دفتر همکاری حوزه و دانشگاه دعوت به ادامه تحصـیل در رشـته روان‌شناسـی شـدم و چون جمع این دو دشوار بود از تحصـیل در دانشـگاه الهیات منصـرف و دوره پنج ساله دفتر همکاری در رشـته روان‌شناسـی البته بـدون نوشـتن پایان‌نامه و در نتیجه بـدون گرفتن مدرك به پایان رساندم. در طول این مدت به تدریس در جامعهٔ الزهرا و دانشـگاه آزاد نراق در زمینه معارف اسـلامی و روان‌شناسی مشغول شدم تا اینکه به عضویت هیئت علمی این دانشگاه درآمدم و هم اکنون به ادامه تدریس در همین دانشگاه مشغول می‌باشم.

محمدی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله محمدی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

وی در سال ۱۳۳۸ در یک خانواده روحانی فرهنگی در اصفهان چشم به جهان گشود . به دلیل ذوق سرشار و استعداد استثنایی دوران تحصیلات ابتدایی را در حالی به اتمام رساند که بخشی از دروس ابتدایی حوزوی را در محضر آیت الله والدش فرا گرفته بود . بلافاصله وارد حوزه علمیه اصفهان و پس از دو سال وارد حوزه علمیه قم شد و با جدیت و سرعت و پیشرفت چشمگیر دروس حوزوی را نزد اساتید برجسته حوزه علمیه قم و در فصل تابستان در اصفهان می آموخت . تحصیلات کلاسیک را همزمان و در عرض دروس حوزوی پی گیری کرد تا موفق به اخذ درجه دکتری تخصصی گردید . در سال ۱۳۶۹ بنا به تایید مراجع تقلید و اساتید دروس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و شهادت مکتوب آنها در امتحان دروس خارج شرکت کرد و بنا به تایید هیئت ممتحنین موفق به اخذ مدرک رسمی اتمام دوره اول خارج فقه و اصول شد . ایشان از آن تاریخ تا کنون علیرغم پذیرش مسؤولیت های فرهنگی اجرایی چندین سال دیگر از درس خارج اساتید برجسته حوزه قم و تهران استفاده می نموده است .

دکتر محمدی اصفهانی در سال ۱۳۷۵ موفق به اخذ مدرک دکترای تخصصی از واحد علوم و تحقیقات تهران در رشته عرفان اسلامی گشت .عنوان رساله دکترای وی که با درجه عالی پذیرفته شده است ، ختم ولایت می باشد .در متون عرفانی با تکیه بر آراء شیخ اکبر محی الدین بن عربی و عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان سیر تکاملی نگارش منطق الطیر در اسلام از شیخ الرئیس ابو علی سینا تا عطار نیشابوری است .ایشان علاوه بر طی دروس رایج حوزه علمیه از محضر اساتید بزرگ حوزه و دانشگاه ، در دروس فلسفه و حکمت ، اخلاق ، تفسیر ، عرفان نظری و عملی ، هیئت و نجوم ، دوره تخصصی مدیریت خلاق مکالمه زبان های انگلیسی و عربی طی سالیان متمادی بهره گرفت .

دکتر محمدی اصفهانی از سال ۱۳۵۰ تا کنون و حتی در دوره های مسؤولیت فرهنگی اجرایی به طور مستمر اشتغالات علمی ، تحصیلی ، تدریسی ، پژوهشی و تالیفی در حوزه های علمیه ، مراکز آموزش عالی تخصصی و دانشگاه های قم ، تهران و بعضی از شهرهای بزرگ کشور را داشته اند .اهم مواد تدریس توسط ایشان در دانشگاه ها و حوزه ها در طی ۲۵ سال گذشته به این شرح است :ادبیات ، منطق ، اصول فقه ، فقه (لمعتین و مکاسب محرمه) ، فلسفه (بدایه و نهایه علامه) ، عرفان (فتوحات مکیه ابن عربی و نمط نهم اشارات و تنبیهات ابو علی سینا در عرفان ، احکام (نبراس ملا هادی سبزواری) ، بررسی ادیان (ادیان شناسی) ، تعلیم و تربیت ، مشاوره خانواده ، تفسیر ، روان شناسی ، علم النفس ، قرائت و درک متون عرفانی سیر و سلوک اسلامی ، فلسفه اخلاق ، کلام تخصصی ، جغرافیایی سیاسی جهان اسلام و ... .دکتر محمدی اصفهانی تا کنون حدود یک صد رساله دانشگاهی را در مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری به عنوان استاد راهنما یا مشاور به عهده داشته است که در مراکز دانشگاهی یا مراکز آموزش تخصصی دفاع شده است .ایشان علاوه بر تدریس رسمی خود در دانشگاه ها و حوزه ها در طی ده سال گذشته در درس های خصوصی خود

به تربیت شاگردان عرفانی خود همت گماشته است و جمع کثیری از جوانان دختر و پسر از محضر وی عرفان ناب اسلامی را شناخته و آن را از انحرافات صوفیه و مدعیان عرفان تمیز داده اند و به سیر و سلوک مشروع و منطبق با معارف شیعه پرداخته اند .

محمودی اصل، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید محمودی اصل

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

من در شهر تبریز مدرسه طالبیه از سال ۱۳۶۲ وارد حوزه شده ام.بعد از یک سال و نیم وارد حوزه علمیه قم شدم. سطح را تا سال ۱۳۶۸ تمام کردم.در کنار دروس معمول حوزه از اساتید برجسته اخلاق همچون آیت الله مشکینی، امینی و کربلائی و مظاهری بهره جستم. درس خارج را از سال ۱۳۷۴ در خدمت استاد سبحانی (اصول) و استاد مکارم (فقه) بودم. فلسفه بدایه و نهایه را با آقای ممدوحی و مقداری از منظومه را از استاد شیرازی تلمذ کرده ام. فلسفه غرب را از استاد خاتمی و ملکیان استفاده کرده ام. شرح تجرید و کلام جدید را به ترتیب در حوزه و دانشگاه قم (تربیت مدرس) خوانده ام مطالعات زیادی (ده سال) در زمینه روانشناسی رفتاری شروع کرده ام و الان تحقیقات و تدریس و سمینارهای فراوان در تبریز برگزار می کنم.در حوزه هنر فیلم بینی و مطالعات سینمایی را از سال ۱۳۷۵ در حوزه هنری قم شروع کردم و الان نیز با کارگردانهای جهان همچون اسکوریزی و کوبریک ارتباط فکری دارم. الان در تبریز مورد مشاوره سازمانهای صنعتی و کارشناس کلینیک خانواده و مشاوره جمعیت هلال احمر در حوزه مهارتهای زندگی در خدمت جوانان هستم. عمده دغدغه من استخراج از منابع دینی در خصوص مهارتهای رفتاری می باشد.

محمودی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیای اقتصادی، دانشکده: اقتصاد، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی جغرافیا از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد جغرافیای اقتصادی از دانشگاه استانبول، دکترای تخصصی جغرافیای اقتصادی از دانشگاه استانبول در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

استادیار آموزشی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۶۴، دانشیار آموزشی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۴ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بهره‌وری در نظام دامداری ایران، پژوهشی در حمل و نقل بین‌المللی غرب کشور، تحلیل بررسیهای منطقه‌ای در ایران، قیمت‌گذاری محصولات استراتژیک کشاورزی گندم در ایران، تحلیل مکان‌یابی شهرکهای صنعتی در ایران، تدریس دروس جغرافیای اقتصادی ایران، مکان‌یابی صنعتی، اقتصاد فضا و مکان در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی، آزاد اسلامی و تربیت مدرس، عضویت در انجمن جغرافیای جهان و جغرافی‌دانان ایران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱ تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جغرافیای حمل و نقل.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

نگاهی به اقتصاد منطقه دشت میشان، رمه‌گردانی تابستانی در ارتفاعات گیلان، انتقال تکنولوژی و توسعه صنعتی ایران، چابهار و حوزه نفوذ آن، برنامه‌ریزی فضایی در معرفی یک مدل. Yaylacelek Gilan Paglaninda مکان‌یابی بهینه صنعتی، مطالعات اقتصادی و اجتماعی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، روش بکارگیری مدل‌های کمی در مطالعات کاربردی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مدنی، امیرباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم اداری و اقتصادی، دانشکده: اقتصاد، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی اقتصاد از دانشگاه اوهایو در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد در رشته مؤسسات اقتصادی و اجتماعی کشورهای اسکاندیناوی از دانشگاه استکهلم سوئد در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد اقتصاد از دانشگاه ایلینویز شمالی آمریکا در سال ۱۳۴۴ و دکترای علوم اداری و اقتصاد از دانشگاه ایلینویز جنوبی آمریکا در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس اقتصاد در دانشگاههای ایلینویز جنوبی و شهید بهشتی، استاد راهنمای ۴۰ تا ۵۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

نظامهـای اقتصـادی، اوپـک و اثرات تخریبی تطبیق قیمت نفت، استراتژیهـای توسـعه اقتصادی، مقایسه روشـهای توسـعه ایران با کره جنوبی، اقتصاد چین.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

اقتصاد و استراتژیهای توسعه اقتصادی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مرادی، نورالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نورالله مرادی در سـال ۱۳۲۱ ، در تهران متولـد شـد. تحصـیلات ابتدایی و دبیرسـتان خود را در سال ۱۳۳۹ به پایان رسانـد و پس از مـدتی کـار در انتشـارات فرانکلین ، در سال ۱۳۴۲ وارد دانشـکدهٔ حقوق دانشـگده تهران شـد. و در سـال ۱۳۴۶ با مـدرک لیسانس حقوق قضایی فارغ التحصیل شد. او بدون آنکه توقفی در تحصیلات خود به وجود آورد ، توانست تا سال ۱۳۵۳ فوق لیسانس علوم اجتماعی و فوق لیسانس علوم تربیتی را از دانشـگاه تهران اخذ نماید. پس از این دوره برای ادامه تحصـیل به آمریکا سفر نمود و در سال ۱۳۵۷ با دریافت مـدرک دکترای کتابداری از دانشـگاه پیتسـبورگ به ایران بازگشت و بادسـتگاههایی چون صدا و سـیما (به عنوان مـدیر کل آرشـیو و کتابخانه تا سال ۱۳۷۷) وزارت امورخـارجه (به عنوان مـدیر کتابخانه تخصصـی وزارت امور خارجه) ، دانشـگاه آزاد اسـلامی به همکاری پرداخت. مطالعه و تحقیق و نیز ترجمه آثار تخصصـی به ویژه از زبان انگلیسـی ، از جمله فعالیت های روزانه دکتر مرادی به شمار می رود.گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : کتابداری تحصیلات رسمی و حرفه ای : نورالله مرادی تحصـیلات ابتدایی و دبیرستان را در سال ۱۳۳۹ به پایان رساند و پس از مدتی اشـتغال در انتشارات فرانکلین ، در سال ۱۳۴۲ وارد دانشـکدهٔ حقوق دانشـگده تهران شد و در سال ۱۳۴۶ بـا موفقیت دوره لیسانس را به پایان برد. او بـدون آنکه توقفی در تحصـیلات خود به وجود آورد ، توانست تا سال ۱۳۵۳ فوق لیسانس علوم اجتماعی و فوق لیسانس علوم تربیتی را از دانشـگاه تهران اخذ نماید. پس از این دوره برای ادامه تحصیل به آمریکا سفر کرد و در سال ۱۳۵۷ با دریافت مدرک دکترای کتابداری از دانشگاه پیتسـبورگ به ایران بازگشت.مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : نورالله مرادی پس از مـدتی در موسـسه فرانکلین، اشـتغال داشت، با کسب مدارج علمی، بین سال های ۱۳۵۳ـ ۱۳۴۷ در مراکز مدارک علمی و نیز مرکز خدمات کتابداری مشغول کار شد.همکاری با

دستگاههایی چون صدا و سیما (به عنوان مدیر کل آرشیو و کتابخانه تا سال ۱۳۷۷) وزارت امورخارجه (به عنوان مدیر کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه) ، دانشگاه آزاد اسلامی از جمله دیگر فعالیتهای وی می باشد.فعالیتهای آموزشی : نورالله مرادی از دهۀ ۱۳۵۰ (پس از بازگشت از آمریکا) به تدریس کتابداری مشغول شد. او اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه و تحقیق و ترجمه آثار تخصصی به ویژه از زبان انگلیسی، فعالیت های روزانه نورالله مرادی را در بر می گیرد.شاگردان : برخی شاگردان نورالله مرادی که پایان نامه های خود را به راهنمایی وی دفاع نموده اند عبارتند از: محسن سخایی ، شعله مزدیسنا ، ندا نظری ، شهرزاد میرشمسی ، زهرا قریب ، نازنین قائم مقامی ، کامران فانی ، مهرانگیز صمدی ، داریوش مطلبی و محسن رجبی ؛ که عموماً در دانشگاه تهران تحصیل نموده اند.آرا و گرایشهای خاص : نورالله مرادی به کارایی ترجمه سر عنوان های موضوعی فارسی و نیز اصطلاح نامه های تخصصی در علوم گوناگون بسیار اعتقاد دارد.چگونگی عرضه آثار : عمده کتاب های نورالله مرادی از سوی نشر کتابدار ، سروش و کتابخانه ملی به چاپ رسیده است. همچنین مقالات وی توسط نامۀ انجمن کتابداران ایران و خبرنامه انجمن و سمینارهای داخلی و خارجی منتشر شده است.

منابع زندگینامه :کتاب ماه (کلیات) ، « گفتگو با دکتر نورالله مرادی » ، آذر و دی ۱۳۸۱ ، ص ۲۰

مرآت، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل مرآت در سال ۱۲۷۲ خورشیدی (شعبان ۱۳۱۰ ق.) به دنیا آمد.دورۀ متوسطه را در تهران به پایان رساند. در سال ۱۲۹۰ جزء شاگردان اعزامی به فرانسه رفت و در رشتۀ تعلیم و تربیت و روانشناسی به تحصیل مشغول شد.وی پساز مراجعت به ایران برای تدریس در دارالفنون برگزیده شد و تعلیم فیزیک را در آن مدرسه برعهده گرفت.ایشان در سال ۱۳۱۴ مرآت به ریاست ادارۀ تعلیمات عالیه وزارت معارف انتخاب شد و سه سال بعد در تاریخ بیست‌ودوم مرداد ماه سال ۱۳۱۷ کفالت وزارت معارف را برعهده گرفت. اسماعیل مرآت در روز ۲۸ شهریور ماه سال ۱۳۱۸ به وزارت معارف رسید و تا شهریور ماه سال ۱۳۲۰ در این سمت باقی بود.نامبرده در روز بیست و هفتم آذرماه سال ۱۳۲۸ خورشیدی (۱۸ دسامبر سال ۱۹۴۹ م.) درگذشت.مدفن وی در باغچه علیجان واقع در شهر ری می‌باشد. گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : تعلیم و تربیت و روانشناسی والدین و انساب : اسماعیل مرآت فرزند میرزا موسی‌خان مرآت‌الممالک است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : اسماعیل مرآت دورۀ متوسطه را در تهران به پایان رساند. در سال ۱۲۹۰ جزء شاگردان اعزامی به فرانسه رفت و در رشتۀ تعلیم و تربیت و روانشناسی به تحصیل مشغول شد.زمان و علت فوت : آخرین مأموریت اسماعیل مرأت، سرپرستی محصلان ایرانی در آمریکا بود. در همین مأموریت بود که در روز بیست و هفتم آذرماه سال ۱۳۲۸ خورشیدی (۱۸ دسامبر سال ۱۹۴۹ م.) درگذشت.مدفن وی در باغچه علیجان واقع در شهر ری می‌باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اسماعیل مرآت با بروز جنگ جهانی اول به ایران بازگشت. پس ازمراجعت به وطن برای تدریس در دارالفنون برگزیده شد و تعلیم فیزیک را در آن مدرسه برعهده گرفت. در سال ۱۲۹۷ خورشیدی مرآت معاونت، نظامت و تدریس فیزیک در دارالمعلمین عالی را عهده‌دار شد. مرآت در سال ۱۳۰۳ به عضویت شورای عالی معارف انتخاب شد و در سال ۱۳۰۷ سرپرستی محصلان ایرانی در اروپا را برعهده گرفت. در سال ۱۳۱۴ مرآت به ریاست ادارۀ تعلیمات عالیه وزارت معارف انتخاب شد و سه سال بعد در تاریخ بیست‌ودوم مرداد ماه سال ۱۳۱۷ کفالت وزارت معارف را برعهده گرفت. اسماعیل مرآت در روز ۲۸ شهریور ماه سال ۱۳۱۸ به وزارت معارف رسید و تا شهریور ماه سال ۱۳۲۰ در این سمت باقی بود. چگونگی

عرضه آثار : اسماعیل مرآت در دوران وزارت او در فرهنگ ، نزدیک دویست جلد کتاب درسی دبیرستانی تألیف و طبع شد.

مرتضوی، شهرناز

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر شهرناز مرتضوی در سال ۱۳۱۶ در تبریز متولد شد.وی دارای دکتری رشته روانشناسی گرایش روانشناسی بین فرهنگی از دانشگاه دولتی آلمان در سال ۱۳۵۷ است.ایشان هم اکنون استاد گروه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی بین فرهنگی والدین و انساب : پدر دکتر مرتضوی اکبر مرتضوی و نام مادرم محترمشان عزیز رفیعی و نام برادرشان شهریار مرتضوی است.بنا به گفته های ایشان ،خانواده مادری وی از نواده میزا تقی خان امیر کبیر است که پسر نداشت ولی دارای سه دختر بود که یکی از آنها مادر بزرگ مادری دکتر مرتضوی بوده است.و پدر بزرگ مادری ایشان هم از خانواده امام جمعه تبریز (مجتهدی) است. پدر بزرگ از طرف پدری ،حاج سید مرتضی مرتضوی است که در دوره اول مجلس وکیل تبریز بوده است.خاطرات کودکی : دوران کودکی شهرناز مرتضوی با حضور دموکراتها در تبریز در سال ۱۳۲۴ مصادف است .هشت سال نخست کودکی به خاطر درگیری های سیاسی موجود خیلی مطلوب نبود.به ویژه این که در سال اول دبستان به دلیل ابتلا به حصبه در خانه با کمک مادرشان به این دوره را طی کرد..اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : اوضاع و شرایط شهرناز مرتضوی از نظر اقتصادی خیلی مطلوب نبود.و نظر به این که پدرش کارمند بود قسمت اعظم درآمد وی صرف تحصیل دکتر مرتضوی و برادرش می شد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : شهرناز مرتضوی سال اول دوره ابتدایی را در تبریز و دوسال دیگر را در دبستان شهر بانو ، سه سال آخر را در مدرسه ژاندارک تهران گذراند.دوره دبیرستان را در دبیرستان های ژاندراک و رازی طی کرد.در حالی که نصف روز را فارسی و نصف دیگر را بزبان فرانسه تحصیل میکرد.یک دوره کامل آموزش حرفه ای خیاطی و مد را تا مدرک استادکاری را در شهر مونیخ آلمان گذراند.و دیپلم متوسطه خود از آلمان اخذ کرد.در سال ۱۳۴۳ در رشته روانشناسی وارد دانشگاه ابرهاردکارل توبینگن شد.ودر سال ۱۳۴۵ مدرک کارشناسی روانشناسی و در پی آن در سال ۱۳۴۷ مدرک کارشناسی ارشد رشته روانشناسی اجتماعی را دریافت کرد.ایشان پس از چند سال وقفه در سال ۱۳۵۷ موفق به کسب مدرک دکتری دولتی از آلمان گردید.فعالیتهای ضمن تحصیل : شهرناز مرتضوی در کنار تحصیل به کارورزی در شرکت IBMدر زیندلفینگن و کارورزی در بیمارستان دانشگاهی کودکان توبینگن مشغول بود. وی همچنین در کنار این فعالیت ها به فروختن بلیط تئاتر و ورزش نیز می پرداخت.استادان و مربیان : استاد راهنمای شهرناز مرتضوی پروفسور دکتر کامینسکی بود.هم دوره ای ها و همکاران : همه اساتید و کارکنان دانشگاه شهید بهشتی از همکاران شهرناز مرتضوی به شمار می آیند.همسر و فرزندان : شهرناز مرتضوی متاهل و دارای همسر (بنام مرحوم دکتر محمود کاظمی متخصص بیماریهای کودکان در سال ۱۳۵۷ فوت نمودند)و یک فرزند دختر (بنام سپیده کاظمی)می باشد.وقایع میانسالی : اشهرناز مرتضوی از این دوران وقوع انقلاب فرهنگی را بیاد داردمشاغل و سمتهای مورد تصدی : - تدریس روانشناسی در مدرسه عالی علوم اراک - مشاور در مدارس و مسیول مرکز مشاوره شهر اراک - مسئول موسسه امید کودک در تهران (بمدت کوتاه) - مدرس و محقق دانشگاه شهید بهشتی - مدیر مسئول مجله روانشناسی کاربردی (پروژه روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی) - عضو سازمان بین المللی روانشناسی بین فرهنگی (IACCP) -عضو سازمان بین المللی روانشناسی کاربردی (IAAP) - عضو آکادمی علوم نیویورک(NYAS)فعالیتهای آموزشی : تدریس در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه شهید بهشتی. عنوان دروسی که شهرناز مرتضوی تدریس

می کن بدین قرار اس:. روانشناسی اجتماعی روانشناسی عمومی روانشناسی تربیتی آمار توصیفی و استنباطی سنجش و اندازه گیری و دروس تخصصی دیگر مانند روانشناسی محیط.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شهرناز مرتضوی در کنار تدریس و مشاوره روانی به پژوهش می پردازد.شاگردان : تعدادی از دانشجویان شهرناز مرتضوی که در سطح دانشگاهی به تدریس و تحقیق مشغولند عبارتند از آقایان : صالحی صدق پور –صالحی – نصری – اشعری – نصری – فریبرز درتاج.همفکران فرد : شهرناز مرتضوی از خانمها دکتر زهرا صباغیان ،دکتر سیما فردوسی ،دکتر رخشنده ناطق ،دکتر زینب توفیق و دکتر صدیقه همایونیه و آقای دکتر شهریار مرتضوی به عنوان هم فکر خود یاد میکند.آرا و گرایشهای خاص : شهرناز مرتضوی معتقد است " :تا زمانی که ما نیز مانند کشورهای خاور دور" مشارکت" را از کودکی و از سطح کودکستان به فرزندان ایرانی نیاموزیم و شرایط محیطی لازم را برای نوآوری و خلاقیت ایجاد نکنیم،ناتوانی در مشارکت و عدم خلاقیت موجب دوام عقب ماندگی از هر نظر خواهد شد".جوائز و نشانها : شهرناز مرتضوی در طول خدمت خود در دانشگاه شهید بهشتی تقریبا هر سال در رابطه با فعالیت های علمی خود از ریاست محترم دانشگاه لوح تقدیر و جوایز نقدی دریافت میکرد.چگونگی عرضه آثار : مقالات چاپ شده در مجلات داخلی (علمی و پژوهشی) = ۹ مقاله مقالات چاپ شده در مجلات خارجی(علمی و پژوهشی) = ۳ مقاله خلاصه مقالات ارائه شده در کنفرانسها : ۱۲ مقاله طرح های پژوهشی مصوب : ۶ طرح آثار : آشنایی با روانشناسی بین فرهنگی ویژگی اثر : تالیف– انتشارات دانشگاه شهید بهشتی–۱۳۷۰ – این کتاب به توصیف روانشناسی بین فرهنگی ،روش تحقیق بین فرهنگی و به موضوعات عمده این رشته تخصصی اختصاص داده شده است.۲ رابطه فرهنگ با مدیریت منابع انسانی و رفتارهای سازمانی ویژگی اثر : تالیف– ۱۳۷۹– با همکاری خانم پروفسور منیرالسادات طیب و آقای دکتر میر احمد امیر شاهی–این کتاب دارای ۷ بخش اس و در آن نظریه ها ،بخشی از یافته های درون و بین فرهنگی روانشناسی سازمانی و مدیریت توصیف شده است.۳ فضاهای آموزشی از دیدگاه روانشناسی محیط ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش .سازمان نوسازی ،توسعه و تجهیز مدارس کشور –در سال ۱۳۷۶ – این کتاب بر اساس پژوهشی که در سطح کشور و با مشارکت دو معمار متخصص ،یک همکار جامعه شناس و یک همکار روانشناس بالینی و نیز همکاران دیگر انجام شد،نوشته شده است.

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر شهرناز مرتضوی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی در زمستان ۱۳۸۵

مژدهی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مشکانی، زهرا سادات

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر زهراسادات مشکانی در سال ۱۳۲۸ در تهران متولد شد.وی مدرک کارشناسی ارشد رشته Adult Education (آموزش

بزرگسالان) از دانشگاه فلوریدا A & M و مدرك Ph.D را در رشته آموزش مطالعات اجتماعی (Social Studies Education) از دانشگاه ایالتی فلوریدا در آمریکا کسب نمود.نامبرده در سال ۱۳۷۰ به عنوان عضو هیات علمی با درجه استادیاری در گروه پزشکی اجتماعی دانشکده پزشکی مشغول به کار شد. در سال ۱۳۷۷ به مرتبه دانشیاری و در سال ۱۳۸۴ به درجه استادی آن گروه در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران نائل آمد. گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : آموزش مطالعات اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر زهرا سادات مشکانی تحصیلات ابتدایی را در دبستان اکرمیه شهر تهران در سال ۱۳۳۴ و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان ثریا شهر تهران آغاز نمود و در سال ۱۳۴۶ موفق به اخذ مدرك دیپلم گردید. تحصیلات عالی خود را در سال ۱۳۴۶ در رشته لیسانس علوم‌آزمایشگاهی دانشکدۀ پزشکی دانشگاه تهران آغاز کرد و در سال ۱۳۵۱ فارغ‌التحصیل شد. وی در سال ۱۳۵۴ موفق به اخذ درجۀ کارشناسی ارشد در رشتۀ علوم ترتبیتی- آموزش بزرگسالان از دانشکدۀ ایالتی فلوریدا دانشگاه آمریکا گردید. سپس تحصیلات Ph.D خود را در رشتۀ علوم ترتبیتی- آموزش مطالعات اجتماعی دانشگاه ایالتی فلوریدای آمریکا در سال ۱۳۵۷ به پایان رساند. وی دوره‌های تکمیلی دوره کوتاه‌مدت مقدماتی آموزش پزشکی را در دانشگاه اردن (کشور عمان)گذراند.خاطرات و وقایع تحصیل : دکتر مشکاتی در سال ۱۳۵۱ موفق به کسب درجه لیسانس در رشته علوم آزمایشگاهی از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران گردید و در سال ۱۳۵۳ برای ادامه تحصیل به همراه همسر به آمریکا عزیمت نمود.وقایع میانسالی : زهراسادات مشکانی در سال ۱۳۷۰ به عنوان عضو هیات علمی با درجه استادیاری در گروه پزشکی اجتماعی دانشکده پزشکی مشغول به کار شد. در سال ۱۳۷۷ به مرتبه دانشیاری و در سال ۱۳۸۴ به درجه استادی آن گروه نائل شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زهراسادات مشکانی در سال ۱۳۷۰ به عنوان عضو هیات علمی با درجه استادیاری در گروه پزشکی اجتماعی دانشکده پزشکی مشغول به کار شد. در سال ۱۳۷۷ به مرتبه دانشیاری و در سال ۱۳۸۴ به درجه استادی آن گروه نائل شد.از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ به عنوان قائم مقام معاونین آموزشی دانشکده پزشکی با مدیریت دانشکده پزشکی همکاری داشت.اولین کارگاه در زمینه آموزش پزشکی در مرکز مطالعات را طراحی و مدیریت و با همکاری دو تن از همکاران مرکز اجرا نمود.از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۷۸ به عنوان مسؤول واحد برنامه‌ریزی مرکز توسعه با آن مرکز همکاری داشته است. از دیگر سمت های اجرائی و مدیریتی زهرا سادات مشکانی (از گذشته تاکنون) می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- عضو هیئت بورد آموزش پزشکی سال ۱۳۷۹-۱۳۷۷ ۲- معاون پژوهشی گروه پزشکی اجتماعی سال ۱۳۷۹-۱۳۷۸ ۳- عضو کمیته کشوری تدوین شاخص‌های کیفی آموزش سال ۱۳۷۹-۱۳۷۷ ۴- عضو شورای پایان‌نامه گروه پزشکی اجتماعی از سال ۱۳۷۴ تاکنون ۵- سرپرست دفتر برنامه‌ریزی مرکز توسعه آموزش دانشگاه از سال ۱۳۸۰-۱۳۷۶ ۶- قائم مقام معاونین آموزشی دانشکده پزشکی از سال ۱۳۷۶-۱۳۷۱ مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : زهراسادات مشکانی در سال ۱۳۸۵ با حمایت مسؤولین دانشگاه موفق به راه‌اندازی گروه آموزش پزشکی گردید و مسؤولیت اداره گروه را بر عهده گرفت.ایشان در سال ۱۳۷۳ همگام با مسؤولین وقت دانشگاه در تاسیس مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه سهیم بودند. جوائز و نشانها : آخرین طرح پژوهشی زهراسادات مشکانی بررسی مشکلات آموزشی دوره پزشکی عمومی از دیدگاه دست اندرکاران در کنگره آموزش پزشکی در کشور سنگاپور در سال ۲۰۰۷ نامزده شرکت در گزینش پژوهشی برتر گردیده استچگونگی عرضه آثار : - انتشار چندین مقاله در زمینه آموزش پزشکی و مجلات معتبر فارسی و انگلیسی و کنگره‌ها - اجرای دو طرح پژوهشی کاربردی بنا به سفارش مسؤولین دانشگاه آثار : تحلیل نیازهای یادگیری ویژگی اثر : ترجمه - در سال ۱۳۷۸. ۲ طراحی پرسشنامه در پژوهش‌های پیمایشی و طراحی کارگاه آموزشی ویژگی اثر : سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۵

مشکوه، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: اقتصاد، دانشکده: معارف اسلامی، دانشگاه: امام صادق (ع)

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مطهری پور، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی مطهری پور

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای مرتضی مطهری پور در سال ۱۳۵۱هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان قزوین دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیه از سوی دیگر او را راهی قم گردانید و در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم و مدرسه علمیه حقانی گردید از نخستین روزهای ورود به قم ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت علیهم السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۶ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله جوادی آملی، آیت الله سبحانی، مرحوم آیت الله شیج جواد تبریزی و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

وی در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته روانشناسی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۲از موسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"اعتبار یابی آزمون ۱۶ عاملی کتل بر مبنای نیم رخ روانی نمونه ای از دانش پژوهان "دفاع کرد

وی هم اکنون به امر تدریس در دانشگاه بوعلی و علوم پزشکی همدان مشغول می باشد. نامبرده در طول حیات علمی خویش به مدت ۵ سال در دائره المعارف علوم عقلی به نگارش و پژوهش پرداخت و آثاری از قبیل" تربیت اسلامی"و"امر به معروف و نهی ازمنکر از دیدگاه قرآن و روایات"را به رشته تحریر در آورده است.

مطهری، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حمید مطهری

محل تولد : چالوس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۴۵ درتهران متولـد شـدم وپس از گذراندن دوره دبسـتان وراهنمایی وقبول دراول دبیرسـتان(رشـته علوم تجربی) درسال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه شـهید بهشتی نوشهر شدم وپس از آن درسال ۱۳۶۴ برای ادامه تحصـیل راهی شهر مقدس قم شدم ودروس سطح را نزد اساتیدی ازجمله محمدی قوچانی، حسـینی بوشهری،اعتمادی،محقق داماد ،پایانی،بیگدلی،عرقچی، کوهمره ای،صالحی مازنـدرانی، قـدیری،موسوی تبریزی،و... گذراندم وپس ازآن توفیق شـرکت دردروس خارج فقه واصول آیات عظام ازجمله مکارم شیرازی ،وحید خراسانی ،سبحانی،سـید جعفر کریمی گذاراندم ودرطی این مدت کارهای تحقیقی وپژوهشـی را آغاز کردم ومقالا تی راتألیف نمودم وهمچنین به عنوان اسـتاد دانشـگاه به مـدت ۳سـال تـدریس کردم ودر همین مـدت هم درحوزه علمیه امام جعفر صادق (ع) چالوس مشـغول تدریس بودم وپس ازآن به مدت ۳ سال به عنوان اسـتاد داور درجلسات دفاع پایان نامه های حوزه های علمیه خواهران شرکت نمودم وهمچنان بااین مرکزهمکاری دارم.

مطیعی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن مطیعی

محل تولد : اهواز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۴/۱۶

زندگینامه علمی

پس از اخـذ دیپلم سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شـدم و دروس مقـدمات و سـطح را تا سال ۱۳۶۹ به پایـان بردم. پس از آن وارد درس خـارج شـده و سال ۱۳۷۰ وارد بخش آموزشـی موسسه در راه حق شـدم که یک دوره کارشناسـی معارف اسـلامی و فلسـفه اسـلامی را همزمان با شـرکت در درس های خارج (فقه و اصول) طی نمودم. در سال ۱۳۷۵ با ورود به موسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی(ره) تحت اشراف مقام معظم رهبری و به ریاست استاد مصباح در دوره کارشناسی ارشد علوم تربیتی مشغول به تحصیل شده و در فروردین سال ۱۳۸۰ از پایان نامه خود دفاع نمودم. در این مدت همزمان با تحصیل با مرکز مطالعات و تحقیقات حوزه در پاسخگویی به سؤالات اخلاقی تربیتی و مشاوره ای نیز همکاری داشتم. پس از دفاع از پایان نامه با بخش پژوهش موسسه امام خمینی(ره) در گروه علوم تربیتی با دکتر شاملی پروژه تربیت اخلاقی را مشغول شدم که متاسفانه بعد از مدتی با پراکنده شدن دوستان همکار این پروژه ادامه نیافت. پس از آن دوره تربیت مربی اخلاق را در یک سال تحصیلی در موسسه امام خمینی(ره) با مدیریت استاد دکتر آقا طهرانی گذرانده که حاصل آن دو مقاله تربیتی اخلاقی (اخلاق کاربردی) بود. توضیح اینکه در راستای فعالیت های علمی چند بار مورد تشویق قرار گرفته ام: ۱. در ارائه تحقیقی مربوط به درس خارج اصول به استاد محمد رضا مدرسی حفظه الله و اعطای دوره کتاب جامع السعادات . ۲. در پایان دوره کارشناسی از سوی بسیج دانشجویی لوح تقدیر و ساعت. ۳. در حفظ بخشی از نهج البلاغه در درس آیت الله مکارم شیرازی و اعطای چند جلد از کتابهای تفسیر موضوعی از سوی ایشان.

مظاهری اصفهانی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مظاهری اصفهانی

محل تولد : تیران استان اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۴

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۷ ه.ش در تیران (استان اصفهان) زاده شدم. نامم را «علی» نهادند؛ اما «علی اکبرم» خواندند. اکنون نیز نامم در شناسنامه علی است، اما علی اکبر می خوانندم. خاندانم متد ین بودند. کار پدر، نانوایی بود و کشاورزی. پدر و مادر هر دو از فامیل «مظاهری» ها هستند. منسوب به جناب حبیب ابن مظاهر ـ رضوان الله علیه ـ شجره نامه انتسابمان به آن جناب موجود است.نهال خدا دوستی و دین گرایی را که دست حکمت آفریدگار در وجودم نشانده بود، به دست والدین ام به خصوص مادرم، که از خاندان روحانی بود، آبیاری و باغبانی می شد و پرورش می یافت و آن فطرت الهی، که همه آدمیان بر مبنای آن آفریده می شوند، بالنده می گشت. صوت قرآن پدرم و زمزمه مناجات مادرم، جانم را می نوازاند.

پنج ساله بودم که مادرم دستاری بر سرم می بست و منبری از متکا برایم می ساخت و می فرمود که به گونه عالمان دین بر کرسی خطابه بنشینم و برایش سخن گویم و موعظه نمایم و احکام و معارف شریعت را بیان کنم! تمرین عالم شد نم می داد.

کلاس اول و دوم ابتدایی را در تیران گذراندم و در هر دو سال شاگرد اول بودم حتی معلممان را در تصحیح درس ها و برخی از امور شاگردان یاری می کردم.ادامه زندگانی در تیران به خاطر تنگنای معیشتی بسیار سخت بود و یا ناممکن می نمود؛ از این رو همراه خانواده به شهر اصفهان مهاجرت کردیم.

اگر چه از دبستان تیران، گواهی درسی و مدارک لازم برای ادامه تحصیل در اصفهان را گرفتم اما ادامه تحصیل ممکن نشد زیرا مرا به کار نانوایی گماشتند و حتی فراغت ادامه تحصیل شبانه نیز برایم باقی نماند. همواره عطشناک درس خواندن و مطالعه کردن

بودم و در فراغ آن می سوختم.

چند سال که بزرگتر شدم به مدرسه شبانه (اکابر) رفتم و هر شب حدود دو ساعت درس خواندم. کلاس سوم را دو ماهه خواندم و چهارم را نخوانده امتحان دادم و به کلاس پنجم رفتم و چند ماهی دوره باقی مانده ابتدایی را به پایان رساندم و باز از ادامه تحصیل بازماندم. هزینه زندگی بیشتر می شد و پدر پیرتر و مسئولیت من سنگین تر.نوجوان بودم و کار یک مرد را در نانوایی می کردم و بخشی از هزینه های زندگانی را تامین می نمودم.علاقه به مطالعه همواره همراهی ام می کرد. اگر چه نه کتاب مناسب و نه فراغت لازم را داشتم اما کتاب های گوناگون را به گونه های مختلف به دست می آوردم و می خواندم. مطالعه کتابم فراتر از سطح تحصیلات مدرسه ای ام بود. و نیز همیشه در صدد یافتن فرصت برای ادامه تحصیل بودم این شوق و انگیزه هرگز در وجودم خاموش و آرام نشد و هرگز خاموش و آرام مبادا انشاء الله.

پس از حدود یک سال که نزد برادرم نجاری می کردم او به ایران بازگشت و من مسوول کارگاه نجاری شدم اما دل و اندیشه ام به سوی مدرسه بود. کم کم اهداف و اندیشه هایم را با سرپرست حوزه عملیه آنجا (که در بیوگرافی تفصیلی، درباره او سخن خواهم گفت) در میان گذاشتم و از او یاری طلبیدم. وی راهنمایی و مساعدت کرد و من کارگاه نجاری را که حدود یک و سال و نیم اداره کرده بودم به کسانی واگذار کردم و به حوزه علمیه در آمدم و طلبه شدم! نانوا، نجار، طلبه! و الحمد لله نانوایی، نجاری، طلبگی! و الحمد لله.

سال ۱۳۵۶ بود نزد یک شهادت حاج آقا مصطفی خمینی، و من پس از حدود هشت سال نانوایی و دو سال و نیم نجاری، اکنون محصل علوم اسلامی شده بودم و به قلمرو آرمانی اهدافم وارد شده بودم. درسها و مطالعاتم گام هایی بودند به سوی کلمه کمال و رسیدن به وصال و وصول به مقصود عالم شدن، نویسنده شدن، سخنران شدن، و از همه بالاتر، تکامل اخلاقی و معرفتی و نیل به قرب الهی.

درس ها و نیز مدرسان آنجا هم عربی بودند و هم فارسی و من نیز هم فارسی می دانستم و هم عربی. آن مدت که در کویت کار می کردم مکالمه عربی را فرا گرفتم و کمی ینز خواندن و نوشتن عربی را. از این رو هم درس های عربی را می خواندم و هم درس های فارسی را. هم به درس استادان عرب می رفتم و هم به درس استادان فارسی. درس ها و کتاب هایی که به درس در آن حوزه خواندم برخی شان مطابق برنامه های درسی حوزه های علوم اسلامی در ایران بود و برخی دیگر شان متفاوت بود. مثلا کتا ب ها و درس های «شرایع الاسلام»، «العروة الوثقی» «المنهاج، فی قواعد و الاعراب» ، «التدبر فی القرآن»، جزو دروس اصلی حوزه های علمیه ایران نبود و نیست اما از درس های اصلی حوزه علمیه کویت بود و ما می خواندیم و برخی از درس های حوزه های ایران نیز در حوزه کویت، تدریس و خوانده نمی شد. هم در مواد درسی و هم در شیو ه های درسی، تفاوت هایی و اشتراک هایی میان حوزه کویت و ایران بود (که باید در مجالی دیگر بیان شود)

نهضت اسلامی خیز برداشت و بر اثر حوادث پس از شهادت حاج آقا مصطفی خمینی کوره انقلاب اسلامی داغ و داغتر شد. ما که کویت بودیم و به نجف نزدیکتر بودیم و نیز محدودیت های ایرانیان را کمتر داشتیم گاهی می شد که زودتر و آسانتر به نجف وصل می شدیم و سفیران امام خمینی راحت تر به ما می رسیدند و آقای سید عباس فهری که نماینده حضرت امام در کویت بود بی مشکل و یا با مشکل کمتر با امام ارتباط می گرفت و به ما می رساند.من وظیفه انقلابی خویش را در میان ایرانیان مقیم کویت، ایفا می کردم در منازل کارگران می رفتم برای شان جلسه می گذاشتم. محصولات انقلابی (کتاب، بیانیه، اعلامیه، نوار ...) به آنان می رساندم. کار آسانی نبود زیرا برخی از ایرانیان در کویت به خاطرضعف فرهنگ و نیز تعصب به مملکت خویش و به هم آمیختن وطن دوستی با شاه دوستی به آسانی به نهضت اسلامی نمی پیوستند و از حکومت پهلوی نمی بریدند. گاه می شد که مرا طرد می کردند و از خود می راندند، و حتی تهدید به مرگم می کردند اما من که تکلیف خویشتن را می شناختم و علل قصور و

تقصیر آنان را نیز می دانستم، به گونه های گوناگون ادامه طریق می دادم، تا آنکه خداوند، نصرت و فتح خویش را کرامتمان فرمود و طلیعه پیروزی نمایان گشت و سپاس خدای را که عکس منحوس شاه ملعون به دست من از سر در سفارت ایران درکویت کنده شد و تمثال مبارک امام خمینی ـ سلا م الله علیه ـ به جای آن نصب گردید.

ملک‌پور، مختار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش و پرورش کودکان، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی روانشناسی، کارشناسی ارشد و روانشناسی، دکترای روانشناسی (کودکان استثنایی)، گرایش عقب‌ماندگیهای ذهنی و اختلالات رفتاری کودکان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدوین برنامه و راه‌اندازی مرکز بهداشت و مشاوره روانی دانشجویان دانشگاه اصفهان، اجرای طرح مراقبت‌های بهداشت عمومی در زمینه روانی (PHC) برای اولین بار در ایران در شهر شاهرضای اصفهان با همکاری روانپزشکان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

عقب‌ماندگیهای ذهنی، کودک (روانشناسی)، پژوهش، تفسیر و اصلاح رفتار.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی:–

زمینه علمی مقالات:

عقب‌ماندگیهای ذهنی (شناخت، علل، پیشگیری و مسائل آموزشی و توانبخشی).

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ملکی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ملکی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس ازتحصیلات ابتدایی و متوسطه در حوزه علمیه زنجان مشغول به تحصیل شدم و همزمان شبانه دروس دبیرستان را هم تحصیل و در سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ دیپلم گردیدم. در سال ۷۴ به علت شرایط و موقعیت خاصی که داشتم؛ به خدمت سربازی اعزام شدم. دو سال در آموزش و پرورش در سمت سرباز معلمی مشغول خدمت شدم تا اینکه درسال ۷۶ عازم شهر مقدس قم شدم تا در جوار کریمه اهل بیت، درس حوزه را ادامه دهم و سپس همزمان با تحصیل در حوزه به کارهای علمی و پژوهشی هم همت گماشتم وعلاوه بر آن، ۴ سال به طور مداوم به تبلیغ اعزام شدم.

منصور، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: روانشناسی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات دانشگاهی در رشته روانشناسی (بالینی و تحولی) در دانشگاه ژنو سوئیس، دریافت دیپلم‌های تخصصی و دکترا از دانشگاه ژنو سوئیس.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روانشناسی، ارزشیابی، تست، پژوهش بنیادی در قلمروهای بالینی، فرافکنی و تجربی. راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی، مسائل تحولی، مرضی، بالینی و پرورشی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

مسائل علمی روانشناسی، جنبه‌های بنیادی و بالینی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منصور، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمود منصور در سال ۱۳۰۹ ش در شهرستان اراک به دنیا آمد .بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه و اخذ درجه لیسانس در رشتهٔ روانشناسی و فوق لیسانس تخصصی در رشتهٔ روانشناسی بالینی جهت ادامهٔ تحصیل عازم کشور سویس گردید و از دانشگاه ژنو در رشتهٔ روانشناسی ژنتیک و بالینی موفق به دریافت درجهٔ دکترا شد. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه تهران می باشد. کتابهای" روانشناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری"و" ساخت، پدیدآیی، تحول شخصیت" محمود منصور به ترتیب در دوه های هشتم و هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شدند.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشانسی بالینی تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود منصور بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه و اخذ درجه لیسانس در رشتهٔ روانشناسی و فوق لیسانس تخصصی در رشتهٔ روانشناسی بالینی جهت ادامهٔ تحصیل عازم کشور سویس گردید و از دانشگاه ژنو در رشتهٔ روانشناسی ژنتیک و بالینی موفق به دریافت درجهٔ دکترا شد. او رساله خود را زیر نظر ژان پیاژه نوشته است. موضوع پایان نامه منصور ، روانشناسی تحولی و بالینی بود. او روش بالینی را برای تحول جنبه های هوش و ادراک به کار می برد.استادان و مربیان : محمود منصور تحصیلات عالی خود را زیر نظر استادانی از بزرگترین روانشناسان بالینی اروپا ،که همه استادان به نام در زمان خود بودند ، به پایان رسانید. همانند ژان پیاژه (استاد راهنمای)، پروفسور آندره‌ری و پروفسور لوزلی اوستری.هم دوره ای ها و همکاران : از جمله همکاران دکتر منصور در جمع آوری کتاب « لغت نامه روان شناسی » خانم دکتر پریرخ و دکتر راد می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر منصور ابتدا در کلینیک کانون هدایت کودک و مرکز مشاوره روانی ، در حدود ۸-۷ سال به فعالیت تشخیص و درمان روانی مشغول بود و به موازات آن از سال ۱۳۴۴ وارد دانشگاه تهران شد.وی تا سال ۱۳۶۹ ش در سمتهای استادیاری و دانشیاری و مدیریت گروه مبانی روانی مشغول به خدمت بود و هم اکنون استاد دانشگاه تهران است.فعالیتهای آموزشی : تدریس در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران از جمله فعالیت های آموزشی دکتر محمود منصور می باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اولین کتابی که محمود منصور دست به ترجمه آن زد ،« پیشرفت مدارس در پرتو روشهای آموزشی و پرورش » است که در سال ۱۳۳۵ منتشر شده و برنده جایزه گشت. لیکن فعالیت اصلی و مستمر وی از سال ۱۳۴۰ شروع شد. به دنبال آن اولین کتاب تالیفی او که کتاب احساس کمتری نام داردکه در سال ۱۳۴۳ منتشر شده است.آرا و گرایشهای خاص : محمود منصور به روانشناسی تحولی و بالینی علاقه خاصی دارد ، و درس های او نیز همیشه روی زمینه های یاد شده است. چون آمادگی علمی عمده منصور در این قبیل زمینه

هاست ، یعنی یا کار بالینی می کند یا کار تحولی چون هر دوی اینها به هم پیوسته است. منصو.ر از بازاری شدن کتاب و آموزش بسیار تاسف می خورد. او از این که کتاب و آموزش را وسیلهٔ ارتزاق می بیند ، آن را بی حرمتی به علم می داند. وی نظام ارزشیابی در آموزش عالی کنونی را نادرست می داند. دکتر منصور معتقد است که دانشگاههای ایران باید اصلاح شده و روی الگوهای جدید ، یعنی پژوهش و بین رشته ای شدن بازسازی شوند.جوائز و نشانها : کتابهای" روانشناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری"و" ساخت، پدیدآیی، تحول شخصیت "محمود منصور به ترتیب در دوه های هشتم و هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شدند.آثار : احساس کهتری ویژگی اثر : ۱۳۶۹۲ تحول روانی از تولد تا پیری ، تربیت به کجا ره می سپارد؟ ، ترجمه کتاب بیماری های روانی ، تست خانواده ، نقاشی کودکان ، دیدگاه پیاژه در گستره تحول روانی ویژگی اثر : ۱۳۶۷۷ روانشناسی بالینی ، روانشناسی ژنتیك ۱و ۲ ، رواننشاسی ژنتیک ، زمینه بررسی بزهکاری کودکان و نوجوانان ، زمینه راهنمایی حرفه ایی ، ساخت، پدیدآیی، تحول شخصیت ویژگی اثر : این کتاب در دوره هشتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب:«ساخت، پدیدآیی و تحول شخصیت» : انگیزهٔ کتاب، آشنا ساختن دانشجویان روانشناسی با دست‌آوردهای جدید این علم است. متن اصلی از قوی‌تری و علمی ترین مجموعهٔ «روانشناسی تجربی» معاصر اقتباس گردیده، که مای‌لی دانشمند برجسته و یکی از پدیدآورندگان دایرهٔالمعارف جدید روانشناسی نویسنده آن است. مترجم بخوبی از عهدهٔ ترجمهٔ این کتاب معتبر برآمده و کتاب مفیدی به جامعهٔ فرهنگی ایران ارائه داده است ۱۳ شالوده روانی تربیت ویژگی اثر : ۱۳۴۳۱۴ گفتگوهای آزاد با ژان پیاژه ویژگی اثر : ۱۳۵۸

منابع زندگینامه :کتاب ماه: علوم و فنون: گفت و گو با دکنر محمود منصور ، شماره ۵۶ ، آذر ۱۳۸۱

منطقی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی منطقی در سال ۱۳۳۶ در شهر قزوین متولد شد و وی در حدود سنین ۱۳ـ۱۲ سالگی (پیش از انقلاب) به سوی مطالعات و فعالیت های سیاسی کشیده شد و پس از ورود به دانشگاه، تحصیل رشته روانشناسی را هدف و حرفه خود کرد و مقاطع تحصیلی در رشته روانشناسی تا اخذ مدرک دکترا از دانشگاه تهران ادامه داد. دکتر منطقی در سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ موفق به دریافت جایزه جشنواره دفاع مقدس شد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : ـ دکترای روانشناسی از دانشگاه تهران ـ کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس ـ کارشناسی روانشناسی از دانشگاه تهران فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر منطقی به سبب علایق گسترده ای که داشته است گاهی در یك ترم تحصیلی، معادل ۴۰ واحد بر سر کلاس های گوناگون، از تاریخ و ادبیات تا جامعه شناسی و مردم شناسی و اقتصاد و هنر، حضور پیدا می کرده است. با این حال، او به محض اخذ مدرک کارشناسی ارشد روانشناسی، به سطح کارشناسی ارشد جامعه شناسی رفته و سپس تحصیل دکترای روانشناسی اش را آغاز کرده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ـ عضویت در هیأت علمی نخستین همایش سراسری روانشناسی ـ عضویت در هیأت علمی و شورای سیاستگذار همایش آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش ـ عضویت در داوری انتخاب پژوهش فرهنگی سال ـ عضویت در هیأت علمی همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص) ـ عضویت در هیأت های علمی و ملی همایش توسعه فرهنگی، جهانی شدن و تعلیم و تربیت ـ عضویت در هیأت تحریریه نشریه علمی ـ پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تبریز و فصلنامه خلاقیت و

نوآوری فعالیتهای آموزشی : دکتر منطقی استادیار دانشگاه تربیت معلم است و تدریس در حوزه روانشناسی و علوم انسانی را در این دانشگاه و دانشگاه های مشابهه را در کارنامه دارد.آرا و گرایشهای خاص : گستره نظریه پردازی های بومی دکتر مرتضی منطقی در زمینه مسائل روانشناختی، فرهنگی و اجتماعی، بسیار قابل توجه و دارای اهمیت است. این پژوهشگر با بررسی های گسترده فرهنگی، اجتماعی، روانشناختی ـ که بیش از ۲ دهه در سطح جوانان داشته – و همچنین بررسی روانشناسی نسل سوم و چهارم انقلاب، به طرح مفاهیمی مانند جامعه پذیری ضدجامعه پذیری، هنجارآفرینی های جدید جوان انقلاب اسلامی، انقطاع گفتمان بین نسلی، هویت القایی، هیجان جویی مرضی، عشق بیمارگون، مقاومت فرهنگی و مواردی از این قبیل پرداخته است. منطقی در تبیین مفهوم «جامعه پذیری ضدجامعه پذیری» با بحث درباره روند جامعه پذیری جوان، از سرمایه گذاری هایی سخن می راند که برخی به نتایج عکس نتایج اولیه مورد نظر می رسند. علاوه بر این دکتر منطقی با طرح عبارت «هنجارآفرینی های جدید جوان انقلاب اسلامی»، از شکل گیری برخی هنجارهای جدید همانند دید نقاد و چالشگر جوانان، نوآوری، رک گویی، استقلال رأی، پذیرش خودکنترلی (به جای دیگر کنترلی)، گرایش به هنرها و توجه به زیبایی شناختی در سطح جوانان یاد می کند و یادآور می شود موارد دیگری از جمله شفافیت و برخورد با ریاکاری، گرایش به فناوری های پیشرفته ارتباطی، تجربه گرایی، توجه به فرهنگ جهانی، نگرش های سکولاریستی، گرایش های فمینیستی (بویژه در دختران)، لذت گرایی و رفاه طلبی در این طبقه از قشر جامعه امروز به چشم می آید. این استاد دانشگاه با مطرح ساختن مفهوم افسردگی اجتماعی، به طرح نوعی از افسردگی دست زده که برخلاف افسردگی در بعد فردی اش ـ که می تواند متأثر از ابعاد ژنتیکی یا محیطی باشد ـ تنها از ابعاد محیطی تأثیر می پذیرد و در نتیجه برخورد جوان با مشکلات، تضادها و بن بست های حاصل نشده اجتماعی بر وی عارض می شود. از عمده علایم بارز این عارضه که مرتضی منطقی بدان اشاره دارد، می توان مواردی همانند تمایل نداشتن جوان به ایفای نقش اجتماعی و سیاسی خود، استقبال نکردن از مشارکت و فعالیت های سازنده اجتماعی، بی برنامگی و گذران اوقات به بطالت، پناه بردن به فضاهای مجازی، احساس ندامت و پشیمانی از به دنیا آمدن، دست زدن به اعتراض هایی منفعل (در پوشیدن لباس، نوع ادبیات و مانند اینها) و غربگرایی افراطی. وی در بررسی مسائل میان نسلی به مباحثی چون تفاوت های نسلی در گذر جهانی شدن، گسست و انقطاع گفتمان میان نسلی و از این قبیل پرداخته که بررسی تطبیقی او در رابطه با نظام های ایدئولوژیک در این مورد به سهم خود جای تأمل فراوان دارند. «منطقی» همراه با به میان آوردن «هویت القایی» از تبعات تثبیت جوان در اخلاق دیگر پیرو در جریان رویکردهای تکلیف مدار یاد کرده که مسأله اخیر در مجموعه هویت های مطرح شده از سوی نظریه پردازان تحولی مانند مارسیا، بروزونسکی و پژوهشگران مشابه ملاحظه نمی شود. عنوان «هیجان جویی مرضی» ناظر بر تحقق هیجان جویی افرادی (و اغلب جوانانی) است که با محدود دیدن عرصه های شادی و نشاط اجتماعی، شادی را در شکل مرضی آن محقق کرده و از این رهگذر، به ترضیه خاطر خویش می پردازند. «منطقی» در مقام پژوهشگر این موضوع، از این حالت، که شادی و نشاط افراد، هزینه ای معادل آسیب، آزار و اذیت دوستان، اطرافیان و مردم را در بردارد یا افراد طی آن به استقبال از سوء مصرف مواد (مثل مصرف اکس، الکل، داروهای روانگردان و ...) می پردازند، با برچسب «هیجان جویی مرضی» یاد می کند. دکتر منطقی در بیش از دو دهه عمر علمی خود، در جریان پژوهش هایش به مفهوم سازی های بسیار و تشریح علایم و دلایل آن پرداخته که از آن جمله اند: عشق بیمارگون (تحقق عشق بدون تحقق ابعاد شناختی و عاطفی و هیجان همراه با آن)، مقاومت فرهنگی (پیش گرفتن اقدام های فرهنگی مانند تحول در پوشش، آرایش، تکیه کلام ها، طنزها، مطایبه ها و نمادهای متفاوت به جای ارائه شفاف دیدگاه های فرهنگی ـ اجتماعی). جوائز و نشانها : دریافت جایزه جشنواره دفاع مقدس به خاطر کتاب" نگاهی به ۸ سال جنگ تبلیغاتی "سال ۱۳۷۳ و کتاب سبب شناسی و درمان بیماری های روانی در قلمرو اسلامی، انگیزه های روانی مقاومت نظامیان عراقی در سال ۱۳۷۴چگونگی عرضه آثار : این استاد محقق هم اکنون در حوزه های تحولات قرائت فرهنگی ـ اجتماعی و دینی جوانان، مناسبات

میان نسلی (روانشناسی نسل سوم و چهارم انقلاب)، فناوری های ارتباطی جدید (تلفن همراه، بازی های ویدئویی ـ رایانه ای، ماهواره و اینترنت)، روش های آموزش خلاقیت، نوآوری های آموزشی، روانشناسی عشق (عشق ناگفته، عشق شورانگیز، عشق مذکر و مؤنث) و بهداشت روانی در عشق شورانگیز و بررسی دیدگاه های زیست محیطی اسلام، به مطالعه، پژوهش و تألیف اشتغال دارد. تألیف بیش از ۱۰ جلد کتاب و ارائه حدود ۴۰ مقاله در همایش های مختلف با عناوینی چون: نقش حجاب در حفظ بهداشت روانی جامعه، بن بست آرمان گرایی، ساده اندیشی ـ ویژگی تبلیغات جنگ ایران، امکان سنجی زنگ خلاقیت در مدارس، هنردرمانی تالی، بررسی بحران هویت دختران، بررسی تطبیقی گسست یا پیوند نسلی در جوانان ایران و شوروی، بررسی مقایسه ای دیدگاه های حضرت رسول (ص) و جریان های فمینیستی در روانشناسی اختلافی زن و مرد و ۳۳ مقاله در نشریه دانشگاه انقلاب ـ بررسی ترفندهای روانی آمریکا در اسناد لانه جاسوسی، بررسی ویژگی های مردودین گزینشی کنکور، پیش بینی بهترین ریسک ممکن در باز پس گیری فاو، از هویت ایدئولوژیک تا هویت متعارض، روانشناسی نسل سوم انقلاب (پژوهش شایسته تشویق در سال ۸۴ به انتخاب وزارت ارشاد) و ... آثار : بررسی بازی های ویدیویی ـ رایانه ای ویژگی اثر : ۱۳۸۲۲ داستان مادر بزرگ طوبی ویژگی اثر : روان درمانی در جریان مرگ ـ ۳ راز گل سرخ ویژگی اثر : (به همت مرکز پژوهش های بنیادی وزارت ارشاد اسلامی،۴ روانشناسی تربیتی ویژگی اثر : روانشناسی نسل سوم ویژگی اثر : طرح پژوهشی، «روانشناسی نسل سوم» که منطقی در آن به مسأله مناسبات میان نسلی در ایران پرداخته، در برنامه پژوهش فرهنگی سال، مورد تقدیر واقع شده است۶ سبب شناسی و درمان بیماری های روانی در قلمرو اسلامی، انگیزه های روانی مقاومت نظامیان عراقی ویژگی اثر : برنده جایزه از جشنواره دفاع مقدس)۷ نگاهی به جنگ تبلیغاتی ویژگی اثر : برنده جایزه از جشنواره دفاع مقدس

موسوی اصل، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی موسوی اصل

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات کلاسیک در حد دوم راهنمایی شروع به تحصیلات حوزوی در حوزه علمیه تبریز کردم و مقدمات علوم اسلامی را تا حد لمعتین در آنجا به اتمام رساندم. پس از آن به مدت یک سال در تهران به تحصیل رسائل و مکاسب و نیز تدریس مقدمات مشغول بودم. در سال ۱۳۶۴ به قم آمدم. پس از پایان تحصیلات سطح در قم، در درس خارج فقه و اصول (عمدتاً در درس آقایان آیت الله مکارم و سبحانی) شرکت کردم. همزمان در دوره آشنایی با علوم جدید در موسسه در راه حق مشغول تحصیل شدم.

در سال ۱۳۷۰ پس از پایان دوره موسسه در راه حق، به عضویت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در آمدم و دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد «روانشناسی» را در آنجا گذراندم. ضمنا همزمان با تحصیل روانشناسی در دفتر همکاری در درس خارج نیزشرکت کردم. پس از پایان تحصیلات کارشناسی ارشد «روانشناسی» در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مشغول به تحقیق در مسائل مربوط به «علوم اسلامی و روانشناسی» شدم.

موسوی تبریزی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی موسوی تبریزی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات کلاسیک در حد دوم راهنمایی، شروع به تحصیلات حوزوی در حوزهٔ علمیهٔ تبریز کردم و مقدمات علوم اسلامی را تا حد لمعتین در آنجا به اتمام رساندم. پس از آن، به مدت یک سال در تهران به تحصیل رسائل و مکاسب و نیز تدریس مقدمات مشغول بودم. در سال ۱۳۶۴ به قم آمدم. پس از پایان تحصیلات سطح در قم، در درس خارج فقه و اصول (عمدتاً در درس آقایان آیت الله مکارم و سبحانی) شرکت کردم.

همزمان در دورهٔ آشنایی با علوم جدید در مؤسسه در راه حق مشغول تحصیل شدم. در سال ۱۳۷۰ پس از پایان دورهٔ مؤسسه در راه حق، به عضویت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در آمدم و دورهٔ کارشناسی و کارشناسی ارشد روانشناسی را در آنجا گذراندم. ضمناً همزمان با تحصیل روانشناسی در دفتر همکاری، در درس خارج نیز شرکت می کردم. پس از پایان تحصیلات کارشناسی ارشد روانشناسی در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مشغول تحقیق در مسائل مربوط به علوم اسلامی و روانشناسی شدم.

حاصل این تحقیقات عمدتاً تاکنون در تألیف چندین کتاب خلاصه می شود که عبارتند از:

۱- روانشناسی سلامت با نگرشی به منابع اسلامی (کار گروهی).

۲- روانشناسی اجتماعی با نگرشی به منابع اسلامی (کار گروهی).

۳- در آمدی بر روانشناسی دین (همراه با جناب آقای آذربایجانی).

۴- بهداشت روانی با نگرشی به منابع اسلامی (کار گروهی که هنوز چاپ نشده است).

هم اکنون نیز مشغول تألیف پایان نامهٔ سطح ۳ حوزه با عنوان: «نقش رفتارهای دینی در بهداشت روانی» هستم.

موسوی نسب، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد صادق موسوی نسب

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم، در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیّه شدم. در سال ۱۳۶۶ همراه با دروس حوزه در دوره های آموزشی مؤسسه در راه حق نیز شرکت کردم. این دوره آموزشی شامل مباحث فلسفی، معارف قرآن و منتخبی از مباحث و دستاوردهای بعضی از علوم انسانی، به خصوص اقتصاد و جامعه شناسی بود. پس از این دوره که به عنوان کارشناسی الهیّات و معارف اسلامی ارزیابی شد؛ وارد رشته تعلیم و تربیت شده و در مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم. پایان نامه اینجانب: «مقایسه ای است میان دیدگاه شهید مطهری و یکی از فلاسفه تعلیم و تربیت (شفلر) در باب فطرت و استعداد آدمی».

پس از دوران مذکور به عضویت در هیئت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) در قم پذیرفته شده و فعّالیّت های سه گانه ای را، همزمان آغاز کردم؛ (بخش اول کارهای تحقیقی بود که حاصل آن چند مقاله و یک ترجمه مشترک است. بخش دوم تدریس مواد مختلف درسی در رشته علوم تربیتی است و قسمت سوّم اداره امور کاروزی، تحقیق و برنامه ریزی آموزشی برای دوره های کارشناسی ارشد و دکتری در رشته علوم تربیتی می باشد که در مؤسسه امام خمینی (ره) برگزار می شود) و هم اکنون دانشجوی دکتری در گرایش روان شناسی تربیتی هستم.

موسوی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اکبر موسوی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

از کودکی با شرکت در جلسات مذهبی و کلاس‌های علمی تاریخی عادت به مطالعه کردم، به تدریج در هنگام انقلاب و بعد از انقلاب با مطالعات معتبر سیاسی، علمی و با شرکت در برنامه‌های حزب جمهوری و جلسات دیگر و کنجکاوی‌های فراوان برای پاسخ به بعضی پرسش‌های اساسی که نیاز زیادی را احساس می‌نمودم (هدف‌های خلقت، علل اختلالات در میزان نعمت‌ها و علل تفاوت‌ها و علل رنج‌های موجود در جامعه و انسان و اینکه خدا چه رابطه‌ای با انسان دارد) با مطالب علمی، کلامی و تفسیری آشنایی پیدا کردم و شاید علت مهمی که به حوزه علمیه آمدم پاسخ به همین مسائل بود از همان دوران دبیرستان سال ۵۸ ـ ۵۹ ـ ۶۰ با کتب استاد مطهری زیاد مأنوس بودم مثل کتاب‌های علل گرایش به مادیگری، جهان‌بینی، انسان و ایمان و عدل الهی و... گرچه بعضی کتب مثل عدل الهی مطالب دشواری داشت در آن سن، اما تلاش زیادی برای درک آن می‌کردم... در کلاس‌های کلامی، فلسفی، که از طرف انجمن اسلامی معلمان برای اتحادیه انجمن‌های اسلامی دبیرستان‌های قزوین برگزار می‌شد با علاقه شرکت می‌کردم، اثبات واجب الوجود و پاسخ به شبهات و... . بعد از مدتی که به جبهه‌ها رفتم؛ به قم آمدم در قم نیز بعد از آشنایی با اساتید مختلف و سلیقه‌های مختلف، شاید احساس می‌کنم روشی را انتخاب کرده‌ام. هم برای پاسخ به سوالات خودم و هم برای ارائه مطلب به دیگران و تبلیغ مطالب . بعد از سطوح حوزوی از سال ۱۳۷۰در دروس آیات عظام مکارم جوادی آملی میرزاجواد آقا تبریزی وحید خراسانی شرکت نمودم به امید اینکه بتوانیم مسئولیتها را بانجام برسانیم.

موسوی، کمال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: الهیات و معارف اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی الهیات و معارف اسلامی در سال ۱۳۳۰، دکترای الهیات و معارف اسلامی در سال ۱۳۴۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۷، دانشیار دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات فارسی، تاریخ، تدریس در دانشگاه اصفهان به مدت ۱۳ سال، تدریس در دانشگاههای عین شمس والازهر قاهره کشور مصر در سال ۱۳۵۶، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

ادبی، تاریخی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

ادبی، تاریخی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مهدوی، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد و دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه وین.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۵۶، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اصول اجتماعی اعتقادی حاکم بر طراحی مجموعه زیستی مبارکه اصفهان، بررسی مسائل اجتماعی مهاجرین جنگی، تدریس نظریه‌های جامعه‌شناسی، مبانی جامعه‌شناسی ۱ و ۲ و طبقات اجتماعی در دانشگاه شهید بهشتی، استاد راهنمای ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

خانواده ساختاری در پرورش جامعه، جامعه‌شناسی جنگ.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

اصول آرمانی و اصول اجتماعی- اعتقادی حاکم بر طراحی مجموعه زیستی مبارکه اصفهان، جامعه‌شناسی شهری، روشهای تحقیق در جامعه‌شناسی، نظریه‌های جامعه‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مهدی زاده، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین مهدی زاده

محل تولد : فارسیان گنبدکاووس

شهرت : مهدی زاده

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ (ه . ش) پس از اخذ دیپلم تجربی به دلیل علاقه فراوان به علوم دینی بدون اینکه منتظر شرکت در کنکور باشم وارد حوزه علمیه قم شدم و تحصیل در مرحله مقدمات دروس حوزوی را در مدرسه منتظریه (حقانی) آغاز نمودم و درس های مقدماتی حوزوی مثل: صرف، نحو، معانی، بیان، منطق و ... را فرا گرفتم.

تحصیل در مرحله سطح دروس حوزوی را در مدرسه شهیدین با مدیریت توانا و با تجربه جناب استاد سید محمد رضا طباطبایی (حفظه الله تعالی) ادامه دادم. اسامی برخی از دروس مرحله سطح به همراه نام استادانی که این دروس را نزد آنان فرا گرفته ام عبارتند از: کتاب شرح لمعه استادان: «شب زنده دار»، «اشتهاردی»، «مؤمن» و «طباطبایی». اصول (برخی حلقات شهید صدر ره) استادان: «شب زنده دار» و «اسلامیان». رسائل شیخ انصاری استادان: «اعتمادی» و «استادی». کفایهٔ الاصول استادان: «ستوده» و «گنجی». مکاسب شیخ انصاری استادان: «مرحوم آیت الله احمدی میانجی»، «طبسی» و «مروجی».

مجموعه تحصیلات بنده در دو مرحله مقدماتی و سطح تقریباً تا سال ۱۳۷۰ (ه . ش) طول کشید و از سال ۱۳۷۰ به بعد در دروس خارج فقه و اصول حوزه شرکت نمودم که اسامی برخی از دروس به همراه نام بعضی استادان این دروس عبارتند از:

•بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله سید کاظم حسینی حائری».

•بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله وحید خراسانی».

•بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله خرازی».

•بخشی از درس خارج اصول فقه استاد «عندلیب همدانی».

•بخشی از درس خارج اصول فقه استاد «لاریجانی».

•بخشی از درس خارج فقه (خمس) «آیت الله سید کاظم حسینی حائری».

•بخشی از درس خارج فقه (بیع) «آیت الله وحید خراسانی».

•بخشی از درس خارج فقه (اجاره، صوم و مکاسب محرمه) «آیت الله جوادی آملی».

•بخشی از درس خارج فقه (اجتهاد و تقلید) استاد «صادق لاریجانی».

•بخشی از درس خارج فقه (قضاء) استاد «لاریجانی».

علاوه بر دروس رایج فقه و اصول، در سال های۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ در برنامه تحقیق فقهی مدرسه شهیدین که با نظارت و راهنمایی های «آیت الله خرازی» و «آیت الله استادی» برگزار می شد؛ شرکت کردم. در برنامه یاد شده که کمتر از دو سال طول کشید، بنده موفق به نگارش حدود ۱۰ مقاله علمی، فقهی در موضوعات مختلف شدم.

همچنین به دلیل گستردگی علوم دینی و به خاطر ضرورت آشنایی با برخی از علوم دیگر حوزوی (غیر از فقه واصول) در دروس

دیگر حوزه نیز شرکت کرده ام که اسامی برخی از آنها به همراه نام استادان آنها عبارتند از: درس اسفار «آیت الله جوادی آملی»، درس درایه و رجال «مرحوم آیت الله ابوطالب تجلیل»، درس اخلاق استادان «مرحوم آیت الله احمدی میانجی»، «مرحوم آیت الله بهاء الدینی»، «آیت الله شب زنده دار»، «آیت الله مصباح»، «آیت الله مظاهری» و «آیت الله محفوظی».
در کنار درسهای حوزوی به دلیل علاقه به مباحث اخلاقی و تربیتی، در مقطع کارشناسی ارشد رشته «علوم تربیتی» موسسه امام خمینی نیز تحصیل نمودم تا اینکه در آخر دوره در سال ۱۳۷۷ از پایان نامه خود با محوریت «روایت تربیتی هشام بن حکم از امام موسی کاظم (علیه اسلام)» دفاع نمودم که در سال ۱۳۸۳ با عنوان «آیین عقل ورزی» چاپ شد.

مهریار، امیر هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر امیر هوشنگ مهریار متولد روز سی ام فروردین ۱۳۱۵ در شهرستان نقده است.ایشان دارای مدرک دکتری روانشناسی تربیتی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۴۲ و مدرک فوق دکتری بهداشت روانی اجتماعی از دانشگاه هاروارد آمریکا در سال ۱۳۵۱ می باشد. وی هم اکنون با رتبه استادی در موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه تهران مشغول به خدمت است.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : امیر هوشنگ مهریار از تحصیلات خودش چنین می گوید«": ترک هستم و آذری و تحصیلات اولیه ام را در همان جا انجام داده ام تا دوم دبیرستان.» از دوم دبیرستان به بعد تحصیلات اش را در تبریز گذرانده و در سال ۱۳۳۷ از دانشسرای عالی تهران در رشته ادبیات فارسی مدرک لیسانسش را با درجه ممتاز دریافت می کند.«چون شاگرد اول شده بودم جزو شاگردان اول دیگر دانشگاهها به خارج از کشور اعزام شدم. بعد از یکی دو سال معطلی، البته در آن یکی دوسال هم به عنوان دبیر دانشسرای عالی کار می کردم. رفتم به انگلستان. اول قرار بود دررشته های مربوط به زبانهای باستانی ادامه تحصیل بدهم ولی به دلایلی تغییر علاقه و جهت دادم و علی رغم میل اصلی و باطنی ام به مؤسسه تعلیم و تربیت دانشگاه لندن رفتم و در این مؤسسه در دوره فوق لیسانس علوم تربیتی وارد شدم ".»در این دوره دکتر مهریار مجبور می شود یکسال در دانشگاه لندن درس بخواند و امتحان بدهد تا لیسانس دانشگاه تهران اش را مسؤولین آموزشی این دانشگاه بپذیرند. بعد از گذشت یک سال و دریافت گواهینامه مورد نیاز، از سوی دانشگاه لندن به او اجازه می دهند تا در دوره فوق لیسانس روانشناسی تربیتی ثبت نام کند. خلاصه تحصیلات رسمی ایشان به قرار زیر است:ـ اخذ مدرک لیسانس ادبیات از دانشسرای عالی تهران ۱۳۳۷ ـ اعزام به انگلستان و اخذ مدرک دکتری روانشناسی تربیتی از دانشگاه لندن ۱۳۴۲ ـ اخذ مدرک فوق لیسانس روانشناسی بالینی از دانشگاه ادین برو لندن ۱۳۴۴ ـ دریافت مدرک فوق دکتری بهداشت روانی اجتماعی از دانشگاه هاروارد آمریکا ۱۳۵۱خاطرات و وقایع تحصیل : امیر هوشنگ مهریار از دوران تحصیل در مقطع دکتری اش چنین بیاد دارد«" : بورسی که در اختیار ما بود آن زمان فقط ۴ سال بود و بنابراین می بایست در چهار سال دکترایم را تمام می کردم، اما دکترای دانشگاه لندن آن وقت ها بیشتر جنبه تحقیق و تز نوشتن داشت تا تدریس و سرکلاس حاضر شدن. بنابراین تزم را با یکی از استادان گروه روانشناسی مؤسسه تعلیم و تربیت دانشگاه لندن شروع کردم و بعد از گذشت قریب به یک سال که چند فصلی از تزم آماده شده بود، آن را برای استادم فرستادم که مورد توجه اش قرار گرفت و همین ماجرا باعث شد تا از دوره فوق لیسانس منتقل شوم. اما این کار موکول شد به موافقت سنای دانشگاه و تأیید یکی از پروفسورهای ارشد آنجا به نام پروفسور «فیلیپ ورنل» که او هم پایان نامه مرا تأیید کرد و من اجازه یافتم به جای ۴ سال در ۳ سال دکترایم را به اتمام برسانم و موضوع تز دکترایم هم ادراک اجتماعی

بود "».امیرهوشنگ مهریار دکترایش را زمانی دریافت می کند که روانشناسان اجتماعی تازه پابه عرصه اجتماع گذاشته بودند و تمام قصدشان این بود که بفهمند چطور می توانند به ادراک و شخصیت افراد به وسیله روش های ذهنی پی برد و تاچه حدی برداشت آنها با واقعیت تطابق دارد؟ و تز او در همین زمینه بود که مورد موافقت اساتید دانشگاه لندن قرار می گیرد.« در همان اواخر نوشتن تزم که به اندازه ای سرم شلوغ بود که مجبور بودم خانواده ام را به تهران بفرستم، شاه قرار بود به لندن بیاید و دانشجویان ایرانی مقیم لندن در نظر داشتند تظاهراتی بر ضد او انجام دهند و من هم به دلایلی دراین ماجرا شرکت کردم و خانه ای که ما در آن اقامت داشتیم محلی شد برای جمع شدن دانشجویان و آماده کردن مقدمات تظاهرات. قبل از آن هم ساواک اخطار داده بود که اگر این کار را بکنید به شدت با شما برخورد می کنیم. با این حال ما به این اخطارها اهمیت ندادیم و همین مسأله باعث شد که ساواک به خانه ما بریزد و به اتفاق تعدادی از افسرهای نیروی هوایی که درلندن تحصیل می کردند حسابی ما را کتک زدند وتمام پوسترها و اعلامیه هایی که تهیه کرده بودیم را پاره کردند. خلاصه کارمان به دادگاه کشید. در واقع من خودم به اتفاق دیگر دانشجویان به دادگاه رفتیم و از ساواک ایران شکایت کردیم و به همین دلیل پاسپورت من و به دنبال آن بورسی که از دولت داشتم باطل شد و مجبور شدم دوسال دیگر در انگلستان بمانم». وقایع میانسالی : زمانی که امیرهوشنگ مهریار در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه شیراز می شود اغلب اساتید این دانشگاه تحصیلکردگان آمریکا بودند و نگاه چندان مثبتی به تحصیلکردگان اروپایی نمی کردند و هسته اصلی دانشگاه شیراز هم توسط همین افراد شکل گرفت، با این همه دکتر مهریار در کوتاهترین مدت در سیستم آموزشی این دانشگاه به رتبه استادی می رسد. «درست سر چهار سال که حداقل دوره زمانی لازم بود تقاضا کردم که استاد شوم و چون برای استادان ۴مقاله بین المللی لازم بود و من ۶ تامقاله نوشته بودم که در سطح بین المللی مطرح شده بود، در رأس چهارسال رتبه استادی ام را از این دانشگاه گرفتم و همانجا ماندگار شدم. در همان سال هم بورسی از دانشگاه هاروارد برای دوره فوق دکتری در رشته «بهداشت روانی اجتماعی » گرفتم که استاد خیلی معروف آن زمان در دانشگاه هاروارد به نام «جرالد کاپلن» بود که از پیشروان نهضت پیشگیری در بهداشت روانی و روانپزشکی بود. ولی با این حال از محیط آمریکا اصلاً خوشم نیامد. با اینکه گرین کارت گرفته بودم و می توانستم آنجاماندگار شوم و با این حال به ایران و همان دانشگاه شیراز برگشتم و خلاصه در آنجا ماندنی شدم.» او پس از اخذ مدرک فوق دکتری از دانشگاه هاروارد در سال۱۳۵۱ به ایران بازمی گردد و ۴سال تمام در این دانشگاه می ماند و تدریس می کند. « در همین سالها بود که به مسائل جمعیت و تنظیم خانواده علاقه مند شدم، تحقیقات وسیعی در خصوص به دنیا آمدن بچه هایی که خواسته هستند را شروع کردم و چون در ایران و کشورهای در حال توسعه زاد و ولد خیلی بالا بود و اکثر این زادوولدها هم در واقع ناخواسته بود، برای پیشگیری از اینگونه تولدها که بسیار هم بودند تمام تلاشم را به کار بردم و با بسیج دانشجویانی که با من همکاری می کردند فعالیت گسترده ای را برای جلوگیری از این امر و کاهش رشد جمعیت به کار بستم. خوشبختانه همان زمان دانشگاه شیراز با همکاری دانشگاه کارنایدین آمریکا ، مرکز جمعیت شناسی را در شیراز در سال۱۳۵۴ تأسیس کردند. » و امیرهوشنگ مهریار اولین رئیس این مرکز می شود و تا سال ۱۳۵۶ در همین سمت باقی می ماند و در سال۱۳۵۶ به سوئیس می رود و یک سال تمام با سازمان بهداشت جهانی همکاری می کند و در این مدت با برنامه بهداشت، باروری که برنامه تحقیقاتی گسترده ای در زمینه های مربوط به تنظیم خانواده و سلامت کودکان همکاریهای گسترده ای را انجام می دهد. «کار ما در آنجا این بود که به عنوان مشاور این برنامه به نقاط مختلف جهان سفر می کردیم و از پروژه های سازمان بهداشت جهانی بازدید می کردیم و آنها را ارزیابی می کردیم و یا اگر کسی برای پیشبرد برنامه های بهداشتی کشورش پولی درخواست می کرد و طرح به این سازمان می داد ما ارزیابی می کردیم.» مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پس از یک سال همزمان با انقلاب اسلامی او به ایران بازمی گردد و به عنوان عضو شورای دبیران جامعه دانشگاهیان (نماینده دانشگاه شیراز) با این شورا همکاری می کند و در اسفند سال۱۳۵۷ رئیس دانشگاه شیراز می شود. «البته قبل از اینکه توسط دولت انقلابی رئیس دانشگاه

شوم، دو سه ماهی بود که عملاً تمام امور را می گرداندم و معاون آموزشـی دانشگاه شیراز شدم و این به خاطر فشار اساتید دیگر به رئیس وقت دانشگاه شیراز بود.وقتی هم که انقلاب شد به عنوان سرپرست دانشگاه شیراز بودم تا زمانی که انقلاب فرهنگی شد و چون جو نامناسبی در دانشگاهها به وجود آمده بودو من علنی گفته بودم که حاضر نیستم خیلی از اساتیدی که قرار است تسویه شوند، را تسویه بکنم، صلاحم در این بود که کنار بروم و استعفا دادم و رفتم و معاون معاون امور دانشجویی ما «دکتر ظهور » سرپرست دانشگاه شیراز شد و پس از آن هم دکتر مصطفی معین رئیس دانشگاه شیراز شد.» از دیگر سوابق اشتغال امیر هوشنگ مهریار می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. دانشگاه شیراز، شیراز ـ پژوهشی/ آموزشی/ اجرایی ـ رئیس مرکز جمعیت‌شناسی، سرپرستی ۲. دانشگاه هاروارد، دانشکده پزشکی بوستون ـ پژوهشی ـ Post-Doctoral ۳ دانشگاه پنسیلوانیا، فیلادلفیا ـ پژوهشی/ آموزشی ـ استاد مدعو ۴. سازمان بهداشت جهانی ـ پژوهشی ـ مشاور علمی ۵. مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه تهران ـ پژوهشی/آموزشی/ اجرایی ـ استاد ـ رئیس گروه ۶. تأسیس و ریاست اولین مرکز جمعیت شناسی ایران در شیراز ۱۳۵۶ـ۱۳۵۳ ۷.مشاور سازمان بهداشت جهانی در برنامه تنظیم خانواده و بهداشت کودکان جهان ۱۳۵۷ ۸. مشاور سازمان بهداشت جهانی در برنامه مبارزه با بیماری ایدز ۱۳۷۲ـ۱۳۶۱ ۹. رئیس گروه جمعیت شناسی مؤسسه علمی پژوهشی سازمان مدیریت وبرنامه از سال ۱۳۷۲ تاکنون فعالیتهای آموزشی : خروج امیرهوشنگ مهریار فرصت خوبی برای او بود تا به مطالعه و تحقیق و ترجمه بپردازد و خودش می گوید:« در سالهای انقلاب فرهنگی مثل خیلی های دیگر کلی کتاب خواندم و تحقیق کردم و ترجمه تا اینکه دانشگاه مجدداً باز شد و چون اولین رشته هایی که فعالیت خود را در دانشگاهها از سر گرفتند رشته های پزشکی بودند، در این رشته ها به روانپزشکی و رشته های وابسته به آن اهمیت بیشتری می دادند و بنابراین از ما خواستند ما به دانشگاه پزشکی شیراز برویم و تدریس کنیم.» و به این ترتیب امیرهوشنگ مهریار تا سال۱۳۶۸ در دانشگاه شیراز تدریس می کند و پس از آن به دلیل پست جدیدی که از طرف سازمان بهداشت جهانی به او پیشنهاد می شود به ژنو می رود. «وقتی می خواستم به ژنو بروم مسؤولین دانشگاه شیراز در حق من لطف بسیار داشتند و ما را از دانشگاه شیراز اخراج کردند! شاید هم حق داشتند. چون بدون اجازه رفته بودم و ۳۰سال سابقه کار ما را ندیده گرفتند و گفتند اخراجی! خلاصه... به ژنو رفتم و با سازمان بهداشت جهانی ۴سال همکاری داشتم و این دفعه کارم بیشتر مشاوره در برنامه مبارزه با بیماری ایدز بود و در بخش مطالعات رفتاری اجتماعی من به عنوان مشاور همکاری می کردم و در سال ۱۳۷۲ از طرف دکتر مشایخی رئیس مؤسسه تحقیقات و پژوهش سازمان مدیریت و برنامه کشور دعوت به همکاری در این مؤسسه شدم و با اینکه باز هم تصمیم جدی در این باره نداشتم به ایران برگشتم و ماندنی شدم و هنوز هم هستم و کار تحقیقاتی انجام می دهم.» و او حالا مدیر گروه جمعیت شناسی این مؤسسه است و در هفته چند ساعتی را به تدریس برای دانشجویان دکترا و فوق لیسانس می گذراند. امیرهوشنگ مهریار اوضاع روانشناسی و جمعیت شناسی را در سالهای پس از انقلاب خوب می داند و می گوید: «به نظر من اوضاع رشته های مرتبط با روانشناسی در این سالها بهتر شده است. به این معنی که علی رغم نگاه منفی که در اوایل انقلاب به این رشته وجود داشت، با این حال این رشته پیشرفت خوبی در این سالها داشته است.» از دیگر سوابق فعالیتهای آموزشی ایشان می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱ ـ روانشناسی بالینی ـ دانشگاه شیراز ـ شیراز ۲ـ روانشناسی اجتماعی ـ دانشگاه شیراز- شیراز ۳ـ روانسنجی ـ دانشگاه شیراز ـ شیراز ۴ـ روانشناسی بالینی کودک ـ دانشگاه تربیت مدرس ـ تهران ۵ـ روانشناسی بالینی پیش‌رفته ـ انستیتوی روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران ـ تهران ۶ـ روانشناسی اجتماعی ـ بالینی ـ دانشگاه شیراز ـ شیراز ۷ـ روشهای تحقیق در علوم اجتماعی ـ مؤسسه عالی پژوهش برنامه‌ریزی و توسعه ـ تهران مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : امیر هوشنگ مهریار مرکز جمعیت شناسی ایران در شیراز را تاسیس کرده است و در طی سالهای ۱۳۵۶ـ۱۳۵۳ ریاست آن را بر عهده داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : آشنایی با زبان(ها): انگلیسی آشنایی با کشور(ها "):بعلت کار با سازمان بهداشت جهانی به اکثر کشورهای آسیا و آفریقا مسافرت کرده‌ام. در سالهای اخیر نیز برای شرکت در کنفرانسهای

علمی به چین، برزیل و استرالیا رفته‌ام ".آرا و گرایشـهای خاص : تعداد پایان‌نامه(راهنمایی و مشاوره) دکتری و کارشناسی ارشد :بیش از ۱۰ مورد جوائز و نشانها : ۱. جایزه بهترین محقق دانشگاه شیراز (۱۳۵۰) ۲. مدال و جایزه بهترین محقق علوم اجتماعی سال از وزارت علوم و آموزش عالی (۱۳۵۷) ۳. جایزه بهترین محقق سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۹)آثار : ۱ Government spending on Basic social servises and its share GDP in IR Iran ـ ویژگی اثر : UNICEF ـ انگلیسی ـ ۱۹۹۹۲ Integriled Approach to Reproductive Healethy family Planning in the IR Iran ـ ویژگی اثر : IRPD / UNFPA ـ انگلیسی ـ ۲۰۰۱۳ اختلالات رفتاری کودکان ویژگی اثر : (ترجمه) ـ انتشارات رشد ـ فارسی ـ ۱۳۷۱ ۴ افسردگی ویژگی اثر : (تالیف و ترجمه) ـ انتشارات رشد ـ فارسی ـ ۱۳۷۲ ۵ پیشگیری از اعتیاد ، تشخیص و درمان بیماریهای روانی در کودکان ویژگی اثر : (ترجمه و تالیف)ـ انتشارات رشد ـ فارسی ـ ۱۳۶۹ ۷ روانشناسی عمومی، روشهای آماری در علوم رفتاری ویژگی اثر : (تالیف)ـ دانشگاه شیراز ـ فارسی ـ ۱۳۴۹ ۹ وسواس ویژگی اثر : (ترجمه) ـ انتشارات رشد ـ فارسی ـ ۱۳۷۳ ۱۰ یادگیری و رفتار

میر دریکوندی، رحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحیم میر دریکوندی

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۹/۱۵

زندگینامه علمی

به روایت شناسنامه در تاریخ ۱۵/ ۹/۱۳۴۰ در یکی از روستاهای اطراف خرم آباد در یک خانواده کشاورز متولد شدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان خود را در خرم آباد و حومه به پایان رساندم. با شروع جنگ تحمیلی در سال ۵۹ به عنوان نیروی بسیج به جبهه اعزام شدم. در سال ۶۱ – ۶۰ پس از اخذ مدرک دیپلم در رشته علوم تجربی، لباس مقدس سربازی را به تن کردم. پس از چندین ماه حضور مستمر در جبهه‌های جنوب و غرب کشور در تاریخ ۱۳/۱۰/۶۱ به درجه مقدس جانبازی نایل شدم.

در سال ۶۳ – ۶۲ وارد حوزه علمیه کمالیه خرم آباد و بلافاصله وارد حوزه علمیه قم شدم و از آن تاریخ به بعد به طور مستمر مشغول تحصیل و فراگیری علوم دینی و حوزوی در حوزه علمیه قم هستم. هم اکنون دارای سابقه ۱۰ سال درس خارج آیات عظام: «مکارم شیرازی»، «سبحانی»، «وحید خراسانی»، «میرزا جواد تبریزی»، «جوادی آملی»، «صالحی مازندرانی»، و ... می باشم.

سال ۶۵ در کنار علوم حوزوی، وارد مؤسسه در راه حق شده و فراگیری دروس و علوم انسانی دانشگاهی را شروع نمودم. مدارج علمی را از کارشناسی، کارشناسی ارشد عمومی و کارشناسی ارشد تخصصی تا دکتری را به طور مستمر در این مؤسسه و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و در نهایت در مؤسسه امام خمینی (ره) طی کردم. در سال ۷۸ در همین مؤسسه، موفق به کسب مدرک کارشناسی ارشد در رشته «روانشناسی بالینی» گردیدم. تقریبا چند سال بعد در امتحان ورودی دکتری «روانشناسی تربیتی» این مؤسسه شرکت نموده و به عنوان دانشجوی دوره دکتری پذیرفته شدم. پس از اتمام دوره آموزش، مؤفق شده‌ام که امتحان جامع و

مصاحبه نهایی خود را با موفقیت پشت سر بگذارم و در حال حاضر مشغول تدوین رساله دکتری خود می‌باشم.
لازم به ذکر است هم اکنون که خرداد ۸۷ می باشد؛ سمینار اول رساله ام برگذار شده و تقریبا ۸۵٪ رساله نیز به پایان رسیده‌است. علاوه بر تحصیل، سالیان سال در کنار تحصیلات حوزوی و دانشگاهی خود در ادارات، ارگانها و دانشگاههای مختلف و سایر مراکز علمی، مشغول تدریس، تبلیغ، تحقیق، مشاوره و راهنمایی، و مربیگری بوده‌ام. روی هم رفته دارای تقریبا ۱۵ سال سابقه تدریس، تحقیق، مشاوره، راهنمایی و مربیگری در مؤسسه امام خمینی (ره)، دانشگاه قم، مرکز جهانی علوم اسلامی (جامعهٔ المصطفی العالمیه)، آموزش و پرورش قم، دانشگاه باقرالعلوم (ع) دفتر تبلیغات، مرکز تخصصی مهدویت و سایر جاها می‌باشم. لازم به ذکر است که تاکنون دو بار در مؤسسه به عنوان دانش پژوه ممتاز انتخاب شده‌ام. هم اینک نیز به عنوان یک طلبه بسیجی افتخار خدمت به اسلام، انقلاب و جامعه اسلامی را دارم.

میرزائی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جمعیت‌شناسی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرهادی، توران

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر توران میرهادی متولد ۱۳۰۶ه.ش در شمیران، دارای دکتری روان شناسی از فرانسه و عضو هئیت علمی آموزش ضمن خدمت آموزش و پرورش می باشد.وی دبیر اجرایی کتاب «فرهنگنامه کودکان و نوجوانان» بود.کتاب مذکور ، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. وی برگزیده همایش طرح سپاس درسال۸۶ در فرهنگسرای سینا می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی والدین و انساب : پدر توران میرهادی از دانشجویان اعزام شده به خارج از کشور بود.در زمینه راه و ساختمان و مکانیک و راه آهن دیپلم مهندسی گرفت و در آلمان با بانویی هنرمند مجسمه ساز به نام گرتا دیتریش (مادر خانم میرهادی) ازدواج کرد وآنها در سال ۱۲۹۹ باهم به ایران آمدند. مادر وی نیم قرن در ایرن زندگی کرد و شاهد تحولات بسیاری بود که پدر نیز همراه دیگران در آن نقش داشت. ایشان دارای دوبرادر است که برادرکوچتر از خودش (فرهاد) در سانحه تصادف از دنیا رفت.خاطرات کودکی : مادر توران میر هادی اگر چه آلمانی بود ولی بچه ها را ایرانی بار آورد.تحصیل در مدرسه ایرانی دنبال شد و زبان رایج در خانه فارسی بود.حتی گاهی نیز مادر برای آشنایی فرزندان خود با ادب فارسی مجالس بحثی با شرکت اهل ادب تربیت می داد،هرچند که معتقد بود که باید به یادگیری زبانهای دیگر هم پرداخت،زیرا هر زبانی را دروازه ای می دانست بر فرهنگ غنی کشورهای دیگر. خانم میر هادی از خاطرات این دوران خود چنین می گوید: آلمانی یاد گرفتن ما،ماجرایی خاص داشت.در طی سال تحصیلی ،آموزش به صورت شفاهی بود.مادر

به زبان آلمانی موضوعی را مطرح میکردو ماگاه نیمی فارسی و گاه نیمی آلمانی پاسخ می دادیم.ولی وقتی مدرسه تمام می شد و ما به شمیران (در دوران داغ تابستان در آنجا ساکن میشدیم) می رفتیم،درس روزانه شروع میشد.صبح به صبح شش روز هفته سر ساعت هشت و سی مادر سبد خیاطی خود را با جوراب های سوراخ شده ما بر میداشت و روی نیمکت می نشست و ما پنج نفر را به نوبت صدا میزد.کتاب آلمانی ساده ای را پیش روی ما میگذاشت.می دوخت و یا وصله میکرد و ما میخواندیم و پاسخ میدادیم.هرکدام نیم ساعت آموزش می دیدیم.تحصیلات رسمی و حرفه ای : توران میرهادی در کنار تحصیل در تابستانها از محضر مادر خود برای یادگیری زبان آلمانی بهره میجست.وی پس از آنکه زبان آلمانی را فراگرفت ،برای یادگیری زبان فرانسه نزد معلمی توانا فرستاده شدو زبان انگلیسی را در دبیرستان نوربخش به خوبی آموخت.مقطع تحصیلی دبیرستان را در سال ۱۳۲۴ به پایان رساند.از آنجایی که خانم میر هادی به علوم و به ویژه زیست شناسی علاقمند بود ،در نتیجه در دانشکده علوم در رشته طبیعی پبت نام کرد.وی در سال ۱۳۲۵ مدرک کارشناسی زیست شناسی را از دانشگاه تهران دریافت کرد. خانم میر هادی متاثر از فلسفه و ارزش ها و چگونگی ارتقای انسانی از مرحله غریزی به مرحله عرفانی تصمصم به ادامه تحصیل در رشته روانشناسی و تعلیم و تربیت پیش دبستانی را گرفت.وی علیرغم تمایل پدر تصمصم گرفت که به فرانسه عزیمت کند.ایشان پس از پایان تحصیلات در سال ۱۳۳۰ به ایران بازگشت.خاطرات و وقایع تحصیل : توران میرهادی از سفر خود به فرانسه که جنگ جهانی دوم تازه به پایان رسیده بود و در اروپا ویرانی و قحطی بیداد میکرد ،چنین میگوید: مردم کشورهای اروپایی در شرایط سختی زندگی میکردند.من چون هنوز بیست ساله نشده بودم ،هر روز جیره مختصری دریافت میکردم. در آن هنگامه برای بازسازی ویرانه های جنگ اعلام آمادگی کردم.دوبار داوطلبانه برای بازسازی مناطق ویران شده رفتم.یک بار به بوسنی و هرزگوئینو یک بار به کوه های تاترا در اسلواکی که در ساختن راه آهن کارگری کردم.در فرانسه بودم که خبر شوم تصادف برادرکوچترم و از دست رفتن او به من رسید.استادان و مربیان : توران میر هادی در سالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ که در این سالها مبارزه بابیسوادی در کشور شکل میگرفت از محضر استادانی چون جبار باغچه بان و دکتر محمد باقر هوشیار بهره مند شدند.همسر و فرزندان : توران میر هادی در سال ۱۳۳۱ با سرگرد جعفر وکیلی ازدواج کردو در سال ۱۳۳۳ با از میان رفتن همسر ،کانون گرم و پر مهر خانواده متلاطم شد.ثمره این ازدواج تولد پیروز وکیلی (دکتر در ریاضی کاربردی) در سال ۱۳۳۲بود.ایشان در سال ۱۳۳۵ با آقای محسن خمارلو ازدواج کرد ماحصل آن ،دو فرزند پسر بنام های کاوه خمارلو (۱۳۳۶)، دلاور خمارلو (۱۳۴۵ – مهندس برق) و یک فرزند دختر بنام پندار خمارلو (میر فخرایی)در سال ۱۳۴۰ بود.همسر وی در سال ۱۳۵۸ دار فانی را وداع گفت.وقایع میانسالی : توران میرهادی پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۳۳۰ از فرانسه به ایران آمد ودر سال ۱۳۳۴ کودکستان فرهاد (بیاد برادر متوفی خود)را تاسیس کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : توران میرهادی مدرس مراکز آموزشی ضمن خدمت ، در مشهد تبریز، رفت و تهران به تدریس روانشناسی وتعلیم و تربیت مشغول بوده است. عضویت در هیئت مدیره دفتر بین المللی کتاب برای نسل جوان بمدت دو دوره عضویت در هیئت داوران جایزه بین المللی هانس کریستین آندرسن بمدت ۴ دوره عضویت در هیئت داوران بینال بین المللی تصویرگران براتیسلاوا یکی از هفت سخنران دعوت شده در کنگره بینالمللی ادبیات کودکان در ژاپن در سال ۱۳۶۵ یکی از بیست متخصص دعوت شده جهانی برای شرکت در جلسه برنامه ریزی ده سال آینده (۲۰۰۱–۲۰۱۰) یونیسف فعالیتهای آموزشی : در بسیاری از موارد توران میر هادی به کلاسهای مختلف آموزش ضمن خدمت رفته و تجربیاتی را که در این زمینه اندوخته بود به دیگران و مراکز دیگر منتقل می کرد.برای مثال مدت ها در شهرهای مشهد ،تبریز،رشت و تهران درکلاسها تربیت مربی کودک تدریس می نمود.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : توران میرهادی درسالهای ۱۳۳۴، ۱۳۳۶، ۱۳۵۰کودکستان فرهاد و سپس دبستان، و مدرسه راهنمایی فرهاد را تاسیس کرد.وی همچنین در سال ۱۳۳۵ اولین نمایشگاه کتاب را با کمک مجله سپیده فردا در دانشکده هنرهای زیبا دایر کردو در سال ۱۳۴۱ شورای کتاب کودک را تاسیس کرد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : توران

میرهـادی در زمینه ادبیات کودکان فعال است و آثاری در این زمینه نیز پدیـد آورده است.آرا و گرایشـهای خاص : توران میرهادی به طور تجربی و ملموس بـا دشواریهـای آموزش در ایران درگیر است و از طریق روانشناسـی تعلیم و تربیت در پی حـل این مشـکل است. وی همچنین معتقد است: اندیشه ها به تدبیر می انجامد و تدبیر به عمل .از عمل عادات های انسانی شـکل میگیرد و شخصیت سـاخته میشود و سـرنوشت از آنجـا پدیـد می آیـد.جوائز و نشانهـا : مؤسسه‌ی پژوهشـی تاریـخ ادبیـات کودکـان، بار دیگر" توران میرهادی "را به‌عنوان نامزد دریافت جایزه‌ی «آستریـد لینـدگرن» معرفی کرد. مبلغ جایزه «آسترید لیندگرن» معادل پنج میلیون کرون سوئد یا ۷۵۰هزار دلار است، که هر ساله به یک شخصـیت برجسته ادبیات کودکان یا نهادی که در توسعه و ترویج کتاب‌خوانی در بین کودکـان بیش‌ترین نقش را داشـته است، تعلق می‌گیرد. وی دبیر اجرایی کتـاب «فرهنگنـامه کودکـان و نوجوانـان» بـود.کتـاب مـذکور ، در دوره شـانزدهم کتـاب سـال جمهـوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی به عنوان کتـاب سـال برگزیـده شد. وی برگزیده همایش طرح سپاس در سال ۸۶ در فرهنگسـرای سـینا می باشد.چگونگی عرضه آثار : توران میر هادی بیش از ۵۶ مقـاله را تـدوین و تالیف کرده است.وی همچنین دارای ۹ ترجمه مقـاله می باشـد. توران میر هادی بیش از ۷ پایان نامه کارشناسـی ارشـد را راهنمـایی کرده اسـت.آثـار : آنکه رفت و آنکه آمـد ویژگی اثر : نقاشـی از مهرنـوش معصومیـان -تهران واژه ۱۳۷۷۲ تعلیمـات اجتمـاعی تاریـخ ،جغرافی و تعلیمات دینی چهارم دبسـتان ویژگی اثر : با همکاری لیلی ایمن (آهی)-ثمینه باغچه بـان (پیر نظر) -علی اصـغر مهـاج -تهران وزارت فرهنگ ۱۳۴۳۳ تعلیمـات اجتمـاعی دینی برای سـال چهارم دبسـتان ویژگی اثر : با همکـاری لیلی ایمن (آهی)-ثمینه بـاغچه بـان (پیر نظر) -علی اصـغر مهـاج -تهران وزارت فرهنگ ۱۳۴۷۴ تعلیمـات اجتماعی سوم دبسـتان ویژگی اثر : سازمان کتابهای درسـی ایران -وزارت آموزش و پرورش ۱۳۴۷۵ جست و جو راهها و روشـهای تربیت ویژگی اثر : تهران-آتیله ۱۳۶۲۶ دوگفتـار (کتابخانه آموزشـگاهی و نقش آن در ایجاد عادت به مطالعه) ویژگی اثر : بی نا ۱۳۵۷ مهدخت .تهران:شورای کتـاب کودک ۱۳۵۶۷ دوگفتـار (کتابخـانه آموزشـگاهی و نقش آن در ایجـاد عـادت به مطـالعه) ویژگی اثر : بی نا ۱۳۵۷۸ راهنمـای تـدریس کتـاب تعلمـات اجتمـاعی سوم دبسـتان ویژگی اثر : سازمان کتابهای درسـی ایران ۱۳۵۲ (چاپهای متعدد بعدی)۹ فرهنگنـامه کودکـان و نوجوانـان ویژگی اثر : دبیر اجرایی کتـاب فوق،این کتـاب در دوره شـانزدهم کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی معرفی و برگزیـده شـده است. آشـنایی بـا کتـاب «فرهنگنـامه کودکان و نوجوانان»: فرهنگنامه کودکان و نوجوانان/ شورای کتاب کودک؛ زیرنظر توران میرهادی و ایرج جهانشاهی.- تهران: شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۶، ۴جلد [تاکنون]. از جمله کتابهایی که می تواند نقش تعیین کننده ای در توسعه دانش و فرهنـگ دانش آموزان و علاـقه منـد کردن نوجوانـان، به کتاب و کتابخوانی داشـته باشـد، فرهنگنامه های ویژه کودکان و نوجوانان است. از این رو«فرهنگنام کودکان و نوجوانان» را می توان گام مثبت و مؤثری در توسـعه فرهنگ کتابخوانی در کشورمان به شـمار آورد. این فرهنگنـامه به روشـی علمی و بـا الهـام از تاریـخ و فرهنگ خودی تألیف شـده است؛ نثری روان و ساده و مناسب با دانش کـودک و نوجـوان دارد و به آسـانی می توان روش اسـتفاده از آن را آموخت. جـداول، تصـاویر و نقشه هـای متعـدد (رنگی)، فهم مطالب را برای کودکان آسانتر و دلپـذیرتر می سازد. ۱۰ کتاب کار مربی کودک (برنامه کار مربی در مهد کودک و کودکسـتان) ویژگی اثر : تهران :آگـاه - ۱۳۷۲(چاپهای بعدی)۱۱ گـذری در ادبیـات کودکان ویژگی اثر : این کتاب بطور مشترک توسط دکتر میرهادی و تعـدادی مولفین در سال۱۳۵۲ به چاپ رسید.۱۲ گـذری در ادبیات کودکان ویژگی اثر : با همکاری لیلی ایمن (آهی)و میهندخت دولت آبادی -شورای کتاب کودک ۱۳۵۶(چاپهای بعدی)

منـابع زنـدگینامه :ایران، سـال دهم ، ش ۲۸۹۲، ۳شهریور ۱۳۸۳۴زنـدگی نـامه سـرکار خـانم توران میر هادی -انجمن آثار و مفاخر فرهنگی -سلسله انتشارات و مجموعه زندگی نامه شماره ۱۴/۳۸۳

نادری، عزت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: روانشناسی تربیتی، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مشاوره و راهنمایی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی در سال ۱۳۵۲، کارشناسی ارشد مدیریت دولتی از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی در سال ۱۳۵۴، دکترای تخصصی روان‌شناسی تربیتی و آموزش عالی از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی در سال ۱۳۵۶، جواز تدریس در دانشگاه برد کالیفرنیای آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۴، دانشیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۶۴ ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی مدیریت آموزشی در ایران از دیدگاه مدیران کل آب استانها، مطالعه و مقایسه نگرش دو گروه اجتماعی از دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی در مورد برنامه‌های تلویزیون، بررسی صفات شخصیتی ورزشکاران استقامتی در گروههای سنی مختلف، بررسی چگونگی ارتباط میان توان ذهنی دانش‌آموزان کلاس اول ابتدایی و مفاهیم اسامی کتاب ریاضی سال اول، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روشهای تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، دانش‌آموزان استثنایی، اختلالات یادگیری، اختلالات یادگیری، احساس و ادراک از دیدگاه روانشناسی، راهنمایی عملی فراهم‌سازی طرح تحقیق، سنجش و اندازه‌گیری در روانشناسی و علوم تربیتی و بنیادهای تحلیلی آزمونها و امتحانات، آمار استنباطی اختلالات رفتاری کودکان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

نظریه‌های مختلف درباره نارسائیهای ویژه یادگیری، معلمی چیست و چگونه باید شغل معلمی مسیر کمال را طی کند؟- آموزش و پرورش چیست و چه باید باشد؟- ملاحظاتی درباره روش تحلیلی عوامل در علوم انسانی، عملکرد کودکان ایرانی در آزمون آدمک، مقایسه شیوه‌های ارزشیابی با استفاده از ملاک نسبی و ملاک مطلق، و بیش از ده مقاله دیگر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ناطقی، غلامحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلام حسین ناطقی

محل تولد : بامیان

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب غلام حسین ناطقی تبعه افغانستان در سال ۱۳۵۴ شمسی در خانواده مذهبی دیده به جهان گشودم و پس از دوران کودکی به دلیل تعطیل بودن مدارس دولتی به خاطر انقلاب به مکتب خانه رفتم و در مدت ۴ – ۵ ماه حضور در آن، افزون بر آموزش روخوانی قرآن کریم، بر خواندن متون فارسی نیز تسلط پیدا کردم به گونه ای که به راحتی می توانستم هر متن فارسی را بخوانم به همین دلیل مورد تشویق معلم و بستگان به ویژه خانواده ام قرار گرفتم و آنان تشویق نمودند که طلبه بشوم ولی به خاطر تعطیل بودن مدرسه علمیه ای که در محل سکونت ما بود و نیز کم بودن سنم که مانع رفتنم در جای دیگر می شد؛ چند سالی نتوانستم به مدرسه علمیه بروم.

در سال ۶۸ شمسی مدرسه علمیه «محمدیه» در نزدیک محل منطقه سکونت ما احیاء شد و من از فرصت استفاده نموده و به این مدرسه رفتم و به آموزش صرف و برخی از کتابهای جامع المقدمات مثل: (عوامل فی النحو و ملامحسن) مشغول شدم ولی به دلیل نبود امکانات به ویژه در دسترس نبودن استاد، اکثر ایام این مدرسه تعطیل بود. لذا در سال ۱۳۶۹ تصمیم گرفتم که به مدرسه علمیه «بلخاب» بروم و در آنجا ادامه تحصیل بدهم. پس از مسافرت به این مدرسه و مدتی تحصیل دریافتم که متاسفانه وضعیت این مدرسه نیز بهتر از مدرسه محل سکونت من نیست لذا بر آن شدم که به جمهوری اسلامی ایران بروم و در حوزه علمیه قم به فراگیری علوم اسلامی بپردازم .

به همین منظور در اواخر پاییز ۱۳۷۰ شمسی عازم جمهوری اسلامی ایران شده و پس از ورود به جمهوری اسلامی ایران و حضور در مرقد مطهر ثامن الائمه حضرت امام رضا به قم آمده و در حوزه علمیه مشغول تحصیل شدم. مدت دو سال به صورت آزاد درس خواندم و در سال ۱۳۷۳ در آزمون پذیرشی مرکز جهانی علوم اسلامی شرکت کرده و پذیرفته شدم. پس از قبولی دراین مرکز، مدت دو سال به همان شیوه سنتی (یعنی تمرکز دوره فقه و اصول) تنها و غافل از سایر علوم مورد نیاز یک روحانی و مبلغ تعالیم عالیه اسلام، ادامه تحصیل دادم ولی به این نتیجه رسیدم که این شیوه کارآیی کمتری دارد و نمی تواند پاسخگوی تمام نیازهای جامعه امروزی مسلمانان بوده باشد.

لذا در سال ۱۳۷۵ با توجه به سامان یابی آموزشی مرکز جهانی علوم اسلامی و هدایت بخشی از طلاب به مدارس علمیه، به مدرسه علمیه مومنیه رفته و سطح دوم حوزه را تا سال ۱۳۷۸ به پایان رساندم. در همین سال آزمون کارشناسی ارشد در رشته «علوم قرآن و حدیث» از سوی مرکز جهانی برگذار شد و در آن شرکت کرده و پذیرفته شدم. پس از این، به مدرسه عالی امام خمینی انتقال یافتم و در آنجا ادامه تحصیل دادم و سطح سه را در این مدرسه به پایان رسانده و در سال ۱۳۸۴ از پایان نامه خود تحت عنوان: «بررسی آرای شرق شناسان پیرامون گزارشات تاریخی قرآن» با درجه عالی دفاع نمودم و اکنون در سطح چهار حوزه مشغول به تحصیل می

باشم.

ضمن اشتغال در دروس حوزه، در امتحانات دروس کلاسیک شرکت و به صورت جهشی امتحان داده و دیپلم خود را در رشته معارف اسلامی گرفتم. مدتی است که دست به قلم نیز هستم و در برخی از همایش های علمی پژوهشی شرکت کرده ام از جمله: اولین همایش ملی پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه که مقاله «واقع نمایی زبان قرآن در گزاره ها تاریخی» را ارائه دادم و از مقالات برتر شناخته شد و حق ارائه یافتم و آن را در کمیسیون تخصصی «قرآن و جامعه شناسی» ارائه و به سوالات اساتید پیرامون آن پاسخ دادم.

نائلی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مدیریت آموزش عالی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم طبیعی از دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۴۰، کارشناسی ارشد روانشناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، دکترای مدیریت آموزش عالی از دانشگاه ایالتی تگزاس در سال ۱۳۵۳ و فوق تخصص برنامه‌ریزی آموزشی از دانشگاههای پنسیلوانیا و تمپل آمریکا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اثرات عزت نفس بر عملکرد دانش‌آموزان، تدریس دروس مدیریت آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی، مفاهیم برگزیده سازمانی، نهادها و سازمانهای آموزشی در دانشگاه اهواز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

آشنایی با کاربرد سیستمها در مدیریت آموزشی، طرحی برای تحول آموزش عالی ایران، مدیریت مدارس، مدیریت آموزشی و مدیریت اثربخش.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

عوامل انگیزشی در مدیران مدارس ایران، کیفیت مدیریت مدارس متوسطه خوزستان، پژوهش در بزهکاری نوجوانان و پژوهش در

ندامتگاه زنان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نجاریان، بهمن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر بهمن نجاریان در سال ۱۳۳۳ در اهواز متولد شد.وی پس از طی تحصیلات متوسطه ،برای ادامه تحصیل ایران را به مقصد امریکا ترک کرد.مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته روانشناسی را از دانشگاههای آنجا اخذ نمود .وی ادامه تحصیلاتش را در انگلستان از سر گرفت و موفق شد دکترای روانشناسی بالینی را از دانشگاه یورک انگلیس (در سال۱۳۶۸) دریافت کند.نامبرده هم اکنون استاد گروه روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز می باشد. کتاب"روانشناسی درد؛ رویکردهای کنترل و درمان "ترجمه بهمن نجاریان، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی بالینی تحصیلات رسمی و حرفه ای : بهمن نجاریان تحصیلات متوسطه را در اهواز گذراند. در سال ۱۳۵۱ جهت ادامهٔ تحصیل به آمریکا رفت و لیسانس و فوق لیسانس خود را در رشتهٔ روانشناسی از دانشگاه‌های تگزاس و هوستون دریافت کرد. در سال ۱۳۶۸ مدرک دکترای خود را در روانشناسی بالینی از دانشگاه یورک انگلیس اخذ نمود و پایان‌نامهٔ دکترای ایشان توسط آن دانشگاه به عنوان برجسته‌ترین تز دکتری انتخاب شد و جایزه نقدی و لوح تقدیر «کاتلین استات» را به خود اختصاص داد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : بهمن نجاریان در سال ۶۸ به مرتبه استادیاری، در سال ۷۲ به مرتبه دانشیاری و در سال ۷۷ به مرتبه استادی ارتقاء یافت. وی هم اکنون استاد گروه روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز بوده و مسئولیت‌های اجرایی متعددی را در دانشگاه فوق برعهده داشته است.جوائز و نشانها : کتاب"روانشناسی درد؛ رویکردهای کنترل و درمان "ترجمه بهمن نجاریان، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : ـ چاپ ۹۵ مقاله در نشریات داخلی و ۱۰ مقاله در نشریات خارجی؛ ـ ارائه مقالاتی در کنفرانس‌های داخلی و خارجی؛ ـ ترجمه و تألیف ۱۳ کتاب آموزشی و کمک آموزشی؛ ـ هدایت و راهنمایی دهها پایان¬نامه در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا. آثار : روانشناسی درد؛ رویکردهای کنترل و درمان ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «روانشناسی درد؛ رویکردهای کنترل و درمان رابرت ج. گچل،دنیس سی. ترک؛ ترجمهٔ محمّد علی اصغری مقدم، بهمن نجاریان، محسن محمّدی، محسن دهقانی،تهران: رشد، ۱۳۸۱. درد، شاید عمومی‌ترین فشار روانی باشد که با آن مواجه می‌شویم، هیچ یک از علایم جسمانی دیگر به فراگیری درد نیستند. از ابتدای مدون بشر، تلاش برای کنترل درد از اهداف اصلی آدمی بوده است. در پاپیروس‌های مصری مربوط به ۴۰۰۰ سال ق.م اشاراتی در مورد درمان درد یافت شده است. اما علی‌رغم تاریخ طولانی و پیشرفت بشر، رهایی از درد همچنان برای بسیاری از بیماران، امری دور از دسترس باقی‌مانده است. تاکنون کتاب‌های بسیاری در مورد درد انتشار یافته است، اما در تعداد اندکی از آن‌ها به مباحث روان‌شناختی و جنبه‌های عملی کنترل روان‌شناختی درد پرداخته شده و مطالب ارائه شده در آن کتاب‌های اندک هم قدیمی است؛ اما امروزه پژوهش‌های بسیاری در این زمینه انجام گرفته است. کمبود منابع مربوط به درد و فقدان کتابی که شامل اطلاعات لازم دقیق و فراگیر در مورد درمان‌های مخصوص باشد، بسیار محسوس

است. در راستای پاسخ به چنین نیازی و به منظور فراهم‌سازی روزآمدترین مطالب دربارهٔ بسیاری از راهبردهای درمانی رایج، کتاب حاضر نگاشته و ترجمه شده است.

نصر، احمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر احمدرضا نصر در سال ۱۳۳۹ در اصفهان متولد شد. او تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش به پایان رساند و همزمان با دریافت دیپلم در سال ۱۳۵۸، در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه علم و صنعت پذیرفته شد.پس از انقلاب فرهنگی و بازگشایی دانشگاه‌ها، در کنار تداوم امور مربوط به دفاع مقدس، با توجه به ضرورت فعالیت در مسائل آموزشی و علاقه شخصی، رشته دانشگاهی خود را به کارشناسی مدیریت آموزشی تغییر داد و در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. تحصیلات دوره کارشناسی ایشان در سال ۱۳۶۶ پایان پذیرفت ایشان دورهٔ کارشناسی ارشد خود را نیز در همان رشته و دانشگاه در سال ۱۳۶۹ به اتمام رساند و به عنوان عضو هیأت علمی، فعالیتهای آموزشی و پژوهشی خود را در گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان آغاز نمود. در سال ۱۳۷۱ با پذیرفته شدن در امتحانات اعزام دانشجو به خارج، به کشور استرالیا اعزام شد و دکترای علوم تربیتی را از دانشگاه ولنگنگ آن کشور دریافت نمود. بلافاصله پس از اتمام دوره، در سال ۱۳۷۶ به کشور بازگشت و مجدداً فعالیتهای خود را در گروه علوم تربیتی ادامه داد. پس از گذشت چهار سال، درجه دانشیاری را در کوتاه ترین مدت ممکن، در شهریور ۱۳۸۱ دریافت نمود .این همکاری تا کنون ادامه دارد.گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : برنامه ریزی درسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمدرضا نصر تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش به پایان رساند و همزمان با دریافت دیپلم در سال ۱۳۵۸، در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه علم و صنعت پذیرفته شد. تحصیلات دانشگاهی ایشان به قرار زیر است: کارشناسی : مدیریت و برنامه ریزی آموزشی- ۱۳۶۵- دانشگاه تهران-ایران کارشناسی ارشد : مدیریت آموزشی- ۱۳۶۹-دانشگاه تهران- ایران دکترا : علوم تربیتی(برنامه ریزی درسی)- ۱۳۷۶- دانشگاه ولنگونگ- استرالیا خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیلات دوره کارشناسی احمدرضا نصر در سال ۱۳۶۶ پایان پذیرفت و موفق به دریافت لوح تقدیر دانشجوی ممتاز دوره از حضرت آیه‌الله خامنه ای، ریاست محترم جمهور وقت شدفعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر احمدرضا نصر در ابتدای ترم دوم تحصیل، با شروع انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه ، در امور تربیتی و آموزشی دبیرستانهای تهران مشغول به کار گردید. با شروع جنگ تحمیلی وارد بسیج شد و مسئولیت برگزاری اردوهای فرهنگی بسیج کل کشور را تا پایان جنگ برعهده گرفت. در مجموع یکسال نیز در جبهه های نبرد حضور یافت . پس از بازگشایی دانشگاه‌ها، در کنار تداوم امور مربوط به دفاع مقدس، با توجه به ضرورت فعالیت در مسائل آموزشی و علاقه شخصی، رشته دانشگاهی خود را به کارشناسی مدیریت آموزشی تغییر داد و در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد.وقایع میانسالی : احمدرضا نصر دورهٔ کارشناسی ارشد خود را نیز در رشته رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۹ به اتمام رساند و به عنوان عضو هیأت علمی، فعالیتهای آموزشی و پژوهشی خود را در گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان آغاز نمود. در سال ۱۳۷۱ با پذیرفته شدن در امتحانات اعزام دانشجو به خارج، به کشور استرالیا اعزام شد و دکترای علوم تربیتی را از دانشگاه ولنگنگ آن کشور دریافت نمود. بلافاصله پس از اتمام دوره، در سال ۱۳۷۶ به کشور بازگشت و مجدداً فعالیتهای خود را در گروه علوم تربیتی ادامه داد. پس از گذشت چهار سال، درجه دانشیاری را در کوتاه ترین مدت ممکن، در شهریور ۱۳۸۱ دریافت نمود . مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیتهای اجرایی، اجتماعی احمدرضا نصر به قرار زیر است: مربی امور تربیتی و

مسئول اردوهای دانش‌آموزی منطقه ۱۳ آموزش و پرورش تهران ۶۰-۵۹ مسئول اردوهای فرهنگی بسیج کل کشور و حضور در دفاع مقدس ۶۷-۶۰ قائم مقام مدیر کل آموزش دانشگاه اصفهان ۷۱-۶۹ دبیر انجمن اسلامی دانشجویان خارج از کشور (ولنگنگ استرالیا) ۴-۷۳ عضو شورای بسیج استادان دانشگاه اصفهان از سال ۷۷ تاکنون رئیس هیأت مدیره تعاونی مسکن استادان دانشگاه اصفهان از سال ۷۹ تا کنون معاون آموزشی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان از مهرماه سال ۸۲ تا مهر ۸۴ مدیر مطالعات و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه اصفهان از مهرماه ۱۳۸۴ تاکنون فعالیتهای علمی –اجرایی نماینده شورای دانشگاه اصفهان در شورای پژوهشی دانشگاه ۷۸-۷۷ نماینده شورای دانشگاه اصفهان در شورای آموزشی دانشگاه ۸۱-۷۸ عضو هیأت ممیزه دانشگاه اصفهان ۸۱-۷۹ عضو کمیته ارزشیابی تدریس استادان از سال ۷۷ تا کنون عضو کمیته ارزشیابی مدیران دانشگاه اصفهان ۷۸-۷۷ عضو شورای سیاستگزاری برنامه‌های درسی دانشگاه اصفهان ۸۲-۷۹ عضو شورای تخصصی و تحصیلات تکمیلی گروه علوم تربیتی از سال ۷۷ تا کنون عضو موقت شورای تخصصی گروه کتابداری دانشکده علوم تربیتی از سال ۱۳۸۳ تا کنون عضو شورای کتاب دانشکده علوم تربیتی از سال ۷۷ تا کنون عضو هیأت تحریریه مجله دانشکده علوم تربیتی از سال۷۹ تا کنون عضو کمیته علمی سمینارهای آزمون ورودی دانشگاه‌ها (کنکور) و استعدادهای درخشان عضو شورا و کمیسیون تخصصی تحقیقات آموزش و پرورش استان اصفهان از سال ۷۷ تاکنون مسئول دفتر هم‌اندیشی استادان دانشگاه اصفهان (زیر مجموعه دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری) از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ عضوگروه اجتماعی مرکز هم اندیشی توسعه استان اصفهان از سال ۱۳۸۳ تا کنون نماینده رئیس دانشگاه اصفهان در کمیته ترفیع اعضای هیات علمی از مهرماه ۱۳۸۴ نماینده شورای آموزشی دانشگاه در شورای دانشگاه اصفهان از مهرماه ۱۳۸۴ دبیر شورای سیاستگزاری آموزشی دانشگاه اصفهان از مهرماه ۱۳۸۴ فعالیتهای آموزشی : دکتر نصر به تدریس دروس روش تحقیق، روش تدریس، برنامه‌ریزی درسی و ارزشیابی آموزشی در مقاطع کارشناسی ، کارشناسی ارشد و دکترا مشغول بوده است.وی علاوه بر تدریس و پژوهش، در سایر فعالیتهای دانشگاهی از قبیل مشارکت در شوراها و کمیته‌های تخصصی نقش فعال داشته و عضو شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان اصفهان نیز می‌باشد.آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه : مسائل مربوط به تدریس، ارزشیابی و برنامه ریزی درسی در آموزش عالی و آموزش و پرورش جوائز و نشانها : پژوهشگر نمونه دانشگاه اصفهان در سالهای ۸۱ ، ۸۲ و ۸۴ پژوهشگر برگزیده سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۸۲ پژوهشگر برگزیده استان در سال ۱۳۸۴ دریافت یک پایه تشویقی از شورای اعطای نشان دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۴ دریافت لوح تقدیر دانشجوی ممتاز دوره کارشناسی از حضرت آیه‌الله خامنه ای، ریاست محترم جمهور وقت چگونگی عرضه آثار : از احمدرضا نصر تا کنون ۷۴ مقاله علمی در مجلات داخلی و خارجی به چاپ رسیده و مقاله های علمی زیادی نیز در سمینارها ارائه کرده است. همچنین، با همکاری تعدادی از اساتید برجسته علوم تربیتی کشور دو جلد کتاب « روش تحقیق کمی و کیفی درعلوم تربیتی و روانشناسی» را ترجمه نموده که توسط انتشارات سمت و دانشگاه شهید بهشتی تهران چاپ شده است. این کتاب توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتابهای برتر و مورد تشویق سال ۱۳۸۲ انتخاب شده و در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ با اضافاتی تجدید چاپ گردیده است. کتاب دیگر ایشان با عنوان « راهنمای بهبود تدریس در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی» توسط دانشگاه اصفهان و سازمان سمت به چاپ رسیده است. ایشان دو کتاب دیگر نیز در زمینهٔ برنامه ریزی درسی در دانشگاهها زیر چاپ دارد. با راهنمایی و مشاوره ۲۰ پایان نامه کارشناسی‌ارشد و انجام ۱۱ طرح پژوهشی، در فعالیتهای پژوهشی نیز فعالانه مشارکت داشته است آثار : برنامه ریزی درسی و طراحی درس در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی. ویژگی اثر : نصر، احمدرضا؛ اعتمادزاده، هدایت اله و نیلی، محمد رضا (در دست چاپ).۲ راهنمای بهبود تدریس در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ویژگی اثر : تالیف–این کتاب توسط دانشگاه اصفهان و سازمان سمت به چاپ رسیده است.۳ روش تحقیق کمی و کیفی درعلوم تربیتی و روانشناسی ویژگی اثر : ترجمه –دو جلدی.این کتاب که توسط انتشارات سمت و دانشگاه شهید بهشتی تهران چاپ شده است. این کتاب توسط وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی به عنوان کتابهای برتر و مورد تشویق سال ۱۳۸۲ انتخاب شده و در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ با اضافاتی تجدید چاپ گردیده است.۴ یادگیری مادام العمر: نیاز دانشگاه در قرن بیست و یکم. ویژگی اثر : کریمی، صدیقه؛ نصر، احمدرضا و بقراطیان، کاظم(در دست چاپ).

نصراللهی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا نصراللهی

محل تولد : دهاقان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۳/۱۴

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره دبیرستان با ورود به حوزه علمیه قم؛ «مدرسه حقانی» و افتخار شاگردی نزد شهید قدوسی و شهید بهشتی و اساتید آن مدرسه، با آشنایی با علوم حوزوی، کار تحقیقاتی، علمی خود را با مطالعه کتب استاد مطهری و برخی بزرگان دیگر از قبیل: دکتر شریعتی، سروش، بازرگان و افرادی که داعیه روشنفکری داشتند و ضمن انتقاداتی که به اینها به ذهنم می رسید و حاشیه نویسی را در کتابهام نوشتم تا کم کم خورشید انقلاب اسلامی توسط حضرت امام خمینی (روحی فدا) و یاران باوفایش در عصر الکترونیکی و کفر مادیت و نظام های امپریالیستی، سوسیالیستی و مکاتب دیگر طلوع کرد و با جهانی شدن انقلاب عصر آگاهی و بیداری در همه ابعاد، زمینه طوفان به وجود آورد که هر جا را به حرکت واداشت.

با این جرقه ها کم کم احساس نیاز هر انسان به آشنایی با زندگی اسلامی، زندگی اخلاقی و زندگی معنوی همراه با بینش علمی، سیاسی، حقوقی و احساس مسئولیت به عنوان یک طلبه واقعی و سرباز اسلام و انقلاب، مسئولیت های ما را دو چندان کرد تا خود را مسلح به انواع سلاحات مدرن روز کرده و اسلام یک بعدی دیروز را در همه ابعاد به جهان عرضه کنیم. امروز که مسیحیت ۳۰ هزار کانال تبلیغ مسیحیت می کنند با همه وجود، آیا سهم ما جایگاه ما کجاست؟ ما برای اسلام با آن همه تمدن تفکر پیشرفت چه کرده ایم؟ حوزه های ما حوزویان ما و اساتید ما بزرگان ما چه کرده اند؟ اگر ما هزار نفر امثال امام خمینی (سلام الله علیها)، امثال شهید مطهری ها، شهید بهشتی ها و امثال مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) داشته باشیم؛ چه اشکالی دارد. دانشگاههای ما در قبال مطالب فوق چه کرده اند؟ متاسفانه باید سربه زیر انداخت.

سال ۵۷ به حوزه علمیه قم آمدم تا سال ۱۳۵۹. بعد برای تکمیل دوره علمی سطح به مشهد هجرت نموده و از محضر اساتید معروف آنجا کسب علم نموده تا سال ۱۳۷۳ باز به قم مراجعت نموده و تا ۱۳۸۷ افتخار طلبگی در این حوزه را دارم. از سال ۵۹ با شروع جنگ تحمیلی خود را به لشکر ۷۷ خراسان و تیپ قمر بنی هاشم معرفی و از همان آغاز، برای انجام رسالت تبلیغی دوشادوش رزمندگان به جبهه شتافتم. بعد به لشکر ۵ نصر و همچنین لشکرهای ۲۷ رسول الله و لشکر ۸ نجف اشرف و ... خلاصه زندگی ما

سراسر علم و تلاش است و زندگی ما بخشی از حوزه و دانشگاه و باید دائماً یا کار استادی کنیم یا کار طلبگی و دانشجویی. از خداوند موفقیت همه را خواستاریم.

نصفت، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در شهر ژنو سوئیس از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۰، تحصیل و تحقیق در دانشگاه ژنو و سازمانهای علمی و بین‌المللی واقع در شهر ژنو و در بعضی از کشورهای اروپای غربی.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روانشناسی، آمار، زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم تربیتی، کاربرد و ارزیابی و برنامه‌ریزی رشته‌های مختلف روانشناسی، زبان‌شناسی، آموزش و پرورش، رشد و بهداشت کودکان، واژه‌شناسی و واژه‌گزینی روانشناسی، بررسی ریشه‌شناختی و آواشناختی واژگان فارسی امروزی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵۰ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

ابداع:

اختراع و آماده‌سازی ابزارهای اندازه‌گیری کنشها و توانه‌های روانی که عموماً آزمون نامیده می‌شوند، آماده‌سازی و ابزارسازی آزمونهای سنجش روانی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی، روش‌شناسی (متدولوژی)، علوم تربیتی و علوم اجتماعی به زبانهای فارسی و خارجی. (تعداد کل اعم از رساله یا مقاله به فارسی یا انگلیسی یا فرانسه حدود ۶۰ عنوان است)

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

روانشناسی، روش‌شناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی به زبانهای خارجی و فارسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نظریان، اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیای فرهنگی و منطقه‌ای، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی جغرافیا از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی- اقتصادی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱، دکترای جغرافیای فرهنگی و منطقه‌ای از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی تحولات جمعیتی و معیشتی در غرب ایران در نیم قرن اخیر، مطالعه و تحقق در زمینه‌های جغرافیای شهری، مطالعات ناحیه‌ای و جغرافیای ریاضی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

دینامیک شهری یا پویائی شهرها (ترجمه) در زمینه جغرافیای شهری، برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

جغرافیای شهری، ناحیه‌ای و مطالعات ناحیه‌ای و شهری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نوابی‌نژاد، شکوه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مشاوره و راهنمایی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹، کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی از دانشگاه آمریکایی بیروت در سال ۱۳۴۸، دکترای تخصصی روان‌شناسی مشاوره از دانشگاه ایالتی بنراسکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۵، دانشیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۶۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مشکلات دانش‌آموزان مدارس ایران پس از انقلاب، ارزشیابی کتابها، بررسی علل و عوامل بزهکاری نوجوانان در کانونهای اصلاح و تربیت، بررسی ویژگیهای روانی زنان ورزشکار و غیر ورزشکار، نقش مشاوره در کمک به دانشجویان در حل مشکلات و بررسی مشکلات دانشجویان دانشگاههای تربیت معلم و صنعتی اصفهان، مبانی نظری شخصیت زن در اسلام و راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

راهنمایی در مدارس امروز، آموزش و مشاوره کودکان استثنایی، رفتارهای بهنجار و ناهنجار و راههای پیشگیری و درمان، زن و ورزش، کودک و مدرسه، گروه درمانی، اصول و فنون نظریه‌ها، مشاوره و روان درمانی گروهی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

علل بزهکاری نوجوانان در ایران، مسائل و مشکلات نوجوانان در ایران، وضعیت کودکان استثنایی در ایران، مشاوره با والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی، نقش مشاوره در فرهنگ ایرانی اسلامی، ناتوانیهای یادگیری در کودکان پیش از دبستان، مقایسه میزان کارآئی مشاوران زن و مرد، زن و ورزش، روابط انسانی کلامی و غیر کلامی، مسائل و مشکلات دانشجویان، کاربرد خدمات مشاوره در دانشگاهها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نوذری، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود نوذری

محل تولد : کازرون

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود نوذری در سال ۱۳۵۶ با اخذ دیپلم، وارد دانشگاه شیراز شدم و در رشته «زمین شناسی» مشغول تحصیل شدم. در سال ۱۳۶۱ تحصیلات حوزوی را شروع کردم و علاوه بر دروس حوزوی در رشته فوق لیسانس «معارف اسلامی» مؤسسه امام خمینی (ره) شرکت کردم و از آنجا فارغ التحصیل شده در رشته کارشناسی ارشد «تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت» با گرایش تربیت اسلامی از پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، در سال ۱۳۷۹ فارغ التحصیل شدم و اکنون در رشته «روانشناسی تربیتی» مشغول تحصیل می باشم. مدت هفت سال از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ سمت «معاونت پژوهشی» پژوهشگاه حوزه و دانشگاه را داشته ام. علاوه بر آن مدیر گروه علوم تربیتی پژوهشگاه به مدت پنج سال که تاکنون ادامه دارد؛ هستم. آثار و نوشت ها در بخش بعد به آن اشاره شده است.

نوری، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل نوری

محل تولد : کهریز زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله حاج شیخ محمد اسماعیل نوری در سال ۱۳۲۹ هجری شمسی در خانواده مذهبی در یکی از روستاهای زنجان به دنیا آمد. دروس مقدمات را در زادگاهش یاد گرفت و در سال ۱۳۴۴ وارد حوزه علمیه زنجان شد. دروس ادبیات عرب و کتابهای «شرح لمعه، اصول فقه و غیره» را در آن حوزه آموخت. در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شد و شروع به آموختن کتابهای «رسائل، مکاسب، کفایهٔ الاصول و ...» مشغول گردید.

در سال ۱۳۵۴ پس از قبولی در امتحانات پایانی سطح حوزه شروع به آموختن دروس خارج (آشنائی با کیفیت استنباط احکام فقهی) نمود. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب قم (که امروزبه عنوان دانشگاه قم معروف شده است) مشغول تحصیل گردید و پس از گذراندن دوره آن در پاییز سال ۶۰ به زنجان بازگشت و در مراکز تربیت معلم و دانشگاه آنجا به تدریس مشغول شد.

استاد نوری در سال ۱۳۷۱ جهت استفاده مجدد از دروس فقه و اصول حوزه به شهر مقدس قم بازگشت. ضمن تحصیل در حوزه علمیه قم، در مرکز تربیت معلم آیت الله طالقانی قم تدریس می کرد و هم اکنون نیز در آن مرکز و دیگر مراکز آموزش عالی قم به تدریس مشغول است. این روحانی فعال در سال ۱۳۷۷ موفق به اخذ مدرک سطح ۴ (دکتری) از حوزه علمیه قم شد و در سال ۱۳۷۷ پس از اعلام آمادگی برای نمایندگی مجلس خبرگان رهبری و موفقیت در امتحانات مربوطه و تایید اجتهاد وی از طرف شورای نگهبان قانون اساسی به عنوان نامزد نمایندگی مجلس خبرگان رهبری از استان زنجان معرفی شد و با توجه به این که ایشان به رقیب خود (حضرت آیت الله حاج سید اسماعیل موسوی زنجانی ره) احترام فوق العاده قائل بود در دو سخنرانی تبلیغاتی

انتخاباتی تلویزیونی از ایشان تعریف و تمجید کرد.

استاد نوری در اثر لیاقت هایی که از خود نشان داده بارها از طرف مسئولین به عنوان مدرس نمونه استانی مورد تقدیر قرار گرفته و در سال ۷۹ نیز به عنوان مدرس نمونه کشوری شناخته شده و از طرف وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران لوح تقدیر دریافت نموده و در حال حاضر به عنوان مدیر گروه آموزشی و پژوهشی معارف اسلامی و عربی مراکز تربیت معلم استان قم انجام وظیفه می کند.

نوری، نورعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: اقتصاد، دانشکده: اقتصاد، دانشگاه: امام صادق (ع)

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

فوق دکترای بیمه از Ecole National Dassvrances پاریس.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع).

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی انواع بیمه‌های بازرگانی (عمر، حوادث، باربری، آتش‌سوزی، مقاطعه‌کاری و غیره)، آمار و جداول مرگ و میر، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:–

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

اکتوآریا (اقتصاد و ریاضیات مالی).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

الگوسازی، پیش‌بینی‌های اقتصادی، کامپیوتر و انفورمارتیک آمار و بیمه، مدیریت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نیساری، سلیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سلیم نیساری در ۲۱ آذر ماه ۱۲۹۹ درتبریز متولد شد. وی داری دکترای فلسفه از دانشگاه ایندیانای آمریکا ست. دکتر نیساری پس از بازگشت به ایران به تدریس دردانشکده علوم تربیتی ادامه داد و درسال۱۳۵۹ پس از ۳۸ سال خدمت به تقاضای خود بازنشسته شد .گروه : علوم انسانیرشته : علوم تربیتیوالدین و انساب : سلیم نیساری فرزند عبد الله که وی نیز فرزند میرزا سلیم، حاکم محال قره داغ آذربایجان بود، در ۲۱ آذر ماه ۱۲۹۹ درتبریز متولد شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سلیم نیساری پس از گذراندن دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه و توفیق در امتحان نهایی دانشسرای تبریز با رتبه اول برای ادامه تحصیل به تهران آمد و موفق به اخذ درجه لیسانس در سال ۱۳۲۱ دررشته ادبیات فارسی و علوم تربیتی شد . ضمنا به تحصیل دردوره دکتری ادبیات فارسی ادامه داد . درسال ۱۳۲۹ برای ادامه تحصیل به اروپا و سپس به آمریکا رفت. وی موفق به دریافت درجه فوق لیسانس ازدانشگاه لندن و نیز درجه دکتری دررشته علوم تربیتی و زبان شناسی از دانشگاه ایندیانا آمریکا شد.همسر و فرزندان : سلیم نیساری با ایران میرتقوی ازدواج کرد و ثمره این ازدواج سه فرزند به نامهای نیلوفر، سیروس و نادر می باشد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل سلیم نیساری در وزارت فرهنگ عبارتند از : منشی مخصوص وزیر فرهنگ ،رئیس اداره دفتر وزارتی در دوره وزارت نفت وزیر فرهنگ و بازرس وزارتی و مشاور وزارت فرهنگ . درسال ۱۳۳۴ به عنوان دانشیار عالی برگزیده شد . درسال ۱۳۳۶ به استخدام دبیرخانه مرکزی یونسکو در پاریس درآمد و به سمت رئیس اداره کمکهای فنی یونسکو منصوب شد . دراین سمت از طرف مدیر کل یونسکو برای سرکشی به نحوه پیشرفت برنامه کمکهای علمی و فرهنگی یونسکو به کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه و کشورهای جنوب غربی آسیا سفرکرد . پس از پایان ماموریت و مراجعت به ایرا ن به سمت مدیر کل روابط فرهنگی دروزارت آموزش و پرورش منصوب گردید . ضمنا درهیات مدیره موسسه فرهنگی منطقه ای نیز عضویت داشت و سردبیری یک مجله انگلیسی درموسسه فرهنگی منطقه ای را نیز به عهده داشت . درسال۱۳۵۶ با ماموریت از طرف دانشگاه تهران ووزارت فرهنگ و هنر باسمت رایزن فرهنگی به کشورترکیه رفت . پس از پایان ماموریت درسال۱۳۵۸ به ایران مراجعت کرد .فعالیتهای آموزشی : سلیم نیساری در سال ۱۳۲۱ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد . درسال ۱۳۳۳ ضمن تدریس، معاونت دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز را به عهده گرفت . تاریخ فرهنگ ایران ، کلیات روش تدریس و روش آموزش زبان فارسی دردبستان از جمله عناوینی بودکه تدریس آنها را به عهده داشت . دکتر نیساری به غیراز تدریس در رشته ها ومقاطع مختلف، درسال ۱۳۳۴ به عنوان دانشیار عالی برگزیده شد . درسال ۱۳۴۴ به مرتبه استادی ارتقا یافت و به دانشگاه تهران منتقل شد . دردانشکده علوم تربیتی تدریس چند درس ازجمله فلسفه، آموزش و پرورش ،مبانی آموزش و پرورش ،کلیات روش تدریس ، آموزش مقدمات خواندن و نوشتن ، آئین بررسی و گزارش نویسی و روش تحقیق را عهده دار بود . پس از بازگشت به ایران به تدریس دردانشکده علوم تربیتی ادامه داد و درسال۱۳۵۹ پس از ۳۸ سال خدمت به تقاضای خود بازنشسته شد .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سلیم نیساری در اسفند ۱۳۳۳ مامورتاسیس دانشکده ادبیات شیراز گردید .جوائز و نشانها : از دکتر سلیم نیساری به خاطر کتاب «نسخه های خطی حافظ» (قرن نهم) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تقدیر شده است.چگونگی عرضه آثار : سلیم نیساری چندین مقاله به فارسی و انگلیسی و فرانسه و ترکی درمجلات ایران و خارج از ایران منتشرساخته و از ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ مدیریت مجله بنیاد فرهنگ را به عهده داشته است . عنوان یکی ازنوشته های او دراین مجله «دستورخط فارسی » می باشد . از میان مقالاتی که درروزنامه ها انتشار یافته است تنها به یک سری شامل ۱۷ مقاله از شماره ۷۳۷۱تا ۷۳۹۲ از ۲اسفند ماه تا ۲۸ همان ماه درروزنامه کیهان زیر عنوان «خط فارسی باید اصلاح شود » اشاره می شود .آثار : ۱ Le but humain de ۱ Education ویژگی اثر : سخنرانی در ششمین کنگره بین المللی علوم تربیتی ، دانشگاه دوفین پاریس ، درسال۱۹۷۳ Mevlana nin Mesnevi sinde Pragmatic

Egitimle I lgiili Bir ornek ویژگی اثر : این سخنرانی در کنگره بین المللی بزرگداشت مولانا درشهر قونیه در نوامبر ۱۹۷۸ به زبان ترکی ایراد شده است و عنوان آن به فارسی «تمثیلی در مثنوی مولانا درارتباط با فلسفه پراگماتیسم درآموزش »است . متن سخنرانی در کتاب : Mevli[ann ve yasama Sevinic نشریه اداره جهانگردی قونیه چاپ شده است .۳ Persian An Element Of The Regional Common Culture ویژگی اثر : این مقاله در سمینار منطقه ای میراث فرهنگی (ایران ،پاکستان ، ترکیه) ۱۹۶۵ Seminar on common cultuaral H eritage march درمجموعهٔ]چاپ شده است۴ The Campaign Against Illteracy in Iran and the Role of Radio and Television In this campaign ویژگی اثر : این سخنرانی درسمینازبین المللی نقش رادیو و تلویزیون درپیکاربا بیسوادی درشهر آنکارا ایراد شده ومتن آن درنشریه زیر به چاپ رسیده است . Conference of Executives From Radio and TV Organizations، Ankara۱۹۷۸۵ The Emergence of a New Nation with an old culture ویژگی اثر : در نشریه بین المللی بزرگداشت محمد علی جناح قائد اعظم پاکستان ، اسلام آباد ـدرنشریه Joutnal of the Regional cultural institute volume به چاپ رسیده است .۶ آموزش زبان و ادبیات فارسی دردانشگاه ویژگی اثر : متن این سخنرانی در مجموعه سخنرانیها و مقالات اولین مجلس علمی استادان زبان و ادبیات فارسی وزار ت علوم .آذرماه ۱۳۵۰ ص ۲۴۰تا۲۳۵ منتشر شده است۷ آموزش شعر فارسی ویژگی اثر : متن این سخنرانی از گزارش کنگره دبیران زبان و ادبیات فارسی و همچنین در نشریه دانشکده علوم تربیتی دوره اول ، شماره ۲۳۸ استفاده از شاهنامه فردوسی در پژوهشهای زبان شناسی ویژگی اثر : کنگره بزرگداشت جهانی فردوسی ،دانشگاه تهران آذرماه ۱۳۶۹۹ بررسی پندهای فردوسی از دید فرهنگ ایرانی ویژگی اثر : متن این خطابه در مجموعه سخنرانیهای نخستین دوره جلسات سخنرانی وبحث درباره شاهنامه فردوسی ، همچنین در مجله هنرومردم شماره ۱۰۲ و ۱۰۳ فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۱ به چاپ رسیده است۱۰ پیوستگی هدف ، برنامه وروش آموزش زبان وادبیات فارسی ویژگی اثر : این متن درنشریه دومین کنگره انجمن دبیران زبان وادبیات فارسی درمرداد ماه ۱۳۴۷ ، ص ۹۰-۸۴ به چاپ رسیده است۱۱ تدریس زبان فارسی دردبستان یا آموزش هنر های زبان(۱۳۴۴) می باشد. توضیحی درباب خط کتاب اول دبستان ویژگی اثر : در مجموعه مقالات همایش بررسی و تبین علل بدخطی دانش آموزان زیر عنوان خط خوش ،نشریه سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی ، اسفند ۱۳۷۸۱۳ خاطراتی از کلاس درس استاد ملک الشعرا بهار ویژگی اثر : درارابطه با همایش یاد بود پنجاهمین سال در گذشت ملک الشعرا بهار درآوریل ۲۰۰۱ دردانشگاه سوربن پاریس ایراد شده است .۱۴ دستور خط فارسی ویژگی اثر : پژوهشی درباره پیوستگی با زبان فارسی ، تهران : سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،۱۳۷۴۱۵ دفتر دیگر سانیها درغزلهای حافظ ویژگی اثر : جلد اول ، تهران ،سروش ۱۳۷۳۱۶ دیوان حافظ ویژگی اثر : مستند برنسخه های خطی سده نهم ،به خط استاد امیر احمد فلسفی ،همراه بامینیاتور هایی از استاد فرشچیان ،تهران ،انتشارات یساولی ،۱۳۸۲۱۷ دیوان حافظ ویژگی اثر : براساس ۴۸ نسخه خطی سده نهم ، تهران . انتشارات سینا نگار. و اسرار دانش ،۱۳۷۷-دکتر نیساری در خصوص این اثر می گوید |: اول بار پیش علامه قزوینی عنوان کرد، برای تصحیح دیوان حافظ باید متونی را که به زمان حافظ نزدیک تر است، یافته و براساس چنین نسخه ای دیوان حافظ را تنظیم و تصحیح کرد. قزوینی یک نسخه خطی بیشتر به دست نیاورد. من این جست وجوها را در حد توان ادامه دادم و مرحوم خانلری و مرحوم مجتبی مینوی که باهم کار می کردند، توانستند نسخه خطی پیدا کنند. روی جلد نوشتم براساس نسخه خطی دیوان حافظ.۱۸ غزلهای حافظ ویژگی اثر : براساس نسخه خطی سده نهم ، به خط استاد محمد سلحشور ، چاپ اول اردیبهشت ۱۳۷۱ ،چاپ دوم الهدی آذرماه ۱۳۷۱۱۹ غزلهای حافظ ویژگی اثر : نشریه موسسه فرهنگی منطقه ای ۱۳۵۳۲۰ کلیات روش تدریس ویژگی اثر : چاپ اول این اثر در سال ۱۳۴۴و چاپ دوم این اثر ۱۳۵۵۲۱ گروه بندی افعال فارسی ویژگی اثر : متن این سخنرانی درجلد دوم سومین کنگره تحقیقات ایرانی ، بنیاد فرهنگ ایران ، شهریور ۱۳۵۱ درج شده است۲۲ مقدمه ای بر

تدوین غزلهای حافظ(۱۳۶۷) ، ملاحظاتی درباب نسخه خطی مشتمل بر ۱۵۲ غزل حافظ و چاپ تک نسخه ای آن ویژگی اثر : در نخستین همایش ایران شناسی ، ۱۳۸۱۲۴ نسخه های خطی حافظ ویژگی اثر : شیراز سده نهم ، مرکز حافظ شناسی، ۱۳۸۰۲۵ نقش معلم در برابرارزشهای اخلاقی ویژگی اثر : متن این سخنرانی در نشریه دانشکده علوم تربیتی ، دوره پنجم شماره ۱و۲ درسال۱۳۵۴ به چاپ رسیده است۲۶ نمونه هایی از آثار جاویدان شعر فارسی(۱۳۵۰) ، نوآوری درترکیبات واژگان فارسی در خمسه نظامی گنجوی ویژگی اثر : مجموعه مقالات کنگره بین المللی نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی ، دانشگاه تبریز ، جلد سوم .۱۳۷۲ ص۴۴۰-۴۲۸۲۸ یکسان کردن املای فارسی ویژگی اثر : درمجموعه خطابه های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی ، دانشگاه تهران : شهریورماه ۱۳۴۹ ، جلد اول ص ۳۱۲-۲۹۹

واعظ، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: فقه و مبانی اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وحیدا، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم اجتماعی، دانشکده: ادبیات، دانشگاه: اصفهان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

هاشمی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضا هاشمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید رضا هاشمی در سال ۱۳۶۱ دیپلم متوسطه در رشته ریاضی فیزیک را با معدل ۱۴/۱۹ در تهران دریافت کردم و به دلیل

علاقه فراوان به تحصیلات حوزوی بدون شرکت کردن در کنکور دانشگاه ها، در همان سال به مدرسه علمیّه مجتهدی در تهران وارد شدم و به مدّت چهار الی پنج ماه در آنجا به تحصیل مقدمّات علوم حوزوی (عربی و منطق) پرداختم. سپس در سال ۱۳۶۲ همراه با یکی از دوستان فاضل و هم فکر خود برای ادامه تحصیلات، عازم حوزه علمیّه قم شدم و ابتداء در مدرسه رضویه و پس از آن در مجالس درس مختلف در حوزه علمیّه به تکمیل دروس متداول شامل (مباحث فقه و اصول فقه) و دروس دیگر که اصطلاحاً دروس جنبی نامیده می شد مانند: (کلام، فلسفه، تفسیر، رجال، حدیث، اقتصاد و ...) مبادرت کردم. از سالهای ابتدایی دهه هفتاد پس از فراغت از فراگیری دروس سطح، در دروس خارج اصول و فقه شرکت نمودم و این اشتغال همچنان ادامه دارد.

در سال ۱۳۶۷ در پی فراهم آمدن امکان حضور طلاب در دانشگاه ها به دلیل احساس نیازی که به فراگیری علوم دانشگاهی در حوزه علوم انسانی در من پدید آمد، در کنکور دانشگاه شرکت کردم و از مهرماه سال ۱۳۶۸ در دانشکده «حقوق و علوم سیاسی» دانشگاه تهران هم زمان با تحصیلات حوزوی به تحصیل در رشته حقوق پرداختم و در سال ۱۳۷۳ فارغ التحصیل شدم. در همین سال در پی دعوت یکی از مسئولان «بنیاد دائرة المعارف اسلامی» در تهران که دائرة المعارفی با نام (دانشنامه جهان اسلام) را در دست تألیف و انتشار دارد، همکاری خود را با این مؤسسه آغاز کردم که ابتداء بیشتر به شکل تألیف مقاله یا ارزیابی نقادانه مقالاتی بود؛ که به این بنده ارجاع می شد و بعدها این همکاری وسیع تر شد و به عضویت در گروه معارف و کلام در آن بنیاد انجامید.

سپس با تأسیس گروه فقه و حقوق در سال ۱۳۸۱ مسئولیت این گروه به اینجانب سپرده شد؛ که هم اکنون نیز این مسئولیت را بر عهده دارم. کار علمی من در بنیاد دائرة المعارف اسلامی عمدتاً نظارت و مدیریت بر فرایند تولید مقالات علمی در حوزه فقه، اصول و حقوق از مرحله تدوین مدخلنامه و سفارش مقاله تا مراحل نهایی آن بوده که حاصل آن علاوه بر تألیف مقالات متعدد در دانشنامه، ارزیابی، اصلاح و تکمیل ساختاری و محتوایی بیش از یکصد مقاله در طول این سال هاست.

لازم به ذکر است که به دلیل سکونت اینجانب در شهر مقدّس قم به دلیل تحصیلات دینی، فعّالیّت های یاد شده عمدتاً در قم صورت می گیرد مگر در مواردی که حضور من در بنیاد دائرة المعارف اسلامی، اجتناب ناپذیر و ضروری باشد. همچنین در طول این سال ها، گاه به تدریس پاره ای از دروس مقدمات و سطوح به صورت خصوصی و غیر، گسترده اشتغال داشته ام. به علاوه از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی در دانشگاه مفید قم به تحصیل پرداختم. و خلاصه عنوان پایان نامه اینجانب که در سال ۱۳۷۹ دفاع شده «تعدیل قراردادهای خصوصی» است.

هاشمیان، کیانوش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش و پرورش، دانشکده: الهیات و ادبیات، دانشگاه: الزهرا (س)

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی روانشناسی از دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو آمریکا در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد روانشناسی از دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو در سال ۱۳۴۹، دکترای روانشناسی شخصیت، بنیادهای آموزش و پرورش با تأکید بر روانشناسی از دانشگاه

فلوریدای آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده الهیات و ادبیات دانشگاه الزهراء.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی ویژگیهای شخصیتی دختران مصروع ۱۵ تا ۱۸ ساله، توصیف سبب‌شناسی و روشهای درمان بیماریهای روانی در قلمرو اسلامی، بررسی رفتار انزواطلبی دانش‌آموزان دبستانی و رابطه آن با ساخت خانواده در مدارس پسرانه مناطق ۲۰ گانه تهران، بررسی فشارهای روانی (استرس) موجود در زنان و رابطه آن با بروز اختلالات روانی- تنی، درمان انزواطلبی کودکان به روش بازی درمانی، تدریس دروس سنجش هوش و استعداد، سنجش شخصیت، روانشناسی شخصیت، روانشناسی بالینی، آسیب‌شناسی روانی، نظریه‌های روان درمانی، پژوهشهای علمی، نظریه‌های شخصیت، سمینار روانشناسی بالینی نظریه‌های شخصیت در دانشگاههای الزهرا و تربیت معلم.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سنجش استعداد، روانشناسی بالینی، روانشناسی رفتارهای نابهنجار و عصر جدید.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

عوامل مؤثر در جریان درمان، متاآنالیز روان درمانی و دارودرمانی در درمان افسردگی یک قطبی در بزرگسالان، نقد و بررسی کتاب آسیب‌شناسی روانی، تأثرات استعداد با روشهای مناسب (ATI)، کورلفظی کودکانی که غالباً وارونه می‌خوانند.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

هزار، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا هزار

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۷۱ در شهر مشهد مقدس آغاز و از همان تاریخ هم تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه «الهیات

فردوسی مشهد» شروع کردم. در سال ۷۷ ـ ۷۶ به قم آمدم و تحصیلات حوزوی و دانشگاهی ام را ادامه دادم و در سال ۷۹ ـ ۷۸ موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته «الهیات علوم قرآن و حدیث» شدم. سپس به لبنان رفتم و مدتی در آنجا به ادامه تحصیلات پرداختم و کارشناسی «روان شناسی» را از آنجا دریافت کردم. در سال ۸۴ ـ ۱۳۸۳ نیز موفق به اخذ دکتری در رشته الهیات از دانشگاه ICIS کشور انگلستان شدم.

در طول ۷ سال گذشته در شهر قم، در پژوهشکده دارالحدیث قم و در واحدهای احیاء تراث، فهرستگان نسخ خطی؛ و غیره فعالیت کرده ام. مدتی نیز در واحد احقاق الحق، کتابخانه آیهٔ الله مرعشی نجفی به پژوهش مشغول بوده ام. از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ نیز در مؤسسه فرهنگی توحید مشغول به کار بوده ام. از سال ۱۳۸۰ تاکنون هم در دانشگاههای مختلفی مانند دانشگاه قم؛ دانشگاه آزاد قم، دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد نراق، دانشگاه جامع علمی ـ کاربردی و دانشکده علوم حدیث شهر ری به تدریس اشتغال داشته ام.

کارگاههای تخصصی مختلفی نیز مانند کارگاه بهداشت روانی از دیدگاه اسلام، فنون و هنر تدریس، دانسته ها و بایسته های ازدواج، آرامش جوان و غیره نیز در دانشگاه های مختلف کشور به ویژه در دانشگاه بو علی سینا همدان توسط بنده اجرا و انجام شده است. تاکنون ۱۵ عنوان کتاب و بیش از ۳۰ مقاله، منتشر کرده ام. آخرین کار علمی انجام شده ام: «نظارت علمی بر طرح کلان تدوین مآخذ شناسی امام علی علیه السلام» بوده است که توسط پایگاه اطلاع رسانی پارسا انجام شده است.

هژیرکیانی، کامبیز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد، دانشکده: اقتصاد، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای اقتصاد ریاضی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

برآورد تابع مصرف جمعی در ایران، آثار سوبسید کود به محصولات عمده کشاورزی، برآورد موجودی سرمایه در زیر بخش‌های اقتصاد ایران، توابع عرضه و تقاضای پول، پول، کشاورزی، تولید، تجارت بین‌الملل، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اقتصاد سنجی، آمار، اقتصاد ریاضی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مصرف، پول و سیاستهای پولی، کشاورزی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یمنی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد یمنی در مراغه سال ۱۳۳۳ به دنیا آمد. پس از طی دوران ابتدایی در دبستان ادب و دبیرستان، در دانشگاه تبریز در رشته علوم تربتی ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۵۸ به فرانسه عزیمت نمود و در رشته گرایش برنامه ریزی آموزش و توسعه از دانشگاه در سال ۱۳۶۳ مدرک دکترای رشته علوم تربیتی را اخذ کرد. و از سال ۱۳۶۷ در دانشگاه علوم تربتی دانشگاه شهید بهشتی مشغول به خدمت است.گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : آموزش عالی – مطالعات تطبیقی والدین و انساب : پدر ایشان کارمند و مادر محترمشان خانه دار بودند و دارای سه خواهر و دو برادر میباشند.خاطرات کودکی : دکتر یمنی از آن دوران اینچنین میگوید ": بهترین خاطره من مربوط میشود به آموزگار کلاس اول ابتدایی در دبستان ادب که جناب آقای علی قلی بنا بود. ایشان عشق به معلمی داشت،دانش آموزان را دوست داشت و فلسفه تربیتی او بر تشویق استوار بود. افسوس که همواره چنین مربیانی گمنام میمانند. ایشان روشی بدیع داشتند و عملا کلاس خود را با بهره گیری از ابزارهایی که مرتبط با طبیعت بود پویا می نمودند و کلاس درس در عین حال آزمایشگا ه نیز بود" . تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات دکتر محمد یمنی : کارشناسی علوم تربیتی از دانشگاه تبریز ۱۳۵۶، دیپلم زبان فرانسه از بخش زبان دانشگاه دیژون ۱۹۷۹، متریس علوم تربیتی از سوربن پاریس ۱۹۸۱ ، کارشناسی ارشد علوم تربیتی (برنامه ریزی و توسعه آموزشی) از سوربن پاریس ۱۹۸۲، دکترای علوم تربیتی از دانشگاه سوربن (رنه کارت ۱۹۸۵)، مطالعات عالی در برنامه ریزی و توسعه دانشگاهی از دانشگاه مونترال کانادا ،دپارتمان مطالعات در آموزش و پرورش و مدیریت آموزشی ۱۹۹۷استادان و مربیان : از مربیان دکتر یمنی : معلم اول ابتدایی آقای علی قلی بنا،معلم پنجم ابتدایی آقای جعفری ،آقای امینی دبیر فیزیک و آقای هوشیار دبیر شیمی در دوران دبیرستان بودند و در دانشگاه دکتر هشترودی ،دکتر محیط طباطبایی و در دانشگاهای فرانسه استاد le Than khoi لوتان کوی،استاد Pierre Bourdieu پیر بوردیو ، G. Balandier بالاندیر ،استاد J. Dumazdier جوفر دومازدیر، استاد Ladriere لادریر، استاد G. Snyder ژرژ اسیندر، استاد Isamber Jamati ایزامبر جاماتی، استاد J.L.Lemoigne ژان لویی لومواین، میتوان اشاره کرد.همسر و فرزندان : دکتر محمد یمنی دارای همسر و دو فرزند میباشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ۱ – مدیر گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی ۷۹-۱۳۷۱ ۲ – معاون آموزشی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی ۷۹-۱۳۷۳ ۳ – معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم تربیتی ۸۲-۱۳۷۹ ۴ – رئیس دوره دکتری مشترک آموزش عالی ۸۵-۱۳۸۴ ۵ – عضو شورای تحقیقات و برنامه ریزی آموزش عالی ۷۲-۱۳۶۹ ۶ – عضو شورای پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی ۸۲-۱۳۷۷ ۷ – مدیر دوره دکترای آموزش عالی ۸۵-۱۳۸۴ ۸ – نماینده دانشگاه شهید بهشتی در کمیته برنامه ریزی دوره دکترای آموزش عالی از ۱۳۷۹ ۹ – عضو شورای نظارت و ارزشیابی

دانشگاه شهید بهشتی ۸۰-۱۳۷۹ ۱۰ – عضو کمیته برنامه ریزی پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۳ ۱۱- عضو شورای پژوهشی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ۱۳۸۴فعالیتهای آموزشی : دکتر یمنی به درجه استاد یاری سال ۱۳۶۸، دانشیاری ۱۳۷۳ ،استادی ۱۳۸۰ در دانشگاه شهید بهشتی نائل آمد. وی تدریس در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید بهشتی و ایجاد کارگاههای آموزشی مختلف در این دانشگاه و دانشگاهای مختلف کشور و موسسات عالی آموزشیمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ۱ – عضو موسسین موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۲ – دوره کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه ریزی آموزش عالی در دانشگاه شهید بهشتی ۸۲-۱۳۷۹ مصوب شورای گسترش ۱۳۸۳ ۳ – عضو بانیان دوره دکتری مشترک آموزش عالی از سال ۱۳۸۰ مستقر در دانشگاه شهید بهشتی ۴ – عضو موسس انجمن آموزش عالی ایرانسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عضویت در هیئت تحریریه فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ۷۶-۱۳۷۲ عضویت در هیئت تحریریه فصلنامه پژوهشهای تربیتی ۸۰-۱۳۷۴ عضویت در هیئت تحریریه شماره ویژه فصلنامه تعلیم و تربیت زمستان ۱۳۷۸ عضویت در هیئت تحریریه دومین و سومین بهبود کیفیت آموزش عالی دانشگاه شهید بهشتی ۷۳-۱۳۷۲ عضویت د رهیئت تحریریه فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش معاونت برنامه ریزی توسعه مدیریت وزارت آموزش و پرورش ۱۳۸۳ و چندین طرح پژوهشی : ۱ – بررسی نظام آموزش فعلی دانشگاههای کشور و مقابسه آن با نظام آموزش واحدی ،موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ،همکاری، ۱۳۷۳ ۲ – بررسی وضعیت گذشته و موجود دانشگاه شهید بهشتی و ارائه یک چهار چوب نظری ،مجری، ۱۳۷۷ ۳ – بررسی وعیت موجود برناه ریزی توسعه دانشگاهی در دانشگاه های دولتی ، مجری، دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۱ ۴ – بررسی روشهای مناسب لحاظ کردن ارزشهای شهروندی در برنامه های درسی ، همکار، ۱۳۸۴ وزارت آموزش و پرورش و دانشگاه شهید بهشتی ۵ – بررسی کیفیت تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید بهشتی ، مجری، شهید بهشتی ۱۳۸۵ ۶ – بررسی نیازهای آموزش و پرورش عمومی (ابتدایی-راهنمایی) در کشور، مجری، ۱۳۸۵ وزارت آموزش و پرورش و دانشگا شهید بهشتیجوائز و نشانها : استاد نمونه دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۷ بیش از بیست مورد تشویق نامه از دانشگاهها و موسست عالی آموزش کشور و خارج کشورآثار : مقاله فارسی و ۱۴ مقاله خارجی چاپ شده در مجلات و فصلنامه های داخلی و خارجی ، آموزش و پرورش تطبیقی ویژگی اثر : ترجمه، نوشته لوتان کوی، ۱۳۷۵، انتشارات سمت، این کتاب شامل یک مقدمه که ابعاد نظری مطالعات تطبیقی در آموزش و پرورش را بیان میکند . بخش اول به موضوع آموزش و پرورش تطبیقی میپردازد و بخش دوم کتاب روشها و فنون آموزش و پرورش تطبیقی را بررسی میکند.۳ آموزش و پرورش: فرهنگ ها و جوامع ویژگی اثر : ترجمه، نوشته لوتان کوی، چاپ ۱۳۷۸ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. کتاب دارای دو بخش: بیان مساله و یک الگوی عمومی تحلیل میباشد و در کل دارای ۱۰ فصل میباشد و به پیچیدگی آموزش و پرورش در فرهنگ ها و جوامع مختلف میپردازد.۴ بب ۵ بررسی وضعیت گذشته و موجود دانشگاه بهشتی ۷۷-۱۳۷۳ ویژگی اثر : گزارش، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی۶ برسی وضعیت گذشته و موجود دانشگاه شهید بهشتی ویژگی اثر : تالیف، این بررسی برای سالهای ۱۳۷۳-۱۳۶۹ انجام گرفته و به تحلیل و ضعیت کمی و تغییراتی که در این خصوص در دانشگاه اتفاق افتاده است. میپردازد. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۲۷ برنامه ریزی آموزشی و توسعه منابع انسانی ویژگی اثر : ترجمه، نوشته هاربسون، انتشارات اولیه دفتر بین المللی برنامه ریزی آموزشی در پاریس سال ۱۳۷۰ توسط معاونت هماهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و انتشارات علمی و فرهنگی چاپ دوم ۱۳۸۲ دانشگاه شهید بهشتی، این کتاب دارای دو بخش اولویت ها و انتخاب در توسعه منابع انسانی و کاربرد تحلیل سیستم ها در برنامه ریزی توسعه منابع انسانی میباشد.۸ برنامه ریزی توسعه دانشگاهی: نظریه ها و تجاب ویژگی اثر : تالیف ، چاپ ۱۳۸۲، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. این کتاب حاصل پژوهش های نگارنده د رچند دانشگاه اروپاو کاناداست و برای نخستین بار موضوع برنامه ریزی توسعه دانشگاه را با رویکردی تطبیقی بررسی نموده و دارای سه بخش: روش شناسی پژوهش، برنامه ریزی توسعه دانشگاههی، بررسی وضعیت برنامه

ریزی توسعه دانشگاهی در چند کشور صنعتی پیشرفته.۹ تحلیل محتوا ویژگی اثر : ترجمه مشترک دکتر یمنی و دکتر علیه آشتیانی، نوشته لورنش باردن، چاپ ۱۳۷۵ انتشارات دانشگا هشهید بهشتی. این کتاب به تحلیل محتوا به عنوان یک روش کیفی در مقوله های مختلف میپردازد.۱۰ در آمدی به بررسی عملکرد سیستم های دانشگاهی ویژگی اثر : تالیف، چاپ ۱۳۸۰ انشارات دانشگاه شهید بهشتی. این کتاب در پی چند پژوهش به تقاضای دانشگاه نوشته شد و به اهمیت و چگونگی بررسی عملکرد سیستم های دانشگاهی میپردازد. فصول شش گانه کتاب کاربرد نگرش سیستمی در بررسی عملکرد دانشگاها عملکرد سیستم عالیدانشگاهی عملکرد نظام آموزش عالی در برنامه اول توسعه بررسی موردی دانشگاه شهید بهشتی برنامه ریزی توسعه دانشگاهی پایگاه اطلاعات بررسی شده است. در پیوست ارائه ۴۲ جدول برای شاخص های بررسی عملکرد سیستم های دانشگاهی ۱۱ راهنمای برنامه ریزی توسعه دانشگاهی ویژگی اثر : چاپ ۱۳۸۴ موسسه پژوهش و بنرامه ریزی آموزش عالی. این کتاب حاصل کارگاههای آموزش برنامه ریزی توسعه دانشگاهی است که در سال ۱۳۸۳ برای روسا و مدیران و دانشگاههای کشور طی ۱۲ کارگاه توسط نگارنده و همکاران برگزار شد . کتاب فوق که همراه با تمرین های مربوط به فعالیت های علمی شرکت کننده کاه در کارگاه ها میباشد.۱۲ نظریه سیستم ها ویژگی اثر : ترجمه، این کتاب از مجموعه چه میدانم انتشارات دانشگاهی فرانسه (puf) نوشته دانیل دوران ،چاپ اول ۱۳۷۱ دوم ۱۳۷۶، این کتاب درآمدی است برای مطالعات بیشتر در زمینه رویکرد سیستمی و از ابعاد مختلف این رویکرد را بررسی کرده است.۱۳ هفت دانش ضروری برای آموزش و پرورش آینده ویژگی اثر : ترجمه، نوشته ادگار مورن، چاپ ۱۳۸۳ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. این کتاب شامل هفت فصل : محدودیت های شتناخت، اصول شناخت شایسته، آموزش وضعیت انسانی، آوزش هویت انسانی، مقابله با عدم قطعیت ها، آموزش تفاهم ، اخلاق نوع بشر.

یوسفیان، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: علامه طباطبائی

گروه هنر

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

تاریخ

ابن ابی‌الخیر، ابوالعباس معین‌الدین احمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۵۸ -۶۷۰ ق)، نویسنده و مورخ. پدرش شیخ‌الاسلام شهاب‌الدین از دانشمندان و مؤلفان قرن هفتم و هشتم هجری و برادرش محمود زرکوب از علمای زمان خویش بود وی علوم ادبی و شرعی را نزد استاد دانش، محمدصفی کرمانی، ابراهیم زنجانی، عبدالرحمن علی بزغش، نورالدین محمد خراسانی و امین محمد فراگرفت و از عبدالرحمن علی بزغش اجازه‌ی اجتهاد گرفت سپس

سر تعظیم بر آستان شیخ امین‌الدین بلیانی سود. در طریقت پیرو پدران بزرگوارش شد و از شیخ صدرالدین و شیخ قطب‌الدین نامقی جامی اخذ روش در سیر و سلوک کرد و خرقه از شیخ فخرالدین و دائی خویش حاج رکن‌الدین منصور بن مظفر پوشید. وی حدود ۹۰ سال زیست و سال وفاتش را به اختلاف بین ۷۴۵ تا ۷۵۸ ق آورده‌اند. آثار وی: «شیراز نامه»، که به سبک بغداد نامه نوشته است؛ «کامل التواریخ» یا «عمدهٔ التواریخ» در متن «شیراز نامه» بدان اشاره شده اما نایاب است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰۷ -۱۳۰۴ /۳)، تذکره‌ی هزار مزار (۳۵۹ -۳۵۸)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۰۲ /۱)، شیرازنامه (مقدمه).

ابن ابی‌ثلج کاتب، ابوبکر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۲۳۸ /۲۳۷- وف ۳۲۵ -۳۲۲ ق)، محدث و مورخ امامی. اصل وی از ری بود. در زمان غیبت صغری از محدثان برجسته‌ی مورد اعتماد بود. نزد محمد بن جریر طبری درس خواند، و از جدش، محمد بن عبداللّه، حدیث شنید. ابوالحسن دارقطنی و ابوحفص بن شاهین و ابومحمد هارون بن موسی تلعکبری و ابوالمفضل شیبانی از او روایت کرده‌اند. به گفته ابن‌ندیم موافق مذهب عامه و خاصه رفتار می‌کرد اما بیشتر تشیع می‌ورزید. از آثار وی: «اخبار فاطمه والحسن والحسین علیهم‌السلام»؛ «اخبار النساء الممدوحات»؛ «تاریخ الائمهٔ علیهم‌السلام»؛ «تفسیر قرآن»؛ «التنزیل او ما نزل من القرآن فی امیرالمؤمنین علیه‌السلام»؛ «البشری والزلفی فی فضائل الشیعهٔ»؛ «کتاب من قال بالتفضیل من الصحابه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۰۱ /۹)، تاریخ بغداد (۳۳۸ /۱)، الذریعه (۲۴۰ /۴، ۲۱۸ /۳، ۳۴۳ /۱)، رجال الطوسی (۵۰۲)، رجال النجاشی (۳۰۰ -۲۹۹ /۲)، ریحانه (۳۲۹ -۳۲۸ /۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۴ /۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۴۲۳)، الفهرست للطوسی (۲۷۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن ابی‌ثلج)، معجم رجال الحدیث (۳۱۴ -۳۱۳ /۱۴)، معجم المؤلفین (۹ /۹).

ابن ابی‌طاهر مروزی، ابوالفضل احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۸۰ -۲۰۴ ق)، ادیب و مورخ. از فرزندان خراسان بود که در بغداد به دنیا آمد. در ابتدا آموزگار نوجوانان بود. پس از چندی به بازار کتابفروشان راه یافت و به استنساخ کتب پرداخت و از این رهگذر با بسیاری از عالمان و ادیبان بغداد آشنا شد. وی از عمر بن شبه و احمد بن هیثم سامی و عبداللّه وراق حدیث روایت کرده، و از وی فرزندش، عبیداللّه، و محمد بن خلف مرزبان نقل حدیث کرده‌اند. شهرت عمده‌ی وی برای نگارش «تاریخ بغداد» است. از او در حدود پنجاه اثر به جای مانده که از آن جمله: «تاریخ بغداد»، که جلد ششم آن چاپ شده؛ «المنثور والمنظوم»، در ۱۴ جزء که فقط دو جزء آن باقی مانده که یکی از این دو به نام «بلاغات النساء» است که مجموعه‌ای از خطبه‌ها، گفته‌ها و شعرهای زنان عهد اسلامی است و دومین خطبه این کتاب گفتار آتشین

حضرت زهرا (ع) پیرامون دفاع از حریم ولایت و بازگرداندن فدک است. از دیگر آثارش: «سرقات الشعراء»؛ «کتاب المؤلفین»؛ «اخبار بشار بن برد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۳۸ /۱)، تاریخ بغداد (۲۱۲ -۲۱۱ /۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۰۳ -۴۰۱ /۲)، کشف الظنون (۲۸۸)، مروج الذهب، ترجمه (۶۶۵ /۲)، هدیهٔ العارفین (۵۲ -۵۱ /۱).

ابن اسفندیار، بهاءالدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۶۱۳ ق)، مورخ. از مردم طبرستان بود. و از وابستگان دربار آل‌باوند، خاصه حسام‌الدوله اردشیر بن حسن بازگشت به موطن خویش از قتل رستم بن اردشیر (۶۰۶ ق) پسر و جانشین حامی خویش، مطلع شد. در ری ماند و کتاب «تاریخ طبرستان» ابوالحسن یزدادی را، برای ترجمه و بسط، با افزودن تاریخ سلاطین آل‌باوند در دست گرفت. به درخواست پدر به آمل رفت، ولی به سبب ناآرامی اوضاع به خوارزم سفر کرد. در آنجا ترجمه‌ی ابن‌مقفع از «نامه‌ی تنسر» را، که از قطعات مهم ادبی پهلوی است، یافت و آن را ترجمه کرد و به کتاب تاریخ خود افزود. «تاریخ طبرستان» که تنها اثر شناخته شده‌ی ابن‌اسفندیار محسوب می‌شود، علاوه بر اشتمال اطلاعات جغرافیایی و تاریخی معتبر، در بر گیرنده‌ی شرح حال مشاهیر و شاعرانی است که اشعاری به لهجه‌ی طبری سروده‌اند که این نیز بر اهمیت کتاب می‌افزاید.[۱]

محمد بن حسن بن اسفندیار مورخ ایرانی اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری. از شرح زندگانی وی اطلاعی در دست نیست جز همانکه خود در مقدمه تاریخ طبرستان نگاشته. او در سال ۶۰۶ ه.ق. هنگامی که رستم بن اردشیر فرنانفرمای طبرستان کشته شد در بغداد بود و چون این خبر بشنید از بغداد به عراق عجم بازگشت. و دو سال برای تکمیل مواد کتاب خود در ری به سر برد و پس از آن به خوارزم رفت و مدارکی در دکان کتابفروشی یافت که نامه تنسر (ه.م.) به گشنسب شاه فرمانفرمای طبرستان هم در میان آنها بود. تاریخ طبرستان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ایران در زمان ساسانیان (۳۵ -۳۴)، تاریخ در ایران (۱۰ -۹)، تاریخ نظم و نثر (۱۳۶)، تاریخنگاران ایران (۲۳۶ /۱)، چهار مقاله (مقدمه/ چهار)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵ -۱۴ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۱۶ -۴۱۵ /۳)، گنج و گنجینه (۲۶۷ -۲۶۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌اسفندیار).

ابن بلخی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مورخ ایرانی قرن پنجم معاصر محمد بن ملک شاه سلجوقی است، و او به زمان سلطان محمد مستوفی فارس بود. کتاب «فارسنامه» از تألیفات اوست.

(ز ح ۵۱۱ ق)، مورّخ. در شیراز متولد شد. در دستگاه سلجوقی کار را شروع کرد و همراه رکن‌الدوله خمارتگین به شیراز رفت و در دستگاه وی عهده‌دار دیوان استیفا شد. اث معروفش «فارسنامه» است که جزو منابع معتبر تاریخی و جغرافیایی ایران در عهد سلجوقی به شمار می‌رود. تاریخ تألیفات کتاب مشخص نیست، ولی باید قبل از وفات سلطان محمد سلجوقی (۵۱۱ ق) تمام شده باشد، چون مقدمه آن به نام اوست.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۹۲۷ -۹۲۶ / ۲)، دایرةالمعارف فارسی (۱۸۲۳ / ۲)، کشف الظنون (۱۲۱۵).

ابن بی‌بی، ناصرالدین، یحیی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصرالدین یحیی بن مجدالدین محمد ترجمان نویسنده و مورخ ایرانی قرن هفتم. مادرش بی‌بی به کار زجر و فال اشتغال داشت و پدرش در دربار سلاجقه آسیای صغیر دبیر و مترجم بود و چند بار به سفارت به دربار پادشاهان رفته. از احوال او چیزی در دست نیست. کتابی به نام «الاوامر العلائیة فی امور العلائیة» که در تاریخ سلاجقه آسیای علاءالدین کیقباد را به تفصیل شرح داده و کتاب را به علاءالدین عطا ملک جوینی اهدا کرده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن مردویه‌ی اصفهانی، ابوبکر احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۱۰ -۳۲۳ ق)، محدث، حافظ، مفسر و مورخ. از ابوسهل بن زیاد قطان، ابن‌اسحاق خراسانی، محمد اسواری، احمد بندار و دیگران حدیث شنید. ابوالقاسم عبدالرحمان بن منده، ابوبکر مستملی عطار و ابن‌شکرویه و برخی دیگر از وی روایت شنیدند. در «معجم البلدان» و «الکنی والالقاب» و «هدیة الاحباب» سال وفات او ۳۵۲ ق ذکر شده است. از آثار وی: «المستخرج علی صحیح البخاری»؛ «التاریخ»، درباره‌ی تاریخ اصفهان؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر الکبیر»، معروف به «تفسیر ابن‌مردویه»؛ «الامالی»، در سیصد مجلس.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۶ /۱)، ریحانه (۲۰۰ /۸)، سیر النبلاء (۳۱۱ -۳۰۸ /۱۷)، کشف الظنون (۴۳۹)، الکنی والالقاب (۴۰۶ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم البلدان (۲۱۶ /۱)، معجم المؤلفین (۱۹۰ /۲)، الوافی بالوفیات (۲۰۱ /۸)، هدیة الاحباب (۸۷)، هدیة العارفین (۷۲ -۷۱ /۱).

ابن مسکویه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب بن مسکویه خازن رازی اصفهانی.

حکیم و فیلسوف و مورخ عالی قدر شیعی مذهب گویند: در اول مجوسی بوده و سپس مسلمان و شیعی گردیده و ظاهراً این مطلب خالی از اعتبار است زیرا نام پدر و جدش مخالف این عقیده است. در زمان جوانی بخدمت ابن عمید رسیده. ابوحیان توحیدی درباره او عقیده خوبی ندارد و وی را به بخل زیاد و حرص شدید در جمع مال و طلب کیمیا سخت نکوهش می کند. وی خازن «کتابدار» فخرالدوله دیلمی بوده و بدین جهت به خازن شهرت یافته.

در کتاب دانشوران خراسان (:۱۵۹) و دیگر کتب نوشته‌اند که سلطان محمود، غزنوی خواجه ابوالفضل حسین بن علی میکال را نزد مأمون خوازمشاه گسیل داشته و این دانشمندان که در دربار او بودند را طلب کرد: شیخ الرئیس ابوعلی سینا – ابوریحان بیرونی – ابوسهل مسیحی، ابوعلی مسکویه، ابن خمار و ابو نصرعراق. سه نفر از اینان نزد سلطان محمود رفتند، و سه نفر دیگر یعنی: ابن سینا و ابن مسکویه و ابوسهل خدمت سلطان محمود را نپذیرفته و به سمت گرگان حرکت کردند و ابوسهل در راه از تشنگی بمرد (سال ۴۰۱ ه.ق) و آن دو به سختی جان بدر بردند.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- آداب العرب و الفرس، در اخلاق ۲- احوال الحکماء ۳- تجارب الامم، در تاریخ مشهورترین تألیفات او ۴- ترتیب السعادات، در اخلاق ۵- تفضیل النشأتین ۶- طهارهٔ الاعراق؛ معروفترین کتاب در اخلاق.

مجموعه تألیفاتش متجاوز از بیست و هشت مجلد می‌شود.

صاحب عنوان در ۹ صفر سال ۴۲۱ در اصفهان وفات یافته در محله خواجو مدفون گردید و محل قبرش ظاهراً حدود امام زاده باقر فعلی می‌باشد.

قمی در الکنی و الالقاب گوید: قبره علی باب (درب جناد) فی اصفهان. و درب جناد تصحیف شده حسن آباد است، و مراد دروازه حسن آباد است که در اصفهان معروف است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن‌بابا کاشانی، ابوالعباس، احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۰۱ ق)، مورّخ. از زندگانی وی چیزی در دست، اما از نسبت کاشانی چنین برمی‌آید که از مردم کاشان بوده است. گویا در اواخر زندگی به مرو رفت و سرانجام در همان شهر نیز درگذشت. وی در تاریخ و ادب دانش فراوانی داشت و چندین کتاب در این زمینه‌ها تألیف کرده بود که از آنها تنها کتاب «رأس مال الندیم» باقی مانده است، مؤلف این کتاب را در ۵۰۱ ق به پایان برده و آن را به امیر ناشناخته‌ای به نام سعدالملک، ابوالفتوح محمد بن بهرام بن علی که شاید از وابستگان دربار سنجر بن ملکشاه سلجوقی بوده هدیه کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ غزنویان (۴۳۹ –۴۳۷، ۲۸۸)، معجم البلدان (۴/ ۳۳۶).

ابن‌بوذی شیرازی، ابوالقاسم هبهٔ اللّه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۶ /۴۸۵ ق)، حافظ، محدث و مورّخ. اهل شیراز بود. به دنبال حدیث به شرق و غرب سفر کرد و در خراسان، عراق، مکه، مدینه، یمن، مصر، شام، جزیره، قومس، فارس، خوزستان، جبال، سرحدات و سواحل، از ابوبکر محمد بن حسن شیرازی و احمد بن فضل باطِرقانی و ابوجعفر بن مُسْلِمهٔ و اقران آنها حدیث شنید. نصر مقدسی و هبهٔ اللّه بن طاووس و ابونصر یونارتی از وی روایت کرده‌اند. سمعانی گوید از محضر او بهره بسیار می‌بردند. در ۳۵۰ ق وارد بغداد شد و در اواخر عمر ساکن مرو شد و در همان جا درگذشت. اثر وی: «تاریخ شیراز».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۱ /۹)، سیر النبلاء (۱۹ -۱۷ /۱۹)، الکامل (۱۶۶ /۸)، کشف الظنون (۲۹۶)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۴۸ -۲۴۶)، معجم المؤلفین (۱۴۱ /۱۳).

ابن‌بی‌بی جعفری رُغَدی، امیر ناصرالدین حسین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۸۴ ق)، ادیب و مورخ. معروف به ابن‌بی‌بی منجمّه. پدرش مجدالدین محمد ترجمان از مردم گرگان، مدتها منشی دستگاه جلال‌الدین خوارزمشاه و سمنانی، رییس شافعیان نیشابور بود و چون به اخترگویی می‌پرداخت به بی‌بی منجّمه شهرت داشت. ابن‌بی‌بی از طریق پدر وارد دستگاه سلجوقیان گردید. در روزگار جانشینان علاءالدین کیقباد فرمان‌نویس و مهردار پادشاه بود. تنها اثر بازمانده او کتاب «الاوامر العلانیه فی الامور العلائیه» است مشهور به «تاریخ ابن‌بی‌بی»، درباره‌ی تاریخ سلاجقه‌ی روم که وقایع میان سالهای ۵۸۸ و ۶۷۹ ق را در بر می‌گیرد. مؤلف این کتاب را پس از استیلای مغولان بر آسیا، به علاءالدین عَطاء مَلکِ جوینی اهدا کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۱۷ -۱۲۱۳ /۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۵۶ -۴۵۵ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌بی‌بی).

ابن‌جراح بغدادی، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۳۴ -۲۴۵ ق)، ادیب، نویسنده، محدث، مفسر و مورخ. از خاندانی ایرانی‌تبار بود. از احمد بن بُدیل قاضی و حسن بن محمد زعفرانی و دیگران حدیث شنید. فرزندش عیسی و ابوالقاسم طبرانی و ابوطاهر ذهلی از او حدیث روایت کرده‌اند. وی وزیر مقتدر و

قاهر عباسی بود که امور مالی دولت را سامان داد. مدتی خلیفه او را برکنار کرد و به زندان انداخت و پس از آزادی به ریاست دیوانها منصوب شد. در ۳۱۱ ق او را به مکه، سپس به صنعا تبعید کرد. در ۳۱۲ ق بخشوده و ریاست دیوان اشراف مصر و شام به او سپرده شد. پس از آن در ۳۱۵ ق مجدداً به وزارت رسید، ولی باز بر اثر حسد درباریان خشم خلیفه بر وی نازل شد و او را دستگیر و زندانی کردند. ابن‌جراح از وزرای ایرانی دربار خلفای عباسی بود، که زندگی پر فراز و نشیبی را گذراند، اما در پایان زندگی، در بغداد، محتشم زیست. او را به نیک رفتاری و نیک خلقی ستوده‌اند. هارولدباون خاورشناس انگلیسی کتابی درباره‌ی زندگی وی به نام «زندگی علی بن عیسی و عصر او» به انگلیسی نوشته است. از آثارش: «دیوان رسائل»؛ «معانی القرآن» و تفسیر آن که با همکاری ابوالحسن واسطی و ابن‌مجاهد مقری تألیف شد، «جامع الدعاء»؛ «کتاب الکتّاب و سیاسهٔ المملکهٔ و سیرهٔ الخلفاء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الوزراء (۱۳۱ -۱۲۶) الاعلام (۱۳۳ /۵)، تاریخ بغداد (۱۶ -۱۴ /۱۲)، روضات الجنات (۲۰۷ -۲۰۶ /۵)، سیر النبلاء (۳۰۱ -۲۹۸ /۱۵)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۱۲ -۲۱۱، ۶۰)، معجم الادباء (۷۳ -۶۸ /۱۴)، معجم المؤلفین (۱۶۲ -۱۶۱ /۷).

ابن‌جنید رازی، ابوالحسین محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۷ ق)، حافظ، محدث شافعی و مورّخ. در ابتدا معروف به ابن‌رستاقی و یا ابورستاق بود. از مردم ری بود. در خراسان، عراق، شام و مکه حدیث شنید و در دمشق مسکن گزید و به محدث شام معروف شد. اولین استاد وی محمد بن ایوب بن ضُرَیس بود و ابن‌جنید از او و محمد بن حفص مِهْرِقانی و حسن بن سفیان و ابراهیم بن یوسف هِسِنجانی و فِریابی و بسیاری دیگر حدیث شنید. پسرش، تمّام رازی، و عقیل بن عَبدان و ابوالحسن بن جَهْضَم از او روایت کرده‌اند. در دمشق از دنیا رفت. از آثار وی: «مناقب الامام الشافعی»، در احوال و اخبار شافعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ری باستان (۳۷ /۲)، سیر النبلاء (۱۸ -۱۷ /۱۶)، کشف الظنون (۱۸۳۹)، معجم المؤلفین (۲۰۷ /۱۰)، هدیهٔ العارفین (۴۳ /۲).

ابن‌حِبّان تَمیمی بُستی، ابوحاتم محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۳۵۴ -۲۷۰ ق)، محدّث، مورخ و فقیه شافعی. در خانواده‌ای عرب‌تبار در بُست، بین سجستان و هرات، متولد شد. در خراسان، عراق، شام، حجاز، و مصر حدیث شنید، و استادان بسیاری دید، ولی از ابن‌خزیمه بیشترین تأثیر را پذیرفت. در بازگشت به زادگاهش با حنبلیان به ستیزه پرداخت و به علت نگرش مخالفی که در توحید و نبوت داشت به زندقه متهم شد؛ لذا به سمرقند رفت و در آنجا به واسطه احاطه به حدیث و فقه، منصب قضاوت را به وی سپردند. در سفر به نیشابور خانقاهی در آنجا ساخت. در ۳۴۰

ق به زادگاهش بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند. ابوحاتم خانه و کتابخانه خود را وقف دانش پژوهان کرد. از آثار وی: «المُسند الصحیح»، در حدیث که برخی آن را از «سنن ابن‌ماجه» صحیح‌تر می‌دانند؛ «روضهٔ العقلاء»، در ادبیات؛ کتاب«الانواع والتقاسیم» یا «التقاسیم والانواع»، در حدیث؛ «معرفهٔ المجروحین من المحدثین»؛ «وصف العلوم و انواعها»؛ «علل اوهام اصحاب التواریخ»؛ «تاریخ ابن‌حبان»؛ کتاب «الثقات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۷ -۳۰۶ /۶)، تاریخ اسلام (حوادث ۱۱۴ -۱۱۲ / ۳۸۰ -۳۵۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۸۹ -۴۸۸ /۳)، دائرةالمعارف البستانی (۴۳۹ /۱)، ریحانه (۴۶۴ -۴۶۳ /۷)، سیر النبلاء (۱۰۴ -۹۲ /۱۶)، کشف الظنون (۱۴۰۰، ۱۰۸۷، ۱۰۷۵، ۵۲۲ - ۵۲۱، ۴۶۳، ۲۷۷)، لسان المیزان (۹ /۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌حبان)، معجم البلدان (۴۹۸ -۴۹۳ /۱)، معجم المؤلفین (۱۷۴ -۱۷۳ /۹)، نامه‌ی دانشوران (۳۷۵ -۳۷۱ /۲)، الوافی بالوفیات (۳۱۸ -۳۱۷ /۲)، هدیهٔ العارفین (۴۵ -۴۴ /۲).

ابن‌حبیب نیشابوری، ابوالقاسم حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۶ ق)، مفسر، قاری، واعظ، مورخ، ادیب و نحوی. از اصم و ابوالحسن کارزی و ابوحاتم بن حِبّان و ابوزکریا عنبری حدیث شنید. ابوالقاسم ثعلبی از خواص شاگردان وی بود. نخست مذهب کرامی داشت، اما بعدها به مذهب شافعی گروید. در علوم و معانی قراآت مختلف امام عصر خود بود و در نیشابور سرچشمه علم به حساب می‌آمد. وی در آنجا به تدریس مشغول بود و گروه فراوانی از مجلس درس او بهره‌مند گردیدند. ابوبکر حیری واعظ و محمد فرغانی و حسین سکّاکی از وی روایت کرده‌اند. ابن‌حبیب در مغازی، قصص و سیر نیز پیشگام بود. از آثار وی: «تفسیر النیسابوری‌القدیم» یا «تفسیر قرآن مجید»؛ «عقلاء المجانین». از وی آثاری در آداب و مواعظ و نیز اشعاری پراکنده بر جای ماند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۷۸ /۶)، سیر النبلاء (۲۳۸ -۲۳۷ /۱۷)، کشف الظنون (۴۶۰)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن)، معجم المؤلفین (۲۷۸ /۳)، الوافی بالوفیات (۲۴۰ -۲۳۹ /۱۲)، هدیهٔ العارفین (۲۷۴ /۱).

ابن‌حمّویه جوینی سرخسی، تاج‌الدین، ابومحمد عبدالله

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۴۲ -۵۷۳ /۵۷۲ -۵۶۶ ق)، مورخ، ریاضیدان، پزشک، محدث و فقیه شافعی. اصل وی از خراسان بود و در دمشق به دنیا آمد. در ۵۹۳ ق به مغرب رفت و به منصور یعقوب بن یوسف، سومین فرمانروای موحدی پیوست. و تا ۶۰۰ ق در آنجا ماند آنگاه از راه مصر به دمشق بازگشت. از ابومحمد بن عبدالله بن سلیمان بن حوط اللّه انصاری و ابوالقاسم بن عساکر حدیث شنید منذری و زین‌الدین فارقی از وی روایت کردند. وی در دمشق فوت کرد. از آثار: «المسالک والممالک»؛ «السیاسهٔ الملوکیه»؛ «المونس فی اصول الاشیاء»، در هشت مجلد؛ «الامالی»؛ «رحلهٔ المغربیهٔ» یا «رحلهٔ الی المغرب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۸ /۴)، ایضاح المکنون (۴۷۳، ۱۰۲، ۳۲ /۲، ۵۵ /۱)، دائرةالمعارف البستانی (۴۴۹ -۴۴۸ /۱)، سیر النبلاء (۹۷ -۹۶ /۲۳)، معجم المؤلفین (۹۶ /۶)، هدیة العارفین (۴۶۱ /۱).

ابن‌خُرداذْبِه، ابوالقاسم عبیداللّه

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۳۰۰ /۲۸۰ -۲۰۵ ق)، مورخ، جغرافیدان و موسیقیدان. پدربزرگ وی زرتشتی بود و به دست برامکه اسلام آورد. به روایتی پدرش در خلافت مأمون حاکم طبرستان بود و خود او نیز ظاهراً در خراسان به دنیا آمد. گفته‌اند که برای کسب علم شوق وافر داشت و هنر و ادب را به خوبی فراگرفت. وی در موسیقی نیز دست داشت و آن را نزد اسحاق موصلی فراگرفت. نخست چندی در ولایت جبال مأمور پست و خبر بود و سپس با حفظ سمت به بغداد و سامرا رفت و در دربار معتمد، خلیفه‌ی عباسی، از مقربین گشت. فهرستی از آثار او را ابن‌ندیم در کتاب خود آورده که اکثر آنها مفقود شده است. مهم‌ترین اثر وی «المسالک والممالک» یا «تاریخ ابن‌خرداذبه» است که به زبان فرانسه نیز ترجمه و چاپ شده است و مشتمل بر اطلاعاتی درباره‌ی راهها و شهرها می‌باشد. این کتاب مورد استفاده‌ی جغرافی‌نویسان پس از او از قبیل: ابن‌فقیه، مقدسی، ابن‌حوقل و جیهانی قرار گرفته است، ولی درباره‌ی ارزش علمی این کتاب نویسندگان قدیم عرب و خاورشناسان جدید آراء متضاد ارائه کرده‌اند؛ از دیگر آثار او: «کتاب اللهو و الملاهی»، درباره‌ی موسیقی و موسیقیدانان؛ «کتاب جمهرة انساب الفرس والنواقل»، درباره‌ی طایفه‌ی ایرانیان و اقوام جابه جا شده؛ «کتاب التاریخ»، که مسعودی آن را بهترین و کامل‌ترین تألیف در نوع خود دانسته است؛ «الندماء والجلساء»؛ «ادب السماع».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :استادان موسیقی (۲۹ -۲۸)، الاعلام (۳۴۳ /۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۰ -۳۴۹ /۱)، تاریخ گزیده (۶۹۷)، تاریخ موسیقی (۵۵۷ /۲، ۱۳۱، ۷۳، ۵۸ /۱)، تاریخ هنرهای ملی (۷۲۷ /۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۲۹ -۵۲۸ /۴)، دائرةالمعارف البستانی (۴۵۷ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱۸ /۱)، ذیل تاریخ بغداد (۱۳ -۱۱ /۱۷)، ریحانه (۴۹۸ -۴۹۷ /۷)، سرآمدان فرهنگ (۳۹ /۱)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۴۵)، کارنامه بزرگان (۳۱ -۳۰)، کشف الظنون (۱۶۶۵، ۲۷۸)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌خرداذبه)، معجم المؤلفین (۲۳۶ /۶)، هدیة العارفین (۶۴۵ /۱).

ابن‌سمقه، محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۶۹ ق)، مورّخ. وی از تاریخنگاران محلی است که درباره خوارزم تاریخ مفردی به نام «اخبار الخوارزم» نگاشته است حاجی خلیفه از صاحب ترجمه به نام ابواحمد محمد بن سعید بن قاضی یاد کرده و از اثر وی تحت عنوان «الکافی من تواریخ الخوارزم» و تاریخ وفات وی را ۳۴۶ ق ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹ /۷)، کشف الظنون (۲۹۳)، الوافی بالوفیات (۱۰۵ -۱۰۴ /۳).

ابن‌سمنانی، ابوالقاسم علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۹۹ ق)، مورّخ و فقیه حنفی. در رحبه، نزدیک حلب، متولـد شد. در فقه و تاریخ کتبی نگاشت. از آثار وی: «روضهٔ القضاهٔ و طریق النجاهٔ» در آداب قضا؛ «العروهٔ الوثقی»، در شروط.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۱۴۹ -۱۴۸ /۵)، ایضـاح المکنون (۹۹ /۲ ،۵۹۶ /۱)، کشـف الظنون (۱۱۳۳)، معجم المـؤلفین (۱۸۰ /۷)، هدیهٔ العارفین (۶۹۴ /۱).

ابن‌سیّار مروزی، ابوالحسن احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۶۸ -۱۹۸ ق)، فقیه، محـدث شافعی و مورّخ. در مرو متولـد شـد. برای اسـتماع حـدیث بسیار سـفر کرد و از اسـحاق بن راهویه و عَبدان بن عثمان مروزی و عفان بن مسـلم و از همطبقه آنان در خراسان و عراق و حجاز و شام و مصر حدیث شنید. ابن‌سیار در علم و پارسـایی بلنـد آوازه بود و در روزگار خود با ابن‌مبارک مقایسه می‌شـد و در میان معاصـران خود حرمت و احترام فراوانی داشت. نسـایی در «صـحیح» خود و نیز محمـد بن اسـماعیل بخاری و محمـد بن نصـر مروزی و ابن‌خُزیمه و محمـد بن عقیل بلخی و حاجب طوسـی و دیگر خراسانیان از وی روایت کرده‌اند. رجال‌شـناسان او را ثقه توصیف کرده‌اند. وی یکی از کسانی است که فقه شافعی را در خراسان پراکنده کرد. از آثار وی: کتابی در «اخبار مرو» یا «تاریخ مرو»؛ «فتوح خراسان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الجرح والتعدیل (ج ۱، ق ۵۳ /۱)، تاریخ بغداد (۱۸۹ -۱۸۷ /۴)، تهذیب التهذیب (۳۴ -۳۳ /۱)، سیر النبلاء (۶۱۱ - ۶۰۹ /۱۲)، کشف الظنون (۳۰۳)، معجم المؤلفین (۲۴۱ /۱).

ابن‌شهاب یزدی، حسن

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۵۵ ق)، مورخ و شاعر. از مردم یزد بود و «منظومه‌ای» در تاریخ سـلجوقیان سرود و آن را به سلطان محمد بن بایسنقر بن شاهرخ از شاهزادگان تیموری اهـدا کرد. کتاب دیگر وی «جامع التواریخ حسـنی» نام دارد که آن را نیز به نام سـلطان محمد بن بایسـنقر در ۸۵۵ ق تألیف کرده است. ابن‌شهاب در «جامع التواریخ» اطلاعات مفیدی درباره‌ی عصر حافظ نقل کرده و در موارد متعدد به اشعار

خواجه‌حافظ تمثل جسته است. نسخه‌ای از آن کتاب به تاریخ ۸۸۰ ق در کتابخانه‌ی ملی موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ عصر حافظ (مقدمه: مو- مز، ۱۲۴، ۱۲۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۹)، الذریعه (۴۷ -۴۶ /۵)، ریحانه (۵۸ /۸).

ابن‌طبری مروزی، ابوحامد احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۷ /۳۷۶ ق)، قاضی، حافظ، محدث و مورّخ حنفی. اصل پدر وی از همدان بود و خود از مردم طبرستان. در جوانی وارد بغداد شد و نزد ابوالحسن علی کرخی فقه حنفی را فراگرفت. وی از احمد بن خضر مروزی، احمد بن محمد بن عمر منکدری، محمد بن عبدالرحمان دغولی، احمد بن محمد بن حارث عبدالکریم و محمد بن رزام مروزی حدیث شنید. ابوبکر برقانی و قاضی ابوالعلای واسطی و محمد بن حسین بن احمد بن بکیر و محمد بن مؤمل انباری و احمد بن محمد عتیقی از وی روایت کرده‌اند. وی مدتی عهده‌دار منصب قاضی‌القضاتی خراسان بود. او سرانجام در بخارا یا مرو درگذشت. از آثار وی: کتاب «التاریخ» که با صفت بدیع توصیف شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۲ -۱۱۱ /۱)، تاریخ بغداد (۱۰۸ -۱۰۷ /۴)، معجم المؤلفین (۲۰۷ /۱).

ابن‌طیفور، ابوالحسن، ابوالحسین عبیداللّه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۱۳ ق)، ادیب و مورخ. اصل وی از مرورود خراسان بود. در بغداد متولد شد. او همچون پدر به تاریخ‌نگاری روی آورد و بر کتاب تاریخ بغداد پدرش که درباره‌ی اخبار بغداد و شرح حال پادشاهان و حوادث مربوط به آنان بود ذیلی به نام «تتمه کتاب اخبار بغداد» نوشت و تاریخ روزگار معتمد تا نیمه‌ی خلافت مقتدر را بر آن افزود. از دیگر آثار وی: «المستظرفات والمستظرفین»؛ «کتاب السکباج و فضائلها».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۳ /۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۰۲ /۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۴۳)، معجم المؤلفین (۲۳۶ /۶)، هدیة العارفین (۶۴۶ /۱).

ابن‌عربشاه، شهاب‌الدین، ابومحمد، ابوالعباس احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۵۴ -۷۹۱ ق)، مورخ، ادیب، لغوی، فقیه و محدث حنفی. معروف به عربی و گاهی به عجمی. در دمشق متولد شد و همان جا نشو و نما کرد. در لشکرکشی تیمور، در ۸۰۳ ق به همراه او به سمرقند انتقال یافت و نزد جرجانی، جزری و بسیاری دیگر، به تحصیل علم پرداخت و زبانهای فارسی، ترکی و مغولی را فراگرفت. در مغولستان، نزد شِیّرامی حدیث آموخت. از سفرهایی به خوارزم، کریمه و ادرنه داشت و در ادرنه معتمد سلطان عثمان محمد اول شد و برای او کتابهای بسیاری به ترکی ترجمه کرد و به عنوان کاتب السر مسؤول نامه‌نگاریهای سلان به زبانهای عربی، ترکی، فارسی و مغولی شد. در ۸۲۴ ق به حلب و سال بعد به دمشق رفت و نزد دوست خود، ابوعبداللّه محمد بخاری به تحصیل حدیث پرداخت. درطی سفر حج در قاهره با ابوالمحاسن ابن‌تغری بردی و دیگران روابط دوستی ایجاد کرد. سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «عجائب المقدور فی نوائب (اخبار) تیمور»؛ «فاکهۀ الخلفاء و مفاکهۀ الظرفاء» که تقلیدی است از «مرزبان‌نامه»؛ «الترجمان المترجم بمنتهی الارب فی لغۀ الترک والعجم»؛ «برهان الفارض بقول المعارض»؛ «العقد الفرید فی علم التوحید»؛ «عنقود النصیحۀ»؛ «غرۀ السیر فی دول الترک والتتر»؛ ترجمه «جامع الحکایات»؛ «مرآت الادب فی المعانی والبیان».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۸ /۱)، ایضاح المکنون (۲۲۸ /۲، ۱۷۸ /۱)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۶۳۵)، دائرۀالمعارف اسلامیه (۲۳۱ -۲۳۰ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۰۷ -۷۰۶ /۵)، الذریعه (۲۲۰ /۱۵)، ریحانه (۱۱۱ -۱۱۰ /۸)، کشف الظنون (۱۶۴۶ ، ۱۲۱۶ ،۱۱۹۸ ،۱۱۷۴ ،۱۱۵۲ ،۱۱۲۸ ،۷۱۴ ،۳۹۷)، الکنی والالقاب (۳۵۵ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۱۲۲ /۲)، هدیۀ العارفین (۱۳۰ /۱).

ابن‌فوطی، کمال‌الدین، ابوالفضل

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۲۳ -۶۴۲ ق)، محدث، مورخ، متکلم، حکیم، شاعر و منجم. نیاکانش از مردم مروروود خراسان بودند. در چهارده سالگی مغولان او را در بند کردند و نزدیک دو سال در بند بود. در زمان آخرین خلیفه‌ی عباسی در بغداد شغل دیوانی داشت. ابن‌فوطی در منطق، حکمت و خوشنویسی استاد بود و به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود. پس از فتح بغداد، به خدمت خواجه نصیرالدین طوسی رفت و در محضر او علوم پایه را آموخت، و در رصدخانه‌ی مراغه مشغول کار شد. در ۶۷۹ ق به بغداد بازگشت و از علی بن ساعی بغدادی بهره گرفت. گفته‌اند که وی حدود پانصد استاد دید. در ایامی که عطاءالملک جوینی امارت بغداد داشت وارد دربار گردید. او مجدداً به سال ۷۰۴ ق به آذربایجان سفر کرد و سه سال در آن خطه زیست. او سفرهای دیگری نیز به آذربایجان کرد و سرانجام در اثر سکته و کهولت در بغداد درگذشت. چون نیای مادری او فوطه (لنگ) می‌فروخته، به ابن‌فوطی شهرت یافته است. برخی منابع نیز وی را به واسطه‌ی پیشه‌ی نیای پدرش ابن‌صابونی نام نهاده‌اند. در شیعی یا معتزلی یا شافعی بودن او جای تردید است. از آثارش: «الحوادث الجامعۀ والتجارب النافعۀ فی المائۀ السابعۀ»، در رویدادهای سده‌ی هفتم قمری در چند مجلد؛ «تاریخ الحوادث من آدم الی خراب بغداد»؛ «تذکرۀ الرصد»، در تاریخ رصدخانه‌ی مراغه؛ «دررالاصداف فی غرر الاوصاف»، در بیست جلد، در شرح مراحل هستی؛ «مجمع الآداب فی معجم الاسماء والالقاب»؛ «معجم الشیوخ»؛ «الدرر الناصعۀ فی شعراء المائۀ السابعۀ».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۴ /۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۷۰ -۷۶۸ /۶)، ریحانه (۱۴۴ -۱۴۳ /۸)، کشف الظنون (۱۷۳۶ ،۱۵۹۷

۷۵۰، ۶۹۳، ۵۷۳)، لسان المیزان (۳۴۷ -۳۴۶ /۴)، معجم المؤلفین (۲۱۶ -۲۱۵ /۵)، هدیهٔ العارفین (۵۶۷ -۵۶۶ /۱).

ابن‌ماجه‌ی قزوینی، ابوعبدالله محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۷۳ -۲۰۹ ق)، حافظ، محدث، مفسر و مورخ. برخی گفته‌اند که ماجه لقب پدر وی است نه جدش. ابن‌ماجه برای گردآوری حدیث به ری، بصره، دمشق، بغداد، حمص، شام مصر و حجاز سفر کرد. در دمشق از هشام بن عمار و عباس بن ولید خلّال و در حمص از محمد بن مصفی و در عراق از ابوبکر بن ابی‌شیبه و احمد بن عبده و اسماعیل فزاری و دیگران حدیث شنید. محمد بن عیسی ابهری و ابوطیّب بغدادی و ابوعمرو احمد مدینی و ابوالحسن علی بن قَطّان از شاگردان وی بودند. وی سرانجام در قزوین درگذشت. آوازه‌ی او بیشتر به جهت کتاب «السنن» است که چهار هزار حدیث را در آن گرد آورده و یکی از کتابهای ششگانه «صحیح» در حدیث اهل سنت است. ابن‌ماجه خود گوید: چون کتاب «السنن» را بر ابوزرعه عرضه کردم، گفت: «گمان من آن است که اگر این کتاب در دسترس مردم قرار گیرد دیگر کتابها یا اکثرشان بی‌رونق شوند». از دیگر آثار وی: «تفسیر القرآن»؛ «تاریخ قزوین»، که گویا هر دو از میان رفته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵ /۸)، تهذیب التهذیب (۴۵۸ -۴۵۷ /۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۲۳ -۸۲۲ /۶)، دائرةالمعارف البستانی (۶۷۳ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲۲ /۱)، ریحانه (۱۸۳ /۸)، سیر النبلاء (۲۸۱ -۲۷۷ /۱۳)، کشف الظنون (۱۴۰۵، ۱۰۰۴، ۴۳۹، ۳۰۰)، الکامل (۶۲ /۶)، الکنی والالقاب (۳۹۸ /۱)، نامه‌ی دانشوران (۳۴۲ -۳۴۰ /۴)، معجم البلدان (۳۹۱ /۴)، معجم المؤلفین (۱۱۶ -۱۱۵ /۱۲)، الوافی بالوفیات (۲۲۰ /۵)، وفیات الاعیان (۲۷۹ /۴).

ابن‌مجاور، جمال‌الدین، نجم‌الدین، ابوالفتح یوسف

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۹۰ -۶۰۱ ق)، مورخ، محدث و کاتب ایرانی‌تبار. از کندی و ابن‌مندویه حدیث شنید. بنا به علت نامعلومی به هند رفت و از آنجا به عدن. سه بار به زبید سفر کرد. در سال ۶۲۱ ق در مکه بود و از آنجا به جده رفت. در غلافقه، یکی از شهرهای یمن، مدتی مقیم شد. ابن مجاور با جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی شهرها، قبایل غرب و جنوب عربستان کتاب مشهور خود «تاریخ المستبصر/ مستنصر» را نوشت. ارزش این کتاب بیشتر به لحاظ معرفی جغرافیایی و اجتماعی عربستان آن زمان است. راه‌شناسی کتاب نیز بسیار مفید است و مسافتها به فرسنگ نوشته شده. ابن‌مجاور توصیف جغرافیایی خود را از مدینه شروع کرده و اطلاعاتی که وی درباره‌ی قلهات، مسقط و صحار در خلیج عمان به دست می‌دهد از دیگر جغرافیدانان عرب پربارتر است. در این کتاب از خلیج فارس و جزیره‌ی کیش (قیس) نیز سخن رفته است. گزارش او درباره‌ی فرق اسلامی، آداب زناشویی، برده‌داری، لباس، اوزان و مقیاسها، سکه‌ها، کشاورزی، دریانوردی و حقوق گمرکی بسیار دقیق است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۱ /۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۳۱ -۸۲۹ /۶)، معجم المؤلفین (۳۴۵ /۱۳).

ابن‌منده اصفهانی، ابوالقاسم عبدالرحمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۰ -۳۸۳ ق)، مورخ، حافظ و محدث حنبلی. منده نیای بزرگ او بود. در اصفهان به دنیا آمد. نیا و پدرش هر دو عالم دینی بودند. ابوالقاسم از پدرش و ابوبکر بن مردویه و ابوجعفر مرزبان و ابراهیم بن خرشید قوله و محمد بن ابراهیم جرجانی و دیگر محدثین حدیث شنید و از زاهر بن احمد سرخسی اجازه‌ی روایت گرفت. برای استماع بیشتر حدیث بسیار سفر کرد و از مشایخ همدان، دینور، شیراز، بغداد و نیشابور حدیث شنید. ابن‌منده از علمای بزرگ عصر خویش بود، چنانکه وی را با خواجه عبداللّٰه انصاری همسنگ می‌دانستند. او از حسن خط نیز بهره داشت. ابوالقاسم بسیار به شرع پایبند بود و مردم را از منکر نهی می‌کرد. او به مکه سفر کرد و ظاهراً در «تاریخ مکه» تألیفی کرده است. وی در اصفهان درگذشت. پیروان عقاید وی در اصفهان به عبدالرحمانیه موسوم بودند. از آثارش: «تاریخ اصفهان»، با ذکر تاریخ ولادتش در آن؛ «حرمةالدین»؛ «الرد علی الجهمیة»؛ «صیام یوم الشك»؛ «المستخرج من الکتب الناس»، در حدیث.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰۳ /۴)، دائرةالمعارف البستانی (۷۰۸ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۷۹ /۶)، ریحانه (۲۳۴ /۸)، سیر النبلاء (۳۵۵ -۳۴۹ /۱۸)، الکامل (۱۲۵ /۸)، کشف الظنون (۱۶۷۲ -۱۶۷۱)، معجم المؤلفین (۱۷۱ /۵)، نامه‌ی دانشوران (۲۹۲ -۲۹۱ /۵)، هدیة العارفین (۵۱۷ /۱).

ابن‌منده اصفهانی، ابوزکریا یحیی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۱۲ /۵۱۱ -۴۳۴ ق)، مورخ و محدث حنبلی. در اصفهان متولد شد. از پدر، عمویش و ابن ریذه ابوبکر اصفهانی دانش فراگرفت. در پژوهشهای علمی با پدرش همراه بود. به سفر حج رفت و سپس راهی بغداد شد و در جامع منصوری درس گفت، و املای حدیث کرد. ابن‌ناصر و عبدالقادر حیلی و ابن‌خشاب نحوی و حافظ سلفی و عبدالوهاب انماطی و علی بن ابی‌تراب خیاط و محمد طرسوسی از وی حدیث نقل می‌کردند، و از شاگردان او به حساب می‌آمدند. شهرت خاندان دانشور ابن‌منده در علم و فضل با نیای بزرگ او، خاندان دانشور ابن‌منده در علم و فضل با نیای بزرگ او، یحیی، آغاز و به وی، یحیی، ختم می‌شود. لذا وی را محدث بن محدث بن محدث بن محدث بن محدث گویند. ابن‌منده دارای تصانیف و آثار بسیاری است از آن جمله: «تاریخ اصفهان»، که احتمالاً ـ این کتاب را بر پایه‌ی کتاب جد بزرگش نوشته است؛ «التنبیه علی احوال الجهال والمنافقین»؛ «زندگینامه‌ی مفصلی درباره‌ی طبرانی»؛ «مناقب الامام احمد»، درباره‌ی احمد بن حنبل؛ «معرفة السماء ارداف النبی»؛ «من عاش من الصحابة مائة و عشرین»؛ «مناقب العباس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۴ /۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۸۰ –۸۷۹ /۶)، دائرةالمعارف البستانی (۷۰۸ /۱)، ریحانه (۲۳۴ /۸)، سیر النبلاء (۳۹۶ –۳۹۵ /۱۹)، الکامل (۲۸۵ /۸)، کشف الظنون (۱۴۶۴، ۲۸۲)، الکنی والالقاب (۴۲۸ –۴۲۷ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ بنومنده)، معجم المؤلفین (۲۱۱ –۲۱۰ /۱۳)، نامه‌ی دانشوران (۲۸۷ /۵)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۵۷ –۲۵۶)، وفیات الاعیان (۱۷۱ –۱۶۸ /۶)، هدیة العارفین (۵۲۰ /۲).

ابن‌منده اصفهانی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۹۵ –۳۱۰ ق)، حافظ، محدث و مورّخ. در خانواده‌ی علم و حدیث، در اصفهان، به دنیا آمد از پدرش و عموی پدرش بهره گرفت و در جوانی به خراسان، اصفهان، عراق، حجاز، مصر، شام و بخارا حدیثها شنید. در نیشابور ابوحامد بن بلال و محمد بن حسین قطّان را درک کرد و از ابوالعباس اصم هزار جزء نحو نوشت. در بغداد از اسماعیل صفّار و ابوجعفر ابن البختری و در طرابلس از خیثمهٔ بن سلیمان در شام از ابراهیم ابن‌سنان قنطری و در حمص از حسن بن منصور امام و در مکه از ابوسعید بن اعرابی و در مصر از ابوطاهر مدینی و احمد بن بهزاد فارسی و در سرخس از عبداللّه بن محمد بن حنبل و در مرو از محمد بن احمد بن محبوب حدیث شنید. و به گفته فرزندش عبدالرحمن حدود ۱۷۰۰ استاد دید و از ابن ابی‌حاتم و دیگران اجازه‌ی روایت گرفت. چون از سفر طولانی علمی‌اش بازگشت کتابهای فراوانی به همراه آورد. ابوعبداللّه حاکم و ابوعبداللّه غنجار و ابوسعید ادریسی و تمام رازی و ابونعیم اصفهانی و ابن‌بُندار رازی و بسیاری دیگر از شاگردان وی می‌باشند. از آثارش: «فتح الباب فی الکنی والالقاب»؛ «تاریخ اصفهان»؛ «معرفهٔ الصحابه» یا «اسماء الصحابه»؛ «الناسخ والمنسوخ»؛ «التوحید و معرفهٔ اسماء اللّه عزّ و جلّ و صفاته»؛ «الایمان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۵ /۶)، ریحانه (۲۳۴ /۸)، سیر النبلاء (۴۳ –۲۸ / ۱۷)، الکامل (۲۳۰ /۷)، کشف الظنون (۱۴۰۶، ۱۱۰۳، ۵۸۹، ۸۹)، معجم المولفین (۴۳ –۴۲ /۹)، الوافی بالوفیات (۱۹۱ –۱۹۰ /۲)، هدیة العارفین (۵۷ /۲).

ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین بن هیثم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۵۶ –۲۸۴ ق)، مورخ، محدث، ادیب شاعر و موسیقیدان. در اصفهان متولد شد و در بغداد نشو و نما یافت و نزد ابن درید و ابن‌انباری و محمد بن جریر طبری تحصیل کرد. وی از علی بن عباس بجلی و محمد بن جعفر قتّات و ابوبکر بن درید و نفطویه حدیث شنید. دارقطنی و ابراهیم بن احمد طبری و ابوالفتح بن ابی‌الفوارس از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابوالفرج در ادبیات، نحو، لغت، تاریخ، سیر، انساب، طب، نجوم و حدیث متبحر بود و شعر را نیکو می‌گفت. با اینکه نسب اموی داشت، شیعی زیدی بود و این را از عجایب شمرده‌اند. وی در بغداد درگذشت و همان جا دفن شد. مهمترین اثرش که او را جاودانه ساخته، کتاب «الاغانی» است که رجال قرن چهارم، مانند صاحب بن عباد و عضدالدوله‌ی دیلمی به آن توجه بسیار داشتند و گفته‌اند که عضدالدوله این کتاب را از خود در سفر و حضر دور نمی‌داشت. از دیگر آثار وی: «الاماء الشواعر»؛ «الدیارات»؛ «مقاتل الطالبین»؛ «اعیان الفرس»؛

«آداب الغرباء من اهل الفضل و الاداب»؛ «اخبار جحظة البرمکی»، «اخبار الطفیلیین»؛ «اشعار الاماء و الممالیک»؛ «جمهرة النسب»؛ «دعوة التجار»؛ «کتاب التنزیل فی امیرالمؤمنین (ع)»؛ «کتاب الخمارین و الخمارات»؛ «کتاب الغلمان المغنین»؛ «مجرد الاغانی » و « دیوان» شعر.[۱]

اصفهانی علی بن حسین (و. ۲۸۴ ه.ق./ ۸۹۷ م.- ف. ۳۵۶ ه.ق./ ۹۶۷ م.) نویسنده و ادیب قرن چهارم. وی در ادب عرب شاگرد ابن درید و ابن‌الانباری و محمد- ابن جریر طبری بود و کتاب مشهورش الاغانی (اغانی) است، دیگر از آثار او «مقاتل الطالبین»، «الاماء الشواعر» و «الدیارات» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] استادان موسیقی (۳۱)، الاعلام (۵/ ۸۸)، اعیان الشیعه (۲۰۱ -۱۹۸ /۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۲ /۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۴۵ -۱۴۳ / ۳۸۰ -۳۵۱)، تاریخ برگزیدگان (۲۷۴ -۲۷۲)، تاریخ بغداد (۴۰۰ -۳۹۸ /۱۱)، تاریخ در ایران (۲۴ -۲۳)، تاریخ هنرهای ملی (۷۳۶ -۷۳۵ /۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۷۸ -۹۷۷ /۷)، دائرةالمعارف البستانی (۳۰۴ -۳۰۳ /۲)، دایرةالمعارف فارسی (۲۶ /۱)، الذریعه (۳۷۷ -۳۷۶ /۲۱، ۷۴۲ /۹، ۲۸۷ /۸ ، ۲۵۰ -۲۴۹ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۸۲ -۸۱ /۱)، سیر النبلاء (۲۰۳ -۲۰۱ -۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۴ -۱۸۳ /۴)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۸۹)، الفهرست للطوسی (۳۷۹)، فوائد الرضویه (۲۸۰ -۲۷۸)، کشف الظنون (۱۹۵۱، ۱۹۴۷، ۱۴۴۴، ۱۲۵۶، ۷۵۶، ۶۰۵، ۴۱۹، ۳۶۰، ۱۶۱، ۱۲۹، ۱۲۸)، الکامل (۲۵ /۷)، الکنی و الالقاب (۱۳۹ -۱۳۸ /۱)، لسان المیزان (۱۵ -۱۳ /۵)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالفرج)، معجم الادباء (۱۳۶ -۹۴ /۱۳)، معجم المؤلفین (۷۹ -۷۸ /۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۳ -۲۱۲ /۴)، نامه‌ی دانشوران (۵۸ -۴۴ /۴)، الوافی بالوفیات (۲۶ -۲۰ /۲۱)، وفیات الاعیان (۳۰۹ -۳۰۷ /۳)، هدیة العارفین (۶۸۱ /۱).

ابونعیم اصفهانی، احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۳۰ -۳۳۶ /۳۳۴ ق)، محدث، عارف و مورخ. معروف به حافظ اصفهانی و حافظ دنیا. به گفته صاحب «ریاض العلماء» ابونعیم نیای بزرگ علامه مجلسی است. وی فقه و تصوف را با حدیث توأم ساخت. در خانانی ایرانی نژاد در اصفهان متولد شد. در مذهب او اختلاف است. بعضی او را از اهل سنت می‌دانند ولی یک گمان بر این است که از شدت تقیه حاکم بر زمانش تشیع خود را از مخالفین مذهب کتمان می‌کرده است. ابونعیم در هشت سالگی رسما شروع به استماع حدیث از محدثان معروف اصفهان کرد. و از پدرش و ابوالقاسم طبرانی و ابن‌فارس و ابن‌مقری حدیث شنید. پدرش که از بزرگان علما و محدثان بود برای وی از علمای شهرهای دیگر درخواست اجازه روایت کرد. خیثمهٔ بن سلیمان از شام و ابوالعباس اصم از نیشابور و عبداللّه بن عمر از واسط و ابوسهل قطان از بغداد و ابوبکر بن سنی از دینور به او اجازه حدیث دادند. وی از سال ۳۵۶ ق برای تکمیل تحصیلات به خراسان، خوزستان، عراق و حجاز سفر کرد و استادان بسیار دید و از ابواحمد حاکم و ابن‌حمدان و ابو عبدالرحمان سلمی در نیشابور و از ابوزرعه استرآبادی در استرآباد و از محمد بن احمد غطریفی در گرگان و از محمد بن احمد بن سختویه در شوشتر و دیگران حدیث شنید. در مورد وی گفته‌اند: که بیش از چهار صد و سی عالم حدیث به او اجازه‌ی روایت دادند که برای بعضی از آنان وی تنها راوی شناخته شده است. از جمله آثارش: «منقبهٔ المطهرین و مرتبهٔ الطیبین»؛ «ما نزل من القرآن فی امیرالمؤمنین (ع)»؛ «حلیهٔ الاولیاء و طبقات الاصفیاء»؛ «تاریخ اصفهان» یا «ذکر اخبار اصفهان»، در دو مجلد که در ۱۹۳۱ م در لیدن چاپ شد؛ «المستخرج

علی الصحیحین»؛ «دلائل النبوه»، در سیره پیامبر (ص)؛ «معرفة الصحابة»؛ «تاریخ بلد»؛ «فضایل الصحابة»؛ «النفاق»؛ «علوم الحدیث»؛ «طب النبی»؛ «کتاب الطب» یا «الشفا فی الطب»؛ «الاربعین» یا «کتاب المهدی»، در حالات حضرت مهدی (عج)؛ «مختصر الاستیعاب»؛ «ریاضه المتعلم»؛ «معجم الشیوخ»؛ «حرمة المساجد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۰ /۱)، اعیان الشیعه (۴۳۸ /۲)، تتمة المنتهی (۳۹۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۲۰ -۱۱۱۸ /۸)، دایرةالمعارف فارسی (۳۶ /۱)، الذریعه (۱۴۳ /۱۵، ۸۱ /۷، ۳۹۶ /۶، ۲۳۲ /۳)، روضات الجنات (۲۸۵ -۲۸۲ /۱)، ریحانه (۲۸۶ -۲۸۵ /۷)، سیر النبلاء (۴۶۴ -۴۵۳ /۱۷)، الکامل (۱۸ /۸)، کشف الظنون (۱۷۳۹، ۱۷۳۵، ۱۶۷۲، -۱۶۷۱، ۱۴۶۵، ۱۴۳۵، ۱۴۳۳، ۱۴۲۲، ۱۴۱۱، ۱۲۷۹، ۱۲۷۶، ۱۲۰۹، ۱۰۹۵، ۱۰۵۵، ۹۳۸، ۷۶۰، ۶۸۹، ۲۸۲، ۱۱۶، ۵۳)، لسان المیزان (۳۸ /۸، ۳۰۴ -۳۰۳ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، الکنی و الالقاب (۱۶۸ -۱۶۵ /۱)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۳۰)، معجم المؤلفین (۲۸۳ -۲۸۲ /۱)، الوافی بالوفیات (۸۴ - ۸۱ /۷)، وفیات الاعیان (۹۲ -۹۱ /۱)، هدیة الاحباب (۴۳ -۴۲)، هدیة العارفین (۷۵ -۷۴ /۱).

اتحادیه، منصوره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

منصوره اتحادیه در سال ۱۳۱۲، در تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در سال ۱۳۵۸، در دانشگاه ادینبورگ انگلستان به پایان برد و با اخذ درجه دکتری در گروه تاریخ دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. دکتر اتحادیه ضمن تالیف و تحقیق و مدیریت نشر تاریخ، با انجام سفرهای مطالعاتی و شرکت در سمینارهای خارجی، بر پشتوانه های علمی خود افزود. او صاحب تالیفات بسیاری در زمینه تاریخ می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : منصوره اتحادیه پس از اخذ مدرک دیپلم و لیسانس، رهسپار انگلستان شد و در سال ۱۳۵۸ به دریافت مدرک دکترای تاریخ از دانشگاه ادینبورگ نائل آمد.

همسر و فرزندان : منصوره اتحادیه همسر دکتر نظام مآفی و مادر چهار فرزند می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منصوره اتحادیه پس از مدتی اقامت و تحصیل در انگلستان، به ایران بازگشت و مدیریت نشر تاریخ را در تهران عهده دار شد.

فعالیتهای آموزشی : منصوره اتحادیه پس از کسب درجه دکتری، در گروه تاریخ دانشگاه تهران مشغول تدریس شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : منصوره اتحادیه ضمن تالیف و تحقیق، دست به سفرهای مطالعاتی و شرکت در سمینارهای خارجی نیز زده است و بدین ترتیب بر پشتوانه های علمی خود افزوده است. --

آثار :

۱ احزاب سیاسی در مجلس سوم (۱۳۳۴ - ۱۳۳۳ هـ ق)

۲ پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت دوره اول و دوم مجلس شورای اصلی

۳ حرفی از هزاران، کاندر عبارت آمد، وقایع تبریز و رشت۱۳۳۵-۱۳۲۶ هجری قمر

۴ خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه ما فی

۵ خاطرات و اسناد محمد علی غفاری، نایب اول پیشخدمت باشی (تاریخ غفاری)

۶ رضا قلی خان نظام السلطنه

۷ زمانه، زندگی و کارنامه‌ی بیهقی

۸ زندگی نامه حاج محمد حسین کمپانی، امین دار الضرب

۹ سفرنامه کرمان و بلوچستان

۱۰ سیاق معیشت در عصر قاجار حکمرانی و ملکداری مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما

۱۱ گزیده‌ای از مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما، از ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۰ هجری قمری

۱۲ گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران

۱۳ مجلس و انتخابات: از مشروطه تا پایان قاجاریه

۱۴ مرامنامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی ایران در دوره دوم مجلس شورای ملی

۱۵ نخبه سیفیه، در تاریخ و جغرافیای استرآباد به انضمام ترانه‌های عامیانه ترکمن

۱۶ نصرت الدوله: مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات ...

۱۷ واقعات اتفاقیه در روزگار (تاریخ مشروطه)

احمدخان بیگی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا احمد خان بیگی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال تحصیلی ۵۸ – ۵۷ با دیپلم ریاضی از دبیرستان دکتر هشترودی تهران فارغ التحصیل شدم. از سال ۵۹ دروس حوزه را از مدرسه آقای مجتهدی در تهران آغاز و پس از یکسال به قم آمدم و در مدرسه رضویه دروس حوزوی را ادامه دادم.

در سال ۷۸ با پایان دوره مقدمات سطح و خارج در دوره تخصصی کلام حوزه پذیرفته شدم و در سال ۸۱ فارغ التحصیل شدم و در حال حاضر در حال نوشتن پایان نامه در موضوع فطرت هستم. همچنین در سال ۷۸ برای تدریس دروس معارف دانشگاههای تهران کار خود را آغاز کردم. در طول این چند سال در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی، ایران و الزهراء تدریس داشته ام و از سال ۸۱ به عنوان هیئت علمی (رتبه مربی) در دانشگاه ایران پذیرفته شدم.

در حال حاضر مسئولیت نهاد رهبری در دانشگاه الزهراء را نیز دارا هستم.

احمدی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی احمدی

محل تولد : عشق آباد طبس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۶/۳۰

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۲ پس از اخذ مدرک سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم. سه سال در مدرسه علمیه رسالت تحصیل کرده و سپس به مدرسه امام باقر (ع) رفتم و تا پایه ۶ را در آن مدرسه تحصیل نمودم.تاثیر گذارترین اساتید من در این دوره حجهٔالاسلام والمسلمین قائمی، طاهری، ربانی و قوامی بودند. رسائل و مکاسب را از محضر حجهٔالاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مدنی فراگرفتم. همزمان با تحصیل به تحقیق روی آوردم. تحقیقات خود را از سال ۱۳۷۹ آغاز کردم. محورهای تحقیقاتی اینجانب تا کنون موارد زیر است:

۱- بیو گرافی، بررسی افکار و اندیشه های بزرگان دینی. ۲- سیره اهل بیت (ع). ۳- حقوق زنان در اسلام. ۴- شهید شناسی در حوزه دین.

اخسیکثی، ابوالوفاء محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۵۲۰ ق)، لغوی و مورخ. معروف به ابن ابی‌المناقب. وی برادر ابورشاد اخسیکثی است. در اخسیکث فرغانه ماوراءالنهر متولد شد، همراه برادر به مرو رفت و در آن شهر تحصیل کمال کرد و از ادیبان به نام روزگار خود شد. پایان عمر را در همان شهر زیست تا درگذشت. از آثار وی: «التاریخ»، که به «تاریخ ابی‌الوفاء الاخسیکثی» معروف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۲۱۲ /۱)، ریحانه (۳۶۷ /۷)، کشف الظنون (۲۸۱)، معجم الادباء (۵۵ -۵۲ /۵)، معجم البلدان (۱۴۸ /۱)، معجم المؤلفین (۲۵۹ /۱۱).

اخسیکثی، ابورشاد احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۲۸ /۵۲۶ -۴۶۶ ق)، ادیب، شاعر، نویسنده و مورّخ. ملقب به ذوالفضائل، و منسوب به اخسکیث ماوراءالنهر در نظم و نثر و نحو و لغت دستی توانا داشت و مرجع استفاده‌ی اکثر فضلا و کاتبان دیوان سلاطین بود. در مرو وفات یافت. از تألیفات او: «تاریخ ابی‌رشاد»؛ «الزوائد»، شرح «سقط الزند» ابوالعلاء معرّی؛ « کتاب فی قولهم کذب علیك کذا»؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۸ /۱)، ایضاح المکنون (۲۱۲ /۱)، روضات الجنات (۲۶۹ -۲۶۸ /۱)، ریحانه (۱۱۰ /۷)، کشف الظنون (۹۳۳ -۲۸۰)،لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۵۵ -۵۲ /۵)، معجم المؤلفین (۱۴۴ /۲).

اخویان، محمد علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی اخویان

محل تولد : کوهدشت لرستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی اخویان در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۷۴ در رشته تخصصی کلام از موسسه امام صادق (ع) فارغ التحصیل شدم و حدود یک دوره اصول حضرت آیت الله سبحانی شرکت نمودم و بیش از ۸ سال در درس خارج آیت الله فاضل و آیت الله نوری همدانی و آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودم.

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه پیام نور تهران اخذ کردم و کارشناسی ارشد تاریخ عمومی جهان را از دانشگاه واحد مرکز تهران گرفتم. همچنین در دانشگاههای مختلف از جمله هنر، آزاد اسلامی تهران، دانشگاه قم، باقرالعلوم (ع)، دانشگاه اراک، حوزه علمیه شهید صدوقی فاز ۴ و ۵ تدریس داشته و دارم.

ادیب بهروز، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن ادیب بهروز

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۹

ادیب طوسی، محمدامین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۸۳ ش)، دانشمند، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ادیب طوسی. وی در مشهد متولد شد و تحصیلات مقدماتی را در مکتب گذرانید. سپس، به تحصیل علوم دینی در مدارس قدیم پرداخت. علوم ادبی را نزد ادیب نیشابوری و حکمت را نزد حاج میرزا عباسعلی معروف به فاضل و آقا بزرگ حکیم و فقه را نزد پدر خود آموخت. ادیب طوسی با سفرهایی که به هند، ترکستان، عربستان، مصر، شام و آسیای صغیر کرد، به زبانهای رایج عربی، ترکی، اردو، انگلیسی، سانسکریت، اوستایی، پهلوی و کلدانی آشنایی کامل پیدا کرد. وی در تبریز اقامت نمود و مجله‌ی «ماهتاب» را در سال ۱۳۱۶ ش آنجا به مدت یک سال انتشار داد. در دانشکده‌ی ادبیات تبریز تدریس کرد و مدیریت مجله‌ی آن دانشکده را نیز عهده‌دار شد. او کتب زیادی به رشته‌ی تحریر درآورد. از جمله آثار وی: «تاریخ دینی ایران» در دو دوره؛ «دستور زبان فارسی» در سه دوره؛ «بودا در هند»؛ «تخت سلیمان»؛ «پیام فردوسی»؛ به نظم؛ «لغات آذری»؛ «لهجه‌های محلی»؛ «تعلیم و تربیت از نظر غزالی».[۱]

مدرس، ادیب، محقق.

تولد: ۱۲۸۳، مشهد (محله نوغان).

درگذشت: ۵ خرداد ۱۳۶۱، تهران.

محمد امین طوسی، معروف به ادیب طوسی، فرزند شیخ محمدحسین گیلانی در شهر مشهد به تحصیل پرداخت و در مکتب‌های قدیم و مدارس علوم دینی به کسب علم و دانش مشغول شد و علوم ادبی را از ادیب نیشابوری و حمکت و فسلفه را از آقا بزرگ حکیم آموخت و مدتی نیز در سبزوار نزد حاج ملا هادی سبزواری به فراگیری اصول فسلفه اشراق پرداخت. وی در سال ۱۳۴۲ ق. به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل زبان انگلیسی و تدریس ادبیات مشغول شد و بعد از سه سال اقامت به مشهد بازگشت و در مدارس آنجا به تحصیل پرداخت. پس از آن نیز در مدرسه‌های تهران و یزد و تبریز به تدریس مشغول شد.

ادیب طوسی سفرهایی به ندوتسان و عربستان سعودی و ترکستان و مصر و سوره و ترکیه نمود. از آن پس که به ایران مراجعت کرد به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و چندی در اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ به خدمت پرداخت و سال‌ها نیز در دانشگاه تبریز به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات مشغول بود و در ضمن مدیریت نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز» را به عهده داشت. پس از آن که بازنشسته گردید در اواخر عمر به تهران آمد و در این شهر اقامت گزید.

از جمله آثار وی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: آموزش و پروش از نظر غزالی (تبریز، ۱۳۲۰)؛ ایام کودکی (نظم، تهران، ۱۳۱۲)؛ بودا در هند؛ پیام فردوسی (نظم، تهران، ۱۳۱۳)؛ تاریخ دینی ایران قدیم (در دو دوره)؛ تخت سلیمان؛ دستور زبان و معانی و بیان و بدیع فارسی؛ رابطه اوزان شعر یا ترانه‌های محلی ایران (تبریز، ۱۳۳۲)؛ فرهنگ لغات ادبی تبریز (دو جلد، ۱۳۴۹)؛ فرهنگ لغات بازیافته (ذیل برهان قاطع) (تبریز، دو جلد، ۱۳۴۳)؛ فرهنگ لغات لهجه‌های محلی ایران؛ فقه الغهٔ فارسی؛ لغات آذری؛ تلخیص

مثنوی؛ مهرشاه و میهن (نظم، تبریز ۱۳۲۰)؛ نقد الادب (بغداد). وی همچنین مجله‌ی «ماهتاب» (نشریه‌ی انجمن ادبی آذربایجان) و نیز داستان‌هایی چند را منتشر ساخت. از جمله این داستان‌ها می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: انتقام عشق (سه جلد، تبریز، ۱۳۱۹ – ۱۳۱۷)، مرد عجیب، جوکی در جنگل، دخمه‌های سیاه یا کلبه بدبختان (تبریز ۱۳۲۰)، شبح مخوف، درویش گمنام.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۸۱ /۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۷ –۱۰۶ /۱)، سخنوران نامی (۵۴ –۴۶ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۰ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۷ –۶۸۵ /۱).

ادیب کرمانی، غلامحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ح ۱۳۳۰ ق)، مؤرخ، مترجم نویسنده و شاعر، متخلص به ادیب. معروف به ادیب کرمانی. از کرمان به خراسان رفت، سپس به تهران آمد. شغل دیوانی داشته و در اوقات فراغت به مطالعه و تألیف کتب در تاریخ، جغرافیا و سفرنامه می‌پرداخت. او مترجم ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و و قایع نگار ایشان در سفرهایشان بود. وی صاحب دو «دیوان» بوده یکی به فارسی و دیگری به عربی. از آثار اوست: «سفرنامه‌ی خراسان»؛ «سفرنامه‌ی عراق عرب»؛ «تاریخ و جغرافیای مازندران».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۳۴)، الذریعه (۶۶ /۹)، ستارگان کرمان (۱۵)، فرهنگ سخنوران (۵۳)،لغت‌نامه (ذیل/ غلامحسین خان).

استرآبادی، محمدمهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۱۸۰ –۱۱۰۰ ق)، منشی و مورخ. ملقب به میرزا مهدی‌خان. در اصفهان تحصیل کرد. و منشی دربار صفوی شد سمت فرمان صدر و لقب کوکب، عنوان باغبان باشی یا ناظر قصور یافت. پس از پیروزی نادر بر افاغنه در اصفهان، مهدی نامه‌ای، به عنوان تبریك مردم مازندران به نادر فرستاد و از سال ۱۱۴۲ ق به مدت هجده سال مشاور خاص او شد و از او لقب منشی‌الممالك یافت و بعد از تاج‌گذاری نادر در سال ۱۱۴۸ ق لقب میرزا مهدی‌خان را گرفت و تنها سمت ضبط وقایع داشت. در جنگها و سفرهای نادر از داغستان تا دهلی و از هرات تا بغداد و نجف همراه وی و یکی از سه شخصیت اصلی دربار بود. در اوایل سال ۱۱۵۸ ق که عثمانیان در جنگ ایروان از نادر شکست خوردند و درخواست مصالحه نمودند، مذاکراتی صورت گرفت میزامهدی به عنوان سفیر نادر به دربار عثمان رفت و در راه بازگشت در بغداد بود که نادر درگذشت. به مشهد آمد و از کارهای دیوانی کناره گرفت و دور از مردم در مدرسه‌ای که بعضی از نسخه‌های نوشته‌ی وی هم اکنون در آنجا یافت می‌شود و وقف فرزندان وی است، به تکمیل تألیفاتش در تاریخ حوادث حکومت نادر پرداخت. سبك نگارش وی شیوه‌ی مترسلان قرن هفتم و هشتم قمری چون وصاف الحضره است. آثار وی: «جهانگشای نادری»؛ «درّه‌ی نادره»، با نثر مسجع؛ «سنگلاخ»، در ترجمه‌ی لغات ترکی جغتایی، این کتاب

سه جلد است جلد اول در مبانی لغت ترکی جلد دوم سنگلاخ است که قسمت اعظم کتاب است و جلد سوم در شرح و تفسیر لغات مشکل فارسی و عربی؛ «مبانی اللغه»، مقدمه‌ی «سنگلاخ»؛ «انشاء الدرر»، که همان «منشآت» است که با انشای دشواری نوشته شده و گواهی روشن بر بلاغت اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۱۰ -۱۰۸۵ /۵)، شرح حال رجال (۱۷۲ -۱۷۱ /۴)، صبح گلشن (۴۷۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۵۶ -۶۵۳ /۱۲)، لغت‌نامه (ذیل/ مهدی)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۸ -۴۴۷ /۶).

اسکافی، ابوعلی محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۳۶ /۳۳۲ -۲۵۸ ق)، مورخ و عالم امامی. مشهور به ابوعلی کاتب بغدادی. اجداد او زرتشتی بودند. پیشگام در فنون مختلف و از مشایخ برجسته‌ی شیعه و از معاصران شیخ کلینی بود که در سوق‌العطش بغداد مسکن داشت. وی از شاگردان جعفر بن محمد بن مالك و محمد بن موسی بربری و احمد بن محمد بن رستم نحوی است. تلعکبری و ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه و ابوبکر احمد وراق دوری و معافی بن زکریا جریری از او روایت کرده و رجال‌نویسان شیعه از او به صفت‌های ثقه و جلیل‌القدر یاد کرده‌اند. در بغداد درگذشت و در مقابر قریش دفن شد. از آثارش: «الانوار فی تاریخ الائمة الاطهار (ع)»؛ «التمحیص».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۹۲ -۹۱ /۱۰ ،۱۵۶ /۴)، ایضاح المکنون (۲۷۵ /۲)، بحارالانوار (۱۷ /۱)، تاریخ بغداد (۳۶۵ /۳)، خاندان نوبختی (۲۱۵)، الذریعه (۴۳۲ -۴۳۱ /۴ ،۴۱۳ -۴۱۲ /۲)، رجال الطوسی (۴۹۴)، رجال النجاشی (۲۹۷ -۲۹۵ /۲ ،۳۰۳ /۱)، ریاض العلماء (۳۹ -۳۸ /۶)، ریحانه (۱۲۳ -۱۲۲ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۱۲ /۴)، الفهرست للطوسی (۳۲۵ -۳۲۴)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوعلی و اسکافی)، الکنی والالقاب (۲۷ /۲)، معجم المؤلفین (۹۳ /۱۲)، هدیة الاحباب (۹۸).

اشراقی، احسان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احسان اشراقی در سال ۱۳۰۷در قزوین بدنیا آمد.ایشان دارای دکترای تخصّصی تاریخ از دانشگاه تهران است. وی هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد تاریخ دانشگاه تهران می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی احسان اشراقی به قرار زیر است: کارشناسی رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۸ کارشناسی ارشد رشته تاریخ و علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱ دکترای رشته تاریخ از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸

همسر و فرزندان : دکتر احسان اشراقی متاهل و دارای یک فرزند می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سوابق مدیریتی و اجرایی دکتر احسان اشراقی به قرار زیر است: مدیریت گروه آموزش تاریخ دانشگاه تهران بمدت بیست سال معاونت آموزشی داانشکده ادبیات و علوم انسانی در دانشگاه تهران بمدت دو سال عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

فعالیتهای آموزشی : احسان اشراقی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران می باشد .ایشان بمدت ۵۰ سال است که در مراکز دانشگاهی و موسسات آموزش عالی به امر تدریس فعالیت دارد.

جوائز و نشانها : جوایز و نشانهای دریافتی احسان اشراقی به قرار زیر است: استاد ممتاز دانشکده ادبیات دانشگاه تهران جشن بزرگداشت و تکریم دکتر اشراقی در قزوین در سال ۱۳۸۰ به علت پژوهشهای علمی و فرهنگی درباره شهر مذکور

چگونگی عرضه آثار : - ارائه ۵۰ مقاله در زمینه تاریخی - تالیف شش کتاب تاریخی - دارای سه ترجمه (ترجمه یک کتاب از زبان فرانسوی) - ایراد سخنرانی در خارج از کشور در کشورهایی همچون فرانسه،انگلیس،آلمان ،گرجستان و غیره ----------
----

آثار :

۱ بیهقی تصویرگر زمان

ویژگی اثر : مولف: محمدبن حسن بیهقی، احسان اشراقی (مترجم) ناشر: سخن - ۱۳۸۱

۲ تاریخ جهان آرای عباسی

ویژگی اثر : مولف: محمدطاهرحسین وحیدقزوینی، احسان اشراقی (مترجم)، سیدسعید میرمحمدصادق (مترجم) ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - ۱۳۸۳

۳ خلاصه التواریخ

ویژگی اثر : مولف: احمدبن حسین منشی قمی، احسان اشراقی (مترجم) ناشر: دانشگاه تهران - ۱۳۸۳

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اشرفی اصفهانی، عطاالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه، مجتهد.

تولد: ۱۲۷۹، سده اصفهان (خمینی شهر).

شهادت: ۲۳ مهر ۱۳۶۱، کرمانشاه.

آیت‌الله میرزا عطاءالله اشرفی اصفهانی پس از آموختن مقدمات در خمینی شهر در سن دوازده سالگی رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان گردید و پس از ورود به اصفهان در مدرسه‌ی نوریه واقع در بازار عتیق سکونت کرد. ادبیات و سطح را نزد اساتید حوزه‌ی علمیه اصفهان، حضرات آیات عظام محمد حسین فشارکی و سید مهدی درچه‌ای تلمذ نمود. پس از پایان تحصیلات سطح فقطه و اصول، برای ادامه تحصیل و کسب علوم اسلامی در سن بیست سالگی رهسپار حوزه علمیه قم گردید و در سال ۱۳۵۰ ق. در آن شهر اقامت گزید و مدت یک سال از آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی ، مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، کسب علم نمود. پس

از فوت آیت‌الله العظمی حائری، نزد آیت‌الله سید محمد بهجت کوه کمره‌ای آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر مدت ده سال به کسب علم مشغول بود. همچنین مدتی از آیت‌الله فیض کسب دانش نمود. ایشان تمامی دروس آیت‌الله حجت کوه کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری را نوشته‌اند. آیت‌الله اشرفی منظومه حکمت و اسفار را نزد حضرت امام خمینی (ره) فراگرفتند. پس از ورود آیت‌الله سید حسین بروجردی به حورزه‌ی علمیه‌ی قم و اقامت در قم، آیت‌الله اشرفی مدت دوازده سال از محضر درس ایشان بهره گرفت و تمامی دروس فقه آن فقیه را نوشت.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی سپس به تدریس دروس سطح رسائل و مکاسب در حوزه اشتغال ورزید و شاگردانی تربیت کرد. ایشان از مراجع تقلید آیات عظام اصفهانی، خوانساری، کوه کمره‌ای، صدر بروجردی، شیرازی و شاهرودی اجازه در امور حسبیه گرفتند و در سن چهل سالگی توسط آیت‌الله العظمی خوانساری برای ایشان اجازه اجتهاد صادر شد. در سال ۱۳۴۲ نیز از حضرت امام خمینی (ره) وکالت مطلق و نمایندگی در سال ۱۳۴۲ برای وی صادر شد. ایشان وکالت مطلق از آیت‌الله گلپایگانی نیز داشتند.

از جمله خدمات آیت‌الله اشرفی می‌توان به این موارد اشاره نمود: تجدید بنای مسجد ولی عصر (ع) در خمینی شهر، ساختمان مسجد امام حسین (ع) در خمینی شهر، ساختمان مکتب‌الزهرا، تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی امام خمینی در کرمانشاه، مسئولیت امور تبلیغی روحانیون تسنن استان کرمانشاه (که از سوی امام به عهده ایشان واگذار شده بود).

پس از تأسیس مدرسه‌ی علمیه در شهر کرمانشاه در سال ۱۳۳۴ توسط آیت‌الله سید حسین بروجردی ایشان به همراه مدرس‌های دیگر از قم به کرمانشاه رفتند. پس از فوت آیت‌الله بروجردی ایشان در همان جا باقی ماندند. وی از جمله کسانی بود که پس از شهادت فرزند امام، آیت‌الله سید مصطفی خمینی، مجلس بزرگداشت همراه با اعلامیه‌ی چاپ شده برگزار کرد. آیت‌الله اشرفی چندین بار مورد تهدید رژیم پهلوی قرار گرفت اما به واسطه نفوذ مردمی‌اش، نتوانستند تبعیدش کنند. زمانی که رژیم عراق امام خمینی (ره) را از عراق اخراج کرد، آیت‌الله اشرفی ساعت سه نیمه شب در منزل دستگیر و پس از یک ساعت توقف در ساواک به اتفاق حجت‌الاسلام بهاءالدین عراقی به تهران برده و در کمیته‌ی شهربانی در سلولی بازداشت کردند.ولی وی بر اثر فشار مراجع تقلید پس از چند روز آزاد شد. در هنگام اوج گیری انقلاب، در تمام راهپیمایی‌ها شرکت می‌کرد و مردم را به شرکت در کلیه‌ی راهپیمایی‌ها و اعتصابات دعوت می‌نمود. اولین راهپیمایی که همزمان با راهپیمایی تهران بود و درعید فطر سال ۱۳۵۷ رخ داد، به دعوت ایشان پس از انجام نماز عید از مسجد آیت‌الله بروجردی تا مجسد آیت‌الله جامع انجام شد. آیت‌الله اشرفی امام جماعت مسجد آیت‌الله بروجردی بود. همچنین پس از انقلاب، در ذی‌العقده ۱۳۹۱ ق. (۱۳۸۵) از سوی بینانگذار انقلاب، به امامت جمعه شهر کرمانشاه منصوب شدند که تا پایان عمر امام جمعه همین شهر بودند.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی در بیست و سوم مهر ۱۳۶۱ در کرمانشاه به شهادت رسید.

عطاء اصفهانی از علماء مبرز و ممتاز معاصر کرمانشاه است.

معظم له در حدود ۱۳۳۸ قمری در سده (خمینی‌شهر) اصفهان متولد شده و پس از رشد و خواندن ادبیات و قسمتی از سطوح در اصفهان به قم مهاجرت نموده و پس از پایان و تکمیل سطوح عالی از مدرسین بزرگ حوزه چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی و بعد مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حجت و آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّٰه صدر و پس از ورود مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی از محضر و ابحاث آنجناب استفاده وافی و کافی و ضمناً تدریس سطح فقه و اصول نموده تا هنگام تأسیس حوزه علمیه کرمانشاه و بناء مدرسه آن مرحوم به امر معظم له به اتفاق چند نفر از علماء و مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و بعضی از اعلام دیگر به کرمانشاه عزیمت و تا حال بیش از بیست سالست که در مسجد مدرسه مزبور به اقامه جماعت و تدریس و ارشاد مردم اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای حاج آقا عطاء اصفهانی از دانشمندان موصوف به فضل و کمال و تقوا و متانت و بیش از سی سالست

که افتخار شناسائی معظم له را دارم عالمی متقی و متصف به اوصاف جمیله و محامد اخلاق و ملکات فاضله می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اصفهانی کاظمینی، محمد حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌کرم علی، متولد در حدود ۱۱۷۰. پدر و جدش تجارت می‌کرده‌اند. خود در اوایل جوانی اندک [تجارت و سپس] تحصیل علوم نموده، سال‌ها به سیر و سیاحت در اطراف شهرها پرداخته، و خدمت جمعی کثیر از علما و بزرگان رسیده، و چون از سفر خسته شد در کاظمین ساکن گردیده، و مدت سی سال در آن ارض اقدس مجاور بوده، در سال ۱۲۲۷ شروع به تألیف کتابی کشکول مانند نموده، و آنچه در مسافرت‌ها و شهرها دیده و شنیده است در آن جمع‌آوری کرده است. و دیگر: جامع التواریخ که در ۱۲۲۸ تألیف شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانیان، داود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تاریخ و تحصیلات عالی در زمینه‌های تاریخی در ایران و دانشگاه کمبریج انگلستان.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری در سال ۱۳۵۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ فرهنگ ایران و تاریخ ایران عصر مغول و ایلخانان و ادوار مختلف تاریخ اروپا، نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تاریخی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

تاریخ، فرهنگ و هنر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اصلانی، مختار

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مختار اصلانی

محل تولد : مراغه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مختار اصلانی در سال ۱۳۵۲ در یکی از روستاهای شهرستان مراغه در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدائی را در همان روستا و تحصیلات راهنمائی را در بخش خراجو به پایان رسانده و جهت ادامه تحصیل در دوره دبیرستان مجبور به ترک خانواده شده و در شهر مراغه و دبیرستان خواجه نصیر به ادامه تحصیل پرداختم.

روحیات مذهبی و فطرت پاک روستائی با محیط شهر و دبیرستان خیلی سازگار نبود، از این رو همیشه دنبال گمشده ای می گشتم که در محیطی سالم و مطابق با روحیات مذهبی و انقلابی بتوانم ادامه تحصیل بدهم که با راهنمائی یکی از دوستان، حوزه علمیه را مناسبترین جا تشخیص داده و در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه شهرستان بناب شدم و بعد از اتمام سطح یک برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۷۵ به شهر قم مهاجرت کرده و بعد از اتمام سطح در درس خارج اصول و فقه حضرات آیات: مکارم شیرازی و سبحانی شرکت نمودم.

در کنار دروس حوزه در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات در رشته تاریخ اسلام به مدت دو سال دوره دیده و در گروه تاریخ مرکز مطالعات حوزه مشغول به تحقیق شدم که حاصل کارهای تحقیقی بنده چاپ ده ها مقاله در مجلات و روزنامه ها و چاپ کتابی به نام" تاریخ پیدایش شیعه "بوده است.

افضل کرمانی، افضل‌الدین، ابوحامد، احمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۱۳ ق)، مورخ، طبیب و شاعر. از تاریخ‌نویسان بزرگ زبان فارسی که به ظاهر از بردسیر کرمان بود. وی در اواخر عهد قاوردیان و انقلابات کرمان و عهد تسلط غزان بر آن سرزمین به سر می‌برد و در آن جا به تدریس و طبابت مشغول بود. و با ملک دینار از

ملوک غزکه در اول رجب سال ۵۸۳ ق بر کرمان استیلا یافته بود معاصر بوده است. بعد از آن نیز شاهد کشاکشهای عمال اتابک فارس، سعد بن زنگی و قطب‌الدین مبارز، امیر شبانکاره و سلطان محمد خوارزمشاه برای تسلط بر کرمان بوده و آثار خود را در این کشاکشها تالیف نموده است. ظاهرا در شروع بحران کرمان و اختلاف میان پسران طغرل شاه یعنی بهرام شاه و ارسلان شاه و ترکان شاه، نظر به آشنایی که با امرا و وزراء و اشراف داشت چند سالی عمل انشاء آن امیران و وزیران به او تفویض شد، لیکن بر اثر دوام بحران ناگزیر جلای وطن و قصد خراسان و دربار ملک طغان شاه بن موید آی ابه را کرد و راه خراسان پیش گرفت و در کوه بنان متوقف شد و پنج سال آنجا بود، بعد به یزد رفت و چندی متعهد امور بیمارستان آن شهر شد و بعد از سر و سامان یافتن اوضاع در کرمان طبابت و انشاء دیوان اتابک یزد به او پیشنهاد شد، اما نپذیرفت. در سال ۵۸۴ ق عزم کرمان نمود و در همان اوان به خدمت ملک دینار رسید و کتاب معروف خود را به نام او نوشت. آثار وی: «عقدالعلی للموقف الاعلی» در تاریخ ملک دینار که در سال ۵۸۴ ق به پایان رسیده است؛ «بدایع الازمان فی وقایع کرمان» معروف به «تاریخ افضل» که حوادث کرمان را تا سال ۶۰۱ ق در آن ضبط کرده است و شخصی به نام محمد بن ابراهیم در قرن یازدهم قمری تحریر نوی از آن کتاب با زبان ساده‌تر به نام «تاریخ سلاجقه کرمان» انجام داده است؛ «المضاف الی بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان» که شامل حوادث از سال ۶۰۲ تا ۶۱۲ ق است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سنایی تا سعدی (۲۶۲ -۲۶۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۲۶ -۱۰۲۳ /۲)، تاریخ در ایران (۲۶ -۲۵)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۸)، ستارگان کرمان (۵۷)، سرآمدان فرهنگ (۱۶۹ -۱۶۸ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ افضل‌الدین).

افوشته‌ای نطنزی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۹۳۸ ق)، مورخ و شاعر. از ادبای پرکار زمان خود، که در نظم و نثر دست داشت. در شیراز می‌زیست. آثار وی: «نقاوه الاثار فی ذکر الاخیار» در تاریخ صفویه که در ۹۹۸ ق تالیف آن را آغاز کرد و وقایع آن سلسله را تا سال ۱۰۰۶ ق در آن آورده است؛ «دیوان مجازیه»؛ «دیوان غایه المجاز»؛ «دیوان حاصل الجنات»، در مدح ائمه، «دیوان اضطراریه»؛ «برائه القلم»، که دو «دیوان» اخیر در مدح پادشاهان است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۹۷/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۵۸)، الذریعه (۲۷۱/۲۴)، نقاوه‌الاثار (پیش گفتار).

اقبال آشتیانی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ -۱۲۷۷ ش)، ادیب، مورخ و روزنامه‌نگار. در خانواده‌ای پیشه‌ور و تهیدست به دنیا آمد. در کودکی شاگرد درودگر بود اما میل به تحصیل سبب شد که در ضمن کار به مکتب رفته، مقدمات علوم را در زادگاه خود فراگیرد. در سال ۱۳۲۸ ق به تهران آمد. ابتدا به مدرسه‌ی شرکت گلستان رفت سپس در دارالفنون به فراگیری ادب فارسی پرداخت و معاونت کتابخانه‌ی معارف را که در

دارالفنون دایر شده بود به عهده گرفت. علاوه بر آن تدریس ادبیات و جغرافیا در مدارس نظام و علوم سیاسی و دارالمعلمین عالی نیز سالها با وی بود. کار نویسندگی اقبال از همکاری با «مجله‌ی دانشکده» و انتشار مقالاتی در آن مجله از سال ۱۲۹۷ ش آغاز شد. در سال ۱۳۰۴ ش از سوی وزارت جنگ با سمت منشی به همراه هیئت نظامی ایران به پاریس رفت و از دانشگاه سوربن لیسانس ادبیات گرفت. در سال ۱۳۰۸ ش به ایران بازگشت. در این هنگام وزارت فرهنگ از وی خواست که در تألیف کتابهای درسی تاریخ و جغرافیای اقتصادی ایران برای دبیرستانها و شعب علوم انسانی مدارس عالیه که در کشور تأسیس شده بود شرکت کند. با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ ش به سمت استادی در دانشکده‌ی ادبیات انتخاب گردید. از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۸ ش مجله‌ی «یادگار» را در تهران منتشر کرد. در اواخر عمر مدتی رایزن فرهنگی ایران در ترکیه و ایتالیا و در رم درگذشت. پس از یک سال پیکرش را به ایران آوردند و در مرقد شیخ ابوالفتوح رازی در جوار بارگاه حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. از وی آثار زیادی بر جای مانده است از جمله: «تاریخ اکتشافات جغرافیایی و تاریخ علم جغرافیا»؛ «تاریخ ایران از صدراسلام تا استیلای مغول»؛ «تاریخ ایران از بدو خروج چنگیز تا ظهور امیر تیمور»؛ «دوره‌ی تاریخ عمومی»؛ «جغرافیای ایران در خارجه»؛ «خاندان نوبختی»؛ «خدمات ایرانیان به تمدن عالم»؛ ترجمه‌ها: «تاریخ مختصر ایران» تألیف پاول هرن؛ «طبقات سلاطین اسلام»؛ «مأموریت ژنرال گاردان در ایران»؛ «ناپلئون و اسلام»؛ «یادداشتهای ژنرال ترەزل»؛ تصحیح متون: «دیوان معزی»؛ «حدائق السحر»؛ «بیان الادیان»؛ «تجارب السلف».[۱]

(بخش ۱) عباس اقبال آشتیانی، محقق و مورخ ایرانی (و. ۱۳۱۴ ه.ق./ ۱۲۷۵ ه.ش.- ف. رم. ۱۳۷۵ ه.ق./ ۱۳۳۴ ه.ش.). وی در آغاز جوانی شاگرد درودگر بود و سپس به تحصیل پرداخت و دوره دارالفنون را به پایان رسانید و به معاونت کتابخانه معارف انتخاب گردید. آنگاه در دارالفنون به تدریس، پرداخت و بعدها به معلمی مدارس نظام، مدرسه علوم سیاسی و داراالمعلین عالی منصوب شد. در سال ۱۳۰۴ ه.ش. به منشی‌گری هیئت نظامی ایران به پاریس رفت و در آنجا به تحصیل ادامه داد و با اخذ درجه لیسانس از سربن نائل آمد و در آن شهر با علامه محمد قزوینی آشنایی یافت و از محضر وی استفاده کرد. پس از بازگشت به ایران به سمت استادی دانشگاه و عضویت فرهنگستان انتخاب شد و سپس به سمت نماینده فرهنگی ایران در ترکیه و ایتالیا به شهر رم رفت و در آنجا اقامت گزید و هم در آنجا در سن ۵۹ سالگی درگذشت.

جنازه او را به تهران حمل کردند. وی در ۱۳۲۴ مجله «یادگار» را تأسیس کرد که پنج دوره از آن منتشر شده. از آثار وی «تاریخ مغول»، «وزراء سلاجقه»، «خاندان نوبختی»، تصحیح «عبتهٔ الکتبه»، تصحیح «سمط العلی»، تصحیح «مجمع التواریخ» تألیف دکتر فوریه، ترجمه «یادداشتهای ژنرال ترەزل»، ترجمه «مأموریت ژنرال گاردان در ایران»، تصحیح «ترجمه فارسی محاسن اصفهان»، تصحیح «بیان‌الادیان»، و تصحیح «تبصرهٔالعوام» را باید نام برد. وی در تحقیقات تاریخی و ادبی روش عالمانه‌ای دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما(۸۹ –۸۵)، تاریخ در ایران(۲۰۰ –۱۹۷)، دایرهٔالمعارف فارسی(۱۸۳ –۱۸۲ /۱)، زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر(۲۴۵ –۲۴۳ /۱)، سرآمدان فرهنگ(۱۷۲ –۱۷۱ /۱)، شخصیتهای نامی(۱۷ –۱۶)، شرح حال رجال(۱۳۱ /۵)، فرهنگ ادبیات فارسی(۶۴ –۶۳)، کارنامه‌ی بزرگان(۴۱۸ –۴۱۶)، گلزار معانی(۹۲ –۸۴)، مؤلفین کتب چاپی(۶۴۰ –۶۳۳ /۳)، یغما(س ۹، ش ۱، ص ۴۵ –۴۴).

اقتداری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد اقتداری به سال۱۳۰۴ هجری شمسی در شهر لار فارس به دنیا آمد. در پنج شش سالگی او را به مکتب خانه ای در شهر لار رفت. چیزی بعد از تاسیسی مدرسه دولتی در لار او را از مکتب خانه بازگرفتند وبه مدرسه دولتی فرستادند دروس شش ساله ابتدایی را آنجا خواند. جایزه شاگرد اولی در تمام استان (ایالت آن روز) فارس را در این شش سال را دریافت کرد. دوران سه ساله دبیرستان را در شهر لار گذراند پدرش پس از تردید بسیار او را به شیراز فرستاد تا در دانشسرای مقدماتی شیراز که دارالمعلمین ابتدایی بود نام نویسی کرد. دو سال در آن دانشسرا درس خواند و با شور و شوق بسیار با سمت آموزگاری به شهر لار برگشت و در سال های اول تا چهارم ابتدایی به خدمت آموزگاری پرداخت. اوایل سال۱۳۲۵؛ حدود یک سال پس از ازدواج استاد با این که می توانست از معافیت استفاده کند، اما عشق به وطن سبب شد که برای خدمت وظیفه عازم تهران شود. خود را به دانشکده افسری معرفی کرد پس از پایان این دوره و در سال۱۳۲۸ که نخستین کنکور دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی تهران برگزار می شد، در این دانشگاه پذیرفته شد و با کسب مدرک لیسانس به دبیری در دبیرستان های تهران پرداخت و در دانشسرای مقدماتی پسران به خدمت آموزشی مأمور شد. در سال۱۳۳۲ پروانه کارآموزی وکالت درجه یک بعد از درخواست یکساله، برایش صادر شد. سال۱۳۳۴ سوگند یاد کرد وبه اخذ اجازه وکالت پایه یکم دادگستری مفتخر شد تا علاوه بر ۳۰ سال معلمی و خدمت به نونهالان این مرز و بوم چهل سال هم در شغل وکالت دادگستری به جامعه خود خدمت کند. احمد اقتداری در طول زندگی سرشار از علم و ادب خود حدود چهل کتاب با ارزش و بیش از صد مقاله علمی به چاپ رسانده است. در میان آثار او از تصحیح و همت گماردن به انتشار دیوان اشعار شاعران، ترجمه آثار تحقیقی نویسندگان و پژوهشگران غیرایرانی تا چاپ قصه های مثنوی، منطق الطیر و هزار و یک شب و همچنین تحقیقات علمی در زمینه لهجه شناسی، زبان و فرهنگ مناطق مختلف کشور را می توان یافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : تاریخ محلی جنوب ایران

والدین و انساب : پدراحمد اقتداری مرحوم مرتضی قلی خان اقتداری و مادرش انیس خانم اقتداری، هر دو لارستانی و از روستای گراش بودند. از آن جهت که به علم آموزی احمد اهمیت می دادند از پنج شش سالگی او را به مکتب خانه ای در شهر لار فرستادند .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : احمد اقتداری از خاندانی کهنسال از خوانین گردش است. پرورش در آن خاندان منشاء ظهور خلقیات و مرام خاص در او شده است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : - گذراندن دوره ابتدایی و دبیرستان در شهر لار - گذراندن دوره دانشسرای مقدماتی در شیراز - شرکت در کنکور دانشکده حقوق سال۱۳۲۸ - اخذ پروانه کارآموزی وکالت درجه یک سال۱۳۳۲ - اخذ مجوز وکالت پایه یکم سال۱۳۳۴ - اخذ دکترای افتخاری از دانشگاه تهران

همسر و فرزندان : احمد اقتداری در سال ۱۳۲۳ با قمر خانم اقتداری ازدواج کرد. حاصل این ازدواج یک دختر و سه پسر بود. او و همسرش در تربیت فرزندان خود موجدانه کوشیدند و همه را با فضیلت به بار آورده اند. دختر ایشان با نام آرزو، متخصص زبان ایتالیایی و مدرس دانشگاه در آن رشته است، و تحقیق او درباره غزل های حافظ به زبان ایتالیایی به چاپ رسیده است.

وقایع میانسالی : احمد اقتداری در سال۱۳۳۱ تقاضای اخذ پروانه وکالت درجه یک دادگستری کرد و در سال۱۳۳۲ پروانه کارآموزی وکالت درجه یک برایش صادر شد. در همین ایام یادداشت های کتاب های «فرهنگ لارستانی» و «لارستان کهن» را آماده و مرتب می کرد ضمن این که سال۱۳۳۴ سوگند یاد کرد وبه اخذ اجازه وکالت پایه یکم دادگستری مفتخر شد تا علاوه بر

۳۰ سال معلمی و خدمت به نونهالان این مرز و بوم چهل سال هم در شغل وکالت دادگستری به جامعه خود خدمت کند

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زندگی احمد اقتداری سرشار از تلاش، کوشش و آفرینش است. خلق ۲۴ کتاب و بیش از ۲۰۰ مقاله علمی، نشان دهنده توانایی ها و کوشش های عاشقانه وی به ایران زمین، و به ویژه سرزمین فارس است. اقتداری مشاغل گوناگونی را پیشه خود ساخته است که می توان به معلی، مدیریت های فرهنگی، تدریس در دانشگاه تهران، فعالیت های اجتماعی و سیاسی، وکالت دادگستری،و مقاله نویسی در نشریات متعددی همچون یغما، فرهنگ ایران زمین اشاره نمود. در کنار این امور در برگزاری گردهمایی های علمی نیز مشارکت فعال می نمود از جمله برگزاری سمینار « خلیج فارس در سال ۱۳۴۲»و برگزاری نمایشگاه آثار سدید السلطنه کبابی بندر عباس در سال ۱۳۵۴ در دانشگاه تهران

فعالیتهای آموزشی : لارستان در آثار احمد اقتداری جایگاه ویژه ای دارد، علاوه بر آن استان های هرمزگان، خوزستان، بوشهر، کهکیلویه و بویر احمد نیز مورد توجه او بوده اند. یکی دیگر از اساسی ترین دل مشغولی های وی در عرصه علمی و فرهنگی، خلیج فارس می باشد. با توجه به حساسیت های پنجاه ساله اخیر در مودر این بخش از جغرافیای ایران، اقتداری به طور مستمر در جهت تبیین و تحلیل تاریخی آن کوشیده است. تنوع آثار نگارشی استاد در زمینه های تاریخ، معماری، ترجمه، تصحیح، تحشیه، ادبیات، مردم شناسی و سیاست نشان دهنده توانایی ها و علاقهٔ اقتداری به زوایای نهان و پنهان فرهنگ ایرانی است. عرصه های پژوهشی اقتداری شامل تحقیقات کتابخانه ای و تحقیقات اصیل می شود و میان به فراخور در این تحقیقات میدانی نیز در تقویت روش علمی خود بکار می گیرد.آثار اقتداری در واقع حاصل مشاهده، معاینه، مصاحبه و مراجعه به اصل بوده است.شیوه تحقیق و تاریخ نگاری اقتداری، تلاش جهت حداکثر به کار گیری شواهد بیرونی جغرافیایی و وجه شیئی فعلیت یافته تاریخی است. او تمام خلیج فارس و سراسر جنوب را با قدم طی کرده و سپس در آن باره قلم زده است.م روش تاریخ نگاری وی مبتنی بر اتکاء به آن بخش از اطلاعات تاریخی است که متقن و مثبت به شمار می آیند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ی

جوائز و نشانها : بنیاد فارس شناسی در نوزدهم آبان ماه ۱۳۷۹ با همراهی استادان برجسته تاریخ و ادب کشور، و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان فارس به دلیل سپاس از زحمات بی دریغ احمد اقتداری در حیطه علم و فرهنگ،از او تجلیل به عمل آورد.

چگونگی عرضه آثار : آثار احمد اقتداری را میتوان به تالیفات ، مقالات و سخنرانیها تقسیم کرد ضمن این که مجموعه مقاله های او در این زمینه با نام «کشته خویش» به چاپ رسیده است که مجموعاً پنجاه مقاله را دربرمی گیرد و مجموعه سخنرانی هایش بانام «از دریای پارس تا دریای چین» منتشر شده است.کی از مهمترین جنبه های تحقیقات اقتداری پژوهشی درباره خلیج فارس است. اهمیت استراتژیک این منطقه و این که خلیج فارس به اندازه قدمت و پیشینه اش شناخته شده نیست ضرورت تحقیق درباره شناسایی جنبه های مختلف آن را بیش از پیش بر ما مشخص می کند. آنچه امروز درباره این منطقه می دانیم و آنچه در دست داریم برپایه حدس و گمان یا بنابر افسانه های قدیم و اسناد تاریخی مانند تورات، کتیبه های میخی و آثار برجا مانده از دوران باستان است و در این میان اقتداری با توجه به جنبه های مختلف خلیج فارس از جمله زبان های محلی، آثار باستانی، تاریخ و جغرافیای منطقه، نام خلیج فارس و... مقاله های متنوع و آموزنده ای در شناسایی آن نوشته که می توان به این موارد اشاره کرد: «زبان های محلی و فولکلور خلیج فارس»، «اسناد فارسی، عربی و ترکی در آرشیو ملی پرتغال درباره هرمز و خلیج فارس»، «سرگذشت تاریخی چهار جزیره در خلیج فارس»، «تاریخ و جغرافیای خلیج فارس»، «خلیج فارس و آشنایی با امارات آن»، «محاکمه خلیج فارس نویسان»، «خلیج فارس و نام آن» و... ضمن این که کتابی با عنوان یکصد و پنجاه مقاله در زمینه های ایران شناسی و خلیج فارس از او به چاپ رسیده است که می تواند به عنوان مرجعی در شناخت این منطقه پراهمیت مورد استفاده قرار گیرد. و نیز تلاش های اقتداری در هویت بخشیدن به لارستان و نگرش تازه به تاریخ، فرهنگ و جغرافیای این ناحیه بسیار مهم و قابل تقدیر است احمد اقتداری،

علاوه بر تحقیق و پژوهش، طبعی شاعرانه و روحی لطیف دارد گرچه او خود را شاعر نمی داند اما: او شاعری است که تجربیات اجتماعی و زندگی خود را در شعرهایش می گنجاند. احمد اقتداری، علاوه بر تحقیق و پژوهش، طبعی شاعرانه و روحی لطیف دارد گرچه او خود را شاعر نمی داند اما: او شاعری است که تجربیات اجتماعی و زندگی خود را در شعرهایش می گنجاند. یکی از نمونه شعرهای او: از گردش روزگار آزرده منم وز دور زمان دمی نیا سوده منم از کارگران و مزد کم باد به دست با رنج مدام، گنج نابرده منم بس بود و نبود عمر را کرده گذار هم نیک و بدش به هیچ نشمرده منم با هر کس زروی مهر خدمت کردم ماری به درون جیب پرورده منم بس نیش به جای نوشم دادند تریاق نخورده زهرآمخته منم محزونم و مهجورم و مطرودم از آنک دیری است که با عشق تو خو کرده منم --

----

آثار :

۱ آتشکده کاریان و آتشکده های فارس- ناتمام

۲ آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان

۳ آیین دریا نوردی کهن در اقیانوس هند و خلیج فارس

۴ از دریای پارس تا دریای چین

۵ بشنو از نی: ندای نی

۶ بشنو از نی: نیاز نی

۷ بشنوی از نی: نوای نی

۸ تحشیهٔ ارجان و کهکیلویه

۹ تحشیهٔسرگذشت کشتی رانی ایرانیان

۱۰ تحشیه دیوان سدید الدوله- ناتمام

۱۱ تحشیه عهد مسم(سفرنامه خسرو میرزا)- ناتمام

۱۲ تحشیه مشوش نامه- ناتمام

۱۳ ترجمه لار در قرون وسطی- ناتمام

۱۴ تصحیح باغستان لارستانی

۱۵ تصحیح بندر عباس و خلیج فارس

۱۶ تصحیح تاریخ مسقط وعمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران

۱۷ تصحیح دیوان شیدای گراشی

۱۸ تصحیح سرزمین های پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش

۱۹ تصحیح سفرنامه سدید السطنه

۲۰ خلیج فارس

ویژگی اثر : این اثر جایزه ویژه یونسکو در ایران را به خود اختصاص داده است.[کمال سروستانی، سخن اول، ص۶]

۲۱ خوزستان و ممسنی و کهکیلویه

ویژگی اثر : در زمینه شناساندن کهگیلویه هم کتاب معروف احمد اقتداری بانام «خوزستان، کهگیلویه و ممسنی» با استناد به مدارک و منابع معتبر این ناحیه را به خوانندگان خود معرفی کرده است. برای نمونه در این کتاب به نقل از مسالک و ممالک

اصطخری می خوانیم: «یکی از پادشاهان رم که همیشه از یک تا سه هزار نفر بر در خانه ایشان لشکر حاضر است، مهرگان پسر برزویه پادشاه زمیگان است و آن رمی است که به رم گیلویه مشهور است و مهرگان پیش از گیلویه بوده و شأن و شوکتی از گیلویه بالاتر داشته. پس ازمهرگان پسرش سلمه به جای او نشست. گیلویه از ولایت اصطخر نزد او آمد و به خدمتگزاری پرداخت. چون سلمه بمرد گیلویه آنجا را تصرف کرد و کارش به جایی رسید که این سرزمین را به اسم او می خوانند...»

۲۲ دیار شهر یاران(ج۱)

۲۳ دیار شهر یاران(ج۲)

۲۴ سایه سیمرغ- ناتمام

۲۵ صدو پنجاه مقاله در زمینه ایران شناسی و خلیج فارس- ناتمام

۲۶ فرهنگ لارستانی

ویژگی اثر : نخستین و یکی از مهمترین کتاب های اقتداری «فرهنگ لارستانی» بود که به عنوان نخستین نشریه جداگانه مجله «فرهنگ ایران زمین» با نشان فرهنگ ایران زمین، نقش شیر در کتیبه های تخت جمشید زینت یافت و در سال ???? منتشر شد.

۲۷ کاروان عمر

ویژگی اثر : این اثر شامل خاطرات سیاسی و فرهنگی هفتاد سال عمر اقتداری می باشد.اقتداری در کتابی با نام «کاروان عمر» خاطرات سیاسی فرهنگی هفتاد سال عمر خود را با قلمی شیوا و با ذکر جزئیات نوشته است. در این کتاب ضمن آشنایی با جنبه های مختلف زندگی او با توجه به سمت های مختلفی که وی در طول عمر خود داشته است و با توجه به فعالیت های مختلف فرهنگی و هنری اش می توان با اوضاع فرهنگی ایران در دوره معاصر آشنا شد. وی در آغاز این کتاب می نویسد: «نوشتن «خاطرات» زندگی، از دیرباز در ایران زمین معمول بوده است. بسیاری از نکته ها و گوشه های تاریخ اجتماعی ایران از روی همین «خاطرات نامه ها» به دست ارباب تحقیق رسیده و مسائل مبهم و فرهنگی و وضع زندگی مردمان و کیفیات زندگی مدنی و اجتماعی، از روی اینگونه کتاب ها استخراج شده و مورد بحث و تدقیق جامعه شناسان و مورخین و محققین قرار گرفته است... من در هفتاد سال عمر خود در ایران و خارج از ایران بسیاری از مشکلات را در سر راه زندگی خود یافته ام. بسیاری راحل کرده ام و بسیاری راحل نکرده ام و...»

۲۸ کشته خویش

۲۹ لارستان کهن

۳۰ لارستان کهن و فرهنگ لارستانی

منابع زندگینامه :

http://www.iran-newspaper.com/۱۳۸۵/۸۵۱۰۲۴/html/horizon.htm۲خیرانـدیش، عبدالرسول.«سبک تاریخ نگاری استاد احمد اقتداری» فارس شناخت. پاییز ۱۳۷۹، صص۵-۱۴۳ریاحی، محمد امین، اقتداری محقی آشنا. فارسشناخت، پاییر ۱۳۷۹، ص ۱۲۴قاسمی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا،ص۴۵۵کمالی سروستانی، کوروش، سخن اول، فارس شناخت. پاییز ۱۳۷۹، ص۶۶یاسینی، قاسم. نقش احمد اقتداری در احیای آثار سدید سلطنه کبابی، فارس شناخت، پاییز۱۳۷۹، ص۲۷

اکرمی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

وی در آبان ماه سال ۱۳۳۸ش در شهر گوگد گلپایگان در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در همانجا سپری کرد و در سن چهار سالگی جهت فراگیری قرآن مجید و احکام اسلامی به مکتب خانه رفت و در سن شش سالگی قرآن و احکام اسلامی را فرا گرفت سپس برای فراگیری تحصیلات کلاسیک به دبستان رفت و مقطع ابتدائی را در یکی از مدارس شهر به پایان رسانید.

سال آخر دوره ابتدائی یعنی پنجم دبستان را طی می کرد که ابوی ایشان به حج مشرف شد. هنگام بازگشت پدر، وی جهت استقبال همراه عده ای از آشنایان به قم آمده و به حسن اتفاق همراه یکی از طلاب ساکن مدرسه حاج ملا محمد صادق به آن مدرسه رفت و شب را در آنجا سپری کرد. روحیه لطیف و سادگی طلاب وی را جذب خود کرد و از همانجا تصمیم گرفت جهت آموزش و فراگیری علوم دینی به این شهر عزیمت کند. با اصرار او و موافقت والدین در سال ۱۳۵۰ ش به قم آمد و در همان مدرسه ساکن شد. ادبیات و دوره مقدمات را نزد اساتید بزرگوار مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی فرا گرفت. همزمان با تحصیل علوم دینی دروس جدید و کلاسیک را نیز ادامه داد و موفق به اخذ دیپلم اقتصاد گردید.

پس از پایان مقدمات سطح را نیز ادامه داده و در این هنگام از محضر اساتید بزرگواری چون حضرات آیات محسن دوزدوزانی، محمد تقی ستوده، محی الدین فاضل هرندی، و ... تلمذ نموده و در نهایت در سال ۱۳۶۳ش امتحانات پایان سطح را با موفقیت پشت سر گذاشته و در درس های خارج فقه و اصول همچنین فلسفه و تفسیر شرکت کرد. در این مقطع نیز که ۱۶ سال ادامه داشت و هم اکنون نیز ادامه دارد، از محضر اساتید معظم و مراجع تقلید حضرات آیات عظام محمد فاضل لنکرانی، حسینعلی منتظری، جوادی آملی، مکارم شیرازی و محمد علی گرامی بهره مند شده و تقریراتی که وی از این دروس نوشته به حدود سی دفتر می رسد که به صورت دست نویس نزد ایشان موجود است.

همزمان و در کنار آموزش و فراگیری علوم دینی در مبارزات حق طلبانه ای که در حوزه علمیه قم وجود داشت شرکت می کرد. در سال ۱۳۵۴ همراه طلاب و فضلا در جلسه ای که در مدرسه فیضیه به مناسبت بزرگداشت شهدای پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ برپا شده بود حضوری فعال داشت و یکی از رهبران آن جنبش به شمار می آمد. در سال ۱۳۵۶ به اتفاق جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای محمد علی نکونام سفری تبلیغی سیاسی به گلپایگان داشته و به دنبال سخنرانیهای افشاگرانه و پخش اعلامیه های حضرات آیات عظام امام خمینی(ره) و گلپایگانی و ... دستگیر، بازداشت و ممنوع الملاقات گردید. در شهربانی شهر پس از بازجویی گسترده و تحمل حدود یک ماه زندان بدون ملاقات به اصفهان اعزام شد و در دادگاه نظامی و فرمایشی شاهنشاهی محاکمه و به دو سال حبس محکوم گردید.

دوران محکومیت را در زندان شهربانی اصفهان سپری می کرد که همزمان با اوج گیری مبارزات حق طلبانه مردم ایران رژیم استبدادی تسلیم خواسته مردم شد و زندانیان سیاسی را آزاد کرد، وی نیز در پاییز سال ۱۳۵۷ پس از تحمل حدود یک سال اسارت و زندان آزاد شد و به آغوش خانواده بازگشت.

پس از پیروزی انقلاب و شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نامبرده پس از طی مراحل مختلف آموزش نظامی به جبهه های جنگ عزیمت کرده و در کنار رزمندگان اسلام به انجام وظیفه پرداخت.

یکی از وظایف و مسئولیتهای مهم طلاب و فضلای حوزه علمیه تبلیغ، ارشاد و هدایت مردم است، برای ادای این وظیفه الهی، مردمی اولین سفر تبلیغی خود را در سال ۱۳۵۴ به اطراف شیراز اعزام شد و از همان سال به طور مرتب در ایام تبلیغ به مناطق و شهرهای مختلف کشور سفر می کرد.

الله اکبری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد الله اکبری

محل تولد : بند قراء

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه کاشمر شدم. در مهر سال ۱۳۵۹به حوزه علمیه یزد رفتم و پس از سه سال تحصیل در آنجا و خواندن دروس مقدمات و معالم و مختصر المعانی، سال ۱۳۶۲ در مهرماه وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه الهادی مرحوم آیهٔ الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم و به ترتیب دروس فقه و اصول را در حوزه قم خواندم.

در سال ۱۳۶۷درس خارج را شروع کردم. درس های فقه و اصول را نزد آقایان نکونام، مدنی، کریمی، نظری، میانجی، عندلیب شیرازی، اعتمادی و بنی فضل و ستوده خواندم. درس خارج اصول را نخست در درس خارج اصول آیهٔ الله صانعی حاضر شدم و سپس درس خارج اصول آیهٔ الله سبحانی و درس خارج فقه را نزد آیهٔ الله مکارم شیرازی حاضر می شدم.

در سال ۱۳۶۸ از طریق کنکور سراسری در دانشکده الهیات دانشگاه تهران قبول شدم و هر هفته دو روز به تهران می رفتم تا در سال ۱۳۷۲لیسانس تاریخ تمدن ملل اسلامی را گرفتم و همان سال فوق لیسانس همان رشته را قبول شدم و در شهریور ۱۳۷۵از این سطح فارغ التحصیل شدم و همان سال در همان رشته و همان دانشکده دکتری قبول شدم که مع الاسف هنوز رساله دکتری را دفاع نکرده ام. از سال ۱۳۷۴ همزمان با تحصیل در معاونت فرهنگی دفتر تبلیغات واحد پژوهش به پژوهش مشغول شدم و مدت دو سال هم مدیر این واحد بودم از سال ۱۳۷۸ با قسمت دائرهٔ المعارف قرآن کریم دفتر تبلیغات همکاری می کردم تا سال۱۳۸۲.

از سال ۱۳۸۰در واحد سیره و تاریخ اهل بیت سیره دفتر تبلیغات همکاری را شروع کردم و دو سال مدیر گروه سیره اهل بیت (ع) بودم تا سال ۱۳۸۲.و تاکنون هم عضو شورای پژوهش این واحد هستم.

از سال ۱۳۷۹ تدریس در مرکز جهانی علوم را آغاز کردم و سال ۱۳۸۱ جزء هیأت علمی آن مرکز شدم و از اسفند سال ۱۳۸۲ تا کنون معاون پژوهش مدرسه عالی امام خمینی (ره) از مدارس تحت پوشش این مرکز هستم و فعالیتم ادامه دارد. در مراکزی مانند مرکز جهانی، مرکز مهدویت، مؤسسه امام خمینی(ره)، باقر العلوم(ع)، مرکز تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم، دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد تدریس داشته‌ام.

امام، جلال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جلال امام

محل تولد : رشکوئیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۷۳ وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) یزد شدم. در سال ۷۵ به مدرسه علمیه مصلی یزد رفته و فقه و اصول را گذراندم و همزمان در کلاسهای زبان جهاد دانشگاهی به مدت دو سال به مکالمه زبان پرداختم. در سال ۷۸ امتحان ورودی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) داده و مهر ۷۹ به قم آمدم و در کنار دروس حوزه در رشته تاریخ موسسه مشغول به تحصیل شدم.

پس از اتمام دوره کارشناسی در بهار سال ۸۴ در امتحان ورودی کارشناسی ارشد تاریخ تشیع موسسه پذیرفته شدم و از بهمن ماه ۸۴ در مقطع ارشد مشغول به تحصیلم.

همزمان سطح دو حوزه را از شورای مدیریت اخذ کردم. از فروردین ۸۶ به عنوان کارشناس اجرایی گروه تاریخ اسلام مدرسه عالی امام خمینی (ره) مشغول به کار شدم و از مهر ماه ۸۶ در این مدرسه مشغول به تدریس می باشم. موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد بنده هنوز تصویب نشده است.

امامی فر، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی امامی فر

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره ابتدایی را در روستا (روستای ارگس علیا از توابع ملایر) گذراندم. پاییز سال ۵۶ برای ادامه تحصیل به بروجرد رفتم روزها در حوزه علمیه نوربخش که الان به نام امام صادق (ع) تغییر نام داده مشغول تحصیل شدم و شب‌ها در مدرسه راهنمایی به ادامه تحصیل دولتی مشغول شدم. اواخر ۵۶ انقلاب شروع شد و در سال ۵۷ که انقلاب ادامه داشت در سال ۵۸ به منظور ادامه تحصیل به قم آمدم.

سال ۶۲ در موسسه در راه حق در برنامه‌های آموزشی آیت الله مصباح شرکت نمودم. و دوره‌های آموزش این موسسه را به پایان بردم. بعد از تأسیس موسسه امام خمینی (ره) به صورت مستقل از طرف معظم له مجدداً در دوره تخصصی تاریخ اسلام در مقطع کارشناسی ارشد شرکت نمودم و فارغ التحصیل شدم (در سال ۷۴). این برنامه‌ها در کنار درس‌های حوزه بود که دروس اصلی به حساب می‌آمدند. لمعتین را در محضر آیت الله اشتهاردی و مرحوم وجدانی، مکاسب و رسائل را خدمت آیت الله پایانی و محفوظی و اعتمادی خواندم. کفایه را در محضر آیت الله اعتمادی و مرحوم ستوده خواندم. در دروس خارج مرحوم آیات عظام مرحوم تبریزی، صالحی مازندرانی، مکارم شیرازی و سبحانی و آیت الله مؤمن، شرکت نموده و انتقاد کرده‌ام. از سال ۷۴ در دانشگاههای شهید بهشتی تهران، آزاد قم، اراک، بروجرد و ساوه مشغول به تدریس بوده‌ام و حدود ۱۰ سال است که عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد ساوه هستم.

امینی تبریزی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۰ –۱۳۲۰ ق)، عالم، فقیه و محدث. در تبریز متولد و چون جدّ او ملا نجف علی امین شرع بوده، به امینی شهرت یافته است. ابتدا تحت تربیت پدرش که از علمای بزرگ تبریز بود پرورش یافت و در مدارس تبریز مقدمات و ادبیات را فراگرفت. سپس از محضر حاج سید محمد مولانا و حاج سید مرتضی خسروشاهی صاحب کتاب «اهداء الحقیر در معنی حدیث الغدیر» و آقا شیخ حسین مؤلف کتاب «هدایهٔ الانام» سطوح عالیه را آموخت. بعد به نجف اشرف مهاجرت کرد و در محضر حاج سید ابوتراب خوانساری، آقا سید محمد فیروزآبادی، تلمذ کرد و از آقا سید ابوالحسن اصفهانی، علامه نائینی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، محمدحسین غروی اصفهانی و میرزا علی‌آقا شیرازی و دیگران استفاده نمود و به دریافت اجازه اجتهاد از ایشان نایل گردید. او بعد از فراغت از تحصیل به تبریز بازگشت و در آنجا به وظائف شرعی پرداخت. سرانجام به قصد اقامت دائم به نجف بازگشت. علامه امینی فقیهی بزرگ و مؤلفی پرکار و خطیبی دانشمند بود و از ابتدا بزرگان نجف او را امید اسلام و تشیع پیش‌بینی می‌کردند. وی در تألیف اثر گرانقدرش «الغدیر» کتابخانه‌های ایران و عراق و دیگر کشورهای اسلامی را جستجو کرد. و بیش از چند هزار کتاب را دید. وی با سفر به شهرهای حیدرآباد دکن و علیگره و بمبئی و لکهنو و کانپور و پتنه و رامپور و جلالی هند و نیز بیروت و دمشق و معره و نبل و حلب و مکه و مدینه و شهرهای بسیار دیگر همگام با تهیه مآخذ و مطالعه و استنساخ کتب در ملاقات با استادان و دانش پژوهان و شرکت در محافل عمومی به نشر مفاهیم اصیل و صحیح ولایت می‌پرداخت. کتابخانه‌ی امیرالمؤمنین (ع) در نجف با همت وی تأسیس شده که از نفایس جهان علم و ادب به شمار می‌رود و حدود ۴۰۰۰۰ کتاب از جمله صدها کتاب خطی در آن گردآوری شده است. وی در تهران درگذشت؛ پیکر او را به نجف بردند و در کتابخانه‌اش دفن کردند. از وی آثاری بر جای مانده است که عبارت‌اند از: «الغدیر فی الکتاب والسنهٔ والادب»، دایرهٔالمعارف شیعه که در آن احادیث و اشعار مربوط به روز عید غدیر را آورده است؛ «اعلام الانام فی معرفهٔ الملک العلام»؛ «ثمرات الاسفار»، در دو جلد که شرح سفرهای اوست؛ «شهداء الفضیله»؛ «ریاض الانس»، در دو جلد؛ «سیرتنا و سنّتنا سیرهٔ نبیّنا و سنته»؛ «حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی انصاری»؛ «حاشیه بر مکاسب شیخ مرتضی انصاری»؛ «تفسیر سوره‌ی حمد»؛ «تفسیر آیاتی از قرآن»؛ «ادب الزائر»؛ «العترهٔ الطاهرهٔ فی الکتاب».[۱]

حاج شیخ عبدالحسین امینی تبریزی ابن عالم الجلیل میرزا احمد بن المولی نجفعلی مشهور به امین الشرع تبریزی از اعاظم علماء و اکابر دانشمندان معاصر و دارای معنویت و مقامات عالیه بودند.

در سال ۱۳۲۰ ق در تبریز متولد شده و در تحت تربیت و رعایت مرحوم والدش که از علماء بزرگ تبریز بودند پرورش یافته و در مدارس تبریز مقدمات و ادبیات را فرا گرفته و از همان اوان صغر آثار نبوغ و کثرت حافظه و سرعت انتقال از وی ظاهر و بارز بوده است. پس از پایان اولیات، سطوح عالیه را از محضر مرحوم آیۀاللّه حاج سید محمد مولانا و آیۀاللّه حاج سید مرتضی خسرو شاهی و آیه اللّه آقا شیخ حسین مولف کتاب (هدایه الانام) استفاده نموده و به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحوم آیۀاللّه حاج سید ابوتراب خونساری متوفی ۱۳۴۶ ق و آیۀاللّه آقا سید محمد فیروز آبادی متوفی ۱۳۴۵ ق و مرحوم آیۀاللّه نائینی و آیۀاللّه میرزا علی آقا شیرازی و بعضی دیگر بهره‌مند شده تا بمدارج علم و کمال رسیده و مبادرت بتألیف و تصنیف کتب مفید نموده و از این راه خدمات بسیار ارزنده‌ای بعالم اسلام مخصوصا تشیع نموده است.

نگارنده گوید: مرحوم علامه مجاهد امینی حقا از نوادر علماء معاصر ما بودند که در راه خدمت بدین و ولایت تحمل شدائدی نموده و به کشورهای هند و پاکستان و سوریا و حلب و غیره مسافرتها کرده و کتابخانه‌های مهم آنجا را با دقت مطالعه و بررسی و بیش از چند هزار کتاب را دیده و دائره المعارفی بنام (الغدیر) در موضوع ولایت حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و مثالب غاصبین حقش از کتب اهل سنت نوشته که در فن خود بی نظیر و موجب استبصار بسیاری از اهل سنت که تقلید کورکورانه ستمکاران به اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌نمودند گرویده‌اند.

علامه امینی چندین سال بود که در تهران رحل اقامت افکنده، و در آخر ماه ربیع‌الاول ۱۳۹۰ ق در تهران وفات و پس از تشییع و تجلیل با شکوهی حمل به نجف و در کتابخانه‌اش مدفون گردیده است.

آثار خالده‌ی او که بزرگترین اثر جاودانی او می‌باشد تاسیس کتابخانه وزین امیرالمومنین علیه‌السلام نجف اشرف است که بیش از چهل هزار جلد کتاب مطبوع و محفوظ دارد و از نفایس جهان علم و ادب بشمار می‌رود.

و آثار علمی او از این قرار است:

۱- دائرەالمعارف شیعه بنام الغدیر که بیست و دو مجلد است یازده جلد آن مطبوع و بقیه مخطوط است و مطبوع آن مکرر در نجف و بیروت و تهران بطبع رسیده است.

۲- شهداء الفضیله که در نجف چاپ شده. ۳- کتاب سیرتنا و سنتنا که بچاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] حماسه‌ی غدیر (احوال و آثار علامه امین)، الذریعه (۲۶/۱۶، ۲۵۹/۱۴۸۲/۲)، الغدیر، ترجمه (۱۶۳ -۱۵۴ /۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۹ -۳۷۷ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۳ -۷۲۲ /۳)، مستدرکات اعیان (۸۲/۱).

امینی هروی، صدرالدین ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۱/۹۳۰ ق)، مورخ و شاعر. از اعیان هرات و از وزرای سلطان حسین بایقرا بود و در هنگام استیلای ازبکان در آن شهر کشته شد. او ابتدا در هرات در خدمت سلطان حسین میرزا بایقرا بود و در سال ۹۲۷ ق به دربار شاه اسماعیل پیوست و به امر او کتابی در دو قسمت به نام «فتوحات شاهی» تألیف کرد. از دیگر آثار وی: «مناظره‌ی مهر و مکتوب»؛ ترجمه «دیوان» علی بن ابیطالب

(ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۶۶، ۲۷۵)، تحفه‌ی سامی (۴۷ -۴۶)، الذریعه (۱۱۷، ۱۶ -۱۵ /۹)، فرهنگ سخنوران (۹۹).

انیسی قندهاری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۳ ق)، شاعر و مورخ. واقعه‌نویس دربار ظهیرالدین بابر بود و استادانه غزل می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴۲).

ایدرم، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن ایدرم

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ مدرک سال دوم ریاضی فیزیک راهی حوزه علمیه قم، مدرسه امام صادق علیه السلام مشهور به خلخالی شدم. در مدت چهار سال مقدمات را در آن جا فرا گرفتم. بنام ترین استادمان دراین مرحله جناب حجه الاسلام جراثیمی بود. البته، بیشتر دروس این مرحله را پیش خودم خواندم؛ همچنین فراگیری را محدود به درسهای ارایه شده نکردم .در مرحله سطح ۱ و ۲ هم بیشتر دروس را بجز بخشهایی از آن ، پیش خود خواندم از اساتید این مرحله می توانم آیات و حجج اسلام: وجدانی، اعتمادی، محفوظی و محقق داماد را نام ببرم که مدتی بخشهایی از سطح را پیش ایشان فراگرفتم. در مرحله خارج که از سال ۶۷ شروع شد، بخشهایی از فقه و اصول را نزد آیات عظام: منتظری، صانعی، موسوی اردبیلی، صالحی مازندرانی، احمدی فقیه یزدی فرا گرفتم. از سال ۶۹ هم تحقیق و پژوهش را در جلسه حزب الله در مباحث تاریخی شروع نمودم. کمی بعد به پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام رفتم و مدت چهارسال با آنجا به همکاری پژوهشی پرداختم. سپس در سال ۷۵ به همکاری با پژوهشکده فرهنگ و اندیشه پرداخته و تا چهار سال این همکاری ادامه داشت. از سال ۷۸ تا کنون نیز با موسسه فرهنگی و هنری عصر سبز همکاری دارم. در ضمن، سال ۷۶ تا ۷۹ هم با حوزه هنری همکاری داشته ام.

ایرانی، عبدالمحمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۴ -۱۲۵۰ ق)، شاعر، نویسنده، مورخ و روزنامه‌نگار. ملقب به مؤدب السلطان. در اصفهان متولد شد. در هفت سالگی پدرش را از دست داد و در حجره‌ی تجارتی برادران خود به کار مشغول شد و همزمان در مدارس قدیم اصفهان نیز به تحصیل پرداخت. در هفده سالگی به شیراز و بوشهر سفر کرد و پس از یک سال اقامت به عتبات رفت. پس از بازگشت به اصفهان، به نمایندگی شرکت اسلامیه، که برای ترویج صنایع وطنی در اصفهان تأسیس شده بود، به بادکوبه رفت و چند سال در آنجا ماند. در سال ۱۳۳۲ ق که به مصر رفته بود، ابتدا در اسکندریه و سپس در قاهره به انتشار روزنامه‌ی «چهره‌نما» پرداخت. به همین سبب به چهره‌نما مشهور شد. در سال ۱۳۲۷ ق به اروپا رفت و در سال ۱۳۰۹ ش به ایران مراجعت نمود. پس از مرگش روزنامه‌ی «چهره‌نما» به مدیریت فرزندش منوچهر مؤدب‌زاده ایرانی چاپ می‌شد. ایرانی سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «رساله‌ی احقاق الحق»؛ «زرتشت باستانی و فلسفه‌ی او»؛ «تاریخ مفصل افغان»؛ «پیدایش خط و خطاطان»؛ «امان التواریخ»؛ «فوائد التواریخ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۹۳ -۴۹۲ /۲)، تاریخ جراید (۱۹۹ -۱۹۰ /۲)، تذکرهٔ القبور (۲۴۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۱۸ -۳۱۷ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹ -۷ /۴).

ایزدی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ایزدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۷/۱

آبری سیستانی، ابوالحسن محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۶۳ ق)، مورخ، حافظ و محدث شافعی. وی به خراسان، شام، جزیره و حجاز سفر کرد. از ابن‌خزیمه‌ی نیشابوری، ابوالعبّاس سراج نیشابوری، زکریا بن احمد بلخی، محمد بن یوسف هروی و محمد بن سهل قهستانی و دیگران حدیث شنید. علی بن بُشری

لیثی سجستانی، یحیی بن عمّار سجستانی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. اثر معروف او: «مناقب الامام الشافعی» است که تذکره‌نویسان آن را در نوع خود کم‌نظیر دانسته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۵۶ /۱)، تاریخ سیستان (۲۹)، تذکرة الحفاظ (۹۵۵ -۹۵۴ /۳)، دائرة المعارف البستانی (۲۰ /۱)، سیر النبلاء (۳۰۱ -۲۹۹ /۱۶، ۵۰۰، ۱۲ /۱۰)، کشف الظنون (۱۸۳۹)، مراصد الاطلاع (۱ /۱)، معجم البلدان (۶۷ /۱)، معجم المؤلفین (۲۳۲ -۲۳۱ /۹)، الوافی بالوفیات (۳۷۲ /۲)، هدیة العارفین (۴۸ /۲).

آبی، ابوسعد، ابوسعید منصور

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۲ /۴۲۲ /۴۲۱ ق)، فقیه، ادیب، شاعر و مورخ امامی. در آبه یا آوه از توابع ساوه متولد شد. و پس از کسب معلومات متداول زمان در ری به وزارت ابوطالب مجدالدوله‌ی دیلمی رسید، و با صاحب بن عباد دوستی داشت. به گفته‌ی منتجب الدین از شاگردان شیخ طوسی بود. عبدالرحمان نیشابوری از او روایت می‌کرد. برادر او، ابومنصور محمد بن حسن آبی، نیز از ادیبان و دانشمندان قرن پنجم است که در خدمت ملوک طبرستان دارای منصب وزارت بود. آثار ابوسعد عبارت‌اند از: «نزهة الادب»؛ «نثر الدرر»؛ «تاریخ ری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۷ /۸)، اعیان الشیعه (۲۵۲ /۹، ۸۵ /۲)، دائرةالمعارف البستانی (۲۶ -۲۵ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲ /۱)، الذریعه (۱۰۸، ۵۲ -۵۱ /۲۴، ۲۵۴ /۳)، ری باستان (۳۹۴ /۲)، ریاض العلماء (۲۱۹ /۵)، ریحانه (۱۳۶ -۱۳۵ /۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۶ -۱۹۵ /۵)، فهرست منتجب الدین (۱۶۱)، فوائد الرضویه (۶۶۸ -۶۶۷)، کشف الظنون (۱۹۳۹، ۱۹۲۷، ۲۹۵)، الکنی والالقاب (۴ /۲)، معجم الادباء (۲۳۸ /۶)، معجم البلدان (۶۹ /۱)، معجم المؤلفین (۱۲ /۱۳)، نشر دانش (س ۱۳، ش ۶، ص ۲۸)، هدیة الاحباب (۹۶)، هدیة العارفین (۴۷۳ /۲).

آدمیت، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متولد ۱۲۹۹ و فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق دانشگاه تهران. دکترای خود را در رشته‌ی تاریخ سیاسی از دانشگاه لندن دریافت کرد. خدمات اداری را از ۱۳۱۹ در وزارت امور خارجه آغاز نمود و مشاغل مختلفی را در آن وزارتخانه احراز کرد، تا سرانجام به مستشاری سفارت و معاونت نمایندگی دائمی ایران در سازمان ملل متحد منصوب شد. در تهران نیز مدتی مدیرکل اداره‌ی سازمانهای بین‌المللی بود. چندی با سمت سفیر کبیر در هلی نو اقامت داشت و زمانی نیز سفیر ایران در هلند بود. در کنار مشاغل سیاسی و اداری خود به کار تحقیق و تتبع در تاریخ جدید ایران پرداخته است. نشریه‌ی وزارت امور خارجه که حاوی نکات مهم تاریخی است با مدیریت وی منتشر می‌شد. او دارای تألیفات متعددی است که از همه مهمتر کتاب امیرکبیر و ایران است که چند بار

به چاپ رسیده است. در این کتاب، گذشته از منابع دست اول، با استفاده از آرشیو وزارت امور خارجه ایران و انگلیس اسناد مهمی را ارائه نموده است. این کتاب از معتبرترین کتبی است که تاکنون در این زمینه چاپ شده است. کتاب دیگری نیز به نام فکر آزادی و مقدمه‌ی نهضت مشروطه انتشار داده است که این نیز تاریخی و تحقیقی است. کتاب ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران از آثار دیگر اوست. آدمیت پس از بازنشستگی فراغت بیشتری برای تحقیق در تاریخ قاجار و نهضت مشروطیت پیدا کرد و آثار زیادی انتشار داد. کتاب افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده‌ی دوران قاجار را تنظیم نموده که از تحقیقات سودمند اوست. وی را یکی از تاریخ‌نگاران دوره‌ی جدید ایران می‌دانند که آثارش برای پژوهش تاریخی در دوره‌ی قاجاریه مفید و باارزش است. علاوه بر کتاب، رسالات و مقالات بسیاری نوشته که همگی از لحاظ روش علمی تاریخ‌نگاری به سهم خود اهمیت دارد.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

آذری، علاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تاریخ از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

تدریس دروس مختلف از جمله تاریخ ایران باستان، تاریخ مغول و قاجاریه، تاریخ قرون وسطی در دانشگاههای تهران و اصفهان از سال ۱۳۴۸، دانشیار دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جغرافیای تاریخی، تاریخ و فرهنگ، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جغرافیای تاریخی ورامین. تاریخ روابط ایران و چین، سیری در تاریخ و فرهنگ ایران.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

روابط خارجی، جغرافیای تاریخی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آزاد سرو

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، از راویان «خداینامه». وی با احمد بن سهل (وف ۳۰۷) از بزرگان کامکاریان که داعیه‌ی امارت داشت در مرو ب سر می‌برد. فردوسی سالها بعد از او از کتابش که در «اخبار رستم» نوشته بود و از روایتش راجع به قتل رستم استفاده کرد. البته توجه فردوسی به نظم «شاهنامه» و مرگ احمد نزدیک هفتاد سال فاصله داشت و یقیناً آزاد سرو در طول این ایام جهان را بدرود گفته بود. بنابراین فردوسی مستقیماً از آزادسرو روایت نکرده است، بلکه از «دفتر» بهره جسته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۱۶، ۴۸۹، ۴۷۳ /۱)، حماسه‌سرایی در ایران (۹۹ -۹۷)، دایرةالمعارف فارسی (۱۱۳ -۱۱۲ ، ۶۳ /۱).

آشتیانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا مهدی آشتیانی در سال ۱۳۰۶ قمری به دنیا آمد. از همان اوان کودکی آثار هوش و استعداد در وی آشکار بود، طوری که درسن پنج سالگی به تلاوت کامل قرآن مجید موفق گردید.میرزا مهدی علوم ادبی مانند صرف، نحو، معانی، بیای، بدیع و همچنین منطق و مقدمات فلسفه را نزد پدر دانشمند خود فرا گرفت و سپس به درس اساتید تهران در علوم و معارف مختلف حاضر شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ و فلسفه

والدین و انساب : از پدر و مادری پرهیزگار در ذیقعده سال ۱۳۰۶ قمری میرزا مهدی پا به عرصه وجود گذاشته شد. پدر و نیاکان میرزا مهدی همه از علمای بزرگ اسلام بوده‌اند. در رأس این خاندان آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا حسن آشتیانی (ره) معروف به میرزای آشتیانی است. میرزای آشتیانی به عنوان رئیس علمای تهران در جنبش شکوهمند تحریم تنباکو نقش فوق العاده‌ای را ایفا می‌کرد. ایشان که نماینده میرزای بزرگ شیرزای نیز بود در انجام رساندن هدف قیام و رهبری مردم دخالت مستقیم داشت. آن بزرگوار در سال ۱۳۱۹ قمری درگذشت. از شاگردان مبرّز میرزای آشتیانی، برادرزاده‌اش، مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا جعفر آشتیانی است که افتخار دامادی استاد را نیز داشته است. او پدر فیلسوف عالی مقام میرزا مهدی آشتیانی می‌باشد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : از همان اوان کودکی آثار هوش و استعداد در وی آشکار بود، طوری که درسن پنج سالگی به تلاوت کامل قرآن مجید موفق گردید.میرزا مهدی علوم ادبی مانند صرف، نحو، معانی، بیای، بدیع و همچنین منطق و مقدمات فلسفه را نزد پدر دانشمند خود فرا گرفت و سپس به درس اساتید تهران در علوم و معارف مختلف حاضر شد.آشتیانی برای آموختن فقه و اصول، نزد بزرگانی همچون آقا شیخ مسیح طالقانی، آخوند ملا عبدالرسول مازندرانی، آقا سید عبدالکریم لاهیجی و شهید حاج شیخ فضل اللّه نوری زانو زد و نیز ریاضی را نزد آقا شیخ عبدالحسین سیبویه، میرز اغفار خان نجم الدوله، میرزا جهانبخش

منجم بروجردی و آقا شیخ محمد حسین ریاضی فرا گرفت. ایشان همچنین طب قدیم را از محضر میرزا محمد حسین حکیم و آقا میرزا ابوالقاسم نائینی و طب جدید را از میرزا علی اکبر خان ناظم الاطبا و میرزا ابوالحسن خان رئیس الاطبا آموخت.میرزا مهدی با جدیت تمام همه علوم و معارف فوق را نزد دانشمندان و بزرگان عصر آموخت و از بسیاری اساتید خود به اخذ اجازه و گواهی‌نامه علمی نائل شد.ایشان اگرچه در فقه و اصول و ریاضی و طب صاحب‌نظر و دارای مقامی ارجمند بود، ولی آنچه بیشتر برای او جاذبه داشت گام نهادن در وادی علوم عقلی و فلسفی بود.میرزا مهدی آشتیانی طی سال‌ها تلاش مستمر و کوشش مداوم در حوزه سالخورده نجف و در جوار آستان قدس علوی، مضجع حضرت امیرالمؤمنین (ع) موفق به اخذ اجازه اجتهاد از همه اساتید خود شد.

استادان و مربیان : میرزا مهدی آشتیانی برای آموختن فقه و اصول، نزد بزرگانی همچون آقا شیخ مسیح طالقانی، آخوند ملا عبدالرسول مازندرانی، آقا سید عبدالکریم لاهیجی و شهید حاج شیخ فضل اللّه نوری زانو زد و نیز ریاضی را نزد آقا شیخ عبدالحسین سیبویه، میرز اغفار خان نجم الدوله، میرزا جهانبخش منجم بروجردی و آقا شیخ محمد حسین ریاضی فرا گرفت. ایشان همچنین طب قدیم را از محضر میرزا محمد حسین حکیم و آقا میرزا ابوالقاسم نائینی و طب جدید را از میرزا علی اکبر خان ناظم الاطبا و میرزا ابوالحسن خان رئیس الاطبا آموخت. از اساتید وی در مباحث فلسفه می توان به موارد زیر اشاره کرد: سیدالحکمائ آقا میرزا ابوالحسن جلوه مرحوم آقا میرزا حسن کرمانشاهی آقا میر شهاب نیریزی میرزا هاشم اشکوری نام برد. از اساتید وی در نجف اشرف عبارتند از: آیت الله آخوند خراسانی آیت الله سید محمد کاظم یزدی آیت الله سید محمد فیروز آبادی آیت الله میرزا حسن نائینی آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی

همسر و فرزندان : همچنین از یادگارهای میرزا مهدی آشتیانی فرزند دانشمندش، مهندس جلال الدین آشتیانی می‌باشد که از اساتید و نویسندگان توانای کشورمان به شمار می‌رود. فرزند دیگر ایشان، آقای میرزا جعفر آشتیانی است.

وقایع میانسالی : در ماه ذیحجه سال ۱۳۶۸ ه . ق در منزل مرحوم آیت‌اللّه حجت (ره) بودم و مرحوم میرزا مهدی آشتیانی در آنجا وارد بودند.مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه سید محمد تقی خوانساری برای دیدن ایشان آمدند و بعد از تعارفات و تشریفات، آیت‌اللّه حجت به آیت‌اللّه بروجردی گفتند که آقای میرزا مهدی آشتیانی مکاشفه عجیبی دارند و مناسب است خودشان نقل کنند. مرحوم آشتیانی فرمودند:من مبتلا به یرقان هستم و برای همین مسافرت به خارج هم نموده‌ام ولی علاج نشده است. در سال ۱۳۶۵ ق که توده‌ای‌ها – نهایت تسلط را در شمال و غرب ایران داشتند – به مشهد مشرف می‌شدم. در اتوبوس حالم منقلب شد به طوری که مسافرین و راننده خیال کردند من سکته کرده‌ام. ماشین را متوقف کردند و مرا بیرون آوردند و در آن حال دیدم که در عرفات هستم و انوار بسیاری از آسمان به زمین می‌آید و دیدم که مردم به یک طرف متوجه هستند. پرسیدم چه خبر است؟ گفتند: حضرت رسول (ص) تشریف آورده‌اند. من به آن طرف رفتم و دیدم چهارده خیمه در کنار یکدیگر نصب است. خیمه بزرگی بود که متعلق به حضرت رسول (ص) بود من در آن خیمه مشرف شدم و حضرت را زیارت کردم. خواستم از کسالت خود و حوائج دیگرم بگویم. گفتند: چون زائر فرزندم رضا (ع) هستی برو به خیمه‌ایکه متعلق به اوست. پس من به خیمه آن حضرت شرفیاب شدم و سه حاجت خود را اظهار کردم. اول راجع به کسالتم، فرمودند مقدر شده که این کسالت با تو باشد تا از دنیا بروی، دوم راجع به فتنه توده‌ای‌ها، فرمودند به همین زودی شر آنها مرتفع خواهد شد و تا شما با قبور و مجالس سوگواری ما ارتباط دارید در امان هستید و سوم راجع به حاجت شخصی بودکه فرمودند: این حاجت هم رواست.»

زمان و علت فوت : سرانجام بعد از سال‌ها تحقیق و تدریس و عمری سراسر پارسائی مرغ روح میرزا مهدی آشتیانی، عارف فرزانه و فیلسوف و حکیم عالی‌قدر، پس از یک بیماری طولانی در حوالی ساعت ده صبح روز پنجشنبه، سوم اردیبهشت ۱۳۳۲ ش، برابر با نهم شعبان ۱۳۷۲ ق در تهران و در حالی که مشغول افاضه مطالبی در مسئله «شق القمر» بود و گاه گاه بلند می‌فرمود: یا رحمن و یا رحیم یا ارحم الراحمین»، به عالم قدس پرکشید و خطه خاک را از انوار آن وجود تابناک محروم ساخت.یکر مطهر آن مرحوم به

قم منتقل شد و پس از تشییع با شکوهی، در جوار کریمه اهل‌بیت (ع) ، حضرت فاطمه معصومه (س) ، نزدیک مرقد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) در مسجد بالاسر مبارک به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : میرزا مهدی آشتیانی حدود ۳۰ سال در مدرسه سپهسالار و مدرسه میرزا محمدخان قزوینی تدریس داشت. معمولاً روزی سه ساعت و گاهی چهار ساعت تدریس می کردند. علامه سید جلال الدین آشتیانی نوشته‌اند:دوازده دوره الهیات شفا و چهار دوره طبیعیات این کتاب عظیم را تدریس نموده‌اند. تمهید القواعد را پنج بار و شرح فصوص را تا قبل از سال ۱۳۱۶ش در طول هجده سال، شش دوره و مجلدات اسفار را در دوره‌های متوالی درس داده‌اند.»تسلط ایشان به مبانی حکمت و عرفان و تبحر در آثار ملاصدرا باعث می‌شد تا محفل درس او مورد توجه اهل فضل قرار گیرد.علامه سید جلال‌الدین آشتیانی باز نوشته‌اند:«مرحوم استاد آقا میرزا مهدی سه سال ایام عید را به مقصد زیارت حضرت معصومه (س) در قم به این شهر مسافرت کردند ؛ و در سفر اخیر مغفور له، حضرت امام خمینی درس اسفار خود را تعطیل کردند و فرمودند، آقای آشتیانی در رتبه اساتید من هستند...»

فعالیتهای آموزشی : میرزا مهدی آشتیانی طی سال‌ها تلاش مستمر و کوشش مداوم در حوزه سالخورده نجف و در جوار آستان قدس علوی، مضجع حضرت امیرالمؤمنین (ع) موفق به اخذ اجازه اجتهاد از همه اساتید خود شد. ایشان مدتی را نیز در نجف اشرف به تدریس معقول اشتغال یافت و آن گاه به ایران بازگشت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا مهدی آشتیانی در اوائل شباب تدریس منظومه می کرد.

شاگردان : اگر چه میرزا مهدی آشتیانی به علت مسافرت‌های زیاد و کسالت طولانی به صورت پیوسته و شایان نمی‌توانست به افاده بپردازد، ولی حوزه درس و محفل بحث او تا اواخر عمر شریفش ادامه داشت و جویندگان معارف ناب از زلال دریای علومش استفاده‌ها بردند. نام برخی از شاگردان زبده وی چنین است:۱ – آیت‌اللّه سید علی سیستانی.۲ – آیت‌اللّه میرزا ابوالحسن شعرانی.۳ – آیت‌اللّه علامه سید جلال الدّین آشتیانی.۴ – آیت‌اللّه دکتر مهدی حائری یزدی.۵ – آیت‌اللّه علامه محمد تقی جعفری.۶ – آیت‌اللّه آخوند ملاـ علی همدانی.۷ – آیت‌اللّه شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی.۸ – آیت‌اللّه شهید مرتضی مطهری.۹ – پرفسور عبدالجواد فلاطوری.۱۰ – استاد بدیع الزمان فروزانفر.۱۱ – دکتر محمد تقی دانش‌پژوه.۱۲ – دکتر مهدی محقق.۱۳ – دکتر ابراهیم آیتی.۱۴ – دکتر محمد صادقی.۱۵ – دکتر محمد جعفر لنگرودی.۱۶ – دکتر موسی جوان.۱۷ – دکتر سید صادق گوهرین.۱۸ – حکیم حاج شیخ علی محمد جولستانی.۱۹ – حکیم شیخ محمدرضا ربانی تربتی.۲۰ – شیخ عبدالکریم روشنا تهرانی.۲۱ – آقا شیخ جعفر خندق آبادی.۲۲ – آقا میرزا محمد علی ادیب تهرانی.۲۳ – آقا شیخ علی محقق کاشمری.۲۴ – آقا سید مهدی لاجوردی کاشانی.۲۵ – آقا سید هوشنگ میرمطهری.۲۶ – آقا سید محمد تقی نقوی.۲۷ – آقا سید محمد حسین آل طیب شوشتری و بسیاری دیگر

آرا و گرایشهای خاص : یکی از ویژگی‌های برجسته میرزا مهدی آشتیانی این بودکه در یک محدوده جغرافیایی نمی‌ماند و مسافرت‌های متعددی را به مراکز علم و دانش جهان داشت. او طی سفری به بخارا مدت یک سال در آنجا اقامت گزید و به تدریس حکمت و فلسفه اسلامی مبادرت ورزید.بعد از آن به مصر، اسکندریه، برلین، پاریس، رم، هند، بلژیک و دیگر نقاط اروپا مسافرت کرد و با فلاسفه و اندیشمندان آن دیار مباحثاتی را انجام داد.ملاقات‌های ایشان که در واقع نماینده فلسفه و عرفان اسلامی بود – در آشنایی فلاسفه غرب با مبانی بلند و ژرف فلسفه اسلام و ایران تأثیر مطلوبی داشت.

آثار :

۱ اساس التوحید

ویژگی اثر : اساس التوحید، ط تهران، دانشگاه تهران. این کتاب که قبلًا با مقدمه آقای منوچهر صدوقی سُها چاپ شده بود اخیراً با مقدمه و تصحیح آیت‌اللّه سید جلال الدین آشتیانی مجدداً به چاپ رسیده است.

۲ ترجمه اسفار اربعه

۳ ترجمه‌ای بر اشارات بوعلی

۴ تعلیقه بر اسفار اربعه

۵ تعلیقه بر اشارات بوعلی

۶ تعلیقه بر شفاء بوعلی

۷ تعلیقه بر فصوص ابن عربی

۸ تعلیقه بر فصوص فارابی

۹ تعلیقه بر مصباح الانس

۱۰ تعلیقه بر منطق منظومه سبزواری

۱۱ حاشیه بر فرائد الاصول

۱۲ حاشیه بر فرائد الاصول‌تعلیقه بر حکمت منظومه سبزواری

۱۳ حاشیه بر کفایهٔ الاصول

۱۴ حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری (ره)

۱۵ رساله در اثبات معراج جسمانی

۱۶ رساله‌ای در اثبات معاد جسمانی

۱۷ رساله‌ای در جبر و تفویض

۱۸ رساله‌ای در حقیقت کتاب و میزان به مذاق عرفا، ط تهران، ۱۳۵۲

۱۹ رساله‌ای در شق القمر

۲۰ رساله‌ای در علم اجمالی و طلب و اراده

۲۱ شرح بر مشکلات حافظ

۲۲ شرح حدیث عمران صابی

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

آشنا، محمدطاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۱ ق)، مورخ و شاعر شیعی، متخلص به آشنا. ملقب به عنایت‌خان و خان زمان. اصل وی از تربت خراسان بود. او و پدر و جدش در دستگاه گورکانی هند دارای اعتبار و نفوذ بودند و در پرورش شاعران و ادیبان پارسی‌گوی شهرت فراوان داشتند. آشنا در درگاه شاهجهان صاحب منصب بود و در اواخر پادشاهی او عهده‌دار سرپرستی کتابخانه‌ی شاهی شد. وی در اوایل سلطنت اورنگ زیب در کشمیر گوشه‌گیری کرد و سرانجام در همان جا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ سه مثنوی منظوم، که از آن

جمله مثنوی در صعوبت راه کشمیر است؛ خلاصه‌ی «پادشاه نامه» ملا عبدالحمید لاهوری تحت عنوان «ملخص»، به نثر در احوال سی سال پادشاهی شاهجهان.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۴۵، ۴۸۳ -۴۸۲ /۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۸)، الذریعه (۱۰۰۰، ۷ /۹)، شام غریبان (۳۹)، فرهنگ سخنوران (۷)، لغت‌نامه (ذیل/ آشنا)، نشتر عشق (۱۱۹ -۱۱۸ /۱)، یغما (س ۹، ش ۲، ص ۸۲).

آغاسی وزیراف، دربندی، حیدر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۵۷ ق)، نویسنده، مورخ. از جمله آثار وی: «مجمع الملوک فی ذکر سلاطین عجم»، در تاریخ.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۰۷۰ -۱۰۶۹ /۲).

آقاسردار، نجف قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۳ ق)، مورخ و مترجم. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی و مقدمات برای ادامه‌ی تحصیلات به بیروت رفته و از آنجا به فرانسه رهسپار شد. مدتی برای تکمیل انگلیسی در لندن صرف وقت کرده در بازگشت وارد خدمت وزارت دارایی شده و یک دوره نیز به وکالت مجلس انتخاب شد. وی از شاگردان فرصت‌الدوله شیرازی صاحب «آثار عجم» است. از آثارش: ترجمه‌ی «تاریخ انگلستان»؛ ترجمه‌ی «تاریخ روسیه»؛ «تاریخ سیاسی نفت»، «دره‌ی نجفی»، در عروض و بدیع و قافیه؛ «راه‌آهن ایران»؛ ترجمه‌ی «شناسایی دام و دد»؛ «عالم حیوانات»؛ «فراماسیون در انقلاب فرانسه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۵ /۱۴، ۱۱۴ /۸)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۶ -۵۴۴ /۶).

آل بحرالعلوم، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ -۱۲۸۲ ق)، عالم، مورخ، ادیب و شاعر. در نجف به دنیا آمد. ادبیات و مقدمات علوم را نزد پدر آموخت. فقه و اصول را نزد سید محمدکاظم یزدی و شیخ الشریعهٔ اصفهانی و شیخ عبداللّٰه مازندرانی فراگرفت. بیشترین شهرت او در شعر و ادب و تاریخ است. او همچون پدرش شاعری توانمند بود. از آثارش: «التاریخ المنظوم»، حدود ۱۰۰۰ بیت، در تاریخ وفیات مشاهیر علما و پاره‌ای

از حوادث مهم و تاریخی و مدائح ائمه- علیهم‌السلام؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۲۶ /۴)، الذریعه (۲۸۹ /۳)، معجم المؤلفین (۱۹۵ -۱۹۴ /۳).

آلیاری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه: تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

فارغ‌التحصیل از دانشگاه استانبول در رشته تاریخ، کارشناسی ارشد در زمینه‌های تاریخ آسیا و تاریخ اسلام قرون وسطی، دکترای تاریخ در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مسایل تاریخی از جهت روشن شدن دهلیزهای تاریک تاریخ. نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

اوضاع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تاریخ ایران بعد از اسلام.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

در مورد مسایل تاریخی بویژه از جهت روشن شدن دهلیزهای تاریک تاریخ

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آملی طبرستانی، اولیاءالله، محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۶۴ ق)، مورخ و شاعر. معروف به ملا اولیاء. مدتها در بغداد تحصیل کرد. سپس به عراق عجم و طبرستان بازگشت و به جهت

مرگ اردشیر بن حسن حکمران مازندرانی که ممدوح ظهیرالدین فاریابی بود دلتنگ شد و از استرآباد به خوارزم رفت و چندی در آن سامان زیست. «تاریخ سلاطین مازندران» که نثری ساده و روان دارد از تصنیفات او است. بعدها سید ظهیرالدین مرعشی، از آن زمان تا حیات خود، ذیلی بر آن نوشت. ملا اولیاء گاهی شعر می‌سرود و بیشتر در قالب رباعی طبع آزمایی می‌کرد. از آثارش: «تاریخ رویان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵۱۱ -۵۱۰ /۳)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران (نودونه- صد)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۰۹ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۸۹ /۵)، مجمع الفصحا (۱۱۷۳ /۳).

آئینه وند، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ و ادبیات اسلامی، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه: تربیت مدرس

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته تاریخ و ادبیات اسلامی از دانشگاه القدیس یوسف لبنان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ اسلام، تاریخ شیعه، فرهنگ و تمدن اسلامی، علوم حدیث، علوم قرآن، سیره، ادبیات عرب، علوم سیاسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ اسلام، ادبیات سیاسی، علم‌التاریخ، تاریخ شیعه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

ادبیات، تاریخ، فقه، فرهنگ و تمدن اسلامی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بابیوردی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۸۷، اهر.

درگذشت: ۸ اسفند ۱۳۶۶، تهران.

حسین بابیوردی پس از طی دوره‌ی تحصیلات ابتدایی به عنوان اولین سرباز وظیفه‌ی قراچه‌داغ در سال ۱۳۰۷ خدمت نظام را در تبریز آغاز کرد و به تدریج مدارج مختلف خدمت از سربازی تا سرهنگی را گذراند و در سال ۱۳۳۷ بازنشسته شد.

مقاله‌های او در مجلات «بررسیهای تاریخی»، «وحید»، «یغما»، «ارتش» و «ژاندارمری» منتشر شده و از تألیفات او تاریخ ارسباران (۱۳۴۱) و تاریخ پناهندگان ایران به چاپ رسیده است. تاریخ ارسباران حاوی تاریخچه‌ی خانواده‌ی بابیوردی و قرانیی مربوط به آنها از سال ۹۰۰ ق. تا عصر حاضر است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بارانی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بارانی

محل تولد : سیرجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

زندگینامه علمی محمدرضا بارانی

وی در سال ۱۳۴۴ در شهرستان سیرجان به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در سال ۱۳۶۳ شمسی مدرک دیپلم را دریافت نمود. او همچنین در زمان جنگ تحمیلی عراق بر ضد جمهوری اسلامی ایران، به همراه هم رزمان خود حدود یک سال در جبهه های جنگ و دفاع مقدس نیز حضور داشته است.

الف ـ تحصیلات حوزوی:

ایشان در سال ۶۳ پس از اخذ دیپلم به شهر مقدس قم آمده و وارد حوزه علمیه قم شده و به تحصیلات حوزوی پرداخت که شرح آن در زیر می آید:

۱. دروس دوره آغازین حوزه مانند جامع المقدمات، المغنی، سیوطی، مختصر المعانی و برخی دورس جنبی را در مدرسه حقانی گذراند.

۲. دروس سطح را نزد اساتیدی چون حجج اسلام؛ سید محمد سعیدی، سید احمد خاتمی، سید هاشم حسینی بوشهری، مدرسی

یزدی، پایانی، اعتمادی، آیت‌الله استادی، آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، آیت الله محفوظی و آیت‌الله سبحانی به پایان رساند.

۳. دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام؛ فاضل لنکرانی، سبحانی، خاتم یزدی، جوادی آملی و وحید خراسانی گذرانده است.

ب- تحصیلات دانشگاهی:

ایشان هم زمان با تحصیلات حوزوی به تحصیلات دانشگاهی و کلاسیك روی آورد و مراحل زیر را پیموده است.

۱. کارشناسی «الهیات و معارف اسلامی» را در سال ۱۳۷۳شمسی دریافت نمود.

۲. کارشناسی ارشد «تاریخ» را در سال ۱۳۷۹ با عنوان پایان‌نامه «شیعه در ایران عصر ایلخانان» به پایان رساند.

۳. دکتری Ph.D«تاریخ اسلام»؛ سال ۱۳۸۱ در دانشگاه اصفهان به عنوان دانشجوی دکتری تاریخ اسلام پذیرفته شد و در سال ۱۳۸۶ از پایان‌نامه دکتری با موضوع «بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در عصر آل بویه در بغداد» دفاع کرده است. ج ـ مسئولیت‌های علمی:

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه از ۱۳۸۲ تاکنون

۲. مسئول انجمن تاریخ پژوهان از ۱۳۸۰ تاکنون که یکی از انجمن های علمی حوزه می باشد.

۳. مسئول انجمن علمی ایرانی تاریخ اسلام از سال ۱۳۸۷ تاکنون که از انجمن های علمی وزارت علوم است.

۴. مدیر گروه تاریخ جامعهٔ الزهرا (س) از سال ۱۳۸۶ تاکنون

۵. مسئول دبیرخانه انجمن‌های علمی حوزه از ۱۳۸۱ تا پایان ۱۳۸۶

۶. عضو هیئت تحریریه فصل نامه علمی تخصصی «نامه تاریخ پژوهان» وابسته به انجمن تاریخ-پژوهان

۷. عضو هیئت تحریریه فصل نامه تخصصی « سخن تاریخ» وابسته به گروه تاریخ مدرسه عالی امام ره

۸. مدیر گروه تاریخ جشنواره کتاب سال حوزه از ۱۳۸۲ تاکنون

۹. مدیر مسئول فصلنامه تخصصی «نامه تاریخ پژوهان» از سال ۱۳۸۲ تاکنون

۱۰. سردبیر فصلنامه دانشجویی «سخن تاریخ» از سال ۱۳۸۵ تاکنون

۱۱. مسئول کمیسیون تاریخ اسلام مرکز جهانی علوم اسلامی از ۱۳۸۳ تاکنون

۱۲. عضو هیئت موسس انجمن تاریخ پژوهان از انجمن های علمی حوزه

۱۳. عضو هیئت موسس انجمن علمی ایرانی تاریخ اسلام از انجمن های علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۱۴. عضو شورای علمی مرکز تخصصی تاریخ حوزه از ۱۳۸۲ تا مهر ۱۳۸۵

۱۵. عضو شورای گروه سیره پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات از ۱۳۸۱ تا آذر ۸۴

۱۶. عضو شورای پژوهشی گروه تاریخ جامعهٔ الزهراء از تابستان ۱۳۸۵ تاکنون

۱۷. مسئول علمی نخستین «همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان» در سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۵

۱۸. دبیر علمی همایش «نکوداشت استاد علی دوانی» در سال ۱۳۸۶.

۱۹. عضو شورای علمی «همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص)» در دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۵

۲۰. عضو شورای علمی همایش سراسری «قرآن و تاریخ» دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵

۲۱. دبیر گروه تاریخ مدرسه عالی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۱

۲۲. مسئول علمی دومین «همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان» در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ د- تدریس

ایشان در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس داشته اند که به قرار ذیل است.

۱) تـدریس دروس مختلف تاریخ مانند؛ تاریخ پیامبر(ص)، تاریخ ائمه (ع)، تاریخ عباسـیان، تاریخ امپراطوری عثمانی، تاریخ اسـلام در مصـر و شام، تاریخ اسـلام در مغرب و اندلس، تاریخ نگاری در اسـلام، تاریخ اسلام و خاورشناسان و تشیع در آثار خاورشناسان در مدرسه عالی امام خمینی(ره) وابسته به جامعه المصطفی العالمیه از سال ۱۳۷۹ تاکنون.

۲) تدریس دروس تاریخی مانند؛ تاریخ عباسـیان، تاریخ عثمانی، تشیع در آثار خاورشـناسان و تاریخ اسـلام در مغرب و اندلس در دانشگاه اهل بیت(ع) در سال های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶.

۳) تـدریس دروس تـاریخی ماننـد؛ تاریـخ امویـان، تاریـخ عباسـیان، تاریـخ عثمـانی، تشـیع در آثار خاورشـناسان و تاریـخ اسـلام و خاورشناسان در مرکز آموزش های اسلامی وابسته به حوزه – گروه تخصصی تاریخ در سال های ۱۳۸۲ تاکنون

۴) تدریس درس تاریخ اسلام و خاورشناسان در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی در سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵.

۵) تـدریس دروس تاریخی تاریـخ عثمانی و تشیع در آثار خاورشـناسان در موسـسه آموزشـی و پژوهشـی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۵.

۶) تدریس درس تشیع در آثار خاورشناسان در دانشگاه پیام نور قم در سال ۱۳۸۷. هـ پژوهش های منتشر شده:

۱. «گرایش ایرانیان به تشیع در قرن هفتم هجری»؛ منتشره در فروردین ۱۳۸۰ در نشریه تخصصی معرفت شماره ۴۰.

۲. «نقد و بررسی گرایش ایلخانان به اسلام و تشیع»؛ منتشره در نشریه تخصصی تاریخ در آیینه پژوهش شماره اول پاییز ۱۳۸۱.

۳. «معرفی و نقد سفرنامه ابن فضلان» منتشره در نشریه تخصصی تاریخ در آیینه پژوهش شماره پنجم فروردین ۱۳۸۳.

۴. «اختلاف روایات و راهکارهای حل آن» منتشره در مجموعه مقالات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۸۰.

۵. «زندگینامه علمی فرهنگی امام هادی(ع)» در مجموعه مقالات دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۸۴.

۶. «دین حنیف، ماهیتی مستقل یا روح ادیان الاهی» منتشره در نشریه تخصصی مذاهب و فرق اسلامی «طلوع» پاییز ۱۳۸۴.

۷. «جامعه شناختی نهاد حکومت پیامبر(ص)» منتشره در مجموعه مقالات همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص) دانشگاه اصفهان پاییز ۱۳۸۵.

۸. «احناف» در دائرة المعارف قرآن در دائره المعارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی سال ۱۳۸۶.

۹. «التأثیر الفکری المتبادل بین الامامیة و المعتزلة فی عصـر البویهیین» که مجوز انتشار آن از نشـریه بین المللی علوم انسانی در تاریخ ۴/۷/۱۳۸۶ دریافت شده است.

۱۰. بررسی و تحلیل تعامل فکری سیاسی امامیه با اشاعره در بغداد دوره آل‌بویه (سده‌های چهارم و پنجم هجری) انتشار در نشریه شیعه شناسی وابسته به موسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۷.

۱۱. مدخل بسر بن سفیان در دائره المعارف قرآن انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و ـ پژوهش های آماده نشر: الف) مقالات

۱. امام هادی (ع) و علم و دانش

۲. تأثیر حمله مغول بر جغرافیای انسانی ایران

۳. تأثیر حدیث نگاری بر تاریخ نگاری

۴. سیر تاریخی اندیشه ولایت فقیه

۵. تبیین تاریخی(تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)

۶. حرکت و پویایی در تاریخ (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)

۷. سبب در تاریخ (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)

۸. تاریخ‌نگاری قرن‌های ۴ تا ۶ هجری

۹. نقش مروان بن حکم در صدر اسلام

۱۰. بررسی تاریخی حادثه انذار عشیره

۱۱. رویکرد امامیه و حنابله درباره باورهای کلامی در بغداد دوره آل بویه

۱۲. دیدگاه امامیه و اشاعره در باره دانش ها

۱۳. دیدگاه امامیه و حنابله درباره دانش ها

۱۴. دیدگاه امامیه و معتزله درباره دانش ها

۱۵. رویکرد حنابله در رقابت با دیگر فرقه های

۱۶. همگرایی و واگرایی حنابله با دیگر فرقه های

۱۷. فرایند اقتداریابی اشاعره در دوره آل بویه

۱۸. فرایند تعامل و تقابل سیاسی امامیه و معتزله

۱۹. فرایند تعامل و تقابل فکری امامیه و اشاعره

۲۰. فرایند تعامل و تقابل فکری امامیه و معتزله

۲۱. مصلحت اندیشی سیاسی و مذهبی آل بویه

۲۲. معتزله در فرایند اقتدار سیاسی و فکری ب) کتاب ها

۱. بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در عصر آل بویه در بغداد (رساله دکتری که تا چند ماه آینده منتشر خواهد شد.)

۲. تشیع در ایران عصر ایلخانان؛ (پایان نامه کارشناسی ارشد است که در حال آماده سازی برای انتشار است).

۳. تاریخ امپراطوری عثمانی (کتاب درسی)؛ در حال انجام است.

۴. تشیع در آثار خاورشناسان (کتاب درسی)؛ در حال انجام است. ز- سخنرانی علمی و شرکت در همایش ها و میزگردها

۱. ارایه مقاله در همایش «بررسی کتاب الصحیح من سیرة النبی الاعظم (ص)» توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۷۹.

۲. ارایه مقاله در «همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص)» در دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۵.

۳. شرکت در میزگرد «امام رضا (ع) و گروه های دورن شیعی» در انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵.

۴. شرکت در میزگرد «بازکاوی اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر امام رضا (ع)» در انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵.

۵. شرکت در میزگرد «تولید علم در تاریخ» توسط انجمن تاریخ پژوهان و نهضت نرم افزاری در سال ۱۳۸۳.

۶. شرکت در میزگرد «نقد نظریه از امامیه تا اثنی عشریه» که این نظریه از سوی خاورشناس مشهور اتان کلبرگ مطرح شده است و جلسه نقد این نظریه که توسط نهضت نرم افزاری و انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵ برگزار گردید.

۷. شرکت در میزگرد نقد کتاب «موسوعة التاریخ الاسلامی» نوشته استاد یوسفی غروی که توسط انجمن تاریخ پژوهان و دبیرخانه کتاب سال حوزه در ۲ اسفند ۱۳۸۶ برگزار شد.

۸. سخنرانی علمی در همایش تولید علم با عنوان «جایگاه مطالعات تاریخی در حوزه» در سال ۱۳۸۳.

۹. سخنرانی علمی در انجمن معلمان تاریخ استان قم با عنوان «آسیب شناسی تدریس تاریخ» در سال ۱۳۸۵.

۱۰. شرکت در میزگرد «چالش های فراروی شیعه پژوهی غربیان» برگزار شده در دومین همایش بین المللی تشیع از دیدگاه خاورشناسان، ۱۳۸۷. ح- راهنمایی و مشاوره رساله و پایان نامه

۱. راهنمایی بیش از ۳۶ رساله دفاع شده و در حال نگارش

۲. مشاوره ۱۵ (پانزده) رساله دفاع شده و در حال نگارش

۳. داوری ۵ (پنج) رساله ارشد

باستانی پاریزی، محمدابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم باستانی پاریزی فرزند شیخ علی اکبر ، در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در روستای پاریز کرمان دیده به جهان گشود. استاد تحصیلات ابتدایی را در پاریز به پایان برد و دوره دبیرستان را تا سوم متوسطه در سعیدآباد سیرجان به انجام رسانید و در کرمان وارد دانشسرای مقدماتی شد و دیپلم گرفت. در خلال تحصیل ، در حالی که بیش از هفده سال نداشت ، با روزنامه روح القدس همکاری کرد و آثار نظم و نثرش را در آن به چاپ رساند. دکتر باستانی برای ادامه ی تحصیل راهی تهران شد و در دانشسرای عالی در رشته تاریخ و جغرافیا به تحصیل پرداخت و به دریافت لیسانس توفیق یافت و تا درجه دکترا پیش رفت. در تهران فعالیت مطبوعاتی خود را گسترش داد و با روزنامه ها و مجلات همکاری نزدیک داشت. استاد مدتی در دبیرستان های کرمان مشغول خدمت بود اما سرانجام به تهران آمد و به کار تدریس در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مشغول گردید. از ایشان آثار زیادی تاکنون به چاپ رسیده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : ایران دوره اسلامی

والدین و انساب : محمدابراهیم باستانی پاریزی ، فرزند حاج شیخ علی اکبر معروف به حاج آخوند بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : از آنجایی که پدر محمد ابراهیم باستانی پاریزی فردی باسواد بود ، وی را روانه ی مدرسه ای در همان قریه ی پاریز نمود. این مدرسه در منزل شخصی به نام ملامحمدحسن قرار داشت ـ این فرد همان کسی است که سال ها بعد باستانی پاریزی آثار ، نوشته ها و نامه هایش را تحت عنوان « آثار پیغمبر دزدان » جمع آوری و چاپ کرد – ، در سال ۱۳۱۳ پدر باستانی پاریزی مدرسه ای ساخته و او کلاس پنجم را در همین مدرسه به پایان رساند. پاریزی کلاس ششم ابتدایی را در سیرجان و در دبیرستان بدر سپری نمود. وی پس از به پایان بردن دوره ی تحصیل در مقطع ابتدایی ، به مدت ۲ سال ترک تحصیل کرد ، اما در این فاصله در محضر کلاس پدر حاضر می شد و به آموختن ادبیات و عربی می پرداخت. او در سال ۱۳۱۸ برای ادامه ی تحصیل عازم سیرجان شد و سه سال اول دبیرستان را در آنجا گذراند ؛ علی رغم آن که وی تصمیم داشت بجای تحصیل به اداره پست و تلگراف رود ، اما با توصیه یکی از معلمان خود برای ادامه ی تحصیل به دانشسرای مقدماتی کرمان ، که به کوشش رئیس فرهنگ وقت (رهبر کسروی) شبانه روزی شده بود ، وارد شد. با توجه به اینکه این دانشسرا تنها به محصلان رتبه ی اول و دوم اجازه ی ادامه ی تحصیل در دانشسرای عالی تهران را می داد ، پاریزی توانست شاگرد دوم این دانشسرا شده و به تهران رود. سال ششم را در دبیرستان رشدیه ی آن روز خواند و سپس در دانشسرای عالی تهران در دانشکده ادبیات به ادامه ی تحصیل در رشته ی تاریخ پرداخت. پس از آن باستانی پاریزی به کرمان رفت ، اما مجددا در سال ۱۳۳۷ برای دوره دکترای تاریخ به تهران بازگشت و

توانست این دوره را نیز به پایان برد.

خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیلات دوره ی دبیرستان محمد ابراهیم باستانی پاریزی در سیرجان مصادف با جنگ جهانی اول بود. این سال ها برای کشورمان سال های سختی بود ، چرا که جنگ جهانی باعث گردید فقر و گرسنگی بر همه جا سایه افکند. با سقوط رضا شاه در سال ۱۳۲۰ ، پاریزی تصمیم گرفت از کلاس نهم (سوم دبیرستان) ترک تحصیل نماید و در پستخانهٔ پاریز به جای مدیر قبلی که در همان زمان بازنشسته شده بود استخدام شود ، اما چیزی که باعث شد او از این کار منصرف شود ، مقاله ای بود که در روزنامهٔ « بیداری » به چاپ رساند ، او در این مقاله جوابیه ای در مقابل مقالهٔ مرتضی برازجانی که از معلمان مدارس کرمان بود تنظیم نمود. این مقاله در احوال حضرت فاطمه زهرا (ع) و کیفیت زندگی او تنظیم شده بود ، پاریزی در جواب نوشت « اینکه زنهای امروز از این بانوی بزرگ سرمشق نمی گیرند ، تقصیر مردان است که زن ها را به گونه ای دیگر می پسندند ، تقصیر زن ها نیست ... » در همان زمان یک معلم کرمانی به نام منصوری که برای توزیع کوپن به پاریز آمده بود با خواندن این مقالعه او را از خدمت در پست و تلگراف برحذر داشت .

فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد ابراهیم باستانی پاریزی پس از به پایان بردن دوره ی ابتدایی ، به مدت دوسال ترک تحصیل نمود و در همین سال ها مجله ی خطی به نام « ندای پاریز » با سه مشتری منتشر کرد.

استادان و مربیان : از معلمین دوره ی ابتدایی محمد ابراهیم باستانی پاریزی می توان آقایان : سید احمد هدایت زاده نبوی پاریزی ، یحیی سالمی پاریزی و میرزا غلامحسین سعیدنیا معروف به ناظم را نام برد. از معلمین پاریزی در سه سال اول دبیرستان می توان آقایان : سید عبدالحسین حجازی ، ابوالقاسم ارجمند ، محمد صنعتی ، جلال پور ، صفوت و چند تن دیگر را نام برد که در شکل گیری معلومات و ذوق وی تاثیرگذار بوده اند. همچنین او در تابستان با مراجعت به زادگاه خود ، از محضر پدرش نیز که محل تردد رجال ادب ، سیاست و اهل ذوق بودند استفاده های زیادی می نمود ؛ از کسانی که در این مجلس حاضر می شدند اسماعیل مرآت ، هادی حائری ، عطیفه ، مایل تویسرکانی ، صادق انصاری ـ از رؤسای اسبق معروف کرمان ـ هادی اشتری ، ابوالفا معتمدی ، آقاسید محمدرضا مدنی ، سیدجلال هجری رفسنجانی ، شیخ عبدالمحسن محسنی ـ که از خوشنویسان به نام و از شعرای سیرجان بود ـ و مرتضی خان ستوده و بسیاری از رجال صاحب ذوق سیرجان و زیدآباد و همچنین معلمان کرمان می توان نام برد. پاریزی در فاصله یدو ساله ی تحصیل در دانشسرای مقدماتی کرمان از محضر آقایان : فنایی ، الفت ، سید حسین مدنی پور ، دکتر پورحسینی ، دکتر بقایی ، بهمن اوف ، صباحی محمد طاهری ، محمد طاهری ، محمد صرافی ، رغبتی ، محمد علی بابایی ، مهندس کارآموز و چند تن دیگر نیز استفاده نمود. او در سال ششم ادبی دبیرستان رشدیه نزد معلمین معروفی همچون محمد جواد تربتی ، عضدتی ، محیط طباطبایی ، دکتر گوهرین ، محمد علی خلیلی به کسب علم پرداخت. پس از واردشدن در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات ، در رشته ی تاریخ محضر استادان بزرگواری چون نصرالله فلسفی ، رشید یاسمی ، سعید نفیسی ، عباس اقبال آشتیانی ، دکتر سعادت ، دکتر مجیر شیبانی ، دکتر بینا ، فاضل تونی ، دکتر احمد بهمنش ، دکتر احمد مستوفی و دکتر محمدحسن گنجی را درک نمود. باستانی پاریزی دوره ی دکترای تاریخ را زیرنظر استادانی چون دکتر محسن عزیزی ، ابراهیم پورداود و سعید نفیسی به پایان برد.

همسر و فرزندان : محمد ابراهیم باستانی پاریزی پس از اتمام تحصیلات عالیه در سال ۱۳۳۷ به کرمان بازگشت و در همین سال با یکی از معلمان دبیرستان دخترانه بهمنیار کرمان ازدواج نمود که حاصل این ازدواج یک دختر و یک پسر می باشد و هر دو فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران هستند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد ابراهیم باستانی پاریزی به مدت سه سال سرپرستی دبیرستان دخترانه « بهمنیار » را به عهده داشت. در سال ۱۳۳۷ بعد از اخذ مدرک دکتری ، ابتدا در موزه ایران باستان شروع به کار نمود و چون دکتر خوانساری مدیر

داخلی مجله « دانشکده ادبیات » دانشگاه تهران برای استفاده از فرصت مطالعاتی به اروپا رفته بود ، وی را به عنوان غلط گیر مجله به دانشکده ادبیات منتقل نمودند. حدود ده سال مدیریت مجله « دانشکده ادبیات » را به عهده داشت تا اینکه در سال ۱۳۴۹ برای فرصت مطالعاتی به اروپا رفته و به همین خاطر از کار مستعفی شد.

فعالیتهای آموزشی : محمد ابراهیم باستانی پاریزی در پاییز ۱۳۳۰ پس از اتمام تحصیلات عالیه به سمت دبیری دبیرستان های کرمان منصوب شد و سه سال نیز سرپرستی دبیرستان دخترانه بهمنیار را به عهده گرفت. در سال ۱۳۳۷ بعد از اخذ مدرک دکترا ، به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رفت و به کار تدریس پرداخت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد ابراهیم باستانی پاریزی در کنار فعالیت های آمزشی ، با نوشتن مقاله و شعر ، با مطبوعات نیز همکاری داشتند. وی در دوره دانشسرای مقدماتی در روزنامه « بیداری ایران » مقاله ای در رثای معلم دانشسرا ، مرحوم ادیب بامداد نوشت و در همین سال ها با انتشار روزنامه « روح القدس » در کرمان مقالات خود را به چاپ رساند. در دوران تحصیل در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات به عنوان مترجم عربی با روزنامه « کیهان » همکاری خود را برای ترجمه روزنامه های معروف مصر « المصری ، الاهرام ، آخرساعه ، اخبار الیوم » و امثال آن آغاز نمود. پس از اتمام تحصیلات عالیه با توجه به آنکه در کرمان به شغل دبیری مشغول بود ، در روزنامه « بیداری کرمان » که تحت مدیریت سید محمد رضا هاشمی ـ بعد از سید محمد هاشمی ـ مقالاتی را منتشر کرد ، پس از آن با به دست آوردن امتیاز مجله ای به نام « هفتواد » از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۷ در چاپخانه یارمند کرمان ۱۷ شماره ی آن را به چاپ رساند. بعد تحصیلات دوره ی دکترا مقالاتی را در مجلات « یغما ، دانشکده ادبیات ، بررسی های تاریخی ، وحید ، گوهر ، هفت هنر » و امثال آن منتشر نمود که بلافاصله در مجله ی « خواندنی ها » نقل می گردید. « سپید و سیاه » ، « راه نمای کتاب » و مجله « باستان شناسی » نیز مقالات او را چاپ می کردند. از جراید شهرستان ها مثل « پارس شیراز » ، « اندیشه کرمان » ، « خراسان مشهد » ، « استوار قم » در افغانستان مجله « آریانا » ، « نوای ملت » خوزستان و امثال آن نیز اشعار و نوشته هایش راچاپ می کردند. در ستون انتقاد روزنامه اطلاعات مقالاتی را چاپ نمود که این مقالات در کتاب جداگانه ای به نام « زیر این هفت آسمان » تجدید چاپ شد. بعد از انقلاب نیز با بسیاری از جراید و مجلات مثل « نهیب آزادی » ، « ماهان » ، « حدیث کرمان » ، « آینده » و « چیستا » نیز به همکاری پرداخت. استاد باستانی پاریزی در شعر و شاعری نیز دستی داشته که مجموعا سه بار اشعار او در سال های ۱۳۲۷ تحت عنوان « یادبود من » ، در سال ۱۳۴۰ تحت عنوان « یاد و یادبود » و در سال ۱۳۶۳ با نام « یاد بود » چاپ گردید . اشعار وی در سال های تحصیل معمولا در جراید تهران ، خصوصا « توفیق » با سبکی خاص در دوبیتی عرضه می گردید.

آرا و گرایشهای خاص : محمد ابراهیم باستانی پاریزی عمر خویش را بر سر معرفی و شناخت هر چه بیشتر سرزمین کرمان گذاشته اند ، به قول یکی از اساتید : « ... و ندیده ام که او [پاریزی] روزی از یاد مردم کرمان و سرزمین آن خالی باشد ، اگر کتابی یا مجله ای به دستش می افتد ، نخست می خواهد بداند که آیا در آن مطلبی در بارهٔ کرمان هست یا نه ؟ اگر در کنگره ای و مجمعی علمی پیشنهاد سخنرانی با او می کنند ، تمام هم او آن است که در موضوعی سخن بگوید که به وجهی ، ولو بسیار دور با کرمان ارتباط داشته باشد و چنین موضوعی را ، هر چند دور از ذهن باشد ، پیدا می کند و در آن باره سخن می گوید. او عاشق کرمان و مردم آن است و عشقش عرضی و مجازی نیست که از او جدا شود با شیر اندرون شده و با جان خواهد بود. او تنها عاشق کرمان و منطقه ی آن نیست ، ایران و مردم آن را نیز به همان اندازه دوست دارد ، کسی نمی داند که در ذهن باستانی ، ایران اصل است یا کرمان ، پاریز فرع است یا کرمان ؟ و اگر کسی به اوضاع جهان واقف نباشد و فقط نوشته های پاریزی را بخواند خیال خواهد کرد که کرمان دل ایران است و پاریز دل کرمان . » تاریخ در نظر باستانی پاریزی امری طولی و زمانی نیست که حوادث در آن به دنبال هم و در توالی یکدیگر قرار گرفته باشند ، در اندیشه ی او زمان تبدیل به مکان و طول مبدل به عرض شده است و حوادث زمانی

مانند اشیا ء مکانی در جنب هم قرار دارند نه در پشت سر هم ؛ در نظر باستانی حوادث تاریخ جز « به درد گواه و شاهد برای امور مبتلا به فعلی مردم نمی خورند و گذشته مقدمه حال است و اگر تاریخی نتواند مشکلی را از حال حل کند ، بی فایده و بی حاصل است . » باستانی پاریزی به عنوان یک مورخ ادیب معتقد است که در تمدن چند هزاره ساله ی ما که هزار و پانصد سال با زبان فارسی امروزی همراه بوده است ، غیر عادی نیست اگر تاریخ با ادب آمیخته شده باشد ، بیشتر کتب ادب فارسی ما حاوی قسمت مهمی از تاریخ اجتماعی ماست و یاد می کند از عباس اقبال که می گفت : « دیوان معزی نیشابوری ، خودش یک تارخ سلجوقی است » . از طرف دیگر شعر و ادب ، در نگارش تاریخ یک چاشنی ای به نوشته می دهد تا خواننده را به دنبال کردن بحث تشویق و ترغیب کند. او می گوید : « البته مرزی هست میان شعر و ادب با تاریخ و سرگذشت که این مرز باید رعایت شود و نکته همین جاست که کسی از مرز خود تجاوز و از خط سیر خود عدول نکند. » پاریز معتقد است از شعر و ادب در تاریخ و پیوند این دو مظهر بزرگ فرهنگ ایرانی ، چیزی نیست ، مگر ادامه ی سنت و روال فرهنگی قدیم و تاریخ نویسی هزارساله ی ما و اینک یک دانشجوی کم استعداد ، به همان راه قدم نهاده ، و چنان می نماید که مورد تشویق همه قرار گرفته است. دکتر باستانی پاریزی در مورد تاریخ و تعریف آن برخلاف دیدگاه اروپاییان که معتقدند « تاریخ علم ساختن آینده است » و یا به قول ابن خلدون « تاریخ عبرت است » ، با تاریخ نگاری منظم و کرونولوژیک فاصله دارد ، او می گوید : « جامعه از تاریخ چه می خواهد ؟ جامعه مایل است که تاریخ مثل بسیاری از منابع دیگر فرهنگی یک مملکت برای هریک از افراد آن ملت یک « شخصیت ثابت » و قابل اعتنا و در خور احترام پدید آورد ، چه ، ثابت شده است که در برابر حوادث و پیش آمدها ی روزگار ، تنها کسانی پایدار و بردبار و خوددار و حلیم و چاره جو هستند که از یک « شخصیت ثابت » برخوردار باشند. اشخاصی که از جهت روانی نتوانند شخصیت خود را توجیه کنند ، و نقص شخصیت ، و بیماری تزلزل ، و فساد شخصیت داشته و درباره ی هویت خود دچار تردید باشند ، هرگز افراد قابل اطمینانی برای یک جامعه نخواهد بود ... ». او معتقد است که دوران نوشتن تاریخ های کرنولوژیک به روال سابق سپری شده است و با توجه به آنکه دوران مطبوعاتی ها ، روزنامه نویسان ، ریپورترها ، فیلم بردارهای تلویزیون ، مشغول نوشتن و تنظیم تاریخ کرونولوژیک ایران و دنیا هستند خیلی مستندتر و مفصل تر از تاریخی که فی المثل « هدایت » صاحب روضه الصفا ناصری برای قاجاریه نوشت ، یا شرف الدین یزدی صاحب ظفرنامه برای تیمور ، یا اسکندر بیک منشی صاحب عالم آرا برای شاه عباس. همچنین او می گوید : « تاریخ واقعی را وقتی می شود نوشت که بسیاری از اسناد محرمانه سیاسی آزاد شده باشد و این معمولا بیش از سی سال وقت می طلبد ، به عبارت دیگر ، تاریخ واقعی امروز را نسل آینده خواهد نوشت. ما اگر همت و علاقه و بینش و توانایی و متد داشته باشیم ، بتوانیم تاریخ قرن پیش را بنویسیم ، خود کاری است که در حد معجزه است » ! ---------------
----

آثار :

۱ آثار پیغمبر دزدان

ویژگی اثر : نخستین کتاب باستانی پاریزی به نام « آثار پیغمبر دزدان » در سال ۱۳۲۳ یعنی زمانی که در دانشسرای مقدماتی بود چاپ شد. او درباره ی این کتاب می گوید : « در یکی از تابستان ها وقتی مرحوم احمدآقا معین زاده رفسنجانی به پاریز آمد ، نامه های زیادی از پیغمبر دزدان داشت ، که آنها را رونویس کردم و از جاهای دیگر و اشخاص دیگر نیز شنیده ها را یادداشت کرده و درسال ۱۳۲۳ مقدمه ای برآن نوشتم و مرحوم سعیدی یزدی مدیر کتابفروشی گلبهار کرمان آن را چاپ کرد و این نخستین کتاب من بود که به چاپ می رسید ».

۲ آسیای هفت سنگ

۳ از پاریز تا پاریس

ویژگی اثر : باستانی پاریزی خاطرات مسافرت به اروپای خود را (فرصت مطالعاتی) در مجلات « وحید » و « یغما » منتشر نمود ، که بعد از مدتی به صورت کتاب « از پاریز تا پاریس » درآمد.

۴ اژدهای هفت سر

ویژگی اثر : « اژدهای هفت سر » مقاله مفصلی است که باستانی پاریزی با عنوان « خودمشت مالی » به جهت تصحیح اشتباهات گذشته تنظیم نمود .

۵ اصول حکومت آتن

ویژگی اثر : درسال ۱۳۳۷ در دوره ی دکترا به عنوان تکلیف درسی ، رساله « اصول حکومت آتن » را که از رسالات ارسطو است ، به فارسی ترجمه نمود که چند سال بعد با نقدمه استاد دکتر غلامحسین صدیقی منتشر شد.

۶ ترجمه اخبار ایران (از ابن اثیر)

۷ تصحیح و تحشیه تاریخ شاهی قراختائیان

۸ تصحیح و تحشیه تاریخ وزیری

۹ تصحیح و تحشیه جغرافیای کرمان وزیری

ویژگی اثر : پس از انتشار این کتاب توسط باستانی پاریز ، بلافاصله به عنوان مسائل اجتماعی در تاریخ و جغرافیای کرمان توسط « بوسه » به زبان آلمانی ترجمه و در شماره ۵۰ مجله اسلام (Derislam) چاپ گردید.

۱۰ تلاش آزادی

ویژگی اثر : « تلاش آزادی » تاریخچه ای است از مشروطیت تا سقوط قاجار ، که ابتدا به عنوان مقدمه کتاب « ایران باستان » نوشته پیرنیا چاپ گردید سپس به صورت جداگانه چاپ شد.

۱۱ تن آدمی شریف است ...

ویژگی اثر : این کتاب تحقیقی درباره ی مظالم و گرفتاری هایی است که بر تک تک اعضای بدن آدمی وارد می شود. قسمت اول کتاب ناتمام مانده و اختصاص دارد به موی و سر و گوش و ابرو و چشم ، و قسمت های دیگر نیز هنوز به چاپ نرسیده است. نام این مجموعه از شعر « تن آدمی شریف است ... » از شعر سعدی گرفته شده است.

۱۲ جامع المقدمات

ویژگی اثر : پاریزی کلیه ی مقدمه هایی را که برای کتاب های دیگر نوشته است ، در یک مجموعه جمع کرده و تحت عنوان « جامع المقدمات » به چاپ رسانده است.

۱۳ حماسه کویر

ویژگی اثر : «حماسه کویر » متن اضافه شده ی یک سخنرانی درباره ی « قائم مقام » بود که به صورت کتابی هشتصد صفحه ای در آمد.

۱۴ خاتون هفت قلعه

۱۵ دوره مجله هفتواد

۱۶ ذوالقرنین (کورش کبیر)

ویژگی اثر : در سال ۱۳۳۰ هنگام ورود ابوالکلام آزاد ، وزیر فرهنگ هند به ایران ، به ترجمه ی رساله ی معروف او که در تفسیر آیاتی از قرآن کریم است ، مبادرت کرد و این رساله تحت عنوان « ذوالقرنین یا کورش کبیر » به چاپ رسید که تا کنون چهار بار تجدیدچاپ شده است. در باب این رساله ، پاریزی معتقد است که شاید آخرین نظر در مورد کورش از سوی ابوالکلام مطرح شده

است ، این نظر را برخی پـذیرفته انـد و بعضـی تردیـد کرده اند ، او می گوید : « من البته مدافع آن نظر نیسـتم ، کاری که من کردم علاوه بر ترجمه ی متن ، یـک مقـدمه ی مفصـل تحت عنـوان « کورش در روایـات ایرانی » بر آن نوشـتم که احتمالاـ مفصـل ترین تحقیق است که برای اولین بار در مورد کورش بر اساس روایات اسلامی ، ایرانی و شرقی چاپ شده است ».

۱۷ راهنمای آثار تاریخی کرمان

۱۸ زیر این هفت آسمان

۱۹ سلجوقیان و غز در کرمان

ویژگی اثر : این کتاب از روی نسـخه کتاب « بدیع الزمان » که مربوط به قرن هشـتم هجری و از روی نسخه چاپ شده « هوتسما » (مستشرق فرنگی) تنظیم شده است .

۲۰ سنگ هفت قلم

ویژگی اثر : پاریزی در کتاب « سـنگ هفت قلم » نقش زن را به شکلی خاص در تاریخ مطرح کرده است و در این کتاب جای پای زن را در همه جا جستجو نموده است ، به همین خاطر در مقاله « زن و جنگ » در « نای هفت » معترف است که از سرنوشت زن در تاریخ غافل نبوده است.

۲۱ سیاست و اقتصاد عصر صفوی

ویژگی اثر : سیاست و اقتصاد در عصر صفوی نتیجه یک سخنرانی در اصفهان بود که به تدریج به صورت کتاب درآمد.

۲۲ شاه منصور

۲۳ فرماندهان کرمان

۲۴ فرمانفرمای عالم

۲۵ کوچه هفت پیچ

۲۶ گنجعلی خان

۲۷ محیط سیاسی و زندگی مشیرالدوله

۲۸ منابع و مآخذ تاریخ کرمان

۲۹ نای هفت بند

۳۰ نشریه فرهنگ کرمان

۳۱ نون جو و دوغ گو

ویژگی اثر : این کتاب در احوال کسانی است که در تاریـخ به خوردن نون جو از آنها یاد شده است ، یعنی آنهایی که با نان جوین خویش ساخته انـد و آلوده ی منت کسان نشـده انـد. این کتاب ابتـدا مقاله ای بود در یادواره اسـتاد محیط طباطبایی ، که یک سالی معلم او بود ، به این مقاله بعـد ها مطالبی اضافه شـد و به صورت کتابی مفصل درآمـد. در همین کتاب به مناسـبت آنهایی که ترک دیار گفته و مهاجرت اجباری بر آنها تحمیل شده بود ، خصوصا در عصر صفوی یادی به میان آمده و به کتابی نهصد صفحه ای در آمد.

۳۲ هشت الهفت

۳۳ وادی هفت واد

۳۴ یاد و یادبود

ویژگی اثر : مجموعه شعر

۳۵ یادبود من

ویژگی اثر : مجموع شعر

۳۶ یعقوب لیث

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه، یزدبه

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۵۶ -۱۹۴ ق)، حافظ، محدث، فقیه و مورخ. وی ثقه‌ترین محدث اهل سنت است. بردزبه زرتشتیی بود که اسلام آورد. ابو عبدالله در بخارا به دنیا آمد و در طلب حدیث به خراسان و عراق و مصر و شام سفر کرد، و از بسیاری مشایخ چون، ابوعاصم و انصاری و مکی بن ابراهیم و عبیدالله بن موسی و ابوالمغیرهٔ حدیث شنید. او از حدود یک هزار شیخ احادیث بسیاری جمع‌آوری کرد که از آن میان هر چه را به راویان آنها اعتقاد داشت در صحیح خویش ثبت کرد و کتاب خود یعنی اولین کتاب «صحیح» را عرضه کرد که محمد بن یوسف فربری از راویان آن است. بخاری از حافظه‌ای شگرف برخوردار بود. ابوعیسی ترمذی، ابوحاتم رازی، صالح جزره، ابراهیم نسفی، ابن خزیمه، ابو زرعه رازی، و مسلم بن حجاج نیشابوری از جمله راویان و شاگردان وی هستند. وی در آخر عمر به واسطه اختلافات فرقه‌ای مذهبی نتوانست در بخارا بماند لذا، به یکی از قراء سمرقند -خر تنگ- رفت و همان جا درگذشت. از آثار وی: «الادب المفرد»؛ «الاسماء و الکنی»؛ «تاریخ اوسط»، «تاریخ صغیر» و «تاریخ کبیر»؛ «ثلاثیات البخاری»؛ «الجامع الصحیح»؛ مشهور به «صحیح بخاری»؛ «خلق افعال العباد»؛ «السنن»، در فقه؛ «الضعفاء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۸/۶)، تاریخ بغداد (۳۴ -۴ /۲)، تهذیب التهذیب (۵۵ -۴۷ /۹)، الجرح و التعدیل (ج ۳ ق ۱۹۱/۲)، دایرةالمعارف فارسی (۲۳۹ -۲۳۸ /۱)، روضات الجنات (۲۶۹ -۲۶۴ /۷)، ریحانه (۲۳۸ -۲۳۷ /۱)، سیر النبلاء (۴۷۱ -۳۹۱ /۱۲)، الفهرست لابن الندیم (۳۲۲ -۳۲۱)، کشف الظنون (۱۶۸۴ ،۱۵۸۱ ،۱۴۷۱ ،۱۴۶۹ ،۱۴۵۳ ،۱۴۴۹ ،۱۴۴۸ ،۱۴۲۰ ،۱۴۰۲ ،۱۳۹۲ ،۱۰۸۷ ،۷۲۲ ،۵۷۱ ،۵۶۴ ،۵۴۱ ،۵۲۲ ،۲۸۷ ،۲۳۸ ،۲۲۷ ،۱۳۳ ،۸۹ ،۴۹ ،۴۸)، الکنی و الالقاب (۷۱/۲) لغت‌نامه (ذیل/ بخاری)، معجم المؤلفین (۵۴ -۵۲ /۹)، معجم البلدان (۴۲۲/۱)، الوافی بالوفیات (۲۰۹ -۲۰۶ /۲)، وفیات الاعیان (۱۹۱ -۱۸۸ /۴)هدیهٔ العارفین (۱۶/۲).

برقعی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اکبر بن السید الجلیل السید رضی برقعی از علماء فضلاء و نویسندگان ادباء معاصر تهران است. وی در شب یازدهم ماه مبارک رمضان سال یکهزار و سیصد و هفده قمری ه در شهرستان دینی و دارالعلم والایمان قم دیده بجهان گشوده و در مکتب قدیم الفباء را آموخته سپس به ترکیب کلمات فارسی که ترکیبی از زبان فارسی و عربی بود چنانکه هم هست پرداخته و از آن پس

به فراگرفتن علوم ادبیه و فقه و اصول و منطق و کلام و فلسفه و هیئت همت گماشته و از علوم جدید که در ایران تازه پا می‌نهاد طرفی بسته است.

اساتید معظم له در رشته‌های مختلف غیر از اساتید علوم ادبی بدین نامها می‌باشند.

۱- عالم جلیل و فقیه نبیه آیت‌اللّه حاج میرزا محمد معروف به ارباب که علاوه بر معلومات عقلی و نقلی محضری دوست داشتنی و بیانی دلنشین داشت.

۲- عالم اصولی خبیر آقای شیخ ابوالقاسم معروف بصغیر

۳- عالم بسیار مدقق و متفکر آقای آقا شیخ ابوالقاسم کبیر

۴- فاضل فکور که هم ادیب بود و هم فقیه آقای شیخ حسن فاضل

۵- فقیه متبحر و اصولی محقق آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (موسس حوزه علمیه قم) که ۱۵ سال در حلقات درس ایشان شرکت نموده و استفاده کرده است.

۶- آیةاللّه حاج میرزا حسین نائینی که حقیقتا احاطه عجیبی به چندین علم داشت.

۷- آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی (البته از این دو بزرگوار فقط در موقع توقفشان در قم که بعنوان تبعید بسر می‌بردند استفاده نموده است)

۸- در منطق و فلسفه و هیئت استاد یگانه و حکیم فرزانه آقا میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی.

مشایخ اجازات ایشان چهار نفرند.

۱- مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمد ارباب که در سال ۱۳۳۷ قمری مرقوم داشته‌اند.

۲- مرحوم ثقةالاسلام محدث جلیل حاج شیخ عباس قمی در سال ۱۳۴۲ قمری نوشته‌اند.

۳- مرحوم آیةاللّه آقا میرزا محمد تهرانی سامرائی در سال ۱۳۵۲ قمری نوشته‌اند.

۴- مرحوم علامه تهرانی آقا شیخ محسن معروف به آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه که در تاریخ مزبور مرقوم داشته‌اند.

آثار و تألیفات ارزنده‌ی ایشان که بطبع رسیده است باین شرح است:

۱- راهنمای دانشوران در ضبط و تقیید نامها و نسبتها در سه مجلد.

۲- کاخ دلاویز در تاریخ شریف رضی.

۳- کانون احساسات در رستاخیز شگفت‌انگیز امام حسین علیه‌السلام.

۴- مهر تابان در سیرت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه‌السلام

۵- جلوه حق

۶- تذکره مبتکران در بنیان گذاران علوم و فنون.

۷- بامداد روشن در اسرار صلح امام حسن.

۸- راهنمای دینداران پیرامون چندین بحث جالب دینی.

۹- درج گهر در متن سخنان کوتاه پیغمبر و ترجمه فارسی آن.

۱۰- راهنمای قم در تاریخ قم و تاریخ اماکن مقدسه.

۱۱- چرا از مرگ بترسم، پیرامون واقعیت مرگ و اثبات روح

۱۲- ترجمه کتاب الشیعه و فنون الاسلام تألیف علامه سید حسن صدر. بنام شیعه یا بنیان‌گذاران فنون و علوم اسلام.

۱۳- مقالات بسیار در موضوع‌های مختلف.

و اما آنچه را که تاکنون بطبع نرسیده است بسیار و از آنها کتب زیر است:

۱- هدایا العقول فی الحکم المأثوره عن العتره و الرسول. این کتاب را بفارسی ترجمه نموده بنام گنجینه‌ی حکمت.

۲- کتاب الروض المنی در دو مجلد فی الحکمه و الادب.

۳- کتاب السراج الوهاج فی اسرار المعراج بعربی.

۴- رساله الناهیه عن الفحشاء در اسرار نماز بعربی

۵- رهبر دانشوران در شناخته شدگان بکنیه و لقب و ترجمه خطبه حضرت فاطمه علیهاالسلام و شرح آن و نام این کتاب جزو تالیفاتشان در پشت جلد کتاب کاخ دلاویز مذکور است.

(۱۳۶۶ -۱۲۷۸ ش)، فقیه، نویسنده و شاعر، متخلص به کاشف. در شهر قم متولد شد. وی نسبتش به موسی مبرقع، فرزند امام محمد تقی (ع)، می‌رسد. آموزش مقدماتی را در مکتب فراگرفت و از آن پس به تحصیل علوم عربی، دینی و ادبی پرداخت. از بزرگترین استادان وی در رشته‌های مختلف، می‌توان از حاج میرزا حسین نایینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی نام برد. برقعی نزد آقا میرزا علی اکبر حکمی یزدی منطق، فلسفه و هیئت را فراگرفت. آیت الله ارباب و محدث قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی از مشایخ اجازه‌ی وی بودند. برقعی مشاور آیت الله حایری در برخی از مسائل حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. او در سال ۱۳۱۳ ش یک دبستان و در سال ۱۳۱۵ ش یک دبیرستان در قم بنا کرد. وی به منظور شرکت در کنگره‌ی جهانی صلح به پاریس و وین دعوت شد و در آنجا سخنرانی کرد که پس از بازگشت به ایران، به شیراز و بعد به یزد تبعید شد. از اشعار وی تنها دو هزار بیت باقی مانده است. از آثار او می‌توان از «راهنمای دانشوران» در سه مجلد؛ «جلوه‌ی حق» و «مهر تابان»، در سیرت امیرالمؤمنین (ع)؛ «کاخ دلاویز»، در تاریخ شریف رضی؛ «تذکره‌ی مبتکران»؛ «درج گهر»، در سخنان سید بشر؛ «کانون احساسات»، پیرامون جنبش امام حسین (ع)؛ «بامداد روشن»، در اسرار صلح امام حسن (ع)؛ «چرا از مرگ بترسم»، پیرامون واقعیت مرگ؛ «هدایا العقول»؛ «تبصره‌ی معلمان»، در نحو؛ «السراج الوهاج»؛ «روض المنی فی المختار من قصار الکلمات امیرالمؤمنین (ع)»؛ «سیاست‌نامه حضرت علی (ع)»؛ «راهنمای قم»؛ «دیوان» شعر نام برد.[۱]

فقیه، محقق، شاعر.

تولد: ۱۲۷۸(۱۳۱۷ ق.)، قم.

وفات: ۱۳ مرداد ۱۳۶۶.

آیت‌الله سید علی‌اکبر برقعی قمی متخلص به «کاشف»، فرزند سید رضی، پس از تحصیلات علوم عقلی و نقلی نزد استادان، شروع به تدریس نمود. حوزه‌ی درسی به وجود آورد و به دانش‌پژوهی و دانش‌پروری پرداخت.

در بیست سالگی از مراجع زمان اجازه اجتهاد کسب کرد. اساتید او در ادب شیخ جعفر غفرانی و شیخ ابوالقاسم نحوی و در منقول آقایان محمد ارباب و حسن فاضل و شیخ ابوالقاسم ملا محمد کریم و در خارج از سطح آیات عظام حائری یزدی و حسن نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی و در مقدمات معقول محمد ارباب و در تحصیلات عالیه معقول شیخ علی‌اکبر حکمی یزدی بودند.

در سال ۱۳۱۳ یک دبستان و سال ۱۳۱۵ یک دبیرستان تأسیس کرد و هر دو را به نام سنایی موسوم ساخت. پس از ورود آیت‌الله العظمی حائری یزدی به قم و تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی، آیت‌الله برقعی یکی از مشاروان او بود و درباره مشکلات روحانیت و وضع تحصیلی طلاب با او تبادل نظر می‌کرد. آیت‌الله برقعی در زمان جنگ جهانی دوم یاور مردم بود و به تشکیل انجمن خیریه همت گماشت و از متمکنین تهران و قم کمک گرفت و در منطقه‌ای که سکونت داشت نانوایی ایجاد کرد. بدین طریق به بینوایان کمک و مساعدت می‌نمود.

در سال ۱۳۲۹ که در ایران جمعیت هواداران صلح به ریاست ملک‌الشعرای بهار تشکیل شد، از آیت‌الله برقعی خواستند که به

جمعیت صلح در ایران کمک کند و او نیز اولین سخنرانی خود را در مسجد امام خمینی (ره) (شاه سابق) تهران تحت عنون «صلح و نیروی نگهبان آن» ایراد کرد. شعار «به عدل سوگند، صلح پیروز است» به واسطه ایشان رایج شد. به همین منظور به کنگره‌ی جهانی صلح دعوت شد که یک بار در پاریس و بار دیگر در وین تشکیل شد و به عنوان یک پیشوای روحانی مسلمان سخنرانی کرد. پس از مراجعت از سفر اروپا از قم به شیراز و بعد به یزد تبید شد و این تبعید مدت چهارده سال به طول کشید.

آیت‌الله برقعی به شعر و شاعری علاقمند بود و شعر هم می‌گفت. قسمتی از اشعار وی از بین رفته است و فقط حدود دو هزار بیت آن گردآوری شده است.

فهرست آثار ایشان به شرح زیر است: راهنمای دانشوران (سه جلد؛ ۱۳۲۹ –۱۳۲۸)؛ راهنمای قم (در تاریخ قم و آثار تاریخی آن؛ با مقدمه رسید یاسمی، ۱۳۱۷)؛ راهنمای دینداران (۱۳۲۴)؛ کانون احساسات (در واقعه کربلا)؛ کاخ دلاویز (یا تاریخ شریف رضی؛ ۱۳۸)؛ مهر تابان (در سیرت علی (ع)؛ ۱۳۱۷)؛ جلوه حق (در سیرت علی بن ابی‌طالب؛ ۱۳۱۹)؛ بامداد روشن (در اسرار واگذاری خلافت حضرت امام حسن (ع) به معاویه؛ ۱۳۲۰)؛ ترجمه شیعه یا پدیدآورندگان فنون اسلام (اثر سید حسن صدر؛ ۱۳۱۹)؛ تذکره مبتکران، درج گهر (در سخنان حضرت سید البشر؛ ۱۳۶۶ ق.)؛ چرا از مرگ بترسم (اثر ابن مسکویه، ترجمه لماذا اخاف الموت، قم، چاپ دوم، ۱۳۲۷)، راه نو در جهان‌شناسی؛ دررالکلم در کلمات قصار علی (ع)؛ سیاست‌نامه حضرت علی (ع).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] سخنوران نامی معاصر (۲۹۳۱ –۲۹۲۴/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۵۵)، الذریعه (۲۲۹/ ۱۷، ۶۴/ ۱۰، ۸۹۹/ ۹). گنجینه‌ی دانشمندان (۳۹۳ –۳۸۹/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۳ –۴۹۱/ ۴).

بروجردی، داوود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۵– ز ۱۲۹۴ ق)، عالم، مورخ، ادیب و شاعر. علوم و معارف اسلامی را از استادان عصر فراگرفت. وی ادیب و شاعر نیز بود. از آثار وی: «مظهر المصائب»، در تاریخ زندگانی خمسه طیبه (ع)، که در ۱۲۹۰ ق به رشته تحریر درآمده؛ «سرور المصلین»، در نماز شب و کیفیت و ادعیه آن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۴۴۲ –۴۳۹/ ۲).

بقایی کرمانی، مظفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مظفر بقایی کرمانی (۱۲۹۰–۱۳۶۶ ش.) یکی از بحث انگیزترین شخصیت های سیاسی تاریخ معاصر ایران است. او در یک خانواده دارای پیشینه سیاسی در کرمان به دنیا آمد. پدرش، میرزا شهاب، از فعالین انجمن های مخفی وابسته به لژ بیداری ایران در دوران محمدعلی شاه و پس از آن در کرمان بود. مظفر در ۱۸ سالگی به خرج دولت برای ادامه تحصیل راهی فرانسه شد و در ۲۷

سالگی به ایران بازگشت. با رواج فعالیت احزاب سیاسی در فضای پس از شهریور ۱۳۲۰، مظفر راه پیشرفت خود را در فعالیت‌های حزبی یافت. او ابتدا به عضویت حزب اتحاد ملّی و مدتی بعد به عضویت حزب کار درآمد. با تأسیس حزب دمکرات ایران، به رهبری قوام‌السلطنه، فعالیت سیاسی بقایی وارد مرحله جدیدی شد. بقایی، به سان گروه کثیری از جوانان جویای نام آن زمان، به این حزب پیوست. او در حزب دمکرات قوام به سرعت رشد کرد، برای تأسیس و تصدی شعبه این حزب به کرمان رفت و سرانجام در سال ۱۳۲۶ به عنوان کاندیدای حزب دمکرات از کرمان به مجلس پانزدهم راه یافت. حلقه دوستان بقایی از سال‌های آغازین فعالیت سیاسی اش با حسن پاکروان (سرلشکر و رئیس بعدی ساواک) و مادر فرانسوی او، امینه پاکروان، رابطه نزدیک داشت. این رابطه تا واپسین سال‌های زندگی اینان ادامه یافت. به این حلقه دوستان باید عیسی سپهبدی و علی زُهَری را افزود. این حلقه با سفارت فرانسه در تهران ارتباط نزدیک داشت. در این میان، پیوندهای بقایی با عیسی سپهبدی، دوست دوران فرانسه او، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اسناد به دست آمده تردیدی برجای نمی گذارد که سپهبدی واسطه انتقال برخی پیام های مرموز به بقایی بود که راه سیاسی او را ترسیم می کرد. جنجال و شهرت در دوران نخست‌وزیری سپهبد حاج‌علی رزم‌آرا، بقایی سرسخت‌ترین مخالف او بود و به همین دلیل دستگیر و به یک سال زندان محکوم شد ولی در دادگاه تجدیدنظر تبرئه گردید. این مخالفت‌ها و محاکمه‌های جنجالی، که توسط مطبوعات آن زمان انعکاس وسیع می‌یافت، شهرت بقایی را افزایش داد. بدینسان، بقایی در آستانه چهل سالگی به یکی از چند چهره درجه اوّل سیاسی کشور بدل شد. نفر دوّم جبهه ملی ایران در اسفند ۱۳۲۹ رزم‌آرا به قتل رسید و مدت کوتاهی بعد طرح ملّی شدن صنعت نفت، که بقایی یکی از امضاکنندگان آن بود، تصویب شد. در این زمان، که مقارن با نخست‌وزیری حسین علاـ است، بقایی در رأس سازمان خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران قرار گرفت. این حوادث، در اردیبهشت ۱۳۳۰به تشکیل دولت دکتر محمد مصدق انجامید و اختلافات میان ایران از یکسو و شرکت نفت انگلیس و دولت بریتانیا از سوی دیگر به اوج خود رسید. در این دوران، بقایی خود را به عنوان یکی از چهره‌های اصلی نهضت ملی مطرح می کرد و به این عنوان نیز شناخته می شد. ازجمله، بقایی طی نطقی در مجلس خود را به عنوان «مراقب و محافظ دکتر مصدق پیشوای خودم که به ملت ایران و به ما بزرگترین درس فداکاری را داده» مطرح نمود. جعل بزرگ: اسناد خانه سدان حادثه مهم دیگر که نقش بقایی را در حوادث سیاسی روز برجسته کرد و او را به یک چهره جنجالی و شاخص" ضد انگلیسی "بدل نمود، ماجرای خانه سدان است: ظاهراً در اوایل تیرماه ۱۳۳۰ امیر حسین پاکروان، کارمند شرکت نفت انگلیس و ایران، به بقایی اطلاع داد که اسنادی از اداره انتشارات و تبلیغات شرکت نفت به منزل ن. ر. سدان، نماینده شرکت نفت انگلیس در ایران، در خیابان قوام‌السلطنه منتقل می‌شود. بقایی به همراه سرلشکر فضل‌الله زاهدی، رئیس شهربانی وقت، و جهانگیر تفضلی خانه سدان را تفتیش کرد و اسناد مزبور را به دست آورد. بخشی از اسناد خانه سدان توسط بقایی در روزنامه شاهد، و سایر مطبوعات آن زمان، منتشر شد و جنجال بزرگی به پا کرد. بعدها، در جریان دادگاه لاهه (خرداد ۱۳۳۱) اسناد خانه سدان به عنوان مدارک مداخله شرکت نفت انگلیس در امور داخلی ایران ارائه شد. امروزه، اصالت این ماجرا مورد تردید جدی است و برخی محققین، از جمله آبراهامیان، اسناد فوق، یا بخشی از آن، را جعلی یا دستکاری شده می دانند. نگارنده نیز در طی کار چند ساله خود بر روی اسناد خانه سدان، در مجموعه اسناد شخصی بقایی، به این نتیجه قطعی رسید که اسناد فوق کاملاً جعلی است. به عبارت دیگر، اصل اسناد دستمایه قرار گرفته و اسامی و مواردی که مورد نظر بوده به اسناد افزوده شده. در این باره دلایل کاملاً مستندی دارم که در زمان مناسب به صورت مقاله عرضه خواهم کرد. خلیل ملکی: دوستی و دشمنی در این دوران بقایی با خلیل ملکی همکاری نزدیکی را آغاز کرد. ملکی از رهبران حزب توده ایران بود که در سال ۱۳۲۶ انشعاب پرهیاهویی را از این حزب سازمان داد و منادی مشی سوسیالیستی مستقل از مسکو شد. این مشی بعدها به نام نیروی سوم شهرت یافت. پس از مدتی، ملکی به اتفاق هوادارانش به سازمان نگهبانان آزادی، به رهبری بقایی, پیوست و در اواخر اردیبهشت ۱۳۳۰ به اتفاق بقایی حزب زحمتکشان ملت ایران را تأسیس کرد. روزنامه شاهد ارگان این

حزب بود. سازمان نگهبانان آزادی و سپس حزب زحمتکشان ملت ایران، با بهره گیری از تجارب سازمانی و تئوریک ملکی و دوستانش، توانست در بین روشنفکران و کارگران نفوذی کسب کند. حزب زحمتکشان، که تنها سازمان متشکل عضو جبهه ملی ایران به شمار می‌رفت، نقش اصلی را در مقابله با نفوذ حزب توده به عهده گرفت. مقابله این دو حزب حوادث خشونت‌آمیزی آفرید که در نهایت نهضت ملی ایران را تضعیف نمود. استیضاح زُهری در روزهایی که لایحه سلب مصونیت از بقایی مطرح بود، علی زهری دولت را استیضاح کرد. این امر سبب شد که مصدق از اکثریت مجلس، که هوادار دولت او بودند، بخواهد که استعفا دهند و سپس با برگزاری رفراندوم مجلس هفدهم را منحل کرد. در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ بقایی و زهری دستگیر شدند و به زندان عشرت‌آباد انتقال یافتند. زهری فردای آن روز آزاد شد، ولی بقایی تا کودتا و سقوط دولت مصدق در زندان بود. نقش مرموز حسین خطیبی در اسناد شخصی دکتر بقایی مجموعه ای از نامه های حسین خطیبی موجود است که واجد اهمیت فراوان تاریخی می باشد. حسین خطیبی از دوستان نزدیک بقایی بود که در عین حال با محمدرضا پهلوی و اردشیر زاهدی نیز رابطه نزدیک و صمیمانه داشت. طبق اسناد موجود، خطیبی حداقل از سال ۱۳۲۹ در رأس یک سازمان مخفی اطلاعاتی قرار داشت که در حزب توده دارای عوامل نفوذی بود و با عناصر برجسته اطلاعاتی ارتش پهلوی- و در رأس آنها حسن ارفع، حسن اخوی و حبیب الله دیهیمی- مرتبط بود. این سازمان به ظاهر در زیر رهبری عالی بقایی قرار داشت و خطیبی خود را تابع بقایی وانمود می کرد. معهذا، کاوش بیشتر نشان می دهد که خطیبی در عملیات خود کاملاً مستقل از بقایی بود. درواقع، این سازمان را باید بخشی از شبکه هایی به شمار آورد که در ارتباط با سرویس های اطلاعاتی غرب فعالیت خود را آغاز کرده بودند. بدینسان، با پیوندهایی عجیب مواجهیم که پیشینه آن حداقل به سال ۱۳۲۹ می رسد؛ زمانی که بقایی به عنوان یکی از رهبران جنبش ملی شناخته می شود و از ستیز او با دکتر مصدق خبری نیست. این شبکه نقش مرموزی در تفرقه افکنی های آن زمان داشت. برای نمونه، دکتر مصدق پس از آغاز زمامداری اش، در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ در مجلس اعلام نمود که فداییان اسلام قصد ترور او را دارند. منبع مصدق شاه بود و شاه از دیهیمی، عضو سازمان دکتر بقایی، شنیده بود. [به شاه] عرض کردم ممکن است بفرمایید چه اشخاصی در صدد از بین بردن من هستند؟ فرمودند: دیهیمی که در سازمان دکتر بقایی است به او اینطور گفته است که فداییان اسلام در صدد قتل دکتر مصدق‌اند و دیهیمی هم به ستاد ارتش اطلاع داده و از ستاد ارتش هم به من گزارش دادند. حسین خطیبی در روز پنجشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۳۲ توسط مأمورین فرمانداری نظامی دولت مصدق به اتهام کارگردانی عملیات قتل افشارطوس دستگیر شد. او در زندان بطور منظم با بقایی مکاتبه پنهان داشت. توجه کنیم که در این زمان سرهنگ حسن پاکروان، دوست صمیمی بقایی و خطیبی، رئیس رکن دوم ستاد ارتش بود. خطیبی در این نامه ها مأمورین انتظامی دولت مصدق را به شکنجه های «قرون وسطایی» علیه خود و سایر متهمین قتل افشارطوس متهم می کرد و بدینسان به کمک بقایی کارزار گسترده تبلیغاتی، در مجلس و مطبوعات، به سود او جریان یافت. در این نامه ها، خطیبی به‌نحوی ماجرای دستگیری و بازجویی های خود را بیان می‌دارد که بقایی راهی جز رویارویی نهایی با مصدق و درگیر شدن در نبرد مرگ و زندگی نبیند. به‌نظر می رسد که در این حادثه نیرویی در وراء و مافوق خطیبی در کار است و خطیبی تنها واسطه انتقال پیام اوست. خطیبی در این نامه ها طرح توطئه موهوم کودتای مصدق علیه کاشانی، مکی و بقایی و غیره را افشا می‌کند. قابل تصور است که بقایی این نامه‌ها را در اختیار آیت الله کاشانی قرار می‌داد و بدینسان تعارض های آن زمان به سوی رویارویی محتوم سوق می یافت. در این نامه ها خطیبی زندانی حتی طرح استیضاح دولت مصدق و مفاد آن را به بقایی دیکته می کند. کودتاچی کینه توز در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیروهای دکتر مظفر بقایی از افرادی بودند که به خانه مصدق حمله بردند. آنان در عملیات کودتا نیز نقش فعال داشتند و به این دلیل مطبوعات پس از کودتا بقایی را یکی از رهبران" قیام ملی "علیه دولت دکتر مصدق عنوان کردند. رفتار بقایی پس از کودتا کینه‌توزانه بود. او طی مصاحبه‌های مطبوعاتی خواستار آن شد که «همکاران دولت سابق و توده‌ای ها به شدیدترین وضعی مجازات شوند.» هواداران او در کرمان

وحشیانه ترین تعرض‌ها را به مخالفین خود کردند و از جمله سرگرد سخایی، رئیس شهربانی کرمان، را به طرز فجیعی به قتل رسانیدند. بقایی مدتی پس از کودتا به کرمان رفت و در سخنرانی خود اعلام کرد دست کسی که سرگرد سخایی را به قتل رسانیده می‌بوسد. بقایی، که برجسته‌ترین ویژگی شخصیت او جاه‌طلبی بیمارگونه‌اش بود، انتظار نداشت که زاهدی در سمت نخست‌وزیر باقی بماند. او گمان می‌برد که با پیروزی کودتا مأموریت زاهدی خاتمه یافته و مسند نخست‌وزیری به وی تقدیم می‌شود. شاید، مستقیم یا غیرمستقیم، چنین وعده‌هایی به او داده شده بود. معهذا، چنین نشد. علت ناکامی بقایی در تصدی مناصب عالی دولتی را باید در ارزیابی دقیق ماموربن اطلاعاتی غربی از شخصیت بقایی جستجو کرد. برای نمونه، ماموربن اطلاعاتی آمریکا بقایی را فردی «متلون، زیرک و هوچی» می‌شناختند و به همین دلیل به وی اعتماد نداشتند. بقایی سرخورده از ناکامی سیاسی، سخنانی علیه زاهدی بیان داشت که منجر به تبعید محترمانه او به زاهدان شد. پس از زاهدان مدتی در اراک بود و سپس به کرمان رفت. امیر اسدالله علم، وزیر کشور وقت و دوست محمدرضا شاه پهلوی، از بقایی دعوت کرد که «در صورت تمایل بقیه ایام تبعید را در باغ ملکی ایشان در بیرجند بگذرانند که موجب امتنان و تشکر گردید.» علت این رفتار دوگانه را باید در اختلافات میان زاهدی و شاه جستجو کرد. این اختلافات سرانجام به سود دربار پایان یافت و زاهدی، که مورد حمایت آمریکایی ها بود، از کشور خارج شد و زمام قدرت بطور کامل به دست شاه افتاد. تلاش نافرجام در سال ۱۳۳۹ بقایی با واسطه شمس پهلوی با شاه ملاقات کرد و پس از مذاکراتی به وی اجازه داده شد که در انتخابات مجلس شرکت کند. در مجموعه اسناد شخصی بقایی طرحی موجود است که در این زمان بقایی برای تجدید فعالیت سیاسی خود تنظیم کرده است. این طرح، که نسخه اصلی آن به خط فرد ناشناسی است و توسط بقایی اصلاحات مختصری در آن صورت گرفته و سپس تایپ شده، به روشنی گویای اهداف تکاپوی بقایی در این دوران است. مطالب مندرجه و به ویژه درخواست های بقایی روشن می کند که این طرح، که نام مخاطب بقایی در آن مندرج نیست، برای ارائه به مقامات عالی تصمیم گیرنده تنظیم شده است. مخاطب این طرح یا محمدرضا پهلوی است یا مقامات خارجی مرتبط با مسایل ایران. طرح با تحلیلی از ساختار اجتماعی ایران آغاز می‌شود، عدم تراکم روستاها در ایران را یکی «از عوامل مقاوم [در برابر] کمونیزم» و اختلاف طبقاتی در ایران را «از عوامل مساعد برای نفوذ کمونیزم» ارزیابی می کند. سپس به علل و زمینه‌های پیدایش کمونیسم در ایران و روش‌های عملکرد آن می‌پردازد. در مقابل، عملکرد «دستگاه» حاکمه ایران قرار دارد که «بد» ارزیابی می‌شود. در مقابل این دو، سازمان نگهبانان آزادی، به رهبری بقایی، به عنوان آلترناتیوی اصلاح‌طلبانه ارائه می گردد که هدف از آن «جلوگیری از انقلاب سیاسی»، «در جهت حفظ رژیم سلطنت»، است: «این سازمان می‌تواند در تمام شهرستان های ایران به‌منزله دریچه اطمینانی برای رفع عصیان‌ها و نارضایتی‌های مردم تشکیل گردد.» بخش بعدی طرح به بزرگنمایی خطر کمونیسم در ایران اختصاص دارد و از جمله تأثیر فعالیت رادیو پیک ایران را، که از آذر ۱۳۳۶ توسط حزب توده ایران آغاز به کار کرده بود، معادل «سیصد روزنامه کثیرالانتشار» ارزیابی می کند. بقایی برای مقابله با «خطر کمونیسم» خواستار «امتیاز چند روزنامه منطقی و ضد کمونیست»، «امکان فعالیت حزبی به‌طور وسیع و علنی»، و «استفاده از کرسی مجلس شورای ملی و سنا به منظور انتقاد سالم» است. او تضمین می‌دهد که در سازمان نگهبانان آزادی، از آنجا که «رهبری آن انتصابی است»، امکان «رخنه افراد منحرف و غیر ملّی» وجود ندارد. بقایی با خط خود به متن پیش‌نویس چنین افزوده است: «بنابراین، خطری در اثر زیاد شدن مثلا کمونیست‌ها متوجه سازمان نمی‌تواند بشود و هرچه بیشتر بیایند امکان هدایت آنها به راه صحیح بیشتر می‌شود.»

مکتب بقایی در تاریخنگاری

یکی از عرصه هایی که مکتب بقایی بیشترین تأثیر را در آن بر جای نهاد، تاریخنگاری دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت بود که به ایجاد تقابلی تند و مطلق گرایانه میان نقش تاریخی دو رهبر نامدار آن، آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی و دکتر محمد مصدق، انجامید. این امر تا حدود زیادی بازتاب تعارض های سیاسی روز بود. در یکسو کسانی بودند که با تجدید خاطره اختلافات میان

کاشانی و مصدق در واپسین دوران حیات سیاسی این دو، موج ضدیت با دوستداران مصدق را دامن می زدند. و در سوی دیگر کسانی بودند که از طریق بزرگنمایی نقش امروزین بقایی و هواداران او" پارانویای بقایی "را می آفریدند. حزب توده ایران و برخی نویسندگان مدافع دکتر مصدق از این گروه بودند. به عبارت دیگر، تاریخنگاری حوادث سال های نهضت ملی به عرصه ای پرتنش بدل شد که بازتاب عمل روزمره سیاسی بود.

بلاذری، ابوجعفر، ابوالحسن احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۷۹ ق)، مورخ، جغرافیدان، ادیب، شاعر و مترجم. اصل و ریشه ایرانی دارد ولی نشو نمایش در بغداد بود. از مترجمان مشهور فارسی به عربی است. از گروه انبوهی از مشایخ عراق و دمشق و انطاکیه روایت کرده و از آخرین مشاهیر مورخان فتوحات اسلامی است. او نزد خلفای عباسی هم‌عصرش چون متوکل و مستعین معتز تقرب داشت. در آخر عمر به جهت خوردن میوه‌ی بلاذر (بلادر مساوی است با آناکردیوم) مبتلا به اختلال حواس شد و در بیمارستان بغداد جان داد. از آثار وی: «انساب الاشراف»؛ «البلدان الصغیر»؛ «البلدان الکبیر»، ناتمام؛ «عهد اردشیر»؛ «فتوح البلدان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۲/۱)، دایرهٔ المعارف فارسی (۴۳۸/۱)، ریحانه (۲۷۶ -۲۷۵ /۱)، سیر النبلاء (۱۶۳ -۱۶۲ /۱۳)، الفهرست لابن الندیم (۱۶۴)، کشف الظنون (۱۴۰۲، ۱۷۹)، الکنی و الالقاب (۹۳ -۹۲ /۲)، لسان المیزان (۴۹۰ -۴۸۹ /۱)، معجم الادباء (۱۰۲ -۸۹ /۵)، معجم المؤلفین (۲۰۲ -۲۰۱ /۲)، الوافی بالوفیات (۲۴۱ -۲۳۹ /۸).

بلاغی، شیخ حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه شیخ حسن بلاغی

در روز چهارشنبه ای از ماه رجب ، در یکی از محله ها نجف (محله براق) در خانه دانشمند عامل و روحانی فاضل ، علامه شیخ حسن بلاغی ، ستاره ای چشم به جهان گشود که امید آن می رفت تا گمشدگان وادی شب گون نادانی را به کرانه های صبح امید رساند. این نورسیده را محمد جواد نام نهادند. و بدین سان در سال ۱۲۸۲ ق .(۸۰) خداوند نعمتی دیگر به جامعه شیعه عنایت کرد. آل بلاغی یکی از خاندانهای نجیب ، شریف و قدیمی شهر نجف بوده اند. این دودمان پاک بسان چشمه ای پربرکت همواره جوشیده و طراوت بخشیده اند و تشنگان را سیراب کرده و همگی به جلال و بزرگی در علم و ادب شهرت داشته اند.

جرعه نوش علم و معرفت .

محمد جواد پس از آنکه نشو و نما یافت و دوران کودکی را پشت سر گذاشت در بوستان همیشه سبز حوزه قدم نهاد و شاگردی آن مکتب گردید. علوم مقدماتی را در حضور نورانی علمای نجف فراگرفت و تا ۲۴ سالگی از اساتید بزرگ آن حوزه عظیم ، استفاده های علمی و معنوی فراوانی برد.

روان پاک بلاغی که شیفته کسب معارف و درک فضایل بود او را در سال ۱۳۰۶ ق . مجبور به ترک زادگاهش کرد و او با دلی مالامال از عشق و علاقه به فراگیری دانش و خودسازی ، وارد شهر مقدس کاظمین شد تا بتواند در سایه اندیشه های بلند آن دیار، به اهداف عالیه اش نایل آید.

ایشان شش سال از عمر مبارکش را در این شهر صرف تحصیل و تهذیب نمود و تا سال ۱۳۱۲ ق . در کاظمین ماند. او در همان شهر با خانواده شریف عالم بزرگوار سید موسی جزایری وصلت نمود.

در سی سالگی به زادگاهش نجف اشرف بازگشت و در درس سرآمدترین استوانه های علمی و عملی عصر خویش حاضر شد و سرزمین سبز فکرش را با زلال آبهای با صفای آن حوزه طراوت بخشید و مدت ۱۴ سال در این دانشگاه بزرگ اسلامی ماند و از باغ و بوستانهای نجف خوشه های فراوان علم و معنویت چید.

شیخ محمد جواد بلاغی که سالهای متمادی را در پی علم و عمل گذرانده بود در سال ۱۳۲۶ ق . وارد شهر مقدس سامرا شد و در درس مرجع مجاهد و رهبر انقلابی ، میرزا محمد تقی شیرازی شرکت جست و ده سال بر سفره علمی این مجتهد سترگ و بیدار مهمان بود و با استفاده از جنبه های روحی و معنوی آن بزرگوار، خویشتن را تقویت کرد.

این دانشمند وارسته آنچنان شیفته دانش و یاد گرفتن بود که تا ۵۴ سالگی در درس میرزای شیرازی شرکت نمود.

راهنمایان رهرو خوبیها

اندیشمندان و فرزانگانی که علامه بلاغی در حضور نورانی آنان نشست و آموخت عبارت اند از:

۱. فقیه بزرگوار شیخ محمد طه نجف (متوفی ۱۳۲۳ ق .)

۲. فقیه محقق حاج آقا رضا همدانی (متوفی ۱۳۲۲ ق .)

۳. عالم و اصولی مدقق شیخ محمد کاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۹ ق .)

۴. علامه فقیه سید حسن صدرالدین کاظمی (متوفی ۱۳۵۴ ق .)

۵. فقیه بزرگ شیخ محمد حسین مامقانی (متوفی ۱۳۲۳ ق .)

۶. علامه محدث میرزا حسین نوری (متوفی ۱۳۲۰ ق .)

۷. فقیه عالیمقام سید محمد حسن هاشم هندی غروی (متوفی ۱۳۲۳ ق .)

۸. مرجع مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی (متوفی ۱۳۳۸ ق .)(۸۱)

پیوند دانش و مبارزه

این متعهد وظیفه شناس از تبار روحانیتی بیدار و آگاه بود که در پی استقلال طلبی کشور عراق از یوغ استعمار انگلیس در سال ۱۳۳۶ ق . - برای بار دوم - آهنگ شهر کاظمین کرد و در جرگه جهاد و دفاع از ثغور اسلامی حضور یافت و به صف مجاهدان پیوست .

آینده ساز دلسوز

اینک نام تنی چند از پروردگان آن فقیه آینده ساز را ذکر می نماییم .

۱. آیة الله العظمی آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفی ۱۴۱۱ ق .)

۲. آیة الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی (متوفی ۱۴۱۴ ق .)

۳. آیة الله العظمی آقای حاج سید هادی میلانی (متوفی ۱۳۹۵ ق .)

۴. علامه ادیب آقای میرزا محمد علی اردوبای نجفی (متوفی ۱۳۸۰ ق .)

۵. علامه سید محمد صادق بحرالعلوم (متوفی ۱۳۹۰ ق .)

۶. آیهٔ الله شیخ محمد رضا آل فرج الله نجفی (متوفی ۱۳۸۶ ق .)

۷. آیهٔ الله شیخ محمد مهدوی لاهیجی (متوفی ۱۴۰۳ ق .)

۸. آیهٔ الله شیخ نجم الدین جعفر عسکری تهرانی (متوفی ۱۳۹۵ ق .)

۹. حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (متوفی ۱۴۰۵ ق .)

۱۰. آیهٔ الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی (متوفق ۱۴۰۵ ق .)

۱۱. میرزا محمد علی مدرس خیابانی

۱۲. استاد ادیب علی خاقانی

۱۳. آیهٔ الله شیخ علی محمد بروجردی (متوفی ۱۳۹۵ ق .)

۱۴. شیخ مهدی بن داوودالحجار (متوفی ۱۳۵۸ ق .)

۱۵. علامه محقق حاج شیخ مجتبی لنکرانی نجفی

۱۶. آیهٔ الله سید صدرالدین جزایری (متوفی ۱۳۸۸ ق .)

۱۷. شیخ ابراهیم بن شیخ مهدی قریشی

۱۸. شیخ مرتضی مظاهری نجفی

۱۹. آیهٔ الله سید مرتضی لنگرودی (متوفی ۱۳۸۳ ق .)

۲۰. علامه میرزا محمد علی ادبی تهرانی

تراوش قلم

آثار سبز او در زمینه های فقه ، تفسیر، تاریخ ، اصول فقه ، عقاید و رد یهود و نصارا و مادیون و بابیت و بهائیت تدوین یافته است . نشانه های ماندگار ایشان عبارت است از:

۱. تفسیر آلاءالرحمن ۲. رساله ای در پاسخ به پرسشهایی که از جبل عامل برای ایشان فرستاده و در آن شبهاتی درباره قرآن نموده بودند ۳. الرحلهٔ المدرسیهٔ یا المدرسهٔ السیارهٔ ۴. الهدی الی یدن المصطفی ۵. التوحید والتثلیت ۶. اعاجیب الاکاذیب ۷. انوارالهدی ۸. البلاغ المبین ۹. نصایح الهدی ۱۰. المسیح و الانجیل ۱۱. نسمات الهدی ۱۲. المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر ۱۳. مصباح الهدی ۱۴. مسئلهٔ فی البداء ۱۵. نورالهدی ۱۶. اجوبهٔ المسائل البغدادیهٔ ۱۷. داعی الاسلام و داعی النصرانیهٔ ۱۸. تا ۴۵. مجموعه از تعلیقه ، حاشیه و رساله های فقهی ، در این میان رساله ای در احکام وضو به چشم می خورد که علامه خود آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است ۴۶. رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول ۴۷. رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب ۴۸. رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام ۴۹. رد بر کتاب ((تعلیم العلماء)) نوشته غلام احمد قادیانی ۵۰ رد بر کتاب ((حیاهٔ المسیح)) نووشته غلام احمد قادیانی ۵۱ رد بر کتاب ((ینابیع الکلام)) ۵۲. رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی (این چهار رساله در رد شبه های مخالفان اسلام بویژه مبلغان مسیحی نوشته است .)

۵۳. رساله ای در رد حسیون (رد بر فرقه قادیانیه است .) ۵۴. داروین و اصحابه .(۸۲)

مهتاب ادب

یکی از ویژگیهای شخصیت علمی علامه بلاغی ، جنبه ادبی ایشان است . او دانشمندی ادیب و ادیبی دانشمند بود. نوشته هایش را با قلم و سبکی ابتکاری و جدید و در قالبهای ادبی و شعر، داستان ، رمان و مناظره به رشته تحریر در آورده و برخی از مسائل عقیدتی و فلسفی را در قالب شعر سروده و شعرش حامل پیام بوده است .

ایشان در ثنا و رثای اهل بیت علیهم السلام چکامه هایی چند سروده است . یکی از آنها را که مرثیه ای برای امام حسین علیه السلام

است مرور می کنیم :

یا تریب الخد فی رمض الطفوف

لیتنی دونک نهبا للسیوف یا نصیرالدین اذ عزالنصیر

و حمی الجار اذ عزالمجیر

و شدید الباءس والیوم العسیر

و ثمال الوفد فی العام العسوف

کیف یا خامس اصحاب الکسا

و ابن خیرالمرسلین المصطفی

و ابن ساقی الحوض فی یوم الظماء

و شفیع الخلق فی الیوم المخوف

یا صریعا ثاویا فوق الصعید

و خضب الشیب من فیض الورید

کیف تقضی بین اجناد یزید

ضامیا تسقی بکاسات الحتوف (۸۳)

– ای کسی که گونه هایت در سرزمین کربلا بر خاك گرم افتاد! ای کاش من به جای تو، جایگاه ضربه های شمشیر می شدم .

– ای یاور دین هنگامی که یاران اندك شدند! و ای امید بی پناهان هنگامی که پناه دهندگان کم شدند.

– ای کسی که در روز جنگ و سختی صبر بسیار داری و ای ملجاء وارد شدگان در سالهای خشکی و سخت .

– چه سان است ای پنجمین اصحاب کساء و ای فرزند بهترن رسولان (حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم)

– ای فرزند ساقی حوض (حضرت علی علیه السلام) در روز تشنگی ، شفاعت کننده مردم در روز ترسناك .

– ای کشته افتاده روی زمین و ای کسی که محاسنت با خون گلویت خضاب است .

- چگونه تشنه ماندی بین لشکر یزید، در حالی که سیرابت می کردند از جام مرگها.

چکاد تلاش

آموختن زبانهـای خارجی با امکانات محـدود آن روز، کاری بسـیار مشـکل بوده است . علامه بلاغی علاوه بر زبان عربی ، زبانهای عبری ، انگلیسی و فارسی (۸۴) را خوب می دانست و به آنها تسلط داشت و فراگیری آنها به شخصیت علمی ایشان برجستگی ویژه ای بخشیده بود.

دربـاره چگونگی آموختن زبـان عبری چنین نگاشـته انـد: ((زبان عبری را از یهود دوره گرد آموخته است . در آن روزگار گروهی یهـودی در شـهرهای عراق بودنـد کـه مقـداری جنس ، پـارچه و امثـال آن ، بر دوش داشـتند و در کـوچه و بـازار می گشـتند و می فروختنـد. بلاغی از این فرصت اسـتفاده می کرد و درباره مفردات و جمله بندی زبان عبری از آنان چیزهایی می پرسـید. گاه مجبور می شد همه اجناس یک یهودی دوره گرد را بخرد تا از او درباره یک واژه یا ترکیب سخنی بشنود. چون یهودیان در آموختن لغت خود به دیگران بسـیار بخل می ورزیدند. بلاغی گاه شـیرینی و شکلات می خرید تا اگر بچه ای یهودی ببیند به او بدهد و چیزی از او بپرسد.))(۸۵)

شکوه گمنامی

گمنام زیست و بی هیاهو، ولی نامش در گمنامی اوست و هنرش در اخلاص والایش ...

شکوه گمنامی و حماسه اخلاص او در شعار معروفش تجلی کرده که می فرمود:

((انی لا اقصـد الا الـدفاع من الحق لا فرق عندی بین ان یکون باسـمی او اسم غیری .))(۸۶): من جز دفاع از حق انگیزه ای نداشـتم . بنابراین هیچ فرقی نیست که کتاب به نام من یا نام دیگری منتشر شود.

اسوه زهد

درباره ساده زیستی اش گویند:

((اتاقی کوچک داشت و محقر. در آن جز بوریایی و روفرشی یی که بر آن می نشست هیچ چیز نبود. در زمستان وسایل گرم کردن و در تابسـتان وسایل سـرد کردن نداشت ؛ با اینکه مزاجی ضـعیف داشت و بیمار بود. با این احوال ، هیچ گاه از این اتاق بیرون نمی رفت مگر برای نیازهای ضروری .))(۸۷)

بحقیقت که ایشان با بی پیرایگی اش اسوه برجسته زهد و پارسایی بود.

خنیاگر بیداری

حیاتش ترکیبی از دو عنصـر عقیـده و جهاد بود و حرکتش بر مبنای این دو عنصـر هیچ گاه گوشه نشـینی را نگزید و آرام نگرفت و پیوسته حریت آمیخته با حیات را بر سر و روی جامعه اسلامی می پاشید و خوابهای گران را بر می آشفت گویند:

((برخی از بهائیان جاسوس اسـتعمار در محله ای در بغـداد، مکانی را به نام حظیره برای اجتماع خود بنا نهادند. بلاغی با شـنیدن این خبر دیگر آرام نگرفت و استراحت را بر خود روا نـداشت تا با مراجعه به دادگاه و قانون آنان را به ترک آن محل واداشت و پس از مدتی آنجا را به مسجدی تبدیل کرد و در آن نماز و شعایر حسینی اقامه می شد.))(۸۸)

این روحانی آگاه ، مرز و بوم را همواره نگهبان بود و برای بیـدار ساختن جامعه دل می سوزانـد و تمام هستی خود را فـدای خدمت به حق و خلق کرد.

وی برای چـاپ کتـاب ((الهـدی)) (در رسوا سـازی خـدعه ها و توطئه های مبلغان مسـیحی) پولی نـداشت . بناچار هر چه در خانه داشت به قیمت ارزان فروخت و کتـاب را به چاپخـانه فرسـتاد تا خداونـد انـدک انـدک اثاثیه خانه و زنـدگانی وی را فراهم ساخت (۸۹).

آخرین هجرت

آسمان شهر غم رنگ بود و اندوهبار. اشک هجران بر گونه های شهر جاری بود. زیرا خورشید اندیشه ای رو به غروب بود که هفتاد سال در آسمان علمی شیعه نور بخشیده بود. تقویم عمری رو به پایان می شد که برگ برگ وجودش را وقف خدمت کرده بود.

باد خزان بر باغ پرشکوفه رادمردی وزیدن گرفته بود که سراسر عمرش بهار بود و بیداری فصل فراق در گوش جان علامه آهنگ وداع می نواخت و نسیم ((ارجعی))(۹۰) جانان در بوستان جانش وزیدن داشت و در حیاط ((حیاتش)) می رفت که با قفل مرگ بسته شود. او که عمری در وادی رضای حق قدم و قلم زد اکنون مجنون صفت مشتاق نوشیدن جام وصال بود.

سرانجام این چکاد تعبد و تخصص ، فقیه و ادیب فرزانه و مجاهد زاهد، شب دوشنبه بیست و دوم شعبان ۱۳۵۲ ق .(۹۱) ندای حضرت دوست را لبیک گفت و مرغ جانش با کوله باری از خدمت و خوبی و افتخار به سرای ابدی پر کشید و در آستان دوست جای گرفت . خاکیان را در سوگ و عرشیان را در سرور نشاند. حوزه های علمیه - بویژه طلاب نجف - در این فقدان ، غرق در ماتم شد. پس از تجلیل و تشییع ، پیکر پاکش را در حجره جنوبی سوم در سمت غربی صحن مبارک حضرت علی علیه السلام ، در کنار آرامگاه جواد بن محمد حسینی (مؤ لف کتاب مفتاح الکرامه) به خاک سپردند.

روحش شاد، راهش سبز و پر رهرو و تربتش از شمع رضای جانان نورانی باد.

آثار:

تفسیر آلاءالرحمن

الرحلة المدرسیة یا المدرسة السیارة

الهدی الی یدن المصطفی

التوحید والتثلیت

اعاجیب الاکاذیب

انوارالهدی

البلاغ المبین

نصایح الهدی

المسیح و الانجیل

نسمات الهدی

المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر

مصباح الهدی

مسئلة فی البداء

نورالهدی

اجوبة المسائل البغدادیة

داعی الاسلام و داعی النصرانیة

رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول

رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب

رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام

رد بر کتاب ((تعلیم العلماء))

رد بر کتاب ((حیاهٔ المسیح))

رد بر کتاب ((ینابیع الکلام))

رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی

رساله ای در رد حسیون

بلعمی، ابوعلی محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۳/۳۶۳ ق)، مورخ، ادیب و متجرم. وی وزیر منصور بن نوح سامانی و پسر ابوالفضل محمد بن عبیدالله بلعمی بود. در زمان سامانیان می‌زیست و وزارت عبدالملک بن نوح و منصور بن نوح سامانی را داشت و به دستور پادشاه اخیر «تاریخ طبری» را از عربی به فارسی ترجمه کرد. علت شهرت او به بلعمی به خاطر انتساب او و نیاکان وی به بلعمان از قراء مرو بود. بلعمی در این ترجمه بسیاری از موارد «تاریخ طبری» را تلخیص کرده و در بسی موارد دیگر از منابع جدیدی استفاده کرده است.

کتاب او حکم تألیف جدیدی را پیدا کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۱۹/۱)، ترجمه‌ی تاریخ یمینی (۹۵)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۳/۱)، ریحانه (۲۸۰/۱)، زین الاخبار (۱۶۱)، سبک شناسی (۹ -۸ /۲)، لغت نامه (ذیل/ بلعمی)، گنج و گنجینه (۱۵ -۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۹۱)، دستور الوزراء، (۱۱۴ -۱۱۳)، الذریعه (۸۶/۴).

بناکتی، فخرالدین، ابوسلیمان داوود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۳۱ ق)، مورخ. وی منسوب به بناکت از شهرهای ماوراء النهر بود، و از مورخان دوره‌ی مغول و ملک شعرای دربار غازان خان. وی چون از نزدیک با خارجیانی که از شهرهای دور به دربار غازان خان می‌آمدند، سر و کار داشت، اطلاعات جامعی درباره‌ی مذاهب و ملل گوناگون کسب کرد که به تألیف تاریخ او به نام «روضه اولی‌الالباب فی معرفه التواریخ» یا «تاریخ بناکتی» منجر شد. در «کشف الظنون» نام کتاب «روضه اولی‌الالباب فی تواریخ الاکابر و الانساب» نوشته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ در ایران (۸۶ -۸۵)، دایرهٔالمعارف فارسی (۴۴۹/۱)، الذریعه (۲۴۲/۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۹۲)، کشف الظنون (۹۲۵)، لغت‌نامه (ذیل/ بناکتی)، هدیهٔ العارفین (۳۶۰/۱)

بوداق قزوینی، منشی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نویسنده و مورخ. وی نویسنده‌ی کتاب «جواهرالاخبار» در شرح حال تیمورلنگ و پیروزی‌های او بر تقتمش در سال ۷۹۵ ق و وقایع عمومی تا سال ۹۸۴ ق است. وی این کتاب را به شاه اسماعیل دوم هدیه کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۵۶)، الذریعه (۲۵۸/۵).

بهرامی خشنودی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی بهرامی خوشنودی

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

بهروزی، علی‌نقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، محقق.

تولد: ۱۲۸۱(۱۳۲۳ ق.)، کازرون.

درگذشت: ۱۴ فروردین ۱۳۶۲، شیراز.

علی‌نقی بهروزی متخلص به «بهروزی»، فرزند بهروز، پس از اخذ دیپلم در بوشهر و فراگیری ادبیات و زبان انگلیسی، به سال ۱۳۰۲ به بحرین رفت و دو سال به مدیریت و آموزگاری مدرسه اتحادیه ایرانیان اشتغال ورزید و بعد خدمت خود را در سمت‌های معلمی و نظامت و مدیریت در بوشهر و شیراز ادامه داد. وی در سال ۱۳۳۷ بازنشسته شد. با این وجود معلمی در دبیرستان ابن سینا ادامه داد. همچنین دارای گواهینامه زبان انگلیسی از دانشگاه کمریج بود. علاوه بر انگلیسی، با عربی نیز آشنا بود و به دریافت نشان‌های درجه یک و دو علمی نایل آمد.

در سال ۱۳۰۵ با روزنامه‌ی «تخت جمشید» همکاری کرد و بعد به عضویت در هیئت تحریریه روزنامه‌های «عصر آزادی»، «پیغام»،

«پارس» و «بهار ایران» درآمد. در عین حال مقالاتی در مجلات «گل‌های رنگارنگ»، «ارمغان»، «یادگار»و «یغما» انتشار می‌داد. او در سال ۱۳۲۵ امتیاز روزنامه‌ی «دستاویز» را گرفت و چند شماره در شیراز منتشر کرد. وی همچنین عضو «انجمن قلم» و عضو مشورتی روزنامه‌ی «اطلاعات» در استان فارس بود و به عنوان شعار در «انجمن ادبی فارس» حضور می‌یافت و یکی از بنیانگذاران «کانون دانش پارس» بود و تا روزهای آخر عمر در جلسات آن شرکت می‌کرد.

از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۸ به سمت سرپرست کتابخانه حافظیه مشغول کار بود. از تیر سال ۱۳۵۸ به سرپرستی کتابخانه حضرت احمد در ××××× شاهچراغ شیراز اشتغال داشت.

فهرست آثار او به شرح زیر است: جشن‌های ایزدی، تاریخ اعیاد ملی (شیراز، ۱۳۲۴)؛ سده‌ی وفات قاآنی (شیراز، ۱۳۳۳)؛ شرح کامل حالات حکیم قاآنی (شیراز، ۱۳۳۴، نشریه‌ی سه کانون دانش پارس)؛ شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور (شیراز، ۱۳۳۳)؛ تصحیح دیوان رحمت کازرونی (شیراز، ۱۳۳۴)؛ تصحیح دیوان مظفر شیرازی (با همکاری و بازنگری دیگران شیراز، ۱۳۳۷)؛ لطایف و ظرایف ادبی (شیراز، ۱۳۴۲)؛ آثار محلی فارس (شیراز ۱۳۴۰)؛ فارسنامه ابن بلخی (شیراز، ۱۳۴۳)؛ تاریخچه‌ی شهر شیراز و اماکن تاریخی (تهران، ۱۳۴۷)؛ واژه‌ها و مثل‌های شیرازی و کازرونی (تهران، ۱۳۴۸)؛ بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز (شیراز، ۱۴۳۹)؛ تاریخچه‌ی مسجد جامع سلطانی وکیل (شیراز، ۱۳۵۰)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه ملی فارس (دو جلد با همکاری آقای محمدصادق فقیری، شیراز، ۱۳۵۱)، نوادر تاریخی (جلد اول، ۱۳۵۳)؛ حافظ را بشناسید (شیراز، ۱۳۵۵)؛ سعدی را بشناسید (شیراز، ۱۳۵۵)؛ افتخارات ایران؛ شرح حال و اشعار ناخدا عباس دریانورد (شیراز، ۱۳۵۶)؛ تاریخچه‌ی کتابخانه‌ها و مطبوعات و چاپخانه‌ی فارس (شیراز، ۱۳۵۶)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی آستان حضرت احمد بن موسی شاهچراغ (دو جلد، شیراز، ۱۳۶۰)؛ تاریخچه‌ی ده ساله‌ی کانون فرهنگیان پارس (شیراز، ۱۳۳۳)؛ اشعار نغز؛ گلشکر.

علی‌نقی بهروزی سرانجام به سال ۱۳۶۲ در شیراز زندگی را بدرود گفت و در دارالرحمه شیراز به خاک سپرده شد.

(۱۳۶۲ -۱۲۸۳ / ۱۲۸۱ ش)، شاعر، روزنامه‌نگار و نویسنده. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کازرون و بوشهر و شیراز به پایان رسانید و موفق به اخذ دیپلم متوسطه شد و زبان انگلیسی را کاملا آموخت و نایل به دریافت گواهی‌نامه از دانشگاه کمبریج انگلستان شد. بهروزی وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و مدت دو سال مدیر مدرسه‌ی ایرانیان در بحرین بود و از آنجا به بوشهر منتقل شد. و به مدیریت و تدریس در مدارس مختلف در بوشهر و شیراز پرداخت. او مقالات ادبی و اجتماعی زیادی در جراید «تخت جمشید»، «عصر ایادی»، «پارس» و مجلات «ارمغان»، «یادگار» و «گلهای رنگارنگ» منتشر کرد. بهروزی در سال ۱۳۲۵ ش امتیاز روزنامه‌ی «دستاویز» را گرفت و چند شماره‌ی آن را در شیراز منتشر کرد. بعد از بازنشستگی از سال ۱۳۵۰ ش به سرپرستی کتابخانه حافظیه و کتابخانه شاهچراغ، گمارده شد و عضو انجمن ادبی فارس و مؤسس کانون دانش پارس بود و تا آخر عمر در جلسات آن شرکت می‌کرد. وی گاهی شعر می‌سرود و محققی پرکار بود و بیست و چهار جلد کتاب تألیف کرد و دهها مقاله نوشت. از آثار وی: «آثار محلی فارس؛ «جشنهای ایزدی»؛ «نوادر تاریخی»؛ «گلشکر»، لطائف و ظرائف ادبی؛ «سده قاآنی»؛ «شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور»؛ «فرهنگ لغات محلی فارسی».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۳۲/ ۵)، انجمن‌های ادبی شیراز (۴۱۵ -۴۱۲)، تارخی جراید (۳۱ -۳۰/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۹۴ -۴۹۰/ ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۰ -۱۱۹/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۴، ۶۰۳/ ۴).

بهمنش، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، نویسنده، محقق و مترجم. در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی خود را در زادگاه خویش انجام داد و بعد به فرانسه رفت و به ایران بازگشت و در سال ۱۳۱۴ ش در دانشسرای عالی به تدریس پرداخت و تاریخ ملل قدیم را درس گفت. وی تألیفات و ترجمه‌های زیادی دارد از جمله: ترجمه‌ی «تاریخ مصر قدیم»؛ «تاریخ یونان قدیم»؛ «تاریخ ملل قدیم آسیای غربی»؛ «سیر تاریخ»؛ «تاریخ جهانی»، در دو مجلد؛ «فرهنگ اساطیر»؛ مسئله‌ی شرق»؛ «تارخی اروپا، قرون وسطی و آغاز قرن جدید».[۱]

درگذشت: ۱۳۷۱.

احمد بهمنش از تحصیل کردگان دارالفنون بود و جزو محصلان اعزامی به اروپا و فرانسه به تحصیل تاریخ پرداخت. پس از بازگشت چندی در دبیرستان‌ها درس می‌گفت تا این که به دانشگاه منتقل شد و در دانشکده‌ی ادبیات بیشتر تاریخ یونان و روم را بر عهده داشت. بهمنش چند کتاب در زمینه تدریس و مطالعات خود به چاپ رسانیده است. از جمله آثار اوست: تاریخ اروپا در قرون وسطی و آغاز قرون جدید (مخصوص سال چهارم ادبی و دانشسرای مقدماتی)؛ تاریخ جهانی (تألیف شارل دولاندلن، ۱۳۴۷)؛ تاریخ یونان باستان؛ فرهنگ اساطیر یونان و روم (پیر گریمال ۱۳۷۶).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۱، ص ۱۰ –۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۷ –۳۶۶/ ۱).

بیات، عزیزالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عزیز الله بیات در سال ۱۲۹۹ در شهر نهاون بدنیا آمد.ایشان دارای مدرک دکترای رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه پل ساباته فرانسه در سال ۱۳۷۸ می باشد. نامبرده عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عزیز الله بیات تحصیلات مقدماتی را در شهر نهاوند گذراند.وی کلاسهای هفتم ،هشتم و نهم را در شهر ملایر سپری کرد.ادامه تحصیلات متوسطه را در همدان پس گرفت و موفق به اخذ دیپلم گردید. ایشان تتحصیلات دانشگاهی خود را در دانشسرای عالی تهران گذراند و مدرک کارشناسی اش را در سال ۱۳۲۳ گرفت".در سال ۱۳۳۲ و به علت نزدیک بودن کرمانشاه به نهاوند از طرف اداره فرهنگ به این شهر رفتم و به مدت ۲۰ سال در این شهر زندگی کردم، چند کتاب هم درباره تاریخ و جغرافیای کرمانشاه نوشتم و منتشر کردم".دکتر بیات با استفاده از بورس تحصیلی که به کارمندان تعلق داشت استفاده کرده و عازم فرانسه گردید.نامبرده در سال ۱۳۴۸ موفق به اخذ مدرک دکترای رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه پل ساباته فرانسه شد.

خاطرات و وقایع تحصیل : دکتر بیات از خاطرات تحصیلش چنین بیاد دارد: بعداز از دیپلم ترک تحصیل نکردم .پدر بزرگم انسان فاضلی بود، مضاف بر این یکی از دوستان آیت الله مدرس بود و زمانی که به تهران رفت وآمد می کرد در منزل مرحوم مدرس اقامت می کرد. ایشان مرا به ادامه تحصیل تشویق می کرد. ابتدا قرار بود مرا به خارج از کشور بفرستد اما من به دانشسرای عالی که الان به آن تربیت معلم می گویند رفتم و لیسانسم را نیز دریافت کردم.

همسر و فرزندان : عزیز الله بیات دارای ۴ فرزند پسر و یک فرزند دختر می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۰ تا کنون رئیس اداره چهارم کارگزینی آموزش و پرورش رئیس اداره مطالعات و برنامه ها

فعالیتهای آموزشی : عزیز الله بیات در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا، به تدریس دروس تاریخ تمدن اسلام و گاه شماری در دانشگاههای شهید بهشتی (به عنوان عضو هیئت علمی)،دانشگاه آزادا اسلامی ،دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه الزهرا می پردازد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر عزیز الله بیات از زندگی خودش چنین اذعان می کند: من ۶۰ سال است که تدریس می کنم و در این مدت که درس داده ام شش ساعت هم غیبت ندارم. من بیش از ۵۰ سال است که فقط یک وعده غذا می خورم و از هر فرصتی برای پیاده روی هم استفاده می کنم، هیچ بیماری هم ندارم.

چگونگی عرضه آثار : دکتر عزیز الله بیات حدود ۴۰ کتاب به رشته تحریر در آورده است. ---------------------------
----

آثار :

۱ آثار باستانی کرمانشاه

ویژگی اثر : تالیف

۲ از ظهور اسلام تا دیالمه

ویژگی اثر : تالیف

۳ تاریخ ایران

ویژگی اثر : ناشر: امیر کبیر نویسنده: عزیزالله بیات (جلد اول و دوم)

۴ تاریخ ایران از آغاز تا انقراض پهلوی با تجزیه و تحلیل منابع و ماخذ

ویژگی اثر : تالیف

۵ تاریخ تطبیقی ایران(از سلسله ماد تا پهلوی) با تمام دنیا

ویژگی اثر : تالیف-پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: امیرکبیر - ۰۶ اردیبهشت، ۱۳۸۵

۶ تاریخ مختصر ایران

ویژگی اثر : تالیف

۷ تاریخ منابع و ماخذ ایران

ویژگی اثر : تالیف-پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: امیرکبیر - ۱۳۸۳

۸ تحریر و تحشیه تاریخ گیتی گشای نامی

ویژگی اثر : تالیف

۹ جغرافیا برای دانشسراها و دبیرستانها

ویژگی اثر : تالیف

۱۰ جغرافیای محلی کرمانشها

ویژگی اثر : تالیف

۱۱ زمینه های پیشرفت و پیروزیها و شکستهای ایران

ویژگی اثر : تالیف

۱۲ کتب درسی تاریخ برای دانشسراها و دبیرستانها

ویژگی اثر : تالیف

۱۳ کلیات جغرافیای طبیعی و تمدنی ایران

ویژگی اثر : تالیف-پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: امیرکبیر - ۱۳۸۳

۱۴ کلیات گاه شماری در جهان

ویژگی اثر : پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: دانشگاه شهید بهشتی - ۱۳۸۱

۱۵ نهاوند

ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین زرینی، عزیزالله بیات (زیرنظر) ناشر: دفتر پژوهشهای فرهنگی - ۲۷ تیر، ۱۳۸۵

بیانی، شیرین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر شیرین بیانی ، فرزند دکتر خانبابا بیانی در یازدهم مرداد ماه سال ۱۳۱۷ در تهران متولد شد. پس از تحصیلات ابتدایی ومتوسطه در سال ۱۳۳۶ وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد و در رشته ی تاریخ ادامه تحصیل داد و در دوران تحصیل دانشگاهی ، شاگرد اول بود. در سال ۱۳۳۹ موفق به اخذ درجه ی لیسانس از آن دانشگاه شد. در همان سال برای ادامه ی تحصیل به کشور فرانسه رفت و در سال ۱۳۴۱ از دانشگاه سوربن پاریس موفق به اخذ درجه ی دکترای تاریخ با درجه ی « بسیار عالی » گردید. خانم بیانی در سال ۱۳۴۲ با رتبه ی استادیاری تمام وقت وارد کادر آموزشی گروه تاریخ دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۶ به مقام دانشیاری ارتقاء یافت. در سال ۱۳۵۳ به مقام استادی « تمام وقت » همان دانشگاه دست یافت و در سال ۱۳۷۳ به رتبه ی پروفسوری « رتبه ی همراه استادی » رسید. وی هم اینک با رتبه ی ۳۰ استادی به تدریس دوره های قرون وسطی و دوران باستانی ایران در گروه آموزشی تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است. خانم شیرین بیانی علاوه بر نگارش چندین کتاب ، مقالات زیادی نگاشته است که در مجلات معتبر داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : تاریخ ایران - دوره مغول

والدین و انساب : شیرین بیانی ، فرزند دکتر خانبابا بیانی است که دارای فعالیت هاو کارهای ارزنده ای بود که به چند مورد از آنها اشاره می کنیم: مؤسس دانشگاه تبریز و توسعه دهنده ی دانشگاه تربیت معلم ، استقلال بخشیدن به دانشسرای عالی (تربیت معلم کنونی) عضو شورای عالی و فرهنگ سابق و تدوین و تنظیم اسناد و مدارک موجود در وزارت خارجه و تاسیس کتابخانه برای وزارت خانه و اهدای کتابهای خصوصی به آن .دکتر شیرین بیانی از جانب مادری ، نواده ی ملک المتکلمین مشروطه خواه معروف و شهید راه آزادی (که به در باغشاه توسط محمد علیشاه قاجار همراه با میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل شهید گردید) و دکتر مهدی ملک زاده از بنیان گزاران طب جدید در ایران و صاحب کتاب « تاریخ مشروطیت » و فرزند ملک زاده ی بیانی کارشناس معروف باستان شناسی و از بنیان گزاران موزه ی ایران باستان می باشد. مادر بزرگ دکتر بیانی از طرف مادری ،خورشید کلاه

ملکزاده بانویی فرهیخته وشاعر بودو عموی ایشان ،دکتر مهدی بیانی استاد دانشگاه تهران ،خوشنویس و بنیانگذار انجمن خوشنویسی ایران است.خواهر دکتر بیانی ،سوسن بیانی (دارای دکتری رشته باستان شناسی و مشغول تدریس در دانشگاه تهران)است.

خاطرات کودکی : دوران کودکی شیرین بیانی در بهترین و آرام ترین شرایط ممکن خانوادگی سپری گردید در محیطی آکنده از مهر و محبت ،صفا ،یک رنگی و عشق به ایران و ایرانی و همه انسانها.احترام به سنت ها ی ملی و مذهبی و اصول مذهبی ،احترام و دستگیری از طبقه غیر مرفه جامعه که این اصول در تدوین شخصیت او بسیار موثر بوده است.افراد خانواده همه فرهنگی ،اهل ذوق و هنر و دارای تالیفات متعدد بوده اند،که این شرایط خانوادگی نیز در سوق دادن او بسوی دانش و دانشگاه تاثیر بسیاری داشته است. شیرین بیانی در این باره می گوید: یکی از بهترین خاطرات کودکی ام ، در هفت سالگی همراه خواهرم در حیاط خانه به بازی مشغول بودم. پدرم با کیفی و بغلی پر از کتاب از دانشگاه به خانه باز گشت.من بسوی او دویدم و سلام کردم. او مرا در میان کتابها در آغوش گرفت و بوسید.من در آن لحظه با خود گفتم" منهم استاد دانشگاه می شوم و هروز با بغلی و کیفی پر از کتاب به خانه باز می گردم.من مانند پدرم تاریخ خواهم خواند و مانند او استاد خواهم شد " و چنین هم شد من از هفت سالگی در آغوش پدر راه زندگی ام را یافتم و با راهنمایی های مادر ،پدر و مادر بزرگ و پدر بزرگم ،همه ارزنده و انسان ساز بودند،بدون کوچکترین تردید و تزلزل تاکنون همین را ادامه دادم. دکتر بیانی در خانواده ای بزرگ در خیابان ویلا تهران کوچه شیرین زندگی میکرد بنا به گفته های ایشان: در خانه از صبح باز بود و دوستان و آشنایان در رفت و آمد بودند. دراین خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ ریاست آن را بر عهده داشتند.بیشتر رفت و آمد ها برای ملاقات پدر بزرگ (دکتر مهدی ملکزاده) بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شیرین بیانی در خانواده ای فرهیخته و ارجمند متولد شد و دوران کودکی بسیار پرباری را در یک محیط گرم خانوادگی ، توام با محبت و دانش سپری نمود. در خانواده او را با نوامیس زندگی چون شرافت و کرامت انسانی ، علم دوستی ، پاکدامنی ، وطن پرستی و هم وطن دوستی و محبت انسانی آشنا کرده و دینداری را به او آموختند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیرین بیانی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه منوچهری و متوسطه را در دبیرستان های ژاندارک و انوشیروان دادگر به انجام رسانید. در سال ۱۳۳۶ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در رشته ی تاریخ به تحصیل ادامه داد و در دوران تحصیل دانشگاهی ، شاگرد اول بود. در سال ۱۳۳۹ موفق به اخذ درجه ی لیسانس از آن دانشگاه شد. در همان سال برای ادامه ی تحصیل به کشور فرانسه رفت و در سال ۱۳۴۱ در دانشگاه سوربن پاریس در رشته ی دکترای تاریخ تحصیل و موفق به اخذ درجه ی دکترای تاریخ با درجه ی « بسیار عالی » گردید.

خاطرات و وقایع تحصیل : مهم ترین وقایع دوران تحصیل شیرین بیانی ، نصب مجسمه ی ملک المتکلمین نیای مادری شان در میدان « حسن آباد » بود که نام این میدان به میدان « ملک المتکلمین » تغییر یافت. همچنین خاطره ی دیگر خانم بیانی ، شاگرد اول شدن در کلاس ششم ادبی در مدرسه انوشیروان دادگر و کل دبیرستان های تهران بود. شیرین از ابتدا تا انتهای دوران تحصیل در علم ریاضی ضعیف و در ادبیات قوی بود.خاطرات تلخ او گاه در کلاسهای ریاضی است و خاطرات شیرین از کلاهای ادبی، که سرانجام نیز در رشته ادبی شاگرد اول بود.یکی از خاطرات جالب شیرین در کلاسهایست که معلمان او را بسیار با فراست و هوشیار می دانستند و احترام خاصی برایش قائل بودند در حالیکه معلمان ریاضی ،با وجود نامی که در دبیرستان داشت،و همه اورا می شناختند ،چندان توجهی به او نداشتند البته حق هم داشتند. ودر حین تحصیل در دانشگاه به دلیل استادی پدر ،همه اورا می شناختند و بهمین دلیل شیرین می بایست خوب درس بخواند و خوب رفتار کند که چنین هم می کرد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : شیرین بیانی ضمن تحصیل فعالیت های همچون به تکمیل زبان فرانسه ،مطالعه کتابهایی غیر درسی و ورزش می پرداخت.و دردبستان ودبیرستان او را به عنوان سرپرست انجمن نیکوکاری مدرسه انتخاب می کردند.

استادان و مربیان : ازجمله استادان شیرین بیانی می توان به پدر ایشان دکتر خانبابا بیانی ، عموی ایشان دکتر مهدی بیانی ، علی اصغر شمیم و دکتر محمدحسن گنجی اشاره نمود.

هم دوره ای ها و همکاران : همدوره ایهای شیرین بیانی اغلب قریب به اتفاق فرهنگی و بخصوص دبیر هستند.

همسر و فرزندان : شیرین بیانی ، همسر دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن نویسنده ی معروف معاصر و استاد دانشگاه تهران است که در سال ۱۳۴۳ با وی ازدواج کرد است.ایشان دارای دو فرزند پسر به نام های رامین ، متخصص تغذیه طبی و مهران ، متخصص محیط زیست و مسائل آب می باشند که پس از گذراندن تحصیلات در سوئیس و آمریکا به ایران بازگشته و مشغول به کار شده اند. آنها که در محیطی فرهنگی و سالم پرورش یافته اند علم و انسانیت را ارج می نهند و در این راستا کوشا می باشند.

وقایع میانسالی : شیرین بیانی در دوره ای زندگی می کند که بیش از هر زمان دیگر دارای فراز و نشیب بوده و هست .دنیا در تحولی شگرف و سریع بسر می برد که بخصوص این سرعت ،در تاریخ بی نظیر است و او شاهد این دگرگونی هاست.و این وقایع و ماجراهای جهانی و داخلی در گسترش افق دید او از جهت نگرش تاریخی ،اهمیت بسزایی دارد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شیرین بیانی در طول چهل و سه سال فعالیت علمی خود بلافاصله از اتمام تحصیلات در سال ۱۳۴۲ با رتبه استاد یاری در دانشگاه تهران آغاز کرد .هیچ مسئولیتی بجز تدریس در گروه تارخ دانشگاه تهران نداشته است.وی در سال ۱۳۴۶ به رتبه دانشیاری و در سال ۱۳۵۳ به درجه استاد تمام وقت نائل آمد.و در سال ۱۳۷۳ به رتبه ی پروفسوری « رتبه ی همراه استادی » رسید. وی هم اینک با رتبه ی ۳۰استادی به تدریس دوره های قرون وسطی و دوران باستانی ایران در گروه آموزشی تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است.

فعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی ،کارشناسی رشد و دکتری در گروه تارخ دانشگاه تهران. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط شیرین بیانی: کارشناسی • : تاریخ ایران دردوره سلوکی واشکانی • تاریخ ایران ازمغولتا کارشناسی ارشد • : بررسی ومطاله انتقادی ادیان ایران با • تاریخ تحولات سیاسی ومناسبات فرهنگیوتمدنی ایران واسلام • تاریخ تمدن وفرهنگ اسلامی • نقدوبررسی ایران باستان • نقدوبررسی تاریخ مغول تیمورحک دکتری •: بررسی وتحلیل اسنادارشیوی وکتاب •تاریخ اجتماعی ایران • تحول سیاسی اجتماعی بعدازاسلام • مناسبات ایران باستان • هنرهاوصنایع ایران بعدازاسلام

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : شیرین بیانی درتاسیس کتابخانه ملی شهر ندوشن یـــزد فعالیت مستمری از خود نشان داده است. وی همچنین به مراکز درمانی نیز کمک می کند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیرین بیانی بر این باور است که هر زن ابتدا می بایست به خانه و خانواده بپردازد.چون وی معتقد است که بزرگترین مسئولیت یک زن تربیت فرزندان نیک برای تحویل دادن به جامعه ،ترتیب امور همسر برای آمادگی وی در پیشبرد کارهایش است.خانم شیرین بیانی علاوه بر امورات زندگی به نگارش چندین کتاب ، مقالات زیادی نگاشته است که در مجلات معتبر داخلی و خارجی چون مجلات : یغما ، راهنمای کتاب ، بررسی های تاریخی ، هستی و ایرانیکا (چاپ دانمارک) به چاپ رسیده است. او گذشته از اینها ، سخنرانی چیره دست نیز هست و در مجامع بین المللی علمی از قبیل : کنگره ی بین المللی خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی ، کنگره ی بین المللی بیهقی ، مطالعات ایران شناسی و ازاین قبیل به سخنرانی هایی پرداخته که در مجموعه های وابسته به کنگره ها و مجلات معتبر به چاپ رسیده است. او در پیگیری پژوهش های علمی خود به کشورهای فرانسه ، انگلیس ، سوئیس ، ایتالیا ، یونان ، بلغارستان ، لهستان ، اسپانیا ، پرتغال ، آلمان ، ترکیه ، مصر ، کویت ، هندوستان ، چین ، اردن ، عراق ، امارات متحده عربی و آمریکا سفر کرده و هربار با ره آوردهای سودمندی به وطن بازگشته است.

همفکران فرد : مولانا جلال الدین رومی بلخی در روشنفکری زندگی شیرین بیانی تاثیر داشته است. همچنین پدر و مادر و در بسیاری موارد همسر وی ، همفکران او بوده و هستند.

آرا و گرایشهای خاص : درباره گرایش شیرین بیانی می توان گفت که به عرفان گرایش دارد. بدین گونه او اعتقاد دارد که باید بسوی کمال گام برداشت.خودشناسی را ضروری می داند و دانش را چراغ فرا راه.عشق را ملاط همه امور زندگی می داند و انسان را بی عشق نمی تواند تصور کند.در توضیحی افزون تر ،شیرین بیانی معتقد است که سنت های ایرانی را با تطبیق با وضع در روز می بایست ارج نهاد و بکار گرفت و مدرنیته را با گزینشی صحیح و مطابق با فرهنگ و تمدن ایرانی به آن پیوند داد.دقت در انتخاب هر دو کاری دقیق و سخت است که همواره خانواده اش به پیروی از آنان در این راه اقدام کرده اند و به نتیجه ای مطلوب رسیده اند.

جوائز و نشانها : شیرین بیانی به اخذ متجاوز از ده لوح تقدیر از مراکز علمی - فرهنگی و دانشگاهی نائل آمده است. مهمترین آنها لوح تقدیر از انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران می باشد(سال ۱۳۸۲) .و همچنین لوح های تقدیری بمناسبت انتخاب کتاب"دین و دولت در ایران عهد مغول "تالیف وی به عنوان کتاب نمونه سال جمهوری اسلامی ایران در سال (دوره پانزدهم کتاب سال)۱۳۷۵ ،لوح تقدیر برای انتخاب کتاب او به عنوان کتاب سال دانشگاه تهران در رشته علوم انسانی در سال ۱۳۷۵ در یافت کرده است و همچنین در این راستا موفق به دریافت لوح تقدیر به همراه ۵۰ سکه بهار آزادی گردید که جایزه ی نقدی آن به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اهداء شد تا کمکی برای تأسیس کتابخانه ملی شهر ندوشن یزد باشد.

چگونگی عرضه آثار : شیرین بیانی حدود ۳۵ مقاله نگاشته است که یا به صورت کتاب و مجموعه به چاپ رسیده و یا زیر چاپ است. و قبل از آن در مجلات معتبر داخلی و تعداد اندکی در مجلات معتبر خارجی انتشار یافته است. مقالات ارائه شده در همایشها •بیانی شیرین" ,بابا طاهر از اقطاب فرقه قلندریه," کنگره بزرگداشت بابا طاهر ,همدان /.ایران ,۰۲-,فروردین,۱۳۷۹ • بیانی شیرین "،پیوند ادبیات و تاریخ در ایران," کنگره زبان فارسی،شیراز /ایران ,۰۲-,فروردین,۱۳۷۹ • بیانی شیرین " ,فرقه قلندریه در دوره ایلخانی,"کنگره بین المللی مغول شناسی،تهران/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۶ • بیانی شیرین " ,هویت ایرانی از خلال بوستان سعدی,"کنگره هویت ایرانی،لندن /انگلیس ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۶ • بیانی شیرین" ,زن در تاریخ بیهقی,"کنگره بین المللی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی،مشهد /ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۴۹ • بیانی شیرین" ,بررسی اوضاع اجتماعی ایران از خلال جامع التواریخ رشیدی,"کنگره بین المللی خواجه رشید الدین فضل الله همدانی،تهران /ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۴۸ --------------

----

آثار :

۱ ایران در برخورد با مغول

ویژگی اثر : از انتشارات کتابخانه ی طهوری در سال ۱۳۵۳ .

۲ پنجره ای بسوی تاریخ

ویژگی اثر : مجموعه شانزده مقاله - انتشارات اساطیر -در دست چاپ

۳ تاریخ آل جلایر

ویژگی اثر : از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳- این کتاب به زبان فرانسه و رساله دکتری وی بوده است که در دانشگاه سوربن پاریس از آن دفاع شده است و بعد ها توسط خود وی به فارسی برگردانده شده است.این اثر بزبان قزاقی نیز ترجمه شده است

۴ تاریخ ایران باستان (دوره ی سلوکی و اشکانی)

ویژگی اثر : از سری تألیفات زیر چاپ.

۵ تاریخ ایران باستان از ورود آریایی ها تا سقوط هخامنشیان

ویژگی اثر : از سری تألیفات زیر چاپ.

۶ تاریخ ایلخانان

ویژگی اثر : از سری تألیفات زیر چاپ.

۷ ترجمه ی کتا ب تاریخ سری مغولان

ویژگی اثر : تألیف : چائویی شه ، از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰ -اولین منبع درباره تاریخ مغول و چنگیز خان است که ۱۳ سال پس از در گذشت این خان تدوین شده است . و اصل آن بزبان چینی بوده است.

۸ ترجمه ی کتاب تاریخ عیلام

ویژگی اثر : تألیف : پیر آمیه ، از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹ .

۹ ترجمه ی کتاب چنگیزخان

ویژگی اثر : تألیف : ولادیمیر تسف ، از انتشارات اساطیر در سال ۱۳۶۳ .

۱۰ ترجمه ی کتاب نظام اجتماعی مغولان

ویژگی اثر : تألیف : ولادیمیر تسف – انتشارات بنگاه ترجم و نشر کتاب – تهران ۱۳۴۶

۱۱ ترجمه ی کتاب نظام اجتماعی مغولان ؛ فئودالیسم خانه به دوشی

ویژگی اثر : تألیف : ولادیمیر تسف ، از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۴۶ .

۱۲ ترجمه ی مهمانخانه ی آنژگارین

ویژگی اثر : تـألیف : دسـکور.کتـاب داسـتان برای نوجوانان و جوانان در سال ۱۳۳۲- این اثر شـیرین بیـانی هنگامی که پانزده سال داشت ترجمه گردید و بکوشش پدرش خانبابا به چاپ رسید .دکتر ناتل خانلری مقدمه ای بر آن نگاشت.

۱۳ تیسفون و بغداد در گذر تاریخ

ویژگی اثر : تالیف,انتشارات جامی ,۱۳۷۷

۱۴ دین و دولت در ایران عهد مغول

ویژگی اثر : مجموعه ای مشـتمل بر سه جلد از انتشارات مرکز نشـر دانشگاهی در سال ۱۳۶۷ ، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۵ – برنده جایزه بهترین کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران در دوره پانزدهم کتاب سال در رشـته علوم انسانی و اخـذ لوح تقدیر بسال ۱۳۷۵ و برنده جایزه بهترین کتاب سال دانشـگاه تهران در رشته علوم انسانی در سال ۱۳۷۵. آشـنایی با کتاب: «دین و دولت در ایران عهد مغول»: دین و دولت در ایران عهد مغول؛ شـیرین بیانی؛ تهران: مرکز دانشگاهی، ۳ج، جلد سوم، ۱۳۷۵. دوران فرمانروایی ایلخانان مغول در ایران را می تـوان یکی از شـگفت انگیزتریـن و پُرتحرک تریـن ادوار ایـن کشـور بـه شـمار آورد. در این عهـد است که درخت فتوحـات چنگیزی به بار می نشـیند و برای بازمانـدگانش ثمری شـیرین می دهـد، ولی این لقم ?گلوگیر به سـختی قابل بلعیـدن بود. در طول زنـدگی حکومت ایلخانی، پیوسـته دو تلاش متقابل و در ضـمن خسـتگی ناپذیر از جانب حکومت و مردم مشاهده می شود. از یک سو، تلاش حکومت برای تحکیم هرچه بیشتر مبانی قـدرت و قبولاندن آن به اتباع ایرانی و از سوی دیگر تلاش مردم در جهت کمر راست کردن و تجدیـد حیات خویش. به بیان نویسند ?کتاب، پیوسـتگی دین و دولت در دورانهای گوناگون تاریخ ایران به چشـم می خورد. این پیوسـتگی که ریشه در قبـل از اسـلام دارد، بـا ورود اسـلام و به ویژه در دور ?صـفوی به اوج رسـیده، در نـتیجه دین آمیخته شـده با فرهنگ ملی، مجموع معتقـدات ایران را در برمی گرفت. از این رو، مغولان در هجوم به ایران و فتـح آن با معتقدات مردم روبه رو بوده اند که می بایست یا آن را ریشه کن کنند یا با آن کنار آیند و این نبردی بود که تا زمان اسـلام آوردن حکومت مغولی مسـتقر در ایران، همچنـان ادامه داشت. این موضوع خـاص و مهم، محتوای کتاب نویسـنده را تشـکیل می دهـد که ۳ جلد را

شامل می شود. در جلد اول رویارویی دو طرز تفکر و دو فرهنگ ناهمگون و نابرابر (غالب و مغلوب) روشن می شود. ادام ?این نبرد و نفوذ و حضور ایرانیان در امور دیوانی و ادار ?کشور مطالب جلد دوم را در برمی گیرد. در جلد سوم نیز مسائل سیاست خارجی حکومت ایلخانی در مرزهای شرقی و مرزهای غربی ایران در روزگارانی مطرح شده که جهان اسلام از سویی در رویارویی با عنصر بیگان ?مغول و از سوی دیگر در تکاپوی رهایی از تتم ?جنگهای صلیبی با جهان غرب است.

۱۵ زن در ایران عصر مغول

ویژگی اثر : از انتشارات دانشگاه تهران در سال۱۳۵۲ .

۱۶ شامگاه اشکانیان و بامداد ساسانیان

ویژگی اثر : از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۵ .

۱۷ کرمساز دوصد کیش

ویژگی اثر : درباره مولانا جلال الدین_ انتشارات جامی –تهران ۱۳۸۲

۱۸ مجموعه مقالات

ویژگی اثر : از سری تألیفات زیر چاپ.

۱۹ مغولان و حکومت ایلخانی در ایران

ویژگی اثر : انتشارات سمت – تهران ۱۳۷۹

۲۰ هشت مقاله در زمینه ی تاریخ

ویژگی اثر : از انتشارات توس در سال ۱۳۵۲ .

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بیرام شیرازی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۶۶ ش)، مورخ، نویسنده و باستانشناس. وی در شیراز به دنیا آمد. پدرانش همگی اهل دانش بودند. پس از تحصیل مقدمات در خدمت شیخ علی ناجی، سید علی یزدی، سید محمد مدرس یزدی و حاج سید ابوطالب مجتهد شیرازی علوم متداول عربی و فارسی را آموخت. وی بسیاری از علوم عصر خود را به وسیله‌ی مطالعه کتابهای تاریخ- جغرافی و باستانشناسی فراگرفت و به تحقیق در زمینه‌ی تاریخ ایران پرداخت. شغل او همواره زراعت بود و کشاورزی را بر تمامی مشاغل حتی استادی دانشگاه ترجیح می‌داد. از آثار وی: «تاریخ مفصل و جامع ایران از بدو پیدایش تا انقراض سلسله‌ی قاجاریه» از این کتاب حدود یکصد صفحه در دست است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۶ -۵۱۵ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۴۳/۲).

بیرونی، ابوریحان محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۴۰ -۳۶۲ ق)، دانشمند، منجم، ریاضیدان، حکیم، فیلسوف، مورخ، لغوی. در خانواده‌ای ایرانی در بیرون خوارزم متولد شد. شهرک زادگاهش در بیرون شهر کاث قرار داشت که یکی از دو شهر مهم این ناحیه بود و شهرت بیرونی وی از همین جا است. او مدتی را در خوارزم به تحصیل معارف و علوم گذراند و نزد استادانی مثل ریاضیدان بزرگ آن عصر، ابومنصور عراق، به فراگرفتن علوم ریاضی پرداخت. ابوریحان با ابوعلی سینا، در موضوعات مختلف مکاتبه داشت. بیرونی بعد از مدتی در اثر یک اتفاق مهم به گرگانج شمال خوارزم رفت و بعد سفری به گرگان کرد و در آنجا به خدمت شمس‌المعالی قابوس بن ابی‌طاهر وشمگیر رسید. در ری با ابومحمود خجندی و کوشیار کیکی ملاقات کرد و بعد به طبرستان نزد ابوالعباس مرزبان بن شروین رفت و یکی از شاهکارهای ریاضی خود را به نام او نوشت. بیرونی در سال ۳۸۷ ق در خوارزم بود و با ابوالوفای بوزجانی که در بغداد بود، مکاتبه کرد و قرار رصدی را گذاشت. ابوریحان در زمان حکومت سلطان محمود به دربار راه پیدا کرد و در سفرهای جنگی محمود به هندوستان و مسافرتهای ممتد او به آن دیار همراه وی بود. او در ضمن همین سفرها بود که با دانشمندان آن سامان آشنا شد و علاوه بر فراگیری زبان سانسکریت، با علوم و عقاید هندوان نیز آشنا شد. بیرونی با زبانهای سریانی، سانسکریت، فارسی، عبری، عربی آشنا بود. وی در هند فلسفه‌ی یونان را تدریس می‌کرد. اگر چه بیرونی در اکثر رشته‌های علوم زمان خود به پژوهش پرداخت، اما اصولا به ریاضیات دلبستگی داشت و بیشتر وقت خود را صرف تحقیقات ریاضی کرد. وی بیش از ۱۱۳ کتاب در علوم مختلف پزشکی، هیأت، تاریخ جغرافیا نوشت. از جمله آثار وی: «التفهیم لاوائل صناعهٔ التنجیم»، در ریاضی؛ «تحقیق ماللهند»، که پرحجم‌ترین اثر وی است؛ «استخراج الاوتار»؛ «جمع الطرق السائره فی معرفهٔ اوتار الدائره»؛ «مقالید علم الهیئهٔ»؛ «قانون مسعودی»؛ «آثار الباقیه عن قرون الخالیهٔ»؛ «الجماهر فی معرفهٔ الجواهر»؛ «رساله الاستیعاب لوجوه الممکنهٔ فی صنعهٔ لاسطرلاب»، «الاضلال او افراد المقال» و «فهرستی از تألیفات محمد زکریای رازی».[۱]

(قد. ابوریحان محمد بن احمد، ریاضی‌دان و فیلسوف ایرانی و. بیرون) (خوارزم) ۳۶۲ ه.ق./ ۹۷۳ م.- ف. غزنین ۴۴۰ ه.ق./ ۱۰۴۸ م.) وی اوایل عمر را در خوارزم معروف به خوارزم شاهیان گذرانید و سپس چند سال در گرگان، در دربار قابوس بن وشمگیر به سر برد و کتاب «الآثار الباقیه» (ه.م.) را به نام آن پادشاه تألیف کرد. پس از چندی به خوارزم بازگشت و در دربار ابوالعباس مأمون به مأمون مدتی بزیست. محمود غزنوی در مراجعت به غزنین ابوریحان را با چند تن از فاضلان دربار خوارزمشاه به غزنین برد (۴۰۸ ه.ق.).پس از آن چند بار به خوارزم سفر کرد و در غالب غزوات محمود به هندوستان در ملازمت او بود و با دانشمندان و حکیمان هند مخالطت کرد و زبان سنسکریت را بیاموخت و دایره معلومات خود را وسعت داد و مواد لازم رابرای تألیف کتاب «تحقیق ما للهند» (ه.م.) فراهم آورد. از آثار مهم او جز آنچه گذشت کتاب «التفهیم» (ه.م.) است که آن را به عربی و فارسی (جداگانه) تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۰۶ -۲۰۵ /۶)، اعیان الشیعه (۶۵/۹)، تاریخ در ایران (۲۱ -۲۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۲ -۳۳۷ /۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۲۷۱ -۲۵۴)، تاریخ گزیده (۶۹۰ -۶۸۹)، تاریخ موسیقی (۱۵۴/۱)، الذریعه (۵/۲۲، ۲۷/۱۷، ۱۳۲/۵، ۷، - ۶ /۱)، روضات الجنات (۳۳۶ -۳۳۴ /۷)، ریحانه (۱۱۹ -۱۱۴ /۷)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۱۹۷ -۱۷۶)، زندگینامه‌ی علمی دانشمندان (۳۲۷ -۳۵ /۱)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۸ -۲۱)، فلاسفه‌ی شیعه (۴۰۳ -۳۸۰)، کشف الظنون (۱۷۸۴، ۱۶۲۲، ۱۵۹۴، ۱۴۳۷، ۱۴۳۴، ۱۳۸۵، ۱۳۱۴، ۱۱۲۶، ۱۰۶۵، ۹۰۷، ۷۷۱، ۵۹۴، ۴۸۸، ۴۶۳، ۴۲۴، ۴۰۳، ۳۴۵، ۸۱، ۷۹، ۷۰، ۹)، الکنی و الالقاب (۸۰ -۷۸ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوریحان)، معجم الادباء (۱۸۰/۱۷)، معجم المؤلفین (۲۴۲ -۲۴۱ /۸)، نامه‌ی دانشوران (۸۲ -۶۱ /۱)،

هدیة العارفین (۶۶ -۶۵ /۲).

بیضاوی فارسی، ابوالخیر، ابوسعید عبدالله

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۹۶ -۶۸۰ ق)، عالم، ادیب، محدث، مفسر و مورخ اشعری شافعی. معروف به قاضی بیضاوی. اهل بیضای فارس بود. پدرش در زمان سلطنت اتابک ابوبکر بن سعد زنگی قاضی القضاة فارس بود و بعد از او این منصب به پسرش رسید. وی بعد از مدتها اقامت در شیراز، اواخر عمر را در تبریز سپری کرد. قاضی معاصر با علامه حلی امامی و خواجه نصیرالدین طوسی و صلاح‌الدین صفدی بود. او در گورستان چرنداب تبریز مدفون است. بیضاوی در عربی و فارسی تألیفاتی دارد. از جمله: کتاب تفسیر که به «تفسیر بیضاوی» یا «انوار التنزیل و اسرار التأویل» شهرت دارد و شیخ بهایی بر آن شرح نوشته است. «الایضاح»، در اصول دین؛ «تهذیب الاخلاق» در تصوف؛ «شرح التنبیه»، در فقه؛ «شرح الکافیه»، در نحو؛ «شرح المصابیح»، در فقه؛ «شرح مطالع»، در منطق؛ «منهاج الوصول الی علم الاصول»، در اصول فقه؛ «طوالع الانوار» و «مطالع الانظار»، در توحید و کلام؛ «غایة القصوی فی درایة الفتوی»، در فقه شافعی؛ «شرح منتخب الاصول»، در لغت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۸/۴)، بزرگان نامی پارس (۲۸۱ -۲۷۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰۹ ،۲۲۸ ،۲۲۳ -۲۲۲ ،۲۱۸ /۳)، تاریخ گزیده (۷۰۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۰ -۱۳۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۸ -۵۱۷ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۴۹۰/۱)، الذریعه (۱۹۲/۲۴ ،۱۷۹ -۱۷۸ /۲۳)، روضات الجنات (۱۳۰ -۱۲۷ /۵)، ریحانه (۳۰۶/۱)، شیرازنامه (۱۸۲)، طرائق الحقائق (۶۶۶ -۶۶۲ /۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸/۱)، کشف الظنون (۱۹۵۹ ،۱۸۸ -۱۸۶)، الکنی و الالقاب (۱۱۳/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ بیضاوی)، معجم المؤلفین (۴۰۰/۱۳ ،۹۸ -۹۷ /۶)، نامه‌ی دانشوران (۱۵۱ -۱۳۷ /۸)، هدیة الاحباب (۱۱۱ -۱۱۰)، هدیة العارفین (۴۶۳ -۴۶۲ /۱)، یادداشتهای قزوینی (۱۵ -۱۳ /۲).

بیگدلی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علی بیگدلی در سال ۱۳۲۲ در شهر قم بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای تاریخ (با موضوع سلجوقیان و جنگهای صلیبی) از دانشگاه تولوز در جنوب فرانسه است. وی عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه شهید بهشتی می باشد. دکتر بیگدلی در سال ۱۳۸۵ پس از ۴۴ سال و شش ماه خدمت در عرصه علم بازنشسته شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : تاریخ اروپا

والدین و انساب : پدر و مادر علی بیگدلی فوت شده اند و دارای دو برادر و یک خواهر است.

خاطرات کودکی : علی بیگدلی علاوه بر تحصیل به ورزش دو و پرش علاقه زیادی داشت، بطوری که در این رشته به فعالیت پرداخته و به مقام قهرمانی استان تهران دست یافت. ایشان در موسیقی نیز در زمینه های آواز، تنبک و تار به طور مختصر تحت آموزش بوده است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی بیگدلی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر محل زادگاهش، قم به تحصیل پرداخت و دیپلمش را اخذ کرد. پس از آن (تجربه کارمندی در سفیدرود) در سال ۱۳۴۶ در رشته حقوق دانشگاه ملی با رتبه ۱۳ پذیرفته شد ولی بدلیل اشتغال داشتن در آموزش و پرورش نمی توانست روزها به تحصیل بپردازد. بالاخره در سال ۱۳۴۷ بصورت شبانه روزی در مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی در رشته ادبیات فرانسه به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۵۰ پس از اخذ کارشناسی رشته مذکور عازم فرانسه شد و جامعه شناسی را ادامه داد ولی به علت علاقه به رشته تاریخ در دانشگاه تولوز در جنوب فرانسه به تحصیل رشته تاریخ پرداخت و دوره دکتری را نیز روی سلجوقیان و جنگهای صلیبی کار کرد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : علی بیگدلی در کنار تحصیل به مدت ۱۲ سال به شغل روزنامه نگاری در روزنامه های اطلاعات، آیندگان و مجله سیاه و سفید اشتغال داشت. بهترین خاطره از دوران خبرنگاری آشنایی با مقامات اجرایی کشور بود. پس از انقلاب اسلامی بیش از ۱۰۰ برنامه مصاحبه رادیویی، تلویزیونی و بیش از ۱۲۰ مصاحبه مطبوعاتی در لیست کارنامه کاری خود دارد.

استادان و مربیان : استاد فروزانفر، دکتر ذبیح الله صفا، دکتر موسی بروخیم و غیره از استادان دکتر بیگدلی بودند بطوری که وی از آنها به عنوان اساتید برجسته و تاثیر گذار در زندگی خود یاد می‌کند.

هم دوره ای ها و همکاران : همکلاسی‌های علی بیگدلی به ترتیب از میان ۱۶ نفر، ۶ نفر یهودی، ۴ نفر مسیحی و ۶ نفر مسلمان بود حتی در طول چهار سال تحصیلی برای یک بار هم صحبتی از تفاوتهای دینی به میان نیامد.

همسر و فرزندان : علی بیگدلی در سال ۱۳۵۱ با همسر خود که هم اکنون بازنشسته آموزش و پرورش است ازدواج کرد. ماحصل این ازدواج دو فرزند پسر به نامهای سینا (دارای مدرک کارشناسی ارشد عمران) و عطا (دارای مدرک کارشناسی عمران) می‌باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی بیگدلی پس از اخذ دیپلم خود در سال ۱۳۴۴ در اداره آب و برق سفیدرود مشغول به کار شد. وی پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد در وزارت راه و ترابری به فعالیت پرداخت و در سن ۳۲ سالگی مدیر کل آموزش گردید. سپس عضو هیئت مدیره یکی از شرکت های تابعه این وزارتخانه شد. از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ معاونت اداری مالی هواپیمایی کشور و سازمان هواشناسی را بر عهده گرفت. ایشان همچنین برای مدت کوتاهی مسئولیت معاونت وزیر راه و ترابری را در سازمان هواپیمایی کشور را بر عهده داشتند.

فعالیتهای آموزشی : علی بیگدلی از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۱ در بیش از ده دانشگاه و مدرسه عالی به تدریس پرداخت. تخصص ایشان در زمینه تاریخ اروپاست و بیشترین آموزش ایشان در زمینه علوم سیاسی در حوزه تاریخ اندیشه سیاسی و تاریخ روابط بین الملل بوده است و تا مقطع دکترای این رشته به تدریس پرداخته اند و کتب درسی این حوزه را نیز خود نگاشته‌اند.

چگونگی عرضه آثار : علی بیگدلی دارای ۱۰ کتاب تالیفی و ترجمه است. وی همچنین بیش از ۵۰ مقاله تخصصی منتشر شده در مجلات معتبر علمی دارد. --

----

آثار :

۱ تاریخ اروپا در قرون جدید

ویژگی اثر : تالیف– انتشارات دانشگاه پیام نور

۲ تاریخ اروپا در قرون وسطی

ویژگی اثر : تالیف- انتشارات دانشگاه پیام نور

۳ تاریخ اندیشه سیاسی در غرب

ویژگی اثر : تالیف- دو جلد

۴ تاریخ روابط بین الملل

ویژگی اثر : ترجمه

۵ تاریخ سیاسی- اقتصادی عراق

ویژگی اثر : تالیف

۶ تاریخ فرهنگ و تمدن اروپا در دوران جدید

ویژگی اثر : تالیف

۷ تاریخ یونان و روم

ویژگی اثر : تالیف- انتشارات دانشگاه پیام نور

۸ ترورهای سیاسی در تاریخ معاصر ایران

ویژگی اثر : تالیف- دو جلد

۹ شیخ نشین های خلیج فارس و مسئله نفت

ویژگی اثر : ترجمه

۱۰ کرونولوژی مسیحیت و قرون وسطی

ویژگی اثر : تالیف منابع زندگینامه :

۱پرسشنامه تکمیل شده توسط دکتر علی بیگدلی بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی- بهار ۱۳۸۶

بیگدلی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین بیگدلی در سال ۱۲۹۷، در خمسهٔ زنجان دیده به جهان گشود. پس از طی دوران کودکی وارد مدارس جدید شد. آنگاه به تهران عزیمت کرد و در دبیرستان نظام و دانشکده افسری ادامه تحصیل داد و در شهریور ۱۳۲۰ ش. به درجه افسری نایل گردید.بیگدلی در سال ۱۳۲۴ش. در اثر فعالیت سیاسی برضد رژیم به اتحاد جماهیر شوروی سابق رفت و در مسکو تحصیلات عالی خود را در رشته ادبیات آغاز کرد. وی پس از اخذ دکترای ادبیات ، در انستیتوی زبان و ادبیات (نظامی) باکو (آذربایجان شوروی سابق) به پژوهش و تحقیق در زمینه ادبیات فارسی و ترکی پرداخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و بیشتر اوقات خود را صرف پژوهش و نگارش مطالب تاریخی و ادبی کرد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است. غلامحسین بیگدلی سرانجام در مرداد ماه سال ۱۳۷۷ در سن ۸۸ سالگی ، در شهرستان کرج چشم از جهان فروبست و به دیار باقی شتافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر غلامحسین بیگدلی آقا فتح الله خان بیگدلی اهل خمسهٔ زنجان بود و به کار کشاورزی اشتغال داشت.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامحسین بیگدلی پس از طی دوران کودکی وارد مدارس جدید شد. آنگاه به تهران عزیمت کرد و در دبیرستان نظام و دانشکده افسری ادامه تحصیل داد و در شهریور ۱۳۲۰ ش. به درجه افسری نایل گردید. بیگدلی در سال ۱۳۲۴ش. در اثر فعالیت سیاسی برضد رژیم به اتحاد جماهیر شوروی سابق رفت و در مسکو تحصیلات عالی خود را در رشته ادبیات آغاز کرد و با اخذ گواهینامه دکترای ادبیات به پایان رسانید.
خاطرات و وقایع تحصیل : غلامحسین بیگدلی از دوران تحصیل خود و اتفاقی که در زمان حضور رضا شاه در مدرسه افتاد چنین یاد می کند: « من با لباس رسمی (یونیفورم) مدرسه بودم. رضا شاه از عمویم پرسید: این پسر بچه کیست و این چه لباسی ست که پوشیده است ؟ عمویم توضیح داد. رضاشاه گفت: محمدرضا هم به همین مدرسه می رود ولی لباس مدرسه او این زرق و برق ها را ندارد. عمویم گفت: این برادرزاده من شاگرد اول کلاس است و بنابراین یونیفورم او چیزهایی علاوه دارد.»
وقایع میانسالی : غلامحسین بیگدلی در سال ۱۳۲۴ش. در اثر فعالیت های سیاسی و پیوستن به احزاب مخالف حاکمیت بازداشت شد و پس از شش ماه حبس در کرمان رهایی یافت و به اتحاد جماهیر شوروی سابق مسافرت کرد ، ولی به علت سوءظن مسوولان وقت مدت هفت سال در تبعیدگاه سیبری به سر برد، آنگاه به مسکو رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ از وی دعوت به همکاری شد و به تهران مهاجرت کرد.
زمان و علت فوت : غلامحسین بیگدلی در مرداد ماه سال ۱۳۷۷ در سن ۸۸ سالگی ،
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : غلامحسین بیگدلی پس از اخذ دکترای ادبیات ، در انستیتوی زبان و ادبیات (نظامی) باکو (آذربایجان شوروی سابق) به پژوهش و تحقیق در زمینه ادبیات فارسی و ترکی پرداخت.
جوائز و نشانها : غلامرضا اسلامی بیدگلی برگزیده بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است. --

آثار :

۱ ادب خزینه

ویژگی اثر : این اثربه زبان ترکی می باشد.

۲ تاریخ بیگدلی ـ شاملو

ویژگی اثر : این اثر دکتر بیگدلی بنابر نوشته خود وی در ده جلد قرار دارد ، و تنها دو جلد از آن در بیش از ۱۲۰۰ صفحه به چاپ رسیده است و سایر مجلدات دیگر هنوز مخطوط است. الف) جلد اول ، شامل منشاء ایل و تبار بیگدلی و معرفی سایر انشعابات بیگدلی. ب) جلد دوم ، ایل بیگدلی در دوران صفویه. ج) جلد سوم ، دوران افشاریه و ایل بیگدلی. د) جلد چهارم ، دوران زندو ایل بیگدلی. ه) جلد پنجم ، دوران قاجار و ایل بیگدلی. و) جلد ششم ، دوران پهلوی و خاندان بیگدلی. ز) جلد هفتم ، دودمان بیگدلی ـ شاملو در دوران معاصر. ح) جلد هشتم ، تاریخ شعرای بیگدلی (معرفی بیش از ۸۰ شاعر). ط) جلد نهم ، مدارک و اسناد مختلف از خاندان بیگدلی. ی) جلد دهم ، معرفی آثار عمرانی و خیریه که توسط بیگدلی ها بنا شده است.

۳ تصحیح دیوان آذر بیگدلی

ویژگی اثر : تصحیح این دیوان با همکاری دکترحسن سادات ناصری

۴ تصحیح شهریار نامهٔ عثمان مختاری غزنوی

۵ جمشید و خورشید

ویژ گی اثر : به اهتمام و ویرایش دکتر بیگدلی .

۶ چهره اسکندر در شاهنامه فردوسی و اسکندر نامهٔ نظامی

ویژ گی اثر : این اثر در سال ۱۳۶۹ در تهران به چاپ رسید ، که علاوه بر موضوع اصلی (چهره اسکندر) متعرض بسیاری از نگرش و ویژ گی های علمی و هنری فردوسی و نظامی شده است.

۷ دیدار با شهریار (استاد سیدمحمدحسین شهریارتبریزی

۸ دیوان حاج محمدصادق خان بیگدلی شاملو

ویژ گی اثر : گردآوری دکتر غلامحسین بیگدلی.

۹ کهله یه سلام (به زبان ترکی)

۱۰ گذر عمر

ویژ گی اثر : مجموعه اشعار

۱۱ لغتنامه فارسی ـ ترکی صحاح العجم (نسخهٔ غازان)

ویژ گی اثر : به اهتمام دکتر غلامحسین بیگدلی . --

منابع :

۱اینه پژوهش ، سال نهم ، شماره ۵۴ ، ص ۶۸۱۲ماهنامه کلك ، شماره ۹۷ ، شهریور ۱۳۷۷ ، ص ۱۲۱

بیهقی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۵۶۵ – ۴۹۰ ق)، مورخ، ادیب، محدث، فقیه، متکلم، ریاضیدان و حکیم. مشهور به ابن‌فندق و فرید خراسان. در سبزوار به دنیا آمد، اما آنچنان که خود بیان می‌کند اصلش به خزیمهٔ بن ثابت که از مشاهیر اصحاب پیامبر (ص) بوده، می‌رسد. ابوالحسن ابتدا فقه و ادب آموخت و سپس به فراگیری علوم حکمت و حساب و نجوم پرداخت. بسیاری از استادان بزرگ عهد خود را در بیهق و نیشابور و مرو و سرخس و دیگر بلاد خراسان دیده و از محضر آنان استفاده کرده است، از آن جمله حکیم عمر بن ابراهیم خیام که وی شرحی از ملاقات خود را با وی در کتاب «تتمهٔ صوان الحکمهٔ» آورده است. او از مشایخ ابن شهرآشوب بود. وی کتب بسیاری تألیف کرده و نخستین کسی است که کتاب «نهج‌البلاغه» را شرح کرده است. یاقوت در «معجم الادباء» در ترجمه‌ی حال او از هفتاد و چهار تألیف وی با اسم و رسم نام می‌برد ولی متأسفانه از آثار فارسی او جز «تاریخ بیهق» و کتابی مختصر در احکام نجومی موسوم به «جوامع الاحکام» و از آثار عربی او: شرحی بر «نهج‌البلاغه» موسوم به «معارج النهج»؛ جلد اول از «لباب الانساب» و «تتمهٔ صوان الحکمهٔ»، در تاریخ حکما که ذیلی است بر «صوان الحکمهٔ» سجستانی. مهمترین کتاب فارسی بیهقی «تاریخ بیهق» است؛ این کتاب در تاریخ و جغرافیای ناحیه‌ی بیهق و ذکر رجال علم و ادب، کتاب، سادات و خاندانهای مشهور آن ولایت است و مشحون به فواید تاریخی است.[۱]

ابوالحسن علی ابن زید مشهور به ابن فندق و فرید خراسان (ف. ۵۶۵ ه.ق.)، حکیم و ادیب و ریاضی‌دان معروف قرن ششم از جمله آثار اوست: تاریخ بیهق (ه.م.)، لباب الانساب، تفسیر نهج‌البلاغه، جوامع احکام النجوم (ه.م.)، معرفهٔالکرهٔ و ذات الحلق و

الاصطرلاب، قواعد علوم الطب، مناهج الدرجات فی شرح کتاب النجات، تنبیه العلماء علی تمویه المتشبهین بالحکماء، عرائس النفایس فی اصناف العلوم، امثلهٔ الاعمال النجومیهٔ.

بر گرفته از کتاب :اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱]الاعلام (۱۰۱/۵)، ایضاح المکنون (۷۱۴، ۵۶۳، ۵۵۲، ۵۰۳، ۴۸۶، ۴۶۹، ۴۵۰، ۴۳۰، ۳۹۸، ۳۰۳، ۲۳۴، ۲۲۲، ۱۸۴، ۱۴۴، ۱۱۵، ۹۸، ۸۳، ۶۰، ۲/ ۵۹۹، ۵۶۶، ۵۴۸، ۴۶۶، ۴۶۲، ۴۰۶، ۳۷۳، ۳۶۳، ۳۲۶، ۳۰۰، ۲۵۰، ۲۳۲، ۱۹۲، ۱۸۰، ۱۵۴، ۱۳۰، ۱۲۵، ۱۲۳، ۱۰۷، ۹۷، ۹۲، ۸۳، ۷۴، ۶۶، ۶۵، ۵۳، ۳۶، ۳، ۱/ ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹۶ -۹۹۳، ۳۱۲ -۳۱۱ /۲)، تاریخ بیهق (مقدمه)، تاریخ در ایران (۱۷ -۱۶)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمهٔ (مقدمه و ۷۲ -۷۱)، دائرهٔالمعارف الاسلامیهٔ (۴۳۱/۴)، الذریعه (۱۸۴ /۲۱ ۱۱۴، -۱۱۳ /۷، ۱۴۹ /۴)، ریاض العلماء (۳۸/۷)، ریحانه (۳۳۵ -۳۳۴ /۴)، سبک‌شناسی (۳۶۶ -۳۶۴ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۶۲ -۶۱ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۰ -۱۸۹ /۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۱۹ -۱۱۸)، کشف الظنون (۲۰۵۰، ۲۰۱۱، ۲۰۰۷، ۱۸۹۵، ۱۶۸۶، ۱۵۱۴، ۱۴۳۸، ۱۳۶۱، ۱۲۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۰، ۸۲۱، ۷۴۷، ۶۳۴، ۶۰۹، ۲۸۹)، لغت‌نامه (ذیل/ علی بیهقی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۸ - ۲۵۷ /۴)، معجم الادباء (۲۴۰ -۲۱۹ /۱۳)، معجم المؤلفین (۹۷ -۹۶/۷)، هدیهٔ العارفین (۷۰۰ -۶۹۹).

بیهقی، ابوالفضل محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۰ -۳۸۵ ق)، نویسنده و مورخ. وی در قریه حارث‌آباد بیهق ولادت یافت، بعد از کسب فضایل در نیشابور، به دیوان رسایل محمودی راه جست و در خدمت خواجه بونصر مشکان به کار پرداخت. همچنان در خدمت سلاطین غزنوی بود تا در زمان غزالدوله عبدالرشید که در سال ۴۴۰ ق سلطنت یافت چندی صاحب دیوان انشاء گردید، اما به تهمت حاسدان معزول شد و در سال ۴۴۳ ق که طغرل بر عبدالرشید خروج کرد و او را کشت، بیهقی با جمعی دیگر از درباریان زندانی شد و یک سال در زندان بود. ابوالفضل در اواخر سلطنت فرخزاد از کارهای دیوانی کناره گرفت تا اینکه در سال ۴۷۰ ق وفات یافت. مهمترین اثر بیهقی «تاریخ» مشهور اوست که از امهات کتب تاریخ و ادب فارسی است در شرح سلطنت آل سبکتکین در سی مجلد که در آن از تشکیل دولت غزنوی تا اوایل سلطان ابراهیم بن مسعود سخن رفته است، اما اکنون فقط قسمتی از آن که مربوط به سلطنت مسعود بن محمود غزنوی و تاریخ خوارزم از زوال دولت آل مأمون و افتادن آن به دست سلطان محمود و حکومت آلتون‌تاش حاجب، در آن سامان تا غلبه‌ی سلاجقه، موجود است. درباره‌ی سبک و شیوه‌ی نگارش این کتاب و مؤلف آن سخن بسیار گفته و نوشته‌اند و از میان همه نوشته‌ها به قول استاد فیاض که بیهقی‌شناس یگانه روزگار ما بود بسنده می‌کنیم که فرمود بیهقی گزارشگر حقیقت بود. علاوه بر این کتاب ابن‌فندق کتابی دیگر به نام «زینهٔ الکتاب» در آداب کتابت بدو نسبت داده است.[۱]

ابوالفضل محمد ابن حسین، دبیر فاضل دربار محمود و مسعود غزنوی (و. حارث‌آباد بیهق ۳۵۸- ف. ۴۷۰ ه.ق.). وی پس از کسب معلومات در نیشابور، به دیوان رسایل محمود غزنوی راه جست، و در خدمت ابونصر مشکان رئیس دیوان رسایل به کار پرداخت، و همچنان در خدمت سلاطین غزنوی به سر می‌برد تا در زمان عزالدوله عبدالرشید (جلوس ۴۴۰) چندی صاحب دیوان انشا گردید، لیکن به تهمت حاسدان معزول و محبوس شد. در سال ۴۴ که طغرل کافر نعمت بر عبدالرشید خروج کرد و او را کشت، بسیاری از خادمان درگاه را در قلاع محبوس ساخت.از آن جمله بیهقی را از حبس سلطان- و به قولی از حبس قاضی غزنین- بیرون آورد و به زندان قلعه فرستاد. بیهقی پس از رهایی از زندان گویا بقیه عمر را در انزوا به سر برد تا بدرود زندگی گفت. اثر معروف او «تاریخ

بیهقی.» (ه.م.) است، دیگر «زینهٔ الکتاب» در آداب کتابت که اکنون در دست نیست در مجموعه‌ای خطی متعلق به کتابخانه ملک (تهران) چند ورق مشتمل بر شرح بغض لغات است که به بیهقی نسبت داده شده.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۳۲ -۳۳۱ /۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۹۲ -۸۹۰ /۲)، تاریخ بیهق (۱۷۸ -۱۷۵)، تاریخ بیهقی چاپ دکتر فیاض، (مقدمه)، تاریخ در ایران (۳۱ -۲۹)، تاریخ غزنویان (۹ -۸)، تاریخ نظم و نثر (۶۵ -۶۴)، دایرۀالمعارف فارسی (۴۹۷/۱)، سبک‌شناسی (۹۱ -۶۶ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۴ -۱۶۳ /۵)، گنج و گنجینه (۹۲ -۸۴)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالفضل)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱۷ -۴۱۶ /۵)، معجم المؤلفین (۲۳۷/۹)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۷۰)، نام‌آوران فرهنگ (۱۵۱ -۱۵۰)، الوافی بالوفیات (۲۰/۳)، یادنامه‌ی بیهقی چاپ دانشگاه فردوسی.

پاکدین، کامل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کامل پاکدین

محل تولد : مراغه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

بنده از سال ۱۳۵۹ بمدت ۱۲ سال بصورت مستمر در مدرسه علمیه شهیدین قم تحصیل کرده و همزمان با تحصیلات حوزوی , دروس دانشگاهی را هم تا سطح کارشناسی به اتمام رساندم.حدود یک سال و نیم در باکو (آذربایجان شوروی سابق) مشغول تبلیغ بودم. بعد , یکسال در نهاد رهبری دانشگاهها , در قسمت بازرسی فعالیت داشتم بعد , حدود سه سال در مرکز دفتر تبلیغات اسلامی واحد سیره بعنوان محقق مشغول کار بودم.در جامعه الزهرا (سلام الله علیها) و دانشکده سپاه قم تدریس کرده ام . یکسال در دانشگاه معارف اسلامی و تاریخ تشیع تدریس داشتم و اخیرا "چهار سال است که در موسسه پژوهشی رای پرداز مشغول تحقیقات فقهی هستم.

پرویز، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مورخ، محقق.

تولد: ۱۲۸۶.

درگذشت: ۲۰ آذر ۱۳۶۶.

عباس پرویز، فرزند حسین پرویز (آزادیخواه عضو حزب دمکرات از سال ۱۳۲۷ ق. به بعد و از مؤسسان و مدیر کتابخانه‌ی تهران)؛ چندی در فرانسه تحصیل کرد. پس از بازگشت به ایران در سمت معلمی دبیرستان‌ها سال‌های دراز تدریس کرد و کتاب‌های درسی نوشت. وی از سال ۱۳۵۱ به مدت یک سال در مؤسسه‌ی انتشارات دانشگاه تهران به ویراستاری مشغول بود. فهرست تألیفات وی به شرح زیر است: تاریخ اروپا در قرون وسطی (۱۳۱۶)؛ تاریخ اروپا در قرون هفدهم و هیجدهم (برای پنجم ادبی، ۱۳۱۶)؛ تاریخ ایران در قرون نوزدهم و بیستم (۱۳۱۶)؛ تاریخ دو هزار و پانصد ساله‌ی ایران (۱۳۴۳)؛ جغرافیای اقتصادی ایران و انگلیس و فرانسه و آلمان (۱۳۱۸)؛ از طاهریان تا مغول (۱۳۲۰)؛ فهرست تاریخ ایران (۱۳۲۶)؛ تاریخ دیالمه و غزنویان (۱۳۳۶)؛ تاریخ ایران بعد از اسلام تا عصر حاضر، (تاریخ روابط ایران با اروپاییان در دوران سلطنت صفویه و قاجاریه، تاریخ عمومی و اروپا از قرون وسطی تا پایان جنگ بین‌المللی اول، جغرافیای اقتصادی عمومی ایران (برای سال ششم ادبی)؛ از عرب تا دیالمه؛ تاریخ تمدن جدید دنیا و ایران؛ سلاجقه و خوارزمشاهیان؛ قیام ایرانیان در راه تجدید مجد و عظمت ایران؛ کلیات جغرافیا (با همکاری نصرالله فلسفی و علی‌اصغر شمیم). مقاله‌هایی از وی در نشریه‌ی «بررسیهای تاریخی» به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پور داوود، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد ابراهیم پور داود ادیب ،مورخ و سخنور معاصر در سال ۱۲۶۴ ه.ش در شهر رشت به دنیا آمد. وی مقدمات فارسی و عربی را در زادگاهش آموخت و در سال ۱۲۸۴ه.ش برای تحصیل حکمت و طب قدیم به تهران آمد. پور داود در آغاز نهضت مشروطه برای کسب علوم جدید به بیروت رفت. وی پس از دو سال و نیم اقامت در لبنان به ایران بازگشت و رهسپار فرانسه شد و در پاریس به تحصیل علم حقوق پرداخت. استاد پور داود در سال ۱۳۰۷ به اروپا بازگشت و در سال ۱۳۱۱ به درخواست رابیند رانات تاگور شاعر و فیلسوف هندی به تدریس فرهنگ ایران در دانشگاه ویسوبهارتی شهر شانتی نیکیتان پرداخت . پس از آن پور داود مجددا مطالعات خود را در اروپا ادامه داد. وی در سال ۱۳۱۶ به دعوت مسئولان دانشگاه تهران، برای تدریس زبانها و ادبیات ایران پیش از اسلام دعوت شد. پور داود از این تاریخ تازمان بازنشستگی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس و تحقیق فرهنگ ایران باستان، زبان اوستا و تاریخ حقوق‌ایران باستان اشتغال داشت.ایشان در سال ۱۳۴۷ در سن هشتاد و سه سالگی در شهر رشت درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : تاریخ و ادبیات ایران پیش از اسلام،

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ابراهیم پور داود مقدمات فارسی و عربی را در زادگاهش آموخت و در سال ۱۲۸۴ه.ش برای تحصیل حکمت و طب قدیم به تهران آمد. پور داود در آغاز نهضت مشروطه برای کسب علوم جدید به بیروت رفت. وی پس از دو سال و نیم اقامت در لبنان به ایران بازگشت و رهسپار فرانسه شد و در پاریس به تحصیل علم حقوق پرداخت. پور داود پس از شروع جنگ جهانی اول به ایران بازگشت و در کرمانشاه دست به‌انتشار روزنامه‌ای بنام رستخیز زد و پس از چند ماه مجددا عازم اروپا شد و در آلمان با ایران‌شناسان و طرز کار آنان آشنا شد. از این زمان به بعد پورداود به رشته ایران شناسی به‌ویژه زبان و

فرهنگ ایران علاقه‌مند شد و زندگی خود را وقف مطالعه و پژوهش تاریخ ایران باستان کرد. وی در سال ۱۳۰۳ ه.ش به ایران بازگشت و پس از یک سال و نیم به هندوستان رفت و با دستیابی به برخی از منابع آئین ایران باستان، بخشی از تفسیر اوستا را منتشر کردو یک سلسله سخنرانی نیز در باره ایران و فرهنگ کهن آن ایراد کرد که در کتابی بنام خرمشاه گرد آوری شد.

زمان و علت فوت : پور داود در سال ۱۳۴۷ در سن هشتاد و سه سالگی در شهر رشت درگذشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : استاد پور داود در سال ۱۳۰۷ به اروپا بازگشت و در سال ۱۳۱۱ به درخواست رابیند رانات تاگور شاعر و فیلسوف هندی به تدریس فرهنگ ایران در دانشگاه ویسوبهارتی شهر شانتی نیکیتان پرداخت و ضمن اقامت یک ساله خود در هند صد بند ازاشعار تاگور را از بنگالی به فارسی برگرداند ;پس از آن پور داود مجددا مطالعات خود را در اروپا ادامه داد. وی در سال ۱۳۱۶ به دعوت مسئولان دانشگاه تهران، برای تدریس زبانها و ادبیات ایران پیش از اسلام دعوت شد. پور داود از این تاریخ تازمان بازنشستگی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس و تحقیق فرهنگ ایران باستان، زبان اوستا و تاریخ حقوق‌ایران باستان اشتغال داشت. وی در سال ۱۳۱۷ به عضویت دائمی فرهنگستان ایران درآمد. پور داود در سال ۱۳۲۴ انجمن ایران شناسی را در تهران دایر کرد و پس از دو سال آموزشگاهی برای ایرانشناسی بوجود آورد که مدت دو سال دوام داشت.استاد پور داود در سال ۱۳۴۱ ه.ش به عضویت شورای فرهنگی (سلطنتی) وقت منصوب شد.در سال ۱۳۴۲ دانشگاه دهلی به او درجه دکتری افتخاری داد و در سال۱۳۴۴ به عنوان اولین دانشمند ایرانی به عضویت آکادمی جهانی هنر و دانش برگزیده شد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ابراهیم پور داوددر سال ۱۳۲۴ انجمن ایران شناسی را در تهران دایر کردو پس از دو سال آموزشگاهی برای ایرانشناسی بوجود آورد که مدت دو سال دوام داشت

جوائز و نشانها : در سال ۱۳۲۴ دانشگاه تهران طی مراسم بزرگداشتی از خدمات علمی و فرهنگی ابراهیم پور داودقدردانی کرد و به همین مناسبت در سال ۱۳۲۵ یاد نامه‌ای مشتمل بر شرح احوال و آثار او به کوشش دکترمحمد معین به زبان فارسی و زبانهای اروپائی منتشر شد. پور داود در سال ۱۳۴۵ جایزه بزرگ تاگور را از دولت هندوستان دریافت کرد و درسال ۱۳۴۶ به دریافت نشان علمی و عنوان شوالیه دوسن سیلوستر (DeSilvester)از دربار واتیکان مفتخر گردید ----------------------------
----

آثار :

۱ آناهیتا،

ویژگی اثر : تهران (۱۳۴۳)

۲ ایرانشاه(تاریخچه مهاجرت زرتشتیان به هند)

ویژگی اثر : بمبئی ۱۳۴۴

۳ پوراندخت نامه،

ویژگی اثر : بمبئی (۱۳۰۶)

۴ خرده اوستا

ویژگی اثر : (تفسیر مجموعه اوستا بامتن اوستائی) بمبئی، (۱۳۱۰)

۵ سوشیانت بمبئی

ویژگی اثر : ۱۳۰۶

۶ فرهنگ ایران باستان،

ویژگی اثر : تهران (۱۳۲۶)

۷ گاتها، نخستین بخش از کتاب مینوی اوستا،

ویژگی اثر : بمبئی (۱۳۰۵)

۸ گفت و شنود پارسی

ویژگی اثر : (برای دبیرستانهای هند) بمبئی (۱۳۱۲)

۹ هرمزد نامه،

ویژگی اثر : تهران(۱۳۳۱)

۱۰ یزد گرد شهریار،

ویژگی اثر : بمبئی (۱۳۱۲)

۱۱ یسپرد،

ویژگی اثر : تهران (۱۳۴۲).

۱۲ یشتا بخش نخست

ویژگی اثر : ۱۳۰۷

پورحسینی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۲۹۹ ش)، مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به واصل. وی در کرمان متولد شد. و تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌ی خود را در همان شهر گذراند، پس از آن به تهران آمد و در دانشسرای عالی موفق به دریافت لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی شد. سپس به کرمان بازگشت و به تدریس پرداخت و روزنامه‌ی «روح‌القدس» را در کرمان، به مدت سه سال منتشر کرد. برخی از مشاغل وی عبارت‌اند از: ریاست دانشسرای مقدماتی کرمان، ریاست دبیرستان، ریاست فرهنگ شهداد، رفسنجان، کرمان. واصل در سال ۱۳۳۷ ش به وزارت فرهنگ و هنر تهران انتقال یافت و در خلال خدمت اداری، و در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی دکترا گرفت و به مقام استادی دانشگاه رسید. مدفن او در کرمان است. از آثار وی:

ترجمه‌ی «اخلاق نیکو ماخس» ارسطو؛ ترجمه‌ی رساله‌ی «سلامان وابسال»؛ «فیثاغورثیان»؛ «رواقیون»؛ «لغت‌نامه گویش کرمانی»؛ «فلاسفه قبل از ارسطو»؛ «اخلاق عملی» و «دیوان» اشعار.[۱]

مدرس، مترجم.

تولد: ۱۲۹۹، کرمان.

درگذشت: ۲۷ آذر ۱۳۶۵، شهداد.

سید ابوالقاسم پورحسینی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان برد. آنگاه به تهران آمد و در سال ۱۳۲۲ از دانشگاه تهران در رشته‌ی فلسفه فارغ‌التحصیل شد و به زادگاه خود بازگشت و با شغل دبیری کار فرهنگی خود را آغاز نمود. وی در طول چهل سال خدمت فرهنگی مشاغلی متعدد چون نظامت دانشسرای مقدماتی کرمان، ریاست دانشسرای کرمان و فرهنگ شهداد و رفسنجان، معاونت استان کرمان و... برعهده‌اش بود. طی پانزده سال خدمت فرهنگی در استان کرمان حدود ۱۲۲ مدرسه‌ی ابتدایی در این شهر احداث کرد. در سال ۱۳۳۷ به تهران بازگشت و در وزارت فرهنگ و هنر مشغول به کار شد و پس از چندی به

ریاست دبیرخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران منصوب شد (۱۳۶۲ –۱۳۴۲) و در ضمن به تدریس در این دانشکده نیز می‌پرداخت.

در سال ۱۳۴۸ از دانشگاه تهران در رشته‌ی فلسفه دکتری گرفت. در طی اقامتش در کرمان روزنامه «روح‌القدس» را پی افکند و سه سال متوالی آن را منتشر نمود و دو نشریه را در دانشسرای مقدماتی کرمان فراهم ساخت. مقالات و اشعار او در روزنامه‌های «استقامت»، «صدای کرمان» و «بیداری» چاپ می‌شد.

دکتر پورحسینی شعر نیز می‌گفت و غزلیات، دو بیتی‌ها و قصادی از او به یادگار مانده است و تخلص او «واصل» بود. وی از سال ۱۳۳۵ به بعد در هیئت مدیره‌ی انجمن ابدی عضویت داشته است.

فهرست آثار دکتر پورحسینی به شرح زیر است: ترجمه‌ی اخلاق نیکوماخوس ارسطو به فارسی و تطبیق آن با کتاب تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق (الطهاره) مسکویه، ترجمه رساله سلامان و آبسال ابن سینا، فراسوی تناقض، افلاطون، مشارب عمده‌ی اخلاقی، فلسفه‌ی اپیکور، فلسفه‌ی رواقی، فلسفه‌ی اخلاق شرح نمط نهم اشارات، فیثاغورثیان، از انتشارات مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات، رواقیون، رساله‌ای درباره‌ی فلسفه‌ی اخلاقی ابن حکماء کتب و آثار خطی مسکویه به صورت مقاله در مجله‌ی «معارف اسلامی»، ترجمه‌ی اشعار در مجله‌ی «یغما». آثار ترجمه نشده‌ی وی عبارتند از فرهنگ لغات و اصطلاحات کرمان، فلسفه‌ی بعد از سقراط، سقراط، هراکلیتوس، فلسفه‌ی یاسپرس، سلسله مقالات عرفانی، مردمی و نامردمی‌ها.

پیکر دکتر پورحسینی بنا بر وصیت خود در جوار مرقد امامزاده زید به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی شاعران کرمان (۱۶۸ –۱۵۸)، الذریعه (۱۲۴۹/۹)، ستارگان کرمان (۱۲۹ –۱۲۴)، سخنوران نامی معاصر (۶/ ۳۸۱۳– ۳۸۱۶).

پیرنیا، مشیرالدوله، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متولد ۱۲۵۱ ش، فرزند میرزا نصرالله مشیرالدوله. تحصیلات مقدماتی و معمول زمان را به اتفاق برادرش حسین پیرنیا (مؤتمن‌الملک) تحت مراقبت و نظارت پدر انجام داد و علوم متداول زمان را فراگرفت. سپس برای ادامه‌ی تحصیل عازم روسیه گردید و در رشته‌های نظام و حقوق فارغ‌التحصیل شد. بعد مدتی هم در فرانسه به تحصیل اشتغال ورزید و به خدمت در سفارت ایران در روسیه درآمد و عنوان مستشار سفارت یافت. در ۱۳۱۷ ه.ق پدرش به وزارت امور خارجه رسید و او را به تهران احضار و با لقب مشیرالملک به ریاست دفتر وزارت امور خارجه و منشی مخصوص خود تعیین نمود. در سفر اول مظفرالدین شاه به اروپا، مترجم زبان روسی شاه بود و در این مأموریت توانست لیاقت و کیاست خود را ثابت کند. پس از بازگشت از اروپا، به پیشنهاد پدر و موافقت اتابک صدراعظم، به جای میرزا رضاخان ارفع‌الدوله به وزیرمختاری ایران در روسیه تعیین گردید.

در ۱۳۲۰ ه.ق در مقام وزیرمختاری ایران در روسیه به آن کشور رفت، ولی در مدت توقف خود در تهران کار عمده‌ای صورت داد و آن تأسیس مدرسه‌ی علوم سیاسی بود که به همت میرزا نصرالله خان وزیر امور خارجه این کار انجام یافت. و چهار هزار تومان بودجه‌ی سالیانه‌ی آن از محل معدن فیروزه تأمین گردید. در سفر دوم مظفرالدین شاه به اروپا، در مسکو اقامت داشت. در این سفر نیز موجب رضایت شاه و اتابک را فراهم نمود و خدمات وی مورد رضایت و تقدیر واقع شد. در ۱۳۲۴ ه.ق که زمزمه‌ی مشروطیت

در ایران بلند بود، به تهران آمد. پدرش مقام صدارت یافته و از طرف پدر و با موافقت شاه، مأمور تدوین نظام‌نامه‌ی مجلس گردید و از اعضای برجسته‌ی کمیسیون بود.

پس از صدور فرمان مشروطیت و برقراری حکومت قانون از کار کنار رفت و متعاقباً وزیر افخم و اتابک، عهده‌دار نخست‌وزیری گردیدند. مشیرالسلطنه پس از قتل اتابک، به زمامداری رسید و برای اولین بار میرزا حسن خان مشیرالملک به عضویت کابینه دعوت شد. پست وی در کابینه، وزارت عدلیه بود. این کابینه دوام زیادی نداشت و مشیرالسلطنه در ۴ آبان ۱۲۸۶ ش جای خود را به ناصرالملک داد. در آن هنگام میرزا نصراللّه خان مشیرالدوله پدر مشیرالملک درگذشت و محمدعلی شاه چند روز پس از فوت میرزا نصراللّه خان، لقب مشیرالدوله را به پسرش میرزا حسن خان داد و در کابینه‌ی ناصرالملک وزیر امور خارجه گردید. در همان موقع قرارداد ۱۹۰۷ یا تقسیم ایران به دو منطقه‌ی نفوذ به وزارت خارجه‌ی ایران ابلاغ یا اعلام گردید. ناصرالملک نیز در مقابل اختلاف مجلس و شاه دوام نیاورد و جای خود را به نظام‌السلطنه مافی داد.

نظام‌السلطنه در کابینه‌ی نخستین خود از مشیرالدوله دعوت ننمود، ولی در دو ترمیم کابینه، او را به وزارت امور خارجه برگزید. در خرداد ۱۲۸۷ در کابینه‌ی میرزا احمدخان مشیرالسلطنه وزارت علوم و اوقاف به وی سپرده شد و در ترمیم همان کابینه همچنان وزیر علوم و اوقاف بود. در اردیبهشت ۱۲۸۸ در کابینه‌ی ناصرالملک که با سرپرستی سعدالدوله اداره می‌شد، وزارت عدلیه را بر عهده داشت، ولی چون کشور در حال بحران بسر می‌برد، با سایر وزیران استعفا نمود.

پس از فتح تهران و تشکیل دولت جدید به ریاست سپهدار تنکابنی، مشیرالدوله در کابینه‌ی دوم و سوم وزیر عدلیه بود. در کابینه‌ی چهارم وزیر تجارت گردید. در اسفند ۱۲۸۹ در دو کابینه‌ی سپهدار تنکابنی وزیر عدلیه بود و در ترمیم کابینه به وزارت پست و تلگراف و تلفن منصوب گردید. در مرداد ۱۲۹۰ در هیئت صمصام‌السلطنه بختیاری، وزارت عدلیه به عهده‌ی او محول گردید و در ترمیم همان دولت نیز شغل خود را حفظ نمود.

علاءالسلطنه مازندرانی در کابینه‌ی خود که در دی ماه ۱۲۹۱ تشکیل داد، مشیرالدوله را به وزارت علوم و معارف و اوقاف معرفی کرد. در اسفند ماه ۱۲۹۳ به نخست‌وزیری رسید و وزارت جنگ را نیز عهده‌دار شد. در سال ۱۲۹۶ در کابینه‌ی دیگر علاءالسلطنه، وزیر جنگ بود و این سمت را همچنان در کابینه‌های عین‌الدوله و مستوفی‌الممالک حفظ کرد و امور وزارت جنگ را بر عهده داشت. در تیرماه ۱۲۹۹ برای بار دوم زمامدار گردید و مدت پنج ماه در سمت نخست‌وزیری انجام وظیفه کرد تا بالاخره در آبان ۱۲۹۹ جای خود را به سپهدار رشتی داد. در سوم بهمن ۱۳۰۰ به جای قوام‌السلطنه از طرف مجلس چهارم به نخست‌وزیری رسید و در کابینه‌ی خود وزارت کشور را شخصاً عهده‌دار بود. در خرداد ۱۳۰۲ برای بار چهارم به نخست‌وزیری رسید. در این بار هم وزیر کشور بود. در ادوار دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم نماینده‌ی مردم تهران در مجلس شورای ملی بود، دو نوبت وزیر کشور، هشت بار وزیر عدلیه، سه دفعه وزیر امور خارجه، سه بار وزیر علوم و شش بار وزیر جنگ و یک مرتبه وزیر تجارت و یک نوبت وزیر پست و تلگراف (یعنی روی هم رفته ۲۴ بار وزیر بوده) و پنج دوره‌ی نمایندگی مجلس را بر عهده داشته است. از مورخین و محققین معاصر است که تألیفات ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشته است. مشهورترین اثر وی تاریخ ایران باستان است. در ده سال آخر حیات خود، غالباً به کارهای فرهنگی و علمی اشتغال داشت. در دوران وزارت دادگستری، قوانین مهمی به تصویب رسانید. در ۱۳۱۴ در ۶۳ سالگی درگذشت. فرزندان او نیز مانند پدر نام خانوادگی پیرنیا را برای خود انتخاب نمودند. هیچ یک از فرزندانش به مقام سیاسی مهمی نرسیدند. از دیگر خدمات او تأسیس مدرسه‌ی نظام بود.

(میرزا حسن‌خان مشیرالدوله (و. ۱۲۵۲ ه‌.ش./ ۱۲۹۱ ه‌.ق.- ف. تهران ۱۳۱۴ ه‌.ش./ ۱۳۵۴ ه‌.ق.) پسر اول میرزا نصراللّه خان مشیرالدوله نائینی (مشیر الدوله)، از رجال دوره اخیر قاجاریه و اوایل پهلوی. وی تحصیلات نظامی و حقوقی خود را در مسکو به پایان رسانید و مؤلف «ایران باستانی» و تاریخ «ایران باستان» (۳ جلد) و «داستانهای قدیم ایران» است. او مکرر سمت سفارت،

وزارت و نخست وزیری داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

پیشوایی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی پیشوائی

محل تولد : -

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

•عضو هیئت تحریر مجله درسهائی از مکتب اسلام از سال ۱۳۴۹ تاکنون

•مدیریت داخلی مجله درسهایی از مکتب اسلام از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳

•طی دوره تحصیلات عالی دار التبلیغ اسلامی و اخذ گواهینامه این دوره در سال ۱۳۴۹

•اشتغال به تحقیق و تألیف از سال ۱۳۵۱ تاکنون

•همکاری با سیمای جمهوری اسلامی ایران (شبکه های مختلف)

•همکاری با شبکه رادیو معارف (قم –) کارشناس عالی تاریخ و سیره

•همکاری نزدیک با موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع) زیر نظر حضرت آیت الله سبحانی و عضو هیئت موسس این موسسه از بدو تأسیس

•همکاری با فصلنامه میقات از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۵

•همکاری با فصلنامه پیام حوزه تا سال ۱۳۸۰

•همکاری با معاونت امور اساتید دروس معارف اسلامی در دانشگاه ها (نهاد نمایندگی ولی فقیه) از سال ۱۳۷۳ تاکنون در ارتباط با درس تاریخ اسلام و متون و مدرسین این درس و کتب کمک درسی.

•مدیر گروه پژوهشی تاریخ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

•سردبیر فصلنامه علمی - تخصصی "تاریخ در آینه پژوهش"

•همکاری با نشریه افق حوزه (هفته نامه خبری حوزه علمیه)

تاج سلمانی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم و نهم ق)، مورخ. وی در سال ۸۱۳ ق از طرف شاهرخ مامور شد تا ذیلی بر تاریخ «ظفرنامه‌ی» نظام شامی بنویسد. او نیز

وقایع ده ساله ۸۱۷ -۸۰۷ ق را در تاریخ سلطنت تیمور و شاهرخ والغ بیگ به صورت ذیلی بر آن افزود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۷۳ -۴۷۲ /۳)، تاریخ در ایران (۱۷۸)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۶).

تبریزی، ابومحمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۱۲ ق)، مورخ و مترجم. وی تاریخ «الامم و الملوک» محمد بن جریر طبری را که شامل تاریخ عالم از آغاز خلقت تا سال ۳۰۹ ق است به فارسی گزارش کرده و وقایع حد فاصل طبری و زمان خود را نیز بدان افزوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۵۷/۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابومحمد).

تقی زاده، لطف الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

آقای لطف الله تقی زاده در سال ۱۳۴۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ملکان دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها از سوی دیگر وی را رهسپار قم و درسال ۱۳۸۱ وارد حوزه علمیه قم و مرکز علوم اسلامی جانبازان گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت(ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگان و ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ در مقطع دکترادر سال ۱۳۸۷از دانشگاه باکو در جمهوری آذربایجان فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"به حکومت رسیدن ترکان جوان در ترکیه و مناسبات ما با قفقاز "دفاع کرد .

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی ، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون به تدریس در دانشگاههای آزاد بناب،ملکان،مراغه و عجب شیر مشغول می باشد. وی درطول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و مقالاتی از قبیل" جنگ جهانی اول و دولت عثمانی "و "ترکان جوان و تفکرات مشروطه خواهی " را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

تقی‌زاده، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷ -۱۲۵۶ ش)، مورخ، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تبریز متولد شد. اجدادش در قریه‌ای به اسم وнند، از توابع قصبه‌ی اردوباد، به دنیا آمده بودند. پدرش پس از تحصیل در نجف در شهر خود مدت بیست و چهار سال حوزه‌ی درس و مقام مقتدایی روحانی داشته است. تقی‌زاده در چهارده سالگی شروع به تحصیل کرد، ابتدا کتابهای فارسی معمول آن زمان و مقدمات عربی و بعد منطق و فقه و اول را نزد علمای تبریز آموخت. وی در بین سنین چهارده تا هجده سالگی به تدریج تحولی در رشته‌ی تحصیلات و افکار او پدید آمد. نخست شوق زیاد به علوم ریاضی قدیم پیدا کرد و بعد به علم کلام و حکمت و طب قدیم روی آورد، و دور از چشم پدر در راه علوم خفیه و تصوف و عرفان قدم نهاد؛ و در بعضی مسلکهای دینی خلاف مشهور، مانند طریقه‌ی شیخیه و غیره، مطالعه و تحقیق کرد. بعد از فوت پدر، در هجده سالگی آزادانه به تحصیل علوم جدید پرداخت و طب و تشریح و غیره را ابتدا نزد میرزا نصرالله سیف الاطبا و بعد نزد دکتر محمد کرمانشاهی، معروف به کفری، آموخت و هم به قدر کافی در زبان فرانسه پیشرفت کرد. در این اوقات در مدرسه‌ی دارالفنون مظفری تحصیل می‌کرد و در آنجا فیزیک نیز درس می‌داد. تقی‌زاده در سال ۱۳۱۶ ق با همدستی چند نفر، مدرسه‌ای به نام تربیت تاسیس کرد. وی در سالهای ۱۳۱۸ ق و بعد از آن در مدرسه‌ی آمریکایی تبریز به فراگرفتن زبان انگلیسی پرداخت و نزد یکی از معلمان آمریکایی قدری از درجات عالیه‌ی علوم طبیعی را از روی کتابهای انگلیسی فراگرفت. در سال ۱۳۲۰ ق به همراهی میرزا محمدعلی خان تربیت و میرزا سید حسین خان عدالت و میرزا یوسف خان آشتیانی اعتصام مجله‌ای علمی و ادبی، به اسم «گنجینه‌ی فنون» که ماهی دو شماره منتشر می‌شد و یک سال دوام یافت، تاسیس کرد. تقی‌زاده پس از امضای فرمان مشروطیت چندین دوره به وکالت مجلس از طرف مردم تبریز برگزیده شد و بعد از به توپ بستن مجلس به اروپا رفت و مجله‌ی «کاوه» را در آلمان منتشر ساخت. او با انتقال حکومت از قاجاریه به پهلوی مخالف بود، اما بعد از انتقال حکومت از قاجاریه به خانواده‌ی پهلوی، چندین مرتبه به وزارت‌های مختلف منصوب شد. تقی‌زاده مدتی نیز در دانشگاه کمبریج و مدرسه‌ی مطالعات شرقی زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌کرد. بالاخره در تهران وفات یافت. از آثار وی: «مقدمه‌ی تعلیم عمومی یکی از سرفصلهای تمدن»؛ «از پرویز تا چنگیز»؛ «گاه‌شماری در ایران قدیم»؛ «بیست مقاله»؛ «تمدنات قدیمه»؛ «مانی و دین او»؛ «تاریخ انقلاب ایران»؛ «تحفه الملوک»، یکی از متون قدیم مجهول المولف؛ «تاریخ عربستان و قوم عرب در اوان ظهور اسلام».[۱]

فرزند سید تقی، متولد ۱۲۵۶ در تبریز. پدرش در کسوت روحانیت بود. تقی‌زاده از پنج سالگی به تحصیل پرداخت و علاوه بر زبان فارسی و عربی و معارف اسلامی، ریاضیات و فلسفه نیز خواند و تحصیلات رایج مدرسی را خیلی زود پایان برد. مدتی نیز در مدرسه‌ی آمریکائی تبریز به آموختن زبان انگلیسی پرداخت. در بیست سالگی با کمک چند تن از دوستان خود مدرسه‌ی تربیت و کتابخانه‌ای در تبریز دایر کرد. نشریات کشورهای عربی و مخصوصاً عثمانی آن روز در آن کتابخانه توزیع می‌شد. در اوایل ۱۳۲۰ ه.ق مجله‌ای به نام گنجینه‌ی فنون انتشار داد. مقالات این مجله که غالباً ترجمه از نشریات خارجی بود در تنویر افکار عمومی و ایجاد فکر آزادی در مردم تأثیر بسزائی داشت. تقی‌زاده مدتی نیز به سیر و سیاحت پرداخت و از قفقاز و استانبول و مصر و بیروت دیدن نمود و در تمام این مسافرت‌ها بر دانش خود افزود. در وقایع مشروطیت، فعالیت بسیار زیادی داشت و از بارزترین مبارزان راه آزادی و مشروطه در آذربایجان بود.

بعد از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی، از طرف تجار تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب شد. در آن تاریخ

بسیار جوان بود. در خاطرات خود نوشته: «در همان روز که به مجلس وارد شدم، مرحوم حاج محمد صراف نماینده‌ی مجلس به مرحوم حاج سید مرتضی مرتضوی به شوخی گفت: در تبریز شما آدم حسابی قحط بود که این پسر را به عنوان نماینده به مجلس فرستادید! اما مرحوم حاج سید مرتضی گفت صبر کنید تا همین آقا پسر به حرف بیاید آنوقت خواهی فهمید که تبریزی‌ها چه کسی را به نام نماینده‌ی خود به مجلس اول روانه کرده‌اند.» تقی‌زاده با احاطه به نطق و بیان و افکار روشن و منظم و دقیق خیلی زود در مجلس گل کرد و در مدت کوتاهی توانست خود را بشناساند و مورد توجه مردم قرار گیرد. اقدامات مجلس اول علیه محمدعلی شاه که بالاخره منجر به توپ بستن مجلس شد، تا اندازه‌ی زیادی مولود اقدامات تقی‌زاده و چند نفر دیگر بود. چون در این وقایع جانش کاملاً در خطر بود، ناچار شد به سفارت انگلیس پناه برد. پس از مدتی به اروپا رفت و در آنجا برای سقوط محمدعلی شاه فعالیت کرد و با نشر مقالات متعدد به زبان‌های مختلف، افکار عمومی مردم و دولت‌های بعضی از کشورها را متوجه ایران ساخت. بعد از استبداد صغیر، به ایران بازگشت و در انتخابات دوره‌ی دوم از تهران و تبریز وکیل شد ولی وکالت تبریز را پذیرفت. بعد از خاتمه‌ی انتخابات به اروپا و آمریکا سفر نمود و در ۱۳۳۴ ه.ق به انتشار مجله‌ی کاوه در برلن مبادرت کرد و مدت شش سالی که این مجله به زبان فارسی در برلن انتشار می‌یافت، حاوی مقالات بسیار سودمندی بود.

در دوره‌ی سوم نیز وکیل شد، ولی در مجلس شرکت نکرد. در انتخابات دوره‌ی چهارم که همزمان با قرارداد ۱۹۱۹ در زمان نخست‌وزیری وثوق‌الدوله بود، بار دیگر از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب شد. ولی مجلس در دوران نخست‌وزیری مشیرالدوله، سپهدار رشتی و سید ضیاءالدین تشکیل نشد تا سرانجام قوام‌السلطنه در ۱۳۰۰ به تشکیل مجلس چهارم مبادرت ورزید. در ادوار پنجم و ششم هم نماینده‌ی مجلس بود، ولی دیگر آن شور و احساس جوانی را نداشت و به استقبال ماجرا نمی‌رفت. در دوره‌ی پنجم از مخالفین تغییر سلطنت بود. مستوفی‌الممالک در ۱۳۰۵ او را برای وزارت خارجه در نظر گرفت ولی از قبول وزارت عذر خواست و نمایندگی مجلس را ترجیح داد.

در ۱۳۰۷ ش والی خراسان شد و کمتر از یک سال در این سمت انجام وظیفه نمود. سپس وزیرمختار ایران در انگلستان شد و تا اواسط ۱۳۰۸ در لندن بود. در آن سال مخبرالسلطنه هدایت، رئیس دولت تغییراتی در کابینه‌ی خود داد؛ از جمله وزارت فوائد عامه را منحل و به جای آن وزارت طرق و شوارع و وزارت اقتصاد ملی را تشکیل داد. ذکاءالملک فروغی به وزارت اقتصاد و تقی‌زاده به وزارت طرق منصوب شدند. یک سال بعد پس از کنار رفتن مشارالملک از وزارت دارائی، تقی‌زاده وزیر دارائی و سرپرست وزارت راه شد و مهذب‌الدوله کاظمی را از جانب خود کفیل وزارت راه نمود. تا پایان کابینه‌ی حاج مخبرالسلطنه، در وزارت دارائی بود. ولی در شهریور ۱۳۱۲ پس از سقوط کابینه‌ی مزبور، او هم بالطبع از عضویت دولت کنار رفت و به سمت وزیرمختار ایران در پاریس تعیین گردید و تا ۱۳۱۳ در آن سمت بود. در آن تاریخ از مشاغل دولتی معاف شد و برای تدریس به انگلستان رفت و به تدریس زبان و ادبیات فارسی و عربی در مدرسه‌ی السنه شرقی پرداخت.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ بار دیگر وارد میدان سیاست شد. در کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی با کمک منشی سابق خود علی سهیلی که وزیر امور خارجه بود، به وزیرمختاری ایران در لندن برگزیده شد. علت انتخابش به آن سمت، بیشتر برای استفاده از حسن روابط او با کارگردانان حکومت انگلستان بود، زیرا شخصیت علمی و وجهه‌ی سیاسی تقی‌زاده علت معروفیت او در بین رجال انگلیس و در وزارت امور خارجه‌ی انگلستان بود. در ۱۳۲۱ قوام‌السلطنه او را به عنوان وزیر امور خارجه معرفی نمود، ولی تقی‌زاده تلگرافی عذر خواست و در سمت وزیرمختاری در لندن همچنان باقی ماند. بعد از آنکه نمایندگی‌های سیاسی ایران و انگلیس در دو کشور به سفارتخانه تبدیل شد، تقی‌زاده به مقام سفیرکبیری ارتقاء یافت. اقدام برجسته‌ی او در سفارت ایران در لندن، مربوط به وقایع آذربایجان و تخلیه‌ی ایران از قوای متجاوز ارتش شوروی است. او چون رجلی ملی و نامدار، در صدد استیفای حقوق ملت ایران برآمد و با طرح شکایت در سازمان ملل، حقانیت ایران را به ثبوت رسانید و از این طریق بار دیگر در محافل سیاسی ایران، نام وی

به عنوانی یکی از رجال سیاسی و ملی ایران بر سر زبان‌ها افتاد. با وجودی که مخالفین وی در همان هنگام انگشت روی اشتباهات سیاسی وی می‌گذاشتند، ولی مع‌الوصف اقدام او در کشور حسن اثر داشت.

در دوره‌ی پانزدهم، به پاس خدماتش در سازمان ملل، از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. در آن تاریخ منصورالملک استاندار آذربایجان و قوام‌السلطنه نخست‌وزیر بود، و در غالب نقاط کاندیداهای حزب دموکرات ایران از صندوق‌ها بیرون می‌آمدند. ولی تقی‌زاده عضو آن حزب نبود و مردم تبریز او را به عنوان یک شخصیت برجسته‌ی آذربایجانی و مستقل، به مجلس فرستادند. تصویب اعتبارنامه‌اش با جنجال توأم بود. عباس اسکندری نماینده‌ی همدان، درباره‌ی صلاحیت و سوابق سیاسی او، پناهنده شدنش به سفارت انگلیس و تمدید قرارداد نفت جنوب در دوره‌ی وزارت دارائی‌اش، به تفصیل سخن گفت و او را برای نمایندگی صالح ندانست. عباس مسعودی در مقام دفاع از شخصیت تقی‌زاده، نطق مفصلی ایراد کرد و به ایرادها جواب گفت. سرانجام مجلس درباره‌ی اعتبارنامه‌ی او تصمیم به اخذ رأی نمود و اعتبارنامه‌اش با اکثریت قاطعی به تصویب رسید. در انتخابات هیئت رئیسه از طرف نمایندگان آذربایجان کاندیدای ریاست شد. سردار فاخر حکمت و ملک‌الشعرای بهار هم کاندیدای حزب دموکرات ایران بودند. ملک‌الشعرا به توصیه‌ی قوام‌السلطنه کنار رفت و حزب دموکرات ایران یک کاندیدا پیدا کرد که سردار فاخر بود. پس از اخذ رأی، سردار فاخر با اکثریت ناچیزی بر کرسی ریاست نشست. تقی‌زاده در دوران نمایندگی در دوره‌ی پانزدهم، دو یا سه نطق مهم ایراد کرد که در یکی از نطق‌هایش خود را از بعضی اشتباهات سیاسی که به او نسبت می‌دادند، مبرّا دانست.

در انتخابات دوره‌ی اول سنا که مصادف با انتخابات دوره‌ی شانزدهم مجلس شورای ملی بود، سناتور شد. و در دوره‌ی دوم سنا نیز ریاست داشت. در دوره‌ی سوم و چهارم سنا زیر بار مسئولیت نرفت و غالباً فقط ریاست کمیسیون خارجه‌ی مجلس را عهده‌دار می‌شد. در اواسط دوره‌ی چهارم سنا، بیمار شد و ناچار از صندلی چرخدار استفاده می‌کرد. در جلسات سنا مرتباً شرکت می‌نمود، ولی از نطق و خطابه‌های شورانگیز که در جوانی ایراد می‌کرد، دیگر آثاری هویدا نبود.

متجاوز از هفتاد سال در صحنه‌ی سیاسی ایران حضور داشت. از روزی که با انتشار مجله‌ی گنجینه‌ی فنون در ۱۳۲۰ ه.ق وارد سیاست شد، تا سال‌های آخر عمر همواره دست‌اندرکار سیاست بود. در صدر مشروطیت و ادوار اول و دوم مجلس شورای ملی، به عنوان نماینده‌ای پرشور و انقلابی عمل می‌کرد و از همه حیث محبوب مردم بود، ولی مخالفین وی پناهندگی‌اش را به سفارت انگلیس نکوهش کرده‌اند و حتی بعضی از ترورهای سیاسی آن ایام را منسوب به او دانسته و چهره‌ی سیاسی‌اش را زشت و سیاه ترسیم کرده‌اند. هرچه که باشد، نقش او در حیات سیاسی، ملی، علمی و فرهنگی ایران به اندازه‌ای مؤثر و گسترده بوده است که بررسی دقیق و کامل آن محتاج یک اثر مستقل است.

در طول هفتاد سال فعالیت سیاسی، هیچگاه از فعالیت علمی و ادبی غافل نبوده است. لقب علامه را به لحاظ وسعت دامنه‌ی دانش و عمق و دقت اطلاعات علمی‌اش به وی داده‌اند. در ابتدای جوانی فقط تحصیلات قدیمه داشت، ولی این تحصیلات را عمیقاً انجام داده بود. حافظه‌ی بسیار قوی، هوش سرشار، مطالعات مختلف، پی‌گیری و دقت او، وی را در زمره‌ی محققین و دانشمندان طراز اول ایران و در شمار یکی از علمای جهان قرار داد. به زبان‌های ترکی، عربی، فرانسه، انگلیسی و آلمانی تسلط کامل داشت. گذشته از تکلم به آن السنه، در زبان و ادبیات آنها تتبع و تعمق نموده بود. گرچه فعالیت‌های سیاسی مجال زیادی برای مطالعه به او نمی‌داد، ولی مع‌الوصف به واسطه‌ی اقامت طولانی در کشورهای خارجی و استفاده‌ی دقیق، منظم و با برنامه از کتابخانه‌های معتبر دنیا، در زمینه‌ی تحقیق در تاریخ و تمدن ایران، به یکی از صاحب‌نظران کارکشته‌ی معاصر تبدیل شد.

در جنگ بین‌الملل اول با کمک چند تن از دوستان خود، از جمله علامه دهخدا و علامه قزوینی، در آلمان دست به انتشار مجله‌ای زدند که کاوه نام داشت. کاوه که شش سال انتشار یافت، حاوی نکات بسیار سودمند تاریخی و علمی و اجتماعی و سیاسی است. بعضی از مقاله‌های تحقیقی آن مجله در همان تاریخ به صورت کتاب انتشار یافت که مجلس ملی ایران و کشف تلبیس از جمله

آنهاست. کتاب‌های گاه‌شماری در ایران قدیم، محاکمات تاریخی تاریخ، از پرویز تا چنگیز، مقدمه‌ی دیوان ناصرخسرو که با مشارکت علامه قزوینی و حاج میرزا نصرالله تقوی تنظیم شده است، مانی و ایران، جنگ فرنگستان و چند اثر دیگر از تحقیقات انتشار یافته‌ی خود اوست.

چند سال قبل درباره‌ی تاریخ مشروطیت سه خطابه در باشگاه مهرگان ایراد نمود که در همان موقع در روزنامه‌های عصر انتشار یافت و بعد نیز به صورت کتابی منتشر شد. سال‌هایی که در لندن به تدریس اشتغال داشت، متجاوز از پنجاه سخنرانی و خطابه‌ی عالمانه و محققانه درباره‌ی تاریخ و تمدن اسلام در کشورهای مختلف جهان و دانشگاه‌ها ایراد نمود که هرکدام در حد خود یک رساله‌ی محققانه است. در ادوار اخیر در دوره‌ی دکترای الهیات و معارف اسلامی تدریس می‌نمود و کلاسش مرکز تجمع شیفتگان علم و ادب و دانش‌پژوهان بود. رویه‌ی اداره‌ی کلاس او بر اساس دموکراسی کامل بود و شاگردان در حین درس استاد، حق داشتند به بحث و سؤال بپردازند. در هر دانشجوئی که مایه و علاقه‌ای می‌دید، از هیچ‌گونه کمکی به او دریغ نمی‌ورزید. به مبانی مذهبی و ملی اعتقاد داشت. در جوانی با یک خانم آلمانی ازدواج کرد و تا آخر عمر با او زندگی می‌کرد. صاحب اولادی نشد و در ۱۳۴۹ در ۹۲ سالگی در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۱۲۱ -۱۱۲)، تاریخ جراید (۱۳۱ -۱۲۵ /۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹۰ -۲۷۷ /۲)، شرح حال رجال (۶۹ -۶۶ /۵)، نقد حال (۵۳۳ -۴۷۰)، یادنامه‌ی تقی‌زاده، یغما (س ۲۶، ش ۴، ص ۱۹۶ -۱۹۳، س ۳۰، ش ۷، ص ۴۰۴ -۳۹۶، ش ۸، ص ۴۷۹ -۴۷۲).

توفیق شیرازی، رفیع‌الدین ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۲۰ -۹۴۷ ق)، مورخ. در شیراز ولادت یافت و در جوانی برای بازرگانی به هندوستان رفت. در دهلی به دربار علی عادل‌شاه راه یافت و به منصب خوان سالاری او رسید و پس از چندی منشی دربار شد. بعد از مرگ وی، در دربار برادرزاده‌اش، ابراهیم عادل‌شاه نیز مقام بلند یافت. اما، پس از چندی مغضوب شد و به زندان افتاد. رفیع‌الدین بعد از رهایی حاکم شهر بیجاپور شد. وی مولف کتابی است به نام «تذکره الملوک» در تاریخ سلسله عادی شاهیان بیجاپور که وقایع مربوط به این سلسله را تا اغاز سال ۱۰۲۰ ق در آن گرد آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۶۹ -۳۶۸).

ثابتای کاشی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، واقعه‌نویس و شاعر. طبعش خالی از لطف نبوده و طرزش به شعرای هندوستان شبیه بوده است. وی مدتی در

خدمت عباس قلی‌خان، حاکم هرات، واقعه‌نویس بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۱)، الذریعه (۱۸۲ -۱۸۱ /۹)، صبح گلشن (۹۶)، فرهنگ سخنوران (۱۹۸)، گلزار جاویدان (۲۹۳/۱).

ثعالبی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۳۰/۴۲۹ -۳۵۰ ق)، ادیب، نویسنده و مورخ. وی در دو روش نثر مصنوع و مرسل استاد بوده است. چون شغلش پوستین‌دوزی از پوست روباه بود، به ثعالبی مشهور شد. آثار مشهور او عبارت‌اند از: «یتیمه الدهر»، در شرح احوال شعرای بزرگ عهد مولف از شام تا ماوراءالنهر، که از حیث انشاء بلیغ و از باب اشتمال بر احوال و اشعار بسیاری از شعرای آن عصر، خاصه شعرای تازی‌گوی ایران، اهمیت بسیار دارد. وی این کتاب را به وسیله ذیلی به نام «تتمه الیتیمه»، تکمیل کرده است. از دیگر آثار وی: «الاعجاز و الایجاز»؛ «خاص الخاص»؛ «ثمارالقلوب فی المضاف و المنسوب»؛ «نثر النظم»؛ «التمثیل و المحاضره».[۱]

ابومنصور عبدالملك بن محمد نیشابوری (ف. ۴۲۹ ه.ق.) ادیب و نویسنده و مورخ قرن چهارم و آغاز قرن پنجم است. وی در نثر مصنوع و مرسل عربی هر دو استاد بود. از آثار او یتیمهٔ الدهر (ه.م.)، الاعجاز و الایجاز، خاص الخاص، ثمار القلوب فی المضاف والمنسوب، نثر النظم، کتاب التمثیل و المحاضرهٔ و چند کتاب دیگر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۱۱/۴)، تاریخ ادبیات ایران (۶۴۲ -۶۴۱ /۱)، دایره المعارف فارسی (۷۱۳/۱)، ریحانه (۳۶۵ -۳۶۴ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۳۶/۱)، سیرالنبلاء (۴۳۸ -۴۳۷ /۱۷)، وفیات الاعیان (۱۸۰ -۱۷۸ /۳)، هدیه العارفین (۶۳۵/۱).

ثعالبی، ابومنصور حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۲ ق)، مورخ و نویسنده. از مردم مرغن، ناحیه غور بود. کتاب «غررانیر» یا «غرر اخبار ملوك الفرس و سیرهم»، که به ابومنصور عبدالملك ثعالبی منسوب شده است، ظاهرا از اوست. این کتاب را مولف به نصر، سپهسالار خراسان، هدیه کرده است. این کتاب مشتمل بر تاریخ از خلقت عالم تا زمان محمود غزنوی است. قسمتی از جزء اول آن را که مربوط به ایران است زوتنبرگ، به سال ۱۹۰۰ م در پاریس منتشر کرده و به ابومنصور عبدالملك ثعالبی نسبت داده است. این قسمت کتاب ثعالبی نسبت داده است. این قسمت کتاب بخصوص از این جهت اهمیت دارد که در بسیاری موارد بیشتر از طبری به ماخذ قدیم «شاهنامه» نزدیک است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دایره المعارف فارسی (۷۱۳/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۳۷ -۱۳۸ /۱).

ثعلبی، ابواسحاق، احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۷/۴۲۷/۴۲۶ ق)، قاری، مفسر، حافظ، مورخ، فقیه، ادیب و محدث. از اهالی نیشابور بود. وی از ابوطاهر بن خزیمه و ابوبکر بن مهران مقری و ابومحمد مخلدی و همطبقه‌ی آنان روایت کرده است. استادان بسیار دیده و احادیث بسیار شنیده است. ابوالحسن واحدی تفسیر را از او روایت کرده است. در علم قرآن او را یگانه‌ی زمان خود می‌دانستند. از آثار وی: «عرایس المجالس فی قصص الانبیاء»؛ «الکشف و البیان فی تفسیر القرآن» معروف به «تفسیر کبیر» یا «تفسیر ثعلبی»؛ «تاج العرایس»؛ «ربیع المذکرین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۶ –۲۰۵ /۱)، دایره‌المعارف فارسی (۷۱۳/۱)، الذریعه (۶۷ –۶۶ /۱۸، ۲۴۳ –۲۴۲ /۱۵)، روضات الجنات (۲۵۷ –۲۵۵ /۱)، ریحانه (۳۶۸ –۳۶۷ /۱)، سیرالنبلاء (۴۳۷ –۴۳۵ /۱۷)، کشف الظنون (۱۴۹۶، ۱۱۳۱)، الکنی و الالقاب (۱۳۱/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۳۸ –۳۶ /۵)، الوافی بالوفیات (۳۰۸ –۳۰۷ /۷)، وفیات الاعیان (۸۰ –۷۹ /۱)، هدیه العارفین (۷۵/۱).

ثقفی نژاد، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ثقفی نژاد

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد ثقفی متولد ۱۳۲۳، تبریز، دارای شماره ۴، در یک خانواده مذهبی چشم به جهان گشود. پدرم سلاله الاطیاب آقای سید علی‌اصغر ثقفی مردی متدین و کاسب کار بود. پس از اتمام دوره مدرسه ابتدایی، در سال ۱۳۳۵ وارد مدرسه طالبیه تبریزی تبریز شدم و مقدمات علوم عربی و ادبیات فارسی و عربی را شروع کردم. دو کتاب ادبی ارزنده گلستان و کلیله و دمنه را از مرحوم آقای حاج میرزا علی نمرودی فرا گرفتم و همزمان جامع المقدمات را در صرف و نحو به پایان رساندم. مقداری از معالم الاصول و جلد اول لمعه را در تبریز به پایان بردم و سپس در سال ۱۳۴۱ بعد از وفات مرحوم آیت الله بروجردی و برای تداوم تحصیل عازم حوزه علمیه قم گردیدم.در مدت ۵ سال متون فقه و اصول، رسائل، مکاسب و کفایه را به ترتیب از آیت الله سبحانی، شیخ ابوالفضل علمانی و آیت الله پایانی و آیت الله سید محمدباقر سلطانی به اتمام رساندم. همزمان در درس فلسفه منظومه سبزواری شهید دکتر مفتح حاضر می‌شدم و سپس ادامه فلسفه اسلامی را به ترتیب از آیت الله سبحانی، استاد جوادی آملی، شهید مطهری و

آیت الله محمد گیلانی، دنبال کردم.همچنین کلام اسلام، کشف الراء خواجه نصر را از آیت الله آستارائی به پایان رساندم. در علم تفسیر، به تفسیر استاد صالحی نجف آبادی ، آیت الله سبحانی حاضر می‌شدم. آن روزها، در شب‌های جمعه و شنبه، در دبیرستان دین و دانش شهید بهشتی، طلاب قم به کلاس زبان و مکالمه عربی شرکت می‌کردند که من هم به مدت ۹ سال از استاد اسدی دبیر زبان و استاد رخشان فر زبان را تکمیل کردم. سپس به مدت ۶ سال در درس خارج فقه آیت الله شریعتمداری و اصول آیت الله مکارم، حاج آقا مرتضی حائری حاضر می‌شدم.هنگامی که دارالتبلیغ اسلامی افتتاح شد در دوره اول و دوم آن موسسه علمی شرکت کرده و سپس دوره تحصیلات تکمیلی را آغاز کردم. در سال ۱۳۵۶ که در دوره تحصیلات تکمیلی دارالتبلیغ اسلامی حضور داشتم، فرصتی پیش آمد که از طرف موسسه علمی دارالتبلیغ اسلامی که حکم دانشگاه اسلامی را داشت به خارج از ایران، کشور آمریکا، با بورسیه تحصیلی اعزام شدم و وارد دانشگاه تمپل Temple فیلادلفیا شدم و در رشته تطبیق ادیان و جامعه‌شناسی دینی وارد دوره فوق لیسانس شدم. پس از اخذ مدرک، تعدادی از دروس دوره دکتری را می‌گذراندم که مقارن پیروز انقلاب مواجه با مبارزه سیاسی جمهوری اسلامی با دولت آمریکا شدیم، در نتیجه تحصیل ناتمام مانده و به خاطر فعالیتهای سیاسی ـ اسلامی ـ ویزای تحصیلی‌ام لغو گردید و به ایران آمدم.در سال ۶۳ که تازه دانشگاه آزاد اسلامی تاسیس شده بود در کنکور دوره دکتری شرکت جستم و به عنوان شاگرد اول کنکور در رشته تاریخ و تمدن اسلام، ادامه تحصیل دادم. رساله دکتری خود را زیر عنوان: ساختار اجتماعی ـ سیاسی دولت مدینه با درجه بسیار خوب پذیرفته شد. و از تاریخ به بعد در دانشگاههای تهران ـ آزاد اراک و تهران مرکز مشغول تدریس هستم. در حال حاضر، به عنوان استادیار دانشگاه که به دانشیاری تبدیل می‌شود در دوره ارشد و دکتری دانشگاه دروس علوم اجتماعی ـ جامعه شناسی دینی تدریس می‌نمایم و از وضع تحصیل و تدریس خود راضی هستم.

ثقه الاسلامی، محمدهاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ – ۱۲۸۰ ق)، فقیه و مورخ امامی. وی در مشهد به دنیا آمد و پس از فراگرفتن مقدمات علوم رهسپار نجف شد و در آن شهر از مجلس درس استادانی چون آخوند خراسانی و سید اسماعیل صدر اصفهانی بهره‌مند گردید. پس از بازگشت به مشهد به حوزه‌ی درس آیت‌الله سید علی حایری یزدی پیوست. وی در مشهد درگذشت. از آثار وی: «رساله‌ی ربا»؛ «رساله‌ی رضاع»؛ «رساله‌ی معاملات»؛ «حسن العاقبه فی سعاده الخاتمه»، به فارسی؛ «غایه الامال فی حسن خواتیم الاعمال»؛ «منتخب التواریخ» در تاریخ معصومان (ع) و برخی امامزادگان؛ «وسیله الامان من تسویلات الشیطان» که خلاصه «حسن العاقبه» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۷۶/۲۵، ۱۵/۷)، منتخب التواریخ (مقدمه).

جان احمدی، فاطمه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

فاطمه جان احمدی در تاریخ ۱۳۴۳ در خرم آباد مرکز استان لرستان دیده به جهان گشود. وی پس از طی تحصیلات مقدماتی و متوسطه وارد دانشگاه شهید بهشتی شد و موفق به دریافت لیسانس کارشناسی تاریخ گردید . کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه الزهرا ادامه داد و مدرک دکترای تاریخ با گرایش تاریخ اسلامی را از دانشگاه تربیت مدرس اخذ نمود . در حال حاضر علاوه بر تدریس در گروه تاریخ دانشگاه الزهرا معاونت آن گروه را نیز بر عهده دارد . زمینه های تدریس ایشان تاریخ تحولات سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام تا قرن ۴ هجری و به طور تخصصی تاریخ فاطمیان در مغرب و مصر اسلامی ، تارخ اسماعیلیه مستعلویه در مصر و یمن و گسترش اسلام در شمال آفریقا و جنوب اروپا است .

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فاطمه جان احمدی در سال ۷۶ در کنکور سراسری شرکت و در مقطع کارشناسی (۶۸-۷۲) رشته تاریخ دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شد، در سال ۷۲ پس از شرکت در کنکور کارشناسی ارشد تاریخ به دانشگاه الزهراء راه یافت و در سال ۷۵ از پایان نامه خود به نام « بررسی اوضاع اقتصادی ایران در دوره خلافت عباسیان» دفاع کرد. در پایان همین سال پس از شرکت در آزمون پذیرش دکتری تربیت مدرس موفق به راه یابی دوره دکتری تاریخ، گرایش اسلام در این دانشگاه شدو در سال ۸۲ از رساله خود در زمینه « مبانی مشروعیت و ساختار خلافت فاطمیان » دفاع نمود.

همسر و فرزندان : فاطمه جان احمدی در اواخر سال دوم دبیرستان ازدواج کرد و وقتی وارد دانشگاه شد دو فرزند پسر داشت.

فعالیتهای آموزشی : فاطمه جان احمدی تدریس در گروه تاریخ دانشگاه الزهرا معاونت آن گروه را نیز بر عهده دارد . زمینه های تدریس ایشان تاریخ تحولات سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام تا قرن ۴ هجری و به طور تخصصی تاریخ فاطمیان در مغرب و مصر اسلامی ، تارخ اسماعیلیه مستعلویه در مصر و یمن و گسترش اسلام در شمال آفریقا و جنوب اروپا است .

چگونگی عرضه آثار : فاطمه جان احمدی دارای مقالات متعددی با محوریت تاریخ اسلام است ، ایشان در سمینارهای متعدد داخلی و خارجی شرکت داشته و در کنفرانسهای مختلفی مقالاتی را ارائه داده است. ------------------------------
----

آثار :

۱ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

ویژگی اثر : دفتر نشر معارف(وابسته به نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها)- تیر ۱۳۸۷

جاویدان، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۹.

درگذشت: مهر ۱۳۷۱.

تألیف و ترجمه کتاب تاریخ اختراعات (از اختراع چرخ تا مغز الکتریکی، ۱۳۶۷)؛ و تاریخ پزشکی ایران (تألیف گود) و چند کتاب در زمینه‌های علمی و پزشکی از جمله آثار اوست. او مدتی با مجله‌ی «شکار و طبیعت» و مدتی هم با مجله‌ی «سخن علمی» همکاری داشت.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جرجانی، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۶۶ /۳۶۲ –۲۹۰ ق)، ادیب، شاعر، خطاط، مورخ، مفسر و فقیه شافعی. از جرجان به همراه برادرش ابوبکر محمد به نیشابور آمد و در این شهر حدیث شنید و دانشهای مختلف را آموخت، تا آنجا که ثعالبی او را در خوشنویسی و شعر و نثر با ابن‌مقله و بحتری و جاحظ برابر دانسته است و ابن‌خلکان نیز شعر وی را ستوده. ابتدا قاضی جرجان بود و بعد قاضی القضاۀ ری و از نزدیکان خاص صاحب بن عباد شد. در هفتاد سالگی در ری درگذشت. جنازه‌اش به جرجان منتقل شد. یاقوت حموی و ذهبی وفات وی را در دهه آخر قرن چهارم ذکر کرده‌اند. از آثار او: «الوساطهٔ بین المتنبّی و خُصومه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «تهذیب التاریخ»، که گویا همان کتاب «صفهٔ التاریخ» است؛ «مجموعه‌ی رسائل»؛ «کتاب الوکالهٔ»؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۴ /۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۴ –۳۵۵ /۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۲۷۳ –۲۷۱ /۴۰۰ –۳۸۱)، تاریخ نیشابور (۱۷۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۴۶ /۷)، ریحانه (۴۰۲ /۱)، سیر النبلاء (۲۱ –۱۹ /۱۷)، الکامل (۸۸ /۷)، کشف الظنون (۱۴۷۱ ،۷۸۲)، الکنی والالقاب (۱۴۴ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (۱۲۳ /۷)، معجم الادباء (۳۵ –۱۴ /۱۴)، هدیهٔ العارفین (۶۸۴ /۱)، وفیات الاعیان (۲۸۱ –۲۷۸ /۳).

جرفادقانی، ابوشرف ناصح

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، نویسنده، مورخ و شاعر. وی در خدمت الغباربیگ از ممالیک اتابکان آذربایجان به سر می‌برد و از دبیران و شاعران فاضلی بود که در نظم و نثر تازی و پارسی توانایی داشت. او به سفارش ابوالقاسم علی بن حسن، وزیر جمال‌الدین الغبار «تاریخ عتبی»، معروف به یمینی را به نثری مصنوع و استادانه، به سال ۶۰۳ ق از عربی به فارسی ترجمه کرد. ابوشرف در سرودن شعر نیز استاد بود. در مقدمه «تاریخ یمینی» از ترجمه دو مجموعه شعر به نام: «روضه الحزن» و «شعله القابس» و در خاتمه‌ی کتاب از کتاب دیگری موسوم به «تحفه الآفاق فی محاسن اهل العراق» نام برده شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (۱۰۱۲ –۱۰۱۱ /۲ ،۶۴۱/۱)، تاریخ در ایران (۴۹)، تاریخ‌نگاران ایران (۲۶۱)، ترجمه‌ی تاریخ یمینی (مقدمه/ ۲۸ –۲۴ ،۱۱)، دایره‌المعارف فارسی (۵۹۹/۱)، سبک‌شناسی (۳۸۶/۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۵۳ –۲۵۲ /۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۲۳)، کشف الظنون (۲۰۵۳ –۲۰۵۲)، گنج و گنجینه (۲۶۸)، لغت‌نامه (ذیل/ جرفادقانی)، مولفین کتب چاپی (۴۹۷ –۴۹۵ /۶).

جزایری شوشتری، عبداللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۷۳ ق)، ادیب، محدث، مورخ و فقیه شیعی. یکسر مذهب اخباری داشت و منکر طریقه‌ی اجتهاد بود. وی از مشایخ اجازه‌ی روایت سید نصراللّه مدرس بود و خودش نیز از پدرش و سید امیر محمدحسین خاتون آبادی روایت می‌کرد. از آثار وی: «الاجازهٔ الکبیرهٔ»؛ «اجوبهٔ مسائل السید علی نهاوندی»؛ «الانوار الجلیهٔ»؛ «التذکرهٔ فی التاریخ تستر»؛ «تاریخ شوشتر»؛ «حاشیه ریاض السالکین»؛ «حاشیه نقد الرجال»؛ «شرح مفاتیح الحکام»، ملا محسن فیض؛ «شرح نخبه‌ی» فیض؛ «الذخیرهٔ الباقیهٔ»؛ «الحاشیهٔ علی اربعین البهایی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۸۷/۸)، الذریعه (۳۸۲ –۳۸۱ /۲۱ ،۲۵۴/۲۰، ۱۰۲/۱۴، ۱۵/۱۰ ،۸۴۲، ۶۹۴ /۹ ،۲۵، ۱۳/۶، ۸۹/۴، ۲۴۵ – ۲۴۳ /۳ ،۴۲۴ –۴۲۳ /۲)، روضات الجنات (۳۷۲، ۲۵۳ –۲۴۹ /۴)، ریحانه (۱۱۵/۳)، فرهنگ سخنوران (۷۱۶ –۷۱۵)، فوائد الرضویه (۲۵۷ –۲۵۶)، الکنی والالقاب (۳۳۲/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ جزایری)، معجم المؤلفین (۱۶۰/۶).

جزری، شمس‌الدین، ابوالخیر محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۴/۸۳۳ ق)، محدث، متکلم شافعی، قاری و مورخ. معروف به ابن جزری. در دمشق به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. وی در زهد و تقوی معروف بود و در سیزده سالگی قرآن را حفظ کرد و بعد از آن اوقات خود را صرف تحصیل حدیث کرد. جزری در نوزده سالگی به قاهره رفت و در سیزده قسم قرائت، مهارتی به دست آورد. از ابوالفدا و ضیاءالدین و شیخ‌السلام بلقینی اجازه‌ی فتوی گرفت. او در دوره‌ی تیموری به سمرقند دعوت شد و تا زمان امیرتیمور در ماوراءالنهر ماند و بعد از مرگ وی به دارالسلطنه هرات شتافت و در آخر عمر به شیراز رفت و متصدی قضاوت شیراز شد و همان جا درگذشت. برخی از آثار وی: «المقدمه الجزریه»، در تجوید؛ «التمهید فی علم التجوید»؛ «النشر فی القرآت العشر»؛ «غایه النهایه فی طبقات القراء»؛ «اسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی‌طالب»؛ «الهدایه فی علم الروایه»؛ «المصعد الاحمد فی ختم مسند الامام احمد»، در حدیث؛ «التاریخ»؛ «عقداللألی فی الاحادیث المسلسلهٔ العوالی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۵ –۲۷۴ /۷)، ایضاح المکنون (۷۲۳، ۵۴۴، ۴۸۱، ۴۴۷، ۲۲۷، ۱۱۰ /۲ ،۵۳۹، ۳۱۵، ۱۶۸، ۱۵۱، ۸۱، ۲۶، ۸ /۱)، حبیب السیر (۵۴۸/۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۷۶ –۴۷۵ /۳)، دایرهٔالمعارف الاسلامیه (۱۲۰ –۱۱۸ /۱)، روضات الجنات (۱۰۷ –۱۰۶ /۸)، ریحانه (۴۱۰ –۴۰۸ /۱)، کشف الظنون (۲۰۴۲، ۲۰۲۸، ۱۹۵۲، ۱۸۵۹، ۱۸۰۳، ۱۷۹۹، ۱۶۹۹، ۱۴۹۷، ۱۳۲۳، ۱۱۵۰ ، ۱۱۳۲، ۱۱۱۸، ۱۱۰۵، ۷۴۳، ۶۶۹، ۶۲۱، ۵۲۰، ۴۸۴، ۴۲۱، ۳۸۹، ۲۹۵، ۲۹۰، ۲۷۷، ۲۱۱، ۲۰۰، ۱۵۲، ۱۵۰، ۱۲۸، ۱۱۴، ۵۳)، الکنی و الالقاب (۱۴۶/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ جزری)، معجم الموفین (۲۹۲ –۲۹۱ /۱۱)، هدیه الاحباب (۱۱۹)، هدیه العارفین (۱۸۸ –۱۸۷ /۲).

جزی برخواری، محمّد علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نویسنده کتاب «فتح‌نامه‌ها» که وقایع قرن ۱۱ هجری را نوشته از رجال و شخصیت‌های تاریخی گز است. در سال ۱۰۸۷ و در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی، در جنگ‌های خراسان، آذربایجان، ازبکستان، تبریز و دیار بکر بوده که ۹۸ رقعه از تعداد زیادی از این «فتح‌نامه‌ها» در مجموعه ادبیات الذریعه جلد ۴۴ و در فصل‌های ۱۶۴ و ۱۶۵ و تحت عنوان منشأت دیوانیهٔ اعلام الشیعه قرن ۱۱ ثبت بذکره و نام نویسنده آنها اشاره گردیده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

جعفری یزدی، جعفر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به جعفری. از مورخان دوره‌ی شاهرخ بود. از وی سه اثر تاریخی بزرگ به جای مانده است که عبارت است از: «تاریخ کبیر»، از آغاز خلقت تا وقایع سال ۸۴۰؛ «تاریخ یزد»؛ «تارخی واسط» که به نام شاهرخ به پایان رسانید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (۴۷۴/۴)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۴۸ -۵۴۷ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۵۳)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۷۶ -۷۴)، دایرۀالمعارف فارسی (۵۹۹/۱)، الذریعه (۱۹۸/۹، ۲۴۶/۳)، فرهنگ سخنوران (۲۱۳)، فهرستواره کتابهای فارسی (۹۱۷، ۹۱۶ /۲، ۵۸۶/۱)، کشف الظنون (۳۰۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۴/۲)، یغما (س ۱۵، ش ۷، ص ۴۱۸ -۴۱۵).

جعفریان، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول جعفریان

محل تولد : خوراسگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره دبستان را در زادگاهش " خوراسگان "گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان آمد و دوره راهنمایی را در این شهر آغاز کرد. پس از چندی تحت تأثیر سفرهای تبلیغی مبلغان حوزه علمیه قم و کلاس های روخوانی قرآن در خوراسگان به دروس دینی علاقه مند شد و از آن پس به مدرسه ذوالفقار رفت و مطالعه دروس جدید را در مدارس شبانه ادامه داد. وی در مدت اقامت

در اصفهان، به صورت آزاد از مدارس دینی دیگری چون«نیماورد»،«نوریه»،«وجده کوچک» استفاده می کرد.
رسول جعفریان در سال ۵۷ هجری شمسی و در آستانه پیروزی انقلاب، برای ادامه تحصیلات حوزوی، راهی شهر مقدس قم شد. نخست به مدرسه خان رفت و سپس در مدرسه رسالت، به ادامه تحصیل پرداخت. وی در قم از درس اساتیدی چون آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله ممدوحی، آیت الله گرامی و نیز آیت الله جعفر مرتضی جبل عاملی کسب فیض کرد. سال ۵۸ هجری شمسی با آثار و موسسه آیت الله مصباح یزدی آشنا شد و در کلاسها و دوره آموزشی آن موسسه شرکت کرد و با بازگشایی دانشگاهها، در سال ۵۹ هجری شمسی به تدریس معارف اسلامی و تاریخ اسلام در دانشگاههای اصفهان و تهران مشغول شد. اولین اثر استاد جعفریان در سال ۶۴ هجری شمسی تحت عنوان «پیش درآمدی بر شناخت تاریخ اسلام» منتشر شد و از آن پس تاکنون، ضمن همکاری با موسسات پژوهشی و تأسیس کتابخانه اسلام و ایران در قم، به کوشش های پی گیر خود در زمینه تألیف،تصحیح، ترجمه و نیز تحقیق در تاریخ اسلام، ایران و تشیع همچنان ادامه می دهد.

جنابی، ابومحمد مصطفی امیر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۹ ق)، مورخ اصل وی از جنابه فارس بود، در روم متولد شد. مدتی متولی تدریس در مدرسه بروسه سلطانیه بود، سپس قاضی حلب شد. ابومحمد در دیار بکر از دنیا رفت. علاوه بر اینکه از عالمان بزرگ عهد مرادخان ثالث بود، در سرودن اقسام شعر به عربی و ترکی نیز استاد بود. از آثارش: «العلیم الزاخر فی اخبار الاوائل والاواخر»، در دو جلد و معروف به «بحر العلم» یا «تاریخ جنابی»؛ «رسالهٔ فی بناء ایاصوفیه و قلعهٔ قسطنطنیه»؛ «السبع السیار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (۱۳۱/۸)، ریحانه (۴۳۱ /۱)، کشف الظنون (۱۱۸۱ -۹۷۶ -۸۵۱ -۲۹۱ -۲۲۴)، لغت‌نامه (ذیل/ جنابی)، معجم المؤلفین (۲۴۷ -۲۶۴ /۱۲)، هدیهٔ العارفین (۴۳۷ -۴۳۶ /۲).

جوادی، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم جوادی

محل تولد : پاکدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قاسم جوادی در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم بعد از طی دروس رسمی حوزه که فقه و اصول و ادبیات بود در سال

۵۶ در درس خارج شرکت کردم ، همزمان با دروس رسمی حوزه از سال ۵۴ تا ۶۸ فلسفه و عرفان نظری را نزد اساتید متعددی گذراندم،سپس دوره‌های زبان انگلیسی دفتر تبلیغات را گذراندم و سرانجام در دوره دین‌شناسی مؤسسه امام خمینی شرکت کردم و در کنار درسهای حوزه، تاریخ را خودم مطالعه کردم و از مباحث تاریخ به مباحث مذاهب اسلامی کشیده شدم و از سال ۵۵ درسهای حوزه را تدریس کردم و از سال ۶۲ تا کنون در دانشگاههای متعدد نظیر دانشگاه کرمان، تهران، فردوسی، مقدس اردبیلی، مفید و باقرالعلوم تدریس داشته‌ام

جواهر کلام، عبدالعزیز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلف، محقق.

تولد: ۱۲۷۰.

درگذشت: مرداد ۱۳۶۵.

از آثار اوست: آثار الشیعهٔ (چهار جلد، ۱۳۴۲ به بعد)؛ تاریخ تهران (۱۳۲۵)؛ بازدید کتابخانه‌های هندوستان (۱۳۲۶)؛ جواهر الاثار (ترجمه مثنوی، پنج جلد، ۱۳۳۶، به بعد)؛ دائرهٔالمعارف الامامیهٔ (شش دفتر، ۱۳۳۹ -۱۳۳۶)؛ فهرست کتابخانه‌ی معارف (نسخه‌های خطی، دو جلد، ۱۳۱۴ -۱۳۱۳)؛ کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام تا این عصر (۱۳۱۱).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

چهره نما

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج عبدالمحمد مؤدّب السلطان ایرانی پور علی زاده، ادیب فاضل، و شاعر و نویسنده و مورّخ، در اصفهان متولّد شده، و در این شهر مقدّمات علوم را آموخته، به مصر مهاجرت نموده و تا آخر عمر در آنجا ساکن بوده و از محترمین ایرانیان ساکن مصر به شمار می‌رفته. روزنامه چهره نما را در آنجا می‌نوشته و مدّت سی و دو سال مرتّباً انتشار داده است.

در حدود سال ۱۲۹۱ متولّد، و در اوّل شعبان ۱۳۵۴ در قاهره وفات یافته، و هم در آنجا مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- احقاق الحق ۲- امان التواریخ ۳- پیدایش خطّ و خطاطان ۴- زردشت باستانی و فلسفه او ۵- فؤاد التواریخ.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حاجی زاده، یدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یدالله حاجی زاده

محل تولد : زرند کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب یدالله حاجی زاده فرزند محمد متولد ۱۳۵۴ در روستای سینک از توابع شهرستان زرند به دنیا آمدم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار می باشد تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان زرند به پایان رساندم سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه صالحه کرمان شدم. همزمان تحصیلات کلاسیک خودم را هم ادامه دادم. در سال ۱۳۷۵ موفق شدم در رشته ادبیات دیپلم بگیرم سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیه قم شدم.

در سال ۱۳۷۹ همزمن با تحصیلات حوزوی در دانشگاه باقرالعلوم (ع) مشغول تحصیل در رشته تاریخ شدم دروس حوزوی را تا اتمام سطح به پایان رسانده و مشغول درس خارج هستم . در سال ۱۳۸۳ در مقطع ارشد تاریخ اسلام در دانشگاه باقرالعلوم مشغول تحصیل شدم و در حال حار مشغول تدوین پایان نامه ام هستم. با برخی از مراکز علمی ازجمله بخش فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات حوزه همکاری دارم. همچنین در مرکز مطالعات حوزه بعضاً به سوالات تاریخی و سؤالات بخش مهدویت پاسخ می دهم. بعضاً در ایام تبلیغی ماه محرم، ماه رمضان و ایام تابستان به تبلیغ می روم.

حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبداللّه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۴/۸۳۳ ق)، مورخ و جغرافیدان. اصلش از بهدادین خواف بود، و علت اینکه بعضی او را هروی خوانده‌اند شاید بدین خاطر است که مدت زیادی را در هرات زیست. تربیت و تحصیل وی در همدان صورت گرفت. وی از همان دوران جوانی به خدمت امیر تیمور گورکان پیوست و مورد التفات امیر قرار گرفت. بعد از تیمور ملازم شاهرخ میرزا و بایسنقر میرزا شد و به نام آنان به تألیف و تصنیف پرداخت. او از مورخان موثق دور تیمور بود و در ضبط دقق وقایع و صحت گفتار معروف. شهاب‌الدین در شهر زنجان وفات یافت و نزدیکان مزار اخی فرج زنجانی دفن شد. آثار او عبارت‌اند از: «ذیل جامع التواریخ رشیدی»؛ «ذیل تاریخ طبری»؛ «تاریخ آل‌کرت»؛ «تاریخ طغاتیمور»؛ «تاریخ سربداران»؛ «تاریخ امیرارغون شاه»؛ «تاریخ شاهرخ»؛ که تمامی کتابهای تاریخی مذکور و چند کتاب دیگر مجموعه‌ای تاریخی را تشکیل می‌دهند به نام «مجموعه حافظ ابرو» و شامل تاریخ جهان از آغاز آفرینش تا سال ۸۳۰ ق است، به نام «مجمع التواریخ سلطانی» و «زبدهٔ التواریخ».[۱]

شهاب‌الدین عبداللّه بن عبدالرشید مورخ نامی دوره تیموری (ف. ۸۳۴ ه.ق.). وی در دربار امیر تیمور بود و در سفرها نیز در رکاب او حرکت میکرد و پس از تیمور نزد شاهرخ پایه ارجمند یافت و مقرب شاه گردید و همواره در سفر و حضر ملازم بود. حافظ ابرو

به رموز و آیین تاریخ نویسی آگاه بود و مخصوصا از احوال و امور روزانه سیاست زمان خود اطلاع کافی داشته و در نوشته‌های خود تا حد امکان آنچه را که می‌دیده یا از اشخاص موثق می‌شنیده معتبر دانسته و کمتر به افسانه و حکایت پرداخته است و در منقولات خود غالبا جانب حقیقت و راستی را گرفته. وی زبانهای عربی و ترکی را می‌دانسته و در سرودن شعر نیز به دست داشته.
آثار مهم او عبارتند از: کتاب جغرافا (۸۱۷)، ذیل ظفرنامه شامی، تاریخ شاهرخ، ذیل جامع التواریخ رشیدی.
بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۹ –۴۸۶ /۴)، تاریخ در ایران (۹۴ –۹۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۸ –۲۳۷)، حبیب السیر (۸/۴)، دایرةالمعارف فارسی (۸۲۷/۱) الذریعه (۲۳/۱۲ ،۴۹/۱۰ ،۱۱۵/۵)، ریحانه (۱۰ –۹ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۹۶ –۲۹۵ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۸/۹)، کشف الظنون (۹۵۱)، الکنی والالقاب (۱۶۶/۲)، گلستان هنر (۳۰)، لغت‌نامه (ذیل/ حافظ ابرو)، هدیهٔ الاحباب (۱۲۲ –۱۲۱).

حایری طبرسی مازندرانی، ابوعلی محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۱۵ –۱۱۵۹ ق)، مورخ و فقیه اصولی امامی. معروف به ابی علی. اصل وی از طبرستان و زادگاهش کربلا بود. ابوعلی از شاگردان محمد باقر وحید بهبهانی، سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» و سید محسن کاظمی اعرجی بود. وی در عراق درگذشت. از آثار او: «زهر/ ازهار الریاض»؛ «عقدالللالی البهیه»، در رد اخباری‌ها؛ «منتهی المقال»، در رجال؛ «العذاب الواصب» یا «نقض نواقض الروافض».
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۴/۹)، الذریعه (۲۹۱/۲۴ ،۱۴ –۱۳ /۲۳ ،۲۴۰/۱۵ ،۷۱/۱۲)، ریحانه (۲۱۰/۷)، الکنی و الالقاب (۱۲۴/۱)، معجم المولفین (۵۸ –۵۷ /۹).

حائری مجد، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی حائری مجد

محل تولد : قم

شهرت : حائری

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۴/۲۸

زندگینامه علمی

سال ۱۳۷۴اخذ دیپلم و ورود به دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی .سال ۱۳۷۷و ۱۳۷۸انتشار هفته نامه

(نورٌعلی نور)در موضوع فرهنگ قرآنی در بیست شماره. سال ۱۳۷۸پایان تحصیلات کارشناسی . فروردین ۱۳۷۹ورود به مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما با انجام پژوهش معراج در محراب ویژه آیت الله اشرفی اصفهانی وشمیم تربیت اسلامی در خانواده. اسفند ۱۳۸۱پس ازبه دست گیری پروژه ای ناتمام روز شمار در این زمان اولین مجله از پروژه روز شمار با نام روز شمار قمری ویژه رجال و وقایع اسلامی منتشر شد. آبان ۱۳۸۲در ادامه کار روز شمار در این تاریخ روز شمار شمسی با محوریت تاریخ ایران از اواخر قاجار تا سال ۱۳۸۲ در بحث آزاد و رویدادهای گوناگون به چاپ رسید.

آذر ۱۳۸۴سومین مجله روز شمار تاریخ تحت عنوان روز شمار میلادی به سرانجام رسید لازم به ذکر است هر چند این سه جلد کاری گروهی بود ولی کلیه مراحل نظارت و ارزیابی بازنویسی و تطبیق مجدد تاریخ ها و درستی محتوای آنها را شخصا"انجام دادم جمع سه کار در حدود ۱۳۳۰صفحه چاپی و نزدیک به ۴۰۰۰صفحه تایپی بود؛ این سه کار همزمان در همان سال به صورت نرم افزار تاریخ ایران،جهان و اسلام برنامه ریزی و تولید گردید که کار رابرای بهره برداران آسان کرده است.در حال حاضر از یک سال قبل با کمک چند محقق همکار به تصحیح و اضافه روز شمار قمری که دارای نقص های محتوایی و تاریخی است مشغول هستیم. از دی ماه ۱۳۸۰تا اردیبهشت ۱۳۸۴به همکاری با ماهنامه گنجینه که در زمینه برگزیده متون کهن فارسی اخلاق عرفان قرآن تاریخ و معرفی شخصیت های فرهنگی و فعالیت می کرد پرداختم و در ابتدا ۱۵شماره مقالات قرآنی تاریخی و رجال را هر شماره در حدود ۴۰الی ۵۰صفحه تهیه و گردآوری می کردم از ابتدای سال ۱۳۸۲تا اردیبهشت ۱۳۸۴بخش قرآن و تفسیر هر شماره ۲۰الی ۳۰صفحه موضوعات مربوطه را ارائه می دادم که چاپ و نشر یافت.

حائری، عبدالهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: مطالعات اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

زندگینامه

دکتر شادروان عبدالهادی حائری استاد برجسته‌ی تاریخ معاصر ایران در سال ۱۳۱۲ هجر شمسی به دنیا آمد. وی که نوه‌ی حضرت آیت‌اللّه حائری یزدی بود سالها در خارج از کشور و در دانشگاههای کانادا و آمریکا مشغول تدریس و تحقیق بود و در سال ۱۳۵۷ به ایران مراجعت نمود و در دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان استاد و رئیس گروه تاریخ مشغول به تدریس و تحقیق شد.

ایشان در زمینه‌های تاریخی، بخصوص تاریخ معاصر ایران دارای آثار ارزشمند و مهمی است که در محافل علمی و دانشگاههای داخل و خارج از کشور معروف می‌باشد.

تألیفات گوناگون وی در زمینه مسائل تاریخی به زبانهای انگلیسی و فارسی به بیش از ۴۰ مورد می‌رسد.

مرحوم دکتر حائری یکی از مردان نامی دانشگاههای کشور بوده و مهمترین آثار فارسی او «تشیع و مشروطیت در ایران»، «رویاروئی اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب»، «تاریخ جنبش و تکاپوهای فراماسیونری در کشورهای اسلامی»، «ایران و جهان اسلام»، «آنچه گذشت»، «نقشی از نیم‌قرن تکاپو» (خاطرات خود استاد) و... نام برد. از وی بیش از ۳۶ مورد ملاقات ارزشمند تاریخی به زبان انگلیسی در نشریات داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.

دکتر حائری سرانجام بعد از یک دوره بیماری طولانی ۲ ساله در سن ۶۰ سالگی در تاریخ بیست و چهارم مرداد ۱۳۷۲ چشم به

جهان فروبست.

مدرس، مورخ.

تولد: ۱۳۱۴، قم.

درگذشت: ۲۳ تیر ۱۳۷۲، مشهد.

عبدالهادی حایری، فرزند میرزا احمد حائری (و نوه‌ی دختری آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی قم) پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، لیسانس خود را در رشته‌ی الهیات از دانشگاه تهران گرفت. پس از آن چند سال در اداره‌ی بهداشت مشهد مشغول به کار بود. در همان دوران بود که وی کتابی تحت عنوان ابن مقفع که به قلم حنا الفاخوری عرب نوشته شده بود و از زبان عربی به فارسی ترجمه و توسط انتشارات زوار چاپ کرد. در سال ۱۳۴۳ با کسب یک بورس دانشگاهی به کانادا رفت.

عبدالهادی حائری در دانشگاه مگیل کانادا مقاطع فوق لیسانس و دکتری را در رشته‌ی اسلام و خاورشناسی گذراند و علاوه بر دو سال تدریس در این دانشگاه مدت چهار سال در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی به تدریس و تحقیق مشغول شد و در کنفرانس‌ها و کنگره‌های بین‌المللی از جمله در بلژیک، کانادا، آمریکا، مکزیک و آلمان نتایج تحقیقات خود را در قالب مقاله‌های مختلف ارائه داد.

دکتر حائری در سال ۱۳۵۷ به ایران آمد و با عنوان دانشیار در گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس تاریخ دو سده‌ی اخیر ایران، خاورمیانه و دیگر سرزمین‌های اسلامی پرداخت.

تخصص اصلی دکتر حائری در زمینه‌ی انقلاب مشروطیت و نقش علمای شیعه در آن بود که نتیجه تحقیقاتش در این زمینه در قالب کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق به دو زبان انگلیسی و فارسی منتشر شد.

از آثار دیگر دکتر حائری می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی در کشورهای اسلامی؛ ایران و جهان اسلام؛ پژوهش‌هایی تاریخی پیرامون چهره‌ها؛ اندیشه‌ها و جنبش‌ها؛ نقشی از نیم قرن تکاپو (خاطرات ایشان). مقاله‌های وی به زبان‌های فارسی و انگلیسی در مجله‌های گوناگون و از جمله در فصلنامه‌ی «مطالعات تاریخی» به چاپ رسیده است.

کتاب نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی غرب در هفتمین دوره‌ی کتاب سال کشور برنده‌ی جایزه شد.

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاورشناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حجازی، ایرج

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ایرج حجازی

محل تولد : لردگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ایرج حجازی در سال ۱۳۵۳ در روستای تل ماران از توابع شهرستان لردگان (استان چهارمحال و بختیاری) در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمدم. دوران کودکی را همانند بیشتر کودکان روستایی گذراندم. درسال ۱۳۶۸ برای تحصیل علوم دینی راهی اصفهان شدم و در مدرسه علمیه ذوالفقار که دارای برنامه‌ها و نظم خاصی بود مشغول به تحصیل شدم و از محضر بزرگان و اساتیدی همچون آیت‌الله مرحوم سید احمد امامی، آیت الله سید حسن امامی ، حجج اسلام آقایان حجت ابطحی، مصطفی بهرمن، سید ابوالحسن درخشان (حسینی) و ... و در قم از محضر بزرگانی همچون سید هاشم حسینی بوشهری، حسینی خراسانی، علی محمد خراسانی، احمد عابدی، نجف لک زایی، غلامرضا بهروزلک، محمدجواد ارسطا بهره بردم. در سال ۱۳۷۷ در دوره تاریخ اسلام شرکت کردم و در سال ۱۳۷۹ وارد دانشگاه باقرالعلوم(ع) شدم و در رشته علوم سیاسی مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۳ دردوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی با گرایش مسائل ایران به تحصیل ادامه دادم.و در سال ۱۳۸۶ فارغ التحصیل شدم.

حسن بیگ

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از فضلا و مورخان و دانشمندان عصر خود که در اواسط قرن دهم احسن التواریخ را تألیف و وقایع سالهای ۹۰۰ تا ۹۸۵ ه.ق. را تا تفصیل سلطنت شاه طهماسب در آن ثبت کرده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حسن لو، امیرعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر علی حسن لو

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهر زنجان تحصیلات حوزوی را از مدرسه ولیعصر(عج) زنجان آغاز کرده و دروس مقدمات را نزد اساتید بزرگ و معروف این شهر نظیر استاد شیخ سلطانعلی اصحابی و شیخ توکل بیات در مدت اندکی به پایان برده و برخی از دروس مقدماتی دیگر از

جمله معانی بیان را در محضر استاد شیخ ابوالفضل مصطفوی تلمذ نمودم.
متون اصولی و منطق و فقه را در محضر آیهٔ الله حاج بیوک خاتمی و آیهٔ الله شیخ تقی خاتمی و آیهٔ الله شیخ ابراهیم محمدی تلمذ نمودم و اندکی در محضر آیهٔ الله صائینی از شاگردان بزرگ علامه طباطبائی از اصول و دروس عرفانی که در تابستان برگزار می گردید و متن تدریس عرفانی که «رسالهٔ الولایه» علامه طباطبائی بود مدت دوسال استفاده بردم.در کنار تحصیل در حوزه به تحصیل در دبیرستان شبانه نیز غافل نمانده و دیپلم را از دبیرستان اخذ و پس از اتمام لمعتین(پایه ششم) در زنجان به کنکور سراسری شرکت و در رشته تاریخ اسلام و علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم پذیرفته شده و در رشته تاریخ ادامه تحصیل داده و به اخذ مدرک کارشناسی تاریخ موفق شدم.
در کنار تحصیل در دانشگاه در حوزه نیز دروس حوزوی را ادامه داده و دروس سطح را در محضر اساتید بزرگ حوزه قم حضرات آیات: احمدی میانجی، پایانی، وجدانی فخر، حسینی بوشهری و... به پایان رسانیدم و اشتغال به درس خارج در محضر آیات عظام: وحید خراسانی، شبیری زنجانی، تبریزی، و جوادی آملی داشته و در کنار مشغله تحصیلی از تحقیق و پژوهش نیز غفلت ننموده و موضوعات و مقالات مختلفی را در قالب طرح و پژوهش به انجام رسانیده است.اکنون در رشته تاریخ تمدن اسلامی مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بوده و با مراکز مختلف پژوهشی همکاری دارم.لازم به یادآوری است در فلسفه و عرفان نیز از اساتید بزرگوار جناب استاد فیاضی از دروس اشارات و نهایه و بدایه و حضرت آیهٔ الله شیخ یحیی انصاری قسمتهایی از اسفار اربعه را تلمذ نموده و کسب فیض شده است.

حسنی، عطاء الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عطاءالله حسنی ،متولد ۱۳۳۱ است. وی پس از اخذ مدرک دیپلم ادبی از دارالفنون تهران ،تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته کارشناسی تاریخ در دانشگاه شیراز آغاز کردو در سال ۱۳۵۴ به پایان رسانید .وی مدرک کارشناسی ارشد تاریخ را از دانشگاه علامه طباطبایی و دکترای همان رشته را از واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی (در سال ۱۳۶۹) دریافت کرد.
نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه تاریخ, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی عطاءالله حسنی به ترتیب زیر است: ۱- دیپلم ادبی – دبیرستان دارالفنون تهران (۵۰-۱۳۴۹) ۲- لیسانس تاریخ – دانشگاه شیراز(۱۳۵۴) ۳- فوق لیسانس تاریخ-دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۶۴) ۴- فوق لیسانس زبان وادبیات فارسی– دانشگاه تهران (۱۳۶۶) ۵- دکتری تاریخ– واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۶۹)
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و اجرایی و مدیریتی عطاءالله حسنی به قرار زیر است: -رئیس مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ – عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۷۹ تا کنون(هم اکنون دانشیار دانشگاه مذکور می باشد) – مدیر گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ – مدیر گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۸۶ تا کنون عضویت در مراکز علمی و پژوهشی – عضو هیئت تحریریه مجله رشد تاریخ از ۱۳۶۷ تا کنون – عضو هیئت تحریریه

مجله تاریخ اسلام از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ – عضو هیئت تحریریه مجله تاریخ دانشگاه تهران – عضو هیئت تحریریه مجله تاریخ دانشگاه لرستان از ۱۳۸۵ تا کنون

فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی عطاءالله حسنی به ترتیب زیر است: دانشگاه تربیت معلم (۱۳۶۴) دانشگاه شهید بهشتی(از سال ۱۳۶۹ تاکنون) استاد مدعو در دانشگاه مطالعات بین المللی شانگهای (۲۰۰۶-۲۰۰۷)SISU

آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی عطاءالله حسنی : -تاریخ فرهنگی و اجتماعی ایران -تاریخ دوره صفویه – تاریخ ایلات و عشایر – تاریخ عثمانی –تاریخ جنبش های اجتماعی – اشعار اجتماعی (فارسی ، ترکی) زمینه تخصصی : – تاریخ ایران عصر صفوی و ایلات و عشایر

چگونگی عرضه آثار : استاد راهنمای رساله های دکتری:۳ رساله استاد راهنمای رساله های ارشد:۹ رساله استاد مشاور رساله های دکتری:۶ مورد استاد مشاور رساله های کارشناسی ارشد:۱۴ مورد تعداد مقاله های فارسی:۲۵ مقاله تعداد مقاله های خارجی:بیش از ۲ مورد --

آثار :

۱ ازمنها

ویژگی اثر : آماده چاپ، دفتر شعر

۲ اسنادی از دانشگاه ملی ایران ۱۳۵۸-۱۳۳۸

ویژگی اثر : تهران : انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹

۳ بهار نامه

ویژگی اثر : سرپرستی مدارس جمهوری اسلامی ایران در ترکیه ، نوروز ۱۳۷۶

۴ پیرامون آموزش های غیر حضوری

ویژگی اثر : تهران : انتشارات اداره کل آموزش های ضمن خدمت وزارت آموزش و پرورش ، ۱۳۶۷

۵ تاریخ فرهنگی ایل شاهسون بغدادی

ویژگی اثر : تهران : انتشارات ایل شاهسون بغدادی، ۱۳۸۲

۶ تاریخ معاصر جهان: هند، ژاپن ، چین، انگلستان، افریقای جنوبی، مکزیک

ویژگی اثر : تهران : دفتر تحقیقات و برنامه ریزی کتاب های درسی ویژه مراکز تربیت معلم، ۱۳۶۷

۷ دستمایه پژوهشگران

ویژگی اثر : تهران : ضمیمه درسنامه گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی،۱۳۶۸

۸ زندگی، شخصیت، و محیط فضولی(ترجمه از ترکی استانبولی نوشته پروفسور عبد القادر قاراخان).

ویژگی اثر : آماده چاپ

۹ گفتگو : تاملاتی در علم تاریخ نگاری اسلامی (با دکتر غلامحسین زرگری نژادو دکتر هاشم آقاجری)

ویژگی اثر : بکوشش حسن حضرتی. تهران: نقش جهان ، ۱۳۸۰

۱۰ مطلع الاعتقاد فی معرفه المبدا و المعاد(از ترکی استانبولی نوشته محمد بن سلیمان فضولی)

ویژگی اثر : ترجمه ،تهران : انتشارات بین المللی الهدی ، ۱۳۷۹

حسنی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر حسنی

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۷/۱۲/۴

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبر حسنی فرزند حبیب الله ، اسفند ماه ۱۳۱۷ در لنگرود گیلان متولد شدم و تا کلاس هفتم دبیرستان را همان جا گذراندم . در سال ۱۳۳۲ پدرم مرا به قم فرستاد و در مدرسه علمیه خان ، حجره ای برایم فراهم شد. به سرعت و با پشتکار ، مقدمات از امثله ، صمدیه ، سیوطی ، مغنی ، مطول ، معالم ، قوانین و لمعتین را نزد علما و مدرسین آنروز خواندم ؛ رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) را نیز خوانده و امتحان دادم .

در سال ۱۳۳۹ با اتمام کفایتین بمدت یکماه و نیم در درس خارج علمی و استدلالی آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی(ره) و نیز آیت الله اراکی(ره) شرکت کردم و همه مطالب را به عربی نوشته و مورد تشویق واقع شدم که متاسفانه در حملات ساواک به فیضیه ، در دوم فروردین ۱۳۴۲ از بین رفت .بعد از فوت آیت الله بروجردی (ره) در درس امام خمینی (ره) شرکت کردم . بعد از سه سال که تبعید ایشان به ترکیه و عراق پیش آمد ، به درس مراجع آن زمان آیات عظام گلپایگانی(ره) ، شریعتمداری(ره) ، حائری(ره) ، محقق داماد(ره) و میرزا هاشم آملی(ره) می رفتم. برخی از کتب آیت الله حکیم(ره) و آیت الله خوئی(ره) را استفاده و مطالعه می کردیم ؛ اسفار را نزد علامه طباطبائی (ره) خواندم و فلسفه تطبیقی را نزد آقای مهدی حائری(ره) و برخی دروس تکمیلی را نزد مراجع فعلی خواندم .

حسنی، کریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کریم حسنی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۲۰

زندگینامه علمی

در بیستم فروردین سال ۱۳۵۵ شمسی در زنجان متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در شهر زنجان مدرسه ابتدایی در مدرس سپری

نمودم. دوره راهنمایی را در مدرسه شهید رجائی و سپس به مدرسه حافظ منتقل شدیم و دوره راهنمایی نیز در همان شهر با موفقیت به اتمام رسید.

دوره دبیرستان در رشته علوم انسانی در مدرسه قدس شهر زنجان به پایان رسید و علیرغم موفقیت در کنکور دانشگاه طلبه شدم. و در حوزه علمیه زنجان از سال ۷۴-۷۳ به مدت چهار سال و یک نیمسال دوره ۶ ساله را تمام و موفق به کسب مدرک سطح یک حوزوی گشتم و سپس عازم شهر مقدس قم گردیدم. سپس سطح دو حوزه را در محضر اساتیدی چون : سید محمد نجفی ، حضرت آیت الله بوشهری مدیر حوزه علمیه گذراندم. بعد از اتمام دروس مکاسب و کفایه به درس خارج مشغول و از محضر اساتیدی بزرگ بهره مند شدم.

درس خارج اصول که توسط آیت الله سبحانی صبح ها از ساعت ۸ الی ۹ در مسجد اعظم برگزار می گردد، مشغول شدم و هر روز بعد از ساعت ۹ الی ۱۰ صبح در مسجد اعظم فقه را در محضر آیت الله مکارم شیرازی پرداختم و هم اکنون نیز ادامه دارد. در ورودی دانشگاهی در سال ۱۳۷۹ همزمان با ورود به قم در دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام قم قبول و به رشته تاریخ مشغول شدم. پس از اتمام ۱۳۶ واحد موفق به اخذ کارشناسی تاریخ از آن دانشگاه گردیدم. یادآور می شود که همزمان با دروس حوزه ای به دروس دانشگاهی که بعد ازظهرها برگزار می گردید مشغول بودم.

بعد از اتمام کارشناسی بلافاصله به فکر مقطع کارشناسی ارشد افتاده و در کنکور شرکت نمودم. ولی مجاز نشدم و از ورود به دانشگاه بازماندم. ولی سال بعد با لطف خداوند متعال کمر همت را بسته و مجددا در کنکور شرکت نموده و به حمد خداوند متعال موفق به ورود در دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام در رشته تاریخ اسلام مقطع کارشناسی ارشد گردیدم. هم اکنون هم دروس کارشناسی ارشد را باموفقیت سپری و در حال انتخاب موضوع برای پایان نامه می باشم.

حسین زاده، منصور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، روزنامه‌نگار.

تولد: ۴ بهمن ۱۳۲۰، بجنورد.

درگذشت: ۴ بهمن ۱۳۶۸، تهران.

منصور حسین‌زاده تحصیلات عالی خود را در دانشکده‌ی علوم ارتباطات اجتماعی به پایان رسانید. مدتی در مدارس شهرستان بجنورد به آموزگاری پرداخت. در سال ۱۳۳۵ برای معالجه‌ی بیماری کلیوی و پیوند کلیه راهی آمریکا شد و پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ به ایران بازگشت و در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشغول به کار شد. از سال ۱۳۶۲ در روزنامه‌ی «کیهان» مشغول شد و به کار روزنامه‌نگاری پرداخت. به عنوان یک روزنامه‌نگار و محقق با سرویس فرهنگی- هنری روزنامه «کیهان»، «کیهان بچه‌ها»، «کیهان فرهنگی» و «کیهان علمی» همکاری داشت و نتایج بخشی از مطالعات تحقیقی خود را نیز در شماره‌های مختلف «کیهان سال» ارائه کرد.

در آبان ماه ۱۳۶۸ به عنوان مأمور از روزنامه‌ی «کیهان» به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتقل شد تا به تلاش‌های مستمر خود برای نشریه‌ای تخصصی در زمینه‌ی روزنامه‌نگاری عینیت بخشد. وی در واقع بانی نشر فصلنامه‌ی مطالعاتی و تحقیقاتی در وسایل

ارتباط جمعی به نام «رسانه» شد که از سوی مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها پس از فوت وی از سال ۱۳۶۹ انتشار یافت.
از جمله آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان (این کتاب در دهمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران به عنوان کتاب برگزیده اعلام شد) و چاپ «قصه‌ی انسانها» در «کیهان بچه‌ها».
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی عربی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی حسینی عربی

محل تولد : ارومیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۵/۱۷

زندگینامه علمی

اینجانب سید مهدی حسینی عربی فرزند سید حسن در ۱۷ مرداد سال ۱۳۵۴ در روستای قلقاچی از توابع بخش انزل شهرستان ارومیه در یک خانواده مذهبی و اهل علم به دنیا آمدم. در سال ۱۳۵۷و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی همراه خانواده به شهرستان سلماس (آذربایجان غربی)نقل مکان نموده و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه شهید داهیم آن شهر در سال ۱۳۶۱ آغاز کردم. پس از سپری شدن دوران ابتدایی و سپس دوران راهنمایی در مدرسه شهید مطهری سلماس، بنا به علاقه خود برای شرکت در دروس حوزوی و نیز تشویق های پدر بزرگوارم که خود فردی روحانی و یک خطیب وارسته بود به حوزه علمیّه وارد شدم.
دروس اوّلیّه (سطح اول) را در مدرسه حضرت ولیعصر شهرستان بناب بین سالهای ۱۳۷۰-۷۵ گذراندم و از محضر اساتیدی چون آیه الله حاج شیخ عبدالمجید باقری بنابی و حضرات حجج اسلام خیریان، آتش زر، طباطبائی، اعلائی، و ... استفاده نمودم و پس از اتمام دروس سطح اول در مهر ماه سال۱۳۷۵ وارد حوزه علمیه قم شدم .
دروس سطح دو و سه حوزه را در مدرسه مبارکه فیضیه و مدرسه آیه الله گلپایگانی نزد اساتیدی چون : استاد تهرانی، علیدوست، خسروشاهی، عظیمی، اصغری، قریشی و... سپری کردم و پس از آن در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام سبحانی، شبیری زنجانی، فاضلی گلپایگانی و استاد مهدی هادوی تهرانی شرکت داشتم. در ضمن اشتغال به تحصیل در حوزه علمیّه هم زمان تحصیلات کلاسیک را نیز ادامه داده و مدرک دیپلم را از مدرسه شهید زین الدین قم اخذ کردم و سپس مقطع کارشناسی را در رشته تاریخ در دانشگاه باقرالعلوم قم به پایان رساندم و در خلال اخذ دیپلم و قبولی در دانشگاه، دوره تربیت مربّی کودک و نوجوان را در مرکز تربیت مربی دفتر تبلیغات گذرانده و نیز در دروس مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات در رشته تاریخ اسلام شرکت کردم.
پس از شروع به تحصیل در مقطع کارشناسی در دانشگاه، در بخش فرهنگ نامه مؤلفین اسلامی پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسطه به دفتر تبلیغات حوزه علمیّه قم به عنوان محقق مشغول به کار شدم و همزمان به عنوان عضو ثابت گروه تاریخ مهدویت مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) به کار تحقیق و تألیف پرداختم و با مراکزی چون :

مرکز مطالعات و پژوهشهای علمی حوزه علمیّه قم و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در بخش دانشنامه امام خمینی همکاری نمودم و در طی دوره تحقیق در این مراکز، چندین مقاله در موضوعات تاریخ اسلام و تاریخ مهدویت تألیف نموده و در تدوین فرهنگ نامه بزرگ مؤلفین اسلامی که به صورت گروهی در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت کار می شود حضور دارم که این پروژه هنوز ادامه دارد.

حسینی، خورشاه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۲ ق)، مورخ، معروف به ایلچی نظامشاه. ولادتش در ایران و شاید عراق عجم اتفاق افتاد، سپس به هند رفت. وی در دوران سلطنت برهان نظامشاه، فرمانروای احمد نگر، به دکن رفت و به آن پادشاه اختصاص یافت. در سال ۹۵۲ ق از جانب او به سفارت دربار شاه طهماسب در قزوین آمد. ایلچی نظامشاه یک سال و نیم در خدمت شاه طهماسب ماند و در رکابش به گرجستان و شروان رفت و خود نیز سفرهایی در ناحیه‌های ایران و از آن جمله به گیلان و مازندران کرد و تا سال ۹۷۱ در ایران سرگرم تالیف کتاب خود بود و چون به هند بازگشت، به دربار قطب شاهیان گلکنده پیوست و به خدمت ابراهیم قطب شاه درآمد و همان جا ماند. وی در گلکنده درگذشت. خورشاه مولف کتابی است در تاریخ عموی از آغاز تا زمان خود که به نام «تاریخ ایلچی نظامشاه» معروف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۵۹ -۱۶۵۴ /۵)، تاریخ در ایرن (۸۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۵۵/۱)، دایرۀالمعارف فارسی (۵۹۴/۱).

حقایق نگار خورموجی، جعفر

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۱ ق)، مورخ. در خورموج مرکز دشتی متولد شد و در زادگاه خود به تحصیل پرداخت. به شیراز و تهران مسافرت کرد و مورد تفقد و محبت ناصرالدین شاه قاجار قرار گرفت. وی در عراق عرب درگذشت. از آثار وی: «حقایق الاخبار ناصری»، در ذکر تاریخ قاجار؛ «آثار جعفری»، در جغرافی و تاریخ مختصر ایران و بعضی ممالک اروپا؛ «نزهه الاحبار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۴۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۷ -۲۸۶ /۲)، ریحانه (۵۴/۲).

حکمت، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مورخ، شاعر، مترجم.

تولد: ۱۲۷۱(۱۳۱۰ ق.)، تهران.

درگذشت: ۳ شهریور ۱۳۵۹، تهران.

علی‌اصغر حکمت فرزند احمد علی مستوفی (حشمت‌الممالک شیرازی) بود. اجداد وی از علمای شیراز بودند و از طرف مادر نیز نوه‌ی حسن فسایی نویسنده‌ی کتاب فارسنامه ناصری بود و جد او سید علیخان کبیر صاحب شرح صحیفه نام داشت.

علی‌اصغر حکمت تحصیلات علوم قدیم (مقدمات علوم و ادبیات فارسی و عربی) را در شیراز (در مدرسه‌ی علمیه و منصوریه) فراگرفت. سپس در تهران در دبیرستان کالج آمریکایی به تحصیل ادامه داد. در تاریخ ۱۳۳۷ ق. در وزارت معارف مشغول به کار شد. در سال ۱۳۴۶ ق. به وزارت دادگستری انتقال یافت و در سال ۱۳۰۹ به منظور تکمیل تحصیلات خود به فرانسه و انگلستان عزیمت کرد و از دانشگاه سربن پاریس در رشته‌ی ادبیات فارغ‌التحصل گردید و به تهران بازگشت.

مشاغل و فعالیت‌های وی به این شرح است: رییس بازرسی وزارت معارف، ۱۲۹۹؛ رییس اداره‌ی کل معارف، ۱۳۰۷؛ مأمور مطالعات در تعلیم و تربیت و قوانین ثبت اسناد در اروپا، ۱۳۱۲ -۱۳۰۰ (بازگشت به تهران در شهریور ۱۳۱۲)؛ کفیل وزارت معارف، ۱۳۱۲؛ وزیر فرهنگ، ۱۳۱۷ -۱۳۱۳؛ رییس دانشگاه تهران، ۱۳۱۷ -۱۳۱۴؛ وزیر کشور ۱۳۱۸؛ وزیر بهداری، ۱۳۲۰؛ وزیر دادگستری، ۱۳۲۲؛ رییس کمیسیون ملی یونسکو در ایران از سال ۱۳۲۵؛ وزیر مشاور؛ ۱۳۲۶ و ۱۳۳۲ وزیر امور خارجه، ۱۳۲۸ - ۱۳۲۷؛ استاد کرسی تاریخ مذاهب و ادبیات ایران در دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۹؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۹؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس عمومی یونسکو منعقد در فلورانس (۱۹۵۰) و دهلی نو (۱۹۵۶)؛ سفیر کبیر ایران در هند ۱۳۳۶ -۱۳۳۲؛ وزیر مختار در تایلند، ۱۳۳۵؛ وزیر امور خارجه، ۱۳۳۸ -۱۳۳۷؛ رییس هیئت مدیره انجمن آثار ملی، ۱۳۳۳ -۱۳۲۴؛ رییس هیئت مؤسسان انجمن آثار ملی و ریاست انجمن، ۱۲۴۴؛ از نخستین اعضای فرهنگستان ایران؛ بنیانگذاری مجله «تعلیم و تربیت» (این مجله از انتشارات وزارت فرهنگ بود و شماره‌ی اول آن در فروردین ۱۳۰۴ منتشر شد)؛ حکمت در بیست و یکم خرداد ۱۳۵۱ کتابخانه شخصی خود را شامل پنج هزار جلد کتاب چاپی، تعداد زیادی نسخ خطی و مجموعه‌های روزنامه (از زمان ناصرالدین شاه تا زمان معاصر) و مجموعه‌های کتاب‌های تفسیر و کتاب‌های مربوط به قرآن (از عربی و فارسی و انگلیسی و تعدادی مرقعات) به کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران اهدا کرد که در مخزنی به نام او نگاهداری می‌شود، شرکت در جلسات کانون دانش پارس (به هنگامی که وی برای تدریس و سخنرانی در دانشکده‌ی ادبیات به شیراز می‌آمد، به پیشنهاد علی سامی ریاست افتخاری کانون دانش به او واگذار شد)، شرکت گابیگاه در جلسات «شب‌های شیراز» در تهران.

از جمله نشان‌های اوست: نشان درجه اول وزارت فرهنگ، ۱۲۹۹؛ نشان لژیون دونور از دولت فرانسه؛ نشان درجه اول همایون، ۱۳۲۵؛ نشان درجه اول نیل از دولت مصر، ۱۳۱۸؛ نشان درجه‌ی اول الکوکب الاردنی از دولت هاشمی اردن؛ ۱۳۲۸، نشان درجه‌ی اول سردار اعلا از دولت افغانستان، ۱۳۲۹؛ نشان رسمی درجه‌ی اول از دولت‌های هلند، دانمارک، انگلستان، ژاپن و ایتالیا.

فهرست آثار او به شرح زیر است: امثال قرآن مجید (فصلی از تاریخ قرآن کریم، ۱۳۳۳)، حروف مقطعه‌ی قرآنیه یا فواتح صدور و فصلی از تاریخ قرآن (۱۳۳۱، نشریه مجله «مهر»)؛ تفاسیر بوعلی سینا از قرآن مجید؛ تصحیح و تحشیه کشف الاسرار و عدة الابرار خواجه رشیدالدین میبدی معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری؛ سعدی تا جامی (ترجمه‌ی جلد سوم دوره‌ی تاریخ ادبیات ادوارد براون، در منبع دیگر به این صورت از آن یاد شده است: ترجمه‌ی جلد سوم تاریخ ادبی ایران و در منبع دیگری آمده است: چهارمین جلد از تاریخ ادبیات ایران، (۱۳۲۷)؛ شادباش نوروزی (مجموعه اشعار، ۱۳۲۶)؛ پارسی نغز (مجموعه آثار پارسی سره از

نویسندگان ایران قدیم و جدید، ۱۳۲۳)؛ امین و مأمون (ترجمه عربی آثار جرجی زیدان)؛ پنج حکایت از شکسپیر (دو جلد، لاهور، ۱۹۵۷ م.)؛ پنج درام از شکسپیر (دو جلد، تهرن، ۱۳۳۳)؛ دوستداران وطن، تقویم معارف از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ (تحصحیح و تحشیه)؛ جام جهان نما؛ رساله‌ی قضایای عامه در «علوم طبیعی» ترجمه از انگلیسی؛ رساله در باب علیشیر نوایی (۱۳۲۶)؛ ایران در فرهنگ جهان (۱۳۲۶)؛ شعر معاصر؛ رستاخیز (اثر لئون تولستوی، ۱۳۳۹)؛ راه زندگی (اثر نیکلا حداد مصری، ۱۳۴۶ ق.)؛ شرح حال و منتخب جامی (ظاهرا همین کتاب با نام زندگی جامی شاعر ایرانی در سال ۱۳۲۰ هم به چاپ رسیده است)؛ مطالعاتی در باب حافظ (با عنوان دیگری: درسی از دیوان حافظ نیز به چاپ رسیده است، ۱۲۲۰ -۱۳۱۹)؛ مطالعه تطبیقی رومئو و ژوملیت با لیلی و مجنون نظامی (۱۳۱۷)؛ مقدمه و تحشیه و تصحیح مجالس النفائس علیشیر نوایی؛ رساله در احوال «اثر» پرشکفتی شاعر معروف فارسی؛ نقش فارسی بر احجار هند (کلکته، ۱۹۵۷ م.، چاپ دوم، تهران، ۱۳۳۸)؛ شکونتلا یا انگشتر گمشده (کالیداس، ترجمه، بمبئی، ۱۳۳۶)؛ نه گفتار در تاریخ ادیان (شیراز، نشریه دانشگاه، تهران، ۱۳۴۱)؛ الواح بابل (اثر ادوار شی‌یر، ۱۳۴۱)؛ اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب (۱۳۴۰، چاپ دوم)؛ اصول فن مناظره (۱۳۱۶)، افسانه دلپذیر (اثر ویلیام شکسپیر، ۱۳۲۱)، الف لیله و لیله (مقدمه کتاب به قلم حکمت، ۱۳۱۵)؛ گلزار حکمت جلد اول؛ مجله‌ی «تعلیم و تربیت»؛ مجله‌ی رسمی وزارت معارف از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۵. سخن حکمت شامل سه هزار و پانصد بیت از اشعار حکمت با مقدمه‌ی سید حسن سادات ناصری به خط نستعلیق ابراهیم بوذری، سرزمین هند (۱۳۳۷، نشریه‌ی ۵۱۵ دانشگاه تهران)، تاریخ ادیان، دیوان جامی (با مقدمه و تصحیح و اهتمام ایشان). گذشته از این مجموعه مقالاتی که به قلم وی در مجلات مختلف ایران منتشر شده و همه شامل مباحث ادبی و تاریخی است.

علی‌اصغر حکمت روز دوشنبه سوم شهریور ۱۳۵۹ برابرچهاردهم شوال ۱۴۰۰ ق. در تهران وفات یافت و در شیراز در مقبره‌ی خانوادگی در حضرت عبدالعظیم «باغ طوطی » به خاک سپرده شد.

فرزند احمدعلی خان حشمت‌الممالک است که در ۱۲۷۲ در شیراز تولد یافت. حشمت‌الممالک از مستوفیان شیراز بود. حکمت تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شیراز گذرانید و در رشته‌های ادبیات فارسی و عربی مطالعاتی نمود و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به تهران وارد شد و ضمن گذراندن مدرسه‌ی آمریکائی، تحصیلات ادبی و فقه و اصول را ادامه داد و نزد حکما و فقهاء درجه اول آن روز مانند مرحوم میرزا طاهر تنکابنی تلمذ کرد.

در ۱۲۹۷ وارد خدمات فرهنگی گردید و با نشر مقالات محققانه و تدریس زبان انگلیسی در مدارس متوسطه، کسب شهرت نمود و وارد فعالیت‌های سیاسی شد و با کمک عده‌ای از دوستان و همفکران خود، به زعامت علی‌اکبر داور حزب رادیکال را بنیانگذاری کردند. تا ۱۳۰۹ در وزارت معارف خدمت می‌نمود و مشاغلی مانند ریاست کارگزینی، بازرسی و اداره کل معارف را تصدی می‌نمود. در این سال به تشکیلات جدید داور در دادگستری وارد شد و پس از چندی برای مطالعه در امور قضائی و ثبتی به اروپا اعزام گردید.

حکمت در اروپا وارد دانشکده‌ی حقوق و ادبیات گردید و درجه‌ی لیسانس از هر دو رشته گرفت. مأموریت دیگر حکمت در اروپا، مطالعه در امر آموزش و پرورش دانشگاه بود. وی در این مدت تحقیقاتی درباره‌ی امر تعلیم و تربیت به عمل آورده و مرتباً گزارش آن را به تهران ارسال می‌داشت.

حکمت در شهریور ۱۳۱۲ به تهران احضار شد و در کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی ابتدا کفیل و بعد وزیر معارف و رئیس دانشگاه گردید. حکمت در کابینه‌ی جم نیز وزیر فرهنگ بود تا اینکه در شهریور ماه ۱۳۱۷ از خدمت معاف شد.

دوران پنج ساله‌ی وزارت فرهنگ علی‌اصغر حکمت را باید دوران تحول فرهنگی در ایران نام نهاد. تأسیس دانشگاه تهران، تأسیس دانشسراهای مقدماتی در سراسر کشور، برگزاری جشن هزاره‌ی فردوسی، تأسیس فرهنگستان ایران، بوجود آوردن پیشاهنگی و تغییر برنامه‌های مدارس به اصول تعلیماتی کشورهای خارج، ایجاد تحول در زبان و ادبیات پارسی، توجه به آثار باستانی و تشکیل

موزه‌ی ایران باستان و تربیت کادر آموزشی و انتشار نشریات سودمند و توجه به امر ورزش در مدارس، توسعه و تکمیل مدارس ابتدائی و متوسطه از جمله کارهای او بود.

حکمت پس از معافیت از وزارت فرهنگ، شش ماه بلاشغل بود تا اینکه در اسفند ۱۳۱۷ در ترمیم کابینه‌ی محمود جم، به وزارت کشور منصوب شد. در کابینه‌ی دکتر متین دفتری نیز سمت وزارت کشور را عهده‌دار بود. در خرداد ۱۳۱۹ بار دیگر از خدمت معاف گردید و به کار تحقیق و مطالعه پرداخت.

در ترمیم کابینه‌ی فروغی در سی‌ام شهریور ۱۳۲۰، حکمت وزیر بازرگانی و پیشه و هنر شد. در ترمیم دیگر کابینه‌ی فروغی، وزارت بهداری را بر عهده گرفت. در کابینه‌ی سهیلی نیز همچنان وزیر بهداری بود.

در ۱۳۲۲ در نخست‌وزیری دوم علی سهیلی، وزارت دادگستری بر عهده‌ی حکمت قرار گرفت. در کابینه‌ی قوام‌السلطنه در سال ۱۳۲۶ وزارت مشاور یافت. در کابینه‌ی ساعد در ۱۳۲۷ وزیر امور خارجه گردید و در دولت زاهدی وزیر مشاور بود. در ۱۳۳۷ در کابینه‌ی دکتر اقبال مجدداً وزیر امور خارجه شد و آنگاه به سفارت ایران در هند مأمور گردید. علی‌اصغر حکمت گذشته از اینکه پنج سال در سه کابینه وزیر فرهنگ و رئیس دانشگاه تهران بود، دو نوبت وزیر کشور، دو مرتبه وزیر امور خارجه، یک بار وزیر دادگستری، دو بار وزیر پیشه و هنر، دو بار وزیر بهداری، سه دفعه وزیر مشاور و یک بار سفیرکبیر بوده است.

حکمت در سال ۱۳۱۴ که وزیر فرهنگ بود، کشف حجاب را اجرا کرد و در روز ۱۷ دی ماه جشنی در دانشسرای عالی منعقد نمود و چادر و حجاب از سر عده‌ای از فرهنگیان برداشت و شاه نیز حجاب همسر و دختران خود را برداشته، در آن مجمع شرکت کرد. معلمین و دانش‌آموزان مجبور شدند در مدارس بدون حجاب شرکت نمایند و همین مسئله موجب اشاعه‌ی کشف حجاب گردید. اقدام حکمت در این مورد درخور سرزنش بسیار است. وی در کتابی به نام سی خاطره از عصر پهلوی، اقدام خود را در این زمینه نوشته است و نقش خود را در آن دوران به نمایش گذاشته است. پاداش حکمت در این خوشرقصی، این بود که از کفالت وزارتخانه به وزارت منصوب شد.

حکمت در دو نوبت وزارت امور خارجه‌ی خود دست به یک اقدام فرهنگی زد و آن انتشار مجله‌ی وزارت امور خارجه بود که مقالات تحقیقی و تاریخی زیادی در آن به چاپ می‌رسید و یکی از منابع مهم سیاست خارجی ایران می‌باشد. حکمت در اواخر عمر ریاست یکی از مدارس عالی را بر عهده داشت. وی در جوانی با خواهر سردار فاخر حکمت ازدواج کرده و صاحب سه دختر شد.

او از روز تأسیس دانشگاه تهران، یکی از اساتید و مدرسین دانشکده‌ی ادبیات و علوم معقول و منقول بود و پیوسته با داشتن مشاغل سیاسی، دقیقه‌ای از حضور در سر کلاس غفلت نمی‌ورزید.

دارای تألیفات و تحقیقات بسیاری است که قسمتی از آن به چاپ رسیده است. ترجمه و تحشیه‌ی تاریخ ادبیات ایران تألیف پروفسور ادوارد براون تحت عنوان از سعدی تا جامی- پارسی نغز، سرزمین هند، نه گفتار در تاریخ ادیان، دو تفسیر یکی از ابوالفتوح رازی و دیگری از خواجه عبداللّه انصاری در ده مجلد است. تاریخ ادیان هم از دیگر تألیفات اوست.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حکیم، منذر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید منذر حکیم

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

بسمه تعالی تولد : ۲۹ شوال ۱۳۷۲ هجری قمری (۲۰/۴/۱۳۳۲ش) کربلاـ ورود به حوزه علمیه : ۱۳۴۹– ۱۳۵۳ ش ، نجف اشرف (مقدمات ، سطوح ، خارج) ۱۳۵۳– ۱۳۷۲ش ، قم (خارج) اساتید مقدمات و سطوح : آیهٔ الله شهید سید اسد الله مدنی ، آیهٔ الله سید محمود شاهرودی ، آیهٔ الله شیخ ابوالفضل (علی) اسلامی قزوینی ، آیهٔ الله شیخ بشیرحسین نجفی ، آیهٔ الله سید نور الدین اشکوری و حجهٔ الإسلام شیخ محمد سعید نعمانی ، شهید حجهٔ الإسلام شیخ ماجد بدراوی ، آیهٔ الله سید محمد تقی طباطبائی تبریزی ، آیهٔ الله میرزا حبیب الله اراکی ، آیهٔ الله شیخ مرتضی اشرفی شاهرودی ، آیهٔ الله سید حسن مرتضوی ، استاد شهید سید عبد الصاحب حکیم ، آیهٔ الله شیخ ابوالحسن انواری زنجانی ، آیهٔ الله شیخ مصطفی اشرفی ، آیهٔ الله سید کاظم الحائری ، آیهٔ الله سید محمد مفتی الشیعهٔ ، استاد شیخ غلامرضا عرفانیان ، آیهٔ الله شیخ علی کاتبی مرندی ، و آیهٔ الله فرخنده تبریزی ، استاد شیخ عباس طبرسی مازندرانی آیهٔ الله شیخ محمد امین زین الدین ، حجهٔ الإسلام دکتر شیخ محمد باقر مقدسی . اساتید اخلاق : آیهٔ الله شهید سید اسد الله مدنی ، استاد شهید سید عبد الصاحب الحکیم ، استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی ، استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی ، شیخ عبد الحسین واعظ خراسانی ، آیهٔ الله شیخ ابوالفضل (علی) اسلامی قزوینی . اساتید تفسیر : استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی ، شیخ عباس طبرسی مازندرانی ، آیهٔ سید حسن مرتضوی ، آیهٔ الله شیخ بشیرحسین النجفی ، آیهٔ الله خزعلی ، آیهٔ الله جوادی آملی . خارج اصول در محضر آیات عظام : آیهٔ الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی ،آیهٔ الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر ، آیهٔ الله العظمی شیخ حسین وحید خراسانی ، آیهٔ الله العظمی ناصر مکارم شیرازی ، آیهٔ الله العظمی میرزا هاشم آملی ، آیهٔ الله العظمی سید کاظم حائری ، آیهٔ الله العظمی سید محمد مفتی الشیعهٔ اردبیلی . مباحث خارج فقه در محضر محضر آیات عظام : امام خمینی (ره) ، شهید سید محمد باقر صدر ، سید علی سیستانی ، میرزا کاظم التبریزی ، شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی ، میرزا جواد آقای تبریزی ، شیخ حسین وحید خراسانی ، سید کاظم حائری را درک نمودم . تدریس : تمام دروس مقدمات ، کتب سطوح اولیه و سطوح عالیه حوزوی ، خارج تاریخ و علوم تاریخ ، علوم قرآن و تفسیر ، علوم تربیتی و اخلاق ، فلسفه و کلام ، مباحث جامعه شناسی کلیه دروس معارف در دانشگاه در مقاطع مختلف تحصیلی استاد مشاور و راهنمای و داور در بسیاری از رساله های علمی در مرکز جهانی علوم اسلامی و (جامعهٔ المصطفی العالمیهٔ) ، حوزه علمیه قم ، جامعهٔ الزهراء ، مرکز مدیرت خواهران ، جامعهٔ آل البیت (ع) ، مؤسسه پژوهشی امام خمینی (قدس) . برخی تحقیقات و تألیفات : – المرشد الی تعلیم قراءهٔ القرآن الکریم – اصول عقائد (در دو سطح مقدماتی) – نگاهی به سر فصل ها و متون دروس معارف اسلامی در دانشگاهها – ترجمه ی اصول فلسفه و روش رئالیسم ج ۱ – تحقیق فقه معالم الدین – تحقیق رساله لاضرر شیخ انصاری – تحقیق مقالات الأصول (محقق عراقی) – تاریخ تطور فقه و أصول در مکتب أهل بیت (ع) – حیاهٔ الإمام شرف الدین – عصر الإمام شرف الدین – قراءهٔ فاحصهٔ فی تراث الإمام شرف الدین – عصر الإمام البلاغی – قبسات من حیاهٔ شهید المحراب السید محمد باقر الحکیم – تاریخ عصر غیبت باهمکاری پور سید آقایی – درسنامه عصر غیبت – تاریخ عصر غیبت کبری – النظریهٔ الإجتماعیهٔ فی فکر الشهید السید محمد باقر الصدر (جامعه شناسی قرآنی) – موسوعهٔ أعلام الهدایهٔ (۱۴ جلد) – فی رحاب أعلام الهدایهٔ (۵ جلد) – موسوعه " تأریخ الإسلام (۴ جلد) – قبسات من سیرهٔ القادهٔ الهداهٔ (۲جلد) – دروس تمهیدیهٔ فی تأریخ و سیرهٔ قادهٔ الهداهٔ (۲ جلد) – فی رحاب سید المرسلین الرسول المصطفی (ص) برخی طرح های علمی : – نظریه ی اخلاقی اسلام – مبانی نظریه و نظام اخلاقی اسلام – طرح تاریخ و علوم تاریخ

در قرآن کریم - طرح پیشنهادی آموزش در مقطع إجتهاد - مبانی و زمینه ها و شیوه ایجاد تحول در حوزه ها ی علمیه - برنامه آموزشی پیشنهادی برای حوزه های علمیه بر محوریت قرآن کریم برخی مسؤولیت ها : مدیریت سازمان تبلیغات اسلامی خوزستان مدیریت حوزه های علمیه اهواز و دزفول مدیریت پژوهش در : مجمع جهانی اهل بیت (ع) ، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (بخش عربی) مدیریت برنامه ریزی و آموزش در : سازمان تبلیغات اسلامی خوزستان مجمع اندیشه اسلامی مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران و... مدیریت اولین دوره ی تربیت محقق در مؤسسه ی دائرهٔ المعارف فقه اسلامی مدیریت گروه فقه خانواده در جامعهٔ المصطفی العالمیهٔ مدیریت گروه فقه در دانشگاه مجازی المصطفی

حمادراویه، ابوالقاسم

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۵۶/۱۵۵ -۹۵ ق)، مورخ، لغوی و شاعر. اصلش از دیلم بود. در عهد بنی‌امیه در کوفه می‌زیست. وی در عصر خود، در روایت اشعار و اخبار و وقایع از مشاهیر طراز اول بود. او باید ولید بن یزید و مهدی عباسی مجالست داشت و برای ولید اشعار نیکو می‌سرود. او همچنین دارای حافظه‌ای قوی بود، به طوری که روزی چندین قصیده از قصاید جاهلی را بدون آنکه کلمه‌ای از کلمات شعای اسلام در آن باشد، برای خلیفه می‌خواند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۲ -۳۰۱ /۲)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۸۲، ۱۱۳/۱۶۰ -۱۴۲)، دایرةالمعارف فارسی (۸۶۴/۱)، روضات الجنات (۲۳۷ -۲۳۵ /۳)، ریحانه (۲۹۹ -۲۹۸ /۲)، سیرالنبلاء (۱۵۸ -۱۵۷ /۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۵۵ -۱۵۴)، الکنی و الالقاب (۲۷۰ -۲۶۹ /۳)، لسان المیزان (۶۶۴ -۶۶۲ /۲)، لغت نامه (ذیل/ حماد بن شاپور)، معجم الادباء (۲۶۶ -۲۵۸ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۴۲ -۱۳۷ /۱۳)، وفیات الاعیان (۲۱۰ -۲۰۶ /۲).

حمزه‌ی اصفهانی، ابوعبداللّه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۶۰/۳۵۰ -۲۷۰ ق)، مورخ و ادیب. در اصفهان تولد یافت. مدتی در طلب علم سفر کرد و اکثر ایام عمر را در زادگاهش گذراند. اگرچه، غالبا به عنوان یک مورخ مشهور نام برده می‌شود اما، وی بیشتر به ادب و لغت توجه داشته است. مشهورترین اثر وی «سنی ملوک الارض و الانبیاء» است، که نمایانگر تفکر شعوبی نویسنده می‌باشد. چه، نامهای ایرانی را به صورت اصلی آن نگاشته است، حال آنکه اغلب مورخان آنها را معرب کرده‌اند. دیگر آثار وی: «التنبیه علی حدوث التصحیف»؛ «کبار البشر»؛ «الامثال»؛ «تاریخ اصفهان».[۱]

اصفهانی، ابوعبداللّه بن حسن (و. حدود ۲۷۰- ف. حوالی ۳۶۰ -۳۵۰ ه.ق.) وی مؤلف کتاب سنی ملوک الارض و الانبیاء (سنی ملوک...)، کتاب التصحیف، کتاب کبار البشر و کتاب المثال است که همه آنها در دست است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۰۹/۲)، اعیان الشیعه (۲۴۰/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۳/۱)، تاریخ در ایران (۳۵ -۳۴)، دایرةالمعارف فارسی (۸۶۶/۱)، الذریعه (۲۶۵/۱۷، ۲۸۸ -۲۳۳ /۳)، ریحانه (۱۴۳/۱)، سرآمدان فرهنگ (۳۲۱/۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۸۵، ۱۱۷ -۱۱۶)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۳۰)، کشف الظنون (۱۴۶۴، ۳۰۱، ۲۸۲، ۱۶۸)، لغت نامه (ذیل/ حمزه)، معجم الادباء (۱۳۶ -۹۴ /۱۳)، معجم المولفین (۷۸/۴)، هدیه العارفین (۳۳۶/۱)، یادداشتهای قزوینی (۱۶۳/۴).

حویزی، فرج اللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۰۰ -۱۰۳۱ ق)، متکلم، مفسر، ادیب، شاعر و مورخ امامی. از مردم حویزه خوزستان بود و معاصر با شیخ حر عاملی. وی در بیشتر علوم روزگار خویش دست داشت و تالیفاتش دامنه‌ی گسترده‌ای داشت. اکثر رجال‌نویسان او را به داشتن فضل ستوده‌اند. از آثار وی: «ایجاز المقال فی معرفه الرجال» درباره‌ی رجال، در دو مجلد؛ «تذکره العنوان» که به پیروی «عنوان الشرف» شرف‌الدین اسماعیل یمنی است، در نحو و منطق و عروض؛ «التفسیر»؛ «الغایه»، در منطق و کلام؛ «الصفوه»، در اصول؛ شرح «خلاصه الحساب» شیخ بهایی؛ «المناسک الشاهوردیه»، در فقه؛ «دیوان» شعر؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «تاریخ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۱/۵)، اعیان الشیعه (۳۹۵/۸)، ایضاح المکنون (۴۹۹، ۲۷۵ /۱)، الذریعه (۲۷۶/۲۲، ۸۱۸/۹، ۴۸۷/۲)، روضات الجنات (۳۴۱ -۳۹۹ /۶)، ریاض العلماء (۳۳۷/۴)، ریحانه (۹۴/۲)، فوائد الرضویه (۳۴۹)، لغت نامه (ذیل/ فرج اللّه)، معجم المولفین (۵۹/۸)،هدیه العارفین (۸۱۶/۱).

حیدری نیک، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید حیدری نیک

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره های ابتدایی ، راهنمایی و دبیرستان را در دبستان ثقفی ، مدرسه راهنمایی مترجم الدوله و دبیرستان ابوریحان تهران گذراندم و مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی درسال ۵۷ دیپلم ریاضی فیزیک را از همان دبیرستان اخذ و در دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی کنونی) در رشته کامپیوتر نیز قبول شدم . با تعطیلی دانشگاه ها و همزمان با آغاز جنگ تحمیلی ، در سنگر جبهه ها مشغول فعالیت شدم . در سال ۱۳۶۰ همزمان در دو جبهه فرهنگی (معلمی) و رزمی (جبهه ها) فعالیت می کردم . تا سال ۶۳ در آموزش و پرورش

منطقه ۱۳ تهران به تدریس اشتغال داشته و پس از حضور یک دوره سه ماهه در جبهه و بازگشت از آنجا در پائیز ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم ، مدرسه رضویه شدم . از سال ۶۳ تا ۶۶ علاوه بر مدرسه رضویه از اساتید مدرسه امام و مدارس دیگر نیز استفاده می کردم و در نهایت دروس مقدمات ، سیوطی ، حاشیه ، مغنی ، معالم و مختصر را از اساتیدی چون حجج اسلام حسینی ، عرفان ، طالقانی ، هادوی ، کدیور ، صالحی و مدرس افغانی استفاده کردم .

از سال ۶۶ تا ۷۰ لمعه ، اصول فقه ، رسائل ، مکاسب و کفایتین را از اساتیدی چون حجج اسلام : صلواتی ، محمدی ، هادی زاده ، پایانی ، اعتمادی ، شب زنده دار ، محقق داماد ، استادی ، تهرانی و محسن وحیدی خراسانی بهره بردم . از سال ۷۰ به مدت ده سال درس خارج فقه و اصول را از آیات عظام فاضل لنکرانی ، وحید خراسانی ، تبریزی ، مکارم شیرازی و مومن تلمذ کرده ام . در ضمن درس تفسیر قرآن را هم از سال ۷۰ تا ۷۴ از استاد آیت الله جوادی آملی استفاده کردم . از سال ۷۲ تا کنون به عنوان مدرس در دانشگاه های آزاد اسلامی واحد تهران و مرکز شاهد تهران مشغول تدریس معارف و متون و اخلاق و تاریخ و ریشه های انقلاب اسلامی بوده ام . همچنین از سال ۸۰ تا ۸۲ در مرکز تخصصی مهدویت به عنوان اولین دوره شرکت داشتم و از سال ۸۲ تا کنون در همان مرکز به عنوان مدرس دروس حکومت دینی و تاریخ تحلیلی اسلام مشغول تدریس هستم . به علاوه در همان مرکز با همکاری تعدادی از دوستان ، فصلنامه انتظار را انتشار دادیم و هم اکنون نیز جزء شورای نویسندگان در نشر این فصلنامه فعالیت می کنم . افزون بر این در همین مرکز در زمینه ترویج فرهنگ مهدوی به خصوص در نیمه شعبان و ۹ ربیع دراعزام های مختلف به تبلیغ و پاسخ به شبهات پرداخته ام .

از سال ۷۲ تا کنون نیز در همکاری با نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها به مراکز دانشگاهی مختلف کشور از قبیل دانشگاه جامع هرمزگان ، پزشکی بندر عباس ، بین المللی و پزشکی قزوین ، میرزا کوچک خان رشت ، خواجه نصیر الدین طوسی و علامه طباطبایی ، علوم بهزیستی تهران و ... اعزام و به تبلیغ و پاسخگویی به شبهات پرداخته ام . از سال ۷۶ تا کنون به همراه عده ای از دوستان به شکل تحقیقی و کار گروهی در زمینه تفسیر قرآن و نهج البلاغه و فقه و اصول مشغول فعالیت هستم .

در زمینه نشر فرهنگ شیعه درزمینه نویسندگی نیز فعالیتم را از سال ۷۰ تا کنون شروع کرده ام . ابتدا در ماهنامه آزادگان شرح حال فرزانگان و دانشمندان شیعه را نوشته و بعد در روزنامه کیهان به همین کار ادامه دادم و سپس در نشریه های دانشجویی به نشر دیدگاه های خود ادامه دادم . تا اینکه در سال ۸۰ با همکاری عده ای از دوستان در مرکز تخصصی مهدویت به انتشار فصلنامه انتظار مشغول شدم و در بعضی از شماره های این نشریه پیرامون فرهنگ مهدوی مقالاتی را به رشته تحریر درآوردم . هم اکنون چند کتاب پیرامون صلح امام حسن (ع) ، پیشینه تاریخی انتظار ، تاریخ تحلیلی اسلام در دست نگارش دارم که انشاء الله بزودی کار انتشار آن ها به پایان می رسد .

حیدری نیک، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود حیدری نیک

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم در تهران ، ابتدا یکسال به صورت متفرقه در سال ۶۳ در حوزه آیت الله مجتهدی تهران و سپس در سال ۶۴ با ورود به حوزه رسماً دروس حوزوی را شروع کردم . سه سال مقدمات را در مدرسه مبارکه رضویه گذراندم سپس دروس اصول فقه و لمعه و مکاسب را نزد اساتید معزز ، آقایان محمّدی خراسانی ، اشتهاردی ، اعتمادی و پایانی گذراندم ؛ کتاب کفایه را نزد آقایان محسن وحید خراسانی و تهرانی تلمّذ نمودم . از سال ۷۱ دروس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات مکارم شیرازی ، وحید خراسانی ، جواد تبریزی و فاضل لنکرانی خواندم.

از ابتدای ورود به حوزه و حتی قبل از آن به کتب تاریخی علاقه خاصی داشتم و بدین سبب مطالعاتی داشتم ؛ با همین علاقه در سال ۷۱ با همکاری صدا و سیما و حزب الله در قم در قسمت تاریخ مقالاتی را نوشتم . زندگینامه بزرگانی همچون شیخ مفید که بعنوان سیمای فرزانگان صبح های جمعه از رادیو پخش می شد کار همان زمان می باشد . همچنین زندگینامه آقای رضا همدانی و مرحوم نراقی و محقق داماد نیز نوشته شد . سپس در سال ۷۷ اینجانب بعنوان مسئول گروه تاریخ مرکز جهانی علوم اسلامی شدم. در سال ۷۸ تا ۸۰ نیز بعنوان مسئول گروه تاریخ اسلام مدرسه امام خمینی در خدمت دوستان بودم . سال ۷۹ به همّت گروهی از پژوهشگران حوزه تاریخ ، انجمن پژوهشگران تاریخ حوزه علمیه قم را تأسیس کردیم که سپس بعنوان اوّلین انجمن علمی به رسمیت شناخته شد و اینک نیز جزء هیئت مؤسس آن می باشم .

بعنوان کار تحقیقاتی تلاش شده که فعلاً مقالات و جزوات جمع آوری شود و در حد بضاعت در تکمیل آن بپردازم حکومت از دیدگاه نهج البلاغه ، تاریخ در روایات ، مشکلات حکومت حضرت علی (ع) از مقالاتی است که تهیه شده است . پژوهش حکومت از دیدگاه نهج البلاغه بعنوان پایان نامه سطح سه حوزه اینجانب بود که تحت نظر استاد راهنما جناب حجت الاسلام آشتیانی در سال ۸۲ دفاع شد (در حوزه) . سال ۱۳۷۳ با گزینش امور اساتید نهاد رهبری بعنوان استاد به دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی معرفی شدم و تا سال ۷۸ در دروس معارف ، تاریخ اسلام ، متون و اخلاق تدریس نمودم.

سال ۷۸ بعنوان استاد در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات ، تاریخ اسلام تدریس نمودم . از سال ۷۸ تا کنون در مدرسه علمیّه امام خمینی (ره) بعنوان استاد تاریخ اسلام مشغول تدریس می باشم . سال ۷۶ تا ۷۸ نیز بعنوان مسئول قسمت پاسخگویی به سئوالات کتبی مؤسسه در راه حق ، مشغول خدمت بوده ام .

خاتون آبادی، عبدالحسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میر محمّد باقر بن شاه مراد، عالم فاضل، محقّق مورّخ، از شاگردان ملاّ محمّد تقی مجلسی و ملاّ محمّد باقر سبزواری است. در شعبان ۱۰۳۷ متولّد، و در ۱۰۹۷ یا ۱۱۰۰ وفات یافته، در مزار بابا رکن الدین مدفون گردید.

کتب زیر از اوست: ۱- شرح بر شاطبیّه، در علم تجوید ۲- شرح بر شافیه ی ابن حاجب ۳- وقایع السنین و الاعوام، مشهورترین تألیفات اوست. ۴- ترجمه ی رساله ی شهید ثانی در معنی ایمان «حقایق الایمان» و نسخه آن نزد نگارنده موجود است. تاریخ

ترجمه: دوشنبه سلخ جمادی الاولی ۱۰۹۸.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خادمیان، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس خادمیان

محل تولد : زرین شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس خادمیان متولد سال ۱۳۴۷ شهرستان زرین شهر اصفهان در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه امام خمینی زرین شهر شده و بعد از طی دوران مقدمات و بخشی از سطح عازم حوزه علمیه مقدسه قم شدم که بعد از اتمام سطح حدود ۵ سال در درس خارج اصول و فقه آیات عظام سبحانی و مکارم حفظهما الله شرکت داشته و همراه آن موفق به گذراندن دوره تخصصی کلام موسسه امام صادق (ع) گشته و بعد از آن دوره تخصصی مهدویت بنیاد مهدی موعود (عج) را طی کردم. و به دنبال آن موفق به دریافت پایان نامه سطح چهار حوزه در موضوع جهانی شدن و مهدویت گردیده ام و به همین جهت اکثر پژوهشها و مقالات در همین راستا چینش شده است. و در کنار پژوهش و تحصیل در سال ۱۳۸۱ موفق به گرفتن مجوز تدریس در گرایش معارف و تاریخ اسلام از نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها شده ام که به دنبال آن مشغول خدمت در امر تدریس در دانشگاههای مختلف از جمله آزاد اراک و آشتیان و تحصیلات تکمیلی جامعه الزهراء قم شده ام و فعلا در کنار تحصیل و پژوهش، عضو هیئت علمی موسسه آینده روشن(در موضوع مهدویت) می باشم. در ضمن سابقه تبلیغ بیش از ۲۰ سال در طرح هجرت و دانشگاه و شهرهای گوناگون را دارم. ضمناً دوره تخصصی مذاهب اسلامی را هم در سال ۱۳۷۸-۸۱ گذرانده ام و همین طور دوره تربیت کودکان را، به همین جهت اکثر ارتباط تبلیغی در سطوح جوانان انجام پذیرفته است.

خاکی شیرازی، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۲ ق)، مورخ. از اهالی شیراز بود که به هندوستان رفت و منصب بخشی از گجرات به او تعلق گرفت، سپس جهانگیر شاه ریاست دیوان صوبه‌ی بهار را به او سپرد. سرانجام در تپنه درگذشت. از آثار او: «منتخب التواریخ» یا «احسن التواریخ»، در تاریخ عمومی که تا وقایع سال ۱۰۲۱ ق را در آن ضبط کرده است. در تذکره‌های «نشتر شق» و «صبح گلشن» از شخصی به نام حسن

بیگ، متخلص به خالی نام برده شده است که او نیز در زمان جهانگیر پادشاه صوبه‌دار بهار بوده و در نظم و نثر عربی و فارسی دستی داشته و در سال ۱۰۲۱ ق درگذشته است. احتمال می‌رود که این دو تن یکی باشند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۱۷ -۱۷۱۶ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۵۸ -۳۵۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۰۳/۲)، الذریعه (۳۸۹/۲۲، ۲۸۹/۹)، صبح گلشن (۱۵۰ -۱۴۹)، نشتر عشق (۵۳۴/۲).

خانجانی، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم خانجانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن دوره متوسطه در شهر تهران در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه چیذر تهران شده و تحصیل علوم دینی را در این حوزه آغاز نمودم و تا سال ۱۳۷۱ در این حوزه اشتغال داشتم و پس از آن برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از گذراندن امتحانات و مراحل قانونی در سال ۱۳۷۲ درس خارج را با درس آیت الله مکارم شیرازی و مدتی درس آیت الله سبحانی آغاز نمودم. در سال ۱۳۷۲ همراه با درس خارج در دوره کارشناسی ارشد تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در رشته تاریخ شرکت کردم و در سال ۱۳۷۹ از این دوره فارغ التحصیل و از پایان نامه خود دفاع نمودم. در طول این سال از محضر مبارک برخی اساتید حوزه چون حضرات آیات میرزا جواد آقا تبریزی و آیت الله وحید نیز بهره بردم و درس خارج آیت الله وحید و آیت الله مکارم را همچنان ادامه می دهم.

خدادادیان، اردشیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تاریخ از ایران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ تمدن و فرهنگ ایران باستان، استاد کلیه دروس در این زمینه در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد، استاد خطوط و زبانهای ایران باستان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ ایران و جهان، کرونولوژی تاریخ جهان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران باستان، زبانهای ایران باستان، کرونولوژی تاریخ جهان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خرسندی شیرازی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به خرسندی. اصل وی از کازرون بود اما، در شهر شیراز متولد شد. در سال ۱۲۵۹ ق به قصد زیارت مشهد وارد تهران شد و در خدمت محمد شاه قاجار به شاهنامه‌خوانی شاه و پیشخدمتی عباس میرزا منصوب گشت. در آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه به امر میرزا محمدتقی‌خان فراهانی به وقایع‌نگاری کرمان مامور شد. چندی در این خدمت باقی بود، بعد وی را وکیل وظایف اهل اصفهان کردند. وی در پایان عمر کور شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۳۸ -۴۳۵ /۲)، الذریعه (۲۹۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۰۴)، مجمع الفصحا (۲۴۵ -۲۴۳ /۴)، مرآت الفصاحه (۱۹۰ -۱۸۹).

خلفه نیشابوری، احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، مورخ. وی فرزند ملخص و مترجم «تاریخ نیشابور» است. خلیفه در ترجمه و تلخیص پدر خود دست برده و بعضی از

وقایع سده نهم را نیز وارد کرده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۸۳)، تاریخ نیشابور (۴۷ -۴۳).

خوافی، فصیح الدین احمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فصیح الدین احمد خوافی مشهور به فصیح در سال ۷۷۷در خانواده جلال الدین محمد خوافی که از دیوانیان دیوان استیفای تیموریان ، بوددر هرات به دنیا آمد و منشی گری و خطاطی را نزد پدر آموخت و آغاز ،به شاعری در او شکوفا شد . او که از سن نوجوانی شغل دیوانی را آغاز کرده بود ، از سال ۸۱۸ از خدمت در دیوان علاءالدین علی ترخانی به دیوان شاهرخ بهادر و بایسنقر میرزا منتقل شدو تا سال ۸۳۶ به کار خود ادامه داد .در آن سال وی مورد خشم سلطان شاهرخ و همسرش گوهر شاد خانم قرار گرفت و محبوس شد. تا اینکه در سال ۸۴۵آزاد و کتاب تاریخی خود را تحت عنوان «مجمل فصیحی »را به رشته تحریر در آورده و به سلطان تقدیم کرد و اندکی بعد در گذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : خاندان فصیح الدین احمد خوافی اصلا از خواف خراسان بوده اند اما در زمان تولد فصیح ،در هرات می زیستند از این رو فصیح در کتابش ،خود را هروی می داند.پدرش جلال الدین نیز در هرات شغلی دیوانی داشت و درسال ۷۹۶وفات یافت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فصیح الدین احمد خوافی پس از آموختن فنون دیوانی از جمله ترسل؟؟؟ وخوشنویسی در نزد پدر ، عهد ه دار خدمات دیوانی شد.

وقایع میانسالی : فصیح الدین احمد خوافی همانند پدر خود از نوجوانی به خدمات دیوانی مشغول شد، او در سال ۸۰۷ پس از جلوس شاهرخ بجای امیر تیمور گورکانی در خراسان ، به همراه سه تن از امرای دیگر مامور تحویل گرفتن خزانه خاصه شاهرخ در سمرقند بود ، شد. وی در این هنگام سی ساله بود . وی درهمان سال برای ماموریتی اداری به زاوه سفر کرد . از سال ۸۱۸ هجری قمری از خدمت در دیوان علاءالدین علی ترخان به ملازمت دیوان شاهرخ در آمد و در عین حال در دربار بایسنقر پسر شاهرخ نیز مشغول بود . اما در سال ۸۳۶ معزول و محبوس شد تا اینکه در سال ۸۴۵ آزاد ودوباره استخدام شد و مدتی بعد درگذشت .

زمان و علت فوت : بعد از سال ۸۴۵ از فصیح الدین احمد خوافی که در آن زمان ۶۸ ساله بود خبری در دست نیست . بعید نیست که فوت او هم در نزدیکی همین سال بوده باشد. زیرا کتاب وی باخبر بار یافتن وی به حضور سلطان شاهرخ در سال مذکور پایان یافته است . چرا که بعید است که از این در تکمیل رساله نامه خود که البته با حوادث مهم ۵ سال آخر سلطنت سلطان شاهرخ (تا سال ۸۵۰) مقارن گشته بود ،دریغ می کرد

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فصیح الدین احمد خوافی بعنوان کار گزار امور دیوانی در خدمت وابسته گان قسمت مرکزی تیموریان ،یکی از مامورین تحویل گرفتن خزانه خاصه شاهرخ در سمرقند و رئیس مالیات و محاسب خزانه دولتی (۸۰۷)،کارگزار دیوان علاءالدین علی ترخان (تا سال ۸۱۸ ه .ق)کارگزار و مقامات؟؟؟؟دیوان شاهرخ و بایسنقر (۸۳۶-۸۱۸) در درگاه تیموریان

مشغول به کار بوده است.همه عمر وی به خدمت در دیوان استیفای سپری شده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فصیح الدین احمد خوافی شاعر بود و در شعر خود ،که نمونه هایی از آن را در کتاب خود ثبت نموده است ،به « فصیح » تخلص می کرده است . --

آثار :

۱ مجمل فصیحی

ویژگی اثر : کتابی است شامل وقایع نگاری سالنگارانه که با رعایت اختصار از کتابهای موثق دست چین شده است یا از یادداشتهای مولف از وقایعی که به چشم دیده است .این کتاب در یک مقدمه و در دومقاله و خاتمه تنظیم شده است بدین شرح مقدمه از هبوط آدم تا ولادت پیغامبر اسلام ،مقاله اول از ولادت پیغامبر تا زمان هجرت ،مقاله سوم از آغاز هجرت تا پایان سال ۸۴۵ ه.ق خاتمه کتاب نیز درباره برخی احوال هرات در سالهای پیش از هجرت است . روش تاریخ نگاری فصیح آن است که هر ضرر را با کمترین کلمات به کوتاه ترین شکل در ضمن وقایع هر سال ضبط کند و بنا بر این عبارات منشیانه در آن بسیار کم و نادر است . اما کتاب از حیث جمع آوری اخبار و اشتمال بر اطلاعات بسیار و آسانی یافتن آنها را ،اثری سودمند است . نشر کتاب ساده و خلاصه و گاهی همراه با اشعاری فارسی و عربی است و فقط دیباچه ای شاعران یاد شده است . فصیحی کتاب خودرا در ۱۵ ذیحجه ۸۴۵ به سلطان شاهرخ بهادر تقدیم کرده است . --

منابع :

۱صفا ،تاریخ ادبیات در ایران ،ج ۴ ،ص ۴۹۶۲نفیسی ،تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی ،ج ۱ ،ص ۲۳۸

خواند میر، غیاث‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۸۸۰/۸۸۱ وف ۹۴۲ -۹۳۷ ق)، مورخ. وی در شهر هرات ولادت یافت و در همان شهر به تحصیل علوم متداول زمان یعنی طب، تفسیر، شعر، ادب، لغت و تاریخ کمالات پرداخت. غیاث‌الدین نواده‌ی دختری میرخواند، صاحب «روضه الصفا» ست که در بیشتر آثارش از وی یاد می‌کند. خواندمیر در جوانی به دربار سلطان حسین بایقرا راه یافت و مورد توجه و محبت امیرعلیشیر نوایی قرار گرفت و مدتی عهده‌دار وزارت بدیع‌الزمان پسر سلطان حسین بود. وی در سال ۹۳۵ ق به هندوستان سفر کرد و در آنجا مدتی خدمت بابرشاه و همایون‌شاه کرد. در هندوستان درگذشت و بنا به وصیتش در دهلی نزدیک قبر نظام‌الدین اولیاء و امیرخسرو دفن شد. در تاریخ وفات وی اختلاف نظر است، عده‌ای مثل خان بابا مشار و صاحب «تاریخ فرشته» سال مرگ وی را ۹۳۷ ق و ۹۴۱ ق دانسته‌اند ولی، استاد سعید نفیسی نوشته که خواندمیر در سال ۹۴۲ ق برای شاعری ماده‌ی تاریخ سروده، پس سال فوتش باید اواخر سال ۹۴۲ باشد. از آثار او: «دستور الوزراء»، در ذکر احوال وزرای اسلام تا عهد مولف؛ «خلاصه الاخبار فی بیان احوال اخیار» که محتوی است از تاریخ عمومی از زمان خلقت تا سال ۹۰۵ هجری نبوی؛ «مآثر الملوك که متضمن کلام پادشاهان و پیشوایان دین و

حکیمـان و به نـام امیرعلیشـیر نوایی تـالیف شـده است؛ «نـامه‌ی نامی»، که مجموعه‌ای از منشآت دیوانی وی است؛ «حبیب السـیر فی اخبـار افراد بشـر»، که مهمترین کتـاب وی است و شامـل وقـایع عمومی از خلقت تـا سال ۹۳۰ ق در سـه جزء و یـک مقـدمه و یک خاتمه. این کتاب را در اوایل سال ۹۲۷ ق برای غیاث‌الدین محمد بن یوسف حسینی، از رجال معروف هرات آغاز کرد ولی، مدتی آشـفتگی در اوضـاع روزگـار به وجود آمـد در تالیف وقفه افتاد بعـدها به دسـتور حبیب‌اللّه ساوجی آنرا به نام وی به پایان رسانیـد؛ «آثـار الملوک و الانبیاء» که خلاصه‌ی «حبیب السـیر» است؛ آخرین کتاب، کتابی در ذکر مناقب همایون شاه، پسـر بابرشاه، است که در سال ۹۳۱ تالیف کرد. صاحب «الذریعه» به وی دیوانی نسبت داده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سـعدی تا جامی (۶۲۸ -۶۲۶)، تاریـخ ادبیات در ایران (۵۴۵ -۵۴۱ /۴)، تاریخ در ایران (۹۸ -۹۷)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۱ -۲۴۰)، تحفه سامی (۱۰۹ -۱۰۸)، تذکره‌ی روز روشن (۲۵۰)، حبیب السیر (۱۹ -۱ /۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۴۶۴ -۴۶۰ /۲)، دایرهٔالمعارف فارسی (۹۲۱/۱)، دستور الوزراء (دیباچه)، الذریعه (۳۰۷/۹، ۱۷۰/۸، ۲۶۹/۷، ۲۴۴/۶)، ریحانه (۱۸۷ - ۱۸۶ /۲)، سـرآمدان فرهنگ (۳۴۷/۱)، فرهنگ ادبیات فارسـی (۲۰۱)، فرهنگ سـخنوران (۳۲۰)، کارنـامه‌ی بزرگان (۲۸۲ -۲۸۶)، کاروان هند (۳۹۱ -۳۸۹ /۱)، الکنی و الالقـاب (۲۰۳/۲)، لغت نـامه (ذیل/ خوانـدمیر)، مولفین کتب چاپی (۷۴۲ -۷۴۰ /۴)، معجم المولفین (۴۳/۸).

خواند میر، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، مـورخ. وی فرزنـد خوانـد میر، صـاحب تاریـخ «حـبیب السـیر»، بـود که در هرات می‌زیست. او مولف کتـابی است در تارخی شاه اسماعیل و شاه طهماسب که آن را در سال ۹۵۷ ق به پایان رسانیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۵۸).

خوشایند، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین خوشایند

محل تولد : مرند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ علوم حوزوی را از شهرستان مرند شروع کرده علم صرف و نحو را در آنجا و الباقی نحو و منطق و اصول مظفر و معالم الدینی را در شهر تبریز به پایان رساندم. در سال ۱۳۵۵ جهت ادامه تحصیل وارد شهر مقدس قم شدم. سطح فقه و اصول را نزد اساتید آقایان اعتمادی و شیخ احمد پایانی و شیخ وجدانی و موسوی گرگانی به پایان رساندم و پس از حضور به مدت دو سال در جبهه های حق علیه باطل به مدت هفت سال در جلسات خارج فقه و اصول از اساتید محترم و آیات عظام آقایان مکارم شیرازی و شیخ جعفر سبحانی و سید یوسف مدنی مستفیض شدم و درس تفسیر قرآن را از محضر استاد صدر بلاغی و درس فلسفه (بدایهٔ الحکمه و نهایهٔ الحکمهٔ) را از محضر استاد حسینی استفاده نموده‌ام و همچنین درس‌های تاریخ اسلام و کلام اسلامی در زمان دارالتبلیغ از آقای سبحانی و اقتصاد اسلامی را از آقای دکتر احمد بهشتی فیض برده‌ام. از سال ۱۳۶۸ جهت تدریس وارد دانشگاه تهران شدم که هم اکنون در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس دروس معارف اسلامی ـ متون اسلامی ـ تاریخ اسلام در رتبه استادیاری به تدریس اشتغال دارم. در تاریخ ۱۳۷۰ کارشناسی زبان و ادبیات را نیز از دانشگاه شهید بهشتی دریافت نمودم.

خیرخواه علوی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی خیر خواه علوی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۱ در خانواده روحانی در شهر رشت متولد شدم. پس از گذراندن دوره ابتدائی و راهنمایی در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شهرستان رشت شدم و در مدرسه علمیه جامع رشت شروع به تحصیل نمودم. از سال ۱۳۶۶ نیز در کنار تحصیلات حوزه، تحصیلات کلاسیک خود را- بصورت متفرقه- ادامه دادم و پس از ۴ سال دیپلم متوسطه خود را دریافت نمودم. پس از ۴ سال تحصیل در مدرسه علمیه جامع رشت برای ادامه تحصیل علوم دینی در سال ۶۹ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و لمعه و اصول را در مشهد به پایان رساندم و قسمت اول از کتاب رسائل نیز از آنجا فراگرفتم. در سال ۷۲ با ورود به حوزه علمیه قم به مدت یکسال نیز در موسسه در راه حق مشغول به تحصیل بودم تا آنکه در سال ۷۴ در رشته تاریخ دانشگاه باقرالعلوم(ع) از طریق کنکور سراسری قبول شدم- این دانشگاه در سال ۷۴ با عنوان موسسه آموزش عالی باقرالعلوم(ع) خوانده می شد- پس از تکمیل دوره کارشناسی تاریخ با مرکز فرهنگ و معارف قرآن آشنا شدم و در بخش تاریخ و اعلام این مرکز مشغول به تحقیق و مطالعه و پس از چندی نگارش مقالات تاریخی شدم.

همچنین در سال ۸۰ با مرکز مطالعات و پژوهش های حوزه آشنا شدم و در گروه تاریخ اسلام این مرکز بعنوان معاون و همکار گروه آغاز به فعالیت نمودم و پس از چند ماه با تشکیل گروه تاریخ معاصر بعنوان مسئول گروه تاریخ معاصر به فعالیت خود در این مرکز ادامه دادم و با عضویت در شورای نویسندگان مجله صباح که از انتشارات مرکز مطالعات بود به ارزیابی و نظارت مقالات

تاریخ معاصر و گاه تاریخ اسلام می پرداختم و پس از مدتی اولین مقاله بنده در حوزه تاریخ معاصر و با موضوع نقش کشورهای استعماری در کودتای ۲۸ مرداد در مجله صباح چاپ گردید. پس از آنکه در اواسط سال ۸۳ از سوی بخش تاریخ مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم در خصوص تصدی امور اجرایی این بخش دعوت به همکاری شدم – ضمن آنکه قبل از آن در نگارش مقالات با این بخش همکاری داشتم – فعالیت و حضور در این مرکز را بیشتر نمودم و تاکنون نیز این همکاری بصورت مداوم در زمینه های اجرائی و تحقیقاتی ادامه دارد. از حدود سال ۸۲ نیز به عنوان استاد مدعو گروه دروس معارف اسلامی دانشگاه آزاد نیز به تدریس تاریخ اسلام در این واحد دانشگاهی مشغول هستم.

دانش، سیاوش

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، نویسنده و مورخ. از جمله آثار وی «ابراهیم کلانتر» که تاریخ میرزا ابراهیم کلانتر از دولتمردان روزگار زندیه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :راهنمای کتاب (س ۷ ۱۲ ص ۳۸۹ –۳۷۸)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۰۸/۲).

دانشور علوی، نوراللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نویسنده و مورخ. از جمله آثار وی: «تاریخ مشروطه‌ی ایران و جنبش وطن‌پرستان اصفهان و بختیاری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۵۱/۱)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۹۰۲/۲).

دخلی گیلانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، مورخ، شاعر. در گیلان متولد شد و همان جا دانش آموخت و سپس به هند رفت و در دربار جلال‌الدین محمد اکبر تقرب یافت مدتی نیز در لاهور به سر برد. وی مردی بسیار خوش خوی و شیرین سخن بود و غزل را نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۰۰).

دریایی، تورج

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر تورج دریایی، دانشیار تاریخ دانشگاه کالیفرنیا در فولرتن و متخصص تاریخ ایران باستان، در سال ۱۳۴۶ در تهران بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای تاریخ از دانشگاه لوس آنجلس UCLA در سال ۱۳۷۶ می‌باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : - ابتدایی و متوسطه در تهران و آتن - کارشناسی رشته تاریخ و علوم سیاسی در دانشگاه لوس آنجلس CSUF در سال ۱۳۷۲ - کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه لوس آنجلس UCLA در سال ۱۳۷۴ - دکترای تاریخ از دانشگاه لوس آنجلس UCLA در سال ۱۳۷۶

همسر و فرزندان : تورج دریایی مجرد است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - دانشیار و رئیس بخش تاریخ باستان، دانشگاه ایالتی کالیفرنیا- آمریکا از سال ۱۳۸۳ تا کنون - استادیار بخش تاریخ جهان و باستان، دانشگاه ایالتی کالیفرنیا- آمریکا از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ - مربی تاریخی ایرانیان- تاریخ خاور نزدیک- تمدن غرب و تاریخ جهان ادیان UCLA آمریکا از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ - پژوهشگر مرکز مطالعات خاور نزدیک گوستاو ون گرونباون از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ - مطالعه گر بخش فارسی ابتدایی و متوسطه در بخش زبان و فرهنگ خاور نزدیک UCLA از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۳ - مطالعه گر تاریخ عثمانی و جامعه شناسی در خاورمیانه UCLA بخش تاریخ و جامعه شناسی از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۲ - سردبیر مجله تمدن ساسانی - سردبیر مجله ایرانی فارسی قدیم باستانی عضویت در انجمن ها و موسسات: - موسسه مطالعاتی ایرانیها در آمریکا - انجمن ایرانشناسان اروپایی - انجمن تاریخ دانان آمریکایی - انجمن مطالعات خاورمیانه - انجمن سکه شناسان شرقی - انجمن محققان زرتشت شناسی - انجمن خاورشناسان امریکایی - خاورمیانه قرون وسطایی - انجمن مطالعاتی ایرانیان - انجمن تاریخدانان باستان - هیئت مشاوره: کتابخانه ایرانیکا سری رسوم روشنفکری - هیئت مشاوره: دایره المعارف بزرگ در اسلام

فعالیتهای آموزشی : تورج دریایی، استاد دانشگاه فولرتن کالیفرنیا در کرسی تاریخ باستان، علاوه بر تدریس و نویسندگی، سردبیر فصلنامه «نامه ایران باستان» مرکز نشر دانشگاهی نیز هست و به تازگی در دانشگاه یو.سی.آی کالیفرنیا به تدریس در کرسی تاریخ ایران باستان مشغول شده که توسط یک ایرانی پایه‌گذاری شده است و به نام «هوارد باسکرویل» ، معلم تاریخ آمریکایی نامگذاری شده است که در انقلاب مشروطه در تبریز کشته شد. عنوان دروسی که ایشان تدریس می کنند به قرار زیر است: فارسی قدیم (باستانی)، خاور نزدیک در قدیم، زرتشت شناسی، آئین پرستش و تمدن جهان قدیم و قرون وسطایی، تفکر تاریخی، یونان، امپراطوری رومانی، تاریخ قرون وسطایی، تاریخ غذا، سمینار در تاریخ جهان قدیم.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر تورج دریایی به زبانهای سانسکریت، زبان باستان ایران، اوستایی، فارسی میانه و زبانهای پارتی مسلط است.

جوائز و نشانها : - جایزه بین المللی FDCCSUF در سالهای ۱۳۷۹،۸۰،۸۲،۸۴ - بورس تحصیلی موسسه مطالعاتی ایران در آمریکا سال‌های ۸۴- ۱۳۸۳ - جایزه پژوهشی دانشجویی دانشکده در سالهای ۸۳- ۱۳۸۲ - بورس تحصیلی مرکز مطالعاتی خاور نزدیک گوستاوون گروبنام سالهای ۷۴- ۱۳۷۲ - بورس تحقیقاتی انجمن سکه شناسی آمریکا- نیویورک ۱۳۷۴ - تقدیرنامه جامعه تاریخی

فی آلفا تتا ۱۳۷۱ – اهدا برنامه های مسافرتی و سرپرستی بین المللی در سالهای ۷۵– ۱۳۷۴ – هدیه تحقیقاتی تابستانی، بخش تاریخ ۱۳۷۷ – بورس پیش دفاع پایان نامه UCLA سال‌های ۷۷– ۱۳۷۶ – بورس دفاع پایان نامه UCLA سال‌های ۷۸– ۱۳۷۷ – گواهی مطالعات قرون وسطا از مرکز مطالعات قرون وسطا و رنسانس ۱۳۷۸

چگونگی عرضه آثار : تورج دریایی یکی از نویسندگان کتاب «تاریخ جهان» است که به تازگی توسط انتشارات «هارلن دیویدسن» منتشر شده است. خواندن تاریخ جهان حتماً خیلی وقت شما را می گیرد اما این روزها در دنیا تاریخ جهان را با دید دیگری می‌نویسند که در آن دیگر خبری از حفظ کردن ترتیب حکومت پادشاهان یک سلسله نیست! دکتر تورج دریایی که او را با کتاب «سقوط ساسانیان» می‌شناسیم، یکی از ۶ نویسنده کتاب «تاریخ جهان» است که جلد نخست آن از دنیای باستان تا قرون وسطی را دربرمی گیرد. او می گوید: «الان در آمریکا مرسوم شده است که تمام دانشجوهای سال اول و دوم یکسری کلاس‌های عمومی را بردارند که «تاریخ جهان» هم از آن جمله است. ۲۰ یا ۳۰ سال پیش در جهان غرب فقط تاریخ تمدن غرب تدریس می‌شد، اما امروزه خیلی روی تاریخ جهان تأکید می‌شود.» جلد اول تاریخ جهان در ۱۷ بخش منتشر شده است. دریایی درباره تقسیم‌بندی نوشته شدن بخش های این کتاب می گوید: «من به خاطر حوزه تخصصی خود، بیشتر بخش‌هایی را که به تاریخ رم، یونان، هند و ایران مربوط بوده است نوشته‌ام. یکی از همکاران بخش مربوط به مصر، بین‌النهرین و دنیای اسلام را نوشته، یک تاریخدان دیگر بخش مربوط به چین و آسیا را نوشته است و دو نویسنده بخش‌های مربوط به تمدن آمریکای مرکزی و اروپا را نوشته‌اند.» دکتر دریایی تا کنون ۶۶ مقاله، ۲۳ مورد بررسی کتاب و ۵۰ سخنرانی به رشته تحریر درآورده‌اند. -------------------------
----

آثار :

۱ تاریخ جهان

ویژگی اثر : تالیف

۲ تاریخ و فرهنگ ساسانی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: تورج دریایی، مهرداد قدرت دیزجی (مترجم) ناشر: ققنوس – ۲۱ خرداد، ۱۳۸۴

۳ سقوط ساسانیان، فاتحان خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان

ویژگی اثر : پدیدآورنده: روزبه زرین کوب، منصوره (نظام مافی) اتحادیه، فرحناز امیرخانی (مترجم)، تورج دریایی (مترجم) ناشر: تاریخ ایران – ۱۳۸۳

۴ شاهنشاهی ساسانی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: تورج دریایی، مرتضی ثاقب فر (مترجم) ناشر: ققنوس – ۱۸ تیر، ۱۳۸۶

۵ شهرستان‌های ایرانشهر

ویژگی اثر : انتشارات فردا– ۱۳۸۱

۶ طلوع و غروب یک امپراطوری (ساسانی)

ویژگی اثر : لندن ۱۳۸۶

۷ مطالعات ایرانی در مکاتبات حروف S.H, W.B

ویژگی اثر : تهران– ۱۳۸۵

۸ معرفت روح (مقاله ای بر خاطرات احمد تفظیلی دریایی و م.امید سالار)

ویژگی اثر : انتشارات فردا ۱۳۸۳

دزفولی موسوی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۶ -۱۱۵۸ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به داعی. از فرزندزادگان خواجه علی سیاهپوش بود. او در محضر سید محمدباقر حجةالاسلام اصفهانی و آقا محمد بیدآبادی تلمذ کرد. از جمله آثار وی: «تاریخ مظهرالدوله»، در رویدادهای خوزستان و بقاع دزفولی و احوالاتی از آن سامان؛ «مجمع الابرار و تذکره الاخیار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۷۱ -۷۷۰ /۱۳)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۹۰۴ -۹۰۳ /۲).

دشتکی شیرازی هروی، جمال‌الدین امیر عطاءاللّه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۹۲۶ -۹۱۷ ق)، محدث، مورخ و شاعر. ملقب به جمال حسینی و معروف به امیر جمال‌الدین محدث اصیلی به جهت شاگردی امیر اصیل. وی پسر عم امیر غیاث‌الدین منصور و از بزرگان حدیث روزگار خود بود و در دیگر علوم دینی دستی توانا داشت. در مدرسه سلطانیه هرات تدریس می‌کرد، و بر منبر خطبه می‌خواند و آشکارا تبعیت خود را از ائمه اطهار (ع) اعلام می‌داشت. وی چندی در نیشابور زیست. از آثار وی: «احوال اولاد امیرالمومنین (ع)»؛ «الاربعون حدیثا من حادیث سید المرسلین فی مناقب امیرالمومنین (ع)»؛ «تحفه الاحباء»؛ «روضه الاحباب فی سیره النبی و الال و الاصحاب»، که به خواست امیرعلیشیر نگاشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۵/۸)، الذریعه (۲۸۶ -۲۸۵ /۱۱ ،۱۲۴/۶، ۴۰۹/۳، ۴۸۰/۲، ۴۲۱/۱)، روضات الجنات (۱۸۹/۵)، ریاض العلماء (۳۱۶ -۳۱۵ /۳)، ریحانه (۳۶۹ -۳۶۷ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۰/۱۰)، فارسنا مه‌ی ناصری (۱۱۳۸، ۱۰۵۷ /۲)، فوائد الرضویه (۲۶۳/۱)، الکنی و الالقاب (۱۵۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴/۴)، معجم المؤلفین (۲۸۵/۶)، هدیه الاحباب (۱۲۰).

دشتی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد دشتی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سال اول راهنمایی را در خرداد ماه ۱۳۵۶ در شرایطی در شهر نیشابور به پایان رساندم که از طرف مدرسه راهنمایی ناصری جهت شرکت در اردوی تابستانی رامسر با هزینه دولت دعوت شدم. این دعوت که نوعی پاداش محسوب می‌شد و از هر مدرسه تنها یک نفر به این اردو دعوت میشد برای بنده به عنوان یک نوجوان روستایی بسیار مطلوب و مسرت بخش بود ولی منوط به اجازه پدرم بود لیکن پدرم به رغم اینکه جهت امضای رضایت نامه به شهر آمد به جهت مسائلی که پیش آمد و در واقع از الطاف خفیه الهی بود به من اجازه شرکت در این اردو را نداد گمان میکنم اگر در آن اردو که گفته می‌شد با حضور ولیعهد طاغوت برگزار می‌شود شرکت کرده بودم طلبه نمی‌شدم. به هرحال با آغاز سال تحصیلی ۵۶ – ۵۷ بنده به والدینم عرض کردم دیگر به مدرسه نمی روم و اگر بناست درس بخوانم می‌خواهم به حوزه علمیه بروم که این تقاضای بنده با استقبال پدر و مادرم مواجه شد و از مهرماه ۱۳۵۶ در حالی که در شهرهای مثل نیشابور و حتی شهرهای بزرگتر کمترین نفسی علیه حکومت به گوش می‌رسید و جو خفقان و پلیسی بر همه جا حاکم بود ، وارد حوزه علمیه کهنسال نیشابور یعنی مدرسه گلشن شدم طولی نکشید که در پی درگذشت مشکوک مرحوم حاج آقا مصطفی و برگزاری مجالس ختم آن مرحوم و در همان حال دست به دست گشتن عکسها و نوارهای سخنرانی حضرت امام ره فضای سیاسی کشور ملتهب و رفته رفته راهپیماییهای خیابانی و سخنرانی های اعتراض آمیز علیه طاغوت آغاز گردید که بنده نیز همچون دیگر طلاب و دانشجویان و دیگر اقشار جامعه در این برنامه شرکت می‌کردم تا اینکه انقلاب اسلامی به صورتی غیر مترقبه و تنها در سایه الطاف الهی و به گونه ای معجزه آسا به پیروزی رسید لحظاتی آنچنان شیرین و معنوی و به یاد ماندنی که قلم و زبان از بیان آن قاصر است. مهرماه ۱۳۵۷ در حالی که انقلاب به اوج خود نزدیک می‌شد وارد حوزه علمیه جدید التاسیس فضل بن شاذان شدم که از نظم و فعالیت علمی بهتری برخوردار بود و تا سال ۱۳۶۰ در این مدرسه به تحصیل مشغول بودم و در همان حال با شروع جنگ تحمیلی آموزشهای نظامی را به طور محدود توسط برادران سپاهی فرا گرفتم. سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه مشهد شدم ولی شلوغی مشهد و عوامل مزاحم تحصیل آزارم می‌داد لذا از سال ۱۳۶۱ با راهنمایی برخی دوستان و اساتید وارد حوزه علمیه مهدیه خوانسار شدم که از نظم و شرایط تحصیلی بسیار مطلوبی برخوردار بود گرچه به دلیل ناهمخوانی دروس ناچار به تکرار برخی دروس شدم که البته خالی از فایده هم نبود در همان سال ۶۱ معمم شدم و برای نخستین بار جهت تبلیغ به جبهه رفتم واز آن پس تا پایان جنگ در ایام تبلیغ و در طی فرصت هایی که پیش می‌آمد جهت ادای وظیفه شرعی خود به جبهه اعزام می‌شدم. در سال ۱۳۶۴ در حالی که بخشی از رسائل و مکاسب را خوانده بودم وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه فیضیه حجره گرفتم و در کنار دروس عمومی حوزه در موسسه در راه حق شرکت کردم و در همان حال در رشته ادبیات و علوم انسانی از آموزش و پرورش دیپلم گرفتم دوره لیسانس الهیات و معارف اسلامی و فوق لیسانس رشته تاریخ را در موسسه در راه حق و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) گذراندم و از سال ۱۳۸۰ پس از طی مراحل کنکور و گزینش در همان موسسه به گذراندن دوره دکتری رشته تاریخ اسلام مشغول شدم که اینك رو به پایان است. در طی این سنوات از سال ۱۳۶۸ به طور مرتب در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی و به مدت یک سال در درس خارج فقه مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی ره و یك سال درس خارج فقه حضرت آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم. از سال ۱۳۷۸ به جهت کثرت اشتغالات درسی و پژوهشی در رشته تاریخ دروس خارج حوزه را ترک کردم. درطی دوران طلبگی چه نیشابور و چه در مشهد و چه در خوانسار کم و بیش در زمینه دروس حوزوی (صرف و نحو و منطق) تدریس داشتم پس از گذراندن دوره کارشناسی ارشد تاریخ در نهادهای مختلف حوزه علمیه قم نیز به کار تدریس و پژوهش و راهنمائی پایان نامه های طلاب و دانش پژوهان اشتغال داشته و دارم .

دقیقی شاهرودی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

مهدی دقیقی شاهرودی از سن ۱۴ سالگی مطالعات دینی خود را آغاز نمود و در سن ۱۶ سالگی در حالی که در دبیرستان مشغول به تحصیل بود تحصیلات خود را رها نمود وپس از قبولی در آزمون ورودی حوزه علمیه قم به صورت طلبه رسمی وارد حوزه علمیه قم گردیدو تحصیلات خودرا در محضر مدرسان بزرگ علوم دین آغاز نمود.وی صرف ونحو،معانی وبیان،منطق و معقولات،عقاید و ادیان،ادبیات فارسی،فقه واصول وعلوم حدیث و علوم مختلف دینی را از محضر مدرسان فرهیخته حوزه فرا گرفت .دغدغه همیشگی او عدم استفاده از علوم فراگرفته توسط علما وطلاب و جاری نشدن علوم دینی در سطح جامعه بود ،او معتقد است اگر فردی علوم را کسب نماید اما آن را به دیگران نیاموزد ودیگران نیز از علوم او استفاده نکنند آن فرد عالم نیست و با جهال تفاوتی ندارد.و از سوی دیگر عدم حضور دانش آموختگان حوزه در جامعه زمینه ورود دزدان اعتقادات را فراهم می آورد. از این رو در خلال تحصیل از قم به مناطق مختلف از جمله زادگاه خودتهران سفر می نمود و در حلقه های مختلف درس و گفتگوی دینی با جوانان، نوجوانان و دانشجویان به انتقال یافته های خود می پرداخت .او پس از چندسال کسب فیض از علما وفحول حوزه خود به تحقیق و تحصیل پیرامون معارف دین پرداخت و برای موفقیت هرچه بیشتر برای یافتن راه صحیح سلوک دینی تحقیقات خود را آغاز نمود و گوهر گمشده وجود خود را در" حوزه نجف" و سرآمدان آن حوزه کهن یافت و از این رو برای شناخت" ریشه های علم "و"عالمان آن سامان "به مسافرتهای مکرربه آن دیار پاک و تحقیقات گسترده درباره آن حوزه کهن دست یازید.نتیجه تحصیلات و تحقیقات دینی و تلاشهای علمی وی در حوزه معارف دین ارتباط تنگاتنگ با مجتهدین و عالمان فرهیخته حوزه و کسب اجازات مختلف از آن بزرگواران بود. او در خلال مطالعات دینی تحصیلات کلاسیک خود را نیز ادامه داد و مدرک دیپلم و پیش دانشگاهی خود را نیز دریافت نمود و در مقاطع ورشته ای مختلف دانشگاه نیز پذیرفته شد اما محصور شدن در نظام آموزشی حوزه و دانشگاه مطلوب او نبود و تحقیقات آزادانه و همراه با حریت در حوزه مسائل دین را برای خود برگزید که حاصل آن چندین سال تدریس،تحقیق و تبلیغ در حیطه مباحث دینی می باشد. وی نشر فضایل و علوم اهل بیت علیهم السلام،پاسخگویی به مسائل شرعی،شرکت در مناظرات دینی،مسافرتهای تبلیغی ،اداره سایتهای اینترنتی دینی،تدریس در دانشگاه وحوزه،نوشتن و تهیه مقالات مورد نیاز جامعه،رفع اختلافات عموم طبقات جامعه،سخنرانی وبرگزاری مراسمات و بزرگداشتهای دینی،مقابله جدی با منحرفان و شبهه افکنان دینی و ...وظایفی است که به عنوان یک طلبه برای خود مقرر نموده است.

دولابی، ابوبشر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۲۰/۳۱۰ -۲۳۴/۲۲۴ ق)، حافظ، محدث و مورخ. وی از دولاب ری بود و پیشه وراقی داشت. در زادگاهش به علم‌آموزی پرداخت و در شام و عراق و حجاز حدیث شنید و در مصر مسکن گزید. وی از محمد بن بشار و احمد بن ابی‌سریج رازی و احمد

بن عبدالجبار عطاردی و ابواسحاق جوزجانی و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابوحاتم رازی و ابواحمد بن عدی و ابوالقاسم طبرانی و ابوالحسن بن حیویه و ابوحاتم ابن‌حبان بستی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. دولابی در راه زیارت خانه خدا، بین مکه و مدینه، در عرج، درگذشت. وی تصانیف سودمندی در تاریخ و موالید و وفیات علما از خود به جای گذاشت که از آن جمله کتاب «الکنی و الاسماء» است که در حیدرآباد هند به چاپ رسیده است. از دیگر آثار او: «الذریه الطاهره»؛ «اخبار الخلفاء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۸/۶)، ری باستان (۳۴۷/۲)، ریحانه (۲۳۹/۲)، سیر النبلاء (۳۰۹/۱۴)، کشف الظنون (۱۴۱۹، ۸۲۷)، الکنی و الالقاب (۲۳۶/۲)، لسان المیزان (۶۵۲ -۶۵۱ /۵)، لغت نامه (ذیل/ ابوبشر دولابی)، معجم المؤلفین (۲۵۵/۸)، الوافی بالوفیات (۳۶/۲)، وفیات الاعیان (۳۵۳ -۳۵۲ /۴)، هدیه العارفین (۳۱/۲).

دولت‌آبادی، میرزا یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ -۱۲۴۱ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده، مورخ، شاعر. در دولت‌آباد اصفهان متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. در پنج سالگی به تحصیل خط و سواد مشغول شد از سال ۱۲۵۱ ش که یازده ساله بود به اتفاق خانواده‌اش چندین سفر به عراق عرب، خراسان و تهران کرد و در سال ۱۲۶۰ ش به اصفهان بازگشت و در همین شهر با میرزا آقای کرمانی و شیخ احمد روحی ملاقات کرد. مجددا به عراق رفت و در حوزه درس میرزای شیرازی و محمدتقی شیرازی شرکت کرد و بعد از بازگشت به ایران در اصفهان و تهران نیز در محضر میرزا ابوالحسن زواره‌ی اردستانی، معروف به میرزای جلوه به تحصیل پرداخت. در سال ۱۲۷۶ ش به استانبول رفت و در آنجا با میرزا حسن خان دانش اصفهانی و حاجی زین‌العابدین مراغه‌ای آسنا شد و در همین شهر به همکاری دهخدا روزنامه فارسی «سروش» را دایر کرد. دولت‌آبادی در سال ۱۲۸۷ ش به تهران آمد و در چند دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد، وی مسافرتهایی نیز به کشورهای اروپایی داشت. در تهران به سکته‌ی قلبی درگذشت. دولت‌آبادی از پیشروان معارف جدید ایران است که هم شعر می‌گفت و هم رمان و داستان می‌نوشت. از آثار وی: داستن «شهرناز»؛ «شجره طیبه»؛ «دوره زندگانی یا غصب حق اطفال»؛ «تاریخ معاصر یا حیات یحیی»؛ «حقیقت راجع به قرارداد مجلس»؛ «نهال ادب»؛ «ارمغان یحیی»؛ «شرح حال میرزا تقی خان امیرکبیر».[۱]

سال تولد: ۱۲۴۱

فوت: ۱۳۱۸

آثار: کتاب شجره طیبه؛ کتاب علی؛ دوره زندگانی یا غصب حق اطفال؛ ارمغان یحیی؛ نهال ادب ایران (شعر)؛ راهنمای انتخاب حقایق؛ تذکر حقیقت؛ داستان شهر ناز؛ سرگذشت درویش چنته؛ لبخند فردوسی؛ کنگره نژادی؛ کتاب اردیبهشت- دو جلد (شعر)؛ شرح احوال قائم‌مقام فراهانی؛ اصفهان و بیگانگان؛ مکتوب به آکادمی تربیت (ترجمه)؛ اراده (ترجمه)؛ آئین در ایران؛ زندگانی علی بن ابی‌طالب؛ حیات یحیی، ۴ جلد؛ لاوره پرس (کنفرانس)؛ حقایق؛ حقیقت راجع به قرارداد مجلس

مناصب: کارمند دولت- نماینده مجلس شورای ملی- رئیس نشریات وزارت معارف- سرپرست محصلین ایرانی در بلژیک- نماینده ایران در کنگره بین‌المللی نژادی در لندن

میرزا یحیی بن حاج سید هادی دولت‌آبادی در سال ۱۲۴۱ هجری شمسی در قریه دولت‌آباد متولد شده و بعد از تحصیلات

مقدماتی به عراق، مصر و حجاز رفته و در انقلاب مشروطه از پیش‌قدمان تغییر رژیم بود. در ظهور استبداد صغیر به استانبول تبعید شد بعداً به تهران آمد و در دوره دوم مجلس شورای ملی به وکالت نامزد شد. وی نماینده ایران در کنگره بین‌المللی نژادی در لندن بود و در مدت توقف سه ساله در اروپا به تحصیل زبان فرانسه پرداخت و در مراجعت به ایران به عضویت وزارت معارف منصوب گردید. وی در تأسیس مدارس جدید خدماتی کرده و از پیشروان معارف جدید شمرده می‌شود، ایشان در سال ۱۳۱۸ در تهران وفات یافت.

یحیی (حاج میرزا)، از رجال دوره اخیر(ف. ۱۳۱۸ ه.ش.). وی از پیشقدمان آزادی و مروج فرهنگ جدید بود و چند دوره در مجلس شورای ملی سمت نمایندگی داشت. از آثار اوست: کتاب «علی» برای کودکان، «حیات یحیی» در تاریخ معاصر.

برگرفته از کتاب :موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۲۷۴ –۲۷۱ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۲ –۲۳۲ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۲۹۴ –۲۹۳ /۱)، سخنوران نامی ایران (۵۳۲ –۵۲۴ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۶۶ –۳۹۶۲ /۶)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۰۰۶، ۹۵۴، ۹۰۴ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۰ –۸۲۸ /۶).

دهگان، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب، محقق.

تولد: ۱۳۰۷ ق.، روستای مرزجران اراک.

درگذشت: ۲۵ مرداد ۱۳۶۳.

ابراهیم دهگان، فرزند غلامعلی، در سال‌های کودکی نوشتن و خواندن را در مکتبخانه روستا فراگرفت و تا اوایل جوانی به کشت و کار مشغول بود، تا حدود جنگ بین‌الملل اول در آن روستا زندگی کرد تا این که در آغاز جنگ به سربازی رفت. سپس به مدرسه آقا ضیاءالدین اراک رفت و در سلک طلاب وارد گردید و تا سال ۱۳۴۷ ق. به تحصیلات خود ادامه داد و بعد از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۷ به کار تعلیم اشتغال داشت. در ضمن به کار تحقیق نیز پرداخت و مطالبی تدوین نمود که پاره‌ای از آنها چاپ شده است. در سال ۱۳۰۷ به خدمت فرهنگ درآمد و به کار آموزش روی آورد. رشته‌ی تحصیلی وی، علوم قدیمه بود که آن را در محضر استادانی چون آیت‌الله ضیاءالدین اراکی و آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی فراگرفته بود. اما احاطه‌ی او در رشته‌هایی چون تاریخ، جغرافیا، ادبیات فارسی و عربی، لغت‌شناسی و دیگر رشته‌های علوم انسانی، صرفا به واسطه‌ی مطالعه‌ی شخصی خودش بود و نزد استادی تعلیم ندیده بود. وی کمابیش در این رشته‌ها صاحب بیست جلد تألیف بود. زمینه‌ی کار وی بیشتر تاریخ و جغرافیا بود و بیشتر آثاری که از او به یادگار مانده است در همین زمینه است. وی همچنین به گردآوری کتب خطی اهتمام می‌ورزید. وقتی درگذشت، فرزندانش کتاب‌های وی را که حدود ۲۵۰۰ جلد کتاب چاپی و کمابیش ۲۵۰ جلد نسخه دستنویس خطی نفیس بود. به کتابخانه‌ی ملی اراک اهدا کردند. عمده‌ترین تألیفات وی به این شرح است: تاریخ اراک (دو جلد، اراک جلد اول، ۱۳۲۹، جلد دوم، ۱۳۳۰)؛ تصحیح و تحشیه عباسنامه (تألیف محمدطاهر قزوینی، اراک، ۱۳۲۹)؛ نور مبین (در تاریخ مهاجرت مؤلف، از حجت‌الاسلام نوالدین عراقی، ترجمه از عربی به فارسی یا الحاقات، اراک ۱۳۳۲)؛ تصحیح و تحشیه تاریخ صفویان (اقتباس از خلاصهٔ‌التواریخ و تاریخ ملاـ کمال، اراک، ۱۳۳۲)؛ تصحیح و تحشیه تاریخ الدخانیه (یا قرارداد رژی، از شیخ حسن کربلایی،

۱۳۳۳)؛ ملخص تاریخ نو (از سلطان یعقوب‌خان انجدانی معاصر عباس میرزا، اراک، ۱۳۳۲)؛ جمع‌آوری رباعیات بابا طاهر عریان؛ تاریخ ارمنستان (از موسی خورون؛ ترجمه آواساپیان، نگارش ابراهیم دهگان، اراک، ۱۳۳۱)؛ گزارش‌نامه یا فقه‌اللغهٔ اسامی امکنه (در مطلع کتاب گرجنامه یا تاریخ آستانه (اراک، ۱۳۴۲)؛ سازمان فرهنگ اراک و شرح حال ده تن از مردان نامی اراک (اراک، ۱۳۳۹)؛ کارنامه یا دو بخش دیگر از تاریخ اراک (تاریخ انجدان، سادات اسماعیلیه و فهرست‌وار وقایع شهرستان اراک از ۱۲۷۱ تا به عصر حاضر، اراک، ۱۳۴۵).

برخی از مطالب به چاپ نرسیده وی به این شرح هستند: اشعار محلی اراک؛ گندآوران اراک؛ چشمه‌های اراک (بخشی از آن در مجله «روشندل» به مدیریت دکتر محمد خزائلی به چاپ رسیده است)، کیسه‌ی کرفه (شامل هزار مطلب علمی، ادبی، لغوی، اجتماعی، تاریخی و جفرافیایی).

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

دیلمی همدانی، ابوشجاع شیرویه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۰۹ -۴۴۵ ق)، حافظ، محدث و مورخ. از محمد بن عثمان قومسانی و یوسف بن محمد مستملی، سفیان بن حسن بن منجویه. و ابوالفرج بجلی و احمد دینوری و بسیاری دیگر حدیث شنید. فرزندش شهردار و محمد بن فضل عطار و ابوطاهر سلفی و ابوموسی مدینی و عده‌ای دیگر از او روایت کردند. وی را از طبقه متوسط محدثان شمرده‌اند. از آثار وی: «تاریخ همدان»؛ «فردوس الاخبار»، حاوی ده هزار حدیث، که سیوطی «جامع صغیر» خود را به این روش تالیف داده؛ «ریاض الانس لعقلاء الانس فی معرفه احوال النبی (ص) و تاریخ الخلفاء».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۸/۳)، ایضاح المکنون (۵۹۹/۱)، بحارالانوار (۲۵/۱)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۶۴ -۱۶۳ /۱)، الذریعه (۱۶۴/۱۶)، ریحانه (۲۵۰/۲)، سیر النبلاء (۲۹۵ -۲۹۴ /۱۹)، کشف الظنون (۱۲۵۴)، الکنی و الالقاب (۲۳۹ -۲۳۸ /۲)، لغت نامه (ذیل/ شیرویه)، معجم المؤلفین (۳۱۳/۴)، الوافی بالوفیات (۲۱۸ -۲۱۷ /۱۶)، هدیه الاحباب (۱۳۷).

دیوان بیگی شیرازی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۱- وف بعد از ۱۳۱۳ ق)، تذکره‌نویس، مورخ. از اهالی محله‌ی میدان شاه شیراز بود و معاصر ناصرالدین شاه و دارای منصب ایشک آقاسی باشی بود. وی سفرهای مختلف به اقطار ایران داشت و در طی همین مسافرتها با بسیاری از شاعران دیدار کرد و شرح حال آنها را فراهم نمود و در نگارش تذکره بزرگ و نسبتا جامع خود «حدیقه الشعراء» بهره جست. در این تذکره بیش از ۱۵۰۰ تن از شاعران ایران در فاصله‌ی سالهای ۱۲۰۰ ق تا ۱۳۱۰ ق معرفی شده‌اند. آثا دیگر وی: «تاریخ یزد» یا «اخبار الیزد»؛ «کتابی در مصائب اهل‌بیت نبوت (ع)» و ذیلی بر کتاب «ریاض الجنه». وی در شیراز درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (۷۴ -۷۳ /۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۵۷ -۴۳۹ /۱)، حدیقه الشعراء (مقدمه کتاب)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۳ -۲۱۲ /۱)، الذریعه (۳۸۵/۶)، شرح حال رجال (۲۸ -۲۷ /۶)، مکارم الاثار (۱۱۴۰ -۱۱۳۹ /۴).

ذاکری، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر ذاکرخمی

محل تولد : بردسکن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب علی اکبر ذاکری در سال ۱۳۳۸ در خانواده ای روحانی در روستای خمی (خمین) در یازده کیلو متری شهرستان بردسکن (و کاشمر) متولد شدم . جدم حاج محمد علی معروف به حاج شیخ از روحانیون مشهور و خوشنام منطقه بود . پدرم نیز روحانی است . تحصیلات را تا ششم ابتدایی در روستا گذراندم و پس از آن در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه کاشمر شدم . در مدرسه دانش یا عتیق حجره گرفتم . مدیریت این مدرسه به عهده آیت الله محمد صادق سعیدی بود . در آن زمان حوزه علمیه کاشمر از رونق خوبی برخوردار بود . ادبیات و بخشی از اصول و منطق را در کاشمر گذراندم . اساتیدم عبارت بودند از : حجج اسلام :۱. حاج شیخ موذنی ؛ بخشی از جامع المقدمات ۲. مرحوم علومی ؛ نصاب ، بخشی از جامع المقدمات ،شرح نظام و عروه الوثقی ۳. حاج شیخ علی اصغر بلاغی ؛ صمدیه و سیوطی ۴. حاج شیخ فضل الله شریعتی محولاتی ؛ مغنی باب اول و رابع و مختصر المعانی ۵. محمد کاظم سعیدی (برادر بزرگتر ایت الله سعیدی) منطق کبری و اندکی از حاشیه ۶. آقای فرقانی ؛ معالم ۷. حاج شیخ جواد مدرسی ؛ تحریر المعالم که اخیرا چاپ شده بود ، بخش بدیع مختصر . طلاب موظف بودند افزون بر درس های معمول ، مسائل رساله عملیه را حفظ کنند و از روی گلستان سعدی و کتاب کلیله و دمنه مشق نوشته و لغات آن را یاد بگیرند تا هم با ادبیات آشنا شوند و هم تمرین خط داشته باشند .

آیت الله مشکینی پس از تبعید به کاشمر ، در مدرسه حاج شیخ درس تفسیر و نهج البلاغه برگزار می کردند که در آن درسها شرکت می کردم و آشنائیم با نهج البلاغه از اینجا آغاز شد .پس از بازگشت آیت الله مشکینی به قم زمینه ای فراهم شد که گروهی از طلاب کاشمر به قم بیایند و من در سال ۱۳۵۵ به قم آمدم و در منزلی که ایشان در اختیار طلاب گذاشتند ساکن شدم . سپس در امتحان ورودی مدرسه امام صادق (ع) شرکت کردم و تا پیروزی انقلاب اسلامی در آنجا بودم . در مدرسه حجتیه حجره گرفتم . در قم در درس اخلاق و تفسیر آیت الله مشکینی شرکت می کردم که بیشترین تاثیر را در شخصیت من و دیگر طلاب کاشمر داشت . دفتر تبلیغات هم کلاسهایی تشکیل میداد که در آنها اساتیدی مانند : آیت الله شهید بهشتی ، شهید باهنر و رهبر معظم انقلاب اسلامی تدریس میکردند . در سال ۱۳۶۰ در بخش فرهنگی مدرسه عالی تربیتی و قضایی قم شرکت کردم و مدرک

لیسانس دریافت نمودم . دوره عالی زبان انگلیسی دفتر تبلیغات را نیز به پایان رساندم . در سال ۱۳۶۲ سطح را امتحان دادم . در سال ۱۳۶۸ با بخش احیاء آثار دفتر تبلیغات اسلامی همکاری کرده و در استخراج رجال کتاب مختلف الشیعه به تحقیق پرداختم . در سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ با همکاری دوستان به استخراج آیات اخلاقی قرآن پرداختیم که محصول آن در مجله حوزه منتشر شد . ازسال ۱۳۶۸ عضو مجله حوزه شدم که تا کنون ۳۵ مقاله در این مجله و ۸ مقاله در مجله فقه و همین مقدار در دیگر مجلات و به مناسبت نشست ها و کنگره ها نگاشتم که برخی از آنها لوح افتخار جشنواره مطبوعات را به همراه داشت . افزون بر استفاده از اساتید در فقه ، اصول و فلسفه در دانشکده شهید محلاتی چند ترم نهج البلاغه تدریس کردم ودر مرکز تربیت نویسنده و محقق دفتر تبلیغات اسلامی به تدریس تاریخ اسلام پرداختم . با برخی ارگان ها برای داوری کتاب و مقالات پژوهشی مانند دین پژوهان و کتاب سال جمهوری اسلامی و برخی کنگره ها همکاری دارم . جهت تبلیغ به مناطق مختلف سفر کردم و به همین منظور به جبهه های جنوب ، غرب و کردستان رفتم .

اساتید قم : تفسیر : آیات : مشکینی ، خزعلی ، معرفت ، اشراقی سطح : آیات و حجج اسلام : باکوئی ، وجدانی ،علی اصغر باغانی ، مدرس افغانی ، مصطفی نورانی ، صلواتی ، دوزدوزانی ،شیخ علی پناه اشتهاردی ، ستوده . خارج : آیات عظام : فاضل لنکرانی ، مکارم شیرازی ، منتظری ، تبریزی ، صانعی ، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی . فلسفه : آیات و حجج اسلام : انصاری شیرازی ، فیاض ، محمد علی گرامی .

ذبیح زاده روشن، علی نقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نقی ذبیح زاده روشن

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در رژیم طاغوت قبل از نظام جدید راهنمائی پس از سیکل، سال اول تجربی را گذراندم و تحت تاثیر جلسات مذهبی در سال تحصیلی ۵۵ – ۵۴ دو سال قبل از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم گردیدم و با جمعی از دوستان در مدرسه ای واقع در گذر خان تحت نظر مرحوم آیت الله مرتضی حائری دروس مقدمات را گذراندیم و در سال دوم یعنی سال تحصیلی ۵۶ – ۵۵ وارد مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی بنام الوندیه واقع در چهار مردان درس سیوطی و سایر دروس جنبی را خواندیم. و ضمنا از دورس جامعه شناسی و روانشناسی تربیتی آقای دکترعلی قائمی که در بعضی از مراکز وابسته به حوزه برگزار می شد شرکت می کردم. در سال سوم تحصیلی ۵۷ – ۵۶ وارد مدرسه دیگر آیت الله العظمی گلپایگانی واقع در صفائیه گشته و درس مغنی و سایر دروس جنبی را در آن مدرسه از محضر استاد طالقانی و سایر اساتید معظم تلمذ می نمودم که ناگهان به همراه سایرین با حادثه ارتحال مرحوم حاج آقا مصطفی فرزند برومند امام خمینی (رض) مواجه گردیدیم. این واقعه که به تعبیر امام خمینی (رض) از

الطاف خفیه حضرت حق بود موجب اوج گیری مبارزات مردم رشید ایران به رهبری امام گردید و بصورت زنجیره ای حوادث جریانات و خاطرات مردم مختلف ایران را بدنبال داشت و از آن تاریخ دروس حوزوی و درس های

مدارس بخاطر شرکت طلاب در روند مبارزات به کندی پیش می رفت. در سال چهارم تحصیلی یعنی ۵۸ – ۵۷ درس ها به صورت رسمی برگزار نمی شد و افراد متعهد حوزه و از جمله امثال حقیر بخاطر تکالیف و وظایف مبارزاتی به انجام وظیفه مشغول بوده و در همان ایام مختصرا قسمتهائی از معالم، اصول فقه، مختصر المعانی را به صورت آزاد نزد اساتید به صورت خصوصی درس می گرفتیم و شور انقلاب همه مناطق ایران را فرا گرفته بود. در همان سال مردم ایران شاهد قیامهای ۱۷ شهریور تهران، و جابجائی مهره های رژیم فاسد پهلوی نخست وزیران جمشید آموزگار، شریف امامی، ازهاری و بختیار و در ادامه انتقال امام خمینی (رض) از عراق به پاریس و سرانجام خروج مفتضحانه شاه و ورود شکوهمندانه امام خمینی (رض) به ایران و آغاز دهه مبارکه فجر تا پیروزی انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ و انتخاب و برقراری جمهوری اسلامی بودند. در سال تحصیلی ۵۹ – ۵۸ پس از تاهل به تحصیل لمعه و اصول فقه به صورت آزاد از محضر اساتید بزرگواری چون آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی و دیگران اشتغال داشتم و در همان ایام از دروس ضروری و جنبی مربوط به شرائط اول پیروزی انقلاب که توسط دفتر تبلیغات بوسیله آیات عظام آقایان مکارم شیرازی، سبحانی، مرحوم شهید باهنر، تمرین خطابه از مرحوم آقای فلسفی و تفسیر آیت الله خزعلی و طاهری خرم آبادی و درس شناخت شناسی آیت الله مصباح یزدی در مهدیه واقع در خیابان چهار مردان و اساتید دیگری ارائه می شد، استفاده می کردیم که بسیاری از آن جزوات هنوز نزد اینجانب موجود است. در ادامه همین سال های نخست پس از پیروزی انقلاب ضمن آنکه تحت فرمان امام خمینی (رض) طبق وظیفه در اوضاع سیاسی و اجتماعی شرکت داشته و دروس متعدد اصلی و جنبی را می خواندیم و در راستای نیازهای جامعه آن روز در مقابله با تفکر مارکسیستی، ماتریالیستی و لیبرالیستی فعالیت می نمودیم. ما در سال تحصیلی ۶۰ – ۵۹ پس از آغاز جنگ تحمیلی از طرفی وظیفه داشتیم تا در مقابل شبهات الحادی کمونیستی، امثال لیبرالی و ضد انقلابی منافقین و دیگران خود را مسلح علمی نمائیم و از طرفی به دروس حوزوی که نظام مند می گردید برسیم و از جهتی دیگر راهی جبهه های حق علیه باطل باشیم. پس از اتمام شرح لمعه در همان سال و یا سال های تحصیلی بعد دروس مکاسب محرمه و رسائل را از محضر اساتیدی چون آیت الله بنی فضل و آیت الله اعتمادی استفاده کرده در سال تحصیلی ۶۲ – ۶۱ بخاطر نیاز جوامع علمی وارد موسسه در راه حق قم گردیدم و درس های مختلف معارف قرآن و فلسفه اسلامی و دروس بدایه و نهایه و زبان انگلیسی ریاضی و مکالمه عربی و دروس مبانی رشته های مختلف علوم انسانی از قبیل جامعه شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، روانشناسی و ... را نزد اساتید بزرگواری چون آیت الله مصباح یزدی استاد فیاضی، دکتر صدیق، استاد مصباحی، دکتر قائمی و دیگران گذراندیم. پس ازآن دوره چهار ساله، طبق برنامه آن موسسه با تعیین گرایش در دوره چهار ساله دوم در بنیاد باقر العلوم(ع) موسسه فعلی امام خمینی (رض)، در زمینه اختصاصی تاریخ، دورس تاریخ محض و اسلامی را به صورت پیوسته کارشناسی و کارشناسی ارشد گذراندیم و در سال ۷۴ پس از اتمام این دوره، رساله پایان نامه تحت عنوان (ریشه های روابط علمای تشیع با صفویان) تحت نظر استاد راهنما جناب آقای دکتررضا شعبانی و استاد ناظر آقای دکتر صادق آیینه وند دفاع نمودم و پس از گذراندن دوران طولانی که البته حدود دو سال بخاطر تحولاتی در موسسه رشته ما به انعطال انجامید توانستیم در این سال مدرک کارشناسی ارشد تاریخ را دریافت نمائیم. در همین دوره طولانی طبق ضرورت برنامه موسسه و بعدا دوره اختصاص آن در بنیاد باقر العلوم موسسه فعلی امام خمینی (رض)، در دروس حوزوی شرکت می نمودیم و دروس مکاسب بیع و خیارات و کفایه الاصول را نزد استاد بزرگوار مرحوم آیت الله ستوده گذرانده و ضمنا در امتحانات حوزه نیز شرکت می نمودیم. از آن پس در دروس خارج اساتید بزرگوار آیات عظام تبریزی، سبحانی، فاضل لنکرانی، جوادی آملی و مرحوم آیت الله خاتم یزدی جمعا چیزی حدود ۱۲ سال شرکت داشتم و درس ها را یادداشت می نمودیم. در مدارج علمی حوزه ثبت نام نمودم که طبق برگه ای که در

دست دارم برای سطح ۴ موضوع خراج در اسلام را تعیین کردند که هنوز وقت نکرده ام تدوین نمایم شاید کتاب ۴ جلدی مرجعیت و سیاست در عصر غیبت بجای آن پذیرفته شود.از سال تحصیلی ۷۴ – ۷۳ در دانشگاه آزاد قم، مدرسه غیر ایرانی مرکز جهانی و امام خمینی (رض)، مدرسه شهیدین، جامعهٔ الزهراء موسسه امام خمینی (رض) و دانشگاه باقر العلوم و بعضی از دانشگاه خارج قم دروس مختلف تاریخ اسلام ۱، ۲، ۳، ۴ تاریخ اروپایی ۱، ۲، ۳، ۴ و تاریخ معاصر ایران، تاریخ تشیع، تاریخ تحول دولت و خلافت، دیپلماسی در اسلام، دروس معارف، (معارف، ریشه های انقلاب، اخلاق، متون، تاریخ اسلام)، تاریخ عصر غیبت، تاریخ تشیع از عصر صفویه تا هم اکنون، جریان شناسی مشروطیت، تاریخ مرجعیت شیعه و دروسی چون روش تحقیق، نحو، تفسیر قرآن و متن اختصاصی تاریخ عربی را تدریس نموده ام و در مرکز پژوهشی موسسه امام خمینی(ره) پروژه تحقیقی مرجعیت و سیاست در عصر غیبت را در ۴ جلد به اتمام رسانده و اینک عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم و همکار پژوهشی موسسه امام خمینی (رض) می باشم.

ذهبی دزفولی، عین‌الدین حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ و نویسنده. از جمله آثار وی: «تاریخ مختصر دزفول»، از پایان صفویان تا روزگار نگارنده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۹۰۱/۲).

رادمنش، عزت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ و تمدن اسلام، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی تاریخ و تمدن اسلامی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد از دانشگاه سوربن فرانسه، دکترا در تحلیل جامعه‌شناسی و فلسفه تاریخ از دیدگاه ابن‌خلدون از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نگارش تاریخ جنگ به مدت ۴ سال با همکاری ارتش، بررسی اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، رزمی مدینه در زمان پیامبر، اوضاع سیاسی اجتماعی ایران در عصر خسرو پرویز، دو سال پژوهش در دانشگاه الجزایر.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ، تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی، جامعه‌شناسی، فلسفه تاریخ، تاریخ در قرآن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸ تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تعاون در اسلام، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و آراء متفکرین (یهود و انقلاب اکتبر)، فلسفه تاریخ، دیدگاههای جامعه‌شناسی در قرآن.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رازی صنعایی، ابوالعباس احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۴۶۰ ق)، مورخ. از آثار وی: «در السحابه فی مواضع وفیات الصحابه»؛ «تاریخ یمن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۵۸/۱)، کشف الظنون (۳۱۱ -۳۱۰)، معجم المؤلفین (۲۹۴/۱).

رازی، حیدر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، مورخ. از آثار وی: «مجمع التواریخ» یا «تاریخ حیدری» یا «زبده التواریخ» که تاریخی عمومی از آغاز تا روزگار نگارنده است که از ۱۰۲۰ تا ۱۰۲۸ ق طول کشیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۲۵، ۱۵۵۷ -۱۵۵۶ /۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۶۹/۲)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۶۴۶/۱).

رازی، محمد شریف

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد شریف رازی، در سال ۱۳۰۰ش (۱۳۴۰ق) در خاندانی متدین در شهر ری به دنیا آمد. در سیزده سالگی پدر را از دست داد و پس از آن به کار و کسب و تحصیل علوم جدید و مقدمات علوم دینی پرداخت. وی در هفده سالگی با صلاحدید آیت‌اللّه شیخ محمدتقی بافقی که دوران تبعیدش را در شهر ری می‌گذارند، به قم رفت و به تکمیل سطوح عالی حوزه همت گماشت. حجت‌الاسلام شریف رازی پس از آن رهسپار حوزه علمیه نجف اشرف گردید و مدتی از درس سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ غلامحسین اردبیلی بهره برد. ایشان همچنین پس از چند ماهی که از دروس آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی در مشهد مقدس استفاده نمود، در قم رحل اقامت افکند و یکسره به درس فقه و اصول حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمره‌ای و سیدحسین بروجردی حاضر شد و مبانی علمی خویش را استوار ساخت. حجت‌الاسلام شریف رازی در سال ۱۳۳۳ش به شهر ری رفت و در مدت اقامت پنج ساله در آنجا، در تاسیس، مدیریت و تدریسِ مدرسه بُرهانیه نقش مهمی ایفا نمود. از آن پس به قم بازگشت و به تالیف و تحقیق و تبلیغ دین در داخل و خارج کشور اشتغال ورزید. وی از بسیاری از بزرگان شیعه اجازات امور حسبیه و روایتی دریافت داشت که از جمله آنها، اجازات روایی حضرات آیات: شیخ آقابزرگ تهرانی، شیخ علی‌اکبر نهاوندی و سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی بود. حجت‌الاسلام شریف رازی در ضبط تاریخ حوزه‌های علمیه و بزرگان شیعه اهتمامی خاص داشت و با تالیف و نگارش کتاب‌های آثارُالحُجَّه یا دایرهٔ‌المعارف حوزه علمیه قم در ۲ جلد و نیز گنجینه دانشمندان درباره شرح حال زندگی علمای معاصر شیعه در ایران و عراق، در ۹ جلد، در احیا و بزرگداشت نام و یاد علمای شیعه قدمی بلند و گامی ارجمند برداشت. علاوه بر این از شریف رازی آثار با ارزش دیگری بر جای مانده که اختران فروزان ری و تهران، کرامات صالحین، چرا شیعه شدم، مشاهیر دانشمند اسلام، تعلیقه بر وسایل الشیعه در ۵ جلد و تعلیه بر بحارالانوار در ۶ جلد و... از آن جمله‌اند. معظمٌ‌له سرانجام پس از عمری تحقیق و نگارش، در بیست و پنجم فروردین ۱۳۷۹ش برابر با هفتم محرم ۱۴۲۰ق در هفتاد و نه سالگی بدرود حیات گفت و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

راقم سمرقندی، شرف‌الدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۱۳ ق)، مورخ. وی تاریخی داشته به نام «تاریخ راقم» یا «تاریخ سید راقمی»، که تاریخ کوتاهی است درباره‌ی ترکستان، از عهد تیمور (۷۶۳ ق) تا پادشاهی عبدالعزیز سال (۱۰۵۴ ق). این کتاب را «تاریخ نامه‌ی راقمی» و «تاریخ کثیره» نیز خوانده‌اند. این کتاب حاوی وقایع مشهور تاریخی و مخصوصا وفیات مشاهیر خراسان و ماوراءالنهر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۳۱ -۵۳۰ /۲)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۶۵ -۸۶۴ /۲)، یادداشتهای قزوینی (۱۶ - ۱۵ /۲).

راوندی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضـی راوندی در سال ۱۲۹۲ ، در تهران به دنیا آمـد. تحصـیلات ابتـدایی را در مدرسه ایمان و دوره دبیرسـتان را در دارالفنون به پایان برد ، سـپس وارد دانشکده افسری شد و در همانجا دوره سربازی را انجام داد. آنگاه جهت ادامه تحصیل وارد دانشکده حقوق دانشـگاه تهران شد و در رشته قضایی با درجه لیسانس فارغ التحصیل شد. استاد روانْدی پس از تحصیلات عالی ، مشاغل مختلفی را عهـده دار شـد ، وی ابتـدا در راه آهن تهران به کـار پرداخت ، سـپس از سال ۱۳۱۸ ش . وارد دادگستری شـد و به خـدمت قضایی اشـتغال ورزید. راوندی همچنین سـمت هایی همچون ریاست ثبت کل کشور و دادیاری دیوان عالی کشور را نیز پذیرفت ، تا آنکه در سال ۱۳۴۴ ش ، بازنشسـته شد. وی پس از بازنشستگی به پژوهش درباره تاریخ ایران و نقش سیاسی و اجتماعی مردم پرداخت و آثار نیز به چاپ رساند. اسـتاد مرتضـی راوندی سـرانجام در روز چهارشـنبه ۲۳ شهریور ۱۳۷۸ در پی عـارضه مغزی دیـده از جهان فروبست.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : مرتضـی راوندی تحصیلات دوره ی ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند. در سال ۱۳۲۲ به اخـذ لیسـانس در رشـته ی ادبیـات فارسـی از دانشسـرای عالی توفیق پیـداکرد و به سال ۱۳۲۴ برای فراگرفتن علـوم دینی و معـارف اسـلامی رهسپار شهر مذهبی قم گردید. در سال ۱۳۲۹ برای تکمیل تحصـیلات به تهران بازگشت و در سال ۱۳۳۵ به اخذ درجه ی دکترا در رشـته ی زبان و ادبیات فارسـی نائل آمـد. وی برای تز دکترای خود و به راهنمایی اسـتادش شـیخ محمد سـرابی ، « تفسـیر مجمع البیان » را که تفسیری جامع در علوم قرآنی است برگزید.

خاطرات و وقایع تحصـیل : مرتضـی راوندی از سـختگیری های نابجا و نظام آموزشـی غلط دوران تحصیل خود چنین یاد می کند: « محیط اجتماعی ایران طوری بود که خانواده ها و دولت وقت ، توجهی به حیات جسـمی و روحی کودکان نداشتند . تحرک ، بازی ، دویـدن و جسـت و خیز اگر امروز نـوعی تربیت و آمـوزش حسـاب می شـود ، در قـدیم نه تنهـا مـورد تاییـد خـانواده و مسـئولین فرهنگی نبود ، بلکه نوعی شـیطنت و بازی گوشی بی ادبانه تلقی می شد. هیچ فراموش نمی کنم موقعی که در مدرسه مبارکه ایمان دوره ابتدایی را می گذراندم ، مدیر مدرسه مرحوم « میرزا ابوالقاسم خان تفرشی » نه تنها در دویدن و بازی کردن را تایید نمی کرد ، بلکه در طبقه سوم ساختمان مـدرسه و در ایوان می نشسـت و دست هایش را مقابل چشم ها می گـذاشت و چنین وانمود می کرد که نمی بینـد. اگر کودکی به حکم غریزه کودکی جست و خیز می کرد و بـا دیگر اطفـال به بـازی مشغول می شـد ، آقای میرزا با ترکه حاضر می شد و به یکی از فراش ها می گفت: « بیارش. » و بعد بساط ترکه و فلک و تنبیه بود.

وقـایع میانسـالی : روی کار آمـدن محمـدرضا شاه پهلوی و باز شـدن فضای سیاسـی از سال ۱۳۲۰ ، روشـنفکران و سیاسـتمداران را یکبار دیگر وارد عرصه سیاست نمود ، مرتضـی راوندی نیز از جمله این افراد بود که در مسیر جریانات سیاسی کشور قرار گرفت و مدتی را نیز در زندان شاه به سر برد.

زمان و علت فوت : مرتضی راوندی در روز چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۷۸ در پی عارضه مغزی دیده از جهان فروبست.

مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : مرتضـی روانْدی پس از تحصیلات عالی ، مشاغل مختلفی را عهده دار شد ، وی ابتدا در راه آهن تهران به کـار پرداخت ، سـپس از سال ۱۳۱۸ ش . وارد دادگستری شـد و به خدمت قضایی اشـتغال ورزید. راوندی همچنین سـمت هایی همچون ریاست ثبت کل کشور و دادیاری دیوان عالی کشور را نیز پذیرفت ، تا آنکه در سال ۱۳۴۴ ش ، بازنشسته شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مرتضـی راونـدی پس از بازنشسـتگی به پژوهش درباره تاریـخ ایران و نقش سیاسـی و اجتماعی مردم پرداخت. علاـوه بر آن سـفر به فرانسه و دیـدن کتـاب هایی درباره زنـدگی روزمره توده مردم پاریس در سـده های گذشـته ، ایشـان را مصـمم به پژوهش دربـاره زنـدگانی مردم و آداب و رسوم عـادی و سـایر طبقات مختلف کشور از لابه لای تواریـخ کهن

نمود.

راوندی، نجم الدین ابوبکر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نجم الـدین ابوبکر عمر بن علی بن سـلیمان بن محمـدبن احمـدبن حسـین بن همت راونـدی در اوایـل نیمه دوم قرن شـشم در راوند کاشان متولـد شـد. پـدران وی از علما و خاندان عراقی الاصل بودند. وی در کودکی پدر را از دست داد اما در کنف حمایت دایی های فرهنگ دوست خود زین الـدین و تاج الـدین، علوم شـرعی و ادبی و خوشنویسـی را آموخت. راوندی پس از بروز قحطی سال ۵۷۰ در اصـفهان، برای تحصـیل به مسـافرت در شـهرهای ایران و عراق پرداخت و از سال ۵۷۷ به دربار شاهان سـلجوقی راه یافت . راونـدی پس از انقراض سـلجوقیان بزرگ، از همدان راهی آسـیای صـغیر شد و در دربار سـلطان غیاث الدین ابوالفتح کیخسـرو بن قلیـچ ارسـلان مورد اسـتقبال قرار گرفت و کتـاب خود «راحه الصـدور و آیه السـرور فی تاریـخ آل سـلجوق» را در سال ۵۹۹ به وی تقدیم کرد و اندکی بعد درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : ایران دوره اسلامی

والـدین و انساب : خانـدان نجم الـدین ابوبکر راوندی از خانواده های علمای عراق بودند اما وی در راوند کاشان ولادت یافت. تاج الدین راوندی و زین الدین راوندی دایی های او ازشاعران عهد سلجوقی به شمار می روند.

اوضاع اجتماعی و شـرایط زندگی : نجم الدین ابوبکر راوندی در کودکی پدر را از دست داد و خاندان او به سـبب قحطی سال ۵۷۰ تهیدست شدند . چنانکه محمد راوندی به مدت ۱۰ سال تحت حمایت دایی خود تاج الدین احمد بن محمد بن علی راوندی ،که از فاضلان بزرگ روزگار و در انواع علوم شرعی و ادبی سرآمد بود، رشد کرد و به شهرهای مهم عراق سفر کرد.

تحصـیلات رسمی و حرفه ای : نجم الدین ابوبکر راوندی که در کودکی به زبان عربی تسلط داشت علوم شرعی و ادبی و هم چنین خوش نویسـی را نزد دایی های خود آموخت تا آنجا که در هفتاد نوع خط مهارت یافت . تسلط وی به خوش نویسی مو جب شد تا علومی را نیز از طریق نسـخه نویسـی کتابها کسب کنـد . از سال ۵۷۰ محمـد راوندی سـفرهای خود را به شـهر های مختلف ایران و عراق برای تحصیل علم آغاز کرد . او در مدارس عراق به صورت پراکنده و موقت به تحصیل پرداخت.

خاطرات و وقایع تحصیل : پدر نجم الدین ابوبکر راوندی در حین تحصیل وی درگذشت و اوضاع مالی خانواده راوندی رو به نزول رفت این اوضاع با وقوع قحطی سال ۵۰۷ در اصفهان به وخامت گرایید .

فعالیتهای ضـمن تحصـیل : نجم الـدین ابوبکر راونـدی به خطاطی تذهیب و جلد سازی نیز می پرداخت و در حین تحصـیل از طریق نسـخه نویسـی کتابها امرار معاش می کرد. نجم الدین ابوبکر راوندی به نثر و شعر مسلط بود همواره در این باره به ممارست مشغول بود . و در دربار سلاطین پذیرفته می شد . و اشعار خود را از جمله قصایدش در کتاب راحه الصدور و آیه السرور آورده است

اسـتادان و مربیان : نجم الـدین ابوبکر راونـدی نزد دایی های خود زین الدین و تاج الدین احمد بن محمد بن علی راوندی مقدمات علوم شرعی و ادبی را آموخت . تاج الدین در همدان در مدرسه محله سابق آباد درس می گفت.

هم دوره ای ها و همکاران : شـهاب الدین احمد از دوسـتان دوران تحصـیل نجم الدین ابوبکر راوندی بوده است که راوندی گاهی

بدلیل فروتنی بعنوان استاد خود از وی یاد می کند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نجم الدین ابوبکر راوندی پس از قحطی سال ۵۷۰ در اصفهان برای تحصیل در شهرهای ایران و عراق به مسافرت پرداخت و از سال ۵۷۷ به دربار طغرل بن ارسلان سلجوقی راه یافت و پس از آن به خدمت سلیمان شاه بن قلج ارسلان سلجوقی درآمد. در این سالها راوندی در همدان اقامت داشت ، اما پس از انقراض سلجوقیان ایران، به روم رفت و در دربار سلطان غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلج ارسلان پذیرفته شد. در آن زمان گروهی از بزرگان ایران از دست مغولان به دربار امن پادشاهان سلاجقه روم پناه می بردند . از آن جمله می توان به شمس الدین تبریزی، مولانا جلال الدین بلخی [مولوی]و نجم الدین رازی از عارفان مشهور آن زمان نام برد . راوندی کتب خود را به دلیل احساس دین به سلاطین سلجوقی و در قدردانی از تاسیس مدارس عراق که وی در آنها تحصیل کرده بود و برای به یادگار گزاردن اثرجادوانی از خود و همچنین برای تجلیل از فتح عظیم انطاکیه توسط کیخسرو بن قلج ارسلان در سال ۵۹۹ کتاب راحه الصدور را به وی تقدیم کرد. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج۲، صص ۱۰-۱۰۰۹] وی از سال ۵۸۰ به فکر تالیف چنین اثری افتاد. و در سال ۶۰۲ به طور کامل اتمام یافت.

فعالیتهای آموزشی : نجم الدین ابوبکر راوندی بعنوان معلم پسران سلیمان شاه بن قلج ارسلان سلجوق در دربار حضور داشت.

شاگردان : فرزندان سلیمان شاه بن قلچ ارسلان سلجوقی در کودکی تحت تعلیم نجم الدین ابوبکر راوندی قرار داشته اند.

همفکران فرد : افضل الدین کرمانی، اتابیک منتجب الدین بدیع کاتب جوینی همانند محمد بن علی راوندی از شاعران و مورخین ومنشیان دربار سلجوقی به شمار می رفتند کاشانی (مولف زبده التواریخ)در عهد سلجوقی همانند نجم الدین ابوبکر راوندی کتاب خود را بر اساس سلجوقنامه ظهیر الدین نیشابوری نگاشت.

چگونگی عرضه آثار : نجم الدین ابوبکر راوندی کتاب راحه الصدور را به نام سلطان غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلچ ارسلان سلجوقی به پایان برد و به وی تقدیم نمود. --

آثار :

۱ .

ویژگی اثر : .

۲ اعلام الملوک معروف به راحه الصدور و آیه السرور

ویژگی اثر : راوندی دراین کتاب پر ارزش خود پس از ذکر دیباچه و سبب تالیف کتاب و ستایش عدل و انصاف که پر است از فواید ادبی و تاریخی، وارد تحقیق و بحث در دولت سلجوقیان شده و کار آنان را از ابتدا شرح داده و وقایع عهد سلاجقه بزرگ را تا پایان کار سنجر به تفصیل آورده و آنگاه به ذکر سلاجقه عراق تا پایان کار طغرل بن ارسلان و استیلای خوارزمشاهیان بر عراق پرداخته و در عین حال درباره اتابکان عراق و آذربایجان به تفصیل سخن گفته است. در پایان کتاب راوندی فصولی در ذکر آداب شطرنج، شراب، مسابقت و تیرانداختن، شکار کردن، اصول خط ، فی الغالب و المغلوب و فصلی در خاتمت کتاب آورده و کتاب را به نام و مدح غیاث الدین کیخسرو خاتمه داده است. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج۳، ص ۱۰۱۰] کتاب راحه الصدور آیه السرور در سال ۵۹۹ تالیف شده و یکی از بهترین کتب نثر فارسی و در نهایت فصاحت و روانی نوشته شده است و در ضمن اشعاری به فارسی از مولف و نیز از بزرگان ادب فارسی در آن ثبت شده است، [نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج۱، ص ۱۴۵] راحه الصدور از کتب مهم قرن ششم و اوایل قرن هفتم است که خواه از باب سلامت انشا آن و ابراز فضل های مولف و خواه از نظر در بر گرفتن اطلاعات فراوان تاریخی و اجتمای در شمار معتبرترین و سودمند ترین کتب فارسی پیش از حمله مغول در ایران به شمار می رود. [صفا،تاریخ ادبیات در ایران، ج۲، ص ۱۰۰۸] راحه الصدور از بهترین کتب نثر پارسی است که قسمتی از آن به

شیوه مصنوع و مزین و قسمتی دیگر ساده و بی پیرایه است. در قسمتهای مصنوع راحه الصدور دراز گویی و آوردن امثال و اشعار عربی و فارسی بویژه اشعار شاهنامه فراوان و سخن راوندی در برخی موارد به لطافت شعر و دارای همان شرایط و موضوعات می شود. از امتیازات ادبی راحه الصدور ایراد قصائدی تمام از شاعران استاد و بزرگ قرن ششم منوچهری دامغانی ،شمس الدین احمد بن منوچهر شصت کله، امیر عمادی اثیر اخسیکتی و سید حسن غزنوی است. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج۲، صص ۳و۷۴و۱۵۲و۱۰۱۱وص۷۰۸و۵۸۷و ۵۲۰] که مدتها پیش بطور داوطلبانه آغاز به تالیف کرده بود.

منابع زندگینامه :

۱راوندی، راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق، ص۴۰۲سعید، نفیسی. تاریخ نظم و نثر ر ایران و در زبان فارسی، ج۱، تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۴، ص ۱۴۵ و ۸۸۷۳صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج۲، ص ۱۰۰۹۴محمد بن عی بن سلیمان، «راوندی»، راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آن سلجوق، به اهتمام محمد اقبال و تصحیح مجتبی مینوی، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۴، ص ۴۹

راوندی، نجم‌الدین، ابوبکر محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، مورخ. وی از راوند کاشان بود. در کنف رعایت دایی خود، تاج‌الدین احمد راوندی که از فاضلان بزرگ بود، تربیت شد و از علوم شرعی و ادبی و خط را آموخت و مدتها از راه استنساخ و تذهیب و تجلید کتب زندگی کرد، تا اینکه در سال ۵۷۷ ق در خدمت سلطان طغرل بن ارسلان تقرب حاصل کرد. بعد از زوال دولت آن پادشاه در سال ۵۹۰ ق و برافتادن حکومت سلاجقه‌ی عراق به بلاد آسیای صغیر رفت و به خدمت غیاث‌الدین کیخسرو بن قلج ارسلان (۶۳۴ -۶۱۶ ق) از سلاجقه‌ی آسیای صغیر درآمد. وی کتاب مشهور خود «راحه الصدور و آیه السرور» را که در سال ۵۹۹ ق به انجام رسانده بود، با اضافاتی در حدود سال ۶۰۳ ق به نام وی کرد. این کتاب از جمله بهترین کتب نثر پارسی است که پیرامون تاریخ سلاجقه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۱۱ -۱۰۰۸ /۲)، تاریخ در ایران (۳۷ -۳۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۵، ۱۱۹)، تاریخ نگاران ایران (۲۷۰ -۲۶۷)، الذریعه (۵۶/۱۰)، راحه الصدور و آیه السرور (مقدمه/ ۶ -۱)، سبک شناسی (۴۱۰ -۴۰۵ /۲)، گنج و گنجینه (۲۲۶)، لغت نامه (ذیل/ راوندی)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۳ -۶۲۱ /۵)، هدیه العارفین (۱۰۸/۲).

راویه دیلمی، ابوالقاسم حماد

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۵۱/۱۵۵/۱۶۱/۱۹۵ ق)، مورخ و لغوی. اصل وی از دیلم بود و در کوفه متولد شد. او از مشاهیر علمای تاریخ و لغت عهد بنی‌امیه بود که در معرفت وقایع و اخبار و اشعار و انساب و لغات عرب، داناترین شخص در طبقه‌ی اول از لغت‌دانان کوفه به شمار می‌رفت. نام پدر وی را میسره و هرمز نیز نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۲ -۳۰۱ /۲)، روضات الجنات (۲۳۷ -۲۳۵ /۳)، ریحانه (۲۹۹ -۲۹۸ /۲)، الکنی و الالقاب (۲۷۰ -۲۶۹ /۲)، لسان المیزان (۶۶۴ -۶۶۲ /۲)، لغت نامه (ذیل/ حماد)، معجم الادباء (۲۶۶ -۲۵۸ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۴۲ -۱۳۷ /۱۳)، وفیات الاعیان (۲۸۲/۵، ۲۱۲، ۲۱۰ -۲۰۶، ۳۶ /۲، ۴۴۸/۱).

ربیعی، یدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یدالله ربیعی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب یدالله ربیعی در سال تحصیلی ۵۲-۵۳ وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه رسالت مشغول به تحصیل شدم. تقریباً در اوائل سطوح عالی بودم که انقلاب پیروز شد و بعد جنگ تحمیلی آغاز گشت و در سال ۶۱ هر دو پای اینجانب قطع گردید. درسها را ادامه دادم. در سال ۱۳۷۲ در آموزش و پرورش آغاز به کار کردم که بیشتر در امور تربیتی بود، مشغول به کار شدم. در سال ۷۸ در معاونت امور اساتید مشغول به امتحان شدم تا اینکه در رشته (تاریخ و ادیان) و نیز (معارف اسلامی) به نصاب قبولی رسیدم و در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود و شهرستان ساوه مشغول تدریس شدم و هم‌اکنون فقط در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود مشغول تدریس هستم. در ضمن در عقیدتی و سیاسی سپاه، ارتش و بسیج و نیز اردودهای آموزشی زیاد تدریس داشته‌ام و نیز در آموزش قرآن و عقاید فعالیت داشته‌ام. همچنین دروس حوزه را به صورت انفرادی و گروهی تدریس داشته‌ام و فلسفه را نیز مقداری از اسفار خوانده‌ام.

رجب زاده، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هاشم رجب زاده در سال ۱۳۲۰ در شهر تهران به دنیا آمد. رجب زاده بعد از طی مدارج رسمی تحصیلی در دوره متوسطه در تهران، با گرایش تاریخ به دانشگاه می رود و تحصیلات دانشگاهی اش را تا دریافت درجه دکترا با گرایش تاریخ ایلخانان و تاریخ ایران ادامه می دهد. پایان نامه دکترای او درباره سیاست و کشورداری رشیدالدین فضل الله بوده است. رجب زاده بعد از تحصیلات دانشگاهی به عنوان وابسته فرهنگی ایران به ژاپن سفر می کند.این آغاز یک ارتباط پیوسته با تاریخ وفرهنگ ژاپن می شود. بار اول

در سال ۱۳۵۲ بود که به ژاپن رفت و مدت چهار سال در مأموریت بود. به عنوان وابسته سفارت و نماینده فرهنگی ایران فعالیت داشت. بعد از آن ،دو سال را در ایران گذراند . بعد از انقلاب هم از طرف وزارت امورخارجه به مأموریت استرالیا رفت و حدود دو سال در کانبرا بود. در همین هنگام تدریس در دانشگاه ژاپن را پذیرفت و دوباره به آن کشور باز گشت. وی در مجموع ۲۴ سال در ژاپن زندگی کرد. رجب زاده سال هاست که در دانشگاه اوساکای ژاپن ادبیات فارسی و ایرانشناسی درس می دهد. در این سال ها او از مهمترین منابع شناخت فرهنگ و تمدن ژاپن بوده و تألیفات و ترجمه هایش نیز در راستای این مرجعیت شکل گرفته است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : فرهنگ و تمدن ژاپن

تحصیلات رسمی و حرفه ای : پایان تحصیلات متوسطه در تهران – تحصیلات عالیه در رشته تاریخ – دریافت دکترای تاریخ باگرایش تاریخ ایلخانان و تاریخ ایران

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : هاشم رجب زاده بعد از تحصیلات دانشگاهی به عنوان وابسته فرهنگی ایران به ژاپن سفر می کند. بار اول در سال ۱۳۵۲ بود که به ژاپن رفت و مدت چهار سال در مأموریت بود. به عنوان وابسته سفارت و نماینده فرهنگی ایران فعالیت داشت. بعد از آن ،دو سال را در ایران گذراند . بعد از انقلاب هم از طرف وزارت امورخارجه به مأموریت استرالیا رفت و حدود دو سال در کانبرا بود.

فعالیتهای آموزشی : – تدریس در دانشگاه ژاپن از اوایل دهه ۶۰ – استاد ایران شناسی ادبیات فارسی دردانشگاه اوساکای ژاپن

چگونگی عرضه آثار : هاشم رجب زاده همچنین در معرفی ادبیات و فرهنگ ایران در ژاپن نیز نقش مهمی دارد.او آثاری از ادبیات ایران به زبان ژاپنی ترجمه و منتشرکرده است، وی دراین باره می گوید: «ادبیات کلاسیک ایران چون در سال های گذشته در ژاپن شناخته شده و مطرح بود، همچنان مطرح است. اما من ابتدا به رباعیات خیام پرداختم. سابقه صدساله ادبیات معاصرایران را در مقالاتی درآنجا معرفی کردم. به غیر از این موارد مطالبی درباره خیام شناسی، سعدی شناسی و فردوسی شناسی نوشته ام. در ژاپن بیش از همه خیام محبوب است که تاکنون ۱۴ ترجمه از رباعیات او درآنجا منتشرشده و بعد ازخیام، حکیم نظامی بیشترین محبوبیت را دارد. به دلیل گیرایی منظومه های عاشقانه اش، علاقه عجیبی به آثارش دیده می شود.» هاشم رجب زاده درباره ترجمه آثار ادبیات معاصر ایران در ژاپن می گوید:«درآنجا بیش از همه روی آثار صادق هدایت تمرکزکرده اند. هدایت را به این دلیل می شناسند که ابتدا او را ازطریق ترجمه آثارش درزبان اروپایی شناختند. در دهه اخیر توجه بیشتری به ادبیات معاصرایران شده است. برای نمونه یکی از آنها جلال آل احمد است که ترجمه آثارش قابل مقایسه با ترجمه آثاردیگران نیست. سفرنامه و خاطرات ایران نیز اثر دیگری از ترجمه های هاشم رجب زاده است. هاشم رجب زاده از نسل مردان سختکوش عرصه تاریخ نگاری، ترجمه و تألیف است. او نمونه والایی از روحیه جست وجوگری ایرانی برای شناخت و آموختن برای نسل جدید ایرانیان است. در این سال ها او از مهمترین منابع شناخت فرهنگ و تمدن ژاپن بوده و تألیفات و ترجمه هایش نیز در راستای این مرجعیت شکل گرفته است.بسیاری از ایرانیان در سال های اخیر اگر شناختی از فرهنگ و تاریخ ژاپن به دست آورده اند، یا به ادبیات ژاپنی و نیز شعر آن دیار دلبستگی یافته اند،این شناخت و دلبستگی را مدیون آثار رجب زاده نیز هستند. همچنین در سالها اقامت رجب زاده در ژاپن ارتباط نشریات داخلی با او هرگز گسسته نشده و در بسیاری از مجلات و نشریات تخصصی ایران شناسی یا تاریخ و فرهنگ،مقالات پرباری را در حوزه های کاری اش به چاپ رسانده است. از آن جمله است سلسله یادداشت های او در مجله بخارا با نام یادداشت هایی از ژاپن که چندین سال در هر شماره به چاپ می رسید.علاوه بر این رجب زاده حوزه تألیف و ترجمه کتاب را نیز با جدیت دنبال کرده و آثار ویژه ای از زبان ژاپنی به فارسی برگردانده است.«اندیشه و احساس در شعر معاصرژاپن»، « قصه های

ژاپنی» ،«گل صدبرگ» ،«چنین گفت بودا» و ...بخشی از آثاری است که در کارنامه او به ثبت رسیده اند.به غیر از گل صدبرگ که مجموعه شعراست، دردیگر حوزه ها هم کارکرده ام و می کنم. درباره تاریخ دوران میانه، و به طور اختصاصی پیرامون تاریخ ایلخانیان کارکرده ام. درمورد فضل الله تحقیقات و مطالعات گسترده ای دارم که انتشارات طرح نو یکی از این کتاب ها را که پیرامون زندگی و آثارش بود، منتشرکرد. ---

آثار :

۱ آیین کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل الله همدانی

ویژگی اثر : .«آیین کشورداری» نخستین کتاب دکتر هاشم رجب زاده بود که در باب وزارت رشیدالدین فضل الله نوشته شد.رجب زاده درباره یکی از آثار او می گوید: «بیان الحقایق از جمله آثار رشیدالدین فضل الله همدانی است.بنا به آنچه مؤلف خود در مقدمه کتاب دیگرش لطایف الحقایق اشاره کرده، این اثر در بردارنده هفده رساله است.این رساله ها کلامی و بیشتر در تفسیر قرآن کریم نگارش یافته و منظور مؤلف از نگارش آنها آشتی دادن میان فلسفه و کلام است.نسخه ای ناقص از بیان الحقایق در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است که در سده هشتم هجری کتابت شده و در بردارنده ده رساله از هفده رساله بیان الحقایق است.در برخی از منابع، رساله های بیان الحقایق در بیست عنوان فهرست شده است.در این گفتار، به معرفی نسخه خطی بیان الحقایق (محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی) پرداخته شده است.»

۲ اندیشه و احساس در شعر معاصر ژاپن

ویژگی اثر : ۱۳۵۸

۳ ایران و ماوراء النهر

ویژگی اثر : «ایران و ماوراءالنهر» نیز کتابی است که از امیلی برتشنایدر که رجب زاده ترجمه کرده و بنیاد موقوفات افشار به بازار عرضه کرده است.سیاحان و جهانگردان چینی در سده های هفتم و هشتم هجری (سیزدهم و چهاردهم میلادی) در عهد مغول از راه های سخت وبیابانی گذشته به ماوراءالنهر رفته، سرزمین هایی را که دیده اند و شرح سفر خود را در روزنامه های چینی نوشته و توصیف کرده بودند. این خاطرات که مشحون از جستارهای باارزش تاریخی و جغرافیایی است و اطلاعات مفیدی را در بر دارد اساس کار دکتر امیلی برتشنایدرطبیب و جغرافیدان و گیاه شناس معروف آلمانی روسی الاصل قرار گرفت که به این اسناد دسترسی یافت و کتاب مفصلی فراهم آورد که بخش ایران آن را محقق توانا دکتر هاشم رجب زاده ترجمه و چاپ کرده است. دکتر برتشنایدر مؤلف این گنجینه معتبر - که از آثار مکتوب چینی گرد آمده - در سال ???? به عنوان طبیب در سفارت روسیه در تهران اشتغال داشت و چهار سال در ایران بود، بعد در سال ???? به پکن منتقل شد و نزدیک به ?? سال در آنجا ماند و این اثر علمی نفیس و معتبر حاصل بهره گیری او از منابع چینی محفوظ در کتابخانه های پکن بوده که دو بار در سال های ???? و???? در انگلیس به چاپ رسیده بود. مترجم فاضل این مجموعه را از نسخه چاپ لندن ترجمه و عرضه کرده است رجب زاده درباره این کتاب می گوید: « برتشنایدر اعتقاد دارد که کتاب «جوامع التواریخ» رشیدالدین فضل الله بزرگترین تاریخ عالم است. این حرف را البته اروپاییان دیگری به مناسبت های مختلف مطرح کرده اند. پس این حرف که می گویند، ایرانیان عادت به نوشتن تاریخ نداشتند، درست نیست. چون اگر به شرق دور برویم می بینیم چینی ها از دوهزار وپانصد سال پیش تاریخ مکتوب دارند و ژاپنی ها ازهزاروپانصد سال پیش «یادداشت روزانه» یا تاریخ نامه به صورت روزنگار می نوشتند و از میان ایرانیان هم رشید الدین فضل الله بزرگترین مورخ عصر خود و قرون بعد بود.»

۴ بیان الحقایق

۵ پروشییا کیکوء

ویژگی اثر : نوبویوشـی فوروکاوا نفر دوم این هیأت سـفارت، سرهنگ و نماینده ستاد ارتش ژاپن، جدا از گزارشی که از دیده ها و شنیده ها ویافته هایش به دولت و دسـتگاه متبوع خود داد، سـفرنامه ای هم نگاشت که در سال ???? م.در توکیو با عنوان «پروشـییا کیکوء»(یـادداشت هـای سـفر ایران) چـاپ شـد. رجب زاده همچنین ردپای حضور ایرانیان در ژاپن را نیز دنبال می کنـد و بویژه در شناسـایی قبیله ای تـاریخی از ژاپن که به نظر می رسـد از دربـار ساسانیان به آن دیار عزیمت کرده انـد،نقش مهمی داشـته است. از بازماندگان این قبیله ژاپنی خانمی است به نام هیروکو نیشـی زاوا که اکنون بیشتر از هفتاد سال دارد. او به گواهی اسـناد خانوادگی، خود را نسـل پنجاه و سوم ازتبار شاهزادگان ساسانی که در سـده هفتم میلادی و در پی ویران شـدن تیسـفون به خاور دور آمدنـد، میداند و کتابی هم، داستان گونه، با نام«از تبار ایرانی» منتشر کرد که جلد یکم از چند دفتری است که درباره خاندان خود در دست نگـارش دارد.خـانواده او از دیربـاز درناگانو، ایالت کوهسـتانی در میانه جزیره اصـلی ژاپن، هونشو ، مقیم بوده انـد، اما او اکنون در شهر توکیو زنـدگی میکنـد. او گفته است: « از نشان خانوادگی ام و آثاری که بازمانـده، می توانم تاریـخ خانـدانم را تا سال???? پیش از میلاـد یـا بیشـتر از آن دنبـال کنم». رجب زاده ، حکـایت می کنـد که روزی در بهـار ?? ،تلفنی به او گفته انـد یـک خـانم ساسانی قصد دیدار او را دارد تا پاره ای از مشکلات تحقیقاتی خود را حل کندا هاشم رجب زاده در نوشته ای سوابقی را می آورد که نشان می دهـد بنا به مـدارک تاریخی در ژاپن در نیمه قرن هفتم میلادی ایرانیانی به آن کشور رفته و در آنجا ساکن شـده اند.از جمله به نقل از «نیهون شـهوکی» تاریخ نامه باستانی ژاپن در ضبط رویدادهای سال ??? میلادی آورده: تابستان.ماه چهار (آوریل) دو مرد و دو زن از سـرزمین تخارا (ایران) و یک زن از سـراواستی را توفان به هیو گو آورد ???.میلادی برابر با سال ?? هـ است.با توجه به اینکه اعراب در سـال ?? هـ ???ـ م.به ایران یورش کردنـد، می توان حـدس زد که سـفر نیاکـان خانم نیشـی زاوا، یعنی آن شاهزادگـان ساسـانی که توفـان آنهـا را به سواحل ژاپن رسانـده، از ایران به ژاپن چنـد سالی طول کشـیده است.معلوم نیست که آن توفان زدگان، اجداد خانم نیشی زاوا بوده باشند اما گویا اجداد این زن ساسانی هم سرنوشتی مشابه آنان داشته اند.

۶ ترجمه سفرنامه فوروکاوا

۷ ترجمه سفرنامه های ژاپنی بوتجان

۸ ترجمه سفرنامه و خاطرات آشی کاگا

۹ جستارها

ویژگی اثر : گزیده مقالات ایرانشناسان و شرق شناسان ژاپن

۱۰ چنین گفت بودا

۱۱ زندگی و آثار رشید الدین فضل الله همدانی

ویژگی اثر : رساله هایی که رشـیدالدین فضل الله نوشته، در مجموع پنج کتاب است که یکی مجمل الرشیدی مرکب از چهار کتاب است و یکی هم بیـان الحایق که کتاب جـداگانه ای است. رجب زاده درسال ?? درباره زنـدگی و آثار رشـیدالدین فضل الله کتابی نوشت که انتشارات طرح نو آن را به بازار عرضه کرد

۱۲ سفرنامه فوکوشیما یا سوماسا

۱۳ سفرنامه ماساجی

۱۴ سفرنامه یوشیدا ماساهارو

ویژگی اثر : نخستین کتاب از این مجموعه «سـفرنامه یوشـیدا ماساهارو» بود که ?? سال پیش انتشارات آسـتان قـدس رضوی منتشـر کرد. هیـأتی که به ریـاست ماساهـارو یوشـیدا در سـال ???? میلاـدی ???? ، ه.ق، دوازده سـال پس از آغاز تجـدّد ژاپن (نهضـتِ

میِجی)به دربار ناصرالدین شاه آمد، پس از گذراندن مأموریت خود در ایران، از راه روسیه و دریای سیاه و بندر باتوُمی (اکنون در خاک گرجستان)به استانبول رفت تا از دربار عثمانی نیز دیدن کند.ورود این هیأت به خاک عثمانی چند سالی پس از جنگ روسیه و عثمانی و شکست و ادبار کار آل عثمان بود .

۱۵ قصه های ژاپنی

۱۶ قصه های ژاپنی

ویژگی اثر : ۱۳۶۳

۱۷ گل صدبرگ (گزینه ای از اشعار کهن ژاپنی)

ویژگی اثر : در ژاپن من در مورد تاریخ وفرهنگ ایران تدریس می کنم. ادبیات فارسی را یک خانم ژاپنی تدریس می کند به اسم فوجی موتو. این استاد، زبان فارسی را خوب می داند و کتاب «گل صدبرگ» را با همکاری او به فارسی برگردانده ام. این کتاب در واقع گزیده ای از ? هزار و پانصد قطعه شعر قدیم ژاپنی است که بیش ازهزارسال پیش سروده شده بود

۱۸ مفتاح التفاسیر

ویژگی اثر : هاشم رجب زاده در حال حاضر «بیان الحقایق» مجموعه ?? رساله کلامی، فلسفی و دینی از رشیدالدین فضل الله همدانی را گردآوری، تصحیح و مقدمه نویسی کرده است، که آن را به همراه «مفتاح التفاسیر» - از دیگر رساله های رشید الدین - به ترتیب مرکز نشر میراث مکتوب و مرکز بزرگ دایرهٔ المعارف اسلامی منتشر می کنند.

۱۹ نگاهی به تاریخ اسلام در ژاپن

رحیملو، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه: تبریز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رحیمی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا رحیمی

محل تولد : فریدون اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۱۰

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۴ فعالیت‌های علمی خودم را آغاز کردم. بعد از آن‌که از طریق جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در دانشگاه مشغول تدریس شدم، کم‌کم در تدریس موفق شدم، جزوه‌های درس بنویسم. در کنار دانشگاه به مدت ۵ سال در حوزه علمیه جعفریه تهران (پاکدشت) مشغول به تدریس دروس حوزوی شدم در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه آزاد اسلامی اراک برای فوق لیسانس قبول شدم و لذا در آنجا هم تدریس می‌کردم، و هم تحصیل بالاخره در سال ۱۳۷۴ با معدل ۱۸.۴۶ فارغ التحصیل شدم و رساله علمی خودم که به نام تقیه در سیره عملی امامان معصوم(ع) بود با نمره ۱۹ دفاع کردم. سپس در دانشکده فنی دکتر شریعتی (تهران) عضو هیئت علمی شدم و هم‌اکنون در پایه ۱۴ مربی هیئت علمی هستم به دنبال هیئت علمی شدن موفق شدم کتب و مقالاتی را بنوسیم. الحمدالله زمینه علمی و تحقیقی به خاطر هیئت علمی بودن برایم فراهم است. ان شاءالله کتابهایی که نوشته‌ام به زودی چاپ خواهند شوند.در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم. در سال ۱۳۶۱ توانستم، پایه ۱۰ را به پایان برسانم و در درس خارج آیات عظام فاضل لنکرانی(ره)، سبحانی، مکارم شرکت کنم. فعلاً هم در درس خارج فقه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای شرکت می‌کنم. بحث کنونی استاد مکاسب محرمه است. ضمناً در کنار درس حوزه توانستم دیپلم بگیرم و در دانشگاه هم حضور پیدا کنم و مدارک فوق لیسانس در رشته الهیات ـ فقه و مبانی اسلامی بگیریم. هم اکنون از اعضای هیئت علمی دانشکده فنی شریعتی (تهران) می‌باشم و بنا دارم به زودی مدرک سطح چهار را هم از حوزه علمیه قم بگیرم.

رحیمی، منصور

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منصور رحیمی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای منصور رحیمی در سال ۱۳۳۹هجری شمسی در خانواده ای پاک، متدین، با اخلاص وکاملاـ مذهبی دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در شهر مقدس مشهد سپری کرد و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه خود به فراگیری علوم دینی به وارد حوزه علمیه مشهد شد از نخستین‌روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس‌بزرگان‌آن‌دیار همچون مرحوم آیت الله علی فلسفی،آیت الله صالحی و آیت الله شیخ مصطفی اشرفی بهره ها برد.استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۱از دانشگاه فردوسی فارغ التحصیل گردید و پایان نامه خود را با عنوان" دیپلماسی پیامبر اکرم(ص ")به اتمام رسانید. ایشان ضمن تدریس به تحقیق و پژوهش مشغول می باشد و در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات" هجرت "و" جهاد "و... از جمله آثار ایشان است

رزاقی، نصرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرالله رزاقی

محل تولد : طالقان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در طالقان روستای ناریان به دنیا آمـدم و تحصـیلات ابتدایی را در همان روسـتا به پایان رساندم و تحصـیلات مقطع راهنمـایی را در تهران و مقطع دبیرسـتان را در قم به پایان رسانیـدم. در سال ۱۳۶۱ به جبهه‌های جنگ در منطقه کردسـتان در قالب یک گروه فرهنگی اعزام شدم و حدود ۱۱ ماه در منطقه دیواندره همراه رزمندگان اسلام بودم بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شـدم و مقطع مقـدمات را در مـدرسه مبـارکه رضویه به پایان رسانیـدم و سـپس دروس بعـدی را به صورت آزاد در حـوزه علمیه قم آغـاز کردم و در دروس اساتیـد چـون محمـدی خراسـانی، طالقـاتی، محقق دامـاد، اعتمـادی، طـاهری خرم آبـادی، بیگـدلی و آیات عظام وحیـد خراسانی، مکارم شـیرازی، جوادی آملی ،مرحوم جوادآقا تبریزی و سـبحانی شـرکت کردم. سـپس در موسـسه آموزش تخصصـی مذاهب اسلامی شرکت کرم و حدود سه سال دروس تخصصی مذاهب اسلامی را در نزد اساتیدی چون نجم الـدین طبسـی،بهجت پور، غیب غلامی، دکتر خدادادی و... گذراندم و در این مدت تحقیقاتی در رابطه با حیات ابوبکر، انسان و تکنولـوژی، معرفـت شناسـی انجـام دادم و هم‌زمـان در دانشـگاه آزاد و مرکز تربیـت مربی و موسـسه تخصصـی مـذاهب اسـلامی تدریس داشته و هم‌اکنون نیز تدریس ادامه دارد.

رشید یاسمی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۷۵ ش)، نویسـنده، مورخ، ادیب، مترجم و شاعر. در قصبه‌ی گهواره از توابع کرمانشاه متولد شد. پدر او شاعر و نقاش و خوشـنویس بود. جد مادری او، شاهزاده محمدباقر میرزای خسـروی، نویسـنده‌ی داسـتان «شـمس و طغرا» است که دیوان شـعرش به همت رشید چاپ شده است. رشید یاسمی تحصیلات مقدماتی را در کرمانشاه به پایان برد، سپس به تهران آمد و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان سن‌لوئی گذراند. از همان هنگام به تشویق نظام وفا که معلم ادبیات او بود، به سرودن شعر پرداخت. پس از تحصیلات، در وزارت معارف، مالیه و دربار به کار مشغول شد. در همین اوان جرگه دانشوری را تاسـیس کرد که بعدها با همت ملک‌الشعرای بهار به انجمن دانشـکده تبدیل شد. رشید ضمن همکاری با مجله‌ی «دانشکده» با نویسندگان و شعرای آن دوره آشنا شد و با انجمن

ادبی ایران همکاری داشت. یک سال پس از کودتا، رشید یاسمی مقالات خود را در روزنامه‌ی «شفق سرخ» به سردبیری علی دشتی منتشر ساخت که همین مقالات موجب شهرت ادبی او گردید. در این مدت زبان‌های عربی و انگلیسی را آموخت و زبان فرانسه را تکمیل کرد. زبان پهلوی را از حوزه‌ی درس استاد هر تسفلد نیک فراگرفت. در سال ۱۳۱۲ ش که دانشگاه تهران تاسیس شد، او در دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی با سمت استادی تاریخ اسلام را تدریس می‌کرد. بعدها به عضویت فرهنگستان ایران درآمد. در سال ۱۳۲۲ ش به همراه هیاتی از استادان ایرانی به هند رفت و در سال ۱۳۲۴ ش به منظور مطالعه به فرانسه رفت و پس از دو سال به ایران بازگشت رشید یاسمی تا پایان عمر به عنوان استاد در دانشگاه تهران تدریس کرد. روز یازدهم اسفندماه ۱۳۲۷ ش به هنگام سخنرانی در دانشکده‌ی ادبیات دچار سکته شد و پس از سفری کوتاه به فرانسه و بازگشت به ایران، سرانجام روز چهار شنبه ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ ش در تهران درگذشت و در قبرستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. جز از مقالاتی ادبی و تاریخی و فلسفی و انتقادی که از او در مجلات «نوبهار»، «آینده»، «ارمغان»، «تعلیم و تربیت»، «یغما»، «مهر»،... چاپ شده است دارای تالیفات و تحقیقات و تتبعات و ترجمه‌های بسیاری است که از آن جمله: «ادبیات معاصر»؛ «تتبع و انتقاد در احوال و آثار سلمان ساوجی»؛ «احوال ابن‌یمین»؛ «تاریخ مختصر ایران»؛ «تاریخ ملل نحل»؛ «ایران در زمان ساسانیان»، ترجمه؛ «تاریخچه نادرشاه»، ترجمه؛ «جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران تالیف براون»؛ «آیین دوست یابی»، ترجمه؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (۱۴۵ -۱۳۸)، تاریخ مشاهیر کرد (۳۱۶ -۳۱۰ /۲)، چشمه‌ی روشن (۴۴۸ -۴۴۱)، چهار صد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۳۶۹ -۳۶۸)، الذریعه (۱۳۰۷، ۳۶۲ /۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۲ -۳۲۸ /۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۳۴ -۱۵۲۸ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۸۲ -۳۷۹ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۷۸)، گنج سخن (۳۲۶ -۳۰۹ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۰ -۶۹۶ /۴)، یغما (س ۲۶، ش ۸ ص ۴۹۰ -۴۸۷).

رشیدالدین، فضل‌اللّه

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۱۸ -۶۴۵ ق)، مورخ و طبیب. ولادتش در همدان بود. پدرش عمادالدوله ابوالخیر پزشک بود، و رشیدالدین جوانی را در تحصیل فنون مختلف، به ویژه علم طب گذرانید. و از عهد ایلخانی شد. در عهد دولت ارغون‌خان و گیخاتوخان مورد توجه و اکرام تمام قرار گرفت. غازان‌خان، بعد از قتل صدر جهان زنجانی، وی را با شرکت خواجه سعدالدین محمد آوجی به وزارت برگزید و الجاتیو (سلطان محمد خدابنده)، بعد از قتل سعدالدین، با وجود نهایت اعتمادی که به کفایت رشیدالدین فضل‌اللّه داشت؛ خواجه علی‌شاه یلانی را با وی در وزارت شریک کرد. در دوره‌ی سلطنت ابوسعید بهادرخان، به سبب نقاری که بین رشیدالدین و خواجه علی شاه در میان بود، خواجه علی‌شاه و همدستان او نزد آن پادشاه در میان بود، خواجه علی‌شاه و همدستان او نزد آن پادشاه جوان و کم‌تجربه چنین فرانمودند که خواجه رشیدالدین و پسرش خواجه ابراهیم، الجایتو را زهر داده‌اند. به همین جهت در جمادی‌الاول سال ۷۱۸ ق سلطان ابوسعید دستور داد تا اول پسر را پیش چشم پدر گردن زدند، و سپس خواجه رشیدالدین را هلاک کردند، و خاندان و خواسته‌ی او را به یغما بردند. علاوه بر آن که درگاهش ملجا و مآب اهل هنر و علم بود. و در بسیاری از ناحی ایران و ممالک ایلخانی مدارس و مساجد و کتابخانه‌ها و موقوفات احداث کرد، خود نیز قسمتی بزرگ از عمر خود را در جمع و تدوین و تالیف گذرانید. مجموعه‌ی مصنفات و مولفات رشیدالدین فضل‌اللّه، «جامع التصانیف رشیدی» یا «المجموعه الرشیدیه» نامیده می‌شد

و اینک از مجموعه‌ی آن آثار مختلف، برخی در مسائل مختلفی از قبیل مباحث دینی و تفسیر و کلام و طب و فلاحت و تاریخ و داروشناسی، بر جای مانده که عبارتند از: «توضیحات رشیدیه»، (شامل ۱۹ رساله درباره مسایل کلامی و دینی و عرفانی)؛ «مفتاح التفاسیر»؛ «الاخبار و آثار»؛ «رساله‌ی سلطانیه»؛ «بیان الحقایق»؛ «جامع التواریخ»؛ «مکاتیب یا مکاتبات رشیدی»؛ دو کتاب «جامع التواریخ رشیدی» و «مکاتبات رشیدی»، که اولی کتاب مفصلی در تاریخ مغول و تاریخ عمومی است. دومی که منشآت و مناشیر و رسایل اوست و مجموعه‌ی فرمانها و نامه‌هایی است که وی به صفرزندان و عمال و علماء و مشایخ عهد نوشته است. صاحب «الذریعه» به وی «دیوانی» نسبت داده که نشان می‌دهد شعر هم می‌سروده است.[۱]

فضل‌اللّه وزیر مدبر (و. همدان حدود ۶۴۵ ه.ق.- مقت. ۷۱۸ ه.ق./ ۱۳۱۸ م.). در ایام اباقاخان وی طبیب خاص پادشاه بود و احترامی داشت، در زمان غازان لیاقت وی آشکار شد و سه سال پس از عزل وزیر اعظم صدرالدین زنجانی، غازان او و خواجه سعدالدین ساوجی را متفقا به صدارت انتخاب کرد.

در عهد سلطنت اولجایتو، رشیدالدین مانند سابق حیثیت داشت و در همان اوقات در سلطانیه- پایخت جدید- ناحیه‌ای را آباد ساخت که نام او «رشیدیه نامیده شد. دو سال بعد محلتی دیگر در نزدیکی شهر غازانیه بنا نهاد و با صرف هزینه هنگفت رودخانه سرارود را بدانجا آورد. بعد از قتل سعدالدین، خواجه علی شاه گیلانی، که مردی مزدور و فرومایه بود- جایگزین او شد و او پس از اندکی دسیسه‌ای خطرناك ضد رشیدالدین ایجاد کرد ولی مؤثر نگردید. در سال ۱۳۱۵ ه.ق. نزاعی شدید بین دو وزیر به ظهور پیوست والجایتو ناگزیر شد که ترتیب و انتظام ممالك مختلف را بین آن دو تقسیم کند تا اختلافی روی ندهد، مع ذلك علیشاه تهمت و خصومت را ضد او ادامه داد به طوری که خواجه رشید به زحمت توانست خود را برهاند. این رقابت پس از مرگ الجایتو و در اوان سلطنت ابوسعید هم وجود داشت تا عاقبت خواجه تاب مقاومت نیاورد و از شغل خود کناره گرفت و در سن متجاوز از ۷۰ او و پسر ۱۶ ساله‌اش ابراهیم را به تهمت مسموم کردن سلطان سابق (الجایتو) به قتل رساندند. تاریخ مشروح و معتبر «جامع‌التواریخ» به همت او تألیف و تدوین شده».

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] ارمغان (س ۶، ش ۲۵۳ -۲۴۱، ۴ -۳)، از سعدی تا جامی (۱۲۵ -۹۵)، الاعلام (۳۵۹/۵)، اعیان الشیعه (۴۰۱/۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۵۲ -۱۲۴۷ /۳)، تاریخ برگزیدگان (۱۷۲ -۱۷۱)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۳ -۱۴۲)، تاریخ برگزیده (۶۰۴)، تذکره‌ی روز روشن (۲۹۳)، حبیب السیر (۲۰۱ -۱۹۹، ۱۹۱ /۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱۰۸۶/۱)، دستور الوزراء (۳۲۱ -۳۱۵)، الذریعه (۶۰/۱۴، ۳۶۲/۹، ۲۷۱ -۲۶۹ /۳)، ریحانه (۳۴۰ -۳۳۷ /۷)، سبک شناسی (۱۷۹ -۱۷۰ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۰/۸)، فرهنگ سخنوران (۳۷۷)، کارنامه بزرگان (۳۲۲ -۳۲۰)، لغت نامه (ذیل/ ابن ابی‌الخیر)، مجمع الفصحا (۶۸۰/۲)، معجم المؤلفین (۷۴/۸).

رضازاده لنگرودی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا رضا زاده لنگرودی سال ۱۳۲۹ در لنگرود به دنیا آمد،تحصیلات متوسطه خود رادر زادگاه خویش به پایان برد و برای ادامه تحصیل راهی تهران می شود. علاقه او به تاریخ از دوران نوجوانی شکل گرفت و بر مبنای این علاقه نیز، راه تحصیلات عالیه اش را پی گرفته است.لنگرودی تحصیلات آکادمیک خویش را تا مقطع دکترای تاریخ از دانشگاه پاریس پیش برد و درطی این دوران نیز

از تحقق و پژوهش در آن نیز غافل نمانده است.رضا زاده لنگرودی از چهره های شاخص تاریخ نگاری بخصوص در حوزه دانشنامه نویسی در ایران است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : ترکمانان

تحصیلات رسمی و حرفه ای : پایان دوره متوسطه در زادگاهش و اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه پاریس. تخصص ویژه او پژوهش در دوره ایلخانیان و متخصص تاریخ نگاری ترکمانان است

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : رضا رضا زاده لنگرودی مدیریت گروه تاریخ در بنیاد دایرهٔ المعارف اسلامی را برعهده دارد. بنیاد دایرهٔ المعارف اسلامی از سال ۱۳۶۲ همزمان با تأسیس مرکز دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی تأسیس شد. این بنیاد دارای ۱۲ گروه علمی در زمینه های زبان و ادبیات، اسلام معاصر، جغرافیا، فرهنگ و تمدن، فلسفه و عرفان، تاریخ علم، تاریخ، کلام و خرد، فقه و اصول، قرآن و حدیث است. اغلب فعالیت های این بنیاد، تألیف دایرهٔ المعارف الفبایی به نام دانشنامه جهان اسلام است که تاکنون ۱۰جلد از آن به وسیله مؤسسه کتاب مرجع ، منتشر شده است.

آرا و گرایشهای خاص : رضا رضا زاده لنگرودی رضا زاده لنگرودی درباره دایرهٔ المعارف نویسی در ایران نظریات ارزنده ای دارد:«دایرهٔ المعارف به شکل امروزی، ویژگی های خاص خود را دارد و یکی از مهم ترین آنها ویرایش است بخصوص در «دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی» به دلیل آن که مقاله ها از همان آغاز تألیفی بودند و نه ترجمه، ویرایش اهمیت خاصی داشت اما در «دایرهٔ المعارف جهان اسلام» از آنجا که از همان ابتدا مقاله ها ترجمه بودند بیش تر مقابله ومقایسه مطرح بود تا ویرایش، اگر چه هم اکنون در این دایرهٔ المعارف ها نیز ویرایش اهمیت خاصی یافته و مقالات یکدست شده اند. امروزه دایرهٔ المعارف هایی که در ایران نوشته می شوند از نظر مستندات از دایرهٔ المعارف های قدیم اروپا بهتر هستند زیرا در قدیم ویراستاران معتقد بودند که حق با نویسنده است و وقتی افراد بزرگ و برجسته ای مثل «نیکلسون» یا «بارتول» مقاله ای می نوشتند، کسی نمی توانست به آنها بگوید که مأخذتان را بیاورید تا استناد آنها را ببینیم، در حالی که در دایرهٔ المعارف های ما، ویراستاران از نویسندگان مقالات در هر مقام و مرتبه ای که باشند، مستندات را می خواهند البته ویرایش، گاه مشکلاتی را برای مقالات نویسندگان به وجود می آورد و این به دلیل آن است که اغلب مقاله ها با هر موضوعی که باشند از سوی ویراستارانی که اغلب ادبیات خوانده اند همان طور که مقالات ادبی را با ویژگی خاصی ویرایش می کنند، ویرایش می شود. همین امر باعث می شود که ما در اغلب دایرهٔ المعارف ها با تشابه واژه، تعابیر و مفاهیم روبه رو می شویم، این از مشکلاتی است که در حال حاضر در همه دایرهٔ المعارفها و بویژه در «دایرهٔ المعارف جهان اسلام» وجود دارد و ما نمی دانیم چه زمانی می توانیم این مشکلات را از بین ببریم.» رضازاده درباره مسیری که دانشنامه نویسی در ایران طی کرده است ،می گوید: «از آنجایی که در آن دوران زبان دیپلماسی اروپا فرانسه بود، اصحاب دایرهٔ المعارف به سرپرستی «دیدرو »می خواستند که با یک مجموعه ای که بیانگر اندیشه هایشان باشد حاکمیت خود را در اروپا (که در دوران عصر روشنگری بود) به تحقق رسانند. ما دایرهٔ المعارف نویسی را از آنها گرفتیم و در واقع بخشی از اصول آنها را هم وارد کار خود کردیم. یکی از مشخصه های حائز اهمیت دایرهٔ المعارف استناد است. ما نمی توانیم به دور از استناد مقاله بنویسیم. به همین دلیل هم چون اغلب نویسندگان مقاله های ما، ایرانی هستند، در حقیقتً تخصص ما بیش از هر چیزی، نزدیک به خود ما و مسائل پیرامون ماست. برای مثال ما کسی را نداریم که درباره عرفان و تصوف در چین آن چنان دقیق و جامع و علمی بنویسد که مثلاً در مورد عرفان و تصوف ایران می نویسد. به این اعتبار، دایرهٔ المعارف هایی که در ایران نوشته می شوند فقط ۵ یا ۶درصد مقاله های آن در مورد مالزی، اندونزی، آلبانی و... است. بنابراین بیش تر مقاله های ما همان طور که آقای بجنوردی فرمودند، تاریخی است

چون زمینه فرهنگی مـا غنی است و ما در دایرهٔ المعارف می خواهیم همین ها را عرضه کنیم. برای مثال اساس تألیف دایرهٔ المعارف تشیع به دلیـل اشـتباهاتی بود که در دایرهٔ المعـارف تشیع انگلیسـی وجود داشت به عنوان نمونه مقاله ای را که درباره امام رضا(ع) نوشته شده بود براساس یکسری کج فهمی ها بود که بعدها خود آنها به آن اعتراف کردند. بنابراین همان طور سجادی و استاد فانی اشاره کردنـد، ما در یک فضای ذهنی تربیت شده ایم و با همان فضای ذهنی هم می نویسـیم به همین دلیل مقاله ما درباره ابوالعلای معری با مقاله ای که یک عرب درباره او می نویسـد فرق می کنـد و بایـد هم چنین باشـد یا مقاله حافظ که یک نویسـنده عرب می نویسد، با مقاله ای که در دانشـنامه ادب فارسـی یا دانشـنامه ایرانیکا درباره حافظ نوشته می شود بی شک باید فرق کند؛ چرا که در این دایرهٔ المعارف ها با ذهنیت ایرانی نوشته می شود. من می خواهم بگویم که دایرهٔ المعارف های ما تأثیر خوبی در خارج از ایران داشته اند.

چگونگی عرضه آثار : تخصـص ویژه رضا رضا زاده لنگرودی پژوهش در دوره ایلخانیان و متخصـص تاریخ نگاری ترکمانان است و در این باره با دو گرایش تاریخ روایی و تاریخ تحلیلی تألیف کرده است.در کنار این گرایش، لنگرودی سال هاست که بر جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسـلام تمرکز کرده و اثر مهمی نیز با همین عنوان نوشـته است.اثری در۲ جلد، که جلد نخست آن از سوی انتشـارات طهوری چـاپ و منتشـر شـده است. کتـاب «جنبش هـای اجتمـاعی در ایران پس از اسـلام» است. لنگرودی در مقام ریـاست بخش تاریـخ بنیـاد دایره المعارف اسـلامی و دانشـنامه جهان اسـلام،علاوه بر نظارت بر سـفارش و نگارش مـدخل های این حوزه،خود نیز به کار نگارش مقالات ارزنـده ای در آن پرداخته و تحقیقات خود را در قالب مدخل های دایرهٔ المعارف دنبال کرده است. از آن جمله، نگـارش مـدخل های آتسـز،آزاد، بلگرامی،آسـین پالاسـیوس،آق قویونلو،آل اخشـید،آماری،ابن اثیر، ابوالحسن، ابوبکر طهرانی، استادسیس و ... وی در طنز نیز دستی توانا داشت. طنز او در طعنه بر نابه سامانی ها بود و هجو او در افشای نابرابری هـای اجتمـاعی. رضـازاده لنگرودی اکنـون مـدتی اسـت که بر روی «جنبش هـای دینی ـ اجتمـاعی خراسـان در قرن دوم» مطالعـات وسیعی را آغاز کرده و اثری با همین عنوان هم به نگارش در آورده است. رضا رضازاده لنگرودی در میان تاریـخ نویسان هم نسـل خویش با نگاه دانشـنامه نویسـی و در نتیجه تکیه بر منابع موثق و پرهیز از دیـدگاه های شخصـی و فراهم آوردن منابعی برای نگرش هـای تطبیقی در تاریـخ، از دیگران تفکیک می شود. بویژه در دوره ای که تاریـخ نگاری جولانگاه تاریـخ نگاران غیر متعهـد شـده است. رضـا رضازاده لنگرودی، با دانشـنامه های دیگری از جمله دانشـنامه های مرتبط با یک منطقه نیز همکاری می کنـد و مـدخل هایی برای آنان نیز می نویسد.از جمله مدخل کاشان برای دانشـنامه کاشان --

----

آثار :

۱ جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام

ویژگی اثر : تالیف، ۲ جلـد. لنگرودی سال هاست که بر جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسـلام تمرکز کرده و اثر مهمی نیز با همین عنوان نوشـته است.اثری در ?جلـد، که جلـد نخست آن از سوی انتشـارات فرهنـگ نشـر نو چـاپ و منتشـر شـده است. کتاب «جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام» گرچه در قالب مجموعه مقالات لنگرودی انتشار یافته، اما وحدت ذهنی او در پیگیری گرایش تـاریخی اش، اتحـاد و وحـدت اثرش را به خوبی حفـظ کرده و از کتـاب جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسـلام اثری قابل ارجاع ساخته است.اما این کتاب خیلی زود در محافل فرهنگی و حوزه نقـد کتاب به عنوان اثری مهم و اثرگـذار شـناخته شد و لنگرودی را ترغیب به نگـارش جلـد بعـدی این مجموعه کرد: «جلـد دوم این کتـاب هم ادامه جنبش هایی است که در تاریـخ ایران شکل گرفته اند، یعنی جنبش نومزدکیان و بردگان زنج است، بعد جنبش زندیه است، جنبش برده داران و جنبش نقطویه...»

۲ جنبش های دینی ـ اجتماعی خراسان در قرن دوم

۳ مدخل کاشان برای دانشنامه کاشان

ویژگی اثر : او این مقاله را بـا تشریح وضـعیت کاشان در دوره پیش از تاریـخ آغاز می کنـد. آگاهی های ما از روزگاران پیش از تاریـخ کاشـان، مبتنی بر کـاوش هـای باستانشناسـی تپه سـیلک است که نیز نخسـتین بـار در طول سالهـای ۷-۱۹۳۳ بـه دست رومن گیرشـمن فرانسوی انجام گرفت. نگارنـده براساس آثار یافت شـده در حفاری ها صورت گرفته به بررسـی ویژگی های تمـدن کهن سیلـک و پیونـدهای سـیلک بـا خـارج و تأثیرهای خارجی بر آن می پردازد و با توجه به یافته های باستانشـناسان در گورسـتان های سیلک، گونه های انسان شـناختی سـیلک را بررسی می کند. در فاصله زمانی پس از تمدن سیلک تا دوران ساسانی، بویژه در صدر اسـلام، اطلاعی از مردم سیلک و دیگر آبادی های کاشان در منابع موجود در دست نیست. ولی در پژوهش های پراکنده نشان داده شـده است که جوامع گونـاگونی در دوره هـای مختلـف تـاریخی در دشت کاشـان، و بـویژه در نواحی کوهسـتانی غرب و جنوب، سکونت داشـته انـد. بقایـای آتشـکده های نیاسـر، نطنز، خرمـدشت و... گویای وجود مراکز زیستی در دوران ساسانی در این منطقه است. رضـازاده لنگرودی در ادامـه بـه وضـع کاشـان در دوره پس از اسـلام می پردازد و از جملـه، فرضـیه هـای مختلـف دربـاره نامگذاری کاشان را عنوان می کند.

۴ یاد پاینده

ویژگی اثر : شامل مجموعه ?? گفتار پژوهشـی در قالب یادنامه محمود پاینده و... لنگرودی به زنده نگاه داشتن نام نیکان نیز اعتقاد ویژه دارد و بر مبنـای همین اعتقـاد است که مجموعه یادنامه پاینـده را تـدوین کرده و درباره او می گویـد:«پاینـده از شاعران خوش قریحه گیلکی و فارسـی بود. شـعر کهن و نو را خوب می شـناخت و در قصـیده و غزل و رباعی و دوبیتی اشـعاری سـروده است. اما شیوه نیمایی را بیشتر می پسـندید. به اعتقاد او «شعر باید نکاتی به خواننده بیاموزد و شاعر پیش از مردم همراه و همگام آنان باشد تا هنر شـعرش در زمینه مردم مؤثر باشد. » اشـعار فارسی پاینده که بیش تر مضمون اجتماعی دارند، در عین زیبایی، عامه پسند و عاری از تعقیـدات لفظی است. اشـعار گیلکی او شـیوا، سـلیس و آکنـده از مضامین دلنشـین مردم پسـند است. افزون بر زبان تعرض به بی عـدالتی هـای زمـانه، در زبـان وصف نیز توانـا بود، امـا نه در وصف هلال ماه و تشبیه آن به ابروی دلـدار بلکه وصف پریشانی های فرزندان تیره بخت روزگار.

۵ یادگارنامه فخرایی

ویژگی اثر : ترانه هـایی از اشـکور بالا_عنوان مقـاله کـاظم السـادات اشـکوری در کتـاب یادگارنامه فخرایی است که زیر نظر دکتر رضازاده انتشار یافته است.

منابع زندگینامه :

http://www.iran-newspaper.com/۱۳۸۵/۸۵۱۱۲۸/html/mehr.htm۱، روزنامه مهرگان صـفحه مهرگان ۲۸-۱۱-۱۳۸۵

رضایی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله رضایی انالوجه

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده عبدالله رضایی فرزند حجهٔ الاسلام شیخ علی رضایی در سال ۱۳۵۵ در خانواده ای روحانی و متدین در شهر مقدس قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی ودبیرستان را در مدارس قم طی نمودم و در سال ۷۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و تحصیلات سطوح حوزوی را نزد اساتیدی همچون حجج اسلام موسوی خوئی، موسوی تهرانی، وحیدی، شبیری زنجانی .... ادامه دادم. همزمان با قبولی در آزمون ورودی دانشگاه باقرالعلوم رشته تاریخ را درمقطع کارشناسی به اتمام رساندم و مقطع کارشناسی ارشد را در رشته ارتباطات با گرایش تولید سیما در دانشکده صدا و سیما ادامه داده و رساله علمی خویش را در قسمت عملی با موضوع طرح مسئله شفاء در رسانه تلویزیون و در قسمت نظری با عنوان بررسی تطبیقی مسابقات سرگرمی تلویزیون با توجه به انگاره های اسلامی ارائه دادم. در این میان همکاری تحقیقاتی و اجرایی در پروژه های مختلف تلویزیونی و تولید این آثار و همچنین تاسیس کار گروه های علمی در حوزه رسانه و دین از جمله فعالیت های اینجانب می باشد. بنده هم اکنون به عنوان معاونت فرهنگی هنری موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) که تولید آثار پژوهشی، فرهنگی و هنری در زمینه تخصصی مهدویت را در دستور کار خود دارد را عهده دار می باشم.

رضوانی، محمداسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۴ –۱۳۰۰ ش)، محقق، مورخ و استاد دانشگاه. وی در قریه‌ی خراشاد بیرجند متولد شد و در همان جا به مکتب رفت. هشت ساله بود که خواندن قرآن را تمام کرد. سپس به بیرجند رفت و در مدرسه‌ی طلاب و سپس در مدرسه‌ی دولتی تدین به تصحیل پرداخت. پس از اخذ دیپلم بلافاصله در وزارت فرهنگ استخدام شد و سه سال در بیرجند خدمت کرد. سپس به تهران آمد و ضمن تدریس در دبیرستان فرخی، موفق به اخذ لیسانس و فوق‌لیسانس و دکترا در رشته‌ی تاریخ و جغرافی شد. او در رشته‌ی امور تربیتی نیز دارای مدرک لیسانس بود. رضوانی در دانشگاه تهران به تدریس تاریخ و رشته‌های مربوط به آن پرداخت. سرانجام در تهران وفات یافت. از آثار به جای مانده از او می‌توان از: رساله‌ای برای نوسوادان به نام «زمینی که روی آن زندگی می‌کنیم»؛ تصحیح متن «نامه‌ی تنسر» با همکاری مجتبی مینوی؛ «منتظم ناصری»، در سه مجلد؛ «اعلانها و اعلامیه‌های دوره‌ی قاجار»، با همکاری جهانگیر قائم مقامی؛ «انقلاب مشروطیت ایران» نام برد. و مقالات متعددی که در مجلات «یغما»، «بررسیهای تاریخی»، «آموزش و پرورش»، «آینده»، «راهنمای کتاب» چاپ شده است.[۱]

مورخ، محقق، مدرس.

تولد: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۰۰، قریه‌ی خراشاد (۲۴ کیلومتری شال شرقی بیرجند).

درگذشت: ۵ فروردین ۱۳۷۵، تهران.

محمداسماعیل رضوانی، فرزند جعفر، تحصیلات خود را از مکتبخانه خراشاد آغاز نمود. سپس در مدرسه‌ی طلاب در بیرجند و پس از آن در مدرسه‌ی تدین به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۲۲ از دبیرستان فارغ‌التحصیل شد و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در سمت مدیر دبستان دقیقی خراشاد به خدمت پرداخت. بعد از ده سال در دبیرستان شوکتی بیرجند به تدریس مشغول شد. پس از آن به تهران آمد و ضمن تدریس در دبیرستان فرخی، توانست دوره‌ی لیسانس (۱۳۳۲ –۱۳۲۸)؛ و فوق لیسانس و دکتری (۱۳۴۱ –۱۳۳۶) را طی کند. وی مدت‌ها در دانشگاه ملی و دانشگاه تهران به تدریس مشغول بود. در سال ۱۳۵۸ بازنشسته شد و تا پایان عمر به تحقیق و پژوهشی در زمینه تاریخ ایران پرداخت. وی در سال‌های آخر عمر در چند واحد از واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه الزهراء، تربیت مدرس تدریس می‌کرد. از جمله مسئولیت‌های علمی او، مشاورت عالی پژوهشکده‌ی اسناد سازمان ملی ایران، مشاورت مؤسسه‌ی پژوهش و مطالعات فرهنگی، مدیریت گروه تاریخ بنیاد دایرهٔالمعارف اسلامی، عضویت در شوراها و هیئت‌های مختلف از جمله شورای احیای میراث مکتوب کتابخانه‌ی ملی ایران و هیئت داوران جشنواره‌ی مطبوعات (دوره‌ی اول و دوم) بود.

از جمله آثار دکتر محمداسماعیل رضوانی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: زمینی که در روی آن زندگی می‌کنیم (۱۳۴۲)؛ انقلاب مشروطیت ایران (۱۳۴۵)؛ زندگی امام هشتم حضرت رضا (ع) (۱۳۴۹)؛ اعلان‌ها و اعلامیه‌های دوره‌ی قاجار (۱۳۴۹)؛ تعلیقات نامه تنسر (با همکاری مجتبی مینوی، ۱۳۵۴)؛ تصحیح تاریخ منتظم ناصری (سه جلد، ۱۳۶۷ –۱۳۶۲)؛ سفرنامه‌ی ظهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرهنگستان (۱۳۷۱)؛ روزنامه‌ی خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرهنگستان (با همکاری فاطمه قاضیها، سه جلد، ۱۳۷۳ –۱۳۷۱)؛ عالم آرای عباسی؛ یادداشت‌های امین‌الدوله؛ وی همچنین چند جلد کتاب درسی نیز تألیف نموده است، از آن جمله یک دوره تاریخ و جغرافیا و تعلیمات اجتماعی دبیرستان و یک دوره‌ی کامل تاریخ و جغرافیا برای دانشسرای مقدماتی و کلاس‌های تربیتی آموزش و پرورش و نیز کتاب درسی تاریخ سیاسی ایران برای دانشجویان دانشکده‌ی افسری. ایشان همچنین برای روزنامه‌هایی که تجدید چاپ شده‌اند، مقدمه نوشته است، از جمله برای دوره‌ی روزنامه‌ی «وقایع اتفاقیه»، «ایران»، «دانش»، «مدرسه‌ی دارالفنون تبریز»، «ملت سنیه ایران»، (روزنامه‌ی ملتی)». مقاله‌هایی از ایشان نیز در موضوع‌های تاریخ و جغرافیا در مجله‌ها و روزنامه‌های مختلف نظیر «یغما»، «راهنمای کتاب»، «کیهان»، «سالنامه‌ی کشور ایران»، «دانشکده‌ی ادبیات»، «بررسی‌های تاریخی»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «تحقیقات روزنامه نگاری»، «جامعه‌ی نوین»، «تاریخ»، «آینده»، «خواندنی‌های قرن»، «کلک»، «پیام کتابخانه»، «گنجینه‌ی اسناد»، «تحصیل»، «تاریخ معاصر ایران»، «کیهان فرهنگی» و «تحقیقات اسلامی» به چاپ رسیده است.

پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۱۰، ص ۷ –۱).

رضوی، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۳.

درگذشت: ۱۳۶۸.

از آثار اوست: ترجمه‌ی تاریخ پزشکی نوین (اثر پیر بورژه و کلود بولوون، تهران، ۱۳۷۰).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

رضوی، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول رضوی

محل تولد : نقده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره دبستان و راهنمایی را در مدرسه آذرآبادگان تبریز به اتمام رساندم. یک سال در مدرسه علمیه ولیعصر تبریز مشغول تحصیل بودم و در سال ۱۳۶۷ به قم منتقل شدم. مقدمات را در مدرسه امام صادق(ع) مشغول به تحصیل شدم. دوره سطح را نزد اساتیدی چون استاد دوزدوزانی، استاد پایانی و ... به اتمام رساندم و در دروس خارج آیات عظام لنکرانی(ره)، مکارم شیرازی، سبحانی و ... شرکت کردم. در سال ۱۳۷۸ شروع به تحصیل در دوره نهم رشته تخصصی کلام اسلامی سطح چهار کردم و در سال ۱۳۸۲ این دوره را به اتمام رساندم. در مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه به عنوان مدیر گروه ادیان و مذاهب مشغول به تحقیق شدم . در موسسه آینده روشن مدیر گروه تاریخ بوده و تاریخ غیبت کبری تدریس می‌کردم و در موسسه امام صادق(ع) یعنی تخصصی کلام اسلامی به تدریس تاریخ ادیان و مذاهب اسلامی و کلام استدلالی مشغول هستم و عضو هیات تحریریه مجله صباح و مشرق موعود می باشم.

رضوی، محمد زمان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۱ ق)، مورخ. وی اثری دارد در تاریخ ابومسلم خراسانی به نام «صحیفه الرشاد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۷/۱۵)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۰۱۳/۲).

رفعت انصاری همدانی، عباس، محمدعباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۷ ق)، مورخ و ادیب و شاعر، متخلص به رفعت. مدتی پیش از تولد وی در لکنهو، پدرش مقیم هندوستان شده بود. رفعت به اکثر سرزمینهای هند مسافرت کرد و در «بهوپال» اقامت گزید، و کتابهای بسیاری تصنیف کرد. از وی با نسبتهای شیروانی، انصاری، یمنی یا هندی یاد شده است از آثار وی: «آثار العجم» که با «آثار عجم» فرصت شیرازی تفاوت دارد؛ «تاریخ ائمه»؛ «تاریخ افاغنه» فارسی؛ «تاریخ البواهر»، در عقاید اسماعیلیه که نام اصلی این کتاب «قلائد الجواهر فی تاریخ البواهر» می‌باشد که «تاریخ نکو» نیز می گویند؛ «تاریخ بهوپال»؛ «تاریخ دکن» که همان «چار چمن» است؛ «تاریخ سرندیب»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۷۷/۹، ۲۱۶/۳، ۲۳۴، ۲۹۱ /۲)، ریحانه (۳۲۵ –۳۲۴ /۲)، صبح گلشن (۱۸۲ – ۱۸۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸۸ –۹۸۷ /۱۴)، لغت نامه (ذیل/ رفعت)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۳ –۶۵۲ /۳).

رفیعی، رمضانعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رمضانعلی رفیعی

محل تولد : قوچان

شهرت : علی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۳

زندگینامه علمی

اینجانب رمضانعلی رفیعی (معروف به علی) با مدرک تحصیلی ششم ابتدایی نظام قدیم در سال ۱۳۴۴ شمسی به قصد تحصیل علوم دینی وارد مدرسه علمیه فاروج از توابع شهرستان قوچان شدم و طی سه سال جامع المقدمات، سیوطی و حاشیه منطق را گذراندم. در سال ۱۳۴۷ برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی (مدرسه تولیت) که برنامه ای منظم داشت به تحصیل ادامه دادم. برخی از اساتید حقیر در این دوره عبارتند از: (عروه الوثقی) حجت الاسلام افتخاری،(تاریخ اسلام) حجت الاسلام مرحوم حسن نوری (برادر بزرگ آیت الله حسین نوری)،(مغنی) حجت الاسلام طالقانی، (منطق) حجت الاسلام امینیان، (معالم الاصول) حجت الاسلام مقتدایی و ...

سپس به مدرسه سعادت تحت اشراف آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده منتقل شدم و کتب و دروس ذیل را تحت نظر و اشراف و خدمت اساتید حوزه گذراندم: لمعتین حجج اسلام سید ابوالفضل موسوی، باکویی، آیت الله فاضل لنکرانی، معانی بیان: امینی شیرازی، اصول فقه: حجت الاسلام باکویی، باب حادی عشر: حجت الاسلام عبد القائم شوشتری، تفسیر و اخلاق: آیت الله مشکینی، نهج البلاغه: آیت الله حسین نوری، عقاید: آیت الله مکارم شیرازی، شرح منظومه: دکتر احمد بهشتی و آیت الله انصاری شیرازی، رسائل: آیت الله اعتمادی، مکاسب: آیت الله صانعی، مرحوم ستوده و موسوی تبریزی، کفایتین: مرحوم آیت الله سلطانی، رساله تصور و تصدیق ملاصدرا و اسفار اربعه: آیت الله جوادی آملی .

در سال ۱۳۵۶ در درس خارج فقه و اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم، لیکن در سال ۱۳۵۹ برای کارهای تبلیغاتی به قوچان (زادگاهم) رفتم و پس از عهده داری مسئولیت دفتر تبلیغات آن شهر در سال ۱۳۶۰ به سمت فرماندهی سپاه قوچان برگزیده شدم و حدود چهار سال که عهده دار این سمت بودم از تحصیل علوم حوزوی محروم شدم.در سال ۱۳۶۳ مجددا به قم بازگشتم و به تحصیل و حضور در درس خارج معظم له (فقها و اصولا)را ادامه دادم، ضمن آنکه با مرکز تحقیقات اسلامی سپاه نیز همکاری پاره وقت داشتم.با راه اندازی طرح مدارج علمی در حوزه علمیه قم و عهده داری دفتر تبلیغات اسلامی برای این کار در سال ۱۳۷۱ موفق به اخذ مدارج علمی دوره اول خارج (سطح ۳ حوزه معادل فوق لیسانس) شدم و پس از واگذاری این امر به شورای مدیریت حوزه علمیه قم موفق شدم مدرک مدارج علمی سطح چهار (شش سال درس خارج فقه واصول) معادل دکترا را در مورخ ۸/۲/۷۳ اخذ کنم.

تالیفات: حقیر از سال ۱۳۶۴ که همکاری علمی و پژوهشی خود را با مرکز تحقیقات اسلامی سپاه آغاز کردم ضمن انجام دادن کار پژوهشگری در موضوع تاریخ اسلام و عهده داری مسئولیت های: گروه تاریخ، مدیریت تاریخ و علوم سیاسی، جانشینی معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی و مسئولیت معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی، در طول مدت بیش از ۱۸ سال کار تالیف متون آموزشی در موضوع تاریخ اسلام را شروع کردم که متجاوز از پانزده کتاب در سطوح مختلف علمی و آموزشی است که نمونه هایی از آن به پیوست می باشد. ضمنا از سال ۱۳۷۸ با بخش فرهنگ فقه موسسه دایره المعارف فقه اسلامی زیر نظر آیت الله هاشمی شاهرودی نیزبه عنوان مسئول بخش بازنویسی و ویرایش همکاری دارم و حاصل آن تا کنون چاپ دو جلد (۱ و ۲) آن بوده است. مدتی نیز با بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قسمت احیاء آثار همکاری داشتم که حاصل آن تحقیق در تفسیر شریف الاصفی مرحوم فیض کاشانی (ج اول) می باشد .

به جز مواردی که یاد شد با فصلنامه های پژوهشکده تحقیقات اسلامی همچون حصون و مربیان و دیگر نشریات آن نیز همکاری دارم و ضمن عضویت در هیئت تحریریه بعضی از آنها هر از چندگاه، مقالاتی برای این نشریات می نویسم. ضمن آنکه برای پاره ای فراخوانیهای همایش ها نیز مقالاتی نوشته ام.

رنجبر، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن رنجبر

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۷/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۶۳ (آذر ماه) وارد حوزه علمیه شدم وبه مدت یک سال در حوزه علمیه تربت حیدریه مشغول به تحصیل شدم سپس به قم آمدم و ۲ ماه در این شهر ساکن بودم و در اواخر سال ۱۳۶۴ وارد مدرسه علمیه مروی تهران شدم و تا نیمه اول سال ۱۳۶۹ در

آنجا مشغول به تحصیل بودم

با موفقیت در آزمون مؤسسه در راه حق از مهرماه سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره عمومی این مرکز را چهار ساله گذراندم و در سال ۱۳۷۳ وارد گروه تخصصی تاریخ شدم و ضمن ادامه و تکمیل دروس حوزه علمیه تا مقطع خارج و گذراندن پایه دهم (شفاها و کتبا) در اردیبهشت سال ۱۳۷۴ دوره سطح را به اتمام رساندم و از آن پس در درس خارج شرکت میکردم در سال ۷۸ با دفاع از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و از آن پس تا پایان سال ۸۰ به صورت ساعتی با بخش پژوهشی همکاری پژوهشی داشتم از ابتدای سال ۸۱ تا پایان سال ۱۳۸۳ عضو هیئت علمی گروه تاریخ بودم و در نگارش مقتل جامع امام حسین علیه السلام به سر پرستی استاد مهدی پیشوایی بیشترین فعالیت را داشتم

با پذیرش در مقطع دکتری در نیمه دوم سال ۸۳ وارد تحصیل در این مقطع شدم و هم اکنون دومین ترم این مقطع را بناست بگذرانیم.

افزون بر این همکاری پژوهشی بنده با بخش پژوهش مؤسسه ادامه دارد هم چنین بنده هم کاری هایی با بخش تاریخ معاصر و اندیشه سیاسی داشته ام و حاصل آن نگارش مقالاتی بوده است .

روزبهانی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا روزبهانی

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۷ وارد حوزه علمیه شدم که تا سال ۱۳۷۶در شهرستان بروجرد و از آن پس در حوزه علمیه قم سپری شد.

تخصص این جانب کندو کاو پیرامون ادیان و بالاخص فرقه بهائیت است، که از سالهای تحصیل در بروجرد آغاز شد . تا کنون علاوه بر تدریس دوره های مختلف عمومی و تخصصی مبانی و تاریخ فرقه بهائی تعداد ۲ جلد کتاب و تعدادی مقاله تالیف نموده ام که تماماً درباره موضوع بهائیت بوده است.

هم اکنون نیز آماده همکاری با نهاد های پژوهشی در زمینه فرق و خصوصاً فرقه ضاله بهائیت هستم

روستایی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن روستایی در سال ۱۳۴۲. ش در شهر درود – لرستان به دنیا آمد.وی بیش از ۱۲ سال است که از پژوهشگران و کارشناسان ارشد اسناد تاریخی سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی ایران می‌باشد. کتاب" تاریخ طب و طبابت در ایران " تالیف وی ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محسن روستایی بیش از ۱۲ سال است که از پژوهشگران و کارشناسان ارشد اسناد تاریخی سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی ایران می‌باشد

جوائز و نشانها : محسن روستایی در سال ۱۳۸۰ از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به عنوان پژوهشگر نمونهٔ سال برگزیده شد.از دیگر افتخارات ایشان انتخاب کتاب" تاریخ طب و طبابت در ایران " تالیف وی ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال می باشد.

چگونگی عرضه آثار : محسن روستایی حدود ۶۰ مقالهٔ تحقیقی و مبتنی بر سند در مجلات معتبر کشور به چاپ رسانده است. آخرین پژوهش‌های ایشان کتاب دوجلدی در تاریخ نخستین فرهنگستان ایران به روایت اسناد است که پس از ده سال تفحص و ۳تحقیق برای چاپ آماده شده است. -- --------------

آثار :

۱ اسناد مطبوعات ایران (۱۳۲۰ – ۱۳۳۲ ش.)

ویژگی اثر : ۴ جلد

۲ اعتضاد فرهنگ

۳ تاریخ طب و طبابت در ایران

ویژگی اثر : ۲ جلد،تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب :تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضا شاه) تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضا شاه) به روایت اسناد / محسن روستایی. – تهران: سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲. ۲ ج.: مصور. کتابنامه. مندرجات: ج ۱. قوانین و نظامنامه‌های طبی، گزارشات صحی و بهداشتی، ایجاد مدارس عالی طب و مراکز صحی و درمانی و... ج ۲. شرح حال طبیبان نامدار و ناشناخته ایران. شناخت تاریخ و تحولات هریک از علوم و دانش‌ها، در شناخت هویت آن علوم از یک سو و شناخت هویت فرهنگی و تاریخی ملت‌ها از سوی دیگر نقشی به سزا دارد؛ و از این میان تاریخ طب و طبابت به دلیل گستردگی آن و آثاری که دانش طب در دو حوزهٔ تخصصی و عمومی دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بررسی تحولات طب و طبابت در ایران، نیاز به تحقیقات گسترده و دامنه‌داری دارد که با توجه به شرایط تاریخی خاص هر دوره، می‌بایست پژوهش و نگرش متناسبی را طرح‌ریزی کرد و سپس به ثمر نشاند. نویسندهٔ کتاب با مراجعه به حدود ۲۰۰۰ فهرست با انتخاب اسنادی مشتمل بر اعلانات، گزارش‌های صحی و طبی، استشهادنامه‌های محلی راجع به اطبا، تصدیقنامه‌ها و پرونده‌های دیوانی طبیبان و اسناد مدرسهٔ طب دارالفنون... و خلاصهٔ هر سندی که از دیدگاه یک پژوهش اسنادی و تاریخی می‌توانسته است گرهی از تاریخ طب و طبابت را باز کند، طرح جامع تاریخ طب ایران را پی‌ریزی نموده است. نویسنده در جلد اول کتاب کوشیده است خوانندگان را با سیر تحول و روند تاریخی طب و طبابت در

ایران (عهد قاجار و پهلوی) آشنا سازد و این مقوله از تاریخ را تبیین و بررسی نماید و با استناد به فصول کتاب، رابطه‌ای منطقی میان اسناد نو یافته، با منابع موجود و قابل اعتنا ایجاد نماید. فصول و اسناد مربوط به قوانین طبابت، اعلانات و گزارشات صحی، انعقاد قرارداد میان دولت ایران با اطبای فرنگی و اسناد مربوط به اوضاع بهداشتی و شیوع بیماری‌های مسری نسبت به سایر بخش‌های کتاب از تنوع و نوآوری بیشتری برخوردار است. جلد دوم کتاب هم منحصراً اختصاص دارد به شرح حال رجال طبیبان عهد قاجار و اوایل عهد پهلوی که به تناسب، نقش علمی و تاریخی که ایفأ نموده‌اند، تنظیم و نوشته شده‌اند. این جلد از دو قسمت مجزا تشکیل شده است، بخش اول شامل شرح حال ۱۹۱ نفر از رجال طبیبان و با محوریت سند تألیف و تنظیم شده است. قسمت دوم نیز شامل کتابچهٔ مستندی است از ۲۱۳ نفر از طبیبان عهد قاجار و پهلوی که فهرست‌وار اطلاعات مربوط به آنان در این کتابچه تقدیر شده است

روملو، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۵ -۹۳۷ ق)، مورخ. از رجال معروف قزلباش در عهد شاه طهماسب و از مورخان مشهور عهد صفوی بود. وی در قم در میان قبیله‌ی روملو از قزلباشهای صفوی متولد شد. در جوانی به کسب کمالات در نزد مالك دیلمی قزوینی خطاط و مولانا جمال‌الدین محمود شیرازی پرداخت. علاوه بر این حسن بیک از افسران سپاه طهماسبی بود و با درجه‌ی سلطانی، سمت قورچی گری داشت و به سبب مقام و مرتبه‌ای که داشت از او به عنوان «بیگ» یاد می‌شود. اسکند بیگ ترکمان چند بار از وی با عنوان «مورخ» یاد کرده است و گویا در سال ۹۴۸ ق در جنگ دزفول به این دلیل همراه شاه طهماسب بود که وقایع را ثبت کند. وی مولف کتاب باارزش «احسن التواریخ» در دو قسمت است که قسمت اول آن با رویدادهای سال ۸۰۷ ق آغاز سلطنت شاهرخ شروع شده و قسمت دوم که هم‌اکنون چاپ نشده است به حوادث سال ۹۸۵، سال جلوس شاه سلطان محمد خدابنده پایان می‌پذیرد، وی این کتاب را به نام شاه اسماعیل، پسر شاه طهماسب نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احسن التواریخ (مقدمه/ ۲۷ -۱۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۷۵ -۱۶۶۹ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۰۲، ۳۵۵)، الذریعه (۲۸۷/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۲ -۵۶۱ /۲).

رویانی طبرستانی، علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، مورخ و جغرافیدان. از جمله آثار وی «تاریخ طبرستان» است که یکی از منابع اصلی مرعشی در تالیف «تاریخ طبرستان و رویان» بوده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۶۲/۳)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۸۴/۲)، کشف الظنون (۲۹۷).

ریحان یزدی، علیرضا حسینی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۲۹۰ ش)، فقیه، مفسر، مورخ، رجالی، نویسنده و شاعر. در یزد متولد شد. پس از تصحیل مقدمات در بیست و یک سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌اللّه حائری و استادان دیگر استفاده برد. سپس به تهران آمد و به انجام وظائف مذهبی و ترویج دین مشغول شد. گاه گاهی شعر می‌سرود. و غزلیاتی دارد. از آثارش: «آینه‌ی دانشوران»، دائرةالمعارف گونه‌ای حاوی بیوگرافی علمای یزد و معاصران نویسنده در قم و تاریخ تاسیس حوزه؛ «درس انشاء یا علم بیان»؛ «تفسیر ریحان»؛ ترجمه‌ی فارسی سره «بلوهر»؛ «کتابهایی که خوانده‌ام».[۱]

سید علی‌رضا (ریحان) یزدی که سالهاست در تهران اقامت دارند و در آنجا در مسجد سجاد یزدیها در خیابان میرفندرسکی اقامه جماعت می‌نمایند و هم چند ماهی به هند مسافرت و در حیدرآباد و بمبئی تبلیغ دین و ضمنا تتبع در کتابخانه‌های آن سامان می‌نمایند.

آقای ریحان محرم ۱۳۳۰ قمری در یزد به دنیا آمده و در حال حاضر شصت و پنجسال از عمرش می گذرد.

وی ترجمه خود را در کتاب دانشمندان گمنام یا آئینه دانشوران خود به طور مفصل نوشته است طالبین به آنجا مراجعه نمایند.

آثار قلمی ریحان از این قرار است: ۱- آئینه دانشوران ۲- درس انشاء یا علم بیان ۳- بازرگانی محمد (ص) ۴- تفسیر ریحان ۵- بلوهر ترجمه فارسی سره از عربی ۶- کتابهائی که خوانده‌ام مشتمل بر دوازده جلد ۷- داماد کربلا.

آقای ریحان سفرهای عدیده به کشور پهناور هندوستان نموده و از بسیاری از شهرهای مهم آن دیدن و کتابخانه‌های عمومی و خصوصی آنجا را دیده و از هر باغ گلی چیده و از هر خرمن خوشه‌ای برداشته و به نام (آنچه من دیده و خوانده‌ام) تدوین نموده است.

نگارنده در دو سفری که در سال ۱۳۸۹ و سال ۱۳۹۰ قمری به هندوستان رفتم دو ماهی در مدینه هتل حیدرآباددکن با معظم‌له مصاحب و مجاور و ناظر سعی و کوشش ایشان بودم ادام‌اللّه توفیقه.

وی دارای ذوق سرشار و طبع روان و موزونی می‌باشد و اشعار بسیاری سروده که شایسته است جمع گردد به صورت دیوان ریحان درآید.

شاعر، عالم دینی.

تولد: ۱۳۳۰، ق.، یزد.

درگذشت: ۱۳۶۷.

سید علیرضا مدرس متخلص به «ریحان یزدی». فرزند سید محمد مدرس، از تربیت شدگان حوزه‌ی درس عبدالکریم مهرجردی یزدی و یکی از روحانیون یزد بوده است. وی صاحب تألیفاتی چون بازرگانی محمد (ص) و درس انشاء و آینه‌ی دانشوران است. وی شعر نیز سروده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۶۳ -۲۶۲ /۲)، آینه‌ی دانشوران (مقدمه)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۲۲/۲)، تذکره سخنوران یزد (۵۴۵ -۵۴۱)، الذریعه (۱۹/۲۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۷، ۴۵۱ /۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۶ -۵۶۵ /۴).

زاری مشهدی، محمدقاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۹ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به زاری. وی از شعرای مشهد مقدس رضوی بودکه در سیر و تاریخ نیز دست داشت. غزل را نیکو می‌سرود. وی در میدان اصفهان به دست دزدان کشته شد. از جمله آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۲ -۶۵۱)، الذریعه (۳۹۸/۹)، ریحانه (۳۵۱/۲)، صبح گلشن (۱۸۹ -۱۸۸)، فرهنگ سخنوران (۴۰۹)، لغت نامه (ذیل/ زاری).

زاوه‌ای یزدی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۶ ق)، عالم و مورخ. اهل مشهد بود. در همانجا به تحصیل پرداخت و در مشهد درگذشت. از آثار اوست: «ام‌الکتاب» در چهار جزء وقایع الایام، رویداد کربلا، جشنها و شرح احوال حضرت عباس (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۳/۲)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۵۶۴/۱).

زجاجی چرندابی تبریزی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۶۰۸ ق)، شاعر و مورخ. از آثار وی: «تاریخ منظوم زجاجی»، در تاریخ.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۴۱۱)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۶۷۱، ۵۹۱/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ زجاجی)، یغما (س ۵، ص ۵۶۰ -۵۵۴).

زرگری نژاد، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد در سال ۱۳۲۹ در شهرستان بجنورد متولد شد.وی پس از طی مراحل تحصیل مقدماتی، راهنمایی، دبیرستان، در سال ۱۳۵۲ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران را یافت. در سال ۱۳۵۷ دوره تحصیل لیسانس خود را به پایان برد و بلافاصله در آزمون ورودی کارشناسی ارشد تاریخ شرکت کرد و به ادامه تحصیل در این دوره پرداخت . پس از اتمام این دوره در آزمون دکتری دانشگاه تربیت مدرس قبول شد و در سال ۱۳۷۲ درجه دکترای تخصصی تاریخ را از این دانشگاه دریافت داشت.وی در سال ۱۳۷۳ به گروه تاریخ دانشگاه تهران پیوست و از آن زمان تاکنون به تدریس در گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است.نامبرده هم اینک فعالیت خود را با رتبه علمی دانشیاری ادامه می دهد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامحسین زرگری‌نژاد پس از طی مراحل تحصیل مقدماتی، راهنمایی، دبیرستان، در سال ۱۳۵۲ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران را یافت. در سال ۱۳۵۷ دوره تحصیل لیسانس خود را به پایان برد و بلافاصله در آزمون ورودی کارشناسی ارشد تاریخ شرکت کرد و به ادامه تحصیل در این دوره پرداخت . پس از اتمام این دوره در آزمون دکتری دانشگاه تربیت مدرس قبول شد و در سال ۱۳۷۲ درجه دکترای تخصصی تاریخ را از این دانشگاه دریافت داشت

فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر زرگری‌نژاد همزمان با تحصیل در دوره کارشناسی ارشد در آموزش و پرورش زادگاهش به تدریس اشتغال داشت

فعالیتهای آموزشی : غلامحسین زرگری‌نژاد سپس از بجنورد به تهران انتقال یافت و به مدت سه سال مدیر گروه تاریخ در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش بود. وی در سال ۱۳۶۴ به دانشکده روابط بین الملل وزارت خارجه منتقل شد و به مدت سه سال نیز در آن دانشکده به تدریس تاریخ دیپاماسی و تاریخ اسلام و اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران پرداخت. وی در سال ۱۳۷۳ به گروه تاریخ دانشگاه تهران پیوست و از آن زمان تاکنون به تدریس در گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است.نامبرده فعالیت خود را با رتبه علمی دانشیاری ادامه می دهد. ------------------
----

آثار :

۱ تاریخ احمدشاهی (تاریخ تشکیل اولین حکومت افغانستان)

ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمود حسینی جامی، غلامحسین زرگری نژاد (مصحح) ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۰۳ مهر، ۱۳۸۴

۲ تاریخ تحلیلی اسلام

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: آیت عشق - ۲۵ بهمن، ۱۳۸۵

۳ تاریخ تحلیلی اسلام: از بعثت تا غیبت

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۰۹ آبان، ۱۳۸۶

۴ تاریخ تمدن و فرهنگ

ویژگی اثر : کتاب درسی

۵ تاریخ سال سوم دبیرستان

ویژگی اثر : کتاب درسی

۶ تاریخ سیاسی اجتماعی ایران بعد از اسلام

ویژگی اثر : کتاب درسی

۷ تاریخ سیاسی اجتماعی ایران قبل از اسلام

ویژگی اثر : کتاب درسی

۸ تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) – ۰۸ اردیبهشت، ۱۳۸۶

۹ تاریخ معاصر ایران

ویژگی اثر : کتاب درسی

۱۰ تاملاتی در علم تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد، عطاء الله حسنی، هاشم آقاجری (مترجم)، حسن حضرتی (مترجم) ناشر: نقش جهان – ۱۳۸۱

۱۱ خورشید: سال اول، شمارگان ۱ تا ۱۲۰

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد (مقدمه) ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی – ۲۸ آذر، ۱۳۸۴

۱۲ رسائل مشروطیت: مشروطه به روایت موافقان و مخالفان

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی – ۲۸ مرداد، ۱۳۸۷

۱۳ رساله احکام قانون اداره بلدیه

ویژگی اثر : پدیدآورنده: عبدالحسین لاری، غلامحسین زرگری نژاد (مصحح) ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی – ۲۹ دی، ۱۳۸۷

۱۴ روزشمار تحولات ایران درعصر قاجاریه

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران – ۰۶ خرداد، ۱۳۸۶

۱۵ روش تحقیق

ویژگی اثر : کتاب درسی

۱۶ سلمان فارسی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد، قربان ولیئی (ویراستار) ناشر: کتاب همراه – ۲۳ آبان، ۱۳۸۶

۱۷ سیاست نامه های قاجاری

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی – ۳۰ دی، ۱۳۸۶

۱۸ سیاست نامه های قاجاری: رسایل سیاسی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی – ۳۰ دی، ۱۳۸۶

۱۹ شرح آسیای مرکزی و انتشار سیویلیزاسیون روسی در آن با نقشه ممالک آسیای مرکزی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی – ۱۳۸۳

۲۰ عاشورا

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: کتاب همراه – ۰۳ خرداد، ۱۳۸۷

۲۱ ماثر سلطانیه، تاریخ جنگهای اول ایران و روس، به ضمیمه تاریخ جنگهای دوره دوم از تاریخ ذو القرنین

ویژگی اثر : پدیدآورنده: عبدالرزاق بن نجفقلی مفتون دنبلی، غلامحسین زرگری نژاد ناشر: روزنامه ایران – ۱۳۸۳

۲۲ نهضت آزادی‌بخش فلسطین

ویژگی اثر : کتاب درسی

۲۳ نهضت امام حسین (ع) و قیام کربلا

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی – ۱۰ مرداد، ۱۳۸۶

زریاب خویی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ –۱۲۹۸ ش)، نویسنده، مترجم، محقق و استاد دانشگاه. در خوی متولد شد. پس از فراگیری تحصیلات ابتدایی و متوسطه به قم رفت و از محضر علمای آن دیار از جمله شیخ صادق فراحی، محقق داماد، سید احمد خسروشاهی، امام خمینی، سید صدرالدین صدر، سید محمدتقی خوانساری و سید محمد حجت کوه کمره‌ای بهره جست. سپس وارد دانشکده‌ی الهیات شد و پس از دریافت درجه‌ی لیسانس به آلمان رفت و از دانشگاه ماینس در رشته‌ی تاریخ دکترا گرفت. آنگاه به ایران بازگشت و در ۱۳۴۱ ش به دعوت پروفسور هنینگ به آمریکا رفت و در دانشگاه برکلی (کالیفرنیا) به تدریس پرداخت. پس از دو سال به ایران آمد و با سمت استادی در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. دکتر زریاب مورخ، محقق و مترجمی جامع‌الاطراف بود و بویژه در معارف ایران و اسلام و فلسفه و تاریخ و ادبیات عرب و زبان شناسی صاحب نظری متبحر بود و به سبب تسلط به زبانهای عربی، آلمانی، انگلیسی و فرانسوی به منابع دست اول دسترسی داشت. زریاب در بسیاری از مجامع علمی ایرانی مثل: انجمن فلسفه، بنیاد فرهنگ، فرهنگستان تاریخ و بنیاد شاهنامه‌ی فردوسی عضو بوده و با بنیادهای دایرهٔالمعارف نویسی همکاری داشت و مقالات بسیاری برای آنها و مجلات ادبی گوناگون می‌نوشت. وی همچنین در مجامع بین‌المللی از جمله: انجمن بین‌المللی شرق شناسی در آلمان و انجمن بین‌المللی کتیبه‌های ایرانی در انگلستان عضو بود. در تهران درگذشت و در بهشت زهرا دفن شد. از آثار وی: «آیینه‌ی جام»؛ «تاریخ ساسانیان»؛ «بزم آوزد»؛ تحریر «روضه الصفا» و ترجمه‌های: «تاریخ فلسفه» ویل دورانت؛ «لذات فلسفه»، ویل دورانت؛ «تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان»؛ تئودور نولدکه؛ «ظهور تاریخ بنیادی»، نوشته‌ی فردریش مانیکه؛ «دریای جان» نوشته‌ی ریتر.[۱]

مترجم، استاد، نویسنده، محقق.

تولد: ۲۲ تیر ۱۲۹۸، خوی.

درگذشت: ۱۴ بهمن ۱۳۷۳.

عباس زریاب‌خویی، فرزند علی، تحصیلات مقدماتی علوم جدید و قدیم را در شهر خویی به پایان رساند و برای ادامه‌ی تحصیل در سال ۱۳۱۶ به شهر قم عزیمت نمود و سال‌ها از محضر اساتیدی چون حضرت امام خمینی (ره)، آیت‌الله سید محمد بهجت کوه‌کمره‌ای، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی استفاده نمود.

دکتر زریاب‌خویی بعد از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد برای تکمیل تحصیلات خویش وارد دانشگاه الهیات شد و پس از اخذ درجه‌ی لیسانس، به آلمان رفت و در رشته‌ی تاریخ و فلسفه از دانشگاه «ماینز» به اخذ درجه‌ی دکتری نایل آمد. همچنین به فراخوان

دانشگاه «برکلی» آمریکا پاسخ مثبت داد و مدتی به همکاری با کارشناسان زبان‌های ایرانی و زبان فولکوریک پرداخت.

دکتر عباس زریاب‌خویی پیش از انقلاب استاد رشته‌ی تاریخ و رییس گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود. وی به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و ترکی عثمانی و اسلامبولی آگاه بود. وی سال‌های متمادی در دانشگاه‌های مختلف به تدریس اشتغال داشت و مدتی نیز با دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و دائرةالمعارف مصاحب و بنیاد دائرةالمعارف همکاری داشت و مقالاتی را به رشته‌ی تحریر درآورد. آثار مهم ایشان عبارتند از: ترجمه‌ی فلسفه (ویل دورانت، ۱۳۳۵)؛ ترجمه‌ی لذات فلسفه (ویل دورانت)؛ ترجمه‌ی تاریخ ساسانیان (نولد که)؛ تألیف بزم آورد؛ تألیف آئینه جام؛ تحقیق و تصحیح کتاب الصیدنه فی الطب اثر ابوریحان بیرونی (این کتاب در سال ۱۳۷۱ به عنوان کتاب برگزیده‌ی سال انتخاب شد)؛ تألیف تاریخ بنیادی؛ آیینه جام (شرح مشکلات دیوان حافظ؛ این کتاب در سال ۱۳۶۹ عنوان کتاب برگزیده‌ی سال را از آن خود ساخت)؛ سیره‌ی رسول اکرم (ص)؛ تهذیب و تلخیص روضةالصفا. کتاب‌هایی که استاد در حال نشر داشت، عبارت بودند از ترجمه‌ی دریای جان اثر هلموت ریتر و ترجمه‌ی کتابی که قرار بود به مناسبت کنگره‌ی جهانی بزرگداشت عطار نیشابوری منتشر شود.

پیکر دکتر زریاب‌خویی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کلک (ش ۵۸ و ۵۹، ص ۲۹۲ –۲۸۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۴/۳)، یکی قطره باران (۱۴ –۱).

زرین کوب، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عبدالحسین زرین کوب در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی در بروجرد دیده به جهان گشود . دکتر زرین کوب تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش به پایان برد .سپس در کنار تحصیل در دوره متوسطه به تشویق و ترغیب پدر که مردی متشرع و دیندار بود ،اوقات فراغت را صرف فراگیری علوم دینی و حوزه ای نمود ،و ضمن تحصیل فقه و تفسیر و ادبیات عرب،به شعر عربی هم علاقمند شد .گرچه تا پایان سال پنجم متوسطه در رشته علمی تحصیل می کرد با این حال کمتر کتاب تاریخ و فلسفه و ادبیاتی بود که به زبان فارسی منتشر شده باشد ،واو آن را در مطالعه نگرفته باشد .به دنبال تعطیلی کلاس ششم متوسطه در تنها دبیرستان شهر برای ادامه تحصیل به تهران رفت. اما این رشته ادبی را برگزید و در سال ۱۳۱۹ تحصیلات دبیرستانی را به پایان برد،و با وجود آنکه کتابهای سالهای چهارم و پنجم متوسطه ادبی را قبلا نخوانده بود در میان دانش آموزان رشته ادبی سراسر کشور ،رتبه دوم را به دست آورد.با بازگشایی مجدد دانشگاهها در سال ۱۳۲۰ ،دکتر عبدالحسین زرین کوب در امتحان ورودی دانشکده حقوق شرکت کرد.با آنکه پس از کسب رتبه اول ،در دانشکده ثبت نام هم کرده بود،اما به الزام پدر ،ناچار به ترک تهران شد . در همان ایام ،علی اکبر دهخدا که ریاست دانشکده حقوق را به عهده داشت ،از اینکه چنین دانشجوی فاضلی را از دست می داد ،اظهار تاسف کرده بود. سرانجام اشتیاق به تحصیل بار دیگر او ر ا به دانشگاه کشاند .در سال ۱۳۲۴ ،پس از آنکه در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول ،و دانشکده ادبیات حایز رتبه اول شده بود ،وارد رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران شد. به هر تقدیر ،عبدالحسین زرین کوب در سال ۱۳۲۷ به عنوان دانشجوی رتبه اول از دانشگاه فارغ التحصیل شد،و سال بعد وارد دوره دکتری رشته ادبیات دانشگاه تهران گردید و درسال ۱۳۳۴ از رساله دکتری خود با عنوان (نقد الشعر ،تاریخ و اصول آن) که زیر نظر بدیع الزمان فروزانفر تالیف شده بود با موفقیت دفاع کرد .

دکتر زرین کوب در سال ۱۳۳۰ درکنار عده ایی از فضلای عصر همچون عباس اقبال آشتیانی ،سعید نفیسی ،محمد معین،پرویزناتل خانلری ،غلامحسین صدیقی و عباس زریاب ،برای مشارکت در طرح ترجمه مقالات دایره المعارف اسلام (E۱)طبع هلند،دعوت شد .

دکتر زرین کوب در ایام تحصیل در تهران ،چندی نزد حاج شیخ ابوالحسن شعرانی به پرداخت و با مباحث حکمت و فلسفه ،آشنایی بیشتر یافت .از همان روزگار با فلسفه های معاصر غربی نیز آشنا شد و بعد به مطالعه در باب تصوف نیز علاقمند گردید. استاد که از قبل با زبانهای عربی ،فرانسوی و انگلیسی آشنا شده بود در سالهای جنگ دوم جهانی ،با کمک بعضی از صاحب منصبان ایتالیایی و آلمانی که در آن ایام در ایران به سرمی بردند،به آموزش این دوزبان پراخت .در سال ۱۳۲۳ نخستین کتاب او به نام (فلسفه ،شعر یا تاریخ تطور شعر و شاعری درایران) در بروجرد منتشر شد ،در حالی که در این هنگام ،حدود چهار سال یا کمی بیشتر از تاریخ تالیف کتاب می گذشت .

دکتر زرین کوب پس از آنکه به الزام پدر دانشکده حقوق را ترک گفت ،به زادگاه خود بازگشت ،و در خرم آباد و بعددر بروجرد به کار معلمی پرداخت ،کاری که به تدریج علاقه جدی بدان پیدا کرد .در دوران معلمی ،از تاریخ و جغرافیا وادبیات فارسی گرفته تا عربی و فلسفه و زبان خارجی و حتی ریاضی و فیزیک و علم الهیات ،همه را تدریس کرد .دکتر زرین کوب پس از اخذ درجه دکترا ،از سوی استاد فروزانفر ،برای تدریس دردانشکده علوم معقول و منقول دعوت شد و در سال ۱۳۳۵ با رتبه دانشیاری ،کار خود را دانشگاه تهران آغاز کرد و به تدریس تاریخ اسلام ،تاریخ ادیان ،تاریخ کلام و مجادلات فرق ،تاریخ تصوف اسلامی و تاریخ علوم پرداخت .پس از دریافت رتبه استادی دانشگاه تهران (۱۳۳۹ ش) دکتر زرین کوب چندی نیز در دانشسرای عالی تهران ،ودوره دکترا ادبیات فارسی دانشگاه تهران و در دانشکده هنرهای درماتیک به افاضه پرداخت.در سالهای ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۴۹ در آمریکا به عنوان استاد میهمان در دانشگاههای کا لیفرنیا و پرنیستون به تدریس علوم انسانی دانشگاه تهران انتقال یافت و در دو گروه تاریخ و ادبیات مشغول به کار شد .

دکتر زرین کوب در ۲۴شهریور ۱۳۷۸ به دلیل بیماریهای قلب و چشم و پروستات در گذشت. آثار دکتر عبدالحسین زرین کوب ۱-دو قرن سکوت/ ۲-تاریخ مردم ایران پیش از اسلام/ ۳-تاریخ مردم ایران بعد از اسلام/ ۴-بامداد اسلام/ ۵-کارنامه اسلام/ ۶-ارزش میراث صوفیه/ ۷-پله پله تا ملاقات خدا/ ۸-سرنی /۹-با کاروان حله/ ۱۰-پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد ....

زمجی، معین الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معین الدین محمد زمجی اسفزاری متخلص به نامی در حدود ۸۵۰ ه . ق دراسفزار (سبزوار) متولد گردید .و در همان جا به تحصیل علوم مقدماتی پرداخت . اما در پی آشوبهای پس از وفات سلطان ابو سعید تیموری و طاعون سال ۸۳۸ ه .ق به هرات رفت وتحصیل در علوم مختلف پرداخت ، و ازمحضر استادان بزرگ زمانه بویژه عبد الرحمن جامی (شاعر و صوفی) بهره برد . و دردربار سلطان حسین بایقرا به مناصب منشی گری ، مهر داری و حتی وقایع نگاری رسید . وبنابه سفارش خواجه قوام الدین نظام الملک وزیر سلطان بایقرا کتاب مشهور روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات را درتاریخ محلی و جغرافیایی هرات نگاشت . اسفزاری تاپایان عمربعنوان یکی از دانشمندان ،و مترسلان مشهور زمانه خود به تدریس درمدارس هرات مشغول بود . درشاعری و خط تعلیق نیز دست داشت و بیشتر معاصرانش وی را ستوده اند .

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : ایران بعد از اسلام

والـدین و انساب : معین الـدین محمـد زمجی اسـفزاری در کتاب خود از پـدر خود نامی نیاورده است اما می نویسد که وی شاعری چیره دست بوده و درتوصیف فجایع طاعون هولناک سال ۸۳۸ ه. ق اشعاری سروده است .

تحصیلات رسـمی و حرفه ای : معین الـدین محمـد زمجی اسـفزاری از آغـاز جوانی دراسـفزار آغاز به کسب علم و هنر نمود و نزد استادان زمان به تحصیل پرداخت اما از سال ۸۷۳ به هرات رفت و از محضـر نورالدین عبد الرحمن جامی (عارف) بهره برد و مدتی بعد درسن ۲۳ سالگی در دیوان خواجه مجـد الـدین محمـد (وزیر سـلطان حسـین بایقرا)به منشـی گری مشـغول شد . وی درهرات مهـارت خود را در علوم گوناگون چون صـرف و نحو ،منطق و معانی و بیان و زبان و ادبیات عرب وفقه حنفی و تفسـیرو احادیث و زبان وادبیات پارسـی و هراتی و ترکی جغتایی و قواعـد انشاء که خود آن مورد رساله ای نوشـته است ،و علم تاریـخ و جغرافیا و فن شعر و خطاطی و نیز مختصری هیئت و نجوم و طب و موسیقی تکمیل کرد .

خـاطرات و وقـایع تحصـیل : درزمـان سـلطان ابوسـعید تیموری هنگامی که معین الـدین محمـد زمجی اسـفزاری هنوز در اسـفزار به تحصـیل مشـغول بود ، مولانا شـرف الـدین عبـد القهار (متخلص به شـریف) که ازدانشـمندان روزگار ربود از آن ولایت گذشت و معین الدین افتخار درک مقدم وی را یافت و مولانا شـرف الدین در شـعر به بدیهه دربار اسفزار گفت : دارد نشانی از بهشت آب و هوای اسفزار معین الدین اسفزاری نیز درپاسخ وی چنین سرود : اکنون زیمن مقدمت دارد به جنت افتخار

استادان و مربیان : معین الدین محمد زمجی اسفزاری اولین استاد عرفانی معین الدین محمد در هرات بود .

هم دوره ای ها و همکاران : معین الـدین محمـد زمجی اسـفزاری بادانشـمندانی چون محمـد فرهی ،میرخوانـد ، مولانا عبد الرحمان جامی معاصـر ومعاشـر بوده است . امیر علیشـیرنوایی ،مولانا عبد الواسع نظامی (منشی ومورخ) ، شیخ عبد الله دیوانه (خوشنویس) ، خواجه غیاث الدین ده دار (ندیم سلطان حسین بایقرا).

وقایع میانسالی : معین الدین محمد زمجی اسـفزاری عمده عمر خود را باسـلطان حسـین بایقرا تیموری معاصر و با وی معاشر بود . از حمایت قوام الدین نظام الملک وزیر برخورداربود . از سال ۸۹۷ خواجه قوام الدین نظام الملک به وزارت سلطان حسین بایقرا رسید . و اسـفزاری به خـدمت او درآمـده به فرمـان وی کتاب روضات الجنات فی اوصاف مـدینه هرات را درتاریـخ شـهرهرات شـروع به تـالیف کرد . هـدف وزیر هم خـدمت به شـاه و هم به جاویـدان کردن اثری بوده است از نویسـنده ای دانا وادیبی کامل بوده است . اسـفزاری نیز مدتها پیش از این درچنین اندیشه ای بوده است . وی دراین هنگام تالیف کتاب خود باامیر جلال الدین فرخزاد طبسـی که پسـر ارشـد امیرنورالدین جلال الاسـلام بود وا ز اعیان دولت تیمور گورکانی به شـمارمی رفت ،دیدارکرد . اسـفزاری درصددن افزودن کتاب دیگری درادامه شرح وقایع کتاب روضات الجنات بوده است که بدلیل نا آرامی های ناشی از کشته شدن خواجه قوام الدین نظام الملک در ۹۰۳ ه ق این کارصورت نپذیرفت .

مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : معین الدین محمد زمجی اسـفزاری منشـی دربار سـلطان بایقرا وتحت حمایت وزیر وی قوام الدین نظام الملک بود . وی پیش از قوام الدین ، در خدمت خواجه مجد الدین محمد (وزیر سابق سـلطان حسین بایقرا)بوده است . از این رو امیر علیشـیر نوایی (وزیر بعدی سلطان حسین) که با خواجه قوام الدین نظام الملک نزاع سیاسی داشته است ، تنها به ذکر نامی از معین الدین اسـفزاری اکتفا نموده است . اسـفزاری در دربارسـلطان بایقرا تا آنجا ترقی یافت که نشان شاهی راکه مهر رسـمی دربار سلطنت بود و به وی سپرده بودند .

فعالیتهای آموزشـی : معین الدین محمد زمجی اسـفزاری چنان در خط تعلیق مهارت داشت که بیشتر اوقات در هرات به تعلیم قواعد

این هنر مشغول بود . وی درمدارس هرات نیز بعنوان استاد به تدریس مشغول بوده است .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : معین الدین محمد زمجی اسفزاری علاوه برمنشی گری ،به شاعری و خطاطی می پرداخت . چنانکه درخط تعلیق بسیار ماهر بود. و شعر هایی می گفت که بر زبان مردم هرات جاری بود . چنانکه می نویسد : به سرمه است آنکه می بینی به چشم هر پری پیکر که از غوغای چشمش می کند خاک سیر بر سر چنانکه اشعایی درمدح سلطان حسین بایقرا ،مرثیه شیخ عبد الرحمن جامی و رباعی ،غزلیات ،قصای و مثنویاتی می سروده و بعنوان شاهد در تاریخ خود بکار می برد و به نامی متخلص می کرد .

همفکران فرد : معین الدین محمد زمجی اسفزاری منشی صاحب ذوقی بوده است که نثر او از منشیان معاصر وی همچون مولانا حسین واعظ کاشفی صاحب انوار سهیلی و مولانا کمال الدین عبد الواسع نظامی و وقایع نگاری که سجع و قافیه های بسیاری درنثر بکار می برد ، او نثر و ساده تر بوده است .

آرا و گرایشهای خاص : معین الدین محمد زمجی اسفزاری درانشائ مترسل ایرانی نسبت به ایرانیان معاصر خود شیوه ای ساده ترو روانتر را برگزیده بود . از نظرمذهبی نیز گویا وی به فقه حنفی گرایش داشته و دراین زمینه ازکودکی آموزشهایی را کسب کرده بود وعلاقه ای در حد تعصب به مذهب خودابراز میکرد . و شیعیان آن زمان را خارج از دین می دانست . اما درهمه جای کتاب خود به اولاد علی (ع) ، بویژه امام رضا (ع) همانند یک شیعی خالصی ،ارادت می ورزند . از این گذشته ،وی درراه سلوک و عرفان ازمریدان شیخ عبد الرحمن جامی نیز به شمار می رود .

چگونگی عرضه آثار : معین الدین محمد زمجی اسفزاری کتاب روضات الجنات را در ۹-۸۹۷ ه ق تالیف کرده و به سلطان حسین بایقرا تقدیم کرد. --
-

آثار :

۱ ترسل

ویژگی اثر : این رساله درباره آیین نامه نویسی تالیف کرده است .

۲ روضا ت الجنات فی اوصاف مدینه هرات

ویژگی اثر : کتاب روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات دنباله تاریخ نامه هرات اثر سیف بن محمد بن نعقوب هروی (سیفی هروی) که وقایع هرات را در (۷۲۱-۶۱۸ ه ق) توصیف کرد ، به شمار می رود . [آژند ، تاریخ نگاری محلی ایران ،تاریخ نگاری درایران ، تهران ؛گستره ، ۱۳۸۰] این کتاب تاریخ هرات را تاسال ۸۷۵ ه ق در بر دارد . و در۲۶ روضه مفصل بندی شده است و درآن اطلاعاتی است که در منابع دیگری نیامده است . گرچه بیشتر مطالب آن تکرار گفته های مورخین معاصر پیشین از جمله ابواسحق احمد بن یاسین ، شیخ عبد الرحمن نامی ، سیفی هروی و ربیعی پوشنگی است ،اما بخش آخر کتاب منحصر به دیده ها و شنیده های مورخ و روش نگاری کتاب نیز یکی از بهترین و روانترین نمونه های نثر فارسی درقرن نهم می باشد . مطالب کتاب شامل ۲۶ روضه است . روضه های هفتم تا دهم درباره ی اخبار ملوک آل کرت و ذکر بلاد وابنیه و مزارات و عمران خراسان و هرات در عهد تیموری است . کتاب مزبوز تاریخ هرات راتصرف آنجا توسط سلطان حسین بایقرا در بر دارد . همچنین اطلاعات جالبی نیز درباب رجال خراسان و هرات درضمن مطالب کتاب آمده است . [معین الدین محمد الزمجی اسفزاری ، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات ،ج ۱ ،به اهتمام محمد اسحاق ،کلکته :درپاسری ، ۱۳۸۰ ه ق . / ۱۹۶۱ میلادی ،محال]

منابع زندگینامه :

۱آزنده ،تاریخ نگاری ،محل دایراه ،تاریخ نگاری درایران ، ص ۲۸۶۲آژند ،تاریخ نگاری درایران ، تاریخ نگاری در ایران

،ص۲۸۶۳سعید نفیسی ،تاریخ نظم و نثر ایران و درزبان فارسی ،ج اول، تهران : کتابفروشی فروغی ،۱۳۴۴ ،ص ۲۵۲۴معین الدین محمد الزمجی اسفزاری ، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات ،ج ۱ ،به اهتمام محمد اسحاق ،کلکته :درپاسری ،۱۳۸۰ ه ق . / ۱۹۶۱ میلادی ،محال۵میر نظام الدین علیشیر نوایی ، تذکره مجلس النفاس ،به اهتمام علی اصغر حکمت ،تهران ؛ کتابخانه منوچهری ،۱۳۶۳ ،ص ۹۸-۹۹

زنجانی طبسی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد زنجانی طبسی

محل تولد : طبس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد جواد زنجانی طبسی در سال ۱۳۳۷هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان طبس دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۰ که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه طبس گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. پس از ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس با آستان ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۰ به حلقه دروس خارج ستارگان علم و ادب آن دیار راه یافت. در آن دیار از درس بزرگانی همچون آیت الله خامنه ای ، آیت الله حجت هاشمی، آیت الله مرتضوی و... بهره ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ اسلام در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۰ از دانشگاه شهید بهشتی تهران فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"بررسی نقش عبدالله بن عامر در حوادث صدر اسلام "دفاع کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از امر تبلیغ غافل نماند و در این راستا سعی و تلاش وافری به انجام رسانده است. استاد سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در حوزه علمیه مشهد و طبس مشغول است و هم اکنون مدیر گروه معارف دانشگاه آزاد طبس می باشد.

زنجانی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۹ ق)، مورخ و شاعر. ملقب به ناظم‌الشریعه. وی صاحب کتابی است به نظم به نام «اعمال جهانشاه امیر تومان و احتشام‌الدوله حکمران خمسه»، در چگونگی حرکت آن دو به خمسه از سوی ناصرالدین‌شاه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۲۰/۲).

زندی، افضل الملک غلام حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۸ ق)، مورخ. طبق دست خط مظفرالدین‌شاه، افضل‌الملک مامور تاریخ‌نگاری سلطنت وی شد. و موظف بود که هر سال وقایع سلطنت و اخبار مملکت را در کتابی تالیف نماید. از آثار وی: «افضل التواریخ»؛ «تاریخ صدور قاجاریه»؛ «قرن السعاده».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۰۴۸، ۸۸۲، ۸۲۰/۲)، یغما (س ۱۶، ص ۲۲۰).

زواره‌ای اصفهانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۴ ق)، مورخ. ملقب به مظهر زواره‌ای. اثری به نام «احوال سلاطین صفویه» دارد، که به نام سرجان ملکم تالیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۵/۱)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۱۰/۲).

زیدری نسوی، شهاب‌الدین، نورالدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۶۴۷ ق)، شاعر، نویسنده و مورخ. تحصیلات وی در خراسان انجام گرفت. منشی سلطان جلال‌الدین منکبرنی خوارزمشاه بود و در آغاز کار در خدمت امرای محلی نسا بسر می‌برد و سپس به اردوگاه سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه در عراق و آذربایجان پیوست. وی از سال ۶۲۲ ق صاحب دیوان انشاء آن سلطان جنگجوی شد و تا سال ۶۲۸ ق در این سمت باقی بود. زیدری مدتی در بلاد آسیای صغیر و آذربایجان سرگردان بود. تا عاقبت در میافارقین نزدیک ملک مسعود از سلاطین کرد ایوبی رفت و در آن جا

کتاب «نفثه المصدور» را با انشاء مزین در حدود سال ۶۳۲ ق نگاشت وی در حدود ۶۴۷ ق در حلب در گذشته است. کتاب دیگر خود را بنام «سیره جلال‌الدین منکبرنی» در سال ۶۳۹ ق به عربی تالیف کرد. «دیوان» شعر از دیگر آثار او ست.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۸۲ -۱۱۷۹ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۹۴)، الذریعه (۱۲۳۰/۹)، گنج و گنجینه (۳۱۰)، نفثه المصدور (مقدمه).

ساروی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ و شاعر. اصل وی از شهر ساری بود و در دربار محمدشاه قاجار منصب ملاباشی گری داشت به دستور پادشاه، تاریخ در شرح جنگها و وقایع روزگار او و احوال پادشاهیش تحت عنوان «تاریخ محمدی» نوشت. ملا محمد در سرودن شعر نیز توانا بود. ابیاتی چند از وی در تذکره‌ها به جای مانده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۵۵۸/۳)، سفینه المحمود (۶۲۹/۲)، مجمع الفصحا (۹۴۴/۵).

ساکی، علی‌محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۶.

درگذشت: خرداد ۱۳۷۳، تهران.

علی‌محمد ساکی نویسنده چندین جلد کتاب درباره فرهنگ و ادبیات لرستان است. از آثار اوست: سفری به دیار الموت، لرستان و ایلام (تألیف فریا استارک، ۱۳۶۴)؛ قلاع حشاشین (پیتر ویلی، ۱۳۶۸)؛ کریم‌خان زند: تاریخ ایران بین سال‌های ۱۷۷۹ -۱۷۴۷ (جان ر. پری. ۱۳۶۵). علی‌محمد ساکی در سال ۱۳۷۳ درگذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سبذمونی بخاری، ابومحمد عبدالله

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴۰ -۲۵۸ ق)، فقیه حنفی، مورخ و محدث. در روستای سبذمون بخارا متولد شد. در جستجوی حدیث به خراسان و عراق و حجاز سفر کرد. ابن‌اثیر او را از محدثان غیر ثقه به حساب آورده است. از آثارش: کتاب «مسند ابی‌حنیفه»؛ و کتاب «کشف الآثار» در

مناقب ابی‌حنیفه که آن را بر چهارصد نویسنده املا کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۴ -۲۶۳ /۴)، ریحانه (۱۱۳ /۱)، کشف الظنون (۱۸۳۷ ،۱۴۸۵)، معجم المؤلفین (۱۴۵ /۶)، هدیهٔ العارفین (۱/ ۴۴۵).

سپهر کاشانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۷ -۱۲۰۷ ق)، ادیب، دانشمند، مورخ و شاعر، متخلص به سپهر. ملقب به لسان‌الملک و مشهور به لسان سپهر. محمد در کاشان متولد شد و پس از تحصیل علوم قدیمی، عروض و قافیه را آموخت. در بیست سالگی به خواهش ملک‌الشعراء- فتحعلی خان صبا- به تهران آمد و به تشویق او به تالیف کتابی در علم قافیه پرداخت، اما این کتاب با فوت صبا ناتمام ماند و میرزا محمدتقی به کاشان برگشت. در آنجا محمود میرزا پسر فتحعلی‌شاه حکمران کاشان او را به ندیمی خود برگزید و به او تخلص سپهر داد. سپس از طرف فتحعلی‌شاه به تهران احضار گردید و به سلک اعضای دیوان درآمد. سپهر در عهد محمدشاه مداح خاص شاه و منشی و مستوفی دیوان شد و به نوشتن کتاب «ناسخ التواریخ» ماموریت یافت. این کتاب تاریخ عمومی است که تا سال ۱۲۷۳ قمری امتداد یافته است. سپهر علاوه بر تاریخ و ادبیات در بسیاری علوم از جمله ریاضیات، حکمت و فلسفه و جفر و علوم دیگر حظی وافر داشت. وی در تهران درگذشت و پیکرش به نجف اشرف منتقل شد. از دیگر آثار و تالیفات وی: «آینه‌ی جهان‌نما»؛ «اسرارالانوار» فی مناقب الائمه‌ی اطهار (ع)؛ «براهین العجم فی قوانین المعجم»؛ «جنگ فی التواریخ» و «دیوان» اشعار.[۱]

(بخش ۱) (میرزا) محمدتقی بن (ملا) محمدعلی کاشانی ملقب به لسان‌الملک و متخلص به سپهر، نویسنده و مورخ عهد قاجاری (ف. ۱۲۹۷ ه.ق.). وی پس از تحصیل مقدمات علوم قدیم به شعر و عروض و قافیه پرداخت، و در جوانی از کاشان به تهران آمد و به خدمت صبا ملک‌الشعرای فتحعلی شاه رسید، و به تشویق او به تألیف کتابی در علم قافیه مشغول شد، ولی این امر با فوت صبا (۱۲۳۸ ه.ق.) ناتمام ماند و میرزا تقی به کاشان برگشت. و به خدمت محمود میرزا پسر فتحعلی شاه حکمران کاشان رسید و تخلص سپهر را از او گرفت. در عهد محمد شاه مداح خاص شاه و منشی و مستوفی دیوان شد، و به نوشتن کتاب «ناسخ التواریخ» (که دوره تاریخ جهان از زمان آدم تا عهد مؤلف است) پرداخت. کتاب قافیه او به نام «براهین العجم» مشهور است. سن وی به هنگام مرگ از ۸۰ سال متجاوز بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] حدیقه الشعراء (۷۴۷ -۷۴۶ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱۲۶۲/۱)، الذریعه (۸ -۶ /۲۴ ، ۴۳۰- ۴۲۹ /۹ ،۱۶۶ - ۱۶۵ /۵ ،۸۱/۳ ،۴۲/۲ ،۵۱/۱)، ریحانه (۱۳۲ -۱۲۹ /۵)، سفینه المحمود (۳۶۰ -۳۴۱ /۱)، شرح حال رجال (۳۲۱ -۳۱۹ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۳۹ -۴۳۸)، لغت نامه (ذیل/ سپهر کاشانی)، المآثر و الآثار (۱۸۸ -۱۸۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۳ -۲۴۹ /۲)، مجمع الفصحا (۴۰۰ -۳۵۰ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۸۴ -۸۲)، نگارستان دارا (۸۸ -۸۷)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۰/۸)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۹۶).

ستوده، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر منوچهر ستوده در سال ۱۲۹۲ خورشیدی در تهران دیده به جهان گشود.دورهٔ تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۱۴ به دانشسرایعالی راه یافت و به دریافت درجهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی نایل آمد.ایشان در دانشکده های الهیات و معارف اسلامی و ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس مشغول بودند تا اینکه به افتخار بازنشستگی نائل آمدند. کتاب"از آستارا تا استارباد " تالیف منوچهر ستوده ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : منوچهر ستوده دورهٔ تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۱۴ به دانشسرایعالی راه یافت و به دریافت درجهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی نایل آمد. وی در سال ۱۳۱۹ دورهٔ تحصیلی دانشکدهٔ افسری را نیز به اتمام رسانید و مفتخر به دریافت درجهٔ افسری گردید

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منوچهر ستوده در سال ۱۳۲۰ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس پرداخت و آنگاه از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۵۰ در دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی به تدریس جغرافیای تاریخی اسلامی و از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس کتیبه‌های اسلامی و تاریخ خطوط اسلامی در رشتهٔ باستان‌شناسی پرداخت و در پایان این سال بازنشسته گردید.

جوائز و نشانها : کتاب"از آستارا تا استارباد " تالیف منوچهر ستوده ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

چگونگی عرضه آثار : منوچهر ستوده صاحب آثار فراوانی در تألیف و تصنیف و تصحیح است ------------------------
----

آثار :

۱ آثار و احیاء (متن فارسی دربارهٔ فن کشاورزی)

ویژگی اثر : تألیف رشیدالدین فضل‌الله همدانی – مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبهٔ تهران با همکاری دانشگاه تهران ۱۳۶۸

۲ از آستارا تا استارباد

ویژگی اثر : تألیف – دورهٔ هفت جلدی – اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۶۷ – ۱۳۴۹ –این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است

۳ استوناوند دژ ۳۵۰۰ ساله

ویژگی اثر : با همکاری مهندس محمد مهریار – احمد کبیری – مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷

۴ تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس

ویژگی اثر : تألیف محمد ابراهیم کازرونی – مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷

۵ تاریخ خانی

ویژگی اثر : تألیف علی بن شمس‌الدین لاهیجی – بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲

۶ تاریخ رویان

ویژگی اثر : تألیف مولانا اولیاء الله آملی – بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۸

۷ تاریخ گیلان

ویژگی اثر : تألیف ملا عبدالفتاح فومنی – بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۹

۸ تاریخ گیلان و دیلمستان

ویژگی اثر : تألیف سید ظهیرالدین مرعشی – مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۴۷

۹ تاریخ مازندران

ویژگی اثر : تألیف ملا شیخ علی گیلانی – بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲

۱۰ راهنمای قطغن و بدخشان

ویژگی اثر : تألیف محمد نادرخان تهذیب کوشککی – مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷

۱۱ روزنامهٔ سفر گیلان دستخط ناصرالدین شاه قاجار

ویژگی اثر : مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷

۱۲ صیدنه

ویژگی اثر : تألیف ابوریحان بیرونی – ترجمهٔ ابوبکر بن علی بن کاشانی – شرکت افست ۱۳۵۸

۱۳ فرهنگ نایینی

ویژگی اثر : گردآوری – مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۵

۱۴ قلاع اسماعیلیه در رشته کوههای البرز

ویژگی اثر : ۱۳۴۵ --

منابع :

۱www.ketabesal.ir

سدیدالسلطنه‌ی کبابی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۲۰ –۱۲۵۰ ش)، مورخ، نویسنده و شاعر، متخلص به عاری. وی در بغداد متولد شد، پس از کسب علوم مقدماتی در بوشهر، وارد خدمات دولتی شد و بیشتر دوران خدمت خود را در نواحی خلیج فارس گذراند. در دوره‌ی تحصیل سیوطی را نزد آقا سید

جواد مجتهد یزدی و جامع المقدمات را نزد حاج شیخ محمد امام جمعه و علوم ادبی را نزد میرزا حسین اهرمی متخلص به معتقد و ملا حسن کبکانی متخلص به محمود و کلیات محمود جدید را نزد سید جمال‌الدین اسدآبادی آموخت. او چندین کتاب با تحقیق و تتبع فراوان تالیف کرده که اکثرا درباره‌ی خلیج فارس، جزایر، بنادر و زندگی ساکنین آن حدود است. از آثار اوست: «اعلام الناس فی تاریخ بندرعباس»؛ «التدقیق فی سیر الطریق»؛ «احوال اهرم و تنگستان»؛ «احوال خوانین و عشایر قشقایی»؛ «احوال شیوخ بندر لنگه»؛ «مفاتیح الادب فی تواریخ العرب»؛ «شقایق النعمان فی احوال العمان»؛ «ضمیمه اللطیفه»؛ «المناص فی احوال الغوص و الغواص» و «دیوان اشعار».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۶۳ -۵۵۵ /۳)، الذریعه (۳۳۰/۲۴)، شرح حال رجال (۲۴۴ -۲۴۳ /۶)، فرهنگ سخنوران (۶۰۷)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۷۱ -۱۷۰ ،۷۱ /۱)، مرآت الفصاحه (۳۹۵ -۳۹۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۰/۴ - ۴۱۹/۱).

سردار کابلی کرمانشاهی، حیدرقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۲۹۳ ق)، عالم دینی، فیلسوف، فقیه اصولی، محدث، متکلم، رجالی، مورخ و ریاضیدان. از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم قمری بود. اصلش از ایران و از قزلباشان است. پدرش ساکن افغانستان بود و سردار در کابل به دنیا آمد. در هشت سالگی به خواندن و نوشتن پرداخت. چون دارای استعداد فوق‌العاده‌ای بود به زودی ریاضیات و زبان انگلیسی را فراگرفت. در ۱۳۰۴ ق پدرش خانواده خود را به عراق برد و در کاظمین ساکن کرد. معلم وی در ریاضیات و انگلیسی نیز به همراه آنان مهاجرت کرد و شش سال نیز در عراق به وی آموزش داد و او در حساب و هندسه و هیئت و جغرافی و علوم غریبه صاحب نظر شد. وی همچنین در لغات و ادبیات عربی و فارسی و سانسکریت و هندی و عربی و لاتین دستی توانا داشت. سردار کابلی در این مدت علاوه بر آموزش علوم جدیده به تصحیل علوم قدیمه نیز پرداخت و سپس به نجف رفت و فقه و اصول را در محضر علامه میرزا محمدعلی رشتی چهاردهی و شیخ علی‌اصغر تبریزی و دیگران فراگرفت و فلسفه را نزد استادان بزرگ آن آموخت. در ۱۳۱۰ ق در خدمت پدر عازم ایران شد و در کرمانشاه با شیخ عبدالرحمان شافعی مکی ملاقات کرد و مجذوب کمالات وی گشت و در همان جا ماندگار شد. او از شیخ خود، چهاردهی، و سید حسن صدر و سید عباس لاری و محدث قمی و سید آقا یحی تهرانی و سید محسین امین و شیخ آقا بزرگ تهرانی دارای اجازه بود. شیخ مرتضی گیلانی نجفی از شاگردان وی می‌باشد. سردار کابلی استاد ریاضی و هندسه آیت‌اللّه حجت بود. پدرش قبل از مرگ سرپرستی خانواده‌ی خود را به وی سپرد و او را ملقب به سردار کرد. سردار کابلی در کرمانشاه به نشر احکام و تالیف و تصنیف مشغول شد. او به شهرهای بسیاری سفر کرد و با علمای هر شهر مصاحبت نمود. سرانجام در کرمانشاه درگذشت و جنازه‌اش به نجف انتقال یافت و در کنار پدرش در وادی‌السلام دفن شد. از آثار وی: «الاربعون حدیثا»، در فضایل امیرالمومنین (ع) از طرق اهل سنت؛ «تبصره الحر فی تحقیق الکر»، در بیان انطباق تحقیقی بین وزن و مساحت و حجم؛ «تحفه الاحباب»، در بیان آیات قرآن؛ «تحفه الاجله»، در شناخت قبله، که برای فهم کتاب به دانش جبر و مثلثات و هیئت و جغرافی نیاز است؛ «العلم الشاخص فی اسرار ظل الشاخص»، در اعمال فلکی؛ کتابی در «المساحه»، ترجمه از انگلیسی؛ ترجمه «انجیل برنابا»، از انگلیسی به فارسی؛ «غایه التعدیل فی معرفه حقیقه الاوزان و المکاییل»؛ «کشف القناع فی تحقیق المیل و الذراع»؛ «مناهج الوفاق»، در

اعداد؛ شرح حدیث امیرالمومنین (ع) در بیان قطر و محیط خورشید و ماه و اختلاف افق خورشید؛ «دیوان ابوطالب (ع)» و شرح «لامیه‌ی» آن؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبه‌ی حضرت زینب (ع)»؛ «مصباح القواعد»، در قواعد علوم ریاضی؛ «مثنوی» در نظم «الباب الحادی عشر»؛ «الدرر النثیره»، شبیه به «کشکول»، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (۳۴۰/۲، ۲۰۰ -۱۹۷ /۱)، اعیان الشیعه (۲۷۴ -۲۷۳ /۶)، الذریعه (۲۸۳/۲۲، ۱۱۶/۲۱، ۴۶، ۱۷، ۱۱/۱۶، ۱۳۹، ۸۰ -۷۹ /۸، ۴۱۰، ۳۱۷ /۳، ۳۶۶/۲، ۴۹۳، ۴۱۵ /۱)، ریحانه (۷ -۵ /۵، ۱۵ -۱۳ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹۹ -۶۹۳ /۱۴)، علماء معاصرین (۲۹۶ -۲۹۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۷ -۲۲۵ /۶).

سرداری نیا، صمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر صمد سرداری‌نیا، مورخ و محقق تاریخ معاصر آذربایجان متولد ۱۳۱۹ در شهر تبریز بود.وی پس از اتمام تحصیلات دوران ابتدایی تا دبیرستان ،در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه تبریز شده و در سال ۱۳۵۰در مقطع کارشناسی تاریخ، فارغ التحصیل شد. ایشان پس از استخدام در صدا و سیما این بار در رشته حقوق قضائی دانشگاه ملی تهران به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۷ فارغ التحصیل شد.از ایشان آثازیادی در باره تاریخ آذربایجان و مشاهیر آن بیاد گار مانده است.صمد سرداری‌نیا پنجشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۷بر اثر عارضه سکته قلبی در تبریز دار فانی را وداع گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : نویسندگی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : صمد سرداری‌نیا، مورخ و محقق تاریخ معاصر آذربایجان متولد ۱۳۱۹ در شهر تبریز بود.سرداری نیا، در ۲۱در محله« امیره خیزی» تبریز دیده به جهان گشود .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : صمدسرداری نیا پس از اتمام تحصیلات دوران ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه تبریز شد. وی در سال ۱۳۵۰در مقطع کارشناسی تاریخ از این دانشگاه فارغ التحصیل شد و پس از استخدام در صدا و سیما بار دیگر به دانشگاه رفت ولی این بار در رشته حقوق قضائی به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۷ فارغ التحصیل شد. او سپس وکیل دادگستری شد.

زمان و علت فوت : صمد سرداری‌نیا پنجشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۷بر اثر عارضه سکته قلبی در تبریز دار فانی را وداع گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : صمد سرداری نیا پس از استخدام در صدا و سیما این بار در رشته حقوق قضائی دانشگاه ملی تهران به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۷ فارغ التحصیل شد.از ایشان آثازیادی در باره تاریخ آذربایجان و مشاهیر آن بیاد گار مانده است.او به حقوق بازنشستگی اش از صدا و سیما قناعت کرد و هرگز طبع لطیفش را به زر و تزویر نیالود.

آرا و گرایشهای خاص : صمد سردارینیا ،این محقق بزرگ آذربایجان بی‌هیچ حب و غرضی، گوهر حب وطن در صدف وجود خویش تربیت کرد و سال ها پشت میز تحریر کوچکش قلم بر دست، بر لوح تاریخ، برگ هایی زرین از گذشته و حال مردمان دیارش رقم زد. برگ برگ تاریخ را ورق زد تا نشانی مستند بر پایه واقعیت و نه گزافه و اغراق از لیاقت، کفایت و درایت ایران و

ایرانیان و شجاعت و مردانگی آذربایجان و آذربایجانیان بیابد. در سطر سطر نوشته‌های شیوایش می‌توان روح متعالی یک ایرانی وطن‌دوست و یک آذربایجانی جلیل‌القدر را ملاحظه کرد. بی‌اغراق می‌توان گفت که اگر اکنون هر آذربایجانی و هر شهروند تبریزی، به آسانی و در عین افتخار و با قدرت از تبریز، به عنوان شهر اولین‌ها یاد می‌کند، حاصل سال ها تلاش این پیر فرزانه است. نویسنده‌ای که سال ها در میان اوراق تاریخ گشت تا گلستانی از افتخارات مستند و واقعی آذربایجان گردآورد تا مردمانش سرافرازانه به داشتن آن قله‌های بزرگ فخر فروشند و مباهات ورزند. از قابلیت‌های آب و خاک و جان آذربایجان گفت تا جهان و جهانیان بدانند که اینجا آذربایجان است. کانون عشق‌ورزی، محور ایثار و مردانگی، دیوار بلند مقاومت، با مردمانی مهربان و هنرورز، با ادبیاتی آمیخته به شور شبنم و شوق خدمت.

جوائز و نشانها : صمد سرداری نیا مفتخر به دریافت دو عنوان «دکترای افتخاری» از دو کشور خارجی گردیده است. ----------
----

آثار :

۱ آذربایجان پیشگام جامعه مدنی

۲ ایروان یک ایالت مسلمان نشین بود

۳ باقرخان سالار ملی

ویژگی اثر : ناشر: ایرانیان -۱۳۶۹

۴ باکو شهر نفت و موسیقی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: مناف سلیمانوف، صمد سرداری نیا (مترجم)، ناشر: اختر - ۲۲ اسفند، ۱۳۸۵

۵ تاریخ روزنامه‌ها و مجلات آذربایجان

۶ تبریز شهر اولین‌ها

ویژگی اثر : ناشر: کانون فرهنگ و هنر آذربایجان - ۱۳۸۱

۷ تبریز مهد صنعت چاپ در ایران

ویژگی اثر : ناشر: سرداری‌نیا، صمد - ۱۰ بهمن، ۱۳۸۴

۸ جنگ قره باغ

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ضیاء الدین سلطانوف، صمد سرداری نیا (مترجم)؛ ناشر: هاشمی سودمند - ۱۰ اسفند، ۱۳۸۴

۹ دارالفنون تبریز، دومین مرکز آموزش عالی ایران

ویژگی اثر : ناشر: ندای شمس - ۱۳۸۲

۱۰ سیری در تاریخ آذربایجان

ویژگی اثر : ناشر: اختر - ۰۴ دی، ۱۳۸۶

۱۱ قتل عام مسلمانان در دو سوی ارس

۱۲ قره باغ

۱۳ قره باغ در گذرگاه تاریخ

ویژگی اثر : ناشر: ندای شمس - ۱۰ اسفند، ۱۳۸۴

۱۴ مشاهیر آذربایجان،

ویژگی اثر : انتشارات شایسته تبریز - ۱۳۷۹

۱۵ ملانصرالدین در تبریز

ویژگی اثر : ناشر: اختر تبریز

سکندری، علی جان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی جان سکندری

محل تولد : اسلام آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱۲/۱۵

زندگینامه علمی

علی سکندری (علی جان سکندری) فرزند سکندر متولد ۱۳۴۱ ش، در اسلام آباد (صلایان) یکی از روستاهای آن زمان قاینات چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در همان زادگاهش به پایان رساند. دوره های ابتدایی و راهنمایی را در شهر خضری و متوسطه را در دبیرستان دکتر شریعتی شهرستان قاین به پایان برد. وی در کنار تحصیل در اوقات بیکاری در کشاورزی به پدرش کمک می نمود .

پس از اتمام دوره متوسطه در سال ۱۳۶۱ ش، وارد حوزه علمیه قاین شد. یک سال بعد برای ادامه تحصیل عازم مشهد مقدس گردید تا تحصیلات حوزوی را در جوار مرقد حضرت علی بن موسی الرضا (ع) ادامه دهد. نخست با اقامت در مدرسه امام محمد باقر (ع) مقدمات را فرا گرفت و سپس دوره های تحصیلات تکمیلی و عالی را در مدارس جعفریه و آیت الله خوئی نزد اساتید برجسته حوزه علمیه از جمله: آیت الله مرتضوی، آیت الله رضا زاده، آیت الله واعظ طبسی، آیت الله صالحی و حجت الاسلام و المسلمین گرایلی گذراند.

در سال ۱۳۶۶ ش، در کنار دروس حوزوی وارد دانشگاه شد و در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد درگرایش تاریخ ادیان ادامه تحصل نمود. پس از این وارد فعالیت های علمی و پژوهشی شد و در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در گروه معارف اسلامی و دفتر فرهنگ اسلامی مشغول کار گردید. در همین زمان بود که با نگارش مقالاتی دست به قلم شد و با نوشتن مطالب سیاسی در روزنامه ها ومجله ها، فعالیت قلمی را آغاز کرد و دو شماره از فصلنامه فرهنگی دانشگاه آزاد مشهد را منتشر ساخت.

سلامی بیهقی نیشابوری، ابوعلی حسین احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۰ ق)، مورخ. وی از مردم‌خوار بیهق بود و از ملازمان و کاتبان ابوبکر محمد بن مظفر بن محتاج و فرزندانش بود یگانه اثر

وی کتابی است به نام: «التاریخ فی اخبار ولات خراسان».[۱]

ابوعلی حسین بن احمد بن محمد بیقهی نیشابوری از بزرگان قر.۴ ه. مولد و منشأ او خوار بیهق بود. وی در سلک ملازمان و کاتبان ابوبکر محمد ابن مظفر بن محتاج و پسرانش بود و او را تصانیف بسیار است از جمله کتاب «التاریخ فی اخبار ولاۀ خراسان».

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] سرآمدان فرهنگ (۴۶۸/۱)، لغت نامه (ذیل/ سلامی).

سلامی شیرازی، ابوتراب ولی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۳ ق)، مورخ. معروف به شاه ابوتراب عریضی حسینی. وی از سادات محترم شیراز بود که جد وی در سال ۸۹۸ از شیراز به هند رفته بود و در آن جا مقیم شده و ابوتراب در آن سامان متولد شد و نخست در گجرات وارد خدمت شد و سپس به دربار جلال‌الدین اکبر راه یافت و به منصب میر حاجی رسید. پس از چندی به گجرات بازگشت و از طرف اعتماد خان حاکم گجرات منصب امین صوبه را دریافت کرد. وی مولف کتاب «تاریخ گجرات» است که مشتمل بر وقایع آن ناحیه از زمان بهادر شاه از سال ۹۳۲ ق تا زمان مظفر شاه سوم در سال ۹۹۲ ق است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۶۷ -۳۶۶).

سلطان‌القرایی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، مورخ.

تولد: ۱۲۷۵، تبریز.

درگذشت: زمستان ۱۳۶۷، تبریز.

جعفر سلطانی‌القرایی در آغاز نزد پدر خود شیخ ابوالقاسم و برادر خود حاج میرزا جواد، از علمای زمان، درس خواند. سپس از محضر میرزا ابوالقاسم انگجی و حاج میرزا علی‌اصغر ملک استفاده برد. وی با مطالعه مستمر و دقت در کتب خطی و نشست و برخاست با ادبا و شاعران، کارشناس شناخت نسخه‌های خطی و تشخیص اسناد و اوراق هنری و تاریخی شد. با حوادث آذربایجان به تهران هجرت کرد و چند سالی در تهران ماند و به کسب و کار مشغول بود.

از تألیفات وی، تصحیح و تعلیق دو جلد روضات الجنان و جنات الجنان حافظ حسن کربلایی تبریزی (۱۳۴۹ -۱۳۴۴) است. اثر دیگر سلطان‌القرایی تصحیح و تعلیق المحافل است. ضمنا سال‌ها با نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز» همکاری داشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سلمانی امیری، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد سلمانی امیری

محل تولد : امیرکل بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ورود به حوزه ۱۳۶۵ در حوزه علمیه امام خمینی(ره)/شهر قم اینجانب(جواد سلیمانی)فرزند (علی)به سال(۱۳۴۷ ش) در شهر امیر کلا-از توابع استان مازندران به دنیا آمده ام.دوران ابتدایی تا اوّل دبیرستان را در زادگاه خود تحصیل نموده و بقیه دوران دبیرستان را تا اخذ دیپلم در رشته ریاضی در بابل گذرانده ام.خانواده ام مذهبی بوده و مواضع سیاسی روشنی در دفاع از انقلاب اسلامی داشت. شاید این امر موجب فعالیت اینجانب در تشکل های سیاسی- مذهبی مانند انجمنهای اسلامی و حزب جمهوری گردید.

در خلال دوره دبیرستان و جنگ تحمیلی اندک اندک انگیزه تحصیل علوم دینی زنده شد. از این رو بعد از دیپلم در سال (۱۳۶۵ ش) وارد حوزه علمیه قم شدم و درسهای مقدّماتی و سطح را در مدارس تحت برنامه و حلقه های درس آزاد برخی فضلا گذراندم.آنگاه پس از اتمام کفایتین و پشت سر نهادن امتحان های شورای مدیریت حوزه در درس خارج شرکت نموده از محضر آیات عظام جعفر سبحانی،ناصر مکارم شیرازی،جوادی آملی،خاتم یزدی،شیخ جواد تبریزی و سید محمّد رضا مدرسی (دامت برکاتهم) در فقه و اصول بهره برده ام.

در سال (۱۳۶۹ ش) دوره کارشناسی معارف اسلامی و الهیات و سپس در سال (۱۳۷۳ ش) دوره تخصصی کارشناسی ارشد تاریخ را آغاز کردم و بعد از ده سال (۱۳۷۹ ش) در مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی(قدس سره) زیر نظر حضرت آیه الله مصباح یزدی(دامت برکاته) به پایان رسانده ام.پس از اتمام دوره کارشناسی ارشد تاریخ تاکنون در محورهای زیر مشغول فعّالیت می باشم. ۱. تحقیق در مباحث تاریخ صدر اسلام و معاصر(عص مشروطه)و نشر آن در قالب کتاب و مقاله.۲. تدریس در مقولات فوق.۳. اجرای طرح دانشنامه مشروطیت.۴. اشتغال به سطح(۴)حوزه.

ذکر نام اساتید اصلی در حوزه

۱. جوادی آملی/خارج فقه

۲. جعفر سبحانی/خارج اصول

۳. مکارم شیرازی/خارج فقه

۴. خاتم یزدی/خارج فقه

۵. جواد تبریزی/خارج فقه

۶. محمّد رضا مدرسی/خارج اصول

۷. محمّد رضا مدرسی/خارج فقه

سلمی نیشابوری، ابوعبدالرحمان

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۱۲ –۳۲۵/۳۳۰ ق)، صوفی، محدث، حافظ، مفسر و مورخ. در نیشابور متولد شد و در آنجا به تعلیم و حفظ قرآن و روایت اشعار و تحصیل زبان عربی و سپس به درس حدیث و علم باطن پرداخت. معاصر با القادر باللّه خلیفه عباسی بود. به عراق وی و همدان و مرو و حجاز سفر کرد و شاگرد استادانی چون ابوالحسن دارقطنی، ابونصر سراج، ابوالقاسم نصرآبادی و اسماعیل بن نجید بود. وی مرید شیخ ابوالقاسم نصرآبادی و خرقه‌ی ارشاد از دست ایشان دریافت کرد و ابوسعید ابوالخیر بعد از وفات پیر ابوالفضل از سلمی خرقه گرفته است. وی شاگردانی چون ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، احمد بن علی توزی، ابومحمد جوینی، ابوالقاسم قشیری و ابوعبداللّه حاکم نیشابوری داست. وی در آخر عمر خانقاهی برای صوفیه در نیشابور بنا کرد که محل سکونت صوفیه و از مراکز تربیت کسانی بود که در علم باطن استعداد داشتند. وی کتاب «طبقات الصوفیه» را به زبان تازی تالیف کرد و آن را بر بیان احوال و اقوال پنج طبقه از مشایخ وقف نمود. او در نیشابور درگذشت. از آثار وی: «آداب الصوفیه»؛ «ادب الصحبه»؛ «الاربعین»؛ «امثال القرآن»؛ «تاریخ اهل الصفوه»؛ «الحقایق التفسیر»؛ «زلل الفقراء»؛ «سنن الصوفیه»؛ «طبقات الصوفیه»؛ و در حدود بیست مجلد کتاب و رساله‌ی دیگر.[۱]

محمدبن حسین بن محمد بن موسی ازدی مکنی به ابوعبدالرحمن از متصوفه بزرگ (و. ۳۳۰ ه.ق./ ۹۴۲ م.– ف. ۴۱۲ ه.ق./ ۱۰۲۱ م.). او کتابی به نام «طبقات الصوفیه» تألیف کرده که اصل آن از میان رفته، و خواجه عبداللّه انصاری مضامین آن را در هرات به هنگام وعظ املاء کرده و آن به نام «طبقات انصاری» معروفست و در افغانستان به طبع رسیده. از سلمی کتاب دیگری به نام «حقائق التفسیر» در تفسیر قرآن باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اسرار التوحید (تعلیقات ۶۶۱ –۶۶۰ /۲)، الاعلام (۳۳۱ –۳۳۰ /۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۱۳ –۹۱۲ /۲)، تاریخ بغداد (۲۴۹ –۲۴۸ /۲)، التفسیر و المفسرون (۳۸۵ –۳۸۴ /۲)، جستجو در تصوف (۷۱ –۷۰)، حلیه الاولیاء (۴۲ –۴۱ /۱۰)، سیر النبلاء (۲۵۵ –۲۴۷ /۱۷)، طبقات الصوفیه سلمی (مقدمه)، الکامل (۳۱۱ –۳۱۰ /۷)، کشف الظنون (۱۱۰۴، ۱۰۰۶، ۹۵۵، ۶۷۳، ۲۸۶، ۱۶۸، ۵۳، ۴۶، ۴۲)، لسان المیزان (۶۳ –۶۲ /۶)، مجموعه آثار عبدالرحمن سلمی، معجم المؤلفین (۲۵۹ –۲۵۸ /۹)، نامه‌ی دانشوران (۱۶۴ –۷۳ /۶)، هدیه العارفین (۶۱/۲).

سمرقندی عبدالرزاق، کمال الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۸۷ –۸۱۶ ق)، مورخ و شاعر. از رجال بزرگ عهد تیموری و از مورخان بنام آن عهد است. در هرات به دنیا آمد. پدرش اهل

سمرقنـد بود و در اردوی شاهرخ تیموری منصب قضا داشت. وی در نزد پـدر با علوم ادبی و دینی آشـنایی کامل پیدا کر و در اثنای تحصـیلات، شـرحی بر «رساله‌ی» قاضـی عضدالـدین ایجی درباره‌ی تحقیق معانی حروف و اسم اشاره و غیره آن ترتیب داد و به نام شاهرخ مزین کرد و به همین سبب به دربار راه پیدا کرد. وی پیوسته از حمایت و تربیت شاهرخ برخوردار بود و از جانب همین شاه به عنوان سـفیر دربار سلطان بیجانگر به هندوسـتان سـفر کرد و پس از مراجعت به گیلان رفت. عبـدالرزاق بعـد از مرگ شاهرخ به دیگر شاهزادگان تیموری نیز خـدمت نمود و در نهایت به خدمت سـلطان ابوسـعید درآمد. عاقبت به سـمت شـیخی خانقاه شاهرخی منسوب شـد و در هرات درگـذشت اثر معروف و جایدان وی «مطلع سـعدین و مجمع بحرین»، در دو جلد، در تاریخ تیموریان ایران از عهد ابوسعید بهادرخان (م ۷۳۶ ق) تا جلوس سلطان حسین بایقرا (م ۸۷۵ ق) است. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر. در «الذریعه» از او با عنوان عبدالرزاق هروی نام برده شده است.[۱]

سمرقندی کاشانی، کمال‌الدین بن جلال‌الدین اسحاق، دانشمند و مورخ (و. هرات ۸۱۶– ف. ۸۸۷ ه.ق.) چون سمرقند موطن پدر وی بود و همچنین پدرش در آنجا در سپاه شاهرخ منصب قاضـی عسـگری داشـته به «سـمرقندی» معروف گردیده. در بیست و پنج سالگی (سال ۸۴۱ ه.ق.) پس از مرگ پدر رساله‌ای در صرف و نحو تألیف کرد و به نام شاهرخ مزین ساخت و مورد توجه وی واقع شد. در سال ۸۴۵ به عنوان سـفارت عازم دربار سـلطان بیجانگر (هندوسـتان) شد و سه سال آنجا بود، و از آن سفر شرح مفصلی در تاریخ نگاشته. سپس در سال ۸۵۰ وی را به رسالت به گیلان فرسـتادند و بعـد از آنکه شاهرخ در همین سال وفات یافت، وی متوالیا به خـدمت امیرزادگان ماننـد میرزا عبداللطیف و میرزا ابوالقاسم بابر و عاقبت به خدمت سـلطان ابوسـعید پیوست. بعد از آن عزلت و انزوا در پیش گرفت (۸۶۷ ه.ق.) کتاب ذیقیمت مطلع السعدین و مجمع‌البحرین از اوست که در دو جلـد و از سوانح زمان سـلطنت ابوسعید آخرین ایلخان مغول آغاز و به خاتمت پادشاهی سلطان ابوسعید تیموری ختم می‌شود. (لغ.).

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] از سعدی تا جامی (۶۱۹ –۶۱۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۴ –۵۱۰ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۹، ۲۵۰)، حبیب السیر (۳۳۵ / ۴)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۶۸ / ۲)،الذریعه (۱۵۴ / ۲۱ ،۶۸۷ / ۹)، ریحانه (۸۶ / ۵)، سبک‌شناسی (۲۰۷ –۲۰۶، ۱۸۴ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۶۱۶)، لغت‌نامه (ذیل/ عبـدالرزاق)، مجالس النفائس (۲۰۴ –۲۰۳ ، ۳۰)، معجم المؤلفین (۲۱۶ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۷ –۸۳۶ / ۳)، هدیه العارفین (۵۶۷ / ۱).

سمعانی مروزی، قوام‌الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۶۲ –۵۰۶ ق)، مورخ، حافظ، محـدث، فقیه، نسـابه و مفسـر شافعی. در مرو متولـد شـد. در چهار سالگی پـدرش او را در محضـر عبدالغفار شـیرویی و عبید قشـیری و سـهل سـبعی حاضـر کرد. او به اشاره‌ی پدرش از ابومنصور محمد کراعی و محمد دقاق حدیث شنیـد. هنـوز کـودک بـود که پـدر را از دست داد و عمو و دیگر خویشـان کفـالت او را بر عهـده گرفتنـد و او را از همـان نوجوانی علاقه‌منـد به علم و دانش نمودنـد. در ۵۳۰ ق بـه نیشـابور سـفر کرد و برای طلب علم و اسـتماع حـدیث به شـرق و غرب و شـمال و جنوب عـالم سـفر کرد و بـا علما و محـدثین بسـیاری ملاقات نمود. شـمار مشایـخ او را بالغ بر چهار هزار تن دانسـته‌اند که در «سـیر النبلاء» و دیگر کتب رجال نام شـهرهایی که وی بـدان سـفر کرده و مشایـخ معروفی که ملاقات کرده، آمـده است. از وی تصانیف نیکوی بسـیاری بجای مانـد که از آن جمله‌انـد: «تـذییل تاریـخ بغـداد»، در پانزده مجلـد؛ «تاریخ مرو» یا «تاریخ المراوزه»، متجاوز از

بیست مجلد؛ «الانساب» حدود هشت مجلد؛ «طراز الذهب فی ادب الطلب»؛ «معجم البلدان»؛ «الاسفار عن الاسفار»؛ «الاملاء و الاستملاء»؛ «التذکره و التبصره»؛ «الدعوات»؛ «سلوه الاحباب و رحمه الاصحاب»؛ «التحبیر فی المعجم الکبیر»؛ «الامالی»؛ «وفیات المتاخرین» یا «تاریخ الوفاه، للمتاخرین من الرواه»؛ «الادب و استعمال الحسب»؛ «المناسک»؛ «فضل یس»؛ «الرسائل و الوسائل»؛ «تبین معادن المعانی»، در لطائف قرآن کریم.[۱]

(ع. منسوب به سمعان، بطنی از تمیم) ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی مروزی شافعی فقیه و مورخ و حافظ حدیث (و. ۵۶۲ ه.ق./ ۱۱۱۳ م.- ف. ۵۶۲ ه.ق./ ۱۱۶۷ م.). وی به شهرهای دور سفر و با علما و محدثان ملاقات کرد و از آنان علم آموخت و گروهی نیز از او کسب علم کردند. از اوست: کتاب الانساب، کتاب تذییل تاریخ بغداد، تاریخ مرو، فضائل الصحابهٔ معجم المشایخ، تاریخ الاوفاهٔ للمتأخرین من الرواهٔ الامالی، التحبیر فی المعجم الکبیر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۷۹/۴)، ایضاح المکنون (۳۰/۲)، ذیل تاریخ بغداد (۱۶/ مقدمه)، روضات الجنات (۹۶ -۹۵ /۵)، ریحانه (۷/۳)، سیر النبلاء (۴۶۵ -۴۵۶ / ۲۰)، کشف الظنون (۱۷۳۷، ۱۷۳۵، ۱۱۲۳، ۱۱۰۸، ۹۹۹، ۹۹۸، ۹۰۲، ۷۵۶، ۷۲۹، ۳۷۴، ۳۷۰، ۳۰۳، ۲۸۸، ۱۷۹، ۱۶۹، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۳۱، ۸۶، ۴۹، ۳۵)، الکنی و الالقاب (۳۲۲/۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوسعد)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۷۳ -۱۷۲ /۱۹)، معجم المؤلفین (۵ -۴ /۶)، وفیات الاعیان (۳۷۹ -۳۷۸ /۱)، هدیه العارفین (۶۰۹ -۶۰۸ /۱).

سنجی، ابوداوود سلیمان

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۵۷ ق)، حافظ، محدث، مورخ، نحوی، ادیب، و شاعر. نسبتش به سنج، یکی از توابع مرو، می‌رسد. وی در لغت و فنون مهارت بسزایی داشت. تمامی آن علوم را از اصمعی و دیگر اساتید وقت فراگرفت. به عراق و حجاز و یمن و مصر کرد و به بغداد رفت و با حافظان حدیث آنجا به مذاکره پرداخت. او از نضر بن شمیل و عبدالرزاق بن همام و حسین بن حفص اصفهانی و عثمان بن عمر بن فارس و عمرو بن عاصم و بسیاری دیگر حدیث شنید. مسلم و ترمذی و نسائی، صاحبان سه «صحیح»، و همچنین ابوحاتم رازی و ابن‌خراش و محمد بن عقیل بلخی و ابن ابی‌داوود از وی حدیث روایت کرده‌اند. پاره‌ای از رجال‌شناسان او را ثقه و مورد اعتماد دانسته‌اند. از آثار وی کتابی در «تاریخ» است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۵۲ -۵۱ /۹)، تهذیب التهذیب (۱۹۹/۴)، الجرح و التعدیل (ج ۲ ق ۱۴۷/۱)، ریحانه (۹۱/۳)، معجم المؤلفین (۲۷۶/۴).

سهروردی، ضیاءالدین، ابوالنجیب عبدالقاهر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۶۳ -۴۹۰ ق)، فقیه شافعی، صوفی، محدث و مورخ. در سهرورد زنجان به دنیا آمد. در جوانی به بغداد رفت و از علوم رسمی

بهره‌ی بسیار یافت فقه شافعی را از اسعد میهنی آموخت و کتاب «غریب الحدیث» را از ابوعلی بن نبهان شنید همچنین از ظاهر شحامی و ابوبکر انصاری نیز حدیث شنید. چندی متولی تدریس در نظامیه شد، اما از آن کار نیز منصرف شد و به عزلت و تصوف گرائید. در این امر هم از شیخ احمد غزالی ارشاد یافت. در مدت عزلت و مجاهدت از کسب دست خویش می‌خورد و چندی نیز سقائی کرد. پس از آن به وعظ پرداخت و شهرت و قبول فوق‌العاده یافت. مدرسه و رباطی بنا کرد که وجود او را ملجاء فقراء و درماندگان ساخت و مجالس او را محل توجه عام و خاص. در اواخر عمر به قصد زیارت بیت‌المقدس به شام رفت، اما به سبب غلبه و تهدید صلیبیها موق به زیارت نشد، با این همه نورالدین زنگی مقدمش را گرامی داشت و او یک چند در دمشق ماند و مجلس وعظ هم برپا کرد. پایان عمرش در بغداد رسید. از جمله آثارش: «آداب المریدین» که شروح بسیاری بر آن نوشته شده؛ «شرح اسماء الحسنی»؛ «غریب المصابیح». صاحب «الکامل» نسبت وی را شهرزوری آورده.[۱]

(منسوب به سهرورد) ابوالنجیب ضیاءالدین عبدالقاهر بن عبداللّه عارف معروف (و. حدود ۴۰۹- ف. ۵۶۳ ه.ق.) از مریدان احمد غزالی (ه.م.) است و مصنفات بسیار بدو نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۷۴/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۲۰/۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۲۵)، جستجو در تصوف (۱۷۲ –۱۷۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱۳۸۵ –۱۳۸۴ /۱)، الذریعه (۲۹ –۲۸ /۱)، ریحانه (۲۸۳ –۲۸۲ /۷)، سیر النبلاء (۴۷۸ –۴۷۵ /۲۰)، الکامل (۹۸/۹)، کشف الظنون (۱۱۰۱، ۴۳)، لغت نامه (ذیل/ ابونجیب)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۶۳)، معجم البلدان (۳۲۹/۳)، معجم المؤلفین (۳۱۱/۵)، نحفات الانس (۴۲۱ –۴۲۰)، وفیات الاعیان (۲۰۵ –۲۰۴ /۳)، هدیه العارفین (۶۰۷ –۶۰۶ /۱).

سهمی قرشی جرجانی، ابوالقاسم حمزه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۸/۴۲۷/۴۲۶ – ۳۴۰ ق)، مورخ و محدث. در گرگان متولد شد و به اصفهان و ری و غزنه و خراسان و عراق و شام و مصر و اهواز سفر کرد. از پدر و ابی‌بکر محمد بن احمد بن اسماعیل صرام و ابن احمد بن عدی و ابوبکر اسماعیلی حدیث شنید و همچنین از ابومحمد بن ماسی و ابوحفص زیات و ابوبکر بن عبدان شیرازی و ابوالحسن دارقطنی و دیگران روایت کرد. ابوبکر بیهقی و ابوالقاسم قشیری و ابوصالح موذن و ابراهیم بن عثمان جرجانی و ابوبکر احمد بن علی بن خلف شیرازی از وی حدیث روایت کرده‌اند. سرانجام در نیشابور وفات یافت. از آثار وی: «تاریخ جرجان» مشهور به «معرفه علماء اهل جرجان»؛ «معجم شیوخه»؛ کتاب «الاربعین فی فضایل العباس». صاب «کشف الظنون» در کنار «تاریخ جرجان»، «تاریخ استرآباد» را نیز به وی نسبت داده است و سال مرگ وی را ۶۷۰ ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۴/۲)، ریحانه (۴۰۱/۱)، سیر النبلاء (۴۷۱ –۴۶۹ /۱۷)، الکامل (۱۰/۸)، کشف الظنون (۱۸۴۳، ۲۹۰، ۲۸۱، ۵۷)، لغت نامه (ذیل/ جرجانی)، معجم البلدان (۱۴۳ –۱۴۱ /۲)، معجم المؤلفین (۸۲/۴)، الوافی بالوفیات (۱۷۶/۱۳)، هدیه العارفین (۳۳۶/۱)، یادداشتهای قزوینی (۱۶۵ –۱۶۴ /۳، ۱۴/۲).

سیاقی فارسی، نظام‌الدین علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۱ ق)، مورخ و شاعر. متخلص به سیاقی. وی از کارگزاران نامی دربار صفویه بود. نخست منصب استیفاء کهکلیویه و کازرون را داشت و سپس به وزارت کل فارس منصوب شد. وی در تاریخ و علم سیاق و موسیقی بر دیگران برتری داشت. در «تاریخ نظم و نثر» آمده که کتاب «فتوحات شاهی» از او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۱۰)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸۵/۲)، فرهنگ سخنوران (۴۷۶)، مرآت الفصاحه (۲۸۸ -۲۸۷).

سیدالحکمای تبریزی، شرف‌الدین، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ -۱۲۰۲ ق)، فقیه، طبیب، فیلسوف، مورخ و ریاضیدان.در تبریز متولد شد و پس از تحصیلات ادبی در زادگاهش، رهسپار نجف اشرف شد و در آنجا علوم منقول را نزد صاحب «جواهر» و صاحب «ضوابط» و شیخ مرتضی انصاری فراگرفت و به کسب اجازه اجتهاد نایل شد. پس از بازگشت به زادگاهش به دلایلی از تدریس و ترویج علوم دینی روی برتافت و به اصفهان رفت و در آنجا مدت پانزده سال به فراگیری طب نزد میرزا حسن شروانی پرداخت، علوم معقول را نیز نزد ملا علی نوری و حاج ملاهادی سبزواری در سبزوار فراگرفت. پس از آن به تبریز بازگشت و به امر طبابت مشغول بود تا دار فانی را در همان جا وداع گفت. پیکر وی را به نجف اشرف منتقل کردند و در وادی‌السلام دفن نمودند. از آثار وی: «تاریخ تبریز»؛ «تعیین قبله»؛ حاشیه «جواهر الکلام»، در فقه؛ حاشیه «شرح منظومه» سبزواری، حاشیه «کلیات قانون» شیخ الرئیس؛ حاشیه‌ی «مکاسب شیخ انصاری؛ شرح «طب الائمه»؛ شرح در «طب النبی»؛ «قانون العلاج»؛ حاشیه «شرح نفیسی»، در طب؛ «طلسمات و مثلثات و مربعات»؛ «کیفیت پر کردن صد اندر صد عددی»؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «رساله‌ی تعلیم خط کوفی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۰)، الذریعه (۲۳ /۱۷، ۴۵/۱۲، ۱۹/۸، ۶۳/۵، ۷۳/۴)، ریحانه (۱۱۷ -۱۱۵ /۳)، لغت نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (۲۰۳/۷)، مکارم الآثار (۱۳۴ -۱۳۳ /۱).

سیستانی، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، مورخ. وی از امرای سیستان و جد مادری مولف «احیاء الملوک» در تاریخ سیستان بود. که با نظام‌الدین یحیی بن ملک عزالدین علی پادشاه سیستان معاصر بود. خود وی نیز کتابی درباره تاریخ سیتان نگاشته بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۵۴).

شایان، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۷۶ آمل.

درگذشت: ۱ آبان ۱۳۶۴.

مؤلف دو جلد کتاب مازندران (چاپ دوم ۱۳۳۶) و مصحح کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تألیف سید ظهیرالدین مرعشی (چاپ تهران بهمن ۱۳۳۳).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شبانکاره ای، محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۶۹۷ ق)، نویسنده، مورخ و شاعر. در ولایت شبانکاره‌ی فارس به دنیا آمد و پس از کسب کمالات به شاعری پرداخت. وی مداح خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین فضل‌اللّه، وزیر سلطان ابوسعید بهادرخان (آخرین پادشاه مغول) بود و قصایدی در مدح او سرود. از آثار وی می‌توان از کتابی به نام «مجمع الانساب» نام برد که تألیف آن را در ۷۳۳ ق آغاز نمود و در ۷۳۶ ق به پایان برد و آماده‌ی تقدیم به سلطان ابوسعید (م ۷۳۶ ق) کرد و به همین قصد کتاب را در اختیار خواجه غیاث‌الدین محمد نهاد در همین زمان سلطان ابوسعید درگذشت و با دگرگونی دولت ایلخانی، خواجه غیاث‌الدین نیز به قتل رسید و ربع رشیدی به غارت رفت که در این میان کتاب محمد شبانکاره‌ای هم مفقود شد. به همین سبب او دوباره به تألیف کتاب پرداخت و در ۷۴۳ ق آن را به اتمام رساند و وقایع مربوط به اواخر عهد ابوسعید را نیز بر آن افزود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۷۰ -۱۲۶۹/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۸۳ -۱۸۲)، تاریخ مغول (۵۲۲ -۵۲۱)، الذریعه (۱۹/ ۲۰)، فرهنگ سخنوران (۸۱۴)، مجمع الانساب (مقدمه).

شرف یزدی، شرف‌الدین علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۵۸ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به شرف. وی در فنون ادب و انواع کمالات ماهر و بسیار فصیح و منشی بلیغ بود، در فن انشا به تمامی اهل عصر خود تقدم داشت به فقر و تصوف راغب و در معما دارای دستی توانا بود و اولین تدوین‌کننده‌ی این فن

می‌باشد. وی از جمله رجالی است که عهد آل مظفر و دوران تیموری را درک کرده. و در نزد تیمور لنگ مقرب بود و ابراهیم بن شاهرخ بن تیمور هم نسبت به وی محبت بسیاری داشت و به حسب اصرار او کتاب «ظفرنامه‌ی تیموری» را که حاوی احوال تاریخی خانواده‌ی تیموری و فتوحات امیرتیمور می‌باشد در ظرف چهار سال تالیف کرد و اطلاعات خود را از «ظفرنامه‌ی نظام شامی» و مطالبی که روزنامه‌چیان زمان تیمور گردآورده بودند و از خزانه گرفته و از آنچه پیران سالخورده شنیده فراهم کرده است و چون جامع‌ترین کتابهای تاریخ تیموری است رایج‌ترین کتاب در این زمینه به شمار می‌رود. چندی پس از تالیف این کتاب مقدمه‌ای در شرح قبایل ترک و مغول و به اصطلاح آن زمان الوس جغتای یعنی انساب جغتای و احوال الوس بر آن کتاب نوشته که به «تاریخ جهانگیر» یا مقدمه‌ی «ظفرنامه» معروف شده وی را در مزار شرفیه کنار مسجد جامع میرچماق یزد به خاک سپردند. از دیگر تالیفات وی: سه رساله به نام «مناظر»، «منتخب»؛ «الحلل المطرز فی المعما و اللغز»، در معما؛ «الکتاب فی علم الاسطرلاب»؛ «کنه المراد فی علم الوفق و الاعداد»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۵۰۵ -۴۹۸)، اعیان الشیعه (۳۷۱/۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۶ -۴۸۳، ۳۰۹ -۲۹۹، ۱۱۸، ۱۰۷ /۴)، تاریخ در ایران (۱۰۹ -۱۰۸)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۹ -۲۴۸)، تاریخ یزد (۲۲۸ -۲۲۷)، تحفه سامی (۱۲۲)، تذکره سخنوران یزد (۱۶۶ -۱۶۴)، تذکره الشعراء (۴۲۸ -۴۲۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۹۹ -۴۹۷)، جامع مفیدی (۳۰۴ -۲۹۹ /۳)، حبیب السیر (۱۶ -۱۵ /۴)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۶۴/۲)، الذریعه (۳۹۸ -۳۹۷ /۲۲، ۱۷۶/۱۸، ۲۰۰/۱۵، ۵۱۷/۹)، ریحانه (۲۰۰ -۱۹۸ /۳)، سبک شناسی (۱۹۴ -۱۹۳ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۲ -۱۰۱ /۹)، فرهنگ سخنوران (۵۰۰)، کشف الظنون (۱۵۲۱، ۱۳۳۲، ۱۰۳۳، ۱۲۰)، لغت نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (۲۶۲/۷)، هدیه العارفین (۷۳۳/۱).

شعبانی صمغ‌آبادی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی تاریخ و جغرافیا از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۳۸، کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۶، دکترای تاریخ اجتماعی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

مربی دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۴۶، استادیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۱، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۶، استاد دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زندگانی و آثار میرزا مهدی‌خان استرآبادی، ایل شاهسون بغدادی، تدریس دروس تاریخ اجتماعی ایران در عصر صفوی، تاریخ ایران، مبانی تاریخ اجتماعی ایران در دانشگاه کمبریج انگلستان و دانشگاههای مختلف کشور، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ نادرشاهی، حدیث نادرشاهی، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، مبانی تاریخ اجتماعی ایران، تاریخ اجتماعی ایران در دوره نادرشاه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

نقدی بر کتاب" دولت نادرشاه افشار، "کور کردن رضاقلی میرزا به دست نادر. nadir shah the political aspect of

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شمس کاشانی، شمس‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم و هشتم ق)، مورخ و شاعر. وی قصیده‌ای در مدح خواجه بهاءالدین محمد بن خواجه رشید سروده است. از آثار وی: «تاریخ غازان خان» است. فوت شمس‌الدین در زمان سلطان ابوسعید به وقوع انجامید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۷۳۷)، تذکره‌ی روز روشن (۴۳۲)، حبیب السیر (۱۹۱/۳)، الذریعه (۵۴۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۱۴)، هفت اقلیم (۴۶۰/۲).

شوکت شیرازی، شمس الدین حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۲ -۱۲۵۴ ق)، مورخ، مترجم و شاعر، متخلص به شوکت. شوکت در تهران متولد شده و چندی در اصفهان و از آن پس در عتبات عالیات تحصیل کرد. نامبرده سالها منشی اول سفارت عثمانی در تهران بود. از آثار او: «تاریخ اسکندر» و «تاریخ شارل دوازدهم پادشاه سوئد» را به وی نسبت می‌دهند. در «فارسنامه‌ی ناصری» تخلص او شکوه شیرازی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۸۵ -۸۸۳ /۲)، الذریعه (۵۵۱/۹)، شرح حال رجال (۳۳۴/۱)، فارسنامه ناصری (۱۱۷۱/۲)، المآثر و الآثار (۲۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۵/۲)، مجمع الفصحا (۵۳۵/۵)، مرآت الفصاحه (۲۲۵)، مکارم الآثار (۳۰۳/۲)، یغما (س ۷، ش ۴، ص ۱۶۲).

شهیدی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۲۹۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات مقدماتی و ادبیات عرب و فقه و اصول در حوزه علمیه بروجرد، ادامه تحصیلات فقه و اصول، سطح و خارج در نجف اشرف تا مرحله اجتهاد، گواهینامه مدرسی از وزارت فرهنگ، کارشناسی علوم معقول و منقول از دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران، کارشناسی و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح لغت‌نامه فارسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات، تاریخ اسلام، سیره امامان و معصومان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

تاریخ اسلام.

(تو ۱۲۹۷ ش)، استاد دانشگاه، مولف، مترجم و مصحح. وی در بروجرد در خانواده‌ی عالمان دین دیده به جهان گشود. مقدمات را در زادگاه خویش فراگرفت و برای تکمیل تحصیلات به نجف اشرف رهسپار شد. برای تحصیلات حوزوی به عراق رهسپار شد و به مدت هفت سال در آنجا به تکمیل علوم دینی پرداخت. پس از آن به ایران بازگشت و یک سال بعد، از جانب علامه‌ی دهخدا برای همکاری در لغت‌نامه دعوت شد و در ضمن آن، به تدریس در دبیرستانهای تهران و اخذ مدرک کارشناسی از دانشکده‌های ادبیات و الهیات پرداخت. در سال ۱۳۴۰ ش موفق به گرفتن درجه‌ی دکترای ادب فارسی دانشگاه تهران شد موضوع پایان نامه‌ی وی درباره‌ی «شرح مشکلات دیوان انوری» است که به کرات چاپ شده است. پس از آن ضمن تدریس در دانشکده‌ی ادبیات ابتدا به معاونت موسسه لغت نامه‌ی دهخدا منسوب شد و پس از آن به ریاست آن. وی تاکنون سفرهای علمی بسیاری به کشورهای مختلف از جمله: مصر، عراق، الجزایر، چین و آمریکا داشته است و در سال ۱۳۷۳ ش از دانشگاه پکن به دریافت درجه‌ی استادی افتخاری نایل شد. دکتر شهیدی علاوه بر تبحر و استادی در زمینه‌ی لغت‌نویسی و دایرةالمعارف نگاری در عرصه‌های تاریخ اسلام و ترجمه‌ی آثار دینی و شرح و تصحیح متون نیز استاد بوده است. آثار وی را می‌توان در سه بخش تقسیم‌بندی کرد. الف- تالیف: «جنایات تاریخ»؛ «علی از زبان علی (ع)»؛ «تاریخ تحلیلی اسلام»؛ «زندگانی حضرت فاطمه (ع)»؛ «زندگانی علی بن الحسین (ع)»؛

«آشنایی با زندگانی امام صادق (ع)»؛ «شرح مثنوی شریف». ب- تصحیح: «آتشکده‌ی آذر»؛ «دره‌ی نادره»؛ «براهین العجم». ج- ترجمه: «ابوذر غفاری»؛ «شیرزن کربلا»؛ «انقلاب اسلامی».[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۱۳۶۳، ش ۱، ص ۱۲ -۳، ش ۲، ص ۲۰ -۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳۲۳ -۳۲۲/ ۲)، نامه‌ی شهیدی.

شیرین، جلال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال شیرین

محل تولد : اهواز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۲/۱/۱۵

زندگینامه علمی

حقیر ابتدائی را در شهر اهواز گذرانده و پس از آن همراه خانواده به قم آمدم دوره راهنمائی را در مدرسه امیر کبیر و دبیرستان را در مدرسه دین و دانش خیابان ۱۹ دی پشت سر گذاشتم و دبیرستان را با معدل ۲/۱۵ در رشته ریاضی فیزیك به اتمام رساندم پس از آن وارد حوزه مقدس علمیه شدم و پنج سال اول را در مدرسه علمیه امام حسن مجتبی علیه السلام و سال ششم را در مدرسه امام محمد باقر علیه السلام خوانده و هم اکنون در پایه ۷ مشغول به تحصیل به علوم دینی می باشم لازم به ذکر است پایه ۴-۵-۶ سه سال به عنوان طلبه ممتاز معرفی شدم از سه سال پیش ابتدا به عنوان دفتر دار یکی از معاونین و بعد به عنوان پژوهشگر مجله الرشاد در سازمان حوزه هاو مدارس خارج از کشور مشغول به کار شدم .کار ها در مجله تهیه و تنظیم مقالات مورد نظر از قبیل تدوین . نگارش . تلفیق . و مطابقت با معیارهای بین المللی مجله است و در آخر ترجمه آن به زبان ها ن انگلیسی . فرانسه . عربی . چینی . وغیره ... این حقیر همچنین ترم اول مترجمی فرانسه هستم از دانشگاه باقر العلوم .

صاحبی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد صاحبی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱۱/۲۰

زندگینامه علمی

محمد جواد صاحبی در سال ۱۳۳۳ در محله مغان شهرستان شاهرود به دنیا آمد تحصیلات ابتدایی را در مغان و تحصیلات متوسطه را تا مقطع دیپلم ادبی در شهرستان شاهرود گذراند ،همزمان بخشی از مقدمات علوم دینی را به طور متناوب در همانجا از محضر فضلای بزرگواری همچون جناب حجت الاسلام شیخ محمد حسین صائب چهکندی و دیگران فرا گرفت، با حوزه های مشهد و قم نیز در رفت و آمد بودو از سال ۱۳۵۷ در قم مستقر شد و علوم متداول حوزه را فرا گرفت.

ادبیات عرب را از محضر حجج اسلام آقایان بهجتی شفق، بیانی افغانی،سید محمود طالقانی، سید عباس موسوی و دیگران آموخت کلام و عقاید را از جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای مسعودی، فقه شرح لمعه را از حضرت آیت شیخ علی پناه اشتهاردی و مکا سب را از آیت الله بنی فضل استفاده کرد، اصول را از آقایان موسوی گرگانی و صالحی افغانی و خارج اصول و بخشی از ابحاث فلسفی و عرفانی را از آیت الله علی عابدی شاهرودی بهره برد

در درس خارج فقه آیت الله موسوی اردبیلی و آیت الله شیخ محمد ابراهیم جناتی نیز شرکت نمود .

ورود به عرصه مطبوعات را از روزنامه دیواری شروع کرد و با ارسال مقاله برای مطبوعات قم از جمله مجله سالنامه پیام اسلام به مطبوعات مذهبی و کشوری راه یافت، نخستین مقاله برای سالنامه مزبور را در سال ۱۳۵۵ فرستاد که با نشر آن،به نگارش و تألیف علاقمند شد،در سال ۱۳۵۷ دو اثر با عناوین « پیشگامان تحولات بنیادی و تاکتیکهای انقلابی سید جمال الدین اسد آبادی» منتشر ساخت.

در سال ۱۳۵۸ با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی،نخست به عنوان مسؤول آموزش سیاسی عقیدتی نیروهای عملیاتی سپاه و سپس به سمت مسؤول انتشارات و مطبوعات کل سپاه منصوب شد که تا سال ۱۳۶۲ ادامه یافت مدتی هم عضو مرکز تحقیقات سپاه بود و مجددا به قم مراجعت کرد.

در سال ۱۳۶۴ مجله کیهان اندیشه را تأسیس کرد که در این راه از حمایتهای مرحوم شهید شاه چراغی و جناب آقای سید محمد خاتمی (نماینده امام در مؤسسه کیهان) بهره مند بود، این مجله ۱۴ سال تمام ادامه یافت و هشتاد و چهار شماره از آن منتشر شد همزمان با مطبوعات دیگر نیز به همکاری پرداخت ومقالات بسیاری از ایشان در روزنامه ها و سایر نشریات علمی و فرهنگی نیز به چاپ رسیده است.

در کنار این فعالیتها از تحصیل و تدریس نیز باز نماند از آن جمله می توان تدریس در دانشسرای تربیت معلم سمنان، دانشگاه تربیت معلم تهران، مؤسسه امام خمینی قم، مرکز تخصصی کلام حوزه علمیه قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مرکز آموزش مدیریت دولتی را نام برد همچنین درکنگره های علمی و دینی متعددی به عنوان عضو و دبیر فعالیت داشته اند، افزون به اینها به عنوان راهنما و مشاور در تدوین رساله های آموزشی و پژوهشی مشارکت کرده اند.

صادقی پناه، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن صادقی پناه

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۶/۲۱

زندگینامه علمی

سال ۷۵-۸۰ همراه با اساتید بزرگوار دوره کارشناسی تاریخ را گذراندم و در سال ۸۰ در مقطع ارشد قبول شدم و الحمدالله در سال ۸۲ به پایان رسید در مقطع کارشناسی پایان نامه مواضع تجدد خواهی بر اساس مذاکرات پنجم مشروطه نگاشته شد و در مقطع ارشد پایان نامه بررسی زندگانی سیره امام حسن مجتبی(ع) درمکاتب تاریخی نوشته شده و در حوزهٔ علمیه قم در سال ۸۲ رساله سطح ۳ بررسی زندگانی و سیره امام حسن مجتبی درمدینه نوشته شد. مقالات متعدد مطبوعاتی در زمینه های مختلف تاریخی سیاسی- اجتماعی در بین سالهای ۷۸-۸۱ نوشته شد و در مطبوعات مختلف به چاپ رسید.

تدریس در حوزه و دانشگاه از سال ۷۸ تا سال جاری ادامه دارد قابل ذکر است اینجانب از سال ۱۳۶۸ با مدرك سیکل وارد حوزه علمیه روی توان شدم و همراه با گذراندن دروس حوزوی دیپلم رشته انسانی را نیز گرفتم و با ورود به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۷۴ در دانشگاه نیز شرکت نموده و موفق به ادامه تحصیل در حوزه و دانشگاه گردیدم هم اکنون از نظر تحصیلات حوزوی مشغول تدوین رساله از سطح ۴ حوزه می باشم و از نظر دانشگاهی نیز جهت آزمون دکتری آماده می شوم.

البتّه جهت انجام راهنمایی ومشاوره برای طلاب گرامی موارد متعددی را به عهده داشته ام.

صادقی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی صادقی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

پس از گذراندن تحصیلات دوره راهنمایی و به سال ۱۳۶۲ در مدرسه علمیه امام خمینی (سلطانی) کاشان به تحصیل علوم دینی مشغول شد. مدت کوتاهی در کنار رزمندگان بود و سال ۱۳۶۶ به حوزه قم آمد و در مدرسه عترت آل محمد(ص) به تحصیل ادامه داد. پس از آن در مدرسه آیت الله بروجردی (مدرسه خان) مقیم شد و دروس را در خارج از مدارس ادامه داد. همزمان با دروس حوزوی، تحصیلات کلاسیك را ادامه داد و پس از آن در سال ۱۳۷۳ به منظور تدریس، به گچساران رفت. پس از مراجعت به قم، خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات فاضل لنکرانی و سبحانی آغاز کرد. همزمان در سال ۱۳۷۴ با شرکت در دورهٔ تربیت محقق و نویسندهٔ تاریخ اسلام که از سوی دفتر تبلیغات حوزه قم برگزار می‌شد، به رشته تاریخ قدم گذاشت و پس از اتمام دوره و تدوین پایان‌نامه آن، استعداد خود را در تألیف و تحقیق در این موضوع یافت. در این سالها به جهت آشنایی با استاد مورخ

و محقق رسول جعفریان از طریق گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و با پیشنهاد و همکاری ایشان، فهرست مقالات تاریخی مجلات عربی موجود در کتابخانه تاریخ را جمع آوری و تنظیم کرد. این مجموعه با مقدمه استاد و از سوی پژوهشگاه مذکور با عنوان «فهرس المقالات التاریخیه» در سال ۱۳۸۰ منتشر شد. همزمان با اشتغال به تحصیل و مطالعه تاریخ، در درس خارج فقه و اصول آیت الله مددی که نگاهی تاریخی به دروس حوزوی داشت، شرکت کرد. اثر دوم وی پایان نامه دوره تربیت محقق بود که در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع) تکمیل و ضمن تغییراتی با عنوان «پیامبر و یهود حجاز» منتشر شد و به سال ۱۳۸۱ در کنگره دین پژوهان مورد تشویق قرار گرفت. در پی انتشار این اثر، پژوهشکده پیشنهاد تحقیق و بررسی علائم تاریخی ظهور را به وی داد که به رغم تردیدها و مشکلات این کار و در اثر تشویق دوستان، به ثمر رسید و کتاب «تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور» منتشر شد. در این زمان به منظور تقویت مباحث مهدویت که در راستای موضوع تحقیقش بود دوره تخصصی مهدویت را نیز گذراند. کتاب نشانه های ظهور، چهار بار مورد لطف و تشویق محافلی چون کتاب سال دانشجویی، ولایت و حوزه قرار گرفت. همکاری با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مشارکت در تولید نرم‌افزار علمی نورالسیره از اشتغالات وی در این دوره بود. همچنین به عنوان نماینده دانش‌پژوهان مرکز تربیت محقق تاریخ، مدتی در کنار اعضای هیئت مؤسسان انجمن تاریخ‌پژوهان در جلسات اولیه آن شرکت داشت. در سال ۱۳۸۳ به دانشگاه امام صادق(ع) تهران راه یافت و درجه کارشناسی ارشد اولین دوره رشته تاریخ تشیع را اخذ کرد. پایان‌نامه وی به تناسب رشته تحصیلی‌اش، تاریخ تشیع کاشان بود که چند ماه پس از دفاع به سال ۱۳۸۶، بخش اعظم آن از سوی مؤسسه شیعه‌شناسی قم با عنوان «کاشان در مسیر تشیع» چاپ شد. پس از آن همکاری وی در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم به شکل رسمی‌تری در آمد و پس از مدتی همکاری، مدیریت گروه تاریخ تشیع پژوهشکده تاریخ و سیره اهل‌بیت (ع) بر عهده او گذاشته شد. تدریس تاریخ اسلام و همکاری علمی و تحقیقی با برخی مراکز تاریخی حوزوی و دانشگاهی، از فعالیت‌های اوست؛ هر چند علاقه اصلی‌اش تحقیق در موضوع سیره ائمه، تاریخ اسلام، حدیث و به ویژه مباحث تاریخی مرتبط با علوم حوزوی است. والحمدلله. .

صالح، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن صالح

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳در شهر قم به دنیا آمدم سال ۱۳۵۷به تهران رفته تحصیلات ابتدایی را در مدرسه فلق شهرستان شمیرانات و دوران راهنمایی را در مدرسه مهدی و دوران متوسطه را در هنرستان فنی فیضیه در رشته راه و ساختمان به پایان رساندم.پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه ملا محمد جعفر معروف به مدرسه علمیّه آیت الله مجتهدی شده و مدّت دو سال در آنجا دروس مقدماتی را فرا

گرفتم.

همزمان با ورود به حوزه در سال ۷۲ وارد دانشگاه شده دررشته الهیات ادامه تحصیل دادم. با ورود به دانشگاه نشریه معراج قلم را در بسیج دانشجویی منتشر کرده به صورت سراسری در سطح دانشگاه های کشور توزیع شد. سال ۷۳ به حوزه علمیّه قم وارد شده دروس مقدماتی را ادامه دادم. در سال ۱۳۷۴اولین مقاله خودم را قلمی نمودم . آن زمان در حالی که مشغول به تحصیل کتاب مغنی بودم با مرحوم دکتر محمّد حسین روحانی مناظره مطبوعاتی انجام داده پیرامون آیاتی از قرآن کریم مباحثه مکتوب انجام دادیم.

حاصل این نقد و پاسخهای آن در فصلنامه بینات به چاپ رسید. چاپ این نوشتار سر آغازی میمون و مبارک در امر نویسندگی و پژوهش بود و از آن زمان تا به امروز مقالات و کتب متعددی را به زیور طبع آراسته ام. پس از پایان دروس مقدّمات بخشی از رسائل و مکاسب را از محضر آیت الله رسولی تهرانی وبخشی را نزد آیت الله موسوی خوئی فرا گرفتم. کفایه را از درس حضرت حجّت الاسلام و المسلمین سیّد احمد خاتمی و شرح اشارات را از محضرحجّت الاسلام و المسلمین فیاضی و نیز شرح اسفاررا از محضر ایشان استفاده نمودم. پس از اتمام دوره سطح دردرس فقه حضرت آیت الله جوادی آملی و حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی و درس اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم.

ازهمان سالهای نخست طلبگی به واسطه شدت علاقه ای که به حضرت آیت الله جوادی آملی داشتم به صورت مداوم در درس تفسیر ایشان شرکت کرده بیش از هزار نوار درس ایشان را پیاده و تایپ کردم. هم اینک نیز به عنوان کارشناس مسائل سیاسی و تاریخی در جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم مشغول به فعّالیّت بوده در کنار آن نیز مشغول دروس خارج فقه و اصول می باشم.

صالحی مازندرانی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی صالحی مازندرانی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی صالحی شهرت به صالحی مازندرانی در سال ۳۴۲ در شهرستان بابل مازندران به دنیا آمدم، لازم به ذکر است حقیر از خانواده روحانی و از والده سیده سبزواری که خود برای اعضای خانواده معلم اولیه بوده است. شروع تحصیلات اینجانب در چهار سالگی به مکتب خانه محله با همراهی والدین به حضور استاد مکتبی خواندن قرآن و غیره متداول آن روز را فراگرفتم. پس در روستای نزدیک شهر بابل روستایی دونه سه که محله آباد و بافرهنگ هم بوده و هست مراحل کودکی و دبستان و دوران راهنمایی را با موفقیت به پایان رساندم پس برای ادامه تحصیلات مجدداً به شهر بابل در دبیرستان شیخ کبیر برای رشته تحصیلی در گروه علوم انسانی رشته ادبیات و فرهنگ و ادب مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۶۶ دیپلم رشته مربوطه را اخذ نمودم و در همان سال وارد دانشکده حقوق و الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان شدم ولی به علت تهاجم رژیم صدام

و حملات هوایی وارد دانشگاه مازندان ادامه تحصیل دادم و در سال ۷۰ در این رشته (کارشناسی مربوط را اخذ نمودم) و در همان سال ۷۱ ـ ۷۰ در دانشگاه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه کرج در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در سال ۷۴ با دفاع از پایان نامه نمودم که در باب نفقه ذوجه در اسلام بود کارشناسی ارشد این رشته شناخته شدم و در همان سال برای تدریس در دانشگاههای ؟؟؟ مازندران بابل در دانشگاه آزاد اسلامی حتی از زمان دانشجویی مشغول تدریس شدم و همزمان در شهرستان آزادشهر به عنوان عضو هیئت علمی رشته مربوطه در دانشکده الهیات مشغول بودم. همچنین در حوزه علمیه شاه آبادی مازندران واحد بابل همکاری لازم را در دروس مطرح شده در این حوزه تدریس می‌نمودم. تا اینکه در کنار همه این فعالیت‌های علمی و آموزشی از آنجا که از خانواده روحانی بودم زمینه‌های طلبگی در اینجانب وجود داشته در حوزه علمیه فیضه مازندران و صدر بابل (خاتم الانبیاء) به مدت پنج سال مشغول بودم و تا مقطع و سطح یک را تمام نمودم و در سال ۷۷ ه . ش وارد حوزه مقدس علمیه قم شدم و الان مشغول درس خارج فقه و اصول و دروس جنبه‌ای تفسیر و غیره مشغول فعالیت هستم. از آنجایی که در زمینه تبلیغ موفقیت‌هایی داشتم و دارای پرونده به خارج از کشور در سازمان ارتباطات تهران برای کشورهای اروپایی و آسیایی و آفریقایی و آمریکایی در آزمون مربوطه قبول شدم و سفر تبلیغی به هندوستان داشته و دارم لازم به ذکر است که داخل کشور و شهرهای مختلف دعوت به امور تبلیغ هستم. بحمدالله ؟؟؟ رضایت و موفقیت می‌باشم.

و الان هم عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی در راستای کار علمی خودم از سال ۷۴ در تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن مشغول به خدمتگزاری هستم.

اینجانب از آنجایی که عضویت هیئت علمی دانشگاه مربوطه با تایید صلاحیت عمومی و اختصاصی زیر نظر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاههای کشور می‌باشم در گرایش‌های تخصیصی عمومی رشته‌های مربوطه در تاریخ تحلیلی صدر اسلام و تمدن‌های اسلامی و در اخلاق و فلسفه اخلاق و گرایش تاریخ امامت و غیره به اخذ مجوز نهاد نائل آمدم تا مقدمه ورود به دانشکده معارف اسلامی برای تدریس دروس عمومی شدم. از آنجایی که در دانشگاههای کشور علاوه موارد یاد شده در تهران مرکز و پیام نور و دانشگاه باقرالعلوم قسمت معاونت آموزش ؟؟؟؟ به تدریس دروس تخصیصی شدم و الان هم همکاری لازم با دانشگاه پیامبر نور قم در رشته تخصیصی نمودم و در این زمینه مطالبی هم تدوین نموده‌ام که انشاءالله به زودی برای چاپ مهیا خواهد شد. موضوعاتی در باب نفقه زوجه در اسلام و تاریخ اسلام و اخلاق در قرآن و چند مقاله که با بازنگری و اصلاحات انشاء الله زمینه چاپ فراهم خواهد شد. تا به سهم خودم خدمتی کرده باشم به این فرهنگ غنی و ناب محمدی(ص).

صدر عاملی کاظمی، ابومحمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۴ –۱۲۷۲ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، محدث، رجالی و مورخ. در کاظمین، در خانواده‌ای که اصلش از جبل‌عامل و سکونتش در اصفهان و مهاجرتش به عراق بود، به دنیا آمد. وی برادرزاده‌ی آیت‌الله سید صدرالدین عاملی کاظمی بود. در چهارده سالگی صرف و نحو معانی و بیان و بدیع و منطق را فرا گرفت و تحصیل فقه را آغاز کرد در هیجده سالگی به نجف رفت و کلام و حکمت را از محمد تقی گلپایگانی آموخت، فقه خارج استدلالی را از شاگردان صاحب «جواهر» و اصول استدلالی را از شاگردان شیخ انصاری و علم حدیث و رجال و ریاضیات را از بزرگان وقت فراگرفت و قسمتی از علوم غریبه را نزد شیخ عبدالحسین هندی خواند.در ۱۲۹۷ ق از نجف به سامراء رفت و در حوزه‌ی درس میرزای شرازی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در پایان ۱۳۱۴

ق به کـاظمین بـازگشت و به تـألیف و تـدریس پرداخت. سـید صـدر از مشایـخ اجـازه در زمـان خود بود و جمع کثیری از بزرگـان همچون علامه سـید محمد مرتضی جنفوری هندی و شیخ مهدی بن شیخ محمد علی ثقه‌الاسلام اصفهانی و آیت‌الله سید صدرالدین صدر و آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی و محدث قمی از وی دارای اجازه بودند. کتابخانه شخصی او یکی از ارزشمندترین کتابخانه‌های عراق بود. سـید حسن صدر بیش از صد اثر از خود به جای گذاشت و کتاب «تأسیس الشیعه» خویش را مبتکرانه نگاشت و در این کتاب بر اساس تواریخ و سیر مورد اعتماد، ثابت و روشن نمود که علمای شیعه در تأسیس و تألیف نحو و صرف و عروض و لغت و علوم بلاـغت و کلاـم و فقه و اصول و تفسیر و اخلاق پیشـگام بوده و پیش از دیگران به تألیف و تصـنیف پرداخته‌انـد. مختصـر این کتـاب «الشـیعه و فنون الاسـلام» است. از دیگر آثـار وی: «نهایه الـدرایه»، شـرح و «جیزه‌ی» شـیخ بهائی، در درایه الحـدیث؛ «ذکری المحسـنین»؛ «نزهه اهل الحرمین»؛ «وفیات الاعلام من الشیعه الکرام»؛ رساله‌ای در «رد وهابیت»؛ «سبیل الرشاد»، در شرح «نجاه العباد»، در سلوک و بیـان طریق عبودیت؛ «سبیـل النجاه»، در فقه معاملات؛«تکمله امل الآمل»؛ «جامع اخبار الغیبه»؛ «تبیین الاباحه للمصـلین»؛ «تحصـیل الفروع الـدینیه فی فقه الامـامیه»؛ «حـدائق الوصـول الی علم الاـصول»؛ «مجـالس المـومنین»، در وفیـات ائمه معصومین (ع)؛ «مختلف الرجـال»؛ «منـاقب آل الرسول من طریق الجمهور»؛ «خلاـصه النحو»؛ «آداب الحـج واسـراره»؛ «انتخاب القریب من التقریب»، گردآوری نام محدثانی که ابن‌حجر آنان را شیعه ذکر کرده است؛ «الدرر الموسویه فی شرح العقائد الجعفریه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :آثار الحجه (۲۰۹ / ۱)، الاعلام (۲۴۰ -۲۳۹ / ۲)، اعیان الشیعه (۳۳۰ -۳۲۵ / ۵)، تأسـیس الشیعه (مقدمه ۳۵ -۱)، الذریعه (۱۱۴ / ۲۴، ۳۲۰ / ۲۲، ۱۳۷ / ۳، ۳۵۹ / ۲، ۱۶ / ۱)، ریحانه (۴۲۵ -۴۲۴ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۴۹ -۴۴۵ / ۱۴)، علماء معاصرین (۱۷۵ -۱۷۰)، لغت‌نامه (ذیل/ صدر)، معجم المؤلفین (۳۰۰ -۲۹۹ / ۳)، مکارم الآثار (۲۰۱۹ -۲۰۱۵ / ۶).

صدر نیشابوری، صدرالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، مورخ و شـاعر. از سـادت بزرگ نیشـابور و معاصـر خوارزمشاهیان بود. در فضل و هنر پایه‌ای عالی داشت و منصـب دیوان استیفای نیشابور را عهـده‌دار بود. در پایان عمر ترک آن منصب گفت و آن را به فرزنـد خود واگـذاشت و خود به ریاضت و عبادت مشغول شد. سید صدرالدین علاوه بر کتابی که در «تاریخ سلاطین خوارزمشاهیه» نوشته، گاهی شعر نیز می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشـکده‌ی آذر (۶۹۴ -۶۹۳ / ۲)، تـذکره‌ی روز روشن (۴۷۴ -۴۷۳)، الذریعه (۶۰۳ / ۹)، ریاض العارفین (۲۱۹)، فرهنگ سخنوران (۵۵۴)، لباب الالباب (۱۴۴ -۱۴۲ / ۱)، مجمع الفصحا (۸۱۹ / ۲)، مطلع الشمس (۱۸۲ / ۳)، هفت اقلیم (۲۵۶ / ۲).

صدرهاشمی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۴ -۱۲۸۴ ش)، مترجم، نویسـنده، روزنامه‌نگار و مورخ. در اصـفهان به دنیا آمـد. پس از تحصـیل علوم قدیم و جدید در ۱۳۱۶

ش موفق به دریافت لیسانس از دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات گردید. سپس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی در آن وزارتخانه شد، از جمله: ریاست یکی از دبیرستانهای زنجان، بازرس فنی، ریاست دبیرستان فرهنگ اصفهان. صدر هاشمی موفق شد که قبر صائب تبریزی را در اصفهان شناسایی کند و در این باره مقاله‌ای بنویسد. در ضمن او روزنامه‌ی «چهلستون» را به طور هفتگی به مدت پنج سال منتشر کرد. از آثار وی: «تاریخ جراید و مجلات ایران»؛ «تاریخ تمدن اسلام و عرب»، ترجمه؛ «تاریخ کربلا و حائر حسین (ع)»، ترجمه؛ «شعر و شاعری در عصر صفوی»؛ « عشاق قندهار»، ترجمه؛ تصحیح «قصص الخاقانی»، در تاریخ صفویه، اهتمام در چاپ «تذکره الانساب»، در انساب خاندان مجلسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید و مجلات (۱/ سه- هفت)، تذکره القبور (۴۹۱)، الذریعه (۱۰۷ - ۱۰۶ / ۱۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۹۸ -۱۹۷ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی (۲۱۵۱ / ۲ ،۷۴۰، ۶۹۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۶ -۵۳۵ / ۵)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۳۸ -۳۴).

صفا، ذبیح‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۱۲۹۰ ش در شهمیرزاد از قراء سمنان متولد شد. دوران اولیه را در شهر بابل به سر برد و در همانجا گواهینامه دوره‌ی ابتدائی را دریافت کرد. تحصیلات متوسطه را در تهران به اتمام رسانید و در ۱۳۱۲ دیپلم ادبی گرفت و وارد دارالمعلمین عالی شد و در ۱۳۱۵ لیسانس فلسفه و ادبیات فارسی گرفت. پس از انجام خدمت سربازی به دبیری زبان و ادبیات فارس پرداخت. در عین حال در دوره‌ی دکترای ادبیات به تحصیل اشتغال ورزید و دکترا دریافت کرد و رساله‌ی خود را تحت عنوان حماسه‌سرائی در ایران نوشت و با درجه‌ی ممتاز مورد تصویب واقع شد و به عنوان دانشیار به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات پرداخت و پس از پنج سال توقف در رتبه‌ی دانشیاری به مقام استادی کرسی زبان و ادبیات فارسی منصوب گردید.

دکتر صفا از سال ۱۳۲۰ به سمت معاونت و بعد کفالت اداره دانشسراهای مقدماتی در وزارت فرهنگ برگزیده شد و در ۱۳۲۲ به ریاست اداره تعلیمات عالیه و تعلیمات متوسطه و ریاست دانشسراها منصوب گردید. در همان زمان عضو هیئت مدیره شیر و خورشید سرخ و دبیرکلی کمیسیون ملی یونسکو را در ایران عهده‌دار شد و در این سمتها ماموریتهای زیادی به اروپا پیدا کرد. وی از جوانی شوق و ذوق مطبوعاتی داشت. در ۱۳۱۲ معاون سردبیر مجله‌ی مهر شد و در ۱۳۱۵ سردبیر مجله‌ی مذکور گردید. در ۱۳۲۰ امتیاز مجله‌ی سخن را گرفت و یک سال آن را انتشار داد و بعد از یک سال امتیاز سخن را به دکتر خانلری واگذار نمود و خود امتیاز روزنامه‌ی شباهنگ را دریافت کرد و چهارسال متوالیا روزنامه را منتشر کرد. مدتی نیز مدیریت مجله‌ی ارتش با او بود و بعد مدیر مجله‌ی ادبی دانشکده ادبیات شد.

دکتر صفا مدتی نیز ریاست دانشکده ادبیات را بر عهده داشت. از آثار و تالیفات او می‌توان کتب زیر را نام برد: حماسه‌سرائی در ایران، تاریخ مختصر تحول نظم و نثر فارسی، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تاریخ ادبیات در ایران (سه جلد)، گنج سخن، یادنامه خواجه نصیر طوسی، جشن‌نامه ابن‌سینا، ترجمه‌ی مرگ سقراط از آثار لامارتین، مزداپرستی در ایران قدیم، آئین سخن در معانی و بیان فارسی و چندین آثار و تصحیح دیگر. صفا در سال ۱۳۷۸ در خارج از کشور درگذشت.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

صفایی سواد کوهی، عبدالصاحب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۳۴ -۱۲۸۸ ش)، نویسنده و مورخ. وی دارای تحصیلاتی در علوم قدیمه از فقه، اصول، کلام و حکمت، در نجف و قم، بود. بعد به ریاست دفتر اسناد رسمی بابل منصوب گردید. پس از چهار سال اشتغال به علت تمایلات سیاسی چپ و ارتباط با عناصر توده‌ای مورد سوءظن مأمورین دولت واقع و زندانی شد و تحت نظر بود. در دانشکده‌ی الهیات و کلاس قضایی و دانشسرای عالی به تحصیل پرداخت و به دریافت لیسانس نایل آمد. بعد عهده‌دار مشاغل مختلفی شد، از جمله: عضویت بازرسی دارایی، سرپرستی شهرداریهای استان دوم، مدیریت روزنامه‌ی «صفا» منتشره در ساری، مدیریت مجله «صفا»، وکیل دادگستری، وکالت مجلس شورای ملی. از آثار وی:«بیوگرافی و کلای دوره‌ی چهاردهم مازندارن»؛ «تاریخ مختصر احزاب سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰ ش».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۴۶، ۵۷۶ -۵۷۵ / ۱)، فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (۹۰۰/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۹ -۸۵۸ / ۳).

صفایی ملایری، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ / ۱۲۹۲ ش)، مورخ، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر. وی در ملایر به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود و دوره‌ی متوسطه را در مدرسه‌ی آمریکایی همدان به پایان رسانید. وی پس از اتمام دوره‌ی دبیرستان به فراگرفتن علوم مقدماتی عرب همت گماشت و رموز فن شعر را از آزاد همدانی و وحید دستگردی در تهران آموخت و از آن پس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. وی در ۱۳۱۵ ش در اهواز با روزنامه «خوزستان» همکاری داشت. سپس به تهران آمد و به نشر هتفه نامه‌ی «عسس» پرداخت. از آثارش: «اسناد سیاسی دوران قاجار»؛ «اسناد مشروطه»؛ «اسناد نویافته»؛ «برگ‌های تاریخ»؛ «دادگری و دادرسی در ایران»؛ «رهبران مشروطه»؛ «نکته‌های برگزیده تاریخ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۴۱۷ -۴۱۶ / ۲)، الذریعه (۶۱۲ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۲ -۲۳۱۶ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۴۳، ۱۸۰۱ -۱۷۹۷ / ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۹ -۲۲۸)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱ -۶۹ / ۱).

صفت گل، منصور

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر منصور صفت گل،عضو هیئت علمی و دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منصور صفت گل عضو هیات علمی وابسته پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران و. عضو هیات تحریریه مجله تاریخ، عضو هیات علمی وابسته پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران، عضو هیات تحریریه مجله رشد تاریخ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، عضوافتخاری موسسه فرهنگ‌های شرقی دانشگاه توکیو و عضو گروه نویسندگان مجموعه: Abstracta Iranica: Paris, France برای تاریخ ایران از قرن دهم تا سیزدهم قمری است

آرا و گرایشهای خاص : دکتر منصور صفت گل، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران است که زمینه های پژوهش وی «تاریخ ایران در عهد صفویان با تاکید بر تحولات اندیشه‌ای و موسسات مدنی»، «تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نگاری در ایران به ویژه ایران عهد صفویه و پس از آن» و «نهادها و تحولات اقتصادی در ایران از سده دهم هجری تا سده دوازدهم» است.

جوائز و نشانها : دکتر منصور صفت گل پیش از این کتاب «دین و دولت در عصر صفوی»را انتشار داد که عنوان رساله برگزیده دانشجویی را در مقطع فوق لیسانس از آن نویسنده کرد.

چگونگی عرضه آثار : از منصور صفت گل که مقالات بسیاری در مقوله تاریخ از وی در مجلات پژوهشی داخل و خارج از کشور چاپ شده، تا به حال کتاب‌های «ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی»، ترجمه «برآمدن و فرمانروایی تیمور» بئاتریس فوربز منز، تصحیح «مرآت واردات: تاریخ سقوط صفویان و فرمانروایی ملك محمود سیستانی»، و تصحیح «شجرهٔ الملوك؛ تاریخ منظوم سیستان از کهن‌ترین روزگاران تا آغازین سال های فرمانروایی قاجاران» منتشر شده است. تعداد مقالات : بیش از ۵۴ مورد تعداد شرکت در کنفرانسها : ۱۱ مورد --

----

آثار :

۱ برآمدن و فرمانروایی تیمور

ویژگی اثر : تالیف بئاتریس فوربز منز. ترجمه منصور صفت‌گل. رسا. تهران ۱۳۷۷.

۲ تاریخ شناسی

ویژگی اثر : منصور صفت‌گل و دیگرمؤلفان. دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتب درسی. وزارت آموزش و پرورش. تهران ۱۳۸۲.

۳ تاریخ نویسی در ایران عصر صفوی. دوران شاه عباس یکم.

ویژگی اثر : تألیف شعله کویین. ترجمه منصور صفت‌گل. (آماده برای انتشار

۴ ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی

ویژگی اثر : چاپ اوّل. انتشارات رسا. تهران ۱۳۸۱.

۵ شجرهٔ الملوك؛ تاریخ منظوم سیستان از کهن‌ترین روزگاران تا آغازین سال های فرمانروایی قاجاران

ویژگی اثر : تصحیح- منصور صفت‌گل. مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب. تهران (در دست انتشار)

۶ قم در قحطی بزرگ سال ۱۲۸۸ قمری

ویژگی اثر : جان گرنی و منصور صفت‌گل. انتشارات کتابخانه بزرگ حضرت آ یت الله مرعشی نجفی. قم. (در دست انتشار)

۷ مرآت واردات: تاریخ سقوط صفویان و فرمانروایی ملك محمود سیستانی

ویژگی اثر : تالیف محمد شفیع طهرانی (وارد) . مقدمه و تصحیح و تعلیقات. منصور صفت گل. نشر میراث مکتوب. تهران ۱۳۸۳.

صفری فروشانی، نعمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نعمت الله صفری فروشانی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی در شهرستان خمینی شهر وارد حوزه علمیه شدم، سال ۵۹ به حوزه علمیه اصفهان وارد شدم و تا سال ۶۳ دروس سطح دانی را به پایان بردم. از سال ۶۴ تا کنون در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل می باشم و در دروس فقه، اصول، تفسیر و فلسفه از اساتیدی همچون آیات ستوده، اعتمادی، مؤمن، محقق داماد(سید علی)، اسماعیل پور، قمشه ای، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، جوادی آملی و فاضل گلپایگانی بهره بردم در سال ۱۳۶۷ در امتحانات حوزه علمیه قم نفر اول پایه ششم و در امتحانات پایه نهم حوزه در سال ۶۸ رتبه دوم را کسب کردم هم زمان با ادامه دروس حوزوی در سال ۱۳۷۴ در رشته معارف و الهیات موفق به دریافت مدرک کارشناسی از دانشگاه قم (تربیت مدرس) شدم و در سال ۱۳۷۷ در رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران، دانشکده الهیات در مقطع دکتری پذیرفته شدم و در آذر ۱۳۸۵ از پایان نامه خود با عنوان(ارزیابی منابع مکتوب امامیه در مورد زندگانی ائمه(ع)از آغاز تا پایان نیمه اول قرن پنجم هجری دفاع کردم. از سال ۱۳۶۹ وارد کارهای پژوهشی شدم و با موسسات و مراکز مختلف همچون پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز معجم فقهی، سازمان اوقاف، صدا و سیما،دار الحدیث، و پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات همکاری داشتم. همچنین در همین مدت شروع به نگارش مقالات و کتب نمودم که حاصل آن حدود سی مقاله منتشر شده در مجلات تخصصی و همایش ها و چهار کتاب و مشارکت در تألیف پنج کتاب است که در همین راستا موفق به دریافت هشت تقدیر نامه از مراکز معتبر همچون کتاب سال جمهوری اسلامی، کتاب سال حوزه، کتاب سال دانشجویی، کنگره دین پژوهان، پژوهش و فرهنگی سال و جشنواره فرهنگی اشراق شده ام. نوشته های اینجانب در حوزه های مختلف همچون فقه، تاریخ اسلام، کلام و حدیث ،می باشد. همچنین تاکنون چند مدخل مانند جابربن یزید جعفی،حربیه و خاندان جعفی برای دانشنامه جهان اسلام به نگارش درآورده ام. اینجانب از سال ۱۳۷۸ تاکنون در برنامه ریزی های مربوط به رشته تاریخ اسلام در مراکزی همچون مرکز جهانی علوم اسلامی، سازمان مدارس خارج از کشور، رشته تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم و حوزه علمیه خواهران شرکت فعال داشته ام. که این برنامه ریزی ها در دو سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد در گرایش های مختلف تاریخ اسلام انجام گرفته است . از سال ۱۳۷۸ تاکنون مدیر گروه تاریخ اسلام مدرسه عالی امام خمینی (ره) وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی می باشم که دارای سه عضو هیأت علمی و حدود چهل استاد مشغول به تدریس در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد می باشند. همچنین مدتی مدیریت گروه تاریخ اسلام واحد تاریخ و سیره پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات را به عهده داشتم. در سال ۱۳۸۲ دردوره اول انتخابات تاریخ پژوهان حوزه علمیه قم به عنوان یکی از اعضای

هیأت مدیره انتخاب شدم و مدیریت بخش پژوهش این انجمن را به عهده گرفتم. همچنین اینجانب از سال ۱۳۷۸ تاکنون ارزیابی نوشته ها اعم از کتب و مقالات تاریخی را برای مراکز، موسسات ، مجلات و جشنواره های مختلف انجام داده ام. ضمنا اینجانب از سال ۱۳۷۹ تا کنون در مراکز مختلف حوزوی و دانشگاهی همچون دانشکده الهیات دانشگاه تهران،دانشگاه مفید قم،مدرسه عالی امام خمینی(ره)وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی،جامعهٔ الزهرا،موسسه آموزش و پژوهش امام خمینی(ره)مجمع جهانی اهل بیت(ع) مرکز تخصصی مهدویت،پژوهشکده مهدویت و مرکز تخصصی تاریخ حوزه علمیه قم به تدریس دروس مختلف تاریخی،حدیثی و فرقه شناسی اشتغال داشته ام.

صفیر، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمحمدعلی صفیر ، دانشمند و شاعر شهیر در سال ۱۲۹۴ شمسی در شهر کرمانشاه دیده به جهان گشود. استاد صفیر در کودکی همراه پدرش به نجف اشرف رفت و پس از چندی همراه او به کرمانشاه و از آنجا به قم رهسپار و مشغول تحصیل علوم دینی شد و برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبادعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت. پس از آن به تهران رفت و در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران تحصیلات خود را پی گرفت. استاد صفیر پس از فارغ التحصیل شدن ، به تعلیم و تربیت روی آورد و سال های متمادی در دبیرستان های تهران به تدریس ادبیات پرداخت. استاد سیدمحمدعلی صفیر ، در روز چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۷۷ در سن ۸۶ سالگی در تهران چشم از جهان فروبست.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر سیدمحمدعلی صفیر ، حجت الاسلام سیدحسین حائری از دانشمندان مقیم قم بود. پدربزرگ او نیز ، آیت الله سیدمحمدعلی حسینی تنکابنی از علمای مشهور و از مجاهدین و مبارزین در پیشرفت فتوای تحریم تنباکو بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدمحمدعلی صفیر در کودکی همراه پدرش به نجف اشرف رفت و پس از چندی همراه او به کرمانشاه و از آنجا به قم رهسپار و مشغول تحصیل علوم دینی شد و برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبادعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت. پس از آن به تهران رفت و در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران در گروه نخستین دوره ی دانشجویان قرار گرفت.

استادان و مربیان : سیدمحمدعلی صفیر در حوزه علمیه قم برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبادعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت.

زمان و علت فوت : سیدمحمدعلی سیدمحمدعلی صفیر ، در روز چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۷۷ در سن ۸۶ سالگی در تهران چشم از جهان فروبست و پیکرش در قطعه ی ۸۸ بهشت زهرا (قطعه ی فرهیختگان) به خاک سپرده شد.

فعالیتهای آموزشی : سیدمحمدعلی صفیر پس از فارغ التحصیلی از دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران ، به تربیت و تعلیم روی آورد و سال های متمادی در دبیرستان های تهران به تدریس ادبیات گذراند.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سیدمحمدعلی صفیر در تأسیس مراکز فرهنگی و دینی ، یار و یاور علامه شیخ مهدی

سراج انصاری بود و بعد از سقوط رضاخان در شهریور ۱۳۲۰ ، اقدام به تأسیس « انجمن تعلیمات اسلامی ایران » نمودند. وی از جمله در کار تأسیس بنای حسینیه ارشاد و به همراه آقایان محمد همایون ، دکتر ناصر میناچی و میرعبدالحمید ادبی در بخش فرهنگی آن تلاش کرد که قسمت اعظم کتیبه های حسینیه و مسجد ارشاد با بهره وری از دیدگاه های استاد صفیر انجام یافت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدمحمدعلی صفیر در کنار کارهای فرهنگی ، به دفاع از حریم تشیع و پاسخ شبهات و ایرادها در کنار علمای تهران همت گماشت. وی در فتنه ی کسروی ، همراه با آیت الله شیخ محمدحسن طالقانی رسماً علیه او در دادگاه شکایت نمود. استاد علاوه بر هنر استادی در انواع شعر در کارهای هنری نظیر خطاطی ، نقاشی ، طراحی و کاشی کاری نیز دست داشت. همچنین در فراگرفتن چند زبان کهن و خارجی کوشش نمود و زبان هایی چون عربی ، فرانسه ، عبری و پهلوی را به خوبی می دانست. در بسیاری از مساجد ایران و بلکه خارج ایران ، آثار طبع هنری او روی کاشی کاری ثبت و حک شده ، که از جمله ی آن مراکز مذهبی چون مسجد هدایت ، مسجد جامع نارمک ، حسینیه ارشاد ، مرقد مطهر حضرت رقیه (ع) در شام ، چند مسجد در هندوستان و پاکستان می توان نام برد. وی به امر علامه سیدمحمود طالقانی ، شعرهای کتیبه ی سردر حسینیه ارشاد و سردر بزرگ مسجد هدایت را سروده است.

آرا و گرایشهای خاص : سیدمحمدعلی صفیر در اشعار خود به « صفیر » تخلص می کرد. در زمان دکتر محمد مصدق و بنا بر پیشنهاد او ، تصویبنامه ای از هیئت دولت گذشت که نام خانوادگی صفیر مختص به وی باشد تا آن که شعرهایش با نام خانوادگی این شاعر یکسان و جاودانه شود. استاد صفیر دارای طبعی بلند و همتی زیاد و پشتکار و مجاهدت و استقامت در راه حق و حقیقت بود. در کلام و سخن گفتن ، صداقت و صراحت داشت. --

آثار :

۱ تاریخ مختصر ایران

۲ ترجمه ی دیوان اشعار امام علی (ع)

۳ تصحیح انجیل برنابا

۴ تصحیح دیوان شیخ محمود شبستری

۵ خردنامه

ویژگی اثر : اثر منظوم ، در پند و اندرز.

۶ درس دین

۷ دیوان اشعار

ویژگی اثر : با بیش از پانزده هزار بیت.

۸ ماتمکده ی شهید شیرخوار

ویژگی اثر : منظومه ای در صد بیت ، در رثای عبدالله رضیع (ع). --

منابع :

۱مجله ی آینه پژوهش ، سال نهم ، شماره ی ۵۴ ، بهمن و اسفند ۱۳۷۷ ، ص ۱۱۴

صمیمی، غلامحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین صمیمی

محل تولد : کریر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از دست آوردهای بزرگ انقلاب اسلامی رهایی دانش از بند استبداد بود که سالیانی دراز چون دیگر فضایل انسانی در سایه حکومت ستم شاهی ، ناچیز و بی ارزش بود و پس از آن در تلالوء فجر پیروزی در لوای معارف بلند اسلام رخ نمود و امید در دل مشتاقان گشود و در همین افق بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه کاشمر شدم و چون پیش از آن در حزب جمهوری اسلامی که در آن دوران تشکلی زنده و مؤثر در برابر تبلیغات انحرافی گروهکهای التقاطی و ضد اسلامی مشغولیتی داشتم و فرصتی برای دروس و مطالعه نداشتم به پیشنهاد یکی از دوستان دور که از حوزه علمیه یزد به کوشه ای بی توشه و آماده از برای کسب دانش و مطالعه نام می برد بدانجا رفتم و درسها را از آغاز پی گرفتم ولی باز همان دل مشغولیتهای پیش به اضافه عضویت غیر رسمی در سپاه و بدین گونه بود تا پس از سه سال که چندی هم در مناطق جنگی و بویژه در محورهای عملیاتی کردستان سپری شد به قم آمدم و در مدرسه شهابیه ساکن شدم و در درس معالم آقای قاسمی کاشانی که اخلاق و منش به عنوان نخستین استاد در قم در من تأثیری ژرف داشت داشت شرکت جستم و ماهی چند خود نیز برای چند دانش آموز مقطع دبیرستان که آشنایی اتفاقی داشتیم در حرم حضرت معصومه (س) به تدریس شرح امثله و سپس صرف میر پرداختم. این کلاس تقریباً هر وقت از منطقه جنگی به قم می آمدم ادامه می یافت. و بدین گونه توفیقی آمد تا از جامع المقدمات کتابی چند مانند شرح امثله و صرف میر و شرح تصریف ، و الموذج تدریس شد .

سالیان بعد نیز در کنار فراگیری کتابهای سطح منطق کبری و شرح باب حادی عشر را تدریس نمودم .همراه با دروس خارج فقه و اصول و فلسفه و آیات الاحکام و تفسیر قرآن کریم هم در زمینه تاریخ که از خردسالی بدان علاقه داشتم به کاوش پرداختم. این پژوهش که اکنون ۱۲ ساله است غالباً در سده نخست اسلام بوده است و چهار سالی است که روزانه بین چهار تا پنج ساعت است کـه بهره اش ۵۸۰ فیش تحقیقاتی و ۳۶۰ ورق آچار است و روزهای پنج شنبه نیز در مسجد امام زین العابدین(ع) برای روحانیون تدریس سیره دارم سیره سیاسی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حدود چهل مقاله هم در نشریات گوناگون.

طاهری یزدی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۸ ش)، مورخ. در یزد به دنیا آمد. بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی برای ادامه تحصیل به تهران رهسپار شد و پس از پایان دوره‌ی متوسطه وارد مدرسه فلاحت تهران شد و از آنجا فارغ‌التحصیل گردید. در ۱۳۰۷ ش وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و

عهده‌دار مشاغل مختلف گردید. اثر وی «تاریخ یزد» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۵۸ / ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۶ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۰ -۴۱۹ / ۱).

طباطبایی اردکانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب، محقق.

تولد: ۱۲۸۱(۱۳۱۵ ق.)، اردکان (قریه گزلازقرا، سفلای اردستان).

درگذشت: ۱۳ مهر ۱۳۷۲، تهران.

سید محود طباطبایی اردکانی دارای درجه‌ی کارشناسی در رشته‌ی فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳ است. وی سپس به تحصیلات خود ادامه داد و در رشته‌ی فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۴۷ موفق به اخذ دکتری شد.

وی از سال ۱۳۵۳ عضو هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی شد. در دانشگاه علامه طباطبایی (در رشته‌ی ادبیات) و دانشگاه تهران نیز تدریس می‌کرد. سرپرستی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی نیز به عهده وی بود.

از آثار ایشان است: فرهنگ جامع اردکان؛ بررسی گویه و ویژگی‌های فرهنگی زبان اردکانی؛ تاریخ تحلیلی اسلام؛ گزیده و شرح تاریخ بلعمی.

دکتر طباطبایی اردکانی هنگام تدریس در کلاس درس دار فانی را وداع گفت.

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ اسلامی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی

زندگینامه

دکتر شادروان سید محمود طباطبائی اردکانی در سال ۱۳۱۵ دیده به جهان گشود. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه، در سال ۱۳۴۳ موفق به اخذ کارشناسی در رشته فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران شد. سپس به ادامه‌ی تحصیلات عالی پرداخت. و سرانجام در سال ۱۳۴۷ در رشته فرهنگ اسلامی موفق به اخذ مدرک دکترا گردید. وی در سال ۱۳۵۳ به عضویت هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی نائل آمد و سرانجام به مرتبه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی ارتقاء یافت.

آقای دکتر طباطبائی اردکانی در تمام دوران دانشگاهی خود به پژوهش در فرهنگ و ادب عامیانه و گویش اردکانی پرداخت. از ایشان ۵ جلد کتاب در زمینه‌های ادبیات فارسی و تاریخ اسلام به جای مانده است. از وی حدود ۷ مقاله درباره‌ی ادبیات و علوم انسانی و تاریخ اسلام در مجلات معتبر داخلی به چاپ رسیده است.

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ اسلامی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

عضویت در هیات علمی دانشگاه ابوریحان سابق در سال ۱۳۵۳، پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پژوهش در فرهنگ و ادب عامیانه و گویش اردکان، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات فارسی و تاریخ اسلام.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبیات و علوم انسانی، تاریخ اسلام.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طباطبایی نژاد، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود طباطبائی نژاد

محل تولد : اردستان

شهرت : طبائی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمود طباطبایی نژاد در سال ۱۳۵۶ پس از اخذ سیکل وارد حوزه علمیّه قم شدم شرکت در برنامه ها و تظاهرات انقلاب و سپس حضور در جبهه در کنار درس ادامه یافت ضمنا در همین دوران دیپلم خود را نیز گرفتم از جمله استادان عالیمقام من مرحوم مدرس افغانی مرحوم وجدانی و حضرت آیات اشتهاردی، فاضل و تبریزی، زنجانی، مددی ،شهیدی، مصباح یزدی و جوادی آملی بوده اند در سال ۱۳۷۱ به عنوان محقق جذب دارالحدیث گردیدم و هم اکنون مسئول گروه سیره و تاریخ در این موسسه می باشم

طبرسی، ابومنصور احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، عالم امامی، فقیه، متکلم، محدث و مورخ. از اهالی ساری مازندران و از ثقات محدثین و علمای بزرگ امامیه بود. او معاصر ابوالفتوح رازی و امین الاسلام طبرسی است. وی از مهدی بن ابی‌حرب حسینی مرعشی، از دوریستی، از شیخ الطایفه، شیخ طوسی، روایت کرده است. شیخ منتجب‌الدین (م ۵۸۵ ق) و ابن‌شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) از شاگردان وی بودند. شهید اول در «غایه المراد» فتاوا و نظرات وی را بسیار نقل کرده است. وی در مازندران درگذشت و در روستایی نزدیک علی‌آباد (امام شهر فعلی) که امروز نام آن شیخ طبرسی است، دفن شد. از آثار وی: «الاحتجاج عی اهل اللجاج»، معروف به «احتجاج طبرسی» که سید ابن طاووس بر این کتاب و بر مؤلفش درود فرستاده و اکثر متأخرین از آن اخذ کرده و بارها به چاپ رسیده و از آن ترجمه‌هایی مربوط به قرن دهم باقی است؛ «الکافی»،در فقه؛ «فضائل الزهراء (س)»؛ «مفاخر الطالبیه»؛ «تاریخ الائمه».[۱]

احمد ابن علی بن ابی‌طالب از ثقات محدثان و علمای شیعه در قر. ۶ ه. وی با ابوالفتح رازی و فضل بن حسن طبرسی معاصر بود. شهید اول غایهٔالمراد، فتاوی و اقوال او را بسیار نقل می‌کند. اوراست: الکافی در فقه، الاحتجاج (شامل احتجاجاتی که پیامبر ص و ائمه ۴ و یارانشان با مخالفان خود کرده‌اند)، مفاخرالطالبیهٔ، تاریخ الائمهٔ، فضائل الزهراء و غیره. بعض متأخران وی را به ساری منسوب دانسته، شاید منشأ این شبهه آن باشد که وی چندی در آن شهر زیسته است. سال وفاتش معلوم نیست (دکتر حسین کریمان).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۶۹ / ۱)، اعیان الشیعه (۳۰ -۲۹ / ۳)، ایضاح المکنون (۲۵۹، ۱۹۶/ ۲، ۲۱۳، ۳۱ / ۱)، بحارالانوار (۹ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۴ / ۲)، الذریعه (۳۱۱ -۳۱۰ / ۲۱، ۲۴۸ -۲۴۷ / ۱۷، ۲۵۸ / ۱۶، ۲۳۶ / ۱۴ ، ۲۱۳ / ۳، ۲۸۲ -۲۸ / ۱)، روضات الجنات (۷۴ -۷۲ / ۱)، ریاض العلماء (۴۹ -۴۸ / ۱)، ریحانه (۳۵ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲ -۱۱ / ۶)، الکنی و الالقاب (۴۴۵ -۴۴۴/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۱۰ / ۲)، هدیه الاحباب (۱۹۴)، هدیه العارفین (۹۱ / ۱).

طرفه، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی طرفه

محل تولد : دشت آزادگان

شهرت : طرفی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۷/۱۰

حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طُرفه مشهور به شیخ علی طُرفی ۱- نسب ۲- معرفی نیای پدری ۳- زندگینامه ۱- نسب شیخ علی طرفی حاتم طایی شخصیت معروف تاریخ که به بخشش و کَرَم مشهور است از دیار یمن است. و از عشیره بزرگ طِیّ. فرزند او عدی بن حاتم از یاران خاص پیامبر اسلام و امیرالمومنین بود. عدی سه پسر داشت به نام های طُرفه، طارف و طریف که هر سه در جنگ صفین در رکاب امام خود به دست سپاه معاویه به شهادت رسیدند. داستان ایمان آوردن عدی، تعریف کم نظیر پیامبر از او و همچنین داستان هایی که از فداکاری ها و ارادت او و فرزندانش نسبت به خاندان عصمت و طهارت خبر می دهند بسیار است. خانواده عدی پس از اسلام آوردن به خدمت پیامبر مکرّم اسلام به مدینه آمدند و پس از دوره حیات ظاهری ایشان و در دوره حکومت امیرالمومنین به کوفه هجرت کردند. عشیره بزرگ بنی طُرُف که از بنی طِیّ هستند اکنون در یمن، عراق و جنوب خوزستان زندگی می کنند. حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طُرفی (طُرفی) فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ عیسی طرفی از همین عشیره اند. از افتخارات این خانواده همین بس که همه اجداد آنان از بزرگان و علمای مخلص و مجاهدند و به ارادت به اهلبیت و مردمی بودن شهره اند.. ۲- همه قبیله من عالمان دین بودند... حاج شیخ علی طرفی فرزند شیخ عیسی فرزند شیخ سالم فرزند شیخ محمد... آیت الله حاج شیخ عیسی طرفی از فقهای مجاهد و بزرگ خوزستان است. ایشان در جوانی به عشق معارف اهلبیت علیهم السلام به نجف اشرف هجرت کردند و نزدیک به۲۰ سال از عمر پر برکتشان را صرف تحصیل علوم حقه شیعه کردند. آیت الله طرفی پس از کسب اجازه اجتهاد و به درخواست مردم دیار خود و دستور مراجع عظام نجف به ایران بازگشتند و به ارشاد اهالی خوزستان پرداختند. ایشان از سال ۴۱ با حضرت امام آشنا شده و به نهضت پیوستند. حاج شیخ عیسی طرفی نماینده حضرت امام و اولین امام جمعه دشت آزادگان و امام جمعه موقت آبادان بودند. محبوبیت ایشان میان مردم عرب و عجم خوزستان زبانزد است. شیخ سالم پدربزرگ حجت الاسلام شیخ علی طرفی از بزرگان و عالمان مجاهد و مردمی بوده است که در واقعه معروف جهاد عشایر بنی طرف علیه غاصبان انگلیسی حضور داشته است. شیخ محمد پدر شیخ سالم از علمای بزرگ و مخلص و صاحب کرامت بوده است. در سفری که به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام میرفته، به سختی بیمار می شود و حضرت را در راه زیارت کرده و از ایشان شفا می گیرد. و با مرکبی که حضرت به ایشان عطا فرموده بودند راه طولانی مشهد را در اندک زمانی با طیّ الارض می پیماید. مقبره ایشان در دشت آزادگان واقع در همیلی نزدیک مقبره سید خلف است. ۳- نگاهی کوتاه به زندگی روحانی مبارز و رزمنده بسیجی، نماینده امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دام ظله) و امام جمعه دشت آزادگان (سوسنگرد، بستان و هویزه) ما زنده از آنیم که آرام نگیریم موجیم که آسودگی ما عدم ماست حجت الاسلام و المسلیمن حاج شیخ علی طُرفی (طُرفه) دهم مهرماه سال ۱۳۲۸ دیده به جهان گشود. پدرش علامه مجاهد حضرت آیت ا لله حاج شیخ عیسی طُرفی از علمای خوزستان و یاران حضرت امام بودند که از ابتدای نهضت حضرت امام (ره) ضمن ارتباط مستمر با ایشان، به مبارزه با رژیم شاهنشاهی پرداختند و بارها از سوی ساواک مورد بازجویی قرار گرفتند. پس از انقلاب از سوی حضرت امام خمینی(ره) به عنوان نماینده در آبادان، سوسنگرد، بستان و هویزه انتخاب شدند. حاج شیخ عیسی طُرفی دوشادوش رزمندگان اسلام در خط مقدم جبهه حاضر می شدند و با سخنرانی های پرشور خود در دل های بسیجیان شوق مجاهدت و ایثار در راه خدا را افزون می کردند. ایشان سرانجام در سال ۶۱ بر اثر عارضه قلبی به ملکوت اعلی پیوستند و به وصیت خودشان در میان شهدای جنگ در گلزار شهدای اهواز به خاک سپرده شدند. حجت الاسلام حاج شیخ علی طُرفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا دوم دبیرستان در آبادان سپری کرد و سال های پایانی دبیرستان را در سوسنگرد به آخر رساند. از خاطرات شیرین ایشان در سنین نوجوانی، ملاقات با حضرت امام خمینی (ره) به همراه پدرشان است. در این باره چنین می گویند: اولین بار سال ۴۱ به همراه مرحوم والد با حضرت امام رضوان الله تعالی علیه در بیت ایشان واقع در محله یخچال قاضی قم ملاقات کردم. چهره امام و بیان ایشان چنان جذاب و زیبا بود که مجذوب ایشان

شـدم. من در آن زمان ۱۳ساله بودم و همـان ملاقات در روح و جان من تأثیر عمیقی گـذاشت به طوری که عاشق امام و سـخنان و خط مشـی انقلابی ایشان شـدم. به گفته حجت الاسـلام طُرفی، از همان زمان که مرحوم آیت الله حاج شـیخ عیسـی طُرفی با امام در شهر مقـدس قم ملاقات کردنـد، خانه ایشان کانون گرم انقلاب و سـیره امام، الگوی جاویـدان زنـدگانیشان شـد. این سـیره عملی از آغاز نهضت مقدس حضـرت امام تا مرحله پیروزی و تا به امروز تداوم دارد. وی پس از اخذ دیپلم، برای گذراندن دوره نظام وظیفه به شـهرهای تهران، کرمان و شیراز اعزام شدند و پس از طی دوران خدمت سربازی، حدود سال ۱۳۵۰ جهت تحصیلات حوزوی به شهر مقدس قم هجرت کرد. اوج فعالیت انقلابی حجت الاسـلام طُرفی از زمان شـروع نهضت و در دوران طلبگی در شهر مقدس قم متبلور گردیـد. در آن زمان ضـمن تماس و ملاقات با عده ای از پیروان و شاگردان حضـرت امام و منتسبین به بیت شـریف ایشان از جمله: آقای اعرابی داماد امام، به مبانی نهضت امام آگاهی یافته و خود یکی از مبلّغین و مروّجین آن شـد و با شـرکت در راهپیمایی هـا و پخش اعلامـیه و... به انجـام وظـایف انقلابی پرداخت. در سال های ۵۶ و ۵۷ به منظور آگاهی بخشـی به مردمماننـد رساندن اعلامیه و نوار سـخنرانی های انقلابی، به صورت مستمر به شهرهای خوزستان به ویژه آبادان سفر می کردند و در مساجد، مجالس، محافل و نشـست های سرّی با ایراد سخنرانی، آخرین مواضع انقلاب را تبیین می کردند. اهم فعالیت های ایشان در سال های قبل از پیروزی انقلاب شـکوهمند اسلامی را مرور می کنیم: ٠ شرکت در راهپیمایی ها، از جمله شرکت در اولین راهپیمایی انقلابی ۱۹ دی قم. ٠ تهیه نوارهای سـخنرانی و اعلامیه های انقلابی و ارسال آن ها به آبادان و سایر شـهرها. ٠ تهیه وسائل تکثیر اعلامیه و ارسال آن به آبـادان ٠ تشـکیل جلسـات آموزش قرآن کریم برای جوانان در در آبادان و آگاهی بخشـی انقلابی در خلال جلسات. ٠ سـخنرانی های انقلابی در مساجد و محافل مردمی. ٠ سازماندهی و راه اندازی راهپیمایی در مناطق شـهری و روستایی. ٠ تسخیر رادیو تلویزیون آبادان در ابتدای انقلاب. حجت الاسلام طُرفه پس از انقلاب وظایف انقلابی خود را پی گرفت. برخی از این فعالیت ها چنین است: ٠ تشـکیل سـتاد عشـایر آبـادان و نظـارت بر کمیته هـای محلی که مشـتمل برکمیته هـای مهم مرزی ارونـدرود بود. ٠ حـل مشـکلات اجتمـاعی و اختلافـی با تشـکیل کمیته ای به نام کمیته حل اختلاف که جایگزین برخی از شـعب دادگستری به صورت موقت بود. ٠ مبـارزه بـا قاچـاق. ٠ مبارزه با گروهک های منافق و کمونیست و انهـدام پایگاه های آنان که به عناوین مختلف از قبیل چریک های اقلیت و اکثریت در آبـادان فعـالیت داشـتند. ٠ مـدیریت رادیو نفت ملی آبـادان. ٠ تشـکیل مجمعـا لخطبـای آبـادان. ٠ تشـکیل مجمعا لشـعرای آبـادان. ٠ تأسیس مرکز الثقـافی (مرکز فرهنگی) آبـادان. ٠ راه انـدازی محافل شـعر و ادب انقلابی به زبان عربی و ضـبط و پخش آن از صـدا و سیما. حـاج شـیخ علی طُرفی در مـدت هشت سـال دفـاع مقـدس و غیورانه از مرزهـای ایران عزیز، دوشـادوش رزمندگان حضوری آگاهانه داشـتند. پارها ی از فعالیت های ایشان در سال های دفاع و پس از آن چنین است: ٠ حضور در جبهه ها از اولین روز شـروع جنگ تحمیلی تا پایان آن به عنوان نیروی رزمی و فرهنگی در رادیو و کمیته انقلاب اسـلامی ٠ بیش از ۱۲ سال نماینـده حضـرت امام و رهبری و امام جمعه دشت آزادگان (سوسـنگرد، بسـتان و هویزه). ٠ تهیه سـلاح و مهمات جنگی و تـدارک نیازمنـدی های جبهه رزمندگان عشایر آبادان. ٠ حضور مستمر درخطوط مقدم نبرد. ٠ رئیس سـتاد پشتیبانی جنگ دشت آزادگان و تهیه و ارسال کمک های مردمی برای رزمندگان اسـلام. ٠ نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسـلامی سوسـنگرد، بسـتان و هویزه. ٠ نماینده جامعه روحانیت در بنیاد مسـکن. ٠ رئیس جمعیت هلال احمر دشت آزادگان. ٠ رییس ستاد اعزام روحانیون به جبهه دشت آزادگـان. ٠ سـرپرست امور فرهنگی جهادسازنـدگی آبـادان در دوران جنگ. سایر سوابق و مسـئولیت های علمی، فرهنگی و سیاسـی حجت الاسلام طُرفی: ٠ بیش از ۳۰ سال تحصـیل و تدریس در حوزه های علمیه و همچنین افتخار تلمذ سـطوح نزد استادانی چون: مـدرس افغانی، تهرانی، سـید علی علوی، شـیخ حسـین قطیفی، بحث خارج نزد آیات عظام مرحوم میرزا جواد تبریزی، مکارم شیرازی، سـید کـاظم حـایری. ٠ بنای بیش از ۴۰ بـاب مسـجد و بنـای حوزه علمیه و مصـلای دشت آزادگـان. ٠ مسـئول بخش عربی رادیوهای اسـتان خوزستان. ٠ مسئول بخش عربی صدای سپاه پاسداران استان خوزستان. ٠ سرپرست اداره اوقاف و امورخیریه آبادان.

رئیس شورای حل اختلاف دادگستری آبادان. ایشان صاحب تألیفات متعددی هستند که از آن جمله کتابب «آبادان در تاریخ اسلامی» و «مساجد آبادان» به چاپ رسیده است. و تألیفات دیگرشان از جمله «طیّ قبیله المؤمنه»، «نامه ی امام جعفر صادق علیه السلام به دولتمردان» ، «الزرع و الزراعه» و «الاخلاق الاسلامی»، «دیوان اشعار عربی و فارسی» در شرف چاپ هستند. و آخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاهٔ و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا أبی القاسم محمّد و علی أهل بیته الطّیّبین الطّاهرین المعصومین المنتجبین و اللّعن الدّائم علی أعدائهم أجمعین إلی یوم الدین.

طوبی، ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۷۴ ق)، حکیم، ادیب، مورخ، هیوی و شاعر، متخلص به طوبی. از منجمان و ادیبان بنام روزگار خود بودکه در سخنوری توانا و در علم هیأت استاد بود. طوبی در اصفهان درگذشت و در بقعه‌ی امامزاده اسماعیل به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۴۳)، الذریعه (۶۵۱ / ۹)، ریحانه (۶۲ / ۴).

ظاهری، خلیل

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۹۳ -۸۷۲ ق)، فقیه، مفسر، مورخ، ادیب و شاعر. ملقب به عرس‌الدین و معروف به ابن‌شاهین. پدرش شاهین برده‌ی سلطان ملک ظاهر سیف‌الدین بود، لذا ظاهری نام گرفت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت چون به سن رشد رسید نظارت ضرابخانه‌ی مصر بدو سپرده شد. در ۸۴۰ ق امیرالحاج شد. او در طرابلس درگذشت. در حدود سی تألیف و تصنیف از او بجای ماند. از جمله آثاری وی: «کشف الممالک»و خلاصه آن به نام «زبده کشف الممالک فی بیان الطرق و المسالک» درباره‌ی مصر، که در پاریس چاپ شده است؛ «الاشارات فی علم العبارات»، تعبیر رویا در دو مجلد؛ «الکوکب المنیر فی اصول التعبیر»؛ «المواهب فی اختلاف المذاهب»؛ «المنیف فی الانشاء الشریف»؛ «الدره المضیئه فی السیره المرضیه»؛ «دیوان» شعر،در چندین مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۶۷ / ۲)، ایضاح المکنون (۵۹۶ / ۲ ،۴۶۰ / ۱)، ریحانه (۴۴ / ۸)، کشف الظنون (۱۵۲۳ ،۱۴۹۶، ۹۵۳، ۳۰۵، ۹۷)، معجم المؤلفین (۱۲۰ / ۴).

ظهیر کازرونی، علی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۱۱- ح ۶۹۷ ق)، عالم، فقیه، ریاضیدان، مورخ، لغوی و شاعر. از رجال دوران مغول بود که در عراق زندگی می‌کرد. خط نیکویی داشت و متصدی کارهای بزرگ دولتی بود. کتب بسیاری تألیف و تصنیف کرد که از آن جمله: «روضه الاریب»، در تاریخ بغداد، در بیست و هفت بخش؛ «کنز الحساب» یا «وکر الحساب»، در حساب؛ «الملاحه فی الفلاحه»؛ «النبراس المضیء» یا «نبراس المفتی»، در فقه شاعفی؛ «الذروه العلیا فی سیره المصطفی (ص)»؛ منظومه «الاسدیه»، در لغت؛ «التنزلات» کازرونی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۵ / ۵)، ایضاح المکنون (۷۱۵ ۷۱۴ / ۲ ،۳۲۸ / ۱)، ریحانه (۷۶ / ۴)، کشف الظنون (۱۹۲۳، ۱۰۱۳، ۹۲۳، ۴۹۴)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (۲۳۲/ ۷)، هدیه العارفین (۷۱۵ / ۱).

عابدینی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل عابدینی

محل تولد : مرند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالفضل عابدینی استادیار دانشگاه تهران، دانشکده الهیات، در سال ۱۳۲۹ در مرند (آذربایجان شرقی) متولد شده و تحصیلات ابتدایی را در آن شهر گذرانده سپس به تبریز هجرت کردم و در مدرسه طالبیه تبریز (حوزه علمیه) تحصیلات حوزوی را شروع کردم و در ضمن دروس جدید را هم ادامه دادم. (۱۳۴۲) سپس به شهر قم رفتم، منطق و اصول و لمعتین و رسائل و مکاسب را پیش اساتید بزرگ جناب آقای پایانی و جناب آقای سبحانی خواندم (تا پایان سطح) در کنار علوم دینی، دروس جدید را هم تا دیپلم ادبی و سپس در سال بعد دیپلم تجربی را پشت سر گذاشتم (۲ دیپلم گرفتم ادبی و تجربی). در سال ۱۳۵۳ در دانشگاه تهران در رشته تاریخ قبول شدم یکی دو سال از قم به تهران تردّد می‌کردم و سرانجام به قول طلبه‌ها سلب توفیق شده و ناچار از قم بریدم و برای همیشه ساکن تهران شدم. در سال ۱۳۵۵ لیسانس گرفتم ـ مجدداً دوره فوق‌لیسانس را در همان دانشگاه ادامه دادم. به انقلاب و انقلاب فرهنگی خورد ـ مدتی دانشگاه‌ها تعطیل شد. سرانجام در سال ۱۳۶۴ فوق لیسانس گرفتم.در سال ۱۳۶۹ از طریق اعزام دانشجو به خارج، از طریق وزارت علوم به کشور فرانسه برای اخذ دکترا، اعزام شدم ۲ سال در فرانسه بودم، بنا به دلایل سیاسی و فرهنگی نتوانستم در آنجا ادامه تحصیل بدهم، ناتمام برگشتم. مجدداً برای دکترا امتحان دادم و در دانشگاه شهید بهشتی ادامه تحصیل دادم و سرانجام از آن دانشگاه دکترا گرفتم. و هم اکنون به کار تدریس و تحقیق و پژوهش مشغول هستم.

عارف عجمی، فتح الله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۹ ق)، شاعر و مورخ. از شاعران عهد سلطان سلیمان‌خان عثمانی قانونی و شاهنامه‌چی او بود. اشعار بسیاری درباره‌ی سفرها و جنگها و مدح وی سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۸۰ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ عارف عجمی).

عاقلی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا عاقلی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا عاقلی فرزند اکبر دارای پرونده در حوزه مبارکه ۱۳۷۳۴ پس از اخذ دیپلم در سال ۶۳ ـ ۶۲ در کنکور همان سال شرکت کرده و در رشته فنی مهندسی (مخابرات و الکترونیک) قبول شدم، اما از آنجا که علاقه وافری به فراگیری دروس حوزوی داشتم، علیرغم فشار اطرافیان، حوزه مقدسه را را مقدم بر دانشگاه دانسته و حاضر به ورود به دانشگاه نشدم، لذا با همان مدرک قبولی کنکور وارد حوزه مقدسه علمیه شدم که این را از الطاف حفیه الهی می‌دانم، در بدو ورود به مدت دو سال (به علت عدم پذیرش حوزه علمیه قم از داوطلبان شهرستانی) در حوزه علمیه یزد (مدرسه امام خمینی(ره)) درس حوزه را آغاز و پس از دو سال به قم عزیمت نموده، پس از امتحان ورودی در مدرسه المهدی(عج) حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی(ره) به ادامه تحصیل دروس حوزه پرداختم که بحمدالله به مدت ۱۰ سال دوران سطح را با موفقیت به پایان رسانده، سپس در دروس خارج حوزه ادامه دادم.

در اثناء، دوره تخصصی تفسیر را بحمدالله سپری نموده، و در آزمونهای متعددی که از طریق نهادها و ارگانها من جمله: آزمون حج، که لطف خاص الهی شامل حال این حقیر شده و بحمدالله هر ساله در خدمت زائرین بیت الله الحرام می‌باشم.

همچنین در آزمون نهاد ولی فقیه در دانشگاهها شرکت کرده، و در گرایش تاریخ اسلام شرکت کرده که بحمدالله بعد از موفقیت در آزمونهای کتبی، شفاهی و مصاحبه، به عنوان استاد در گرایش تاریخ اسلام پذیرفته شده، که مدرک آن نیز موجود می‌باشد.

و به زودی به دانشگاه آزاد اسلامی واحد گلپایگان مسئول واحد فرهنگی آن دانشگاه، کار خودم را شروع خواهم کرد انشاء الله.

در طول سفرهای تبلیغی نیز لطف الهی شامل این حقیر بوده، که در چندین جا با یاری مردم و همکاری آنان چند باب مسجد و حسینیه بنا گردیده مِن جمله: در یکی از روستاهای رفسنجان، در یکی از روستاهای بخش گلباف، در یکی از روستاهای مرکزی شهرستان کهنوج، چندین مرتبه سپاه پاسداران کرمان از این حقیر جهت همکاری دعوت به عمل آورده، اما از آنجا که علاقه‌ام به درس و بحث بیش از کارهای اجرایی است حاضر به قبول آن نشدم و نیز عدم قبول امامت جمعه برای یکی از شهرستانهای کرمان، که خداوند لطف نمود که از پذیرش آن استنکاف ورزم.

عالم‌زاده، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی، کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد فلسفه و علوم تربیتی از دانشسرای عالی تهران، دکترای فرهنگ و تمدن اسلامی از دانشگاه تهران، تدریس در دانشگاههای فردوسی مشهد، تهران، تربیت مدرس و شهید بهشتی از سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ اسلام، تاریخ تشکیلاتی اسلامی، تاریخ هنرهای اسلامی، تاریخ فرق و مذاهب، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۴ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ اسلام، تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تاریخ و تمدن ملل اسلامی (تاریخ اسلام، تشکیلات و سازمانهای حکومتی، هنرهای اسلامی)

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عبدی بیگ نویدی شیرازی، زین‌العابدین علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۸ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به عبدی. از دبیران و شاعران دربار شاه طهماسب صفوی (۹۴۸ -۹۳۰ ق) بود. اغلب تذکره‌نویسان مولد وی را شیراز نوشته‌اند،اما صاحب تذکره‌ی «روز روشن» او را اصفهانی دانسته و نسبت شیرازی وی را به جهت کثرت اقامتش در آن شهر می‌داند. عبدی بیگ در جوانی به فراگیری ادب و علم و سیاق و ترسل پرداخت و در این رشته‌ها بویژه، سیاق و حساب بزودی نام‌آور و عهده‌دار منصب استیفاء شد. نویدی در سرودن مثنوی مهارت بسیار داشت و مثنوی‌های بسیاری پرداخته است. از جمله آثارش «بوستان خیال» است که به تقلید از «بوستان» سعدی، به همان وزن و به نام شاه‌طهاسب نوشته شده. از دیگر آثار وی بنا بر گفته‌ی سام‌میرزا، سه خمسه در جواب «خمسه‌ی» نظامی‌است. خمسه‌ی اول: «مظهر اسرار»؛ «جام جمشیدی»؛ «مجنون و لیلی»؛ «هفت اختر»؛ «آیین اسکندری». خمسه‌ی دوم: «جوهر فرد»؛ «دفتر درد»؛ «فردوس العارفین»؛ «انوار تجلی»؛ «خزائن الملوک» یا «خزائن الملکوت». خمسه‌ی سوم: «روضات الصفات»؛ «دوحه الازهار»؛ «جته الاثمار»؛ «زینه الاوراق»؛ «صحیفه الاخلاص». دکتر صفا منظومه‌ی «خزائن الملکوت» را جدا از «خزائن الملوک» دانسته و آن را مثنویی مذهبی مشتکل از هفت بخش یا خزانه در برابر «حدیقه الحقیقه» سنائی به نام «سبعه‌ی عبدی» ذکر کرده است. سبعه‌ی مذکور شامل: «صحیفه‌ی لاریب»؛ «لوح مسطور»؛ «بحر مسجور»؛ «منشور شاهی»؛ «مروج الاسواق»؛ «مهیج الاشواق»؛ «نهایه الاعجاز». عبدی بیگ کتابی در تارخ عهد خود به نام «تکمله الاخبار» نیز نوشته و آن را در ۹۷۸ ق به پایان رسانده است. کتاب «صریح الملک»، در شرح املاک و عمارتها و بناهای بقعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی نیز از آثار اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۷۵۴ -۷۴۶ / ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۵۶ -۵۵۵/ ۲ ،۱۶۹، ۱۵۷ -۱۵۶ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۹)، تحفه سامی (۹۶ -۹۵)، تکمله الاخبار (۳۱ -۱۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۵۰ -۷۴۶ / ۵)، الذریعه (۱۲۳۷ -۱۲۳۶ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۶۰ -۹۵۹)، منظومه‌های فارسی (۴۱۸ -۳۹۷)، هفت اقلیم (۲۳۷ -۲۳۶ / ۱).

عتبی، ابونصر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابونصر محمد بن عبدالجبار نویسنده معروف ایرانی نیمه دوم قر. ۴ و اوایل قر. ۵ ه. (ف. ۴۲۷ ه.ق.). وی از مردم ری بود و مدتی در خراسان در دستگاه ابوعلی سیمجور و سبکتگین به سر برد، و چند هم سمت نیابت قابوس وشمیگر را در خراسان داشت، و مدتی در نیشابور نزد امیر نصر بن سبکتگین سپهسالار خراسان از قبل سلطان محمود روزگار گذرانید. وی مؤلف (تاریخ یمینی) (ه.م.) است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عرب ابوزیدآبادی، عبدالرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرضا عرب ابوزید آبادی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۷/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در منطقه ابوزید اباد کاشان گذراندم و در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم مقدمات و سطح را در مدرسه علمیه معصومیه گذراندم و از محضر اساتید فرهیخته حوزه بهره بردم از جمله حجج اسلام اقایان مسعودی رضوانی حسینی قزوینی منتظری مقدم نائینی یغمایی و ...

رسائل ومکاسب را نزد استاد علیدوست و کفایه را نزد استاد محسن غرویان فرا گرفتم و چندی در درس خارج اقایان لاریجانی و واعظی شرکت کردم در سال ۱۳۷۵ وارد موسسه امام خمینی شدم و دوران کارشناسی معارف اسلامی را در ۵ سال سپری کردم که علاوه بر فلسفه ومعارف اسلامی با علوم انسانی نیز اشنا شدم

سپس در سال ۱۳۸۰ وارد گرایش تاریخ اسلام در موسسه امام خمینی شدم و از محضر اساتید فرهیخته تاریخ همجون استاد یوسفی غروی مهدی پیشوائی یعقوب جعفر ی صادق اینه وند امامی میر سپاه سید حمید روحانی و لک زائی بهره گرفتم و در سال ۱۳۸۵ پایان نامه فوق لیسانس خود را دفاع نمودم و از همان زمان به تحقیق و پژوهش در زمینه تاریخ اسلام مشغول شدم که حاصل آن انتشار ۶ مقاله علمی تحقیقی در نشریات و فصلنامه های تخصصی است علاوه بر این به تدریس تاریخ اسلام و تاریخ و فرهنگ ایران[1] تاریخ امویان و تاریخ عباسیان در مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعه الزهرا مشغول هستم و هم چنین با گروه تاریخ مدرسه عالی فقه ومعارف اسلامی (مدرسه حجتیه) همکاری می کنم و دبیر اموزشی گروه تاریخ این مدرسه هستم

مدتی نیز با معاونت پژوهشی موسسه امام خمینی همکاری تحقیقاتی و پژوهشی داشتم و در پروژه مقتل جامع امام حسین مطالبی را تهیه کردم .

عزت پور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، روزنامه‌نگار، مورخ و نویسنده. وی مدیر و صاحب امتیاز هفته‌نامه‌ی «نامه‌ی آزادگان» بود که از ۱۳۰۵ ش انتشار آن آغاز شد. از آثارش: «آثار بزرگارن در اخلاق»؛ «افکار صد مرد نامی»؛ «امیرالمؤمنین علی (ع)»؛ «تاریخ ملل قدیمه‌ی شرق و غرب»؛ «پیغمبر اسلام»؛ «تاریخ نو»؛ «فالهای حافظ»؛ « گلهای خوشبو».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۶۰ -۲۵۹ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸ -۴۷ / ۴).

عسال اصفهانی، ابواحمد محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴۹ -۲۶۹ ق)، قاضی، حافظ، محدث، قاری، مفسر، فقیه و مورخ. از شیوخ خود: پدرش و ابومسلم کجی و محمد بن ایوب بن ضریس رازی و ابوبکر بن ابی‌عاصم و محمد بن اسد مدینی و حسن سری و ابراهیم حلوانی و بکر بن سهل دمیاطی و همچنین از شیوخ شهرهای اصفهان و همدان و بغداد و کوفه و بصره و حرمین و واسط و ری و خوزستان حدیث شنید. قرآن را بر استاد ابوعبدالله محمد بن علی اصفهانی تلاوت کرد. پسرش ابوعامر عبدالوهاب که از بزرگان اصفهان بود بر پدر خود ابواحمد عسال تلاوت نمود. عسال سفری به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. فرزندان محدثش به نامهای: ابوجعفر احمد و ابواسحاق ابراهیم و ابوالحسین عامر و ابوبکر عبدالله از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن‌عدی و ابن‌مردویه و ابن‌منده و ابن‌مقری نیز از راویان او هستند. او را یکی از پیشگامان حدیث توصیف کرده‌اند. خودش گفته که در قراآت قرآن پنجاه هزار حدیث در حفظ داشته است. گفته‌اند که او «تفسیر» بزرگی را از حفظ املاـ کرد، و همچنین در اردستان چهل هزار حدیث را از حفظ املا کرد و چون به شهر خویش بازگشت و مقابله کرد املای خویش را صحیح یافت. ابن‌منده گوید که دوبار دور دنیا را گشته اما مانند عسال ندیده است. او مدتی عهده‌دار منصب قضای اصفهان بود. از آثارش: «تفسیر القرآن»؛ «التاریخ»؛ «المعرفه فی السنه»؛ «الامثال»؛ «مسند الابواب»؛ «الابواب»، در «غریب الحدیث»؛ «احادیث مالک»؛ «الرقائق»؛ «کرامات الاولیاء»؛«معجم الشیوخ»؛ «غسل الجمعه»؛ «القراآت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۱ / ۶)، انساب سمعانی (۱۹۰ -۱۸۹ / ۴)، تاریخ بغداد (۲۷۰ / ۱)، سیر النبلاء (۱۵ -۶ / ۱۶)، شذرات الذهب (۳۸۱ -۳۸۰ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۶۳ -۳۶۲)، العبر (۸۲ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۲۶ / ۸)، الوافی بالوفیات (۴۱ / ۲)، هدیه العارفین (۴۳ / ۲).

عضدالدوله، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۹ -۱۲۳۴ ق)، مورخ. معروف به موچول‌میرزا و ملقب به عضدالدوله. پس از طی تحصیلات اولیه، در عهد پادشاهی پدر، حکومت کاشان به پیشکاری علی محمدخان نظام‌الدوله به وی تفویض شد. از ۱۲۷۰ ق در زمان پادشاهی پدر به حکومت شهرهای مختلفی رسید. مدتی نیز تولیت آستان مقدس قدس روضی با او بود. اثر وی «تاریخ عضدی» است، در شرح زندگانی خصوصی فتحعلی‌شاه که در هندوستان و ایران چاپ شده است. لازم به ذکر است که آقای دکتر نوایی، در کتاب «تاریخ عضدی»، سال تولد وی را ۱۲۳۹ ق ذکر کرده است.[۱]

(ع. بازوی دولت) احمد میرزا بن فتحعلی شاه، شاهزاده قاجاری و از رجال قر. ۱۳ ه. وی پدر سپهسالار وجیه‌الدوله میرزا (ه.م.) و مؤلف «تاریخ عضدی» است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ عضدی (۲۲۴ -۲۲۲)، الذریعه (۲۶۵ / ۳)، شرح حال رجال (۷۴ -۷۳ / ۲)، فرهنگ رجال قاجار (۱۲۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عضدالدله)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۵ -۴۲۴ / ۱).

عطاملک جوینی، علاءالدین، ابوالمظفر عطاء ملک

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۸۳ / ۶۸۱ -۶۲۳ ق)، مورخ و ادیب. ملقب به صاحب دیوان. وی از خاندان بزرگ صاحب دیوانان جوینی است که در قرن پنجم و ششم و هفتم همواره متصدی مشاغل بزرگ دولتی بودند. از جوانی وارد کارهای دیوانی شد و به خدمت امیر ارغوان آقا، حکمران خراسان، پیوست، و دوبار به همراه وی به مغولستان سفر کرد و درای سفرها به احوال مغولان آشنایی پیدا کرد. در ۶۵۴ ق که هولاکوخان مغول به خراسان آمد، عطاملک به او پیوست و در جنگ‌های وی با اسماعیلیان الموت و با خلیفه‌ی عباس در بغداد همراه او بود. پس از از چندی از جانب هولاکو به حکومت عراق عرب منصوب شد و حدود بیست سال در این مقام بود. پس از مرگ هولاکو به سعایت مجدالملک یزدی مدتی گرفتار شد. چون آزاد شد در اران یا مغان درگذشت و پیکر او را به تبریز آوردند و در آنجاه به خاک سپردند. از مآثر وی: کشیدن نهری از فرات به جنوب غربی نجف. از آثار علمی وی: «تاریخ جهانگشای»، در سه مجلد در شرح ظهور چنگیزخان و احوال و فتوحات وی و تاریخ خوارزمشاهیان و حکام مغولی ایران و فتح قلاع اسماعیلیه و شرح جانشینان حسن صباح؛ «تسلیه الاخوان»؛ رساله‌ای در تکمیل «تسلیه الاخوان»؛ «دیوان» شعر.[۱]

جوینی، ملقب به علاءالدین بن بهاءالدین محمد، برادر شمس‌الدین محمد صاحب دیوان، از رجال و مورخان معروف اوایل دوره مغول (و. ۶۲۳- ف. ۶۸۱ ه.ق.) وی از آغاز جوانی وارد کارهای دیوانی شد و از عمال امیر ارغون آقا حکمران خراسان گردید. عطاملک چند بار در خدمت امیر ارغون به قراقوم پایتخت مغولستان سفر کرد و در ضمن همین سفرها درباره احوال مغول و یورتهای اصلی ایشان اطلاع کافی به دست آورد و برای نوشتن تاریخ خود مواد لازم را فراهم کرد. وی در سال ۶۵۴ به توسط امیر ارغون به هلاکو معرفی شد و نزد او تقرب یافت. پس از فوت هلاکو وی و برادرش صاحب دیوان سبب رونق دولت اباقا بودند و عطاملک حکومت بغداد و عراق یافت. مجدالملک مکرر از عطاملک نزد خان مغول سعایت می‌کرد و موجب مزاحمت او و دیگر افراد خاندان جوینی را فراهم می‌ساخت و در نتیجه عطاملک به حبس افتاد ولی با وساطت شاهزادگان و خوانین مغول در ۶۸۰ از حبس نجات یافت و مورد نوازش اباقا قرار گرفت. دشمنان خاندان جوینی باز از پای ننشستند ولی نتیجه نبردند. چون تگودار به سلطنت رسید، حکومت بغداد و عراق را کما فی‌السابق به عطاملک واگذاشت. وی مؤلف تاریخ «جهانگشای جوینی» است. عطاملک این تاریخ را در سال ۶۵۵ ه.ق.- یعنی مقارن تاریخ فتح قلاع اسماعیلیه به دست هلاکو به انجام رسانید. غالب وقایعی را که جوینی راجع به دوره چنگیزی در کتاب خود آورده از معمرانی که با آن ایام هم عصر بوده‌اند شنیده و ضبط نموده و از معتبران مغول نیز کسب اطلاع می‌کرده و گویا از بعضی از نوشته‌های مغول هم استفاده کرده است. تاریخ جهانگشا چنانکه خود مؤلف تقسیم کرده شامل سه جلد است: جلد اول تاریخ شروع کار چنگیزخان و یاساهای چنگیزی و تاریخ قوم اویغور و فتوحات چنگیز در ماوراءالنهر و خراسان و انقراض سلسله خوارزمشاهیان و سلطنت اگتای و گیوک و احوال جوجی و جغتای، جلد دوم در تاریخ سلاطین خوارزمشاهی و قراختاییان و حکام مغول ایران، جلد سوم در تاریخ منگوقاآن و اردوکشی هلاکو به ایران و شرح تاریخ اسماعیلیه تا سال ۶۵۵ که بیشتر قسمت اخیر مقتبس از کتاب «سرگذشت سیدنا» است و شرحی که در باب فتح بغداد منسوب به خواجه نصیر طوسی است غالبا به عنوان ذیل جلد سوم به آخر نسخه‌های جهانگشا الحاق شده. انشاء کتاب مزبور بلیغ و از لحاظ

احتوا بر اطلاعات نفیس کم‌نظیر است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۲۸۸ –۲۸۶ / ۱)، از سعدی تا جامی (۹۲ –۹۰، ۳۵ –۲۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۱۳ –۱۲۰۹ / ۳)، تاریخ جهان‌گشای جوینی (۱/ یا– فه)، تاریخ مغول (۴۸۶ –۴۸۵)، تاریخ نظم و نثر (۱۳۶، ۹۴)، حبیب السیر (۳/ صفحات متعدد)،دایره‌المعارف فارسی (۱۷۴۳ / ۲)، دستور الوزراء (۲۹۵ –۲۶۷)، الذریعه (۷۲۸ / ۹، ۳۰۰ / ۵، ۲۴۸ –۲۴۷ / ۳)، ریحانه (۴۴۴ / ۱)، سبک‌شناسی (۱۰۰، ۵۳ –۵۱ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸ –۹۷ / ۷)، گنج و گنجینه (۳۵۴ –۳۴۶)، لغت‌نامه (ذیل/ عطاملک جوینی)، مجمع الفصحا (۸۷۷ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷ –۷۵ / ۴). هدیه العارفین (۶۶۵ / ۱).

عظیمی، فخرالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فخرالدین عظیمی در سال ۱۳۳۲ در شهر تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات تکمیلی خود را بعد ازدانشگاه تهران در لندن پی گرفت و در سال ۱۹۸۵ موفق به اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه آکسفورد لندن گردید او هم اکنون در دانشگاههای کانتیکات آمریکا مشغول تدریس است. دکتر عظیمی از اندیشمندان پرمایه تاریخ نگاری معاصر ایران است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : تاریخ معاصر ایران

تحصیلات رسمی و حرفه ای : – ورود به دانشگاه تهران و تحصیل دررشته حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه – اخذ مدرک لیسانس با رتبه نخست از دانشکده حقوق و علوم سیاسی – عزیمت به لندن و تحصیل در رشته علوم سیاسی دانشگاه لندن – اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه آکسفورد لندن ۱۹۸۵

فعالیتهای آموزشی : فخرالدبن عظیمی از سال۹۱ در دانشگاه کنتیکت آمریکا مشغول به تدریس است و دانشیار گروه تاریخ دانشگاه کانتیکات آمریکا از سال ۱۹۹۵ است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : فخرالدین عظیمی از پایه گذاران رشته ایران شناسی در دانشگاه کلمبیا است.

آرا و گرایشهای خاص : فخرالدین عظیمی درباره مناقشات فکری و کارایی فلسفه در جامعه ایران معتقد است: «در ایران جذبه و رعبی که نسبت به فلسفه وجود دارد نسبت به شاخه های دیگر معرفت وجود ندارد. شاید یکی از پیامدهای این وضع این است که در ایران برخی از اهل فلسفه معنای پیشین خود را از دست داده است و شاخه های مختلف علم از جمله علوم اجتماعی ــ انسانی پدید آمده اند و بسیاری تبیین های جالب، پرسشهای اساسی و نظریه های کارآمد در حوزه های علوم اجتماعی و انسانی مطرح می شود و نه در حوزه فلسفه. گذشته از این فلسفه بیش از آنکه پاسخ های قانع کننده پدید آورد پرسشهای استوار و اساسی در میان می نهد و راههای گوناگون پاسخ دادن به این پرسشها را بررسی می کند. اگر پاسخ معینی به عنوان تنها پاسخ ممکن مطرح شود و جای پرسش و گفت وگوی بیشتر نباشد دیگر کار چندانی برای اهل فلسفه باقی نمی ماند. این سخنان به هیچ وجه به معنای انکار اهمیت فلسفه و نقش اساسی آن در کمک به تعمق فکری و روشنگری نیست. هر دانشجوی جامعه و تاریخ باید به فلسفه به عنوان مهمترین یاور درک و طرح پرسشهای اساسی بنگرد. البته از نظر من آن مشربهای فلسفی که فهم مسائل پیچیده اجتماعی ــ سیاسی

و فرهنگی و شیوه تحلیل این مسائل را تسهیل نکنند یا امکان طرح پرسشهای مهم مربوط به زندگی اجتماعی را فراهم نسازند و به پرورش ذهنی نقاد و ورزیده کمک نکنند، در خور توجه زیاد نیستند. متأسفانه در ایران برداشت برخی کسان از فلسفه و از راهیابی مشکلات جامعه موجب شده است خیال کنند کلید فهم و حتی حل مسائل کشور را مثلاً باید در فلسفه هگل یا فیخته یا فیلسوفان دیگر دید ولی به گمان من این شیوه نگرش به فلسفه و به مسائل ایران نگران کننده و مایه شگفتی است.» عظیمی در عین حال نقش دانشگاهها را در پیشبرد فلسفه در جامعه ایرانی مورد انتقاد قرار می دهد: «متأسفانه دانشگاههای ما نقش قاطعی در نضج بینش تحلیلی و گسترش دانش فلسفی در کشور ایفا نکرده اند و حتی بهترین ترجمه های متون فلسفی هم اغلب در خارج از حوزه دانشگاهها انجام شده است. دوم اینکه فلسفه دانان این کشور اغلب از دانشهایی مانند تاریخ وانسان شناسی که برای مباحثات و کاوشهای فلسفی خلاق اهمیتی اساسی دارند، غفلت کرده اند. به گمان من میزانی از اعتقاد به موجبیت فرهنگی معقول و تلطیف شده و توجه به زمینه تاریخی و فرهنگی اندیشه ها، برای تفکر فلسفی بسیار مهم است. البته در اروپا نیز برخی از فیلسوفان از توجه به نقش تاریخ و فرهنگ غافل مانده اند و طبعاً برخی هم راه افراط پیموده اند و مثلاً کارایی مفاهیم را تنها محدود به حوزه فرهنگی خود آنها دانسته اند. شاید بتوان گفت کمابیش اغلب فیلسوفان نسبت به فرهنگ و چارچوب تاریخی ـ فرهنگی اندیشه ها و مفاهیم بی توجه بوده اند و گمان کرده اند که می توان اصولی انتزاعی را یافت که به همه فرهنگها و سرزمین ها قابل تسری باشد و ریشه در هیچ فرهنگ و سرزمینی هم نداشته باشد. این بی تفاوتی درباره تفاوتهای فرهنگی به همان اندازه در خور سرزنش است که تقلیل کارایی همه مفاهیم و مقولات به زمینه فرهنگی خاص و به حوزه زبانی که آنها را پدید آورده است.»

جوائز و نشانها : فخرالدین عظیمی که از سال ۹۱ در دانشگاه کنتیکت آمریکا مشغول به تدریس است، برنده جایزه تحقیقات عالی و نیز عضو برگزیده انستیتو پژوهش های علوم انسانی آن دانشگاه نیز هست و به راستی که از اندیشمندان پرمایه تاریخ نگاری معاصر ایران است.

چگونگی عرضه آثار : فخرالدین عظیمی علاوه بر مقالات متعدد در زمینه های تاریخ تحلیلی معاصر و علوم سیاسی، در کار تألیف نیز سابقه درخشان دارد و گرچه کتب تألیفی اش را به زبان انگلیسی می نگارد اما از ترجمه آن به زبان فارسی نیز دریغ نمی کند و علاوه بر مخاطبان بین المللی کنجکاو در مسائل خاورمیانه و تاریخ معاصر ایران، نظر مخاطبان و دانشجویان و استادان ایرانی را نیز به آثار خویش معطوف داشته و نظر آنان را نیز جلب کرده است. کتاب «بحران دموکراسی در ایران» او از جمله این آثار است. فخرالدین عظیمی همچنان که به کار تألیف آثار خویش می پردازد، از کار مؤلفین دیگر نیز بی خبر نمی ماند و در نقش مخاطب و حتی منتقد آثار مولفین دیگر در حوزه تاریخ نیز حضوری پررنگ دارد. نمونه این حساسیت او را می توان در نقد جامعی که بر کتاب «جمهوری سوسیالیستی شورایی در ایران» نوشته خسروشاکری نگاشته دنبال کرد. وی که سالهاست تحقیقات تاریخی خود را بر روی سیاست، اجتماعی و فرهنگ اجتماع مدرن ایران متمرکز کرده، چندسالی است که به تاریخ و فرهنگ سیاسی ایران در میان دوانقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی می اندیشد و در این حوزه می نگارد و می اندیشد. ----------------------------
----

آثار :

۱ بحران دموکراسی در ایران

ویژگی اثر : تالیف دکتر فخرالدین عظیمی به زبان انگلیسی ترجمه توسط عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری سال ??توسط نشر البرز در تهران منتشر شد.

۲ حاکمیت ملی و دشمنان آن

ویژگی اثر : الیف دکتر فخرالدین عظیمی به زبان انگلیسی ترجمه به فارسی در سال ????توسط نشر نگاره آفتاب. دکتر عظیمی»،

در کتاب خود کوشش کرده است تصویری از تلاشهایی به دست دهد که از یک سو برای به کرسی نشاندن حاکمیت ملی ایران و از سوی دیگر برای دست نیافتنی کردن این هدف و برانداختن دولت «مصدق» صورت گرفت. او همچنین به بررسی نیروهای درگیر، اهمیت نسبی آنها و پیوندهای ستیزه گران بومی و بیگانه پرداخته و جنبه هایی از کارنامه سیاسی دولت «مصدق» را نیز بررسی نموده است. بررسی نقش، ترکیب و انگیزه های یاران «مصدق» و بویژه مخالفان او، ارزیابی قلمرو یا حوزه اقتدار و امکانات و دشواریهای گوناگونی که وی در روزگار نخست وزیری پیش رو داشت، از جمله مباحث دیگری هستند که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده برای تدوین این کتاب، از تازه ترین سندها و منابعی که از آرشیوهای انگلستان و آمریکا یا از منابع ایرانی به دست آمده استفاده کرده است و از برشمردن نکاتی که بارها درباره آنهانوشته شده پرهیز کرده است.

علامه، میرحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید میر حسین علامه در سال ۱۳۵۲ در اصفهان بدنیا آمد.وی دارای دکتری تاریخ اسلام و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : تاریخ اسلام

والدین و انساب : پدر سید میر حسین علامه ،حضرت ایه الله سید ضیا ءالدین علامه فرزند حضرت آیه الله سید حسن فانی یزدی و مولف بیش از ۵۰ جلد کتاب است. نام مادر محترمشان خانم اعظم دکتر مجدی است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید میر حسین علامه علاوه بر درجه اجتهاد دارای کارشناسی مهندسی کامپیوتر -نرم افزار و دکتری تاریخ اسلام می باشد.

استادان و مربیان : از استادان و مربیان سید میر حسین علامه می توان به چند تن از آنها اشاره کرد: حضرت آیه الله علامه - حضرت آیه الله فاضل لنکرانی- حضرت آیه الله جوادی تبریزی -حضرت آیه الله صافی -حضرت آیه الله مکارم شیرازی -حضرت آیه الله مظاهری- حضرت آیه الله امامی - حضرت آیه الله جوادی آملی - دکتر نعمت بخش و دکتر آئینه وند

همسر و فرزندان : سید میر حسین علامه متاهل و دارای همسر به نام آزاده السادات داوری و دارای فرزند بنام سیده زهرا علامه می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید میر حسین علامه مدیر گروه دانشگاه هنر اصفهان و مدیر مرکز تحقیقات علوم اسلامی و رایانه می باشد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید میر حسین علامه بنیاد فرهنگی آل یاسین (ع) را پایه گذاری کرد. ---------
----

آثار :

۱ بلوزالیسم دینی و نقد آن

ویژگی اثر : تالیف

۲ تاکتیکهای قرآنی پیرامون روابط اجتماعی

ویژگی اثر : تالیف

۳ جوان ،پاکدامن و تمناهای کاذب

ویژگی اثر : تالیف

۴ شرایط الخیار فی الفقه اسلامی

ویژگی اثر : تالیف

۵ فرآیند تکامل شیعه در قرن سوم هجری (ری - بغداد - قم و خراسان)

ویژگی اثر : تالیف

۶ فروغ ضیاء

ویژگی اثر : تالیف

۷ مدیریت جذب نبوی بر اساس آموزه های قرآنی

ویژگی اثر : تالیف

۸ نفس در قرآن

ویژگی اثر : تالیف

۹ هنر خوباوری

ویژگی اثر : تالیف

۱۰ وجدان اخلاقی

ویژگی اثر : تالیف

۱۱ ویژگیهای هنر ازدیدگاه قرآن

ویژگی اثر : تالیف

منابع زندگینامه :

۱تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر سید میر حسین علامه بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی -زمستان ۱۳۸۵

علویان، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی علویان

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۴/۱

]زندگینامه علمی

اینجانب مرتضی علویان در سال ۱۳۶۴ دیپلم خود را در رشته اقتصاد با معدل کتبی ۱۶/۰۶ در یکی از دبیرستانهای اخذ نمدم که در سال ۱۳۶۵ علیرغم پذیرفته شدن در دانشگاه مازندران رشته اقتصاد ، دانشگاه رضوی مشهد وهمچنین مراکز دیگر راهی حوزه علمیه قم شدم و درس حوزه را آغاز نمودم که تا سال ۱۳۷۱ دروس سطح را با میانگین بالایی از نمره طی نمودم .

از سال ۱۳۷۳ همزمان با شرکت در درس خارج تحصیلات دانشگاهی در رشته علوم سیاسی را نیز آغاز کرده و با گذراندن کارشناسی و همچنین کارشناسی ارشد علوم سیاسی را دانشگاه باقرالعلوم ع اخذ نمودم. در کنار فعالیتهای علمی از سال ۷۷-۱۳۷۶ مشغول تدریس در دانشگاههای تهران، بین المللی امام خمینی ، علامه و مازندران شدم که البته از مهر ۱۳۸۱ به عنوان هیات علمی دانشگاه مازندران مشغول بکار شدم. در کنار مطالعات حوزوی و دانشگاهی دارای تالیفات و مقالاتی در موضوعات مختلف می باشم

عمادالدین کاتب اصفهانی، ابوعبدالله محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۹۷ -۵۱۹ ق)، مورخ، ادیب و نویسنده. ملقب به عماد و کاتب اصفهانی. معروف به این اخی العزیز. در اصفهان به دنیا آمد و در همین شهر نشوونما یافت. در جوانی به بغداد رفت و در مدرسه‌ی نظامیه به آموختن علم پرداخت و در فقه شافعی و فنون ادب و شعر سرآمد شد. سپس به دمشق رفت و به سلطان نورالدین محمود زنگی پیوست و متصدی دیوان انشاء گردید. وی به دو زبان فارسی و عربی می‌نوشت. او در مدتی که در دمشق بود صلاح‌الدین ایوبی را نیز می‌ستود و مورد علاقه‌ی او بود و به همین مناسبت مقامش نزد نورالدین بالاتر رفت و در زمان مستنجد عباسی، به عنوان پیامگزار از دمشق به بغداد رفت و پس از بازگشت به دمشق در مدرسه‌ای که به نام خود او خوانده می‌شود (مدرسه‌ی عمادیه) به عنوان مدرس منصوب شد. اما وی مورد سعایت دشمنان قرار گرفت و کار بر او تنگ شد و ناچار از دمشق به موصل رفت و در آنجا بیمار شد. ولی به محض شنیدن خبر رسیدن صلاح‌الدین ایوبی به دمشق، مجددا به آن شهر بازگشت و در همان شهر درگذشت و در مقابر صوفیه دفن شد. از آثار وی: «خریده القصر و جریده العصر»،در ده مجلد؛ «الفتح القسی فی الفتح القدسی» یا «القدح القسی فی الفتح القدسی» یا «الفیح القسی فی الفتح لقدسی»، گزارشی از فتح شام و فلسطین به وسیله‌ی صلاح‌الدین؛ «البرق الشامی، در تاریخ، در هفت مجلد؛ «دیوان» شعر، در چهار مجلد؛ «نصره الفتره و عصره الفطره» یا «نصره الفتره و عصره القطره»، در تاریخ سلاجقه‌ی عراق؛ «السیل علی الذیل»، در سه مجلد، در تاریخ بغداد؛ «العتبی و العقبی»؛ «نحله الرحله».[۱]

(بخش ۱) کاتب، محمد بن محمد صفی‌الدین بن نفیس‌الدین حامد بن اله مکنی به ابوعبداللّه، ملقب به عمادالدین کاتب اصفهانی مورخ و ادیب و نویسنده (و. اصفهان ۵۱۹ ه.ق./ ۱۱۲۵ م.- ف. دمشق ۵۹۷ ه.ق/ ۱۲۰۱ م.) وی در جوانی به بغداد رفت و به فرا گرفتن فقه و ادب مشغول گردید، و سپس به خدمت وزیر عون‌الدین بن هبیرهٔ رسید و از طرف او نظارت امور بصره و واسطه را عهده‌دار شد و چون عودالدین درگذشت، کار وی روی به ادبار نهاد لذا آهنگ دمشق کرد و در آنجا از طرف سلطان نورالدین به استخدام دیوان انشاء درآمد. سپس نورالدین او را به روزگار المستنجد جهت رسالت روانه‌ی بغداد ساخت و چون نورالدین فوت کرد عمادالدین به صلاح‌الدین پیوست، و پس از مرگ وی در دمشق اقامت گزید و تا آخر عمر از مدرسه خویش که عمادیه نام

داشت دست نکشید. او را تألیفات بسیار است از جمله: خریدهٔ القصر در ده مجلد، قسم شعراء مصر در دو جزوه، البرق الشامی، الفتح القسی فی الفتح القدسی، دیوان رسائل، دیوان شعر، السیل علی الذیل در تاریخ بغداد، نصرهٔ الفترهٔ و عصرهٔ الفطرهٔ در اخبار دولت سلجوقی که آن را فتح بن علی بنداری در یک جزوه مختصر نموده و زبدهٔ النصرهٔ و نخبهٔ العصرهٔ نامیده است و کتاب اخیر به نام تواریخ آل سلجوق نیز مشهور می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۵۴ -۲۵۳ / ۷)، ایضاح المکنون (۶۲۹ -۹۲ / ۲)، تذکره القبور (۴۵۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۶۷ / ۲)، ریحانه (۲۰۱ -۲۰۰ / ۴)، سیر النبلاء (۳۵۰ -۳۴۵ / ۲۱)، شذرات الذهب (۳۳۳ -۳۳۲ / ۴)، العبر (۱۲۰ / ۳)، کشفاالظنون (۲۰۴۹ ، ۱۹۵۶ ، ۱۳۱۶، ۱۱۰۳، ۹۵۴، ۸۰۳، ۷۰۲ -۷۰۱ ، ۲۸۸، ۲۳۹)، الکنی و الالقاب (۴۸۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عمادالدین کاتب)، معجم الادباد (۲۸ -۱۱ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۲۰۵ -۲۰۴ / ۱۱)، النجوم الزاهره (۱۶۰ -۱۵۹ / ۶).

عمادزاده‌ی اصفهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۸۴ ش)،مورخ، مدرس و نویسنده. در اصفهان به دنیا آمد. از همان طفولیت با علم و علما آشنا شد و در حوزه‌ی اصفهان به کسب علم و تلمذ از علمای بزرگوار آن روز، چون آیات عظام سیدعلی نجف‌آبادی، شیخ محمود مفید، میرزا علی شیرازی، شیخ محمد حکیم خراسانی، سید صدرالدین کوهپایه‌ای و حاج‌میرزا رضا کلباسی پرداخته و به کسب اجازات روایتی از علمای بزرگ آن زمان همچون آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوه‌کمری، شیخ محمدرضا مظفر، سید یونس اردبیلی و نیز شیخ آقا بزرگ تهرانی و شخصیتهای علمی دیگر نایل آمد. عمادزاده به تدریس در محیطهای آموزشی و دانشگاه رغبت فراوان نشان می‌داد او از ابتدای تحصیلات خود علاقه فراوانی به تألیف و تحقیق و نشر فرهنگ و معارف اسلامی و خدمت به اهل‌بیت (ع) داشت و همواره به دنبال هدف خویش بود. ثمر و حاصل تلاش وی بیش از صد و بیست تألیف درباره‌ی موضوعات مختلف است. از آن جمله: ترجمه و تفسیر قرآن کریم؛ «صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه، زبور آل محمد»؛ «تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم»؛ «زندگانی حضرت رسول (ص) پیشوای اسلام»؛ «تاریخ مفصل اسلام»؛ «معراج»؛ «زندگانی علی بن ابی‌طالب (ع)»؛ «فاطمه الزاهراء (ع)»؛ «شرح خطبه‌ی غدیر»؛ «شرح زندگانی هر یک از حجج معصومین (ع)» یا «مجموعه‌ی زندگانی چهارده معصوم (ع)»؛ «زندگانی حضرت مجتبی (ع)»؛ «زندگانی حضرت خامس آل‌عبا ابی‌عبدالله سیدالشهداء (ع)»؛ «تاریخ عاشورا، عاشورا چه روزیست»؛ «زندگانی حضرت ابوالفضل، قمر بنی‌هاشم (ع)»؛ «زندگانی حضرت علی‌اکبر و علی‌اصغر »؛ «زندگانی زینب کبری»، ترجمه؛ «تاریخ جغرافیایی مکه»؛ «تاریخ جغرافیایی کربلا»؛ «بستان الادب»؛ «جهان اسلام، اسلام در جهان»؛ «مکتب اسلام»؛ «زندگانی علی بن موسی الرضا (ع)»؛ «منتقم حقیقی، مهدی قائم صاحب العصر و الزمان (عج)»؛ مقالات متعدد در روزنامه‌ها و مجلات.[۱]

مؤلف، محقق.

تولد: ۱۲۸۴ (۸ ذی الحجه ۱۳۲۵ ق.)؛ اصفهان.

درگذشت: ۱۲ فروردین ۱۳۶۹، تهران.

حسین عمادزاده‌ی اصفهانی، فرزند حجت‌الاسلام احمد عمادالواعظین، در حوزه‌ی اصفهان از علمای آن روز چون آیات عظام سید

علی نجف‌آبادی، محمود مفید، علی واعظ شیرازی، محمد حکیم خراسانی، سید صدرالدین کوهپایه‌ای، محمدرضا کلباسی کسب فیض کرد. وی دارای اجازه‌ی روایتی از علمای آن زمان همچون آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید محمد بهجت کوه‌کمره‌ای، محمدرضا مظفر، سید یونس اردبیلی بود.

حسین عمادزاده‌ی اصفهانی دارای آثار بسیاری است که برخی از آنها به شرح زیر است: بستان الاداب (برای سال پنجم و ششم متوسط، ۱۳۰۹)؛ جهان اسلام و اسلام در جهان، ترجمه و تفسیر قرآن کریم؛ تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم (۱۳۳۴)؛ تاریخ مفصل اسلام (جلد اول، ۱۳۳۷)؛ شرح خطبه‌ی غدیر؛ زندگانی حضرت رسول (ص) پیشوای اسلام (۱۳۲۸)؛ تاریخ عاشورا، عاشورا چه روزی است (زندگانی حضرت سیدالشهداء، ۱۳۲۱)؛ زندگانی حضرت ابوالفضل العباس (ع)؛ قمر بنی‌هاشم (۱۳۲۱)؛ زندگانی حضرت علی‌اکبر و علی‌اصغر (۱۳۵۶ ق.)؛ زندگانی زینب کبری (شیخ جعفر نقدی، ترجمه، ۱۳۲۳)؛ زندگانی حضرت خامس آل عبا ابی‌عبدالله- سیدالشهداء (۱۳۷۴ ق.)؛ زندگی حضرت سجاد (۱۳۳۸)؛ زندگانی علی بن ابی‌طالب (۱۳۳۱)؛ زندگانی حضرت مجتبی (۱۳۳۷)؛ زندگانی حضرت علی بن موسی‌الرضا (۱۳۳۵)؛ رجال اسلام (شامل شرح حال قریب بیست هزار نفر از رجال علمی و ادبی اسلام)؛ تاریخ جغرافیایی کربلا (۱۳۲۶)؛ راهنمای حاج، تاریخ جغرافیایی مکه (۱۳۲۷)؛ صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه زبور آل محمد (۱۳۳۴)؛ فاطمهٔ‌الزهراء (۱۳۳۶)؛ مجموعه‌ی زندگانی چهارده معصوم (دو جلد، ۱۳۳۱ -۱۳۳۰) دوره‌های مجله‌ی «خرد».

وی علاوه بر تحقیق و تألیف و نیز تدریس در دانشگاه مقالاتی نیز برای روزنامه‌ها و مجله‌ها می‌نوشت.

وی در سال ۱۳۱۵ در تهران ساکن شد و در پنجم ماه رمضان (دوازدهم فروردین سال ۱۳۶۹) درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۵۲)، کیهان فرهنگی (س ۷، ش ۳، ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۱ - ۲ / ۸۲۹).

عودی، ستار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر ستار عودی درسوم خرداد ۱۳۳۳ه.ش در بغداد متولدشد. تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در مدارس عراق گذراند. و در پانزدهم اسفند ۱۳۵۰ ه.ش به همراه خانواده، همانند بیش از پانصد هزار ایرانی دیگر توسط حکومت یعنی صدام حسین، از عراق اخراج شدند. وی بین سالهای ۱۳۵۴ـ ۱۳۵۲ ه.ش به انجام خدمت نظام وظیفه با درجه گروهبان درلشکر ۷۷خراسان پرداخت و بعد از انقلاب اسلامی به اشتغال در چند شرکت خصوصی و از سال ۱۳۶۴ه.ش در وزارت راه و ترابری مشغول به کار شد. در فروردین ۱۳۶۷تا کنون ۱۳۸۳ به عنوان مترجم، دبیر و سر دبیر خبر عربی مشغول به کار است. وی دارای مدرک دکترای تاریخ و تمدن اسلامی است.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : تاریخ تمدن اسلامی والدین و انساب : ستار عودی در سال ۱۳۳۳ در خانواده مردی ایرانی به نام غلام از زنی به نام سلیمه متولد شد.خاطرات کودکی : ستار عودی که کودکی و نوجوانی خود را در اطراف کاظمین سپری کرد و گرچه خاطرات زیادی از آن روزگار در ذهن ندارد، آنجا را به سبب رونق مراسم های مربوط به عاشورا در آن روزگار همواره به یاد می آورد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر ستار، شغل آزاد و نسبتا مرفه و جزو طبقه متوسط اجتماعی بود. ستار نیز در کنار یک خواهر و پنج برادر خود (به نامهای سهام، جلال، کمال، خالد، سالم و حافظ) تا سال ۱۳۵۰ از زندگی خوبی برخوردار بوده اند . تا اینکه در دیماه ۱۳۵۰ دولت عراق دار اینهای آنان را ضبط کرد.تحصیلات

رسمی و حرفه ای : ستار عودی دیپلم خود را در شهر ری دریافت کردو از سال ۱۳۶۴ دررشته زبان انگلیسی وارد دانشگاه تهران شد، در سال ۱۳۶۹ نیز لیسانس ادبیات فارسی را از دانشگاه پیام نور احراز کرد و در سال ۱۳۷۴ فوق لیسانس تاریخ و تمدن ملل اسلامی و در سال ۱۳۸۰ مدرک دکتری خود را در همان رشته از دانشگاه تهران دریافت کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : ستار عودی در کنار تحصیل، به گذراندن یک دوره خبرنگاری و نیز یک دوره دیپلم عالی بازرگانی از لندن (از طریق نامه نگاری) نائل آمده است . در کنار اینها در جاده کرج مشغول به کار بوده است و گاه از فرط خستگی برسر کلاس به خواب می رفته است.فعالیتهای ضمن تحصیل : ستار عودی در حین تحصیل علاوه بر اشتغال و تحصیل در چندین مقطع و رشته، به چندین جلسه علمی در خارج کشور رفت و نیز برای بنیاد دایره المعارف اسلامی بزرگ مقالاتی تهیه می کرد. همچنین مدتی را به فراگیری زبان فرانسه و اسپانیول مشغول بود.استادان و مربیان : خانم دکتر برزگر و دیگر استادان، به ویژه استادان رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از استادان ستار عودی بوده اند. از آن جمله اند: استاد دکتر اسعدی، استاد دکتر حسین قره چانلو، دکتر نصیریان، دکتر هادی عالم زاده و دکتر نورالله کسائی.هم دوره ای ها و همکاران : ستار عودی نام همدوره ای ها و همکاران روزگار تحصیل خود را به سبب سپری شدن زمان و وقوع بسیار در زندگی او به خاطر نمی آورد.همسر و فرزندان : ستار عودی در ۱۹ شهریور ۱۳۶۰ه.ش با دختر خاله خود به نام بتول آهنگری ازدواج کرد و حاصل این ازدواج سه فرزند به نامهای علی متولد ۱۳۶۱، حیدر ۱۳۶۴، و محمد ۱۳۷۱ می باشند.وقایع میانسالی : روزگار میانسالی ستارعودی به تحصیل دررشته تاریخ تمدن و ملل اسلامی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران و نیز اشتغال در بخش عربی اخبار جمهوری اسلامی ایران، و نیز به عنوان مترجم و دبیر می گذرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ستار عودی مشاغل گوناگونی چون مدیر امور فروش، مدیریت امور انبارها، استادی زبان انگلیسی درنیروی هوایی، استاد زبان عربی در دانشکده وزارت امور خارجه، استاد در دانشگاه های تهران و دانشگاه امام صادق(ع) و سردبیر خبر بین المللی عربی در خبر گذاری جمهوری اسلامی ایران را تجربه نموده است.فعالیتهای آموزشی : ستار عودی سابقه درخشانی در تدریس داشته است که عبارت است از: استادیار رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشگاه امام صادق. استادیار رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشکده فرهنگ اسلامی و ارتباطات (شاخه تاریخ تشیع) . استاد مدعو در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از ۱۳۷۸ تا کنون ۱۳۸۳. استاد ناظر بر رساله های دانشجویان در دانشکده خبر عضو هیات علمی بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی . کارشناس امور خبری در بخش بین المللی خبر گذاری جمهوری اسلامی ایران. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ستار عودی در دانشگاههای مختلف در تهران به تدریس و نیز مطالعه و تحقیق مشغول است. و نیز سر دبیری خبر بین المللی بخش عربی را بر عهده دارد.شاگردان : ستار عودی چنانکه خود نوشته است شاگردان بسیاری را طی یک دهه آموزش تربیت کرده است که برخی از آنان مسئولیت های مهمی را عهده دار می باشند.آرا و گرایشهای خاص : تز دکتری ستار عودی تحت عنوان« تاریخ دولت اغلبیان در افریقیه (تونس) در قرن سوم هجری »پس از پنج سال تحقیق صورت گرفته است. وی با توجه به تسلط بر زبانها عربی و انگلیسی و فارسی و دانستن زبانهای فرانسه و اسپانیایی منابع گسترده ای در این باره را شناسایی و مطالعه کرده است.جوائز و نشانها : جایزه بهترین مقاله دایره المعارفی برای مقاله «تاریخ نگاری در شمال آفریقا» ۱۳۸۳/۱۱/۱۵چگونگی عرضه آثار : ستار عودی بیش از ۵۰مقاله علمی به بنیاد دایره المعارف اسلامی تقدیم کرده است که در جلد ششم دانشنامه جهان اسلام هفت مقاله از آن به چاپ رسیده است . از این گذشته وی تعدادی مقاله برای دایره المعارف بزرگ اسلامی نوشته است که در حال چاپ می باشند. و نیز پنج مقاله درباره شخصیتهای عرب قدیم از جمله بشار بن بردو مجله اول در فرهنگستان زبان وادب فارسی زیر چاپ است . دو مقاله در جمله ماهنامه دینی و یک مقاله در مجله ریحانه و یک مقاله در دایره المعارف زنان، حدود ۱۰۰مدخل برای دایره المعارف جدیدی بر سبک و سیاق دایره المعارف مصاحب دردست چاپ دارد.آثار : ایران یک شریک تجاری ویژگی اثر : این کتاب در رشته بازرگانی و ترجمه ای است از زبان انگلیسی به عربی که در اجلاس

سران کشورهای اسلامی به نمایش گذاشته شد و دومین چاپ آن نیز منتشر شده است .۲ تاریخ آل مظفر ویژگی اثر : این کتاب خلاصه ای است به زبان ساده که از کتب پیچیده روزگار پس از ایلخانان استخراج شده و توسط موسسه اهل قلم ـ میراث مکتوب در حال چاپ است.۳ تاریخ دولت اغلبیان در افریقیه (تونس) درقرن سوم هجری ویژگی اثر : عنوان فوق،شامل تز دکتری ستار عودی بود که پس از پنج سال تحقیق و مطالعه بیش از ۷۰۰ منبع به پایان رسیده و در موسسه امیر کبیر در زیر چاپ است.۴ زندگینامه شاه عباس دوم ویژگی اثر : این کتاب خلاصه ای است با نثری روان که برای مخاطبین جوان تهیه شده است این اثر خلاصه ای است از منابع مربوط به عصرصفوی که در موسسه اهل قلم ـ میراث مکتوب در حال چاپ می باشد.۵ سرگرمیهای ریاضی ویژگی اثر : ترجمه کتابی سرگرم کننده در رشته ریاضی است که در موسسه علمی ـ فرهنگی وابسته به وزارت علوم زیر چاپ است.

منابع زندگینامه : اظهارات و نوشته های ستار عودی

عیسی زاده، ولی الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ولی الله عیسی زاده

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ ه . ش وارد دبستان دولتی روستای رزکه از توابع بخش مرکزی شهرستان آمل شدم، و تا پایان دوره ابتدایی که مدرسان و معلمان سپاه دانش مربی ما بودند در همان مدرسه اشتغال به تحصیل داشته و از امتیازات بالایی برخوردار بودم.دوره راهنمایی را همزمان با مبارزات انقلابی مردم آمل در این شهر آغاز کردم و سال سوم راهنمایی را در مدرسه معتمدی (شهید سقاعلیزاده) با موفقیت به پایان رساندم.

دوره متوسطه را در دبیرستان امام خمینی(ره) آمل شروع کردم که با درگیری منافقان در این شهر همزمان بود، سپس در سال ۱۳۶۴ با اخذ مدرک دیپلم در رشته اقتصاد راهی جبهه شدم و در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه مسجد هاشمی آمل شدم.آن‌گاه در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم و همزمان با تحصیل در حوزه وارد موسسه امام خمینی(ره) شده و دوره عمومی آن را در سال ۱۳۷۸ به پایان رسانده و مدت ۲ سال برای خدمت به طلاب و آشنایانی با اهل سنت به حوزه علمیه منتظریه گنبد کاووسی مهاجرت کردم و در این مدت ضمن مدیریت و تدریس در فعالیت‌های فرهنگی و علمی منطقه فعال بودم و در دانشگاه آزاد شهرستان آزاد شهر تدریس می‌کردم.سپس در سال ۱۳۸۱ به قم مهاجرت کردم و در موسسه اسراء که تحت اشراف حضرت آیت الله جوادی آملی است به تحقیق مشغول شدم و در ضمن فعالیت‌های علمی در موسسه به تالیف کتاب و مقاله و تدوین پایان‌نامه مشغول شدم که همچنان به فضل الهی ادامه دارد.در ضمن در تمامی این مدت (از زمانی که ملبس به لباس مقدس روحانیت شدم

۱۳۷۰) تا به حال در سه مقطع تبلیغی رمضان، محرم و صفر به این امر مهم مشغول هستم. از سال ۱۳۷۵ نیز در خدمت گذاری خدمت زائران محترم حرمین شریفین و عتبات عالیات فعال هستم.

غفاری قزوینی، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۵ ق)، شاعر. وی مرد فاضل و نیکوقریحه‌ای بوده و از تاریخ نیز سررشته داشته است. در پایان عمر به زیارت خانه‌ی خدا رفت و در راه بازگشت به سرای باقی شتافت. از آثارش: تاریخ «نگارستان»؛ «تاریخ جهان‌آرا».[۱]

(منسوب به عبدالغفار) (قاضی) احمد بن محمد قزوینی، دانشمند و مورخ (ف. ۹۷۵ ه.ق) وی از اعقاب عبدالغفار قزوینی عالم معروف مؤلف کتاب الحاوی الصغیر بود و پدرش قاضی محمد در شهر ری سمت قضا داشته. احمد مردی فاضل و منشی و شاعر و خوش خط و مورخ بود و در نزد امرا و شاهزادگان صفوی محترم می‌زیست و مدتی در دستگاه سام میرزا مقیم بود و در آخر به عزم حج عازم مکه شد ولی در مراجعت در بندر دیبال سند درگذشت. وی مؤلف دو تاریخ است: تاریخ نگارستان، جهان آرا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۱۵۰ / ۳)، الذریعه (۳۰۹ -۳۰۸ / ۲۴ ،۵۹ / ۹ ،۲۴۶ / ۳)، عالم‌آرای عباسی (۹۹ ،۸۲ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۶۷۰)، هفت اقلیم (۱۷۸ / ۳).

غفوری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد غفوری

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد غفوری متولد ۱۳۵۰ و تحصیل کرده حوزه و دانشگاه تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را در مشهد گذراندم و پس از آن به قم آمده و دروس حوزه را از اواخر دهه ۶۰ آغاز کردم. پس از پایان دروس مقدمات و سطح نزد اساتید متعدد، در مقطع خارج اشتغال یافتم. در سال ۱۳۷۹ در کنار دروس حوزه، در رشته تاریخ وارد دانشگاه شدم و پس از اخذ مدرک کارشناسی، در سال ۱۳۸۴ در مقطع کارشناسی ارشد و در گرایش" تاریخ اسلام "پذیرفته شدم و هم اکنون در حال نگارش پایان نامه فوق لیسانس هستم. هم

چنین دوره تخصصی تاریخ اسلام را طی دو سال(۱۳۷۹-۱۳۷۷) در مرکز تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم(زیر مجموعه دفتر تبلیغات اسلامی) به پایان بردم.از سال ۱۳۸۰ تا کنون به عنوان پژوهشگر در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مشغول هستم و از سال ۱۳۸۱ مدیریت اجرایی "فرهنگ نامه مولفان اسلامی "را بر عهده دارم. در طی این مدت شخصیت نگاری مولفان پنج قرن نخست هجری به پایان رسیده و قرن ششم در دستور کار قرار دارد و جلد اول فرهنگ نامه شامل مولفان سه قرن نخست هجری آماده انتشار است. علاوه بر نگارش شماری از مقاله ها کنترل علمی و بازخوانی بسیاری از مقالات فرهنگ نامه را هم انجام داده ام.

غنجار بحاری، ابوعبدالله محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۱۲ -۳۳۷ ق)، حافظ، محدث و مورخ. اهل بخارا بود و محدث آنجا. از خلف بن محمد خیام و سهل بن عثمان سلمی و ابوعبید احمد کرمینی و ابراهیم ملاحمی و بسیاری دیگر از علماء و محدثین دیارش حدیث شنید. هناد نسفی و گروهی دیگر از شاگردان وی بودند. غنجار در بخارا درگذشت و در مقبره‌ی حوض فدام دفن شد. از آثارش: «تاریخ بخارا»؛ «فضائل الصحابه»، تصنیفی در «فضائل الاربعه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۵ / ۶)، انساب سمعانی (۳۱۲ -۳۱۱ / ۴)، سیر النبلاء (۳۰۵ -۳۰۴ / ۱۷)،شذرات الذهب (۱۹۶ / ۳)، طبقات الحفاظ (۴۱۳)، العبر (۲۲۱ / ۲)، کشف الظنون (۱۲۷۶، ۲۸۶)، معجم الادباء (۲۱۴ -۲۱۳ / ۱۷)، معجم المؤلفین (۱۰۵، ۷ / ۹)، الوافی بالوفیات (۶۰ / ۲)، هدیه العارفین (۶۱ / ۲).

فارسی نیشابوری، ابوالحسن عبدالغافر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۲۹ -۴۵۱ ق)، حافظ، محدث، لغوی، ادیب، مورخ و فقیه شافعی. از طرف پدر نوه‌ی شیخ بزرگ ابوحسین فارسی نیشابوری و از طرف مادر نوه‌ی شیخ ابوالقاسم قشیری است. او در نیشابور به دنیا آمد. نزد امام الحرمین جوینی اصول علم حدیث و فقه آموخت و از پدرش، اسماعیل، و مادرش، ام‌رحیم، دختر قشیری و جدش ابوالقاسم عبدالکریم قشیری و جده‌اش، فاطمه دختر ابوعلی دقاق، و دو دایی‌اش ابوسعد و ابوسعید، فرزندان قشیری، و احمد بن منصور مغربی و احمد بن عبدالرحیم اسماعیلی و احمد بن حسن ازهری و خلقی کثیر، احادیث بسیار استماع کرد، و در علوم مذهبی سرآمد گشت و به غزنه و هند و خوارزم مسافرت کرد و بزرگان را دیدار نمود و از ابومحمد جوهری و ابوسعد کنجرودی و ابوبکر محمد طبری اجازه دریافت کرد. ابوسعد عبدالله بن عمر صفار آخرین کسی است که از وی حدیث روایت کرده است. او را فقیهی محقق و فصیحی خوش‌زبان و ادیبی کامل توصیف کرده‌اند. وی خطیب نیشابور گشت و سرانجام در نیشابور درگذشت. از آثارش: «مجمع الغرائب فی غریب الحدیث»؛ «السیاق»، در تاریخ

نیشابور که تکمله‌ای بر کتاب «تاریخ نیشابور» حاکم نیشابوری است؛ «المفهم»، شرح «غرایب صحیح مسلم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۷ / ۴)، روضات الجنات (۲۲ / ۸)، ریحانه (۲۷۳ –۲۷۲ / ۴)، سیر النبلاء (۱۸ –۱۶ / ۲۰)، شذرات الذهب (۹۳ / ۴)، العبر (۴۳۶ –۴۳۵ / ۲)، کشف الظنون (۱۶۰۲، ۱۰۱۱، ۵۵۸، ۳۰۸)، الکنی و الالقاب (۶۷ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن)، معجم المؤلفین (۲۶۷ / ۵)، وفیات الاعیان (۲۲۵ / ۳)، هدیه العارفین (۵۸۷ / ۱).

فاضلی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد فاضلی

محل تولد : بیارجمند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۳

زندگینامه علمی

پس از گذراندن دوران کودکی به فراگیری قرآن مجید، ادبیات فارسی و دروس ابتدائی (حساب و هندسه) پرداخت در سال ۱۳۵۱ در سیزده سالگی به حوزه عملیه گرگان (مدرسه علمیه صالحیه) در محضر اساتید وقت از آن جمله آیت الله حاج سیّد علی رئیسی به آموختن ادبیات (صرف میر، تصریف، عوامل) همت برگماشت؛ سپس در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم مشرف شد و سطوح را در محضر حضرات آیات حاج شیخ محمد علی مدرس (ره) (صمدیه و سیوطی) ،حاج شیخ فخر الدین وجدانی (ره) (شرح لمعه و مکاسب شیخ انصاری) ،حاج شیخ مصطفی اعتمادی (معالم و رسائل شیخ انصاری) و آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده (ره) (کفایتین) را فرا گرفت. و از سال ۱۳۶۳ به درس خارج حضرات آیات عظام حاج شیخ جعفر سبحانی، حاج شیخ میرزا جواد آقا تبریزی (ره)، آیت الله وحیدی خراسانی و حضرت آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی(ره) حاضر شد و از محضر آنان توشه ها برگرفت و در کنار آن به تدریس، تالیف، تحقیق و تأسیس دست یازید.

در ایام تحصیل و تحقیق خود در دانشگاه نیروی انتظامی تهران و پرندك رباط کریم تدریس می کرد؛ دروسی که وی تدریس می کرد عبارت بودند: متون اسلامی، اخلاق، معارف و احکام تخصصی

بیش از ۱۵ سال سابقه تبلغی در ایام محرم و صفر و ماه رمضان که بیش از ۱۴ ماه آن در جبهه های نبرد حق علیه باطل بوده است.

فاضلی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، مورخ. در تهران به دنیا آمد. از پانزده سالگی به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و مدت هشت سال آموزگار بود.

پس از چندی وارد اداره‌ی آموزش متوسطه شد و به سمت دبیری در دبیرستانهای تهران منصوب گردید. وی مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود: تصدی دایره‌ی تعلیمات متوسطه در اداره‌ی تعلیمات مرکزی، معاونت دبیرستان انوشیروان دادگر. اثر وی: «تاریخ ملل مشرق و یونان»،به مشارکت بهمن کریمی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۴۳ / ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۵۶ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۹ -۱۸۸ / ۳).

فاطمی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن فاطمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۵در شهر قم متولّد شدم. سال ۱۳۶۰پس از اتمام کلاس اول دبیرستان در رشته علوم تجربی، با ثبت نام در مدرسه آیت الله گلپایگانی (امام مهدی فعلی) وارد حوزه علمیّه شدم. تحصیلات را در این مدرسه تا ابتدای شرح لمعه فرا گرفتم و از آن پس به صورت آزاد تحصیلات را ادامه دادم. از حدود سال ۱۳۷۰ در درس خارج حاضر شدم و به مدّت ۵ سال ادامه دادم و از آن پس به فعالیتهای تحقیقی با تدوین مقاله و کتاب روی آوردم. ضمن تحصیلات حوزوی دروس دبیرستان را در رشته فرهنگ و ادب ادامه دادم. سال۱۳۶۹ با معادل لیسانس از حوزه در مقطع فوق لیسانس در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق در دانشگاه آزاد اسلامی اراک پذیرفته شدم. به دلیل رسمیت نداشتن مدرک حوزوی، مقطع لیسانس را نیز در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث فرا گرفتم. نظر به اینکه با موافقت ریاست کل دانشگاه آزاد واحدهای بیشتر از معمول را می توانستم انتخاب کنم در سال ۱۳۷۲ هر دو مقطع را به پایان رساندم. تا کنون ۴ کتاب وحدود ۱۵۰ مقاله اعم از بی امضاء یا با امضای خودم یا با نام مستعار از اینجانب چاپ شده است.

فامی هروی، ثقه‌الدین ابونضر، ابونصر عبدالرحمان

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۶ -۴۷۲ ق)، حافظ، محدث، ادیب و مورخ. اهل هرات بود و محدث آنجا. از ابواسماعیل خواجه عبدالله انصاری و محمد بن علی عمیری و نجیب بن میمون واسطی و قاضی و ابوعامر ازدی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. در کهولت به حج رفت و از هبه‌الله بن علی بخاری و ابوالقاسم بن حصین حدیث شنید. ابن‌عساکر و سمعانی و ابوروح عبدالمعز بزاز و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. سمعانی گوید که او دارای شناخت کافی در حدیث و ادب بود و اخلاقی نیکو داشت. از آثارش کتاب «تاریخ هرات» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۳۴۳ / ۴)، سیر النبلاء (۲۹۹ -۲۹۷ / ۲۰)، شذرات الذهب (۱۴۰ / ۴)، طبقات الحفاظ (۴۷۱)، معجم المؤلفین (۱۴۳ / ۵)، النجوم الزاهره (۲۹۰ / ۵)، هدیه العارفین (۵۱۸ / ۱).

فراشبندی، علیمراد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، مورخ، نویسنده و روزنامه‌نگار. در برازجان به دنیا آمد. دوره‌ی ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان فرخی برازجان به پایان رساند. در ۱۳۱۸ ش در اداره‌ی فرهنگ بنادر جنوب وارد خدمت شد و در برازجان به تدریس مشغول گشت. در ۱۳۲۴ ش به اداره‌ی فرهنگ شیراز منتقل شد. در ۱۳۳۱ ش امتیاز روزنامه‌ی «خانه‌ی ملت» را گرفت. از آثار وی: «تاریخ و جغرافیایی برازجان»؛ «دکتر مصدق یا جرج واشنگتن ایران»؛ «نظری به گذشته‌ی ایران»؛ «ایران و ایرانیان»؛ «آمریکاییها را بشناسید»؛ «زندانهای من»؛ «تاریخ مختصر سلسله‌ی قاجاریه»؛ «انگلیسیها را بهتر بشناسید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۰۹ -۷۰۷ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۱ -۶۰۰ / ۴).

فرامرزی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۸ ش)، مورخ، مترجم، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در روستای کچویه فرامرزان از توابع لارستان فارس به دنیا آمد. در ده سالگی همراه پدر به بحرین عزیمت نمود و در آنجا مقدمات فقه شافعی و نحو را در خدمت پدر آموخت. بعد از مراجعت به ایران به دلیل پیوستگی پدرش با مشروطه‌خواهان مجددا مجبور به ترک وطن و عزیمت به بحرین شد. فرامرزی در بحرین مدتی به تجارت مشغول گشت و در ۱۳۰۱ ش به همراه برادرش به تهران سفر کرد. در ۱۳۲۴ ش مدیریت کل وزارت دارایی را به عهده گرفت. او چند دوره نیز به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید. وی در ۱۳۰۶ ش به همراه برادرش مجله‌ی «تقدم» و بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش روزنامه‌ی «خاور» را تأسیس و منتشر کرد. از آثار او: «چرا فرانسه شکست خورد»،ترجمه؛ «نتایج سیاسی جنگ بین‌المللی اول»، ترجمه؛ «انگلیسی‌ها در انگلستان»، ترجمه؛ «تاریخ تشکیلات سیاسی و قانونی و قضایی و اقتصادی»، ترجمه؛ «تاریخ بصره»؛ «تاریخ کویت».[۱]

فرزند شیخ عبدالواحد لاری در ۱۲۶۵ در قریه گجویه از بلوک فرامرزیان لارستان به دنیا آمد. مقدمات زبان فارسی و عربی را نزد پدر خود فراگرفت. در سن جوانی به مشروطه‌خواهان پیوست و با نیروهای استبدادی مبارزه نمود. حاصل این مبارزات یک سال زندان بود. فرامرزی پس از استخلاص از زندان به اتفاق برادرش عبدالرحمن به بحرین رفت و کار معلمی را پیشه‌ی خود ساخت و چون هر دو برادر روح سرکشی داشتند و در آنجا به مبارزاتی دست زدند که ناچار به ایران آمدند.

احمد فرامرزی مدتی در وزارت امور خارجه مترجم زبان عربی بود. چندی در وزارت راه و چند سالی هم در دادگستری شاغل مقاماتی شد. مدتی هم مدیرکل وزارت دارائی بود.

در ۱۳۰۸ ش در تهران مجله‌ی علمی و ادبی و تحقیقی تقدم را انتشار داد و دانشمندانی چون تقی‌زاده و جمال‌زاده عضو هیئت تحریریه آن مجله بودند. پس از ۱۳۲۰ نامه‌ی هفتگی سیاسی و اجتماعی خاور را منتشر نمود و مدتی هم روزنامه‌ی آینده‌ی ایران را می‌نوشت. در دوره‌ی پانزدهم از بوشهر به وکالت مجلس انتخاب شد و در ادوار هفدهم و هیجدهم نیز وکیل مردم بوشهر در مجلس بود. مرحوم فرامرزی ادیب و دانشمند و محقق بود. تحقیقات دامنه‌داری درباره‌ی تاریخ و جغرافیای خلیج‌فارس نموده که قسمتی از آن به چاپ رسیده است. به زبان و ادبیات عرب تسلط وافی داشت. در اسفندماه ۱۳۴۰ در ۷۳ سالگی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۳۴ -۱۳۲ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۴ -۷۰ / ۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۵۷ -۵۶ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۱ -۴۳۰ / ۱).

فرجی سلطان آبادی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اینجانب علی اکبر فرجی سلطان آباد هشترودی درسال ۱۳۲۶هجری شمسی درقریه گنجینه کتاب ازتوابه هشترود آذربایجان شرقی دریک خانواده اهل علم به دنیا آمدم. تمام تحصیلات علوم دینی من تا لمعتین نزد مرحوم پدرم بود (که ازعلما و وعاظآن منطقه به شمار می رفت) ودرسال ۱۳۴۹به قم منتقل شده وپس ازآشنائی با وضع دروس حوزه همزمان با تحصل مکاسب وکفایه دردارالتبلیغ اسلامی نیز مشغول تحصیل شدم که درسال ۱۳۵۴سطح راتمام کرده واز دارالتبلیغات اسلامی فارغ التحصیل شدم. مدت ۲سال در دارالزهراء مشغول تدریس دررشته های تفسیر قرآن، تاریخ اسلام وادبیات فارسی بودم. بعدا چون به تحقیق علاقه مند بودم باچند نفر ازرفقا لجنه تحقیقی تشکیل دادیم وکتاب نفیس وبسیار ارزشمند مرحوم سید هاشم بحرانی بنام (غایه المرام وحجه الخصام) را زیر نظر مرحوم آیه الله آقای سید رضا صدر شروع به تحقیق وپاورقی نمودیم ونزدیک به ۴ سال این کار بطول انجامید که الحمد لله الآن ۳جلد چاپ شده وبقیه زیر چاپ است (چاپ اول ۱۴۲۵ق ۱۳۸۳ش نشر دانش حوزه) مقاله ای ازاینجانب درباره اصلاحات ارضی که پاسخی به یک نویسنده بود درروزنامه اطلاعات شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۵۹به چاپ رسیده ضمنا چون اینجانب طبع شعر هم دارم اشعار زیادی به آذری وفارسی سروده ام که یکی ازاشعارم بعنوان (البلاءللولاء) درآخرین شماره مجله مکتب اسلام چاپ شده است البته چون اینجانب واعظ ومنبری هستم فعلا اغلب فعالیتم دراین زمینه است

اللهم وفقنا لما تحب و ترضی علی اکبر فرجی هشترودی

۲۲/۲/۸۶

فرخ، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۴ ق)، مورخ و نویسنده. ملقب به متین السلطنه و معتصم السلطنه. سیزده ساله بود که لقب متین السلطنه و فرمان مستوفی گری از مظفرالدین شاه گرفت. پس از پایان تحصیلات خود در مدرسه‌ی علوم سیاسی، در وزارت خارجه مشغول خدمت شد. وی پس از آن عهده‌دار مشاغل مختلفی گردید و به استانداری و وزارت و سفارت رسید و مدتی سناتور شد. از آثار وی: «تاریخ مختصر افغانستان»؛ «نظری به مشرق»، تاریخ سیاسی افغانستان؛ «یک سال در چین»؛ «خاطرات سیاسی فرخ»؛ «شجره‌ی خبیثه».[۱]

فرزند سیدمحمد سادات تهرانی است که در ۱۳۳۳ ه.ق لقب معتصم‌السلطنه گرفت. تاریخ تولد فرخ را ۱۳۰۴ ه.ق نوشته‌اند. پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه به مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی راه یافت و دوره‌ی مدرسه‌ی مزبور را قبل از مشروطیت پایان داد و به خدمت در وزارت امور خارجه درآمد. در اداره‌ی تذکره و دفتر وزارتی مشغول کار شد. سپس ماموریت قفقاز گرفت و چندی در باطوم و گنجه نایب‌قنسول بود. در ۱۳۳۱ ه.ق به عنوان کارگزار مامور خدمت در تربت‌حیدریه شد و در انتخابات دوره‌ی سوم قانونگزاری از طرف مردم تربت‌حیدریه به مجلس رفت. مجلس سوم به علت جنگ بین‌الملل اول و مهاجرت نمایندگان و تشکیل حکومت موقت در کرمانشاه بیش از یک سال به طول نیانجامید.

فرخ مجددا به وزارت خارجه رفت و سرحددار سیستان گردید و پس از مدتی کارگزار گیلان شد و پس از دو سال ریاست اداره‌ی تحریرات روس در وزارت خارجه به عهده‌ی او واگذار گردید. پس از کودتای ۱۲۹۹ با سمت کارگزاری کل عازم خراسان شد. فرخ در این ماموریت از دوستان و نزدیکان کلنل محمدتقی‌خان پسیان شد و در قیام او مشارکت داشت. پس از شهادت مرحوم کلنل، فرخ مدتی تحت تعقیب حکومت مرکزی قرار گرفته و به بیرجند رفت. اعتبارنامه‌ی وی در دوره‌ی چهارم در مجلس رد شد. در ۱۳۰۲ در کابینه‌ی مشیرالدوله به ریاست حسابداری وزارت امور خارجه رسید و سپس مدیرکل مالی آن وزارتخانه شد.

در ۱۳۰۵ با سمت وزیرمختار به افغانستان رفت و مدت دو سال در آن کشور اقامت داشت. فرخ در این ماموریت موفق گردید قرارداد و عهدنامه‌ی بی‌طرفی دو دولت را به امضاء برساند. شغل بعدی فرخ معاونت وزارت معارف است. در آن تاریخ اعتمادالدوله قره‌گوزلو وزیر معارف بود.

مسئله‌ی توسعه‌ی مدارس و تعمیم فرهنگ در سرتاسر کشور و موضوع اعزام دانشجو به خارج از برنامه‌های اصلی وزارت معارف بود. وجود معاون فعال و پرتحرکی چون فرخ در آن تاریخ ضرورت داشت. فرخ در سمت معاونت وزارت معارف نایب‌التولیه مدرسه عالی سپهسالار نیز بود. در ۱۳۱۰ وزارت اقتصاد منحل شد و سه اداره کل بوجود آمد که عبارت بود از اداره‌ی صناعت، اداره‌ی فلاحت، اداره‌ی تجارت، فرخ به ریاست اداره کل صناعت رسید. روسای این ادارات در حکم وزیر بودند و در مجلس حضور می‌یافتند. پس از مدتی کوتاه، امور مربوط به اداره کل فلاحت هم با فرخ گردید.

در ۱۳۱۴ فرخ به حکومت رضائیه منصوب شد و دو سال بعد مجددا رئیس اداره کل صناعت شد و پس از چند روز اداره‌ی صناعت به وزارت صناعت تبدیل شد و فرخ وزیر صناعت ایران گردید.

مدتی کوتاه در مقام وزارت صناعت باقی بود تا اینکه جای خود را ابتدا به فروهر و بعد به منصورالملک داد. در ۱۳۱۹ استاندار فارس و بنادر شد و در شهریور ۱۳۲۰ به استانداری کرمان و بلوچستان تغییر ماموریت یافت. در ۱۳۲۱ از کرمان احضار شد و در تیرماه ۱۳۲۱ در کابینه‌ی سهیلی به وزارت کشور رسید. هنوز یک ماه از وزارت کشور او نگذشته بود که کابینه‌ی سهیلی دچار بحران گردید و کنار رفت.

قوام‌السلطنه بـه جـای سـهیلی به زمامـداری رسـید. وضـع نابسامـانی غله‌ی کشـور، وجـود وزارتخـانه‌ی خاصـی را ایجـاب می‌نمـود. نخسـت‌وزیر لا‌یحه‌ی تاسـیس وزارت خواروبـار را بـه مجلس برد و سـید مهـدی فرخ را بـه ایـن سـمت بـه مجلس معرفی نمـود. در انتخابـات دوره‌ی چهـاردهم قـانونگزاری، فرخ کاندیـدای نماینـد‌گی مجلس شـورای ملی شـد و از طرف مردم زابـل و سیسـتان به نمایند‌گی انتخاب شد. در همین دوره چند بار مسـئله‌ی نخست‌وزیری و ریاست مجلس وی پیش آمد که جامه‌ی عمل نپوشـید. فرخ در این دوره علیه سهیلی و تدین به علت دخالت در انتخابات اعلام جرم کرد که هر دو پس از محاکمه در دیوان کشور تبرئه شدند. در اواخر دوره‌ی چهـاردهم که آذربایجـان وضـع خاصـی یـافته بود، حکیمی نخست‌وزیر فرخ را به اسـتانداری آذربایجـان شـرقی و غربی در نظر گرفت و فرمان او صادر شـد ولی اوضاع و احوال سیاسـی آن روز امکان انجام این ماموریت را به فرخ نداد و دولت او را مجددا به استانداری فارس فرستاد. فرخ در ۱۳۲۷ در دولت هژیر به سـمت سفیرکبیر ایران در چین تعیین شد. فکر اعزام سفیرکبیر به چین در دولت حکیم‌الملک پیش آمد و عبدالحسـین هژیر نامزد این سـمت بود و یک هفته قبل از نخست‌وزیری خود قرار بود به این مـاموریت اعزام شـود که از طرف مجلس به نخست‌وزیری رسـید و طبعـا پست سـفارت ایران به سـید مهـدی فرخ تعلق گرفت و مـدت یـک سـال در آن کشور اقـامت داشت.در حکومت منصورالملک در ۱۳۲۹ در شـرایط و محیـط خاصـی، فرخ به ریاست کل شهربانی منصوب شد و با زمامداری رزم‌آرا سـرتیپ دفتری به این سـمت منصوب شد و فرخ به عنوان سـناتور انتصابی آذربایجان به مجلس سـنا رفت و بـا لوایحی که بـدون مطـالعه یا به عنوان انتقام از افراد در مجلس هفـدهم به تصویب می‌رسـید، در سـنا مخالفت می‌کرد.

در ۱۳۳۴ برای بار سوم به اسـتانداری فارس رفت و یک سال بعـد اسـتاندار خراسان شـد و مدتی در این سـمت باقی بود تا به تهران احضار گردید و دیگر از آن تاریخ شغلی به وی ارجاع نگردید.

سیدمهـدی فرخ در دوره‌ی پنجم سـناتور انتصـابی تهران گردیـد. فرخ قریب نیم‌قرن به طور متوالی مصـدر مشاغل و مقامات مختلف بـوده است، در عمر سیاسـی خود هفت مرتبه اسـتاندار و پنـج نوبت وزیر و سه دوره سـناتور و دو دوره نماینـده‌ی مجلس و دو دفعه سفیرکبیر بوده است. فرخ در تمام مدت خدمات خود در کارها قاطعیت داشته، با قدرت و انضباط خاص امور مربوطه را اداره نموده است.

وی در اواخر عمر به انتشـار خـاطرات زنـد‌گانی سیاسـی خـود پرداخت. گذشـته از اینکه این خـاطرات لا‌یحه‌ی دفـاعیه‌ی زنـد‌گانی سیاسـی او بود، به افرادی که در طول حیات خود با آنها مناسـباتی نداشته است، انتقام‌گیری محسوب می‌گردد. فرخ این خاطرات را در کمال بی‌پروائی و یک جانبه به رشته‌ی تحریر درآورده و در حقیقت تحریف تاریخ است. او در ۸۸ سالگی در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۳ –۵۸ / ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۴۶، ۷۱۴ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶ / ۴۱۷– ۴۱۸).

فرزانه، حافظ

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حافظ فرزانه

محل تولد : لیلان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حافظ فرزانه متولد ۱۳۵۰ در شهر لیلان از توابع استان آذربایجان شرقی به دنیا آمدم. بعد از آتش بس جنگ ایران و عراق بنا بر اینکه به فضای جبهه و بسیجیها عادت کرده بودم و با آنها مأنوس بودم و در آن روز هیچ جا مثل حوزه فضای معنوی را نداشت و تنها حوزه بود که فضای جبهه را تداعی می کرد، بنا بر این در سال تحصیلی ۱۳۶۸-۱۳۶۹ با تشویق حضرت استاد باقری بنابی مسئول حوزه ولیعصر بناب وارد همان حوزه شدم و در مدت ۵ سال موفّق به اتمام شرح لمعه (پایه شش) شدم. بلافاصله در همان سال وارد حوزه علمیّه قم شدم، مکاسب را در محضر حضرت استاد وجدانی و رسائل را در محضر استاد حسینی تهرانی تلمذ کردم. بعد از اتمام آنها کفایه را در محضر استاد اعتمادی که آخرین دوره تدریس کفایه ایشان بود به اتمام رساندم، بعد از پایه نهم و هم عرض دیگر دروس در مرکز تربیت محقق و نویسنده در گرایش تاریخ اسلام پذیرفته شدم. در دو سال موفق به فارق التحصیلی از آن مرکز شدم، بنا بر علاقه ای که به نهج البلاغه داشتم ۳ سال تمام بدون تعطیلی تابستان و دیگر مناسبتها در محضر استاد صدر کریمی به تلمذ نهج البلاغه پرداختم و از بوستان گل و دریای در نشان حضرت امیر(ع) و کلمات گهربار ایشان خوشه چینی کردم. در این سه سال موفق به اتمام این کتاب نورانی شدم به طوری که با تلاش استاد به سبک و سیاق و لحن کلام امیر سخن حضرت علی (ع) آشنا شدم. ضمن حفظ دو سوّم نهج البلاغه می توانستم کلمات نهج البلاغه و احادیث حضرت علی (ع) را در بین کلمات و احادیث دیگر تشخیص دهم بنا بر این با تشخیص استاد خود به تحقیق در جوانب مختلف نهج البلاغه پرداختم مخصوصاً نقد تاریخی خطبه شقشقیه و برخی خطبه ها. به لطف حضرت امیر (ع) مجموعه خوبی در این موضوع به دست آمد و شواهد تاریخی خطبه شقشقیه را جمع آوری کردم که امیدوارم در آینده به چاپ رسد. در طول سالهای تحصیلی ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ به مدت ۴ سال به پیشنهاد و اصرار و تشویق جمعیّت تعاون اسلامی و رئیس هیئت مدیره آن، حضرت آیهٔ الله غیوری در شهرستان بیجار مسئولیت حوزه علمیّه را به عهده گرفتم و بعد از ۴ سال بنا بر علاقه ای که به تحقیق و پژوهش داشتم موفق به برگشت و مراجعت به شهر مقدس قم شدم و در موضوعات تاریخی و مهدویت به تحقیق و پژوهش می پردازم که تا امروز ادامه دارد. بنده مقالات زیادی به چاپ رسانده و دو کتاب در دست چاپ دارم و فرهنگ جامع متمهدین(مدعیان مهدویت و نبوت و امامت) را با همکاری و مشارکت یکی از دوستانم در دست تألیف داریم که امیدوارم با الطاف غیبی حضرت ولیعصر(عج) موفق به اتمام شویم.

فرشته استرآبادی، محمد قاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۹۶۰ ق)، مورخ و ادیب. وی در استرآباد به دنیا آمد. در اوایل جوانی به همراه پدر به هند رفت و در احمدنگر مستقر گردید. پدرش تعلیم فرزند نظامشاه را به عهده گرفت. فرشته نیز وارد دربار نظامشاه شد و تا مقام ریاست نگهبانان سلطنتی ارتقاء یافت. وی چنان که در مقدمه‌ی کتابش می گوید، از احمدنگر خارج شد و به دربار عادل‌شاه در بیجاپور رفت و از طرف سلطان ابراهیم ثانی،

عادل‌شاه (۱۰۳۵ -۹۸۷ ق) مأمور نوشتن تاریخی درباره‌ی سلاطین هند شد و آن را با استفاده از کتابهای زیادی در ۱۰۱۵ ق به پایان رسانید و به نام سلطان ابراهیم «گلشن ابراهیمی» نام نهاد. در همین سال از جانب عادل‌شاه به سفارت نزد جهانگیر پادشاه (۱۰۳۷ - ۱۰۱۴ ق) به لاهور رفت و مدتی در آنجا ماند و در این فرصت نیز مطالبی به آن کتاب افزود. از آثار وی «تاریخ فرشته»، است که این کتاب را در ابتدا به نام ابراهیم عادل‌شاه نگاشت و آن را «گلشن ابراهیمی» نامید، سپس نگارش کتاب را تجدید کرد و این بار آن را «نورس‌نامه» نامید ولی عاقبت به «تاریخ فرشته» شهرت یافت. از دیگر آثارش «دستور الاطباء»، معروف به «اختیارات قاسمی»، در پزشکی است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۱۱ -۱۷۰۹ / ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۳۳ -۷۳۲ / ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۶۱۷)، الذریعه (۳۶۹ / ۲۴ ،۲۲۳ / ۱۸ ،۸۲۴ / ۹ ،۱۵۰ / ۸ ،۲۷۳ -۲۷۲ / ۳)، ریحانه (۳۲۹ -۳۲۸ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۵۸ -۲۷۵۷ / ۲).

فرهودی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۵ ش)، مورخ، مترجم و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات عالی در مدرسه‌ی علوم سیاسی و دانشکده‌ی حقوق در ۱۳۱۴ ش وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و چند سال بعد ریاست فرهنگ مازندران را به عهده گرفت. بعد از آن مشاغل مختلفی را عهده‌دار شد، از جمله: ریاست دبیرستان، کفالت اداره‌ی اوقاف، ریاست دفتر وزارتی، ریاست دانشکده‌ی کشاورزی. در ۱۳۲۲ ش به نمایندگی ملجس انتخاب گردید. از آثار وی: «تاریخ قرن نوزدهم»، ترجمه؛ «دوره‌ی تاریخ عمومی»؛ «راههای پیشرفت اقتصادی»، ترجمه؛ «فروغ زندگی، پرورش افکار سالمندان و دانش‌آموزان».[۱]

در ۱۲۸۵ تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه‌ی عالی سیاسی شد و درجه‌ی لیسانس گرفت. خدمات اداری را از وزارت فرهنگ آغاز کرد. چندی رئیس دفتر وزارتخانه بود، بعد رئیس اداره تعلیمات سالمندان و رئیس تعلیمات عمومی شد. در تالیف کتب درسی هم مداخله داشت. در دوره‌ی چهاردهم در ۱۳۲۲ از دزفول به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. در دوره‌ی پانزدهم توفیقی پیدا نکرد. چندی سمت مشاوری در وزارت فرهنگ داشت تا اینکه در ۱۳۲۶ هنگام نخست‌وزیری ابراهیم حکیمی، به معاونت پارلمانی و اداری نخست‌وزیر تعیین گردید. در انتخابات دوره‌ی شانزدهم مجددا از دزفول انتخاب گردید و در تصمیمات خود در مجلس از دکتر مصدق پیروی می‌کرد و در آراء خود نظر استصوابی او را می‌گرفت. به همین دلیل مورد توجه او قرار گرفت و به دوران نخست‌وزیری‌اش او را با سمت وزیرمختار رایزن اقتصادی ایران در ایتالیا نمود. فرهودی در این سمت با حکومت مصدق همراهی و همکاری داشت مقالاتی در تایید دکتر مصدق در مطبوعات خارج و داخل انتشار می‌داد. در اواخر حکومت مصدق، با کسب مرخصی به تهران آمد. روزنامه‌های باختر امروز و اطلاعات را اداره می‌کرد. تمام مقالات تند روزنامه‌ها به قلم او بود. پس از ۲۸ مرداد از شغل خود به طور موهن و زننده‌ای برکنار شد. به تهران آمد و به حال انزوا می‌زیست. سرانجام سوراخ دعا را پیدا کرد. دولت از سر تقصیرات او گذشت و به وی شغلی دادند و به معاونت پارلمانی وزارت کشور منصوب شد. چند سالی در آنجا بود تا کنار رفت. چندی بیکار ماند تا اینکه در انتخابات انجمن شهر تهران با کمک حزب ایران‌نوین به عضویت انجمن برگزیده شد. در نخستین جلسه به اتفاق‌آراء رئیس انجمن شهر شد و بین وی و شهردار وقت تهران نزدیکی و دوستی زیادی

ایجاد شد و به غالب کشورهای درجه اول دنیا مسافرت کردند.

فرهودی از زمانی که در اروپا اقامت داشت، در دانشگاه سورین ثبت‌نام نمود و دکترای اقتصاد دریافت کرد. وی مردی دانشمند و محقق بود. از جوانی با مطبوعات همکار داشت. عباس مسعودی مدیر روزنامه‌ی اطلاعات در روزهای آخر زمامداری دکتر مصدق، روزنامه را به فرهودی سپرده بود و خود در اروپا به سر می‌برد. فرهودی مقالات تندی علیه شاه و به نفع مصدق انتشار می‌داد. بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، فرهاد دادستان فرماندار نظامی وقت، عباس مسعودی را برای ادای توضیحات به دفتر خود احضار کرد و علت انتشار آن مقالات را جویا شد. چون جواب قانع‌کننده‌ای نتوانست دریافت کند، او را مورد ضرب و شتم قرار داد و اهانتها به او کرد. از تالیفات ایشان تاریخ عمومی ایران را در سه جلد، ترجمه‌ی تاریخ قرن نوزدهم در دو جلد، و ترجمه‌ی کتاب راه‌های پیشرفت اقتصادی را می‌توان نام‌برد. وی مدتها در دانشسرای عالی جغرافیای اقتصادی تدریس می‌کرد. فرهودی داماد وحیدالملک شیبانی بود.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۴۶۸ -۱۴۶۷ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۹ -۸۳۸ / ۲).

فزونی استرآبادی، محمدهاشم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۵ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به فزونی. در استرآباد به دنیا آمد و در آن جا نشو و نما یافت. وی از علمای عصر دولت صفوی است که در زمان شاه‌عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) می‌زیست. در ایام جوانی به قصد تجارت به سیر و سفر می‌پرداخت. در زمان صفدرخان بن میرزا یوسف‌خان رضوی مشهدی حاکم کشیمر به آنجا سفر کرد. صفدرخان او را در خدمت خود نگاه داشت. بعد از برکناری صفدرخان همراه وی در ۱۰۲۵ ق به هندوستان رفت، در لاهور از او جدا شد و به دکن رفت. از آثار وی: «بحیره» یا «تاریخ البحیره»، به فارسی، در حکایات تاریخی و احوال طبقه وزاء و شگفتیهای حیوانات و کوهها و چشمه‌ها و رودها و ساختمانها در حدود پنجاه هزار بیت؛ «اللجین الطبریه» یا «البحیره الطبریه»، در تاریخ و مناسبتهای تاریخی؛ «دیوان» شعر؛ «ساقی‌نامه»، که به اسم شاه‌عباس صفوی سرود. در تذکره‌ی «میخانه» نام وی تحت عنوان هاشم‌بیگ آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای کشمیر (۱۰۹۳ -۱۰۹۲ / ۳)، تذکره‌ی میخانه (۶۷۹ -۶۷۴)، الذریعه (۲۹۷ / ۱۸، ۱۱۲ / ۱۲، ۸۳۲ / ۹ ۵۱، -۵۰/ ۳)، ریاض العلماء (۲۲۴ / ۷)، ریحانه (۳۴۰، ۳۳۸-۳۳۷ / ۴)، صبح گلشن (۳۱۷)، فرهنگ سخنوران (۷۰۹)، کاروان هند (۱۰۱۳ -۱۰۱۲ / ۲).

فسوی فارسی، ابویوسف یعقوب

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۲۷۷ -۱۹۰ ق)، مورخ، حافظ و محدث. اهل فسا و محدث اقلیم فارس بود. به شهرهای مختلف مسافرت کرد و از مشایخ

فلسطین و دمشق بهره گرفت و خود گوید که از هزار شیخ حدیث نوشته، که همگی آنان مورد وثوق بوده‌اند. وی از ابوعصام بنیل و فضل بن دکین و ابوولید طیالسی و آدم بن ابی‌ایاس و اصمعی و عبیدالله بن موسی و محمد انصاری و مکی بن ابراهیم و ابوعبدالرحمان مقری و ابونعیم و سعید بن ابی مریم و ابومسهر غسانی و حجاج بن منهال و حبان بن هلال و عبدالحمید بن بکار بیروتی و صفوان بن صالح و همطبقه آنان حدیث شنید. ابوعیسی ترمذی و ابوعبدالرحمان نسایی، صاحبان دو «صحیح» از «صحاح» ششگانه، و ابراهیم بن ابی‌طالب و حسن بن سفیان فسوی و عبدالرحمان بن خراش و ابوبکر بن ابی‌داوود و ابوبکر بن خزیمه و محمد بن حمزه بن عماره اصفهانی و ابوعوانه اسفراینی و عبدالله بن جعفر بن درستویه نحوی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. وی در فساء درگذشت. از آثارش: کتاب «التاریخ» یا «تاریخ الفسوی» یا «تاریخ یعقوب بن سفیان الفسوی»، در سه مجلد؛ «المشیخه»، در یک مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۱۹۷ / ۱)، تهذیب التهذیب (۳۳۷ -۳۳۵ / ۱۱)، الجرح و التعدیل (ج ۴ ق ۲۰۸ / ۲)، سیر النبلاء (۱۸۴ -۱۸۰ / ۱۳)، شذرات الذهب (۱۷۱ / ۲)،طبقات الحفاظ (۲۶۳ -۲۶۲)، کشف الظنون (۳۱۰، ۲۹۹)، لسان المیزان (۵۰۳ / ۷)، معجم المؤلفین (۲۴۹ / ۱۳)، النجوم الزهراه (۸۹ / ۳)، هدیه العارفین (۵۳۷ / ۲).

فصیح خوافی، احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۷۷- بعد از ۸۴۵ ق)، مورخ و شاعر. ملقب و مشهور به فصیح. خاندانش اهل روی خواف بودند و خود در هرات به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت. وی در خدمت شاهرخ و پسرش بایسنقر عهده‌دار مشاغل دولتی بود. در ۸۳۶ ق مورد غضب واقع و چندی هم مقید و محبوس شد. فصیح بعد از معزولی و بیکاری، به تألیف کتاب خود «مجمل» پرداخت. سرانجام در ۸۴۵ ق از زندان خلاص شد و به ملازمت شاهرخ تیموری رسید. از آثار وی «مجمل فصیحی» است که به صورت اجمال از هبوط آدم تا تاریخ زمان خود را نگاشته است.[۱]

(بخش ۱) خوافی، احمد بن جلال‌الدین محمد از رجال و نویسندگان نیمه‌ی اول قر. ۹ ه. (و. ۷۷۷- ف. پس از ۸۴۵ ه.ق). از مردم خواف بود و نسبش به ابوامامه صدی بن عجلان بن وهب باهلی صحابی می‌رسد و محل تحصیل و نشو و نمای او ظاهراً هرات بود. در سال ۸۰۷ بعد از مرگ تیمور، شاهرخ او را از هرات با دو تن از امرا به سمرقند برای تحویل گرفتن خزانه‌ی خاصه‌ی شاهرخ از عمر شیخ خازن فرستاد. وی تا سال ۸۱۸ در خدمت یکی از امرای بزرگ علاءالدین علی ترخان کار می‌کرد، و از آن سال به ملازمت شاهرخ درآمد و در سال ۸۱۹ ترقی کرد و منصب «موجه دیوان» بدو ارزانی شد. در سال ۸۲۰ به شرکت دو تن دیگر به تصدی دیوان اعلی (شاهرخ) تعیین شد ولی در ۸۲۱ معزول گردید. باز در ۸۳۴ جهت مهمات دیوانی مأمور کرمان گردید. در ۸۲۷ مراجعت کرد و در بادغیس هرات به حضور شاه شرفیاب شد. در ۸۲۸ موجهی دیوان امیرزاده بایسنغر بدو داده شد، و چند سال در این سمت بود تا در ۸۳۶ به خدمتش خاتمه دادند. بعد از این سال- که معزول و مورد جریمه واقع شد- از احوال او اطلاع دقیقی در دست نیست. در ۸۴۳ مورد غضب گوهرشاد آغازن شاهرخ واقع شد و در خانه‌ی امیربیگ محبوس گردید و پس از چندی آزاد شد و مجدداً در ۸۴۵ در خانه‌ی امیربیگ مقید گردید و بار دیگر خلاص شد. اثر مهم او مجمل‌التواریخ معروف به مجمل فصیحی (ه.م) است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از سعدی تا جامی (۶۱۶ –۶۱۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۹۶ –۴۹۴ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۸)، رجال حبیب السیر (۲۷۳ –۲۷۲)، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات (۱۶۸ –۱۶۷)، لغت‌نامه (ذیل/ فصیح خوافی)، محمل فصیحی (مقدمه/ هشت– بیست و یک).

فضل اصفهانی، امین‌الدین، ابوالخیر فضل‌الله

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۹۲۱ ق)، عالم و مورخ. ملقب به امین و معروف به خواجه ملا یا خواجه مولانا و پاشا. در بدو امر از پیوستگان دربار اق قویونلو و بویژه سلطان یعقوب‌بیگ بود. او سنی بسیار متعصبی بود و در اصفهان و شیراز می‌زیست چون شاه‌اسماعیل اصفهان را گرفت، وی به کاشان و از آنجا به ماوراءالنهر گریخت تا در کنف حمایت سلاطین سنی ازبک به سر برد. او تا سال تألیف شرح «قصیده برده» بوصیری (۹۲۱ ق) زنده بود. قبر وی در بخاراست. از آثارش: «تاریخ عالم‌آرای امینی»، در تاریخ خاندان آق قویولون؛ «بدیع الزمان فی قصه حی بن یقظان»؛ «ابطال نهج‌الباطل و اهمال کشف العاطل»، معروف به «ابطال الباطل» که در کتاب «نهج الحق و کشف الصدق» علامه حلی است و قاضی نورالله شهید شوشتری کتاب فضل روزبهان را با کتاب «احقاق الحق» خویش جواب گفته است؛ شرح «وصایا»ی عبدالخالق غجدوانی، از مشایخ نقشبندیه؛ « المقاصد»، در علم کلام؛ «سلوک الملوک»، که در ۹۲۰ ق به نام عبیدالله‌خان ازبک نگاشته.[۱]

ابن روزبهان بن فضل‌اللّه امین ابوالخیر بن امین‌الدین خنجی شیرازی، صوفی معروف به خواجه مولانای اصفهانی ملقب به امینی (و. بین ۸۵۰ و ۸۶۰– ف. ۹۲۸ ه.ق) ظاهراً مولد و منشأ او اصفهان بود و در اوایل دوره‌ی صفوی– هنگامی که محمدخان شیبانی به خراسان تسلط یافت– بر اثر تعصب به مذهب تسنن ملازمت او را اختیار کرد و به ماوراءالنهر رفت، و چند تاریخ به نام محمدخان مزبور تألیف کرد، از جمله‌ی آنهاست: «میهمان‌نامه‌ی بخارا» که به تصریح خود او در ۹۱۵ ه.ق آن را به اتمام رسانیده و مشتمل است بر تاریخ غزوات محمدخان شیبانی مؤسس سلسله‌ی شیبانیان (ازبک) (پس از انقراض تیموریان و فوت سلطان حسین میرزا)، عالم‌آرای امینی، سلوک‌الملوک، و نیز وی کتابی به عربی به نام «ابطال‌الباطل» در کلام تألیف کرده که نسخ متعدد از آن در دست است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۵۴۰ –۵۳۸ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۵۲ –۲۵۱)، تذکره القبور (۴۶۰)، الذریعه (۴۱۶ / ۲۴)، کشف الظنون (۲۰۱۲، ۱۲۱، ۲۳۶)، معجم المؤلفین (۶۸ / ۸)، هدیه العارفین (۸۲۰ / ۱).

فقیهی، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، عالم، مورخ، مترجم و ادیب. در قم به دنیا آمد. ابتدا در مکتب با مقدمات و در محضر پدرش که از روحانیون بود

با علوم حوزوی آشنا شد و تا حد متوسطه پیش رفت. آن‌گاه برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و از دانشکده معقول و منقول لیسانس گرفت. سپس به سمت دبیر ادبیات دبیرستان حکیم نظامی، کفالت فرهنگ و ریاست دبیرستان حکیم نظامی در قم منصوب شد. وی سالهای متمادی عمر خود را صرف نوشتن کتابهای سودمندی کرد. از اثار وی: سلسله مقالات «ایران در جنگ گذشته»؛ سلسله مقالات «تاریخ قضیه‌ی بحرین»؛ سلسله مقالات «گذشته‌ی خوزستان»؛ «تاریخ آل‌بویه»؛ «تاریخ و عقاید وهابیان»؛ «تاریخ اسلام و جغرافیای کشورهای اسلامی»؛ «دستورهای املاء و انشاء»؛ «توحید مفضل»، ترجمه؛ «عهدنامه‌ی مالک اشتر»، ترجمه؛ «سفرنامه‌ی حج»؛ «عضدالدوله دیلمی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۶، ص ۱۰ -۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۳ -۴۷۱ / ۴)، یادگار (س ۱، ش ۷، ص ۸۰).

فلاح زاده، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین فلاح زاده

محل تولد : ابرکوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد حسین فلاح زاده متولد سال ۱۳۴۲ شمسی می باشم . دوران نوجوانی و قسمتی از دوران جوانی ام را در زادگاهم گذراندم . به هنگام وقوع انقلاب اسلامی سال سوّم دوره راهنمایی را می گذراندم. بسیاری از شعارهای انقلاب را در آن سالها در همان مقطع یادداشت کرده ام که امیدوارم بتوانم روزی آنها را انتشار دهم. پس از اخذ دیپلم تجربی در سال ۱۳۶۰علیرغم علاقه ای که به علوم فنی و مهندسی داشتم، به سبب آشنایی با چهره های برجسته ای از روحانیت همچون حضرت امام (ره) و شهید بهشتی تحت تاثیر قرار گرفتم و لذا جهت تحصیلات دینی به قم آمدم و به تحصیل دروس حوزوی پرداختم. در کنار آن به سبب پاره ای مطالعات که در علوم انسانی بخصوص تاریخ داشتم، چند سالی را با مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران همکاری می کردم. پس از آن در سال ۱۳۶۷ پس از شرکت در کنکور سراسری وارد رشته تاریخ دانشگاه تهران شدم. به دنبال اتمام مقطع کارشناسی، در کنار تداوم دروس حوزوی، تحصلات دانشگاهی را نیز ادامه دادم. در سال ۱۳۷۴ کارشناسی ارشد را به اتمام رساندم و در همان سال به عنوان عضو هیات علمی در گروه تاریخ مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم (ع) مشغول شدم که تا کنون نیز ادامه دارد. در سال ۱۳۷۹ در رشته تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید بهشتی در مقطع دکتری پذیرفته شدم و هم اکنون در مرحله دفاع از پایان نامه و فارغ التحصیلی می باشم. در مؤسسه باقر العلوم (ع) عضو هیات تحریریه فصلنامه تاریخ اسلام نیز هستم و چندین سال مدیریت گروه را برعهده داشته ام. در دانشگاهها و مراکز دیگری چون دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مرکز تخصصی تاریخ حوزه علمیّه قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دانشگاه اهل البیت (ع) نیز در مقطع کارشناسی و ارشد به تدریس

اشتغال داشته و پژوهشهایی را انجام داده ام. علاوه بر این از طراحان و مؤسسین انجمن تاریخ پژوهان حوزه نیز بوده ام که خود منشأ شکل گیری انجمنهای علمی دیگری در حوزه گردید. در طراحی و تنظیم واحدها و سرفصلهای مرکز تخصصهای تاریخ حوزه نیز فعال بوده و چندین ترم نیز در آن مرکز پس از راه اندازی تدریس داشته ام. هم اکنون نیز علاوه بر مدیریت گروه تاریخ مؤسسه، مدیر گروههای تاریخ دانش نامه قرآن شناسی و دانش نامه و فرهنگ فاطمی (س) نیز می باشم و با گروه تاریخ پژوهشگاه فرهنگ نیز همکاری دارم.

فلسفی، نصرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرالله فلسفی در سال ۱۲۸۰ ، در تهران متولد گردید. تحصیلات مقدماتی را در مدارس اقدسیه و آلیانس فرانسه و دارالفنون فراگرفت. فلسفی پس از تکمیل معلومات عالیه ، به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و در سال ۱۳۰۷ چندماهی در وزارت دادگستری به خدمت پرداخت ، سپس به وزارت فرهنگ منتقل گردید. وی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ به سمت رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا منصوب و مشغول خدمت شد تا سرانجام در سال ۱۳۴۳ به درخواست خودش بازنشسته و در اروپا ساکن شد. گذشته از سمت های اداری و مشاغلی که متذکر گردیدیم ، وی به امر آموزش نیز پرداخته است. او در سال ۱۳۰۷ در دارالفنون ، دانشسرای عالی و سایر مدارس متوسطه تهران به تدریس تاریخ و جغرافیا و علوم ادبی پرداخت و با تاسیس دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس تاریخ پیش از اسلام در دانشکده ادبیات مشغول گردید. وی همچنین مدتی نیز استاد مدعو در دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود. نصرالله فلسفی علاوه بر نویسندگی و ترجمه ی کتاب های فراوان ، مقالات تحقیقی درباره ی تاریخ و ادبیات ایران در نشریات به چاپ رسانده است. نصرالله فلسفی سرانجام در سال ۱۳۶۰ ، یک ماه بعد از ورود به ایران ، زندگی را بدرود گفت و در شهر ری به خاک سپرده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : نصرالله فلسفی ، فرزند میرزا نصرالله خان سوادکوهی مستوفی (از مستوفیان دربار قاجار) بود که اصل خانواده اش از سوادکوه قزوین است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : فلسفی شش روز پس از مرگ پدرش به دنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فلسفی تحصیلات مقدماتی را در مدارس اقدسیه و آلیانس فرانسه و دارالفنون فراگرفت.

زمان و علت فوت : نصرالله فلسفی سرانجام در سال ۱۳۶۰ ، یک ماه بعد از ورود به ایران ، زندگی را بدرود گفت و در شهر ری به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فلسفی پس از تکمیل معلومات عالیه ، به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و در سال ۱۳۰۷ چندماهی در وزارت دادگستری به خدمت پرداخت ، سپس به وزارت فرهنگ منتقل گردید. وی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ به سمت رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا منصوب و مشغول خدمت شد تا سرانجام در سال ۱۳۴۳ به درخواست خودش بازنشسته و در اروپا ساکن شد.

فعالیتهای آموزشی : استاد فلسفی در سال ۱۳۰۷ در دارالفنون ، دانشسرای عالی و سایر مدارس متوسطه تهران به تدریس تاریخ و جغرافیا و علوم ادبی پرداخت و با تاسیس دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس تاریخ پیش از اسلام در دانشکده ادبیات مشغول گردید. وی همچنین مدتی نیز استاد مدعو در دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نصرالله فلسفی علاوه بر نویسندگی و ترجمه ی کتاب های فراوان ، مقالات تحقیقی درباره ی تاریخ و ادبیات ایران در مجلات تهران از جمله : تعلیم و تربیت ، مهر ، سخن ، شفق سرخ ، اتحاد ، مرز آزاد ، اطلاعات ، شرق ، یغما ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز ، نشریه کتابخانه ملی تبریز و وحید به چاپ رسانده است. وی به روزنامه نگاری هم می پرداخت که از جمله مجلاتی که توسط وی منتشر شده است ، عبارتند از : مدیریت داخلی مجله آینده (۱۳۰۴) ، کفالت مجله پست و تلگراف (فقط سه شماره ، ۱۳۰۴) ، مجله ایران (نشریه کلوپ بین المللی ایران برای تمبر و مجموعه های دیگر از سال ۱۳۰۱ تای ۱۳۱۱) ، مجله تعلیم و تربیت (وابسته به وزارت معارف ، ۱۳۱۳ – ۱۳۱۴) ، مهر (از ۱۳۱۲ به مدت چهارسال ، دوره ی یک تا چهار) ، مدیریت و سردبیری مجله هفتگی امید (۱۳۲۲ ، مدت سه سال) ، همکاری فکری در نشر مجله اطلاعات ماهانه (در سال های ۱۳۳۰ – ۱۳۳۴) ، مجله ایرانیکا به زبان ایتالیایی در دوره ی رایزنی فرهنگی در ایتالیا. فلسفی گاهی شعر هم می سرود و آثار منظومی از وی به یادگار مانده است ، از آن جمله است منظومه ی « بیچارگان » و قصاید و قطعات دیگر. مجموعه ای از اشعار وی در سال ۱۳۵۱ در تهران چاپ و منتشر شده است.

جوائز و نشانها : نصرالله فلسفی در سال ۱۳۵۴ ، عنوان « استاد ممتاز » دانشگاه تهران را یافت. --

آثار :

۱ اصول آموزش و پرورش

۲ تاریخ اروپا در قرن ۱۹ و ۲۰

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۹.

۳ تاریخ ایران بعد از اسلام

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۷.

۴ تاریخ ایران پیش از اسلام

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۷.

۵ تاریخ روابط اروپا و ایران در دوران صفوی

ویژگی اثر : انتشار جلد اول در سال ۱۳۱۶.

۶ تاریخ عمومی جهان در قرن های هفدهم تا بیستم میلادی

ویژگی اثر : مشتمل بر دو مجلـــد

۷ تاریخ عمومی در قرن معاصـــر

۸ تاریخ غزنویان ؛ اصول تعلیم و تربیت

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۴.

۹ تاریخ و جغرافیا

ویژگی اثر : مشتمل بر دوازده جلد ، برای تدریس در دبیرستان ها با مشارکت علی اصغر شمیم.

۱۰ ترجمه ی اشعار منتخب شاعران رمانتیک فرانسه

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۴۱.

۱۱ ترجمه ی تاریخ انقلاب روسیه

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۲.

۱۲ ترجمه ی تاریخ تمدن روم و یونان

ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال ۱۳۱۹.

۱۳ ترجمه ی تاریخ تمدن قدیم

ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال ۱۳۰۹.

۱۴ ترجمه ی تاریخچه ی سلطنت قباد و ظهور مزدک

ویژگی اثر : اثر کریستین سن ، با مشارکت احمد بیرشک ، انتشار در سال ۱۳۰۶.

۱۵ ترجمه ی تهران قدیـم

ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال ۱۳۰۹.

۱۶ ترجمه ی داستان توده ی طلا

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۴.

۱۷ ترجمه ی داستان دندان ببر

ویژگی اثر : اثر موریس لبلان ، انتشار در سال ۱۳۰۲.

۱۸ ترجمه ی داستان سر تنگ بلور

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۲.

۱۹ ترجمه ی داستان های کوتاه از نویسندگان بزرگ

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۳.

۲۰ ترجمه ی داستان هشتصد و سیزده

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۲.

۲۱ ترجمه ی راز فلورانس

۲۲ ترجمه ی سرگذشت ورتر

ویژگی اثر : تالیف گوتـــه ، انتشار در سال ۱۳۰۵.

۲۳ ترجمه ی فرهنگ فلسفی ولتر

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۷.

۲۴ ترجمه ی منتخب اشعار ویکتور هوگو

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۵.

۲۵ ترجمه ی منظومه ی بیچارگان

ویژگی اثر : تالیف ویکتور هوگو ، و به نظم فارسی ، انتشار در سال ۱۳۰۵.

۲۶ جغرافیای مفصل ؛ جغرافیای ممالک بزرگ دنیا

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۶.

۲۷ جنگ چالدران

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۲.

۲۸ دوره ی کامل تاریخ ایران

ویژگی اثر : مشتمل بر پنج مجلد برای کلاس های مدرسه های متوسطه.

۲۹ زندگی شاه عباس کبیر

ویژگی اثر : مشتمل بر سه جلد ، انتشار در سال های ۱۳۴۲ ، ۱۳۵۳ و ۱۳۶۴ .

۳۰ شرح حال بزرگان (داریوش و انوشیروان)

۳۱ مجموعه ی هشت مقاله تاریخی

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۰. ---

منابع :

۱شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف : مجید شفق ، ج ۲ ، تهران : انتشارات سنایی ، ص ۸۴۴۲گلزار مشاهیر ؛ زندگی نامه درگذشتگان مشاهیر ایران (۱۳۵۸ - ۱۳۷۶) ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص ۳۱۹

قاضی طباطبایی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ -۱۲۹۰ ش)، استاد دانشگاه، مورخ و مصحح. قاضی از ۱۳۳۴ ش متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات تبریز شد. تسلط وی به تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام زبانزد اکثر دانشگاهیان بود. از آثار وی: تصحیح و تحشیه «تجربه الاحرار و تسلیه الابرار»، عبدالرزاق بیگ دنبلی؛ حواشی و تعلیقات بر «تجارب السلف». از وی مقالات بسیاری در نشریه‌های کتابخانه‌ی ملی تبریز و دانشکده‌ی ادبیات تبریز به چاپ رسیده که از آن جمله: «به یاد مرحوم سید هادی سینا»؛ «کتاب و اهمیت آن در جامعه‌ی امروزی»؛ «محضر و محضرهای تاریخی»؛ «داستان یک مناظره‌ی ادبی»؛ «اشتباهات تاریخی تجارب السف»؛ «خاطراتی چند از استاد عبدالرسول خیامپور»؛ «حکم استیناف ضیاءالعلماء» را می‌توان نام برد.[۱]

ادیب، مدرس.

تولد: ۱۲۹۵.

درگذشت: ۱۸ اسفند ۱۳۶۴، تهران.

سید حسن قاضی طباطبایی از سال ۱۳۳۴ متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز شد. وی بیش از چهل سال به تدریس در دبیرستان‌ها و دانشگاه تبریز مشغول بود و مقالات تحقیقی و انتقادی وی در نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات تبریز» و «کتابخانه‌ی ملی تبریز» چاپ می‌شد. از جمله آثار اوست: تعلیقات و حواشی تجارب السلف (۱۳۵۱) و تجربهٔ الاحرار و تسلیهٔ الابرار (اثر عبدالرزاق بیک دنبلی در دو جلد، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] نشر دانش (س ۶، ش ۳، ص ۸۸).

قراب سرخسی هروی، ابویعقوب اسحاق

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۹ –۳۵۲ ق)، حافظ، محدث، مورخ، فقیه، زاهد و مصنف. محدث هرات بود. ابونضر فامی گوید که وی بیش از هزار و دویست استاد داشته است. وی از عباس بن فضل نضرویی و جد مادری‌اش، محمد بن عمر بن حفصویه، و ابوالفضل محمد بن عبدالله سیاری و عبدالله بن احمدن بن حمویه سرخسی و زاهر بن احمد سرخسی فقیه و خلیل بن احمد سجزی و حسین شماخی صفار و ابومنصور محمد بن عبدالله بزاز حدیث شنید.شیخ الاسلام عبدالله انصاری هروی و ابوالفضل احمد بن ابی‌عاصم صیدلانی و حسین بن محمد بن مت و اهل هرات از وی حدیث روایت کردند. خواجه عبدالله انصاری در «جرح و تعدیل» به او احتجاج کرده است. از آثارش: «الوفیات» یا «تاریخ السنین» در «وفیات العلماء» از قرن اول تا ۴۲۹ ق، در دو مجلد؛ «نسیم المهج»؛ کتاب «الأنس و السلوه»؛ «شمائل العباد»؛ «الرمی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۵ / ۱)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۸۸ / ۱). انساب سمعانی (۶۳۸ / ۴)،ایضاح المکنون (۵۳ / ۲)، تذکره الحفاظ (۱۱۰۲ –۱۱۰۰ / ۳)، سیر النبلاء (۵۷۲ –۵۷۰ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۴۴ / ۳)، طبقات الحفاظ (۴۲۴)، العبر (۲۶۱ / ۲)، کشف الظنون (۱۰۵۹)، العبر (۲۶۱ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۲۸ / ۲)، الوافی بالوفیات (۳۹۴ / ۸)، هدیه العارفین (۲۰۰ / ۱).

قره چانلو، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسین قره‌چانلو در سال ۱۳۱۹ در شهر تهران به دنیا آمد.وی دارای دکترا رشته الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران است.نامبرده، پس از فراغت از تحصیل، به کار تدریس از دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی پرداخت. ترجمه کتاب" الاعلاق النفیسه "حسین قره چانلو ، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین قره‌چانلو تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران به پایان رسانید. سپس وارد دانشگاه شد و موفق به گرفتن مدرک لیسانس و فوق لیسانس و دکترا در رشتهٔ الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین قره‌چانلو ، پس از فراغت از تحصیل به کار تدریس از دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی پرداخت. دکتر قره‌چانلو در تهیه و تنظیم قسمتهایی از دایرهٔ المعارف شیعه و دایره‌المعارف اسلام همکاری کرده، هم‌اکنون طرّاح مسائل تاریخی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است.جوائز و نشانها : ترجمه کتاب" الاعلاق النفیسه "حسین قره چانلو ، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : حسین قره‌چانلو بیش از چهارصد مقالهٔ تحقیقی و تاریخی نوشته است که تمامی آنها در مجله بررسیهای تاریخی ارتش و مجله بررسیهای دانشکده الهیات و معارف اسلامی و دایرهٔالمعارفهای مختلف فارسی به چاپ رسیده است.آثار :

ترجمهٔ الاعلاق النفیسه ویژگی اثر : ابن رسته، ۱۳۶۵، امیرکبیر-این کتاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد-آشنایی با کتاب «الاعلاق النّفیسه» مقصود مؤلف از نوشتن این کتاب، فراهم آوردن اطلاعاتی از مجموعه علوم زمان تألیف کتاب بوده است. او علاوه بر توصیف بلاد اسلامی از سرزمینهای خارج از جهان اسلام نیز سخن به میان آورده است و به صورتی کامل و جامع از جغرافیای نجومی و ریاضی با استناد به آیات قرآنی و آثار نجومی و اقوال دانشمندان سخن رانده است. مطالب کتاب در مورد سرزمین صنعا و امپراتوری بیزانس و هند شرقی و سقلابیان و اقوام اورال و آلتایی و اقوام اطراف دریای سیاه و نواحی اصفهان در خور توجه بوده و اطلاعات جمع‌آوری شده در باب مکه و مدینه و توصیف رودها و مناطق طبرستان از اهمیّت خاصی برخوردار است. با توجه به تنوع اطلاعاتی که در کتاب فراهم آمده، می‌توان آنرا دایرهٔالمعارفی کوچک از علوم، جغرافیا و تاریخ گذشتهٔ جهان دانست ۲ حرمین شریفین ویژگی اثر : ۱۳۶۲، امیرکبیر .

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قزانلو، جمیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مورخ. از آثار وی: «تاریخ نظامی ایران»؛ «تاریخ نظامی جنگ ایران و مقدونیه»؛ «تاریخ نظامی جنگ ایران و هند»؛ «جنگ ایران و روس»؛ «جنگ ده ساله یا جنگ اول ایران و روس»؛ «جنگ ایران و افاغنه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۷ -۱۶۶ / ۵)، فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (۹۴۱، ۹۱۳ -۹۱۲ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۵ -۳۹۳ / ۲).

قزوینی، عمادالدین، ابوعبدالله زکریا

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۸۳ / ۶۸۲ -۶۰۵ / ۶۰۰ ق)، عالم، ادیب، قاضی، فقیه، محدث، مورخ، جغرافیدان و خطاط. معروف به عماد قزوینی. نسبش به مالک بن انس انصاری خادم پیامبر (ص) می‌رسد. در قزوین به دنیا آمد. در جوانی به شام رفت و پس از تحصیلات به عراق مسافرت کرد. او شاگرد اثیرالدین ابهری حکیم بزرگ ایرانی بود. ابن‌طاووس، سید غیاث‌الدین عبدالکریم بن احمد بن طاووس، مجلس او را درک نموده است. وی در ۶۵۰ ق قاضی حله و در ۶۵۲ ق قاضی واسط شد و تا آخر عمر عهده‌دار آن منصب بود.در واسط درگذشت و پیکرش به بغداد نقل و در مقبره‌ی شونیزیه دفن شد. از آثار وی: «آثار البلاد و اخابر العباد»، در جغرافی، که ظاهرا در «کشف الظنون» به نام «عجائب البلدان» نیز آمده است؛ «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات»، به عربی، در وصف کائنات، در دو مقاله: مقاله نخست در علویات و مقاله دوم در سفلیات به نام سلطان معزالدین شاپور. این دو کتاب گرچه هر کدام کتابی مستقل است اما در حقیقت حکم دائره‌المعارف واحدی درباره عالم و موجودات و مخلوقات و بلاد و آثار آن دارد و این کتاب به فارسی و آلمانی و ترکی ترجمه شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۸۰ / ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۱ -۲۷۹ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۶)، الذریعه (۲۱۹ / ۱۵ ،۷ / ۱)، روضات الجنات (۳۷۳ / ۳)، ریحانه (۴۵۳ / ۴)، کشف الظنون (۱۱۲۸ -۱۱۲۷، ۱۱۲۶، ۹)، الکنی و الالقاب (۶۲ -۶۱ / ۳)، معجم المؤلفین (۱۸۳ / ۴)، مینودر (۸۳۷، ۵ -۳ / ۲)، هدیه الاحباب (۲۱۶)، هدیه العارفین (۳۷۳ / ۱).

قطبی اهری، ابوبکر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۶۰ ق)، مورخ. از مورخان بنام عهد خود که «تاریخ شیخ اویس» را در ۸۶۰ ق تألیف کرد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۹۹ -۵۹۸ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۸۳).

قهپایی، زکی‌الدین، عنایت‌الله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، عالم امامی، رجالی، محدث، محقق و مورخ. معروف به زکی نجفی. اصل او از قهپایه اصفهان بود. در نجف به تحصیل پرداخت و همان جا ساکن شد. وی شاگرد محقق اردبیلی و شیخ بهایی و ملا عبدالله تستری و معاصر با سید امیر مصطفی تفرشی بود. در تمامی علوم دینی متداول بویژه رجال و درایه توانا بود. از آثار وی: «مجمع الرجال»، که در ۱۰۱۶ ق آن را تألیف نموده بود. از آثار وی: «مجمع الرجال»، که در ۱۰۱۶ ق آن را تألیف نموده و جزوه بهترین کتب رجالیه است؛ «ترتیب اختیار کتاب رجال الکشی»؛ «ترتیب رجال النجاشی»، و حواشی بر آن؛ «ترتیب رجال شیخ الطائفه»؛ «ترتیب فهرست شیخ الطائفه»؛ حاشیه بر «نقد الرجال» میر مصطفی تفریشی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۱ / ۸)، الذریعه (۲۹ / ۲۰ ،۲۲۸، ۲۲۶ / ۶ ،۷۱ - ۷۰، ۶۶، ۶۵ / ۴)، روضات الجنات (۳۹۴ -۳۹۳ / ۴)، ریحانه (۴۹۸ -۴۹۷ / ۴)، الفوائد الرضویه (۳۴۲)، الکنی و الالقاب (۹۷ -۹۶ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قهپایی)، معجم المؤلفین (۱۴ / ۸).

قهرمانی نژاد، بهاءالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهاءالدین قهرمانی نژاد

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای بهاء الدین قهرمانی نژاد در بیست و پنجم مرداد سال ۱۳۴۳هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در تهران دیده به جهان گشود. نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه شیخ عبدالحسین در تهران گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی و اخلاقی فراوان برد. وی پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۲ به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس ستارگان درخشان حوزه های علمیه عالم شیعه همچون مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله موسوی تبریزی، آیت الله جوادی آملی، و... بهره های فراوان علمی و اخلاقی برد. وی در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ اسلام در مقطع دکترا از دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل گردید. و هم اکنون به تدریس در دانشگاه تهران مشغول می باشد. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تبلیغ، تحقیق و تألیف به چیز دیگری نیاندیشیده است که آثار متعددی از جمله "علویان طبرستان، قیام سبز جامگان، و...را به رشته تحریر و زیور طبع آراسته است.

کاشانی، جمال‌الدین، ابوالقاسم عبداللّه

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم و هشتم ق)، مورخ و نویسنده. از خانواده‌ی هنرمندی بود که اکثر آنها در کاشی کاری ماهر و استاد بوده‌اند. خود جمال‌الدین نیز از این حرفه اطلاعاتی کافی داشت ولی به کارهای دیوانی و مشاغل ادبی و علمی پرداخت و به خدمت سلاطین ایلخانی درآمد. وی از جمله منشیان متعددی بود که زیر دست خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه (۷۱۸-۶۴۵ ق)، وزیر غازان خان و سلطان محمد خدابنده، به کار تألیف و تدوین اشتغال داشت. پس از مرگ خواجه رشیدالدین، کاشانی در مقدمه کتاب «تاریخ اولجایتو» که برای گنجانیده شدن در کتاب «جامع التواریخ» خواجه در نظر گرفته شده بود، مدعی شد که همه‌ی «جامع التواریخ» از اوست و خواجه کار او را به خود نسبت داده است. از آثارش: «تاریخ اولجایتو»؛ «عرایس الجواهر و نفایس الاطایب»، درباره‌ی شناخت احجار و املاح و خوشبویه‌ها؛ «زبدة التواریخ». در «کشف الظنون» کتاب «زبدة التواریخ» به محمد بن علی کاشی (م ۸۳۶ ق) نسبت داده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۳۲-۱۲۳۱ / ۳)، تاریخ گزیده (۷)، تاریخنگاران ایران (۳۵۹-۳۵۸)، تاریخ نظم و نثر (۷۳۴-۷۳۳، ۱۵۱)، عرایس الجواهر و نفایس الاطایب (مقدمه)، کشف الظنون (۹۵۱).

كاشانى، عبدالحسين

قرن:۱۴

جنسيت:مرد

مليت:ايران

ميرزا عبدالحسين خان ملقب (به ملك المورخين) بن ميرزا هدايةاللَّه خان بن لسان‌الملك ميرزا محمدتقى خان ملقب (به سپهر) بن ملا على ضرابى كاشانى تهرانى متولد ۱۲۹۰ و متوفى ۱۳۵۲ قمرى اديبى بارع و مورخى فاضل بوده است.

بر گرفته از كتاب :گنجينه دانشمندان (جلد ششم)

كاشانى، عبدالمطلب

قرن:۱۳

جنسيت:مرد

مليت:ايران

(س سيزدهم و چهاردهم ق)، اديب، مفسر، طبيب، مورخ و شاعر. مشهور به اديب كاشانى. سلسله نسب وى به طايفه غفارى و بنا به قول صاحب «گنج شايگان» به ابوذر غفارى مى‌رسد. وى در عصر ناصرالدين شاه (۱۳۱۳ -۱۲۶۴ ق) مى‌زيست. ميرزا عبدالمطلب، خواهرزاده‌ى ميرزا ابوالحسن خان نقاش باشى صنيع الملك بود. وى در قواعد عربى، علوم ادبى، تفسير و علم طب بى‌نظير بود و همگان او را در فنون مزبور به استادى قبول داشتند. اديب كاشانى تاريخى نيز تأليف كرده كه گويا از بين رفته است.

بر گرفته از كتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)

منابع زندگينامه :حديقة الشعراء (۱۱۸۰ -۱۱۷۹/ ۲)، شرح حال رجال (۱۵۰/ ۶)، گنج شايگان (۳۴۸ -۳۴۵).

كاشانى، فتح‌اللَّه

قرن:۱۰

جنسيت:مرد

مليت:ايران

(وف ۹۸۸ ق)، عالم دينى، فقيه، متكلم، محقق، مفسر، محدث و مورخ. از علماى بزرگ اواخر قرن دهم قمرى و از شاگردان مفسر بزرگ، ابوالحسن على بن حسن زوارى، بود كه به واسطه‌ى او از محقق كركى روايت كرده است. او همچنين از ضياءالدين محمد بن محمود، از مقدس اردبيلى، روايت مى‌كند. در «مشيخه» سيد حسين كركى سال وفاتش ۹۹۷ ق ذكر شده اما ماده تاريخ وفات وى (ملاذ الفقهاء) برابر با ۹۸۸ ق مى‌باشد. از آثار وى: ترجمه قرآن به فارسى؛ «منهج الصادقين فى تفسير القرآن المبين و الزام المخالفين»، به فارسى، در يكصد و هفتاد هزار سطر؛ «خلاصة المنهج»، به فارسى، كه ملخص «تفسير منهج» است، در سه مجلد؛ «زبدة التفاسير»، تفسيرى به عربى، در حدود هشتاد هزار سطر؛ شرح «نهج‌البلاغه»، به نام «تنبيه الغافلين و تذكرة العارفين»، به فارسى؛ «كشف الاحتجاج»، در ترجمه‌ى «احتجاج» طبرسى، به فارسى، كه آن را براى شاه طهماسب صفوى تأليف كرده است.[۱]

(ملا) فتح‌اللَّه بن شكراللَّه، فقيه و محقق و متكلم و مفسر امامى (ف. ۹۸۸ ه.ق). وى شاگرد على بن حسن زوارى بود و به واسطه‌ى او از محقق كركى روايت دارد. او در همه‌ى علوم دينى متداول متبحر بود خصوصاً در تفسير، وى راست: ترجمه‌ى احتجاج طبرسى كه

به نام کشف‌الاحتجاج مذکور است، ترجمه‌ی قرآن به فارسی (و آن غیر از سه فقره تفسیر قرآن مذکور در ذیل است)، تنبیه الغافلین و تذکرةالعارفین (شرح فارسی نهج‌البلاغه)، خلاصةالنهج (ملخص تفسیر منهج‌الصادقین مذکور در ذیل)، زبدةالتفاسیر (تفسیر قرآن به عربی)، کشف‌الاحتجاج (ترجمه‌ی فارسی احتجاج طبرسی که برای شاه طهماسب تألیف شده)، منهج‌الصادقین فی الزام المخالفین (تفسیر بزرگ به فارسی) (ریحانةالادب، لغ.)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۳۹۲/ ۸)، ایضاح المکنون (۵۹۲/ ۲)، تاریخ کاشان (۲۸۰ -۲۷۹)، الذریعه (۱۹۴ -۱۹۳/ ۲۳ ،۸- ۷/ ۱۸ ،۲۳/ ۱۲ ،۲۳۴ -۲۳۳/ ۷ ،۴۴۷/ ۴)، روضات الجنات (۳۳۱ -۳۳۰/ ۵)، ریاض العلماء (۳۱۹ -۳۱۸/ ۴)، ریحانه (۲۰/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۸ -۱۷۷/ ۱۰)، فوائد الرضویه (۳۴۶ -۳۴۵)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشانی)، معجم المؤلفین (۵۱/ ۸)، هدیة العارفین (۸۱۵/ ۱).

کرباسچی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا کرباسچی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی: قسمتی از سطح را نزد پدرم حاج شیخ محمد صادق تهرانی (کرباسچی) و دائی ام عبدالحمید معادیخواه خواندم و سپس وارد مدرسه حقانی (منتظریه) شدم. درسهای مدرسه حقانی علاوه بر دروس متداول حوزوی، شامل درسهای دیگری بود که به این شرح است:

«تاریخ اسلام؛ دکتر محمد مفتح»، «هیئت و نجوم؛ آیت الله حسین نوری»، «نویسندگی؛ زین العابدین قربانی، محمد مجتهد شبستری، محسن مجتهد شبستری، علی حجتی کرمانی، دکتر احمد بهشتی»، «ادبیات فارسی؛ حسن حسن زاده آملی»، «زبان انگلیسی؛ دکتر خلیلی»، «جامع المقدمات؛ محمد علی شیخ زاده»، «دستور زبان فارسی؛ حسین حقانی»، «شرح نظام و سیوطی؛ محمد رضا آدینه وند»، «محاوره عربی؛ خاقانی»، «مغنی؛ احمد جنتی»، «مختصر المعانی؛ محمد علی گرامی»، «عروه الوثقی؛ علی قدوسی»، «لمعه؛ محمدی گیلانی»، «تجوید و قرائت قرآن؛ قارائی» و اساتید دیگری دروس سطح را تدریس می کردند.

سپس وارد حوزه شدم و از محضر اساتید دیگری همچون: «آیت الله فاضل لنکرانی؛ کفایة الاصول»، «آقای ستوده؛ مکاسب و لمعه»، «آقای محمد علی گرامی؛ رسائل»، «آقای اسدالله بیات؛ کفایه و مکاسب»، «آیت الله نوری همدانی؛ خارج فقه»، «آیت الله منتظری؛ خارج فقه»، «آیت الله انصاری شیرازی؛ فلسفه»، «آیت الله فاضل لنکرانی؛ خارج اصول» و «آیت الله صانعی؛ خارج فقه» را فرا گرفتم.

کریمی، بهمن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، مؤلف.

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۶۲.

بهمن کریمی، فرزند عبدالله میرزا، تحصیلات خود را در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا انجام داد و سپس به تدریس پرداخت و سال‌های دراز در دبیرستان‌های اداری هم در وزارت فرهنگ مشغول به کار بود.

فهرست تألیفات او به شرح زیر است: جامع التواریخ (اثر رشیدالدین فضل‌الله دو جلد، تهران، ۱۳۳۸)؛ تاریخ نیشابور (تهران، ۱۳۴۰)؛ شیرازنامه (تهران، ۱۳۱۵)؛ نظام التواریخ (قاضی بیضاوی، تهران، ۱۳۱۳)؛ ذیل ظفرنامه نظام‌الدین شامی (تهران، ۱۳۲۸)؛ یزدان شناخت (منسوب به عین‌القضاة، تهران، ۱۳۲۷)؛ معراج‌نامه (ابن سینا، رشت، ۱۳۱۲)؛ رسائل ملا- حسن فیض (نه رساله)؛ جغرافیای تاریخی مفصل غرب ایران (تهران، ۱۳۱۶)؛ راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران (مختصری در باب طوایف، عشایر و آداب و اخلاق آنها، تهران، ۱۳۲۹)؛ راهنمای آثار تاریخی شیراز (۱۳۲۷)؛ خرابه‌های ری (۱۳۳۵)؛ میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام، آمریکا و تعلیم و تربیت.

بهمن کریمی از زمره‌ی مؤلفان کتاب‌های درسی تاریخ و جغرافیا برای دوره‌های دبیرستانی بود و در این زمینه بیش از بیست تألیف مشترک با همکاران مؤلف خود داشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کسروی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۹- مقتول ۱۳۲۴ ش)، مورخ، ادیب، نویسنده و استاد دانشگاه. وی در خانواده‌ای روحانی در تبریز به دنیا آمد. مقدمات علوم و ادبیات عرب را در مدارس قدیم و زبان انگلیسی را در مدرسه‌ی آمیریکایی تبریز فراگرفت. وی بعدها در همان مدرسه به تدریس پرداخت، و در آنجا با مبلغان مسیحی، در دفاع از اسلام، مباحثات می‌کرد. بعد از اعضاء حزب دمکرات شد و به تهران تبعید گردید. او مدتی به کار در دادگستری پرداخت و مناصبی را نیز عهده‌دار بود. از ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۰ ش به نشر روزنامه‌ی «پرچم» پرداخت. در دانشکده‌ی الهیات نیز به تدریس تاریخ اشتغال داشت ولی به سبب بدگویی‌هایی که از شعر و شاعری و عرفان و ادب ایرانی کرده بود با استادی او مواقت نشد. وی با زبان پهلوی و ارمنی و فرانسه آشنایی داشت. کسروی در زمینه‌های مختلف ادب، تاریخ، اجتماع، اقتصاد و مذهب عقاید مخصوص به خود داشت. آنچه او در باب نقد ادبی و بررسی شعر شاعران ایرانی و به خصوص ادب و شعر صوفیه، به ویژه حافظ و مولوی، نوشته از نوعی خشکی طبع و عدم آگاهی از جوهر هنر و زیبایی‌های آثار ادبی سرچشمه گرفته است و بر روی هم دیدگاه نقد او با اینکه دیدگاهی اجتماعی است، اما در مجموع نماینده‌ی ضعف تشخیص او در شناخت آثار ادبی است. آرای او در نقد مذهب شیعه مسایلی بود که پیش از وی بر قلم بعضی از نویسندگان اهل سنت جاری

شـده بود و علمای شیعه نیز پاسخ آنها را داده بودنـد اما او با زبانی که از بی‌نزاکتی و هتاکی خالی نبود همان انتقادها را رواج داد. وی عضویت انجمن آسیایی همایونی و انجمن جغرافیایی آسیایی و عضویت آکادمی آمریکا را داشت. کسروی یکی از پرکارترین نویسندگان دوره‌ی اخیر است که متجاوز از هفتاد کتاب و رساله، علاوه بر مقالات بسیار، از وی منتشر شـده است. او سـرانجام در یکی از محاکم وزارت دادگستری به وسـیله‌ی گروهی از فداییان اسلام به قتل رسید. از آثار او در زمینه‌ی تاریخ: «تاریخ مشروطه‌ی ایران»؛ «تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان»؛ «تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان»؛ «شیخ صفی و تبارش»؛ «شهریاران گمنام»؛ «تاریخچه‌ی شیر و خورشید»؛ «تاریخچه‌ی چپق و قلیان»؛ «نادر شاه». در زمینه‌ی مذهب: «آیین کژی»؛ «ورجاوند بنیاد»؛ «در پیرامون اسلام»؛ «در پیرامون روان»؛ «صوفیگری». در زمینه‌ی مسایل سیاسی و اجتماعی: «کار و پیشه و پول»؛ «در راه سیاست»؛ «فرهنگ چیست؟»؛ «افسران ما». در زمینه‌ی مسایل مربوط به زبان شناسی و دستور: «آذری یا زبان باستان آذربایگان»؛ «زبان پاک»، دستور زبان؛ «زبان فارسی»؛ «نامهای شهرها و دیه‌های ایران». زمینه‌ی نقد ادبی و مباحث هنری: «حافظ چه می‌گوید»؛ «در پیرامون ادبیات»؛ «در پیرامون شعر و شاعری».[۱]

(بخش ۱) (سید) احمد بن (حاجی میر) قاسم، دانشمند، مورخ، زبانشناس و اصلاح‌طلب ایرانی (و. تبریز ۱۲۶۹– مقت. تهران ۱۳۲۴ ه.ش). تا چنـد پشت وی اهل علم و مورد توجه مردم تبریز بوده‌انـد. کسروی در رشته‌های تاریخ، لغت، زبان و دین تحقیق کرده و طرفدار جدی اصلاح و تصفیه‌ی مذهبی و مخالف سرسخت تصوف و عرفان بود. وی طرفدار جدی ملیت ایرانی بود و از به کار بردن لغات عربی دوری می‌جست و در برابر آنها لغات و اصطلاحات و ترکیباتی از ریشه فارسی ساخته بود و خود آنها را به کار می‌برد. کسروی مردی رک‌گو و مبارز و در عقاید خود استوار بود. روزنامه‌ای به نام «پرچم» و مجله‌ای به نام «پیمان» منتشر می‌کرد که ناشر عقاید وی بودند. کسروی در روز دوشنبه‌ی بیستم اسفند ماه ۱۳۲۴ ه.ش به وسیله‌ی خنجر و اسلحه‌ی کمری به دست برادران امامی– از فدائیان اسلام– به قتل رسید. تألیفات کسروی از ۷۰ جلد متجاوز است که اهم آنها از این قرار است: «تاریخ مشروطه‌ی ایران»، «تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان»، «شهر یاران گمنام»، «تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان»، «تاریخچه‌ی شیر و خورشید»، «شیخ صفی و تبارش»، «نامهای شهرها و دهها‌ی ایران»، «قانون دادگری»، «زبان پاک» «تاریخچه‌ی چپق و غلیان»، «مشعشعیان»، «ترجمه‌ی کارنامک اردشیر بابکان»، «ترجمه‌ی (تلخیص) پلوتارخ»، «زبان آذری»، «پیدایش آمریکا»، «ده سال در عدلیه»، «صوفی گری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۲۷۴، ۲۷۲)، از نیما تا روزگار ما (۱۰۲ –۹۰)، تاریخ انقلاب مشروطیت (۸ –۷ / ۱)، تاریخ برگزیدگان (۳۴۹ –۳۴۱)، تاریخ جراید (۹۷ –۹۳/ ۲)، چون سبوی تشنه (۲۳۱)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۲۲۰/ ۲)، الذریعه (۱۹، ۳/ ۲۴، ۲۶۶ –۲۶۵، ۲۶۱/ ۱۴، ۳۳/ ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۷۳ –۲۶۵/ ۵)، شرح حال رجال (۲۲–۲۱/ ۵)، شخصیت های نامی (۴۰۶ –۴۰۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۵، ۳۴۵۴، ۳۳۵۴، ۳۲۴۰، ۳۲۱۶، ۳۰۱۸، ۲۷۳۵، ۲۷۳۳، ۲۵۹۱، ۲۵۸۷، ۲۵۸۴، ۲۴۲۴، ۲۴۱۵، ۲۲۳۳، ۲۱۹۳، ۲۱۸۶، ۲۱۸۴، ۲۰۶۴، ۱۹۷۹، ۱۸۵۶، ۱۸۲۲، ۱۸۲۱، ۱۶۲۸/ ۲، ۱۴۸۵، ۱۳۸۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۵، ۱۳۷۴، ۱۳۵۹، ۱۳۴۵، ۱۳۱۹، ۱۲۹۶، ۱۲۵۰ –۱۲۴۹، ۱۱۸۱، ۱۱۷۳، ۱۱۴۵، ۱۱۳۴، ۱۱۱۶، ۱۰۵۰، ۹۷۱، ۷۶۹ –۷۶۸، ۷۵۱، ۶۹۷، ۶۹۶، ۶۸۱، ۶۳۶، ۶۳۳، ۶۲۲، ۶۱۴، ۵۹۴، ۵۸۳، ۵۸۲، ۵۴۵، ۵۲۹، ۴۷۰، ۴۶۶، ۳۷۸، ۳۳۵، ۲۹۷، ۱۷۲، ۸۵، ۷۷، ۲۹/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۴)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد، کسروی)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۶ –۴۳۷/ ۱)، یادداشتهای قزوینی (۲۲۶/ ۸).

کنتوری، اعجاز حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۶ -۱۲۴۰ ق)، محدث، فقیه امامی، اصولی، مورخ و متکلم. وی یکی از سه فرزند عالم و فضال سید محمدقلی بن محمدحسین و برادر علامه میرحامد حسین صاحب «عبقات الانوار» است. وی علوم مختلف را از پدر و برادر خود فراگرفت. او در تمام علوم متداول زمان آگاه و از بزرگان علمای شیعه بود. از آثار وی: «شذور العقیان فی تراجم الاعیان»، در چند مجلد؛ «کشف الحجب و الاستار عن وجه الکتب و الاسفار»، فهرست مصنفات شیعه؛ «القول السدید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۸/۱)، اعیان الشیعه (۴۶۷/۳)، الذریعه (۲۸ -۲۷ /۱۸ ،۴۳/۱۳)، ریحانه (۳۵۶/۵)، فوائد الرضویه (۵۹۶ - ۵۹۵)، لغت‌نامه (ذیل/اعجاز)، معجم المولفین (۳۰۳/۲).

گرایلی، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فریدون گرایلی در سال ۱۳۲۱ در نیشابور دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانشسرا را در زادگاهش گذراند و در رشته تاریخ از دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل شد. او در سال ۱۳۴۰ به استخدام آموزش و پرورش در آمد و مدت ۳۳ سال در کسوت معلمی به امر آموزش و تربیت همت گماشت. گرایلی علاوه بر تالیف آثار تاریخی و فرهنگی، اشعار زیبایی سروده است. منزل وی همواره محل ورود اهل علم بویژه اساتید ادب فارسی و تاریخ و دانشجویان بود که از محضر او کسب فیض می کردند. فریدون گرایلی سرانجام در ۱۴ مهرماه ۱۳۷۹ دارفانی وداع گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فریدون گرایلی تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانشسرا را در زادگاهش گذراند. او پس از چند سال خدمت در آوزش و پرورش، برای ادامه تحصیل به شهر مقدس مشهد و از آنجا به شهر اصفهان عزیمت نمود و در رشته تاریخ از دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل شد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : فریدون گرایلی همواره در دوران تحصیلات دانشگاهی به تحقیقات و پژوهشهای تاریخی گرایش نشان داده و با اندیشمندان و شاعران بزرگ کشور در ارتباط بود و از محضر آنان کسب فیض نمود و اشعار زیبایی در این مدت سرود.

زمان و علت فوت : فریدون گرایلی در ۱۴ مهرماه ۱۳۷۹ دارفانی وداع گفت.

فعالیتهای آموزشی : با علاقه و عشق خاصی که در فریدون گرایلی به شغل معلمی وجود داشت، در سال ۱۳۴۰ به استخدام آموزش و پرورش در آمد و مدت ۳۳ سال در کسوت معلمی به آموزش و تربیت همت گماشت. او در یکی از اشعار خود چنین می گوید:

با هزاران دانش اندوزی که الفت داشتم بذر مهر و دوستی در سینه هاشان کاشتم سی و اندی سال می باشد در کسب هنر برده ام رنج فراوان، خورده ام خون جگر سینه تاریخ نیشابور را طی قرون چاک کرده ام تا مگر خوب و بدش آرم برون

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فریدون گرایلی علاوه بر تالیف آثار تاریخی و فرهنگی، اشعار زیبایی از او به یادگار مانده است. منزل استاد همواره محل ورود اهل علم بویژه اساتید ادب فارسی و تاریخ و دانشجویان بود که از محضر او کسب فیض می

کردند. ---

آثار :

۱ مشاهیر نیشابور شهر قلمدانهای مرصع

ویژگی اثر : این اثر استاد جایگاه خود را در بین دانشگاهیان و استاتید بخوبی باز نمود و در حال حاضر بعنوان یک کتاب مرجع تاریخی قلمداد می شود. استاد دکتر شفیعی کدکنی درباره این کتاب چنین فرموده است" :کتاب نیشابور شهر فیروزه جامع ترین کتاب در تاریخ نیشابور می باشد".گرایلی در کتاب «مشاهیر نیشابور شهر قلمدانهای مرصع» حداقل ۶۰۰ ادیب و دانشمند نیشابوری را به جهانیان معرفی نموده و خود نیز در این باره چه زیبا گفته است : قلم تو شاهدی شبهای تار فریدون تا سحرگه بود بیدار پی تحقیق تاریخ نیشابور فراهم کرد هر چه بود مقدور

۲ نیشابور شهر فیروزه

ویژگی اثر : در سال ۱۳۵۷ گرایلی اولین اثر خود بنام " نیشابور شهر فیروزه " را چاپ و منتشر ساخت که در مدت بسیار کوتاهی کمیاب گردید و بعدا تا چاپ چهارم هم رسید.

۳ نیشابور و محاکمه حکیم عمرخیام

ویژگی اثر : گرایلی کتاب " نیشابور و محاکمه حکیم عمرخیام) را در سال ۱۳۷۹ به چاپ رساند. ا و با انتشار این کتاب تلاش کرد تا تیرگیهای ایام را از چهره حکیم عمر خیام نیشابوری زدوده و او را در دادگاه تاریخ تبرئه نماید.

گردیزی، عبدالحی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۴۰ ق)، مورخ. وی از مورخان برجسته ایرانی است که در نیمه اول قرن پنجم هجری، در روزگار سلطنت عبدالرشید بن سلطان مسعود غزنوی، می‌زیست. از احوال او اطلاعاتی در دست نیست جز این که منسوب به گردیز است و آن منطقه‌ای است در یک منزلی غزنه بر جاده‌ی هند. وی در غزنین سکونت داشت و در همین شهر کتاب خود را نوشت. در اواخر زندگی ابوریحان بیرونی (م ۴۴۰ ق) با او دیدار کرد. اثر برجسته‌ی او «زین الاخبار» مشهور به «تاریخ گردیزی» است، مشتمل بر تاریخ عالم و اسلام از قدیم‌ترین روزگار تااندکی بعد از ۴۴۰ ق، که به نثری پخته نوشته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۵ / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۲۰۱ / ۱)، زین الاخبار (مقدمه)، سرآمدان فرهنگ (۱۱۲ -۱۱۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابوسعید).

گلچین معانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۷۹ -۱۲۹۵ ش)، استاد دانشگاه، تذکره نویس، مورخ، مصحح، فهرست نویس و شاعر، متخلص به گلچین. در تهران و در

خانواده‌ای مـذهبی به دنیا آمد. پس از طی تحصـیلات، در ۱۳۱۳ ش، به اسـتخدام وزارت دادگستری درآمد و تا ۱۳۳۸ ش در آنجا مشغول خدمت بود. او از ۱۳۳۰ ش در کتابخانه ملی نیز خـدمت می‌کرد و بعد از ۱۳۳۸ ش به طور تمام وقت در کتابخانه‌ی مجلس مشغول شد. در ۱۳۴۲ ش به دعوت نایب‌التولیه آسـتان قدس رضوی، برای تنظیم فهرست کتب خطی آنجا، به مشـهد مهاجرت کرد. وی در حیـن خـدمت دولت به تحصـیل ادامه داد و از محضـر اساتیـد مختلـف بهره برد. در ۱۳۵۶ ش برای تـدریس در دوره‌ی فـوق لسانس و دکترای زبان و ادبیات فارسـی در دانشـگاه مشـهد دعوت شد. گلچین از سـیزده سالگی شـروع به سـرودن شـعر کرد و در پانزده سالگی رسـما قدم در وادی شـعر نهاد و آثارش در روزنامه‌های «نسیم شمال» و «توفیق» انتشار یافت. او با امیری فیروزکوهی و رهی معیری معاشرت و مصاحبت داشت. وی در ۱۳۱۴ ش به انجمن ادبی حکیم نظامی پیوست و با وحید دستگردی همکاری نمود. در آن انجمن، علاـوه بر شـعرخوانی، «خمسه» نظـامی مقابله و تصـحیح می‌شـد و گلچین از محضـر اسـتادان ادب فنون و رموز شـعر آموخت. وی پس از درگـذشت اسـتاد وحیـد برای تأسـیس انجمن ادبی ایران در منزل محمـد علی ناصـح زحمـات زیـادی کشـید. گلچین معـانی مقالات ادبی، تاریخی و کتابشناسـی زیادی در مجلات مختلف از جمله: «ارمغان»، «مهر»، «دانش»، «یغما»، «سـپاهان»، «راهنمای کتاب» و غیره نوشـته است. از آثار وی: «گلزار معانی»؛ «شـهر آشوب در شـعر فارسـی»؛ «تاریخ تذکره‌های فارسی»، در دو مجلـد؛ تـذکره‌ی «پیمـانه»، ذیلی بر تـذکره‌ی «میخـانه»؛ «کـاروان هنـد»؛ رساله در احول «آل بنجیر»؛ «مکتب وقوع در شـعر فارسـی»؛ تصـحیح و تکمیل تـذکره‌ی «میخانه» عبـدالنبی فخرالزمانی قزوینی؛ تصـحیح «لطایف الطوایف»؛ «راهنمای گنجینه‌ی قرآن»؛ «فرهنگ اشـعار صـائب»؛ «دیوان» شـعر. اهتمـام در انتشـار کتابهـای: «تاریـخ ملا زاده» احمـد بن محمود بخاری، در ذکر مزارات بخارا؛ «کنوز الاسـرار و رموز الاسـرار»، شـرح منظوم «السوانـح فی العشق» احمـد غزالی؛ فهرست مجموعه‌هـای خطی کتابخانه‌ی مجلس؛ فهرسـت قسمتی از کتب خطی کتابخانه‌ی عبدالحسین بیات.[۱]

احمد گلچین معانی، از شاعران و محققان نامدار است که به سال ۱۲۹۵ خورشیدی در تهران متولد گردید و یکی از محققانی است که کتاب‌های وی مأخذی برای همه شیفتگان اهل هنر و تحقیق می‌باشد. وی در سال ۱۳۱۳ در ادار کل ثبت مشغول خدمات دولتی گردید.

«اشک و آه»

بی‌تو سوزی بدل انگیخته دارم چون شمع

اشک و آهم بهم آمیخته دارم چون شمع

چه کشی دامنم از دست، که سیلی ز سرشک

تا بدامن ز غمت ریخته دارم چون شمع

همه شب بهر نثارت رهت از مخزن چشم

رشته‌های گهر آویخته دارم چون شمع

اشک من تیره از آنست، که خاکستر غم

بسر از آتش دل بیخته دارم چون شمع

چون گهر روشن از آنم که بجز رشته اشک

رشته‌ها از همه بگسیخته دارم چون شمع

نیست تا در برم آن آتش سوزان، گلچین

شوری از سوز دل انگیخته دارم چون شمع

«ماه»

دیدی ای ماه که شمع شب تارم نشدی

تا نکشتی ز غمم، شمع مزارم نشدی

بی‌خبر از بر من رفتی و این دردم کشت

که خبردار ز دشواری کارم نشدی

روی برتافتی و پشت و پناه دل من

نشدی کز همه جا رو بتو آرم، نشدی

زاریم دیدی و آنقدر تغافل کردی

که خبردار ز حال دل زارم نشدی

غافل از یاد تو بودم که نگشتی یارم؟

یا بدیدی که غم روی تو دارم، نشدی؟

یاد آن عهد، که از یکدلی و یک جهتی

لحظه‌ی دور، ز آغوش و کنارم نشدی

گفتی آرام ندارد دل گلچین بی من

چکنم مایه آرام و قرارم نشدی

باز هم مهر تو می‌پرورم اندر دل تنگ

گرچه عمری بتو دل بستم و یارم نشدی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از بهار تا شهریار (۵۰۸ -۴۹۶ / ۲)، چشمه‌ی روشن (۷۰۶ -۷۰۲)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۸۰۹)، الذریعه (۲۱۸ / ۱۸ ،۹۳۱ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۵۹ -۳۰۵۳ / ۵)، صدف (۵۶۷ -۵۵۳)، فرهنگ سخنوران (۷۷۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۸۰۸ / ۲ ،۸۳۷، ۷۵۵/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۰۷)، کیهان فرهنگی (س ۸، ش ۸، ص ۹ -۳)، گلزار معانی (۶۱۰ -۵۸۵).

گلشنی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالکریم گلشنی چهاردهم خردادماه ۱۳۰۷ در شهر رشت در محله «مسجد ملاعلی محمد» به دنیا آمد. عبدالکریم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس زادگاه خود، قاآنی، امید، تربیت و شاهپور، همزمان با تعلیمات دوره ای خارج مدرسه، به پایان برد. تابستان ۱۳۲۰ در مکتب سرای مرحوم شیخ محمدرضا انشایی، راسته علاقبندان، به مشق خط مشغول شد. سال بعد در کلاس دوم دبیرستان به آموختن زبان روسی پرداخت و تا اخذ شهادت نامه و برگزاری جشن فارغ التحصیلی از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی به مدت هفت سال در رشت و تهران ادامه داد. او سال ۱۳۲۹ در دانشکده افسری ثبت نام کرد و خدمت وظیفه را در گارد گمرک مشهد به پایان برد و در سال ۱۳۳۰ هفته نامه سیاسی - انتقادی «هفگز» را با همکاری تنی چند از دوستان آزاده و صاحبنظرش در رشت منتشر کرد که جمعاً هفده شماره (از آذر ۱۳۳۰ تا خرداد ۱۳۳۱) به چاپ رسید. بعد از کودتای ۲۸ مرداد

۱۳۳۲ مدت سه سال در وزارت فرهنگ به شغل معلمی روی آورد و در سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به آلمان رفت. قبل از ثبت نام در دانشگاه، مقدمات آلمانی را در کلاس های زبان آموخت. شش ماه هم در کارخانه کنتس الکتروموتور در هامبورگ – آلتونا از نزدیک با «کار در آلمان» آشنا شد که در پیشرفت مکالمه وی تأثیر داشت. گلشنی تا سال ۱۳۴۸ در دانشگاه هامبورگ به تحصیل و تحقیق و تدریس اشتغال داشت در سال ۱۳۴۷ به دریافت درجه دکترای تاریخ و شرق شناسی «Dr.phil» نایل شد. در شهریور ۱۳۴۸ به دعوت رسمی دانشگاه به وطن بازگشت و به عنوان استاد قراردادی و سرپرست بخش تاریخ دانشکده ادبیات وعلوم دانشگاه شیراز به تدریس و پژوهش مشغول شد. . دکتر عبدالکریم گلشنی از فضلای افتخارآفرین این سرزمین است. او با حوصله و همت عمر گرانبهایش را در این مسیر صرف کرده است. مقالات او که بیش از صد عنوان است، درباره تاریخ و معارف اسلامی، ادبیات، تاریخ ایران و تاریخ پیش از اسلام است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : ایران دوره اسلامی

والدین و انساب : پدر عبدالکریم گلشنی در کاروانسرای «شیشه کوچک» به داد و ستد اشتغال داشت و تجارت او بیشتر با انواع کاغذ و مقوا بود. در حریق بازار به سال ۱۲۹۸ هجری شمسی حجره او و همسایگانش طعمه آتش شد و ناگزیر به سرای گلشن تغییر مکان داد که بعدها به «گلشنی» شهرت یافت. به نوشته شادروان ابراهیم فخرایی، در این آتش سوزی که ظاهراً عمدی بوده و به قصد غارت اموال بازرگانان صورت گرفت، بسیاری از تاجران اموال خود را از دست دادند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالکریم گلشنی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس زادگاه خود، قاآنی، امید، تربیت و شاهپور، همزمان با تعلیمات دوره ای خارج مدرسه، به پایان برد. تابستان ۱۳۲۰ در مکتب سرای مرحوم شیخ محمدرضا انشایی، راسته علاقبندان، به مشق خط مشغول شد. سال بعد در کلاس دوم دبیرستان به آموختن زبان روسی پرداخت و تا اخذ شهادت نامه و برگزاری جشن فارغ التحصیلی از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی به مدت هفت سال در رشت و تهران ادامه داد در سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به آلمان رفت. قبل از ثبت نام در دانشگاه، مقدمات آلمانی را در کلاس های زبان آموخت تا سال ۱۳۴۸ در دانشگاه هامبورگ به تحصیل و تحقیق و تدریس اشتغال داشت. در سال ۱۳۴۷ به دریافت درجه دکترای تاریخ و شرق شناسی «Dr.phil» نایل شد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : عبدالکریم گلشنی سال ۱۳۲۹ در دانشکده افسری ثبت نام کرد و خدمت وظیفه را در گارد گمرک مشهد به پایان برد و در سال ۱۳۳۰ هفته نامه سیاسی – انتقادی «هفگز» را با همکاری تنی چند از دوستان آزاده و صاحبنظرش در رشت منتشر کرد که جمعاً هفده شماره (از آذر ۱۳۳۰ تا خرداد ۱۳۳۱) به چاپ رسید. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مدت سه سال در وزارت فرهنگ به شغل معلمی روی آورد و در سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به آلمان رفت.

استادان و مربیان : عبدالکریم گلشنی تا سال ۱۳۴۸ در دانشگاه هامبورگ به تحصیل و تحقیق و تدریس اشتغال داشت و از محضر استادانی چون برتولد اشپولر، ولفگانگ لنتس، هریبرت بوسه و هلموت براون بهره ها برد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالکریم گلشنی در شهریور ۱۳۴۸ به دعوت رسمی دانشگاه به وطن بازگشت و به عنوان استاد قراردادی و سرپرست بخش تاریخ دانشکده ادبیات وعلوم دانشگاه شیراز به تدریس و پژوهش مشغول شد. در سال ۱۳۵۵ پس از انتقال به دانشگاه تهران به عنوان مدیر گروه تاریخ دانشگاه تهران ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۴ و رئیس کمیته تخصصی تاریخ در همکاری با شورای عالی برنامه ریزی ستاد انقلاب فرهنگی از ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸ مشغول به کار بوده است.و همچنین با سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) همکاری داشته است.

فعالیتهای آموزشی : بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ عبدالکریم گلشنی به مدت سه سال در وزارت فرهنگ به کار معلمی پرداخت. در شهریور ماه ۱۳۴۸ به دعوت رسمی دانشگاه (سابق) به وطن بازگشت و به عنوان استاد قراردادی و سرپرست بخش تاریخ دانشکده ادبیات و علوم دانشگاه شیراز به کارهای علمی و اداری مشغول شد. در سال ۱۳۵۵ به تهران انتقال یافت و به جمع استادان و اعضای هیئت علمی گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران پیوست و مدیریت گروه تاریخ دانشگاه تهران را بر عهده گرفت. دکتر گلشنی ضمن اشتغال به امور آموزشی و تدریسی در دانشگاههای هامبورگ، شیراز، تهران، شهید بهشتی (ملی سابق)، تربیت معلم و آزاد اسلامی، به کارهای پژوهشی نیز پرداخته است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عبدالکریم گلشنی در مطبوعات سابقه بسیار طولانی دارد و در این راه عمر بسیار صرف کرده است در آن ایام یعنی پس از جنگ جهانی دوم بین سال های ۱۳۳۲ - ۱۳۲۰ که روزنامه ها بدون محابا حقایق اخبار و اطلاعات را در اختیار مردم می گذاشتند. او که جوانی پرشور و آزادیخواه بود و فارغ از قید و بند و سرشار از روحیه مردم سالاری بود در انتشار «هفگز» در رشت همکاری داشته است. فریدون نوزاد -شاعر و پژوهشگر گیلانی در نشریه گیلان ما - در وصف ویژگی های عبدالکریم گلشنی می گوید: «در چنین حال و هوایی، جوانی پرشور و هیجان، عاشق آزادی و رهایی مردم از قید بند، سرشار از روحیه مردم سالاری با گردآوری چند نوجوان نوخیز و ضد استبدادی و قلدری به دور خویش، هفته نامه طنزپرداز هفگز را در رشت بنیاد نهاد. عبدالکریم گلشنی از زنده یاد محمدصادق غنچه صاحب امتیاز و مدیر هفته نامه صفدر خواست تا اجازه دهد به صورت ضمیمه صفدر با شعار: «هفگز بلای جان عدوی وطن بود» منتشر شود و او نیز با سعه صدری که داشت، بدون هیچ شرطی موافقت خود را اعلام داشت و بدین سان نخستین شماره این نشریه را با سرمقاله پرمحتوا انتشار داد.» انتشار هفگز درست همزمان با هفدهمین دوره انتخابات مجلس شورای ملی ایران صورت گرفت و در میان مردم گیلان آنچنان محبوبیتی یافت که فریدون نوزاد می گوید: «بازار داغی در میان مردم یافته و به راستی غوغا می کرده است و موجبی فراهم آورده بود که هفگز بلافاصله پس از انتشار نایاب می شد.» حضور عبدالکریم گلشنی در نشریه هفگز باعث جلا و ارتقای آن نشریه بود. او با احاطه بر اصول شعری و ادبیات موجب صلابت بیشتر اشعار به چاپ رسیده در آن نشریه شد. فریدون نوزاد درباره عبدالکریم گلشنی می گوید: «عبدالکریم گلشنی که امروزه از فضلای افتخارآفرین جامعه ماست بشدت از بیگانگی پرستی نفرت داشت و هنوز هم این ویژگی را در نهاد خود حفظ کرده است. به همین علت همان گونه که با رهبران فرمانبردار بعضی از احزاب اشتباه کار می جنگید. از مبارزه با مسئولان زورگو و مردم ستیز هم بازنمی ایستاد، برای او جمال امامی، سیدشوشتری یا رئیس قدرتمند شهربانی های گیلان، علی بنی آدم فرماندار رشت و همچنین سرتیپ مغروری فرمانده تیپ منطقه به خاطر خصلت مردم ستیزی که داشتند، با آن گروه اول تفاوتی وجود نداشت، هر دو گروه بد می کردند، و بدی را نمی باید بدون جزا و مکافات گذاشت.

چگونگی عرضه آثار : از عبدالکریم گلشنی پنجاه مقاله تحقیقی در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام در مجلات علمی آلمان و ایرانی به جای مانده است.عبدالکریم گلشنی در بسیاری از جشن نامه ها مانند یادگار نامه فخرایی به کوشش رضا رضازاده لنگرودی، جشن نامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب به کوشش علی دهباشی، ستوده نامه به کوشش ایرج افشار و یادنامه و جشن نامه دکتر محمدامین ریاحی مقالات با ارزش و گرانقدر ارائه کرده اند. مقاله های ارزشمندی که در نگارش آنها از جان مایه گذاشت و عمر خود را در این مسیر صرف کرد تا دانشجویان و استادان تاریخ بتوانند از آنها بهره ببرند. در مقاله ای از او با عنوان «جمال الدین شروانی» که در «دانشنامه جهان اسلام» منتشر شده است؛ می خوانیم: «جمال الدین شروانی، وزیر موسی خان از شوال تا ذیحجه ۷۳۶ وزیر امیرعلی پادشاه، وی پسر تاج الدین علی بود. با مرگ سلطان ابوسعید بهار در ۱۳ ربیع الآخر ۷۳۶ و فقدان فرمانروایی لایق اقتدار دولت ایلخانی وسیله ای برای قدرت طلبی امیران با نفوذ شد. پس از جلوس اَرپاخان / اَرپای گائون، به جانشینی ابوسعید، این که غیاث الدین محمد، وزیر سلطان ابوسعید، امرا را به اتحاد دعوت کرده بود، امیرعلی پادشاه، دایی سلطان

ابوسعید و حکمران دیاربکر، به سلطنت ارپاخان رضایت نداد و موسی خان مغول نواده بایدو را به شاهی برگزید...» «.... ایلخانیان مغول در بیش از یک قرن فرمانروایی در ایران (۶۵۳ ، ۷۵۶) به رغم حفظ وحدت دولت، نتوانستند حدود مسئولیت صاحبان مناصب و وزیران را مشخص کنند و نفوذ هر ایلخان یا وزیر در قلمرو حاکمیتش، به شخصیت خود او بستگی داشت و همین موضوع یکی از عوامل انقراض این سلسله شد.» --

----

آثار :

۱ - طبقات ابن سعد

ویژگی اثر : نخستین ترجمه، تصحیح و چاپ، نشریه تاریخ (مجله تخصصی گروه تاریخ دانشگاه تهران)

۲ ابوحنیفه دینوری گیاه شناس. از فؤاد سزگین.

ویژگی اثر : ترجمه عبدالکریم گلشنی. به کوشش دکتر مهدی محقق. تهران .«ز بلبر برگ کتاب النبات را، از نظر ریخت شناسی گیاهی (مورفولوژی) «جالب ترین قسمت گیاه شناسی آن روزگار یافته است» و در آن یک نظریه ریخت شناسی نسبتاً فوق علمی پیدا کرده که اصطلاحات به کار رفته و رایج برای اعضا و اندام های مختلف گیاه و تعریف و تبیین واژه ها آن را تصدیق و تأیید می کند. (یک عامل با ارزش دیگر) این تجسم جنبه های ریخت شناختی (مورفولوژیکی)، ارائه اشکال پیچیده نبات از طریق مقایسه با نمونه های معلوم و مشهور است. این همان واقعیتی است که برتسل Bretzl در بررسی های گیاه شناختی یونان، در کارتئو فراست، Theophrast، بازشناخته است و در تحقیقاتش در زمینه گیاه شناسی راه اسکندر، به طور ممتاز و پرمعنایی، توصیف ویژگی های گیاه را از نظر ریخت شناسی و قیافه شناسی نشان داده است.»

۳ ستوده نامه (دکتر منوچهر ستوده). پاسخ ابن عمید به پرسش های عضدالدوله. از پروفسور هانس دای بر.

ویژگی اثر : ترجمه و تلخیص از عبدالکریم گلشنی پژوهش های ایرانشناسی، ناموارهٔ دکتر محمود افشار، جلد ، به کوشش ایرج افشار با همکاری کریم اصفهانیان - محمدرسول دریاگشت. تهران

۴ فرهنگ ایران در قلمرو ترکان

۵ قیام گئومات مغ(ترجمه)

۶ مقابله متن آلمانی با ترجمه کتاب «تاریخ نگارش های عربی» تألیف فؤاد سزگین، جلد اول (علوم قرآنی، حدیث، تاریخ، فقه، عقاید و تصوف) و جلد دوم (شعر).

ویژگی اثر : چاپ خانه کتاب

۷ مقالات چاپ شده در دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی،

ویژگی اثر : زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی

۸ مقالات در دانشنامه جهان اسلام

ویژگی اثر : زیر نظر غلامعلی حداد عادل، جلد تهران

۹ نقد و معرفی کتاب تقویم التواریخ

ویژگی اثر : تألیف حاجی خلیفه کاتب چلبی. تصحیح میر هاشم محدث. آیینه میراث، سال اول شماره ، تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

گلمانی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

لاهیجی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، مورخ. در لاهیجان به دنیا آمـد. از آثار وی «تاریـخ خانی» است که شامل وقایع تاریـخ گیلان و طبرسـتان و سلسـله‌ی کیایی گیلان می‌باشد که برای خان احمد خان حسینی (۱۰۰۴ -۹۴۳ ق)، آخرین پادشاه این سلسله، نوشته است. در «الذریعه» تاریخ فراغت از تألیف کتاب «تاریخ خانی» ۸۹۹ ق و در «طبقات اعلام الشیعه» ۹۲۲ ق ذکر شده است که هیچ کدام با زمان سلطنت احمد خان تطابق ندارد .

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۸۳)، الذریعه (۲۵۱ -۲۵۰/ ۳)، اعلام الشیعه (قرن ۱۶۲ -۱۶۱/ ۱۰)، کتاب گیلان (۴۳۳/ ۳).

لواسانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۰ -۱۳۰۸ ق)، عالم دینی، مجتهد و مورخ. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را نزد علمای نجف فراگرفت. وی از شاگردان آیت‌اللَّه شیخ محمد کاظم خراسانی و آیت‌اللَّه سید محمد کاظم یزدی و آیت‌اللَّه شیخ علی گنابادی و آیت‌اللَّه شیخ علی قوچانی و آیت‌اللَّه میرزا حسـین نایینی و آیت‌اللَّه شیخ علی قوچانی و آیت‌اللَّه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللَّه میرزا محمد تقی شیرازی و آیت‌اللَّه سید اسماعیل صدر بود و نزد آنان در نجف، سامرا و کربلا مراحل علمی را طی کرد. آن گاه مشـغول به تدریس و تألیف شد. در ۱۳۳۳ ق به تهران آمد و به تدریس پرداخت، سـپس به مشهد رفت و از محضر آیت‌اللَّه آقـا محمـد آقـازاده‌ی کفایی اسـتفاده نمود. در ۱۳۴۴ ق به نجـف بـازگشت و از محضـر اساتیـد وقت، آیت‌اللَّه آقـا سـید ابوالحسـن اصـفهانی و آیت‌اللَّه آقا ضـیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه شـیخ محمد حسـین غروی، استفاده نمود تا به مراتب عالیه‌ی اجتهاد رسید و به دریافت اجازه‌های اجتهاد نایل شد. در ۱۳۴۸ ق برای ارشاد و سرپرستی شیعیان به لبنان رفت و در ۱۳۷۰ ق به تهران بازگشت و به امور علمی و دینی پرداخت. وی در مسـجد محمودیه سرچشـمه به انجام امور مذهبی مشـغول بود. لواسانی از دوستان نزدیک علامه امینی بود. در تهران درگذشت. از آثارش: «الدروس البهیهٔ»، در مختصـری از تاریخ پیامبر (ص) و ائمه (ع)؛ «مرقاهٔ جنان الزهر»؛ «نور الافهام» شـرح منظومه‌ی «مصـباح الظلام»، در علم کلام؛ «الشـریعهٔ السـماحاء»، در اصول دین و احکام شـرعیه مطابق عمل به احتیاط؛ «تاریـخ النبی احمـد (ص)»، در دو مجلد؛ «تواریخ الانبیاء» از حضـرات آدم تا حضـرت خاتم؛ «نقض الهفوات و تکذیب المفتریات»،

ردی بر دعاوی بهائیت و تکذیب علی محمد باب؛ «فضیحهٔ الکذابین»، در رد قادیانی؛ «الکشکول».[۱]

حاج میرزا حسن بن السید العلامه آیت‌اللّه حاج سید محمد لواسانی از مشاهیر علماء معاصر تهران می‌باشد. وی در ماه رمضان سال ۱۳۰۸ قمری در نجف اشرف متولد شده و چون در سن نه سالگی اوان کودکی در سال ۱۳۱۷ قمری مرحونم والد را از دست داده با نهایت جدیت و اشتیاق در نجف اشرف در محضر طلاب علوم شرعیه و فضلاء مقدمات و ادبیات را خوانده و سطوح نهائی را بپایان رسانیده و در سن بیست سالگی بدرس خارج آیات عظام و مراجع تقلید چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند خراسانی و علامه یزدی و پس از فوت آنان مرحومین آیتین حاج شیخ علی گنابادی و حاج شیخ علی قوچانی و بعد از فوت آن دو بزرگوار از درس و محضر آیت‌اللّه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و در سامرا از مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی و در کربلا آیت‌اللّه حاج سید اسمعیل صدر استفاده نموده تا در سال ۱۳۳۱ قمری که جنگ بین‌المللی پیش آمد و اوضاع دنیا در آن جنگ متشتت و در هم ریخته شد خصوصا عراق عرب که از همه جا سخت گردید که هر کس به هر وسیله که برایش ممکن میشد فرار را بر قرار اختیار نموده و باطراف بلاد منتشر میشد و همه روزه زندگی و ناامنی بدتر میشد ناچار معظم له باتفاق مرحومه علویه والده‌اش و عیال و اولاد و والدین عیال با نهایت دست تنگی و قلت زاد از نجف اشرف در اواسط ۱۳۳۳ قمری بعزم هجرت به ایران حرکت نموده و در کاظمین متوقف و در مدت دو ماه هفت نفر از بستگانش چون مرحومه والده و عیال و سه نفر از اولادش و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی قوچانی همسر خواهرش با فرزندش بمرض وبا و غیره از دنیا رفته و بالاخره خودش باتفاق خواهرش با نهایت صعوبت و سختی وارد تهران و باقارب و احارم خود ملحق و با ابتلاء بامراض عدیده و مراجعه بصفوف اطباء تا بفضل پروردگار بهبودی یافته و در ماه رمضان ۱۳۳۴ قمری همشیره همسر مرحومه سابقش را که صبیه مرحوم آقا سید محمد واعظ لواسانی بود تزویج و مهاجرت به مشهد نموده و مدت شش سال اقامت و از محضر آیات و مدرسین آن عصر چون مرحوم آیت‌اللّه آقا محمد آقا زاده کفائی و دیگران استفاده و در سال ۱۳۴۰ قمری بحج مشرف و چند ماهی متوقف و موجب استبصار یکی از دانشمندان اهل سنت که رئیس بعضی از دوائر دولتی صعودی بوده گردیده و بیش از بیست مرتبه از لبنان و عراق و ایران بحج مشرف شده و باین فیض بزرگ رسیده است.

نگارنده گوید: علامه لواسانی در طول تاریخ عمر خود موفقیتهای بزرگی پیدا کرده که موجب غبطه و حسرت میباشد از جمله اختلاف بین شیعیان مقیم مدینه و ارجاع بمراجع تقلید دادند بعد از آن که مدتها آنها بر طریقه اخباریین بودند.

دیگر راه یافتن ایشان به کتابخانه مدینه منوره و استفاده از کتب حضرات تسنن در بطلان اجماع امت بر خلافت شیخین و دیگران.

و خلاصه پس از مدت اقامت در مدینه منوره بمکه معظمه برای اداء حج تمتع مشرف و بعد از آن مراجعت به عراق و از آنجا به ایران و قم آمده در هنگامی که مراجع بزرگ نجف چون آیت‌اللّه اصفهانی و نائینی و خالصی و دیگران تبعید از عراق بودند و در آنجا بفیض ملاقات و زیارات آنان رسیده و از آنجا به مشهد مشرف و موفق بوظائف دینی و شرعی خود از امامت در مسجد ترکها و تدریس فقه و اصول گردید تا در نیمه ماه رجب ۱۳۴۴ قمری باتفاق عیال و فرزندان مراجعت به نجف اشرف نموده و از محضر آیت‌اللّه اصفهانی و نائینی و آیت‌اللّه کمپانی و آیت‌اللّه عراقی استفاده نموده در مدت پنجسال آنگاه بامر بعضی از آیات مذکوره برای تبلیغات احکام شرعیه به لبنان مسافرت کرده و خدمات زیادی در آن سامان انجام داده و مورد توجه و علاقه شدید مردم جبل عامل گردیده و تقاضای اقامت ایشان را نموده و به آیت‌اللّه اصفهانی متوسل تا بامر آن مرحوم بیش از بیست و دو سال در آن بلاد با نهایت عزت و عفت نفس اقامت نموده و مردم بی خبر آن حدود را ارشاد و هدایت نموده تا در سال ۱۳۷۰ قمری که جنگ اسرائیل با اعراب فلسطین شروع شد و مردم فلسطین مغلوب و آواره گردیدند ناچار به مهاجرت به ایران گردیده و در تهران مقیم و تا حال حاضر در مسجد محمودیه سرچشمه به اقامه جماعت و ترویجات دینی و خدمات اشتغال دارند.

تألیفات و آثار عدیده‌ای دارند که فهرست آنها را می‌نگارم.

۱- الدروس البهیه در مختصری از احوال النبی و الائمه ۲- نور الافهام شرح منظومه مصباح الظلام فی علم الکلام ۳- الشریعه السمحاء فی الاحکام الشرعیه الفرعیه علی طبق العمل بالاحتیاط. ۴- تاریخ النبی احمد صلی اللَّه علیه و آله در دو مجلد از مبدء خلقت نور آن بزرگوار تا آخر عمر حضرتش ۵- تواریخ الانبیاء از حضرت آدم تا حضرت خاتم صلی اللَّه علیه و آله در دو مجلد ۶- فضیحه الکونین رد بر قادیانی کذاب هندی. ۷- نقض الهفوات رد بر دعادی بهائیه و تکذیب علی محمد باب ۸- کشکول لطیف که تمام اینها بطبع رسیده و اما آثار مخطوط آن جناب عبارتست از فقه و اصول و تقریرات مباحث اساتید عظام و حواشی بعضی مسائل متفرقه و غیره.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۵۸، ۲۹۲/ ۲۴، ۳۱۳/ ۲۰، ۲۷۵/ ۱۶، ۱۸۶/ ۱۴، ۱۴۴/ ۸، ۲۹۰/ ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۴۹ -۵۴۶/ ۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۵ -۱۱۳۳/ ۳).

متقی زاده، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد متقی زاده

محل تولد : سربند اراک

شهرت : متقی زاده

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

احمد متقی زاده

متولد۱۳۴۲ دیپلم تجربی، تحصیلات حوزوی را تا سطح اول در حوزهٔ علمیه بروجرد نزد آیت الله صاحب زمانی و آیت الله جواهری نوه هفتم صاحب جواهر گذراندم و سطح دو و سه را درحوزهٔ علمیه قم نزد اساتید حوزهٔ علمیه قم حضرت آیت الله سید علی محقق داماد، آیت الله اعتمادی، آیت الله سبحانی و ... تلمذ نموده ام، درس خارج فقه و اصول به مدت ۵ سال در محضر آیت الله سبحانی ، مرحوم آیت الله میرزا جواد آقاتبریزی، آیت الله مکارم، آیت الله جوادی آملی و آیت الله محمد کریم مروجی شرکت و کسب فیض نموده ام و تحصیلات دانشگاهی کار شناسی در رشته علوم سیاسی و کارشناسی ارشد را نیز در رشته علوم سیاسی و در حال ادامه تحصیل دکتری و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور در حال حاضر هستم . بیش از ۱۵ سال سابقه تدریس در دانشگاههای تهران مثل علامه طباطبایی و شهید رجایی و امام علی دانشگاههای ازاد اسلامی واحد تهران شمال و تهران مرکزی و علوم تحقیقات و پیام نور و علوم اقتصادی و.... هستم.

مسئولیتها در نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها : ۱-مسئول اداره نظارت و ارزیابی ۲-مسئول اداره جذب و گزینش نهاد ۳-مدیر ارتباطات و اطلاع رسانی مسئول و راه انداز دانشگاه پیام نور واحد چهاردانگه فعالیتهای پژوهشی: تالیف بیش از ۱۰ جلد کتب و بیش از ۲۰ مقالات علمی پژوهشی تالیفات: ۱-کتاب انقلاب اسلامی ایران و عوامل وقوع ان ۲-تجزیه و ترکیب قرآن کریم ۳-

تاریخ تحول دولت در اسلام ۴-آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ۵-یکصد و چهل حدیث اخلاقی از رسول اعظم ۶-آشنایی با اندیشه سیاسی امام خمینی ره و...

محرمی، غلامحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسن محرمی

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب غلامحسن محرمی در یکی از روستاهای اطراف تبریز در سال ۱۳۴۷ متولد شده و از دوازده سالگی به شهر رشت مهاجرت کرده و بعد از دو سال به مراغه بر گشته ایم و سال ۶۳ وارد حوزه و در حوزه مراغه و تبریز به تحصیل پرداخته و سال ۶۵ وارد حوزه علمیه قم شده و تا شش سال بعد از آن مشغول تحصیل سطح حوزه بودم و بعد از آن تا ۱۳ سال در درس خارج شرکت کردم.اساتید اینجانب در دو سطح عبارتند از :آیه الله وجدانی فخر ، استاد صالحی افغانی ، آیه الله اشتهاردی ، استاد طالقانی ، آیه الله شیخ کریم ملائی تبریزی ، آیه الله اعتمادی ، استاد محقق داماد ، آیه الله دوزدوزانی ، استاد صلواتی ، همچنین فلسفه را از محضر استاد غلامرضا فیاضی ، استاد میر سپاه و استاد غرویان استفاده کردمعرفان نظری را از محضر استاد عسگری گیلانی بهره جستم.
همچنین به مدت چهار سال روزهای تعطیل از محضر علامه حسن زاده آملی ، درس هیئت و نجوم فرا گرفته ام که استاد این درسها را در دو جلد کتاب به نام دروس هیئت به نگارش در آورده است.همچنین دو سال شبهای پنجشنبه از محضر آیه الله مکارم شیرازی اصول عقائد فرا گرفته ام در درس خارج نه سال درس فقه آیه الله العظمی شیخ جواد تبریزی بوده ام و نیز دو سال درس اصول ایشان و نیز سه سال درس خارج حضرت آیات سبحانی ، وحید خراسانی ، هاشمی شاهرودی ، محمد حسن احمدی فقیه و جناتی شرکت داشته ام .و از دروس حوزه از صرف میر تا رسائل و مکاسب تدریس کرده ام که بعضی را یک نوبت و بعضی را چند نوبت در مدرسه های شهابیه (مرکز جهانی علوم اسلامی) ، مدرسه شهیدین ، مدرسه سفیران هدایت تدریس داشته ام . و از سال ۷۶ در دانشگاههای آزاد تهران پیام نور مراغه و علوم پزشکی تبریز تدریس داشته ام.

محلاتی، ذبیح‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۶ -۱۳۱۰ ق)، عالم دینی، متکلم، خطیب و محقق. در محلات به دنیا آمد. پس از نشو و نما و تحصیل مقدمات در زادگاهش، نزد شیخ عبدالحسین کبیر، به همراه مادر برای تکمیل علوم به نجف رفت. او در محضر علامه نایینی و آیت‌اللّٰه ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه اصفهانی و آیت‌اللّٰه حاج سید حسن صدر و آیت‌اللّٰه جواد بلاغی تلمذ کرد و همچنین از اساتیدی چون آیت‌اللّٰه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللّٰه میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌اللّٰه شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران بهره برد تا به مراتب علمی نایل شد و از اساتید بزرگ نجف اجازه اجتهاد و روایت گرفت. سپس در سامراء ساکن گردید و به بحث و تألیف مشغول شد و در ضمن آن از بحثهای رجال و حدیث و درایه آیت‌اللّٰه میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شد. در ۱۳۷۶ ق به ایران بازگشت و در تهران ساکن گردید و به تألیف و امامت جماعت پرداخت. از آثارش: «ریاحین الشریعة»، شرح حال زنان دانشمند شیعه، در شش مجلد؛ «اختران تابناك»؛ «مأثر الکبراء فی تاریخ سامراء»، به عربی؛ «الحق المبین»، در قضاوتهای امیرالمؤمنین (ع)؛ «شمس الضحی»؛ «قرةالعین»، در حقوق والدین؛ «کشف العثار»، در مفاسد خمر و قمار؛ «کشف الغرور»، در مفاسد بی‌حجابی؛ «کشف البنیان عن جنایات عثمان»؛ «کشف حقیقت»؛ «کشف الغاشیة»؛ «کشف الهاویة»، در جنایات معاویه؛ «لطائف الحکایات»؛ «کشف المغیبات»؛ «فرسان الهیجاء»؛ «وقایع الایام»، در هشت مجلد که سه مجلد آن «مجالس الواعظین» نام دارد؛ «الکلمة التامة»، در احوال اکابر عامه.[۱]

حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی عسکری تهرانی از علماء اعلام و محدثین گرام و وعاظ والامقام و نویسندگان بنام معاصرند در تهران تولدش در محلات واقع شده و مهاجرت به عراق و نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین عالی نجف فراگرفته و به درس خارج آیات عظامی چون مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ جواد بلاغی و دیگران حاضر شده و در کاظمین از مرحوم آیت‌الله حاج سید حسن صدر هم استفاده نموده و در سامره از رجال و حدیث و درایه آیت‌الله میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شده و به افتخار مصاهرت آن مرحوم نائل گردیده آنگاه مهاجرت به تهران نموده و به ترویج دین و تبلیغ و نشر آثار و اخبار اهل‌بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله

پرداخته و در مسجد مشیرالدوله واقع در خیابان اهل علی خیابان مسکرآباد تهران نیز به اقامه جماعت اشتغال دارند.

تالیفات مفیده و ارزنده بسیاری دارد که اغلب آنها به طبع رسیده است و در حال حاضر در کثرت تالیف کم‌نظیر می‌باشند و آنها از این قرار است:

۱- ریاحین‌الشریعه در احوال بانوان شیعه در ۵ جلد مکرر به طبع رسیده است.

۲- تاریخ سامره در سه مجلد که دو مرتبه چاپ شده است.

۳- کشف الاشتباه در کجرویهای اصحاب خانقاه به طبع رسیده است.

۴- کشف الهاویه در احوال و مطاعن معاویه به طبع رسیده است.

۵- الحق المبین در قضاوتهای امیرالمومنین علیه‌السلام که تاکنون شش مرتبه به طبع رسیده است.

۶- لطایف الحکایات به طبع رسیده است.

۷- اختران تابناك به طبع رسیده است.

۸- فرسان الهیجاه در دو مجلد مکرر به طبع رسیده است.

۹- کشف حقیقت مشتمل بر فتاوای اهل سنت و قدح آنها به طبع رسیده است.

۱۰- کشف‌الغرور در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن. به طبع رسیده است.

۱۱- کشف‌المغیبات مشتمل بر اخبار غیبیه. به طبع رسیده است.

۱۲- کشف‌الغاشیه در زندگانی عایشه. به طبع رسیده است.

۱۳- کشف‌البنیان در جنایات عثمان. به طبع رسیده است.

۱۴- نارالله الموقده علی الکافرین متضمن حمله‌های حضرت علی علیه‌السلام.

۱۵- قره‌العین- فی حقوق الوالدین.

۱۶- کشف‌العمار یا کانون فساد الی ساحل نجات.

۱۷- مطلوب الراغب در احکام ریش و شارب.

۱۸- کشف‌التهمه.

۱۹- السیوف البارقه.

۲۰- وقایع‌الایام- یا مجالس الواعظین دو جلد.

۲۱- شرافۀ الاسخیاء و رذالۀ البخلاء.

و حدود ۳۴ جلد کتاب دیگر در فنون مختلفه که مخطوط و آماده طبع است.

فقیه، محقق.

تولد: ۱۲۷۱(۱۳۱۰ ق.)، محلات.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۴.

علامه حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی مقدمات تحصیل را نزد شیخ عبدالحسین کبیر در محلات به پایان رسانید. سپس همراه با مادرش عازم نجف اشرف شد و در آنجا از محضر رجال علم و حدیث و درایه سود برد و در درس خارج اساتیدی چون شیخ مرتضی طالقانی، عبدالرحمان قزوینی، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، آیت‌الله اصطهباناتی، حجت‌الاسلام سید محمد فیروز آبادی، آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد جواد بلاغی، فاضل نیشابوری، شیخ صادق بروجردی، آیت‌الله نایینی، آیت‌الله سید ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید حسن صدر شرکت کرد. وی با اتمام تحصیلات، پس از یازده سال اقامت در نجف اشرف به سامرا رفت. در آنجا نزد آیت‌الله میرزا محمد تهرانی و آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی باقی ماند و به تدریس در حوزه‌ی سامرا و مدرسه‌ی میرزای شیرازی پرداخت. در همین شهر است که به فعالیت تحقیقاتی نیز پرداخت که حاصل آن دو اثر است به نام‌های مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء در دوازده جلد به زبان عربی (سه جلد آن در تهران به چاپ رسیده است) و الکلمۀ التامه فی تراجم اکابر العامه به فارسی در پنج جلد. دوره‌ی اقامت وی در شهر سامرا نزدیک به بیست و پنج سال به طول انجامید. وی در سال ۱۳۲۷ به تهران بازگشت.

از جمله آثار قلمی ایشان است: دایرۀ المعارف شش جلدی ریاحین الشریعه (به فارسی و حاوی شرح حال بانوان دانشمند شیعه در زمینه علم و ادب و مذهب در تاریخ اسلام)؛ الحق المبین (در قضاوت‌های امیرالمؤمنین؛ این کتاب به کرات به چاپ رسیده است)؛ اختران تابناک (در دو جلد)؛ فرسان الهیجاء (در ترجمه سیدالشهداء به ترتیب حروف در دو جلد)؛ قرۀ العین فی حقوق الوالدین؛ وقایع الایام (دو جلد)؛ لطایف الحکایات یا داستان‌های آموزنده (مشتمل بر ۳۰۳ حکایت در ۵۷۶ صفحه در دو جلد)؛ کشف الاشتباه (در کجروی‌های اصحاب خانقاه)؛ کشف الهاویه (در احوال و مظالم معاویه)؛ کشف حقیقت (مشتمل بر فتاوای اهل سنت و در شرح حال بزرگان اهل سنت ابوحنیفه و مالک و شافعی و حنبلی)؛ کشف الغرور (در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن)؛ کشف المغیبات (مشتمل بر اخبار غیبیه امیرالمؤمنین)؛ کشف الغاشیه (در زندگانی و هویت عایشه)؛ کشف البنیان (در ترجمه عثان بن عفان)؛ کشف العثار (در مفاسد شراب و قمار)؛ کشف الاکاذیب (در عجز خلیفه‌ی دوم از پاسخ به مسائل)، کشف الخفاء (در خصوص تذکرۀ الاولیاء)، کشف المنافع (در منافع و خواص حیوانات، نباتات و جمادات)؛ کشف زردشتی از طریقه (زردشتی) کشف التهمه؛ مطلوب الراغب (در احکام ریش و شارب)؛ السیوف البارقه (در رد صوفیه)؛ نارالله الموقده علی الکافرین (یا

جنگ‌های امیرالمؤمنین)؛ قلائد النحور (در حوادث ایام و شهور مشتمل بر وقایع دوازده ماه در هشت جلد)، مجالس الواعظین (در چهار جلد)، شمس الضحی (در نقل و تحویل سر مبارک سید الشهداء) شرافة السخیاء و رذالة البخلاء، ضرب شمشیر بر منکر خطبه غدیر؛ طعن سنان (در مناقشات احکام القرآن سید ابوالفضل برقعی)، المعالی (در احیاء العلوم غزالی)؛ امثال القرآن؛ بیاض (در اشعار متفرقه)؛ خیر الکلام (دو جلد در خصوص سید احمد کسروی)؛ صندوق النفایس؛ کشکول؛ مجموعه کبیری (عربی و فارسی)؛ نعم النصیر (ترجمه‌ی بعضی از قسمت‌های کتاب الغدیر).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۲۸ -۱۲۷/ ۲۵ ،۶/ ۱۹ ،۱۲۲ ،۴۴ ،۴۲/ ۱۸ ،۱۶۵ ،۱۵۲ -۱۵۱ ،۷۲/ ۱۷ ،۱۶۸/ ۱۶ ،۲۹۳ ،۹۹/ ۱۲ ،۳۱۴ -۳۱۳/ ۱۱ ،۲۸۵ ،۳۸/ ۷ ،۲۵۵/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶ ۷ -۷۱۵/ ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۱۲، ص ۳۹)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۶۲/ ۳).

محمدی، ذکرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ذکرالله محمدی

محل تولد : خدابنده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ذکرالله محمدی درسال ۱۳۵۰ در یکی از روستاهای محروم استان زنجان و در یک خانواده اصیل مذهبی به این دنیای پر راز و رمز چشم گشودم و در ایام کودکی راهی مکتب خانه شده با قرآن و گلستان سعدی و چند کتاب دیگر آشنا گشتم . بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران هم زمان با ادامه تحصیل در مکتب خانه اول دبستان را شروع کردم . پس از اتمام دوره ابتدایی، اول راهنمایی رادر یکی از آبادیهای هم جوار گذراندم. دوم راهنمایی رادر روستای خودمان به صورت متفرقه فرا گرفته و در پایان سال تحصیلی درشهر خدابنده امتحان داده و قبول شدم . با توجه به اینکه علاقه ای فراوان به فراگیری علوم اسلامی از خود نشان می دادم لذا در مهرماه ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه زنجان شدم و سوم راهنمایی را هم به صورت شبانه پشت سر گذاشتم. هم زمان با ادامه تحصیل درحوزه علمیه اول متوسطه را در دبیرستان دکتر شریعتی زنجان فرا گرفته و در پایان سال تحصیلی بعنوان شاگرد ممتاز درشبکه رادیوئی استان زنجان شرکت کردم. بعد ازاتمام اول دبیرستان تحصیل در علوم جدید را به منظور تقویت بنیه علمی حوزوی را آغاز کرده و بیش ازپیش درفراگیری علوم دینی کوشیدم . پس ازدوسال ترک تحصیل علوم جدید دوباره به تحصیل این علوم روی آورده و درمدت سه سال همزمان با ادامه تحصیل در حوزه علمیه زنجان دوره دبیرستان را تمام کردم. ضمناً پایه ی ششم حوزوی را نیز با امتیاز بالا به اتمام رسانیدم. با شرکت درکنکور سراسری دردانشگاه بین المللی امام خمینی(ره) قزوین دررشته تاریخ تمدن قبول شده و همچنین درموسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام قم نیز پذیرفته شدم و به خاطر ادامه تحصیل درعلوم حوزوی درقم ازدانشگاه قزوین منصرف شده وازسال ۱۳۷۴وارد حوزه مقدسه قم گشته و رشته تاریخ راهم

درموسسه عالی باقر العلوم(ع) ادامه دادم درسال ۱۳۸۰با تالیف پایان نامه دررابطه با آیت الله شیخ عبدالکریم حائری(ره) با اخذ مدرک کارشناسی تاریخ ازاین موسسه فارغ التحصیل گشتم و هم چنین درخلال تحصیل درموسسه مزبور درکلاسهای تاریخ اسلام دفتر تبلیغات نیز شرکت می کردم، دوره فشرده مهدویت را نیز درسالهای اخیر درپژوهشکده مهدویت پشت سر گذاشته وهمکاری علمی با آن پژوهشکده راآغاز کرده ام. همچنین اخیرا با مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم همکاری فعالی دارم. حدود سه سال در درس خارج فقه آیت الله شبیری زنجانی شرکت کرده ام و نیز توفیق تبلیغ دین مبین اسلام به مدت ۶سال نصیب حقیر در ایام رمضان و محرم شده است.

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خوشنود باشی مارستگار

محمدی، رمضان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رمضان محمدی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از گرفتن دیپلم در سال۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم در طی هشت سال دروس حوزه را تا سطح به اتمام رساندم و در سال۱۳۷۰به تدریس دروس ادبیات (جامع المقدمات.سیوطی.مغنی) پرداختم و استاد رسمی یکی از حوزه های علمیه شهرستان شدم در کنار تدریس در حوزه به تدریس تاریخ اسلام، عقاید، دانش سیاسی، در سایر مراکز دولتی نیز مشغول بودم در سال ۱۳۷۲ ودوره تحصیل فقه وکلام مقارن را در مرکز مذاهب اسلامی با موفقیت به پایان بردم و همزمان با تحصیل در مرکز مذاهب اسلامی به تحصیل در دوره کارشناسی ارشد مشغول شدم و بعد از چند سالی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته تاریخ اسلام شدم مدت هفت سال در دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله تبریزی، آیت الله فاضل، جوادی آملی و سبحانی اشتغال داشتم و اکنون مشغول تحقیق در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه هستم .و هم زمان مدیر واحد پاسخ به شبهات قرآنی دفتر تبلیغات اسلامی قم هستم .

محمود، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از دانشمندان و مورخان دوران مشروطیت است که در اواخر عمر اثری بسیار ارنزده و محققانه به نام روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم در هشت مجلد تنظیم و انتشار داد. تولد او در ۱۲۵۹ ش اتفاق افتاد. تحصیلات قدیم را نزد اساتید روز و تحصیلات جدید را در مدرسه امریکائی به پایان رسانید. در اوایل مشروطیت در سلك آزادیخواهان درآمد و عضو حزب دموکرات گردید و در آن هنگام مقالاتی به طرفداری از آزادی و مشروطه در جراید می‌نوشت. مدتی به کارهای دولتی اشتغال ورزید و در وزارت پست و تلگراف مقاماتی را طی نمود. در اوایل سلطنت رضاشاه مدتی سرپرست محصلین وزارت پست و تلگراف در اروپا بود. در ۱۳۲۴ پس از روی کار آمدن قوام‌السلطنه به استانداری تهران رسید و در دوره پانزدهم از نجف‌آباد وکیل شد. در تشکیل حزب دموکرات ایران با قوام‌السلطنه همکاری نزدیك داشت و یکی از عوامل مؤثر حزب به شمار می‌رفت. پس از پایان دوره پانزدهم از کارهای سیاسی کناره گرفت و به تحقیق و تتبع در تاریخ پرداخت چند کتاب نیز ترجمه نمود که از جمله جنگ نفت اثر موهر و شهریار ماکیاول می‌باشد. در اواخر عمر از نعمت بینائی محروم گردید و در ۱۳۴۴ ش در ۸۵ سالگی وفات یافت. وی خواهرزاده عسگر گاریچی تبریزی صاحب بزرگترین مؤسسه حمل و نقل در اوایل مشروطیت است. محمود در تنظیم و تألیف بعضی از کتب مورخین بعد از شهریور ۲۰ دست داشت. نام خانوادگی وی ابتدا پهلوی بود.

(۱۳۴۴ -۱۲۶۱ ش)، نویسنده و مترجم. در تبریز به دنیا آمد. از آزادیخواهان صدر مشروطیت بود. نام اصلیش محمود پهلوی بود که بعدها به محمود محمود تغییر داد. خدمات دولتی او در وزارت پست و تلگراف و سپس در اداره رادیو بود و مدتی نیز سمت استانداری تهران را به عهده داشت. همچنین در دوره‌ی پانزدهم نماینده‌ی مجلس شورای ملی بود. وی مقالاتی در مجله‌ی «آینده» و روزنامه‌ی «ستاره‌ی ایران» و دیگر مجلات به چاپ می‌رساند. او کتابهای «تعلیم و تربیت در خانواده»، «تعلیم و تربیت در مدرسه»، «تربیت ایرانی برای جامعه‌ی ایرانی» را با نام مستعار رسول نخشبی منتشر کرد. از دیگر آثار وی: «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی»، در هشت مجلد؛ «شهریار»، ترجمه؛ «جنگ نفت»، ترجمه.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دایرةالمعارف فارسی (۱۲۷۰۱/ ۲)، شرح حال رجال (۴۵ -۴۴/ ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۱۸۴/ ۲ ، ۱۰۶۶، ۷۰۸/ ۱)، کلک (س ۵، ش ۵۵ و ۵۶، ص ۳۸۸ -۳۸۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷/ ۶).

محیط طباطبایی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۱ -۱۲۸۱ ش)، محقق، نویسنده، مورخ، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به محیط. در زواره‌ی اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و علوم قدیمه را در زادگاهش فراگرفت. در ۱۳۰۰ ش به اصفهان رفت و به تحصیل مقدمات طب جدید که لازمه‌ی آن تحصیل زبان فرانسه بود پرداخت. ولی پس از مدتی منصرف شد و در ۱۳۰۲ ش به تهران آمد و دارالفنون را در سه سال و مدرسه‌ی عالی حقوق را در یک سال گذراند. سپس به شغل معلمی پرداخت. وی همچنین از ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۴ ش به عنوان مستشار فرهنگی در دهلی، بغداد، دمشق و بیروت به سر برد. در ۱۳۳۷ ش پس از بازنشستگی به مدت بیست و یکسال، در رادیو، عهده‌دار برنامه‌ی مرزهای دانش بود. محیط طباطبایی به زبانهای فارسی دری و عربی تسلط کامل و به زبان انگلیسی و فرانسه و زبانهای ایران

قبل از اسلام آشنایی داشت. وی مقالاتی در زمینه‌ی تاریخ برای روزنامه‌های «ایران»، «شفق سرخ»، «اطلاعات» و مجله‌ی «گوهر» می‌نوشت. همچنین از ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸ ش اداره‌ی مجله‌ی «آموزش و پرورش» را عهده‌دار بود. از ۱۳۲۱ ش مجله‌ی «محیط» را تأسیس و منتشر کرد. وی سرانجام در تهران درگذشت و در محوطه‌ی برج طغرل، نزدیک قبرستان ابن‌بابویه، به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: «تاریخ اعزام محصل به اروپا»؛ «زندگی محمد زکریای رازی»؛ «دوران نادر»؛ «تاریخ تحول نثر فارسی در قرن سیزدهم»؛ «تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران»؛ «نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین»؛ «جغرافیای نو»؛ «شرح حال فردوسی»؛ مقدمه‌ی «نگارستان عجایب و غرایب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینده (س ۱۸، ش ۶ -۱، ص ۲۵۶)، ادبستان (س ۳، ش ۳۳، ص ۹۴)، ادبیات نوین (۳۰۹)، تاریخ برگزیدگان (۳۹۸ -۳۹۶)، الذریعه (۳۱۰/ ۲۴)، سخنوران نامی معاصر (۳۲۰۴ -۳۱۹۸/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۰۷، ۲۱۱۴/ ۲، ۱۰۴۳/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۱۰، ص ۹ -۳)، مجله‌ی محیط (مقدمه/ یازده- بیست و یک)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۳ -۷۹۲/ ۵).

محیط فراهانی، معصوم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۵/ ۱۲۳۰ ق)، وقایع نگار و شاعر، متخلص به محیط. پدرش مشهور به قایم مقام اول و برادرش، میرزا ابوالقاسم، مشهور به قایم مقام ثانی بود. محیط در ملازمت عباس میرزا بوده و در نویسندگی مهارت داشته است، به همین دلیل از جانب عباس میرزا به منصب وقایع نگاری خاص رسیده بود. وی در زبان و ادبیات عرب و سرودن شعر نیز ماهر بود. او در جوانی از دنیا رفت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۱۶۱۵ -۱۶۱۴/ ۳)، الذریعه (۱۰۱۵/ ۹)، ریحانه (۲۵۱/ ۵)، طرائق الحقائق (۲۷۷/ ۳)، سفینهٔ المحمود (۲۹۵ -۲۹۴/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۲۴)، مجمع الفصحا (۹۸۸ -۹۸۷/ ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۶۹ -۱۶۸)، نگارستان (۱۳۰ -۱۲۹).

مخبرالسلطنه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مخبرالسلطنه (حاج مخبرالسلطنه) مهدیقلی میرزا. از خاندان معروف هدایت و از بستگان رضاقلی‌خان هدایت است. وی از مطلعان تاریخ و فرهنگ ایران بود و در سیاست به مناصب عالی رسید. آثار بسیاری از خود بجا گذاشت که عبارتند از:

۱- فوائد الترجمان در تعلیم زبان فرانسه در دو جلد. ۲- تحفهٔ‌الافاق در تاریخ و جغرافیا، سیاست و اقتصاد اروپا. ۳- گزارش ایران باستان یا تحقیقی در سلسله‌ی کیان. ۴- مجمع‌الادوار در علم موسیقی ۵- افکار امم در تحقیق مذاهب و تطبیق آن با حکمت. ۶- سفرنامه‌ی گرد کره از طریق چین و ژاپن به عزم زیارت بیت‌اللّه. ۷- خاطرات و خطرات. وی تا آخر عمرش که ۱۳۳۴ شمسی می‌باشد مشغول تألیف و تصنیف بوده است. حاج مخبرالسلطنه در سال ۱۳۰۵ شمسی وزیر فوائد عامه گردید. در اردیبهشت ۱۳۰۶

به ریاست عالی دیوان تمیز منصوب شد و در خرداد ۱۳۰۶ برای اولین بار به نخست‌وزیری برگزیده شد و در دیماه ۱۳۰۹ مجدداً نخست‌وزیر گردید. وی در چهارشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۳۴ شمسی درگذشت.

حاج مخبرالسلطنه هدایت، از رجال سیاسی بود که پیش از این‌که خود به سیاست و پرداختن به آن علاقه داشته باشد، به موسیقی تمایل داشت ولی جو نامساعد و حال و هوای دوران زندگی او، هدایت را به طرف سیاست سوق داد ولی هیچگاه این مرد از عشق و علاقه خویش که همان موسیقی بود، دست نکشید و در هر فرصتی که به دست می‌آورد به سوی آن می‌رفت.

حاج مخبرالسلطنه هدایت به خط نت آشنایی کامل داشت به همین سبب دو کتاب موسیقی از وی به رشته تحریر درآمده و از او به یادگار مانده است، هدایت بیشتر با سید مهدی دبیری و دکتر صلحی مأنوس بود.

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

مدائنی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ال...) ابوالحسن علی بن محمد (و. ۱۳۵ ه.ق- ف. ۲۲۵ ه.ق) از شاگردان معمر بن اشعث متکلم، ادیب و مورخ بود او را تألیفات بسیار است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مدنی‌مقدم، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، مؤلف.

تولد: ۱۳۲۲ (دی)، رشت.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۵، آلمان.

دکتر رضا مدنی‌مقدم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا سال پنجم در شهر رشت گذرانید. پس از اخذ دیپلم به سال ۱۳۴۲ در تهران، چهار سال به شغل آموزگاری در شهریار و اطراف کرج پرداخت. در سال ۱۳۴۷ به آلمان سفر کرد و در دانشگاه اشتوتگارت به تحصیل پرداخت. در سال ۱۹۷۹ به اخذ درجه‌ی فوق لیسانس و مهندسی در رشته‌ی معماری نایل آمد و در ژوئیه ۱۹۸۵ موفق به گذراندن درجه‌ی دکترای معماری از دانشگاه مزبور گردانید و کمی بعد به عنوان استادیار دانشکده‌ی معماری آن دانشگاه برگزیده شد.

تخصص وی گرچه در رشته‌ی معماری و مهندسی ساختمان بود اما به سبب علاقه‌اش به ایران و گیلان اوقات فراغت را به پژوهش و ترجمه و نگارش در زمینه‌ی ایران‌شناسی مشغول بود. از جمله عنوان‌هایی که از وی به چاپ رسیده است می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: فرمانروایان گیلان (مجموعه چهار گفتار پیرامون تاریخ و جغرافیای گیلان، تألیف ه. ل. رابینو با همکاری م. پ. جکتاجی، رشت، ۱۳۶۴)؛ کتابی درباره‌ی معماری بومی گیلان به زبان آلمانی (این کتاب در واقع پایان‌نامه‌ی دکترای وی بوده

است که در اشتوتگارت به سال ۱۹۸۶ منتشر شد)؛ مقاله‌هایی که در یادگارنامه‌ی ابراهیم فخرایی (تهران، ۱۳۶۳)؛ و مجله «آینده» به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مرادی نسب، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین مرادی نسب

محل تولد : سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین مرادی نسب در سال ۵۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی که زیر نظر شهیدان قدوسی و بهشتی بود مشغول تحصیل شدم . دوره مقدماتی و دوره سطح و کفایه و مکاسب را در آنجا گذراندم که از محضر اساتیدی بزرگ همچون آقایان آیت الله استادی ، مصلحی (قدس سره) و بحرینی بهره بردم . و در دروس خارج اصول و فقه آقایان حضرات آیات مکارم شیرازی ، فاضل لنکرانی ، نوری همدانی ، سبحانی و تبریزی شرکت کردم ؛ در ضمن در دوره تربیت مربی کودکان که از طرف دفتر تبلیغات اسلامی برگزار می شد شرکت کردم و چون علاقه به تاریخ اسلام داشتم در این حوزه فعالیت خود را آغاز کردم و در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه دوره آموزشی و پژوهشی را گذراندم و در پایان نامه خود را تحت عنوان نقد و بررسی متن مغازی موسی بن عقبه (م ۱۴۱) دفاع کردم ؛ این پایان نامه در سال ۸۰ رتبه برتر پژوهشی از طرف دبیرخانه ارشاد و فرهنگ اسلامی شناخته شد .

مرزبانی بغدادی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۸۴/ ۳۷۸/ ۳۷۱ -۲۹۷/ ۲۹۶/ ۲۸۷ ق)، محدث، اخباری، مورخ و ادیب معتزلی. معروف به کاتب مرزبانی. اصلش از خراسان است و در بغداد به دنیا آمد. او را جاحظ زمانش خوانده‌اند. در حدیث ثقه بود و معتزلی، اما گفته‌اند که به تشیع نیز گرایش داشت و نیز گفته‌اند که او اولین کسی است که «دیوان» یزید بن معاویهٔ بن ابی‌سفیان را جمع‌آوری و تدوین نمود. از ابوالقاسم عبداللّٰه بن محمد بغوی و ابوحامد محمد بن هارون حضروی و احمد بن سلیمان طوسی و ابوبکر بن درید و ابوعبداللّٰه نفطویه و ابوبکر محمد بن قاسم

انباری و ابوبکر ابن ابی‌داوود سجستانی و از همطبقه آنها حدیث شنید. ابوعبداللّه صیمری و ابوالقاسم تنوخی و علی بن ایوب قمی و ابومحمد حسن بن علی جوهری و محمد بن مظفر دقاق و عتیقی و دیگران از وی حدیث شنیدند. به گفته‌ی ابوعلی فارسی نحوی مرزبانی از محاسن دنیا بود و عضدالدوله با تمام عظمتش بر در خانه او می‌ایستاد تا او از منزل خارج شود. خانه او مجمع فضلا و ادیبان بود. گفته‌اند که او اولین واضع علم بیان بوده است و نیز گفته شده که او از مشایخ شیخ مفید است. در بغداد درگذشت. ابوبکر خوارزمی فقیه بر او نماز گزارد و در منزلش، در قسمت شرقی، در محله عمر رومی دفن شد. او در فنون مختلف علوم اسلامی تصنیفات و تألیفات بسیاری نگاشت. از آثارش: «اخبار الشعراء»، که عده‌ای آن را با «اخبار الشعراء المحدثین» یکی دانسته‌اند؛ «معجم الشعراء»، شامل پنج هزار اسم، در هزار برگ؛ «اخبار المعتزلة»؛ «تلقیح العقول»؛ «الریاض»؛ «الازمنة»، در هزار برگ؛ «الاوائل»، در حدود هزار برگ؛ «الدعاء»؛ «المعلی فی فضائل القرآن»؛ «ذم الدنیا»؛ «الشباب و الشیب»؛ «کتاب الشعر»؛ «اشعار النساء»؛ «اشعار الخلفاء»؛ «الزهد و اخبار الزهاد»؛ «الفرج»؛ «العبادة»؛ «اخبار المحتضرین»؛ «المراثی»؛ «المغازی»؛ «الهدایا»؛ «نسخ العهود الی القضاة»؛ «المدیح فی الولائم و الدعوات»؛ «اخبار النحاة»؛ «اخبارالمتکلمین»؛ «شعراء الشیعه»؛ کتاب «ما نزل من القرآن فی علی (ع)»؛ کتاب «المفصل»، در علم بیان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۰/ ۷)، اعیان الشیعه (۳۳/ ۱۰)، انساب سمعانی (۲۵۷ –۲۵۶/ ۵)، ایضاح الکمنون (۸۰/ ۲)، تاریخ الاسلام (حوادث ۸۷ –۸۶/ ۴۰۰ –۳۸۱)، تاریخ بغداد (۱۳۶ –۱۳۵/ ۳)، تأسیس الشیعه (۹۵ –۹۴)، الذریعه (۱۶۲/ ۲۵، ۱۴۷/ ۲۴، ۲۹۰، ۲۱۸ – ۲۱۷/ ۲۱، ۲۵۰/ ۲۰، ۱۹۲/ ۱۴، ۲۳/ ۱۳، ۳۱۴/ ۱۱، ۴۲۹/ ۴، ۴۷۲ –۴۷۱/ ۲، ۵۳۱، ۳۳۶ –۳۳۵/ ۱)، روضات الجنات (۳۲۳ –۳۲۲/ ۷)، ریحانه (۲۸۳ –۲۸۲/ ۵)، سیر النبلاء (۴۴۹ –۴۴۷/ ۱۶)، شذرات الذهب (۱۱۲ –۱۱۱/ ۳)، العبر (۱۶۶ –۱۶۵/ ۲)، فوائد الرضویة (۵۸۸)، الفهرست لابن الندیم (۱۹۳ –۱۹۰)، الکامل (۱۶۷ –۱۶۶/ ۷)، کشف الظنون (۱۷۳۴، ۱۱۰۶)، الکنی و الالقاب (۱۷۹ –۱۷۷/ ۳)، لسان المیزان (۴۲۷ –۴۲۶/ ۶)، معجم الادباء (۲۷۲ –۲۶۸/ ۱۸، ۴۷/ ۱)، معجم المؤلفین (۹۸ –۹۷/ ۱۱)، المنتظم (۲۶/ ۹)، الاعتدال (۶۴۱ –۶۴۰/ ۳)، النجوم الزاهرة (۱۷۰/ ۴)، الوافی بالوفیات (۲۳۷ –۲۳۵/ ۴)، وفیات الاعیان (۳۵۶ –۳۵۴/ ۴)، هدیة الاحباب (۲۳۸)، هدیة العارفین (۵۴/ ۲).

مرعشی نجفی، شهاب‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۱ –۱۳۱۸/ ۱۳۱۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، محدث، نسابه، رجالی، مدرس، مورخ و ریاضیدان. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و علوم ادبی را از پدرش و شیخ مرتضی طالقانی و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی و علم انساب آل‌رسول را از پدرش و سید محمدرضا صائغ بحرانی و علم تفسیر را از پدرش و شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و میرزا محمدعلی چهاردهی رشتی و فقه و اصول استدلالی را از آقا ضیاءالدین عراقی و شیخ مهدی مازندرانی و سید حسن صدر و شیخ مهدی خالص و علم کلام را از شیخ محمدجواد بلاغی و شیخ محمداسماعیل محلاتی و ریاضیات را از شیخ یاسین علیشاه هندی و میرزا محمود اهری فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد و در عرفان و علوم عقلی از محضر میرزا مهدی آشتیانی و میرزا طاهر تنکابنی و در ریاضیات از محضر میرزا حیدرعلی نایینی استفاده نمود. سپس به قم رفت و در محضر آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تلمذ نمود و از او و آقا

سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او از علمای عامه و علمای زیدیه و علمای اسماعیلیه و بسیاری از علمای امامیه اجازه روایت داشت. پس از درگذشت آیت‌اللّه حایری وی عهده‌دار اداره حوزه‌ی علمیه، تدریس، مرجعیت و امامت جماعت و ایجاد بناهای خیریه و انتشار کتب گردید. در قم درگذشت و در کتابخانه‌ی خود دفن شد. از آثارش: بنای مدارس: علمیه، مهدیه و مؤمنیه در قم؛ تأسیس حسینیه‌ی مرکز تبلیغی قم؛ کوی آیت‌اللّه مرعشی نجفی، بالغ بر یکصد و چهل خانه، برای سکونت طلاب و فضلاء؛ کتابخانه‌ی آیت‌اللّه مرعشی نجفی در قم، که بیش از سی و پنج هزار کتاب آن از کتب شخصی ایشان و بقیه اهدایی مردم است و متجاوز از پانزده هزار کتاب خطی نفیس دارد و از این رو از کتابخانه‌های کم‌نظیر ایران به حساب می‌آید. از آثار علمی وی: «اجوبة المسائل»؛ «اعیان المرعشیین»، در شرح احوال خاندان مرعشی؛ «انس الوحید»؛ «التجوید»؛ «روض الریاحین»؛ «طبقات النسابین»، از صدر اسلام تا عصر حاضر؛ «الفروق»؛ «القبلة»، مشتمل بر مباحث هیئت؛ «المسلسلات الی مشایخ الاجازات»؛ «مشجرات آل الرسول (ص)»، در انساب آل‌محمد (ص)؛ «مصباح الهدایة فی شوارع الکفایة»، که حاشیه مختصر بر «کفایة الاصول» آخوند خراسانی است؛ «المعول فی امر المطول»؛ «مقدمة التفسیر»؛ «مناسک الحج»؛ «الهدایة»، در شرح «الکفایة»؛ «مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار»؛ «مزارات علویین» در ایران و غیره؛ «الصناعات الفقهیة»، در شرح الفاظ مصطلح فقهاء؛ «جذب القلوب الی دیار المحبوب»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «معالم»؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «الرد علی مدعی التحریف».[۱]

یکی از مفاخر امروز عالم تشیع است که حق عظیمی بر حوزه علمیه قم و اسلام و مسلمین دارد و یکی از افتخارات بزرگ شیعه است و در میان عموم مسلمین شهرت بسزائی دارد و بسیار مورد تجلیل و تکریم علماء اهل سنت مصر و سوریا و یمن و حجاز و پاکستان و هندوستان و افغانستان و جاوه و سودان و اندونزی و غیره است و از وی به امام اعظم و علامه اکبر و نسابه بحاثه و مجاهد بزرگ تعبیر می کنند.

اسم شریفش سید شهاب‌الدین و کنیه‌اش ابوالمعالی و شهرتش مرعشی نجفی است.

در صبح روز پنجشنبه بیستم ماه صفر ۱۳۱۸ قمری در نجف اشرف متولد و جامع شرافت حسب و فضیلت نسب می‌باشد زیرا از طرف پدر به سید فقیه نبیه عارف عابد زاهد محدث علامه سید قوام‌الدین مرعشی مشهور به میربزرگ موصول می‌باشد که از بزرگترین خانواده‌های علویین و اشرف و اجمل و انبل ایشان بوده و در هر طبقه متحلی بحلیه مزایای دینی و دنیوی و نوعا عالم ربانی و یا متمکن به اریکه جهانبانی و یا طبیب حاذق و یا نقیب بصیر و یا وزیر روشن ضمیر و مانند اینها بوده‌اند و جده پدری ایشان شریفه طباطبائیه و جده مادری ششمی وی که مدفون در رواق مطهر حضرت رضا علیه‌السلام است دختر شاه‌عباس صفوی می‌باشد.

شرف تتابع کابر عن کابر

کالرمح انبوب علی انبوب

نسب شریفش چنانچه مشروحا ذکر شد بسی وسه واسطه به امام چهارم حضرت علی بن الحسین زین‌العابدین علیهماالسلام منتهی می‌شود و والده ماجده ایشان علویه صالحه فاضله بنت مرحوم آیت‌الله آقاسید ابوالقاسم خوئی فرزند مرحوم آقا سید مهدی خوئی است که از بنی اعمام مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدحسین کوه کمری عم بزرگوار مرحوم آیت‌الله آقای سیدمحمد حجت می‌باشد.

ترجمه این بزرگوار زینت کتب رجالی مانند اعیان الشیعه و ریحانه الادب جلد چهارم صفحه ۱۱ و علماء معاصرین صفحه ۲۱۷ و آثارالحجه جلد ۲ صفحه ۴۶ و معارف الرجال جلد دوم صفحه ۲۶۸ و مشاهیر دانشمندان اسلام جلد چهارم صفحه ۱۰۸ طبقات الشیعه جزء دوم از قسم اول صفحه ۸۴۷ و ده‌ها کتاب دیگر مانند زندگانی پیشوای اسلام عمادزاده اصفهانی و مقامات معنوی آقای

معلم و غیره می‌باشد.

علماء معاصرین گوید: صاحب ترجمه از اکابر و اجلاء عصر حاضر ما که علامه فهامه نسابه فقیه اصولی محدث رجالی ادیب اریب فاضل کامل مورخ ریاضی حاوی الفروع و الاصول جامع المعقول و المنقول و بکثرت مشایخ نسبت به اهل عصر خود ممتاز و در اخلاق فاضله دارای امتیاز و مرجع سوالات متنوعه بسیاری از دیگر فرق مسلمین بلکه از علماء نصاری می‌باشد که پرسشهای گوناگون از بلاد دور و دراز به حضرتش فرستاده و به پاسخ متین و متقن نائل می‌گردند. که از آنهاست سوالات شیخ عبدالسلام کردی شافعی و سوالات فاضل متبحر عیسی اسکندر معروف لبنانی است که در عصر ما از مشاهیر نویسندگان علماء نصاری است و صاحب ترجمه علاوه بر مراتب علمی مساعی جمیله عملی در ترویج دین مقدس اسلامی و اعلاء کلمه حق به کار برده جمعی از یهود و نصاری در اثر تبلیغات حقایق سمات وی مشرف به اسلام شدند و نیز گروهی از بابیه و صوفیه و دیگر منحرفین از اسلام و ایمان باذعان عقاید حقه جعفریه مستبصر گردیده‌اند و در ادوار زندگانی خود با فحول رجال و متخصصین هر فنی ملاقات و از هر باغی گلی چیده و از هر بلبلی نوائی شنیده و مرجع افاده و استفاده افاضل وقت خود بوده و می‌باشند.

و از کثرت زهد و ورع پیرامون زخارف دنیویه نگردیده و علاقه قلبی را بالمره از آنها قطع و فقط به جمع کتب متنوعه علمیه که آن هم محض آخرت و آخرت محض است و ربطی به زخارف دنیویه ندارد میل مفرطی داشته و دارند و کتابخانه ایشان مانند نگارخانه ارتنگ حاوی گلهای رنگارنگ می‌باشد که هر یک از فقیه و اصولی و حکیم و متکلم و منطقی و رجالی و ریاضی و ادیب و طبیب و متخصصین علوم غریبه و صنایع عجیبه می‌توانند از آن گلزار محمدی و بوستان علوی موافق دلخواه خود گلی چیده و یا عطری مناسب مشام خود استشمام نماید.

در سخاوت و بذل و کرم و سعه صدر نادره زمان و وحید دورانست. مراجع و زعماء مبسوط الید بسیاری دیده‌ام ولی به این صفات و خصایص کمتر یافته‌ام.

انصاف می‌دهم که دلیران و دلبران

بسیار دیده‌ام ولی نه به این حسن دلبری

بالاخص در اعطاء کتب و انفاق انگشتر که اقتداء به جد کرام خود امیرالمومنین علیه‌السلام نموده و هزاران نفر از دانشمندان و علماء اعلام و خطباء عظام و اصناف دیگر انام را به بذل انگشتر عقیق و فیروزه و غیره مسرور و مفتخر نموده است.

اساتید و مشایخ اجازه معظم له

آن جناب مقدمات را از مرحوم شیخ زاهد عابد شیخ مرتضی طالقانی و والد معظم خود و دیگر مشایخ وقت اخذ نموده و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی که در تلاوت قرآن عاصم زمان خود بوده اخذ و علم انساب آل رسول صلی الله علیه و آله را از والد معظم خود و از استاد عماد سید محمدرضا صائغ بحرانی و دیگر اساتید فن تلمذ نموده و علم تفسیر را از والد مکرم و عالم زاهد صاحب کرامات شیخ محمدحسین بن محمدخلیل شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین مذکور و هم میرزا محمدعلی رشتی صاحب کتاب شرح القبله و آقا میرزا محمود شیرازی و آقا شیخ محمدحسین قاجاری تهرانی نجفی و دیگر اجلاء وقت تلمذ نموده و در فقه و اصول استدلالی حاضر حوزه مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ مهدی نوائی مازندرانی و دیگر اجلاء و سه سال در سامره و کاظمین در فقه و حدیث و رجال و درایهٔ حاضر حوزه مرحوم آیت‌الله آقا سید حسن صدر و در اصول از بحث مرحوم آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی و آیت‌الله شیخ محمداسمعیل محلاتی فراگرفته و در سال ۱۳۴۲ ق به تهران وارد و در آنجا حدود یکسال توقف نموده و عرفان و علوم عقلیه و ریاضیات و بعض فنون

دیگر را از افاضل تهران مانند آیت‌الله آقا حسین نجم‌آبادی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی نوری و دیگران استفاده کرده تا آنکه حاوی مراتب علمیه و عملیه عقلیه و نقلیه گردیده و در سال ۱۳۴۳ قمری مهاجرت به قم نموده و تا این تاریخ که سال ۱۳۹۳ هجریست پنجاه سال در این بلده طیبه مشغول به تدریس و تالیف کتب متنوعه و اقامه جماعت و مرجعیت و سرپرستی حوزه مقدسه علمیه قم می‌باشند و با این همه مشاغل و گرفتاریهائی که شب و روز وی را مستغرق نموده است کمتر مستحب و نافله است که از وی فوت شود.

مشایخ اجازه آن جناب که تمامی از مراجع تقلید و علماء اعلام و فقهاء عظام فریقین امامیه و عامه و زیدیه و اسماعیلیه‌اند از دویست نفر متجاوز است که برای تبرک چند نفر آنان را ذکر می‌نمایم.

۱- السید حسن صدر کاظمین ۲- السید نجم‌الحسن الهتدی موسس مدرسه الواعظین در لکنهو هندوستان ۳- السید ناصر حسین ابن آیت‌الله السید حامد حسین صاحب عبقات الانوار ۴- السید محسن الامین الشامی ۵- السید ابوالقاسم الدهکردی ۶- السید عبدالحسین بروجردی آل کمونه ۸- الشیخ علی بن محمد الرضا آل کاشف الغطاء ۸- الشیخ هادی آل کاشف الغطاء ۹- الشیخ مرتضی آل کاشف الغطاء ۱۰- الشیخ محمدجواد البلاغی ۱۱- الشیخ محمداسماعیل محلاتی ۱۲- السید جعفر آل بحرالعلوم ۱۳- الشیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی ۱۴- المیرزا محمد العسکری التهرانی ۱۵- آیت‌الله السید ابوالحسن اصفهانی ۱۶- آیت‌الله السید محمد فیروزآبادی ۱۷- آیت‌الله المیرزا حسین نائینی ۱۸- آیت‌الله الحاج الشیخ عبدالکریم الحایری ۱۹- آیت‌الله الحاج آقاحسین قمی ۲۰- آیت‌الله حاج آقاحسین بروجردی و آیت‌الله آخوند ملامحمدحسین فشارکی و آیت‌الله آقاسید محمد نجف‌آبادی و آیت‌الله آقاسید علی نجف‌آبادی و آیت‌الله آقا شیخ عبدالنبی نوری و آقای امام جمعه خوئی و آقای شیخ مهدی حکمی قمی و آقای شیخ محمدعلی آیت‌الله شاه‌آبادی و آقا میرزا ابوالهدی کرباسی و آقای حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی مشهدی و آقا سید محسن اراکی و آقای حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و آقای حاج شیخ عباس محدث قمی و آقای حاج شیخ محمدحسین اصفهانی کمپانی و آقا میرزا ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه کفایه و آقا شیخ عبدالحسین رشتی صاحب حاشیه کفایه و آقاسید مهدی بحرانی نسابه نجفی و آقامیرزا محمدعلی اردوبادی و آقا سیدمحمدباقر کشمیری و آقاسید راحت حسین رضوی کوپال پوری و آقا سید عبدالباقی شیرازی ملاباشی و صدها نفر دیگر و اجازات اجتهاد ایشان از آقا ضیاءالدین عراقی و آقای فشارکی و آقای یثربی کاشانی و آقا شیخ محمدحسن اصفهانی و آقا شیخ عبدالکریم یزدی.

آثار علمی و قمی معظم‌له که به طبع رسیده و یا مخلوط مانده است بسیار است از آن جمله:

۱- تعلیقات بر احقاق الحق قاضی نورالله شهید در بیست و شش مجلد که یازده مجلد آن به طبع رسیده و باقی آماده برای طبع می‌باشد و این تعلیقات خود شرح مبسوط و کتاب مستقلی در ولایت امیرالمومنین علی علیه‌السلام و خاندان عصمت و طهارت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام و فضائل آن خاندان است از هزاران کتب اهل سنت انتخاب شده بنحو استدلال با رعایت اختصار.

۲- غایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی حواشی بر عروه الوثقی علامه یزدی در دو مجلد بزرگ.

۳- توضیح‌المسائل که بکرات به طبع رسیده ۴- حاشیه بر فصول المهمه شیخ حر عاملی ۵- کتاب الهدایه حاشیه بر کفایه.

۶- دفع الغاشیه عن وجه الحاشیه (حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله یزدی در منطق) ۷- المعول فی امر المطول.

۸- جذب القلوب الی دیار المحبوب در سوانح و وقایع ایام عمر ۹- مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار حاشیه بر تقریرات اصول شیخنا الانصاری.

۱۰- مشجرات آل الرسول که از بزرگترین تصنیفات شیعه و گرانبهاترین کتب در انساب است در چند مجلد.

۱۱- الرساله الافطسیه در نسب گروهی از سادات طفرود که در تهران چاپ شده.

۱۲- الرحله الشیرازیه که در مسافرت به شیراز نوشته‌اند ۱۳- الرحله الاصفهانیه در مسافرت به اصفهان تالیف نموده‌اند.

۱۴- مزارات علویین در ایران و خارج ایران.

۱۵- کتاب المسلسلات فی مشایخ الاجازات در سه مجلد به شرح زیر ۱- در اجازات علماء امامیه از اثناعشریه که به معظم‌له داده‌اند ۲- اجازاتی که علماء عامه از حنفی‌ها و مالکیها و شافعیها و حنبلیها و زیدیه و غیر آنان که برای آن جناب نوشته‌اند ۳- اجازاتیکه ایشان به دیگران داده‌اند.

مرجع تقلید، محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۲۷۶(۲۰ صفر ۱۳۱۵ ق.)، نجف اشرف.

درگذشت: ۷ شهریور ۱۳۶۹(۷ صفر ۱۴۱۲ ق.) قم.

آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، فرزند سید شمس‌الدین، آموزش‌های اولیه خود را نزد پدر و جده‌اش آغاز کرد. پس از این در حوزه‌های درس اساتید شرکت کرد. در وس مقدماتی را نزد پدر، شیخ مرتضی طالقانی، شیخ محمدحسن سدهی اصفهانی نجفی، شیخ شمس‌الدین شکوئی قفقازی، سید محمدکاظم خرم‌آبادی نجفی، میرزا محمود معلم و نیز جده خود بی‌بی شمس شرف بیگم طباطبایی فراگرفت. وی تجوید و قرائت قرآن را از میرزا ابوالحسن مشکینی نجفی، پدرش سید شمس‌الدین مرعشی نجفی، سید آقا شوشتری، شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی و شیخ نورالدین بکتاشی شافعی آموخت. علم انساب را از پدر خود از سید محمدرضا موسوی بحرانی و سید محمد مهدی غریقی صائغ و تفسیر قرآن را از پدر و از شیخ محمد حسین شیرازی، سید هبهٔ‌الدین شهرستانی و سید ابراهیم رفاعی شافعی بغدادی و فقه و اصول را از پدر خود و از شیخ مرتضی طالقانی، سید محمدرضا مرعشی نجفی رفسنجانی شیخ غلامعلی قمی، ابوالحسن مشکینی نجفی، سید آقا شوشتری، میرزا حبیب‌الله اشتهاردی، میرزا محمد تهرانی، میرزا محمدعلی کاظمینی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، شیخ موسی کرمانشاهی، شیخ نعمت‌الله لاریجانی، سید علی طباطبائی یزدی، شیخ محمدحسین شیرازی، میرزا محمود شیرازی، سید جعفر بحرالعلوم، سید محمدکاظم خرم آبادی و عباس خلیلی و علوم ریاضی و هیئت را از شیخ عبدالکریم بوشهری، سید ابوالقاسم موسوی خوانساری، دکتر عندلیب‌زاده، میرزا محمود اهری، محمد محلاتی، شیخ عبدالحمید رشتی، احمد منجم، سید محمدکاظم عصار، جمال‌الدین کرباسی و علم طب را از پدر و از محمدعلی‌خان مؤید الطباء و علم رجال و درایه و حدیث را از پدر و از سید ابوتراب خوانساری، شیخ عبدالله مامقانی، شیخ محمد حرزالدین نجفی، میرزا علی حسینی مرعشی شهرستانی و میرزا ابوالهدی کرباسی، فقه و اصول استدلالی را از آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید احمد بهبهانی، شیخ احمد کاشف الغطاء، شیخ علی‌اصغر ختایی تبریزی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، شیخ علی بن باقر نجفی، شیخ محمداسماعیل محلاتی، شیخ عبدالنبی نوری، سید ابراهیم اصطهباناتی، حسین نجم‌آبادی، آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، سید علی یثربی کاشانی و محمدرضا مسجدشاهی فراگرفت. آنگاه در شهرهای سامرا و کاظمین مدت سه سال فقه و حدیث و رجال را از آیت‌الله سید حسن صدر و اصول را نزد آیت‌الله شیخ مهدی خالصی آموخت و بعد از مراجعت به نجف اشرف علم کلام را نزد آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ محمد اسماعیل محلاتی، سید هبهٔ‌الدین شهرستانی، علی‌اکبر یزدی، پدر خود و دیگران آموخت.

آیت‌الله مرعشی موفق به دریافت بیش از چهارصد اجازه‌ی روایتی و تعدادی اجازات اجتهاد و اجازات نفسی از مشایخ دیگر گردید که اجازات کتبی وی در کتاب المسلسلات فی الاجازات آمده است.

آیت‌الله مرعشی نجفی در بیست و یکم محرم ۱۳۴۲ از نجف به ایران آمد و پس از سفری به مشهد و تهران و شهر ری، به قم سفر کرد و به سبب درخواست آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی در قم ساکن شد و مدتی هم در جلسات درس ایشان و حوزه‌های دررس آیت‌الله حاج شیخ مهدی حکمی قمی، آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و علی‌اکبر مدرس یزدی، معروف به حکیم الهی و

دیگر علما شرکت کرد.

آیت‌الله مرعشی نجفی از زمان ورود به قم، در کنار آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به تحکیم پایه‌های حوزه‌ی نوپای قم پرداخت. ورود وی به ایران و قم مصادف بود با آغاز زمامداری رضاشاه بود که با مظاهر اسلام و تشیع به مبارزه برخاسته بود. او در مقابل فشارها و ضربات رضاشاه علیه حوزه و روحانیت مردانه ایستاد و جلسات درس او منظم بین شش تا هفت جلسه درس در مدرسه فیضیه، صحن و حرم حضرت معصومه (س) برقرار می‌شد. به این ترتیب وی را می‌توان یکی از مؤسسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به شمار آورد که تا هنگام رحلت آیت‌الله حائری یزدی، همگام با ایشان فعالیت کرد. پس از رحلت آیت‌الله حائری یزدی نیز در جهت حفظ و بقای حوزه کوشش کرد. در آن زمان حلقه‌های دروس خارج فقه و اصول خود را تشکیل داد.

آیت‌الله مرعشی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی در ۱۳۸۰ ق. جزو معدود مجتهدانی بود که به عنوان مرجعیت شیعه انتخاب گردید و از آن پس به عنوان یکی از ارکان اصلی حوزه و جهان تشیع درآمد و به سهم خویش در اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم شرکت نمود. وی بیشتر از هفتاد سال به تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قم مشغول بود.

آثار و تألیفات وی به این شرح است: تعلیقات احقاق الحق قاضی نورالله مرعشی شوشتری شهید که بیست و هفت جلد آن منتشر شده و تا پنجاه جلد می‌رسد، مشجرات آل رسول‌الله الاـکرام (ص)، شرح و حاشیه بر عمدة المطالب (در چند مجلد)، طبقات النسابین، الهدایة فی معاضل الکفایة، حواشی رسائل شیخ مرتضی انصاری، المسلسلات فی الاجازات، مسارح الافکار فی مطارح الانظار (حاشیه بر تقریرات شیخ انصاری)، المعول فی امر المطول، الوقت و القبلة الرد علی مدعی التحریف، مصطلحات فقهیه، الغایة القوی، سلوة الحزین و مونس الکئیب، المشاهد و المزارات، القصاص علی صوء القرآن و سنته (به قلم عادل علوی، ۱۳۷۴).

از خدمات فرهنگی آیت‌الله مرعشی نجفی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ساختن مدارس علوم دینی و تعمیر آنها در قم مدارس مهدیه در خیابان باجک، مؤمنیه در خیابان چهارمردان، شهابیه در خیابان امام خمینی، مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق قم)، ساخت و تعمیر و بازسازی مساجد در ایران و جهان، ساخت و تعمیر بیمارستان‌ها از جمله بیمارستان کامکار در قم، درمانگاهی در بیمارستان نکویی قم، آسایشگاه معلولین در قم، ساختمان بخش قلب بیمارستان نکویی، مرکز توانبخشی بهزیستی واقع در میدان امام خمینی قم که دارالشفای آل محمد (ص) نیز نامیده می‌شود، تأسیس کتابخانه با خرید قطعه زمین به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع مقابل مدرسه مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق) کتابخانه‌ای با زیربنای ۳۵۰۰ متر در پنج طبقه ساخته شد که در نیمه‌ی شعبان ۱۳۴۹ با حدود ۱۶۰۰۰ جلد کتاب چاپی و خطی افتتاح گردید. بعدها طبق حکم حضرت امام (ره) دولت قطعه زمینی در کنار کتابخانه با مساحت ۲۴۰۰ متر مربع فراهم و در اختیار تولیت کتابخانه قرار داد. در توسعه‌ی جدید ۱۶۰۰۰ متر مربع زیربنا در هفت طبقه با ظرفیت سه میلیون جلد کتاب چاپی و بیش از ۱۲۰۰۰۰ جلد کتاب خطی ملحوظ شده است.

این کتابخانه (تا سال ۱۳۷۴) نزدیک به ۵۰۰۰۰۰ جلد کتاب چاپی، ۳۵۰۰۰ مجلد با ۵۰۰۰۰ عنوان نسخه خطی، بیش از ۲۰۰۰۰ جلد کتاب چاپی به زبان‌های لاتین، نزدیک به ۵۰۰۰ جلد نسخه عکسی، حدود ۸۰۰۰ میکروفیلم و بیش از هزار عنوان روزنامه و نشریه دارد. همچنین مجهز به دستگاه‌های مدرن آتش‌نشانی، مبارزه با آفات طبیعی، دستگاه‌های قرنطینه و آفت‌زدایی است.

آیت‌الله مرعشی نجفی پیش از فوت چند بار در بیمارستان‌های قم و تهران بستری شد و دوبار هم برای درمان به خارج از کشور یعنی اسپانیا و انگلستان مسافرت نمود. اما سرانجام در شامگاه روز چهارشنبه هفتم ماه صفر ۱۴۱۲ برابر با هفتم شهریور ماه ۱۳۶۹ در سن نود و شش سالگی، پس از اقامه‌ی آخرین نماز جماعت در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) و بازگشت به منزل گرفتار حمله و سکته قلبی شد و درگذشت. پیکر وی در کتابخانه عمومی خود ایشان دفن گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۱۸۱ –۱۷۷)، الذریعه (۲۰۴/ ۲۳، ۲۷۶/ ۲۱، ۳۷۶/ ۲۰، ۳۵۵، ۲۶۴/ ۱۸، ۱۸۶/ ۱۶، ۸۸/ ۱۵، ۲۱۵،

۱۴۰، / ۱۲ ،۳۷۸/ ۶ ،۲۶۰/ ۲)، ریحانه (۱۳۴ –۱۲۹/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۴۸ –۸۴۷/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۱۹ –۲۱۷)، گلزار معانی (۷۰۲ –۶۹۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۲ –۳۷/ ۲ ،۲۱۵ –۲۱۱ ،۵۶ –۵۱/ ۱)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۹۰ –۱۱۸۹/ ۳).

مروجی طبسی، محمدمحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محسن مروجی طبسی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۱/۱

زندگینامه علمی

پدر اینجانب علاوه بر پدر بودن استاد اصلی من در پیشرفت های علمی این حقیر بوده است و نقش بسزایی در تربیت علمی من روا داشته اند و در دامان ایشان پرورش یافتم .

مدرسه علمیّه شهیدین و مدیریت محترم این مدرسه که زمینه رشد علمی طلاب را در این مدرسه شریف فراهم ساخته اند ، که در قالب واحد تحقیقات مدرسه و اساتید مبرز آن و کتابخانه غنی و متین، این زمینه فراهم شد .

قبل از ورود به حوزه در ایام ماه مبارک رمضان در محله ، مکانی به نام مدرسه قرآن و عترت وجود داشت که در لیالی ماه مبارک رمضان به آنجا رفته و دروس معارف و تفسیر را فرا می گرفتم و از آنجا نوشتن و تحقیق شروع شد که اولین کار خلاصه تفسیر سوره مدثر بر اساس تفسیر نمونه بود .

در سال ۱۳۷۶ اوائل دوران طلبگی با گروهی از دوستان طلبه قرار خلاصه برداری و مباحثه کتب شهید مطهری را شروع کردیم که در ادامه این مباحثات تبدیل به بررسی زندگی اهل بیت شد ولی به این صورت که ایام شهادت و ولادت اهل بیت (ع) را تحقیق می کردیم و به نوبت در ایام شهادت و ولادت هر معصوم بر اساس منتهی الآمال برای جمع کنفرانس می دادیم که محصول این جلسات نخستین مقاله این حقیر به نام" خدیجه مادر امت "شد که در مجله کوثر به چاپ رسید و کم کم به صورت فردی در مورد شخصیت های تاریخی قرآنی شروع به نگارش و قلم زدن کردم مانند" پیامبران ناشناخته "که در قرآن اسامی آنها آمده ولی اطلاعات دقیقی درباره آنان وجود ندارد (مانند حضرت ادریس ، الیاس ، الیسع و ذوالکفل علیهم السلام) که تمامی آنها در مجلات کوثر، سروش وحی و مبلغان و گلستان قرآن به چاپ رسیده است .

درسال ۱۳۸۱ ، مدرسه شهیدین به مناسبت سال امام علی علیه السلام همایشی تحت عنوان" علی امام قرنها "برگزار نمود که در آنجا مقاله ای به نام" علی نخستین مسلمان "ارائه شد و حائز رتبه ممتاز و اول شد .

در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ نیز به مناسبت سال امام علی و امام حسین همایش هایی تحت عنوان" نهج البلاغه آشنای غریب "و "خورشید نیزه ها "برگزار شد که در آن مقاله ای به نام بازخوانی یک ریزش (سعد بن ابی وقاص) و عبدالله بن عباس و قیام

حسینی ارائه شد که حائز رتبه ممتاز و اول شد که در مجله کوثر و تاریخ در آیینه پژوهش به چاپ رسید .
در حال حاضر نیز مشغول نگارش امامان شیعه از دیدگاه اهل سنت هستم که چهار امام آن نوشته شده و در مجله کوثر به چاپ رسیده است و امیدوارم خداوند متعال و اهل بیت عصمت بویژه امام زمان (عج) توفیقاتشان را بر ما بیفزایند و زیر سایه توجهات آنان قلم فرسایی کنیم و اهل عمل به این علوم باشیم .

مستوفی قزوینی، حمدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۵۰ ق)، مورخ و شاعر. وی از یک خاندان کهن مستوفیان در قزوین متولد شد. پدر حمداللّه به عنوان مستوفی در دستگاه ایلخانان خدمت می‌کرد و به همین دلیل مستوفی لقب گرفتند. او از آغاز جوانی بنابر سیرت آباء و اجداد به خدمت دیوانی اشتغال داشت، ابتدا به خدمد خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه درآمد و به امر کتابت مشغول شد. حمداللّه در سال ۷۱۱ ق حاکم و مستوفی ابهر و زنجان و طارم شد و پس از قتل خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه، در سلک ملازمان خواجه غیاث‌الدین محمد فرزند خلف وزیر مقتول، درآمد و تا سال ۷۳۶ ق در خدمت وی باقی بود تا آن بزرگوار نیز به قتل رسید. سفرهایی به تبریز و بغداد و شیراز و اصفهان کرد و در قزوین درگذشت. از او سه اثر معتبر باقی است: «تاریخ گزیده»؛ «نزهه القلوب»؛ منظومه‌ی معروف «ظفر نامه» که مشتمل بر هفتاد و پنج هزار بیت است.[۱]

مستوفی مورخ و جغرافی‌دان معروف (ف. ۷۵۰ ه.ق.). وی از نژاد عرب بود و سلسله نسب خود را به حر بن یزید ریاحی میرسانید، ولی افراد خاندان او سالیان دراز در قزوین سکونت داشتند. وی صحبت دانشمندان را درک می‌کرد و مخصوصا از مصاحبت رشیدالدین در مباحث علمی خاصه تاریخ بهره‌مند می‌شد. آثار او عبارتست از: تاریخ گزیده (۷۳۰)، ظفرنامه به سیاق شاهنامه (۷۳۵) و نزهۀ القلوب (۷۴۰)، آرامگاه وی در قزوین است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از سعدی تا جامی (۱۴۲ -۱۲۵)، اعیان الشیعه (۲۲۵/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۸۰ -۱۲۷۶ /۳)، تاریخ در ایران (۱۴۱ -۱۳۹)، تاریخ گزیده (مقدمه)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۴)، حبیب السیر (۲۲۱/۳)، دایرۀالمعارف فارسی (۸۶۵/۱)، الذریعه (۱۲۰/۲۴، ۱۹۹/۱۵، ۲۸۱/۳)، روضات الجنات (۱۵۴/۸)، ریحانه (۳۰۷ -۳۰۶ /۵)، سرآمدان فرهنگ (۳۱۹/۱)، شخصیتهای نامی (۱۶۹ -۱۶۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۶ ،۶۴ -۶۳ /۸)، فرهنگ سخنوران (۲۷۷)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۱۹ -۲۱۸)، کشف الظنون (۱۹۴۵، ۱۴۷۴، ۱۱۲۰)، گنجینه‌ی آثار قم (۱۱۶، ۱۱۱، ۷۵، ۷۲ /۱)، لغت نامه (ذیل/ حمداللّه)، مجله دانشکده مشهد (س ۳، ش ۱، ص ۹۳)، مولفین کتب چاپی (۹۵۸ -۹۵۷ /۲)، مینو در (۱۶۴ -۱۶۰ /۲)، هفت اقلیم (۱۶۱ -۱۶۰ /۳)، یادداشتهای قزوینی (۹۵۰/۴).

مسعودی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسین علی بن حسین مورخ بزرگ اوایل قرن چهارم (ف. ۳۴۴ تا ۳۴۶ ه.ق) از آثار وی «مروج‌الذهب» و «التنبیه والاشراف» (ه.م) را باید نام برد وی در سال ۳۴۵ تا ۳۴۶ ه. در فسطاط مصروفات نمود.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مسعودی کوهستانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، مورخ. ساکن ماوراءالنهر بود و در دربار ابوالغازی سلطان عبداللطیف خان ازبک (۹۵۹ -۹۴۷ ق) می‌زیست و به فرمان این پادشاه کتابی به نام بنیان‌گذار این سلسله، ابوالخیر خان، تألیف نمود و نام آن را «تاریخ ابوالخیر خانی» نهاد. در این کتاب تاریخ عمومی، از خلقت تا سده‌ی دهم، با نثری مزین و آمیخته به نظم بیان شده، ولی هدف اصلی از تألیف آن ظاهرا بیان تاریخ سلاطین ازبک بوده است. داستانهای این کتاب شامل خلقت عالم، تاریخ پیامبران، خلفای راشدین، ائمه‌ی اثنی عشر (ع)، بنی‌امیه، بنی‌عباس، شاهان و سلسله‌های ایران، از کیومرث تا یزدگرد، صفاریان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، چنگیزخان و جانشینان، هلوکو خان و جانشینان، جلایریان و سرگذشت ابوالخیر خان و سلسله‌ی ازبکان می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۵۵۴/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۵۵).

مشحون، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

موسیقیدان.

تولد: اردیبهشت ۱۲۸۵، تهران.

درگذشت: ۲۸ خرداد ۱۳۵۹.

حسن مشحون پس از تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه‌ی متوسطه شد و پس از اخذ لیسانس در تاریخ و جغرافیا به خدمت وزارت آموزش و پرورش درآمد. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا اعزام شد و پس از بازگشت از فرانسه به تدریس در دانشگاه مشغول شد و آخرین مقام اداری ایشان ریاست اداره‌ی باستان‌شناسی بود. مشحون در موسیقی از شاگردان حسین هنگ‌آفرین و اساتید دیگر بود. حسن مشحون، سه‌تار و تار می‌نواخت و کتاب تاریخ موسیقی ایران را در دو جلد منتشر کرد. وی تحقیقی درباره‌ی تعزیه و تعزیه وانی در ایران نیز دارد. حسن مشحون در ۲۸ خرداد ۱۳۵۹ درگذشت.

(۱۳۵۹ -۱۲۸۵ ش)، موسیقیدان، محقق و نویسنده. پدر و جدش از یاران نزدیک شیخ فضل‌اللّه نوری بودند. وی در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به دارالفنون رفت و از آنجا فارغ‌التحصیل شد. در ۱۳۱۳ ش دررشته‌ی تاریخ و جغرافیا، از دانشسرای عالی لیسانس گرفت و سپس به خدمت وزارت آموزش و پرورش درآمد. وی در دبیرستانهای البرز و دارالفنون سالها

تدریس کرد و بعد از آن، چند سال در سمت مدیر کلی فرهنگ استان مازندران، ریاست اداره‌ی محاکمات وزارت فرهنگ و مدیریت کل باستان شناسی بود، تا اینکه در ۱۳۴۷ ش از خدمت بازنشسته شد. مشحون دو سالی هم در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تدریس تاریخ موسیقی پرداخته بود. مشحون سه تار و تار را به خوبی می‌نواخت و گاهی شعر نیز می‌سرود. وی در تهران درگذشت. از آثار او: «تاریخ موسیقی ایران»، در دو جلد، که حاصل سی سال تحقیق و تلاش وی است؛ جزوه‌ای موسوم به «شرح حال و نمونه آثار شیخ محمود شبستری»؛ یک دوره کتاب درسی «تاریخ و جغرافیا»، برای دبیرستانها که به همراه دو تن از همکاران تألیف نمود؛ «تاریخ ایران و عرب تا دوره‌ی غزنویان»؛ «جغرافیای سیاسی ایران و آسیا و آفریقا»؛ «جغرافیای طبیعی ایران».[۱]

حسن مشحون به سال ۱۲۸۵، در تهران متولد گردید، پس از تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه متوسطه شد و پس از اخذ لیسانس در تاریخ و جغرافیا، به خدمت وزارت آموزش و پرورش درآمد. وی از نخستین نفراتی بود که به اروپا برای تحصیل فرستاده شد.

حسن مشحون، پس از بازگشت از فرانسه به تدریس در دانشگاه مشغول شد و آخرین مقام اداری ایشان ریاست اداره‌ی باستان‌شناسی بود. مشحون در موسیقی از شاگردان حسین هنگ‌آفرین بود و اساتید دیگری هم دیده بود. وی مردی بود محقق و موسیقی‌شناس و در چند سال اخیر، تنها کسی بود که تمام مشکلات اهل موسیقی را می‌دانست و حرف او سند بود، چنانچه اگر اختلافی بین موسیقی‌دانان در مورد گوشه‌ای از گوشه‌های متعدد و مهجور موسیقی ایرانی بروز می‌کرد، حرف حسن مشحون برای آنان حجت بود و هرچه راوی می‌گفت بدون هیچ بحث و سخنی می‌پذیرفتند.

شادروان حسن مشحون، سه‌تار و تار را به خوبی می‌نواختند و کتابی هم درباره‌ی تاریخ موسیقی نوشته که سی سال برای آن زحمت کشید و نیز تحقیقی درباره‌ی تعزیه و تعزیه‌خوانی در ایران. حسن مشحون در خرداد ماه سال ۱۳۵۹ دار فانی را بدرود گفت، روانش شاد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ موسیقی ایران (۱/ یازده- پانزده)، مردان موسیقی (۱۷۵ -۱۷۴/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۳ -۶۳۵/ ۲).

مشکور، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، ادیب، زبان‌شناس.

تولد: ۱۲۹۷، محله سنگلج تهران.

درگذشت: ۲۵ فروردین ۱۳۷۴، تهران.

محمدجواد مشکور، فرزند حاج شیخ علاءالدین، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی دارالفنون گذراند. سپس وارد دانشسرای عالی و دانشکده‌ی معقول و منقول شد و در سال ۱۳۱۸ موفق به اخذ درجه‌ی کارشناسی در ادبیات فارسی و ادبیات عرب شد. مدتی به تدریس در دبیرستان‌ها پرداخت و چند سالی به خدمت در وزارت دارایی مشغول شد. مشکور چندی نیز نزد دایی‌های خود شریعت سنگلجی و محمدمهدی سنگلجی به تحصیل علم پرداخت. همچنین از محضر استادانی چون علامه سید محمدحسین طباطبایی، علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، مهدی آشتیانی، بدیع‌الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار، ملک‌الشعرای بهار و عباس اقبال بهره برد. همچنین به تحصیل و تحقیق در زبان‌های باستانی باستانی پرداخت وی از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۳۸ به تدریس تاریخ ایران قدیم و

زبان پهلوی در دانشگاه تبریز مشغول بود. در سال ۱۳۳۲ به پاریس عزیمت کرد و در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجه دکتری در تاریخ اسلام و فوق آن نایل آمد. مدت شش سال سردبیر مجله‌ی عربی «الاخاء» بود. در سال ۱۳۴۴ به خدمت تمام وقت دانشسرای عالی درآمد و در کنار آن در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نیز به تدریس مشغول بود. در سال ۱۳۵۳ به عنوان رایزن فرهنگی ایران عازم سوریه شد و در ضمن به تدریس تاریخ فرق اسلامی به خصوص فرقه‌های شیعه و تاریخ زبان‌های سامی در دانشگاه دمشق پرداخت. دکتر مشکور در مهر سال ۱۳۵۸ پس از قریب چهل سال خدمت دانشگاهی بازنشسته شد ولی همچنان به کار تدریس و تحقیق مشغول بود. برخی از آثار ایشان به این شرح هستند: کلمات محمد (ص) (متن عربی و ترجمه، ۱۳۱۸)؛ تاریخ اوستا و ادبیات دینی پهلوی (۱۳۲۵)؛ تاریخ ایران باستان به روایت ابن عبری (یوسف بنیان، ترجهه، ۱۳۲۶)؛ تاریخ مذاهب اسلام یا ترجمه الفرق بین الفرق (ابومنصور عبدالقاهر بغدادی، ترجمه)؛ النکت الاعتقادیهٔ (شیخ مفید محمد بن محمد النعمان، ترجمه، تبریز، ۱۳۳۳)؛ تاریخ مردم اورارتو (کشف یک سنگ، تهران، ۱۲۳۳)؛ تاریخ اورارتو سنگ نبشته‌های اورارتی در آذربایجان (۱۳۴۵)؛ تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان (۱۳۴۷)؛ تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری (۱۳۵۲)؛ نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن (۱۳۴۹)؛ ترجمه تاریخ طبری قسمت مربوط به ایران (ابوعلی محمد بن محمد بلعمی، ۱۳۳۷)؛ دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی (۱۳۳۸)؛ فرق الشیعه یا مقالات الامامیهٔ و الفرق و اسماؤها و صنوف‌ها (۱۳۲۵)؛ کارنامه اردشیر بابکان (۱۳۲۹)؛ مجوس در کتب مقدس سامی (۱۳۲۵)؛ هفتاد و سه ملت یا اعتقادات مذهب (۱۳۳۷)؛ گفتاری درباره دینکرد (۱۳۲۵)؛ ایران در عهد باستان (۱۳۴۳)؛ تصحیح منطق الطیر عطار، اخبار سلاجقه روم (۱۳۵۰)؛ سیر اندیشه‌های دینی در ایران (۱۳۵۵)؛ تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم هجری (۱۳۵۷)؛ فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی (۱۳۵۷)؛ جغرافیای تاریخی ایران قدیم (۱۳۷۱)؛ دکتر جواد مشکور چهل و شش عنوان کتاب دارد و بیش از صد مقاله در زمینه ادبیات، تاریخ، ادیان و مذاهب، زبان‌شناسی به زبان‌های فارسی و عربی و فرانسوی نوشته است. برخی از مقاله‌های او در «معماری ایران»، «هنر و مردم»، «وحید»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «زمین و زمان»، «سخن»، «بررسی‌های تاریخی»، «معارف اسلامی»، «دانش» و «باستان‌شناسی و هنر ایران ». وی همچنین در کتاب مجموعه خطابه‌های تحقیقی که در سال ۱۳۵۰ منتشر شد، دارای مقاله بود.

پیکر محمدجواد مشکور در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

(۱۳۷۴ -۱۲۹۷ ش)، نویسنده، مترجم، مصحح، مورخ، فرهنگ نویس، محقق و استاد دانشگاه. ملقب به بهاءالدین. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس تمدن، ثروت و دارالفنون وارد دانشکده‌ی معقول و منقول شد و سپس از دانشسرای عالی موفق به اخذ لیسانس در ادبیات فارسی و ادبیات عرب گردید. در ۱۳۱۸ ش در دبیرستانهای ملی تدریس کرد و به خدمت وزارت دارایی درآمد. وی به جهت علاقه به تحقیقات ادبی و معارف اسلامی از محضر دایی‌های خود، شریعت سنگلجی و دو برادرش، آقا محمد و آقا محمدمهدی سنگلجی، و استادانی چون: علامه طباطبایی، علامه قزوینی، میرزا مهدی آشتیانی، بدایع‌الزمان فروزانفر، میرزا یدالله نظر پاک، الهی قمشه‌ای و محمود شهابی استفاده‌ها برد. وی پس از آموختن مقدمات زبانهای سامی (عبری و سریانی) از طرف مدرسه‌ی عالی ایران شناسی به تدریس در آن مدرسه دعوت شد. مشکور یکی از همکاران علامه علی‌اکبر دهخدا در کار «لغت نامه» بود. در ۱۳۲۷ ش در دانشگاه تبریز تاریخ ایران باستان و زبان پهلوی را تدریس می کرد و در ضمن اقامت در تبریز از محضر استادانی چون حاج میرزا عبدالله مجتهدی و حاج محمد آقا نخجوانی و حاج حسین آقا نخجوانی و واعظ چرندانی و غیره بهره جست. در ۱۳۳۲ ش برای گذراندن دوره‌ی دکترا به دانشگاه سوربن پاریس رفت و درباره‌ی تاریخ و فرهنگ خاورمیانه، از قرن نهم پیش از میلاد تا قرن نهم میلادی، به تحقیق پرداخت و در ۱۳۳۶ ش موفق به اخذ مدرک دکترا در تاریخ اسلام و خاورمیانه شد. وی از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ ش مدیریت مجله‌ی «الاخاء» را به عهده داشت. در این بین او در کنگره‌های

بین‌المللی در انگلستان و فرانسه و آلمان و روسیه و ترکیه شرکت نمود و در ۱۳۵۲ ش با سمت رایزن فرهنگی به دمشق رفت. وی ضمن تدریس تاریخ فرق اسلامی بویژه شیعه در دوره‌ی فوق لیسانس در دمشق، موفق به تأسیس دو کرسی زبان و ادبیات فارسی در دو دانشگاه دمشق و حلب شد و کتابخانه‌ای مربوط به کتب ایران و اسلام در مرکز رایزنی و کتابخانه‌ای مربوط به ایران‌شناسی در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه دمشق دایر کرد. یکی از مهم‌ترین موفقیتهایش در آنجا مشخص کردن قبر ابونصر فارابی در باب الصغیر و شیخ اشراق شهاب‌الدین ابوالفتوح سهروردی در باب البرید بود. از دیگر آثار وی: «تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلامی تا قرن چهارم»؛ «نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن»؛ «روح القرآن»، در توحید و مکارم اخلاق انسان؛ «تاریخ اورارتی و سنگ نبشته‌های اورارتی در آذربایجان»؛ «خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ»؛ «گفتاری درباره‌ی دینکرد»؛ «تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان»؛ «فرهنگ هزوارشهای پهلوی»؛ اهتمام در انتشار کتاب «هفتاد و سه ملت»؛ تصحیح و اهتمام در انتشار کتابهای: «نصاب الصبیان» ابونصر فراهی و «منطق الطیر» عطار؛ «نسب نامه‌ی خلفاء و شهریاران» و سیر تاریخی حوادث اسلام، ترجمه؛ «اخبار سلاجقه‌ی روم»؛ «کلمات حضرت محمد (ص)»، ترجمه؛ «الفرق بین الفرق»، ترجمه؛ «فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی»؛ «تاریخ ایران زمین»، از روزگار باستان تا عصر حاضر.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۳۱، ۲۶۵۴/ ۲)، کلک (س ۴، ش ۴۷ و ۴۸، ص ۲۸۸ -۲۷۷، س ۵، ش ۶۰، ص ۳۷۶ -۳۷۵)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۲، ص ۶ -۱، س ۵، ش ۶۰، ص ۳۷۶ -۳۷۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۵ -۴۲۳/ ۲)، نامه‌ی باستان (۱۸ -۱۱).

مصدق رشتی، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علی اصغر مصدق رشتی در سال ۱۳۲۴ در شهر مقدس مشهد بدنیا آمد.تحصیلات خود را در رشته تاریخ پی گرفت و موفق به اخد مدرک دکتری رشته مذکور از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۵۹ شد.ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی علی اصغر مصدق رشتی به قرار زیر است: دیپلم: ادبی / ۱۳۴۳ / مشهد کارشناسی: تاریخ / ۱۳۵۰ / مشهد / دانشگاه فردوسی مشهد کارشناسی ارشد: تاریخ / ۱۳۵۳ / کان (فرانسه) دکتری: تاریخ / ۱۳۵۹ / پاریس / دانشگاه سوربن

همسر و فرزندان : دکتر علی اصغر مصدق رشتی متاهل و دارای دو فرزند می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اصغر مصدق رشتی عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی می باشد.وی همچنین مدیریت گروه تاریخ دانشگاه مذکرو را برعهده دارد.

فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی علی اصغر مصدق رشتی به ترتیب زیر است: تدریس در دانشگاه شهید بهشتی تهران تدریس در دانشگاه تهران بمدت سه سال تدریس در دانشگاه تربیت معلم تهران بمدت سه سال تدریس در مرکز باقرالعلوم (حوزه

قم)

آرا و گرایشهای خاص : زمینه های تحقیقاتی فعلِی علی اصغر مصدق رشتی به قرار زیر است: تاریخ ایران در قرن سیز دهم هجری تا آغاز مشروطیت روش تحقیق در تاریخ

چگونگی عرضه آثار : مقالات و کتابها: خانـدان نجم یزدی در مجله studia iranica صادرات و واردات بوشـهر نیمه اول قرن نوز دهم فرانسه مقدمه ای بر تثبیت حکومت قاجارها انگلستان- دانشگاه کمبریج(مطالعات ایرانشناسی)

مصنف مریوانی، ابوبکر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۴ ق)، فقیه شـافعی و مورخ. وی از فقهای شافعی کرد بود که به جهت کثرت تصانیف به مصـنف معروف گردیـد. مـدتی در مـدینه سـاکن بود. او در چور از قرای مریوان درگـذشت. از آثـارش: «طبقـات الشافعیـة»، معروف به «طبقات المصـنف»، در فقه؛ شرح «المحرر» رافعی قزوینی، در فروع فقه شافعی، در سه جلد؛ «سراج الطریق»، به فارسی؛ «ریاض الخلود»، به فارسی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۶/ ۲)، کشف الظنون (۱۶۱۳)، معجم المؤلفین (۷۷/ ۳).

مطهری، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید رضا مطهری

محل تولد : نهاوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حمیـدرضا مطهری فرزنـد علی‌محمـد تحصـیلات دوره ابتـدایی و راهنمایی را در زادگاه خود (نهاونـد) گذرانده و در سال ۱۳۶۷ برای تحصـیل علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از به پایان بردن دروس سطح، خارج فقه و اصول را به مدت چندین سال از محضـر اساتید بزرگوار حضـرات آیات مکارم شیرازی، جعفر سبحانی و تبریزی فراگرفتم.همزمان با تحصیل علوم حوزوی به تحصیلات دانشگاهی نیز توجه داشته و از طریق آزمون سراسری دانشگاه‌ها در رشته تاریخ دانشگاه باقرالعلوم(ع) پذیرفته شدم.

پس از اخذ مدرک کارشناسی بلافاصله در مقطع کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تهران پذیرفته شده و فوق لیسانس را از این دانشگاه دریافت کردم وعلاوه بر تحصیل به تحقیق و پژوهش و تدریس نیز اشتغال داشته ام.

مظاهری، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۹۳.

درگذشت: ۱۳۷۰.

از آثار اوست: خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام (با مقدمه پل فوکونه و حامد فولادوند، ترجمه عبدالله توکل؛ تهران، ۱۳۷۳).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

معزی، حسام‌الدوله، نجفقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مورخ، مؤلف.

تولد: ۱۲۶۱، نجف.

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۵۹.

نجفقلی حسام‌الدوله معزی، فرزند ابراهیم میرزا، تحصیلات خود را در انگلستان به پایان برد و در وزارت مالیه عضو بود. وی در دوره‌ی سوم مجلس شورای ملی از ملایر و محلات نماینده بود. از آثار اوست: تاریخ روابط سیاسی ایران با ممالك اروپایی. وی به زبان‌های عربی و انگلیسی و فرانسوی آشنایی پرداخت. تألیفات دیگر او عبارتند از تاریخ راه‌سازی در ایران، راز کامیابی ژاپن، عالم حیوانات یا کلید دام و دد، دره‌ی نجفی (مشتمل بر سه فن عروض و قافیه و بدیع) وی کتاب‌های دیگری را از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه و نشر کرده است: تاریخ آمریکا، تاریخ انگلیس، تاریخ روسیه، زندگی پطر کبیر، زندگی فردریك، زندگی ژوزفین و ناپلئون.

وی در سال ۱۳۵۴ تعداد ۱۲۵۷ جلد کتاب چاپی به زبان‌های فارسی و انگلیسی و فرانسوی به دانشگاه شیراز اهداء کرد که بدین مناسبت فهرست‌نامه‌ای برای کتب اهدایی وی منتشر گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

معصومی همدانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسین معصومی همدانی (۱۳۲۷ـ همدان) دارای مدرك دکتری رشته فلسفه و تاریخ علم ،از دانشگاه پاریس –۷ فرانسه در

سال ۱۳۸۴می باشد.نامبرده عضو هیئت علمی دانشکده دانشگاه صنعتی شریف است. وی همچنین عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : تاریخ و فلسفهتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی دکتر حسین معصومی همدانی به قرار زیر است: کارشناسی مهندسی برق از دانشگاه صنعتی شریف کارشناسی ارشد رشته فلسفه و تاریخ علم از دانشگاه پاریس –۷ فرانسه دکتری رشته فلسفه و تاریخ علم ،پاریس –۷ فرانسه در سال ۱۳۸۴مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عضو هیئت‌علمی دانشگاه صنعتی شریف و مدرّس تاریخ و فلسفهٔ علم، مشاور عالی مرکز نشر دانشگاهی، عضو شورای عالی ویرایش صدا و سیما و عضو مرکز تحقیق در تاریخ و فلسفهٔ عربی ـ اسلامی قرون وسطا.عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی،عضو کمیسیون تخصصی استخدام و ... فرهنگستان زبان و ادب فارسی،عضو شورای عالی علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی،مدیر گروه زبان و رایانه در فرهنگستان زبان و ادب فارسی،عضو شورای واژه گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی ،عضو گروه دانشنامه ادب فارسی ،ویراستار و سردبیر مجله دانشجو فعالیتهای آموزشی : دکتر معصومی همدانی در انشگاههای تهران،شیراز و تربیت مدرس در مقاطع کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری به امر تدریس می پردازد.جوائز و نشانها : دکتر حسین معصومی همدانی برنده کتاب سال جمهوری اسلامی برای ترجمه کتاب جزء و کل می باشد.چگونگی عرضه آثار : – تالیف و ترجمه ۵ عنوان کتاب – تالیف و ترجمه بیش از ۱۰۰ عنوان مقاله – شرکت در سمینار های متعدد در داخل و خارج از کشور

آثار : ایرانیها چه رویایی در سر دارند؟ (تهران: ۱۳۵۷) ویژگی اثر : دیدآورنده: میشل فوکو، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: هرمس – ۰۳ مرداد، ۱۳۸۶ ۲ ترمودینامیک تعادل، ادکینز ویژگی اثر : (ترجمه)، ۱۳۷۵۳ جزء و کل، ورنر هایزنبرگ ویژگی اثر : (ترجمه)، ۱۳۶۸.پدیدآورنده: ورنر هایزنبرگ، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی – ۲۹ اردیبهشت، ۱۳۸۶۴ زندگی‌نام ?علمی دانشمندان اسلامی ویژگی اثر : ترجمه–۱۳۶۳۵ سرگذشت فیزیک نوین ویژگی اثر : پدیدآورنده: میشل بیزونسکی، لطیف کاشیگر (مترجم)، محمدرضا خواجه پور (زیرنظر)، حسین معصومی همدانی (زیرنظر) ناشر: فرهنگ معاصر – ۲۳ دی، ۱۳۸۵ ۶ فلسف ?علوم طبیعی، کارل همپل، ویژگی اثر : (ترجمه)، ۱۳۶۹۷ فیزیک : اندیشه ها و یافته ها ویژگی اثر : پدیدآورنده: ویلیام لارنس براگ، محمدرضا خواجه پور (مترجم)، حسین معصومی همدانی (زیرنظر) ناشر: فرهنگ معاصر – ۲۳ دی، ۱۳۸۵۸ مردم‌شناسی و هنر، لوی استروس ویژگی اثر : (ترجمه)، ۱۳۷۳۹ نرم و نازک: ماده نرم، پژوهش، آموزش ویژگی اثر : پدیدآورنده: پی یرژیل دو دوژن، ماندانا فرهادیان (مترجم)، محمدرضا خواجه پور (زیرنظر)، حسین معصومی همدانی (زیرنظر) ناشر: فرهنگ معاصر – ۰۳ بهمن، ۱۳۸۵۱۰ نسبیت خاص و عام و کیهان‌شناختی، ولفگانگ ریندلر ویژگی اثر : (ترجمه)، ۱۳۷۵.پدیدآورنده: ولفگانگ ریندلر، رضا منصوری (مترجم)، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی – ۱۹ اردیبهشت، ۱۳۸۵۱۱ نووه چنتو (تک گویی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: الساندرو باریکو، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: نیلوفر – ۱۳ اسفند، ۱۳۸۵ منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

مفتون دنبلی آذربایجانی، عبدالرزاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۳ –۱۱۷۶ ق)، ادیب، مورخ، عالم، مفسر، نویسنده، عارف و شاعر، متخلص به مفتون. در خوی آذربایجان به دنیا آمد. هنگامی که کریم خان زند برای اطمینان خاطر از جانب امرای آذربایجان، اولاد آنان را به گروگان گرفت، پدر مفتون، او را به جای

برادرش، در ده سالگی، به شیراز فرستاد. وی چهارده سال در شیراز بود و در این مدت به تحصیل علم و معرفت و کسب فضل و دانش پرداخت. بعد از فوت کریم خان و تسخیر شیراز به دست علیمراد خان زند، گروگانها از آنجا به اصفهان برده شدند و پس از فوت علیمرادخان، در ۱۱۹۹ ق، آقا محمد خان، آنان را آزاد نمود و اجازه داد تا به آذربایجان بازگردند. وی به نظم و نثر فارسی و عربی مسلط بود و به هر دو زبان شعر می‌سرود. در انواع شعر نیز به قصیده و مثنوی بیشتر تمایل داشت. او در ۱۲۴۱ ق به زیارت عتبات عالیات و بیت‌اللّه الحرام رفت و پس از بازگشت در تبریز درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «مآثر خاقانی»، در تاریخ قاجاریه؛ «مآثر سلطانیه» یا «مآثر سلطانی»، مبنی بر مآثر سلطنت فتحعلی‌شاه، از زمان جلوس تا ۱۲۴۱ ق؛ «حدائق الجنان»، در سرگذشت خودش در شیراز و شرح حال شعرا و فضلای آن شهر، همراه شمه‌ای از احوالات کریم خان زند؛ «نگارستان دارا»، در شرح حال شعرای دوره‌ی فتحعلی‌شاه؛ «تجربهٔ الاحرار و تسلیهٔ الابرار»، در شرح حال عده‌ای از علما و معاریف و شعرای معاصر خود؛ شرح «مشاعر» ملا صدرا؛ ترجمه «عبرت نامه» (بصیرت نامه) از ترکی به فارسی؛ «حقایق الانوار»، در شرح حال شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدائق الادباء»، شامل منشآت و مطارحات شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدیقه»، در شرح حال شعرای عرب و معانی بعضی از اشعار آنها، به فارسی؛ مثنوی «ناز و نیاز»؛ مثنوی «همایون نامه»، در احوال مختار ثقفی؛ مثنوی دیگری در بحر رمل؛ «ریاض الجنهٔ»، در تاریخ سلسله‌ی دنابله؛ «روضهٔ الآداب و جنهٔ الالباب»، در شرح حال شعرای عرب، به عربی؛ «دیوان» شعر. گویند مفتون در تألیف تاریخ «زینهٔ التواریخ» با میرزا رضی، متخلص به بنده، مشارکت داشته است.[۱]

(شاعر) عبدالرزاق بیگ دنبلی متخلص به «مفتون» (و. ۱۱۷۶ ه.ق- ف. تبریز ۱۲۴۳ ه.ق) یکی از دانشمندان و سخنوران بزرگ آذربایجان در دوره‌ی قاجاریه بود. وی در سال ۱۲۷۶ ه.ق در شهر خوی متولد شد، از سن ده سالگی تا ۲۴ سالگی (چهارده سال) به عنوان گروگان در شیراز بازداشت بود و در این مدت به تحصیل علم و ادب پرداخت، در زمان آغا محمدخان قاجار مرخص شده و به آذربایجان برگشت. در زمان عباس میرزا نایب‌السلطنه به منصب استیفا و نویسندگی ارقام دیوانی نایل گردید. وی تألیفات گرانبهائی از خود به یادگار گذاشت از جمله: حدائق‌الجنان، روضهٔ‌الاداب و جنهٔ‌الالباب. حدائق‌الادباء، ماثر سلطانی، کلیات دیوان و غزلیات، مثنوی ناز و نیاز، منظومه‌ای بنام مختارنامه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۴۷۰/ ۷)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۰۱ -۳۹۹/ ۲ ،۶۹۰ -۶۸۹/ ۱)، تجربهٔ الاحرار و تسلیهٔ الابرار (مقدمه، ۴۶۴ -۴۵۵، ۱۳۷ -۱۲۱)، حدیقهٔ الشعراء (۱۶۹۳ -۱۶۹۰/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۵۷ -۳۵۳)، الذریعه (۳۴۳، ۳۱۷، ۲۸۸/ ۵، ۱۹، ۹۲ -۹۱/ ۱۲، ۲۸۴، ۳۲۳/ ۱۱، ۱۰۸۳/ ۹)، ریحانه (۳۵۶ -۳۵۵/ ۵)، سبک شناسی (۳۳۱ -۳۱۹/ ۳)، سفینهٔ المحمود (۶۷۰ - ۶۶۹/ ۲)، شرح حال رجال (۲۶۴/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۶۶ -۸۶۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۸۵/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ مفتون دنبلی)، مجمع الفصحا (۱۰۰۸ -۱۰۰۷/ ۶)، مکارم الآثار (۱۲۰۴ -۱۲۰۳/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۷ -۸۴۶/ ۳)، نگارستان دارا (مقدمه/ و- ی، ۲۹۷ -۲۸۲).

مفیدی فر، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق مفیدی فر

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه یزد شدم و تا سال ۱۳۵۸ مشغول تحصیل بودم که شامل مقدمات و ادبیات و فقه و اصول در مقطع سطح بود.مشوق اصلی من مرحوم والد بود که هم روحانی و هم معلوم دلسوز بود. ایشان با همت والا وقت جهت تدریس به طلاب می‌گذاشت و در فصل تابستان که حوزه تعطیل بود در شدت گرما به برخی از طلاب درس خصوصی می‌داد که من هم یکی از آنان بودم و امر تحصیل شتاب بیشتری می‌گرفت.مهر ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و فضای بیشتری از علم و معرفت گشوده شد و ادامه دروس رسائل و شروع مکاسب و کفایه بود و تا سال ۱۳۵۹ سطح تمام شد. از سال ۱۳۶۰ وارد دروس خارج شدم و یک سال اول نزد استاد آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی تلمذ کردم.

از سال ۱۳۶۲ تا پایان نزد دو استاد فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی و مرحوم تبریزی(ره) فقها و اصول حاضر می‌شدم که در مقاطع مختلف اتفاق می‌افتاد.فلسفه را ابتدا از شرح تجرید و منظومه شروع کردم که شرح تجرید را در یزد خواندم و منظومه را نزد استاد انصاری شیرازی، اسفار نزد علمین آیات حسن‌زاده آملی و جوادی آملی فراگرفتم. دروس شیعه‌شناسی را روزهای پنج‌شنبه حاضر می‌شدم.از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۸۰ به یک مرکز تحقیقاتی به نام واحد تاریخ و سیره اهل بیت وابسته به مرکز تحقیقات دفتر راهنمایی شدم، این کار ادامه فیش‌برداری‌های جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی‌رفسنجانی بود که کار قرآنی آن را گروه دیگری عهده‌دار شدند و به ثمر رسید. و حاصل این کار که هم‌چنان ادامه دارد در زمان حضور بنده یک نرم‌افزار نیمه‌کاره بوده که مسئولین وقت چندان دل نسوزاندند.در طول تحقیق در کسوت معاونت هم انجام وظیفه می‌کردم و حدود ده ماه هم سرپرست آن مجموعه شدم و در نهایت سال‌های ۸۱ و ۸۰ تصمیم به بیرون آمدن گرفتم که همزمان به دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی دعوت شدم و تاکنون مشغول به خدمت‌گزاری هستم.

در کنار درس خواندن تدریس هم داشتم و دارم و بسیاری از کتاب‌های ادبیات و سطح را تدریس کرده‌ام.در حوزه یزد و بعد از آن در قم مقدسه این روند ادامه داشت و حتی در ماه‌های مبارک رمضان که به انار کرمان می‌رفتم در حوزه آنجا برای طلاب تدریس داشتم.فصل تابستان در منطقه ییلاقی طرزجان یزد که حوزه علمیه خوبی دارد و سابقه هفتاد ساله دارد. از سال ۱۳۶۶ تابستانها به آن دیار می‌رفتم و در حد توان به طلاب از جهت درس و تدریس خدمتگذاری می‌کردم. کتاب‌های مختصر و معالم و لمعه و رسائل و مکاسب دروس سیدصدر و اصول فقه و رجال از جمله کتبی است که در مقاطع مختلف برای طلاب خوانده‌ام.در حوزه علمیه خواهران دفتر تبلیغات به دلیل آشنایی با تاریخ ارشاد شیخ مفید را گفتم و در همین راستا جذب دانشگاه شدم و یک ترم در دانشگاه کرج تاریخ گفتم اما به دلیل نامساعد بودن فضای دانشگاه انصراف دادم و به عنوان تدریس نرفتم.مدرسه امام خمینی(ره) و دانشگاه باقرالعلوم(ع) دو فضای آموزشی است که برای دانشجویان آن تاریخ در عناوین مختلف گفته‌ام.

۱. یک مقاله مطبوع دارم که در کنفرانس وحدت به چاپ رسید.

۲. طلوع و غروب نور کار گروهی غیرمطبوع.

۳. راویان مشترک که همان مقاله اول است و به صورت کتاب توسط گروه درآمد.

۴. مقالات متفرقه که مثل جایگاه نور در روزنامه پرتو به چاپ رسید.

ملک المورخین، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۵۲ -۱۲۸۹ ق)، مورخ، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ادیب. ملقب به ملک المورخین. در تهران به دنیا آمد. نسبش از طرف پدر به میرزا مهدی خان، وزیر نادرشاه، و از طرف مادر به فتحعلی‌خان ملک‌الشعرای کاشانی می‌رسد. وی از چهارده سالگی به تدوین تاریخ انبیاء پرداخت و پس از فوت پدرش، ملقب به ملک المورخین شد و مأموریت نگارش و اتمام دوره‌ی کتاب «ناسخ التواریخ» را یافت. وی در ۱۲۹۷ ق وارد خدمت فرهنگ شد. میرزا عبدالحسین، در ۱۳۲۶ ق، روزنامه‌ی «آینه‌ی عیب نما» و، در ۱۳۲۷ ق، روزنامه‌ی «آزاد» و، در ۱۳۲۳ ق، روزنامه‌ی «شاهنشاهی» را در تهران منتشر کرد. او مدتی ریاست معارف و اوقاف کاشان را بر عهده داشت. از دیگر آثارش: «تاریخ یومیه‌ی ایران»؛ «المعاریف»؛ «خلاصهٔ الاعصار فی تاریخ بختیار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۵۷ -۵۶/ ۳ ،۱۴۱ ،۴۳ -۴۱/ ۱)، الذریعه (۱۹۵/ ۲۱ ،۲۹۸ -۲۹۷ ،۲۳۶/ ۳)، ریحانه (۳۹۵/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۴ -۷۶۳/ ۳)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۰ -۹۹).

ملک زاده، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین ملک زاده

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۶/۱۴

زندگینامه علمی

تولد و خانواده در سال ۱۳۵۸ در خانواده‌ای اهل علم و روحانی در تهران به دنیا آمد.نامش را «محمد حسین» و لقبش را «امین الاسلام» نهادند. پدر وی عالم زاهد آیةالله حاج شیخ محمد رضا ملکزاده و مادر بزرگوارش علویه صالحه، دختر مرحوم آیةالله حاج سید محمد علمالهدی میباشد. گامهای نخستین وی در خردسالی و پیش از رفتن به مدرسه، خواندن و نوشتن را به خوبی آموخت و بخشهایی از قرآن را حفظ کرد. از همان سنین با فعالیتهای فرهنگی و مذهبی مساجد و همچنین دیگر مراکز و کانونهای فرهنگی و هنری همچون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انس گرفت و به طور مثال در همین مراکز بود که با برخی از هنرهای تجسّمی، عکاسی و فیلمسازی آشنا شد و همزمان در جلسات قرآنی که در مساجد و دیگر اماکن مذهبی برپا میشد شرکتی فعال و مستمر داشت و به سرعت تعلیمات اولیهٔ قرآنی را فرا گرفت. و البته در سالهای بعد به شکل کاملتری و زیر نظر برجسته‌ترین اساتید کشور با علوم و فنون قرائت قرآن و اختلاف قراءات آشنا شد. آغاز تدریس از ۸ سالگی با گردهم آوردن جمعی از کودکان هم سنّ خود یا چند سالی بزرگتر، تدریس قرآن به آن جمع را به عهده گرفت و از ۱۰ سالگی به صورت رسمی (ابتدا زیر نظر دفتر

تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و در سالهای بعد زیر نظر سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی و...) تدریس قرآن و معارف اسلامی را آغاز کرد. حفظ قرآن در همین سنین با جدّیت بیشتری به حفظ قرآن پرداخت و البته به دلیل وقفههایی که در مسیر حفظ قرآن برایش پیش آمد، حفظ کامل قرآن توسط وی چند سالی به طول انجامید. مطالعه جدّی کتاب در کودکی عمدهترین سرگرمیاش در آن زمان یعنی در انتهای کودکی و آغاز نوجوانی، مطالعه کتابهایی درباره علوم و تاریخ قرآن، مفاهیم قرآنی و بعداً کتابهایی در زمینه مسائل فکری و فرهنگی، کتب اعتقادی و کتابهایی درباره مکاتب فکری مختلف دنیا و نقد آنها بود که به طور مثال سری جزوههای کوتاه «پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک»، کتابهایی در زمینه آموزش ساده فلسفه یا تاریخ فلسفه یا کتابهای اصول اعتقادی و همچنین بسیاری از کتابهای استاد شهید مرتضی مطهری– با صرف نظر از عنوان و موضوعشان– کتابهای محبوب و مورد علاقه این دوران او بود. شروع نگارش و ارتباط با مطبوعات همین پشتوانه کارهای قرآنی، حفظ قرآن و مطالعه آثار علمی و به صورت مطلق، انس با کتاب و نیز مشارکت در فعالیتهای فرهنگی و هنری و سرودن شعر، سبب شد تا بتواند به سرعت دست به قلم شده و از طریق مکاتبه، برای نشریات متناسب با سنّ خود، مطلب، (شعر، داستان و گزارش) بفرستد. تأسیس مراکز فرهنگی در کودکی پدر ایشان به شدّت مقیّد بود که در تمامی ایّام تبلیغی برای رساندن معارف اسلامی به آحاد مردم به نقاط گوناگون کشور– به ویژه شهرها و روستاهای دور افتاده– سفر نماید. و معمولاً در این سفرها خانوادهاش را هم با خود میبرد. جالب آنکه در این سفرها فقط پدر نبود که فعالیّتهای اسلامی انجام میداد بلکه پسر کم سنّ و سال او نیز فعّالانه وارد عرصه میشد و برای کودکان و نوجوانان آن منطقه برنامههای زیادی را ترتیب میداد که از جمله این فعالیتها تأسیس چندین مرکز فرهنگی، کتابخانه و نوارخانه مذهبی در شهرها و روستاهای مختلف کشور بود. علاوه بر اینها در محل زندگی خود نیز در هنگام تحصیل در کلاس چهارم ابتدایی، گروه فرهنگی الزهرا (ع) را راهاندازی کرد که عمده فعالیت این مرکز، انتشار گاهنامههایی به مناسبتهای مختلف و نیز برگزاری مسابقات کتبی با موضوعات مذهبی– سیاسی ویژه کودکان و نوجوانان بود. در ۱۲ سالگی و در زمانی که هنوز کار تواشیح و همخوانی عربی و قرآنی در ایران، بسیار نوپا بود گروه تواشیحی تأسیس کرد. در ۱۳ سالگی اقدام به تشکیل مرکزی به نام «نور القرآن» کرد که کارش برگزاری جلسات آموزشی و مسابقات قرائت و حفظ قرآن بود. تدریس در مراکز مختلف (تدریس در دانشگاه در ۱۴ سالگی) از این سن به بعد فعالیت علمی– تدریسی وی در زمینه قرآن در برخی ادارات، سازمانها، مراکز و نهادهای گوناگون و به ویژه پایگاههای فرهنگی مساجد، کانون قرآن دانشگاهها و دیگر کانونهای فرهنگی و تربیتی شکل گستردهتری به خود گرفت. تا آنجا که در سنّ ۱۴ سالگی (در هنگام تحصیل در کلاس اول دبیرستان) مدتی به طور غیر رسمی در دانشکده علوم قرآنی به تدریس پرداخت و بر این اساس شاید بتوان گفت وی جوانترین مدرّس علوم قرآنی در دانشگاه و یا به صورت مطلق، جوانترین مدرسی بود که تا آن زمان به تدریس در دانشگاه پرداخته بود. جوانترین روزنامهنگار قرآنی کشور در زمینه فعالیتهای مطبوعاتی افزون بر انتشار گاهنامه و نیز مکاتبه با برخی مجلات در دوره کودکی و نوجوانی، از سال ۱۳۷۲ (در سنّ ۱۴ سالگی) ضمن همکاری کوتاهی با نخستین مجله قرآنی به زبان فارسی به نام «پیام قرآن» (به صاحب امتیازی دارالقرآن الکریم آیهٔالله گلپایگانی) به عنوان جوانترین روزنامهنگار قرآنی به صورت فعال وارد عرصه مطبوعات شد و تا به حال صدها نوشتار مختلف از وی در نشریات معتبر و کثیر الانتشار به چاپ رسیده است. نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان یکی از فعالیتهای مطبوعاتی ایشان تأسیس صفحهٔ قرآنیِ «بهار در بهار» در روزنامه کیهان بود. این صفحه که در زمستان ۱۳۷۵ و به مناسبت ماه مبارك رمضان، راهاندازی شد، نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان به شمار میآمد. آغاز تألیف کتاب حدود ۱۴– ۱۵ سال سن داشت که موفق به نگارش جلد اوّل، دوم و بخش اندکی از جلد سوم و چهارم کتاب پنج جلدی «اصول فنی قرائت قرآن کریم» گردید. نخستین دارالقرآن در مدارس کشور آقای ملکزاده در سالهای آغازین دهه هفتاد شمسی (سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵) در چندین دبیرستان در تهران و قم، اقدام به تأسیس دارالقرآن الکریم نمود. این دارالقرآنها اولین دارالقرآنهای مدارس کشور بودند.

نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآن ویژه جوانان و نوجوانان (تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» و «جامعهٔ الکعبه») در سال ۱۳۷۵ موفق به تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» شد. این مرکز که نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآنی به جوانان و نوجوانان (طلّاب جوان، دانشجویان و دانشآموزان) بود تا سال ۱۳۸۱ به فعالیتهای پژوهشی و آموزشی خود در داخل و خارج از کشور (سوریه، هلند، لبنان، انگلستان و...) ادامه داد. از سال ۱۳۸۱ و با تبدیل مجمع قرآنی کعبه به مؤسسه آموزشی و پژوهشی «جامعهٔ الکعبه» فعالیتهای قرآنیِ این مجمع در قالب گروه علوم قرآنی که یکی از گروههای علمیِ جامعهٔ الکعبه میباشد، ادامه یافته است. و امّا جامعهٔ الکعبه مرکزی است جهت آموزش و پژوهش در باب علوم انسانی و اجتماعی و مباحث فکری و فرهنگی از منظر اسلام. این مرکز از سال ۱۳۸۱ تاکنون مشغول به فعالیت میباشد. ورود به حوزه علمیه پس از اتمام دوره دبیرستان به صورت رسمی به تحصیل علوم و معارف اسلامی در حوزه علمیه پرداخت و از آنجا که برخی از مباحث مقدماتی حوزه را از چند سال قبل شخصاً مطالعه کرده بود، توانست با علاقه زیاد، انگیزه قوی و تلاشی مثال زدنی با استفاده از تمامی فرصتها و بدون کمترین وقفه و تعطیلی به صورتی که برنامه درسی وی به هیچ وجه تعطیل نمی شد و علاوه بر ایام عادی تحصیل، در تمامی روزهای تعطیل، جمعه ها، تابستان، نوروز و ... هم به درس و مطالعه مشغول بود، و همچنین با بهره بردن از نبوغ کمنظیر خدادادی، دروس مقدماتی و سطح حوزه را که معمولاً در طول ۱۰ سال خوانده میشود، به توفیق الهی در ظرف مدّت سه سال و نیم، به بهترین شکل و کیفیت به پایان رساند. دروس خارج و اساتید از زمستان سال ۱۳۷۹ با مشورت و توصیه یکی از اساتید محترم حوزه (حضرت آیهٔاللّه شیخ جعفر سبحانی) در دروس خارج حاضر شد. در آغاز به درس خارج اصول ایشان و سپس به دروس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون آیات عظام : مرحوم میرزا جواد تبریزی (کتاب الصلاهٔ، سه سال و نیم) و سید کاظم حسینی حائری (کتاب الصلاهٔ، حدود یک سال و اصول، از ابتدای حضور در دروس خارج تاکنون) وارد شد. در ادامه نیز در دروس خارج فقه حضرت آیهٔاللّٰه شیخ حسن شریعتی نیاسر (کتاب های خمس، وقف، حبس و اخواته، صدقه، هبه، زکاهٔ، اجاره، مضاربه، مزارعه و... از سال ۸۱ تاکنون. البته این درسها در تابستانها و دیگر ایام تعطیل هم برقرار بوده است.) و حضرت آیهٔاللّه شیخ محمد تقی بهجت (کتاب الحج، از فروردین ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶) شرکت کرد . البته مدت کوتاهی هم از درس فقه حضرات آیات سید محمد حسین فضل الله (در بیروت) و مرحوم شیخ علی فلسفی (در مشهد) و درس اصول آیهٔالله شیخ حسین وحید خراسانی (در قم) بهره برد. تفسیر قرآن پیش از ورود به درس خارج، حدود یک سال از درس تفسیر آیهٔاللّٰه شیخ عبداللّٰه جوادی آملی نیز بهرهمند شده بود. اگر چه بعداً در درس تفسیر بزرگانی همچون حضرات آیات شیخ ناصر مکارم شیرازی و مرحوم شیخ محمد هادی معرفت هم حاضر شده، بهرههای فراوانی برد. فلسفه، اخلاق و عرفان همزمان با حضور در دروس خارج فقه و اصول، از دروس اسفار آیهٔاللّه شیخ یحیی انصاری شیرازی نیز استفاده نمود. مدت کوتاهی هم در درس اشارات شرکت کرد.علاوه بر اینها در برخی دوره ها و درس و بحث های فلسفی که به موضوعاتی خاص در فلسفه می پرداختند نیز مشارکت داشته است. همچنین در زمینه اخلاق نیز از پیش از ورود به حوزه تا کنون محضر پر فیض اساتید و فرهیختگان متعددی از جمله حضرات آیات شیخ محمد تقی مصباح یزدی ، شیخ جواد کربلایی ، مرحوم شیخ علی پناه اشتهاردی ، مرحوم حاج آقای مجتهدی و برخی بزرگان دیگر را درک کرده است . البته استفاده وی از آیهٔالله مصباح یزدی منحصر به شرکت در درس های اخلاق ایشان نبوده بلکه طی سالیان متمادی از بسیاری از مباحث فلسفی و کلامی و سایر بحث های ایشان در زمینه اندیشه و معارف اسلامی – به صورت محض و یا به صورت تطبیقی با مکاتب دیگر – بهره های قابل توجهی برده است. از دیگر اساتید وی میتوان به پدر بزرگوار ایشان اشاره کرد که علاوه بر مراتب علمی، از نظر معنوی و روحانی نیز دارای مقام رفیعی میباشند و بدین جهت هم در زمینه فقه، اصول و فلسفه و هم در زمینه اخلاق و عرفان– از مقدمات تا خارج– به تدریس و راهنمایی فرزند خویش پرداختهاند. اجازات وی تا به حال موفق به اخذ چندین اجازه مختلف– و از جمله اجازه اجتهاد– از علماء و مراجع عظام تقلید در قم و مشهد شده است. جوانترین طلبه نویسنده در این سالها کار نگارش کتاب را نیز ادامه

داد و در اولین دوره انتخاب کتاب سال حوزه علمیه (سال ۱۳۷۷) به عنوان جوانترین طلبه نویسنده انتخاب شده، موفق به اخذ جایزه و لوح تقدیر گردید. زبانهای دیگر و فعالیت در خارج از کشور با تسلط بر زبانهای عربی و انگلیسی و اندکی آشنایی با زبان فرانسوی و چند زبان دیگر، توانست به کشورهای زیادی سفر کند و در سطح بینالمللی به فعالیتهای علمی، فرهنگی و اسلامی و تبلیغ دین مبین اسلام و معرفی مکتب اهلبیت(ع) بپردازد. حضور در دانشگاهها طیّ این سالها به دانشگاههای بزرگ و معتبری در داخل و خارج از ایران دعوت شده و در این دانشگاهها به تدریس، سخنرانی، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و یا برگزاری کارگاههای علمی و آموزشی پرداخته است. مطالعات تاریخی افزون بر تحصیل و تدریس علوم مختلف اسلامی، از زمستان ۱۳۸۱ به مدت ۳ سال در رشته تخصصی تاریخ که برای اولین بار در حوزه علمیه قم تأسیس شده بود شرکت نمود و مطالعات زیادی را در زمینه تاریخ اسلام و فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن به انجام رساند. مسائل جدید به مدّت یک سال در دوره «شبههشناسی و پاسخگویی به شبهات» که به وسیله مؤسسه «در راه حق» و با تدریس جمعی از صاحبنظران و اساتید برجسته، برگزار گردید شرکت کرد و با رتبه اول فارغالتحصیل شد. مسائل و شبهاتی که در این دوره مورد بحث قرار گرفتند در دو زمینه «کلام قدیم» (با توجه ویژه به عقاید وهّابیّت) و «کلام جدید، فلسفه دین و معرفتشناسی» بودند. البته آشنایی وی با بعضی از مکاتب فلسفی غرب، کلام جدید، معرفت شناسی، برخی از فلسفههای مضاف و مباحث و مسائلی که در دوران جدید در حوزه دینپژوهی مطرح شده است به سالهایی پیشتر از شرکت در این دوره بازمیگردد. و همچنان که قبلاً نیز اشاره شد از نوجوانی به مطالعاتی از این دست علاقه خاصی داشته و علاوه بر مطالعات منظمی که به صورت شخصی در این زمینهها داشته است، همایشها، جلسات بحث، سخنرانیها و یا مناظرههایی درباره این مسائل را هم پیگیری کرده و در برخی از کلاسها یا دورههایی که با موضوع علوم جدید از منظر اسلام– همچون دروس جامعه شناسی اسلامی - یا معرفتشناسی و کلام جدید برگزار میشده است نیز شرکت کرده است. و همین آشنایی با مباحث فکری و فرهنگی جدید یکی از مهمترین عوامل موفقیت وی در پاسخگویی به پرسشهای نسل جوانِ تحصیلکرده و دانشگاهی در داخل و خارج از کشور بوده است. تدریس مباحث حوزوی در زمینه تدریس دروس حوزوی برنامه وی بدین صورت بوده است که تا پیش از ورود به درس خارج به تدریس ادبیات و منطق و همچنین اصول (البته فقط حلقه اولی از حلقات اصول شهید صدر)، پرداخته و از هنگام ورود به درس خارج تاکنون به تدریس شرح لمعه، اصولالفقه، حلقات اصول، رسائل، مکاسب و کفایهٔ الاصول اشتغال داشته است. بحث خارج از مهر سال ۱۳۸۴ (شعبان ۱۴۲۶ق) ضمن ادامه حضور در دروس خارج فقه و اصول علمای اعلام، تدریس استدلالی اصول را با تبیین و نقد نظریه «حق الطاعهٔ» و بدیل آن یعنی «قاعده قبح عقاب بلابیان» برای جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم آغاز نموده است. همکاری تحقیقی با مؤسسات و نگارش دانشنامه از دیگر کارهای وی علاوه بر موارد گذشته و به جز تدریس مباحث مختلف قرآنی، کلامی و تاریخی (در مجمع قرآنی کعبه و سپس در جامعهٔ الکعبه) میتوان به همکاری با مرکز فرهنگی حوزه علمیه قم در پاسخگویی به سؤالات و شبهات اشاره نمود. همچنین در نگارش «دانشنامه قرآن و قرآنپژوهی» و مدت کوتاهی در «دانشنامه مسجد» و «فرهنگنامه مسجد» به عنوان محقق و نویسنده همکاری کرده است. تدریس یک دور مباحث تفسیری (از ابتدا تا انتهای قرآن، طی سالهای ۷۵ تا ۸۳): از سال ۱۳۷۵ تا اوائل سال ۱۳۸۱ در جلسه مرکزی مجمع قرآنی کعبه که به صورت هفتگی در صبح روزهای جمعه برگزار میگردید و سپس در ادامهٔ سال ۸۱ و همچنین سال ۸۲ و ۸۳ در جلسات «مطالعات اسلامی» (بررسی مباحث کلیدی و چارچوبهای اساسی در تفکر اسلامی) که به منظور استحکام پایههای معرفتی کادرهای اولیهٔ جامعهٔالکعبه برگزار میشد، به تدریس مباحث تفسیری پرداخت و با تشریح اهمّ مفاهیم و معارف قرآنی، موفق به تدریس یک دور تفسیر قرآن کریم شد. آثار و تألیفات جناب آقای ملک زاده، کار نگارش کتاب را که با توفیق الهی از نوجوانی آغاز کرده بود، با توجه به زمینه های مطالعاتی و پژوهش هایی که داشت و در عرصه موضوعاتی که ضروری می انگاشت دنبال نمود تا آنجا که به جز مقالات منتشر شده در مطبوعات و یا ارائه شده به همایش های متعدد، تا سال ۱۳۸۷ شمسی

یعنی تا پیش از ۳۰ سالگی، بیش از هفتاد جلد کتاب تألیف کرد که البته در این میان، یکی دو جلد هم ترجمه بود. علاوه بر آثار مکتوب، بخشی از سخنرانیها یا تدریسهای ایشان در موضوعات مختلف نیز در قالب CD ارائه شده و نرمافزارهایی هم بر اساس کتابهای ایشان و یا تحت اِشرافِ علمی وی، طرّاحی و به بازار عرضه شده است.

ملکی زنجانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ملکی زنجانی (ح.م زاوش) در سال ۱۳۰۱ چشم به جهان گشود . پس از پایان دوره دبیرستان به تهران آمد و به ادامه تحصیل پرداخت . از سال ۱۳۲۹ در اداره جنگل بانی وزارت کشاورزی به کار مشغول شد . زنجانی در فروردین سال ۱۳۵۶ از کار دولتی کناره گرفت و از آن پس تمام وقت خود را به تحقیق و نگارش پرداخت . او آن چنان دراین مهم پیش رفت که در آغاز دهه ۷۰ به ناراحتی چشم گرفتار شد و پیش روی این بیماری تا حدی بود که او را از خواندن و نگارش بازماند . استاد ملکی زنجانی در ۱۸ خرداد ۱۳۷۷ در تهران چشم از جهان فروبست .

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسین ملکی زنجانی (ح . م . زاوش) در خانواده یک پیشه ور چشم به جهان گشود پدرش زین ساز بود در کودکی مادر را از دست داد و پدر که تا نوجوانی او زنده بود باعلاقه فراوان او را به تحصیل علم واداشت . دشواری های سخت زندگی را بدون پشتوانه خانوادگی از سر گذراند .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین ملکی زنجانی پس از پایان دبیرستان در ۱۳۲۰ به تهران آمد و به تحصیل پرداخت .

استادان و مربیان : حسین ملکی زنجانی آموخته های خود را در سایه ی تعلیمات علی کاظمیه زرینه و پروفسور کامبوزیا به دست آورد.

وقایع میانسالی : حسین ملکی زنجانی در آثار چاپ شده و چاپ نشده خود به افشای حرکات فراماسیونها و کارگزاران سر سپرده آنها می پردازد و بذر امید و استواری و پایداری برای بهبود زندگی بشر را می افشاند . در فروردین ۱۳۵۶ از کار دولتی کناره گرفت و زان پس تمام وقت خود را به تحقیق و نگارش پرداخت . او آنچنان در این مهم پیش رفت که در آغاز دهه ۷۰ به تاراحتی چشم گرفتار شد . پیش روی این بیماری تا حدی بود که نور چشمانش چون رفیق نیمه راهی در نیمه پایانی راه تنهایش گذاشت و او از خواندن و نگارش باز ماند .

زمان و علت فوت : حسین ملکی زنجانی در ۱۸ خرداد ۱۳۷۷ در تهران چشم از جهان فرو بست .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین ملکی زنجانی از سال ۱۳۲۹ در اداره جنگل بانی وزارت کشاورزی به کار مشغول شد . --

---

آثار :

۱ اطلاعات عمومی سپیده

ویژگی اثر : ۱۳۶۷ ، نشر سپیده

۲ تهران در گذر گاه تاریخ

ویژگی اثر : ۱۳۷۰ ، انتشارات اشاره

۳ جنگل ها و گسترش کویرها

ویژگی اثر : ۱۳۶۷ . نشر آینده .

۴ دولت مردان ایران و ساختار نهادها در عصر مشروطیت

ویژگی اثر : جلد دوم ، سال ۱۳۷۰ ، انتشارات اشاره .

۵ دولت های ایران در عصرمشروطیت

ویژگی اثر : جلد اول ، سال ۱۳۷۰ ، انتشارات اشاره .

۶ دیوان عطار

ویژگی اثر : سال ۱۳۶۱ ، اتشارات چکامه

۷ رابطه فراماسیونری با صهیونیسم و امپریالیسم

۸ نخستین کارگزاران استعمار در ایران

ویژگی اثر : ۱۳۶۱ انتشارات بهار

۹ نقش فراماسونها در تاریخ معاصر ایران

ویژگی اثر : ۱۳۶۱ ، اتشارات آینده

منابع زندگینامه :

۱چیستا –سال شانزدهم – شماره ردیف ۱۵۲ و ۱۵۳ آبان و آذر ماه ۱۳۷۷ ص ۲۷۲

منتظری مقدم، حامد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حامد منتظری مقدم

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حامد منتظری مقدم متولد شهر مقدس قم در سال ۱۳۴۹؛ تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستاهای عارفی و حایری و مدرسه راهنمایی قطب راوندی (شهرقم) گذراندم.عموماً دانش آموز ممتاز بودم و به خوبی آموختم که برای موفقیت در تحصیل باید بسیار زحمت کشید و درس خواند.

در سال ۱۳۶۵، پس از کسب قبولی در سال اول دبیرستان رشته علوم تجربی از دبیرستان انصراف دادم و وارد حوزه علمیه قم شدم. آمدنم به حوزه، هم متاثر از فضای مذهبی قم بود و هم بدین جهت بود که در اساس، خاندان و خویشان من اهل علم هستند و در

کسوت روحانیت.

در تحصیلات حوزوی از محضر استادان بسیار ارجمندی بهره مند شدم؛ در مقطع ادبیات، استادان: زیبایی نژاد، عرفان و علیدوست. در مقطع سطح، استادان: قاضی زاده، اشتهاردی، پایانی، وجدانی، محامی، نکونام، حسینی بوشهری و محمدی. درس خارج، استاد علامه «جوادی آملی» (ذکر اساتید در اینجا، به ترتیب استفاده از محضرشان بوده است).

تحصیلات حوزوی را در مدرسه مبارکه رضویه آغاز کردم. در آن دوران، در آن مدرسه در اجرای مقررات سخت گیری نمی شد و طلاب در یک فضای پر نشاط رشد می کردند؛ چنان که به ابتکار و اهتمام برخی از دوستان در تابستان ها، اردوهای بسیار مفید علمی برگزار می شد که هم درس بود و هم ... .

در همان مدرسه، دوستان بسیار عزیزی یافتم؛ درس خوان و با تقوی و متعهد. بیشتر از همه، هم مباحثه عزیزم جناب آقای دکتر «محمد جواد توکلی» که تا پایان سطح با هم بودیم و بعداً رشته های تخصصی مان از هم جدا شد، من مسیر «تاریخ» را در پیش گرفتم و او در «اقتصاد» به راه افتاد و اکنون در کشور هلند، مشغول به تدوین پایان نامه دکتری است.

مسیر زندگی تحصیلی ام چنین بود که در کنار فراگیری علوم حوزوی، به طور آزاد، مقطع دبیرستان را به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۰ در رشته «فرهنگ و ادب» دیپلم گرفتم. همچنین در سال ۱۳۶۹ وارد موسسه در راه حق شدم. بخش آموزش آن موسسه، بعدا در قالب موسسه ای جدید التاسیس به نام «موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)» به ریاست حضرت استاد علامه «مصباح یزدی» تداوم یافت و من از همین موسسه جدید در سال ۱۳۷۳ مدرک کارشناسی رشته «الهیات و معارف اسلامی» را اخذ کردم.

سپس در سال ۱۳۷۴ فصل مهمی در زندگی علمی من گشوده شد و در موسسه یاد شده به تحصیل در رشته تخصصی «تاریخ»، مقطع کارشناسی ارشد پرداختم. در سال ۱۳۷۹ از مقطع اخیر فارغ التحصیل و همان سال در موسسه مزبور، در مقطع دکتری رشته «تاریخ اسلام» مشغول به تحصیل شدم. اکنون پس از گذراندن واحدهای آموزشی به تدوین پایان نامه دکتری اشتغال دارم.

هم زمان با تحصیل در رشته تاریخ، توفیق به انجام تدریس، تحقیق و تالیف نیز یافتم. در همکاری با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، مجموعه تلویزیونی «تنهاترین سردار» را نقد کردم. همچنین حدود ۲۰ مقاله علمی تالیف کردم. افزون بر این، پایان نامه کارشناسی ارشد خود را پس از تکمیل، با عنوان: «بررسی تاریخ صلح های پیامبر (ص)» در تابستان ۱۳۸۳ به چاپ رساندم که این کتاب، در جشنواره دانشجویی ۱۳۸۴ ممتاز شناخته شد.

افزون بر این، در همکاری با بخش آموزش موسسه امام خمینی (ره) و مرکز جهانی علوم اسلامی و نیز برخی از دانشگاه ها به تدریس در حوزه های «تاریخ اسلام»، «تاریخ تشیع» و «تاریخ ایران اسلامی» (بالغ بر شصت واحد تدریس) اشتغال داشته ام. اکنون عضو هیئت علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) و عضو هیئت تحریره فصلنامه «تاریخ در آیینه پژوهش» هستم.

منجم یزدی، محمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال‌الدین محمد منجم یزدی صاحب تاریخ صفویه که نسخه خطی آن به شماره ۳۷۲۲ در کتابخانه ملک ثبت و این شعر بابا سلطانی قمی در آن کتابست.

هیچ میدانی چرا شفا ندهد

کور و شل در مدینه پیغمبر

تا نگویند سنیان بیقین

کین زاعجاز بوبکست و عمر

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منشی، روح‌الله

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، مورخ و نویسنده. وی گزیده‌ای از «ظفرنامه‌ی» شرف‌الدین علی یزدی دارد به نام «تاریخ پسندیده».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۵۵/۲).

منظور الاجداد، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین منظورالاجداد در ۱۳۳۴ در تهران متولد شد و تحصیلات خود را تا مدرک دیپلم رشته ی تجربی در این شهر گذراند. ایشان ابتدا در رشته دندانپزشکی دانشگاه تهران قبول شدند، اما به علت علاقه به تحقیقات تاریخی، انصراف، و پس از قبولی در این رشته، مدرک کارشناسی تاریخ خود را از دانشگاه فردوسی مشهد دریافت و مدارک کارشناسی ارشد و دکتری خود را در همین رشته از دانشگاه تربیت مدرس دریافت نمودند. استاد از محققین برجسته در حوزه اسناد بوده ، و مطالعات وسیعی در زمینه اسناد روحانیت، شهید مدرس ، فداییان اسلام، واقعه گوهرشاد انجام داده اند.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسین منظورالاجداد تحصیلات خود را تا مدرک دیپلم رشته ی تجربی در این شهر گذراند. ایشان ابتدا در رشته دندانپزشکی دانشگاه تهران قبول شدند، اما به علت علاقه به تحقیقات تاریخی، انصراف، و پس از قبولی در این رشته، مدرک کارشناسی تاریخ خود را از دانشگاه فردوسی مشهد دریافت و مدارک کارشناسی ارشد و دکتری خود را در همین رشته از دانشگاه تربیت مدرس دریافت نمودند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از مشاغل محمدحسین منظور الاجداد می توان به موارد زیر اشاره کرد: پژوهشگر سازمان اسناد ملی ایران عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس عضو هیات تحریریه مجله روابط خارجی مشاور علمی مدیریت اسناد مشاور علمی دفتر اسناد (مجموعه مقالات) مدیر گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس

چگونگی عرضه آثار : محمدحسین منظور الاجداد مقالات زیادی در زمینه اسناد و تاریخ در نشریات کتاب ماه تاریخ، گنجینه اسناد به یادگار گذاشته است. --

------

آثار :

۱ سیاست و لباس

ویژگی اثر : (گزیده اسناد متحدالشکل شدن البسه ۱۳۰۷– ۱۳۱۸)، به کوشش سید محمدحسین منظورالاجداد، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۰. دکتر سید محمدحسین منظورالاجداد از اساتید بنام سندشناسی در کتاب فوق بیش از سیصد سند تاریخی را که بخش مهمی از آن به تغییر لباس زنان و کشف حجاب و لباس روحانیت مربوط می‌شود، گردآوری و بازنویسی نموده‌اند. مؤلف محترم تصریح نموده است این تعداد حجم اندکی از اسناد این موضوع است که به علت عدم فهرست‌نویسی اسناد شهرستان‌ها به این میزان بسنده شده است.

۲ گزیده اسناد متحد الشکل شدن البسه

۳ مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست

ویژگی اثر : (اسناد و گزارش‌هایی از آیات عظام نائینی، اصفهانی، قمی، حائری و بروجردی ۱۳۳۹– ۱۲۹۲ شمسی)، به کوشش سید محمدحسین منظورالاجداد، تهران، شیرازه، ۱۳۷۹. در این کتاب ارزشمند استاد منظورالاجداد ضمن نگارش زندگی‌نامه‌هایی از مراجع عظام تقلید اسناد فعالیت‌ها و اقدامات هر یک را بازنویسی و در ادامه آورده است. در پایان تصویر تعدادی از اسناد هم مندرج است. در اسناد مراجع به ویژه آیات قمی و حائری یزدی کشف حجاب از مسایل مهم به شمار می‌رود.

مورخ الاسلام، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج میر سید علی بن میرزا محمد علی خان سابق الذکر.

ادیب فاضل مورخ، در شب یک شنبه ۶ صفر سال ۱۳۰۰ متولد، و در ذی حجه‌ی ۱۳۶۹ وفات یافته، در تکیه‌ی میر سید محمد شهشهانی مدفون گردید. [مدفن او در تکیه‌ی ملک واقع است].

کتب چندی تألیف فرموده، از آن جمله است:

۱ – سفرنامه‌ی کربلا ۲ هفضائل العجم؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اکبر موسوی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

از کودکی با شرکت در جلسات مذهبی و کلاس‌های علمی تاریخی عادت به مطالعه کردم، به تدریج در هنگام انقلاب و بعد از انقلاب با مطالعات معتبر سیاسی، علمی و با شرکت در برنامه‌های حزب جمهوری و جلسات دیگر و کنجکاوی‌های فراوان برای پاسخ به بعضی پرسش‌های اساسی که نیاز زیادی را احساس می‌نمودم (هدف‌های خلقت، علل اختلالات در میزان نعمت‌ها و علل تفاوت‌ها و علل رنج‌های موجود در جامعه و انسان و اینکه خدا چه رابطه‌ای با انسان دارد) با مطالب علمی، کلامی و تفسیری آشنایی پیدا کردم و شاید علت مهمی که به حوزه علمیه آمدم پاسخ به همین مسائل بود از همان دوران دبیرستان سال ۵۸ ـ ۵۹ ـ ۶۰ با کتب استاد مطهری زیاد مأنوس بودم مثل کتاب‌های علل گرایش به مادیگری، جهان‌بینی، انسان و ایمان و عدل الهی و... گرچه بعضی کتب مثل عدل الهی مطالب دشواری داشت در آن سن، اما تلاش زیادی برای درک آن می‌کردم... در کلاس‌های کلامی، فلسفی، که از طرف انجمن اسلامی معلمان برای اتحادیه انجمن‌های اسلامی دبیرستان‌های قزوین برگزار می‌شد با علاقه شرکت می‌کردم، اثبات واجب الوجود و پاسخ به شبهات و... . بعد از مدتی که به جبهه‌ها رفتم؛ به قم آمدم در قم نیز بعد از آشنایی با اساتید مختلف و سلیقه‌های مختلف، شاید احساس می‌کنم روشی را انتخاب کرده‌ام. هم برای پاسخ به سوالات خودم و هم برای ارائه مطلب به دیگران و تبلیغ مطالب . بعد از سطوح حوزوی از سال ۱۳۷۰در دروس آیات عظام مکارم جوادی آملی میرزاجواد آقا تبریزی وحید خراسانی شرکت نمودم به امید اینکه بتوانیم مسئولیتها را بانجام برسانیم.

موسوی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد، محقق.

تولد: ۱۳۱۴، حسین‌آباد میامی از توابع شاهرود.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

سید کاظم موسوی، فرزند میرزا موسی، از شش سالگی به مکتب رفت. در حالی که قرآن را می‌آموخت سعی می‌کرد سوره‌های کوچک را نیز حفظ نماید. در همان دوران خواندن و نوشتن و بخشی از مقدمات درس‌های حوزه‌ای را نیز فراگرفت. در سیزده سالگی برای ادامه‌ی تحصیل به مشهد رفت. جلدین شرح لمعه را نزد حاج میرزا محمود مدرس، رسائل و مطالب و کفایتین را نیز در خدمت آیت‌الله شیخ هاشم قزوینی خواند. درس خارج را ابتدا در محضر آیت‌الله شیخ آقا بزرگ جواد تهرانی فراگرفت. و بعد از آن آیت‌الله سید محمد ادی میلانی در حلقه‌ی درس خارج نیز شرکت نمود و سپس اجاره را در حضورشان خواند. خلاصه‌ی درس را پس از خروج از محضر استاد به عربی می‌نوشت و با توجه به شیوه کتابتش به عنوان مقرر آیت‌الله میلانی پذیرفته شدند.

در اوایل رمضان سال ۱۳۳۶ اولین فرصت شغلی برایش پیش آمد و از وی به منظور همکاری با انتشارات کتب اسلامی دعوت شد. متعاقبا به تصحیح مجلد اول تا چهاردهم، و تحشیه و تصحیح و تخریج و مجلدات ۳۵ تا ۴۲ کتاب بحارالانوار مشغول شد. در کنار

این وظیفه، تحصیح کتب دیگری از جمله ارشاد شیخ مفید، تفسیر مقتنیات الدور، ادب النفس، شواهد و مجمع البیان را عهده‌دار شد.

در سال ۱۳۴۰ با استاد رضا روزبه آشنا شد و دو سال بعد از طرف دبیرستان علوی دعوت به همکاری شد. این سال آغاز همکاری فرهنگی وی با رضا روزبه که تا سال ۱۳۵۲ یعنی تاریخ وفات استاد ادامه داشت. یکی از نتایج این همکاری تألیف مجلدات اول و دوم عربی آسان بود. جلدهای سوم چهارم و پنجم بعدها تهیه شد.

به موازات فعالیت‌های فرهنگی به تحصیلات دانشگاهی هم پرداخت و با طی مدارج لیسانس و فوق لیسانس در سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۰ در رشته‌ی زبان و ادبیات عرب فارغ‌التحصیل شد.

در سال ۱۳۴۹ مسئولیت اداره‌ی انجمن اسلام‌شناسی بانوان را که به وسیله‌ی سید حسن شاهچراغی بنیانگذاری شده بود از طرف روزبه پذیرفت. در سال ۱۳۵۰ مدرسه راهنمایی دخترانه‌ی روشنگر و پس از آن دبیرستان روشنگر را تأسیس کرد. علاوه بر فعالیت‌های یاد شده در سایر انجمن‌ها و کانون‌ها فعالیت علمی و اجتماعی داشته و دانشجویان را در بررسی و تتبع در بهره‌گیری از متون اسلامی و نیز در تهیه و تنظیم پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایشان یاری می‌نمود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان نماینده‌ی امام در وزارت آموزش و پرورش منصوب شدند. در زمان وزارت آقای محمدعلی رجایی مشاور عالی وزارتخانه بودند و همزمان با کار مشاوره عضویت دادگاه تجدید نظر اداری، شورای انتخاب نشریه‌ی وزارت ارشاد اسلامی، شورای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و شورای سازمان نوسازی توسعه و تجهیز مداس را نیز دارا بودند. آخرین سمت اداری ایشان معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پروش بود.

سید کاظم موسوی در جریان بمب‌گذاری و انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در تهران در سال ۱۳۶۰ به شهادت رسید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

موسوی، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۵.

درگذشت: ۲۸ آذر ۱۳۶۴.

سید محمدمهدی موسوی از آگاهان تاریخ دوره قاجار بود. از آثارش تصحیح خاطرات محمودخان احتشام‌الدوله بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

موسوی، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ناصر موسوی

محل تولد : بیجار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد سال ۱۳۵۴ در یکی از روستاهای بیجار کردستان هستم. در۶ سالگی به جنوب تهران و پس از یک سال به شهریار مهاجرت کردیم. از سال اول ابتدائی تا پایان دوره راهنمائی در شهریار (شهرک امیریه) تحصیل کردم. از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳ در هنرستان فنی شهریار دیپلم فنی رشته «راه و ساختمان» را اخذ کردم و سپس وارد حوزه شدم.

از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ در حوزه علمیه «امام صادق (ع)» شهریار تحصیل کردم و موفق شدم در مدت ۴ سال، ۶ پایه تحصیلی را گذرانده و به قم منتقل شوم. از ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ در قم مشغول تحصیل شدم، یک سال در حوزه علمیه «امام صادق (ع)نیروگاه» و دو سال نیز در مدرسه «ولیعصر (عج): مدرسه علمیه میرزا هاشم املی» و پس از پایان پایه ۹ ضمن قبولی در مدرّسی حوزه به حوزه علمیه تهران رفته و در مدرسه علمیه «حجت بن الحسن» به مدت دو سال رسماً مدرس آنجا بودم. البته دو سال دیگر هم به صورت پاره وقت با آنها همکاری داشتم.

ضمنا از سال ۷۹ در موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) هم قبول شدم و درسال ۸۴ با اخذ مدرک لیسانس فارغ التحصیل شدم. اکنون دانشجوی کارشناسی ارشد رشته «تاریخ تمدن اسلامی» در مدرسه عالی امام خمینی (ره) واقع در فلکه جهاد می باشم. دروس این دوره نیز پایان یافته و اکنون مشغول پایان نامه آن می باشم.

مهدوی، مصلح‌الدین محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۴- ۱۳۷۴ ش)، عالم، مورخ، ادیب و نویسنده. خاندانش در اصفهان به سادات خواجویی معروف می‌باشند. وی در اصفهان به دنیا آمد. ابتدا در مدرسه‌ی اقدسیه و سپس گلبهار و مدتی نیز در حوزه‌ی علمیه اصفهان تحصیل کرد و پس از آن به تهران آمد و در دانشسرای عالی معلومات خود را تکمیل نمود. نزد استادان بسیاری علوم مختلف را فراگرفت. از اساتید او می‌توان به میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی، صاحب «مکارم الآثار»، و آقا سید محمدکاظم عصار و ملا محمدباقر همامی و آقا میرزا محمدباقر امامی و آقا شیخ حسن قاضی عسکر داورپناه و آقا شیخ محمدحسین فاضل تونی و آقا سید حسن مدرس هاشمی و همچنین می‌توان به آیات عظام مرعشی نجفی، آقا بزرگ تهرانی، شیخ محمدباقر کمره‌ای، سید مصطفی صفایی خوانساری، سید محمد شیرازی، سید محمدعلی روضاتی، سید ضیاءالدین علامه، سید علی فانی و شیخ محمدعلی عراقی اشاره کرد که از بسیاری از ایشان اجازه روایت گرفت. وی از پانزده سالگی بر کتاب «تذکرة القبور» آخوند ملا عبدالکریم گزی، مشتمل بر شرح حال یکصد تن از علماء و شعرا و عرفای اصفهان، حواشی نوشت و در ۱۳۶۹ ق آن را تحت نام «رجال اصفهان» مشتمل بر شرح حال هفتصد تن به چاپ رساند. سپس آن را کامل‌تر نمود مجددا تحت نام «تذکرة القبور» یا «دانشمندان و بزرگان اصفهان»، مشتمل بر شرح حال متجاوز از دو هزار تن منتشر کرد. گفته‌اند که تألیفات وی بالغ بر هشتاد عنوان است. از دیگر آثارش: «مزارات اصفهان یا تخت فولاد»؛ «زندگینامه‌ی علامه محمدباقر مجلسی»؛ «بیان المفاخر»، در باب احوال سید حجةالاسلام شفتی؛ تذکره‌ی «شعرای معاصر اصفهان»؛

«تاریخچه‌ی شهر سامرا»؛ «زندگینامه‌ی حضرتین عسکریین علیهماالسلام»؛ «عطیة الجواد»، در زندگانی و کلمات قصار امام نهم (ع)؛ «اوضاع علمی، فرهنگی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر»، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرة القبور (مقدمه)، الذریعه (۹۷ -۹۶/ ۱۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۵۷ -۵۵۶/ ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۱۲، ش ۱۲۶، ص ۶۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۶/ ۶).

میر خواند بلخی، محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۹۰۳ -۸۳۷ ق)، مورخ، ادیب و شاعر. معروف به میر خواند و امیر خواند. وی در شمار بزرگترین مورخان عهد تیموری بود. خاندان وی از سادات حسینی است و سلسله‌ی آباء و اجدادش به زید بن علی بن حسین (ع) منتهی می‌شود. در بلخ به دنیا آمد و در جوانی به هرات رفت و در آنجا تحصیلات خود را در علوم معقول و منقول به پایان رساند. وی از همان آغاز مورد توجه سلطان حسین بایقرا و وزیرش امیرعلیشیر نوایی (۹۰۶ -۸۴۴ ق) قرار گرفت و دوستی و الفت همواره بین میرخواند و امیرعلیشیر برقرار بود، به همین دلیل میرخواند کتاب «روضة الصفا» را به نام او تألیف کرد. وی در فن تاریخ و صنعت انشاء و فنون ادب مهارت بسزایی داشت با این وجود به مشاغل دیوانی روی نیاورد تا در اواخر عمر، کارش به انقطاع و انزوا کشید و بیش از یک سال در گازرگاه هرات منزوی شد و به علت بیماری به هرات منتقل گردید و در آنجا نیز درگذشت و در مزار شیخ بهاءالدین که پیر و مراد پدرش بود، به خاک سپرده شد. صاحب «ریحانة الادب» او را معاصر جامی می‌داند و در «دایرةالمعارف فارسی» زندگی پدر میرخواند، بهاءالدین خاوند شاه، با صاحب عنوان درآمیخته شده است. گروهی از منابع نیز در مورد محل تولد و تحصیلاتش اختلاف دارند. از آثار وی: «روضة الصفا فی سیرة الانبیاء و الملوک و الخلفا»، مشتمل بر وقایع عمومی عالم از بدو خلقت تا زمان خود مؤلف. تاریخ او قسمتی ترجمه از تاریخ‌های عربی و قسمتی اقتباس از تواریخ خاصه فارسی و حتی نقل به عبارت از «جامع التواریخ» رشیدی و «ظفرنامه» شرف‌الدین علی با اندکی اصلاح است. میرخواند طرح این کتاب را در هفت جلد افکنده بود، با شروع جلد هفتم شدت بیماریش مانع پیشرفتش شد و از این رو نواده‌ی او غیاث‌الدین خواند میر، مؤلف «حبیب السیر»، این کتاب را به اتمام رسانید و حوادث عهد تیموری را تا ۹۲۹ ق به آن افزود. رضا قلی خان هدایت ذیلی بر این کتاب در سه مجلد تا حوادث زمان خود نوشته و آن را، به اسم ناصرالدین شاه قاجار، «روضة الصفای ناصری» نامیده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۶۲۵ -۶۲۱)، اعیان الشیعه (۴۰۲/ ۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۲۳ -۵۱۹/ ۴)، تاریخ در ایران (۱۵۲ -۱۵۱)، تاریخ مغول (۴۹۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۰ -۲۳۹)، تعلیقات مزارات هرات (۵۱)، حبیب السیر (۳۴۲ -۳۴۱/ ۴)، دایرةالمعارف فارسی (۲۹۵۳/ ۲)، الذریعه (۲۹۷ -۲۹۶/ ۱۱ ،۱۱۴۰، ۳۰۷/ ۹)، روضة الصفا (مقدمه/ ک-ع)، ریحانه (۵۶ -۵۴/ ۶)، سبک شناسی (۲۰۵ -۲۰۴/ ۳)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۳۴ -۲۳۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۵ -۴۹۴)، فرهنگ سخنوران (۹۰۰ -۸۹۹)، کشف الظنون (۹۲۷ -۹۲۶)، الکنی و الالقاب (۲۲۰/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ میرخواند)، مجالس النفائس (۲۷۰ ،۹۴)، مزارات هرات (۱۱۸)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۸ -۴۵۵/ ۵)، هدیة الاحباب (۲۵۲).

میراحمدی، مریم

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: تاریخ، دانشکده: الهیات و ادبیات، دانشگاه: الزهرا (س)

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تاریخ و فرهنگ ایران (ایرانشناسی).

مرتبه علمی:

استاد دانشکده الهیات و ادبیات دانشگاه الزهرا.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

احیاء متون قدیمی تاریخی به زبان فارسی، همکاری با مجلات و عضویت در هیأت تحریریه مجله تحقیقات تاریخی (تهران) و مجله دانشکده ادبیات (مشهد)، عضویت در انجمن اروپایی ایرانشناسان (آلمان) و انجمن فرهنگ و زبانهای ایرانی (انگلستان). راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا در زمینه‌های تاریخی و فرهنگ ایران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ ایران در دوران اسلامی، فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، تأثیر و تحلیل وقایع تاریخی و اجتماعی بر ادبیات معاصر ایران، روند تاریخی دیوان در ایران.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۱، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تاریخ و فرهنگ ایران در دوران اسلامی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرجعفری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی تاریخ از دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز در سال ۱۳۴۴، دکترای تخصصی تاریخ از دانشکده الهیات استانبول ترکیه در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۸، دانشیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس تشکیل دولت صفوی، فرهنگ و تمدن عصر صفوی، تاریخ ایران از مغول تا صفویه، تاریخ عثمان، تاریخ ادیان، قرائت متون تاریخی به فارسی، شناخت و نقد منابع تاریخ ایران بعد از اسلام در دانشگاه اصفهان و مطالعه و پژوهش در زمینه‌های تاریخی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

سیری در تاریخ فرهنگ ایران در زمینه تاریخ.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

پناهندگی شاهزاده بایزید به ایران، شاطری و شاطر روانی در عصر صفویه، تصوف و تجلی آن در دوره صفویه، ایل شاهسون در ایران، منازعات حیدری و نعمتی در ایران، زندگانی القاصی میرزای صفوی، سایر مقالات تاریخی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرحسنی، اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تعلیم و تربیت، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت مدرس

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد آموزش زبان (به عنوان زبان خارجی) از دانشگاه کلورادوی آمریکا در سال ۱۳۵۳، دکترای تعلیم و تربیت (با تأکید بر آموزش زبان) از دانشگاه کلورادوی آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تهیه فرهنگ جامع آموزش زبان، تدریس در دانشگاه تربیت مدرس، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی یادگیری، تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، گرامر انگلیسی، ارتباط گفتاری و فرهنگ لغت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

مشکلات آموزش زبان، نگارش، تعلیم و تربیت در اسلام، آموزش و پرورش و تغییر طبقات اجتماعی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرم چلبی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۱ ق)، منجم، ادیب و مورخ. مشهور به میرم. از علمای عثمانی بود و در تاریخ و ادبیات عرب و هیئت و ریاضی مهارت داشت. وی معلم سلطان بایزید خان ثانی عثمانی بود. مدتی نیز از جانب سلطان سلیم خان (۹۲۶ -۹۱۸ ق) قاضی عسکر آناطولی شد. او سپس به زیارت بیت‌اللّٰه الحرام رفت و بعد از مراجعت درگذشت. از آثارش: «دستور العمل فی تصحیح الجدول»، شرح بر «زیج الغ بیگ»، به امر سلطان بایزید و در ۹۰۴ ق، که آن را به دربار هدیه کرد؛ شرح «رساله‌ی فتحیه» ملا علی قوشچی؛ «رسالهٔ فی معرفهٔ سمت القبلهٔ»، که آن را به سلطان بایزید هدیه کرد؛ «کتاب الضمائر»، «منیهٔ الصیادین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۷۲/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۱)، ریحانه (۷۸/ ۶)، کشف الظنون (۱۸۸۶، ۱۴۳۴، ۱۲۳۶، ۹۶۶، ۸۷۲، ۸۶۶)، لغت نامه (ذیل/ میرم)، معجم المؤلفین (۱۹۶ -۱۹۵/ ۱۲).

میری، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس میری

محل تولد : خضری قائنات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سید عباس میری (محقق و نویسنده حوزه علمیه قم) در سال ۱۳۳۵ شمسی در خضری از توابع شهرستان قاین دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در مکتب خانه قرآن مجید فرا گرفت. دوره دبستان را تا ششم نظام قدیم در موطن خود گذراند. در سال ۱۳۵۰ شمسی داوطلبانه وارد حوزه علمیه گناباد (جنوب خراسان) شد. ادبیات عرب تا سیوطی را در حوزه گناباد از محضر اساتید حوزه: «حاج شیخ حسین نصیری، سید ناصر خطیبی و دیگران» آموخت.

در سال ۱۳۵۲ شمسی عازم حوزه علمیه مشهد شد. در مدرسه نواب که از بهترین مدارس حوزه مشهد به شمار می آمد، ساکن شد. تحت برنامه های منظم و کلاسیک مدرسه «آیةالله سید محمد موسوی نژاد»، از محضر اساتید برجسته مدرسه مثل: (جناب آقای نصرتی، ناطقی، سید علی اصغر حسینی، سید محمد موسوی نژاد، سید مهدی موسوی نژاد، شهید ابوالقاسم قاسمی، آقای اسلامی و امیری)، دوره کامل مقدمات، اصول فقه، شرح لمعه و رسائل شیخ انصاری را فرا گرفت. خارج از برنامه های مدرسه فوق، از درس لمعه و رسائل آیةالله طبسی: (تولیت فعلی آستان مقدس رضوی)، آیةالله رضازاده، عباسپور، حائری طبسی، موسوی شاهرودی و شیخ علی تهرانی به طور آزاد بهره برد. بخش زیادی از مکاسب شیخ انصاری را از حوزه درس استاد بزرگ حوزه مشهد «آیةالله حاج شیخ علی آقای فلسفی» و کفایتین را از حوزه درس «آیةالله رضازاده» و مدتی از درس خارج «آیةالله اعلم» استفاده کرد.

به موازات درس معمول حوزوی، درسهای تفسیر، نهج البلاغه، معارف دینی، مباحث اخلاقی، سیاسی و اجتماعی را از جلسات پر رونق و بیدارگر «مقام معظم رهبری» و مبحث شناخت را از شیخ علی تهرانی و شهید عبدالکریم هاشمی نژاد و مدتی از حوزه درس تفسیر آیةالله میرزا جواد آقای تهرانی و محامی بهره مند شد و مباحث حدیث شناسی را از محضر استاد علی حکیمی استفاده کرد و در ضمن از سال ۱۳۵۴ شمسی تاکنون به امر تبلیغ در بسیاری از مناطق کشور اشتغال داشته است.

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹ برای ادامه و تکمیل تحصیلات، عازم حوزه علمیه قم شد. پس از چند ماهی که در مدرسه آیةالله غیوری به سر برد با بازگشائی مدرسه مبارکه فیضیه پس از انقلاب اسلامی در آنجا ساکن شد. با استفاده از دروس اساتید بزرگ حوزه به تکمیل آموخته های خود پرداخت. بخشهای کفایتین، یک دوره خارج اصول، بخشهایی از مباحث خارج فقه (کتاب حج) از حوزه درس «آیةالله فاضل لنکرانی» استفاده کرد.

مباحثی از کتاب حج را از حوزه درس «آیةالله جنتی» آموخت، در درس خارج فقه کتاب قضا «آیةالله نوری همدانی» و «آیةالله سید محمد هاشمی شاهرودی» شرکت جست. از درسهای خارج فقه آقای منتظری تا زمانی که درس وی رسمیت داشت کتابهای حدود و دیات، ولایت فقیه، زکات و ... را آموخت. سپس مباحث خارج صلاة، بیع، خیارات و بخشهایی از مباحث خارج اصول را از محضر استاد بزرگ حوزه «آیةالله وحید خراسانی» استفاده کرده و هم اکنون از محضر آن استاد بزرگ کسب فیض می نماید. مدتی از درسهای خارج اصول «آیةالله مکارم شیرازی»، «آیةالله میرزا جواد آقا تبریزی»، «آیةالله جعفر سبحانی»، «آیةالله فاطمی تویسرکانی» کسب فیض کرد.

دانش درایه، حدیث و رجال را از محضر رجالی بزرگ و برجسته «آیةالله سید موسی شبیری زنجانی»، «آیةالله نوری همدانی»، «منتظری» و ... فرا گرفت و از برخی درسهای مقطعی «آیةالله صانعی» و «صالحی نجف آبادی» بهره برده است. بدایه و نهایه را از

استاد فیاضی، دکتر احمد احمدی و «آیةالله مصباح یزدی»، و منظومه ملاهادی سبزواری را از آیةالله شیخ یحیی انصاری و نکونام و بخشهایی از اسفار را از «آیةالله جوادی آملی»، محمدی گیلانی و بخشهایی از اشارات را از حوزه درس «آیةالله حسن زاده آملی» فرا گرفت.

از درس تفسیر «آیةالله مشکینی» و مباحث خارج فقه (کتاب مضاربه) و مباحث اخلاقی وی استفاده کرد. در حوزه درس تفسیر «آیةالله ملکوتی» و «آیةالله جوادی آملی» چند سالی شرکت نمود، مباحث اخلاقی را از «آیةالله بهاءالدینی»، «آیةالله مظاهری» و «شب زنده دار» آموخت. مباحث اقتصاد اسلامی را از محضر «آیةالله سید محمود هاشمی شاهرودی»، «آیةالله سید محمد شیرازی» و «آیةالله مشکینی» آموخت و چند وقتی از کلاس درس نهج البلاغه «آیةالله صالحی نجف آبادی» بهره گرفت.

در کنار حضور در درس اساتید بزرگ حوزه از سال ۱۳۶۱ با تأسیس مجله وزین حوزه و مجله فقه کاوش نو در بخش تحقیق، پژوهش و نگارش مقاله از آغاز تاکنون همکاری داشته و دارد. در این راستا برای آمادگی جهت حضور در عرصه قلم و نگارش پیش نیازی مثل زبان و ادبیات فارسی، انگلیسی، عربی، روان شناسی، جامعه شناسی و نقد فیلم را فرا گرفت. با معجم المفهرس بحارالانوار دفتر تبلیغات حدود یک سال همکاری نموده است. حدود ۳ سال با تفسیر راهنما در فرهنگ و معارف قرآن همکاری علمی داشته است. با رادیو معارف بخش همراه با فرزانگان مدتی همکاره نموده است. مقالاتی از وی به زبان عربی و انگلیسی ترجمه است.

گذشته از مجله حوزه، فقه کاوشی نو، با مجله نگاه حوزه مشهد، مجله کتاب ماه وزارت ارشاد، برخی روزنامه ها، همایشها و کنگره ها و سمینارهای علمی زیادی مثل: کنگره شیخ انصاری، مفید، خوانساریها، نراقیها، آقا مصطفی نائینی، میرزا حسن آشتیانی، میرزا سید عبدالحسن شرف الدین و ... همکاری نموده است. حدود ۲ سال است که تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی تهران را آغاز نموده و در دانشکده علوم پایه هم اکنون نیز تدریس می نماید. ضمناً از سال ۱۳۷۱ به عنوان روحانی کاروانهای حج و عمره به انجام وظیفه تعلیم مناسک و معارف حج اشتغال داشته و دارد.

ناصر منشی، ناصرالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۳۰ ق)، مورخ و نویسنده. معروف به ناصرالدین منشی کرمانی. وی بعد از فوت پدر تحت تربیت عموی خود، شهاب‌الدین ابوالحسن علی یزدی، قرار گرفت و پس از اینکه به سن رشد رسید، عموی دیگرش که شغل دیوانی داشت، او را در خدمت دیوانی دستگاه قراختائیان وارد کرد تا به مدارج بالا رسید. ناصرالدین در ۶۹۳ ق صاحب دیوان رسائل شد و پس از برکناری صفوۀالدین پادشاه خاتون (۶۹۴ -۶۰۱ ق) از کار برکنار گردید و در ۷۰۳ ق در ایام پادشاهی ناصرالدین شاه محمد بن برهان، شغل دیوانی خود را از سر گرفت. در ۷۱۵ ق به خدمت ایسن قتلغ نویان، از امرای بزرگ اولجایتو و ابوسعید بهادر پیوست و از آن پس به خدمت وزرای ایلخانان درآمد. ناصرالدین را می‌توان پیشرو نویسندگانی دانست که به تصنع در سخن و به کار بردن انواع تزیینات در آن مشتاق بودند. از آثار وی: «سمط العلی للحضرۀ العلیا»، در تاریخ سلاطین قراختایی کرمان تألیف ۷۱۶ -۷۱۵ ق، که در ۷۲۰ ق نیز تتمه‌ای بر آن افزوده شد، «نسائم الاسحار من لطائم الاخبار»، در تاریخ وزراء که از وزرای خلفای راشدین شروع شده و تا وزارت تاج‌الدین علیاه (م ۷۲۴ ق) ادامه یافته است که به آوردهی صاحب «تاریخ ادبیات در ایران» مؤلف این کتاب بروشنی معلوم

نیست؛ «درة الاخبار و لمعةالانوار»، ترجمه «تتمه صوان الحکمة» ابوالحسن علی بن زید بیهقی که ناصر منشی آن را به نام خواجه غیاث‌الدین وزیر، در ۷۳۰ -۷۲۹ ق از عربی به فارسی درآورد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۴۰ -۱۲۳۶/ ۳)، تاریخ مغول (۵۲۰ -۵۱۹)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۹)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان‌الحکمة (مقدمه/ ی- یب)، حبیب‌السیر (۲۶۹/ ۳)، کشف‌الظنون (۱۰۰۲)، نسائم الاسحار من لطائم الاخبار (مقدمه/ الف- یز).

ناصری، مسلم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسلم ناصری

محل تولد : کاشمر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۶/۱

زندگینامه علمی مسلم ناصری در تابستان سال ۱۳۵۱ در روستای بنده قرا از توابع شهرستان کاشمر خراسان رضوی به دنیا آمد دوران ابتدایی را تمام کرد و بعد پا به شهرستان گذاشت و با گرفتن مدرک سیکل، شوق قم وی را فرا گرفت. برای ادامه تحصیل به قم هجرت کرد. ابتدا در مدرسه معصومیه مشغول به تحصیل شد و در کنار علوم حوزوی در رشته ادبیات داستانی شروع به مطالعه کرد و پس از مدتی هم علوم روز را ادامه داد و مدرک دیپلم گرفت و همگام با علوم حوزوی در دانشگاه هم ادامه تحصیل داد+ اما چون علاقه وافری به ادبیات داشت در بخش ادبیات کودکان و نوجوانان با جدیت مطالعه می کرد و می نوشت که حاصل آن نزدیک به پنجاه کتاب است که برخی از آنها جوایز معتبری را کسب کرده اند. مثل کتاب سال جمهوری اسلامی برای مسافر شهرهای بی نشان. برگزیده نخست بیست سال داستان عاشورایی و برگزیده ویژه همایش برای کتابهای سردار تنها و سروها ایستاده می میرند و آن شب ، آن سردار، برگزیده نخست جشنواره دوسالانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای کتاب آخرین بازمانده برگزیده کتاب سال حوزه و... اکنون وی با اتمام کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام خود در دانشگاه شهید بهشتی قصد دارد برای مقاطع بعدی ادامه دهد. در کنار تحصیل مدت سه سال که سردبیر مجله ملیکا برای کودکان است که سراسری پخش شود و مدت بیش از ۱۰ سال است که دبیر داستان مجله پوپک است..َ

نامی اصفهانی، محمدصادق

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به نامی. معروف به میرزا محمدصادق منشی. از سادات موسوی و برادرزاده‌ی میرزا رحیم حکیم‌باشی بود. اجداد وی از شیراز به اصفهان آمده و از طبیبان خاص سلاطین صفوی بودند. او به فنون نظم و نثر آگاه بود و به سرودن مثنوی تمایل بیشتری داشت، نامی با مؤلف «نگارستان دارا» (م ۱۲۴۳ ق) معاصر و معاشر بود. بر سر سال فوت وی بین مؤلفان اختلاف است، «صبح گلشن» مرگ وی را در عهد نادر شاه می‌داند و صاحب «نگارستان دارا» در اوایل دوره‌ی محمد شاه قاجار (۱۲۶۴ -۱۲۵۰ ق) و «الذریعه» و «کتابشناسی نظامی گنجوی»، ۱۲۰۴ ق را ذکر کرده‌اند. در مورد نام برخی از آثارش نیز اختلاف وجود دارد. از آثار وی: «تاریخ گیتی گشا»، به فارسی در تاریخ زندیه که بعدها میرزا عبدالکریم شیرازی و میرزا محمد رضای شیرازی هر یک ذیلی بر آن نوشته‌اند، مثنوی «نامه‌ی نامی» یا «پنج گنج»، که به تقلید از «خمسه» نظامی نوشته است، مرکب از پنج مثنوی به نام «درج گهر» «خسرو و شیرین»، «لیلی و مجنون»، «وامق و عذرا»، «یوسف و زلیخا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۵/ ۲۴ ،۳۱۹/ ۱۹ ،۱۱۶۶ -۱۱۶۵/ ۹ ،۲۶۳/ ۷ ،۲۸۴/ ۳)، سفینهٔ‌المحمود (۳۴۰ -۳۳۹/ ۱)، شرح حال رجال (۲۵۰ / ۵)، صبح گلشن (۵۰۳ -۵۰۲)، فرهنگ سخنوران (۹۱۸ -۹۱۷)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۴۲۰ -۴۱۹)، لغت‌نامه (ذیل/ نامی اصفهانی)، مجمع‌الفصحا (۱۰۸۳ -۱۰۸۲/ ۶)، منظومه‌های فارسی (۵۸۵ -۵۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۵ -۵۰۴/ ۳)، نگارستان دارا (۲۷۲ -۲۷۱).

نبئی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی از دانشگاه تبریز کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه تهران، دکترای تاریخ (تاریخ ترک و مغول) از دانشگاه آنکارا ترکیه.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تصحیح و تحشیه کتب خطی تاریخی، بررسی مسائل جغرافیا و نقش جغرافیا در رویدادهای تاریخی، احیای ابزار آلات نجومی قدیمی، نظارت بر ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تاریخهای محلی مثل تاریخ آل‌چوپان، نجومی و تقویمی، تقویم و تقویم‌نگاری در تاریخ، هدایت طلاب به دانش اسطرلاب، تصحیح کتاب تحفه حاتمی و تحشیه آن، تصحیح و تحشیه مجمع‌الاسباب شبانکاره‌ای، و تاریخ ایران از انقراض ایلخانان تا روی کار آمدن تیمور.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

تاریخی، جغرافیایی و جغرافیای تاریخی، نجومی و تاریخهای محلی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نراقی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، حقوقدان و وکیل دادگستری، از نواده‌های مرحوم حاج ملا احمد نراقی در ۱۲۷۳ در شهر کاشان تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی، فقه، اصول، حکمت و علم کلام را در نزد بزرگان کاشان فرا گرفت، مخصوصا در حقوق اسلامی از سرآمد اقران شد و به تحقیق و تتبع پرداخت. از تألیفات ایشان تنظیم شجره‌ی خاندان غفاری و تاریخ اجتماعی کاشان و چند اثر دیگر است. شغل نراقی وکالت دادگستری بود. در ۱۳۶۸ در ۹۵ سالگی درگذشت.

محقق.

تولد: ۲۴ دی ۱۲۷۳، کاشان.

درگذشت: ۲۴ دی ۱۳۶۸، تهران.

حسن نراقی پس از تحصیل در مدرسه‌ی علمیه‌ی کاشان به تهران آمد و امور فرهنگی و آموزشی را پیشه کرد. تألیفات او عبارتند از: تاریخ اجتماعی کاشان (۱۳۴۵)؛ آثار تاریخی شهرستان کاشان و نطنز (۱۳۴۸)؛ خاندان غفاری کاشان (۱۳۵۳)؛ کاشان در جنبش مشروطه ایران (۱۳۵۵)؛ ادبیات مشروطیت (حاوی زندگی‌نامه‌ی خاوری کاشانی، ۱۳۵۶)؛ تصحیح نخبهٔ البیان (تألیفات محمدمهدی نراقی، ۱۳۵۷)؛ تصحیح و طبع طاقدیس (مثنوی سروده‌ی احمد نراقی، ۱۳۶۲)؛ تصحیح و طبع مشکلات العلوم (تألیف محمدمهدی نراقی، ۱۳۶۷)؛ از وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌ی «هنر و مردم» به طبع رسیده است.

حسن نراقی از پایه‌گذاران انجمن آثار ملی کاشان و از بنیادگذاران موزه‌ی آن انجمن در باغ شاه فین بود.

حسن نراقی در تهران درگذشت و در مسجد آقا بزرگ کاشان که مدرسه ملا احمد نراقی بود به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

نرشخی، ابوبکر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴۸ -۲۸۶ ق)، نویسنده و مورخ. در نشرخ، از روستاهای بخارا، به دنیا آمد. در زمان ابومحمد نوح بن نصر سامانی (۳۴۳ -۳۳۱ ق) می‌زیست. از آثار وی «تاریخ بخارا» یا «مزارات بخارا»، به عربی است که در ۳۳۲ ق به نام نوح بن نصر سامانی نوشت. در ۵۲۲ ق ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی آن را به فارسی ترجمه کرد و مطالبی هم از کتب دیگر بر آن افزود. بعد از آن در ۵۷۴ ق محمد بن زفر بن عمر آن را تلخیص نمود. گویا بعد از این تاریخ نیز دیگران در این کتاب دست بردند و بعضی حوادث را تا دوره‌ی مغول بر آن افزودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۴۸۰/ ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۷۸ -۹۷۷/ ۲)، تاریخ بخارا (مقدمه/ سیزده- سی و یک)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۱۷/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ نرشخی)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۸/ ۷).

نصرآبادی، بدیع الزمان

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا طاهر نصرآبادی، شاعر و ادیب، در تاریخ گویی و معمّا مهارت داشته است، منصب ملک الشعرایی شاه سلطان حسین صفوی را داشته، و در ۱۱۲۰ و اندی به سنّ بیشتر از هفتاد سال در اصفهان وفات یافته ست.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نصیب قزوینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و مورخ. وی از احفاد و بازماندگان دولتشاه سمرقندی، مؤلف «تذکرةالشعراء»، و از امرای دربار اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) بود. وی در تاریخ دست داشت. برخی نام او را نقیب‌خان نوشته‌اند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۶۲)، الذریعه (۱۱۹۶/ ۹)، صبح گلشن (۵۲۰)، فرهنگ سخنوران (۹۳۵)، لغت‌نامه (ذیل/ نصیب قزوینی).

نصیری، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا نصیری متولد ۱۳۲۴در شهر دامغان است. وی دارای مدرک دکتری تاریخ از دانشگاه استامبول ترکیه می باشد. نامبرده عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور می باشد.دکتر نصیری از بهمن ۱۳۷۰ تا آذرماه ۱۳۷۵ اولین دبیر فرهنگستان زبان و

ادب فارسی بوده است

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی دکتر محمد رضا نصیری به قرار زیر است: کارشناسی رشته تاریخ از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۸ دکترای رشته تاریخ از دانشگاه اسانبول در سال ۱۳۵۷

همسر و فرزندان : دکتر محمد رضا نصیری متاهل است و دو فرزند دارد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد رضا نصیری از بهمن ۱۳۷۰ تا آذرماه ۱۳۷۵ اولین دبیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده است ضمن آنکه از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه گیلان، از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷ به عنوان معاون اداری مالی دانشگاه پیام نور،از سال ۱۳۷۶ تا کنون مدیر گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، از سال ۱۳۷۸ تا کنون قائم مقام انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و نیز مشاور علمی بنیاد ایران شناسی بوده است. وی همچنین مدیر مسئول نشریه انجمن ،انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و همچنین سردبیر نشریه پیک نو ،دانشگاه گیلان می باشد.

فعالیتهای آموزشی : دکتر نصیری عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور می باشد.ایشان در دانشگاه های گیلان ،پیام نور و آزاد اسلامی رشت به تدریس تاریخ مبادرت داشته است.

جوائز و نشانها : محمد رضا نصیری در سال ۱۳۸۳ به عنوان پژوهشگر برجسته دانشگاه پیام نور(نفر اول) برگزیده شده است.

چگونگی عرضه آثار : - شرکت در سمینارها و کنفرانسهای داخل و خارج از کشور،ژاپن،هند ،تاجیکستان و غیره - چاپ بیش از ۵۰ کتاب و مقاله در زمینه های تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نطنزی، معین‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۱۷ ق)، مورخ و شاعر. وی را پدر قاضی میرحسین میبدی، متخلص به منطقی (م ۹۱۱ / ۹۰۴ ق)، می‌دانند. در ابتدای کار خود از مصاحبان میرزا اسکندر بن عمر شیخ بن تیمور بود و در همین ایام تاریخ معروف خود را به نام «منتخب التواریخ» به اسم او نگاشت و در ۸۱۶ ق آن را به پایان برد. این کتاب شامل وقایع عمومی عالم، از زمان هبوط آدم تا وفات تیمور در ۸۰۷ ق، است به اضافه بعضی از وقایعی که تا ۸۱۶ ق اتفاق افتاده بود. یک سال بعد، یعنی در ۸۱۷ ق، وی در این کتاب تجدید نظر کرد و آن را به نام شاهرخ درآورد و تا وقایع ۸۱۷ ق را در آن ذکر نمود. به همین علت از «منتخب التواریخ» معینی دو گونه تحریر، یکی به نام میرزا اسکندر و دیگری به نام شاهرخ، وجود دارد. برخی تذکره‌ها، صاحب عنوان را با معین‌الدین یزدی (م ۷۸۹ ق)، صاحب «مواهب الهی»، در آمیخته و او را از وزیران و عالمان آل‌مظفر دانسته‌اند، در حالی که معین‌الدین نطنزی در عهد تیموریان می‌زیسته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۲ -۴۸۱/ ۴)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۸۶)، جامع مفیدی (۳۳۱ -۳۲۹/ ۳)، الذریعه (۱۰۷۹ -۱۰۷۸/ ۹)، صبح گلشن (۴۳۳)، فرهنگ سخنوران (۸۶۴ -۸۶۳)، منتخب التواریخ معینی (مقدمه).

نظام شامی، نظام‌الدین عبدالواسع

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم و نهم ق)، مورخ، نویسنده و شاعر. معروف به نظام شنب غازانی. از محله‌ی شنب غازان یا شام غازان تبریز بود. در جوانی به بغداد رفت. مدتی در ملازمت سلطان اویس جلایر (۷۷۶ -۷۵۷ ق) و سلطان احمد بن شیخ اویس (۸۱۳ -۷۸۴ ق) به سر برد و زمانی که امیر تیمور سلطان جلایر را شکست داد و بغداد را گشود، نظام‌الدین اولین شخصی بود که به خدمت تیمور رسید و مورد التفات او قرار گرفت. تیمور در ۸۰۴ ق از او خواست که کتابی در تاریخ سلطنت وی بنویسد و نظام کتاب «ظفرنامه» یا «ظفرنامه شامی» را که شامل شرح حال تیمور تا وقایع ۸۰۶ ق بود، نگاشت. او در ۸۰۶ ق به اجازه تیمور به تبریز بازگشت. از دیگر آثار وی: تلخیصی از ترجمه‌ی فارسی کتاب «بلوهر و بوذاسف» یا «بلوهر و بوداسف» که به نام سلطان احمد جلایر نوشته یا چنان که در «دایرةالمعارف فارسی» آمده، این کتاب را ترجمه کرده است، «ریاض‌الملوک فی ریاضات السلوک»، ترجمه‌ی فارسی کتاب «سلوان المطاع فی عدوان الاتباع» یا «سلوان المطاع فی عدوان الاطباع» ابن الظفر الصقلی الملکی در ۷۶۸ ق، مشتمل بر یک دیباچه و یک مقدمه و پنج باب و یک خاتمه، به نام سلطان اویس جلایر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۴۹۸ -۴۹۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۰ -۴۷۶/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۷، ۵۰)، حبیب‌السیر (۵۴۸ -۵۴۷/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۸۰ -۳۷۹)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۳۶/ ۲)، الذریعه (۲۰۰/ ۱۵، ۳۳۸/ ۱۱، ۱۲۰۲/ ۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۰ -۵۰۹)، فرهنگ سخنوران (۹۴۰)، لغت‌نامه (ذیل/ نظام‌الدین شامی).

نظامی عروضی سمرقندی، نجم‌الدین، ابوالحسن احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۶۰ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به نظامی. وی به دلیل اینکه در علم عروض تبحر داشت، به عروضی شهرت یافت. صاحب «مجمع‌الفصحا» او را اهل نسا می‌داند. نظامی در سمرقند به دنیا آمد و مدتی از جوانی خود را در آن شهر به کسب علوم گذراند. در ۵۰۶/ ۵۰۴ ق به خراسان رفت و گویند در بلخ با عمر خیام ملاقات کرده و پس از آن به هرات رفته و در ۵۱۰ ق از هرات به اردوی سلطان سنجر پیوسته و در آنجا به خدمت امیر معزی رسیده و شعر خود را به او عرضه داشته است. او با نظامی گنجوی نیز ملاقات نموده است. همچنین به خدمت ملوک غوری آل شنسب رسیده و سالها به مدح آنها پرداخته است. نظامی در طب و نجوم و هیئت متبحر بود و در نثر، اعم از مصنوع و نثر مرسل، نیز استادی بزرگ بود، اما شعرش چندان به دل نمی‌نشست. به آورده‌ی برخی از تذکره‌نویسان چند مثنوی داشته که از میان رفته است. از مهم‌ترین آثار وی «چهار مقاله» یا «مجمع‌النوادر» می‌باشد که در حدود ۵۵۲ -۵۵۱ ق به نام حسام‌الدین علی بن مسعود نوشته است. در «ریحانه‌الادب» منظومه‌ی «ویس و رامین» که از داستان‌های اشکانیان است و فخرالدین اسعد گرگانی آن را به نظم آورده، به نظامی عروضی نیز نسبت داده شده است.[۱]

ابوالحسن نظام‌الدین یا نجم‌الدین احمد بن عمر بن علی سمرقندی مشهور به نظامی عروضی. نویسنده و شاعر قرن ششم هجری. در

اواخر قرن پنجم در سمرقند ولادت یافت، و پس از تحصیلات مقدماتی به خراسان رفت. و به دیدار خیام و معزی نایل شد. نظامی عروضی به دربار ملوک آل شنسب وابسته بود، و سالها مداحی شاهان آن سلسله می‌کرد و کتاب مجمع‌النوادر مشهور به چهار مقاله را به نام فخرالدوله مسعود برادرزاده‌ی ملک شمس‌الدین محمد غوری تألیف کرد. این کتاب بین سالهای ۵۵۱ تا ۵۵۲ هجری تألیف شده و مطالب آن بیان شرایطی است که در چهار طبقه از مردم- که به زعم مصنف پادشاهان محتاج بدیشان می‌باشند، یعنی- دبیر، شاعر، منجم، طبیب- باید مجتمع باشد. در عین حال بسیاری از مطالب تاریخی و تراجم مشاهیر اعلام را که در کتب ادبی و تاریخی دیگر یافت نمی‌شود نیز شامل است.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۹۶۳ -۹۶۱/ ۲)، تاریخ گزیده (۷۵۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۰ -۱۱۹، ۹۰)، تذکره‌ی روز روشن (۵۳۸)، تذکرهٔ الشعراء (۶۹ -۶۸)، چهار مقاله (مقدمه/ شش- بیست)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۰۳۶/ ۲)، الذریعه (۱۲۰۷/ ۹ ، ۳۱۴/ ۵ ،۳۷/ ۳)، ریحانه (۲۱۱ -۲۱۰/ ۶)، سبک‌شناسی (۳۱۸ -۲۹۷/ ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۴ -۵۱۳)، فرهنگ سخنوران (۹۴۳)، کشف‌الظنون (۱۶۰۴)، لباب‌الالباب (۲۰۸ -۲۰۷/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، مجمع‌الفصحا (۱۴۱۰ -۱۴۰۹/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۸ -۴۸۷/ ۱)، هفت اقلیم (۳۵۴ -۳۵۲/ ۳).

نظری منفرد، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نظری منفرد

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۲۶ در شهر قم در خانواده ای روحانی متولد شدم و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در سال هزار و سیصد و چهل، وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از گذراندن (ادبیات، دروس مقدماتی، فقه و اصول) به نجف اشرف در سال ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ رفتم و سپس به ایران و شهر قم بازگشتم و سطح را به پایان بردم. سپس در آزمون دارالفنون تهران در رشته (معقول و منقول) شرکت نمودم و قبول شدم و پس از اتمام دروس سطح، در درس خارج اساتید مثل: «مرحوم آیت الله محقق داماد»، «مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی»، و «مرحوم آیت الله اراکی» شرکت کردم و فلسفه و حکمت را از محضر «شهید مفتح»، «شهید مطهری» و دیگر اساتید حوزه بهره بردم.

در همان وقت به کار تبلیغ نیز مشغول بودم و در منزل، جلسات بحث و گفتگو پیرامون مسائل کلامی و اعتقادی هر هفته برقرار بود که تحت تعقیب ساواک قرار گرفته و منجر به تعطیل آن مجالس گردید تا پیروزی انقلاب و در همان اوائل پیروزی و انتخابات دوره اول و دوم مجلس از طرف مردم (آباده فارس) به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب گردیدم و پس از اتمام دوره نمایندگی به قم و حوزه علمیه بازگشتم و به تدریس و تالیف پرداختم و اکنون به تدریس درس خارج فقه و اصول مشغول هستم.

نظری، خلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلیل نظری

محل تولد : کهگیلویه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۶/۱۶

زندگینامه علمی

از سال ۵۷ وارد مدرسه ابتدایی در روستای «آتشگاه» بخش لنده از استان کهگیلویه و بویر احمد شدم. دوره راهنمایی را در شهرستان «دهدشت» گذرانده و در سال ۶۵ – ۶۴ وارد حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) شهرستان دهدشت شدم و بعد از یک سال یعنی سال تحصیلی ۶۶ – ۶۵ وارد حوزه علمیه قم در مدرسه رسالت شدم و در مدارس: «صدوق، امام صادق (ع) و دارالشفاء» سطح عالی را گذراندم.

در سال ۷۳ شروع به درس خارج فقه و اصول نموده ام و از محضر اساتیدی چون: «آیت الله العظمی مکارم شیرازی»، «وحید خراسانی»، «سبحانی»، «مرحوم وجدانی» و «میانجی» استفاده و کسب فیض نمودم. در سال ۱۳۷۹ به عنوان استاد و هیئت علمی دانشگاه آزاد «ماهشهر» همکاری داشته و از آن تاریخ تا به حال در حوزه علمیه قم و دانشگاه پیام نور به عنوان استاد انجام وظیفه می نمایم.

نعیمی جرجانی، ابومنصور، احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۵ ق)، حافظ، محدث و مورخ. اهل جرجان بود. از ابوبکر اسماعیلی و ابواحمد غطریفی و ابواحمد بن عدی و ابواحمد نیشابوری حافظ و ابوعمرو حیری و نصر بن عبدالملك اندلسی و دیگران روایت کرد. از آثارش «اخبار الجبل» است. این کتاب در «الانساب» سمعانی تحت نام «اخبار الجیل» و در «الاعلام» زرکلی به نام «اخبار الحیل» آمده است. از دیگر آثارش: «المجتبی»، در حدیث.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۶/ ۱)، انساب سمعانی (۵۱۲/ ۵)، سیرالنبلاء (۳۴۰/ ۱۷)، معجم‌المؤلفین (۴۶/ ۲).

نفیسی، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۴ -۱۲۷۴ ش)، نویسنده، مترجم، مورخ، مصحح، فرهنگ‌نویس، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و شاعر. در تهران به دنیا آمد. خانواده‌ی پدری وی تا یازده پشت پزشک بودند و خود نواده‌ی حکیم برهان‌الدین نفیس، فرزند عوض کرمانی، صاحب «شرح اسباب». او تألیفات عدیده‌ای در طب داشت که برخی از آنها تا روزی که طب قدیم در ایران تدریس می‌شد، جزو کتب درسی بود. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس شرف و علمیه به پایان رساند و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و تحصیلات خود را در سوئیس و پاریس ادامه داد. در ۱۲۹۷ ش به ایران بازگشت و به تدریس زبان فرانسه در دبیرستان‌های اقدسیه و سن‌لویی پرداخت و نیز در مدارس علوم سیاسی، دارالفنون، مدرسه‌ی عالی تجارت، مدرسه‌ی صنعتی (هنرستان دولتی)، دارالمعلمین عالی و پس از تأسیس دانشگاه تهران، در دانشکده‌ی حقوق و سپس ادبیات به تدریس اشتغال ورزید. همچنین در وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه مشغول خدمت شد و به مشاغل چندی دست یافت. او مدتی مدیریت مجله‌ی «فلاحت و تجارت» و در ۱۳۰۱ ش سردبیری مجله‌ی ادبی «پرتو» با مدیریت میرزا محمدعلی خان واله خراسانی و مدتی مدیریت و نویسندگی مجله‌ی «شرق» و نیز ریاست اداره‌ی امتیازات (اداره‌ای که برای ایجاد مراکز صنعتی و فعالیت‌های معدنی و انتشار روزنامه‌ها و غیره مجوز صادر می‌کرد) را به عهده داشت. نفیسی همچنین برای تدریس در دانشگاه‌های کابل، قاهره و سن‌ژوزف به کشورهای افغانستان، مصر و لبنان سفر کرد. او در ۱۳۴۰ ش در رادیو برنامه‌ی یادداشتهای یک استاد را که راجع به شرح حال چند تن از بزرگان علم و ادب بود، به مدت دو سال اجرا کرد. نفیسی سرانجام در بیمارستان شوروی (میرزا کوچک خان جنگلی فعلی) درگذشت. از آثار وی: «آخرین یادگار نادرشاه»، نمایشنامه؛ «احوال و اشعار رودکی»؛ «ایران در صد و هفتاد سال اخیر»؛ «بابک خرم دین، دلاور آذربایجان»؛ «بحرین و حقوق هزار و هفتصد ساله ایران»؛ «پورسینا و زندگی و کار و اندیشه و روزگار او»؛ «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره‌ی معاصر»؛ «تاریخ ادبیات روسی»؛ «تاریخ تمدن ایران ساسانی»؛ «تاریخچه‌ی ادبیات ایران»؛ «ستارگان سیاه»؛ «تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی»؛ «فرهنگ فرانسه به فارسی»؛ «فرهنگ نامه‌ی پارسی»؛ «ماه نخشب»؛ «فرنگیس»؛ «نیمه راه بهشت»؛ «آرزوهای بر باد رفته»؛ ترجمه؛ «ایلیاد»، ترجمه؛ «تاریخ عمومی قرون معاصر»، ترجمه؛ «افسانه‌های گریلف»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.[۱]

سعید فرزند علی‌اکبر ناظم‌الاطباء (و. ۱۲۷۴ ه.ش- ف. ۲۳ آبان ۱۳۴۵) از استادان و نویسندگان مشهور ایران. سالها در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران تاریخ تصوف و ملل و نحل و دروس دیگر را تدریس می‌کرد و در دانشگاه‌های خارج از کشور نیز مدتها به تدریس پرداخت. مقاله‌ها و کتابهای متعدد از او باقی است و از آثار مفید او باید احوال و اشعار رودکی را نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آئینه‌ی میراث (س ۳، ش ۲ و ۳، ص ۶۹ -۶۴)، از نیما تا روزگار ما (۲۷۱ -۲۵۸)، تاریخ جراید (۷۱ -۶۶/ ۳، ۵۰ -۴۹/ ۲)، چهره‌های آشنا (۶۲۴ -۶۲۳)، الذریه (۳۲/ ۱۹، ۲۱۸، ۲۱۲، ۱۸۴/ ۱۶، ۱۴۱/ ۱۲، ۱۲۱۸/ ۹)، ستارگان کرمان (۴۰۸ - ۳۹۶)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۷۲ -۳۶۶۷/ ۶)، سواد و بیاض (۵۳۳ -۵۱۸)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۴۱، ۲۸۶۴، ۲۴۴۱، ۲۴۳۴، ۲۴۰۹، ۱۹۳۶/ ۲، ۷۶۲، ۷۲۹، ۶۹۵، ۶۸۸، ۶۶۴، ۶۵۹، ۶۲۹، ۴۶۱، ۴۳۱، ۴۲۴، ۴۱۴، ۲۹۵، ۱۲۶، ۳۱، ۹۱/ ۱)، کلک (س ۱، ش ۹، ص ۱۰۷ -۱۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۸ -۳۳۲/ ۳)، یغما (س ۱۹، ش ۹، ص ۴۹۵ -۴۹۳).

نمازی شاهرودی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نمازی شاهرودی فرزند عالم ربانی و زاهد سبحانی حاج شیخ محمد نمازی شاهرودی از علماء مبرز و متقی و دانشمندان متتبع و نویسندگان متبحر حوزه علمیه مشهد مقدس بوده‌اند.

در سال ۱۳۳۲ قمری در شهرستان شاهرود متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در زادگاه خود نزد والدشان و سایر اساتید فراگرفته و آنگاه برای تکمیل مبانی فقه و اصول مهاجرت به مشهد مقدس نموده و و از محضر آیات عظام و فقهاء کرام آن سامان به ویژه مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی که در معارف اهل‌بیت عصمت و طهارت نادره زمان واغلوطه اوان بوده و شاگردان مکتبش چون حاج شیخ مجتبی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی و میرزا جواد آقای تهرانی و صدها نفر دیگر امثالهم از آیات بزرگ و دانشمندان بنام معاصر بودند استفاده فقه و معارف الهی نموده و به نجف اشرف مشرف و چندی هم در آنجا اقامت و از مبانی مدرسین و مجتهدین حوزه نجف مطلع و استفاده نموده و به مشهد مراجعت و به تألیف کتب مفیده و تدریس پرداخته و مهارتی عجیب در مناظره با پیروان ادیان دیگر و مذاهب باطله داشت و نیز در احتجاج و مباحثه با اهل سنت و جماعتی و در سفرهای عدیده‌اش به حجاز و کشور سعودی مباحثاتی با حضرات داشته که موجب استبصار عده‌ای از مردم پاکستان و هندوستان شده است.

آن مرحوم در علوم غریبه و علم طلب قدیم و گیاه‌شناسی و ریاضی هم اطلاع عمیق داشته و با زبان فرانسه هم آشنائی داشته حدود سه دوره بحارالانوار را از اول تا آخر مطالعه و در اثر این مطالعات موفق به تألیف مستدرک البحار در ده مجلد شده که پنج جلد آن در زمان حیات خودش به طبع رسیده و پنج مجلد آن پس از رحلتش فرزند یاد شده‌اش اقدام به طبع و نشر آن نموده و حافظ تمام قرآن و یا اکثر آن بوده زیرا از هر آیه که می‌پرسیدند فورا آدرس درس آن را می‌داد و به گفته برخی از مرحوم آیت‌اللّه مرعشی نجفی قدس‌اللّه سره از ایشان پرسیده بودند فرموده بود که آقای نمازی مجلسی زمان ما بوده است.

نگارنده این کتاب چون مدتی در مدرسه نواب مشهد با ایشان همسایه و مرواده داشتم ایشان را از جهاتی کم‌نظیر یافتم. تألیفات بسیاری دارد که از دیدگان عزیزان می‌گذرانم.

۱- اثبات ولایت که ۶ مرتبه به چاپ رسیده.

۲- ابواب رحمت ۲ مرتبه چاپ شده.

۳- تاریخ فلسفه و تصوف ۲ مرتبه چاپ شده.

۴- مقام قرآن و عترت ۳ مرتبه چاپ شده.

۵- ارکان دین ۲ مرتبه چاپ شده در خداشناسی و پیغمبر و امام‌شناسی و فروع دین و نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت. و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری و رجعت و قیامت کبری تدوین شده است.

۶- الهدی الی صراط مستقیم.

۷- دوره مستدرک سفینه‌البحار در ده جلد به طبع رسیده.

۸- رساله تفویض

۹- تاریخ مجالس روضه‌خوانی

۱۰- زندگانی حبیب بن مظاهر

۱۱- اصول دین

۱۲- الاسلام الهادیه فی الاعتبار الکتب الاربعه

۱۳- رساله نور الابصار

۱۴- مناسك حج- مشتمل بر وجوب حج و مذمت تارک آن و خلقت کعبه و حجرالاسود و حرم و قضایای آن.

تألیفات طبع نشده علامه نمازی

۱- روضات النظرات، دوره فقه استدلالی ده جلد.

۲- مستدرکات علم رجال، ده جلد.

۳- مستطرفات المعالی در احوال راویان احادیث.

۴- دوره معارف القرآن مشتمل بر چهل و سه جزو.

۵- رساله‌ای در طب.

۶- معرفه‌الاشیاء- گیاه‌ها- درختها حیوانات و جمادات.

۷- مباحث اصول.

متاسفانه این دانشمند متتبع و محدث متبحر و مؤلف مکثر در شب دوشنبه دوم ماه ذیحجه سال ۱۴۰۵ هجری قمری برابر ۲۸ مرداد ماه ۱۳۶۴ شمسی از دنیا رفته و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه الصلوه والسلام مدفون گردید عاش سعیدا و مات سعیدا حشره اللّه مع الشهداء والسعداء آمین یااللّه.

محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۲۹۴ ق.، شاهرود.

درگذشت: ۲۸ مرداد ۱۳۶۴، (دوم ذیحجه سال ۱۴۰۵ ق.).

آیت‌الله علی نمازی شاهرودی، فرزند آیت‌الله محمد نمازی شاهرودی، مقدمات و سطوح عالی را در شاهرود نزد پدر و دیگر اساتید فراگرفت. سپس رهسپار مشهد شد . در آنجا مدارج عالیه فقه و اصول را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت به گونه‌ای که در بیست و دو سالگی شروع به تقریر فقه استدلالی نمود.

مدتی نیز به حوزه‌ی نجف اشرف رفت و در آنجا به تحصیل فقه و مبانی اصول پرداخت. سپس به ایران بازگشت و در مشهد مقیم شد. ایشان همچنین به علم ریاضی و تاریخ و نیز خطاطی آشنایی داشت و به ویژه کتاب‌هایش را به خط خودش می‌نوشت. آیت‌الله نمازی به زبان عربی مسلط بود و با زبان فرانسوی هم آشنایی داشت. وی طب سنتی و گیاه‌شناسی و علوم غریبه را خوب می‌دانست، ضمنا به روش‌های مباحثه و مناظره نیز مسلط بود. فعالیت عمده و اساسی ایشان پیرامون احادیث و رجال حدیث بحارالانوار اختصاص داشت.

آثار ایشان عبارتند از: مستدرک سفینه البحار (در ده جلد)؛ الاحتجاج بالتاج علی اصحاب اللجاج (الهادی)؛ الاعلام الهادیه فی اعتبار الکتب الاربعه؛ ابواب رحمت (جلد اول، مشهد، ۱۳۳۷، ق.، قم، ۱۳۶۲)؛ تاریخ فلسفه و تصوف (یا مناظره دکتر با سیاح پیاده، جلد اول، ۱۳۷۷ ق.)؛ مناسک حج؛ رساله تفویض؛ رساله علم غیب (ع)؛ اصول دین؛ رساله نورالانوار؛ ارکان دین؛ زندگانی حبیب بن مظاهر اسدی؛ تاریخچه‌ی مجالس روضه‌خوانی و عزاداری سید مظلومان (ع) قرآن و عترت در اسلام.

آثار علمی خطی چاپ نشده وی به این شرح هستند: مستطرفات المعالی؛ مستدرکات علم رجال (پانزده جلد)؛ روضات النظرات؛ مجموعه نفیسه در طب؛ معرفهٔ الاشیاء (گیاه‌شناسی)؛ مطرف الهیه؛ حواشی بر بعضی کتب مانند: حاشیه بر تفسیر برهان، حاشیه بر رجال ممقانی، حاشیه بر رجال آیت‌الله خویی؛ حاشیه بر رجال شیخ طوسی و تصحیح آن، حاشیه بر کتاب جواهر در فقه تألیف محمدحسن نجفی، حاشیه بر کتاب وقایع المشهور، حاشیه بر کتاب بحارالانوار آیت‌الله غروری، حاشیه بر رساله‌ی شریف رجبیه

محدث بیرجندی و حواشی دیگر.

(تو ح ۱۳۳۲ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث و متکلم. در شاهرود به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و استفاده از محضر پدرش، به مشهد مهاجرت نمود و سطوح را نزد مدرسین بزرگ حوزه‌ی مشهد به پایان رسانید. آنگاه از بحثهای معارف و اخلاق آیت‌اللَّه آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی بهره‌مند گشت. او علاوه بر امامت جماعت یکی از مساجد مشهد به کار تألیف و تصنیف کتب دینی و تحقیقات در این زمینه اشتغال داشت و تألیفات بسیاری از خود باقی گذاشت. از آثارش: «مستدرک سفینةالبحار»؛ «ابواب رحمت»؛ «تاریخ فلسفه و تصوف»؛ «ارکان دین»؛ «مقام قرآن و عترت در اسلام»؛ فهرست «منتقی الجمان»؛ کتاب «اثبات ولایت»؛ تذییلات کتاب «مجموعهٔ الاخبار»؛ «شرح زندگانی حبیب بن مظاهر»؛ «تاریخچه‌ی مجالس روضه‌خوانی»؛ «مناسک حج و وجوب و فضیلت آن»؛ «نورالانوار»، به فارسی و عربی؛ رساله‌ای در «علم غیب امام (ع)».[۱]

علی ابن العالم الکامل و العابد الزاهد آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد معروف به (نمازی) شاهرودی از علماء و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدسند.

وی در حدود سال ۱۳۳۲ قمری متولد شده و در بیت علم و ورع و تحت تربیت پدر دانشمند و زاهدش پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه مشهدبه پایان رسانیده سپس از محضر مرحوم عالم ربانی و آیت‌اللَّه سبحانی مربی نفوس و مهذب اخلاق آیت‌اللَّه الملک العلام آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی سالهای متمادی استفاده نموده و با هم از محضر آیات دیگر مشهد بهره‌مند گردیده و در مسجدی از مساجد بالاـ خیابان به اقامه جماعت و تبلیغ احکام تا حال تحریر اشتغال دارند

نگارنده گوید از سال ۱۳۶۴ ق که در مشهد اقامت داشتم و در مدرسه نواب از محضر مرحوم آیت‌اللَّه میرزا مهدی اصفهانی خارج مبحث حج را استفاده مینمودم با معظم‌له آشنا شده و بعد از درس مذاکره بحث را می نمودیم وی را دانشمندی متقی و پارسا و مشغول به مطالعه و تألیف شناخته‌ام خداوند امثال ایشان را همواره موفق بدارد.

تألیفات مطبوع ایشان از اینقرار است.

۱- ابواب رحمت دو مرتبه به طبع رسیده ۲- تاریخ فلسفه تصوف ۳- متدرسک سفینه البحار ج ۱ و ۲ بطبع رسیده ۴- کتاب ارکان دین در آن شرح اصول دین (خداشناسی و فروع دین نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری (رجعت) و قیامت کبری) ۵- مقام قرآن و عترت در اسلام ۶- فهرست منتقی‌الجمان ۷- تذییلات کتاب مجموعه الاخیار ۸- شرح زندگانی حبیب ابن مظاهر ۹- تاریخچه مجالس روضه‌خوانی ۱۰- مناسك حج و وجوب و فضیلت آن ۱۱- کتاب اثبات ولایت ۱۳ -۱۲- نورالانوار فارسی و عربی ۱۴- رساله‌ای در علم غیب امام (ع)

تألیفات مخلوط ایشان

۱- تتمه مستدرک سفینه‌البحار ده جلد ۱۱- مستدرکات علم رجال شیخ ۵ جلد ۱۶- کتاب اصول دین ۱۷- کتاب مستطرفات المعالی در احوال رجال و راویان اخبار ۱۸- روضات النضرات در فقه استدلالی ده مجلد ۱۹- معارف الهیه ۲۰- مجموعه نفیسه در طب ۲۱- معرفه الاشیاء و غیره

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۴ -۱۸۳/ ۷ ،۳۷۴/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۷/ ۴).

نوایی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین نوایی در سال ۱۳۰۲ه.ش تهران متولد گردید . وی بعد از گذراندن دورهٔ دانشسرا ، در رشتهٔ حقوق ادامه تحصیل داده و از دانشگاه سوربن فرانسه فارغ التحصیل گردید . نوایی پس از آن به کار تدریس در مدارس و دانشگاههای کشور پرداخت . او کار تحقیق و پژوهش را با دومطلب آغاز نمود ، اول مسائل مربوط به مشروطیت و دیگری در رابطه با بابیگری . نوایی آثار بسیار با ارزشمندی از خود بجای نهاده است که مورد استفاده بسیاری از محققان وپژوهشگران می باشد . وی هم اکنون به دلیل کهولت سن از کار تدریس در دانشگاه دست کشیده اما منزل ایشان همواره پذیرای دانشجویان می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : ایران دوره اسلامی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالحسین نوایی تحصیلات خود رادر مدارس ابتدایی (تمدن) و (ابن سینا) آغاز نمود .وی در دورهٔ متوسطه در به مدرسه شرف تحصیل کرد و پس از گذرندان این دوره ، علیرغم میل باطنی خود به دانشسرای عالی رفت ،دکتر نوایی دراین مورد می نویسد : برخلاف میلم به دانشسرا رفتم چون علاقه به این حرفه نداشتم و تمایل داشتم که دیپلمات شوم. دکتر نوایی پس از دوره دانشسرا ی عالی ،تحصیلات خود را درد انشکده حقوق پی گر فت اما به دلایلی از ادامه تحصیل در رشته حقوق باز ماند .البته وی یک سا ل بعد دوربار ه در رشته حقوق شرکت نمود وتوانست شاگرد دوم شود .نوایی به لحاظ اینکه ناگزیر بود یکی از دورشته را نتخاب نماید وبا توجه به اینکه یکسال از دوره دانشسرا را نیز گذرانده بود،لذا در همین رشته ادامه تحصیل داد،او سپس به فرانسه رفته و توانست دوره دکترا را از دانشگاه سوربن اخذ نماید.

خاطرات و وقایع تحصیل : عبدالحسین نوایی بعد از دوره دانشسرا ی عالی به دانشکده حقوق رفت ، اما وی نتوانست از این دانشکده فارغ التحصیل شود و به نحوی از ادامه تحصیل باز ماند،علت این امر را نوایی چنین بیان می کند : ماجرا از این قرار بود که در امتحانات دیپلم یک نفر از روی برگه امتحانی من رونویسی کرده بود ودر آن زمان تصحیح اوراق امتحانات نهایی به عهده استادان دانشگاه بود و مرحوم دکتر شفق دیده بود که دو برگه کاملاً شبیه یکدیگر است ،لذا هر دو نفر به جرم تقلب از ادامه تحصیل محروم کردند،مدتی طول کشید تا توانستم ثابت کنم که ورقه اصلی متعلق به من است و همین تاخیر باعث شد تامن از ادامه تحصیل محروم شوم.

فعالیتهای ضمن تحصیل : عبدالحسین نوایی درکنار تحصیلا ت تکمیلی خود در فرانسه به کار معلمی نیز پرداخت و ، چون این مسؤلیت را پذیرفته بود با جدیت مطالعه می نمود،اینکار دو دلیل داشت اول آنکه تحصیلا ت خود را دانشگاه کا فی نمی دانست و آنرا مقدمه ای می دانست برای ادامه تحصیل دوم نمی خواست به مانند بعضی از معلمین از کم سوادی و بی توجهیش گله نماید:او می گوید :در هر صورت چشم را بر بسیاری از لذات مادی زندگی بستم و تمام وقتم راصرف آموختن کردم مثلا موقعی که در پاریس بودم ،با توجه به اینکه در آنجا هوادیر روشن می شود ساعت نه صبح غذای مختصری می خورد م که هم صبحانه بود و هم ناهار و ازساعت ده در کتابخانه ملی پاریس مطالعه می کردم تاساعت پنج بعداز ظهر که آنجا تعطیل می شد .هر چند در آن وقت خیلی ها به این کار من می خندیدند ، اما من به هیچ وجه احساس غبن نمی کردم چون آثاری که الان شما ملاحظه می فرمایید ، غالبا حاصل مطالعات و تلا شهای همان دوران است .

استادان و مربیان : از استادانی که عبدالحسین نوایی به عنوان یک الگو یا د می کند،عباس اقبال بود باز می گردد نوایی وی را از جمله کسانی می داند که در او انگیزه تاریخنگاری را بوجود آورد و این مسئله به زمانی که نوایی در مجله یادگار با وی همکار شد

. از استادان نوایی شخصیتهای برجسته ای همچون :بدیع الزمان فروزانفر ،بهار ،بهمنیار و میرزا عبدالعظیم خان قریب می توان نام برد .

وقایع میانسالی : در سال ۱۳۴۶ عبدالحسین نوایی مطالبی در مورد دانشگاهها وعدم پذیرش افراد جوان به عنوان استاد منتشر کرد ، این مسئله باعث شددانشجویان دست به شکایات متعددی بزنند با اعتراض دانشجویان مدیریت دانشگاههای تهران و شهرستانها تغییراتی نمود و از آن جمله دانشگاه تبریز که هوشنگ منتصری به سمت ریاست آنجا رسیدوی روسای دانشکده ها را که عملا از ورودهرگونه استادجدیدی سرباز زده بودند ، اخراج کردو دانشکده ادبیات را به دکتر نوایی سپرد.در سال ۱۳۵۱درهنگام خدمت در سازمان کتابهای درسی یعنی به دلیل رعایت نکردن دستورات شاه در مورد مبارزه با گرانی ، متهم واز کا ر برکنار شد . اما پس از مدتی به بابلسر رفته وسمت معاونت مدسه عالی بابلسر راقبول کرد نوایی پس از مدتی خدمت در این مدرسه به دلیل روش میان دو رییس مدرسه یعنی دکتر فاروقی پیش آمد ، از سمت خوداستعفا داد ، اما دیری نگذشت به سبب بوجود آمدن حوادثی به سمت ریاست این مدرسه منصوب شد . او علت این امر را چنین بیان می کند : دانشجویان ، رییس مدرسه با بلسر را به علت رفتار ناشا یست کتک زدند وحتی خواستند از پنجره طبقه سوم به پایین پرت کنند ، که مدتی در بیمارستان بستری شد .پس از برکناری وی وزارت علوم را به ریاست مدرسه گماشت . انتصاب دکتر نوایی به سمت ریاست مدرسه عالی با بلسر مصارف بو د با تحرکات مردم و دانشجویان برعلیه رژیم شاه نوایی می گوید : تا آنجا که من متوجه شدم سخن از انقلاب و تحولی عظیم در میان است و نه یک اعتراض و شکایت ،دانشکده ها به هم ریخته بود و کلاسهای تعطیل شد ه بود و من که هرگز نمی خواستم با دانشجویان مقابله بکنم بلکه آنان را محق می دانستم از خدمت استعفا کردم و به تهران بازگشتم . در سال ۱۳۴۹ ش ، دکتر نوایی جایزه بهترین کتاب سال به جهت تصحیح و تعلیق کتا ب احسن و التواریخ را دریافت داشت و در سال ۱۳۶۴ ش،موفق به دریافت جایزه بهترین کتاب سال جهت تصحیح و تعلیق کتاب احسن التواریخ را دریافت داشت و در سال ۱۳۶۴ ش . موفق به دریافت جایزه بهترین کتاب سال به خاطر تالیف کتاب اسنادتاریخی ایران از ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ ه.ق شد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در سال ۱۳۴۶ ه.ش با تغییر مدیریت دانشگاهها ،دکتر هوشنگ ریاست دانشگاه تبریز را به عهده گرفت و مسئولیت دانشکده ادبیات را به دکتر نوایی سپرد . نوایی یکی دوسال پس از بازگشت از تبریز مدیر کل تشکیلات و روشهای آموزش و پرورش شد : از فعالیتها ی او دراین سمت ، بررسی سازمان کل وزارت آموزش و پرورش و تقسیم تهران به ۱۷ ناحیه بود . در سال ۱۳۵۱ ه.ش به سازمان کتابهای درسی منتقل گزدیدو تا مرداد سال ۱۳۵۴ ه.ش دراین سمت باقی ماند،اما به دستور شا ه از کار برکنار شد و بعد از چند ماه بیکار ماندن به وزارت علوم رفته با دعوت دکتر فاروقی رئیس مدرسه عالی بابلسر ، در منصب معاونت این مدرسه شروع به کار کرد ، اما طولی نکشید به سبب اختلاف عقید ه با دکتر فاروقی استعفا داد . نوایی پس از استعفا از مدرسه عالی بابلسر از وزارت آموزش و پرورش درخواست شغل و یا باز نشستگی او موافقت شد . هنوز مدتی از بازنشستگی دکتر نوایی نگذشته بود که وی به سمت ریاست مدرسه عالی منصوب گشت اما وی درطی تحولات کشور در سال ۱۳۵۷ ه.ش از شغل خود ا ستعفا کرده که با بازنشستگی به تهران بازگشت .

فعالیتهای آموزشی : عبدالحسین نوایی علاوه بر تالیف و خلق آثار متعدد ، در دانشگاهها و موسسات علمی مختلف به تدریس پرداخته است که از آن جمله اند : دانشگاه تهران و مرکز اسناد در سطح لیسانس ،دانشگا هها ی تربیت مدرس ، شهید بهشتی ، الزهرا ،و پژوهشگاه فرهنگ و مرکز اسنادرسمی ، دانشگاههای آزاد واحدشهر ری و ابهر در سطح فوق لیسانس و دکتر ی در سال ۶۴-۱۳۶۳ بخش دکتری تاریخ در دانشگاه آزاد اسلامی ایجاد گردیدو دکتر نوایی از همان سال تا سال ۱۳۷۶ عضو ثابت و هیات علمی آن بود ه و همانطور که خود می گوید ، اولین دانشجوی فارغ التحصیل رشته تاریخ شاگر د وی بود ه است .نوایی همچنین در محدوده همکاری حوزه و دانشگاه یک دوره درسی با هفت تن از طلاب در رشته که در سطح فوق لیسانس بودند . از دیگر

فعالیتهـای آموزشـی دکتر نوایی نظارت بررساله های تحصـیلی فوق لیسانس و دکترا بود ،او در دانشـکده های ادبیات شـهید بهشتی ،تربیت مـدرس و الزهرا به عنـوان اسـتادراهنما ،مشـاور و ممتحن شـرکت می نمـود.نوایی تـا پایـان سـال ۱۳۷۸ ه.ش به کارتـدریس پرداخت ، امـا پس از بیمـاری ممتـد از رفتن به کلاـس خودداری نمود به همین خـاطر دانشـجویان به منزل وی می رونـد و از دانش فراوان او بهره می برند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عبدالحسـین نوایی در کنار کار تدریس و تالیف و پژوهشهای علمی ،در مجامع علمی ،سمینارها و سخنرانی های متعدد شرکت نمود که بعضی ازآنها در خارج از کشور بوده است ،از این تعداد می توان ، مهمترین آن را به شرح زیر بیـان داشت : ۱- سال ۱۳۵۳ ش ، سـفر به پاکسـتان برای ایراد چند سـخنرانی د ر سمت ریاست کتابهای درسی . ۲- سال ۱۳۵۳ ش. سـفربه ترکیه ،سوئد ، انگلسـتان و فرانسه در سـمت ریاست کتابهای درسی و بازدید از مراکز فرهنگی . ۳- سال ۱۳۷۴ ش ،سفر به ترکیه و سـخنرانی درباره جنگ اوزون حسن با سـلطان محمد فا تح در سمینار مربوط به فتح قسطنطنیه ۴- سال ۱۳۷۵ ش،شرکت در سـمینار تیمور در مشـهد وارائه مجموعه مقالاـتی تحت عناوینی چون کثرت منابع تاریـخ تیموری «ورد» کتابهایی چون منم تیمور «جهانگشا و توزوك » . ۵- سال ۱۳۷۵ ش، سفر به ازبکستان وسخنرانی در سمینار بزرگداشت تیمور .

آرا و گرایشـهای خاص : عبدالحسین نوایی در زمینه اتکا خود به تاریخنگاری ، بخش اعظم فعالیت خودرا در دوره قاجاریه متمرکز نمـود : او تحقیقـا ت و پژوهشـهای خودر ا در دو زمینه آغـاز نمود ، اول مطـالب مربوط به مسایـل مشـروطیت و دیگری در رابطه با بیگری است . چنـانکه خود می گویـد : « من قاجـاریه را به آن بـدی نمی بینم که دیگران می بیننـد . افراد را در زمـان خودشان و با معیارهای زمان خودشان بایـد مورد قضاوت قرار داد . والا با مسائل یک قرن یا دو قرن بعـدنمی شود افرادی را که دو قرن ـ سه قرن پیش از ما بوده انـد ، داوری کرد .من قاجاریه را بـدون اینکه بخواهم ادعا کنم مردان بزرگ و یا نام آوری بوده اند ، افراد وخائن و نـادرستی نمی دانم ، امـا می توانم ادعـا کنم که در این دوره غیر از دو یـا سه نفر ، واقعـا خـائن یعنی کسـی که آمـده و به کشورش خیـانت کرده ، بیشتر نـداریم ، بقیه ، کسانی هسـتند که خواسـته انـد این مملکت را حفظ کننـد ، اما ممکن است به علت جهل و بی اطلاعی و عقب ماندگی از دانش اروپا ،مسائل سیاسـی اروپا و روابط بین دول ، اشـتباهاتی کرده باشند . اما آنان هرگز قصد خیانت نداشـتند . شایـد در آن زمان به درستی به نقش اسـتعمار و مطامع قـدرتهای اروپایی پی نبرده بودنـد،و شایـد به انـدازه لازم آگاهی نداشـتند چون شـناخت اسـتعمار منوط است به دانستن مفاهیم و اصطلاحات علوم سیاسی ، شناخت روابط بین الملل ،شناخت مسائل اقتصادی ، شناخت اینکه کارخانه اروپا بیان باید با موادخام ارزان بگردد ، این مسا ئل را نمی دانستند ،کجا در س خوانده بودند که بدانند؟ اطلاعی نداشتند . »

چگونگی عرضه آثـار : عبدالحسـین نوایی تالیفـات خود را بـا همکـاری مراکز فرهنگی و موسـسات انتشـارات گونـاگونی به چـاپ رسانـده است . او دعوت موسـسات و واحـد هـای فرهنگی که مولود انقلاب اسـلامی بودنـد را سواره با شوق و رغبت پـذیرفت . از موسـساتی که او بـا آنهـا همکاری نمود عبارتنـد از :کتابخانه ملی :همکاری در کمیته علمی احیا میراث مکتوب دکترنوایی : از سال ۱۳۷۳ بنـا به دعوت رییس وقت آقـای جواهری همکـاری خود را بـا موسـسه تاریـخ معاصـرآغاز کرد . دکترنوایی : در مهرمـاه سال ۱۳۷۳ بنـا به دعوت رییس وقت انجمن آثـار و مفـاخر فرهنگی شـروع به کار کرد .اودر این دو طرح را اجرا نمود،۱- مجموعه شرح حال بزرگان علم و ادب ۲- تدوین مجموعه اعلام تاریخی .سازمان سـمت : ست در واقع حروف اول سازمان مطالعه و تدوین کتب است ، و ظیفه آن تهیه کتاب های درسی برای سطح لیسانس می باشد .دکتر نوایی سه چهار سال به عنوان رییس گروه تاریخ دراین سازمان خـدمت کرد . اداره اسـناد نهاد ریاست جمهوری دکتر نوایی : دراین واحـد برکار محققان جوان نظارت دارند و آنان را در خواندن اسـنادی که نوعا با خط شکسته یا قلم سیاق است یاری می نما یند.ـ سازمان اسناد ملی :همکاری دکتر نوایی با این نهاد تنها در سطح تالیف کتاب بوده است . --

----

آثار :

۱ آیین

۲ اسطوره اهل حق

۳ اسناد عبدالوهاب خان آصف الدوله در خراسان

۴ اسناد مربوط به نایب حسین کاشی

۵ اسناد و مکا تبات سیاسی ایران از ۱۳۰۸ تا ۱۱۰۵ ه ق

۶ اسناد و مکاتبات تاریخی از تیمور تا شاه اسماعیل

۷ اطلاعات ماهیانه

۸ ایران و جهان

۹ با ستا نشناسی و تاریخ

۱۰ بررسی های تاریخی

۱۱ پست تهران

۱۲ تاریخ آل مظفر

۱۳ تاریخ روابط فرهنگی ایران

۱۴ تاریخ عضدی

۱۵ تاریخ گزید ه

۱۶ تالیف محمد تقی

۱۷ تکمله ا لاخبار

۱۸ جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان و باختران

۱۹ حدیقه ا لشعرا

۲۰ حکیم و به اهتمام جمشید کیانفر و محمد علی صوتی

۲۱ خاطرات عباس میرزا ملک آرا

۲۲ خبرنامه سمینار بین المللی نهضت مشروطیت

۲۳ دولتهای ایران از مشروطیت تا او لتیماتو م

۲۴ دیوان محتشم کاشانی

۲۵ رو زنامه باختر

۲۶ روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه

۲۷ روزنامه آژنگ

۲۸ روزنامه اصفهان

۲۹ روزنامه امید

۳۰ روزنامه بهرام

۳۱ زیو ر آل داود

۳۲ سیرو سیاحت

۳۳ شا ه اسماعیل صفوی

۳۴ شا ه تهماسب

۳۵ شا ه عباس

۳۶ شرح حال رجال حبیب السیر

۳۷ صدف

۳۸ فتح تهران

۳۹ فتنه باب

۴۰ فصل نامه تاریخ معاصر ایران

۴۱ فصل نامه تحقیقات تاریخی گنجینه اسناد

۴۲ فهرس التواریخ

۴۳ کریم خان زند

۴۴ گزید ه فرمانهای موجود در کتابخانه ملی

۴۵ گوهر

۴۶ ما هنامه فرهنگ

۴۷ ماهنامه ادبستان

۴۸ متون تاریخی به زبان فارسی

۴۹ مجله توشه

۵۰ مجله فردوسی

۵۱ مجله کیها ن فرهنگی

۵۲ مجله یارگار

۵۳ مجله یغما

۵۴ مجموعه اسناد نابینایان کاشان

۵۵ مراه البلدان

۵۶ مراه الوقایع مظفری و یا د داشتهای ملک المورخین سپهر

۵۷ مطلع سعدین

۵۸ مطلع سعدین و مجمع بحرین

۵۹ مظفرالدین شاه

۶۰ مقاله دوره مجله یادگار

۶۱ مقدمه بر جغرافیای تاریخی شهرهای ایران

۶۲ مقدمه برکتا بهایی چون گنج دانش

۶۳ مهد علیا

۶۴ مهر

۶۵ نادر و جانشینا نش همراه با نامه های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری

۶۶ نامه های خان احمد خان گیلانی

۶۷ نشریه وزارت امور خارجه

۶۸ وجه تسمیه شهرهای ایران

نوذری، عزت الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عزت اله نوذری در سال ۱۳۲۳در رودسر بدنیا آمد.وی پس از اخذ دیپلم در ایران تحصیلات دانشگاهی خود را از مقطع کارشناسی تا دکتری در دانشگاههای گرانس و وین بانجام رساند.در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۵۸ به استخدام دانشگاه تربیت معلم در آمد،و از سال ۱۳۶۴ به دانشگاه شیراز منتقل شد و هم اکنون با درجه علمی دانشیاری در آنجا مشغول به تدریس و تحقیق است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : تاریخ اجتماعی

خاطرات کودکی : بهترین و به یاد ماندنی ترین خاطره عزت اله نوذری رفتن به کلاس اول ابتدایی بود که همواره در شادی وصف ناپذیری بسر می برد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : عزت اله نوذری در خانواده مذهبی به دنیا آمد و بزرگ شد .پدرش کارمند عالیرتبه وزارت دارایی در تهران بود و اهل هنر و شعر و تاریخ است.پدر بزرگ دکتر نوذری نیز با شعر شاعران و تاریخ مانوس بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عزت اله نوذری پس از دریافت دیپلم از ایران تحصیلات دانشگاهی خود را از مقطع کارشناسی تا دکتری در رشته تاریخ گرایش تاریخ اجتماعی در دانشگاههای گرانس و وین بانجام رساند.

فعالیتهای ضمن تحصیل : عزت اله نوذری در حین تحصیل در خارج از کشور بطور مستقل در فعالیت های علیه رژیم شرکت می کرد.

همسر و فرزندان : عزت اله نوذری متاهل و دارای دو فرزند پسر است. فرزند ارشد ،روزبه نوذری دارای مدرک کارشناسی عمران و متاهل است. دیگر فرزندش ،آرش نوذری که دارای کارشناسی حسابداری و متاهل می باشد.

وقایع میانسالی : عزت اله نوذری پس از دریافت دکتری رشته تاریخ اجتماعی ایران در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۵۸ به استخدام دانشگاه تربیت معلم درآمد.ودر سال ۱۳۶۴به دانشگاه شیراز منتقل شد .وی هم اکنون با رتبه علمی دانشیاری در همین دانشگاه به تدریس و تحقیق مشغول است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عزت اله نوذری عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شیراز است.وی بغیر از شرکت در کمیته های متعدد آموزشی ،پژوهشی و تکمیلی پست اجرایی دیگری نداشته است.

فعالیتهای آموزشی : عزت اله نوذری در طول ۲۸ سال تدریس بطور متوسط در هر ترم میانگین ۱۲ ساعت مشغول به تدریس بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عزت اله نوذری در کنار تدریس در دانشگاه شیراز به تحقیق و پژوهش می پردازد.
جوائز و نشانها : عزت اله نوذری تعداد ۲۷ لوح تقدیر از دست روسای دانشگاهها در سمینارها و غیره دریافت کرده است. به عنوان مثال محقق نمونه در دانشگاه شیراز در سال ۱۳۷۹ است.
چگونگی عرضه آثار : عزت اله نوذری دارای ۱۲ کتاب تخصصی در رشته تاریخ و ۳۸ مقاله منتشر شده در ژورنالهای داخلی و خارجی است. ---

آثار :

۱ اروپا در قرون وسطی

ویژگی اثر : تالیف

۲ انقلاب فرانسه

ویژگی اثر : تالیف–در دست تهیه است

۳ ایران و تاریخ

ویژگی اثر : تالیف

۴ پژوهش پیرامون ایلات و کولیهای استان مرکزی

ویژگی اثر : تالیف

۵ تاریخ اجتماعی ایران در دوجلد

ویژگی اثر : تالیف–جلد اول : از آغاز تا مشروطیت–جلد دوم : از مشروطیت تا انقلاب اسلامی

۶ تاریخ احزاب سیاسی در ایران

ویژگی اثر : تالیف

۷ تاریخ معاصر جهان

ویژگی اثر : تالیف

۸ جنبش در تاریخ معاصر ایران

ویژگی اثر : تالیف

۹ روش شناخت در تاریخ

ویژگی اثر : تالیف

۱۰ سالشمار تاریخ ایران

ویژگی اثر : تالیف

۱۱ شخصیت از آغاز تا عصر روشنگری

ویژگی اثر : تالیف

واثقی نیا، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین واثقی نیا

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۳۶ شمسی در قم متولد شدم. پیش از هفت سالگی، قرائت قرآن و نوشتن و خواندن را در مکتب خانه آموختم و در تابستان سالهای بعد تکمیل کردم. هنگامی که به هفت سالگی رسیدم به دبستان دولتی رفتم و پس از گذراندن دوره شش ساله دبستان، به دبیرستان رفتم. در نیمه سال چهارم دبیرستان بود که آن را رها کردم و به حوزه پیوستم. (سال ۱۳۵۲ ش)

مقدمات را نزد اساتید متعدد از جمله: «مرحوم حاج شیخ محمد علی»، معروف به مدرس افغانی فرا گرفتم. بیشتر شرح لمعه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ قدرت الله وجدانی فخر»، و بقیه را نزد چند نفر دیگر فرا گرفتم. بخش عمده رسائل را نزد «آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی» و بقیه را نزد «آیت الله حاج شیخ حسین کریمی قمی» آموختم. مکاسب و قسمت عمده کفایه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده اراکی» گذراندم و بخشی از کفایه را نزد «آیت الله حاج سید محمد حسینی کاشانی» خواندم که در حقیقت خارج آن را برای ما می گفت و شیوه نقد آرائ بزرگان را به ما می آموخت.

خارج فقه و اصول فقه از دروس اساتید گرامی همچون آیات عظام: «فاضل لنکرانی، وحید خراسانی و میرزا جواد تبریزی»، به مدت بیست سال بهره بردم و بسیاری از تقریرات دروس آن بزرگان را نوشتم و اگر چیزی بر خلاف نظر استاد به ذهنم آمد؛ در پاورقی به عنوان «یقول التلمیذ» یادداشت کردم که همه به صورت مسوده باقی است و چون خود آن اساتید عزیز یا برخی از شاگردانشان در صدد چاپ آن دروس برآمدند من به پاکنویس و چاپ آنها دست نزدم. فلسفه و عرفان را نزد اساتید مختلف به ویژه «آیت الله معظم حسن زاده آملی» حاضر شدم .

در سالهای ۵۴ تا ۵۷ همگام با مردم مسلمان ایران و علمای اسلام در مبارزات با رژیم پهلوی شرکت جستم و با ایراد سخنرانیهای انقلابی و پخش و تکثیر اعلامیه ها و نوارهای کاست انقلابی، به راه حضرت امام خمینی (رحمه الله) پیوستم. دو بار دستگیر شدم؛ «یک بار در قم و یک بار در بوشهر» که برای تبلیغ دهه محرم رفته بودم و مدتی را در زندان همراه با شکنجه بسیار گذراندم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی شغل دولتی نگرفتم. در سالهای ۵۸ تا ۶۰ دو سال در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم همراه با دوستان به تبلیغات مکتوب دست زدیم. در دوره جنگ تحمیلی به تفاریق، بیش از دو سال را در میان رزمندگان گرامی برای تبلیغات اسلامی سپری کردم. هفت سال تمام از آغاز تاسیس (۱۳۷۶) تا اول تابستان ۱۳۸۳ «مدیریت مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام» را که حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی تاسیس کردند به عهده داشتم و موفق به خدماتی شدم مانند: (تاسیس کتابخانه تخصصی فقهی، سایت اینترنتی فعال، بخش آموزش، بخش تحقیقات، و چاپ بیش از بیست جلد کتاب) که امیدوارم دوستان، آن فعالیتها را بنگارند.

واسعی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علیرضا واسعی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوران کودکی را در شهر «ساری» پشت سر نهاده و برای تحصیل علوم دینی، به مشهد مقدس رفتم و از سال ۶۰ تا ۷۷، دروس حوزوی را از محضر اساتید بزرگوار آموختم و چند سالی پای درس علمای بزرگ، حضرات آیات: «فلسفی، زنجانی و سعیدی» خارج فقه و اصول را فرا گرفتم و سپس به شهر قم آمده و کم و بیش درس‌هایی را شرکت کردم و هم چنان به عنوان یک طلبه به آموزش مشغولم. با تحصیل در حوزه علمیه، دروس جدید را پی گرفتم و با اخذ مدرک کارشناسی در دانشگاه فردوسی مشهد، برای دوره کارشناسی ارشد به دانشگاه تهران، «دانشکده الهیات» رفتم و با گرفتن مدرک فوق لیسانس، به تحصیل در دوره دکتری در واحد علوم و تحقیقات تهران در رشته «تاریخ و تمدن ملل اسلامی» مشغول شدم و در سال ۸۴ موفق به اخذ مدرک (PH.D) گردیدم. تقارن تحصیلات حوزوی و دانشگاهی، مانع از فعالیت های آموزشی و پژوهشی نشد.

از سال ۶۳ به همراه آموختن، به تعلیم برخی دروس حوزه‌ای پرداختم. «ادبیات، منطق، اصول فقه و فقه» از جمله درس هایی بود که با آن درگیر بوده ام. از سال ۶۸ تحصیلی، با دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد ارتباط برقرار کرده و برخی از دروس اختصاصی را واگویه کردم. تدریس در دیگر مراکز آموزشی و موسسات پژوهشی آموزشی، از دیگر کارهای این جانب بوده که هم چنان ادامه دارد.

پژوهشگری، دغدغه دیگر این جانب بوده است. از سال ۷۰ رسما وارد فعالیت پژوهشی شدم و با همکاری با مجله «اندیشه حوزه مشهد»، کار خود را آغاز کردم و علاوه بر تصدی مدیریت گروه تاریخ آن موسسه پژوهشی، مقالاتی را منتشر ساختم و پس از آن در ارتباط با سازمان پژوهش های اسلامی تبلیغات اسلامی تهران، و سپس دفتر تبلیغات اسلامی مشهد، و دیگر مراکز، به پژوهشگری پرداختم و با آمدن به قم، در مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی به صورت تمام وقت با پژوهش پیوند یافتم.

محصول زمان های از دست رفته، مقالاتی در حوزه: «تاریخ، فلسفه تاریخ، جامعه شناسی و سیاست» بوده است که مهم ترین آنها عبارت است از: «جستجویی در قیام توابین»، «روابط خارجی پیامر (صلی الله علیه و آله و سلم) جریان شناسی دشمنی با امام علی علیه السلام»، «بررسی جامعه شناختی عصر امام حسین (علیه السلام) سنت عزاداری»، «سیاست و حکومت امام خمینی (ره) تاریخ نگاری و تاریخ پردازی» و ... بوده است.

واله اصفهانی، یوسف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به واله. برادر میرزا محمد طاهر وحید و با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. در اواخر

عهد شاه صفی (۱۰۵۲ -۱۰۳۸ ق) به امور دفتری و دیوانی روزگار می‌گذراند و در زمان شاه عباس دوم (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) به نوشتن ارقام و منشور اشتغال داشت. گویند در ۱۰۶۶ ق به وزارت توپخانه منصوب شد که تا زمان شاه سلیمان (۱۱۰۵ -۱۰۷۷ ق) در این منصب بود. واله در نظم و نثر تبحر داشت و خط را نیکو می‌نوشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از آثار او: «خلد برین»، که در ۱۰۷۸ ق تألیف شده و تاریخی است که از زمان خلقت آدم تا پادشاهی شاه سلیمان صفوی را شامل می‌شود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۲۱/ ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۷۶ -۱۷۷۴/ ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۲۰ -۶۱۶/ ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۸۸۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۸۲)، الذریعه (۱۳۲۰، ۱۲۵۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۹، ۹۷۲)، لغت‌نامه (ذیل/ واله).

والیزاده، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۹۶، خرم‌آباد.

درگذشت: ۱۱ مهر ۱۳۶۰، خرم‌آباد.

محمدرضا والیزاده معروف به معجزی مدت سی و پنج سال به جمع‌آوری اسناد و خاطرات معمرین و عکس‌ها و مدارک معتبر درباره تاریخ پرداخت. خطی خوش داشت و آنچه جمع‌آوری کرده بود، در دو مجلد نزدیک به ۱۸۰۰ صفحه مدون کرده بود. مایل بود که این اثر را چاپ نماید، اما نتوانست. بخش کوچکی از این اسناد تحت عنوان سفرهای... به لرستان چاپ و نشر شد که در آن وقایع این دوره و جنگ‌های لرستان و ستم‌هایی که بر لرها رفته بود، آمده است.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وحید قزوینی، عمادالدوله طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، مورخ، ادیب، خطاط و شاعر، متخلص به وحید. در قزوین به دنیا آمد. در عهد صفویه می‌زیست و از شاعران و منشیان عصر خود بود. وی پس از کسب دانش و مهارت در ادب و خوشنویسی و ترسل و سیاق، وارد خدمات دیوانی و از دفترنویسان دیوان شد. در زمان شاه عباس دوم (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) به منصب واقعه‌نویسی انتخاب شد و در زمان شاه سلیمان منصب وزارت یافت. در حاشیه‌ی «آتشکده‌ی آذر» آمده که وحید با صائب تبریزی مصاحبت و دوستی داشت. در اوایل عهد شاه سلطان حسین (۱۱۳۵ -۱۱۰۵ ق) از کار کناره گرفت و چندی بعد درگذشت. در مورد تاریخ وفاتش در بین مؤلفان اختلاف است و به تفاوت ۱۱۲۰، ۱۱۱۲، ۱۱۱۰، ۱۱۰۷، ۱۱۰۵ ق نوشته‌اند. از آثار وی: «خلوت راز»، در دو هزار و دویست بیت؛ «راز و نیاز» یا «ناز و نیاز»، در دو هزار و دویست بیت؛ «عاشق و معشوق»، به وزن «لیلی و مجنون»، در یک هزار و سیصد بیت؛ «فتح نامه قندهار»، در چهار صد و شصت بیت؛ «آلات جنگ»، در هشتصد بیت؛ «گلزار عباسی»، در ششصد و شصت بیت؛ «ساقی‌نامه»؛ «عباسنامه» یا

«تاریخ شاه عباس ثانی» یا «تاریخ طاهر وحید»، در تاریخ دوران شاه عباس دوم؛ «منشآت»؛ مثنوی «شهر آشوب»؛ «دیوان» شعر.[۱]
عمادالدین میرزا طاهر بن میرزا حسین‌خان قزوینی، متخلص به وحید و برادر محمد یوسف مؤلف «تاریخ خلد برین». حزین در تذکره او را وحیدالزمان خوانده است و گوید از غایت اشتهار بی‌نیاز از تعریف است و هدایت گوید: دیوانی مشتمل بر نود هزار بیت ارد. وحید ابتدا منشی میرزا تقی وزیر شاه صفی و شاه عباس ثانی بود. تاریخی که نوشته عباس‌نامه یا تاریخ طاهر وحید یا تاریخ شاه عباس ثانی نام دارد. میرزا محمد وحید در عهد سلطنت شاه سلیمان از (۱۱۰۵ -۱۰۷۸ ه.ق) با لقب عمادالدوله وزیر اعظم شد زندگانی گفت. از وی مجموعه‌ی منشاتی هم باقی مانده که اگر چه از لحاظ تاریخی حاوی مطالب مهمی است لیکن انشاء آن بسیار متکلفانه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۲۲۰ -۱۲۱۱ / ۳)، احوال و آثار خوشنویسان ۷۸۴ / ۳)، ایضاح‌المکنون (۵۳۷ / ۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۷۵ / ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۵۱ -۱۳۴۶ / ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۵۵ -۶۵۴ / ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۹۰۵ -۹۰۱)، تذکرهٔ المعاصرین (۲۷۴ -۲۶۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰ -۱۷)، دانشمندان آذربایجان (۸۰)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۱۴۹ / ۲)، الذریعه (۱۸۵ / ۱۹، ۱۲۶۷ -۱۲۶۶ / ۹، ۲۰ / ۱)، ریحانه (۳۱۱ -۳۱۰ / ۶)، سبک‌شناسی (۲۷۶، ۲۵۹ / ۳)، سرو آزاد (۱۳۵ -۱۳۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۰ -۹۷۹)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۴۱۶)، کلمات الشعراء (۱۹۰ -۱۷۸)، لغت‌نامه (ذیل/ وحید قزوینی)، مجمع‌الفصحا (۱۰۵ / ۴)، منظومه‌های فارسی (۶۱۶ -۶۰۸)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۱ / ۳)، مینودر (۸۷۴ -۸۷۲ / ۲)، نتایج‌الافکار (۷۴۳ -۷۴۰)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۲۰ -۱۱۸).

ورهرام، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: تاریخ، دانشکده: الهیات و ادبیات، دانشگاه: الزهرا (س)

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترای تاریخ از ایران.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه الزهراء.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح تصحیح و احیاء نسخه‌های خطی تاریخی، نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کتاب‌شناسی آسیای مرکزی در دوران اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در دوران اسلامی، تاریخ فرهنگ و تمدن آسیای مرکزی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وصّاف‌الحضره، شرف‌الدین عبداللّه

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۷۳۰/ ۷۱۹ -۶۶۳ ق)، ادیب، مورخ و شاعر، متخلص به شرف. ملقب به وصّاف‌الحضره. در شیراز به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. او مانند پدرش در شمار عمال دیوانی دولت ایلخانیان در فارس درآمد و از خواص خواجه صدرالدین احمد خالدی زنجانی، نایب امیر طغاجار حاکم فارس گردید. مدتی نیز مورد لطف خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه و غازان خان و سلطان الجایتو قرار گرفت. وی علاوه بر مقام بلند خود در نثر متکلف مصنوع، در شعر عربی و فارسی نیز دست داشته که بسیاری از ابیات و قطعات و قصاید خود را در کتاب خویش ذکر شده است. قبر وی ما بین تکیه چهل‌تنان و حافظیه است. از جمله آثارش: «تجزیهٔ الامصار و تزجیهٔ الاعصار»، معروف به «تاریخ وصاف»، در ذکر وقایع تاریخی ایلخانیان، در پنج مجلد؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۹۴ -۹۲)، الاعلام (۲۵۲/ ۴)، اعیان‌الشیعه (۶۵/ ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۶۲ -۱۲۵۹/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۴ -۱۴۳) حبیب‌السیر (۱۹۷/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۰۳ -۷۹۹/ ۵)، دایرۂالمعارف فارسی (۳۱۷۰ -۳۱۶۹/ ۲)، الذریعه (۱۲۶۸/ ۹ ،۳۵۸/ ۳)، ریحانه (۳۲۰ -۳۱۸/ ۶)، سبک‌شناسی (۱۰۳ -۹۹/ ۳)، صبح گلشن (۵۹۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۴۵/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۴۹۹)، لغت‌نامه (ذیل/ وصاف‌الحضرهٔ)، مجمع‌الفصحا (۱۴۴۸/ ۳)، مرآت‌الفصاحه (۶۸۷ - ۶۸۵)، معجم‌المؤلفین (۱۰۲/ ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۹۸۲ -۹۸۱/ ۳)، هدیهٔ‌العارفین (۴۶۴/ ۱).

وطن‌پرست، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مورخ، شاعر.

تولد: ۱۳۰۱، روستای آشناخور در الیگودرز.

درگذشت: بمهمن ۱۳۶۴.

اسماعیل وطن‌پرست، فرزند علی‌محمدخان، پس از فراگیری دروس مقدماتی به همراه خانواده‌ی خویش در شهر تهران اقامت گزید. وطن‌پرست در علوم تاریخ، تاریخ ادبیات، نقد و تصحیح متون تاریخی، تاریخ هنر و تاریخ فلسفه، دارای آثار و مقالاتی است. وی با اسناد و مدارک قاجار آشنایی داشت و در این زمینه کتاب‌های سیمای تاریک و روشن امیر کبیر، پشتوانه‌های معنوی

مردم در طول تاریخ، ترجمه‌ی احوال و بیان آثار وزیران قاجاریه، اسناد و مدارک اجتماعی سیاسی دوران قاجار، تاریخ چهارده ساله‌ی محمدشاه قاجار و خلاصه‌ای از علم عروض را به یادگار گذاشته است. وی در انواع شعر طبع خویش آزمود و در غالب غزل و رباعی آثار بسیاری از خویش به جای گذاشته است.

از سال ۱۳۲۹ به کارهای مطبوعاتی پرداخت و مقاله‌های خود را به نام‌های مستعار «پرستو» و «هالو» در روزنامه‌های تهران منتشر کرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وطن‌دوست، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وفا، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر وفا

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۴/۹

زندگینامه علمی

جعفر وفا در سال ۱۳۳۴ در زنجان در یک خانواده مذهبی تولد یافت و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه با اشتیاق تمام و با تشویق والدین خود ، به سال ۱۳۴۸ در حوزه علمیه این شهر به فرا گرفتن علوم دینی پرداخت و در سال ۱۳۵۲ راهی حوزه علمیه قم گردید و در ادبیات عرب ، فلسفه ، تفسیر و علم کلام ، طرفی برگرفت و در سطوح عالی فقه و اصول به مراتب لازم ، نائل آمد . در طی این مراحل در دو حوزه زنجان و قم به ترتیب از محضر اساتید برجسته ای همانند حجج اسلام استاد علوی ، قائمی ، خاتمی و آیات عظامی همانند آیت الله جوادی آملی ، پایانی ، اعتمادی ، حیدری زنجانی ، ناصر مکارم شیرازی ، میرزا جواد تبریزی ، وحید خراسانی ، نوری همدانی و ... استفاده نمود .

او از سال ۱۳۶۲ با درک ضرورت زمان ، کارهای قلمی ، سخنوری و آموزشی خود را آغاز کرد و وارد عرصه پژوهش گردید و در علوم قرآن ، تاریخ اسلام ، و تعلیم و تربیت به تتبع و تحقیق پرداخت که ارائه ده ها مقاله علمی و قرآنی ، در نشریه های آموزشی و تربیتی و انتشار بیش از بیست جلد کتاب از محصولات این پژوهش است که برخی از آنها ، از کتاب های درسی دانشگاه امام

حسین (ع) می باشد ؛ همانند : ثروت از دیدگاه قرآن (چاپ سوم) ، تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه (چاپ سوم) ، تفسیر موضوعی تولی و تبری (چاپ سوم

ایشان درسال ۱۳۸۳ از سوی نخستین همایش پاسداران اهل قلم ، نویسنده برتر شناخته شد و از سوی شخصیت های بلند پایه سپاه پاسداران و وزارت ارشاد ، تشویق و موفق به دریافت جوایز و لوح تقدیر گردید .وی هم اکنون صاحب کرسی تدریس در دانشکده های دانشگاه امام حسین (ع) است و همگام با تدوین و انجام پژوهش های قلمی ، در رشته های علوم قرآنی و تاریخ اسلام تدریس می کند . وی در سال ۱۳۶۰ با همفکری برخی از جوانان در تهران کانون هجرت را بینان نهاد و در پرتو آن به تشکیل کلاس های نهج البلاغه، عقاید و انتشار نشریه «هجرت» پرداخت . کتاب «وظایف اخلاقی معلم و شاگرد» از این نویسنده از سوی آموزش و پرورش کتاب برگزیده اعلام و برنده جایزه شد . او از سال ۶۹ تا سال ۸۲ عضو کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی و هیئت تحریریه فصلنامه مربیان بوده است .

وفایی خوافی اکبرآبادی، زین‌الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۴/ ۹۴۰ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به وفایی. وی نبیره‌ی شیخ زین‌الدین خوافی و از شعرا و دانشمندان خراسان بود. در عهد ظهیرالدین محمد بابر شاه (۹۳۷ -۹۳۲ ق) در هندوستان منصب صدارت داشت و در زمان همایون شاه (۹۶۳ -۹۳۷ ق)، نیز به امارت رسید. وفایی در نظم و نثر، تاریخ و معما تبحر داشت. در هند، مسجد و مدرسه‌ای ساخت. وی در هند درگذشت و در مدرسه‌ی خود به خاک سپرده شد. از آثار وی: کتابی تاریخی در فتوحات هند؛ «دیوان» شعر. به آورده‌ی مؤلف «کاروان هند» او کتاب «بابرنامه یا واقعات بابری» بابر شاه را که به زبان جغتایی بوده، ترجمه کرده و مشهودات خود را نیز به آن افزوده و نام آن را «طبقات بابری» نامیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۲۵/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۶۳۴، ۴۱۱)، الذریعه (۱۲۷۳/ ۹)، ریحانه (۳۳۴/ ۶)، صبح گلشن (۵۹۷ -۵۹۶)، فرهنگ سخنوران (۹۸۵)، کاروان هند (۱۵۲۸ -۱۵۲۷/ ۲).

وهب

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴- مقول ۱۱۶/ ۱۱۴/ ۱۱۳/ ۱۱۰ ق)، حافظ، محدث، مورخ، اخباری، زاهد و عابد. اصل او از هرات بود. پدرش، منبه، در دوره‌ی پادشاهی کسری انوشیروان از هرات خارج شد و به جزیرةالعرب رفت، سپس در زمان پیامبر (ص) اسلام آورد و در یمن سکنی گزید. وهب در زمان خلافت عثمان در یمن به دنیا آمد. اصحاب تراجم مراتب علم، زهد و جهد او را در عبادت ستوده‌اند. در زمان عمر بن عبدالعزیز وی عهده‌دار منصب قضاوت صنعا در یمن بود. روایات سنددار (مسند) کمی را نقل کرده، عمده‌ی دانش وی

دربـاره‌ی اسـرائیلیات و صـحائف اهـل کتـاب بـوده است. به آورده‌ی صـاحب «کشف‌الظنون» وی اولین کسـی است که در موضوع قصـص انبیاء کتاب نوشـته است. احمـد بن حنبل گوید که او قدری بود، سـپس از این عقیده بازگشت. از برادرش، همام بن منبه، و ابن‌عباس و ابوهریره و ابوسـعید و نعمان بن بشـیر و جابر بن عبـدالله و عبدالله بن عمرو بن عاص و عبدالله بن عمر خطاب و طاووس بن کیسان و انس بن مالک و عمرو بن شـعیب و فنج یمانی حدیث شنید. فرزندانش، عبدالله و عبدالرحمان، و برادرزاده‌هایش عقیل بن معقل و عبدالصـمد بن معقل، و نواده‌اش، ادریس بن سنان، و عمرو بن دینار و سماک بن فضل و عوف اعرابی و عاصم بن رجاء و یزید بن مسـلم و یزید بن یزید بن جابر و عبدالله بن عثمان بن خثیم و اسـرائیل ابوموسـی و همام بن نافع و عیسـی بن سنان و مغیرهٔ بن حکیم و منذر بن نعمان و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در پایان عمر توسط یوسف بن عمر ثقفی حاکم یمن محبوس و توسـط عمـال وی به قتـل رسـید. از آثـار او: «تفسیر القرآن»؛ کتـابی در «ذکر الملوک المتوجه من حمیر و اخبـارهم و قصصـهم و قبورهم و اشعارهم»؛ «قصص الانبیاء»؛ «قصص الاخیار»؛ «فتوح البلاد»؛ «الاسرائیلیات»؛ کتاب «القدر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :الاعلام (۱۵۰ / ۹)، تاریـخ الاسـلام (حـوادث ۵۰۰ -۴۹۷ / ۱۲۰ -۱۰۱)، تـذکرهٔ الحفـاظ (۱۰۱ -۱۰۰ / ۱)، تهذیب‌التهذیب (۱۴۸ -۱۴۷ / ۱۱)، تهـذیب الکمال (۵۰۲ -۴۸۷/ ۱۹)، الثقات (۴۸۸ -۴۸۷/ ۵)، الجرح والتعـدیل (ج ۴، ق ۲۴/ ۲)، حلیهٔ‌الاولیاء (۸۱ -۲۳ / ۴)، سـیرالنبلاء (۵۵۷ -۵۴۴/ ۴)، شذرات‌الـذهب (۱۵۰ / ۱)، طبقات ابن‌سـعد (۷۱ -۷۰/ ۶)، طبقـات الحفاظ (۵۲)، العبر (۱۰۹ / ۱)، کشف‌الظنـون (۱۳۲۸)، معجم‌الادباء (۲۶۰ -۲۵۹/ ۱۹)، معجم‌المؤلفین (۱۷۴/ ۱۳)، میزان الاعتـدال (۳۲۴ - ۳۲۳/ ۴)، وفیات الاعیان (۳۶ -۳۵/ ۶)، هدیهٔ‌العارفین (۵۰۱/ ۲).

هروی، ابواسحاق احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۴ ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به ابن یاسـین حداد. وی از عثمان بن سـعید دارمی و موسـی بن احمد فریابی و عبید بن محمـد وراق حافظ و معاذ بن مثنی و فضل بن عبـدالله یشـکری و همطبقه آنها حـدیث شـنید. ابوعبدالله بن ابی‌ذهل و منصور بن عبـدالله خالـدی و خلیـل بـن احمـد قاضـی و محمـد بـن علی بن محمـد باشـانی و جمـاعتی دیگر از وی روایت کرده‌انـد. او در فن تاریخ‌نویسـی دست داشت و کتابی با عنوان «تاریـخ هرات» تصـنیف نمود. در «میزان‌الاعتدال» سال درگذشت وی ۲۳۴ ق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تذکرهٔ‌الحفاظ (۸۷۸ -۸۷۷/ ۳)، سـیرالنبلاء (۳۴۰ -۳۳۹/ ۱۵)، شذرات‌الـذهب (۳۳۵/ ۲)، طبقـات الحفاظ (۳۷۵)، لسان‌المیزان (۴۳۷/ ۱)، معجم‌المؤلفین (۱۶۸/ ۲)، میزان‌الاعتدال (۱۷۵/ ۱)، هدیهٔ‌العارفین (۴۷/ ۱).

هروی، ابوعبدالرحمان، ابوجعفر محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۳/ ۳۰۲ ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به شکر. وی از محمد بن رافع قشیری و علی بن خشرم و علی بن حرب و احمد بن عیسی مصری و عمر بن شبه و احمد بن منصور و رمادی و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. حاکم نیشابوری گوید که وی در مرو، طوس، سرخس، مرورود، بخارا و نیشابور نقل حدیث کرد. ابوولید حسان بن محمد و محمد بن جعفر بن مطر و ابوبکر احمد بن علی رازی و ابوحامد بن شرقی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در هرات درگذشت. از آثارش: کتاب «تاریخ هرات»؛ کتاب «الجواهر»؛ «العجائب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نیشابور (۱۲۷)، تذکرةالحفاظ (۷۴۹ –۷۴۸ / ۲)، سیرالنبلاء (۲۲۲ –۲۲۱ / ۱۴)، شذرات‌الذهب (۲۴۲ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۳۶ –۳۳۵)، العبر (۴۴۶/ ۱)، کشف‌الظنون (۱۴۳۷)، معجم‌المؤلفین (۵۱ –۵۰/ ۱۲)، الوافی بالوفیات (۶۷/ ۵).

هروی، ابوعلی حسین

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۰۱ –۲۰۷ ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به ابن‌خرم. وی از سعید بن منصور و خالد بن هیاج و داوود بن رشید و هشام بن عمار و سوید بن سعید و محمد بن عبداللّه به عمار و عثمان بن ابی‌شیبه و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. بشر بن محمد مزنی و منصور بن عباس و ابوحاتم بن حبان و ابوبکر نقاش مفسر و محمد بن عبداللّه بن خمیرویه و اهل هرات از وی روایت کرده‌اند. دارقطنی او را در حدیث ثقه می‌داند. از آثار وی کتابی در تاریخ است که بر اساس سنوات مرتب نشده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۱ / ۲)، انساب سمعانی (۶۳۷/ ۵)، تذکرةالحفاظ (۶۹۵ –۶۹۶/ ۲)، توضیح المشتبه (۲۱۹ –۲۱۸ / ۳)، الثقات (۱۹۳/ ۸)، الجرح والتعدیل (ج ۱، ق ۴۷/ ۲)، سیرالنبلاء (۱۱۴ –۱۱۳/ ۱۴)، شذرات‌الذهب (۲۳۵/ ۲)، طبقات الحفاظ (۳۲۲)، العبر (۴۴۱/ ۱)، لسان‌المیزان (۵۰۳ –۵۰۲/ ۲)، معجم‌المؤلفین (۲۰۵/ ۳)، میزان‌الاعتدال (۵۲۴/ ۱)، النجوم الزاهرة (۲۰۴/ ۳)، الوافی بالوفیات (۳۴۰/ ۱۲).

همای مروزی، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۰ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به هما. ملقب به وقایع‌نگار. اهل مرو شاه جهان و از نجیب‌زادگان آنجا بود. ابتدای جوانی خود را در مشهد به تحصیل مقدمات علوم عربی و ادبی گذراند و از شاگردان حاج محمدحسین خان، فرزند بیرامعلی خان قاجار به شمار می‌آمد. در ۱۲۰۰ ق پس از حمله ترکمنان و ازبکان، به کربلا و نجف اشرف رفت و بعد از مراجعت، در کاشان اقامت گزید و نزد حاجی سلیمان خان صباحی کاشانی (م ۱۲۰۶ ق) به تمرین شعر و شاعری پرداخت. وی قصایدی به شیوه‌ی متقدمان در مدح شاهان و بزرگان دارد. سپس به تهران آمد و به دربار فتحعلی شاه راه یافت و ابتدا به سمت منشی گری و بعد به منصب وقایع‌نگاری رسید و از جانب فتحعلی شاه مأمور نوشتن تاریخ قاجاریه، بویژه دوره‌ی سلطنت فتحعلی شاه مأمور نوشتن تاریخ قاجاریه، به ویژه

دوره‌ی سلطنت فتحعلی شاه شد و بعدها به مناصب دولتی دیگری نیز دست یافت. از آثار وی: «تاریخ جهان آراء» که جلد اول آن در ۱۲۲۵ ق نوشته شد و شامل وقایع ده ساله از ۱۲۱۲ تا ۱۲۲۱ ق بود و جلد دوم شامل وقایع ده ساله از ۱۲۲۲ تا ۱۲۳۲ ق؛ «قواعد الملوك»؛ «شیم عباسی» یا «تحفه‌ی عباسی»؛ «زینهٔ المدایح» یا «مدایح الخاقان»، مجموعه‌ای از مدایحی که شاعران در مدح فتحعلی شاه گفته‌اند، از بدو جلوس شاه تا سال هفتم سلطنتش.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۷۷ -۷۵/ ۱)، الذریعه (۲۴۳/ ۲۰، ۱۹۱/ ۱۷، ۱۲۹۷/ ۹، ۲۴۷/ ۳)، سفینهٔالمحمود (۵۸۷ -۵۸۴/ ۲)، شرح حال رجال (۱۷۳/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۲ -۱۰۰۱)، مجمع‌الفصحا (۱۲۰۳ -۱۱۸۶/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۵)، نگارستان دارا (۱۵۱ -۱۴۸).

همایونفرخ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم ابن حاج محمدحسین متولد در کاشان حدود (۱۲۵۰ تا ۱۲۵۳ ف. تهران، تیرماه ۱۳۳۸ ه.ش) در کودکی پدرش درگذشت و تحت سرپرستی دائی دانشمندش قرار گرفت و پس از تکمیل ادبیات و فراگرفتن انگلیسی چندی نیز در نزد مرحوم محمد قزوینی به تکمیل ادبیات پرداخت و سپس به مترجمی زبان انگلیسی برگزیده شد و در زمان مستشاری میلیسپو مترجم انگلیسی گردید و مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود تا اینکه در سال ۱۳۱۷ ه.ش به عضویت فرهنگستان برگزیده شد. آثار او عبارتست از: «دستور جامع»، «سفر بختیاری» در تاریخ بختیاری که به چاپ رسیده است، نمایشنامه‌ی عمرولیث و هشت فرشته، داستان تاریخی «افشین»، هیئت جدید، آیین نگارش که جزو انتشارات مجله‌ی اخگر به چاپ رسیده است. فرهنگ لغات انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی و غیره.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

همایی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، ادیب، شاعر.

تولد: ۱۳ دی ۱۲۷۸(۱ رمضان ۱۳۱۷ ق.)؛ اصفهان.

درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۵۹، تهران.

جلال‌الدین همایی متخلص به «سنا» و «هما» فرزند ابوالقاسم محمدنصیر متخلص به «طرب» فرزند همای شیرازی اصفهانی (از دانشمندان و سخنوران و سخن شناسان و استادان معاصر)؛ تحصیلات را ابتدا نزد پدر و سپس ابوالقاسم عراقی آغاز کرد و به فراگیری علوم ابتدایی و مقدمات صرف و نحو عربی و منطق و معانی بیان پرداخت. سپس در مدرسه‌ی حقایق و سپس در مدرسه‌ی قدسیه و مدت بیست سال در مدرسه‌ی نیماورد اصفهان حجره‌نشینی نمود.

سیوطی و مغنی و الفیه و شرح لمعه و مطول را نزد استادانی چون آقا سید محمدباقر درچه‌ای، آیت‌الله شیخ علی یزدی، آقا شیخ محمد کاشانی و ادبیات عرب را نزد سید محمدکاظم کروندی و اساتیدی دیگری چون عبدالکریم گزی و فقه و اصول را نزد سید محمدصادق خاتون آبادی و آقا سید مهدی درچه‌ای آموخت، وی سرانجام اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. در علوم عقلی، استاد وی محمد خراسانی معروف به حکیم بود که شرح شمسیه و اسفار ملا صدرای شیرازی و شفای ابن سینا و دو دوره فلسفه و اشراق را نزد وی و اسدالله حکیم خواند. استادان دیگر او در معقول و نجوم و هیئت و ریاضی جدید و اسطرلاب و استخراج تقویم سید علی جناب و در طب محمد حکیم و میرزا علی آقا و ابوالقاسم ناصر و حکمت احمدآبادی بودند. هیئت مسطحه استدلالی و نجوم را نزد آیت‌الله رحیم ارباب تلمذ نمود.

وی سپس به تدریس در مدارس اصفهان مشغول شد. از سال ۱۳۰۲ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. چندی در دبیرستان‌های تبریز به تدریس اشتغال داشت، آنگاه به تهران آمد. ابتدا در دبیرستان دارالفنون به تدریس مشغول شد، هفته‌ای چند ساعت هم در دبیرستان شرف تدریس می‌کرد و همچنین در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری نیز تدریس داشت. سپس در دانشگاه ادبیات و دانشکده‌ی حقوق تهران به عنوان استاد در دوره‌ی فوق لیسانس و دکتری به تدریس پرداخت. تا سال ۱۳۴۵ بنا به درخواست خود بازنشسته شد و تا آخر عمر در تهران زیست و با وجود بیماری همواره به کار مطالعه و تحقیق و تألیف مشغول بود.

استاد همایی عضو فرهنگستان ایران و نیز انجمن تحقیق در ادبیات و زبان‌های خارجی بود و با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا همکاری داشت. از جمله همایش‌ها و مراسم‌هایی که استاد در آنها شرکت نموده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: شرکت در انجمن‌های ادبی؛ شرکت در کنگره‌ی فردوسی (۱۳۱۳)؛ شرکت در نخستین کنگره‌ی نویسندگان (تیر ۱۳۲۵)؛ شرکت در کنگره‌ی ابن سینا (اردیبهشت ۱۳۳۳)؛ سفر به بیروت (۱۳۳۴)؛ جهت افتتاح کرسی زبان فارسی در دانشگاه بیروت؛ شرکت در مجلس یادبود احمد بهمنیار (۱۲ آبان ۱۳۳۴)؛ شرکت در کنگره‌ی هفتصدمین سال درگذشت مولوی (آبان ۱۳۳۶)؛ سخنرانی در برنامه‌ی مرزهای ارتش در رادیو ایران؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد ابوالحسن فروغی (بهمن ۱۳۳۸)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد بدیع‌الزمان فروزانفر (۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۹)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت دکتر محمد معین (۱۳ تیر ۱۳۵۰)؛ شرکت در کنگره‌ی ابوریحان بیرونی (۱۳۵۲).

استاد همایی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. قصاید عربی او در برخی از مجلات و جراید ادبی دیده شده است. وی شعر فارسی را به سبک قدیم می‌سرود و در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت.

علاوه بر مقاله‌های وی در مجلات و روزنامه‌های «ارمغان»، «اطلاعات»، «ایرانشناسی»، «تعلیم و تربیت»، «تماشا»، «جاویدان خرد»، «جوانان رستاخیز»، «رادیو ایران»، «سالنامه‌ی آریان»، «سالنامه‌ی شرق»، «سخن»، «مرزهای دانش»، «معارف اسلامی»، «مهر»، «وحید» و «یغما»، از آثار تألیف وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: خیامی‌نامه (در تجزیه و تحلیل آثار علمی و ادبی حکیم عمر خیام، جلد اول، ۱۳۴۶)؛ تاریخ ادبیات ایران (تبریز، ۱۳۰۹ –۱۳۰۸، در سال ۱۳۰۸، برای تألیف این کتاب جلال‌الدین همایی به نشان علمی درجه‌ی دوم نایل آمد)؛ غزالی‌نامه (شرح حال و آثار و عقاید و افکار ادبی و مذهبی و فلسفی و عرفانی امام ابوحامد غزالی، ۱۳۱۷)؛ اسرار و آثار واقعه کربلا (چاپ دوم، ۱۳۵۷)؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی (۱۳۵۴)؛ رساله درباره‌ی شرح احوال شعرای اصفهان قرن سیزده و چهارده و پانزده، صناعات ادبی (یک کتاب برای سطح دانشگاه‌ها و یک کتاب برای سطح دبیرستان‌ها)، تاریخ اصفهان تحقیق در احوال آخوند میر مؤلف حبیب‌السیر و میرخواند صاحب روضهٔ الصفا، مولانا چه می‌گوید (دو جلد، جلد اول ۱۳۵۴، جلد دوم ۱۳۵۵)؛ طلبه‌ی عطار و نسیم گلستان؛ سیر مثنوی مولوی (داستان قلعه‌ی ذات الصور)؛ مقام حافظ؛ طب خانه (۱۳۴۲)؛ شرح حال احوال سروش اصفهانی (این رساله در مقدمه‌ی دیوان شاعر که به وسیله محمدجعفر محجوب تصحیح شده، منتشر کرده است، از صفحه ۱ الی صفحه ۹۰)؛ صرف و نحو و قرائت عربی (سه جلد)؛ رساله‌ی تحقیقی در احوالات مولانا، منتخب اشعار؛ دوره‌ی کتاب

درسی فارسی- دستور و تاریخ ادبیات؛ دستور کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی؛ دستور زبان (با مشارکت چهار استاد دیگر، دو جزء، ۱۳۲۹ -۱۳۲۸)؛ رساله‌ی تحقیقی درباره‌ی دستور زبان فارسی؛ سه جلد کتاب فارسی دبیرستانی؛ دستور زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی؛ تاریخ علوم اسلامی (تقریرات همایی در دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ۱۳۴۸)؛ تصوف در اسلام (نگاهی به عرفان شیخ ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۶۲)؛ دیوان سنا (دیوان اشعار همایی به اهتمام دکتر ماهدخت بانو همایی، جلد اول، خرداد ۱۳۶۴). از جمله آثاری که به تصحیح و تحشیه‌ی آنها اقدام نمود می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: دانشنامه (۱. دیوان غبار. ۲. غزلیات سنا، ۳. دیوان زرگر اصفهانی، ۴. غزلیات دیوانه‌ی قمشه، ۵. دیوان نیاز جوشقانی، اصفهان، ۱۳۴۲، به اهتمام همایی)؛ نصیحهٔ الملوک (امام محمد غزالی، ۱۳۱۶)؛ التفهیم لاوائل صناعهٔ التنجیم (ابوریحان بیرونی، ۱۳۱۶)؛ مصباح الهدایهٔ و مفتاح الکفایهٔ (عزیزالدین محمود کاشانی، ۱۳۲۵)؛ دیوان طرب (۱۳۴۲)؛ مختاری‌نامه (عثمان مختاری، ۱۳۶۱)؛ دیوان حکیم مختاری غزنوی؛ مثنوی ولدنامه (بهاءالدین ولد، ۱۳۱۶)؛ منتخب اخلاق ناصری (تألیف خواجه نصیر طوسی، ۱۳۲۰)؛ مقدمه‌ی اخلاق ناصری (۱۳۳۵)؛ نصیحهٔالملوک (امام محمد غرالی)؛ کنوز المغربین در علوم غریبه (منسوب به حکیم ابوعلی سینا)؛ معیارالعقول (۱۳۳۱)؛ رساله شعوبیه؛ برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی (طرب، سها، عنقا) (۱۳۴۳)؛ رساله اصفهانی پاسدار؛ مجموعه شعر سرود عشق (۱۳۷۳).

استاد همایی در پایان شب ششم ماه رمضان ۱۴۰۰، ق. مطابق با بیست و هشتم تیر ۱۳۵۹ درگذشت و در تکیه لسان‌الارض در اصفهان به خاک سپرده شد.

(ح ۱۳۵۸ -۱۲۷۸ ش)، عالم، ادیب، استاد دانشگاه، مورخ، مصحح، مترجم و شاعر، متخلص به سنا. پدرش، ابوالقاسم متخلص به طرب، از ادبا و شعرا و خوشنویسان بود. وی در کوی پاقلعه اصفهان به دنیا آمد. ابتدا نزد والدین خود و سپس در مدرسه‌ی حقایق و مدرسه‌ی قدسیه به فراگیری مقدمات پرداخت. وی همچنین خط نسخ و ثلث را نزد پدر و میرزا حسن قدسی و ملا محمدتقی کاتب فراگرفت. او ادبیات عرب، سطوح فقه و کلام و رجال را نزد شیخ علی یزدی و سید محمدکاظم کروندی اصفهانی و ملا عبدالکریم گزی و میرزا احمد اصفهانی و میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی فراگرفت. او مدت هجده سال از محضر شیخ محمد خراسانی بهره برد و از «شرح شمسیه» تا «شرح هدایه» ملا صدرا و «شرح منظومه» و «اشارات» را نزد وی خواند. همایی قسمتی از فنون هیئت و ریاضی جدید و فن اسطرلاب و فن استخراج تقویم را از زیجهای قدیم، خدمت میرزا سید علی جناب گذراند. از دیگر استادان جلال‌الدین همایی: در فلسفه شیخ اسداللّه حکیم قمشه‌ای متخلص به دیوانه، در معقول و ریاضیات ملا عبدالجواد آدینه‌ای، در طب شیخ محمد حکیم و میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت احمدآبادی و در حکمت و نجوم آیت‌اللّه حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی را می‌توان نام برد. وی از آیت‌اللّه شیخ مرتضی آشتیانی اجازه‌ی روایت و از شیخ محمدحسین فشارکی اجازه‌ی اجتهاد و روایت و از سید محمد نجف‌آبادی مدرس و آیت‌اللّه حاج میرزا عبدالحسن سید العراقین خاتون‌آبادی پاقلعه‌ای اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. او در مدارس قدیم تدریس می‌کرد و از حدود ۱۳۰۰ ش برای تدریس به مدرسه‌ی صارمیه اصفهان رفت. شیخ عباس ادیب حبیب‌آبادی و سید حسن مدرس بیدآبادی و شیخ محمود شریعت‌ریزی از شاگردانش بودند. همایی در حدود ۱۳۰۷ ش وارد خدمت معارف شد و در مدارس متوسطه‌ی تبریز، دارالفنون، شرف مظفری، دبیرستان نظام، دانشکده‌ی حقوق و دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ ادبیات ایران» از قدیمی‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر؛ «غزالی‌نامه»؛ شرح حال امام محمد غزالی؛ «اسرار و آثار واقعه‌ی کربلا»؛ «تاریخ علوم اسلامی»؛ «خیامی‌نامه»؛ «فنون بلاغت و صناعات ادبی»؛ «مولوی‌نامه»؛ «تصوف در اسلام»؛ «شعوبیه»؛ «تاریخ اصفهان»؛ شرح «مثنوی معنوی» مولوی؛ «دیوان» شعر که با نام «دیوان سنا» به چاپ رسیده است؛ تصحیح کتابهای «التفهیم لأوائل صناعهٔ التنجیم» ابوریحان بیرونی، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایهٔ» عزالدین محمود کاشانی، «منتخب اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی؛ مقدمه‌ی کتابهای مثنوی «ولدنامه»، «تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»،

خواند میر، «دیوان» شکیب اصفهانی؛ اهتمام در انتشار «دیوان» عثمان مختاری.[۱]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۶، ش ۷ و ۸، ص ۶۲۴ -۶۱۶)، از نیما تا روزگار ما (۱۶۶ -۱۶۰)، تاریخ اصفهان (سیزده- چهل و سه)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۵۰ -۲۴۷)، چهره‌های آشنا (۶۶۷ -۶۶۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۰۸ -۱۹۵/ ۳)، الذریعه (۵۱/ ۱۶ ،۴۷۲/ ۹ ،۲۳۰/ ۳)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم جلال‌الدین همایی، سخنوران نامی معاصر (۱۸۱۲ -۱۸۰۷/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۷۵، ۳۲۸۰، ۳۲۵۰، ۳۱۳۹، ۳۰۹۳، ۳۰۸۴، ۳۰۵۹، ۳۰۲۷، ۲۶۹۱، ۲۳۸۵، ۲۳۸۴- ۲۳۶۹، ۲۳۶۸، ۲۳۶۷، ۲۳۶۶، ۲۲۵۶/ ۲ ،۱۵۹۳، ۱۵۵۵، ۱۵۵۳، ۱۵۴۹، ۱۴۹۶، ۱۴۲۳، ۱۴۲۲، ۱۳۵۰، ۹۳۶، ۶۶۲، ۴۸۹، ۲۴۰، ۱۴۰/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۴، ص ۳۹ -۳۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۲ -۳۷۰/ ۲)، همایی‌نامه.

همدانی، ابوالحسن محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۲۱ -۴۶۳ ق)، عالم و مورخ. ملقب به فرضی. اصل وی از همدان بود، پدرش در بغداد سکنی گزید و او در آن دیار نشو و نما یافت. وی مردی فاضل و نویسنده‌ای بلیغ بود و به تاریخ و اخبار دولتها و پادشاهان و حوادث زمان آشنایی کامل داشت. ابن‌نجار گوید که فن تاریخ‌نویسی به او ختم گردیده است. از ابوحسین احمد بن محمد بن نقور و ابوالفوارس طراد زینبی و دیگران حدیث شنید. ابوالقاسم ابن عساکر از او روایت کرده است. وی سرانجام در بغداد از دنیا رفت و کنار پدرش، در مقبره‌ی ابوالعباس ابن سریج، دفن گردید. از آثارش: ذیلی بر «تاریخ طبری»؛ ذیلی بر «تاریخ ابوشجاع روذ راوری وزیر»؛ «عنوان السیر فی محاسن البدو والحضر»؛ «اخبار الوزراء»؛ «طبقات الفقهاء»؛ «اخبار دولت سلطان محمد و محمود»؛ «امراء الحج»، از زمان حضرت رسول اکرم (ص) تا روزگار مؤلف؛ «فرائد التاجی»، در شرح «فرایض السراجی»؛ «المعارف المتاخرة»، در تاریخ.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۸ -۱۲۷/ ۷)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۷۴، ۱۷۲/ ۱)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۱۳۶ -۱۳۵/ ۶)، الکامل (۳۲۵/ ۸)، کشف‌الظنون (۱۱۷۵، ۱۱۰۵، ۲۹۸، ۳۰)، لغت‌نامه (ذیل/ همدانی)، المنتظم (۲۲۷/ ۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۸ -۳۷/ ۴)، هدیةالعارفین (۸۵/ ۲).

همدم سمنانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ، شاعر. وی در خدمت شاهزاده محمد ولی میرزا (وف ۱۲۴۴ ش)، والی سمنان و خراسان بود و منصب صندوق‌داری و وقایع‌نگاری داشت. وی کتاب تاریخی به نام «بدایع الوقایع» در خصوص دولت قاجار و وقایع خاصه‌ی شاهزاده محمد ولی میرزا نوشت. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (۲۱۰۴ -۲۱۰۳/ ۳)، الذریعه (۱۳۰۱/ ۹)، سفینةالمحمود (۵۸۸ -۵۸۷/ ۲)، گلزار جاویدان (۱۷۵۶/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ همدم سمنانی)، مجمع‌الفصحا (۱۱۸۴/ ۶).

یابری محمد، صادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صادق یابری محمد

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱۲/۱۲

زندگینامه علمی

اینجانب صادق یابری محمد فرزند محمد بعد از اخذ دیپلم و در سال ۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس مقدماتی را در مدرسه «امام صادق (ع) شاه ابراهیم، نیروگاه (مدرسه مرحوم آقای خلخالی)» گذراندم؛ آن هم در ایام اوج جنگ و دفاع. آنگاه دروس سطح عالیه را در فیضیه و مدرسه مرحوم آیةالله گلپایگانی و ... با اساتید چون: «آیه الله بنی فضل»، «صالحی مازندرانی» و ... و دروس جانبی همچون: رجال، درایه و نهج البلاغه به ترتیب آیات عظام: «سبحانی»، «مرحوم فاضل لنکرانی» و علوم قرآن و حدیث: مرحوم «آیةالله محمد هادی معرفت» و ... و همچنین دروس خارج حدود ۱۰ سال با آقایان: «آیةالله مکارم شیرازی»، «وحید خراسانی»، «موسوی اردبیلی» و ... گذراندم.

و در همین ایام، لیسانس: (زبان و ادبیات عرب) و فوق لیسانس: (الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث) را از دانشگاه اخذ کردم. و در همین ایام فعالیت پژوهشی، حدیث، علوم قرآن و مقالات و نوشتن کتاب را شروع کردم که متاسفانه به علت عدم تمکن مالی نتوانستم آنها را چاپ کنم. همچنین به فعالیت تدریس در مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی با اخذ مجوز تدریس در دانشگاه پرداختم و در همین مدت در سال ۷۶ - ۷۵ به آفریقا جهت کارشناسی، تدریس، مدیریت و تبلیغ ایام مخصوص پرداختم. همچنین به فعالیت به عنوان استاد راهنما و داور در جامعهٔ الصطفی مدرسه عالی فقه و معارف پرداختم.

یاوری سرتختی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد یاوری سرتختی

محل تولد : کامیاران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۹/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب در آذرماه سال ۱۳۵۴ در خانواده ای مذهبی از استان کرمانشاه به دنیا آمده و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، در آشنایی با حوزه علمیه و راهنمایی و مشورت های پدر و مادر، معلمان و روحانیون اعزامی از قم علاقمند به تحصیل در حوزه علمیه شدم. در سال ۱۳۷۰ در حوزه علمیه همدان «مدرسه آخوند ملاعلی» و کرمانشاه «مدرسه امام صادق (ع)» و «مدرسه حاج شهبازخان» از محضر بزرگانی چون «آیهٔ الله حاج مجتبی حاج آخوند» و «آیهٔ الله نجومی کرمانشاهی» بهره برده و در سال ۱۳۷۹ جهت تکمیل سطوح عالیه به حوزه علمیه قم مهاجرت و در درس اساتیدی چون: حجت الاسلام «احدی»، «حسینی خراسانی» و «میانجی» حضور یافته و اکنون از وجود آیات عظام: «سبحانی»، «مقتدایی» و «مکارم شیرازی» در دروس خارج فقه و اصول بهره می برم.

با آغاز ورود به شهر مقدس قم، در جهت بالابردن سطح کمی و کیفی علوم اسلامی و انسانی در کنار دروس حوزوی به رشته تاریخ اسلام علاقمند و در مؤسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی (ره) به تحصیل در مقطع کارشناسی پرداختم. با فراغت از تحصیل در سال ۱۳۸۲ – ۱۳۸۳ با توجه به نیاز فرهنگی و علمی دانشگاهها به مدت ۲ سال با سمت «معاونت نهاد نمایندگی رهبری» و «مدرس دروس معارف اسلامی در دانشگاه شهرکرد» به فعالیت مشغول بودم. اما پس از شرکت در آزمون کارشناسی ارشد در رشته (تاریخ تشیع) در همان مرکز، به قم مراجعت و در این مدت علاوه بر تلاش علمی و تألیف چندین مقاله علمی، تخصصی و ترویجی در نشریات مختلف، به امر مقدس تبلیغ در دانشگاههای سراس کشور نیز می پردازم.

یحیای سیفی قزوینی، علاءالدین امیر یحیی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۶۲/ ۹۶۰ -۸۸۵ ق)، مورخ، نویسنده و شاعر. مشهور به یحیای معصوم. از سادات محتشم قزوین و از پیشوایان اهل تسنن و از رجال دربار صفویه بود. وی از علوم عقلی و نقلی بهره‌مند و در تاریخ‌نگاری ماهر بود. او و خاندانش به علت تعصب در تسنن، نزد شاه طهماسب محبوبیتی نداشتند و به همین دلیل نیز میر یحیی اموالش را از دست داد و در زندان اصفهان درگذشت. صاحبان «الذریعه» و «صبح گلشن» سال مرگ وی را ۹۰۱ ق ذکر کرده‌اند. از آثار وی: «لب التواریخ»، در تاریخ عمومی، به نام بهرام میرزا، فرزند شاه اسماعیل و مشتمل بر چهار قسمت: ۱- در بیان هدایت معصومین (ع) ۲- در ذکر پادشاهان قبل از اسلام ۳- در ذکر جمعی از حاکمان بعد از اسلام ۴- در ذکر پادشاهان خاندان صفویه؛ «مختصرالتواریخ»، تکمیل‌کننده «لب التواریخ» و به نام شاه طهماسب. در «لغت‌نامه» دو کتاب به نام «شرح کبیر» و «شرح صغیر» به او نسبت داده شده و آمده که دومی را در ۷۷۵ ق به پایان رسانیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۳۹ -۱۶۳۴/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۲۳، ۴۳۳، ۳۵۴)، الذریعه (۲۸۵/ ۱۸، ۱۳۱۰/ ۹)، صبح

گلشن (۶۱۳)، عالم آرای عباسی (۵۴، ۲۷/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۲)، کاروان هند (۱۱۶۰ -۱۱۵۹/ ۲)، کشف‌الظنون (۱۵۴۷)، لغت‌نامه (ذیل/ یحیی)، مینودر (۸۷۸ -۸۷۷/ ۲)، هفت اقلیم (۱۷۷ -۱۷۶/ ۳).

یزدی غیاث الدین،علی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم و نهم ق)، نویسنده و مورخ. وی مؤلف «روزنامه غزوات هندوستان» است. در سفری که در ۸۰۱ ق به همراه تیمور به هندوستان رفته، این کتاب را در تاریخ آن سفر نوشته که در پطروگراد به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۵۰)، الذریعه (۲۷۰ / ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۴ / ۴).

یزدی، معین‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ف. ۷۸۹ ه.ق) مؤلف کتاب «مواهب الهی» که تاریخی است درباره خاندان مظفری از آغاز تا هنگام جنگ شاه شجاع و برادرش شاه محمود که به سال ۷۵۷ ه.ق اتفاق افتاده است. معین‌الدین در شیراز مجلس درس داشته و گاه ممدوح وی شاه شجاع در مجلس درس وی حاضر می‌شده. وی مدتی در کرمان به مدرسی یکی از مدارس مشغول بود.

حاج معین‌الدین یزدی از دانشمندان روزگار محمدمظفر بوده و در سال ۷۵۷ تاریخ آل‌مظفر را نوشته و به مواهب الهی موسوم ساخته و نیز کتابی به نام حدائق‌الحقایق در تفسیر سوره یوسف دارد.

وی بنابر نقل جامع مفیدی اعلم علماء وافقه فقهای زمان خود بوده و به تدریس علوم عقلی و نقلی اشتغال داشته است و در سال ۷۸۰ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

یشیل کایا، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رضا یشیل کایا

محل تولد : ترکیه- استانبول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

علیرضا یشل کایا ۱۷۲ در ترکیه به دنیا آمدم در منطقه توزلجا دوران دورسی ابتدائی را تمام کردم در تاریخ ۱۹۸۴ به استانبول رفتم در استانبول تحصیل را در رشته تخصوصی ماکینا و تکنولوژی ادامه تحصیل دادم مایثق وقالب گیری یعنی علوم مادر تکنولوژی را یاد گرفتم هم درس خوانده ام به مدرسه رفتم در کنار این درس به ورزش علاقه مند شدم به عنوان کاراته به قول مشهور دان ۲ رسیده ام در ترکیه ۶۴ کیلوگرم مسابقه داده و نفر دوم شدم ولی با توجه به این که خانواده ام استانبول نبودند بنده الحمدلله در کنار مسجد زینبیه زندگی می کردم به مسجد زینبیه رفت و آمدم می کردم که اهل نماز بودم و یک جوان مومن و خدا شناسی بودم حرکتهای انقلاب اسلامی را از نزدیک دنبال میکردم بعد از یک مدتی به سربازی رفتم سربازی در ترکیه ۱۸ ماه بوده ولی الحمدلله سربازی سه ماه کمتر شده بنده یک ماه را هم مرخصی استفاده نکرده بودم که روی هم رفته ۴ ماه کمتر شده و زودتر انجام وظیفه را تمام کردم بعد از ۴ ماه در سال ۱۳۷۳ به تاریخ ایران به ایران آمدم الان که تاریخ ۲۵/۱/۱۳۸۶ است در ایران هستم الان در مدرسه مبارکه شهابیه زبان فارسی را گذراندم بعد در مدرسه مبارکه مومنیه رفتم بعد از آن به مدرسه مبارکه امام خمینی ره بعد از آن به مدرسه نجفی مرعشی و بعد از آن به مدرسه مبارکه حجتیه رفتم در مدرسه مبارکه مومنیه از اساتید چون آقای قمی که الان در دفتر رهبری هستند و آقایان صدریان ، امینی ، تهرانی ، مظفری ، ذاری، ذاکری ، ایرام فر ، احمدی ، محامی که مدیر مدرسه مبارکه حجتیه هستند و آقای محسن قرائتی دو ماه از محضرشان استفاده کردم از محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله بروجردی و اساتید دیگر سه سال درس خارج استفاده نمودم و پایان نامه نوشتم به عنوان ترجمه وتحقیق بلاغت قبول شدم واز بیست ، ۱۸ گرفتم آن را به صورت کتاب چاپ کرده ام الان بعضی از نواقص برنامه مرکز را دارم به اتمام میرسانم و ۴ امتحان دیگر مانده که مشغول تمام کردن آنها هستم که بعد از آنها به دکترا راه می یابم و مشغول دکترا میشوم فلسفه و منطق و تفسیر و اصول و ادبیات را خوانده ام الان در اینترنت مشغول سخنرانی های به زبان ترکی استانبولی و زبان فارسی و عربی به حد توان صحبت کردیم و مشغول تبلیغ هستیم و عاشق فلسفه منطق و تفسیر اخلاق و تاریخ دوست دارم درباره بچه کتاب ترجمه کردم آماده چاپ هست . پایان نامه ام به عنوان کتاب شده مقاله هایم در مجله در آلمان به چاپ رسیده انشاء الله بیست روز دیگر آن مجله را به خدمتتان میاورم و در مورد اذان و اقامه مقاله هست ترجمه آماده چاپ هست.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان


WWW